

آیة اللہ العظمیٰ مکارم شیرازی

کلیات

مفاتیح نوین

(با اصلاحات و ویرایش جدید)

با همکاری محققان ارجمند:
احمد قدسی - سعید داودی

بخشی از مزایای مفاتیح نوین

(به طور فشرده)

- ۱- این کتاب با زبان و ادبیات روز، تنظیم شده و برای همه قشرها قابل استفاده است.
- ۲- تمام دعاها و زیارات و انکار، از منابع معتبر نقل شده و مدارک همه آنها در پای صفحات ذکر شده است.
- ۳- در هر فصل، مقدمات و روایات روح‌پروری که دلها را آماده راز و نیاز با خدا و اولیاء الله می‌کند ذکر شده است.
- ۴- از روایات ضعیف و سؤال برانگیز - که بهانه به دست دشمنان می‌دهد- پرهیز شده است.
- ۵- نظم خاص و نوینی در ده بخش به آن داده شده که استفاده از آن را آسان می‌سازد.
- ۶- مطالب لازمی که در مفاتیح قدیم نیامده، به آن افزوده شده است.
- ۷- اسباب و عوامل استجاب دعاها و آداب و مقدمات زیارات، به طور مشروح در آن ذکر شده است.
- ۸- در مجموع به صورت کتابی درآمده که برای سالکان الی الله (مخصوصاً جوانان) در این سفر روحانی و معنوی مفید و سازنده است.

این کتاب در ده بخش تنظیم شده است

بخش اوّل: سوره‌هایی از قرآن

بخش دوم: مناجات‌ها و دعاهای معروف

بخش سوم: زیارات

بخش چهارم: اعمال ماههای اسلامی (از محرّم تا ذی‌الحجّه)

بخش پنجم: اعمال شب و روز و ایام هفته

بخش ششم: آداب، مقدّمات و تعقیبات نماز

بخش هفتم: نمازهای مستحب

بخش هشتم: دعا برای حلّ مشکلات معنوی و مادی و آداب عقیقه

بخش نهم: استخاره و آداب آن

بخش دهم: احکام و آداب مربوط به مردگان

فهرست مطالب

۵۰	سوره شمس
۵۱	سوره شرح (الم نشرح)
۵۱	سوره قدر
۵۲	سوره زلزله
۵۳	سوره عادیات
۵۳	سوره تکوین
۵۴	سوره کوثر
۵۴	سوره کافرون
۵۵	سوره نصر
۵۵	سوره اخلاص (قل هو الله)
۵۶	سوره فلق
۵۶	سوره ناس
۵۷	«آیه الكرسي»

بخش دوم: مناجات‌ها و دعاها

معروف / ۵۹

۶۱	مقدمه: اهمیت و آثار دعا و مناجات
۶۳	مناجات پانزده گانه امام سجّاد <small>علیه السلام</small>
۶۳	مناجات التائبین (توبه کنندگان)
۶۵	مناجات الشاکین (شکایت کنندگان)
۶۶	مناجات الخائفین (خائفان)
۶۸	مناجات الراجین (امیدواران)

پیشگفتار / ۱۵

۱۵	کتب دعا و زیارت و کتاب مفاتیح الجنان
۱۷	آثار روح پرور دعا
	مزایای «مفاتیح نوین» و روش ما در این کتاب
۱۸	راه تحصیل حضور قلب در دعا و نماز
۲۰	آداب دعا کردن و شرایط استجاب دعا
۲۲	عوامل عدم استجاب دعا
	فلسفه پاداش‌های فراوان دعاها، زیارات و نمازها
۲۴	تبدیل خواسته‌ها
۲۵	توصیه ما به شما عزیزان

بخش اول: سوره‌هایی از قرآن / ۲۹

۳۱	مقدمه
۳۱	سوره یس
۳۷	سوره الرحمن
۴۰	سوره واقعه
۴۴	سوره جمعه
۴۶	سوره منافقین
۴۷	سوره نبأ (عمّ يتساءلون)
۴۹	سوره اعلی

بخش سوم: زیارات / ۲۰۳

۲۰۵	پیشگفتار
۲۰۵	زیارت معصومان، راهی به سوی خدا
۲۰۸	زیارت شرک نیست، عین توحید است
۲۰۹	زیارت در روایات اسلامی
۲۱۱	مقدمات و آداب سفر
۲۱۵	آداب زیارت
۲۱۹	اذن دخول

فصل اول: زیارت رسول خدا ﷺ و فاطمه

زهرا علیها السلام و ائمه بقیع علیهم السلام و سایر مشاهد و مساجد در

مدینه منوره

۲۲۵	زیارت رسول خدا ﷺ از نزدیک
۲۲۶	کیفیت زیارت و آداب آن
۲۲۸	زیارت رسول خدا ﷺ از دور
۲۲۸	فضیلت زیارت آن حضرت از دور
۲۲۹	کیفیت زیارت آن حضرت از دور
۲۳۲	زیارت حضرت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>
۲۳۲	فضیلت زیارت آن حضرت و جایگاه قبر شریفش
۲۳۳	کیفیت زیارت بانوی اسلام فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>
۲۳۹	زیارت ائمه بقیع <small>علیهم السلام</small> امام حسن مجتبی، امام سجاد، امام باقر و امام صادق
۲۳۹	فضیلت زیارت آن بزرگواران
۲۴۰	کیفیت زیارت ائمه بقیع <small>علیهم السلام</small> از نزدیک
۲۴۳	کیفیت زیارت ائمه بقیع و سایر امامان <small>علیهم السلام</small> از راه دور
۲۴۳	زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ
۲۴۳	زیارت حضرت فاطمه بنت اسد مادر گرامی امیرمؤمنان
۲۴۶	علی <small>علیه السلام</small>

۷۰	مناجات الراغبین (مشتاقان)
۷۱	مناجات الشاکرین (شکرگزاران)
۷۳	مناجات المطیعین لله (مطیعان خدا)
۷۴	مناجات المریدین (خداجویان)
۷۶	مناجات المحبّین (دوستداران خدا)
۷۸	مناجات المتوسّلین (متوسّلمان)
۷۹	مناجات المفتقرین (نیازمندان)
۸۱	مناجات العارفین (عارفان)
۸۳	مناجات الذاکرین (ذاکران)
۸۵	مناجات المعتمّین (پناهندگان)
۸۶	مناجات الزاهدین (زاهدان)
۸۷	مناجاتی منظوم از امام امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۹۰	سه جمله بسیار عالی از امیرمؤمنان <small>علیه السلام</small> در
۹۰	مناجات
۹۰	دعاهای قرآنی
۹۴	دعای صباح
۹۸	دعای کمیل
۱۰۸	دعای عشرات
۱۱۴	دعای سمات
۱۲۰	دعای مشلول
۱۲۷	دعای یستشیر
۱۳۱	دعای مجیر
۱۳۸	دعای جوشن کبیر
۱۶۲	دعای جوشن صغیر
۱۷۶	دعای توسّل به چهارده معصوم <small>علیهم السلام</small>
۱۸۱	دعای مکارم الاخلاق
۱۸۹	دعای نده
۲۰۰	دعای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۲۰۱	دعایی دیگر از حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>

۳۲۱	آداب دخول در مسجد	۲۴۸	زیارت مشاهد و مساجد مدینه
۳۲۴	اعمال دَکَّة القضا و بیت الطَّشْت	۲۴۹	زیارت حضرت حمزه <small>علیه السلام</small>
۳۲۷	اعمال سَتُون هفتم (مقام ابراهیم خلیل <small>علیه السلام</small>)	۲۴۹	فضیلت زیارت حضرت حمزه <small>علیه السلام</small>
۳۳۲	اعمال ستون پنجم (مقام جبرئیل <small>علیه السلام</small>)	۲۵۰	کیفیت زیارت حضرت حمزه <small>علیه السلام</small>
۳۳۳	اعمال ستون سوم (مقام امام زین العابدین <small>علیه السلام</small>)	۲۵۳	زیارت سایر شهدای اُخْد
۳۳۵	اعمال باب الفَرَج (معروف به مقام نوح <small>علیه السلام</small>)	۲۵۵	زیارت وداع هنگام خروج از مدینه
۳۳۹	اعمال محراب امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> و مناجات آن حضرت	فصل دوم: فضیلت زمین نجف و زیارت	
۳۴۲	اعمال مقام حضرت امام صادق <small>علیه السلام</small>	امیر مؤمنان علی <small>علیه السلام</small>	
۳۴۳	نماز حاجت در مسجد کوفه	۲۵۶	فضیلت زمین نجف
۳۴۳	زیارت حضرت مسلم بن عقیل <small>رضی الله عنه</small>	۲۵۷	فضیلت زیارت امیر مؤمنان علی <small>علیه السلام</small>
۳۴۷	زیارت هانی بن عُرْوَة <small>رضی الله عنه</small>	۲۵۸	کیفیت زیارت آن حضرت
فصل چهارم: فضیلت و اعمال مسجد «سهله»		۲۶۰	زیارات مطلقه
و «زید» و «صعصعه»		۲۶۰	زیارت امین الله
۳۴۹	فضیلت مسجد سهله	۲۶۳	زیارت کافی
۳۵۰	اعمال مسجد سهله	۲۶۳	زیارت صفوان جمال
۳۵۴	مقام حضرت مهدی (ارواحنا فداه)	۲۷۵	زیارت دیگری از صفوان
۳۵۵	اعمال مسجد «زید»	۲۷۷	زیارتی از کتاب مزار قدیم
۳۵۷	اعمال مسجد «صعصعه»	۲۷۸	زیارت وداع
۳۵۷	شخصیت زید و صعصعه	۲۸۰	زیارات مخصوصه
فصل پنجم: زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small>		۲۸۰	زیارت روز عید غدیر
۳۵۸	زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> از نزدیک	۳۰۱	زیارت روز میلاد رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>
۳۵۸	فضیلت زیارت آن حضرت از نزدیک	۳۰۹	زیارت شب و روز مبعث (۲۷ رجب)
۳۶۱	آداب زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> از نزدیک	۳۱۸	زیارت روز شهادت آن حضرت (۲۱ رمضان)
۳۶۲	آب فرات و فضیلت آن	فصل سوم: فضیلت زمین و مسجد کوفه	
۳۷۱	کیفیت زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> از نزدیک	و اماکن زیارتی آن	
۳۷۱	زیارات مطلقه امام حسین <small>علیه السلام</small> از نزدیک	۳۱۹	فضیلت سرزمین کوفه
۳۷۹	زیارت وارث	۳۱۹	فضیلت مسجد کوفه
		۳۲۰	اعمال مسجد کوفه

زیارات مخصوصهٔ امام جواد <small>علیه السلام</small> ۴۴۸	زیارت حضرت ابوالفضل، عباس بن علی <small>علیه السلام</small> ۳۸۶	
زیارات مشترک امام کاظم و امام جواد <small>علیه السلام</small> ۴۵۳	زیارات مخصوصهٔ امام حسین <small>علیه السلام</small> از نزدیک ۳۹۲	
زیارت وداع امام کاظم <small>علیه السلام</small> ۴۵۴	زیارت در شبها و روزهای مخصوص ۳۹۲	
زیارت وداع امام جواد <small>علیه السلام</small> ۴۵۵	زیارت عاشورا ۳۹۲	
فضیلت مسجد براتنا ۴۵۵	سند زیارت معروف عاشورا ۳۹۳	
زیارت نواب اربعه ۴۵۶	متن زیارت عاشورا ۳۹۵	
کیفیت زیارت آن بزرگواران ۴۵۷	زیارت اربعین (بیستم صفر) ۴۰۰	
زیارت مرحوم کلینی ۴۵۸	زیارت مخصوص نیمهٔ رجب ۴۰۹	
زیارت جناب سلمان ۴۵۸	زیارت مخصوص نیمهٔ شعبان ۴۱۲	
کیفیت زیارت آن جناب ۴۵۸	زیارت در شب‌های قدر ۴۱۳	
طاق کسری ۴۶۱	زیارت در عید فطر و قربان ۴۱۶	
زیارت حدیفة بن الیمان ۴۶۲	زیارت روز عرفه ۴۲۳	
نماز در مسجد جامع مداین ۴۶۳	زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> در شب جمعه و ایام مخصوصهٔ دیگر ۴۳۰	
فصل هفتم: زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small>		
مقدمه ۴۶۴	زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> از راه دور ۴۳۱	
فضیلت زیارت حضرت رضا <small>علیه السلام</small> ۴۶۵	پاداش زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> از راه دور ۴۳۱	
کیفیت زیارت حضرت رضا <small>علیه السلام</small> ۴۶۶	آداب زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> از راه دور ۴۳۲	
زیارت وداع ۴۷۸	آداب روز عاشورا ۴۳۲	
فصل هشتم: زیارت عسکرتین (امام هادی و امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>)		
فضیلت زیارت عسکرتین <small>علیه السلام</small> ۴۸۱	کیفیت زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> از راه دور ۴۳۳	
کیفیت زیارت آن دو امام همام <small>علیه السلام</small> ۴۸۲	فضیلت تربت امام حسین <small>علیه السلام</small> و آداب استفاده از آن ۴۳۵	
زیارت مشترک آن دو بزرگوار ۴۸۲	کیفیت استفاده از تربت حسینی ۴۳۶	
زیارت مخصوص امام هادی <small>علیه السلام</small> ۴۸۴	فضیلت زمین کربلا و حائر حسینی ۴۳۸	
زیارت مخصوص امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> ۴۹۰	محلّ حائر حسینی ۴۳۸	
زیارت نرجس خاتون مادر مکرّمهٔ حضرت حجت <small>علیه السلام</small> ۴۹۷	فصل ششم: زیارت کاظمین <small>علیه السلام</small>	
زیارت حکیمه خاتون ۴۹۹	فضیلت زیارت کاظمین (حضرت موسی بن جعفر و امام جواد <small>علیه السلام</small>) ۴۴۰	
	کیفیت زیارت کاظمین <small>علیه السلام</small> ۴۴۰	
	زیارت مختصّ به امام موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small> ۴۴۱	

دعای سوم (دعای مکارم الاخلاق)..... ۵۶۱

صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام..... ۵۶۱

صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله..... ۵۶۲

صلوات بر امیرالمؤمنین علیه السلام..... ۵۶۳

صلوات بر سیده زنان فاطمه علیها السلام..... ۵۶۳

صلوات بر امام حسن و امام حسین علیهم السلام..... ۵۶۴

صلوات بر امام علی بن الحسین علیهما السلام..... ۵۶۶

صلوات بر امام باقر علیه السلام..... ۵۶۶

صلوات بر امام صادق علیه السلام..... ۵۶۷

صلوات بر امام موسی بن جعفر علیهما السلام..... ۵۶۷

صلوات بر امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام..... ۵۶۸

صلوات بر امام جواد علیه السلام..... ۵۶۸

صلوات بر امام هادی علیه السلام..... ۵۶۹

صلوات بر امام حسن عسکری علیه السلام..... ۵۶۹

صلوات بر ولی الامر المنتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)..... ۵۷۰

زیارت وداع ائمه علیهم السلام..... ۵۷۱

فصل دوازدهم: زیارت انبیای عظام

و امام زادگان و قبور مؤمنین

بخش اول: زیارت پیامبران..... ۵۷۴

فضیلت زیارت و محل قبور..... ۵۷۴

کیفیت زیارت پیامبران..... ۵۷۵

بخش دوم: زیارت امامزادگان..... ۵۷۵

فضیلت زیارت امامزادگان..... ۵۷۵

کیفیت زیارت امامزادگان..... ۵۷۵

فضیلت زیارت حضرت معصومه علیها السلام..... ۵۷۶

کیفیت زیارت حضرت معصومه علیها السلام..... ۵۷۷

فضیلت زیارت عبدالعظیم حسنی علیه السلام..... ۵۸۰

کیفیت زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام..... ۵۸۰

زیارت دو امامزاده سید محمد و سید حسین علیهما السلام..... ۵۰۰

زیارت وداع عسکریین..... ۵۰۱

فصل نهم: زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام

سرداب مقدّس کجاست؟..... ۵۰۲

زمان زیارت حضرت..... ۵۰۲

کیفیت زیارت آن حضرت..... ۵۰۳

اذن دخول..... ۵۰۳

زیارت اول (زیارت آل یاسین)..... ۵۰۳

زیارت دوم (زیارت مخصوص سرداب)..... ۵۰۸

زیارت سوم..... ۵۱۵

زیارت چهارم و استغاثه به امام زمان علیه السلام..... ۵۱۸

دعاهای مربوط به آن حضرت..... ۵۲۱

دعای اول (دعای ندبه)..... ۵۲۱

دعای دوم (دعای بعد از نماز صبح)..... ۵۲۱

دعای سوم (دعای عهد)..... ۵۲۲

دعای چهارم..... ۵۲۵

دعای پنجم..... ۵۲۹

فصل دهم: زیارت جامعه

زیارت اول (زیارت منقول از امام رضا علیه السلام)..... ۵۳۶

زیارت دوم (زیارت جامعه کبیره)..... ۵۳۷

زیارت سوم (زیارت جامعه دیگری از امام صادق علیه السلام)..... ۵۴۹

زیارت چهارم (زیارت امین الله)..... ۵۵۱

زیارت پنجم (زیارت رجیته)..... ۵۵۱

فصل یازدهم: دعاهای بعد از زیارات

دعای اول..... ۵۵۲

دعای دوم (دعای عالیة المضامین)..... ۵۵۵

فصل پنجم: ماه جمادی الأول

- تقویم این ماه ۶۱۸
 اعمال ماه جمادی الأول ۶۱۸

فصل ششم: ماه جمادی الثانی

- تقویم این ماه ۶۱۹
 اعمال ماه جمادی الثانی ۶۱۹

فصل هفتم: ماه رجب

- تقویم این ماه ۶۲۲
 فضیلت ماه رجب ۶۲۲
 اعمال ماه رجب ۶۲۴
 اعمال مشترک این ماه ۶۲۴
 لیلۃ الرغائب ۶۳۵
 عمره رجبیه ۶۳۶
 اعمال مخصوص شبها و روزهای ماه رجب ۶۳۷
 کیفیت عمل امّ داوود ۶۴۷
 شب بیست و هفتم ماه رجب (شب مبعث) ۶۵۵
 کرامات قبر امیرمؤمنان علیه السلام در شب مبعث، به
 روایت ابن بطوطه ۶۵۶

فصل هشتم: ماه شعبان المعظم

- تقویم این ماه ۶۶۶
 فضیلت ماه شعبان ۶۶۶
 اعمال ماه شعبان ۶۶۸
 اعمال مشترک این ماه ۶۶۸
 مناجات شعبانیه ۶۷۲
 اعمال مخصوص شبها و روزهای ماه شعبان ۶۷۷
 اعمال پایانی ماه شعبان ۶۹۱

فصل نهم: ماه مبارک رمضان

- تقویم این ماه ۶۹۵
 فضیلت ماه مبارک رمضان ۶۹۵
 اعمال ماه مبارک رمضان ۶۹۶

- بخش سوم: زیارت قبور مؤمنان ۵۸۳
 فضیلت زیارت قبور مؤمنان ۵۸۳
 آداب، زمان و کیفیت زیارت قبور مؤمنان ۵۸۴
 بخش چهارم: آداب نیابت در زیارت ۵۸۶
 کیفیت نیابت برای کسانی که هزینه سفرشان را دیگری
 پرداخته است ۵۸۷

بخش چهارم: اعمال ماههای اسلامی

(از محرم تا ذی الحجه) / ۵۹۳

- مقدمه ۵۹۵
 اعمال مشترک اول هر ماه ۵۹۵
 اعمال ویژه هر ماه ۵۹۸

فصل اول: ماه محرم

- تقویم این ماه ۵۹۹
 ماه محرم، ماه حماسه و ماتم ۶۰۰
 اعمال ماه محرم ۶۰۰
 اعمال شب عاشورا ۶۰۲
 اعمال روز عاشورا ۶۰۳

فصل دوم: ماه صفر

- تقویم این ماه ۶۰۹
 دهه آخر صفر، دهه غم و اندوه ۶۱۱
 اعمال ماه صفر ۶۱۲

فصل سوم: ماه ربیع الأول

- تقویم این ماه ۶۱۳
 اعمال ماه ربیع الأول ۶۱۵

فصل چهارم: ماه ربیع الثانی

- تقویم این ماه ۶۱۷
 اعمال ماه ربیع الثانی ۶۱۷

شب اول ماه (شب عید فطر).....	۸۱۹	اعمال مشترک ماه مبارک رمضان.....	۶۹۷
فضیلت و اعمال روز عید فطر.....	۸۲۴	اعمال مشترک هر شب و روز.....	۶۹۷
فصل یازدهم: ماه ذی القعدة		اعمال مشترک شب‌های ماه مبارک رمضان.....	۷۰۱
تقویم این ماه.....	۸۲۹	دعای افتتاح.....	۷۰۳
فضیلت ماه ذی القعدة.....	۸۳۰	اعمال مخصوص سحرگاهان.....	۷۱۳
اعمال ماه ذی القعدة.....	۸۳۰	دعای ابوحمزه ثمالی.....	۷۱۶
روز بیست و پنجم (روز دحوالارض).....	۸۳۱	مختصرترین دعای سحر(دعای بسیار پر محتوا).....	۷۴۰
فصل دوازدهم: ماه ذی الحجّه		اعمال مشترک روزهای ماه مبارک رمضان.....	۷۴۲
تقویم این ماه.....	۸۳۵	اعمال مخصوص شب‌ها یا روزهای معین ماه مبارک رمضان.....	۷۶۷
فضیلت ماه ذی الحجّه.....	۸۳۶	فضیلتی از امیرمؤمنان <small>علیه السلام</small> در شب جنگ بدر.....	۷۸۱
اعمال ماه ذی الحجّه.....	۸۳۷	شبهای قدر.....	۷۸۳
اعمال مشترک دهه اول.....	۸۳۷	اعمال شبهای قدر.....	۷۸۳
اعمال مختص روزها و شبهای این ماه.....	۸۴۱	اعمال مشترک شبهای قدر.....	۷۸۳
روز نهم (روز عرفه).....	۸۵۲	اعمال مخصوص هریک از شبهای سه گانه قدر.....	۷۸۶
اعمال روز عرفه.....	۸۵۳	اعمال شب نوزدهم.....	۷۸۶
دعای معروف عرفه.....	۸۵۷	اعمال مخصوص شب بیست و سوم.....	۷۹۱
روز دهم (روز عید قربان).....	۸۸۵	دعای شبهای دهه آخر ماه مبارک رمضان.....	۷۹۶
اعمال روز عید قربان.....	۸۸۵	دعاهای مشترک شبهای آخر ماه رمضان.....	۷۹۶
روز عید غدیر (روز هیجدهم).....	۸۸۷	دعاهای مخصوص هر شب از دهه آخر ماه رمضان.....	۷۹۸
اعمال روز عید غدیر.....	۸۸۸	شب بیست و هفتم ماه رمضان.....	۸۰۶
روز بیست و چهارم (روز خاتم بخشی علی <small>علیه السلام</small> و روز مباحله).....	۸۹۶	دعای ختم قرآن در روز آخر ماه رمضان.....	۸۰۹
روز بیست و پنجم (روز نزول سوره هل ائی).....	۹۰۳	نمازهای شبهای ماه مبارک رمضان.....	۸۱۰
روز آخر ذی الحجّه.....	۹۰۴	دعاهای مخصوص روزهای ماه رمضان.....	۸۱۲
اعمال ماههای خورشیدی.....	۹۰۶	فصل دهم: ماه شوال	
عید نوروز.....	۹۰۶	تقویم این ماه.....	۸۱۸
اعمال عید نوروز.....	۹۰۷	فضیلت ماه شوال.....	۸۱۸
ماههای رومی.....	۹۱۰	اعمال ماه شوال.....	۸۱۹
خواص آب نیسان.....	۹۱۰		

- بخش پنجم: اعمال شب و روز و ایام هفته / ۹۱۵
- فصل اول: اعمال هنگام طلوع فجر ۹۱۷
- فصل دوم: اعمال بین الطلوعین ۹۱۹
- فصل سوم: اعمال مخصوص غروب و شامگاهان ۹۲۲
- فصل چهارم: اعمال مشترک صبح و شام ۹۲۴
- فصل پنجم: آداب هنگام خواب ۹۳۳
- فصل ششم: اعمال سحرگاهان ۹۳۷
- فضیلت نافله شب ۹۳۷
- چگونگی انجام نماز شب ۹۳۹
- وقت نماز شب ۹۴۱
- کیفیت نماز شب ۹۴۱
- فصل هفتم: دعا‌های روزها ۹۴۵
- فصل هشتم: دعا‌های ایام هفته ۹۵۱
- دعای روز شنبه ۹۵۱
- دعای روز یکشنبه ۹۵۲
- دعای روز دوشنبه ۹۵۳
- دعای روز سه شنبه ۹۵۵
- دعای روز چهارشنبه ۹۵۷
- دعای روز پنجشنبه ۹۵۸
- دعای روز جمعه ۹۵۹
- فصل نهم: فضیلت و اعمال شب و روز جمعه ۹۶۱
- اعمال شب جمعه ۹۶۲
- نماز و دعایی در شب جمعه برای حفظ قرآن ۹۷۰
- دعا و نمازی از ناحیه مقدسه حضرت حجت علیه السلام ۹۷۱
- برای برآورده شدن حاجات ۹۷۱
- اعمال روز جمعه ۹۷۳
- فصل دهم: زیارات ایام هفته ۹۸۵
- زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله در روز شنبه ۹۸۵
- زیارت امیرمؤمنان علی علیه السلام در روز یکشنبه ۹۸۸
- زیارت اول صدیقه کبری علیه السلام ۹۸۹
- زیارت دوم صدیقه کبری علیه السلام ۹۹۰
- زیارت امام حسن و امام حسین علیه السلام در روز دوشنبه ۹۹۰
- زیارت امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیه السلام در روز سه شنبه ۹۹۲
- زیارت امام موسی کاظم، امام رضا، امام جواد و امام هادی علیه السلام در روز چهارشنبه ۹۹۳
- زیارت امام حسن عسکری علیه السلام در روز پنجشنبه ۹۹۴
- زیارت حضرت مهدی، امام زمان علیه السلام در روز جمعه ۹۹۵
- بخش ششم: آداب، مقدمات و تعقیبات نماز / ۹۹۷**
- مقدمه: نماز وسیله پرواز به عالم ملکوت! ۹۹۹
- فلسفه آداب و تعقیبات نماز ۱۰۰۱
- فصل اول: مقدمات و آداب نماز**
- مقدمات و آداب مشترک ۱۰۰۳
- آداب وضو ۱۰۰۳
- آداب ورود به مسجد برای نماز ۱۰۰۵
- آداب و مقدمات بجا آوردن نماز ۱۰۰۶
- دعاهای قبل از نماز و در حال نماز ۱۰۰۸
- مقدمات و آداب مخصوص هر نماز ۱۰۱۲
- نماز جماعت ۱۰۱۸
- چند روایت درباره فضیلت نماز جماعت ۱۰۱۸
- فصل دوم: تعقیبات نماز**
- تعقیبات مشترک ۱۰۱۹
- کیفیت تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیه السلام ۱۰۲۱
- ذکر تسبیحات اربعه ۱۰۲۸
- تعقیبات مخصوص هر نماز ۱۰۴۰
- تعقیبات نماز ظهر ۱۰۴۰

۱۰۸۳..... نماز هدیه به معصومین.....	۱۰۴۲..... تعقیبات نماز عصر.....	
۱۰۸۴..... نماز لیلة الدفن.....	۱۰۴۳..... تعقیبات نماز مغرب.....	
۱۰۸۵..... نمازی دیگر برای لیلة الدفن.....	۱۰۴۵..... نماز غفيله.....	
۱۰۸۶..... نماز اول ماه.....	۱۰۴۶..... تعقیبات نماز عشا.....	
۱۰۸۶..... نماز اعرابی.....	۱۰۴۷..... تعقیبات نماز صبح.....	
۱۰۸۷..... نماز فرزند برای آمرزش پدر و مادر.....	دعاها، ذکرها و آیاتی که در تعقیب نماز صبح وارد شده	
۱۰۸۸..... نماز و اعمالی دیگر، برای رفع وسوسه های قلبی.....	۱۰۴۸..... است.....	
۱۰۹۰..... نماز مسجد جمکران.....	فصل سوم: سجده شکر	
۱۰۹۱..... نماز شب.....	۱۰۵۶..... کیفیت سجده شکر.....	
۱۰۹۱..... نماز توسل به حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>	۱۰۵۷..... برخی از ذکرهای سجده شکر.....	
۱۰۹۱..... نماز حاجت.....	بخش هفتم: نمازهای مستحب / ۱۰۶۱	
۱۰۹۳..... نمازی دیگر برای برآورده شدن حاجات.....	فصل اول: نمازهای چهارده معصوم <small>علیهم السلام</small>	
۱۰۹۴..... نماز برای رفع سختی ها و دشواری ها.....	نماز بیغمبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	
۱۰۹۴..... نماز برای زیاد شدن روزی.....	نماز امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	
۱۰۹۵..... نمازی دیگر در طلب روزی.....	نماز حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>	
بخش هشتم: دعا برای حل مشکلات		
معنوی و مادی و آداب عقیقه / ۱۰۹۷		
۱۰۹۹..... مقدمه: اهمیت دعا و یادآوری چند نکته.....	نماز دیگری از آن حضرت.....	
۱۱۰۱..... دعاهایی برای برآمدن حاجات دنیوی و اخروی.....	نماز امام حسن <small>علیه السلام</small>	
۱۱۲۶..... دعا برای رفع غم و اندوه و گرفتاری ها.....	نماز امام حسین <small>علیه السلام</small>	
۱۱۳۵..... دعا برای رفع بیماری ها.....	نماز امام زین العابدین <small>علیه السلام</small>	
۱۱۴۱..... دعا برای ادای دین.....	نماز امام باقر <small>علیه السلام</small>	
۱۱۴۲..... دعا برای گشایش در کارها.....	نماز امام صادق <small>علیه السلام</small>	
۱۱۴۳..... دعا برای آرامش در برابر عوامل وحشت.....	نماز امام کاظم <small>علیه السلام</small>	
دعا برای ایمنی از شرّ ستمگران و دشمنان و حوادث	نماز امام رضا <small>علیه السلام</small>	
سخت.....	نماز امام جواد <small>علیه السلام</small>	
دعا برای خلاصی از زندان.....	نماز امام هادی <small>علیه السلام</small>	
دعا برای توسعه در رزق.....	نماز امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>	
دعا برای طلب باران و رفع خشکسالی (از صحیفه	نماز امام زمان <small>علیه السلام</small>	
	فصل دوم: نمازهای معروف دیگر.....	
	نماز جعفر طیار <small>رضی الله عنه</small>	

- ۱۱۸۶ دستور نماز میّت
- ۱۱۸۸ پنجم: دفن میّت
- ۱۱۸۹ تلقین میّت
- ۱۱۹۲ نماز لیلة الدفن (نماز وحشت)
- ۱۱۹۳ تسلیت به بازماندگان
- ۱۱۹۴ صبر بر مصیبت و مراسم سوگواری
- ۱۱۹۵ خیرات برای اموات

* * *

- ۱۱۹۷ توضیحی درباره حدیث کسا
- ۱۲۰۳ آخرین سخن

- ۱۱۵۲ (سجاده)
- ۱۱۵۴ دعای توبه
- ۱۱۶۰ دعا برای حسن عاقبت (از صحیفه سجاده)
- ۱۱۶۱ دعای وقت مطالعه
- ۱۱۶۱ دعای شب زفاف
- ۱۱۶۲ آداب عقیقه
- ۱۱۶۴ دعای عقیقه

بخش نهم: استخاره و آداب آن / ۱۱۶۵

- ۱۱۶۷ اهمیت، آداب و موارد استخاره
- ۱۱۶۹ مقدمه: اهمیت استخاره و آداب آن
- ۱۱۷۰ معنای دیگر استخاره
- ۱۱۷۱ آداب استخاره
- ۱۱۷۱ انواع استخاره
- ۱۱۷۱ استخاره با قرآن
- ۱۱۷۲ استخاره با تسبیح
- ۱۱۷۳ استخاره ذات الرقاع
- ۱۱۷۴ استخاره با الهام قلبی

بخش دهم: احکام و آداب مربوط به

مردگان / ۱۱۷۷

- ۱۱۷۹ مقدمه: پایان زندگی دنیا و سفر به سوی آخرت
- ۱۱۸۰ عبرت گرفتن از مردگان
- ۱۱۸۰ چگونه برای سفر آخرت آماده شویم؟
- ۱۱۸۳ بر بالین محتضر
- ۱۱۸۴ آداب کفن و دفن و نماز اموات
- ۱۱۸۴ اول: غسل میّت
- ۱۱۸۵ دوم: کفن کردن
- ۱۱۸۵ سوم: حنوط
- ۱۱۸۵ چهارم: نماز میّت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الدُّعَاءَ ذَرِيعَةً إِلَى رَحْمَتِهِ، وَ سَبَبًا لِإِجَابَتِهِ، وَقَالَ:
«أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» وَ جَعَلَ زِيَارَةَ أَوْلِيَائِهِ وَسَبِيلَةً إِلَى رِضْوَانِهِ، وَ سَبِيلًا
إِلَى مَرْضَاتِهِ، وَ نَيْلَ الشَّفَاعَةِ عِنْدَهُ.

ثُمَّ جَعَلَ جَمِيعَ ذَلِكَ سَبَبًا لِتَرْبِيَةِ النُّفُوسِ، وَ تَهْذِيبِ الْقُلُوبِ، وَ تَطْهِيرِ
الْأَرْوَاحِ عَنِ دَنَسِ الدُّنُوبِ. وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ
النُّجَبَاءِ، الَّذِينَ عَلَّمُونَا طُرُقَ الزِّيَارَةِ وَ الدُّعَاءِ، لَا سِيَّمَا بِقِيَّةِ اللَّهِ الْمُنْتَظَرِ
أَرْوَاحَنَا فِدَاءً، وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

* * *

پیشگفتار

قبل از ورود در مباحث این کتاب ذکر چند نکته ضروری به نظر می رسد:

۱- کتب دعا و زیارت و کتاب مفاتیح الجنان

در طول تاریخ شیعه جمعی از بزرگان به گردآوری دعاها و زیاراتی که از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام صادر شده، پرداخته اند تا همه عاشقان راز و نیاز با خدا و شیفتگان زیارت اولیاء الله را از این چشمه جوشان معنویت، سیراب سازند که از میان آنها می توان به این افراد اشاره کرد:

- ۱- مرحوم کلینی (مؤلف کتاب شریف کافی و «کتاب الدعاء»، متوفای سال ۳۲۹ هجری قمری).
- ۲- ابن قولویه (مؤلف کتاب «کامل الزیارات»، متوفای سال ۳۶۸).
- ۳- شیخ صدوق (مؤلف کتاب «الدعاء والمزار»، متوفای سال ۳۸۱).
- ۴- شیخ الطائفه شیخ طوسی (مؤلف کتاب «مصباح المتعجّد»، متوفای سال ۴۶۰).
- ۵- سیدبن طاووس (نویسنده کتابهای «مُهَجِّ الدَّعَوَاتِ، فَلَاحِ السَّائِلِ، زَهْرَةُ الرَّبِيعِ، جَمَالِ الْاَسْبُوعِ، اِقْبَالَ...» متوفای سال ۶۶۴).
- ۶- ابن فهد حلّی (نویسنده کتاب «عَدَّةُ الدَّاعِي» و «المزار» متوفای سال ۸۴۱).

۷- کفعمی (نویسنده کتاب «المصباح» و «البلد الامین» متوفای سال ۹۰۵).

۸- شیخ بهایی (نویسنده کتاب «مفتاح الفلاح» متوفای سال ۱۰۳۱).

۹- علامه مجلسی (نویسنده کتاب‌های «زاد المعاد، ربیع الاسابع، تحفة الزائر، مفاتیح الغیب و مقباس المصاییح»، متوفای سال ۱۱۱۰).

هر یک از این بزرگان در عصر خود رسالت خویش را در زمینه دعا به نحو احسن انجام دادند تا این که نوبت به مرحوم ثقة‌المحدثین حاج شیخ عباس قمی - رضوان الله تعالی علیه - (متوفای ۱۳۵۹ ق) رسید؛ ایشان با ذوق سرشار و سلیقه بسیار خوب و احاطه وسیعی که بر آثار اهل بیت علیهم‌السلام و کتب دعا و زیارات سابقین داشت، به تألیف کتاب جامع «مفاتیح الجنان» پرداخت و روی خلوص نیتی که این محدث عالیقدر از آن برخوردار بود، در مدت کوتاهی، کتابش جهانگیر شد و به همه مساجد و خانه‌ها، راه یافت و همگان از رشحات قلم این عالم با اخلاص سیراب شدند.

قابل توجه اینکه، قبل از کتاب «مفاتیح الجنان» کتاب دعایی به نام «مفتاح الجنان» چاپ و در بسیاری از خانه‌ها منتشر شده بود، که کتاب دعای بسیاری از مردم را تشکیل می‌داد و متأسفانه این کتاب آلوده به روایات مجعول و نادرستی بود که مرحوم حاج شیخ عباس قمی و استادش حاجی نوری را سخت عصبانی کرده بود (که در مفاتیح الجنان، ذیل زیارت مطلقه وارث، این ناراحتی به طور مشروح منعکس است) و همین امر سبب شد که مرحوم حاج شیخ، به نوشتن اثر پر ارزش «مفاتیح الجنان» (به جای «مفتاح الجنان») اقدام نماید، که در مقدمه مفاتیح الجنان به این مطلب اشاره شده است.

ولی از آن جا که این کتاب مانند بسیاری از کتاب‌ها برای شرایط زمانی و مکانی خاصی نوشته شده بود و مخاطبان ویژه‌ای داشت، لازم بود در عصر و زمان ما مورد تجدید نظر وسیع قرار گیرد؛ کاستی‌ها برطرف گردد، و از پارهای از مطالب اضافی که مایه ایراد بدخواهان است صرف نظر شود؛ مدارک و منابع دعاها و زیارات و... افزوده گردد؛ رمز و راز، فلسفه، آثار و برکات دعاها و زیارات یادآوری شود؛ سپس نظم نوینی به آن داده شود و در مجموع کتاب دعا و زیارتی که از هر نظر جامع و متناسب عصر و زمان ما - مخصوصاً برای نسل جوان خداجو - باشد، فراهم گردد.



سال‌ها بود که این فکر را در سر می‌پروراندم و از خدا توفیق آن را می‌خواستیم؛ پس از مطالعه کافی در این زمینه لازم دیدم که از دو نفر از فضلالی گرانقدر، باذوق، مخلص و پرکار حوزه علمیه، یعنی: استادان ارجمند، **حجج اسلام آقایان سعید داودی و احمد قدسی** برای کمک و همکاری دعوت کنم؛ بحمدالله آنها استقبال کردند و با پشتکار تمام به آن پرداختند و زحمات فراوان در تنقیح و تحقیق مباحث کشیدند، و اینجانب در تمام مراحل بر کار آنان نظارت داشتیم و آنچه لازم بود بر آن افزودم. بعد از

اتمام کتاب، یک بار دیگر از آغاز تا پایان با حضور این آقایان مورد بررسی مجدد قرار گرفت و در نتیجه، مجموعه حاضر که تصوّر می‌کنم اهداف فوق را کاملاً تأمین می‌کند، فراهم شد. خداوند از همه قبول فرماید.

۲- آثار روح پرور دعا

یکی از مزایای مهم مکتب اهل بیت علیهم‌السلام دعاهای بسیار عالی، روح پرور، پرمحتوا و آموزنده‌ای است که از آن امامان بزرگوار به یادگار مانده، بعضی از آنها شبیه اعجاز است؛ دعاهایی همچون دعای کمیل، صباح، ندبه، ابو حمزه و دعای عرفه. راستی چنین است؛ مانند این دعاها را در هیچ جا و نزد هیچ گروهی نمی‌توان یافت.

این دعاها که منبع الهام بخش معارف غنی اسلام است، راه و رسم خودسازی و «سیر و سلوک الی الله» را به ما می‌آموزد و چون روی سخن در آنها با خدا است، چنان اوج می‌گیرد که از قلّه افکار آدمیان فراتر می‌رود.

شکی نیست که دعا نقش بسیار مؤثری در تربیت نفوس انسانی و سوق آنها به مراتب کمال دارد که شاید بسیاری از دعاکنندگان از آن غافل باشند.

با این که خداوند به انسان بسیار نزدیک است، ولی آدمی با غفلت و بی‌توجهی، از او فاصله گرفته و دور می‌شود؛ در این میان، دعا و ذکر است که حجاب میان دعاکننده و خداوند متعال را برطرف می‌سازد و انسان، قرب و نزدیکی را کاملاً احساس می‌کند.

«دعا» همچون باران بهاری است که سرزمین دلها را سیراب و شکوفه‌های ایمان و اخلاص و عشق و عبودیت را بر شاخسار روح آدمی ظاهر می‌سازد!

«دعا» نسیم روح بخش قدسی است که همچون دم مسیح، «عظم‌رمیم» را «باذن الله» حیات می‌بخشد!

«دعا» دریای مؤاجی است که گوهرهای فضایل اخلاق را در درون خود پرورش می‌دهد!

هر نفسی که با دعا همراه است مُمدّ حیات است و مُفَرِّح ذات، و هر دلی که با نور دعا قرین است، با تقوای الهی همنشین است.

دعاکننده، وصول به مقاصد شخصی خود را از خدا می‌طلبد و خداوند تربیت و پرورش روحانی او را از طریق دعا می‌خواهد، و بقیّه بهانه است!

و از این جا می‌توان گفت: دعا اکسیر اعظم، کیمیای سعادت، آب حیات و روح عبادت است؛ همان گونه که در حدیث وارد شده «الْدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ»^۱ و جالب این که طبق گواهی قرآن، ارزش انسانها در پیشگاه پروردگار به خاطر دعاهای آنهاست! «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»^۲.

۲. سوره فرقان، آیه ۷۷.

۱. بحار الانوار، جلد ۹۰، صفحه ۳۰۲، حدیث ۳۹.

کوتاه سخن این‌که:

دعا عامل مهمی برای تربیت و پرورش روح انسان است.
 دعا از نومییدی و یأس جلوگیری کرده و نور امید بر دل می‌پاشد.
 دعا در مشکلات به انسان نیرو می‌بخشد و در برابر حوادث سخت درس مقاومت می‌دهد.
 دعا نشاط و شادابی روح و دل را تضمین می‌کند و انسان را از افسردگی رهایی می‌بخشد.
 دعا در برابر مصائب زندگی به انسان پایداری و تحمل می‌دهد.

۳- مزایای «مفاتیح نوین» و روش‌ها در این کتاب

- ۱- نخستین مزیت آن این است که به قلم روز نگاشته شده و برای همگان، به ویژه نسل جوان، به سهولت قابل درک است.
- ۲- برای هر بخش از دعاها و زیارات، مقدمات فشرده و پرمعنایی نوشته شده که به تحصیل آثار معنوی و حالات عرفانی دعا کمک می‌کند.
- ۳- منابع و مدارک دعاها و زیارات با دقت تمام در پاورقی آمده است و در همه جا بر منابع قابل قبول تکیه شده است.
- ۴- با توجه به این که وقت مردم در عصر ما فشرده و محدود است در مواردی که اعمالی مشابه یکدیگر بوده، از میان آنها بهترین‌ها گزینش شده است.
- ۵- نظم و ترتیب منطقی روشن، به مطالب کتاب داده شده تا پیدا کردن دعاها و زیارات آسانتر و راحت‌تر باشد.
- ۶- مطالب ضعیف یا اموری که بهانه به دست ناآگاهان می‌دهد، کنار گذاشته شده است.
- ۷- سعی شده است از ترجمه خوب و روان برای همه دعاها استفاده شود. (که در این مرحله از ترجمه فاضل ارجمند جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای رسولی محلاتی - با اندکی اصلاحات - بهره گرفته شده است).
- ۸- در آن‌جا که نسخه‌ها متعدّد بوده، در دعاها و زیارات معروف، تنها به نسخه متداول اکتفا شده است تا مایه سردرگمی نشود، (مگر آن که اختلاف نسخه، مهم و قابل توجه باشد) و در دیگر موارد، دقیقاً مطابق منبع و مصدر نقل شده، آمده است.
- ۹- در برخی موارد، برای پرهیز از حجیم شدن کتاب، روایاتی که در فضیلت دعا و زیارت و غیر آن نقل شده، تلخیص و نقل به معنا گردیده و با ترجمه‌ای روان و احیاناً کمی آزاد، بیان شده است، بی آن که لطمه‌ای به محتوای آن وارد گردد.

۱۰- از آن جا که یکی از نشانه‌های اعتبار سند روایات، محتوای روایت است، در گزینش دعاها و زیارات علاوه بر دقت در اسناد، به محتوای آن نیز توجه شده است.

۴- راه تحصیل حضور قلب در دعا و نماز

بی شک روح دعا و نماز، به حضور قلب است و بدون آن، آثار مهمّ تربیتی و خودسازی و نورانیت و صفای روح، کمتر بدست می‌آید و این جای تردید نیست؛ آنچه مهمّ است و باید به آن توجه جدی شود پیدا کردن راههای تحصیل این امر مهم است؛ چون بسیاری کسانی که اشتیاق فراوان برای کسب حضور قلب و خضوع در نماز و دعا دارند؛ اما هر چه می‌کوشند توفیق آن را نمی‌یابند.

برای تحصیل خشوع و حضور قلب در دعا و نماز و سایر عبادات، به امور ذیل توصیه می‌شود:

۱- به دست آوردن شناخت و معرفتی که دنیا را در نظر انسان کوچک و خدا را در نظر انسان بزرگ کند، تا هیچ کار دنیوی نتواند به هنگام راز و نیاز با معبود، نظر او را به خود جلب و از خدا منصرف سازد.
 ۲- توجه به کارهای پراکنده و مختلف، معمولاً مانع تمرکز حواس است و هر قدر انسان، توفیق پیدا کند که مشغله‌های تشویش‌آور و پراکنده را کم کند، به حضور قلب در عبادات خود، کمک کرده است.
 ۳- انتخاب محل و مکان نماز و دعا و سایر عبادات نیز در این امر، اثر بسیار دارد؛ به همین دلیل، نماز خواندن در برابر اشیا و چیزهایی که ذهن انسان را به خود مشغول می‌دارد مکروه است و همچنین در برابر درهای باز و محلّ عبور و مرور مردم و در مقابل آینه و عکس و مانند آن. به همین دلیل، مساجد و معابد مسلمین هر قدر ساده‌تر و خالی از زرق و برق و تشریفات باشد، بهتر است؛ چرا که به حضور قلب کمک می‌کند.

۴- پرهیز از گناه عامل مؤثر دیگری است؛ زیرا گناه آینه قلب را مکدر ساخته، مانع آن می‌شود که جمال محبوب حقیقی در آن منعکس گردد، و با حجابی که به وجود می‌آید انسان دعا کننده، یا نمازگزار، خویشتن را در محضر او نمی‌بیند، به همین دلیل، قبل از هر نماز و دعا باید از گناهان توبه کرد و خود را به خدا سپرد. توجه به اذکاری که در مقدّمه نماز آمده است بسیار مؤثر است.

۵- آشنایی با معنای نماز و دعا و فلسفه افعال و اذکار آن، عامل بسیار مهمّ دیگری برای حضور قلب است؛ چرا که وقتی انسان معانی و فلسفه‌های عبادات را بداند و به آن توجه کند، راه حضور قلب برای او هموار می‌شود.

۶- انجام مستحبات نماز و آداب مخصوص عبادت و دعا، چه در مقدّمات و چه در اصل نماز نیز، کمک مؤثری به این امر می‌کند.

۷- از همه اینها گذشته، این کار، مانند هر کار دیگر، نیاز به مراقبت، تمرین، استمرار و پی‌گیری زیاد

دارد؛ بسیار می‌شود انسان در آغاز کار تنها در یک، یا چند لحظه کوتاه، قدرت تمرکز فکر و حضور قلب پیدا می‌کند، اما با ادامه این کار و پی‌گیری و تداوم، چنان قدرتی در نفس او پیدا می‌شود که می‌تواند به هنگام نماز و دعا، دریچه‌های فکر خود را بر غیر معبود، مطلقاً ببندد و خود را در حضور او ببیند و با او به راز و نیاز بپردازد.

بنابراین، به همه - مخصوصاً جوانان - توصیه می‌کنیم که از پرت شدن حواس و عدم حضور قلب در عبادات خود، رنجیده و مأیوس نشوند، راه را ادامه دهند، ان شاء الله پیروز خواهند شد.

۸- در عباداتی که جنبه تکراری دارد، مانند نماز، تغییر شکل ظاهری آن نیز در حضور قلب بسیار مؤثر است. مثلاً سوره‌هایی را که در نماز بعد از حمد می‌خواند، تغییر دهد؛ در بعضی از رکوع و سجودها ذکر «سبحان الله» و در بعضی ذکر کبیر «سبحان ربی العظیم و بحمده» و «سبحان ربی الأعلی و بحمده» بخواند، دعاهای قنوت را عوض کند، یا مثلاً دعای کمیل را گاه به صورت عادی، گاه ترتیل، گاه با صوت بخواند؛ یا در دل، به هنگام خواندن نماز و دعا خود را در مناطق و حریمهای مکه و مدینه و غیر آن ببیند.

تجربه نشان داده این تغییر صورت، کمک زیادی به تمرکز فکر و حضور قلب می‌کند.

۹- پرهیز از غذاهای شبیه‌ناک نیز در این امر بسیار مؤثر است.

۱۰- از همه اینها گذشته، باید با تمام وجود، نعمت بزرگ حضور قلب را در دعا و نماز و زیارت از خدا خواست؛ او کریم و رحیم است و جوینده را ناامید بر نمی‌گرداند.

به روی جوینده در نبندد!

چنین شنیدم که لطف ایزد

بر اهل عرفان، دگر نبندد!

دری که بگشاید از حقیقت

۵- آداب دعا کردن و شرایط استجاب دعا

برای دعا کردن و باریافتن به محضر دوست، و بهره‌مندی بیشتر از فیض و رحمت الهی، آدابی ذکر شده است، که یقیناً برای استجاب دعا، مؤثر خواهد بود. در این جا به اهم آنها (با استفاده از روایات) اشاره می‌شود.

الف) معرفت الهی

دعاکننده باید خدا را به درستی بشناسد و به مالکیت، قدرت، عظمت، توانایی، علم و آگاهی و کرم و لطف خداوند ایمان داشته باشد.

ب) حسن ظن به خدا

در روایات آمده است که هنگام دعا، به خداوند و اجابت دعا توسط او، اطمینان داشته باشید و باور

شما این باشد که خداوند، دعایتان را به اجابت می‌رساند.^۱ (و اگر طبق مصالحی به اجابت نرسد بهتر از آن را به شما خواهد داد).

ج) دعا همراه با احساس نیاز

دعا باید، همراه با احساس نیاز شدید و درماندگی باشد به گونه‌ای که انسان باور کند، جز خداوند پناهگاهی ندارد.^۲

د) دعا همراه با توجه تام

به هنگام دعا، باید همه توجه و حواس دعاکننده به جانب حق باشد و قلبش را از هرچه غیر خداست تهی سازد.^۳

ه) دعا همراه با خضوع و دل شکستگی

دعاکننده باید با نهایت خضوع، رقت قلب و فروتنی به درگاه خدا روی آورد^۴؛ در این هنگام دستانش را به سمت آسمان (به علامت تسلیم و تعظیم) بلند می‌کند^۵ و با چشمان اشکبار و قلبی ترسان، حاجت می‌طلبد.^۶

و) دعا همراه با استغفار و صلوات

در ابتدای دعا، حمد الهی، ثنای پروردگار، استغفار و توبه و صلوات بر محمد و آتش برای استجابیت دعا بسیار مؤثر است.^۷

ز) اصرار و پافشاری در دعا

اصرار و پافشاری در دعا، مورد سفارش معصومین علیهم‌السلام است؛^۸ دعاکننده نباید ناامید شود، و از دعا کردن دست بردارد.

علاوه بر نکات فوق، به یقین، دعا در برخی از زمان‌ها، مثل شب و روز جمعه، دعا در نیمه‌های شب و سحرگاهان، مخصوصاً ماه مبارک رمضان، شب‌های قدر و مانند آن و همچنین در برخی از مکان‌ها، مانند مسجد الحرام، مسجد پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مشاهد مشرفه و مانند آن، تأثیر بسزایی دارد.^۹

این بخش را با سخنی از عارف کامل، عالم ربانی و مرد میدان علم و عمل، مرحوم «سیدبن طاووس» به پایان می‌بریم؛ ایشان می‌گوید: «هرگاه از خداوند حاجتی می‌طلبی، حال تو در برابر او - لااقل - مانند عرض نیاز، به نزد فرمانروایان دنیا باشد. همان‌گونه که برای جلب نظر آنان، از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزی و به هر طریق ممکن، خشنودی آنان را تحصیل می‌کنی، باید در برابر خداوند و

۱. کافی، جلد ۲، صفحه ۴۷۳، حدیث ۱. ۲. وسائل الشیعه، جلد ۴، صفحه ۱۱۷۴، حدیث ۱.

۳. کافی، جلد ۲، صفحه ۴۷۳، حدیث ۲. ۴. همان مدرک، صفحه ۴۸۱، حدیث ۶.

۵. همان مدرک، صفحه ۴۷۹ و ۴۸۰، حدیث ۱ و ۲. ۶. وسائل الشیعه، جلد ۴، صفحه ۱۱۲۰، حدیث ۱.

۷. همان مدرک، صفحه ۱۱۲۶ و ۱۱۲۷ و ۱۱۳۵. ۸. بحار الانوار، جلد ۹۰، صفحه ۳۰۰ و ۳۷۴.

۹. برای آگاهی بیشتر از روایات، به بحار الانوار، جلد ۹۰، صفحه ۳۴۸، حدیث ۱۵ و صفحه ۳۵۱، حدیث ۱۶ مراجعه فرمایید.

به هنگام خواستن حاجتی از او نیز، در تحصیل رضایتش کوشش فراوان نمایی! مبادا که توجهات به خداوند، از اقبال و توجهات به قدرتمندان دنیا کمتر باشد! اگر چنین باشی و منزلت خدا، در نزد تو، از منزلت آنها کمتر باشد - در حالی که همه آنها مملوک و بندگان خدایند - به یقین خداوند بزرگ را کوچک شمرده‌ای و عظمت و جلالش را به حساب نیاورده‌ای!

دیگر آن‌که: نماز و روزه‌ای که برای طلب حاجت به جا می‌آوری، هرگز از روی امتحان و آزمایش خداوند نباشد! زیرا انسان کسی را می‌آزماید که نسبت به او بدگمان باشد و خداوند از کسانی که در حق او گمان بد دارند، مذمت کرده و فرموده: «الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ»؛ آنان که به خداوند، گمان بد می‌برند، حوادث ناگوار به آنان می‌رسد.^۱ بلکه باید به خداوند کمال اعتماد و اطمینان را داشته باشی و به وعده‌های او امیدوارتر از وعده یک انسان توانگر سخاوتمند باشی!

سزاوار است به هنگام نماز و یا روزه حاجت، نخست حاجت‌های دینی را به ترتیب اهمیّت در نظر بگیری و البته مهم‌ترین خواسته‌ها، حاجت آن مولایی است که تو در پناه هدایت و حمایت او به سر می‌بری! یعنی نخست باید برای حاجت‌های امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعا کنی و آنگاه حاجت‌های دینی خود را بخواهی و در نهایت، حاجت و نیاز دنیوی خود را که در دل داری با خدای خویش مطرح نمایی...»^۲

۶- عوامل عدم استجاب دعا

بعضی از مردم از تأخیر اجابت دعا یا عدم اجابت آن گله دارند، و توجه ندارند که اجابت دعا مانند همه کارها شرایطی دارد:

لازم است بدانیم، دعا کردن به درگاه خدا، از دو سو، مقرون به رحمت الهی است: از یک سو، توفیق الهی برای دعا کردن، و از سوی دیگر استجاب دعا از جانب خداوند.

همین که انسان به دعا و راز و نیاز با خداوند می‌پردازد، یقیناً به سبب توفیق الهی است (چه دعایش به اجابت برسد، یا نرسد)؛ زیرا هر کسی توفیق شرفیابی به بارگاه الهی و گفتگو با حضرت حق را ندارد و این خود برای هر دعاکننده‌ای بسیار با ارزش است؛ اما با این حال، در روایات عواملی برای عدم استجاب دعا ذکر شده است که از مهم‌ترین آنهاست:

الف) دست کشیدن از تلاش و اکتفا به دعا

این نکته را باید بدانیم، که دعا کردن به معنای دست از تلاش کشیدن نیست، زیرا در این صورت دعای دعاکننده به اجابت نمی‌رسد؛ چرا که هیچ دعایی برای جبران تنبلی و تن‌پروری وارد نشده است.

۲. جمال‌الاسبوع، صفحه ۳۲۶ (با تلخیص).

۱. سورة فتح، آیه ۶.

درباره برخی از افراد که دعایشان به اجابت نمی‌رسد، امام صادق علیه السلام فرمود: «... وَ رَجُلٌ جَلَسَ فِي بَيْتِهِ وَ قَالَ: يَا رَبِّ ارْزُقْنِي، فَيُقَالُ لَهُ: أَلَمْ أَجْعَلْ لَكَ السَّبِيلَ إِلَيَّ طَلَبَ الرِّزْقِ...؛ و آن کس که در خانه‌اش بنشیند و بگوید: پروردگارا! روزی مرا برسان! به او گفته می‌شود: آیا برای طلب روزی و کسب درآمد، راه و مسیری (که همان تلاش و کوشش است) قرار نداده‌ام؟!»^۱

ب) گناهان از موانع مهم است

بسیاری از گناهان، سبب عدم استجابات دعا می‌شود. در روایتی امام علی علیه السلام در پاسخ به مردی که گفت دعای ما به اجابت نمی‌رسد، فرمود: «چگونه دعایتان به اجابت برسد، در حالی که راه‌های آن را مسدود ساخته‌اید! اعمالتان را اصلاح کنید، درونتان را خالص گردانید، امر به معروف و نهی از منکر کنید، آنگاه خداوند دعایتان را به اجابت می‌رساند.»^۲ (و به این ترتیب دعا وسیله‌ای برای تربیت و خودسازی می‌شود).

در روایات دیگری، عقوق والدین،^۳ ناپاکی‌های درونی، نفاق، تأخیر نماز از وقتش، ترک نیکی و صدقه، بدزبانی و... از عوامل عدم استجابات دعا ذکر شده است.^۴

ج) دعا بر ضدّ مؤمنان و دوستان

اگر کسی بر ضدّ مؤمنی و دوستی دعا کند (نفرین نماید) و بدون جهت و ظالمانه، از خداوند بد او را بخواهد، دعایش به اجابت نمی‌رسد.^۵

د) دعا فقط در دشواریها

اگر کسی در حالت خوشی و آسودگی به درگاه خدا نرود و دعا نکند و فقط در مشکلات و شدت و گرفتاری به سوی خدا برود، ممکن است دعایش به اجابت نرسد. در روایات آمده است: اگر بخواهی در مشکلات و دشواریها خداوند دعایت را به اجابت برساند، در آسودگی و خوشی، خدا را فراموش مکن و فراوان دعا کن!^۶

ه) غذاهای حرام و ناپاک

در روایت آمده است: «آن کسی که می‌خواهد، دعایش به اجابت برسد، باید از راه حلال کسب درآمد کند»^۷ و در روایت دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله به کسی که گفت دوست دارم، دعایم مستجاب شود، فرمود: «وجودت را از لقمه حرام پاک کن».^۸

۱. وسائل الشیعه، جلد ۴، کتاب الصلاة، ابواب الدعاء، باب ۵۰، صفحه ۱۱۵۹، حدیث ۳.

۲. بحار الانوار، جلد ۹۰، صفحه ۳۷۷، حدیث ۱۷.

۳. معانی الاخبار، صفحه ۲۷۱، حدیث ۲ و بحار الانوار، جلد ۷۰، صفحه ۳۷۶، حدیث ۱۲.

۴. بحار الانوار، جلد ۹۰، صفحه ۳۷۸، حدیث ۲۱.

۵. وسائل الشیعه، جلد ۴، صفحه ۱۰۹۶، باب ۹ از ابواب الدعاء.

۶. همان مدرک، صفحه ۳۷۳.

۷. بحار الانوار، جلد ۹۰، صفحه ۳۵۸ و ۳۷۳.

أَعْمَالِكُمْ...» استدلال فرمود.^۱

در مورد سؤال دوم به این نکته باید توجه داشت که پاداش‌های عظیم قیامت متناسب با آن عالم عظیم است؛ تمام دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم در برابر جهان آخرت به منزله خانه کوچکی در مقابل تمام منظومه شمسی است و یا از آن کوچکتر؛ بنابراین، نباید از عظمت آن پاداش‌ها تعجب کرد. به علاوه، پاداش‌های الهی متناسب لطف و کرم اوست نه متناسب اعمال ما و اضافه بر اینها گاه اعداد و ارقامی که در این روایات وارد شده، کنایه از یک سلسله پاداش‌های مهم معنوی است که در لباس پاداش‌های مادی به تناسب جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، بیان شده است.

۸- تبدیل خواسته‌ها

از برخی روایات استفاده می‌شود که گاهی اوقات، خداوند دعای مؤمنان را اجابت نمی‌کند و در عوض، گناهی را از آنها می‌آمرزد و یا آن را ذخیره برای آخرت می‌سازد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر مسلمانی که دعا کند، دعایش به اجابت می‌رسد: یا به زودی در دنیا خداوند حاجتش را برآورده می‌سازد و یا برای آخرتش ذخیره می‌کند و یا گناهانش را می‌آمرزد».^۲ در روایتی دیگری آمده است: «گاه در قیامت، خداوند پاداش دعاهایی را که در دنیا به اجابت نرسیده، به مؤمن می‌دهد؛ در آن زمان مؤمن آرزو می‌کند، ای کاش در دنیا هیچ دعایی به اجابت نمی‌رسید و همه آنها امروز به پاداش الهی تبدیل می‌شد».^۳

این را نیز باید کاملاً توجه داشت که گاه انسان بر اثر بی‌اطلاعی، حاجتی را با تمام وجودش از خدا می‌خواهد که به ضرر اوست و اگر به آن رسد دنیا و آخرت او تباه می‌شود، خداوند به لطفش آن چیز را دریغ می‌دارد و به جای آن، نعمت دیگری به او می‌بخشد؛ زیرا معلومات ما محدود و ناقص است و علم بی‌پایان، نزد خداست.

۹- توصیه ما به شما عزیزان

در این جا توجه شما خوانندگان عزیز را به توصیه‌های زیر جلب می‌کنیم:

۱- آنچه در این کتاب آمده است به کتب معتبری چون «مصباح‌التمهید» شیخ طوسی (ره) و «کامل‌الزیارات» ابن قولویه و کتابهای مرحوم سید بن طاووس و مرحوم کفعمی برمی‌گردد. کتب بزرگانی که اهتمام فراوانی داشتند تا بدون مدرک چیزی را نقل نکنند و اگر دعا یا زیارتی از انشای نفس ربّانی و

۲. همان مدرک، صفحه ۳۷۸، حدیث ۲۲.

۱. بحارالانوار، جلد ۹۰، صفحه ۱۶۸، حدیث ۳.

۳. همان مدرک.

ملکوتی خودشان است به آن تصریح نمایند. آنان به هنگام نوشتن ادعیه، کتب فراوانی را در اختیار داشته‌اند که با اقتباس از آن، چنین آثاری از خویش به یادگار گذاشته‌اند:

مرحوم سید بن طاووس، به هنگام نوشتن کتاب «اقبال» هزار و پانصد جلد کتاب در اختیار داشت^۱ و به تصریح خودش در کتاب «کشف‌المحجّه»: «بیش از شصت جلد از آن، کتاب دعا بود».^۲

محقق متتبع، دانشمند بزرگوار، مرحوم آقا بزرگ طهرانی نیز در کتاب وزین «الذریعه» درباره سید بن طاووس می‌نویسد: «هنگامی که او کتاب «مُهَجِّ الدَّعَوَات» را می‌نوشت بیش از هفتاد کتاب از کتب ادعیه قدمای امامیه (کسانی که تمامی آنها مقدّم بر شیخ طوسی بوده‌اند) را در اختیار داشت. بلکه با مراجعه به کلمات و تعبیراتی که سید بن طاووس در لابه‌لای کتابهایش در ارتباط با اسناد و مدارک محتویات آن دارد، انسان مطمئن می‌شود که جمیع آنچه را که این بزرگوار از ادعیه و زیارات نقل کرده، مورد اعتمادش بوده است؛ خصوصاً وقتی ملاحظه می‌شود که این بزرگ مرد، هرگاه می‌خواست دعایی را از جانب ذهن لطیف و روح پاکش انشا کند، تصریح می‌کند که: «چون برای این مورد دعایی را از روایات نیافتم دعایی را مناسب با این مقام، انشا نمودم» با این بیان معلوم می‌شود که در سایر موارد که چنین نکته‌ای را متذکر نشده است، به مدرک روایی خاص، اعتماد کرده است».^۳

با این بیان و با توجه به این که آنچه را «سید بن طاووس» در قسمت دعا تألیف کرده^۴ در واقع تتمّه و تکمیلی برای کتاب «مصباح‌المتهجّد» جدّ مادری ایشان مرحوم شیخ طوسی رحمته‌الله می‌باشد،^۵ روشن می‌شود که اگر کسی مجموع این یازده جلد (مربوط به این دو بزرگوار) را تهیه نماید، گویا تقریباً مجموعه کاملی از ادعیه و اعمال و زیارات را در اختیار گرفته است (و ما از تمام این آثار در کتاب حاضر استفاده کرده‌ایم). درباره کتاب «مصباح کفعمی» می‌گوید: «او، در مقدمه کتاب «جنته الامان الواقیه» (معروف به مصباح کفعمی) تصریح کرده است که این کتاب را از کتابهای معتبر و مورد اعتماد جمع‌آوری نموده است».^۶

مرحوم علامه مجلسی نیز در مقدمه «زاد‌المعاد» می‌گوید: در این کتاب منتخبی از اعمال سال و فضایل ایام و لیالی و اعمال آنها را - که به سندهای صحیح و معتبر وارد شده است - آورده‌ام.

اصولاً اصحاب ائمه علیهم‌السلام، برای ضبط و انتقال صحیح احادیث، دعاها و عباراتی که از آن بزرگواران نقل می‌شد، اهتمام فراوانی داشتند.

۱. اقبال، جلد ۱، مقدمه تحقیق، صفحه ۱۷ (چاپ مکتب الاعلام الاسلامی).

۲. کشف‌المحجّه، صفحه ۱۳۱.

۳. الذریعه، جلد ۸، صفحه ۱۷۶ و ۱۷۷.

۴. که مجموع آن ده جلد می‌شود و هر جلد آن مربوط به بخش خاصی از اعمال است. مثلاً «فلاح‌السائل» فقط در اعمال شب و روز و «اقبال»

فقط در اعمال ماههای سال می‌باشد (رجوع کنید به: الذریعه، جلد ۸، صفحه ۱۷۸).

۵. الذریعه، جلد ۸، صفحات ۱۷۷ و ۱۷۸.

۶. همان مدرک، صفحه ۱۷۹.

«عبدالله بن زید» که از اصحاب امام کاظم علیه السلام است، می‌گوید: «جمعی از یاران ویژه اهل بیت آن حضرت، به محضرش شرفیاب می‌شدند و هنگامی که امام علیه السلام کلمه‌ای می‌فرمود و درباره حادثه‌ای فتوا می‌داد، آنان با دقت می‌نوشتند (و همه جملات، آداب و نکته‌ها را کاملاً یادداشت می‌کردند)».^۱

خواننده عزیز! با توجه به آنچه گذشت جایی برای تردید در اعتبار منابعی که محتوای این کتاب از آنها گرفته شده، باقی نمی‌ماند، پس می‌توان با دلی روشن و ضمیری پاک به ادعیه و زیارات و اعمال وارده در این کتاب، عمل کرد.

خصوصاً وقتی به دو امر دیگر نیز در این رابطه توجه شود:

نخست این که: همان گونه که اشاره شد محتوای برجسته و اوج معانی بسیاری از این دعاها و زیارات، بهترین گواه صدور آنها از جانب معصوم علیه السلام است، چرا که چنین الفاظ و مفاهیمی جز از روح بلند معصومین علیهم السلام نمی‌تواند صادر شود.

دیگر این که: در تمام دعاها و اعمال مستحب، می‌توان از «قصد رجا» یعنی به امید مطلوبیت نزد پروردگار، استفاده کرد؛ زیرا در روایات از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که «هرگاه کسی از سوی من ثوابی بر عملی به او برسد و به امید رسیدن به آن ثواب و یا به احترام من آن را بجا آورد، به اجر و پاداش مذکور برای آن عمل، خواهد رسید و تلاش او بی نتیجه نخواهد ماند».^۲



۲- توصیه دیگر ما به خوانندگان عزیز - مخصوصاً به قشر جوان با ایمان و پاکدل - این است که بیش از آنچه به «کمیت» و مقدار دعا اهمیت می‌دهند به «کیفیت» و حال و هوای معنوی آن اهمیت دهند و بدانند که چه بسا خواندن یک دعای کامل یا ندبه و یا ابوحمره و یا خواندن دعای عرفه امام حسین علیه السلام با حضور قلب، چنان انقلاب و دگرگونی در انسان ایجاد می‌کند که فصل نوینی در زندگی او آغاز می‌شود؛ روحش را به اوج آسمانها برده، با فرشتگان دمساز می‌کند و از این جا روشن می‌شود که ثوابهای عظیمی که برای بعضی از دعاها ذکر شده، فلسفه‌اش چیست و برای کیست؟

عزیزان! همه ما سعی کنیم با مرور در مطالبی که در بحث حضور قلب و آداب دعا آمد و با اندیشه در محتوای دعاها، چنان حال و هوایی به هنگام خواندن دعا و نماز و زیارت پیدا کنیم که لذت‌بخش‌ترین لحظات زندگی ما باشد و ما را روز به روز به خدا نزدیک‌تر کند.

سعی ما بر این باشد که با تدبّر در محتوا و توجه به این که در چه محضری قرار گرفته‌ایم و با التفات

۱. الذریعه، جلد ۸، صفحه ۱۷۳ و مستدرک الوسائل، جلد ۱۷، صفحه ۲۹۲، حدیث ۲۷.

۲. وسائل الشیعه، جلد ۱، صفحه ۵۹، ابواب مقدمات العبادات، باب ۱۸ (در این باب چندین روایت به همین مضمون آمده است).

به قصورها و تقصیرها، و کوچکی نفسِ خویش از یک طرف و عظمت و بزرگی کسی که در حضورش واقع شده‌ایم از طرف دیگر، روح ما با عالم بالا تماس برقرار کند و با محبوب حقیقی راز و نیاز نماید. اگر دعایی از ادعیه را می‌خوانیم که مخاطب در آن، خداست، به لطفها و محبت‌هایی که در طول عمرمان در حق ما روا داشت و گناهانی را که پوشاند و لغزشهایی را که دفن کرد و نعمتهایی را که ارزانی داشت، یکی پس از دیگری اشاره کنیم و بر زبان جاری سازیم تا محبتی که او به خوب شدن و هدایت ما دارد را لمس کنیم و قُرب و اُنسش را احساس نماییم.

و اگر زیارتی از زیارات ائمه طاهرين (صلوات الله عليهم اجمعين) است، باز هم قرب و لطف و رحمت و کرامت آنها را در نظر بیاوریم و این که آنها شفیعان درگاه و مقربان خداوند؛ کلام ما را می‌شنوند و سلام ما را جواب می‌گویند و بر جایگاه و مقامی که هم اکنون در آن قرار داریم شاهد و ناظرند (وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفَاءَكَ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرَوْنَ مَقَامِي، وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي، وَيَرُدُّونَ سَلَامِي)^۱ تا آن که لذت و شیرینی نجوا و مناجات با آنان را احساس کنیم (وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ)^۲. اگر آن گونه دعا بخوانیم و این گونه زیارت کنیم، می‌توانیم مطمئن باشیم با هر دعا و زیارت، گویا به محضر خداوند و معصومین علیهم السلام شرفیاب شده‌ایم و روح و جانمان را صفا و صیقل تازه‌ای داده‌ایم و زنگارها و تیرگی‌های گناه را از خود زدوده‌ایم و این جاست که دعا و زیارت، جایگاه واقعی خود را پیدا می‌کند و هدف اصلی آن تحقق می‌یابد.

در پایان لازم می‌دانم از تمام کسانی که برای تهیه این مجموعه ما را یاری دادند و در تطبیق دقیق مدارک، و تصحیح، و تطبیق ترجمه‌ها با متن، و چاپ و نشر آن تلاش و کوشش کردند، از جمله فضلالی محترم آقایان محمد رضا حامدی، مسعود مکارم و سید عبدالمهدی توکل (دامت تأییداتهم) تشکر و سپاسگزاری کنم و برای توفیق هر چه بیشتر همه عزیزان دعا نمایم. همچنین از همگان التماس دعا دارم که این جانب و تمام کسانی را که برای فراهم آوردن این مجموعه زحمت کشیده‌اند، فراموش نکنند. ذکر این نکته لازم است که برای تهیه این مجموعه، چند سال زحمت کشیده شده؛ با این حال، اگر صاحب‌نظران تذکرات تکمیلی داشته باشند، از آن استقبال می‌شود.

قم - ناصر مکارم شیرازی

فروردین ۱۳۸۴ - صفر ۱۴۲۶

۱. وسائل الشیعه، جلد ۱، صفحه ۵۹، ابواب مقدمات عبادات، باب ۱۸، لازم به ذکر است که این جملات، در اصل بخشی از اذن دخول زیارت رسول گرامی صلی الله علیه و آله در مدینه، در مسجد النبی می‌باشد و از آن جا به بعضی از مشاهد مشرفه دیگر منتقل شده است.

۲. همان مدرک.

سوره یاسی از قرآن

مقدمه

با توجه به این که بسیاری از سوره‌ها و آیات قرآنی در نمازهای مختلفی چون نوافل یومیّه، نافله شب، نمازهای ائمه اطهار علیهم‌السلام، نمازهای زیارت، نمازهای ایام هفته و نمازهای حاجت و نیز در مکان‌ها و زمان‌های مختلفی چون شبهای احیا، ایام البیض، شبهای ماه رجب، شعبان و رمضان و در تعقیبات نمازهای یومیّه و نیز برای تحصیل بعضی از آثار و برکات چون آمرزش گناهان و نجات از مشکلات خوانده می‌شود، شایسته است بخشی از این سوره‌ها و آیات که بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد (و این خود، دلیل بر اهمیت و ویژگی و امتیاز آنهاست) در ابتدای این کتاب دعا - پس از اشاره به بعضی از فضیلت‌های آنها - آورده شود:

۱- سورة یس

سوره «یس» به گواهی احادیث متعددی که در این زمینه وارد شده، یکی از مهمترین سوره‌های قرآنی است، به گونه‌ای که در احادیث «قلب قرآن» نامیده شده است^۱ و این به جهت محتوای مهمّ توحیدی آن است که محور همه مسائل اعتقادی است. در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام نیز آمده است:

«هر کس آن را در روز بخواند، در طول روز محفوظ و پرروزی خواهد بود و هر کس آن را شبانگاه پیش از آن که بخوابد تلاوت کند، خداوند هزار فرشته بر او مأمور می‌کند که او را از هر شیطان رجیم و هر آفتی حفظ کنند...» و به دنبال آن فضایل مهمّ دیگری نیز بیان می‌فرماید.^۲

یادآوری لازم:

ناگفته پیداست پادشاه‌های عظیمی که درباره این سوره و سایر سوره‌های قرآن در روایات آمده است،

به معنای خواندن سطحی و بدون تدبّر و خالی از عمل نیست؛ شواهد فراوانی داریم که این برکات و پاداش‌ها مربوط به کسانی است که برنامه زندگی خود را با محتوای این سوره‌ها هماهنگ می‌سازند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يُسِّ ۱ وَالْقُرْءَانَ الْحَكِيمِ ۲ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۳ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

یس. (۱) سوگند به قرآن حکیم (و استوار). (۲) که تو قطعاً از فرستادگان (خداوند) هستی، (۳) بر راهی راست (قرارداری)؛

تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ۵ لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ ءَابَاؤَهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ۴

(۴) (این قرآنی است که) از سوی خداوند توانا و مهربان نازل شده است؛ (۵) تا قومی را انذار کنی که پدرانشان (هرگز) انذار نشدند، از این رو آنان غافلند.

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۷ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ

(۶) فرمان (الهی) درباره بیشتر آنها (به کیفر اعمالشان) تحقق یافته، به همین جهت ایمان نمی‌آورند. (۷) ما در گردنهای آنان غللهایی

أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ ۸ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا

[= طوقهایی] قرار دادیم که تا چانه‌ها ادامه دارد و سرهای آنان را به بالا نگاه داشته است. (۸) و در پیش روی آنان سدّی قرار دادیم،

وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ۹ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ

و در پشت سرشان سدّی؛ و چشمانشان را پوشانده‌ایم، لذا نمی‌بینند. (۹) برای آنان یکسان است: چه انذارشان کنی

أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۱۰ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ

یا نکنی، ایمان نمی‌آورند. (۱۰) تو فقط کسی را می‌توانی انذار کنی که از این یادآوری (الهی) پیروی کند و از خداوند رحمان

بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ۱۱ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا

در نهان بترسد؛ سپس او را به آموزش و پاداشی پرارزش بشارت ده. (۱۱) به یقین مامردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را از

قَدَّمُوا وَعَأْتِرَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ ۱۲ وَأَضْرِبْ لَهُم

پیش فرستاده‌اند و آنچه را از خود باقی گذاشته‌اند؛ و همه چیز را در کتاب روشنگری احصا کرده‌ایم. (۱۲) و برای آنها،

مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ۱۳ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ

اصحاب شهر (انطاکیه) را مثال بزن هنگامی که فرستادگان خدا به سوی آنان آمدند؛ (۱۳) در آن زمان که دو نفر (از رسولان خود) را به سوی آنها فرستادیم،

فَكَذَّبُوهُمَا فَعُزِّزْنَا بِتَالُوتٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ ۱۴ قَالُوا مَا أَنْتُمْ

اما آنان فرستادگان (ما) را تکذیب کردند؛ پس برای تقویت آن دو، شخص سوم را فرستادیم؛ و آنها گفتند: «ما فرستادگان (خدا) به سوی شما هستیم.» (۱۴) اما آنان (در جواب) گفتند:

إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ﴿١٥﴾ قَالُوا

«شما جز بشری همانند ما نیستید، و خداوند رحمان چیزی نازل نکرده، شما فقط دروغ می‌گویید.» (۱۵) (فرستادگان ما) گفتند:

رَبَّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ﴿١٦﴾ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ ﴿١٧﴾ قَالُوا إِنَّا

«پروردگار ما می‌داند که ما قطعاً فرستادگان (او) به سوی شما هستیم، (۱۶) و بر عهده ما چیزی جز ابلاغ آشکار نیست.» (۱۷) آنان گفتند: «ما

تَطِيرُهَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨﴾ قَالُوا

شما را به فال بد گرفته ایم (و شما را شوم می‌دانیم)، و اگر (از این سخنان) دست برندارید شما را سنگسار خواهیم کرد و عذاب دردناکی از ما به شما خواهد رسید! (۱۸) (فرستادگان) گفتند:

طَيْرِكُمْ مَعَكُمْ أَيْنَ ذَكَّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿١٩﴾ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا

«اگر درست بیندیشید فال بد شما با خود شماست، بلکه شما گروهی اسراف‌کارید.» (۱۹) و مردی (با ایمان) از دورترین نقطه شهر

الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَاقَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٠﴾ اتَّبِعُوا مَنْ لَا

با شتاب آمد، گفت: «ای قوم من! از فرستادگان (خدا) پیروی کنید. (۲۰) از کسانی پیروی کنید

يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ

که از شما اجر و پاداشی نمی‌خواهند و خود هدایت یافته‌اند. (۲۱) چرا کسی را پرستش نکنم که مرا آفریده، و همگی به سوی او

تُرْجَعُونَ ﴿٢٢﴾ ءَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي

بازگشت داده می‌شود؟! (۲۲) آیا غیر از او معبودانی را انتخاب کنم که اگر خداوند رحمان بخواهد زبانی به من برساند، شفاعت آنها کمترین

شَفَعَتُهُمْ شَيْئاً وَلَا يُنْقِذُونَ ﴿٢٣﴾ إِنِّي إِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ إِنِّي ءَأَمِنْتُ

فایده‌ای برای من ندارد و مرا (از مجازات او) نجات نخواهند داد؟! (۲۳) اگر چنین کنم، در گمراهی آشکاری خواهم بود. (۲۴) (به همین دلیل) من به

بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونَ ﴿٢٥﴾ قِيلَ أَدْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ بِمَا

پروردگاران ایمان آوردم؛ پس به سخنان من گوش فرا دهید.» (۲۵) (سرانجام او را شهید کردند و) به او گفته شد: «وارد بهشت شو.» گفت: «ای کاش قوم من می‌دانستند...» (۲۶) که

غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٧﴾ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ

پروردگارم مرا آمرزیده و از گمراهی‌اشنگان قرار داده است! (۲۷) و ما بعد از او بر قومش

مِنْ جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ﴿٢٨﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا

هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم، و هرگز سنت ما براین نبود؛ (۲۸) (بلکه) فقط یک صیحه آسمانی بود و ناگهان همگی

هُمْ خَامِدُونَ ﴿٢٩﴾ يَحْسَرَةَ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَا تَيْبِهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ

خاموش شدند. (۲۹) افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری به سراغ آنان نیامد مگر این‌که او را

يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣٠﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ

استهزا می‌کردند! (۳۰) آیا ندیدند چه قدر از اقوام پیش از آنان را (بخاطر گناهانشان) هلاک کردیم که آنها هرگز به سوی ایشان

لَا يَرْجِعُونَ ﴿٣١﴾ وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٣٢﴾ وَعَايَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ

باز نمی‌گردند (و زنده نمی‌شوند)! (۳۱) و همه آنان (روز قیامت) نزد ما احضار می‌شوند. (۳۲) و زمین مرده برای

الْمَيِّتَةِ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَا كُلُونَ ﴿٣٣﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ

آنها نشانه‌ای (از عظمت خدا) است که ما آن را زنده کردیم و دانه (های غذایی) از آن خارج ساختیم که از آن می‌خورند؛ (۳۳) و در آن باغهایی از

مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا

نخلها و انگورها قرار دادیم و چشمه‌هایی در آن جاری ساختیم، (۳۴) تا از میوه آن بخورند در حالی که با

عَمَلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾ سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا

دست خود آن را به عمل نیابورده‌اند. آیا شکر (خدا را) به جا نمی‌آورند؟! (۳۵) منزّه است کسی که تمام زوجها را آفرید، از

تَنْبِتِ الْأَرْضِ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَعَايَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ

آنچه زمین می‌رویانند، و از خودشان، و از آنچه نمی‌دانند. (۳۶) شب (نیز) برای آنها نشانه‌ای است (از عظمت خدا)؛

مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلَمُونَ ﴿٣٧﴾ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ

ما روز را از آن برمی‌گیریم، در این هنگام آنان در تاریکی فرو می‌روند. (۳۷) و خورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته به سوی قرارگاهش در حرکت است؛ این تقدیر خداوند

الْغَزِيذِ الْعَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٣٩﴾

توانا و داناست. (۳۸) و برای ماه منزل‌لگانه‌هایی قرار دادیم، (و هنگامی که این منازل را طی کرد) سرانجام بصورت شاخهٔ کهنهٔ (قوسی شکل و زرد رنگ) خرما درمی‌آید. (۳۹)

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ

نه خورشید را سزااست که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد؛ و هر یک در مسیر خود

يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾ وَعَايَةٌ لَهُمُ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾ وَخَلَقْنَا

شناورند. (۴۰) نشانه‌ای (دیگر از عظمت پروردگار) برای آنان این است که ما فرزندانشان را در کشتیهایی پر (از وسایل و بارها) حمل کردیم. (۴۱) و برای

لَهُمْ مِّنْ مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ

آنها مرکبهای (دیگری) همانند آن آفریدیم. (۴۲) و اگر بخواهیم آنها را غرق می‌کنیم بطوری که نه فریادرسی داشته باشند

يُنْقَدُونَ ﴿٤٣﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ

و نه نجات داده شوند. (۴۳) مگر این‌که رحمت ما (شامل حالشان شود)، و تا زمان معینی (از این زندگی) پرهیز گیرند. (۴۴) و هر گاه به آنها گفته شود: «از آنچه

أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلَقَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٥﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ ءَايَةٍ مِنْ ءَايَاتِ

پیش رو و پشت سر شماست (از عذاب دنیا و آخرت) بپرهیزید تا مشمول رحمت الهی شوید.» (اعتنا نمی‌کنند). (۴۵) و هیچ آیه‌ای از آیات پروردگارشان برای آنها نمی‌آید

رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا رَزَقَكُمْ اللَّهُ قَالَ

مگر این‌که از آن روی‌گردان می‌شوند. (۴۶) و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید»، کافران

الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطَعَمَهُ إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا فِي

به مؤمنان می‌گویند: «آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می‌خواست او را اطعام می‌کرد؟» (پس خدا خواسته است او گرسنه باشد و شما فقط در

ضَلَّ مُبِينٌ ﴿٢٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٨﴾ مَا يَنْظُرُونَ

گمراهی آشکارید.» (۲۷) آنها می‌گویند: «اگر راست می‌گوئید، این وعده (قیامت) کی خواهد بود؟!» (۲۸) (اما) جز این

إِلَّا صَيِّحَةٌ وَاحِدَةٌ تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿٢٩﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً

انتظار نمی‌کشند که یک صیحهٔ عظیم (آسمانی) آنها را فرا گیرد، در حالی که مشغول جدال (در امور دنیا) هستند. (۲۹) و (چنان غافلگیر می‌شوند که حتی) نمی‌توانند وصیتی کنند

وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾ وَنَفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ

و نه به سوی خانوادهٔ خود باز گردند. (۵۰) (بار دیگر) در «صور» دمیده می‌شود، ناگهان آنها از قبرها، شتابان به سوی

رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ﴿٥١﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ

(دادگاه) پروردگارشان می‌روند. (۵۱) می‌گویند: «ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! (آری) این همان (روز جزا) است که خداوند رحمان و عده داده،

وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيِّحَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا

و فرستادگان (او) راست گفتند.» (۵۲) صیحهٔ واحدی بیش نیست، (فریادی عظیم بر می‌خیزد) ناگهان همگی نزد ما

مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾ فَالْيَوْمَ لَا يُظَلِّمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

احضار می‌شوند. (۵۳) (و به آنها گفته می‌شود): امروز به هیچ کس کمترین ستمی نخواهد شد، و جز آنچه انجام می‌دادید، کفر داده نمی‌شوید.

﴿٥٤﴾ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكِهُونَ ﴿٥٥﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي

(۵۴) بهشتیان، امروز (به نعمتهای خدا) مشغول و مسرورند. (۵۵) آنها و همسرانشان در

ظِلَّلٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِئُونَ ﴿٥٦﴾ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ ﴿٥٧﴾

سایه‌هایی (از قصرها و درختان بهشتی) بر تختها تکیه زده‌اند. (۵۶) برای آنها در بهشت میوهٔ بسیار لذت‌بخشی است، و هرچه بخوانند در اختیارشان خواهد بود. (۵۷)

سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ ﴿٥٨﴾ وَأَمْتَزُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٩﴾ أَلَمْ

بیلام (و درود الهی بر آنها)، سخنی است از سوی پروردگاری مهربان. (۵۸) (و به گروهی دیگر گفته می‌شود): جدا شوید امروز ای گنهکاران! (۵۹) ای فرزندان آدم!

أَعْهَدَ إِلَيْكُمْ يَبْنَىٰ ءَادَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٠﴾

آیا با شما عهد نکردم که شیطان را نپرستید، که او برای شما دشمن آشکاری است؟! (۶۰)

وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ

و این‌که مرا پرستید که راه مستقیم این است؟! (۶۱) او گروه زیادی از شما را گمراه کرد:

تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ﴿٦٢﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٦٣﴾ أَصَلُّوْهَا الْيَوْمَ بِمَا

آیا اندیشه نکردید؟! (۶۲) این همان دوزخی است که به شما وعده داده می‌شد. (۶۳) امروز بخاطر

كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦٤﴾ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ

کفزی که داشتید به آتش آن بسوزید! (۶۴) امروز بر دهانشان مَهْر می‌نهمیم و دستهایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان به کارهایی

أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا

که انجام می‌دادند گواهی می‌دهند. (۶۵) و اگر بخواهیم (در همین جهان) چشمانشان رامحو می‌کنیم؛ سپس برای عبور از راه،

الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ ﴿٦٦﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا

می‌خواند بر یکدیگر پیشی بگیرند، اما چگونه می‌توانند ببینند؟! (۶۶) و اگر بخواهیم آنها را در جای خود مسخ می‌کنیم (و به مجسمه‌هایی بی‌روح مبدل می‌سازیم)

أَسْتَطْعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ﴿٦٧﴾ وَمَنْ نَعْمَرَهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا

تا نتواند راه خود را ادامه دهند و نه به عقب بازگردند. (۶۷) هر کس را عمر طولانی دهیم، در آفرینش واژگونه‌اش می‌کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می‌گردانیم)؛

يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ

آیا نمی‌اندیشند؟! (۶۸) ما شعر به او [= پیامبر] نیاموختیم، و شایسته او نیست؛ (شاعر باشد) این (کتاب آسمانی) فقط مایهٔ یادآوری و قرآن مبین است.

﴿٦٩﴾ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧٠﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا

(۶۹) تا هرکس را که زنده است (و حیات انسانی دارد) انذار کند (و بر کافران اتمام حجت شود) و فرمان عذاب بر آنان مسلم گردد. (۷۰) آیا ندیدند که از آنچه با قدرت

لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَمًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا

خود به عمل آوردیم چهارپایانی برای آنان آفریدیم که آنان مالک آن هستند؟! (۷۱) و آنها را رام ایشان ساختیم،

رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾

هم مرکب آنان از آن است و هم از آن تغذیه می‌کنند؛ (۷۲) و برای آنان بهره‌های دیگری در آن (حیوانات) است و نوشیدنی‌هایی گوارا؛ آیا با این حال شکرگزاری نمی‌کنند؟! (۷۳)

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ

آنان غیر از خدا معبودانی (برای خویش) برگزیدند به این امید که یاری شوند. (۷۴) (ولی) آنها قادر به یاری ایشان نیستند، و این

وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحَضَّرُونَ ﴿٧٥﴾ فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا

(عبادت‌کنندگان در قیامت) لشکری برای آنها خواهند بود که (در آتش دوزخ) احضار می‌شوند. (۷۵) پس سخنانشان تو را غمگین نسازد؛ ما آنچه را پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند

يُعْلِنُونَ ﴿٧٦﴾ أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ﴿٧٧﴾

می‌دانیم. (۷۶) آیا انسان نمی‌داند که ما او را از نطفه‌ای بی‌ارزش آفریدیم؟! و او (چنان صاحب قدرت و شعور و نطق شد که) به مخاصمهٔ آشکار (با ما) برخاست. (۷۷)

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظْمَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾ قُلْ

و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: «چه کسی این استخوانها را زنده می‌کند در حالی که پوسیده است؟!» (۷۸) بگو:

يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُم

«همان کسی آن را زنده می‌کند که نخستین بار آن را آفرید؛ و او نسبت به هر مخلوقی داناست. (۷۹) همان کسی

مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِّنْهُ تُوقَدُونَ ﴿٨٠﴾ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ

که برای شما از درخت سبز، آتش آفرید و شما بوسیله آن، آتش می‌افروزید.» (۸۰) آیا کسی که

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِقَدْرِ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ

آسمانها و زمین را آفریده، قادر نیست همانند آنان را بیافریند؟! آری (می‌تواند). و او آفریدگار آگاه است.

﴿٨١﴾ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ

(۸۱) فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود. (۸۲) پس منزه‌است خداوندی که مالکیت

مَلَكَوَتْ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

همه چیز در دست اوست؛ و به سوی او بازگردانده می‌شود. (۸۳)

۲- سورة الرَّحْمَنِ

از آن جا که این سوره، حسّ شکرگزاری را در انسانها به عالی‌ترین وجهی بر می‌انگیزد، و بیان نعمتهای مادی و معنوی دنیا و آخرت، شوق طاعت و بندگی را در دل او افزایش می‌دهد، فضیلت‌های فراوانی برای تلاوت آن در روایات آمده است؛ البته تلاوتی که در اعماق روح انسان نفوذ کند و مبدأ حرکت گردد.

از جمله در حدیثی از رسول خدا ﷺ می‌خوانیم: «هر کس سورة الرَّحْمَنِ را بخواند خداوند به ناتوانی او (در ادای شکر نعمت‌ها) رحم می‌کند، و حقّ شکر نعمت‌هایی را که به او ارزانی داشته، ادا می‌کند»^۱.

در حدیث دیگری از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌خوانیم: «هر کس سورة الرَّحْمَنِ را بخواند و هنگامی که به آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» می‌رسد بگوید: «لَا بَشِيءَ مِنْ آلَائِكَ رَبِّ أَكْذِبُ؛ خداوند! هیچ یک از نعمت‌های تو را انکار نمی‌کنم» اگر این تلاوت در شب باشد و در همان شب بمیرد، ثواب شهیدان را خواهد داشت، و همچنین اگر در روز باشد»^۲.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الرَّحْمَنُ ﴿١﴾ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿٢﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿٣﴾ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿٤﴾ الشَّمْسُ

خداوند رحمان، (۱) قرآن را تعلیم فرمود، (۲) انسان را آفرید، (۳) و به او سخن گفتن آموخت. (۴) خورشید

وَالْقَمَرَ بِحُسْبَانٍ ۝۵ وَالنَّجْمِ وَالشَّجَرِ يَسْجُدَانِ ۝۶ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ

و ماه با حساب دقیقی در گردشند، (۵) و گیاهان و درختان برای خدا سجده می‌کنند. (۶) و آسمان را برافراشت، و میزان

الْمِيزَانَ ۝۷ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ۝۸ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا

و قانون نهاده، (۷) تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید)، (۸) و وزن را براساس عدل برپا دارید و در سنجش

تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ۝۹ وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ۝۱۰ فِيهَا فَكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ

کاستی نکنید. (۹) و زمین را برای مردم آفرید، (۱۰) که در آن میوه‌ها و نخلهای

الْأَكْمَامِ ۝۱۱ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ۝۱۲ فَبِأَيِّ آءِ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

پرشکوفه است، (۱۱) و دانه‌هایی که همراه با ساقه و برگ‌ها است که بصورت کاه (و خوراک حیوانات) در می‌آید، و گیاهان خوشبو. (۱۲) پس (ای گروه جن و انس) کدامین نعمتهای

۱۳ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ كَالْفَخَّارِ ۝۱۴ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ

پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۱۳) انسان را از گل خشکیده‌ای همچون سفال آفرید، (۱۴) و جن را از شعله‌های

نَارٍ ۝۱۵ فَبِأَيِّ آءِ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ۝۱۶ رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ۝۱۷

آتش خلق کرد. (۱۵) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۱۶) او پروردگار دوشمیرق و دو مغرب است. (۱۷)

فَبِأَيِّ آءِ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ۝۱۸ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ۝۱۹ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۱۸) دو دریای مختلف (شور و شیرین، گرم و سرد) را در کنار هم قرار داد، در حالی که با هم تماس ندارند؛ (۱۹) در میان آن دو

لَا يَبْغِيَانِ ۝۲۰ فَبِأَيِّ آءِ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ۝۲۱ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ

مانعی است که یکی بر دیگری غلبه نمی‌کند (و به هم نمی‌آمیزند). (۲۰) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۲۱) از آن دو، لؤلؤ و مرجان

وَالْمَرْجَانُ ۝۲۲ فَبِأَيِّ آءِ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ۝۲۳ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي

خارج می‌شود. (۲۲) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۲۳) و برای او (و از ناحیه او) است کشتیهای کوه پیکر ساخته شده که

الْبَحْرِ كَالْأَعْلَمِ ۝۲۴ فَبِأَيِّ آءِ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ۝۲۵ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ۝۲۶

در دریا به حرکت در می‌آیند! (۲۴) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۲۵) همه کسانی که روی آن [= زمین] هستند فانی می‌شوند، (۲۶)

وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَلِ وَالْإِكْرَامِ ۝۲۷ فَبِأَيِّ آءِ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ۝۲۸

و تنها ذات صاحب جلال و کرامی پروردگارت باقی می‌ماند. (۲۷) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۲۸)

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ۝۲۹ فَبِأَيِّ آءِ الْآءِ

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از او تقاضا می‌کنند، و او هر روز در شأن و کاری است. (۲۹) پس کدامین نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ۝۳۰ سَنَفِرُ لَكُمْ أَيْهَ الثَّقَلَانِ ۝۳۱ فَبِأَيِّ آءِ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۳۰) ای دو گروه انس و جن! بزودی به (حساب) شما می‌پردازیم! (۳۱) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۳۱)

﴿۳۲﴾ يَمْعَشَرُ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّ أَسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفِذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ

(۳۲) ای گروه جن و انس! اگر می‌توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید،

وَالْأَرْضِ فَاَنْفِذُوا أَلَّا تَنْفِذُونَ إِلَّا بِسُلْطَنِ ﴿۳۳﴾ فَبِأَيِّ آيَةٍ رَّبِّكُمْ تَكْذِبَانِ

ولی هرگز نمی‌توانید، مگر با نیرویی (فوق العاده). (۳۳) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟!

﴿۳۴﴾ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظٌ مِّن نَّارٍ وَنَحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿۳۵﴾ فَبِأَيِّ آيَةٍ رَّبِّكُمْ تَكْذِبَانِ

(۳۴) (در قیامت) شعله‌هایی از آتش، و دودهایی متراکم بر شما فرستاده می‌شود؛ و نمی‌توانید از کسی یاری طلبید. (۳۵) پس کدامین

رَبِّكُمْ تَكْذِبَانِ ﴿۳۶﴾ فَإِذَا أَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ﴿۳۷﴾ فَبِأَيِّ

نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۳۶) در آن هنگام که آسمان شکافته شود و همچون روغن مذاب گلگون گردد (حوادث هولناکی رخ می‌دهد که تاب تحمل آن را نخواهید

آيَةٍ رَّبِّكُمْ تَكْذِبَانِ ﴿۳۸﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ ﴿۳۹﴾

داشت). (۳۷) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۳۸) در آن روز هیچ‌کس از انس و جن از گناهش سؤال نمی‌شود (و همه چیز روشن است). (۳۹)

فَبِأَيِّ آيَةٍ رَّبِّكُمْ تَكْذِبَانِ ﴿۴۰﴾ يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمِهِمْ فَيُؤْخَذُ

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۴۰) مجرمان از چهره‌هایشان شناخته می‌شوند؛ و موهای پیش سر،

بِالنُّوْصَى وَالْأَقْدَامِ ﴿۴۱﴾ فَبِأَيِّ آيَةٍ رَّبِّكُمْ تَكْذِبَانِ ﴿۴۲﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي

و پاهایشان را می‌گیرند (و به دوزخ می‌افکنند). (۴۱) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۴۲) این همان دوزخی است

يُكْذِبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿۴۳﴾ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَأَنْ فَبِأَيِّ آيَةٍ رَّبِّكُمْ تَكْذِبَانِ

که مجرمان آن را انکار می‌کردند. (۴۳) اکنون در میان آن و آب سوزان در رفت و آمدند. (۴۴) پس کدامین

رَبِّكُمْ تَكْذِبَانِ ﴿۴۵﴾ وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ﴿۴۶﴾ فَبِأَيِّ آيَةٍ رَّبِّكُمْ تَكْذِبَانِ

نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۴۵) و برای کسی که از مقام پروردگارش خائف است، دو باغ بهشتی است. (۴۶) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان

تَكْذِبَانِ ﴿۴۷﴾ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ﴿۴۸﴾ فَبِأَيِّ آيَةٍ رَّبِّكُمْ تَكْذِبَانِ ﴿۴۹﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ

را انکار می‌کنید؟! (۴۷) (آن دو باغ بهشتی) دارای انواع نعمتها (و درختان پرتراوت) است. (۴۸) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۴۹) در آنها دو چشمه

تَجْرِيَانِ ﴿۵۰﴾ فَبِأَيِّ آيَةٍ رَّبِّكُمْ تَكْذِبَانِ ﴿۵۱﴾ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ

همیشه جاری است. (۵۰) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۵۱) در آن دو، از هر میوه‌ای دو نوع وجود دارد (هر یک از دیگری بهتر).

﴿۵۲﴾ فَبِأَيِّ آيَةٍ رَّبِّكُمْ تَكْذِبَانِ ﴿۵۳﴾ مُتَكَبِّرِينَ عَلَى فُرْشٍ بَطَّأْنَهَا مِنْ

(۵۲) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۵۳) این در حالی است که آنها بر فرشهایی تکیه کرده‌اند

إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ ﴿۵۴﴾ فَبِأَيِّ آيَةٍ رَّبِّكُمْ تَكْذِبَانِ ﴿۵۵﴾ فِيهِنَّ

با آسترهایی از دیبا و ابریشم، و میوه‌های رسیده آن دو باغ بهشتی نزدیک (و در دسترس) است. (۵۴) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۵۵) در آن

قَصِرَتْ‌ الطَّرْفُ لَمْ يَطْمِئِنَّ انْسُ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ ﴿٥٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا

باغهای بهشتی زناتی هستند که جز به همسران خود عشق نمی‌ورزند؛ و هیچ انس و جنی پیش از ایشان با آنان تماس نداشته است. (۵۶) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان

تُكذِّبَانِ ﴿٥٧﴾ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٥٨﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

را انکار می‌کنید؟! (۵۷) آنها همچون یاقوت و مرجانند. (۵۸) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟!

﴿٥٩﴾ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ ﴿٦٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ﴿٦١﴾ وَمِنْ

(۵۹) آیا جزای نیکی جز نیکی است؟! (۶۰) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۶۱) و پایین‌تر

دُونَهُمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ﴿٦٣﴾ مُدْهَمَّتَانِ ﴿٦٤﴾ فَبِأَيِّ

از آنها، دو باغ بهشتی (دیگر) است. (۶۲) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۶۳) هر دو خزم و سرسبزند. (۶۴) پس کدامین

ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ﴿٦٥﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا

نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۶۵) در آنها دو چشمه جوشنده است. (۶۶) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان

تُكذِّبَانِ ﴿٦٧﴾ فِيهِمَا فَكِّهَةٌ وَنَخْلٌ وَرَمَّانٌ ﴿٦٨﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ﴿٦٩﴾

را انکار می‌کنید؟! (۶۷) در آنها میوه‌های فراوان و درخت خرما و انار است. (۶۸) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۶۹)

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ ﴿٧٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ﴿٧١﴾ حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ

و در آن باغهای بهشتی زناتی نیکوخلق و زیباوند. (۷۰) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۷۱) حوریانی که در

فِي الْخِيَامِ ﴿٧٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ﴿٧٣﴾ لَمْ يَطْمِئِنَّ انْسُ قَبْلَهُمْ وَلَا

خیمه‌های بهشتی مستورند. (۷۲) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۷۳) هیچ انس و جنی پیش از ایشان با آنها تماس

جَانٌ ﴿٧٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ﴿٧٥﴾ مُتَكَبِّرِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ

نداشته است (۷۴) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۷۵) این در حالی است که بهشتیان بر تختهایی سبز رنگ

وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ ﴿٧٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ ﴿٧٧﴾ تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي

ممتاز و زیبا تکیه زده‌اند. (۷۶) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۷۷) پربرکت و زوال‌ناپذیر است نام پروردگار

الْجَلَلِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٧٨﴾

صاحب جلال و بزرگواری تو. (۷۸)

۳- سوره واقعه

درباره تلاوت این سوره روایات زیادی در منابع اسلامی ذکر شده است، از جمله در حدیثی از

رسول خدا ﷺ می خوانیم: «کسی که سوره واقعه را بخواند نوشته می شود که این فرد از غافلان نیست»^۱.
چرا که آیات سوره آن قدر تکان دهنده و بیدارکننده است که جایی برای غفلت انسان باقی نمی گذارد.
در حدیث دیگری از رسول خدا ﷺ نقل شده که فرمود: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْوَاقِعَةِ كُلَّ لَيْلَةٍ لَمْ تُصِبْهُ
فَاقَةٌ أَبَدًا؛ هر کس سوره واقعه را هر شب بخواند هرگز فقیر نخواهد شد»^۲.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ❶ لَيْسَ لَوْعَتِهَا كَاذِبَةٌ ❷ خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ ❸ إِذَا

هنگامی که واقعه عظیم (قیامت) واقع شود، (۱) هیچ کس نمی تواند آن را انکار کند. (۲) (این واقعه) گروهی را پایین می آورد و گروهی را بالا می برد. (۳) در آن هنگام که

رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ❹ وَ بُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ❺ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا ❻

زمین به شدت به لرزه درمی آید، (۴) و کوهها درهم کوبیده می شود، (۵) و بصورت غبار پراکنده درمی آید، (۶)

وَ كُنْتُمْ أَرْوَاجًا ثَلَاثَةً ❷ فَأَصْحَبُ الْمِئْمَنَةِ مَا أَصْحَبُ الْمِئْمَنَةِ ❸ وَأَصْحَابُ

و شما (در آن زمان) سه گروه خواهید بود. (۷) (نخست) سعادتمنان و خستگان (هستند)؛ چه سعادتمنان و خستگانی! (۸) و (گروه دیگر)

الْمَشْئِمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْئِمَةِ ❹ وَالسَّبِقُونَ السَّبِقُونَ ❺ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ

شقاوتمنان و شوماند، چه شقاوتمنان و شومانی! (۹) و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامند، (۱۰) آنها مقربانند.

❶ فِي جَنَّتِ النَّعِيمِ ❷ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ❸ وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ ❹

(۱۱) در باغهای پر نعمت بهشت (جای دارند). (۱۲) گروه زیادی (از آنها) از امتهای نخستین اند، (۱۳) و اندکی از امتهای آخرین. (۱۴)

عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ ❶ مُتَكِبِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ ❷ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ

(مقربان) بر تختهایی که که در صفوف مختلف در کنار هم چیده شده قرار دارند، (۱۵) در حالی که بر آنها تکیه زده و رو به روی یکدیگرند. (۱۶) نوجوانانی جاودان (در شکوه و

مُخَلَّدُونَ ❷ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ ❸ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا

طراوت) پیوسته برگرد آنان می گردند، (۱۷) با قدها و کوزهها و جامهایی لبریز از شراب ظهور. (۱۸) شرابی که نه آن درد سر می گیرند

وَلَا يَنْزِفُونَ ❶ وَفَكَهَّةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ ❷ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ❸ وَحُورٌ

ونه مست می شوند. (۱۹) و میوههایی از هر نوع که انتخاب کنند، (۲۰) و گوشت پرنده از هرگونه که مایل باشند. (۲۱) و همسرانی از

۱. مجمع البیان، جلد ۹، صفحه ۳۵۴ و مستدرک الوسائل، جلد ۴، صفحه ۳۵۱، حدیث ۸۹.

۲. مجمع البیان، جلد ۹، صفحه ۳۵۴.

عَيْنٌ ﴿٢٢﴾ كَأَمْثَلِ اللَّوْلُؤِ الْمَكْنُونِ ﴿٢٣﴾ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ لَا يَسْمَعُونَ

حورالعین دارند، (۲۲) همچون مروارید (در صدف) پنهان. (۲۳) اینها پاداشی است مطابق اعمالی که انجام می‌دادند. (۲۴) در آنجا نه لغو و بیهوده‌ای می‌شنوند

فِيهَا لَعْوًا وَلَا تَأْتِيَمًا ﴿٢٥﴾ إِلَّا قِيَلًا سَلَامًا سَلَامًا ﴿٢٦﴾ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا

نه سخنان گناه آلود؛ (۲۵) تنها سخنی که می‌شنوند «سلام» است «سلام». (۲۶) و اصحاب یمین و

أَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿٢٧﴾ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ﴿٢٨﴾ وَوَطْحٍ مَّنْضُودٍ ﴿٢٩﴾ وَظِلِّ مَمْدُودٍ

خجستان، چه اصحاب یمین و خجستانی! (۲۷) آنها در سایهٔ درختان «سدر» بی‌خار قرار دارند، (۲۸) و در سایه درخت خوش رنگ و پر برگ «طرح»، (۲۹) و سایه‌ای گسترده،

﴿٣٠﴾ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ﴿٣١﴾ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ﴿٣٢﴾ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ﴿٣٣﴾

(۳۰) و در کنار آبشارها، (۳۱) و میوه‌های فراوان، (۳۲) که هرگز پایان نمی‌گیرد و ممنوع نمی‌شود، (۳۳)

وَفُرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ ﴿٣٤﴾ إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنِشَاءً ﴿٣٥﴾ فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا ﴿٣٦﴾ عُرْبًا

و همسرانی والا مقام، (۳۴) ما آنها را آفرینش نوینی بخشیدیم، (۳۵) و همه را دوشیزه قرار دادیم، (۳۶) زنانی که تنها به

أَثْرَابًا ﴿٣٧﴾ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٣٨﴾ ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٩﴾ وَثَلَاثَةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿٤٠﴾

همسرشان عشق می‌ورزند (و خوش زبان و فصیح) و همسن و سالند، (۳۷) اینها همه برای اصحاب یمین است، (۳۸) که گروهی از امت‌های نخستینند، (۳۹) و گروهی از امت‌های

وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿٤١﴾ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤٢﴾ وَظِلِّ

آخرین. (۴۰) و اصحاب شمال، چه اصحاب شمالی (که نامهٔ اعمالشان به نشانهٔ جرمشان به دست چپ آنها داده شده) (۴۱) آنها در میان باهادهای کشنده و آب سوزان قرار دارند،

مِّن يَّحْمُومٍ ﴿٤٣﴾ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٤﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿٤٥﴾ وَكَانُوا

(۴۲) و در سایهٔ دودهای متراکم و آتش زار! (۴۳) سایه‌ای که نه خنک است و نه آرام‌بخش. (۴۴) آنها پیش از این (در عالم دنیا) مست و مغرور نعمت بودند، (۴۵) و همواره

يُصِرُّونَ عَلَى الْاِحْتِ الْعَظِيمِ ﴿٤٦﴾ وَكَانُوا يَقُولُونَ إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا

بر گناهان بزرگ اصرار می‌ورزیدند، (۴۶) و می‌گفتند: «هنگامی که ما مُردیم و خاک و استخوان شدیم،

وَعِظْمًا أَعْنَا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٤٧﴾ أَوْ ءَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿٤٨﴾ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَ

آیا برانگیخته خواهیم شد؟! (۴۷) و آیا پدران نخستین ما (برانگیخته می‌شوند؟! (۴۸) بگو: «اولین

الْآخِرِينَ ﴿٤٩﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٥٠﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيْهَا

و آخرین، (۴۹) همگی در موعد روزی معین گردآوری می‌شوند، (۵۰) سپس شما ای

الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ ﴿٥١﴾ لَا يَكْلُونُ مِنْ شَجَرٍ مِّن زَقُومٍ ﴿٥٢﴾ فَمَا لُتُونَ مِنْهَا

گمراهان تکذیب کننده! (۵۱) به یقین از درخت (نفرت‌انگیز) زقوم می‌خورید، (۵۲) و شکمها را از آن

الْبُطُونَ ﴿٥٣﴾ فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ فَشَرِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ ﴿٥٥﴾ هَذَا

پر می‌کنید، (۵۳) و روی آن از آب سوزان می‌نوشید، (۵۴) و همچون شتران تشنه، از آن می‌شامید. (۵۵) این است

نَزَلَهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٥٦﴾ نَحْنُ خَلَقْنَكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ

وسيله پذيرايي از آنها در روز جزا! ﴿٥٦﴾ ما شما را آفريديم؛ پس چرا (آفرينش مجدد را) تصديق نمي‌كنيد؟! ﴿٥٧﴾ آيا از نطفه‌اي كه (در رحم) مي‌ريزيد آگاهيد؟!

﴿٥٨﴾ اَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ اَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ﴿٥٩﴾ نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ

﴿٥٨﴾ آيا شما آن را (در دوران جنيني) آفريش (بي در بي) مي‌دهيد يا ما آفريدگاريم؟! ﴿٥٩﴾ ما در ميان شما مرگ را مقدر ساختيم؛ و هرگز كسي بر ما

بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾ عَلَيَّ اَنْ يُبَدَّلَ امثالِكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ

پيشي نمي‌گيرد. ﴿٦٠﴾ تا شما را به صورت ديگري تبديل كرده و در جهاني كه نمي‌دانيد آفريشي (تازه) بخشيم! ﴿٦١﴾ شما عالم

عَلِمْتُمْ النِّشْأَةَ الْاُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ﴿٦٣﴾ اَنْتُمْ

نخستين را دانستيد؛ پس چرا متذكر نمي‌شويد كه جهاني بعد از آن است؟! ﴿٦٢﴾ آيا درباره آنچه كشت مي‌كنيد انديشيدديد؟! ﴿٦٣﴾ آيا شما

تَزَرَعُونَهُ اَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴿٦٤﴾ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطًا مَّا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ

آن را مي‌رويانيد يا ما مي‌رويانيم؟! ﴿٦٤﴾ اگر مي‌خواستيم آن را مبذل به كاه در هم كوييده مي‌كرديم تا در تعجب فرو رويد!

﴿٦٥﴾ اِنَّا لَمُعْرَمُونَ ﴿٦٦﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ

﴿٦٥﴾ (يكونه‌اي كه) مي‌گفتيد: براسي ما زيان كرده‌ايم، ﴿٦٦﴾ بلكه ما بكلي محروم شده‌ايم! ﴿٦٧﴾ آيا به آبي كه مي‌نوشيد انديشيدديد؟! ﴿٦٨﴾

﴿٦٨﴾ اَنْتُمْ اَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ اَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ ﴿٦٩﴾ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ اَجَاجًا

آيا شما آن را از ابر نازل كرده‌ايد يا ما نازل مي‌كنيم؟! ﴿٦٩﴾ اگر مي‌خواستيم، اين آب گوارا را تلخ و شور قرار مي‌داديم؛

فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ﴿٧١﴾ اَنْتُمْ اَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا

پس چرا شكر نمي‌كنيد؟! ﴿٧٠﴾ آيا درباره آتشي كه مي‌افروزيد فكر كرده‌ايد؟! ﴿٧١﴾ آيا شما درخت آن را آفريده‌ايد

اَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ ﴿٧٢﴾ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ ﴿٧٣﴾ فَسَبِّحْ

يا ما آفريده‌ايد؟! ﴿٧٢﴾ ما آن را وسيله يادوري (پوي همگان) و وسيله زندگي براي مسافران قرار داده‌ايم. ﴿٧٣﴾ حال كه چنين است به نام

بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ فَلَا اُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ﴿٧٥﴾ وَاِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ

پروردگار بزرگت تسبيح گوي (و او را پاك و منزّه بشمار). ﴿٧٤﴾ سوگند به جاياگاه ستارگان (و محل طلوع و غروب آنها)! ﴿٧٥﴾ و اين سوگندي است بسيار بزرگ،

عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾ اِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿٧٨﴾ لَا يَمَسُّهُ اِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

اگر بدانيد! ﴿٧٦﴾ كه آن، قرآن پر ارزشي است، ﴿٧٧﴾ كه در كتاب محفوظي جاي دارد، ﴿٧٨﴾ و جز پاكان نمي‌توانند به آن دست زنند (و دست يابند).

﴿٧٩﴾ تَنْزِيلٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾ اَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ اَنْتُمْ مُدْهِنُونَ ﴿٨١﴾

﴿٧٩﴾ آن از سوي پروردگار جهانيان نازل شده؛ ﴿٨٠﴾ آيا اين سخن را [= اين قرآن را با اوصافي كه گفته شد] سست و كوچك مي‌شمريد، ﴿٨١﴾

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ اَنْكُمْ تَكْذِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَلَوْلَا اِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ ﴿٨٣﴾ وَ اَنْتُمْ

و به جاي شكر روزهائي كه به شما داده شده (آن را) تكذيب مي‌كنيد؟! ﴿٨٢﴾ پس چرا هنگامي كه جان به گلوگاه مي‌رسد (توانايي بازگرداندن آن را نداريد)! ﴿٨٣﴾ و شما

حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ ﴿٨٤﴾ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿٨٥﴾ فَلَوْلَا

در این حال نظاره می‌کنید (و کاری از دستان ساخته نیست)؛ (۸۴) و ما از شما به او نزدیک‌تریم ولی نمی‌بینید. (۸۵) اگر (با انتقال به سوی دیگر،

إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ﴿٨٦﴾ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٨٧﴾ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ

هرگز در برابر اعمالتان) جزا داده نمی‌شود، (۸۶) پس آن (روح) را بازگردانید اگر راست می‌گویید! (۸۷) (ولی) هرگاه

الْمُقَرَّبِينَ ﴿٨٨﴾ فَرُوحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٌ ﴿٨٩﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ

او از مقربان باشد، (۸۸) در رُوح و ریحان و بهشت پر نعمت است. (۸۹) اما اگر از اصحاب یمین باشد، (۹۰) (به او گفته می‌شود): سلام بر تو از سوی اصحاب

الْيَمِينِ ﴿٩٠﴾ فَسَلِّمْ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩١﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ

یمین (که) از یاران (تواند). (۹۱) اما اگر او از تکذیب‌کنندگان

الضَّالِّينَ ﴿٩٢﴾ فَنَزَلَ مِنْ حَمِيمٍ ﴿٩٣﴾ وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ ﴿٩٤﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقٌّ

گمراه باشد، (۹۲) با آب سوزان دوزخ پذیرایی می‌شود (۹۳) و سرنوشت او ورود در آتش جهنم است؛ (۹۴) به یقین حق

الْيَقِينِ ﴿٩٥﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٩٦﴾

و یقین این است. (۹۵) پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح کن (و او را منزه بشمار). (۹۶)

۴- سوره جمعه

در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «هرکس سوره جمعه را بخواند، خداوند به تعداد کسانی که در بلاد مسلمین در نماز جمعه شرکت می‌کنند و کسانی که شرکت نمی‌کنند، به او ده حسنه می‌بخشد.»^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همواره تسبیح خدا می‌گویند، خداوندی که مالک و حاکم است و از هر عیب و نقصی مبرا، و توانا

الْحَكِيمِ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ

و حکیم است. (۱) او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده پیامبری از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها بخواند

وَيُرَكِّبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

و آنها را ترکیه کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت بیاموزد، هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

﴿۲﴾ وَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَدْحُقُوا فِيهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۳﴾ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ

(۲) و (همچنین) پیامبر است بر گروه دیگری که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند؛ و او توانا و حکیم است. (۳) این فضل خداست

يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿۴﴾ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ

که به هرکس بخواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد؛ و خداوند دارای فضل عظیم است. (۴) داستان کسانی که مکلف به تورات شدند ولی

لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا

حق آن را ادا نکردند، مانند داستان درازگوشی است که کتابهایی حمل می‌کند، (اما چیزی از آن نمی‌فهمد). چه بد است مثل گروهی که

بَيَّاتِ اللَّهُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۵﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ

آیات خدا را انکار کردند، و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند. (۵) بگو: «ای یهودیان! اگر گمان می‌کنید که (فقط) شما

زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

دوستان خداييد نه ساير مردم، پس اگر راست می‌گويد آرزوی مرگ کنید (تا به لقای محبتان برسید)»

﴿۶﴾ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿۷﴾ قُلْ

(۶) ولی آنان بخاطر اعمالی که از پیش فرستاده‌اند، هرگز آرزوی مرگ نمی‌کنند؛ و خداوند ستمگران را بخوبی می‌شناسد. (۷) بگو:

إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ

«مرگی که از آن فرار می‌کنید سرانجام با شما ملاقات خواهد کرد؛ سپس به سوی کسی که دانای پنهان

وَالشَّهَادَةِ فَيُنسَبُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ

و آشکار است باز گردانده می‌شوید؛ نگاه شما را از آنچه انجام می‌دادید خبر می‌دهد.» (۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز

لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ

روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا (و نماز) بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است

إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۹﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا

اگر می‌دانستید! (۹) و هنگامی که نماز پایان گرفت (می‌توانید) در زمین پراکنده شوید (و به سراغ کسب و کار رفته)

مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۰﴾ وَإِذَا رَأَوْا تِجْرَةً أَوْ

و از فضل خدا بطلبید، و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید. (۱۰) هنگامی که آنها تجارت یا

لَهُوَ أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكَوْكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمَنْ

سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند و تو را ایستاده به حال خود رها می‌کنند؛ بگو: «آنچه نزد خداست بهتر از لهو

التِّجْرَةِ وَاللَّهُ خَيْرٌ الرَّازِقِينَ ﴿۱۱﴾

و تجارت است، و خداوند بهترین روزی دهندگان است.» (۱۱)

۵- سوره منافقین

در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است: «کسی که سوره منافقین را بخواند از هرگونه نفاق پاک می‌شود»^۱.

و در حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌خوانیم:

«بر هر مؤمنی از شیعیان ما لازم است که در شب جمعه، سوره «جمعه» و «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» را بخواند، و در نماز ظهر جمعه، سوره «جمعه» و «منافقین» را بخواند؛ سپس افزود: «هنگامی که چنین کند گویی عملی همانند عمل رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را انجام داده و جزا و پاداشش بر خدا، بهشت است»^۲.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ

هنگامی که منافقان نزد تو آیند می‌گویند: «ما شهادت می‌دهیم که به یقین تو پیامبر خدا هستی!» خداوند می‌داند که تو پیامبر او هستی،

وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ﴿١﴾ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنِ

ولی خداوند شهادت می‌دهد که منافقان دروغگو هستند (زیرا گفته خود ایمان ندارند). (۱) آنها سوگندهایشان را پوششی قرار دادند تا (مردم را) از

سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ

راه خدا باز دارند، و چه بد است آنچه انجام می‌دادند. (۲) این بخاطر آن است که (نخست) ایمان آوردند سپس کافر شدند؛

عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٣﴾ وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ

از این رو بر دل‌های آنان مهر نهاده شده، و (حقیقت را) درک نمی‌کنند. (۳) هنگامی که آنها را می‌بینی، ظاهر (آراسته) آنان تو را در شگفتی فرو می‌برد؛

يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خَشْبٌ مُسْنَدَةٌ يَحْسِبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ

و اگر سخن بگویند، به سخانشان گوش فرا می‌دهی؛ اما گویی جویهای خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده است؛ هر فریادی (از هر جا) بلند شود

هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُهُمْ قَتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٤﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا

بر ضد خود می‌پندارند؛ آنها دشمنان واقعی (تو) هستند، از آنان بر حذر باش! خدا آنها را بکشد، چگونه (از حق) منحرف می‌شوند؟! (۴) هنگامی که به آنان گفته شود:

يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّارُءٌ وَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ

«بیاید تا پیامبر خدا برای شما طلب آمرزش کند»، سرهای خود را (از روی استهزاء و غرور) تکان می‌دهند؛ و آنها را می‌بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می‌ورزند.

۱. مجمع البیان، آغاز سوره منافقین، جلد ۱۰، صفحه ۱۶.

۲. ثواب الاعمال، صفحه ۱۱۸ و نورالتقلین، جلد ۵، صفحه ۳۳۱، حدیث ۱.

﴿۵﴾ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ

(۵) برای آنها آمرزش بخواهی یا نخواهی بر ایشان تفاوت نمی‌کند، هرگز خداوند آنان را نمی‌بخشد؛ زیرا خداوند گروه

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿۶﴾ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ

فاسقان (لجوج و منافق) را هدایت نمی‌کند. (۶) آنها کسانی هستند که می‌گویند: «به افرادی که نزد

رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ

پیامبر خدا هستند انفاق نکنید تا پراکنده شوند.» (غافل از این‌که) خزاین آسمانها و زمین از آن خداست،

الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ﴿۷﴾ يَقُولُونَ لِنَبِيِّنَا الرَّجْعُ إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَا الْأَعْرَابُ

ولی منافقان نمی‌فهمند. (۷) آنها می‌گویند: «اگر به مدینه باز گردیم، عزیزان، ذلیلان را بیرون می‌کنند!»

مِنْهَا الْأَذَلُّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ

در حالی که عزت مخصوص خدا و پیامبر او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی‌دانند.

﴿۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ

(۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکند!

يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿۹﴾ وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ

و کسانی که چنین کنند، زیانکارانند. (۹) و از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید،

أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ

پیش از آن‌که مرگ یکی از شما فرا رسد و بگوید: «پروردگارا! چرا مرگ مرا مدت کمی به تأخیر نینداختی

فَأَصْدَقَ وَأَكْنَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۰﴾ وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا

تا (در راه تو) صدقه دهم و از صالحان باشم؟!» (۱۰) خداوند هرگز مرگ کسی را هنگامی که اجل او فرا رسد به تأخیر نمی‌اندازد،

وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۱﴾

و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۱۱)

۶- سورة نبا (عمّ یتسائلون)

در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام ﷺ آمده است: «کسی که سورة «عمّ یتسائلون» را بخواند، خداوند از

شراب طهور گوارای بهشتی در قیامت سیرایش می‌کند.»^۱

و در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «کسی که هر روز، سوره عمّ يتسألون را ادامه دهد توفیق زیارت خانه خدا را پیدا می‌کند»^۱.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ۱ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ ۲ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ۳ كَلَّا

آنها از چه چیز از یکدیگر سؤال می‌کنند؟! (۱) از خبر بزرگ و پر اهمیت (رستاخیز)! (۲) که پیوسته در آن اختلاف دارند. (۳) چنین نیست (که آنها فکر می‌کنند).

سَيَعْلَمُونَ ۴ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ۵ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا ۶ وَالْجِبَالَ

بزودی خواهند دانست. (۴) باز هم چنین نیست (که آنها می‌پندارند) بزودی می‌دانند (که قیامت حق است)! (۵) آیا زمین را محل آرامش (شما) قرار ندادیم؟! (۶) و کوهها را

أَوْ تَادًا ۷ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ۸ وَجَعَلْنَا نُومَكُمْ سُبَاتًا ۹ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ

میخهایی (برای زمین)؟! (۷) و شما را بصورت زوجها آفریدیم! (۸) و خواب شما رامایه آرامستان قرار دادیم، (۹) و شب را

لِبَاسًا ۱۰ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ۱۱ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ۱۲

پوششی (برای شما)، (۱۰) و روز را وسیله‌ای برای زندگی و معاش. (۱۱) و بر فراز شما هفت (آسمان) محکم بنا کردیم. (۱۲)

وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا ۱۳ وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۱۴ لِنُخْرِجَ

و چراغی روشن و حرارت بخش آفریدیم! (۱۳) و از ابرهای باران‌زا آبی فراوان نازل کردیم. (۱۴) تا بوسیله آن

بِهِ حَبًّا وَتَبَاتًا ۱۵ وَجَنَّتٍ أَلْفَافًا ۱۶ إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ كَانَ مِيقَتًا ۱۷ يَوْمَ

دانه و گیاه بسیار برویانیم، (۱۵) و باغهایی پر درخت. (۱۶) (آری) روز جدایی (حق از باطل)، میعاد همگان است! (۱۷) روزی که

يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ۱۸ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ۱۹ وَ

در «صور» دمیده می‌شود و شما فوج فوج (به محشر) می‌آید. (۱۸) و آسمان گشوده می‌شود و بصورت درهای متعددی در می‌آید. (۱۹) و

سُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ۲۰ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ۲۱ لِلطَّغِينِ

کوهها به حرکت درمی‌آید (و متلاشی می‌شود) و بصورت سرابی خواهد شد. (۲۰) به یقین (در آن روز) جهنم کمیگاهی است بزرگ، (۲۱) و محل بازگشتی

مَا بَأْسًا ۲۲ لِبَشِيرٍ فِيهَا أَهْقَابًا ۲۳ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ۲۴ إِلَّا

برای طغیانگران. (۲۲) مدت‌های طولانی در آن می‌مانند. (۲۳) در آن‌جا نه چیز خنکی می‌چشند و نه نوشیدنی گوارایی، (۲۴) جز آبی

حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿٢٥﴾ جَزَاءً وِفَاقًا ﴿٢٦﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿٢٧﴾

سوزان و مایعی از چرک و خون. (۲۵) این مجازاتی است موافق و مناسب (اعمالشان). (۲۶) چرا که آنها هیچ امیدی به حساب نداشتند، (۲۷)

وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا ﴿٢٨﴾ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ﴿٢٩﴾ فَذُوقُوا فَلَنْ

و آیات ما را به طور کامل تکذیب کردند. (۲۸) و ما همه چیز را در کتابی شمارش و ثبت کرده‌ایم. (۲۹) پس (به آنان گفته می‌شود): بچشید

نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿٣٠﴾ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٣١﴾ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ﴿٣٢﴾ وَكَوَاعِبَ

که چیزی جز عذاب بر شما نمی‌افزاییم! (۳۰) به یقین برای پرهیزگاران نجات و رستگاری بزرگی است: (۳۱) باغ‌هایی سرسبز، و انواع انگورها، (۳۲) و حوریانی بسیار جوان

أَثْرَابًا ﴿٣٣﴾ وَكَأْسًا دِهَاقًا ﴿٣٤﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا ﴿٣٥﴾ جَزَاءً مِمَّنْ

و همنس و سال، (۳۳) و جامه‌هایی لبریز و پیایی (از شراب طهور). (۳۴) در آن جا نه سخن لغو و بی‌په‌دهای می‌شنوند و نه دروغی. (۳۵) این پاداشی است از

رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ﴿٣٦﴾ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنِ لَا

سوی پروردگارت و عطیه‌ای است مطابق (اعمالشان). (۳۶) همان پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آن دو است، همان پروردگار رحمان؛ (در آن روز)

يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ﴿٣٧﴾ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا

هیچ کس حق ندارد بی اجازه او سخنی بگوید (یا شفاعتی کند). (۳۷) روزی که «روح» و «ملائکه» به صف می‌ایستند و هیچ یک، جز

مَنْ أذنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٣٨﴾ ذَلِكَ الْيَوْمَ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ

به اذن خداوند رحمان، سخن نمی‌گوید، و (آنگاه که می‌گویند) درست می‌گویند. (۳۸) آن روز حق است؛ هر کس بخواهد (اکنون) راه

إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَابًا ﴿٣٩﴾ إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ

بازگشتی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند. (۳۹) و ما شما را از عذاب نزدیکی بیم دادیم؛ در روزی که انسان آنچه را از قبل با دستهای خود

يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴿٤٠﴾

فرستاده می‌بیند، و کافر می‌گوید: «ای کاش خاک بودم (و گرفتار عذاب نمی‌شدم)!» (۴۰)

۷- سورة اُعلى

در فضیلت تلاوت این سوره همین بس که در روایتی آمده که یکی از یاران علی علیه السلام می‌گوید: «بیست شب پشت سر آن حضرت نماز خواندم، جز سوره اُعلى را در نماز نمی‌خواند و می‌فرمود اگر می‌دانستید چه برکاتی در آن است، هر یک از شما در هر روز بیست بار آن را تلاوت می‌کردید، و هر کس آن را بخواند گویی کتب و صحف موسی و ابراهیم را تلاوت کرده است.»^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ❶ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ❷ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ❸

مژه شمار نام پروردگار بلند مرتبهات را! (۱) همان خداوندی که آفرید و موزون ساخت، (۲) و همان کس که اندازه‌گیری کرد و هدایت نمود، (۳)

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ❹ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ❺ سَنَقِرُ لَكَ فَلَا تَنْسَى ❻

و آن کس که چراگاه را به وجود آورد، (۴) سپس آن را تیره و خشکیده ساخت. (۵) ما بزودی (قرآن را) بر تو می‌خوانیم و هرگز فراموش نخواهی کرد، (۶)

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى ❽ وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى ❾ فَذَكَرْ ❿

مگر آنچه را خدا بخواهد، که او آشکار و نهان را می‌داند. (۷) و ما انجام کار خیر را برای تو آسان می‌سازیم. (۸) پس تذکر ده

إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى ❶ سَيَذَكُرُنَّ مِنْ يَخْشَى ❷ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ❸ الَّذِي

به یقین تذکر مفید خواهد بود. (۹) بزودی آن‌که از خدا می‌ترسد متذکر می‌شود. (۱۰) اما بدبخت‌ترین افراد از آن دوری می‌گزیند، (۱۱) همان کسی

يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ❹ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ❺ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ❻

که در آتش عظیم (دوزخ) وارد می‌شود، (۱۲) سپس در آن آتش نمی‌میرد و نه زنده می‌شود. (۱۳) به یقین کسی که خود را پاکیزه ساخت، رستگار شد.

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ❻ بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ❽ وَالْآخِرَةَ خَيْرَ ❾

(۱۴) و (آن کس که) نام پروردگارش را یاد کرد و نماز خواند. (۱۵) ولی شما زندگی دنیا را مقدم می‌دارید، (۱۶) در حالی که آخرت بهتر

وَأَبْقَى ❿ إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ❶ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ❷

و پایدارتر است. (۱۷) این (دستورها) در کتب آسمانی پیشین (نیز) آمده است، (۱۸) در کتب ابراهیم و موسی. (۱۹)

۸- سوره شمس

در فضیلت تلاوت این سوره، همین بس که در حدیثی از پیغمبر ﷺ آمده است: «هر کس آن را بخواند

گویی به عدد چیزهایی که خورشید و ماه بر آنها می‌تابد در راه خدا صدقه داده است»^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ❶ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ❷ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا ❸ وَاللَّيْلِ

به خورشید و گسترش نور آن در صبحگاهان سوگند، (۱) و به ماه هنگامی که از بی آن در آید، (۲) و به روز هنگامی که خورشید را آشکار سازد، (۳) و به شب آن

إِذَا يَغْشَاهَا ۙ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ۙ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ۙ وَنَفْسٍ وَمَا

هنگام که آن را بپوشاند، (۴) و سوگند به آسمان و کسی که آن را بنا کرده، (۵) و به زمین و کسی که آن را گسترانیده، (۶) و سوگند به روح آدمی و آن کس

سَوَّاهَا ۙ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۙ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۙ وَقَدْ

که آن را (آفریده و) موزون ساخته، (۷) سپس فجور و تقوایش [= شر و خیرش] را به او الهام کرده است، (۸) که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده؛ (۹) و

خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ۙ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ۙ إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا ۙ

آن که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است! (۱۰) قوم «ثمود» بر اثر طغیانشان، (پیامبر خود را) تکذیب کردند، (۱۱) آنگاه که شقی‌ترین آنها

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ۙ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَادْمَدَمَ

به پا خاست؛ (۱۲) و پیامبر خدا به آنان گفت: «ناقه (و معجزه خداوند) را با آیشخورش واگذارید.» (۱۳) ولی آنها او را تکذیب و ناقه را پی کردند (و به هلاکت رساندند)؛ از

عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ۙ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ۙ

این رو پروردگارشان آنها را بخاطر گناهشان درهم کوبید و با خاک یکسان کرد. (۱۴) و او هرگز از فرجام مجازات ستمگران، باک ندارد. (۱۵)

۹-سوره شرح (الم نشرح)

در فضیلت تلاوت این سوره در حدیثی از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم که فرمود: «هر کس این سوره را بخواند، پاداش کسی را دارد که محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را غمگین دیده و اندوه را از قلب او زدوده است.»^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ۙ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ۙ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ۙ

آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم، (۱) و بار سنگینت را از (دوش) تو برداشتیم؟! (۲) همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می‌کرد. (۳)

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۙ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۙ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۙ فَإِذَا

و آواز تو را بلند ساختیم. (۴) (آری) به یقین با سختی آسانی است. (۵) مسلماً با سختی آسانی است، (۶) پس هنگامی

فَرَعْتَ فَإِنْصَبْ ۙ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَب ۙ

که از مهمی فارغ می‌شوی به مهم دیگری پرداز، (۷) و به سوی پروردگارت توجه کن. (۸)

۱۰-سوره قدر

در فضیلت تلاوت این سوره همین بس که از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل است که فرمود: «هر کس آن را تلاوت کند، مانند کسی است که ماه رمضان را روزه گرفته، و شب قدر را احیا داشته است.»^۲

۱. مجمع البیان، آغاز سوره شرح، جلد ۱۰، صفحه ۳۸۷. ۲. مجمع البیان، آغاز سوره قدر، جلد ۱۰، صفحه ۴۰۳.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ۝ لَيْلَةُ الْقَدْرِ

به یقین ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم. (۱) و تو چه می‌دانی شب قدر چیست؟! (۲) شب قدر

خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۝ تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ

بہتر از هزار ماه است. (۳) فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارش برای (تقدیر) هر امری نازل می‌شوند.

سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ۝

(۴) شبی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده. (۵)

۱۱-سورة زلزله

در فضیلت این سوره تعبیرات مهمی در روایات اسلامی آمده، از جمله در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «هر کس آن را تلاوت کند گویی سوره بقره را قرائت کرده، و پاداش او به اندازه کسی است که یک چهارم قرآن را تلاوت کرده باشد»^۱.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ۝ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ۝ وَقَالَ

هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید، (۱) و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد. (۲) و انسان می‌گوید:

الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ۝ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ۝ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ۝

«زمین را چه می‌شود (که این گونه می‌لرزد)؟! (۳) در آن روز زمین تمام خبرهایش را بازگو می‌کند؛ (۴) چرا که پروردگارت به آن وحی کرده است. (۵)

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ۝ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

در آن روز مردم بصورت گروه‌های پراکنده (از قبرها) خارج می‌شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود. (۶) پس هر کس هموزن ذره‌ای کار

خَيْرًا يَرَهُ ۝ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ۝

خیر انجام دهد آن را می‌بیند. (۷) و هر کس هموزن ذره‌ای کار بد کرده آن را (نیز) می‌بیند. (۸)

۱۲- سورة عاديات

در فضیلت تلاوت این سوره از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «هر کس سوره «والعاديات» را بخواند و بر آن مداومت کند، خداوند روز قیامت او را با امیر مؤمنان علیه السلام مبعوث می‌کند و در جمع او و دوستان او خواهد بود.»^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا ۝۱۱ فَاَلْمُورِيَّتِ قَدْحًا ۝۱۲ فَاَلْمُغِيرَاتِ صُبْحًا ۝۱۳ فَاَثَرْنَ

سوگند به اسبان دونده (مجاهدان) در حالی که نفس زنان به پیش می‌تاختند، (۱) و سوگند به افروزندگان جرعه آتش در برخورد سهمایشان (با سنگهای بیابان)، (۲) و سوگند به

بِه نَقْعًا ۝۱۴ فَوْسَطْنِ بِه جَمْعًا ۝۱۵ اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّه لَكَنُودٌ ۝۱۶ وَاِنَّهٗ عَلٰى

هجوم آوران در سینه دم، (۳) که گرد و غبار به هر سو پراکنند، (۴) و (ناگهان) در میان جمع (دشمن) ظاهر شدند، (۵) که انسان در برابر نعمتهای پروردگارش بسیار ناسپاس

ذٰلِكَ لَشَهِيدٌ ۝۱۷ وَاِنَّهٗ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيْدٌ ۝۱۸ اَفَلَا يَعْلَمُ اِذَا بُعِثَرِ مَا فِى الْقُبُوْرِ

و بخیل است؛ (۶) و او خود(نیز) بر این گواه است؛ (۷) و به یقین او علاقه شدیدی به مال دارد. (۸) آیا نمی‌داند در آن زمان که تمام کسانی که در قبرها هستند برانگیخته

۹ وَحُصِّلَ مَا فِى الصُّدُوْرِ ۝۱۰ اِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيْرٌ ۝۱۱

می‌شوند، (۹) و آنچه در درون سینه‌هاست آشکار می‌گردد، (۱۰) در آن روز پروردگارش از آنها کاملاً آگاه است؟! (۱۱)

۱۳- سورة تکاثر

در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود:

«کسی که این سوره را بخواند، خداوند در برابر نعمت‌هایی که در دنیا به او داده او را مورد حساب قرار نمی‌دهد.»^۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اَلْهٰكُمُ التَّكٰثُرُ ۝۱ حَتّٰى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ۝۲ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۝۳ ثُمَّ

افزون طلبی (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته است. (۱) تا آن جا که به دیدار قبرها رفتید (و به فزونی قبور مردگانتان افتخار کردید). (۲) چنین نیست بزودی خواهید

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۝۴ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُوْنَ عِلْمَ الْيَقِيْنِ ۝۵ لَتَرُوْنَ الْجَحِيْمَ ۝۶

دانست! (۳) باز چنان نیست؛ بزودی خواهید دانست! (۴) هرگز چنان نیست (که شما خیال می‌کنید)؛ اگر شما علم‌الیقین (به آخرت) داشتید! (۵) به یقین شما جهنم را خواهید

۱. مجمع البیان، آغاز سوره عادیات، جلد ۱۰، صفحه ۴۲۱. ۲. همان مدرک، آغاز سوره تکاثر، جلد ۱۰، صفحه ۴۳۰.

ثُمَّ لَتَرُونَهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ﴿٧﴾ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ﴿٨﴾

دید. (۶) سپس (با ورود در آن) آن را به عین الیقین مشاهده خواهید کرد. (۷) سپس در آن روز (همه شما) از نعمتها (ی الهی) بازپرسی خواهید شد. (۸)

۱۴- سوره کوثر

در فضیلت تلاوت این سوره در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «هر کس آن را تلاوت کند خداوند او را از نهرهای بهشتی سیراب خواهد کرد...»^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِنَّا أَنْعَمْنَا عَلَيْكَ الْكَوْثَرَ ﴿١﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ ﴿٢﴾ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿٣﴾

به یقین ما به تو کوثر (و خیر و برکت فراوان) عطا کردیم. (۱) پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن. (۲) (و بدان) دشمن تو به یقین ابتر و بریده نسل است. (۳)

۱۵- سوره کافرون

درباره فضیلت این سوره روایات فراوانی نقل شده که حاکی از اهمیّت محتوای آن است، از جمله: در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «کسی که سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» را بخواند، گویی ربع قرآن را خوانده و شیاطین طغیانگر از او دور می‌شوند و از شرک پاک می‌گردد و از وحشت (روز قیامت) در امان خواهد بود».^۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا

یگو: ای کافران! (۱) آنچه را شما می‌پرستید من نمی‌پرستم. (۲) و نه شما آنچه را من می‌پرستم می‌پرستید، (۳) و نه من آنچه

أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾

را شما پرستش کرده‌اید می‌پرستم، (۴) و نه شما آنچه را که من می‌پرستم پرستش می‌کنید؛ (۵) (حال که چنین است) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم! (۶)

۱۶- سورة نصر

در فضیلت تلاوت این سوره در حدیثی از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است: «کسی که آن را تلاوت کند همانند این است که در خدمت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در فتح مکه بوده است»^۱.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ۝۱ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ

هنگامی که یاری خدا و پیروزی (بر مشرکان مکه) فرا رسد، (۱) و بینی مردم گروه گروه وارد دین خدا

أَفْوَاجًا ۝۲ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ۝۳

می‌شوند، (۲) پروردگارت را تسبیح و حمد گوی و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه‌پذیر است. (۳)

۱۷- سورة اخلاص (قل هو الله)

در فضیلت تلاوت این سوره، روایات زیادی در منابع معروف اسلامی آمده است که حاکی از عظمت فوق العاده آن می‌باشد، از جمله: در حدیثی از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم که فرمود: «آیا کسی از شما توانایی دارد یک سوم قرآن را در یک شب بخواند؟!». یکی از حاضران عرض کرد: ای رسول خدا! آیا این کار ممکن است؟ فرمود: «قل هو الله احد را بخوانید»^۲.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝۱ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝۲ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝۳ وَلَمْ يَكُن لَّهُ

بگو: «او خداوند، یکتا و یگانه است؛ (۱) خداوندی بی‌نیاز است که همه نیازمندان قصد او می‌کنند؛ (۲) (هرگز) نژاد، و زاده نشد؛ (۳) و برای او هیچ‌گاه شبیه

كُفُوًا أَحَدٌ ۝۴

و مانند‌ی نبوده است.» (۴)

۱۸- سوره فلق

در فضیلت این سوره از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که فرمود: «آیاتی بر من نازل شده که همانند آنها نازل نشده است و آن دو سوره «فلق» و «ناس» است.^۱ و در حدیث دیگری از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌خوانیم: «کسی که در سه رکعت نماز «شفع» و «وتر» سوره «فلق» و «ناس» و «قل هو الله أحد» را بخواند به او گفته می‌شود: بشارت باد بر تو، خداوند نماز تو را قبول کرد.»^۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝۱ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝۲ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۝۳

بگو: «پناه می‌برم به پروردگار سپیده صبح، (۱) از شر آنچه آفریده است؛ (۲) و از شر هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می‌شود؛ (۳)

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۝۴ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝۵

و از شر آنها که (با افسون و سحر) در گره‌ها می‌دمند؛ (۴) و از شر حسود هنگامی که حسد می‌ورزد.» (۵)

۱۹- سوره ناس

در فضیلت تلاوت این سوره (غیر از روایتی که در بیان فضیلت سوره فلق گذشت) روایات متعددی وارد شده است.^۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝۱ مَلِكِ النَّاسِ ۝۲ إِلَهِ النَّاسِ ۝۳ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ

بگو: «پناه می‌برم به پروردگار مردم، (۱) مالک و حاکم مردم، (۲) معبود مردم، (۳) از شر وسوسه‌گر

الْخَنَّاسِ ۝۴ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝۵ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۝۶

پنهانکار. (۴) که در درون سینه مردمان وسوسه می‌کند، (۵) خواه از جن باشد یا از انسان» (۶)

۱. نورالتقلین، جلد ۵، صفحه ۷۱۶، حدیث ۳ و مجمع‌البیان، آغاز سوره فلق، جلد ۱۰، صفحه ۴۹۱.

۲. نورالتقلین، جلد ۵، صفحه ۷۱۶، حدیث ۱ و مجمع‌البیان، آغاز سوره فلق، جلد ۱۰، صفحه ۴۹۱.

۳. رجوع شود به: نورالتقلین، جلد ۵، صفحه ۷۲۴ و مجمع‌البیان، آغاز سوره ناس، جلد ۱۰، صفحه ۴۹۵.

۲۰- «آیه‌الکرسی» یکی از مهمترین آیات قرآن

در اهمّیت و فضیلت این آیه همین بس که از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده است که از یکی از یاران خود سؤال کرد «کدام آیه برترین آیه کتاب الله است؟» عرض کرد: **اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ...** پیامبر ﷺ دست بر سینه او زد و فرمود: «دانش بر تو گوارا باد...»^۱

در حدیث دیگری از حضرت علی عليه السلام از پیامبر ﷺ می‌خوانیم که فرمود: «برگزیده قرآن، سوره بقره و برگزیده بقره، آیه‌الکرسی است، در آن، پنجاه کلمه و در هر کلمه برکتی است»^۲.
در حدیث دیگری آمده است که هر کس به بستر می‌رود، تسبیح حضرت زهرا عليها السلام بگوید، سپس آیه‌الکرسی را بخواند تا صبح از همه چیز در امان خواهد بود.^۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي

هیچ معبودی جز خداوند یگانه زنده و پاینده نیست، (خداوندی که قائم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قائم به او). هیچ گاه خواب سبک و سنگینی او را فرا نمی‌گیرد؛ (و

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ

لحظه‌ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی‌ماند؛ آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست که در نزد او، جز به فرمانش شفاعت کند؟! آینده و گذشته بندگان را

أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ

می‌داند؛ و کسی از علم او آگاه نمی‌گردد؛ جز به مقداری که او بخواهد. (اوست که به همه چیز آگاه است؛ و علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی‌پایان و نامحدود اوست).

كُرْسِيِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا يُؤْدُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ لَا

تخت (حکومت) او، آسمانها و زمین را دربرگرفته؛ و نگاهداری آن دو [= آسمان و زمین]، او را خسته نمی‌کند. و اوست بلند مرتبه و با عظمت. (۲۵۵)

إِكْرَاهٍ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن

اکراهی در قبول دین، نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابراین، کسی که به طاغوت [= بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد،

بِاللَّهِ فَقَدْ أَسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾ اللَّهُ

به محکم‌ترین دستگیره چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست. و خداوند، شنوا و داناست. (۲۵۶) خداوند،

۱. دز المنثور، ذیل آیه‌الکرسی، جلد ۱، صفحه ۳۲۲. ۲. مستدرک الوسائل، جلد ۴، صفحه ۳۳۶، حدیث ۲۷.

۳. بحارالانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۶۶، حدیث ۱۱ (با تلخیص).

وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنها را از ظلمت‌ها خارج ساخته، به سوی نور می‌برد. ولی کسانی که کافر

أَوْلِيَآؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ

شدند، اولیای آنها طاغوت‌ها هستند؛ که آنها را از نور خارج ساخته، به سوی ظلمت‌ها می‌برند؛ آنها اهل

النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾

دوزخند و جاودانه در آن خواهند بود. (۲۵۷)

نکته:

همان‌گونه که در آغاز این سوره‌ها گفتیم شواهد و قرائن فراوانی در دست است که نشان می‌دهد این آثار، برکات و پاداش‌ها از آن کسی است که در محتوای این آیات بیندیشد و آن را در زندگی خود پیاده کند.

بخش دوم

مناجاتها و دعاهای معروف



- | | |
|------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------|
| ۱۰- دعای مجیر | ۱- مناجات پانزده گانه امام سجّاد <small>علیه السلام</small> |
| ۱۱- دعای جوشن کبیر | ۲- مناجاتی منظوم از امیر مؤمنان علی <small>علیه السلام</small> |
| ۱۲- دعای جوشن صغیر | ۳- دعاهاى قرآنى |
| ۱۳- دعای توسّل به چهارده معصوم <small>علیهم السلام</small> | ۴- دعای صباح |
| ۱۴- دعای مکارم الاخلاق | ۵- دعای کمیل |
| ۱۵- دعای ندبه | ۶- دعای عشرات |
| ۱۶- دعای حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> | ۷- دعای سمات |
| ۱۷- حدیث کسا | ۸- دعای مشلول |
| | ۹- دعای یستشیر |

لهمیت و آثار دعا و مناجات

مناجات‌ها و دعاهای معروف

مقدمه: اهمیت و آثار دعا و مناجات

همان‌گونه که در آغاز کتاب گذشت، دعا و مناجات یکی از بهترین وسیله‌های ارتباط معنوی با خداوند و کسب صفای باطن و تهذیب نفس است.

اگر دعا کننده بداند چه کسی را می‌خواند و در برابر چه بزرگی به راز و نیاز مشغول است و چه مفاهیم بلندی در دعاهای معروف آمده است، چنان سرمست از باده مناجات می‌شود که هیچ لذتی را در عالم با آن برابر نمی‌یابد.

دعا و مناجات، روح را صفا، جان را پاکی و دل را نورانیت می‌بخشد.

تضرع و زاری در پیشگاه حضرت حق و راز و نیاز در محضر معبود متعال و غلتیدن مروارید اشکی بر چهره بنده و زدودن غبار غفلت و گناه به وسیله سرشک پشیمانی، همه و همه نمودهای بندگی و امتیاز انسان از سایر موجودات و وسیله‌ای برای کسب بالاترین افتخار عالم خلقت است.

وقتی که دل شکسته می‌شود و اشکی بر گونه‌ها روان می‌گردد و زبان به تسبیح و تقدیس الهی باز می‌شود و در پی آن کلماتی در استغفار و عذرخواهی ادا می‌گردد، پیوند و ارتباط با حضرت احدیت تحقق می‌یابد و آن زمان بهترین لحظه عرض حاجات و بیان خواسته‌هاست.



با هر زبانی و با هر کلمه‌ای که بتوان بندگی را رساند و استغفار و توبه کرد و نیازها را برشمرد با ارزش است؛ ولی بدون تردید، دعاها و مناجاتی که از طریق والاترین مخلوقات عالم امکان و برترین بندگان شایسته الهی رسیده است، جامع، بدون نقص و انسان‌ساز است، و هر دعایی خود مجموعه‌ای از درسهاست.

مناجات‌ها و دعاهایی که از جانب معصومین علیهم‌السلام رسیده است، چون از بینش عمیق خدانشناسانه‌ای برخوردار است و از انسانهای کامل و راسخان در علم و دانش صادر شده است، از هر نظر قابل اعتماد است و در آن هیچ یک از عوارض جاری در میان اوراد نشأت گرفته از افکار بشری وجود ندارد. آنان چون خدا را به خوبی شناخته‌اند و اوصاف او را به خوبی می‌دانند، آنچه بر زبانشان در دعا و مناجات جاری شده است، پیراسته از خرافات و تعبیرات ناموزون است.



دعاهایی که از طریق خاندان عصمت علیهم‌السلام رسیده است به قدری از نظر محتوا و مضمون، عالی و بلند است که خود دلیل بر صحت سند آنهاست و انسان به وضوح درمی‌یابد که چنین کلمات و ذکرهایی، جز از وجود مقدس آنان نمی‌تواند صادر شود و دیگران را یارای ادای این مضامین بلند نیست. ما در این بخش، دعاها و مناجاتی را ذکر می‌کنیم که علاوه بر بلندی محتوا و مضمون، از شهرت و یا اسناد قابل قبولی برخوردار باشد.

بار دیگر تأکید می‌کنیم آنگاه می‌توانیم از دعا و مناجات بهره‌ عمیق و وافر بگیریم که در معانی آنها دقت کنیم و آن را در وجود خود پیاده نماییم و به صورت درس‌های انسان سازی پیام آنها را بشنویم.



مناجات پانزده‌گانه امام سجّاد علیه السلام

مرحوم «علامة مجلسی» در «بحارالانوار» می‌گوید: من این مناجات را در کتب برخی از اصحاب یافتم که از امام زین‌العابدین علیه السلام نقل کرده‌اند.^۱

۱- مناجات التائبين (توبه‌کنندگان)

مناجات و راز و نیاز بنده‌ای است که قصد توبه و بازگشت به خداوند را دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِلٰهِي الْبَسْتَنِي الْخَطَايَا تَوْبَ مَذَلَّتِي، وَجَلَلَنِي التَّبَاعُدُ مِنْكَ لِبَاسِ

خدایا خطاها و گناهان لباس خواری بر تنم کرده و دوری از تو جامه بیچارگی بر تنم افکنده و

مَسَكَنَتِي، وَأَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جُنَايَتِي، فَأَحْيِهِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ يَا أَمَلِي وَبُعَيْتِي،

بزرگ جنایتم دلم رامیرانده پس تو زنده‌اش کن به بازگشت خودت (بسوی من) ای آرزو و مقصودم و ای خواسته و آرمانم

وَيَا سُوْلِي وَمُنِيَّتِي، فَوَعِزَّتِكَ مَا أَجِدُ لِذُنُوبِي سِوَاكَ غَافِرًا، وَلَا أَرَىٰ

به عزتت سوگند برای گناهانم جز تو آمرزنده‌ای نیابم و برای شکستگیم جز تو شکسته‌بندی نبینم

لِكَسْرِي غَيْرَكَ جَابِرًا، وَقَدْ خَضَعْتُ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَعَنَوْتُ بِالْإِسْتِكَانَةِ

و من بوسیله‌ آه و ناله بسوی تو بدرگهت خاضع گشته و با زاری در برابرت خود را به خواری کشاندم

لَدَيْكَ، فَإِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ، وَإِنْ رَدَدْتَنِي عَنْ جَنَابِكَ فَبِمَنْ

پس اگر توام از درگاه خویش برای در آن حال به که روآورم؟ و اگر توام از نزد خویش بازگردانی به که پناه برم؟

أَعُوذُ، فَوَا أَسْفَاهُ مِنْ خَجَلْتِي وَأَفْتِضَاحِي، وَوَالْهَفَاهُ مِنْ سُوءِ عَمَلِي

و بس افسوس از شرمندگی و رسواییم و ای دریغ از کار بد و گناهایی که بدست آورده‌ام

وَأَجْتِرَاحِي، أَسْأَلُكَ يَا غَافِرَ الذُّنُوبِ الْكَبِيرِ، وَيَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ، أَنْ

از تو خواهم ای آمرزنده گناه بزرگ و ای شکسته‌بند استخوان شکسته که

تَهَبَ لِي مُوبِقَاتِ الْجَرَائِرِ، وَتَسْتُرْ عَلَيَّ فَاضِحَاتِ السَّرَائِرِ، وَلَا تُخْلِنِي

بخشی بر من گناهان نابود کننده‌ام را و بپوشی بر من کارهای پنهانی رسوا کننده را و مرا در بازار

فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِكَ وَغَفْرِكَ، وَلَا تُعْرِنِي مِنْ جَمِيلِ صَفْحِكَ

قیامت از نسیم جان‌بخش عفو و آمرزش محروم نفرمایی و از لباس زیبای گذشت و چشم‌پوشی خود برهنه‌ام نکنی

وَسَتْرِكَ، إِلَهِي ظَلَّلْتُ عَلَى ذُنُوبِي غَمَامَ رَحْمَتِكَ، وَأَرْسِلْ عَلَيَّ عُيُوبِي

خدایا سایه ابر رحمتت را بر گناهانم بینداز و ابریزان مهربانی و رأفت را برای شستشوی

سَحَابِ رَأْفَتِكَ، إِلَهِي هَلْ يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْأَبْقُ إِلَّا إِلَىٰ مَوْلَاهُ، أَمْ هَلْ يُجِيرُهُ

عیب‌هایم بفرست خدایا آیا بنده فراری جز به درگاه مولایش به کجا بازگردد یا آیا کسی جز او هست که

مِنْ سَخَطِهِ أَحَدٌ سِوَاهُ، إِلَهِي إِنْ كَانَ النَّدَمُ عَلَى الذَّنْبِ تَوْبَةً فَإِنِّي وَعِزَّتِكَ

وی را از خشم او پناه دهد معبودا اگر پشیمانی بر گناه توبه محسوب شود پس به عزتت سوگند که براستی من

مِنَ النَّادِمِينَ، وَإِنْ كَانَ الْأِسْتِغْفَارُ مِنَ الْخَطِيئَةِ حِطَّةً فَإِنِّي لَكَ مِنَ

از پشیمانانم و اگر آمرزش خواهی از خطا آن را پاک کند پس براستی من از آمرزش خواهانم

الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَكَ الْعُتْبَىٰ حَتَّىٰ تَرْضَىٰ، إِلَهِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ تَبَّ عَلَيَّ،

خدایا تو را سزد که مرا مؤاخذه کنی تا گاهی که خشنود شوی خدایا به همان قدرتی که بر من داری توبه‌ام بپذیر

وَبِحِلْمِكَ عَنِّي اعْفُ عَنِّي، وَبِعِلْمِكَ بِي إِزْفُقْ بِي، إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ

و به بردباریت از من بگذر و به همان علمت که به احوال من داری یا من مدارا کن خدایا تویی که دری از عفو خود بسوی

لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَىٰ عَفْوِكَ، سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ، فَقُلْتَ: تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا.

بندگان باز کردی و نامش را توبه گذاردی و فرمودی «بسوی خدا بازگردید با توبه صادقانه»

فَمَا عَذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ، إِلَهِي إِنْ كَانَ قَبْحَ الذَّنْبِ مِنْ

پس دیگر چه عذری دارد آن کس که از وارد شدن در این در باز شده غفلت ورزد خدایا اگر براستی سر زدن گناه از بنده‌ات زشت است

عَبْدِكَ فَلْيُحْسِنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ، إِلَهِي مَا أَنَا بِأَوَّلِ مَنْ عَصَاكَ فَتُبَّتْ

ولی گذشت نیز از نزد تو نیکوست معبودا من نخستین کسی نیستم که نافرمانیت کرده و توبه پذیرش گشته‌ام

عَلَيْهِ، وَتَعَرَّضَ لِمَعْرُوفِكَ فَجُدْتَ عَلَيْهِ، يَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّ، يَا كَاشِفَ

و خواستار احسانت گشته و تو بر او احسان کرده‌ای، ای پذیرنده بیچاره ای غم‌زدا

الضَّرِّ، يَا عَظِيمَ الْبِرِّ، يَا عَلِيمًا بِمَا فِي السَّرِّ، يَا جَمِيلَ السُّرِّ، اسْتَشْفَعْتُ

ای بزرگ احسان ای دانای اسرار پنهان ای نیکو پرده‌پوش شفیع گردانم

بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيْكَ، وَتَوَسَّلْتُ بِجَنَابِكَ [بِحَنَانِكَ] وَتَرَحُّمِكَ لَدَيْكَ،

نزد تو جود و کرمت را و توسل جستم به حضرتت و به مهربانیت و ترخمت در پیش تو

فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَلَا تُخَيِّبْ فِيكَ رَجَائِي، وَتَقَبَّلْ تَوْبَتِي، وَكَفِّرْ

پس دعایم مستجاب کن و امیدم را درباره خودت به نومیذی مبدل مکن و توبهام را بپذیر

خَطِيئَتِي بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

و گناهم را به کرم و مهربانی خود نادیده گیر ای مهربانترین مهربانان.

۲- مناجات الشاکین (شکایت کنندگان)

مناجات کسانی است که به درگاه خداوند شکایت می‌برند؛ شکایت از نفس افارهِ و تمایلات نفس سرکش و شکایت از سختی دل و قساوت قلب و وسوسه‌های شیطان و از او برای غلبه بر اینها کمک می‌طلبند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِلٰهِي إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَّارَةً، وَإِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً،

خدایا به سوی تو شکایت آورم از نفسی که مرا همواره به بدی وادارد و به سوی گناه شتاب دارد

وَبِمَعَاصِيكَ مُوَلَّعَةً، وَبِسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً، تَسْلُكُ بِي مَسَالِكَ الْمَهَالِكِ،

و به نافرمانیهای حریص است و به موجبات خشم‌دست درازی کند مرا به راههایی که منجر به هلاکت می‌شود می‌کشد

وَتَجْعَلُنِي عِنْدَكَ أَهْوَنَ هَالِكٍ، كَثِيرَةَ الْعِلَلِ، طَوِيلَةَ الْأَمَلِ، إِنَّ مَسْهًا الشَّرِّ

و بصورت پست‌ترین نابودشدگان درم آورد بیمارهایش بسیار و آرزویش دراز است اگر شری به او رسد بی‌تاب شود

تَجَزَعُ، وَإِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمْنَعُ، مِيَالَةً إِلَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ، مَمْلُوءَةً بِالْعَفْلَةِ

و اگر خیری نصیبش گردد سرکشی کند به اسباب بازی و سرگرمیهای

وَالسَّهْوِ، تُشْرِعُ بِي إِلَى الْحَوْبَةِ، وَتَسُوِّفُنِي بِالتَّوْبَةِ، إِلٰهِي أَشْكُو إِلَيْكَ عَدُوًّا

بیهوده بسیار متمایل و از بی‌خبری و فراموشی انباشته است مرا به سوی گناه شتاب دهد و به نوبت توبه به امروز و فردا ببرد کند خدایا به تو شکایت آورم از دشمنی

يُضِلُّنِي، وَشَيْطَانًا يُعْوِينِي، قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِي، وَأَحَاطَتْ

که گمراهم کند و شیطانی که مرا از راه بدر برد سینه‌ام را پر از وسوسه کرده

هَوَاجِسُهُ بِقَلْبِي، يُعَاذُ لِي الْهَوَى، وَيَزِينُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا، وَيَحُولُ بَيْنِي

و تحریکات زهرآگیش قلبم را احاطه کرده به هوا و هوسم کمک کند و دوستی دنیا را پیش چشمم آرایش دهد میان من و

وَبَيْنَ الطَّاعَةِ وَالزُّلْفَى، إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو قَلْبًا قَاسِيًا مَعَ الْوَسْوَاسِ مُتَقَلِّبًا،

فرمانبرداری و تقرب به درگاهت حائل گردد خدایا پیش تو شکوه آرم از دلی که سخت شده و بدست وسوسه‌ها بگردد

وَبِالرَّيْنِ وَالطَّبَعِ مُتَلَبِّسًا، وَعَيْنًا عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ خَوْفِكَ جَامِدَةً، وَإِلَى مَا

و به زنگ (خودبینی) و خوی زشت پوشیده شده، و از دیدهای که به هنگام گریه کردن از خوف تو خشک است ولی برای

يَسْرُهَا طَامِحَةً، إِلَهِي لَا حَوْلَ لِي وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِقُدْرَتِكَ، وَلَا نَجَاةَ لِي مِنْ

نگریستن به مناظر خوش‌آیندش خیره و حریص است خدایا جنبش و نیرویی برای من نیست جز به نیروی تو و راه نجاتی از

مَكَارِهِ الدُّنْيَا إِلَّا بِعِصْمَتِكَ، فَاسْأَلْكَ بِبِلَاغَةِ حِكْمَتِكَ، وَنَفَاذِ مَشِيَّتِكَ، أَنْ

گرفتاریهای دنیا ندارم جزنگهداری تو پس از تو می‌خواهم به حکمت رسالت و به مشیت جاری و گذرایت

لَا تَجْعَلَنِي لِغَيْرِ جُودِكَ مُتَعَرِّضًا، وَلَا تُصَيِّرْنِي لِلْفِتَنِ غَرَضًا، وَكُنْ لِي

که مرا تنها در معرض جود و بخشش خود درآوری و هدف‌تیرهای بلا و آزمایش قرارم ندهی و مرا در

عَلَى الْأَعْدَاءِ نَاصِرًا، وَعَلَى الْمَخَازِي وَالْأَعْيُوبِ سَاتِرًا، وَمِنَ الْبَلَاءِ

پیروزی بر دشمنان یاری کنی و رسواییها و عیوب را بیوشانی و از بلا محافظتم کنی

وَاقِيًا، وَعَنِ الْمَعَاصِي عَاصِمًا، بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

و از گناهان نگاهم داری به مهر و رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

۳- مناجات الخائفین (خائفان)

مناجات کسانی است که از خدا ترسانند و با زبان خوف و ترس، سخن می‌گویند و از حضرتش کمک

می‌جویند، ولی در حقیقت ترس آنها از گناهان خویش و برخورد عادلانه خدا با آنهاست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِلَهِي أَتْرَاكَ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِكَ تَعَذُّبُنِي، أَمْ بَعْدَ حُبِّي إِيَّاكَ تُبْعِدُنِي، أَمْ مَعَ

خدایا آیا چنان می‌بینی که پس از ایمان آوردنم به تو مرا عذاب کنی یا پس از دوستیم به تو مرا از خود دور کنی یا با

رَجَائِي لِرَحْمَتِكَ وَصَفْحِكَ تَحْرُمُنِي، أَمْ مَعَ اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِكَ

امیدی که به رحمت و چشم پوشیت دارم محروم سازی یا با پناه آوردنم به عفو و گذشتت مرا بدست

تُسَلِّمُنِي، حَاشَا لَوَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُخَيِّبَنِي، لَيْتَ شِعْرِي أَلِلسَّقَاءِ

دوزخ سپاری؟ هرگز! از ذات بزرگوار تو دور است که محروم کنی، ای کاش می دانستم که

وَلَدْتَنِي أُمِّي، أَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّنِي، فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِي وَ لَمْ تُرَبِّنِي، وَ لَيْتَنِي

آیا مادرم مرا برای بدبختی زاییده یا برای رنج و مشقت مرا پروریده؟ کاش مرا نزیاده و بزرگ نکرده بود و کاش

عَلِمْتُ أَمِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي، وَ بِقُرْبِكَ وَ جِوَارِكَ خَصَصْتَنِي، فَتَقَرَّرَ

می دانستم ای خدا که آیا مرا از اهل سعادت قرارم داده و به مقام قرب و جوار خویش مخصوص گردانده ای تا چشمم

بِذَلِكَ عَيْنِي، وَ تَطْمَئِنُّ لَهُ نَفْسِي، إِلَهِي هَلْ تُسَوِّدُ وُجُوهًا خَرَّتْ سَاجِدَةً

بدین سبب روشن گشته و دلم مطمئن گردد خدایا آیا برآستی سیاه کنی چهرههایی را که در برابر عظمتت به خاک افتاده یا

لِعَظَمَتِكَ، أَوْ تُخْرِسُ أَلْسِنَةً نَطَقَتْ بِالثَّنَاءِ عَلَيَّ مَجْدِكَ وَ جَلَالَتِكَ، أَوْ تَطْبَعُ

لال کنی زبانهای را که به ثناگویی دربارهٔ مجد و شوکتت گویا شده یا مهر زنی

عَلَيَّ قُلُوبِ أَنْطَوَتْ عَلَيَّ مَحَبَّتِكَ، أَوْ تُصِمُّ أَسْمَاعًا تَلَذَّذَتْ بِسَمَاعِ ذِكْرِكَ

بر دلهایی که دوستی تو را در بردارد یا کر کنی گوشههایی را که به شنیدن ذکرت

فِي إِرَادَتِكَ، أَوْ تَعْلُ أَكْفَأُ رَفَعَتْهَا الْأَمَالَ إِلَيْكَ رَجَاءً رَافِتِكَ، أَوْ تُعَاقِبُ

در ارادت ورزی به تو لذت برند یا ببندی به زنجیر کيفر دستهایی را که آمال و آرزوها به امید مهتر آنها را به سوی تو بلند کرده یا کيفر کنی

أَبْدَانًا عَمِلَتْ بِطَاعَتِكَ حَتَّى نَحَلْتَنِي فِي مُجَاهَدَتِكَ، أَوْ تُعَذِّبُ أَرْجُلًا

بدنهایی را که در طاعتت کار کرده تابه جایی که در راه کوشش برای تو نزار گشته یا شکنجه دهی پاهایی را که

سَعَتْ فِي عِبَادَتِكَ، إِلَهِي لَا تُغْلِقْ عَلَيَّ مَوْحِدِيكَ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَلَا

در پرستشت راه یافته خدایا درهای رحمتت را به روی بکتا پرستانت میند

تُحْجِبُ مُشْتَاقِيكَ عَنِ النَّظَرِ إِلَى جَمِيلِ رُؤْيَتِكَ، إِلَهِي نَفْسٌ أَعَزَزْتُهَا

و مشتاقانت را از مشاهدهٔ جمال دیدارت محروم مکن خدایا نفسی را که به وسیلهٔ توحید و

بِتَوْحِيدِكَ، كَيْفَ تُدَلِّهَا بِمَهَانَةٍ هِجْرَانِكَ، وَ ضَمِيرٌ أُنْعَدَ عَلَيَّ مَوَدَّتِكَ، كَيْفَ

یگانه پرستیت عزیز داشته ای چگونه به خواری هجرانت پست کنی و نهادی را که با دوستی تو بیوند شده چگونه به

تُحْرِقُهُ بِحَرَارَةِ نِيرَانِكَ، إِلَهِي أَجْرُنِي مِنَ الْيَمِّ غَضَبِكَ وَ عَظِيمِ سَخَطِكَ،

حرارت آنتست بسوزانی خدایا پناهم ده از خشم دردناک و غضب بزرگت

يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، يَا جَبَّارُ يَا قَهَّارُ، يَا غَفَّارُ يَا سَتَّارُ،

ای مهربور ای پربخشش ای مهربان ای بخشاینده ای دارای بزرگی و عظمت ای به قهر گیرنده ای پرده‌پوش

نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ عَذَابِ النَّارِ، وَفَضِيحَةِ الْعَارِ، إِذَا أَمْتَاَزَ الْأَخْيَارُ مِنَ

نجاتم ده به رحمت خود از عذاب دوزخ و رسوایی ننگ (یا برهنگی) در آن هنگام که نیکان از بدان جدا گردند

الْأَشْرَارِ، وَحَالَتِ الْأَحْوَالُ، وَهَالَتِ الْأَهْوَالُ، وَقَرَّبَ الْمُحْسِنُونَ، وَبَعُدَ

و احوال دگرگون شود و هول و هراس فراگیر شود و نزدیک و مقرب شوند نیکوکاران و دور گردند

الْمُسِيئُونَ، وَوَفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهَمَّ لَا يُظْلَمُونَ. ۲

بدکاران و به هر کس هر چه کرده است داده شود و ستم به ایشان نشود.

۴- مناجات الراجین (امیدواران)

مناجات کسانی است که با زبان رجا و امید با خدا سخن می‌گویند؛ امیدوار به لطف الهی و پرده‌پوشی‌های او و احسان و فضل پروردگارند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يَا مَنْ إِذَا سَأَلَهُ عَبْدٌ أَعْطَاهُ، وَإِذَا أَمَلَ مَا عِنْدَهُ بَلَغَهُ مُنَاهُ، وَإِذَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ

ای که هرگاه بنده‌ای از او درخواست کند دهدش و هرگاه چیزی را که نزدوست آرزو کند بدان آرزو رساندش و چون بدو رو کند

قَرَّبَهُ وَأَدْنَاهُ، وَإِذَا جَاهَرَهُ بِالْعِضْيَانِ سَتَرَ عَلَى ذَنْبِهِ وَغَطَّاهُ، وَإِذَا تَوَكَّلَ

به مقام قرب خویشش ببرد و چون به آشکاری گناهش کند پرده بر گناهش کشد و آن را بپوشاند و چون بر او توکل کند

عَلَيْهِ أَحْسَبَهُ وَكَفَّاهُ، إِلَهِي مَنْ الَّذِي نَزَلَ بِكَ مُلْتَمِسًا قِرَاكَ فَمَا قَرَيْتَهُ، وَ

کفایتش کند و بسش باشد خدایا کیست که بر درگاه تو و میهمان‌نوازی تو خواهد تو پذیرایش نکنی و

مَنْ الَّذِي أَنَاخَ بِبَابِكَ مُرْتَجِيًا نَدَاكَ فَمَا أَوْلَيْتَهُ، أَيَحْسِنُ أَنْ أَرْجِعَ عَنْ بَابِكَ

کیست که مرکب نیاز خود به دربارت خواباند به امید بخششت و تو احسانش نکنی آیا خوب است که من ناامید از درگاهت

بِالْخَيْبَةِ مَصْرُوفًا، وَلَسْتُ أَعْرِفُ سِوَاكَ مَوْلَى بِالْأِحْسَانِ مَوْصُوفًا، كَيْفَ

باز گردم با این‌که جز تو مولایی را که به احسان نامور باشد نشناسم چگونه

أَرْجُو غَيْرَكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِكَ، وَكَيْفَ أَوْمَلُ سِوَاكَ وَالْخَلْقُ وَالْأَمْرُ لَكَ،

یه جز تو امید داشته باشم با اینکه تمام خیر بدست توست و چگونه به جز تو آرزومند باشم با اینکه خلقت و فرمان از آن توست

أَقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ وَقَدْ أَوْلَيْتَنِي مَا لَمْ أَسْأَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ، أَمْ تُفَقِّرُنِي إِلَىٰ

آیا امیدم را از تو قطع کنم با اینکه تو از فضلت به من عطا کردی چیزی را که من درخواست نکرده بودم یا مرا بمانند خودم نیازمند سازی

مِثْلِي وَأَنَا أَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ، يَا مَنْ سَعَدَ بِرَحْمَتِهِ الْقَاصِدُونَ، وَلَمْ يَشْقَ

با اینکه من به رشته توچنگ زدم ای که به رحمتش سعادتمند گردند قاصدان او و دچار کيفش نشوند

بِنِقْمَتِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ، كَيْفَ أَنْسِيكَ وَلَمْ تَزَلْ ذَاكِرِي، وَكَيْفَ أَلْهُوَ عَنْكَ

آمرزش خواهانش چگونه فراموشت کنم با اینکه تو همیشه به یاد منی و چگونه از یاد تو بیرون روم با اینکه

وَأَنْتَ مُرَاقِبِي، إِلَهِي بِذَيْلِ كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ يَدِي، وَلِنَيْلِ عَطَايَاكَ بَسَطْتُ

تو همیشه مراقب من هستی خدایا من به ذیل کرمت دست انداختم و برای دریافت عطایات دامن آرزویم را گسترده‌ام

أَمَلِي، فَأَخْلَصَنِي بِخَالِصَةِ تَوْحِيدِكَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَةِ عِبِيدِكَ، يَا مَنْ

پس مرا بوسیله یگانگی خالص خود خالص گردان و از زمره بندگان برگزیده‌ات قرارم ده ای که

كُلُّ هَارِبٍ إِلَيْهِ يَلْتَجِي، وَكُلُّ طَالِبٍ إِلَيْهِ يَرْتَجِي، يَا خَيْرَ مَرْجُوٍّ، وَيَا أَكْرَمَ

هر گریخته‌ای به او پناه برد و هر جوینده‌ای به او امید دارد ای بهترین مایه امید و ای بزرگواریترین

مَدْعُوٍّ، وَيَا مَنْ لَا يَرُدُّ سَأْلَهُ، وَلَا يَخِيْبُ أَمَلَهُ، يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ،

خوانده شده و ای که خواننده‌اش را مایوس نکند و آرزومندش را نومید نسازد ای که درگاه او به روی خوانندگان باز

وَ حِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِرَاجِيهِ، أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ أَنْ تَمَنَّ عَلَيَّ مِنْ عَطَايَاكَ بِمَا

و پرده‌اش برای امیدوار به او بالا زده است از تو خواهم به بزرگواریت که بر من بخشی از عطای خویش

تَقَرُّ بِهٖ عَيْنِي، وَمِنْ رَجَائِكَ بِمَا تَطْمَئِنُّ بِهِ نَفْسِي، وَمِنْ الْيَقِينِ بِمَا تَهَوَّنُ بِهِ

به حدی که دیدم بدان روشن گردد و از امیدت بدان مقدار که خاطر مطمئن یابد و از یقین بدان اندازده که

عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا، وَتَجَلَّوْا بِهِ عَنْ بَصِيرَتِي غَشَوَاتِ الْعَمَىٰ، بِرَحْمَتِكَ

پیش آمده‌های ناگوار دنیا بر من آسان گردد و بوسیله آن پرده‌های سیاه کورلی از دیده دل دور شود به رحمت

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱

ای مهربانترین مهربانان

۵- مناجات الرافیین (مشتاقان)

گفتگوی کسانی است که مشتاق الطاف الهی و بهره‌گیری از انوار قدس ربّانی‌اند؛ به عطف و برّ و احسان او و نعمت‌های فراوانش دلخوش‌اند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِلَهِي إِنْ كَانَ قَلَّ زَادِي فِي الْمَسِيرِ إِلَيْكَ، فَلَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِالتَّوَكُّلِ

خدایا اگر توشمام برای بیمودن راه بسوی تو اندک است ولی گمانم به توکل و اعتماد بر تو نیکوست

عَلَيْكَ، وَإِنْ كَانَ جُرْمِي قَدْ أَخَافَنِي مِنْ عِقُوبَتِكَ، فَإِنَّ رَجَائِي قَدْ أَشْعَرَنِي

و اگر جرم و گناه مرا از کیفر تو ترساک کرده ولی امیدم به من نوید ایمنی از

بِالْأَمْنِ مِنْ نِقْمَتِكَ، وَإِنْ كَانَ ذَنْبِي قَدْ عَرَضَنِي لِعِقَابِكَ، فَقَدْ أَدْنَيْ حُسْنُ

انتقامت را می‌دهد و اگر گناه مرا در سر راه کیفرت قرار داده ولی اعتماد خوبی که به تو دارم مرا به

ثِقَتِي بِثَوَابِكَ، وَإِنْ أَنَا مَتْنِي الْغَفْلَةُ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ، فَقَدْ نَبَّهْتَنِي

پاداش نیکت آگاه کرده و اگر غفلت مرا از آمادگی برای شرفیابی درگاهت به خواب عمیقی فرو برده ولی معرفت و

الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِكَ وَالْإِيك، وَإِنْ أَوْحَشَ مَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ فَرَطُ الْعِصْيَانِ

آگاهی از کرم و بخشش‌های مرا بیدار کرده و اگر زباده روی در نافرمانی و سرکشی میان من و تو را تیره ساخته

وَالطُّغْيَانِ، فَقَدْ أَنَسَنِي بُشْرَى الْغُفْرَانِ وَالرَّضْوَانِ، أَسْأَلُكَ بِسُبْحَاتِ وَجْهِكَ،

ولی مزده آمرزش و خشنود شدنت مرا به همدی و انس با تو کشانده از تو خواهم به تابش‌های جمالت

وَبِأَنْوَارِ قُدْسِكَ، وَأَبْتَهْلُ إِلَيْكَ بِعَوَاطِفِ رَحْمَتِكَ وَلَطَائِفِ بَرِّكَ، أَنْ تُحَقِّقَ

و به انوار ذات مقدست و زاری کنم به درگاهت برای جلب عواطف مهربت و دقایق احسانت که حقیقت بخشی

ظَنِّي بِمَا أَوْمَلُهُ مِنْ جَزِيلِ إِكْرَامِكَ، وَجَمِيلِ إِعْظَامِكَ فِي الْقُرْبَى مِنْكَ،

به گمانم در آنچه از تو آرزومندم از بخشش فراوان و احسان نیکو در مورد تقرب به تو

وَالزُّلْفَى لَدَيْكَ، وَالتَّمَتُّعَ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ، وَهَا أَنَا مُتَعَرِّضٌ لِنَفْحَاتِ رَوْحِكَ

و نزدیکی به حضرتت و بهره‌مند شدن از تماشای جمالت و اینک من خود را در معرض نسیم جانبخش

وَعَطْفِكَ، وَمُنْتَجِعٌ غَيْثِ جُودِكَ وَلُطْفِكَ، فَأَرْجُو مِنْ سَخَطِكَ إِلَيَّ رِضَاكَ،

لطف و توجهت درآورده و خواهان باران جود و احسان هستم و از خشمت به سوی خشنودیت گریخته

هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ، رَاجٍ أَحْسَنَ مَا لَدَيْكَ، مُعَوِّلٌ عَلَيَّ مَوَاهِبِكَ، مُفْتَقِرٌ إِلَيَّ

و از خودت بدرگاه خودت فرار کرده‌ام و امید بهترین چیزی را که نزد توست دارم و بر بخششهای تو توکل کرده‌ام و نیازمند سرپرستی توام

رِعَايَتِكَ، إِلَهِي مَا بَدَأْتَ بِهِ مِنْ فَضْلِكَ فَتَمِّمَّهُ، وَمَا وَهَبْتَ لِي مِنْ كَرَمِكَ

خدایا بدانچه از فضل خود درباره من دست زدی به پایانش رسان و آنچه از کرمات بر من بخشیدی آن را

فَلَا تُسَلِّبُهُ، وَمَا سَتَرْتَهُ عَلَيَّ بِحِلْمِكَ فَلَا تَهْتِكُهُ، وَمَا عَلِمْتَهُ مِنْ قَبِيحِ

از من مگیر و آنچه را به بردباری خویش بر من پوشانده‌ای آشکارش مکن و کارهای زشتی را که من انجام داده‌ام

فِعْلِي فَاعْفِرْهُ، إِلَهِي اسْتَشْفَعْتُ بِكَ إِلَيْكَ، وَاسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْكَ، أَيْتِيكَ

برایم بیامرز خدایا خودت را به درگاهت شفیع آورم و از تو به خودت پناه برم به درگاهت آمده‌ام

طَامِعاً فِي إِحْسَانِكَ، رَاغِباً فِي امْتِنَانِكَ، مُسْتَسْقِياً وَابِلَ طَوْلِكَ،

در حالی که از مندم به احسانت مشتاقم به دریافت بخششت تشنه‌ام به باران رحمت

مُسْتَمْطِراً غَمَامَ فَضْلِكَ، طَالِباً مَرْضَاتِكَ، قَاصِداً جَنَابِكَ، وَارِداً شَرِيْعَةَ

باران جویم از ابر فضل و احسانت جویای اسباب خشنودیت هستم و عازم تشریف به آسنانت گشته‌ام در جویبار عطایت

رِفْدِكَ، مُلْتَمِساً سِنِي الْخَيْرَاتِ مِنْ عِنْدِكَ، وَافِداً إِلَى حَضْرَةِ جَمَالِكَ،

وارد گشته و خواهشمند بهترین نیکیهای تو هستم بار نیاز به درگاه حضرت تو فرود آورده

مُرِيداً وَجْهَكَ، طَارِقاً بِأَبَاكَ، مُسْتَكِيناً لِعَظَمَتِكَ وَجَلَالِكَ، فَافْعَلْ بِي مَا

و ذات تو را خواهانم کوبنده‌ام در رحمتت را و خوارم در برابر عظمت و جلالت پس انجام ده درباره‌ام

أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ مِنَ الْعَذَابِ

آنچه را تو شایسته آنی از آمرزش و مهربانی و انجام مده درباره‌ام آنچه را من سزاوار آنم از عذاب

وَالنَّقْمَةِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱.

و انتقام به مهربانیت ای مهربانترین مهربانان.

۶- مناجات الشاکرین (شکرگزاران)

مناجات و راز و نیاز کسانی است که با زبان شکر و سپاس، آهنگ او نمایند و به ناتوانی خویش برای شکرگزاری در برابر نعمت‌های بی‌پایان خداوند اعتراف کرده و از قصور و تقصیر خود به درگاهش عذر می‌خواهند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْهِیْ اَذْهَلْنِیْ عَنْ اِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابِعُ طَوْلِكَ، وَاعْجَزَنِیْ عَنْ اِحْصَاءِ ثَنَائِكَ

خدایا بخشش بی‌دری تو انجام دادن سپاسگزاری را از یاد من برد و ریزش فضل و احسانت مرا از شمردن ثنا و ستایش

فَیضُ فَضْلِكَ، وَشَغَلَنِیْ عَنْ ذِکْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُفُ عَوَائِدِكَ، وَاعْيَانِیْ عَنْ

عاجز کرد و پشت سر هم آمدن نیکیهای مرا از ذکر ستودنیهای بازداشت و پیایی رسیدن نعمتهای مرا از نشر دادن

نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِیْ اَیَادِیْكَ، وَهَذَا مَقَامٌ مِّنْ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النَّعْمَاءِ،

نیکیهای درآمده کرد و این‌جا که هستم‌جای کسی است که اعتراف به وفور نعمتهای تو و

وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ، وَشَهِدَ عَلٰی نَفْسِهِ بِالْاِهْمَالِ وَالتَّضْيِیْعِ، وَانْتَ الرَّوْفُ

در مقابل آنها به کوتاهی کردن خود دارد و به اهمال‌کاری و تلف کردن عمر خویش گواهی دهد و تو ای خدای با عطوفت

الرَّحِيمِ الْبَرِّ الْكَرِيمِ، الَّذِیْ لَا یُخَيِّبُ قَاصِدِیْهِ، وَلَا یَطْرُدُ عَنْ فِئَاثِهِ اَمَلِیْهِ،

و مهربان و نیکوکار و بزرگواری که روآورندگان بسویت رانمید نسازی و آرزومندان را از درگاهت نرنای،

بِسَاحَتِكَ تَحُطُّ رِحَالُ الرَّاجِحِیْنَ، وَبِعَرْصَتِكَ تَقِفُ اُمَالُ الْمُسْتَرْفِدِیْنَ، فَلَا

امیدواران به آستانه تو بار امید خود را بیندازند و آرزوهای عطاخواهان به میدان وسیع کرم تو توقف کنند پس

تُقَابِلُ اُمَالَنَا بِالتَّخْيِیْبِ وَالاِیَّاسِ، وَلَا تُلْبِسُنَا سِرْبَالَ الْقَنُوْطِ وَالاِبْتِلَاسِ،

ای خدا تو آرزوهای ما را با نومیدی و یاس روبه‌رو مگردان و جامه ناامیدی و دل‌شکستگی بر ما میپوشان

الْهِیْ تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظِمِ الْاَبْتِکَ شُكْرِیْ، وَتَضَائِلُ فِیْ جَنْبِ اِكْرَامِکَ

خدایا در برابر نعمتهای بزرگت سپاسگزاری من کوچک است و در جنب اکرام و بزرگواری تو

اِیَّایْ ثَنَائِیْ وَنَشْرِیْ، جَلَّلْتَنِیْ نِعْمَکَ مِنْ اَنْوَارِ الْاِیْمَانِ حُلَلًا، وَضَرَبْتَ

ثنا و ستایش من خرد و ناقابل است نعمتهای تو زیورهایی از انوار ایمان بر من پوشانده و ریزه‌کاریهای

عَلٰی لَطَائِفُ بَرِّکَ مِنْ الْعِزِّ کَلَلًا، وَقَلَّدْتَنِیْ مِنْکَ قَلَائِدًا لَا تُحَلُّ، وَ

نیکیت خیمه‌هایی از عزت بر سرم زده و احسانهای گردن بندهایی به گردنم انداخته که باز نشود و

طَوَّقْتَنِیْ اَطْوَاقًا لَا تُقَلُّ، فَالَا تَکَ جَمَّةٌ ضَعْفَ لِسَانِیْ عَنْ اِحْصَائِهَا،

طوقه‌هایی بدان آویخته که نگسلد، نعمتهای بسیار تو زبان مرا از شمردنش ناتوان کرده

وَ نِعْمَاتُکَ کَثِیْرَةٌ قَصْرَ فَهْمِیْ عَنْ اِدْرَاکِهَا فَضْلًا عَنْ اسْتِقْصَائِهَا، فَکِیْفَ لِیْ

و بخششهای فراوانت فهم مرا از ادراکش کوتاه کرده تا چه رسد به بی‌بردن به پایشان و با این ترتیب من چگونه می‌توانم

بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ، وَشُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرِي، فَكَلَّمَا قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ،

تو را سپاسگزاری کنم و سپاسگزاری من احتیاج به سپاسگزاری دیگری دارد و هرگاه بگویم ستایش مخصوص توست

وَجَبَّ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ، إِلَهِي فَكَمَا غَذَيْتَنَا بِلَطْفِكَ، وَ

برای این جمله لازم است دوباره بگویم ستایش مخصوص توست خدایا چنانچه به لطف خویش ما را خوراک دادی

رَبِّيتَنَا بِصُنْعِكَ، فَتَمِّمْ عَلَيْنَا سَوَابِغَ النِّعَمِ، وَادْفَعْ عَنَّا مَكَارِهِ النِّقَمِ، وَآتِنَا

و به پرورش خود پروریدی پس نعمتهای فراوانت را بر ما کامل کن و ناگواریهای سخت و بد را از ما دور کن و عطا کن به ما

مِنْ حُظُوظِ الدَّارَيْنِ أَرْفَعَهَا وَأَجَلِّهَا، عَاجِلًا وَآجِلًا، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ

از بهره‌های دو جهان برتر و بهترش را چه اکنون و چه در آینده و ستایش تو راست

حُسْنِ بِلَائِكَ، وَسُبُوحِ نِعْمَائِكَ، حَمْدًا يُؤَافِقُ رِضَاكَ، وَيَمْتَرِي الْعَظِيمِ

برای آزمایش نیکویی و نعمتهای فراوانت ستایشی که برابر خشنودیت باشد و احسان و بخشش بزرگ تو

مِنْ بَرِّكَ وَنَدَاكَ، يَا عَظِيمِ يَا كَرِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱

را به سوی ما جلب کند ای بزرگ و ای بزرگوار به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

۷- مناجات المطيعين لله (مطيعان خدا)

مناجات کسانی است که در پی اطاعت فرمان او تلاش فراوان دارند و از او می‌خواهند پرده‌های شک و تردید را از دیدگان‌شان کنار زند تا با یقینی استوار، تلاششان را در راه او و هم‌تشان را در اطاعت او قرار دهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ أَلْهِمْنَا طَاعَتَكَ، وَجَنِّبْنَا مَعْصِيَتَكَ، وَيَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ مَا نَتَمَنَّى مِنْ

خدایا طاعتت را بر ما الهام کن و از نافرمانیت ما را دور کن و آسان کن بر ما راه رسیدن بدانچه آرزومندیم از تحصیل آنچه

ابْتِغَاءِ رِضْوَانِكَ، وَأَحْلِلْنَا بُحْبُوحَةَ جَنَانِكَ، وَأَقْشِعْ عَنَّا بَصَائِرِنَا سَحَابَ

موجب خشنودی توست و ما را در وسط بهشتهای جای ده و پراکنده ساز از پیش دیدگان ما ابرهای

الْأَرْتِيَابِ، وَاكْشِفْ عَن قُلُوبِنَا أَغْشِيَةَ الْمِرْيَةِ وَالْحِجَابِ، وَأَزْهِقِ الْبَاطِلَ

شک و شبهه را و بردار از دلهای ما پرده‌های تردید و تاریکی را و دور کن باطل را

عَنْ ضَمَائِرِنَا، وَاثْبِتِ الْحَقَّ فِي سَرَائِرِنَا، فَإِنَّ الشُّكُوكَ وَالظُّنُونَ لَوَاقِحُ

از نهاد ما و پابرجا کن حق را در درون ما زیرا این شک و تردیدها و گمانها فتنه‌انگیز

الْفِتَنِ، وَمُكَدَّرَةٌ لِصَفْوِ الْمَنَاحِ وَالْمِنَنِ، اَللّٰهُمَّ اَحْمِلْنَا فِي سَفْنِ نَجَاتِكَ،

و تیره‌کننده عطاها و بخششهای زلال و صافی است خدایا ما را در کشتی‌های نجات جای ده

وَمَتِّعْنَا بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ، وَ اَوْرِدْنَا حِيَاضَ حَبِّكَ، وَ اَذِقْنَا حَلَاوَةَ وَدُكِّ وَ

و از لذت مناجات بهره‌مند ساز و ما را بر لب دریاچه‌های محبت وارد کن و شیرینی دوستی و مقام

قُرْبِكَ، وَ اجْعَلْ جِهَادَنَا فِيكَ، وَ هَمَّنَا فِي طَاعَتِكَ، وَ اَخْلِصْ نِيَّاتِنَا فِي

قربت را به ما بچشان و کوشش ما را در راه خود و همت‌مان را در طاعت خود قرار ده و نیت‌های ما را در مورد کارهایی که برایت انجام دهیم خالص

مُعَامَلَتِكَ، فَاِنَّا بِكَ وَ لَكَ، وَ لَا وَسِيْلَةَ لَنَا اِلَيْكَ اِلَّا اَنْتَ، اِلٰهِي اجْعَلْنِي مِنْ

گردان زیرا ما با تو و از آن تویی و وسیله‌ای به درگاهت نداریم جز خود خدایا مرا از

الْمُصْطَفَيْنِ الْاَخْيَارِ، وَ الْاَحْقَنِ بِالصَّالِحِيْنَ الْاَبْرَارِ، اَلْسَّابِقِيْنَ اِلَى

برگزیدگان نیکوکار قرارم ده و به شایستگان نیک رفتارم ملحق کن آنان که به کارهای نیک‌پیشی جسته

الْمَكْرُمَاتِ، الْمُسَارِعِيْنَ اِلَى الْخَيْرَاتِ، الْعَامِلِيْنَ لِلْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ،

و به سوی خیرات شتابان بوده و برای باقیات صالحات کار می‌کنند و به

السَّاعِيْنَ اِلَى رَفِيْعِ الدَّرَجَاتِ، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ، وَ بِالْاِجَابَةِ

رسیدن به درجات عالی و بلند کوشایند که برستی تو بر هر چیز توانایی و به اجابت خواسته‌ام

جَدِيْرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ. ۱

سزاوار به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

۸- مناجات المریدین (خداجویان)

راز و نیاز کسانی است که فقط آهنگ او دارند و دلبسته او می‌باشند؛ جز از آبشخور زلال لطف او سیراب نشوند و جز از مناجات با او لذت نبرند؛ همه شوقشان به جانب حق، و همه دلدادگی‌شان به حضرت احدیت است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

سُبْحَانَكَ مَا أَضْيَقَ الطَّرِيقَ عَلَيَّ مَنْ لَمْ تَكُنْ دَلِيلَهُ، وَمَا أَوْضَحَ الْحَقَّ عِنْدَ

منزهی تو! چه اندازه تنگ است راهها بر کسی که تو باشی رهنمون نباشی و چه اندازه حقیقت روشن است برای

مَنْ هَدَيْتَهُ سَبِيلَهُ، إِلَهِي فَاسْأَلُكَ بِمَا سَبَّلَ الْوُصُولِ إِلَيْكَ، وَسَيَّرْنَا فِي أَقْرَبِ

کسی که تو راهش را نشان دادی خدایا پس ما را به راههای رسیدن به درگاهت بدار و از نزدیکترین

الطَّرِيقِ لِلْوُقُودِ عَلَيْكَ، قَرَّبْ عَلَيْنَا الْبَعِيدَ، وَسَهِّلْ عَلَيْنَا الْعَسِيرَ الشَّدِيدَ،

راهی که به تو رسد ما را بتر دور را بر ما نزدیک گردان و راههای سخت و دشوار را بر ما آسان و هموار ساز

وَالْحَقُّنَا بِعِبَادِكَ الَّذِينَ هُمْ بِالْبِدَارِ إِلَيْكَ يُسَارِعُونَ، وَبَابِكَ عَلَى الدَّوَامِ

و ملحقمان دار به آن بندگانت که در پیشی گرفتن به سویت شتاب کنند و یکسره بطور مداوم در خانهات را می‌کوبند

يَطْرُقُونَ، وَإِيَّاكَ فِي اللَّيْلِ يَعْبُدُونَ، وَهُمْ مِنْ هَيْبَتِكَ مُشْفِقُونَ، الَّذِينَ

و در شب تو را پرستش کنند و آنها از هیبتت ترسانند آنان که

صَفِيَّتْ لَهُمُ الْمَشَارِبُ، وَبَلَّغْتَهُمُ الرَّغَائِبَ، وَأَنْجَحْتَ لَهُمُ الْمَطَالِبَ،

آبخورشان را پاک کردی و به خواسته‌هایشان رسانیدی و به دادن آنچه جوایش بودند کامرواشان ساختی

وَقَضَيْتَ لَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ الْمَأْرَبَ، وَمَلَأْتَ لَهُمْ ضَمَائِرَهُمْ مِنْ حُبِّكَ،

و حاجت‌هایشان را از فضل خویش برآوردی و دل‌هایشان را سرشار از دوستی خویش کردی

وَرَوَيْتَهُمْ مِنْ صَافِي شَرِبِكَ، فَبِكَ إِلَى لَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ وَصَلُّوا، وَمِنْكَ

و از آب زلال معرفت سیرایشان کردی پس بوسیله تو به لذت مناجات نائل گشتند و از ناحیه تو

أَقْصَى مَقَاصِدِهِمْ حَصَلُوا، فَيَا مَنْ هُوَ عَلَى الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ، وَ

بالاترین مقاصدشان را بدست آوردند پس ای کسی که بر آنان که به سوی تو می‌آیند رو کند رو آوری

بِالْعَطْفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ مُفْضِلٌ، وَبِالْغَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رَوْفٌ،

و با توجه بدانها مهرورزی و نعمت بخشی و ای آنکه نسبت به غافلان از ذکر خود رحیم و مهربانی

وَيَجْذِبُهُمْ إِلَى بَابِهِ وَدُودٌ عَطُوفٌ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ

و با جلب آنان به درگاهت دوستدار و مهرورزی از تو خواهم از کسانی قرارم دهی که بهره بیشتری از تو دریافت داشته

حَظًّا، وَأَعْلَاهُمْ عِنْدَكَ مَنَزِلًا، وَأَجْزَلِهِمْ مِنْ وَدِّكَ قِسْمًا، وَأَفْضَلِهِمْ فِي

و مرتبه بالاتری را حائز گشته و از دوستیت نصیب بیشتری عایدش شده و در معرفت سهم

مَعْرِفَتِكَ نَصِيْبًا، فَقَدْ انْقَطَعَتْ إِلَيْكَ هِمَّتِي، وَأَنْصَرَفَتْ نَحْوَكَ رَغْبَتِي، فَأَنْتَ

زیادتری بهره‌اش داده‌اند زیرا که توجه من از همه جا بسوی تو منقطع شده و اراده و آرزویم به جانب تو گشته است

لَا غَيْرَكَ مُرَادِي، وَلَكَ لَا لِسِوَاكَ سَهْرِي وَسَهَادِي، وَلِقَاؤُكَ قَرَّةٌ عَيْنِي،

پس مراد من تنها تویی نه دیگری و شب‌زنده‌داری و بی‌خوابیم بخاطر توست نه غیر تو و دیدارت نور چشم من است

وَوَصْلُكَ مِنْهُنِي نَفْسِي، وَإِلَيْكَ شَوْقِي، وَفِي مَحَبَّتِكَ وَلَهْيِي، وَالِإِلَى هَوَاكَ

و وصل تو آرزوی جان من و بسوی توست اشتیاقم و در وادی محبت تو سرگشته‌ام، و در هوای توست دلدادگیم

صَبَابَتِي، وَرِضَاكَ بُغْيَتِي، وَرُؤْيُوتِكَ حَاجَتِي، وَجِوَارِكَ طَلْبِي، وَقُرْبُكَ

و خشنودی توست مقصودم و دیدار توست حاجتم و نعمت جوارت مطلوبم و نزدیکی به تو

غَايَةُ سُؤْلِي، وَفِي مُنَاجَاتِكَ رَوْحِي وَرَاحَتِي، وَعِنْدَكَ دَوَاءٌ عِلَّتِي،

منت‌های خواسته من است و در مناجات با توست خوشی و راحتیم و پیش توست داروی دردم

وَشِفَاءٌ غُلَّتِي، وَبَرْدٌ لَوْعَتِي، وَكَشْفٌ كُرْبَتِي، فَكُنْ أُنَيْسِي فِي وَحْشَتِي،

و شفای جگر سوخته‌ام و تسکین حرارت دلم و برطرف شدن دشواریم پس ای خدا بوده باش تو انیس و همدم در حال وحشتم

وَمُقْبِلَ عَثْرَتِي، وَغَافِرَ زَلَّتِي، وَقَابِلَ تَوْبَتِي، وَمُجِيبَ دَعْوَتِي، وَوَلِيَّ

و گذرنده از لغزشم و آمرزنده گناهم و پذیرنده توبه‌ام و اجابت کننده دعایم و سرپرست

عِضْمَتِي، وَمُعْنَى فِائِقَتِي، وَلَا تَقْطَعْنِي عَنْكَ، وَلَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ، يَا نَعِيمِي

نگهداریم و توانگری ده از نداریم و مرا از خویش جدایم مکن و از درگاهت دورم منما ای تو نعیم

وَجَنَّتِي، يَا دُنْيَايَ وَآخِرَتِي [يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ].^۱

و جنت من و ای دنیا و آخرتم ای مهربانترین مهربانان.

۹- مناجات المحبين (دوستداران خدا)

مناجات کسانی است که خدا را دوست دارند و به او عشق می‌ورزند؛ کسانی که محبت خداوند را می‌طلبند و از او می‌خواهند به بنده‌اش نظر افکند و مهربانانه به وی بنگرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِلَهِي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا، وَمَنْ ذَا الَّذِي

خدايا کیست که شیرینی محبت تو را چشیده باشد و جز تو آهنگ دیگری را بکند و کیست که به

أَنْسَ بِقُرْبِكَ فَأَبْتَغِي عَنْكَ حَوْلًا، إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَ

مقام قرب تو انس گرفته باشد و درصدد روگرداندن از تو باشد خدايا قرار ده ما را از زمره کسانی که برای قرب

وَلَايَتِكَ، وَأَخْلَصْتَهُ لُوْدِكَ وَمَحَبَّتِكَ، وَشَوَّقْتَهُ إِلَى لِقَائِكَ، وَرَضَّيْتَهُ

و دوستیت برگزیده‌ای و برای عشق و محبتت خالصش گردانده و به دیدارت شاقش کرده و به قضا و قدرت

بِقَضَائِكَ، وَمَنْحْتَهُ بِالنَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ، وَحَبَّوْتَهُ بِرِضَاكَ، وَأَعَدْتَهُ مِنْ

راضیش ساخته و به دیدن رویت به او نعمت بخشیده و به خشنودی خویش مخصوصش گردانده و از غم هجران

هَجْرِكَ وَقِلَاقِكَ، وَبَوَّأْتَهُ مَقْعَدَ الصِّدْقِ فِي جِوَارِكَ، وَخَصَّصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ، وَ

و فرات پناهش داده و در جایگاه راستی در جوار خویش جایش داده و به معرفت خویش مخصوصش کرده و

أَهْلَيْتَهُ لِعِبَادَتِكَ، وَهَيَّمْتَ قَلْبَهُ لِإِرَادَتِكَ، وَاجْتَبَيْتَهُ لِمُشَاهَدَتِكَ، وَأَخْلَيْتَ

برای پرستش و عبادت او را لایق کردی و در ارادت خویش شیدایش کردی و برای مشاهده جمالت برگزیدی و رویش را برای

وَجْهِهِ لَكَ، وَفَرَّغْتَ فَوَادَهُ لِحُبِّكَ، وَرَغَبْتَهُ فِيمَا عِنْدَكَ، وَالْهَمَمْتَ ذِكْرَكَ،

خودت خالی کردی و دلش را برای محبتت فارغ کردی و بدانچه نزد توست راغبش کردی و ذکر خویش را بدو الهام کردی

وَأَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ، وَشَغَلْتَهُ بِطَاعَتِكَ، وَصَيَّرْتَهُ مِنْ صَالِحِي بَرِيَّتِكَ،

و سپاسگزاری را بدو نصیب کردی و به طاعت خود سرگرمش ساختی و او را از بندگان شایسته‌ات گرداندی

وَأَخْتَرْتَهُ لِمُنَاجَاتِكَ، وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّ شَيْءٍ يَقْطَعُهُ عَنْكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا

و برای مناجات خود انتخابش کردی و بریدی از او هر چه را که موجب بریدنش از تو گردد خدايا قرار ده ما را

مِمَّنْ دَأَبُهُمُ الْإِرْتِيَا حُ إِلَيْكَ وَالْحَنِينُ، وَدَهْرُهُمُ الزَّفْرَةُ وَالْأَنِينُ، جِبَاهُهُمْ

از کسانی که شویشان در زندگی شادی با تو و زاری به درگاه توست و روزگارشان آه و ناله است پیشانیهایشان در برابر

سَاجِدَةٌ لِعَظَمَتِكَ، وَعُيُونُهُمْ سَاهِرَةٌ فِي خِدْمَتِكَ، وَدَمُوعُهُمْ سَائِلَةٌ مِنْ

عظمتت به خاکافزاده و دیدگان‌شان در خدمتت یکسره بیدار است و سرشکشان از ترس تو

خَشْيَتِكَ، وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِكَ، وَأَفْئِدَتُهُمْ مُنْخَلَعَةٌ مِنْ مَهَابَتِكَ، يَا

ریزان و دلهاشان به محبتت آویزان و قلبهایشان از هیبتت از جا کنده شده است ای

مَنْ أَنْوَارُ قُدْسِهِ لِأَبْصَارِ مُحِبِّهِ رَائِقَةٌ، وَسُبْحَاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ عَارِفِيهِ

که انوار قدسش برای دیدگان دوستانش در کمال درخشندگی است و پرتوافکنیهای جمالش برای قلوب عارفان زاینده (چرکیها)

شَائِقَةٌ، يَا مَنِي قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ، وَيَا غَايَةَ أَمَالِ الْمُحِبِّينَ، أَسْأَلُكَ حُبَّكَ

است ای آرمان دل مشتاقان و ای منتهای آرزوی دوستان از تو خواهم دوستی خودت

وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ، وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوَصِّلُنِي إِلَى قُرْبِكَ، وَأَنْ تَجْعَلَكَ

و دوستی دوستدارانت و دوستی هر عملی که مرا به قرب تو واصل گرداند و تو را در پیش من

أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا سِوَاكَ، وَأَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِيَّاكَ قَائِدًا إِلَى رِضْوَانِكَ، وَشَوْقِي

محبوبتر از ماسوای تو قرار دهد و از تو خواهم که دوستیم را نسبت به تو جلو دارم قرار دهی تا مرا به رضوانت بکشاند و اشتیاقم را

إِلَيْكَ ذَائِدًا عَنْ عِصْيَانِكَ، وَأَمْنًا بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ عَلَيَّ، وَأَنْظُرُ بِعَيْنِ الْوُدِّ

بسویت چنان کنی که بازدارنده از نافرمانیت باشد و بر من منت نه به این که بر من توجهی فرمایی و با دیده دوستی

وَالْعَطْفِ إِلَيَّ، وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْأَسْعَادِ

و عطفت بر من بنگری و رو از من مگردانی و مرا از جمله سعادت‌مندان و بهره‌مندان نزد خود

وَالْحِظْوَةِ عِنْدَكَ، يَا مُجِيبُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۱

قرار دهی ای پاسخ دهنده ای مهربانترین مهربانان.

۱۰- مَنَاجَاتُ الْمُتَوَسِّلِينَ (متوسلان)

راز و نیاز آنهاست که به عطاوت و رأفت الهی توسل می‌جویند و به شفاعت پیامبرش دل خوش می‌دارند و این دو را وسیله نیل به غفران الهی و رسیدن به رضوان حق قرار می‌دهند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِلَهِي لَيْسَ لِي وَسِيلَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَأْفَتِكَ، وَلَا لِي ذَرِيعَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا

خدایا وسیله‌ای به درگاهت ندارم، جز عواطف مهرت و به سویت دست‌آوری ندارم جز

عَوَارِفُ^۲ رَحْمَتِكَ، وَشَفَاعَةُ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَمُنْقِذِ الْأُمَّةِ مِنَ الْعَمَّةِ،

رحمت‌های شناخته شدهات و شفاعت پیامبرت پیامبر رحمت و نجات‌ده امت از غم و اندوه

۱. بحارالانوار، جلد ۹۱، صفحه ۱۴۸.

۲. در بحارالانوار، «عواطف» آمده است.

فَاَجْعَلْهُمَا لِي سَبَبًا اِلَى نَيْلِ غُفْرَانِكَ، وَصَيِّرْهُمَا لِي وُضْعَةً اِلَى الْفَوْزِ

پس ای خدا همان دو را وسیلهٔ رسیدنم به آمرزشت قرار ده و سببی برای رسیدنم به سعادت

بِرِضْوَانِكَ، وَقَدْ حَلَّ رَجَائِي بِحَرَمِ كَرَمِكَ، وَحَطَّ طَمَعِي بِفِنَاءِ جُودِكَ،

خشنودیت گردان زیرا که بار امیدم در حریم کرمت فرود آمده و مرکب طمعم به آستانهٔ جود تو زانو زده

فَحَقِّقْ فِيكَ اَمَلِي، وَاخْتِمْ بِالْخَيْرِ عَمَلِي، وَاَجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَتِكَ الَّذِيْنَ

پس ای خدا به آرزوی من جامهٔ عمل پویشان و پایان کارم را بخیر گردان و در زمرهٔ آن دسته از برگزیدگان قرارم

اَحْلَلْتَهُمْ بِحُبُوْحَةِ جَنَّتِكَ، وَبَوَّأْتَهُمْ دَارَ كَرَامَتِكَ، وَاَقْرَرْتَ اَعْيُنَهُمْ بِالنَّظْرِ

ده که در وسط بهشتت فرودشان آوردی و در خانهٔ بزرگواری خویش جایشان دادی و دیدهٔ آنها را در روز دیدار به

اَلَيْكَ يَوْمَ لِقَائِكَ، وَاوَرَّتْهُمْ مَنَازِلَ الصَّدَقِ فِي جِوَارِكَ، يَا مَنْ لَا يَفِدُ

همان نظر کردنتان بسویت روشن کردی و جایگاههای راستی را در جوار خویش بدیشان سپردی ای که واردین بر

الْوَافِدُونَ عَلٰى اَكْرَمِ مِنْهُ، وَلَا يَجِدُ الْقَاصِدُونَ اَرْحَمَ مِنْهُ، يَا خَيْرَ مَنْ خَلَا

کریمتر از او وارد نشوند و قاصدان مهربانتر از او نیابند ای بهترین کسی که شخص در

بِهِ وَحِيدٌ، وَيَا اَعْطَفَ مَنْ اَوْى اِلَيْهِ طَرِيْدٌ، اِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ مَدَدْتُ يَدِيْ،

تنهایی با او خلوت کند و ای مهربانترین کسی که آواره به درگاهش مسکن گیرد به سوی عفو وسعت دست (نیاز) دراز کرده

وَبِدَيْلِ كَرَمِكَ اَعْلَقْتُ كَفِّيْ، فَلَا تُؤَلِّنِي الْحِرْمَانَ، وَلَا تُبَلِّنِي بِالْخَيْبَةِ

و به ذیل کرم تو چنگ (حاجت) انداخته‌ام پس مرا محروم بر مگردان و به زیان و

وَالْخُسْرَانَ، يَا سَمِيْعَ الدُّعَاءِ [يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ].^۱

خسran دچارم مساز ای شنوای دعا، ای مهربانترین مهربانان.

۱۱- مناجات المفتقرین (نیازمندان)

راز و نیاز آنان که سرتاپای وجود خود را نیازمند او می‌دانند و از غنای او طلب می‌کنند و دوام و پیوستگی نعمتش را می‌خواهند؛ رفع همهٔ رنجها، شکستگی‌ها و اندوه‌ها را از خداوند می‌طلبند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللّٰهُ كَسْرِيْ لَا يَجْبُرُهُ إِلَّا لَطْفُكَ وَحَنَانُكَ، وَقَفَّرِيْ لَا يُغْنِيهِ إِلَّا عَطْفُكَ

خدایا شکست مرا جز لطف و مهر تو چیزی جبران نکند و نداریم را جز توجه و

وَإِحْسَانُكَ، وَرَوْعَتِيْ لَا يُسْكِنُهَا إِلَّا أَمَانُكَ، وَذَلَّتِيْ لَا يُعِزُّهَا إِلَّا سُلْطَانُكَ،

احسان تو برطرف نسازد و هراس و وحشتم راجز امان تو آرام نکند و خواریم را جز سلطنت تو به عزت مبدل نسازد

وَأُمِّيَّتِيْ لَا يُبَلِّغُنِيهَا إِلَّا فَضْلُكَ، وَخَلَّتِيْ لَا يُسَدِّدُهَا إِلَّا طَوْلُكَ، وَحَاجَتِيْ لَا

و جز فضل تو چیزی مرا به آرزویم نرساند و فقر و احتیاجم را جز احسان تو پر نکند و حاجتم را

يَقْضِيهَا غَيْرُكَ، وَكَرْبِيْ لَا يُفْرِجُهُ سِوَى رَحْمَتِكَ، وَضُرِّيْ لَا يَكْشِفُهُ غَيْرُ

جز تو بر نیورد و گره از گرفتاریم جز رحمت تو نگشاید و درمانگیم را برطرف نکند جز مهر تو

رَأْفَتِكَ، وَغَلَّتِيْ لَا يُبْرِدُهَا إِلَّا وَضْلُكَ، وَوَعَّتِيْ لَا يُطْفِئُهَا إِلَّا لِقَاؤُكَ،

و سوز دلم را جز وصل تو فرو نشاناند و شعله درونم را جز لقای تو خاموش نسازد

وَشَوْقِي إِلَيْكَ لَا يَبْلُغُهُ إِلَّا النَّظْرُ إِلَى وَجْهِكَ، وَقَرَارِيْ لَا يَقَرُّ دُونَ دُنُوِّيْ

و بر آتش اشتیاقم جز نظر به جلوهات چیزی آب نریزد و قراری ندارم جز در نزدیکی تو

مِنْكَ، وَلَهْفَتِيْ لَا يَرُدُّهَا إِلَّا رَوْحُكَ، وَسَقَمِيْ لَا يَشْفِيهِ إِلَّا طِبُّكَ، وَغَمِّيْ لَا

و حسرت و افسوسم را جز نسیم جانبخش رحمت باز مگرداند و دردم را جز طبابت تو درمان نکند و اندوهم را

يُزِيلُهُ إِلَّا قُرْبُكَ، وَجُرْحِيْ لَا يُبْرِئُهُ إِلَّا صَفْحُكَ، وَرَيْنُ قَلْبِيْ لَا يَجْلُوهُ إِلَّا

جز قرب تو نزداید و زخمم را جز گذشت تو التیام نبخشد و زنگ دلم را جز غفو تو پاک نکند

عَفْوُكَ، وَوَسْوَاسُ صَدْرِيْ لَا يُزِيحُهُ إِلَّا أَمْرُكَ، فَيَا مُنْتَهَى أَمَلِ الْأَمَلِيْنَ،

و اندیشه‌های باطل درونم را جز فرمان تو برطرف نکند پس ای منتها آرزوی آرزومندان

وَيَا غَايَةَ سُؤْلِ السَّائِلِيْنَ، وَيَا أَقْصَى طَلِبَةِ الطَّالِبِيْنَ، وَيَا أَعْلَى رَغْبَةِ

و ای سرحد نهایی خواسته درخواست‌کنندگان و ای آخرین مرحله مطلوب طلب‌کنندگان و ای بالاترین خواهش

الرَّغَائِبِيْنَ، وَيَا وَلِيَّ الصَّالِحِيْنَ، وَيَا أَمَانَ الْخَائِفِيْنَ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ

خواهشمندان و ای سرپرست شایستگان و ای امان بخش‌ترسناکان و ای اجابت کننده

الْمُضْطَرِّبِيْنَ، وَيَا ذُخْرَ الْمُعْدِمِيْنَ، وَيَا كَنْزَ الْبَائِسِيْنَ، وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِيْنَ،

دعای درماندگان و ای ذخیره نداران و ای گنج مستمندان و ای فریادرس فریادخواهان

وَيَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، وَيَا أَرْحَمَ

و ای برآرنده حاجات فقیران و بیچارگان و ای بزرگوارترین بزرگواران و ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، لَكَ تَخَضُّعِي وَسُؤَالِي، وَإِلَيْكَ تَضَرُّعِي وَابْتِهَالِي، أَسْأَلُكَ أَنْ

مهربانان به درگاه توست فروتنی و خواسته‌ام و به سوی توست زاری و ناله‌ام از تو خواهم که

تُبَيِّنَنِي مِنْ رَوْحِ رِضْوَانِكَ، وَتُدَيِّمَ عَلَيَّ نِعَمَ امْتِنَانِكَ، وَهَذَا نَابِ بَابِ

مرا به نسیم جانبخش خشنودیت برسانی و نعمتهایی را که از روی امتنان به من دادی ادامه دهی و من اکنون به در خانه

كَرَمِكَ وَاقِفٌ، وَلِنَفْحَاتِ بَرِّكَ مُتَعَرِّضٌ، وَبِحَبْلِكَ الشَّدِيدِ مُعْتَصِمٌ،

کرمت ایستاده و خود را در معرض وزش نسیمهای رحمتت قرار داده و به رشته محکمات چسبیده

وَبِعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى مُتَمَسِّكٌ، إِلَهِي إِرْحَمْ عَبْدَكَ الذَّلِيلَ، ذَا اللِّسَانِ الْكَلِيلِ،

و به دستاويز محکمات چنگ زده‌ام خدایا ترجم کن به این بنده ذلیل که زبانش کند

وَالْعَمَلِ الْقَلِيلِ، وَآمَنْنُ عَلَيْهِ بِطَوْلِكَ الْجَزِيلِ، وَاكْنُفُهُ تَحْتَ ظِلِّكَ الظَّلِيلِ،

و عملش اندک است و بر او بوسیله احسان فراوانت منت بنه و او را در زیر سایه پایدارت پیر

يَا كَرِيمٌ يَا جَمِيلٌ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱.

ای بزرگوار ای زیبایخس ای مهربانترین مهربانان.

۱۲- مناجات العارفين (عارفان)

مناجات کسانی است که عارفانه با خدا سخن می‌گویند، آنان که پس از قبول ناتوانی از درک کنه ذات او و راهیابی به شناخت کامل صفاتش در پی معرفتی بهتر از گذشته و دریدن حجابها از دیدگان دل و جانند و تشنه‌کام در جستجوی چشمه‌های محبت الهی و نوشیدن از جام عشق وی می‌باشند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِلَهِي قَصْرَتِ الْأَلْسُنُ عَنْ بُلُوغِ ثَنَائِكَ كَمَا يَلْقَى بَجَلَالِكَ، وَعَجَزَتِ

خدایا زبانها قاصر است از رسیدن به ثنای تو آن طور که شایسته جلال توست و عقلا عاجز

الْعُقُولُ عَنْ ادْرَاكِ كُنْهِ جَمَالِكِ، وَأَنْحَسَرَتْ الْأَبْصَارُ دُونَ النَّظْرِ إِلَى

است از ادراک کنه جمالت و دیده‌ها تار و بی‌فروغ ماند از نظر کردن به سوی

سُبْحَاتِ وَجْهِكَ، وَلَمْ تَجْعَلْ لِلْخَلْقِ طَرِيقًا إِلَى مَعْرِفَتِكَ، إِلَّا بِالْعَجْزِ عَنْ

انوار ذاتت و قرار ندادی برای خلق خود راهی به سوی

مَعْرِفَتِكَ، إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَرَسَّخَتْ أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي

شناسایت جز به اظهار عجز از شناسایت خدایا پس ما را از کسانی قرار ده که درختهای شوق بسوی تو

حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ، وَأَخَذَتْ لَوْعَةً مَحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ، فَهَمُّ إِلَى

در بوستانهای سینه‌شان ریشه محکم کرده و سوز محبتت سراسر دلشان را فراگرفته پس آنها به

أَوْكَارِ الْأَفْكَارِ يَاوُونَ، وَفِي رِيَاضِ الْقُرْبِ وَالْمُكَاشَفَةِ يَرْتَعُونَ، وَمِنْ

آشیانه‌های اندیشه‌ها جای گیرند و در چمنزارهای قرب به تو و مکاشفه می‌چرند و از

حِيَاضِ الْمَحَبَّةِ بِكَاسِ الْمَلَأْطِفَةِ يَكْرَعُونَ، وَشَرَايِعِ الْمُصَافَاتِ يَرِدُونَ،

حوضهای محبت به جام ملاطفت (آب حیات) بنوشند و در کنار نهرهای صفا وارد گشته‌اند در حالی که

قَدْ كَشِفَ الْغِطَاءُ عَنْ أَبْصَارِهِمْ، وَأَنْجَلَتْ ظُلْمَةَ الرَّيْبِ عَنْ عَقَائِدِهِمْ

پرده از پیش دیدگانشان برداشته شده و تاریکی شبهه و تردید از صفحه عقاید

وَضُمَّائِرِهِمْ، وَأَنْتَفَتْ مُخَالَجَةَ الشَّكِّ عَنْ قُلُوبِهِمْ وَسَرَائِرِهِمْ، وَأَنْشَرَحَتْ

و نهادشان زائل گشته و یکسره خلجان‌شک و ریب از دلها و درویشان بیرون رفته و دریچه‌های

بِتَحْقِيقِ الْمَعْرِفَةِ صُدُورِهِمْ، وَعَلَتْ لِسَبْقِ السَّعَادَةِ فِي الزَّهَادَةِ هِمَمُهُمْ،

سینه‌شان بواسطه استوار شدن معرفت بازگشته و همت‌هاشان برای پیشی گرفتن در خوشبختی در اثر پارسایی بلند گردیده

وَعَذَبَ فِي مَعِينِ الْمُعَامَلَةِ شَرِبُهُمْ، وَطَابَ فِي مَجْلِسِ الْأَنْسِ سِرُّهُمْ،

و نوشیدنیهانشان در چشمه کردار شیرین و گوارا شده و درویشان در محفل انس با تو پاکیزه گشته

وَأَمِنَ فِي مَوْطِنِ الْمَخَافَةِ سِرْبُهُمْ، وَأَطْمَأَنَّ بِالرُّجُوعِ إِلَى رَبِّ الْأَرْبَابِ

و راهشان در جاهای هولناک امن گشته و جانهای ایشان در بازگشت بسوی رب الارباب مطمئن گردیده

أَنْفُسُهُمْ، وَتَيَقَّنَتْ بِالْفَوْزِ وَالْفَلَاحِ أَرْوَاحُهُمْ، وَقَرَّتْ بِالنَّظْرِ إِلَى مَحْبُوبِهِمْ

و روانشان به فیروزی و رستگاری یقین پیدا کرده و دیدگانشان به واسطه دیدار محبوب روشن گشته

أَعْيُنُهُمْ، وَاسْتَقَرَّ بِادْرَاكِ السُّؤْلِ وَنَيْلِ الْمَأْمُولِ قَرَارُهُمْ، وَرَبِحَتْ فِي بَيْعِ

و به واسطه رسیدن به مقصود و نائل شدن به آرزوهای خویش قراری یافته و سوداگری ایشان بواسطه فروختن

الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ، إِلَهِي مَا لَذَّ خَوَاطِرُ الْإِلْهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ،

دنیا به آخرت کاملاً سودمند گشته است خدایا چه اندازه لذیذ است یاد تو در دلها که بوسیله الهام خطور کند

وَمَا أَحْلَى الْمَسِيرِ إِلَيْكَ بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ، وَمَا أَطْيَبَ طَعْمَ

و چقدر شیرین است سیر بسوی تو با مرکب اندیشه‌ها که در راههای غیب صورت می‌گیرد و چقدر گواراست طعم

حُبِّكَ، وَمَا أَغْذَبَ شَرِبَ قُرْبِكَ، فَأَعِدْنَا مِنْ طَرْدِكَ وَإِبْعَادِكَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ

دوستی تو و چه شیرین است شربت قرب تو پس ای خدا ما را از راندن و دور کردن پناه دهو قرارمان ده از

أَخْصِ عَارِفِيكَ، وَأَصْلِحْ عِبَادِكَ، وَأَصْدَقِ طَائِعِيكَ، وَأَخْلَصِ عِبَادِكَ، يَا

مخصوص‌ترین عارفانت و از شایسته‌ترین بندگانت و راستگوترین فرمانبردارانت و خالص‌ترین پرستش‌کنندگان ای

عَظِيمُ يَا جَلِيلُ، يَا كَرِيمُ يَا مُنِيلُ، بِرَحْمَتِكَ وَمَنَّكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱.

عظیم ای با جلالت ای بزرگوار ای عطایش به رحمت و احسانت ای مهربانترین مهربانان.

۱۳- مناجات الذاکَرین (ذاکَران)

راز و نیاز کسانی است که یاد خدا را می‌طلبند و از او می‌خواهند، که ذکر و یادش را در همه جا و همه حال بر قلب و جانشان فرود آرد و آن را انیس و مونسشان گرداند؛ آنان که می‌دانند جز با یاد او دلها آرام نمی‌گیرد و جز با رؤیت معنوی جمال حق، جانها آرامش نمی‌یابد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِلَهِي لَوْلَا الْوَاجِبُ مِنْ قَبُولِ أَمْرِكَ، لَنَزَّهْتُكَ مِنْ ذِكْرِي إِيَّاكَ، عَلَيَّ أَنْ

خدایا اگر پذیرفتن فرمانت واجب نبود تو را پاکتر از آن می‌دانستم که من نام تو را به زبان آورم گذشته از این‌که

ذِكْرِي لَكَ بِقَدْرِي لَا بِقَدْرِكَ، وَمَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ مِقْدَارِي حَتَّى أُجْعَلَ

ذکری که من از تو کنم به اندازه فهم من است نه به مقدار مقام تو و تازه مگر چه اندازه امید است قدرم بالا رود که

مَحَلًّا لِتَقْدِيرِ سَيْكَ، وَمِنْ أَعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ عَلَيَّ السَّنْتِنَا،

محل تقدیس تو قرار گیرم و از بزرگترین نعمتهای تو بر ما همان جریان داشتن ذکر تو بر زبان ماست

وَإِذْنِكَ لَنَا بِدُعَائِكَ وَتَنْزِيهِكَ وَتَسْبِيحِكَ، إِلَهِي فَأَلْهِمْنَا ذِكْرَكَ فِي

و همان اجازه‌ای است که برای دعا کردن و به پاکی ستودنت به ما دادی خدایا پس ذکر خویش را به ما الهام کن در

الْخَلَاءِ وَالْمَلَأِ، وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَالْإِعْلَانِ وَالْإِسْرَارِ، وَفِي السَّرَّاءِ

خلوت و خلوت و شب و روز و آشکار و نهان و درخوشی

وَالضَّرَّاءِ، وَآنِسْنَا بِالذِّكْرِ الْخَفِيِّ، وَاسْتَعْمِلْنَا بِالْعَمَلِ الزَّكِيِّ، وَالسَّعْيِ

و ناخوشی و ما را به ذکر خفی و پنهانت مأنوس کن و به کار پاکیزه و کوشش خداپسند

الْمَرْضِيِّ، وَجَازِنَا بِالْمِيزَانِ الْوَفِيِّ، إِلَهِي بِكَ هَامَتِ الْقُلُوبُ الْوَالِهَةُ،

وادر و پاداش ما را به سنگ تمام بده خدایا دل‌های شیدا همه سرگشته و تشنهٔ تو

وَعَلَى مَعْرِفَتِكَ جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَبَايِنَةُ، فَلَا تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ،

و خردهای متفرق و جدا همه در مورد شناسایی و معرفت تو متفق گشته‌اند و از این رو دل‌ها جز به یاد تو آرام نگینند

وَلَا تَسْكُنُ النَّفُوسُ إِلَّا عِنْدَ رُؤْيَاكَ، أَنْتَ الْمَسْبُوحُ فِي كُلِّ مَكَانٍ،

و جانها جز به مشاهدهٔ جمالت تسکین نیابند تویی که در هر جا تسبیح گویند

وَالْمَعْبُودُ فِي كُلِّ زَمَانٍ، وَالْمَوْجُودُ فِي كُلِّ أَوَانٍ، وَالْمَدْعُوبُ بِكُلِّ لِسَانٍ،

و در هر زمانی پرستش کنند و در هر آن موجود بوده‌ای و به هر زبان تو را خوانند

وَالْمُعْظَمُ فِي كُلِّ جَنَانٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بَغَيْرِ ذِكْرِكَ، وَمِنْ كُلِّ رَاحَةٍ

و در هر دلی تو را به بزرگی یاد کنند و از تو آموزش خواهیم از هر لذتی جز لذت تو و از هر آسایشی

بَغَيْرِ أَنْسِكَ، وَمِنْ كُلِّ سُرُورٍ بَغَيْرِ قُرْبِكَ، وَمِنْ كُلِّ شُغْلٍ بَغَيْرِ طَاعَتِكَ،

جز انس با تو و از هر شادمانی بجز قرب تو و از هر سرگرمی به جز فرمانبرداریت

إِلَهِي أَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا،

خدایا تو فرمودی و گفته‌ات حق است «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را یاد کنید یاد کردن بسیار

وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا. وَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: فَادْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ فَأَمَرْتَنَا

و تسبیح او گویند در بامداد و پسین» و نیز فرمودی و گفته‌ات حق است «مرا یاد کنید تا من هم شما را یاد کنم» پس تو ما را

بِذِكْرِكَ، وَوَعَدْتَنَا عَلَيْهِ أَنْ تَذْكُرَنَا تَشْرِيفًا لَنَا وَتَفْخِيمًا وَاعْظَامًا، وَهَا

به یاد کردنت دستور فرمودی و به ما وعده دادی که برای شرافت و عزت و عظمت بخشی

نَحْنُ ذَاكِرُوكَ كَمَا أَمَرْتَنَا، فَانْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا، يَا ذَاكِرَ الذَّاكِرِينَ، وَيَا

به ما تو هم ما را یاد کنی و ما هم اکنون مطابق فرمانت تو را یاد کنیم پس تو هم به وعدهٔ خویش وفا کن ای که از یادکنندگان یاد کنی و ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱مهربانترین
مهربانان.

۱۴- مناجات المعتمدين (پناهندگان)

مناجات کسانی است که در برابر انبوه آفات سعادت، به قدرت و توانایی او پناه می‌برند و به ریسمان الهی چنگ می‌زنند و حمایت و پشتیبانی خدا را می‌طلبند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ يَا مَلَاذَ اللَّائِذِينَ، وَيَا مَعَاذَ الْعَائِدِينَ، وَيَا مُنْجِيَ الْهَالِكِينَ، وَيَا

خدایا ای پناه پناه جویان و ای پناه ده پناهندگان و ای نجات دهنده هلاک شدگان و ای

عَاصِمَ الْبَائِسِينَ، وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ، وَيَا مُجِيبَ الْمُضْطَّرِّينَ، وَيَا كُنْزَ

نگهدار بیچارگان و ای مهرورز مسکینان و ای اجابت کننده درماندگان و ای گنج

الْمُفْتَقِرِينَ، وَيَا جَابِرَ الْمُنْكَسِرِينَ، وَيَا مَأْوَى الْمُنْقَطِعِينَ، وَيَا نَاصِرَ

فقیران و ای جبران کننده دلشکستگان و ای جای ده دور از وطنان و ای یاور آنان که

الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَيَا مُجِيرَ الْخَائِفِينَ، وَيَا مُعِثَ الْمَكْرُوبِينَ، وَيَا حِصْنَ

ناوتوانان شمرده‌اند و ای پناه ده ترسناکان و ای فریادرس غمدیدگان و ای قلعه محکم

اللَّاجِينَ، إِنَّ لِمَ أَعْدُ بِعِزَّتِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ، وَإِنَّ لِمَ أَلْذُ بِقُدْرَتِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ،

پناهندگان اگر من به عزت تو پناه نیآورم پس به که پناه برم و اگر به قدرت تو دست پناهنده‌ی دراز نکتم پس به که پناهنده شوم

وَقَدْ أَلْجَأْتَنِي الذُّنُوبُ إِلَى التَّشْبِثِ بِأَذْيَالِ عَفْوِكَ، وَأَخَوْجَتْنِي الْخَطَايَا

(خدایا) گناهان مرا ناچار کرده که به دامن عفو تو چنگ زدم و خطاها مرا نیازمند کرده

إِلَى اسْتِفْتَا حِ ابْوَابِ صَفْحِكَ، وَدَعْتَنِي إِلَى الْإِنَاخَةِ بِفِنَاءِ عِزِّكَ،

که از تو بخواهم درهای چشم پوشیت را به رویم بگشایی و بدیهامرا بدین جا کشانده که به آستان عزت تو بار اندازم

وَحَمَلْتَنِي الْمَخَافَةَ مِنْ نِقْمَتِكَ عَلَى التَّمَسُّكِ بِعُرْوَةِ عَطْفِكَ، وَمَا حَقُّ مَنْ

و ترس از انتقام مرا واداشته که به رشته محکم مهر تو چنگ زدم و برآستی آن کس که

اعْتَصِمْ بِحَبْلِكَ أَنْ يُخْذَلَ، وَلَا يَلِيْقُ بِمَنْ اسْتَجَارَ بِعِزِّكَ أَنْ يُسَلَّمَ أَوْ يَهْمَلَ،

به ریسمان تو چنگ زند سزاوار خواری نیست و آن کس که به عزت تو پناهنده شود تسلیم کردنش و یا واگذاردنش شایسته نیست

الْهِیَ فَلَا تُخَلِّنَا مِنْ حِمَايَتِكَ، وَلَا تُعْرِئْنَا مِنْ رِعَايَتِكَ، وَذِدْنَا عَنْ مَوَارِدِ

پس ای خدا ما را از حمایت خویش وامگذار و از رعایت خود باز مدار و از پرتگاههای هلاکت بازدار

الْهَلَكَةِ، فَإِنَّا بِعَيْنِكَ وَفِي كَنَفِكَ وَلَكَ، أَسْأَلُكَ بِأَهْلِ خَاصَّتِكَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

زیرا ما در تحت توجه تو و در کنف حمایت تو و از آن تویم از تو خواهیم به حق خالصان درگاهت از فرشتگان

وَالصَّالِحِينَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، أَنْ تَجْعَلَ عَلَيْنَا وَاقِيَةً تُنَجِّنُنَا مِنَ الْهَلَكَاتِ، وَ

و شایستگان از بندگانت که برای ما سپری قرار دهی که ما را از مهالک نجات دهد

تُجَنِّبُنَا مِنَ الْآفَاتِ، وَ تُكِنِّنَا مِنْ دَوَاهِي الْمُصِيبَاتِ، وَأَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا مِنْ

و خودت ما را از آفات دور کنی و از مصیبت‌های بزرگ ما را محفوظ داری و از

سَكِينَتِكَ، وَأَنْ تُغَشِّيَ وَجُوهَنَا بِأَنْوَارِ مَحَبَّتِكَ، وَأَنْ تُؤْوِيَنَا إِلَى شَدِيدِ رُكْنِكَ،

آرامش خود بر ما فرود آری و چهره‌های ما را به انوار محبت خویش بیوشانی و در پایگاه محکمت ما را جای دهی

وَأَنْ تَحْوِيَنَا فِي أَكْنَفِ عِصْمَتِكَ، بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

و ما را در کرانه‌های عصمت خویش بداری به حق عطف و مهرت ای مهربانترین مهربانان.

۱۵- مناجات الزاهدین (زاهدان)

مناجات کسانی است که از خطر دنیاپرستی و زخارف آن آگاهند؛ آنان که می‌دانند گرداب‌های خطرناک دنیاپرستی چگونه جویندگانش را در کام خود فرو می‌برد و به نیستی و تباهی می‌کشاند. از این‌رو، زهد در دنیا و بی‌اعتنایی به زرق و برق آن را از خدا می‌طلبند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْهِیَ اسْكَنْتَنَا دَارًا حَفَرَتْ لَنَا حُفْرَ مَكْرَهَا، وَعَلَّقَتْنَا بِأَيْدِي الْمَنَائِيَا فِي

خدایا ما را در خانه‌ای جا داده‌ای که سر راه ما گودالهای نیرنگ را کنده و در دام‌های فریب خود ما را به چنگالهای

حَبَائِلِ غَدْرِهَا، فَالْيَيْكَ نَلْتَجِي مِنْ مَكَائِدِ خُدْعِهَا، وَبِكَ نَعْتَصِمُ مِنَ الْإِغْتِرَارِ

مرگ آویخته پس به سوی تو پناه آوریم از دام‌های فریبش و به تو نگهداری جوییم از مغرور شدن

بِزَخَارِفِ زِينَتِهَا، فَإِنَّهَا الْمُهْلِكَةُ طُلَابَهَا، الْمُتْلِفَةُ حُلَالَهَا، الْمَحْشُوءَةُ

به زر و زیور آراسته‌اش زیرا که دنیا جویندگانش را به هلاکت اندازد و واردین خود را نابود کند

بِالْأَفَاتِ، الْمَشْحُونَةُ بِالنَّكَبَاتِ، إِلَهِي فَزَهِّدْنَا فِيهَا، وَسَلِّمْنَا مِنْهَا

آکنده است از بلا و زیان و پر است از رنج و سختی خدایا پس ما را در دنیا پارسا کن و ما را به وسیله

بِتَوْفِيقِكَ وَعِصْمَتِكَ، وَأَنْزِعْ عَنَّا جَلَابِيبَ مُخَالَفَتِكَ، وَتَوَلَّ أُمُورَنَا بِحُسْنِ

توفیق و نگهداری خود از شرورش سالم بدار و بیرون آر از بر ما جامه‌های مخالفت و نافرمانیت را و با حسن کفایت

كِفَايَتِكَ، وَأَوْفِرْ مَزِيدَنَا مِنْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ، وَأَجْمِلْ صَلَاتِنَا مِنْ فَيْضِ

خود امور ما را سرپرستی فرما سهمیه عطای ما را از رحمت وسیع خود افزون گردان و جایزه‌های ما را از سرچشمه برفیض

مَوَاهِبِكَ، وَأَغْرِسْ فِي أَفْئِدَتِنَا أَشْجَارَ مَحَبَّتِكَ، وَأَتِمِّمْ لَنَا أَنْوَارَ مَعْرِفَتِكَ،

مواهبت نیکو گردان و بنشان در دل‌های ما درخت‌های محبتت را و کامل گردان بر ما انوار درخشنده معرفت را

وَأَذِقْنَا حَلَاوَةَ عَفْوِكَ وَلَذَّةَ مَغْفِرَتِكَ، وَاقْرُرْ أَعْيُنَنَا يَوْمَ لِقَائِكَ بِرُؤْيَيْتِكَ، وَ

و بچشان به ما شیرینی عفو و لذت آمرزشت را و دیدگمان را در روز قیامت به مشاهده جمالت روشن کن و

أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا، كَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ، وَالْأَبْرَارِ

دوستی دنیا را از دل‌های ما بیرون کن چنانچه درباره برگزیدگانت و نیکان از

مِنْ خَاصَّتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ^۱.

خواص درگاهت چنین کردی به رحمتت ای مهربانترین مهربانان و ای کریم‌ترین کریمان.

مناجاتی منظوم از امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام:

این مناجات از «صحیفه علویّه» نقل شده است.^۲

تَبَارَكْتَ تُعْطِي مَنْ تَشَاءُ وَتَمْنَعُ

بزرگی تو راست که به هر که خواهی بدهی و یا بازگیری

لَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَالْعُلَى

ستایش تو راست ای صاحب جود و بزرگی و بلندی

إِلَيْكَ لَدَى الْأَعْسَارِ وَالْيُسْرِ أَفْرَعُ

تو در سختی و آسانی پناه برم

إِلَهِي وَخَلَاقِي وَحِرْزِي وَمَوْلِي

ای معبود و آفریدگار و پناه و نگهدار من بدرگاه

إِلَهِي لَيْنٌ جَلَّتْ وَجَمَّتْ حَاطِبَتِي	خدا یا اگر خطایم بزرگ و زیاد است
فَعَفُوكَ عَنْ ذَنْبِي أَجَلٌ وَأَوْسَعُ	ولی گذشت تو از گناه من بزرگتر و وسیعتر است
إِلَهِي لَيْنٌ أَعْطَيْتُ نَفْسِي سُؤْلَهَا	خدا یا اگر من از خواهش نفس پیروی کنم
فَهَا أَنَا فِي رَوْضِ النَّدَامَةِ أَرْتَعُ	پس در آن حال من در چراگاه پشیمانی می‌چرم
إِلَهِي تَرَى حَالِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي	خدا یا خود تو حال من و نداری و تهیدستیم را بینی
وَأَنْتَ مُنَاجَاتِي الْخَفِيَّةَ تَسْمَعُ	و تو رازهای پنهان مرا می‌شنوی
إِلَهِي فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَلَا تُزِعْ	خدا یا پس امیدم را قطع مکن و منحرف مساز
فُؤَادِي فَلِي فِي سَيْبِ جُودِكَ مَطْمَعُ	به نومیدی دلم را که من طمعکار باران سخایت هستم
إِلَهِي لَيْنٌ خَيْبَتِي أَوْ طَرَدْتَنِي	خدا یا اگر نومیدم سازی یا از درگاهت برانی
فَمَنْ ذَا الَّذِي أَرْجُو وَمَنْ ذَا أَسْفَعُ	پس به چه کسی امید داشته باشم و که را شفیع گردانم
إِلَهِي أَجْرُنِي مِنْ عَذَابِكَ إِنِّي	خدا یا از عذاب خود پناهم ده که براستی من
أَسِيرٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ لَكَ أَخْضَعُ	اسیر و خوار و ترسان و خاضع درگاه توام
إِلَهِي فَأَنْسِنِي بِتَلْقِينِ حُجَّتِي	خدا یا بوسیله تلقین دلیل و حجتم با من انس گیر
إِذَا كَانَ لِي فِي الْقَبْرِ مَثْوَى وَمَضْجَعُ	در آن هنگام که در گور منزل و مأوی گیرم
إِلَهِي لَيْنٌ عَذَّبْتَنِي أَلْفَ حِجَّةٍ	خدا یا اگر هزار سال مرا عذاب کنی ولی
فَحَبْلُ رَجَائِي مِنْكَ لَا يَتَقَطَّعُ	باز رشته امید من از درگاه تو قطع نمی‌شود
إِلَهِي أَدَقَّنِي طَعْمَ عَفْوِكَ يَوْمَ لَا	خدا یا مزه گذشتت را به من بچشان در آنروز
بَنُونَ وَلَا مَالٌ هُنَالِكَ يَنْفَعُ	که نه فرزندان و نه مال در آنجا سود بخشد
إِلَهِي لَيْنٌ لَمْ تَرْعَنِي كُنْتُ ضَائِعًا	خدا یا اگر تو مراعاتم نکنی یکسره از بین رفته‌ام
وَإِنْ كُنْتَ تَرْعَانِي فَلَسْتُ أُضَيِّعُ	و اگر تو مراعاتم کنی ضایع نگردم
إِلَهِي إِذَا لَمْ تَعْفُ عَنِّي غَيْرِ مُحْسِنٍ	خدا یا اگر بنا شود جز از نیکوکار نگذری
فَمَنْ لِمُسَيِّءٍ بِالْهُوَى يَتَمَتَّعُ	پس کیست امید گنهکاری که به هوای نفس کامرانی کرده
إِلَهِي لَيْنٌ فَرَطْتُ فِي طَلَبِ التُّقَى	خدا یا اگر در جستجوی پرهیزکاری کوتاهی کردم
فَهَا أَنَا إِثْرَ الْعَفْوِ أَقْفُو وَاتَّبَعُ	ولی اینک بدنبال گذشتت تو می‌گردم و آن را می‌جویم
إِلَهِي لَيْنٌ أَخْطَأْتُ جَهْلًا فَطَالَمَا	خدا یا اگر از روی نادانی خطا کردم پس چه بسیار امیدوار
رَجَوْتُكَ حَتَّى قِيلَ مَا هُوَ يَجْزَعُ	به تو بوده‌ام بطوری که درباره‌ام گفتند باک ندارد
إِلَهِي ذُنُوبِي بَدَّتْ الطُّودَ وَأَعْتَلَّتْ	خدا یا گناهانم برتر و بلندتر از کوه‌های بزرگ گشته
وَصَفْحُكَ عَن ذَنْبِي أَجَلٌ وَأَرْفَعُ	ولی چشم‌پوشی تو از گناه من بزرگتر و برتر است

إِلَهِي يُنَحِّي ذِكْرَ طَوْلِكَ لَوْعَتِي	وَذَكَرُ الْخَطَايَا الْعَيْنَ مِنِّي يُدَمِّعُ
خدایا یاد بخشش تو سوز درونم را ببرد	و یاد گناهان چشمانم اشکبار کند
إِلَهِي أَقْلِنِي عَثْرَتِي وَأَمَحْ حَوْبَتِي	فَأِنِّي مُقِرُّ خَائِفٌ مُتَضَرِّعٌ
خدایا لغزشم را ببخش و گناهم را محو کن	زیرا که من به گناه اقرار داشته و ترسان و نالانم
إِلَهِي أَنْلِنِي مِنْكَ رَوْحاً وَرَاحَةً	فَلَسْتُ سِوَى أَبْوَابِ فَضْلِكَ أَقْرَعُ
خدایا صفا و آسایشی از جانب خود به من ببخش	که من جز درهای فضل تو را نکوبم
إِلَهِي لَسِنٌ أَقْصَيْتَنِي أَوْ أَهَنْتَنِي	فَمَا حَيْلَتِي يَا رَبِّ أَمْ كَيْفَ أَصْنَعُ
خدایا اگر دورم کنی یا بی‌اعتناییم کنی	پس دیگر چه چاره کنم پروردگارا و یا چه بکنم؟
إِلَهِي حَلِيفُ الْحُبِّ فِي اللَّيْلِ سَاهِرٌ	يُنَاجِي وَيَدْعُو وَالْمُعَقَّلُ يَهْجَعُ
خدایا آن که با دوستی تو دست بگریبان است شب را همه بیدار	و در مناجات و دعاست ولی غافل یکسره در خواب
إِلَهِي وَهَذَا الْخَلْقُ مَا بَيْنَ نَائِمٍ	وَمُنْتَبِهٍ فِي لَيْلِهِ يَتَضَرَّعُ
خدایا این مردم هم یک دسته شبها خواب	و دسته‌ای بیدار و به تضرع مشغولند
وَكُلُّهُمْ يَرْجُو نَوَالِكَ رَاجِئاً	لِرَحْمَتِكَ الْعَظْمَى وَفِي الْخُلْدِ يَطْمَعُ
و همگی به امید عطای تواند و امیدوار	به رحمت بزرگ تو و طمع بهشت برین دارند
إِلَهِي يُمَنِّبُنِي رَجَائِي سَلَامَةً	وَقُبْحُ خَطِيئَاتِي عَلَيَّ يَشْنَعُ
خدایا امید من مرا آرزومند سلامتی می‌کند	ولی زشتی گناهانم مرا به رسوایی تهدید می‌کند
إِلَهِي فَإِنْ تَعَفُّوْكَ مُنْقَذِي	وَالْأَفَالِدُ نَبِ الْمُدْمَرِ أُضْرَعُ
خدایا اگر بگذری گذشت تو نجات بخش من است	وگرنه من با این گناه مهلک به نابودی درافتم
إِلَهِي بِحَقِّ الْهَاشِمِيِّ مُحَمَّدٍ	وَحُرْمَةِ أَطْهَارِهِمْ لَكَ خُضَعُ
خدایا به حق محمد هاشمی	و به حرمت پاکانی که به درگاهت خاضعدن
إِلَهِي بِحَقِّ الْمُصْطَفَى وَابْنِ عَمِّهِ	وَحُرْمَةِ أَبْرَارِهِمْ لَكَ خُشَعُ
خدایا به حق محمد مصطفی و پسر عمویش (علی)	و به حرمت نیکانی که بدرگاهت خاشعدن
إِلَهِي فَأَنْشِرْنِي عَلَى دِينِ أَحْمَدَ	مُنِيباً تَقِيّاً قَائِئناً لَكَ أَخْضَعُ
خدایا مرا بر دین احمد در قیامت برانگیز	در حال انابه و پرهیزکاری و فروتنی و خضوع
وَلَا تَحْرِمْنِي يَا إِلَهِي وَسَيْدِي	شَفَاعَتَهُ الْكُبْرَى فَذَاكَ الْمُسْتَقْعُ
و مرا محروم مکن ای معبود و آقایم از	آن شفاعت بزرگش که شفاعت او پذیرفته است
وَصَلِّ عَلَيْهِمْ مَا دَعَاكَ مُوحِّدٌ	وَنَاجَاكَ أَخْيَارُ بِنَابِكَ رُكَّعُ
و درود فرست بر ایشان تا زمانی که یکتاپرستی به درگاهت	دعا کند و نیکان با تو در مناجات و بدرگاهت در رکوعند

سه جمله بسیار عالی از اَهِیرِ مَوْهِنَانِ علیه السلام در مناجات:

إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا * * * وَكَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي

خدایا این عزت مرا بس است که بنده تو باشم * * * و این افتخار برایم بس است که تو

رَبًّا * * * أَنْتَ كَمَا أَحِبُّ، فَأَجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ. ۱

پروردگار منی * * * تو چنانی که من خواهم مرا همچنان کن که تو خواهی.

دعا‌های قرآنی:

در قرآن مجید، علاوه بر آیاتی که اهمّیت دعا را به طور کلی بیان می‌کند، نمونه‌هایی از دعا نیز آمده است که بسیار پرمعنا و پرمحتواست و سزاوار است در قنوت نمازها و در سجده آخر و تعقیبات و به طور کلی در مواقع دعا از آنها استفاده شود که امید اجابت در آن فراوان است.

بخشی از این دعاها بر زبان انبیای بزرگ جاری شده و بخش دیگری را خداوند به بندگان می‌آموزد. قسمت مهمی از این دعاها (به ترتیب سوره‌های قرآن) چنین است:

۱- رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. ۲

پروردگار! به ما در دنیا «نیکی» عطا کن؛ و در آخرت نیز «نیکی» مرحمت فرما؛ و ما را از عذاب دوزخ نگهدار.

۲- رَبَّنَا أفرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. ۳

پروردگار! شکیبایی و استقامت را بر ما فرو ریز؛ و قدمهای ما را ثابت بنا؛ و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان.

۳- رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا

پروردگار! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مواخذه مکن. پروردگار! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده،

كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ

آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر کسانی که پیش از ما بودند، قراردادی. پروردگار! آنچه طاقت تحمل آن را نداریم، بر ما مقدر مدار؛ و ما را عفو کن

عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَأَرْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. ۴

و بیمارز و مورد رحمت خود قرار ده. تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان.

۱. خصال، جلد ۲، صفحه ۴۲۰، حدیث ۱۴.

۲. سوره بقره، آیه ۲۰۱.

۳. سوره بقره، آیه ۲۵۰.

۴. سوره بقره، آیه ۲۸۶.

۴- رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.^۱

پروردگارا! دلپایمان را، بعد از آن که ما را هدایت کردی (از راه حق) منحرف مگردان؛ و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش.

زیرا تویی بخشنده.

۵- رَبَّنَا إِنَّا أِثْمَانًا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.^۲

پروردگارا! ما ایمان آورده‌ایم؛ پس گناهان ما را بر ما ببخش، و ما را از عذاب دوزخ نگاهدار.

۶- رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا

پروردگارا! گناهان و تندروی‌های ما در کارها، را بر ما ببخش. قدمهای ما را استوار بدار؛ و ما را

عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.^۳

بر جمعیت کافران، پیروز گردان.

۷- رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا

پروردگارا! ما صدای منادی(تو)را شنیدیم که به ایمان دعوت می‌کرد که: «به پروردگار خود ایمان بیاورید» و ما ایمان آوردیم.

فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ.^۴

پروردگارا! گناهان ما را ببخش و بدی‌های ما را بپوشان؛ و ما را با نیکان (و در مسیر آنها) بمیران.

۸- رَبَّنَا وَءَاتَنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا

پروردگارا! آنچه را به وسیله پیامبرانت به ما وعده فرمودی به ما عطا کن؛ و ما را در روز رستاخیز، رسوا مگردان؛ زیرا تو هیچ‌گاه

تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.^۵

از وعده خود، تخلف نمی‌کنی.

۹- رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ.^۶

پروردگارا ما به خویشتن ستم کردیم؛ و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، به یقین از زیانکاران خواهیم بود.

۱۰- رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ.^۷

پروردگارا! مرا برپا دارنده نماز قرار ده، و از فرزندانم (نیز چنین فرما)، پروردگارا! دعای مرا بپذیر.

۱. سوره آل عمران، آیه ۸.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۶.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۴۷.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۹۳.

۵. سوره آل عمران، آیه ۱۹۴.

۶. سوره اعراف، آیه ۲۳.

۷. سوره ابراهیم، آیه ۴۰.

۱۱- رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ. ۱

پروردگارا! من و پدر و مادرم و همهٔ مؤمنان را، در آن روزی که حساب برپا می‌شود، ببامرز!

۱۲- رَبِّ ادْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّاجْعَلْ

پروردگارا! مرا (در هر کار) با صداقت وارد کن، و با صداقت خارج ساز؛ و از سوی خود،

لِيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا. ۲

حجتی یاری کننده برابم قرار ده.

۱۳- رَبَّنَا ءَاتِنَا مِنْ لَّدُنْكَ رَحْمَةً وَّهَيِّئْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا رَشَدًا. ۳

پروردگارا! از سوی خود رحمتی به ما عطا کن، و از کار (فرو بسته) ما راه نجاتی برابمان فراهم ساز.

۱۴- رَبِّ اَشْرَحْ لِيْ صَدْرِيْ وَيَسِّرْ لِيْ اَمْرِيْ وَاَحْلِلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِيْ

پروردگارا! سینهام را گشاده کن؛ و کارم را برابم آسان گردان؛ و گره از زبانت بگشای.

يَفْقَهُوا قَوْلِيْ. ۴

تا سخنان مرا بفهمند.

۱۵- رَبِّ اِنِّيْ مَسْنِي الضُّرِّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ. ۵

هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت) ناراحتی و مشکلات شدید به من روی آورده؛ و تو مهربان‌ترین مهربانانی.

۱۶- لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّيْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ. ۶

جز تو معبودی نیست؛ منزهی تو! من از ستم‌کاران بودم.

۱۷- رَبِّ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطٰنِ وَاَعُوْذُ بِكَ رَبِّ اَنْ يَّحْضُرُوْنِيْ. ۷

پروردگارا! از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم؛ و پروردگارا از این که آنان نزد من حاضر شوند به تو پناه می‌برم.

۱۸- رَبِّ اغْفِرْ وَاَرْحَمْ وَاَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِيْنَ. ۸

پروردگارا! مرا ببامرز و رحمت کن؛ و تو بهترین رحم‌کنندگان.

۱۹- رَبَّنَا اَصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ اِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا. ۹

پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان که عذابش سخت و پردوام است.

- | | |
|----------------------------------|----------------------------|
| ۱. سورهٔ ابراهیم، آیهٔ ۴۱. | ۲. سورهٔ اسراء، آیهٔ ۸۰. |
| ۳. سورهٔ كهف، آیهٔ ۱۰. | ۴. سورهٔ طه، آیهٔ ۲۵-۲۸. |
| ۵. اقتباس سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۸۳. | ۶. سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۸۷. |
| ۷. سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۹۷ و ۹۸. | ۸. سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۱۱۸. |
| ۹. سورهٔ فرقان، آیهٔ ۶۵. | |

۲۰- رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا

پروردگارا! همسران و فرزندانمان را مایهٔ روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پیشوایی

لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا.^۱

پرهیزکاران گردان.

۲۱- رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَلَدِي

پروردگارا! شکر نعمتهایت را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام کن

وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ.^۲

و (توفیق ده) تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم و مرا به رحمت خود در زمرهٔ بندگان صالحت وارد کن.

۲۲- رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ.^۳

پروردگارا! به هر خیر و نیکی که تو بر من فرو فرستی نیازمندم.

۲۳- رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا

پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته است؛ پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی می‌کنند ببامرز،

سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ.^۴

و آنان را از عذاب دوزخ نگاهدار.

۲۴- رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرْ.^۵

پروردگارا! من مغلوب (این قوم طغیانگر) شده‌ام، سپس (مرا) یاری کن.

۲۵- رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي

پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند ببامرز، و در دلایمان حسد و کینه‌ای

قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ.^۶

نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگارا! تو رؤوف و مهربانی.

۲۶- رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ

پروردگارا! مرا و پدر و مادرم و همهٔ کسانی را که با ایمان وارد خانهٔ من شدند و جمیع مردان و زنان با ایمان

وَالْمُؤْمِنَاتِ.^۷

را ببامرز.

۱. سورهٔ فرقان، آیهٔ ۷۴.

۲. سورهٔ قصص، آیهٔ ۲۴.

۳. سورهٔ غافر، آیهٔ ۷.

۴. سورهٔ نوح، آیهٔ ۲۸.

۵. سورهٔ نمل، آیهٔ ۱۹.

۶. سورهٔ حشر، آیهٔ ۱۰.

۷. سورهٔ نوح، آیهٔ ۲۸.

دعای صبح:

این دعا از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است و بسیار پرمحتوا و لذت‌بخش و زیباست. مرحوم «علامه مجلسی» این دعا را در کتاب «بحارالانوار» - هم در کتاب الدعاء و هم در کتاب الصلاة - آورده است و فرموده: این دعا از دعاهای مشهور است، ولی من آن را جز در کتاب «مصباح سید بن باقی» رضوان الله علیه، در دیگر کتاب‌های معتبر نیافتم و مشهور آن است که این دعا را بعد از نماز صبح بخوانند.^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ، وَسَرَّحَ قَطَعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ

خدایا ای که بیرون کشید زبان صبحدم را به بیان تابناک آن و پراکنده ساخت پاره‌های شب تاریک را با آن

بَغْيَاهِبٍ تَلْجُلُجِهِ، وَأَثَقَنَ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ تَبَرُّجِهِ، وَشَعَّشَعَ

توده‌های سیاه سرگردانی که داشت و محکم ساخت ساختمان این چرخ گردون را در اندازه‌ها و گردشهای زیبایش و پرتو افکن ساخت

ضِيَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأَجُّجِهِ، يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ، وَتَنَزَّهَ عَنْ

تابش خورشید را با نور فروزان و گرم آن ای که راهنمایی کرد برخودش به خودش و منزّه است از

مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ، وَجَلَّ عَنْ مُلَائِمَةِ كَيْفِيَّاتِهِ، يَا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَطَرَاتِ

هم چینی (و مشابهت با) مخلوقاتش و برتر است از سنخیت یا چگونگیهای عالم خلقت ای کسی که نزدیک است به گمانهایی که بر

الظُّنُونِ، وَبَعَدَ عَنْ لِحَظَاتِ الْعُيُونِ، وَعَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ، يَا مَنْ

دل خطور کند ولی دور است از چشم انداز دیدگان و می‌داند آنچه را شود پیش از شدنش ای کسی که

أَرْقَدَنِي فِي مِهَادِ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ، وَأَيَّقُظَنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنَنِهِ

مرا در گهوارهٔ آسایش و امانت خود به خواب برد و برای استفاده از نعمتها و بخششهای بی‌دریغش بیدارم کرد

وَإِحْسَانِهِ، وَكَفَّ أَكْفَ السُّوءِ عَنِّي بِيَدِهِ وَسُلْطَانِهِ، صَلَّى اللَّهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ

و پندجهای بدخواهان را بدست قدرت و سلطنت خویش از من بازداشته درود فرست بر آن راهنمای به

إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْأَلِيلِ، وَالْمَاسِكِ مِنْ أَسْبَابِكَ بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ،

سوی تو در شب بسیار تار (جاهلیت) و آن کس که در میان اسباب و وسایل تو بلندترین ریمان شرف را گرفت

۱. بحارالانوار، جلد ۸۴، صفحه ۳۳۹، حدیث ۱۹ و جلد ۹۱، صفحه ۲۴۳، حدیث ۱۱.

وَالنَّاصِعِ الْحَسَبِ فِي ذُرْوَةِ الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ، وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَيَّ

و آن کس که حسب پاک و خالصش بر بلندترین شانه‌های مردان عالم قرار داشت و آن ثابت قدم بر

ز حَالِفِهَا فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ، وَعَلَى إِلَهِ الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ، وَافْتَحَ

روی لغزشگاهها در آن زمان پیشین و بر خاندان نیکوکار برگزیده خوش کردارش و بگشا برای ما

اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِيحَ الصَّبَاحِ بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ، وَالْبِسْنِي اللَّهُمَّ

خدایا لنگه‌های در بامدادان را به کلیدهای رحمت و رستگاری و بیوشانم خدایا

مِنْ أَفْضَلِ خَلَعِ الْهُدَايَةِ وَالصَّلَاحِ، وَأَغْرِسِ اللَّهُمَّ بِعِظْمَتِكَ فِي شَرْبِ

از بهترین خلعت‌های هدایت و شایستگی و بجوشان خدایا به عظمت خویش در جویبار

جَنَانِي يَنَابِيعَ الْخُشُوعِ، وَاجْرِ اللَّهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ أَمَاقِي زَفَرَاتِ الدُّمُوعِ،

دل‌ چشمه‌های خشوع را و جاری ساز خدایا برای هیبت از گونه‌های مشک‌های آشک

وَأَدِّبِ اللَّهُمَّ نَزَقَ الْخُرْقِ مَنِيَّ بِأَزْمَةِ الْقَنُوعِ، إِلَهِي إِنْ لَمْ تَبْتَدِئْنِي

و ادب کن خدایا سبک مغزی و تندخویی مرا به مهارهای قناعت (یا خواری در سوال) خدایا اگر در ابتدا

الرَّحْمَةَ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ، فَمَنْ السَّالِكُ بِي إِلَيْكَ فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ،

رحمت تو از روی حسن توفیق به سراغ من نمی‌آمد پس چه کسی بود که مرا در این راه روشن بسویت آرد

وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي أَنْتَ لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنَى، فَمَنْ الْمُقْبِلُ عَثْرَاتِي مِنْ كِبَوَاتِ

و اگر حلم و بردباری تو مرا بدست آرزو و میل سرکش سپارد پس چه کسی لغزشهای مرا از زمین خوردنهای هوا و هوس

الْهُوَى، وَإِنْ خَذَلْنِي نَصْرُكَ عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ، فَقَدْ وَكَلْنِي

نادیده بگیرد و اگر در هنگام جنگ با نفس و شیطان یاری تو نباشد مسلماً همان یاری نکردنت مرا

خَذَلَانِكَ إِلَيَّ حَيْثُ النَّصَبِ وَالْحِرْمَانِ، إِلَهِي أَتْرَانِي مَا آتَيْتَكَ إِلَّا مِنْ

بدست رنج و حرمان سپارد خدایا تو بخوبی مرا می‌بینی که نزدت نیامدم جز از راه

حَيْثُ الْأُمَالِ، أَمْ عَلِقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ إِلَّا حِينَ بَاعَدْتَنِي ذُنُوبِي عَنْ

آرزوها (و آنها مرا به درگاهت آورد) یا شده که بسر رشته‌های فضل و کرمات چنگ زدم جز وقتی که گناهانم مرا از

دَارِ الْوِصَالِ، فَبِئْسَ الْمَطِيَّةُ الَّتِي امْتَطَتْ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا، فَوَاهَا لَهَا لِمَا

خانهٔ وصال دور سازد پس چه بد مرکبی است مرکب هوا و هوس که نفس من بر آن سوار شده پس وای بر این

سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونَهَا وَمُنَاهَا، وَتَبَّأَلْهَا لِحُرَّاتِهَا عَلَيَّ سَيِّدِهَا وَمَوْلِيهَا، إِلَهِي

نفس که گمانهای باطل و آرزوهای بیجایش در نزد او جلوه کرد و نابود باد که بر آقا و مولای خویش دلیری کرد

قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بَيِّدِ رَجَائِي، وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ لِأَجْنَأٍ مِنْ فَرْطِ أَهْوَائِي،

خدایا من در رحمت را بدست امیدم کوبیدم و از فرط هواهای نفسانی به حال پناهنده‌گی بسوی تو گریختم

وَعَلَقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ أَنَامِلَ وَلَائِي، فَأَصْفَحِ اللَّهُمَّ عَمَّا كُنْتُ أَجْرَمْتُهُ

و بند کردم بسر رشته‌های کرمت انگشتان دوستی‌ام را پس درگذر خدایا از جرمهایی که من از روی

مِنْ زَلَلِي وَخَطَائِي، وَأَقْلِنِي مِنْ صَرَعَةِ رِدَائِي، فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ

لنزش و خطا کردم و نگاهم دار از حملهٔ بیماریم (که دچار گشته‌ام) زیرا که تویی آقا و مولایم

وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي، وَأَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي، وَمُنَايَ فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ،

و تکیه‌گاه و امیدم و تویی منتهای خواسته‌ها و آرمانم در دنیا و عقابم

إِلَهِي كَيْفَ تَطْرُدُ مَسْكِينَنَا التَّجَا إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ هَارِبًا، أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ

خدایا چگونه برانی از درگاهت بیچاره‌ای را که در حال فرار از گناهان به تو پناه آورده یا چگونه نومید

مُسْتَرْتِدًا قَصْدَ إِلِيَّ جَنَابِكَ سَاعِيًا، أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظُمَّانَ وَرَدَّ إِلِيَّ حِيَاضِكَ

سازی راه جویی را که شتابان آهنگ حضرت تو را کرده یا چگونه بازگردانی تشنه‌ای را که برای نوشیدن (آب) بر سر حوضهای تو آمده

شَارِبًا، كَلًّا وَحِيَاضِكَ مُتْرَعَةً فِي ضَنْكِ الْمُحُولِ، وَبَابِكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ

نه هرگز چنین نخواهی کرد با این‌که حوضهای (برفیضت) در سخت‌ترین خشکسالیها لبریز است و در خانهات برای خواستن و ورود باز است

وَالْوُغُولِ، وَأَنْتَ غَايَةُ الْمَسْئُولِ، وَنَهَايَةُ الْمَأْمُولِ، إِلَهِي هَذِهِ أَرْمَةٌ نَفْسِي

و تویی انتهای خواسته (خواستاران) و منتهای آرزوی (آرزومندان) خدایا این مهارهای نفس من است که به

عَقَلْتُهَا بِعِقَالِ مَشِيَّتِكَ، وَهَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي دَرَأْتُهَا بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ،

پای بند مشیت تو آنها را بستم و این است بارهای سنگین گناهانم که به امید عفو و رحمت بر زمین نهادم

وَهَذِهِ أَهْوَائِي الْمُضِلَّةُ وَكَلَّتْهَا إِلَيَّ جَنَابِ لُطْفِكَ وَرَأْفَتِكَ، فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ

و این است هوسهای گمراه کننده‌ام که به استن لطف و مهتر سپردم پس ای خدا

صَبَاحِي هَذَا نَارًا عَلَيَّ بِضِيَاءِ الْهُدَى، وَبِالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا،

این بامداد مرا چنان مقرر کن که با انوار هدایت و سلامت در دین و دنیا بر من فرود آید

وَمَسَائِي جَنَّةً مِنْ كَيْدِ الْعِدَى، وَوَقَايَةً مِنْ مُرْدِيَاتِ الْهَوَى، إِنَّكَ قَادِرٌ

و شامم را سپری از نیرنگ خطرناک دشمنان و پناهگاهی از پرتگاههای هوا و هوس قرار ده که تو بر هر چه بخواهی

عَلَيَّ مَا تَشَاءُ، تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَتَعِزُّ

توانایی ملک و سلطنت را به هر که خواهی می‌دهی و از هرکه خواهی برگیری و عزت دهی

مَنْ تَشَاءُ، وَتَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تُولِجُ

هر که را خواهی و خوار کنی هر که را خواهی همه خوبیها بدست توست و تو بر هر چیز توانایی شب را

اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ،

در روز فرو ببری و روز را در شب درآوری زنده را از مرده بیرون آوری

وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ، لَا إِلَهَ إِلَّا

و مرده را از زنده بیرون آوری و به هر که خواهی بی حساب روزی دهی معبودی جز تو نیست

أَنْتَ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، مَنْ ذَا يَعْرِفُ قَدْرَكَ فَلَا يَخَافُكَ، وَمَنْ ذَا

منزهی تو خدایا و حمد تو را گویم کیست که قدر تو را بشناسد و از تو ترسد و کیست که

يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ، أَلْفَتْ بِقَدْرَتِكَ الْفِرَقَ، وَفَلَقَتْ بِلُطْفِكَ الْفَلَقَ،

بداند تو کیستی و از تو نهرسد تو با قدرت خویش جداها را با هم جمع کردی و به لطف خویش سپیده دم را شکافتی

وَأَنْزَرْتَ بِكْرَمِكَ دِيَا جِي الْعَسَقِ، وَأَنْهَرْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصَّمِّ الصَّيَاخِيدِ

و بکرم خود تاریکهای شدید شب را روشن کردی و روان کردی آبهای شیرین و شور را از دل

عَذْبًا وَأَجَا جَا، وَأَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا، وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ

سنگهای سخت و محکم و فرو ریختی از ابرهای فشرده آبی ریزان و فراوان، و قرار دادی خورشید

وَالْقَمَرَ لِلْبَرِّيَّةِ سِرَاجًا وَهَاجَا، مِنْ غَيْرِ أَنْ تُمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَأَتْ بِهِ لُغُوبًا

و ماه را برای مردمان چراغی فروزان بدون آنکه در آنچه بدان آغاز کردی (آفرینش) دچار خستگی و تعب گردی

وَلَا عِلَاجًا، فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَالْبَقَاءِ، وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ،

یا به چارهجویی محتاج شوی ای آن که در عزت و بقا یگانه است و بندگانش را بوسیله مرگ و نابودی مقهور خویش کرده

صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَتْقِيَاءِ، وَاسْمَعْ نِدَائِي، وَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَحَقِّقْ

درود فرست بر محمد و خاندان پرهیزکارش و فریاد مرا بشنو و دعایم را اجابت کن و به

بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي، يَا خَيْرَ مَنْ دَعِيَ لِكَشْفِ الضَّرِّ، وَالْمَأْمُولِ لِكُلِّ

فضل خویش آرزو و امید مرا تثبیت کن ای بهترین کسی که خوانده شدی برای برطرف ساختن گرفتاری و آرزو شدهای برای هر

عُسْرٍ وَيَسْرٍ، بِكَ أَنْزَلْتُ حَاجَتِي، فَلَا تَرُدَّنِي مِنْ سَنِي مَوَاهِبِكَ خَائِبًا، يَا

سختی و آسانی فرود آوردم بار حاجتم را بدرگاهت پس مرا از عطایای عالی خود ناامید باز مگردان ای

كَرِيمٍ يَا كَرِيمٍ يَا كَرِيمٍ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ خَيْرِ

کریم ای کریم ای کریم به رحمت خود ای مهربانترین مهربانان و درود خدا بر بهترین

این دعای شریف، علاوه بر کتاب‌های فوق، در کتاب «مصباح‌المتهجد»،^۱ نیز آمده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي

خدایا من از تو می‌خواهم بحق آن رحمت که همه چیز را فرا گرفته و به آن نیرویت که همه چیز را

قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَخَضَعَ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَذَلَّ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ

بوسیله آن مقهور خویش کردی و همه چیز در برابر آن خاضع و همه در پیش آن خوار است و

بَجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ،

به جبروت تو که بوسیله آن چیره گشتی بر هر چیز و به عزت که چیزی در برابرش نایستد و

وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ،

به آن عظمت و بزرگیت که پر کرده هر چیز را و به آن سلطنت و پادشاهیت که بر هر چیز برتری گرفته و

وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ^۲ أَرْكَانَ كُلِّ

به ذات پاکت که پس از نابودی هر چیز باقی است و به نامهای مقدست که اساس هر موجودی را پر کرده

شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلَّ

و به آن علم و دانش که احاطه یافته به هر چیز و به نور ذات که روشن شد در پرتوش هر چیز

شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ

ای نور حقیقی و ای منزّه از هر عیب ای آغاز موجودات اولین و ای پایان آخرین خدایا بیامرز

لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النِّقْمَ،

برایم آن گناهی را که بردهها را ببرد خدایا بیامرز برایم آن گناهی را که عقاب و کفرها را فرو ریزد

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَغَيِّرُ النِّعْمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

خدایا بیامرز برایم آن گناهی را که نعمتها را تغییر دهد خدایا بیامرز برایم آن گناهی را که از (اجابت)

تَحْسِبُ الدُّعَاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

دعا جلوگیری کند خدایا بیامرز برایم آن گناهی را که بلا نازل کند خدایا بیامرز برایم

۱. مصباح‌المتهجد، صفحه ۸۴۴. ما این دعا را مطابق نسخه متداول نقل می‌کنیم و موارد اختلاف آن را با مصباح‌المتهجد در پاورقی

۲. مصباح‌المتهجد: غَلَبْتَ.

متذکر می‌شویم.

كُلِّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ، وَكُلِّ خَطِيئَةٍ اَخْطَاْتُهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِذِكْرِكَ،

هر گناهی که کرده‌ام و هر خطایی که از من سر زده خدایا من به سوی تو تقرب جویم بوسیله ذکر تو

وَاسْتَشْفَعُ بِكَ اِلَى نَفْسِكَ، وَاسْأَلُكَ بِجُودِكَ اَنْ تُدْنِيَنِيْ مِنْ قُرْبِكَ، وَاَنْ

و شفیع آورم بدرگاهت خودت را و به جود و کرمت از تو می‌خواهم که مرا به مقام قرب خویش نزدیک سازی

تُوَزِعَنِيْ شُكْرَكَ، وَاَنْ تُلْهِمَنِيْ ذِكْرَكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ

و شکر تو را بر من روزی کنی و ذکر خود را به من الهام کنی خدایا از تو درخواست می‌کنم درخواست شخص فروتن

مُتَدَلِّلٍ خَاشِعٍ، اَنْ تُسَامِحَنِيْ وَتَرْحَمَنِيْ، وَتَجْعَلَنِيْ بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا،

خوار ترسان که بر من آسان گیری و به من رحم کنی و مرا به آنچه برابم قسمت کرده‌ای راضی و قانع سازی

وَفِيْ جَمِيْعِ الْاَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا، اَللّٰهُمَّ وَاسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اَشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ،

و در تمام حالات فروتنم کنی خدایا از تو درخواست کنم درخواست کسی که سخت فقیر و بی‌چیز شده

وَاَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ، وَعَظَّمَ فِيْمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ، اَللّٰهُمَّ عَظَّمَ

و خواسته‌اش را هنگام سختیها پیش تو آورده و امیدش بدانچه نزد توست بزرگ است خدایا پادشاهیت

سُلْطَانُكَ، وَعَلَا مَكَانَكَ، وَخَفِيَ مَكْرُكَ، وَظَهَرَ اَمْرُكَ، وَغَلَبَ قَهْرُكَ، وَ

بس بزرگ و مقامت بسی بلند است مکر و تدبیرت در کارها پنهان و فرمانت آشکار است قهرت غالب و

جَرَتْ قُدْرَتُكَ، وَلَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُوْمَتِكَ، اَللّٰهُمَّ لَا اَجِدُ لِذُنُوْبِيْ

نیرویت نافذ است و گریز ازتحت حکومت تو ممکن نیست خدایا نیایم برای گناهانم

غَافِرًا، وَلَا لِقَبَائِحِيْ سَاتِرًا، وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِيْ الْقَبِيْحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا

آمرزنده‌ای و نه برای کارهای زشتم پرده‌پوشی و نه کسی را که عمل زشت مرا به کار نیک تبدیل کند

غَيْرِكَ، لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِيْ، وَتَجَرَّاتُ

جز تو، نیست معبودی جز تو منزهی تو و به حمد تو مشغولم من به خوشتن ستم کردم و در اثر

بِجَهْلِيْ، وَسَكَنْتُ اِلَى قَدِيْمٍ ذِكْرِكَ لِيْ، وَمَنْكَ عَلَيَّ، اَللّٰهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ

نادانیم دلبری کردم و آسوده خاطر نشستم به این‌که همیشه از قدیم به یاد من بوده و بر من لطف و بخشش داشتی ای خدا ای مولای من

قَبِيْحٍ سَتَرْتَهُ، وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ اَقْلَتَهُ، وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ، وَكَمْ

چه بسیار زشتیها که از من پوشاندی و چه بسیار بلاهای سنگین که از من بازگرداندی و چه بسیار لغزشها که از آن نگهم داشتی و چه

مِنْ مَكْرُوهِ دَفَعْتَهُ، وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيْلٍ لَسْتُ اَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ، اَللّٰهُمَّ عَظَّمَ

بسیار ناراحتیها که دور کردی و چه بسیار مدح و ثنای خوبی که من شایسته‌اش نبودم و تو آن را منتشر ساختی خدایا بلای من

بَلَاءِي، وَأَفْرَطَ بِي سَوْءِ حَالِي، وَقَصَّرْتَ بِي أَعْمَالِي، وَقَعَدْتَ بِي أَغْلَالِي،

بسی بزرگ است و بدی حالم از حد گذشته و اعمالم نارساست و زنجیرهای علایق مرا خانه نشین

وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمَلِي، وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا، وَنَفْسِي

و آرزوهای دور و دراز مرا از رسیدن به منافعم بازداشته و دنیا با ظواهر فریبنده اش مرا گول زد و نفسم

بِحِبَائِيَّتِهَا، وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي فَاسْأَلْكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي

بوسله جانشش و به مسامحه گذراندم ای آقای من پس از تو می خواهم به عزت که بدی رفتار و کردار من دعایم را از

سَوْءِ عَمَلِي وَفِعَالِي، وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي، وَلَا

اجابت جلوگیری نکند و رسوا نکنی مرا به آنچه از اسرار پنهانی من اطلاع داری و

تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتَهُ فِي خَلَوَاتِي، مِنْ سَوْءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي،

شتاب نکنی در عقوبتم برای رفتار بد و کارهای بدی که در خلوت انجام دادم

وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي، وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي، وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ

و ادامه دادنم به تقصیر و نادانی و زیادی شهوت رانی و بی خیریم و خدا یا به عزت سوگند که

لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَءُوفًا، وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا، إِلَهِي وَرَبِّي

در تمام احوال نسبت به من مهربان باش و در تمام امور بر من عطوفت فرما ای معبود من و ای پروردگار من

مَنْ لِي غَيْرِكَ، أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي، إِلَهِي وَمَوْلَائِي

جز تو که را دارم که رفع گرفتاری و توجه در کارم را از او درخواست کنم ای خدای من و ای مولای من

أَجْرِيَتْ عَلَيَّ حُكْمًا أَتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي، وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ

تو بر من حکمی را مقرر داشتی که در اجرای آن پیروی هوای نفسم را کردم و از فریبکاری دشمنم در این باره

عَدْوِي، فَغَرَّرَنِي بِمَا أَهْوَى، وَأَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ، فَتَجَاوَزْتُ بِمَا

نهراسیدم پس او هم به دلخواه خویش گولم زد و قضا هم با او کمک کرد و در اثر همین ماجرا

جَرِيْتُ عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ، وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ، فَلَكَ

که بر سرم آمد نسبت به پاره ای از حدود و احکامت تجاوز کردم و در برخی از دستورات راه مخالفت را پیمودم پس در تمام آنچه

الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ، وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرِيْتُ عَلَيَّ فِيهِ قِضَاؤُكَ،

پیش آمده تو را ستایش می کنم و اکنون از حکمی که در کیفر من جاری گشته و قضا و آزمایش تو مرا بدان

وَالزَّمَنِي حُكْمَكَ وَبَلَاؤُكَ، وَقَدْ آتَيْتَكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي

ملزم ساخته برهانی ندارم و اینک ای معبود من در حالی به درگاهت آمدم که دربارت کوتاهی کرده و برخورد زیادروی نموده

عَلَى نَفْسِي، مُعْتَدِرًا نَادِمًا، مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا، مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا، مُقِرًّا مُذْعِنًا

و عذرخواه و پشیمان و دل‌شکسته و پوزش‌جو و آموزش طلب و بازگشت‌کنان و به گناه خویش اقرار و اذعان

مُعْتَرِفًا، لَا أُجِدُّ مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي، وَلَا مَفْرَعًا اتَّوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ

و اعتراف دارم و راه‌گریزی از آنچه از من سر زده نیابم و پناهگاهی که بدان رو آورم در کار خویش ندارم جز این‌که تو

قَبُولِكَ عُذْرِي، وَإِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ، اَللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي،

عذرم بپذیری و مرا در فراختای رحمتت در آوری پس ای خدای من عذرم بپذیر و

وَأَرْحَمُ شِدَّةَ ضُرِّي، وَفَكَنِّي مِنْ شِدِّ وَثَاقِي، يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي،

بر سخت پریشانیم رحم کن و از بند سخت گناهانم رهاییم ده ای پروردگار من بر ناتوانی بدنم

وَرِقَّةَ جِلْدِي، وَدِقَّةَ عَظْمِي، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرِي، وَتَرَبَّيْتِي وَبَرِّي

و نازکی پوست تنم و باریکی استخوانم رحم کن ای کسی که آغاز کردی به آفرینش من و به یاد من و به پرورشم و به احسان

وَتَغْذَيْتِي، هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ، وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي

و خوراک دادم اکنون به همان بزرگواری نخست و سابقه احسانی که به من داشتی مرا ببخش ای معبود من و ای آقای من

وَرَبِّي، أَتُرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ، وَبَعْدَ مَا أَنْطَوِي عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ

و ای پروردگارم آیا به راستی مرا به آتش عذاب می‌کنی بعد از اقرارم به یگانگی و دلم به نور معرفت

مَعْرِفَتِكَ، وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ، وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ، وَبَعْدَ

آباد گشته و زبانم به ذکر تو گویا شده و نهادم به دوستی تو پیوند شده و پس از

صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ، هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ

اعتراف صادقانه و دعای خاضعانه‌ام به مقام بنده‌پروری و ربوبیت؟ بسیار دور است! تو بزرگوارتر از آنی که از

تَضْيِيعِ مَنْ رَبَّيْتَهُ، أَوْ تَبْعِدَ مَنْ أَدْبَيْتَهُ، أَوْ تُشْرِدَ مَنْ أَوَيْتَهُ، أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ

نظر دورداری کسی را که خود پروریدی یا دور گردانی کسی را که خود نزدیکش کرده یا تسلیم بلا و گرفتاری کنی

مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ، وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَاللَّهِ وَمَوْلَايَ، أَسَلِّطُ

کسی را که خود سرپرستی کرده و به لطف پروریدی و کاش می‌دانستم ای آقا و معبود و مولایم آیا چیره می‌کنی

النَّارَ عَلَى وُجُوهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً، وَعَلَى السُّنَنِ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ

آتش دوزخ را بر چهره‌هایی که در برابر عظمتت به سجده افتاده و بر زبان‌هایی که صادقانه به یگانگی

صَادِقَةً، وَبِشُكْرِكَ مَا دِحَّةً، وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِالْهِيتِكَ مُحَقَّقَةً، وَعَلَى

گویا شده و سپاسگزارانه به شکر تو باز شده و بر دل‌هایی که از روی یقین به خدایت اعتراف کرده‌اند و بر نهادهایی

ضَمَائِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً، وَعَلَى جَوَارِحِ سَعَتْ

که علم و معرفت آنها را فرا گرفته تا به جایی که در برابر تو خاشع گشته و بر اعضا و جوارحی که مشتاقانه

إِلَى أَوْطَانٍ تَعْبُدُكَ طَائِعَةً، وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً، مَا هَكَذَا الظَّنُّ

به پرستشگاه‌هایت شناخته و با حال اقرار به گناه جویای آمرزش تو هستند چنین گمانی به تو نیست

بِكَ، وَلَا أُخْبِرُنَا بِفَضْلِكَ عَنكَ، يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ، وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ

و از فضل تو چنین خبری به مانرسیده‌ای خدای کریم ای پروردگار من و تو ناتوانی

قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا، وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا،

مرا در مقابل اندکی از بلای دنیا و کیفرهای ناچیز آن و ناملایماتی که معمولاً بر اهل آن می‌رسد می‌دانی

عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ، قَلِيلٌ مَكْثُهُ، يَسِيرٌ بَقَائُهُ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ

در صورتی که این بلا و ناراحتی دوامش کم است و دورانش اندک و مدتش کوتاه است پس چگونه

اِحْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْأَخْرَةِ، وَجَلِيلٌ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا، وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ

تاب تحمل بلای آخرت و آن ناملایمات بزرگ را در آنجا دارم در صورتی که آن بلامدتش طولانی

مُدَّتُهُ، وَيَدُومُ مَقَامُهُ، وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ، لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنِ غَضَبِكَ

و دوامش همیشگی است و تخفیفی برای مبتلایان به آن نیست زیرا آن بلا از خشم

وَأَنْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ، وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، يَا سَيِّدِي

و انتقام و غضب تو سرچشمه گرفته و آن هم‌چیزی است که آسمانها و زمین تاب تحمل آن را ندارند ای آقای من

فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ،

تا چه رسد به من بنده ناتوان خوار ناچیز مستمند بیچاره

يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو، وَلِمَا مِنْهَا

ای معبود و پروردگار و آقا و مولای من آیا برای کدام یک از گرفتاری‌هایم به تو شکایت کنم و برای کدامیک از آنها

أَضِحُّ وَأَبْكِي، لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ، أَمْ لِطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ، فَلَيْسَ

شیون و گریه کنم؟ آیا برای عذاب دردناک و سخت یا برای بلای طولانی و مدید پس اگر بنا شود

صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ، وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَأَهْلَ بَلَائِكَ،

مرا بخاطر کیفرهایم در زمره دشمنانت اندازی و مرا با گرفتاران در بلا و عذابت در یکجا گردآوری

وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَّائِكَ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ

و میان من و دوستانت جدایی اندازی گیرم که ای معبود و آقا و مولا

وَرَبِّي، صَبْرْتُ عَلَىٰ عَذَابِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَىٰ فِرَاقِكَ، وَهَبْنِي صَبْرْتُ

و پروردگارم من بر عذاب تو صبر کنم اما چگونه بر دوری از تو طاقتم آورم و گیرم که ای معبود من حرارت

عَلَىٰ حَرِّ نَارِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَىٰ كَرَامَتِكَ، أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي

آشت را تحمل کنم اما چگونه چشم پوشیدن از بزرگواریت را بر خود هموار سازم یا چگونه در میان

النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوِكَ، فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَقْسِمُ صَادِقًا، لَئِنُّ

آتش بمانم با این‌که امید عفو تو را دارم پس به عزت سوگند ای آقا و مولای من برستی سوگند می‌خورم که اگر زمان

تَرَكَتَنِي نَاطِقًا، لَأُضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمْلِينَ، وَلَا صُرْخَانَ

را در آنجا باز بگذاری حتماً در میان دوزخیان شیون را بسویت سر دهم شیون اشخاص آرزومند و فریادرس خواهان به درگاهت

إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَضْرِّحِينَ، وَلَا بُكْيَيْنَ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ، وَلَا نَادِيَّتَكَ

فریاد برآرم و قطعاً بر دوری تو گریه و زاری کنم مانند عزیز گمشدگان و با صدای بلند تو را می‌خوانم و می‌گویم

أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا غَايَةَ أَمَالِ الْعَارِفِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعْشِقِينَ،

کجایی ای یار و نگهدار مومنان ای متبهای آرمان عارفان ای فریادرس درماندگان

يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ، وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ، أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي

ای محبوب دل راستگویان و ای حیران کننده عالمیان آیا برستی چنان می‌بینی ای منزّه و معبودم

وَبِحَمْدِكَ، تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ، وَذَاقَ

که به سنایش مشغولم که بشنوی در آن آتش صدای بنده مسلمانی را که در اثر مخالفتش در آنجا زندانی شده و مزه

طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَّتِهِ، وَحُبَسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرَ يَرْتَهُ، وَهُوَ يَضْجُ

عذاب آتش را به خاطر نافرمانیش چشیده و در میان طبقات دوزخ به واسطه جرم و جانیتش گرفتار شده و در آن حال به

إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤْمِلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ، وَيَتَوَسَّلُ

درگاهت شیون کند شیون شخصی که آرزومند رحمت توست و به زبان یگانه‌پرستان تو را فریاد زند و به بنده‌پروریت

إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَىٰ فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ

متوسل گردد ای مولای من پس چگونه در عذاب بماند با این‌که به بردباری

مِنْ حِلْمِكَ، أَمْ كَيْفَ تُوَلِّمُهُ النَّارَ وَهُوَ يَأْمَلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ، أَمْ كَيْفَ

سابقه‌داری چشم امید دارد یا چگونه آتش او را بیازارد با این‌که آرزوی فضل و رحمت تو را دارد یا چگونه

يُحْرِقُهُ لَهَيْبِهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ، أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ

شعلهٔ آتش او را بسوزاند با این‌که تو صدایش را بشنوی و جایش را ببینی یا چگونه شراره‌های آتش او را

زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّقُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ،

در بر گیرد با این‌که تو ناتوانیش دانی یا چگونه در میان طبقات آتش دست و پا زند با این‌که تو راستگویی را دانی

أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زُبَابِئِهَا، وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّهُ، أَمْ كَيْفَ أَيْرْجُو فَضْلَكَ فِي

یا چگونه موکلان دوزخ او را برانند با این‌که تو را به پروردگاری بخواند یا چگونه ممکن است که امید فضل تو را در

عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا، هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ

آزادی خویش داشته باشد ولی تو او را به حال خود واگذاری چه بسیار از تو دور است و چنین گمانی به تو نیست و فضل تو این‌سان معروف نیست

فَضْلِكَ، وَلَا مُشَبِّهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ، فَبِالْيَقِينِ

و نه شباهت با رفتار تو نسبت به یگانه‌پرستان دارد با آن نیکی و احسانت که نسبت بدانها داری و من بطور قطع می‌دانم

أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْدِيبِ جَا حِدِ بِكَ، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ

که اگر فرمان تو در معذب ساختن منکرانت صادر نشده بود و حکم تو به همیشه ماندن در عذاب برای دشمنانت در کار نبود

مُعَانِدِ بِكَ، لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا، وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرَأًا وَلَا

حتماً آتش دوزخ را هر چه بود به تمامی سرد و سالم می‌کردی و هیچ کس در آن منزل و ماوا نداشت

مُقَامًا، لَكِنَّكَ تَقْدَسَتْ أَسْمَاؤُكَ، أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ، مِنْ

ولی تو ای خدایی که تمام نامهایت مقدس است سوگند یاد کرده‌ای که دوزخ را از کافران از

الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ، وَأَنْتَ جَلُّ ثَنَاؤِكَ

پریان و آدمیان پر کنی و دشمنانت را برای همیشه در آن جا دهی و تو که ثنایت برجسته است

قُلْتَ مُبْتَدَأًا، وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا، أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا

در ابتدا فرمودی و به این انعام از روی بزرگواری تفضل کردی (که فرمودی) «ایا کسی که مؤمن است مانند کسی است که فاسق است؟»

لَا يَسْتَوُونَ، إِلَهِي وَسَيِّدِي فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا، وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي

نه یکسان نیستند» ای معبود من و ای آقای من بحق آن نیرویی که مقدرش کردی و به فرمانی که مسلمش کردی

حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا، وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتُهَا، أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

و صادر فرمودی و بر هر کس آن را اجرا کردی مسلط گشتی از تو می‌خواهم که ببخشی بر من در این شب و

وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ، كُلِّ جُرْمٍ أَجْرُمْتَهُ، وَكُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ، وَكُلِّ قَبِيحٍ أَسْرَزْتَهُ،

در این ساعت هر جرمی را که مرتکب شده‌ام و هر گناهی را که از من سرزده و هر کار زشتی را که پنهان کرده‌ام

وَكُلِّ جَهْلٍ عَمَلْتَهُ، كَتَمْتَهُ أَوْ أَعْلَنْتَهُ، أَخْفَيْتَهُ أَوْ أَظْهَرْتَهُ، وَكُلِّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتَهُ

و هر نادانی که کردم چه کتمان کردم و چه آشکار چه پنهان کردم و چه در عیان و هر کار بدی را که به نویسندگان گرامیت

بِاثْبَاتِهَا الْكِرَامُ الْكَاتِبِينَ، الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي، وَجَعَلْتَهُمْ

دستور یادداشت کردنش را دادی همان نویسندگانی که آنها را موکل بر ثبت اعمال من کردی و آنها را

شُهِوْدًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي، وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، وَالشَّاهِدَ

به ضمیمه اعضا و جوارحم گواه بر من کردی و اضافه بر آنها خودت نیز مراقب من بودی و گواه اعمالی بودی

لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ، وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ، وَأَنْ تُوفِّرَ حَظِّي

که از ایشان پنهان می‌ماند و به واسطه رحمت بود که آنها را پنهان داشتی و از روی فضل خود پوشاندی و نیز بهرام را سرشار گردانی

مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ، أَوْ بِرِّ نَشَرْتَهُ، أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ، أَوْ

از هر خیری که فرو ریزی یا احسانی که بفرمایی یا نیکبایی که بخش کنی یا رزقی که بگسترانی یا

ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، أَوْ خَطِيئَةٍ تَسْتُرُهُ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي

گناهی که ببامری یا خطایی که ببوشانی پروردگارا پروردگارا پروردگارا ای پروردگارا ای معبود من ای آقا

وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رِقِّي، يَا مَنْ بَيَّدَهُ نَاصِيَّتِي، يَا عَلِيمًا بَضْرِيٍّ أَوْ مَسْكَنْتِي،

و مولایم و ای مالک من ای کسی که اختیارم بدست اوست ای دانای بر پریشانی و بی‌نوا بیم

يَا خَيْرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ،

ای آگه از بی‌چیزی و نداریم پروردگارا، پروردگارا پروردگارا از تو می‌خواهم به حق خودت و به ذات مقدست

وَأَعْظَمَ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ

و به بزرگترین صفات و اسمایت که اوقاتم را در شب و روز به یاد خودت

مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً، حَتَّى تَكُونَ

معمور و آباد گردانی و به خدمت پیوسته داری و اعمالم را مقبول درگاهت گردانی تا

أَعْمَالِي وَأَوْزَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاحِدًا، وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا، يَا

اعمال و گفتمار همه یک جهت برای تو باشد و حالم همیشه در خدمت تو مصروف گردد ای

سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلِي، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي، يَا رَبِّ يَا رَبِّ

آقای من ای کسی که تکیه‌گاهم اوست ای کسی که شکایت احوال خوشی به درگاه او برم پروردگارا پروردگارا

يَا رَبِّ، قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَاشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي،

پروردگارا نیرو ده بر انجام خدمت اعضای مرا و دلم را برای عزیمت به سویت محکم گردان

وَهَبْ لِي الْجِدَّةَ فِي خَشْيَتِكَ، وَالِدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتَّى أَسْرَحَ

و به من کوشش در ترس و خشیت و مداومت در پیوستن به خدمت عطا فرما تا تن و جان را

إِلَيْكَ فِي مِيَادِينِ السَّابِقِينَ، وَ أَسْرِعْ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ، وَأَشْتاقَ إِلَيَّ

در میدانهای پیشازان بسویت برانم و در زمره شتابندگان بسویت بشتابم و در

قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ، وَأَدْنُو مِنكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافَكَ مَخَافَةَ

صف مشتاقان اشتیاق تقربت را جویم و چون نزدیک شدن مخلصان به تو نزدیک گردم و چون یقین کنندگان از تو ترسم

الْمُوقِنِينَ، وَاجْتَمَعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ

و در جوار رحمت با مؤمنان در یکجا گرد آیم خدایا هر که بد مرا خواهد

فَارِدُهُ، وَ مَنْ كَادَنِي فَكِدُهُ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ،

بدش را و هر که به من مکر کند به مکر خویش دچارش کن و نصیبم را بیش خود

وَاقْرِبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ،

بهنتر از دیگر بندگان قرار ده و منزلت را نزد خود نزدیکتر از ایشان کن و رتبه‌ام را در پیشگاهت مخصوص‌تر از دیگران گردان که برستی جز به فضل تو کسی به این مقام نرسد

وَ جُدْ لِي بِجُودِكَ، وَاعْظِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ، وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ

و به جود و بخشش خود به من جود کن و به بزرگواری خود بر من توجه فرما و به رحمت خود مرا نگهدار و قرار

لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا، وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِيْمًا، وَمَنْ عَلَىٰ بِحُسْنِ اجَابَتِكَ،

ده زبانم را به ذکرت گویا و دلم را به دوستیت بی‌قرار و شیدا و با اجابت نیکت بر من منت پنه

وَاقْلِنِي عَشْرَتِي، وَاعْفِرْ زَلَّتِي، فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَكَ بِعِبَادَتِكَ، وَأَمْرَتَهُمْ

و لغزشم را نادیده گیر و گناهم را ببامرز زیرا که تو خود بندگان را به پرستش خویش فرمان دادی

بِدُعَائِكَ، وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ، فَالَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ يَا

و به دعا کردن به درگاهت مأمور ساختی و اجابت دعایشان را ضمانت کردی پس ای پروردگار من به سوی تو روی خود برداشتم و به درگاه تو

رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي، فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي مُنَايَ، وَلَا تَقْطَعْ

ای پروردگارم دست حاجت دراز کردم پس به عزت دعایم را مستجاب فرما و به آرزویم برسان و امیدم را از

مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي، وَكَفِنِي شَرَّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي، يَا سَرِيعَ

فضل خویش قطع منما و شر دشمنانم را از جن و انس کفایت فرما ای خدای زودگذر

الرِّضَا، إِغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ، فَإِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ، يَا مَنْ اسْمُهُ

بیا مرز کسی را که جز دعا چیزی ندارد که برستی تو هر چه را بخواهی انجام دهی ای کسی که نامش

دو آء، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَطَاعَتُهُ غِنَى، إِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ،

دواست و یادش شفاست و طاعتش توانگری است ترجم فرما بر کسی که سرمایه اش امید و

وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ، يَا سَابِغَ النِّعَمِ، يَا دَافِعَ النِّقَمِ، يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي

ساز و برگش گریه و زاری است ای تمام دهنده نعمتهاو ای برطرف کننده گرفتاریها ای روشنی وحشتزدگان در

الظُّلَمِ، يَا عَالِمًا لَا يُعَلِّمُ صِلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَفْعَلُ بِي مَا أَنْتَ

تاریکیها ای دانای بی معلم درود فرست بر محمد و آل محمد و انجام ده درباره من

أَهْلُهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأَيِّمَةِ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ، وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

آنچه را که تو شایسته آنی و درود خدا بر پیامبر و پیشوایان با برکت از خاندانش و سلام فراوان.

دعای عשרات^۱:

این دعا از دعاهای بسیار معتبر است که مستحب است - اگر کسی بتواند - هر صبح و شام آن را بخواند؛ ولی بهترین زمان خواندنش، عصر جمعه می باشد. مرحوم «کفعمی» در «مصباح» آن را از امام حسین علیه السلام نقل کرده است.^۲ و دعا طبق نقل «شیخ طوسی» در «مصباح المتهجد»^۳ چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

پاک و منزّه است خداوند و ستایش مخصوص اوست، و معبودی جز خدای یکتا نیست و او بزرگتر (از هر چیز) است و قدرت و نیروی جز از

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ

خدای بلند مرتبه و با عظمت نیست، پاک و منزّه است خدا در تمام لحظه های شب و طول روز،

۱. سبب نام گذاری این دعا به عשרات (عشرات یعنی «دهها») این است که در پایان این دعا ذکرهایی آمده که هر کدام ده بار تکرار می شود.

۲. مصباح کفعمی، صفحه ۸۷.

۳. مصباح المتهجد، صفحه ۸۴ و جمال الاسبوع، صفحه ۴۵۶ و بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۷۴.

بِالْعُدُوِّ وَالْأَضَالِ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ

و در سپیده دم و شامگاهان و ابتدای شب و روز، پاک و منزّه است خدا هنگامی که در شب

وَ حِينَ تَصْبِحُونَ، وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَعَشِيًّا وَ حِينَ

و صبح داخل می‌شوید، و ستایش در آسمان‌ها و زمین شبانگاه و هنگام

تُظْهِرُونَ، يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَيُحْيِي

ظهر مخصوص خداوندی است که زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد،

الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا

و زمین را پس از مردنش زنده می‌کند و شما نیز این چنین (در قیامت) بیرون آورده می‌شوید، پروردگار تو، خدای صاحب شکوه از آنچه توصیف می‌کنند منزّه است،

يَصِفُونَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ ذِي

و درود و سلام بر فرستادگان او، و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است، پاک و منزّه است خداوندی که صاحب

الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبْرُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْكِبْرِيَاءِ

فرمانروایی و سلطهٔ آسمانی است، پاک و منزّه است خداوند صاحب شکوه و بزرگی، پاک و منزّه است خداوند صاحب جلال

وَالْعِزَّةِ، الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ الْمُهِيمِنِ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ

و عظمت، آن فرمانروای حقیقی روشنگر و نگهبان و پاکیزه از هر عیب، پاک و منزّه است خداوند فرمانروای زندهای

الَّذِي لَا يَمُوتُ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ،

که (هرگز) نمی‌میرد، پاک و منزّه است خداوند فرمانروای زندهٔ پاکیزه از هر عیب، پاک و منزّه است (خدای) پایدار پاینده،

سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَائِمِ، سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى، سُبْحَانَ

پاک و منزّه است پایندهٔ پایدار، پاک و منزّه است پروردگار با عظمت پاک و منزّه است پروردگار بلند مرتبم، پاک و منزّه است

الْحَيِّ الْقَيُّومِ، سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ،

(خدای) زندهٔ جاودان، پاک و منزّه است (خدای) برتر بلند مرتبه، او پاک و منزّه و برتر است بسیار منزّه و پاکیزه از هر عیب است

رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، سُبْحَانَ الدَّائِمِ غَيْرِ الْغَافِلِ، سُبْحَانَ الْعَالِمِ

پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و «روح» و پروردگار تمام موجودات، پاک و منزّه است (خدای) پایندهٔ آگاه، پاک و منزّه است (خدای) دانای

بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ، سُبْحَانَ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى، سُبْحَانَ الَّذِي يُدْرِكُ

نامآموخته، پاک و منزّه است آفرینندهٔ آنچه دیدنی و آنچه نادیدنی است، پاک و منزّه است (خدایی) که بینندگان را می‌بیند

الْأَبْصَارَ، وَلَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ، وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَصْبَحْتُ

ولى آنها او را نمى‌بينند، و او مهربان و آگاه است، خدايا من از (لطف و محبت) تو صبح

وَ اَمْسَيْتُ مِنْكَ فِى نِعْمَةٍ وَ خَيْرٍ وَ بَرَكَاتٍ وَ عَافِيَةٍ، فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،

و شام در نعمت و خوشى و رحمت و سلامتى هستم، پس بر محمد و آل (پاکش) درود فرست

وَ اَتِمِّمْ عَلٰى نِعْمَتِكَ وَ خَيْرِكَ، وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَافِيَتِكَ بِنَجَاةٍ مِنَ النَّارِ،

و با نجات از آتش (غضبت) نعمت و خوشى و رحمت و سلامتى را (از جانب خویش) بر من تمام کن، و مادامى‌که مرا زنده نگه داشته‌اى

وَ اَرْزُقْنِىْ شُكْرَكَ وَ عَافِيَتَكَ وَ فَضْلَكَ وَ كَرَامَتَكَ اَبَدًا مَا اَبَقَيْتَنِىْ، اَللّٰهُمَّ

سپاسگرارى (از نعمت‌هايت) و سلامتى و لطف و بخشش هميشگىات را روزى من بگردان، خدايا

بِنُورِكَ اهْتَدَيْتُ، وَ بِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْتُ، وَ بِنِعْمَتِكَ اَصْبَحْتُ وَ اَمْسَيْتُ،

به نور تو هدايت شده و به لطف تو بى‌نياز شدم و به نعمت تو صبح و شب كردم،

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَشْهَدُكَ وَ كَفٰى بِكَ شَهِيدًا، وَ اَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَ اَنْبِيَاءَكَ

خدايا تو را گواه مى‌گيرم و گواهى تو كافى است و (همچنين) فرشتگان، و پيامبران

وَ رُسُلَكَ، وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ، وَ سُكَّانَ سَمٰوَاتِكَ وَ اَرْضِكَ، وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ،

و فرستادگان و حاملان عرش و ساکنان آسمان‌ها و زمين و همه مخلوقات

بَانَكَ اَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، وَ حُدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ

را گواه مى‌گيرم بر اين كه همانا تو خدايى هستى كه معبودى جز تو نيست، يگانه‌اى كه شريكى براى تو نيست و اين كه محمد - كه درود خدا

عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُكَ وَ رَسُوْلُكَ، وَ اَنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ، تُحْيِيْ وَ تُمِيْتُ،

بر او و خاندان (پاكش) باد - بنده و فرستاده‌ توست و اين كه تو بر هر كارى توانايى، زنده کرده و مى‌ميرانى

وَ تُمِيْتُ وَ تُحْيِيْ، وَ اَشْهَدُ اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَ اَنَّ النَّارَ حَقٌّ، وَ النَّشُورَ حَقٌّ،

و ميرانده و زنده مى‌كنى و گواهى مى‌دهم كه همانا بهشت و دوزخ و قيامت حق است

وَ السَّاعَةَ اْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيْهَا، وَ اَنَّ اللهَ يَبْعَثُ مَنْ فِى الْقُبُوْرِ، وَ اَشْهَدُ اَنَّ عَلِيَّ

و زمان آن بى شك فرا خواهد رسيد و خداوند كسانى را كه در گورها خفته‌اند بر مى‌انگيزاند، و گواهى مى‌دهم كه همانا على

بْنِ اَبِيْطَالِبٍ اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ حَقًّا حَقًّا، وَ اَنَّ الْاِيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ هُمُ الْاِيْمَةُ

بن ابى‌طالب حقيقتاً و به حق اميرمؤمنان است و امامان از فرزندانش همان امامان

الْهُدٰى الْمُهْدِيُوْنَ، غَيْرِ الضَّالِّيْنَ وَ لَا الْمُضِلِّيْنَ، وَ اَنَّهُمْ اَوْلِيَاؤُكَ الْمُصْطَفَوْنَ،

هدايت‌كننده هدايت شده‌اى هستند كه نه گمراهند و نه گمراه‌كننده و (گواهى مى‌دهم) كه همانا ايشان دوستان برگزيده تو

وَحِزْبِكَ الْغَالِبُونَ، وَصِفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَنَجْبَاتِكَ الَّذِينَ

و حزب پیروز و فاتح تو، و برگزیده و بهترین مخلوقات و بزرگ‌زادگانی که ایشان

انْتَجَبْتَهُمْ لَدِينِكَ، وَاخْتَصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ،

را برای دین خود برگزیدی و از میان مخلوقات مخصوصشان ساخته و بر بندگانت برگزیدی

وَجَعَلْتَهُمْ حُجَّةً عَلَى الْعَالَمِينَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمُ وَالسَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

و آنها را بر جهانیان حجت و دلیل قرار دادی درود و سلام و رحمت خدا بر

وَبَرَكَاتُهُ، اَللّٰهُمَّ اَكْتُبْ لِيْ هَذِهِ الشَّهَادَةَ عِنْدَكَ، حَتَّى تُلَقِّنِيْهَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ

ایشان باد، خدایا این شهادت و گواهی را برای من در نزد خود ثبت فرما تا این که در روز قیامت

وَأَنْتَ عَنِّيْ رَاضٍ، إِنَّكَ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا

در حالی که از من خشنود هستی آن را بر زبانم جاری سازی زیرا که تو بر هر چه خواهی توانایی خدایا ستایش مخصوص توست ستایشی

يَضَعُ أَوَّلُهُ، وَلَا يَنْفِدُ آخِرَهُ، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا تَضَعُ لَكَ السَّمَاءُ

که ابتدایش بالا رود و پایانی ندارد، خدایا ستایش مخصوص توست ستایشی که آسمان برای تو بالهایش را بر زمین نهد (و تواضع کند)

كَنْفِيْهَا، وَتَسْبِّحُ لَكَ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا سَرْمَدًا

و زمین و آنچه بر آن است تو را تسبیح گوید، خدایا ستایش مخصوص توست ستایشی که پیوسته،

أَبَدًا، لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَلَا نِفَادَ، وَلَكَ يَنْبَغِيْ وَالْيَكُ يَنْتَهِيْ، فِيَّ وَعَلَيَّ

ابدی متصل و بی پایان است، (حمدی که) شایسته توست و به تو منتهی می‌شود، (که اثر آن) در وجود من و بر من

وَلَدَيَّ وَمَعِي، وَقَبْلِيْ وَبَعْدِيْ وَأَمَامِيْ وَفَوْقِيْ وَتَحْتِيْ، وَإِذَا مِتُّ وَبَقِيْتُ

و نزد من و همراه من و پیش از من و پس از من و مقابلم و بالای سرم و زیر پایم و هنگامی که از دنیا رفتم

فَرْدًا وَحِيدًا ثُمَّ فَنِيْتُ، وَلَكَ الْحَمْدُ إِذَا نُشِرْتُ وَبِعِثْتُ يَا مَوْلَايَ، اَللّٰهُمَّ

و تک و تنها باقی ماندم و سپس فانی شدم (و در تمام حالات ظاهر شود) و ستایش مخصوص توست زمانی که دوباره زنده شده و برانگیخته شوم، ای مولای من،

وَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا، عَلَيَّ جَمِيعِ نِعْمَاتِكَ كُلِّهَا،

و ستایش و سپاس مخصوص توست به جمیع انواع آن بر تمامی نعمتهایت،

حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ كُلِّ

تا جایی که ای پروردگار من حمد من به خشنودی و رضایت تو منتهی گردد، خدایا ستایش مخصوص توست بر هر

أَكْلَةٍ وَشَرِبَةٍ، وَبَطْشَةٍ وَقَبْضَةٍ وَبَسْطَةٍ، وَفِي كُلِّ مَوْضِعٍ شَعْرَةٍ، اَللّٰهُمَّ

خوردن و آشامیدن و هر حرکت، بستن و گشایشی، و در محل رویدن هر مویی، خدایا

لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لَهُ دُونَ

ستایش مخصوص توست ستایشی که جاودان است به جاودانگی، و ستایش مخصوص توست ستایشی که نهایی جز

عِلْمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا

علم تو برای آن نیست، و ستایش مخصوص توست ستایشی که پایانی جز اراده و خواست تو برای آن نیست، و ستایش مخصوص توست ستایشی

أَجْرَ لِقَائِهِ إِلَّا رِضَاكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ

که پاداشی جز رضایت تو برای گوینده آن نیست و ستایش مخصوص توست به خاطر بردباری بعد از آگاهی، و ستایش مخصوص توست

عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ بِاعْتِاقِ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَارِثَ

به خاطر گذشت بعد از توانایی، و ستایش مخصوص توست که انگیزه هر ستایشی و ستایش مخصوص توست که وارث

الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ بَدِيعِ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُنْتَهَى الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ

ستایشی و ستایش مخصوص توست که ایجاد کننده آنی و ستایش مخصوص توست که نهایت ستایش و ستایش مخصوص توست

مُبْتَدِعِ الْحَمْدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ مُشْتَرِي الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَلِيِّ الْحَمْدِ،

که به وجود آورنده آنی، و ستایش مخصوص توست که خریدار ستایشی، و ستایش مخصوص توست که صاحب ستایشی

وَلَكَ الْحَمْدُ قَدِيمِ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ صَادِقِ الْوَعْدِ، وَفِي الْعَهْدِ، عَزِيزَ

و ستایش مخصوص توست که از ازل مورد ستایشی و ستایش مخصوص توست که وعده‌ات راست، پیمان‌ت پایدار، سبابت

الْجُنْدِ، قَائِمِ الْمَجْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ، مُجِيبِ الدَّعَوَاتِ، مُنْزِلَ

بزرگ و بزرگواریت جاودان است، و ستایش مخصوص توست که بلندمرتبه، برآورنده حاجات، فرو فرستنده

الْأَيَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَوَاتٍ، عَظِيمِ الْبَرَكَاتِ، مُخْرِجِ النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ،

آیات از بالای هفت آسمان، صاحب رحمت گسترده، خارج کننده نور از تاریکی‌ها

و مُخْرِجِ مَنْ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، مُبَدِّلِ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ، وَجَاعِلِ

و خارج کننده کسی که در تاریکی است به روشنی، تبدیل کننده بدی‌ها به خوبی‌ها و قرار دهنده

الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ غَافِرِ الذَّنْبِ، وَقَابِلِ التَّوْبِ، شَدِيدِ

مرتبه برای حسنات هستی، خدایا ستایش مخصوص توست که آمرزنده گناه و پذیرنده توبه و سخت

الْعِقَابِ ذَا الطُّوْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِلَيْكَ الْمَصِيرُ، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ

کیفر دهنده توانا هستی، معبودی جز تو نیست و بازگشت (همه) به سوی توست، خدایا مخصوص توست ستایش در شب

إِذَا يَغْشَى، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى،

هنگامی که (جهان را) بپوشاند، و مخصوص توست ستایش در روز هنگامی که (جهان را) روشن سازد،

وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ نَجْمٍ وَمَلَكَ فِي السَّمَاءِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الشَّرِيِّ

و مخصوص توست ستایش آخرین و اولین، و مخصوص توست ستایش به تعداد ستارگان و فرشتگان آسمان و مخصوص توست ستایش به مقدار خاکها

وَالْحَصَى وَالنَّوَى، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي جَوْفِ الْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ

و تعداد دیگرها و دانه‌ها، و مخصوص توست ستایش به تعداد آنچه در دل زمین است، و مخصوص توست ستایش

عَدَدَ أَوْزَانِ مِيَاهِ الْبِحَارِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْزاقِ الْأَشْجَارِ، وَلَكَ الْحَمْدُ

به اندازه آب دریاها، و مخصوص توست ستایش به تعداد برگ درختان، و مخصوص توست

عَدَدَ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابُكَ، وَ لَكَ

ستایش به تعداد آنچه که روی زمین است و مخصوص توست ستایش به تعداد آنچه که در کتاب تو شمارش شده و مخصوص توست

الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ، وَالْهَوَامِّ

ستایش به مقدار آنچه که علم تو به آن احاطه دارد و مخصوص توست ستایش به عدد انس و جن و حشرات

وَالطَّيْرِ، وَالْبَهَائِمِ وَالسَّبَاعِ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، كَمَا تُحِبُّ رَبَّنَا

و پرندگان و چهارپایان و درندگان، ستایشی فراوان، پاکیزه و با برکت همان‌گونه که تو ای پروردگار ما دوست داری

وَتَرْضَى، وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَعِزِّ جَلَالِكَ. أَنْگَاهِ دَهْ مَرْتَبَهٗ مِی‌گویی: لَا إِلَهَ

و خشود می‌شوی و همان‌گونه که سزاوار ذات بزرگوار و شکوه عظمت می‌باشد * * * * * معبودی جز

إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

خدا نیست، یگانه‌ای که شریکی برای او نیست، فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست و او مهربان و آگاه است

و ده مرتبه: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي

* * * * * معبودی جز خدا نیست، یگانه‌ای که شریکی برای او نیست، فرمانروایی و ستایش مخصوص اوست، زنده کرده

وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ

و می‌میراند و میرانده و و زنده می‌کند، و او زنده‌ای است که (هرگز) نمی‌میرد، نیکی و خوشی بدست اوست و او بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ. و ده مرتبه: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ

چیز تواناست، * * * * * آمرزش می‌طلبم از خدایی که معبودی جز او که زنده و جاودان است، نیست و به سوی

إِلَيْهِ. و ده مرتبه: يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ. و ده مرتبه: يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ. و ده مرتبه: يَا رَحِيمُ

او باز می‌گردم، * * * * * ای خدا ای خدا * * * * * ای بخشنده، ای بخشنده * * * * * ای بخشایشگر

يَا رَحِيمُ. و ده مرتبه: يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ. و ده مرتبه: يَا ذَا الْجَلَالِ

ای بخشایشگر * * * * * ای به وجود آورنده آسمان و زمین، * * * * * ای صاحب عظمت

وَالْأَكْرَامِ. وَدَه مرتبه: يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ. وَدَه مرتبه: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ. وَدَه مرتبه: يَا حَيُّ

و احترام * * * * * ای بسیار دلسوز و ای بسیار سخاوتمند، * * * * * ای زنده، ای جوادان، * * * * * ای زنده‌ای

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. وَدَه مرتبه: يَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. وَدَه مرتبه: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

که معبودی جز تو نیست، * * * * * ای خدایی که معبودی جز تو نیست، * * * * * به نام خداوند بخشنده

الرَّحِيمِ. وَدَه مرتبه: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَدَه مرتبه: اَللّٰهُمَّ اَفْعَلْ

مهربان * * * * * خدا یا بر محمد و آل پاکش درود فرست * * * * * خدا یا آنچه را

بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ. وَدَه مرتبه: آمِينَ آمِينَ. وَدَه مرتبه: سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ. سپس ده

که تو شایسته آنی در مورد من انجام بده * * * * * (دعایم را) اجابت فرما... * * * * * بگو خداوند یکتا و یگانه است، * * * * *

مرتبه می‌گویی: اَللّٰهُمَّ اصْنَعْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلَا تَصْنَعْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ

* * * * * خدا یا آنچه را که تو شایسته آنی در مورد انجام بده نه آنچه که من شایسته آنم، پس همانا تو

أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَأَنَا أَهْلُ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا، فَارْحَمْنِي يَا

شایسته پرهیزگاری و آمرزش هستی و من اهل گناه و اشتباهم، پس به من رحم کن ای

مَوْلَايَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. و نیز ده مرتبه می‌گویی: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ،

مولای من، که تو بی مهربان‌ترین مهربانان * * * * * قدرت و نیرویی جز از خدا نیست،

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا،

خودم را به (خدای) زنده‌ای که (هرگز) نمی‌میرد می‌سپارم و ستایش مخصوص خدایی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ، وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا.

و نه شریکی در حکومت دارد و نه به خاطر ضعف و ذلت (حامی و) سرپرستی برای اوست و او را بسیار بزرگ بشمار.

دعای سمات^۱:

از دعا‌های مشهور است که اکثر علمای بزرگ به آن عنایت داشته‌اند. مستحب است این دعا را در ساعت‌های آخر روز جمعه بخوانند. این دعا از جناب محمد بن عثمان عَمَرِي رضی الله عنه که یکی از نواب چهارگانه امام زمان علیه السلام است به سندش از حضرت امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده است. همان‌گونه که در روایت آمده، این دعا برای رفع شرّ و ستم دشمنان و اجابت سریع دعاها و یاداش فراوان

۱. بیسات، جمع «سمه» به معنای علامت‌ها و نشانه‌هاست، گویا نشانه‌های اجابت در این دعا پیداست، (بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۱۰۲).

الهی، مؤثر است.^۱ این دعا طبق نقل «مصباح المتهدج»^۲ چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ^۳، الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، الَّذِي

خدایا به حق نام بزرگ و بسیار بزرگ و محبوب و عالی و گرامیت از تو می‌خواهم که

إِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَيَّ مَغَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِلفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ، وَإِذَا

اگر خوانده شوی به آن نامها برای گشایش درهای بسته آسمان، به رحمت و بخشش باز می‌شود و اگر

دُعِيتَ بِهِ عَلَيَّ مَضَائِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ، وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ

خوانده‌ای شوی به آن نامها برای گشایش تنگناها و سختی‌های زمین، گشوده می‌شود، و اگر خوانده شوی به

عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيْسَّرَتْ، وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ،

آن نامها برای آسان شدن دشواری‌ها، آسان شود و اگر خوانده شوی به آن نامها برای زنده شدن مردگان، زنده شوند،

وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَيَّ كَشَفِ الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ انْكَشَفَتْ، وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ

و اگر خوانده شوی به آن نامها برای برطرف شدن سختی‌ها و ناگواری‌ها، برطرف شود (و از تو می‌خواهم) به حق ذات

الْكَرِيمِ، أَكْرَمِ الْوُجُوهِ وَأَعَزِّ الْوُجُوهِ، الَّذِي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ، وَخَضَعَتْ

ارجمند و گرامیت، گرامی‌ترین و محبوب‌ترین ذواتی که در مقابل او فروتنی کرده‌اند و گردنکشان در مقابل

لَهُ الرِّقَابُ، وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ، وَوَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ،

او تسلیم و مطیع گردیدند، و هر صدایی در مقابلش خاموش گشته و هر دلی از ترس او بی‌مناک است،

وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ، وَتُمْسِكُ

و (از تو می‌خواهم) به حق آن نیرویی که آسمان از ویران شدن بر زمین نگه داشته، مگر آنکه تو خواهی،

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا، وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ،

و آسمان و زمین را از جابجا شدن حفظ کردی و (از تو می‌خواهم) به حق اراده و خواستت که جهانیان در مقابل آن مطیعند،

۱. بحارالانوار، جلد ۸۷، صفحه ۹۶.

۲. این دعا در مصباح المتهدج، صفحه ۴۱۶ و جمال الاسبوع، صفحه ۵۳۳ و دیگر کتب دعا نقل شده است. مرحوم علامه مجلسی نیز آن را در بحارالانوار، با شرح و توضیح آورده است (بحارالانوار، جلد ۸۷، صفحه ۹۶ به بعد).

۳. در بحارالانوار، سه بار کلمه «الأعظم» تکرار شده است.

وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ

و (از تو می‌خواهم) به حق آن کلمه‌ای که به واسطه آن آسمان و زمین را آفریدی و به حق آن دانایی و خردت که بواسطه آن

بِهَا الْعَجَائِبَ، وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلًا، وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَنًا،

شگفتی‌ها را آفریدی و به واسطه آن تاریکی را آفریدی و آن را شب و مایه آرامش قرار دادی،

وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَارًا، وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِرًا، وَخَلَقْتَ

و به واسطه آن روشنی را آفریدی و آن را روز و زمان پراکندگی (برای کار و تلاش) و مایه بینایی قرار دادی و به واسطه آن

بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ

خورشید را آفریدی و آن را درخشان ساختی و به واسطه آن ماه را آفریدی و آن را

نُورًا، وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُومًا وَبُرُوجًا، وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً

روشنایی قرار دادی، و بواسطه آن ستارگان را آفریدی و آنها را بصورت اختران تابناک و صور فلکی و نور هدایت (در شب) و زینت و آرایش (آسمان)

وَرُجُومًا، وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ، وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَمَجَارِي،

و سنگ‌های متحرک قرار دادی و برای آنها محل طلوع و غروب و محل جریان و حرکت

وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكَأً وَمَسَابِحَ، وَقَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ

و مدارهایی و جایگاهی که بر آن شناورند قرار دادی و برای آنها جایگاههایی در آسمان معین کرده و به خوبی

تَقَدَّرَ لَهَا، وَصَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا، وَأَخْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً،

اندازه‌گیری فرمودی و به بهترین وجه آن را شکل دادی و به نام‌های مبارکت آنها را به دقت شمارش کردی

وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيرًا فَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا، وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ

و با دانایی و خردت آنها را به خوبی اداره نمودی و به وسیله قدرت و سلطه شب

وَسُلْطَانِ النَّهَارِ، وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدِ السَّنِينَ وَالْحِسَابِ، وَجَعَلْتَ رُؤْيَيْتَهَا

و روز و ساعت‌ها و شمارش سال‌ها و برقراری نظم، آنها را مطیع ساختی و دیدن آنها را برای

لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرِيًّا وَاحِدًا، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ

همه مردم یکسان قرار دادی، و خدایا از تو می‌خواهم به حق بزرگواریت که به واسطه آن

عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ، مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ، فَوْقَ

با بنده و فرستاده‌ها موسی بن عمران - که بر او درود و سلام باد - در میان فرشتگان پاک سخن گفتم، فراتر

إِحْسَاسِ الْكُرُوبِينَ، فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ، فَوْقَ تَابُوتِ الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ

از درک فرشتگان مقرب، بر فراز ابرهای نورانی، بالای صندوق شهادت (که فرشتگان تورات را با آن حمل می‌کنند) و در میان ستونی از

النَّارِ، وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ، وَفِي جَبَلِ حُورَيْثَ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ فِي الْبُقْعَةِ

آتش در طور سینا و در کوه حوریت، در سرزمینی پاکیزه، و در مکانی

الْمُبَارَكَةِ، مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ، وَفِي أَرْضِ مِصْرَ بَتْسَعِ

مبارک، از طرف راست کوه طور از درختی در سرزمین مصر با

آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ، وَيَوْمَ فَرَقْتَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَفِي الْمُنْبَجِسَاتِ الَّتِي

نه نشانه آشکار (با موسی سخن گفتی)، و (به مجد و بزرگواریت) در روزی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافتی و در چشمه‌های جوشان

صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ فِي بَحْرِ سُوفٍ، وَعَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْغَمْرِ

از سنگ که به واسطه آن شگفتی‌ها را در دریای سوف آفریدی و آب را در دل آن دریا

كَالْحِجَارَةِ، وَجَاوَزْتَ بَيْنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى

مانند سنگ محکم ساختی، و بنی اسرائیل را از آن گذراندی و به واسطه صبر آنها کلمه نیکوت (حسن قضا)

عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا، وَأَوْزَتْهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْتَ

را برایشان به پایان رساندی، و آنها بر سراسر گیتی که بر جهانیان مبارک

فِيهَا لِلْعَالَمِينَ، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ وَمَرَاكِبَهُ فِي الْيَمِّ، وَبِاسْمِكَ

گردانده بودی مالک کردی و فرعون و لشکریانش و آنچه بر آن سوار بودند را در دریاها غرق نمودی، و (از تو می‌خواهم) به حق نام

الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ

بزرگ بسیار بزرگ و بسیار بزرگ و محبوب و عالی و گرامیت و به بزرگواریت که به واسطه آن بر هم صحبت

لِمُوسَى كَلِمَتِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سَيْنَاءَ، وَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

موسی - که بر او درود و سلام باد - در طور سینا جلوه گر شدی و قبل از آن بر ابراهیم خلیل - که بر او درود و سلام باد -

خَلِيلِكَ مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ، وَ لِإِسْحَقَ صَفِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي

در مسجد خیف، و بر برگزیده‌ات اسحاق - که بر او درود و سلام باد - در

بُئْرِ شَيْعٍ، وَ لِيعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ إِبِلٍ، وَأَوْفَيْتَ لِإِبْرَاهِيمَ

چاه شیع، و بر پیامبرت یعقوب - که بر او درود و سلام باد - در خانه خدا (جلوه گر شدی) و به عهد و و پیمانت با ابراهیم -

عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِثْقَالِكَ، وَ لِإِسْحَقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِحَلْفِكَ، وَ لِيعْقُوبَ عَلَيْهِ

که بر او درود و سلام باد - وفا کردی، و به سوگندت در مورد اسحاق - که بر او درود و سلام باد - و به گواهی

السَّلَامُ بِشَهَادَتِكَ، وَ لِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ، وَ لِلدَّاعِينَ بِأَسْمَائِكَ فَاجَبْتَ،

برای یعقوب - که بر او درود و سلام باد - و به وعدهات برای مؤمنین و برای درخواست کنندگان به نامهایت (وفا کرده) و اجابت فرمودی،

وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى قُبَّةِ الرُّمَّانِ،

و (از تو می‌خواهم) به حق بزرگواریت که که در قبة الرمان (عبادتگاه موسی) بر موسی بن عمران - که بر او درود و سلام باد - آشکار شد

وَبَايَاتِكَ الَّتِي وَقَعْتَ عَلَى أَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلْبَةِ، بَايَاتٍ عَزِيزَةٍ،

و به نشانه‌هایت که در سرزمین مصر با بزرگواری با شکوه و غالب و نشانه‌های باشکوه

وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ، وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ وَبِشَأْنِ الْكَلِمَةِ التَّامَّةِ، وَبِكَلِمَاتِكَ الَّتِي

و سلطه قوی و نیروی عظیم واقع شد و (از تو می‌خواهم) به حق مقام کلمه کامل و کلمات که به

تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

واسطه آن بر اهل آسمان و زمین و دنیا و آخرت احسان نمودی

وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَبِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ

و به حق بخششت که به واسطه آن بر تمامی مخلوقات منت نهادی و به حق نیرویت که به واسطه آن

بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ، وَبِنُورِكَ الَّذِي قَدْ خَرَّمَنْ فَرَعَهُ طُورُ سَيْنَاءَ، وَبِعِلْمِكَ

جهان را بر پا داشتی، و به حق نورت که از وحشت آن طور سینا فرو افتاد و به حق دانش

وَجَلَالِكَ وَكِبْرِيَاءِكَ، وَعِزَّتِكَ وَجَبْرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلَّهَا الْأَرْضُ،

و عظمت و اقتدار و شکوه و بزرگیت که زمین توان تحمل آن را نداشت

وَأَنْخَفَضَتْ لَهَا السَّمَوَاتُ، وَأَنْزَجَرَ لَهَا الْعُمُقُ الْأَكْبَرُ، وَرَكَدَتْ لَهَا الْبِحَارُ

و آسمان‌ها در برابرش فرود آمدند و عمیق‌ترین قسمت‌های زمین در برابرش باز ایستاد، و دریاها

وَالْأَنْهَارُ، وَخَضَعَتْ لَهَا الْجِبَالُ، وَسَكَنْتَ لَهَا الْأَرْضُ بِمَنَاقِبِهَا،

و رودها در برابرش راکد شد، و کوه‌ها در برابرش سر فرود آوردند، و زمین با پستی و بلندی‌هایش در برابرش از

وَأَسْتَسَلَمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ كُلُّهَا، وَخَفَقَتْ لَهَا الرِّيَّاحُ فِي جَرَيَانِهَا،

حرکت باز ایستاد، و همه خلائق در برابرش مطیع گردیدند، و بادها در جریان خود در برابرش مضطرب گردیدند،

وَخَمَدَتْ لَهَا النَّيِّرَانُ فِي أَوْطَانِهَا، وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَرَفْتَ لَكَ بِهِ الْغَلْبَةَ

و آتش‌ها در برابرش در آتشکده‌ها خاموش شدند، و به حق سلطنت و فرمانروایت که به واسطه آن تا ابد پیروز

دَهْرَ الدُّهُورِ، وَحَمِدَتْ بِهِ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةَ

و غالب شناخته شده‌ای و به واسطه آن در آسمان و زمین ستایش شده‌ای، و به حق کلمه

الصِّدْقِ الَّتِي سَبَقَتْ لِأَبِينَا أَدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ، وَأَسْأَلُكَ

صدق و راستی که به احسانت بر پدر ما آدم - که بر او درود و سلام باد - و نسلش پیشی گرفت و از تو می‌خواهم

بِكَلِمَتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ،

به حق کلمات که بر هر چیز چیره گشت و به حق نور ذات که به واسطه آن کوه جلوه کردی

فَجَعَلْتَهُ دَكَاً وَخَرَّ مُوسَى صَعِقاً، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ،

و آن را متلاشی ساختی و موسی بیهوش افتاد، و به حق بزرگواریت که بر طور سینا آشکار شد،

فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ، وَبِطَلْعَتِكَ فِي سَاعِيرٍ،

و به واسطه آن با بنده و فرستاده‌ات موسی بن عمران صحبت کردی، و به آشکار شدن در ساعیر (محل عبادت عیسی)

و ظُهُورِكَ فِي جَبَلِ فَارَانَ بِرَبْوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ، وَجُنُودِ الْمَلَائِكَةِ الصَّافِينَ،

و در کوه فاران (محل عبادت رسول خدا) در جایگاه رفیع فرشتگان پاکیزه و لشکریان صف کشیده آنها

وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ، وَبِرَّ كَاتِكَ الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ

و در میان فروتنی فرشتگان تسبیح کننده، و به حق بخشش و احسانت که برکت دادی در آن بر ابراهیم

خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَبَارَكْتَ

خلیل - که بر او درود و سلام باد - در میان امت محمد - که درود خدا بر او و آل پاکش باد - و برکت دادی

لِإِسْحَاقَ صَفِيِّكَ فِي أُمَّةٍ عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَبَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ

برای برگزیده‌ات اسحاق در میان امت عیسی - که بر هر دوی آنها درود و سلام باد - و برکت دادی برای بنده برگزیده‌ات یعقوب

إِسْرَائِيلَ فِي أُمَّةٍ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى

در میان امت موسی - که بر هر دوی آنها درود و سلام باد - و برکت دادی برای محبوبت محمد - که درود و سلام

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عِثْرَتِهِ وَوَدْرِيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ وَكَمَا غَبْنَا عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ

خدا بر او و آل پاکش باد - در خاندان و نسل و امتش، خدایا با این که ما در آن زمان نبودیم

نَشْهَدُهُ وَآمَنَّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقاً وَعَدْلاً، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و این امور را مشاهده نکردیم، ولی از روی راستی و درستی به آن ایمان آوردیم (و از تو می‌خواهیم) که درود فرستی بر محمد و آل پاکش،

وَأَنْ تُبَارِكَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرْحَمَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و برکت دهی بر محمد و آل پاکش و رحمت فرستی بر محمد و آل پاکش

كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرْحَمْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ

همانند بهترین درودها و برکات و رحمت‌هایت که بر ابراهیم و خاندانش فرستادی که تو

حَمِيدٌ مُجِيدٌ، فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ شَهِيدٌ * سَبِّسْ

سزاوار ستایش و بزرگواری و هر چه اراده کنی انجام دهی و تو بر هر کاری توانا و گواهی، * * *

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ، وَلَا

ای زنده پاینده ای زنده‌ای که معبودی جز تو نیست ای کسی که جز او کسی نداند که چیست او و

كَيْفَ هُوَ، وَلَا أَيْنَ هُوَ، وَلَا حَيْثُ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا ذَا الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، يَا

چگونه است او و در کجاست او و در کدام سوست ای دارای ملک و ملکوت

ذَالْعِزَّةِ وَالْجَبْرُوتِ، يَا مَلِكُ يَا قُدُّوسُ، يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ، يَا مُهَيِّمُنُ يَا

ای دارای عزت و جبروت (قهر و قدرت) ای پادشاه جهان ای منزله از هر عیب ای سالم از هر نقص ای ایمنی بخش ای نگهبان ای

عَزِيزُ، يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ، يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ، يَا مُصَوِّرُ يَا مُفِيدُ، يَا مُدَبِّرُ يَا

عزیز ای دارای قهر ای با عظمت ای آفریننده ای پدید آورنده ای صورت‌بخش ای سوددهنده ای تدبیرکننده ای

شَدِيدُ، يَا مُبْدِئُ يَا مُعِيدُ، يَا مُبِيدُ يَا وَدُودُ، يَا مُحَمَّدُ يَا مَعْبُودُ، يَا بَعِيدُ يَا

محکم‌کار ای سبب آغاز خلقت و ای سبب پایان آن ای نابودکننده ای محبت‌شعار ای پسندیده ای معبود خلق ای دور و ای

قَرِيبُ، يَا مُجِيبُ يَا رَقِيبُ، يَا حَسِيبُ يَا بَدِيعُ، يَا رَفِيعُ يَا مَنِيعُ، يَا سَمِيعُ

نزدیک ای پاسخ‌دهنده ای نگهبان ای حساب‌دارنده ای نوین‌آفرین ای رفیع‌مقام ای بلند‌مرتبه ای شنوا

يَا عَلِيمُ، يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ، يَا حَكِيمُ يَا قَدِيمُ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ، يَا حَنَّانُ يَا

ای دانا ای بردبار ای کریم ای فرازنده ای قدیم ای والا ای بزرگ ای مهرپیشه و ای

مَنَّانُ، يَا دَيَّانُ يَا مُسْتَعَانُ، يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ، يَا وَكِيلُ يَا كَفِيلُ، يَا مُقْبِلُ

نعمت‌بخش ای پادشاه ده ای یاری‌جسته شده‌ای پُر جلالت ای زیبا ای وکیل ای کفیل ای درگذرنده

يَا مُنِيلُ، يَا نَبِيلُ يَا دَلِيلُ، يَا هَادِيُ يَا بَادِيُ، يَا أَوَّلُ يَا آخِرُ، يَا ظَاهِرُ يَا

ای نعمت‌رساننده ای ماهر ای راهنما ای رهبر ای آغازکننده ای اول ای آخر ای ظاهر ای

بَاطِنُ، يَا قَائِمُ يَا دَائِمُ، يَا عَالِمُ يَا حَاكِمُ، يَا قَاضِيُ يَا عَادِلُ، يَا فَاصِلُ يَا

باطن ای استوار ای ابدی ای دانا ای حکم‌فرما ای داور ای دادگر ای جداکننده ای

وَاصِلُ، يَا طَاهِرُ يَا مُطَهَّرُ، يَا قَادِرُ يَا مُقْتَدِرُ، يَا كَبِيرُ يَا مُتَكَبِّرُ، يَا وَاحِدُ يَا

پیوندکننده ای پاک ای پاکیزه ای توانا ای با اقتدار ای بزرگ ای با عظمت ای یگانه‌ای

أَحَدُ يَا صَمَدُ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

تک ای بی‌نیاز ای کسی که نزاید و زاییده نشده و نیست برایش همتایی هیچ کس و نیست

صَاحِبَةٌ وَلَا كَانَ مَعَهُ وَزِيرٌ، وَلَا اتَّخَذَ مَعَهُ مُشِيرًا، وَلَا اِحْتِاجَ إِلَى ظَهِيرٍ،

برایش همسر و رفیقی و نباشد با او وزیری و نگرفته برای خود مشاوری و نه نیازمند به کمک‌کاری است

وَلَا كَانَ مَعَهُ إِلَهٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، فَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا

و نه معبودی با اوست شایسته ستایشی جز تو نیست پس تو برتری از آنچه ستمکاران گویند بسیار برتر،

كَبِيرًا، يَا عَلِيُّ يَا شَامِخُ يَا بَادِخُ، يَا فَتَّاحُ يَا نَفَّاحُ، يَا مَرْتَّاحُ يَا مُفْرَجُ، يَا

ای والا ای بلند رتبه ای والا مقام ای گشاینده ای عطا بخشنده ای فرح بخش ای گشایش دهنده ای

نَاصِرُ يَا مُنْتَصِرُ، يَا مَدْرِكُ يَا مُهْلِكُ، يَا مُنْتَقِمُ يَا بَاعِثُ، يَا وَاوَرِثُ يَا طَالِبُ،

یاور ای مددکار ای دریابنده ای هلاک کننده ای انتقام گیرنده ای برانگیزنده ای ارث برنده ای جوینده

يَا غَالِبُ يَا مَنْ لَا يَفْوُتُهُ هَارِبُ، يَا تَوَّابُ يَا أَوَّابُ، يَا وَهَّابُ يَا مُسَبِّبُ

ای پیروزمند ای کسی که از دستش نرود گریز پایی ای توبه پذیر ای رجوع پذیر ای بخشنده ای سبب ساز

الْأَسْبَابِ، يَا مُفْتِّحَ الْبُؤَابِ، يَا مَنْ حَيْثُ مَا دَعِيَ أَجَابُ، يَا طَهُورُ يَا

هر سبب ای گشاینده درهای بسته ای کسی که هر زمان بخواندش اجابت کند ای یاکی بخش ای

شَكُورُ، يَا عَفْوُ يَا غَفُورُ، يَا نُورَ النُّورِ، يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا لَطِيفُ يَا خَبِيرُ،

پادشاه ده شاکران ای درگذرنده ای آمرزنده ای نور روشنیها ای تدبیر کننده امور ای نعمت بخش ای بینا ای

يَا مُجِبِرُ يَا مُنِيرُ، يَا بَصِيرُ يَا ظَهِيرُ، يَا كَبِيرُ يَا وَثِرُ، يَا فَزْدُ يَا أَبَدُ، يَا سَنَدُ يَا

پناه ده ای روشنی ده ای بینا ای پشتیبان ای بزرگ ای یگانه ای بی همتا ای جاویدان ای تکیه گاه ای

صَمَدُ، يَا كَافِي يَا شَافِي، يَا وَافِي يَا مُعَافِي، يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ، يَا مُنْعِمُ

بی نیاز ای کفایت کننده ای شفا دهنده ای وفادار ای صحت بخش ای نیکوکار ای زیب بخش ای نعمت ده

يَا مُفْضِلُ، يَا مُتَكَرِّمُ يَا مُتَفَرِّدُ، يَا مَنْ عَلَا فَقَهَرَ، وَيَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ، يَا مَنْ

ای فزون بخش ای بزرگووار ای یگانه شناخته شده، ای که از برتری بر همه قاهر است ای که فرمانرواست و نیرومند ای که

بَطْنَ فَخْبَرَ، وَيَا مَنْ عَبْدَ فَشَكَرَ، وَيَا مَنْ عَصَى فَغَفَرَ وَ سَتَرَ، وَيَا مَنْ لَا

در درونی و از درون آگاه و ای آنکه بپرستدش و او پادشاه دهد ای که نافرمانیش کند و بپامزد و ببوشاند، ای که

تَحَوَّيَهُ الْفِكْرُ، وَلَا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ آثَرُ، يَا رَازِقَ الْبَشَرِ، يَا

در فکرها نکتجد و دیده ای او را درنیاید و هیچ کاری بر او پنهان نماند ای روزی ده بشر ای

مُقَدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ، يَا عَالِي الْمَكَانِ، يَا شَدِيدَ الْأَرْكَانِ، يَا مُبَدِّلَ الزَّمَانِ، يَا

اندازه گیر هر اندازه ای والا مکان ای سخت قدرت ای جابجا کننده زمان ای

قَابِلَ الْقُرْبَانِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالْإِحْسَانِ، يَا ذَا الْعِزِّ وَالسُّلْطَانِ، يَا رَحِيمُ يَا

قبول کننده قربانی ای دارنده نعمت و احسان ای صاحب عزت و سلطنت ای بخشاینده ای

رَحْمَنُ، يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ، يَا

مهربان ای که هر روز در کاری است ای که کاری از کار دیگر سرگرمش نکند ای

عَظِيمَ الشَّانِ، يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ مَكَانٍ، يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ، يَا مُجِيبَ

بزرگ مقام ای که در هر جا هستی ای شنوای هر صدا ای اجابت کننده

الدَّعَوَاتِ، يَا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ، يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ، يَا

دعاهای برآورنده خواسته‌ها ای روا کننده حاجتها ای فرو فرستنده برکات ای

رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ، يَا مُقِيلَ الْعَثْرَاتِ، يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ، يَا وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ،

رحم کننده بر اشکها (و گریه‌ها) ای نادیده‌گیر لغزشها ای برطرف کننده ناراحتیها ای بدست دارنده نیکیها

يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ، يَا مُوتِي السُّؤْلَاتِ، يَا مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ، يَا جَامِعَ

ای بالا برنده مقامها ای دهنده خواسته‌ها ای زنده کننده مرده‌ها ای گردآورنده

الشَّيْئَاتِ، يَا مُطَّلِعَ عَلَى النَّيَّاتِ، يَا زَادًا مَا قَدُّ فَاتٍ، يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهَ عَلَيْهِ

پراکنده‌ها ای آگاه بر نیت‌های دل ای برگرداننده آنچه از دست رفته، ای که صداها بر او

الْأَصْوَاتِ، يَا مَنْ لَا تُضْجِرُهُ الْمَسْئَلَاتُ، وَلَا تَعْشَاهُ الظُّلُمَاتُ، يَا نُورَ

مشبه نشود ای که (زیادی) خواهشها او را به ستوه و خستگی در نیاورد و تاریکیها او را فرا نگیرد ای روشنی

الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتِ، يَا سَابِغَ النِّعَمِ، يَا دَافِعَ النِّقَمِ، يَا بَارِيَّ النَّسَمِ، يَا

زمین و آسمانها ای سرشار دهنده نعمتها ای جلوگیری رنج و ملامتها ای آفریننده انسان ای

جَامِعَ الْأُمَّمِ، يَا شَافِيَ السَّقَمِ، يَا خَالِقَ النُّورِ وَالظُّلْمِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ،

گردآورنده ملتها ای بهبودی ده بیماریها ای خالق روشنی و تاریکیها ای صاحب جود و کرم

يَا مَنْ لَا يُطَآ عَرْشُهُ قَدَمٌ، يَا أَجُودَ الْأَجُودِ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، يَا أَسْمَعَ

ای که گامی به عرش نرسد ای بخشنده‌ترین بخشندهگان ای کریم‌ترین کریمان ای شنواترین

السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ، يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ،

شنوایان ای بیناترین بینایان ای پناه پناهجویان ای ایمنی بخش ترسانان

يَا ظَهَرَ اللَّاجِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا غَايَةَ

ای پشت و پناه پناهندگان ای یاور مؤمنان ای فریادرس فریادطلبان ای منتها مقصود

الطَّالِبِينَ، يَا صَاحِبَ كُلِّ غَرِيبٍ، يَا مُونِسَ كُلِّ وَحِيدٍ، يَا مَلْجَأَ كُلِّ طَرِيدٍ،

خواهندگان ای رفیق هر غریب و مونس هر تنها ای پناه هر آواره

يَا مَأْوِي كُلِّ شَرِيْدٍ، يَا حَافِظَ كُلِّ ضَالَّةٍ، يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيْرِ، يَا رَازِقَ

ای جای ده هر گریخته‌ای نگهدار هر گمشده ای رحم کننده پیر کهن سال ای روزی ده

الطُّفْلِ الصَّغِيْرِ، يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيْرِ، يَا فَائِدَ كُلِّ اَسِيْرٍ، يَا مُعْنِيَ الْبَائِسِ

کودک خردسال ای پیوند دهنده استخوان شکسته ای رها کننده هر گرفتار دربند ای بی‌نیاز کن هر بینوای

الْفَقِيْرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيْرِ، يَا مَنْ لَهُ التَّدْبِيْرُ وَالتَّقْدِيْرُ، يَا مَنْ

مستمند ای پناه ترسناک پناهجو ای که چاره‌اندیشی و اندازه‌گیری کارها بدست اوست ای که

الْعَسِيْرُ عَلَيْهِ يَسِيْرُ، يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ اِلَى تَفْسِيْرٍ، يَا مَنْ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

هر مشکلی برای او آسان است ای که بی‌نیازی از شرح و تفسیر ای که بر هر چیز توانایی

قَدِيْرٌ، يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ خَبِيْرٌ، يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيْرٌ، يَا مُرْسِلَ

ای که به هر چیز خبیر و آگاهی ای که به هر چیز بینایی ای فرستنده

الرِّيَّاحِ، يَا فَالِقَ الْاَصْبَاحِ، يَا بَاعِثَ الْاَرْوَاحِ، يَا ذَا الْجُوْدِ وَالسَّمَّاحِ، يَا مَنْ

بادها ای شکافنده روشنی صبح ای برانگیزنده جانها ای صاحب جود و سخا ای که

بِيْدِهِ كُلُّ مِفْتَاحٍ، يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، يَا سَابِقَ كُلِّ فَوْتٍ، يَا مُحْيِيَ كُلِّ

بدست قدرت اوست هر کلید ای شنونده هر صدا ای جلوتر از هر گذشته ای زنده کننده هر

نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا عُدَّتِي فِيْ شِدَّتِي، يَا حَافِظِيْ فِيْ غُرْبَتِي، يَا مُوْنِسِيْ

شخصی پس از مرگ ای ذخیره من در روز سختی و دشواری ای نگهدارم در روز غربت و بی‌کسی ای همدم

فِيْ وَحْدَتِي، يَا وَليِّيْ فِيْ نِعْمَتِي، يَا كَهْفِيْ حِيْنَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ،

در تنهایی ای ولی نعمتم ای پناهگاه من در آن هنگام که راهها مرا مانده و خسته کنند

وَتَسَلِّمُنِيْ الْاَقْرَابُ، وَيَخَذُلْنِيْ كُلُّ صَاحِبٍ، يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، يَا

و نزدیکان مرا واگذارند و هر رفیق و دوستی دست از یاریم بکشند ای تکیه‌گاه هرکس که تکیه‌گاهی ندارد ای

سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ، يَا ذَخْرَ مَنْ لَا ذَخْرَ لَهُ، يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ، يَا كَهْفَ

پشتوان آن کس که پشتوانه ندارد ای ذخیره تهیدستان ای نگهدار کسی که نگهداری ندارد ای پناهگاه

مَنْ لَا كَهْفَ لَهُ، يَا كَثْرَ مَنْ لَا كَثْرَ لَهُ، يَا رُكْنَ مَنْ لَا رُكْنَ لَهُ، يَا غِيَاثَ مَنْ لَا

آن کس که پناهگاهی ندارد ای گنج بی‌گنجان ای پایه محکم آن کس که پایه محکمی ندارد ای فریادرس کسی که

غِيَاثَ لَهُ، يَا جَارَ مَنْ لَا جَارَ لَهُ، يَا جَارِيَّ اللَّصِيْقِ، يَا رُكْنِيَّ الْوَثِيْقِ، يَا

فریادرس ندارد ای همسایه بی‌همسایگان ای همسایه به من پیوسته ای رکن استوار من ای

إِلَهِي بِالتَّحْقِيقِ، يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ، يَا شَفِيقُ يَا رَفِيقُ، فُكِّنِي مِنْ حَلَقِ

معبود مسلم من ای پروردگار خانه کعبه ای مهربان ای رفیق آزادم کن از حلقه‌های

الْمَضِيقِ، وَأَصْرِفْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَغَمٍّ وَضِيقٍ، وَاكْفِنِي شَرَّ مَا لَا أُطِيقُ،

تنگ (روزگار) و بگردان از من هر غم و اندوه و فشاری را و کفایت کن مرا از هر چه طاقش را ندارم

وَاعِنِي عَلَىٰ مَا أُطِيقُ، يَا رَادَّ يُوْسُفَ عَلَىٰ يَعْقُوبَ، يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ،

و یاریم کن بر آنچه طاقش را دارم ای که یوسف را به یعقوب برگرداندی ای که از گرفتاری نجات بخشیدی ایوب را

يَا غَافِرَ ذَنْبِ دَاوُدَ، يَا رَافِعَ عِيسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ، وَمُنْجِيَهُ مِنْ أَيْدِي الْيَهُودِ، يَا

ای آمرزنده خطای داوود ای بالا برنده عیسی بن مریم و نجات دهنده او از دست یهود ای

مُجِيبَ نِدَاءِ يُوسُفَ فِي الظُّلُمَاتِ، يَا مُصْطَفَىٰ مُوسَىٰ بِالْكَلِمَاتِ، يَا مَنْ

پاسخ‌دهنده آواز یونس در تاریکی‌های دریا ای برگزیننده موسی (بوسیله سخن گفتن) بدان کلمات ای که

غَفَرَ لِأَدَمَ خَطِيئَتَهُ، وَرَفَعَ إِدْرِيسَ مَكَانًا عَلِيًّا بِرَحْمَتِهِ، يَا مَنْ نَجَّى

بخشیدی بر آدم خطایش را و ادریس را از رحمت خویش به جایی بلند بردی ای که نوح را

نُوحًا مِنَ الْغَرَقِ، يَا مَنْ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ، وَثَمُودَ فَمَا أَبْقَىٰ، وَقَوْمَ نُوحٍ

از غرق نجات دادی ای که قوم عاد قدیم را هلاک کردی و ثمودیان را باقی نگذاشتی و پیش از آنها

مِنْ قَبْلِ، إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَىٰ، وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ، يَا مَنْ دَمَّرَ عَلَىٰ

قوم نوح را که آنها ستمگرتر و سرکش‌تر بودند و دهکده‌های وازگون را بیفکندی ای که نابودی بر

قَوْمَ لُوطٍ، وَدَمَّ دَمَّ عَلَىٰ قَوْمِ شُعَيْبٍ، يَا مَنْ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا، يَا مَنْ

قوم لوط فرستادی و هلاک کردی قوم شعیب را ای که ابراهیم را خلیل گرفتی ای که

اتَّخَذَ مُوسَىٰ كَلِيمًا، وَاتَّخَذَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

موسی را هم سخن خود ساختی و محمد صلی الله علیه و آله را

حَبِيبًا، يَا مُؤْتَىٰ لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ، وَالْوَاهِبُ لِسُلَيْمَانَ مُلْكَاً لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ

حبیب خود کردی ای که به لقمان حکمت عطا کردی و بخشیدی به سلیمان فرمانروایی و پادشاهی آن چنانی که برای هیچ کس

مِنْ بَعْدِهِ، يَا مَنْ نَصَرَ ذَا الْقُرْنَيْنِ عَلَى الْمُلُوكِ الْجَبَابِرَةِ، يَا مَنْ أَعْطَىٰ

پس از او شایسته نبود ای که ذوالقرنین را بر پادشاهان سرکش یاری دادی ای که به خضر

الْخِضْرَ الْحَيَوَةَ، وَرَدَّ لِيُوشَعَ بْنِ نُونٍ الشَّمْسَ بَعْدَ غُرُوبِهَا، يَا مَنْ رَبَطَ

آب حیات دادی و برای یوشع بن نون آفتاب را پس از غروب کردن برگرداندی ای که به دل مادر موسی

عَلَى قَلْبِ أُمِّ مُوسَى، وَ أَحْصَنَ فَرْجَ مَرْيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ، يَا مَنْ حَصَّنَ

آرامش بخشیدی و دامن مریم دختر عمران را از آلودگی نگهداشتی ای که یحیی بن زکریا را

يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا مِنَ الذَّنْبِ، وَسَكَّنَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبَ، يَا مَنْ بَشَّرَ

از گناه حفظ کردی و فرونشاندی خشم موسی را ای که زکریا را

زَكَرِيَّا بِيَحْيَى، يَا مَنْ فَدَا إِسْمَاعِيلَ مِنَ الذَّبْحِ بِذَبْحِ عَظِيمٍ، يَا مَنْ قَبِلَ

به ولادت یحیی مژده دادی ای که اسماعیل را به آن ذبح عظیم فدا فرستادی ای که قربانی

قُرْبَانَ هَابِيلَ، وَجَعَلَ اللَّعْنَةَ عَلَى قَابِيلَ، يَا هَا زِمَ الْأَحْزَابِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى

هابیل را پذیرفتی و لعنت را بر قابیل مقرر ساختی ای پراکنده کننده احزاب برای پشتیبانی محمد صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ،

الله علیه و آله درود فرست بر محمد و آل محمد و بر تمامی رسولان

وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَهْلَ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ، وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَسْئَلَةٍ

و فرشتگان مقرب و همه آنان که فرمانبرداری تو کنند و از تو می‌خواهم به هر سوالی که

سَأَلْتُكَ بِهَا أَحَدٌ مِمَّنْ رَضِيَتْ عَنْهُ، فَحَتَمْتَ لَهُ عَلَى الْإِجَابَةِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا

از تو می‌کنند هر یک از آن اشخاصی که از آنها راضی هستی و در نتیجه برایش مسلم کردی اجابت را ای خدا ای خدا ای

اللَّهُ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ، يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ،

خدا ای بخشاینده ای بخشاینده ای بخشاینده ای مهربان ای مهربان ای مهربان

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، بِهِ بِهِ

ای صاحب جلال و بزرگواری ای صاحب جلال و بزرگواری ای صاحب جلال و بزرگواری به آن به آن

بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي شَيْءٍ مِنْ

به آن به آن به آن به آن به آن تو را می‌خوانم به حق هر نامی که خود را به آن نامیدی یا در یکی از کتابهای خود آن را

كُتِبَكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، وَبِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ،

نازل کردی یا آن را در علم غیب برای خویشتن برگزیدی و بدان وسایلی که عرش را عزت بخشید

وَبِمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ، وَبِمَا لَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٍ،

و به منتهای رحمت از کتابت و بدانچه «اگر هر درختی که در زمین است قلم باشند

وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةَ أَبْحُرٍ، مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

و دریا با هفت دریای دیگر مرکب بود کلمات خدا تمام نمی‌شد براستی خدا نیرومند و

حَكِيمٌ، وَ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّتِي نَعْتَهَا فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ: وَ لِلَّهِ

فرزانه است» و از تو می‌خواهم به حق نامهای نیکویت که در قرآن توصیفشان کرده‌ای و فرموده‌ای: «و برای خداست

الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا. وَقُلْتَ: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ. وَقُلْتَ: وَإِذَا

نامهای نیکو پس او را بدان نامها بخوانید» و باز فرمودی «مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را» و نیز فرمودی «و هرگاه

سَأَلْتَ عِبَادِي عَنِّي، فَأَنِّي قَرِيبٌ أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ. وَقُلْتَ: يَا

بندگان من از تو درباره من بپرسند پس من نزدیکم و پاسخ دهم دعای خواننده را هنگامی که مرا بخواند» و فرمودی «ای

عِبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ، لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ

بندگان من که بر نفس خویش اسراف و زیاده‌روی کردید از رحمت خدا نومید نشوید که خدا

الذُّنُوبَ جَمِيعًا، إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. وَأَنَا أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي، وَأَدْعُوكَ يَا

همه گناهان را بیامرزد و اوست آمرزنده مهربان» و من از تو می‌خواهم ای معبودم و می‌خوانم

رَبِّ، وَأَرْجُوكَ يَا سَيِّدِي، وَأَطْمَعُ فِي اجَابَتِي يَا مَوْلَايَ كَمَا وَعَدْتَنِي،

پروردگارا و امیدوار توام ای آقای من و از تو طمع اجابت دارم ای مولای من چنانچه به من وعده داده‌ای

وَقَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

و من تو را خواندم چنانچه به من دستور دادی پس انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی ای کریم و ستایش مخصوص پروردگار

الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

جهانیان است و درود خدا بر محمد و آلش همگی.

دعای یستشیر:

«سید بن طاووس» در «مهج الدعوات» از امام امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را به من آموخت و فرمانم داد که در دشواری و آسودگی این دعا را بخوانم و به

جانشین خود نیز بیاموزم و تا زمانی که زنده‌ام آن را ترک نکنم و آن را هر صبح و شام بخوانم، زیرا این دعا

گنجی از گنج‌های عرش الهی است. در پی اصرار فراوان ابی بن کعب انصاری برای بیان پاداش این دعا،

رسول خدا صلی الله علیه و آله برخی از پاداش‌های مادی و معنوی آن را ذکر کرد، از جمله آن‌که: هر کس این دعا را

بخواند خداوند گناهانش را می‌آمرزد، سکینه و آرامش بر او فرو می‌فرستد و رحمت الهی، وی را فرا

می‌گیرد. همچنین آثار و خواص جالبی را درباره این دعا، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای جناب سلمان

۱. نام این دعا، از کلمه «یستشیر» در عبارت «و لا خلق من عباده یستشیر» در آغاز همین دعا گرفته شده است.

فارسی بیان کرده است.^۱ این دعا برابر نقل «کنعمی» در «بلد الامین»^۲ چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، أَلَدَائِمُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ،

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که معبودی جز او نیست، زنده، جاودان، پاینده، فرمانروای بر حق و آشکار است،

الْمُدَبِّرُ بِلَا وَزِيرٍ، وَلَا خَلْقٍ مِنْ عِبَادِهِ يَسْتَشِيرُهُ، الْأَوَّلُ غَيْرُ مَوْصُوفٍ،

تدبیر کننده‌ای که مددکاری ندارد و با آفریده‌ای از بندگانش مشورت نمی‌کند، آغازی که توصیف نشود،

الْباقِي بَعْدَ فَنَاءِ الْخَلْقِ، الْعَظِيمُ الرَّبُّوْبِيَّةِ، نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَ

و بعد از نابودی مخلوقات پایدار است پروردگاریش با عظمت است، روشنایی آسمان و زمین و

فَاطِرُهُمَا وَمُبْتَدِعُهُمَا، خَلَقَهُمَا بِغَيْرِ تَرْوَنَةٍ، وَفَتَقَهُمَا فَتْقًا، فَقَامَتِ

آفریننده و بوجود آورنده آنهاست، آنها را بدون ستون آفرید و به نحو خاصی گشود، پس آسمان‌ها

السَّمَوَاتُ طَائِعَاتٍ بِأَمْرِهِ، وَاسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُ بِأَوْتَادِهَا فَوْقَ الْمَاءِ، ثُمَّ

به فرمان او مطیعانه در جای خود قرار گرفتند و زمین با کوه‌هایش بر روی آب استقرار یافت،

عَلَا رَبُّنَا فِي السَّمَوَاتِ الْعُلَى، الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، لَهُ مَا فِي

پروردگار ما همان بخشنده‌ای است که بر آسمان‌ها و بر عرش مسلط است، آنچه در

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى، فَأَنَا أَشْهَدُ بِأَنَّكَ

آسمان و زمین و بین آنها و زیر خاک است از آن اوست، و گواهی می‌دهم که تو

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَا رَافِعَ لِمَا وَضَعْتَ، وَلَا وَاضِعَ لِمَا رَفَعْتَ، وَلَا مِعْزَرَ

خدایی هستی که کسی را که پستش کنی بالايش نتوان برد و کسی را که بالاى پستش نتوان کرد و کسی را که خوار کنی

لِمَنْ أَدَلَّتْ، وَلَا مُدِلَّ لِمَنْ أَعَزَّتْ، وَلَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطَى لِمَا

عزت نتوان بخشید و کسی را که عزت بخشی خوار نتوان کرد آنچه را که عطا کنی منعی نتوان کرد و آنچه را که منع کنی عطایش

مَنْعَتْ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، كُنْتَ إِذْ لَمْ تَكُنْ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضًا

نتوان کرد، و تویی خدایی که معبودی جز تو نیست، تو بودی در زمانی که نبود آسمان برافراشته، و نه زمین

۱. برای آگاهی بیشتر از خواص و پاداش‌های این دعا به مهج‌الدعوات، صفحه ۱۲۲ و یا به بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۳۳۰ مراجعه فرمایید.

۲. بلدالامین، صفحه ۳۸۰.

مَدْحِيَّةٌ، وَلَا شَمْسٌ مُضِيَّةٌ، وَلَا لَيْلٌ مُظْلِمَةٌ، وَلَا نَهَارٌ مُضِيٌّ، وَلَا بَحْرٌ

گسترده، و نه خورشید تابناک، و نه شب تاریک، و نه روز روشن، و نه دریای

لَجِيٌّ، وَلَا جَبَلٌ رَاسٌ، وَلَا نَجْمٌ سَارٌ، وَلَا قَمَرٌ مُنِيرٌ، وَلَا رِيحٌ تَهْبٌ، وَلَا

مواج، و نه کوه استوار، و نه ستارگان در حرکت، و نه ماه تابان، و نه بادهای وزان و نه

سَحَابٌ يَسْكَبُ، وَلَا بَرْقٌ يَلْمَعُ، وَلَا رَعْدٌ يَسْبِحُ، وَلَا رُوحٌ يَتَنَفَّسُ، وَلَا

ابرهایی بارنده، و نه برق درخشنده، و نه رعد په تسیخ غرّنده، و نه موجود زنده، و نه

طَائِرٌ يَطِيرُ، وَلَا نَارٌ تَتَوَقَّدُ، وَلَا مَاءٌ يَطْرُدُ، كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَكَوْنَتْ

مرغ پرنده، و نه آتش فروزنده، و نه آب روان، تو قبل از هر چیز بودی، و همه چیز را

كُلُّ شَيْءٍ، وَقَدَرْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ، وَابْتَدَعْتَ كُلَّ شَيْءٍ، وَأَفْقَرْتَ

تو پدید آوردی، و تو بر هر چیز توانایی، و همه چیز را تو بوجود آوردی، و محتاج

وَاعْنَيْتَ، وَامْتَّ وَأَحْيَيْتَ، وَأَضْحَكْتَ وَأَبْكَيْتَ، وَعَلَىٰ الْعَرْشِ

و توانگر گردانی، مرده و زنده کنی، خندان و گریان کنی و بر عرش

اسْتَوَيْتَ، تَبَارَكْتَ يَا اللَّهُ وَتَعَالَيْتَ، أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْخَلَّاقُ

مسلطی، پس بلند مرتبه و برتری ای خدا، تویی خدایی که معبودی جز تو نیست که آفریننده

الْعَلِيمُ، أَمْرُكَ غَالِبٌ، وَعِلْمُكَ نَافِذٌ، وَكَيْدُكَ غَرِيبٌ، وَوَعْدُكَ صَادِقٌ،

و دانایی، فرمات پیروز، و دانشت مؤثر، و تدبیرت بی نظیر، و وعدهات راست،

وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَحُكْمُكَ عَدْلٌ، وَكَلَامُكَ هُدًى، وَوَحْيُكَ نُورٌ، وَرَحْمَتُكَ

و گفتارت درست، و داوری از روی عدالت، و کلامت مایه هدایت، و پیام آسمانیت مایه روشنی، و بخشش و احسانت

وَإِسْعَةٌ، وَعَفْوُكَ عَظِيمٌ، وَفَضْلُكَ كَبِيرٌ، وَعَطَاؤُكَ جَزِيلٌ، وَحَبْلُكَ مَتِينٌ،

گسترده، و گذشت بزرگ و لطف و کرمت بسیار، و بخشش بی شمار و پیمانت استوار،

وَأَمْكَانُكَ عَتِيدٌ، وَجَارُكَ عَزِيزٌ، وَبَأْسُكَ شَدِيدٌ، وَمَكْرُكَ مَكِيدٌ، أَنْتَ يَا

و قدرت و توانت مهیا و آماده، و پانندهات گرامی، و کيفرت سخت و تدبیرت زیرکانه است، تویی ای

رَبِّ مَوْضِعِ كُلِّ شَكْوَى، وَشَاهِدِ كُلِّ نَجْوَى، وَحَاضِرِ كُلِّ مَلَأٍ، وَمُنْتَهَى

پروردگار من مرجع هر شکایت، و گواه هر صحبت محرمانه، و حاضر در هر جمع، نهایت

كُلِّ حَاجَةٍ، وَفَرَجِ كُلِّ حَزِينٍ، وَغِنَى كُلِّ فَقِيرٍ مُسْكِينٍ، وَحِصْنِ كُلِّ

هر خواسته، تسکین دهنده غم و اندوه، توانگری هر فقیر درمانده، پناهگاه هر

هَارِبٍ، وَ أَمَانٌ كُلُّ خَائِفٍ، حُرْزُ الضُّعْفَاءِ، كَنْزُ الْفُقَرَاءِ، مُفْرَجُ الْغَمِّ،

پناهنده، پناه هر ترسان، حافظ ضعیفان، گنج فقیران، تسکین دهنده غمزدگان،

مُعِينُ الصَّالِحِينَ، ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، تَكْفِي مِنْ عِبَادِكَ مَنْ تَوَكَّلَ

یاور پارسایان، چنین خدایی پروردگار ماست که معبودی جز او نیست، هر بنده‌ای که خود را به تو بسپارد

عَلَيْكَ، وَأَنْتَ جَارٌ مَنْ لَدَبِكَ وَتَضَرَّعَ إِلَيْكَ، عِصْمَةٌ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ مِنْ

یارش کنی، و تو پناه کسی هستی که به تو پناهنده، و دست به دامن تو شود، نگهدار هر بنده‌ای که به تو متوسل شود،

عِبَادِكَ، نَاصِرٌ مَنْ أَنْتَصَرَ بِكَ، تَغْفِرُ الذُّنُوبَ لِمَنْ اسْتَغْفَرَكَ، جَبَّارُ الْجَبَابِرَةِ،

یاور هر کس که از تو یاری جوید، گناهان کسی را که از تو آمرزش طلبد می‌آمرزی، (و تویی) مسلط بر گردنکشان،

عَظِيمُ الْعُظْمَاءِ، كَبِيرُ الْكِبْرَاءِ، سَيِّدُ السُّادَاتِ، مَوْلَى الْمَوَالِي، صَرِيحٌ

برتر برتران، بزرگ بزرگان، سرور سروران، مولای مولایان، فریادرس

الْمُسْتَضْرَحِينَ، مُنْفَسٌّ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، أَسْمَعُ

دادخواهان، غم زدای غمزدگان، اجابت کننده خواسته گرفتاران، شنواترین

السَّمَاعِينَ، أَبْصَرُ النَّاطِرِينَ، أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ، أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ، أَرْحَمُ

شنوندگان، بیناترین بینایان، دادرس‌ترین حاکمان، سریع‌ترین حسابران، مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ، خَيْرُ الْغَافِرِينَ، قَاضِي حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ، مُغِيثُ الصَّالِحِينَ، أَنْتَ

مهربانان، بهترین آمرزنده، برآورنده نیازهای مؤمنان، فریادرس پارسایان،

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبُّ الْعَالَمِينَ، أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ، وَأَنْتَ الْمَالِكُ

تویی خدایی که معبودی جز تو نیست که پروردگار جهانیانی، تویی آفریننده و منم مخلوق، و تویی

وَأَنَا الْمَمْلُوكُ، وَأَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْعَبْدُ، وَأَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا الْمَرْزُوقُ،

مالک و صاحب اختیار و منم بنده، و تویی پروردگار و منم بنده، و تویی روزی ده و منم

وَأَنْتَ الْمُعْطَى وَأَنَا السَّائِلُ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ وَأَنَا الْبَخِيلُ، وَأَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا

روزی خوار، و تویی بخشنده و منم گدا، و تویی سخاوتمند و منم بخیل، و تویی

الضَّعِيفُ، وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ، وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ، وَأَنْتَ السَّيِّدُ

توانا و منم ناتوان، و تویی گرمی و منم بی‌ارزش، و تویی بی‌نیاز و منم نیازمند

وَأَنَا الْعَبْدُ، وَأَنْتَ الْغَافِرُ وَأَنَا الْمُسِيءُ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ وَأَنَا الْجَاهِلُ، وَأَنْتَ

و تویی سرور و منم بنده، و تویی آمرزنده و منم گناهکار، و تویی دانا و منم

الْحَلِيمِ وَأَنَا الْعَجُولُ، وَأَنْتَ الرَّاحِمُ وَأَنَا الْمَرْحُومُ، وَأَنْتَ الْمُعَافِي وَأَنَا

نادان، و تویی شکبیا و منم عجول، و تویی رحم کننده و منم مورد رحمت، و تویی

الْمُبْتَلِي، وَأَنْتَ الْمُجِيبُ وَأَنَا الْمُضْطَرُّ، وَأَنَا أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

شفا بخش و منم دردمند، و تویی اجابت کننده و منم گرفتار، و گواهی می‌دهم که تویی

إِلَّا أَنْتَ، الْوَاحِدُ الْفَرْدُ، وَالْيَكُّ الْمَصِيرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

خدایی که معبودی جز تو نیست، (خداوند) یگانه و تنهایی که بازگشت همه به سوی توست، و درود خدا بر

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَاسْتُرْ عَلَيَّ عَيْبِي، وَافْتَحْ لِي مِنْ

محمد و خاندان پاک و پاکیزه‌اش باد، و گناهانم را ببخش و عیوبم را

لَدُنْكَ رَحْمَةً، وَرِزْقًا وَاسِعًا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

بیوشان، و از نزد خود در بخشش و روزی فراوان را به رویم بگشا، ای مهربان‌ترین مهربانان،

وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است، خداوند (به عنوان پشتیبان) ما را بس و بهترین سرپرست است و قدرت و نیرویی جز از خدای بلندمرتبه و با عظمت نیست.

دعای مجیر:

این دعا را مرحوم «کفعمی» در «بلد الامین» و «مصباح» آورده است^۲ و بسیار ارزشمند و گران قیمت است و جبرئیل آن را بر رسول خدا ﷺ - در حالی که آن حضرت در مقام ابراهیم مشغول نماز بود - نازل کرد و در پاداش آن آمده است: هر کس این دعا را در روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم (ایام البیض) ماه رمضان بخواند، گناهان فراوانی از او آمرزیده شود؛ همچنین این دعا برای شفای مریض، ادای قرض، به دست آوردن غنا و توانگری، رفع اندوه و غم، مؤثر است.^۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

سُبْحَانَكَ يَا اللَّهُ، تَعَالَيْتَ يَا رَحْمَنُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ

منزهی ای خدا برتری تو ای بخشنده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی

۱. نام این دعا از کلمه «مجیر» که در این دعا تکرار گردیده گرفته شده که از اوصاف خدا و به معنای «پناه‌دهنده» است.

۲. مصباح کفعمی، صفحه ۲۶۸ و بلد الامین، صفحه ۳۶۲.

۳. حاشیه مصباح کفعمی، مطابق نقل مرحوم محدث قمی در مفاتیح الجنان.

يَا رَحِيمَ، تَعَالَيْتَ يَا كَرِيمَ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا مَلِكَ،

ای مهربان برتری تو ای کریم پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزه ای پادشاه

تَعَالَيْتَ يَا مَالِكَ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا قُدُّوسَ، تَعَالَيْتَ يَا

برتری تو ای مالک پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزه ای میرا از هر عیب‌برتری تو ای

سَلَامُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا مُؤْمِنُ، تَعَالَيْتَ يَا مُهَيِّمِنُ،

سلامت بخش پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزه ای امان بخش برتر آمدی ای نگهبان

أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا عَزِيزَ، تَعَالَيْتَ يَا جَبَّارَ، أَجِرْنَا مِنَ

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزه ای نیرومند برتر آمدی ای با جبروت و عظمت پناه ده ما را از

النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا مُتَكَبِّرَ، تَعَالَيْتَ يَا مُتَجَبِّرَ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا

آتش ای پناه ده منزه ای دارای بزرگی و کبریا برتر آمدی ای صاحب جلال و شوکت پناه ده ما را از آتش ای

مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا خَالِقَ، تَعَالَيْتَ يَا بَارِئَ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ،

پناه ده منزه ای آفریننده برتر آمدی ای پدید آورنده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا مُصَوِّرَ، تَعَالَيْتَ يَا مُقَدِّرَ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ

منزه ای صورت ده برتر آمدی ای اندازه‌گیر کارها پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزه

يَا هَادِيَ، تَعَالَيْتَ يَا بَاقِيَ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا وَهَّابَ،

ای راهنما برتر آمدی ای باقی پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزه ای بخشنده

تَعَالَيْتَ يَا تَوَّابَ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا فَتَّاحَ، تَعَالَيْتَ يَا

برتر آمدی ای توبه‌پذیر پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزه ای گشاینده برتر آمدی ای

مُرْتَّاحَ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا سَيِّدِي، تَعَالَيْتَ يَا مَوْلَايَ،

آسایش‌بخش پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزه تو ای آقای من برتری تو ای سرور من

أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا قَرِيبَ، تَعَالَيْتَ يَا رَقِيبَ، أَجِرْنَا مِنَ

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزه تو ای نزدیک برتری تو ای مراقب اعمال بندگان پناه ده ما را از

النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا مُبْدِيَ، تَعَالَيْتَ يَا مُعِيدَ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا

آتش ای پناه ده منزه ای آغاز کن آفرینش برتر آمدی ای بازگرداننده پناه ده ما را از آتش ای

مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا حَمِيدَ، تَعَالَيْتَ يَا مَجِيدَ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ،

پناه ده منزه ای پسندیده برتر آمدی ای ستوده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا قَدِيمَ، تَعَالَيْتَ يَا عَظِيمَ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا

منزهی تو ای دیرینه برتری تو ای با عظمت پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی ای

غَفُورَ، تَعَالَيْتَ يَا شَكُورَ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا شَاهِدَ،

آمرزنده برتر آمدی ای پاداش ده سیاستگزاران پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی ای شاهد

تَعَالَيْتَ يَا شَهِيدَ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا حَنَّانَ، تَعَالَيْتَ يَا

برتری تو ای گواه پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای بسیار مهربان برتری تو ای

مَنَّانَ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا بَاعِثَ، تَعَالَيْتَ يَا وَارِثَ،

نعمت بخش پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای برانگیزنده برتری تو ای ارث بر جهانیان

أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا مُحْيِيَ، تَعَالَيْتَ يَا مُمِيتَ، أَجْرُنَا مِنَ

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای زنده کننده برتری تو ای میراننده پناه ده ما را از

النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا شَفِيقَ، تَعَالَيْتَ يَا رَفِيقَ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا

آتش ای پناه ده منزهی تو ای مهربان برتری تو ای رفیق پناه ده ما را از آتش ای

مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا أَنْبِيسَ، تَعَالَيْتَ يَا مُونِسَ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ،

پناه ده منزهی تو ای همدم برتری تو ای مونس پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا جَلِيلَ، تَعَالَيْتَ يَا جَمِيلَ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ

منزهی تو ای شوکتمند برتری تو ای دارای جمال و زیبایی پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو

يَا خَبِيرَ، تَعَالَيْتَ يَا بَصِيرَ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا حَفِيَّ،

ای آگاه برتری تو ای بینای به کارها پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای مهربان

تَعَالَيْتَ يَا مَلِيَّ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا مَعْبُودَ، تَعَالَيْتَ يَا

برتری تو ای بی‌نیاز مطلق پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی ای معبود حقیقی برتر آمدی ای

مَوْجُودَ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا غَفَّارَ، تَعَالَيْتَ يَا قَهَّارَ،

موجود بالذات پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی ای آموزش پیشه برتری تو ای دارای قهر و سطوت

أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا مَذْكَورَ، تَعَالَيْتَ يَا مَشْكَورَ، أَجْرُنَا

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای یاد شونده برتری تو ای سپاس دارنده پناه ده ما را

مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا جَوَادَ، تَعَالَيْتَ يَا مَعَاذَ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا

از آتش ای پناه ده منزهی تو ای بخشنده برتری تو ای پناهگاه پناه ده ما را از آتش ای

مُجِبرٌ، سُبْحَانَكَ يَا جَمَالَ، تَعَالَيْتَ يَا جَلَالَ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرٌ،

پناه ده منزهی تو ای (اصل هر) زیبایی برتری تو ای (بخشنده هر) بزرگواری پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا سَابِقُ، تَعَالَيْتَ يَا رَازِقُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرٌ، سُبْحَانَكَ يَا

منزهی تو ای سبقت گیرنده برتری تو ای روزی دهنده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای

صَادِقُ، تَعَالَيْتَ يَا فَالِقُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرٌ، سُبْحَانَكَ يَا سَمِيعُ،

راست گفتار برتری تو ای شکافنده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای شنوا

تَعَالَيْتَ يَا سَرِيعُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرٌ، سُبْحَانَكَ يَا رَفِيعُ، تَعَالَيْتَ يَا

برتری تو ای شتابنده (در اجابت) پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای بلند مرتبه برتری تو ای

بَدِيعُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرٌ، سُبْحَانَكَ يَا فَعَّالُ، تَعَالَيْتَ يَا مُتَعَالُ، أَجْرُنَا

آفریننده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای کننده (آنچه بخواهی) برتری تو ای والامرتبه پناه ده ما را

مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرٌ، سُبْحَانَكَ يَا قَاضِي، تَعَالَيْتَ يَا رَاضِي، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ

از آتش ای پناه ده منزهی تو ای داور برتری تو ای راضی پناه ده ما را از آتش

يَا مُجِبرٌ، سُبْحَانَكَ يَا قَاهِرُ، تَعَالَيْتَ يَا ظَاهِرُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرٌ،

ای پناه ده منزهی تو ای چیره بر خلق برتری تو ای آشکار پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا عَالِمُ، تَعَالَيْتَ يَا حَاكِمُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرٌ، سُبْحَانَكَ يَا

منزهی تو ای دانا برتری تو ای حکمران پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای

دَائِمُ، تَعَالَيْتَ يَا قَائِمُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرٌ، سُبْحَانَكَ يَا عَاصِمُ،

جاویدان برتری تو ای قیام کننده به امور خلق پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای نگهدار

تَعَالَيْتَ يَا قَاسِمُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرٌ، سُبْحَانَكَ يَا غَنِيٌّ، تَعَالَيْتَ يَا

برتری تو ای قسمت کننده روزی پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای بی‌نیاز برتری تو ای

مُغْنِيٌّ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرٌ، سُبْحَانَكَ يَا وَفِيٌّ، تَعَالَيْتَ يَا قَوِيٌّ، أَجْرُنَا

بی‌نیاز کننده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای وفادار برتری تو ای نیرومند پناه ده ما را

مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرٌ، سُبْحَانَكَ يَا كَافِيٌّ، تَعَالَيْتَ يَا شَافِيٌّ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا

از آتش ای پناه ده منزهی تو ای کفایت کننده برتری تو ای شفا دهنده پناه ده ما را از آتش ای

مُجِبرٌ، سُبْحَانَكَ يَا مُقَدِّمُ، تَعَالَيْتَ يَا مُؤَخِّرُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرٌ،

پناه ده منزهی تو ای مقدم دارنده برتری تو ای عقبانداز پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا أَوَّلَ، تَعَالَيْتَ يَا آخِرَ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا

منزهی تو ای اول برتری تو ای آخر پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای

ظَاهِرُ، تَعَالَيْتَ يَا بَاطِنَ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا رَجَاءُ،

پیدا برتری تو ای ناپیدا پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای امید

تَعَالَيْتَ يَا مُرْتَجَى، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْمَنِّ، تَعَالَيْتَ

برتری تو ای مایه امیدواری پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای صاحب نعمت برتری تو

يَا ذَا الطُّوْلِ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا حَى، تَعَالَيْتَ يَا قَيُّوْمُ،

ای صاحب احسان پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای زنده برتری تو ای پاینده

أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا وَاحِدُ، تَعَالَيْتَ يَا أَحَدُ، أَجْرُنَا مِنَ

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای یگانه برتری تو ای یکتا پناه ده ما را از

النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا سَيِّدُ، تَعَالَيْتَ يَا صَمَدُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا

آتش ای پناه ده منزهی تو ای آقا برتری تو ای بی‌نیاز پناه ده ما را از آتش ای

مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا قَدِيرَ، تَعَالَيْتَ يَا كَبِيرَ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ،

پناه ده منزهی تو ای توانا برتری تو ای بزرگ پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا وَالِي، تَعَالَيْتَ يَا عَالِي، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا

منزهی تو ای حکمران برتری تو ای والامقام پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای

عَلِيٌّ، تَعَالَيْتَ يَا أَعْلَى، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا وَلِيٌّ، تَعَالَيْتَ

والا برتری تو ای والاتر از همه پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای صاحب اختیار برتری تو

يَا مَوْلَى، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا ذَارِيٌّ، تَعَالَيْتَ يَا بَارِيٌّ،

ای سرور پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای آفریننده برتری تو ای پدیدآورنده

أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا خَافِضُ، تَعَالَيْتَ يَا رَافِعُ، أَجْرُنَا مِنَ

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای پایین آورنده برتری تو ای بالا برنده پناه ده ما را

النَّارِ يَا مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا مُقْسِطُ، تَعَالَيْتَ يَا جَامِعُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا

از آتش ای پناه ده منزهی تو ای به انصاف رفتار کننده برتری تو ای گردآورنده پناه ده ما را از آتش ای

مُجِيرَ، سُبْحَانَكَ يَا مِعْزُ، تَعَالَيْتَ يَا مُذِلُّ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ،

پناه ده منزهی تو ای عزت بخش برتری تو ای ذلت بخش پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا حَافِظُ، تَعَالَيْتَ يَا حَفِیْظُ، اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ، سُبْحَانَكَ

منزهی تو ای نگهبان برتری تو ای نگهدار پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو

يَا قَادِرُ، تَعَالَيْتَ يَا مُقْتَدِرُ، اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ، سُبْحَانَكَ يَا عَلِیْمُ،

ای توانا برتری تو ای باقدار پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای دانا

تَعَالَيْتَ يَا حَلِیْمُ، اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ، سُبْحَانَكَ يَا حَكَمُ، تَعَالَيْتَ يَا

برتری تو ای بردبار پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای داور برتری تو ای

حَكِیْمُ، اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ، سُبْحَانَكَ يَا مُعْطِی، تَعَالَيْتَ يَا مُنَاعِ،

فراانه پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای عطا ده برتری تو ای مانع از عطا

اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ، سُبْحَانَكَ يَا ضَارُّ، تَعَالَيْتَ يَا نَافِعُ، اَجْرُنَا مِنَ

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای زیان رسان برتری تو ای سودسان پناه ده ما را از

النَّارِ يَا مُجِیْرُ، سُبْحَانَكَ يَا مُجِیْبُ، تَعَالَيْتَ يَا حَسِیْبُ، اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ

آتش ای پناه ده منزهی تو ای اجابت کننده برتری تو ای حسابگر پناه ده ما را از آتش

يَا مُجِیْرُ، سُبْحَانَكَ يَا عَادِلُ، تَعَالَيْتَ يَا فَاضِلُ، اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ،

ای پناه ده منزهی تو ای دادگر برتری تو ای با فضیلت پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا لَطِیْفُ، تَعَالَيْتَ يَا شَرِیْفُ، اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ، سُبْحَانَكَ

منزهی تو ای مهربان برتری تو ای شریف پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو

يَا رَبُّ، تَعَالَيْتَ يَا حَقُّ، اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ، سُبْحَانَكَ يَا مُاجِدُ،

ای پروردگار برتری تو ای ثابت پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای گرامی

تَعَالَيْتَ يَا وَاحِدُ، اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ، سُبْحَانَكَ يَا عَفُوُّ، تَعَالَيْتَ يَا

برتری تو ای یگانه پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای با گذشت برتری تو ای

مُنْتَقِمُ، اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ، سُبْحَانَكَ يَا وَاسِعُ، تَعَالَيْتَ يَا مُوَسِّعُ،

انتقامکش پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای وسیع رحمت برتری تو ای گشایش بخش

اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ، سُبْحَانَكَ يَا رَعُوْفُ، تَعَالَيْتَ يَا عَطُوْفُ، اَجْرُنَا

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای مهربور برتری تو ای با عطوفت پناه ده ما را

مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ، سُبْحَانَكَ يَا فَرْدُ، تَعَالَيْتَ يَا وَثِرُ، اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا

از آتش ای پناه ده منزهی تو ای یگانه برتری تو ای تک و تنها پناه ده ما را از

مُجِبرُ، سُبْحَانَكَ يَا مُقِيتُ، تَعَالَيْتَ يَا مُحِيطُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرُ،

آتش ای پناه ده منزهی تو ای حافظ و نگهدار برتری تو ای محیط بر هر چیز پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا وَكِيلُ، تَعَالَيْتَ يَا عَدْلُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرُ، سُبْحَانَكَ يَا

منزهی تو ای وکیل برتری تو ای سراسر عدل و داد پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای

مُبِينُ، تَعَالَيْتَ يَا مَتِينُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرُ، سُبْحَانَكَ يَا بَرُّ، تَعَالَيْتَ

آشکار کننده برتری تو ای ثابت سستی ناپذیر پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای نیکوکار برتری تو

يَا وَدُودُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرُ، سُبْحَانَكَ يَا رَشِيدُ، تَعَالَيْتَ يَا مُرْشِدُ،

ای بسیار مهربان پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای ارشاد کننده برتری تو ای رهنمون

أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرُ، سُبْحَانَكَ يَا نُورُ، تَعَالَيْتَ يَا مُنَوِّرُ، أَجْرُنَا مِنَ

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای نور برتری تو ای روشنی بخش پناه ده ما را از

النَّارِ يَا مُجِبرُ، سُبْحَانَكَ يَا نَصِيرُ، تَعَالَيْتَ يَا نَاصِرُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا

آتش ای پناه ده منزهی تو ای یاور برتری تو ای یاری ده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

مُجِبرُ، سُبْحَانَكَ يَا صَبُورُ، تَعَالَيْتَ يَا صَابِرُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرُ،

منزهی تو ای بردبار برتری تو ای شکبیا پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا مُحْصِي، تَعَالَيْتَ يَا مُنْشِئُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرُ، سُبْحَانَكَ

منزهی تو ای شمارنده برتری تو ای ایجاد کننده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو

يَا سُبْحَانَ، تَعَالَيْتَ يَا دَيَّانُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرُ، سُبْحَانَكَ يَا مُعِثُ،

ای منزّه برتری تو ای کیفر ده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای فریادرس

تَعَالَيْتَ يَا غِيَاثُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرُ، سُبْحَانَكَ يَا فَاطِرُ، تَعَالَيْتَ يَا

برتری تو ای دادرس پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای آفریننده برتری تو ای

حَاضِرُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِبرُ، سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْعِزِّ وَالْجَمَالِ، تَبَارَكَتَ يَا

حاضر پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای صاحب عزت و زیبایی بزرگی تو ای

ذَا الْجَبَرُوتِ وَالْجَلَالِ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

صاحب جبروت و جلال منزهی تو معبودی جز تو نیست «منزهی تو و همانا من از

الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ، وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ،

ستمگرانم پس مستجاب کردیم دعای او (یعنی یونس) را و او را از اندوه نجاتش دادیم و این چنین مؤمنین را نجات بخشیم»

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَحَسْبُنَا

و درود خدا بر محمد و آلش همگی و ستایش خاص پروردگار جهانیان است و خدا ما را

اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

بس است و او نیکو وکیلی است و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ.

دعای جوشن کبیر^۱:

این دعا را امام زین‌العابدین علیه السلام از پدر بزرگوارش از جدش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است. درباره شأن ورود این دعا آمده است: در یکی از جنگ‌ها، رسول خدا صلی الله علیه و آله زره و جوشن سنگینی بر تن داشت که سبب آزار آن حضرت می‌شد، پیامبر صلی الله علیه و آله به درگاه خدا دعا کرد تا آن‌که جبرئیل نازل شد و گفت: خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: این زره سنگین را از تن خارج ساز و در عوض، این دعا را بخوان که برای تو و امت تو، امان و حرزی خواهد بود. آنگاه فضیلت‌های فراوانی را در عظمت این دعا نقل کرده است، از جمله اینکه:

هر کس آن را بخواند و از منزل خارج شود و یا آن را همراه خویش داشته باشد (و در روح خود پیاده کند) اهل بهشت است و خداوند توفیق انجام اعمال صالح را به وی عنایت می‌کند. این دعا برای درمان بیماری‌های سخت و کسب پاداش‌های فراوان معنوی مفید است. امام حسین علیه السلام فرمود: پدرم مرا به حفظ و بزرگداشت این دعا سفارش کرد و به من فرمود: این دعا را بر کفش بنویسم و آن را به خانواده‌ام تعلیم دهم و آنان را نسبت به خواندن این دعا ترغیب نمایم.^۲

چند نکته:

۱- نوشتن این دعا بر روی کفن - همان‌گونه که از روایت برمی‌آید - مستحب است؛ مرحوم «علامه بحرالعلوم» نیز در شعر خود بدان اشاره کرده است:

و سُنَّ ان يُكْتَبَ بِالْأَكْفَانِ شَهَادَةَ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانَ

و هَكَذَا كِتَابَةُ الْقُرْآنِ وَالْجَوْشَنَ الْمَنْعُوتَ بِالْأَمَانِ

یعنی: «نوشتن این امور بر روی کفن سنت است: شهادت به اسلام و ایمان (ولایت) و همچنین نوشتن آیات قرآن و دعای جوشن که امانی است از عذاب».

۱. سبب نامگذاری این دعا به جوشن کبیر، آن است که این دعا در برابر بلاها و آسیب‌های دنیوی و اخروی زره و محافظ خوبی است (جوشن به معنای زره است)، این دعا در مصباح کفعمی، صفحه ۲۴۷ و بلدالامین، صفحه ۴۰۲ آمده است.

۲. بحارالانوار، جلد ۹۱، صفحه ۳۸۲.

۲- مرحوم «عَلَّامَةُ مَجْلِسِی» در کتاب «زاد المعاد» این دعا را از اعمال شبهای قدر دانسته است^۱ و از روایات استفاده می‌شود، سه بار یا حداقل یک بار در ماه مبارک رمضان آن را بخوانند.^۲

۳- گرچه معروف است که این دعا، صد فصل دارد و هر فصل آن، شامل ده اسم از اسمای الهی است که مجموعاً یک هزار اسم از اسمای پرمعنای خداوند است؛ ولی با دقت روشن می‌شود که یک هزار و یک اسم می‌باشد، زیرا بند ۵۵ مشتمل بر ۱۱ اسم الهی است.

بهر حال، در پایان هر فصل به خداوند متعال از عذاب دوزخ پناه می‌بریم و می‌گوییم: «سُبْحَانَكَ يَا لَاهِ الْاَلَا اَنْتَ، الْغَوْثُ، الْغَوْثُ، خَلَّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبَّ».

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

(۱) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ، يَا رَحِیْمُ يَا كَرِیْمُ، يَا

(۱) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای خدا ای بخشنده ای مهربان ای بزرگوار ای

مُقِیْمُ يَا عَظِیْمُ، يَا قَدِیْمُ يَا عَلِیْمُ، يَا حَلِیْمُ يَا حَكِیْمُ، سُبْحَانَكَ يَا لَاهِ الْاَلَا

برپا دارنده ای بزرگ ای قدیم ای دانا ای بردبار ای فرزانه منزهی تو ای که معبودی جز

اَنْتَ، الْغَوْثُ، الْغَوْثُ، خَلَّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبَّ (۲) يَا سَیِّدَ السَّادَاتِ، يَا

تو نیست فریاد فریاد پرهان ما را از آتش ای پروردگار من (۲) ای آقای آقایان ای

مُجِیْبَ الدَّعَوَاتِ، يَا زَافِعَ الدَّرَجَاتِ، يَا وَلِیَّ الْحَسَنَاتِ، يَا غَافِرَ

اجابت کننده دعاها ای بالا برنده مرتبهها ای صاحب هر نیکی ای آمرزنده

الْخَطِیْئَاتِ، يَا مُعْطِیَ الْمَسْئَلَاتِ، يَا قَابِلَ التَّوْبَاتِ، يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ، يَا

گناهان ای دهنده خواستهها ای پذیرنده توبهها ای شنونده صداها ای

عَالِمَ الْخَفِیَّاتِ، يَا دَافِعَ الْبَلِیَّاتِ (۳) يَا خَیْرَ الْغَافِرِیْنَ، يَا خَیْرَ الْفَاتِحِیْنَ، يَا

دانای اسرار پنهانی ای برطرف کننده بلاها (۳) ای بهترین آمرزندگان ای بهترین گشایندگان ای

خَیْرَ النَّاصِرِیْنَ، يَا خَیْرَ الْحَاكِمِیْنَ، يَا خَیْرَ الرَّازِقِیْنَ، يَا خَیْرَ الْوَارِثِیْنَ، يَا

بهترین یاران ای بهترین حاکمان ای بهترین روزی دهان ای بهترین ارباب بران ای

خَيْرِ الْحَامِدِينَ، يَا خَيْرَ الذَّاكِرِينَ، يَا خَيْرَ الْمُتَزَلِّينَ، يَا خَيْرَ الْمُحْسِنِينَ (۴)

بهترین ستایشگران ای بهترین یادکنندگان ای بهترین فرو فرستندگان ای بهترین احسان کنندگان (۴)

يَا مَنْ لَهُ الْعِزَّةُ وَالْجَمَالُ، يَا مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَالْكَمَالُ، يَا مَنْ لَهُ الْمُلْكُ

ای که عزت و زیبایی از آن اوست ای که نیرو و کمال از آن اوست ای که پادشاهی و جلال

وَالْجَلَالُ، يَا مَنْ هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ، يَا مُنْشِيَّ السَّحَابِ الثَّقَالِ، يَا مَنْ هُوَ

از آن اوست ای که بزرگ و برتر اوست ای پدید آورنده ابرهای سنگین ای که او

شَدِيدُ الْمِحَالِ، يَا مَنْ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ، يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْعِقَابِ، يَا مَنْ

سخت کیفر (یا سخت نیرو) است ای که او در حساب کشیدن سریع است ای که او در کیفر سخت است ای که

عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ، يَا مَنْ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (۵) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

پاداش خوب نزد اوست ای که نزد اوست مایه و اصل کتابها (۵) خدایا از تو می‌خواهم بحق نامت

يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا دَيَّانُ يَا بُرْهَانَ، يَا سُلْطَانَ يَا رِضْوَانَ، يَا غُفْرَانَ يَا

ای مهر پیشه ای نعمت بخش ای پاداش دهنده ای دلیل و راهنما ای سلطان ای بخشود ای آمرزنده ای

سُبْحَانَ، يَا مُسْتَعَانَ يَا ذَا الْمَنِّ وَالْبَيَانِ (۶) يَا مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِّعَظْمَتِهِ،

منزه ای یاور ای صاحب نعمت و بیان (۶) ای که هر چیزی در برابر عظمتش فروتن گشته

يَا مَنْ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِّقُدْرَتِهِ، يَا مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِّعِزَّتِهِ، يَا مَنْ خَضَعَ

ای که هر چیز در برابر قدرتش تسلیم گردیده ای که هر چیزی در برابر عزت و شوکتش خوارگشته ای که

كُلُّ شَيْءٍ لِّهَيْبَتِهِ، يَا مَنْ اَنْقَادَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ خَشْيَتِهِ، يَا مَنْ تَشَقَّقَتِ الْجِبَالُ

هر چیز در برابر هیبتش خاضع گردیده ای که هر چیزی از ترس او فرمانبردار و مطیع گردیده ای که کوهها

مِنْ مَخَافَتِهِ، يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَوَاتُ بِأَمْرِهٖ، يَا مَنْ اسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ

از هراسش از هم شکافته ای که به امر او آسمانها برپا گشته ای که زمینها به اذن او در جای خود

بِأَذْنِهِ، يَا مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ، يَا مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ (۷)

مستقر گشته ای که رعد به ستایش او غرش زند ای که بر اهل کشور خود ستم نکند (۷)

يَا غَافِرَ الْخَطَايَا، يَا كَاشِفَ الْبَلَايَا، يَا مُنْتَهَى الرَّجَايَا، يَا مُجْزِلَ الْعَطَايَا، يَا

ای آمرزنده خطاها ای برطرف کننده بلاها ای منتهای امیدها ای دهنده بزرگ عطاها ای

وَاهِبَ الْهُدَايَا، يَا رَازِقَ الْبَرَايَا، يَا قَاضِيَ الْمَنَايَا، يَا سَامِعَ الشَّكَايَا، يَا

بخشنده هدیه‌ها ای روزی ده بندها ای برآورنده آرزوها ای شنونده شکایتها ای

بَاعَثَ الْبَرَّايَا، يَا مُطْلِقَ الْأُسَارَى (۸) يَا ذَا الْحَمْدِ وَالشَّانَاءِ، يَا ذَا الْفَخْرِ

برانگیزنده مردمان ای رهاندنده اسیران (۸) ای صاحب ستایش و ثنا ای دارای فخر

وَالْبَهَاءِ، يَا ذَا الْمَجْدِ وَالسَّنَاءِ، يَا ذَا الْعَهْدِ وَالْوَفَاءِ، يَا ذَا الْعَفْوِ وَالرِّضَاءِ، يَا

و زیبایی ای صاحب مجد و بزرگی ای صاحب عهد و وفا ای دارای گذشت و رضا ای

ذَا الْمَنِّ وَالْعَطَاءِ، يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْقَضَاءِ، يَا ذَا الْعِزِّ وَالْبَقَاءِ، يَا ذَا الْجُودِ

دارنده نعمت و عطا ای که در دست توست فصل خصومات و داوری ای دارای عزت و پابندگی ای صاحب جود

وَالسَّخَاءِ، يَا ذَا الْأَلَاءِ وَالنِّعْمَاءِ (۹) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُنِيعُ يَا

و بخشش ای صاحب دهشها و نعمتها (۹) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای مانع ای

دَافِعُ، يَا رَافِعُ يَا صَانِعُ، يَا نَافِعُ يَا سَامِعُ، يَا جَامِعُ يَا شَافِعُ، يَا وَاسِعُ

برطرف کننده ای بالا برنده ای سازنده ای سود رسان ای شنوا ای گردآورنده ای شفاعت‌پذیر ای فراخ رحمت

يَا مُوسِعُ (۱۰) يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، يَا خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ، يَا رَازِقَ كُلِّ

ای وسعت بخش (۱۰) ای سازنده هر ساخته ای آفریننده هر آفریده ای روزی ده هر

مَرْزُوقٍ، يَا مَالِكَ كُلِّ مَمْلُوكٍ، يَا كَاشِفَ كُلِّ مَكْرُوبٍ، يَا فَارِجَ كُلِّ

روزی خور ای مالک هر مملوک ای غمزدای هر غمزه ای دلگشای هر

مَهْمُومٍ، يَا رَاحِمَ كُلِّ مَرْحُومٍ، يَا نَاصِرَ كُلِّ مَخْذُولٍ، يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ،

اندوهگین ای رحمت بخش هر رحمت خواه ای یاور هر بی‌یاور ای عیب پوش هر معیوب

يَا مَلْجَأَ كُلِّ مَطْرُودٍ (۱۱) يَا عِدَّتِيْ عِنْدَ شِدَّتِيْ، يَا رَجَائِيْ عِنْدَ مُصِيبَتِيْ، يَا

ای پناه هر آواره (۱۱) ای ذخیره هنگام سختی من ای امید من در برابر پیش‌آمدهای ناگوار ای

مُونِسِيْ عِنْدَ وَحْشَتِيْ، يَا صَاحِبِيْ عِنْدَ غُرْبَتِيْ، يَا وَليِّيْ عِنْدَ نِعْمَتِيْ، يَا

همدم من هنگام ترس و وحشت ای رفیق من در غربتم ای صاحب اختیار من در نعمتم ای

عِيَاثِيْ عِنْدَ كُرْبَتِيْ، يَا دَلِيْلِيْ عِنْدَ حَيْرَتِيْ، يَا غَنَائِيْ عِنْدَ افْتِقَارِيْ، يَا

فریادرس من در غم و اندوه ای دلیل و راهنمایم هنگام سرگردانی ای توانگری من هنگام نداری ای

مَلْجَأِيْ عِنْدَ اضْطِرَّارِيْ، يَا مُعِيْنِيْ عِنْدَ مَفْزَعِيْ (۱۲) يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ، يَا

پناه من هنگام درماندگی ای کمک کارم در بیچارگی و پریشانی (۱۲) ای بخوبی دانای بر هر نادیدنی

غَفَّارَ الذُّنُوبِ، يَا سِتَّارَ الْعُيُوبِ، يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، يَا

ای بسیار آمرزنده گناهان ای پرده‌پوش بر عیوب بندگان ای غمزدای غمها ای گرداننده دلها ای

طَبِيبَ الْقُلُوبِ، يَا مُنَوِّرَ الْقُلُوبِ، يَا اَنْبَسَ الْقُلُوبِ، يَا مُفْرِجَ الْهُمُومِ، يَا

طیب دلیها ای نوریبخش دلیها ای همدم دلیها ای زداینده اندوهها ای

مَنْفَسَ الْغُمُومِ، (۱۳) اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ، يَا وَكِيْلُ

غمگشای غمها (۱۳) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای بزرگوار ای زیبا ای کارگزار

يَا كَفِيْلُ، يَا دَلِيْلُ يَا قَبِيْلُ، يَا مُدَبِّلُ يَا مُنِيْلُ، يَا مُقَبِّلُ يَا مُحِبِلُ (۱۴) يَا دَلِيْلُ

ای عهده‌دار ای راهنما ای پذیرنده ای دولت دهنده ای عطا بخشنده ای درگذرنده ای نیرودهنده (تغییر دهنده) (۱۴) ای راهنمای

الْمُتَحَيِّرِيْنَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيْثِيْنَ، يَا صَرِيْحَ الْمُسْتَصْرِخِيْنَ، يَا جَارَ

سرگردانان ای فریادرس فریادخواهان ای دادرس دادخواهان ای پناه

الْمُسْتَجِيْرِيْنَ، يَا اَمَانَ الْخَائِفِيْنَ، يَا عَوْنَ الْمُؤْمِنِيْنَ، يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِيْنِ،

پناه‌جویان ای امان بخش ترساکان ای کمک مؤمنان ای رحم کننده مسکینان

يَا مَلْجَأَ الْعَاصِيْنَ، يَا غَافِرَ الْمُذْنِبِيْنَ، يَا مُجِيْبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّبِيْنَ (۱۵) يَا ذَا

ای پناه عاصیان ای آمرزنده گناهکاران ای اجابت کننده دعای درماندگان (۱۵) ای دارای

الْجُوْدِ وَالْاِحْسَانِ، يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْاِمْتِنَانِ، يَا ذَا الْاَمْنِ وَالْاَمَانِ، يَا

بخشنده‌گی و احسان ای صاحب فضل و نعمت ای مایه امن و امان ای

ذَاقِدِ الْقُدْسِ وَالسُّبْحَانِ، يَا ذَا الْحِكْمَةِ وَالْبَيَانِ، يَا ذَا الرَّحْمَةِ وَالرَّضْوَانِ، يَا ذَا

دارای پاک‌گی و پاکیزگی ای صاحب فرزانه‌گی و بیان ای صاحب رحمت و خشنودی ای دارای

الْحُجَّةِ وَالْبُرْهَانِ، يَا ذَا الْعِظَمَةِ وَالسُّلْطَانِ، يَا ذَا الرَّأْفَةِ وَالْمُسْتَعَانِ، يَا ذَا

حجت و دلیل و برهان ای خداوند عظمت و سلطنت ای دارنده رأفت و ای یاور بندگان ای صاحب

الْعَفْوِ وَالْغُفْرَانِ (۱۶) يَا مَنْ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ اِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ، يَا

بخشنده‌گی و آمرزش (۱۶) ای که پروردگار هر چیز اوست ای که معبود هر چیز اوست ای

مَنْ هُوَ صَانِعُ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ قَبْلُ كُلِّ

که سازنده هر چیز او است ای که آفریننده هر چیز اوست ای که او پیش از هر

شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ عَالِمُ

چیز بوده و ای که او پس از هر چیز خواهد بود و ای که او برتر از هر چیز است ای که او به هر چیز

بِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ قَادِرٌ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ يَبْقٰی وَيَفْنٰی كُلَّ

داناست ای که او به هر چیزی تواناست ای که تنها او بماند و هر چیز دیگر فانی

شَيْءٍ (۱۷) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمِنُ، يَا مُكَوِّنُ يَا مُلْقِنُ،

گردد (۱۷) خدایا از تو می‌خواهم بحق نامت ای امان ده ای مسلط بر هر چیز ای وجود آرنده ای یاد دهنده

يَا مُبَيِّنُ يَا مُهَوِّنُ، يَا مُمَكِّنُ يَا مُزَيِّنُ، يَا مُعَلِّنُ يَا مُقَسِّمُ (۱۸) يَا مَنْ هُوَ فِي

ای آشکار کننده ای آسان کننده ای امکان ده در کارها ای زیوربخش ای آشکار کننده ای تقسیم کننده (۱۸) ای که در

مُلْكِهِ مُقَيِّمُ، يَا مَنْ هُوَ فِي سُلْطَانِهِ قَدِيمُ، يَا مَنْ هُوَ فِي جَلَالِهِ عَظِيمُ، يَا

فرمانروایی پابرجاست ای که در سلطنت و پادشاهیش قدیم و دیرینه است ای که در جلالت و شوکت بزرگی ای

مَنْ هُوَ عَلٰی عِبَادِهِ رَحِيمُ، يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمُ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ

که که بر بندگان خویش مهربانی ای که به هر چیز دانایی ای که نسبت به

عَصَاهُ حَلِيمُ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمُ، يَا مَنْ هُوَ فِي صُنْعِهِ حَكِيمُ، يَا

نافرمان خودبردباری ای که به امیدوار خود بخشنده و بزرگواری ای که در آفرینش و ساختنت فرزانه‌ای (یا محکم کاری) ای که

مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ لَطِيفُ، يَا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ قَدِيمُ (۱۹) يَا مَنْ لَا يُرْجَى اِلَّا

در عین فرزنگی (یا محکم‌کاری) مهربانی (یا نرم‌کاری) ای که در لطف خود دیرینه‌ای (۱۹) ای که امید نیست جز به

فَضْلُهُ، يَا مَنْ لَا يُسْئَلُ اِلَّا عَفْوُهُ، يَا مَنْ لَا يُنْظَرُ اِلَّا بَرُّهُ، يَا مَنْ لَا يُخَافُ اِلَّا

نیکی او ای که درخواست نشود جز گذشتش ای که چشم‌داشتی نیست جز به نیکی او ای که ترسی نیست جز

عَدْلُهُ، يَا مَنْ لَا يَدُومُ اِلَّا مُلْكُهُ، يَا مَنْ لَا سُلْطَانَ اِلَّا سُلْطَانُهُ، يَا مَنْ

از عدل او ای که جاوید نمی‌ماند جز فرمانروایی و ملک او ای که سلطنت و قدرتی نیست جز سلطنت او ای که

وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ، يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ، يَا مَنْ اَحَاطَ بِكُلِّ

رحمتمش همه چیز را فرا گرفته ای که رحمتمش بر خشمش پیشی بسته ای که علمش بر همه چیز

شَيْءٍ عِلْمُهُ، يَا مَنْ لَيْسَ اَحَدٌ مِثْلَهُ (۲۰) يَا فَارِجَ الْهَمِّ، يَا كَاشِفَ الْغَمِّ، يَا

احاطه کرده ای که مانندش هیچ کس نخواهد بود (۲۰) ای دلگشای اندوه ای غمزدای ای

غَافِرَ الذَّنْبِ، يَا قَابِلَ التَّوْبِ، يَا خَالِقَ الْخَلْقِ، يَا صَادِقَ الْوَعْدِ، يَا مُوْفِيَ

آمرزنده گناه ای توبه‌پذیر ای آفریننده ای راست وعده ای وفادار

الْعَهْدِ، يَا عَالِمَ السِّرِّ، يَا فَالِقَ الْحَبِّ، يَا رَازِقَ الْأَنَامِ (۲۱) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ

پیمان ای دانای اسرار نهان ای شکافنده دانه ای روزی ده بندگان (۲۱) خدایا از تو خواهم

بِاسْمِكَ يَا عَلِيُّ يَا وَفِيُّ، يَا غَنِيُّ يَا مَلِيٌّ، يَا حَفِيٌّ يَا رَضِيٌّ، يَا زَكِيٌّ يَا

به حق نامت ای والا ای با وفا ای توانگر ای بی‌نیاز مطلق ای مهربان ای پسندیده (یا دوستدار) ای پاکیزه ای

بَدِيٌّ، يَا قَوِيٌّ يَا وَلِيٌّ (۲۲) يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ، يَا مَنْ سَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ

پدید آورنده ای نیرومند ای سرپرست (۲۲) ای که کار نیک را آشکار کنی و ای که کار زشت را پنهان کنی ای که کسی را

يُؤَاخِذُ بِالْجَرِيرَةِ، يَا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ

به گناه نگیری ای که پرده کس نداری ای بزرگ گذشت ای نیکو

التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ كُلِّ

درگذر ای پهناور آمرزش ای گشاده دو دست (فضالش) به رحمت ای مطلع از

نَجْوَى، يَا مُتَّهِيَّ كُلِّ شَكْوَى (۲۳) يَا ذَا النُّعْمَةِ السَّابِغَةِ، يَا ذَا الرَّحْمَةِ

سخن سری و راز ای متتهای هر شکایت (۲۳) ای صاحب نعمت فراوان و ای دارای رحمت

الْوَاسِعَةِ، يَا ذَا الْمِنَّةِ السَّابِقَةِ، يَا ذَا الْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ، يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْكَامِلَةِ، يَا

پهناور ای صاحب احسان پیشین ای دارای حکمت رسا ای دارای نیروی کامل ای

ذَا الْحُجَّةِ الْقَاطِعَةِ، يَا ذَا الْكِرَامَةِ الظَّاهِرَةِ، يَا ذَا الْعِزَّةِ الدَّائِمَةِ، يَا ذَا الْقُوَّةِ

صاحب برهان و دلیل قاطع و برنده ای صاحب بزرگواری هویدا ای صاحب عزت جاویدان ای صاحب نیروی

الْمُتَّيْنَةِ، يَا ذَا الْعِظْمَةِ الْمُنِيعَةِ (۲۴) يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ، يَا جَاعِلَ الظُّلُمَاتِ، يَا

محکم ای دارای عظمت ارجمند (۲۴) ای پدید آورنده آسمانها ای قرار دهنده تاریکیها ای

رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ، يَا مُقْبِلَ الْعَثْرَاتِ، يَا سَاتِرَ الْعَوْرَاتِ، يَا مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ،

ترحم کننده به اشکهای دیده‌ها ای درگذرنده لغزشها ای پرده پوش بر عیبها ای زنده کننده مردگان

يَا مُنْزِلَ الْآيَاتِ، يَا مُضَعِّفَ الْحَسَنَاتِ، يَا مَاحِيَ السَّيِّئَاتِ، يَا شَدِيدَ

ای فرو فرستنده آیات ای دو چندان کن حسنات ای محو کننده بدیها ای سخت گیرنده

النَّقِمَاتِ (۲۵) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُصَوِّرُ يَا مُقَدِّرُ، يَا مُدَبِّرُ يَا

انتقامها (۲۵) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای صورت آفرین ای اندازه‌گیر ای تدبیر کننده ای

مُطَهِّرُ، يَا مُنَوِّرُ يَا مُبَسِّرُ، يَا مُبَشِّرُ يَا مُنْذِرُ، يَا مُقَدِّمُ يَا مُؤَخِّرُ (۲۶) يَا رَبَّ

پاک کننده ای روشنی بخش ای آسان کننده ای مژده ده ای بیم ده ای پیش‌انداز ای پس‌انداز (۲۶) ای پروردگار

الْبَيْتِ الْحَرَامِ، يَا رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ، يَا رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، يَا رَبَّ الرُّكْنِ وَ

خانه محترم (کعبه) ای پروردگار ماه حرام ای پروردگار شهر محترم (مکه) ای پروردگار رکن و

الْمَقَامِ، يَا رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، يَا رَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، يَا رَبَّ الْحِلِّ

مقام ای پروردگار مشعرالحرام ای پروردگار مسجد الحرام ای پروردگار قسمت حل

وَالْحَرَامِ، يَا رَبَّ النُّورِ وَالظُّلَامِ، يَا رَبَّ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ، يَا رَبَّ الْقُدْرَةِ فِي

و حرم (در سرزمین حجاز) ای پروردگار روشنی و تاریکی ای پروردگار تحیت و درود ای پروردگار نیرو در

الْأَنَامِ (۲۷) يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ، يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ، يَا

خلق (۲۷) ای داورترین داوران ای دادرس‌ترین دادگران ای راستگوترین راستگویان ای

أَطْهَرَ الطَّاهِرِينَ، يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ، يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، يَا أَسْمَعَ

پاکیزه‌ترین پاکان ای بهترین آفرینندگان ای سریعترین حساب رسان ای شنواترین

السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا أَشْفَعَ الشَّافِعِينَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ (۲۸) يَا

شنوایان ای بیناترین بینندگان ای بهترین شفیعان ای بزرگواریترین کریمان (۲۸) ای

عِمَادَ مَنْ لِعِمَادَتِهِ، يَا سَنَدَ مَنْ لَسِنَدَتِهِ، يَا ذَخْرَ مَنْ لَذَخْرَتِهِ، يَا حِرْزَ

بشپیان کسی که پشتیبان ندارد ای پشتوانه آن کس که پشتوانه ندارد ای ذخیره آن کس که ذخیره ندارد ای پناه

مَنْ لِحِرْزَتِهِ، يَا غِيَاثَ مَنْ لَغِيَاثَتِهِ، يَا فَخْرَ مَنْ لِفَخْرَتِهِ، يَا عِزَّ مَنْ

آن کس که پناهی ندارد ای فریادرس آن کس که فریادرس ندارد ای افتخار آن کس که مایه افتخاری ندارد ای عزت آن کس

لِعِزَّتِهِ، يَا مُعِينَ مَنْ لِمُعِينَتِهِ، يَا أَمِنَسَ مَنْ لَأَمِنَسَتِهِ، يَا أَمَانَ مَنْ لَأَمَانَتِهِ

که عزتی ندارد ای کمک آن کس که کمکی ندارد ای همدم آن کس که همدمی ندارد ای امان بخش آن کس که

أَمَانَ لَهُ (۲۹) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَاصِمُ يَا قَائِمُ، يَا دَائِمُ يَا رَاحِمُ،

امانی ندارد (۲۹) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای نگهدار ای پابرجا ای جاویدان ای رحم کننده

يَا سَالِمُ يَا حَاكِمُ، يَا عَالِمُ يَا قَاسِمُ، يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ (۳۰) يَا عَاصِمَ مَنْ

ای سلامت بخش ای حاکم ای دانا ای تقسیم کننده ای تنگ گیر ای گشایش بخش (۳۰) ای نگهدار کسی که

اسْتَعَصَمَهُ، يَا رَاحِمَ مَنْ اسْتَرْحَمَهُ، يَا غَافِرَ مَنْ اسْتَغْفَرَهُ، يَا نَاصِرَ مَنْ

نگهداریش خواهد ای رحم کننده کسی که ترحمش خواهد ای آمرزنده کسی که از او آمرزش خواهد ای باور کسی که

اسْتَنْصَرَهُ، يَا حَافِظَ مَنْ اسْتَحْفَظَهُ، يَا مُكْرِمَ مَنْ اسْتَكْرَمَهُ، يَا مُرْشِدَ مَنْ

از او یاری طلبید ای نگهدار کسی که از او نگهداری خواهد ای اکرام کننده کسی که از او بزرگواری خواهد ای راهنمای کسی که

اسْتَرْشَدَهُ، يَا صَرِيخَ مَنْ اسْتَصْرَخَهُ، يَا مُعِينَ مَنْ اسْتَعَانَهُ، يَا مُغِيثَ مَنْ

از او ره جوید ای دادرس کسی که از او دادرسی خواهد ای کمک‌کار کسی که کمکش خواهد ای فریادرس کسی که

اسْتَعَاثَهُ (۳۱) يَا عَزِيزًا لَا يُضَامُ، يَا لَطِيفًا لَا يُرَامُ، يَا قَيُّومًا لَا يُنَامُ، يَا دَائِمًا

به فریادرسش خواند (۳۱) ای عزیز ای که ذلت نپذیرد ای لطیفی که دست‌انداز کسی واقع نگردد ای پابنده‌ای که خواب ندارد ای جاویدانی

لَا يُفَوْتُ، يَا حَيًّا لَا يَمُوتُ، يَا مَلِكًا لَا يَزُولُ، يَا بَاقِيًّا لَا يَفْنَى، يَا عَالِمًا لَا

که از دست نرود ای زنده‌ای که نمیرد ای پادشاهی که سلطنتش زوال ندارد ای ماندگاری که نیستی ندارد ای دانایی که

يَجْهَلُ، يَا صَمَدًا لَا يُطْعَمُ، يَا قَوِيًّا لَا يُضْعَفُ (۳۲) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

نادانی ندارد ای بی‌نیازی که خوراک نخواهد ای نیرومندی که سستی نپذیرد (۳۲) خدایا از تو خواهم به حق نامت

يَا اَحَدًا يَا وَاحِدًا، يَا شَاهِدًا يَا مَا جِدُّ، يَا حَامِدًا يَا رَاشِدًا، يَا بَاعِثًا يَا وَارِثًا،

ای یکتا ای یگانه ای گواه ای بزرگوار ای ستوده ای رهنما ای برانگیزننده ای ارث برنده

يَا ضَارًّا يَا نَافِعًا (۳۳) يَا اَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيْمٍ، يَا اَكْرَمَ مِنْ كُلِّ كَرِيْمٍ، يَا اَرْحَمَ

ای زیان بخش ای سودرسان (۳۳) ای بزرگتر از هر بزرگی ای بزرگوارتر از هر بزرگواری ای مهربانتر

مِنْ كُلِّ رَحِيْمٍ، يَا اَعْلَمَ مِنْ كُلِّ عَلِيْمٍ، يَا اَحْكَمَ مِنْ كُلِّ حَكِيْمٍ، يَا اَقْدَمَ مِنْ

از هر مهربانی ای داناتر از هر دانا ای فرزانه‌تر از هر فرزانه ای جلوتر از

كُلِّ قَدِيْمٍ، يَا اَكْبَرَ مِنْ كُلِّ كَبِيْرٍ، يَا اَلطَّفَ مِنْ كُلِّ لَطِيْفٍ، يَا اَجَلَ مِنْ كُلِّ

هر قدیمی ای بزرگتر از هر بزرگ ای با لطفت‌تر از هر لطفت‌داری ای والاتر از هر

جَلِيْلٍ، يَا اَعَزَّ مِنْ كُلِّ عَزِيْزٍ (۳۴) يَا كَرِيْمَ الصَّفْحِ، يَا عَظِيْمَ الْمَنِّ، يَا كَثِيْرَ

والایی ای عزیزتر از هر عزیز (۳۴) ای بزرگوار چشم‌پوش ای بزرگ نعمت بخش ای پر

الْخَيْرِ، يَا قَدِيْمَ الْفَضْلِ، يَا دَائِمَ اللَّطْفِ، يَا لَطِيْفَ الصُّنْعِ، يَا مُنْفَسَ الْكَرْبِ،

خیر ای دیرینه‌بخش ای جاوید لطف ای دقیق صنت ای زداونده اندوه

يَا كَاشِفَ الضَّرِّ، يَا مَالِكَ الْمُلْكِ، يَا قَاضِيَ الْحَقِّ (۳۵) يَا مَنْ هُوَ فِي عَهْدِهِ

ای برطرف کننده گرفتاری ای فرمانروای عالم هستی ای حاکم بر حق (۳۵) ای که در پیمانش

وَفِيَّ، يَا مَنْ هُوَ فِي وَفَائِهِ قَوِيٌّ، يَا مَنْ هُوَ فِي قُوَّتِهِ عَلِيٌّ، يَا مَنْ هُوَ فِي

وفادار است ای که در وفا کردن به پیمانش نیرومند است ای که در نیرومندیش بلند مرتبه است ای که در

عُلُوِّهِ قَرِيْبٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي قُرْبِهِ لَطِيْفٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي لَطْفِهِ شَرِيْفٌ، يَا

عین بلند مرتبه‌ای نزدیک است ای که در عین نزدیکی دقیق است ای که در عین دقت بزرگوار است ای

مَنْ هُوَ فِي شَرَفِهِ عَزِيْزٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي عِزِّهِ عَظِيْمٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي عِزْمَتِهِ

که در عین بزرگواری با عزت است ای که در عین عزت با عظمت است ای که در عین عظمتش

مَجِيْدٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي مَجْدِهِ حَمِيْدٌ (۳۶) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا كَافِي

برجسته است ای که در عین برجستگی ستوده است (۳۶) خدایا از تو خواهم به حق نامت ای کفایت کننده

يَا شَافِي، يَا وَافِي يَا مُعَافِي، يَا هَادِي يَا دَاعِي، يَا قَاضِي يَا رَاضِي، يَا

ای شفا دهنده ای وفادار ای تندرستی بخش ای رهنما ای خواننده ای داور ای راضی ای

عَالِي يَا بَاقِي (۳۷) يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَهُ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَاشِعٌ لَهُ، يَا

والا مرتبه ای باقی (۳۷) ای که هر چیز در برابرش سر تعظیم فرود آورد ای که هر چیز در برابرش رام گشته ای

مَنْ كُلُّ شَيْءٍ كَائِنٌ لَهُ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مَوْجُودٌ بِهِ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مُنِيبٌ

که هر چه در عالم موجود است از آن اوست ای که هر چه هست بوجود او موجود است ای که هر چیزی بسوی او

الَيْهِ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَائِفٌ مِنْهُ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ

بازگردد ای که هر چیزی از او اندیشه دارد ای که هر چیزی به او پایدار است ای که هر چیزی

صَابِرٌ إِلَيْهِ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ يَسْبِيحُ بِحَمْدِهِ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا

بسوی او برگردد ای که هر چیز به ستایش او تسبیح گوید ای که هر چیز نابود شود جز

وَجْهَهُ (۳۸) يَا مَنْ لَا مَفْرَأَ إِلَّا إِلَيْهِ، يَا مَنْ لَا مَفْرَعَ إِلَّا إِلَيْهِ، يَا مَنْ لَا مَقْصَدَ إِلَّا

ذات او (۳۸) ای که گریزگاهی نیست جز بسوی او ای که پناهگاهی نیست جز بسوی او ای که مقصدی نیست جز

إِلَيْهِ، يَا مَنْ لَا مَنْجَا مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ، يَا مَنْ لَا يُرْغَبُ إِلَّا إِلَيْهِ، يَا مَنْ لَا حَوْلَ

درگاهش ای که راه نجاتی از (عذاب و قهر) او نیست جز خود او ای که رغبت و اشتیاقی نباشد جز به درگاه او ای که جنبش

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ، يَا مَنْ لَا يُسْتَعَانُ إِلَّا بِهِ، يَا مَنْ لَا يُتَوَكَّلُ إِلَّا عَلَيْهِ، يَا مَنْ لَا

و نیرویی نیست مگر بوسیله او ای که کمک نجوید جز به او ای که توکل نشود جز بر او ای که

يُرْجَى إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُعْبَدُ إِلَّا هُوَ (۳۹) يَا خَيْرَ الْمَرْهُوبِينَ، يَا خَيْرَ

امیدوار توان بود جز به او ای که پرستش نشود جز او (۳۹) ای بهترین کسی که خلق از او ترسند ای بهترین

الْمَرْغُوبِينَ، يَا خَيْرَ الْمَطْلُوبِينَ، يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ، يَا خَيْرَ الْمَقْصُودِينَ،

مایه شوق و آرزو ای بهترین جويا شدگان ای بهترین خواسته شدگان ای بهترین مقصود خلق

يَا خَيْرَ الْمَذْكُورِينَ، يَا خَيْرَ الْمَشْكُورِينَ، يَا خَيْرَ الْمَحْبُوبِينَ، يَا خَيْرَ

ای بهترین یاد شدگان ای بهترین سپاس شدگان ای بهترین دوستان ای بهترین

الْمَدْعُوبِينَ، يَا خَيْرَ الْمُسْتَأْنَسِينَ (۴۰) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا غَافِرُ يَا

خوانده شدگان ای بهترین همدان (۴۰) خدایا از تو می خواهم به حق نامت ای آمرزنده ای

سَاتِرٌ، يَا قَادِرٌ يَا قَاهِرٌ، يَا فَاطِرٌ يَا كَاسِرٌ، يَا جَابِرٌ يَا ذَاكِرٌ، يَا نَاطِرٌ يَا نَاصِرٌ

پرده پوش ای توانا ای قاهر ای آفریننده ای شکننده ای بهم پیوند دهنده ای یادآورنده ای بیننده ای یاری دهنده

(۴۱) يَا مَنْ خَلَقَ فَسَوَّىٰ، يَا مَنْ قَدَّرَ فَهَدَىٰ، يَا مَنْ يَكْشِفُ الْبَلْوَىٰ، يَا مَنْ

(۴۱) ای که آفرید و بیاراست ای که اندازه گرفت و راهنمایی کرد ای که برطرف کند گرفتاری را ای که

يَسْمَعُ النَّجْوَىٰ، يَا مَنْ يُنْقِذُ الْعَرْقَىٰ، يَا مَنْ يُنْجِي الْهَلْكَىٰ، يَا مَنْ يَشْفِي

بشنود سخن درگوشی را ای که نجات دهد غریق را ای که برهاند هلاک شده را ای که شفا دهد

الْمَرَضَىٰ، يَا مَنْ أَضْحَكَ وَأَبْكَىٰ، يَا مَنْ أَمَاتَ وَأَحْيَىٰ، يَا مَنْ خَلَقَ

بیمار را ای که بخنداند و بگریاند ای که بمیراند و زنده کند ای که آفرید

الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ (۴۲) يَا مَنْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ سَبِيلُهُ، يَا مَنْ فِي

دو جفت نر و ماده (۴۲) ای که هم در خشکی و هم در دریا راه رسیدن به او هست ای که در

الْأَفَاقِ آيَاتُهُ، يَا مَنْ فِي الْآيَاتِ بُرْهَانُهُ، يَا مَنْ فِي الْمَمَاتِ قُدْرَتُهُ، يَا مَنْ

سراسر گیتی نشانه‌های او هست ای که در این نشانه‌ها برهان او موجود است ای که در مردن نشانه قدرت اوست ای که

فِي الْقُبُورِ عِبْرَتُهُ، يَا مَنْ فِي الْقِيَمَةِ مُلْكُهُ، يَا مَنْ فِي الْحِسَابِ هَيْبَتُهُ، يَا

در گورها بند اوست ای که در روز قیامت نیز سلطنت اوست ای که در حساب آن روز هیبت دارد ای

مَنْ فِي الْمِيزَانِ قَضَاءُهُ، يَا مَنْ فِي الْجَنَّةِ ثَوَابُهُ، يَا مَنْ فِي النَّارِ عِقَابُهُ (۴۳) يَا

که در پای میزان حکم و داوری اوست ای که در بهشت پاداش نیک اوست ای که در دوزخ شکنجه اوست (۴۳) ای

مَنْ إِلَيْهِ يَهْرَبُ الْخَائِفُونَ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَفْرَعُ الْمُنْذِبُونَ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَقْصِدُ

که به سویش گریزند ترسناکان ای که به او پناه برند گنهکاران ای که او را مقصود قرار دهند

الْمُنِيبُونَ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْغَبُ الزَّاهِدُونَ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَلْجَأُ الْمُتَحِيرُونَ، يَا

بازآیندگان ای که بسوی او روند پارسایان ای که بدو پناه برند سرگردانان ای

مَنْ بِهِ يَسْتَأْنِسُ الْمُرِيدُونَ، يَا مَنْ بِهِ يَفْتَخِرُ الْمُحِبُّونَ، يَا مَنْ فِي عَفْوِهِ

که به او همدم شوند خواستاران ای که به دوستیش افتخار کنند دوستان ای که در گذشت او

يَطْمَعُ الْخَاطِئُونَ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَسْكُنُ الْمُوقِنُونَ، يَا مَنْ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ

طمع دارند خطاکاران ای که به ذکر او آرامش یپذیرد دل یقین داران ای که بر او توکل کنند

الْمُتَوَكِّلُونَ (۴۴) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَبِیْبُ يَا طَیِّبُ، يَا قَرِیْبُ يَا

توکل کنندگان (۴۴) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای محبوب دلها ای طیب دردها ای نزدیک ای

رَقِیْبُ، يَا حَسِیْبُ يَا مُهَيَّبُ، يَا مُثِیْبُ يَا مُجِیْبُ، يَا خَبِیْرُ يَا بَصِیْرُ (۴۵) يَا

مراقب کار بندگان ای حساب نگهدار ای با هیبت ای پاداش نیک دهنده ای اجابت کننده ای آگاه ای بینا (۴۵)

أَقْرَبَ مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ، يَا أَحَبَّ مِنْ كُلِّ حَبِيبٍ، يَا أَبْصَرَ مِنْ كُلِّ بَصِيرٍ، يَا

ای نزدیکتر از هر نزدیک ای محبوبتر از هر محبوب ای بیناتر از هر بینا ای

أَخْبَرَ مِنْ كُلِّ خَبِيرٍ، يَا أَشْرَفَ مِنْ كُلِّ شَرِيفٍ، يَا أَرْفَعَ مِنْ كُلِّ رَفِيعٍ، يَا

آگاهتر از هر آگاه ای شریفتر از هر شریف ای برتر از هر بلند مرتبه ای

أَقْوَى مِنْ كُلِّ قَوِيٍّ، يَا أَعْنَى مِنْ كُلِّ غَنِيٍّ، يَا أَجْوَدَ مِنْ كُلِّ جَوَادٍ، يَا أَرْأَفَ

نیرومندتر از هر نیرومند ای توانگرتتر از هر توانگر ای بخشندهتر از هر بخشنده ای مهربانتر

مِنْ كُلِّ رَوْوْفٍ، (۴۶) يَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ، يَا صَانِعًا غَيْرَ مَصْنُوعٍ، يَا خَالِقًا

از هر مهربان (۴۶) ای پیروزی که هرگز مغلوب نگردد ای سازنده ای که مصنوع کسی نیست ای آفریننده ای که

غَيْرَ مَخْلُوقٍ، يَا مَالِكًا غَيْرَ مَمْلُوكٍ، يَا قَاهِرًا غَيْرَ مَقْهُورٍ، يَا رَافِعًا غَيْرَ

کسی او را نیافریده ای مالکی که مملوک کسی نیست ای چیره شکست ناپذیر ای بلند مرتبه ای که بلندی را

مَرْفُوعٍ، يَا حَافِظًا غَيْرَ مَحْفُوظٍ، يَا نَاصِرًا غَيْرَ مَنْصُورٍ، يَا شَاهِدًا غَيْرَ

کسی به او نداده ای نگهدارنده ای که نگهداری ندارد ای یابوری که کسش یاری نکند ای حاضری که

غَائِبٍ، يَا قَرِيبًا غَيْرَ بَعِيدٍ (۴۷) يَا نُورَ النُّورِ، يَا مُنَوَّرَ النُّورِ، يَا خَالِقَ النُّورِ،

پنهانی ندارد ای نزدیکی که دور نشود (۴۷) ای روشنی نور ای روشنی ده نور ای خالق نور

يَا مُدَبِّرَ النُّورِ، يَا مُقَدِّرَ النُّورِ، يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُورًا قَبْلَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُورًا

و روشنی ای تدبیر کننده نور ای اندازه گیر نور ای روشنی هر نور ای روشنی پیش از هر نور و ای روشنی

بَعْدَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُورًا فَوْقَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُورًا لَيْسَ كَمِثْلِهِ نُورٌ (۴۸) يَا مَنْ

پس از هر نور ای روشنی بالای هر نور ای نوری که ماندش نوری نیست (۴۸) ای که

عَطَاءُهُ شَرِيفٌ، يَا مَنْ فِعْلُهُ لَطِيفٌ، يَا مَنْ لُطْفُهُ مُقِيمٌ، يَا مَنْ إِحْسَانُهُ قَدِيمٌ،

عطا و بخشش شریف و ارجمند است ای که کارش دقیق است ای که لطفش پایدار است ای که احسانش دیرینه است

يَا مَنْ قَوْلُهُ حَقٌّ، يَا مَنْ وَعْدُهُ صِدْقٌ، يَا مَنْ عَفْوُهُ فَضْلٌ، يَا مَنْ عَذَابُهُ

ای که گفتارش حق است ای که وعده اش راست است ای که گذشتش فضل است ای که کفرش از روی

عَدْلٌ، يَا مَنْ ذِكْرُهُ حُلُوٌّ، يَا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ (۴۹) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

عدل است که ذکرش شیرین است ای که فضلش عمومی است (۴۹) خدایا از تو می خواهم به حق نامت

يَا مُسَهِّلٌ يَا مُفْصِّلٌ، يَا مُبَدِّلٌ يَا مُدَلِّلٌ، يَا مُنَزِّلٌ يَا مُنَوِّلٌ، يَا مُفْضِلٌ يَا

ای هموار کننده راهها ای جدا کننده ای تبدیل کننده ای خوار کننده ای فرود آورنده ای جایزه ده ای فزون بخش ای

مُجْزِلٌ، يَا مُمְهِلٌ يَا مُجْمِلٌ (۵۰) يَا مَنْ يَرِيْ وَلَا يَرِيْ، يَا مَنْ يَخْلُقُ وَلَا

بزرگ عطا بخش ای مهلت ده ای نیکوبخش (۵۰) ای که ببیند ولی دیده نشود ای که بیافریند ولی کسی

يَخْلُقُ، يَا مَنْ يَهْدِيْ وَلَا يَهْدِيْ، يَا مَنْ يُحْيِيْ وَلَا يُحْيِيْ، يَا مَنْ يَسْئَلُ وَلَا

او را نیافریده ای که راهنمایی کند ولی راهنمایی نشود ای که زنده کند ولی زنده نشده ای که بازخواست کند ولی کسی از او

يُسْئَلُ، يَا مَنْ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ، يَا مَنْ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ، يَا مَنْ يَقْضِيْ

بازخواست نکند ای که بخوراند ولی خورنده نشود ای که پناه دهد ولی کسی او را پناه ندهد ای که قضاوت کنی

وَلَا يَقْضِيْ عَلَيْهِ، يَا مَنْ يَحْكُمُ وَلَا يُحْكَمُ عَلَيْهِ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ،

ولی قضاوت بر تو نشود ای که حکم کنی ولی کسی بر تو حکم نکند ای که نزاید و نه زاییده شده

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۵۱) يَا نِعْمَ الْحَسِيبُ، يَا نِعْمَ الطَّيِّبُ، يَا نِعْمَ الرَّقِيبُ،

و نیست برایش همتایی هیچ کس (۵۱) ای نیکو حسابکش ای نیکو طیب ای نیکو نگهبان

يَا نِعْمَ الْقَرِيبُ، يَا نِعْمَ الْمُجِيبُ، يَا نِعْمَ الْحَبِيبُ، يَا نِعْمَ الْكَفِيلُ، يَا نِعْمَ

ای نیکو نزدیک ای نیکو پاسخ ده ای نیکو دوست ای نیکو عهده‌دار ای نیکو

الْوَكِيلُ، يَا نِعْمَ الْمَوْلَى، يَا نِعْمَ النَّصِيرُ (۵۲) يَا سُرُورَ الْعَارِفِينَ، يَا مَنَى

وکیل ای نیکو سرور ای نیکو یاور (۵۲) ای مایه دلشادی عارفان ای آرزوی

الْمُحِبِّينَ، يَا أَنْبَسَ الْمُرِيدِينَ، يَا حَبِيبَ التَّوَّابِينَ، يَا رَازِقَ الْمُقْلِينَ، يَا

محبان ای همدم خواستاران ای دوستدار توبه کنندگان ای روزی ده ناداران ای

رَجَاءَ الْمُذْنِبِينَ، يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْعَابِدِينَ، يَا مُنْفَسَّ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا

امید گنهکاران ای نور چشم‌پرستش کنندگان ای برطرف کننده اندوه اندوهناکان ای

مُفَرِّجَ عَنِ الْمَغْمُومِينَ، يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ (۵۳) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

غمزدای غمزدگان ای معبود بیشنیان و پسنیان (۵۳) خدایا من از تو می‌خواهم

بِاسْمِكَ يَا رَبَّنَا يَا إِلَهَنَا، يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلَانَا، يَا نَاصِرَنَا يَا حَافِظَنَا، يَا دَلِيلَنَا

به حق نامت ای پروردگار ما ای معبود ما ای آقای ما ای سرور ما ای یاور ما ای نگهدار ما ای راهنمای ما

يَا مُعِينَنَا، يَا حَبِيبَنَا يَا طَبِيبَنَا (۵۴) يَا رَبَّ النَّبِيِّينَ وَالْأَبْرَارِ، يَا رَبَّ

ای کمک کار ما ای محبوب ما ای طیب ما (۵۴) ای پروردگار پیامبران و نیکوکاران ای پروردگار

الصَّادِقِينَ وَالْأَخْيَارِ، يَا رَبَّ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، يَا رَبَّ الصَّغَارِ وَالْكَبَارِ، يَا

راستگویان و برگزیدگان ای پروردگار بهشت و دوزخ ای پروردگار کوچک و بزرگ ای

رَبِّ الْحُبُوبِ وَالثَّمَارِ، يَا رَبَّ الْأَنْهَارِ وَالْأَشْجَارِ، يَا رَبَّ الصَّحَارِ

پروردگار حیوانات و میوه‌جات ای پروردگار نهرها و درختان ای پروردگار دشت

وَالْقِفَارِ، يَا رَبَّ الْبَرَارِ وَالْبِحَارِ، يَا رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، يَا رَبَّ الْأَعْلَانِ

و هامون ای پروردگار صحراها و دریاها ای پروردگار شب و روز ای پروردگار پیدا

وَالْأَسْرَارِ (۵۵) يَا مَنْ نَفَذَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَمْرَهُ، يَا مَنْ لَحِقَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ،

و نهان (۵۵) ای که در هر چیز دستورش نفوذ کرده ای که علمش به هر چیزی تعلق یافته

يَا مَنْ بَلَغَتْ إِلَى كُلِّ شَيْءٍ قُدْرَتُهُ، يَا مَنْ لَا تُحْصَى الْعِبَادُ نِعْمَتَهُ، يَا مَنْ لَا

ای که قدرت و توانایش به هر چیزی رسیده ای که بندگان شماره نعمتهایش را نتوانند ای که

تَبْلُغُ الْخَلَائِقُ شُكْرَهُ، يَا مَنْ لَا تُدْرِكُ الْأَفْهَامُ جَلَالَهُ، يَا مَنْ لَا تَنَالُ

خلایق از عهده شکرش برنایند ای که عقول درک عظمت و جلالتش نتوانند ای که اوهام و خیالات

الْأَوْهَامُ كُنْهَهُ، يَا مَنْ الْعِظَمَةُ وَالْكِبْرِيَاءُ رِذَائُهُ، يَا مَنْ لَا تَرُدُّ الْعِبَادُ قَضَاءَهُ،

به کنه ذاتش نرسند ای که عظمت و بزرگی لباس اوست ای که بندگان از حکم او سربچی نتوانند

يَا مَنْ لَا مُلْكَ إِلَّا مُلْكُهُ، يَا مَنْ لَا عَطَاءَ إِلَّا عَطَائُهُ (۵۶) يَا مَنْ لَهُ الْمَثَلُ

ای که سلطنتی جز سلطنت او نیست ای که بخشی جز بخشش او نیست (۵۶) ای که از آن اوست

الْأَعْلَى، يَا مَنْ لَهُ الصِّفَاتُ الْعُلْيَا، يَا مَنْ لَهُ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى، يَا مَنْ لَهُ

عالی‌ترین مثالها ای که خاص اوست برترین اوصاف ای که از آن اوست دنیا و آخرت ای که از آن اوست

الْجَنَّةُ الْمَأْوَى، يَا مَنْ لَهُ الْآيَاتُ الْكُبْرَى، يَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، يَا

بهشت آن جایگاه آسایش ای که برای اوست نشانه‌های بس بزرگ ای که برای اوست نامهای نیکو ای

مَنْ لَهُ الْحُكْمُ وَالْقَضَاءُ، يَا مَنْ لَهُ الْهَوَاءُ وَالْفَضَاءُ، يَا مَنْ لَهُ الْعَرْشُ

که برای اوست فرمان و داوری ای که از آن اوست هوا و فضا ای که از آن اوست عرش

وَالثَّرَى، يَا مَنْ لَهُ السَّمَوَاتُ الْعُلَى (۵۷) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَفُوٌّ

و فرش ای که از آن اوست آسمانهای بلند (۵۷) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای درگذرنده

يَا غَفُورٌ، يَا صَبُورٌ يَا شَكُورٌ، يَا رَعُوفٌ يَا عَطُوفٌ، يَا مَسْئُولٌ يَا وَدُودٌ، يَا

ای آمرزنده ای شکبیا ای سپاس‌پذیر بندگان ای مهربان ای توجه‌کننده ای مورد توجه و درخواست بندگان ای مهرورز ای

سُبُوحٌ يَا قُدُّوسٌ (۵۸) يَا مَنْ فِي السَّمَاءِ عِظَمَتُهُ، يَا مَنْ فِي الْأَرْضِ آيَاتُهُ،

منزه ای پاکیزه (۵۸) ای که در آسمان آثار عظمتش هویداست ای که در زمین نشانه‌های آشکار است

يَا مَنْ فِي كُلِّ شَيْءٍ دَلِيلُهُ، يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ، يَا مَنْ فِي الْجِبَالِ

ای که در هر چیز برهانهای او موجود است که در دریا آثار شگفت‌انگیز دارد ای که در کوههاست

خَزَائِنُهُ، يَا مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْجِعُ الْأُمُورُ كُلُّهَا، يَا مَنْ

گنجینه‌هایش ای که خلق را پدید آورد سپس بازگرداند ای که به سویش همهٔ امورات بازگردد ای که

أَظْهَرَ فِي كُلِّ شَيْءٍ لُطْفَهُ، يَا مَنْ أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ، يَا مَنْ تَصَرَّفَ

در هر چیز لطف و مهرش را آشکار ساخته ای که خلقت هر چیز را نیکو ساخته ای که تصرف کرده

فِي الْخَلَائِقِ قُدْرَتُهُ (۵۹) يَا حَبِيبَ مَنْ لَا حَبِيبَ لَهُ، يَا طَيِّبَ مَنْ لَا طَيِّبَ

در همهٔ خلایق قدرت او (۵۹) ای دوست آن کس که دوستی ندارد ای طیب آن کس که طیبی ندارد

لَهُ، يَا مُجِيبَ مَنْ لَا مُجِيبَ لَهُ، يَا شَفِيقَ مَنْ لَا شَفِيقَ لَهُ، يَا رَفِيقَ مَنْ لَا

ای پاسخ ده آن کس که پاسخ ده ندارد ای یار دلسوز آن کس که دلسوزی ندارد ای رفیق آن کس که

رَفِيقَ لَهُ، يَا مُعِثَ مَنْ لَا مُعِثَ لَهُ، يَا دَلِيلَ مَنْ لَا دَلِيلَ لَهُ، يَا أُنَيْسَ مَنْ لَا

رفیق ندارد ای فریادرس آن کس که فریادری ندارد ای راهنمای آن‌که راهنمایی ندارد ای مونس آن کس که

أُنَيْسَ لَهُ، يَا رَاحِمَ مَنْ لَا رَاحِمَ لَهُ، يَا صَاحِبَ مَنْ لَا صَاحِبَ لَهُ (۶۰) يَا

مونسی ندارد ای ترحم‌کنندهٔ آن کس که ترحم‌کننده‌ای ندارد ای همدم آن کس که همدمی ندارد (۶۰) ای

كَافِيَ مَنْ اسْتَكْفَاهُ، يَا هَادِيَ مَنْ اسْتَهْدَاهُ، يَا كَالِيَ مَنْ اسْتَكْلَاهُ، يَا رَاعِيَ

کفایت‌کنندهٔ آن کس که از او کفایت خواهد و ای رهنمای کسی که از او راهنمایی خواهد ای نگیهان کسی که از او نگیهانی خواهد ای مراعات‌کنندهٔ

مَنْ اسْتَرْعَاهُ، يَا شَافِيَ مَنْ اسْتَشْفَاهُ، يَا قَاضِيَ مَنْ اسْتَقْضَاهُ، يَا مُعْنِيَ مَنْ

کسی که از او رعایت خواهد ای بهبود دهنده کسی که از او بهبودی خواهد ای داور کسی که از او داوری جوید ای بی‌نیاز کنندهٔ کسی که از او

اسْتَعْنَاهُ، يَا مُوفِيَ مَنْ اسْتَوْفَاهُ، يَا مُقْوِيَ مَنْ اسْتَقْوَاهُ، يَا وَلِيَّ مَنْ اسْتَوْلَاهُ

بی‌نیازی خواهد ای وفا کنندهٔ کسی که از او وفا خواهد ای نیرو ده آن کس که از او نیرو خواهد ای سرور کسی که او را به سروری خواهد

(۶۱) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ، يَا نَاطِقُ يَا صَادِقُ، يَا

(۶۱) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای آفریننده ای روزی ده ای گویند ای راستگو ای

فَالِقُ يَا فَارِقُ، يَا فَاتِقُ يَا رَاتِقُ، يَا سَابِقُ يَا سَامِقُ (۶۲) يَا مَنْ يَقْلِبُ اللَّيْلَ

شکافنده ای جدا کننده ای باز کننده ای پیوست دهنده ای سبقت جوینده ای بلندمرتبه (۶۲) ای که جایجا کنی شب

وَالنَّهَارَ، يَا مَنْ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالْأَنْوَارَ، يَا مَنْ خَلَقَ الظِّلَّ وَالْحَرُورَ، يَا

و روز را ای که مقرر ساختی تاریکیها و نور را ای که آفریدی سایه و گرما را ای

مَنْ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ، يَا مَنْ قَدَّرَ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ، يَا مَنْ خَلَقَ الْمَوْتَ

که مسخر خود کردی مهر و ماه را ای که مقدر کردی خیر و شر را ای که آفریدی مرگ

وَالْحَيَاةَ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، يَا مَنْ

و زندگی را ای که آفریدن و فرمان از اوست ای که نگرفته است برای خود همسر و فرزندی ای که

لَيْسَ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، يَا مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلُّ (۶۳) يَا مَنْ يَعْلَمُ

شریکی در فرمانروایی ندارد ای که نیست برایش سرپرستی از خواری (۶۳) ای که می‌داند

مُرَادَ الْمُرِيدِينَ، يَا مَنْ يَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ، يَا مَنْ يَسْمَعُ أُنِينَ الْوَاهِنِينَ،

خواسته دل هر خواهنده را ای که آگاه است از نهاد خاموشان ای که می‌شنود ناله خسته‌دلان

يَا مَنْ يَرَى بُكَاءَ الْخَائِفِينَ، يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ، يَا مَنْ يَقْبَلُ

ای که می‌بیند گریه ترسناکان ای که دارد خواسته‌های خواستاران را ای که بپذیرد

عُذْرَ التَّائِبِينَ، يَا مَنْ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ، يَا مَنْ لَا يُضِيعُ أَجْرَ

عذر توبه‌کنندگان ای که اصلاح نکند کار مفسدان را ای که از بین نبرد پاداش

الْمُحْسِنِينَ، يَا مَنْ لَا يَبْعُدُ عَنْ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ (۶۴)

نیکوکاران ای که دور نباشد از دل‌عارفان ای بخشنده‌ترین بخشنندگان (۶۴)

يَا دَائِمَ الْبَقَاءِ، يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ، يَا وَاسِعَ الْعَطَاءِ، يَا غَافِرَ الْخَطَا، يَا بَدِيعَ

ای همیشه باقی ای شنوای دعا ای وسیع بخشش ای آموزنده خطا و لغزش ای پدید آورنده

السَّمَاءِ، يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ، يَا جَمِيلَ الثَّنَاءِ، يَا قَدِيمَ السَّنَاءِ، يَا كَثِيرَ الْوَفَاءِ،

آسمان ای نیک آزمایش ای زیبا ستایش ای دیرینه والا ای زیاد وفادار

يَا شَرِيفَ الْجَزَاءِ (۶۵) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سِتَّارُ يَا غَفَّارُ، يَا قَهَّارُ

ای ارجمند پاداش (۶۵) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای پوشاننده ای آموزنده ای با قهر و سطوت

يَا جَبَّارُ، يَا صَبَّارُ يَا بَارُّ، يَا مُخْتَارُ يَا فَتَّاحُ، يَا نَفَّاحُ يَا مُرْتَّاحُ (۶۶) يَا مَنْ

ای با جبروت و عظمت ای صبر پیشه ای نیک بخش ای مختار در کارها ای کارگشا ای پرچود و عطا ای فرح بخش (۶۶) ای که

خَلَقَنِي وَسَوَّانِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي وَرَبَّانِي، يَا مَنْ أَطْعَمَنِي وَسَقَّانِي، يَا مَنْ

مرا آفریدی و آراستی ای که روزیم دادی و پروریدی ای که مرا خواندی و نوشاندی ای که

قَرَّبَنِي وَأَدْنَانِي، يَا مَنْ عَصَمَنِي وَكَفَّانِي، يَا مَنْ حَفَظَنِي وَكَلَّانِي، يَا مَنْ

پیش خود برده و نزدیکم کردی ای که مرا نگهداشته و کفایت کردی ای که محافظت و نگهداریم کردی ای که

أَعَزَّنِي وَأَغْنَانِي، يَا مَنْ وَفَّقَنِي وَهَدَانِي، يَا مَنْ أَنْسَنِي وَأَوَانِي، يَا مَنْ

به من عزت بخشید و توانگرم ساخت ای که به من توفیق داده و راهنمایی کرد ای که با من انس گرفته و جایم داد ای که

أَمَاتَنِي وَأَحْيَانِي (۶۷) يَا مَنْ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ، يَا مَنْ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ

مرا بمیراند و زنده کند (۶۷) ای که حق را بوسیله کلماتش پابرجا کرد ای که توبه را از

عِبَادِهِ، يَا مَنْ يَحْوُلُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يَا مَنْ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، يَا

بندگانش بپذیرد ای که میان انسان و دلش حائل گردد ای که سود ندهد شفاعت و میانجیگری جز به اذن او ای

مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ، يَا مَنْ لَا مَعْقَبَ لِحُكْمِهِ، يَا مَنْ لَا رَادَّ

که او داناتر است به کسی که از راهش گمراه گردد ای که کاونده و بی‌جویی برای حکمش نیست ای که بازگردانی

لِقَضَائِهِ، يَا مَنْ أَنْقَادَ كُلِّ شَيْءٍ لِأَمْرِهِ، يَا مَنْ السَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ، يَا

برای قضایش نیست ای که هر چیز در برابر امرش مطیع و منقاد گشته ای که آسمانها بدست قدرتش بهم پیچیده ای

مَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ (۶۸) يَا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ مِهَادًا،

که فرستد بادها را نویدی در پیشاپیش رحمتش (۶۸) ای که زمین را گهواره قرار داده

يَا مَنْ جَعَلَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا، يَا مَنْ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا، يَا مَنْ جَعَلَ

ای که کوهها را میخهای (زمین) قرار داد ای که خورشید را چراغی تابناک کرد ای که ماه را

الْقَمَرَ نُورًا، يَا مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسًا، يَا مَنْ جَعَلَ النَّهَارَ مَعَاشًا، يَا مَنْ

نوربخش قرار داد ای که شب را پوشش نهاد ای که روز را برای تحصیل معاش مقرر ساخت ای که

جَعَلَ النَّوْمَ سُبَاتًا، يَا مَنْ جَعَلَ السَّمَاءَ بِنَاءً، يَا مَنْ جَعَلَ الْأَشْيَاءَ أَرْوَاجًا،

خواب را مایه آرامش قرار داد ای که آسمان را ساختمانی قرار داد ای که چیزها را جفت آفرید

يَا مَنْ جَعَلَ النَّارَ مِرْضَادًا (۶۹) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سَمِيعُ يَا

ای که آتش را در کمین (کفار و دوزخیان) قرارداد (۶۹) خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق نامت ای شنوا ای

شَفِيعُ، يَا رَفِيعُ يَا مَنِيْعُ، يَا سَرِيْعُ يَا بَدِيْعُ، يَا كَبِيْرُ يَا قَدِيْرُ، يَا خَبِيْرُ يَا مُجِيْرُ

شفیع ای بلند مرتبه ای والامقام ای سریع در کارها ای پدید آورنده ای بزرگ ای توانا ای آگاه ای پناه ده

(۷۰) يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، يَا حَيُّ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ

(۷۰) ای زنده پیش از هر موجود زنده ای زنده پس از هر موجود زنده ای که نیست مانندش زنده‌ای،

حَيٍّ، يَا حَيُّ الَّذِي لَا يُشَارِكُهُ حَيٌّ، يَا حَيُّ الَّذِي لَا يَحْتَاجُ اِلَى حَيٍّ، يَا

ای زنده‌ای که شریکش نیست هیچ زنده‌ای، ای زنده‌ای که نیازمند نیست به هیچ زنده‌ای، ای

حَيُّ الَّذِي يُمِيتُ كُلَّ حَيٍّ، يَا حَيُّ الَّذِي يَرْزُقُ كُلَّ حَيٍّ، يَا حَيًّا لَمْ يَرِتْ

زنده‌ای که بمیراند هر زنده‌ای را ای زنده‌ای که روزی دهد هر زنده‌ای را ای زنده‌ای که ارت نبرد

الْحَيوةَ مِنْ حَيٍّ، يَا حَيُّ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى، يَا حَيُّ يَا قَيُّومٌ لَا تَأْخُذُهُ

زندگی را از زنده‌ای، ای زنده‌ای که زنده کند مردگان را، ای زنده پاینده ای که او را

سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ (۷۱) يَا مَنْ لَهُ ذِكْرٌ لَا يُنْسَى، يَا مَنْ لَهُ نُورٌ لَا يُطْفِئُ، يَا مَنْ لَهُ

چرت و خواب نگیرد (۷۱) ای که یادش فراموش نشدنی است ای که نورش خاموش نشدنی است ای که

نِعْمٌ لَا تُعَدُّ، يَا مَنْ لَهُ مُلْكٌ لَا يَزُولُ، يَا مَنْ لَهُ ثَنَاءٌ لَا يُحْصَى، يَا مَنْ لَهُ

نعمت‌هایش بشمار درناید ای که فرمانروایش زوال نپذیرد ای که مدح و ثنایش نتوان شمردن ای که

جَلالٌ لَا يُكَيِّفُ، يَا مَنْ لَهُ كَمالٌ لَا يُدْرِكُ، يَا مَنْ لَهُ قَضَاءٌ لَا يَرُدُّ، يَا مَنْ لَهُ

چگونگی بزرگی و جلالش نتوان گفتن ای که کمالش قابل درک نباشد ای که فرمان قضایش بازگشت ندارد ای که

صِفَاتٌ لَا تُبَدِّلُ، يَا مَنْ لَهُ نُعُوْتُ لَا تُغَيِّرُ (۷۲) يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، يَا مَالِكَ يَوْمِ

صفاتش تبدیل نپذیرد ای که اوصافش تغییر نکند (۷۲) ای پروردگار جهانیان ای فرمانروای روز

الدِّينِ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ، يَا ظَهَرَ اللَّاحِجِينَ، يَا مُدْرِكَ الْهَارِبِينَ، يَا مَنْ

جزا ای مقصد نهایی جویندگان ای پشت و پناه پناهندگان ای در یابنده گریختگان ای که

يُحِبُّ الصَّابِرِينَ، يَا مَنْ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ، يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ، يَا مَنْ

دوست دارد شکیبایان را ای که دوست دارد توبه‌کاران را ای که دوست دارد پاکیزگان را ای که

يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ، يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۷۳) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ

دوست دارد نیکوکاران را ای که داناتر است به راه یافتگان (۷۳) خدایا از تو می‌خواهم

بِاسْمِكَ يَا شَفِيقُ يَا رَفِيقُ، يَا حَفِيفُ يَا مُحِيطُ، يَا مُقِيتُ يَا مُغِيثُ، يَا مُعِزُّ

به حق نامت ای مهربان ای رفیق ای نگهدارنده ای احاطه‌دار بر همه ای توانا ای فریاد رس ای عزت بخش

يَا مُدِلُّ، يَا مُبْدِيُّ يَا مُعِيدُ (۷۴) يَا مَنْ هُوَ أَحَدٌ بِلاَ ضِدٍّ، يَا مَنْ هُوَ فَرْدٌ بِلاَ نَدٍّ،

ای خوار کننده ای آغازنده ای بازگرداننده (۷۴) ای یکتای بی ضد ای که او یگانه‌ای است که مانند ندارد

يَا مَنْ هُوَ صَمَدٌ بِلاَ عَيْبٍ، يَا مَنْ هُوَ وَثَرٌ بِلاَ كَيْفٍ، يَا مَنْ هُوَ قاضٍ بِلاَ

ای که او بی‌نیازی است بی‌عیب ای که او تنهایی است و چگونگی ندارد ای که او حاکمی است که ستم

حَيْفٍ، يَا مَنْ هُوَ رَبُّ بِلاَ وَزِيرٍ، يَا مَنْ هُوَ عَزِيزٌ بِلاَ ذُلٍّ، يَا مَنْ هُوَ غَنِيٌّ

در حکمش نیست ای که او پروردگاری است بدون وزیر ای که او عزیز است بی‌ذلت ای که او دارایی است که

بِالْفَقْرِ، يَا مَنْ هُوَ مَلِكٌ بِلَا عَزَلٍ، يَا مَنْ هُوَ مَوْصُوفٌ بِلَا شَبِيهِ (۷۵) يَا مَنْ

نداری ندارد ای که او پادشاهی است که معزول نشود ای که او توصیف شده‌ای است بی‌شبیبه (۷۵) ای که

ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ، يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ، يَا مَنْ حَمْدُهُ عِزٌّ

ذکر او موجب شرافت ذکرکنندگان اوست ای که سپاسگزاریش مایهٔ سعادت سپاسگزاران است ای که ستایشش عزتی است

لِلْحَامِدِينَ، يَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ، يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبِينَ، يَا

برای ستایش‌کنندگان ای که طاعتش وسیلهٔ نجات مطیعان است ای که در رحمتش باز است به روی رحمت‌خواهان ای که

مَنْ سَبِيلُهُ وَاضِحٌ لِلْمُنْبِيِّينَ، يَا مَنْ آيَاتُهُ بُرْهَانٌ لِلنَّاظِرِينَ، يَا مَنْ كِتَابُهُ

راه بسوی او آشکار است برای بازآمذگان ای که نشانه‌هایش دلیل روشنی است برای بینندگان ای که کتابش

تَذَكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ، يَا مَنْ رِزْقُهُ عُمُومٌ لِلطَّائِعِينَ وَالْعَاصِينَ، يَا مَنْ رَحْمَتُهُ

سبب پند است برای پرهیزکاران ای که روزی او همگانی است برای فرمانبرداران و نافرمانان ای که رحمتش

قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۷۶) يَا مَنْ تَبَارَكَ اسْمُهُ، يَا مَنْ تَعَالَى جَدُّهُ، يَا مَنْ لَا

نزدیک است به نیکوکاران (۷۶) ای که نامش بزرگ است ای که اقبال او بلند است ای که معبودی

إِلَهَ غَيْرُهُ، يَا مَنْ جَلَّ ثَنَائُهُ، يَا مَنْ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاءُهُ، يَا مَنْ يَدُومُ بَقَائُهُ، يَا

جز او نیست ای که برجسته است ثنا و مدحش ای که پاکیزه است نامهایش ای که بقایش همیشگی است ای

مَنْ الْعِظَمَةُ بَهَائُهُ، يَا مَنْ الْكِبْرِيَاءُ رِدَائُهُ، يَا مَنْ لَا تُحْصَى الْأَتَّةُ، يَا مَنْ لَا

که عظمت جلوهٔ اوست ای که بزرگی در پر اوست ای که نیکبهایش به حساب در نیاید ای که

تَعَدُّ نِعْمَاتُهُ (۷۷) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُعِينُ يَا اَمِيْنُ، يَا مُبِيْنُ يَا

نعمتهایش شماره نشود (۷۷) خدایا از تو خواهم به حق نامت ای یاور ای امان بخش ای آشکار کننده ای

مَتِيْنُ، يَا مَكِيْنُ يَا رَشِيْدُ، يَا حَمِيْدُ يَا مَجِيْدُ، يَا شَدِيْدُ يَا شَهِیْدُ (۷۸) يَا

استوار و ثابت ای یابرجا ای راهنما ای ستوده ای گرمی ای سخت نیرو ای گواه (۷۸) ای

ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيْدِ، يَا ذَا الْقَوْلِ السَّدِيْدِ، يَا ذَا الْفِعْلِ الرَّشِيْدِ، يَا ذَا الْبَطْشِ

صاحب عرش با شوکت ای صاحب گفتار محکم ای صاحب کار مستحکم ای صاحب حمله

السَّدِيْدِ، يَا ذَا الْوَعْدِ وَالْوَعِيْدِ، يَا مَنْ هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيْدِ، يَا مَنْ هُوَ فَعَالٌ لِمَا

سخت ای صاحب نوید و تهدید ای که اوست صاحب اختیاری ستوده ای که اوست کنندهٔ هر چه را

يُرِيْدُ، يَا مَنْ هُوَ قَرِيْبٌ غَيْرٌ بَعِيْدٍ، يَا مَنْ هُوَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ شَهِیْدٌ، يَا مَنْ

خواهد ای که اوست نزدیکی که دوری ندارد ای که او بر هر چیز گواه باشد ای که

هُوَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ (۷۹) يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، يَا مَنْ لَا شَيْبَةَ لَهُ

او ستمکار بر بندگان نیست (۷۹) ای که برایش شریک و وزیر نیست ای که برایش شبیه

وَلَا نَظِيرَ، يَا خَالِقَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ الْمُنِيرِ، يَا مُغْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ، يَا

و نظیری نیست ای آفریننده مهر و ماه تابنده ای بی‌نیاز کننده بینوای درمانده ای

رَازِقَ الطُّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ، يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ، يَا

روزی ده کودک خردسال ای مهرورز پیر کهن سال ای جوش ده استخوان شکسته ای

عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ هُوَ بِعِبَادِهِ خَيْرٌ بِصِيرٍ، يَا مَنْ هُوَ عَلَى

نگهدار ترسان پناهنده ای که به حال بندگان خیر و بی‌ناست ای که او بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۸۰) يَا ذَا الْجُودِ وَالنَّعْمِ، يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْكَرَمِ، يَا خَالِقَ

هر چیز قادر و تواناست (۸۰) ای صاحب جود و نعمت ای صاحب بخشش و بزرگواری ای آفریننده

اللَّوْحِ وَالْقَلَمِ، يَا بَارِيَّ الذَّرِّ وَالنَّسَمِ، يَا ذَا الْبَأْسِ وَالنَّقْمِ، يَا مُلْهِمَ الْعَرَبِ

لوح و قلم ای پدید آورنده ذرات و انسان ای دارای عذاب و انتقام ای الهام بخش عرب

وَالْعَجَمِ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْأَلَمِ، يَا عَالِمَ السِّرِّ وَالْهَمَمِ، يَا رَبَّ الْبَيْتِ

و عجم ای برطرف کننده رنج و الم ای دانای راز و قصدهای نهان ای پروردگار کعبه

وَالْحَرَمِ، يَا مَنْ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنَ الْعَدَمِ (۸۱) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا

و حرم ای که آفریدی موجودات را از نیستی و عدم (۸۱) خدایا از تو خواهم به حق نامت ای

فَاعِلُ يَا جَاعِلُ، يَا قَابِلُ يَا كَامِلُ، يَا فَاصِلُ يَا وَاصِلُ، يَا عَادِلُ يَا غَالِبُ،

کننده (هر کار) ای مقرر کننده (امور) ای پذیرنده ای کامل ای جدا کننده ای پیوست دهنده ای دادگر ای چیره

يَا طَالِبُ يَا وَاهِبُ (۸۲) يَا مَنْ أَنْعَمَ بِطَوْلِهِ، يَا مَنْ أَكْرَمَ بِجُودِهِ، يَا مَنْ جَادَ

ای جوینده ای بخشنده (۸۲) ای که نعمت بخشید به لطف خود ای که کرم کرد به بخشش خود ای که جود کرد

بِلُطْفِهِ، يَا مَنْ تَعَزَّزَ بِقُدْرَتِهِ، يَا مَنْ قَدَّرَ بِحِكْمَتِهِ، يَا مَنْ حَكَّمَ بِتَدْبِيرِهِ، يَا

به فضل خود ای که عزیز باشد به نیروی خود ای که اندازه گیرد به حکمت خویش ای که حکم کند به تدبیر خود ای

مَنْ دَبَّرَ بَعْلِمِهِ، يَا مَنْ تَجَاوَزَ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ دَنَى فِي عُلُوِّهِ، يَا مَنْ عَلَا فِي

که تدبیر کرد به دانش خود ای که بگذرد به بردباری خویش ای که نزدیک است در عین بلندی و ای که بلند است در عین

دُنُوِّهِ (۸۳) يَا مَنْ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ، يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، يَا مَنْ يَهْدِي مَنْ

نزدیکی (۸۳) ای که می‌آفریند هر چه را خواهد ای که انجام دهد هر چه خواهد ای که راهنمایی کند هر چه را

يَشَاءُ، يَا مَنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يَغْفِرُ لِمَنْ

خواهد ای که گمراه کند هر که را خواهد ای که عذاب کند هر که را خواهد ای که ببامزد هر که را

يَشَاءُ، يَا مَنْ يُعِزُّ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُذِلُّ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُصَوِّرُ فِي

خواهد ای که عزت بخشد به هر که خواهد ای که ذلت دهد به هر که خواهد ای که نقش بندد در میان

الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ، يَا مَنْ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ (۸۴) يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ

رحمها هر طور که خواهد ای که مخصوص به رحمت خویش گرداند هر که را خواهد (۸۴) ای که نگرفته است

صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا، يَا مَنْ لَا يُشْرِكُ فِي

همسر و فرزندی ای که قرار داد برای هر چیز اندازه‌ای ای که شریک نکرده

حُكْمِهِ أَحَدًا، يَا مَنْ جَعَلَ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا، يَا مَنْ جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا،

حکم خویش احدی را ای که قرار داد فرشتگان را پیام‌آور ای که در آسمان برجها قرار داد

يَا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا، يَا مَنْ خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا، يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ

ای که زمین را قرارگاه کرد ای که آفرید از آب بشر را ای که قرار داد برای هر

شَيْءٍ أَمَدًا، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا

چیز مدت و دورانی ای که دانشش به هر چیز احاطه کرده ای که عدد هر چیز را شماره کرده

(۸۵) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اَوَّلُ يَا اٰخِرُ، يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ، يَا بَرُّ يَا

(۸۵) خدایا از تو خواهم به حق نامت ای آغاز ای انجام ای ظاهر ای نپهان ای نیکوکار ای

حَقُّ، يَا فَزْدُ يَا وَثْرُ، يَا صَمَدُ يَا سَرْمَدُ (۸۶) يَا خَيْرَ مَعْرُوفٍ عُرِفَ، يَا اَفْضَلَ

بر حق ای یکتا ای بی‌همتا ای بی‌نیاز ای ابدی (۸۶) ای بهترین شناخته شده به نیکی ای برترین

مَعْبُودٍ عِبْدًا، يَا اَجَلَ مَشْكُورٍ شُكِرَ، يَا اَعَزَّ مَذْكُورٍ ذُكِرَ، يَا اَعْلَى مَحْمُودٍ

معبودی که پرستش شده ای بهترین سپاس شدگان ای عزیزترین یادشدگان ای والاترین ستوده شده

حَمْدًا، يَا اَقْدَمَ مَوْجُودٍ طَلِبَ، يَا اَرْفَعَ مَوْصُوفٍ وَصِفَ، يَا اَكْبَرَ مَقْصُودٍ

ای بیش‌ترین موجودی که جوایش شده‌اند ای برترین موجودی که مورد توصیف واقع شده ای بزرگتر مقصودی که

قُصِدَ، يَا اَكْرَمَ مَسْئُولٍ سُئِلَ، يَا اَشْرَفَ مَحْبُوبٍ عُلِمَ (۸۷) يَا حَبِيبَ

قصدا او کرده‌اند ای بزرگوار کسی که از او درخواست شده ای ارجمندترین دوستی که توان یافت (۸۷) ای دوست

الْبَاكِبِ، يَا سَيِّدَ الْمُتَوَكِّلِينَ، يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا

گریبانان ای آقای توکل کنندگان ای رهنمای گمراهان ای سرور مؤمنان ای

أَنْبَسَ الذَّاكِرِينَ، يَا مَفْرَعَ الْمَلْهُوفِينَ، يَا مُنْجِيَ الصَّادِقِينَ، يَا أَقْدَرَ

همدم یاد کنندگان (او) ای پناه ستمدیدگان ای نجات دهنده راستگویان ای مقتدرترین

الْقَادِرِينَ، يَا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ، يَا إِلَهَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ (۸۸) يَا مَنْ عَلَا قَهْرَهُ، يَا

قدرت داران ای داناترین دانایان ای معبود تمامی آفریدگان (۸۸) ای که از برتری بر همه قاهر است ای که

مَنْ مَلَكَ فَقْدَرَهُ، يَا مَنْ بَطَّنَ فَخْبَرَ، يَا مَنْ عَبْدَ فَشَكَرَهُ، يَا مَنْ عُصِيَ فَغَفَرَ، يَا

فرمانرواست و نیرومند ای که در درونی و از درون آگاه ای که پرستندش و او بدان پاداش دهد ای که نافرمانیش کند و بیامرزد ای که

مَنْ لَا تَحْوِيهِ الْفِكْرُ، يَا مَنْ لَا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَثْرٌ، يَا

در فکرها نگنجد ای که دیده‌ای او را درنیابد ای که هیچ کاری بر او پنهان نماند ای

رَازِقَ الْبَشَرِ، يَا مُقَدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ (۸۹) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَافِظُ يَا

روزی ده بشر ای اندازه‌گیر هر اندازه (۸۹) خدایا از تو خواهم به حق نامت ای نگهدار ای

بَارِيٌّ، يَا ذَارِيٌّ يَا بَادِخٌ، يَا فَارِجٌ يَا فَاتِحٌ، يَا كَاشِفٌ يَا ضَامِنٌ، يَا اَمْرٌ يَا

پدید آورنده ای آفریننده ای والامقام ای غمزا ای کارگشا ای برطرف کننده اندوه ای ضامن بندگان ای فرمان ده ای

نَاهِي (۹۰) يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ اِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَصْرِفُ السُّوْءَ اِلَّا هُوَ، يَا

نهی کننده (از کارهای بد) (۹۰) ای که نمی‌داند غیب را جز او ای که باز نگرداند بدی را جز او ای که

مَنْ لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ اِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْفِرُ الذَّنْبَ اِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَتِمُّ

نیافریند خلق را جز او ای که نیامرزد گناه را جز او ای که به پایان نرساند

النُّعْمَةَ اِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُقَلِّبُ الْقُلُوبَ اِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُدَبِّرُ الْاَمْرَ اِلَّا هُوَ،

نعمت و احسان را جز او ای که دگرگون نکند دلها را جز او ای که تدبیر نکند کارها را جز او

يَا مَنْ لَا يُنْزِلُ الْغَيْثَ اِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَبْسُطُ الرِّزْقَ اِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُحْيِي

ای که فرو نرستد باران را جز او ای که نگستراند روزی را جز او ای که زنده نکند

الْمَوْتَى اِلَّا هُوَ (۹۱) يَا مُعِينِ الضُّعْفَاءِ، يَا صَاحِبِ الْغُرَبَاءِ، يَا نَاصِرَ الْاَوْلِيَاءِ،

مردگان را جز او (۹۱) ای کمک کار ناتوانان ای رفیق دور از وطنان ای یار دوستان ای

يَا قَاهِرَ الْاَعْدَاءِ، يَا رَافِعَ السَّمَاءِ، يَا اَنْبَسَ الْاَصْفِيَاءِ، يَا حَبِيبَ الْاَتْقِيَاءِ،

چیره بر دشمنان ای بالا برنده آسمان ای مونس برگزیدگان ای دوست برهیزکاران

يَا كَنْزَ الْفُقَرَاءِ، يَا اِلَهَ الْاَغْنِيَاءِ، يَا اَكْرَمَ الْكِرْمَاءِ (۹۲) يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ،

ای گنجینه بینوایان ای معبود توانگران ای کریمترین کریمان (۹۲) ای کفایت کننده از هر چیز

يَا قَائِمًا عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ لَا يُشَبِّهُهُ شَيْءٌ، يَا مَنْ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِهِ

ای نگهبان بر هر چیز ای که چیزی مانندش نیست ای که چیزی به فرمانروایش نیفزاید

شَيْءٌ، يَا مَنْ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ، يَا مَنْ لَا يَنْقُصُ مِنْ خَزَائِنِهِ شَيْءٌ، يَا

ای که چیزی بر او پوشیده نیست ای که کم نشود از گنجینه‌هایش چیزی ای که

مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، يَا مَنْ لَا يَعْرُبُ عَنْ عِلْمِهِ شَيْءٌ، يَا مَنْ هُوَ خَبِيرٌ

نیست همانندش چیزی ای که پنهان نماند از دانش او چیزی ای که او خبیر و آگاه است

بِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ وَسِعَتْ رَحْمَتُهُ كُلَّ شَيْءٍ (۹۳) اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

به هر چیز ای که رحمتش فراگیرد هر چیز را (۹۳) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت

يَا مُكْرَمٌ يَا مُطْعِمٌ، يَا مُنْعَمٌ يَا مُعْطَىٰ، يَا مُغْنَىٰ يَا مُقْنَىٰ، يَا مُفْنَىٰ يَا مُحْيَىٰ،

ای اکرام کننده ای طعام دهنده ای نعمت بخشنده ای عطا ده ای ثروت ده ای سرمایه ده ای فانی کننده ای زنده کننده

يَا مُرْضَىٰ يَا مُنْجَىٰ (۹۴) يَا اَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ اٰخِرَهُ، يَا اِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ مَلِيكَهُ،

ای خوشنود سازنده ای نجات بخش (۹۴) ای آغاز و انجام هر چیز ای معبود و مالک هر چیز

يَا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَّ صَانِعَهُ، يَا بَارِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ خَالِقَهُ، يَا قَابِضَ كُلِّ شَيْءٍ

ای پروردگار و سازنده هر چیز ای پدید آورنده و آفریننده هر چیز ای بست و باز کننده هر چیز

وَبَاسِطَهُ، يَا مُبْدِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ مُعِيدَهُ، يَا مُنْشِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ مُقَدِّرَهُ، يَا

ای پدید آورنده و بازگرداننده هر چیز ای بوجود آورنده و اندازه‌گیر هر چیز ای

مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ مُحَوِّلَهُ، يَا مُحْيِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ مُمِيتَهُ، يَا خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ

بود کننده و تبدیل کننده هر چیز ای زنده کننده و میراننده هر چیز ای آفریننده و وارث

و وَاٰرِثَهُ (۹۵) يَا خَيْرَ ذَاكِرٍ وَّ مَذْكُورٍ، يَا خَيْرَ شَاكِرٍ وَّ مُشْكُورٍ، يَا خَيْرَ حَامِدٍ

هر چیز (۹۵) ای بهترین یادآور و یاد شده ای بهترین سپاسگزار و سپاس شده ای بهترین ستاینده

وَّ مُحْمُودٍ، يَا خَيْرَ شَاهِدٍ وَّ مَشْهُودٍ، يَا خَيْرَ دَاعٍ وَّ مَدْعُوٍّ، يَا خَيْرَ مُجِيبٍ

و ستوده شده ای بهترین گواه و گواهی شده ای بهترین خواننده و خوانده شده ای بهترین اجابت کن

وَّ مُجَابٍ، يَا خَيْرَ مُوْنِسٍ وَّ اَنْسٍ، يَا خَيْرَ صَاحِبٍ وَّ جَلِيسٍ، يَا خَيْرَ

و اجابت کرده شده ای بهترین انیس و مونس ای بهترین رفیق و هم نشین ای بهترین

مَقْصُودٍ وَّ مَطْلُوبٍ، يَا خَيْرَ حَبِيبٍ وَّ مُحَبُّوبٍ (۹۶) يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ

مقصود و مطلوب ای بهترین دوست و محبوب (۹۶) ای که برای خواننده‌اش

مُجِيبٌ، يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ اطَاعَهُ حَبِيبٌ، يَا مَنْ هُوَ اِلَى مَنْ اَحَبَّهُ قَرِيبٌ، يَا

اجابت کند ای که به مطیع و فرمانبردارش دوست است ای که به هر که دوستش دارد نزدیک است ای که

مَنْ هُوَ بِمَنْ اسْتَحَفَّظَهُ رَقِيبٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ

برای هرکس که از او نگهداری خواهد نگهبان است ای که نسبت به هر کس به او امید داشته باشد کریم است ای که نسبت به

عِصَاهُ حَلِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي عَظَمَتِهِ رَحِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ عَظِيمٌ، يَا

نافرمانش بردبار است ای که در عین عظمت و بزرگیش مهربان است ای که در حکمت خود عظیم است ای که

مَنْ هُوَ فِي اِحْسَانِهِ قَدِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ اَرَادَهُ عَلَيْهِمُ (۹۷) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

در احسان و عطابخشی دیرین است ای که به هر کس که او را بطلبید داناست (۹۷) خدایا از تو

اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مَسْبُوبٌ يَا مَرْغَبٌ، يَا مُقَلَّبٌ يَا مَعْقَبٌ، يَا مَرْتَبٌ يَا

می‌خواهم به حق نامت ای سبب ساز ای رغبت ده ای زیر و رو کن ای بی‌جو ای ترتیب ده ای

مُخَوِّفٌ، يَا مُحَذَّرٌ يَا مُذَكَّرٌ، يَا مُسَخَّرٌ يَا مُغَيَّرٌ (۹۸) يَا مَنْ عَلِمَهُ سَابِقٌ، يَا

بیم ده ای ترساننده ای یا داند از ای مسخر کننده ای تغییر دهنده (۹۸) ای که دانشش پیش است ای که

مَنْ وَعَدَهُ صَادِقٌ، يَا مَنْ لُطْفُهُ ظَاهِرٌ، يَا مَنْ اَمْرُهُ غَالِبٌ، يَا مَنْ كِتَابُهُ

وعددهاش راست است ای که لطفش آشکار است ای که فرمانش بر همه غالب است ای که کتابش

مُحْكَمٌ، يَا مَنْ قِضَائُهُ كَائِنٌ، يَا مَنْ قُرْآنُهُ مَجِيدٌ، يَا مَنْ مُلْكُهُ قَدِيمٌ، يَا مَنْ

محکم است ای که حکم و قضایش حتمی است ای که قرآنش مجید و گرامی است ای که فرمانروایش قدیم است ای که

فَضْلُهُ عَمِيمٌ، يَا مَنْ عَرْشُهُ عَظِيمٌ (۹۹) يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، يَا

فضل و بخشش همگانی است ای که عرش او عظیم است (۹۹) ای که سرگرم نکند او را شنیدنی از شنیدنی دیگر ای که

مَنْ لَا يَمْنَعُهُ فِعْلٌ عَنْ فِعْلٍ، يَا مَنْ لَا يُلْهِبُهُ قَوْلٌ عَنْ قَوْلٍ، يَا مَنْ لَا يَغْلَطُهُ

بازش ندارد کاری از کاری ای که مشغولش نکند گفتاری از گفتاری دگر ای که به اشتباهش نیندازد

سُؤَالٌ عَنْ سُؤَالٍ، يَا مَنْ لَا يَحْجُبُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ، يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ اِلْحَاحٌ

پرسشی از پرسشی ای که حجاب نشود او را چیزی از چیزی ای که به ستوهش نیاورد پافشاری

اَلْمُلْحِحِّينَ، يَا مَنْ هُوَ غَايَةُ مُرَادِ الْمُرِيدِينَ، يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى هِمَمِ

اصرار ورزان ای که او منتهای مقصود جویندگان است ای که او سرحد نهایی وجهه همت

اَلْعَارِفِينَ، يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى طَلَبِ الطَّالِبِينَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ ذَرَّةٌ

عارفان است ای که او آخرین مرحله خواسته خواستاران است ای که بر او ذرهای در تمام جهانیان

فِي الْعَالَمِينَ (۱۰۰) يَا حَلِيمًا لَا يَعْجَلُ، يَا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ، يَا صَادِقًا لَا

پنهان نیست (۱۰۰) ای بردباری که شتاب نکند ای بخشنده‌ای که بخل ندارد ای راست وعده‌ای که

مُخْلِفٌ، يَا وَهَّابًا لَا يَمَلُّ، يَا قَاهِرًا لَا يُغْلَبُ، يَا عَظِيمًا لَا يُوصَفُ، يَا عَدْلًا

خلاف وعده نمی‌کند ای بخشنده ای که خسته نمی‌شود ای چیره‌ای که شکست نپذیرد ای بزرگی که در وصف نتجدد ای دادگری که

لَا يَحِيفُ، يَا غَنِيًّا لَا يَفْتَقِرُ، يَا كَبِيرًا لَا يَصْغُرُ، يَا حَافِظًا لَا يَغْفُلُ، سُبْحَانَكَ

در حکمش ستم نکند ای توانگری که درویش نشود ای بزرگی که کوچک نشود ای نگهبانی که غفلت نکند منزهی تو

يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْغَوْثُ، الْغَوْثُ، خَلُّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ.

ای خدایی که نیست معبودی جز تو فریاد، فریاد نجات ده ما را از آتش دوزخ ای پروردگار.

دعای جوشن صغیر^۱:

این دعا در کتب مختلف نقل شده است^۲ و دارای عظمت و منزلت والایی است و در برابر بلاها و رفع و دفع ظالم نافع است. در «مهج الدعوات» آمده است: هنگامی که موسی بن مهدی عباسی قصد کشتن امام کاظم علیه السلام را نمود، و این خبر به خانواده و شیعیان آن حضرت رسید، همگی اندوهگین شدند؛ امام علیه السلام فرمود: ناراحت نباشید؛ چرا که اولین نامه‌ای که از عراق برسد، مربوط به خبر مرگ موسی بن مهدی است. یاران پرسیدند: از کجا می‌فرمایید؟ امام علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم و شکایت موسی بن مهدی را نزد او نمودم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرا مطمئن ساخت و فرمود: خداوند لحظاتی پیش دشمن تو را هلاک کرد؛ بنابراین، شکر الهی را بجا آور. امام کاظم علیه السلام آنگاه رو به قبله نمود و دست‌ها را رو به آسمان بلند کرد و این دعا را خواند. این دعا مطابق نقل «بلدالامین» چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْهِي، كَمْ مِنْ عَدُوٍّ أَنْتَضَىٰ عَلَيَّ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ، وَشَحَذَ لِي ظُبَّةَ مَدْيَتِهِ،

معبودا چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی به روی من کشید و لبه کاردش را برایم تیز کرد

۱. چون این دعا برای دفع دشمن، زره و حرز خوبی است، لذا جوشن نامیده شده و چون از دعای سابق کوتاه‌تر است، جوشن صغیر نامیده شده است.

۲. از جمله در کتاب بلدالامین، صفحه ۳۲۶ و مهج الدعوات، صفحه ۲۱۹. مرحوم علامه مجلسی نیز در بحارالانوار، از این کتابها نقل کرده است (با اختلافی در نقل‌ها) (بحارالانوار، جلد ۹۱، صفحه ۳۲۰، و جلد ۹۲، صفحه ۱۸۰ و صفحه ۲۲۵).

وَأَرْهَفَ لِي شَبَاحِدَهُ، وَدَافَ لِي قَوَاتِلَ سُمُومِهِ، وَسَدَّدَ لِي صَوَائِبَ سِهَامِهِ،

و دم برنده‌اش را برابرم آماده کرد و زهرهای کشنده‌اش را برابرم آمیخته و نشان گرفت بسوی من تیرهای نشانگیرش را

وَلَمْ تَنْمَ عَنِّي عَيْنٌ حِرَاسَتِهِ، وَأَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ، وَيَجْرُرَّ عَنِّي

و چشمش در مراقبت من به خواب نرفت و در دل گرفت که به من آزاری رساند و جرعه‌های

ذُعَافَ مَرَارَتِهِ، نَظَرْتُ إِلَى ضَعْفِي عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَاحِشِ، وَعَجَزِي عَنِ

تلخ زهر خود را به گلویم بریزد در این حال تو به ناتوانی من نگرستی که طاقت تحمل ناگوار را ندارم و عجز مرا در

الْإِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ، وَوَحَدَتِي فِي كَثِيرٍ مِمَّنْ نَاوَانِي،

استمداد برای کسی که به قصد جنگ با من برخاسته دیدی و تنهایی مرا در مقابل انبوه دشمنانی که قصد آزار مرا کرده

وَأَرِضَادِهِمْ لِي فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِيهِ فِكْرِي فِي الْأَرِضَادِ لَهُمْ بِمِثْلِهِ، فَأَيَّدْتَنِي

و سر راهم کمین کرده‌اند و فکر من در خلاصی از آنها به جایی نمی‌رسد مشاهده کردی پس مرا

بِقُوَّتِكَ، وَشَدَّدْتَ أَرْزِي بِنُصْرَتِكَ، وَفَلَلْتَ لِي شَبَاحِدَهُ، وَخَذَلْتَهُ بَعْدَ

به نیروی خود کمک دادی و بوسیله یاری خود پشتم را محکم بستی و بر من کند کردی تیغ برنده دشمن را و او را پس از زحماتی که

جَمَعَ عَدِيدَهُ وَحَشْدِهِ، وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ، وَوَجَّهْتَ مَا سَدَّدَ إِلَيَّ مِنْ

در جمع‌آوری نفرات و وسایل ناپودی من کشیده بود خوار کردی و مرا بر او توفیق دادی و شَرُّ آن نقشه‌های شومی که برای من کشیده بود

مَكَائِدِهِ إِلَيْهِ، وَرَدَدْتَهُ عَلَيْهِ، وَلَمْ تَشْفِ غَلِيْلَهُ، وَلَمْ تَبْرُدْ حَزَازَاتُ غِيْظِهِ،

به خودش برگرداندی و عطش او را در ناپودی من فرو نرساندی و دلش را در این باره خنک نکردی

وَكَذَّ عَضُّ عَلَيَّ أَنَامِلَهُ، وَأَدْبَرَ مُؤَلِيًّا قَدْ أَخْفَقَتْ سَرَائِيَاهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا

و در حالی که از سوز خشمش بر من انگشت به دندان می‌گزید پشت کرده و فرار کرد و تجهیزات جنگی و نفرات او در هم شکست پس ستایش

رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ،

برای تو سزااست پروردگارا که نیرومندی هستی شکست‌ناپذیر و بردباری هستی که شتاب نخواهی کرد درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأَجْعَلَنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَلَيْتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَكَمْ مِنْ

و مرا از سیاستگران نعمتهای خود و از یادکنندگان بخششهای خویش قرار ده معبودا و چه بسیار

بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ، وَنَصَبَ لِي أَشْرَاكَ مَضَايِدِهِ، وَوَكَّلَ بِي تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ،

ستم‌پیشه‌ای که با نقشه شومش به من ستم کرد و برای شکار کردنم دامها نهاد و مرا دقیقاً زیر نظر گرفت

وَضَبًّا إِلَى ضَبِّ السَّبْعِ لَطْرِيْدَتِهِ، أَنْتَظَارًا لِأَنْتَهَازِ فُرْصَتِهِ، وَهُوَ يُظْهِرُ

و مانند درنده‌ای که برای شکار گریخته خود کمین می‌کند به کمین نشست تا فرصتی بدست آرد با این‌که در صورت ظاهر

بَشَاشَةَ الْمَلَقِ، وَيَبْسُطُ لِي وَجْهًا غَيْرَ طَلِقٍ، فَلَمَّا رَأَيْتَ دَغَلَ سِرِّبَرْتِهِ،

خود را از روی تملق بشاش نشان می‌داد و روی گشاده بی‌حقیقتی به من می‌نمود، و هنگامی که تو ای خدا نادرتی باطن او را دیدی

وَقَبِحَ مَا أَنْطَوِي عَلَيْهِ لِشَرِيكِهِ فِي مِلَّتِهِ، وَأَصْبَحَ مُجْلِبًا لِي فِي بَغْيِهِ،

و زشتی نیتش را برای هم کیشش مشاهده فرمودی و دیدی که چگونه مرا بسوی ستم خود می‌کشد

أَزْكَسْتَهُ لِأَمِّ رَأْسِهِ، وَأَتَيْتَ بُنْيَانَهُ مِنْ أَسَاسِهِ، فَصَرَ عَتَهُ فِي زُبَيْتِهِ، وَأَزْدَيْتَهُ

او را به مغز به زمین زدی و ریشه‌اش را از بیخ و بن برکنیدی و او را در همان چاهی که برای من کنده بود درافکندی و در گودالی که

فِي مَهْوِي حُفْرَتِهِ، وَجَعَلْتَ خَدَّهُ طَبَقًا لِتُرَابِ رِجْلِهِ، وَشَغَلْتَهُ فِي بَدَنِهِ

به دست خود حفر کرده بود سرنگونش کردی و گونه‌اش را مطابق خاک پایش کردی و او را سرگرم تن

وَرَزَقَهُ، وَرَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ، وَخَنَقْتَهُ بِوَتْرِهِ، وَذَكَيْتَهُ بِمَشَاقِصِهِ، وَكَبَبْتَهُ

و روزی خودش کردی و به سنگ خودش او را زدی و بازه کمانش جانش بگرفتی و بوسیله سرنیزه‌هایش او را هلاک ساختی و برو

لِمَنْخَرِهِ، وَرَدَدْتَ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ، وَوَقَّعْتَهُ بِنَدَامَتِهِ، وَفَثَّأْتَهُ بِحَسْرَتِهِ،

درافکندی و حيله‌اش را به خودش برگرداندی و در بند پشیمانی گرفتارش کردی و پششش را در زیر بار حسرت خم کردی

فَاسْتَخَذْنَا وَاسْتَخَذَلْ وَتَضَائِلَ بَعْدَ نَخْوَتِهِ، وَأَنْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ، ذَلِيلًا

تا آن‌که پس از آن همه نخوت و تکبر خوار گشته به زانو درآمد و پس از گردنکشی با خواری مخصوصی

مَا سُورًا فِي رِبْقِ حِبَائِلِهِ، الَّتِي كَانَ يُؤْمَلُ أَنْ يِرَانِي فِيهَا يَوْمَ سَطْوَتِهِ، وَقَدْ

ریشه‌کن شد و در بند دام خود که در روز تسلطش آرزو داشت مرا در آن بیند گرفتار شد و ای

كِدْتُ يَا رَبِّ لَوْلَا رَحْمَتُكَ أَنْ يَحُلَّ بِي مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ، فَلَاكَ الْحَمْدُ يَا

پروردگار من اگر رحمت تو نبود چیزی نمانده بود که به همان بلایی که او دچار شده من دچار گردم پس ستایش خاص توست ای

رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي آنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ

پروردگار من که نیرومندی هستی شکست‌ناپذیر و بردباری هستی که شتاب نمی‌کنی درود فرست برمحمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي،

محمد و مرا از سپاسگزاران نعمت‌هایت قرار ده و از یادکنندگان عطاهایت بدار خدایا

وَكَمُ مِنْ حَاسِدٍ شَرِقٍ بِحَسَدِهِ، وَعَدُوٍّ شَجِيٍّ بِغَيْظِهِ، وَسَلَقْنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ،

چه بسیار حسودی که جرعه حسد در گلویش گیر کرده و دشمنی که خشم او در گلویش شکسته و با زبان تیزش مرا آزرده

وَ وَخَزَنِي بِمُوقٍ عَيْنِهِ، وَجَعَلَ عِرْضِي غَرَضًا لِمِرَامِيهِ، وَقَلَّدَنِي خِلَالًا

و خشمش را از گوشه چشم مثل تیری بر بدنم فرو کرده و آبروی مرا هدف تیرهای خود قرار داده و کارهایی را به گردنم

لَمْ تَزَلْ فِيهِ، فَنادَيْتَكَ يَا رَبِّ مُسْتَجِيرًا بِكَ، وَاثْقَابًا بِسُرْعَةِ اجَابَتِكَ، مُتَوَكِّلًا

انداخت که من ای پروردگارم پیوسته در این باره از روی پناه خواهی تو را خواندم به خاطر اطمینانی که به سرعت اجابت تو داشتم و بر سابقه

عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَعَرَّفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفَاعِكَ، عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهَدُ مِنْ أَوْى

خوبی که همیشه در دفاع کردنت داشتم توکل نمودم و می دانستم که هر کس

إِلَى ظِلِّ كَنَفِكَ وَكِفَائَتِكَ، وَاعْتَصَدَ بِوِلايَتِكَ، وَلَنْ تَقْرَعَ الْحَوَادِثُ مِنْ لَجَأٍ

در سایه حمایت و کفایت تو ماوی گردم و با ولایت تو قدرتمند شود، مورد ستم و ظلم کسی واقع نگردد و آن کس که به قلعه کمک خواهی تو پناه برد

إِلَى مَعْقِلِ الْإِتِّصَارِ بِكَ، فَحَصَّنْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا

حوادث کوبنده روزگار بر او کارگر نشود و تو ای خدا بوسیله نیرویت مرا از آزار او در پناه گرفتی پس از آن توست ستایش ای

رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي آنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

پروردگار من که نیرومندی شکستناپذیر و بردباری هستی بدون شتاب درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَلْيَتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي،

محمد و مرا از سپاسگزاران نعمتهایت و از یادکنندگان عطاهایت قرار ده خدایا

وَكَمٍ مِنْ سَحَائِبٍ مَكْرُوهٍ جَلِيَّتْهَا، وَسَمَاءٍ نِعْمَةٍ أَمْطَرَتْهَا، وَجَدَاوِلِ كَرَامَةٍ

و چه بسا ابرهایی از گرفتاری (که بسویم در حرکت بود) و تو پراکندهشان کردی و چه بسا آسمان نعمتی که بر من فرو باردی و نهرهای بزرگواری که

أَجْرِيَّتْهَا، وَأَعْيُنِ أَحْدَاثٍ طَمَسَتْهَا، وَنَاشِئَةِ رَحْمَةٍ نَشَرَتْهَا، وَجَنَّةِ عَافِيَةٍ

روان کردی و چشمههای جوشان حوادثی که رویش را پوشاندی و لکههای کوچکی از ابر رحمت که آنرا پهن کردی و زرههای تندرستی که

الْبَسْتَهَا، وَغَوَامِرِ كُرْبَاتٍ كَشَفْتَهَا، وَأُمُورٍ جَارِيَةٍ قَدَّرْتَهَا، لَمْ تُعْجِزَكَ

بر بدنام پوشاندی و گردابهایی از اندوه که برطرف کردی و امور جاریه دیگری که مقدر کردی و تو هرگاه خواستیشان

إِذْ طَلَبْتَهَا، وَلَمْ تَمْتَنِعْ عَلَيْكَ إِذْ أَرَدْتَهَا، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ

از طلب آنها در نماندی و هرگاه آنها را اراده فرمودی قدرت بر امتناع نداشتند پس تو راست ستایش ای پروردگار من ای نیرومند

لَا يُغْلَبُ، وَذِي آنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي

شکستناپذیر و بردبار بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرار ده مرا

لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَلْيَتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَكَمٍ مِنْ ظَنٍّ

از سپاسگزاران نعمتهایت و از یادکنندگان عطاهایت خدایا و چه بسا

حَسَنٍ حَقَّقْتَ، وَمِنْ كَسْرِ إِمْلَاقٍ جَبَرْتَ، وَمِنْ مَسْكَنَةٍ فَادِحَةٍ حَوَّلْتَ،

خوش گمانی مرا که صورت عمل دادی و چه بسیار شکستهای بی چیزی مرا که جبران کردی و نادریهای کمرشکن را که از من گرداندی

وَمِنْ صَرَعَةٍ مُهْلِكَةٍ نَعَشْتِ، وَمِنْ مَشَقَّةٍ أَرَحْتَ، لَا تُسْئَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَهُمْ

و سقوطهای نابود کننده‌ای که بلندم کردی و چه سختیها که مبدل به راحتی کردی بازخواست نشوی از آنچه می‌کنی ولی دیگران

مُسْئَلُونَ، وَلَا يَنْقُصُكَ يَا سَيِّدِي مَا أَنْفَقْتَ، وَلَقَدْ سَأَلْتُ فَأَعْطَيْتَ، وَلَمْ

بازخواست شوند و ای آقای من هرچه خرج کنی چیزی از تو کاسته نگردد و چون از تو بخواهند می‌دهی و اگر هم

تُسْئَلُ فَأَبْتَدَأْتُ، وَاسْتُمِيعَ بَابُ فَضْلِكَ فَمَا أَكْدَيْتَ، أَبَيْتَ إِلَّا أَنْعَامًا

نخواهند تو بی‌سابقه خواستن عطا می‌کنی و از درگاه فضل تو احسان خواستند و تو دریغ نداشتی ندادی جز از راه نعمت بخشی

وَأَمْتِنَانَا، وَالْأَتَطُّوْلًا يَا رَبِّ وَاحْسَانًا، وَأَبَيْتُ إِلَّا أَنْتَهَاكَ لِحُرْمَاتِكَ،

و امتنات و جز از راه عطا بخشی بی‌بایان خود ای پروردگار من و احسانت ولی من هم در مقابل نکردم جز پرده‌ری محرمات

وَأَجْتِرَاءً عَلَى مَعْاصِيكَ، وَتَعَدِّيًا لِحُدُودِكَ، وَغَفْلَةً عَن وَعِيدِكَ، وَطَاعَةً

و دلیری بر ارتکاب معاصی و نافرمانیهایت و تجاوز از حدود تو و بی‌خبری از تهدید تو و پیروی

لِعَدُوِّي وَعَدُوِّكَ، لَمْ يَمْنَعَكَ يَا إِلَهِي وَنَاصِرِي إِخْلَالِي بِالشُّكْرِ عَن إِتْمَامِ

از دشمن خود و دشمن تو، ای معبود و ای یاور بزرگوار من کوتاهی من در سپاسگزاری تو را از اتمام احسان به من

إِحْسَانِكَ، وَلَا حَجَزَنِي ذَلِكَ عَنِ ارْتِكَابِ مَسَاخِيظِكَ، اَللَّهُمَّ وَهَذَا مَقَامٌ

باز نداشت و اتمام احسان تو نیز مانع من از ارتکاب اعمالی که موجب خشم توست نشد خدایا اکنون به حال

عَبْدٍ ذَلِيلٍ اعْتَرَفَ لَكَ بِالتَّوْحِيدِ، وَأَقْرَرَ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ فِي آدَاءِ

بنده خواری در آمده‌ام که معترف به یگانگی توست و به زبان خود اعتراف می‌کند که در ادای حق تو

حَقِّكَ، وَشَهِدَ لَكَ بِسُبُوغِ نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ، وَجَمِيلِ عَادَتِكَ عِنْدَهُ، وَاحْسَانِكَ

کوتاهی کرده و گواهی دهد که تو نعمت خود را بر او فروگذار نکردی و از شیوه نیک و احسان خود نسبت به او

إِلَيْهِ، فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أُرِيدُهُ سَبَبًا إِلَى رَحْمَتِكَ،

کوتاهی نکردی پس ای معبود و آقای من از فضل خویش بدان اندازه به من ببخش که بتوانم خود را برحمت برسانم

وَأَتَّخِذُهُ سُلْمًا أَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ، وَأَمِّنُ بِهِ مِنْ سَخِيظِكَ، بِعِزَّتِكَ

و آن را نزدیابی قرار داده و به وسیله آن بسوی خوشنودی تو بالا روم و بدان سبب از خشم تو ایمن گردم به حق عزت

وَطَوْلِكَ، وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْأَيْمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ،

و کرمت و به حق پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مَنْ مَقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلَّى عَلَيَّ

پس ستایش خاص توست ای پروردگار من که نیرومندی هستی شکست‌ناپذیر و بردباری هستی بی‌شتاب درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَيْتِكَ مِنْ

محمد و آل محمد و قرارم ده از شکرگزاران نعمتهایت و از یادکنندگان عطایا

الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي كَرْبِ الْمَوْتِ،

و مراحت، خدایا چه بسا بنده‌ای که شب و روزش در سختی مرگ بگذرد

وَ حَشْرَجَةِ الصَّدْرِ، وَالنَّظْرِ إِلَىٰ مَا تَقْشَعُرُّ مِنْهُ الْجُلُودُ، وَ تَفْزَعُ لَهُ الْقُلُوبُ،

و جان به سینه‌اش رسیده و بنگرد بدانچه بدنها از هولش بلرزد و دلها بتبد

وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

و من در تمام آن مناظر واحوال آسوده و در سلامتی بسر برم پس ستایش خاص توست ای پروردگار من که نیرومندی هستی شکست‌ناپذیر

وَذِي أَنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلَّىٰ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

و بردباری هستی بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَيْتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ

نعمتهایت و از یادکنندگان عطایات خدایا و چه بسا بنده‌ای که بسر برد شب و روز خود را

سَقِيمًا مُّوجِعًا مُّذْنَفًا، فِي آئِنٍ وَعَوِيلٍ، يَتَقَلَّبُ فِي غَمِّهِ لَا يَجِدُ مَحِيصًا،

در بیماری دردناک و در ناله و فریاد و از اندوه به خود می‌پیچد نه راه چاره‌ای دارد

وَلَا يُسَبِّغُ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا، وَأَنَا فِي صِحَّةٍ مِنَ الْبَدَنِ، وَسَلَامَةٍ فِي

و نه غذا و نوشابه‌ای پراحتی از گلویش پایین رود و من تندرست و از سلامتی کامل

النَّفْسِ مِنَ الْعَيْشِ، كُلُّ ذَلِكَ مِنْكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

برخوردار هستم و همه این نعمتها از توست پس ستایش خاص توست ای پروردگار من که نیرومندی هستی شکست‌ناپذیر

وَذِي أَنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلَّىٰ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

و بردباری هستی بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از سپاسگزاران

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَيْتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ

نعمتهایت و از یادکنندگان عطایا و مراحت قرارم ده خدایا و چه بسا بنده‌ای که بسر برد شب و روز خود را

خَائِفًا مَرَّ عُوبًا، مُسَهَّدًا مُشْفِقًا، وَحِيدًا وَجَلًّا، هَارِبًا طَرِيدًا، مُنْحَجِرًا فِي

در ترس و خوف بی‌خوابی و هراس و اضطراب از خانه خود گریخته و آواره و تنها گشته و از ترس در

مَضِيقٍ، أَوْ مَخْبَاةٍ مِنَ الْمَخَابِيءِ، قَدْ ضَاقتْ عَلَيْهِ الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا، لَا يَجِدُ

بی‌نوله‌ای رفته یا در خفا گاهی خود را پنهان کرده و زمین بدین پهناوری از هر سو بر او تنگ شده نه راه

حِيلَةً وَلَا مَنجِيًّا، وَلَا مَأْوِيًّا، وَأَنَا فِي أَمْنٍ وَطَمَآنِينَةٍ، وَعَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ

چاره‌ای دارد و نه جا و مأوی و من در کمال امانت و آسایش و سلامتی از این ناراحتیها بسر برم

كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلِّ

پس خاص توست ستایش ای پروردگار من که نیرومندی هستی شکست‌ناپذیر و بردباری هستی بی‌شتاب درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَيِّكَ

بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سیاست‌گزاران نعمت‌های و از یادکنندگان

مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ مَغْلُوبًا مَكْبَلًا

عطایا و مراحمت ای خدا و ای آقای من چه‌سا بنده‌ای که شب و روزش در غل

فِي الْحَدِيدِ بِأَيْدِي الْعُدَاةِ لَا يَرَحْمُونَهُ، فَقَبِدْ مِنْ أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، مُنْقَطِعًا عَنْ

و زنجیر آهنین بگذرد در حالی که بدست دشمنانی بی رحم گرفتار و دور از زن و فرزند و جدای از

إِخْوَانِهِ وَبَلَدِهِ، يَتَوَقَّعُ كُلَّ سَاعَةٍ بَأَيِّ قِتْلَةٍ يُقْتَلُ وَبَأَيِّ مِثْلَةٍ يُمَثَّلُ بِهِ، وَأَنَا

برادران و شهر و دیار هر ساعت انتظار می‌کشد که آیا به چه نحوی او را می‌کشند و یا به چه‌طور اعضای او را می‌برند و من

فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أُنَاةٍ

در عافیت کامل و دور از تمام اینها بسر برم پس ستایش خاص توست ای پروردگار نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار

لَا يُعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ

بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرار ده مرا از سیاست‌گزاران

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَيِّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى

نعمت‌های و از یادکنندگان عطایا و مراحمت ای خدا و آقای من، چه‌سا بنده‌ای که شب

وَأَصْبَحَ يُقَاسِي الْحَرْبَ، وَمُبَاشِرَةَ الْقِتَالِ بِنَفْسِهِ، قَدْ غَشِيَتْهُ الْأَعْدَاءُ مِنْ

و روزش را در حال جنگ بسر می‌برد و خود را آمادهٔ پیکار کرده دشمنان با شمشیر و نیزه

كُلِّ جَانِبٍ بِالسُّيُوفِ وَالرَّمَاحِ وَآلَةِ الْحَرْبِ، يَتَقَعَّقُ فِي الْحَدِيدِ قَدْ بَلَغَ

و سایر وسایل جنگی از هر سو احاطه‌اش کرده‌اند و او در زیر اسلحه‌های آهنین گم شده

مَجْهُودَهُ، لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَجِدُ مَهْرَبًا، قَدْ أُذِنَفَ بِالْجِرَاحَاتِ، أَوْ

و حدّ اعلاّی کوشش خود را برای نجات می‌کند ولی راه چاره و گریزی ندارد و زخم‌های گران برداشته یا

مُتَشَحِّطًا بِدَمِهِ تَحْتَ السَّنَابِكِ وَالْأَرْجُلِ، يَتَمَنَّى شُرْبَةَ مِنْ مَاءٍ، أَوْ نَظْرَةَ

زیر سم اسبها و پاها در خون خویش غلتیده آرزوی یک شربت آب یا یک نظر

إِلَىٰ أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، وَلَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا، قَدْ شَرَبْتَ الْأَرْضَ مِنْ دَمِهِ، وَآكَلْتَ

به زن و فرزند خود را دارد ولی هیچ یک برایش میسر نیست و زمین خوش را نوشیده و درندگان

السَّبَاعُ وَالطَّيْرُ مِنْ لَحْمِهِ، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ

و پرندگان گوشت بدنش را خورده، ولی من از تمام آنها در عافیت و سلامت بسر برم پس ستایش خاص توست ای پروردگار

مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِآثِمِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَكَمْ

و قرار ده مرا از سیاستگران نعمتهایت و از یادکنندگان عطاها و بخششهایت خدایا و چه بسا

مِنْ عَبْدٍ أَمْسَىٰ وَأَصْبَحَ فِي ظُلُمَاتِ الْبِحَارِ، وَعَوَاصِفِ الرِّيَّاحِ وَالْأَهْوَالِ

بنده‌ای که شب و روز کند در تاریکیهای دریاها و یا تندبادها و هراسها

وَالْأَمْوَاجِ، يَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ وَالْهَلَاكَ، لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ حِيلَةٍ، أَوْ مُبْتَلَىٰ بِصَاعِقَةٍ

و امواج خروشان دریا که انتظار غرق و هلاکت را می‌کشد و راه چاره ندارد یا آن کس که گرفتار شده به صاعقه یا

أَوْ هَذْمٍ أَوْ حَرَقٍ، أَوْ شَرَقٍ أَوْ خَسْفٍ، أَوْ مَسْخٍ أَوْ قَذْفٍ، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ

زیر آوار رفتن یا آتش‌سوزی یا استخوان به گلو گیر کردن یا به زمین فرو رفتن یا مسخ یا در پرتگاهی گیر کرده و من از اینها همه

مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يُعْجَلُ،

آسوده و راحت هستم پس خاص توست ستایش ای پروردگار نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب

صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ

درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سیاستگران نعمتهایت و

لِآثِمِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَىٰ وَأَصْبَحَ مُسَافِرًا

از یادکنندگان عطاها و مرحمت‌هایت خدایا و چه بسا بنده‌ای که شب و روز در مسافرت می‌گذرد

شَاخِصًا عَنْ أَهْلِهِ وَوَطْنِهِ وَوَلَدِهِ، مُتَحَيِّرًا فِي الْمَفَاوِزِ، تَائِبًا مَعَ الْوُحُوشِ

دور از زن و وطن و فرزند حیران در بیابانها در حال سرگردانی با حیوانات وحشی

وَالْبَهَائِمِ وَالْهُوَامِّ، وَحِيدًا فَرِيدًا لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا، أَوْ

و چهارپایا و گزنده تک و تنها زندگی می‌کند نه چاره‌ای به نظرش می‌رسد و نه راه به جایی برد یا

مُتَّاذِيًا بِبَرْدٍ أَوْ حَرٍّ أَوْ جُوعٍ أَوْ عَطَشٍ أَوْ عُرْيٍ، أَوْ غَيْرِهِ مِنَ الشَّدَائِدِ مِمَّا

دچار آزار سرما یا گرما یا گرسنگی یا تشنگی یا برهنگی یا سایر سختیها شده

أَنَا مِنْهُ خَلَوْتُ، فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا

که من از آنها همه آسوده‌ام و در تندرستی و آسایش از آنها هستم پس خاص توست ستایش ای پروردگار نیرومند شکست‌ناپذیر

يُغَلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي

و بردبار بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده

لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَسَيِّدِي، وَكَمْ

از سپاسگزاران نعمت‌هایت و از یاد کنندگان عطایا و مراحمتم ای خدا و ای آقای من و چه بسا

مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فَقِيرًا عَائِلًا، عَارِيًا مُمْلِقًا، مُخْفِقًا مَهْجُورًا، خَائِفًا

بنده‌ای که بسر برد شب و روز خود را در حال فقر و تنگدستی و برهنگی و یأس و هجران دوستان در ترس

جَائِعًا ظَمْئَانًا، يَنْتَظِرُ مَنْ يَعُودُ عَلَيْهِ بِفَضْلٍ، أَوْ عَبْدٍ وَجِيهِ عِنْدَكَ هُوَ

و گرسنگی و تشنگی و چشم براه است تا آیا کسی بر او احسانی کند یا (چه‌بسا) برده و غلام آبرومندی در پیش تو که

أَوْجَهُ مِنِّي عِنْدَكَ، وَأَشَدُّ عِبَادَةً لَكَ، مَعْلُومًا مَقْهُورًا، قَدْ حُمِّلَ ثِقْلًا مِنْ

از من که آزادم آبرومندتر و عبادت و طاعتش به درگاه تو بیشتر است و زیر زنجیر و قدرت ارباب است و بار سنگین بردگی بر دوش دارد

تَعَبِ الْعَنَاءِ، وَشِدَّةِ الْعُبُودِيَّةِ، وَكُلْفَةِ الرَّقِّ، وَثِقَلِ الضَّرْبِيَّةِ، أَوْ مُبْتَلَىٰ بِبَلَاءٍ

چه از رنج و تعب و چه سختی کارهای بردگی و چه مشقت غلام بودن و چه پرداخت وجه سنگین به ارباب خود یا آن شخصی که به بلا

شَدِيدٍ لَا قَبْلَ لَهُ بِهِ إِلَّا بِمَنِّكَ عَلَيْهِ، وَأَنَا الْمَخْدُومُ الْمُنْعَمُ الْمُعَافَىٰ

و سختی دچار گشته و تاب تحمل آنرا ندارد جز اینکه تو در رفع آن بر او کمک کنی ولی مرا هم دیگران خدمت کنند و هم نعمت بخشند و هم تندرست

الْمَكْرَمُ، فِي عَافِيَةٍ مِمَّا هُوَ فِيهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ ذَلِكَ كُلِّهِ، مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا

و گرامی و از آنچه او بدان گرفتار است آسوده‌ام پس ستایش در برابر این همه نعمت خاص توست که نیرومندی هستی شکست‌ناپذیر

يُغَلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي

و بردباری هستی که شتاب نکند درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده

لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي وَ مَوْلَايَ

از شکرگزاران نعمت‌هایت و از یادکنندگان عطایا و مراحمتم ای معبود و آقا و سرور من

وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى، وَأَصْبَحَ شَرِيدًا طَرِيدًا حَيْرَانَ، مُتَحَيِّرًا

چه بسا بنده‌ای که بسر برد شب و روز خود را در حال آوارگی و حیرانی و سرگردانی

جَائِعًا خَائِفًا، خَاسِرًا فِي الصَّحَارِي وَالْبَرَارِي، قَدْ أَحْرَقَهُ الْحَرُّ وَالْبَرْدُ،

و گرسنگی ترسان و زیان رسیده در میان صحراها و بیابانها سرما و گرما او را بیتاب کرده

وَهُوَ فِي ضَرٍّ مِنَ الْعَيْشِ وَضَنْكٍ مِنَ الْحَيَاةِ، وَذَلٌّ مِنَ الْمَقَامِ، يَنْظُرُ إِلَى

و در وضع فلاکت‌بار و زندگی سخت و جای خوار و پستی بسر می‌برد و از روی حسرت

نَفْسِهِ حَسْرَةً، لَا يَقْدِرُ لَهَا عَلَى ضَرٍّ وَلَا نَفْعٍ، وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ

به خود می‌نگرد و قدرت بر سود و زیان خود ندارد و من به واسطه جود و کرم تو از اینها

بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي

همه آسودهام پس معبودی جز تو نیست منزهی تو ای خدای نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار

أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِأَنْعَمِكَ مِنْ

بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سیاست‌گزاران نعمتها

الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلْيَتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَ أَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ

و یادکنندگان عطاهایت و به رحمت خویش بر من رحم کن ای ارحم

الرَّاحِمِينَ [الْهِى وَسَيِّدِي، وَ كَمِ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ عَلِيًّا مَرِيضًا،

الراحمین ای خدا و ای آقای من چه بسا بنده‌ای که بسر برد شب و روز خود را در حال دردمندی و بیماری

سَقِيمًا مُدْنِفًا، عَلَى فُرْشِ الْعِلَّةِ وَفِي لِبَاسِهَا، يَتَقَلَّبُ يَمِينًا وَشِمَالًا، لَا

و ناخوشی که در بستر بیماری و جامه ناخوشی افتاده و از شدت ناراحتی به این پهلو و آن پهلو می‌چرخد

يَعْرِفُ شَيْئًا مِنْ لَذَّةِ الطَّعَامِ، وَلَا مِنْ لَذَّةِ الشَّرَابِ، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً،

و چیزی از لذت نوشیدنی و خوراک نمی‌فهمد و از روی حسرت به خود می‌نگرد

لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَلَا

و قدرتی بر سود و زیان خود ندارد ولی من به واسطه جود و کرم تو از تمام اینها آسودهام پس

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى

معبودی جز تو نیست منزهی تو ای خدای نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَلِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ،

محمد و آل محمد و قرارم ده از زمره پرستش‌کنندگان خود و از جمله سیاست‌گزاران نعمتهایت

و لِأَلْيَتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَ أَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، مَوْلَايَ

و یادکنندگان عطاهایت و به رحمت خود بر من ترجم کن ای مهربانترین مهربانان ای سرور من

وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ، وَقَدْ دَنَا يَوْمَهُ مِنْ حَتْفِهِ، وَأَحْدَقَ

و ای آقای من و چه بسا بنده‌ای که بسر برد شب و روز خود را در حالی که عمرش بسر آمده و فرشته

بِه مَلِكِ الْمَوْتِ فِي أَعْوَانِهِ، يُعَالِجُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَحِيَاضَهُ، تَدْوُرُ عَيْنَاهُ

مرگ با اعوان و یارانش دور بستر او را گرفته و او در سختیهای جان‌کننده و گردابهای مرگ غوطه می‌خورد چشمانش به

يَمِينًا وَشِمَالًا، يَنْظُرُ إِلَى أَحِبَّائِهِ وَ أَوْلِيَّائِهِ وَأَخْلَائِهِ، قَدْ مَنَعَ مِنَ الْكَلَامِ،

راست و چپ می‌گردد نگاه به دوستان و رفقا و یاران صمیمی خود می‌کند و یاری سخن گفتن ندارد

وَ حُجَبَ عَنِ الْخِطَابِ، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً، فَلَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا

و از گفتار بازمانده از روی حسرت به خود می‌نگرد که هیچ بر سود و زیان خود قادر نیست

نَفْعًا، وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ

و من ای خدا به واسطهٔ جود و کرم تو از اینها همه آسودام پس معبودی نیست جز تو منزهی تو

مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغَلَبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

ای نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَثَمِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي

و قرارم ده از سپاسگزاران نعمت‌های و از یادکنندگان عطاها و بخشش‌های و به رحمت خود

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، مَوْلَايَ وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى

بر من ترحم کن ای مهربانترین مهربانان ای سرور و آقای من و چه بسا بنده‌ای که بسر برد شب

وَأَصْبَحَ فِي مَضَائِقِ الْحُبُوسِ وَالسُّجُونِ، وَكُرْبِهَا وَذَلِّهَا وَحَدِيدِهَا،

و روز خود را در تنگنای زندانها و محبسها و در ناراحتیها و خواری و زنجیر آهنین زندان گرفتار است

يَتَدَاوَلُهُ أَعْوَانُهَا وَزَبَانِيَّتُهَا، فَلَا يَدْرِي أَيُّ حَالٍ يَفْعَلُ بِهِ، وَأَيُّ مَثَلَةٍ يُمَثِّلُ

و زندانبانها دژخیمان دست بدست او را برگرداندند و او نمی‌داند به چه سرنوشتی دچار خواهد شد و چه عضوی از او را قطع خواهند کرد

بِهِ، فَهُوَ فِي ضَرٍّ مِنَ الْعَيْشِ، وَضَنْكٍ مِنَ الْحَيَاةِ، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً،

پس آن بیچاره در وضع فلاکت‌بار و زندگی سختی بسر می‌برد از روی حسرت به خود می‌نگرد

لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَلَا

که قادر بر سود و زیان خود نیست و من به واسطهٔ جود و کرم تو از اینها همه آسودام پس

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغَلَبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلَّى عَلَيَّ

معبودی جز تو نیست منزهی تو ای نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَلِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ،

محمد و آل محمد و قرارم ده در زمره پرستش‌کنندگان خود و از شکرگزاران نعمت‌های

و لِأَلْيَتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، سَيِّدِي

و از یادکنندگان عطا‌های و به رحمت خویش بر من ترحم کن ای مهربانترین مهربانان ای آقای من

و مَوْلَايَ، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَاصْبَحَ قَدْ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ، وَأَحْدَقَ

و سرور من و چه بسا بنده‌ای که بسر برد شب و روزش را در حالی که به سرنوشت بدی دچار گشته و گرفتاری از چهار طرف

بِهِ الْبَلَاءُ، وَفَارَقَ أَوْدَاءَهُ وَاجِبَاءَهُ وَأَخْلَانَهُ، وَأَمْسَى أَسِيرًا حَقِيرًا ذَلِيلًا

او را احاطه کرده و از دوستان و یاران و رفقای صمیمی دور گشته و شیش در حال اسارت و کوچکی و ذلت

فِي أَيَدِي الْكُفَّارِ وَالْأَعْدَاءِ، يَتَدَاوَلُونَهُ يَمِينًا وَشِمَالًا، قَدْ حُصِرَ فِي

در دست کفار و دشمنان بسر آید که او را دست بدست به راست و چپ بگردانند و در سیاه چاله‌ها

الْمَطَامِيرِ، وَثَقُلَ بِالْحَدِيدِ، لَا يَرَى شَيْئًا مِنْ ضِيَاءِ الدُّنْيَا وَلَا مِنْ رَوْحِهَا،

زندانی شده و به زنجیر و آهن بسته نه از روشنی دنیا ببیند و نه از نسیم جان بخشش بر او بوزد

يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً، لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَأَنَا خَلَوُ مِنْ ذَلِكَ

از روی حسرت به خویشتن بنگرد و قادر برسود و زیان خویش نباشد و من به واسطه

كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقَدَّرٍ لَا يُغْلَبُ،

جود و کرم تو از اینها همه آسوده‌ام پس معبودی جز تو نیست مزهی تو ای نیرومند شکست‌ناپذیر

وَذِي أَنْأَةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ

و بردبار بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از

الْعَابِدِينَ، وَلِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِأَلْيَتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي

پرستش‌کنندگان و از ساسگزاران نعمت‌های و از یادکنندگان عطا‌های و به رحمت خود به من ترحم کن

بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى

ای مهربانترین مهربانان ای آقای و سرور من و چه بسا بنده‌ای که بسر برد شب

وَاصْبَحَ قَدْ اشْتَقَّ إِلَى الدُّنْيَا لِلرَّغْبَةِ فِيهَا، إِلَى أَنْ خَاطَرَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ

و یا صبح کرده و روی میلی که دنیا دارد مشتاقانه خود و مالش را به خطر انداخته

حَرُصًا مِنْهُ عَلَيْهَا، قَدْ رَكِبَ الْفُلْكَ وَكُسِرَتْ بِهِ، وَهُوَ فِي آفَاقِ الْبِحَارِ

از روی حرصی که بر آن دارد سوار بر کشتی شده و کشتی او شکسته و او در کرانه‌ها

و ظَلَمِهَا، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً، لَا يَقْدِرُ لَهَا عَلَى ضَرٍّ وَلَا نَفْعٍ، وَأَنَا خَلْوٌ

و تاریکیهای دریا از روی حسرت به خود می‌نگرد قدرتی بر سود و زیان خود ندارد و من به

مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا

جود و کرم تو از همه اینها آسودهام پس معبودی جز تو نیست منزهی تو ای نیرومند

يُغَلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لَكَ

شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده

مِنَ الْعَابِدِينَ، وَلِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ،

از پرستش کنندگان و از سیاست‌گزاران نعمت‌های و از یاد کنندگان عطا‌های

وَأَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، مَوْلَايَ وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ

و به رحمتت به من ترجم کن ای مهربانترین مهربانان ای مولای من و آقایم و چه بسا بنده‌ای که

أَمْسَى وَأَصْبَحَ قَدْ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ، وَأَخَذَقَ بِهِ الْبَلَاءُ، وَالْكَفَّارُ

شب و یا صبح کرده و قضا بر او ادامه یافته و بلا و کفار و

وَالْأَعْدَاءُ، وَأَخَذَتْهُ الرِّمَاحُ وَالسُّيُوفُ وَالسَّهَامُ، وَجُدُّلٌ صَرِيحًا، وَقَدْ

دشمنان او را احاطه کرده و نیزه‌ها و شمشیرها و تیرها دوش را گرفته و برو درافتاده

شَرِبَتْ الْأَرْضُ مِنْ دَمِهِ، وَأَكَلَتِ السَّبَاعُ وَالطَّيْرُ مِنْ لَحْمِهِ، وَأَنَا خَلْوٌ مِنْ ذَلِكَ

زمین از خوش رنگین و درندگان و پرندگان گوشتش می‌خورند و من به

كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، لَا بِاسْتِحْقَاقِي مِنِّي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ

جود و کرم تو از آن آسودهام نه این‌که مستحق آن باشم ای که معبودی جز تو نیست منزهی

مُقْتَدِرٍ لَا يُغَلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

ای نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَأَرْحَمَنِي

و قرارم ده از سیاست‌گزاران نعمت‌های و یادکنندگان عطا‌های و به رحمت

بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَعِزَّتِكَ يَا كَرِيمٍ لَا طَلِبْنَ مِمَّا لَدَيْكَ،

به من ترجم کن ای مهربانترین مهربانان سوگند به عزت تو ای بزرگوار که من از آنچه پیش توست می‌خواهم

وَالْأَلْحَنَ عَلَيْكَ، وَالْأَلْجَانَ إِلَيْكَ، وَلَا مَدَنَ يَدِي نَحْوَكَ مَعَ جُرْمِهَا إِلَيْكَ، يَا

و در این باره پافشاری دارم و به تو پناه می‌آورم و دستم را با این‌که گناهکار است به سويت دراز کنم

رَبِّ فَبِمَنْ أَعُوذُ، وَبِمَنْ أَلُوذُ، لَا أَحَدَ لِي إِلَّا أَنْتَ، أَفْتَرُدُّنِي وَأَنْتَ مُعَوَّلِي،

پروردگارا (اگر به درگاه تو نیایم) به که پناه ببرم و به که روآورم کسی را جز تو ندارم آیا تو هم مرا برانی در صورتی که تو تکیه‌گاه منی و

وَعَلَيْكَ مُتَكَلِّي، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَاءِ فَاسْتَقَلَّتْ،

توکلّم بر توست از تو خواهم به حق آن نامت که بر آسمان نهادی و پابرجا شد و

وَعَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَعَلَى الْجِبَالِ فَرَسَتْ، وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ،

بر زمین نهادی و مستقر شد و بر کوهها نهادی استوار شد و بر شب نهادی تاریک شد و بر

وَعَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي

روز نهادی روشن گردید که درود فرستی بر محمد و آل محمد و همه حاجتهای مرا برآوری

جَمِيعَ حَوَائِجِي كُلِّهَا، وَتَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلِّهَا، صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا، وَتَوْسِعَ

و همه گناهانم بیامرزی چه کوچک باشد و چه بزرگ و روزیم را به اندازه‌ای فراخ گردانی

عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ مَا تُبَلِّغُنِي بِهِ شَرَفَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

که به وسیله آن به شرافت دنیا و آخرت برسم ای مهربانترین مهربانان

مَوْلَايَ بِكَ اسْتَعْنْتُ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنِّي، وَبِكَ

ای سرور من به تو یاری جویم پس درود فرست بر محمد و آل محمد و یاریم ده و به تو

اسْتَجَرْتُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْرُنِي، وَأَغْنِنِي بِطَاعَتِكَ

پناه آورده‌ام پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا پناهم ده و مرا به وسیله اطاعت خویش

عَنْ طَاعَةِ عِبَادِكَ، وَبِمَسْأَلَتِكَ عَنْ مَسْأَلَةِ خَلْقِكَ، وَأَنْقِضْنِي مِنْ ذُلِّ الْفَقْرِ

از اطاعت بندگانت بی‌نیاز کن و به وسیله درخواست از خود از درخواست مخلوقات مستغنی ساز و مرا از ذلت نداری و فقر

إِلَى عِزِّ الْعِغْنِي، وَمِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ، فَقَدْ فَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ

بسوی عزت دارایی منتقل کن و از خواری گناهان به شوکت اطاعت ببر زیرا که تو از روی جود و کرم خویش مرا بر بسیاری

مِنْ خَلْقِكَ جُوداً مِنْكَ وَكَرَمًا، لَا بِاسْتِحْقَاقٍ مِنِّي، إِلَهِي، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ

از خلق خویش برتری دادی و این نه به خاطر استحقاق من بود خدایا پس ستایش خاص توست در

ذَلِكَ كُلِّهِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

همه اینها درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سیاستگزاران نعمتهایت

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَيِّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ

و یادکنندگان عطاهایت و به رحمتت به من ترخم کن، ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ * آنگاه به سجده برو و بگو: سَجَدَ وَجْهِي الدَّلِيلُ، لَوْجْهَكَ الْعَزِيزِ

مهربانان * * * * * به خاک افتاد روی خوارم برای روی عزیز

الْجَلِيلِ، سَجَدَ وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي، لَوْجْهَكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي، سَجَدَ وَجْهِي

و بزرگوارت به خاک افتاد روی کهنه و فانی من در برابر روی جاویدان و همیشگی تو به خاک افتاد

الْفَقِيرِ، لَوْجْهَكَ الْغَنِيِّ الْكَبِيرِ، سَجَدَ وَجْهِي، وَ سَمِعِي وَ بَصْرِي، وَ لَحْمِي

روی فقیر من برای روی بی‌نیاز بزرگ تو به خاک افتاد رو و گوش و چشم و گوشت

وَدَمِي، وَ جِلْدِي وَ عَظْمِي، وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ،

و خون و پوست و استخوان و هرچه‌از من که روی زمین است برای خدا پروردگار جهانیان

اللَّهُمَّ عُدْ عَلَيَّ جَهْلِي بِحِلْمِكَ، وَ عَلَيَّ فَقْرِي بِغِنَاكَ، وَ عَلَيَّ ذَلِي بِعِزِّكَ وَ

خدایا بر نادانی من به بردباری خویش بازگرد و بر نیازمندیم به بی‌نیازیت و بر خواریم به عزت و

سُلْطَانِكَ، وَ عَلَيَّ ضَعْفِي بِقُوَّتِكَ، وَ عَلَيَّ خَوْفِي بِأَمْنِكَ، وَ عَلَيَّ ذُنُوبِي

سلطنتت و بر ناتوانیم به توانایت و بر ترسم به امان بخشیت و بر گناهان

وَ خَطَايَايَ بِعَفْوِكَ وَ رَحْمَتِكَ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي

و خطاهایم به عفو و رحمتت ای بخشاینده ای مهربان خدایا من

نَحْرٍ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ (به جای فُلَانِ بِنِ فُلَانِ، نام دشمن را بگوید)، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ،

دفع فُلَانِ پسر فُلَانِ دشمنم را از تو خواهم * * * * * و از شر او به تو پناه برم

فَاكْفِنِيهِ بِمَا كَفَيْتَ بِهِ أَنْبِيَائَكَ وَ أَوْلِيَائَكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ صَالِحِي عِبَادِكَ مِنْ

پس شرش را از من دور کن هرطور که از پیامبران و اولیای خود از خلقت و بندگان شایسته‌ات

فَرَاعِنَةِ خَلْقِكَ، وَ طُعَاةِ عُدَاتِكَ، وَ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

شر یاعین و سرکشان را دور کردی و پناه برم به تو از شر همه خلقت به رحمتت ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.

مهربانان که تو بر هر چیز توانایی و بس است ما را خدا و نیکو وکیلی خواهد بود.

دعای توسل به چهارده معصوم علیهم‌السلام:

مقصود از «توسل» در این جا، وسیله قرار دادن انسانهای شایسته و صالح، در پیشگاه خدا و طلب چیزی از خدا به خاطر آنان است که مورد سفارش قرآن و روایات اسلامی قرار گرفته است (بخشنده)

نعمتها خداست و آن بزرگواران در پیشگاه او شفاعت می‌کنند). قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پرهیزکاری پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمایید.^۱ البته وسیله تقرب به خدا، امور گوناگونی است - همان گونه که در روایات تصریح شده است - که از جمله آنها، شفاعت پیامبران و امامان و بندگان صالح نزد خداوند می‌باشد. قرآن کریم به طور روشن به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌گوید: «اگر گنه‌کاران به محضرت آیند و از خدا طلب آمرزش نمایند و تو نیز برای آنها طلب عفو کنی، مشمول رحمت و عفو خدا خواهند شد». ^۲ در روایات فراوانی از طریق شیعه و سنی، مسأله توسل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام مطرح شده و مورد سفارش قرار گرفته است و آنها که منکر توسل هستند به خاطر کمی اطلاعات و یا بی‌اطلاعی آنها از آیات قرآن و روایات اسلامی است. ^۳ مرحوم «علامه مجلسی» فرموده است که در برخی از کتابهای معتبر آمده است که جناب «شیخ صدوق» این دعای توسل را از ائمه علیهم السلام روایت کرده و گفته است: «این دعا را برای هر حاجتی که خواندم به زودی به اجابت رسید». ^۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

خدايا از تو می‌خواهم و بسویت رو کنم بوسیله پیامبرت پیامبر رحمت محمد صلی‌الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا،

علیه و آله ای ابالقاسم ای رسول خدا ای پیشوای رحمت ای آقای ما و سرور ما

إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ

ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی

حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا

حاجتهای خویش قرار دادیم ای ابرومند در نزد خدا برای ما نزد خدا شفاعت کن ای ابالحسن ای

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَ

امیرمؤمنان ای علی بن ابیطالب ای حجت خدا بر خلق ای آقای ما

۱. سوره مائده، آیه ۳۵. ۲. سوره نساء، آیه ۶۴.

۳. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، به تفسیر نمونه، جلد ۴، صفحه ۳۶۳ به بعد (ذیل آیه ۳۵ سوره مائده) و جلد ۱۲ صفحه ۱۶۶ و دیگر

کتاب مراجعه شود. ۴. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۴۷.

مَوْلِينَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ

و سرور ما، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی

حاجاتنا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللّٰهِ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ، يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءُ يَا بِنْتَ

حاجتهای خویش قرار دادیم ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا ای فاطمه زهرا ای دختر

مُحَمَّدٍ، يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ، يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَاتِنَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا

محمد ای نور چشم پیغمبر ای بانوی ما و سرور ما ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم

وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللّٰهِ،

و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم ای آبرومند پیش خدا

اِسْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ، يَا اَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الْمُجْتَبَىٰ يَا بِنَ

شفاعت کن برای ما نزد خدا ای ابا محمد ای حسن بن علی ای برگزیده ای فرزند

رَسُولِ اللّٰهِ، يَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلِينَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا

رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای آقای ما و سرور ما، ما رو آوردیم

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا

و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خود قرار دادیم ای آبرومند

عِنْدَ اللّٰهِ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ، يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ يَا

نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش خدا ای ابا عبدالله ای حسین بن علی ای شهید (راه حق) ای

بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، يَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلِينَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا

فرزند رسول خدا ای حجت بر خلق ای آقا و سرور ما، ما رو آوردیم

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا

و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خود قرار دادیم ای آبرومند

عِنْدَ اللّٰهِ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ، يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، يَا زَيْنَ

نزد خدا برای ما پیش خدا شفاعت کن ای ابا الحسن ای علی بن الحسین ای زبور

الْعَابِدِينَ يَا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، يَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلِينَا، اِنَّا

پرستش کنندگان ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای آقا و سرور ما، ما

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا،

رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خود قرار دادیم

يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، اَيُّهَا

ای ابرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش خدا ای اباجعفر ای محمد بن علی ای

الْبَاقِرُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا

شکافنده علوم ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای آقا و سرور ما، ما

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا،

رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم

يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، اَيُّهَا

ای ابرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش خدا ای اباعبدالله ای جعفر بن محمد ای (امام)

الصَّادِقُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا

صادق ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای آقای ما و سرور ما، ما

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا،

رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم

يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ،

ای ابرومند پیش خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا ای ابا الحسن ای موسی بن جعفر

اَيُّهَا الْكَاطِمُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا،

ای کاظم ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای آقای ما و سرور ما،

اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ

ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را پیش روی

حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ

حاجتهای خویش قرار دادیم ای ابرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش خدا ای ابالحسن ای علی بن

مُوسَى، اَيُّهَا الرَّضَا يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا

موسی ای (حضرت) رضا ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای آقا

وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ

و سرور ما، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله توبه درگاه خدا و تو را پیش روی

حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ

حاجتهای خویش قرار دادیم ای ابرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش خدا ای اباجعفر ای محمد بن

عَلِيٍّ، أَيُّهَا النَّقِيُّ الْجَوَادُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ، يَا

علی ای حضرت تقی جواد ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای

سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ

آقا و سرور ما ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را

بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا

پیش روی حاجت‌های خویش قرار دادیم ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا ای ابا الحسن ای

عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، أَيُّهَا الْهَادِي النَّقِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ

علی بن محمد ای حضرت هادی تقی ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر

خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ،

خلق ای آقای ما و سرور ما، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا

و تو را پیش روی حاجت‌های خویش قرار دادیم ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا ای ابا

مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ

محمد ای حسن بن علی ای زکی عسکری ای فرزند رسول خدا ای حجت

اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

خدا بر خلق ای آقای ما و سرور ما ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو

إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ

بدرگاه خدا و تو را پیش روی حاجت‌های خویش قرار دادیم ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما نزد

اللَّهِ، يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلْفَ الْحُجَّةَ، أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ، يَا بْنَ

خدا ای وصی امام حسن عسکری و یادگار شایسته و حجت ای امام قائم منتظر مهدی ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا

رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای آقا و سرور ما ما رو آوردیم

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا

و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را پیش روی حاجت‌های خویش قرار دادیم ای آبرومند

عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ * سپس حاجت خود را بخواهد که ان شاء الله تعالی برآورده می‌شود.

نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش خدا * * * * *

در روایت دیگری^۱ آمده است که بعد از این بگوید:

يَا سَادَتِي وَ مَوَالِيَّ، اِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ اِمَّتِي وَ عُدَّتِي لِيَوْمِ فَقْرِي وَ

ای آقایان من و سرورانم من رو آوردم بوسیله شما پیشوایان و ذخیرگانم در روز نداری و

حَاجَتِي اِلَى اللّٰهِ، وَ تَوَسَّلْتُ بِكُمْ اِلَى اللّٰهِ، وَ اسْتَشَفَعْتُ بِكُمْ اِلَى اللّٰهِ،

نیازمندی بدرگاه خدا و توسل جستم بوسیله شما به درگاه خدا و شفاعتجویی کردم بوسیله شما به درگاه خدا

فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اللّٰهِ، وَ اسْتَنْقِذُونِي مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اللّٰهِ، فَاِنَّكُمْ وَ سَيِّئَتِي اِلَى

پس شفاعت کنید برای من در پیشگاه خدا و از او بخواهید مرا از گناهانم نجات دهد زیرا شماید وسیله من به درگاه

اللّٰهِ، وَ بِحُبِّكُمْ وَ بِقُرْبِكُمْ اَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللّٰهِ، فَكُونُوا عِنْدَ اللّٰهِ رَجَائِي، يَا

خدا و بوسیله دوستی و قرب به شما امیدنجات از خدا دارم پس شما هم مایه امید من به درگاه خدا باشید ای

سَادَتِي يَا اَوْلِيَاءَ اللّٰهِ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ اَعْدَاءَ اللّٰهِ

آقایان من ای اولیای خدا درود خدا بر همگی ایشان و خدا ستمکنندگان به ایشان را که دشمنان خدا هستند

ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ الْاٰخِرِينَ، اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

از رحمت خویش دور کند چه آنها که گذشته‌اند و چه آنها که پس از این آیند آمین رب العالمین.

دعای مکارم الاخلاق:

این دعا همان گونه که از نامش پیداست، درخواستی است از خداوند، برای رفع صفات ناپسند و مذموم و کسب فضایل اخلاقی و حرکت در راه و روشی که مورد رضایت خداوند است. امام سجّاد علیه السلام با زبان دعا، بسیاری از ذرایل اخلاقی و گناهان را برمی شمرد تا از آنها اجتناب شود و فهرستی از فضایل اخلاقی را نیز بازگو می کند و آراستگی بدان صفات را از خداوند می طلبد تا مؤمنان برای کسب این صفات، به او اقتدا کنند. این دعا در «صحیفه سجّادیه» که از کتب گرانبهاست (دعای بیستم) آمده است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بِاِيْمَانِي اَكْمَلَ الْاِيْمَانِ، وَاجْعَلْ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برسان ایمان مرا به کاملترین درجات ایمان و بگردان

يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ، وَأَنْتَ بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النِّيَّاتِ، وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ

یقینم را بهترین یقینها و نیتم را به بهترین نیتها منتهی گردان و علمم را به بهترین

الأَعْمَالِ، اللَّهُمَّ وَفَرِّ بِلُطْفِكَ نَيْتِي، وَصَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي، وَاسْتَصْلِحْ

اعمال خدایا شایان کن به لطف و کرمت نیتم را و درست کن بوسیله آنچه در پیش توست یقینم را و اصلاح کن

بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي

به نیروی خودت مفساد کار مرا خدایا درود فرست بر محمد و آلش و کفایت کن از من آنچه را اهتمام بدان

الْأَهْتِمَامُ بِهِ، وَاسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَسْأَلُنِي غَدًا عَنْهُ، وَأَسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيَمَا

مرا بخود مشغول کرده و بگمارم بدانچه فردای قیامت مرا بدان بازخواست کنی و روزهایم را تنها برای آنچه بخاطر آن

خَلَقْتَنِي لَهُ، وَأَغْنِنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ، وَلَا تَفْتِنَنِي بِالنَّظَرِ، وَأَعِزَّنِي

خلقم کرده‌ای فارغ ساز و بی‌نیازم کن و وسیع گردان بر من روزیت را و مرا در فتنه نگاه (اندیشه‌های بیهوده) مینداز و عزیزم گردان

وَلَا تُبْتَلِنِي بِالْكِبْرِ، وَعَبِّدْنِي لَكَ، وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ، وَأَجِرْ

و به بزرگمنشی مبتلایم مکن و به عبادتت وادارم کن و تباه مکن عبادتم را به خودبینی و بدست من

لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيَّ الْخَيْرِ، وَلَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنِّ، وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ،

کار خیر مردم را اجرا کن ولی با منت گذاری من از بیش نبری و برسانم به پایه‌های بلند اخلاق

وَأَعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَرْفَعْنِي فِي

و نگاهم دار از فخر کردن و به خود بالیدن خدایا درود فرست بر محمد و آلش و بالا مبر مرا در میان

النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا، وَلَا تُحَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا

مردم به درجه‌ای جز آن‌که پایینم آری در پیش خودم به همان مقدار و بیش نیاور برای من عزتی در ظاهر

إِلَّا أَحَدَّثْتَ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقُدْرَتِهَا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

جز آن‌که پیش‌آوری برابرم خواری در باطن در پیش خودم به همان اندازه خدایا درود فرست بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَمَتَّعْنِي بِهَدْيٍ صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ، وَطَرِيقَةٍ حَقِّ لَا أَرْبِعُ

و آل محمد و بهره‌مند ساز مرا به هدایت شایسته‌ای که چیزی را با آن تبدیل نکنم و راه حقی که منحرف نشوم

عَنْهَا، وَنِيَّةٍ رُشِدٍ لَا أَشْكُ فِيهَا، وَعَمْرُنِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ،

از آن و نیت درستی که شک نکنم در آن و عمرم بده تا وقتی که عمرم در راه طاعت تو صرف گردد

فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ، فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتِكَ

و هرگاه (دیدم) عمر من چراگاه شیطان شد جانم را بگیر پیش از آن‌که خشم تو بر من سبقت

إِلَى، أَوْ يَسْتَحْكِمَ غَضَبَكَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ لَا تَدَعُ خَصْلَةَ تُعَابٍ مِنِّي إِلَّا

چوید یا غضبت درباره من محقق گردد خدایا وامگذار برای من خصلتی را که مورد نکوهش باشد جز آنکه

أَصْلَحْتُهَا، وَلَا عَائِبَةً أَوْ نَبِيهَا إِلَّا حَسَنَتَهَا، وَلَا أَكْرُومَةً فِي نَاقِصَةٍ إِلَّا

اصلاحش کنی و نه عیبی که مایه سرزنش باشد جز آنکه نیکویش گردانی و نه کرامتی که در من ناقص باشد جز آنکه

أَتَمَّمْتُهَا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ

کاملش گردانی خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و مبدل کن برای من کینه

الْشَّنَانِ الْمَحَبَّةَ، وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ، وَمِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ

کینه توزان را به محبت و حسد ستمکاران را بدوستی و بدگمانی مردمان شایسته را

الثَّقَّةَ، وَمِنْ عَدَاوَةِ الْأَدْنِيِّينَ الْوِلَايَةَ، وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبَرَّةَ،

به اطمینان و وثوق و دشمنی نزدیکانم را بدوستی و نافرمانی و مخالفت خویشاوندان را به نیکی کردن و احسان

وَمِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النَّصْرَةَ، وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِينَ تَصْحِيحَ الْمِقَّةِ، وَمِنْ

و خوار کردن نزدیکان مرا به یاری دادن و دوستی ظاهری مدارا کنندگان را به دوستی حقیقی و دور ساختن

رَدِّ الْمَلَابِسِينَ كَرَمَ الْعِشْرَةِ، وَمِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمْنَةِ،

آمیزش کنندگان مرا به خوش رفتاری و تلخی ترس مرا از ستمکاران به شیرینی امنیت مبدل فرما

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَلِسَانًا

خدایا درود فرست بر محمد و آلش و قرار ده برآیم دست نیرومندی بر هر که به من ستم کند و زبان گویایی

عَلَى مَنْ خَاصَمَنِي، وَظَفْرًا بِمَنْ عَانَدَنِي، وَهَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِي،

بر هر که با من ستیزی کند و پیروزی به هر کس که با من دشمنی کند و حیلای در مقابل حیلہکنندگانم به من بده

وَقُدْرَةً عَلَى مَنْ اضْطَهَدَنِي، وَتَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي، وَسَلَامَةً مِمَّنْ

و نیرویی بر کسی که در تنگنایم گذارد و تکذیب گفتار هر که بدگویم کند و تندرستی از شر کسی که

تَوَعَّدَنِي، وَوَفْقَنِي لِطَاعَةِ مَنْ سَدَّدَنِي، وَمُتَابَعَةِ مَنْ أَرْشَدَنِي، اللَّهُمَّ

مرا تهدید کند و موقعم بدار برای فرمانبرداری کسی که کمکم کند و پیروی کسی که به راه راستم وادارد خدایا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَسَدِّدْنِي لِأَنَّ أَعَارِضَ مَنْ غَشَّنِي بِالنُّصْحِ،

درود فرست بر محمد و آلش و پابرجایم کن تا پاسخ دهم خیانت کسی را که به من خیانت کرده به خیرخواهی

وَأَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ، وَأَثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَذْلِ، وَأُكَافِي مَنْ

و پاداش دهم کسی که ترک مرا کرده به نیکی و عوض دهم کسی که محرومم کرده به بخشش و مکافات کنم هر که

قَطَعَنِي بِالصَّلَاةِ، وَأَخَالَفَ مَنْ أَعْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَأَنْ أَشْكُرَ

پیوندش را از من بریده به پیوستن و مخالفت کنم با هر که پشت سرم بدگوید به این‌که بخوبی یادش کنم و سپاسگزاری کنم

الْحَسَنَةَ، وَأَغْضَى عَنِ السَّيِّئَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَلْنِي

از نیکی و احسان و چشم‌پوشی کنم از بدی دیگران خدایا درود فرست بر محمد و آلش و بیاریم

بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَالْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكَظْمِ الْغَيْظِ،

به زیور شایستگان و در برم کن زینت پرهیزکاران را در عدالت گستری و فرو بردن خشم

وَإِطْفَاءِ النَّارِ، وَضَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَإِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ،

و خاموش کردن آتش (فتنه و آشوب) و گردآوردن مردم پراکنده و اصلاح میان مردم و آشکار ساختن کارهای خوب

وَسْتِرِ الْعَائِبَةِ، وَلِينِ الْعَرِيكَةِ، وَخَفْضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السَّيْرِ،

و پوشاندن عیوب و نرم خوئی و فروتنی و خوشرفتاری

وَسُكُونِ الرِّيحِ، وَطِيبِ الْمُخَالَقَةِ، وَالسَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَإِثَارِ التَّفَضُّلِ،

و نداشتن باد و نخوت و خوش خلقی و سبقت گرفتن بسوی فضیلت و از خودگذشتگی در احسان و بخشش

وَتَرْكِ التَّعْيِيرِ، وَالْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ، وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ،

و ترک کردن سرزنش مردم و بخشش بر غیر مستحق و سخن کردن بحق و راستی و اگر چه گران و سخت باشد

وَأَسْتِقْلَالَ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي، وَ أَسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَإِنْ قَلَّ

و کم شمردن کار خیرم را اگر چه گفتار و کردارم زیاد باشد و زیاد شمردن کار شر را از

مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي، وَ أَكْمَلُ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَ لَزُومِ الْجَمَاعَةِ،

گفتار و کردارم اگرچه کم باشد و کامل کن اینها را برابم بوسیله طاعت همیشگی و ملازمت با جماعت (اهل حق)

وَرَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و واگذارند بدعت‌گزاران و آنان که رأی ساختگی خود را بکار بندند خدایا درود فرست بر محمد

وَآلِهِ، وَاجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ، وَأَقْوَى قُوَّتِكَ فِيَّ إِذَا نَصَبْتُ،

و آل محمد و مقرر دار فراخترین روزیت را بر من آنگاه که پیر شوم و نیرومندترین نیرویت را در من هنگامی که از کار افتاده و وامانده شدم

وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا الْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ، وَلَا بِالْتَّعَرُّضِ

و گرفتارم مکن به بیحالی در عبادتت و نه به کوری و گمراهی از راهت و نه بدست زدن آنچه

لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ، وَلَا مُجَامَعَةٍ مِنْ تَفَرُّقِ عَنكَ، وَلَا مُفَارَقَةٍ مِنْ اجْتِمَاعِ

مخالف دوستی توست و نه به همراه شدن با کسی که از تو جدا شده و نه جدا شدن از آن کس که با تو

إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَصُولَ بَيْتِكَ عِنْدَ الضَّرْوَرَةِ، وَأَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ،

همراه گشته خدایا چنانم کن که در هنگام بیچارگی و گرفتاری به تو رو کنم و در هنگام حاجتمندی از تو درخواست کنم

وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ عِنْدَ الْمَسْكِنَةِ، وَلَا تَفْتِنِّي بِالْإِسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا

و در هنگام نداری بدرگاه تو زاری کنم و دچارم مکن به کمک خواهی از غیر خودت در هنگام

أَضْطَرَرْتُ، وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ، وَلَا بِالْتَضَرُّعِ إِلَى

ناچاری و نه به خضوع و کرنش برای درخواست غیر تو گاهی که نیازمند گشتم و نه به زاری کردن بدرگاه

مَنْ دُونَكَ إِذَا رَهَبْتُ، فَاسْتَحِقَّ بِذَلِكَ خِذْلَانَكَ، وَمَنْعَكَ وَإِعْرَاضَكَ،

دیگری جز تو هنگام هراسم که در نتیجه سزاوار خذلان و خواری تو گردم و مستحق منع لطف و اعراض تو شوم

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّي

ای مهربانترین مهربانان خدایا چنان کن که آنچه را شیطان در دلم و خاطرم اندازد از آرزو

وَالْتَّظَنِّي وَالْحَسَدِ، ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَتَفَكَّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَتَدْبِيرًا عَلَيَّ

و بدگمانی و حسد همه مبدل به تذکر عظمت تو و تفکر در قدرت تو و تدبیری برای از بین بردن

عَدْوِكَ، وَمَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هَجْرٍ، أَوْ شَتْمٍ عَرَضِي،

دشمنت گردد و آنچه را بر زبانت جاری سازد از تلفظ به فحش یا هرزه‌گویی یا بی‌عرضی

أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ، أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ، أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ، وَمَا أَشَبَهَ ذَلِكَ

یا شهادت ناحق یا غیبت مؤمنی که غایب است یا دشمنان به مؤمنی که حاضر است و امثال اینها را

نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَإِعْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ،

همه را مبدل کن به ذکر حمد و ستایش خودت و ثناگویت به حد اغراق و ورود در تمجیدت

وَشُكْرًا لِنِعْمَتِكَ، وَاعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ، وَإِحْضَاءً لِمِنْكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و سپاسگزاری نعمت و اعتراف به احسان و لطف و شماره کردن بخششهای خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي، وَلَا أَظْلِمَنَّ وَأَنْتَ

محمد و آتش و چنان کن که من مورد ستم واقع نشوم با اینکه تو قادر بر دفع آن هستی و مورد ستم واقع نشوم با اینکه تو

الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي، وَلَا أَضِلَّنَّ وَقَدْ أَمَكَّنْتَنِي هِدَايَتِي، وَلَا أَفْتَقِرَنَّ

قادری که آن را از سر من بگیری و گمراه نشوم با اینکه به هدایت کردنم امکان داری و نیازمند نشوم

وَمِنْ عِنْدِكَ وَسُعِي، وَلَا أَطْغِينَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وَجُدِّي، اللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِكَ

با اینکه وسعت روزیم از نزد توست و طغیان نکنم با اینکه هستی (یا نشاط) از جانب توست خدایا بسوی آمرزش تو

وَفَدْتُ، وَالِي عَفْوِكَ قَصَدْتُ، وَالِي تَجَاوُزِكَ اَشْتَقْتُ، وَبِفَضْلِكَ وَثِقْتُ،

وارد گشتم و به جانب گذشت تو اهنگ کردم و بسوی چشم پوشی تو بار شوق خود را بستم و به فضل و کرم تو اعتماد کردم

وَلَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ، وَلَا فِي عَمَلِي مَا اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ،

و چیزی که موجب آمرزش تو باشد در نزد من نیست و نه در کردارم چیزی است که مستحق عفو تو گردم

وَمَا لِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتَ عَلَيَّ نَفْسِي إِلَّا فَضْلُكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ

و چیزی برای من نمانده پس از این‌که خود را محکوم کردم جز فضل تو پس درود فرست بر محمد و آلش و

تَفَضَّلْ عَلَيَّ، اَللّٰهُمَّ وَاَنْطِقْنِي بِالْهُدَى، وَاَلْهِنِّي التَّقْوَى، وَوَقِّفْنِي لِلتَّيِّبِ

بر من تفضل فرما خدایا و به هدایت و راهنمایی گویایم کن و تقوا و پرهیزکاری را به من الهام کن و موقم دار به روش و کرداری که

هِيَ اَزْ كِي، وَاَسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ اَرْضَى، اَللّٰهُمَّ اسْلِكْ بِي الطَّرِيقَةَ الْمَثْلَى،

بایزتر است و بگمارم بدانچه بیشتر مورد خشنودی توست خدایا مرا به نیکوترین راه وادار

وَاجْعَلْنِي عَلَيَّ مِلَّتِكَ اَمُوتُ وَاَحْيَى، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ

و چنان کن که بر آیین تو بمیرم و بر آن زنده شوم خدایا درود فرست بر محمد و آلش و

مَتَّعْنِي بِالْاِقْتِصَادِ، وَاَجْعَلْنِي مِنْ اَهْلِ السَّدَادِ، وَ مِنْ اَدِلَّةِ الرَّشَادِ، وَ مِنْ

بهرهمندم کن به میانه روی و قارم ده از محکم کاران و از راهنمایان به راه راست و صواب و از

صَالِحِي الْعِبَادِ، وَاَرْزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ، وَ سَلَامَةَ الْمِرْصَادِ، اَللّٰهُمَّ خُذْ

بندگان شایسته‌ها و روزیم کن رستگاری در روز قیامت و به سلامت گذشتن از کمینگاه آن روز را خدایا بگیر

لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخَلِّصُهَا، وَاَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصْلِحُهَا، فَاِنَّ

برای خود از نفس من آنچه را که موجب نجات و خلاصی او گردد و به جای گذار برای خودم از نفسم زیرا که

نَفْسِي هَالِكَةٌ اَوْ تَعْصِمُهَا، اَللّٰهُمَّ اَنْتَ عُدَّتِي اِنْ حَزِنْتُ، وَاَنْتَ مُنْتَجَعِي اِنْ

نفس من بخودی خود هلاک شونده است مگر آن‌که تو نگاهش داری خدایا تویی ذخیرام هنگام حزن و اندوه و تویی جایگاه نعمت و توشه من

حُرِمْتُ، وَبِكَ اسْتِغَاثَتِي اِنْ كَرِهْتُ، وَعِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفٌ، وَلَمَّا فَسَدَ

محروم گردم و به تو استغاثه کنم هرگاه که به اندوه سختی دچار گردم و پیش تو است عوض هر چه از دست برود و اصلاح آنچه

صَلَّاحٌ، وَفِيمَا اَنْكَرْتَ تَغْيِيرٌ، فَاْمُنْ عَلَيَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ بِالْعَافِيَةِ، وَقَبْلَ

تباه گردد و تغییر دادن هر چه را که بد دانستی پس منت گذار بر من بدانند تندرستی پیش از رسیدن بلا و به توانگری

الطَّلَبِ بِالْجِدَّةِ، وَقَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ، وَاكْفِنِي مَوْنَةَ مَعْرَةِ الْعِبَادِ، وَهَبْ

پیش از درخواست و به راهنمایی قبل از گمراهی و کفایت کن از من رنج آزار رساندن بندگان را و امنیت

لِي أَمِنْ يَوْمَ الْمَعَادِ، وَأَمْنِحْنِي حُسْنَ الْإِرْشَادِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

روز معاد را به من ببخشی و عطا کن به من راهنمایی کردن نیکویت را خدایا درود فرست بر محمد

وَالِهٖ، وَادْرَأْ عَنِّي بِلُطْفِكَ، وَاغْذِنِي بِنِعْمَتِكَ، وَأَصْلِحْ لِي بِكَرَمِكَ، وَدَاوِنِي

و آلتش و دفاع کن از من به لطف خود و غذایم ده به نعمت و اصلاحم کن به بزرگواریت و درمانم کن

بِصُنْعِكَ، وَأَخِطِّنِي فِي ذَرَاكَ، وَجَلِّئْنِي رِضَاكَ، وَوَقِّفْنِي إِذَا اشْتَكَلَتْ عَلَيَّ

به تربیت و پرورش خود و در سایه حمایت و لطف خود قرارم ده و خلعت خشنودیت را در برم کن و موقفم بدار گاهی که کارها

الْأُمُورُ لِأَهْدَاهَا، وَإِذَا تَشَابَهَتْ الْأَعْمَالُ لِأَرْكَاهَا، وَإِذَا تَنَاقَضَتْ الْمَلَلُ

بر من مشکل شود به درست‌ترین آنها و هنگامی که کردارها به هم مشتبه گردد به پاکیزه‌ترین آنها و چون به اختلاف و نزاع برخیزند ملتها

لِأَرْضَاهَا، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهٖ، وَتَوَجَّجْنِي بِالْكَفَايَةِ، وَ سُمِّنِي

به پسندیده‌ترین آنها خدایا درود فرست بر محمد و آلتش و تاج کفایت را بر سرم بگذار و زیبا کن

حُسْنَ الْوِلَايَةِ، وَهَبْ لِي صِدْقَ الْهِدَايَةِ، وَلَا تَفْتِنِّي بِالسَّعَةِ، وَأَمْنِحْنِي

رخسارم را به خوش دوستی و ببخش به من درستی در هدایت را و آزمایشم مکن به وسعت (روزی) و زندگی خوش

حُسْنَ الدَّعَةِ، وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًا كَدًا، وَلَا تَرُدَّ دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا، فَإِنِّي

به من عطا فرما و مگردان زندگیم را سختی روی سختی و دعایم را ردّ مکن بر من زیرا

لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا، وَلَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهٖ،

شریک و ضدّی برای تو قرار ندام و همتا و رقیبی برایت نگرفتم خدایا درود فرست بر محمد و آلتش

وَأَمْنِعْنِي مِنَ السَّرْفِ، وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ، وَوَفِّرْ لِي مَلَكَتِي بِالْبَرَكَاتِ

و جلوگیری مکن از اسراف کاری و نگهدار رزقیم را از تلف شدن و شایان کن مایملک (و داراییم) را به برکت

فِيهِ، وَأَصِْبْ بِي سَبِيلَ الْهِدَايَةِ لِئَلْبُرَّ فِيهَا أَنْفِقُ مِنْهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

و راهنمایی کن مرا به راه درست نیکی در آنچه از داراییم خرج می‌کنم خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهٖ، وَاكْفِنِي مَوْنَةَ الْاِكْتِسَابِ، وَارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ احْتِسَابٍ، فَلَا

محمد و آلتش و کفایت کن از من رنج کسب کردن (و تلاش برای یافتن روزی) را و رزقیم ده بی‌حساب تا

أَشْتَغَلَ عَنِ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَلَا أَحْتَمِلْ إِصْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ، اَللّٰهُمَّ

در نتیجه سرگرم نشوم از انجام عبادتت به طلب روزی و بدوش نکشم و زر و مال مسئولیتهای کسب و کار را خدایا

فَاطْلُبْنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ، وَاجِرْنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا أَرْهَبُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عطا کن به من با نیروی خود آنچه را می‌جویم و پناهم ده به عزتت از آنچه می‌ترسم خدایا درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَلَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ،

بر محمد و آلش و حفظ کن آبرویم را به فراخی مال و داری و بی‌اعتبار مکن جاه و شخصیتم را به تنگدستی و نداری

فَأَسْتَرْزِقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَأَسْتَعْطَى شِرَارَ خَلْقِكَ، فَأَقْتِنَنَّ بِحَمْدِ مَنْ

که در نتیجه از روزی خورانت روزی خواهم و از اشرار خلقت خواستار عطا گردم و بدین سبب گرفتار شوم به ستایش کسی که

أَعْطَانِي، وَأُبْتَلِي بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي، وَأَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُّ الْأَعْطَاءِ وَالْمَنْعِ،

چیزی به من عطا کرده و مبتلا گردم به بدگویی کسی که از من دریغ داشته در صورتی که سرپرست بخشش و دریغ در حقیقت تویی نه آنها

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَرْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ، وَفَرَاغًا فِي

خدایا درود فرست بر محمد و آلش و روزیم کن صحت و سلامتی در حال انجام عبادت و فراغت و آسایش

زَهَادَةٍ، وَعِلْمًا فِي اسْتِعْمَالِ، وَوَرَعًا فِي إِجْمَالِ، اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِكَ

در عین زهدورزی و علم با عمل و ورع و پارسایی در عین این‌که کار دنیا کنم خدایا عزمم را با گذشت خودت

أَجَلِي، وَحَقِّقْ فِي رَجَاءِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي، وَسَهِّلْ لِي بُلُوغَ رِضَاكَ سُبُلِي،

به پایان رسان و آرزویی که در امیدواری به رحمت دارم تحقق بخش و هموار کن راههایم را برای رسیدن به خشنودیت

وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَنَبِّهْنِي

و نیکوگردان در جمیع حالات کردارم را خدایا درود فرست بر محمد و آلش و آگاهم کن

لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهْلَةِ، وَأَنْهَجْ

به ذکر خودت در اوقات غفلت و بی‌خبری و بگمارم به کار فرمانبرداری خودت در روزهای مهلت (و دوران عمر) و باز کن

لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ

برای من بسوی محبت و دوستیت راه همواری که کامل کنی بوسیله آن برای من خیر دنیا و آخرت را خدایا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ،

درود فرست بر محمد و آلش همانند بهترین درودی که فرستادی بر یکی از مخلوقات پیش از آن حضرت

وَأَنْتَ مُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً،

و یا پس از او بر یکی از آفریدگانت بفرستی و بده به ما در دنیا خوبی و خوشی و در آخرت نیز خوبی

وَاقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

و نگاهم دار به رحمتت از عذاب دوزخ.

دعای ندبه^۱:

توجه به حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و دعا برای وجود شریفش، ابراز عشق و علاقه به محضرش و دعا برای تعجیل ظهورش همه و همه نشانه یک شیعه واقعی است؛ ولی بی تردید، آن کس که برای ظهور مصلح جهانی دعا می‌کند، برای اصلاح خویش و جامعه خود می‌کوشد و آن کس که در انتظار منجی بشریت و امام بر حق به سر می‌برد، خود نیز همچون سربازی فداکار و گوش به فرمان، برای جانبازی در راه اسلام و نجات ستمدیدگان، تلاش می‌کند. دعای ندبه نجوای عاشقانه‌ای است برای دلدادگان و رمزی است برای هر شیعه منتظر، تا با زمزمه آن و توجه به محتوایش، هم برای وجود نازنین امام زمان دعا کند، هم عشق و ارادت خویش را به آن حضرت نشان دهد و هم راز و رمز سربازی را به درستی بیاموزد و هم با یک دوره فشرده از تاریخ پیامبران و دلایل ولایت امیر مؤمنان علیه السلام آشنا شود. مستحب است دعای ندبه در اعیاد چهارگانه: جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر خوانده شود.^۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ، وَسَلَّم

ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است و درود خدا بر آقای ما محمد پیامبرش و بر آل او و سلام

تَسْلِيمًا، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰى مَا جَرٰى بِهٖ قَضَائِكَ فِى اَوْلِيَاۡئِكَ، الَّذِيْنَ

کاملی بر ایشان باد خدایا از آن توست ستایش بر آنچه جاری شد بدان قضا و قدر تو درباره بندگان مقرب آن که

اَسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ دِينِكَ، اِذَا خَرَّتْ لَهُمْ جَزِيْلٌ مَّا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيْمِ

خالص گردانیدی آنان را برای خود و دین خود چون انتخاب کردی برای آنها آن نعمت

الْمُقِيْمِ، الَّذِيْ لَا زَوَالَ لَهٗ وَلَا اَضْمِحْلَالَ، بَعْدَ اَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِى

شایان و پایداری که نزد توست آن نعمتی که زوال و نابودی برایش نیست، (و این پس از آنی (بود که) با آنها شرط کردی تا کناره گیرند

۱. «ندبه» در لغت به معنای گریه و زاری است و نامیده شدن این دعا به این نام به جهت اظهار ناله و اندوهی است که به خاطر مصائب خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و مخصوصاً فراق و دوری حضرت مهدی علیه السلام در آن منعکس شده است.

۲. این دعا را سید بن طاووس در مصباح الزائر، صفحه ۴۴۶ - ۴۵۳ و محمد بن المشهدی در مزار کبیر، صفحه ۵۷۳ آورده‌اند، مرحوم علامه مجلسی نیز در بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۱۰۴ - ۱۱۰ آن را نقل کرده است. همچنین علامه مجلسی در کتاب زادالمعاد، صفحه ۴۹۱ - ۵۰۴ این دعا را به سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است و مطابق برخی دیگر از روایات، این دعا از ناحیه امام زمان علیه السلام توسط یکی از نوایش رسیده است که در واقع تأکیدى است بر آنچه که امام صادق علیه السلام آن را بیان فرموده است. (برای توضیح بیشتر به کتاب «ندبه و نشاط» تألیف دانشمند ارجمند، مرحوم آقای زمردیان مراجعه شود).

دَرَجَاتٍ هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّنْيَةِ، وَزُخْرُفِهَا وَزِبْرِجِهَا، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ،

از درجات (و ریاستهای) این دنیای پست و از زیب و زبورش و آنها نیز این شرط تو را پذیرفتند

وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ، فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ،

و تو نیز وفای آنان را به این شرط دانستی و پذیرفتشان و مقرب درگاهشان کردی و مقرر داشتی از پیش برای ایشان نامی بلند

وَالثَّنَاءَ الْجَلِيَّ، وَاهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَرَفَدْتَهُمْ

و ثنایی آشکار و فرو فرستادی برایشان فرشتگانت را و گرمی داشتی آنان را به وحی خود و یاریشان کردی

بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، فَبَعْضُ أَسْكَنْتَهُ

به علم خود و قرارشان دادی واسطه درگاهت و وسیله‌ای بسوی خشودیت پس برخی را

جَنَّتَكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي فُلِكَ، وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ آمَنَ

در بهشت جا دادی تا آنگاه که از آنجا بیرونش آوردی و برخی را در کشتی خود سوار کردی و او و همراهانش

مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ، وَبَعْضُ اتَّخَذَتْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلاً، وَسَأَلَكَ لِسَانَ

را که ایمان آورده بودند به مهر خود از هلاکت نجات دادی و برخی را برای خود خلیل گرفتی و او از تو درخواست کرد

صِدْقٍ فِي الْأَخْرَبِ فَأَجَبْتَهُ، وَجَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا، وَبَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ

نام نیک را در امتهای آینده و تو اجابت کردی و نام او را بلند گرداندی و با برخی از میان درخت

شَجَرَةٍ تَكَلَّمْتَهُ، وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رِذَاءً وَوَزِيْرًا، وَبَعْضُ أَوْلَدَتْهُ مِنْ

بطور مخصوصی سخن گفتی و برای او برادرش رایاور و وزیر گردانیدی و برخی را

غَيْرِ آبٍ، وَآتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ، وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ، وَكُلُّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً،

بدون پدر بوجود آوردی و نشانه‌های آشکاری به او دادی و به روح القدس (جبرئیل) یاری فرمودی و برای همه آنها دین و قانونی مقرر داشتی

وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَاءً، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ

و برایش طریقه و برنامه‌ای قرار دادی و اوصیایی برای او انتخاب کردی تا یکی پس از دیگری نگهدارنده باشد از

مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَلَيْلًا يَزُولُ الْحَقُّ عَنْ

زمانی تا زمانی تا برپا ماند دین تو و حجتی باشند بر بندگانت و تا زائل نگردد (دین) حق از

مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبُ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ، وَلَا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا

جای خود و تا پیروز نگردد باطل بر اهل حق و کسی نگوید چرا نفرستادی بسوی ما پیامبری

مُنْذِرًا، وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًّا، فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَنْزِلَ وَنَخْزِي،

که ما را بترساند و چرا بیا نداشتی پرجمی راهنما تا پیروی کنیم از آیات تو پیش از آن که خوار و رسوا گردیم

إِلَىٰ أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَىٰ حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

تا این‌که رساندی کار را بدست حبیب خود و برگزیده‌ات (حضرت) محمد صلی الله علیه و آله

فَكَانَ كَمَا أَنْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مَنْ خَلَقْتَهُ، وَصَفْوَةً مِّنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مَن

و او چنان بود که او را برگزیدی بزرگ آفریدگانت و برگزیده برگزیدگانت و برترین

اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْرَمَ مَنِ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَّمْتَهُ عَلَىٰ أَنْبِيَائِكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَىٰ الثَّقَلَيْنِ مِنْ

انتخاب شدگانت و گرامی‌ترین معتمدین تو بود و او را بر پیمبرانت مقدم داشتی و بسوی جن و انس از بندگانت مبعوث فرمودی

عِبَادِكَ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ، وَمَغَارِبَكَ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ، وَعَرَجْتَ بِهِ

و مشرقها و مغربهای عالم را زیر پایش گذاردی و براق را مسخر او گرداندی و به آسمان خود

إِبْرُوجِهِ إِلَىٰ سَمَاوَاتِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَىٰ انْقِضَاءِ خَلْقِكَ،

او را بالا بردی و علم گذشته و آینده را تا هنگام پایان آفرینش به او سپردی

ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ، وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ

آنگاه او را بوسیله ترس و رعب (در دل‌دشمنش) یاری کردی و گرداگردش جبرئیل و میکائیل و فرشتگان

مَلَائِكَتِكَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ،

نشاندارت را واداشتی و به او وعده دادی که دینش را بر همه دینها پیروز گردانی اگرچه مشرکان نپسندند،

وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءًا صَدَقَ مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ أَوْلَ بَيْتٍ وَضِعَ

و این جریان پس از آنی بود که جایگیرش کردی در جایگاه راستی از خاندانش (برای حفظ دین) و قرار دادی برای او و خاندانش نخستین خانه‌ای

لِلنَّاسِ، لِلَّذِي بَبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ، فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ، مَّقَامٌ

را که برای مردم بنا شد که مکه است و مایهٔ برکت و موجب راهنمایی جهانیان است و در آن نشانه‌های آشکاری است چون مقام

إِبْرَاهِيمَ، وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، وَقُلْتَ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ

ابراهیم و هر که در آن درآید ایمن است، و فرمودی: «جز این نیست که خدا اراده فرموده تا دور کند از شما خاندان پلیدی را

أَهْلَ الْبَيْتِ، وَيُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا، ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و بخوبی شما را پاک گرداند» آنگاه مزد محمد را - که درودهای تو بر او و آتش باد -

مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي

در کتاب خود دوستی و مودت ایشان قرار دادی و فرمودی: «بگو من از شما برای مزدی نخواهم جز دوستی

الْقُرْبَىٰ، وَقُلْتَ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ، وَقُلْتَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ

خویشام» و فرمودی: «آنچه مزد از شما خواستم آن هم بسود شماست» و فرمودی: «من از شما برای رسالت

أَجْرَ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا، فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ،

مزدی نخواهم مگر کسی که بخواهد بسوی پروردگار خویش راهی پیش گیرد» و اینها بودند آن راه بسوی تو

وَالْمَسْلُوكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ، فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ، أَقَامَ وَلِيِّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

و طریقۀ سلوک بسوی خشنودیت و چون روزگار آن حضرت سپری شد برگماشت علی بن ابی‌طالب را

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا، إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْدِرَ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ

که درودهای تو بر هر دوی آنها و بر آلشان باد برای راهنمایی زیرا که او بیم‌دهنده و راهنمای هر ملت بود، و در برابر

وَالْمَلَآمَةَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ

مردمی که نزدش حاضر بودند فرمود: هر که من مولا و سرپرست اویم علی مولاى اوست خدایا دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که

عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيُّهُ فَعَلِيٌّ

دشمنش باشد و یاری کن هر که یاریش کند و خوار کن هر که یاریش نکند، و فرمود: هر که من پیامبر او هستم علی

أَمِيرُهُ، وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّىٰ،

امیر و فرمانروای اوست، و فرمود: من و علی هر دو از یک درخت هستیم و سایر مردم از درختهای متفرقی هستند،

وَاحِلَةٌ مَحَلٌّ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ

و رتبه او را نسبت به خود چون رتبه هارون نسبت به موسی قرار داد و بدو فرمود: مقام تو در پیش من مانند مقام هارون است از

مُوسَىٰ، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَزَوْجُهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَاحِلٌ لَهُ

موسی جز این‌که پیامبری پس از من نیست و تزویج کرد به او دخترش بانوی زنان جهانیان را و حلال کرد برای او

مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ، وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ، ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ،

از مسجدش آنچه برای خود او حلال بود، و بیست درهای مسجد را جز در خانه علی را، سپس علم و حکمت خود را به او سپرد

فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ، فَلْيَأْتِهَا مِنْ

و فرمود: من شهر علمم و علی در آن شهر است پس هر که خواهد بدین شهر درآید و حکمت خواهد باید از

بَابِهَا، ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي، لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي، وَدَمُّكَ

در آن درآید، سپس فرمود: تویی برادر من و وصی من و وارث من گوشتت از گوشت من و خونت

مِنْ دَمِي، وَسِلْمُكَ سِلْمِي، وَحَرْبُكَ حَرْبِي، وَالْإِيمَانُ مُخَالِطٌ لِحْمِكَ

از خون من است صلح تو صلح من و جنگ تو جنگ من است و ایمان با گوشت

وَ دَمِّكَ، كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَ دَمِي، وَأَنْتَ غَدًا عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي،

و خون تو آمیخته شده چنانچه با گوشت و خون من آمیخته و تو در فردای محشر بر سر حوض (کوثر) جانشین منی

وَأَنْتَ تَقْضِي دِينِي، وَتَنْجِزُ عِدَاتِي، وَشَيْعَتُكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ، مُبْيَضَّةً

و تو می‌پردازی قرض مرا و وفا می‌کنی به وعده‌های من و شیعیانت بر منبرهایی از نور با روهای (نورانی و) سفید

وَجُوهَهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ، وَهُمْ جِيرَانِي، وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يَعْرِفِ

در بهشت اطراف منند و آنها همسایگان منند و اگر تو نبودی ای علی مؤمنان پس از من

الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي، وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ، وَنُورًا مِنَ الْعَمَى، وَحَبْلٌ

شناخته نمی‌شدند، و آن جناب پس از رسول خدا راهنمای گمراهی و روشنایی از کوری جهالت و رشته

اللَّهِ الْمَتِينِ، وَصِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمِ، لَا يُسْبِقُ بَقْرَابَةَ فِي رَحِمِ، وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي

محکم خدا و راه راست او بود، کسی پیشی نگرفت بر او در نزدیکی خویشاوندی به رسول خدا و نه از نظر سابقه در

دِينِ، وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنْقَبِهِ، يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ

دین و نه کسی توانست در یکی از منقبتها به او برسد، همانند رسول خدا بود - که درود خدا

عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا، وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّوَلُّبِ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَيِّمٍ، قَدْ

بر هر دوی ایشان باد - و او بود که بر طبق تاولب و باطن قرآن می‌جنگید و درباره خدا باکی از سرزنش ملامت‌کنندگان نداشت

وَتَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ، وَقَتْلَ أَبْطَالِهِمْ وَنَاوَشَ ذُؤَبَانَهُمْ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ

در راه خدا خون بزرگان عرب را به خاک ریخت و دلاورانشان را بکشت و با گرگانشان درافتاد و همین سبب شد

أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَخَيْرِيَّةً وَحَنِينِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ، فَأَضَبَتْ عَلَى عَدَاوَتِهِ، وَ

در دل‌های ایشان کینه‌ها بگذارد کینه‌های جنگ بدر و خبیر و حنین و غیر آنها پس دشمنی او را به دل گرفتند و

أَكْبَتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ، حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ، وَلَمَّا

به جنگ و مخالفت با او برخاستند تا کشتار کرد با پیمان شکنان (طلحه و زبیر و همراهان) و زورگویان و از دین بیرون رفتگان (اصحاب نهروان) و چون

قَضَى نَحْبَهُ، وَقَتَلَهُ أَشَقَى الْأَخْرَبِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ، لَمْ يُمْتَثَلْ أَمْرٌ

درگذشت و شقی‌ترین مردم پسینان که پیروی کرد از شقی‌ترین پیشینان او را کشت امتثال نشد از دستور

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةُ مُصْرَّةٌ

رسول خدا صلی الله علیه و آله که درباره راهنمایان دین یکی پس از دیگری فرموده بود و امت پافشاری

عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ، وَأَفْضَاءِ وُلْدِهِ، إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ

بر دشمنی آن حضرت کردند و گرد آمدند برای قطع رحم او و تبعید (و آواره) فرزندانش جز اندکی

وَفِي لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ، فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ، وَأَقْصِيَ مَنْ

از کسانی که وفا کردند در رعایت کردن حق در ایشان و در نتیجه جمعی کشته و گروهی اسیر و دسته‌ای از وطن

أَقْصَى، وَجَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ

آواره گشتند و قلم تقدیر و قضا طوری بر ایشان جاری شد که امید پاداش نیک در آن می‌رود زیرا (کره) زمین

لِلَّهِ يَوْمَئِذٍ مِّنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَسُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ

از خداست و به هر که از بندگانش که بخواهد آن را ارث دهد و بدو واگذارد و سرانجام از آن پرهیزکاران است و منزه است پروردگار ما که حتماً

وَعَدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا، وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فَعَلَى

وعدۀ پروردگارمان انجام شدنی است و خدا خلف وعده نمی‌کند و اوست نیرومند فرزانه پس بر

الْأَطْنَابِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا، فَلْيَبْكِ

پاکیزگان از خاندان محمد و علی درود خدا بر هر دو ایشان و ایشان باد باید گریه کنندگان

الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتَذْرِفِ الدَّمُوعُ، وَلْيُصْرَخِ

بگریند و بر آنها باید زاری کنندگان زاری کنند و برای امثال آنها باید اشکها روان گردد و فریاد زندگان

الصَّارِحُونَ، وَيَضِجَ الضَّاجُونَ، وَيَعِجَّ الْعَاجُونَ، أَيَّنَ الْحَسَنُ أَيَّنَ

فریاد زنده و شیون کنندگان شیون کنند و خروش کنندگان خروش سر دهند کجاست حسن؟ و کجاست

الْحُسَيْنُ، أَيَّنَ أَبْنَاءُ الْحُسَيْنِ، صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَ صَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ،

حسین؟ و کجاوند فرزندان حسین؟ شایسته‌ای پس از شایسته دیگر و راستگویی پس از راستگویی دیگر

أَيَّنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ، أَيَّنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ، أَيَّنَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ،

کجاست آن راه حق پس از راه دیگر؟ کجاوند برگزیدگان هر یک پس از دیگری؟ کجاوند خورشیدهای تابان؟

أَيَّنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ، أَيَّنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ، أَيَّنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَ قَوَاعِدُ

کجاوند ماههای نور افشان؟ کجاوند اختران فروزان؟ کجاوند بزرگان دین و پایه‌های

الْعِلْمِ، أَيَّنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ، أَيَّنَ التَّمَعْدُ لِقَطْعِ

دانش؟ کجاست بجا مانده خدا که بیرون از خاندان عترت راهنما نیست؟ کجاست آنکه آماده شده برای

دَابِرِ الظُّلْمَةِ، أَيَّنَ الْمُنتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعُوجِ، أَيَّنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ

ریشه‌کن ساختن ستمگران؟ کجاست آنکه چشم براهش هستند برای راست کردن نادرستیها و کجیها؟ کجاست آن مایه امید برای از بین بردن

الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ، أَيَّنَ الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، أَيَّنَ الْمُتَخَيَّرُ

ستم و تجاوز؟ کجاست آنکه ذخیره شده برای نو کردن فریضه‌ها و سنتهای دین؟ کجاست آن کس که انتخاب گشته

لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيَّنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ، أَيَّنَ

برای برگرداندن کیش و آیین؟ کجاست آنکه آرزویش داریم برای زنده کردن قرآن و حدود آن؟ کجاست

مُحِبِّي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ، أَيَّنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ، أَيَّنَ هَادِمِ أُنْبِيَةِ

زنده کننده آثار دین و اهل دین؟ کجاست درهم شکننده شوکت زورگویان؟ کجاست ویران کننده بناهای

الشَّرِكِ وَالنَّفَاقِ، أَيَّنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ، أَيَّنَ

شرک و دو رویی؟ کجاست نابود کننده اهل فسق و گناه و طغیان؟ کجاست

حَاصِدُ فُرُوعِ الْغِيِّ وَالشُّقَاقِ، أَيَّنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ، أَيَّنَ

آنکه شاخه‌های گمراهی و اختلاف را ببرد؟ کجاست محو کننده آثار کجروی و هوا و هوسها؟ کجاست

قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ، أَيَّنَ مُبِيدُ الْعُتَاةِ وَالْمَرَدَةِ، أَيَّنَ مُسْتَأْصِلُ

پاره کننده دامهای دروغ و بهتان؟ کجاست نابودکننده سرکشان و متمدان؟ کجاست ریشه کن کننده

أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ، أَيَّنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمَذِلُّ الْأَعْدَاءِ، أَيَّنَ

ستیزه جویان و گمراهان و بی‌دینان؟ کجاست عزت بخش دوستان و خوار کننده دشمنان؟ کجاست

جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى، أَيَّنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى، أَيَّنَ وَجْهَ اللَّهِ

گردآورنده سخنان بر پرهیزکاری؟ کجاست آن درگاه خداوند که از آنجا بسوی خدا روند؟ کجاست آن آینه خدایی

الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيَّنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ،

که بسویش توجه کنند اولیا؟ کجاست آن سبب خدایی که پیوست است میان زمین و آسمان؟

أَيَّنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَ نَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى، أَيَّنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ

کجاست آن فرمانروای روز فتح و پیروزی و برافرازنده پرچم هدایت و راهنمای؟ کجاست گردآورنده شایستگی

وَالرِّضَا، أَيَّنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيَّنَ الطَّالِبُ بِدَمِ

و خشنودی (حق)؟ کجاست خواهنده خون پیمبران و فرزندان پیمبران؟ کجاست خواهنده خون

الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ، أَيَّنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى، أَيَّنَ

کشته کربلا؟ کجاست آن یاری شده و پیروزمند بر کسانی که بر او ستم کردند و دروغ بستند؟ کجاست

الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى، أَيَّنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذَوَالْبِرِّ وَالتَّقْوَى، أَيَّنَ

آن درمندهای که چون دعا کند به اجابت رسد؟ کجاست صدر مخلوقات عالم آن نیکوکار با تقوا؟ کجاست

ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، وَابْنُ خَدِيجَةَ الْغَرَّاءِ، وَابْنُ

فرزند پیامبر برگزیده و فرزند علی مرتضی و فرزند خدیجه روشن سیما و فرزند

فَاطِمَةَ الْكُبْرَى، بِأَبِي أَنْتَ وَآمِي وَنَفْسِي لَكَ الْوِقَاءُ وَالْحِمَى، يَا بَنَ السَّادَةِ

فاطمه کبری؟ پدر و مادرم بفدایت و خودم بلاگردان و سپهر پیش روی تو باشم ای فرزند بزرگان

الْمُقَرَّبِينَ، يَا بَنَ النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بَنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ، يَا بَنَ الْخَيْرَةِ

مقرب درگاه حق ای فرزند نجیبان گرامی ای فرزند راهنمایان راه یافته ای فرزند نیکیان

الْمَهْدِيِّينَ، يَا بَنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَا بَنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ، يَا بَنَ

پاکیزه ای فرزند گرامیان برگزیده ای فرزند پاکان پاکیزه ای فرزند

الْخَضَارِمَةِ الْمُنتَجَبِينَ، يَا بَنَ الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بَنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ، يَا

جوانمردان پرچود برگزیده ای فرزند دریاهاى بخشش و عطای گرامی ای فرزند ماههای نور افشان ای فرزند

بَنَ السَّرْجِ الْمُضِيئَةِ، يَا بَنَ الشُّهْبِ الثَّقِيْبَةِ، يَا بَنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، يَا بَنَ

چراغهای تابان ای فرزند ستارگان فروزان ای فرزند اختران درخشان ای فرزند

السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ، يَا بَنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، يَا بَنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَا بَنَ

راههای روشن ای فرزند نشانه‌های آشکار ای فرزند دانشهای کامل ای فرزند

السَّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَا بَنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ، يَا بَنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ،

آینهای معروف و مشهور ای فرزند آثار و معالم رسیده (از خدا و انبیا) ای فرزند معجزات موجود

يَا بَنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ، يَا بَنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَا بَنَ النَّبِيَّ الْعَظِيمِ،

ای فرزند دلیلهای آشکار ای فرزند راه مستقیم ای فرزند آن خبر بسیار بزرگ ای فرزند

يَا بَنَ مَنْ هُوَ فِي أَمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيُّ حَكِيمٍ، يَا بَنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ،

کسی که در دفتر اصلی نزد خدا «علی» (والا) و فرزانه است ای فرزند آیات و نشانه‌های آشکار

يَا بَنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَا بَنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ، يَا بَنَ

ای فرزند دلیلهای هویدا ای فرزند برهانهای نمایان روشن ای فرزند

الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ، يَا بَنَ النَّعْمِ السَّابِغَاتِ، يَا بَنَ طِهٍ وَالْمُحْكَمَاتِ، يَا بَنَ

حجتهای رسا ای فرزند نعمتهای شایان و فراوان ای فرزند طه و آیات محکم قرآن ای فرزند

يَسٍ وَالذَّارِيَاتِ، يَا بَنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ، يَا بَنَ مَنْ دَنَى فِتْدَلَى، فَكَانَ

سوره یس و ذاریات ای فرزند سوره طور والعدایات ای فرزند کسی که (در شب معراج) نزدیک شد و نزدیکتر شد به فاصله

قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى دُنُوًّا وَافْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ

دو کمان یا نزدیکتر، در نزدیکی و قرب نسبت به خدای والای اعلی، ای کاش می‌دانستم در

اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، بَلْ أَيْ أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ ثَرَى، أِبْرَضُوْى أَوْ غَيْرِهَا، أَمْ

چه جایی منزل گرفته‌ای و چه سرزمین و مکانی تو را بر خود نگهداشته آیا در کوه رضوایی یا غیر آن

ذِي طُوبَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى، وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيسًا

یا در ذی طوبی، گران است بر من که مردم را ببینم ولی تو دیده نشوی و نشنوم از تو صدا

وَلَا نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلْوَى، وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي

و نه رازی، گران است بر من که بی من بر تو تنها بلا احاطه کند، و صدای زاری و شکوه من

ضَجِيحٌ وَلَا شَكْوَى، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَخُلْ مِنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ

به تو نرسد، جانم به قربانت ای پنهانی که از میان ما بیرون نیستی جانم به قربانت

نَارِحَ مَا نَزَحَ عَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى، مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ

ای دور از نظری که از ما دور نیست جانم به قربانت ای آرمان هر مشتاقی که آرزویت کند از مردان و زنان با ایمانی

ذَكَرًا فَحَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزٌّ لَا يُسَامِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ

که به یاد تو ناله از دل کشند جانم به قربانت ای بسته به عزتی که کسی بر تو برتری نگیرد جانم به قربانت ای

مَجْدٍ لَا يُجَارِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نَعْمٌ لَا تُضَاهِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ

مجد و شوکت ریشه‌داری که همطراز ندارد و جانم به قربانت ای نعمت دیرینه‌ای که شبیه ندارد جانم به قربانت ای

نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي، إِلَى مَتِي أَحَارُ فَيْكَ يَا مَوْلَايَ، وَإِلَى مَتِي، وَأَيَّ

قرین شرف و بزرگواری که برابر ندارد، تا کی سرگردان تو باشم ای مولای من؟ و تا کی و به چه

خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكَ، وَأَيَّ نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَأَنَاغِي،

زبانی وصف تو گویم و راز دل کنم گران و ناگوار است بر من که پاسخ از دیگری جز تو بشنوم و گفتگو کنم،

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَ يَخْذُلَكَ الْوَرَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ

گران است بر من که بر تو بگیرم ولی مردم تو را واگذارند، گران است بر من که بر تو بگذرد آنچه می‌گذرد

دُونَهُمْ مَا جَرَى، هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيبَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ، هَلْ مِنْ

نه بر دیگران، آیا کمک‌کاری هست که با او فریاد و گریه را طولانی کنم آیا بی‌تابی (چون من) هست

جَزُوعٍ فَاسَاعِدْ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا، هَلْ قَدِيتُ عَيْنٌ فَسَاعِدْتَهَا عَيْنِي عَلَيَّ

که چون به خلوت رود در زاری و جزع کمکش کنم آیا چشمی هست که خار فراق در آن خلیده و گریان باشد تا چشم برخار من نیز

الْقَدَى، هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى، هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمًا مِنْكَ بَعْدَةَ^۲

یارش دهد، آیا ای پسر احمد بسویت راهی هست تا دیدارت کنم آیا روز جدایی ما به وعده تو پیوست می‌شود

فَنَحْطِي، مَتَى نَرِدُ مَنَاهْلَكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرَوِي، مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ

تا بهره‌مند گردیم؟ کی می‌شود که به سرچشمه‌های پرآبیت در آیم و سیراب شویم، کی می‌شود که سیراب گردیم از آب وصل تو

فَقَدْ طَالَ الصَّدَى، مَتَى نُغَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ فَفَقْرًا عَيْنًا، مَتَى تَرَانَا

که تشنگی ما به درازا کشید کی می‌شود که صبح و شام را با تو بسر ببریم و دیده روشن کنیم، کی می‌شود که تو ما را ببینی

وَنَرِيكَ، وَقَدْ نَشَرْتَ لَوَاءَ النَّصْرِ تُرِي، أَتْرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تَأْمُ الْمَلَأَ،

و ما تو را ببینیم و پرچم نصرت را برافراشته باشی و مردم آن را ببینند، آیا می‌شود که ببینیم روزی که ما دورت را گرفته و تو رهبر باشی

وَقَدْ مَلَأَتِ الْأَرْضُ عَدْلًا، وَأَذَقْتَ أَعْدَائِكَ هَوَانًا وَعِقَابًا، وَأَبْرَتِ الْعُتَاةَ

و زمین را پر از عدل کنی و بچشانی به دشمنانت خواری و کيفر را و نابود کنی سرکشان

وَجَحَدَةَ الْحَقِّ، وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَاجْتَشَشْتَ أُصُولَ الظَّالِمِينَ،

و منکران حق را و بزنی ریشه گردنکشان را و برکنی اساس ستمکاران را

وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكَرْبِ وَالْبَلْوَى،

و ما بگوئیم: ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است خدایا تویی برطرف کننده گرفتاریها و بلا

وَالِيكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعَدْوَى، وَأَنْتَ رَبُّ الْأَخْرَةِ وَالدُّنْيَا، فَاغِثْ يَا

و از تو دادرسی و یاری جویم که در نزد توست دادخواهی و یاری و تویی پروردگار آخرت و دنیا پس فریاد رسی کن ای

غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلَى، وَارِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى، وَأَزِلْ

فریادرس درماندگان از بنده خرد گرفتارت، و بنمایان به او آقایش را ای سخت نیرو و زائل کن

عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى، وَبَرِّدْ غَلِيْلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَ مَنْ

به دیدار آن حضرت از او اندوه و سوز دلش را و فرو نشان سوز عطشش را ای که بر عرش استواری و ای که

إِلَيْهِ الرَّجْعَى وَالْمُنْتَهَى، اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَيْ وَلِيكَ الْمَذْكُرِ

بسوی اوست بازگشت و سر منزل هر چیز خدایا و مایم بندگان تو که شیفته دیدار نمایندهات هستیم آن‌که مردم را به یاد

بِكَ وَبَنِيكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا، وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَمَعَاذًا، وَجَعَلْتَهُ

تو و پیامبرت اندازد و تو او را آفریدی که نگهدار و پشتیبان ما باشد و برپایش داستی تا قوام و پناهگاه ما باشد و او را پیشوای

لِلْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَمَامًا، فَبَلِّغْهُ مِنَّْا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا،

مؤمنین از ما گردانی پس برسان به آن جناب از طرف ما تحیت و سلامی و بیفزای بدینوسیله ای پروردگار ما بر کرامت و مقام ما

وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا، وَاتِّمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِلَيْهِ أَمَانًا،

و جایگاه او را جایگاه و اقامتگاه ما قرار ده و کامل کن نعمت را بر ما به مقدم داشتن آن بزرگوار را در پیش روی ما

حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ وَمُرَافِقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

تا ما را به بهشتهای تو درآورد و به رفاقت شهیدان از بندگان خالصت برساند خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَرَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ،

محمد و آل محمد و درود فرست بر محمد جد بزرگوار او و رسول تو آن آقای بزرگ

وَعَلَيَّ أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ، وَجَدَّتِي الصَّدِيقَةَ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ،

و بر پدر بزرگوارش آن آقای کوچکتر و بر جدش صدیقه کبری فاطمه دختر محمد

وَعَلَيَّ مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ وَاتِّمِّمْ وَأَدْوَمِ

و به برگزیدگان نیک رفتار از پدران آن حضرت و بر خود آن جناب فزونی و کاملترین و تمامترین و مدامترین

وَأَكْثَرِ وَأَوْفَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،

و بیشترین و فراوانترین درودی که بفرستی بر یکی از برگزیدگان و نیکان از خلق خود

وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا، وَلَا نِهَائَةَ لِمَدَدِهَا، وَلَا نَفَادًا لِمَدِّهَا،

و درود فرست بر آن جناب درودی که شمارش بی حد و مدتش بی نهایت و تمام نشدنی باشد

اَللَّهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ، وَأَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ، وَادِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ، وَأَذِلِّ

خدایا حق را بوسیله آن حضرت برپا دار و باطل را بدو نابود گردان و دوستان را بوسیله اش به دولت رسان و دشمنان را

بِهِ أَعْدَاءَكَ، وَصَلِّ اَللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلَّةً تُؤَدِّي إِلَيَّ مُرَافِقَةَ سَلَفِهِ،

بدست او خوار گردان و بیوند کن خدایا میان ما و او را به پیوندی که برساند ما را به رفاقت پدران گذشته او

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ، وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ، وَأَعِنَّا عَلَيَّ تَأْدِيَةِ

و بگردان ما را از کسانی که دامن آنها را بگیرند و در سایه لطف آنها بایستند و کمکمان کن بر ادای

حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالْأَجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، وَامْنِ عَلَيْنَا

حقوق آن حضرت و سعی و کوشش در فرمانبرداریش و دوری از نافرمانیش و منت نه بر ما

بِرِضَاهُ، وَهَبْ لَنَا رَافِقَهُ وَرَحْمَتَهُ، وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ، مَا نُنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ

به خشنودیش و بخشش بر ما رافت و مهربانی و دعا و خیر آن حضرت را بدان حد که برسیم بدان وسیله

رَحْمَتِكَ، وَفَوْزًا عِنْدَكَ، وَاجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً،

به رحمت وسیع تو و به کامیابی از نزد تو و بگردان نمازهای ما را بوسیله او پذیرفته و گناهانمان را آمرزیده

وَدُعَاؤُنَا بِهِ مُسْتَجَابًا، وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهَمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً،

و دعا‌هایمان را مستجاب شده و قرار ده روزیهای ما را بدان حضرت گسترده و اندوهای ما را بوسیله‌اش برطرف شده

وَ حَوَائِجِنَا بِهِ مَقْضِيَةً، وَاقْبَلِ الْيُنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ،

و حاجت‌هایمان را روا شده و رو کن بسوی ما (پروردگارا) بدان روی بزرگواریت و بپذیرتقرب جویی ما را بدرگاہت

وَ أَنْظِرْ الْيُنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً، نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تُضَرِّفُهَا عَلْنَا

و بنگر بسوی ما به نگاهی مهربانانه تا بدان وسیله بتوانیم مقام خود را در پیش تو به کمال رسانیم، و دیگر آن مقام را از ما بازنگردان

بِجُودِكَ، وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ، رِيًّا

به جود خودت و سیرابمان کن از حوض جدش که درود خدایر او و آس باد از جام او و بدست آن جناب و سیر

رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِعًا، لَا ظَمًا بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و سیراب و گوارا و خوش که تشنگی پس از آن نباشد ای مهربانترین مهربانان.

دعای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف):

این دعا از دعا‌های مشهور و معروف و دارای محتوای عالی است و مرحوم «کنعمی» آن را در

«مصباح»^۱ نقل کرده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبَعْدَ الْمَعْصِيَةِ، وَصِدْقَ النِّيَّةِ، وَعِرْفَانَ

خدایا روزی ما کن توفیق اطاعت و دوری از گناه و صدق و صفای در نیت و شناختن آنچه

الْحُرْمَةِ، وَآكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ، وَسَدِّدْ أَسْتِنْتَنَا بِالصَّوَابِ

حرمتش لازم است و گرامی‌دار ما را بوسیله هدایت شدن و استقامت و استوار کن زبانه‌های ما را به درستگویی

وَالْحِكْمَةِ، وَأَمَلًا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ، وَطَهَّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ

و حکمت و لبریز کن دل‌های ما را از دانش و معرفت و پاک کن اندرون ما را از غذاهای حرام

وَالشُّبْهَةِ، وَاكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ، وَاغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ

و شبهه‌ناک و بازدار دست‌های ما را از ستم و دزدی و بیوشان چشمان ما را از

الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ، وَاسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ

هرزگی و خیانت و ببند گوشهای ما را از شنیدن سخنان بیهوده و غیبت و تفضل فرما بر

عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ، وَ عَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ، وَ عَلَيَّ

علمای ما به پارسایی و خیرخواهی کردن و بر دانش‌آموزان به کوشش داشتن و شوق و بر

الْمُسْتَمِعِينَ بِالْإِتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ، وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ

شنوندگان به پیروی کردن و پند گرفتن و بر بیماران مسلمان به بهبودی یافتن

وَالرَّاحَةِ، وَ عَلَيَّ مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَ عَلَيَّ مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ

و آسودگی و بر مردگان آنها به عطف و مهربانی کردن و بر پیرانمان به وقار

وَالسَّكِينَةِ، وَ عَلَيَّ الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَ عَلَيَّ النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ،

و سنگینی و بر جوانان به بازگشت و توبه و بر زنان به شرم و عفت

وَ عَلَيَّ الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضِعِ وَالسَّعَةِ، وَ عَلَيَّ الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَ الْقِنَاعَةِ، وَ عَلَيَّ

و بر توانگران به فروتنی و بخشش کردن و بر مستمندان به شکیبایی و قناعت و بر

الغُرَاةِ بِالنَّصْرِ وَالْعَلْبَةِ، وَ عَلَيَّ الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ، وَ عَلَيَّ الْأُمَرَاءِ

بیکار کنندگان به یاری و پیروزی و بر اسیران به رهایی یافتن و آسودگی و بر زمامداران

بِالْعَدْلِ وَ الشَّفَقَةِ، وَ عَلَيَّ الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَ حُسْنِ السِّيَرَةِ، وَ بَارِكْ

به عدالت داشتن و دلسوزی و بر ملت به انصاف و خوش رفتاری و برکت ده

لِلْحُجَّاجِ وَ الزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَ النَّفَقَةِ، وَ اقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ

برای حاجیان و زائران در توشه و خرجی و به انجام رسان آنچه را بر ایشان واجب کردی از اعمال حج

وَالْعُمْرَةِ، بِفَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و عمره بوسیله فضل و رحمت خودت ای مهربانترین مهربانان.

دعایی دیگر از حضرت مهدی عجی:

این دعا را مرحوم «سید بن طاووس» در «مهج الدعوات»^۱ آورده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللّٰهُ بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ، وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، تَفَضَّلْ عَلَيَّ

خدایا به حق هر که با تو راز گوید و به حق هر که تو را در صحرا و دریا بخواند تفضل فرما بر

فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ وَالثَّرْوَةِ، وَعَلَى مَرَضَى الْمُؤْمِنِينَ

فقیران مؤمنین و مؤمنات به توانگری و ثروت و بر بیماران مؤمنین

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصِّحَّةِ، وَعَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و مؤمنات به بهبودی یافتن و تندرستی و بر زندگان مؤمنین و مؤمنات

بِاللِّطْفِ وَالْكَرَامَةِ، وَعَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالمَعْفِرَةِ

به لطف و بزرگواری و بر مردگان مؤمنین و مؤمنات به آمرزش

وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ

و مهربانی و بر غریبان مؤمنین و مؤمنات به بازگرداندن آنها به وطنشان

سَالِمِينَ غَانِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

به سلامتی و بهره‌مندی به حق محمد و آل او همگی.



زیارات

پیشگفتار

زیارت معصومان، راهی به سوی خدا:

زیارت پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام که همان برقرار کردن ارتباط روحی و به وجود آوردن پیوند قلبی با آن بزرگواران است (چه از طریق حضور نزد مرقد آنان باشد، یا ارتباط از راه دور، و فرستادن سلام و درود و تحیت و اظهار ارادت و اخلاص به آستانشان، همراه با بیان فضایل، کرامات، عبادات، اطاعات و خدمات آنان) آثار فوق العاده سازنده‌ای در تربیت نفوس زیارت‌کنندگان، و ارتقای روح آنان و پرورش والاترین ارزش‌های معنوی و اخلاقی دارد؛ و چنانچه زیارت‌کننده، بداند چه می‌کند و چه می‌گوید و چه می‌خواهد؛ به خوبی می‌تواند راه قرب الی‌الله را با سرعت ببیماید، و از کنار قبر آنان، با روحی باصفا، پاک از گناه و آماده برای اطاعت پروردگار و انجام وظایف انسانی بازگردد، زیرا:

اولاً: چگونه ممکن است توجه به مقامات والای این پیشوایان بزرگ و ذکر صفات و سجایای آنان بازتابی در زیارت‌کننده آن بزرگواران نداشته باشد و او را به سوی خود فرا نخواند و تدریجاً به رنگ خود درنیآورد؟!

چگونه ممکن است من زائر، سر تا پا آلوده به گناه و صفات رذیله باشم، در عین حال دم از عشق و ارادت پاکان و نیکان جهان بزنم؟! آیا زیننده است که بدون توبه و تجدید نظر در حالات و اعمال و رفتار خویش، پای در حرم پاک آن بزرگواران بگذارم؟!

ثانیاً: چگونه ممکن است عرض حاجات معنوی یا مادی نزد آنان کنم و آنها را به شفاعت در پیشگاه خدا بطلبم در حالی که کاری که در خور توجه آنان و موجب رضایت آنان است انجام نداده‌ام؟! آیا توجه به این امور، برای توبه از گناه و خودسازی و پاکی کافی نیست؟!

ثالثاً: کسی که کمترین آشنایی با مسایل روانی و روحیه‌الگوپذیری انسان داشته باشد، تصدیق خواهد کرد که اگر زائری با توجه و حضور قلب و با عنایت به «محتوای بلند کلمات و جملات زیارات» در حرم آن بزرگواران حضور یابد، در هر جمله‌ای از این زیارات یک درس مهم تربیتی و انسان‌ساز نهفته است؛ فی‌المثل در زیارت جامعه کبیره، که جامع‌ترین زیارات است درس‌های عجیبی نهفته است؛ از جمله:

۱- در اثنای زیارت از محبت و توحید و شرک‌ستیزی آن عزیزان و مطیع محض خدا بودنشان دم می‌زند و عرضه می‌دارد:

«السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، وَالْأَدِدِ لِأَعْلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقْرِّينَ

سلام بر خوانندگان بسوی خدا و رهنمایان بسوی موجبات خشنودی خدا و استقرار یافتگان

فِي أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ،

در فرمان خدا و کاملان در دوستی و محبت خدا و مخلصان در یگانه‌پرستی خدا

وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ، الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ

و آشکارکنندگان امر و نهی خدا و بندگان گرامی خدا آنان که پیشی نگیرند بر خداوند

بِالْقَوْلِ، وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ»^۱.

در گفتار و آنان که به دستورش عمل کنند.

امکان ندارد آن کس که این سخن را از روی معرفت می‌گوید، به شرک و نفاق روی آورد و در راستای توحید و اخلاص قدم بر ندارد!

۲- ممکن نیست که زیارت‌کننده در خطاب به آن بزرگواران از تقوا، راستگویی، محوریت در یگانه‌پرستی، عصمت از لغزشها و فتنه‌ها، طهارت از پلیدیها و آلودگیهای آنان سخن بگوید و اعلان بدارد که من گواهی می‌دهم شما امامان با تقوا، صادق، قیام‌کننده به امر پروردگار و عمل‌کننده به اراده او هستید، شما ارکان توحید خداوند و راهنمایان به صراط مستقیم او هستید. خداوند شماها را از لغزشها دور داشته و از فتنه‌های دین امنیت بخشیده و از هر گونه آلودگی گناه پاک ساخته است؛ در عین حال عزمش را بر پرهیزکاری و راستگویی و دوری از آلودگی‌ها و استقامت در صراط مستقیم توحید، جزم نماید.

۳- امکان ندارد زائری روی به آنان کرده، از صبر و استقامت و جهاد و تلاش و از خودگذشتگی آنان در راه خدا و از اقامه نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر آنان حرف بزند و بگوید:

۱. (زیارت جامعه)، فقیه، جلد ۲، صفحه ۶۱۰.

«فَعَزَّزْتُمْ جَلَالَهٗ، وَاکْبَرْتُمْ شَانَهٗ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهٗ، وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهٗ، وَوَكَّدْتُمْ

شما نیز (در برابر) عظیم شمردید شوکتش را و مقامش را بزرگ دانستید و کرمش را ستودید و به ذکر او ادامه دادید و پیمانش را

مِثَاقَهٗ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهٖ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ

محکم کردید و آن عهدی را که در فرمانبرداریش داشتید سخت استوار کردید و در پنهانی و آشکار برای او خیرخواهی کردید و مردم را

إِلَى سَبِيلِهٖ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهٖ،

با حکمت و پند نیکو به راهش دعوت کردید و در راه خشنودی او بدل جان کردید

وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهٖ، وَأَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُمْ

و در مقابل پیش آمدهای ناگوار بخاطر او بردباری کردید، و نماز را بپا داشتید و زکات را پرداختید و امر به

بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهٖ، حَتَّىٰ أَعْلَنْتُمْ

معروف و نهی از منکر کردید و در راه خدا آن طور که باید جهاد و مبارزه کردید تا بالاخره

دَعْوَتَهٗ، وَبَيَّنْتُمْ فَرَآئِضَهٗ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهٗ، وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهٖ»^۱.

دعوت حق را آشکار و واجبات او را بیان داشتید و حدود و مقرراتش را برپا داشتید و دستورات و احکامش را منتشر ساختید.

ولی خودش اهل صبر و تلاش و جهاد نباشد و به نماز و زکات اهمیّت لازم را ندهد و نسبت به حدود و قوانین الهی، تسامح به خرج دهد.

۴- چگونه ممکن است که خطاب به آنان اعلان کند که من منتظر ظهور و حاکمیّت شما هستم، به فرمان شما گردن می‌نهم، در پیشاپیش تمام خواسته‌ها و حوائجهم، خواست شما را در نظر می‌گیرم (مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُزْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، غَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ... وَمُقَدِّمٌ أَمَامَ طَلِبَتِي وَحَوَائِجِي وَارَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي)^۲ ولی در عمل، به همه این قولها و پیمانها پشت پا بزند؟!

۵- و یا چگونه ممکن است خطاب به آنان از آثار صلوات بر آنان و برکات ولایت آنان در تزکیه روح و جان و تطهیر نفوس و پوشاندن گناهان، سخن بگوید (وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ، وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ، طَيِّبًا لِّخَلْقِنَا، وَطَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا، وَتَرْكِيَةً لِّنَا، وَكَفَّارَةً لِّذُنُوبِنَا)^۳ و یا دست به دعا بردارد و بگوید: خداوند مرا پیوسته بر دوستی و محبت و آیین و اطاعت شما پایدار بدارد و از خوبانِ دوستداران شما و پیروی‌کنندگان نسبت به آنچه شما به سوی آن دعوت کرده‌اید و از آنان که آثار شما را روایت می‌کنند و راه شما را می‌یوبند قرار دهد (فَتَبَتَّنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيِّتُ عَلَىٰ مُوَالَاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ، وَوَفَّقَنِي لِطَاعَتِكُمْ، وَرَزَقَنِي شَفَاعَتِكُمْ، وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مُوَالِيِكُمُ التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ

۲. همان مدرک، صفحه ۶۱۴.

۱. (زیارت جامعه)، فقیه، جلد ۲، صفحه ۶۱۱.

۳. همان مدرک، صفحه ۶۱۳.

يَقْتَضِ آثَارَكُمْ، وَيَسْأَلُكَ سَبِيلَكُمْ)؛^۱ و یا از ایمان و تبعیت خویش نسبت به آنچه خدا و رسولش آورده‌اند حرف بزند و از خدا ثبات قدم را طلب کند (رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ، فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ)^۲ و یا وساطت و شفاعت آن بزرگواران را بخواهد و عاجزانه و خاضعانه، آنان را به پروردگارشان قسم دهد که از خدا آمرزش گناهانش را طلب کنند (یا ولیّ الله، انّ بیّنی و بین الله عزّ و جلّ ذنوباً، لا یأتی علیها الا رضاکم، فبحقّ من اتّمتنکم علی سیره، واستزغاکم امر خلقه، وقرن طاعتکم بطاعته، لکما استوهبتم ذنوبی، وکنتم شفعاّتی)^۳ ولی در عین حال، هیچ تصمیم و اراده‌ای برای دور شدن از آلودگی‌ها و گناهان، نداشته باشد و برای خوب شدن و پیمودن راه آنان و نشر آثارشان قدمی برندارد و برای ثابت ماندن در راه آنان و در مسیر حق، تلاشی را به خرج ندهد!

۶- چگونه امکان دارد که به آنان خطاب کند و بگوید: من مطیع شما هستم، اطاعت شما را اطاعت خدا و عصیان شما را عصیان خدا و دوستی و دشمنی با شما را دوستی و دشمنی با خدا می‌دانم (فاتی لکم مطیع، من اطاعکم فقد اطاع الله، و من عصاکم فقد عصی الله، و من احبکم فقد احب الله، و من ابغضکم فقد ابغض الله)^۴ ولی در مقام عمل هیچ قدمی که صداقت او را در این اظهارات اثبات کند برندارد؟!... و همچنین سایر جملات پرمحتوای این زیارت و سایر زیارات.

به گفته شاعر:

من از مفصل این نکته مجملی گفتم تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل

زیارت شرک نیست، عین توحید است:

راستی چه غافلند آنانی که به گمان واهی «پرهیز از شرک» مردم را از زیارت این بزرگان، با آن همه برکات معنوی و مادی - که به قسمتی از آن در بالا اشاره شد - باز می‌دارند! و خود را مسلمان می‌دانند در حالی که از حقیقت اسلام دورند؛ چرا که زیارت آن بزرگواران به شکلی که در بالا گفته شد و به عنوان «اولیاء الله» و درخواست از آنان به عنوان «شفیعان درگاه الهی» و «عباد صالحین پروردگار» عین توحید و یکتاپرستی است، و سبب پرورش روح تقوا و ایمان است. گویا نمی‌دانند که در زیارت آنها، گاه صدها بار نام خدای یگانه برده می‌شود و مثل زیارت جامعه، با یکصد بار تکبیر و توحید پروردگار آغاز می‌گردد و با «نماز زیارت» که نیایش خالصانه‌ای به درگاه خداست پایان می‌یابد، و گویا بی‌خبرند که زیاراتی چون زیارت «امین الله» (که از معتبرترین زیارتهاست) آمیخته با بلندترین و پر محتواترین مناجاتها و راز و نیاز

۱. (زیارت جامعه)، فقیه، جلد ۲، صفحه ۶۱۵.

۲. همان مدرک، صفحه ۶۱۶.

۳. همان مدرک، صفحه ۶۱۷.

۴. همان مدرک.

الهی است؛ آن جا که پس از سلام و درود به امام زیارت شونده، آن هم به عنوان «امین الله در روی زمین» خالصانه با خدایت نجوا می‌کنی و عرضه می‌داری: «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ» و سپس زمزمه می‌کنی: «اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَيَّةَ، وَسَبْلَ الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ، وَأَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ»^۱ و در پایان آمرزش دوستان و کوتاه شدن شر دشمنان و پیروزی کلمه حق و نابودی کلمه باطل را طلب می‌کنی (أَنْتَ الْهَيَّ وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، اغْفِرْ لَأَوْلِيَائِنَا، وَكُفِّ عَنَّا أَعْدَائِنَا، وَاشْغَلْهُمْ عَنَّا أَدَانَا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ، وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا، وَأُذْخِرْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ، وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ).^۲

راستی نادیده گرفتن چنین زیارتها و شرک پنداشتن چنین عرض ارادتها دلیلی ندارد، جز سیاه بودن دل و غوطه‌ور بودن در گمراهی و عدم آگاهی از کرامات و معجزات آن بزرگواران و آثار و برکات فراوان مادی و معنوی که از جانب آن ارواح مقدسه نصیب زوارشان می‌شود و در نهایت - چنانکه گذشت - بی‌خبری از محتوای بلند زیارتنامه‌هایی که آمیخته با توبه و انابه، و دعا و نیایش و عبودیت و خضوع در مقابل پروردگار یگانه و بازگشت به سوی اوست؛ این حقیقتی است که کمترین آشنایی با آداب زیارت، آن را آشکار می‌سازد، و آثار فوق‌العاده تربیتی آن را روشن می‌کند.

زیارت در روایات اسلامی:

بر همین اساس است که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام با مضامین و تعبیر مختلف به زیارت و تعمیر قبور آن بزرگواران اهمیتی زیادی داده شده است که بخشی از آن عام و مربوط به همه ائمه است و بعضی از آن خاص است و ما در این جا به ذکر هفت تعبیر عام بسنده می‌کنیم:^۳

۱- از روایات متعددی به دست می‌آید که اگر انسان بخواهد کاملاً به عهد و پیمانش نسبت به هر کدام از ائمه وفا کند، باید به زیارت قبورشان رود و بداند که هر کس با میل و رغبت به زیارتشان رود و مکتب آنان را تصدیق نماید مشمول شفاعتشان در روز قیامت قرار می‌گیرد (إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شَيْعَتِهِ، وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ، وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ، زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ، فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ، وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ، كَانَ أَيْمَنَّهُمْ شَفَعَانَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ).^۴

۲- زید شحام از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که زائر ما اهل بیت، مثل کسی است که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را زیارت کرده باشد و زائر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زائر خدا در عرش اوست (قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام : مَا لِمَنْ زَارَ

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۲۶۴. ۲. همان مدرک، صفحه ۲۶۵.

۳. قابل ذکر است که در بخشی دیگر، قبل از زیارت هر کدام از چهارده معصوم علیهم‌السلام، به بعضی از روایات خاص اشاره می‌شود.

۴. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۱۶، حدیث ۱ و عیون اخبارالرضا، جلد ۲، صفحه ۲۶۰، حدیث ۲۴.

رَسُولَ اللَّهِ ﷺ؟ قَالَ: كَمَنْ زَارَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوْقَ عَرْشِهِ) (قَالَ قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ زَارَ أَحَدًا مِنْكُمْ؟ قَالَ: كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ).^۱

۳- در روایت جابر که در آن، رسول گرامی ﷺ از شهادت اهل بیتش خبر می‌دهد، وقتی فرزندش حسین علیه السلام از زائرین قبور آنها می‌پرسد، رسول مکرم صلی الله علیه و آله در جواب می‌فرماید: «آنان طوایفی از امت من هستند که شما را زیارت می‌کنند و از آن، برکت می‌جویند، و شایسته است بر من که در روز قیامت به سراغشان بروم تا از مشکلات آن روز و از گناهانشان رهایشان سازم و خداوند آنان را در بهشت جای دهد» (يَا بُنَيَّ، أُولَئِكَ طَوَائِفٌ مِنْ أُمَّتِي، يَزُورُونَكَ، فَيَلْتَمِسُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَهَ، وَحَقِيقٌ عَلَيَّ أَنْ آتِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حَتَّى أَخْلَصَهُمْ مِنْ أَهْوَالِ السَّاعَةِ مِنْ ذُنُوبِهِمْ، وَيُسْكِنَهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ).^۲

۴- عیسی بن راشد از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که هر کس قبر هر کدام از ائمه علیهم السلام را زیارت کند و نزد آن، دو رکعت نماز بخواند ثواب حج و عمره برایش نوشته می‌شود.^۳

۵- در روایت دیگری امام صادق علیه السلام از اجدادش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که خطاب به امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «خداوند قبر تو و قبور فرزندان تو را بقعه‌ها و عرصه‌هایی از بقاع و عرصات بهشت قرار داده است، و قلبهای برگزیدگان از خلق و نخبگان از بندگانش را شیفته شما قرار داده، به گونه‌ای که با تحمل انواع آزارها و مشکلات، قبور شما را تعمیر می‌کنند و فراوان به زیارت آن قبور می‌روند؛ همه اینها به نیت تقرب به خدا و به جهت علاقه شدیدی است که به رسول الله صلی الله علیه و آله دارند. اینان مخصوص شفاعت من و وارد بر حوض کوثر من، و فردای قیامت، زوار من در بهشت خواهند بود. یا علی! کسی که قبورتان را مرمت کند و از آن سرکشی نماید، گویا سلیمان بن داود را در بنای بیت المقدس یاری کرده است و کسی که قبورتان را زیارت کند ثواب حج به او داده می‌شود و به گونه‌ای از گناهانش خارج می‌شود که گویا تازه از مادر متولد شده! پس بر تو و دوستان و محبان تو بشارت باد به نعمت‌هایی که هیچ چشمی آن را ندیده و هیچ گوشی آن را نشنیده، و بر قلب هیچ بشری خطور نکرده است...»^۴

۶- در روایتی دیگر، وقتی عبدالرحمن بن مسلم از امام کاظم علیه السلام درباره با فضیلت‌ترین زیارت (و این که آیا زیارت امیرمؤمنان افضل است یا...) سؤال می‌کند حضرتش می‌فرماید: «زیارت و دوستی اولین ما، زیارت و دوستی آخرین ماست، و زیارت و ولایت آخرین ما زیارت و ولایت اولین ماست (و

۱. کافی، جلد ۴، صفحه ۵۸۵، حدیث ۵.

۲. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۱۸، حدیث ۱۱ به نقل از کامل‌الزیارات، صفحه ۵۸، حدیث ۶، باب ۱۶.

۳. همان مدرک، صفحه ۱۱۹، حدیث ۱۸ به نقل از کامل‌الزیارات، صفحه ۱۶۰، حدیث ۱۴، باب ۶۵.

۴. همان مدرک، صفحه ۱۲۰، حدیث ۲۲.

فرقی بین ما وجود ندارد) و هر کس حاجتی از یکی از اولیا و دوستان ما را برآورده کند، گویا حاجت همه ما را برآورده ساخته است...»^۱

۷- همین راوی در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که: «هر کس بعد از رحلت ما به زیارت ما آید گویا در زمان حیاتمان ما را زیارت کرده است و هر کس با دشمنان ما بجنگد گویا در رکاب ما جنگ کرده است، و هر کس علاقه‌مندان ما را دوست داشته باشد در حقیقت به ما محبت ورزیده، و هر کس مؤمنی را خوشحال کند در حقیقت ما را خوشحال کرده، و هر کس فقیری از (پیروان) ما را کمک کند جبران کمک او بر جد ما محمد صلی الله علیه و آله است.»^۲

تذکر: شایان ذکر است که رفتن به استقبال زائرین اهل بیت علیهم السلام و دیدار از آنان و سلام و تهنیت بر ایشان، از اهمیت زیادی برخوردار است و مطابق روایت معلی بن خنیس، همانند ثواب زوَّار، برای انسان استقبال کننده و یا دیدارکننده نیز نوشته می‌شود.^۳

پیش از ورود در بحث زیارات معصومین علیهم السلام ذکر سه نکته لازم به نظر می‌رسد:

۱- مقدمات و آداب سفر

۲- آداب زیارت

۳- اذن دخول

مقدمات و آداب سفر:

با توجه به این که غالباً رفتن به زیارت، با مسافرتی همراه است (و به تعبیر دیگر: زیارت از مصادیق سفر می‌باشد) شایسته است زائران از انجام آداب سفر و مقدمات آن غافل نباشند؛ اجمالی از این آداب و مقدمات (که تفصیل آن در بحارالانوار، جلد ۹۷؛ کتاب‌المزار، صفحه ۱۰۱ به بعد و در وسائل‌الشیعه، جلد ۸؛ ابواب آداب سفر از کتاب‌الحج، صفحه ۲۴۸ به بعد وارد شده) عبارت است از:

۱- در بعضی از روایات^۴ آمده است که انتخاب بعضی از روزهای هفته برای مسافرت بهتر است ولی چنانچه انسان سفر خود را با صدقه^۵ و دعا^۶ شروع کند ان شاء الله گرفتار مشکلی نخواهد شد.

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۲۲، حدیث ۲۶ به نقل از کامل‌الزیارات، صفحه ۳۳۵، حدیث ۱۳، باب ۱۰۸.

۲. همان مدرک، صفحه ۱۲۴، حدیث ۳۴.

۳. همان مدرک، جلد ۹۹، صفحه ۳۰۲، حدیث ۱.

۴. رجوع شود به: کافی، جلد ۸، صفحه ۱۴۳، حدیث ۱۰۹ و صفحه ۲۷۵، حدیث ۴۱۶ و خصال صدوق، جلد ۲، صفحه ۳۸۵، حدیث ۶۷ و صفحه ۳۸۶، حدیث ۶۹ و صفحه ۳۸۸، حدیث ۷۸ و صفحه ۳۹۳، حدیث ۹۵ و بحارالانوار، جلد ۵۶، صفحه ۳۵ و جلد ۹۷، صفحه ۱۰۲ و فقیه، جلد ۱، صفحه ۴۲۴، حدیث ۱۲۵۲ و جلد ۲، صفحه ۲۶۶ و ۲۶۷.

۵. کافی، جلد ۴، صفحه ۲۸۳، حدیث ۴.

۶. رجوع شود به: وسائل‌الشیعه، جلد ۱۱، باب ۱۵ از ابواب سفر.

۲- با امیدواری حرکت کند و از فال بد زدن بپرهیزد چرا که از روایات به دست می آید آن گونه که تو تَفأل بر خود کنی همان برایت پیش می آید؛ اگر آسان بگیری آسان و اگر سخت بگیری سخت می شود و اگر آن را چیزی به حساب نیاوری مشکلی پیش نمی آید.^۱

۳- قبل از سفر صدقه بدهد که در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده: «هر زمان امام سجاد علیه السلام پای در رکاب می گذاشت با صدقه دادن در حدّ توان خود، سلامتی را از خداوند عَزَّوَجَلَّ طلب می کرد و هنگام بازگشت از سفر نیز به شکرانه سلامتی سفر به اندازه توان خویش صدقه می داد و حمد و شکر خدا بجای می آورد».^۲ و نیز آمده است: صدقه بده و هر روز که خواستی از منزل خارج شو^۳ و اگر چیز ناگواری به دلت راه پیدا کرد، به اولین مسکینی که برخورد می کنی صدقه بده سپس حرکت کن که خداوند، خطر را از شما دور می کند.^۴

۴- قبل از سفر دو رکعت نماز بخواند و همه چیز خود را به خدا بسپارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدِعُكَ نَفْسِي، وَ أَهْلِي، وَ مَالِي، وَ ذُرِّيَّتِي، وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، وَ أَمَانَتِي، وَ خَاتِمَةَ عَمَلِي؛ خداوندا من خودم و خانواده ام و اموالم و فرزندانم و دنیا و آخرتم و امانتها و پایان کارم را به تو می سپارم».

به سندهای معتبر نقل شده است که: آن نماز و این دعا بهترین جانشین او بر اهل بیتش است و کسی که این دعا را بخواند به آنچه درخواست نموده، می رسد.^۵

۵- پس از خروج از خانه، بر در منزل و رو به آن سمتی که به سوی آن، سفرش را آغاز می کند، می ایستد و هر کدام از حمد و آیه الکرسی و فلق و ناس و اخلاص را از پیش رو و جانب راست و چپ می خواند و سپس می گوید:

«اللَّهُمَّ احْفَظْنِي، وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ، وَ سَلِّمْ عَلَيَّ، وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ، وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ؛ خداوندا مرا حفظ کن و آنچه با من است نیز حفظ کن و مرا و آنچه با من است سالم بدار و مرا و هر چه با من است به بهترین صورت به مقصد برسان».

کسی که چنین کند خداوند او و آنچه همراه اوست را حفظ می کند و به مقصد می رساند.^۶

۶- مقداری از تربت امام حسین علیه السلام بردارد و بگوید:

۱. کافی، جلد ۸، صفحه ۱۹۷ و ۱۹۸، حدیث ۲۳۵ و ۲۳۶ و وسائل الشیعه، جلد ۸، باب ۸ از ابواب سفر، حدیث ۲ و ۳.

۲. فقیه، جلد ۲، صفحه ۲۷۰، حدیث ۲۴۰۸ و وسائل الشیعه، جلد ۸، باب ۱۵ از ابواب سفر، حدیث ۵.

۳. کافی، جلد ۴، صفحه ۲۸۳، حدیث ۴ و وسائل الشیعه، جلد ۸، باب ۱۵ از ابواب سفر، حدیث ۱.

۴. محاسن، جلد ۲، صفحه ۳۴۹، حدیث ۲۶ و وسائل الشیعه، جلد ۸، باب ۱۵ از ابواب سفر، حدیث ۳.

۵. کافی، جلد ۴، صفحه ۲۸۳، حدیث ۱ و وسائل الشیعه، جلد ۸، باب ۱۸ از ابواب سفر، حدیث ۱.

۶. کافی، جلد ۲، صفحه ۴۴۳، حدیث ۱۱ و وسائل الشیعه، جلد ۸، باب ۱۹ از ابواب سفر، حدیث ۱.

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ طِينَةٌ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَلِيَّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، اتَّخَذْتُهَا حِرْزاً لِمَا أَخَافُ، وَ لِمَا لَا أَخَافُ؛ خدایاندا این خاک پاک قبر امام حسین علیه السلام است همان ولی و فرزند ولی تو؛ من آن را پناهی برای آنچه از آن می ترسم و آنچه از آن نمی ترسم قرار داده ام».

اگر چنین کند به برکت این کار در پناه خدا خواهد بود.^۱

۷- پس از حرکت، در مسیر راه می گوید:

«اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا، وَ أَحْسِنْ تَسْيِيرَنَا، وَ أَحْسِنْ غَافِيَتَنَا؛ خدایاندا راه ما را بگشای و مسیر و عافیت ما را نیکوگردان».^۲

۸- و بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ، وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِلَيْكَ

*** * به نام خدا و به خدا و از خدا و بسوی خدا و در راه خدا خدایا به تو

أَسَلَمْتُ نَفْسِي، وَ إِلَيْكَ وَ جَهَّتْ وَ جَهِي، وَ إِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي، فَاحْفَظْنِي

تسلیم کردم خودم را و بدرگاه تو گرداندم رویم را و به تو واگذاردم کارم را پس نگهداریم کن

بِحِفْظِ الْإِيمَانِ، مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي، وَ عَنِ يَمِينِي وَ عَنِ شِمَالِي،

به نگهداری ایمان از پیش رویم و از پشت سرم و از راستم و از چپم

وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي، وَ ادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا

و از بالای سرم و از زیر پایم و پشتیبانی کن از من به قدرت و نیروی خودت زیرا که قدرت

قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.^۳

و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ.

۹- وقتی سوار بر مرکب شود بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ

با نام خدا آغاز می کنم، هیچ جنبش و نیرویی جز با مدد الهی انجام نمی پذیرد، ستایش مخصوص خدایی است که ما را به سمت این سفر خیر رهنمون

لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»^۴، «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ».^۵

شد و اگر هدایت او نبود ما به سوی آن رهنمون نمی شدیم، منزه است خدایی که این مرکب را مسخر ما قرارداد و گرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم.

که اگر چنین کند خودش و مرکبش محفوظ می ماند، تا پیاده شود.^۶

۱. کامل الزیارات، صفحه ۲۸۳، حدیث ۱۰، باب ۹۳.

۲. کافی، جلد ۴، صفحه ۲۸۷، حدیث ۱.

۳. بحار الانوار، جلد ۷۳، صفحه ۲۵۸، حدیث ۵۲.

۴. سوره اعراف، آیه ۴۳.

۵. سوره زخرف، آیه ۱۳.

۶. رجوع شود به: کافی، جلد ۶، صفحه ۵۴۰، حدیث ۱۷.

۱۰- در مواقع احساس خطر، آیه ۸۰ سوره اسراء را تلاوت کند:

«رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مَدْخَلَ صِدْقٍ، وَاَخْرِجْنِيْ مَخْرَجَ صِدْقٍ، وَاَجْعَلْ لِيْ مِنْ

پروردگارا! مرا در اهر کار با صداقت وارد کن و با صداقت خارج ساز و از سوئی خود

لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا».

حتی یاری کننده برایم قرار ده.

همچنین خواندن آیه‌الکرسی در چنین مواردی بسیار خوب است.^۱

۱۱- اگر به منزلی رسید که قصد استراحت در آن را دارد قبل از خواب، تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را بگوید،

سپس آیه‌الکرسی تلاوت کند که تا صبح از هر خطری محفوظ بماند.^۲

۱۲- اگر تنها مسافرت می‌کند بگوید:

«مَا شَاءَ اللهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ، اَللّٰهُمَّ اِنْسِ وَحْشَتِيْ، وَاَعِنِّيْ عَلٰى

آنچه خدا بخواهد تحقق می‌یابد، هیچ جنبش و نیرویی جز با مدد الهی انجام نمی‌گیرد خداوندا وحشت مرا به انس تبدیل فرما و مرا بر

وَاَخْدَتِيْ، وَاَدِّ غَيْبَتِيْ».^۳

تنهاییام یاری ده و در غیاب من به جای من باش.

و بهتر است انسان تا امکان دارد تنها سفر نکند.^۴

۱۳- به دوستان و همراهان کمک کند و در رفع نیازهای آنان مضایقه ننماید و حقیقتاً نسبت به آنان

متواضع و دوست و مهربان باشد. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «مَا اضْطَحَبَ اِثْنَانِ اِلَّا كَانَ اَعْظَمَهُمَا

اَجْرًا وَاَحَبَّهُمَا اِلَى اللّٰهِ اَزْفَقَّهُمَا لِصَاحِبِهِ؛ هرگاه دو نفر با یکدیگر همراه شوند آن کس که بیشتر محبت و

کمک کند نزد خدا محبوب‌تر و پاداشش بیشتر است».^۵

در روایت دیگری از امام سجّاد علیه السلام وارد شده که حضرتش سفر نمی‌کرد مگر با کسانی که او را شناسند

تا بتوانند در مسیر راه، به همراهانش کمک نمایند.^۶

در روایتی دیگر از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل شده که وقتی با اصحابش در سفر بود و می‌خواستند

گوسفندی بکشند، یکی گفت: کشتن گوسفند با من! دیگری گفت: کندن پوست آن با من! و سوومی گفت:

۱. محاسن، جلد ۲، صفحه ۳۶۷، حدیث ۱۱۸.

۲. همان مدرک، حدیث ۱۲۰.

۳. فقیه، جلد ۲، صفحه ۲۷۶، حدیث ۲۴۳۱.

۴. کافی، جلد ۴، صفحه ۲۸۶، حدیث ۵ و وسائل الشیعه، جلد ۸، باب ۳۰ از ابواب سفر، حدیث ۱.

۵. فقیه، جلد ۲، صفحه ۲۷۸، حدیث ۲۴۳۷ و وسائل الشیعه، جلد ۸، باب ۳۱ از ابواب سفر، حدیث ۲.

۶. عیون اخبارالرضا، جلد ۲، صفحه ۱۴۵، حدیث ۱۳ و وسائل الشیعه، جلد ۸، باب ۴۶، حدیث ۲.

پختن آن با من! و حضرتش فرمود: تهیّه هیزمش با من! گفتند: یا رسول الله شما زحمت نکشید ما خود، انجامش می‌دهیم. فرمود: می‌دانم، ولی دوست ندارم نسبت به شما امتیازی پیدا کنم؛ زیرا حق تعالی دوست ندارد که ببیند بنده‌اش برای خود امتیازی نسبت به دیگران قائل است.^۱

۱۴- به ما دستور داده شده: «با کسانی که از جهت خرج کردن و تمکّن مالی در ردیف شما نیستند، مسافرت نکنید، مبدا آنها احساس حقارت کنند!».^۲

۱۵- دقیقاً مراقب انجام نمازهای واجب باشد که بسیار مهم است؛ زیرا از کمال غفلت زائر است با آن که برای تقرّب به سوی خدا و رسیدن به ثواب زیارت و حج و عمره و مشاهد مشرفه، به سفر می‌رود، در مسیر راه، نسبت به نماز و شرایط و حدود، و بجا آوردن آن در اوّل وقت، بی‌مبالاتی و بی‌توجهی داشته باشد؛ در حالی که از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «نماز فریضه از بیست حجّ (مستحبّ) بهتر است».^۳

۱۶- بعد از نمازهای قصر - اگر وقت دارد - سی مرتبه تسبیحات اربعه را فراموش نکند که روی آن تأکید شده است.^۴

۱۷- ناگفته پیداست: آنچه درباره دعا و صدقات برای حفظ جان و مال و خانواده، از خطرات در بالا گفته شد به این معنا نیست که انسان احتیاط را از دست دهد و مراقبت‌های لازم را برای حفظ خویش و اموالش انجام ندهد؛ بلکه مقصود این است: هر چه برای حفظ خود و اموال خویش در توان دارد انجام دهد و بقیّه را به خدا بسپارد چرا که در روایت آمده است دعای افراد سهل انگار مستجاب نمی‌شود. بنابراین، باید در جاه‌های خطرناک قدم نگذارد؛ خصوصاً در رانندگی اموری را که برای ایمنی توصیه شده است فراموش نکند، از سرعت غیر مجاز بپرهیزد، با احتیاط حرکت کند و وسایل لازم را که در سفرهای زمستانی یا تابستانی مورد نیاز است با خود بردارد.

این سخن را با حدیث پرمعنایی پایان می‌دهیم: امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش فرمود: «اعْقِلْ رَاحِلَتَكَ وَ تَوَكَّلْ؛ با توکل زانوی اشتر ببند».^۵

آداب زیارت:

پس از بیان آداب اسلامی سفر که به منزله مقدمه‌ای برای زیارت است به سراغ آداب زیارت می‌رویم که بسیار است و در این جا به ذکر مهمترین آنها قناعت می‌شود:

۱. بحارالانوار، جلد ۷۳، صفحه ۲۷۳.

۲. فقیه، جلد ۲، صفحه ۲۷۹، حدیث ۲۴۴۲.

۳. کافی، جلد ۳، صفحه ۲۶۵، حدیث ۷.

۴. تهذیب، جلد ۳، صفحه ۲۳۰، حدیث ۱۰۳.

۵. بحارالانوار، جلد ۱۰۰، صفحه ۵، حدیث ۱۸.

۱- هر کس دوست دارد که امام معصوم علیه السلام او را بطلبد و به او اجازه شرفیابی دهد، قبل از حرکت از همه آنهایی که از جانب او احتمالاً اذیت و آزاری و لو در حدّ یک کدورت قلبی به آنها رسیده، حلیت بطلبد؛ خصوصاً کسانی که از محبتان و موالی آن بزرگواران به حساب می آیند. این مطلب شواهد فراوانی دارد، از جمله داستان معروف ابراهیم جمّال (ساریان) و علی بن یقطين صحابی خاص امام کاظم علیه السلام و وزیر هارون الرشید (البته با اجازه آن حضرت و برای نجات مظلومان) می باشد که بر اثر عدم موافقت با ملاقات ابراهیم جمّال امام علیه السلام او را به ملاقات خود راه نداد و فرمود: چون قلب این مرد از تو شکسته است خدا زیارت تو را نیز قبول نکرد. علی بن یقطين ناچار به سراغ ابراهیم جمّال آمد و با تواضع بی نظیر با او ملاقات کرد و از او حلیت طلبید؛ پس از آن بود که امام او را به حضور پذیرفت و بشارت قبولی اعمالش را به او داد.^۱

۲- هرگونه حقّ الناس و از جمله خمس و زکات اموال را - مخصوصاً به هنگام سفر حجّ - بپردازد؛ چرا که تا اموال انسان پاک نشود، نه اعمال او با استفاده از آن اموال صحیح است و نه شایسته تقرب به درگاه خداوند می باشد.

۳- غسل زیارت کند و این دعا را هنگام غسل (یا بعد از آن) بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي نُورًا وَ طَهُورًا وَ حِرْزًا، وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ آفَةٍ وَ غَاهَةٍ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِي قَلْبِي، وَ اشْرَحْ بِي صَدْرِي، وَ سَهِّلْ بِي أَمْرِي؛ به نام خداوند و به یاری خدا، پروردگارا آن را نور و پاکیزگی و نگهبان و شفای از هر درد و آفت و عیب قرار بده! خداوندا با این غسل قلبم را نیز پاک کن و سینهام را بگشای و کارم را آسان گردان».^۲

۴- با طهارت باشد یعنی اگر غسل واجبی به گردن اوست بجا آورد، چرا که امام صادق علیه السلام به ابوبصیر که در حال جنابت بر حضرتش وارد شد فرمود: «أَمَا تَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِلْجُنْبِ أَنْ يَدْخُلَ بُيُوتَ الْأَنْبِيَاءِ؛ آیا نمی دانی که برای شخص جنب شایسته نیست که در خانه های انبیا (و اولیا) داخل شود» راوی می گوید وقتی حضرت این را فرمودند ابوبصیر برگشت و ما بر آن حضرت داخل شدیم.^۳

با توجه به این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیه السلام حی و میت آنها در این امور تفاوتی ندارد، نتیجه این می شود که فرقی بین حرم های مقدسه با خانه های آنان نباشد.

۵- کفشها را در آورد، چون در وادی مقدسی قدم نهاده است «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ

طَوَى».^۴

۱. رجوع شود به: بحار الانوار، جلد ۴۸، صفحه ۸۵، حدیث ۱۰۵. ۲. همان مدرک، جلد ۹۷، صفحه ۱۲۹.

۳. قرب الاسناد، صفحه ۲۱ و بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۲۶، حدیث ۲.

۴. سوره طه، آیه ۱۲.

۶- همان‌گونه که عالم بزرگوار «شهید اول» در کتاب دروس^۱ گفته است بر در حرم شریف بایستد و اذن دخول بطلبد و یا اذن دخولی که وارد شده است، را بخواند (که در صفحه ۲۱۸ خواهد آمد) و با تفکر در عظمت و جلالت قدر صاحب مرقد شریف و توجه به این نکته که او کلامش را می‌شنود و سلامش را جواب می‌دهد و از جایگاه و موقعیت او باخبر است (چنان‌که اذن دخولی که خواهد آمد، صراحت بر این مطالب دارد) و با تدبیر در لطف و محبتی که آنان به شیعیان و زائرانشان دارند و با تأمل در گناهان خویش و بی‌وفایی که با خلافاکاری‌های خود در حق آنان کرده و خاطر شریفشان را آزرده ساخته، سعی در تحصیل رقت قلب و خضوع و انکسار دل و جاری شدن اشک، بنماید.

۷- هنگامی که نگاهش به قبر مطهر افتاد، تکبیر بگوید و خدا را به عظمت یاد کند، چنان‌که در روایتی آمده است: هر کس پیش روی امام تکبیر و پس از زیارت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» بگوید خشنودی بزرگ خدا نصیبش می‌شود.^۲

۸- شکی نیست که صرف حضور در محضر امام و ایستادن و یا نشستن مؤدبانه در مقابل ضریح، زیارت به حساب می‌آید چنان‌که صرف گفتن «السَّلَامُ عَلَيكُمْ» نیز چنین است.^۳

۹- از زیارتهای غیر معتبر و بی دلیل پرهیز کند و اگر حوصله و یا فرصت خواندن زیارات معروف را ندارد، می‌تواند سلام کوتاهی دهد و سپس دو رکعت نماز بخواند و آن را به صاحب قبر هدیه کند و حاجت خود را بخواهد، چرا که در روایت است: عبدالرحیم قصیر می‌گوید: وارد بر امام صادق عليه السلام شدم و گفتم: فدایت شوم از پیش خود دعایی اختراع کردم، فرمود: واگذار اختراع خود را، هرگاه تو را حاجتی باشد پناه به حضرت رسول صلی الله علیه و آله بیاور و دو رکعت نماز بخوان و آن را به حضرتش هدیه کن...^۴

۱۰- پس از زیارت، نماز زیارت بخواند که حداقل آن دو رکعت است و اگر در رکعت اول حمد و سوره یس و در رکعت دوم حمد و الرحمن را بخواند بهتر است،^۵ و چه بهتر که در بالای سر بجا آورد^۶ و بعد از نماز زیارت، برای امور دین و دنیایش دعا کند و سعی کند دعا را به دیگران تعمیم دهد که در این صورت به اجابت نزدیکتر است.

این مطلب (پشت سر یا بالای سر خواندن) در روایت ابوحمزه ثمالی مربوط به زیارت امام حسین عليه السلام

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۳۴ به نقل از دروس، جلد ۲، صفحه ۲۲.

۲. بصائرالدرجات، صفحه ۳۱۲.

۳. شهید اول در دروس گفته است: خامسها الزيارة بالمأثور و یکفی السلام (والحضور)، (بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۳۴ به نقل از دروس،

جلد ۲، صفحه ۲۳).

۴. کافی، جلد ۳، صفحه ۴۷۶، حدیث ۱.

۵. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۸۶، ظاهر آنچه در روایت آمده این است که این دو رکعت در زیارت هر یک از ائمه خوانده می‌شود.

۶. همان مدرک.

آمده است؛ ولی مرحوم شهید در دروس برای زیارت همه ائمه چنین می‌گوید: «اگر زائر رسول اکرم ﷺ باشد این دو رکعت را در روضه آن حضرت بخواند و اگر برای یکی از ائمه علیهم السلام زیارت می‌خواند بالای سر بجا آورد و خواندن آن در مسجد مکان زیارت نیز، جایز است».^۱

۱۱- مستحب است در صورتی که مزاحمتی برای سایر زوّار فراهم نشود پس از خواندن زیارت و نماز زیارت و به طور کلی پس از حضور و تشرّف، اطراف ضریح را ببوسد.^۲

۱۲- علاوه بر آنچه گفته شد سزاوار است زوّار محترم لباس‌های تمیز و مناسب به هنگام زیارت بپوشند و خود را خوشبو کنند و زبان را به ذکر خدا و حمد و تمجید او و صلوات بر محمد و آلش مشغول دارند.

۱۳- سعی کنند که در تمام حالات، حضور قلب را حفظ کنند، از گناهان استغفار نمایند و عزمشان را بر اصلاح کردار و گفتار خود جزم کنند، و در خود نسبت به آینده، تحوّلی به وجود آورند.

۱۴- شایسته است زائران محترم احترام خدام این آستانهای مقدّس را حفظ کنند همان‌گونه که بر خادمان لازم است مشکلات زائران را تحمّل کنند و با ادب با آنها رفتار نمایند.

۱۵- به نیازمندان آن شهر و مساکین آن بلد، کمک کنند که ثواب مضاعف دارد.

۱۶- به هنگام ازدحام به مقدار لازم از زیارت، قناعت نمایند و جای خود را به دیگران بسپارند و باید دانست آنچه در زیارت مهم است کیفیت است نه مقدار و کمیّت و گاه یک سلام کوتاه جای یک زیارت طولانی را می‌گیرد و در بعضی از روایات دستور به تعجیل در بازگشت داده شده است.

۱۷- بانوان، جدای از مردان و نامحرمان زیارت کنند و با حجاب کامل تشرّف یابند و بدانند زیارت مستحب است و مراعات حجاب و جهات عقّت واجب است؛ مبادا واجب را فدای مستحب کرد.

در پایان این فصل، تذکّر این نکته ضروری است که برادران زائر، مواظب حجاب و عفاف همسران و دختران خود در این مکان‌های مقدّس (و بلکه در هر زمان و مکان دیگر) باشند تا خدای ناکرده با یک بی‌توجهی، روح آن معصومان علیهم السلام را آزرده نکنند و زیارتشان را به جفا تبدیل ننمایند.



از این امور باید پرهیز کرد:

۱- در وقت خواندن زیارت صدای خود را بلند نکند چنانکه از آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ...»^۳ به دست می‌آید. زیرا گرچه این آیه مربوط به حیات رسول گرامی است

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۳۴ به نقل از دروس، جلد ۲، صفحه ۲۳.

۲. علامه مجلسی در بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۲۶ ذیل حدیث ۳ نقل می‌کند که در بعضی از روایات آمده است: «قبیل جوانب القبر».

۳. سوره حجرات، آیه ۲.

لیکن چنانکه گذشت، فرقی بین حیات و ممات آن حضرت نیست همانگونه که مطابق روایتی که آن نیز گذشت، فرقی بین او و اهل بیتش در این جهت وجود ندارد و زیارت هر کدام از ائمه زیارت خود آن حضرت است.

۲- پس از ورود در حرم اگر وقت نماز واجب فرا رسید، از تأخیر نماز بپرهیزد و اول به نماز مشغول شود، به خصوص اگر نماز جماعت برپا شده باشد؛ همچنین اگر در وسط زیارت، وقت نماز وارد شود. خدام محترم حرم‌های مقدسه وظیفه دارند که مردم را به این دستور شرعی دعوت کنند.

۳- سخنان بیهوده و دنیایی را در حرم مطهر ترک کند که این کار در شأن زوار حرم‌های مطهر نیست و به جای آن قرآن تلاوت کند و ثواب آن را به صاحب آن بقعه مبارکه هدیه کند و بداند که عمل او تعظیمی برای آن بزرگوار است و برکاتش به خود تلاوت کننده باز می‌گردد و نیز می‌تواند به ذکر خدا مشغول باشد چرا که این حرم‌های مطهر همچنان که خداوند سبحان در آیه ﴿فِي بُيُوتِ الَّذِينَ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾^۱ اشاره فرموده است: خانه‌هایی است که پیوسته از رفعت و علو مرتبه برخوردار بوده، نام خدا در آنها برده می‌شود و صبح و شام جایگاه تسبیح اوست.

۴- از هر گونه ایجاد مزاحمت و ناراحتی برای دیگران بپرهیزد و به هنگام ازدحام اصرار بر بوسیدن ضریح که سبب ناراحتی دیگران می‌شود، نداشته باشد و بداند بوسیدن ضریح - آن‌گونه که بعضی از عوام می‌پندارند - شرط قبولی زیارت نیست و سعی کند از آلوده کردن این حرم‌های مقدس بپرهیزد و حداکثر نظافت را - که از مهمترین دستورات اسلام است - رعایت کند.



اذن دخول:

پیش از ورود در حرم‌های معصومین علیهم‌السلام از آنها اجازه ورود می‌طلبیم، و به هنگام ترک این حرم‌ها وداع می‌گوییم که مفهومی این است آن بزرگواران را زندگان جاوید می‌دانیم که به فرمان خدا از حال و راز همه زائران خود آگاهند.

و از آنجا که یک فرد آلوده، شرم می‌کند که پای خود را بر بساط پاک اولیاء الله بگذارد، همانجا توبه می‌کند و لباس آلوده گناهان را از تن بیرون می‌نماید و با لباس تقوا و پرهیزکاری وارد می‌شود. آهسته و با ادب در حالی که ذکر خدا بر لب دارد گام بر می‌دارد تا به آن مرقد مقدس برسد.

محتوای اذن دخول‌هایی که برای ورود در این حرم‌های مقدس وارد شده، بسیار آموزنده است و در بیداری قلب و حضور دل و توجه به موقعیت آن حرم شریف و معرفت صاحب آن و زدودن غبار غفلت از روح و جان بسیار مؤثر است.

به تصریح برخی از جملات این اذن دخول‌ها، زائر به هنگام ورود می‌گوید:

«وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرُونَ مَقَامِي، وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي، وَيَرُدُّونَ سَلَامِي؛ خدایا من عقیده دارم که پیامبر تو و جانشینان زنده‌اند و در نزد تو روزی داده می‌شوند». اگر زائری در بدو ورود به محضر معصومان علیهم‌السلام با این اعتقاد وارد شود و این حقیقت را با جان و دل بپذیرد که آنان او را می‌بینند و سخن او را می‌شنوند و به سلام و ارادتش پاسخ می‌دهند، زیارت او حال و هوای دیگری خواهد داشت.

سزاوار است زائران محترم، به مضامین این اذن دخول‌ها کمال توجه را داشته باشند.

چنانکه گذشت یکی از آدابی که بزرگان علما برای زیارت ذکر کرده‌اند، اذن دخول است و آن به دو صورت است:

اول: همان است که محدث بزرگوار مرحوم حاج شیخ عباس قمی از «کفعمی»^۱ برای همه مشاهده مشرفه ذکر کرده و «علامه مجلسی»^۲ در باب زیارت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مدینه به عنوان اذن دخول برای زیارت آن حضرت آورده است. ولی همان گونه که از عبارات آن، خصوصاً از جمله «وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْمَفْرُوضِ عَلَيَّ طَاعَتُهُ» پیداست اختصاصی به زیارت رسول مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ندارد، بلکه مربوط به همه مشاهده مشرفه است. عبارت اذن دخول این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

خدایا من ایستادم بر در خانه‌ای از درهای خانه‌های پیامبرت که درودهای تو بر او و ایشان باد

وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

و چنان است که تو قَدَعَن فرموده‌ای که مردم داخل آن گردند جز به اذن تو و فرمودی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید

لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ

داخل خانه‌های پیغمبر نشوید جز این‌که به شما اذن دهند» خدایا من معتقدم به احترام صاحب

هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ، كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ

این زیارتگاه شریف در زمان غیبت و پنهانیش چنانچه این عقیده را در زمان حضورش دارم و می‌دانم که

رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرُونَ مَقَامِي

رسول تو و جانشینانش علیهم السلام زنده‌اند و در نزد تو روزی می‌خورند و هم اکنون جای مرا می‌بینند

وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي، وَيَرُدُّونَ سَلَامِي، وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ،

و سختم را می‌شنوند و جواب دهند به سلام من ولی تو جلوگیری از گوش من شنیدن سخنان را

وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ، وَإِنِّي أَسْتَاذِنُكَ يَا رَبِّ أَوْلَا،

و باز کردی درب فهمم را به مناجات لذیذ ایشان و من اکنون ای پروردگارم اولاً از تو اذن می‌طلبم

وَأَسْتَاذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا، وَأَسْتَاذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ

و ثانیاً از رسول تو صلی الله علیه و آله اذن می‌گیرم و در مرحله سوم از جانشینت این امامی که

الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ، فَلَانَ بْنِ فَلَانَ * بجای فلان بن فلان، آن امامی را که

اطاعتش را بر من واجب فرمودی (فلان پسر فلان) * * * * *

می‌خواهد زیارت کند نام ببرد و همچنین نام پدرش را ببرد مثلاً اگر در زیارت امام حسین علیه السلام است بگوید:

الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام و اگر در زیارت امام رضا علیه السلام است بگوید: عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا علیه السلام و سپس بگوید:

وَالْمَلَائِكَةَ الْمُوَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا، ءَادْخُلُ يَا رَسُولَ

و فرشتگانی که موکل بر این بقعه مبارکه هستند اذن می‌طلبم آیا داخل شوم ای رسول

اللَّهِ، ءَادْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، ءَادْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي

خدا؟ آیا داخل شوم ای حجت خدا؟ آیا داخل شوم ای فرشتگان مقرب خدا که در این زیارتگاه

هَذَا الْمَشْهَدِ، فَادْنُ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَدْنَتْ لِأَحَدٍ مِنْ

اقامت دارید؟ پس انم بده ای مولای من برای داخل شدن بهترین اذنی را که به یکی از دوستان

أَوْلِيَائِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَانْتَ أَهْلٌ لَهُ * سپس بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ،

می‌دهی که اگر من شایسته آن نیستم مسلماً تو شایسته آنی * * * * * به نام خدا و به یاد خدا

وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

و در راه خدا و بر کیش رسول خدا - که درود خدا بر او و آتش یاد - خدایا بیامرز مرا

وَارْحَمْنِي، وَتُبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

و به من رحم کن و توبه‌ام بپذیر که برستی تویی توبه‌پذیر مهربان.

دوم: اذن دخولی است که «عَلَامَةُ مَجْلِسِي» آن را از یکی از نسخه‌های قدیمی بعضی از تألیفات علمای شیعه برای دخول در سرداب مقدس و بُقاع منوَّره سائرانمه علیه السلام نقل فرموده و آن، چنین است:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ بُقْعَةٌ طَهَّرْتَهَا، وَعَقْوَةٌ شَرَّفْتَهَا، وَمَعَالِمٌ زَكَّيْتَهَا، حَيْثُ

خدایا این بقعه‌ای است که تو پاکش کردی و درباری است که شرافتش دادی و جایگاههایی است که پاکیزه‌اش ساختی زیرا

أَظْهَرْتَ فِيهَا أَدِلَّةَ التَّوْحِيدِ، وَأَشْبَاحَ الْعَرْشِ الْمَجِيدِ، الَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ

آشکار کردی در آنها راهنماهای توحید و تمثالهای عرش مجید را آنان که برگزیدشان به عنوان

مُلُوكًا لِحِفْظِ النَّظَامِ، وَ اخْتَرْتَهُمْ رُؤَسَاءَ لِجَمِيعِ الْأَنَامِ، وَ بَعَثْتَهُمْ لِقِيَامِ

فرمانروا برای حفظ نظام جهان و انتخابشان کردی به عنوان ریاست برای همه مردم و برانگیختی آنها را

الْقِسْطِ فِي ابْتِدَاءِ الْوُجُودِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ، ثُمَّ مَنَنْتَ عَلَيْهِمْ بِاسْتِنَابَةِ

به منظور برپاداشتن عدالت از آغاز هستی تا روز رستاخیز سپس بر آنها ممت نهادی که ایشان را جایگزین

أَنْبِيَاءِكَ، لِحِفْظِ شَرَائِعِكَ وَأَحْكَامِكَ، فَأَكْمَلْتَ بِاسْتِخْلَافِهِمْ رِسَالَةَ

پیامبران کردی تا شرایع دین و احکام تو را حفظ کنند و بدین ترتیب با جایگزین کردنشان موضوع رسالت

الْمُنْذِرِينَ، كَمَا أَوْجَبْتَ رِيَّاسَتَهُمْ فِي فِطْرِ الْمَكْلَفِينَ، فَسُبْحَانَكَ مِنْ إِلَهٍ

پیامبران بیم‌دهنده را کامل گرداندی چنانچه واجب کردی ریاست آنها را در سرشت آنان که مکلف هستند پس منزهی تو ای معبود من

مَا أَرَأَيْتَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْ مَلِكٍ مَا أَعْدَلُكَ، حَيْثُ طَابَقَ صُنْعُكَ مَا

که چه اندازه مهربانی و معبودی نیست جز تو ای پادشاه که براستی چقدر دادگری زیرا که مطابق آمد آنچه را ساختی با آنچه

فَطَرْتَ عَلَيْهِ الْعُقُولَ، وَ وَاوَفَقَ حُكْمُكَ مَا قَرَّرْتَهُ فِي الْمَعْقُولِ وَالْمَنْقُولِ،

که خردها را بر آن سرشتی و موافق آمد حکم و دستور تو آنچه را در امور عقلی و نقلی مقرر داشتی

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى تَقْدِيرِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ، وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى قَضَائِكَ

پس حمد تو را سزاست بر این اندازه‌گیری نیکو و زیبایی و سپاسگزاری تو راست بر این قضا

الْمُعَلَّلِ بِأَكْمَلِ التَّعْلِيلِ، فَسُبْحَانَ مَنْ لَا يُسْأَلُ عَنْ فِعْلِهِ، وَلَا يُنَازَعُ فِي

و تقدیرت که کاملترین جهت و علت را داراست پس منزّه است آن کس که از کاری که کند بازخواست نشود و در فرمانش کسی

أَمْرِهِ، وَ سُبْحَانَ مَنْ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ قَبْلَ ابْتِدَاءِ خَلْقِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

نزاغ نکند و منزّه است آن‌که به عهده گرفته بر خویش مهر و رحمت را پیش از آن‌که آغاز آفرینش کند و ستایش خاص خدایی

الَّذِي مَنْ عَلَيْنَا بِحُكْمٍ يَقُومُونَ مَقَامَهُ لَوْ كَانَ حَاضِرًا فِي الْمَكَانِ، وَلَا

است که ممت گذارد بر ما به وجود فرمانروایی که جانشین اویند اگر فرضاً او در جایی حاضر می‌شد و معبودی

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي شَرَّفْنَا بِأَوْصِيَاءَ يَحْفَظُونَ الشَّرَائِعَ فِي كُلِّ الْأَزْمَانِ،

نیست جز آن خدایی که ما را شرافت دادی به اوصیایی که حفظ کنند شرایع را در هر زمان

وَاللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي أَظْهَرَهُمْ لَنَا بِمُعْجَزَاتٍ يَعْجُزُ عَنْهَا الثَّقَلَانِ، لَا حَوْلَ وَلَا

و خدا بزرگتر (از توصیف) است آشکارشان کرد بوسیلهٔ معجزاتی که عاجزند از آوردنش جن و انس جنبش

قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، الَّذِي أَجْرَانَا عَلَى عَوَائِدِهِ الْجَمِيلَةِ فِي الْأَمَمِ

و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگی که مقدر داشت برای ما آن نعمتهای نیکی را که به امتهای گذشته

السَّلَافِينَ، اَللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالثَّنَاءُ الْعَلِيُّ، كَمَا وَجَبَ لَوَجْهِكَ الْبَقَاءُ

عیانت کرده بود خدایا پس تو راست حمد و ثنای والا چنانچه واجب آمد برای ذات بقای

السَّرْمَدِيِّ، وَكَمَا جَعَلْتَ نَبِيَّنَا خَيْرَ النَّبِيِّينَ، وَمَلُوكَنَا أَفْضَلَ الْمَخْلُوقِينَ،

ابدی تو و چنانکه قرار دادی پیامبر ما را بهترین پیامبران و امامان ما را بهترین آفریدگان

وَاخْتَرْتَهُمْ عَلَى عِلْمِ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَفَقُّنَا لِلسَّعْيِ إِلَىٰ أَبْوَابِهِمُ الْعَامِرَةِ

و برگزیدیشان از روی دانش بر تمام جهانیان ما را موفق دار برای شتافتن به سوی درگاههای آبادشان

إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ، وَاجْعَلْ أَرْوَاحَنَا تَحِنُّ إِلَىٰ مَوْطِي أَقْدَامِهِمْ، وَنَفْسَنَا

تا روز قیامت و ارواح ما را چنان کن که مشتاقانه جای پای ایشان را ببینند و نفوس ما را

تَهْوِي النَّظَرَ إِلَىٰ مَجَالِسِهِمْ وَعَرَصَاتِهِمْ، حَتَّىٰ كَأَنَّنا نَخَاطِبُهُمْ فِي

هواخواه نگاه کردن به مجالسشان و آستانه‌هایشان گردان بطوری که گویا در حضور خودشان

حُضُورِ أَشْخَاصِهِمْ، فَصَلَّىٰ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سَادَةِ غَائِبِينَ، وَمِنْ سُلَالَةِ

با آنها سخن می‌گویم پس درود خدا بر ایشان، آن آقایان غایب از نظر و آن پاک نژادان

طَاهِرِينَ، وَمِنْ أَيْمَّةٍ مَعْصُومِينَ، اَللَّهُمَّ فَادِّنْ لَنَا بِدُخُولِ هَذِهِ الْعَرَصَاتِ،

و امامان معصوم خدایا پس اذنمان بده به وارد شدن به این آستانه‌هایی

الَّتِي اسْتَعْبَدَتْ بِزِيَارَتِهَا أَهْلَ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ، وَأَرْسِلْ دُمُوعَنَا

که به عبادت وادار کردی بوسیلهٔ زیارتشان اهل زمینها و آسمانها را و جاری کن اشکهای ما را

بِخُشُوعِ الْمَهَابَةِ، وَذَلَّلْ جَوَارِحَنَا بِذَلِّ الْعُبُودِيَّةِ وَفَرَضِ الطَّاعَةِ، حَتَّىٰ

بوسیلهٔ خشوع در برابر مهابت و بزرگیت و خوار گردان اعضا وجوارح ما را بخواری بندگی و فرض اطاعت تا

نُقَرَّ بِمَا يَجِبُ لَهُمْ مِنَ الْأَوْصَافِ، وَنَعْتَرِفَ بِأَنَّهُمْ شُفَعَاءُ الْخَلَائِقِ إِذَا

اقرار کنیم به اوصافی که برای ایشان واجب است و اعتراف کنیم که آنها شفیعان خلقند در آن

نُصِبَتِ الْمَوَازِينُ فِي يَوْمِ الْأَعْرَافِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ

هنگام که میزانها در روز اعراف (یعنی روز قیامت) نصب گردد و حمد خاص خداست و سلام بر بندگان

اضْطَفَىٰ، مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

برگزیدهاش محمد و آل پاکشان باشد.

سپس با خضوع و خشوع داخل شو و بدان که حال توجّه و خضوع، علامت صدور اذن از ناحیه مقدّس آن بزرگواران است.^۱

اکنون که طریقه اذن دخول را دانستی، به سراغ زیارات یک یک از معصومین علیهم السلام می‌رویم و از زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سایر مشاهد مشرفه مدینه شروع می‌کنیم.

* * *

فصل اول

زیارت رسول خدا ﷺ و فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه بقیع علیهم السلام و سایر مشاهد و مساجد در مدینه منوره

زیارت رسول خدا ﷺ از نزدیک:

بر هر مسلمانی - خصوصاً بر حجاج خانه خدا - مستحب مؤکد است، زیارت قبر رسول مکرم ﷺ در مدینه منوره، و روایات زیادی درباره فضیلت زیارت آن حضرت وارده شده که از آن جمله است:

۱- امام صادق علیها السلام می فرماید: «امام حسین علیها السلام از رسول الله ﷺ سؤال کرد: پاداش زائر شما چیست؟ فرمود: فرزندانم! کسی که در حیات یا ممات من، مرا زیارت کند، یا پدرت را و یا برادرت را و یا خودت را زیارت کند، بر من لازم است که در روز قیامت زیارتش کنم تا او را از گناهانش رهایی بخشم؛ (كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حَتَّى أَخْلَصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ).^۱

۲- در روایات متعددی آمده است که اگر کسی با خلوص نیت به زیارت قبر رسول خدا ﷺ برود، آن حضرت شفیع او در قیامت می شود و ان شاء الله وارد بهشت می گردد.^۲

۳- زیارت قبر رسول الله ﷺ معادل حج مقبولی است که به همراه آن حضرت بجا آورده شود.^۳

۴- فرمود: «کسی که در حیات یا پس از مرگم مرا زیارت کند، روز قیامت در جوار من خواهد بود؛ (كَانَ فِي جَوَارِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ).^۴

۵- رسول خدا ﷺ فرمود: «مَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مَنَبَرِي، رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ...؛ میان خانه و منبر من، باغی از باغ های بهشت است...».^۵

۶- مرحوم صدوق از امیرمؤمنان علی علیها السلام روایت کرده که فرمود: «حج خود را با زیارت حضرت رسول ﷺ کامل کنید؛ چرا که ترک زیارتش بی وفایی و خلاف ادب است».^۶

۱. کامل الزیارات، صفحه ۱۱، حدیث ۲، باب ۱.

۲. همان مدرک، باب ۲، احادیث ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶.

۳. همان مدرک، صفحه ۱۵، حدیث ۱۹.

۴. همان مدرک، صفحه ۱۳، حدیث ۱۱.

۵. کافی، جلد ۴، صفحه ۵۵۴، حدیث ۳ و بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۴۶، حدیث ۱.

۶. خصال، جلد ۲، صفحه ۶۱۶.

کیفیت زیارت و آداب آن:

- ۱- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که قبل از ورود در مدینه غسل کند.^۱
- ۲- «شیخ طوسی» برای داخل شدن در مسجدالنبی و زیارت رسول مکرّم صلی الله علیه و آله، نیز غسل دیگری را ذکر کرده است.^۲
- ۳- اذن دخول بخواند که آن را نیز «کفعمی» و دیگران ذکر کرده‌اند و در صفحه ۲۲۰ در بحث اذن دخول گذشت.
- ۴- سپس مطابق آنچه «ابن قولویه» در «کامل الزیارات» از امام صادق علیه السلام نقل کرده، نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله برود و بر آن حضرت سلام کند، آنگاه (چنانچه میسر شود) کنار ستونی که جانب راست قبر و نزد سر مبارک حضرتش قرار دارد، رو به قبله بایستد و بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

گواهی دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و گواهی دهم که محمد بنده

و رَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

و رسول اوست و گواهی دهم که تویی رسول خدا و همانا تویی محمد بن عبدالله و گواهی دهم که

بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ،

رسالت پروردگارت را رساندی و برای امت خیرخواهی کردی و در راه خدا جهاد کردی

وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَدَيْتَ

و خدا را پرستش کردی تا مرگت فرا رسید بوسیله حکمت و پند نیک و آنچه را

الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَأَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ، وَغَلُظْتَ عَلَى

از حق به عهده داشتی ادا کردی و برستی تو نسبت به مؤمنان مهربان و نسبت به کافران

الْكَافِرِينَ، فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

سخت‌گیر بودی خدایت به بهترین شرافت جایگاه گرامیان برساند ستایش خدایی راست که

اسْتَنْقَدْنَا بِكَ مِنَ الشُّرْكِ وَالضَّلَالَةِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ

ما را بوسیله جناب تو از شرک و گمراهی نجات بخشد خدایا دروهای خود و دروهای

مَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِينَ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَأَهْلِ

فرشتگان مقربت و بندگان شایسته‌ات و پیمان مرسلت و ساکنان

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ،

آسمانها و زمینها و هر که را برای پروردگار جهانیان تسبیح گویند از اولین و آخرین همه را یکجا قرار ده

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ، وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ،

برای محمد بنده و رسولت و پیامبرت و امین (بر وحیت) و همرازت و حبیبیت و دوست خالص

وَصَفْوَتِكَ وَخَاصَّتِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ وَأَعْطِهِ الدَّرَجَةَ

و برگزیده و مخصوصت و منتخب تو از میان خلقت خدایا به محمد درجهٔ بلندی عطا فرما

وَالْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يُغِبُّهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ،

و مقام وسیله را در بهشت به او بده و به مقام پسندیده‌ای او را برگزین که غیبه خورند به او اولین و آخرین

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ،

خدایا تو فرمودی «و اگر ایشان در آن هنگام که به خود ستم کردند به نزد تو آیند و از خدا آمرزش خواهند

وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا، وَإِنِّي آتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَعْفِرًا

و پیغمبر هم برای ایشان آمرزش بخواهد همانا بیابند خدای را بسیار توبه‌پذیر و مهربان» و من آمرزش خواهانه به درگاه پیغمبرت آمده

تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي، وَإِنِّي اتَّوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

و توبه از گناهانم کردم و من به سوی تو به وسیلهٔ پیامبرت پیامبر رحمت محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا مُحَمَّدُ إِنِّي اتَّوَجَّهْتُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ، لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي.

علیه و آله، روی آوردم و ای محمد من به سوی خدایی روی آوردم که پروردگار من و تو است تا پیامرزد گناهانم را.

سپس فرمود: اگر حاجتی داری، رو به قبله بایست و دو دستت را بالا ببر و حاجتت را طلب کن که امید است برآورده شود ان شاء الله.^۱

۵- در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام در همان کتاب آمده است: پس از فراغت از دعا، نزد منبر بایست و حمد خدای به جای آور و ثنای او بگو و حاجتت را طلب کن؛ چرا که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مابین قبر من و منبر من، باغی از باغ‌های بهشت است... سپس آنچه خواستی نماز می‌خوانی».^۲

۶- اسحاق بن عمار می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: سلام مختصر و کوتاهی نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله به من پیاموز، فرمود: بگو:

«أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَنْتَجِبَكَ وَاصْطَفَاكَ وَاخْتَارَكَ، وَهَدَاكَ وَهَدَى بِكَ، أَنْ

از خداوندی که تو را اختیار کرد و برگزید و هدایت کرد و مردم را نیز بوسیله تو هدایت فرمود چنین

يُصَلِّيَ عَلَيْكَ صَلَاةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً».^۱

می‌خواهم که بر تو درود فرستد، درود فراوان و پاکیزه.

۷- بزنتی از امام رضا علیه السلام سؤال می‌کند که سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونه است؟ فرمود: می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».^۲

۸- در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله نماز زیاد بجا آورده شود که به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله: یک رکعت نماز در آن معادل هزار رکعت در مساجد دیگر است و نماز در مسجد الحرام برابر هزار نماز در مسجد من (مسجد النبی) است (یعنی ثواب یک میلیون نماز دارد).^۳

زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله از دور

فضیلت زیارت آن حضرت از دور:

۱- یکی از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید: امام علیه السلام به من امر فرمود که هر چه می‌توانم در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله نماز بگزارم؛ چرا که این توفیق همیشه نصیب انسان نمی‌شود. سپس فرمود: آیا کنار قبر رسول الله صلی الله علیه و آله هم می‌روی؟ عرض کردم: آری، فرمود: آگاه باش که او سلام تو را از نزدیک می‌شنود و اگر دور هم باشی از دور هم سلامت به او می‌رسد.^۴

۲- امام علی علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «هر کس در هر مکانی از زمین، به من سلام کند سلامش به من می‌رسد».^۵

۱. کامل‌الزیارات، صفحه ۱۹، حدیث ۹.
 ۲. همان مدرک، صفحه ۲۰، حدیث ۱۰.
 ۳. همان مدرک، صفحه ۲۱، حدیث ۴، باب ۴.
 ۴. همان مدرک، صفحه ۱۲، حدیث ۵، باب ۲.
 ۵. امالی طوسی، صفحه ۱۶۷، حدیث ۳۱.

۳- در روایت معتبری از امام سجّاد علیه السلام نقل شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که بعد از وفات من به زیارت قبرم بیاید، مثل کسی است که در زمان حیاتم به سوی من هجرت کرده است؛ پس اگر توان آن را ندارید، از دور بر من سلام بفرستید که به من می‌رسد.^۱

کیفیت زیارت آن حضرت از دور:

۱- یکی از یاران امام رضا علیه السلام می‌گوید: خدمت آن حضرت عرض کردم: بعد از نماز فریضه چگونه بر رسول گرامی صلی الله علیه و آله سلام فرستم (و حضرتش را زیارت کنم)؟ فرمود: خطاب به آن حضرت می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای رسول خدا و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، سلام بر تو ای

مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ،

محمد بن عبدالله، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای حبیب خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ

سلام بر تو ای بنده خدا، سلام بر تو ای امین خدا، گواهی می‌دهم که تو فرستاده

اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ،

خدایی و گواهی می‌دهم که تو محمد پسر عبداللهی و گواهی می‌دهم که تو ناصح امتت بودی

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَجَزَاكَ اللَّهُ يَا

و در راه پروردگارت نهایت تلاشت را به کار گرفتی و عبادتت را تا لحظه مرگ بجا آوردی، پس ای رسول الله خدا

رَسُولَ اللَّهِ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

تو را بالاترین جزایی را که به پیامبری در قبالت امتش عطا کرد عطا فرماید. خداوند بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».^۲

محمد درود فرست بالاترین درودی را که بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی چرا که تو حمید و مجیدی.

۲- و نیز «سید بن طاووس» در «مصباح الزائر» از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «کسی که بخواهد از شهر خویش قبر رسول گرامی صلی الله علیه و آله و قبور سایر ائمه علیهم السلام را زیارت کند روز جمعه غسل نماید و

۱. کامل الزیارات، صفحه ۱۴، حدیث ۱۷، باب ۲.

۲. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۸۱، حدیث ۳ و قرب الاسناد، صفحه ۱۶۹.

دو جامهٔ پاکیزه بپوشد و در فضای باز بایستد؛ سپس چهار رکعت نماز بخواند با هر سوره‌ای که میسر شود، پس از تشهد و سلام، رو به قبله بایستد و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

سلام بر تو ای پیامبر و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو ای

النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ، وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضَى، وَالسَّيِّدَةُ الْكُبْرَى، وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْرَاءُ،

پیامبر مرسل و (بر تو ای) وصی پسندیده و (بر تو ای) بانوی بزرگ و بانوی محترم ای زهرا

وَالسَّبْطَانَ الْمُنتَجِبَانَ، وَالْأَوْلَادُ الْأَعْلَامُ، وَالْأَمْنَاءُ الْمُنتَجِبُونَ، جِئْتُ

و بر شما ای دو سبط برگزیده و بر شما ای فرزندان بزرگوار و امین‌های برگزیده من

إِنْقِطَاعاً إِلَيْكُمْ وَإِلَى آبَائِكُمْ، وَوَلَدِكُمْ الْخَلْفِ عَلَى بَرَكََةِ الْحَقِّ، فَقَلْبِي

از همه بریده و آمده‌ام بسوی شما و بسوی پدران شما و فرزندان آن یادگار شایسته به برکت خدا پس دلم

لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ لِدِينِهِ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا

تسلیم شماست و یاریم برایتان آماده است تا خدا به وسیلهٔ دین خودش (در زمین) حکم کند پس با شمایم با شما

مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي لَمِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ، مُقَرَّرٌ بِرَجْعَتِكُمْ، لَا أَنْكُرُ لِلَّهِ قُدْرَةً،

نه با دشمن شما و برستی من قائلم به فضل شما و اقرار دارم به رجعت شما و انکار ندارم هیچ‌گونه قدرتی را برای خدا

وَلَا أَزْعَمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، يُسَبِّحُ لِلَّهِ

و نه پندارم جز آنچه خدا خواهد منزّه است خدا صاحب ملک و ملکوت تسبیح خدا گویند

بِأَسْمَائِهِ جَمِيعِ خَلْقِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ، وَالسَّلَامُ

تمامی خلق به وسیلهٔ اسمای خدا و سلام بر ارواح شما و اجسامتان. و سلام

عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»^۱.

خدا و رحمت و برکاتش بر شما باد.

۳- در فصل «اعمال ایام هفته» (صفحه ۹۸۵) دو زیارت برای آن حضرت خواهد آمد. هر کس بخواهد می‌تواند به آنجا رجوع کند و به فیض خواندن آن نائل گردد.

۴- شایسته است صلوات فرستادن بر آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ به آن صلواتی که امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در یکی از خطبه‌های خود در روز جمعه بر آن حضرت فرستاده و در «روضه کافی» نقل شده است:

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ

همانا خدا و فرشتگانش درود فرستند بر پیغمبر ای آنان که ایمان آورده‌اید درود فرستید بر او

وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى

و سلام کنید سلامی کامل خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برکت ده بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَحَنَّنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ

محمد و آل محمد و مهرورز بر محمد و آل محمد و سلام فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ

و آل محمد بمانند بهترین درود و برکت و رحمت و مهر و سلامی

عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ،

که بفرستی بر ابراهیم و آل ابراهیم که برستی تو ستوده و بزرگواری خدایا بده به محمد مقام وسیله را

وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالْمَنْزِلَةَ الْكَرِيمَةَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ

و شرافت و فضیلت و منزلتی بس گرامی خدایا قرار ده محمد و آل محمد را

أَعْظَمَ الْخَلَائِقِ كُلِّهِمْ شَرَفًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَأَقْرَبَهُمْ مِنْكَ مَقْعَدًا، وَأَوْجَهُهُمْ

در شرافت بزرگترین خلائق در روز قیامت و نزدیکترین ایشان بخودت و آبرومندترین آنها

عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَاهًا، وَأَفْضَلَهُمْ عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَنَصِيبًا، اللَّهُمَّ اعْطِ

پیش خود در روز قیامت و برترین ایشان در منزلت و بهره خدایا عطا فرما

مُحَمَّدًا أَشْرَفَ الْمَقَامِ، وَحِبَاءَ السَّلَامِ، وَشَفَاعَةَ الْإِسْلَامِ، اللَّهُمَّ وَالْحِقْنَا

به محمد شریفترین مقام و جایزه سلام و شفاعت دین اسلام را و ای خدا برسان ما را

بِهِ غَيْرَ خَزَايَا، وَلَا نَاكِبِينَ وَلَا نَادِمِينَ وَلَا مُبَدِّلِينَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ. ۱

به او در حالی که نه رسوا باشیم و نه پیمان‌شکن و نه روی گردان و نه تغییر دهنده احکام ای معبود بر حق آمین.

۵- عاشقان آن حضرت و اهل بیت طاهرینش از زیارت جامعی که «شیخ طوسی» در «مصباح» از

امام حسن عسکری علیه السلام نقل می‌کند و در اواخر بخش زیارات، تحت عنوان «صلوات بر چهارده معصوم

(صفحه ۵۶۱)» خواهد آمد، غافل نباشند که آثار ارزنده‌ای دارد.

زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

فضیلت زیارت آن حضرت و جایگاه قبر شریفش:

۱- مرحوم «علامه مجلسی» از امام صادق علیه السلام از اجداد طاهربینش روایت کرده که: «هر کس قبر حضرت طاهره فاطمه علیها السلام را زیارت کند و بگوید: **الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءٍ...** (اولین زیارت از زیاراتی که خواهد آمد) و استغفار کند، خداوند او را می بخشد و او را وارد بهشت می کند!»^۱

۲- ابوالحسن ابراهیم بن محمد همدانی می گوید: برای امام هادی علیه السلام نامه ای نوشتم که مرا از قبر فاطمه علیها السلام باخبر سازد، حضرت در جواب نوشتند که: او با جدم صلوات الله علیه و آله می باشد.^۲

۳- مرحوم «صدوق» می گوید: صحیح در نزد من این است که آن حضرت در خانه اش دفن شده که پس از توسعه توسط بنی امیه، الآن جزء مسجد قرار گرفته است^۳ و مرحوم «علامه مجلسی» نیز می گوید: اظهر این است که آن حضرت (صلوات الله علیها) در خانه اش دفن شده است.^۴ ظاهراً این نظر بر اساس روایتی است که در آن، یکی از یاران حضرت رضا علیه السلام نقل می کند که از امام علیه السلام از قبر حضرت فاطمه علیها السلام سؤال کردم، فرمود: در خانه اش دفن شد که پس از توسعه مسجد توسط بنی امیه، الآن جزء مسجد قرار گرفته است.^۵ بنابراین هر کس نزدیک قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و روضه مقدسه بایستد و بانوی اسلام را زیارت کند، ان شاء الله فضیلت زیارت آن حضرت علیها السلام را کسب کرده است. البته در بقیع نیز به قصد رجا می توان آن حضرت را زیارت کرد.

۴- علامه مجلسی از «مصباح الانوار» از علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام نقل می کند که فرمود: رسول خدا به من فرمود: «**يَا فَاطِمَةُ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَ الْحَقُّ بِي حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْجَنَّةِ؛** هر کس بر تو سلام فرستد خداوند او را ببخشد و او را به من ملحق می کند، هر کجای بهشت که باشم!»^۶

۵- یزید بن عبدالملک از پدرش از جدش نقل می کند که روزی خدمت حضرت فاطمه علیها السلام رسیدم؛ آن حضرت در سلام، بر من سبقت گرفت و از حالم پرسید و سپس فرمود: «پدرم به من خبر داد که هر کس بر او و بر من سه روز سلام کند خداوند بهشت را بر او واجب می کند»، عرض کردم: در زمان حیات او و حیات شما؟ فرمود: «آری و بعد از وفات ما».^۷

یادآوری: ظاهر این است که این روایت و نیز روایت قبل، شامل دور و نزدیک، هر دو می شود.

۱. بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۹۹، حدیث ۱۹.

۲. همان مدرک، صفحه ۱۹۸، حدیث ۱۸.

۳. همان مدرک، صفحه ۱۹۶ به نقل از فقیه، جلد ۲، صفحه ۵۷۲.

۴. همان مدرک، صفحه ۱۹۷ به نقل از فقیه، جلد ۲، صفحه ۵۷۲.

۵. همان مدرک، صفحه ۱۹۱، حدیث ۱، به نقل از عیون اخبار الرضا، جلد ۱، صفحه ۳۱۱، حدیث ۷۶.

۶. همان مدرک، صفحه ۱۹۴، حدیث ۱۰.

۷. همان مدرک، صفحه ۱۹۴، حدیث ۹، به نقل از تهذیب، جلد ۶، صفحه ۹، حدیث ۱۱.

کیفیت زیارت بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام:

زیارت اول: زیارت کوتاهی است که در روایت اول از روایات فضیلت زیارت آن حضرت به آن اشاره شد:

السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا وَالِدَةَ الْحُجَجِ

سلام بر تو ای بانوی زنان جهان، سلام بر تو ای مادر همه حجت‌های الهی

عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتْهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقُّهَا.

بر مردم، سلام بر تو ای مظلومه‌ای که حقت گرفته شده.

سپس بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّتِكَ وَابْنَةِ نَبِيِّكَ، وَزَوْجَةِ وَصِيِّ نَبِيِّكَ، صَلَاةً

سپس بگو: خدایا درود بفرست بر کنیزت و دخت پیامبرت و همسر وصی پیامبرت، درودی که

تُرَفِّهَافَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ، مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ.^۱

او را به بالاترین مقام بندگان مکرمت از اهل آسمان‌ها و زمین‌ها برساند.

زیارت دوم: محمد بن عیسی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: هرگاه کنار قبر جدّه‌ات

فاطمه علیها السلام قرار گرفتی بگو:

يَا مُمْتَحِنَةَ، اِمْتَحَنِكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ، فَوَجَدَكَ لِمَا

ای آزموده آزمود تو را خدایی که تو را آفرید پیش از آن‌که تو را بیافریند پس دریافت تو را در برابر

اِمْتَحَنِكَ صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا أَنَا لِكَ أَوْلِيَاءِ وَ مُصَدِّقُونَ، وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا

آزمایشش شکبیا و ما پیش خود چنین عقیده داریم که دوستان تویم و باور داریم و شکیباییم به تمام آنچه

أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَتَانَا بِهِ وَصِيُّهُ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا

پدرت صلی الله علیه و آله ما آورده و هم چنین آنچه را وصیش آورده است اکنون از تو خواهیم اگر برستی در این

صَدَّقْنَاكَ، إِلَّا الْحَقَّتْنَا بِتَصَدِّقِنَا لِهَمَّا، لِنَبْشِرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَالِدَاتِنَا.^۲

عقیده به تو راست می‌گوییم با همین راستگویی‌مان ما را به آن دو بزرگوار برسانی تا مژده دهیم خود را به این که ما به وسیله دوستی تو حتماً پاک شده‌ایم.

زیارت سوم: مرحوم «شیخ طوسی» در کتاب «تهذیب»، زیارت دیگری را از بزرگان شیعه نقل

می‌کند که از این قرار است:

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۹۸، حدیث ۱۸ و اقبال، صفحه ۶۲۳.

۲. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۹۴، حدیث ۱۱، به نقل از تهذیب، جلد ۶، صفحه ۹، حدیث ۱۲.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای دختر رسول خدا سلام بر تو ای دختر پیغمبر خدا سلام

عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای دختر حبیب خدا سلام بر تو ای دختر خلیل خدا سلام بر تو

يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ

ای دختر برگزیده خدا سلام بر تو ای دختر امین خدا سلام بر تو ای دختر

خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ،

بهترین خلق خدا سلام بر تو ای دختر بهترین پیامبران خدا و رسولانش و فرشتگانش

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

سلام بر تو ای دختر بهترین مخلوقات سلام بر تو ای بانوی زنان جهانیان

مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ، وَخَيْرِ الْخَلْقِ

از اولین و آخرین سلام بر تو ای همسر ولی خدا و بهترین خلق

بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ

پس از رسول خدا سلام بر تو ای مادر حسن و حسین دو آقای جوانان اهل

الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتْهَا الصَّدِيقَةُ الشَّهِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتْهَا الرَّضِيَّةُ

بهشت سلام بر تو ای صدیقه شهیده سلام بر تو ای خشنود از خدا

الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتْهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتْهَا

و پسندیده حق سلام بر تو ای با فضل و پاکیزه سلام بر تو ای

الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتْهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتْهَا

خویش از جنس آدمی سلام بر تو ای پرهیزکار پاکیزه سلام بر تو ای

الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيمَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتْهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَغْضُوبَةُ، السَّلَامُ

هم سخن با فرشتگان و ای دانا سلام بر تو ای ستمدیده‌ای که حقت را بناحق بردند سلام

عَلَيْكَ أَيَّتْهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَفْهُورَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ

بر تو ای ستم کشیده‌ای که مقهور دشمنان گشتی سلام بر تو ای فاطمه دختر رسول

اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ

خدا و رحمت خدا و برکاتش درود خدا بر تو و بر روح تو و بدنت گواهی دهم

أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَيْتَةِ مَنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى

که برستی تو از این جهان رفتی با برهانی روشن از جانب پروردگارت و بطور مسلم هر که تو را شادان کرد رسول خدا را شادان کرده - که درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ

خدا بر او و آتش - و هر که بر تو جفا کرد به رسول خدا - صلی الله علیه و آله - جفا کرد و هر که

أَذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ

تو را آزد قطعاً رسول خدا - صلی الله علیه و آله - را آزرده و هر که با تو پیوند بست با

رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - پیوند بسته و هر که از تو ببرد از رسول خدا - صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِأَنَّكَ بَضَعْتَهُ مِنْهُ، وَرُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ، كَمَا قَالَ صَلَّى اللَّهُ

علیه و آله - پیوندش را بریده زیرا تو باره تن او هستی و روح اوئی که در میان تن اوست همانگونه که پیامبر - صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَلَائِكَتَهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ،

علیه و آله - فرمود. گواه گیرم خدا و پیمبران و فرشتگانش را که من راضیم از هر که تو از او راضی هستی

سَاخِطٌ عَلَيَّ مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ، مُمَوَّلٌ لِمَنْ

و خشمگینم بر هر که تو بر او خشمگینی بیزاری جویم از هر که تو از او بیزاری جویی دوستدارم هر که را

وَأَلَيْتِ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ، مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتِ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتِ،

تو دوستداری دشمن دارم هر که را تو دشمن داری تنفر دارم از هر که تو تنفر داری دوستم با هر که تو دوست داری

وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً، وَجَازِياً وَمُثِيباً.

و بس است خدا برای گواهی و حساب داشتن و کیفر دادن و پاداش نیک دادن.

سپس بر رسول اکرم و ائمه اطهار صلوات می فرستی.^۱

زیارت چهارم: زیارتی است که در بخش اعمال ماهها برای روز سوم جمادی الثانی (صفحه ۶۱۹)،

روز وفات آن حضرت خواهد آمد.

زیارت پنجم: زیارت دیگری را «سید بن طاووس» در اقبال برای روز بیستم جمادی الثانی، روز تولد

آن حضرت ذکر کرده است که مثل زیارت بالاست تا «سَاخِطٌ عَلَيَّ مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ» و از این جا به بعد به این نحو است:

۱. بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۹۵، حدیث ۱۲، به نقل از تهذیب، جلد ۶، صفحه ۱۰۰.

وَوْلِيٍّ لِّمَنْ وَالَاكِ، وَعَدُوٌّ لِّمَنْ عَادَاكِ، وَحَرْبٌ لِّمَنْ حَارَبَكَ، أَنَا يَا

و من دوستم با هر که تو را دوست دارد و دشمنم با هر که تو را دشمن دارد و در حال جنگم با هر که با تو بجنگند و من ای

مَوْلَاتِي بِكَ وَبِأَبِيكَ وَبِعَلِّكَ، وَالْأَيْمَّةَ مِنْ وَوَلَدِكَ مُوقِنٌ، وَبِوَالِيَاتِهِمْ مُؤْمِنٌ،

بانوی محترم نسبت به تو و پدرت و شوهرت و امامان از فرزندان یقین و اعتقاد دارم و به ولایت و زمامداریشان ایمان دارم

وَبِطَاعَتِهِمْ مُلتَزِمٌ، أَشْهَدُ أَنَّ الدِّينَ دِينُهُمْ، وَالْحُكْمَ حُكْمُهُمْ، وَهُمْ قَدْ بَلَّغُوا

و به پیرویشان ملتزم گواهی دهم که دین همان دین آنهاست و فرمان فرمان آنهاست و آنان بخوبی وظیفه خود را

عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَدَعَا إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، لَا

از جانب خدای عزوجل ابلاغ کردند و دعوت کردند بسوی خدا بوسیله حکمت و اندرز نیکو

تَأْخِذُهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَّائِمَةً، وَصَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبِيكَ وَبِعَلِّكَ،

و اعتنایی نکردند در راه خدا به سرزنش سرزنشکنندهای و درودهای خدا بر تو و بر پدرت و شوهرت

وَأَبْنَيْكَ وَذُرِّيَّتِكَ الْأَيْمَّةَ الطَّاهِرِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ،

و فرزندان آن امامان پاکیزه خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش

وَصَلِّ عَلَى الْبَتُولِ الطَّاهِرَةِ، الصَّديْقَةِ الْمَعْصُومَةِ، التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ، الرَّضِيَّةِ

و درود فرست بر بتول طاهره صدیقه معصومه آن بانوی پاک پاکیزه خشنود از حق

الزَّكِيَّةِ الرَّشِيْدَةِ، الْمَظْلُومَةِ الْمُقْهُورَةِ، الْمَعْصُوبَةِ حَقِّهَا، الْمَمْنُوعَةِ إِرْتِهَائِهَا،

و آراسته و با رشد و هدایت و ستمدیده مقهوری که حقش را غصب کردند و از ارشش جلوگیری کرده

الْمَكْسُورَةِ ضَلْعُهَا، الْمَظْلُومِ بَعْلِهَا، الْمَقْتُولِ وَلَدُهَا، فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِكَ،

و پهلویش شکستند به شوهرش ستم کردند و فرزندش را به قتل رساندند (یعنی) فاطمه دختر رسول تو

وَبِضْعَةِ لَحْمِهِ، وَصَمِيمِ قَلْبِهِ، وَفِلْدَةِ كَبِدِهِ، وَالنُّحْبَةَ مِنْكَ لَهُ، وَالتَّحْفَةَ

و پارهای از گوشت تنش و سوبدای قلبش و جگر گوشه‌اش و انتخاب شدهات برای او و آن تحفه‌ای که

خَصَّصْتَ بِهَا وَصِيَّهٖ، وَحَبِيْبَةَ الْمُصْطَفَى، وَقَرِيْبَةَ الْمُرْتَضَى، وَسَيِّدَةَ النِّسَاءِ،

مخصوص داشتی بوسیله‌اش وصی بیغمبرت را و آن محبوبه مصطفی و همسر مرتضی و بانوی زنان

وَمُبَشِّرَةَ الْأَوْلِيَاءِ، حَلِيْفَةَ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ، وَتَفَاحَةَ الْفِرْدَوْسِ، وَالْخُلْدِ

و مژده دهندة اولیا ملازم پارسایی و زهد و سیب باغ فردوس و خلد برین

الَّتِي شَرَّفْتَ مَوْلِدَهَا بِنِسَاءِ الْجَنَّةِ، وَسَلَّلْتَ مِنْهَا أَنْوَارَ الْأَيْمَّةِ، وَأَرْخِيْتَ

آن بانوی محترمی که با شرافت کردی ولادتش را به زنان بهشتی و انوار ائمه طاهرین را از آن گوهر پاک خارج کردی و بیاویختی

دُونَهَا حِجَابَ النَّبُوَّةِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّهَا صَلَاةً تَزِيْدُ فِي مَحَلِّهَا عِنْدَكَ،

در برابرش پردهٔ نبوت خدایا درود فرست بر او درودی که بیفزاید بر مقام او در نزد تو

وَشَرَفَهَا لَدَيْكَ، وَمَنْزِلَتِهَا مِنْ رِضَاكَ، وَبَلَّغْهَا مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَآتِنَا مِنْ

و بر شرفش در پیش تو و بر منزلش از خشنودیت و برسان بر او از جانب ما تحیت و سلامی و بده به ما از

لَدُنْكَ فِي حُبِّهَا فَضْلًا وَإِحْسَانًا، وَرَحْمَةً وَغُفْرَانًا، إِنَّكَ ذُو الْعَفْوِ الْكَرِيمِ.

نزد خودت در برابر دوستیش فضیلت و احسان و مهر و آمرزشی که براستی تو دارای گذشت و بزرگواری هستی.

آنگاه نماز زیارت می خوانی و اگر توانستی نماز خود آن حضرت (که دو رکعت است در هر رکعتی یک حمد و شصت مرتبه قل هو الله) را می خوانی و اگر نتوانستی دو رکعت با حمد و قل هو الله و حمد و قل یا ایها الکافرون بجا آور و پس از سلام بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتُوْجِهْ اِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَبِاهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ،

خدایندا من به واسطهٔ پیامبر ما محمد و اهل بیتش - که درود تو بر آنها باد - به سوی تو روی می آورم

وَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيْمِ عَلَيْهِمْ، الَّذِي لَا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ، وَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ

و از تو درخواست می کنم به حق عظیمی که بر آنان داری حقی که غیر از تو از کنه آن آگاه نیست، و از تو می خواهم به حق

مَنْ حَقَّهُ عِنْدَكَ عَظِيْمٍ، وَ بِاَسْمَائِكَ الْحُسْنٰی، الَّتِيْ اَمْرْتَنِيْ اَنْ اَدْعُوْكَ بِهَا،

کسی که حق او در نزدت عظیم است و به اسمای حسنی که به من امر کرده ای که با آن تو را بخوانم

وَ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الَّذِيْ اَمْرْتُ بِهِ اِبْرَاهِيْمَ اَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ

و از تو می خواهم به اسم اعظمی که ابراهیم را امر کردی که با آن پرنده را صدا زند

فَاَجَابَتْهُ، وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيْمِ الَّذِيْ قُلْتَ لِلنَّارِ بِهٖ كُوْنِيْ بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلٰی

و آن نیز اجابت کرد و به اسم عظیمی که با آن به آتش امر کردی که بر ابراهیم سرد و سلامت

اِبْرَاهِيْمَ فَكَانَتْ بَرْدًا، وَ بِاَحَبِّ الْاَسْمَاءِ اِلَيْكَ، وَ اَشْرَفِهَا وَ اَعْظَمِهَا لَدَيْكَ،

شود و آن نیز سرد شد و به محبوب ترین اسمای در نزد تو و اشرف و اعظم اسمای در محضرت

وَ اَسْرَعِهَا اِجَابَةً، وَ اَنْجَحِهَا طَلِبَةً، وَ بِمَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَ مُسْتَحِقُّهُ وَ مُسْتَوْجِبُهُ،

و به سریع ترین آن در اجابت و پیروزترین آن در برآوردن حاجت و به آنچه که تو اهل و مستحق و مستوجب آن هستی

وَ اَتُوَسَّلُ اِلَيْكَ وَ اُرْغَبُ اِلَيْكَ، وَ اَتَضَرَّعُ اِلَيْكَ وَ اَلْحُ عَالِيكَ، وَ اَسْئَلُكَ

و تو تسلل می جویم و رغبت پیدا می کنم به سوی تو و تضرع و زاری می نمایم و اصرار می ورزم و از تو می خواهم

بِكْتَبِكَ الَّتِي أَنْزَلْتَهَا عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، مِنَ التَّوْرَةِ

به کتابهایی که بر پیامبران و رسولان - که درود تو بر آنها باد - نازل کردی از تورات

وَالْإِنْجِيلِ، وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، فَإِنَّ فِيهَا اسْمَكَ الْأَعْظَمَ، وَبِمَا فِيهَا

و انجیل و زبور و قرآن عظیم چرا که در آنها اسم اعظم تو وجود دارد و به اسمای عظمایی

مِنْ أَسْمَائِكَ الْعُظْمَى، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي

که در آن کتب موجود است قسمت می‌دهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و فرج

آلِ مُحَمَّدٍ وَشَيْعَتِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَعَنِّي، وَتَفْتَحَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِدُعَائِي،

آل محمد و شیعیان و محبان آنان و فرج مرا برسانی و درهای آسمان را برای دعای من بگشایی

وَتَرْفَعَهُ فِي عَلَيِّينَ، وَتَأْذَنَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ بِفَرَجِي،

و دعایم را در علین بالا ببری و آذین در این روز و در این ساعت ازین به گشایش من

وَإِعْطَاءِ أَمَلِي وَسُؤْلِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ

و اعطای آرزو و درخواست مربوط به دنیا و آخرت را بدهی، ای کسی که احدی از کیفیت

وَقُدْرَتُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، وَكَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ،

و قدرتش آگاهی ندارد جز خودش، ای کسی که آسمان را از هوا و زمین را از آب پر کردی

وَإِخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ، يَا مَنْ سَمَى نَفْسَهُ بِالِاسْمِ الَّذِي تَقْضِي

و برای خود زیباترین اسمها را برگزیدی، ای کسی که اسمی برای خود گذاشتی که با آن حاجت

بِهِ حَاجَةٌ مَنْ يَدْعُوهُ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ ذَلِكَ الْإِسْمِ، فَلَا شَفِيعَ أَقْوَى لِي مِنْهُ،

دعاکنندگان برآورده می‌شود از تو می‌خواهم به حق آن اسم که شفیع نیرومندتر از آن برایم نیست

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي، وَتَسْمَعَ بِمُحَمَّدٍ

این که بر محمد و آل محمد درود فرستی و حاجت مرا برآورده‌سازی و به محمد

وَعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدَ بْنَ

و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن

عَلِيِّ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ

علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد

بْنَ عَلِيٍّ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، وَالْحُجَّةَ الْمُتَنْظِرَ لِذَنْكَ،

بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجتی که منتظر آذین توست

صَلَوَاتِكَ وَسَلَامِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ صَوْتِي، لِيَشْفَعُوا لِي

صلوات و سلام و رحمت و برکات تو بر آنان باد قسمت می‌دهم که صدای من را بشنوی تا آنان شافع من

إِلَيْكَ، وَتُشَفِّعَهُمْ فِيَّ، وَلَا تُرِدَّنِي خَائِبًا، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

به سوی تو شوند و تو به آنان اجازه شفاعت در حق من را بدهی و به حق «لا اله الا انت» مرا دست‌خالی برنگردانی.

سپس حوائج را طلب می‌کنی که برآورده خواهد شد ان شاءالله تعالی.^۱

زیارت ائمه بقیع: امام حسن مجتبی، امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام

فضیلت زیارت آن بزرگواران:

۱- «شیخ صدوق» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «هرگاه کسی از شما حج کند باید که حجش

را با زیارت ما ختم کند چرا که با آن، حج کامل می‌شود!»^۲

۲- «علامه مجلسی» می‌فرماید: در حدیث معتبر از عبدالله بن عباس منقول است که رسول گرامی

اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس امام حسن علیه السلام را در بقیع زیارت کند قدمش بر صراط ثابت باشد در روزی که

قدمها از آن بلغزد».^۳

۳- در کتاب «مقنعه» مرحوم «مفید» از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر کس مرا زیارت کند

گناهانش آمرزیده می‌شود و با تنگدستی از دنیا نمی‌رود».^۴

۴- «ابن قولویه» در «کامل الزیارات»، ضمن حدیث طولانی از هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام آورده

است: مردی به خدمت آن حضرت شرفیاب شد و عرض کرد که آیا به زیارت پدرت هم می‌توان رفت؟

فرمود: آری، عرض کرد: برای زائر او چه پاداشی است؟ فرمود: اگر به امامت او اعتقاد داشته باشد و از وی

متابعت کند بهشت از برای اوست! عرض کرد: کسی که از زیارتش روی گرداند، چه کیفری خواهد داشت؟

فرمود: حسرت در روز قیامت که «یوم الحسرة» است!...^۵

۵- امام صادق علیه السلام از پدرانش از امام مجتبی علیه السلام نقل می‌کند که خدمت جدش رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله

عرض کرد: «پدر! پاداش کسی که تو را زیارت کند چیست؟ فرمود: کسی که مرا یا پدرت را یا تو را یا

۱. اقبال، صفحه ۶۲۴ - ۶۲۶ و بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۹۹، حدیث ۲۰ (با اندکی تفاوت).

۲. بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۳۹، حدیث ۱، به نقل از علل الشرایع، جلد ۲، صفحه ۴۵۹، حدیث ۱ و عیون اخبار الرضا، جلد ۲، صفحه

۲۶۲، حدیث ۲۸.

۳. بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۴۱، حدیث ۱۴، به نقل از امالی صدوق، صفحه ۱۱۵.

۴. مقنعه، صفحه ۴۷۴. ۳. کامل الزیارات، صفحه ۱۹۴، حدیث ۷، باب ۷۸.

برادرت را زیارت کند، حق است بر من که او را در روز قیامت زیارت کنم تا او را از گناهانش پاک سازم.^۱
 ۶- در «کامل الزیارات» از امام باقر علیه السلام از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: کسی که مرا، یا یکی از ذریهٔ مرا زیارت کند، او را در روز قیامت زیارت خواهیم کرد و از مشکلات و سختیهای آن روز، نجاتش خواهیم داد.^۲

۷- نیز در «کامل الزیارات» از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که به علی علیه السلام فرمود: «هر کس من یا تو یا دو فرزندت (حسن و حسین) را در زمان حیات، یا پس از مرگ زیارت کند، ضمانت می‌کنم که در روز قیامت او را از احوال و شداید آن روز رهایی بخشم، تا او را با خودم و در جوار خودم قرار دهم.»^۳

کیفیت زیارت ائمهٔ بقیع علیهم السلام از نزدیک:

هنگامی که خواستی به زیارتشان بروی شایسته است آنچه را در آداب زیارات در ابتدای بخش زیارات نقل شد، بجا آوری؛ مثل غسل، یا وضو و پوشیدن جامه‌های پاک و استعمال بوی خوش، سپس یکی از این زیارات را می‌خوانی:

زیارت اول: زیارتی است که مرحوم «ابن قولویه» در «کامل الزیارات»، آن را از یکی از امامان معصوم علیهم السلام نقل می‌کند؛ بدین ترتیب:^۴

وقتی به زیارت قبور ائمهٔ بقیع علیهم السلام مشرف شدی (در صورتی که مانع نشوند) نزدیک آن قبور مقدّس برو و پشت به قبله، قبور مطهر آن بزرگواران را مقابل خود قرار ده و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، السَّلَامُ

سلام بر شما پیشوایان هدایت سلام بر شما شایستگان پرهیزکاری سلام

عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحَجَجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَّامُ ۵ فِي

بر شما ای حجتها بر اهل دنیا سلام بر شما ای کئندگان به عدل

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۴۱، حدیث ۱۲، به نقل از امالی صدوق، صفحه ۵۹، حدیث ۴. عین همین روایت در کامل الزیارات به سند دیگری از امام صادق علیه السلام از امام حسین علیه السلام نقل شده است (کامل الزیارات، صفحه ۱۱، حدیث ۵، باب ۱).

۲. کامل الزیارات، صفحه ۱۱، حدیث ۴، باب ۱. ۳. همان مدرک، حدیث ۳.

۴. قابل توجه است که مؤلف مزار کبیر این زیارت را با مقدمه‌ای مشتمل بر اذن دخول، نقل می‌کند با تعبیری که نشان می‌دهد که در عصر مؤلف این کتاب، قبور ائمهٔ بقیع علیهم السلام از قبه و بارگاهی برخوردار بود (رجوع شود به: مزار کبیر، صفحه ۸۸ و بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۲۱۱، حدیث ۱۰). نکتهٔ دیگر آن‌که: چون اذن دخولی که در مزار کبیر آمده، در کامل الزیارات که منبع اصلی این زیارت است، نیامده، ما آن را نیابردیم؛ بنابراین، برای اذن دخول ائمهٔ بقیع، می‌توان از همان اذن دخول عامی که پیش از این در صفحه ۲۲۲ گذشت، استفاده کرد.

۵. کامل الزیارات: «القوامین».

الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ

در میان مردم سلام بر شما ای شایستگان برگزیدگی سلام بر شما ای آل رسول

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ

خدا سلام بر شما ای اهل راز گواهی دهم که شما بخوبی تبلیغ و خیرخواهی کردید و در مورد خدا

فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَكُذِّبْتُمْ، وَأَسِيبِي إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأُمَّةُ

شکیبایی کردید با این که شما را تکذیب کرده و با شما بد کردند ولی شما آنها را بخشیدید و گواهی دهم که شما امان

الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ،

راهبر راه یافته و همانا اطاعت شما واجب است و گفتارتان راست است

وَأَنَّكُمْ دَعْوَتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا، وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَأَنَّكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ

و برستی شما مردم را به خدا دعوت کردید ولی اجابت نکردند و دستور دادید ولی اطاعت نکردند و همانا شما پایه های دین

وَأَزْكَانُ الْأَرْضِ، لَمْ تَزَالُوا بَعَيْنِ اللَّهِ، يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ،

و رکنهای زمین و همواره در زیر نظر خدا بودید که بر می داشت شما را از صلبهای هر شخص پاک

وَيَنْقَلِكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تَدْئُسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَلَمْ

و متقلتان می ساخت به رحمهای پاکیزه، آلوده نکرد شما را اوضاع جاهلیت غرق در نادانی

تَشْرِكُ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ، طِبْتُمْ وَطَابَ مَنبَتُكُمْ، مَنْ بِيكُمْ عَلَيْنَا دِيَانٌ

و شرکت نکرد در شما فتنه های هوا و هوس پاک بودید و پاک بود ریشه شما منت نهاد بوسیله شما بر ما جزا ده

الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ آذِنِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ، وَيَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ

روز جزا پس نهادتان در خانه هایی که اجازه داد خدا بالا رود و یاد شود در آنها نام او و قرار داد

صَلَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا، وَكَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا، إِذْ اخْتَارَكُمُ اللَّهُ لَنَا، وَطَيَّبَ

درد فرستادن ما را بر شما رحمتی برای ما و کفاره ای برای گناهانمان چون که خدا شما را برای ما انتخاب فرمود و پاک کرد

خَلَقْنَا بِمَا مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ، وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْمِينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ

خلفت ما را بوسیله آنچه منت گذارد بر ما از ولایت شما و ما پیش خدا از نامبرداران به دانش شما و اعتراف کنندگان

بِتَّصَدِّقِنَا إِيَّاكُمْ، وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَأَخْطَا وَاسْتِكَانٍ وَأَقْرَبُ بِمَا جَنَى،

به تصدیقمان نسبت به شما بودیم و این جایگاه کسی است که زیاده روی و خطا کرده و مستمند شده و به جنایت خود اقرار داشته

وَرَجِي بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ، وَ أَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْكِ مِنْ

و امید دارد بدین جایگاه خلاصی خود را و نجات دهدش خداوند بوسیله شما نجات دادن هلاک شدگان از

الرَّدِي، فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا،

نابودی پس شما شفیعان من باشید که من به شما وارد شدم در آنگاه که دوری کردند از شما مردم دنیا

وَأَتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا، وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو،

و آیات خدا را مسخره گرفتند و تکبر ورزیدند از آنها ای پابرجایی که سهو ندارد

وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنْ بِي مَا وَفَّقْتَنِي، وَ عَرَّفْتَنِي بِمَا

و پاینده‌ای که سرگرم نشود و به هر چیز احاطه دارد تو راست متت بدانچه مرا بدان موفق داشتی و شناساندی

أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ، وَجَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ،

مرا بدانچه مرا بدان برپا داشتی در صورتی که بندگان از آن روگردانیدند و از شناختنش نادان بودند و حقش را سبک شمردند

وَمَا لَوْ إِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتْ أَلْمِنَةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَّصْتَهُمْ بِي مَا

و به غیر آن منحرف شدند پس منت داری بر من با مردمی که مخصوصشان داشتی بدانچه

خَصَّصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكَورًا مَكْتُوبًا،

مرا بدان مخصوص کردی پس تو راست ستایش چون که من در پیش تو در این مقام یاد شده و نام برده شده بودم

فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ، وَلَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ، بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

پس محروم مکن از آنچه امیدوارم و نومیدم مساز در آنچه تو را خواندم به حرمت محمد و آل

الطَّاهِرِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. ٢

پاکیزه‌اش و درود خدا بر محمد و آل محمد.

سپس هر چه را که دوست داری، برای خودت بخواه. ٣

زیارت دوم: زیارت جامعه است که به زودی ذکر آن خواهد آمد ان شاءالله (صفحه ۵۳۷)، و به نظر

«علامة مجلسی» و دیگران از بهترین زیارات است.

زیارت سوم: زیارتی است که ذکر آن برای این چهار امام بزرگوار علیهم السلام در ایام هفته خواهد آمد.

(صفحه ۹۹۲ و ۹۹۳)

۱. کامل‌الزیارات: «و عَزَّفْتَنِي اِثْمَتِي وَبِمَا».

۲. کامل‌الزیارات از «و صلی الله» تا آخر وجود ندارد، ولی در بحار آمده است.

۳. کامل‌الزیارات، باب ۱۵، حدیث ۲ و بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۲۰۳، حدیث ۱.

از خواندن صلوات بر این بزرگواران علیهم‌السلام که در اواخر بخش زیارات خواهد آمد نیز، نباید غافل شد.
(صفحه ۵۶۱)

کیفیت زیارت ائمهٔ بقیع و سایر امامان علیهم‌السلام از راه دور:

در فضیلت زیارت این بزرگواران از دور نیز روایات بسیاری نقل شده است که از آن جمله است:

۱- ابن ابی عمیر از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند: «إِذَا بَعُدَتْ بِأَحَدِكُمُ الشُّقَّةُ وَ نَأَتْ بِهِ الدَّارُ فَلْيَعْلُ أَعْلَى مَنْزِلٍ لَهُ، فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، وَ لِيَوْمٍ بِالسَّلَامِ إِلَى قُبُورِنَا، فَإِنَّ ذَلِكَ يَصِلُ إِلَيْنَا؛ كَسَى كَسَى تَوَان زِيَارَتِ از نزدیک را ندارد در جای بلندی قرار گیرد و دو رکعت نماز بخواند سپس روی به سوی قبور ما کند و سلام دهد که به ما خواهد رسید».^۱

۲- سلیمان بن عیسی از پدرش نقل می‌کند: خدمت امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: وقتی که توان زیارت تو را از نزدیک ندارم چگونه شما را زیارت کنم؟ فرمود: «ای عیسی! اگر توان آمدن نزد ما را نداری روز جمعه غسل کن، یا وضو بگیر و زیر آسمان قرار گیر و دو رکعت نماز بخوان و به سوی من توجه کن، پس هر کس در زمان حیاتم مرا زیارت کند گویا در زمان مماتم مرا زیارت کرده است و هر کس در زمان مماتم مرا زیارت کند، گویا در زمان حیات مرا زیارت کرده است»!^۲

یادآوری:

الف) همان‌گونه که مرحوم «علامهٔ مجلسی»^۳ در ذیل این روایت فرموده، از این روایت به دست می‌آید که زیارت امام حی از دور، به همین صورتی که در روایت آمده، جایز است و این دلیلی است بر امکان زیارت حضرت حجت علیه‌السلام در هر مکانی.

ب) گرچه از این دو روایت استفاده می‌شود که سلام و زیارت آن بزرگواران از راه دور با هر عبارتی ممکن است، اما اگر کسی بخواهد با زیارتی که از طرف معصومین علیهم‌السلام رسیده، آنان را زیارت کند رجوع کند به فصل زیارت رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از راه دور که در آن جا از «سید بن طاووس» زیارتی برای آن حضرت و سایر ائمه علیهم‌السلام از دور نقل کردیم. (صفحه ۲۲۹)

زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم:

در کتب معروف زیارت چنین آمده است که نزد قبر ابراهیم (در قبرستان بقیع) می‌ایستی و می‌گویی:

۱. کامل‌الزیارات، باب ۹۶، صفحه ۲۸۶، حدیث ۱ و تهذیب، جلد ۶، صفحه ۱۰۳، حدیث ۱.

۲. کامل‌الزیارات، باب ۹۶، صفحه ۲۸۷، حدیث ۴. ۳. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۶۶.

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ،

سلام بر رسول خدا سلام بر پیامبر خدا سلام بر حبیب خدا

السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ

سلام به برگزیده خدا سلام بر انتخاب شده خدا سلام بر محمد بن عبدالله

اللَّهِ، سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَيْرَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ

آقای پیمبران و خاتم رسولان و برگزیده خدا از خلقش در زمین

وَسَمَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى السُّعْدَاءِ

و آسمانش سلام بر همه پیمبران و رسولان سلام بر سعادتندان

وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ

و شهیدان و بندگان شایسته حق سلام بر ما و بر بندگان صالح خدا سلام

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرُّوحُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ، السَّلَامُ

بر تو ای روح پاک سلام بر تو ای جان شریف سلام

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا السُّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّسَمَةُ الزَّكَايَةُ، السَّلَامُ

بر تو ای نسل پاکیزه سلام بر تو ای انسان پاک سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرِ الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى، السَّلَامُ

بر تو ای فرزند بهترین مردم سلام بر تو ای فرزند پیامبر برگزیده سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمَبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَشِيرِ

بر تو ای فرزند برانگیخته شده بسوی عموم مردم سلام بر تو ای فرزند بشیر

النَّذِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُؤَيَّدِ

و نذیر سلام بر تو ای فرزند چراغ تابناک سلام بر تو ای فرزند آن کس که بوسیله قرآن

بِالْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَالْجَانِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

تأیید شد سلام بر تو ای فرزند آن کس که بسوی انس و جن فرستاده شد سلام بر تو

يَا بَنَ صَاحِبِ الرَّايَةِ وَالْعَلَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشَّفِيعِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ،

ای فرزند صاحب پرچم و علامت سلام بر تو ای فرزند شفیع در روز قیامت

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ

سلام بر تو ای فرزند آن کس که خدایش مخصوص فرمود به بزرگواری سلام بر تو و رحمت خدا و

بَرَكَاتِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدِ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ اِنْعَامِهِ، قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ

برکاتش گواهی دهم که براستی خداوند برای تو خانهٔ نعمت خود را انتخاب فرمود پیش از آنکه مقرر و واجب کند بر تو

أَحْكَامَهُ، أَوْ يَكْفَلَكَ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ، فَتَقْلَكَ إِلَيْهِ طَبِيبًا زَاكِيًا مَرْضِيًّا،

احکام خود را یا تکلیف کند تو را به حلال و حرامش پس تو را بدان خانه منتقل فرمود پاک و میرا و پسندیده

طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ، مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ، وَبَوَّأَكَ جَنَّةَ الْمَأْوَىٰ،

و پاکیزه از هر نجاست و تمیز از هر کثافت و آلودگی و جای داد در بهشت آسایش

وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَىٰ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَاةً يَقْرُبُ بِهَا عَيْنُ

و بالایت برد به درجات بالا و درود خدا بر تو درودی که روشن شود بدان دیده

رَسُولِهِ، وَيَبْلُغُهُ أَكْبَرَ مَأْمُولِهِ، اَللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَأَزْكَاهَا، وَ

رسول خدا و برساندش به بزرگترین آرزویش خدایا قرار ده بهترین دروها و پاکیزه‌ترین آنها و

أَنْمَى بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاهَا، عَلَى رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،

فزاینده‌ترین برکاتش و کاملترین آنها را بر رسول خود و پیامبرت و برگزیده از خلقت

مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَىٰ مَا نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ، وَعَلَىٰ مَا خَلَفَ

محمد خاتم پیامبران و بر نسل او از اولاد پاکش و بر یادگاری که

مِنْ عِثْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بجای گذارد از عثرت پاکیزه‌اش به رحمتت ای مهربانترین مهربانان خدایا از تو خواهم

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيٍّ، وَإِبْرَاهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ، أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ

به حق محمد برگزیده‌ات و به حق ابراهیم فرزند پیامبرت که قرار دهی سعی مرا بدیشان

مَشْكُورًا، وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا، وَحَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً، وَعَاقِبَتِي بِهِمْ

مورد سپاسگزاری و گناهم را آمرزیده و زندگیم را سعادتمند و عاقبتم را

حَمِيدَةً، وَحَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً، وَأَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَّةً، وَأُمُورِي بِهِمْ

ستوده و حاجاتم را روا شده و کردارم را پسندیده و کارهایم را مقرون به

مَسْعُودَةً، وَشَأُونِي بِهِمْ مَحْمُودَةً، اَللَّهُمَّ وَأَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ، وَنَفْسُ

سعادت و وضعم را مورد پسند و ستوده خدایا و نیکو گردان برایم توفیق را و برطرف کن

عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَضِيقٍ، اَللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابَكَ، وَامْنَحْنِي ثَوَابَكَ، وَأَسْكِنْنِي

از من هر اندوه و فشاری را خدایا دور کن مرا از عقاب و شکنجه‌ات و تفضل کن بر من پاداش نیکت را و سکنایم ده

جَنَاتِكَ، وَأَرْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ، وَأَشْرِكْ لِي فِي صَالِحِ دُعَائِي وَالِدَيَّْ

در بهشتت و روزیم گردان رضوان و امنیت را و شریک گردان با من در دعای شایسته‌ام پدر و مادرم

وَوُلْدِي، وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، إِنَّكَ

و فرزندانم و همه مؤمنین و مؤمنات را زندگان از ایشان و مردگانشان را که برستی

وَلِيَّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

تویی صاحب اختیار اعمال صالحی که بجای ماند آمین ای پروردگار جهانیان.

سپس حاجات خود را از خدا می‌خواهی و دو رکعت نماز زیارت می‌خوانی.^۱ (با توجه به این که در شرایط فعلی مانع انجام نماز در کنار این قبور مقدسه می‌شوند، این نمازها را می‌توان در مسجد پیغمبر ﷺ که نزدیک بقیع است بجا آورد).

زیارت حضرت فاطمه بنت اسد مادر گرامی امیرمؤمنان علی علیه السلام:

«عَلَّامَةُ مَجْلِسِي» از «شیخ مفید» و «سید بن طاووس» و «شهید اول» رضوان الله تعالی علیهم زیارتی را برای فاطمه بنت اسد مادر گرامی امیر مؤمنان علی علیه السلام که در بقیع مدفون است، نقل کرده است،

به این صورت:

السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ

سلام بر پیامبر خدا سلام بر رسول خدا سلام بر محمد آقای

الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوْلِيَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ

رسولان سلام بر محمد آقای اولین سلام بر محمد آقای

الْأَخْرَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

آخرین سلام بر کسی که خدا برانگیختش رحمت برای جهانیان سلام و رحمت

النَّبِيِّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ اسَدِ الْهَاشِمِيَّةِ،

خدا و برکتش بر تو ای پیغمبر سلام بر فاطمه دختر اسد آن بانوی هاشمی

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّدِيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ،

سلام بر تو ای راستگوی پسندیده سلام بر تو ای ای بانوی پرهیزکار پاکیزه

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْكَرِيمَةُ الرَّضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ

سلام بر تو ای بانوی بزرگواری و خشنودی از حق سلام بر تو ای کفالت کننده محمد خاتم

النَّبِيِّنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ

پیمبران سلام بر تو ای والدۀ بزرگ اوصیا سلام بر تو ای که

ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ

آشکار شد مهرت نسبت به رسول خدا خاتم پیمبران سلام بر تو ای که به او

تَرَبَّيْتُهَا لَوْلَى اللَّهِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ،

تفویض شد تربیت ولی الله امین سلام بر تو و بر روح تو و بدن پاکت

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدِكَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتِ

سلام بر تو و بر فرزندت و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که براستی تو بخوبی

الْكِفَالََةَ، وَأَدَيْتِ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَبَالَغْتِ فِي حِفْظِ

کفالت کردی و امانت را پرداختی و در بدست آوردن موجبات خشنودی خدا کوشش کردی و در نگهداری

رَسُولِ اللَّهِ، عَارِفَةً بِحَقِّهِ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ، مُعْتَرِفَةً بِنُبُوَّتِهِ، مُسْتَبْصِرَةً

رسول خدا حد اعلائی سعی خود را میدول داشتی در حالی که به حق او آشنا و به راستگویی ایمان داشتی و به نبوتش معترف و به نعمتش

بِنِعْمَتِهِ، كَافِلَةً بِتَرْبِيَّتِهِ، مُشْفِقَةً عَلَى نَفْسِهِ، وَاقِفَةً عَلَى خِدْمَتِهِ، مُخْتَارَةً

بینا و آشنا بودی و تربیتش را بعهده گرفتی و نسبت بدان حضرت مهر ورزیدی و برای خدمتکاریش خود را مهیا کردی و خشنودیش را

رِضَاهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى الْإِيمَانِ، وَالتَّمَسُّكِ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ،

اختیار کردی و گواهی دهم که تو از این جهان رفتی در حالی که به حق ایمان داشتی و به بهترین ادیان متمسک گشته

رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً، طَاهِرَةً زَكِيَّةً، تَقِيَّةً نَقِيَّةً، فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ وَأَرْضَاكَ،

و در حال خشنودی و پسندیدگی و پاکی و پاکیزگی و پرهیزکاری و دور از هر بدی بودی پس خدا از تو خشنود باد و خشنودت کند

وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَاوِيكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و بهشت را منزل و ماوایت قرار دهد خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا، وَثَبَّنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا، وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا،

و سود ده مرا بوسیله زیارت این بانوی محترم و ثابتم بدار به دوستیش و محروم مکن از شفاعت او

وَشَفَاعَةَ الْأُمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا، وَأَرْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا، وَاحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ

و شفاعت امامان از نژادش و روزیم کن هم جواریش را و محشور کن مرا با او و با

أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا،

فرزندانش پاکش خدایا قرار مده این زیارتم را آخرین بار زیارتم از این بانوی محترم

وَأَرْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاخْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهَا،

و روزیم گردان آمدن به زیارتش را همیشه تا زندهام داری و چون مرا میراندی در زمرهٔ او محشورم کن

وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ،

و در شفاعت او داخلم گردان به رحمت ای مهربانترین مهربانان خدایا به حقّی که این بانوی محترم نزد تو دارد

وَمَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ، اِغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ، وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،

و به مقام و منزلت او در درگاهت که بیامرز مرا و پدر و مادرم و همهٔ مردان مؤمن و زنان با ایمان را

وَأَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

و بده به ما در دنیا خوبی و در آخرت نیز خوبی و نگاهمان دار به رحمت از عذاب دوزخ.

سپس دو رکعت نماز زیارت می‌خوانی و آنچه که دوست داری دعا می‌کنی.^۱

زیارت مشاهد و مساجد مدینه:

۱- یکی از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید: خدمت آن حضرت عرض کردم: هرگاه بخواهم سری به مساجد (و مشاهد) اطراف مدینه بزنم از کجا شروع کنم؟

فرمود: «از مسجد قبا شروع کن و در آن نماز بخوان و زیاد هم نماز بخوان چرا که اولین مسجدی است که رسول الله صلی الله علیه و آله در آن نماز خواند. سپس به «مشربهٔ ام‌ابراهیم» برو و در آنجا نماز بگزار؛ چرا که آن، مسکن و مصلاّی رسول الله صلی الله علیه و آله بود. سپس وارد مسجد «فضیخ»^۲ (که مسجد «ردّ شمس» نیز نام دارد و نزدیک مسجد قباست) می‌شوی و دو رکعت نماز می‌خوانی چرا که آن مسجدی است که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن نماز خواند.

سپس به جانب «أحد» می‌روی و از مسجدی که قبل از أحد است آغاز می‌کنی و در آن نماز می‌خوانی، آنگاه نزد قبر «حمزة بن عبدالمطلب» می‌روی و بر او سلام می‌کنی، سپس سری به قبور شهدا می‌زنی و خطاب به آنان می‌گویی: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ، وَ إِنَّا بِكُمْ لِأَحِقُونَ.^۳

پس از آن وارد مسجدی می‌شوی که در جنب کوه، در جانب راست و در مدخل احد قرار دارد، و در آن نماز می‌گزاری... آنگاه وارد مسجد احزاب (که مسجد فتح نیز نام دارد) می‌شوی و در آن نماز می‌خوانی چرا که رسول الله صلی الله علیه و آله، روز احزاب در آن مسجد دعا کرد و عرض کرد:

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۲۱۸، حدیث ۱۷ و مصباح الزائر، صفحه ۵۸.

۲. متأسفانه مسجد «فضیخ» و «مشربهٔ ام‌ابراهیم» را تخریب کرده‌اند.

۳. فضیلت زیارت حمزه و زیارتی که برایش نقل شده و نیز زیارت دیگری برای شهدای احد در صفحه ۲۴۸ خواهد آمد.

«يَا صَرِيحَ الْمَكْرُوبِينَ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، وَيَا مُغِيثَ الْمَهْمُومِينَ،

ای فریادرس دردمندان و ای اجابت کننده دعای انسانهای مضطر و ای فریادرس انسانهای مهموم،

اِكْشِفْ هَمِّي وَ كَرْبِي وَ غَمِّي، فَقَدْ تَرَى حَالِي وَ حَالَ أَصْحَابِي»^۱.

هم و درد و غم مرا ابرطرف فرما چرا که تو شاهد حال من و حال یارانم هستی.

۲- مطابق آنچه در «مصباح الزائر»^۲ «سید بن طاووس» آمده زائر می تواند دعایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد احزاب خواندند را برای تطبیق بر خودش تغییر دهد و بعد از خواندن دو رکعت نماز چنین بگوید:

يَا صَرِيحَ الْمَكْرُوبِينَ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، وَيَا مُغِيثَ

ای فریاد رس گرفتاران و ای اجابت کننده دعای درماندگان و ای دادرس

الْمَهْمُومِينَ، اِكْشِفْ عَنِّي ضُرِّي وَ هَمِّي، وَ كَرْبِي وَ غَمِّي، كَمَا كَشَفْتَ عَن

غمزدگان بگشا از من سختی و اندوه و گرفتاری و غم را چنانچه گشودی از

نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَمَّهُ، وَ كَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَ اَكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي

پیامبرت صلی الله علیه و آله اندوهش را و هراس دشمن را از او کفایت کردی و از من هم کفایت کند آنچه فکر مرا به خود مشغول داشته

مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

از کار دنیا و آخرتم ای مهربانترین مهربانان.

۳- سپس «سید بن طاووس» می نویسد: و نماز می گزاری به مقداری که برایت ممکن است در خانه

حضرت امام زین العابدین علیه السلام و خانه امام جعفر صادق علیه السلام و در مسجد سلمان فارسی و مسجد

امیرمؤمنان که محاذی قبر حمزه است و مسجد مباحله، و دعا می کنی به آنچه می خواهی.^۳

غالب این مساجد امروز موجود است و به نام مساجد سبعة (هفتگانه) نامیده می شود و معمولاً زوار

مدینه را یک روز به زیارت همه آنها می برند، ولی از بعضی از این آثار در حال حاضر اثری نیست.

زیارت حضرت حمزه علیه السلام

فضیلت زیارت حضرت حمزه علیه السلام :

۱- «فخرالمحققین» در رساله «النیة» روایتی را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: هر که مرا

زیارت کند، ولی به زیارت عموم حمزه نرود در حق من جفا کرده است!^۴

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۲۱۳، حدیث ۴ و کامل الزیارات، صفحه ۲۳، حدیث ۲ و صفحه ۲۶، حدیث ۵.

۲. مصباح الزائر، صفحه ۶۴. ۳. همان مدرک، صفحه ۶۵ و رجوع کنید به: مزارکبیر، صفحه ۱۰۲.

۴. مستدرک الوسائل، جلد ۱۰، صفحه ۱۹۸، حدیث ۲.

۲- و نیز «محدث قمی» در «بیت الاحزان» روایت کرده که حضرت فاطمه علیها السلام بعد از وفات پدر بزرگوار خود هر هفته، روزهای دوشنبه و پنجشنبه به زیارت حمزه و شهدای اُحد می‌رفت و نماز می‌خواند و در آن جا دعا می‌کرد و تا زمان وفاتش آن را ترک نفرمود و بعضی از راویان گفته‌اند که آن سیده جلیله سر قبر حمزه می‌رفت و گریه می‌کرد و من در یکی از روزها به زیارت حمزه مشرف شدم دیدم که آن مظلومه نزد قبر حمزه مشغول به گریه است، من صبر کردم تا گریه‌اش فرو نشست، نزدیک رفتم و سلام کردم و گفتم: یا سَيِّدَةَ النَّسْوَانِ به خدا سوگند که با گریهات رگهای دلم را قطع کردی. فرمود: برای من گریستن سزاوار است چرا که داغدار بهترین پدر هستم. سپس گفت: **وَاشْوَقَاهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** آنگاه این بیت را زمزمه کرد:

إِذَا مَاتَ يَوْمًا مَيِّتٌ قَلَّ ذِكْرُهُ
وَذِكْرُ أَبِي مُدْمَاتَ وَاللَّهِ أَكْثَرُ^۱

هر کس می‌میرد یاد و ذکر او کم می‌شود غیر از پدرم که به خدا قسم پس از مرگش یادش بیشتر شده است (و روز به روز هم فزونی می‌شود)

۳- «شیخ مفید» می‌نویسد: رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در زمان حیاتش امر فرمود که به زیارت قبر حمزه بروند و حضرتش خود نیز به زیارت حمزه و سایر شهدا می‌رفت و حضرت فاطمه علیها السلام نیز پس از وفات پدر بزرگوارش هر صبح و هر شام (برای تسلی خاطر) به زیارت قبر حمزه می‌رفت و مسلمانان هم پی در پی به زیارت قبرش می‌رفتند.^۲

کیفیت زیارت حضرت حمزه علیه السلام:

«علامة مجلسی» از «شیخ مفید» و «سید بن طاووس» و «شهید اول» رضوان الله تعالی علیهم نقل کرده که برای زیارت قبر حمزه (در اُحد) می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای عموی گرامی رسول خدا - که درود خدا بر او و آتش باد - سلام بر تو ای

خَيْرِ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

بهترین شهیدان سلام بر تو ای شیر خدا و شیر رسول خدا گواهی دهم که تو برستی

جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَكُنْتَ

جهاد کردی در راه خدای عزوجل و جان خود را در این راه بذل کردی و برای رسول خدا خیرخواهی کردی و مشتاق بودی

فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ

آنچه را نزد خدای سبحان بود پدر و مادرم به فدایت من در این جا به نزد شما آمدم تا بدینوسیله به رسول

اللَّهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِذَلِكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ

خدا صلی الله علیه و آله تقرب جویم و اشتیاقی به تو در شفاعت دارم چونندام بوسیله زیارت

خَلَاصَ نَفْسِي، مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارِ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَيَّ

خلاص کردن جانم را پناهندام به تو از آتشی که امثال من بواسطه جنایتی که کرده‌ام

نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَيَّ ظَهْرِي، فِرْعَا إِلَيْكَ رَجَاءً

مستحق آن گشته‌ام گریزانم از گناهی که بر پشت خویش بار کرده‌ام پناهندام به تو به امید

رَحْمَةِ رَبِّي، أَتَيْتُكَ مِنْ شِقَّةٍ بَعِيدَةٍ، طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَقَدْ

رحمت پروردگارم به زیارت آمده‌ام از راهی پرنج و دور و خواهان آزادی خویش از دوزخم و برستی

أَوْقَرْتُ ظَهْرِي ذُنُوبِي، وَأَتَيْتُ مَا اسْخَطَ رَبِّي، وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْرَعُ إِلَيْهِ

که خم کرده پشتم را سنگینی بار گناهانم و به کاری که موجب خشم پروردگار من است دست زده‌ام و نیافتم کسی را که به او پناه برم

خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فَقْرِي وَحَاجَتِي،

بہتر از شما خاندان رحمت پس تو (ای سرور بزرگوار) شفیعم باش در روز ناداری و نیازم

فَقَدْ سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَأَتَيْتُكَ مَكْرُوبًا، وَسَكَبْتُ عَبْرَتِي عِنْدَكَ بَاكِيًا،

که راه پیمودم به سویت غمناک و آمده‌ام به نزدت در حال محنت‌زدگی و ریختم اشکم را در پیشت گریان

وَصِرْتُ إِلَيْكَ مُفْرَدًا، وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَني اللَّهُ بِصِلَتِهِ، وَحَسْبِي عَلَيَّ بِرِّهِ،

و به درگاهت آمده‌ام تک و تنها و تو از کسانی هستی که خداوند به من دستور پیوند او را داده و به نیکی به او وادارم کرده

وَدَلَّنِي عَلَيَّ فَضْلِهِ، وَهَدَانِي لِحُبِّهِ، وَرَغَّبَنِي فِي الْوِفَادَةِ إِلَيْهِ، وَالْهَمْنِي

و بر فضل و برتریش راهنمایی کرده و به محبتش هدایت نموده و به رفتن سر خوانم گرایش ترغیب کرده و به من الهام کرده

طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَلَا يَخِيبُ مَنْ

که حاجاتم را در پیش او بخواهم شما خاندانی هستید که بدبخت نشود هر که دوستان دارد و نومید نگردد هر که

أَتَاكُمْ، وَلَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوِيكُمْ، وَلَا يَسْعُدُ مَنْ عَادَاكُمْ * أَنْغَا رُوْبَهُ قَبْلَهُ مِي كَنِي

به درگاهتان آید و زیانکار نشود هر که هوای شما در سر دارد و روی سعادت نبیند هر که شما را دشمن دارد * * * *

و دو رکعت نماز زیارت بجا می‌آوری و پس از آن (در صورت امکان) خود را به قبر می‌چسبانی و می‌گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلِزُومِي

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد خدایا من خود را در گذرگاه مهتر قرار دادم بدان که ملازم

لَقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِتُجِيرَنِي مِنْ نِقْمَتِكَ فِي يَوْمٍ تَكْثُرُ

قبر عموی پیغمبرت صلی الله علیه و آله گشتم تا مرا در پناه خود گیرد از انتقام تو در روزی که صداها

فِيهِ الْأَصْوَاتُ، وَتَشْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ، وَتُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا، فَإِنْ

در آن روز بسیار گردد و هرکس سرگرم شود بدانچه از پیش فرستاده و از خویشتن دفاع کند پس اگر

تَرَحَّمَنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَلَا حُزْنَ، وَإِنْ تُعَاقِبْ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ

در آن روز به من رحم کنی که ترس و اندوهی ندارم و اگر کیفرم کنی پس تو مولایی هستی که قدرت داری

عَلَيَّ عَبْدِهِ، وَلَا تُخَيِّبْنِي بَعْدَ الْيَوْمِ، وَلَا تُصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي، فَقَدْ

بر بنده خود ولی نامیدم پس از این روز و بازم مگردان (از این جا) بدون حاجتم چون که

لَصِقتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، وَرَجَاءَ

خود را به قبر عموی پیغمبرت چسبانده و بوسیله او به درگاه تو تقرب جویم به آرزوی

رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَبِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ جِنَايَةِ

دسترسی به خشودیهات و به امید دریافت رحمتت پس بپذیر از من و بازگرد به بردبارت بر نادانی من و به مهرت بر جنایتی که

نَفْسِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، وَمَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي، وَلَكِنْ أَخَافُ سُوءَ

بر خود کردم چون که گناهم بزرگ است و ترس از آن ندارم که به من ستم کنی ولی از بدی حساب

الْحِسَابِ، فَأَنْظِرْ الْيَوْمَ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

ترس دارم پس بنگر امروز پناه آوردم را به قبر عموی پیغمبرت که درود خداوند بر او و آتش باد

فَبِهِمَا فُكِّنِي مِنَ النَّارِ، وَلَا تُخَيِّبْ سَعْيِي، وَلَا يَهُونَنَّ عَلَيْكَ ابْتِهَالِي، وَلَا

پس به حق هر دوی آنها که از آتش و نومید مکن کوششم را و مبادا زاری من نزد تو ناچیز و خوار قرار گیرد و

تَحْجِبَنَّ عَنْكَ صَوْتِي، وَلَا تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي، يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ

صدای من از تو محجوب گردد و بدون حاجاتم مرا باز نگردان ای فریادرس هر محنت زده

و مَحْزُونٍ، وَيَا مُفَرِّجًا عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرَانَ الْغَرِيقِ الْمُشْرِفِ عَلَيَّ

و غمناک و ای گشاینده (اندوه) از اندوهگین سرگردان و غریق که مشرف بر

الْهَلَاكَةِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْظِرْ إِلَيَّ نَظْرَةَ لَا أَشْقِي بَعْدَهَا

هلاکت است پس درود فرست بر محمد و آل محمد و بنگر به من نگرستی که هرگز پس از آن بدبخت نشوم

أَبَدًا، وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَعَبْرَتِي وَأَنْفِرَادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ،

و رحم کن به زاری و اشک و تنهاییم چونکه من به خشودیت امیدوارم

وَتَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ، فَلَا تَرُدَّ أَمَلِي، اَللّٰهُمَّ اِنْ

و جویایم آن خیری را که عطا نکند آن را احدی جز تو پس آرزویم را باز مگردان خدایا اگر

تُعَاقِبْ فَمَوْلَىٰ لَهُ الْقُدْرَةُ عَلٰی عِبْدِهِ، وَجَزَاءُئِهِ بِسُوءِ فِعْلِهِ، فَلَا اٰخِیْنَ

کیفر کنی پس مولایی هستی که بر بندهات قدرت داری و پاداش عمل بدش بوده پس نومیدم مساز

الْیَوْمَ، وَلَا تَصْرِفْنِيْ بِغَيْرِ حَاجَتِيْ، وَلَا تُخَيِّبِنِيْ شُخُوصِيْ وَوَفَادَتِيْ، فَقَدْ

امروز و بازم مگردان بدون روا شدن حاجتم و ناامید مکن حرکت کردن و آمدنم را چون که

اَنْفَدْتُ نَفَقَتِيْ، وَاتَّعَبْتُ بَدَنِيْ، وَقَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ، وَخَلَّفْتُ الْاَهْلَ وَالْمَالَ

پولم را خرج کرده‌ام و بدنم را به تعب افکندم و بیابانهای بسیاری را پشت سر گذاردم و زن و فرزند و مال و منال

وَ مَا خَوَّلْتَنِيْ، وَ اَثَرْتُ مَا عِنْدَكَ عَلٰی نَفْسِيْ، وَ لَدْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، صَلَّى

و آنچه را به من دادی همه را بجای گذاردمو آنچه را پیش توست برای خود اختیار کردم و به قبر عموی پیغمبرت صلی

اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتَقَرَّبْتُ بِهٖ اِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، فَعُدُّ بِحِلْمِكَ عَلٰی جَهْلِيْ،

الله علیه و آله پناه آوردم و بوسیله او برای جستن خشنودیت تقرب جستم پس بازگرد با بردباریت بر نادانیم

وَبِرَّافَتِكَ عَلٰی ذَنْبِيْ، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِيْ، بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيْمٌ يَا كَرِيْمٌۙۙۙ

و با مهرت بر گناهم که بر راستی گناهانم بزرگ گشته به مهرت ای بزرگوار ای بزرگوار.

زیارت سایر شهدای احد:

«عَلَامَةُ مَجْلِسِي» در «بحار الانوار»، زیارت سایر شهدای احد را این چنین آورده است:

اَلسَّلَامُ عَلٰی رَسُوْلِ اَللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی نَبِيِّ اَللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی مُحَمَّدِ بْنِ

سلام بر رسول خدا سلام بر پیامبر خدا سلام بر محمد بن

عَبْدِ اَللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِيْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الشُّهَدَاءُ

عبدالله سلام بر خاندان پاکش سلام بر شما ای شهیدان

اَلْمُؤْمِنُوْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ بَيْتِ الْاِيْمَانِ وَالتَّوْحِيْدِ، اَلسَّلَامُ

با ایمان سلام بر شما ای خاندان ایمان و توحید سلام

عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ دِيْنِ اَللّٰهِ وَاَنْصَارَ رَسُوْلِهِ، عَلَيْهِ وَ اِلِهِ السَّلَامُ، سَلَامٌ

بر شما ای یاران دین خدا و یاران رسول خدا - که بر او و آتش سلام باد - سلام

عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ،

بر شما بدان شکیبایی که کردید پس چه خوب است خانهٔ سرانجام شما گواهی دهم که براستی خداوند شما را برای دین خود انتخاب فرمود

وَاصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ،

و برگزیدتان برای رسول خود و گواهی دهم که شما در راه خدا جهاد کردید آن طور که باید

وَذَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَعَنْ نَبِيِّهِ، وَجَدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ

و دفاع کردید از دین خدا و از پیغمبر خدا و جانبازی کردید در رکاب رسول خدا و گواهی دهم که شما

قَاتِلْتُمْ عَلَيَّ مِنْهَا جِ رَسُولِ اللَّهِ، فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ

بر همان راه رسول خدا گشته شدید پس خدایتان پاداش دهد از جانب پیامبرش و از دین اسلام و مسلمانان

أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَعَرَّفْنَا وَجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ، وَمَوْضِعِ إِكْرَامِهِ،

بهترین پاداش و بشناساند به ما صورتهای شما را در جایگاه رضوان خود و موضع اکرامش

مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا،

همراه با پیامبران و راستگویان و شهیدان و صالحان و چه نیکو رفیقانی هستند آنها

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ، وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ، وَأَنَّكُمْ لِمَنْ

گواهی دهم که شماید حزب خدا و هر که با شما بجنگد مسلماً با خدا جنگ کرده و براستی شما از

الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ، الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ

مقربان و رستگارانید که در پیشگاه پروردگارشان زنده‌اند و روزی می‌خورند پس

لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا،

لنعت خدا و فرشتگان و همهٔ مردم بر آن که شما را کُشت آمده‌ام به نزد شما برای زیارت ای اهل توحید

وَبِحَقِّكُمْ عَارِفًا، وَبِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا، وَبِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ

و به حق شما عارفم و بوسیلهٔ زیارت شما بسوی خدا تقرب جویم و بدانچه گذشته از

الْأَعْمَالِ وَمَرَضِي الْأَفْعَالِ عَالِمًا، فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ،

اعمال شریف و کارهای پسندیده دانایم پس بر شما باد سلام خدا و رحمت و برکاتش

وَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ وَسَخَطُهُ، اَللَّهُمَّ اِنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهِمْ،

و لعنت خدا و خشم و غضبش بر آن کس که شما را کُشت خدایا سود ده مرا به زیارتشان

وَتَبِّئْنِي عَلَى قَصْدِهِمْ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ، وَاجْمَعْ بَيْنِي

و بر آن نیتی که آنها داشتند مرا هم ثابت بدار و بمیرانم بر آنچه ایشان را بر آن میراندی و گرد آور میان من

وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ، أَشْهَدُ أَنْكُمْ لَنَا فَرَطٌ، وَنَحْنُ بِكُمْ لَا حِقُونَ.

و ایشان در جایگاه خانه رحمت گواهی دهم که شما بر ما سبقت گرفتید و ما هم به شما ملحق خواهیم شد.

آنگاه هر مقدار که ممکن است سوره «أنا انزلناه» می خوانی و برمی گردی.^۱

زیارت وداع هنگام خروج از مدینه:

۱- یکی از یاران خاص امام صادق علیه السلام به نام معاویه بن عمار از آن حضرت نقل می کند که فرمود: هرگاه خواستی از مدینه بیرون آیی غسل کن و نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله برو و آنچه را هنگام ورودت بجا آوردی انجام بده و سپس بگو:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

خدایا قرار مده این زیارتم را آخرین زیارتم از قبر پیامبرت - صلی الله علیه و آله -

فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ، فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَىٰ مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي

و اگر پیش از آن که دوباره موفق به زیارتش شوم مرا میراندی پس من در مرگم نیز گواهی دهم بدانچه گواهی بدان می دهم در

حَيَاتِي، أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ.

زندگیم که معبودی نیست جز تو و این که محمد بنده و رسول توست.

۲- یکی از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت در ارتباط با وداع قبر رسول الله صلی الله علیه و آله سؤال کرد، فرمود بگو:

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ.^۲

درود خدا بر او و آلتی باد درود خدا بر تو سلام بر تو قرار ندهد خدا (این سلام را) آخرین سلامم بر تو.

فصل دوم

فضیلت زمین نجف و زیارت امیر مؤمنان علی علیه السلام

فضیلت زمین نجف:

۱- طبق بعضی روایات، نجف، سرزمین نیکان و پاکان است به طوری که هفتاد هزار نفر از این سرزمین بدون حساب وارد بهشت می شوند. بر همین اساس، علی علیه السلام آن را از دهقان‌های آن منطقه خریداری کرد چون دوست می داشت که آن هفتاد هزار نفر از ملک او وارد بهشت شوند!^۱

۲- «دیلمی» در «ارشاد القلوب» می نویسد: در اخبار صحیحه از اهل بیت علیهم السلام آمده است که از خواص خاک نجف این است که در آن، عذاب قبر و محاسبه نکیر و منکر، ساقط می شود^۲ و نیز می نویسد: از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده که به کوفه (که شامل نجف نیز می شد) نگاه کرد و فرمود: چقدر ظاهر و منظر تو زیبا و درون و قعر تو، طیب و پاکیزه است، خدایا قبر مرا در این مکان قرار ده!^۳

۳- همچنین روایت کرده که هرگاه امیر مؤمنان علیه السلام می خواست با خود خلوتی داشته باشد از کوفه به سمت نجف حرکت می کرد؛ روزی که مُشرف بر نجف بود ناگهان مردی را سوار بر ناقه‌ای و همراه با جنازه‌ای دید، سؤال کرد از کجا می آیی؟ جواب داد از «یمن». فرمود: این جنازه کیست؟ جواب داد: جنازه پدرم است؛ آورده‌ام تا در این مکان دفنش کنم. فرمود: چرا در یمن دفنش نکردی؟ جواب داد: چون این گونه وصیت کرد، و گفت: در این مکان مردی دفن می شود که به تعداد افراد دو قبیله بزرگ «ربیع» و «مضر» مورد شفاعت او واقع می شوند. فرمود: آیا آن مرد را می شناسی؟ جواب داد: نه. حضرت سه بار فرمود: به خدا قسم منم آن مرد، پس دفن کن!^۴

۴- و نیز به نقل از امام صادق علیه السلام می نویسد: هیچ مؤمنی در شرق یا غرب عالم نمی میرد مگر این که روحش در وادی السلام (واقع در سرزمین نجف) محشور می شود.^۵

۵- در کتاب «کافی» از شخصی به نام «حَبَّة العرنی» نقل می کند که می گوید: با امیر مؤمنان علیه السلام به بیرون کوفه رفتم؛ دیدم که آن حضرت در وادی السلام توقف کرد به گونه‌ای که گویا اقوامی را مخاطب قرار داده است. من هم با او ایستادم تا این که خسته شدم، سپس نشستم تا این که از نشستن خسته شدم، بعد ایستادم تا این که باز هم از ایستادن ملول گشتم و نشستم تا این که خسته شدم، آنگاه برخاستم و عرض

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۲۳۱، حدیث ۲۱.

۲. همان مدرک، صفحه ۲۳۲ و ۲۳۳، به نقل از ارشاد القلوب، جلد ۲، صفحه ۴۳۹ و ۴۴۰.

۳- ۵. همان مدرک.

کردم: ای امیرمؤمنان، من از این توقف و سرپا ایستادن طولانی شما نگران هستم، ساعتی را استراحت کنید؛ سپس ردایم را پهن کردم تا حضرتش روی آن بنشیند، فرمود: یا حبه! آنچه دیدی چیزی جز گفتگوی من با مؤمن و انس گرفتن با او نیست. عرض کردم: ای امیرمؤمنان واقعاً این گونه است؟ فرمود: آری؛ اگر پرده‌ها کنار می‌رفت می‌دیدی آنها را که حلقه حلقه دور هم نشسته‌اند و با هم سخن می‌گویند. عرض کردم: مقصود، اجسام آنهاست یا ارواح آنها؟ فرمود: مرادم ارواح آنها است، هیچ مؤمنی در قطعه‌ای از زمین نمی‌میرد مگر این‌که به روح او گفته می‌شود: به وادی السّلام ملحق شو! به یقین که آن، بقعه‌ای از بهشت است.^۱

فضیلت زیارت امیرمؤمنان علی علیه السلام:

۱- «شیخ طوسی» در کتاب «امالی» از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: خداوند مخلوقی بیش از فرشتگان نیافریده که هر روز هفتاد هزار از آنها نازل می‌شوند و پس از طواف بیت معمور و سپس کعبه، به سراخ قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌روند و بر او سلام می‌کنند و سپس به سراخ قبر امیر مؤمنان علیه السلام می‌روند و به او نیز سلام می‌کنند؛ سپس به زیارت قبر حسین علیه السلام می‌روند و به او نیز سلام می‌کنند؛ آنگاه به آسمان می‌روند و هر روز گروه دیگری مثل آنها تا روز قیامت، نازل می‌شوند، و نیز فرمود: کسی که امیرمؤمنان علیه السلام را «عارفاً بحقه» (= با شناخت به حق او) و بدون تکبر زیارت کند، خداوند اجر شهیدان را برایش می‌نویسد و گناهانش بخشوده می‌شود و با امن و امان در قیامت مبعوث می‌شود و حساب و محاسبه بر او آسان می‌گردد و فرشتگان به استقبالش می‌روند و وقتی از زیارت برگشت، فرشتگان تا منزلش او را مشایعت می‌کنند؛ اگر مریض شود به عیادتش می‌روند و اگر بمیرد او را تشییع می‌کنند و برایش استغفار می‌نمایند.^۲ (فراموش نشود این پاداش‌ها برای کسی است که عارف به حق آن حضرت باشد و در مسیر مکتب آنها حرکت کند).

۲- «کامل الزیارات» از ابی‌وهب بصری نقل می‌کند که می‌گوید: وارد مدینه شدم و خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم: فدایت شوم محضر شما رسیدم در حالی که قبر امیرمؤمنان علیه السلام را زیارت نکردم، فرمود: کار خوبی نکردی. اگر از شیعیان ما نبودی به تو نگاه نمی‌کردم به جهت این‌که زیارت نکردی کسی را که... فرشتگان و انبیا و مؤمنان به زیارتش می‌روند.^۳

۳- در روایت دیگری، آن حضرت خطاب به مفضل بن عمر فرمودند: برای زائر امیرمؤمنان، هنگامی که دعا می‌کند و چیزی را از خدا می‌خواهد، درهای آسمان گشوده می‌شود، پس غافل از خیر مباش.^۴

۱. کافی، جلد ۳، صفحه ۲۴۳، حدیث ۱.

۲. امالی طوسی، صفحه ۲۱۴، حدیث ۲۲.

۳. همان مدرک، حدیث ۲.

۴. کامل الزیارات، باب ۱۰، حدیث ۱.

۴- در روایت دیگری وقتی امام حسن مجتبی علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله سؤال می‌کند که پاداش زائر تو چیست؟ در جوابش می‌فرماید: پسر! کسی که در زمان حیات و یا مامت، مرا یا پدرت را زیارت کند بر من واجب است که در قیامت زیارتش کنم...^۱

۵- خلف بن حمّاد از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: در بیرون کوفه (نجف) قبری وجود دارد که هیچ دردمندی به آن پناه نمی‌برد مگر این که شفا پیدا می‌کند.^۲

۶- حسان بن مهران از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: ای حسان! آیا به زیارت قبور شهدایی که در منطقه شما هستند می‌روید؟ عرض کردم: کدام شهدا؟ فرمود: علی علیه السلام و حسین علیه السلام. عرض کردم: آری، بسیار به زیارتشان می‌رویم. فرمود: آنها شهدایی هستند که در نزد خدایشان روزی داده می‌شوند پس آنها را زیارت کنید و به آنها پناهنده شوید و حوائجتان را نزدشان بیان کنید (خداوند اجابت می‌کند).^۳

۷- مرحوم «علامه مجلسی» از «ارشاد القلوب»، از عبدالله بن حازم نقل می‌کند: «روزی با هارون الرشید از کوفه (به قصد شکار) به جانب «غریین» (نجف) بیرون رفتیم، در آن جا آهوئی را دیدیم، بازهای شکاری و سگان تربیت شده را به سوی آنها فرستادیم، ساعتی آنها را تعقیب کردند تا این که آهوان به تپه‌ای پناه بردند و در آن جا بیارمیدند. بازها و سگان از تعقیب آنها دست کشیدند و برگشتند! هارون از این صحنه، متعجب شد، سپس آهوان از آن بلندی فرود آمدند و بازها و سگان، آنها را تعقیب کردند، ولی برای بار دوم نیز آهوان به آن تپه بازگشتند و بازها و سگان هم دوباره از آنها صرف نظر کردند، برای بار سوم هم این صحنه تکرار شد، هارون الرشید فرمان داد که به کوفه روند و کسی که سئش از همه بیشتر است را نزدش بیاورند، پیرمردی از بنی‌اسد را نزدش آوردند، هارون به او گفت: قصه این تپه چیست؟ جواب داد: پدرم از اجدادش نقل کرده که می‌گفتند: زیر این تپه قبر علی بن ابی‌طالب علیه السلام است، خداوند آن را حرم امن برای هر چیزی قرار داده است!...^۴

کیفیت زیارت آن حضرت:

زیارتهای فراوانی برای حرم آن حضرت، اعم از مطلقه (زیارتهایی که اختصاص به زمان خاصی ندارد، بلکه در هر زمانی می‌شود آن را خواند) و زیارات مخصوصه (یعنی زیارتهایی که اختصاص به زمانی خاص دارد)، نقل شده که ما در این جا به آنچه در کتاب‌های معتبری چون «کامل الزیارات» و «کافی» و غیر آن نقل شده است اکتفا می‌کنیم، و قبل از ذکر آن، توجه زوّار عزیز را به نکته‌ای مهم جلب

۱. کامل الزیارات، باب ۱۰، حدیث ۳.

۲. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۲۶۱، حدیث ۱۳ و تهذیب، جلد ۶، صفحه ۳۴، حدیث ۱۴.

۳. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۲۶۱، حدیث ۱۲. ۴. همان مدرک، صفحه ۲۵۲، حدیث ۴۷.

می‌نماییم که اختصاص به حرم شریف امیرمؤمنان علی علیه السلام ندارد بلکه در تمام مشاهد مشرفه جاری است و از لابه‌لای روایاتی که در فصل قبل (زیارت مرقد رسول الله صلی الله علیه و آله در مدینه) گذشت نیز استفاده می‌شود و در مقدمه بخش زیارات نیز روی آن تأکید شده است و آن این‌که: آنچه در باب زیارات مهم است نفس حضور در حرم و توجه قلبی به آن بارگاه ملکوتی و برقرار کردن ارتباط روحی با صاحب آن بارگاه است، و همه آنچه که در فصل قبل برای فضیلت زیارت قبر امیرمؤمنان علیه السلام بیان داشتیم (همچنین سایر امامان) با این حضور و ورود در حرم و توجه قلبی به آن بزرگواران حاصل می‌شود، هر چند زیارتی از زیارت‌ها را نخواند.

بر همین اساس، زائر گرامی اگر حال و حوصله و یا وقت زیارت خواندن را ندارد می‌تواند به صرف این حضور و یا به گفتن «اَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» اکتفا کند و اگر توانست ضریح مقدس را ببوسد و اگر نتوانست برگردد، و یا در جوار آن کهف حصین لحظه‌ای و یا ساعتی توقف کند و در جلالت و عظمت و صفات و مکارم آن بزرگوار و نقصان و آلودگی خودش تفکر نماید، و از گناهان خویش توبه کند و کوله‌بار سعادت آینده‌اش را محکم ببندد و در رابطه با این‌که چه کند تا آنچه را در این زیارت به دست آورده، از دست ندهد و ذخیره قبر و قیامتش گردد، و نیز در رابطه با این‌که چه کند که این ارتباط و اتصال که برقرار شد برایش باقی بماند، برنامه‌ریزی نماید.

همچنین می‌تواند بایستد و دو رکعت و یا چندین رکعت نماز بخواند و ثوابش را به آن امام معصوم هدیه کند.

در «کامل الزیارات» از امام صادق علیه السلام نقل شده: در کنار کوفه قبری است که هیچ دردمندی نزدش حاضر نمی‌شود و چهار رکعت (هر دو رکعت به یک سلام) نماز نمی‌خواند مگر این‌که خداوند او را به خاطر برآورده شدن حاجتش مسرور برمی‌گرداند (الَّا رَجَعَهُ اللهُ مَسْرُوراً بِقَضَاءِ حَاجَتِهِ).^۱

ابان بن تغلب از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت نقل می‌کند که با امام علیه السلام بودم و دیدم که حضرتش پس از عبور از بیرون کوفه از مرکب پیاده شد و دو رکعت نماز خواند؛ سپس کمی جلوتر رفت و دو رکعت دیگر بجای آورد؛ سپس سوار شد و اندکی حرکت کرد و دوباره از مرکب پیاده شد و دو رکعت نماز خواند آنگاه فرمود: این جا جایگاه قبر امیرمؤمنان علیه السلام است. عرض کردم: فدایت شوم آن دو مکانی که در آن نماز خواندی چه بود؟ فرمود: جای سر مبارک حسین علیه السلام (در مسیر راه کوفه و شام) و جای منبر حضرت قائم علیه السلام است.^۲

به هر حال اگر کسی، حالی به او دست داد و نخواست به این مقدار اکتفا کند بلکه آماده شد که زیارتی از زیارت‌های وارد شده را بخواند، می‌تواند یکی از این زیارات مطلقه را که اختصاص به زمان خاصی ندارد قرائت کند:

زیارات مطلقه

۱- زیارت امین الله

این زیارت را «عَلَّامَةُ مَجْلِسِي» از جهت سند، از صحیح‌ترین زیارات می‌داند^۱ و مرحوم حاج شیخ عباس قمی (در مفاتیح الجنان) آن را در نهایت اعتبار معرفی می‌کند.

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: پدرم علی بن الحسین علیه السلام بعد از شهادت پدرش (از فرط غصه و اندوه و) برای کراهتی که از حشر و نشر با مردم داشت چند سالی دور از مردم زندگی می‌کرد، و گاه به سوی عراق به قصد زیارت پدر و جدش حرکت می‌کرد و کسی از آن خبر نداشت، روزی به قصد زیارت امیرمؤمنان صلوات الله علیه حرکت کرد و من نیز، همراه او بودم و هیچ جنبنده و صاحب روحی غیر از دو ناقه، با ما نبود؛ وقتی به نجف - از بلاد کوفه - رسیدیم، دیدیم که در مکان خاصی توقف کرد و گریست؛ به حدی که محاسن شریفش با اشک چشمش تر شد و گفت: السلام علیک یا امیرالمؤمنین... تا آخر این زیارت که خواهد آمد.^۲

در هر حال، سندی که در «مزار کبیر» برای این زیارت آمده، چنین است: جابر جعفی از امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کند که امام زین‌العابدین علیه السلام به زیارت قبر امیر مؤمنان علیه السلام آمد و کنار قبر آن حضرت ایستاد و گریست و گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای امانتدار خدا در زمین او و حجتش بر بندگان او سلام

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَعَمِلْتَ

بر تو ای امیر مؤمنان گواهی دهم که تو در راه خدا جهاد کردی چنانچه باید و رفتار کردی

بِكِتَابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى

به کتاب خدا (قرآن) و پیروی کردی از سنتهای پیامبرش - صلی الله علیه و آله - تا این‌که خداوند تو را به

جَوَارِهِ، فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَالزَّمَّ أَعْدَائَكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَالِكَ مِنْ

جوار خویش دعوت فرمود و به اختیار خودش جانت را قیض نمود و ملزم کرد دشمنانت را به حجت و برهان

الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَىٰ جَمِيعِ خَلْقِهِ، اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ،

با حجت‌های رسای دیگری که با تو بود بر تمامی خلق خود، خدایا قرار ده نفس مرا آرام به تقدیرت

رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لِّصَفْوَةِ اَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً

و خشنود به قضایت و حریص به ذکر و دعایت و دوستدار برگزیدگان دوستان و محبوب

فِي اَرْضِكَ وَسَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلَىٰ نَزْوِلِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِّفَوَاضِلِ

در زمین و آسمانت و شکیبیا در مورد نزول بلایت و سپاسگزار در برابر

نِعْمَاتِكَ، ذَاكِرَةً لِّسَوَابِغِ اَلآتِيكَ، مُشْتَاقَةً اِلَىٰ فَرَحَةِ لِقَائِكَ، مُتَزَوِّدَةً

نعمت‌های فزونت و متذکر عطایای فراوات مشتاق به شاد گشتن دیدارت توشه‌گیر

التَّقْوَىٰ لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ اَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِاَخْلَاقِ اَعْدَائِكَ،

پرهیزکاری برای روز پاداشت پیروی کننده روشهای دوستان دوری گزیننده اخلاق دشمنانت

مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَثَنَائِكَ * سپس گونه مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

سرگرم از دنیا به ستایش و ثنایت * * * * *

اَللّٰهُمَّ اِنَّ قُلُوْبَ الْمُخْبِتِيْنَ اِلَيْكَ وَالِهَةٌ، وَسُبُلَ الرَّاٰغِبِيْنَ اِلَيْكَ شَارِعَةٌ،

خدایا برستی دل‌های فروتنان درگاهت بسوی تو حیران است و راه‌های مشتاقان به جانب تو باز است

وَاعْلَامَ الْقَاصِدِيْنَ اِلَيْكَ وَاَضْحَةٌ، وَاَفْئِدَةَ الْعَارِفِيْنَ مِنْكَ فَاِزَعَةٌ،

و نشانه‌های قاصدان کویت آشکار و نمایان است و قلبهای عارفان از تو ترسان است

وَاصْوَاتِ الدَّاعِيْنَ اِلَيْكَ صَاعِدَةٌ، وَاَبْوَابُ الْاِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ، وَدَعْوَةٌ

و صداهای خوانندگان بطرف تو صاعد و درهای اجابت برویشان باز است و دعای

مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ، وَتَوْبَةٌ مَنْ اَنَابَ اِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ، وَعَبْرَةٌ مَنْ بَكَىٰ مِنْ

آن کس که با تو راز گوید مستجاب است و توبه آن کس که به درگاه تو بازگردد پذیرفته است و اشک دیده آن کس که از

خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ، وَاِلْاِغَاثَةٌ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ، وَاِلْاِعَاْنَةٌ لِمَنْ

خوف تو گرید مورد رحم و مهر است و فریادرسی تو برای کسی که به تو استغاثه کند آماده است و کمک‌کاریت برای آن کس که

اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُوءَةٌ، وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِرَةٌ، وَزَلَّلَ مَنْ اسْتَقَالَكَ مُقَالَةٌ،

از تو کمک خواهد رایگان است و وعده‌هایی که به بندگانت دادی وفایش حتمی است و لغزش کسی که از تو پوزش طلبد بخشوده است

وَاعْمَالُ الْعَامِلِيْنَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ، وَاَرْزَاقُكَ اِلَىٰ الْاَخْلَاقِ مِنْ لَدُنْكَ

و کارهای آنان که برای تو کار کنند در نزد تو محفوظ است و روزیهایی که به آفریدگانت دهی از نزدت

نَازِلَةٌ، وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَأَصْلَةً، وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً،

ریزان است و بهره‌های بیشتری هم بسویشان می‌رسد و گناه آمرزش‌خواهان (از تو) آمرزیده است

وَ حَوَائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةً، وَ جَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُؤَفَّرَةً، وَ

و حاجتهای آفریدگانت نزد تو روا شده است و جایزه‌های ساالن در پیش تو شایان و وافر است

عَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةً، وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً، وَمَنَاهِلَ الظَّمَاءِ

و بهره‌های افزون پیاپی است و خوانهای احسان تو برای طعام‌خواهان آماده است و حوضهای آب برای تشنگان

مُتْرَعَةً، اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَاقْبَلْ ثَنَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ

لبریز است خدایا پس دعایم را مستجاب کن و بپذیر مدح و ثنایم را و گردآور میان من و

أَوْلِيَائِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، إِنَّكَ وَلِيُّ

دوستانم به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین که براستی تویی صاحب

نِعْمَائِي، وَمُنْتَهَى مَنَائِي، وَغَايَةَ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ * در کامل‌الزیارات

نعمتهایم و منتهای آرزویم و سر حدّ نهایی امیدم و بازگشگاه و اقامتگاهم * * * *

بعد از این زیارت، این فقرات نیز آمده است: أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، إِغْفِرْ لَأَوْلِيَائِنَا،

* * * * * تویی معبود و آقا و مولای من بیمارز دوستان ما را

وَ كَفَّ عَنَّا أَعْدَاءِنَا، وَاشْغَلْهُمْ عَنَّا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا،

و بازدار از ما دشمنانمان را و سرگرمشان کن از آزار ما و آشکار کن گفتار حق را و آن را برتر قرار ده

وَ أَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ۱

و از میان ببر گفتار باطل را و آن را پست گردان که براستی تو بر هر چیز توانایی.

آنگاه امام باقر علیه السلام فرمود: هر که از شیعیان ما این زیارت و دعا را نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام یا نزد قبر

یکی از ائمه علیهم السلام بخواند، خداوند متعال، این زیارت و دعای او را در طوماری از نور بالا می‌برد و مهر

حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر آن زده شود و این گونه محفوظ بماند تا تسلیم قائم آل محمد علیهم السلام شود. ۲

مطابق آنچه در کتاب مزار کبیر و بحارالانوار آمده است: این زیارت شریفه هم از زیارات مُطْلَقَه

محسوب می‌شود و هم از زیارات مخصوصه روز غدیر و هم از زیارات جامعه که در جمیع روضات مقدسه

ائمه علیهم السلام خوانده می‌شود. ۳

۱. کامل‌الزیارات، باب ۱۱، صفحه ۳۹، حدیث ۱.

۲. مزار کبیر، صفحه ۲۸۲.

۳. همان مدرک و بحارالانوار، جلد ۵، صفحه ۳۱۲-۳۱۶، حکایت ۵۹.

۲- زیارت کافی

مرحوم «کلینی» در «کافی» و «ابن قولویه» در «کامل الزیارات» از امام علی النقی علیه السلام روایت کرده‌اند که آن حضرت نزد قبر امیرمؤمنان علیه السلام چنین می‌گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ، وَأَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ،

سلام بر تو ای ولی خدا تویی نخستین ستم‌دیده و نخستین کسی که حقش را غصب کردند

صَبْرَتَ وَاحْتَسَبْتَ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينُ، فَاشْهَدُ أَنَّكَ لَقَيْتَ اللَّهَ وَأَنْتَ شَهِيدٌ،

بردباری کردی به امید پاداش خدا تا مرگت فرا رسید و گواهی دهم که برآستی تو خدا را دیدار کردی در حالی که شهید بودی

عَذَبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ، وَجَدَّدَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ، جِئْتِكَ عَارِفًا

عذاب کند خدا کُشندها را به انواع عذاب و تازه کند بر او عذاب را آمدم به درگاهت در حال معرفت

بِحَقِّكَ، مُسْتَبْصِرًا بِشَانِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ وَمَنْ ظَلَمَكَ، أَلْقَى عَلَيَّ ذَلِكَ

به حق تو و بینایی به شان و مقامت و در حال دشمنی با دشمنانت و آنان که به تو ستم کردند و ان شاءالله به همین حال

رَبِّي إِنْ شَاءَ اللَّهُ، يَا وَلِيَّ اللَّهِ، إِنْ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةً، فَاشْفَعْ لِي إِلَى رَبِّكَ، فَإِنَّ

پروردگارم را نیز دیدار خواهم کرد ای ولی خدا برآستی مرا گناهان بسیاری است پس شفاعت کن مرا به درگاه پروردگارت که

لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَحْمُودًا مَعْلُومًا، وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا وَشَفَاعَةً، وَقَدْ

مسلماً تو را نزد خدا مقامی است پسندیده و معلوم و برآستی تو در پیش خدا آبرو داری و شفاعت پذیرفته است و

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْضَى. ۱

خدای تعالی خود فرموده: و شفاعت نکنند جز برای آن کس که او پسندد.

۳- زیارت صفوان جَمَّال

سیف بن عمیره می‌گوید: با صفوان جَمَّال و جماعتی از یاران، به سوی نجف بیرون رفتیم و امیرمؤمنان علیه السلام را زیارت کردیم؛ وقتی از زیارت فارغ شدیم صفوان را دیدیم که روی به سوی قبر امام حسین علیه السلام کرد و گفت: اکنون از همین مکان از بالای سر امیرمؤمنان علیه السلام، حسین بن علی علیه السلام را زیارت می‌کنیم. سپس توضیح داد که با مولایم امام جعفر صادق علیه السلام وارد نجف شدیم. آن حضرت پس از زیارت امیرمؤمنان علیه السلام، همین زیارت و نماز و دعایی را خواند که من الآن می‌خواهم بجا آورم، آنگاه به من فرمود: ای صفوان! این زیارت را حفظ کن و این دعا را بخوان و همیشه امیرمؤمنان علیه السلام و حسین بن علی علیه السلام

را این گونه زیارت کن که من از جانب خدا ضامنم که هر کس این زیارت و این دعا را از دور یا نزدیک بخواند زیارتش مقبول، سعیش مشکور، سلامش واصل و حاجتش - هر چه باشد - حاصل می‌گردد و خداوند جواب او را می‌دهد... زیارت چنین است: مقابل قبر آن حضرت می‌ایستی و می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو ای

أَمِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ اصْطَفَاهُ اللَّهُ، وَاخْتَصَّهُ وَاخْتَارَهُ مِنْ بَرِيَّتِهِ،

امین خدا سلام بر آن کس که برگزیدش خدا و مخصوصش داشت و اختیارش کرد از میان خلقش

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللَّهِ مَا دَجَى اللَّيْلُ وَغَسَقَ، وَأَضَاءَ النَّهَارُ وَأَشْرَقَ،

سلام بر تو ای خلیل خدا تا هرگاه که تاریک و ظلمانی گردد شب، و روشن و نورانی گردد روز

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا صَمَتَ صَامِتٌ، وَنَطَقَ نَاطِقٌ، وَذَرَّ شَارِقٌ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ

سلام بر تو آنگاه که خاموش است هر خاموش و گویاست هر گویا و بتابد خورشید و رحمت خدا

وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، صَاحِبِ

و برکاتش سلام بر مولای ما امیرمؤمنان علی بن ابیطالب صاحب

السَّوَابِقِ وَالْمَنَاقِبِ وَالنَّجْدَةِ، وَمُبِيدِ الْكُتَابِ، الشَّدِيدِ الْبَاسِ، الْعَظِيمِ

سوابق درخشان و منقبتها و مردانگی و شجاعت و نابودکننده کتابهای سخت نیرو و بزرگ

الْمِرَاسِ، الْمَكِينِ الْأَسَاسِ، سَاقِي الْمُؤْمِنِينَ بِالْكَأْسِ مِنْ حَوْضِ الرَّسُولِ

قدرت و محکم پایه، ساقی مؤمنان با جام از حوض رسول

الْمَكِينِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيَّ صَاحِبِ النَّهْيِ، وَالْفَضْلِ وَالطَّوَائِلِ،

یا بر جای امین سلام بر صاحب خرد و فضیلت و نعمتها

وَالْمَكْرُمَاتِ وَالنَّوَائِلِ، السَّلَامُ عَلَيَّ فَارِسِ الْمُؤْمِنِينَ، وَلَيْثِ الْمُوَحِّدِينَ،

و کرامات و جوائز سلام بر دلآور مؤمنان و شیر یگانه‌پرستان

وَقَاتِلِ الْمُشْرِكِينَ، وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ،

و کشنده مشرکان و وصی رسول پروردگار جهانیان و رحمت خدا و برکاتش

السَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ أَيْدِهِ اللَّهُ بِجَبْرَيْئِلَ، وَأَعَانَهُ بِمِيكَائِيلَ، وَأَزْلَفَهُ فِي

سلام بر آن کس که خدا تأیید کرد او را به جبرئیل و کمکش کرد بوسیله میکائیل و مقرزش ساخت در

الدَّارَيْنِ، وَحَبَاهُ بِكُلِّ مَا تَقَرُّ بِهِ الْعَيْنُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ

دو جهان و عطا فرمود به او هر چه راکه موجب روشنی چشم است و درود خدا بر او و بر خاندان

الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى أَوْلَادِهِ الْمُتَجَبِّينَ، وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ، الَّذِينَ

پاکش و بر فرزندان برگزیده‌اش و بر امامان راه یافته‌اش آنان که

أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ، وَفَرَضُوا عَلَيْنَا الصَّلَوَاتِ، وَآمَرُوا

امر به معروف و نهی از منکر کردند و نمازها را بر ما واجب کرده و دستور

بِإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَعَرَّفُونَا صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَقِرَاءَةَ الْقُرْآنِ، أَلْسَلَامُ

پرداخت زکات را دادند و شناساندند به ما روزه ماه رمضان و خواندن قرآن را سلام

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَيَعْسُوبَ الدِّينِ، وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ،

بر تو ای امیرمؤمنان و ای بزرگ و پیشوای دین و ایمان و پیشرو سفید رویان

أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ، وَيَدَهُ

سلام بر تو ای دری که از آن به خدا رسند سلام بر تو ای دیده بینای خدا و دست

الْبَاسِطَةَ، وَأَذَنَهُ الْوَاعِيَةَ، وَحِكْمَتَهُ الْبَالِغَةَ، وَنِعْمَتَهُ السَّابِغَةَ، أَلْسَلَامُ عَلَى

بازش و گوش نگهدار رازش و حکمت رسایش و نعمت شایانش سلام بر

قَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، أَلْسَلَامُ عَلَى نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَى الْأَبْرَارِ، وَنِقْمَتِهِ عَلَى

قسمت کننده بهشت و دوزخ سلام بر نعمت خدا بر نیکان و عذاب او بر

الْفَجَّارِ، أَلْسَلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُتَّقِينَ الْأَخْيَارِ، أَلْسَلَامُ عَلَى أَخِي رَسُولِ

بدکاران سلام بر آقای پرهیزکاران برگزیده سلام بر برادر رسول

اللَّهِ، وَابْنِ عَمِّهِ وَزَوْجِ ابْنَتِهِ، وَالْمَخْلُوقِ مِنْ طِينَتِهِ، أَلْسَلَامُ عَلَى الْأَصْلِ

خدا و پسرعمویش و شوهر دخترش و آفریده شده از طینتش سلام بر ریشه

الْقَدِيمِ، وَالْفَرْعِ الْكَرِيمِ، أَلْسَلَامُ عَلَى الثَّمْرِ الْجَنِيِّ، أَلْسَلَامُ عَلَى أَبِي

قدیم و شاخه کریم سلام بر میوه چیده سلام برحضرت ابوالحسن

الْحَسَنِ عَلِيٍّ، أَلْسَلَامُ عَلَى شَجَرَةِ طُوبَى، وَسِدْرَةِ الْمُتَنَهَى، أَلْسَلَامُ عَلَى

علی سلام بر درخت طوبی و سدره المنتهی (درختهای بهشتی) سلام بر

آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، وَنُوحَ نَبِيِّ اللَّهِ، وَإِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَمُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، وَ

آدم برگزیده خدا و نوح پیغمبر خدا و ابراهیم خلیل خدا و موسی هم سخن خدا و

عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، وَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، وَمَنْ بَيْنَهُمْ مِنَ النَّبِيِّينَ،

عیسی روح خدا و محمد حبیب خدا و سایر کسانی که در این بین آمدند از پیمبران

وَالصَّادِقِينَ، وَالشَّهَدَاءَ وَالصَّالِحِينَ، وَ حَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا، السَّلَامُ عَلَيَّ

و صدیقان و شهیدان و شایستگان و اینان نیکو رفیقانی هستند سلام بر

نُورِ الْأَنْوَارِ، وَسَلِيلِ الْأَطْهَارِ، وَ عَنَّا صِرَ الْأَخْيَارِ، السَّلَامُ عَلَيَّ وَالِدِ

نور انوار و نژاد پاکان و عناصر برگزیده سلام بر پدر

الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ، السَّلَامُ عَلَيَّ حَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَ جَنْبِهِ الْمَكِينِ، وَ رَحْمَةً

امامان پاک سلام بر ریسمان محکم خدا و جانبدار پابرجایش و رحمت

اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَمِينِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتِهِ، وَ الْحَاكِمِ بِأَمْرِهِ،

خدا و برکاتش سلام بر امین خدا در روی زمینش و جانشینش و حاکم به فرمانش

وَالْقِيَمِ بَدِينِهِ، وَالنَّاطِقِ بِحِكْمَتِهِ، وَ الْعَامِلِ بِكِتَابِهِ، أَخِ الرَّسُولِ، وَ زَوْجِ

و سرپرست دینش و گویای به حکمتش و عمل کننده به کتابش برادر رسول و شوهر

الْبَتُولِ، وَ سَيْفِ اللَّهِ الْمَسْلُوعِ، السَّلَامُ عَلَيَّ صَاحِبِ الدَّلَالَاتِ، وَ الْأَيَاتِ

بتول و شمشیر از نیام کشیده خدا سلام بر صاحب دلپها و نشانه‌های

الْبَاهِرَاتِ، وَ الْمُعْجَزَاتِ الْقَاهِرَاتِ، وَ الْمُنْجِي مِنَ الْهَلَكَاتِ، الَّذِي ذَكَرَهُ

درخشان و معجزات کوبنده و نجات بخش از نابودیها آن کس که

اللَّهُ فِي مُحْكَمِ الْأَيَاتِ، فَقَالَ تَعَالَى وَ إِنَّهُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي

خدا در آیات محکم قرآن ذکرش کرده و فرموده: «و براستی او در اصل کتاب نزد ما علی

حَكِيمٌ، السَّلَامُ عَلَيَّ اسْمِ اللَّهِ الرَّضِيِّ، وَ وَجْهِهِ الْمُضِيِّ، وَ جَنْبِهِ الْعَلِيِّ،

و حکیم است» سلام بر نام پسندیده خدا و مظهر تابانش و جانب والایش

وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ حُجَجِ اللَّهِ وَ أَوْصِيَاءِهِ، وَ خَاصَّةِ اللَّهِ وَ

و رحمت خدا و برکاتش سلام بر حجت‌های خدا و اوصیای آن حضرت و خاصان خدا و

أَصْفِيَاءِهِ، وَ خَالِصَتِهِ وَ أَمَنِيَّاهِ، وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ، قَصْدُكَ يَا مَوْلَايَ يَا

برگزیدگان او و بندگان خالصش و امانت‌داریش و رحمت خدا و برکاتش آهنگ تو را کردم ای مولای من ای

أَمِينِ اللَّهِ وَ حُجَّتِهِ، زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، مُعَادِيًا

امین خدا و حجت او برای زیارتت و عارفم به حق تو و دوستدار دوستانت هستم و دشمن

لَأَعْدَائِكَ، مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ، فِي

با دشمنانت و تقرب جوی به درگاه خدا بوسیله زیارتت پس شفاعت کن برای من پیش خدا پروردگار من و پروردگار تو در

خَلَاصِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ *

نجات دادم از آتش دوزخ و برآوردن حاجاتم حاجات دنیا و آخرت

سپس خود را به قبر بجسبان و آن را ببوس و بگو: سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ،

* * * * * سلام خدا و سلام فرشتگان مقرب او

وَالْمُسَلِّمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَالنَّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ، وَ

و آنان که از دل تسلیم تو شدند ای امیرمؤمنان و آنان که به فضل و برتری تو گویا بودند و

الشَّاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْكَ صَادِقٍ أَمِينٍ صِدِّيقٍ، عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،

گواه بودند بر این که تویی راستگوی امین و بسیار راست گفتاری، رحمت و برکات خدا بر تو باد،

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ طَهْرٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ، مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ مُطَهَّرٍ، أَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ

گواهی دهم که براستی تو پاک سرشت و پاک و پاکیزه از (پدران) پاک سرشت و پاک و پاکیزه و گواهی دهم برای تو ای ولی خدا

وَوَلِيَّ رَسُولِهِ بِالْبَلَاغِ وَالْأَدَاءِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ جَنَّبُ اللَّهِ وَبَابُهُ، وَأَنَّكَ حَبِيبٌ

و ولی رسولش که رساندی و ادا کردی و گواهی دهم که تو به حقیقت جانبدار خدایی (نسبت به او مانند) دری هستی (که بوسیله تو به او رسند) و تویی حبیب

اللَّهِ وَوَجْهَهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ، وَأَنَّكَ سَبِيلُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ،

خدا و روی او که از آن رو بسویش روند و تویی راه خدا و تویی بنده خدا و برادر رسول خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِزِيَارَتِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ

صلی الله علیه و آله آمدهام بدرگاهت تقرب جوی بسوی خدای عزوجل بوسیله زیارتت مشتاق به تو

فِي الشُّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِشَفَاعَتِكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ

در شفاعتت و از شفاعتت تو میجویم آزادی خود را از آتش و پناهندهام به تو از

النَّارِ، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَرِعَا إِلَيْكَ رَجَاءً

آتش و گریزانم از گناہانی که بر پشت خود بار کردهام پناه آوردهام به تو به امید

رَحْمَةِ رَبِّي، أَتَيْتُكَ أَسْتَشْفِعُ بِكَ يَا مَوْلَايَ، وَاتَّقَرَّبُ بِكَ إِلَى اللَّهِ لِيَقْضِيَ

رحمت پروردگارم آمدهام تا تو را شفیع خود گیرم ای مولای من و تقرب جویم بوسیله تو بدرگاه خدا تا بدینوسیله

بِكَ حَوَائِجِي، فَاشْفَعْ لِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ، فَإِنِّي عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ

حاجاتم را برآورد پس شفاعت کن برایم ای امیر مؤمنان به درگاه خدا که من بنده خدا و غلام تو

وَزَائِرِكَ، وَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّانُ الْكَبِيرُ،

و زائر توام و تو رادر پیش خدا مقامی است شایسته و جاه و منزلتی است بزرگ و شان و عظمتی است بسیار

وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلٰى

و شفاعت پذیرفته است خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و درود فرست بر

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ الْمُرْتَضَى، وَآمِنِكَ الْأَوْفَى، وَعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى،

امیرمؤمنان بندهٔ پسندیده‌ات و امانتدار با وفایت و دست‌آویز محکمت

وَيَدِكَ الْعُلْيَا، وَجَنبِكَ الْأَعْلَى، وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنَى، وَحُجَّتِكَ عَلٰى

و دست بلندت و جانب والایت و کلمهٔ نیکویت و حجت تو بر

الْوَرَى، وَصَدِيقِكَ الْأَكْبَرِ، وَسَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، وَرُكْنِ الْأَوْلِيَاءِ، وَعِمَادِ

خلق و بزرگترین راستگوی تو و آقای اوصیا و رکن اولیا و تکیه‌گاه

الْأَضْفِيَاءِ، أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَيَعْسُوبِ الدِّينِ، وَقُدُوةِ الصَّالِحِينَ، وَإِمَامِ

برگزیدگان امیر مؤمنان و پادشاه دین و ایمان و پیشوای شایستگان و رهبر

الْمُخْلِصِينَ، وَالْمَعْصُومِ مِنَ الْخَلَلِ، الْمُهَذَّبِ مِنَ الزَّلَلِ، الْمَطْهَّرِ مِنَ

مخلصان آنکه (خدایش) از عیوب و خلل نگهداشته و از هر لغزشی پاک و از هر

الْعَيْبِ، الْمُنَزَّهِ مِنَ الرَّيْبِ، أَخِي نَبِيِّكَ، وَوَصِيِّ رَسُولِكَ، أَلْبَائِتِ عَلٰى

عیب پاکیزه و از شک و ریب مبرا است برادر پیامبرت و وصی رسولت آنکه (در شب هجرت) در بستر او

فِرَاشِهِ، وَالْمُوَاسِي لَهُ بِنَفْسِهِ، وَكَاشِفِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ

خوابید و جانش را برای او به کف گرفت و اندوه را از چهره‌اش دور ساخت آنکه قرارش دادی

سَيْفًا لِنُبُوتِهِ، وَآيَةً لِرِسَالَتِهِ، وَشَاهِدًا عَلٰى أُمَّتِهِ، وَدَلَالَةً لِحُجَّتِهِ، وَحَامِلًا

شمسیری بران برای پیامبری او و نشانه‌ای برای رسالتش و گواهی بر امتش و راهنمایی بر دلیل و برهانش و بر دوش کشندهٔ

لِرَايَتِهِ، وَوَقَايَةً لِمُهْجَتِهِ، وَهَادِيًا لِأُمَّتِهِ، وَيَدًا لِبَاسِهِ، وَتَاجًا لِرَأْسِهِ، وَبَابًا

پرچمش و سپری برای حفظ جانش و راهنمایی برای امتش و دست (و نیرویی) برای حمله و نبردش و تاجی بر سرش و دری

لِسِرِّهِ، وَمِفْتَاحًا لِظَفْرِهِ، حَتَّى هَزَمَ جَيْوشَ الشُّرْكِ بِإِذْنِكَ، وَأَبَادَ عَسَاكِرَ

برای رازش و کلیدی برای پیروزش تا اینکه سپاههای شرک را به اذن تو منهزم ساخت و لشکرهای مجهز را

الْكُفْرِ بِأَمْرِكَ، وَبَدَّلَ نَفْسَهُ فِي مَرْضَاةِ رَسُولِكَ، وَجَعَلَهَا وَقْفًا عَلٰى

به فرمان تو نابود کرد و از بلبل جان در راه تحصیل خشنودی رسول تو دریغ نکرد و آن را وقف طاعت

طَاعَتِهِ، فَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ صَلَاةً دَائِمَةً بَاقِيَةً * سپس بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

او نمود پس درود فرست بر او درودی همیشگی و پایدار * * سلام بر تو ای

وَلِيِّ اللَّهِ، وَالشَّهَابِ الثَّقِيبِ، وَالنُّورِ الْعَاقِبِ، يَا سَلِيلَ الْأَطَائِبِ، يَا سِرَّ

ولی خدا و ای اخگر نافذ و روشنی دنباله‌دار ای نژاد پاکان ای راز

اللَّهِ، إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى ذَنْبًا قَدْ أَثْقَلْتُ ظَهْرِي، وَلَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا

خدا براستی بین من و خدای تعالی گناہانی است که پشتم را سنگین کرده و مورد بخشودگی قرار نگیرد جز

رِضَاهُ، فَبِحَقِّ مَنْ أْتَمَنَكَ عَلَى سِرِّهِ، وَاسْتَرْعَاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ، كُنْ لِي إِلَى

به خشنودی او پس به حق آن کس که تو را امین بر راز خویش قرار داده و سرپرستی کار خلقش را از تو خواسته که شفیع من شوی

اللَّهِ شَفِيعًا، وَمِنَ النَّارِ مُجِيرًا، وَعَلَى الدَّهْرِ ظَهِيرًا، فَإِنِّي عَبْدُ اللَّهِ وَوَلِيُّكَ وَ

به درگاه خدا و پناهم شوی از آتش دوزخ و در پیش‌آمدهای روزگار پشت و پناهم باشی زیرا من بنده خدا و دوست تو و

زَأْتِرُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ.

زائر تو هستم درود خدا بر تو باد.

سپس شش رکعت نماز زیارت بخوان (هر دو رکعت به یک سلام) و هر چه می‌خواهی طلب کن. آنگاه
با توجه به قبر امیرمؤمنان علیه السلام بگو:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ

سلام بر تو ای امیر مؤمنان از طرف من بر تو سلام خدا باد همیشه تا زنده بمانم و

بَقَى اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ * و با اشاره به قبر امام حسین علیه السلام بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا

تا برجا باشد شب و روز * * * * * سلام بر تو ای ابا

عَبْدِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ * سپس با توجه به هر دو بزرگوار (امیرمؤمنان و

عبدالله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا * * * * *

امام حسین علیه السلام) می‌گویی: ^۲ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَتَيْتُكُمَا زَائِرًا

* * * * * ای امیرمؤمنان، ای اباعبدالله، من به نزد شما دو بزرگوار آمده برای زیارتتان

وَمَتَّوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى رَبِّي وَرَبِّكُمَا، وَمَتَّوَجِّهًا إِلَيْهِ بِكُمَا، وَمُسْتَشْفِعًا

و برای توسل جستن بدرگاه خدای تعالی پروردگار من و پروردگار شما و رو کنم بسوی او بوسیله شما و شفاعت جویم

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۳۰۵، حدیث ۲۳.

۲. از این قسمت با توجه به اختلاف دعا در نسخه‌های مختلف، مطابق مصباح‌المتجهّد، صفحه ۷۸۰ به بعد نقل می‌شود.

بِكُمْا إِلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِي هَذِهِ فَاشْفَعَا لِي، فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامَ

بوسیله شما بدرگاه خدا در این حاجتی که دارم پس شما دو بزرگوار شفاعت کنید برای من زیرا شما را در نزد خداوند مقامی است

الْمَحْمُودَ، وَالْجَاهُ الْوَجِيهَ، وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيلَةَ، إِنِّي أَنْقَلِبُ مِنْكُمْ

پسندیده و منزلتی است ابرومند و جایگاهی است بلندمرتبه و (مقام) وسیله از شماس، و من هم اکنون که از نزد شما بازگردم

مُنْتَظِرًا لِلتَّجْرِزِ الْحَاجَةِ وَقَضَائِهَا وَنَجَاحِهَا مِنَ اللَّهِ، بِشَفَاعَتِكُمْ لِي إِلَى اللَّهِ

چشم براه قطعی شدن حاجتم و برآمدنش و به انجام رسیدنش از جانب خدا هستم به شفاعتی که شما برایم در این باره

فِي ذَلِكَ، فَلَا أَخِيْبٌ وَلَا يَكُونُ مُنْقَلِبِي مُنْقَلِبًا خَائِبًا خَاسِرًا، بَلْ يَكُونُ

به درگاه خدا می‌کنید پس چنان نباشد که نومید شوم و بازگشتم بازگشت شخص نومید زیانکاری باشد بلکه بازگشت

مُنْقَلِبِي مُنْقَلِبًا رَاجِحًا مُفْلِحًا مُنْجِحًا، مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ الْحَوَائِجِ، وَ

کسی باشد که با موفقیت و امیدواری و رستگاری و کامیابی با حاجتهایی که تمایش روا شده باز می‌گردد و

تَشَفَّعًا لِي إِلَى اللَّهِ، أَنْقَلِبُ عَلَى مَا شَاءَ اللَّهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ،

شفاعت کنید برایم به درگاه خدا، بازگردم بر آنچه خدا خواهد و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا

مَفْوضًا أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، مُلْجَأًا ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ، مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ، وَأَقُولُ

واگذار کنم کارم را به خدا و پشت و پناه خود را خدا قرار دهم و توکل کنم بر خدا و می‌گویم

حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَى، لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللَّهِ وَوَرَاءَكُمْ يَا

بس است مرا خدا و کافی است برای من، بشنود خدا (آواز) هر که او را بخواند ای آقایان بزرگوار برای من جز خدا و شما

سَادَتِي مُنْتَهَى، مَا شَاءَ رَبِّي كَانُ، وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

سرمنزل و پایگاهی نیست آنچه پروردگارم خواسته موجود گشت و آنچه نخواستہ موجود نگردد و نیست جنبش و نیرویی

إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَوِدِعُكُمْ اللَّهُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمْ، أَنْصَرَفْتُ

جز بخدا، شما دو بزرگوار را به خدا می‌سپارم و قرار ندهد خداوند این بار را آخرین بار زیارتم از شما بازگشتم

يَا سَيِّدِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ، وَأَنْتَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا سَيِّدِي،

ای آقای من ای امیر مؤمنان و ای سرور من و تو نیز ای ابا عبدالله ای آقای من

وَسَلَامِي عَلَيْكُمْ مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَاصِلٌ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ،

و سلام من بر شما دو آقا پیوسته باد تا پیوسته است شب و روز واصل گردد این سلام به شما

غَيْرٌ مَحْجُوبٌ عَنْكُمْ سَلَامِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمْ أَنْ يَشَاءَ ذَلِكَ

از شما پوشیده نماند سلام من ان شاءالله و از خدا خواهم به حق شما دو بزرگوار که مشیتش بر این قرار گیرد

وَيَفْعَلُ، فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، انْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمَا تَائِبًا حَامِدًا لِلَّهِ،

و انجام دهد که او بسی ستوده و بزرگوار است بازگردم ای دو آقای من از خدمت شما توبه‌کننده و ستایش کننده خدا

شَاكِرًا رَاجِعًا لِلْإِجَابَةِ، غَيْرِ آيِسٍ وَلَا قَانِطٍ، أَيْبًا عَائِدًا رَاجِعًا إِلَى

و سیاستگزار و امیدوار به اجابت بدون یأس و ناامیدی و به امید رجوع و بازگشت دوباره برای

زِيَارَتِكُمَا، غَيْرِ رَاجِعٍ عَنْكُمَا، وَلَا مِنْ زِيَارَتِكُمَا، بَلْ رَاجِعٌ عَائِدٌ إِنْ شَاءَ

زیارت شما بی‌آنکه اشتیاق و رغبت از شما کاسته شود و یا از زیارت شما (سیر شوم) بلکه بازآیم و مراجعت کنم

اللَّهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، يَا سَادَتِي رَغِبْتُ إِلَيْكُمَا وَ

ان شاءالله و جنبش و نیرویی نیست به خدای بزرگ و بلندمرتبه ای آقایان من به زیارت شما و

إِلَى زِيَارَتِكُمَا، بَعْدَ أَنْ زَهَدَ فِيكُمَا وَ فِي زِيَارَتِكُمَا أَهْلَ الدُّنْيَا، فَلَا

به خودتان اشتیاق و میل ورزیدم پس از آن‌که بی‌میل بودند به شما و به زیارتتان مردم دنیا پس

خَيْبِنِي اللَّهُ مَا رَجَوْتُ، وَمَا أَمَلْتُ فِي زِيَارَتِكُمَا، إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

خدا نومیدم نکند در آنچه بدان امیدوارم و آرزومندم در مورد زیارت شما که برآستی او خدایی است نزدیک و اجابت کننده.

آنگاه رو به قبله می‌ایستی و دعایی که به دعای علقمه معروف شده است^۱ را می‌خوانی:

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا كَاشِفَ كُرْبِ

ای خدا ای خدا ای خدا ای اجابت کننده دعای درمانگاران ای برطرف کننده گرفتاری

الْمَكْرُوبِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَيَا صَرِيخَ الْمُسْتَضْرِحِينَ، وَيَا مَنْ

گرفتاران ای فریادرس فریادخواهان ای دادرس دادخواهان و ای کسی‌که

هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيَا مَنْ

نزدیکتر است به من از رگ گردن و ای کسی‌که حائل شود میان انسان و دلش و ای که

هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ، وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى

او (از حیث ظهور) در دیدگاه اعلی و افق آشکاری است ای که او بخشاینده و مهربان و بر

الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ، وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَيَا

عرش (عظمت و کشور وجود) استیلا داری و ای که می‌داند خیانت دیدگان و آنچه را سینه‌ها پنهان کنند و ای که

مَنْ لَا تُخْفِي عَلَيْهِ خَافِيَةٌ، يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، وَيَا مَنْ

مخفی نیست بر او امر پوشیده و پنهانی ای که بر او مشبه نشود صداها و ای که

۱. این قسمت از دعا تا پایان نیز مطابق نقل مصباح‌المتهجد، صفحه ۳۳۳ می‌باشد.

لَا تَغْلُظُهُ الْحَاجَاتُ، وَيَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ الْحَاحُ الْمَلْحِجِنَ، يَا مُدْرِكَ كُلِّ

او را به غلط و اشتباه نیندازد حاجتها و ای کسی که او را به ستوه نیابد پافشاری اصرار ورزان ای درک کننده هرچه

قَوْتٍ، وَيَا جَامِعَ كُلِّ شَمْلٍ، وَيَا بَارِيَّ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا مَنْ هُوَ كُلُّ

از دست رود و ای گردآورنده هر پراکنده و ای پدیدآورنده نفوس پس از مرگ ای که او هر

يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا مُنْفَسَّ الْكُرْبَاتِ، يَا مُعْطِيَ

روزی در کار است (یا در هر چیز تجلی و ظهوری دارد) ای برآورنده حاجات ای برطرف کننده گرفتاریها ای دهنده

السُّؤَالَاتِ، يَا وَلِيَّ الرَّغَبَاتِ، يَا كَافِيَ الْمُهْمَاتِ، يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ

خواسته‌ها ای دارنده هر چه مورد رغبت و اشتیاق است ای کفایت کننده هر مهم ای که کفایت کند از هر

شَيْءٍ، وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

چیز و کفایت نکند از او چیزی در آسمانها و زمین از تو خواهم به حق محمد

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَ بِحَقِّ

خاتم پیامبران و علی امیر مؤمنان و به حق فاطمه دخت پیامبرت و به حق

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا، وَ بِهِمْ أَتَوَسَّلُ،

حسن و حسین که راستی من بوسیله آنها رو کنم بدرگاهت در این جایی که هستم و بدانها توسل جویم

وَ بِهِمْ أَتَشْفَعُ إِلَيْكَ، وَ بِحَقِّهِمْ أَسْأَلُكَ وَأَقْسِمُ وَأَعِزُّمُ عَلَيْكَ، وَ بِالشَّانِ الَّذِي

و بدانها شفیع گیرم بدرگاهت و به حق ایشان از تو خواهم و سوگند می‌خورم و تو را سوگند می‌دهم بدان منزلی که ایشان

لَهُمْ عِنْدَكَ، وَ بِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَ بِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ،

در پیش تو دارند و بدان قدر و مرتبه‌ای که نزدت دارند و بدانچه آنها را برتری دادی بر جهانیان

وَ بِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ، وَ بِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ، وَ بِهِ أَبْتَنَّهُمْ

و بدان نامی که در نزد ایشان گذاردی و تنها آنان را از میان جهانیان بدان نام مخصوص داشتی و بوسیله آن آشکارشان کردی

وَ ابْنَتَ فَضْلُهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعَالَمِينَ، حَتَّىٰ فَاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ

و ظاهر کردی برتری ایشان را بر سایر جهانیان تا آن جا که فائق آمد فضیلت ایشان بر فضیلت تمام

جَمِيعًا، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي

جهانیان از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و بگشایی از من

غَمِّي وَ هَمِّي وَ كَرْبِي، وَ تَكْفِينِي الْمُهَمَّ مِنْ أُمُورِي، وَ تَقْضِي عَنِّي دِينِي،

غمه و اندوه و گرفتاریم را و کفایت کنی امور مهمم را و بپردازی از من بدهیم را

وَتُجِبِّرَنِي مِنَ الْفَقْرِ، وَتُجِبِّرَنِي مِنَ الْفَاقَةِ، وَتُعِينِنِي عَنِ الْمَسْئَلَةِ إِلَى

و پنهام دهی از نداری و پنهام دهی از نیازمندی و گدایی و بی‌نیازم کنی از درخواست کردن

الْمَخْلُوقِينَ، وَتَكْفِينِي هَمَّ مَنْ أَخَافُ هَمَّهُ، وَ جَوْرَ مَنْ أَخَافُ جَوْرَهُ،

از مخلوق و کفایت کنی از من اندوه کسی را که می‌ترسم از اندوهش و ستم کسی را که از ستمش می‌ترسم

وَعُسْرَ مَنْ أَخَافُ عُسْرَهُ، وَ حَزُونََةَ مَنْ أَخَافُ حَزُونََتَهُ، وَ شَرَّ مَنْ أَخَافُ

و دشواری کار کسی که می‌ترسم از دشواری کارش و ناهمواری کار کسی که از ناهمواری کارش نگرانم و گزند کسی که از گزندش

شَرَّهُ، وَ مَكْرَ مَنْ أَخَافُ مَكْرَهُ، وَ بَعِيَّ مَنْ أَخَافُ بَعِيَّهُ، وَ جَوْرَ مَنْ أَخَافُ

ترسانم و مکر و حیلۀ کسی که از مکرش ترس دارم و ستم کسی که از ستمش بیمناکم و بیدادگری کسی که از بیدادگریش

جَوْرَهُ، وَ سُلْطَانَ مَنْ أَخَافُ سُلْطَانَهُ، وَ كَيْدَ مَنْ أَخَافُ كَيْدَهُ، وَ مَقْدَرَةَ مَنْ

واهمه دارم و تسلط آن کس که از تسلطش می‌ترسم و نقشه کشیدن کسی که از نقشه‌های شومش بیم دارم و قدرت یافتن کسی که

أَخَافُ مَقْدَرَتَهُ عَلَيَّ، وَ تَرَدُّ عَنِّي كَيْدَ الْكَيْدَةِ، وَ مَكْرَ الْمَكْرَةِ، اَللَّهُمَّ مَنْ

از قدرتش بر خود ترسانم و بازگردان از من نقشه‌های شوم بد اندیشان و نیرنگ نیرنگ‌زان را خدایا هر که

أَرَادَنِي فَارِدَهُ، وَ مَنْ كَادَنِي فَكَيْدَهُ، وَ أَصْرَفَ عَنِّي كَيْدَهُ وَ مَكْرَهُ وَ بَأْسَهُ

آهنگ مرا دارد تو آهنگ او کن و هر که دامی سر راهم‌گذاشته تو با او چنان کن و بگردان از من دام و نیرنگ و نیرو

وَ أَمَانِيَهُ، وَ أَمْنَعُهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَ أَنِّي شِئْتُ، اَللَّهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لَا

و آرزوهایش را و بازش دار از من به هر گونه که خواهی و هر جا که خواهی خدایا سرگرمش کن از من به چنان فقر و بیچارگی که

تَجْبُرُهُ، وَ بِلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ، وَ بِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا، وَ بِسُقْمٍ لَا تُعَافِيهِ، وَ ذَلٍّ لَا

جبرانش نکنی و به بلایی که مستورش نکنی و به نیازمندی که سامانش ندهی و بردی که درمانش نکنی و بخواری و ذلتی که

تُعِزُّهُ، وَ بِمَسْكَنَةٍ لَا تَجْبُرُهَا، اَللَّهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَضْبَ عَيْنِيهِ، وَ ادْخُلْ

عزتش ندهی و به چنان بیچارگی که جبرانش نکنی خدایا وادار خواری را در برابر چشمش و درآور

عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي مَنْزِلِهِ، وَ الْعِلَّةَ وَ السُّقْمَ فِي بَدَنِهِ، حَتَّى تَشْغَلَهُ عَنِّي بِشُغْلٍ

فقر و نداری را در خانهاش و بیماری و درد را در تنش تا سرگرمش کنی از من به سرگرمی

شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ، وَ أَنْسِيهِ ذِكْرِي كَمَا أَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ، وَ خَذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ

مشغول کننده‌ای که فراغتی نداشته باشد و مرا از یادش بیر چنانچه (ذکر) خودت را از یاد او بردی و برگیر از من گوش

وَ بَصَرِهِ، وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ وَ رِجْلِهِ وَ قَلْبِهِ، وَ جَمِيعَ جَوَارِحِهِ، وَ ادْخُلْ عَلَيْهِ

و چشم و زبان و دست و پا و دل و تمام اعضا و جوارحش را و گرفتارش کن

فِي جَمِيعِ ذَلِكَ السُّقْمِ، وَلَا تَشْفِهِ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ لَهُ شُغْلًا شَاغِلًا بِهِ

در تمام آنها به درد و بیماری که بهبودی نیابد و در نتیجه آن را برایش سرگرمی مشغول کننده‌ای بگردانی که از

عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي، وَاکْفِنِي يَا كَافِي مَا لَا يَكْفِي سِوَاكَ، فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا

من و از یاد من بیرون رود و کفایت کن ای کسی که کفایت کنی چیزی را که جز تو کفایت نکند چون تویی کفایت کننده

كَافِي سِوَاكَ، وَمُفَرِّجٌ لَا مُفَرِّجَ سِوَاكَ، وَمُعِثٌ لَا مُعِثَ سِوَاكَ، وَجَارٌ لَا

و کفایت کننده‌ای جز تو نیست و گشایش دهنده‌ای که جز تو گشایش دهنده‌ای نیست و فریادرسی که فریادرسی جز تو نیست و پناهی که

جَارٌ سِوَاكَ، خَابَ مَنْ كَانَ جَارَهُ سِوَاكَ، وَمُعِثُهُ سِوَاكَ، وَمَفْرَعُهُ إِلَى

پناهی جز تو نیست نومید گشت کسی که پناهِش جنی تو باشد و فریادرسش غیر تو باشد و پناهگاهش جز

سِوَاكَ، وَمَهْرَبُهُ إِلَى سِوَاكَ، وَمَلْجَأُهُ إِلَى غَيْرِكَ، وَمَنْجَاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ

درگاه تو باشد و گریزگاهش جز به آستان تو باشد و ملجای غیر از تو داشته باشد و نجات خود را از مخلوقی غیر

غَيْرِكَ، فَأَنْتَ ثِقْتِي وَرَجَائِي وَمَفْرَعِي، وَمَهْرَبِي وَمَلْجَأِي وَمَنْجَأِي،

از تو خواهد پس تویی محل اعتماد و امید و پناهگاه و گریزگاه و ملجا و نجات بخش من

فَبِكَ اسْتَفْتِحُ وَبِكَ اسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ، وَأَتَوَسَّلُ

و به تو گشایش طلبم و به تو رستگاری جویم و بوسیلهٔ محمد و آل محمد بدرگاهت رو کنم و توسل جویم

وَأَتَشَفَّعُ، فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ، وَإِلَيْكَ

و شفع گیرم پس از تو خواهم ای خدا ای خدا از آن توست ستایش و خاص توست سپاسگزاری و بدرگاه توست

الْمُشْتَكِي، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ، فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

شکوه و تویی که بیاریت طلبند از تو خواهم ای خدا ای خدا ای خدا به حق محمد و آل

مُحَمَّدٍ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي

محمد که درود فرستی بر محمد و آل محمد و برطرف کنی از من غصه

وَهَمِّي وَكَرْبِي فِي مَقَامِي هَذَا، كَمَا كَشَفْتَ عَن نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ،

و اندوه و گرفتاریم را در این جایگاهم چنانچه برطرف کردی از پیامبرت اندوه و غصه و گرفتاریم را

وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ، فَاكْشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ، وَفَرِّجْ عَنِّي كَمَا

و کفایت کردی از او هراس دشمنش را پس برطرف کن از من چنانچه برطرف کردی از او و بگشا از من چنانچه

فَرَّجْتَ عَنْهُ، وَاکْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ مَا أَخَافُ هَوْلَهُ،

گشودی از او و کفایت کن چنانچه او را کفایت کردی و بگردان از من هراس آنچه را می‌ترسم از هراسش

وَمَوْنَةً مَا أَخَافُ مَوْتَهُ، وَهَمَّ مَا أَخَافُ هَمَّهُ، بِلا مَوْنَةٍ عَلَي نَفْسِي مِنْ

و هزینه آنچه را می ترسم از هزینه اش و اندوه آنچه را می ترسم از اندوهش بی آنکه زحمتی از این ناحیه به من

ذَلِكْ، وَاصْرِفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي، وَكَفَايَةِ مَا أَهَمَّنِي هَمَّهُ مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي

برسد و بازم بگردان با حاجات برآورده و کفایت کردن آنچه اندوهش مرا فراگرفته از کار آخرت

و دُنْيَايَ. آنگاه اگر قصد وداع با این دو بزرگوار را داشته باشد می گوید: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَيَا

و دنیایم، * * * * * ای امیرمؤمنان و ای

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، عَلَيْكُمَا مِنْي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا

اباعبدالله تا سلام همیشگی خدا از جانب من بر شما باد تا شب و روز برجاست

جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا وَلَا فَرَّقَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا.^۱

و قرار ندهد خداوند این زیارت مرا آخرین بار از زیارت شما دو بزرگوار و جدا نکند میان من و شما.

۴- زیارت دیگری از صفوان

مرحوم «سید بن طاووس» در «فرحة الغری» از «صفوان جمّال» نقل می کند که وقتی با امام

۱. یادآوری چند نکته:

(الف) این زیارت را مرحوم سیدبن طاووس در «مصباح الزائر، صفحه ۴۹» نیز با تفاوت هایی آورده است و علامه مجلسی آن را از مزار شیخ مفید نقل کرده. (بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۳۰۵، حدیث ۲۳) ما نیز بخشی از این دعا را مطابق بحار و قسمتی را مطابق مصباح المتهجد نقل کرده ایم.

(ب) از آنچه گذشت به دست آمد که آنچه به عنوان دعای علقمه میان مردم معروف است و مرحوم حاج شیخ عباس قمی آن را بعد از زیارت عاشورا آورده، همین دعای صفوان است و حق این بود که به دعای صفوان معروف می شد؛ زیرا به تصریح حدیث سیف بن عمیره - مطابق نقل شیخ طوسی در مصباح - اساساً علقمه، پس از نقل زیارت عاشورا، دعایی ذکر نکرده (ر.ک: بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۲۹۶، حدیث ۳) و نقل کامل الزیارات نیز مؤید آن است (ر.ک: کامل الزیارات، باب ۷۱، حدیث ۸).

(ج) از آنچه گذشت نیز روشن شد که جایگاه اصلی دعای صفوان (که به دعای علقمه معروف شده) همین فصل، یعنی فصل زیارات امیرمؤمنان است. چون امام صادق علیه السلام این دعا را در کنار قبر شریف امیر مؤمنان علیه السلام و پس از زیارت آن حضرت خواند، گرچه پس از زیارت آن بزرگوار، سلامی به امام حسین علیه السلام هم داده باشد و یا حتی مطابق نقلی که شیخ طوسی نسبت به جریان صفوان دارد، پس از زیارت امیر مؤمنان علیه السلام، زیارت عاشورایی را هم خوانده باشد. بر همین اساس، ما آن دعا را به این جا (فصل زیارت امیرمؤمنان علیه السلام) منتقل کرده ایم.

(د) اگر آن دعا (دعای صفوان و یا علقمه) در ذیل زیارت امیرمؤمنان علیه السلام ذکر می شد دیگر ابهامی برای زائران عزیز به وجود نمی آمد که چگونه در آخر دعایی که پس از زیارت عاشورا خوانده می شود سخن از وداع با امیر مؤمنان علیه السلام است و تعبیراتی چون «یا امیرالمؤمنین... من زیارتکما... یا امیرالمؤمنین... انیتکما... و لکما...» در آن آمده است؟! ظاهراً منشأ اشتباه، کیفیت نقل مرحوم علامه مجلسی در فصل زیارات امام حسین علیه السلام است که دعای صفوان (علقمه) را در آن جا (فصل زیارات امام حسین علیه السلام) نیز با تتمه آن، که مربوط به وداع با امیر مؤمنان و امام حسین علیه السلام است نقل می کند.

صادق علیه السلام وارد کوفه شدیم - زمانی که آن حضرت به نزد منصور دوانقی می رفت - فرمود: ای صفوان! شتر را بخوابان که این جا نزدیک قبر جدّم امیرمؤمنان علیه السلام است، شتر را خواباندم، حضرت فرود آمدند و غسل کردند و لباس خود را عوض کردند و پاها را برهنه نمودند و فرمودند تو نیز چنین کن؛ سپس به جانب تلّ نجف روانه شدند و فرمودند: گامها را کوتاه بردار و سر را به زیر افکن که حق تعالی برای هر گامی صد هزار حسنه می نویسد... سپس حرکت کرد و من هم به همراه او حرکت کردم در حالی که با سکینه و وقار بودیم و تسبیح و تقدیس خدا می گفتیم تا به تلّها (تپّه ها) رسیدیم؛ آنگاه ایستاد و نگاهی به چپ و راست انداخت و با چوبی که در دست داشت خطی کشید و فرمود: خاکها را کنار بزن! من چنین کردم، ناگهان اثر قبری را یافتم، پس اشک چشم آن بزرگوار بر گونه های مبارکش جاری شد و گفت:

إِنَّا لِلّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَگفت: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبِرُّ التَّقِيُّ،

براستی ما از خداییم و حتماً بسویش بازگردیم * * * * * سلام بر تو ای وصی نیکوکردار پرهیزکار

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الرَّشِيدُ،

سلام بر تو ای خیر بزرگ سلام بر تو ای راست گفتار راه بر

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبِرُّ الزَّكِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ

سلام بر تو ای نیکوکار پاکیزه سلام بر تو ای وصی رسول پروردگار

الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

جهانیان سلام بر تو ای برگزیده خدا بر همه خلق گواهی دهم که تویی

حَبِيبُ اللَّهِ، وَخَاصَّتَهُ وَخَالِصَتَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّهِ،

حبیب خدا و بنده خاص و خالص او سلام بر تو ای ولی خدا و راز

وَ عَيْبَةَ عِلْمِهِ، وَخَازِنَ وَحْيِهِ. سپس خود را به قبر چسبانید و گفت: بِأَبِي أَنْتَ وَآمِي

و گنجینه دانش و خزینهدار و خورش * * * * * پدر و مادرم به فدایت

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، بِأَبِي أَنْتَ وَآمِي يَا حُجَّةَ الْخِصَامِ، بِأَبِي أَنْتَ وَآمِي يَا

ای امیرمؤمنان پدر و مادرم به فدایت ای حجت بر دشمنان پدر و مادرم به فدایت ای

بَابِ الْمَقَامِ، بِأَبِي أَنْتَ وَآمِي يَا نُورَ اللَّهِ التَّامَّ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ

درگاه مقام (اولیای حق) پدر و مادرم به فدایت ای نور کامل خدا گواهی دهم که تو براستی رساندی از جانب خدا

وَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مَا حُمِّلْتَ، وَرَعَيْتَ مَا اسْتُحْفِظْتَ،

و از جانب رسول خدا صلی الله علیه وآله آنچه را بعهده داشتی و مراعات کردی در آنچه بر حفظ آن گماشته شده بودی

وَ حَفِظْتَ مَا اسْتُوْدِعْتَ، وَ حَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ، وَ حَرَّمْتَ حَرَامَ اللَّهِ، وَ أَقَمْتَ

و حفظ کردی آنچه را به تو سپرده شده بود و حلال کردی حلال خدا را و حرام کردی حرام خدا را و بپا داشتی

أَحْكَامَ اللَّهِ، وَ لَمْ تَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ، وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى آتِيكَ الْيَقِينُ،

احکام خدا را و تجاوز نکردی از حدود خدا و پرستش کردی خدا را از روی اخلاص تا مرگت فرا رسید

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْأُمَّةِ مِنْ بَعْدِكَ.

درود خدا بر تو و بر امامان پس از تو.

سپس برخاست و در بالای سر آن حضرت چند رکعت نماز خواند و فرمود: ای صفوان! هر کس امیرمؤمنان علیه السلام را به این زیارت، زیارت کند و این نماز را بخواند در حالی به اهل خود برمی‌گردد که گناهانش بخشوده شده و سعیش مشکور است و ثواب هر فرشته‌ای از فرشتگان که او را زیارت کرده برایش نوشته می‌شود. با تعجب پرسیدم: ثواب هر زائری از فرشتگان؟! فرمود: هر شب هفتاد گروه از فرشتگان او را زیارت می‌کنند، عرض کردم تعداد هر گروه چقدر است؟ فرمود: صد هزار؛ سپس به صورت قهقرا خارج شد در حالی که می‌گفت:

يَا جَدَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ، يَا طَيِّبَاهُ يَا طَاهِرَاهُ، لَا جَعَلَ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْكَ،

ای جد بزرگوار ای آقای من ای پاکیزه و ای پاک قرار ندهد خدا این زیارت را آخرین مرتبه از زیارت

وَرَزَقَنِي الْعُودَ إِلَيْكَ، وَالْمَقَامَ فِي حَرَمِكَ، وَالْكَوْنَ مَعَكَ وَمَعَ الْأَبْرَارِ مِنْ

و روزی کند بازگشت بسویت را و ایستادن در حرمت را و بودن با تو را و با نیکان از

وُلْدِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ.

فرزندان درود خدا بر تو و بر فرشتگانی که تو را در برگرفته‌اند.

عرض کردم: ای آقای من! آیا اجازه می‌دهی که اصحاب ما از اهل کوفه را از این قبر آگاه سازم؟ فرمود: آری و مبلغی به من دادند و من قبر را تعمیر و اصلاح کردم.^۱

۵- زیارتی از کتاب مزار قدیم

مرحوم «حاجی نوری» رحمته الله از کتاب «مزار قدیم» از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: با پدرم به زیارت قبر جدّم امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام در نجف رفتیم، پس پدرم نزد قبر مطهر ایستاد و گریست و گفت:

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۲۷۹، حدیث ۱۵ و فرحة الغری، صفحه ۹۴، (با اندکی تفاوت).

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْأَيْمَةِ، وَخَلِيلِ النُّبُوَّةِ، وَالْمَخْصُوصِ بِالْأُخُوَّةِ، السَّلَامُ

سلام بر پدر امامان و خلیل نبوت و مخصوص به برادری (رسول خدا) سلام

عَلَى يَعْسُوبِ الْإِيمَانِ، وَمِيزَانَ الْأَعْمَالِ، وَسَيْفِ ذِي الْجَلَالِ، السَّلَامُ

بر پادشاه ایمان و میزان اعمال و شمشیر خدای صاحب شوکت و جلال سلام

عَلَى صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، الْحَاكِمِ فِي يَوْمِ الدِّينِ،

بر شایسته مؤمنان و وارث دانش پیامبران و حکومت کننده در روز جزا

السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ الْبَالِغَةِ، وَنِعْمَتِهِ

سلام بر شجره تقوا سلام بر حجّت رسای خدا و نعمت

السَّابِغَةِ، وَنِعْمَتِهِ الدَّامِغَةِ، السَّلَامُ عَلَى الصِّرَاطِ الْوَاضِحِ، وَالنَّجْمِ اللَّائِحِ،

کاملش و عذاب کوبنده اش سلام بر طریق روشن و ستاره درخشان

وَالْإِمَامِ النَّاصِحِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * * * * * أَنْتَ أَنْتَ وَسَيَلْتِي إِلَى اللَّهِ

و پیشوای خیرخواه و رحمت خدا و برکاتش * * * * * تو ای وسیله من بسوی خدا

وَذَرِيعَتِي، وَلِي حَقُّ مُوَالَاتِي وَتَأْمِينِي، فَكُنْ لِي شَفِيعِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

و واسطه ام و مراست حق دوستداری و آرزومندیم بنو پس شفیع من شو به درگاه خدای عزوجل

فِي الْوُقُوفِ عَلَى قِضَاءِ حَاجَتِي، وَهِيَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَاصْرِفْنِي

در مورد برآوردن حاجتم و آن حاجت آزادم از آتش می باشد و بازگردان مرا

فِي مَوْقِفِي هَذَا بِالنُّجْحِ، وَبِمَا سَأَلْتَهُ كُلَّهُ بِرَحْمَتِهِ وَقُدْرَتِهِ، اَللَّهُمَّ

از این جایگاه به کامیابی و با در تمام خواسته ام به رحمت و توانایی او خدایا

ارْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً، وَلُبّاً رَاجِحاً، وَقَلْباً زَكِيّاً، وَعَمَلاً كَثِيراً، وَادَباً بَارِعاً،

روزیم گردان عقلی کامل و خردی ممتاز و دلی پاک و کرداری بسیار و ادبی شایسته

وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ لِي، وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۱

و قرار ده همه اینها را بسود من و قرارش مدهبر زانم به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

۶- زیارت وداع

در کتاب «کامل الزیارات» از ابوالحسن (موسی بن جعفر) علیه السلام نقل کرده که هرگاه قصد وداع کردی،

کنار قبر آن حضرت بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ، وَأَقْرَمُ

سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش تو را می‌سپارم به خدا و از تو سرپرستی خواهم و بر تو

عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمِنًا بِاللَّهِ وَبِالرُّسُلِ، وَبِمَا جَاءَتْ بِهِ، وَدَعَتْ إِلَيْهِ وَدَلَّتْ

سلام فرستم ایمان آوردیم به خدا و به پیامبران او و بدانچه آنان از جانب خدا آورده و بدان دعوت کردند و بر آن

عَلَيْهِ، فَآكُتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، اَللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي

راهنمایی نمودند پس خدایا ما را در زمره گواهان بنویس خدایا قرار مده این زیارت را آخرین زیارت من

إِيَّاهُ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ، فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا كُنْتُ شَهِدْتُ

از این بزرگوار و اگر مرا پیش از آن بمیرانی پس من گواهی دهم در مردنم همان گواهی را که

عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَشْهَدُ أَنْكُمْ الْأُمَّةُ، أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا، وَالْحَسَنَ

در زندگیم بدان گواهی داده‌ام گواهی دهم که شما امامان من هستید: امیر مؤمنان علی و حسن

وَالْحُسَيْنَ، وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ،

و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد

وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَعَلِيَّ بْنَ

و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن

مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، وَالْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ

محمد و حسن بن علی و حجة بن الحسن که درودهای تو بر همگی

أَجْمَعِينَ، وَأَشْهَدُ أَنْ مَنْ قَتَلَهُمْ وَحَارَبَهُمْ مُشْرِكُونَ، وَمَنْ رَدَّ عِلْمَهُمْ وَرَدَّ

ایشان باد و گواهی دهم که هرکه بکشد ایشان را و بجنگد با ایشان مشرک است و هر که رد کند آنان

عَلَيْهِمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، وَأَشْهَدُ أَنْ مَنْ حَارَبَهُمْ لَنَا أَعْدَاءُ،

و دشمنان را در پایین‌ترین طبقه دوزخ است و گواهی دهم که هر که با ایشان بجنگد دشمن ماست

وَنَحْنُ مِنْهُمْ بَرَاءَةٌ، وَأَنْتُمْ حِزْبُ الشَّيْطَانِ، وَ عَلِيٌّ مَنْ قَتَلَهُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ

و ما از آنها بیزاریم و آنان از دار و دسته شیطان هستند و بر کشتگانشان لعنت خدا و

الْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَمَنْ شَرِكَ فِيهِمْ، وَمَنْ سَرَّهُ قَتْلَهُمْ، اَللَّهُمَّ

فرشتگان و همه مردم باد و هم بر کسانی که شریک در خون آنها شده و از کشتنشان شاد گشتند خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَالتَّسْلِيمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ

از تو خواهم پس از درود و سلام که درود فرستی بر محمد و علی و

فَاطِمَةَ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيَّ وَمُحَمَّدَ، وَجَعْفَرَ وَمُوسَى، وَعَلِيَّ

فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی

و مُحَمَّدٍ، وَعَلِيَّ وَالْحَسَنَ، وَالْحُجَّةَ، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ،

و محمد و علی و حسن و حضرت حجت و فرار ندهی آخرین بار زیارت از این بزرگوار

فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْنِي مَعَ هَؤُلَاءِ الْمُسَمَّيْنَ الْأَيْمَةَ، اللَّهُمَّ وَذَلَّلْ قُلُوبَنَا

و اگر چنین کنی پس مرا با این نامبردگان که امامان منند محشور گردان خدایا رام گردان دلهای ما را

لَهُمْ بِالطَّاعَةِ، وَالْمُنَاصَحَةِ وَالْمَحَبَّةِ، وَحُسْنِ الْمُوازَرَةِ وَالتَّسْلِيمِ.^۱

به فرمانبرداری ایشان و خیرخواهی و دوستی و خوش خدمتی و تسلیم شدن برای آنها.



زیارات مخصوصه

علاوه بر زیاراتی که گذشت و مخصوص زمان معینی نبود، چند زیارت مخصوصه نیز برای آن حضرت نقل شده است:

۱- زیارت روز عید غدیر

«سید بن طاووس» در «اقبال» از بزنتی، از امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود: «هر جا باشی (اگر بتوانی) در روز غدیر نزد قبر امیرمؤمنان علیه السلام حاضر شو، چرا که خداوند تبارک و تعالی در این روز گناهان بسیاری از مرد و زن مؤمن را می‌آمرزد... به خدا قسم اگر مردم فضیلت این روز را حقیقتاً می‌شناختند در هر روز، فرشتگان، ده مرتبه با آنان مصافحه می‌کردند».^۲

به هر حال، برای این روز چند زیارت نقل شده است:

زیارت اول: زیارت «امین‌الله» که بعضی از بزرگان آن را به عنوان زیارت مخصوص به این روز نقل کرده‌اند و در بحث زیارات مطلقه گذشت، (صفحه ۲۶۰).

زیارت دوم: زیارت بسیار جالب و جامعی که امام حسن عسکری علیه السلام آن را از پدرش بزرگوارش نقل می‌کند^۳ و کیفیت آن چنین است: وقتی اراده زیارت حضرتش را کردی نخست بر در آن قبه شریفه بایست و اذن دخول بخواه (خوب است اذن دخولی را که ما در ابتدای بخش زیارات، صفحه ۲۲۰، ذکر

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۲۶۶، حدیث ۸، به نقل از کامل‌الزیارات، باب ۱۲، صفحه ۴۶، حدیث ۱.

۲. اقبال، صفحه ۴۶۸ و بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۳۵۸، حدیث ۲.

۳. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۳۵۹، حدیث ۶.

کردیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ...» خوانده شود) سپس پای راست را مقدّم بدار و داخل شو و به نزدیک ضریح مقدّس برو و پشت به قبله و رو به ضریح بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَصَفْوَةِ

سلام بر محمد رسول خدا خاتم پیمبران و آقای رسولان و برگزیده

رَبِّ الْعَالَمِينَ، آمِينَ اللَّهُ عَلَى وَحْيِهِ، وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، وَالْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ،

پروردگار جهانیان امین خدا بر وحیش و فرمانهای حتمی‌اش و ختم کننده آنچه از پیش گذشته

وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَالْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ

و گشاینده آنچه پس از او آید و گواه و نگهبان بر همه آنها و رحمت خدا و برکاتش

وَصَلَوَاتِهِ وَتَحِيَّاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، وَمَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ،

و درودها و تحیاتش و سلام بر پیمبران خدا و رسولانش و فرشتگان مقربش

وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ،

و بندگان شایسته‌اش سلام بر تو ای امیر مؤمنان و آقای اوصیا

و وَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَوَلِيِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَمَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ،

و وارث دانش پیمبران و ولی پروردگار جهانیان و سرور من و سرور مؤمنان

و رَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،

و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو ای مولای من ای امیر مؤمنان

يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَسَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ، وَحُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى عِبَادِهِ،

ای امین خدا در زمینش و سفیرش در میان خلق و حجت رسای او بر بندگانش

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ، وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای آیین محکم خدا و راه راستش سلام بر تو

أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ، الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ، وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای خیر عظیمی که مردم در آن اختلاف کرده و از آن بازخواست شوند سلام بر تو

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، آمَنْتَ بِاللَّهِ وَهُمْ مُشْرِكُونَ، وَصَدَقْتَ بِالْحَقِّ وَهُمْ

ای امیرمؤمنان ایمان آوردی به خدا در آن وقت که مردم مشرک بودند و تصدیق کردی حق را در هنگامی که آنها

مُكَذِّبُونَ، وَجَاهَدْتَ وَهُمْ مُحْجَمُونَ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

تکذیب کردند و پیکار کردی در آنگاه که آنان خود را واپس کشیدند و پرستش کردی خدا را مخلصانه در دین

صَابِرًا مُّحْتَسِبًا، حَتَّىٰ آتِيكَ الْيَقِينَ، أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ، السَّلَامُ

و شکیبا و پاداش جو تا آنگاه که مرگت فرا رسد ای لعنت خدا بر ستمکاران سلام

عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ، وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِمَامَ الْمُتَّقِينَ، وَقَائِدَ

بر تو ای آقای مسلمانان و پادشاه مؤمنان و پیشوای پرهیزکاران و مقتدای

الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ آخِرُ رَسُولِ اللَّهِ وَوَصِيِّهِ،

سفید رویان و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که براستی تویی برادر رسول خدا و وصی او

وَوَارِثَ عِلْمِهِ وَأَمِينَهُ عَلَىٰ شَرْعِهِ، وَخَلِيفَتَهُ فِي أُمَّتِهِ، وَأَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ،

و وارث دانشش و امین او بر شریعت و احکامش و جانشین او در امتش و نخستین کسی که ایمان آورد به خدا

وَصَدَقَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَىٰ نَبِيِّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أَنْزَلَهُ فِيكَ،

و تصدیق کرد آنچه را بر پیامبرش نازل گشت و گواهی دهم که او بخوبی رساند آنچه را خدا درباره‌ات نازل فرموده بود

فَصَدَعَ بِأَمْرِهِ، وَأَوْجَبَ عَلَىٰ أُمَّتِهِ فَرْضَ طَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ، وَعَقَدَ

و دستورش را با صدای بلند به مردم رساند و واجب کرد بر امتش لزوم پیروی تو و ولایت را و عقد

عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ، وَجَعَلَكَ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، كَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ

و بیعت تو را برای آنها بست و تو را نسبت به مؤمنان سزاوارتر از خودشان قرار داد چنانچه خدا

كَذَلِكَ، ثُمَّ أَشْهَدُ اللَّهَ تَعَالَىٰ عَلَيْهِمْ، فَقَالَ أَلَسْتُ قَدْ بَلَغْتُ، فَقَالُوا اللَّهُمَّ

چنان مقرر کرده بود و سپس خدای تعالی را بر این مطلب گواه گرفت و فرمود: آیا بخوبی نرساندم؟ گفتند: خدایا

بَلَىٰ، فَقَالَ اللَّهُمَّ أَشْهَدُ وَكَفَىٰ بِكَ شَهِيدًا وَحَاكِمًا بَيْنَ الْعِبَادِ، فَلَعَنَ اللَّهُ

چرا. فرمود: بار خدایا گواه باش و کافی است گواه بودن تو و حکمرانیت در میان بندگان پس لعنت کند خدا

جَا حِدَ وَوَلَايَتِكَ بَعْدَ الْأِقْرَارِ، وَنَاكِثَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْمِيثَاقِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

منکر ولایت و فرمانروایی تو را پس از اقرار و شکنندۀ پیمانت را پس از بستن پیمان و گواهی دهم که تو

وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ تَعَالَىٰ، وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ مُوفٍ لَكَ بِعَهْدِهِ، وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا

براستی به عهد خدای تعالی وفا کردی و به حقیقت خدای تعالی وفاکننده است درباره‌ی تو به عهد خویش و هرکس وفا کند بدان

عَاهِدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْحَقُّ،

پیمانی که با خدا بسته است پس خدا پاداش بزرگی به او خواهد داد و گواهی دهم که براستی تویی امیرمؤمنان بر حق

الَّذِي نَطَقَ بِوَلَايَتِكَ التَّزْوِيلُ، وَأَخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَىٰ الْأُمَّةِ بِذَلِكَ الرَّسُولِ،

که قرآن درباره‌ی ولایت گویا شد و رسول خدا از امت خود در این باره پیمان گرفت

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَعَمَّكَ وَأَخَاكَ الَّذِينَ تَأْجِرْتُمُ اللَّهُ بِنُفُوسِكُمْ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ

و گواهی دهم که به حقیقت تو و عمویت (حمزه) و برادرت (جعفر) سودا کردیدی با خدا بوسیلهٔ جانهای خود پس خدا دربارهٔ تان

فِيكُمْ: إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ،

نازل کرد: «همانا خدا خرید از مؤمنان جانها و مالهاشان را که (در عوض) بهشت از آنها باشد

يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَيُقْتَلُونَ وَيُقْتَلُونَ، وَعَدَاً عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ

کارزار کنند در راه خدا پس بکشند و کشته شوند وعده‌ای است که بر او محقق گشته در تورات

وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ، وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ، فَاسْتَبْشِرُوا ببيعِكُمْ الَّذِي

و انجیل و قرآن و کیست که وفادارتر باشد به عهد خود از خدا پس شادمان باشید به معاملهٔ خویش

بِأَيْعَتُمْ بِهِ، وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ، التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ، الْحَامِدُونَ

که انجام دادید که این کامیابی بزرگی است، توبه گرانی هستند پرستش کننده و ستایشگر

السَّائِحُونَ، الرَّكَعُونَ السَّاجِدُونَ، الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّاهُونَ عَنِ

و روزه‌دار (یا سفر کننده برای طلب علم) و رکوع کننده و سجده‌گزار و وادار کننده به معروف و بازدارنده

الْمُنْكَرِ، وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ، وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ. أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،

از منکر و نگهداران حدود خدا و نوید ده به مؤمنان» گواهی دهم ای امیر مؤمنان

أَنَّ الشَّاكَّ فِيكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ، وَأَنَّ الْعَادِلَ بِكَ غَيْرُكَ عَانِدٌ عَنِ

که هر که دربارهٔ تو شک و تردید به خود راه دهد به رسول امین ایمان نیاورده و براستی کسی که عدول کند از تو به دیگری جز تو معاند است در

الدِّينِ الْقَوِيمِ، الَّذِي ارْتَضَاهُ لَنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ، وَأَكْمَلَهُ بِوِلَايَتِكَ يَوْمَ

دین محکم و استواری که پسندیده است برای ما پروردگارتان و کامل کرد آن را بوسیلهٔ ولایتت در روز

الْغَدِيرِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنِيُّ بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ: وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي

غدیر و گواهی دهم که تویی مقصود از گفتار خدای نیرومند مهربان «و براستی این است راه

مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ، وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ. ضَلَّ وَاللَّهُ

راست من پس از آن پیروی کنید و از راههای دیگر پیروی نکنید که شما را از راه او جدا کند» گمراه است به خدا

وَأَضَلَّ مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ، وَعِنْدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عَادَاكَ، اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ

و گمراه کرده هر کس که پیروی کند جز تو را و عناد ورزیده از حق کسی که با تو دشمنی کند خدایا ما فرمان تو را شنیدیم

وَأَطَعْنَا، وَاتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ، فَاهْدِنَا رَبَّنَا وَلَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ

و اطاعت کردیم و راه راست تو را پیروی کردیم پس ما را هدایت کن پروردگارا و منحرف مکن دلهای ما را پس از آنکه

هَدَيْتَنَا إِلَى طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ لِأَنْعَمِكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ

به طاعت خود هدایتمان کردی و قرارمان ده از سپاسگزاران نعمتهایت و گواهی دهم که برآستی تو پیوسته

تَزَلُ لِلْهَوَىٰ مُخَالَفًا، وَلِلتَّقَىٰ مُخَالَفًا، وَعَلَىٰ كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِرًا، وَعَنِ

با هوای نفس مخالفت کردی و ملازم پرهیزکاری بودی و بفروروشاندن خشم خویش توانا و از (رفتار جاهلانۀ مردم)

النَّاسِ عَافِيًا غَافِرًا، وَإِذَا عَصَىٰ اللَّهُ سَاخِطًا، وَإِذَا أُطِيعَ اللَّهُ رَاضِيًا، وَبِمَا

گذشت کن و آمرزنده بودی و هنگامی که خدا را معصیت می‌کردند خشمناک و چون اطاعت او را می‌کردند خشنود می‌گشتی و بدانچه

عَهْدَ إِلَيْكَ عَامِلًا، رَاعِيًا لِمَا اسْتَحْفِظْتَ، حَافِظًا لِمَا اسْتَوْدَعْتَ، مُبَلِّغًا مَا

خدا با تو پیمان بسته بود عمل کرده و در آنچه مأمور حفظش بودی رعایت داشتی، نگهداری کردی آنچه به تو سپرده شده بود و رساندی آنچه را

حُمِّلْتَ، مُنْتَظِرًا مَا وَعَدْتَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضَارِعًا، وَلَا أَمْسَكَتَ

به عهده داشتی و چشم براه وعده‌ای بودی که به تو داده شده بود و گواهی دهم که تقیۀ تو نه از باب ناتوانی بود و خودداری نکردی

عَنْ حَقِّكَ جَازِعًا، وَلَا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجَاهَدَةِ غَاصِبِكَ نَاكِلًا، وَلَا

از گرفتن حق خود بخاطر عجز و بی‌تابی و کناره‌گیری نکردی از پیکار با غاصبین حق خود از جهت سستی و چنان نبود

أَظْهَرْتَ الرِّضَىٰ بِخِلَافِ مَا يُرِضِي اللَّهَ مُدَاهِنًا، وَلَا وَهَنْتَ لِمَا أَصَابَكَ فِي

که بر خلاف میل خدا برای سازش با دشمن اظهار رضایت کنی و نه این‌که سستی کنی در برابر آنچه در

سَبِيلِ اللَّهِ، وَلَا ضَعُفْتَ وَلَا اسْتَكْنْتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّكَ مُرَاقِبًا، مَعَازِ اللَّهِ أَنْ

راه خدا به تو رسید و نه این‌که ناتوان باشی و نه این‌که درمانده شده باشی از مطالبۀ حق خود بخاطر ترس از غاصبین حقت، پناه به خدا که

تَكُونَ كَذَلِكَ، بَلْ إِذْ ظَلِمْتَ احْتَسَبْتَ رَبَّكَ، وَفَوَّضْتَ إِلَيْهِ أَمْرَكَ،

چنان بوده باشی بلکه چون به تو ستم کردند تو آن را به حساب پروردگارت گذاردی و کارت را به او واگذار کردی

وَذَكَرْتَهُمْ فَمَا ادَّكَّرُوا، وَوَعظْتَهُمْ فَمَا اتَّعَظُوا، وَخَوَّفْتَهُمُ اللَّهَ فَمَا تَخَوَّفُوا،

و ستمکارانت را پند دادی ولی پند نگرفتند و موعظه‌شان کردی ولی سودشان نداد و از خدا آنها را ترساندی و ترسیدند

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّىٰ دَعَاكَ

و گواهی دهم که تو ای امیر مؤمنان جهاد کردی در راه خدا آن طور که باید تا اینکه

اللَّهُ إِلَىٰ جِوَارِهِ، وَقَبْضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَالزَّمَ أَعْدَاكَ الْحُجَّةَ بِقَتْلِهِمْ

خداوند تو را به جوار خویش دعوت کرد و به اختیار خود جان شریف‌ت را قبض فرمود و ملزم کرد حجت را بر دشمنانت به همان‌که

إِيَّاكَ، لِتَكُونَ الْحُجَّةُ لَكَ عَلَيْهِمْ، مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَىٰ جَمِيعِ

تو را کشند تا حجت تو بر آنها تمام باشد با آن همه حجت‌های رسای دیگری که بر تمام

خَلَقَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً، وَجَاهَدْتَ

خلق خدا داشتی سلام بر تو ای امیر مؤمنان پرستش کردی خدا را از روی اخلاص و پیکار کردی

فِي اللَّهِ صَابِراً، وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ مُحْتَسِباً، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَّةَ

در راه خدا بردبارانه و بذل جان کردی به حساب خدا و به قرآنش عمل کردی و از روش و سنت

نَبِيِّهِ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ

پیغمبرش پیروی کردی و نماز را برپاداشتی و زکات را پرداختی و به معروف امر کردی و از منکر

الْمُنْكَرِ مَا اسْتَطَعْتَ، مُبْتَغِياً مَا عِنْدَ اللَّهِ، رَاغِباً فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ، لَا تَحْفَلُ

نهی کردی تا توانستی و در این کار جويا بودی آنچه را نزد خداست و میل و رغبت داشتی بدانچه خدا وعده داده بود باکی از

بِالنَّوَائِبِ، وَلَا تَهْنُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ، وَلَا تُحْجِمُ عَنْ مُحَارِبٍ، أَفِكَ مَنْ

پیش آمدهای ناگوار نداشتی و در برابر سختیها سستی نکردی و رو نگرداندی از جنگجویان، هر که جز این

نَسَبَ غَيْرَ ذَلِكَ إِلَيْكَ، وَافْتَرَىٰ بِاطِلَالٍ عَلَيْكَ، وَأَوْلَىٰ لِمَنْ عِنْدَ عُنُقِكَ، لَقَدْ

به تو نسبت دهد تهمت زده و افترای دروغی را به باطل بر تو بسته و دشمنت را کمک کرده چه آن که تو

جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى صَبْرًا اخْتِسَابًا،

براستی جهاد کردی در راه خدا آن طور که باید و در برابر آزار دشمنان بردباری کردی بردباری پاداش جووانه

وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ، وَصَلَّىٰ لَهُ وَجَاهَدَ، وَأَبْدَىٰ صَفْحَتَهُ فِي دَارِ

و تو نخستین کسی بودی که به خدا ایمان آوردی و برای او نماز خواندی و جهاد کردی و خود را آشکار ساختی در مرکز

الشَّرْكِ، وَالْأَرْضُ مَشْحُونَةٌ ضَلَالَةً، وَالشَّيْطَانُ يُعْبَدُ جَهْرَةً، وَأَنْتَ الْقَائِلُ

شُرک در زمانی که زمین پر بود از گمراهی و شیطان را آشکارا می پرستیدند و تو بودی که می گفتی

لَا تَزِيدُنِي كَثْرَةَ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً، وَلَا تَفَرِّقُهُمْ عَنِّي وَخَشَةً، وَلَوْ

زیادی مردم در گرد من به عزت من نیفزاید و پراکنده شدنشان نیز بر ترس من افزوده نکند و اگر

أَسْلَمَنِي النَّاسُ جَمِيعاً لَمْ أَكُنْ مُتَضَرِّعاً، اِعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ فَعَزَّزْتَنِي، وَآثَرْتُ

همه مردم نیز مرا واگذارند به زاری در نیایم به قدرت خدا تکیه کردی و عزیز گشتی و آخرت را

الْآخِرَةَ عَلَى الْأَوْلَىٰ فَرَهَدْتُ، وَأَيَّدَكَ اللَّهُ وَهَدَاكَ، وَأَخْلَصَكَ وَاجْتَبَيْكَ،

بر دنیا برگزیدی و زهد ورزیدی و خدا نیز کمکت کرد و راهنمایت فرمود و انتخاب کرده و برگزیدت،

فَمَا تَنَاقَضَتْ أَفْعَالُكَ، وَلَا اخْتَلَفَتْ أَقْوَالُكَ، وَلَا تَقَلَّبَتْ أَحْوَالُكَ، وَلَا

در کارهای تو تناقضی نبود و گفتارهایت اختلاف نداشت و حالات تو متغیر و دگرگون نگشت و ادعایی

ادَّعَيْتَ وَلَا افْتَرَيْتَ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا، وَلَا شَرِهْتَ إِلَى الْحُطَامِ، وَلَا دَنْسَكَ

بر خلاف حق نداشتی و نه به دروغ بر خدا افتراء بستنی و نه آزمند متاع ناقابل دنیا گشتی و نه گناهان

الْآثَامِ، وَلَمْ تَزَلْ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ، وَيَقِينُ مِنْ أَمْرِكَ، تَهْدِي إِلَى الْحَقِّ

تو را آلوده کرد و پیوسته روشت روی برهانی آشکار از پروردگارت بود و در کارت یقین داشتی بسوی حق

وَالِي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، أَشْهَدُ شَهَادَةَ حَقٍّ، وَأُقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمَ صِدْقٍ، أَنْ

و به شاهراه راست (مردم را) راهنمایی می‌کردی گواهی دهم از روی حقیقت و سوگند یاد کنم به خدا براستی که همانا

مُحَمَّدًا وَاللَّهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ سَادَاتُ الْخَلْقِ، وَأَنْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى

محمد و آتش صلوات الله علیهم آقایان خلق بودند و تو مولای من و مولای

الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنْتَ عَبْدُ اللَّهِ وَوَلِيُّهُ، وَأَخُو الرَّسُولِ وَوَصِيِّهُ وَوَارِثُهُ،

مؤمنانی و تو براستی بنده خدا و ولی او و برادر رسول و وصی و وارث هستی

وَأَنَّ الْقَائِلُ لَكَ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا آمَنَ بِي مَنْ كَفَرَ بِكَ، وَلَا أَقْرَبَ بِاللَّهِ

و او به تو فرمود: سوگند بدان که مرا به حق برانگیخت ایمان نیاورده به من آن کس که به تو کافر است و اقرار نکرده به خدا

مَنْ جَحَدَكَ، وَقَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ، وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ وَلَا إِلَيَّ مَنْ لَا

کسی که تو را انکار کند و گمراه است کسی که مردم را از تو باز دارد و راه بسوی خدا و بسوی من نیافته آن کس که

يَهْتَدِي بِكَ، وَهُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ، وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ

بوسیله تو رهبری نیافته و این گفتار پروردگار من عز و جل است که فرمود: «و من آمرزگارم برای آن کس که توبه کند و ایمان آورده و کار

صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى إِلَيَّ وَلَا يَتِيكَ، مَوْلَايَ فَضْلُكَ لَا يَخْفَى، وَنُورُكَ لَا

شایسته کند و راه یابد بسوی ولایت تو» ای سرور من فضل تو مخفی نیست و نور تو

يُطْفَأُ، وَأَنْ مَنْ جَحَدَكَ الظُّلْمُ الْأَشْقَى، مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ،

خاموش نگردد و هر که تو را انکار کند ستمکار و بدبخت است، مولای من تویی حجت بر بندگان

وَالْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ، وَالْعُدَّةُ لِلْمَعَادِ، مَوْلَايَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِي الْأُولَى

و راهنمای به راه راست و ذخیره روز معاد مولای من براستی خداوند مقام تو را در

مَنْزِلَتِكَ، وَأَعْلَى فِي الْأَخِرَةِ دَرَجَتِكَ، وَبَصْرَكَ مَا عَمِيَ عَلَيَّ مَنْ خَالَفَكَ،

دنیا بلند کرده، و والا گردانید درجات را در آخرت و بینایت کرد بدانچه پوشیده ماند بر مخالفین تو

وَحَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ لَكَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مُسْتَحِلِّي الْحُرْمَةِ مِنْكَ،

و آن کس که حائل شد میان تو و میان بهره‌هایی که خدا به تو داده بود پس خدا لعنت کند آن کس که حرمت تو را حلال پنداشت

وَذَائِدِي الْحَقِّ عَنكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ، الَّذِينَ تَلَفَحُوا وَجُوهَهُمُ

و حق را از تو گرداند و گواهی دهم که آنان زیانکارند که آتش چهره‌شان را بسوزاند

النَّارَ وَهُمْ فِيهَا كَالْحُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَقْدَمْتَ وَلَا أَحْجَمْتَ، وَلَا نَطَقْتَ

و در آن جا زشت منظر باشند و گواهی دهم که اقدام نکردی و واپس نکشیدی و زبان نکشادی

وَلَا أَمْسَكْتَ، إِلَّا بِأَمْرِ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، قُلْتَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَقَدْ نَظَرَ

و نه بستی جز به دستور خدا و رسولش، تو خود فرمودی: «سوگند بدان که جانم بدست اوست همانا نگریست

إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَمَا، فَقَالَ يَا عَلِيُّ

بسویم رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگامی که پیشقدمانه شمشیر می‌زدم و به من فرمود: ای علی

أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لِأَنْبِيَّ بَعْدِي، وَأَعْلِمُكَ أَنَّ

تو از من به منزله هارونی از موسی جز آن‌که ییمبری پس از من نیست و تو را آگاه کنم که

مَوْتِكَ وَحَيَاتِكَ مَعِيَ وَعَلَى سُنَّتِي، فَوَاللَّهِ مَا كَذَبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ، وَلَا

مرگ و زندگی با من و بر روش و طریقه من است و به خدا سوگند دروغ نگویم و دروغ به من نگفته‌اند

ضَلَلْتُ وَلَا ضَلَّ بِي، وَلَا نَسِيتُ مَا عَاهَدَ إِلَيَّ رَبِّي، وَإِنِّي لَعَلِي بَيْنَهُ مِنْ

و گمراه نشدم و گمراهم نکردند و نه آن‌که فراموش کردم آنچه را پروردگارم با من پیمان بسته و برستی من بُرهانی آشکار از

رَبِّي، بَيْنَهَا لِنَبِيِّهِ وَبَيْنَهَا النَّبِيُّ لِي، وَإِنِّي لَعَلِي الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ، أَلْفِظُهُ

پروردگارم دارم که برای پیامبرش گفته و او هم برای من بیان کرده و من در طریق روشن و واضیح هستم و بطور صریح و فاش

لَفْظًا، صَدَقْتَ وَاللَّهِ وَقُلْتَ الْحَقَّ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ، وَاللَّهُ

آن را می‌گویم» به خدا (ای مولای من) راست گفתי و حق گفתי پس خدا لعنت کند آن کس که تو را برابر کرد با دشمنان در صورتی که آن خدایی که

جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ: هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ. فَلَعَنَ

نامش برجسته است فرماید: «آیا یکسانند کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند» پس خدا لعنت کند

اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَا يَتَّكَ، وَأَنْتَ وَلِيُّ اللَّهِ وَأَخُو

کسی را که در ردیف تو قرارداد آن کس را که خدا ولایت تو را بر او واجب کرده بود با این‌که تو بودی ولی خدا و برادر

رَسُولِهِ، وَالذَّابُّ عَنْ دِينِهِ، وَالَّذِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

رسول او و دفاع کننده از دینش و آن کس که قرآن به برتریش گویاست خدای تعالی فرماید:

وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا، دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ

«و برتری داد خدا جهاد کنندگان را بر وائسندگان به پاداشی بزرگ که مرتبتها و

مَغْفِرَةً وَرَحْمَةً، وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا. وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ

آمرزش و رحمت اوست و خدا آمرزنده و مهربان است» و فرمود خدای تعالی: «ایا قرار داده‌اید آب دادن

الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ

حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را مانند آن کس که ایمان آورده به خدا و روز جزا و در راه خدا

فِي سَبِيلِ اللَّهِ، لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ، وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ، الَّذِينَ

جهاد کرده؟ نزد خدا برابر نیستند و خدا هدایت نمی‌کند گروه ستمکار را، آنان که

آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً

ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا جهاد کرده‌اند با مالهایشان و جانهایشان در مرتبت

عِنْدَ اللَّهِ، وَأَوْلِيكَ هُمُ الْفَائِزُونَ، يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ،

نزد خدا برترند و اینان کامیاب شدگاند که نویدشان دهد پروردگارشان به رحمتی از او و خشنودی

وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ، خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا، إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ.

و بهشتهایی که در آن جا نعمتهایی دائم دارند و همیشه در آن جا جاویداند براسستی که خدا نزد وی پاداشی بزرگ است»

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَخْصُوصُ بِمَدْحَةِ اللَّهِ، الْمَخْلِصُ لِبِطَاعَةِ اللَّهِ، لَمْ تَبْغِ بِالْهُدَى

گواهی دهم که به حقیقت تویی مخصوص به مدح خدا و مخلص در طاعت خدا که جایگزینی برای هدایت

بَدَلًا، وَلَمْ تُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ أَحَدًا، وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى اسْتَجَابَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى

نجستی و شریک نساختی در پرستش پروردگارت هیچ کس را و براسستی خدای تعالی اجابت فرمود دعای پیامبرش صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيكَ دَعْوَتُهُ، ثُمَّ أَمَرَهُ بِإِظْهَارِ مَا أَوْلَاكَ لِأُمَّتِهِ إِعْلَاءً

الله علیه و آله را درباره تو سپس دستورش داد به آشکار کردن آن مقامی را که به تو داده برای امتش تا مرتبهات را

لِشَأْنِكَ، وَإِعْلَانًا لِبُرْهَانِكَ، وَدَحْضًا لِلْأَبَاطِيلِ، وَقَطْعًا لِلْمَعَاذِيرِ، فَلَمَّا

بالا برده و برهانت را اعلان کند و اباطیل را از میان بردارد و عذر و بهانه‌ای بجای نماند و چون

أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ، وَاتَّقَى فِيكَ الْمُنَافِقِينَ، أَوْحَى إِلَيْهِ رَبُّ

بیمناک گشت از آشوب و فتنه فاسقان و بترسید در مورد تو از منافقان وحی کرد به او پروردگار

الْعَالَمِينَ: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا

جهانیان: «ای پیغمبر برسان آنچه از پروردگارت بر تو نازل شده و اگر نکنی

بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ. فَوَضَعَ عَلَيَّ نَفْسِي أَوْزَارَ

پیام او را رسانده‌ای و خدا تو را حفظ می‌کند از مردم» پس او بر خودهموار کرد بارهای

الْمَسِيرِ، وَنَهَضَ فِي رَمُضَاءِ الْهَجِيرِ، فَخَطَبَ وَأَسْمَعَ وَنَادَى فَابْلَغَ، ثُمَّ

سنگین سفر را و بپا خواست در نیمه روز سوزان آن بیابان و خطبه خواند و به گوش مردم رسانید و با صدای بلند به آنها رسانید سپس

سَأَلَهُمْ أَجْمَعَ فَقَالَ هَلْ بَلَغْتُ، فَقَالُوا اللَّهُمَّ بَلَى، فَقَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ، ثُمَّ قَالَ

از همگی آنها پرسیده فرمود: آیا رساندم؟ گفتند خدایا آری، پس فرمود: خدایا گواه باش سپس فرمود:

أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، فَقَالُوا بَلَىٰ، فَأَخَذَ بِيَدِكَ وَقَالَ مَنْ

آیا من سزاوارتر به مؤمنین از خودشان نیستم؟ گفتند: چاره، پس دست تو را گرفت و فرمود: هر که

كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ،

من مولای او هستم پس این علی مولای اوست خدایا دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد

وَأَنْصُرُ مَنْ نَصَرَهُ، وَآخِذُ مَنْ خَذَلَهُ، فَمَا آمَنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ عَلَىٰ نَبِيِّهِ

و یاری کن هر که یاریش کند و خوار کن هر که دست از یاریش بردارد پس ایمان نیاورد بدانچه خدا درباره تو بر پیغمبرش نازل فرمود

إِلَّا قَلِيلٌ، وَلَا زَادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَخْسِيرٍ، وَلَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فِيكَ مِنْ قَبْلُ

جز اندکی و نیفزود بیشترشان را جز زیانکاری و پیش از آن نیز خدا دربارهات نازل فرمود با این که

وَهُمْ كَارِهُونَ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ، فَسَوْفَ يَأْتِي

آنها خوش نداشتند این آیه را «ای کسانی که ایمان آوردهاید هر که از شما بازگردد از دین خود پس بزودی

اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ، أَذَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ،

خدا بیاورد گروهی را که دوستشان دارد و دوستش دارند با مؤمنان افتاده و با کافران سرکشند

يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ، ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ

کارزار کنند در راه خدا و از سرزنش ملامت کننده نهراسند این فضل خداست که به هر که

يَشَاءُ، وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ، إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ

خواهد دهد و خدا وسعت بخش و داناست، جز این نیست که سرپرست شما خدا و رسول او و کسانی هستند که ایمان دارند آنان که

يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ، وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

بپا دارند نماز را و بدهند زکات را در آن حال که رکوع می‌گزارند و هر که دوستی کند با خدا و رسولش

وَالَّذِينَ آمَنُوا، فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ، رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا

و کسانی که ایمان دارند پس برستی گروه خدا چیره شوندگانند» پروردگارا ما ایمان آوردیم بدانچه نازل فرمودی و پیروی از

الرَّسُولَ فَآكُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ

پیامبرت کردیم پس بنویس ما را با گواهان پروردگارا منحرف مکن دل‌های ما را پس از آن که هدایتیمان کردی و ببخش

لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ

به ما از نزد خودت رحمتی که براستی تویی بخشایشگر، خدایا ما بخوبی می‌دانیم که این (گفتار) حقی است

مِنْ عِنْدِكَ، فَالْعَنْ مَنْ عَارَضَهُ وَاسْتَكْبَرَ، وَكَذَبَ بِهِ وَكَفَرَ، وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ

از نزد تو پس لعنت کن هر که با او مخالفت کرد و بزرگی ورزید و او را تکذیب کرده کفر ورزید و بزودی می‌دانند آنان که

ظَلَمُوا أَيْ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ

ستم کردند به چه سرنوشتی دچار گردند سلام بر تو ای امیر مؤمنان و آقای

الْوَصِيِّينَ، وَأَوَّلَ الْعَابِدِينَ، وَأَزْهَدَ الزَّاهِدِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ،

اوصیا و سرسلسله عبادت کنندگان و زاهدترین زاهدان و رحمت خدا و برکاتش

وَصَلَوَاتِهِ وَتَحِيَّاتِهِ، أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

و درودهایش و تحیاتش تویی که خوراندی طعام را با این‌که دوست داشتی بر بینوا و یتیم و اسیر

لِوَجْهِ اللَّهِ، لَا تُرِيدُ مِنْهُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا، وَفِيكَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى:

برای خاطر خدا و نخواستی از ایشان پاداش و سپاسی و درباره تو خدای تعالی نازل فرمود:

وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ، وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ

«و مقدم دارند (آنها را) بر خودشان و گرچه خود حاجتمند باشند و هر که محفوظ ماند از بخل ضمیر او

فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. وَأَنْتَ الْكَاطِمُ لَلْغَيْظِ، وَالْعَافِي عَنِ النَّاسِ، وَاللَّهُ

پس آنهاپند رستگاران» و تویی که فرو بردی خشم خود را و گذشتی از مردم و خدا

يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ، وَأَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ،

دوست دارد نیکوکاران را و تویی بردبار در تنگدستی و دشواری و هنگام کارزار

وَأَنْتَ الْقَاسِمُ بِالسُّوِيَّةِ وَالْعَادِلُ فِي الرَّعِيَّةِ، وَالْعَالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ

و تویی قسمت کننده به مساوات و عدالت گستر در رعیت و دانای به حدود و احکام خدا از میان همه

الْبَرِيَّةِ، وَاللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ: أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا

مردم و خدای تعالی خبر داد از آن بهره‌ای که به تو داده از فضل خود آن جا که فرموده: «آیا آن کس که مؤمن است

كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ، أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ

همانند کسی است که فاسق است؟ برابر نیستند اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ایشان راست

جَنَّاتُ الْمَأْوَى، نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. وَأَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزِيلِ،

بهشت‌های اقامتگاه که آماده پذیرایی آنهاست به پاداش کارهایی که می‌کردند» و تویی مخصوص به دانش قرآن

وَحُكْمِ التَّوْبِيلِ، وَنَصِّ الرَّسُولِ، وَلَكَ الْمَوَاقِفُ الْمَشْهُودَةُ، وَالْمَقَامَاتُ

و حکم تآویل و تصریح گفتار پیامبر و تو راست آن موقوفهای مشهود و معروف و آن مقامات

الْمَشْهُورَةُ، وَالْأَيَّامُ الْمَذْكُورَةُ، يَوْمَ بَدْرٍ وَيَوْمَ الْأَحْزَابِ، إِذْ زَاغَتْ

مشهور و آن روزهای تاریخی روز (جنگ) بدر و روز(جنگ) احزاب در آن هنگامی که

الْأَبْصَارُ، وَبَلَغَتْ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ، وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا، هُنَالِكَ

چشمها خیره گشت و جانها به گلوها رسیده و گمانهای گوناگونی به خدا بردند در آن هنگام

ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ، وَزُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا، وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي

مؤمنان امتحان شدند و به تزلزل سختی دچار گشتند در آن دم که می‌گفتند منافقان و آنان که در

قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ، مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا، وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ

دلهاشان مرضی بود وعده ندادند خدا و رسولش به ما جز فریب. و آن دم که گروهی از ایشان گفتند

يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا، وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ،

ای مردم یثرب جای ماندن شما نیست بازگردید و گروهی از آنها اجازه می‌خواستند از پیغمبرشان

يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ، إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا، وَقَالَ اللَّهُ

و می‌گفتند خانه‌های ما بی‌حفاظ است با این‌که خانه‌هاشان بی‌حفاظ نبود و جز فرار کردن قصدی نداشتند» و خدای

تَعَالَى: وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ، قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ،

تعالی فرمود: «و چون مؤمنان احزاب را دیدند گفتند این است آنچه به ما وعده داده خدا و رسولش

وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا. فَقَتَلَتْ عَمْرَهُمُ،

و راست گفت خدا و رسولش و نیفزودشان جز ایمان و تسلیم» و تو بودی که عمرو (پهلوان نامی) آنها را کشتی

وَهَزَمَتْ جَمْعَهُمْ، وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا، وَكَفَى اللَّهُ

و جمع انبوهشان را منهزم ساختی «و خدا کافران را با خشمشان بازگرداند که غنیمی نیافتند و خدا کفایت کرد

الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ، وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا، وَيَوْمَ أَحَدٍ إِذْ يُصْعِدُونَ وَلَا

جنگ را از مؤمنان و خدا نیرومند و تواناست» و در جنگ احد «هنگامی که دور می‌شدند

يَلُؤُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ، وَالرَّسُولُ يَدْعُوهُمْ فِي أُخْرَيْهِمْ، وَأَنْتَ تَدُودُهُمْ

و به کسی اعتنا نمی‌کردند و پیغمبر از دنبال سرشان آنها را می‌خواند» و تو بودی که شجاعان سرسخت

الْمُشْرِكِينَ عَنِ النَّبِيِّ ذَاتِ الْيَمِينِ وَذَاتِ الشِّمَالِ، حَتَّىٰ رَدَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَىٰ

مشرکان را از پیغمبر دفع می‌کردی از سمت راست و چپ تا این‌که خدای تعالی آنان را

عَنْكُمَا خَائِفِينَ، وَنَصَرَ بِكَ الْخَاذِلِينَ، وَيَوْمَ حُنَيْنٍ عَلَىٰ مَانَطَقَ بِهِ

ترسان و خائف از اطراف تو و آن حضرت دفع کرد و بوسیله تو آن لشکر شکست خورده را یاری کرد و در روز حنین چنانچه قرآن بدان گویا

التَّزْيِيلُ: إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ، فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا، وَضَاقَتْ عَلَيْكُمْ

باشد: «آن دم که بشگفت آورد شما را بسیار بودنتان ولی سودی برای شما نداشت و زمین با همه فراخیش

الْأَرْضُ بِمَا رَحِبَتْ، ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ، ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ

بر شما تنگ شد و سپس رو به فرار گذاردید، آنگاه خدا نازل کرد آرامش خود را بر پیامبرش

وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ. وَالْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَمَنْ يَلِيكَ، وَعَمَّكَ الْعَبَّاسُ يُنَادِي

و بر مؤمنان» و (مقصود از) مؤمنان تو بودی و همراهان تو، و عمویت عباس فریاد می‌زد

الْمُنْهَزِمِينَ، يَا أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، يَا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ، حَتَّىٰ

به گریختگان ای یاران سوره بقره! ای اهل بیعت شجره! تا بالاخره

اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمَوْتَةَ، وَتَكَفَّلَتْ دُونَهُمُ الْمَعُونَةَ، فَعَادُوا

گروهی پاسخش را دادند و تو خود کفایت رنج آنها را کردی و کفالت کمک آنها را نمودی و چون برگشتند

إِيسِينَ مِنَ الْمَثُوبَةِ، رَاجِينَ وَعَدَّ اللَّهُ تَعَالَىٰ بِالتَّوْبَةِ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ

تا امید از ثواب جهاد بودند و امیدوار به وعده خداى تعالى در توبه بودند و همین است گفتار خداى جل

ذِكْرُهُ: ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ. وَأَنْتَ حَائِزٌ دَرَجَةً

ذکره که (فرماید): «سپس پذیرفت خدا پس از آن توبه کسی را که می‌خواست» و تو بودی که حائز گشتی درجه

الصَّبْرِ، فَائِزٌ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ، وَيَوْمَ خَيْبَرَ إِذْ أَظْهَرَ اللَّهُ خَوَرَ الْمُنَافِقِينَ، وَقَطَعَ

صبر را و کامیاب شدی به پاداش بزرگ، و در روز جنگ خیبر که خدا آشکار ساخت ضعف و سستی منافقان را و برید

دَابِرَ الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ

دنباله کافران را و ستایش خداى را پروردگار جهانیان «با این‌که با خدا پیمان بسته بودند از پیش

لَا يُؤْلُونَ الْأَدْبَارَ، وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا، مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ،

که پشت (به دشمن) نکنند و پیمان خدا بازخواست شدنی است» مولای من تویی حجت رسا

وَالْمَحَجَّةُ الْوَاضِحَةُ، وَالنَّعْمَةُ السَّابِغَةُ، وَالْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ، فَهَنِيئًا لَكَ بِمَا

و طریقه آشکار و نعمت شایان و برهان تابناک پس گوارا باد تو را آنچه

أَتَيْكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ، وَتَبَّأَ لِسَانِيكَ ذِي الْجَهْلِ، شَهِدْتَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ

خدا از فضیلت و برتری به تو داد و نابود باد دشمن بدخواه و نادان، تو بودی که در رکاب پیغمبر صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ، جَمِيعَ حُرُوبِهِ وَمَغَازِيهِ، تَحْمِلُ الرِّايَةَ اَمَامَهُ، وَتَضْرِبُ

علیه و آله در همه جنگها و غزواتش حاضر بودی پرچم جنگ را پیش رویش بدوش می‌کشیدی و در برابرش

بِالسَّيْفِ قَدَامَهُ، ثُمَّ لِحَزْمِكَ الْمَشْهُورِ، وَبَصِيرَتِكَ فِي الْأُمُورِ، أَمْرَكَ فِي

با شمشیر می‌جنگیدی از آن گذشته بخاطر تدبیر و کاردانی مشهور و بینا بودن در کارها تو را در هر جا

الْمَوَاطِنِ وَلَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ أَمِيرٌ، وَكَمْ مِنْ أَمْرٍ صَدَّكَ عَنْ امْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ

به امارت و فرماندهی منصوب می‌فرمود و کسی بر تو امارت نداشت و چه بسیار کارهایی که جلوگیری کرد تو را از انجام آنها

التَّقْيِ، وَاتَّبَعَ غَيْرُكَ فِي مِثْلِهِ الْهَوَى، فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا

پرهیزکاریت ولی پیروی کردند دیگران در مانند آن از هوای نفس و این سبب شد که نادانان گمان کنند که تو ناتوان و درمانده شدی که کارت

إِلَيْهِ أَنْتَهَى، ضَلَّ وَاللَّهُ الظَّانُّ لِدَلِكِ وَمَا اهْتَدَى، وَلَقَدْ أَوْضَحْتَ مَا أَشْكَلَ

بدانجا منتهی شد گمراه گشت به خدا هر که چنین گمانی کرد و راهبری نشد و تو بخوبی آشکار کردی و این اشکال

مِنْ ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّمْ وَأَمْتَرِي بِقَوْلِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، قَدْ يَرَى الْحَوْلُ

را برای آن کس که چنین توهم و تردیدی داشت برطرف کردی به گفتارت - که درود خدا بر تو باد - که فرمودی: «گاهی باشد که مرد چاره‌جو

الْقَلْبُ وَجَهَ الْحِيلَةَ، وَدُونَهَا حَاجِزٌ مِنْ تَقْوَى اللَّهِ، فَيَدْعُهَا رَأَى الْعَيْنِ،

و زبردست راه چاره می‌بیند ولی در برابرش پرده‌ای از تقوای خداست پس دانسته و آشکارا آن را رها می‌کند

وَيَنْتَهزُ فُرْصَتَهَا مِنْ لَأَحْرَبِجَةَ لَهُ فِي الدِّينِ، صَدَقْتَ وَخَسِرَ الْمُبْطِلُونَ،

ولی همان فرصت را غنیمت شمارد کسی‌که باکی ندارد در کار دین» تو راست گفتی و یابوسرایان زبان کردند

وَإِذَا مَا كَرَّكَ النَّاكِثَانِ فَقَالَا نُرِيدُ الْعُمْرَةَ، فَقُلْتَ لَهُمَا لَعَمْرُكُمْ مَا تُرِيدَانِ

و هنگامی که آن دو پیمان شکن (طلحه و زبیر) با تو نیرنگ زدند و گفتند: ما قصد انجام عمره داریم و تو به آن دو فرمودی به جان خودتان سوگند که شما قصد

الْعُمْرَةَ، لَكِنْ تُرِيدَانِ الْغَدْرَةَ، فَأَخَذْتَ الْبَيْعَةَ عَلَيْهِمَا، وَجَدَدْتَ الْمِيثَاقَ

عمره ندارید بلکه قصد پیمان‌شکنی دارید و به همین جهت از آن دو بیعت گرفتی و پیمانشان را تجدید کردی

فَجَدُّا فِي النِّفَاقِ، فَلَمَّا نَبَّهْتَهُمَا عَلَى فِعْلِهِمَا، أَغْفَلَا وَعَادَا وَمَا أَنْتَفَعَا،

ولی آن دو نیز در نفاق خود کوشیدند و هنگامی که تو به کارشان آگاهی دادی تغافل کردند و به کار خود بازگشته و سودمند نشدند

وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهِمَا خُسْرًا، ثُمَّ تَلَاهُمَا أَهْلُ الشَّامِ فَسِرَتْ إِلَيْهِمْ بَعْدَ

و سرانجام کارشان به زیانکاری گرائید و پس از آنها داستان مردم شام پیش آمد که تو پس از آن‌که راه

الْأَعْذَارِ، وَهُمْ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ، وَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ، هَمَجٌ رَعَاعٌ

عذر را برایشان بستی بسویشان حرکت کردی و آنها به دین حق متدین نگشتند و در قرآن اندیشه نمی‌کردند مردمی بی‌خرد و بی‌اراده

ضَالُونَ، وَبِالَّذِي أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ فَبِكَ كُافِرُونَ، وَلَا أَهْلَ الْخِلَافِ عَلَيْكَ

و گمراه بودند و به آنچه درباره تو بر محمد نازل گشته بود کافر بودند و در عوض یار و یاور مخالفین

نَاصِرُونَ، وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ، وَنَدَبَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى نَصْرِكَ،

تو بودند در صورتی که خداوند به پیروی از تو دستور داده بود و مؤمنان را به یاری تودعوت کرده بود

وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ، وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ.

و فرموده بود: «ای کسانی که ایمان آوردید از خدا بترسید و با راستگویان باشید»

مَوْلَايَ بِكَ ظَهَرَ الْحَقُّ، وَقَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ، وَأَوْضَحْتَ السُّنَنَ بَعْدَ الدُّرُوسِ

سرور من بوسیله تو آشکار شد حق در صورتی که مردم آن را به یک سو گذارند و تو واضح کردی روشهای (انبیا) را پس از کهنگی

وَالطُّمَسِ، فَلَكَ سَابِقَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَصْدِيقِ التَّنْزِيلِ، وَلَكَ فَضِيلَةُ الْجِهَادِ

و نابودی پس تو راست ییشی هستن در جهاد برای (یا بر طبق) تصدیق قرآن و برای تو بود فضیلت جهاد

عَلَى تَحْقِيقِ التَّوْبِ، وَعَدُّوكَ عَدُوَّ اللَّهِ، جَا حِدْ لِرَسُولِ اللَّهِ، يَدْعُو بِاطِلَاءٍ،

برای تحقق دادن (یا بر طبق تحقیق) تاویل قرآن و دشمن تو و دشمن خدا و منکر رسول خدا بود آن که به باطل دعوت می کرد

وَيَحْكُمُ جَائِرًا، وَيَتَأَمَّرُ غَاصِبًا، وَيَدْعُو حِزْبَهُ إِلَى النَّارِ، وَعَمَّارٌ يُجَاهِدُ

و به ستم حکم می راند و به غصب و زور حکومت کرده و دار و دستهایش را بسوی دوزخ دعوت می نمود و در آنحال عمار جهاد می کرد

وَيُنَادِي بَيْنَ الصَّفَيْنِ، الرَّوَّاحَ الرَّوَّاحَ إِلَى الْجَنَّةِ، وَلَمَّا اسْتَسْقَى فُسْقَى

و میان دو صف فریاد می زد: کوچ کنید کوچ کنید بسوی بهشت و چون آب طلبید و بجای آب

اللَّبَنِ، كَبَّرَ وَقَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، آخِرُ شَرَابِكَ

شیر به او دادند تکبیر گفت و اظهار داشت که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرموده: آخرین نوشیدنی تو

مِنَ الدُّنْيَا ضِيَّاحٌ مِنْ لَبَنِ، وَتَقْتُلُكَ الْفِتَّةُ الْبَاغِيَّةُ، فَاعْتَرَضَهُ أَبُو الْعَادِيَةِ

از دنیا جرمهای از شیر است و تو را فرقه ستعمار می کشند پس در آن حال ابو العادیه

الْفَزَارِيُّ فَقَتَلَهُ، فَعَلَى أَبِي الْعَادِيَةِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَلَعْنَةُ مَلَائِكَتِهِ وَرَسُولِهِ

فزاری سر راهش را گرفت و او را کشت پس لعنت خدا و لعنت فرشتگان و رسولاتش همگی بر ابوالعادیه باد

أَجْمَعِينَ، وَعَلَى مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ، وَسَلَّتْ سَيْفَكَ عَلَيْهِ يَا

و هم بر آن کس که شمشیر به روی تو کشید و تو به روی او شمشیر کشیدی ای

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَعَلَى مَنْ

امیر مؤمنان از مشرکان و منافقان تا روز قیامت و هم بر آن کس که

رَضِيَ بِمَا سَأَأْتِكَ وَلَمْ يَكْرَهُهُ، وَأَغْمَضَ عَيْنَهُ وَلَمْ يُنْكِرْ، أَوْ أَعَانَ عَلَيْكَ

خشنود گشت به آنچه بر تو گران بود و ناراحت نشد و دیده بر هم نهاد و انکار نمی‌کرد یا بر علیه تو کمک کردند

بِيَدٍ أَوْ لِسَانٍ، أَوْ قَعَدَ عَنْ نَصْرِكَ، أَوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهَادِ مَعَكَ، أَوْ غَمَطَ

بدست یا زبان یا دست کشید از یاری تو یا کناره‌گیری کرد از جهاد کردن در رکابت یا فضل تو را

فَضْلَكَ، وَجَحَدَ حَقَّكَ، أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَكَ اللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ،

نادیده گرفت و حقت را انکار کرد یا برابر کرد با تو کسی را که خدا تو را به او سزاوارتر از خودش قرار داده بود

وَصَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَسَلَامُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، وَعَلَىٰ

و درودهای خدا بر تو و رحمت خدا و برکاتش و سلام و تحیاتش و بر

الْأَيِّمَةِ مِنَ آلِكَ الطَّاهِرِينَ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ، وَالْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَالْخَطْبُ

امامان از خاندان پاکت که برآستی او ستوده و بزرگواری است و کارشگفت‌انگیزتر و پیش‌آمد

الْأَفْظَعُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقَّكَ، غَضِبُ الصُّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ الزُّهْرَاءِ سَيِّدَةِ

جانگدازتر پس از انکار حق تو غضب فدک حضرت صدیقه طاهره زهرا بانوی

النِّسَاءِ فَدَكًا، وَرَدُّ شَهَادَتِكَ وَشَهَادَةِ السَّيِّدِينَ سُلَّاتِكَ، وَعِثْرَةُ

زنان بود و هم چنین رد کردن شهادت تو و شهادت دو آقای از نزادت و عثرت پیامبر

الْمُصْطَفَىٰ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ، وَقَدْ أَعْلَىٰ اللَّهُ تَعَالَىٰ عَلَىٰ الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ،

مصطفی که درود خدا بر همگیمان باد با این‌که خدای تعالی درجه و مقام شما را بر مردم والا گردانیده

وَرَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ، وَأَبَانَ فَضْلَكُمْ، وَشَرَّفَكُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ، فَأَذْهَبَ

و منزلتان را رفیع و فضل و شرفتان را بر جهانیان آشکار کرده و پلیدی را

عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ

از شما دور ساخته و بخوبی پاکیزه‌تان کرده است خدای عزوجل فرموده: «برآستی انسان

هَلُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا، وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا، إِلَّا الْمُصَلِّينَ.

حریص آفریده شده چون بدی به او برسد بیتابی کند و چون مالی بدستش رسد دریغ کند مگر نمازگزاران»

فَاسْتَشَىٰ اللَّهُ تَعَالَىٰ نَبِيَّهُ الْمُصْطَفَىٰ، وَأَنْتَ يَا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ

پس جدا کرد خدای تعالی پیامبر مصطفی و همچنین تو را ای آقای اوصیا از همه

الْخَلْقِ، فَمَا أَعَمَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ، ثُمَّ أَقْرَضُوكَ سَهْمَ ذَوِي الْقُرْبَىٰ

مردم پس چه اندازه کور است آن کس که به تو ستم کرد از (پرداخت) حق ولی از روی مکر و خدعه سهم خویشاوندان یغمبر را به تو قرض داد

مَكْرًا، وَاحَادُوهُ عَنِ أَهْلِهِ جَوْرًا، فَلَمَّا آلَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ أَجْرَيْتَهُمْ عَلَىٰ مَا

در صورتی که آن را از اهلیش به ستم دور کردند و چون کار بدست تو افتاد به همان نحو که آن دو دربارها رفتار کرده بودند تو هم

أَجْرِيَا، رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ، فَأَشْبَهْتَ مِخْتَكَ بِهِمَا مِحْنَ الْأَنْبِيَاءِ

بخاطر اشتیاق به پادشاه خدا و بی‌اعتنایت به عمل آن دو به همان نحو رفتار کردی پس شبیه شد گرفتاری تو با آن دو نفر به گرفتاری پیامبران

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَ الْوَحْدَةِ وَعَدَمِ الْأَنْصَارِ، وَأَشْبَهْتَ فِي الْبَيَاتِ عَلَىٰ

در هنگام تنهایی و بی‌یاوری و شبیه گشتی در خوابیدن بر

الْفِرَاشِ الذَّبِيحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِذْ أَجَبْتَ كَمَا أَجَابَ، وَأَطَعْتَ كَمَا أَطَاعَ

بستر (رسول خدا) به (اسماعیل) ذبیح (علیه السلام) چه آن‌که تو نیز مانند او پذیرفتی و اطاعت کردی چنانچه

إِسْمَاعِيلُ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، إِذْ قَالَ لَهُ: يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي

اسماعیل اطاعت کرد بردارانه و پادشاه‌جویانه در آن هنگام که (ابراهیم) به او گفت: «ای پسرکم من در خواب دیدم

أَذْبَحُكَ، فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ، قَالَ يَا أَبَتِ أَفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ

که تو را ذبح می‌کنم پس بنگر تا رأی تو چیست گفت ای پدر انجام ده آنچه را مأمور گشته‌ای که مرا ان شاءالله

مِنَ الصَّابِرِينَ. وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَاتَكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَمَرَكَ

خواهی یافت از برداران» و هم چنین تو هنگامی که خوابانند پیغمبر صلی الله علیه و آله و به تو دستور داد

أَنْ تَضْجَعَ فِي مَرْقَدِهِ وَاقْبِأْ لَهُ بِنَفْسِكَ، أَسْرَعْتَ إِلَىٰ إِجَابَتِهِ مُطِيعًا،

که بیارمی در خوابگاهش و حفظ کنی او را، به جان خود شتافتی به اجابتش فرمانبردارانه

وَلِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مَوْطِنًا، فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ، وَابَانَ عَنْ جَمِيلِ

و خود را برای کشته شدن آماده کردی و خدای تعالی این اطاعت تو را سپاسگزاری کرد و پرده از این کار شایسته و نیکت

فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ.

برداشت به گفتارش جل ذکره که فرمود: «و از مردم کسی است که می‌فروشد جانش را برای جستن رضای خدا»

ثُمَّ مِخْتَكَ يَوْمَ صِفِّينَ، وَقَدْ رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ حِيَلَةً وَمَكْرًا، فَأَعْرَضَ

سپس گرفتاری تو در جنگ صفین در آن هنگام که قرآن‌ها را از روی نیرنگ و خدعه برنیزه‌ها کردند و شک و تردید

السَّكِّ وَعُزِفَ الْحَقُّ، وَاتَّبَعَ الظَّنُّ، أَشْبَهْتَ مِخْنَةَ هِرُونَ إِذْ أَمَرَهُ مُوسَىٰ

پدیدار شد و حق به یک سو افتاد و از گمان پیروی کردند شبیه بود به گرفتاری هارون هنگامی که موسی

عَلَى قَوْمِهِ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ، وَهَرُونَ يُنَادِي بِهِمْ وَيَقُولُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ،

او را بر قوم خود امیر کرد و آنها از دورش پراکنده شدند و هارون به آنها فریاد می‌زد: «ای مردم فریب خورده‌اید شما به گوساله‌پرستی

وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي، وَأَطِيعُوا أَمْرِي، قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ

و همانا پروردگار شما خدای رحمان است مرا پیروی کنید و مطیع فرمان من باشید گفتند ما هم چنان پرستش او را

عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ، وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ،

می‌کنیم تا بازگردد بسوی ما موسی» و همچنین تو هنگامی که قرآنها بالای نیزه رفت

قُلْتَ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَخَدِعْتُمُ، فَعَصَوْكَ وَخَالَفُوا عَلَيْكَ، وَاسْتَدْعَوْا

فرمودی ای مردم شما به اینها فریب خورده‌اید و دچار نیرنگ شده‌اید ولی نافرمانی و مخالفت تو را کردند و خواستند

نَصَبَ الْحَكَمَيْنِ فَأَيَّبَتْ عَلَيْهِمْ، وَتَبَرَّاتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ، وَفَوَّضْتَهُ

تا دو نفر حکم معین شود و تو از این کار خودداری کردی و از کردار ایشان بسوی خدا بی‌زاری جستی و کار را

إِلَيْهِمْ، فَلَمَّا أَسْفَرَ الْحَقُّ وَسَفِهَ الْمُنْكَرُ، وَاعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَالْجَوْرِ عَنِ

به ایشان واگذاشتی و چون برده از روی حق برداشته شد و بی‌رویه‌گی منکر روشن شد و به خطای خویش و عدول از حق اعتراف

الْقَصْدِ، اِخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ، وَالزَّمُوكَ عَلَىٰ سَفِهَةِ التَّحْكِيمِ الَّذِي أَبَيْتَهُ

کردند پس از آن اختلاف کرده و تو را مجبور به پذیرفتن حکمت سبیهانه کردند آن حکمتی که تو حاضر به پذیرفتنش نبودی

وَاحْبَوهُ، وَحَظَرْتَهُ وَأَبَا حُوا ذَنْبَهُمُ الَّذِي اقْتَرَفُوهُ، وَأَنْتَ عَلَىٰ نَهْجِ بَصِيرَةٍ

و آنان می‌خواستند و تو ممنوعش ساخته و آنها مباح دانستند، گناهی بود که خودشان دست زدند و تو بر طریق بینایی

وَهُدًى، وَهُمْ عَلَىٰ سُنَنِ ضَلَالَةٍ وَعَمًى، فَمَا زَالُوا عَلَىٰ النِّفَاقِ مُصْرِبِينَ،

و هدایت بودی و ایشان بر روش گمراهی و کوری پس همواره بر نفاق اصرار داشتند

وَفِي الْغَىِّ مُتَرَدِّدِينَ، حَتَّىٰ آذَقَهُمُ اللَّهُ وَبَالَ أَمْرِهِمْ، فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ

و در گمراهی سرگردان بودند تا بالاخره چشاندید به ایشان خداوند وبال کارشان را و می‌راند بوسیله شمشیرت

عَانَكَ فَشَقِيَّ وَهَوًى، وَأَحْيَيْ بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعَدَ فَهَدَيْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ

دشمنت را و بدبخت و نگویندسار گردید و زنده گردانید بوسیله حجت تو هر که سعادتمند و هدایت شد دروهای خدا

عَلَيْكَ غَادِيَةٌ وَرَائِحَةٌ، وَعَاكِفَةٌ وَذَاهِبَةٌ، فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَصْفِكَ، وَلَا

بر تو باد بامیدان و شامگاهان و در هنگام اقامت و در سفر که شخص وصف کندهات احاطه به وصف نکند

يُحِيطُ الطَّاعِنُ فَضْلِكَ، أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً، وَأَخْلَصُهُمْ زَهَادَةً،

و شخص بدخواه و عیب‌جویی نتواند فضل تو را نابود گرداند تو از همه مردم در عبادت بهتر و در زهد خالص‌تر

وَأَذَبَهُمْ عَنِ الدِّينِ، أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجَهْدِكَ، وَفَلَلْتَ عَسَاكِرَ الْمَارِقِينَ

و در دفاع از دین سخت‌تری بیاداشتی حدود خدا را به کوشش خود شکست دادی سپاه‌های بیرون رفتگان از دین را

بِسَيْفِكَ، تُخَمِدُ لَهَبَ الْحُرُوبِ بَيْنَانِكَ، وَتَهْتِكُ سِتُورَ الشُّبُهَةِ بِبَيَانِكَ،

به شمشیرت فرو نشاندی شراره جنگها را به سر انگشت تدبیرت و دریدی پرده‌های شبهه را به بیان خود

وَتَكْشِفُ لُبْسَ الْبَاطِلِ عَنْ صَرِيحِ الْحَقِّ، لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لِأَيِّمٍ،

و کنار زدی جامه باطل را از حق خالص و صریح. نگرفت تو را درباره خدا ملامت ملامت کننده

وَفِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ غِنَى عَنْ مَدْحِ الْمَادِحِينَ، وَتَقْرِيظُ الْوَاصِفِينَ،

و در مدح و ثنایی که خداوند از تو کرده بی‌نیازی است از مدح ثناگوین و توصیف توصیف‌کنندگان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ، فَمِنْهُمْ

خدای تعالی فرماید: «از مؤمنان مردانی هستند که به پیمانی که با خدا کرده بودند صادقانه وفا کردند پس برخی از آنها

مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ، وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا. وَلَمَّا رَأَيْتَ

تعهد خویش بسر برده و برخی از آنها به انتظار بسر برند و به هیچ وجه تغییر نیافتند» و چون دیدی

أَنْ قَتَلْتَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ، وَصَدَقَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

که کشته‌ای پیمان شکنان و متجاوزان و از دین بیرون روندگان را و راست شد وعده رسول خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَدَهُ، فَأَوْفَيْتَ بِعَهْدِهِ، قُلْتَ أَمَا أَنْ أَنْ تُخْضَبَ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ،

علیه و آله و تو هم به عهدش وفا کردی گفתי آیا وقت آن نشده که خضاب شود این (محاسن) از این (خون سر)؟

أَمْ مَتَىٰ يُبْعَثُ أَشْقَاهَا، وَاثِقًا بِأَنَّكَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، وَبَصِيرَةٍ مِنْ

یا چه زمان برانگیخته شود بدبخترین امت؟ چون اطمینان داشتی که بر پایه برهانی آشکار هستی از پروردگارت و بینایی در

أَمْرِكَ، قَادِمٌ عَلَى اللَّهِ، مُسْتَبَشِرٌ بِبَيْعِكَ الَّذِي بَايَعْتَهُ بِهِ، وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ

کارت و درآیی بر خدا مزده‌گیر به سودایی که انجام دادی آن را با او و این است آن کامیابی

الْعَظِيمُ، اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَنْبِيَائِكَ، وَأَوْصِيَآءِ أَنْبِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ،

بزرگ خدایا لعنت کن کشدگان پیمبران و اوصیای پیمبرانت را به همه لعنتهایت

وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ، وَالْعَنْ مَنْ غَضَبَ وَلِيِّكَ حَقَّهُ، وَأَنْكَرَ عَهْدَهُ، وَجَحَدَهُ

و جایشان ده در آتش سوزانت و لعنت کن هر که حق ولی تو را غضب کرد و پیمانش را انکار کرد

بَعْدَ الْيَقِينِ وَالْإِقْرَارِ بِالْوِلَايَةِ لَهُ يَوْمَ اكْمَلْتَ لَهُ الدِّينَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ

و پس از یقین و اقرار به ولایتش در روزی که دین را برایش کامل کردی منکر او گردید خدایا لعنت کن کشدگان

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ ظَلَمَهُ، وَأَشْيَاعَهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ، اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي

امیرمؤمنان و هر که به او ستم کرده و پیروانشان و یارانشان را خدایا لعنت کن ستمگران

الْحُسَيْنِ وَقَاتِلِيهِ، وَالْمُتَابِعِينَ عَدُوَّهُ وَنَاصِرِيهِ، وَالرَّاضِينَ بِقَتْلِهِ وَخَاذِلِيهِ

حسین و کشتن‌گانش و پیروان و یاوران دشمنش را و هم آنان که راضی به کشتنش بودند و دست از یاریش کشیدند

لَعْنًا وَبِيلاً، اَللّٰهُمَّ اَعْنِ اَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ وَمَانِعِيَهُمْ حُقُوقَهُمْ،

لعتی و بال‌آور خدایا لعنت کن نخستین ستمکاری را که به آل محمد ستم کرد و از حقوقشان ممانعت کرد

اَللّٰهُمَّ خُصَّ اَوَّلَ ظَالِمٍ وَغَاصِبٍ لِآلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ، وَكُلِّ مُسْتَنٍّ بِمَا سَنَّ

خدایا مخصوص گردان نخستین ستمکار و غاصب آل محمد را به لعنت و هم چنین هر پیروی را از آنچه بدعت گذارد

اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلٰى عَلِيٍّ سَيِّدِ

تا روز قیامت خدایا درود فرست بر محمد خاتم پیامبران و بر علی آقای

الْوَصِيِّينَ، وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَاجْعَلْنَا بِهِمْ مَتَمَسِّكِينَ، وَبِوَالِيَتِهِمْ مِنْ

اوصیا و آل پاکشان و قرار ده ما را از متمسکین ایشان و از کامیابان به

الْفَآئِزِينَ الْاٰمِنِينَ، الَّذِيْنَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ.

ولایتشان و ایمانی که ترسی بر آنها نیست و بیم و اندوهی ندارند.

یادآوری: کسانی که توفیق زیارت آن حضرت را در روز غدیر از نزدیک ندارند، شایسته است هر جا که هستند از راه دور، خواندن این زیارت را غنیمت بشمرند.



زیارت سوم: زیارت کوتاهی است که «سید بن طاووس» در «اقبال» از امام صادق علیه السلام برای روز غدیر نقل کرده است و آنها که فرصت زیارت طولانی قبل را ندارند می‌توانند به خواندن این زیارت اکتفا کنند. می‌فرماید: اگر در روز غدیر در مشهد مولای ما امیر مؤمنان صلوات الله علیه و آله حضور داشتی بعد از نماز، با نزدیک شدن به قبرش و اگر در شهرهای دیگر می‌باشی، بعد از نماز با اشاره به قبرش بخوان:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى وَلِيِّكَ وَآخِي نَبِيِّكَ، وَوَزِيْرِهِ وَحَبِيْبِهِ وَخَلِيْلِهِ، وَمَوْضِعِ

خدایا درود فرست بر ولی خود و برادر پیامبرت و وزیر او و حبیب و خلیش و معدن

سِرِّهِ وَخَيْرَتِهِ مِنْ اَسْرَتِهِ، وَوَصِيِّهِ وَصَفْوَتِهِ، وَخَالِصَتِهِ وَاَمِيْنِهِ وَوَلِيِّهِ،

اسرارش و برگزیده از فامیش و وصی و زبده و خالصش و امانتدار و دوستش

وَاشْرَفِ عِثْرَتِهِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِهِ، وَآبِي ذُرِّيَّتِهِ، وَبَابِ حِكْمَتِهِ، وَالنَّاطِقِ

و شریفترین خاندانش که به او ایمان آورد و پدر فرزندانش و درگاه حکمتش و گوئی

بِحُجَّتِهِ، وَالِدَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ، وَالْمَاضِي عَلَى سُنَّتِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَى

به حجّتش و دعوت کننده بسوی شریعتش و رونده بر طریقه‌اش و جانشین بر

أُمَّتِهِ، سَيِّدِ الْمُسْلِمِينَ وَآمِرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، أَفْضَلَ مَا

امتش آقای مسلمانان و امیر مؤمنان و پیشوای سفید رویان (بر او درود فرست) بهترین درودی که

صَلَّيْتُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّى

بفرستی بر یکی از خلق خود و برگزیدگانت و اوصیای پیمبرانت خدایا من

أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنْ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا حُمِّلَ، وَرَعَىٰ مَا

گواهی دهم که برآستی او از طرف پیامبرت صلی الله علیه و آله برساند آنچه را برعهده داشت و مراقبت کرد آنچه را

اسْتُحْفِظَ، وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ، وَحَلَّلَ حَلَالَكَ، وَحَرَّمَ حَرَامَكَ، وَأَقَامَ

مستول حفظش بود و نگهداری کرد آنچه بدو سپرده شده بود و حلال شمرد حلال تو را و حرام دانست حرام تو را و بپا داشت

أَحْكَامَكَ، وَدَعَا إِلَىٰ سَبِيلِكَ، وَوَالَىٰ أَوْلِيَاءَكَ، وَعَادَىٰ أَعْدَاءَكَ، وَجَاهَدَ

احکام تو را و دعوت کرد بطریقه تو و دوست داشت دوستان تو را و دشمن داشت دشمنان تو را و بیکار کرد

النَّكِيثِينَ عَنْ سَبِيلِكَ، وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ عَنْ أَمْرِكَ، صَابِرًا مُحْتَسِبًا،

با پیمان شکنان و زورگویان و آنان که از تحت فرمان تو خارج شدند بردبارانه و پاداش جویانه

مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللهِ لَوْمَةٌ لَّائِمٌ، حَتَّىٰ بَلَغَ فِي ذَلِكَ الرِّضَا،

و رو آور بدان نه رو گردان و بی‌پروای در راه خدا از ملامت ملامت‌کنندگان تا بدان جا که پسر حد خشنودی تو رسید

وَسَلَّمَ إِلَيْكَ الْقَضَاءَ، وَعَبَدَكَ مُخْلِصًا، وَنَصَحَ لَكَ مُجْتَهِدًا، حَتَّىٰ أَتَيْتَهُ

و تسلیم قضای تو گشت و مخلصانه تو را عبادت کرد و از روی جدیت برای تو خیراندیشی نمود تا مرگش

الْيَقِينَ، فَقَبَضَتْهُ إِلَيْكَ شَهِيدًا سَعِيدًا، وَلِيًّا تَقِيًّا، رَضِيًّا زَكِيًّا، هَادِيًّا مَهْدِيًّا،

فرا رسید و قبض روحش را فرمودی در حالی که شهید و سعادتمند و دوست تو و پرهیزکار و پسندیده و پاکیزه و راهنما و راه یافته بود

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتُ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ

خدایا درود فرست بر محمد و بر او بهترین درودی را که فرستادی بر یکی از پیمبران

وَأَوْصِيَاءِكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. ۱

و برگزیدگانت ای پروردگار جهانیان.

۲- زیارت روز میلاد رسول اکرم ﷺ

مرحوم «علامه مجلسی» از «شیخ مفید» و «شهید اول» و «سید بن طاووس» نقل می‌کند که روایت شده: امام صادق علیه السلام در روز میلاد رسول اکرم صلی الله علیه و آله امیرمؤمنان علیه السلام را به این زیارت، زیارت کرد و آن را به محمد بن مسلم ثقفی تعلیم داد و فرمود: وقتی به محل دفن امیرمؤمنان علیه السلام رسیدی برای زیارت، غسل کن و پاکیزه‌ترین لباس خود را بپوش و با بوی خوش، خودت را معطر ساز و با سکینه و وقار حرکت کن، وقتی به در حرم مطهر رسیدی رو به قبله بایست و سی بار تکبیر بگو و بخوان:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى خَيْرَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْبَشِيرِ

سلام بر رسول خدا سلام به برگزیده خدا سلام برم نوید ده

التَّذِيرِ، السَّرَاجِ الْمُنِيرِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الطَّهْرِ الطَّاهِرِ،

و بیم ده و آن چراغ تابناک و رحمت خدا و برکاتش بر او باد سلام بر پاک و پاکیزه

السَّلَامُ عَلَى الْعَلَمِ الزَّاهِرِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر پرچم رخشان سلام بر آنکه نصرت و تأیید شد سلام بر

أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ

ابی‌القاسم محمد و رحمت خدا و برکاتش سلام بر پیامبران

الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْخَافِينَ بِهَذَا

مرسلین خدا و بندگان شایسته‌اش سلام بر آن فرشتگان خدا که گرداگرد این

الْحَرَمِ وَبِهَذَا الضَّرِيحِ، اللَّائِيذِينَ بِهِ * أَنْكَاهُ بِهِ نَزْدِيكَ قَبْرِ بَرُو وَبِغَوْ: السَّلَامُ

حرم و ضریح‌اند و پناهنده به آند * * * * * سلام

عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِمَادَ الْأَتْقِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای وصی اوصیا سلام بر تو ای تکیه‌گاه پرهیزکاران سلام بر تو

يَا وَلِيَّ الْأَوْلِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آيَةَ اللَّهِ

ای ولی اولیا سلام بر تو ای آقای شهیدان سلام بر تو ای آیت

الْعُظْمَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَامِسَ أَهْلِ الْعِبَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِدَ الْعُرَى

بس بزرگ خدا سلام بر تو ای پنجمین اهل عبا سلام بر تو ای پیشوای

الْمُحَجَّلِينَ الْأَتْقِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْأَوْلِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سفید رویان با تقوا سلام بر تو ای نگهدار اولیا سلام بر تو ای

زَيْنَ الْمُوحِّدِينَ النَّجَبَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَ الْأَخْلَاءِ، السَّلَامُ

زبور یکتا پرستان برگزیده سلام بر تو ای خالص دوستان صمیمی حق سلام

عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الْأَيَّمَةِ الْأَمْنَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْحَوْضِ وَحَامِلَ

بر تو ای پدر امامان امانتدار سلام بر تو ای صاحب حوض و

اللُّوَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَسِيمَ الْجَنَّةِ وَالظِّي، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ شُرِّفَتْ

پرچمدار (در روز جزا) سلام بر تو ای قسمت کننده بهشت و دوزخ سلام بر تو ای که شرافت یافت

بِهِ مَكَّةَ وَمِنِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَنْفَ الْفُقَرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بدو مکه و منی سلام بر تو ای دریای علوم و پناه بینوایان سلام بر تو

يَا مَنْ وُلِدَ فِي الْكُعْبَةِ، وَزُوجَ فِي السَّمَاءِ بِسَيِّدَةِ النِّسَاءِ، وَكَانَ شُهُودَهَا

ای که بدنیا آمدی در خانه کعبه و به همسری بانوی زنان درآمدی در آسمان و گواهان عقد ازدواج تو

الْمَلَائِكَةُ الْأَصْفِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ الضِّيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

فرشتگان برگزیده بود سلام بر تو ای چراغ روشن سلام بر تو ای

مَنْ خَصَّهُ النَّبِيُّ بِجَزِيلِ الْحِبَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَاتَ عَلَى فِرَاشِ

کسی که مخصوصش داشت پیامبر به عطای شایان ویژه سلام بر تو ای که خفتی بر بستر

خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ، وَوَقَاهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رُدَّتْ لَهُ

خاتم پیامبران و محافظش کردی بجان خودت از شر دشمنان سلام بر تو ای که بازگشت برای او

الشَّمْسُ فَسَامِي شَمْعُونَ الصَّفَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَنْجَى اللَّهُ سَفِينَةَ

خورشید و بدین جهت همطراز گشتی با شمعون صفا سلام بر تو ای که خداوند بوسیله نام او

نُوحٍ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَخِيهِ، حَيْثُ التَّطَمَّ الْمَاءُ حَوْلَهَا وَطَمِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ

و نام برادرش نجات داد کشتی نوح را در آن هنگام که امواج آب گرد آنها را فرا گرفت و می‌خورشید سلام بر تو

يَا مَنْ تَابَ اللَّهُ بِهِ وَبِأَخِيهِ عَلَى آدَمَ إِذْ غَوَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَلَكَ النَّجَاةِ

ای کسی که بوسیله او و برادرش خدا توبه آدم را پذیرفت در آن هنگام که راه گم کرد سلام بر تو ای کشتی نجاتی

الَّذِي مَنْ رَكِبَهُ نَجَى، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُ هَوَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَاطَبَ

که هر که بر آن سوار شد نجات یافت و هر که از آن کناره گرفت به هلاکت افتاد سلام بر تو ای کسی که سخن گفت

التُّعْبَانَ وَذُئِبَ الْفَلَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ

با ازدها و گرگ بیابان سلام بر تو ای امیر مؤمنان و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ كَفَرَ وَأَنَابَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

و برکاتش سلام بر تو ای حجت خدا بر آن کس که کفر ورزید و بازگشت سلام بر تو ای

إِمَامَ ذَوِي الْأَلْبَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْحِكْمَةِ وَفَضْلَ الْخِطَابِ،

پیشوای صاحبان خرد سلام بر تو ای کان حکمت و جداییبخش حق و باطل

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ يَوْمِ

سلام بر تو ای که نزد اوست علم کتاب (قرآن) سلام بر تو ای میزان در روز

الْحِسَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاصِلَ الْحُكْمِ النَّاطِقَ بِالصَّوَابِ، السَّلَامُ

حساب سلام بر تو ای یکسره کننده داوری و گویای بصدق و صواب سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُتَّصِدِّقُ بِالْخَاتَمِ فِي الْمِحْرَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ كَفَى

بر تو ای صدقه دهنده انگشتر در محراب سلام بر تو ای که کفایت کرد

اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ بِهِ يَوْمَ الْأَحْزَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ

خدا از مؤمنان بیکار را بوسیله او در جنگ احزاب سلام بر تو ای کسی که از روی اخلاص خدا را

الْوَحْدَانِيَّةَ وَأَنَابَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَاتِلَ خَيْبَرَ وَقَالِعَ الْأَبَابِ، السَّلَامُ

به یگانگی شناخت و بسوی بازگشت سلام بر تو ای کشنده (کفار) خیبر و کننده (آن) در سلام

عَلَيْكَ يَا مَنْ دَعَاهُ خَيْرُ الْأَنَامِ لِلْمَبِيتِ عَلَى فِرَاشِهِ، فَاسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَنِيَّةِ

بر تو ای که خواندش بهترین مردمان برای خوابیدن در بسترش و او جان خود را به کف گرفت

وَأَجَابَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ لَهُ طُوبَى وَحُسْنُ مَأْبٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

و به او پاسخ مثبت داد سلام بر تو ای که برای اوست «طوبی» (خوشی) و سرانجام نیک و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ عِصْمَةِ الدِّينِ وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ، السَّلَامُ

و برکاتش سلام بر تو ای سرپرست نگهداری دین و ای آقای آقایان سلام

عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُعْجَزَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ فِي فَضْلِهِ

بر تو ای صاحب معجزات سلام بر تو ای که نازل گشت در فضیلتش

سُورَةُ الْعَادِيَّاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ كُتِبَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ عَلَى

سوره «العدایات» سلام بر تو ای که نوشته شده نامش در آسمان بر

السُّرَادِقَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهَرَ الْعَجَائِبِ وَالْآيَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سرایندها سلام بر تو ای آشکار کننده شگفتیها و آیات سلام بر تو ای

أَمِيرَ الْغَزَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُخْبِرًا بِمَا غَبَرَ وَبِمَا هُوَاتِ، السَّلَامُ

امیر در غزوات سلام بر تو ای خیردهنده از گذشته و از آنچه پس از این آید

عَلَيْكَ يَا مُخَاطَبَ ذُنُبِ الْفَلَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ الْحَصَى وَمُبَيِّنَ

سلام بر تو ای خطاب کننده گری بیابان سلام بر تو ای مهرکننده سنگریزه و بیان کننده

الْمُشْكِلَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ حَمَلَاتِهِ فِي الْوَعَا مَلَأَتْكَ

مسائل مشکله سلام بر تو ای که بشگفت آمدند از حمله‌هایش در میدان جنگ فرشتگان

السَّمَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَاجَى الرَّسُولَ فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَيْ نَجْوِيهِ

آسمانها سلام بر تو ای که راز گفت با رسول خدا و پیش از راز گفتنش

الصَّدَقَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الْأَيْمَةِ الْبَرَّةِ السَّادَاتِ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ

صدقه‌ها داد سلام بر تو ای پدر امان نیکو و سروران و رحمت خدا

وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي الْمَبْعُوثِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ

و برکاتش سلام بر تو ای تالی مرتبه مبعوث به نبوت سلام بر تو ای وارث دانش

خَيْرِ مَوْرُوثٍ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ،

بهترین ارث گذار و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو ای پیشوای پرهیزکاران

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غِيَاثَ الْمَكْرُوبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ،

سلام بر تو ای فریادرس گرفتاران سلام بر تو ای نگهدار مؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهَرَ الْبَرَاهِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَهُ وَيَسَّ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای آشکار کننده براین سلام بر تو ای طه و یاسین سلام

عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللَّهِ الْأَمْتِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَصَدَّقَ فِي صَلَاتِهِ

بر تو ای ریسمان محکم خدا سلام بر تو ای کسی که صدقه داد در نماز

بِخَاتِمِهِ عَلَى الْمِسْكِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَالِعَ الصَّخْرَةِ عَنْ فَمِ الْقَلْبِ،

انگشتر خود را بر مسکین سلام بر تو ای کننده سنگ از در چاه

وَمُظْهَرَ الْمَاءِ الْمَعِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ، وَيَدَهُ الْبَاسِطَةَ،

و بیرون آورنده آب گوارا سلام بر تو ای دیده بینای حق و دست بازش

وَلِسَانَهُ الْمُعَبَّرَ عَنْهُ فِي بَرِيَّتِهِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ

و زبان تفسیر کننده او در میان همه خلق سلام بر تو ای وارث علم

النَّبِيِّينَ، وَ مُسْتَوْدَعَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَصَاحِبَ لَوْاءِ الْحَمْدِ،

بیمبران و گنجینه علم اولین و آخرین و صاحب پرچم حمد

وَسَاقِي أَوْلِيَائِهِ مِنْ حَوْضِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا يَعْسُوبَ

و ساقی دوستان خدا از حوض خاتم پیامبران سلام بر تو ای پادشاه

الدِّينِ، وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَوَالِدَ الْأَيِّمَةِ الْمَرْضِيِّينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ

دین و پیشوای سفیدرویان و پدر امامان پسندیده (حق) و رحمت خدا

وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّضِيِّ، وَوَجْهِهِ الْمُضِيِّ، وَجَنْبِهِ الْقَوِيِّ،

و برکاتش سلام بر نام پسندیده خدا و جلوه نورانی و طرف نیرومند

وَصِرَاطِهِ السَّوِيِّ، السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ التَّقِيِّ، الْمَخْلِصِ الصَّفِيِّ، السَّلَامُ

و راه راست او سلام بر امام با تقوای مخلص برگزیده سلام

عَلَى الْكُوكَبِ الدُّرِيِّ، السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ

بر اختر رخشان سلام بر امام حضرت ابوالحسن علی علیه السلام و رحمت خدا

وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ التُّقَى،

و برکاتش سلام بر پیشوایان راهنما و چراغهای شب تاریک و نشانه های پرهیزکاری

وَمَنَارِ الْهُدَى، وَذَوِي النَّهْيِ، وَكَهْفِ الْوَرَى، وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةِ

و مشعلهای هدایت و صاحبان خرد و پناه مردم و ریسمان محکم خدا و حجت (او)

عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى نُورِ الْأَنْوَارِ، وَحُجَّةِ

بر اهل دنیا و رحمت خدا و برکاتش سلام بر نور انوار و حجت

الْجَبَّارِ، وَوَالِدِ الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ، وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، الْمُخْبِرِ عَنِ الْأَثَارِ،

پروردگار جبار و پدر امامان اطهار و قسمت کننده بهشت و دوزخ و خبر دهنده آثار

الْمُدْمِرِ عَلَى الْكُفَّارِ، مُسْتَنْقِذِ الشَّيْعَةِ الْمَخْلِصِينَ مِنْ عَظِيمِ الْأَوْزَارِ،

فروریزنده (هلاکت) بر سر کفار نجات بخش شیعیان با اخلاص از گناهان سنگین بار

السَّلَامُ عَلَى الْمَخْصُوصِ بِالطَّاهِرَةِ النَّبِيَِّّةِ، ابْنَةِ الْمُخْتَارِ، الْمَوْلُودِ فِي

سلام بر آن کس که مخصوص گشت به (همسری) طاهره (آن بانوی) با تقوا دخت پیامبر مختار و آن آقای که متولد شد در

الْبَيْتِ ذِي الْأَسْتَارِ، الْمَزُوجِ فِي السَّمَاءِ بِالْبُرَّةِ الطَّاهِرَةِ الرَّضِيَّةِ

خانه پردهدار (کعبه) آن که تزویج شد در آسمان به بانوی نیکوکار پاکیزه پسندیده

الْمَرْضِيَّةِ، وَالِدَةِ الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ

مرضیه مادر امامان پاک و رحمت خدا و برکاتش سلام بر آن خبر

الْعَظِيمِ، الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ، وَعَلَيْهِ يُعْرَضُونَ، وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ، السَّلَامُ

بس بزرگی که درباره‌اش اختلاف کردند و مردم بر او عرضه شوند و از او بازخواست شوند سلام

عَلَى نُورِ اللَّهِ الْأَنْوَرِ، وَضِيَائِهِ الْأَزْهَرِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر روشنترین نور و درخشنده‌ترین پرتوش و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو

يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ، وَخَالِصَةَ اللَّهِ وَخَاصَّتَهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ

ای ولی خدا و حجتش و بنده خالص خدا و ویژه‌اش گواهی دهم که تو ای ولی خدا

وَحُجَّتَهُ، لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَاتَّبَعْتَ مِنْهَا جَ رَسُولِ

و حجت او بخوبی در راه خدا جهاد کردی آن طور که شاید و پیروی کردی از طریقه رسول

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَحَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ، وَحَرَّمْتَ حَرَامَ اللَّهِ،

خدا صلی الله علیه و آله و حلال شمردی حلال خدا را و حرام دانستی حرام خدا را

وَشَرَعْتَ أَحْكَامَهُ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ

و مقرر داشتی احکامش را و بپاداشتی نماز را و بپادی زکات را و امر کردی به معروف

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ صَابِرًا نَاصِحًا مُجْتَهِدًا،

و نهی کردی از منکر و جهاد کردی در راه خدا بردبارانه و خیرخواهانه و کوشا

مُحْتَسِبًا عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمِ الْأَجْرِ، حَتَّىٰ آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ دَفَعَكَ

و پاداش جویانه در نزد خدا پاداش بزرگ را تا آنکه مرگت فرا رسید پس لعنت کند خدا کسی که تو را

عَنْ حَقِّكَ، وَأَزَالَكَ عَنْ مَقَامِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَشْهَدُ

از حق ممنوع کرد و از مقامت برکنار کرد و لعنت کند خدا کسی را که این جریان را شنید و بدان خشنود گشت گواه گیرم

اللَّهُ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيَآئَهُ وَرَسُولَهُ، أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالِيكَ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكَ،

خدا و فرشتگان و پیمبران و رسولانش را که من دوستم با آن کس که تو را دوست دارد و دشمنم با آن کس که تو را دشمن دارد

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * سپس خود را به قبر بچسبان و آن را بیوس و بگو:

سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش * * * * *

أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ كَلَامِي، وَتَشْهَدُ مَقَامِي، وَأَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ بِالْبَلَاغِ

گواهی دهم که تو می‌شنوی کلامم را و می‌بینی جایم را و گواهی دهم درباره‌ات ای ولی خدا که (وظیفه‌ات را انجام دادی و) رساندی

وَالْأَدَاءِ، يَا مَوْلَايَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، يَا أَمِينَ اللَّهِ، يَا وَلِيَّ اللَّهِ، إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ

و پرداختی ای مولای من ای حجت خدا ای امانتدار خدا ای ولی خدا براستی میان من و میان خدای

عَزَّوَجَلَّ ذَنْبًا قَدْ أَثْقَلْتُ ظَهْرِي، وَمَنْعَتْنِي مِنَ الرَّقَادِ، وَذِكْرُهَا يُقَلِّلُ

عزوجل گناهانی است که پشتم را سنگین کرده و خوابم را گرفته و یادآوری اعضای درونیم را

أَحْشَائِي، وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَإِلَيْكَ، فَبِحَقِّ مَنْ أَيْتَمَّنَكَ عَلَى

بلرزه درآورد و من بسوی خدای عزوجل و بسوی تو گریخته‌ام پس بحق آن کس که تو را امین بر

سِرِّهِ، وَاسْتَرَعَاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طَاعَتِكَ بِطَاعَتِهِ، وَمُؤَالَاتِكَ

راز خود کرده و سرپرستی کار خلقش را به تو واگذارده و طاعت تو را به طاعت خویش مقرون ساخته و دوستی تو را

بِمُؤَالَاتِهِ، كُنْ لِي إِلَى اللَّهِ شَفِيعًا، وَمِنَ النَّارِ مُجِيرًا، وَعَلَى الدَّهْرِ ظَهِيرًا *

بدوستی خودش پیوسته تو شفیع من باش در درگاه خدا و پناهم از دوزخ و پشت و پناهم در پیش آمد روزگار

بَارِ دِيْغَرَ خُودِ رَا بَه قَبْرِ بَعْجَسْبَانِ وَقَبْرِ رَا بَبُوسِ وَبِگُو: يَا وَلِيَّ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ، يَا بَابَ حِطَّةِ

بار دیگر خود را به قبر بچسبان و قبر را ببوس و بگو: ای ولی خدا ای حجت خدا ای باب حطه

اللَّهِ، وَإِلَيْكَ وَزَائِرُكَ، وَاللَّائِدُ بِقَبْرِكَ، وَالنَّازِلُ بِفِنَائِكَ، وَالْمُنِيخُ رَحْلَهُ فِي

خدا دوست و زائرت و پناهنده به قبرت و فرود آینده بدرگاهت و باراندار در

جَوَارِكَ، يَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لَهُ إِلَى اللَّهِ فِي قَضَاءِ حَاجَتِهِ، وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ فِي

جواریت از تو درخواست می‌کند که شفاعت کنی برایش به درگاه خدا در برآمدن حاجتش و رسیدن به خواسته‌اش در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ الْجَاهَ الْعَظِيمَ، وَالشَّفَاعَةَ الْمَقْبُولَةَ،

دنیا و آخرت که براستی برای تو در پیش خدا جاه و منزلتی بزرگ و شفاعتی پذیرفته است

فَاَجْعَلْنِي يَا مَوْلَايَ مِنْ هَمِّكَ، وَأَدْخِلْنِي فِي حِزْبِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ

بس ای مولای من مرا مورد توجه خود ساز و در زمرة حزب خود داخل گردان و سلام بر تو و

عَلَى ضُجَيْعِيكَ آدَمَ وَنُوحَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ

بر دو آرمیده در کنارت آدم و نوح و سلام بر تو و بر دو فرزندت حسن

وَالْحُسَيْنِ، وَعَلَى الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و حسین و بر امامان پاک از نژادت و رحمت خدا و برکاتش.

سپس شش رکعت نماز زیارت بخوان، دو رکعت برای هدیه به امیرمؤمنان علیه السلام و دو رکعت برای هدیه

به حضرت آدم علیه السلام و دو رکعت برای هدیه به حضرت نوح علیه السلام، و خداوند را بسیار بخوان که دعای تو مستجاب خواهد شد ان شاء الله تعالی.^۱

یادآوری:

۱- نظر خود مرحوم «علامه مجلسی» این است که این زیارت، ظاهراً از زیارات مطلقه است؛^۲ بنابراین، در هر زمان دیگر نیز می شود آن را بجا آورد.

۲- مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمته الله از کتاب «مزار کبیر» نقل می کند که وقت بجا آوردن این زیارت هنگام طلوع آفتاب است و از «علامه مجلسی» نقل می کند که فرمود: این زیارت به سندهای معتبر در کتب معتبره ذکر شده، و از بهترین زیارات است.

۳- ممکن است برای بعضی این سؤال مطرح شود که با آن که روز ۱۷ ربیع الاول روز تولد رسول خدا صلی الله علیه و آله است، چگونه زیارت امیرمؤمنان علیه السلام در این روز وارد شده و از زیارت خود آن حضرت در این روز (غیر از چند جمله ای که در ابتدای این زیارت طولانی آورده شده) خبری نیست؟ (نظیر همین سؤال نسبت به زیارت مخصوصه شب و روز مبعث نیز مطرح می شود).

این سؤال چند پاسخ دارد:

الف) رسول گرامی صلی الله علیه و آله خود، فرمودند: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَائِبُهَا» که ممکن است از آن برداشت شود: برای رسیدن به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله باید از دروازه توجّه به علی علیه السلام عبور کرد.

ب) ارتباط این دو بزرگوار و اتحاد این دو نور، به قدری زیاد است که حقیقتاً یک نفس و یک روح هستند در دو کالبد؛ بر همین اساس، در آیه مباهله از نفس پیامبر در کلمه «أنفسنا» علی علیه السلام اراده شده است و لازمه چنین اتحادی این است که زیارت یکی زیارت دیگری نیز باشد.

ج) «کامل الزیارات» از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایتی را نقل کرده که ظاهرش این است: زیارت نجف، به منزله زیارت رسول گرامی صلی الله علیه و آله می باشد.^۳

همان گونه که «علامه مجلسی» از کتاب «مزار کبیر» از اسحاق بن عمار نقل کرده که از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: عربی بادیه نشین به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله مشرف شد، و عرض کرد: یا رسول الله! خانه ام دور از خانه توست و من مشتاق تو و زیارت تو می شوم و این مسیر طولانی را می پیمایم و به مدینه می آیم ولی تو را نمی یابم، بلکه با علی بن ابی طالب ملاقات می کنم و او هم با گفت و گو و مواظطش با من انس می گیرد و برمی گردم، اما در حالی که متأسف و محزون از ندیدن تو هستم. فرمود:

۲. همان مدرک، صفحه ۳۷۷.

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۳۷۳، حدیث ۹.

۳. کامل الزیارات، باب ۱۰، صفحه ۳۹، حدیث ۲.

هر کس علی علیه السلام را زیارت کند به راستی که مرا زیارت کرده است و هر کس او را دوست داشته باشد مرا دوست داشته است و هر کس با او دشمنی کند با من دشمنی کرده است. این مطلب را از جانب من به قومت برسان و (بگو که): هر کس به زیارت علی آید به زیارت من آمده است و من و جبرئیل و مؤمنان صالح در روز قیامت به او پاداش خواهیم داد.^۱

(د) از اینها گذشته، شیعیان غالباً در عراق بودند و کمتر دسترسی به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند. از این رو دستور داده شد که در چنین روزی جانشین به حق او را زیارت کنند.

۳- زیارت شب و روز مبعث (۲۷ رجب)

«علامه مجلسی» از «شیخ مفید» و «سید بن طاووس» و «شهید اول» (رحمهم الله) نقل می‌کند که هرگاه اراده زیارت امیر مؤمنان علیه السلام در شب و یا روز مبعث کردی پس بر در قبه شریفه مقابل ضریح آن حضرت بایست و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

گواهی دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد و گواهی دهم که محمد بنده

وَرَسُولُهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُ اللَّهِ، وَأَخُو رَسُولِهِ،

و رسول اوست و علی بن ابی‌طالب امیر مؤمنان بنده خدا و برادر رسول اوست

وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ الطَّاهِرِينَ مِنْ وُلْدِهِ حُجَجُ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ * آنگاه داخل شو و نزدیک

و امامان طاهریں از فرزندان حجج‌های بر خلق او هستند * * * * *

قبر آن حضرت بایست به این نحو که پشت به قبله و رو به روی قبر آن حضرت و آنگاه صد مرتبه «تکبیر» بگو و پس از آن بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ خَلِيفَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ

سلام بر تو ای وارث آدم خلیفه خدا سلام بر تو ای وارث نوح

صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

برگزیده خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا سلام بر تو ای

وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ

وارث موسی هم سخن خدا سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا سلام

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۲۶۲، حدیث ۱۷، به نقل از مزار کبیر، صفحه ۳۸، حدیث ۱۳.

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رُسُلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،

بر تو ای وارث محمد آقای رسولان خدا سلام بر تو ای امیر مؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای پیشوای پرهیزکاران سلام بر تو ای آقای اوصیا سلام

عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ

بر تو ای وصی رسول پروردگار جهانیان سلام بر تو ای وارث علم

الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبَأُ الْعَظِيمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

پیشینان و پسینان سلام بر تو ای نبأ عظیم (و خبر بسیار بزرگ) سلام بر تو ای

الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْكَرِيمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

راه مستقیم سلام بر تو ای بس پاکیزه بزرگوار سلام بر تو

أَيُّهَا الْوَصِيُّ التَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

ای وصی پرهیزکار سلام بر تو ای پسندیده پاکیزه سلام بر تو ای

الْبَدْرُ الْمَضِيءُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

ماه تابان سلام بر تو ای صَديق اکبر (بزرگترین راستگو) سلام بر تو ای

الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ، [السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّرَاجُ الْمُنِيرُ]، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

فاروق اعظم (بزرگترین جداکننده حق و باطل) سلام بر تو ای چراغ تابناک، سلام بر تو ای

إِمَامَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِلْمَ التَّقَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ

پیشوای هدایت، سلام بر تو ای نشانه پرهیزکاری، سلام بر تو ای حجت کبری

الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاصَّةَ اللَّهِ وَخَالِصَتَهُ، وَآمِينَ اللَّهُ وَصَفْوَتَهُ، وَ

خدا سلام بر تو ای بنده خاص و خالص خدا و امانتدار او و برگزیده‌اش و

بَابَ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ، وَمَعْدِنَ حُكْمِ اللَّهِ وَسِرِّهِ، وَعَيْبَةَ عِلْمِ اللَّهِ وَخَازِنَهُ،

باب الله و حجتش و معدن حکم خدا و راز او و گنجینه علم خدا و خزینه‌دارش

وَسَفِيرِ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ

و نماینده خدا در میان خلقش گواهی دهم که تو برستی برپا داشتی نماز را و بدادی زکات را و امر

بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ، وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقًّا

به معروف و نهی از منکر کردی و پیروی کردی از رسول خدا و تلاوت قرآن کردی آن طور که شایسته

تلاوتش بودی، وَبَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ، وَوَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَتَمَّتْ بِكَ كَلِمَاتُ اللَّهِ،

تلاوتش بودی و رساندی از جانب خدا و وفا کردی به عهد و پیمان خدا و کامل شد بوسیله تو کلمات خدا

وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَنَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و جهاد کردی در راه خدا آن طور که شایسته جهاد بود و خیراندیشی کردی برای خدا و رسولش صلی الله علیه

وَآلِهِ، وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، مُجَاهِدًا عَنِ دِينِ اللَّهِ، مُوَقِّيًا

و آله و در این راه جان بر کف نهادی بردبارانه و پاداش جوینانه و دفاع کننده از دین خدا و محافظت کننده

لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، طَالِبًا مَا عِنْدَ اللَّهِ، رَاغِبًا فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ،

از رسول خدا به طلب آن پاداشی که نزد خداست و به اشتیاق آنچه خدا وعده فرموده بود

وَمَضِيَّتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيدًا وَشَاهِدًا وَمَشْهُودًا، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ

و هم چنان بر این روش که بودی از جهان رفتی در حال شهادت و گواهی و گواه گرفتنت پس پاداشت دهد خدا از

رَسُولِهِ وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ مِنْ صَدِيقٍ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ

پیامبرش و از اسلام و اهل اسلام از یک چنین صدیقی بهترین پاداش گواهی دهم که براستی تویی

أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلَامًا، وَأَخْلَصَهُمْ إِيمَانًا، وَأَشَدَّهُمْ يَقِينًا، وَأَخَوْفَهُمْ لِلَّهِ،

نخستین مردم در (پذیرفتن) اسلام و خالصترین ایشان در ایمان و محکمترین آنها در یقین و بیمناکترینشان از خدا

وَأَعْظَمَهُمْ عَنَاءً، وَأَحْوَطَهُمْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

و بزرگترین آنها در رنج و مشقت و با احتیاطترین آنها نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله

وَأَفْضَلَهُمْ مَنَاقِبَ، وَأَكْثَرَهُمْ سَوَابِقَ، وَأَرْفَعَهُمْ دَرَجَةً، وَأَشْرَفَهُمْ مَنَزَلَةً،

و برترینشان در مناقب و اوصاف و پرباقهترین آنها (در اسلام) و برترین آنها در درجه و شریفترینشان در منزلت و مقام،

وَأَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ، فَقَوِيَّتَ حِينِ وَهْنُوا، وَلَزِمْتَ مِنْهَا جِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

و گرامیترینشان در پیشگاه او، محکم ایستادی هنگام سستی آنها و ملازم گشتی راه رسول خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ خَلِيفَتَهُ حَقًّا، لَمْ تُنَازِعْ بِرِغْمِ الْمُنَافِقِينَ،

علیه و آله را و گواهی دهم که براستی تو بودی خلیفه او از روی حقیقت و کسی حق نزاع با تو در این باره نداشت برغم منافقان

وَعَيْظِ الْكَافِرِينَ، وَضَعْنِ الْفَاسِقِينَ، وَقَمْتَ بِالْأَمْرِ حِينِ فَشَلُّوا، وَنَطَقْتَ

و خشم کافران و کینه فاسقان و قیام کردی به امر (ترویج دین) هنگامی که دیگران کاهلی کردند و گویا شدی

حِينَ تَتَعْتَعُوا، وَمَضَيْتَ بِنُورِ اللَّهِ إِذْ وَقَفُوا، فَمَنْ اتَّبَعَكَ فَقَدْ اهْتَدَى، كُنْتَ

هنگامی که آنان کام بسته بودند و در پرتو نور خدا پیش رفتی هنگامی که آنان توقف کردند پس هر که پیروی تو را کرد راه یافت تو

أَوَّلَهُمْ كَلَامًا، وَأَشَدَّهُمْ خِصَامًا، وَأَضْوَبَهُمْ مَنْطِقًا، وَأَسَدَّهُمْ رَأْيًا،

نخستین ایشان بودی در سخن و سخت‌ترین ایشان در برابر خصم، و در گفتار از همه راستگوتر و در رای از همه محکمتر

وَأَشَجَعَهُمْ قَلْبًا، وَأَكْثَرَهُمْ يَقِينًا، وَأَحْسَنَهُمْ عَمَلًا، وَاعْرَفَهُمْ بِالْأُمُورِ،

و در شجاعت از همه دلدارتر و یقینت از همه بیشتر و کردارت از همه بهتر و به کارها از همه آنها آشناتر بودی،

كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ أَبًا رَحِيمًا، إِذْ صَارُوا عَلَيْكَ عِيَالًا، فَحَمَلْتَ أَثْقَالَ مَا عَنْهُ

تو برای مؤمنان پدری مهربان بودی چون تحت سرپرستی تو قرار گرفتند و بارهای سنگینی را که تاب تحملش را نداشتند

ضَعُفُوا، وَحَفِظْتَ مَا أَضَاعُوا، وَرَعَيْتَ مَا أَهْمَلُوا، وَشَمَّرْتَ إِذْ جَبَبُوا،

بدوش کشیدی و نگهداری کردی آنچه را ضایع کردند و مراعات کردی آنچه را اهمال کردند و دامن به کمر زدی وقتی ترسیدند

وَعَلَوْتَ إِذْ هَلِعُوا، وَصَبَرْتَ إِذْ جَزَعُوا، كُنْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا صَبًّا،

و برآمدی هنگامی که بی‌تابی کردند و بردباری کردی وقتی جزع کردند تو بر کافران عذابی ریزان

وَعِظَةً وَغَيْظًا، وَلِلْمُؤْمِنِينَ غَيْثًا وَخِصْبًا وَعِلْمًا، لَمْ تُفَلِّحْ حُجَّتَكَ، وَلَمْ

و با خشونت و خشم بودی و نسبت به مؤمنان بارانی پربرکت و نعمتی فراوان و دانشی بودی، دلیل و برهانت کند نبود

يَزِغْ قَلْبِكَ، وَلَمْ تَضَعْفْ بَصِيرَتَكَ، وَلَمْ تَجْبِنْ نَفْسَكَ، كُنْتَ كَالْجَبَلِ

و دلت منحرف نشد و بینایت سستی نگرفت و خاطرت را ترس نگرفت، بودی همانند کوهی که

لَا تُحَرِّكُهُ الْعَوَاصِفُ، وَلَا تُزِيلُهُ الْقَوَاصِفُ، كُنْتَ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى

بادهای تند تکانش نداد و طوفانهای شکننده از جایش نکند چنانچه رسول خدا صلی الله

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَوْلًا فِي بَدَنِكَ، مُتَوَاضِعًا فِي نَفْسِكَ، عَظِيمًا عِنْدَ اللَّهِ، كَبِيرًا

علیه و آله فرمود، نیرومند بودی در بدن و فروتن بودی در پیش خود و با عظمت بودی نزد خدا و بزرگ بودی

فِي الْأَرْضِ، جَلِيلًا فِي السَّمَاءِ، لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِيكَ مَهْمَزٌ، وَلَا لِقَائِلٍ

در زمین و با شکوه بودی در آسمان احدی را بر تو جای بدگویی نبود و برای گوینده‌ای

فِيكَ مَعْمَزٌ، وَلَا لِخَلْقٍ فِيكَ مَطْمَعٌ، وَلَا لِأَحَدٍ عِنْدَكَ هَوَادَةٌ، يُوجَدُ الضَّعِيفُ

در تو بهانه عیبجویی وجود نداشت و هیچ مخلوقی نتوانست در تو طمع بندد و کسی نبود که از تو توقع نرمش داشته باشد شخص ناتوان

الذَّلِيلُ عِنْدَكَ قَوِيًّا عَزِيزًا، حَتَّى تَأْخُذَ لَهُ بِحَقِّهِ، وَالْقَوِيُّ الْعَزِيزُ عِنْدَكَ

و خوار پیش تو نیرومند و عزیز بود تا حشش را بگیرد و شخص نیرومند عزیز

زَعِيفًا ذَلِيلًا حَتَّى تَأْخُذَ مِنْهُ الْحَقُّ، الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ عِنْدَكَ فِي ذَلِكَ

پیش تو ناتوان و خوار بود تا حق را از او بگیری نزدیک و دور (و خودی و بیگانه) نزد تو در این باره

سَوَاءً، شَأْنُكَ الْحَقُّ وَالصَّدْقُ وَالرَّفْقُ، وَقَوْلُكَ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَأَمْرُكَ حِلْمٌ

یکسان بود کار تو حقیقت و راستی و خوشرفتاری بود و گفتارت مسلم و حتمی و فرمانت حلم بود

وَعَزْمٌ، وَرَأْيُكَ عِلْمٌ وَجَزْمٌ، اِعْتَدَلْ بِكَ الدِّينُ، وَسَهْلٌ بِكَ الْعَسِيرُ، وَأُطْفِئَتْ

و تصمیم، و رأی و اندیشه‌ها از روی دانش و جزم بود دین (حق) به تو اعتدال یافت و کار مشکل بوسیله تو آسان گشت و آتشها بدست

بِكَ النَّيْرَانُ، وَقَوِي بِكَ الْإِيمَانُ، وَثَبَّتْ بِكَ الْإِسْلَامُ، وَهَدَّتْ مُصِيبَتُكَ

تو خاموش شد و ایمان به تو نیرو گرفت و اسلام بوسیله تو پابرجا شد و مصیبت تو مردان را به سختی در هم شکست

الْأَنَامَ، فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، لَعْنَةُ اللَّهِ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعْنَةُ اللَّهِ مَنْ خَالَفَكَ،

«انا لله و انا اليه راجعون» (که چه مصیبت بزرگی بود) خدا لعنت کند هر که تو را کشت و خدا لعنت کند هر که با تو مخالفت کرد

وَلَعْنَةُ اللَّهِ مَنْ افْتَرَى عَلَيْكَ، وَلَعْنَةُ اللَّهِ مَنْ ظَلَمَكَ وَغَضَبَكَ حَقًّا، وَلَعْنَةُ

و خدا لعنت کند هر که بر تو دروغ بست و خدا لعنت کند هر که بتو ستم کرد و حق تو را غضب کرد و خدا لعنت

اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَارْضَى بِهِ، إِنَّا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بُرَاءٌ، لَعْنَةُ اللَّهِ أُمَّةً خَالَفَتْكَ،

کند هر که این جریان را شنید و بدان راضی بود ما بسوی خدا از ایشان بی‌زاری جویم خدا لعنت کند مردمی را که با تو مخالفت کردند

وَجَحَدَتْ وَايَتِكَ، وَتَظَاهَرَتْ عَلَيْكَ وَقَتَلْتِكَ، وَحَادَتْ عَنْكَ

و ولایت تو را انکار کرده و بر ضد تو به هم کمک دادند و آن‌که تو را کشت و از تو رو گرداند و تو را

وَخَذَلْتِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوِيَهُمْ، وَبَسَسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ،

و اگر دارد ستایش خدائی را که دوزخ را جایگاه آنها قرار داد و چه بد جایگاهی است برای واردین

أَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَوَلِيَّ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْبَلَاغِ وَالْأَدَاءِ،

گواهی دهم برای تو ای ولی خدا و ولی رسول خدا - که درود خدا بر او و آتش باد - که تو رساندی و پرداختی و خیرخواهی کردی

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ جَنْبُ اللَّهِ وَبَابُهُ، وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَوَجْهُهُ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى،

و گواهی دهم که براستی تویی جنب الله (طرف خدا) و باب‌الله و تویی حبیب خدا و آن رویی که از آن به نزدش روند

وَأَنَّكَ سَبِيلُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَتَيْتَكَ

و تویی راه خدا و تویی بنده خدا و برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده‌ام به درگاهت برای

زَائِرًا الْعَظِيمِ جَلَالَتِكَ وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ، مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ

زیارتت چون مقام و منزلت در پیش خدا و پیش رسولش بس بزرگ است و من بوسیله زیارت تو به خدا تقرب جویم

بِزِيَارَتِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، اَبْتَغِي بِشَفَاعَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي،

و بدان وسیله اشتیاق به شفاعت تو دارم و از شفاعت تو خواهان رهایی خودم (از عذاب) هستم

مَتَعَوِّذًا بِكَ مِنَ النَّارِ، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَيَّ ظَهْرِي، فَرَعَا

و به تو پناهندهام از آتش دوزخ و گریزانم از گناہانی که بر پشت خود بار کرده‌ام و به درگاه تو هراسانم

إِلَيْكَ رَجَاءً رَحْمَةً رَبِّي، اَتَيْتُكَ اَسْتَشْفِعُ بِكَ يَا مَوْلَايَ اِلَى اللّٰهِ، وَاتَّقَرَّبُ

و امید به رحمت پروردگارم دارم آمده‌ام بدرگاہت تا تو را شفیع گیرم ای سرور من بدرگاه خدا و تقرب جویم

بِكَ اِلَيْهِ لِيَقْضِيَ بِكَ حَوَائِجِي، فَاشْفَعْ لِي يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اِلَى اللّٰهِ، فَاِنِّي

بوسیله تو بدرگاه خدا تا حاجاتم را برآورد پس شفاعت مرا بکن ای امیر مؤمنان بدرگاه خدا که من

عَبْدُ اللّٰهِ وَمَوْلَاكَ وَزَائِرُكَ، وَلَكَ عِنْدَ اللّٰهِ الْمَقَامُ الْمَعْلُومُ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ،

بنده خدا و دوست تو و زائرت هستم و برای تو در پیش خدا مقامی معلوم و منزلتی بس بزرگ

وَالشَّانُ الْكَبِيرُ، وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و شأن کبیر و شفاعت پذیرفته است خدایا درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَيَّ عَبْدِكَ وَآمِنِكَ الْاَوْفَى، وَعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى، وَيَدِكَ

محمد و درود فرست بر بندهات و با وفاترین امانتدارت و ریسمان محکمت و دست (قدرت)

الْعُلْيَا، وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنَى، وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ الْوَرَى، وَصِدِّيقِكَ الْاَكْبَرَ سَيِّدِ

الایات و کلمه نیکوت و حجت تو بر مردمان و بزرگترین راستگو و صدق پیشهات آقای

الْاَوْصِيَاءِ، وَرُكْنِ الْاَوْلِيَاءِ، وَعِمَادِ الْاَضْفِيَاءِ، اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَيَعْسُوبِ

اوصیا و رکن اولیا و تکیه‌گاه برگزیدگان امیرمؤمنان و پادشاه

الْمُتَّقِينَ، وَقُدُوةِ الصِّدِّيقِينَ، وَاِمَامِ الصَّالِحِينَ، الْمَعْصُومِ مِنَ الزَّلَلِ،

پرهیزکاران و مقتدای راستگویان و پیشوای شایستگان آن‌که از لغزش معصوم

وَالْمَفْطُومِ مِنَ الْخَلَلِ، وَالْمُهَذَّبِ مِنَ الْعَيْبِ، وَالْمُطَهَّرِ مِنَ الرَّيْبِ، اَخِي

و از هر خللی دور و از هر عیب میزا و از هر شک و شبهه‌ای پاک و پاکیزه است، برادر

نَبِيِّكَ وَوَصِيِّ رَسُوْلِكَ، وَالْبَائِتِ عَلَيَّ فِرَاشِهِ، وَالْمُوَاسِي لَهُ بِنَفْسِهِ، وَ

پیامبرت و وصی رسولت و آن کس که در بستر او خوابید و جانش را در راه او به کف نهاد و

كَاشِفِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ سَيْفًا لِبُؤْتَتِهِ، وَمُعْجَزًا لِرِسَالَتِهِ،

اندوه را از چهره‌اش زدود آن‌که قرارش دادی برای نبوت پیامبر شمشیری و برای رسالتش معجزی

وَدِلَالَةٌ وَاضِحَةٌ لِحُجَّتِهِ، وَحَامِلًا لِرَايَتِهِ، وَوَقَايَةً لِمُهْجَتِهِ، وَهَادِيًا لِأُمَّتِهِ،

و برای حجت و برهانش دلالتی روشن و حامل پرچمش و سپر جانش و راهنمای امتش

وَيَدًا لِبَاسِهِ، وَتَاجًا لِرَأْسِهِ، وَبَابًا لِنَصْرِهِ، وَمِفْتَاحًا لِظَفْرِهِ، حَتَّى هَزَمَ

و دست توانای نبردش و تاج سرش و ذری برای یاریش و کلیدی برای پیرویش تا این که شکست داد

جُنُودَ الشُّرْكِ بِأَيْدِكَ، وَأَبَادَ عَسَاكِرَ الْكُفْرِ بِأَمْرِكَ، وَبَدَلَ نَفْسَهُ فِي مَرَضَةِ

سپاههای شرک را به کمک تو و نابود کرد لشکرهای کفر را به فرمانت و جانش را در راه خشنودی

رَسُولِكَ، وَجَعَلَهَا وَقْفًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَمَجِنًا دُونَ نَكْبَتِهِ، حَتَّى فَاضَتْ

رسول تو بذل فرمود و آنرا وقف بر اطاعت او قرار داد و سپری در برابر گرفتاریهایش تا وقتی که برآمد جان آن

نَفْسُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كَفِّهِ، وَاسْتَلَبَ بَرْدَهَا، وَمَسَحَهُ عَلَى وَجْهِهِ،

حضرت صلی الله علیه و آله در کف او و خنکی آن را در ربود آن را بر چهره خود کشید

وَاعَاتَنَّهُ مَلَأْتِكْتِكَ عَلَى غُسْلِهِ وَتَجْهِيْزِهِ، وَصَلَّى عَلَيْهِ، وَوَارَى

و فرشتگان تو نیز در غسل او و سایر کارهای کفن و دفنش به او کمک کردند و بر او نماز خوانده جنازه اش

شَخْصَهُ، وَقَضَى دَيْنَهُ، وَأَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَلَزِمَ عَهْدَهُ، وَاحْتَدَى مِثَالَهُ، وَحَفِظَ

را دهن کرد و بدهی او را پرداخت و به وعده اش عمل کرد و ملازم عهد و پیمانش گشت و همانند او رفتار کرد و وصیتش را

وَصِيَّتَهُ، وَحِينَ وَجَدَ أَنْصَارًا نَهَضَ مُسْتَقِلًّا بِأَعْبَاءِ الْخِلَافَةِ، مُضْطَلِعًا

حفظ کرد و هنگامی که یاورانی برای خود دید مستقلاً به مسئولیتهای خلافت قیام فرمود و بدوش کشید بارهای سنگین

بِأَثْقَالِ الْأِمَامَةِ، فَنَصَبَ رَايَةَ الْهُدَى فِي عِبَادِكَ، وَنَشَرَ ثَوْبَ الْأَمْنِ فِي

پیشوایی و امامت را، و پرچم هدایت را در میان بندگان تو به پا کرد و جامه امنیت را در میان شهرهایت پهن کرد

بِلَادِكَ، وَبَسَطَ الْعَدْلَ فِي بَرِّيَّتِكَ، وَحَكَمَ بِكِتَابِكَ فِي خَلْقِكَ، وَأَقَامَ

و داد و عدل را در میان خلق تو بسط داد و در میان آفریدگانت به کتاب تو حکم کرد و حدود را برپاداشت

الْحُدُودَ، وَقَمَعَ الْجُحُودَ، وَقَوَّمَ الزَّيْغَ، وَسَكَنَ الْعُمْرَةَ، وَأَبَادَ الْفِتْرَةَ، وَسَدَّ

و کفر و انکار را ریشه کن ساخت و کجیها را راست و آشوب و فتنه را آرام نمود و فترت و سستی را از میان برد

الْفُرْجَةَ، وَقَتَلَ النَّاكِثَةَ وَالْقَاسِطَةَ وَالْمَارِقَةَ، وَلَمْ يَزَلْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ

و شکاف را پرکرد و پیمان شکنان و ستمکاران و بیرون روندگان از دین را کشت و پیوسته بر طریقه رسول

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَوَتِيرَتِهِ وَأُطْفِ شَاكِلَتِهِ، وَجَمَالَ سِيرَتِهِ،

خدا صلی الله علیه و آله و در راه او و روش نیکو و سیره زیبایش برفت

مُقْتَدِيَا بَسُنَّتِهِ، مُتَعَلِّقَا بِهَمَّتِهِ، مُبَاشِرَا لَطْرِيقَتِهِ، وَأَمْثَلْتَهُ نَضْبُ عَيْنِيهِ،

و به سَنَت او اقتدا کرد و به هَمَّتش چسبید و ملازم طریقه او بود و نمونه کارهای آن حضرت را برابر دیدگانش قرار داده

يَحْمِلُ عِبَادَكَ عَلَيْهَا، وَيَدْعُوهُمْ إِلَيْهَا إِلَى أَنْ خُضِبَتْ شَيْبَتُهُ مِنْ دَمِ رَأْسِهِ،

و بندگان تو را بدان کارها وادار نموده و به آنها می‌خواند تا آن گاه که محاسن شریفش از خون سرش رنگین شد

اللَّهُمَّ فَكَمَا لَمْ يُؤْثِرْ فِي طَاعَتِكَ شَكًّا عَلَى يَقِينٍ، وَلَمْ يُشْرِكْ بِكَ طَرْفَةَ

خدایا همچنان که او در اطاعت تو هیچ گاه شک را مقدم بر یقین نداشت و چشم برهم زدنی به تو مشرک نگشت

عَيْنٍ، صَلَّ عَلَيْهِ صَلَاةَ زَاكِيَّةٍ نَامِيَّةٍ، يَلْحَقُ بِهَا دَرَجَةُ النَّبُوَّةِ فِي جَنَّتِكَ،

درد فرست بر او درودی پاکیزه و فزاینده که برسد بوسیله آن به درجه نبوت در بهشت

وَبَلَّغُهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَأَتْنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مُوَالَاتِهِ فَضْلًا وَاحْسَانًا

و برسان به او از جانب ما درود و سلامی و بده به ما از نزد خود در دوستی او فضیلت و احسان

وَمَغْفِرَةً وَرِضْوَانًا، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْجَسِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

و آمرزش و خشنودی که براستی تو دارای فضلی بزرگ هستی به رحمت ای مهربانترین مهربانان

سپس ضریح را بیوس؛ آنگاه دو رکعت نماز زیارت بجای آور و بعد از آن هر چه می‌خواهی از خدا بنخواه و

پس از تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگو: اللَّهُمَّ إِنَّكَ بَشَّرْتَنِي عَلَى لِسَانِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

خدایا تو به من نوید دادی به زبان فرستاده محمّد

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقُلْتَ: وَبَشَّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ

که درودهای تو بر او و آلش باد و فرمودی «و مژده ده کسانی را که ایمان آوردند که برای ایشان سابقه درستی نزد پروردگارشان هست»

رَبِّهِمْ. اللَّهُمَّ وَإِنِّي مُؤْمِنٌ بِجَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، فَلَا

خدایا من ایمان دارم به همه پیمبران و فرستادگانت که درودهای تو بر ایشان باد واز این رو

تَقْفَنِي بَعْدَ مَعْرِفَتِهِمْ مَوْقِفًا تَفْضَحُنِي فِيهِ عَلَى رُؤْسِ الْخَلَائِقِ، بَلْ قَفْنِي

پس از معرفتی که در حقشان دارم قرارم مده در جایگاهی که رسوایم کنی در آن جا در برابر مردمان بلکه مرا به همراه آنان

مَعَهُمْ، وَتَوَفَّنِي عَلَى التَّصَدِيقِ بِهِمْ، اللَّهُمَّ وَأَنْتَ خَصَصْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ،

باز دار و با تصدیق به ایشان بمیران خدایا تو بودی که آنان را به کرامت مخصوص داشتی

وَأَمَرْتَنِي بِاتِّبَاعِهِمْ، اللَّهُمَّ وَإِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ، مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ بِزِيَارَةِ أَخِي

و مرا به پیروی کردنشان دستورم دادی خدا یا من بنده تو و زائر توام که تقرب جویم بدرگاہت بوسیله زیارت برادر

رَسُولِكَ، وَعَلَى كُلِّ مَاتِيٍّ وَمَزُورٍ حَقٌّ لِمَنْ آتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَا تِيَّ

رسولت و بر آن کس که به دیدار و زیارتش رود حقی است برای دیدار کننده و زائرش و تو بهترین دیدار شده

وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْأَلْكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، يَا جَوَادُ يَا مَا جِدُّ، يَا

و بزرگواریترین کسی هستی که به زیارت آیند از تو خواهم ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای جواد ای با مجد و شوکت ای

أَحَدُ يَا صَمَدٌ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَلَمْ يَتَّخِذْ

یکتا ای بی‌نیاز ای که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست برایش همتایی هیچ کس و نگرفته

صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ

برای خود همسر و نه فرزندی که درود فرستی بر محمد و آل محمد و دیگر آن که قرار دهی تحفه خود را

إِيَّايَ مِنْ زِيَارَتِي أَخَا رَسُولِكَ فَكَأَنَّكَ رَقِيبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مَمَّنْ

نسبت به من از زیارت کردنم برادر رسولت را آزادیم از آتش دوزخ و قرارم دهی از آنانکه

يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ، وَيَدْعُوكَ رَغْبًا وَرَهْبًا، وَتَجْعَلَ لِي مِنَ الْخَاشِعِينَ،

بسوی خیرات بشتابد و از روی اشتیاق و هراس تو را بخواند و قرارم دهی از خشوع کنندگان

اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنْتَ عَلَيَّ بِزِيَارَةِ مَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَوَلَايَتِهِ

خدایا تو بر من منت نهادی به زیارت مولایم علی بن ابیطالب و به دوستی

وَمَعْرِفَتِهِ، فَاجْعَلْ لِي مَمَّنْ يَنْصُرُهُ وَيَنْتَصِرُ بِهِ، وَمَنْ عَلَيَّ بِنَصْرِكَ لِدِينِكَ،

و معرفش پس قرارم ده از کسانی که یاریش کنند و به او یاری ستانند و منت به بر من به یاری دادنت برای دینت

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ لِي مِنْ شِيعَتِهِ، وَتَوَفَّنِي عَلَيَّ دِينِهِ، اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لِي مِنْ

خدایا و مرا از شیعیانش قرارم ده و بر دین او بمیرانم خدایا واجب گردان برای من

الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ، وَالْمَغْفِرَةَ وَالْإِحْسَانَ، وَالرِّزْقَ الْوَاسِعَ الْحَلَالَ الطَّيِّبَ

از رحمت و خشنودی و آمرزش و نیکی و روزی فراخ حلال و پاکیزه

مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. ۱

آنچه را تو شایسته آنی ای مهربانترین مهربانان و ستایش از آن خدا پروردگار جهانیان است.

۴- زیارت روز شهادت آن حضرت (۲۱ رمضان)

مرحوم حاج شیخ عباس قمی می‌نویسد: در روایت معتبر وارد شده است که روز شهادت امیر مؤمنان علیه السلام، حضرت خضر علیه السلام گریه کنان و استرجاع گویان، با سرعت آمد و بر در خانه آن حضرت ایستاد و گفت:

رَحِمَكَ اللهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ، كُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلَامًا، وَأَخْلَصَهُمْ إِيمَانًا،

خدایت رحمت کند ای ابوالحسن که تو نخستین مردم بودی در پذیرفتن اسلام و خالص‌ترین آنها بودی در ایمان

وَأَشَدَّهُمْ يَقِينًا، وَأَخْوَفَهُمْ لِلَّهِ.

و محکمترین آنها در یقین و ترسناک‌ترینشان از خدا.

و بسیاری از فضایل آن حضرت را برشمرد که قریب به عباراتی است که در زیارت قبل گذشت. لذا مناسب است که زیارت قبلی (زیارت روز و شب مبعث) در روز شهادت امیر مؤمنان علیه السلام نیز خوانده شود (از باب تأسی به جناب خضر علیه السلام)^۱.

یادآوری: در بخش اعمال ماه‌ها در ضمن اعمال شب مبعث، کلامی از سفرنامه ابن بطوطه درباره اهمیت مرقد مبارک امیر مؤمنان علیه السلام خواهد آمد که شایسته است مورد توجه واقع شود، (صفحه ۶۵۶).



فصل سوم فضیلت زمین و مسجد کوفه و اماکن زیارتی آن

فضیلت سرزمین کوفه:

با این که گروهی از مردم کوفه، افرادی بی وفا، سنگدل و ترسو بودند و شیعیان از شهر کوفه خاطرات بسیار دردناکی دارند، ولی نباید فراموش کرد که بسیاری از اصحاب و یاران امامان علیهم السلام و شخصیت‌های بزرگ و فداکار، از کوفه برخاسته‌اند و به همین دلیل در فضیلت و عظمت سرزمین کوفه، روایات فراوانی وارد شده که از آن جمله است:

- ۱- کوفه یکی از چهار شهری است که حق تعالی آن را اختیار فرموده است.^۱
- ۲- «طور سینین» که خداوند در سوره بلد به آن قسم خورده، به این منطقه تفسیر شده است.^۲
- ۳- حرم خدا و حرم رسول خدا و حرم امیر مؤمنان علی علیه السلام به حساب آمده است.^۳
- ۴- یک درهم تصدق در آن، معادل با تصدق صد درهم در جای دیگر به حساب می‌آید.^۴
- ۵- دو رکعت نماز در آن، معادل با صد رکعت نماز در جای دیگر است.^۵
- ۶- باغی از باغهای بهشت است که در آن قبر نوح و قبر ابراهیم... و قبر سید الاوصیا امیر مؤمنان، قرار دارد ^۶(از این حدیث معلوم می‌شود که کوفه در این گونه روایات سرزمین نجف را نیز شامل می‌شود).

فضیلت مسجد کوفه:

در فضیلت مسجد کوفه و نماز و عبادت در آن نیز روایات زیادی وارد شده است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- ابو حمزه ثمالی نقل می‌کند که امام سجّاد علیه السلام روزی از مدینه، صرفاً به قصد مسجد کوفه حرکت کرد و دو رکعت نماز در آن به جای آورد و دوباره سوار بر مرکب شد و برگشت!^۷
- ۲- مطابق روایتی از امیر مؤمنان علیه السلام: «هزار پیامبر و هزار وصی پیامبر در این مسجد نماز خوانده‌اند».^۸

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۳۹۲، حدیث ۲۰، به نقل از خصال، جلد ۱، صفحه ۲۲۵، حدیث ۵۸.

۲. همان مدرک.

۳. همان مدرک، صفحه ۴۰۰، حدیث ۵۱، به نقل از کامل‌الزیارات، باب ۸، صفحه ۲۹، حدیث ۸.

۴. همان مدرک، صفحه ۳۹۹، حدیث ۴۲، به نقل از کامل‌الزیارات، باب ۸، صفحه ۲۷، حدیث ۲.

۵. همان مدرک، صفحه ۴۰۵، حدیث ۶۱ و فرحة الغری، صفحه ۶۹.

۷. کامل‌الزیارات، باب ۸، صفحه ۲۷، حدیث ۱. ۸. همان مدرک، صفحه ۲۸، حدیث ۵.

۳- در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «اگر من در نزدیکی مسجد کوفه بودم امید آن داشتم که حتی یک نماز در آن هم از من فوت نشود»، سپس خطاب به راوی می‌فرماید: «آیا از فضل آن آگاهی؟» عرض کرد: نه؛ فرمود: «هیچ عبد صالحی و هیچ پیامبری نبود مگر این که در مسجد کوفه نماز خواند، حتی زمانی که رسول الله صلی الله علیه و آله به معراج رفت جبرئیل به آن حضرت گفت: آیا می‌دانی در این لحظه در کجا هستی یا محمد؟ فرمود: نه؛ عرض کرد: تو در مقابل مسجد کوفه هستی. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بنابراین، از پروردگارت اجازه بگیر که فرود آیم و در آن نماز بخوانم. جبرئیل اجازه گرفت، خداوند نیز اجازه داد و پیامبر صلی الله علیه و آله هبوط کرد و دو رکعت نماز خواند». آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود: «نماز واجب در آن معادل هزار نماز و نماز نافله در آن معادل پانصد نماز است. در هر جهت از چهار جهت او باغی از باغهای بهشت قرار دارد. نشستن در آن بدون نماز و ذکر نیز، عبادت است»^۱.

۴- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «امیر مؤمنان علی علیه السلام به کسی که برای درک فضیلت مسجدالاقصی بار خود را بسته بود و برای خداحافظی خدمت آن حضرت در مسجد کوفه رسید، فرمود: زاد و راحلات را بفروش و بیا در این مسجد نماز بگذار که نماز واجب در آن، معادل یک حج مقبول و نماز نافله در آن، معادل یک عمره مقبوله است... هیچ غمزه و دردمندی حاجتی از حوائجش را در این مسجد طلب نمی‌کند مگر این که خداوند به او پاسخ می‌دهد و مشکش را برطرف می‌سازد»^۲.

۵- مطابق روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام به دست می‌آید که مسجد کوفه، خانه حضرت آدم و حضرت نوح و حضرت ادریس و مصالای ابراهیم خلیل و خضر علیه السلام بوده است و یکی از چهار مسجدی است که خداوند آن را برگزیده و در روز قیامت برای کسانی که در آن نماز خواندند شفاعت می‌کند؛ شفاعتی که رد نمی‌شود و مصالای حضرت مهدی علیه السلام است و مؤمنی روی زمین نیست مگر این که قلبش به آن اشتیاق دارد.^۳

۶- مسجد کوفه یکی از چهار مکانی است که مسافر در آن مخیر است، بین قصر و اتمام. امام صادق علیه السلام فرمود: «از جمله از علم مخزون خداوند، نماز اتمام در چهار مکان است: حرم خداوند، حرم رسول گرامی صلی الله علیه و آله و حرم امیرمؤمنان علیه السلام و حرم حسین بن علی علیه السلام»^۴.

اعمال مسجد کوفه

اعمال مسجد کوفه به نحوی که در کتاب «مصباح الزائر»^۵ «سید بن طاووس» و غیر آن با مختصر تفاوتی وارد شده بدین شرح است:

۱. کامل‌الزیارات، باب ۸، صفحه ۲۸، حدیث ۶.
 ۲. همان مدرک، صفحه ۳۲، حدیث ۱۸.
 ۳. امالی صدوق، صفحه ۲۲۷، حدیث ۸.
 ۴. جواهرالکلام، جلد ۱۴، صفحه ۲۳۷.
 ۵. مصباح الزائر، از صفحه ۷۷ تا ۹۹.

۱- آداب دخول در مسجد

چون داخل شهر کوفه شدی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

به نام خدا و به ذات خدا و در راه خدا و برکیش رسول خدا درود خدا بر او و آتش باد

اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا، وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ * سپس روانه شو به سوی

خدایا فرود آر مرا فرود آمدنی با برکت و تویی بهترین فرود آرنندگان * * * * *

مسجد کوفه و در حال رفتن بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ *

* * * * * خدا بزرگتر است و معبودی جز خدا نیست و ستایش خاص خدا است و منزه است خدا

تا به در مسجد برسی،^۱ در آنجا بایست و بگو: السَّلَامُ عَلَي سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ، مُحَمَّدِ بْنِ

* * * * * سلام بر آقای ما رسول خدا محمد بن

عَبْدِ اللَّهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَي مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ

عبدالله و آل پاکیزه‌اش سلام بر مولای ما امیر مؤمنان علی بن

أَبِي طَالِبٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَعَلَى مَجَالِسِهِ، وَمَشَاهِدِهِ وَمَقَامِ

ابی‌طالب و رحمت خدا و برکاتش و بر مجالس او و جایگاههای حضور و مقام

حِكْمَتِهِ، وَآثَارِ آبَائِهِ آدَمَ وَنُوحَ، وَإِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ، وَتَبْيَانِ بَيِّنَاتِهِ،

حکمتش و آثار پدرانش آدم و نوح و ابراهیم و اسماعیل و جایگاه بیان حجت‌هایش

السَّلَامُ عَلَي الْأِمَامِ الْحَكِيمِ الْعَدْلِ الصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ، الْفَارُوقِ بِالْقِسْطِ

سلام بر امام فرزانه دادگر راستگوی اکبر جدا کننده به عدالت

الَّذِي فَرَّقَ اللَّهُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَالْكَفْرِ وَالْإِيمَانِ، وَالشِّرْكِ

آن کس که خدا بوسیله‌اش جدا کرد میان حق و باطل و کفر و ایمان و شرک

وَالتَّوْحِيدِ، لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتِهِ، وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَن بَيْتِهِ، أَشْهَدُ

و توحید را تا هلاک شود هر که هلاک می‌شود از روی دلیل و زنده بماند هر که زنده می‌ماند از روی دلیل گواهی دهم برآستی

أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَخَاصَّةً نَفْسِ الْمُتَّجِبِينَ، وَزَيْنِ الصِّدِّيقِينَ، وَصَابِرِ

که تویی امیرمؤمنان و مخصوص در میان برگزیدگان و زیور راستگویان و بردبار

الْمُتَّحِنِينَ، وَأَنَّكَ حَكَمَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ، وَقَاضَى أَمْرَهُ، وَبَابُ حِكْمَتِهِ،

امتحان شدگان و براستی تویی حاکم خدا در زمین و قضاوت کننده امرش و دروازه حکمتش

وَعَاقِدُ عَهْدِهِ، وَالنَّاطِقُ بِوَعْدِهِ، وَالْحَبْلُ الْمَوْصُولُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبَادِهِ،

و پیوند دهنده پیمانش و گویای به وعدهاش و رشته پیوسته میان او و میان بندگانش

وَكَهْفُ النَّجَاةِ، وَمِنْهَا جُ التُّقَى، وَالدرَجَةُ الْعُلْيَا، وَمَهَيَّمِنُ الْقَاضِي

و پناهگاه نجات و طریقه پرهیزکاری و درجه برتر و گواه خدای دادگر

الْأَعْلَى، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِكَ اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ زُلْفَى، أَنْتَ وَلِيِّي وَسَيِّدِي

والا، ای امیر مؤمنان به تو تقرب جویم به درگاه خدا تقرب کامل تویی سرپرست و آقای من

و وَسَيَّلْتَنِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * أَنْغَاةٌ دَاخِلُ مَسْجِدٍ شَوْ وَبِكَو: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ

و وسیله‌ام در دنیا و آخرت * * * * * خدا بزرگتر است

أَكْبَرُ، هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِاللَّهِ، وَبِمُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

این است جایگاه پناه برنده به خدا و به محمد حبیب خدا - درود خدا بر او و آتش -

وَبِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْأَيِّمَةِ الْمَهْدِيِّينَ الصَّادِقِينَ النَّاطِقِينَ

و به ولایت امیر مؤمنان و امامان راهبر راستگوی گویای

الرَّاشِدِينَ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً، رَضِيَتْ بِهِمْ

راه‌یافته‌ای که دور کرده است خداوند از ایشان پلیدی را و بخوبی پاکشان کرده خشنودم به امامت ایشان

أَيُّمَةً وَهُدَاةً وَمَوَالِيٍّ، سَلَّمْتُ لِأَمْرِ اللَّهِ لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، وَلَا أَتَّخِذُ مَعَ اللَّهِ

و راهنماییشان و سروریشان تسلیم امر خدایم و شریک نسازم به او چیزی را و نکیرم به همراه خدا دوستی

وَلِيًّا، كَذِبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالاً بَعِيداً، حَسْبِيَ اللَّهُ وَأَوْلِيَاءُ اللَّهِ،

دروغ گفتند شرک ورزان به خدا و گمراه شدند گمراهی دوری بس است مرا خدا و دوستان خدا

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

گواهی دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و گواهی دهم که محمد بنده

وَرَسُولُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنَّ عَلِيًّا وَالْأَيُّمَةَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ

و رسول اوست - درود خدا بر او و آتش باد - و اینکه علی علیه‌السلام و امامان راه یافته از نژاد او

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَوْلِيَاءِي، وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ.

علیهم السلام سروران منند و حجت‌های خداوند بر خلقش.

آنگاه به جانب ستون چهارم می‌روی که برابر ستون پنجم یعنی ستون حضرت ابراهیم علیه السلام قرار گرفته، پس چهار رکعت نماز بخوان، دو رکعت آن را با حمد و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و دو رکعت دیگر را با حمد و ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾. پس از اتمام نماز و بعد از گفتن تسبیح حضرت زهرا علیها السلام هفت مرتبه بگو:

السَّلَامُ عَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ الرَّاشِدِينَ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ

سلام بر بندگان شایسته راه یافته‌ای که دور کرده است خداوند از ایشان پلیدی را

وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً، وَجَعَلَهُمْ أَنْبِيَاءَ مُرْسَلِينَ، وَحُجَّةً عَلَىٰ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ،

و پاکیزه‌شان کرده است بخوبی و قرارشان داده است پیمبرانی مرسل و حجت بر همه خلق

وَسَلَامٌ عَلَىٰ الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ

و سلام بر رسولان و حمد خاص خدا پروردگار جهانیان است و این است تقدیر فرزانه

الْعَلِيمِ، سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ * * * * * سِيسَ بگو: نَحْنُ عَلَىٰ وَصِيَّتِكَ يَا وَلِيَّ

دانا سلام بر نوح در میان جهانیان * * * * * ما بر سفارش تو پای بندیم ای سرپرست

الْمُؤْمِنِينَ، الَّتِي أَوْصَيْتَ بِهَا ذُرِّيَّتَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ وَالصَّادِقِينَ، وَنَحْنُ

مؤمنان آن سفارشی که به فرزندان کردی از رسولان و راستگویان و ما

مِنْ شَيْعَتِكَ وَشَيْعَةِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَيْكَ وَعَلَىٰ

از شیعیان تو و شیعیان پیامبران محمد هستیم که درود خدا بر او و آلش و بر تو و بر

جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ، وَالْأَنْبِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ، وَنَحْنُ عَلَىٰ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ، وَدِينِ

همه رسولان و پیمبران و راستگویان باد و ما نیز بر کیش ابراهیم و دین

مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، وَالْأَيَّمَةِ الْمَهْدِيِّينَ، وَوَلَايَةِ مَوْلَانَا عَلِيِّ أَمِيرِ

محمد پیامبر امی (درس نخوانده) و امامان راه یافته و ولایت سرورمان علی امیر

الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَىٰ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَرَحْمَتُهُ

مؤمنان هستیم سلام بر مژده دهنده ترساننده دروهای خدا بر او و رحمتش

وَرِضْوَانُهُ وَبَرَكَاتُهُ، وَعَلَىٰ وَصِيِّهِ وَخَلِيفَتِهِ الشَّاهِدِ لِلَّهِ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيُّ

و خشنودیش و برکاتش و نیز بر وصی او و جانشینش آن گواه خدا پس از او بر

خَلْقِهِ، عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الصَّدِيقِ الْأَكْبَرِ، وَالْفَارُوقِ الْمُبِينِ، الَّذِي

خلقش علی امیر مؤمنان آن صدیق اکبر و جدا کننده (حق و باطل) روشن، آن کس که

أَخَذَتْ بَيْعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ، رَضِيَتْ بِهِمْ أَوْلِيَاءَ وَمَوَالِيٍّ، وَحُكَّامًا فِي

بیعتش را بر جهانیان گرفتگی خشنودم به سرپرستی و سروری و حکمرانی ایشان در

نَفْسِي وَوُلْدِي وَأَهْلِي، وَمَالِي وَقِسْمِي، وَحِلِّي وَأَحْرَامِي، وَإِسْلَامِي

جانم و فرزندان و خاندان و مال و بهرام و در حال جلی و احرام و اسلام

وَدِينِي، وَدُنْيَايَ وَأَخْرَتِي، وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي، أَنْتُمْ الْأَيَّمَةُ فِي الْكِتَابِ،

و دینم و دنیا و آخرتم و زندگی و مرگم شماید امامان در کتاب خدا (قرآن)

وَفَضْلُ الْمَقَامِ وَفَضْلُ الْخِطَابِ، وَأَعْيُنُ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَنَامُ، وَأَنْتُمْ

و فیصله هر مقام و حکم نافذ حق و دیدگان آن بیداری که نخوابد و شماید

حُكَّامًا فِي اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَبِكُمْ حَكَمَ اللَّهُ، وَبِكُمْ عَرَفَ حَقُّ اللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا

فرزندگان خدا در زمین و بوسیله شما حکم راند و بوسیله شما شناخته شود حق خدا معبودی نیست جز

اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، أَنْتُمْ نُورُ اللَّهِ مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا وَمِنْ خَلْفِنَا، أَنْتُمْ سُنَّةُ

خدا محمد رسول خداست شماید نور خدا از پیش روی ما و از پشت سرمان شماید آن آیین

اللَّهِ الَّتِي بِهَا سَبَقَ الْقَضَاءُ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَنَا لَكُمْ مُسَلِّمٌ تَسْلِيمًا لَا

و طریقه خدا که قضا بدان سبقت یافته ای امیر مؤمنان من در برابر شما تسلیمم چنان تسلیمی که

أَشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا، وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي بِكُمْ،

چیزی را به خدا شریک نگیرم و جز او کسی را به سرپرستی خود انتخاب نکنم، ستایش خدای را که مرا راهنمایی کرد بوسیله شما

وَمَا كُنْتُ لِأَهْتَدِي لَوْلَا أَنْ هَدَانِي اللَّهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، الْحَمْدُ

و من چنان نبودم که بخودی خود راهنمایی شوم اگر خدا هدایت نمی کرد خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا ... ستایش

لِلَّهِ عَلَىٰ مَا هَدَانَا. ۱

خدای را بر آنچه ما را بدان هدایت کرد.

۲- اعمال دگة القضا و بیت الطشت

دگة القضا سکوی بوده در مسجد کوفه که امیرالمؤمنین علیه السلام بر روی آن می نشستند و قضاوت و حکم می نمودند و در آن جایگاه، ستون کوتاهی بوده که بر روی آن آیه کریمه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»^۱ نوشته شده بود^۲ و بیت الطشت که متصل به دگة القضا است همان محلی است که معجزه

۱. مصباح الزائر، صفحه ۷۷ و بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۴۰۹-۴۱۱ (با اندکی تفاوت).

۲. سوره نحل، آیه ۹۰. ۳. مفاتیح الجنان، اعمال مسجد کوفه.

امیرالمؤمنین علیه السلام برای نجات دختری از اتهام ظاهر شد.^۱ در هر حال پس از اعمال ستون چهارم به سوی دگهٔ القضا برو و در آن جا دو رکعت نماز بخوان با حمد و هر سوره که خواهی و بعد از نماز و گفتن تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگو:

يَا مَالِكِي وَمَمْلَكِي، وَمُتَعَمِّدِي بِالنِّعَمِ الْجِسَامِ مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ،

ای مالک من و ای مالککنندهٔ من و ای که مرا غرق نعمتهای بزرگ خود ساختی بدون این که استحقاق آن را داشته باشم

وَجْهِي خَاضِعٌ لِمَا تَعْلُوهُ الْأَقْدَامُ لِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، لَا تَجْعَلْ هَذِهِ

روی من خاضع است در مقابل آنچه بر آن گذارده شود گامها برای جلالت سیمای بزرگواریت قرار مده این

الشَّدَّةَ وَلَا هَذِهِ الْمِحْنَةَ مُتَّصِلَةً بِاسْتِطْصَالِ الشَّافَةِ، وَامْنَحْنِي مِنْ فَضْلِكَ

سختی و نه این گرفتاری را پیوست به ریشه کن کردن بیخ و بن و ببخش به من از فضل خود

مَا لَمْ تَمْنَحْ بِهِ أَحَدًا مِنْ غَيْرِ مَسْئَلَةٍ، أَنْتَ الْقَدِيمُ الْأَوَّلُ الَّذِي لَمْ تَزَلْ وَلَا

چیزی را که نبخشیده‌ای آن را به هیچ کس بدون درخواست، تویی دیرینهٔ نخست که همواره بوده و همواره

تَزَالُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَزَكِّ عَمَلِي،

خواهی بود درود فرست بر محمد و آل محمد و بیامرزم مرا و به من رحم کن و کردارم را پاک کن

وَبَارِكْ لِي فِي أَجَلِي، وَاجْعَلْنِي مِنْ عِتْقَائِكَ وَطَلْقَائِكَ مِنَ النَّارِ،

و برکت بده در عمرم و قرارم ده از آزاد شدگان و رها شدگان از آتش دوزخ

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * آنگاه اعمال بَيْتِ الطُّشْتِ را بجا آور؛ یعنی دو رکعت نماز

به رحمت ای مهربانترین مهربانان * * * * *

بخوان و بعد از سلام و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّي ذَخَرْتُ تَوْحِيدِي اِيَّاكَ

* * * * * خدا یا من ذخیره کردم یگانه پرستی تو را

وَمَعْرِفَتِي بِكَ، وَاخْلَاصِي لَكَ وَاقْرَارِي بِرُبُوبِيَّتِكَ، وَذَخَرْتُ وَايَةَ مَنْ

و معرفتم را به تو و اخلاصم را برای تو و اقرارم را به پروردگاری تو و ذخیره کردم ولایت آنان را

اَنْعَمْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ مِنْ بَرِيَّتِكَ، مُحَمَّدٍ وَعِثْرَتِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ، لِيَوْمِ

که بوسیلهٔ معرفشان از میان مخلوقات بر من نعمت دادی (یعنی) محمد و خاندانش - که درود خدا بر ایشان باد - برای روز

فَزَعِي إِلَيْكَ عَاجِلًا وَآجِلًا، وَقَدْ فَزَعْتُ إِلَيْكَ وَإِلَيْهِمْ يَا مَوْلَايَ فِي هَذَا

هراسم بسوی تو در دنیا و آخرت و اینک پناه آورده‌ام بسوی تو و بسوی ایشان ای مولای من در این

الْيَوْمِ، وَفِي مَوْقِفِي هَذَا، وَسَأَلْتُكَ سَعَادَتِي مِنْ نِعْمَتِكَ، وَإِزَاحَةَ مَا

روز و در این جایگاهی که هستم و از تو درخواست کنم خوشبختی‌ام را از نعمت‌هایت و از بین بردن آنچه را

أَخْشَاهُ مِنْ نِقْمَتِكَ، وَالْبَرَكَاتَةَ فِيمَا رَزَقْتَنِيهِ، وَتَحْصِينَ صَدْرِي مِنْ كُلِّ

از خشم و انتقامت که از آن ترس دارم و برکت در آنچه روزیم کرده‌ای و محفوظ داشتن سینه‌ام از هر

هَمٍّ وَجَائِحَةٍ وَمَعْصِيَةٍ، فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَأَخْرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

اندوه و بلا و گناهی در دین و دنیا و آخرتم ای مهربانترین مهربانان

سپس به وسط مسجد می‌روی و دو رکعت نماز می‌خوانی در رکعت اول حمد با قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و در رکعت دوم حمد و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ آنگاه پس از سلام و تسبیح زهرا ع بگو: اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ

***** خدایا تویی سلام (بی‌عیب)

وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ، وَدَارُكَ دَارُ السَّلَامِ، حِينَا رَبَّنَا مِنْكَ

و از تو است سلام و به تو بازگردد سلام و درگاهت درگاه سلامتی است تحت ده پروردگارا از خود

بِالسَّلَامِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ ابْتِغَاءَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ

بر ما سلامتی را خدایا من خواندم این نماز را به جستجوی رحمت و خشنودی و

وَمَغْفِرَتِكَ، وَتَعْظِيمًا لِمَسْجِدِكَ، اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

آمرزشت و برای بزرگداشت مسجدت خدایا پس درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأَرْفَعُهَا فِي عِلِّيِّينَ، وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱

و بالا ببر این نماز را در جایگاه بلند بهشت و آن را از من بپذیر ای مهربانترین مهربانان.

یادآوری: محدث بزرگوار مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمته الله می‌گوید: این مقام را دَكَّةُ الْمِعْرَاجِ گفته‌اند و ظاهراً به ملاحظه آن که در شب معراج حضرت رسول صلی الله علیه و آله از حق تعالی رخصت طلبید و در این جا فرود آمده و دو رکعت نماز گذاشت که در اول این فصل گذشت.^۲

۱. مصباح الزائر، صفحه ۷۹ و بحار الانوار جلد ۹۷، صفحه ۴۱۱ و ۴۱۲ (با اندکی تفاوت).

۲. مفاتیح الجنان، اعمال مسجد کوفه.

۳- اعمال ستون هفتم (مقام ابراهیم خلیل علیه السلام)

مقدمه:

در فضیلت این ستون احادیث بسیاری وارد شده، از آن جمله:

۱- «شیخ کلینی» به سند معتبر روایت کرده که امیرمؤمنان علیه السلام رو به این ستون نماز می خواند و نزدیک آن می ایستاد.^۱

۲- در روایت معتبر دیگری وارد شده که هر شب شصت هزار فرشته از آسمان نازل می شوند و نزد ستون هفتم نماز می گزارند.^۲

۳- در حدیث معتبر سومی از امام صادق علیه السلام منقول است که ستون هفتم مقام حضرت ابراهیم علیه السلام است.^۳

۴- «شیخ کلینی» در «کافی» به سند صحیح از ابواسماعیل سراج روایت کرده که معاویه بن وهب دست مرا گرفت و گفت: ابوحمزه ثمالی دست مرا گرفت و گفت: اصبع بن نباته دست مرا گرفت و ستون هفتم را به من نشان داد و گفت: که این ستون، مقام امیرمؤمنان علیه السلام است که نزد آن نماز می خواند و امام حسن علیه السلام در نزد ستون پنجم نماز بجا می آورد و هرزمان امیرمؤمنان علیه السلام حضور نداشت امام حسن علیه السلام در جای آن حضرت، نماز می خواند.^۴

در هر حال مقابل این ستون رو به قبله می ایستی و می گویی:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

۱. کافی، جلد ۳، صفحه ۴۹۳، حدیث ۴.

۲. همان مدرک، حدیث ۵.

۳. همان مدرک، حدیث ۷.

۴. همان مدرک، حدیث ۸.

وَيَعْقُوبَ، وَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِمُ الْمُخْتَارِينَ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ،

و یعقوب و بر نسل برگزیده ایشان، سلام و درود بر موسی کلیم خدا

السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ

سلام بر عیسی روح خدا سلام بر محمد بن عبدالله خاتم

النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ، وَ رَحْمَةَ اللَّهِ

پیامبران سلام بر امیر مؤمنان و نژاد پاکیزه‌اش و رحمت خدا

وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فِي الْأَوَّلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فِي الْآخِرِينَ،

و برکاتش سلام بر شما در زمره پیشینان سلام بر شما در زمره پسینان

السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَيِّمَةِ الْهَادِيْنَ، شُهَدَاءِ اللَّهِ

سلام بر فاطمه زهرا سلام بر یشویان راهنما که گواهان خداوند

عَلَى خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّقِيبِ الشَّاهِدِ عَلَى الْأُمَّمِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

بر خلق او سلام بر نگهبان و گواه بر امتها از جانب خدا پروردگار جهانیان.

بعد از آن نزد آن ستون، چهار رکعت نماز می‌خوانی در رکعت اول حمد و انا انزلناه و در رکعت دوم حمد و قل هو الله احد و در رکعت سوم و چهارم نیز به همین گونه عمل می‌کنی و چون نماز به پایان رسید پس از تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگو:

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ، فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي الْإِيمَانِ مِنِّي بِكَ مَنَّا

خدایا اگر من نافرمانت کردم پس (در عوض) فرمانبرداریت کردم در ایمان به تو از روی متی که

مِنْكَ عَلَيَّ، لَا مَنَّا مِنِّي عَلَيْكَ، وَأَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ لَكَ لَمْ أَتَّخِذْ

تو بر من گذاردی نه این که متی باشد از من بر تو و فرمانبرداریت کردم در محبوبترین چیزها پیش تو که نگرفتم

لَكَ وَوَلَدًا، وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا، وَقَدْ عَصَيْتُكَ فِي أَشْيَاءَ كَثِيرَةٍ عَلَيَّ غَيْرِ

برایت فرزندی و نخواندم برای تو شریکی و نافرمانیت کردم در جاهای بسیاری که البته از روی سرکشی و عنادوری بود

وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ لَكَ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ،

و نه از باب بیرون رفتن از تحت بندگی و نه بخاطر انکار پروردگاریت بوده

وَلَكِنْ اتَّبَعْتُ هَوَايَ، وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ عَلَيَّ وَالْبَيَانِ، فَإِنْ

بلکه پیروی هوای نفسم را کردم و شیطان هم مرا بلغزاند پس از دلیل و بیانی که بر من داشتی اکنون

تُعَذِّبُنِي فَبِذْنُوْبِي غَيْرِ ظَالِمٍ لِي، وَإِنْ تَعَفَّ عَنِّي وَتَرَحَّمْنِي فَبِجُودِكَ

اگر کيفرم کنی بواسطه گناهانم می‌باشد و تو ستمی به من نکرده‌ای و اگر بگذری و به من ترخم کنی آنهم

وَكَرَمِكَ يَا كَرِيمٌ، اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذَنْبِي لَمْ يَبْقَ لَهَا اِلَّا رَجَاءٌ عَفْوِكَ، وَقَدْ

بواسطه جود و بزرگواری توست ای خدای کریم خدایا براسستی برای گناهانم چیزی نمانده جز همان امید گذشت تو و

قَدَّمْتُ اِلَيْكَ اَلْحِرْمَانَ، فَاَنَا اَسْأَلُكَ اَللّٰهُمَّ مَا لَا اَسْتَوْجِبُهُ، وَاَطْلُبُ مِنْكَ مَا

من پیش داشته‌ام ابزار محرومیت را پس از تو خواهم خدایا آنچه را مستحقش نیستم و طلب کنم از تو چیزی را

لَا اَسْتَحِقُّهُ، اَللّٰهُمَّ اِنَّ تُعَذِّبُنِي فَبِذْنُوْبِي، وَلَمْ تَظْلِمْنِي شَيْئًا، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي،

که سزاوارش نباشم خدایا اگر عذابم کنی بخاطر گناهانم هست و تو هیچگونه ستمی به من روا نداشته‌ای و اگر ببازریم

فَخَيْرٌ رَّاحِمٌ اَنْتَ يَا سَيِّدِي، اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَنْتَ، وَاَنَا اَنَا، اَنْتَ اَلْعَوَاذُ

تو بهترین مهرورزانی ای آقای من؛ خدایا تو همانی و من همان، تویی که همیشه بازگردی

بِالْمَغْفِرَةِ، وَاَنَا اَلْعَوَاذُ بِالذَّنُوْبِ، وَاَنْتَ اَلْمُتَّفَضِّلُ بِالْحِلْمِ، وَاَنَا اَلْعَوَاذُ

به آمرزش و منم که همواره بازگردم به گناه تویی بخشاینده به بردباری و منم بازگردنده

بِالْجَهْلِ، اَللّٰهُمَّ فَاِنِّي اَسْأَلُكَ يَا كَنْزَ الضُّعْفَاءِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا مُنْقِذَ

به نادانی خدایا از تو خواهم ای گنج ناتوانان ای بزرگ مایه امید ای نجات‌دهنده

اَلْغَرَقِيِّ، يَا مُنْجِيَ اَلْهَلْكَى، يَا مُمِيتَ اَلْاَحْيَاءِ، يَا مُحْيِيَ اَلْمَوْتِ، اَنْتَ اَللّٰهُ

غریقان و ای نجات‌بخش هالکان ای میراننده زندگان و ای زنده‌کننده مردگان تویی خدای

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، اَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ شُعَاعُ الشَّمْسِ وَدَوِيُّ الْمَاءِ،

که معبودی جز تو نیست تویی که سجده کرد برایت تابش خورشید و بانگ آب

وَخَفِيفُ الشَّجَرِ، وَنُورُ الْقَمَرِ، وَظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَضَوْءُ النَّهَارِ، وَخَفَقَانُ

و صدای مخصوص بهم خوردن درخت و نور ماه و تاریکی شب و روشنایی روز و صدای بال

اَلطَّيْرِ، فَاسْأَلُكَ اَللّٰهُمَّ يَا عَظِيمَ بِحَقِّكَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاِلَيْهِ الصَّادِقِينَ، وَبِحَقِّ

پرنده پس از تو خواهم ای خدای بزرگ به حقی که بر محمد و آل راستگویش داری و به حقی که

مُحَمَّدٍ وَاِلَيْهِ الصَّادِقِينَ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَيَّ، وَبِحَقِّكَ عَلَيَّ عَلِيَّكَ،

محمد و آل راستگویش بر تو دارند و به حقی تو بر علی و به حقی علی بر تو

وَبِحَقِّكَ عَلَيَّ فَاطِمَةَ، وَبِحَقِّكَ عَلَيَّ، وَبِحَقِّكَ عَلَيَّ اَلْحَسَنَ، وَ

و به حقی تو بر فاطمه و به حقی فاطمه بر تو و به حقی تو بر حسن و

بِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ، وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ، فَإِنَّ

به حق حسن بر تو و به حق تو بر حسین و به حق حسین بر تو چون که بطور

حَقُّوْقَهُمْ عَلَيْكَ مِنْ أَفْضَلِ أَنْعَامِكَ عَلَيْهِمْ، وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُمْ،

مسلم حقوق تو بر ایشان از برترین نعمت بخشی تو بر ایشان است و به حق آن شان و منزلتی که تو در پیش ایشان داری

وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، صَلِّ عَلَيْهِمْ يَا رَبِّ صَلَاةً دَائِمَةً مُنْتَهَى

و بدان منزلتی که آنها در پیش تو دارند که درود فرست بر ایشان پروردگارا درودی همیشگی تا آخرین سرحد

رِضَاكَ، وَاعْفِرْ لِي بِهِمُ الذُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ، وَأَرْضِ عَنِّي خَلْقَكَ، وَ

خشودیت و بوسیله ایشان بیامرز براین گناهانی را که میان من و توست و خلق خود را از من خشنود ساز

أَتِمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ، كَمَا أَتَمَّمْتَهَا عَلَيَّ آبَائِي مِنْ قَبْلُ، وَلَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ

و نعمت را بر من تمام کن چنانچه بر پدران پیشین من تمام کردی و قرار مده برای هیچ یک

الْمَخْلُوقِينَ عَلَيَّ فِيهَا امْتِنَانًا، وَأَمْنًا عَلَيَّ كَمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ آبَائِي مِنْ

از آفریدگانت بر من در این باره متنی و منت نه بر من چنانچه از پیش بر پدران من منت نهادهی

قَبْلُ، يَا كَهَيْعَصَ، اَللّٰهُمَّ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَاسْتَجِبْ لِي

ای «کهیعص» خدایا چنانچه درود فرستی بر محمد و آلش پس دعای مرا در آنچه از تو درخواست

دُعَائِي فِيمَا سَأَلْتُ، يَا كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ * سپس به سجده برو و در سجده

کردم مستجاب گردان ای کریم ای بزرگوار ای کریم * * * * *

بگو: يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَيَّ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ، وَيَعْلَمُ مَا فِي ضَمِيرِ الصَّامِتِينَ، يَا

ای که توانایی داری بر (قاضی) حاجتهای خواستاران و بدانی آنچه هست در نهاد خاموشان ای

مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ، يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي

که نیازی ندارد به شرح و بیان ای که می‌داند بهم خوردن چشمان و هر آنچه را سینه‌ها پنهان کند

الصُّدُورِ، يَا مَنْ أَنْزَلَ الْعَذَابَ عَلَى قَوْمِ يُونُسَ وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ،

ای که فرو فرستاد بر قوم یونس عذاب را و قصد فرموده بود که عذابشان کند

فَدَعَاؤُهُ وَتَضَرَّعُوا إِلَيْهِ فَكَشَفَ عَنْهُمْ الْعَذَابَ، وَمَتَّعَهُمْ إِلَى حِينٍ، قَدْ تَرَى

ولی آنان دعا کرده و بدرگاهش تضرع و زاری کردند و او عذاب را از ایشان برطرف کرد و تازمانی از زندگی بهره‌مندشان کرد (خدایا) مکانم را

مَكَانِي، وَتَسْمَعُ دُعَائِي، وَتَعْلَمُ سِرِّي وَعَلَانِيَتِي وَحَالِي، صَلِّ عَلَيَّ

می‌بینی و دعایم بشنوی و نهان و عیانم و حال و وضعم را دانی درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَكَفَيْتُ كُنْ أَنْجَحَ مَرًا بِهٖ اٰنَدُوْهُ وَاوَاثَمَهُ اَزْ كَارِ دِيْنِ وَا دُنْيَايَ وَاٰخِرَتِيْ *

محمد و آل محمد و کفایت کن آنچه مرا به اندوه واداشته از کار دین و دنیا و آخرت

اَنْگَا هَفْتَادِ مَرْتَبَهٗ بَگُو: يَا سَيِّدِيْ سِيسِ سِرَّ اَزْ سَجْدَهٗ بَرْدَارِ وِ بَگُو: يَا رَبِّ اَسْأَلُكَ بَرَكَهٗ هٰذَا

***** ای آقای من ***** پروردگارا از تو خواهم برکت این

اَلْمَوْضِعِ وِبَرَكَهٗ اَهْلِهٖ، وَاَسْأَلُكَ اَنْ تَرْزُقَنِيْ مِنْ رِزْقِكَ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا،

جایگاه و برکت اهل آن را و از تو خواهم که روزی من کنی از روزی خود روزی حلال پاکیزه‌ای

تَسُوْقُهُ اِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، وَاَنَا خَائِضٌ فِيْ عَافِيَةٍ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ ۱.

که بکشانی آن را بسوی من به جنبش و نیروی خودت در حالی که فرو رفته باشم در تندرستی کامل ای مهربانترین مهربانان.

یادآوری: در حدیثی از ابوحمزه ثمالی نقل شده: روزی در مسجد کوفه نشسته بودم که شخص

خوشرو، خوشبو و پاک جامه‌ای وارد مسجد شد و نزد ستون هفتم ایستاد و برای نماز تکبیر گفت، تکبیری که از شنیدن آن، مو بر بدن من راست شد، آنگاه چهار رکعت نماز (هر دو رکعت به یک سلام) بجای آورد و این دعا را خواند:

اَللّٰهُ اِنِّ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ، فَقَدْ اَطَعْتُكَ فِيْ اَحَبِّ الْاَشْيَاءِ اِلَيْكَ، لَمْ

خدایا اگر من تو را نافرمانی کردم ولی (در عوض) در محبوبترین چیزها بدگراحت فرمانبرداری کردم

اَتَّخِذُكَ لَكَ وِلْدًا، وَّلَمْ اَدْعُ لَكَ شَرِيْكًَا، وَقَدْ عَصَيْتُكَ فِيْ اَشْيَاءَ كَثِيْرَةٍ عَلَيَّ

نگرفتم برایت فرزندی و نخواندم برایت شریکی و در بسیاری از چیزها نیز نافرمانیت کردم

غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَاْبِرَةِ لَكَ، وَّلَا الْاِسْتِكْبَارِ عَنِّ عِبَادَتِكَ، وَّلَا الْجُحُوْدِ

اما نه از راه سرکشی و طرفیت با تو و نه بواسطه کبروری از پرستش و نه از روی انکار

لِرُبُوْبِيَّتِكَ، وَّلَا الْخُرُوْجِ عَنِ الْعُبُوْدِيَّةِ لَكَ، وَّلٰكِنْ اَتَّبَعْتُ هَوَايَ، وَاَزَلَّنِيْ

پروردگارت و نه بخاطر بیرون رفتن از بندگی و بی پروی کردم هوای نفسم را و بلغزاند مرا

الشَّيْطَانَ بَعْدَ الْحُجَّةِ وَالْبَيَانِ، فَاِنْ تُعَذِّبْنِيْ فَبِذَنُوْبِيْ غَيْرِ ظَالِمٍ اَنْتَ لِيْ،

شیطان پس از برقراری حجت و بیان اکنون اگر عذابم کنی بواسطه گناهان خود من است بدون آن که تو به من ستم کرده باشی

وَ اِنْ تَعَفَّ عَنِّيْ وَ تَرَحَّمْنِيْ فَبِحُجُوْدِكَ وَ كَرَمِكَ يَا كَرِيْمًا.

و اگر از من بگذری و به من رحم کنی آن هم بواسطه جود و بزرگواری توست ای بزرگوار.

سپس به سجده رفت و مکرر «یا کریم» گفت. آنگاه چنین گفت: یا مَنْ يَقْدِرُ عَلٰی حَوَائِجِ السَّائِلِينَ... تا آخر دعایی که در صفحه قبل آمد (و به آخرتی ختم می شود). آنگاه هفتاد مرتبه یا سیدی گفت. هنگامی که سر از سجده برداشت خوب نگاه کردم دیدم حضرت امام زین العابدین علیه السلام است، دست راستش را بوسیدم و عرض کردم برای چه این جا آمدید؟ فرمود: برای همین اعمال که دیدید.^۱

۴- اعمال ستون پنجم (مقام جبرئیل علیه السلام)

مقدمه:

از جمله قسمت های پرفضیلت مسجد کوفه، ستون پنجم است که شایسته است نزد آن نماز خواند و حاجات خود را از حق تعالی طلب نمود زیرا که در روایات معتبر وارد شده است که محل نماز حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام بوده است^۲ و این روایت، منافات با روایات دیگر که مقام حضرت ابراهیم علیه السلام را ستون هفتم می داند ندارد؛ زیرا ممکن است آن حضرت در همه این جایگاهها نماز بجا آورده باشد، و در حدیثی از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است که ستون پنجم مقام جبرئیل علیه السلام است^۳ چنان که در روایتی از ابواسماعیل آمده است که مقام امام حسن علیه السلام است.^۴ به هر حال، نزد این ستون نیز دو رکعت نماز می خوانی با حمد و هر سوره ای که خواهی و پس از سلام و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام می گویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ أَسْمَائِكَ كُلِّهَا، مَا عَلِمْنَا مِنْهَا وَمَا لَا نَعْلَمُ،

خدایا از تو درخواست کنم به همه نامهای همه آنها چه آنها که می دانیم و چه آنها که نمی دانیم

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْكَبِيرِ الْأَكْبَرِ، الَّذِي مَن دَعَاكَ بِهِ

و درخواست کنم به نام بزرگ و بزرگتر و کبیر و اکبر آن نامی که هر که تو را بدان بخواند

أَجَبْتَهُ، وَمَنْ سَأَلَكَ بِهِ أَعْطَيْتَهُ، وَمَنْ اسْتَنْصَرَكَ بِهِ نَصَرْتَهُ، وَمَنْ اسْتَعْفَرَكَ

پاسخش دهی و هر که بدان نام از تو چیزی درخواست کند به او بدهی و هر که بدان نام از تو یاری طلبد باری کنی و هر که بدان نام از تو آمرزش خواهد

بِهِ غَفَرْتَ لَهُ، وَمَنْ اسْتَعَانَكَ بِهِ أَعَنْتَهُ، وَمَنْ اسْتَرْزَقَكَ بِهِ رَزَقْتَهُ، وَمَنْ

بیمارزش و هر که از تو کمک خواهد کمکش دهی و هر که بدان نام از تو روزی خواهد روزیش دهی و هر که

اسْتَعَاثَكَ بِهِ أَعْتَمْتَهُ، وَمَنْ اسْتَرْحَمَكَ بِهِ رَحِمْتَهُ، وَمَنْ اسْتَجَارَكَ بِهِ

بدان از تو فریادری خواهد به فریادش رسی و هر که بدان رحم تو را جوید رحمش کنی و هر که بدان نام از تو پناه خواهد

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۳۸۸، حدیث ۱۱۲.

۲. کافی، جلد ۳، صفحه ۴۹۳، حدیث ۶.

۳. همان مدرک، حدیث ۷.

۴. همان مدرک، حدیث ۸.

أَجْرَتَهُ، وَمَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ بِهٖ كَفَيْتَهُ، وَمَنْ اسْتَعَصَمَكَ بِهٖ عَصَمْتَهُ، وَمَنْ

پناهش دهی و هرکه بدان بر تو توکل کند کفایتش کنی و هرکه بدان نام از تو نگهداری خواهد نگاهش داری و هرکه

اسْتَنْقَذَكَ بِهٖ مِنَ النَّارِ أَنْقَذْتَهُ، وَمَنْ اسْتَعَطَّفَكَ بِهٖ تَعَطَّفْتَ لَهُ، وَمَنْ أَمَلَكَ بِهٖ

بدان نام از تو رهایی از آتش طلبد رهاییش دهی و هرکه عطوفت تو را بدان نام طلب کند به او مهرورزی و هر که بوسیله آن به تو آرزومند شود

أَعْطَيْتَهُ، الَّذِي اتَّخَذَتْ بِهٖ آدَمَ صَفِيًّا، وَنُوحًا نَجِيًّا، وَإِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا،

به او عطا کنی، آن نامی که بوسیله آن آدم را صفی خود قرار دادی و نوح را همراز و ابراهیم را خلیل

وَمُوسَى كَلِيمًا، وَعِيسَى رُوحًا، وَمُحَمَّدًا حَبِيبًا، وَعَلِيًّا وَصِيًّا، صَلَّى اللهُ

و موسی را همسخن و عیسی را روح خود و محمد را حبیب و علی را وصی خود گرفتی - که درود خدا

عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، أَنْ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي، وَتَعْفُوَ عَمَّا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي، وَ

بر همگی ایشان باد - (بدان نام از تو درخواست کنم) که حاجاتم را برآوری و از گناهان گذشته‌ام درگذری و

تَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ لِدُنْيَا

تفضل کنی بر من بدانچه تو شایسته آنی و همچنین بر همه مردان مؤمن و زنان بالیمان در دنیا

وَالْآخِرَةِ، يَا مُفَرِّجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ، وَيَا غِيَاثَ الْمَلْهُوفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا

و آخرت ای گشاینده اندوه اندوهناکان و ای فریادرس درماندگان معبودی جز

أَنْتَ، سُبْحَانَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. ۱

تو نیست منزهی تو ای پروردگار جهانیان.

۵- اعمال ستون سوم (مقام امام زین العابدین علیه السلام)

آنگاه به سوی جایگاه امام زین العابدین علیه السلام می‌روی که در نزد ستون سوم قرار گرفته است. در این مکان نیز دو رکعت نماز با حمد و هر سوره که خواستی می‌خوانی و پس از سلام و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام می‌گویی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي قَدْ كَثُرَتْ، وَلَمْ يَبْقَ لَهَا إِلَّا

بنام خدای بخشاینده مهربان خدایا برستی گناهانم بسیار است و بجای نمانده برای آنها جز

رَجَاءُ عَفْوِكَ، وَقَدْ قَدَّمْتُ آلَةَ الْجِرْمَانِ إِلَيْكَ، فَأَنَا أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مَا لَا

امید گذشت تو و من پیش آورده‌ام ابزار محرومیت خود را بدرگاہت و از تو درخواست دارم خدایا چیزی را که

أَسْتَوْجِبُهُ، وَأَطْلُبُ مِنْكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّهُ، اللَّهُمَّ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِدْنُوْبِي، وَلَمْ

شایسته‌اش نیستم و می‌جویم از تو آنچه را که مستحقش نیستم خدایا اگر عذابم کنی بواسطه گناهانم می‌باشد و تو هیچ‌گونه

تَظْلِمْنِي شَيْئًا، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي، فَخَيْرٌ رَاحِمٍ أَنْتَ يَا سَيِّدِي، اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ،

ظلمی به من نکرده‌ای و اگر بیامرزیم پس تو بهترین رحم‌کنندگان ای آقای من خدایا تو همانی

وَ أَنَا أَنَا، أَنْتَ الْعَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ، وَ أَنَا الْعَوَادُ بِالذُّنُوبِ، وَأَنْتَ الْمُتَفَضَّلُ

و من همانم تویی که بسیار عادت داری به آمرزش و منم که بسیار عادت کرده‌ام به گناه و تویی که تفضل کنی

بِالْحِلْمِ، وَ أَنَا الْعَوَادُ بِالْجَهْلِ، اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ يَا كَنْزَ الضُّعْفَاءِ، يَا

به بردباری و منم که زیاد عادت کرده‌ام به نادانی خدایا پس از تو درخواست دارم ای گنج ناتوانان ای

عَظِيمِ الرَّجَاءِ، يَا مُنْقِذَ الْغَرَقِيِّ، يَا مُنْجِيَ الْهَلَكِيِّ، يَا مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ، يَا

بزرگ مایه امید ای نجات‌دهنده غریقان و ای نجات‌بخش هلاک شدگان ای میراننده زندگان و ای

مُحْيِي الْمَوْتِيِّ، أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ شُعَاعُ

زنده کننده مردگان تویی خدایی که معبودی جز تو نیست تویی که سجده کرد برایت تابش

الشَّمْسِ، وَ نُورُ الْقَمَرِ، وَ ظِلْمَةُ اللَّيْلِ، وَ ضَوْءُ النَّهَارِ، وَ خَفَقَانُ الطَّيْرِ،

خورشید و روشنی ماه و تاریکی شب و پرتو روز و بال زدن پرند

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا عَظِيمِ، بِحَقِّكَ يَا كَرِيمِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الصَّادِقِينَ، وَ

از تو خواهم خدایا ای خدای بزرگ به حق تو ای بزرگوار بر محمد و خاندان راستگوش و به

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الصَّادِقِينَ عَلَيْكَ، وَ بِحَقِّكَ عَلَى عَلِيٍّ، وَ بِحَقِّ عَلِيٍّ

حق محمد و خاندان راستگوش بر تو و به حق تو بر علی و به حق علی

عَلَيْكَ، وَ بِحَقِّكَ عَلَى فَاطِمَةَ، وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ عَلَيْكَ، وَ بِحَقِّكَ عَلَى

بر تو و به حق تو بر فاطمه و به حق فاطمه بر تو و به حق تو

الْحَسَنِ، وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْكَ، وَ بِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ، وَ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ

بر حسن و به حق حسن بر تو و به حق تو بر حسین و به حق حسین

عَلَيْكَ، فَإِنَّ حَقُّوْقَهُمْ مِنْ أَفْضَلِ أَنْعَامِكَ عَلَيْهِمْ، وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ

بر تو زیرا که حقوق ایشان از برترین نعمت‌بخشیهای تو است بر ایشان و بدان منزلتی که تو در

عِنْدَهُمْ، وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، صَلِّ يَا رَبِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً دَائِمَةً

پیش ایشان داری و بدان منزلتی که ایشان در پیش تو دارند درود فرست پروردگارا بر ایشان درودی همیشگی

مُنْتَهَى رِضَاكَ، وَاغْفِرْ لِي بِهِمُ الذُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ، وَاتِّمِّمْ نِعْمَتَكَ

تا سرحدّ خشنودیت و بیامرز بوسیله ایشان گناهای را که میان من و توست و تمام کن نعمت خود را

عَلَىٰ كَمَا اتَّيَمَّمْتَهَا عَلَىٰ آبَائِي مِنْ قَبْلُ، يَا كَهَيْعَصَ، اَللّٰهُمَّ كَمَا صَلَّيْتَ

بر من چنانچه تمام کردی آن را بر پدرانم پیش از این ای «کهیعیص» خدایا چنانچه درود فرستادی

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، فَاسْتَجِبْ لِي دُعَائِي فِيْمَا سَأَلْتُكَ.

بر محمد و آل محمد پس دعایم را به اجابت رسان در آنچه از تو خواستم.

سپس به سجده برو و طرف راست صورت را بر سجده گاه بگذار و بگو:

يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِي.

ای آقای من ای آقای من ای آقای من درود فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا...

و بسیار این کلمه را با خشوع بگو. آنگاه طرف چپ صورت را بر سجده گاه بگذار و همان دعا را بخوان.

بعد از آن هر حاجتی داری از خدا بخواه.^۱

۶- اعمال باب الفَرَجِ (معروف به مقام نوح عليه السلام)

پس از پایان اعمال ستون سوم به سراغ دکه باب امیرالمؤمنین عليه السلام که امروزه به مقام نوح عليه السلام در آن جا

معروف است برو و چهار رکعت نماز (هر دو رکعت یک سلام) با حمد و هر سوره‌ای که می‌خواهی، بخوان و

پس از تسبیح فاطمه زهرا عليها السلام بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْضِ حَاجَتِي يَا اَللّٰهُ، يَا مَنْ لَا

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و حاجتم را برآور ای خدا ای که نامید

يَخِيْبُ سَأَلُهُ، وَلَا يَنْفَدُ نَائِلُهُ، يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ،

نشود درخواست کننده‌اش و تمام نشود عطایش ای برآورنده حاجات ای اجابت کننده دعاها

يَا رَبَّ الْأَرْضَيْنِ وَالسَّمَوَاتِ، يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ، يَا وَاسِعَ الْعَطِيَّاتِ، يَا

ای پروردگار زمینها و آسمانها ای برطرف‌کننده گرفتاریها ای که عطاهايت وسيع است ای

دَافِعَ النَّقِمَاتِ، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ، عُدُّ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَفَضْلِكَ

دفع‌کننده بلاها ای تبدیل کننده بدیها به خوبیها بازگرد بر من به نعمت و فضل و احسان خودت

وَإِحْسَانِكَ، وَاسْتَجِبْ دُعَائِي فِيمَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ مِنْكَ، بِحَقِّ نَبِيِّكَ

و مستجاب کن دعایم را در آنچه از تو درخواست کنم و از تو می‌خواهم به حق پیامبرت

و وَصِيَّكَ وَأَوْلِيَاءِكَ الصَّالِحِينَ.

و وصیت و دوستان شایسته‌ات.

و نیز دو رکعت نماز دیگر بخوان و پس از سلام و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّي

من * * * * * خدايا

حَلَلْتُ بِسَاحَتِكَ لِعِلْمِي بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَصَمَدَانِيَّتِكَ، وَ اَنَّهُ لَا قَادِرَ عَلٰى

فرود آمدن به آستان چون علم دارم به یگانگی و بی‌نیازی تو و این‌که کسی جز تو قادر به

قَضَاءِ حَاجَتِيْ غَيْرِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ يَا رَبِّ اَنَّهُ كَلَّمَا شَاهَدْتُ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ،

برآوردن حاجتم نیست و به خوبی دانسته‌ام ای پروردگار من که هراندازه نعمت را در خود دریابم

اِسْتَدَدْتُ فَاقْتِي الْيَوْمَ، وَقَدْ طَرَقَنِي يَا رَبِّ مِنْ مَّهِمِّ امْرِيْ مَا قَدْ عَرَفْتَهُ،

نیاز و احتیاجم به تو بیشتر می‌گردد و اکنون ای پروردگار بر من فرود آمده پیش‌آمد مهمی که تو خود می‌دانی

لَا نَبِيَّكَ عَالِمٌ غَيْرُ مَعْلَمٍ، وَاسْأَلُكَ بِالْاِسْمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلٰى السَّمٰوٰتِ

زیرا تو دانایی هستی بدون معلم و از تو خواهم بدان اسمی که نهاده آن را بر آسمانها

فَانشَقَّتْ، وَعَلَى الْاَرْضَيْنِ فَاَنْبَسَطَتْ، وَعَلَى النُّجُوْمِ فَاَنْتَشَرَتْ، وَعَلَى

و آنها از هم جدا شد و بر زمینها و آنها پهن شد و بر ستارگان و آنها پراکنده گشت و بر

الْجِبَالِ فَاَسْتَقَرَّتْ، وَاسْأَلُكَ بِالْاِسْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ وَعِنْدَ عَلِيٍّ،

کوهها و آنها پابرجا شدند و از تو خواهم بدان نامی که به ودیعت نهاده آن را نزد محمد و نزد علی

وَعِنْدَ الْحَسَنِ وَعِنْدَ الْحُسَيْنِ، وَعِنْدَ الْاِيْمَةِ كُلِّهِمْ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ

و نزد حسن و نزد حسین و نزد همگی امامان - که دروهای تو بر همگی ایشان باد -

اَجْمَعِينَ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تُقْضِيَ لِيْ يَا رَبِّ

(از تو خواهم) که درود فرستی بر محمد و آل محمد و برآوری پروردگارا حاجتم را

حَاجَتِيْ، وَتَيْسِّرَ عَسِيْرَهَا، وَتَكْفِيْنِيْ مَهْمَهَا، وَتَفْتَحَ لِيْ قُفْلَهَا، فَاِنْ فَعَلْتَ

و آسان گردانی دشواریش را و کفایت کنی مهم آن را و باز کنی قفل آن را پس اگر چنین کردی

ذٰلِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَاِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَكَ الْحَمْدُ، غَيْرُ جَائِرٍ فِيْ حُكْمِكَ، وَلَا

ستایش تو راست و اگر هم نکردی (بازهم) ستایش تو راست که ستم نکرده‌ای در حکم خود و نه

فِي قَعْرِهِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ خَيْرَ

در قعر خود دارد از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و قرار دهی بهترین

أَمْرِي آخِرَهُ، وَخَيْرِ أَعْمَالِي خَوَاتِيمِهَا، وَخَيْرِ أَيَّامِي يَوْمَ الْقَاكِ، إِنَّكَ عَلَيَّ

وضع کارم را در آخرش و بهترین کردارم را پایان آن و بهترین روزهایم را آن روزی که تو را دیدار کنم که برستی تو به هر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ مِنْ اَرَادَنِيْ بِسُوْءٍ فَاْرِدْهُ، وَمَنْ كَادَنِيْ فَاْكِدْهُ، وَمَنْ

چیز توانایی خدایا هرکس بد مرا بخوهد تو بدش را بخواه و هر که نقشه برایم کشد تو درباره‌اش چنان کن و هر که

بَغَانِيْ بِهَلَاكَةٍ فَاْهْلِكْهُ، وَاکْفِنِيْ مَا اَهْمَنِيْ مِمَّنْ دَخَلَ هَمُّهُ عَلَيَّ، اَللّٰهُمَّ

آزوی نابودی مرا دارد نابودش کن و کفایت کن آنچه به اندوهم انداخته از کسی که اندوهمش بر من افتاده خدایا

اَدْخَلْنِيْ فِيْ دِرْعِكَ الْحَصِيْنَةِ، وَاسْتُرْنِيْ بِسِتْرِكَ الْوَاقِي، يَا مَنْ يَكْفِيْ مِنْ

درآور مرا در میان زره محکمت و بیوشانم به پوشش حفظکننده‌ات که کفایت کند از

كُلِّ شَيْءٍ، وَلَا يَكْفِيْ مِنْهُ شَيْءٌ، اِكْفِنِيْ مَا اَهْمَنِيْ مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ،

هر چیز و چیزی از او کفایت نکند کفایت کن آنچه مرا به اندوه انداخته از کار دنیا و آخرت

وَصَدَّقْ قَوْلِيْ وَفِعْلِيْ، يَا شَفِيْقُ يَا رَفِيْقُ، فَرِّجْ عَنِّي الْمَضِيْقَ، وَلَا

راست درآور گفتار و کردارم را ای مهرورز ای یار مهربان بگشا از من این گناه را و

تُحَمِّلْنِيْ مَا لَا اَطِيْقُ، اَللّٰهُمَّ اِحْرُسْنِيْ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَارْحَمْنِيْ

بارم مکن چیزی که تابش را ندارم خدایا نگهبانیم کن به آن دیدات که خواب ندارد و رحم کن

بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيْمَ، اَنْتَ عَالِمٌ بِحَاجَتِيْ،

به قدرتت بر من ای مهربانترین مهربانان ای والا ای بزرگ تو دانایی به حاجتم

وَ عَلَيَّ قَضَائِهَا قَدِيْرٌ، وَهِيَ لَدَيْكَ يَسِيْرٌ، وَ اَنَا اِلَيْكَ فَقِيْرٌ، فَمَنْ عَلَيَّ بِهَا يَا

و تو توانایی به برآوردن آن و آن در نزد تو آسان است و من هم نیازمند درگاه توام پس بوسیله آن بر من منت نه ای

كَرِيْمٌ، اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ * اَنْگَاهَ بَه سَجْدَه مِي رُوِي وَ مِي گُوِي: اِلٰهِيْ قَدْ

بزرگوار که برستی تو بر هر چیز توانایی * * * * * خدایا تو

عَلِمْتَ حَوَائِجِيْ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاقْضِهَا، وَقَدْ أَحْصَيْتَ ذُنُوْبِيْ،

می‌دانی حاجتم را پس درود فرست بر محمد و آل او و آنها را برآور و تو گناهانم را برشمرده‌ای

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاغْفِرْهَا يَا كَرِيْمٌ * بعد از آن طرف راست صورت را بگذار و

پس درود فرست بر محمد و آتش و گناهانم را بیامرز ای بزرگوار * * * * *

بگو: اِنْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ فَانْتَ نِعْمَ الرَّبُّ، اِفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلَا

*** اگر من بد بنده‌ای هستم پس تو خوب پروردگاری هستی انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی و

تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * آنگاه طرف چپ صورت را بگذار و بگو:

مکن با من آنچه را من سزاوار آنم ای مهربانترین مهربانان * * * * *

اللَّهُمَّ اِنْ عَظَمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ يَا كَرِيمٌ *

خدایا اگر بزرگ است گناه از بندهات باید نیکو باشد گذشت از نزد تو ای بزرگوار

سپس پیشانی را می‌گذاری و می‌گویی: اِرْحَمْ مَنْ أَسَاءَ وَاقْتَرَفَ، وَاسْتَكَانَ وَاَعْتَرَفَ. ۱

*** رحم کن به کسی که بدی کرده و دست به جنایت زده و به حال درماندگی افتاده و اعتراف دارد.

۷- اعمال محراب امیرالمؤمنین (علیه السلام) و مناجات آن حضرت

آنگاه نزد محراب امیرمؤمنان (علیه السلام)، همان مکانی که آن حضرت را ضربت زدند می‌روی و دو رکعت نماز

می‌خوانی و پس از تسبیح فاطمه زهرا (علیها السلام) می‌گویی:

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ، وَسَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ، وَلَمْ يَهْتِكِ

ای که آشکار سازد کار خوب را و بپوشاند عمل زشت را ای که نگیرد (کسی را) به جنایت و نَدَرَد

السُّتْرَ وَالسَّرِيرَةَ، يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا

پرده و درون را ای بزرگ گذشت ای نیکو درگذر ای پهناور آمرزش ای گسترده هر

بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى، يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى، يَا

دو دست خود به رحمت ای در نزد هر راز ای سرحد نهایی هر شیکوه ای

كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

بزرگوار چشم‌پوش ای بزرگ مایه امید ای آقای من درود فرست بر محمد و آل محمد

وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمٌ *^۲ و مناسب است در آن مکان مناجات معروف آن حضرت را

و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی ای بزرگوار. * * * * *

بخوانی: اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ الْاَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ، اِلَّا مَنْ اَتَى اللّٰهَ

* * * خدایا از تو امان خواهم در آن روزی که سود ندهد کسی را نه مال و نه فرزندان مگر آن کس که دلی پاک به

بِقَلْبٍ سَلِيمٍ، وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ، يَقُولُ يَا لَيْتَنِي

نزد خدا آورد و از تو امان خواهم در آن روزی که بگذرد شخص ستمکار هر دو دست خود را و گوید ای کاش

اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً، وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ

گرفته بودم با پیامبر راهی و از تو امان خواهم در روزی که شناخته شوند جنایتکاران به

بِسِيْمَاهُمْ، فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ، وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَجْزِي

سیما و رخساره‌شان و بگیرندشان به پیشانیها و قدمها و از تو امان خواهم در آن روزی که کفر نیند

وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ، وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئاً، إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ،

پدری بجای فرزندش و نه فرزندی کفر شود بجای پدرش برستی وعده خدا حق است

وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ، وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ

و از تو امان خواهم در آن روزی که سود ندهد ستمکاران را عذرخواهیشان و بر ایشان است لعنت و ایشان راست بدی

الدَّارِ، وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئاً، وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ،

آن سرای و از تو امان خواهم در روزی که مالک نیست کسی برای کسی دیگر چیزی را و کار در آن روز بدست خدا است

وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَفْرُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ، وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ، وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ،

و از تو خواهم امان در آن روزی که بگیرد انسان از برادر و مادر و پدر و همسر و فرزندان

لِكُلِّ امْرئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ، وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يُوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ

برای هر کس از ایشان در آن روز کاری است که (فقط) بدان پردازد و از تو خواهم امان در آن روزی که شخص جنایتکار دوست دارد

يَقْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بَنِيهِ، وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ، وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ،

که فدا دهد از عذاب آن روز پسرانش و همسرش و برادرش و خویشاوندانش که او را در پناه گیرند

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ثُمَّ يُنْجِيهِ، كَلَّا إِنهَا لَأَنزِيلٌ، نَزَّاعَةٌ لِلشَّوْىِ، مَوْلَاىِ

و هر که در زمین هست یکسره که بلکه او را نجات دهد، هرگز که جهنم آتشی است سوزان که پوست از سر بکند مولای

يَا مَوْلَاىِ، أَنْتَ الْمَوْلَىٰ وَ أَنَا الْعَبْدُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَىٰ، مَوْلَاىِ

من... تویی سرور و منم بنده و آیا رحم کند بر بنده جز سرور او مولای من

يَا مَوْلَاىِ، أَنْتَ الْمَالِكُ وَ أَنَا الْمَمْلُوكُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ إِلَّا الْمَالِكُ،

ای مولای من تویی مالک و منم مملوک و آیا رحم کند بر مملوک جز مالک

مَوْلَاىِ يَا مَوْلَاىِ، أَنْتَ الْعَزِيزُ وَ أَنَا الذَّلِيلُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ إِلَّا

مولای من ای مولای من تویی عزتمند و منم خوار و ذلیل و آیا رحم کند بر شخص خوار جز

الْعَزِيزُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْخَالِقُ وَ أَنَا الْمَخْلُوقُ، وَهَلْ يَرْحَمُ

عزیز مولای من ای مولای من تویی آفریدگار و منم آفریده و آیا رحم کند

الْمَخْلُوقَ إِلَّا الْخَالِقُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْعَظِيمُ وَ أَنَا الْحَقِيرُ، وَهَلْ

بر آفریده جز آفریدگار مولای من ای مولای من تویی بزرگ و منم ناچیز و آیا

يَرْحَمُ الْحَقِيرَ إِلَّا الْعَظِيمُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْقَوِيُّ وَ أَنَا الضَّعِيفُ،

رحم کند بر ناچیز جز بزرگ مولای من ای مولای من تویی نیرومند و منم ناتوان

وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ إِلَّا الْقَوِيُّ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ أَنَا

و آیا رحم کند بر ناتوان جز نیرومند مولای من ای مولای من تویی بی‌نیاز و منم

الْفَقِيرُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْمُعْطَى وَ أَنَا

نیازمند و آیا رحم کند بر نیازمند جز بی‌نیاز مولای من ای مولای من تویی عطابخش و منم

السَّائِلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطَى، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْحَيُّ وَ

سائل و آیا رحم کند بر سائل جز عطاکننده مولای من ای مولای من تویی زنده و

أَنَا الْمَيِّتُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ إِلَّا الْحَيُّ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْبَاقِي وَ

منم مرده و آیا رحم کند مرده را جز زنده مولای من ای مولای من تویی باقی و

أَنَا الْفَانِي، وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَانِيَ إِلَّا الْبَاقِي، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الدَّائِمُ وَ

منم فانی و آیا رحم کند بر فانی جز خدای باقی مولای من ای مولای من تویی همیشگی و

أَنَا الزَّائِلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا الدَّائِمُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الرَّازِقُ

منم زوال‌پذیر و آیا رحم کند بر زوال‌پذیر جز خدای همیشگی مولای من ای مولای من تویی روزی‌ده و

وَ أَنَا الْمَرْزُوقُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ إِلَّا الرَّازِقُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ

منم روزی‌خور و آیا رحم کند روزی‌خور را جز روزی‌ده مولای من ای مولای من تویی

الْجَوَادُ وَ أَنَا الْبَخِيلُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْبَخِيلَ إِلَّا الْجَوَادُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ،

سخاوتمند و منم بخیل و آیا رحم کند بر بخیل جز سخاوتمند مولای من ای مولای من

أَنْتَ الْمُعَافِي وَ أَنَا الْمُبْتَلَى، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُبْتَلَى إِلَّا الْمُعَافِي، مَوْلَايَ يَا

تویی عافیت‌بخش و منم گرفتار و آیا رحم کند بر شخص‌گرفتار جز عافیت‌بخش مولای من ای

مَوْلَايَ، أَنْتَ الْكَبِيرُ وَ أَنَا الصَّغِيرُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ إِلَّا الْكَبِيرُ، مَوْلَايَ

مولای من تویی بزرگ و منم کوچک و آیا رحم کند بر کوچک جز بزرگ مولای

يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْهَادِي وَ أَنَا الضَّالُّ، وَهَلْ يَرْحَمُ الضَّالَّ إِلَّا الْهَادِي،

من ای مولای من تویی راهنما و منم گمراه و آیا رحم کند بر گمراه جز راهنما

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ إِلَّا

مولای من ای مولای من تویی بخشاینده و منم بخش پذیر و آیا رحم کند بخش پذیر را جز

الرَّحْمَنُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ السُّلْطَانُ وَ أَنَا الْمُتَّحَنُّ، وَهَلْ يَرْحَمُ

بخشاینده مولای من ای مولای من تویی سلطان و منم گرفتار آزمایش و آیا رحم کند

الْمُتَّحَنَّ إِلَّا السُّلْطَانُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الدَّلِيلُ وَ أَنَا الْمُتَّحِيرُ،

به بنده گرفتار آزمایش جز سلطان مولای من ای مولای من تویی دلیل و راهنما و منم متحیر و سرگردان

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُتَّحِيرَ إِلَّا الدَّلِيلُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْغَفُورُ وَ أَنَا

و آیا رحم کند سرگردان را جز راهنما مولای من ای مولای من تویی آمرزنده و منم

الْمُذْنِبُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُذْنِبَ إِلَّا الْغَفُورُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْغَالِبُ وَ

گنهکار و آیا رحم کند گنهکار را جز آمرزنده مولای من ای مولای من تویی غالب و

أَنَا الْمَغْلُوبُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ إِلَّا الْغَالِبُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ

منم مغلوب و آیا رحم کند بر مغلوب جز غالب مولای من ای مولای من تویی

الرَّبُّ وَ أَنَا الْمَرْبُوبُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ إِلَّا الرَّبُّ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ،

پروردگار و منم پروریده و آیا رحم کند پروریده را جز پروردگار مولای من ای مولای من

أَنْتَ الْمُتَّكَبِّرُ وَ أَنَا الْخَاشِعُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْخَاشِعَ إِلَّا الْمُتَّكَبِّرُ، مَوْلَايَ يَا

تویی خدای با کبریا و بزرگمنش و منم بنده فروتن و آیا رحم کند بر فروتن جز خدای بزرگمنش مولای من ای

مَوْلَايَ، إِزْ حَمْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَارْضَ عَنِّي بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ فَضْلِكَ، يَا

مولای من به من رحم کن به رحمت خود و خشود شو از من به جود و کرم و فضل خود ای

ذَالْجُودِ وَالْإِحْسَانِ، وَالطُّوْلِ وَالْإِمْتِنَانِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱.

صاحب جود و احسان و نعمت و امتنان به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

۸- اعمال مقام حضرت امام صادق علیه السلام

پس به سوی مقام حضرت امام صادق علیه السلام که در نزدیکی قبر حضرت مسلم بن عقیل رضی الله عنه واقع شده

است برو و آن جا دو رکعت نماز بخوان و پس از سلام و تسبیح فاطمه زهرا رضی الله عنها بگو:

يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، وَيَا جَابِرَ كُلِّ كَاسِرٍ، وَيَا حَاضِرَ كُلِّ مَآلٍ، وَيَا

ای سازنده هر ساخته و ای جبران کننده هر شکسته و ای حاضر هر انجمن و ای

شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى، وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَيَا شَاهِدًا غَيْرَ غَائِبٍ، وَيَا غَالِبًا

گواه هر راز و ای دانای هر پنهان و ای حاضری که پنهان نشود و ای غالب

غَيْرَ مَغْلُوبٍ، وَيَا قَرِيبًا غَيْرَ بَعِيدٍ، وَيَا مُؤَنَسَ كُلِّ وَحِيدٍ، وَيَا حَى حَى حِينَ

شکستناپذیر و ای نزدیکی که دور نشود و ای همدم هر تنها و ای زنده در آن زمان

لَا حَى غَيْرُهُ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، وَمُمِيتَ الْأَحْيَاءِ، أَلْقَائِمَ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ

که زنده ای جز او نبود ای زنده کن مردگان و میراننده زندگان و مراقب هر کس

بِمَا كَسَبَتْ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

بدانچه کرده است معبودی نیست جز تو درود فرست بر محمد و آل محمد.

آنگاه هر حاجتی داری از خدا بخواه.^۱

۹- نماز حاجت در مسجد کوفه

از حضرت امام صادق رضی الله عنه روایت شده که هر کس دو رکعت نماز در مسجد کوفه بجا آورد و در هر رکعت حمد و سوره های ناس، فلق، إخلاص، کافرون، نصر، سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى و قدر را بخواند و پس از سلام، هر حاجتی که دارد از خدا طلب کند، خداوند حاجتش را برآورده و دعایش را مستجاب می کند.^۲

یادآوری:

این نکته حائز اهمیت است که زوَّار محترم هر گاه وقت کافی برای انجام تمام این اعمال نداشته باشند، می توانند بخشی از آن را انجام دهند و مهم این است که حال دعا و مناجات و توجه به معبود را در این مکان مقدس تحصیل کنند.

زیارت حضرت مسلم بن عقیل رضی الله عنه

هنگامی که از اعمال مسجد کوفه فارغ شدی به سوی قبر مسلم بن عقیل (رضوان الله تعالی علیه) -

۱. مصباح الزائر، صفحه ۹۸ و بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۴۲۵.

۲. امالی طوسی، صفحه ۴۱۵، حدیث ۸۴.

سفیر مخصوص امام حسین علیه السلام و نخستین شهید از خیل شهیدان کربلا - که در کنار مسجد است می‌روی و نزد آن قبر شریف می‌گویی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ، الْمُتَضَاعِرِ لِعَظَمَتِهِ جَبَابِرَةِ الطَّاغِينِ،

ستایش از آن خدای پادشاه برحق آشکار آن که کوچک گردند در برابر عظمتش گردن‌کشان سرکش

الْمُعْتَرِفِ بِرُبُوبِيَّتِهِ جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، الْمَقْرَّبِ بِتَوْحِيدِهِ

و آن کس که اعتراف دارند به پروردگارش همه اهل آسمانها و زمینها و اقرار دارند به یگانگیش

سَائِرِ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبَاءِ، وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْكِرَامِ،

همه مخلوقات به تمامی و درود خدا بر آقای تمامی بشر و خاندان گرامیش

صَلَاةً تُقَرَّبُ بِهَا أَعْيُنُهُمْ، وَتُرْغَمُ بِهَا أَنْفُ شَائِنِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ

درودی که روشن گردانی بدان دیدگانشان را و به خاک بمالی بدان بینی بدگوشان را از جن و انس

أَجْمَعِينَ، سَلَامٌ اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَسَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَآئِهِ

همگی سلام خدای والای بزرگ و سلام فرشتگان مقربش و پیامبران

الْمُرْسَلِينَ، وَ أُمَّتِهِ الْمُنتَجَبِينَ، وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، وَجَمِيعِ الشُّهَدَاءِ

مرسلش و پیشوایان برگزیده‌اش و بندگان شایسته‌اش و همه شهیدان

وَالصَّادِقِينَ، وَالزَّكَايَاتُ الطَّيِّبَاتُ فِيمَا تَعْتَدِي وَتَرْمُوحُ، عَلَيْكَ يَا مُسْلِمَ

و راستگویان و دروذهای پاکیزه و پاک در بامداد و پسین بر تو ای مسلم

بْنَ عَقِيلِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ،

بن عقیل بن ابی‌طالب و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که برستی تو برپا داشتی نماز را

وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ فِي

و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک) و نهی کردی از منکر (کار زشت) و جهاد کردی در

اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَقَتَلْتَ عَلَىٰ مِنْهَا جِ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِهِ، حَتَّىٰ لَقِيتَ

راه خدا آن طور که شاید و کشته شدی بر راه جهادکنندگان در راه خدا تا این‌که خدای عزوجل را دیدار کردی

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَهُوَ عَنْكَ رَاضٍ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَبَدَلْتَ

در حالی‌که او از تو خشنود بود و گواهی دهم که تو برستی وفا کردی به پیمان خدا و بدادی جان

نَفْسَكَ فِي نُصْرَةِ حُجَّةِ اللَّهِ وَأَبْنِ حُجَّتِهِ، حَتَّىٰ أَتَيْتَ الْيَقِينَ، أَشْهَدُ لَكَ

خود را در یاری حجت و فرزند حجت خدا تا این که مرگ به سراغت آمد گواهی دهم برای تو

بِالتَّسْلِيمِ وَالْوَفَاءِ وَالنَّصِيحَةِ، لِخَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ، وَالسَّبْطِ الْمُنتَجَبِ،

به این که تسلیم گشتی و وفاداری و خیرخواهی کردی برای یادگار پیامبر مرسل و آن سبط (نوه) برگزیده

وَالدَّلِيلِ الْعَالِمِ، وَالْوَصِيِّ الْمُبْلَغِ، وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ

و راهنمای دانشمند و وصی تبلیغ کننده و آن ستم‌دیده‌ای که حقش را پایمال کردند پس خداوند پاداش دهد تو را از

رَسُولِهِ وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَنْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا

جانب پیامبرش و از امیر مؤمنان و از حسن و حسین بهترین پاداشها را به خاطر

صَبْرَتِ وَاحْتِسَبَتِ وَأَعْنَتِ، فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ

آن بردباری و پاداشجویی و کمکی که کردی و چه خوب است خانهٔ سرانجام تو خدا لعنت کند کسی که تو را کُشت و خدا لعنت کند

اللَّهُ مَنْ أَمَرَ بِقَتْلِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ افْتَرَى عَلَيْكَ، وَلَعَنَ

کسی که دستور داد به کُشتنت و خدا لعنت کند کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند کسی را که بر تو دروغ بست و خدا لعنت

اللَّهُ مَنْ جَهَلَ حَقَّكَ، وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَايَعَكَ وَغَشَّكَ،

کند کسی که نادانی کرد در حق تو و سبک شمرد حرمت تو را و خدا لعنت کند کسی که با تو بیعت کرد و فریب داد

وَخَذَلَكَ وَأَسْلَمَكَ، وَمَنْ أَلَبَّ عَلَيْكَ وَ لَمْ يُعِنِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ

و دست از یاریت برداشته تو را تسلیم دشمن کرد و آن که دشمن را بر علیه تو شورا داد و کمکت نکرد ستایش خدایی را که

النَّارَ مَثْوِيَهُمْ، وَيَسَسُ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتَلْتَ مَظْلُومًا، وَأَنَّ اللَّهَ

دوزخ را جایگاه ایشان قرار داد و بد جایگاهی است برای واردین گواهی دهم که برستی تو مظلوم کشته شدی و حتماً خداوند

مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ، جِئْتُكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكُمْ، مُسْلِمًا لَكُمْ، تَابِعًا

وفا کند به آن وعده‌ای که به شما داده است آمده‌ام به درگاهت برای زیارت و شناساییم به حق شما و تسلیم شما و پیرو

لِسُنَّتِكُمْ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ،

طریقه و روش شما هستم و یاریم برای شما آماده است تا این که خدا حکم فرماید و او بهترین حکم‌کنندگان است

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلَىٰ أَرْوَاحِكُمْ

پس با شما هم با شما نه با دشمن شما دروذهای خدا بر شما و بر ارواحتان

وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ

و بر اجسادتان و بر حاضر و غایبان و سلام بر شما و رحمت خدا

بَرَكَاتِهِ، قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتُمْ بِالْأَيْدِي وَاللِّسَانِ. ۱

و برکاتش، بکشد خدا آن مردمی که شما را کشتند بوسیلهٔ دستها و زبانهاشان.

یادآوری: «مزار کبیر» بخشی از کلمات فوق را به منزله اذن دخول قرار داده است.^۱
 آنگاه اشاره به ضریح کرده، می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَلَا مِيزَ

سلام بر تو ای بنده شایسته پیرو خدا و رسولش و امیر

الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِينَ وَالْحُسَيْنِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَسَلَامٌ عَلَى

مؤمنان و حسن و حسین علیهم السلام ستایش برای خدا است و سلام بر

عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

بندگان برگزیده خدا (یعنی) محمد و آل او و سلام بر شما و رحمت خدا و برکاتش

وَمَغْفِرَتُهُ، وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَيَّ مَا مَضَى عَلَيْهِ

و آمرزشش و بر روح تو و بدنت گواهی دهم که تو برستی برفتی بر همان راهی که رفتند بر آن

الْبَدْرِيُّونَ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الْمُبَالِغُونَ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ

جنگجویان بدر و جهادکنندگان در راه خدا و کوشش‌کنندگان در پیکار دشمنان خدا

و نُصْرَةَ أَوْلِيَائِهِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَآكْثَرَ الْجَزَاءِ، وَأَوْفَرَ جَزَاءِ

و یاری دوستانش پس خدایت پاداش دهد بهترین پاداش و بیشترین پاداش و شایان‌ترین پاداش

أَحَدٍ مِّمَّنْ وَفِي بَيْعَتِهِ، وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ، وَأَطَاعَ وَلاَةَ أَمْرِهِ، أَشْهَدُ

هر کدامیک از آنها که وفا کرد به بیعتش و پاسخ داد به دعوتش و پیروی کرد از زمامداران فرمانش گواهی دهم

أَنَّكَ قَدْ بَالَعْتَ فِي النَّصِيحَةِ، وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ، حَتَّى بَعَثَكَ اللَّهُ فِي

که تو کوتاهی نکردی در خیرخواهی و حد اعلای کوشش را کردی تا این که خداوند تو را برانگیخت در

الشُّهَدَاءِ، وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ السُّعْدَاءِ، وَأَعْطَاكَ مِنْ جَنَانِهِ أَفْسَحَهَا

زمره شهیدان و قرار داد روح تو را با ارواح نیک‌بختان و بداد به تو از بهشتش وسیعترین

مَنْزِلًا، وَأَفْضَلَهَا غُرْفًا، وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي الْعَالَمِينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ

منزلها و بهترین غرفه‌ها را و بالا برد نامت را در جایگاههای بلند و تو را محشور کرد با پیامبران

وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ

و صدیقان و شهیدان و شایستگان و چه نیکو رفیقانی هستند گواهی دهم که برستی تو

تَهْنُ وَلَمْ تَنْكُلْ، وَأَنَّكَ قَدْ مَضَيْتَ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ،

سستی نکردی و گندی نوزیدی و با بینایی کامل در کار خویش گام برداشتی به شایستگان اقتدا کردی

وَمُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ، فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ، وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَأَوْلِيَّائِهِ فِي

و از پیروان پیروی نمودی پس خدا گرد آورد میان ما و تو و میان پیامبر و دوستانش

مَنَازِلِ الْمُخْبِتِينَ، فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * سپس دو رکعت نماز در بالای سر بخوان

در منزلگاههای بندگان فروتن او که براستی او مهربانترین مهربانان است * * * * *

وَأَنْ رَأَيْتَهُ أَنْ جَنَابِ هَدِيَّةٍ نَمَا وَبِغَوْ: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَدْعُ لِي... * * * * *

* * * * * خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بجا نگذار برایم گناهی. *

و این همان دعایی است که در حرم حضرت عباس رضی الله عنه خوانده می شود و بعداً خواهد آمد، (صفحه ۳۸۹).
و اگر خواستی وداع کنی با جناب مسلم رضی الله عنه همان وداعی را که در زیارت جناب عباس رضی الله عنه ذکر می شود، بخوان!، (صفحه ۳۹۰).

زیارت هانی بن عروه رضی الله عنه

آنگاه کنار قبر هانی رضی الله عنه که آن نیز در کنار مسجد است می روی و پس از سلام بر رسول مکرّم صلی الله علیه و آله می گویی:

سَلَامٌ اَللّٰهُ اَلْعَظِيْمُ وَصَلَوَاتُهُ عَلَیْكَ يَا هَانِيَّ بْنَ عُرْوَةَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا

سلام خدای بزرگ و درودهایش بر تو ای هانی فرزند عروه سلام بر تو ای

اَلْعَبْدُ الصَّالِحُ، اَلنَّاصِحُ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ، وَاَلْاَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَلْحَسَنُ

بنده شایسته خیرخواه خدا و رسول او و امیر مؤمنان مؤمنان و حسن

وَاَلْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اَشْهَدُ اَنَّكَ قَتِلْتَ مَظْلُوْمًا، فَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ قَتَلَكَ،

و حسین علیهم السلام گواهی دهم که تو برستی مظلوم کشته شدی خدا لعنت کند کسی که تو را کشت

وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ، وَحَشَى قُبُوْرَهُمْ نَارًا، اَشْهَدُ اَنَّكَ لَقِيْتَ اللّٰهَ وَهُوَ رَاضٍ

و خونت را حلال دانسته و پرکند گورشان را از آتش گواهی دهم که تو دیدار کردی خدا را در حالی که از تو خشنود بود

عَنْكَ بِمَا فَعَلْتَ وَنَصَحْتَ، وَاشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ دَرَجَةَ الشُّهَدَاءِ، وَجُعِلَ

بدان کاری که کردی و برای خیرخواهیت و گواهی دهم که تو رسیدی به درجه شهیدان و قرار گرفت

رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ السُّعَدَاءِ، بِمَا نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ مُجْتَهِدًا، وَبَذَلْتَ

روح تو با ارواح خوشبختان به خاطر آن خیرخواهی که برای خدا و رسولش کردی و کوششت و بذل

نَفْسِكَ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَمَرْضَاتِهِ، فَرَحِمَكَ اللَّهُ وَرَضِيَ عَنْكَ، وَحَشَرَكَ مَعَ

جانت درباره خدا و خشنودی خدا و خدایت رحمت کند و از تو خشنود گردد و تو را با

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَجَمَعَنَا وَإِيَّاكَ مَعَهُمْ فِي دَارِ النَّعِيمِ، وَسَلَامٌ عَلَيْكَ

محمد و آل پاکش محشور گرداند و گردآورد ما و شما را با ایشان در خانه نعمت و سلام بر تو

وَرَحْمَةٌ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و رحمت خدا و برکاتش.

سپس دو رکعت نماز می‌گذاری و آن را به روح آن بزرگوار هدیه می‌کنی و حاجات خود را از خداوند

طلب می‌کنی.^۱

۱. مصباح الزائر، صفحه ۱۰۴ و بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۴۲۹ (با اندکی تفاوت).

فصل چهارم

فضیلت و اعمال مسجد «سهله» و «زید» و «صعصعه»

فضیلت مسجد سهله:

بعد از مسجد بزرگ کوفه، نوبت به مسجد سهله می‌رسد که در بعضی از روایات مسجد «سهیل» و در بعضی روایات دیگر مسجد «شری» و در روایت سوّمی مسجد «بنی ظفر» نیز نامیده شده،^۱ و میعادگاه عاشقان و دلباختگان حضرت بقیةالله الاعظم، امام زمان (صلوات الله علیه) می‌باشد و در روایات، فضایل زیادی برای آن نقل شده که از آن جمله است:

- ۱- خانه ادریس پیامبر علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام و خانه انبیا و اوصیا و صالحان بود.^۲
- ۲- در بعضی از روایات آمده: «فیه المعراج»^۳ که ممکن است اشاره به این باشد که معراج معنوی مؤمنان، در این مسجد حاصل می‌شود یا این که اشاره به این است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله پس از فرود آمدن در شب معراج به مسجد کوفه، (که در بعضی از روایات وارد شده که حضرت، فرود آمدند و در مسجد کوفه دو رکعت نماز خواندند)^۴ وارد مسجد سهله شدند و از آن جا به آسمان عروج کردند.
- ۳- کسی که در این مسجد، خدا را به آنچه که دوست دارد بخواند حوائجش برآورده می‌شود... و از مشکلات دنیا و حیل‌های دشمنانش در امان قرار می‌گیرد.^۵
- ۴- خداوند پیامبری را مبعوث نکرد مگر این که در این مسجد نماز خواند.^۶
- ۵- «شیخ طوسی» در کتاب «تهذیب» از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که هیچ غم‌زده و دردمندی وارد مسجد سهله نمی‌شود و بین نماز مغرب و عشا، دو رکعت نماز نمی‌خواند مگر این که خداوند مشککش را حل می‌کند.^۷

۱. اسم «سهیل» در کامل الزیارات، باب ۸، حدیث ۱۰ و ۱۱ و اسم «بنی ظفر» در کافی، جلد ۳، صفحه ۴۸۹، حدیث ۱ و اسم «شری» در قرب الاسناد، صفحه ۷۴، آمده است.

۲. رجوع شود به: کامل الزیارات، باب ۸، صفحه ۲۹، حدیث ۱۰ و ۱۱، و فقیه، جلد ۱، صفحه ۲۳۲، حدیث ۶۹۷.

۳. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۴۳۷، حدیث ۸ به نقل از کامل الزیارات، صفحه ۳۰، حدیث ۱۰.

۴. کامل الزیارات، باب ۸، صفحه ۲۸، حدیث ۶. ۵. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۴۳۴، حدیث ۱.

۶. همان مدرک، صفحه ۴۳۵، حدیث ۳.

۷. همان مدرک، صفحه ۴۴۰، حدیث ۲۰ به نقل از تهذیب، جلد ۶، صفحه ۳۸، حدیث ۲۱ و در بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۴۳۷، حدیث ۹، به نقل از قرب الاسناد، صفحه ۷۴ به طور مطلق و بدون قید «بین نماز مغرب و عشا» چنین مژده‌ای وارد شده است.

۶- امام صادق علیه السلام خطاب به ابوبصیر فرمود: «این مسجد از بقعه‌هایی است که خداوند دعا و درخواست در آن را دوست دارد و هیچ روز و شبی نیست مگر این‌که فرشتگان، این مسجد را زیارت و خدا را در آن عبادت می‌کنند...»^۱

۷- طبق روایتی از امام صادق علیه السلام اقامت در این مسجد (برای عبادت) همانند اقامت در خیمه رسول الله صلی الله علیه و آله است و هیچ مرد و زن مؤمنی نیست مگر این‌که دلش مشتاق این مسجد است.^۲

اعمال مسجد سهله:

۱- چنان‌که گذشت دو رکعت نماز بین نماز مغرب و عشا بجا آورد و حاجتش را بخواهد که برآورده خواهد شد ان شاء الله.

۲- اعمالی را بجا آورد که جمعی از بزرگان علما در کتب مختلف^۳ نقل کرده‌اند و بعضی از بزرگان برای انجام آن، شب چهارشنبه، بین نماز مغرب و عشا را از اوقات دیگر مناسبتر می‌دانند^۴ (از بعضی روایات استفاده می‌شود که قسمتی از این اعمال به وسیله حضرت خضر علیه السلام تعلیم داده شد، که خواهد آمد) و آن اعمال به قرار ذیل است:

هنگامی که خواستی وارد مسجد شوی نزد در آن بایست و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنَ اللَّهِ وَآلِي اللَّهِ، وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، تَوَكَّلْتُ

به نام خدا و به ذات خدا و از جانب خدا و بسوی خدا و آنچه خدا خواهد و بهترین نامها از خدا است توکل کنم

عَلَى اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ

بر خدا و نیست جنبش و نیرویی جز به خدای والای بزرگ خدایا قرار ده مرا از

عُمَارِ مَسَاجِدِكَ وَبُيُوتِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ

آبادکنندگان مساجد و خانه‌های خدایا من به تو رو کنم بوسیله محمد و آل محمد و

أَقْدَمُهُمْ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي، فَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي

پیش‌انداز آنها را در جلوی حاجت‌هایم پس قرارم ده خدایا بوسیله ایشان در پیش خود آبرومند در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَذَنْبِي

دنیا و آخرت و از مقربان خدایا قرار ده نمازهایم را بدیشان پذیرفته و گناهم را

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۴۳۶، حدیث ۷ و مزار کبیر، صفحه ۱۳۵.

۲. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۴۳۵، حدیث ۳، همان مدرک، صفحه ۴۴۳، حدیث ۲۲ و مزار کبیر، صفحه ۱۳۷.

۴. مصباح الزائر، صفحه ۱۰۵.

بِهِمْ مَغْفُورًا، وَرِزْقِي بِهِمْ مَبْسُوطًا، وَدُعَائِي بِهِمْ مُسْتَجَابًا، وَحَوَائِجِي بِهِمْ

آمرزیده و روزیم را بدیشان فراخمد و دعایم را بدیشان اجابت شده و حاجت‌هایم را بدیشان

مَقْضِيَّةً، وَانْظُرْ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ نَظْرَةً رَحِيمَةً، أَسْتَوْجِبُ بِهَا الْكِرَامَةَ

برآورده و بنگر بمن بروی بزرگواری نگرستی مهربانانه که سزاوار گردم بدان بزرگواری در پیش

عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تُصْرِفْهُ عَنِّي أَبَدًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا مُقَلِّبَ

تو را سپس آن را از من باز مگردان هرگز به رحمت ای مهربانترین مهربانان ای گرداننده

الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ، وَدِينِ نَبِيِّكَ وَوَلِيِّكَ، وَلَا تُزِغْ

دلها و دیدگان پایجا کن دلم را بر دین خود و دین پیامبرت و نمایندهات، منحرف مکن

قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ،

دلم را پس از آن که هدایت کردی و ببخش به من از نزد خویش رحمتی که برستی تویی بخشایشگر

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَمَرْضَاتِكَ طَلَبْتُ، وَثَوَابِكَ ابْتَغَيْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ،

خدایا بسوی تو رو کنم و خشنودی تو را جویم و پاداش نیک تو را خواهانم و به تو ایمان دارم

وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، اللَّهُمَّ فَأَقْبِلْ بَوَجْهِكَ إِلَيَّ، وَأَقْبِلْ بَوَجْهِی إِلَيْكَ.

و بر تو توکل کنم خدایا پس روی خود را بسویم کن و روی مرا بسوی خود گردان.

سپس آیه‌الکرسی و سوره ناس و فلق را بخوان و هفت مرتبه سبحان الله و هفت مرتبه الحمد لله و

هفت مرتبه لا اله الا الله و هفت مرتبه الله اکبر بگو، آنگاه بخوان:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا هَدَيْتَنِي، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَضَّلْتَنِي، وَلَكَ

خدایا از تو است ستایش بخاطر آن که مرا راهنمایی کردی و از تو است ستایش بر آنچه برتریم دادی و از تو است

الْحَمْدُ عَلَى مَا شَرَّفْتَنِي، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ بَلَاءٍ حَسَنٍ ابْتَلَيْتَنِي،

ستایش بر آن که شرافتم دادی و از تو است ستایش بر هر آزمایش نیکویی که مرا بدان آزمودی

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ صَلَاتِي وَدُعَائِي، وَطَهِّرْ قَلْبِي، وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَتُبْ

خدایا بپذیر نمازم را و دعایم را و پاک گردان دلم را و باز کن سینهام را و توبهام بپذیر

عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.^۱

که برستی تویی توبه‌پذیر مهربان.

۱. برای این قسمت از اعمال، به مدرکی غیر از آنچه مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) به عنوان بعضی از کتب مزاریه نقل می‌کند دست نیافتیم، جز آنچه در مصباح‌المتهجد صفحه ۱۳۰-۱۳۲، آن هم به عنوان اعمال مطلق مساجد و با تفاوت‌های قابل ملاحظه نقل شده است.

بعد از آن داخل مسجد شو و دو رکعت نماز بجا آور و دستها را به سوی آسمان بالا ببر و عرضه بدار:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُبْدِيُ الْخَلْقِ وَمَعِيدُهُمْ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

تویی خدایی که معبودی جز تو نیست آغازنده خلق و بازگرداننده آنها و تویی خدایی که معبودی جز تو نیست

خَالِقُ الْخَلْقِ وَرَازِقُهُمْ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْقَابِضُ الْبَاسِطُ، وَأَنْتَ

آفریننده خلق و روزی ده آنها و تویی خدایی که معبودی جز تو نیست برگرنده و گسترده‌ای و تویی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، وَبَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، أَنْتَ وَارِثُ

خدایی که معبودی جز تو نیست تدبیرکننده اموری و برانگیزنده ساکنان در گوری تویی وارث

الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ،

زمین و ساکنان آن از تو خواهم به نامت که در گنجینه و پنهان است ای زنده پاینده

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَالِمُ السِّرِّ وَأَخْفَى، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا

و تویی خدایی که معبودی جز تو نیست دانای نهان و نهاتر از تو خواهم بدان نامت که هرگاه بدان

دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ، وَإِذَا سُئِلْتَ بِهِ أَعْطَيْتَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى مُحَمَّدٍ

تو را خوانند اجابت کنی و چون بدان از تو درخواست شود عطا کنی و از تو خواهم به حقی که تو بر محمد

وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و خاندانش داری و به حقی که از ایشان بر خود واجب کردی که درود فرستی بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ، يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ،

و آل محمد و برآوری حاجتم را همین ساعت همین ساعت ای شنوای دعا

يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا غِيَاثَاهُ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ،

ای آقای من ای سرور من ای دادرس من، از تو خواهم به هر نامی که خود را بدان نامیدی

أَوْ اسْتَأْثَرْتُ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

یا انتخابش کردی آن را در علم غیب نزد خودت که درود فرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَنَا السَّاعَةَ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ.

و شتاب کنی در گشایش ما همین ساعت ای گرداننده دلها و دیده‌ها ای شنوای دعا.

سپس به سجده برو و با اظهار خشوع هر آنچه می‌خواهی از خدا طلب کن،^۱ آنگاه به محلی

۱. مصباح الزائر، صفحه ۱۰۵ و بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۴۴۱، حدیث ۲۱ و مزار کبیر، صفحه ۱۳۷. قابل توجه است که مطابق نقل

که معروف به خانه حضرت ابراهیم علیه السلام است می‌روی و دو رکعت نماز می‌خوانی و پس از تسبیح حضرت زهرا علیها السلام می‌گویی:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْبُقْعَةِ الشَّرِيفَةِ، وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهَا، قَدْ عَلِمْتَ

خدایا به حق این بقعه شریفه و به حق هر کس که تو را در آن پرستش کرده تو که می‌دانی

حَوَائِجِي، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْضِهَا، وَقَدْ أَحْصَيْتَ ذُنُوبِي،

حاجات مرا پس درود فرست بر محمد و آل محمد و حاجاتم را برآور و تو که شماره کرده‌ای گناهانم را

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ هَالِي، اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا كَانَتْ الْحَيَاةُ

پس درود فرست بر محمد و آل محمد و آنها را ببیمرز برای من خدایا زنده بدار مرا تا وقتی که زنده بودن برام

خَيْرًا لِي، وَأَمْتِنِي إِذَا كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي عَلَى مُوَالَاةِ أَوْلِيَاءِكَ، وَ

بمخیرتر است و بمیرانم وقتی که مرگ برام بهتر است بر حال دوست داشتن دوستان

مُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و دشمن داشتن دشمنان و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی ای مهربانترین مهربانان.

بعد از آن به گوشه دیگر مسجد که در سمت مغرب و قبله واقع شده می‌روی و دو رکعت نماز می‌خوانی و دستها را بلند می‌کنی و این دعا را می‌خوانی:

اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، وَ طَلَبَ نَائِلِكَ، وَ رَجَاءَ

خدایا من این نماز را خواندم به امید بدست آوردن خشنودیت و به طلب عطایت و به امید

رِفْدِكَ وَ جَوَائِزِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي بِأَحْسَنِ قَبُولٍ،

دستگیری و جایزه‌هایت پس درود فرست بر محمد و آل محمد و بپذیر آن را از من به بهترین پذیرفتن

وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ الْمَأْمُولَ، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و به رحمت خود مرا به آرزویم برسان و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی ای مهربانترین مهربانان.

آنگاه به سجده می‌روی و دو طرف صورت را بر سجده گاه می‌گذاری، بعد از آن به گوشه دیگر مسجد که در طرف مشرق است می‌روی و پس از دو رکعت نماز، دستها را می‌گشایی و می‌گویی:

اللَّهُمَّ إِنَّ كُنْتُ الذُّنُوبَ وَالْخَطَايَا قَدْ أَخْلَقْتَ وَجْهِي عِنْدَكَ، فَلَمْ تَرْفَعْ لِي

خدایا اگر چنان است که گناهان و خطاها رویم را نزد تو فرسوده کرده است و در نتیجه بالا نرود از من

→ بحار، این دعا را امام صادق علیه السلام برای نجات زنی که به جهت اظهار بیزارگی از کسانی که بر حضرت فاطمه صدیقه علیها السلام ستم کردند، دستگیر شد در مسجد سهله خواندند و مؤلفان کتب مزار، آن را با اندک تفاوتی که قابل تطبیق بر هر نیازمند دیگری است، نقل کرده‌اند.

إِلَيْكَ صَوْتًا، وَلَمْ تَسْتَجِبْ لِي دَعْوَةً، فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَ يَا اللَّهُ، فَإِنَّهُ لَيْسَ

بسوی تو آوازی و اجابت نکنی برایم دعایی را پس از تو خواهم به حق خودت ای خدا زیرا نیست

مِثْلَكَ أَحَدٌ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

مانندت هیچ کس و توسل جویم بسویت بوسیله محمد و آلش و از تو خواهم که درود فرستی بر محمد

وآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقْبِلَ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَتُقْبِلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ، وَلَا

و آل محمد و رو کنی بسویم به روی بزرگوارت و بگردانی رویم را بسوی خودت

تُخَيِّبِنِي حَيْنَ أَدْعُوكَ، وَلَا تَحْرِمْنِي حَيْنَ أَرْجُوكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و نومیدم نسازی هنگامی که تو را می‌خوانم و محروم نمایم هنگامی که امید به تو دارم ای مهربانترین مهربانان.

سپس دو طرف صورت خویش را بر روی خاک بگذار (و ذکر خدا بگو و دعا کن).^۱

سپس وارد خانه‌ای که در وسط مسجد است می‌شوی (که به مقام امام زین العابدین علیه السلام معروف است)

و پس از خواندن دو رکعت نماز، می‌گویی: يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا

* * * * * ای که نزدیک‌تر است به من از رگ گردن ای

فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

که بخوبی بکند آنچه را خواهد ای که حایل شود میان انسان و دلش درود فرست بر محمد و آلش

وَحُلِّ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَنْ يُؤْذِنُنَا بِحَوْلِكَ وَقَوَّتِكَ، يَا كَافِيَّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَلَا

و حایل شو میان ما و میان کسی که ما را بیازارد به جنبش و نیروی خودت ای که کفایت کنی از هر چیز

يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ، اِكْفِنَا الْمُهَمَّ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و چیزی از تو کفایت نکند کفایت کن مهم ما را از کار دنیا و آخرت ای مهربانترین مهربانان.

آنگاه دو طرف صورت خود را روی سجده گاه بگذار.^۲

در ادامه بعضی از روایات آمده است: سپس او (حضرت خضر علیه السلام) از مسجد سهله خارج شد، از او

درباره این مکان سؤال کردیم جواب داد: این مکان مقام صالحین و انبیا و مرسلین است.^۳

مقام حضرت مهدی (ارواحن فاده):

طرف قبله مسجد بقعه‌ای است معروف به مقام حضرت مهدی علیه السلام که زیارت آن حضرت در آن محل

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۴۴۳، حدیث ۲۲ و مزار کبیر، صفحه ۱۴۰ و مصباح الزائر، صفحه ۱۰۵.

۲. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۴۴۵.
 ۳. همان مدرک، صفحه ۴۴۴ و مزار کبیر، صفحه ۱۴۱.

شریف مناسب است و از بعضی از کتب نقل شده که شایسته است زیارت آن حضرت در این محل با خواندن «سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ...»^۱ که در بخش زیارت امام زمان تحت عنوان «استغاثه به امام زمان» خواهد آمد، (صفحه ۵۱۸).

اعمال مسجد «زید»:

در بعضی از روایات از علی بن ابراهیم از پدرش این چنین آمده است: او (حضرت خضر علیه السلام) پس از خروج از مسجد سهله وارد مسجد کوچکی (نزدیک مسجد سهله) شد و با سکینه و وقار دو رکعت نماز در آن بجای آورد و سپس دو دستش را گشود و عرضه داشت:

إِلَهِي قَدْ مَدَّ إِلَيْكَ الْخَاطِيءُ الْمَذْنِبُ يَدِيهِ بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِكَ، إِلَهِي قَدْ جَلَسَ

خدایا برآستی دراز کرده بدرگاهت بنده خطایشه گنهگار دو دست خود را بواسطه خوش گمانیش به تو خدایا نشسته است

الْمُسِيءِ بَيْنَ يَدَيْكَ، مُقِرًّا لَكَ بِسُوءِ عَمَلِهِ، وَرَاجِيًّا مِنْكَ الصَّفْحَ عَنْ

بنده بدکردار در پیش رویت در حالی که اقرار به کردار بد خود دارد و از تو امید دارد که چشم از

زَلَلِهِ، إِلَهِي قَدْ رَفَعَ إِلَيْكَ الظَّالِمُ كَفِّيهِ، رَاجِيًّا لِمَا لَدَيْكَ، فَلَا تُخَيِّبُهُ

لغزشش بیوشی خدایا به حقیقت بلند کرده بدرگاهت بنده ستمکار هر دو کف خود را به امید آنچه در پیش توست پس نومیدش مکن به رحمت خود

بِرَحْمَتِكَ مِنْ فَضْلِكَ، إِلَهِي قَدْ جِئْنَا الْعَائِدِ إِلَى الْمَعَاصِي بَيْنَ يَدَيْكَ،

از فضلی که داری خدایا زانو زده است بنده‌ای بازگشت کننده بسوی گناهان در پیشایش تو

خَائِفًا مِنْ يَوْمٍ تَجْتُو فِيهِ الْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ، إِلَهِي جَاءَكَ الْعَبْدُ الْخَاطِيءُ

ترسان از آن روزی که زانو زندند خلائق در پیشایشست خدایا بدرگاهت آمده بنده‌ای خطاکار

فَرِعًا مُشْفِقًا، وَرَفَعَ إِلَيْكَ طَرْفَهُ حَذِرًا رَاجِيًّا، وَفَاضَتْ عَبْرَتُهُ مُسْتَعْفِرًا

در حال هراس و نگرانی و دوخته بسویت چشم خود را ترسان و امیدوار و ریزان گشته اشکش در حال آمرزش خواهی و

نَادِمًا، وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ مَا أَرَدْتُ بِمَعْصِيَتِي مُخَالَفَتَكَ، وَمَا عَصَيْتُكَ إِذْ

پشیمانی سوگند به عزت و شوکت که من از نافرمانی کردن تو قصد مخالفت تو را نداشتم و چنان نبود که نافرمانیت کنم

عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِكَ جَاهِلٌ، وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ، وَلَا لِنَظَرِكَ مُسْتَخَفٌّ،

در حالی که نافرمانی کردم بواسطه نادانی به مقام تو و نه بخاطر این که خود را در معرض کیفرت قرار دهم و نه این که نظر تو را سبک شمارم

۱. مفاتیح الجنان، اعمال مسجد سهله.

وَلَكِنْ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي، وَأَعَانَتْنِي عَلَى ذَلِكَ شِقْوَتِي، وَغَرَّنِي سِتْرُكَ

بلکه نفس (بداندیش، گناه را) برایم جلوه داد و به بدبختیم نیز کمک کرد و پردهٔ آویخته تو (و چشم پوشیت) معروم کرد

الْمُرْخِي عَلَيَّ، فَمِنَ الْأَنْ مِنَ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي، وَبَحْبَلٍ مَنْ أَعْتَصِمُ

پس اینک کیست که مرا از عذاب تو برهاند و به سر رشته چه کسی چنگ زبم

إِنْ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي، فَيَا سَوَاتَاهُ غَدًا مِنَ الْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ، إِذَا قِيلَ

اگر تو رشته‌ات را از من قطع کنی پس چه رسوایی است فردای قیامت هنگام توقف پیش رویت در آن هنگام

لِلْمُخَفِّينَ جُوزُوا، وَ لِلْمَثْقَلِينَ حُطُّوا، أَفَمَعَ الْمُخَفِّينَ أَجُوزُ، أَمْ مَعَ

که به سبک باران گویند: بگذرید و به سنگین باران گویند فرو ریزید آیا (در آن وقت) با سبکباران می‌گذرم یا با

الْمَثْقَلِينَ أَحْطُ، وَيَلِي كُلَّمَا كَبُرَ سِنِي كَثُرَتْ ذُنُوبِي، وَيَلِي كُلَّمَا طَالَ

سنگین باران سقوط کنم وای بر من که هرچه بیشتر از سن من می‌گذرد گناهانم بیشتر می‌شود و ای بر من که هرچه

عُمُرِي كَثُرَتْ مَعَاصِي، فَكَمْ أَتُوبُ وَكَمْ أَعُودُ، أَمَا أَنْ لِي أَنْ أَسْتَحْيِي مِنْ

عمرم طولانی‌تر می‌شود نافرمانی‌هایم زیادتر می‌شود پس چقدر توبه کنم و چقدر (دوباره) برگردم آیا زمان آن نرسیده که از

رَبِّي، اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، إِغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، يَا أَرْحَمَ

پروردگارم شرم کنم؟ خدایا به حق محمد و آل محمد بیامرز مرا و به من رحم کن ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، وَخَيْرِ الْغَافِرِينَ * سِپِسْ گَرِبِهْ كَرْدِ وَ طَرَفِ رَاسْتِ صَوْرَتَشْ رَا بَرِ سَجْدِهْ گَاهْ گَزَاشْتِ

مهربانان و بهترین آمرزندگان * * * * *

وَكُفْتُ: إِرْحَمْ مِنْ أَسَاءٍ وَأَقْتَرَفَ وَاسْتَكَانَ وَأَعْتَرَفَ * أَنْگَاهْ طَرَفِ چَپِ صَوْرَتِ رَا وَ

* * * * * رَحْمِ كُنْ بَهْ كَسِيْ كَهْ بَدْ كَرْدِهْ وَ دَسْتِ بَهْ گَنَاهْ زَدِهْ وَ دَرْمَانْدِهْ گَشْتِهْ وَ اعْتِرَافِ دَارْدِ * * * * *

كَفْتُ: عَظَمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ يَا كَرِيمُ.

* * * بَزْرِكِ اسْتِ گَنَاهْ از بِنْدَهاتِ پس باید نیکو باشد گذشت از نزد تو ای بزرگوار.

سپس خارج شد و دربارهٔ این مکان از او پرسیدیم، جواب داد: این مکان مسجد «زید بن صوحان» از

اصحاب علی بن ابی طالب علیه السلام است و آنچه بجا آوردم دعا و تهجد او بود. سپس از ما غائب شد.^۱

یادآوری: مرحوم «سید بن طاووس» در «مصباح الزائر» می‌گوید: آنگاه به سجده برو و صد مرتبه

بگو: «العفو العفو».^۲

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۴۴۴ و مزار کبیر، صفحه ۱۴۲. ۲. مصباح الزائر، صفحه ۱۰۸.

اعمال مسجد «صعصعه»:

مرحوم «سید بن طاووس» در «مصباح الزائر»^۱ برای این مسجد بعد از دو رکعت نماز، دعای «اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغَةِ وَالْأَلَاءِ الْوَاظِعَةِ...» که در اعمال روزهای ماه رجب می‌آید را ذکر کرده است. گرچه مرحوم «علامه مجلسی»^۲ از «مزار شهید» و «مزار کبیر» و همچنین از خود «سید بن طاووس» در کتاب «اقبال» نقل می‌کند که بعضی از مؤمنین در ماه مبارک رجب، امام زمان (صلوات الله علیه) را در این مسجد مشاهده کردند که بعد از دو رکعت نماز، این دعا را خواند (شاید آن حضرت به مناسبت ماه رجب این دعا را خواندند، نه از باب این که مخصوص این مسجد باشد) ولی در هر حال، شکی نیست که خواندن چنین مناجات بلند و پرمعنایی در این مسجد، در زمان‌های دیگر نیز مناسب است.

شخصیت زید و صعصعه:

دو مسجد زید و صعصعه منسوب به دو برادر از یاران علی علیه السلام است: زید بن صوحان و صعصعه بن صوحان. زید از بزرگان اصحاب امیرمؤمنان علیه السلام و از شخصیت‌های برجسته و پرهیزگاران روزگار به شمار می‌رفت و در جنگ جمل، در رکاب آن حضرت به شهادت رسید^۳ و دعایی که در اعمال مسجد زید ذکر شد، دعایی است که او در نماز شب می‌خواند.^۴

برادرش صعصعه نیز از اصحاب امیرمؤمنان علیه السلام و از عارفان به حق آن حضرت و از بزرگان اهل ایمان است، فصاحت و بلاغت او در حدی بود که امیرمؤمنان علیه السلام او را «خطیب شحش» یعنی ماهر، لقب داد،^۵ و او را به مهارت و فصاحت در خطابه و نیز به «کمی هزینه زندگی و کثرت کمک به مردم» ستوده است.^۶ او کسی است که در شبی که جنازه آن حضرت دفن می‌شد به همراه فرزندان آن بزرگوار از تشییع‌کنندگان بود و پس از فراغت از دفن آن حضرت، نزد قبر مقدس ایستاد و مشتی خاک برداشت و بر سر خود ریخت و گفت: پدر و مادرم فدای تو باد ای امیرمؤمنان! گوارا باد تو را کرامت‌های خدا، ای ابالحسن! به یقین مولد تو پاکیزه و صبر تو قوی و جهاد تو عظیم بود، و به آنچه آرزویش داشتی رسیدی، تجارت سودمندی کردی و به نزد پروردگار خود شتافتی!... و از این قبیل اوصاف، بسیار گفت و گریه سختی کرد و دیگران را به گریه آورد^۷ و در حقیقت سر قبر آن حضرت مجلس سوگوری به پا شد که روضه‌خوانش صعصعه و مستمعینش حسن و حسین علیه السلام و محمد بن حنفیه و ابوالفضل العباس علیه السلام و سایر فرزندان و بستگان آن حضرت بودند. رحمت و رضوان خدا بر او باد.

۱. مصباح الزائر، صفحه ۱۰۹.

۲. بحار الانوار، جلد ۲۳، صفحه ۲۱۱.

۳. همان مدرک، جلد ۹۷، صفحه ۴۴۵.

۴. همان مدرک، جلد ۳۴، صفحه ۳۰۸.

۵. همان مدرک، جلد ۲۳، صفحه ۲۱۱.

۶. همان مدرک، جلد ۴۲، صفحه ۲۹۵.

۷. همان مدرک، جلد ۴۲، صفحه ۲۹۵.

فصل پنجم زیارت امام حسین علیه السلام

زیارت امام حسین علیه السلام از نزدیک فضیلت زیارت آن حضرت از نزدیک:

از آن جا که روایات مربوط به فضایل زیارت امام حسین (صلوات الله علیه) بسیار زیاد است، مناسب دیدیم که تنها فهرستی را از اعظم فضایی که در روایات آمده است بیان کنیم و در این رابطه بهترین شیوه را در این دیدیم که به یکی از مهمترین مصادر و منابع مورد اعتماد علمای شیعه یعنی کتاب «کامل الزیارات»^۱ (تألیف محدث و فقیه جلیل القدر، صاحب صدق و امانت، استاد مرحوم شیخ مفید رحمته الله و جمعی از بزرگان دیگر یعنی جعفر بن محمد بن قولویه) اشاره کنیم؛ کتابی که یکی از منابع اصلی ما در بخش های دیگر این کتاب یعنی بخش های مربوط به زیارت رسول مکرم و سایر ائمه علیهم السلام نیز بوده، و خواهد بود.

۸۳ باب از ۱۰۸ باب این کتاب، مربوط به فضایل امام حسین (صلوات الله علیه) و بعضی از یاران آن حضرت است که بیش از ۵۶۰ روایت دارد و ما تنها با مروری بر روایات بسیار فراوان مربوط به زیارت آن بزرگوار بسنده می کنیم:

۱- هیچ ملک مقرب و پیامبر مرسل نیست مگر این که از خدا طلب می کند که اذن زیارت امام حسین علیه السلام را برایش صادر کند، پس پیوسته، فوجی از ارواح انبیا و فرشتگان (از آسمانها) پایین می آیند و فوجی بالا می روند.^۲

۲- هر شب هفتاد هزار فرشته از آسمان فرود می آیند و پس از طواف خانه خدا و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام، به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می روند و قبل از طلوع خورشید به آسمان عروج می کنند.^۳

۳- یکی از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت نقل می کند که فرمود: «رسول گرامی و علی علیه السلام و فاطمه علیه السلام و همه ائمه علیهم السلام برای زوار امام حسین علیه السلام دعا می کنند»^۴ و نیز نقل می کند که روزی بر آن حضرت وارد شدم دیدم با خدای خودش مناجات می کند و در حال سجده این دعا را می خواند... (دعایی بسیار عالی و با مضامین بلند در حق زوار امام حسین علیه السلام که در «کامل الزیارات» آمده است) پس از

۱. مؤلف این کتاب در مقدمه آن می گوید: «آنچه در این کتاب نقل کرده ام از طریق موثقین از اصحاب ما می باشد» و بر این اساس بعضی از بزرگان تمام روات آن را معتبر و از ثقات شمرده اند.

۲. کامل الزیارات، باب ۳۹، صفحه ۱۱۴، حدیث ۴.

۳. همان مدرک، حدیث ۲.

۴. همان مدرک، حدیث ۲.

آن که از سجده سر برداشت فرمود: «کسانی که در آسمانها در حق زوّار امام حسین علیه السلام دعا می کنند بیش از کسانی هستند که در زمین برای آنها دعا می کنند»^۱ و نیز نقل می کند که آن حضرت فرمود: «آیا دوست نداری از کسانی باشی که از دنیا بیرون می روند در حالی که گناهی بر آنها نیست؟ آیا دوست نداری از آنانی باشی که رسول الله صلی الله علیه و آله با آنان مصافحه می کند؟»^۲ (پس زیارت آن حضرت را فراموش مکن).

۴- خداوند هزاران فرشته را مأمور قبر امام حسین علیه السلام قرار داده، و هیچ زائری به زیارت آن حضرت نمی رود مگر این که از او استقبال می کنند، و هیچ زائری با آن حضرت وداع نمی کند مگر این که او را بدرقه می نمایند، و هیچ زائری مریض نمی شود مگر این که از او عیادت می کنند و هیچ زائری نمی میرد مگر این که بر جنازه اش نماز می خوانند و بعد از مرگش برای او استغفار می کنند،^۳ و مطابق روایت دیگری اگر در اثنای سفر از دنیا برود ملائکه غسلش می دهند و درهای بهشت به رویش باز می شود!^۴

۵- هفتاد هزار فرشته را خداوند مأمور قبر امام حسین علیه السلام قرار داده که در آن جا عبادت خدا بجا می آورند و یک نماز آنان برابر با هزار نماز از انسان هاست، ثواب نمازشان برای زوّار قبر امام حسین علیه السلام نوشته می شود!^۵

۶- هر کس نزد قبر آن حضرت دو رکعت نماز بخواند و چیزی را از خدا طلب کند حاجتش برآورده می شود، و اگر برای زیارت او در آب فرات غسل کند تمام گناهانش - همانند روزی که از مادر متولد شده - ریخته می شود، و اگر کسی را در این راه کمک کند و هزینه سفرش را بدهد در برابر هر درهمی، خداوند چند برابر به او عطا می کند و بلاهایی که مقدر شده بود به او اصابت کند را از او دور می سازد و از اموالش حفاظت می شود.^۶

۷- یکی از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت نقل می کند: «کسی که به زیارت قبر ابی عبدالله علیه السلام برود صلّه رسول الله صلی الله علیه و آله و صلّه ما را به جا آورده است؛ غیبت کردن در پشت سر او حرام و گوشتش بر آتش جهنّم نیز حرام می شود و خداوند پشتیبان او در رفع نیازها و حفظ آنچه (از مال و فرزند و عیال) بر جای گذاشته، می باشد؛ هر حاجتی را از خدا بخواهد دیر یا زود برآورده می سازد.»^۷ و مطابق روایت دیگری در ازای هر درهمی، ده هزار درهم برایش ثواب نوشته می شود و درحالی که سوی اهلش باز می گردد که گناهان او از نامه اعمالش پاک شده است.^۸ و مطابق روایت دیگری بهتر از آن، رضایت خدا و دعای محمد صلی الله علیه و آله و دعای امیرمؤمنان و ائمه علیهم السلام است که شامل حالش می شود.^۹

۱. کامل الزیارات، باب ۴۰، صفحه ۱۱۷، حدیث ۲.
 ۲. همان مدرک، باب ۴۱، صفحه ۱۱۸، حدیث ۳.
 ۳. همان مدرک، صفحه ۱۱۹، حدیث ۱.
 ۴. همان مدرک، باب ۴۶، صفحه ۱۲۸، حدیث ۲.
 ۵. همان مدرک، باب ۴۲، صفحه ۱۲۱، حدیث ۱.
 ۶. همان مدرک، باب ۴۴، صفحه ۱۲۳، حدیث ۲.
 ۷. همان مدرک، باب ۴۶، صفحه ۱۲۷، حدیث ۱.
 ۸. همان مدرک، صفحه ۱۲۸، حدیث ۲.
 ۹. همان مدرک، حدیث ۴.

۸- کسی که توان زیارت امام حسین علیه السلام را داشته باشد و در عین حال (بدون عذر) ترک کند مخالفت با رسول الله صلی الله علیه و آله و مخالفت با ما کرده^۱ و به حسرت در «یوم الحسرة» گرفتار می شود!^۲

۹- بشیر بن دهان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «زائر قبر حسین علیه السلام با اولین گامی که برمی دارد و از اهل بیتش جدا می شود، مغفرت گناهانش آغاز می گردد، سپس پیوسته با قدم هایی که بر می دارد پاکتر می شود تا به قبر آن حضرت برسد، وقتی نزد قبر مطهر آمد خداوند سبحان می فرماید: بنده من از من طلب کن تا عطايت کنم، دعا کن تا به اجابت رسانم و بر خداست که آنچه را در این راه بذل کرده، به او برگرداند».^۳ و در روایت دیگری آمده است: برای خداوند فرشتگانی موکل بر قبر امام حسین علیه السلام می باشند که وقتی کسی تصمیم به زیارت قبر امام حسین علیه السلام را گرفت خداوند گناهانش را به آن ملائکه می سپرد و وقتی قدمی برداشت آن گناهان را محو می کنند و وقتی باز قدمی برداشت حسنات او را زیاد می کنند و به همین صورت حسنات او زیاد می شود تا این که بهشت بر او واجب می گردد. سپس او را در بر می گیرند و تقدیسش می کنند، و فرشتگان آسمان ندا می دهند که زوار حبیب رسول خدا صلی الله علیه و آله را تقدیس کنید، و وقتی غسل زیارت کردند حضرت محمد صلی الله علیه و آله ندایشان می دهد که ای مسافران الهی! رفاقت با من در بهشت، بر شما بشارت باد! سپس امیرمؤمنان علیه السلام ندایشان می دهد که من ضامن قضای حوائج و دفع بلاها از شما در دنیا و آخرتم. سپس رسول گرامی صلی الله علیه و آله با آنها از راست و چپ ملاقات می کند تا این که با همراهی آن حضرت به سوی خانواده خود باز گردند.^۴

یادآوری لازم:

روشن است که این ثواب های عظیم و پاداش های فوق العاده از آن کسانی است که عارف به حق امام حسین علیه السلام باشند و بدانند آن حضرت برای چه هدفی قیام کرد و در چه راهی شربت شهادت نوشید و در ضمن زیارت، با آن حضرت پیوند تازه ای برقرار کنند و در مسیر اهداف آن بزرگوار قرار گیرند و محتوای سازنده زیارت نامه ها را در وجود خود پیاده کنند و با روحیه ای تازه از کنار قبر آن بزرگوار بازگردند و لذا در روایتی که ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره زیارت امام حسین علیه السلام و پاداش عظیم آن نقل می کند جمله «عارفاً بحقه» در آغاز روایت به چشم می خورد.^۵

۱. کامل الزیارات، باب ۴۶، صفحه ۱۲۸، حدیث ۲.

۲. همان مدرک، حدیث ۳.

۳. همان مدرک، باب ۴۹، صفحه ۱۳۲، حدیث ۲.

۴. همان مدرک، حدیث ۳ و رجوع شود به باب ۶۲.

۵. رجوع شود به: بحار الانوار، جلد ۳۶، صفحه ۲۸۶، حدیث ۱۰۷.

آداب زیارت امام حسین علیه السلام از نزدیک:

آدابی که شایسته است زائر در مسیر زیارت، رعایت کند به قرار زیر است (البته بعضی از این آداب در شرایط فعلی میسر نیست، به آنچه ممکن است اکتفا کند):

۱- بهتر است قبل از آن که از خانه خارج شود سه روز روزه بدارد و در روز سوم غسل کند و خانواده خود را جمع نماید و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدِعُكَ الْيَوْمَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَكُلَّ مَنْ كَانَ

خدایا به تو می‌سیارم امروز خودم و خاندانم و مال و فرزندم را و هر که

مَنِّي بِسَبِيلٍ، الشَّاهِدَ مِنْهُمْ وَالْغَائِبَ، اللَّهُمَّ احْفَظْنَا بِحِفْظِ الْإِيمَانِ،

با من راهی دارد حاضرشان و غایبشان را خدایا نگهدار ما را به نگهداری ایمان،

وَاحْفَظْ عَلَيْنَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي حِرْزِكَ، وَلَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ، وَلَا تُغَيِّرْ مَا

و نگهداری کن بر ما خدایا قرار ده ما را در پناه خود و مگیر از ما نعمت را و تغییر مده آنچه

بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ، إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ. ۱

ما داریم از نعمت و تندرستی و بیفزا برما از فضل خود که ما برستی مشتاق تویم.

۲- آنگاه با خضوع و خشوع از منزل خارج شود و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» و «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بسیار بگوید، و صلوات بر محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم) بفرستد و با آرامش و وقار به راه بیفتد^۲ و بداند هر زحمتی در این راه متحمل شود، اجر و پاداش عظیم دارد.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: «در حالی به زیارت امام حسین علیه السلام برو که محزون و زولیده و غبارآلود و گرسنه و تشنه باشی چرا که آن حضرت با چنین حالتی به شهادت رسید، آنگاه حاجات خود را طلب کن و برگرد و کنار قبرش را وطن خود قرار مده!»^۳

۴- توشه خویش را در این سفر، از غذاهای لذیذ و شیرین قرار ندهد و از غذاهای ساده استفاده کند چرا که از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «شنیده‌ام جماعتی به زیارت امام حسین علیه السلام می‌روند در حالی که با خود سفره‌هایی از بزغاله‌های بریان و حلواها حمل می‌کنند، با آن که اگر به زیارت قبر پدران یا دوستان خود می‌رفتند چنین عمل نمی‌کردند.»^۴

۱. مزار کبیر، صفحه ۴۱۷.

۲. همان مدرک.

۳. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۴۰، حدیث ۲ و کامل‌الزیارات، باب ۴۸، صفحه ۱۳۱، حدیث ۳. مرحوم علامه مجلسی می‌گوید: شاید نهی از وطن قرار دادن، حمل بر زمان تقیه و خوف شود چنان که غالب در آن اعصار چنین حالتی بوده و یا مقصود، توقف کردن کنار قبر است (تا مزاحمتی برای سایر زوار پیش نیاید) (بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۱۵).

۴. ثواب الاعمال، صفحه ۸۹.

۵- اگر ممکن است گاهی با پای پیاده و با کمال تواضع و فروتنی برای زیارت حرکت کند، چرا که امام صادق علیه السلام فرمود: «در ازای هر گامی که برمی دارد هزار حسنه برای او نوشته می شود».^۱

۶- وقتی به شطّ فرات رسید غسل کند و با پای پیاده و برهنه حرکت کند.^۲

آب فرات و فضیلت آن:

شطّ فرات از کربلا و از نزدیکی نجف یعنی شهر «کوفه» که هم اکنون متصل به «نجف» شده است می گذرد. روایات زیادی در فضیلت آب فرات در کتب روایی ما از جمله «کامل الزیارات ابن قولویه»، وارد شده و ویژگی ها و برکاتی را برای آن برشمرده است؛ از جمله:

الف) یکی از یاران امام باقر علیه السلام نقل می کند که مردی از اهل کوفه بر آن حضرت وارد شد، حضرت فرمود: «آیا هر روز در آب فرات غسل می کنی؟ گفت خیر، فرمود: هر هفته؟ گفت خیر، فرمود: هر ماه؟ گفت خیر، فرمود: هر سال؟ عرض کرد خیر، فرمود: به یقین که تو از خیر و برکت محرومی».^۳

ب) در روایتی امام صادق علیه السلام آیه **«وَ أَوْيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ»**^۴ (که درباره مریم و فرزندش حضرت عیسی علیه السلام وارد شده و ترجمه اش این است: «و ما عیسی و مادرش را در سرزمین مرتفعی که دارای امنیت و آب جاری بود، جای دادیم») را به نجف (که در نزدیکی کوفه است) و آب فرات تفسیر فرمودند.^۵

ج) در روایت دیگری آن حضرت می فرماید: «اگر من در نزدیکی فرات بودم صبح و شام کنارش می رفتم و از آن بهره می گرفتم».^۶

د) در روایت معتبر دیگری نهر فرات از نهرهای چهارگانه بهشتی معرفی شده است.^۷

یادآوری:

لزومی ندارد که مردم برای تبرک به آب فرات در نهر غسل کنند بلکه استفاده از آب لوله کشی که از آب فرات برگرفته شده باشد نیز، همین برکات را خواهد داشت، ان شاء الله.

۷- به نیازمندان و واماندگان در راه کمک کند و تا حدّ ممکن در رفع مشکل آنها اهتمام ورزد و آنها را به منزل برساند؛ چرا که «شیخ کلینی» به سند معتبر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که خطاب به جمعی که

۱. کامل الزیارات، باب ۴۹، صفحه ۱۳۴، حدیث ۸.

۲. همان مدرک، باب ۸، صفحه ۳۱، حدیث ۱۲.

۳. همان مدرک، باب ۱۳، صفحه ۴۷، حدیث ۵.

۴. همان مدرک، صفحه ۱۳۳، حدیث ۴.

۵. سوره مؤمنون، آیه ۵۰.

۶. همان مدرک، حدیث ۴.

۷. همان مدرک، حدیث ۱.

در نزد او بودند فرمود: چرا شما ما را خوار و سبک می‌انگارید؟! فردی از آن جمع عرض کرد: پناه می‌بریم به خداوند از این که بخواهیم شما و یا چیزی را که مربوط به شماست سبک بشماریم. فرمود: آری! تو خودت یکی از آنها هستی! عرض کرد: به خدا پناه می‌برم! فرمود: آیا نزدیک «جحفه» که بودیم صدای استعانت فلان کس را نشنیدی که از تو درخواست کرده بود مرا به قدر یک میل (حدود ۱/۵ کیلومتر) سوار کن که به خدا سوگند خسته شده‌ام و تو سرت را بالا گرفتی و با بی‌اعتنایی از او گذشتی؟! آنگاه فرمود: هر کس مؤمنی را خوار نماید ما را خوار نموده و احترام ما را ضایع کرده است.^۱

لازم به تذکر است که این نکته اختصاص به زوار امام حسین علیه السلام ندارد، بلکه نظیر قصه‌ای که از علی بن یقطين در آداب مطلق زیارات گذشت (و آن نیز مربوط به تکریم برادر دینی و پرهیز از بی‌حرمتی و بی‌اعتنایی نسبت به مؤمن بود) در هر سفر زیارتی باید مورد توجه قرار گیرد.

۸- مصاحبت و معاشرت نیکو داشته باشد و با دوستان و رفقا سخن کم بگوید، بسیار یاد خدا کند و جامه‌های پاکیزه بپوشد، قبل از ورود به حرم، غسل کند و با خشوع و رقت قلب بوده باشد و نماز بسیار بخواند و بر محمد و آل محمد علیهم السلام بسیار صلوات بفرستد و از چیزهای ناشایست، خویشتن را نگه دارد، و از حرام و چیزهای شبهه‌ناک، کاملاً پرهیزد، و به برادران مؤمن پریشان حال، احسان کند و اگر کسی را دید که هزینه سفرش تمام شده از او دستگیری کند و موجودی خود را میان خود و او، تقسیم کند و از جدال و نزاع و همه اموری که خدا از آن نهی کرده، دوری گزینند. همه این آداب را محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.^۲

۹- از ابوسعید مدائنی نقل شده که می‌گوید: محضر امام صادق علیه السلام رسیدم و پرسیدم: آیا به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام بروم؟ فرمود: آری، برو به زیارت قبر امام حسین علیه السلام، نیک‌ترین نیکان، پاکیزه‌ترین پاکیزگان و نیکوکارترین نیکوکاران، و چون آن حضرت را زیارت کردی نزد آن حضرت دو رکعت نماز بجای آور و در آن دو رکعت، سوره یس و الرحمن بخوان که اگر چنین کنی ثواب عظیمی برای تو خواهد بود.^۳

۱۰- نماز فریضه و نافله را نزد قبر آن حضرت بجا آورد که مقبول است؛ چرا که نماز واجب‌ی که نزد آن حضرت خوانده می‌شود برابر با حج، و نماز نافله برابر با عمره است.^۴

یادآوری: الف) ظاهر اخبار این است که نماز زیارت و یا غیر آن راه هم می‌تواند در پشت سر قبر آن

۱. کافی، جلد ۸، صفحه ۱۰۲، حدیث ۷۳.

۲. کامل‌الزیارات، باب ۴۸، صفحه ۱۳۰، حدیث ۱.

۳. همان مدرک، باب ۷۹، صفحه ۲۱۳، حدیث ۱۰.

۴. همان مدرک، باب ۸۳، صفحه ۲۵۱، حدیث ۱.

حضرت بخواند و هم در بالای سر،^۱ (البته اگر می‌خواهد در بالای سر بخواند مقداری عقب‌تر بایستد تا محاذی قبر مقدّس نباشد).

(ب) دو رکعت نمازی که به عنوان نماز زیارت در بالای سر خوانده می‌شود بهتر است که در رکعت اول آن، حمد و سوره یس بخواند و در رکعت دوم، حمد و سوره الرحمن.^۲

(ج) ابن قولویه از امام باقر علیه السلام روایت کرده که به شخصی فرمود: چه مانعی دارد که هرگاه حاجتی پیدا کردی نزد قبر امام حسین علیه السلام بروی و چهار رکعت نماز گزاری و حاجت خویش را از خدا طلب کنی؛ چرا که نماز فریضه نزد آن حضرت معادل با حج، و نماز نافله معادل با عمره است.^۳ و از روایت امام باقر علیه السلام نیز به دست می‌آید که هر کس دو رکعت یا چهار رکعت نماز، کنار قبرش بخواند و حاجتش را طلب کند، حاجتش برآورده خواهد شد.^۴ و وقتی ابن ابی یغفور خدمت امام صادق علیه السلام عرض می‌کند: اشتیاق زیارت تو باعث شد که من مشقتهایی را متحمل گردم تا به محضرت شرفیاب شوم، حضرت در جوابش فرمودند: از پروردگارت گلایه نکن! چرا نزد کسی که حقش بر گردن تو از حق من بیشتر است نرفتی؟ ابن ابی یغفور می‌گوید: این دو جمله حضرت خیلی بر من گران آمد و جمله دوم (چرا نزد کسی که حقش بیشتر از حق من است نرفتی) از جمله اول (از پروردگارت گلایه نکن) گرانتر بود، لذا پرسیدم: آن چه کسی است که حقش بر من از حق تو بیشتر است؟ فرمود: حسین بن علی علیه السلام؛ چرا نزد امام حسین علیه السلام نرفتی و آن جا دعا نکردی و عرض حاجت نمودی؟!^۵

در روایات^۶ آمده است که خداوند در برابر شهادت، سه چیز به امام حسین علیه السلام ارزانی داشت: «جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ، وَ الشِّفَاءَ فِي تَرْبِيَّتِهِ، وَ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ؛ امامت را در فرزندان او قرار داد و شفا را در تربتش و اجابت دعا را در کنار قبرش (در بعضی از روایات نیز آمده: «تَحْتَ قَبْتِهِ؛ زیر قبه اش»)^۷. حاج شیخ عباس قمی (ره) نوشته است از روایات به دست می‌آید که اجابت دعا در زیر قبه آن حضرت از اموری است که حق تعالی در عوض شهادتش به او عنایت فرموده است لذا زائر باید آن را غنیمت بشمرد و در تضرع و انابه و دعا و عرض حاجات کوتاهی نکند و بهترین دعاها با عالی‌ترین مضامین را در این مکان مقدّس بخواند، و ما در این جا به چهار دعا اشاره می‌کنیم:

یک - دعایی که در پایان زیارت امین‌الله (صفحه ۲۶۲) وارد شده و از مضامین بسیار بلند و جامعی

۱. کامل‌الزیارات، باب ۴۴، صفحه ۱۲۳، حدیث ۲ و باب ۷۹، صفحه ۲۴۰، حدیث ۱۷.

۲. همان مدرک، باب ۷۹، صفحه ۲۱۴، حدیث ۱۰.

۳. همان مدرک، باب ۶۹، صفحه ۱۶۸، حدیث ۷.

۴. همان مدرک، حدیث ۸.

۵. عذة الداعی، صفحه ۵۷.

۶. بحارالانوار، جلد ۴۴، صفحه ۲۲۱، حدیث ۱.

برخوردار است، که می تواند همراه با خود این زیارت (که مطابق آنچه ضمن زیارات مطلقه امیرمؤمنان گذشت از معتبرترین زیارتهاست) امام حسین علیه السلام را نیز زیارت کند زیرا همچنان که گفته شد این زیارتی است که در همه مشرفه می توان خواند.

دو - دعاهایی که در اواخر این بخش بعد از زیارات جامعه آمده است، (صفحه ۵۵۲-۵۶۱).

سه - دعای عالیة المضامین که از جامع ترین دعاهاست و «سید بن طاووس» در «مصباح الزائر» بعد از زیارت جامعه ائمة المؤمنین (سومین زیارت جامعه) آن را نقل کرده است و در تنمّه این بخش نیز خواهد آمد، (صفحه ۵۵۵).

چهار - دعایی که در ضمن یکی از زیارات امام حسین علیه السلام نقل شده، به این صورت که دست های خود را به سوی آسمان بالا برده، می گوئی:

اللَّهُمَّ قَدْ تَرَى مَكَانِي، وَتَسْمَعُ كَلَامِي، وَتَرَى مَقَامِي وَتَضْرَعِي، وَمَلَاذِي

خدایا تو می بینی جای مرا و می شنوی سختم را و بنگری توقفگاهم و زاریم و پناه جستم را

بِقَبْرِ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ، وَابْنِ نَبِيِّكَ، وَقَدْ عَلِمْتَ يَا سَيِّدِي حَوَائِجِي، وَلَا

به قبر ولی و حجّت و فرزند پیامبرت و بخوبی می دانی ای آقای من حاجت هایم را و

يَخْفِي عَلَيْكَ حَالِي، وَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِابْنِ رَسُولِكَ وَحُجَّتِكَ وَأَمِينِكَ،

پوشیده نیست بر تو حال من و اکنون رو کرده ام بسویت بوسیله فرزند رسول تو و حجّت و امانتداری

وَقَدْ آتَيْتَكَ مُتَقَرِّبًا بِهِ إِلَيْكَ وَالِى رَسُولِكَ، فَاجْعَلْنِي بِهِ عِنْدَكَ وَجِيهًا

و آمده ام تقرب جوین بوسیله او بدرگاهت و بدرگاه رسولت پس قرارم ده بوسیله او در پیش خود آبرومند

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَعْطِنِي بِزِيَارَتِي أَمَلِي، وَهَبْ

در دنیا و آخرت و از نزدیکان و عطا کن به من بوسیله زیارتم آرزویم را و ببخش

لِي مُنَايَ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِشَهْوَتِي وَرَغْبَتِي، وَأَقْضِ لِي حَوَائِجِي

به من آرزویم را و تفضل کن بر من بدان خواسته و اشتیاقم و برآور حاجتم را

وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا، وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي، وَلَا تُخَيِّبْ دُعَائِي، وَعَرِّفْنِي

و بازم مگردان نا امید و قطع مکن امیدم را و نومید مکن دعایم را و نشانم ده

الْإِجَابَةَ فِي جَمِيعِ مَا دَعَوْتُكَ مِنْ أَمْرِ الدِّينِ وَالْدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاجْعَلْنِي

اجابت دعایم را در تمام دعاهایی که کردم از کار دین و دنیا و آخرت و قرارم ده

مِنْ عِبَادِكَ الَّذِينَ صَرَفْتَ عَنْهُمْ الْبَلَايَا، وَالْأَمْرَاضَ وَالْفِتْنَ وَالْأَعْرَاضَ،

از آن بندگانت که گردانی از ایشان بلاها و بیماریها و آشوبها و عوارض (و پیش آمدها) را

مِنْ الَّذِينَ تُحْيِيهِمْ فِي عَافِيَةٍ، وَتُمِيتُهُمْ فِي عَافِيَةٍ، وَتَدْخُلُهُمُ الْجَنَّةَ

از آنهایی که زندهشان داری در تندرستی و بمیرانیشان در سلامتی و وارد بهشتشان کنی

فِي عَافِيَةٍ، وَتُجَبِّرُهُمْ مِنَ النَّارِ فِي عَافِيَةٍ، وَوَفَّقَ لِي بِمَنْ مِّنْكَ صَلَاحَ

در سلامتی و پناهشان دهی از آتش در سلامتی و فراهم کن برایم به منت خود صلاح

مَا أَوْمَلُ فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي وَمَالِي، وَجَمِيعَ مَا أَنْعَمْتَ

آنچه را آرزو دارم درباره خودم و خاندانم و فرزندانم و بردارنم و مال و داراییم و همه آن نعمتهایی که

بِهِ عَلَيَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱

از کرم به من داده ای مهربانترین مهربانان.

۱۱- در داخل حرم بر آن حضرت صلوات بفرستد و بهتر است این صلوات را که مرحوم «علامه

مجلسی» از «سید بن طاووس» نقل کرده، بخواند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ،

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و درود فرست بر حسین مظلوم و شهید

قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ، وَأَسِيرِ الْكُرْبَاتِ، صَلَاةً نَامِيَةً زَاكِيَةً مُبَارَكَةً، يَصْعَدُ أَوْلَاهَا،

کشته اشکهای دیدگان و اسیر گرفتاریها درودی فزاینده و پاکیزه و با برکت که بالا رود آغازش

وَلَا يَنْفَدُ آخِرُهَا، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ

و پایان نپذیرد انجامش بهترین درودی که فرستی بر یکی از فرزندان پیامبران

وَالْمُرْسَلِينَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْإِمَامِ الشَّهِيدِ الْمَقْتُولِ

و رسولان ای پروردگار جهانیان خدایا درود فرست بر امام شهید کشته (راه حق)

الْمَظْلُومِ الْمَخْذُولِ، وَالسَّيِّدِ الْقَائِدِ، الْعَابِدِ الزَّاهِدِ، الْوَصِيِّ الْخَلِيفَةِ،

آن مظلوم بی کس و هم آن آقای پیشوا و آن عابد پارسا و وصی جانشین

الْإِمَامِ الصِّدِّيقِ، الطَّهْرِ الطَّاهِرِ، الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ، وَالرَّضِيِّ الْمَرْضِيِّ،

و امام راستگو و پاک پاکیزه خوب و مبارک آن راضی و پسندیده

وَالْتَقَى الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ، الزَّاهِدَ الذَّائِدَ الْمُجَاهِدَ الْعَالِمَ، إِمَامَ الْهُدَى، وَ

و با تقوای راهنمای راه یافته آن زاهد مدافع (دین) و مجاهد (راه حق) و عالم پیشوای هدایت

سَبَطِ الرَّسُولِ، وَقَرَّةِ عَيْنِ الْبَتُولِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اللَّهُمَّ صَلِّ

نوه رسول (خدا) و نور دیده زهرای بتول درود خدا بر او و آتش و سلام، خدایا درود فرست

عَلَى سَيِّدِي وَمَوْلَايَ، كَمَا عَمِلَ بِطَاعَتِكَ، وَنَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ، وَبَالَغْ

بر آقا و سرور من چنانچه عمل کرد به طاعت تو و نهی کرد از نافرمانیت و سخت کوشید

فِي رِضْوَانِكَ، وَأَقْبَلَ عَلَيَّ إِيمَانِكَ غَيْرَ قَابِلٍ فِيكَ عُذْرًا، سِرًّا وَعَلَانِيَةً

در راه خشودیت و رو آورد بر ایمان تو بدون آن که درباره تو عذر و بهانه‌ای بپذیرد چه پنهانی و چه آشکارا

يَدْعُو الْعِبَادَ إِلَيْكَ، وَيَدُلُّهُمْ عَلَيْكَ، وَقَامَ بَيْنَ يَدَيْكَ، يَهْدِمُ الْجَوْرَ

می‌خواند بندگانت را بسوی تو و راهنماییشان می‌کند بر تو و بیاخواست در پیش رویت، ویران کرد (کاخ ظلم و) جور را

بِالصَّوَابِ، وَيُحْيِي السُّنَّةَ بِالْكِتَابِ، فَعَاشَ فِي رِضْوَانِكَ مَكْدُودًا،

با درستی و زنده کرد طریقه و آیین (پیغمبر) را به قرآن پس زندگی کرد در خشودیت تو با سختی و مشقت

وَمَضَى عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَفِي أَوْلِيَائِكَ مَكْدُوحًا، وَقَضَى إِلَيْكَ مَفْقُودًا، لَمْ

و درگذشت بر حال اطاعت تو و در زمره دوستان با حال رنج و ناراحتی و جان خود را به تو تسلیم کرد چون گم‌گشته،

يَعِصِكَ فِي لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ، بَلْ جَاهَدَ فِيكَ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَفَّارَ، اللَّهُمَّ

نافرمانیت نکرد نه در شب و نه در روز بلکه بیچار کرد درباره تو با منافقان و کفار خدایا

فَاجِرِهِ خَيْرَ جَزَاءِ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ، وَلِقَاتِلِهِ

پس او را پاداش ده به بهترین پاداش راستگویان نیک کردار و چند برابر کن بر آنها (منافقان و کفار) عذاب را و برای کشتندگانش

الْعِقَابَ، فَقَدْ قَاتَلَ كَرِيمًا، وَقَتَلَ مَظْلُومًا، وَمَضَى مَرْحُومًا، يَقُولُ أَنَا ابْنُ

کیفر را زیرا که آن حضرت بزرگوارانه جنگید و مظلومانه کشته شد و در حالی که مورد مهر خدا بود درگذشت، در آن حالی که می‌فرمود منم فرزند

رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْنُ مَنْ زَكَّى وَعَبَدَ، فَقَتَلُوهُ بِالْعَمْدِ الْمُعْتَمَدِ، قَتَلُوهُ

رسول خدا محمد، و فرزند آن کس که زکات داد و خدا را پرستش کرد پس او را دانسته و از روی عمد کشتند، کشتندش

عَلَى الْإِيمَانِ، وَأَطَاعُوا فِي قَتْلِهِ الشَّيْطَانَ، وَلَمْ يُرَاقِبُوا فِيهِ الرَّحْمَنَ،

بر حال ایمان و پیروی کردند در کشتن آن حضرت از شیطان و ملاحظه نکردند درباره آن حضرت از خدای رحمان

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى سَيِّدِي وَمَوْلَايَ، صَلَاةً تَرْفَعُ بِهَا ذِكْرَهُ، وَتُظْهِرُ بِهَا أَمْرَهُ،

خدایا درود فرست بر آقا و مولایم درودی که بالا بری بدان نامش را و چیره‌سازی بدان فرمانش را

وَتَعَجَّلْ بِهَا نَصْرَهُ، وَاخْصُصْهُ بِأَفْضَلِ قِسْمِ الْفَضَائِلِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ، وَزِدْهُ

و شتاب کنی بدان در یاریش و مخصوصش گردان به بهترین اقسام فضایل در روز قیامت و بیفز

شَرَفًا فِي أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ، وَبَلِّغْهُ أَعْلَىٰ شَرَفِ الْمَكْرَمِينَ، وَارْفَعْهُ مِنْ شَرَفِ

بر شرفش در بلندترین درجات بهشت و برسان او را به برترین شرافت گرامی داشتنان و بالا بر او را از شرافت

رَحْمَتِكَ فِي شَرَفِ الْمُقَرَّبِينَ فِي الرَّفِيعِ الْأَعْلَىٰ، وَبَلِّغْهُ الْوَسِيلَةَ،

رحمتت به شرافت مقربان دربلندترین جایگاهها و او را برسان به مقام وسیله

وَالْمَنْزِلَةَ الْجَدِيلَةَ، وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالْكَرَامَةَ الْجَزِيلَةَ، اَللّٰهُمَّ وَاجِرْهُ

و منزلت شایسته و فضل و فضیلت و بزرگواری بس شایان خدا، و او را پاداش ده

عَنَّا أَفْضَلَ مَا جَازَيْتَ إِمَامًا عَن رَعِيَّتِهِ، وَصَلِّ عَلَى سَيِّدِي وَمَوْلَايَ،

از ما بهترین پاداشی که به یک پیشوا از رعیتش می‌دهی و درود فرست بر آقا و سرورم

كُلَّمَا ذُكِرَ وَكُلَّمَا لَمْ يُذْكَرْ، يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ، ادْخِلْنِي فِي حِزْبِكَ

هر زمان که نامش برده شود و هرگاه که برده نشود ای آقای من و ای مولای من مرا در حزب خود

وَزُمُرَتِكَ، وَاسْتَوْهِنِي مِنْ رَبِّكَ وَرَبِّي، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا وَقَدْرًا

و زمره خود داخل گردان و بخواه بخششم را از پروردگار خودت و پروردگار من زیرا تو را نزد خدا آبرو و مقام

وَمَنْزِلَةً رَفِيعَةً، إِنْ سَأَلْتَ أُعْطِيتَ، وَإِنْ شَفَعْتَ شَفَعْتَ، اللَّهُ اللَّهُ فِي عَبْدِكَ

و منزلتی والا است که اگر چیزی بخواهی به تو می‌دهد و اگر وساطت کنی پذیرفته می‌شود خدای را خدای را (در نظر بگیر) درباره بنده

وَمَوْلَاكَ، لَا تُخَلِّنِي عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَالْأَهْوَالِ لِسَوْءِ عَمَلِي، وَقَبِيحِ فِعْلِي،

و دوست و امگذار مرا هنگام سختیها و هراسها در برابر کردار بد و رفتار زشت

وَعَظِيمِ جُرْمِي، فَإِنَّكَ أَمَلِي وَرَجَائِي وَثِقَتِي وَمُعْتَمَدِي، وَوَسِيلَتِي إِلَىٰ

و گناه بزرگم زیرا تویی آرزو و امید و تکیه‌گاه و محل اعتماد و وسیله‌ام به درگاه

اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ، لَمْ يَتَوَسَّلِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ بِوَسِيلَةٍ هِيَ أَعْظَمُ حَقًّا،

خدا پروردگار من و پروردگار تو کسی متوسل نشود به خدا بوسیله‌ای که حقیقت بزرگتر

وَلَا أَوْجَبُ حُرْمَةً، وَلَا أَجَلٌ قَدْرًا عِنْدَهُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، لَا خَلْفَنِي اللَّهُ

و حرمتش لازمتر و مقامش شایسته‌تر باشد در پیش او از شما خاندان، خدا مرا از شما جدا نکند

عَنْكُمْ بِذُنُوبِي، وَجَمَعَنِي وَإِيَّاكُمْ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ الَّتِي أَعَدَّهَا لَكُمْ

بخاطر گناهانم و گرد آورد مرا با شما در بهشت عدن که آماده کرده است آن را برای شما

وَأَوْلِيَاءِكُمْ، إِنَّهُ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ اَبْلِغْ سَيِّدِي

و دوستان شما که برستی او بهترین آموزندگان و مهربانترین مهربانان است خدایا برسان به آقای من

وَمَوْلَايَ تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا، وَارْدُدْ عَلَيْنَا مِنْهُ السَّلَامَ، إِنَّكَ جَوَادُ كَرِيمٍ،

و سرورم تحیتی بسیار و سلامی (زیاد) و بازگردان از او نیز بر ما سلامی که برستی تو بخشنده و بزرگواری

وَصَلِّ عَلَيْهِ كَلَّمَا ذَكَرَ السَّلَامُ وَكَلَّمَا لَمْ يُذَكَّرْ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. ۱

و درود فرست بر او هر زمان که ذکر سلامی بشود و هرگاه نشود ای پروردگار جهانیان.

یادآوری: در پایان این بخش (بخش زیارات، صفحه ۵۶۱) صلواتی بر معصومین علیهم السلام نقل خواهد

شد که مشتمل بر صلواتی بر امام حسین علیه السلام نیز هست، علاقه‌مندان می‌توانند آن را نیز قرائت کنند.

۱۲- «ابن فهد» در «عده‌الداعی» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: هر کس به درگاه خدای

عزوجل حاجتی دارد، بالای سر امام حسین علیه السلام بایستد و بگوید:

يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، اَشْهَدُ اَنَّكَ تَشْهَدُ مَقَامِي، وَتَسْمَعُ كَلَامِي، وَ اَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ

ای ابا عبدالله گواهی دهم که برستی تو جای مرا می‌نگری و سختم را می‌شنوی و تو زنده‌ای در پیش

رَبِّكَ تُرْزَقُ، فَاسْئَلْ رَبَّكَ وَرَبِّي فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي.

پروردگارت و روزی می‌خوری پس بخواه از پروردگار خودت و من، برآوردن حاجاتم را.

به یقین حاجت او برآورده می‌شود، ان شاءالله تعالی.^۲

۱۳- اگر مشکل و یا کار مهمی دارد می‌تواند زیر آن قبه شریف استخاره و طلب خیر کند؛ به این نحو که

در قسمت بالای سر امام حسین علیه السلام بایستد، صد مرتبه طلب خیر کند و «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و

«سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید و خدا را به بزرگی یاد کند و حمد و ثنای او - آن گونه که سزاوار اوست - بجا آورد که

اگر چنین کند مطابق روایت «قرب الاسناد حمیری» که به سند صحیح نقل شده، آنچه خیر اوست به او

داده می‌شود^۳ و طلب خیر - مطابق روایات دیگر - به این نحو است که صد مرتبه بگوید: «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ

بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ».^۴

۱۴- در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که به یکی از یارانش فرمود: «به من خبر رسیده که

گروهی در نیمه ماه شعبان از اطراف کوفه و غیر آن، نزد قبر امام حسین علیه السلام می‌آیند و نوحه‌گری می‌کنند؛

عده‌ای مصیبت می‌خوانند و عده‌ای دیگر اشک می‌ریزند و گروهی مرثیه می‌خوانند؟» عرض کرد: آری

۲. عده‌الداعی، صفحه ۶۴.

۱. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۲۲۵.

۴. کافی، جلد ۳، صفحه ۴۷۱، حدیث ۳.

۳. قرب الاسناد، صفحه ۲۸.

فدایت شوم من خودم شاهد بعضی از آنچه می فرمایید بودم. فرمود: «سپاس خداوندی را که در میان مردم کسانی را قرار داد که نزد ما می آیند و ما را مدح می کنند و برای ما مرثیه می خوانند، و دشمن ما را از کسانی قرار داد که بر آنها طعنه می زنند و آنها را تهدید کرده، کارهایشان را زشت می شمردند».^۱

در صدر همین روایت آمده: امام حسین علیه السلام کسی است که آن کس که به زیارتش می رود برایش می گیرد و کسی که توفیق زیارتش را نیابد بر او محزون می شود، و کسی که بر قبر پسرش در پایین پای او، نظر می افکند قلبش به ترحم می آید، خصوصاً وقتی ملاحظه می کند که در بیابان، غریبانه و بدون دوست و خویشان و نزدیکان افتاده، حقش را غصب کردند و جمعی از مرتدین و برگشتگان از دین، دست به دست هم دادند و او را شهید کردند؛ حتی او را دفن نکرده در بیابان رهایشان ساختند و از آب فراتی که حتی حیوانات از آن می نوشند، منعش کردند و از این طریق، حق رسول الله صلی الله علیه و آله و وصیتی را که آن حضرت در حق او و اهل بیتش کرده بود، ضایع نمودند...^۲

۱۵- «علامة مجلسی» به نقل از «سیدبن طاووس» می گوید: مستحب است کسی که از زیارت آن حضرت فارغ شد و می خواهد از حرم مطهر بیرون رود، ضریح را ببوسد (اگر ممکن است) و بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای مولای من سلام بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای

صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ الظَّمَاءِ،

برگزیده خدا سلام بر تو ای بنده زبده خدا سلام بر تو ای کشته تشنگی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَرِيبَ الْغُرَبَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامٌ مُودِعٌ لَا سِئَمٍ وَلَا

سلام بر تو ای غریب تر از هر غریب سلام بر تو سلام خداحافظی کننده ای که نه خسته شده و نه

قَالَ، فَإِنْ أَمْضِ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ، وَإِنْ أَقِمِ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ

خشمگین پس اگر بروم نه از روی ملال است و اگر بمانم نه از روی بدگمانی به وعده ای است که خدا

الصَّابِرِينَ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ، وَرَزَقَنِي اللَّهُ الْعُودَ إِلَى

به بردباران داده قرارش ندهد خدا آخرین بار زیارت من از تو و روزیم کند خدا بازگشت بسوی

مَشْهَدِكَ، وَالْمَقَامَ بِفِنَائِكَ، وَالْقِيَامَ فِي حَرَمِكَ، وَإِيَّاهُ أَسْأَلُ أَنْ يُسْعِدَنِي

زیارتگاه تو را و ماندن در آستانت و ایستادن در حرمت را و از خدا خواهم که مرا بوسیله شما سعادتمند

بُكُمْ، وَيَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^۱

کند و با شما قرارم دهد در دنیا و آخرت.

و این در واقع، زیارت وداع آن حضرت به حساب می‌آید.

کیفیت زیارت امام حسین علیه السلام از نزدیک:

زیاراتی که برای امام حسین علیه السلام نقل شده، بر دو قسم است: نخست زیاراتی است که مقید به زمان خاصی نیست و «زیارات مطلقه» نام گرفته است. دیگر زیاراتی است که مخصوص زمان معینی می‌باشد و «زیارات مخصوصه» نام دارد:

زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام از نزدیک:

زیارات مطلقه آن حضرت زیاد است و ما به ذکر هفت زیارت اکتفا می‌کنیم:

زیارت اول: (معتبرترین زیارت^۲) طبق نقل «کلینی» و «ابن قولویه» گروهی از یاران امام صادق علیه السلام

نزد آن حضرت بودند، یکی از بزرگان آنها عرض کرد:

فدایت شوم، من بسیاری از اوقات امام حسین علیه السلام را یاد می‌کنم، در آن لحظه چه بگویم؟ فرمود: سه مرتبه بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»^۳ چرا که سلام، از دور یا نزدیک به آن حضرت می‌رسد. سپس فرمود: هنگامی که اباعبدالله علیه السلام به شهادت رسید آسمانها و زمین‌های هفتگانه و آنچه در آنها و مابین آنهاست، بر او گریه کردند... عرض کردم: من تصمیم می‌گیرم که به زیارت آن حضرت بروم چه بگویم و چگونه عمل کنم؟ فرمود: وقتی به زیارت حضرتش رفتی، با آب فرات غسل کن و سپس جامه‌های پاکت را بپوش... و هنگام رفتن بسیار «اللَّهُ أَكْبَرُ» و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «سُبْحَانَ اللَّهِ» و «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگو و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست، تا به در حرم حسینی برسی، وقتی به آن جا رسیدی بگو:

۱. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۲۳۰.

۲. این زیارت را غیر از مرحوم کلینی، شیخ الطائفه مرحوم طوسی در تهذیب و شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه نیز نقل کرده‌اند و مرحوم صدوق در همین کتاب در جلد ۲، صفحه ۵۹۸ می‌نویسد: «با آن‌که من در بعضی از کتاب‌های دیگرم زیارات متعددی را برای امام حسین علیه السلام نقل کرده‌ام، اما در این کتاب (من لایحضره الفقیه) به همین یک زیارت بسنده می‌کنم؛ چون آن را صحیح‌ترین زیارات از نظر سند می‌دانم، پس همین ما را بس است.»

۳. در روایت کافی به جای «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» آمده، ولی روایت کامل الزیارات (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ) با ادامه حدیث هماهنگ تر است، زیرا در هر دو روایت امام علیه السلام بعد از آن فرمود: «چرا که سلام» از دور یا نزدیک به او می‌رسد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا سلام بر شما ای فرشتگان خدا

وَزُوَارَ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللَّهِ * سپس ده گام بردار و توقف کن و سی مرتبه «الله اکبر» بگو، آنگاه به

و زائرین قبر فرزند پیغمبر خدا * * * * *

جانب قبر مقدس حرکت کن و مقابل آن - در حالی که پشت به قبله کرده‌ای - بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ وَابْنَ

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا سلام بر تو ای کشته راه خدا و فرزند

قَتِيلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَثَرَ اللَّهِ

کشته راه خدا سلام بر تو ای خون (ریخته در راه) خدا و فرزند چنین خونی سلام بر تو ای خون بازجسته خدا

الْمَوْتُورَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ،

که انتقام نگرفتی از کشتگان در آسمانها و زمین گواهی دهم که خون تو جایگیر شد در بهشت جاوید

وَأَقْشَعَرَّتْ لَهُ أَظْلَةُ الْعَرْشِ، وَبَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ، وَبَكَتْ لَهُ

و بلرزید برای آن سایه‌های عرش و گریه کردند برایش تمام خلایق و گریست بر آن

السَّمَوَاتُ السَّبْعُ، وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ، وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، وَمَنْ يَتَقَلَّبُ

آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها و مابین آنهاست و هر که می‌گردد

فِي الْجَنَّةِ وَالنَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبِّنَا، وَمَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى، أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةٌ

در بهشت و دوزخ از مخلوقات پروردگار ما و آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود گواهی دهم که تو حجت

اللَّهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَابْنُ قَتِيلِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ ثَارُ اللَّهِ

خدا و فرزند حجت خدایی و گواهی دهم که تو کشته خدا و فرزند کشته خدایی و گواهی دهم که تو کسی که خدا خونخواهی کند

وَابْنُ ثَارِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَثَرُ اللَّهِ الْمَوْتُورِ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَشْهَدُ

و فرزند چنین خونی و گواهی دهم که تو بی کشته‌ای که انتقام کشتگان را نگرفتی در آسمانها و زمین و گواهی دهم

أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ وَنَصَحْتَ وَوَفَيْتَ وَأَوْفَيْتَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ،

که تو برسانی (آنچه برعهده داشتی) و خیرخواهی کردی و وفاداری کردی و حق را کامل ادا کردی و در راه خدا جهاد کردی

وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَمُسْتَشْهِداً، وَشَاهِداً وَمَشْهُوداً، أَنَا

و بدنال هدفی که داشتی از جهان درگذشتی بصورت شهادت و شهادتجویی و گواه و مورد گواهی (حق) من

عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ وَفِي طَاعَتِكَ، وَالْوَافِدُ إِلَيْكَ، أَلْتَمِسُ كَمَالَ الْمَنْزِلَةِ

بنده خدا و دوست تو و در تحت اطاعت تو و وارد بر توام که جوایم مقام کاملی را

عِنْدَ اللَّهِ، وَثَبَاتَ الْقَدَمِ فِي الْهَجْرَةِ إِلَيْكَ، وَالسَّبِيلَ الَّذِي لَا يَخْتَلِجُ دُونَكَ

در پیش خدا و پایداری در هجرت کردن بدرگاهت و (ورود بدان) راهی که در پیش تو اضطراب (و دغدغه) ندارد

مِنَ الدُّخُولِ فِي كِفَالَتِكَ الَّتِي أَمَرْتُ بِهَا، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ، بِكُمْ يُبَيِّنُ

از وارد شدن در تحت سرپرستی تو که بدان مأمور گشته‌ای، هر که آهنگ خدا کند از شما آغاز کند، بوسیله شما

اللَّهُ الْكَذِبَ، وَبِكُمْ يُبَاعِدُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ، وَبِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَبِكُمْ يَخْتِمُ

خدا آشکار کند دروغ را و بخاطر شما دور کند خداوند روزگار دشوار و گزنده را و بوسیله شما خداوند (در خیر) بگشاید و به شما ببندد

اللَّهُ، وَبِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَبِكُمْ يُثَبِّتُ، وَبِكُمْ يَفُكُ الذَّلَّ مِنَ رِقَابِنَا، وَبِكُمْ

و بوسیله شما محو کند آنچه را خواهد و (یا) ثبت کند و به شما باز کند (طوق) خواری را از گردنهای ما و به شما

يُدْرِكُ اللَّهُ تَرَةً كُلِّ مُؤْمِنٍ يُطَلَبُ بِهَا، وَبِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا،

بگیرد خدا انتقام خون هر مؤمنی را که مورد مطالبه است و به شما برویاند زمین بر خود درختان را

وَبِكُمْ تُخْرِجُ الْأَرْضُ أَثْمَارَهَا، وَبِكُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَرِزْقَهَا،

و به شما بیرون آرد زمین میوه‌های خود را و به شما ببارد آسمان قطرات بارانش و روزیش را

وَبِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَرْبَ، وَبِكُمْ يُنْزِلُ اللَّهُ الْغَيْثَ، وَبِكُمْ تُسَبِّحُ الْأَرْضُ^۱

و به شما برطرف گرداند خدا گرفتاری را و به شما فرو بارد خدا باران را و بوسیله شما تسبیح گوید زمینی

الَّتِي تَحْمِلُ أْبْدَانَكُمْ، وَتَسْتَقِرُّ جِبَالُهَا عَن مَّرَاسِيهَا، إِزَادَةَ الرَّبِّ فِي

که بدنهای مطهر شما را بر خود دارد و مستقر گردد کوههایش بوسیله لنگرهای آن، و خواست پروردگار در

مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ، وَتُصْدِرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ، وَالصَّادِرُ عَمَّا فَضَّلَ مِنْ

اندازه‌گیری کارهایش بسوی شما فرود آید و از خانه‌های شما صادر گردد و نیز آنچه صدور یابد از تفصیل

أَحْكَامِ الْعِبَادِ، لِعِنْتِ أُمَّةٍ قَتَلْتَكُمْ، وَأُمَّةٍ خَالَفَتْكُمْ، وَأُمَّةٍ جَحَدَتْ

احکام بندگان، لعنت بر آن امتی که شما را کشتند و آن مردمی که با شما مخالفت کردند و آن جمعیتی که منکر شدند

وَلَا يَتَكُمُ، وَأُمَّةٌ ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ، وَأُمَّةٌ شَهِدَتْ وَلَمْ تُسْتَشْهَدْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

ولایت شما را و آن امتی که از دشمن شما پشتیبانی کردند و آن ملتی که حاضر بودند ولی تن به شهادت ندادند ستایش خدایی را

الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَأْوِيَهُمْ، وَبِئْسَ وَرْدُ الْوَارِدِينَ، وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ،

که دوزخ را جایگاهشان قرار داد و بد جایی است برای واردین و چه بد جایگاهی است ورودگهان

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. آنگاه سه مرتبه بگو: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ،

و ستایش برای خدا پروردگار جهانیان. * * * * * درود خدا بر تو باد ای اباعبدالله

أَنَا إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ خَالَفَكَ بَرِيءٌ»

من به سوی خداوند از هر کس که با تو مخالفت کرد بیزارم

سپس بر می خیزی و نزد قبر فرزند آن حضرت، علی بن الحسین عليه السلام (علی اکبر) که در پایین پای آن

حضرت مدفون است می روی و می گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ٢، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةَ وَفَاطِمَةَ *

بر تو ای فرزند حسن و حسین سلام بر تو ای فرزند خدیجه و فاطمه *

سپس سه مرتبه می گویی: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ * و نیز سه مرتبه

* * * * * درود خدا بر تو لعنت خدا بر کسی که تو را کشت * * * * *

می گویی: أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ * سپس بر می خیزی و با دست خود به سوی سایر شهدا اشاره

* * * * * من بسوی خدا از آنها بیزاریم * * * * *

می کنی و می گویی: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، فُزْتُمْ وَاللَّهِ،

* * * * * سلام بر شما سلام بر شما سلام بر شما رستگار شدید به خدا، رستگار شدید به خدا،

فُزْتُمْ وَاللَّهِ، فُزْتُمْ وَاللَّهِ، فَلَيْتَ أَنِّي مَعَكُمْ فَافُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا.

رستگار شدید به خدا، و ای کاش من هم با شما بودم و به رستگاری بزرگی نائل می گشتم.

بعد از آن دور می زنی و پشت قبر ابی عبدالله عليه السلام رو به قبله می ایستی و شش رکعت نماز بجا می آوری،

۱. در کافی «مناوهم» آمده است.

۲. این تعبیر اشاره به این است که آن حضرت فرزند نسبی امام حسین عليه السلام و فرزند روحانی و معنوی امام حسن عليه السلام بود.

وقتی چنین کردی زیارتت به اتمام می‌رسد. آنگاه اگر خواستی توقف می‌کنی و اگر خواستی برمی‌گردی.^۱ (البته بجا آوردن تمام این آداب برای همه زوَّار در حال حاضر مشکل است، کافی است در کناری بایستند و با توجه متن زیارت را بخوانند).



زیارت دوم: مؤلف «کامل الزیارات» از سلیمان بن حفص مروزی، از امام هادی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: نزد قبر امام حسین علیه السلام می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ،

سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای حجت خدا در زمین

و شَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

و گواه خدا بر خلق سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند

عَلَى الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ

علی مرتضی سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا گواهی دهم که تو براسستی برپا داشتی

الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک) و نهی کردی از منکر (کار زشت)

وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَمَيِّتًا *

و جهاد کردی در راه خدا تا مرگت فرا رسید پس درود خدا بر تو در زندگی و مرگت

سپس گونه راستت را بر ضریح می‌گذاری و می‌گویی: أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ،

***** گواهی دهم که براسستی تو (در کار خود) برهانی روشن از پروردگارت داشتی،

جِئْتِكَ مُقِرًّا بِالذُّنُوبِ، لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ * آنگاه

من آمدم به درگاهت با اقرار به گناهم تا وساطت کنی برایم در نزد پروردگارت ای پسر رسول خدا * *

تک تک ائمه علیهم السلام را با نام‌های شریفشان بر زبان جاری می‌کنی (یا علی بن ابی طالب و...) و می‌گویی:

«أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حُجَجُ اللَّهِ» سپس می‌گویی: اُكْتُبْ لِي عِنْدَكَ مِيثَاقًا وَعَهْدًا، اِنِّي

گواهی دهم که شما بندگان حجت‌های خدا * * * * * ثبت کن برایم در پیش خود پیمان و عهدی که براسستی

۱. کامل‌الزیارات، باب ۷۹، صفحه ۱۹۷، حدیث ۲، کافی، جلد ۴، صفحه ۵۷۵، حدیث ۲ و فقیه، جلد ۲، صفحه ۵۹۴، حدیث ۳۱۹۹.

أَتَيْتَكَ مُجَدِّدًا الْمِيثَاقَ، فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الشَّاهِدُ. ۱

من آمده‌ام برای تجدید پیمان پس گواهی ده برای من در نزد پروردگارت که براستی تویی گواه.



زیارت سوم: امام صادق علیه السلام به جابر جعفی فرمود: مسافت بین شما و قبر امام حسین علیه السلام چقدر است؟ می‌گوید: عرض کردم: کمی بیش از یک روز، فرمود: آن حضرت را زیارت می‌کنی؟ گفتم: آری، فرمود: دوست نداری که تو را به ثواب زیارتش خشنود سازم و بشارت دهم؟ عرض کردم: آری فدایت شوم، فرمود: هر کس از شما که برای زیارتش مهیّا می‌شود اهل آسمان یکدیگر را مژده می‌دهند، هنگامی که از منزلش، سواره یا پیاده، بیرون می‌رود خداوند متعال چهار هزار فرشته را موکل بر او قرار می‌دهد که بر او تا رسیدن به قبر امام حسین علیه السلام، درود بفرستند. سپس فرمود: هرگاه به حرم آن حضرت رسیدی بر در حرم مقدّس بایست و این کلمات را بگو که در ازای هر کلمه‌ای، بهره‌ای از رحمت الهی می‌بری، گفتم: آن کلمات کدام است؟^۲ فرمود: می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ نُوحَ

سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا سلام بر تو ای وارث نوح

نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

پیامبر خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا سلام بر تو ای

وَاْرثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ

وارث موسی هم سخن خدا سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا سلام

عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رُسُلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ أَمِيرِ

بر تو ای وارث محمد آقای رسولان خدا سلام بر تو ای وارث امیر

الْمُؤْمِنِينَ وَخَيْرِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ الْحَسَنِ الرَّضِيِّ

مؤمنان و بهترین اوصیا سلام بر تو ای وارث حضرت حسن آن امام پسندیده

الطَّاهِرِ الرَّاضِي الْمَرْضِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ، السَّلَامُ

پاک و راضی (به مقدرات خدا) و مورد پسند حق سلام بر تو ای بزرگترین راستگو سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْأَبْرُ التَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ

بر تو ای وصی نیکوکار با تقوا سلام بر تو و بر ارواحی که فرود آمدند

۱. کامل زیارات، باب ۷۹، صفحه ۲۱۰، حدیث ۷. ۲. این مقدمه در بحار نیامده، ولی در کامل زیارات آمده است.

بِفِنَائِكَ، وَأَنَاخْتُ بِرَحْلِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْحَافِينَ بِكَ،

به آستانت و بار انداختند بدرگاهت سلام بر تو و بر فرشتگانی که گرداگرد تو اند

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ

گواهی دهم که تو برستی برپا داشتی نماز را و بدادی زکات را و امر به معروف (کار نیک) کردی و نهی کردی

عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ الْمُلْحِدِينَ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْكَ

از منکر (کار زشت) و با بی‌دینان ستیزه‌جو پیکار کردی و خدا را پرستش کردی تا این که رحلت

الْيَقِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

فرا رسید سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش.

آنگاه به سوی قبر مطهر می‌روی، وقتی به قبر رسیدی و نزد آن ایستادی دست خود را بر ضریح بگذار و بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» سپس به نماز روی آور و بدان که در مقابل هر رکعتی که نزد آن حضرت بجا می‌آوری، ثوابهای بسیار عظیمی داری.^۱

زیارت چهارم: معاویه بن عمار می‌گوید: محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم که وقتی به زیارت امام

حسین علیه السلام شرفیاب شدم چه بگویم؟ فرمود: بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، رَحِمَكَ اللَّهُ يَا

سلام بر تو ای ابا عبدالله درود خدا بر تو باد ای ابا عبدالله، خدا مورد مهر خویش قرارت دهد ای

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَرِكَ فِي دِمِّكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ

ابا عبدالله، خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و کسی را که در خون تو شرکت جست و خدا لعنت کند کسی که

بَلَّغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ بَرِيءٌ.^۲

این جریان به اطلاع او رسید و بدان خشود بود من بسوی خدا از این جریان بی‌زاری جویم.

زیارت پنجم: به سند معتبر از ابراهیم بن ابی البلاد نقل شده که می‌گوید: امام موسی بن جعفر علیه السلام به

من فرمود: هرگاه به زیارت امام حسین علیه السلام می‌روی چه می‌گویی؟ عرض کردم: می‌گویم:

۱. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۲۲۹، حدیث ۳۶ و کامل الزیارات، باب ۷۹، صفحه ۲۰۵، حدیث ۵، (با اندکی تفاوت).

۲. کامل الزیارات، باب ۷۹، صفحه ۲۰۵، حدیث ۴.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا گواهی دهم که تو برستی

أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

بیا داشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک) و نهی کردی از منکر (کار زشت)

وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ

و دعوت کردی به راه پروردگارت با فرزاندگی و پند دادن نیکو و گواهی دهم که حقاً آنان که

سَفَكُوا دَمَكَ، وَاسْتَحَلُّوا حُرْمَتَكَ، مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ

ریختند خونت را و حرمت تو را از بین بردند ملعونند (و از رحمت حق دورند) و معذب هستند بر زبان داوود

وَعِيسَى بْنِ مَرْيَمَ، ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ.

و عیسی بن مریم و این بخاطر آن گناهی است که کردند و مردمی تجاوزکار بودند.

فرمود: آری! چنین است.^۱



زیارت ششم: عمّار ساباطی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: وقتی نزد قبر آن حضرت

رسیدی بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان سلام

عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای آقای جوانان اهل بهشت و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رِضَاهُ مِنْ رِضَى الرَّحْمَنِ، وَسَخَطُهُ مِنْ

و برکاتش سلام بر تو ای که خشنودیش از خشنودی خدای رحمان و خشمش نیز از

سَخَطِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، وَحُجَّةَ اللَّهِ، وَبَابَ اللَّهِ،

خشم خدای رحمان سرچشمه گیرد سلام بر تو ای امانتدار و حجت خدا و درگاه خدا

وَالدَّلِيلَ عَلَى اللَّهِ، وَالدَّاعِيَ إِلَى اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ حَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ، وَ

و راهنمای بر خدا و خواننده بسوی خدای گواهی دهم که تو برستی حلال کردی حلال خدا را و

حَرَّمْتَ حَرَامَ اللَّهِ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

حرام کردی حرام خدا را و بپا داشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک)

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

و نهی کردی از منکر (کار زشت) و دعوت کردی به راه پروردگارت با فرزاندگی و پند دادن

الْحَسَنَةِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَمَنْ قُتِلَ مَعَكَ شُهَدَاءُ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ،

نیکی و گواهی دهم که تو و هر که با تو کشته شد شهیدانی هستی زنده که در نزد پروردگارتان روزی می‌خورید

وَأَشْهَدُ أَنَّ قَاتِلَكَ فِي النَّارِ، أَدِينُ اللَّهِ بِالْبِرِّ آتِيَةً مِمَّنْ قَتَلَكَ، وَمِمَّنْ قَاتَلَكَ،

و گواهی دهم که برستی کشنده تو در آتش است پیروی کنم از خدا به بیزاری جستن از کسی که تو را کشت و جنگ کرد با تو

وَشَايِعَ عَلَيْكَ، وَمِمَّنْ جَمَعَ عَلَيْكَ، وَمِمَّنْ سَمِعَ صَوْتَكَ وَلَمْ يُعِنِكَ، يَا

و بر علیه تو از دشمنان پیروی کرد و از کسانی که دشمن برایت جمع کرد و از آن کس که آوازت شنید ولی یاریت نکرد ای

لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَافُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا.^۱

کاش من با شما بودم و به رستگاری بزرگی نائل می‌شدم.



زیارت هفتم: (زیارت وارث)

مرحوم «شیخ طوسی» در «مصباح المتهجد» از صفوان جمال نقل می‌کند که می‌گوید: برای زیارت مولایمان امام حسین علیه السلام از امام صادق علیه السلام رخصت طلبیدم و از او استدعا کردم که دستورالعملی را در زیارت آن حضرت برایم ذکر کند، فرمود: ای صفوان! قبل از حرکت سه روز روزه بگیر و در روز سوم غسل کن، سپس خانواده خود را جمع نما و بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتُوْدِعُكَ...» (تا آخر. این دعا با مختصر تفاوت بخش آداب زیارت امام حسین علیه السلام، صفحه ۳۶۱ گذشت) سپس با آب فرات غسل کن، پدرم از پدرانش، از رسول گرامی صلی الله علیه و آله به من خبر داد که فرمود: این فرزندم امام حسین علیه السلام بعد از من در کنار فرات کشته خواهد شد، پس هر کس پس از غسل با آب فرات، او را زیارت کند گناهانش به گونه‌ای می‌ریزد و پاک می‌شود که گویا تازه از مادر متولد شده است. آنگاه بعد از ذکر دستوراتی، از جمله گفتن تکبیر و لا اله الا الله و صلوات بر محمد و آل محمد و به خصوص صلوات بر امام حسین علیه السلام و لعنت بر قاتلان آن حضرت، فرمود: چون به در حرم رسیدی بایست و بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ

***** خدا بزرگتر از حد اندیشه و توصیف است و حمد و ثنای بسیار مخصوص خداست

۱. مستدرک الوسائل، جلد ۱۰، صفحه ۳۰۴، حدیث ۷ و کامل‌الزیارات، باب ۷۹، صفحه ۲۱۲، حدیث ۹، (با اندکی تفاوت)

اللَّهُ بُكْرَةً وَاصِيلاً، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ

و صبح و شام او را تسبیح و تنزیه می‌کنیم و ستایش خدایی را که ما را بر این درگاه (رحمت) رهنمائی کرد که اگر خدا ما را هدایت نمی‌فرمود

هَدَانَا اللَّهُ، لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ * سپس بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

ما به خود راه بدین آستان عزت نمی‌یافتیم همانا رسولان پروردگار به حق آمدند * * * * * تحیت و سلام بر تو ای

رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ،

رسول (گرامی) خدا درود و سلام بر تو ای پیغمبر (بزرگ) خدا سلام (حق) بر تو ای خاتم پیغمبران بر حق

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای سید رسولان (مطلق) سلام بر تو ای حبیب خدا سلام

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بر تو ای امیر اهل ایمان سلام بر تو ای سید اوصیای پیغمبران سلام بر تو ای

قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

پیشوای رو سفیدان و آبرومندان عالم سلام بر فاطمه زهراء بزرگ زنان عالم سلام

عَلَيْكَ وَ عَلَى الْأَيَّمَةِ مِنْ وُلْدِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

و تحیت بر تو و بر امامان (معصوم) از فرزندان تو باد سلام بر تو ای وصی و جانشین امیرالمؤمنین

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ

سلام بر تو ای راستگوی شهید سلام بر شما ای فرشتگان خدا

الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَقَامِ الشَّرِيفِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ رَبِّي

که رحل اقامت افکنده‌اید در این آستان شریف سلام بر شما ای فرشتگان پروردگار

الْمُحَدِّقِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ مِنِّي أَبَدًا مَا بَقِيَتْ

که بگرد قبر مطهر حسین علیه السلام حلقه زده‌اید سلام و تحیت ابدی از من بر شما باد مادامی که من هستم و

وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ * آنگاه می‌گویی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ

شب و روز در جهان بر قرار است * * * * * سلام و تحیت بر تو ای اباعبدالله الحسین سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، [السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ] ۲، عَبْدُكَ وَ ابْنُ

بر تو ای فرزند (عزیز) رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین (ای اباعبدالله) من بنده طاعت تو و بنده

۱. در بحار «السلام عليك يا بن فاطمة...» آمده است. ۲. این جمله در مصباح نیامده، ولی در بحار آمده است.

عَبْدِكَ وَابْنِ أُمَّتِكَ، الْمَقْرُبُ بِالرَّقِّ، وَالتَّارِكُ لِلْخِلَافِ عَلَيْكُمْ، وَالْمُوَالِي

زاده و کنیز زاده بدرگاه تو مقرر و معترف به بندگی فرمان تو و بی هیچ مخالفت با شما و دوست

لَوْلِيِّكُمْ، وَالْمُعَادِي لِعَدُوِّكُمْ، قَصَدَ حَرَمَكَ، وَاسْتَجَارَ بِمَشْهَدِكَ، وَتَقَرَّبَ

دوستان و دشمن دشمنان شما آمدهام به قصد زیارت در این حرم شریف و پناه آوردهام (از هر رنج و غم و بلا) به مشهد و مدفن مبارکت و بدرگاهت

إِلَيْكَ بِقَصْدِكَ، ءَأَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا

تقرب بدین قصد می‌طلبم آیا داخل شوم ای رسول خدا آیا داخل شوم ای پیغمبر خدا آیا داخل شوم ای

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، ءَأَدْخُلُ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، ءَأَدْخُلُ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ

امیرالمؤمنین آیا داخل شوم ای بزرگ اوصیاء پیغمبران آیا داخل شوم ای فاطمه زهرا سید زنان

الْعَالَمِينَ، ءَأَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ،

عالم آیا داخل شوم ای مولای من ای اباعبدالله آیا داخل شوم ای مولای من ای فرزند گرامی رسول خدا

پس اگر دلت خاشع شد و اشکت سرازیر گردید، بدان که آن نشانه اجازه شرفیابی است، آنگاه داخل شو و

بگو: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الَّذِي هَدَانِي لِوِلَايَتِكَ،

*** * سیاست و ستایش مخصوص پروردگار یگانه و یکتا وفرد و بی‌نیاز است خدایی که مرا بولایت و دوستی تو (ای اباعبدالله) رهبری فرمود

وَخَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ، وَسَهَّلَ لِي قَصْدَكَ * سپس بالای سر می‌ایستی و می‌گویی:

و مرا به زیارت مخصوص گردانید و توجه به آسائت را برایم آسان گردانید * * * * *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ

سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا سلام بر تو ای وارث نوح پیغمبر

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا سلام بر تو ای وارث

مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

موسی هم سخن با خدا سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا سلام بر تو

يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

ای وارث محمد حبیب خدا سلام بر تو ای وارث امیر مؤمنان

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ

علیه‌السلام ولی خدا سلام بر تو ای فرزند محمد مصطفی سلام

عَلَيْكَ يَا بْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ

بر تو ای فرزند علی مرتضی سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا سلام

عَلَيْكَ يَا بْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوِثْرَ

بر تو ای فرزند خدیجه کبری سلام بر تو ای کسی که خدا خونخواهش کند و فرزند چنین خونی و ای تک و تنها مانده‌ای که

الْمَوْتُورُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ

انتقام خونت گرفته نشد گواهی دهم که تو بپا داشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی

بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ،

به معروف (کار نیک) و نهی کردی از منکر (کار زشت) و پیروی کردی از خدا و رسولش تا به شهادت رسیدی

فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَكِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ

بس خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند و خدا لعنت کند مردمی که این جریان را شنیدند و بدان

فَرَضِيَتْ بِهِ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ

راضی شدند ای مولای من ای ابا عبدالله گواهی دهم که تو برستی نوری بودی در ضللهای

الشَّامِخَةِ، وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ

شامخ (و بلند) و زخمهای پاک، آلوده‌ات نکرد زمان جاهلیت به پلیدیهایش و نبوشاندت

تَلْبَسُكَ مِنْ مَدْلَهْمَاتِ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ

از جامه‌های آلوده و چرکش و گواهی دهم که برستی تو از جمله ستونهای دین و پایه‌های محکم

الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ، الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ، الْهَادِي الْمَهْدِي،

مردان با ایمانی و گواهی دهم که برستی تو پیشوایی هستی نیکوکار و با تقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه یافته

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأُمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ

و گواهی دهم که امامان از فرزندان تو اساس (و حقیقت) تقوا و نشانه‌های هدایت و دستاویز

الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَأَشْهَدُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ، وَأَنْبِيَآئُهُ

محکم (حق) و حجت‌هایی بر مردم دنیا هستند و گواه گیرم خدا و فرشتگانش و پیامبرانش

وَرُسُلُهُ، أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِأَيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَايِعِ دِينِي، وَخَوَاتِيمِ

و رسولانش را که من برستی به شما ایمان دارم و به بازگشتان یقین دارم طبق مقررات دین و مذهبیم و پایان

عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ،

کردارم و دلم تسلیم دل شمامست و کارم پیرو کار شمامست درودهای خدا بر شما

وَعَلَىٰ أَرْوَاحِكُمْ، وَعَلَىٰ أَجْسَادِكُمْ، وَعَلَىٰ أَجْسَامِكُمْ، وَعَلَىٰ شَاهِدِكُمْ،

و بر روانهایتان و بر جسدهایتان و بر پیکرتان و بر حاضران

وَعَلَىٰ غَائِبِكُمْ، وَعَلَىٰ ظَاهِرِكُمْ، وَعَلَىٰ بَاطِنِكُمْ * آنگاه (در صورت امکان) قبر را

و بر غایبتان و بر آشکارتان و بر نهانتان * * * * *

ببوس و بگو: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ،

* * * * * پدر و مادرم به فدای تو ای فرزند رسول خدا پدر و مادرم فدای تو ای ابا عبدالله

لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا، وَعَلَىٰ جَمِيعِ أَهْلِ

براستی بزرگ گشت عزابت و گران شد مصیبت تو بر ما و بر همه اهل

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكَ، يَا

آسمانها و زمین پس خدا لعنت کند مردمی را که اسبان را زین کردند و دهانه زدند و آماده کشتارت شدند ای

مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، قَصَدْتُ حَرَمَكَ، وَأَتَيْتُ إِلَىٰ مَشْهَدِكَ، أَسْأَلُ اللَّهَ

مولای من ای ابا عبدالله من آهنگ کردم حرم تو را و آمدم به زیارتگاهت از خدا خواهم

بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ، وَبِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

بدان منزلتی که در پیش او داری و بدان مقامی که نزدش داری که درود فرستد بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * سپس برخیز و دو رکعت نماز

و آل محمد و قرار دهد مرا با شما در دنیا و آخرت * * * * *

با حمد و هر سوره‌ای که خواستی بخوان و وقتی از نماز فارغ شدی، بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّي صَلَّيْتُ

* * * * * خدا را من نماز خواندم

وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ، وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ

و رکوع کردم و سجده بجا آوردم برای تو تنها که شریک نداری زیرا نماز و رکوع

وَالسُّجُودَ لَا يَكُونُ إِلَّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اَللّٰهُمَّ

و سجده نیست جز برای تو چون که تویی خدایی که معبودی جز تو نیست خدا را

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ السَّلَامِ وَالتَّحِيَّةِ،

درود فرست بر محمد و آل محمد و برسان از جانب من بدانشان بهترین سلام و تحیت را

وَأَزِدْهُ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ، اَللّٰهُمَّ وَهَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَىٰ مَوْلَايَ

و باز گردان از جانب آنها نیز بر من سلام خدا را و این دو رکعت نمازی که خواندم هدیه‌ای است از من به پیشگاه سرورم

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

امیرمؤمنان سلام بر شما ای یاران فاطمه بانوی زنان جهانیان

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ، السَّلَامُ

سلام بر شما ای یاران حضرت ابا محمد حسن بن علی آن دوست خیرخواه سلام

عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي، طِبْتُمْ وَطَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي

بر شما ای یاران حضرت اباعبدالله پدر و مادرم به فدای شما براستی پاکیزه شدید و پاکیزه گشت آن زمینی که

فِيهَا دُفِنْتُمْ، وَفَزْتُمْ فَوْزًا عَظِيمًا، فَيَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَافُوزَ مَعَكُمْ.

شما در آن مدفون شدید و به رستگاری بزرگی رسیدید پس ای کاش من هم با شما بودم که با شما رستگار گردم.

آنگاه به بالای سر امام حسین علیه السلام برگرد و برای خود و اهل و اولاد و پدر و مادر و برادران خود، بسیار دعا کن؛ چرا که دعای دعاکننده و سؤال سؤال کننده در آن روضه مطهره، رد نخواهد شد.^۱

یادآوری لازم:

توجه به این نکته لازم است که بعضی از ناآگاهان جمله‌هایی از پیش خود به زیارت وارث افزوده‌اند و این کار در موارد دیگری نیز تکرار شده، در حالی که این‌گونه بدعتها و اضافات از پیش خود، کاری خطرناک و نزد ائمه علیهم السلام مردود است و تدریجاً سبب مسخ کلمات آن بزرگواران می‌شود. بر همین اساس، مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمه الله پس از نقل زیارت وارث شکوائیه مبسوطی را در این رابطه ابراز می‌دارد، و در ضمن آن گلایه‌ای را که استادش مرحوم «حاجی نوری» در کتاب «لؤلؤ و مرجان» در همین ارتباط دارد ذکر نموده، آنگاه به نمونه‌های متعددی از این «اضافات جاهلانه» اشاره می‌کند و در پایان تحفظ شدیدی که اصحاب و علمای امامیه در نقل روایت و صحیح بودن و نبودن آن و اصراری که بر عرضه کردن بعضی از کتابها به بعضی از ائمه علیهم السلام داشتند را گوشزد می‌نماید و به همین مناسبت، داستان عرضه کردن «ابوهاشم جعفری» کتاب «یونس بن عبدالرحمن» را به «امام حسن عسکری علیه السلام» و نیز قصه عرضه کردن «بورق شنجانی هراتی» کتاب «یوم و لیلته» فضل بن شاذان به آن حضرت را مطرح می‌سازد و پس از اشاره به دقتی که خود، در نقل دعاها و زیارات از نسخه‌های اصلی و عرضه آن بر نسخه‌های متعدد داشته، در پایان از «شیخ کلینی» از «عبدالرحیم قصیر» نقل می‌کند که خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: فدایت شوم، من از پیش خود دعایی اختراع کرده‌ام، حضرت فرمود: «رها کن و نسبت به اختراع خود مرا به حالم واگذار»^۲ (کنایه از این که لازم نیست آن را برایم نقل کنی، که مردود است).

۱. مصباح‌المتجهّد، صفحه ۷۱۷ و بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۹۷، حدیث ۳۲.

۲. کافی، جلد ۳، صفحه ۴۷۶، حدیث ۱.

عبدالله بن سنان نیز از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «به زودی شبهات، بر شما هجوم می‌آورد در حالی که راهنما و پیشوایی برای شما نیست؛ در چنین زمانی کسی نجات می‌یابد که دعای غریق را بخواند» عرض کردم: دعای غریق چیست؟ فرمود می‌گویی:

«يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» من با اضافه کردن کلمه «وَالْأَبْصَارِ» به این دعا گفتم: «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» فرمود: شکی نیست که خداوند «مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ» است، ولی آن گونه که من گفتم بگو و همان کافی است. (و چیزی اضافه نکن).^۱

زیارت حضرت ابوالفضل، عباس بن علی علیه السلام:

«ابن قولویه» در کتاب «کامل الزیارات» به سند معتبر از ابوحمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: وقتی اراده زیارت قبر حضرت عباس علیه السلام را نمودی، بر در حرم آن حضرت می‌ایستی و می‌گویی:

سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَآئِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادِهِ

سلام خدا و سلام فرشتگان مقربش و پیامبران فرستاده‌اش و بندگان

الصَّالِحِينَ، وَجَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ، وَالزَّكَايَاتِ الطَّيِّبَاتِ، فِيمَا شَائِسْتَهَاش و تمام شهیدان و راستگویان و دروهای پاکیزه و پاک در هر

تَعْتَدِي وَتَرَوْحُ، عَلَيْكَ يَا بِنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ بامداد و پسین بر تو ای فرزند امیر مؤمنان گواهی دهم برایت که تو تسلیم بودی

والتَّصَدِيقِ، وَالْوَفَاءِ وَالنَّصِيحَةِ، لِخَلْفِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و تصدیق نمودی و وفا و خیرخواهی کردی نسبت به (حضرت ابا عبدالله) یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله

الْمُرْسَلِ، وَالسَّبِطِ الْمُنْتَجَبِ، وَالذَّلِيلِ الْعَالِمِ، وَالْوَصِيِّ الْمُبْلَغِ، وَالْمَظْلُومِ (آن پیامبر) مرسل و نوه برگزیده (آن حضرت) و راهنمای دانشمند و وصی که رساننده احکام خدا بود و آن ستمیده‌ای

الْمُهْتَضَمِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَنْ الْحَسَنِ که حشش پامال شد پس خداوند پاداشت دهد از جانب رسولش و از امیر مؤمنان و از حسن

وَالْحُسَيْنِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ و حسین - دروهای خدا بر ایشان - بهترین پاداشها را بخاطر آن بردباریت و پاداش خوبی

وَأَعَنْتَ، فَنِعَمَ عُقْبَى الدَّارِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهَلَ حَقَّكَ،

و کمکی که کردی و چه نیکوست سرانجام خانهات خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و خدا لعنت کند کسی که جهل ووزید درباره حق تو

وَأَسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَاءِ الْفُرَاتِ، أَشْهَدُ

و سبک شمرد حرمت تو را و خدا لعنت کند کسی که حایل شد میان تو و میان آب فرات گواهی دهم

أَنَّكَ قَتَلْتَ مَظْلُومًا، وَأَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ، جِئْتُكَ يَا بْنَ أَمِيرِ

که برستی تو مظلوم کشته شدی و برستی که خدا وفا کند به وعدهای که به شما داده آمدهام به درگاهت ای پسر امیر

الْمُؤْمِنِينَ، وَافِدًا إِلَيْكُمْ، وَقَلْبِي مُسَلِّمٌ لَكُمْ، وَأَنَا لَكُمْ تَابِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ

مؤمنان و واردم بر شما و دلیم تسلیم شما هست و خودم نیز پیرو شمایم و یاریم برای شما

مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَأَمَعَ عَدُوُّكُمْ،

آماده است تا هنگامی که خدا حکم کند و او بهترین حکم کنندگان است و من طرفدار شما و با شما هستم نه با دشمن شما

إِنِّي بَكُمْ وَبِإِيَابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَنْ خَالَفَكُمْ وَقَتَلَكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ،

و من نسبت به شما و به بازگشتان (در زمان رجعت) ایمان دارم و نسبت به هر کس که با شما مخالفت کرده و شما را کشته کافر و منکرم،

قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتُمْ بِالْأَيْدِي وَاللُّسُنِ * سپس داخل حرم مقدس می شوی و

بکشد خدا مردمی را که شما را کشتند بدست و زبان * * * * *

می گوئی: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ،

* * * سلام بر تو ای بنده شایسته پیرو خدا و رسولش

وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَسَلَّم، السَّلَامُ

و پیرو امیرمؤمنان و حسن و حسین - درود خدا و سلامش بر ایشان باد - سلام

عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ [وَمَغْفِرَتُهُ] وَرِضْوَانُهُ، وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ،

بر تو و رحمت خدا و برکاتش و آمرزش و خشنودیش و بر روح تو و بدنت

أَشْهَدُ وَأَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ الْبَدْرِيُّونَ،

گواهی دهم و خدا را نیز به گواهی گیرم که برستی تو برقتی به همان راهی که رفتند بدان راه جنگجویان بدر

وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الْمُنَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ،

و پیکار کنندگان در راه خدا و خیرخواهان او در پیکار با دشمنانش

الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَاءِهِ، الَّذِينَ دَفَعُوا عَنْ أَحِبَّائِهِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ

و کوشایان در یاری دوستانش و دفاع کنندگان از دوستانش پس خداوند پاداش دهد به بهترین

الْجَزَاءِ، وَأَكْثَرَ الْجَزَاءِ، وَأَوْفَرَ الْجَزَاءِ، وَأَوْفَى جَزَاءِ أَحَدٍ مِّمَّنْ وَفَى

پاداش و بیشترین پاداش و شایان‌ترین پاداش و کامل‌ترین پاداشی که به هر یک از کسانی دهند که به بیعت

بِيَعْتِهِ، وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ، وَأَطَاعَ وَوَلَاةَ أَمْرِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالِغْتَ فِي

با او وفا کرد و دعوتش را پذیرفت و پیروی کرد از کار دارانش گواهی دهم که تو برستی کوشش خود را در

النَّصِيحَةِ، وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ، فَبِعَثِّكَ اللَّهُ فِي الشُّهَدَاءِ، وَجَعَلَ

خبرخواهی کردی و نهایت تلاش خود را در این راه می‌دول داشتی خدایت در زمره شهیدان برانگیزد و

رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ الشُّهَدَاءِ، وَأَعْطَاكَ مِنْ جَنَانِهِ أَفْسَحَهَا مَنْزِلًا، وَأَفْضَلَهَا

روح تو را با ارواح نیکبختان قرار دهد و عطا کند بر تو از بهشت خویش فراخترین منزل و بهترین

عُرْفًا، وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عَلِيِّينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ،

غرفه‌ها را و بالا برد نام تو را در بالاترین جایگاهها و محشورت سازد با پیمبران و راستگويان

وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ

و شهیدان و شایستگان و آنها نیکو رفیقانی هستند گواهی دهم که برستی تو سستی نکردی و سر

تَتَكَلَّمُ، وَأَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ، وَمُتَّبِعًا

تلافی و به راهی که رفتی از روی بصیرت و بینایی کامل رفتی اقتدا به مردم شایسته کردی و پیروی

لِلنَّبِيِّينَ، فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ، وَبَيَّنَ رَسُولُهُ وَأَوْلِيَاءُهُ فِي

از پیمبران نمودی پس خداوند گرد آورد میان ما و تو و رسولش و دوستانش در

مَنَازِلِ الْمُخْبِتِينَ، فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.^۲

جایگاههای فروتنان (حق) زیرا که او مهربانترین مهربانان است.

چند تذکر:

۱- از عبارت «شیخ طوسی» در «تهذیب» به دست می‌آید که خوب است این زیارت را در پشت سر
قبر، رو به قبله بخواند.^۳

۱. در بحار «ارواح السعداء» آمده است.

۲. کامل‌الزیارات، باب ۸۵، صفحه ۲۵۶، حدیث ۱ و بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۲۷۷، حدیث ۱.

۳. تهذیب، جلد ۶، صفحه ۶۶.

۲- «شیخ مفید» و عده‌ای دیگر می‌گویند: پس از زیارت فوق به بالا سر آن حضرت می‌روی و دو رکعت نماز می‌خوانی و پس از آن، باز هم هر چه خواهی نماز بجای می‌آوری و خدا را بسیار می‌خوانی و سپس می‌گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَدْعُ لِي فِي هَذَا الْمَكَانِ الْمَكْرَمِ،

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و امامگذار برای من در این مکان گرامی

وَالْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ، ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَّجْتَهُ، وَلَا كَرْبًا إِلَّا

و زیارتگاه بزرگ گناهی جز آن که بیماریش و نه اندوهی جز آن که برطرف کنی و نه مشکلی جز آن که

كشَفْتَهُ، وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ، وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ، وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ،

رفع نمایی و نه بیماری جز آن که بهبودیش دهی و نه عیبی جز آن که بیوشانش و نه روزی جز آن که وسیعش کنی

وَلَا خَوْفًا إِلَّا آمَنْتَهُ، وَلَا شَمْلًا إِلَّا جَمَعْتَهُ، وَلَا غَائِبًا إِلَّا حَفِظْتَهُ وَأَدَيْتَهُ،

و نه ترسی جز آن که ایمنی بخشی و نه پراکندگی جز آن که گردآوری و نه شخص دور از نظری را جز آن که نگاهداریش کنی و ادایش کنی

وَلَا حَاجَةَ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، لَكَ فِيهَا رِضَىٰ وَلِي فِيهَا صَلَاحٌ

و نه حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت که خشنودی تو و صلاح من در آن باشد

إِلَّا قَضَيْتَهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * آنگاه پایین پای آن حضرت رو به ضریح می‌ایستی و

جز آن که برآوری آن را ای مهربانترین مهربانان * * * * *

می‌گویی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ

* * سلام بر تو ای ابوالفضل العباس فرزند امیر مؤمنان سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَوَّلِ الْقَوْمِ إِسْلَامًا،

بر تو ای فرزند آقای اوصیا سلام بر تو ای فرزند نخستین مردمی که مسلمان شد

وَأَقْدَمِهِمْ إِيمَانًا، وَأَقْوَمِهِمْ بِدِينِ اللَّهِ، وَأَحْوَطِهِمْ عَلَى الْإِسْلَامِ، أَشْهَدُ لَقَدْ

و جلوترین کسی که ایمان آورد و محکمترین مردم نسبت به دین خدا و با احتیاطترین افراد درباره اسلام گواهی دهم که

نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلَا خِيكَ، فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُوَاسِي، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

تو بخوبی خیرخواهی کردی درباره خدا و رسولش و دربارۀ برادرت پس چه نیکو برادر همدردی بودی خدا لعنت کند مردمی که

قَتَلْتَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ،

تو را کشتند و خدا لعنت کند مردمی که به تو ستم کردند و خدا لعنت کند مردمی که حرمت تو را حلال شمردند (و پایمال کردند)

وَأَنْتَهَكْتَ فِيكَ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ، فَنِعْمَ الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ الْمُحَامِي النَّاصِرُ،

و دریدند (نسبت به تو) حرمت اسلام را و تو چه نیکو شکیبای مجاهد و حامی و یاور ی بودی

وَالْأَخُ الدَّافِعُ عَنْ أَخِيهِ، أَلْمُجِيبُ إِلَى طَاعَةِ رَبِّهِ، أَلرَّاعِبُ فِيمَا زَهَدَ فِيهِ

و (چه خوب) برادری که مدافع از برادرش بود و پاسخ دهنده اطاعت پروردگارش و مشتاق بودی بدانچه کناره گیری کردند از آن

غَيْرُهُ مِنَ الثَّوَابِ الْجَزِيلِ، وَالتَّنَاءِ الْجَمِيلِ، فَالْحَقَّكَ اللَّهُ بِدَرَجَةِ آبَائِكَ

دیگران از آن نیک پاداش بسیار و ستایش زیبا و ملحقست ساخت خداوند به درجه پدرانت

فِي دَارِ النَّعِيمِ، اَللَّهُمَّ اِنِّي تَعَرَّضْتُ لِزِيَارَةِ اَوْلِيَاءِكَ رَغْبَةً فِي ثَوَابِكَ،

در بهشتهای پر نعمت خدایا من اقدام به زیارت دوستانت کردم بخاطر اشتیاقی که در پاداش نیک تو دارم

وَرَجَاءٌ لِمَغْفِرَتِكَ وَجَزِيلِ اِحْسَانِكَ، فَاسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و به امید آمرزشت و بسیاری احسانت پس از تو خواهم که - اولاً - درود فرستی بر محمد و آل

الطَّاهِرِينَ، وَاَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ دَارًا، وَعَيْشِي بِهِمْ قَارًا، وَزِيَارَتِي بِهِمْ

پاکش و - دیگر آن که - روزیم را بواسطه ایشان ریزان گردانی و خوشیم را بدانها ثابت و زیارتیم را بخاطر آنها

مَقْبُولَةً، وَحَيَاتِي بِهِمْ طَيِّبَةً، وَادْرِجْنِي اِدْرَاجَ الْمُكْرَمِينَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ

پذیرفته و زندگیم را بدیشان دلپسند کنی و مرا در زمره گرامیان درج کنی و قرارم دهی از کسانی که

يُنْقَلَبُ مِنْ زِيَارَةِ مَشَاهِدِ اَحْبَائِكَ مُنْجِحًا، قَدْ اسْتَوْجَبَ غُفْرَانَ الذَّنُوبِ،

چون از زیارت زیارتگاه دوستانت باز گردد رستگار و کامیاب باشد چنانکه مستوجب شده باشد آمرزش گناهان

وَسْتَرَ الْعُيُوبِ، وَكَشَفَ الْكُرُوبِ، اِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوَى وَاهْلُ الْمَغْفِرَةِ. ۱

و پوشیدن عیبها و برطرف شدن گرفتاریهایش را که براستی تو شایسته هستی برهیزکاری (از تو) را و اهل آمرزشی.

۳- برای وداع با آن بزرگوار «ابن قولویه» از ابوحمزه ثمالی نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگام وداع با عباس علیه السلام بگو:

اَسْتُوْدِعُكَ اللهُ وَاسْتَرْعِيكَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ

به خدا می سپارم و توجه و مراعات کردند را خواهانم و سلام بر تو می فرستم ایمان داریم به خدا و رسولش

وَيَكْتُابِهِ، وَيَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللهِ، اَللَّهُمَّ اَكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، اَللَّهُمَّ لَا

و به کتابش و بدانچه او از نزد خدا آورده است خدایا بنویس نام ما را با گواهان خدایا مگردان

تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ ابْنِ أَخِي نَبِيِّكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

این زیارت را آخرین بار زیارتیم از قبر فرزندی برادر پیغمبرت - که درود تو بر او و آتش باد -

وَأَرْزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبَائِهِ فِي الْجَنَانِ،

و روزی من کن زیارتش را همیشه تا زندهام داری و محشورم کن با او و با پدرانش در بهشت

وَعَرَّفْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ رَسُولِكَ وَأَوْلِيَاءِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و شناسایی بر قرار کن میان من و او و پیامبرت و دوستانت خدایا درود فرست بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَتَوَفَّنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ، وَالتَّصَدِّقِ بِرَسُولِكَ، وَالْوِلَايَةِ

و آل محمد و بجزایم بر ایمان بخودت و تصدیق به پیامبرت و بر ولایت

لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ، وَالْأئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَالْبَرَاءَةِ مِنْ

علی بن ابیطالب و امامان از فرزندان (علیهم السلام) و بیزارى از

عَدُوِّهِمْ، فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ بِذَلِكَ يَا رَبِّ.

دشمنانشان زیرا که من ای پروردگار مهربان به همین خشنودم.

سپس برای خود و والدین خود و مؤمنین و مسلمین هر دعایی را که خواستی بکن.^۱

۴- در عظمت و مقام حضرت عباس علیه السلام همین بس که امام سجّاد (سلام الله علیه) فرمود: «خدا رحمت کند عباس را که برادرش را بر خود مقدم داشت و جان خویش را فدای حضرتش نمود، به گونه‌ای که در یاری او دو دستش را قطع کردند، و خدای سبحان در عوض آن، دو بال به او عنایت فرمود که مانند جعفر بن ابی طالب (جعفر طیار) در بهشت پرواز می‌کند و از برای عباس در نزد خدا روز قیامت منزلت و مقامی است که جمیع شهدا به آن غبطه می‌خورند (و آرزوی مقام او را می‌نمایند)».^۲

۵- در تاریخ، عمر آن حضرت در وقت شهادت، ۳۴ سال نقل شده است^۳ و نیز آمده است که مادرش ام‌البنین در بیرون مدینه در قبرستان بقیع، چنان در ماتم عباس و برادرانش نُدبه و گریه می‌کرد که هر عابر و شاهدی گریان می‌شد، حتی بزرگترین دشمن خاندان نبوت «مروان بن الحکم» وقتی از کنار ام‌البنین گذشت در اثر گریه او گریست.^۴ این اشعار در مرثیه عباس و برادرانش از ام‌البنین نقل شده:

يَا مَنْ رَأَى الْعَبَّاسَ كَرَّ عَلَى جَمَاهِرِ النَّقْدِ وَوَرَاهُ مِنْ أَبْنَاءِ حَيْدَرَ كُلِّ لَيْثٍ ذِي لَبَدٍ

ای که دیدی عباس را حمله می‌کرد بر توده‌های فرومایه و پشت سرش فرزندان حیدر بودند چون شیران یال دار

۱. کامل‌الزیارات، باب ۸۶، صفحه ۲۵۸، حدیث ۱.

۲. خصال، جلد ۱، صفحه ۶۸، حدیث ۱۰۱.

۳. اعلام الوری، صفحه ۲۰۳.

۴. بحارالانوار، جلد ۴۵، صفحه ۴۰.

أُنْبِتُ أَنْ ابْنِي أُصِيبَ بِرَأْسِهِ مَقْطُوعَ يَدٍ وَيَلِي عَلَى شِبْلِي أَمَالَ بِرَأْسِهِ ضَرْبُ الْعَمَدِ

شنیده‌ام که پسر مرا در وقتی که دستش بریده بود به سرش زده‌اند وای بر من که شیربچه‌ام را عمود زدند

لَوْ كَانَ سَيْفَكَ فِي يَدَيْكَ لَمَا دَنَى مِنْهُ أَحَدٌ

اگر شمشیر در دستش بود کسی جرأت نداشت به او نزدیک شود

و نیز این ابیات منسوب به آن بانوی مخدّره است:

لَا تَدْعُوَنِي وَيَكِ أُمَّ الْبَنِينِ تَذَكَّرِنِي بِلُيُوثِ الْعَرِينِ

وای بر تو دیگر مرا مادر پسران مخوان که به یاد شیران بیشه‌ام می‌اندازی

كَأَنْتَ بَنُونِ لِي أَدْعَى بِهِمْ وَالْيَوْمَ أَصْبَحْتُ وَلَا مِنْ بَنِينِ

پسرانی داشتم که بدان جهت مرا به این نام می‌خواندند ولی امروز دیگر پسرانی ندارم

أَرْبَعَةٌ مِثْلُ سُورِ الرَّبِيِّ قَدْ وَاصَلُوا الْمَوْتَ بِقَطْعِ الْوَتِينِ

چهار پسر چون بازهای کوهسار که با قطع شاهرگشان از جهان رفتند

تَنَازَعَ الْخِرْصَانُ أَشْلَاتَهُمْ فَكَلَّمَهُمْ أَمْسَى صَرِيحاً طَعِينِ

نیزه‌ها بر روی پیکرشان ستیزه داشتند و همگی با تن مجروح به خاک افتادند

يَا لَيْتَ شِعْرِي أَكَمَا أَحْبَرُوا بِأَنَّ عَبَّاساً قَطِيعُ الْيَمِينِ ۲

ای کاش می‌دانستم که آیا راست است که دست راست عباس جدا گشته است

ع- «سید بن طاووس» در کتاب «اقبال» زیارتی را از ناحیه مقدسه حضرت حجّت (سلام‌الله‌علیه) برای علی اکبر علیه‌السلام و سایر شهدای کربلا با ذکر نام و بعضی از خصوصیات تک تک آنها ذکر کرده که علاقه‌مندان برای اطلاع، می‌توانند به اقبال، یا بحارالانوار رجوع کنند.^۳

زیارات مخصوصه امام حسین علیه‌السلام از نزدیک

زیاراتی که مخصوص زمان خاصی است، نیز برای امام حسین علیه‌السلام نقل شده که عبارتند از:

زیارت در شبها و روزهای مخصوص

۱- زیارت عاشورا

برای روز عاشورا زیارات متعددی نقل شده که در بخش‌های آینده این کتاب (بخش اعمال ماه‌ها) به

۱. مقتل ابومخنف، صفحه ۱۸۱.

۲. همان مدرک.

۳. اقبال، صفحه ۵۷۳ و بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۲۶۹.

مناسبت بیان اعمال روز دهم ماه محرم (روز عاشورا) بعضی از این زیارات ذکر خواهد شد. در این بخش (بخش زیارات) نیز به تناسب فصل زیارات مخصوصه امام حسین علیه السلام به بعضی زیارات دیگر اشاره می‌شود، لیکن قبل از بیان این زیارت، شایسته است به اهمّیت و آثار فراوانی که زیارت قبر امام حسین علیه السلام از نزدیک، یا دور در این روز غم‌انگیز و حزن‌آفرین دارد، اشاره گردد:

۱- جابر جعفی می‌گوید: روز عاشورا بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، به من فرمود: «کسی که شب عاشورا نزد قبر امام حسین علیه السلام بی‌توته کند، روز قیامت در حالی که به خورش آغشته است و گویا با امام حسین علیه السلام در یک میدان شهید شده، محشور می‌شود».^۱

۲- کسی که روز عاشورا امام حسین علیه السلام را زیارت کند بهشت بر او واجب می‌شود.^۲

۳- کسی که روز عاشورا نزد قبر امام حسین علیه السلام به یاد آن حضرت، زوّارش را سیراب کند مثل کسی است که به لشکر امام حسین آب داده و در آن میدان حاضر بوده است.^۳

یادآوری: جناب علقمه، از تکلیف کسانی که توفیق زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا برای آنان فراهم نیست سؤال می‌کند که به ضمیمه جواب امام علیه السلام در قسمت «زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور» خواهد آمد؛ **این شاءالله.** (صفحه ۴۳۲)

سند زیارت معروف عاشورا:

جناب علقمه از امام باقر علیه السلام زیارتی را نقل می‌کند که هر جا از زیارت عاشورا و آثار و برکات آن چیزی گفته شده و یا می‌شود، مقصود همین زیارت است. این زیارت که می‌توان از دور و نزدیک آن را خواند از آثار و برکات فوق‌العاده‌ای برخوردار است که ما برای نشان دادن اهمّیت آن نکاتی را مورد اشاره قرار می‌دهیم:

الف) سند این روایت اختصاص به علقمه ندارد بلکه به سه طریق دیگر نیز نقل شده است:

۱- محمد بن اسماعیل از صالح بن عقبه از مالک جهنی از امام باقر علیه السلام.^۴

۲- محمد بن اسماعیل از صالح بن عقبه از پدرش از امام باقر علیه السلام.^۵

۳- روایت معروف صفوان از امام صادق علیه السلام.^۶

۱. کامل‌الزیارات، باب ۷۱، صفحه ۱۷۳، حدیث ۱. ۲. همان مدرک، صفحه ۱۷۴، حدیث ۲.

۳. همان مدرک، حدیث ۵ و بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۵، حدیث ۱۴.

۴. کامل‌الزیارات، باب ۷۱، حدیث ۷ و بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۲۹۰، حدیث ۱.

۵. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۲۹۳، حدیث ۲. ۶. همان مدرک، صفحه ۲۹۶-۳۰۰.

البته لازم به ذکر است، در اسنادی که به امام باقر علیه السلام منتهی می شود زیارت عاشورا بدون دعا نقل شده است؛ اما در سند صفوان که به امام صادق علیه السلام منتهی می شود، دعایی نیز برای بعد از زیارت ذکر شده که - همان گونه که گذشت - به اشتباه به نام «دعای علقمه» مشهور شده است در حالی که صحیح این بود که به «دعای صفوان» نامگذاری می شد.

ب) در فضیلت این زیارت همین بس که بر خلاف سایر زیارات که از معصومین علیهم السلام نقل شده، این زیارت به شکل حدیث قدسی روایت شده است، یعنی ائمه هدی علیهم السلام آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که جبرئیل امین آن را از سوی خداوند برای او آورده است.

اضافه بر این که طبق روایتی از امام صادق علیه السلام، آن حضرت و اجداد معصومش علیهم السلام ضمانت کرده اند هر کس این زیارت را و دعای بعد از آن را بخواند، زیارتش مقبول درگاه خداوند و دعایش مستجاب و اهل بهشت خواهد بود و حتی شفاعتش در حق دیگران پذیرفته خواهد شد.^۱

ج) این که مشاهده می شود بعضی از متدینین و عاشقان امام حسین علیه السلام، هر روز این زیارت را می خوانند و بر مداومت بر آن اصرار می ورزند بی جهت نیست؛ چون «ابن قولویه» در پایان روایت علقمه، از خود علقمه نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر توان داری که هر روز امام حسین علیه السلام را با این زیارت، زیارت کنی، چنین کن که تمام آنچه از ثواب گفته شد برایت نوشته می شود ان شاء الله تعالی».^۲

البته با توجه به این که در روایت علقمه، دعای بعد از زیارت، وجود ندارد لذا از سنگینی مداومت بر این زیارت، کاسته می شود.

د) از بعضی از قضایا نیز به دست می آید که ادامه دادن بر این زیارات، آثار و برکات ویژه ای را به دنبال دارد، حتی سبب می شود که دوستان و همسایگان چنین کسی، مشمول برکات و نتایج آن گردند و الطاف الهی شامل حال آنها شود.

ه) قابل توجه این که در پایان این روایت آمده است: «ای صفوان! هرگاه حاجتی به تو روی آورد با این زیارت در هر مکانی که هستی زیارت کن و این دعا را بخوان و حاجتت را بخواه که از جانب خدا برآورده خواهد شد و خداوند از وعده جود و بخششی که به رسولش داد تخلف نمی کند و الحمد لله».^۳

خلاصه هر قدر در فضیلت این زیارت گفته شود کم است، ولی نباید فراموش کرد که شرط گرفتن نتیجه آن است که محتوای زیارت را درک کند و در مسیر آن حرکت نماید.

۱. بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۰۰ و مصباح المتهجد، صفحه ۷۸۱.

۲. کامل الزیارات، باب ۷۱، صفحه ۱۷۹، قسمت پایانی حدیث ۹.

۳. بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۰۰.

متن زیارت عاشورا:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، [السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو

يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ]، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ سَيِّدِ

ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند آقای

الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

اوصیا سلام بر تو ای فرزند فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام

عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوِثْرَ الْمُوتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى

بر تو ای که خدا خونخواهش کندو فرزند چنین کسی و ای کشته‌ای که انتقام کشته‌گانت نگرفتی سلام بر تو و بر

الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ أَبَداً مَا بَقِيَتْ

روان‌هایی که فرود آمدند به آستان، بر شما همگی از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من برجایم

وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظَمْتَ الرَّزِيَّةَ، وَجَلَّتْ وَعَظَمْتَ

و برجاست شب و روز ای ابا عبدالله برستی بزرگ شد سوگوری تو و گران و عظیم گشت

الْمُصِيبَةَ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَجَلَّتْ وَعَظَمْتَ

مصیبت تو بر ما و بر همه اهل اسلام و گران و عظیم گشت

مُصِيبَتِكَ فِي السَّمَوَاتِ، عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

مصیبت تو در آسمانها بر همه اهل آسمان‌ها پس خدا لعنت کند مردمی را که

أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ

ریختند شالوده ستم و بیدادگری را بر شما خاندان و خدا لعنت کند مردمی را که کنار زدند شما را

عَنْ مَقَامِكُمْ، وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

از مقام مخصوصتان و دور کردند شما را از آن مرتبه‌هایی که خداوند آن رتبه‌ها را به شما داده بود و خدا لعنت کند مردمی که

قَتَلْتَكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهَّدِينَ لَهُمْ بِالْتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ، بَرَأْتُ إِلَى اللَّهِ

شما را کشتند و خدا لعنت کند آنان که تهیه اسباب کردند برای آنها تا توانستند با شما بجنگند بیزاری جویم بسوی خدا

وَالْيَكُم مِّنْهُمْ، وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سَلِّمٌ

و بسوی شما از ایشان و از پیروان و دنبال روندگانشان و دوستانشان ای ابا عبدالله من تسلیم

لَمَنْ سَأَلَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ

و در صلح با کسی که با شما در صلح است و در جنگ با هر کس که با شما در جنگ است تا روز قیامت و خدا لعنت کند خاندان زیاد

وَأَلَّ مَرْوَانَ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ

و خاندان مروان را و خدا لعنت کند بنی امیه را همگی و خدا لعنت کند فرزند مرجانه (ابن زیاد) را و خدا لعنت کند

عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَالْجَمْتُ وَتَنَقَّبَتْ

عمر بن سعد را و خدا لعنت کند شمر را و خدا لعنت کند مردمی را که اسبها را زین کردند و دهنه زدند و به راه افتادند

لِقِتَالِكَ، يَا بِيَّ أَنْتَ وَآمِي، لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ، فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ

برای پیکار با تو پدر و مادرم بقدایت که براستی بزرگ شد مصیبت تو بر من پس می‌خواهم از آن خدایی که گرامی داشت

مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَ، أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ

مقام تو را و گرامی داشت مرا بخاطر تو که روزیم گرداند خونخواهی تو را در رکاب آن امام یاری شده از خاندان

بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ

محمد صلی الله علیه و آله خدایا قرار ده مرا نزد خودت ابرومند بوسیله حسین

عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَالْإِلَى

علیه السلام در دنیا و آخرت ای ابا عبدالله من تقرب جویم به درگاه خدا و پیشگاه

رَسُولِهِ، وَالْإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِلَى فَاطِمَةَ، وَالْإِلَى الْحَسَنِ وَالْإِلَى

رسولش و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و شما

بِمَوَالِيَتِكَ، وَبِالْبِرَاةِ [مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ، وَبِالْبِرَاةِ مِمَّنْ

بوسیله دوستی تو و بوسیله بیزاری از کسی که با تو مقاتله کرد و جنگ با تو را برپا کرد و به بیزاری جستن از کسی که

أَسَسَ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَالْإِلَى رَسُولِهِ] مِمَّنْ

شالوده ستم و ظلم بر شما را ریخت و بیزاری جویم بسوی خدا و بسوی رسولش از کسی که

أَسَسَ أَسَاسَ ذَلِكَ، وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ، وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجُورِهِ عَلَيْكُمْ،

پی‌ریزی کرد شالوده این کار را و پایه‌گذاری کرد بر آن بنیانش را و دنبال کرد ستم و ظلمش را بر شما

وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَالْإِلَى إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ، ثُمَّ إِلَيْكُمْ

و بر پیروان شما بیزاری جویم بدرگاه خدا و به پیشگاه شما از ایشان و تقرب جویم بسوی خدا سپس به شما

بِمُؤَالَاتِكُمْ وَمُؤَالَاةِ وَلِيِّكُمْ، وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالنَّاصِبِينَ لَكُمْ

بوسیله دوستیتان و دوستی دوستان شما و به بیزاری از دشمنانتان و برپا کنندگان (و آتش افروزان)

الْحَرْبِ، وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ، إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ،

جنگ با شما و به بیزاری از یاران و پیروانشان من در صلح و سازشم با کسی که با شما در صلح است

وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ، فَاسْئَلُ

و در جنگم با کسی که با شما در جنگ است و دوستم با کسی که شما را دوست دارد و دشمنم با کسی که شما را دشمن دارد و درخواست کنم

اللَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَاءِكُمْ، وَرَزَقَنِي الْبَرَاءَةَ مِنْ

از خدایی که مرا گرامی داشت بوسیله معرفت شما و معرفت دوستانتان و روزیم کند بیزاری جستن از

أَعْدَائِكُمْ، أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ

دشمنانتان را به این که قرار دهد مرا با شما در دنیا و آخرت و پابرجا دارد برای من در پیش شما

قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ

گام راست و درستی (و ثبات قدمی) در دنیا و آخرت و از او خواهم که برساند مرا به مقام پسندیده شما

عِنْدَ اللَّهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِيٍّ مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ

در پیش خدا و روزیم کند خونخواهی شما را با امام راهنمای آشکار گویای به حق

مِنْكُمْ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ، أَنْ يُعْطِيَنِي

که از شما (خاندان) است و از خدا خواهم به حق شما و بدان منزلتی که شما نزد او دارید که عطا کند به من

بِمُضَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى مُضَابًا بِمُصِيبَتِهِ، مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ

بوسیله مصیبتی که از ناحیه شما به من رسیده بهترین پاداشی را که می‌دهد به یک مصیبت‌زده از مصیبتی که دیده برآستی چه مصیبت بزرگی و چه

رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ، وَفِي جَمِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي

داغ گرانی بود در اسلام و در تمام آسمانها و زمین خدایا چنانم کن

فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ، اَللَّهُمَّ اجْعَلْ

در این‌جا که ایستاده‌ام از کسانی باشم که برسد بدو از ناحیه تو درود و رحمت و آمرزشی خدایا قرار ده

مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

زندگیم را زندگی محمد و آل محمد و مرگم را مرگ محمد و آل محمد

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةَ، وَابْنُ آكِلَةِ الْأَكْبَادِ، اللَّعِينُ ابْنُ

خدایا این روز روزی است که مبارک و میمون دانستند آن را بنی‌امیه و پسر آن زن جگرخوار (معاویه) آن ملعون پسر

اللَّعِينِ، عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ

ملعون (که لعن شده) بر زبان تو و زبان پیامبرت - که درود خدا بر او و آتش باد - در هر جا

وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنْ أَبَا سُفْيَانَ

و هر مکانی که توقف کرد در آن مکان پیامبرت - صلی‌الله علیه و آله - خدایا لعنت کن ابوسفیان

وَمُعَاوِيَةَ وَ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ، عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَبْدِينَ، وَهَذَا يَوْمٌ

و معاویه و یزید بن معاویه را که لعنت بر ایشان باد از جانب تو برای همیشه و این روز روزی است که

فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ

شادمان شدند به این روز دودمان زیاد و دودمان مروان بخاطر کشتن حضرت حسین صلوات الله علیه را خدایا

فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابَ، اللَّهُمَّ إِنِّي اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا

پس چندین برابر کن بر آنها لعنت خود و عذاب دردناک را خدایا من تقرب جویم بسوی تو در این

الْيَوْمِ، وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَأَيَّامِ حَيَاتِي، بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ،

روز و در این جایی که هستم و در تمام دوران زندگیم به بیزاری جستن از اینها و لعنت فرستادن بر ایشان

وَبِالْمُؤَالَاتِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ * سپس صد مرتبه می‌گویی:

و بوسیلهٔ دوست داشتن پیامبرت و خاندان پیامبرت که بر او و بر ایشان سلام باد * * * * *

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى

خدایا لعنت کن نخستین ستمگری را که بزور گرفت حق محمد و آل محمد را و آخرین کسی که او را در این زور و ستم

ذَلِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنِ، وَشَايَعَتْ وَبَايَعَتْ

پیروی کرد خدایا لعنت کن بر گروهی که بیکار کردند با حسین(علیه السلام) و همراهی کردند و پیمان بستند

وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعًا * آنگاه صد مرتبه می‌گویی: السَّلَامُ

و از هم پیروی کردند برای کشتن آن حضرت خدایا لعنت کن همهٔ آنها را * * * * *

عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ

بر تو ای ابا عبدالله و بر روانهایی که فرود آمدند به آستانت، بر تو از جانب من سلام

اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي

خدا باد همیشه تا من زنده‌ام و برپاست شب و روز و قرار ندهد این زیارت را خداوند آخرین بار زیارت من

لِزِيَارَتِكُمْ، اَلسَّلَامُ عَلَيِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَيِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَيِ اَوْلَادِ

از شما سلام بر حسین و بر علی بن حسین و بر فرزندان

الْحُسَيْنِ، وَعَلَيِ اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ * سپس می‌گویی: اَللّٰهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوَّلَ

حسین و بر اصحاب یاران حسین * * * * * خدایا مخصوص گردان

ظَالِمٍ بِاللَّغْنِ مِنِّي، وَاَبْدَأُ بِهِ اَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّلَاثِ وَالرَّابِعِ، اَللّٰهُمَّ اَلْعَنْ

نخستین گستاخر را به لعنت من و آغاز کن بدان لعن اولی را و سپس دومی و سومی و چهارمی را خدایا لعنت کن

يَزِيْدٍ خَامِسًا، وَاَلْعَنْ عُبَيْدَ اللهِ بْنِ زِيَادٍ وَاِبْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ

یزید را در مرتبه پنجم و لعنت کن عبیدالله پسر زیاد و پسر مرجانه را و عمر بن سعد

وَشِمْرًا، وَاَلْ اَبِي سَفِيَانَ وَاَلْ زِيَادِ وَاَلْ مَرْوَانَ اِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ ۲ * آنگاه به

و شمر و دودمان اوسفیان و دودمان زیاد و دودمان مروان را تا روز قیامت * * *

سجده می‌روی و می‌گویی: اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِيْنَ لَكَ عَلَيِ مُصَابِيهِمْ،

* * * * * خدایا مخصوص توست ستایش سپاسگزاران تو بر مصیبت‌زدگی آنها،

۱. در مصباح‌المتهجد «لزیارتك» آمده است.

۲. بعضی می‌گویند: جمله‌های «أَوْلَا ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّلَاثِ وَالرَّابِعِ» در نسخه خطی مصباح‌المتهجد، مربوط به اوائل قرن ششم (سال ۵۰۲)، موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی و نسخه مصباح‌الصغیر شیخ (که برگزیده مصباح‌المتهجد است) و مربوط به قرن ششم و آن هم در آستان قدس موجود است، وجود ندارد، ولی باید توجه داشت که جمله‌های فوق در چند نسخه مهم و معتبر دیگر مصباح‌المتهجد و مصباح‌الصغیر موجود است:

۱- نسخه قدیمی و خطی مصباح‌المتهجد که تاریخش به زمان شیخ طوسی (قرن پنجم) بر می‌گردد و در کتابخانه مسجد اعظم مرحوم آیه الله بروجردی در قم (به شماره ۳۹۴) موجود است و در صفحه اول آن نوشته شده: «نسخه زمان مؤلف».

۲- نسخه ابن ابی‌الجود که در کتابخانه مرحوم آیه الله مرعشی (به شماره ۶۸۳۷) موجود است؛ وی می‌نویسد: این نسخه را با نسخه‌ای که در اختیار نوه ابن شهر آشوب بوده، مقابله کردم و نوه ابن شهر آشوب گفته است که من از جدّم (ابن شهر آشوب) شنیدم که این نسخه‌ای است که آن را بر شیخ طوسی خوانده‌ام، در این نسخه نیز جملات فوق موجود است.

۳- مرحوم سید بن طاووس نیز در مصباح‌الزائر این زیارت را به کیفیت فوق نقل کرده است و پس از آنکه می‌گوید: این دو فقره اخیر زیارت که مشتمل بر صد لعن و صد سلام است را در مصباح‌کبیر (مصباح‌المتهجد، در نسخه موجود نزد من) نیافتیم، می‌افزاید: ولی من آن را از مصباح‌الصغیر شیخ (که برگرفته از مصباح‌کبیر است) نقل می‌کنم، (مصباح‌الزائر، صفحه ۲۷۸) در نقل سید از مصباح‌الصغیر نیز، جمله‌های فوق آمده است.

بنابراین، در بسیاری از نسخه‌های قدیمی مصباح‌المتهجد و برخی از نسخه‌های مصباح‌الصغیر جمله‌های فوق موجود است و اگر در برخی دیگر از نسخه‌ها نیست، ممکن است به شرایط زمانی عرضه این زیارت برگردد.

علاوه بر آنکه در بحار‌الانوار (جلد ۹۸، صفحه ۲۹۶) همین فقرات و جمله‌ها موجود است و ایشان نیز مستقیماً از مصباح‌المتهجد نقل می‌کند و این نشان می‌دهد در نسخه موجود نزد علامه مجلسی نیز، جمله‌های فوق وجود داشت.

و اگر در کامل‌الزیارات جمله‌های فوق به طور دقیق نیامده، مشکلی ایجاد نمی‌کند، چرا که نقل ابن قولویه در کامل‌الزیارات در بخش‌های دیگر زیارت عاشورا نیز با نقل مصباح‌المتهجد اندکی متفاوت است و تنها در جمله‌های مورد بحث نیست.

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رِزْقِي، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ،

ستایش خدای را بر بزرگی مصیبتیم خدایا روزیم گردان شفاعت حسین(علیه السلام) را در روز ورود (به صحرای قیامت)

وَتَبَّتْ لِي قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ، الَّذِينَ

و ثابت بدار گام راستیم را در نزد خودت با حسین(علیه السلام) و یاران حسین آنان که

بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۱

بی‌دریغ دادند جان خود را در راه حسین علیه السلام.

یادآوری:

۱- از روایت علقمه از امام باقر علیه السلام استفاده می‌شود که این زیارت برای دور و نزدیک هر دو وارد شده است و خوب است در ابتدا سلامی به حضرت دهند و دو رکعت نماز بخوانند و سپس شروع به خواندن زیارت کنند.^۲

۲- کسانی که موقتاً به گفتن صد مرتبه لعن و سلام نباشند، می‌توانند به یک مرتبه (به قصد رجا) قناعت کنند و در روایتی از امام هادی علیه السلام در مورد چنین اشخاصی آمده است که هر کس لعن و سلام زیارت عاشورا را یک بار بخواند و پس از لعن نود و نه بار بگوید: «اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعاً» و پس از سلام نیز نود و نه بار بگوید: «السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ» کفایت می‌کند.^۳

۳- در فصل زیارات امیرمؤمنان علیه السلام (پاورقی زیارت صفوان، زیارت سوم از زیارت مطلقه) گذشت که آنچه به عنوان دعای علقمه بعد از زیارت عاشورا معروف شده، جایگاه اصلی‌اش آنجاست لذا از این جا حذف شده و به آن جا منتقل گردیده است، (رجوع شود به: پاورقی صفحه ۲۷۵). گرچه بر اساس روایت صفوان از امام صادق علیه السلام هر جا که زیارت عاشورا خوانده شود، می‌توان این دعا را نیز پس از آن خواند.^۴

۴- زیارت اربعین (بیستم صفر)

مطابق روایت «شیخ طوسی» در «تهذیب» و «مصباح المتهدج»، از امام حسن عسکری علیه السلام زیارت

۱. مصباح المتهدج، صفحه ۷۷۳، رجوع شود به: کامل الزیارات، باب ۷۱، صفحه ۱۷۶، حدیث ۸ و مزار کبیر، صفحه ۴۸۰ (با اندکی تفاوت).

۲. مصباح المتهدج، صفحه ۷۷۳ و کامل الزیارات، صفحه ۱۷۵.

۳. رجوع شود به: الذریعه، جلد ۱۵، صفحه ۲۹؛ کتاب «ربع قرن مع العلامة الأمینی»، صفحه ۲۳۱ و ادب الزائر، نوشته علامه امینی، صفحه ۱۲۷.

برخی‌ها چنین تصور کرده‌اند که یک بار لعن و سلام را بگوید، سپس به دنبال هر کدام از لعن و سلام اضافه کند «تَسْعاً وَ تَسْعِینَ مَرَّةً» و همین کفایت می‌کند، در حالی که ظاهر روایت همان است که در بالا ذکر شد.

۴. رجوع شود به: بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۳۱۱.

اربعین یکی از علامات مؤمن به حساب آمده است. می‌فرماید: «علامات مؤمن پنج چیز است: ۵۱ رکعت نماز گزاردن (۱۷ رکعت نماز واجب و ۳۴ رکعت نافله) در هر شب و روز، و زیارت اربعین و انگشتر در دست راست کردن و بر خاک سجده نمودن و بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم (در نمازها)».^۱

اشاره به این که از ویژگی‌های شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام این پنج چیز است و انتخاب زیارت اربعین احتمالاً به خاطر آن است که زیارت شهدای کربلا از روز اربعین آغاز شد و در این روز، در زمان ما آن چنان انبوهی از جمعیت عاشقان و دلدادگان امام حسین علیه‌السلام در کربلا جمع می‌شوند که در هیچ موقع از سال - حتی عاشورا - چنان جمعیت عظیمی دیده نمی‌شود.

زیارت اربعین به دو صورت نقل شده است:

زیارت اول: «شیخ طوسی» از «صفوان جمّال» روایت می‌کند که گفت: مولایم امام صادق علیه‌السلام در ارتباط با زیارت اربعین به من فرمود: هنگامی که روز، بالا آمد خطاب به امام حسین علیه‌السلام می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَىٰ وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيبِهِ، السَّلَامُ

سلام بر ولی خدا و دوست او سلام بر خلیل خدا و بنده نجیب او سلام

عَلَىٰ صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ،

بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده‌اش سلام بر حسین مظلوم و شهید

السَّلَامُ عَلَىٰ أُسْبِرِ الْكُرْبَاتِ، وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُ اَنَّهُ وَّلِیُّكَ،

سلام بر آن بزرگواری که به گرفتاری‌ها اسیر بود و کشته اشک روان گردید خدایا من برستی گواهی دهم که آن حضرت ولی (و نماینده) تو

وَابْنُ وَّلِیِّكَ، وَصَفِیُّكَ وَابْنُ صَفِیِّكَ، الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ، اَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ،

و فرزند ولی تو بود و برگزیده‌ات و فرزند برگزیده‌ات بود که کامیاب شد به بزرگداشت تو، گرامیش کردی بوسیله شهادت

وَ حَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَاجْتَبَيْتَهُ بِطِيبِ الْوِلَادَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ، وَ

و مخصوصش داشتی به سعادت و برگزیدی او را به پاکزادی و قرارش دادی یکی از آقایان (بزرگ) و

قَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ، وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ، وَاعْطَيْتَهُ مَوَارِثَ الْأَنْبِيَاءِ، وَجَعَلْتَهُ

از رهروان پیشرو و یکی از کسانی که از حق دفاع کردند و میراث‌های پیمبران را به او دادی و از اوصیایی که

حُجَّةً عَلَىٰ خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ، فَأَعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْحِ النَّصْحِ، وَبَدَلَ

حجت تو بر خلقت هستند قرارش دادی او نیز در دعوت مردم جای عذر و بهانه‌ای (برای کسی) نگذارد و بی‌دریغ خیرخواهی کرد و جان خود را

مُهَجَّتَهُ فَيْكَ لَيْسْتَ تَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ، وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ، وَقَدْ تَوَازَرَ

در راه تو داد تا برهاند بندگانت را از جهالت و نادانی و سرگردانی گمراهی و چنان شد که همدست شدند

عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتُهُ الدُّنْيَا، وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْأَدْنَى، وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ

بر علیه آن حضرت کسانی که دنیا فریبشان داد و فروختند بهره (سعادت خود را) به بهای پست ناچیزی و بداد آخرتش را

بِالْتَّمَنِ الْأَوْكَسِ، وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ، وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ

در مقابل بهایی بی مقدار و بزرگی کردند و خود را در چاه هوا و هوس سرنگون کردند، و تو و پیامبرت را

نَبِيَّكَ، وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ، وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ

به خشم آوردند و پیروی کردند از میان بندگانت آنانی را که اهل دو دستی و نفاق بودند و کسانی را که بارهای سنگین گناه بدوش می کشیدند

الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ، فَجَاهَدَهُمْ فَيْكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، حَتَّىٰ سُفِكَ فِي

و بدین جهت مستوجب دوزخ گشته بودند آن حضرت (که چنان دید) با شکیبایی و پاداش جویی با آنها جهاد کرد تا خوش در راه

طَاعَتِكَ دَمَهُ، وَاسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ، اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنًا وَبِيْلًا، وَعَذَّبْهُمْ عَذَابًا

پیروی تو ریخت و حریم مقدسش شکسته شد خدایا آنان را لعنت کن به لعنتی وبال دار و عذابشان کن به عذابی

أَلِيمًا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ،

دردناک سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیا

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ، عِشْتَ سَعِيدًا، وَمَضَيْتَ حَمِيدًا، وَمِتَّ

گواهی دهم که برستی تو امانت دار خدا و فرزند امانت دار او بی سعادت مند زیستی و ستوده از دنیا رفتی و گم گشته

فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ، وَمَهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ،

و ستم دیده و شهید درگذشتی و نیز گواهی دهم که خدا برستی وفا کند بدان وعده ای که به تو داده و به هلاکت رساند هر که را که دست از یاریت برداشت

وَمَعَذِبٌ مَنْ قَتَلَكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ

و عذاب کند کسی که تو را کشت و گواهم دهم که تو بخوبی وفا کردی به عهد خدا و جهاد کردی در راه او

حَتَّىٰ آتَيْتَ الْيَقِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

تا مرگت فرا رسید خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و خدا لعنت کند کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند مردمی که

سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ، وَعَدُوٌّ

شنیدند جریان کشتن و ستم تو را و بدان راضی بودند خدایا من تو را گواه می گیرم که من دوست دارم هر که او را دوست دارد و دشمنم

لَمَنْ عَادَاهُ، يَا بِي أَنْتَ وَامِّي يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا

با هر که او را دشمن دارد پدرم و مادرم بقدايت ای فرزند رسول خدا گواهی دهم که تو برستی نوری بودی

فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ، وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ^۱، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ

در پشت پدرانی بلند مرتبه و زحمایی پاکیزه که آلوده‌ات نکرد اوضاع زمان جاهلیت

بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلِهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ

به آلودگیهایش و دربرت نکرد از لباس‌های چرکینش و گواهی دهم که برستی تو از پایه‌های

الدِّينِ، وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ، وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبُرُّ

دین و ستونهای محکم مسلمانان و پناهگاه مردمان با ایمانی و گواهی دهم که تو برستی پیشوای نیکوکار

التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ، الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأُمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةٌ

با تقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه‌یافته‌ای و گواهی دهم که همانا امامان از فرزندان تو و حقیقت تقوا

التَّقْوَى، وَاعْلَامُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا،

و نشانه‌های هدایت و رشته‌های محکم (حق و فضیلت) و حجت‌هایی بر مردم دنیا هستند

وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَايِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي،

و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم و به بازگشتان یقین دارم با قوانین دینم و عواقب کردارم

وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى

و دلم تسلیم دل شماست و کارم پیرو کار شماست و یاریم برایتان آماده است تا آن‌که

يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلَى

خدا در ظهورتان اجازه دهد پس با شمایم نه با دشمنان شما دروهای خدا بر شما و بر

أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ، وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، آمِينَ

روانهای شما و پیکره‌هایتان و حاضران و غایبان و آشکاران و نهانان آمین

رَبِّ الْعَالَمِينَ. آنگاه دو رکعت نماز می‌خوانی و دعا می‌کنی به آنچه خواهی، سپس برمی‌گردی.^۲

ای پروردگار جهانیان. * * * * *



۱. در تهذیب و مصباح‌المتهجد به جای «المطهرة» الطاهرة آمده است.

۲. تهذیب، جلد ۶، صفحه ۱۱۳، حدیث ۱۷ و مصباح‌المتهجد، صفحه ۷۸۸ و بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۳۱، حدیث ۲.

زیارت دوم: مرحوم «عَلَّامَةُ مَجْلِسِي» از «سَيِّدِ بْنِ طَاوُوسٍ» نقل می‌کند که یکی از دوستان جابر بن عبدالله به نام عطا (عطیه) می‌گوید: روز بیستم ماه صفر با جابر بن عبدالله انصاری بودم، وقتی به «کربلا» رسیدیم در آب فرات غسل کرد و پیراهن پاک و تمیزی که با خود داشت پوشید و به من گفت: آیا از بوی خوش چیزی به همراه داری؟ گفتم: آری! قدری از آن بر سر و بدن پاشید و پا برهنه روانه شد، تا به مزار حضرت رسید، نزد سر مبارک امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ ایستاد و سه مرتبه الله اکبر گفت و افتاد و بی‌هوش شد. وقتی به هوش آمد شنیدم که گفت «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ...»^۱ که عیناً همان زیارت نیمه رجب است که خواهد آمد (صفحه ۶۳۴).



۳- زیارت مشترکه شب و روز اول رجب، شب و روز نیمه رجب و شب و روز نیمه شعبان

«عَلَّامَةُ مَجْلِسِي» به نقل از «شیخ مفید» و «سَيِّدِ بْنِ طَاوُوسٍ» زیارت ذیل را برای شب و روز اول رجب و شب نیمه شعبان ذکر کرده است^۲ و کفعمی در «بلدالامین» شب و روز نیمه رجب را نیز به آن ضمیمه کرده است:^۳

هرگاه خواستی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را در این اوقات ششگانه زیارت کنی، غسل کن و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش و بر در حرم مطهر آن حضرت رو به قبله بایست، و بر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیرمؤمنان و فاطمه و حسن و حسین و سایر ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ سلام بده (که کیفیت آن در اذن دخول زیارت روز عرفه خواهد آمد؛ صفحه ۴۲۳) آنگاه داخل شو و نزد ضریح مقدس بایست و صد مرتبه تکبیر بگو، سپس بخوان:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند خاتم پیمبران سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ

بر تو ای فرزند آقای رسولان سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیا سلام

عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای اباعبدالله سلام بر تو ای امام حسین فرزند علی سلام بر تو

۱. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۲۹، حدیث ۱.

۲. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۳۶، حدیث ۱ و مصباح الزائر، صفحه ۲۹۱.

۳. بلدالامین، صفحه ۲۸۱.

يَا بِنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ،

ای فرزند فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ وَابْنَ صَفِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ

سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده‌اش سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند

حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ وَابْنَ حَبِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِيرَ

حجت او سلام بر تو ای حبيب خدا و فرزند حبيب او سلام بر تو ای نماينده

اللَّهِ وَابْنَ سَفِيرِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خازِنَ الْكِتَابِ الْمَسْطُورِ، السَّلَامُ

خدا و فرزند نماينده‌اش سلام بر تو ای خزينه‌دار دفتر نوشته سلام

عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ التَّوْرَةِ وَابْنَ التَّوْرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَبُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آمِينَ

بر تو ای اِرت برندهٔ تورات و انجيل و زبور سلام بر تو ای امانتدار

الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ،

خدای رحمان سلام بر تو ای شریک با قرآن (در هدایت مردم) سلام بر تو ای استوانهٔ دین

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ حِكْمَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ حِطَّةٍ

سلام بر تو ای دروازهٔ حکمت پروردگار جهانیان سلام بر تو ای درب «حطه» که (برای ریزش گناه بود و)

الَّذِي مَنْ دَخَلَهُ كَانَ مِنَ الْأَمِينِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْبَةَ عِلْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ

هرکه داخلش گردد از ایمنان است سلام بر تو ای گنجینهٔ دانش خدا سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوِثَرَ

بر تو ای جایگاه راز خدا سلام بر تو ای که خدا خونخواهیست کند و فرزند چنین خونی و خون بازجسته

الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، وَأَنَاخَتْ

و تحت تعقیب سلام بر تو و بر ارواحی که فرود آمدند به آستانت و بارانداختند

بِرَحْلِكَ، يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظَمْتَ الْمُصِيبَةَ،

به بارگاہ پدر و مادرم و خودم به فدایت ای اباعبدالله برستی که بزرگ شد مصیبت

وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْأِسْلَامِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

و گران شد عزای تو بر ما و بر تمام ملت مسلمان پس خدا لعنت کند مردمی را که

أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ

بريختند شالوده و پایهٔ ظلم و ستم را بر شما خاندان خدا لعنت کند مردمی را که باز زدند شما را

عَنْ مَقَامِكُمْ، وَأَزَالَتِكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللَّهُ فِيهَا، يَا بِي أَنْتَ

از مقامتان و برکنارتان کردند از آن مرتبه‌هایی که خدا برایتان مرتب کرده بود پدر

وَأُمِّي وَنَفْسِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ لَقَدْ أَشْعَرَّتْ لِدِمَائِكُمْ أَظْلَةَ الْعَرْشِ

و مادرم و خودم به فدایت ای ابا عبدالله گواهی دهم که برآستی منزلزل گردید بخاطر خون شما عرش (خدا)

مَعَ أَظْلَةِ الْخَلَائِقِ، وَبَكَّتْكُمْ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ، وَسُكَّانُ الْجَنَانِ وَالْبَرِّ

و اوضاع همه مخلوقات و گریستند برای شما آسمان و زمین و ساکنان بهشت و صحرا

وَالْبَحْرِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ عَدَدَ مَا فِي عِلْمِ اللَّهِ، لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ، إِنْ كَانَ لَمْ

و دریا درود خدا بر تو به شماره آنچه در علم خداست، بله! ای خواننده از سوی خدا اگر در آن هنگامی که

يُجِيبُكَ بَدَنِي عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ، وَلِسَانِي عِنْدَ اسْتِنْصَارِكَ، فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي

استغاثه کردی بدنم نتوانست جواب تو را بدهد و زبانم نتوانست در هنگام یاور طلبیدن پاسخ گوید ولی پاسخ داد دلم

وَسَمْعِي وَبَصْرِي، سُبْحَانَ رَبِّنا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً، أَشْهَدُ أَنَّكَ

و گوشم و دیده‌ام منزه است پروردگار ما که وعده پروردگار ما حتماً انجام شدنی است گواهی دهم که برآستی تو

طَهَّرَ طَاهِرٌ مِّنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ مُّطَهَّرٍ، طَهَّرْتَ وَطَهَّرْتَ بِكَ الْبِلَادُ،

پاک و پاکیزه و پاک شده‌ای هستی از نژاد پاک پاکیزه پاک شده تو خود پاکی و بوجود تو پاک گشت شهرها

وَطَهَّرْتَ أَرْضَ أَنْتَ بِهَا، وَطَهَّرَ حَرْمُكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ

و پاک شد زمینی که تو در آن هستی و پاک شد حرمت گواهی دهم که برآستی تو دستور فرمودی به عدل

وَالْعَدْلِ، وَدَعَوْتَ إِلَيْهِمَا، وَأَنَّكَ صَادِقٌ صِدِّيقٌ، [صَدَقْتَ] فِيمَا دَعَوْتَ

و داد و دعوت کردی (مردم را) به آن دو و تو برآستی راستگوی راستی‌پیش‌های هستی که راست گفتی در آنچه بدان دعوت

إِلَيْهِ، وَأَنَّكَ ثَارُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ، وَعَنْ جَدِّكَ

کردی و برآستی تویی خون خدا در روی زمین و گواهی دهم که تو برآستی رساندی (آنچه را برعهده داشتی) از طرف خدا و از طرف جدت

رَسُولِ اللَّهِ، وَعَنْ أَبِيكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَنْ أَخِيكَ الْحَسَنِ، وَنَصَحْتَ

رسول خدا و از پدرت امیرمؤمنان و از طرف برادرت امام حسن و خیرخواهی کردی

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ

و جهاد کردی در راه خدا و از روی اخلاص پرستش خدا کردی تا مرگت فرا رسید پس خدایت پاداش دهد

خَيْرَ جَزَاءِ السَّابِقِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّم تَسْلِيمًا، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

به بهترین پاداش پیشینیان و درود خدا بر تو و سلام کامل او خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلٰى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ الرَّشيدِ، قَتيلِ

محمد و آل محمد و درود فرست بر امام حسین مظلوم شهید راه یافته کشته

الْعَبْرَاتِ، وَاسِيرِ الْكُرْبَاتِ، صَلَاةً نَامِيَةً زَاكِةً مُبَارَكَةً، يَصْعَدُ اَوْلَاهَا وَلَا

اشک و آه و گرفتار نامالیات درودی فزاینده و پاکیزه و با برکت که بالا رود آغازش و

يَنْفَدُ آخِرُهَا، اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَوْلَادِ اَنْبِيَآئِكَ الْمُرْسَلِينَ، يَا

پایان نپذیرد انجامش بهترین درودی که فرستی بر یکی از فرزندان پیامبران فرستادهای ای

اَللهُ الْعَالَمِينَ. ۱

معبود جهانیان.

یادآوری: «عَلَّامَةُ مَجْلِسِي» به نقل از «شیخ مفید» می نویسد: سپس رو به سوی قبر مطهر علی بن

الحسین (علی اکبر) علیه السلام بیاور و نزد قبر آن بزرگوار بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الطَّيِّبُ، الزَّكِيُّ الْحَبِيبُ الْمُقَرَّبُ، وَابْنُ رِيحَانَةِ

سلام بر تو ای راستگوی پاک پاکیزه آن دوست و مقرب (درگاه حق) و فرزند گل خوشبوی

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهِيدٍ مُحْتَسِبٍ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، مَا

رسول خدا (حضرت زهرا سلام الله علیها) سلام بر تو بدان جهت که شهیدی بودی پاداش جو و رحمت خدا و برکاتش برستی که

اَكْرَمَ مَقَامِكَ، وَاشْرَفَ مُنْقَلَبِكَ، اَشْهَدُ لَقَدْ شَكَرَ اللَّهُ سَعْيِكَ،

چقدر گرامی است مقام تو و با شرافت است بازگشتگهت گواهی دهم که خدا قدردانی کرد از کوششی که کردی

وَاجْزَلَ ثَوَابِكَ، وَالْحَقَّ بِالذَّرْوَةِ الْعَالِيَةِ، حَيْثُ الشَّرْفُ كُلُّ الشَّرْفِ،

و شایان کرد پاداشت را و رساندت به مقامی بس بلند آن جا که همه شرافتها یکجا جمع است

وَفِي الْعُرْفِ، كَمَا مَنْ عَلِيكَ مِنْ قَبْلُ، وَجَعَلَكَ مِنْ اَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ

و در غرفهها چنانچه پیش از آن نیز بر تو ممت نهاده بود و قرارت داده بود از خاندانی که

اَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ

دور کرد خداوند از آنها پلیدی را و بخوبی پاکیزهشان ساخت درودهای خدا بر تو و رحمت خدا

اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ وَرِضْوَانُهُ، فَاشْفَعْ أَيُّهَا السَّيِّدُ الطَّاهِرُ إِلَى رَبِّكَ فِي حَطِّ

و برکاتش و خشنودی او پس شفاعت کن ای آقای بزرگوار پاکیزه بدرگاه پروردگارت در ریختن

الْأَثْقَالِ عَنْ ظَهْرِي، وَتَخْفِيفِهَا عَنِّي، وَارْحَمْ ذَلِي وَخُضُوعِي لَكَ،

سنگینهای گناه از دوش من و سبک کردن آنها از من و ترحم فرما به خواریم و فروتنیم در برابر تو

وَلِلَّسَيِّدِ أَبِيكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمَا.

و در برابر پدر بزرگوارت درود خدا بر هر دوی شما باد.

سپس بگو:

زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ فِي الْأَخِرَةِ، كَمَا شَرَّفَكُمُ فِي الدُّنْيَا، وَأَسْعَدَكُمُ كَمَا

ببفزاید خدا شرف شما را در آخرت چنانچه شرافتمندان کرد در دنیا و سعادتندان کند چنانچه

أَسْعَدَ بِكُمْ، وَأَشْهَدُ أَنْكُمْ أَعْلَامُ الدِّينِ، وَنَجُومُ الْعَالَمِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ

دیگران را بوسیله شما سعادتمند کرد و گواهی دهم که براستی شما نشانه‌های دین و اختران جهانیان هستید و سلام بر شما

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و رحمت خدا و برکاتش.

أَنْغَاةَ رُوحِ سَائِرِ شُهَدَائِكُمْ وَبِغَوْ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ، وَأَنْصَارَ

آنگاه رو به سوی سایر شهدا کن و بگو: * * * * * سلام بر شما ای یاوران دین خدا و یاوران

رَسُولِهِ، وَأَنْصَارَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَأَنْصَارَ فَاطِمَةَ، وَأَنْصَارَ الْحَسَنِ

رسول خدا و یاوران علی بن ابی‌طالب و یاوران فاطمه و یاوران حسن

وَالْحُسَيْنِ، وَأَنْصَارَ الْإِسْلَامِ، أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتُمُ اللَّهَ، وَجَاهَدْتُمْ فِي

و حسین و یاوران دین اسلام گواهی دهم که شما به خوبی خیرخواهی کردید برای خدا و جهاد کردید در

سَبِيلِهِ، فَجَزَاكُمُ اللَّهُ مِنَ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، فُرْتُمْ وَاللَّهُ فَوْزًا

راه خدا پس پاداشتان دهد خدا از دین اسلام و مسلمانان به بهترین پاداش رستگار شدید به خدا سوگند رستگاری

عَظِيمًا، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَافُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ

بزرگی ای کاش من با شما بودم و با شما به رستگاری بزرگی می‌رسیدم گواهی دهم که حتماً شما زنده‌اید و در نزد

رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الشُّهَدَاءُ وَالسَّعْدَاءُ، وَأَنَّكُمْ الْفَائِزُونَ فِي

پروردگارتان روزی می‌خورید گواهی دهم که براستی شما شهید هستید و سعادتمند و شما براستی رستگاری هستید (که جای دارید) در

دَرَجَاتِ الْعُلَى، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

درجه‌های بلند و سلام بر شما و رحمت خدا و برکاتش.

بعد از آن برگرد و بالای سر مبارک امام حسین علیه السلام نماز زیارت بجای آور و برای خود و پدر و مادر و برادران دینی دعا کن.^۱

یادآوری: زیارت امام حسین علیه السلام در روز اول رجب و نیز نیمه رجب و نیمه شعبان از فضیلت ویژه‌ای برخوردار است چرا که از امام صادق علیه السلام روایت شده که: «هر کس حسین علیه السلام را در روز اول ماه رجب زیارت کند البته خدای سبحان او را می‌آمرزد». ^۲ و نیز از ابن ابی‌نصر نقل شده است که وقتی از امام رضا علیه السلام سؤال کرد: برای زیارت امام حسین علیه السلام کدام وقت بهتر است؟ آن حضرت در جواب فرمودند: نیمه رجب و نیمه شعبان.^۳

۴- زیارت مخصوص نیمه رجب

برای نیمه رجب که به سبب غفلت عامه مردم از فضیلت آن در زمان گذشته «غفیله» نام گرفته بود، مرحوم «شیخ مفید» زیارت دیگری را نقل کرده است، به این صورت که پس از ورود به حرم مطهر و گفتن سه مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** نزد قبر مطهر بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

سلام بر شما ای خاندان خدا سلام بر شما ای برگزیدگان خدا سلام بر شما

يَا سَادَةَ السَّادَاتِ، السَّلَامُ عَلَى لُيُوثِ الْغَايَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَفْنَ

ای آقایان همه آقاها سلام بر شیران بیشه‌ها سلام بر شما ای کشتیهای

النَّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ

نجات سلام بر تو ای ابا عبدالله الحسین سلام بر تو ای وارث دانش

الْأَنْبِيَاءِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ،

پیامبران و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ

سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم

۱. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۳۷ و مزار شهید اول، صفحه ۱۴۵ (با اندکی تفاوت).

۲. کامل‌الزیارات، باب ۷۳، صفحه ۱۸۲، حدیث ۲.

۳. همان مدرک، حدیث ۱.

خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

خلیل خدا سلام بر تو ای واثرت اسماعیل، قربانی (راه) خدا سلام بر تو ای

وَاثِرَ مُوسَىٰ كُلِّمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ عِيسَىٰ رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ

واثرت موسی همسخن با خدا سلام بر تو ای واثرت عیسی روح خدا سلام

عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَىٰ،

بر تو ای واثرت محمد حبیب خدا سلام بر تو ای فرزند محمد مصطفی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَىٰ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ،

سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَىٰ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدُ بَنِ الشَّهِيدِ،

سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری سلام بر تو ای شهید فرزند شهید

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلُ بَنِ الْقَتِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ،

سلام بر تو ای کشته (راه حق) فرزند چنین کشته سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ عَلَىٰ خَلْقِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت او بر خلق گواهی دهم که برستی تو برپا داشتی

الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَرَزَيْتَ

نماز را و بدادی زکات را و امر به معروف کردی و نهی از منکر کردی و داغدار گشتی

بِوَالِدَيْكَ، وَجَاهَدْتَ عَدُوَّكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَتَرُدُّ الْجَوَابَ،

به (شهادت) پدر و مادرت و جهاد کردی با دشمن خود و گواهی دهم که تو بخوبی می‌شنوی سخن گفتن را و باز دهی پاسخ را

وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَخَلِيلُهُ وَنَجِيبُهُ وَصَفِيُّهُ وَابْنُ صَفِيِّهِ، يَا مَوْلَايَ زُرْتُكَ

و تویی حبیب خدا و خلیل او و دوست نجیب او و برگزیده‌اش و فرزند برگزیده‌اش ای مولای من تو را زیارت کردم

مُشْتَاقًا فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ يَا سَيِّدِي، وَأَسْتَشْفِعُ إِلَى اللَّهِ بِجَدِّكَ سَيِّدِ

مشتاقانه پس شفیع من باش بدرگاه خدا ای آقای من و شفاعت جویم بدرگاه خدا بوسیله جدت آقای

النَّبِيِّينَ، وَبِأَبِيكَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَبِأَمِّكَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، الْأُ

پیمبران و بوسیله پدرت آقای اوصیا و بوسیله مادرت فاطمه بانوی زنان جهانیان ای که

لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِيكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ سَالِبِيكَ وَمُبْغِضِيكَ مِنْ

خدا لعنت کند کشندگان تو را و لعنت کند ستمکاران تو را و لعنت کند خدا غارت کنندگان (حقوق و اموال) تو را و دشمنان را از

الْأَوْلَیْنَ وَالْآخِرِیْنَ، وَصَلَّى اللهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ

اولین و آخرین و درود خدا بر آقای ما محمد و آل پاک پاکیزه‌هاش باد *

آنگاه ضریح منور را ببوس و رو به جانب علی بن الحسین علیه السلام (علی اکبر) آور و بگو: السَّلَامُ عَلَیْكَ

***** سلام بر تو

يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، لَعَنَ اللهُ قَاتِلَيْكَ، وَلَعَنَ اللهُ ظَالِمِيكَ، اِنِّي اَتَقَرَّبُ

ای مولا و سرور من و فرزند مولا من خدا لعنت کند کشندگان را و لعنت کند ستم‌کنندگان را براستی من تقرب جویم

اِلَى اللهِ بِزِيَارَتِكُمْ وَبِمَحَبَّتِكُمْ، وَابْرَأُ اِلَى اللهِ مِنْ اَعْدَائِكُمْ، وَالسَّلَامُ

بدرگاه خدا بوسیله زیارت شما و بوسیله دوستی شما و بیزاری جویم بدرگاه خدا از دشمنانتان و سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ * سپس رو به جانب قبور سایر شهدا (رضوان الله

بر تو ای مولا و سرور من و رحمت خدا و برکاتش *****

عليهم) بکن و بگو: السَّلَامُ عَلَی الْاَزْوَاحِ الْمُنِيخَةِ بِقَبْرِ اَبِي عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ

***** سلام بر آن روانهایی که بار انداختند به کنار قبر اباعبدالله الحسین

عَلَيْهِ السَّلَامُ، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا طَاهِرِينَ مِنَ الدَّنَسِ، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا

(علیه السلام) سلام بر شما ای پاکان از پلیدی سلام بر شما ای

مَهْدِيُونَ، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا اَبْرَارَ اللهِ، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ

راه‌یافتگان سلام بر شما ای نیکوکاران خدا سلام بر شما و بر همه فرشتگانی که

الْحَاقِقِينَ بِقُبُورِكُمْ اَجْمَعِينَ، جَمَعَنَا اللهُ وَاِيَاكُمْ فِي مُسْتَقَرٍّ رَحْمَتِهِ وَتَحْتِ

دربرگرفته‌اند (حلقه‌وار) قبرهای شما را گرد آورد خدا ما و شما را در قرارگاه رحمتش و در زیر

عَرْشِهِ، اِنَّهُ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ.

عرشش که براستی او مهربانترین مهربانان است و سلام بر شما و رحمت خدا و برکاتش.

آنگاه به سوی حرم عباس بن علی علیه السلام روی آور، وقتی به حرمش رسیدی بر در حرم آن جناب بایست و بگو: سلام الله وسلام ملائکته المقریین... تا آخر زیارت آن حضرت که پیش از این (صفحه ۳۸۶) گذشت.^۱

۱. بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۴۵، حدیث ۱.

۵- زیارت مخصوص نیمه شعبان

زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه شعبان نیز از اهمیّت فوق العاده‌ای برخوردار است و روایات زیادی در فضیلت آن وارد شده، از جمله این که به چند سند معتبر از امام زین العابدین علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده که: هر کس مصافحه ۱۲۴ هزار پیامبر را می‌خواهد در نیمه شعبان، زیارت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را بجای آورد، چرا که فرشتگان و ارواح پیامبران در چنین زمانی به زیارت آن حضرت می‌آیند، (پس خوشا به حال کسی که با ایشان مصافحه کند و آنان نیز با او مصافحه نمایند): که پنج پیامبر اولوالعزم: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیز از جمله آنانند.^۱

برای نیمه شعبان نیز زیارت دیگری نقل شده که «شیخ کفعمی» در «بلد الامین» آن را از امام صادق علیه السلام این چنین آورده است:

بعد از اذن دخول در حالی که غسل کرده‌ای، نزد قبر آن حضرت می‌ایستی و می‌گویی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الزَّكِيُّ، أَوْدِعْكَ

ستایش خاص خدای والای بزرگ و سلام بر تو ای بنده شایسته پاکیزه خدا، به تو می‌سپارم

شَهَادَةً مِنِّي لَكَ تُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ فِي يَوْمٍ شَفَاعَتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ وَ لَمْ

گواهی خود را که برای تو دهم تا این که مرا به تو نزدیک کند در روز شفاعت کردنت (از گنهکاران) گواهی دهم که تو کشته شدی ولی

تَمُتْ، بَلْ بِرِجَاءِ حَيَاتِكَ حَيَّيْتُ قُلُوبَ شِيعَتِكَ، وَ بِضِيَاءِ نُورِكَ اهْتَدَى

نمردی بلکه به امید زنده بودن زنده است دل‌های شیعیان و به پرتو نور تو ره یافتند

الطَّالِبُونَ إِلَيْكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ نُورُ اللَّهِ الَّذِي لَمْ يُطْفَأْ وَلَا يُطْفَأُ أَبَدًا، وَأَنَّكَ

طالبان و جویندگان درگاهت و گواهی دهم که برستی تویی آن نور خدا که خاموش نگشت و (از این پس نیز) هرگز خاموش نشود و تویی

وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي لَمْ يَهْلِكْ وَلَا يَهْلِكُ أَبَدًا، وَأَشْهَدُ أَنَّ هَذِهِ التُّرْبَةَ تَرَبَّتْكَ،

آن روی خدا که نابود نگشت و هرگز نابود نشود و گواهی دهم که این خاک تربت شریف توست

وَهَذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ، وَهَذَا الْمَصْرَعُ مَصْرَعُ بَدَنِكَ، لَا ذَلِيلَ وَاللَّهِ مُعْرَكَ،

و این حرم مطهر توست و همین جا جای افتادن پیکر نازنین توست، خوار نیست به خدا عزیز کننده‌ات

وَلَا مَغْلُوبَ وَاللَّهِ نَاصِرُكَ، هَذِهِ شَهَادَةٌ لِي عِنْدَكَ إِلَى يَوْمِ قَبْضِ رُوحِي

و شکست خورده نیست به خدا یاری دهنده‌ات این گواهی من است در پیش تو تا روز گرفتن جانم

۱. کامل‌الزیارات، باب ۷۲، صفحه ۱۷۹، حدیث ۲ و بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۹۳، حدیث ۲.

بِحَضْرَتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.^۱

در حضور تو و سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش.

۶- زیارت در شب‌های قدر

در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در ماه مبارک رمضان به نحو عام و در شب اول و نیمه ماه و آخر آن و شب‌های قدر به خصوص، روایات بسیاری نقل شده، از جمله:

۱- از امام محمد تقی علیه السلام نقل شده است که: «هر کس در شب بیست و سوم ماه رمضان - که امید شب قدر بودن آن می‌رود - به زیارت امام حسین علیه السلام برود ارواح ۲۴ هزار پیامبر که از خداوند رخصت زیارت امام حسین علیه السلام را در آن شب می‌طلبند، با او مصافحه می‌کنند».^۲

۲- در روایت معتبر دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که: «وقتی شب قدر می‌شود منادی از آسمان، از وسط عرش ندا می‌دهد که حق تعالی هر کسی را که به زیارت قبر حسین علیه السلام آمده است آمرزید».^۳

۳- در روایت سوّمی از آن حضرت آمده: «هر کس شب قدر نزد قبر آن حضرت باشد و دو رکعت، یا آنچه برای او میسر شود نماز بگزارد و از خداوند ورود در بهشت و پناه از آتش جهنّم را طلب کند، دعایش مستجاب می‌شود».^۴

۴- حتّی «ابن قولویه» در «کامل الزیارات» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که: «هر کس قبر امام حسین علیه السلام را در ماه مبارک رمضان زیارت کند و در راه زیارت از دنیا برود، به او گفته می‌شود: با امن و امان داخل بهشت شو».^۵

به هر حال زیارتی که برای شب قدر (و عید فطر و عید قربان) از «سید بن طاووس» و چند تن از بزرگان نقل شده و بعضی از آنها آن را از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند، به قرار ذیل است:

وقتی اراده زیارت ابی عبدالله الحسین علیه السلام کردی پس از غسل و پوشیدن تمیزترین لباس‌های خود، به حرم مقدّس آن حضرت می‌روی و در حالی که روی به جانب آن حضرت کرده‌ای، قبله را مابین دو کتف خود قرار ده و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان سلام

۱. بلد الامین، صفحه ۲۸۴ و بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۴۲، حدیث ۲.

۲. بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۰۰، حدیث ۳۱.

۳. همان مدرک، حدیث ۳۲.

۴. همان مدرک، صفحه ۹۹، حدیث ۳۰.

۵. کامل الزیارات، باب ۱۰۸، صفحه ۳۳۰، حدیث ۷.

عَلَيْكَ يَا بِنَ الصَّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ، فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

بر تو ای فرزند صدیقه طاهره حضرت فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

بر تو ای مولای من ای اباعبدالله و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که تو

قَدَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

برپا داشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک) و نهی کردی از منکر (کار زشت)

وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَصَبَرْتَ

و خواندی قرآن را آن طور که باید و جهاد کردی در راه خدا چنانچه شاید و شکیبایی کردی

عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِبًا حَتَّىٰ آتَيْكَ الْيَقِينَ، أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ

بر آزار (دشمنانت) درباره خدا پاداش جویانه تا مرگ به سراغت آمد گواهی دهم که برستی آنان که

خَالَفُوكَ وَحَارَبُوكَ، وَالَّذِينَ خَذَلُوكَ، وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ، مَلْعُونُونَ عَلَيَّ

با تو مخالفت کرده و جنگ کردند و آنان که دست از یاریت کشیدند و نیز کسانی که تو را کشتند ملعونند بر

لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَىٰ، لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنْ

زبان پیامبر امی (درس نخوانده) و زیانکار است کسی که دروغ بندد، خدا لعنت کند ستمکنندگان شما را از

الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ، آتَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ

اولین و آخرین و چند برابر کند بر ایشان عذاب دردناکش را آمدهام به دربارت ای مولای من

يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَاءِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ،

ای فرزند رسول خدا برای زیارت، شناسای به حق تو و دوستدار دوستان و دشمن دشمنانت

مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَىٰ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، عَارِفًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ، فَاشْفَعْ لِي

و بینا بر آن هدایتی که تو بر آن بودی و شناسای به گمراهی آن کس که با تو مخالفت کرد پس شفاعت کن برای من

عِنْدَ رَبِّكَ * سِيسِ بِه جَانِبِ الْبَالَىٰ سِرْبُو وَبِغَوْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي

نزد پروردگارت * سبب باد جانب بالای سر برو و بگو: سلام بر تو ای حجت خدا در

أَرْضِهِ وَسَمَاوَاتِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ رُوحِكَ الطَّيِّبِ، وَجَسَدِكَ الطَّاهِرِ،

روی زمین و آسمان او درود خدا بر روان پاک و پیکر پاکیزهات

وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا مَوْلَايَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * پس از آن ضریح را ببوس، آنگاه

و بر تو باد سلام ای مولای من و رحمت خدا و برکاتش * * * * *

دو رکعت نماز زیارت بجای آور و بعد از آن هر مقدار که میسر شود نماز بخوان و سپس به پایین پای آن حضرت برو و خطاب به علی بن الحسین علیه السلام (علی اکبر) بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنِ**

***** سلام بر تو ای مولای من و ای فرزند

مَوْلَايَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، لَعْنَةُ اللَّهِ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعْنَةُ اللَّهِ مَنْ قَتَلَكَ، وَ

مولای من، و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد خدا لعنت کند کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و

ضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ * و آنچه می خواهی از خدا بخواه، سپس در طرف پایین پا

چند برابر کند بر ایشان عذاب دردناکش را *****

رو به قبله بایست و سایر شهدا را زیارت کن و بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الصِّدِّيقُونَ،**

***** سلام بر شما ای شهادان شکبیا گواهی دهم که برستی شما ای راستگویان راستی پیشه

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الصَّابِرُونَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جَاهِدْتُمْ فِي سَبِيلِ

سلام بر شما ای شهادان شکبیا گواهی دهم که برستی شما جهاد کردید در راه

اللَّهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِ اللَّهِ، وَنَصَحْتُمْ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، حَتَّى

خدا و شکبایی کردید در برابر آزارها درباره خدا و خیرخواهی کردید برای خدا و رسولش تا این که

أَتَيْكُمْ الْيَقِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ، فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِ

مرگ به سراغتان آمد گواهی دهم که برستی شما زندهاید که در نزد پروردگارتان روزی می خورید پس پاداشتان دهد خداوند از

الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ، أَفْضَلَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ، وَجَمَعَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي مَحَلِّ

طرف اسلام و مسلمانان بهترین پاداشی که دهد به نیکوکاران و گرد آورد خدا میان ما و شما در جایگاه

النَّعِيمِ * آنگاه به زیارت عباس بن علی علیه السلام برو، وقتی به آن جا رسیدی، نزد آن جناب بایست و بگو:

نعمت ابدی *****

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ

سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان سلام بر تو ای بنده شایسته

الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ وَنَصَحْتَ وَصَبَرْتَ حَتَّى

فرمانبر خدا و رسولش گواهی دهم که تو برستی جهاد کردی و خیرخواهی نمودی و شکبایی کردی تا

أَتَيْكَ الْيَقِينَ، لَعْنَةُ اللَّهِ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَالْحَقَّهُمْ

مرگ به سرعت آمد خدا لعنت کند ستمکنندگان شما را از اولین و آخرین و بفرستد آنها را

بَدْرِكِ الْجَحِيمِ ۱.

به قعر دوزخ:

یادآوری: در مواقع ازدحام جمعیت، دور زدن ضریح یا چسبیدن به ضریح و مانند آن - که در بعضی از روایات آمده - لازم نیست.

۷- زیارت در عید فطر و قربان

به سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «هر کس قبر امام حسین علیه السلام را در یکی از سه شب زیارت کند گناهان او آمرزیده می شود». راوی عرض می کند: فدایت شوم آن سه شب کدام است؟ فرمود: «شب عید فطر، شب عید قربان و شب نیمه شعبان».^۲

همچنین از آن حضرت روایت شده که: «هر کس آن حضرت را در یکی از سه شب نیمه شعبان، عید فطر و عرفه زیارت کند هزار حاجت از حواجج دنیا و آخرت برای او برآورده می شود».^۳

از امام باقر علیه السلام نقل شده که: «هر کس شب عرفه در زمین کربلا باشد و آنجا برای زیارت روز عید قربان بماند و سپس برگردد، خدای سبحان او را از آفات آن سال محافظت می کند».^۴

به هر حال، برای این دو شب نیز غیر از زیارت قبلی، زیارت دیگری ذکر شده است و از کلمات علما به دست می آید که زیارت قبلی مربوط به روزهای عید فطر و عید قربان است و زیارت ذیل مربوط به شب های این دو عید است.

وقتی اراده زیارت آن حضرت را در این دو شب کردی بر در حرم مطهر او بایست و به جانب قبر نظر بیفکن و برای اذن دخول بگو:

يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِاللهِ، يَا بِنَ رَسُولِ اللهِ، عَبْدُكَ وَابْنُ اَمَّتِكَ، اَلذَّلِيلُ بَيْنَ

ای مولای من ای ابا عبدالله ای فرزند رسول خدا بنده تو و فرزند کنیزت که خوار است

يَدَيْكَ، وَالْمُصَغَّرُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكَ، وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكَ، جَاءَكَ مُسْتَجِيرًا

در برابرت و کوچک شده درباره بلندی مقامت و اعتراف کننده است به حقت به درگاهت آمده پناه جویان

بِكَ، قاصِدًا اِلَى حَرَمِكَ، مُتَوَجِّهًا اِلَى مَقَامِكَ، مُتَوَسِّلًا اِلَى اللهِ تَعَالَى بِكَ،

به تو و آهنگ حرم تو را کرده و رو به جانب مقام تو نموده و توسل جسته به درگاه خدای تعالی بوسیلهات

۱. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۵۰ و مصباح الزائر، صفحه ۳۲۵. (با اندکی تفاوت)

۲. کامل الزیارات، باب ۷۲، صفحه ۱۸۰، حدیث ۶.

۳. همان مدرک، حدیث ۷.

۴. همان مدرک، باب ۸۸، صفحه ۲۶۹، حدیث ۹.

ءَادْخُلْ يَا مَوْلَايَ، ءَادْخُلْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، ءَادْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ

آیا داخل شوم ای مولای من آیا داخل شوم ای ولی خدا آیا داخل کردم ای فرشتگان خدا که گرداگرد

بِهَذَا الْحَرَمِ، الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ * سپس پای راست را جلو بگذار و داخل شو

این حرم شریف را گرفته و رحل اقامت افکنده‌اید در این زیارتگاه * * * * *

و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْنِي

* * به نام خدا و به یاری خدا و در راه خدا و بر کیش رسول خدا خدایا فرود آر مرا

مُنْزَلًا مُّبَارَكًا، وَاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ * آنگاه بگو: اَللّٰهُ اَكْبَرُ كَبِيْرًا، وَاَلْحَمْدُ

در فرودگاهی با برکت و تو بهترین فرود آردگانی * * * * * خدا بزرگتر است به کمال بزرگی و ستایش

لِلّٰهِ كَثِيْرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَّآصِيْلًا، وَاَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْمَاجِدِ

بسیار خاص خداست و منزّه است خدا در هر بامداد و پسین و ستایش از آن خدایی است که فرد و بی‌نیاز و فرازند

الْاَحَدِ، الْمُتَفَضَّلِ الْمَنَّانِ الْمُتَطَوَّلِ الْحَنَّانِ، الَّذِي مِنْ تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لِي

و یکتا و تفضل کننده و منت گذار و نعمت بخش و بر مهر است آن‌که از نعمت بخشیش آسان کرد برایم

زِيَارَةَ مَوْلَايَ يَا حُسَيْنِي، وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِ مَمْنُوْعًا، وَلَا عَنْ ذِمَّتِهِ

زیارت مولایم را به احسانش و چنانم نکرد که از زیارتش ممنوع گردم و نه از پناه و ذمه‌اش

مَدْفُوْعًا، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنْحَ * آنگاه حرکت کن و پس از رسیدن به میان حرم، مقابل قبر مطهر

دورم کند بلکه بر من لطف و احسان فرمود * * * * *

بِحَالِ خُضُوْعٍ وَتَضَرُّعٍ بَايَسْتِ وَبِغَوْ: اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ اَدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ

* * * * * سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا

عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ نُوحٍ اَمِيْنِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِ اللَّهِ،

سلام بر تو ای وارث نوح امانتدار خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا

اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ مُوسَى كَلِيْمِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ عِيْسَى

سلام بر تو ای وارث موسی هم سخن خدا سلام بر تو ای وارث عیسی

رُوْحِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَبِيْبِ اللَّهِ،

روح خدا سلام بر تو ای وارث محمد صلی الله علیه و آله که حبیب خداست

اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ عَلِيٍّ حُجَّةِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ

سلام بر تو ای وارث علی حجت خدا سلام بر تو ای وصی نیکوکار

التَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوِثَرَ الْمُؤْتَوْرَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

با تقوا سلام بر تو ای که خدا خونخواهیش کند و فرزند چنین کسی و خون به ناحق ریخته تحت تعقیب گواهی دهم که برستی تو

أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

بپا داشتی نماز را و پرداختی زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک) و باز داشتی از منکر (کار زشت)

وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى اسْتَبِيحَ حَرْمُكَ، وَقَتَلْتَ مَظْلُومًا *

و جهاد کردی در راه خدا آن طور که باید تا آن جا که حرمت تو را از بین بردند و به ستم تو را کشتند *

سپس نزد سر مقدس، با دلی خاشع بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو

يَا بْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

ای فرزند آقای اوصیا سلام بر تو ای فرزند فاطمه بانوی زنان جهانیان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَطْلَ الْمُسْلِمِينَ، يَا مَوْلَايَ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي

سلام بر تو ای یگانه قهرمان دلیر مسلمانان ای سرور من گواهی دهم که برستی تو نوری بودی در

الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ، وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ

صلبهای رفیع و بلند و زجملهای پاکیزه، آلودهات نکرد دوران جاهلیت

بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلْبَسْكَ مِنْ مَدْلَهْمَاتِ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ

به ناپاکی‌های خود و نپوشانید بر تو از جامه‌های تیره و تارش و گواهی دهم که تو برستی از استوانه‌های

الدِّينِ، وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ، وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ

دین و از پایه‌های محکم مسلمانانی و پناهگاه مردم با ایمانی و گواهی دهم که تویی امام نیکوکار

التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأُمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةٌ

با تقوا پسندیده پاکیزه راهبر راه یافته و گواهی دهم که امامان از فرزندان تو حقیقت

التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا *

پرهیزکاری و نشانه‌های هدایت و دستاویز محکم (دین) و حجت بر مردم دنیا * * * * *

أَنْغَاةٌ بَعْدَ: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، يَا مَوْلَايَ إِنَّا مُوَالٍ لَوْلِيَّكُمْ، وَمُعَادٍ

* * * * * برستی ما از آن خداییم و بسوی بازگردیم ای سرور من دوستدار دوست شمایم و دشمن

لَعَدُوِّكُمْ، وَ أَنَا بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِأَيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ

دشمن شمایم و من به شما ایمان دارم و به بازگشتان یقین دارم طبق قواعد دینم و پایان

عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِيمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، يَا مَوْلَايَ أَتَيْتَكَ

کارهایم و دلم در برابر دل شما تسلیم و کارم پیرو کار شما است ای مولای من آمدهام

خَائِفًا فَأَمِنِي، وَأَتَيْتَكَ مُسْتَجِيرًا فَأَجِرْنِي، وَأَتَيْتَكَ فَقِيرًا فَأَغْنِنِي،

به درگاهت ترسان پس ایمنی بخش مرا و آمدهام به نزدت پناه جو پس پناهم ده و آمدهام به پیشگاهت نیازمند پس بی نیازم کن

سَيِّدِي وَمَوْلَايَ، أَنْتَ مَوْلَايَ، حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، آمَنْتُ

ای آقایم و سرورم تویی سرپرست من و حجت خدا بر همه خلق ایمان دارم

بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ، وَبِظَاهِرِكُمْ وَبِاطْنِكُمْ، وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

به راز درون شما و آشکار شما و بیرون شما و درون شما و آغاز شما و انجام شما و گواهی دهم که برستی تویی

التَّالِي لِكِتَابِ اللَّهِ، وَأَمِينُ اللَّهِ، أَلِدَّاعِي إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

تلاوت کننده قرآن و امانتدار خدا خواننده بسوی خدا به فرزاندگی و پند

الْحَسَنَةِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ *

نیکو، خدا لعنت کند مردمی که به تو ستم کردند و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند این جریان را و بدان خشود شدند *

سپس دو رکعت نماز بالای سر آن حضرت بخوان و پس از سلام بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي لَكَ صَلَّيْتُ،

وَلَكَ رَكَعْتُ، وَلَكَ سَجَدْتُ، وَحَدَّكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ، فَإِنَّهُ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ

و برای تو رکوع کردم و برای تو سجدت کردم به تنهایی که شریکی نداری زیرا روا نیست نماز

وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ إِلَّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ صَلِّ

و رکوع و سجدت جز برای تو چون تویی خدایی که معبودی نیست جز تو خدایا درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ السَّلَامِ وَالتَّحِيَّةِ، وَارْدُدْ

بر محمد و آل محمد و برسان به ایشان از جانب من بهترین سلام و تحیت را و سلام

عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ، اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ الرَّكَعَتَانِ هَدِيَّةً مِنِّي إِلَى سَيِّدِي

ایشان را به من بازگردان خدایا و این دو رکعت هدیه‌ای است از من به پیشگاه آقایم

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ،

حسین بن علی علیهما السلام خدایا درود فرست بر محمد و بر او

وَتَقَبَّلُهُمَا مِنِّي، وَأَجْرُنِي عَلَيْهِمَا أَفْضَلَ أَمَلِي، وَرَجَائِي فِيكَ، وَفِي وَلِيِّكَ

و پذیر این دو رکعت را از من و پاداشم ده به بهترین آرزو و امیدم درباره تو و درباره ولایت

يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ * سپس قبر آن حضرت را ببوس و بگو: السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ

ای اختیاردار مؤمنان * * * * * سلام بر حسین بن

عَلَى الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ، قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ، وَأَسِيرِ الْكُرْبَاتِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَشْهَدُ

علی آن ستمدیده شهید کشته اشکها و اسیر گرفتاریها خدایا من گواهی دهم

اَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ، وَصَفِيُّكَ الثَّائِرُ بِحَقِّكَ، اَكْرَمْتَهُ بِكَرَامَتِكَ، وَخَتَمْتَ

که آن حضرت ولی تو و فرزند ولی توست و برگزیده قیام کننده به حق تو که او را گرامی داشتی به کرامت خود و ختم کردی

لَهُ بِالشَّهَادَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ، وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ، وَاَكْرَمْتَهُ

عمرش را به شهادت و او را آقای از آقایان و پیشوایی از پیشوایان قرار دادی و گرامیش داشتی

بَطِيْبِ الْوِلَادَةِ، وَاَعْطَيْتَهُ مَوَارِثَ الْاَنْبِيَاءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلٰى خَلْقِكَ

به پاکي نژاد و به او دادی میراثهای پیمبران را و قراردادی او را حجت بر خلق خود

مِنَ الْاَوْصِيَاءِ، فَاَعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ، وَمَنْحَ النَّصِيْحَةِ، وَبَدَّلَ مَهْجَتَهُ فِيكَ،

از میان اوصیا و او نیز در دعوت کوتاهی نکرد و از خیرخواهی دریغ نمود و جانش را در راه تو نثار کرد

حَتَّى اسْتَنْقَذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ، وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ، وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ

تا این که نجات داد بندگانت را از نادانی و سرگردانی (وادی) گمراهی در صورتی که همدست شدند بر ضد او کسانی که

غَرَّتْهُ الدُّنْيَا، وَبَاعَ حَظَّهُ مِنَ الْاٰخِرَةِ بِالْاَدْنٰى، وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ،

دنیا فریشان داد و فروختند بهره خود را از آخرت به چیز پستی و سرنگون شدند در (جاه) هواپرستی

وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ، وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ اَوْلٰى الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ،

و به خشم آوردند تو را و پیامبرت را و پیروی کردند از بندگانت مردم نفاق پیشه و دو رو

وَ حَمَلَةَ الْاَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ، فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُّحْتَسِبًا،

و آن کسانی را که بارهای گناه بر دوش می کشیدند و سزاوار آتش دوزخ بودند پس جهاد کرد با آنها درباره تو با شکیبایی و پاداش جوینانه

مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللهِ لَوْمَةٌ لَّا تَمُّ، حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ

بدون آن که پشت به دشمن کند و درباره تو تحت تاثیر سرزنش ملامت کننده ای قرار گیرد تا جایی که ریخته شد خون پاکش در راه فرمانبرداری تو

دَمَهُ، وَاسْتَبِيحَ حَرِيْمَهُ، اَللّٰهُمَّ الْعَنَّهُمْ لَعْنًا وَبِيْلًا، وَعَذَّبْهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا *

و حرمتش پایمال شد خدایا لعنت کن آنها را لعنتی وبال آور و عذابشان کن به عذابی دردناک *

آنگاه حرکت کن به سوی قبر علی بن الحسین علیه السلام (علی اکبر) که در پایین پای امام حسین علیه السلام واقع است و بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ! السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ**

*** سلام بر تو ای ولی خدا سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام

عَلَيْكَ يَا بْنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءٍ

بر تو ای فرزند خاتم پیامبران سلام بر تو ای فرزند فاطمه بانوی زنان

الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ

جهانیان سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان سلام بر تو ای ستمدیده

الشَّهِيدُ، يَا بِي أَنْتَ وَآمِي عِشْتَ سَعِيداً، وَقَتِلْتَ مَظْلوماً شَهِيداً * بعد از آن

شهادت، پدر و مادرم به فدای تو که سعادتمند زندگی کردی و مظلوم و شهید کشته گشتی * * *

رو به سوی قبور سایر شهدا (رضوان الله علیهم) می کنی و می گویی: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا

*** سلام بر شما ای

الذَّابُّونَ عَنْ تَوْحِيدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ،

مدافعین از یگانه پرستی خدا سلام بر شما بخاطر آن شکیبایی که کردید پس چه نیکوست خانه سرنجام شما

يَا بِي أَنْتُمْ وَآمِي فُرْتُمْ فَوْزاً عَظِيماً * آنگاه به سوی حرم عباس بن علی علیه السلام حرکت کن و

پدر و مادرم به فدایتان که به رستگاری بزرگی فائز گشتید * * * * *

نزد ضریح شریف او بایست و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، وَالصَّدِيقُ

*** سلام بر تو ای بنده شایسته و راستگوی

الْمُوَاسِي، أَشْهَدُ أَنَّكَ آمَنْتَ بِاللَّهِ، وَنَصَرْتَ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَدَعَوْتَ إِلَى

فداکاری گواهی دهم که برستی تو ایمان داشتی به خدا و یاری کردی فرزند رسول خدا را و دعوت کردی (مردم را) به

سَبِيلِ اللَّهِ، وَوَأَسَيْتَ بِنَفْسِكَ، فَعَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ أَفْضَلُ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ * راه خدا و فداکاری کردی یا جان خود بر تو باد از جانب خداوند بهترین تحیت و سلام * * *

سپس بگو: يَا بِي أَنْتَ وَآمِي يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ الْحُسَيْنِ

*** پدر و مادرم به فدایت ای یاور دین خدا سلام بر تو ای یاور امام حسین

۱. عبارت «السلام عليك يا ولي الله» در مصباح الزائر آمده است.

الصَّدِيقِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، عَلَيْكَ مِنِّي السَّلَامُ

(آن آقای) راستگو سلام بر تو ای یاور حسین شهید بر تو باد از جانب من سلام

مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ.

تا زنده‌ام و برپاست شب و روز.

آنگاه دو رکعت نماز بالای سر آن حضرت بخوان و پس از آن، دعایی که بالای سر امام حسین علیه السلام خواندی یعنی اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ... (که در صفحه ۳۸۳ گذشت) را این جا نیز بخوان، آنگاه به سوی حرم امام حسین علیه السلام برگرد و نزد آن حضرت هر مقدار که خواستی بمان (به گونه‌ای که مزاحمت برای دیگران نشود). هنگامی که خواستی وداع کنی بالای سر آن حضرت بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُودِعٌ لَا قَالٍ وَلَا سَمِّمٌ، فَإِنْ أَنْصَرَفَ فَلَا

سلام بر تو ای مولای من سلام خداحافظی کننده‌ای که نه خشمی دارد و نه خستگی و اگر باز می‌گردم نه

عَنْ مَلَأَةٍ، وَإِنْ أَقِمَّ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ، يَا مَوْلَايَ،

از روی خستگی است و اگر بمانم نه از روی بدگمانی بدانچه خدا به شکیبایان وعده کرده است می‌باشد، ای مولای من

لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ، وَرَزَقْنِي الْعُودَ إِلَيْكَ، وَالْمَقَامَ فِي

خدا قرار ندهد (این زیارت مرا) آخرین بار زیارتم از تو و روزیم گرداند بازگشت بسویت را و توقف در

حَرَمِكَ، وَالْكَوْنُ فِي مَشْهَدِكَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ * در پایان نیز (در صورت امکان)

حرمت را و بودن در زیارتگاهت را آمین ای پروردگار جهانیان * * * * *

قَبْرِ آن حضرت را ببوس و به صورت قهقری خارج شو و هنگام خارج شدن بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ

* * * * * سلام بر تو

يَا بَابَ الْمَقَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ

ای درگاه مقام (اهل ایمان) سلام بر تو ای شریک با قرآن سلام بر تو ای حجت (خدا) برای

الْخِضَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النِّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ رَبِّي

ستیزه‌جویان سلام بر تو ای کشتی نجات سلام بر شما ای فرشتگان پروردگار من

الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْحَرَمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ *

که رحل اقامت افکنده‌اید در این حرم شریف سلام بر شما همیشه تا زنده‌ام من و بر پاست شب و روز

و بگو: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

* * * ما از آن خداییم و بسوی او بازگردیم و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ.

قابل توجه این که برای این زیارت، ثواب عظیمی نقل شده است.^۱

۸- زیارت روز عرفه

در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه روایات فراوانی وارد شده که به تعبیر مرحوم محدث قمی رحمه الله قابل احصا نیست، لذا تنها به ذکر سه روایت معتبر، اکتفا می شود:

۱- در روایات متعدّد معتبر، وارد شده که خدای سبحان در روز عرفه قبل از آن که به حاجیان متوقف در عرفات نظری افکند، نظر رحمتش را به سوی زائران قبر حسین علیه السلام معطوف می سازد.^۲

۲- در حدیث معتبر دیگری از رفاعه نقل شده که می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: امسال حج مشرف شده ای؟ گفتم: فدایت شوم پولی نداشتم تا به حج روم، لیکن عرفه را نزد قبر امام حسین علیه السلام بودم، فرمود: ای رفاعه! هیچ کوتاهی نکردی از آنچه اهل منی در آن بودند، اگر نه این بود که می ترسم مردم ترک حج کنند حدیثی را برایت می گفتم که با شنیدن آن هرگز زیارت قبر امام حسین علیه السلام را رها نمی کردی! آنگاه لحظه ای ساکت شد و سپس فرمود: پدرم مرا خبر داد که هر کس به سوی قبر امام حسین علیه السلام حرکت کند در حالی که عارف به حق آن حضرت و بدون تکبر باشد، هزار فرشته از جانب راست و هزار فرشته از جانب چپ، با او همراه می شوند و برای او ثواب هزار حج و هزار عمره ای که به همراه پیامبر یا وصی پیامبر صلی الله علیه و آله بجا آورده شود نوشته می شود.^۳

۳- داوود رقی می گوید: من از امام صادق و امام کاظم و امام رضا (صلوات الله علیهم) شنیدم که می فرمودند: هر کسی به زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه برود خداوند قلب او را (با ایمان و یقین و مغفرت و رحمت) آرامش می بخشد.^۴

به هر حال، کیفیت زیارت آن حضرت در روز عرفه چنین است که هرگاه اراده زیارت کنی در صورت امکان، با آب فرات و گرنه با هر آبی که ممکن باشد غسل کن و پاکیزه ترین لباس های خودت را بپوش و با آرامش و وقار و طمأنینه، حرکت نما، وقتی به در حرم حسینی رسیدی بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ وَ نِيزَ بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً

خدا بزرگتر است * * * * خدا بزرگتر است به کمال بزرگی و ستایش خاص خداست بسیار و منزّه باد خدا در صبح

۱. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۵۲، حدیث ۱ و مصباح الزائر، صفحه ۳۲۹ (با اندکی تفاوت).

۲. کامل الزیارات، باب ۷۰، حدیث ۳ و ۴ و ۵ و ۷. ۳. مصباح المتهجّد، صفحه ۷۱۶.

۴. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۸۶، حدیث ۸.

وَأَصِيلاً، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ،

و شام و ستایش خاص خدایی که ما را به این راه راهنمایی فرمود و ما خود چنان نبودیم که راهنمایی شویم اگر خدا راهنماییمان نمی‌کرد

لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ

براستی آمدند رسولان پروردگار ما به حق سلام بر رسول خدا سلام بر امیر

الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

مؤمنان سلام بر فاطمه زهرا بانوی زنان جهانیان سلام

عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى

بر حسن و حسین سلام بر علی بن الحسین السلام بر

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى بْنِ

محمد بن علی سلام بر جعفر بن محمد سلام بر موسی بن

جَعْفَرٍ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ،

جعفر سلام بر علی بن موسی سلام بر محمد بن علی

السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر علی بن محمد سلام بر حسن بن علی سلام بر

الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْمُنْتَظَرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

آن جانشین شایسته‌ای که چشم براهش هستند سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ، وَابْنُ أُمَّتِكَ، الْمُوَالِي لَوْلِيكَ، الْمُعَادِي

رسول خدا، بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیزت که دوستدار تو و دشمن

لِعَدُوِّكَ، اسْتَجَارَ بِمَشْهَدِكَ، وَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِقُصْدِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

دشمن توست به زیارتگاهت پناه آورده و بوسیله آهنگ کردن (درگاه) تو به خدا تقرب جوید، ستایش خدایی را سزااست که

هَدَانِي لَوْلَايَتِكَ، وَخَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ، وَسَهَّلَ لِي قُصْدَكَ * سِيسِ دَاخِلِ حَرَمِ

ما را به دوستی تو راهنمایی کرد من را و به زیارتت مخصوص داشت و آهنگ کردنت را برآیم آسان کرد * * * * *

مِي شَوِي وَبِالْأَيِّ سِرِّ حَضْرَتِ مِي اَيَسْتِي وَ مِي گویی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ

* * * * * سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ

خدا سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم

خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

خلیل خدا سلام بر تو ای وارث موسی هم سخن با خدا سلام بر تو ای

وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ

وارث عیسی روح خدا سلام بر تو ای وارث محمد دوست خدا سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ،

بر تو ای وارث امیر مؤمنان سلام بر تو ای وارث فاطمه زهرا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيِّ

سلام بر تو ای فرزند محمد مصطفی سلام بر تو ای پسر علی

الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

مرتضی سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا سلام بر تو ای فرزند

خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوِثْرَ الْمَوْتُورَ،

خدیده کبری سلام بر تو ای کسی که خدا خونخواهیش کند و فرزند کسی که خدا خونخواهیش کند و ای کشته‌ای که خون کسانش ریخته شد

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ

گواهی دهم که تو برستی بپا داشتی نماز را و بدادی زکات را و دستور دادی به کار نیک و بازداشتی

عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتِكَ، وَلَعَنَ

از کار زشت و فرمانبرداری خدا کردی تا یقین (یعنی شهادت) به سراغت آمد پس لعنت کند خدا مردمی که تو را کشتند و خدا لعنت کند مردمی که به

اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا

تو ستم کردند و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند آن را و بدان راضی شدند ای مولای من ای ابا

عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَآئُهُ وَرُسُلُهُ، إِنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَيَا يَا بَكْمُ

عبدالله گواه گیرم خدا و فرشتگانش را و پیمبران و رسولانش را که من به شماها ایمان دارم و به بازگشت شما (در رجعت)

مُوقِنٌ، بِشَرَايِعِ دِينِي، وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَمُنْقَلَبِي إِلَى رَبِّي، فَصَلُّوْا تُ اللَّهُ

یقین دارم طبق احکام دینم و پایان کردارم و بازگشتم بسوی پروردگارم می‌باشد دروهای خدا

عَلَيْكُمْ، وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ، وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ، وَعَلَى شَاهِدِكُمْ، وَغَائِبِكُمْ،

بر جانهای شما و بر پیکرهای شما و بر حاضران و غایبان

وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَابْنَ سَيِّدِ

و ظاهرتان و باطنتان سلام بر تو ای فرزند خاتم پیمبران و فرزند آقای

الْوَصِيِّينَ، وَابْنَ إِمَامٍ الْمُتَّقِينَ، وَابْنَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ إِلَى جَنَاتِ

اوصیا و فرزند پیشوای پرهیزکاران و فرزند رهرو سفیدرویان بسوی بهشتیهای

النَّعِيمِ، وَكَيْفَ لَا تَكُونُ كَذَلِكَ، وَأَنْتَ بَابُ الْهُدَى، وَإِمَامُ التَّقَى، وَالْعُرْوَةُ

پر نعمت و چگونه این چنین نباشی در صورتی که تو درگاه هدایت و پیشوای پرهیزکاری و دستاویز

الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَخَامِسُ أَهْلِ الْكِسَاءِ، غَدَتَكَ

محکم (خدا) و حجت بر اهل دنیا هستی و پنجمین اهل کساء هستی خوراقت داد

يَدُ الرَّحْمَةِ، وَرَضِعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ، وَرُبَيْتَ فِي حِجْرِ الْإِسْلَامِ،

دست رحمت (حق) و شیرخوردی از پستان ایمان و پرورش یافتی در دامن اسلام

فَالنَّفْسُ غَيْرُ رَاضِيَةٍ بِفِرَاقِكَ، وَلَا شَاكَّةٌ فِي حَيَاتِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ

دل راضی به فراق و جدایی تو نیست و هیچ گونه شک و تردیدی در زنده بودنند ندارد دروهای خدا بر تو

وَ عَلَى آبَائِكَ وَأَبْنَائِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَرِيحَ الْعَبْرَةِ السَّاكِبَةِ، وَقَرِينَ

و بر پدرانت و فرزندان سلام بر تو ای کشته اشک ریزان و همدم

الْمُصِيبَةِ الرَّائِبَةِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ، [وَأَنْتَهَكْتَ فِيكَ

مصیبت بیایی و مرتب، خدا لعنت کند مردمی که نادیده گرفتند حرمت را و دریدند در مورد

حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ] فَقَتِلْتَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ مَقْهُورًا، وَأَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ

تو حرمت اسلام را و بدین جهت کشته گشتی درود خدا بر تو که مقهور (و مغلوب) گشتی و رسول خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَ مَوْتُورًا، وَأَصْبَحَ كِتَابُ اللَّهِ بِفَقْدِكَ مَهْجُورًا، السَّلَامُ

صلی الله علیه و آله بخاطر تو به حال خونخواهی درآمد و کتاب خدا (قرآن) بواسطه فقدان تو مهجور (و متروک) گردید سلام

عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ، وَأُمَّكَ وَأَخِيكَ، وَعَلَى الْأَيِّمَةِ مِنْ بَنِيكَ،

بر تو و بر جد و پدر و مادر و برادرت باد و هم بر امامان از فرزندان

وَ عَلَى الْمُسْتَشْهِدِينَ مَعَكَ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْخَافِينَ بِقَبْرِكَ،

و بر شهید شدگان با تو و بر فرشتگان دربرگیرنده قبرت

وَالشَّاهِدِينَ لِزُورَارِكَ، أَلْمُؤْمِنِينَ بِالْقَبُولِ عَلَى دُعَاءِ شِيعَتِكَ، وَالسَّلَامُ

و حاضران از زواریت که آمین گویند برای قبول شدن دعای شیعیانت و سلام

عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، يَا بِيَّ أَنْتَ وَأُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بِيَّ أَنْتَ

بر تو و رحمت خدا و برکاتش پدر و مادرم بفدایت ای فرزند رسول خدا پدر و مادرم

وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظَمْتَ الرَّزِيَّةَ، وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا، وَ

به فدایت ای ابا عبدالله براستی که بزرگ شد سوگواری تو و عظیم گشت مصیبت تو بر ما و

عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ

بر تمام اهل آسمانها و زمین خدا لعنت کند مردمی که اسپها را زین کرده و دهانه زدند

وَتَهَيَّاتِ لِقِتَالِكَ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، قَصَدْتُ حَرَمَكَ، وَأَتَيْتُ

و آماده کشتن و کارزار با تو شدند ای مولای من ای ابا عبدالله آهنگ حرم تو را کردم و به

مَشْهَدِكَ، أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ، وَبِالمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ، أَنْ

زیارتگاهت آمدم از خدا خواهم بدان شان و مقامی که تو در نزد او داری و بدان مکانی که تو را در پیش او است

يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

که درود فرستد بر محمد و آل محمد و قرار دهد مرا با شما در دنیا و آخرت

بِمَنْنِهِ وَجُودِهِ وَكَرَمِهِ * آنگاه ضریح را ببوس و در بالای سر دو رکعت نماز بجای آور با حمد و هر

به منت و جود و بزرگواریش * * * * *

سوره‌ای که خواستی، پس از فراغت از نماز بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ

* * * * * خدایا من نماز خواندم و رکوع و سجده کردم

لَكَ، وَحَدَّكَ لِشَرِيكَ لَكَ، لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا تَكُونُ إِلَّا

برای تو تنها که شریک نداری زیرا نماز و رکوع و سجده روا نیست جز

لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

برای تو چون که تویی خدایی که معبودی جز تو نیست خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ، وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ،

و برسان بدانها از جانب من بهترین تحیت و سلام را و بازگردان بر من از جانب ایشان تحیت و سلامی

اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَإِمَامِي،

خدایا این دو رکعت نماز هدیه‌ای است از من به پیشگاه سرور و آقا و پیشوایم

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

حضرت حسین بن علی علیهما السلام خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَتَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي، وَأَجْرُنِي عَلَى ذَلِكَ أَفْضَلَ أَمَلِي، وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي

و بپذیر آن را از من و پاداشم ده بر آن به بهترین آرزو و امیدی که در تو و در

وَلِيَّكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * سپس بر خیز و به سوی پایین پای مبارک به قصد زیارت علی

ولی تو دارم ای مهربانترین مهربانان * * * * *

بن الحسين عليه السلام (علی اکبر) برو و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

* * * * * سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو

يَا بَنَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

ای فرزند پیامبر خدا سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان سلام بر تو ای فرزند

الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ بْنُ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

حسین شهید سلام بر تو ای شهید فرزند شهید سلام بر تو

أَيُّهَا الْمَظْلُومُ ابْنُ الْمَظْلُومِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَ

ای ستمدیده فرزند ستمدیده خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند و خدا لعنت کند مردمی که به تو ستم کردند و

لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، [السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ] ۲، السَّلَامُ

خدا لعنت کند مردمی که شنیدند آن را و بدان راضی گشتند سلام بر تو ای مولای من سلام

عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ، وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ

بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی خدا برستی بزرگ شد سوگواری تو و عظیم گشت مصیبت تو

عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ

بر ما و بر تمام مردم با ایمان خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند و بیزاری جویم بسوی خدا و بسوی تو

مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * آنگاه به جانب سایر شهدا توجه کن و به قصد زیارت آنها بگو:

از ایشان در دنیا و آخرت * * * * *

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَأَحِبَّائَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَ

سلام بر شما ای اولیای خدا و دوستانش سلام بر شما ای برگزیدگان خدا و

أَوْدِيَاءَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ نَبِيِّهِ، وَأَنْصَارَ أَمِيرِ

دوستان خالص او سلام بر شما ای یاران دین خدا و یاران پیامبرش و یاران امیر

الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ

مؤمنان و یاران فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر شما ای یاران

أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

حضرت ابا محمد حسن بن علی آن ولی حق و خیرخواه خلق سلام بر شما ای یاران حضرت ابا عبدالله

الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ الْمَظْلُومِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، يَا أَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي،

الحسین آن شهید مظلوم درودهای خدا بر شما همگی پدر و مادرم به فدای شما

طِبْتُمْ وَ طَابَتْ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ، وَ فُزْتُمْ وَاللَّهُ فَوْزًا عَظِيمًا، فَيَا

پاک گشتید و پاک شد زمینی که شما در آن دفن شدید و رستگار شدید به خدا سوگند رستگاری بزرگی ای

لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ فِي الْجَنَانِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ،

کاش من نیز با شما بودم و با شما به رستگاری نایل می‌شدم در بهشت با شهیدان و مردمان شایسته

وَ حَسَنَ أَوْلِيَاكَ رَفِيقًا، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ * * * سِيسِ بِهِ

و چه نیکو رفیقانی هستند و سلام بر شما و رحمت خدا و برکاتش * * *

طرف بالای سر برگرد و برای خود و خانواده خود و برادران دینی، بسیار دعا کن.^۱ «سید بن طاووس»
و «شهید اول» گفته‌اند: آنگاه به سوی حرم مقدس جناب عباس علیه السلام حرکت کن و نزد قبر آن حضرت
بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

سلام بر تو ای ابا الفضل العباس فرزند امیر مؤمنان سلام بر تو ای

سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَوَّلِ الْقَوْمِ إِسْلَامًا، وَأَقْدَمِهِمْ إِيْمَانًا،

فرزند آقای اوصیا سلام بر تو ای فرزند نخستین مردمی که مسلمان شد و بیشترین کسی که ایمان آورد

وَأَقْوَمِهِمْ بِدِينِ اللَّهِ، وَأَحْوَطِهِمْ عَلَى الْإِسْلَامِ، أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلَّهِ

و پابرجاترین آنها در دین خدا و مراقبت‌ترین آنها در حفظ اسلام گواهی دهم که تو بخوبی خیراندیشی کردی برای خدا

وَلِرَسُولِهِ وَلَا خِيكَ، فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُوَأَسِي، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ

و برای رسول خدا و برای برادرت پس چه نیکو برادر فداکاری بود خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند و خدا لعنت کند

أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ، وَأَنْتَهَكْتَ فِي قَتْلِكَ

مردمی که به تو ستم کردند و خدا لعنت کند مردمی که حرمت تو را نادیده گرفتند و پرده حرمت اسلام را

۱. بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۵۹ حدیث ۱ و مصباح الزائر، صفحه ۳۴۷، (با اندکی تفاوت)

حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ، فَنِعْمَ الْأَخُ الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ، وَالْمُحَامِي النَّاصِرُ، وَالْأَخُ

بوسیله کشتن تو درینند پس چه نیکو برادر شکبیا و مجاهد و حمایت کننده و یاورى بودى و چه برادر

الدَّفَاعِ عَنْ أَخِيهِ، الْمُجِيبُ إِلَى طَاعَةِ رَبِّهِ، الرَّاعِبُ فِيمَا زَهَدَ فِيهِ غَيْرُهُ

دفاع کننده‌ای بودی از برادرت که پاسخ دادی به فرمانبرداری پروردگارت و مشتاق بودی بدانچه بی‌رغبت بودند بدان دیگران

مِنَ الثَّوَابِ الْجَزِيلِ، وَالثَّنَاءِ الْجَمِيلِ، وَالْحَقَّكَ اللَّهُ بِدَرَجَةِ آبَائِكَ فِي

از پاداش فراوان و ستایش شایان و برساند تو را خداوند به درجه پدران

دَارِ النَّعِيمِ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ * سپس بگو: اَللّٰهُمَّ لَكَ تَعَرَّضْتُ، وَلزِيَارَةَ

در خانه پر نعمت (بهشت) که برستی او ستوده و بزرگوار است * * * * * خدایا من به درگاه تو آمدم و زیارت

أَوْلِيَائِكَ قَصَدْتُ، رَغْبَةً فِي ثَوَابِكَ، وَرَجَاءً لِمَغْفِرَتِكَ وَجَزِيلِ إِحْسَانِكَ،

دوستانت را آهنگ کردم روی اشتیاقی که به پاداش تو داشتم و امیدى که به آمرزشت و فراوانى احسان تو دارم

فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ دَارًا،

پس از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و قرار دهی روزیم را بخاطر ایشان ریزان

وَعَيْشِي بِهِمْ قَارًا، وَزِيَارَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا، وَأَقْلِبْنِي

و خوشی زندگیم را بدیشان پابرجا و زیارتم را بدانها پذیرفته و گناهم را به آنها آمرزیده و بزم گردانی

بِهِمْ مُفْلِحًا مُنْجِحًا، مُسْتَجَابًا دُعَائِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُؤَارِهِ،

مرا بدانها رستگار و کامیاب با دعای مستجاب شده به بهترین وضعی که بازگردد بدان وضع یکی از زیارت کنندگانش

وَالْقَاصِدِينَ إِلَيْهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * آنگاه ضریح مطهرش را ببوس و

و آهنگ کنندگان درگاهش به رحمت ای مهربانترین مهربانان. * * * * *

نزد آن حضرت، نماز زیارت - هر قدر خواستی - انجام ده، و چون خواستی وداع کنی آنچه را که سابقاً در وداع آن حضرت ذکر کردیم بگو،^۱ (صفحه ۳۹۰).

* * *

زیارت امام حسین علیه السلام در شب جمعه و ایام مخصوصه دیگر:

شکی نیست که زیارت امام حسین علیه السلام در غیر ایام مخصوصی که گذشت، در هر وقت و زمان دیگر، خصوصاً اوقات شریفه و بالاخص ایامی که با آن حضرت نسبتی داشته باشد (مثل روز مباحله و روز نزول

۱. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۶۴؛ مزار شهید، صفحه ۱۷۷ و مصباح الزائر، صفحه ۳۵۱.

سوره «هل أتی» و روز تولد آن حضرت) فضیلت دارد و در این ایام فرشتگان از آسمان نازل می‌شوند،^۱ و در میان آنها، شب‌های جمعه از اهمّیت ویژه‌ای برخوردار است و روایات متعدّدی در ارتباط با آن وارد شده است، از جمله:

۱- در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم خدای متعال در هر شب جمعه نظر عنایت خاصی به امام حسین علیه السلام می‌افکند و جمیع پیامبران و اوصیای آنان را به زیارتش می‌فرستد.^۲

۲- «ابن قولویه» از یکی از یاران امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «هر کس در هر جمعه، قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند به یقین آمرزیده می‌شود، و با حسرت از دنیا بیرون نمی‌رود، و با حضرتش در بهشت همسایه می‌شود»، سپس به او فرمود: «چه کسی است که از همسایگی با امام حسین علیه السلام در بهشت شادمان نشود؟» عرض کرد: کسی که رستگار نشده باشد.^۳

۳- از بعضی روایات استفاده می‌شود که حضرت ولی عصر علیه السلام خبر سلیمان اعمش را که می‌گوید: «همسایه‌اش به او گفت: در خواب دیدم که برگه‌هایی از آسمان فرو می‌ریزد که در آنها امان از آتش دوزخ برای هر کس که در شب جمعه امام حسین علیه السلام را زیارت کند نوشته بود»^۴ تأیید فرموده است.

یادآوری:

۱- برای این اوقات شریفه زیارت خاصی وارد نشده، تنها برای روز تولد آن حضرت (سوم شعبان) دعایی از ناحیه مقدّسه صادر شده که خواندن آن بسیار شایسته است و در اعمال ماه‌ها (ماه شعبان، صفحه ۶۷۸) خواهد آمد.

۲- برای زیارت وداع امام حسین علیه السلام اکتفا می‌کنیم به آنچه که در آخرین آداب زیارت امام حسین علیه السلام خواهد آمد. (صفحه ۴۳۵).

زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور

پاداش زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور:

همان گونه که از زیارات گذشته به دست آمد زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور نیز فضیلت بسیار دارد (چنان که زیارت هر معصوم دیگری نیز این گونه است) و روایات بسیاری در این رابطه وارد شده که ما در این جا به ذکر چند روایت اکتفا می‌کنیم:

۱- آنچه به عنوان روایت علقمه گذشت شاهد خوبی است، زیرا در صدر این روایت وقتی امام باقر علیه السلام پاداش زیارت عاشورا در حرم آن حضرت را با آن عظمت بیان می‌کند. علقمه می‌پرسد: فدایت شوم برای

۱. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۹۸، حدیث ۲۹.

۲. کامل‌الزیارات، باب ۳۸، صفحه ۱۱۳، حدیث ۴.

۳. همان مدرک، باب ۷۴، صفحه ۱۸۳، حدیث ۳.

۴. بحارالانوار، جلد ۴۵، صفحه ۴۰۱، حدیث ۱۲.

کسی که در شهرهای دور از کربلا باشد و در چنین روزی (روز عاشورا) رفتن به سوی قبر آن حضرت برایش ممکن نباشد و بخواهد در این روز از دور زیارتش کند چه ثوابی دارد؟ حضرت در جواب، پس از بیان آدابی که خواهد آمد، فرمود: من ضمانت الهی می‌کنم کسی که امام حسین علیه السلام را در این روز (با رعایت آدابی که خواهد آمد) زیارت کند تمام آن ثواب‌ها برایش نوشته شود.^۱

۲- ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که: «هرگاه، راه بعضی از شما دور و از خانه‌اش تا قبور ما مسافت بسیار باشد، در فضای باز قرار گیرد و دو رکعت نماز بخواند و با اشاره به سوی قبور ما سلام کند که تحقیقاً به ما می‌رسد».^۲

۳- از روایت سُدیر (یکی از یاران امام صادق علیه السلام) به خوبی استفاده می‌شود که زیارت آن حضرت از دور نیز فضیلت بسیار دارد، به این صورت که در فضای باز قرار گیرد و به راست و چپ نظر بيفکند، سپس سر خود را به سوی آسمان بلند کند و به جانب قبر امام حسین علیه السلام توجّه نماید و بگوید: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» که در مقابل آن برای او ثواب بسیار نوشته می‌شود».^۳

۴- در مقدمه زیارت اول از زیارات مطلقه امام حسین علیه السلام گذشت که وقتی راوی از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: فدایت شوم بسیار می‌شود که یادی از امام حسین علیه السلام می‌کنم در آن هنگام چه بگویم؟ فرمود: سه مرتبه بگو «صَلَّى اللَّهُ عَلَیْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ» که سلام به آن حضرت از دور و نزدیک به او می‌رسد.^۴

آداب زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور:

از روایات فوق و نیز از آنچه در فصل زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا گذشت به دست می‌آید، که برای زیارت آن حضرت و عرض ادب به آستان مقدّسش از راه دور، آدابی وارد شده که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

آداب روز عاشورا:

۱- در روایتی که از علقمه گذشت آمده است: عرض کردم: فدایت شوم کسی که در شهری دور از کربلا زندگی می‌کند و امکان حضور در نزد قبر آن حضرت در چنین روزی (روز عاشورا) برایش وجود ندارد، چه ثوابی خواهد بود؟ فرمود: اگر چنین است به فضای باز برود و به سوی آن حضرت اشاره کند و بر قاتلین حضرتش نفرین فرستد و سپس دو رکعت نماز بجا آورد و زمانی را که برای این عمل انتخاب می‌کند

۱. کامل‌الزیارات، باب ۷۱، صفحه ۱۷۵، حدیث ۸.

۲. همان مدرک، باب ۹۶، صفحه ۲۸۶، حدیث ۱.

۳. همان مدرک، صفحه ۲۸۷، حدیث ۲.

۴. کافی، جلد ۴، صفحه ۵۷۵، حدیث ۲.

اوایل روز، پیش از ظهر باشد، آنگاه برای امام حسین علیه السلام سوگواری کند و بر او بگرید و اهل خانه را نیز به عزاداری دعوت کند، و مجلس مصیبت و عزا برپا کند و وقتی (شیعیان آن حضرت) به هم می‌رسند تسلیت بگویند، اگر چنین کنند من ضمانت الهی می‌کنم که تمام آن ثواب‌ها (ثواب‌هایی که در صدر این روایت برای زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا از نزدیک بیان شده) برای او نوشته شود.

علقمه می‌گوید: عرض کردم چگونه وقتی به هم می‌رسند به یکدیگر تسلیت گویند؟ فرمود: می‌گویند: «عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُضَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِنَارِهِ، مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» یعنی خداوند اجر ما را در مصیبت امام حسین علیه السلام فراوان دهد و ما و شما را توفیق جبران خون حضرتش به همراه ولیش امام مهدی علیه السلام که از آل محمد علیهم السلام است، عطا فرماید. ۲- در ادامه این حدیث آمده است: اگر بتوانی در این روز کسب و کار را تعطیل کنی بهتر است؛ زیرا که روز نحسی است که کسب مؤمن در آن روز به نتیجه نمی‌رسد و اگر به نتیجه برسد، خیر و برکت در آن نخواهد بود، و نیز در چنین روزی، کسی از شما چیزی را برای خانه‌اش ذخیره نکند که اگر چنین کند برای اهلش مبارک نخواهد بود.^۱

و در بعضی از روایات استحباب غسل کردن برای زیارت روز عاشورا نیز آمده است^۲، و در سایر ایام نیز همین اعمال را به قصد رجا به هنگام زیارت می‌توان بجا آورد.

کیفیت زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور:

از مجموع روایات، زیارت آن حضرت از راه دور به یکی از عبارات زیر استفاده می‌شود:

۱- سه بار بگوید: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ».

۲- بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».^۳

۳- در روایت حنّان بن سُدیّر چنین آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، وَ سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي، السَّلَامُ

سلام بر تو ای مولای من و ای فرزند مولای من و ای آقای من و ای فرزند آقای من، سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ الشَّهِيدُ بْنُ الشَّهِيدِ، وَالْقَتِيلُ بْنُ الْقَتِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای مولای من شهید فرزند شهید و ای کشته فرزند کشته، سلام بر تو

۱. کامل‌الزیارات، باب ۷۱، صفحه ۱۷۵، حدیث ۸ و بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۲۹۰، حدیث ۱.

۲. بحارالانوار، جلد ۷۸، صفحه ۱۷، حدیث ۲۴. ۳. کامل‌الزیارات، باب ۹۶، صفحه ۲۸۷، حدیث ۲.

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَنَا زَائِرُكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ بِقَلْبِي وَ لِسَانِي

و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، من زائر تو هستم ای فرزند رسول خدا با قلب و زبان

وَجَوَارِحِي، وَإِنْ لَمْ أَزُرْكَ بِنَفْسِي مُشَاهِدَةً لِقَبْتِكَ، فَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا

و تمام اعضا، هر چند تو را از نزدیک زیارت نکردم و بارگاه تو را ندیدم اما سلام بر تو ای

وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، وَ وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، وَ وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ،

وارث آدم برگزیده خدا و وارث نوح پیامبر خدا و وارث ابراهیم خلیل الله

وَ وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، وَ وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، وَ وَارِثَ مُحَمَّدٍ

و وارث موسی کلیم الله و وارث عیسی روح الله و وارث محمد

حَبِيبِ اللَّهِ وَ نَبِيِّهِ وَ رَسُولِهِ، وَ وَارِثَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ

حبیب خدا و نبی او و رسول او و وارث علی امیرمؤمنان وصی رسول خدا

وَ خَلِيفَتِهِ، وَ وَارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ وصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، لَعَنَ اللَّهُ

و جانشین او و وارث حسن بن علی وصی امیرمؤمنان خدا لعنت کند

قَاتِلِيكَ، وَ جَدَّدَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ، أَنَا يَا

کسانی که تو را شهید کردند و در این ساعت و در هر ساعت عذاب تازه ای بر آنها بفرست ای

سَيِّدِي مُتَقَرِّبٌ إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ، وَ إِلَى جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ، وَ إِلَى أَبِيكَ

آقای من! به سوی خداوند متعال و جدت رسول خدا و پدرت

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ إِلَى أَخِيكَ الْحَسَنِ، وَ إِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، فَعَلَيْكَ السَّلَامُ

امیرمؤمنان و برادرت حسن و به سوی تو ای آقای من تقرب می جویم پس سلام

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ بِزِيَارَتِي لَكَ بِقَلْبِي وَ لِسَانِي وَ جَمِيعِ جَوَارِحِي،

و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد با زیارتی که تو را با قلبم و زبانت و جمیع اعضایم نمودم

فَكُنْ يَا سَيِّدِي شَفِيعِي لِقَبُولِ ذَلِكَ مِنِّي، وَ أَنَا بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ

پس ای آقای من! شفیع من برای قبول این زیارتم باش. من با بیزاری جستن از دشمنان تو

وَاللَّعْنَةُ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ، فَعَلَيْكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ

و لعنت بر آنها به خدا و به همه شما تقرب می جویم پس درود و

وَ رِضْوَانُهُ وَ رَحْمَتُهُ.

رضوان و رحمت خدا بر تو باد.

سپس به قبر علی بن الحسین علیه السلام (علی اکبر) توجه می‌کنی و بر او سلام می‌گویی، و در پایان آنچه دوست داری از امور دنیا و آخرت را، از خدا طلب می‌کنی، آنگاه چهار رکعت نماز می‌خوانی. سپس رو به قبله، به سوی قبر امام حسین علیه السلام و سایر شهدا متوجه می‌شوی و به قصد وداع می‌گویی:

أَنَا مُودِعُكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، وَ يَا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي، وَ مُودِعُكَ

من با تو وداع می‌گویم ای مولای من و ای فرزند مولای من و ای آقای من و ای فرزند آقای من و نیز با تو وداع می‌کنم

يَا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَ مُودِعُكُمْ يَا سَادَاتِي يَا

ای آقای من و ای فرزند آقای من ای علی بن حسین و با شما ای آقایان من و ای شهیدان کربلا

مَعَاشِرَ الشُّهَدَاءِ، فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَ رَحْمَتُهُ وَ رِضْوَانُهُ وَ بَرَكَاتُهُ.^۱

نیز وداع می‌کنم پس بر شما باد سلام و رحمت خدا و رضوان و برکاتش.

فضیلت تربت امام حسین علیه السلام و آداب استفاده از آن:

در فضیلت تربت آن حضرت روایات فراوانی وارد شده، مانند:

۱- از روایات متواتر به دست می‌آید که تربت پاک آن حضرت شفای دردها و بیماری‌هاست^۲ و امان از بلاها و هر خوف و ترس^۳ و طبق بعضی از روایات، تربت را می‌توان از میان محلّ قبر مبارک تا یک میل^۴ و یا حتی تا چهار میل^۵ برگرفت.

مرحوم محدّث قمی رحمته الله در «فوائد الرضویّه» در احوال سید محدّث و مُتبحّر، آقا سید نعمت الله جزایری رحمته الله می‌نویسد که آن سید جلیل در تحصیل علم، زحمت بسیار کشیده و رنج بسیار برده است و چون در اوایل تحصیل حتی قادر بر تهیهٔ چراغ نبود، از روشنی مهتاب استفاده می‌کرد، لذا از کثرت مطالعه در مهتاب، چشمانش ضعیف شده بود، ولی به برکت تربت مقدّسهٔ سیدالشهدا و خاک مرقدهای شریفهٔ ائمهٔ عراق علیهم السلام چشمانش روشنی یافت،^۶ و جای تعجب نیست که خداوند چنین اثری را در آن خاک مقدّس برای شیعیان و محبّان قرار داده باشد.

بهترین راه برای استفاده از تربت پربرکت آن حضرت، این است که مقدار کمی از تربت تمیز را در

۱. کامل الزیارات، باب ۹۶، صفحه ۲۸۸، حدیث ۷.

۲. همان مدرک، باب ۹۱، حدیث ۳، ۴، ۵، ۸، و باب ۹۲، حدیث ۴، ۵، ۶.

۳. همان مدرک، باب ۹۲، احادیث ۱، ۲، ۴، ۵.

۴. همان مدرک، باب ۹۲، حدیث ۶ و باب ۹۱، حدیث ۵، (یک میل حدود ۱۶۰۰ متر است).

۵. همان مدرک، باب ۹۳، حدیث ۵.

۶. فوائد الرضویه، صفحه ۶۹۵.

مقدار کمی آب تمیز حل کنند و از آن کمی بنوشند؛ یا هر یک از افراد خانواده مقداری از آن آب را به عنوان تبرک استفاده کنند، و طریق دیگر این که به اندازه یک عدس از تربت تمیز را روی زبان بگذارند و یک جرعه آب روی آن بنوشند.

۲- «ابن قولویه» از شخصی نقل می کند که گفت: امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از خراسان برایم بسته ای را فرستاد، وقتی آن را گشودم، در میانش خاکی را یافتم. از کسی که آن را آورده بود پرسیدم: این چیست؟ گفت: خاک قبر امام حسین علیه السلام است، آن حضرت (امام رضا علیه السلام) هدیه ای برای کسی نمی فرستد مگر آن که کمی از این خاک را در میانش می گذارد و می فرماید: به اذن و مشیت خدا امان از بلاهاست.^۱

۳- یکی از یاران امام صادق علیه السلام به محضر مبارک امام عرض کرد: چگونه است که فردی از خاک قبر امام حسین علیه السلام برمی دارد و از آن سود می برد، ولی فرد دیگری از آن برمی دارد و بهره ای نمی برد؟ جواب فرمود: «نه والله، هر کس که از آن خاک بردارد و اعتقاد داشته باشد که به او نفع می بخشد، البته بهره مند می شود.»^۲

کیفیت استفاده از تربت حسینی:

در ارتباط با آداب نگهداری تربت حسینی و کیفیت بهره گیری از آن نیز روایاتی وارد شده است:

۱- از ابو حمزه ثمالی نقل شده: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: اصحاب را می بینم که از خاک قبر امام حسین علیه السلام برمی دارند و از آن (باذن الله) شفا طلب می کنند، آیا واقعاً در آن شفا وجود دارد؟ فرمود: «از خاکی که از فاصله میان قبر تا چهار میل برمی دارند، می توان برای درمان دردها بهره جست، و هر کس یقین به شفای آن داشته باشد هرگاه از آن شفا بجوید باذن الله کفایتش می کند.»^۳

۲- در روایت دیگری آمده است که هرگاه کسی از شما خواست از تربت بهره گیرد، نخست آن را بپوسد، سپس بر دو دیده اش بگذارد و بر سایر بدن بمالد و بگوید:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ مَنْ حَلَّ بِهَا، وَتَوَلَّى فِيهَا، وَبِحَقِّ أَبِيهِ وَأُمِّهِ

خدایا به حق این تربت شریف و به حق آن بزرگواری که در آن فرود آمد و مسکن گرفت و به حق پدر و مادر

و آخیه، وَالْأُمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَبِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ الْحَاقِّينَ بِهِ، إِلَّا جَعَلْتَهَا شِفَاءً مَنْ

و بردارش و امامان از فرزندانش و به حق فرشتگانی که او را دربر گرفته اند که بگردانی آن را شفای از هر درد

۲. همان مدرک، باب ۹۱، صفحه ۲۷۴، حدیث ۱.

۱. کامل الزیارات، باب ۹۲، صفحه ۲۷۸، حدیث ۱.

۳. همان مدرک، باب ۹۳، صفحه ۲۸۰، حدیث ۵.

كُلِّ دَاءٍ، وَبُرْءٍ اَمِنْ كُلِّ مَرَضٍ، وَنَجَاةٍ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، وَحِرْزاً مِمَّا خَافَ وَآخِزٌ.

و درمان از هر بیماری و رهایی از هر آفت و پناهگاهی از هر چه از آن می‌ترسم و پرهیز می‌کنم.

سپس از آن استفاده کند.^۱

۳- و نیز در روایتی آمده: هر گاه خواستی از تربت امام حسین علیه السلام استفاده کنی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا، وَعِلْمًا نَافِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ

به نام خدا و به ذات خدا، خدایا بگردانش روزی فراخ و دانشی سودمند و شفای از هر

دَاءٍ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

دردی که تو بر هر چیز توانایی.

۴- مستحب است قدری تربت حسینی به همراه میّت، داخل قبر گذاشته شود،^۳ و در روایت دیگری وارد شده که با حنوطش مخلوط گردد.^۴

۵- مستحب است سجده کردن بر تربت امام حسین علیه السلام که حجاب‌های هفتگانه را باز می‌کند و سبب قبولی نماز و بالا رفتن آن به آسمانها می‌شود.^۵

۶- مستحب است از آن، تسبیح بسازند و با چنین تسبیحی ذکر گویند^۶ که فضیلت عظیم دارد و مادامی که در دست صاحبش می‌باشد، تسبیح خدا می‌گوید هر چند صاحبش تسبیح نگوید.^۷

یادآوری:

۱- همان گونه که از مجموع روایات فوق به دست آمد، باید حریم تربت حسینی را پاس داشت و به گونه‌ای آن را نگهداری کرد که بی‌حرمتی پیش نیاید، زیر دست و پا نماند، در راه نریزند و آلوده نکنند.

۲- مشهور میان علما این است که خوردن گل و خاک، مطلقاً جایز نیست مگر تربت مقدّسه امام حسین علیه السلام که آن هم صرفاً به قصد شفا جایز است، و احتیاط آن است که بیش از یک عدس نباشد.

۳- در این که مقصود از تربت حسینی، خاک چه مقدار فاصله از زمین کربلا می‌باشد، تعبیرات روایات

۱. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۱۹، حدیث ۴ و امالی طوسی، صفحه ۳۱۸، حدیث ۹۳.

۲. کامل الزیارات، باب ۹۴، صفحه ۲۸۴، حدیث ۱. ۳. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۳۶، حدیث ۷۵.

۴. همان مدرک، صفحه ۱۳۳، حدیث ۶۳ و تهذیب، جلد ۶، صفحه ۷۶، حدیث ۱۸.

۵. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۳۵، حدیث ۷۴.

۶. همان مدرک، جلد ۹۸، صفحه ۱۳۲، حدیث ۶۱، و تهذیب، جلد ۶، صفحه ۷۵، حدیث ۱۶.

۷. همان مدرک.

گوناگون است؛ البته هر چه نزدیکتر به قبر مقدس باشد، بهتر است.^۱

فضیلت زمین کربلا و حائر حسینی:

روایات فراوانی در ارتباط با شرافت و فضیلت زمین کربلا و حائر حسینی وارد شده که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱- امیرمؤمنان علیه السلام از زمین کربلا به همراه جمعی از اصحابش گذشتند، وقتی به آن جا رسیدند اشک از چشمان حضرت جاری شد و فرمود: این جاست جایگاه اقامت سوارانشان و اینجاست محلّ انداختن بارهایشان و این جاست که خونشان ریخته می‌شود، خوشا به حال تو ای تربتی که خون یاران حق روی تو ریخته می‌شود (هَذَا مَنَاحُ رُكَايِهِمْ، وَ هَذَا مَلَقَى رِحَالِهِمْ، وَ هُنَا تُهْرَقُ دِمَاءُهُمْ، طُوبَى لَكَ مِنْ تَرْبَةٍ عَلَيْكَ تُهْرَقُ دِمَاءُ الْأَحِبَّةِ).^۲

۲- در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: جایگاه قبر حسین بن علی علیه السلام از روزی که آن حضرت در آن دفن شد، باغ پرارزشی از باغ‌های بهشت است.^۳

۳- ابوهاشم جعفری می‌گوید: امام هادی علیه السلام در ایام بیماریش می‌فرمود: کسی را به سوی «حائر» (حائر حسینی برای طلب شفای من) بفرستید. عرض کردم: فدایت شوم اجازه می‌فرمایید که من بروم؟ فرمود: برو اما با رعایت تقیه... عزم بر حرکت گرفتم ولی قبل از حرکت، جریان را برای علی بن بلال ذکر کردم، او با تعجب گفت: حضرت هادی علیه السلام خودش حائر است او را با «حائر» چه کار؟! خدمت حضرت رسیدم سؤال علی بن بلال را برای او نقل کردم، فرمود: آیا رسول الله خانه خدا را طواف نمی‌کرد و حجرالاسود را نمی‌بوسید با آن که حرمت رسول گرامی صلی الله علیه و آله و حرمت مؤمن از حرمت خانه خدا بیشتر است؟ بدان که این مکان‌ها مکان‌هایی هستند که خداوند دوست دارد یاد او در آنها زنده شود، من هم دوست دارم برای شفای من در مکان‌هایی دعا شود که خدا دوست دارد و حائر حسینی یکی از آن مکان‌هاست.^۴

محلّ حائر حسینی:

بحثی که در این جا مطرح است این است که چه مقدار از اطراف قبر مطهر امام حسین علیه السلام «حائر» محسوب می‌شود و آن مکانی که آن همه روایات در فضیلت آن و استجاب دعا در آن، در فصل فضیلت

۱. رجوع کنید به: بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۳۰، حدیث ۵۰، ۵۴، ۵۵؛ و جواهرالکلام، جلد ۳۶، صفحه ۳۶۴.

۲. کامل‌الزیارات، باب ۸۸، صفحه ۲۷۰، حدیث ۱۱.

۳. کامل‌الزیارات، باب ۸۹، صفحه ۲۷۱، حدیث ۱.

۴. همان مدرک، باب ۹۰، حدیث ۱ و بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۱۲.

زیارت ذکر شد، کدام است و چه مقدار مساحت دارد؟
 مرحوم «علامة مجلسی» اقوال متعددی را از علما در این رابطه نقل کرده است و آنچه در نظر شریف خود ایشان تقویت دارد این است که مراد از «حائر»^۱ آن مقدار از مساحتی است که دیوارهای صحن، آن را احاطه کرده است در نتیجه خود صحن از جمیع اطراف و ساختمان‌هایی که به قبّه شریفه متصل است و همچنین مسجدی که در پشت آن قبّه قرار دارد جزء حائر محسوب می‌شود. و آنچه مشهور میان اهالی کربلاست و از گذشتگان، به آنها به ارث رسیده و همچنین ظاهر کلمات اکثر اصحاب، همین است.^۲
 مرحوم «صاحب جواهر» نیز در تفسیر حائر همین معنا را انتخاب کرده است^۳ هر چند احتیاط آن است که صحن مطهر را جزء حائر ندانند و به حرم مطهر و رواق‌ها و مسجد بالاسر قناعت کنند، به خصوص این که در گذشته حرم تا این حد توسعه نداشت.
 از خداوند بزرگ توفیق بهره‌وری همه عاشقان مکتب آن حضرت را از فیوضات عظیم این اماکن مقدّسه مسألت داریم.

۱. «حائر» در لغت (از حَیْر است نه از حَوْر) به مکانی گفته می‌شود که آب در آن جا جمع شود و دَوْران پیدا کند (صحاح اللغة و مصباح المنیر) در هر حال؛ گویا از زمانی که متوکل عباسی - لعنة الله علیه - قبر آن حضرت را به آب بست، ولی آب در اطراف قبر، دور زد و به خود قبر نرسید، به این محوطه حائر گفته شد. (بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۱۷).

۲. بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۱۷.

۳. جواهر الکلام، جلد ۱۴، صفحه ۳۳۹.

فصل ششم زیارت کاظمین علیهم السلام

فضیلت زیارت کاظمین (حضرت موسی بن جعفر و امام جواد علیهم السلام):

در فضیلت زیارت این دو امام معصوم علیهم السلام روایات زیادی وارد شده که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:
۱- زیارت امام موسی بن جعفر علیه السلام مثل زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله است^۱ و هر کس او را زیارت کند مثل آن است که رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام را زیارت کرده است^۲ و نیز مثل آن است که امام حسین علیه السلام را زیارت کند.^۳

۲- «هر کس حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را زیارت کند، اهل بهشت است».^۴

۳- «ابن شهر آشوب» از «خطیب بغدادی» (صاحب تاریخ بغداد) از علی بن خلال نقل می‌کند که گفت: هیچ مشکلی برای من پیش نیامد مگر این که با پناه بردن به قبر مطهر موسی بن جعفر علیه السلام و توسل به آن حضرت، خداوند آن را برایم گشود و بر من آسان کرد.^۵

۴- و نیز از «خطیب بغدادی» نقل می‌کند: در بغداد زنی را مشاهده کردند که شتابان در حال دویدن بود، وقتی از او سؤال کردند به کجا می‌روی؟ جواب داد: به سوی قبر موسی بن جعفر علیه السلام تا دعا کنم پسرم از حبس آزاد شود، مردی حنبلی مذهب که در آن جا حاضر بود او را به تمسخر گرفت و گفت: پسر ت در زندان مُرد! آن زن گفت: خداوند به حق آن کسی که او را در زندان به شهادت رساندند، قدرت خود را به ما نشان ده! چیزی نگذشت که پسرش را رها کردند و پسر آن مرد حنبلی که استهزا کرده بود، دستگیر شد!^۶

کیفیت زیارت کاظمین علیهم السلام :

زیاراتی که در حرم شریف کاظمین می‌توان خواند بر دو قسم است: نخست زیاراتی که مختص به هر یک از آن دو بزرگوار است و دیگر زیاراتی که مشترک بین آن دو امام علیهم السلام می‌باشد.

۱. کامل الزیارات، باب ۹۹، صفحه ۲۹۹، حدیث ۵ و ۹.

۲. همان مدرک، حدیث ۶.

۳. همان مدرک، حدیث ۱، ۳، ۸، ۱۰.

۴. همان مدرک، حدیث ۷، ۱۲.

۵. مناقب ابن شهر آشوب، جلد ۴، صفحه ۳۰۵.

۶. همان مدرک.

زیارت مختص به امام موسی بن جعفر علیه السلام :

زیارت اول: از «سید بن طاووس» نقل شده است که وقتی خواستی آن حضرت را زیارت نمایی سزاوار است که غسل کنی، سپس با آرامش و وقار به سمت حرم روانه شو، وقتی به در حرم رسیدی بایست و بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هِدَايَتِهِ لِدِينِهِ،

خدا بزرگتر است (از توصیف) معبودی نیست جز خدا و خدا بزرگتر است ستایش خدای را برای راهنمایی کردنش (ما را) به دین خود

والتَّوْفِيقِ لِمَا دَعَا إِلَيْهِ مِنْ سَبِيلِهِ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَكْرَمُ مَقْصُودٍ وَأَكْرَمُ مَاتِيٍّ،

و توفیق دادنش به اجابت دعوت او بدان راهی که او خواست خدایا تو بزرگواریترین مقصود و کریم‌ترین کسی هستی که بدرگاهش آیند

وَقَدْ أَتَيْتَكَ مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ

و من به درگاهت آمده‌ام و تقرّب جویم به پیشگاهت بوسیلهٔ فرزند دختر پیامبرت که دروهای تو بر او و بر پدران

الطَّاهِرِينَ، وَأَبْنَاءِ الطَّيِّبِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تُخَيِّبْ

پاک و فرزندان پاکیزه‌اش باد خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و نومید مکن

سَعْيِي، وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي، وَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

کوششم را و قطع مکن امیدم را و قرارم ده در نزد خودت آبرومند در دنیا و آخرت

وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ. وَبِهِنَّ هُنَّ وَرُودٌ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ

و از مقربان درگاهت * * * * * به نام خدا و به یاری خدا و در راه خدا و بر کیش

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ

رسول خدا صلی الله علیه و آله خدایا بیامرز مرا و پدر و مادرم را و همهٔ

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ * سپس همین که به در قبهٔ شریفه رسیدی بایست و طلب اذن نما و بگو:

مردان و زنان با ایمان را * * * * *

ءَادْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، ءَادْخُلْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، ءَادْخُلْ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ،

آیا داخل شوم ای رسول خدا آیا داخل شوم ای پیامبر خدا آیا داخل شوم ای محمد بن عبدالله

ءَادْخُلْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، ءَادْخُلْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ، ءَادْخُلْ يَا

آیا داخل شوم ای امیر مؤمنان آیا داخل شوم ای ابامحمد حسن (مجتبی) آیا داخل شوم ای

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ، ءَادْخُلْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، ءَادْخُلْ يَا أَبَا

اباعبدالله الحسین آیا داخل شوم ای ابامحمد علی بن الحسین (زین‌العابدین) آیا داخل شوم ای ابا

جَعْفَرٌ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، ءَاذْخُلُ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، ءَاذْخُلُ يَا

جعفر محمد بن علی آیا داخل شوم ای ابا عبدالله جعفر بن محمد آیا داخل شوم ای

مَوْلَايَ يَا اَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، ءَاذْخُلُ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا جَعْفَرٍ

مولای من ای ابالحسن موسی بن جعفر آیا داخل شوم ای مولای من ای ابا جعفر

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ * اَنگاه داخل شو و چهار مرتبه الله اَكْبَرُ بگو و سپس مقابل قبر و در حالی که

محمد بن علی * * * * * خدا بزرگتر است * * * * *

قبله را پشت کتف خود قرار داده‌ای بایست و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ،

* * * * * سلام بر تو ای نماینده خدا و فرزند نماینده‌اش

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ وَابْنَ

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت او سلام بر تو ای برگزیده خداوند و فرزند

صَفِيِّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِينَ اللَّهِ وَابْنَ اَمِينِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي

برگزیده‌اش سلام بر تو ای امین خدا و فرزند امین او سلام بر تو ای نور خدا در

ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اِمَامَ الْهُدَى، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَـلَمَ

تاریکی‌های زمین سلام بر تو ای پیشوای هدایت سلام بر تو ای پرچم

الدِّينِ وَالتَّقَى، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

دین و تقوا سلام بر تو ای خزینهدار علم و دانش پیامبران سلام بر تو ای

خَازِنَ عِلْمِ الْمُرْسَلِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَائِبَ الْاَوْصِيَاءِ السَّابِقِينَ،

خزینهدار علم و دانش رسولان سلام بر تو ای نایب اوصیای پیشین

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ الْمُبِينِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْعِلْمِ

سلام بر تو ای معدن وحی آشکار سلام بر تو ای دارنده دانش

الْيَقِينِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْبَةَ عِلْمِ الْمُرْسَلِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

یقینی سلام بر تو ای گنجینه دانش پیامبران مرسل سلام بر تو ای

الْاِمَامِ الصَّالِحِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْاِمَامُ الزَّاهِدُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

امام شایسته سلام بر تو ای امام پارسا سلام بر تو ای

الْإِمَامُ الْعَابِدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ السَّيِّدُ الرَّشِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

امام عابد سلام بر تو ای امام بزرگ و رشید سلام بر تو

أَيُّهَا الْمَقْتُولُ الشَّهِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنَ وَصِيِّهِ، السَّلَامُ

ای کشته شهید (راه حق) سلام بر تو ای فرزند رسول خدا و فرزند وصی آن حضرت سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

بر تو ای سرور من ای موسی بن جعفر و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که برستی تو

بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ مَا حَمَلَكَ، وَحَفِظْتَ مَا اسْتَوَدَعَكَ، وَحَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ،

رسندی از جانب خداوند آنچه را به عهده داشتی و محافظت کردی از آنچه به تو سپرده بود و حلال کردی حلال خدا را

وَحَرَمْتَ حَرَامَ اللَّهِ، وَأَقَمْتَ أَحْكَامَ اللَّهِ، وَتَلَوْتَ كِتَابَ اللَّهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى

و حرام کردی حرام خدا را و بپا داشتی احکام خدا را و تلاوت کردی (به حق) کتاب خدا را و شکیبا بودی

الْأَذَى فِي جَنْبِ اللَّهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ،

بر آزار خلق در راه خدا و جهاد کردی در راه خدا آن طور که باید تا مرگت فرا رسید

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ آبَاؤُكَ الطَّاهِرُونَ، وَأَجْدَادُكَ

و گواهی دهم که تو برفتی به همان راهی که رفتند بدان راه پدران پاک و اجداد

الطَّيِّبُونَ، وَالْأَوْصِيَاءُ الْهَادُونَ الْأَيُّمَّةَ الْمَهْدِيِّونَ، لَمْ تُؤْثِرْ عَمِيَّ عَلَى

پاک سرشت آن اوصیای راهنما و آن پیشوایان راه یافته ترجیح ندادی گمراهی را بر

هُدًى، وَلَمْ تَمَلْ مِنْ حَقِّ الْبَاطِلِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ

هدایت و متمایل نگشتی از حق بسوی باطل و گواهی دهم که تو برستی خیرخواهی کردی برای خدا و پیامبرش و

وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنَّكَ أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَنَبْتَ الْخِيَانَةَ، وَأَقَمْتَ

برای امیرمؤمنان و تو بخوبی امانت را پرداختی و از خیانت دوری گزیددی و بپا داشتی

الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ

نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (و کار نیک) و جلوگیری کردی از کار زشت و پرستش کردی

اللَّهَ مُخْلِصاً مُجْتَهِداً مُحْتَسِباً حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ

خدا را از روی اخلاص و کوشش و پاداش جویی تا آنگاه که مرگت فرا رسید، خداوند پاداش نیکویت دهد از اسلام

مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِي، وَالْوَلِيُّ

موسی بن جعفر و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که تویی پیشوای راهنما و سرپرست

الْمُرْشِدُ، وَأَنَّكَ مَعْدِنُ التَّنْزِيلِ، وَصَاحِبُ التَّأْوِيلِ، وَحَامِلُ التَّوْرِيَةِ

ارشاد کننده و تویی معدن تنزیل (قرآن) و دارای (علم) تأویل و دارنده تورات

وَالْإِنْجِيلِ، وَالْعَالِمُ الْعَادِلُ، وَالصَّادِقُ الْعَامِلُ، يَا مَوْلَايَ أَنَا أَبْرَأُ إِلَى

و انجیل و دانشمند عادل و راستگوی عامل (به احکام دین) ای مولا و سرور من بیازاری جویم من

اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَاتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمُؤَالَاتِكَ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى

به درگاه خدا از دشمنان و تقرب جویم به پیشگاه خداوند بوسیله دوستی تو درود خدا بر تو و بر

آبَائِكَ، وَأَجْدَادِكَ وَأَبْنَائِكَ، وَشِيعَتِكَ وَمُحِبِّيكَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

پدران و اجداد و فرزندان و شیعیان و دوستان و رحمت خدا و برکاتش.

آنگاه دو رکعت نماز زیارت بجای آور و در آن، حمد و سوره یس و الرحمن، یا هر چه از قرآن برایت آسان است بخوان و آنچه می خواهی از خدا بخواه.^۱

زیارت دوم: علامه مجلسی می نویسد: «شیخ مفید» و «شیخ شهید» و «محمد بن المشهدی» نوشته اند: هرگاه خواستی در نزدیکی بغداد، امام موسی بن جعفر علیه السلام را زیارت کنی غسل کن و روانه حرم شریفش شو و بر در حرم بایست و اذن دخول بطلب و سپس داخل حرم شو در حالی که می گویی:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

به نام خدا و بپاری خدا و در راه خدا و بر کیش رسول خدا درود خدا بر او و بر آلش باد

وَالسَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ. آنگاه نزد قبر آن جناب بایست و بگو:

و سلام بر اولیای خدا باد * * * * *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ،

سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی های زمین سلام بر تو ای نماینده خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ

سلام بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای باب رحمت خدا گواهی دهم که برستی تو برپا داشتی

الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ

نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (کارهای نیک) و نهی کردی از کار زشت و تلاوت کردی

۱. مصباح الزائر، صفحه ۳۷۷ و بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۱۴، حدیث ۹ (با اندکی تفاوت).

بِالْجَوْرِ، وَالْمَعَذِّبِ فِي قَعْرِ السُّجُونِ، وَظَلَمِ الْمَطَامِيرِ، ذِي السَّاقِ

چور در قبر رفت و در سیاه‌چال‌های زندان و سلول‌های تاریک تحت شکنجه و عذاب بود آن بزرگواری که

الْمَرْضُوضِ بِحَلْقِ الْقَيْودِ، وَالْجِنَازَةِ الْمُنَادِي عَلَيْهَا بِذَلِّ الْأَسْتِخْفَافِ،

ساق پایش از فشار حلقه‌های کُند و زنجیر شکسته و خرد شد و صاحب آن جنازه مقدسی که جلوش جار می‌زدند با کمال خواری و سبکی

وَالْوَارِدِ عَلَى جَدِّهِ الْمُصْطَفَى، وَأَبِيهِ الْمُرْتَضَى، وَأُمِّهِ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ،

و آن که درآمد بر جدش مصطفی و پدرش (علی) مرتضی و مادرش بانوی زنان در حالی که

بَارِثِ مَعْصُوبٍ، وَوَلَايَةِ مَسْلُوبٍ، وَأَمْرٍ مَغْلُوبٍ، وَدَمٍ مَطْلُوبٍ، وَسَمِّ

ارثش به یغما رفته و حکومتش ربوده شده و در کار خود مغلوب دشمنان گشته، و دشمن ریختن خونش را می‌خواست با زهری

مَشْرُوبٍ، اَللّٰهُمَّ وَكَمَا صَبَرَ عَلَى غَلِيظِ الْمِحْنِ، وَتَجَرَّعَ غُصَصَ

که به او خوراندند خدایا چنانچه او صبر کرد بر سختی محنت و سرکشید جرعه‌های گرفتاری را

الْكُرْبِ، وَاسْتَسَلَّمَ لِرِضَاكَ، وَأَخْلَصَ الطَّاعَةَ لَكَ، وَمَحَضَ الْخُشُوعَ،

و تن داد به رضایت تو و اطاعت کرد تو را از روی اخلاص و بی‌آلایشی در برابرت فروتن گشت

وَاسْتَشَعَرَ الْخُضُوعَ، وَعَادَى الْبِدْعَةَ وَأَهْلَهَا، وَلَمْ يَلْحَقْهُ فِي شَيْءٍ مِنْ

و خضوع نمود و دشمنی کرد با بدعت و بدعت‌گزاران و سرزنش‌های ملامت‌کنندگان به هیچ وجه و در هیچ یک از

أَوْامِرِكَ وَنَوَاهِيكَ لَوْمَةً لَّا تَمُّ، صَلَّى عَلَيْهِ صَلَاةٌ نَامِيَةٌ مُنِيفَةٌ زَاكِيَةٌ، تُوجِبُ

اوامر و نواهی تو در او مؤثر نگشت درود فرست بر او درودی با برکت و بلندمرتبه و پاکیزه که موجب شود

لَهُ بِهَا شَفَاعَةٌ أُمَّمٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَقُرُونٍ مِنْ بَرَّائِكَ، وَبَلَغَهُ عَنَّا تَحِيَّةٌ

بدان شفاعت امت‌هایی از خلق تو را و شامل مردمانی از قرون گذشته شود و برسان به او از جانب ما تحیت

وَسَلَامًا، وَآتَنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مُوَالَاتِهِ فَضْلًا وَإِحْسَانًا، وَمَغْفِرَةً وَرِضْوَانًا،

و سلامی و بده به ما از نزد خویش به پاداش دوستی او فضل

إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَمِيمِ، وَالتَّجَاوُزِ الْعَظِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱.

و احسان و آمرزش و خشنودی خودت را که تو دارای فضلی همگانی و گذشت بزرگی هستی به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

زیارت مخصوصه امام جواد (علیه السلام):

زیارت اول: مطابق نقل علامه مجلسی، همان بزرگواران (شیخ مفید، شیخ شهید و محمد بن

المشهدی) در ادامه زیارت قبل نوشته اند: آنگاه متوجه قبر محمد بن علی الجواد علیه السلام می شوی که در پشت سر جد بزرگوار خود مدفون است و چون نزد قبر آن حضرت ایستادی بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ

سلام بر تو ای ولی خدا سلام بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای نور

اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

خدا در تاریکی های زمین سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو

وَعَلَى آبَائِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبْنَائِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَوْلِيَاءِكَ،

و بر پدران (باک) تو سلام بر تو و بر فرزندان سلام بر تو و بر دوستانت

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ

گواهی دهم که برستی تو برپا داشتی نماز را و بدادی زکات را و امر به معروف و نهی

عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ،

از منکر کردی و تلاوت کردی قرآن را چنانچه باید و جهاد کردی در راه خدا آن طور که شاید

وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ حَتَّى آتَيْتَكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ،

و شکیبا بودی بر آزار مردم در مورد (کار) خدا تا مرگت فرا رسید آمده ام به درگاهت برای زیارت در حالی که عارفم به حق تو

مُوَالِيًا لِأَوْلِيَاءِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ * سپس ضریح را ببوس

و دوست دارم دوستانت را و دشمنم با دشمنانت پس شفاعت مرا بنما در پیشگاه پروردگارت * * *

و آنگاه دو طرف صورت خود را بر آن بگذار، سپس دو رکعت نماز زیارت بخوان و بعد از آن، هر نمازی که می خواهی بجای آور و آنگاه به سجده برو و بگو: اِرْحَمْ مَنْ اِسَاءَ وَاقْتَرَفَ، وَاسْتَكَانَ

* * * * * رحم کن به آن که بد کرده و مرتکب جرم شده و به بیچارگی افتاده

وَاعْتَرَفَ. سپس جانب راست صورت را بر محل سجده بگذار و بگو: اِنْ كُنْتُ بِسَسِّ الْعَبْدِ،

و اعتراف دارد * * * * * اگر من بد بنده ای هستم

فَأَنْتَ نِعْمَ الرَّبُّ. آنگاه جانب چپ صورت را بگذار و بگو: عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسِنِ

پس تو نیکو پروردگاری هستی * * * * * بزرگ گشت گناه از بنده ات پس باید نیکو باشی

الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ يَا كَرِيمٌ. سپس به سجده برو و صد مرتبه بگو: شُكْرًا شُكْرًا... و برگرد!

* * * * * گذشت از طرف تو ای بزرگوار * * * * *

زیارت دوم: «سید بن طاووس» می نویسد: وقتی امام موسی بن جعفر علیه السلام را زیارت کردی نزد مرقد امام جواد علیه السلام می ایستی و آن را می بوسی و می گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ، مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَرِّ التَّقِيِّ الْأَمَامِ الْوَفِيِّ،

سلام بر تو ای ابا جعفر محمد بن علی که (امام) نیکوکار و پرهیزکار و پیشوای وفادار بودی

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای آقای پسندیده و پاکیزه سلام بر تو ای ولی خدا سلام

عَلَيْكَ يَا نَجِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِيرَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَّ اللَّهِ،

بر تو ای همراز خدا سلام بر تو ای نماینده خدا سلام بر تو ای رازدار خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ضِيَاءَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَنَاءَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای پرتو (نور) خدا سلام بر تو ای روشنی (جمال) خدا سلام بر تو

كَلِمَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَحْمَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النُّورُ السَّاطِعُ،

ای کلمه (نشانه تام و تمام) خدا سلام بر تو ای رحمت خدا سلام بر تو ای نور درخشان

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ الطَّالِعُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّيِّبُ مِنَ الطَّيِّبِينَ،

سلام بر تو ای ماه تابان سلام بر تو ای پاک (متولد شده) از پاکان

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ مِنَ الْمُطَهَّرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَيَّةُ

سلام بر تو ای پاکیزه از پاکیزگان سلام بر تو ای نشانه

الْعُظْمَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحُجَّةُ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُطَهَّرُ

بزرگ (حق) سلام بر تو ای حجت کبرا (ی الهی) سلام بر تو ای پاک

مِنَ الزَّلَّاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنَزَّهُ عَنِ الْمُعْضَلَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

از لغزشها سلام بر تو ای منزّه از خشونت و سخت گیریها سلام بر تو

أَيُّهَا الْعَلِيُّ عَنِ نَقْصِ الْأَوْصَافِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّضِيُّ عِنْدَ

ای برتر از نقص در اوصاف سلام بر تو ای پسندیده در نزد

الْأَشْرَافِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ وَلِيُّ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ فِي

مردمان شرافتمند سلام بر تو ای استوانه دین (خدا) گواهی دهم که تویی ولی خدا و حجت او در

أَرْضِهِ، وَأَنَّكَ جَنْبُ اللَّهِ وَخَيْرَةُ اللَّهِ، وَمُسْتَوْدَعُ عِلْمِ اللَّهِ وَعِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ،

روی زمین و تو در جوار و مقام قرب خدا هستی و تویی برگزیده خدا و کسی که علم خدا و علم پیامبران به تو سپرده شده

وَرَكْنُ الْإِيمَانِ، وَتَرْجُمَانُ الْقُرْآنِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مَنْ اتَّبَعَكَ عَلَى الْحَقِّ

و رکن ایمان و مفسر قرآن هستی و گواهی دهم که هر که از تو پیروی کرد بر حق

وَالْهُدَى، وَأَنَّ مَنْ أَنْكَرَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ عَلَى الضَّلَالَةِ وَالرَّدَى، أَبْرَأُ

و بر هدایت است و هر که منکر تو شد و به دشمنی تو برخاست در گمراهی و هلاکت است بیزارى جویم

إِلَى اللَّهِ وَالْيَكِّ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ

به درگاه خدا و پیشگاه تو از آنها در دنیا و آخرت و سلام بر تو تا زندهام و برباست

اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ * سِپِسِ اِین صِلَوَات رَا بَخَوَان: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ،

شب و روز * * * * * خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش

وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ النَّقِيِّ، وَالْبَرِّ الْوَفِيِّ، وَالْمُهَذَّبِ النَّقِيِّ،

و درود فرست بر محمد بن علی آن امام پاکیزه و با تقوا و نیکوکار با وفا و میرای بی‌عیب

هَادِي الْأُمَّةِ، وَوَارِثِ الْأَيْمَةِ، وَخَازِنِ الرَّحْمَةِ، وَيَنْبُوعِ الْحِكْمَةِ، وَقَائِدِ

و راهنمای امت و وارث امامان و خزینه‌دار رحمت (حق) و سرچشمه حکمت و پیشوای

الْبَرَكَةِ، وَعَدِيلِ الْقُرْآنِ فِي الطَّاعَةِ، وَوَاحِدِ الْأَوْصِيَاءِ فِي الْإِخْلَاصِ

خیر و برکت و هم‌تراز قرآن در وجوب اطاعت و یکی از اوصیا در جهت اخلاص

وَالْعِبَادَةِ، وَحُجَّتِكَ الْعُلْيَا، وَمَثَلِكَ الْأَعْلَى، وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنَى، الدَّاعِي

و عبادت و حجت والای تو و نمونه برتر و نشانه نیکوی تو که (مردم را)

إِلَيْكَ، وَالِدَّالُّ عَلَيْكَ، الَّذِي نَصَبْتَهُ عَلِمًا لِعِبَادِكَ، وَمُتَرَجِّمًا لِكِتَابِكَ،

به تو دعوت کرد و بر تو راهنمایی فرمود آن‌کس که او را منصوب کردی (چون) پرچمی برای (هدایت) بندگانت و مترجمی برای کتاب (قرآن)

وَصَادِعًا بِأَمْرِكَ، وَنَاصِرًا لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ، وَنُورًا تَخْرُقُ بِهِ

و بل صدای بلند فرمان تو را برساند و دینت را یاری کرد و حجتی است بر خلق و نوری است که تاریکی‌ها

الظُّلْمَ، وَقُدْوَةً تُدْرِكُ بِهَا الْهُدَايَةَ، وَشَفِيعًا تُنَالُ بِهِ الْجَنَّةَ، اَللّٰهُمَّ وَكَمَا أَخَذَ

بدو شکافته شود و پیشوایی است که هدایت بوسیله او بدست آید و شفيعی است که به شفاعتش به بهشت توان رسید خدایا چنانچه او از

فِي خُشُوعِهِ لَكَ حَظَّهُ، وَاسْتَوْفَى مِنْ خَشْيَتِكَ نَصِيْبَهُ، فَصَلِّ عَلَيْهِ

فروتنی در برابرت بهره خود را گرفت و از مقام خشیت و ترسی که از تو داشت نصیبش را دریافت داشت پس درود فرست بر او

أَضْعَافَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ وَلِيَّ اِز تَضَيَّتْ طَاعَتُهُ، وَقَبِلْتَ خِدْمَتَهُ، وَبَلَّغَهُ مِنَّا

چندین برابر آنچه درود فرستی بر یکی از دوستانت که اطاعتش را پسندیدی و خدمتش را پذیرفتی و برسان به او از جانب ما

تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَآتِنَا فِي مُوَالَاتِهِ مِنْ لَدُنْكَ فَضْلًا وَإِحْسَانًا، وَمَغْفِرَةً

تحيّت و سلامی و بده به ما بواسطه دوستی او فضل و احسان و آمرزش

وَرِضْوَانًا، إِنَّكَ ذُو الْمَنِّ الْقَدِيمِ، وَالصَّفْحَ الْجَمِيلِ. آنگاه نماز زیارت بجای آور. ۱

و خشنودی خود را که برستی تو دارای بخششی دیرینه و چشمپوشی نیکویی هستی. * * * * *

* * *

زیارت سوم: «ابن قولویه» در «کامل الزیارات» زیارت سوّمی که مخصوص امام جواد علیه السلام است از

امام هادی علیه السلام نقل می‌کند و می‌گوید: پس از غسل زیارت بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، الْأَمَامِ الْأَبْرَرِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ الرَّضِيِّ

خدایا درود فرست بر محمد بن علی آن امام نیکوکار با تقوای پاک و خشنود

الْمَرْضِيِّ، وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِينَ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى، صَلَاةً

و پسندیده و حجت تو بر هر که روی زمین و هر که زیر زمین (در سایر کُرّات) است درودی

كثِيرَةً تَامَةً نَامِيَةً زَاكِيَةً، مُبَارَكَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً، كَأَفْضَلِ مَا

بسیار و با برکت و پاکیزه و مبارک و پیوسته و دنبال هم و بیایی همانند بهترین

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

درودی که فرستی بر یکی از دوستان و سلام بر تو ای ولی (و نماینده) خدا سلام بر تو ای

نُورَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ،

نور خدا سلام بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای پیشوای مؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ النَّبِيِّينَ وَسُلَالَةَ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای جانشین پیامبران و نژاد پاک اوصیا سلام بر تو ای

نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، أَتَيْتَكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُعَادِيًا

نور خدا در تاریکی‌های زمین آمده‌ام بدرگاہت برای زیارت و به حقّ تو شناسا و عارفم و دشمنم

لِلدُّشْمَانِ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَاءِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا مُوَالِيًا.

با دشمنان و دوستدار دوستان هستم پس شفاعت کن برای من در نزد پروردگارت ای مولای من.

آنگاه حاجت خود را طلب کن که ان شاءالله تعالی برآورده خواهد شد. ۲

۱. مصباح الزائر، صفحه ۳۹۵ و بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۰.

۲. کامل‌الزیارات، باب ۱۰۰، صفحه ۳۰۲، حدیث ۱.

زیارات مشترک امام کاظم و امام جواد علیهما السلام :

زیارت اول: «ابن قولویه»، «شیخ کلینی» و «شیخ طوسی» از امام هادی علیه السلام نقل می کنند که ابتدا مقابل مرقد امام موسی کاظم علیه السلام می ایستی و می گویی: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ**

سلام بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای ولی خدا سلام

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ

بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی های زمین سلام

عَلَيْكَ يَا مَنْ بَدَأَ اللَّهُ فِي شَأْنِهِ، أَتَيْتَكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُعَادِيًا

بر تو ای که آشکار کرد خدا اراده اش را درباره او آمده ام بدرگاہت برای زیارت در حالی که شناسای به حق توام و دشمنم

لِلْأَعْدَائِكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَاءِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا مَوْلَايَ.

با دشمنان و دوستدارم دوستانت را پس شفاعت مرا در نزد پروردگارت بفرما ای مولای من.

سپس دعا می کنی و حاجتت را طلب می نمایی. آنگاه رو به قبر امام جواد علیه السلام می ایستی و همین زیارت را خطاب به آن حضرت تکرار می کنی. این زیارت در نهایت اعتبار است.^۱

زیارت دوم: «شیخ مفید» و «شیخ شهید» و «محمد بن المشهدی» می نویسند: برای زیارت آن دو بزرگوار نزد ضریح مطهر بایست و خطاب به هر دو امام علیهما السلام بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيَّيَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا حُجَّتَيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر شما ای دو ولی (بزرگوار) خدا سلام بر شما ای دو حجت خدا سلام

عَلَيْكُمَا يَا نُورَيِ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، أَشْهَدُ أَنْكُمَا قَدْ بَلَّغْتُمَا عَنِ اللَّهِ

بر شما ای دو نور خدا در تاریکی های زمین گواهی دهم که شما دو بزرگوار بخوبی رساندید از جانب خدا

مَا حَمَلَكُمَا، وَحَفِظْتُمَا مَا اسْتَوْدِعْتُمَا، وَحَلَلْتُمَا حَلَالَ اللَّهِ، وَحَرَمْتُمَا

آنچه به عهده شما گذارده بود و نگهداری کردید آنچه به شما سپرده بود و حلال کردید حلال خدا را و حرام شمردید

حَرَامَ اللَّهِ، وَأَقَمْتُمَا حُدُودَ اللَّهِ، وَتَلَوْتُمَا كِتَابَ اللَّهِ، وَصَبَرْتُمَا عَلَى الْأَذَى

حرام خدا را و بپا داشتید حدود خدا را و تلاوت کردید کتاب خدا را و شکیبایی کردید بر آزار مردم

فِي جَنْبِ اللَّهِ مُحْتَسِبِينَ حَتَّىٰ أَتَيْكُمَا الْيَقِينَ، أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكُمَا،

در مورد خداوند بخاطر جستن پاداش تا مرگتان فرا رسید بیزاری جویم بدرگاه خدا از دشمنان شما

۱. کامل الزیارات، صفحه ۳۰۱، حدیث ۱ و کافی، جلد ۴، صفحه ۷۸، حدیث ۱ و تهذیب، جلد ۶، صفحه ۹۱، حدیث ۱.

وَاتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِوَلَايَتِكُمْ، أَتَيْتُكُمْ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكُمْ، مُوَالِيًا

و تقرب جویم به پیشگاه خدا بوسیله دوستی شما آمده‌ام به نزد شما برای زیارتتان و شناسای به حق شمایم و دوستدار

لِأَوْلِيَاءِكُمْ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكُمْ، مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ،

دوستانتان و دشمن دشمنانتان هستم بینامی بدان هدایتی که شما بر آن بودید

عَارِفًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ، فَاشْفَعَا لِي عِنْدَ رَبِّكُمْ، فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ

و آشنایم به گمراهی آن کس که با شما مخالفت کرد پس شفاعت کنید از من در پیشگاه پروردگارتان زیرا که شما را در نزد خدا

جَاهًا عَظِيمًا، وَمَقَامًا مَحْمُودًا * سپس ضریح شریف را ببوس و روی راست صورت را بر

آبرویی بزرگ و مقامی پسندیده است * * * * *

آن بگذار و آنگاه به جانب سر مقدس برو و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَّتِي اللَّهُ فِي أَرْضِهِ

* * * * * سلام بر شما ای دو حجت خدا در زمین

وَسَمَاءِهِ، عَبْدُكُمْ وَوَلِيُّكُمْ زَائِرُكُمْ، مُتَّقِرَّبًا إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكُمْ، اَللَّهُمَّ

و آسمان بنده شما و دوست شما به زیارت شما آمده و تقرب جوید بدرگاه خدا بوسیله شما دو بزرگوار خدا یا

اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَاءِكَ الْمُصْطَفَيْنِ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ،

مقزّر دار برای من زبان راستی (که براستی سخن گویم) درباره دوستان برگزیده‌ات و دوست گردان برای من زیارتگاههایشان را

وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و مرا با ایشان قرار ده در دنیا و آخرت ای مهربانترین مهربانان.

سپس برای هر امام دو رکعت نماز زیارت بخوان و هر آنچه می‌خواهی از خدا بخواه.^۱

یادآوری: مرحوم محدث قمی پس از نقل این زیارت می‌گوید: مختصر بودن این گونه زیارت‌ها به جهت تقیّه شدیدی است که در آن زمانها حاکم بوده و ائمه علیهم‌السلام می‌خواستند که شیعیان را به این وسیله، از آسیب طاغیان زمان محفوظ بدارند، اکنون که زمان تقیّه نیست اگر زائری طالب زیارتی طولانی باشد، می‌تواند زیارت جامعه کبیره که بهترین زیارت است و ذکرش خواهد آمد (صفحه ۵۳۷) را بخواند (چنان که می‌تواند زیارت امین الله را بخواند که در صفحه ۲۶۰ گذشت).

زیارت وداع امام کاظم علیه‌السلام:

«شیخ طوسی» در «تهذیب» می‌نویسد: هرگاه خواستی با امام موسی بن جعفر علیه‌السلام وداع کنی نزد قبر

۱. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۱۳ و مزار کبیر، صفحه ۵۳۹ و مزار شهید، صفحه ۱۹۴ (با اندکی تفاوت).

شریفش بایست آن گونه که در ابتدای زیارت ایستادی و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكَ

سلام بر تو ای مولای من ای ابا الحسن و رحمت خدا و برکاتش تو را به خدا می سپارم

اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ، وَبِمَا جِئْتَ بِهِ وَدَلَّلْتَ

و بر تو سلام می فرستم ایمان داریم به خدا و به رسول خدا و بدانچه تو آورده ای و بدان راهنمایی کرده ای

عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.^۱

خدایا ثبت کن نام ما را با گواهان.

زیارت وداع امام جواد علیه السلام:

در وداع امام جواد علیه السلام مقابل قبر آن حضرت می ایستی آن گونه که در ابتدای زیارت ایستادی و می گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،

سلام بر تو ای مولی من ای فرزند رسول خدا و رحمت خدا و برکاتش

أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ، وَبِمَا جِئْتَ بِهِ

تو را به خدا می سپارم و بر تو سلام می رسانم. ایمان داریم به خدا و به رسول خدا و بدانچه تو آورده ای

وَدَلَّلْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.

و بدان راهنمایی کردی خدایا ثبت کن نام ما را با گواهان.

آنگاه از خدا می خواهی که این زیارت، آخرین زیارت تو نباشد و مجدداً توفیق زیارت را پیدا کنی، سپس آنچه می خواهی دعا کن و ضریح آن حضرت را ببوس و دو طرف صورت خود را بر روی آن بگذار.^۲

فضیلت مسجد براتنا:

مسجد «براتنا» از مساجد معروف و متبرّکی است که بین بغداد و کاظمین در مسیر زوّار قرار گرفته و با همه شرافت و فضایی که دارد غالباً نسبت به آن توجه نمی شود و از فیض آن محرومند. «حموی» از مورّخین سال ۶۲۶ در معجم البلدان می نویسد:

«براتنا» پیش از بنای شهر بغداد، قریه ای بود که گمان مردم آن بر این بود که علی علیه السلام از این قریه -

زمانی که برای جنگ با خوارج نهروان می‌رفت - عبور کرد و در مسجد مزبور نماز خواند و در حَقام آن قریه استحمام نمود. از جمله از کسانی که به این «براثا» منسوبند «ابوشعیب برائی» عابد است که اول کسی است که در براثا در کوخی که از نی ساخته بود؛ ساکن شد و در آن عبادت خدا می‌کرد.^۱ و به همین دلیل، شیعیان به این مسجد اهمّیت فراوان می‌دادند.

آنچه برای ما قابل اعتماد است روایاتی است که مرحوم «عَلّامه مجلسی»^۲ در ارتباط با فضیلت این مسجد و سابقه تاریخی آن نقل می‌کند که از مجموع آن، نکات فراوانی به دست می‌آید از جمله:

- ۱- این مکان، خانه حضرت مریم علیها السلام و زمین حضرت عیسی علیه السلام بود.
- ۲- حضرت امیرمؤمنان علیه السلام چشمه‌ای به اعجاز در آن جا ظاهر ساخت.
- ۳- امیرمؤمنان علیه السلام پس از بازگشت از نهروان چند روز در آن مکان اقامت فرمودند.
- ۴- در این مکان، انبیای قبل از عیسی علیه السلام از جمله ابراهیم خلیل علیه السلام نیز نماز بجای آوردند.
- ۵- صومعه‌ای در این مکان قرار داشت که راهب آن با مشاهده امیرمؤمنان علیه السلام و دیدن معجزات مزبور اسلام آورد.

۶- از روایت دیگری به دست می‌آید که در این مکان قبر پیامبری واقع شده است و مرحوم محدّث قمی می‌گوید: شاید آن پیامبر، حضرت یوشع باشد.

مرحوم «عَلّامه مجلسی» پس از نقل این روایات می‌نویسد: این مسجد الآن موجود است و به وسط راه بغداد - کاظمین، نزدیک است و مستحب است نماز خواندن و طلب کردن حوائج از خداوند در آن.^۳

زیارت نَوّاب لربعه:

از جمله برنامه‌های زوّار، در ایام توقّف در کاظمین، رفتن به بغداد برای زیارت چهار نایب خاص امام عصر صلوات الله علیه (۱- عثمان بن سعید، ۲- محمّد بن عثمان، ۳- شیخ ابوالقاسم حسین بن روح، ۴- شیخ جلیل علی بن محمّد سمري علیه السلام) می‌باشد که اگر قبر هر کدام از آنها در مناطق دوردست دیگری بود باز هم سزاوار بود که انسان مسیری طولانی را طی کند و رنج و مشقّت سفر را متحمّل شود و به فیض زیارت آنها برسد، زیرا آنها کسانی هستند که ۷۰ سال منصب سفارت و وساطت میان امام عصر علیه السلام و امت را بر عهده داشتند و به دست آنها کرامات بسیار ظاهر شد.

۲. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۶، باب ۳.

۱. معجم‌البلدان، جلد ۱، صفحه ۳۶۳.

۳. همان مدرک، صفحه ۲۹.

کیفیت زیارت آن بزرگواران:

«شیخ طوسی» در «تهذیب» و «سید بن طاووس» در «مصباح الزائر» از حسین بن روح علیه السلام (یکی از نواب چهارگانه) نقل می‌کنند که هرگاه خواستی نواب حضرت را زیارت کنی پس از سلام به رسول خدا و امیرمؤمنان و خدیجه کبری و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین و هر یک از ائمه تا صاحب الزمان (صلوات الله علیهم اجمعین)، می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ (و به جای فلان بن فلان اسم صاحب قبر و پدرش را می‌بری) سپس می‌گویی: أَشْهَدُ أَنَّكَ بَابُ الْمَوْلَى، أَدَيْتَ عَنْهُ وَأَدَيْتَ إِلَيْهِ، مَا خَالَفْتَهُ وَلَا

***** گواهی دهم که تو باب (واسطه) مولا و سرور ما بودی که از طرف او به مردم و از مردم به آن حضرت رساندی مخالفتش را نکردی

خَالَفْتِ عَلَيْهِ، فَقُمْتَ خَالِصًا وَأَنْصَرَفْتَ سَابِقًا، جِئْتِكَ عَارِفًا بِالْحَقِّ

و بر علیه او راه خلافی نپمودی با اخلاص قیام کردی به نیابت خاصه آن حضرت و بازگشتی درحالی که سبقت جوینده بودی آمده‌ام به نزدت با معرفت بدان حقی

الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، وَأَنَّكَ مَا خُنْتَ فِي التَّادِيَةِ وَالسَّفَارَةِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

که بر آنی و براستی تو خیانت نکردی در ادای وظیفه و مقام سفارت و نمایندگی آن حضرت سلام بر تو

مِنْ بَابٍ مَا أَوْسَعَهُ، وَمِنْ سَفِيرٍ مَا آمَنَكَ، وَمِنْ ثِقَةٍ مَا أَمَكَّنَكَ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ

که چه باب (و واسطه) فراج نظری بودی و چه نماینده امین و شخص مورد اطمینان محکمی بودی گواهی دهم خداوند

اخْتَصَّكَ بِنُورِهِ، حَتَّى عَايَنْتَ الشَّخْصَ، فَادَيْتَ عَنْهُ وَأَدَيْتَ إِلَيْهِ. سپس

تو را به نور خود مخصوص داشت تا حضرت را از نزدیک مشاهده کردی و از جانب او به مردم رساندی و از طرف مردم (نیز) خواسته‌هاشان را به آن حضرت رساندی *****

مَجْدَدًا بِرَسُولِ خُدا تا صاحب الزمان علیه السلام سلام می‌فرستی و پس از آن می‌گویی: جِئْتِكَ مُخْلِصًا

***** آمده‌ام به نزدت با اخلاص

بِتَوْحِيدِ اللَّهِ، وَمُؤَالَاةِ أَوْلِيَاءِهِ، وَالْبِرِّ آتَةٍ مِنْ أَعْدَائِهِمْ، وَمِنْ الَّذِينَ خَالَفُواكَ

یگانه‌شناسی خداوند و دوست داشتن دوستانش و بی‌زاری از دشمنانش و هم از کسانی که با تو مخالفت کردند

يَا حُجَّةَ الْمَوْلَى، وَبِكَ إِلَيْهِمْ تَوْجُهِي، وَبِهِمْ إِلَى اللَّهِ تَوَسَّلِي.

ای حجت مولا و سرور من توجّه من به آن بزرگواران بوسیله توست و توصل من نیز بدکاره خدا بوسیله آنهاست.

آنگاه دعا کن و آنچه را می‌خواهی از خدا بطلب که ان شاء الله اجابت می‌شود.^۱

زیارت مرحوم کلینی:

سزاوار است زوّار محترم در بغداد به زیارت شیخ بزرگوار و عالی مقام جناب ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی نیز بروند، کسی که در زمان خودش رئیس شیعه و موثق ترین و استوارترین آنان در نقل حدیث بوده، و کتاب شریف «کافی» را که یکی از منابع مهم حدیث شیعه است، در مدت بیست سال، تألیف کرده، و حقی بزرگ بر گردن شیعه به خصوص اهل علم دارد. او کسی است که به جهت عظمت شأنش، ابن اثیر (مورخ معروف) او را مجدّد و مؤسس مذهب امامیه در آغاز قرن چهارم می شمرد بعد از آن که حضرت ثامن الائمه علیه السلام را مجدّد این مذهب در آغاز قرن سوم به حساب می آورد.^۱ (البته این سخن به آن معنا نیست که احادیث کتاب شریف کافی احتیاج به بررسی اسناد و نقد ندارد).

زیارت جناب سلمان:

از برنامه های خوب زوّار در کاظمین رفتن به شهر مدائن برای زیارت عبد صالح الهی جناب سلمان محمدی (رضوان الله علیه) می باشد، کسی که:

- ۱- مرحوم «علامه مجلسی» می گوید: به سندهای مختلف از امام صادق علیه السلام نقل شده که ایمان ده درجه دارد؛ مقدار در درجه هشتم و ابوذر در درجه نهم، و سلمان در درجه دهم قرار گرفته است!^۲
- ۲- او به شرافت «سَلْمَانُ مَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ سلمان از ما اهل بیت است» مفتخر شده و رسول خدا صلی الله علیه و آله در فضیلت او فرموده است: «سَلْمَانُ بَحْرٌ لَا يُتْرَفُ، وَ كَنْزٌ لَا يَنْفَدُ، سَلْمَانٌ مَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، سَلْسَلٌ يَمْنَحُ الْحِكْمَةَ، وَيُؤْتِي الْبُرْهَانَ؛ یعنی سلمان دریایی است که نمی خشکد و گنجی است که تمام نمی شود، سلمان از ما اهل بیت است، آب گوارایی است که حکمت می بخشد و برهان می دهد».^۳
- ۳- امیرمؤمنان علیه السلام او را همانند لقمان حکیم^۴ معرفی کرده است.

کیفیت زیارت آن جناب:

«سید بن طاووس» در «مصباح الزائر» چهار زیارت برای آن بزرگوار نقل کرده که ما در این جا به ذکر یکی از آن چهار زیارت اکتفا می کنیم:

نزد قبر او، رو به قبله می ایستی و می گویی:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر رسول خدا محمد بن عبدالله خاتم النبیین سلام بر

۱. جبل المتین، شیخ بهایی، صفحه ۷.

۲. بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۹۱.

۳. همان مدرک، جلد ۲۲، صفحه ۳۴۸، حدیث ۶۴.

۴. همان مدرک، صفحه ۳۲۹، حدیث ۳۸.

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ

امیر مؤمنان آقای اوصیا سلام بر امامان معصوم

الرَّاشِدِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ

راهنا سلام بر فرشتگان مقرب درگاه حق سلام بر تو ای یار نزدیک

رَسُولِ اللَّهِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

و امین رسول خدا سلام بر تو ای دوست ویژه امیر مؤمنان سلام بر تو ای

مُودِعَ أَسْرَارِ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الْبَرَّةِ

که به تو سپرده شد اسرار بزرگان خجسته سلام بر تو ای یادگار خدا از بندگان

الْمَاضِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

نیک حق که از جهان رفتند سلام بر تو ای اباعبدالله و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که برستی تو

أَطَعْتَ اللَّهَ كَمَا أَمَرَكَ، وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ كَمَا نَدَبَكَ، وَتَوَلَّيْتَ خَلِيفَتَهُ كَمَا

فرمانبرداری کردی از خداوند چنانچه دستور داده بود و پیروی کردی از رسولش همان طور که خواسته بود و ملازم گشتی جانشین او را چنانچه

الزَّمَكَ، وَدَعَوْتَ إِلَى الْإِهْتِمَامِ بِذُرِّيَّتِهِ كَمَا وَقَفَكَ، وَعَلِمْتَ الْحَقَّ يَقِينًا

لازم کرده بود و مردم را به اهمیت دادن به اولاد حضرت خواندی آن سان که تو را واقف گردانید یقینی حق را دانستی

وَاعْتَمَدْتَهُ كَمَا أَمَرَكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ بَابُ وَصِيِّ الْمُصْطَفَى، وَطَرِيقُ حُجَّةِ

و بدان تکیه کردی همانطور که دستور داده بود گواهی دهم که تویی واسطه رسیدن به وصی مصطفی و راه وصول به حجت

اللَّهِ الْمُرْتَضَى، وَآمِنُ اللَّهِ فِيمَا اسْتُودِعْتَ مِنْ عُلُومِ الْأَصْفِيَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

خدا امام مرتضی و امین خدا هستی در آنچه به تو سپرده شده بود از دانش برگزیدگان گواهی دهم که برستی تو

مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ، النَّجَبَاءِ الْمُخْتَارِينَ لِنُصْرَةِ الْوَصِيِّ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

در زمره خاندان برگزیده پیامبر هستی که برای یاری وصی آن حضرت انتخاب شدند، گواهی دهم که تو

صَاحِبُ الْعَاشِرَةِ، وَالْبَرَاهِينِ وَالِدَلَائِلِ الْقَاهِرَةِ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ

دارای درجات ده گانه (یعنی تمام درجات) ایمان و دارای برهانها و دلیلهای کوبنده بودی و بپا داشتی نماز را و پرداختی

الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ،

زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک) و نهی کردی از منکر (کار بد) و ادای امانت کردی

وَنَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ،

و برای خدا و رسولش خیرخواهی نمودی و در راه خدا بر آزار دشمنان (دین) شکیبایی کردی تا مرگت فرا رسید

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَحَدَكَ حَقَّكَ، وَ حَطَّ مِنْ قَدْرِكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ آذَاكَ فِي

خدا لعنت کند کسی که حق تو را انکار کرد و از قدر و مقامت کاست خدا لعنت کند کسی که تو را در مورد سروران و

مَوَالِيكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَعْنَتَكَ فِي أَهْلِ نَبِيِّكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَامَكَ فِي

موالیات آزد خدا لعنت کند کسی که تو را در مورد خاندان پیغمبرت به تعب انداخت خدا لعنت کند کسی که تو را در مورد

سَادَاتِكَ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ

سادات و بزرگانت سرزنش کرد خدا لعنت کند دشمنان آل محمد را از جن و انس از پیشینیان

وَالْآخِرِينَ، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ

و پسینیان و چند برابر کند بر آنها عذاب دردناک را درود خدا بر تو ای ابا

اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَيْكَ

عبدالله درود خدا بر تو ای یار رسول خدا درود خدا بر آن حضرت و بر ائس و بر تو

يَا مَوْلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ رُوحِكَ الطَّيِّبَةِ، وَ جَسَدِكَ

ای دوست با صفای امیر مؤمنان و درود خدا بر روان پاک و پیکر

الطَّاهِرِ، وَالْحَقْنَا بِمَنْهٍ وَرَأْفَتِهِ إِذَا تَوَفَّأْنَا بِكَ، وَبِمَحَلِّ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ،

پاکیزهات و (از خدا خواهیم که) ما را به مهر و لطف خود هنگامی که میراندام به تو و به جایگاه بزرگان خجسته‌مان ملحق کند

وَ جَمَعْنَا مَعَهُمْ بِجَوَارِهِمْ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ،

و گرد آورد ما را با ایشان و در جوارشان در بهشت‌های پر نعمت درود خدا بر تو ای ابا عبدالله

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ إِخْوَانِكَ الشَّيْعَةِ الْبَرَّةِ مِنَ السَّلَفِ الْمَيَامِينِ، وَادْخَلَ

و درود خدا بر برادران شیعه نیکوی از گذشتگان خجسته و وارد کند

الرُّوحَ وَالرِّضْوَانَ عَلَى الْخَلْفِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَقْنَا وَإِيَاهُمْ بِمَنْ تَوَلَّاهُ

خوشی و خشنودی خود را بر آن کسانی‌که به یادگار مانده‌اند از مردمان با ایمان و برساند ما و ایشان را به

مِنَ الْعِثْرَةِ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَيْكَ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

عترت پاک پیامبر که دوستان داری و بر تو و بر آنها همگی سلام و رحمت و برکات خدا باد.

سپس هفت مرتبه سوره «انا انزلناه» می‌خوانی، آنگاه آنچه از نمازهای مستحبی خواستی کنار قبرش

بجای می‌آوری^۱ و سپس وداع ذیل را که «سید بن طاووس» آورده، می‌خوانی:

۱. مصباح الزائر، صفحه ۵۰۵ و بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۸۷، حدیث ۱.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَنْتَ بَابُ اللَّهِ الْمُؤْتَى مِنْهُ، وَالْمَأْخُذُ عَنْهُ، أَشْهَدُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله تویی درگاه خداوند که از آن در آیند و از آن بگیرند گواهی دهم

أَنَّكَ قُلْتَ حَقًّا، وَنَطَقْتَ صِدْقًا، وَدَعَوْتَ إِلَى مَوْلَايَ وَمَوْلَاكَ عِبَانِيَّةً

که تو سخن به حق گفتی و مردم را به صدق و راستی سختی گفتی و دعوت کردی (مردم را) بسوی مولای من و مولای خودت آشکارا

وَسِرًّا، أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَحَاجَاتِي لَكَ مُسْتَوْدِعًا، وَهَذَا نَاذِرًا مُودِعًا، أَسْتَوْدِعُكَ

و پنهانی، برای زیارت به درگاهت آمده‌ام و حاجت‌هایم را به تو سپرده‌ام و اکنون با تو خداحافظی می‌کنم

دِينِي وَأَمَانَتِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي، وَجَوَامِعَ أَمَلِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، وَالسَّلَامُ

و مذهبیم و امانتم و عواقب کارم و هر نوع آرزویی که دارم همه را تا پایان عمر به تو می‌سپارم و سلام

عَلَيْكَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَخْيَارِ.

بر تو و رحمت خدا و برکاتش و درود خدا بر محمد و خاندان نیکویش باد.

سپس بسیار دعا می‌کنی و باز می‌گردی.^۱

طاق کسری:

پس از زیارت جناب سلمان رضی الله عنه شایسته است زائر محترم دو رکعت نماز یا بیشتر در طاق کسری بخواند که امیرمؤمنان علیه السلام در آنجا نماز گزارد و عمار سباطی نقل می‌کند که آن حضرت وقتی به «مداین» آمد در ایوان کسری فرود آمد و «دلف بن بحیر» به همراه حضرتش بود، حضرت در این مکان نماز به جای آورد و آنگاه برخاست و خطاب به «دلف» (به عنوان درس عبرت) فرمود: از برای «کسری» (آن پادشاه معروف) در این مکان چنین و چنان بود و... دلف هم در مقابل می‌گفت: آری به خدا قسم، چنین است که می‌فرمایی، ای سید و مولای من! چنان شما بر این دیار مطلع هستید که گویا خود شما آن را بنا نهاده‌اید!^۲

در روایت دیگری آمده: وقتی آن حضرت بر مداین، مرور کرد و آثار کسری و خرابی آن را مشاهده فرمود یکی از همراهان از روی عبرت این شعر را قرائت کرد:

جَرَّتِ الرِّيَاحُ عَلَى مَحَلِّ دِيَارِهِمْ^۳ فَكَانَهُمْ كَانُوا عَلَى مِيعَادٍ

وزد بادها بر ویرانه‌های خانه‌شان گویا آنان وعده‌گاهی با هم داشته‌اند

۱. مصباح الزائر، صفحه ۵۱۱ و بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۹۱. (با اندکی تفاوت)

۲. مستدرک الوسائل، جلد ۳، صفحه ۴۴۸، حدیث ۲۲.

۳. در برخی از منابع به جای «محل»، «رسوم» آمده است. (بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۸۴، حدیث ۹۱).

حضرت فرمود: چرا این آیات را تلاوت نمی‌کنی:

كَمْ تَرَ كُوا مِنْ جَنَاتٍ وَعُيُونٍ * وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ * وَنَعْمَةً كَانُوا فِيهَا

چه بسیار باغها و چشمه‌ها که از خود به جا گذاشتند * و زراعت‌ها و قصرهای گریبا و گران قیمت * و نعمت‌های فراوان دیگر که در آن غرق بودند

فَاكِهِينَ * كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخِرِينَ * فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ

این چنین بود (ماجرای آنان) و ما (اموال و حکومت) اینها را میراث برای اقوام دیگری قرار دادیم * نه آسمان بر آنان گریست

وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ.^۱

و نه زمین و نه بر آنها مهلتی داده شد.

سپس این گروه وارث دیگران بودند اما چیزی نگذشت که دیگران وارث آنها شدند. شکر نعمت الهی بجای نیاوردند لذا دنیای آنها به خاطر گناه از دست رفت، از کفران نعمت بپرهیزید تا بالا بر شما نازل نشود.^۲

حاصل آن آیه و این بیان حضرت همان است که حکیم خاقانی در شعر معروفش گفته است:

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان ایوان مداین را آیینۀ عبرت دان
پرویز که بنهادی بر خوان تره زرین زرین تره کو برخوان، رو کم تر کوا برخوان

زیارت حذیفه بن الیمان:

پس از نماز در طاق کسری، شایسته است که زائر محترم به زیارت حذیفه بن الیمان برود که از بزرگان اصحاب پیامبر ﷺ و یاران ویژه امیرمؤمنان ﷺ است و ویژگی او در میان صحابه، شناختن منافقان و دانستن نام‌های آنان بود به گونه‌ای که اگر او در تشییع جنازه کسی برای نماز حاضر نمی‌شد، حتی خلیفه ثانی نیز بر او نماز نمی‌خواند!

او از جانب خلیفه ثانی سال‌ها والی شهر مداین بود، خلیفه او را عزل کرد و سلمان را والی آن جا قرار داد، پس از وفات سلمان، دوباره والی مداین شد تا زمان حکومت امیرمؤمنان ﷺ. پس از حکومت آن حضرت، نامه‌ای از جانب حضرتش برای حذیفه و اهل مداین فرستاده شد و از این طریق هم به حکومت رسیدن امیرمؤمنان ﷺ و هم ابقای حذیفه برای ولایت مداین، به او و مردم مداین ابلاغ شد، ولی پس از آن که آن حضرت از مدینه به جانب بصره برای دفع شرّ اصحاب جمل حرکت کرد و قبل از آن که وارد کوفه

۱. سوره دخان، آیات ۲۵-۲۹.

۲. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، جلد ۳، صفحه ۲۰۲ و بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۸۴، حدیث ۹۱ (با مقداری تفاوت).

شود، حذیفه از دنیا رفت و توفیق درک مجدد محضر آن حضرت را نیافت.^۱

نماز در مسجد جامع مداین:

در جنب مدفن جناب سلمان، مسجد جامع مداین واقع شده که منسوب به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است که یا به امر آن حضرت بنا شده، یا در آن جا نماز خوانده است. سزاوار است زائر گرامی از فیض دو رکعت نماز در این مسجد نیز، خود را محروم نسازد.



۱. درجات الرفیعة، صفحه ۲۸۳ و سفینة البحار مادة حذیفه.

فصل هفتم زیارت امام رضا علیه السلام

مقدمه:

فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام بیش از آن است که احصا شود و ما در این جا تنها به ذکر چند روایت تبرک می‌جوییم؛ ولی قبل از بیان این روایات، اشاره‌ای به بعضی از کرامات آن حضرت در طول سفر به خراسان مناسب به نظر می‌رسد:

«ابن طاووس» روایت کرده: زمانی که مأمون، امام رضا علیه السلام را از مدینه به خراسان طلبید آن حضرت از مدینه به سوی بصره حرکت کرد و بدون آن که وارد کوفه شود، از طریق کوفه به بغداد و از آن جا وارد قم شد؛ اهل قم به استقبال آن حضرت شتافتند و چون هر کسی میل داشت که آن بزرگوار بر او وارد شود، در زمینه ضیافت و پذیرایی از آن جناب با هم به نزاع پرداختند. حضرت علیه السلام فرمودند: شتر من مأمور است، یعنی هر کجا که او فرود آمد من همان جا وارد می‌شوم. آن شتر آمد و آمد، تا در خانه‌ای که صاحبش در شب آن روز خواب دیده بود که امام رضا علیه السلام فردا میهمان او خواهد بود، ایستاد و حضرت آن جا وارد شدند. چندی نگذشت که آن محل به مقام رفیعی تبدیل شد و در زمان ما از مدارس دینیّه موفق حوزه مقدّسه قم به حساب می‌آید (و به نام مدرسه رضویّه نامیده شده است).^۱

«شیخ صدوق» نیز به سند خود از «اسحاق بن راهویه» نقل کرده که گفت: وقتی امام رضا علیه السلام وارد نیشابور شد و خواست از آن جا حرکت کند، راویان احادیث خدمت آن حضرت جمع شدند و عرض کردند: ای پسر رسول خدا از نزد ما می‌روی بدون آن که برای ما حدیثی بیان فرمایی که از آن بهره‌مند شویم؟ آن بزرگوار سر مبارکش را از داخل محملی که در آن نشسته بود بیرون آورد و فرمود: «شنیدم از پدرم موسی بن جعفر علیه السلام که فرمود: شنیدم از پدرم جعفر بن محمد علیه السلام، که فرمود: شنیدم از پدرم محمد بن علی علیه السلام که فرمود: شنیدم از پدرم علی بن الحسین علیه السلام که فرمود: شنیدم از پدرم حسین بن علی علیه السلام که فرمود: شنیدم از پدرم امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام که فرمود: شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: شنیدم از جبرئیل که گفت: شنیدم از خداوند عزّوجلّ که فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي؛ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَلْعَةُ مُحْكَمٍ مِنْ أَسْتِ، هَرَكْسٍ فِيهَا قَلْعَةٌ وَارِدٌ شَوْدُ مِنْ عَذَابِ مَنْ فِيهَا إِذَا خَرَّ». امام علیه السلام

پس از بیان این حدیث حرکت فرمود، وقتی شتر آن حضرت به راه افتاد، مجدداً سر مبارک خود را از محمل بیرون آورد و فرمود: «بَشُرْ وِطْهَا وَ اَنَا مِنْ شُرُوطِهَا؛ با شرایطش و من از آن شرایط هستم»^۱ اباصلت نیز روایت کرده که وقتی امام رضا علیه السلام به «ده سُرخ» در اطراف مشهد رسیدند محضر مبارکش عرض شد: یابن رسول الله! صلی الله علیه و آله ظهر شده است نماز بجای نمی آورید؟ حضرت فرود آمد و آب طلبید. عرض کردند: آب همراه نداریم، پس با دست مبارک خود زمین را کاویدند، آن قدر آب از زمین جوشید که آن حضرت و همه همراهان وضو ساختند و اثرش تا به امروز باقی است. وقتی وارد سناباد شدند پشت مبارک را به کوهی که دیگ‌های سنگی از آن می تراشیدند تکیه داد و عرض کرد: «خداوندا! به این کوه و آنچه در داخل ظرف‌های تراشیده شده از این کوه گذاشته می شود، نفع و برکت عطا فرما!» سپس دستور دادند که برای خود آن حضرت نیز دیگ‌هایی از همان کوه بتراشند و طعامش را تنها داخل همان دیگ‌ها طبخ کنند، از آن روز به بعد، مردم نیز دیگ‌ها و ظرف‌ها از آن کوه تراشیدند و برکت گرفتند.^۲

فضیلت زیارت حضرت رضا علیه السلام:

پس از این مقدمه به سراغ مختصری از روایاتی می‌رویم که در فضیلت زیارت آن حضرت وارد شده است:

۱- از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «بزودی پاره‌ای از تن من در زمین خراسان مدفون گردد و هیچ مؤمنی او را زیارت نکند مگر آن‌که خداوند متعال بهشت را بر او واجب و بدنش را بر آتش جهنم حرام کند».^۳

۲- در حدیث دیگری از آن حضرت صلی الله علیه و آله آمده است: «پاره‌ای از بدن من در خراسان مدفون خواهد شد، هر غم‌زده‌ای که او را زیارت کند خدای متعال غمش را زایل گرداند و هر گناهکاری که به زیارتش رود خداوند گناهانش را بیامرزد».^۴

۳- از خود حضرت رضا علیه السلام روایت شده: «بقعه‌ای در خراسان است که زمانی بر آن می‌گذرد که محل رفت و آمد فرشتگان می‌شود؛ پیوسته فوجی از فرشتگان از آسمان فرود می‌آیند و فوجی بالا می‌روند تا صور اسرافیل بدمد». پرسیدند: ای پسر رسول خدا! آن، کدام بقعه است؟ فرمود: «بقعه‌ای است در زمین

۱. عیون اخبار الرضا، جلد ۲، صفحه ۱۳۵، حدیث ۴ و بحارالانوار، جلد ۴۹، صفحه ۱۲۳، حدیث ۴.

۲. عیون اخبار الرضا، جلد ۲، صفحه ۱۳۶، حدیث ۱ و بحارالانوار، جلد ۴۹، صفحه ۱۲۵، حدیث ۱.

۳. عیون اخبار الرضا، جلد ۲، صفحه ۲۵۵، حدیث ۴ و بحارالانوار، جلد ۴۹، صفحه ۲۸۴، حدیث ۳.

۴. عیون اخبار الرضا، جلد ۲، صفحه ۲۵۷، حدیث ۱۴ و بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۳۳، حدیث ۱۱.

طوس و آن به خدا قسم، باغی از باغ‌های بهشت است، هر کس مرا در آن بقعه زیارت کند گویا رسول خدا را زیارت کرده است»^۱.

۴- به دو سند معتبر نقل شده که آن حضرت فرمود: هر کس مرا با توجه به دوری قبرم زیارت کند روز قیامت در سه جایگاه نزد او بیایم، تا او را از صحنه‌های هولناک آن روز خلاصی بخشم، اول زمانی که نامه اعمال به دست انسانها داده می‌شود، دوم نزد پُل صراط و سوم نزد میزان و ترازوی اعمال.^۲

۵- از حضرت جواد علیه السلام نیز روایت شده که فرمود: «من از جانب خداوند متعال ضمانت بهشت می‌کنم برای کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت معرفت داشته باشد».^۳

کوتاه سخن این‌که، روایاتی در فضیلت زیارت آن حضرت وارد شده که درباره زیارت هیچ یک از معصومین علیهم السلام وارد نشده است و این به دلایل مختلفی است که یکی از آنها این است که فقط شیعیان خالص اثنا عشری به زیارت مرقدش می‌شتابند و از برکات تربتش بهره می‌گیرند و به پیروی از مکتبش افتخار می‌کنند، البته همان‌گونه که در حدیث اخیر آمده عارف به حق آن حضرت بودن، شرط قبولی زیارت است.

کیفیت زیارت حضرت رضا علیه السلام:

در منابع دینی ما زیارات متعددی برای آن حضرت نقل شده است:

زیارت اول: زیارت مشهور آن جناب است که در کتب معتبری مانند «کامل الزیارات» و «عیون اخبار الرضا» و «مصباح الزائر» نقل شده و از عبارت «کامل الزیارات» به دست می‌آید که این زیارت از یکی از ائمه علیهم السلام روایت شده است.^۴

در کتاب‌های فوق، این زیارت با اندکی اختلاف نسبت به یکدیگر نقل شده است، و ما این زیارت را بر اساس نسخه متداول نقل می‌کنیم:

پیش از آن‌که از منزل خارج شوی غسل می‌کنی و در هنگام غسل چنین می‌گویی:

اللَّهُمَّ طَهِّرْ نِي وَطَهِّرْ لِي قَلْبِي، وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَأَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي

خدایا پاکم کن و پاک کن دلم را و بگشا سینم را و مدح و ثنای خود را بر

۱. عیون اخبار الرضا، جلد ۲، صفحه ۲۵۵، حدیث ۵ و بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۳۱، حدیث ۲.

۲. کامل الزیارات، باب ۱۰۱، صفحه ۳۰۴، حدیث ۴ و فقیه، جلد ۲، صفحه ۵۸۴، حدیث ۳۱۸۹.

۳. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۳۷، حدیث ۲۶ و عیون اخبار الرضا، جلد ۲، صفحه ۲۵۶، حدیث ۷.

۴. کامل الزیارات، باب ۱۰۲، صفحه ۳۰۹، حدیث ۲.

مَدْحَتَكَ، وَالشَّاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا

زبانم جاری کن زیرا که نیرویی نیست جز بوسیله تو خدایا این غسل را برایم پاک کننده و درمان

وَشِفَاءً * و به هنگام بیرون رفتن می‌گویی: بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ اِلَى اللّٰهِ، وَ اِلَى ابْنِ

(دردهایم) قرار ده * * * * * به نام خدا و به (باری) خدا و بسوی خدا و بسوی فرزند

رَسُولِ اللّٰهِ، حَسْبِيَ اللّٰهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ، اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ تَوَجَّهْتُ، وَ اِيَّاكَ

رسول خدا بس است مرا خدا و توکل کردم بر خدا، خدایا به درگاه تو رو کنم و به سوی تو

قَصَدْتُ، وَ مَا عِنْدَكَ اَرَدْتُ * هنگامی که از خانه بیرون می‌روی بر در خانه خود بایست و بگو:

آهنگ دارم و آنچه در پیش تو است (از فضل و احسان) می‌خواهم * * * * *

اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ وَ جَهَّتْ وَ جَهِّي، وَ عَلَيْكَ خَلَفْتُ اَهْلِي وَ مَالِي وَ مَا خَوَّلْتَنِي،

خدایا رویم را بدرگاه تو کردم و به امید تو جا گذاشتم خانواده و داراییم و نیز آنچه را تو به من ارزانی داشتی

وَ بِكَ وَ ثِقْتُ، فَلَا تُخَيِّبْنِي، يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ اَرَادَهُ، وَ لَا يُضَيِّعُ مَنْ

و به تو اعتماد کردم پس نومیدم مکن ای که نومید نکند هر که او را قصد کند و تباه نسازد

حَفِظَهُ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِكَ، فَإِنَّهُ لَا يُضَيِّعُ

هر که را نگهداری کند درود فرست بر محمد و آل محمد و نگهداریم کن به نگهداری خود که براستی تو ضایع نکنی

مَنْ حَفِظْتَ * سپس هنگامی که به سلامت به مقصد رسیدی و خواستی به زیارت بروی، مجدداً

هر که را نگهداری کنی * * * * *

غسل می‌کنی و می‌گویی: اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ نِي وَ طَهِّرْ لِي قَلْبِي، وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي،

* * * * * خدایا پاکم کن و پاک کن دلم را و بگشا سینهام را و مدح

وَ اَجْرٍ عَلٰى لِسَانِي مَدْحَتَكَ وَ مَحَبَّتَكَ وَ الشَّاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ،

و دوستی و ثنای خود را بر زبانم جاری کن که براستی نیرویی نیست جز به تو و

وَ قَدْ عَلِمْتُ اَنَّ قِيَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِاَمْرِكَ، وَ الْاِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَ الشَّهَادَةُ

این را بخوبی دانسته‌ام که آنچه موجب ماندن و قوام دین من است همان تسلیم در برابر فرمان تو و متابعت از سنت پیامبرت و گواهی دادن

عَلٰى جَمِيعِ خَلْقِكَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً وَ نُورًا، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

به این مطلب برای همه خلق توست خدایا این غسل را برای من شفا و نوری قرار ده که تو بر هر چیز

قَدِيرٌ * آنگاه پاکیزه‌ترین لباس‌های خود را می‌پوشی و به آرامی و وقار و با گام‌های کوتاه در حال

توانایی * * * * *

گفتن **اللَّهُ أَكْبَرُ** و **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و **سُبْحَانَ اللَّهِ** و **الْحَمْدُ لِلَّهِ** به سوی حرم حرکت می‌کنی،

*** خدا بزرگتر است معبودی جز خدا نیست، منزّه است خدا، ستایش خاص خداست * * * * *

و هنگام ورود به آن روضه مقدس می‌گویی: **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى**

*** * * * * * به نام خدا و به (یاری) خدا و بر کیش رسول خدا صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ

الله علیه و آله گواهی دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و گواهی دهم که همانا

مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَرَسُولَهُ، وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ * سپس در مقابل قبر آن حضرت پشت به

محمد بنده و رسول او است و علی ولی (و نماینده) خداست * * * * *

قبله می‌ایستی و چنین می‌گویی: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ**

*** * * * * * گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریک ندارد و گواهی دهم

أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَرَسُولَهُ، وَأَنَّ سَيِّدَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ

که همانا محمد بنده و رسول اوست و او آقای اولین و آخرین است و اوست آقای

الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ،

پیامبران و رسولان خدایا درود فرست بر محمد بنده و رسول و پیامبر و بزرگ

وَسَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى احْصَائِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ

و آقای آفریدگانت همگی درودی که نیروی شماره آن را کسی جز تونداشته باشد خدایا

صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، عَبْدِكَ وَآخِي رَسُولِكَ، الَّذِي

درود فرست بر امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب بنده و برادر رسالت آن بزرگواری که

انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالِدَّلِيلَ عَلَى مَنْ

او را برگزیدی به علم خود و راهنمایش کردی برای هر که خواستی از خلق خود و دلپیش ساختی بر آن کس که

بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ، وَدَيَّانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَضْلَ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ،

برانگیختی او را به رسالت‌های خود و داور دین قرارش دادی از روی عدالت و فیصله دهنده حکم خود گرداندی او را در میان خلقت

وَالْمُهَيِّمِنَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ

و مسلطش کردی بر همه اینها و سلام باد بر او و رحمت خدا و برکاتش خدایا

صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ، وَأُمَّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ

درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت و همسر ولی و نمایندهات و مادر دو سبط (این امت) حسن

وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الطُّهْرَةَ الطَّاهِرَةَ الْمُطَهَّرَةَ، التَّقِيَّةَ

و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت آن بانوی پاک پاکیزه طاهره پرهیزکار

النَّقِيَّةَ، الرَّضِيَّةَ الزَّكِيَّةَ، سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، صَلَاةً لَا يَقْوَى

زبده پسندیده تزکیه شده بانوی زنان اهل بهشت همه شان درودی بر او فرست که کسی

عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سِبْطِي نَبِيِّكَ،

نبروی شمارش را جز تو نداشته باشد خدایا درود فرست بر حسن و حسین دو نوه یغمبر

وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الْقَائِمِينَ فِي خَلْقِكَ، وَالِدَّالِيلِينَ عَلَى مَنْ

و دو آقای جوانان اهل بهشت که بیا خواستند در میان خلقت و دو نشانه بر آن کس که

بَعَثْتَ بِرِسَالَاتِكَ، وَدِيَانِي الدِّينِ بَعْدَكَ، وَفَضْلِي قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ،

او را به رسالات خود مبعوث داشتی و دو داور در دینت از روی عدل تو و دو فیصله دهنده حکم تو در میان خلقت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَبْدِكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، وَالِدَّالِيلِ

خدایا درود فرست بر علی بن الحسین بندهات که قیام کرد در میان خلق تو و دلیل بود

عَلَى مَنْ بَعَثْتَ بِرِسَالَاتِكَ، وَدِيَانِ الدِّينِ بَعْدَكَ، وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ

بر آن کس که به رسالت مبعوث داشتی و داور در دین بود به عدل و داد تو و فیصله دهنده حکم تو بود در میان

خَلْقِكَ، سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ

خلقت آقای عبادت کنندگان خدایا درود فرست بر محمد بن علی بندهات

وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، بِأَقْرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

و جانشینت در روی زمین شکافنده علم پیمبران خدایا درود فرست بر جعفر بن محمد

الصَّادِقِ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، الصَّادِقِ

صادق بنده و سرپرست دینت و حجت تو بر همه خلقت آن امام راستگوی

الْبَارِّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَبْدِكَ الصَّالِحِ، وَلِسَانِكَ فِي

نیکیکار خدایا درود فرست بر موسی بن جعفر بنده شایستهات و زبان گویای تو در

خَلْقِكَ، وَالنَّاطِقِ بِحُكْمِكَ، وَالْحُجَّةِ عَلَى بَرِيَّتِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ

میان خلقت آن که به حکم تو گویا بود و حجتی بر خلق تو بود خدایا درود فرست بر علی

بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، الْقَائِمِ بَعْدَكَ، وَالِدَّاعِي

بن موسی الرضا آن آقای پسندیده و بنده تو و سرپرست دینت و قیام کننده به عدل و داد تو و دعوت کننده

إِلَى دِينِكَ وَدِينِ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ، صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى احْتِصَائِهَا غَيْرُكَ،

به آیین تو و آیین پدران راستگوش درودی فرست که نیروی شمارش را کسی جز تو نداشته باشد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، وَالِدَاعِي

خدایا درود فرست بر محمد بن علی بنده و نماینده‌ات که قیام کرد به فرمان تو و دعوت کرد

إِلَى سَبِيلِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ،

به راه تو خدایا درود فرست بر علی بن محمد بنده تو و سرپرست آیین تو

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، الْعَامِلِ بِأَمْرِكَ، الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ،

خدایا درود فرست بر حسن بن علی آن بزرگواری که به دستورت عمل کرد و در میان خلقت بیاخواست

وَحُجَّتِكَ الْمُؤَدِّي عَنْ نَبِيِّكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى خَلْقِكَ، الْمَخْصُوصِ

و آن حجت عالی مقام تو که پرداخت (آنچه را بعهده داشت) از طرف پیامبرت و گواه تو بر خلقت آن که مخصوص گشت

بِكِرَامَتِكَ، الدَّاعِي إِلَى طَاعَتِكَ، وَطَاعَةِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ

به کرامت و دعوت کننده بود بسوی فرمانبرداری تو و فرمانبرداری رسول تو و دروهای تو بر

أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، صَلَاةً

همگی ایشان باد خدایا درود فرست بر حجت و نماینده‌ات که قیام کننده است در میان خلق تو درودی

تَامَّةً نَامِيَةً بَاقِيَةً، تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ، وَتَتَصَرَّهُ بِهَا، وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا

کامل و روینده و ماندنی که شتاب کنی بدان وسیله در فرج او و بدان یاریش کنی و قرار دهی ما را با آن حضرت در دنیا

وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ، وَأُوَالِي وَلِيِّهِمْ، وَأُعَادِي

و آخرت خدایا من تقرب جویم به درگاه تو بوسیله دوستی ایشان و دوست دارم دوستان را و دشمن دارم

عَدُوَّهُمْ، فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا

دشمنان را پس روزی من گردان بوسيله ایشان خوبی دنیا و آخرت را و بگردان از من به برکت ایشان شر دنیا

وَالْآخِرَةِ، وَأَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ * آنگاه نزد سر مبارک آن حضرت می‌نشینم و می‌گویم:

و آخرت و دهشت‌های قیامت را * * * * *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ

سلام بر تو ای ولی خدا سلام بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای نور

اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

خدا در تاریکی‌های زمین سلام بر تو ای استوانه دین سلام بر تو ای

وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

وارث حضرت آدم برگزیده خدا سلام بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا سلام بر تو

يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ،

ای وارث ابراهیم خلیل خدا سلام بر تو ای وارث اسماعیل قربانی خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى

سلام بر تو ای وارث موسی هم سخن خدا سلام بر تو ای وارث عیسی

رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

روح خدا سلام بر تو ای وارث محمد رسول خدا سلام بر تو ای

وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ وَوَلِيِّ اللَّهِ، وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

وارث امیر مؤمنان (علی ع) ولی خدا و وصی رسول پروردگار جهانیان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ

سلام بر تو ای وارث فاطمه زهرا سلام بر تو ای وارث حسن

وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ بْنِ

و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت سلام بر تو ای وارث علی بن

الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ

الحسین سید و زینت عبادتکنندگان سلام بر تو ای وارث محمد بن علی شکافنده علم

الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ

اولین و آخرین سلام بر تو ای وارث جعفر بن محمد آن راستگوی

الْبَارِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

نیکوکار سلام بر تو ای وارث موسی بن جعفر سلام بر تو ای

الصَّدِيقِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَارُّ التَّقِيُّ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

راستی پیشه شهید سلام بر تو ای وصی نیک رفتار با تقوا گواهی دهم که برستی تو

أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

برپا داشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک) و نهی کردی از کار زشت

وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّىٰ آتَيْتَ الْيَقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ

و پرستش کردی خدا را از روی اخلاص تا مرگت فرا رسید سلام بر تو ای ابا الحسن

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * سپس می‌گویی: اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ صَمَدْتُ مِنْ اَرْضِيْ،

و رحمت خدا و برکاتش * * * * * خدا یا به آهنگ دربار تو کوچ کردم از سرزمینم

وَقَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِيْ، وَلَا تَرُدَّنِيْ بِغَيْرِ قَضَاءٍ

به امید رحمت تو شهرها را درنوردیدم پس نومیدم مکن و بازم مگردان بدون برآوردن

حَاجَتِيْ، وَاَرْحَمِ تَقْلِبِيْ عَلٰى قَبْرِ ابْنِ اَخِيْ رَسُوْلِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ

حاجتم و رحم کن به این رفت و آمد و روی آوردنم بر سر قبر برادر زاده پیغمبرت که دروهای تو بر او

وَالِهٖ، يَا اَبِيْ اَنْتَ وَاُمِّيْ يَا مَوْلَايْ، اَتَيْتُكَ زَائِرًا وَاَفِدًا عَائِدًا

و آتش باد پدر و مادرم به فدایت ای سرور من آمده‌ام برای زیارتت و واردم بر تو و پانته‌دام به تو

مِمَّا جَنَيْتُ عَلٰى نَفْسِيْ، وَاَحْتَطَبْتُ عَلٰى ظَهْرِيْ، فَكُنْ لِيْ شَافِعًا اِلَى اللّٰهِ

از آن جنایاتی که بر خود کردم و بار گناهی که بر دوش کشیدم پس تو شفیع من باش در پیشگاه خداوند

يَوْمَ فَقْرِيْ وَفَاقَتِيْ، فَلَكَ عِنْدَ اللّٰهِ مَقَامٌ مَّحْمُوْدٌ، وَاَنْتَ عِنْدَهُ وَجِيْهُ * اَنْغَاهُ

در روز نیاز و نداریم زیرا که تو در پیشگاه خداوند مقامی شایسته داری و در نزد او آبرومندی * * *

دست راست را بلند می‌کنی و می‌گویی: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَبِوَلَايَتِهِمْ،

* * * * * خدا یا من به تو تقرب جویم بوسیله دوستی و ولایت این خاندان

اَتَوَلَّيْ اٰخِرَهُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ اَوْلَاهُمْ، وَاَبْرَاءُ مِنْ كُلِّ وَاِلِيْحَةٍ دُوْنَهُمْ، اَللّٰهُمَّ

دوست دارم آخرین آنها را به همان نحو که دوست داشتم اولین نفرشان را و بی‌زاری جویم از هر همدمی غیر از ایشان خدا یا

الْعَنِ الَّذِيْنَ بَدَلُوْا نِعْمَتَكَ، وَاَتَهَمُوْا نَبِيَّكَ، وَجَحَدُوْا بِاَيَاتِكَ، وَسَخِرُوْا

للعن کن کسانی که دگرگون کردند نعمت تو را و متهم کردند (در امر خلافت) پیامبرت را و منکر شدند آیات تو را و به مسخره گرفتند

بِاِمَامِكَ، وَحَمَلُوْا النَّاسَ عَلٰى اَكْتِفِ آلِ مُحَمَّدٍ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ

امام تو را و سوار کردند مردم را بر دوش آل محمد (و بر علیه آنان تحریکشان کردند) خدا یا من به تو تقرب جویم

بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَالْبِرَاةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالاٰخِرَةِ يَا رَحْمٰنُ * سپس به پایین

بوسیله لعنت کردن بر ایشان و بی‌زاری جستن از آنها در دنیا و آخرت ای خدای بخشنیده * * *

پای آن حضرت برمی‌گرددی و می‌گویی: صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا الْحَسَنِ، صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى

* * * * * درود خدا بر تو ای ابا الحسن، درود خدا بر

رُوْحِكَ وَبَدَنِكَ، صَبَرْتَ وَاَنْتَ الصّٰدِقُ الْمُصَدِّقُ، قَتَلَ اللّٰهُ مَنْ قَتَلَكَ

روان تو و بر پیکرت باد بردباری کردی با این که تو راستگویی بودی تصدیق شده خدا بکشد کسانی که تو را کشتند

بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ.

بدست و زبان.

آنگاه بر قاتلان امیرمؤمنان و حسن و حسین و جمیع اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله لعن می کنی، سپس به بالای سر حضرت برمی گردی و دو رکعت نماز می خوانی، در رکعت اول پس از حمد، سوره «یس» و در رکعت دوم سوره «الرحمن» را تلاوت می کنی و در دعا و تضرع، تلاش و همت به خرج می دهی و برای پدر و مادر و برادران دینی، زیاد دعا می کنی. (البته انجام این امور در مواقعی است که ازدحام جمعیت نباشد و گرنه می توان در گوشه ای ایستاد و تمام زیارت را خواند).^۱

یادآوری:

الف) برای فرستادن لعن بر قاتلان ائمه علیهم السلام اگر عبارت ذیل را که به گفته محدث قمی (ره) از بعضی دعاها گرفته شده است^۲، بخواند شاید مناسب تر باشد:

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَقَتْلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ،

خدایا لعنت کن کُشدگان امیر مؤمنان را و کُشدگان حسن و حسین علیهم السلام را

وَقَتْلَةَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ وَقَتْلَتَهُمْ، وَزِدْهُمْ

و کُشدگان خاندان پیامبرت را خدایا لعنت کن دشمنان آل محمد و کُشدگانشان را و بیفزای بر آنها

عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ، وَهَوَانًا فَوْقَ هَوَانٍ، وَذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ، وَخِزْيًا فَوْقَ

عذابی روی عذابی و خواری بر روی خواری و زبونی بر روی زبونی و رسوایی بر روی

خِزْيٍ، اللَّهُمَّ دَعِهِمْ إِلَى النَّارِ دَعَاءً، وَأَزْكِسْهُمْ فِي أَلِيمِ عَذَابِكَ رَكْسًا،

رسوایی خدایا بیفکن آنها را بدوزخ به سختی و سرنگوشان کن در عذاب دردناک یک باره

وَاحْشُرْهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ إِلَى جَهَنَّمَ زَمْرًا.

و آنان را با پیروانشان گروه گروه بسوی جهنم محشور فرما.



ب) «علامه مجلسی» رحمته الله علیه از «شیخ مفید» رحمته الله علیه نقل کرده که مستحب است زائر محترم بعد از زیارت حضرت رضا علیه السلام، این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ الدَّائِمَ فِي مَلِكِهِ، الْقَائِمَ فِي عِزِّهِ، الْمَطَاعُ فِي

خدایا از تو خواهم ای خدایی که فرمانروایی همیشگی و عزتت پایدار است و در سلطنتش (همه موجودات) فرمانبردار

۱. عیون اخبار الرضا، جلد ۲، صفحه ۲۶۷، حدیث ۱ و کامل الزیارات، باب ۱۰۲، صفحه ۳۰۹، حدیث ۲ و مصباح الزائر، صفحه ۳۸۹.

۲. رجوع کنید به: بحار الانوار، جلد ۳۰، صفحه ۳۹۳.

سُلْطَانِهِ، الْمَتَفَرِّدُ فِي كِبَرِيَّائِهِ، الْمَتَوَحِّدُ فِي دَيْمُومِيَّةِ بَقَائِهِ، الْعَادِلُ فِي

اوبند، یکتا است در عظمت و بزرگواری و یگانه است در بقای همیشگی در میان مخلوقاتش به عدالت رفتار کند

بَرِيَّتِهِ، الْعَالِمُ فِي قَضِيَّتِهِ، الْكَرِيمُ فِي تَأْخِيرِ عُقُوبَتِهِ، إِلَهِي حَاجَاتِي

و داناست در قضاوت و بزرگواری است در پس انداختن کیفر، خدایا حاجت‌های من

مَصْرُوفَةٌ إِلَيْكَ، وَآمَالِي مَوْقُوفَةٌ لَدَيْكَ، وَكَلَّمَا وَفَّقْتَنِي مِنْ خَيْرٍ فَانْتِ

بسوی تو بازگردد و آرزوهایم در پیشگاه تو باز ایستاده و هرگاه مرا به کار نیکی موفق کرده‌ای

دَلِيلِي عَلَيْهِ، وَطَرِيقِي إِلَيْهِ، يَا قَدِيرًا لَا تُؤَدُّهُ الْمَطَالِبُ، يَا مَلِيًّا يَلْجَأُ إِلَيْهِ

راهنمای من بر آن کار و طریق من بسوی آن تو بودی ای توانایی که (زیادی) خواسته‌ها درمانده‌اش نکند ای دارایی که به او پناه آرد

كُلُّ رَاغِبٍ، مَا زِلْتُ مَصْحُوبًا مِنْكَ بِالنِّعَمِ جَارِيًا عَلَى عَادَاتِ الْإِحْسَانِ

هر مشتاق، همواره با نعمت‌های تو قرین بوده‌ام و بر شیوه‌های احسان

وَالْكَرَمِ، أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ النَّافِذَةِ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَقَضَائِكَ الْمُبْرَمِ

و کرمت (که نسبت به من داشتی) گام بر می‌داشتیم از تو خواهم بدان نیروی نافذت در همه چیزها و بدان حکم مسلمت

الَّذِي تَحْجُبُهُ بِأَيْسَرِ الدُّعَاءِ، وَبِالنَّظَرَةِ الَّتِي نَظَرْتَ بِهَا إِلَى الْجِبَالِ

که با کوچکترین درخواستی آن را جلوگیری کنی و بدان نظری که از روی عنایت به کوه‌ها کردی

فَتَشَامَخَتْ، وَإِلَى الْأَرْضِينَ فَتَسَطَّحَتْ، وَإِلَى السَّمَوَاتِ فَارْتَفَعَتْ،

و آنها بلندی گرفتند و به زمینها افکندی هموار شدند و به آسمان‌ها نگرستی و آنها مرتفع گشتند و

وَإِلَى الْبِحَارِ فَتَفَجَّرَتْ، يَا مَنْ جَلَّ عَنْ أَدْوَاتِ لِحَظَاتِ الْبَشَرِ، وَلَطَفَ عَنْ

به دریاها آن نظر را کردی آنها روان گردیدند ای که والاتری از ابزار و آلات دید بشر و لطیف‌تری از

دَقَائِقِ خَطَرَاتِ الْفِكْرِ، لَا تُحْمَدُ يَا سَيِّدِي إِلَّا بِتَوْفِيقٍ مِنْكَ يَقْتَضِي

ریزه‌کاری‌هایی که در افکار خطور کند ستایش نشوی ای آقای من جز به توفیق خودت که خود آن نیز موجب

حَمْدًا، وَلَا تُشْكِرُ عَلَيَّ أَضْعَفُ مِنَّةٍ إِلَّا اسْتَوْجِبْتَ بِهَا شُكْرًا، فَمَتَى

ستایش دیگری است و سپاسگزاری نشود بر کوچکترین نعمتی جز آن‌که سزاوار گردی بدان سپاسگزاری دیگری را

تُحْصِي نِعْمَاؤُكَ يَا إِلَهِي، وَتُجَازِي الْأَوْكَ يَا مَوْلَايَ، وَتُكَافِي صَنَائِعَكَ

پس چه زمان نعمت‌هایت بشماره در آید ای معبود من و سپاسگزاری شود به عطا‌هایت ای سرور من و پاداش داده شود به داده‌هایت

يَا سَيِّدِي، وَمِنْ نِعْمِكَ يَحْمَدُ الْحَامِدُونَ، وَمِنْ شُكْرِكَ يَشْكُرُ الشَّاكِرُونَ،

ای آقای من و آن هم از نعمت‌های توست که ستایشت کنند ستایش کنندگان و از سپاس توست که سپاسگزاری کنند سپاسگزاران

وَأَنْتَ الْمُعْتَمَدُ لِلذَّنُوبِ فِي عَفْوِكَ، وَالنَّاشِرُ عَلَى الْخَاطِئِينَ جَنَاحَ

و تویی که مورد اعتمادی در گذشتت از گناهان و گستراننده بر خطاکاران بالهای

سِتْرِكَ، وَأَنْتَ الْكَاشِفُ لِلضَّرِّ بِيَدِكَ، فَكَمْ مِنْ سَيِّئَةٍ أَخْفَاهَا حِلْمُكَ حَتَّى

پرده پوشیت را و تویی برطرف کننده سختی به قدرتت چه بسیار گناهی که پوشاند آن را بردباریت تا این که

دَخَلْتَ، وَحَسَنَةٌ ضَاعَفَهَا فَضْلُكَ حَتَّى عَظُمَتْ عَلَيْهَا مُجَازَاتُكَ، جَلَلَتْ

از بین رفت و کار نیکی که چند برابرش کرد فضل تو تا بزرگ گردید برای آن پاداش تو،

أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ، وَأَنْ يُرْجَى مِنْكَ إِلَّا الْإِحْسَانُ وَالْفَضْلُ، فَاْمُنُّنْ

تو برتری از آن که از تو بترسند جز از عدالتت و از این که جز احسان و فضل چیز دیگری از تو امید رود، منت بنه

عَلَى بِمَا أَوْجَبَهُ فَضْلُكَ، وَلَا تَخْذَلْنِي بِمَا يَحْكُمُ بِهِ عَدْلُكَ، سَيِّدِي لَوْ

بر من بدانچه لازمه فضل توست و زبونم مکن بدانچه عدالتت بدان حکم کند ای آقای من اگر

عَلِمْتَ الْأَرْضُ بِذُنُوبِي لَسَاخَتْ بِي، أَوِ الْجِبَالُ لَهَدَّتْنِي، أَوِ السَّمَاوَاتُ

براستی زمین از گناهان من آگاه بود حتماً مرا در خود فرو برده بود یا اگر کوهها بدانها اطلاع داشت مرا درهم می شکست یا اگر آسمانها

لَا خَتَطَفْتَنِي، أَوِ الْبِحَارُ لَأَغْرَقْتَنِي، سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي، مَوْلَايَ

می دانستند مرا ربوده بودند یا اگر دریاها می دانست مرا در امواج خود غرق می کرد ای آقای من ... و ای مولا

مَوْلَايَ مَوْلَايَ، قَدْ تَكَرَّرَ وَقُوفِي لِضِيَاْفَتِكَ، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا وَعَدْتَ

و سرور من... براستی بارها شد که به مهمانیت آمدم پس محرومم مکن از آنچه به درخواستت کننگان

الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَسْأَلَتِكَ، يَا مَعْرُوفَ الْعَارِفِينَ، يَا مَعْبُودَ الْعَابِدِينَ، يَا

وعده فرمودی ای مورد شناسایی برای عارفان و ای معبود عبادت کنندگان و ای

مَشْكُورَ الشَّاكِرِينَ، يَا جَلِيسَ الذَّاكِرِينَ، يَا مَحْمُودَ مَنْ حَمَدَهُ، يَا

مورد سپاس سپاس گزاران و ای همشین اهل ذکر ای ستوده ستایش کنندگان ای

مَوْجُودَ مَنْ طَلَبَهُ، يَا مَوْصُوفَ مَنْ وَحَدَهُ، يَا مَحْبُوبَ مَنْ أَحَبَّهُ، يَا غُوثَ

حاضر نزد آن کس که تو را جوید ای توصیف شده کسی که بیگانگی او را بپرسند ای محبوب دوستدارش ای فریادرس

مَنْ أَرَادَهُ، يَا مَقْصُودَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْهِ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا

هر که آنگش کند ای مقصد کسی که بسویش بازگردد ای که نداند غیب را جز او ای که

يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُدَبِّرُ الْأَمْرَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُغْفِرُ الذَّنْبَ

نگرداند بدی (و) (بلا) را جز او ای که تدبیر کار را نکند

إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُنْزِلُ الْغَيْثَ إِلَّا هُوَ، صَلَّى

جز او ای که نیامزد گناه را جز او ای که نیافریند خلق را جز او ای که فرو نفرستد باران را جز او درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ، رَبِّ انِّي أَسْتَغْفِرُكَ

فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا ای بهترین آمرزندگان پروردگارا از تو آمرزش خواهم

أَسْتَغْفِرَ حَيًّا، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ رَجَاءٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِنَابَةٍ،

آمرزش شرمساری و حیا و از تو آمرزش خواهم آمرزش امیدواری و از تو آمرزش خواهم آمرزش توبه‌جویی

وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ رَغْبَةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ رَهْبَةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ

و بازگشت و از تو آمرزش خواهم آمرزش از روی اشتیاق و از تو آمرزش خواهم آمرزش از روی بیم و هراس و از تو آمرزش خواهم آمرزش از روی

طَاعَةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِيمَانٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِقْرَارٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ

طاعت و فرمانبرداری و از تو آمرزش خواهم آمرزش از روی ایمان و از تو آمرزش خواهم از روی اقرار (بگناه) و از تو آمرزش خواهم آمرزش

أَسْتَغْفَارَ إِخْلَاصٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ تَقْوَى، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ

از روی اخلاص و از تو آمرزش خواهم آمرزش تقوا و پرهیزکاری و از تو آمرزش خواهم آمرزش از روی

تَوَكُّلٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ ذَلَّةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ عَامِلٍ لَكَ، هَارِبٍ

توکل و از تو آمرزش خواهم آمرزش از روی خوارگی و از تو آمرزش خواهم آمرزش کسی که برایت کار کرده و از (ترس) تو بسوی

مِنْكَ إِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُبَّ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيْ بِنَا

خودت گریخته پس درود فرست بر محمد و آل محمد و توجه کن بر من و بر پدر و مادرم بدانچه

تُبَّتْ وَتَتُوبُ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا مَنْ يُسَمِّي

توجه کرده و بازگردی بر همهٔ خلق خود ای مهربانترین مهربانان ای که نامور گشتی

بِالْغُفُورِ الرَّحِيمِ، يَا مَنْ يُسَمِّي بِالْغُفُورِ الرَّحِيمِ، يَا مَنْ يُسَمِّي بِالْغُفُورِ

به آمرزنده مهربان ای که نامور گشتی به آمرزندهٔ مهربان ای که نامور گشتی به آمرزندهٔ

الرَّحِيمِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي، وَرَكَ عَمَلِي، وَاشْكُرْ

مهربان درود فرست بر محمد و آل محمد و بپذیر توبه‌ام را و پاک کن کردارم را و قدردانی کن

سَعْيِي، وَأَرْحَمَ ضِرَاعَتِي، وَلَا تَحْجُبْ صَوْتِي، وَلَا تُخَيِّبْ مَسْأَلَتِي، يَا

از سعی و کوششم و رحم کن به تضرع و زاریم و در پرده (بی‌توجهی خود) قرار مده آوازم را و نومید مکن درخواستم را ای

غَوْثَ الْمُسْتَعِيثِينَ، وَأَبْلِغْ أَيْمَتِي سَلَامِي وَدَعَائِي، وَشَفِّعْهُمْ فِي جَمِيعِ

فریادرس فریادخواهان و برسان به امامان و پیشوایانم سلام و دعای مرا و شفیع ساز آنها را برای من در تمام

مَا سَأَلْتُكَ، وَأَوْصِلْ هَدِيَّتِي إِلَيْهِمْ كَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ، وَزِدْهُمْ مِنْ ذَلِكَ مَا

آنچه از تو درخواست کردم و برسان هدیه مرا به ایشان بدان سان که شایسته مقام آنهاست و بیفزای برای آنها آنچه را

يَنْبَغِي لَكَ بِأَضْعَافٍ لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ

تو سزاوار آنی به چندین برابر که شمارشش نتواند جز تو و جنبش و نیروی نیست جز به خدای

الْعَظِيمِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى أَطْيَبِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ^۱.

والای بزرگ و درود خدا بر پاکیزه‌ترین فرستادگان محمد و آل پاکش.

زیارت دوم: زیارت کوتاهی است که آن نیز در «کامل الزیارات» از بعضی از ائمه علیهم السلام نقل شده است،

به این شرح:

هنگامی که به نزد قبر امام رضا علیه السلام رفتی بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الْمُرْتَضَى، الْإِمَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ،

خدایا درود فرست بر علی بن موسی الرضا آن امام پسندیده با تقوای پاک

وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى، الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ،

و حجت تو بر هر که روی زمین و هر که در زیر زمین است آن راستگوی شهید

صَلَاةٍ كَثِيرَةً نَامِيَةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ

درودی بسیار نمو یافته و پاکیزه و پیوسته و بی دریی و دنبال هم مانند بهترین درودی که می‌فرستی

عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ^۲.

بر یکی از دوستان.

زیارت سوم: «شیخ مفید» در «مقنعه» زیارت دیگری را به شرح زیر نقل کرده است:

پس از غسل زیارت و پوشیدن پاکیزه‌ترین لباس‌های خود، نزد قبر آن حضرت می‌ایستی و می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ

سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی او سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند

حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقَى، وَرَحْمَةَ اللَّهِ

حجت او سلام بر تو ای پیشوای هدایت و رشته محکم حق، و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَامَضَى عَلَيْهِ آبَاؤُكَ الطَّاهِرُونَ، صَلَوَاتُ

و برکاتش نیز بر تو باد گواهی دهم که تو به همان راهی رفتی که پدران پاکت بدان راه رفتند - درودهای

اللَّهِ عَلَيْهِمْ، لَمْ تُؤْثِرْ عَمِيَّ عَلَى هُدًى، وَلَمْ تَمَلْ مِنْ حَقِّ إِلَى بَاطِلٍ، وَأَنَّكَ

خدا بر ایشان باد - اختیار نکردی کوری (گمراهی) را بر هدایت و تمایل نگشتی از حق بسوی باطل و تو برستی

نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ

خبرخواهی کردی برای خدا و پیامبرش و پرداختی امانت را پس خداوند پاداشت دهد از دین اسلام و مسلمانان

خَيْرِ الْجَزَاءِ، أَتَيْتُكَ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُوَالِيًا

به بهترین پاداش، آمده‌ام - پدرم و مادرم به فدایت - به درگاه تو برای زیارت با معرفت به حق تو و دوستدارم

لِأَوْلِيَائِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ * أَنْغَاةً بِجَانِبِ بَالِي سِرِّ

دوستان را و دشمنم با دشمنان پس شفاعت کن از من در نزد پروردگارت * * * * *

بِرُغْدٍ وَبِغَوْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،

* * * * * سلام بر تو ای مولا و سرور من ای فرزند رسول خدا و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِي، وَالْوَلِيُّ الْمُرْتَدُّ، أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ،

گواهی دهم که تویی امام راهنما و سرپرست با رشد و هدایت بی‌زاری جویم بدرگاه خداوند از دشمنان

وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِوِلَايَتِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و تقرب جویم بدرگاه خدا بوسیله دوستی تو درود خدا و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد.

سپس دو رکعت نماز زیارت بجای آور و اگر می‌خواهی نمازهای دیگری هم بخوان و به طرف پایین پا
برگرد و حاجات خود را از خداوند طلب کن!

زیارت وداع:

«عَلَامَةُ مَجْلِسِي» ﷺ از «بلد الامین» نقل می‌کند که برای وداع با آن حضرت همان سخنی را بگو که

امام صادق ع برای وداع با رسول گرامی ص بیان داشته است یعنی:

لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ * وَآخِرَ خَوَاسْتِي بِغَوْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ

قرار ندهد خداوند این سلام را آخرین سلام من بر تو * * * * * سلام بر تو ای نماینده خدا

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي ابْنَ نَبِيِّكَ،

و رحمت خدا و برکاتش نیز بر تو باد خدایا قرار مده این بار را آخرین بار زیارت من از فرزند پیامبرت

وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَاجْمَعْنِي وَإِيَّاهُ فِي جَنَّتِكَ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَفِي

و حجت تو بر خلقت و گرد آور من و او را در بهشت و محشورم کن با او در

حِزْبِهِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا، وَأَسْتَوْدِعُكَ

زمره حزب او یا شهیدان و مردان شایسته و آنها نیکو رفیقانی هستند و تو را به خدا می سپارم

اللَّهِ وَأَسْتَرْعِيكَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ، وَبِمَا جِئْتَ بِهِ

و رعایت را نسبت به خود خواهانم و سلام بر تو می رسانم، ایمان داریم به خدا و به رسول خدا و بدانچه تو آوردی

وَدَكَلْتَ عَلَيْهِ، فَاکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. ۱

و بدان راهنمایی کردی پس نام ما را در زمره گواهان ثبت فرما.

یادآوری: در پایان این فصل لازم است سه نکته یادآوری شود:

۱- مرحوم «علامة مجلسی» می گوید: زیارت حضرت رضا علیه السلام در روزهای مقدس اسلامی، افضل است، خصوصاً روزهایی که اختصاص به آن حضرت دارد مثل روز ولادت (۱۱ ذی القعدة) و روز شهادت آن حضرت (مطابق مشهور آخر ماه صفر) سپس از کتاب «اقبال» مرحوم «سید بن طاووس» استحباب زیارت آن حضرت را در روز ۲۳ ذی القعدة (طبق روایتی روز شهادت آن حضرت) نیز نقل می کند و در پایان می نویسد: استحباب زیارت آن حضرت در ماه رجب گذشت. ۲

مرحوم محدث قمی روز ۲۵ ذی القعدة را نیز به این موارد ضمیمه کرده است.

۲- مردم نباید اصرار در بوسیدن ضریح مقدس داشته باشند و برای دیگران ایجاد زحمت کنند زیرا بوسیدن ضریح شرط زیارت نیست و با گفتن یک سلام نیز زیارت حاصل می شود.

۳- ناگفته پیداست که گذشته از زیارات سه گانه مخصوصه بالا، می توان از زیارات جامعه مانند زیارت امین الله که گذشت و زیارت جامعه کبیره که از زیارات بسیار مهم است و بعداً خواهد آمد، استفاده کرد. زیارت های دیگری نیز وجود دارد که در بخش زیارات جامعه می آید.

در پایان این فصل، شایسته است اشعار جالبی را که مرحوم محدث قمی از جامی در مدح حضرت

رضا علیه السلام نقل کرده بیاوریم:

۱. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۵۰، حدیث ۸ و بلدالأمین، صفحه ۲۸۳.

۲. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۴۳ و ۴۴.

سَلَامٌ عَلَى آلِ خَيْرِ النَّبِيِّينَ

سلام بر خاندان بهترین پیمبران

سَلَامٌ عَلَى آلِ طَهٍ وَيَاسِينَ

سلام بر خاندان طه و یاسین

إِمَامٌ يُبَاهِي بِهِ الْمَلِكُ وَالِدِينَ

امامی که افتخار کند بدان مُلک و دین

سَلَامٌ عَلَى رَوْضَةٍ حَلَّ فِيهَا

سلام بر روضه ای که مسکن گرفت در آن

حریم درش قبله گاه سلاطین
دُرِّ دُرِّج امکان، مه بُرج تمکین
رضا شد لقب چون رضا بودش آیین
اگر نبودت تیره چشم جهان بین
غبار درش را بگیسوی مشکین
برو دامن از هر چه جز اوست بر چین.

امام بحق شاه مطلق که آمد
شه کاخ عرفان، گل شاخ احسان
علی بن موسی الرضا کز خدایش
ز فضل و شرف بینی او را جهانی
پی عطر رو بوند خُوران جنت
اگر خواهی آری بکف دامن او

فصل هشتم

زیارت عسکریین (امام هادی و امام حسن عسکری علیهم السلام)فضیلت زیارت عسکریین علیهم السلام:

شکی نیست که فضیلت زیارت آن دو بزرگوار از زیارت سایر ائمه علیهم السلام کمتر نیست، بلکه آن گونه که از امام صادق علیه السلام گذشت: «کسی که یکی از ائمه علیهم السلام را زیارت کند مثل آن است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده است».^۱ و این روایت نیز از آن حضرت گذشت که «هر کس امام واجب اطاعه‌ای را زیارت کند و نزد او چهار رکعت نماز گزارد، برای او ثواب یک حج و یک عمره نوشته می‌شود»^۲ و مرحوم «علامه مجلسی» در باب «ثواب تعمیر قبور النبی و الائمه و زیارتها»^۳ حدود ۱۵ روایت نقل می‌کند که شامل قبور همه ائمه می‌شود و در اوایل بخش زیارات به قسمتی از آنها اشاره گردید.

در این رابطه سه روایت زیر نیز قابل توجه است:

۱- مرحوم «شیخ طوسی» از ابوهاشم جعفری از امام حسن عسکری علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: قبر من در «سرّ من رأی» امان (از بلاها و عذاب الهی) برای هر دو گروه است.^۴ (منظور دو گروه شیعه و اهل سنت که در آن جا ساکن هستند) و طبعاً معنای این روایت آن خواهد بود که برکت قبر آن حضرت، برکت عامی است که همه را احاطه کرده است، چنان که قبر موسی بن جعفر علیه السلام امان برای همه اهالی بغداد است.^۵

۲- «شیخ طوسی» در «امالی» از بعضی نقل می‌کند که می‌گوید: خدمت امام هادی علیه السلام عرض کردم: ای آقای من! دعایی به من بیاموز که از طریق آن به خدای عزّوجلّ نزدیک شوم، فرمود: دعایی که الآن برایت نقل می‌کنم دعایی است که بسیاری از اوقات با آن خدا را می‌خوانم و از خداوند عزّوجلّ خواسته‌ام، کسی که در حرم من این دعا را بخواند مایوس برنگردد، دعا این است:

يَا عُدَّتِي عِنْدَ الْعُدَدِ، وَيَا رَجَائِي وَالْمُعْتَمَدَ، وَيَا كَهْفِي وَالسَّنَدَ، وَيَا

ای عده و سلاح من در میان تجهیزات و سلاحها و ای امید و مورد اعتماد من و ای پناه و تکیه گاه من و ای

۱. کامل‌الزیارات، باب ۵۹، صفحه ۱۴۷، حدیث ۱ و کافی، جلد ۴، صفحه ۵۷۹، حدیث ۱.

۲. تهذیب، جلد ۶، صفحه ۷۹، حدیث ۴.

۳. بحارالانوار، جلد ۹۷، از صفحه ۱۱۶ تا ۱۲۴.

۴. تهذیب، جلد ۶، صفحه ۹۳، حدیث ۳ و بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۵۹، حدیث ۱.

۵. عوالی اللئالی، جلد ۴، صفحه ۸۴، حدیث ۹۳.

وَاحِدٌ يَا أَحَدٌ، وَيَا قُلُّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَهُ مِنْ

واحد و ای احد و ای قل هو الله احد از تو می‌خواهم بارخدا یا به حق آن کسانی که از میان مخلوقات آنها را خلیفه خود

خَلِقِكَ، وَلَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا، صَلِّ عَلَيَّ جَمَاعَتِهِمْ وَافْعَلْ

قرار دادی و کسی را همانند آنها قرار ندادی بر همه آنها درود فرست.

بی کذا و کذا^۱ (به جای «وافعل بی کذا و کذا» حاجتش را بنخواهد). مطابق گواهی بعضی از مؤمنان مخلص، تأثیر خواندن این دعا در آن حرم مقدّس به تجربه رسیده است.

۳- در «عدّة الداعی» روایت شده که شخصی مشکل مهمّی در زمان امام هادی علیه السلام داشت، از آن حضرت تقاضا کرد که نزد خلیفه وقت برای او شفاعت کند. چیزی نگذشت که مشکل او به طور کامل حل شد؛ خدمت حضرت رسید و عرض کرد: آیا شما نزد او شفاعتی برای من کردید؟ امام علیه السلام فرمود: خداوند ما را این گونه تربیت کرده که در مسائل مهم تنها به او پناه ببریم و از غیر او چیزی نخواهیم، ترسیدم که (اگر شفاعت تو را نزد خلیفه کنم) راه و رسم خود را تغییر دهم، خداوند هم لطف خود را تغییر دهد و من از خداوند عزّوجلّ خواسته‌ام که احدی بعد از من این دعا را نزد قبرم نخواند مگر این که دعایش مستجاب شود. سپس دعای فوق را عیناً نقل فرمود.^۲

کیفیت زیارت آن دو امام همام علیهم السلام

زیارت مشترک آن دو بزرگوار:

«ابن قولویه» از بعضی از ائمّه علیهم السلام روایت کرده که فرمود: هرگاه قصد زیارت امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام را نمودی بعد از غسل زیارت اگر به قبر آن دو بزرگوار رسیدی کنار قبر، و اگر رسیدن به کنار قبر برایت ممکن نشد، پشت شبکه‌ای که در دیوار مقابل قبر نصب شده^۳ بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيَّيَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا حُجَّتَيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر شما ای دو ولی (و دو نماینده) خدا سلام بر شما ای دو حجت خدا سلام

۱. امالی طوسی، صفحه ۲۸۰، حدیث ۷۶ و بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۵۹، حدیث ۲.

۲. عدّة الداعی، صفحه ۶۵ و بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۵۹، حدیث ۳ (با تلخیص).

۳. این تعبیر به این جهت است که آن دو بزرگوار در خانه خود دفن شده‌اند خانه‌ای که گاهی از اوقات درش باز می‌شد و شیعیان، می‌توانستند وارد آن شوند و کنار قبر، زیارت کنند و گاهی بسته بود و شیعیان از بیرون، مقابل پنجره‌ای که در دیوار مقابل قبر بود، می‌ایستادند و زیارت می‌کردند، و از تعبیر فوق به دست می‌آید که این وضعیت تا زمان ابن قولویه مؤلف کتاب کامل الزیارات متوقای ۳۶۸ هجری قمری، به حال خود باقی بود، بعدها به همت شیعیان و موالیان، قبه و حرم و رواق و ایوان ساخته شد.

عَلَيْكُمْ يَا نُورِي اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَنْ بَدَأَ اللَّهُ

بر شما ای دو نور خدا در تاریکی‌های زمین سلام بر شما ای دو بزرگواری که نمایان کرد خداوند

فِي شَأْنِكُمَا، أَتَيْتُكُمْ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكُمْ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكُمَا، مُوَالِيًا

اراده‌اش را درباره شما آمده‌ام به زیارتتان با معرفت به حقیقتان و دشمنم با دشمنانتان و دوست دارم

لِأَوْلِيَاءِكُمَا، مُؤْمِنًا بِمَا آمَنْتُمَا بِهِ، كَافِرًا بِمَا كَفَرْتُمَا بِهِ، مُحَقِّقًا لِمَا

دوستانتان را و مؤمنم به آنچه شما به آن ایمان آوردید و کافرم بدانچه شما بدان کافر شدید حق می‌دانم آنچه را

حَقَّقْتُمَا، مُبْطِلًا لِمَا أَبْطَلْتُمَا، أَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ، أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي

شما حق دانید و باطل دانم آنچه را شما باطل دانستید درخواست کنم از خدا پروردگار خود و پروردگار شما که قرار دهد بهره مرا

مِنْ زِيَارَتِكُمَا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي مُرَافَقَتِكُمَا فِي

از زیارت شما دو بزرگوار درود بر محمد و آلش و دیگر آن که روزی من کند رفاقت شما را در

الْجَنَانِ مَعَ آبَائِكُمَا الصَّالِحِينَ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ،

بهشت با پدران شایسته شما و از او خواهم که آزاد گرداند جانم را از آتش دوزخ

وَيَرْزُقَنِي شَفَاعَتِكُمَا وَ مُصَاحَبَتِكُمَا، وَيُعْرِفَ بَيْنِي وَبَيْنِكُمَا، وَلَا

و روزیم گرداند شفاعت شما و همراهی شما را و شناسایی و آشنایی برقرار کند میان من و شما و از

يَسْلُبَنِي حُبِّكُمْ وَحُبَّ آبَائِكُمَا الصَّالِحِينَ، وَأَنْ لَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ

من نگیرد دوستی شما و دوستی پدران شایسته شما را و قرار ندهد این زیارتم را آخرین بار

زِيَارَتِكُمَا، وَيَحْشُرَنِي مَعَكُمْ فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمَا،

زیارت شما و محشور گرداند مرا با شما در بهشت به رحمت خود خدایا روزیم گردان دوستی این دو بزرگوار را

وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمَا، اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ، وَأَنْتَقِمَ مِنْهُمْ،

و بمیرانم بر کیش آنان خدایا لعنت کن بر ستم کنندگان به حق آل محمد و انتقام گیر از آنها

اللَّهُمَّ الْعَنْ الْأُولِينَ مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ، وَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ، وَابْلُغْ

خدایا لعنت کن بر اولین و آخرین آنها و دو چندان کن بر آنان عذابت را و برسان

بِهِمْ وَبِأَشْيَاعِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَمُتَبِعِيهِمْ أَسْفَلَ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، إِنَّكَ عَلَى

آنها را و هم چنین پیروان و دوستان و هم مسلکانشان را به پست‌ترین درجات جهنم که برستی تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ

هر چیز توانایی خدایا شتاب کن در فرج نماینده و فرزند نماینده‌ها و گشایش کار ما را با ظهور و

فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

فرج ایشان قرار ده ای مهربانترین مهربانان.

آنگاه برای خود و پدر و مادر دعا کن و هر دعایی خواستی بخوان. سپس دو رکعت نماز زیارت در حرم مطهر آن دو امام بجا آور و بعد از آن آنچه دوست داری از خداوند طلب کن^۱ (بعضی نقل کرده‌اند که رواق پشت سر آن بزرگواران و حدود یک متر از حرم مطهر جزء مسجدی بوده که ضمیمه حرم مطهر شده است).

یادآوری:

زیارات مشترک دیگری نیز برای آن دو بزرگوار نقل شده، اما با توجه به این که زیارت جامعه کبیره (که ذکرش در اواخر بخش زیارات خواهد آمد) مصدر و مبدأش خود امام هادی علیه السلام است و این کلمات بلیغ و فصیح که برخوردار از همه مراتب اظهار ارادت و بیان فضایل و مکارم است، از خود آن جناب صادر شده، از ذکر زیارت مشترک دیگری صرف نظر می‌کنیم و به زائر محترم توصیه می‌کنیم که زیارت پربرکت جامعه را خطاب به هر دو بزرگوار قرائت کند.

زیارت مخصوص امام هادی علیه السلام:

مرحوم «علامه مجلسی» در «بحار الانوار» و «سید بن طاووس» در «مصباح الزائر» برای هر یک از آن دو امام همام علیهم السلام زیارت مخصوصی را به همراه صلوات مخصوص ذکر کرده‌اند که اگر چه طولانی است اما به جهت فواید و برکاتی که در آن مندرج است شایسته است نقل شود. می‌نویسند: هرگاه به «سر» من رأی» رسیدی غسل کن و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش و با وقار و طمأنینه حرکت نما، وقتی به در حرم رسیدی با این عبارات اجازه ورود بخواه:

ءَادْخُلُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، ءَادْخُلُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، ءَادْخُلُ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ،

آیا داخل شوم ای پیغمبر خدا آیا داخل شوم ای امیر مؤمنان آیا داخل شوم ای فاطمه زهرا

سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، ءَادْخُلُ يَا مَوْلَايَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، ءَادْخُلُ يَا

بانوی زنان جهانیان آیا داخل شوم ای مولا و سرورم ای حسن بن علی آیا داخل شوم ای

مَوْلَايَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، ءَادْخُلُ يَا مَوْلَايَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، ءَادْخُلُ

مولایم ای حسین بن علی آیا داخل شوم ای مولایم علی بن الحسین آیا داخل شوم

۱. بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۶۱، حدیث ۵ و کامل الزیارات، باب ۱۰۳، حدیث ۱ (با اندکی تفاوت).

يَا مَوْلَايَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، ءَادْخُلْ يَا مَوْلَايَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، ءَادْخُلْ يَا

ای مولایم محمد بن علی آیا داخل شوم ای مولایم جعفر بن محمد آیا داخل شوم ای

مَوْلَايَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، ءَادْخُلْ يَا مَوْلَايَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى، ءَادْخُلْ يَا

مولایم موسی بن جعفر آیا داخل شوم ای مولایم علی بن موسی آیا داخل شوم ای

مَوْلَايَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، ءَادْخُلْ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ،

مولایم محمد بن علی آیا داخل شوم ای مولایم ای ابا الحسن علی بن محمد

ءَادْخُلْ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، ءَادْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ

آیا داخل شوم ای مولایم ای ابا محمد حسن بن علی آیا داخل شوم ای فرشتگان خدا

الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ الشَّرِيفِ.

که به این حرم شریف گماشته شده‌اید.

سپس با مقدم داشتن پای راست، داخل شو و نزد ضریح امام هادی علیه السلام رو به قبر و پشت به قبله

بایست و پس از گفتن صد مرتبه «الله اکبر» بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الزَّكِيَّ الرَّاشِدَ، النُّورَ الثَّقَابَ،

سلام بر تو ای ابالحسن علی بن محمد (امام) پاکیزه راهبر، و روشنی درخشان

وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَّ اللَّهِ،

و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو ای راز (دار) خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آلَ

سلام بر تو ای امانتدار خدا سلام بر تو ای رشته (محکم) خدا سلام بر تو ای (که در زمره) خاندان

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

خدا (هستی) سلام بر تو ای انتخاب شده خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو

يَا حَقَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ الْأَنْوَارِ،

ای شایسته (درگاه) خدا سلام بر تو ای حبیب خدا سلام بر تو ای روشنی روشنی‌ها

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْأَبْرَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَلِيلَ الْأَخْيَارِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای زیور نیکان سلام بر تو ای فرزند نیکان سلام

عَلَيْكَ يَا عُنْصَرَ الْأَطْهَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای عنصر پاکان سلام بر تو ای حجت خدای رحمان سلام بر تو

يَا رُكْنَ الْإِيمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ

ای رکن ایمان سلام بر تو ای سرور مؤمنان سلام بر تو ای سرپرست

الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِلْمَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَلِيفَ التَّقَى،

شایستگان سلام بر تو ای پرچم هدایت سلام بر تو ای ملازم تقوا و پرهیزکاری

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای استوانه دین سلام بر تو ای فرزند خاتم پیامبران سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ

بر تو ای فرزند آقای اوصیا سلام بر تو ای فرزند فاطمه بانوی زنان

الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمِينُ الْوَفِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ

جهانیان سلام بر تو ای امانتدار با وفا سلام بر تو ای پرچمدار

الرَّضِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الزَّاهِدُ التَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحُجَّةُ عَلَى

پسندیده (دین) سلام بر تو ای پارسای با تقوا سلام بر تو ای حجت بر

الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّلَاوِي لِقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

همه خلق سلام بر تو ای تلاوت کننده (یا هم تلو) قرآن سلام بر تو ای

الْمُبَيِّنُ لِلْحَلَالِ مِنَ الْحَرَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلَامُ

بیان کننده حلال از حرام سلام بر تو ای سرپرست خیرخواه سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّجْمُ اللَّائِحُ، أَشْهَدُ يَا

بر تو ای راه روشن سلام بر تو ای اختر درخشان گواهی دهم ای

مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَخَلِيفَتُهُ فِي بَرِّيَّتِهِ،

مولای من ای ابا الحسن که بطور مسلم تویی حجت خدا بر خلقش و جانشین او در آفریدگانش

وَأَمِينُهُ فِي بِلَادِهِ، وَشَاهِدُهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَبَابُ

و امین او در شهرهایش و گواه او بر بندگانش و گواهی دهم که تویی روح و حقیقت تقوا و درگاه

الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ

هدایت و رسته محکم حق و حجت بر هر که روی زمین و هر که در زیر

الثَّرَى، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ، الْمُبْرَأُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَالْمُخْتَصَّ

زمین است و گواهی دهم که تو پاک از گناهان و مبرا هستی از عیبها و مخصوص

بِكْرَامَةِ اللَّهِ، وَالْمَحَبُّوْ بِحُجَّةِ اللَّهِ، وَالْمَوْهُوْبُ لَهُ كَلِمَةُ اللَّهِ، وَالرُّكْنُ الَّذِي

به کرامت خدا و اختصاص یافته به مرتبه حجت بودن خدا و به او بخشیده شده کلمه خدا و آن رکن و پایه‌ای که

يَلْجَأُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ، وَتُحْيِي بِهِ الْبِلَادُ، أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنِّي بِكَ وَبِأَبَائِكَ

بندگان خدا به او پناه برند و زنده شود بوسیله‌اش شهرها و گواهی دهم ای مولای من که من نسبت به تو و به پدران

وَأَبْنَائِكَ مُوقِنٌ مُّقِرٌّ، وَ لَكُمْ تَابِعٌ فِي ذَاتِ نَفْسِي، وَ شَرَايِعَ دِينِي، وَ خَاتِمَةَ

و فرزندان تو یقین و اقرار دارم و پیرو شمایم در مورد خودم و قوانین و احکام دینم و سرانجام

عَمَلِي، وَ مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ، وَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَ الْأَكْمُ، عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ،

کردارم و جای بازگشت و منزلگاهم و من دوست دارم کسی که شما را دوست دارد و دشمنم با کسی که شما را دشمن دارد

مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عِلَانِيَّتِكُمْ، وَ أَوْلَكُمْ وَ آخِرَكُمْ، يَا بِي أَنْتَ وَ أُمِّي، وَ السَّلَامُ

ایمان دارم به راز درونی و آشکارتان و آغاز و انجامتان پدر و مادرم به فدایتان و سلام

عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ * أَنْگَاهُ ضَرِيحٌ رَا بَبُوسٌ وَ طَرَفٌ رَاسِتٌ صُورَتٌ رَا بَرَّانٌ بَگْذَارُ وَ

و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد * * * * *

سِپِسِ طَرَفٌ چَپٌ رَا بَگْذَارُ وَ بَگُو: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ صَلِّ عَلٰى

* * * * * خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و درود فرست بر

حُجَّتِكَ الْوَفِيِّ، وَ وَلِيِّكَ الزَّكِيِّ، وَ أَمِينِكَ الْمُرْتَضِيِّ، وَ صَفِيِّكَ الْهَادِي،

حجت با وفایت و نماینده پاکت و امانتدار پسندیده‌ات و برگزیده راهنماییت و

وَ صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ، وَ الْجَادَّةِ الْعُظْمَى، وَ الطَّرِيقَةِ الْوُسْطَى، وَ نُورِ قُلُوبِ

راه راست و بزرگترین جاده و معتدل‌ترین طریقه، روشنی دل‌های

الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَلِيِّ الْمُتَّقِينَ، وَ صَاحِبِ الْمُخْلِصِينَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

مردمان با ایمان و سرور پرهیزکاران و یار مردمان با اخلاص خدایا درود فرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ صَلِّ عَلٰى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّاشِدِ الْمَعْصُومِ

آقای ما محمد و خاندانش و درود فرست بر علی بن محمد آن راهبر معصوم

مِنَ الزَّلَلِ، وَ الطَّاهِرِ مِنَ الْخَلَلِ، وَ الْمُنْقَطِعِ إِلَيْكَ بِالْأَمَلِ، اَلْمَبْلُوءُ بِالْفِتَنِ،

از گناه و لغزش و پاک از عیب و خلل و آن که آرزوی خود را از خلق بسوی تو بریده آن مبتلا به آشوبها

وَ الْمُخْتَبَرِ بِالْمَحَنِ، وَ الْمُمْتَحَنِ بِحُسْنِ الْبَلْوَى وَ صَبْرِ الشَّكْوَى، مُرْشِدِ

و آزموده به محنت‌ها و امتحان شده به آزمایش نیکو و بردباری در شکایت مرشد

عِبَادِكَ، وَبَرَكَتِ بِلَادِكَ، وَمَحَلِّ رَحْمَتِكَ، وَمُسْتَوْدَعِ حِكْمَتِكَ، وَالْقَائِدِ

بندگان و برکت شهرهای و محل رحمت و جای سپردن حکمت و پیشرو

إِلَى جَنَّتِكَ، الْعَالِمِ فِي بَرِّيَّتِكَ، وَالْهَادِي فِي خَلْقِكَ، الَّذِي أَرْتَضِيَتْهُ

بسوی بهشت، دانشمند در میان خلقت و راهنمای در آفریدگانت آن کس که پسندش کردی و برگزیدی و

وَأَنْتَجَبْتَهُ، وَاخْتَرْتَهُ لِمَقَامِ رَسُولِكَ فِي أُمَّتِهِ، وَالزَّمْتَهُ حِفْظَ شَرِيعَتِهِ،

انتخابش کردی برای جانشینی پیامبر در میان امتش و ملامش کردی برای نگهداری شریعت آن حضرت

فَاسْتَقَلَّ بِأَعْبَاءِ الْوَصِيَّةِ نَاهِضاً بِهَا، وَمُضْطَلِعاً بِحَمْلِهَا، لَمْ يَعْثُرْ فِي

و او نیز به تنهایی بار سنگین جانشینی را بدوش کشید و از جا بلند کرد و توانا بود بر حمل آن نلغزید در هیچ

مُشْكِلٍ، وَلَا هَفَا فِي مُعْضِلٍ، بَلْ كَشَفَ الْغُمَّةَ، وَسَدَّ الْفُرْجَةَ، وَآدَى

پیش آمد مشکلی و نه در هیچ کار پیچیده‌ای بلکه هر اندوهی را برطرف کرد و هر رخنه‌ای را بریست و انجام داد

الْمُفْتَرَضِ، اللَّهُمَّ فَكَمَا أَفْرَزْتَ نَازِرَ نَبِيِّكَ بِهِ فَرَقَهُ دَرَجَتَهُ، وَأَجْرُلُ

هر واجبی را خدایا چنانچه دیده پیغمبر را بدو روشن کردی پس درجه‌اش را بالا ببر و پاداشش را

لَدَيْكَ مَثُوبَتَهُ، وَصَلِّ عَلَيْهِ، وَبَلِّغُهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَاماً، وَآتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي

نزد خود شایان گردان و درود فرست بر او و برسان به آن حضرت از طرف ما تحیت و سلامی و بده به ما در

مُؤَالَاتِهِ فَضْلاً وَاحْسَاناً، وَمَغْفِرَةً وَرِضْوَاناً، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.

دوستی او از نزد خویش فضل و احسان و آمرزش و خشنودیت را که براستی تو دارای فضل بزرگی هستی

سپس نماز زیارت بخوان و پس از سلام نماز بگو:

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ، وَالْمِنَّهِ الْمُتَتَابِعَةِ،

خداوندا ای دارای قدرت کامل (از همه جهت) و رحمت فراخ و عطاهای دنبال هم

وَالْأَلَاءِ الْمُتَوَاتِرَةِ، وَالْأَيَادِي الْجَلِيلَةِ، وَالْمَوَاهِبِ الْجَزِيلَةِ، صَلِّ عَلَيَّ

و نعمت‌های پی‌درپی و دستگیری‌های بزرگ و بخشش‌های شایان درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِينَ، وَأَعْطِنِي سُؤْلِي، وَاجْمَعْ شَمْلِي، وَلُمَّ

محمد و آل محمد آن راستگویان بزرگوار و بده به من خواسته‌ام را و گردآور پراکندگیم را و اصلاح کن

شَعْتِي، وَزَكِّ عَمَلِي، وَلَا تُرْغِ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَلَا تُزِلْ قَدَمِي، وَلَا

پیشانیم را و پاک گردان عملم را و منحرف مساز دلیم را پس از این‌که راهنمایم کردی و نلغزان گامم را و

تَكَلِّنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي، وَلَا تُبَدِّ عَوْرَتِي،

وامگذار مرا بخودم چشم برهمزدنی هرگز و محروم مکن طمع و آرزویم را و سرپوش از عیبم برمدار

وَلَا تَهْتِكْ سِتْرِي، وَلَا تُوحِشْنِي وَلَا تُؤْيِسْنِي، وَكُنْ لِي رَوْفًا رَحِيمًا،

و پردام را مدران و به وحشتم گرفتار مکن و نومیدم مکن و نسبت به من رؤوف و مهربان باش

وَاهْدِنِي وَزَكِّنِي، وَطَهِّرْنِي وَصَفِّنِي وَاصْطَفِنِي، وَخَلِّصْنِي وَاسْتَخْلِصْنِي،

و هدایتم کن و پاک و پاکیزه‌ام کن و صفایم ده و برگزینم و نجاتم ده و خالصم گردان

وَاصْنَعْنِي وَاصْطَنْعْنِي، وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ وَلَا تُبَاعِدْنِي مِنْكَ، وَالطُّفُّ بِي وَلَا

و کامل و آراستهم کن و به ادب خود مؤثیم کن و به خودت نزدیکم کن و از خود دورم مکن و به من لطف فرما و مورد

تَجْفُنِي، وَأَكْرِمْنِي وَلَا تُهِنِّي، وَمَا أَسْأَلُكَ فَلَا تَحْرِمْنِي، وَمَا لَا أَسْأَلُكَ

بی‌لطفی و جفا قرارم مده و گرامیم بدار و خواری به من روا مدار و آنچه از تو خواهم محروم نفرما و آنچه را نخواهم

فَاجْمَعُهُ لِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ

برایم گرد آر به مهرت ای مهربانترین مهربانان و از تو خواهم به حرمت ذات

الْكَرِيمِ، وَبِحُرْمَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِحُرْمَةِ أَهْلِ بَيْتِ

گرامیت و به حرمت پیامبرت محمد - که دروهای تو بر او و آتش باد - و به حرمت خاندان

رَسُولِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِيِّ وَمُحَمَّدٍ

پیامبرت: امیر مؤمنان - علی - و حسن و حسین و علی و محمد

وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى، وَعَلِيِّ وَمُحَمَّدٍ، وَعَلِيِّ وَالْحَسَنِ، وَالْخَلْفِ الْبَاقِي

و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حسین و آن یادگار بازمانده

صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَتُعَجِّلَ فَرَجَ

- که دروهای تو و برکات بر ایشان باد - که درود فرستی بر همه ایشان و شتاب کنی در ظهور و فرج

قَائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ، وَتَنْصُرَهُ وَتَنْصُرَ بِهِ لِدِينِكَ، وَتَجْعَلَنِي فِي جُمْلَةِ

قائم ایشان که به فرمان تو قیام کند و یاری کنی و یاری کنی بوسیله او دین خود را و قرار دهی مرا در زمره

النَّاجِينَ بِهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَتِهِ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّهِمْ لَمَّا اسْتَجَبْتَ لِي

نجات یافتگان بدو و اخلاص ورزان در فرمانبرداریش و از تو خواهم به بحق ایشان که دعایم را به اجابت

دَعْوَتِي، وَقَضَيْتَ حَاجَتِي، وَأَعْطَيْتَنِي سُؤْلِي وَأَمْنِيَّتِي، وَكَفَيْتَنِي مَا

رسانی و حاجتم را برآوری و خواسته و آرزویم را به من عطا کنی و مهم

أَهْمَنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا نُورَ يَا بُرْهَانَ، يَا

کارهای دنیا و آخرت را کفایت کنی ای مهربانترین مهربانان ای روشنی و ای دلیل برآن ای

مُنِيرُ يَا مُبِينُ، يَا رَبَّ اكْفِنِي شَرَّ الشُّرُورِ، وَأَفَاتِ الدُّهُورِ، وَأَسْأَلُكَ

روشنی بخش ای آشکار کننده پروردگارا کفایت کن مرا از شر هر شری و هم از آفت‌های روزگار و از تو خواهم

النَّجَاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ، سِيسَ آنچه دوست داری از خدا بخواه و این دعا را زیاد بگو: يَا

نجات و رهایی را در روزی که دمیده شود در صور ***** ای

عُدَّتِي عِنْدَ الْعُدَدِ، وَيَا رَجَائِي وَالْمُعْتَمِدَ، وَيَا كَهْفِي وَالسَّنَدَ، يَا وَاحِدُ يَا

ذخیره من در برابر ذخیره‌ها و ای امید من و تکیه‌گاهم و ای پناهگاه و پشت و پناهم ای یگانه ای

أَحَدُ، وَيَا قُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَلَمْ

یکتا و ای که درباره خود فرمودی: بگو خدا یکی است، از تو خواهم خدایا به حق هر که را از آفریدگانت خلق کردی و هیچ

تَجْعَلَ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا، صَلِّ عَلَيَّ جَمَاعَتِهِمْ، وَأَفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا.

کس را مانند آنها در میان آفریدگانت قرار ندادی درود فرست بر گروه آنها و درباره من چنین و چنان کن.

و به جای «و افعَل بِي كَذَا وَكَذَا» حاجت خویش را بخواه، چرا که روایت شده که آن حضرت فرمود: من از خداوند تقاضا کرده‌ام کسی را که در روضه من این دعا را بخواند، ناامید برنگرداند.^۱

زیارت مخصوص امام حسن عسکری علیه السلام:

«عَلَامَةُ مَجْلِسِي» در «بحار الانوار» و «سید بن طاووس» در «مصباح الزائر» پس از نقل زیارت

مزبور می‌نویسند: هرگاه اراده کردی که امام حسن عسکری علیه السلام را زیارت کنی پس از انجام آنچه در

زیارت امام هادی علیه السلام گذشت مقابل ضریح مقدس امام عسکری علیه السلام می‌ایستی و می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، الْهَادِيَ الْمُهْتَدِي

سلام بر تو ای مولا و سرور من ای ابا محمد حسن بن علی هادی راه یافته و

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ أَوْلِيَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

رحمت خدا و برکاتش نیز بر تو باد سلام بر تو ای ولی و نماینده خدا و فرزند اولیای او سلام بر تو

يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَجِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ وَابْنَ أَصْفِيَاءِهِ،

ای حجت خدا و فرزند حجت‌های خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا و زاده برگزیدگانش

۱. بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۶۳ و مصباح الزائر، صفحه ۴۰۴ (با اندکی تفاوت).

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَابْنَ خُلَفَائِهِ وَأَبَا خَلِيفَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

سلام بر تو ای جانشین خدا و فرزند جانشینانش و پدر جانشین او سلام بر تو ای فرزند

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

خاتم پیامبران سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیا سلام بر تو ای فرزند

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

امیر مؤمنان سلام بر تو ای فرزند بانوی زنان جهانیان سلام بر تو

يَا بَنَ الْأَيِّمَةِ الْهَادِيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَوْصِيَاءِ الرَّاشِدِينَ، السَّلَامُ

ای فرزند امامان راهنما سلام بر تو ای فرزند اوصیای با رشد و هدایت سلام

عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْفَائِزِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای نگهبان پرهیزکاران سلام بر تو ای پیشوای رستگاران سلام بر تو

يَا رُكْنَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَرَجَ الْمَلْهُوفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

ای پایه و رکن اهل ایمان سلام بر تو ای گشایش‌ده انبوهناکان سلام بر تو ای

وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ الْمُنتَجِبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خازِنَ عِلْمٍ وَوَصِيَّ رَسُولٍ

وارث پیامبران برگزیده سلام بر تو ای خزینه‌دار علم وصی رسول

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي بِحُكْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاطِقُ

خدا سلام بر تو ای دعوت‌کننده به حکم خدا سلام بر تو ای گوئی

بِكِتَابِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الْحُجَجِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا هَادِيَ

به کتاب خدا (قرآن) سلام بر تو ای حجت حجت‌های الهی سلام بر تو ای راهنمای

الْأُمَّمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ النَّعْمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْبَةَ الْعِلْمِ،

ملت‌ها سلام بر تو ای واسطه و سرپرست نعمت‌ها سلام بر تو ای گنجینه دانش

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ الْحِلْمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ،

سلام بر تو ای کشتی حلم و بردباری سلام بر تو ای پدر امام منتظر

الظَّاهِرَةِ لِلْعَاقِلِ حُجَّتِهِ، وَالثَّابِتَةِ فِي الْيَقِينِ مَعْرِفَتِهِ، الْمُحْتَجِّبِ عَنْ أَعْيُنِ

آن کس که حجت و نشانه‌اش برای شخص خردمند آشکار و معرفتش به یقین ثابت و مسلم است آن که در پرده است از دیده

الظَّالِمِينَ، وَالْمُغِيبِ عَنْ دَوْلَةِ الْفَاسِقِينَ، وَالْمُعِيدِ رَبُّنَا بِهِ الْإِسْلَامَ جَدِيداً

ستمکاران و آن غایب و پنهان از حکومت و دولت اهل فسق و عصیان و آن کس که پروردگار ما بوسیله‌اش دین اسلام را بصورت تازه و نوی بازگرداند

بَعْدَ الْإِنِّطْمَاسِ، وَالْقُرْآنَ غَضًّا بَعْدَ الْإِنْدِرَاسِ، أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ أَقَمْتَ

پس از فرسودگی و قرآن را تر و تازه باز آرد پس از کهنگی گواهی دهم ای سرور من که پرستی تو برپا داشتی

الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

نماز را و پرداختی زکات را و امر کردی به معروف و نهی کردی از منکر (کار زشت)

وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ

و دعوت کردی مردم را به راه پروردگارت به فرزوانگی و پند نیک و پرستش کردی خدا را

مُخْلِصًا حَتَّىٰ آتَيْكَ الْيَقِينَ، أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ، أَنْ يَتَقَبَّلَ

از روی اخلاص تا مرگت فرا رسد از خدا خواهم بدان منزلت و مقامی که شما در نزد او دارید که بپذیرد

زِيَارَتِي لَكُمْ، وَيَشْكُرَ سَعْيِي إِلَيْكُمْ، وَيَسْتَجِيبَ دُعَائِي بِكُمْ، وَيَجْعَلَنِي

زیارتی را که من از شما کردم و قدردانی کند از سعی و کوششم برای رسیدن به درگاه شما و اجابت کند دعایم را بوسیله شما و قرارم دهد

مِنْ أَنْصَارِ الْحَقِّ وَاتِّبَاعِهِ، وَأَشْيَاعِهِ وَمَوَالِيهِ وَمُحِبِّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

از یاوران حق و پیروان و همراهان و دوستان و دوست دارانش و سلام بر تو

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * أَنْغَاةٌ ضَرْيِحٌ رَا مِ بَوْسَى وَ طَرْفِ رَاسْتِ صَوْرَتِ وَ سِپَسِ طَرْفِ چِپِ رَا بَر

و رحمت خدا و برکاتش * * * * *

رَوَى أَنْ مِ گِذَارَى وَ مِ گَوِی: اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ، وَ صَلِّ

* * * * * خدایا درود فرست بر آقای ما محمّد و خاندانش و درود فرست

عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَادِي إِلَى دِينِكَ، وَ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، عَلِمَ

بر حسن بن علی آن راهنمای بسوی دین تو و دعوت کننده بسوی راه تو پرچم

الهُدَى، وَ مَنَارِ التَّقَى، وَ مَعْدِنِ الْحِجْبَى، وَ مَاوَى النَّهْيِ، وَ غَيْثِ الْوَرَى،

هدایت و مشعل تقوا و کان عقل و جایگاه فرزوانگی و خرد و باران رحمت مردم و

وَسَحَابِ الْحِكْمَةِ، وَبَحْرِ الْمَوْعِظَةِ، وَ وَارِثِ الْأُمَّةِ، وَ الشَّهِيدِ عَلَى الْأُمَّةِ،

ابر (ریزان) حکمت و دریای پند و وعظ و وارث امامان و گواه بر امت،

الْمَعْصُومِ الْمُهَذَّبِ، وَ الْفَاضِلِ الْمُقَرَّبِ، وَ الْمُطَهَّرِ مِنَ الرَّجْسِ، الَّذِي

آن معصوم از گناه و پاکیزه و فاضل مقرب درگاه و پاک از پلیدی، آن کس که

وَرَّثَتْهُ عِلْمَ الْكِتَابِ، وَ اَلْهَمَّتُهُ فَضْلَ الْخِطَابِ، وَ نَصَبْتَهُ عَلَمًا لِأَهْلِ

علم کتاب خود (قرآن) را به او ارث دادی و طریقه جدا کردن بین حق و باطل و داوری آن را به او الهام فرمودی و او را پرچم و نشانه اهل

قَبْلَتِكَ، وَقَرْنَتْ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ، وَفَرَضَتْ مَوَدَّتَهُ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ،

قبله خود قرار دادی و مقرون ساختی فرمانبرداری او را به فرمانبرداری خود و واجب کردی دوستیش را بر همه آفریدگانت

اللَّهُمَّ فَكَمَا أَنَا بِحُسْنِ الْإِخْلَاصِ فِي تَوْحِيدِكَ، وَأَرْدَى مِنْ خَاضِ

خدایا چنانچه او دل بست با اخلاصی پاک در توحید تو و محکوم کرد کسی را که در اندیشه

فِي تَشْبِيهِكَ، وَحَامَى عَنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ بِكَ، فَصَلِّ يَا رَبِّ عَلَيْهِ صَلَاةً

تشبیه تو (به مخلوق) فرو رفته بود و حمایت کرد از ایمان دارندگان به تو پس درود فرست پروردگارا بر او درودی که

يَلْحَقُ بِهَا مَحَلَّ الْخَاشِعِينَ، وَيَعْلُو فِي الْجَنَّةِ بِدَرَجَةِ جَدِّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ،

او را به جایگاه خشوع کنندگان و فروتنان درگاهت رساند و برساند او را بدرجه جدش خاتم پیامبران

وَبَلَّغُهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَأَتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مُوَالَاتِهِ فَضْلًا وَإِحْسَانًا،

و برسان به او از جانب ما تحیت و سلامی و بده به ما از نزد خویش در دوستیش برتری و احسان

وَمَغْفِرَةً وَرِضْوَانًا، إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ، وَمَنْ جَسِيمٌ.

و آمرزش و خشنودی خود را که براستی تو دارای فضلی بزرگ و نعمتی گرانبهای هستی.

آنگاه نماز زیارت بجای می آوری و پس از سلام نماز می گویی:

يَا دَائِمُ يَا دَيْمُومُ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ، يَا كَاشِفَ الْكَرْبِ وَالْهَمِّ، وَيَا فَارِجَ

ای همیشگی و ای پاینده و ای زنده ای همیشه پابرجا ای برطرف کن گرفتاری و اندوه و ای زداینده

الْغَمِّ، وَيَا بَاعِثَ الرُّسُلِ، وَيَا صَادِقَ الْوَعْدِ، وَيَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

غم و غصه ای برانگیزنده رسولان و ای راست وعده و ای زنده ای که معبودی جز تو نیست

أَتَوْسَلُّ إِلَيْكَ بِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ، وَوَصِيِّهِ عَلِيٍّ ابْنِ عَمِّهِ، وَصَهْرِهِ عَلِيٍّ ابْنَتِهِ،

توسل جویم بدرگاه تو بوسیله حبیب محمد و وصیش علی عموزاده و شوهر دخترش

الَّذِي خَتَمْتَ بِهِمَا الشَّرَائِعَ، وَفَتَحْتَ بِهِمَا التَّأْوِيلَ وَالطَّلَايِعَ، فَصَلِّ

آن دو بزرگواری که پایان دادی به آن دو مذهب را و گشودی به آن دو تأویل و رازهای سر بسته قرآن را پس درود فرست

عَلَيْهِمَا صَلَاةً يَشْهَدُ بِهَا الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ، وَيَنْجُو بِهَا الْأَوْلِيَاءُ

بر آن دو درودی که گواهی دهند بدان پیشینیان و پسینیان و نجات یابند به آن دوستان تو

وَالصَّالِحُونَ، وَأَتَوْسَلُّ إِلَيْكَ بِفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَالِدَةِ الْأَيَّمَةِ الْمَهْدِيِّينَ،

و شایستگان درگاهت و توسل جویم بدرگاهت بوسیله فاطمه زهرا مادر امامان راه یافته

وَسَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، الْمُسْفَعَةَ فِي شِيعَةِ أَوْلَادِهَا الطَّيِّبِينَ، فَصَلِّ عَلَيْهَا

و بانوی زنان جهانیان آن که شفاعتش پذیرفته است درباره شیعیان فرزندان پاکش درود فرست بر او

صَلَاةً دَائِمَةً أَبَدَ الْأَبْدِينَ، وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ، وَاتَّوَسَّلْ إِلَيْكَ بِالْحَسَنِ

درودی همیشگی و جاویدان و تا برپا است روزگار و توسل جویم بدرگاهت بوسیله حسن

الرَّضِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ، وَالْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الْمَرْضِيِّ الْبَرِّ التَّقِيِّ، سَيِّدِي

مجتبی آن امام پاک پاکیزه و حسین مظلوم آن امام پسندیده و نیکوکار با تقوی دو آقای

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الْأِمَامَيْنِ الْخَيْرَيْنِ، الطَّيِّبِينَ التَّقِيَّيْنَ، النَّقِيِّيْنَ

جوانان اهل بهشت آن دو امام برگزیده پاکیزه با تقوی بی عیب

الطَّاهِرَيْنِ، الشَّهِيدَيْنِ الْمَظْلُومَيْنِ الْمَقْتُولَيْنِ، فَصَلِّ عَلَيْهِمَا مَا طَلَعَتْ

و پاک و آن دو شهید مظلوم کشته (راه حق) پس درود فرست بر آن دو تا هرگاه که (جهانی بریاست و) سر زند

شَّمْسٌ وَمَا غَرَبَتْ، صَلَاةً مُتَوَالِيَةً مُتَتَالِيَةً، وَاتَّوَسَّلْ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ

و غروب کند خورشیدی درودی پشت سر هم و بی دریغ و توسل جویم بدرگاهت به علی بن

الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، الْمَحْجُوبِ مِنْ خَوْفِ الظَّالِمِينَ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ

الحسین آقای عبادت کنندگان و مستور از ترس ستمکاران و به محمد بن

عَلِيِّ الْبَاقِرِ الطَّاهِرِ، النُّورِ الزَّاهِرِ، الْأِمَامَيْنِ السَّيِّدَيْنِ، مِفْتَاحِي الْبَرَكَاتِ،

علی باقر آن امام پاک و آن روشنی تابناک آن دو امام بزرگ کلید هر برکت

وَمِصْبَاحِي الظُّلُمَاتِ، فَصَلِّ عَلَيْهِمَا مَا سَرَى لَيْلٌ وَمَا أَضَاءَ نَهَارٌ، صَلَاةً

و چراغ هر تاریکی و ظلمت درود فرست بر آنها تا بگذرد شبی و بتابد روزی درودی

تَعْدُو وَتَرْوِحُ، وَاتَّوَسَّلْ إِلَيْكَ بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَنِ اللَّهِ، وَالنَّاطِقِ

در بامداد و پسین و توسل جویم بدرگاهت بوسیله جعفر بن محمد آن راستگوی از طرف خدا و گوئی

فِي عِلْمِ اللَّهِ، وَبِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ فِي نَفْسِهِ، وَالْوَصِيِّ

دانش خدا و به موسی بن جعفر آن بنده‌ای که خود به خود شایسته و صالح بود و آن وصی

النَّاصِحِ، الْأِمَامَيْنِ الْهَادِيَيْنِ الْمَهْدِيَيْنِ، الْوَافِيَيْنِ الْكَافِيَيْنِ، فَصَلِّ عَلَيْهِمَا

خیرخواه که هر دوی آنها دو امام راهنمای راه یافته و وفا و کافی بودند پس درود فرست بر آن دو

مَا سَبَّحَ لَكَ مَلَكٌ، وَتَحَرَّكَ لَكَ فَلَكَ، صَلَاةً تُثْمِي وَتَزِيدُ، وَلَا تُفْنِي وَلَا

تا هرگاه که تسبیح کند فرشته‌ای و در جنبش باشد به فرمانت فلکی، درودی با برکت که افزونی یابد و فنا و زوال

تَبِيدُ، وَاتَوَسَّلْ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى،

نیزبرد و توسل جویم بدرگاهت بوسیله علی بن موسی الرضا و به محمد بن علی مرتضی (پسندیده)

الْإِمَامَيْنِ الْمُطَهَّرَيْنِ الْمُتَجَبِّينِ، فَصَلِّ عَلَيْهِمَا مَا أَضَاءَ صُبْحٌ وَدَامَ،

آن دو امام پاک و برگزیده درود فرست بر آن دو تا روشن باشد بامدادی و (روزی) برپاست

صَلَاةً تُرَقِّبُهُمَا إِلَيَّ رِضْوَانِكَ فِي الْعِلِّيِّينَ مِنْ جِنَانِكَ، وَاتَوَسَّلْ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ

درودی که بالا برد آن دو را بسوی رضوانت در بلندترین جاهای بهشت و توسل جویم بدرگاهت به علی بن

بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّاشِدِ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَادِي، أَلْقَائِمَيْنِ بِأَمْرِ عِبَادِكَ،

محمد آن امام با رشد و حسن بن علی هادی که هر دوی آنان قیام کردند به کار بندگانت

الْمُخْتَبَرَيْنِ بِالْمَحَنِ الْهَائِلَةِ، وَالصَّابِرَيْنِ فِي الْأَحَنِ الْمَائِلَةِ، فَصَلِّ

و به محنت‌های هراس‌انگیز آزمایش شدند و در برابر کینه‌های لغزنده بردباری کردند پس درود فرست

عَلَيْهِمَا كِفَاءً أَجْرَ الصَّابِرِينَ، وَإِزَاءَ ثَوَابِ الْفَائِزِينَ، صَلَاةً تُمَهِّدُ لَهُمَا

بر آنان معادل مزد همهٔ بردباران و برابر پاداش رستگاران درودی که آماده کند برای آن دو

الرَّفْعَةَ، وَاتَوَسَّلْ إِلَيْكَ يَا رَبِّ بِإِمَامِنَا، وَمُحَقِّقِ زَمَانِنَا، الْيَوْمَ الْمَوْعُودِ،

بلندی رتبه را و توسل جویم به درگاهت پروردگارا به امام خودمان و محقق زمانمان آن روز موعود،

وَالشَّاهِدِ الْمَشْهُودِ، وَالنُّورِ الْأَزْهَرِ، وَالضِّيَاءِ الْأَنْوَرِ، الْمَنْصُورِ بِالرُّعْبِ،

و آن گواه گواهی شده و درخشنده‌ترین نور و روشنترین تابش آن یاری شده به رعب و ترس (که رعبش در دلها افتد)

وَالْمُظْفَرِ بِالسَّعَادَةِ، فَصَلِّ عَلَيْهِ عَدَدَ الثَّمَرِ، وَأَوْزَاقِ الشَّجَرِ، وَأَجْزَاءِ

و آن پیرومند بوسیله سعادت پس درود فرست بر او به شماره میوهها و برگ‌های درختان و یک یک

الْمَدَرِ، وَعَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ، وَعَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَأَخْصَاهُ كِتَابُكَ،

ریگها و به عدد موها و کرکها و به شماره آنچه دانست بدان احاطه دارد و نامت آن را بشمارد

صَلَاةً يَغِيبُهَا بِهَا الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ، اَللَّهُمَّ وَاحْشُرْنَا فِي زَمْرَتِهِ،

درودی که غیبه خوردن بدان پیشینیان و پسینیان خدایا ما را در گروه او محشور گردان

وَاحْفَظْنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَاحْرُسْنَا بِدَوْلَتِهِ، وَاتَّحِفْنَا بِوِلَايَتِهِ، وَأَنْصُرْنَا عَلَى

و به پیرویش نگهداریمان کن و به دولت او محفوظمان بنار و دوستی او را به ما تحفه ده و یاریمان ده بر

أَعْدَائِنَا بِعِزَّتِهِ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنَ التَّوَابِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللَّهُمَّ

دشمنانمان به عزت و شوکت او و قرارمان ده پروردگارا از توبه کنندگان ای مهربانترین مهربانان، خدایا

وَإِنَّ إِبْلِيسَ الْمُتَمَرِّدَ اللَّعِينِ، قَدْ اسْتَنْظَرَكَ لِإِغْوَاءِ خَلْقِكَ فَانظُرْ تَهُ،

و از آن سو شیطان سرکش ملعون از تو مهلت خواسته تا خلقت را گمراه کند و تو مهلتش دادی

وَاسْتَمَهَلَكَ لِإِضْلَالِ عِبِيدِكَ فَاْمَهَلْتَهُ، بِسَابِقِ عِلْمِكَ فِيهِ، وَقَدْ عَشَّشَ

و از تو فرصت خواسته برای از راه بدر بردن بندگانت و تو فرصتش دادی از روی آن علمت که از پیش درباره‌اش گذشته و او لانه کرده

وَكَثُرَتْ جُنُودُهُ، وَازْدَحَمَتْ جُيُوشُهُ، وَانْتَشَرَتْ دُعَاةُهُ فِي أَقْطَارِ

و لشکرش زیاد شده و قشونش انبوه گشته و خوانندگان بسوی او در اطراف زمین

الْأَرْضِ، فَاضْلُوا عِبَادَكَ، وَأَفْسِدُوا دِينَكَ، وَحَرِّفُوا الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ،

پراکنده شده و بندگانت را گمراه کرده و دین تو را به فساد کشانده و کلمات (و سخنان تو را) جابجا کرده (و تعبیر داده‌اند)

وَاجْعَلُوا عِبَادَكَ شَيْعًا مُتَفَرِّقِينَ، وَأَحْزَابًا مُتَمَرِّدِينَ، وَقَدْ وَعَدْتَ نَقْضَ

و بندگانت را بصورت گروههای پراکنده و دستجات سرکش در آورده و تو خود وعده کردی که ریشه

بُنْيَانِهِ، وَتَمْزِيقَ شَأْنِهِ، فَاهْلِكْ أَوْلَادَهُ وَجُيُوشَهُ، وَطَهِّرْ بِلَادَكَ مِنْ

و پایه‌اش را درهم شکنی و تشکیلاتش را برهم زنی، پس فرزندان و لشگریانش را نابود کن و شهرها و بلاد خود را از

اخْتِرَاعَاتِهِ وَاخْتِلَافَاتِهِ، وَارْحُ عِبَادَكَ مِنْ مَذَاهِبِهِ وَقِيَّاسَاتِهِ، وَاجْعَلْ

بدعتها و اختلافهایی که ایجاد کرده پاک کن و بندگانت را از راهها (و روشها) و قیاس‌های او (که در کار دین کرده) راحت کن و چرخ

دَائِرَةِ السُّوءِ عَلَيْهِمْ، وَابْسُطْ عَدْلَكَ، وَأَظْهِرْ دِينَكَ، وَقَوِّ أَوْلِيَاءَكَ،

بد روزگار را بر ایشان به گردش درآور و عدل و دادت را بگستران و دین و آیینت را آشکار ساز و دوستانت را نیرو ده

وَأَوْهِنْ أَعْدَاءَكَ، وَأَوْرِثْ دِيَارَ إِبْلِيسَ وَدِيَارَ أَوْلِيَائِهِ أَوْلِيَاءَكَ، وَخَلِّدْهُمْ

و دشمنانت را خوار گردان و سرزمین‌های شیطان و سرزمین‌های دوستانش را به دوستانت واگذار فرما و او و اتباعش را

فِي الْجَحِيمِ، وَأَذِقْهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ، وَاجْعَلْ لِعَائِنِكَ الْمُسْتَوْدَعَةَ فِي

در جهنم مخلد بدار و از عذاب دردناک به آنها بچشان و لعنت‌های خود را که در جاهای

مَنَاحِسِ الْخَلْقَةِ، وَمَشَاوِيهِ الْفِطْرَةِ، دَائِرَةً عَلَيْهِمْ، وَمَوْكَلَةً بِهِمْ، وَجَارِيَةً

نحس خلقت و مناظر زشت طبیعت به ودیعت نهاده‌ای همه را بر سر آنها فرو ببار که موکل بر آنها گردند و در میان آنان

فِيهِمْ كُلُّ مَسَاءٍ وَصَبَاحٍ، وَغَدُوٌّ وَرَوَاحٍ، رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

جاری باشد در هر شام و صبح و هر چاشتگاه و پسین پروردگارا به ما در دنیا حسنه (خوبی) و در

الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

آخرت نیز حسنه عطا فرما و نگاهمان دار به رحمت خویش از عذاب دوزخ ای مهربانترین مهربانان.

آنگاه آنچه را برای خود و برادرانت دوست داری از خدا طلب کن.^۱

زیارت نرجس خاتون مادر مکرّمه حضرت حجّت علیّه السلام:

در ادامه زیارت امام عسکری علیّه السلام «سید بن طاووس» می نویسد: آنگاه زیارت می کنی مادر حضرت قائم (ارواحنا فداه) را که قبرش پشت ضریح امام حسن عسکری علیّه السلام واقع شده است و می گویی:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصَّادِقِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ

سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله آن راستگوی امین سلام

عَلَى مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْأَيِّمَةِ الطَّاهِرِينَ، الْحُجَّجِ

بر سرور ما امیر مؤمنان سلام بر امامان پاکیزه آن حجّت‌های

الْمَيَامِينِ، السَّلَامُ عَلَى وَالِدَةِ الْأَمَامِ، وَالْمُودَعَةِ أَسْرَارِ الْمَلِكِ الْعَلَامِ،

میمون (و یا برکت) سلام بر مادر امام و آن‌کس که بدو سپرده شد اسرار (خداوند) فرمانروای بسیار دانا

وَالْحَامِلَةِ لِأَشْرَفِ الْأَنَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصُّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ

و آن بانویی که باردار شد به شریفترین مردمان سلام بر تو ای صدیقه پسندیده سلام

عَلَيْكَ يَا شَبِيهَةَ أُمِّ مُوسَى، وَابْنَةَ حَوَارِيٍّ عَيْسَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا

بر تو ای همانند مادر موسی و ای دختر حواری عیسی سلام بر تو ای بانوی

النَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا

با تقوا پاکیزه سلام بر تو ای منتخب پسندیده سلام بر تو ای که

الْمَنْعُوتَةُ فِي الْأَنْجِيلِ، الْمَخْطُوبَةُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ الْأَمِينِ، وَمَنْ رَغِبَ فِي

وصف در کتاب انجیل ذکر شده و از حضرت (عیسی) روح الله امین تو را خواستگاری کردند و ای کسی که علاقه‌مند شد در

وُضِلَتْهَا مُحَمَّدٌ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ، وَالْمُسْتَوْدَعَةُ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

وصلت با تو حضرت محمد آقای رسولان و ای که اسرار پروردگار جهانیان به تو سپرده شد

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الْحَوَارِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى بَعْلِكَ

سلام بر تو و بر پدران حواری تو سلام بر تو و بر شوهر

وَوَلَدِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتِ

و فرزند تو سلام بر تو و بر روان و پیکر پاکت گواهی دهم که تو بخوبی

۱. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۶۷ و مصباح الزائر، صفحه ۴۰۹ - ۴۱۳ (با اندکی تفاوت).

الْكَفَالَةَ، وَادَّيْتِ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَصَبَرْتِ فِي ذَاتِ اللَّهِ،

پرستاری (امام زمان را) کردی و بخوبی امانت (حق) را برداختی و در فراهم آوردن موجبات خشنودی خدا کوشیدی و درباره خدا بردباری کردی

وَ حَفِظْتِ سِرَّ اللَّهِ، وَ حَمَلْتِ وَلِيَّ اللَّهِ، وَ بَالِغْتِ فِي حِفْظِ حُجَّةِ اللَّهِ، وَ رَغِبْتِ

و راز خدا را نگه داشتی و ولی (و نماینده) خدا را حمل کردی و در نگهداری حجت خدا کوتاهی نکردی و علاقه پیدا کردی

فِي وَصْلَةِ أَبْنَاءِ رَسُولِ اللَّهِ، عَارِفَةً بِحَقِّهِمْ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِمْ، مُعْتَرِفَةً

در وصلت با فرزندان رسول خدا در حال معرفت و شناسایی به حق ایشان و با ایمان به راستگوییشان و با اعتراف

بِمَنْزِلَتِهِمْ، مُسْتَبْصِرَةً بِأَمْرِهِمْ، مُشْفِقَةً عَلَيْهِمْ، مُؤَثِّرَةً هَوَاهِمَهُمْ، وَأَشْهَدُ

به منزلت و مقامشان و بینای به امر امامشان و غمخوار برایشان و ترجیح دادن دلخواهشان (بردلخواه خود) و گواهی دهم

أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكِ، مُقْتَدِيَةً بِالصَّالِحِينَ، رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً،

که درگذشتی در حالی که در امر دینت بصیرت داشتی و به شایستگان اقتدا کردی خشنود و پسندیده

تَقِيَّةً نَفِيَّةً زَكِيَّةً، فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ وَأَرْضَاكَ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَاوِيكَ،

و پرهیزکار و پاک و پاکیزه از دنیا رفتی خدا از تو خشنود باشد و تو را نیز خشنود گرداند و بهشت (برین) را منزل و مأویت قرار دهد

فَلَقَدْ أَوْلَاكَ مِنَ الْخَيْرَاتِ مَا أَوْلَاكَ، وَأَعْطَاكَ مِنَ الشَّرَفِ مَا بِهِ أَغْنَاكَ،

که برستی خداوند به تو احسان کرد آنچه کرد و از شرف (و بزرگواری) به تو عطا فرمود آنچه را که بدان بی‌نیازت ساخت،

فَهَذَاكَ اللَّهُ بِمَا مَنَحَكَ مِنَ الْكِرَامَةِ وَأَمْرَاكَ * أَنْغَاكَ سِرًّا بِسُورِ السَّمَانِ بِالْأَمْرِ بَرِيٍّ وَ

پس گوارا کند خدا برایت آن کرامتی را که به تو بخشید و سودمندش کند آن را برایت * * * * *

مِيْ غَوِيٍّ: اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَلِرِضَاكَ طَلَبْتُ، وَبِأَوْلِيَاءِكَ اِلَيْكَ تَوَسَّلْتُ،

* * * * * خدایا بر تو اعتماد کنم و خشنودی تو را جویم و بوسیله اولیای تو بدرگاہت تو توشل جویم

وَ عَلِيٍّ غُفْرَانِكَ وَ حِلْمِكَ اَتَكَلَّمْتُ، وَ بِكَ اِعْتَصَمْتُ، وَ بِقَبْرِ أُمِّ وَلِيِّكَ لَذْتُ،

و به امزش و شکیبایی تو توکل کنم و به تو نگهداری (از گناه) می‌طلبم و به قبر مادر ولی تو پناه آورده‌ام

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا، وَ ثَبِّتْنِي عَلَيَّ مَحَبَّتِهَا،

پس درود فرست بر محمد و آل محمد و سود ده مرا بوسیله زیارتش و ثابت بدار مرا بر دوستی و محبتش

وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا وَ شَفَاعَةَ وَلَدِهَا، وَ ارْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا، وَ احْشُرْنِي

و محروم منما از شفاعت او و شفاعت فرزندش و روزیم گردان هم جواریش را و محسورم گردان

مَعَهَا وَ مَعَ وَلَدِهَا، كَمَا وَفَّقْتَنِي لِزِيَارَةِ وَلَدِهَا وَ زِيَارَتِهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَوَجَّهُ

با او و با فرزندش چنانچه موقعم داشتی به زیارت فرزندش و زیارت خودش خدایا من بدرگاه تو رو کنم

إِلَيْكَ بِالْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِالْحُجَجِ الْمِيَامِينَ مِنْ آلِ طَهٍ

بوسیله امامان پاکیزه و توسل جویم بدرگاهت بوسیله حجت‌های میمون و مبارک از آل طه

وَيْسَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ

و یس که درود فرستی بر محمد و آل محمد آن پاکیزگان و قرار دهی مرا از

الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ، الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

اطمینان یافتگان کامروا و شاد کامان مژده گیر که هیچ گونه ترسی بر ایشان نیست و نه

يَحْزَنُونَ، وَاجْعَلَنِي مِمَّنْ قَبِلْتَ سَعْيَهُ، وَيَسَّرْتَ أَمْرَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ،

اندوهناک شوند و قرارم ده از کسانی که کوشش پذیرفته و کارش را آسان کرده و گرفتارش را برطرف کرده

وَأَمَنْتَ خَوْفَهُ، اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و ترسش را ایمنی بخشیده‌ای خدایا به حق محمد و آل محمد درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ لَهُمْ بَانْتِقَامِكَ، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي أَيَّاهَا،

محمد و با انتقام خودت در فرج آنان تعجیل فرما و قرار مده این زیارت مرا آخرین بار زیارتم از این بانوی (محترم)

وَأَرْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهَا،

و روزیم کن بازگشتن بسوی زیارتش را همیشه تا زنده‌ام و هرگاه مرگ مرا رساندی پس مرا در گروه او محشور فرما

وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَةِ وَلَدِهَا وَشَفَاعَتِهَا، وَاعْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ

و در شفاعت فرزندش و شفاعت خود او داخلم گردان و مرا و پدر و مادرم را و همه مردان

وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ

و زنان با ایمان را بیامرز و بده به ما در دنیا حسنه و خوبی و در آخرت نیز حسنه به ما عطا فرما و نگاهمان دار به مهر خودت

عَذَابِ النَّارِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَاتِي وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

از عذاب دوزخ و سلام بر همه شما باد ای آقایان من و رحمت خدا و برکاتش نیز بر شما باد.

زیارت حکیمه خاتون:

حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام (خواهر امام هادی و عمه امام حسن عسکری علیه السلام) است که قبر شریفش پایین پای عسکریین و چسبیده به ضریح آن دو بزرگوار است و مرحوم «علامة مجلسی» می‌گوید: نمی‌دانم با آن که فضل و جلالت این بانو، ظهور یافته و او از خواص و اصحاب سرائمه علیه السلام بوده و

مادر حضرت مهدی (سلام الله علیه) یعنی نرجس خاتون، نزد این بانو بوده و آن مخدّره، هنگام ولادت حضرت حجت، حضور داشته و پیوسته آن بزرگوار (مهدی علیه السلام) را در زمان حیات امام حسن عسکری علیه السلام می دیده و از سُفرا و وسائط بعد از وفات امام عسکری علیه السلام بوده، در عین حال زیارتی برای آن کریمه عالمه و فاضله نجیبه و تقیّه رضیّه، ذکر نشده است. سپس می نویسد: سزاوار است زیارت کردن آن بانو به آنچه که بر زبان جاری شود و هماهنگ با فضل و شأنش باشد.^۱

بر همین اساس، مرحوم محدّث قمی در «مفاتیح الجنان» می گوید: سزاوار است زیارت آن مخدّره با الفاظی که در زیارت اولاد ائمه علیهم السلام نقل می شود، و یا زیارت کنند او را با زیارتی که درباره عمّه مکرمه اش حضرت معصومه (دختر گرامی موسی بن جعفر علیه السلام) خواهد آمد، و به اعتقاد ما انتخاب زیارت اخیر بهتر است.

زیارت دو امامزاده سید محمد و سید حسین علیهم السلام :

معروف است که نزد قبر عسکریین علیهم السلام عده ای از سادات بزرگ دفن شده اند که از آن جمله است حسین پسر امام هادی علیه السلام. مرحوم محدّث قمی رحمته الله می نویسد: گرچه از احوال این سید بزرگوار اطلاعی نیافته ام لیکن از بعضی از روایات استفاده می شود که از مولای ما امام حسن عسکری علیه السلام و برادرش حسین بن علی الهادی، تعبیر به «سبّین» می شده و این دو برادر را به اجدادشان دو سبط رسول گرامی، حسن و حسین علیهم السلام تشبیه می نمودند، و نیز در روایت^۲ ابوالطیب آمده است که صدای حضرت حجت علیه السلام به صدای عمویش حسین شباهت داشت. همچنین در «شجرة الاولیاء» تألیف عالم بزرگوار، «سید احمد اردکانی یزدی» در مقام ذکر اولاد امام هادی علیه السلام آمده است که حسین فرزند آن حضرت از زهاد و عبّاد و از پیروان برادر خود امام عسکری علیه السلام بود.

از مجموع این نکات به دست می آید که این بزرگوار سیدی جلیل القدر و عظیم الشان است. امامزاده معروف دیگر سید محمد فرزند دیگر امام هادی علیه السلام است که مزار مشهوری در نزدیکی سامرا دارد و به جلالت شأن و بروز کرامات معروف است؛ عموم مردم به زیارتش می روند و نذرها و هدایای بسیار به آن جا می برند و به وسیله او از خدا حاجت می طلبند، و اعراب آن حدود، از آن بزرگوار حساب می برند و کرامات بسیاری از او نقل شده است.

در جلالت قدر آن جناب همین بس که فرزند بزرگ امام هادی علیه السلام بود و برادر بزرگوارش امام حسن

۱. بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۷۹.

۲. این روایت همان است که علامه مجلسی آن را از امالی طوسی، صفحه ۲۸۷، حدیث ۵ نقل می کند (رجوع شود به: بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۶۰، حدیث ۴).

عسکری علیه السلام در فوت او گریبان چاک کرد، و بزرگان علما اعتقاد زیادی به آن حضرت داشته‌اند و دارند و لذا شیخ بزرگوار «حاجی نوری» (نورالله مرقده)، در تعمیر بقعه و ضریح مبارکش سعی و تلاش بسیار کرد.

زیارت وداع عسکریین:

هرگاه خواستی با امام هادی و امام عسکری علیه السلام وداع کنی نزد قبر مطهر آن دو بزرگوار بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيِّيَ اللَّهُ، أَسْتَوِدِعُكُمَا اللَّهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمَا السَّلَامَ، آمَنَّا

سلام بر شما ای دو نماینده خدا شما را به خدا می‌سپارم و بر شما سلام می‌رسانم. ایمان داریم

بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمَا بِهِ، وَدَلَلْتُمَا عَلَيْهِ، اَللّٰهُمَّ اَكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.

به خدا و به رسول او و بدانچه شما آوردید و مردم را بدان راهنمایی کردید خدایا بنویس نام ما را در زمره گواهان.

آنگاه از خداوند توفیق بازگشت مجدد به زیارت آن دو بزرگوار را مسألت نما و به آنچه دوست داشتی دعا کن که ان شاء الله برآورده خواهد شد.^۱



فصل نهم

زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام

قبل از بیان این زیارت یادآوری دو نکته لازم است:

۱- سرداب مقدّس کجاست؟

مرحوم محدّث قمی در «مفاتیح الجنان» می‌گوید: آنچه به عنوان سرداب مطهر حضرت حجّت علیه السلام گفته می‌شود همان سرداب داخل خانه امام حسن عسکری علیه السلام است که قبل از بنای جدید و ساختن قبّه و حرم برای قبر عسکریین، راه ورود در آن سرداب در طرف پشت قبر مطهر عسکریین، یعنی نزدیک قبر نرجس خاتون قرار داشت که به مقیاس وضعیّت فعلی، ممکن است در قسمت رواق فعلی واقع شده باشد. این راه بود که با پایین رفتن از پله آن و سپس گذشتن از دالان به در سرداب غیبت می‌رسیدند که در آن آیینه کاری شده و پنجره آن از طرف قبله، به صحن عسکریین باز می‌شود.

۲- زمان زیارت حضرت

در فصل زیارت ائمهٔ بقیع علیهم السلام گذشت که از روایت سلیمان بن عیسی از پدرش از امام صادق علیه السلام به دست می‌آید که زیارت امام حئی (که در این زمان حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد) در هر مکانی ممکن است چنان که از همین روایت استفاده می‌شود که روز جمعه در میان سایر ایام و زمان‌ها ویژگی خاصی دارد.^۱ پس بر عاشقان و شیعیان آن حضرت است که اگر ممکن شد هر صبح، یادی از آن حضرت کنند و با بعضی از زیارت‌ها و دعاهایی که ذکرش خواهد آمد، زمزمه و نجوایی با آن بزرگوار داشته باشند و هم برای سلامتی و ظهور حضرتش دعا کنند و اگر هر روز ممکن نشد لااقل هفته‌ای یک بار، روز جمعه آن حضرت را در مکان مناسبی زیارت کنند و به تعبیر بعضی از دعاها باید «دل را با یاد او آباد نگه داشت».^۲

۱. کامل‌الزیارات، باب ۹۶، صفحه ۲۸۷، حدیث ۴ و این روایت می‌تواند به سؤال‌هایی که می‌پرسند: برای رفتن به مسجد جمکران، چه زمانی مناسب‌تر است پاسخ دهد.

۲. اللهم كما جعلت قلبی بذکره معموراً، فاجعل سلاحی بنصرته مشهوراً (بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۱۰۳).

کیفیت زیارت آن حضرت

اذن دخول:

برای ورود در سرداب مقدّس اذن دخول زیر کفایت می‌کند:
همان اذن دخولی که «سیدبن طاووس» آن را نقل کرده و از جهت مضامین، قریب به نخستین اذن دخولی است که در اوایل بخش زیارات تحت عنوان «اذن دخول» (صفحه ۲۲۰) گذشت.
یا اذن دخولی که «علامه مجلسی» از نسخه‌ای قدیمی آن را نقل کرده و با «اللّٰهُمَّ اِنَّ هَذِهِ بَقْعَةٌ...» شروع می‌شود و آن را نیز سابقاً در اوایل بخش زیارات (صفحه ۲۲۲) به عنوان دومین اذن دخول ذکر کردیم.



زیارت اول (زیارت آل یاسین):

«شیخ جلیل، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی» در کتاب شریف «احتجاج» روایت کرده که از ناحیه مقدّس حضرت مهدی علیه السلام زیارت زیر در پاسخ نامه «محمد حمیری» آمده است که زیارتی است بسیار عالی و پر محتوا (و در سرداب مقدس و غیر آن می‌توان از آن استفاده کرد)، آن حضرت فرمود: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ، وَ لَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ فَمَا تُغْنِي النُّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ عِبَادِ اللّٰهِ الصّٰلِحِينَ. هر گاه خواستید بوسیله ما به خدا، و به سوی ما توجه کنید، این زیارت را بخوانید.

این زیارت مطابق نقل «بحار الانوار» چنین است:

سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَسَّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ، السَّلَامُ

سلام بر آل یاسین سلام بر تو ای دعوت کننده به خدا و عارف به آیاتش سلام

عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ،

بر تو ای واسطه خدا و سرپرست دین او سلام بر تو ای خلیفه خدا و یاور حق او

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَ كِتَابِ اللَّهِ

سلام بر تو ای حجت خدا و راهنمای اراده‌اش سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا

وَ تَرَجُمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

و تفسیر کننده آیات او سلام بر تو در تمام آنات و دقایق شب و سرتاسر روز سلام بر تو

يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ،

ای بجای مانده از طرف خدا در روی زمین سلام بر تو ای پیمان محکم خدا که از مردم گرفت و سخت محکم کرد

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ

سلام بر تو ای وعده خدا که تضمینش کرده سلام بر تو ای پرچم

الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ، وَالْغُوثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَا غَيْرِ

برافراشته و دانش ریزان و فریادرس خلق و رحمت وسیع حق، و آن وعدهای که

مَكْذُوبٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ

دروغ نشود سلام بر تو هنگامی که بیا می ایستی سلام بر تو هنگامی که می نشینی سلام

عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنُتُ، السَّلَامُ

بر تو هنگامی که (فرامین حق را) می خوانی و تفسیر می کنی سلام بر تو هنگامی که نماز می خوانی و قنوت کنی سلام

عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَهَلَّلُ وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ

بر تو هنگامی که رکوع و سجده بجای آوری سلام بر تو هنگامی که «لا اله الا الله» و «الله اكبر» گویی سلام

عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي،

بر تو هنگامی که خدا را ستایش کنی و از او آموزش خواهی سلام بر تو هنگامی که بامداد کنی و شام کنی

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى، وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

سلام بر تو در شب هنگامی که تاریکیش فرا گیرد و در روز هنگامی که پرده برگردد سلام بر تو ای

الْإِمَامِ الْمَأْمُونِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَقْدَمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

امام امین سلام بر تو ای مقدم (بر همه خلق و) مورد آرزوی آنان) سلام بر تو

بِجَوَامِعِ السَّلَامِ، أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدَهُ لَا

به همه سلامها گواه گیرم تو را ای مولا و سرور من که من گواهی دهم به این که معبودی نیست جز خدای یگانه که

شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلَهُ، وَأَشْهَدُكَ

شریک ندارد و نیز (گواهی دهم که) محمد بنده و رسول اوست و محبوبی نیست جز او و خاندانش و گواه گیرم تو را

يَا مَوْلَايَ أَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ، وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ، وَالْحُسَيْنَ

ای مولای من که علی امیر مؤمنان حجت خداست و حسن حجت اوست و حسین حجت

حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَجَعْفَرَ بْنَ

اوست و علی بن الحسین حجت اوست و محمد بن علی حجت اوست و جعفر بن

مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ، وَمُوسَىٰ بِنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ، وَعَلِيٌّ بِنَ مُوسَىٰ حُجَّتُهُ،

محمد حجت اوست و موسی بن جعفر حجت اوست و علی بن موسی حجت اوست

وَمُحَمَّدُ بِنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَعَلِيٌّ بِنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنُ بِنَ عَلِيٍّ

و محمد بن علی حجت اوست و علی بن محمد حجت اوست و حسن بن علی

حُجَّتُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ، أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَأَنَّ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا

حجت اوست و گواهی دهم که تو حجت خدایی، شماید اول و آخر و مسلماً بازگشت شما حق است که

رَيْبَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا، لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ

شکی در آن نیست، روزی که سود ندهد کسی را ایمانش که پیش از آن ایمان نیاورده یا در (مدت)

فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ

ایمان خویش کار خیری انجام نداده و همانا مرگ حق است و ناکر و نکیر (دو فرشته سوال قبر) حق است و گواهی دهم که

النَّشْرَ حَقٌّ، وَالْبُعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَالْمِرْضَادَ حَقٌّ، وَالْمِيزَانَ

زنده شدن پس از مرگ حق است و برانگیخته شده حق است و صراط حق است و مرصاد (کمینگاه) حق است و میزان

حَقٌّ، وَالْحَشْرَ حَقٌّ، وَالْحِسَابَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ، وَالْوَعْدَ

حق است و حشر (در قیامت) حق است و حساب حق است و بهشت و دوزخ حق است و وعده

وَالْوَعْدَ بِهِمَا حَقٌّ، يَا مَوْلَايَ شَقِيٍّ مَنْ خَالَفَكَ، وَسَعِيدٍ مَنْ أَطَاعَكَ،

و تهدید درباره آن دو حق است ای مولای من بدبخت است کسی که مخالفت شما را کرد و سعادتمند است کسی که پیروتان کرد

فَأَشْهَدُ عَلَيَّ مَا أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ، وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ، بَرِيٍّ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا

پس گواهی ده بر آنچه تو را بر آن گواه گرفتم و من دوست توام و بیزارم از دشمنت حق آن است که

رَضِيْتُمُوهُ، وَ الْبَاطِلُ مَا اسْخَطْتُمُوهُ^۲، وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَ الْمُنْكَرُ

شما پسند کردید و باطل همان است که شما بدان خشم کردید و معروف (و کار نیک) همان بود که شما بدان دستور دادید و منکر

مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ

همان بود که شما از آن جلوگیری و نهی کردید، من ایمان دارم به خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و به رسول او و

وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ، أَوْلَكُمْ وَآخِرَكُمْ، وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ،

به امیرمؤمنان و به شما - ای مولای من - از اول تا آخرتان و یاریم برای شما آماده است

۱. در بحار و احتجاج: «أَنَّ النَّشْرَ وَالْبُعْثَ حَقٌّ» آمده.
۲. در بحار و احتجاج «ما سخطتموه» آمده.

وَمَوَدَّتِي خَالِصَةً لَكُمْ، آمِينَ آمِينَ * آنگاه این دعا خوانده شود: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

و دوستیم خالص و پاک برای شماسست آمین آمین * * * * * خدا یا از تو خواهم

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ، وَكَلِمَةَ نُورِكَ، وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ

که درود فرستی بر محمد پیامبر رحمتت و کلمه نورت و دیگر آن که پر کنی دل مرا با نور

الْيَقِينِ، وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ، وَفِكْرِي نُورَ النِّيَّاتِ، وَعَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ،

یقین و سینهام را با نور ایمان و اندیشهام را با نور تصمیمها و ارادهام را با نور علم

وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ، وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ، وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ،

و نیرویم را با نور عمل و زبانم را با نور راستگویی و دین و مذهبم را با نور بیناییهایی از نزد خودت

وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ، وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاةِ

و چشمم را با نور روشنایی و گوشم را با نور فرزنگی و حکمت و دوستیم را با نور موالات

لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، حَتَّى أَلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ،

محمد و آتش علیهم السلام تا تو را دیدار کنم و من به عهد و پیمان تو وفا کردم

فَتَغَشَّيْنِي رَحْمَتَكَ، يَا وَلِيَّيَا حَمِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِي

پس رحمت خود را بر من بیوشان ای سرپرست و ای ستوده خدا یا درود فرست بر محمد حجت تو در

أَرْضِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، وَالِدَاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ،

روی زمینت و جانشین تو در شهرهایت و دعوت کننده بسوی راهت و قیام کننده به عدل و دادت

وَالثَّابِرِ بِأَمْرِكَ، وَوَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ، وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ، وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ، وَمُنِيرِ

و انقلاب کننده به دستور تو، دوست مؤمنان و نابودی کافران و برطرف کننده تاریکی و روشن کننده

الْحَقِّ، وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ،

حق و گویای به حکمت و راستی و آن کلمه (دستور و فرمان) کاملت در روی زمین

الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ، وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ، وَعَلَمِ الْهُدَى، وَنُورِ

که در حال انتظار و هراس بسر برد و آن سرپرست خیرخواه و کشتی نجات و پرچم هدایت و روشنی

أَبْصَارِ الْوَرَى، وَخَيْرٍ مَنْ تَقَمَّصَ وَازْتَدَى، وَمُجَلِّي الْعَمَى، الَّذِي يَمْلَأُ

دیدگان مردم و بهترین کسی که جامه وردا بپوش کرد و زداینده گمراهی آن کس که پر کند

الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مِلْتَّ ظُلْمًا وَجَوْرًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

زمین را از عدل و داد چنانچه پر شده باشد از ستم و بیدادگری که براسستی تو بر هر چیز

قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى وَلِيِّكَ وَابْنِ اَوْلِيَاءِكَ الَّذِيْنَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ،

توانایی خدایا درود فرست بر بنده مقرب درگاهت و فرزند بندگان مقربت آنان که فرض کردی فرمانبرداریشان را

وَ اَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَاذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً، اَللّٰهُمَّ

و واجب گرداندی حقشان را و دور کردی از ایشان پلیدی را و بخوبی پاکیزهشان کردی خدایا

اَنْصُرْهُ وَاَنْتَصِرْ بِهٖ لِدِيْنِكَ، وَاَنْصُرْ بِهٖ اَوْلِيَاءَكَ، وَاَوْلِيَاءَهُ وَشَيْعَتَهُ وَاَنْصَارَهُ،

یاریش کن و بدست او دینت را یاری کن و یاری کن بوسیله او دوستان خودت و دوستان او و شیعیان او و یاورانش را

وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ، اَللّٰهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيْعِ خَلْقِكَ،

و ما را نیز از آنان قرار ده خدایا نگاهش دار از شر هر متجاوز و سرکشی و از شر همه مخلوق خودت

وَ اَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِيْنِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَاَحْرُسْهُ

و محافظت کن از پیش رُویش و از پشت سرش و از سمت راستش و از طرف چپش و پاسداری کن و

وَ اَمْنَعُهُ مِنْ اَنْ يُّوْصَلَ اِلَيْهِ بِسُوْءٍ، وَاَحْفَظْ فِيْهِ رَسُوْلَكَ، وَاَلْ رَسُوْلِكَ،

نگاهش دار از این که گزند و آسیبی بدو رسد و (شوکت و عزت) رسول و آل رسولت را در (وجود) او حفظ فرما

وَ اَظْهَرْ بِهٖ الْعَدْلَ، وَاَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَاَنْصُرْ نَاصِرِيْهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيْهِ، وَاَقْصِمْ

و آشکار (یا پیروز) گردان بدست او عدل و داد را و بیاریت کمکش کن و یاورش را نیز یاری کن و هر که دست از یاریش بردارد خوار گردان و در هم شکن

قَاصِمِيْهِ، وَاَقْصِمْ بِهٖ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَاَقْتُلْ بِهٖ الْكُفْرَ وَاَلْمُنَافِقِيْنَ، وَ جَمِيْعَ

شکنندهاش را و بشکن بدست او قدرت و شوکت کافران را و آنان را بدست آن حضرت به خاک هلاک افکن و هم چنین منافقان و همه

الْمُلْحِدِيْنَ حَيْثُ كَانُوْا مِنْ مَّشَارِقِ الْاَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا،

بی‌دینان ستیزه‌جو را در هر جا هستند از خاورهای زمین و باخترهای آن چه در خشکی و چه در دریا،

وَ اَمْلَأْ بِهٖ الْاَرْضَ عَدْلًا، وَاَظْهَرْ بِهٖ دِيْنَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

و پرکن بوسیله او زمین را از عدل و داد و آشکار (یا پیروز) کن بوسیله‌اش دین پیامبرت - صلی الله علیه و آله - را

وَاجْعَلْنِي اللّٰهُمَّ مِنْ اَنْصَارِهِ وَ اَعْوَانِهِ، وَ اَتْبَاعِهِ وَ شَيْعَتِهِ، وَ اَرِنِيْ فِيْ آلِ

و قرار ده خدایا مرا نیز از یاران و کمک کاران و پیروان و شیعیانش و به من بنما در مورد آل

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُوْنَ، وَفِيْ عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُوْنَ، اِلَهَ الْحَقِّ

محمد علیهم السلام آنچه را آرزو داشتند و در مورد دشمنشان آنچه از آن می‌ترسند مستجاب گردان ای معبود حق

آمِنَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱.

و ای صاحب جلالت و بزرگواری ای مهربانترین مهربانان.

یادآوری: همان گونه که اشاره شد این زیارت از زیارات مطلقه است و اختصاصی به سرداب مقدّس ندارد، لذا در هر زمان - مخصوصاً عصر جمعه - می توان آن را خواند.

زیارت دوم (زیارت مخصوص سرداب):

«عَلَّامَةُ مَجْلِسِي» از «شیخ مفید» و «شهید اوّل» و «مولّف مزار کبیر» نقل می کند که هرگاه از زیارت جدّ و پدر حضرت حجت علیه السلام فارغ شدی بر درِ حرم آن حضرت بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَخَلِيفَةَ آبَائِهِ الْمَهْدِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای نماینده خدا و جانشین پدران راه یافته اش سلام بر تو ای

وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ الْمَاضِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

وصی اوصیای گذشته سلام بر تو ای نگهبان رازها و اسرار پروردگار جهانیان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَةِ الْمُنتَجَبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

سلام بر تو ای یادگار خدا از زبده برگزیدگان سلام بر تو ای فرزند

الْأَنْوَارِ الزَّاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَعْلَامِ الْبَاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

نورهای تابان سلام بر تو ای فرزند مشعل های فروزان سلام بر تو ای فرزند

الْعِثْرَةِ الطَّاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْعُلُومِ النَّبَوِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

عترت پاکیزه سلام بر تو ای معدن علوم نبوی سلام بر تو ای

بَابِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُوتَى إِلَّا مِنْهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ

درگاه خدا که نروند (بسوی او) جز از آن (درگاه) سلام بر تو ای راه خدا که هر که جز آن راه را بیمود

غَيْرَهُ هَلَكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاطِرَ شَجَرَةِ طُوبَى، وَسِدْرَةَ الْمُنتَهَى،

به هلاکت افتاد سلام بر تو ای بیننده درخت طوبی و سدره المنتهی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الَّتِي لَا

سلام بر تو ای نور خدا آن نوری که خاموش نگردد سلام بر تو ای حجت خداوند آن حجتی که

۱. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۸۱، حدیث ۱ و احتجاج، جلد ۲، صفحه ۴۹۲ (با اندکی تفاوت).

تَخْفِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، السَّلَامُ

پوشیده نماند سلام بر تو ای حجت خدا بر هر که در زمین و آسمان است سلام

عَلَيْكَ سَلَامٌ مَنْ عَرَفَكَ بِمَا عَرَفَكَ بِهِ اللَّهُ، وَنَعْتِكَ بِبَعْضِ نِعْوَتِكَ الَّتِي أَنْتَ

بر تو سلام کسی که تو را شناخته است بدانسان که خدا تو را شناسانده است و توصیف کند به برخی از صفات تو که

أَهْلُهَا وَفَوْقَهَا، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ، وَأَنَّ حِزْبَكَ

شایسته آنی و بالاتر از آن گواهی دهم که تویی حجت بر رفتگان و باقیماندگان و حتماً گروه تو

هُمْ الْغَالِبُونَ، وَأَوْلِيَاءُكَ هُمُ الْفَائِزُونَ، وَأَعْدَاؤُكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ، وَأَنَّكَ

پیروز شوند و دوستان تو رستگاران و دشمنانت زیانکارند و تویی

خَازِنُ كُلِّ عِلْمٍ، وَفَاتِقُ كُلِّ رَتْقٍ، وَمُحَقِّقُ كُلِّ حَقٍّ، وَمُبْطِلُ كُلِّ بَاطِلٍ،

خزینهدار هر دانشی و گشاینده هر گره بسته و پایرجا کننده هر حق، و باطل کننده هر باطل

رَضِيْتُكَ يَا مَوْلَايَ إِمَامًا وَهَادِيًا وَوَلِيًّا وَمُرْشِدًا، لَا أَبْتَغِي بِكَ بَدَلًا، وَلَا

پسندیدم تو را ای سرور من به امامت و راهنمایی و سرپرستی و رهبری و نجویم بجای تو دیگری را و

أَتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ وَلِيًّا، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ، وَأَنَّ

نگیرم جز تو سرپرست دیگری را گواهی دهم که تویی آن حق مسلم و ثابتی که عیبی در آن نیست و برستی

وَعَدَ اللَّهُ فِيكَ حَقًّا، لَا أَرْتَابُ لَطُولِ الْغَيْبَةِ وَبَعْدِ الْأَمَدِ، وَلَا أَتَحِيرُ مَعَ مَنْ

وعدۀ خدا در تو مسلم است و شک به خود راه ندهم بخاطر طول غیبت تو و دوری زمان و سرگردان نشوم به همراه آنان که

جَهْلِكَ وَجَهْلَ بَيْتِكَ، مُنْتَظِرٌ مُتَوَقِّعٌ لِأَيَّامِكَ، وَأَنْتَ الشَّافِعُ الَّذِي لَا تُنَازَعُ،

تو را نشناختند و به تو جاهلند چشم به راه و منتظر روزهای حکومت و فرمانروایت هستم و تویی آن واسطه و شفیع که نزاعی در آن نیست

وَالْوَلِيُّ الَّذِي لَا تُدَافَعُ، ذَخَرَكَ اللَّهُ لِنُصْرَةِ الدِّينِ، وَإِعْزَازِ الْمُؤْمِنِينَ،

و آن سرپرستی که مزاحم نداری ذخیرات کرده است خدایند برای یاری دین و شوکت مؤمنین

وَالْإِنْتِقَامِ مِنَ الْجَاهِدِينَ الْمَارِقِينَ، أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ،

و انتقام گرفتن از منکرین و بیرون رفتگان از دین گواهی دهم که همانا بوسیله دوستی تو پذیرفته گردد اعمال

وَتُرَكَّى الْأَفْعَالُ، وَتُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ، وَتُمْحَى السَّيِّئَاتُ، فَمَنْ جَاءَ

و پاک شود کردار و چند برابر گردد کارهای خوب و محو شود کارهای بد پس هر که

بَوْلَايَتِكَ، وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ، قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ، وَصُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ، وَتُضَاعَفَتْ

ولایت تو را داشت و به امامت تو اعتراف کرد اعمالش پذیرفته و گفتارش مورد تصدیق و گواهی است و کارهای

حَسَنَاتُهُ، وَمَحِيَّتُ سَيِّئَاتِهِ، وَمَنْ عَدَلَ عَنْ وِلايَتِكَ، وَجَهَلَ مَعْرِفَتَكَ،

نیکش مضاعف و بدیهایش محو گردد و هر که رو گرداند از ولایت و دوستی تو و تو را نشاخت

وَاسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ، كَبَّهُ اللهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ، وَلَمْ يَقْبَلِ اللهُ لَهُ عَمَلًا،

و بجای تو دیگری را برگزید خداوند او را سرنگونش کند بصورت در آتش دوزخ و هیچ کاری را از او نپذیرد

وَلَمْ يَقُمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا، أَشْهَدُ اللهُ وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَهُ، وَأَشْهَدُكَ يَا

و میزانی برای او در قیامت بر پا نکند (و حسایی برایش باز نکند) گواه گیرم خدا و فرشتگانش را و نیز گواه گیرم تو را ای

مَوْلَايَ بِهَذَا ظَاهِرُهُ كِبَاطِنِهِ، وَسِرُّهُ كَعَلَانِيَتِهِ، وَأَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَى ذَلِكَ،

سرور من بدانچه گفتم که ظاهر و باطنش یکسان است و نهان و آشکارش یکی است و تو گواهی بر این،

وَهُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ، وَمِيثَاقِي لَدَيْكَ، إِذْ أَنْتَ نِظَامُ الدِّينِ، وَيَعْسُوبُ

و این عهد و پیمان من است در پیش تو چون تویی نظام بخش دین و بزرگ

الْمُتَّقِينَ، وَعِزُّ الْمُؤَحِّدِينَ، وَبِذَلِكَ أَمَرَنِي رَبُّ الْعَالَمِينَ، فَلَوْ تَطَاوَلَتِ

متقین و عزت بخش مردمان یکتاپرست و به همین دستور داده است مرا پروردگار جهانیان و اگر طولانی گردد

الدُّهُورُ وَتَمَادَّتِ الْأَعْمَارُ لَمْ أَزِدْ فِيكَ إِلَّا يَقِينًا، وَلَكَ إِلَّا حُبًّا، وَعَلَيْكَ

روزگاری و به درازا کشد عمرها نیفزاید مرا درباره تو جز یقین و زیاد نگرداند برای تو در من بجز محبت و جز

إِلَّا مُتَّكِلًا وَمُعْتَمِدًا، وَلِظُهُورِكَ إِلَّا مُتَوَقِّعًا وَمُنْتَظَرًا، وَلِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ

توکل و اعتماد بر تو و جز انتظار و توقع ظهور و پیروزی و جز آن که چشم براه آن باشم که در پیش رویت

مُتَرَقِّبًا، فَأَبْذُلُ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي، وَ أَهْلِي وَ جَمِيعَ مَا خَوَّلَنِي رَبِّي

بیکار کنم و جان خود و مال و فرزند و خاندان و خلاصه هر چه را خدا به من داده است همه را

بَيْنَ يَدَيْكَ، وَالتَّصَرَّفَ بَيْنَ أَمْرِكَ وَ نَهْيِكَ، مَوْلَايَ فَإِنْ أَدْرَكْتُ أَيَّامَكَ

در راهت نثار کنم و همه را در اختیار امر و نهی تو بگذارم مولای من اگر من آن دوران

الزَّاهِرَةَ، وَ أَعْلَامَكَ الْبَاهِرَةَ، فَهَا أَنَا ذَا عَبْدِكَ الْمُتَصَرِّفُ بَيْنَ أَمْرِكَ وَ نَهْيِكَ،

درخشان را درک کنم و آن پرچم‌های نمایان تو را ببینم پس من همان بنده تو باشم که خود را در اختیار امر و نهی تو بگذارم

أَرْجُو بِهِ الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ الْفَوْزَ لَدَيْكَ، مَوْلَايَ فَإِنْ أَدْرَكَنِي الْمَوْتُ

تا بلکه بدان وسیله در پیش رویت بشهادت رسم و در نزد تو کامیاب گردم، ای مولای من و اگر پیش از زمان ظهور تو

قَبْلَ ظُهُورِكَ، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِكَ وَ بِأَبَائِكَ الطَّاهِرِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَ أَسْأَلُهُ

مَرگ به سراغم آید من توسل جویم بوسیله تو و بوسیله پدران پاک تو بدرگاه خدای تعالی و از او خواهم

أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ،

که درود فرستد بر محمد و آل محمد و مقَرَّر فرماید بر من بازگشتن در زمان ظهورت را

وَرَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ، لِأَبْلُغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي، وَأَشْفِي مِنْ أَعْدَائِكَ

و دوباره آمدن در آن روزهای درخشان حکومت را تا در مورد فرمانبرداری تو به مقصود خود برسم (و جراحت) دلم را از دشمنانت

فُوَادِي، مَوْلَايَ وَقَفْتُ فِي زِيَارَتِكَ مَوْقِفَ الْخَاطِئِينَ النَّادِمِينَ،

شفا بخشم سرورا من ایستاده‌ام برای زیارت تو چون خطاکاران پشیمانی

الْخَائِفِينَ مِنْ عِقَابِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَقَدْ اتَّكَلْتُ عَلَى شَفَاعَتِكَ،

که ترسانند از کفر پروردگار جهانیان و تکیه کرده‌ام بر شفاعت و وساطت تو

وَرَجَوْتُ بِمَوْلَاتِكَ وَشَفَاعَتِكَ مَحْوَ ذُنُوبِي، وَسَتْرَ عُيُوبِي، وَمَغْفِرَةَ

و از دوستی و شفاعت تو امید آن دارم که گناهانم محو شود و عیوبم پوشیده گردد و لغزش‌هایم

زَلَلِي، فَكُنْ لَوْلِيَّكَ يَا مَوْلَايَ عِنْدَ تَحْقِيقِ أَمَلِي، وَاسْأَلِ اللَّهَ غُفْرَانَ زَلَلِي،

آمرزیده شود پس تو هم ای مولای من کمک چاکرت کن تا آرزویش تحقق یابد و از خداخواه که لغزشش را ببامزد

فَقَدْ تَعَلَّقَ بِحَبْلِكَ، وَتَمَسَّكَ بِوِلَايَتِكَ، وَتَبَرَّءَ مِنْ أَعْدَائِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ

زیرا که به رشته محبت تو چنگ زده و به ولایت و دوستی تو تمسک جسته و از دشمنانت بی‌زاری جوید خدایا درود فرست

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْجِزْ لَوْلِيَّكَ مَا وَعَدْتَهُ، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ كَلِمَتَهُ، وَأَعْلِ

بر محمد و آلش و وفا کن بدان وعده‌ای که به بنده مقربت داده‌ای، خدایا آشکار کن سخن و آیینش را و بلند کن

دَعْوَتَهُ، وَأَنْصُرْهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَعَدُوِّكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

دعوتش را و یاریش ده بر دشمنش و بر دشمن تو ای پروردگار جهانیان خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَظْهِرْ كَلِمَتَكَ التَّامَّةَ، وَمُعْيَبِكَ فِي أَرْضِكَ، الْخَائِفَ

محمد و آل محمد و آشکار کن آن کلمه تامه (و حجت بالغه) خود را و آن پنهان شده در روی زمینت و آن هراسان

الْمُتَرَقِّبَ، اللَّهُمَّ أَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا، وَأَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا قَرِيبًا يَسِيرًا،

نگران را خدایا یاریش ده یاری نیرومندی و بگشا برایش گشایشی نزدیک و آسان

اللَّهُمَّ وَأَعِزِّ بِهِ الدِّينَ بَعْدَ الْخُمُولِ، وَأَطْلِعْ بِهِ الْحَقَّ بَعْدَ الْأَقْوَالِ، وَأَجَلِ بِهِ

خدایا نیرومند گردان بدست او دین را پس از گمنامی و طالع کن بدو (خورشید) حق (و حقیقت) را پس از غروب آن و برطرف کن بدو

الظُّلْمَةَ، وَاکْشِفْ بِهِ الْعُمَّةَ، اللَّهُمَّ وَأَمِّنْ بِهِ الْبِلَادَ، وَاهْدِ بِهِ الْعِبَادَ، اللَّهُمَّ

تاریکی را و بگشا بدو غم و اندوه را خدایا ایمن گردان بوسيله‌اش شهرها را و راهنمایی کن بدو بندگانت را خدایا

املاً بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، إِنَّكَ سَمِيعٌ

بر کن زمین را بدو از عدل و داد چنانچه پرشده از ستم و بیدادگری که برستی تو شنوا

مُجِيبٌ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، إِذْنُ لَوْلِيَّكَ فِي الدُّخُولِ إِلَى حَرَمِكَ،

و پاسخ دهنده‌ای سلام بر تو ای ولی خدا اجازه ده برای دوست که در حرمت داخل شود

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. ۱

- درودهای خدا بر تو و بر پدران پاکت - و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد.

آنگاه به طرف سرداب غیبت آن حضرت حرکت کن و رخصت بطلب و وارد شو و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِاطْمَأْنِينِهِ وَحُضُورِ قَلْبِ يَابِينِ بَرُو وَدِرْ عَرَصَةُ سِرْدَابِ، دُو رَكَعَتِ نَمَازِ

بِخَوَانِ وَبِغَوْ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَاللَّهُ الْحَمْدُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

*** ** * خدا بزرگتر (از توصیف) است خدا بزرگتر (از توصیف) است معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است و حمد خاص خداست، ستایش خداوندی را

الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَعَرَفْنَا أَوْلِيَاءَهُ وَأَعْدَاءَهُ، وَوَقَّفْنَا لِرِيزَارَةِ أَيْمَتِنَا، وَكَلِمَ

که ما را به این راه هدایت فرمود و دوستان و دشمنانش را به ما معرفی کرد و ما را به زیارت امامان موفقمان داشت و

يَجْعَلُنَا مِنَ الْمُعَانِدِينَ النَّاصِبِينَ، وَلَا مِنَ الْعُلَاةِ الْمُفَوِّضِينَ، وَلَا مِنْ

قرارمان نداد از دشمنان و ناصبیان و نه از غالیانی (که غلو کردند و آنان) که معتقد به تفویض (و واگذارن کار بدست آنها) هستند و نه از کسانی که

الْمُرْتَابِينَ الْمُقْصِرِينَ، السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَابْنِ أَوْلِيَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَى

شک و تردید داشتند و کوتاهی کنند سلام بر بنده مقرب خدا و فرزند بندگان مقربش سلام بر

الْمُدَّخِرِ لِكِرَامَةِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، وَبَوَارِ أَعْدَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى النُّورِ الَّذِي أَرَادَ

آن که ذخیره شده تا اولیای خدا را گرمی کند و دشمنانش را نابود گرداند سلام بر آن نور تابانی که

أَهْلُ الْكُفْرِ إِطْفَاءَهُ، فَابِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ يُتَمَّ نُوْرَهُ بِكُرْهِهِمْ، وَأَيْدَهُ بِالْحَيَاةِ

اهل کفر آهنگ خاموش کردنش را کردند ولی خداوند نخواست جز آن که نور خود را آشکار و کامل گرداند گرچه آنان را ناخوش آید و او را بوسیله زندگی (طولانی) نگاه داشت

حَتَّى يُظْهِرَ عَلَى يَدِهِ الْحَقَّ بِرَغْمِهِمْ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اضْطَفِيكَ صَغِيرًا،

تا برغم آنان حق را بدست او آشکار سازد گواهی دهم که برستی خداوند تو را در کوچکی برگزید

وَإَكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبِيرًا، وَإِنَّكَ حَيٌّ لَا تَمُوتُ حَتَّى تُبْطَلَ الْجِبْتُ

و علوم خود را برای تو در بزرگی کامل کرد و تو زنده هستی و نخواهی مرد تا از میان برداری جبت

وَالطَّاعُونَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى خُدَامِهِ، وَأَعُوَانِهِ عَلَى غَيْبَتِهِ وَنَايِهِ،

و طاغوت (معبودهای ساختگی و یاغیان) را خدایا درود فرست بر آن حضرت و بر خدمتکاران و کمک کارانش در دوران غیبت و دوریش

وَأَسْتُرْهُ سِتْرًا عَزِيزًا، وَاجْعَلْ لَهُ مَعْقِلًا حَرِيْرًا، وَأَشْدِدِ اللَّهُمَّ وَطَاتَكَ

و مستور دار در پردهٔ عزت (و نیرومندی) و او را در پناهگاه محکمی قرارش ده و پایمال کردن و سرکوبی خود را

عَلَى مُعَانِدِيهِ، وَاحْرُسْ مَوَالِيَهُ وَزَأْرِيهِ، اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ

به دشمنانش سخت و شدید گردان و دوستان و زائریش را (از گزند روزگار) حفظ کن خدایا چنانچه دل مرا به یاد آوری او

مَعْمُورًا، فَاجْعَلْ سِلَاحِي بِنُصْرَتِهِ مَشْهُورًا، وَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ لِقَائِهِ

آباد کردی اسلحهٔ مرا نیز در یاری او (آماده کن و) از نیام بدر آر و اگر حایل شد میان من و میان دیدار آن حضرت

الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا، وَأَقْدَرْتَ بِهِ عَلَى خَلْقِكَ

آن مرگی که مسلم کردی بر بندگانت و مقدر کردی آن را بر خلق خود تا بینشان به خاک مالیده

رَغْمًا، فَابْعَثْنِي عِنْدَ خُرُوجِهِ ظَاهِرًا مِنْ حُفْرَتِي، مُؤْتَرًّا كَفْنِي، حَتَّى

و زیونشان کنی پس مرا هنگام ظهورش برانگیز تا سر برآرم از قبرم و همان طور که کفن پوشیده‌ام

أُجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصَّفِّ الَّذِي أَتَيْتَ عَلَى أَهْلِهِ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتُ

پیکار کنم در پیش رویش در آن صفی که ستایش کردی اهل آن صف را در قرآن و فرمودی

كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ، اللَّهُمَّ طَالَ الْأَنْتِظَارُ، وَشِمْتَ بِنَا الْفُجَّارُ،

«گویی آنها بنایی استوارند» خدایا انتظار ما به درازا کشید و مردمان فاجر بدکار ما را شماتت کنند

وَصَعَبَ عَلَيْنَا الْأَنْتِظَارُ، اللَّهُمَّ أَرِنَا وَجْهَهُ وَلِيَّكَ الْمَيْمُونُ فِي حَيَاتِنَا

و انتقام (از دشمن) بر ما دشوار گشت خدایا نشان ده به ما روی میمون بندهٔ مقرب و نماینده‌ات را در حال زندگی

وَبَعْدَ الْمُنُونِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيِ صَاحِبِ هَذِهِ

و پس از مرگ خدایا من اعتقاد دارم به رجعت در پیش روی صاحب این

الْبُقْعَةِ، الْغَوْثُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، قَطَعْتُ فِي وُضْعَتِكَ

بقعه، فریاد، فریاد، فریاد، ای صاحب الزمان برای رسیدن به تو

الْخُلَانِ، وَهَجَرْتُ لَزِيَارَتِكَ الْأَوْطَانَ، وَأَخْفَيْتُ أَمْرِي عَنْ أَهْلِ الْبُلْدَانِ،

از دوستان صمیمی بریدم و برای زیارتت وطن را ترک کردم و هدف و مقصودم را از مردم شهرها (ی سر راه) پنهان داشتم

لِتَكُونَ شَفِيْعًا عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي، وَإِلَىٰ آبَائِكَ وَمَوَالِيٍّ فِي حُسْنِ التَّوْفِيقِ

تا تو شفیع من گردی در نزد پروردگار خود و پروردگار من و پیش پدرانم و سروران من در (خواستن) خوش توفیقی

لِي، وَإِسْبَاغِ النَّعْمَةِ عَلَيَّ، وَسَوْقِ الْإِحْسَانِ إِلَيَّ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

برای من و فراوانی نعمت بر من و روان شدن احسان و بخشش بسوی من خدایا درود فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ أَصْحَابِ الْحَقِّ، وَقَادَةَ الْخَلْقِ، وَاسْتَجِبْ مِنِّي مَا دَعَوْتُكَ،

و آل محمد ملازمین حق و راهبران خلق و به اجابت رسان برآیم آنچه دعا کردم

وَاعْطِنِي مَا لَمْ أَنْطِقْ بِهِ فِي دُعَائِي مِنْ صَلَاحِ دِينِي وَدُنْيَايَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ

و عطا کن به من آنچه را به زبان نیاوردم در دعایم از آنچه به صلاح دین و دنیای من است که برآستی تویی ستوده

مَجِيدٌ، وَصَلَّى اللهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. آنگاه داخل صفّه (ایوان) شو و دو

و بزرگوار و درود خدا بر محمد و آل پاکش باد. * * * * *

رَكَعَتِ نَمَازِ بَخْوَانٍ وَبِگُو: اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ الزَّائِرُ فِي فِنَاءٍ وَلِيِّكَ، اَلْمَزُورِ الَّذِي

* * * * * خدایا بنده زائر تو در آستان بنده مقرب توست که به زیارتش آید آن که

فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلٰى الْعَبِيدِ وَالْأَحْرَارِ، وَأَنْقَذْتَ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ عَذَابِ

واجب کردی فرمانبرداریش را بر هر بنده و آزاد و نجات دادی بوسیله اش دوستان خود را از عذاب

النَّارِ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا زِيَارَةً مَّقْبُولَةً ذَاتَ دُعَاءٍ مُسْتَجَابٍ، مِنْ مُصَدِّقِ

دوزخ خدایا این زیارت را زیارتی پذیرفته قرار ده و زیارتی که در آن دعایی مستجاب باشد از فردی که تصدیق کرده

بِوَلِيِّكَ غَيْرِ مُرْتَابٍ، اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَلَا بِيَارَتِهِ، وَلَا

ولی تو را بدون هیچ تردیدی خدایا قرارش مده آخرین بار آمدنم به آستان این بزرگوار و زیارتش و

تَقْطَعُ أَثْرِي مِنْ مَشْهَدِهِ وَزِيَارَةِ أَبِيهِ وَجَدِّهِ، اَللّٰهُمَّ أَخْلِفْ عَلَيَّ نَفَقَتِي،

پای مرا از زیارتگاه او و زیارت پدر و جدش مبر، خدایا آنچه در این راه خرج کردم عوض آن را به من بده

وَانْفَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي لِي، وَلَا إِخْوَانِي وَأَبَوِيَّ وَجَمِيعِ

و سود بخش کن و آنچه را روزی من کرده ای در دنیا و آخرت من و برای برادرانم و پدر و مادرم و همه

عِزَّتِي، اَسْتَوْدِعُكَ اللهُ أَيُّهَا الْإِمَامُ الَّذِي يَفُوزُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، وَيَهْلِكُ عَلَيَّ

خاندانم تو را به خدا می سپارم ای امام بزرگواری که رستگار شوند بوسیله او مؤمنان و نابود گردند

يَدِيهِ الْكَافِرُونَ الْمُكْذِبُونَ، يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، جِئْتُكَ

بدست او مردمان کافر و تکذیب کننده ای مولای من ای فرزند حسن بن علی به دربار آمده ام

زَأْرًا لَكَ وَلَا بِيكَ وَجَدَّكَ، مُتَيَقِّنًا الْفَوْزَ بِكُمْ، مُعْتَقِدًا إِمَامَتَكُمْ، اَللّٰهُمَّ

برای زیارت تو و پدر و جدت و یقین به رستگاری خویش بوسیله شما دارم و معتقد به امامت شما هستم خدایا

اَكْتُبُ هَذِهِ الشَّهَادَةَ وَالزِّيَارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي عَلَيِّينَ، وَبَلِّغْنِي بِلَاغِ

ثبت کن این گواهی و زیارت مرا نزد خودت در بلندترین جاها و برسانم بدان جا که رسیدند بدان

الصَّالِحِينَ، وَأَنْفَعْنِي بِحَبِّهِمْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. ۱

مردمان شایسته و از دوستی ایشان به من سود ده ای پروردگار جهانیان.

زیارت سوم: از جمله زیاراتی که مرحوم علامه مجلسی از «سید بن طاووس» نقل کرده، بدین قرار

است:

خطاب به آن حضرت می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ، وَالْعَالِمِ الَّذِي عِلْمُهُ لَا يَبِيدُ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر آن حق تازه و جدید و آن دانشمند بزرگواری که دانشش تمام نگردد سلام بر

مُحْيِي الْمُؤْمِنِينَ، وَمُبِيرِ الْكَافِرِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَمِ، وَجَامِعِ

زنده کننده مؤمنان و نابود کننده کافران سلام بر مهدی همه ملل و جامع

الْكَلِمِ، السَّلَامُ عَلَى خَلْفِ السَّلَفِ، وَصَاحِبِ الشَّرَفِ، السَّلَامُ عَلَى

تمام کلمات (و احکام الهی) سلام بر یادگار گذشتگان و صاحب شرف (و بزرگی) سلام بر

حُجَّةِ الْمَعْبُودِ، وَكَلِمَةِ الْمَحْمُودِ، السَّلَامُ عَلَى مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ، وَمُذِلِّ

حجت (از طرف خدای) معبود و کلمه ستوده سلام بر عزتبخش دوستان حق و خوار کننده

الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَى وَاثِرِ الْأَنْبِيَاءِ، وَخَاتَمِ الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى

دشمنان او سلام بر وارث پیامبران و خاتم اوصیا سلام بر

الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ، وَالْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ، السَّلَامُ عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ، وَالْقَمَرِ

حضرت قائم منتظر و آن (سر تا پا) عدالت مشهور سلام بر شمشیر از نیام کشیده (حق) و ماه

الزَّاهِرِ، وَالنُّورِ الْبَاهِرِ، السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ الظَّلَامِ، وَبَدْرِ التَّمَامِ، السَّلَامُ

تابان و نور درخشان سلام بر خورشید تاریکی و ماه شب چهارده سلام

عَلَى رَبِيعِ الْأَنَامِ، وَنَضْرَةِ الْأَيَّامِ، السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الصَّمْصَامِ، وَ

بر بهار (شکوفان) مردمان و شادمانی و خرمی روزگار و دوران سلام بر صاحب شمشیر بزبان و

۱. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۱۰۲ و مزار کبیر، صفحه ۶۵۷ (با اندکی تفاوت).

فَلَاقِ الْهَامَ، السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الدِّينِ الْمَأْثُورِ، وَ الْكِتَابِ الْمَسْطُورِ،

شکافنده سرها سلام بر صاحب دین و آیین مقرر (و رسیده از جانب خدا) و کتاب نگاشته

السَّلَامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ، وَ حُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ، الْمُنْتَهَى إِلَيْهِ

سلام بر نماینده خدا در شهرهایش و حجت او بر بندگانش آنکه به او رسید

مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَلَدَيْهِ مَوْجُودٌ آثَارُ الْأَصْفِيَاءِ، الْمُوْتَمَنِّ عَلَى السَّرِّ،

میراث پیامبران و نزد او موجود است آثار برگزیدگان آن امین بر راز

وَالْوَلِيِّ لِلْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ، أَنْ

و سرپرست کار (امامت) سلام بر مهدی که وعده کرده خدای عزوجل به آمدنش ملت‌ها را تا

يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَيَلْمُ بِهِ الشَّعْتَ، وَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا،

گرد آورد بوسله‌اش گفته‌های همه را و برطرف کند بوسله‌اش پراکندگی را و پر کند بدست او زمین را از عدل و داد

وَيُمْكِنَ لَهُ، وَيُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ وَالْأُمَّةَ مِنْ

و موقعیش را محکم و پابرجا کند و با آمدنش به وعده‌ای که به مؤمنین داده وفا کند گواهی دهم ای مولای من که تو و

أَبَائِكَ أَيْمَنِي، وَمَوَالِي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ، أَسْأَلُكَ يَا

پدران پیشوای تو امامان و سروران من هستید در زندگی دنیا و هم در آن روزی که گواهان (خلق) بپاخیزند از تو خواهم ای

مَوْلَايَ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي صَلَاحِ شَأْنِي، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي،

مولای من که درخواست کنی از خدای تبارک و تعالی اصلاح کارم را و برآوردن حاجاتم

وَعُفْرَانِ ذُنُوبِي، وَالْأَخْذِ بِيَدِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، لِي

و آمرزش گناهانم را و دستگیرت از من در دین و دنیا و آخرتم

وَلِإِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ كَأَقَّةٍ، إِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

و هم چنین برای برادران و خواهران با ایمانم همگی که او خدایی است آمرزنده و مهربان.

آنگاه دوازده رکعت نماز به عنوان نماز زیارت بجای می‌آوری بعد از هر دو رکعت، سلام می‌دهی و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام می‌گویی و آن را به آن حضرت هدیه می‌کنی و هنگامی که از نماز فارغ شدی می‌گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، أَلِدَّاعِي إِلَى

خدایا درود فرست بر حجت خود در روی زمینت و جانشین خود در شهرهایت آن که دعوت کند به

سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ، وَالْفَائِزِ بِأَمْرِكَ، وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ، وَمُبِيرِ

راه تو و قیام کند به عدل تو و کامیاب به فرمان تو سرپرست مؤمنان و نابود کننده

الْكَافِرِينَ، وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ، وَمُنِيرِ الْحَقِّ، وَالصَّادِعِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

کافران و برطرف کننده تاریکی و روشنی بخش حق و گویای به حکمت و پند

الْحَسَنَةِ وَالصَّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ وَعَيْبَتِكَ، وَعَيْنِكَ فِي أَرْضِكَ، الْمُنْتَرِقِ

نیکی و راستی و کلمه (و دستور) تو و گنجینهات و دیدهات در روی زمینت آن نگران

الْخَائِفِ، الْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ، وَعَلِمِ الْهُدَى، وَنُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى،

ترسان و آن دوستدار خیرخواه کشتی نجات و پرچم هدایت و نور دیدگان مردم

وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَأَزْتَدَى، وَالْوَتْرِ الْمُؤْتُورِ، وَمَفْرَجِ الْكَرْبِ، وَمَزِيلِ

و بهترین کسی که پیراهن و قبای (خلافت) به بر کند و انتقام کننده خون مظلومان و گشاینده گرفتاری و زداینده

الْهَمِّ، وَكَاشِفِ الْبَلْوَى، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَّةِ الْهَادِينَ،

اندوه و برطرف کننده بلا دروهای خدا بر او و بر پدران آن پیشوایان راهنما

وَالْقَادَةَ الْمِيَامِينَ، مَا طَلَعَتْ كَوَاكِبُ الْأَسْحَارِ، وَأَوْرَقَتِ الْأَشْجَارُ، وَأَيْنَعَتِ

و رهبران خجسته باد تا هرگاه که سرزند اختران سحرگاه و برگ کند درختان و برسد

الْأَثْمَارُ، وَاخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَغَرَّدَتِ الْأَطْيَارُ، اللَّهُمَّ أَنْفَعْنَا

میوهها و گردش کند شب و روز و نغمه سرای کنند پرندگان خدایا سودمند کن ما را

بِحُبِّهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ، وَتَحْتَ لُؤَائِهِ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. ۱

به دوستیش و محشورمان کن در گروه او و در زیر پرچمش ای معبود به حق آمین ای پروردگار جهانیان.

مرحوم «سید بن طاووس» پس از زیارت فوق این صلوات را برای آن حضرت ذکر کرده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ الْحَسَنِ، وَوَصِيِّهِ

خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش و درود فرست بر نماینده امام حسن و وصی او

وَوَارِثِهِ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، وَالْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ، وَالْمُنْتَظَرِ لِذَنْكَ، اللَّهُمَّ

و وارثش آن که قیام کند بدستورت و آن پنهان در خلق تو و چشم‌براه اذن تو خدایا

صَلَّ عَلَيْهِ، وَقَرَّبَ بَعْدَهُ، وَأَنْجَزَ وَعَدَّهُ، وَأَوْفِ عَهْدَهُ، وَاکْشِفْ عَنْ بَاسِهِ

درد فرست بر او و نزدیک کن دوریش را و انجام ده وعده‌اش را و وفا کن به عهد و پیمانش و برطرف کن از نیرویش

حِجَابِ الْغَيْبَةِ، وَأَظْهَرِ بَظُهُورِهِ صَحَائِفَ الْمُحَنَّةِ، وَقَدِّمُ أَمَامَهُ الرَّعْبَ،

پرده غیبت را و پشت سر انداز با ظهور آن حضرت اوراق محنت و اندوه را و بفرست در پیش رویش رعب و ترس را

وَتَبَّتْ بِهِ الْقَلْبَ، وَأَقِمْ بِهِ الْحَرْبَ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ،

و آرامش ده به او دل را و برپا کن بدستش جنگ را و کمکش کن به لشکری از فرشتگان نشاندار

وَسَلْطُهُ عَلَى أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ، وَالْهَمَّهُ أَنْ لَا يَدَعَ مِنْهُمْ رُكْنًا إِلَّا

و مسلطش کن بر دشمنان دینت همگی و به او الهام کن که پایه‌ای از آنها نگذارد جز

هَدَهُ، وَلَا هَامًا إِلَّا قَدَّهُ، وَلَا كَيْدًا إِلَّا رَدَّهُ، وَلَا فَاسِقًا إِلَّا حَدَّهُ، وَلَا فِرْعَوْنَ

آنکه فرو ریزد و نه سری از آنها جز آنکه دو نیم کند و نه نقشه شومی جز آنکه بازش گرداند و نه بدکاری جز آنکه حدش زند و نه فرعون (گردنکشی)

إِلَّا أَهْلَكَهُ، وَلَا سِئْرًا إِلَّا هَتَكَهُ، وَلَا عِلْمًا إِلَّا نَكَّسَهُ، وَلَا سُلْطَانًا إِلَّا كَبَسَهُ،

جز آنکه هلاکش کند و نه پرده‌ای جز آنکه بدرد و نه پرچی جز آنکه سرنگوش سازد و نه سلطنت و قدرتی جز آنکه آن را برهم زند

وَلَا رُمْحًا إِلَّا قَصَفَهُ، وَلَا مِطْرَدًا إِلَّا خَرَقَهُ، وَلَا جُنْدًا إِلَّا فَرَّقَهُ، وَلَا مِنْبِرًا

و نه نیزه‌ای جز آنکه درهم شکند و نه زوبینی جز آنکه بشکند و نه لشکری جز آنکه پراکنده سازد و نه منبری

إِلَّا أَحْرَقَهُ، وَلَا سَيْفًا إِلَّا كَسَرَهُ، وَلَا صَنْمًا إِلَّا رَضَّهُ، وَلَا دَمًا إِلَّا أَرَاقَهُ، وَلَا

جز آنکه بسوزاند و نه شمشیری جز آنکه بشکند و نه بتی جز آنکه خرد کند و نه خونی جز آنکه بریزد و نه

جَوْرًا إِلَّا أَبَادَهُ، وَلَا حِصْنًَا إِلَّا هَدَمَهُ، وَلَا بَابًا إِلَّا رَدَمَهُ، وَلَا قَصْرًا إِلَّا

ستم و بیدادگری جز آنکه از میان بردارد و نه قلعه و دژی جز آنکه

أَخْرَبَهُ، وَلَا مَسْكِنًا إِلَّا فَتَشَهُ، وَلَا سَهْلًا إِلَّا أَوْطَأَهُ، وَلَا جَبَلًا إِلَّا صَعَدَهُ،

ویران کند و نه دری جز آنکه بپندد و نه کاخ و قصری جز آنکه ویران کند و نه مسکنی جز آنکه بازرسی کند و نه زمین همواری جز آنکه زیر باگذارد و نه کوهی جز آنکه بالا رود

وَلَا كَنْزًا إِلَّا أَخْرَجَهُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۱

و نه گنجی جز آنکه بیرون آورد به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

زیارت چهارم و استغاثه به امام زمان علیه السلام:

برای استغاثه و طلب حاجت بوسیله آن حضرت از درگاه خداوند، دو رکعت نماز بخوان و آنگاه زیر

آسمان، رو به قبله بایست و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلِ التَّامِّ الشَّامِلِ الْعَامِّ، وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ، وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ

سلام خدا بطور کامل و تمام و همه جانبه و عمومی و دروهای ممتد و بی‌پایان و برکت‌های پابرجا

التَّامَّةُ، عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ

و تام و تمامش بر حجت خدا و ولی او در زمین و سایر کشورهایش و جانشین او بر خلق

وَ عِبَادِهِ، وَ سَلَاةِ النَّبُوَّةِ، وَ بَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ وَالصَّفْوَةِ، صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَ مُظْهِرِ

و بندگانش و نژاد پاک نبوت و باقیمانده عترت و (آن سرور) برگزیده یعنی حضرت صاحب الزمان و آشکارکننده

الْإِيمَانِ، وَ مُلَقِّنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ، وَ مُطَهِّرِ الْأَرْضِ، وَ نَاشِرِ الْعَدْلِ فِي

ایمان و یاددهنده احکام قرآن و پاک کننده زمین و گسترنده عدالت در

الطُّولِ وَالْعَرْضِ، وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ،

درازا و پهنای زمین و حجت قائم مهدی آن امام منتظر پسندیده

وَ ابْنِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، الْوَصِيِّ بْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، الْهَادِي

و فرزند امامان پاکیزه و وصی فرزندان اوصیای پسندیده آن راهنمای

الْمَعْصُومِ، ابْنِ الْأَيْمَةِ الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعَزَّ الْمُؤْمِنِينَ

معصوم فرزند امامان راهنمای معصوم سلام بر تو ای عزت بخش مردم مؤمنی

الْمُسْتَضْعَفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدَلِّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ،

که ناتوان و خوارشان شمرند سلام بر تو ای خوارکننده کافران سرکش و ستمکار

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ

سلام بر تو ای مولای من ای صاحب الزمان سلام بر تو ای فرزند رسول

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ

خدا سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان سلام بر تو ای فرزند فاطمه

الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَيْمَةِ الْحُجَّجِ

زهرا بانوی زنان جهانیان سلام بر تو ای فرزند پیشوایان و حجت‌های

الْمَعْصُومِينَ، وَالْإِمَامِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ،

معصوم و پیشوای بر خلق همگی سلام بر تو ای سرور من

سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا،

سلام مخلصانه من به تو در ولایت و پیرویت گواهی دهم که تویی آن پیشوای راه یافته چه در گفتار و چه در کردار

وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، بَعْدَ مَا مَلَيْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا،

و تویی آن بزرگواری که زمین را پر از عدل و داد کنی پس از آنکه پر از ستم و بیدادگری شده باشد

فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ، وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمَانَكَ، وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ

پس از خدا خواهیم که شتاب کند در فرج تو و راه آمدنت را هموار و زمان ظهورت را نزدیک و یار

وَأَعْوَانَكَ، وَأَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ، فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ: وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى

و یاورت را بسیار گرداند و آنچه به تو وعده فرموده دربارهات وفا کند زیرا که او راستگوترین گویندگان است که فرموده «و ما خواستیم بر کسانی که در زمین

الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ، وَنَجَعَلَهُمْ أَيْمَةً وَنَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. يَا

زبون شمرده می‌شدند منت نهیم و ایشان را پیشوایانی کنیم و وارثانشان گردانیم» ای

مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ، حَاجَتِي كَذَا وَكَذَا (بجای كَذَا وَكَذَا

سرور من ای صاحب الزمان ای فرزند رسول خدا حاجتم این و این است * * * * *

حاجات خود را ذکر کند) فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي

* * * * * پس شفاعت کن برایم در برآمدنش زیرا که من با حاجت خویش به تو متوجه شده‌ام

لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً، وَمَقَامًا مَحْمُودًا، فَبِحَقِّ مَنْ

زیرا می‌دانم که شفاعت تو به درگاه خدا پذیرفته و مقامت پسندیده است پس به حق همان

اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ، وَارْتَضَاكُمْ لِسِرِّهِ، وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ

خدایی که شما را در کار خود مخصوص کرده و برای راز و سِرِّش پسندیده و بدان مقامی که شما در نزد خدا میان خود و

وَبَيْنَهُ، سَلَّ اللَّهُ تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي، وَإِجَابَةِ دَعْوَتِي، وَكَشَفِ كُرْبَتِي *

او دارید که از خدای تعالی بخواهی من به خواسته‌ام برسم و دعایم اجابت شود و اندوهم برطرف گردد. *

آنگاه هر حاجتی که داری، بخواه که ان شاءالله تعالی برآورده می‌شود.^۱

یادآوری:

این زیارت و استغاثه نیز اختصاص به سرداب مقدّس ندارد بلکه هر زمان و هر مکان می‌توان آن را

بجا آورد.

۱. الکلم الطیب، تألیف سید علی صدر الدین، (معروف به سید علی خان) صفحه ۸۳. این دعا در بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۷۳، حدیث

۱۶ (با تفاوت‌هایی) آمده است.

دعاهای مربوط به آن حضرت:

در پایان این فصل (فصل زیارات حضرت حجت علیه السلام) به پنج دعا اشاره می‌کنیم که در ارتباط با سلامتی و تعجیل ظهور آن حضرت و رفع مشکلات یاران او و این که ما نیز از سربازان و مدافعان و شیعیان واقعی آن بزرگوار و از ملازمان او بعد از ظهورش باشیم وارد شده است.

دعای اول (دعای ندبه): این دعا در بخش دوم این کتاب در صفحه ۱۸۹ گذشت.

دعای دوم (دعای بعد از نماز صبح): از دعاهایی که در «مصباح الزائر» بعد از دعای ندبه ذکر شده (و از آن به زیارت تعبیر گردیده است) دعایی است که بعد از نماز صبح خوانده می‌شود:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، عَنْ جَمِيعِ

خدایا برسان به مولای من حضرت صاحب الزمان - که دروذهای تو بر او باد - از طرف همه

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا،

مردان و زنان با ایمان که در شرقها و غربهای زمین و در خشکی و دریا هستند

وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَيْثُمْ وَمَيَّتِهِمْ، وَعَنْ وَالِدَيَّ وَوُلْدِي، وَعَنْيَ مِنْ

و در همواری زمین و کوهند، زندهشان و مردهشان و از طرف پدر و مادر و فرزندان و خود من

الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمَدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمُنْتَهَى رِضَاهُ،

درودها و تحیت‌هایی هموزن عرش خدا و به شماره کلمات و سخنانش و نهایت مرتبه خشنودیش

وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ، وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي هَذَا

و به شماره آنچه برشمرده است آن را دفتر و کتابش و احاطه دارد بدان دانش خدایا من نو می‌کنم برای آن جناب در این

الْيَوْمِ، وَفِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي رَقَبَتِي، اللَّهُمَّ كَمَا شَرَّفْتَنِي

روز و در هر روز عهد و پیمان و بیعتی را در گردنم چنانچه مرا مفتخر ساختی

بِهَذَا التَّشْرِيفِ، وَفَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَخَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ النِّعْمَةِ، فَصَلِّ

بدین افتخار و برتریم دادی به این فضیلت و مخصوصم داشتی بدین نعمت پس درود فرست

عَلَيَّ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ

بر مولا و آقایم حضرت صاحب‌الزمان و قرارم ده از یاران و پیروان

وَالذَّابِّينَ عَنْهُ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ

و دفاع کنندگان آن حضرت و بگردانم از شهادت یافتگان در پیش رویش از روی میل و رغبت بدون اکراه و ناراحتی

فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ صَفًّا كَانَهُمْ بَيَانٌ مَرَّ صُوصٌ

در آن صفی که اهل آن را در کتاب خود (قرآن) توصیف کرده و فرمودی: «صفی که گویا بنایی استوارند»

عَلَى طَاعَتِكَ، وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اَللّٰهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ

در راه فرمانبرداری تو و فرمانبرداری رسول تو و آل رسولت - که بر تمامی آنها سلام باد - خدایا این بیعتی است از آن جناب

فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۱.

در گردن من تا روز قیامت.

و در حقیقت با این دعا با آن حضرت تجدید بیعت می‌کنی.



دعای سوم (دعای عهد): از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس چهل روز صبح‌ها این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم علیه السلام باشد.^۲ به یقین تأثیر این‌گونه دعاها در مورد کسانی است که شرایط سربازی امام زمان علیه السلام را بدست آورده‌اند، نخست با خودسازی و تهذیب نفس و تلاش برای اصلاح جامعه، شایستگی حضور در میان یاران آن حضرت را کسب می‌کنند و سپس با خواندن این دعا حضور خود را در خدمت حضرت تضمین می‌نمایند. این دعا در مزار کبیر، مصباح‌الزائر و بحارالانوار - با تفاوت‌هایی نسبت به یکدیگر - آمده است و ما آن را مطابق نسخه متداول نقل می‌کنیم:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ،

خدایا ای پروردگار نور بزرگ و پروردگار کرسی بلند و پروردگار دریای جوشان

وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ، وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ

و فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور و پروردگار سایه و آفتاب داغ و فرو فرستنده قرآن

الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَبِينَ، وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي

بزرگ و پروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران و مرسلین خدایا از

اَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا

تو خواهم به ذات بزرگواری و به نور جمال تابانت و فرمانروایی دیرینهات ای زنده ای

قَيُّوْمٌ، اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ

پاینده از تو خواهم بدان نامت که روشن شد بدان آسمان‌ها و زمین‌ها و بدان نامت

۱. مصباح‌الزائر، صفحه ۴۵۴ و بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۱۱۰.

۲. مزار کبیر، صفحه ۶۶۳ و مصباح‌الزائر، صفحه ۴۵۵ و بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۱۱۱.

الَّذِي يَصْلَحُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ، يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا بَعْدَ

که صالح و شایسته گشتند بدان پیشینان و پسینان ای زنده پیش از هر موجود، و ای زنده پس از

كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، وَمُمِيتَ الْأَحْيَاءِ، يَا

هر موجود زنده و ای زنده در آن هنگام که زنده‌ای وجود نداشت ای زنده کن مردگان و ای میراننده زندگان ای

حَيٍّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اَللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ

زندگی که معبودی جز تو نیست خدایا برسان به مولای ما آن امام راهنمای راه یافته و قیام کننده

بِأَمْرِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

به فرمان تو - که درودهای خدا بر او و پدران پاکش باد - از طرف همه مردان

وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، وَبَرِّهَا

و زنان با ایمان در شرق‌های زمین و غرب‌های آن هموار آن و کوهش، خشکی آن

وَبَحْرِهَا، وَعَنْيَ وَعَنْ وَالِدَيَّ مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ،

و دریایش، و از طرف من و پدر و مادرم درودهایی هموزن عرش خدا و شماره کلمات و سخنان او

وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ، وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّدَلُهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي

و آنچه را دانشش احصا کرده و کتاب و دفترش بدان احاطه دارد خدایا من تازه می‌کنم در بامداد

هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحْوَلُ

این روز و هر چه زندگی کنم از روزهای دیگر عهد و پیمان و بیعتی برای آن حضرت در گردنم که

عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا، اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّابِّينَ عَنْهُ،

هرگز از آن سرنیچم و دست نکشم هرگز، خدایا قرار ده مرا از یاران و کمک کارانش و دفاع کنندگان از او

وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ، وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَوْامِرِهِ، وَالْمُحَامِلِينَ

و شتابندگان بسوی او در برآوردن خواسته‌هایش و انجام دستورات و اوامرش و مدافعین از آن حضرت

عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَىٰ إِرَادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، اَللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ

و پیشی گیرندگان بسوی خواسته‌اش و شهادت یافتگان پیش رویش خدایا اگر حائل شد

بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَىٰ عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي

میان من و او آن مرگی که قرار داده‌ای آن را بر بندگانت حتمی و مقرر پس بیرونم آر

مِنْ قَبْرِی مُؤْتَرًّا كَفْنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ

از گورم کفن به خود پیچیده با شمشیر آخته و نیزه برهنه پاسخگویان به ندای آن خواننده

الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي، اَللّٰهُمَّ اَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيْدَةَ، وَالْغُرَّةَ

بزرگوار در شهر و بادیه خدايا بنمايان به من آن جمال ارجمند و آن پيشانی

الْحَمِيْدَةَ، وَاكْحُلْ نَاظِرِي بِنَظْرَةٍ مِّنِّي اِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ،

نورانی پسندیده را و سرمهٔ وصال دیدارش را به یک نگاه به دیده‌ام بکش و شتاب کن در ظهورش و آسان گردان خروجش را

وَاَوْسِعْ مِنْهُجَهُ، وَاَسْلِكْ بِي مَحَجَّتَهُ، وَاَنْفِذْ اَمْرَهُ، وَاَشْدُدْ اَزْرَهُ، وَاَعْمُرْ

و وسیع گردان راهش را و مرا به راه او درآور و دستورش را نافذ گردان و پشتش را محکم کن و آباد گردان

اللّٰهُمَّ بِهٖ بِلَادِكَ، وَاٰخِي بِهٖ عِبَادِكَ، فَاِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ، ظَهَرَ الْفَسَادُ

خدايا بدست او شهرها و بلادت را و زنده گردان بوسيله اش بندگانت را زیرا که تو فرمودی و گفته‌ات حق است (که فرمودی): «آشکار شد تبهکاری

فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ اَيْدِي النَّاسِ، فَاظْهَرِ اللّٰهُمَّ لَنَا وَاِبْنِكَ وَاِبْنَتِ

در خشکی و دریا بخاطر کرده‌های مردم» پس آشکار کن برای ما خدايا نماینده‌ات را و فرزند دختر

نَبِيِّكَ الْمُسَمِّي بِاسْمِ رَسُوْلِكَ، حَتّٰى لَا يَظْفَرُ بِشَيْءٍ مِّنَ الْبَاطِلِ اِلَّا مَرْقَهُ،

پیامبرت که همنام رسول توست تا دست نیابد به هیچ باطلی جز آن‌که از هم بدراند

وَيُحِقِّ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ، وَاَجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُوْمِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا

و پابرجا کند حق را ثابت کند آن را و بگردان آن بزرگوار را خدايا پناهگاه ستمدیدگان بندگانت و یاور کسی که جز تو یآوری

لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَّمُجَدِّدًا لِّمَا عَطَلَ مِنْ اَحْكَامِ كِتَابِكَ،

برایش یافت نشود و تازه کنندهٔ آن احکامی که از کتاب تو تعطیل مانده

وَمُشَيِّدًا لِّمَا وَرَدَ مِنْ اَعْلَامِ دِيْنِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ،

و محکم کنندهٔ آنچه رسیده از نشانه‌های دین و آیینت و دستورات پیامبرت صلی الله علیه و آله

وَاَجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَاسِ الْمُعْتَدِیْنَ، اَللّٰهُمَّ وَسِّرْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا

و قرارش ده خدايا از آنان‌که نگاهش داری از صولت و حملهٔ زورگویان خدايا شاد گردان (دل) پیامبرت محمد

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلٰى دَعْوَتِهِ، وَاَرْحَمِ اسْتِكَانَتِنَا

صلی الله علیه و آله را به دیدارش و هم چنین هم که در دعوتش از آن حضرت پیروی کرد و رحیم کن به بیچارگی ما

بَعْدَهُ، اَللّٰهُمَّ اَكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَن هَذِهِ الْاُمَّةِ بِحُضُوْرِهِ، وَعَجِّلْ لَنَا

پس از آن حضرت، خدايا بگشا این اندوه را از این امت به حضور امام زمان و شتاب کن برای ما در

ظُهُوْرَهُ، اِنَّهُمْ يَرُوْنَهُ بَعِيْدًا وَّنَرِيْهِ قَرِيْبًا، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

ظهور آن جناب که اینان ظهورش را دور پندارند ولی ما نزدیک می‌بینیم به مهتر ای مهربانترین مهربانان.

سپس سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در هر مرتبه می‌گویی: **الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ!**

دعای چهارم: یونس بن عبدالرحمن از امام رضا علیه السلام نقل کرده که آن حضرت امر فرمودند که با این دعا حضرت صاحب‌الامر (مهدی علیه السلام) را دعا کنید:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، وَلِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ

خدایا دور کن (هر بلایی را) از نماینده و خلیفیات و حجت تو بر آفریدگانت و زبان گویابت و

عَنكَ، النَّاطِقِ بِحُكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ بِأَذْنِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ،

سخن گوینده به حکمت و دیده بینای تو به اذن خودت و گواه تو بر بندگانت

الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ، الْعَائِدِ بِكَ، الْعَابِدِ عِنْدَكَ، وَأَعِذُهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا

آن بزرگ مرد مجاهد و پناهنده به تو و پرستش کننده در نزد تو، پناهش ده از شر تمام آنچه

خَلَقْتَ، وَبَرَاتٍ وَأَنْشَأَتْ وَصَوَّرَتْ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ

آفریده و خلق کردی و پدید آوردی و صورت بخشیدی و نگهداری کن از پیش رویش و از پشت سرش

وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ

و از طرف راستش و از سمت چپش و از بالای سر و از زیر پایش به نگهداری خودت که تباہ نگردد

مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَأَبَاءَهُ أَسْمَتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ،

هر که را بدان نگهداری کنی و نگهداری کن در وجود او (و بوسیله آن حضرت) پیامبرت و پدران او که پیشوایان و پایه‌های دین تو هستند

وَاجْعَلْهُ فِي وَدَائِعِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَفِي جَوَارِكِ الَّذِي لَا يُخْفَرُ، وَفِي

و قرار ده آن حضرت را در سپرده‌های خودت که چیزی در آن ضایع نگردد و در جوار تو که فرقی شکسته نشود

مَنْعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ، وَأَمْنِهِ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مَنْ

و در حفظ و عزت خودت که مقهور کسی نگردد و ایمن دار او را به امان محکم که هر که را بدان ایمن کردی خوار نگردد

أَمْنَتُهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنْفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ، وَأَنْصُرْهُ بِنَصْرِكَ

و در کف حمایت خودت قرارش ده که هر که در آن بود مورد دستبرد واقع نگردد و یاریش کن به یاری

الْعَزِيزِ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِكَ، وَأَرْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَوَالِ

نیرومندت و کمکش کن به لشکر پیروزمندی و نیرومندش کن به نیرویت و فرشتگانت را پشت سرش بدار و دوست دار

مَنْ وَالِاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَالْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِيْنَةَ، وَحُفَّهُ بِالْمَلَأْتِكَةَ

دوستدارش را و دشمن‌دار دشمنش را و بپوشان به برش زره محکم‌تر را و گرداگردش فرشتگان را بطور

حَقًّا، اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ، وَامْتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهَرْ

منظم بدار خدایا ترمیم کن بوسيله‌اش شکستگی (دین) را و پیوست کن بوسيله‌اش گسیختگی را و بمیران بدستش ستم را و نمایان کن

بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيْنَ بَطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأَيِّدُهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ،

بوسيله‌اش عدالت را و زینت ده به درازی عمرش زمین را و کمکش کن به یاری خود و یاریش کن به ایجاد رعب (او در دل دشمنان) و

وَقَوِّ نَاصِرِيهِ، وَأَخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَدَمِّمْ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمَّرْ مَنْ غَشَّاهُ،

نیرومند کن یاورش را و خوار گردان خودداری کننده از یاریش را و به هلاکت رسان و نابود کن کسی که به او خیانت کند

وَأَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَعُمْدَهُ وَدَعَائِمَهُ، وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَ

و بکش بدست او گردنکشان کفر و استوانه‌ها و پایه‌های آن را و بشکن بوسيله آن حضرت (شوکت) رؤسای گمراهی و

شَارِعَةَ الْبِدْعِ، وَمُمَيَّتَةَ السُّنَّةِ، وَمُقَوِّیَةَ الْبَاطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ، وَأَبِرْ

بدعت گذاران و آنان که آیین اسلام را نابود کرده و باطل را تقویت کنند و خوار کن بدستش گردنکشان را و ریشه کن ساز

بِهِ الْكَافِرِينَ، وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا

بوسيله آن جناب کافران و تمام بی‌دینان را در شرق‌های زمین و غرب‌های آن و خشکی

وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَّارًا، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ

و دریای آن و سرزمین‌های هموار و کوه آن تا آن جا که فردی از آنها باقی نگذاری و اثری از ایشان بجای نگذاری

آثَارًا، اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَأَشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ،

خدایا پاک کن از وجود آنها شهرها و بلادت را و شفا ده به نابودیشان دل بندگانت را و عزت بخش بدان وسیله مؤمنان را

وَأَخِي بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى

و زنده کن بوسيله آن جناب آیین پیمبران مرسل و احکام کهنه پیمبران را و تازه کن بوسيله‌اش آنچه محو گشته

مِنْ دِينِكَ، وَبَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى تُعَيِّدَ دِينَكَ بِهِ، وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا

از دینت و تغییر یافته از فرمانت تا اینکه بازگردد دین تو بوسيله او و بدست آن جناب تر و تازه و

غَضًّا مَحْضًا صَحِيحًا لَا عِوَجَ فِيهِ، وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ، وَحَتَّى تُنِيرَ بَعْدْلَهُ ظُلْمَ

خالص و صحیح که اعوجاجی در آن نباشد و بدعتی همراهش نباشد و تا اینکه روشن گردد بوسيله عدالتش تاریکی‌های

الْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتَوْضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ، وَمَجْهُولَ

بیدادگری و خاموش گردد بوسيله‌اش آتش‌های کفر و آشکار گردد بدان جناب مشکلات و گره‌های حق و موارد مجهول

الْعَدْلِ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخَلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَيَّ غَيْبِكَ،

عدل و داد زیرا که او آن بنوه بزرگوار تو است که انتخابش کردی برای خودت و برگزیدیش برای جریانات غیب (و پس پرده) خود

وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ بَرَّاتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ،

و نگاهش داشتی از گناهان و مبرایش گردانیدی از عیوب و پاکش کردی از پلیدی

وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ، اَللّٰهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ، وَيَوْمَ حُلُولِ

و سالمش داشتی از چرکی خدایا ما برای او گواهی دهیم در روز قیامت و روز وقوع آن

الطَّامَّةِ، أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا، وَ لَا أَتَى حُوبًا، وَ لَمْ يَزْتَكِبْ مَعْصِيَةً، وَ لَمْ

حادثه بزرگ که برآستی او گناهی مرتکب نشده و دست به کار زشتی نزده و مرتکب معصیتی نشده و هیچ

يُضَيِّعُ لَكَ طَاعَةً، وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَ لَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَ لَمْ يُغَيِّرْ

فرمانبرداری تو را وانگزارده و حرمتی را از تو هتک نکرده و واجبی را تغییر نداده و آیینی را

لَكَ شَرِيْعَةً، وَ أَنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الطَّاهِرُ، اَلتَّقِيُّ النَّقِيُّ، اَلرَّضِيُّ الزَّكِيُّ،

به هم زده و اوست راهنمای راه یافته پاک پرهیزکار پاکیزه پسندیده و زنده

اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ اَهْلِهِ وَ وَاَلِدِهِ، وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ اُمَّتِهِ، وَ جَمِيْعَ رَعِيَّتِهِ مَا

خدایا به او عطا کن درباره خودش و درباره خاندان و فرزندان و نژاد و ملت و تمام افراد رعیت (و فرمانبردارانش) آنچه

تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَ تَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ، وَ تَجْمَعُ لَهُ مَلِكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا، قَرِيْبَهَا

دیدنش را بدن روشن کنی و دلش را بدان خوشحال گردانی و گردآوری برای او فرمانروایی همه ممالک را نزدیک

وَ بَعِيْدَهَا، وَ عَزِيْزَهَا وَ ذَلِيْلَهَا، حَتَّى تُجْرِيَ حُكْمَهُ عَلَيَّ كُلِّ حُكْمٍ، وَ تَغْلِبَ

ودورش را و نیرومند و خوارش را تا این که حکم و فرمانش را فوق همه حکمها جاری کنی و بوسیله آیین حق او

بِحَقِّهِ كُلِّ بَاطِلٍ، اَللّٰهُمَّ اسْأَلُكَ بِنَا عَلَيَّ يَدِيْهِ مِنْهَا جَ الْهُدَى، وَ الْمَحَجَّةَ

هر باطلی را مغلوب گردانی خدایا ما را وادار بدست آن بزرگوار به راه روشن هدایت و جاده

اَلْعُظْمَى، وَ الطَّرِيْقَةَ اَلْوَسْطَى اَلَّتِي يَرْجِعُ اِلَيْهَا اَلْغَالِي، وَ يَدْحَقُ بِهَا التَّالِي،

بزرگ (دیانت) و طریقه مستقیمی که بازگردد بدان راه پیش افتاده تندرو و خود را برساند بدان عقب مانده،

وَ قَوْنَا عَلَيَّ طَاعَتِهِ، وَ تَبَتْنَا عَلَيَّ مُشَايَعَتِهِ، وَ اٰمَنُنْ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ،

و نیرویمان ده برای فرمانبرداریش و پابرجایمان دار بر پیرویش و منت گذار بر ما به متابعت از آن حضرت

وَ اجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ اَلْقَوَّامِيْنَ بِاَمْرِهِ، اَلصَّابِرِيْنَ مَعَهُ، اَلطَّالِبِيْنَ رِضَاكَ

و در حزب و گروه او قرارمان ده آنان که بدستورش قیام کنند و با او صبر کنند و در خیرخواهی کردن نسبت به آن

بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَمُقَوِّبَةً

جناب طالب رضا و خشودى تو مى‌باشند تا اين‌که در روز قيامت ما را جزء ياران و اعوان او و هم جزء تقويت کنندگان

سُلْطَانِهِ، اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَرِيَاءٍ

حکومتش محشورمان داری و اين کار را برای ما از هر شک و شبهه و خودنمايی

وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ، وَحَتَّى تُحِلَّنَا

و شهرت طلبی خالص و بدور گردان تا در اين کار به غير تو اعتماد نداشته و جز رضا و خشودى تو چیزی نخواهيم و تا اين‌که ما را به جاگاه

مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ، وَاعِدْنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفِتْرَةِ،

آن حضرت وارد کنی و جايمان را در بهشت با آن بزرگوار قرار دهی و نگاهمان داری از خستگی و کسالت و سستی

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَوَلِيَّكَ، وَلَا تُسْتَبَدَّلُ بِنَا غَيْرِنَا،

و ما را از جمله کسانی قرار ده که بدست آنها دينت را یاری کنی و شوکت‌مند گردانی بدانها پیروزی ولی و نماینده خود را و اين افتخار را نصیب دیگری غير از ما نکن

فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرِنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى

زيرا که برای تو آسان است که ديگران را جای ما بگذاری ولی اين کار بر ما بسيار گران و ناگوار است خدايا درود فرست بر

وُلَاةِ عَهْدِهِ، وَالْأَيَّمَةِ مِنْ بَعْدِهِ، وَبَلِّغُهُمْ آمَالَهُمْ، وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ،

پيمانداران و پيشوايان پس از او و آنان را به آرزوهاشان برسان و عمرشان را طولانی گردان

وَاعِزِّ نَصْرَهُمْ، وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ، وَثَبِّتْ دَعَاءَهُمْ،

و شوکت‌مند کن پیرویشان را و کامل کن برای آنها آنچه از دستورات خود را که به آنها مستند کردی و پایه‌های (حکومت) آنان را یا برجا کن

وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا، وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ،

و ما را از اعوان او و از ياران دين و آيينت قرار ده زيرا که آنها معادن کلمات (و فرامين) تو

وَخَزَائِنُ عِلْمِكَ، وَارْكَانُ تَوْحِيدِكَ، وَدَعَائِمُ دِينِكَ، وَوُلَاةُ أَمْرِكَ،

و خزينه‌دارهای دانش تواند و آنهايند ارکان توحيد و استوانه‌های دينت و سرپرستان دستورت

وَخَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَصَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيَاءُؤُكَ وَسَلَائِلُ

و زبده‌های از بندگانت و برگزیدگان از آفریدگانت و بندگان مقربت و نژاد

أَوْلِيَاءِكَ، وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. ۱.

دوستان و چکیده فرزندان پیامبر و سلام بر ایشان و رحمت خدا و برکاتش.

دعای پنجم: «سید بن طاووس» در «جمال الاسبوع» از «عثمان بن سعید» نائب اول از نواب اربعه نقل کرده، و می نویسد: اگر از خواندن جمیع آنچه به عنوان تعقیبات نماز عصر در روز جمعه آورده ایم معذور هستی، این دعا را بخوان و به آن اعتماد کن:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ،

خدایا خود را به من بشناسان زیرا اگر تو خود را به من نشناسانی من پیامبرت را نخواهم شناخت

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ،

خدایا پیامبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را به من نشناسانی حجت تو را نخواهم شناخت

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي،

خدایا بشناسان به من حجت خود را که اگر حجت را به من نشناسانی از دینم گمراه گردم

اللَّهُمَّ لَا تُمِثْنِي مِثَّةَ جاهِلِيَّةٍ، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، اللَّهُمَّ فَكَمَا

خدایا نمایان مرا به مرگ دوران جاهلیت و منحرف مساز دلم را پس از این که هدایت کردی خدایا هم چنانکه

هَدَيْتَنِي لِوِلايَةِ مَنْ فَرَضَتْ طَاعَتَهُ عَلَيَّ، مِنْ وِلاَةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ

راهنمایی کردی به فرمانبرداری کسی که اطاعتش را بر من واجب کردی از آن کارداران تو که پس از پیامبرت

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى وَالِيتُ وِلاَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ

- که دروهای تو بر او و آلش باد - آمدند تا به راهنمایی تو من زمامداری فرمانداری را پذیرفتم که آنان (عبارتند از) امیر مؤمنان و حسن

وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا

و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و محمد و علی

وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ

و حسن و حجت قائم مهدی - که دروهای تو بر همگی ایشان باد - خدایا

فَتَبِّئْنِي عَلَى دِينِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ، وَلَيِّنْ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ،

مرا ثابت قدم بدار بر دین خودت و بکار فرمانبرداریت وادارم کن و دلم را برای (فرمانبرداری) ولایت نرم گردان

وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَتَبِّئْنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ، الَّذِي

و معافم دار از آنچه خلق خود را بدان آزمودی و پایرجایم بدار بر اطاعت زمامدارت آن بزرگواری

سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ، وَبِإِذْنِكَ غَابَ عَنْ بَرِيَّتِكَ، وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ

که از خلق خود او را پوشاندی و به اذن خودت او را از دیده آفریدگانت پنهان کردی و او چشم به راه فرمان توست و تویی دانا -

غَيْرِ الْمَعْلَمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرٍ وَلِيَّكَ، فِي الْأِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ

بی آن که کسی به تو خبر داده باشد - بدان وقتی که در آن صلاح ولی توست که به او اجازه دهی برای آشکار ساختن کارش

وَكَشَفِ سِرِّهِ، فَصَبِّرْ نِي عَلَى ذَلِكَ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا آخَرْتِ، وَلَا

و کنار رفتن سرش پس به من صبری بر این جریان عطا کن که دوست نداشته باشم پیش افتادن چیزی را که پس انداختی و

تَأْخِيرَ مَا عَجَلْتِ، وَلَا كَشَفِ مَا سَتَرْتِ، وَلَا أَلْبَحْثِ عَمَّا كَتَمْتِ، وَلَا

پس انداختن چیزی را که پیش انداختی و نه آشکار ساختن آنچه را پوشاندی و نه کنجکاوای از آنچه پنهان داشتی

أَنَارِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ، وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ، وَقَدْ

و کشمکش نکنم با تو در تدبیرت و نگویم چرا و چگونه و برای چیست که آن کس که کار بدست اوست آشکار نشود

امْتَلَاتِ الْأَرْضَ مِنَ الْجَوْرِ، وَأَفْوِضْ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي

با این که زمین از ستم پر شده و واگذارم همه کارهایم را به تو خدایا از

أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِينِي وَلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذًا لِأَمْرِي، مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ

تو خواهم که ولی امرت را آشکارا و نافذ الامر به من بنمایانی با این که می دانم تمام

السُّلْطَانَ، وَالْقُدْرَةَ وَالْبُرْهَانَ، وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيئَةَ، وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ، فَافْعَلْ

سلطنت و قدرت و دلیل و برهان و خواست و جنبش و نیرو خاص توست

ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وَلِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ،

ولی این مرحمت را درباره من و همه مؤمنین بفرما تا نظر کنیم بصورت ولی امر تو - که دروهای تو بر او باد -

ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ، وَاضِحَ الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ، شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ،

در حالی که با سخنی آشکار و با دلیلی واضح مردم را از گمراهی نجات دهد و از بیماری نادانی شفا بخشد

أَبْرِزْ يَا رَبِّ مُشَاهَدَتَهُ، وَثَبَّتْ قَوَاعِدَهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْتِهِ،

پروردگارا جمال زیبایش را برای مشاهده ما از پرده برون آر و پابرجا کن بنیاد کارهایش را و بگردان ما را از کسانی که روشن گردد دیده شان به دیدارش

وَاقْمِنَا بِخِدْمَتِهِ، وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زَمْرَتِهِ، اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ

و بگمارمان برای خدمتش و بمیرانمان بر کیش و آیینش و محشورمان گردان در گروهش خدایا در پناهش گیر از

شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ، وَذَرَاتٍ وَبَرَاتٍ، وَأَنْشَاتٍ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ

شر تمام آنچه خلق فرموده و آفریدی و پدید آورده و پروریدی و صورت دادی و محافظتش کن

مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ

از پیش رویش و از پشت سرش و از راست و چپش و از بالای سر و از

تَحْتَهُ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ،

زیر پایش به نگهداری خودت که تپاه نشود هر که را بدان نگهداری کردی و نگهدار بوجود او (آیین) رسولت و

وَوَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، اَللّٰهُمَّ وَمُدِّ فِي عُمُرِهِ، وَزِدْ فِي اَجَلِهِ،

وصی رسولت را - که بر او و آتش سلام باد - خدایا طولانی گردان عمرش را و بیفزای در اجالش

وَاعِنَهُ عَلٰی مَا وَّلَيْتَهُ وَاسْتَرْعَيْتَهُ، وَزِدْ فِي كِرَامَتِكَ لَهُ، فَاِنَّهُ الْهَادِي

و یاریش ده در آنچه بدستش سپرده‌ای و رعایتش را از او خواسته‌ای و بیفزای در کرامتت بر او که او راهنمای

الْمُهْدِيَّ، وَالْقَائِمَ الْمُهْتَدِيَّ، وَالطَّاهِرَ التَّقِيَّ، الزَّكِيَّ النَّقِيَّ، الرَّضِيَّ

راه یافته و قیام کننده راهبری است و پاک و با تقوا و پاکیزه و خالص و راضی (از حق)

الْمَرْضِيَّ، الصَّابِرَ الشَّكُورَ الْمُجْتَهِدَ، اَللّٰهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِيْنَ لِطَوْلِ

و پسندیده و بردبار و سیاست‌گزار و کوشاست خدایا و از ما مگیر یقین به طولانی شدن

الْاَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ، وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا، وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ

زمان غیبتش را و منقطع شدن خبرش را از ما و از یاد ما مبر آن بزرگوار را و هم چنین انتظار آمدنش

وَالْاِيْمَانَ بِهِ، وَقُوَّةَ الْيَقِيْنِ فِي ظُهُورِهِ، وَالدُّعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ، حَتَّىٰ

و ایمان به او و قوت یقین در ظهورش را و دعای بر آن حضرت و درود بر او را تا

لَا يُقِنُّنَا طَوْلَ غَيْبَتِهِ مِنْ قِيَامِهِ، وَيَكُوْنُ يَقِيْنُنَا فِي ذٰلِكَ، كَيَقِيْنُنَا فِي قِيَامِ

به حدی که نومید نکند ما را طول غیبت آن حضرت از قیام و ظهورش و یقین ما در این باره مانند یقینی باشد که ما در قیام

رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ، فَقُوَّةَ

رسولت - که درودهای تو بر او و آتش باد - داریم و همچنین مانند یقینی باشد که به وحی و قرآن او داریم پس تقویت کن

قُلُوْبُنَا عَلٰی الْاِيْمَانِ بِهِ، حَتَّىٰ تَسْلُكَ بِنَا عَلٰی يَدَيْهِ مِنْهَا جَ الْهَدْيِ،

دل‌های ما را بر ایمان به او تا درآوری ما را بدست آن جناب در راه روشن هدایت و راهنمایی

وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمٰى، وَالطَّرِيْقَةَ الْوَسْطٰى، وَقُوْنَا عَلٰی طَاعَتِهِ وَتَبْتُنَا عَلٰی

و شاهراه (دین) و جاده مستقیم و نیرومند کن ما را بر اطاعت او و پابرجایمان کن

مُتَابِعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ وَاعْوَانِهِ وَانصَارِهِ وَالرَّاضِيْنَ بِفِعْلِهِ، وَلَا

بر پیرویش و قرارمان ده در گروه او و اعوان و یارانش و کسانی که راضی به کارهای اویند و

تَسْلُبْنَا ذٰلِكَ فِي حَيَاتِنَا، وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا، حَتَّىٰ تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ عَلٰی ذٰلِكَ،

این عقیده را از ما مگیر نه در زندگی و نه هنگام مرگمان تا بمیرانی ما را بر این عقیده

لَا شَآكِيْنَ وَلَا نَاكِيْثِيْنَ، وَلَا مُرْتَابِيْنَ وَلَا مُكْذِبِيْنَ، اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ،

که نه شک داشته باشیم و نه پیمان شکن و نه شبهه‌ای داشته و نه تکذیب کننده باشیم خدایا تعجیل فرما در ظهورش

وَأَيِّدُهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيْهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيْهِ، وَدَمْدِمْ عَلَيَّ مَنْ نَصَبَ

و تأییدش کن به یاری خود و یاری کن یاورش را و خوار کن هر که دست از یاریش بردارد و به هلاکت رسان هر که را به دشمنیش برخیزد

لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَأَظْهَرُ بِهِ الْحَقَّ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَاسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ

و او را تکذیب کند و آشکار کن به او حق را و بمیران به او جور و ستم را و نجات بخش به او بندگان

الْمُؤْمِنِيْنَ مِنَ الذَّلِّ، وَأَنْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ، وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَأَقْصِمْ بِهِ

با ایمات را از خواری و زنده کن به او شهرها را و بکش بدست او سرکشان کفر را و در هم شکن بوسيله‌اش

رُؤْسَ الضَّلَالَةِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِيْنَ وَالْكَافِرِيْنَ، وَأَبْرِ بِهِ الْمُنَافِقِيْنَ

سرکرده‌های گمراهی را و خوار گردان بوسيله‌اش گردنکشان و کافران را و نابود کن بدو منافقان و

وَالنَّآكِيْثِيْنَ، وَجَمِيْعَ الْمُخَالِفِيْنَ وَالْمُلْحِدِيْنَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ

پیمان‌شکنان و همهٔ مخالفان (اسلام) و بی‌دینان را که در شرق‌های زمین

وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَّ مِنْهُمْ دِيَّارًا،

و غرب‌های آن و در خشکی و دریا و در همواری زمین و کوهها هستند تا آن‌که بجای نگذاری از آنها احدی را

وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا، طَهَّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَأَشْفِ مِنْهُمْ صُدُوْرَ عِبَادِكَ،

و اثری از آنها باقی نگذاری و پاک گردان از ایشان شهرهایت را و شفابخش از نابودی آنها سینه‌های بندگانت را

وَجَدِّدْ بِهِ مَا أَمْتَحَى مِنْ دِيْنِكَ، وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ، وَغَيِّرْ مِنْ

و تازه کن بدو آنچه محو گشته از دینت و اصلاح کن بوسيله‌اش آنچه تبدیل شده از حکم و قانونت و تغییر یافته از

سُنَّتِكَ، حَتَّى يَعودَ دِيْنِكَ بِهِ، وَعَلَى يَدِيْهِ غَضًّا جَدِيْدًا صَحِيْحًا لَا عِوَجَ

روش و سنتت تا در نتیجه بازگردد دین تو بوجود آن جناب و بدست او تر و تازه و صحیح که هیچ گونه کجی

فِيْهِ، وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرانَ الْكَافِرِيْنَ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي

و بدعتی در آن نباشد و بدیوسيله به برکت عدل و داد او خاموش گردانی آتش کفار را که همانا آن بزرگوار بندهٔ تو است

اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَأَرْتَضِيْتَهُ لِنُصْرَةِ دِيْنِكَ، وَأَصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ،

که او را خاص خود گرداندی و برای یاری دینت پسندیدی و به علم خویشتن برگزیدی

وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوْبِ وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوْبِ، وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوْبِ،

و از گناهان نگاهش داشتی و از عیوب میزایش ساختی و بر نادیدنی‌ها مطلعش کردی

وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَنَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ

و بر او انعام فرمودی و از پلیدی و از چرکی پاک و پاکیزه‌اش کردی خدایا درود فرست

عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَيِّمَةِ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى شَيْعَتِهِ الْمُتَجَبِّينَ، وَبَلِّغْهُمْ

بر او و بر پدرانش امامان پاک و بر شیعیان برگزیده‌اش و برسان آنان را

مِنْ آمَالِهِمْ أَفْضَلَ مَا يَأْمَلُونَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ

به هر آرزویی که دارند و این عقیده ما را خالص و پاک گردان از هر شک

وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبُ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ،

و شبهه و خودنمایی و شهرت‌طلبی تا نخواهیم بدان غیر تو را و نجویم بدان جز ذات تو را

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا، وَغَيْبَةَ إِمَامِنَا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا،

خدایا ما به تو شکوه کنیم از فقدان پیامبران و غیبت امام و رهبران و سختی روزگار بر ما و

وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا،

درآمدن فتنه‌ها بر سر ما و پشت بهم دادن دشمنان بر دشمنی ما و بسیاری دشمنان و کمی افراد ما

اللَّهُمَّ فَفَرِّجْ ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَنَصْرِ مِنْكَ تُعِزُّهُ، وَإِمَامٍ عَدَلٍ

خدایا پس بگشا از ما این اندوه را به گشایشی از طرف خود که زود بفرستی و یاری از خودت که عزت‌ش دهی و به امام عادل که

تُظْهِرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذِنَ لَوْلِيِّكَ فِي

آشکارش کنی ای معبود به حق و پروردگار عالمیان خدایا از تو خواهیم که به نماینده و ولایت اذن دهی برای

إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ، وَقَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ، حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ

آشکار ساختن عدالت در میان بندگان تو و کشتن دشمنانت را در شهرهایت تا اینکه

يَأْرَبُ دِعَامَةً إِلَّا قَصَمْتَهَا، وَلَا بَقِيَّةً إِلَّا أَفْنَيْتَهَا، وَلَا قُوَّةً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا، وَلَا

پروردگارا ستونی برای ظلم و ستم باقی نگذاری جز آنکه درهم شکنی و نه بازمانده‌ای جز آنکه نابودش کنی و نه نیرویی جز آنکه سستش کنی و نه

رُكْنًا إِلَّا هَدَمْتَهُ، وَلَا حَدًّا إِلَّا فَلَطْتَهُ، وَلَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلْتَهُ، وَلَا أَرَايَةَ إِلَّا

پایه‌ای جز آنکه درهم فرو ریزی و نه تیزی جز آنکه کندش کنی و نه اسلحه‌ای جز آنکه از کار بیندازی و نه پرچمی جز آنکه

نَكَّسْتَهَا، وَلَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ، وَلَا جَيْشًا إِلَّا خَذَلْتَهُ، وَارْمِهِمْ يَا رَبِّ

سرنگون سازی و نه پهلوانی جز آنکه بکشی و نه سپاهی جز آنکه خوارش گردانی و سنجبارانشان کن پروردگارا

بِحَجَرِكَ الدَّامِغِ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَبَأْسِكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ

به سنگ کوبنده‌ات و بزنی آنها را به شمشیر برنده‌ات و بدان حمله و انتقامت که بازش نگردانی از

الْقَوْمِ الْمَجْرِمِينَ، وَعَذَّبُ أَعْدَاءَكَ، وَأَعْدَاءَ وَلِيِّكَ^۱ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ،

مردمان بدکار و عذاب کن دشمنان خودت و دشمنان ولایت و دشمنان رسولت را -

صَلَّوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِيَدِ وَلِيِّكَ وَأَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُمَّ اكْفِ

که دروهای تو بر او و آتش باد - بدست ولایت و بدست بندگان مؤمنان خدایا کفایت کن

وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَكَيْدَ مَنْ أَرَادَهُ، وَأَمْرَ مَنْ مَكَرَ

ولایت و حجتت را در روی زمین از هراس دشمنش و از حيلةٔ هرکس که سوء قصدش کند و مکر کن با هرکس که به او مکر کند

بِهِ، وَاجْعَلْ دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا، وَأَقْطَعْ عَنْهُ مَا دَتَّتْهُمْ،

و چرخ بد روزگار را برای هرکس که سوء قصدش را دارد به گردش درآور و شر آنها را از سر آن بزرگوار بگردان

وَأَرْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ، وَزَلْزِلْ أَقْدَامَهُمْ، وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبَغْتَةً، وَشَدِّدْ

و در دل‌های آنها رعب او را بیفکن و پاهایشان را بلنزان و بطور آشکارا و ناگهانی آنها را بگیر و

عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَأَخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ، وَالْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ، وَأَسْكِنَهُمْ أَسْفَلَ

عذابت را بر ایشان سخت گردان و رسواشان کن در میان بندگان و لعنتشان کن در شهرهایت و در ته دوزخ خود جایشان ده

نَارِكَ، وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ، وَأَصْلِهِمْ نَارًا، وَاحْشُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا،

و محیط گردان بر ایشان سخت ترین عذابت را و در آتش جایشان ده و پر کن گور مردگان را از آتش

وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ، فَانْتَهُمْ أَصْلُوا وَأَضَاعُوا الصَّلَاةَ، وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ،

و در سوز آتشت واردشان کن زیرا که اینان گمراه شدند و نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی کردند

وَأَصْلُوا عِبَادَكَ، [وَأَخْرَبُوا بِلَادَكَ]^۲، اللَّهُمَّ وَآخِي بَوْلِيكَ الْقُرْآنَ، وَارِنَا

و بندگان را گمراه کردند و شهرهایت را ویران کردند خدایا زنده کن بدست ولایت قرآن را و بنمایان به ما

نُورَهُ سَرْمَدًا لَا لَيْلَ فِيهِ، وَآخِي بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، وَاشْفِ بِهِ الصُّدُورَ

نور آن بزرگوار را همیشگی که شب (و تاریکی) نداشته باشد و زنده کن بوسیلهٔ آن جناب دل‌های مرده را و بهبودی بخش بدو سینه‌های سوخته را

الْوَعْرَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ، وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ

و جمع کن بوسیلهٔ او آرای مختلفه را بر حق و برپا کن بدو حدود

الْمُعْطَلَةَ، وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا

تعطیل شده و احکام واگذارده شده را تا آن جا که حقی بجای نماند جز آن‌که آشکار شود و نه عدل و دادی

۱. در جمال الاسبوع «اعداء دينك» آمده است.

۲. این جمله در «جمال الاسبوع» نیامده، ولی در «بحار الانوار» آمده است.

زَهْرَ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ، وَمُقَوِّبَةَ سُلْطَانِهِ، وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ،

جز آن که شکفته گردد و قرار ده پروردگارا ما را از گروه یاران و تقویت کننده سلطنتش و فرمانبرداران فرمانش

وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ

و خشنودان از کارش و تسلیم شوندگان احکام و دستوراتش و از کسانی که احتیاج به تقیه (و اظهار خلاف عقیده) از ترس

مِنْ خَلْقِكَ، وَأَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ الضُّرَّ، وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا

مردم نداشته باشند و تویی پروردگارا که برطرف کنی گرفتاری را و اجابت کنی از درممانده چون

دَعَاكَ، وَتُنَجِّي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، فَاكْشِفِ الضُّرَّ عَنِّي وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْهُ

تو را بخواند و از اندوه بزرگ نجات بخشی پس برطرف کن گرفتاری را از ولی خود و او را

خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمَنْتَ لَهُ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ

خلیفه خود در زمینت قرار ده چنانچه تعهد کرده‌ای خدایا قرارم مده از ستیزه‌جویان آل

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ،

محمد علیهم السلام و قرارم مده از دشمنان آل محمد علیهم السلام

وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَنْقِ وَالْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَإِنِّي

و قرارم مده از اهل کینه و خشم بر آل محمد علیهم السلام زیرا که من

أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

پناه به تو می‌برم از این جریان و تو پناهم ده و از تو پناه می‌خواهم و تو در پناهم گیر خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَأَنْزَاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمِنْ

محمد و آل محمد و مرا بوسیله ایشان از نزد خود رستگار کن در دنیا و آخرت و از

الْمُقَرَّبِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. ۱

مقربان درگاهت قرارم ده آمین ای پروردگار جهانیان.



فصل دهم زیارات جامعه

زیاراتی که با آن هر امام را به تنهایی و یا همهٔ ائمه را با هم می‌توان زیارت کرد.

زیارت اول (زیارت منقول از امام رضا علیه السلام): در «کامل الزیارات» از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت شده که آن حضرت در جواب کسی که از زیارت قبر امام موسی کاظم علیه السلام سؤال کرده بود فرمودند: کافی است که در همه جا (یعنی در زیارت هر یک از ائمه و خطاب به شخص آن امام و یا به همهٔ ائمه به طور دسته جمعی) بگویید:

السَّلَامُ عَلَىٰ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَصْفِيَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ أَمْنَاءِ اللَّهِ وَأَحِبَّائِهِ،

سلام بر بندگان مقرب خدا و بر برگزیدگانش سلام بر آنان که امین خدا و دوستان اویند

السَّلَامُ عَلَىٰ أَنْصَارِ اللَّهِ وَخُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر یاران خدا و جانشینانش سلام بر جایگاههای معرفت خدا سلام

عَلَىٰ مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ مَظَاهِرِ أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ

بر مسکینهای ذکر خدا سلام بر محل ظهور امر و نهی خدا سلام بر

الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ الْمُسْتَقَرِّينَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ

خوانندگان (مردم) بسوی خدا سلام بر استقرار یافتگان در خشنودیهای خدا سلام بر

الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، [السَّلَامُ عَلَىٰ الْأَدِلَاءِ عَلَى اللَّهِ] السَّلَامُ عَلَىٰ

مخلصان در فرمانبرداری خدا سلام بر راهنمایان بسوی خدا سلام بر

الَّذِينَ مَنَ وَالْأَهْمُ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ، وَمَنْ

آن بزرگوارانی که هر که دوستشان دارد خدای را دوست داشته و هر که دشمنشان دارد خدای را دشمن داشته و هر که

عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ، وَمَنْ جَهَلَهُمْ فَقَدْ جَهَلَ اللَّهُ، وَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ

آنان را بشناسد خدای را شناخته و هر که نشناسدشان خدای را نشناخته و هر که بدانان چنگ زند

اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ

به خدا چنگ زده و هر که آنان را رها کند خدا را رها کرده است و خدای را گمراه گیرم که من صلحم با هر کس که

سَأَلَمَكُمُ، وَ حَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمُ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ، مَفْوُضٌ فِي

با شما صلح کند در جنگم با هر که با شما در جنگ است ایمان دارم به نهان و آشکار شما و اختیار

ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ

همه این کارها را به شما واگذار کنم خدا لعنت کند دشمن آل محمد را از جن و انس و بیزارم جویم به درگاه خدا

مِنْهُمْ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

از ایشان و درود خدا بر محمد و آلش.

و این زیارتی است که می‌تواند جایگزین هر زیارت دیگر بشود؛ پس از خواندن این زیارت، بر محمد و آل محمد زیاد صلوات می‌فرستی و اسم یک یک ائمه را می‌بری و بر دشمنانشان لعنت می‌فرستی و برای خودت و همه مؤمنین و مؤمنات هر دعایی را که خواستی می‌کنی.^۱

زیارت دوم (زیارت جامعه کبیره): «شیخ صدوق» در کتاب «من لا یحضره الفقیه» از یکی از یاران

حضرت هادی علیه السلام روایت کرده که گفت: خدمت آن حضرت علیه السلام عرض کردم: یابن رسول الله! زیارتی به من تعلیم فرما که از حیث بلاغت کامل باشد و با آن، هر کدام از شما را که خواستم زیارت کنم، فرمود: پس از غسل زیارت، هرگاه به درگاه حرم رسیدی بایست و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ

گواهی دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و گواهی دهم که محمد - که درودهای خدا

عَلَيْهِ وَ آلِهِ عِبْدُهُ وَ رَسُولُهُ

بر او و آلش باد - بنده و رسول اوست

و چون وارد حرم شدی و نگاهت به قبر افتاد، می‌ایستی و سی مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** می‌گویی. سپس اندکی با آرامش دل و آرامش تن و کوتاه گرفتن گام‌ها راه می‌روی، آنگاه می‌ایستی و بار دیگر سی مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** می‌گویی، سپس نزدیک قبر مطهر می‌روی و چهل مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** می‌گویی (تا صد مرتبه کامل شود)^۲ آنگاه می‌گویی:

۱. کامل‌الزیارات، باب ۱۰۴، صفحه ۳۱۵، حدیث ۱ و بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۱۲۶، حدیث ۱ (با اندکی تفاوت).

۲. چنان که مجلسی اول گفته: شاید علت گفتن صد مرتبه تکبیر این باشد که میباید زائری - با توجه به عبارات بلند این زیارتنامه درباره ائمه علیهم السلام - دچار غلو شود و یا از عظمت خداوند متعال (و این که آنچه آنها دارند از جانب خدا و به اذن خداست) غافل گردد (روضه المتقین، جلد ۵، صفحه ۴۵۳).

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ،

سلام بر شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت و مرکز رفت و آمد فرشتگان

وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ، وَمَعْدِنِ الرَّحْمَةِ، وَخُزَانِ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَأَصُولِ

و جای فرود آمدن وحی (الهی) و معدن رحمت (حق) و گنجینه‌داران دانش و سرحد نهایی بردباری و اصول و اساس

الْكَرَمِ، وَقَادَةَ الْأُمَّمِ، وَأَوْلِيَاءِ النُّعْمِ، وَعَنَاصِرَ الْأَبْرَارِ، وَدَعَائِمَ الْأَخْيَارِ،

کرم و بزرگواری و پیشوایان مَنتهای و در اختیار دارندگان نعمتها و ریشه و اصول نیکان و استوانه‌های خوبان

وَسَائِسَةَ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ، وَأَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ،

و زمامداران بندگان و پایه‌ها و ستونهای شهرها و بلاد و درهای ایمان و امینهای خدای رحمان

وَسَلَالَةَ النَّبِيِّينَ، وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِترَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَةَ

و نژاد پیامبران و زبده (اولاد) رسولان و عترت انتخاب شدگان پروردگار جهانیان، و رحمت

اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَيْمَّةِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ التَّقَى،

خدا و برکاتش (نیز بر آنها باد) سلام بر پیشوایان هدایت و چراغهای تاریکی و نشانه‌های پرهیزکاری

و ذَوِي النَّهْيِ، وَأَوْلَى الْحِجْبِ، وَكَهْفِ الْوَرَى، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلِ

و صاحبان خرد و دارندگان عقل و فطانت و پناهگاه مردمان و وارثان پیامبران و نمونه

الْأَعْلَى، وَالِدَعْوَةَ الْحُسْنَى، وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

اعلای (الهی) و اهل دعوت نیکو (که مردم را به خدا می‌خوانند) و حجت‌های خدا بر اهل دنیا و آخرت

وَالْأَوْلَى، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِينِ

و این جهان و رحمت خدا و برکاتش (نیز بر ایشان باد) سلام بر جایگاههای شناسایی خدا و مسکینهای

بَرَكَاتِ اللَّهِ، وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ، وَحَفْظَةِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءِ

برکت خدا و کانهای حکمت و فرزندی خدا و نگهبانان راز خدا و حاملان کتاب خدا و اوصیای

نَبِيِّ اللَّهِ، وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ،

پیامبر خدا و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله، و رحمت خدا و برکاتش (نیز بر ایشان باد)

السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، وَالْأَدِلَاءِ عَلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقَرِّينَ

سلام بر خوانندگان بسوی خدا و رهنمایان بسوی موجبات خشنودی خدا و استقرار یافتگان

فِي أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ،

در فرمان خدا و کاملان در دوستی و محبت خدا و مخلصان در یگانه‌پرستی خدا

وَالْمُظْهِرِينَ لَأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ،

و آشکار کنندگان امر و نهی خدا و بندگان گرامی خدا آنان که پیشی نگیرند بر خداوند در گفتار

وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعَاةِ،

و آنان که بدستورش عمل کنند، و رحمت خدا و برکاتش (بر ایشان باد) سلام بر امامان دعوت کننده (بحق)

وَالْقَادَةَ الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةَ الْوُلَاةِ، وَالذَّادَةَ الْحُمَاةِ، وَأَهْلَ الذُّكْرِ، وَأَوْلَى

و پیشوایان راهنما و آقایان سرپرست و دفاع کنندگان و حامیان (از دین خدا) و اهل ذکر و فرمانداران

الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ، وَخَيْرَتِهِ وَحِزْبِهِ، وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ، وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ،

و نمایندگان خدا و برگزیدگان او و گروه او و گنجینه دانشش و حجت او و راه او

وَنُورِهِ وَبُرْهَانِهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا

و نور او و دلیل روشن او، و رحمت خدا و برکاتش (بر ایشان باد) گواهی دهم که نیست معبودی جز خدای یگانه

شَرِيكَ لَهُ، كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ، وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأَوْلُوا الْعِلْمِ مِنْ

که شریک ندارد چنانچه گواهی داده خدا برای خودش و گواهی دادند برای او فرشتگانش و دانشمندان از

خَلْقِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ،

خلق او معبودی نیست جز او که نیرومند و فرزانه است و گواهی دهم که محمد بنده انتخاب شده اوست

وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

و رسول پسندیده اوست که فرستاد او را با هدایت و آیین حق تا پیروزش کند بر همه آیین‌ها

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ،

و گرچه خوش نداشته باشند مشرکان و گواهی دهم که شماست پیشوایان راهبر راه یافته

الْمَعْصُومُونَ الْمُكْرَمُونَ، الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ، الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفُونَ،

معصوم گرامی مقرب پرهیزکار راستگوی زنده

الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ،

فرمانبرداران خدا و قیام کنندگان به فرمانش و انجام دهندگان خواسته‌اش و آنان که به مقام کرامت او رسیدند،

إِصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَأَرْتَضَاكُمْ لِعَيْبِهِ، وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَبَيْكُمْ بِقُدْرَتِهِ،

برگزیدتان به علم خود و پسندیدتان برای جریانات غیب (ویس پرده) خود و انتخابتان کرد برای راز خود و اختیارتان کرد به قدرتش

وَاعَزَّكُمْ بِهَدَاهُ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ، وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ، وَآيَدَكُمْ بِرُوحِهِ،

و عزیزتان کرد به راهنمایی خود و مخصوصتان داشت به دلیل روشش و برگزید شما را برای نور خود و تأیید کرد شما را به روح خود و

وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَحُجْبًا عَلَى بَرِيَّتِهِ، وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ،

پسندید شما را برای جانشینی در زمیشت و تا که حجت‌هایی باشید بر مخلوقش و یاورانی برای دینش و

وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعًا لِحُكْمَتِهِ، وَتَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ،

نگهبانانی برای رازش و گنجینه دارانی برای دانشش و سپردگان حکمتش و مفسران وحیش و

وَأَرْكَانًا لِنُورِ حَيْدِهِ، وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ،

پایه‌های یگانه شناسیش و گواهانی بر خلقش و نشانه‌هایی برای بندگانش و مشعل‌هایی در شهرها و بلادش

وَإِدْلَاءً عَلَى صِرَاطِهِ، عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَأَمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَ

و راهنمایی بر راهش، خداوند نگهداشت شما را از لغزش و ایمن داشت شما را از فتنه‌ها و آزمایشات

طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ، وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا، فَعَظَّمْتُمْ

و پاکتان کرد از چرکی و دونه کرد از شما پلیدی را و بخوبی پاکیزه‌تان کرد، شما نیز (در برابر) عظیم شمردید

جَلَالَهُ، وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَأَدْمَنْتُمْ ذِكْرَهُ^۲، وَوَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ،

شوکتش را و مقامش را بزرگ دانستید و کرمش را ستودید و به ذکر او ادامه دادید و پیمانش را محکم کردید

وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ إِلَى

و آن عهدی را که در فرمانبرداریش داشتید سخت استوار کردید و در پنهانی و آشکار برای او خیرخواهی کردید و مردم را با

سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ،

حکمت و پند نیکو به راهش دعوت کردید و در راه خشنودی او بذل جان کردید

وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنِّهِ، وَأَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ،

و در مقابل پیش‌آمدهای ناگوار بخاطر او بردباری کردید، و نماز را بپا داشتید و زکات را پرداختید

وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ،

و امر به معروف و نهی از منکر کردید و در راه خدا آن طور که باید جهاد و مبارزه کردید

حَتَّىٰ أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ، وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ

تا بالاخره دعوت حق را آشکار و واجبات او را بیان داشتید و حدود و مقرراتش را برپا داشتید و دستورات و احکامش

۱. فقیه: «أذهب عنكم الرجس أهل البيت».

۲. فقیه: «أدمنتم ذكره».

أَحْكَامِهِ، وَ سَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ، وَ صِرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا، وَ سَلَّمْتُمْ لَهُ

را منتشر ساختید و روش او را مقرر داشتید و در راه رضای او گام برداشتید و تسلیم

الْقَضَاءِ، وَ صَدَقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى، فَالرَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ، وَاللَّازِمُ

قضا و قدر او شدید و پیمبران گذشته او را تصدیق کردید پس آنکه از شما رو گرداند از دین خارج گشته و آنکه ملازم

لَكُمْ لِأَحِقُّ، وَ الْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ، وَ الْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ

شما بود به حق رسیده و آنکه کوتاهی کرد در حق شما نابود گردید، و حق همراه شما و در میان شما خاندان و از جانب شماست

وَ الْيَكْمُ، وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ، وَ مِيرَاثُ النَّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ، وَ إِيَابُ الْخَلْقِ

و بسوی شما بازگردد و شماید اهل حق و معدن آن، و میراث نبوت نزد شماست و بازگشت خلق خدا

إِلَيْكُمْ، وَ حِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَ فَضْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ، وَ آيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ،

بسوی شماست و حسابشان با شماست و سخنی که حق و باطل را جدا کند نزد شماست و آیات خدا پیش شماست

وَ عَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَ نُورُهُ وَ بُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ، وَ أَمْرُهُ إِلَيْكُمْ، مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ

و تصمیمات قطعی او درباره شماست و نور و دلیل روشش نزد شماست و امر امامتش محول به شماست، هر که شما را دوست دارد

وَ إِلَى اللَّهِ، وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهَ، وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَ مَنْ

خدای را دوست داشته و هر که شما را دشمن دارد خدای را دشمن داشته و هر کس به شما محبت داشته باشد به خدا محبت داشته و هر کس

أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، أَنْتُمْ الصِّرَاطُ

با شما کینه توزد با خدا کینه‌توزی کرده و هر که به شما چنگ زند به خدا چنگ زده شماید شاهراه

الْأَقْوَمُ، وَ شَهْدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ، وَ شَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ،

و راه راست و گواهان در این دار فانی (دنیا) و شفیعیان در خانه پایدار (قیامت) و رحمت پیوسته (حق)

وَ الْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ، وَ الْأَمَانَةُ الْمُحْفُوظَةُ، وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ، مَنْ

و آن نشانه پنهان در گنجینه و آن امانتی که نگهداری شده (یا حفظش بر مردم واجب است) و آن درگاهی که مردم بدان آزمایش شوند هر که

أَتَيْكُمْ نَجَى، وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ، إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ، وَ عَلَيْهِ تَدْلُونَ، وَ بِهِ

به نزد شما آمد نجات یافت و هر کس نیامد هلاک شد (شما مردم را) بسوی خدا می‌خوانید و بر او راهنمایی کنید و به او

تَوَمِّنُونَ، وَ لَهُ تُسَلَّمُونَ، وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَ إِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَ بِقَوْلِهِ

ایمان دارید و تسلیم اوهستید و بدستورش عمل کنید و بسوی راه او (مردم را) ارشاد کنید و به گفتار او

تَحْكُمُونَ، سَعِدَ مَنْ وَالَاكُمْ، وَ هَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ، وَ خَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ،

حکم کنید، نیک بخت شد هر که شما را دوست دارد و به هلاکت رسید هر که شما را دشمن داشت و زیانکار شد منکر شما

وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَآمَنَ مَنْ لَجَا إِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ

و گمراه شد آنکه از شما جدا گشت و رستگار شد آنکه به شما چنگ زد و ایمن گشت آنکه بدرگاه شما پناه آورد و سلامت یافت

مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَهُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ، مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَاوِيَهُ، وَ مَنْ

هر که شما را تصدیق کرد و هدایت شد هر که به شما چنگ زد، هر که پیروی شما را کرد بهشت ماوی اوست و هر که

خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوِيَهُ، وَ مَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، وَ مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَ مَنْ

مخالفت شما را کرد دوزخ جایگاه اوست، و هر که منکر شما شد کافر و هر که با شما جنگ کرد مشرک است و هر کس

رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي اسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا

شما را رد کرد در ته جهنم جای دارد گواهی دهم که این مقام و منزلت در زمان

مَضَى، وَ جَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ، وَ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِبْتَكُمْ وَاحِدَةٌ،

گذشته برای شما ثابت بوده و در آینده زمان نیز برای شما جاری است و همانا روانهای شما و نورتان و سرشتان یکی است

طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا، فَجَعَلَكُمْ بَعْرِثِهِ

همگی پاک و پاکیزه است و برخی از برخی دیگر گرفته شده خداوند شما را بصورت نورهایی آفرید و گرداگرد عرش

مُحَدِّقِينَ، حَتَّىٰ مِنْ عَلَيْنَا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ آذِنِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ

خود قرارتان داد تا آنگاه که با آوردنتان در این جهان بر ما منت گذارد و قرارتان داد در خانههایی که اجازه داد بلند گردند

وَ يَذْكَرَ فِيهَا اسْمَهُ، وَ جَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ، وَ مَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وِلايَتِكُمْ

و نام او در آنها برده شود و مقرر داشت که درودهای ما بر شما و هم چنین آنچه را از دوستی شما برای ما مخصوص داشته همه اینها موجب

طِيبًا لِخُلُقِنَا، وَ طَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا، وَ تَزْكِيَةً لَنَا، وَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا، فَكُنَّا عِنْدَهُ

پاکي اخلاق ما و پاک شدن خود ما و تزكیه ما و كفاره گناهان ما باشد و ما در نزد خدا از زمره

مُسْلِمِينَ بِفَضْلِكُمْ، وَ مَعْرُوفِينَ بِتَصَدِّقِنَا إِيَّاكُمْ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ

تسلیم شدگان برتری شما و شناخته شدگان به تصدیق مقام شما بودیم پس خداوند برساند شما را به شریفترین

مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، وَ أَعْلَىٰ مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ،

جایگاه گرامیان و بلندترین منازل مقربان و بالاترین درجات رسولان

حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ، وَ لَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ، وَ لَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَ لَا يَطْمَعُ

آن جا که کسی بدان نرسد و فوق آن جایگاه کسی راه نیابد و پیش روی بر آن پیشی نکیرد و برای رسیدن

فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ، حَتَّىٰ لَا يَبْقَىٰ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَ لَا

بدانجا کسی طمع ننهد، تا اینکه بجای نماند فرشته مقرب و نه پیامبر مرسل و نه

صِدِّیقٌ وَلَا شَهِیدٌ، وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ، وَلَا دَنِّیٌّ وَلَا فَاضِلٌّ، وَلَا

صدیق و نه شهیدی و نه عالم و نه جاهلی و نه پست و نه برتری و نه

مُؤْمِنٌ صَالِحٌ، وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ عَنِیدٌ، وَلَا شَیْطَانٌ مَرِیدٌ، وَلَا

مؤمن نیک کردار و نه تبهکار بدکاری و نه گردنکش ستیزه‌جو و نه اهریمن متمردی و نه

خَلَقَ فِیْمَا بَیْنَ ذَٰلِكَ شَهِیدٌ، إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِکُمْ، وَعَظَمَ خَطَرَکُمْ،

خلق دیگری که در این میان گواه باشد جز آن‌که بشناساند به او خداوند جلالت و قدر و عظمت مقام و

وَکَبَرَ شَأْنِکُمْ، وَتَمَامَ نُورِکُمْ، وَصِدْقَ مَقَاعِدِکُمْ، وَثَبَاتَ مَقَامِکُمْ، وَشَرَفَ

بزرگی منزلت و کامل بودن نورتان را و درستی منصبها و پابرجا بودنتان را (در اطاعت حق) و شرافت

مَحَلِّکُمْ وَ مَنَزِلَتِکُمْ عِنْدَهُ، وَکَرَامَتِکُمْ عَلَیْهِ، وَخَاصَّتِکُمْ لَدَیْهِ، وَقُرْبَ

همگان و منزلت شما را در پیش خود و مقام گرایی شما را و خصوصیتی که در نزد او دارید و جایگاه

مَنَزِلَتِکُمْ مِنْهُ، بِأَبی أَنْتُمْ وَأُمِّی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ أُسْرَتِی، أَشْهَدُ اللَّهَ

نزدیکی که نسبت به او دارید پدر و مادر و خاندان و مال و فامیلم فدای شما گواه گیرم خدا را و

وَ أَشْهَدُکُمْ، أَنِّی مُؤْمِنٌ بِکُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ، کَافِرٌ بَعْدُوکُمْ وَبِمَا کَفَرْتُمْ بِهِ،

گواه گیرم شما را که من ایمان دارم به شما و بدانچه شما بدان ایمان دارید و کافرم نسبت به دشمن شما و بدانچه شما انکار آن را کردید

مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِکُمْ وَبِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَکُمْ، مُوَالٍ لَکُمْ وَ لِأَوْلِیَائِکُمْ، مُبْغِضٌ

بینایم به مقام شما و به گمراهی آن‌که با شما مخالفت کرد دوست‌دار شما و (دوستدار) دوستان شمایم و بغض

لِأَعْدَائِکُمْ وَ مَعَادٍ لَهُمْ، سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَکُمْ، وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَکُمْ، مُحَقِّقٌ

دشمنانتان را در دل دارم و دشمن آنهاییم صلح با هر که با شما صلح کند و در جنگم با هرکس که با شما در جنگ است حق می‌دانم

لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ لَکُمْ، عَارِفٌ بِحَقِّکُمْ، مُقَرَّرٌ بِفَضْلِکُمْ،

آنچه را شما حق دانستید و باطل دانم آنچه را شما باطل دانستید پیرو شمایم عارف به حق شمایم اقرار به برتری شما دارم

مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِکُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِکُمْ، مُعْتَرِفٌ بِکُمْ، مُؤْمِنٌ بِأَيَابِکُمْ،

بار علم دانش شما را تحمل کنم و از مهالک در پرده عهد و امان شما روم به شما (و حقیقتان) اعتراف دارم و به بازگشتان ایمان دارم

مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِکُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِکُمْ، مُرْتَقِبٌ لِذَوْلَتِکُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِکُمْ،

و رجعت شما را تصدیق دارم و چشم براه فرمان شما و منتظر دولت شمایم گفتارانتان را بگیرم

عَامِلٌ بِأَمْرِکُمْ، مُسْتَجِیرٌ بِکُمْ، زَائِرٌ لَکُمْ، لَا یَذُّ عَائِذٌ بِقُبُورِکُمْ، مُسْتَشْفِعٌ

و دستورتان را انجام دهم و به شما پناه جویم و شما را زیارت کنم و به قبرهای شما پناه آرم و شما را بدرگاه

إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ، وَ مُتَقَرَّبُ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَ مُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي،

خدای عزوجل شفیع آرم و بوسیله شما به پیشگاهش تقرب جویم و شما را در پیش روی خواسته و

وَ حَوَائِجِي وَ إِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ

حاجات و ارادهام و قرار دهم در همه حالات و کارهایم، ایمان دارم به نهران شما و

وَ عَلَانِيَتِكُمْ، وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ، وَ أَوْلَكُمْ وَ آخِرِكُمْ، وَ مُفَوَّضٌ فِي ذَلِكَ

آشکارتان و حاضران و غایبان و اول و آخرتان و در این باره کار را به خودتان وامی‌گذارم

كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، وَ مُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ، وَ قَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَ رَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ،

(ایرادی به شما ندارم) و تسلیم شمایم و دلم نیز تسلیم شماست و رأی من نیز تابع (رای) شماست

وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ، وَ يَرُدَّكُمْ فِي أَيَّامِهِ،

و یاریم برایتان آماده است تا آنکه خدای تعالی دینش را بوسیله شما زنده کند و دوباره بازگرداند شما را در روزها (ی حکومت) خود

وَ يُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ، وَ يُمْكِنُكُمْ فِي أَرْضِهِ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ غَيْرِكُمْ،^۲

و آشکارتان سازد برای عدل خود و پابرجایتان کند در روی زمینش، پس با شما باشم با شما نه با غیر شما

أَمْنٌ بِكُمْ، وَ تَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ، وَ بَرَرْتُ إِلَى اللَّهِ

و ایمان دارم به شما و دوست دارم آخرین فرد شما را به همان دلیل که دوست دارم اولین شخص شما را و بی‌زاری جویم به پیشگاه خدای

عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَ مِنْ الْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ حَزْبِهِمْ

عزوجل از دشمنانتان و از جبت و طاغوت (خلفای ناحق) و شیاطین و پیروانشان

الظَّالِمِينَ لَكُمْ، وَ الْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ، وَ الْمَارِقِينَ مِنْ وِلايَتِكُمْ،

(سایر غاصبین) آن ستمکاران بر شما و منکران حق شما و بیرون‌روندگان از زیر بار ولایت و زمامداری شما

وَ الْغَاصِبِينَ لِإِرْثِكُمْ، وَ الشَّاكِينَ فِيكُمْ، وَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ، وَ مِنْ كُلِّ

و غصب‌کنندگان میراث شما و شک‌کنندگان درباره شما و منحرف‌شدگان از طریقه شما و از هر

وَ لِبِجَّةِ دُونِكُمْ، وَ كُلِّ مُطَاعِ سِوَاكُمْ، وَ مِنْ الْأُمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ،

همدم و وسیله‌ای غیر از شما و هر فرمانروایی جز شما و از پیشوایانی که مردم را به دوزخ می‌خوانند

فَتَبَّتْنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَى مُوَالَاتِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ وَ دِينِكُمْ، وَ وَفَّقَنِي

پس خداوند پابرجایم بدارد همیشه تا زنده‌ام بر موالات و دوستی و دین و آیین شما و موفقم دارد

۱. فقیه: «و قلبی لکم مسلم».

۲. فقیه: «لا مع عدوکم».

لَطَاعَتِكُمْ، وَ رَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ، وَ جَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ، اَلتَّابِعِينَ

برای فرمانبرداری شما و روزیم گرداند شفاعت شما را و قرارم دهد از برگزیدگان دوستانان آنان که تابع

لَمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثَارَكُمْ، وَ يَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ،

دعوت شما هستند و بگرداند مرا از کسانی که پیروی کند از آثار شما و می‌رود به راه شما

وَ يَهْتَدِي بِهَدْيِكُمْ، وَ يُحْشِرُ فِي زَمْرَتِكُمْ، وَ يُكْرِ فِي رَجْعَتِكُمْ، وَ يَمْلِكُ

و راهنمایی جوید به راهنمایی شما و محسور گردد در گروه شما و بازگردد در دوران رجعت و بازگشت شما و به فرمانروایی رسد

فِي دَوْلَتِكُمْ، وَ يُشْرِفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَ يَمْكُنُ فِي أَيَّامِكُمْ، وَ تَقَرُّ عَيْنُهُ

در دوران حکومت شما و مفتخر گردد به عافیت (و حسن عاقبت) از شما و مقتدر گردد در روزهای (حکومت) شما و روشن گردد دیده‌اش

غَدَاً بِرُؤْيَتِكُمْ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَاءَ

فردای قیامت بیدار شما پدر و مادرم و خودم و خاندان و داراییم به فدای شما هر که آهنگ خدا کند

بِكُمْ، وَ مَنْ وَ حَدَّهُ قَبْلَ عَنكُمْ، وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوَالِيٍّ لِأَحْصِي

از شما شروع کند و آن کس که خدا را به یکتایی شناسد از شما پذیرد و هر که قصد او کند به شما رو کند سروران من

ثَنَائِكُمْ، وَ لَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ، وَ مِنْ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ، وَ أَنْتُمْ نُورٌ

ثای شما را نتوانم کرد و با مدح به کنه و حقیقت شما نرسم و با توصیف قدر و منزلت شما را بیان نتوانم که شما دید روشنی

الْأَخْيَارِ، وَ هُدَاةُ الْأَبْرَارِ، وَ حُجَجُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ،

خوبان و راهنمای نیکان و حجت‌های خدای جبار، خداوند (عالم وجود را) به شما آغاز کرد و به شما نیز ختم کند

وَ بِكُمْ يُنْزِلُ الْغَيْثَ، وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ،

و بخاطر شما فرو ریزد باران را و بخاطر شماست که نگهدارد آسمان را از این‌که بر زمین افتد جز به اذن او

وَ بِكُمْ يَنْفُسُ الْهَمَّ، وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ، وَ عِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَ هَبَطَتْ

و بخاطر شما بگشاید اندوه را و برطرف کند سختی را و در پیش شماست آنچه را پیمبرانش فرود آورده و

بِهِ مَلَائِكَتُهُ، وَ إِلَى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ.

فرشتگانش به زمین آوردند و بسوی جد شما برادرت روح‌الامین (جبرئیل) نازل گردید.

(در صورتی که مخاطب در این زیارت، امیرمؤمنان عليه السلام باشد به جای «وَالِیْ جَدِّكُمْ» «وَالِیْ أَخِي»

می‌گویی). آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، طَاطَا كُلُّ شَرِيفٍ

* * * * * به شما داده است خداوند آنچه را به هیچ یک از مردم جهانیان نداده سر (فروتنی) بزیر آورده هر شخص شریفی

لَشَرَفِكُمْ، وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لَطَاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ

در برابر شرف شما و گردن نهاده هر متکبری به فرمانبرداری شما و فروتن گشته هر گردنکشی در برابر فضل شما

كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفَازَ الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ،

و خوار شده هر چیزی برای شما و روشن شد زمین به پرتو نور شما و رستگار شدند مردمان رستگار بوسیله ولایت و دوستی شما،

بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرَّضْوَانِ، وَعَلَى مَنْ جَحَدَ وَوَلَايَتِكُمْ غَضَبُ الرَّحْمَنِ،

بوسیله شما به بهشت رضوان توان رسید و بر آن کس که منکر فرمانروایی شماست خشم خدای رحمان است،

بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ، وَأَسْمَاءُكُمْ

پدر و مادرم و خودم و خاندان و داراییم فدای شما باد، (ای سروران من گرچه) ذکر شما در (زبان) ذکرکنندگان است و نامهایتان

فِي الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ، وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ،

در میان نامها و پیکرتان با سایر پیکرها و روانتان در میان سایر روانها

وَأَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ، وَأَثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ، وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ، فَمَا

و جانهایتان در (عداد) سایر جانها و آثارتان در میان آثار (دیگران) و قبرهاتان در (شمار) سایر قبرهاست ولی (شما را چه نسبت با دیگران)

أَحَلَىٰ أَسْمَائِكُمْ، وَأَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ، وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ، وَأَجَلَّ خَطَرَكُمْ، وَأَوْفَىٰ

چه شیرین است نامهایتان و بزرگواری است جانهایتان و بزرگ است مقامتان و برجسته است منزلت و موقعیتتان و با وفاست

عَهْدَكُمْ، وَأَصْدَقَ وَعْدَكُمْ، كَلَامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمْ

عهدتان و راست است وعدهتان سخنتان نور و دستورتان یکپارچه رشد و رستگاری است، سفارشتان

التَّقْوَىٰ، وَفِعْلُكُمْ الْخَيْرِ، وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانَ، وَسَجِيَّتُكُمْ الْكِرَامُ،

پرهیزکاری و کارتان خیر و خوبی و عادت شما احسان و نیکی و شیوه شما کرم

وَشَأْنُكُمْ الْحَقُّ وَالصَّدْقُ وَالرَّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ

و بزرگواری و رفتارتان حق و راستی و مدارایی است و گفتارناتان مسلم و حتمی است و رأی شما دانش

وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ، وَأَصْلُهُ وَفَرْعُهُ، وَمَعْدِنُهُ وَمَأْوِيَةٌ

و بردباری و دوراندیشی است اگر از خیر و خوبی ذکری به میان آید آغاز و ریشه و شاخه و مرکز و جایگاه

وَمُنْتَهَاهُ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ، وَأَحْصِي

و پایانش شماست پدر و مادرم و خودم به فدای شما چگونه توصیف کنم ثنای نیکوی شما را و چگونه شماره کنم

جَمِيلَ بِلَائِكُمْ، وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ، وَفَرَّجَ عَنَا غَمْرَاتِ

آزمایشهای خوبی که دادید و بوسیله شما بود که خدا ما را از ذلت بیرون آورد و گشایش داد به گرفتاریهای

الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي

سخت ما و نجاتمان داد از پرتگاه هلاکت و نابودی و هم از آتش دوزخ، پدر و مادرم

وَنَفْسِي، بِمَوْلَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا، وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْهُ

و خودم به فدای شما که بوسیله دوستی شما خداوند به ما یاد داد دستورات دینمان را و اصلاح کرد آنچه را که از دنیای ما تباه گشته بود

دُنْيَانَا، وَبِمَوْلَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ، وَأُتْلِفَتِ الْفُرْقَةُ،

و بوسیله شما کلمه (توحید و معارف دین) کامل شد و نعمت بزرگ گشت و جدایی و اختلاف مبذل به الفت و اتحاد گردید

وَبِمَوْلَاتِكُمْ تَقْبَلُ الطَّاعَةَ الْمُفْتَرِضَةَ، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَالذَّرَجَاتُ

و بوسیله موالات شما پذیرفته گردد فرمانبرداری واجب و (تنها) دوستی شماسست که بر خلق لازم و فرض است و از آن شماسست درجات

الرَّفِيعَةَ، وَالْمَقَامَ الْمَحْمُودَ، وَالْمَكَانَ الْمَعْلُومَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالْجَاهُ

بلند و مقام شایسته و جایگاه معین و معلوم در نزد خدای عزوجل و منزلت

الْعَظِيمَ، وَالشَّانَ الْكَبِيرَ، وَالشَّفَاعَةَ الْمَقْبُولَةَ، رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا

عظیم و رتبه بزرگ و شفاعت پذیرفته، پروردگارا ما ایمان داریم بدانچه نازل فرمودی و پیروی کردیم

الرَّسُولَ، فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ

از پیامبرت پس نام ما را با گواهان (به این حقایق) ثبت فرما، پروردگارا منحرف مکن دلهای ما را پس از آن که راهنمایمان کردی و ببخش

لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا

به ما از نزد خویش رحمتی که براستی تویی بخشایشگر منزله است پروردگار ما که

لَمَفْعُولًا، يَا وَلِيَّ اللَّهِ (و اگر همه امامان را قصد کرده باشد می گوید: «يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ») إِنْ بَيَّنَّنِي

براستی وعده او انجام شدنی است ای ولی خدا * * * * * همانا میان من

وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنْ أَيْتَمَّنَكُمْ

و خدای عزوجل گناهی است که محو و پاک نکند آنها را جز رضایت شما پس به حق آن خدایی که شما را امین

عَلَى سِرِّهِ، وَأَسْتَرِ عَاكُمُ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرْنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ

به راز خود کرده و سرپرستی کار خلق خود را به شما واگذارده و فرمانبرداری شما را به فرمانبرداری خود که شما بخشش گناهانم را (از خدا) بخواهید

ذُنُوبِي، وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي، فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ،

و شفیعان من گردید زیرا که من فرمانبردار شمایم، هر که از شما فرمانبرداری کند خدای را فرمانبرداری کرده و

وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ

هر که نافرمانی شما کند خدای را نافرمانی کرده و هر که شما را دوست دارد خدای را دوست داشته و هر که شما را دشمن دارد

فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، أَللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ

خدای را دشمن داشته، خدایا اگر من شفیعی را می‌یافتم که نزدیکتر باشند بدرگاهت از محمد

وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ، الْأَيْمَّةَ الْأَبْرَارِ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي، فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي

و خاندان نیکویش آن پیشوایان نیکوکار بطور مسلم آنها را شفیعان خود قرار می‌دادم پس از تو می‌خواهم بدان حقی که برای

أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ،

ایشان بر خود واجب کردی که مرا در زمره عارفان به مقام آنها و به حق آنها قرارم ده

وَ فِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ

و نیز در زمره کسانی که بوسیله شفاعت آنها مورد مهر قرار گرفته‌اند که تو مهربانترین مهربانان و درود خدا بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.^۱

محمد و آل پاکش و سلام مخصوص و بسیاری بر آنها باد و بس است ما را خدا و نیکو وکیلی است.

یادآوری: «عَلَّامَةُ مَجْلِسِي» پس از نقل و شرح این زیارت می‌گوید: اگر در شرح این زیارت کمی بسط کلام دادم - اگرچه برای رعایت اختصار هنوز هم حق آن را ادا ننمودم - به این جهت است که این زیارت از جهت سند، صحیح‌ترین، و از جهت موارد شمولش نسبت به ائمه علیهم‌السلام شامل‌ترین و عام‌ترین زیارات، و از جهت لفظ، روشن‌ترین و فصیح‌ترین، و از جهت معنا و محتوا بلیغ‌ترین، و از جهت شأن و مقام، عالی‌ترین زیارات است.^۲

«مجلسی اوّل» (پدر بزرگوار عَلَّامَةُ مَجْلِسِي) نیز در شرح «من لا یحضره الفقیه» (یعنی در کتاب روضه‌المتقین) می‌فرماید: این زیارت احسن و اکمل زیارات است و من تا زمانی که در عتبات عالیات بودم زیارت نکردم ائمه علیهم‌السلام را مگر به این زیارت.^۳

از حکایتی که مرحوم «حاجی نوری» (قدّس الله نفسه) در کتاب «نجم الثاقب» نقل می‌کند به دست می‌آید که باید بر این زیارت مواظبت و مداومت داشت و از آن غافل نبود.^۴

۱. فقیه، جلد ۲، صفحه ۶۰۹، حدیث ۳۲۱۳ و عیون الاخبار، جلد ۲، صفحه ۲۷۲، حدیث ۱ و بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۱۲۷ (با اندکی

تفاوت).

۲. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۱۴۴.

۳. روضه‌المتقین، جلد ۵، صفحه ۴۵۲.

۴. نجم الثاقب، صفحه ۶۰۳.

زیارت سوم (زیارت جامعه دیگری از امام صادق علیه السلام): «عَلَامَةُ مَجْلِسِي» در «بحارالانوار» می نویسد: این زیارت زیارتی است که «سید بن طاووس» ضمن ادعیه عرفه، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: در هر جا و هر زمان خصوصاً روز عرفه می توان این زیارت را خواند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای پیغمبر خدا سلام بر تو ای

خَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، وَأَمِينَهُ عَلَى وَحْيِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ

برگزیده خدا از خلقش و امین او بر وحیش سلام بر تو ای سرور من ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَبَابُ

مؤمنان سلام بر تو ای مولای من، تویی حجت خدا بر خلق او و درگاه

عِلْمِهِ، وَوَصِيُّ نَبِيِّهِ، وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِهِ فِي أُمَّتِهِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً غَضَبْتَكِ

علم و دانش او و وصی پیامبرش و جانشین پس از او در میان امتش خدا لعنت کند مردمی که حق تو را غضب کردند

حَقِّكَ، وَقَعَدْتَ مَقْعَدَكَ، أَنَا بَرِّي مِنْهُمْ وَمِنْ شَيْعَتِهِمْ إِلَيْكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

و بجای تو نشستند، من از آنها و از پیروانشان بدرگاه تو بیزاری جویم سلام بر تو

يَا فَاطِمَةَ الْبُتُولِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

ای فاطمه بتول سلام بر تو ای زینت زنان جهانیان سلام بر تو

بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ

ای دختر رسول خدا پروردگار جهانیان - درود خدا بر تو و بر او باد - سلام بر تو ای مادر

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً غَضَبْتَكِ حَقِّكَ، وَمَنْعَتْكِ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ لَكَ

حسن و حسین خدا لعنت کند مردمی که حق تو را غضب کردند و محروم کردند از آن حق حلالی که خداوند برایت مقرر داشته بود

حَلَالًا، أَنَا بَرِّي إِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شَيْعَتِهِمْ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا

من بیزارم به پیشگاه تو از آنها و از پیروانشان، سلام بر تو ای مولای من ای ابا

مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الزَّكِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ،

محمد حسن «زکی» سلام بر تو ای سرور من، خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند

وَبَايَعَتْ فِي أَمْرِكَ وَشَايَعَتْ، أَنَا بَرِّي إِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شَيْعَتِهِمْ، السَّلَامُ

و در کار (گرفتن خلافت از) تو با همدیگر بیعت کرده و همکاری کردند من بیزارم به پیشگاه تو از آنها و از پیروانشان سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ

بر تو ای مولای من ای ابا عبدالله (ای) حسین بن علی - درودهای خدا بر تو

وَعَلَىٰ آبِيكَ وَعَلَىٰ جَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لَعْنُ اللَّهِ أُمَّةً

و بر پدرت و بر جدت محمد صلی الله علیه و آله خدا لعنت کند مردمی که خون تو را

اسْتَحَلَّتْ دَمَكَ، وَلَعْنُ اللَّهِ أُمَّةً قَتَلْتَهُ، وَاسْتَبَاحَتْ حَرِيمَكَ، وَلَعْنُ اللَّهِ

حلال شمردند و خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند و هتک حرمت تو را مباح دانستند و خدا لعنت کند

أَشْيَاعَهُمْ وَاتَّبَاعَهُمْ، وَلَعْنُ اللَّهِ الْمَمْهَدِينَ لَهُمْ بِالتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ، أَنَا

همراهان و پیروانشان را و لعنت کند آنان که اسباب کار را فراهم کردند تا آنها نیروی نبرد با شما را پیدا کنند، من

بَرِيٍّ إِلَى اللَّهِ وَالْيَكِ مِنْهُمْ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بْنَ

بیزارم به پیشگاه خدا و به پیشگاه تو از ایشان سلام بر تو ای مولای من ای ابامحمد: علی بن

الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ

الحسین سلام بر تو ای مولای من ای ابا جعفر محمد بن علی سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ،

بر تو ای مولای من ای ابا عبدالله جعفر بن محمد سلام بر تو ای مولای من

يَا أَبَا الْحَسَنِ مُوسَىٰ بْنَ جَعْفَرٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، يَا أَبَا الْحَسَنِ

ای ابا الحسن موسی بن جعفر سلام بر تو ای مولای من ای ابا الحسن

عَلِيَّ بْنَ مُوسَىٰ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ،

علی بن موسی سلام بر تو ای مولای من ای ابا جعفر محمد بن علی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای مولای من ای ابالحسن علی بن محمد سلام بر تو ای

مَوْلَايَ، يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، يَا أَبَا

مولای من ای ابا محمد حسن بن علی سلام بر تو ای مولای من ای ابا

الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ صَاحِبَ الزَّمَانِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ

القاسم محمد بن الحسن صاحب الزمان - درود خدا بر تو و بر

عَثْرَتِكَ الطَّاهِرَةِ الطَّيِّبَةِ، يَا مَوَالِيَ كُونُوا شُفَعَاءِي فِي حَطِّ وَزْرِ

خاندان پاک پاکیزهات - ای سروران من شما شفاعان من باشید در ریختن بار گران گناه

وَخَطَايَايَ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ، وَاتَّوَالِي آخِرِكُمْ بِمَا اتَّوَالِي بِهِ

و خطاهایم ایمان دارم به خدا و بدانچه بر شما نازل شده و دوست دارم آخرین فرد شما را به همان دلیل که دوست دارم

أَوْلَاكُمْ، وَبَرَّيْتُ مِنَ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى، يَا مَوَالِيَّ أَنَا

اولین شخص شما را و بیزارم از جبت و طاغوت و لات و عزی (یعنی خلفای ناحق) ای سروران و بزرگانم من

سَلِّمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ، وَوَلِيٌّ

در صلح و سازشم با هر که با شما در صلح است و در جنگم با هر کس که با شما در جنگ است و دشمنم با کسی که با شما دشمنی کند و دوستم

لِمَنْ وَالَاكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِيكُمْ وَغَاصِبِيكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ

با کسی که شما را دوست دارد تا روز قیامت، و خدا لعنت کند ستمگران شما و غاصبین حقوق شما را خدا لعنت کند

أَشْيَاعَهُمْ وَاتَّبَاعَهُمْ وَأَهْلَ مَذْهَبِهِمْ، وَأَبْرَاءَ إِلَى اللَّهِ وَالْإِيكُم مِّنْهُمْ.^۱

پیروان و همراهان و هم مسلکان آنها را و بیزاری جویم بدرگاه خدا و به پیشگاه شما از آنها.

زیارت چهارم (زیارت امین الله): همان گونه که قبلاً نیز گفته‌ایم زیارت «امین الله» در نظر بزرگانی

مانند مرحوم «علامه مجلسی» از معتبرترین زیاراتی است که در همه مشاهد مشرفه می‌توان خواند.

این زیارت در فصل زیارات امیرمؤمنان علیه السلام (صفحه ۲۶۰) به عنوان نخستین زیارت از زیارت مطلقه

آن حضرت آمد.

زیارت پنجم (زیارت رجبیه): در اعمال ماه رجب نیز زیارتی با شروع «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ

أَوْلِيَانِهِ فِي رَجَبٍ» (صفحه ۶۳۱) خواهد آمد که مطابق روایتی که از حسین بن روح از حضرت

صاحب الامر علیه السلام نقل شد می‌توان آن را در هر یک از مشاهد مشرفه خواند (البته در ماه رجب).

فصل یازدهم دعاهای بعد از زیارات

دعای اول: «سید بن طاووس» می‌فرماید: مستحب است خواندن این دعا پس از زیارت هر کدام از

ائمه علیهم‌السلام:

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ، وَحَجَبَتْ دُعَائِي عَنْكَ،

خدایا اگر گناهان آبرویم را در پیشگاه تو برده و دعایم را از تو پوشانده

وَ حَالَتُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تُقْبِلَ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَتَنْشُرَ

و میان من و تو حایل گشته پس از تو خواهم که رو آری بر من به روی گرامیت و بگسترانی

عَلَيَّ رَحْمَتَكَ، وَتَنْزِلَ عَلَيَّ بَرَكَاتِكَ، وَإِنْ كَانَتْ قَدْ مَنَعَتْ أَنْ تَرْفَعَ لِي

رحمت خود را بر من و فروباری برکات را بر من و اگر گناهان من مانع از این است که آوازی از من

إِلَيْكَ صَوْتًا، أَوْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبًا، أَوْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَةَ مُهْلِكَةٍ، فَهَا أَنَا ذَا

بسوی تو بالا آید یا از این‌که گناهی از من بیامیزی یا از خطای نابودکننده‌ای درگذری پس من نیز

مُسْتَجِيرٌ بِكَرَمِ وَجْهِكَ، وَعِزِّ جَلَالِكَ، مُتَوَسِّلٌ إِلَيْكَ، مُتَقَرِّبٌ إِلَيْكَ بِأَحَبِّ

پناه جسته‌ام به بزرگواری ذات و عزت جلال و بدرگاہت توسل جسته و به پیشگاه تقرب و نزدیکی جویم

خَلْقِكَ إِلَيْكَ، وَأَكْرَمِهِمْ عَلَيْكَ، وَأَوْلَاهُمْ بِكَ، وَأَطْوَعِهِمْ لَكَ، وَأَعْظَمِهِمْ

به محبوب‌ترین خلق تو در نزدت و گرامی‌ترین آنها بر تو و شایسته‌ترین آنها به تو و فرمانبردارترین‌شان برای تو و بزرگ‌ترین آنها نزد تو

مَنْزِلَةً وَمَكَانًا عِنْدَكَ مُحَمَّدٍ، وَبِعِزَّتِهِ الطَّاهِرِينَ، الْأَيُّمَّةِ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ،

در منزلت و مقام (یعنی) محمد و عترت پاکیزه‌اش آن پیشوایان راهنمای راه یافته

الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَى خَلْقِكَ طَاعَتَهُمْ، وَأَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَجَعَلْتَهُمْ وُلاةَ

آن‌که واجب کردی بر خلق خویش فرمانبرداریشان را و دستورشان دادی به دوستی آنها و گردانیدی آنها را زمامداران

الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَيَا

پس از رسولت - که درود تو بر او و الش باد - ای خوار کننده هر گردنکش ستم‌جو و ای

مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ، بَلِّغْ مَجْهُودِي، فَهَبْ لِي نَفْسِي السَّاعَةَ، وَرَحْمَةً مِنْكَ تَمُنُّ

عزت‌بخش مؤمنان تاب و توانم رفته پس ببخش مرا در همین ساعت و رحمتی از خودت به من ده که منت نهدی

بِهَا عَلَيَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. آنگاه ضریح را بیوس و هر دو طرف صورتت را روی ضریح

بر من ای مهربانترین مهربانان. * * * * *

بگذار و بگو: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مَشْهُدٌ لَا يَرْجُو مَنْ فَاتَتْهُ فِيهِ رَحْمَتُكَ أَنْ يَنَالَهَا

* * * * * خدایا برستی این جا زیارتگاهی است که اگر کسی رحمت دراین جا به او نرسد امید ندارد که در جای دیگری نصیب او

فِي غَيْرِهِ، وَلَا أَحَدٌ أَشْقَى مِنْ أَمْرِ قَصْدَهُ مَوْمِلًا فَابَ عَنْهُ خَائِبًا، اللَّهُمَّ

گردد و کسی بدبختتر نیست از آن شخصی که از روی امیدواری آهنگ این درگاه کند ولی ناامید برگردد خدایا

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْأَيَّامِ وَخَيْبَةِ الْمُنْقَلَبِ، وَالْمُنَاقَشَةِ عِنْدَ الْحِسَابِ،

به تو پناه برم از بدی و شر چنین بازگشتی و از نومی در هنگام رجوع و سختگیری در هنگام حساب

وَحَاشَاكَ يَا رَبِّ أَنْ تَقْرَنَ طَاعَةَ وَليِّكَ بِطَاعَتِكَ، وَمُؤَالَاتَهُ بِمُؤَالَاتِكَ،

و دور است از تو ای پروردگار من که مقرون سازی فرمانبرداری ولی خود را به فرمانبرداری خودت و دوستیش را بدوستی خودت

وَمَعْصِيَتَهُ بِمَعْصِيَتِكَ ثُمَّ تُؤَيِّسُ زَائِرَهُ، وَالْمُتَحَمِّلُ مِنْ بُعْدِ الْبِلَادِ إِلَى

و نافرمانیش را به نافرمانی خودت آنگاه مایوس گردانی زایرش را و آنکه رنج سفر را برای زیارت قبرش از راههای دور بر خود تحمل کرده

قَبْرِهِ، وَعِزَّتِكَ يَا رَبِّ لَا يَنْعَقِدُ عَلَى ذَلِكَ ضَمِيرِي، إِذْ كَانَتْ الْقُلُوبُ إِلَيْكَ

به عزت تو سوگند پروردگارا که دل من به چنین مطلبی گواهی ندهد زیرا که دلها بسوی تو به

بِالْجَمِيلِ تُشِيرُ. سپس نماز زیارت بخوان و وقت وداع بگو:

نیکی اشاره کند (و گواهی دهد) * * * * *

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنَ الرَّسَالَةِ، سَلَامٌ مُودَعٌ لَا سَمِّ

سلام بر شما ای خاندان نبوت و معدن رسالت سلام خداحافظی نه از روی خستگی و نه از روی ناراحتی

وَلَا قَالٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، سَلَامٌ

و دلنگی و رحمت خدا و برکاتش نیز بر شما خاندان باد که برستی او ستوده و بزرگوار است سلام

وَلِيٍّ غَيْرِ رَاغِبٍ عَنْكُمْ، وَلَا مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ، وَلَا مُسْتَبَدِّلٍ بِكُمْ، وَلَا مُؤَثِّرٍ

دوستداری که از شما به دیگری متمایل نگشته و منحرف نشده و شما را با دیگری عوض نکرده و کسی را

عَلَيْكُمْ، وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكُمْ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قُبُورِكُمْ،

بر شما مقدم نداشته و از نزدیکی و تقرب به شما کنارهگیری نکند، قرار ندهد خداوند این زیارت را آخرین بار زیارت من از قبرهای مقدس شما

وَإِتْيَانِ مَشَاهِدِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَحَشْرَنِي اللَّهُ

و آمدن به زیارتگاههایتان سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد و خدا مرا در گروه شما

فِي زُمْرَتِكُمْ، وَأَوْرَدَنِي حَوْضَكُمْ، وَأَرْضَاكُمْ عَنِّي، وَمَكَّنَنِي فِي دَوْلَتِكُمْ،

محمشور گرداند و بر سر حوض شما (حوض کوثر) درآورد و شما را از من خشنود گرداند و در حکومت شما قدرتی به من بدهد

وَأَحْيَانِي فِي رَجْعَتِكُمْ، وَمَلَكَنِي فِي أَيَّامِكُمْ، وَشَكَرَ سَعْيِي بِكُمْ، وَغَفَرَ

و در زمان رجعت شما زندهام گرداند و در دوران سلطنتان فرمانروایم کند و کوششم را به خاطر شما ببخیزد و گناهانم

ذُنُوبِي بِشَفَاعَتِكُمْ، وَأَقَالَ عَثْرَتِي بِحُبِّكُمْ، وَأَعْلَى كَعْبِي بِمَوَالَتِكُمْ،

را به شفاعت شما ببخیزد و لغزشم را بواسطه محبتم به شما نادیده گیرد و مقامم را بخاطر دوستی شما بلند گرداند

وَشَرَّفَنِي بِطَاعَتِكُمْ، وَأَعَزَّنِي بِهَيْدِيكُمْ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مُفْلِحًا

و به فرمانبرداری شما شرفم دهد و به راهنمایی شما عزیزم گرداند و قرار دهد مرا از کسانی که باز گردد از این جا رستگار

مُنْجِحًا، سَأَلِمَا غَانِمًا، مُعَافَا غَنِيًّا، فَائِزًا بِرِضْوَانِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَكَفَايَتِهِ،

و کامیاب و سالم و بهره کام و تندرست و بی نیاز و رسیده به خشنودی خدا و فضل و کفایتش

بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُورِكُمْ، وَمَوَالِيكُمْ وَمُحِبِّكُمْ وَشَيْعَتِكُمْ،

به بهترین وضعی که بازگردد بدان وضع یکی از زائران و دوستداران و محبت ورزان و شیعیان شما

وَرَزَقَنِي اللَّهُ الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ مَا أَبْقَانِي رَبِّي، بِنِيَّةِ صَادِقَةٍ،

و روزیم گرداند خداوند بازگشت به این جا را باز هم مکرر در مکرر تا زندهام دارد (در این جهان) پروردگارم با نیتی درست

وَإِيمَانٍ وَتَقْوَىٰ وَآخِبَاتٍ، وَرِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ

و ایمان و پرهیزکاری و فروتنی و روزی فراخ و حلال و پاکیزه خدایا قرارش مده

آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ وَذِكْرِهِمْ، وَالصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ، وَأَوْجِبْ لِي الْمَغْفِرَةَ

آخرین بار زیارت من از این بزرگواران و یادآوری و درود فرستادن بر ایشان و واجب گردان برابم آمرزش

وَالرَّحْمَةَ، وَالْخَيْرَ وَالْبَرَكَاتِ، وَالْفَوْزَ وَالْإِيمَانَ، وَحُسْنَ الْجَابَةِ، كَمَا

و رحمت و خیر و برکت و رستگاری و ایمان و بخوبی اجابت کردن دعایم را چنانچه

أَوْجَبْتَ لِأَوْلِيَائِكَ الْعَارِفِينَ بِحَقِّهِمْ، أَلْمُوجِبِينَ طَاعَتَهُمْ، وَالرَّاغِبِينَ فِي

واجب گردانیدی (اینها را) برای آن دوستان که معرفت به حق آنان داشته و اطاعتشان را واجب دانسته و مشتاق

زِيَارَتِهِمْ، أَلْمُتَقَرِّبِينَ إِلَيْكَ وَالْيَهُمَّ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَمَالِي وَأَهْلِي،

زیارتشان بودند و بدرگاه تو و ایشان تقرب می جستند پدر و مادرم و خودم و مالم و خاندانم

اجْعَلُونِي مِنْ هَمِّكُمْ، وَصَيِّرُونِي فِي حِزْبِكُمْ، وَأَدْخِلُونِي فِي شَفَاعَتِكُمْ،

به فدای شما مرا در نظر داشته باشید (و از یادم نبرید) و در گروه خودتان قرارم دهید و در شفاعتان واردم کنید

وَاذْكُرُونِي عِنْدَ رَبِّكُمْ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَبْلُغْ

و در نزد پروردگارتان یادم کنید خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برسان

اَرْوَا حَهُمْ وَاَجْسَادَهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيْرَةً وَسَلَامًا، وَاَلْسَلَامُ عَلَيْكُمْ

به روان‌ها و اجساد ایشان از جانب من تحیت و سلامی بسیار و سلام

وَرَحْمَةً اَللّٰهُ وَبَرَكَاتُهُ ۱

و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد.

* * *

دعای دوم (دعای عالیة المضامین):

این دعا را نیز «سید بن طاووس» در «مصباح الزائر» آورده است که بعد از زیارت هر یک از ائمه علیهم‌السلام

می‌توان خواند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ زُرْتُ هَذَا الْاِمَامَ مُقَرَّرًا بِاِمَامَتِهِ، مُعْتَقِدًا الْفَرَضِ طَاعَتِهِ، فَقَصَدْتُ

خدایا من زیارت کردم این امام را در حالی که اقرار به امامتش دارم و معتقدم که اطاعتش بر من واجب است و با این حال آهنگ

مَشْهُدَهُ بِذُنُوْبِيْ وَعَيْوِبِيْ، وَمَوْبِقَاتِ اَثَامِيْ، وَكَثْرَةِ سَيِّئَاتِيْ وَخَطَايَايْ،

زیارتگاهش را کردم با گناهانی که دارم و با عیوب و جرم‌های هلاکت‌بارم و بدی‌های بسیار و خطاکاری‌هایم

وَمَا تَعْرِفُهُ مِنِّيْ، مُسْتَجِيْرًا بِعَفْوِكَ، مُسْتَعِيْذًا بِحِلْمِكَ، رَاْجِيًّا رَحْمَتَكَ،

و آنچه تو خود می‌دانی و پناه آورده‌ام به گذشتت و به بردباریت و امیدوارم به رحمت و ملتجی گشته‌ام به پایه و اساس مرحمت

لَا جُنَا اِلَيَّ رُكْنِكَ، عَايْذًا بِرَأْفَتِكَ، مُسْتَشْفِعًا بِوَلِيَّتِكَ، وَابْنِ اَوْلِيَاءِكَ،

و پناهنده‌ام به مهرت و شفیع گرفته‌ام ولی تو و فرزند اولیایت را و برگزیده‌ات و فرزند برگزیدگانت را

وَصَفِيَّتِكَ وَابْنِ اَصْفِيَاءِكَ، وَاَمِيْنِكَ وَابْنِ اَمْنَائِكَ، وَخَلِيْفَتِكَ وَابْنِ خُلَفَائِكَ،

و امین تو و فرزند امانتدارانت را و جانشین تو و فرزند جانشینانت را

(هرگاه این دعا در زیارت امیرمؤمنان علیه‌السلام خوانده شود در هر چهار مورد بجای کلمه «ابن» باید «ابی» گفته

شود). اَلَّذِيْنَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيْلَةَ اِلَيَّ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، وَالذَّرِيْعَةَ اِلَيَّ

* * آنان که قرارشان دادی وسیله‌ای بسوی رحمت و خشودیت و واسطه‌ای برای

رَأْفَتِكَ وَغُفْرَانِكَ، اَللّٰهُمَّ وَاوَّلُ حَاْجَتِيْ اِلَيْكَ اَنْ تَغْفِرَ لِيْ مَا سَلَفَ مِنْ

مهر و آمرزشت خدایا نخستین حاجتم بدرگاه تو این است که بیامری گناهان

ذُنُوبِي عَلَى كَثْرَتِهَا، وَأَنْ تَعْصِمَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، وَتُطَهِّرَ دِينِي

گذشتهام را با بسیاری آنها و نگاهم داری از گناه در باقیمانده عمرم و پاک کنی دین و آیین مرا

مِمَّا يَدْنُسُهُ وَيَشِينُهُ وَيُزِرِّي بِهِ، وَتَحْمِيهِ مِنَ الرَّيْبِ وَالشَّكِّ وَالْفَسَادِ

از آنچه آلوده و چرکینش کند و معیوبش سازد و نگاهداریش کنی از شک و شبهه و فساد

وَالشُّرْكِ، وَتَثْبِتَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ، وَذُرِّيَّتِهِ النَّجْبَاءِ

و شرک و استوارم بداری بر فرمانبرداری خود و فرمانبرداری پیامبرت و فرزندان نجیب

السُّعْدَاءِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتِكَ وَسَلَامِكَ وَبَرَكَاتِكَ، وَتُحْيِيَنِي مَا

و سعادتمندش - که دروهای تو و رحمت و سلام و برکات بر ایشان باد - و زندهام بداری تا هر قدر

أَحْيَيْتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ، وَتُمْبِتَنِي إِذَا أَمَّتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ، وَأَنْ لَا تَمْحُو

که زندهام بر فرمانبرداریشان و بمیرانیم هرگاه که مردم بر فرمانبرداریشان و محو نکنی

مِنْ قَلْبِي مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ، وَبُغْضَ أَعْدَائِهِمْ، وَمُرَافَقَةَ أَوْلِيَاءِهِمْ وَبِرَّهُمْ،

از دل من دوستی و محبت ایشان و بغض دشمنانشان و رفاقت دوستانشان و نیکی کردن به ایشان را

وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ مِنِّي، وَتُحَبِّبَ إِلَيَّ عِبَادَتَكَ، وَالْمُواظَبَةَ

و از تو خواهم پروردگارا که بپذیری این (زیارت و دعا) را از من و مرا دوستدار عبادت کنی و مواظبت دهی

عَلَيْهَا، وَتَنْشِطَنِي لَهَا، وَتُبْغِضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ وَمَحَارِمَكَ، وَتَدْفَعَنِي عَنْهَا،

بر آن و بنشاطم آوری برای عبادت و متنفرم کنی از گناهان و محرمات و بازم داری از آنها

وَتُجَنِّبَنِي التَّقْصِيرَ فِي صَلَاتِي، وَالْإِسْتِهَانَةَ بِهَا، وَالتَّرَاخِيَّ عَنْهَا،

و برکنارم داری از کوتاهی کردن در نمازم و سرسری گرفتن آن وسستی و کاهلی کردن در آن

وَتُوفِّقَنِي لِتَادِبَتِهَا كَمَا فَرَضْتَ وَأَمَرْتَ بِهِ عَلَى سُنَّةِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ

و موفقم دار برای ادای آن چنانچه واجب کرده‌ای و دستور فرموده‌ای به روش پیامبرت - که دروهای تو

عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ، خُضُوعاً وَخُشُوعاً، وَتَشْرَحَ صَدْرِي

و رحمت و برکات بر او و آتش باد - با حال خضوع و خشوع و دیگر آنکه سینهام را باز کنی (و بلندی نظر به من دهی)

لِإِيْتَاءِ الزَّكَاةِ، وَاعْطَاءِ الصَّدَقَاتِ، وَبَذْلِ الْمَعْرُوفِ، وَالْإِحْسَانِ إِلَى

برای پرداختن زکات و دادن صدقات و انجام کار نیک و احسان نسبت به

شَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَمَوَاسَاتِهِمْ، وَلَا تَتَوَفَّانِي إِلَّا بَعْدَ أَنْ

شیعیان آل محمد علیهم السلام و مواسات با آنها و نمیرانیم مگر بعد از این‌که

تَرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَقُبُورِ الْأَنْمَةِ عَلَيْهِمْ

روزیم کنی حج خانه کعبهات و زیارت قبر پیامبر و قبور امامان علیهم السلام را

السَّلَامُ، وَأَسْأَلُكَ يَا رَبُّ تَوْبَةً نَّصُوحاً تَرْضَاهَا، وَنِيَّةً تَحْمَدُهَا، وَعَمَلاً

و از تو خواهم پروردگارا توبه حقیقی مورد پسندت را و نیتی که ستوده درگاه تو باشد و کردار

صَالِحاً تَقْبَلُهُ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي، وَتُهَوِّنَ عَلَيَّ

شایسته‌ای که تو بپذیری و دیگر آن‌که مرا بیامیزی و به من رحم کنی هنگامی که از این جهان مرا ببری و آسان کنی بر من

سَكَرَاتِ الْمَوْتِ، وَتَحْشُرْنِي فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ

سختی‌های مرگ را و محشورم کنی در گروه محمد و آلش - که دروهای خدا بر او و بر ایشان باد -

وَعَلَيْهِمْ، وَتَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَتَجْعَلِ دَمْعِي غَزِيراً فِي طَاعَتِكَ،

و داخل بهشتم کنی به رحمت خودت و اشکم را فراوان کنی در انجام طاعتت

وَعَبْرَتِي جَارِيَةً فِيمَا يَقْرُبُنِي مِنْكَ، وَقَلْبِي عَطُوفاً عَلَى أَوْلِيَاءِكَ،

و سرشکم را ریزان نمای در آنچه مرا به تو نزدیک گرداند و دلم را مهربان کنی نسبت به دوستانت

وَتَصُونَنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا مِنَ الْعَاهَاتِ وَالْآفَاتِ، وَالْأَمْرَاضِ الشَّدِيدَةِ،

و نگاهم داری در این دنیا از آسیب‌ها و آفات و بیماری‌های سخت

وَالْأَسْقَامِ الْمُزْمِنَةِ، وَجَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَالْحَوَادِثِ، وَتَصْرِفَ قَلْبِي عَنِ

و دردهای مزمن و از هر نوع بلا و حادثه‌ای و بگردانی دلم را از توجه به

الْحَرَامِ، وَتُبْغِضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ، وَتُحَبِّبَ إِلَيَّ الْحَلَالَ، وَتَفْتَحَ لِي أَبْوَابَهُ،

حرام و مینغوض گردانی در نزد من نافرمانی‌هایت را و محبوب گردانی در پیش من حلال را و بگشایی برویم درهای آن را

وَتَثْبِتَ نِيَّتِي وَفِعْلِي عَلَيْهِ، وَتَمُدَّ فِي عُمْرِي، وَتَغْلِقَ أَبْوَابَ الْمِحْنِ عَنِّي،

و استوار کنی نیت و کارم را بر آن و دراز گردانی عمرم را و بربندی برویم درهای غم و محنت را

وَلَا تَسْلُبْنِي مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَلَا تَسْتَرِدَّ شَيْئاً مِمَّا أَحْسَنْتَ بِهِ إِلَيَّ، وَلَا

و نعمتهایی که به من داده از من نگیری و چیزی از احسان‌های (بی‌شمار) خود را از من بازستانی

تَنْزِعَ مِنِّي النِّعَمَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ، وَتَزِيدَ فِيمَا خَوَّلْتَنِي، وَتُضَاعِفَهُ

و جدا کنی از من نعمتهای (بسیاری) را که به من عنایت فرمودی و بیفزایی بر آنچه به من ارزانی داشتی و مضاعف گردانی آن را

أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً، وَتَرْزُقْنِي مَا لَكَ كَثِيراً وَأَسْعاً سَائِعاً، هَنِيئاً نَآمِياً وَأَفِيأً،

به چندین برابر و روزیم کنی مالی بسیار و وسیع و ریزان و گوارا و با برکت و رسا،

وَعِزًّا بَاقِيًا كَافِيًا، وَجَاهًا عَرِيضًا مَنِيْعًا، وَنِعْمَةً سَابِعَةً عَامَّةً، وَتُغْنِيَنِي

و نیز عزتی باقی و کافی، و آبرویی پهناور و شکوهمند و نعمتی شایان و فراگیرنده و بی‌نیازم کن

بِذَلِكَ عَنِ الْمَطَالِبِ الْمُنْكَدَّةِ، وَالْمَوَارِدِ الصَّعْبَةِ، وَتُخَلِّصَنِي مِنْهَا مُعَافَاً

بدینوسیله از تکاپوهای پرمشقت و موارد سخت و دشوار و رهاییم دهی از آنها با سلامتی

فِي دِينِي وَنَفْسِي وَوَلَدِي، وَمَا أَعْطَيْتَنِي وَمَنْحَتَنِي، وَتَحْفَظُ عَلَيَّ مَالِي

دین و جان و فرزندانم و چیزهای دیگری که به من عطا کرده و ارزانی داشتی و نگهداری برایم مالم

وَ جَمِيعَ مَا خَوَّلْتَنِي، وَتَقْبِضَ عَنِّي أَيْدِيَ الْجَبَابِرَةِ، وَتَرُدَّنِي إِلَى وَطَنِي،

و همه آنچه را به من بخشیدهای و برگیری از سر من دست‌های (ستم‌پیشه) گردنکشان را و بازم گردانی به وطنم

وَ تَبْلُغَنِي نِهَآيَةَ أَمَلِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَتَجْعَلَ عَاقِبَةَ أَمْرِي

و برسانی مرا به نهایت آرزویم در دنیا و آخرتم و بگردانی سرانجام کارم را

مَحْمُودَةً حَسَنَةً سَلِيمَةً، وَتَجْعَلَنِي رَحِيْبَ الصَّدْرِ، وَاسِعَ الْحَالِ، حَسَنَ

پسندیده و نیکو و سالم، و قرارم دهی فراخ سینه (و بلند نظر) و فراخ حال و خوش

الْخُلُقِ، بَعِيداً مِنَ الْبُخْلِ وَالْمَنْعِ وَالنَّفَاقِ، وَالْكَذِبِ وَالْبُهْتِ وَقَوْلِ الزُّورِ،

خلقی و دور از بخل و ممانعت (از احسان و دستگیری) و نفاق و دروغ و بهتان و زورگویی

وَ تُرْسِخَ فِي قَلْبِي مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشَيْعَتِهِمْ، وَتَحْرُسَنِي يَا رَبِّ

و ریشه‌دار کنی در دلم دوستی محمد و آل محمد و شیعیانشان را و محافظتم کنی پروردگارا

فِي نَفْسِي وَآهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي، وَآهْلِ حُرَّانَتِي وَآخُوَانِي، وَآهْلِ

در جانم و خاندانم و مال و فرزندانم و نانخورانم و برادرانم و دوستانم

مَوَدَّتِي وَذُرِّيَّتِي، بِرَحْمَتِكَ وَجُودِكَ، اَللّٰهُمَّ هَذِهِ حَاجَاتِي عِنْدَكَ، وَقَدِ

و نژادم به مهر و جودت خدایا اینها بود حاجت‌هایی که من بدرگاه تو دارم و این‌که

اسْتَكْتَرْتُهَا لِلْوَمِيِّ وَشَحْحِي، وَهِيَ عِنْدَكَ صَغِيرَةٌ حَقِيْرَةٌ، وَعَلَيْكَ سَهْلَةٌ

زیادشان کردم بخاطر گداصفتی و حرص زیادی است که من دارم ولی همه آنها در نزد تو کوچک و اندک است و انجامش برای تو سهل

يَسِيْرَةٌ، فَاسْأَلُكَ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَكَ،

و آسان است پس از تو خواهم به آن آبرویی که محمد و آل محمد - که بر او و بر ایشان سلام باد - در نزد تو دارند و

وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، وَبِمَا أَوْجَبَتْ لَهُمْ، وَبِسَائِرِ أَنْبِيَآئِكَ وَرُسُلِكَ، وَأَصْفِيَآئِكَ

به حقی که ایشان بر تو دارند و بدانچه واجب کرده‌ای برای ایشان و به حق سایر پیامبران و رسولان و برگزیدگان

وَأَوْلِيَاءِكَ الْمُخْلِصِينَ مِنْ عِبَادِكَ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ لَمَّا قَضَيْتَهَا

و دوستان مخلص از بندگانت و به حق بزرگترین نام اعظمت که همه این حاجتها را برآوردی

كُلِّهَا، وَأَسْعَفْتَنِي بِهَا، وَلَمْ تُخَيِّبْ أَمَلِي وَرَجَائِي، اَللّٰهُمَّ وَشَفَعْ صَاحِبَ

و کامروایم سازی بدانها و امید و آرزویم را میل به نومیدی نکنی خدایا و شفاعت صاحب

هَذَا الْقَبْرِ فَيَّ، يَا سَيِّدِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لِي إِلَى

این قبر را درباره من بپذیر، ای آقای من ای ولی خدا و ای امانتدار خدا از تو خواهم که شفاعت کنی از من بدگاه

اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ فِي هَذِهِ الْحَاجَاتِ كُلِّهَا، بِحَقِّ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ، وَبِحَقِّ

خدای عزوجل در همه این حاجتها به حق پدران پاکت و بحق

أَوْلَادِكَ الْمُتَجَبِّينَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاءُهُ، الْمَنْزِلَةَ الشَّرِيفَةَ،

فرزندان برگزیده‌اش زیرا که برای تو در نزد خداوندی که نام‌هایش منزّه است مقامی است بس شریف

وَالْمَرْتَبَةَ الْجَلِيلَةَ، وَالْجَاهَ الْعَرِيفَ، اَللّٰهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ مَنْ هُوَ أَوْجَهُ

و مرتبتی است برجسته و آبرویی است پهناور و بسیار خدایا اگر من کسی را سراغ داشتم که آبرومندتر بود

عِنْدَكَ مِنْ هَذَا الْإِمَامِ، وَمِنْ آبَائِهِ وَأَبْنَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

در نزد تو از این امام بزرگوار و از پدران و فرزندان پاکیزه‌اش - که درود و سلام بر ایشان باد -

وَالصَّلَاةُ، لَجَعَلْتَهُمْ شُفَعَائِي، وَقَدَّمْتَهُمْ أَمَامَ حَاجَتِي وَطَلِبَاتِي هَذِهِ،

بطور مسلم آنها را شفیعیان خود می‌گرفتم و پیش روی حاجتها و خواسته‌هایم قرار می‌دادم پس از من بپذیر

فَاسْمِعْ مِنِّي، وَاسْتَجِبْ لِي، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

و دعایم را به اجابت رسان و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی ای مهربانترین مهربانان

اللّٰهُمَّ وَ مَا قَصَّرْتُ عَنْهُ مَسْأَلَتِي، وَلَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي مِنْ صَالِحِ دِينِي

خدایا و هر چه را کوتاه آمد از آن درخواست من (و از یاد رفت) و فکرم بدان نرسید از آنچه به صلاح دین و

وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، فَاْمُنَّنْ بِهِ عَلَيَّ، وَاحْفَظْنِي وَآخِرُ سُنِّي، وَهَبْ لِي وَاعْفِرْ

دنیا و آخرتم باشد پس آنها را بر من ممت گذار (و عطا فرما) و محافظتم کن و پاسداریم کن و بخش بر من و بیمارز مرا،

لِي، وَمَنْ أَرَادَنِي بِسَوْءٍ أَوْ مَكْرُوهٍ، مِنْ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، أَوْ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ، أَوْ

و هر که قصد دارد به من آسیبی یا امر ناخوشایندی وارد کند چه از شیطانی متمرد یا سلطانی معاند یا

مُخَالَفٍ فِي دِينٍ، أَوْ مُنَازِعٍ فِي دُنْيَايَ، أَوْ حَاسِدٍ عَلَيَّ نِعْمَةً، أَوْ ظَالِمٍ أَوْ بَاغٍ،

مخالف در دین یا ستیزجویی در مال دنیا یا حسودی که در نعمتی بر من رشک برد یا ستمکار یا زورگویی (هر که باشد)

وَسَيَّلْتِي إِلَى اللَّهِ، وَذَرَبَعْتِي إِلَيْهِ، وَ لِي حَقُّ مُوَالَاتِي وَتَأْمِيلِي، فَكُنْ

وسيله من بدرگاه خدا و واسطه من در پیشگاهش و من بر تو حق دوستی و آرزومندی دارم پس شفیع

شَفِيعِي إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي الْوُقُوفِ عَلَى قِصَّتِي هَذِهِ، وَصَرَفِي عَنِ

من شو بدرگاه خدای عزوجل در اطلاع بر جریان کارم و بازگرداندم از

مَوْقِفِي هَذَا بِالنُّجْحِ، وَبِمَا سَأَلْتُهُ كَلِّهِ، بِرَحْمَتِهِ وَقُدْرَتِهِ، اَللَّهُمَّ ارْزُقْنِي

این جا با کامیابی بدانچه درخواست کرده‌ام همه را به مهر و قدرت، خدایا روزیم کن

عَقْلًا كَامِلًا، وَلُبًّا رَاجِحًا، وَ عِزًّا بَاقِيًا، وَ قَلْبًا زَكِيًّا، وَ عَمَلًا كَثِيرًا، وَادْبَاءً

عقلی کامل و خردی که بچربد (بر هوای نفس) و عزتی باقی و دلی پاک و کرداری بسیار و ادبی

بَارِعًا، وَاجْعَلْ ذَلِكَ كَلِّ لِي، وَ لَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

نیکو و همه را بسود من قرار ده نه به زیان من به مهرت ای مهربانترین مهربانان.



دعای سوم (دعای مکارم الاخلاق): چه نیکوست که زائر عزیز، فرصت به دست آمده پس از زیارت را غنیمت بشمرد و چنانچه موفق شود دعای «مکارم الاخلاق» را که از دعاهاى بسیار جامع و از حیث محتوا بسیار عالی است بخواند و آن دعایى است که از امام سجاد علیه السلام نقل شده و در فصل دعاهاى معروف (صفحه ۱۸۱) گذشت.

یادآوری: بسیار شایسته است که زائر محترم وقتی می خواهد طلب حاجت کند (چه در حرم باشد و یا هر مکان دیگر) عظمت اسلام و مسلمین و درود بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم و سلامتی وجود مقدس حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را بر هر حاجتی مقدم بدارد که از برکات فراوانی برخوردار است.

صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام:

«شیخ طوسی» در «مصباح المتهجد» در اعمال روز جمعه نوشته است: یکی از یاران امام حسن عسکری علیه السلام می گوید: از مولای خود امام حسن عسکری علیه السلام در منزل آن حضرت در «سامرا» سال ۲۵۵ درخواست کردم کیفیت صلوات بر پیامبر و اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام را بر من املا کند. آن حضرت نیز، با الفاظ مبارک خود بدون آن که در کتابی نگاه کند در حالی که من کاغذ بزرگی را به همراه داشتم، صلوات ذیل را املا فرمود و من نوشتم:

صلوات بر پیغمبر ﷺ :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلْتَ وَحْيَكَ، وَبَلَّغْ رِسَالَاتِكَ، وَصَلِّ عَلَى

خدایا درود فرست بر محمد چنانچه وحی تو را متحمل شد و پیام‌هایت را رسانید و درود فرست بر

مُحَمَّدٍ كَمَا أَحَلَّ حَلَالَكَ، وَحَرَّمَ حَرَامَكَ، وَعَلَّمَ كِتَابَكَ، وَصَلِّ عَلَى

محمد چنانچه حلال کرد حلال تو را و حرام کرد حرام تو را و به مردم یاد داد کتاب تو را و درود فرست بر

مُحَمَّدٍ كَمَا أَقَامَ الصَّلَاةَ، وَآتَى الزَّكَاةَ، وَدَعَا إِلَى دِينِكَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

محمد چنانچه برپاداشت نماز را و زکات داد و بدین تو دعوت فرمود و درود فرست بر محمد

كَمَا صَدَّقَ بِوَعْدِكَ، وَأَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ

چنانچه وعده تو را تصدیق کرد و ترسانید (مردم را) از تهدید تو و درود فرست بر محمد چنانچه آمرزیدی

بِهِ الذُّنُوبَ، وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ، وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بوسله‌اش گناهان را و پوشاندی بدو عیوب را و برطرف کردی بدو گرفتاری‌ها را و درود فرست بر محمد

كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ، وَكَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّاءَ، وَأَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ، وَنَجَّيْتَ

چنانچه دفع کردی بدو بدبختی را و زدودی بدو غم‌ها را و اجابت کردی بدو دعا را و نجات دادی

بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ، وَأَخْيَيْتَ بِهِ

به برکت او از بلا و درود فرست بر محمد چنانچه رحم کردی بدو بندگان را و زنده کردی بدو

الْبِلَادَ، وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ، وَأَهْلَكْتَ بِهِ الْفِرَاعِنَةَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

شهرها و بلاد را و شکستی بدو گردنکشان را و هلاک کردی بدو فرعون‌ها (و مدعیان خدایی) را و درود فرست بر محمد

كَمَا أضعَفْتَ بِهِ الْأَمْوَالَ، وَأَحْرَزْتَ بِهِ مِنَ الْأَهْوَالِ، وَكَسَرْتَ بِهِ الْأَصْنَامَ،

چنانچه چند برابر کردی بدو اموال را و پناه دادی بدو (مردم) را از هراس‌ها و شکستی بدو بت‌ها را

وَرَحِمْتَ بِهِ الْأَنْامَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَدْيَانِ، وَأَعَزَّزْتَ

و رحم کردی بدو بر مردمان و درود فرست بر محمد چنانچه برانگیختی او را به بهترین ادیان و عزت دادی

بِهِ الْإِيْمَانَ، وَتَبَرَّتَ بِهِ الْأَوْثَانَ، وَعَظَّمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ، وَصَلِّ عَلَى

به او بر ایمان و نابود کردی بدو بتان را و عظمت دادی بدو به خانه کعبه و درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا.

محمد و خاندان پاک و نیکوکارش و سلام مخصوص بر ایشان فرست.

صلوات بر امیرالمؤمنین علیه السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، أَخِي نَبِيِّكَ، وَوَصِيِّهِ

خدایا درود فرست بر امیرمؤمنان علی بن ابی طالب برادر پیامبرت و وصی او

وَوَلِيِّهِ، وَصَفِيِّهِ وَوَزِيرِهِ، وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ، وَمَوْضِعِ سِرِّهِ، وَبَابِ حِكْمَتِهِ،

و سرپرست کارهایش و برگزیده‌اش و وزیرش و محل سپردن دانشش و جایگاه رازش و درگاه حکمتش

وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ، وَالِدَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ، وَخَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ، وَمَفْرَجِ

و گویای به حجتش و دعوت کننده به شریعتش و جانشین او در میان امتش و برطرف کننده

الْكُرْبِ عَن وَجْهِهِ، قَاصِمِ الْكُفْرَةِ، وَمُرْغِمِ الْفَجْرَةِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ

گرفتگی از چهره‌اش درهم شکننده کافران و به خاک افکننده فاجران، آن بزرگواری که قرارش دادی نسبت به

نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، اللَّهُمَّ وَالٍ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ،

پیامبرت به منزله هارون از موسی خدایا دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هرکه دشمنش دارد

وَأَنْصُرُ مَنْ نَصَرَهُ، وَآخِذُ مَنْ خَذَلَهُ، وَالْعَنُ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْأَوْلِيَانِ

و یاری کن هرکه یاریش کند و خوارکن هرکه دست از یاریش بردارد و لعنت کن هرکه به دشمنش برخیزد از اولین

وَالْآخِرِينَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ،

و آخرین و درود فرست بر او بهترین درودی را که بفرستی بر یکی از اوصیای پیامبرانت

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

ای پروردگار جهانیان.

صلوات بر سیده زنان فاطمه علیها السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ، حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ، وَأُمَّمُ

خدایا درود فرست بر صدیقه (فاطمه) فاطمه آن بانوی پاکیزه محبوب دوست و پیامبرت و مادر

أَحِبَّائِكَ وَأَصْفِيَاءِكَ، الَّتِي أَنْتَجَبْتَهَا وَفَضَّلْتَهَا وَآخَرْتَهَا عَلَيَّ

دوستان و برگزیدگان آن بانویی که او را برگزیدی و فضیلت و برتری دادی بر

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا، وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا، وَكُنِ

زنان جهانیان خدایا تو انتقامش را بگیر از کسانی که به او ستم کردند و حرمتش را سبک شمردند و تو ای خدا

الثَّائِرَ اللَّهُمَّ بِدَمِ أَوْلَادِهَا، اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أَيْمَّةِ الْهُدَى، وَحَلِيلَةَ

خونخواهی فرزندانش را بکن خدایا همچنانکه او را بدین مقام رساندی که مادر امامان راهنما و همسر

صاحب اللوآء، وَالْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى، فَصَلِّ عَلَيْهَا وَعَلَى أُمَّهَا

پرچمدار محشر و گرامی در عالم بالا فرارش دادی پس درود فرست بر او و بر مادرش (خدایچه)

صَلَاةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتُقَرَّبُ بِهَا أَعْيُنَ

درودی که گرامی داری بدان آبروی پدرش محمد صلی الله علیه و آله را و روشن گردانی بدان دیده

ذُرِّيَّتِهَا، وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ.

فرزندانش را و برسان بدیشان از من در این ساعت بهترین تحیت و سلام را.

صلوات بر امام حسن و امام حسین عليهما السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ، وَوَلِيِّكَ وَابْنِي رَسُولِكَ،

خدایا درود فرست بر حسن و حسین دو بنده و دو نمایندهات و دو فرزند پیامبرت

وَسِبْطِي الرَّحْمَةِ، وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى

و دو سبط (دو نوۀ پیامبرت) پیامبر رحمت و دو آقای جوانان اهل بهشت بهترین درودی را که بفرستی بر

أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ سَيِّدِ

یکی از فرزندان پیامبران و مرسلین خدایا درود فرست بر حسن فرزند آقای

النَّبِيِّينَ، وَوَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ

پیامبران و وصی امیر مؤمنان سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ

بر تو ای فرزند آقای اوصیا گواهی دهم ای فرزند امیر مؤمنان که برستی تویی امانتدار خدا و فرزند

أَمِينِهِ، عِشْتَ مَظْلُومًا وَمَضَيْتَ شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الزَّكِيُّ الْهَادِي

امانتدار او مظلومانه زندگی کردی و به صورت شهادت از این جهان رفتی و گواهی دهم که تویی آن یشوای پاکیزه راهنمای

الْمُهْدِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ، وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ

راه یافته خدایا درود فرست بر او و برسان به روحش و به جد بزرگوارش از جانب من در این ساعت

أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ

بهترین تحیت و سلام را خدایا درود فرست بر حسین بن علی آن ستمکشیده

الشَّهِيدِ، قَتِيلِ الْكُفْرَةِ، وَطَرِيحِ الْفَجْرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ،

شهید، و کشته مردمان کافر و به خاک افتاده مردمان فاجر سلام بر تو ای اباعبدالله

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان گواهی دهم

مَوْقِنًا أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ، قُتِلْتَ مَظْلُومًا وَمَضَيْتَ شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ أَنَّ

از روی یقین که تویی امانتدار خدا و فرزند امین او، مظلومانه کشته شدی و بصورت شهادت از این جهان رفتی و گواهی دهم که برستی

اللَّهُ تَعَالَى الطَّالِبُ بِثَارِكَ، وَمُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالتَّائِيدِ فِي هَلَاكِ

خدای تعالی انتقام خونت را خواهد گرفت و وفا کند بدان وعده‌ای که به تو داده در مورد یاری کردنت و تأیید تو برای نابود کردن

عَدُوِّكَ، وَإِظْهَارِ دَعْوَتِكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَجَاهَدْتَ فِي

دشمنت و آشکار ساختن دعوت و مرامت و گواهی دهم که تو به خوبی به عهد خدا وفا کردی و در

سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ،

راه خدا جهاد کردی و خدا را از روی اخلاص پرستش کردی تا آنگاه که شهادتت فرا رسید خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَذَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَلَبَّتْ عَلَيْكَ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

و خدا لعنت کند مردمی که دست از یاریت کشیدند و خدا لعنت کند مردمی که دیگران را بر علیه تو تحریک کردند و بیزارم بدرگاه خدای تعالی

مِمَّنْ أَكْذَبَكَ، وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّكَ، وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا

از کسی که تو را تکذیب کرده و حق تو را سبک شمرد و خونت را حلال دانست پدر و مادرم به فدایت ای

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ خَاذِلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ وَأَعْيَتَكَ

ابا عبدالله خدا لعنت کند دشمنت را و خدا لعنت کند خوارکننده‌ات را و خدا لعنت کند کسی که فریاد تو را شنید

فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يَنْصُرْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَبَا نِسَاءَكَ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيٌّ،

و پاسخت نداده و یاریت نکرد و خدا لعنت کند کسی که زنانت را اسیر کرد من بسوی خدا بی‌زاری جویم از آنها

وَمِمَّنْ وَالَاهُمْ وَمَالَاهُمْ وَأَعَانَهُمْ عَلَيْهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَالْأُمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ

و از هرکس که دوستشان داشت و همکاری و کمکشان کرد و گواهی دهم که تو و پیشوایان از فرزندان تو

كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَبَابُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا،

کلمه (و حقیقت) پرهیزکاری و دستاویز محکم و حجتی هستند بر مردم دنیا

وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِمَنْزِلَتِكُمْ مُوقِنٌ، وَلَكُمْ تَابِعٌ بِذَاتِ نَفْسِي،

و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم و به منزلت و مقام شما یقین دارم و پیرو شمایم به شخص خودم

وَشَرَّابِيعِ دِينِي، وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَمُنْقَلَبِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي.

و به قوانین دینم و سرانجام کارهایم و بازگشتگاهم در دنیا و آخرت.

صلوات بر امام علی بن الحسین عليه السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ

خدایا درود فرست بر علی بن الحسین آقای عبادتکنندگان آنکه او را برای خود خالص گرداندی

لِنَفْسِكَ، وَجَعَلْتَ مِنْهُ أُمَّةً الْهُدَى، الَّذِينَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ، وَبِهِ يَعْدِلُونَ،

و از نسل او قرار دادی امامان راهنمایی که مردم را به حق راهنمایی کنند و بدان باز می‌گردند

الَّذِي اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَاصْطَفَيْتَهُ وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا

آن که او را برای خویش انتخاب کردی و از پلیدی پاکش کردی و برگزیدی و راهنمای

مَهْدِيًا، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَةِ أَنْبِيَائِكَ،

راه‌یافته‌اش گرداندی خدایا پس درود فرست بر او بهترین درودی را که فرستی بر یکی از فرزندان پیامبران

حَتَّى تَبْلُغَ بِهِ مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

تا به مقامی رسانی که روشن گردد دیدماش بدان مقام در دنیا و آخرت که برستی تو عزیز و فرزانه هستی.

صلوات بر امام باقر عليه السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ الْعِلْمِ، وَآمَامِ الْهُدَى، وَقَائِدِ أَهْلِ

خدایا درود فرست بر محمد بن علی شاکفنده علم و پیشوای هدایت و رهبر مردم

التَّقْوَى، وَالْمُنْتَجَبِ مِنْ عِبَادِكَ، اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ،

با تقوا و برگزیدگان از میان بندگانت خدایا چنانچه او را قرار دادی نشانه و دلیلی برای بندگانت

وَمَنَارًا لِّلْبِلَادِ، وَمُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِكَ، وَمُتَرَجِّمًا لَوْحِيكَ، وَآمَرْتَ

و مشعل هدایتی برای بلاد و شهرهایت و ودیعه نگهداری برای حکمتت و ترجمان و مفسری برای وحیت و دستور دادی (ما را)

بِطَاعَتِهِ، وَحَذَرْتَ مِنْ مَعْصِيَتِهِ، فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى

به فرمانبرداریش و برحذر داشتی از نافرمانیش پس درود فرست بر او پروردگارا بهترین درودی را که بفرستی

أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَةِ أَنْبِيَائِكَ، وَأَصْفِيَاءِكَ، وَرُسُلِكَ وَأَمَنَّاكَ، يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ.

بر یکی از فرزندان پیامبران و برگزیدگان و رسولان و امین‌های ای پروردگار جهانیان.

صلوات بر امام صادق علیه السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، خَازِنِ الْعِلْمِ، الدَّاعِي إِلَيْكَ

خدایا درود فرست بر جعفر بن محمد صادق آن گنجینه دار دانش و دعوت‌کننده بسوی تو

بِالْحَقِّ، النُّورِ الْمُبِينِ، اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلَامِكَ وَوَحْيِكَ، وَخَازِنَ

به درستی، و آن نور آشکار خدایا چنانچه او را گردانیدی معدن سخن و کلام و وحیت و خزینه‌دار

عِلْمِكَ، وَلِسَانَ تَوْحِيدِكَ، وَوَلِيَّ أَمْرِكَ، وَمُسْتَحْفَظَ دِينِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِ

دانشت و زبان (گویای) یکتاپرستیت و سرپرست دستورت و نگهدارنده دینت پس درود فرست بر او

أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِكَ وَحُجَجِكَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

بهترین درودی را که بفرستی بر یکی از برگزیدگان و حجت‌های خود که براستی تو ستوده و بزرگواری.

صلوات بر امام موسی بن جعفر علیه السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، الْبَرِّ الْوَفِيِّ، الطَّاهِرِ

خدایا درود فرست بر آن امین مورد اعتماد و اطمینان حضرت موسی بن جعفر آن نیکوکار باوفا و پاک

الزَّكِيِّ، النُّورِ الْمُبِينِ، الْمُجْتَهِدِ الْمُحْتَسِبِ، الصَّابِرِ عَلَى الْأَذَى فِيكَ،

پاکیزه، آن نور آشکار و کوشای جویای پاداش (نیک تو) و آن شکیبای بر آزار خلق به حساب تو،

اللَّهُمَّ وَكَمَا بَلَغَ عَنْ أَبِيهِ مَا اسْتُودِعَ مِنْ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ، وَحَمَلَ عَلَى

خدایا چنانچه او رسانید از طرف پدرانیش آنچه به او سپرده شده بود از امر و نهی تو و مردم را به

الْمَحَجَّةِ، وَكَابَدَ أَهْلَ الْعِزَّةِ وَالشَّدَّةِ فِيمَا كَانَ يَلْقَى مِنْ جُهَالِ قَوْمِهِ، رَبِّ

راه روشن (دین) واداشت و تحمل کرد در برابر عزت‌مندان و زورمندان آنچه را که از نادانان قوم خود می‌دید

فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِمَّنْ أَطَاعَكَ، وَنَصَحَ

پس درود فرست بر او بهترین و کاملترین درودی را که بفرستی بر یکی از فرمانبرداران و خیراندیشان

لِعِبَادِكَ، إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

بندگان که براستی تو آمرزنده و مهربانی.

صلوات بر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، الَّذِي أَرْضَيْتَهُ وَرَضَيْتَ بِهِ مَنْ شِئْتَ

خدایا درود فرست بر علی بن موسی آن بزرگواری که او را پسندیدی و خشنود ساختی بوسیله او هر که را خواستی

مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ، وَقَائِمًا بِأَمْرِكَ، وَنَاصِرًا

از آفریدگانت خدایا چنانچه گرداندی آن حضرت را حجتی بر آفریدگانت و قیام کننده به دستورت و یاور

لِدِينِكَ، وَشَاهِدًا عَلَى عِبَادِكَ، وَكَمَا نَصَحَ لَهُمْ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَدَعَا

دینت و گواه بر بندگانت و چنانچه آن جناب خیرخواهی نمود برای ایشان در پنهانی و آشکار و دعوت کرد

إِلَى سَبِيلِكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا

براه تو با کلمات حکیمانه و پند و اندرز نیکو پس درود فرست بر او بهترین درودی را که فرستی

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

بر یکی از دوستانت و از برگزیدگان از خلق خود که تو بخشنده و بزرگواری هستی.

صلوات بر امام جواد علیه السلام :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، عِلْمِ التَّقَى، وَنُورِ الْهُدَى،

خدایا درود فرست بر محمد بن علی بن موسی نشانه تقوا و چراغ هدایت

وَمَعْدِنِ الْوَفَاءِ، وَفَرْعِ الْأَزْكَيَاءِ، وَخَلِيفَةِ الْأَوْصِيَاءِ، وَأَمِينِكَ عَلَى

و معدن وفا و نژاد مردمان پاکیزه و جانشین اوصیا و امین تو بر

وَ حَيْكَ، اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ، وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْحَيْرَةِ،

و حیت خدایا چنانچه راهنمایی کردی بوسیله آن حضرت از گمراهی و نجات بخشیدی (مردم را) بوسیله آن حضرت از سرگردانی

وَأَرْشَدْتَ بِهِ مَنْ اهْتَدَى، وَزَكَّيْتَ بِهِ مَنْ تَزَكَّى، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا

و راهنمایی کردی بدو هرکه را راه یافت و پاک کردی بدو هرکه را پاک شد پس درود فرست بر او بهترین

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ، إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

درودی را که فرستی بر یکی از دوستانت که براستی تو نیرومند و فرزانه‌ای.

صلوات بر امام هادی علیه السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَصِيِّ الْأَوْصِيَاءِ، وَامَامِ الْأَتْقِيَاءِ،

خدایا درود فرست بر علی بن محمد وصی اوصیا و پیشوای پرهیزکاران

وَخَلْفِ أُمَّةِ الدِّينِ، وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَهُ

و یادگار پیشوایان دین و حجت بر همه خلائق خدایا چنانچه گردانیدی آن جناب را

نُورًا يَسْتَضِيُّ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، فَبَشِّرْ بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوَابِكَ، وَأَنْذِرْ بِالْأَلِيمِ

نوری که روشنی جویند بوسیله آن جناب مردم با ایمان و آن حضرت نوید داد به پاداش شایان و بیم داد به کفر

مِنْ عِقَابِكَ، وَحَذِّرْ بِأَسْكَ، وَذَكَّرْ بِأَيَّامِكَ، وَأَحَلَّ حَلَالِكَ، وَحَرَّمَ

دردناکت و از صولت تو (مردم را) ترساند و آنان را به یاد ایام تو انداخت و حلال را حلال و حرامت را

حَرَامَكَ، وَبَيَّنَّ شَرَائِعَكَ وَفَرَايِضَكَ، وَحَضَّ عَلَى عِبَادَتِكَ، وَأَمَرَ

حرام کرد و مقررات و واجبات تو را بیان کرد و مردم را به پرستش تو واداشت و به فرمانبرداریت

بِطَاعَتِكَ، وَنَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ

دستور داد و از نافرمانیت بازداشت پس درود فرست بر او بهترین درودی را که بفرستی بر یکی

مِنْ أَوْلِيَاءِكَ، وَ ذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ، يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

از دوستان و فرزندان پیامبران ای معبود جهانیان.

راوی این صلوات می گوید: حضرت امام حسن عسکری علیه السلام وقتی از ذکر صلوات بر پدرش فارغ شد و نوبت به خود آن بزرگوار رسید ساکت شد، عرض کردم که کیفیت صلوات بر بقیه را بفرمایید، فرمود: اگر نه این بود که ذکر این صلوات از تعلیمات مهم دین است و خدا به ما امر فرموده که آن را به اهلس بیاموزیم به یقین دوست می داشتم که در این جا سکوت کنم؛ ولی چون در مقام تعلیم دین هستم، بنویس!

صلوات بر امام حسن عسکری علیه السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ، الْبَرِّ النَّقِيِّ، الصَّادِقِ الْوَفِيِّ،

خدایا درود فرست بر حسن بن علی بن محمد آن نیکوکار بانقوای راستگوی باوفا،

النُّورِ الْمُضِيِّ، خَازِنِ عِلْمِكَ، وَالْمُذَكِّرِ بَتَوْحِيدِكَ، وَوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَخَلْفِ

آن نور تابناک، خزینهدار دانشت و یادآورنده یکتاپرستیت و سرپرست فرمانت و یادگار

أَيُّمَّةِ الدِّينِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ، وَالْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا

پیشوایان دین آن راهنمایان بارشد، و حجت بر مردم دنیا پس درود فرست بر او

رَبِّ أَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِكَ، وَحُجَجِكَ وَأَوْلَادِ

پروردگارا بهترین درودی را که بفرستی بر یکی از برگزیدگانت و حجت‌هایت و فرزندان

رُسُلِكَ، يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

رسولانت ای معبود جهانیان.

صلوات بر ولی الامر المنتظر (عجل الله تعالى فرجه الشريف):

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَاءِكَ، الَّذِينَ فَارَضْتَ طَاعَتَهُمْ،

خدایا درود فرست بر نماینده و فرزند نمایندگان آنان که فرض و لازم کردی فرمانبرداریشان

وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، وَطَهَّرْتَ تَهُمْ تَطْهِيراً، اللَّهُمَّ

را و واجب کردی حششان را و دور کردی از ایشان پلیدی را و به خوبی پاکیزه‌شان کردی خدایا

أَنْتَصِرَ بِهِ لِدِينِكَ، وَأَنْصُرَ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ، وَشَيْعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ، وَاجْعَلْنَا

یاری کن به او دین و آیینت را و یاری کن بوسیله او دوستانت را و هم دوستان او و پیروان و یارانش را و ما را از ایشان

مِنْهُمْ، اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاعٍ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ،

قارمان ده خدایا پناه ده آن جناب را از شر هر زورگو و سرکشی و از شر تمام آفریدگانت

وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَاحْرُسْهُ

و نگاهش دار از پیش‌رو و از پشت سرش و از سمت راست و از سمت چپش و نگهداریش کن

وَآمَنْعَهُ أَنْ يُوْصَلَ إِلَيْهِ بِسَوْءٍ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ، وَأَظْهِرْ

و جلوگیری کن آن جناب را از این‌که پیش آمد بدی برایش رخ دهد و حفظ کن در وجود او پیامبرت و آل پیامبرت را و آشکار کن

بِهِ الْعَدْلَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَأَقْصِمْ بِهِ

بدو عدل را و تأییدش کن به یاری خود و یاری کن یاورش را و خوارگردان هرکه یارش نکند و سرکوب کن بدست

جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ، وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، حَيْثُ

او گردنکشان کفر و بی‌دینی را و بکش بوسیله‌اش کفار و منافقین و تمام بی‌دینان را هر کجا که هستند

كَانُوا وَأَيْنَ كَانُوا، مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَأَمْلَأْ

در شرق‌های زمین و غرب‌های آن و خشکی و دریا و برکن

بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَظْهَرَ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ

بوسیله او زمین را از عدل و داد و آشکار کن بوسیله آن جناب آیین پیامبرت را - که بر او و آلش سلام باد - و قرار ده خدایا

مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَاتَّبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَارِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ،

مرا از یاران و کمک‌کاران و تابعان و شیعیانش و به من بنمایان در مورد خاندان محمد آنچه آرزو دارند

وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ. ۱.

و در دشمنانشان آنچه بیم دارند ای معبود به حق - آمین -



زیارت وداع ائمه علیهم السلام :

یکی از آداب زیارت وداع کردن زائر هنگام خروج از شهر یا حرم آن بزرگواران است، آن هم به زیارتی که از جانب خود آنها رسیده است. ما در زیارت هر کدام از ائمه علیهم السلام وداع خاصی را ذکر کرده‌ایم ولی در این جا نیز زیارتی را بیان می‌داریم که در وداع هر یک از ائمه علیهم السلام می‌توان آن را خواند و آن زیارتی است که «سید بن طاووس» و «شهید اول» و دیگران آن را آورده‌اند به این صورت که هرگاه خواستی برگردی در هر یک از مشاهد مشرفه که هستی بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنَ الرَّسَالَةِ، سَلَامٌ مُودَعٌ لَا سِئَمَ

سلام بر شما ای خاندان نبوت و معدن رسالت سلام خداحافظی نه از روی خستگی

وَلَا قَالٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ،

و نه از روی ناراحتی و دلنگی و رحمت خدا و برکاتش نیز بر شما خاندان باد که براستی او ستوده و بزرگوار است

سَلَامٌ وَلِيٍّ غَيْرٍ رَاغِبٍ عَنْكُمْ، وَلَا مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ، وَلَا مُسْتَبَدِّلٍ بِكُمْ،

سلام دوستداری که از شما به دیگری متمایل نگشته و منحرف نشده و شما را با دیگری عوض نکرده و

وَلَا مُؤَثِّرٍ عَلَيْكُمْ، وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكُمْ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ

کسی را بر شما مقدم نداشته و از نزدیکی و تقرب به شما کناره‌گیری نکند، قرار ندهد خداوند این زیارت را آخرین بار زیارت من

قُبُورِكُمْ، وَإِثْيَانٍ مَشَاهِدِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،

از قبرهای مقدس شما و آمدن به زیارتگاه‌هایتان سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد و

وَ حَشَرْنِي اللَّهُ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَأَوْرَدَنِي حَوْضَكُمْ، وَأَرْضَاكُمْ عَنِّي،

خدا مرا در گروه شما محسور گرداند و بر سر حوض شما (حوض کوثر) درآورد و شما را از من خشود گرداند

وَمَكَّنَنِي فِي دَوْلَتِكُمْ، وَأَحْيَانِي فِي رَجْعَتِكُمْ، وَ مَلَكَنِي فِي أَيَّامِكُمْ،

و در حکومت شما قدرتی به من بدهد و در زمان رجعت شما زندهام گرداند و در دوران سلطنتان فرمانروایم کند و

وَشَكَرَ سَعْيِي بِكُمْ، وَ غَفَرَ ذُنُوبِي بِشَفَاعَتِكُمْ، وَ أَقَالَ عَثْرَتِي بِحُبِّكُمْ،

کوششم را به خاطر شما ببیزد و گناهانم را به شفاعت شما بریزد و لغزشم را بواسطه محبتم به شما نادیده گیرد

وَ أَعْلَى كَعْبِي بِمُؤَالَاتِكُمْ، وَ شَرَّفَنِي بِطَاعَتِكُمْ، وَ أَعَزَّنِي بِهَدْيِكُمْ،

و مقامم را بخاطر دوستی شما بلند گرداند و به فرمانبرداری شما شرفم دهد و به راهنمایی شما عزیزم گرداند

وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مُفْلِحًا مُنْجِحًا، سَالِمًا غَانِمًا، مُعَافَاً غَنِيًّا، فَائِزًا

و قرار دهد مرا از کسانی که باز گردد از اینجا رستگار و کامیاب و سالم و بهره کام و تندرست و بی نیاز و رسیده به

بِرِضْوَانِ اللَّهِ وَ فَضْلِهِ وَ كِفَايَتِهِ، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُورِكُمْ،

خشنودی خدا و فضل و کفایتش به بهترین وضعی که بازگردد بدان وضع یکی از زائران

وَ مَوَالِپِكُمْ وَ مُحِبِّبِكُمْ وَ شَيْعَتِكُمْ، وَ رَزَقَنِي اللَّهُ الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ مَا

و دوستداران و محبت و رزان و شیعیان شما و روزیم گرداند خداوند بازگشت به اینجا را باز هم مکرر در مکرر در مکرر تا

أَبْقَانِي رَبِّي، بِنَيْتِهِ صَادِقَةٍ، وَ إِيمَانٍ وَ تَقْوَى وَ إِخْبَاتٍ، وَ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ

زندهام دارد (در این جهان) پروردگارم با نیتی درست و ایمان و پرهیزکاری و فروتنی و روزی فراخ و حلال

طَيِّبٍ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ وَ ذِكْرِهِمْ، وَ الصَّلَاةِ

و پاکیزه خدایا قرارش مده آخرین بار زیارت من از این بزرگواران و یادآوری و درود فرستادن

عَلَيْهِمْ، وَ أَوْجِبْ لِي الْمَغْفِرَةَ وَ الرَّحْمَةَ، وَ الْخَيْرَ وَ الْبَرَكَاتِ، وَ الْفَوْزَ

بر ایشان و واجب گردان برایم آمرزش و رحمت و خیر و برکت و رستگاری

وَ الْإِيمَانَ، وَ حُسْنَ الْجَابَةِ، كَمَا أَوْجِبَتْ لِأَوْلِيَائِكَ الْعَارِفِينَ بِحَقِّهِمْ،

و ایمان و بخوبی اجابت کردن دعایم را چنانچه واجب گردانیدی (اینها را) برای آن دوستان که معرفت به حق آنان داشته

الْمُوجِبِينَ طَاعَتَهُمْ، وَ الرَّاعِبِينَ فِي زِيَارَتِهِمْ، الْمُتَقَرِّبِينَ إِلَيْكَ وَ إِلَيْهِمْ،

و اطاعتشان را واجب دانسته و مشتاق زیارتشان بودند و بدرگاه تو و ایشان تقرب می جستند

بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمَّي وَ نَفْسِي وَ مَالِي وَ أَهْلِي، اجْعَلُونِي مِنْ هَمِّكُمْ،

پدر و مادرم و خودم و مالم و خاندانم به فدای شما مرا در نظر داشته باشید (و از یادم نبرید)

وَصَيَّرُونِي فِي حِزْبِكُمْ، وَأَدْخَلُونِي فِي شَفَاعَتِكُمْ، وَأَذْكُرُونِي عِنْدَ

و در گروه خودتان قرارم دهید و در شفاعتان واردم کنید و در نزد

رَبِّكُمْ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْلِغْ اَزْوَاحَهُمْ وَاَجْسَادَهُمْ

پروردگارتان یادم کنید خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برسان به روانها و اجساد ایشان

عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيْرَةً وَّسَلَامًا، وَّالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ. ۱.

از جانب من تحیت و سلامی بسیار و سلام و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد.

فصل دوازدهم زیارت انبیای عظام و امام زادگان و قبور مؤمنین

این فصل مشتمل بر چهار بخش است:

بخش اول: زیارت پیامبران

فضیلت زیارت و محل قبور:

چنان که از آیه «لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ»^۱ (یعنی ما به همه پیامبران ایمان داریم و بین آنان فرقی نمی‌گذاریم) به دست می‌آید، تکریم و تعظیم همه پیامبران الهی امری لازم و زیارت قبور آنها مسأله‌ای پسندیده و نیکو و مورد تصریح علماست.

شمار انبیاگرچه بسیار است ولی قبور شناخته شده آنان بسیار محدود می‌باشد، و عبارت است از: قبور حضرات آدم و نوح علیهم‌السلام در مرقد امیرمؤمنان علیه‌السلام، قبر حضرت ابراهیم علیه‌السلام در شهر الخلیل که در نزدیکی بیت‌المقدس است، و در جوار آن، قبر همسر مکرمه‌اش جناب ساره و قبور سه فرزند و فرزندزاده‌اش اسحق و یعقوب و یوسف علیهم‌السلام قرار دارد، و قبور حضرت اسماعیل و مادرش هاجر علیهم‌السلام در حجر اسماعیل در کنار کعبه، و قبور بسیاری از انبیای دیگر در حجر اسماعیل و مابین رکن و مقام، یا مابین رکن یمانی و حجرالأسود (چنان که از امام باقر علیه‌السلام نقل شده که مابین رکن و مقام مملو از قبور پیامبران است)^۲ و از امام صادق علیه‌السلام نیز نقل شده، مابین رکن یمانی و حجرالأسود هفتاد پیامبر مدفونند)^۳ و قبور جمعی از پیامبران دیگر، مانند حضرت داوود و حضرت سلیمان علیهم‌السلام در بیت المقدس (چنان که نزد اهالی آن جا معروف است) و قبر زکریا علیه‌السلام در حلب؛ و جناب یونس علیه‌السلام در کوفه نزدیک شطّ فرات بقعه و قبه‌ای مشهور دارد، و قبر حضرت هود و صالح علیهم‌السلام در نجف اشرف مشهور است، و مرقد حضرت ذالکفل علیه‌السلام در کنار شطّ فرات در نزدیکی کوفه به فاصله چند فرسخ معروف می‌باشد و قبر جرجیس پیامبر علیه‌السلام در موصل؛ و در بیرون این شهر قبر شیت (هبة‌الله) فرزند آدم علیه‌السلام واقع شده است، در شوش (خوزستان) قبر دانیال پیامبر علیه‌السلام و در مسجد براتا در بغداد قبر جناب یوشع علیه‌السلام، شهرت دارد (سلام و صلوات خداوند بر همه آن بزرگواران).

۲. کافی، جلد ۴، صفحه ۲۱۴، حدیث ۷.

۱. سوره بقره، آیه ۲۸۵.

۳. همان مدرک، حدیث ۱۰.

کیفیت زیارت پیامبران:

«سید بن طاووس» در «مصباح الزائر»،^۱ و بعضی دیگر از بزرگان در کتب خود در آداب ورود به شهر کوفه، برای زیارت قبر حضرت یونس علیه السلام اولین زیارت جامعه از زیارات پنجگانه جامعه (که ذکرش صفحه ۵۳۶ گذشت) را ذکر کرده‌اند، وبعید نیست برای زیارت سایر پیامبران هم بتوان از آن استفاده کرد.

**بخش دوم: زیارت امامزادگان****فضیلت زیارت امامزادگان:**

شکی نیست که یکی از مکان‌های کسب فیض و نزول رحمت الهی، قبور امامزادگان و الا مقام است، قبوری که علمای اعلام به استحباب زیارات آن، تصریح کرده‌اند، و بحمدالله در بسیاری از مناطق شیعه‌نشین قبورشان شناخته شده است و مورد توجه همگان می‌باشد و مردم از این طریق می‌توانند به خدا نزدیک شوند. پس بر مؤمنان و شیفتگان خاندان عصمت است که قبور این بزرگ‌زادگان و الامقام را زیارت کنند، کسانی که به جهت حاکمیت فشار و اختناق اموی و عباسی بر دو کشور حجاز و عراق (که عرصه را بر عموم شیعه، خصوصاً سادات و ذراری رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله تنگ کرده و انواع نامنی و خطرهای جانی و سایر مشکلات را برای آنان به وجود آورده بودند) بر اساس «الْم تَكُنْ اَرْضُ اللَّهِ وَاِسْعَةً فَتَهَا جِرْ وَا فِیْهَا»^۲ هجرت از دیار خویش را برمی‌گزیدند و از زادگاه خود و از آن محیط‌های پرخفقان به مکان‌های ظاهراً امن و شهرها و روستاهای شیعه‌نشین، پناه می‌آوردند و آنها مقدمشان را گرامی می‌داشتند، هر چند عده‌ای از آنان سرانجام به توسط مأموران خشن و مزدور آن ظالمان و جبّاران به شهادت می‌رسیدند.^۳

فضیلت زیارت حضرت معصومه علیها السلام:

سیده جلیله، حضرت فاطمه علیها السلام دختر موسی بن جعفر علیه السلام که به حضرت «معصومه» شهرت یافته و

۱. مصباح الزائر، صفحه ۷۵.

۲. سوره نساء، آیه ۹۷.

۳. رجوع کنید به: مختصر اخبار الخلفاء، چاپ بولاق مصر، صفحه ۲۵.

مرحوم علامه مجلسی (در بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۷۳) غیر از حضرت معصومه و عبدالعظیم حسنی، دو نفر دیگر را نیز در زمره برجستگان ذکر می‌کند؛ یکی جعفر طیار که در شهر موته مدفون است و دیگر علی بن جعفر که در شهر مقدّس قم دفن شده و درباره او می‌نویسد: جلالتش مشهورتر از آن است که نیاز به بیان داشته باشد و گرچه مدفون بودنش در قم در کتب معتبره نیامده است لیکن اثر قبر شریفش از قدیم موجود و اسمش روی آن مکتوب است. (البته موارد شناخته شده منحصر به آنچه مرحوم علامه مجلسی فرموده نیست؛ بلکه در موارد دیگر که به طور قطع شناخته شده نباشد، ولی مورد احترام مردم با ایمان است، می‌توان به قصد رجاء زیارت کرد).

قبر شریفش در شهر مقدّس قم معروف و مشهور است، روشنی چشم اهل قم و پناهگاه عامّه مردم است. در هر سال میلیونها نفر از شهرها و کشورهای دور و نزدیک، رنج سفر بر خود هموار می‌کنند تا از فیض زیارت آن کریمه اهل بیت علیهم‌السلام بهره‌مند گردند.

فضیلت و جلالت آن حضرت بسیار است و روایات زیر گواه بر آن است:

۱- «شیخ صدوق» و «ابن قولویه» (به سند معتبر) از سعد بن سعد روایت کرده‌اند که درباره فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه‌السلام، از امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام سؤال نمود، جواب فرمودند: «هر کس او را زیارت کند بهشت برای او خواهد بود!»^۱

۲- از امام جواد علیه‌السلام روایت شده: «هر کس عمّه‌ام را در قم زیارت کند بهشت برای او خواهد بود.»^۲

۳- حسین بن محمد قمی در کتاب «تاریخ قم» از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود: «برای خداوند حرمی است و آن مکه است، و برای رسولش حرمی است و آن مدینه است، و برای امیرمؤمنان حرمی است و آن کوفه است، و برای ما (اهل بیت) حرمی است و آن قم است، و به زودی در قم بانویی از فرزندان من که «فاطمه» نام دارد مدفون می‌شود؛ هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب می‌شود. راوی می‌گوید: این بیان در حالی بود که هنوز مادر موسی بن جعفر علیه‌السلام به آن حضرت (یعنی موسی بن جعفر که پدر حضرت معصومه است) باردار نشده بود.»^۳

البته عارف به حق آن بزرگوار بودن شرط است، همان‌گونه که در بعضی از روایات آمده است.^۴

فضیلت زیارت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام:

نسب شریف او با چند واسطه به امام حسن مجتبی علیه‌السلام منتهی می‌شود. قبر شریف او در شهر ری معلوم و مشهور و پناهگاه خاص و عام است. علو مقام و جلالت شأن آن حضرت بر کسی پوشیده نیست، چرا که آن جناب علاوه بر آن که از سادات و دودمان والامقام حضرت خاتم‌التبیین است، از محدّثین کبیر و علمای بزرگ و اهل زهد و عبادت و صاحب ورع و تقوا می‌باشد. او از اصحاب امام جواد و امام هادی علیه‌السلام بود و نهایت توسّل و ارادت را به آن دو بزرگوار داشت، از آنان روایات بسیاری را نقل کرده است. دو کتاب «خُطَب امیر المؤمنین» و «کتاب یوم و لیلة» تألیف اوست. او کسی است که دین خودش را بر امام زمانش حضرت هادی علیه‌السلام عرضه کرد و آن حضرت تصدیقش نمود و فرمود: «یا اباالقاسم! هَذَا وَاللّهِ دینُ اللَّهِ

۱. عیون اخبار الرضا، جلد ۲، صفحه ۲۶۷ و کامل‌الزیارات، باب ۱۰۶، صفحه ۳۲۴، حدیث ۱.

۲. کامل‌الزیارات، باب ۱۰۶، حدیث ۲.

۳. تاریخ قم، طبع ایران سال ۱۳۵۳، صفحه ۲۱۵ و بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۶۷.

۴. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۶۶، حدیث ۴.

الَّذِي ارْتَضَاهُ لِعِبَادِهِ، فَاتَّبَعْتَهُ عَلَيْهِ، تَبَتَّكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ ای ابوالقاسم، به خدا سوگند این (عقاید و کلمات تو) همان دینی است که خداوند برای بندگانش پسندیده است؛ بر همین عقیده پایدار باش! خداوند تو را به گفتار و اعتقاد ثابت در دنیا و آخرت استوار نگه دارد.^۱

نیز صاحب بن عبّاد در وصف علم آن بزرگوار چنین می‌گوید: «ابوتراب رویانی» مرا روایت کرده که گفت: از ابوحمّاد رازی شنیدم که می‌گفت: در «سرّ من رأی» بر حضرت امام هادی علیه السلام وارد شدم و تعدادی از مسائل حلال و حرام را از آن حضرت پرسیدم و جواب گرفتم، هنگام وداع به من فرمود: ای حمّاد! هرگاه چیزی از امور دینی ات بر تو مشکل شد در ناحیه خود در شهر ری از عبدالعظیم پسر عبدالله حسنی سؤال کن و سلام مرا به او برسان.^۲

در اهمّیت زیارت آن حضرت همین بس که «ابن قولویه»، در «کامل الزیارات» از یکی از اهالی شهر ری نقل می‌کند که گفت: بر امام هادی علیه السلام وارد شدم، فرمود: کجا بودی؟ عرض کردم: به زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام (در کربلا)، رفته بودم فرمود: «آگاه باش اگر قبر عبدالعظیم که در شهر شماسه را زیارت می‌کردی، مثل کسی بودی که امام حسین علیه السلام را زیارت کرده باشد».^۳

کیفیت زیارت امامزادگان:

برای کیفیت زیارت امامزادگان (غیر از حضرت ابوالفضل و حضرت علی اکبر علیه السلام) که گذشت و حضرت معصومه علیها السلام که در ذیل خواهد آمد) روایت خاصی نقل نشده است، لذا مرحوم «علامه مجلسی» می‌گوید: می‌توان آنان را با آنچه که سایر مؤمنان با آن زیارت می‌شوند (و ذکر آن خواهد آمد) زیارت کرد و هم می‌توان به آنچه از فضل و فضیلتشان بر زبان جاری می‌شود آنان را مخاطب قرار داد و به ایشان و اجداد طاهرینشان (صلوات فرستاد و) توسّل جست و طلب شفاعت کرد.^۴

یادآوری: آنچه را در بیان «علامه مجلسی» آمده می‌توان به سه طریق انجام داد:

الف) پس از طلب مغفرت و علوّ درجه برای امامزاده‌ای که به زیارتش تشرف یافته‌ایم و قرائت فاتحه می‌توان خدا را به شأن و مقام او قسم داد و حوایج خویش را طلب کرد.

ب) پس از طلب مغفرت و علوّ درجه، می‌توان اولین امام معصومی که پدر یا جدّ آن امام زاده است را مخاطب قرار داد و پس از عرض سلام و ارادت و یا خواندن زیارتی از زیارت‌های جامعه، او را به این فرزند صاحب قبر، قسم داد و طلب شفاعت در پیشگاه خداوند نمود.

۱. اعلام الوری، صفحه ۴۳۶.

۲. مستدرک الوسائل، جلد ۱۷، صفحه ۳۲۱، حدیث ۳۲.

۳. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۷۷.

۴. کامل‌الزیارات، باب ۱۰۷، صفحه ۳۲۴، حدیث ۱.

ج) نخست فاتحه بخوانند و سپس دو رکعت نماز بجا آورند و ثواب آن را هدیه به آن امامزاده کنند و بعد از آن دعا نمایند.

کیفیت زیارت حضرت معصومه علیها السلام:

«عَلَّامَةُ مَجْلِسِي» علیها السلام می گوید: در بعضی از کتب زیارات آمده است: حضرت رضا علیه السلام به یکی از یارانش به نام «سعد اشعری» فرمود: نزد شما (اهل قم) قبری از ما هست، سعد می گوید: عرض کردم: فدایت شوم قبر فاطمه دختر امام موسی علیه السلام را می فرمایید؟ فرمود: آری! «مَنْ زَارَهَا غَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ هر کس با معرفت او را زیارت کند بهشت برای اوست» هنگامی که نزد قبر آن بانو رسیدی بالای سر، رو به قبله بایست و ۳۴ مرتبه الله اکبر و ۳۳ مرتبه سبحان الله و ۳۳ مرتبه الحمد لله بگو سپس این زیارت را بخوان:

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ

سلام بر آدم برگزیده خدا سلام بر نوح پیامبر خدا سلام بر ابراهیم

خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ،

خلیل خدا سلام بر موسی هم سخن خدا سلام بر عیسی روح خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای بهترین خلق خدا سلام بر تو

يَا صَفِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ

ای برگزیده خدا سلام بر تو ای محمد بن عبدالله خاتم النبیین سلام

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ

بر تو ای امیر مؤمنان علی بن ابی طالب وصی رسول خدا سلام

عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سِبْطَيْ نَبِيِّ

بر تو ای فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر شما ای دو نوه پیامبر

الرَّحْمَةِ، وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ

رحمت و دو آقای جوانان اهل بهشت سلام بر تو ای علی بن الحسین

سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، وَقَرَّةِ عَيْنِ النَّاطِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بَاقِرِ

آقای عبادت کنندگان و روشنی چشم بینندگان سلام بر تو ای محمد بن علی شکافته

الْعِلْمَ بَعْدَ النَّبِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبَارَّ الْأَمِينَ،

دانش پس از پیامبر سلام بر تو ای جعفر بن محمد راستگوی نیکوکار امین

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ الطَّاهِرِ الطَّهْرَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ

سلام بر تو ای موسی بن جعفر امام پاک پاکیزه سلام بر تو ای علی بن

مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيِّ، السَّلَامُ

موسی (آن) خشنود (از حق) و پسندیده سلام بر تو ای محمد بن علی تقی سلام

عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ النَّاصِحِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ

بر تو ای علی بن محمد تقی (ای) خیرخواه امین سلام بر تو ای حسن

بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى نُورِكَ

بن علی سلام بر وصی پس از او خدایا درود فرست بر نور خود

وَسِرِّ اجِّكَ، وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ، وَوَصِيِّ وَصِيَّتِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، السَّلَامُ

و چراغ تابناکت و نماینده نمایندهات و وصی وصیت و حجت تو بر آفریدگانت سلام

عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ، السَّلَامُ

بر تو ای دختر رسول خدا سلام بر تو ای دختر فاطمه و خدیجه سلام

عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ،

بر تو ای دختر امیرمؤمنان سلام بر تو ای دختر حسن و حسین

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای دختر ولی خدا سلام بر تو ای خواهر ولی خدا سلام

عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ

بر تو ای عمه ولی خدا سلام بر تو ای دختر موسی بن جعفر - و رحمت خدا

وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَّفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ، وَحَشَرْنَا فِي

و برکاتش نیز بر تو باد - سلام بر تو باد، خداوند شناسایی و آشنایی برقرار کند میان ما و شما در بهشت و محشور گرداند ما را

زُمرَّتِكُمْ، وَأَوْرَدَنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ، وَسَقَانَا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيٍّ بْنِ

در گروه شما و واردمان کند بر سر حوض پیامبرتان و بنوشاند به ما از جام جدتان از دست (ساقی کوثر) علی بن

أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ،

ابی طالب - دروهای خدا بر شما باد - از خدا می‌خواهم که بنمایاند به ما در مورد شما خوشحالی و گشایش (و ظهور) شما را

وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْ لَا

و گردآورد ما و شما را در گروه جدتان محمد صلی الله علیه و آله و نگیرد

يَسْلُبُنَا مَعْرِفَتَكُمْ، إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ، اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ، وَالْبِرَاءَةِ مِنْ

از ما معرفت شما را که برستی او سرپرست توانایی است تقرب جویم به درگاه خدا بوسیله دوستی شما و بیزاری جستن از

أَعْدَائِكُمْ، وَالتَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ، وَ عَلِيٍّ

دشمنانتان و تسلیم شدن به پیشگاه خدا با رضایت‌مندی بدون انکار و گردنفرازی و از روی

يَقِينٍ مَا آتَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ رَاضٍ، نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي، اَللَّهُمَّ

یقین بدرستی آنچه محمد(ص) آورده و بدان راضی و خشنودم و می‌جویم بدان وسیله جلب توجه (یا دیدار) تو را ای آقای من ای خدا

وَرِضَاكَ وَالِدَارَ الْأَخْرَةَ، يَا فَاطِمَةَ أَشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ

و خشنودی تو و سعادت خانه آخرت را، ای فاطمه (معصومه) شفاعت کن برای من در بهشت که تو را در پیشگاه خداوند

شَانًا مِنَ الشَّانِ، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي

منزلی بزرگ است خدایا از تو خواهم که سرانجام کارم را به خوشبختی ختم فرمایی و از من نگیری

مَا أَنَا فِيهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اَللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا،

آن (ایمان و معتقداتی) را که در آن هستم و جنبش و نیرویی جز به خدای والای بزرگ نیست خدایا به اجابت رسان دعای ما را

وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ، وَبِرَحْمَتِكَ وَعَافِيَتِكَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و بپذیر آن را به بزرگواری و عزت و به مهر و عافیت خودت و درود خدا بر محمد

وَآلِهِ أَجْمَعِينَ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱

و آتش و هم سلام مخصوص او بر ایشان باد ای مهربانترین مهربانان.

کیفیت زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام:

مرحوم محدث قمی (ره) می‌نویسد: علما برای حضرت عبدالعظیم علیه السلام زیارتی نقل نکرده‌اند فقط

«فخرالمحققین آقا جمال الدین» در کتاب «مزار» خود نوشته: زیارت آن حضرت به این نحو مناسب است:

۱. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۶۶، حدیث ۴، در ذیل این زیارت در کتاب تحفة الزائر مرحوم علامه مجلسی آمده است: «محمّل است که این زیارت از تنمّه حدیث امام رضا علیه السلام نباشد، بلکه از تألیف علما بوده باشد».

شاید علامه مجلسی ذکر ائمه بعد از حضرت رضا علیه السلام و سلام بر آنها را قرینه‌ای بر این مطلب دانسته، در حالی که ظاهر حدیث این است که زیارت، دنباله کلام حضرت امام رضا علیه السلام است و سلام بر ائمه بعد، به وسیله تعلیم امام رضا علیه السلام، امر بیعیبی نیست. (همانگونه که در زیارت امام رضا علیه السلام صلوات و درود بر امامان بعد از آن حضرت نیز آمده است).

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر آدم برگزیده خدا سلام بر نوح پیغمبر خدا سلام بر

إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى عِيسَى

ابراهیم خلیل خدا سلام بر موسی همسخن با خدا سلام بر عیسی

رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ،

روح خدا سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای بهترین خلق خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمَ

سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو ای محمد بن عبدالله خاتم

النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، وَصِيَّ

پیامبران سلام بر تو ای امیرمؤمنان علی بن ابی طالب وصی

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا

رسول خدا سلام بر تو ای فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر شما

يَا سِبْطِي الرَّحْمَةَ، وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ

ای دو نوه (پیامبر) رحمت و دو آقای جوانان اهل بهشت سلام بر تو ای علی بن

الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، وَقَرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ

الحسین آقای عبادت کنندگان و نور چشم بینندگان سلام بر تو ای محمد بن

عَلِيٍّ بِأَقْرَبِ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ

علی شکافنده دانش پس از پیامبر خدا سلام بر تو ای جعفر بن محمد آن امام راستگوی

الْبَارِّ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ الطَّاهِرِ الطُّهْرَ، السَّلَامُ

نیکوکار امانتدار سلام بر تو ای موسی بن جعفر پاک و پاکیزه سلام

عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرُّضَا المُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ

بر تو ای علی بن موسی آن خشنود (از حق و) پسندیده سلام بر تو ای محمد بن

عَلِيٍّ التَّقِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النُّقِيِّ النَّاصِحِ الْأَمِينِ،

علی تقی سلام بر تو ای علی بن محمد نقی آن خیرخواه امین

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ، اَللّهُمَّ

سلام بر تو ای حسن بن علی سلام بر وصی پس از او خدایا

صَلِّ عَلَى نُورِكَ وَسِرِّاجِكَ، وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ، وَوَصِيِّ وَصِيِّ تُو وَحُجَّتِكَ، وَحُجَّتِكَ

دروود فرست بر نور خود و چراغ تابناکت و نماینده نماینده و وصی وصی تو و حجت تو

عَلَى خَلْقِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ، وَالطَّاهِرُ الصَّفِيُّ، السَّلَامُ

بر آفریدگانت سلام بر تو ای آقای پاکیزه و پاک باصفا سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ السَّادَةِ الْأَطْهَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ،

بر تو ای فرزند آقایان پاک نهاد سلام بر تو ای فرزند برگزیدگان نیکوکار

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَعَلَى ذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ،

سلام بر رسول خدا و بر فرزندان رسول خدا - و رحمت خدا و برکاتش بر او باد

السَّلَامُ عَلَى الْعَبْدِ الصَّالِحِ، الْمُطِيعِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ

- سلام بر بنده شایسته فرمانبردار خدا پروردگار جهانیان و فرمانبردار رسول او و امیر

الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ ابْنَ السَّبْطِ الْمُنتَجَبِ الْمُجْتَبَى،

مؤمنان سلام بر تو ای ابوالقاسم فرزند نوه برگزیده (رسول خدا یعنی) حضرت مجتبی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَزِيَارَتِهِ ثَوَابُ زِيَارَةِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ يُرْتَجَى، السَّلَامُ

سلام بر تو ای کسی که با زیارت کردن تو ثواب زیارت حضرت سید الشهداء امید می رود سلام

عَلَيْكَ عَرَّفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ، وَحَشَرْنَا فِي زُمَرَتِكُمْ، وَأَوْرَدْنَا

بر تو، خدا آشنایی برقرار کند میان ما و شما در بهشت و محشور کند ما را در گروه شما و وارد کند ما را

حَوْضَ نَبِيِّكُمْ، وَسَقَانَا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ

به حوض پیامبرتان و بنوشاند به ما از جام جد شما از دست علی بن ابی طالب - درودهای

اللَّهِ عَلَيْكُمْ، أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ، وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ

خدا بر شما باد - از خدا درخواست می کنم که بنمایاند به ما خوشحالی و ظهور شما را و گردآورد ما و شما را

فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْ لَا يُسَلِّبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ، إِنَّهُ

در گروه جدتان محمد صلی الله علیه و آله و نگیرد از ما معرفت شما را که برآستی او

وَلِيُّ قَدِيرٍ، اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ، وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَالتَّسْلِيمِ إِلَى

سرپرست توانایی است تقرب جویم بدرگاه خدا بوسیله دوستی شما و بیزاری جستن از دشمنان شما و تسلیم بودن برای

اللَّهِ رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ، وَعَلَى يَقِينٍ مَا أَتَى بِهِ مُحَمَّدٌ نَطْلُبُ

خدا با رضایتمندی بدو، بدون انکار و گردنکشی و با یقین داشتن به درستی آنچه محمد(ص) آورده و می جویم

بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي، اَللّٰهُمَّ وَرِضَاكَ وَالِدَارَ الْاٰخِرَةَ، يَا سَيِّدِي وَابْنَ

بدان توجه خاطر تو را ای آقای من، ای خدا و خشودی تو و سعادت خانه آخرت را، ای آقای من و ای فرزند

سَيِّدِي، اِشْفَعْ لِي فِي الْجَنَّةِ، فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ شَانًا مِّنَ الشَّانِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي

آقای من شفاعت مرا درباره بهشت بفرما که برای تو در پیشگاه خدا منزلت و مقام مخصوصی است خدایا من

اَسْأَلُكَ اَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا اَنَا فِيْهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا

از تو درخواست می‌کنم که سرانجام کار مرا به خوشبختی ختم فرمایی و نگیری از من آنچه را (از ایمان و معتقدات) که در آن هستم و جنبش و

قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ، اَللّٰهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا، وَتَقَبَّلْهُ بِكِرَمِكَ وَعِزَّتِكَ،

نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ خدایا مستجاب فرما دعای ما را و بپذیر آن را به بزرگواری و عزت خود

وَيَرْحَمَتِكَ وَعَافِيَّتِكَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ اَجْمَعِيْنَ، وَسَلَّم

و به رحمت و عافیت و درود خدا بر محمد و آلش همگی و سلام

تَسْلِيْمًا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

مخصوصت ای مهربانترین مهربانان.

در ادامه می‌نویسد: همین زیارت را برای امامزاده حمزه پسر امام موسی علیه السلام (که مزار او نزدیک حضرت عبدالعظیم است) نیز می‌توان خواند (البته با حذف جمله «السلام علیک یا ابالقاسم») و جمله بعد از آن).

یادآوری: در صحن امامزاده حمزه، قبر شیخ جلیل و مفسر کبیر، ابوالفتح رازی حسین بن علی خزاعی علیه السلام صاحب تفسیر معروف ابوالفتح، واقع شده و نیز در شهر ری قبر جناب شیخ صدوق رئیس‌المحدثین، معروف به «ابن بابویه» قرار گرفته، که لازم است از زیارت این دو قبر شریف نیز غفلت نشود.



بخش سوم: زیارت قبور مؤمنان

فضیلت زیارت قبور مؤمنان:

۱- در «کامل‌الزیارات» از موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: هر کس قادر بر زیارت ما نباشد صالحان از دوستان و موالیان ما را از زیارت کند تا ثواب زیارت ما برای او نوشته شود و کسی که قادر بر صله و نیکی به ما نباشد به صالحان از موالیان ما نیکی کند تا ثواب نیکی به ما برایش نوشته شود.^۱

۲- از یکی از یاران امام رضا علیه السلام (محمد بن احمد بن یحیی اشعری) روایت شده که آن حضرت فرمود: هر کس نزد قبر برادر مؤمن خود برود و دست بر روی قبر بگذارد و هفت مرتبه سوره «انا انزلناه» بخواند در روز «فزع اکبر» (روز قیامت که روز ترس بزرگ است) ایمن خواهد بود.^۱

ظاهر بعضی از روایات این است که همین ثواب برای صاحب قبر نیز خواهد بود.^۲

۳- از روایاتی که در بحث «کیفیت زیارت قبور مؤمنان» خواهد آمد، به دست می آید که با خواندن بعضی از اذکار، گناهان بسیاری از زائر و پدر و مادرش بخشوده می شود و نیز استفاده می شود که عذاب روز قیامت از انسان دور می گردد.^۳

۴- از بعضی از روایات به دست می آید که انسان با رفتن به زیارت قبر والدین خود می تواند بعضی از کمبودها را که از جهت عدم رعایت حقوق آنها در زمان حیاتشان از او حاصل شده جبران کند^۴ و حتی به حوابحش برسد به این صورت که اول برای والدین استغفار کند و سپس حاجتش را از خداوند بطلبد.^۵

آداب، زمان و کیفیت زیارت قبور مؤمنان:

۱- زائر رو به قبله قرار می گیرد و دست روی قبر می گذارد چنان که از دو روایت عبدالرحمن بن ابی عبدالله^۶ و محمد بن احمد بن یحیی^۷ به دست می آید.

۲- هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند چنان که در روایت «اشعری» گذشت. در بعضی از روایات اشاره به سوره حمد نیز شده است و مناسب است در صورتی که توفیق رفیق او گردد از سوره های دیگر قرآن برای شادی روح آن میت مانند «یس»، «مُلک» و «واقع» استفاده کند.

۳- این دعا را بخواند: **السَّلَامُ عَلَىٰ أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ،**

***** سلام بر اهل این دیار (خانهها) از مؤمنین و مسلمانان

أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ، وَنَحْنُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِأَحْقُونَ، همان گونه که از امام صادق علیه السلام نقل

شما پیشروان ما (در این راه) بودید و ما هم ان شاء الله به شما ملحق خواهیم شد. *****

شده است.^۸

۱. کامل الزیارات، باب ۱۰۵، صفحه ۳۱۹، حدیث ۳.

۲. همان مدرک، حدیث ۱۲.

۳. همان مدرک، صفحه ۳۲۰، حدیث ۴.

۴. بحارالانوار، جلد ۷۱، صفحه ۸۱، حدیث ۸۵.

۵. همان مدرک، جلد ۱۰، صفحه ۹۷.

۶. کامل الزیارات، باب ۱۰۵، صفحه ۳۲۰، حدیث ۵.

۷. همان مدرک، حدیث ۴.

۸. همان مدرک، حدیث ۹.

فرمود: آری! گفتم: آیا آنها می‌فهمند که ما به زیارت آنها رفته‌ایم؟ فرمود: آری! به خدا قسم که آنها می‌فهمند و شاد می‌شوند و با شما انس می‌گیرند. عرض کردم: وقتی به زیارتشان رفتیم چه بگوییم؟ فرمود: بگو:

اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَن جُنُوبِهِمْ، وَصَاعِدِ إِلَيْكَ أَرْوَاحَهُمْ، وَلَقِّهِمْ مِنْكَ

خدایا دور گردان زمین را از پلوهایشان (نگاهشان دار از فشار قبر) و بالا بر به نزد خود روان‌ها و ارواح ایشان را و از خشودی خودت

رِضْوَانًا، وَأَسْكِنِ إِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَحَدَّتْهُمْ، وَتُوْنِسُ بِهِ

به آنها بده و از رحمت خود به اندازه‌ای هم‌نشینشان کن که تنهایی‌شان را جبران کنی و وحشتشان را به انس و آرامش مبدل

وَحَشَّتْهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

کنی که راستی تو بر هر چیز توانایی.

۸- «ابن قولویه» از صفوان جمّال از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: رسول الله به اتفاق جمعی از یاران خود، پیوسته عصر روز پنج‌شنبه وارد قبرستان بقیع می‌شد و خطاب به اهل قبور سه مرتبه «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ» و سه بار هم «رَحِمَكُمُ اللَّهُ» می‌فرمود.^۲

۹- در روایات وارد شده که اگر برای قبور مؤمنین یک قبرستان یازده بار سوره «قل هو الله احد» خوانده شود به عدد اموات آن جا، خداوند به زائر ثواب می‌دهد.^۳

۱۰- اگر می‌خواهد قرآن تلاوت کند می‌تواند سوره «یس» را انتخاب کند که هم باعث تخفیف بر اهل قبور می‌شود و هم به عدد آنها برای تلاوت کننده، حسنه نوشته می‌شود.^۴

یادآوری: در بخش دهم این کتاب (بخش احکام و آداب مربوط به مردگان) در ارتباط با «خیرات برای اموات» روایات جالبی آمده است، به آن جا مراجعه شود.

بخش چهارم: آداب نیابت در زیارت

شکی نیست که نیابت در زیارت یا اهدای ثواب چه برای انسان زنده و چه اموات و گذشتگان مستحب است و ثوابش به «منوب عنه» (کسی که زائر محترم به نیابت او زیارت می‌کند) می‌رسد و به یقین نائب هم از آن بهره‌مند می‌گردد، و روایات متعددی بر آن دلالت دارد از جمله:

۱. فقیه، جلد ۱، صفحه ۱۸۰، حدیث ۵۴۰.
 ۲. کامل‌الزیارات، باب ۱۰۵، صفحه ۳۲۰، حدیث ۶.
 ۳. جامع‌الخبار، صفحه ۱۶۸.
 ۴. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۳۰۱، حدیث ۳۳.

۱- داوود صرمی در حدیث معتبری می‌گوید: خدمت امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم: من به زیارت پدر بزرگوارت رفتم و ثوابش را به شما هدیه کردم، فرمود: «برای تو از جانب خدا اجر و ثواب عظیم و از جانب ما حمد و ثناست».^۱

۲- ابراهیم حصرمی می‌گوید: در مدینه با امام موسی کاظم علیه السلام که میان منبر و قبر رسول الله نشسته بودند ملاقات کردم؛ خدمتش عرض کردم: وقتی از وطن عازم سفر حج می‌شدم بعضی مرا سفارش کرده بودند که هفت دور طواف و دو رکعت نماز به نیابت آنها بجا آورم، ولی من یادم رفت. وقتی برگردم نمی‌دانم چه به آنها بگویم. فرمود: «هنگامی که به مکه مشرف شدی اگر پس از بجا آوردن مناسک حج، هفت دور طواف می‌کردی و دو رکعت نماز می‌خواندی و می‌گفتی: خدایا من این طواف و دو رکعت را از طرف پدر، مادر، همسر، فرزندان، دوستان و همه همشهریانم بجا آورده‌ام چنان چه پس از برگشت به هر کدام آنها می‌گفتی: من به نیابت شما طواف بجا آوردم و دو رکعت نماز خواندم در گفتارت صادق بودی، همچنین در مدینه پس از انجام وظایف خود، اگر دو رکعت نماز بخوانی سپس بالای سر رسول گرامی صلی الله علیه و آله بایستی و بگویی: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مِنْ أَبِي وَأُمِّي، وَزَوْجَتِي وَوَلَدِي وَحَامَّتِي،**

سلام بر تو ای پیامبر خدا از طرف پدر و مادر و همسر و فرزندان و نزدیکان

وَمِنْ جَمِيعِ اَهْلِ بَلَدِي، حُرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ، وَأَبْيَضِهِمْ وَأَسْوَدِهِمْ.

و از طرف همه همشهری‌هایم آزادشان و بندهشان، سفیدشان و سیاهشان.

و پس از بازگشت به هر کدام از اهل شهرت بگویی که من به نیابت تو به پیامبر سلام دادم (و دو رکعت نماز خواندم) راست گفته‌ای».^۲

۳- در روایت دیگری می‌خوانیم که از بعضی از ائمه طاهرين علیهم السلام سؤال کردند درباره کسی که دو رکعت نماز می‌خواند یا یک روز روزه می‌گیرد و یا حج یا عمره‌ای بجا می‌آورد یا رسول گرامی و یا یکی از ائمه علیهم السلام را زیارت می‌کند و ثواب آن را به پدر و مادر یا برادر دینی خود هدیه می‌کند، آیا برای خود او نیز ثوابی هست؟ فرمود: ثواب آن عمل به «منوب عنه» (پدر یا مادر یا برادر دینی) می‌رسد بدون آن‌که چیزی از ثواب خودش کاسته شود!^۳

کیفیت نیابت برای کسانی که هزینه سفرشان را دیگری پرداخته است

«شیخ طوسی» در «تهذیب» می‌نویسد: کسی که به نیابت از برادر دینی، اجیر شود چون از غسل

۲. همان مدرک، صفحه ۲۵۵، حدیث ۱.

۱. بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۵۶، حدیث ۳.

۳. همان مدرک، جلد ۸۵، صفحه ۳۱۱ و ۳۱۳.

زیارت (و مطابق بعضی از نسخه‌ها چون از عمل زیارت) فارغ شود بگوید:

اللَّهُمَّ مَا أَصَابَنِي مِنْ تَعَبٍ أَوْ نَصَبٍ، أَوْ شَعَثٍ أَوْ لُغُوبٍ، فَأَجْرُ فَلَانِ بْنِ

خدایا آنچه به من رسیده از تعب یا رنجی یا گرد و غبار یا خستگی پس مزدش را به فلانی پسر

فُلَانٍ فِيهِ، وَأَجْرُنِي فِي قَضَائِي عَنْهُ.

فلان بده و مرا هم در انجام دادن بجای او مزد ده.

و اگر به امامی که زیارت می‌کند سلام دهد در آخر سلام بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا عَنْهُ، فَاشْفَعْ لَهُ

سلام بر تو ای مولای من از طرف فلانی پسر فلان، من از طرف او به زیارت آمده‌ام پس شفاعت او را در

عِنْدَ رَبِّكَ. و به جای فلان بن فلان اسم «شخص مورد نظر و پدرش» را بیاورد، سپس به آنچه

نزد پروردگارت بفرما *

می‌خواهد دعا کند^۱ و اگر خواست زیارت‌نامه‌ای بخواند بگوید: اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ (به جای فلان

* * * * * خدایا همانا فلانی پسر فلان * * * * *

بن فلان اسم منوب عنه و نام پدرش را ببرد) أَوْفَدَنِي إِلَى مَوْلَاهُ وَمَوْلَايَ، لِأُزُورَ عَنْهُ

* * * * * مرا روانه کرده پدرگاه سرور خودش و سرور من تا از طرف او زیارت کنم

رَجَاءً لِحُزْنِي مِنَ الثَّوَابِ، وَفِرَارًا مِنْ سُوءِ الْحِسَابِ، اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ

به امید پاداش شایان و فرار از بدی حساب (روز قیامت) خدایا براستی او رو کند بدرگاهت

بِأَوْلِيَائِهِ الدَّالِّينَ عَلَيْكَ فِي عُفْرَانِكَ ذُنُوبَهُ، وَحَطَّ سَيِّئَاتِهِ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

بوسیله سرورانش که بر تو راهنمایی کنند در مورد آمرزش گناهانش و ریختن کارهای بدش و توسل جوید به آستانات

بِهِمْ عِنْدَ مَشْهَدِ إِمَامِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنْهُ، وَاقْبَلْ شَفَاعَةَ

بوسیله ایشان در نزد زیارتگاه امام خود - که دروهای تو بر او باد - خدایا پس بپذیر از او و بپذیر شفاعت

أَوْلِيَائِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فِيهِ، اللَّهُمَّ جَاذِرِهِ عَلَى حُسْنِ نِيَّتِهِ، وَصَحِيحِ

سرورانش را - که دروهای تو بر ایشان باد - دربارش خدایا پاداشش ده بر این خوش نیتی و عقیده

عَقِيدَتِهِ، وَصِحَّةِ مُوَالَاتِهِ، أَحْسَنَ مَا جَاذَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبِيدِكَ الْمُؤْمِنِينَ،

صحیح و دوستی درستی بهترین پاداشی که عطا کنی به یکی از بندگان با ایمانت

وَأَدِّمْ لَهُ مَا خَوَّلْتَهُ، وَاسْتَعْمِلْهُ صَالِحاً فِيمَا آتَيْتَهُ، وَلَا تَجْعَلْنِي آخِرَ وَاوَدِّ

و ادامه بده برای او هر نعمتی را که به او ارزانی داشته‌ای و به شایستگی وادارش در آنچه به او داده‌ای و مرا آخرین نماینده‌ای که

لَهُ يُوَفِّدُهُ، اَللّٰهُمَّ اَعْتِقْ رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ، وَاَوْسِعْ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ

می‌فرستد قرارم مده خدایا آزاد کن او را از آتش دوزخ و فراخ گردان بر او در روزی حلال

الطَّيِّبِ، وَاجْعَلْهُ مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ لَهُ فِي وُلْدِهِ وَمَالِهِ

پاکیزه‌ات و او را از رفقای محمد و ائمه قرار ده و برکت ده به او در فرزندان و دارایی و

وَأَهْلِهِ، وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحُلِّ

خانواده‌اش و آنچه را مالک آن است خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و حایل شو

بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَعَاصِيكَ حَتَّى لَا يَعْصِيكَ، وَاعِنَهُ عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ

میان او و میان نافرمانی‌هایت تا این‌که نافرمانی تو را نکند و کمکش ده بر فرمانبرداری خودت و فرمانبرداری

أَوْلِيَائِكَ، حَتَّى لَا تَفْقِدَهُ حَيْثُ أَمَرْتَهُ، وَلَا تَرَاهُ حَيْثُ نَهَيْتَهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ

اولیایت تا بدانجا که او را حاضر بینی در هر جا که دستور دادی و نبینی او را در هر جا که نهی فرموده‌ای خدایا درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ، وَاعْفُ عَنْهُ وَعَنْ جَمِيعِ

بر محمد و آل محمد و پیامرز او را و مورد رحمت قرارش ده و درگذر از او و از همه

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعِذْهُ مِنْ

مردان و زنان با ایمان خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و پناهش ده از

هَوْلِ الْمَطَّلَعِ، وَمِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ، وَسَوْءِ الْمُنْقَلَبِ، وَمِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ

هراس روز جزا (که بر احوال خود آگاه شود) و از بیم و ترس روز قیامت و از بدی جای بازگشت و از تاریکی قبر

وَ وَحْشَتِهِ، وَمِنْ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى

و وحشت آن و توقفگاه‌هایی که موجب خواری است در دنیا و آخرت خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ جَائِزَتَهُ فِي مَوْقِفِي هَذَا غُفْرَانِكَ، وَتُخَفِّتَهُ

محمد و آل محمد و جایزه او را در این جایی که ایستاده‌ام برای او آمرزش قرار ده و تخفیفش

فِي مَقَامِي هَذَا عِنْدَ إِمَامِي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ أَنْ تُقِيلَ عَثْرَتَهُ، وَتَقْبَلَ

در این مقامی که هستم در نزد امامم - که درود تو بر او باد - این باشد که تو از لغزشش چشم‌پوشی کنی و عذرش

مَعْدِرَتَهُ، وَتَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِهِ، وَتَجْعَلَ التَّقْوَى زَادَهُ، وَمَا عِنْدَكَ خَيْرًا

را ببذیری و از خطایش درگذری و تقوا و پرهیزکاری را توشه‌اش قرار دهی و آنچه در پیش توست در

لَهُ فِي مَعَادِهِ، وَتَحْشُرُهُ فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

روز معاد برایش خیر و خوبی گردانی و محشورش کنی در گروه محمد و آل محمد صلی الله علیه و

آلِهِ، وَ تَغْفِرْ لَهُ وَ لِوَالِدَيْهِ، فَإِنَّكَ خَيْرُ مَرْعُوبٍ إِلَيْهِ، وَ أَكْرَمُ مَسْئُولٍ

آله و بیامزی او را و پدر و مادرش را که تو بهترین کسی هستی که بسویت میل کنند و بزرگوارترین درخواست شدای هستی

اعْتَمَدَ الْعِبَادُ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ وَلِكُلِّ مُوفِدٍ جَائِزَةٌ، وَلِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةٌ،

که بندگان بر تو اعتماد کنند خدایا و برای هر شخصی که کسی را به نمایندگی به جایی فرستد جایزه ای مقرر است و هر زائری را کرامتی است

فَاجْعَلْ جَائِزَتَهُ فِي مَوْقِفِي هَذَا غَفْرَانِكَ، وَ الْجَنَّةَ لَهُ وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

بس جایزه او را در این جا که ایستاده ام آموزش و بهشت برای او مقرر فرما و هم چنین برای همه مردان

وَ الْمُؤْمِنَاتِ، اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ الْخَاطِئُ الْمَذْنِبُ، أَلْمَقْرَّبُ بِذُنُوبِهِ، فَاسْأَلُكَ

و زنان با ایمان خدایا ضمناً من هم بنده خطاکار گنہکار معترف به گناہانم هستم (که بدرگاہت آمده ام) از تو خواهم

يَا اللَّهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أَنْ لَا تَحْرِمَنِي بَعْدَ ذَلِكَ الْأَجْرَ وَ الثَّوَابَ

خدایا به حق محمد و آل محمد که پس از مزد و پاداش او مرا هم از

مِنْ فَضْلِ عَطَائِكَ وَ كَرَمِ تَفَضُّلِكَ.

فزوننی عطا و بزرگواری نعمت بخشیت محروم نکنی.

سپس نزد ضریح مقدس آن امام عليه السلام برود و دست‌ها را رو به قبله به طرف آسمان بلند کند و بگوید:

يَا مَوْلَايَ يَا إِمَامِي، عَبْدُكَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ (به جای فلان بن فلان، نام آن شخص و پدرش را بگوید)

ای مولای من ای امام من بنده شما فلان شخص پسر فلان کس *

أَوْ فِدَنِي زَائِرًا لِمَشْهَدِكَ، يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِذَلِكَ، وَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ

مرا به زیارت مشهد و قبر مطهر شما فرستاده که باین زیارت به نیابت بدرگاه خدای عزو جل تقرب جوید و نزد رسول خدا

وَ إِلَيْكَ، يَرْجُو بِذَلِكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِهِ مِنَ النَّارِ مِنَ الْعُقُوبَةِ، فَاعْفِرْ لَهُ وَ لِجَمِيعِ

و نزد شما که امام اوئید متقرب شود بامید آن‌که از آتش و عقاب دوزخ آزاد گردد ای خدا تو او را و

الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَا إِلَهَ

جمع مرد و زن اهل ایمان را ببخش و بیامرز ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا (من شهادت می‌دهم که) هیچ خدائی

إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

جز آن یگانه خدای بردبار بزرگوار نیست خدائی جز آن یکتا خدای بلند مقام بزرگ نیست ای خدا از تو درخواست می‌کنم که درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَسْتَجِيبَ لِي فِيهِ، وَفِي جَمِيعِ إِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي، وَ

حضرت محمد و آل محمد(ص) و دعاهاى مرا درباره او (كه ناپيش هستم) و در حق جميع برادران و خواهران و

وُلْدِي وَأَهْلِي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۱

فرزندنام و اهل بيتم بچود و كرمت مستجاب فرمائي اى مهربان ترين مهربانان عالم.



بخش چهارم

اعمال ماه های اسلامی

(از محرم تا ذی الحجّه)



فصل هشتم : ماه شعبان	فصل اوّل : ماه محرم
فصل نهم : ماه مبارک رمضان	فصل دوم : ماه صفر
فصل دهم : ماه شوّال	فصل سوم : ماه ربیع الأوّل
فصل یازدهم : ماه ذی القعده	فصل چهارم : ماه ربیع الثّانی
فصل دوازدهم : ماه ذی الحجّه	فصل پنجم : ماه جمادی الأوّل
اعمال ماه های خورشیدی	فصل ششم : ماه جمادی الثّانی
ماه های رومی	فصل هفتم : ماه رجب

اعمال ماه های اسلامی

مقدمه

هر ماه را باید با توجّه به خدا و یاد و ذکر او آغاز کرد، و سلامت و موفقیت خود را در آن ماه از خداوند متعال طلب نمود.

در همین زمینه اعمالی برای آغاز هر ماه، در کتب دعا نقل شده است که پیوند خلق با خالق را محکم می‌کند، یاد خدا را در خاطره‌ها زنده نگه می‌دارد، و انسان را در پناه قدرت لایزال او قرار می‌دهد؛ به یقین این توجّه و دعا، سبب حلّ بسیاری از مشکلات و دفع بلاها و آفات خواهد شد.

اعمال مشترک اول هر ماه:

۱- هنگام رؤیت هلال دعایی را که در «صحیفه سجّادیه»^۱ آمده است بخواند که بسیار پرمعناست:

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ، أَلَدَائِبُ السَّرِيعِ، أَلْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ،

ای مخلوق فرمانبردار پیوسته (در حرکت) و شتابان و رفت و آمد کننده در منزلهای معین

أَلْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكَ التَّدْبِيرِ، أَمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلْمَ، وَأَوْضَحَ بِكَ الْبُهْمَ،

و گردش کننده در مدار تدبیر ایمان دارم به آن خدایی که تاریکیها را به تو روشن کرد و راههای ناپیدا و مبهم را به تو آشکار کرده

و جَعَلَكْ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ، وَعَلَامَةً مِنْ عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ، فَحَدِّ بِكَ

و تو را نشانه‌ای از نشانه‌های فرمانرواییش و علامتی از علائق سلطنتش قرار داده و زمان را به

الزَّمَانَ، وَامْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ، وَالطُّلُوعِ وَالْأَفْوَلِ، وَالْإِنَارَةَ

تو محدود ساخت و تو را واداشت به زیاده و نقصان و طلوع و غروب و برتوافکنی

۱. صحیفه سجّادیه، دعای ۴۳.

وَالْكُسُوفِ، فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ، وَاللَّيْ إِزَادَتِهِ سَرِيعٌ، سُبْحَانَهُ مَا

و گرفتن و در تمام آنها تو در تحت فرمان او فرمانبرداری و بسوی اراده‌اش شتابان منزّه است خدا که

أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ، وَالطَّفَ مَا صَنَعَ فِي شَانِكَ، جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ

چه شگفت‌انگیز تدبیری در امر تو بکار برد و چه دقیق است صنعتی که در کار تو انجام داده تو را کلید ماه

حَادِثٍ لِأَمْرِ حَادِثٍ، فَاسْأَلِ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكَ، وَخَالِقِي وَخَالِقِكَ،

نوی قرار داده برای کاری نواز خدا پروردگار خود و پروردگار تو و آفریدگار خود و آفریدگار تو و

وَمُقَدَّرِي وَمُقَدَّرِكَ، وَمُصَوِّرِي وَمُصَوِّرِكَ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

تقدیر کننده خود و تقدیرکننده تو و صورت‌بخش خود و صورت‌گر تو خواهیم که درود فرستد بر محمد و آل او و

وَأَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ بَرَكَةٍ لَا تَمَحَقُهَا الْأَيَّامُ، وَطَهَارَةٍ لَا تُدْنِسُهَا الْأَثَامُ،

قرار دهد تو را ماه برکتی که روزگار از بیفش نبرد و ماه پاکیزه‌ای که آلوده‌اش نکند گناهان

هِلَالَ أَمْنٍ مِنَ الْأَفَاتِ، وَسَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ، هِلَالَ سَعْدٍ لَا نُحْسَ فِيهِ،

ماه امنیت از آفات و سلامتی از بدیها ماه خجسته و مسعودی که نحسی در آن نباشد

وَيُؤْمِنُ لَا نُكَدَّ مَعَهُ، وَيُسِرُّ لَا يُمَارِجُهُ عُسْرٌ، وَخَيْرٌ لَا يَشُوبُهُ شَرٌّ، هِلَالَ

و ماه میمونی که ملالی با آن نباشد و ماه آسانی که با دشواری مخلوط نشود و ماه خیری که به شری آلوده نگردد ماه

أَمْنٍ وَإِيمَانٍ، وَنِعْمَةٍ وَإِحْسَانٍ، وَسَلَامَةٍ وَإِسْلَامٍ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

امنیت و ایمان و نعمت و احسان و سلامتی و اسلام خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ، وَازْكِي مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ،

محمد و آل او و قرار ده ما را از خوشنودترین مردمی که این ماه بر او طلوع کرده و پاکیزه‌ترین کسانی که بدان نگاه کرده

وَأَسْعِدْ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ، وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِلتَّوْبَةِ وَاعْصِمْنَا فِيهِ مِنَ الْحَوْبَةِ،

و سعادتمندترین کسی که پرستش تو را در آن کرده و موفق دار ما را در این ماه به توبه و نگاهمان دار در آن از خطا

وَاحْفَظْنَا فِيهِ مِنْ مُبَاشِرَةِ مَعْصِيَتِكَ، وَأَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ، وَالْبِسْنَا

و در این ماه مرا از انجام گناه حفظ کن و الهام کن به ما در این ماه شکر نعمت را و بیوشان به ما

فِيهِ جَنَّ الْعَافِيَةِ، وَآتَمِّمْ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْإِمْنَةَ، إِنَّكَ أَنْتَ

در این ماه سپرهای تندرستی و منت خود را بوسیله انجام کامل اطاعتت بر ما تمام کن که براستی تویی

الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

پر نعمت ستوده و درود خدا بر محمد و آل پاکش

۲- خواندن هفت بار سوره «حمد».^۱

۳- خواندن نماز اول ماه در روز اول، و آن دو رکعت است، در رکعت اول بعد از «حمد»، سی مرتبه «قل هو الله احد» می خواند (به عدد روزهای ماه) و در رکعت دوم سی مرتبه «انّا انزلناه»، و بعد از نماز صدقه ای در راه خدا می دهد؛ (و اگر مستحقّی حاضر نیست، برای او کنار بگذارد) در بعضی از روایات اسلامی آمده است، هر کس چنین کند، سلامت خود را در آن ماه از خداوند متعال گرفته است.^۲

در بعضی از احادیث آمده است: بعد از نماز، این دعا را (که پرمعنا و پربرکت و مشتمل بر آیات گرانبها و مناسبی از قرآن مجید است) بخواند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا،

به نام خداوند بخشنده مهربان، هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر این که روزی او بر خداست؛

وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا، كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می داند، همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است.

الرَّحِيمِ، وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ، وَإِنْ يَرِدْكَ بَخِيرٌ

و اگر خداوند (برای امتحان یا کیفر گناه) زبانی به تو رساند؛ هیچ کس جز او آن را برطرف نمی سازد؛ و اگر اراده خیری برای تو کند،

فَلَا زَادَ لِفَضْلِهِ، يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. بِسْمِ

هیچ کس مانع فضل او نخواهد شد. آن را به هر کس بخواهد، می رساند و او آمرزنده و مهربان است.

اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا

خداوند به زودی بعد از سختی ها آسانی قرار می دهد. آنچه را خداوند بخواهد (همان می شود). نیرویی جز از ناحیه خدا نیست.

بِاللَّهِ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَافْوَضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ

خدا ما را کافی است و او بهترین حامی است. من کار خود را به خدا وا می گذارم که خداوند نسبت به بندگانش بیناست.

بِالْعِبَادِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، رَبِّ إِنِّي لِمَا

معبودی جز تو نیست، منزهی تو! من از ستمکاران بودم. پروردگارا!

أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ، رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا، وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ. ۳

هر خیر و نیکی بر من فرستی، من به آن نیازمندم، پروردگارا مرا تنها مگذار و تو بهترین وارثانی.

۴- از اموری که بر آن تأکید شده است، سه روز روزه گرفتن در هر ماه است. مرحوم «علامه

۲. همان مدرک، صفحه ۴۶۳.

۱. زاد المعاد، صفحه ۴۶۲.

۳. همان مدرک.

مجلسی^۱ در «زاد المعاد» می‌گوید: مطابق مشهور، این سه روز، پنجشنبه^۱ اول ماه و پنجشنبه^۲ آخر ماه و چهارشنبه^۳ اول از دهه^۴ وسط ماه است.

سنت است که همه ماه شعبان را روزه بدارد و در ده ماه دیگر، سه روز آن را، روزه بگیرد. و اگر این سنت از او فوت شد، قضای آن را بجا آورد و حتی اگر در تابستان انجام آن دشوار باشد، در زمستان قضا نماید. در روایتی از امام صادق^{علیه السلام} آمده است: «کسی که این سه روز را روزه می‌گیرد، مراقب باشد، با کسی جدال و تندخویی نکند و اگر نسبت به او جسارتی شد، درگذرد. و اگر در این ایام روزه باشد و به منزل برادر مؤمنی رفت و از او خواسته شد که افطار کند، اجابت دعوت مؤمن و افطار کردن، هفتاد برابر برتر است از روزه داشتن».^۱

به هر حال سه روز روزه گرفتن در هر ماه (به نحوی که گذشت) پاداش فراوانی دارد و مورد تأکید قرار گرفته است.

اعمال ویژه هر ماه:

در فرهنگ اسلامی و روایات پیشوایان دین، برای مناسبت‌های ماه‌های قمری، آداب و اعمالی نقل شده است که در این بخش به آنها پرداخته می‌شود، و در آغاز به تقویم آن ماه و حوادث مهمی که در آن واقع شده است، اشاره می‌گردد. تا با توجه به این روزهای تاریخی، اعمال مناسب انجام دهند و با یادآوری این ایام و تجدید خاطره‌های مهم تاریخی، از آنها بهره گیرند.



فصل اول ماه محرّم

تقویم این ماه:

اول محرّم: آغاز سال هجری قمری است، گرچه هجرت در ماه ربیع‌الأول صورت گرفت؛ ولی به مناسبت آغاز سال، سزاوار است همه مؤمنان به یاد حادثه عظیم هجرت و آثار مهم آن در تاریخ اسلام و فداکاری‌های مولای متقیان علی علیه السلام در لیلۃ المبیت باشند.

دوم محرّم: روز ورود امام حسین علیه السلام و یارانش به سرزمین کربلا (در سال ۶۱ هجری قمری)^۱ است که سرآغاز حماسه‌های عظیم عاشورا است.

هفتم محرّم: روز جلوگیری کردن حرم حسینی علیه السلام از دستیابی به آب است؛ در این روز دستوری از سوی عبیدالله بن زیاد برای عمر بن سعد رسید که بین حسین علیه السلام و یارانش و آب حایل شوند، تا قطره‌ای از آب فرات ننوشند!^۲

نهم محرّم (تاسوعا): «شیخ کلینی» از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «روز تاسوعا، روزی است که امام حسین علیه السلام و یارانش را در کربلا محاصره کردند و دشمنان برای جنگ با آن حضرت اجتماع نمودند، و پسر مرجانه و عمر بن سعد از زیادی لشکر خویش خوشحال شدند، و امام حسین علیه السلام و اصحابش را در آن روز ضعیف شمردند، و یقین کردند که برای امام حسین علیه السلام یآوری نخواهد آمد و مردم عراق وی را کمک نخواهند کرد؛ آنگاه فرمود: «بِأَبِي الْمُسْتَضْعَفِ الْغَرِيبِ؛ پدرم فدای آن ضعیف غریب باد».^۳

در این روز شمر همراه با نامه‌ای از سوی عبیدالله بن زیاد خطاب به عمر بن سعد وارد کربلا شد که بر حسین علیه السلام و یارانش سخت بگیر! تا تسلیم شوند و وادار به بیعت گردند و در صورت امتناع، همه آنها را به قتل برسان. امام حسین علیه السلام حاضر به پذیرش ذلت بیعت با دشمن نشد؛ ولی از آنان خواست که آن شب را به وی مهلت دهند، تا به عبادت و دعا و نماز بپردازد، و فردا در معرکه نبرد با آنان روبه‌رو خواهد شد.^۴

دهم محرّم (عاشورا): روز پرحماسه و فراموش نشدنی تاریخ اسلام و تشییع؛ روز فداکاری، جانبازی و

۲. همان مدرک، صفحه ۳۸۹.

۱. بحارالانوار، جلد ۴۴، صفحه ۳۸۳.

۴. بحارالانوار، جلد ۴۴، صفحه ۳۹۲.

۳. کافی، جلد ۴، صفحه ۱۴۷، حدیث ۷.

شهادت سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و یاران باوفایش، در سرزمین کربلا (در سال ۶۱ هجری قمری) است.

دوازدهم محرم: روز شهادت امام زین العابدین علیه السلام (بنابر روایتی در سال ۹۴ یا ۹۵ هجری قمری) است.^۱

بیست و پنجم محرم: روز شهادت امام زین العابدین علیه السلام است بنابر روایتی دیگر.^۲

ماه محرم، ماه حماسه و ماتم:

ماه محرم، ماه غم و اندوه اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آنهاست و ماه شهادت و یادآوری دلآوری‌ها و شجاعت‌ها و ایثارهای سیدالشهدا امام حسین علیه السلام و یاران باوفای او در کربلاست؛ در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام آمده است که فرمود: «هنگامی که ماه محرم فرا می‌رسد، کسی پدرم را خندان نمی‌دید و همواره محزون و غمگین بود، تا روز دهم یعنی روز عاشورا؛ آن روز روز مصیبت و حزن و اندوه و گریه پدرم بود و می‌فرمود: امروز روزی است که حسین علیه السلام شهید شده است».^۳

سزاوار است همه ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام با تشکیل مجالس سوگواری، هرچه باشکوه‌تر در تعظیم این شعائر بکوشند، و خطبای گرامی فلسفه شهادت آن بزرگواران و آثار مهم آن را برای بقای اسلام و تشیع، شرح دهند؛ مخصوصاً جوانان و نوجوانان خود را با این مراسم آشنا کنند و در انجام این مراسم از آنچه که مایه وهن مذهب در نظر دوست و دشمن می‌شود، جداً بپرهیزند، و توجه داشته باشند که عاشورا و مراسم حسینی است که اسلام را زنده نگه داشته است، و هر سال خون تازه‌ای در عروق اسلام جاری می‌سازد، و تا مراسم حسینی، پرشور و پرشکوه برپاست، آسیبی به اسلام نخواهد رسید.

اعمال ماه محرم:

۱- به هنگام رؤیت هلال محرم، مستحب است تکبیر بگویی و اگر می‌توانی دعای مشروحی را که سید در «اقبال الاعمال» آورده است، بخوانی.^۴

۲- در شب اول محرم صد رکعت نماز بخوان، و در هر رکعت سوره «حمد» و «قل هو الله» را می‌خوانی و هر دو رکعت را به یک سلام پایان می‌دهی؛ در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: هر کس این نمازها را

۱. بحارالانوار، جلد ۴۶، صفحه ۱۵۱، حدیث ۱۱.

۲. مصباح المتهجد، صفحه ۷۸۷.

۳. امالی صدوق، صفحه ۱۲۸، حدیث ۲.

۴. اقبال الاعمال، صفحه ۴۵.

بخواند و روز اول ماه محرم را روزه بگیرد، مانند کسی است که در طول سال بر انجام خیر مداومت داشته باشد و تا سال آینده از فتنه‌ها محفوظ خواهد بود. و اگر بمیرد وارد بهشت خواهد شد.^۱

۳- مطابق روایت دیگری از رسول خدا ﷺ در شب اول محرم دو رکعت نماز می‌خوانی به این نحو: در رکعت اول سوره «حمد» و سوره «انعام» و در رکعت دوم سوره «حمد» و سوره «یس».^۲

علاوه بر این نمازها، مستحب است نماز اول هر ماه نیز خوانده شود که کیفیت آن در اعمال مشترک ماهها (صفحه ۵۹۷) گذشت.

۴- در روز اول محرم، روزه گرفتن مستحب است، که در روایتی امام رضا علیه السلام فرمود: «هر کس این روز را روزه بگیرد، و حاجت خویش را از خداوند بخواهد، خداوند دعایش را به اجابت خواهد رساند، این روز همان روزی بود که حضرت زکریا در این روز، از خداوند فرزندی را طلب کرد و خداوند دعایش را به اجابت رساند و یحیی را به وی عنایت فرمود».^۳

۵- از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است که رسول گرامی اسلام ﷺ روز اول محرم، دو رکعت نماز می‌خواند و پس از نماز دست‌ها را بلند می‌کرد و این دعا را سه مرتبه قرائت می‌فرمود:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْإِلَهُ الْقَدِيمُ، وَ هَذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ، فَاسْأَلُكَ فِيهَا الْعِصْمَةَ

خدایا تویی معبود ازلی و این سال تازه است از تو خواهم در این سال نگهداریم را

مِنَ الشَّيْطَانِ، وَ الْقُوَّةَ عَلَى هَذِهِ النَّفْسِ الْأَمَّارَةِ بِالسُّوِّءِ، وَ الْأَشْتِغَالَ بِمَا

از شیطان و نیروی بر این نفس که پیوسته به گناه فرمان می‌دهد و سرگرمی بدانچه

يَقْرَبُنِي إِلَيْكَ، يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، يَا

مرا به تو نزدیک کند ای صاحب جلالت و بزرگواری ای تکیه‌گاه کسی که تکیه‌گاهی ندارد ای

ذَخِيرَةَ مَنْ لَا ذَخِيرَةَ لَهُ، يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ، يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ

ذخیره آن کس که ذخیره ندارد ای پناهگاه آن کس که پناهگاهی ندارد ای فریادرس آن کس که فریادرسی ندارد

لَهُ، يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ، يَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ، يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ، يَا عَظِيمَ

ای پشتیبان آن کس که پشتیبانی ندارد ای گنج آن کس که گنجی ندارد ای که آزمایش نیکوست ای بزرگ

الرَّجَاءِ، يَا عِزَّ الضُّعَفَاءِ، يَا مُنْقِذَ الْغَرَقَى، يَا مُنْجِيَ الْهَلْكَى، يَا مُنْعِمَ يَا

مایه امید ای عزت‌بخش ناتوانان ای نجات‌بخش غرقان ای خلاص‌کننده هالکان ای نعمت‌بخش ای

۱. اقبال الاعمال، صفحه ۵۵۲.

۲. همان مدرک.

۳. همان مدرک، صفحه ۵۴۴ و بحار الانوار، جلد ۴۴، صفحه ۲۸۵.

مُجْمِلٌ، يَا مُفْضِلُ يَا مُحْسِنُ، أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَنُورُ

زیباپرور ای فزون‌بخش ای نیکوده تویی که سجده کرد (و به کمال خضوع درآمد) برایت سیاهی شب و روشنی

النَّهَارِ، وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ، وَدَوِيُّ الْمَاءِ وَحَفِيفُ الشَّجَرِ، يَا

روز و تابش ماه و شعاع خورشید و صدای ریزش آب و بهیم خوردن درخت ای

اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَكَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا خَيْرًا مِّمَّا يَظُنُّونَ، وَاغْفِرْ لَنَا مَا لَا

خدایی که شریک نداری خدایا قزاقمان ده بهتر از آنچه مردم گمان کنند و بیامرز از ما آنچه را که

يَعْلَمُونَ، وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا يَقُولُونَ، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ

نمی‌دانند و مگیر ما را بدانچه گویند بس است مرا خدا معبودی جز او نیست بر او

تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، اٰمَنَّا بِهٖ، كُلِّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا، وَمَا يَذْكُرُ الْاٰ

توکل کنم و اوست پروردگار عرش عظیم ایمان داریم به او و هرچه هست از نزد پروردگار ماست و اندرز نگیرند جز

اُولُو الْاَلْبَابِ، رَبَّنَا لَا تَرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ

خردمندان پروردگارا منحرف مساز دل‌های ما را پس از آن‌که هدایتمان کردی و ببخش به ما از پیش خود

رَحْمَةً، اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ. ۱

رحمتی که براستی تویی بخشایشگر.

۶- مرحوم «شیخ طوسی» فرموده است که مستحب است دههٔ اول محرم را روزه بگیرد؛ ولی در روز

عاشورا از غذا و آب امساک نماید، اما روزه نگیرد، و چون وقتِ عصر فرا رسید، به مقدار کمی، تربت تناول

نماید (زیرا روزه گرفتن در این روز شیوهٔ بنی‌امیه بود که به شکرانهٔ جریان کربلا، روزه می‌گرفتند!)^۲

اعمال شب عاشورا:

برای شب عاشورا، دعا و نمازهای بسیاری نقل شده است که برخی از آنها به این شرح است:

۱- احیای شب عاشورا؛ در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است که «هر کس شب عاشورا را بیدار بماند

(و به عبادت پردازد)؛ گویا عبادت فرشتگان را انجام داده است...»^۳

۲- پیامبر اکرم ﷺ فرمود: در شب عاشورا، چهار رکعت نماز می‌گذاری و در هر رکعت یک مرتبه

«حمد» و پنجاه مرتبه سورهٔ «توحید» را می‌خوانی وقتی که در رکعت چهارم سلام نماز را گفتی، ذکر خدا را

۱. اقبال، صفحهٔ ۵۵۳ و بحار الانوار، جلد ۹۵، صفحهٔ ۳۳۳. ۲. مصباح‌المتجهّد، صفحهٔ ۷۷۱.

۳. اقبال، صفحهٔ ۵۵۵.

بسیار بگو و بر رسول خدا ﷺ صلوات بفرست و تا مقداری که ممکن است بر دشمنان اهل بیت لعنت کن.^۱

۳- صد رکعت نماز بجا می آوری، هر دو رکعت با یک سلام، که در هر رکعت یک مرتبه «حمد» و سه بار سوره «توحید» را می خوانی و پس از پایان این نمازها، هفتاد بار می گویی: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**.

رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که این نماز را بخواند - از مردان و زنان - وقتی که بمیرد، خداوند قبرش را معطر و خوشبو می کند و هر روز - تا هنگام دمیدن صور - نوری وارد قبرش می شود...^۲

اعمال روز عاشورا:

می دانیم روز عاشورا که روز شهادت امام حسین ﷺ و یاران باوفای اوست، روز اندوه و غم و مصیبت ائمه اطهار ﷺ و شیعیان آنها می باشد، و بر انجام اعمال و رعایت اموری در این روز تأکید شده است، مانند:

۱- شایسته است شیعیان در این روز دست از کسب و کار بکشند و نیازهای خانه را امروز تهیه و ذخیره نکنند و به عزاداری و نوحه سرایی بپردازند و همچون کسانی که عزیزترین افراد خویش را از دست داده اند، غم زده و اندوهگین باشند.

امام علی بن موسی الرضا ﷺ فرمود: هر کس در روز عاشورا، دست از تلاش برای دنیا بردارد، خداوند حاجت های دنیوی و اخروی او را برآورده می سازد، و هر کس که روز عاشورا، روز اندوه و غم و گریه اش باشد، خداوند روز قیامت را روز سرور و شادی او قرار دهد و در بهشت با دیدار ما، چشمش روشن می شود، و هر کس که روز عاشورا را برای خود روز برکت بداند و در آن روز برای منزل خویش اموالی را ذخیره سازد، آن اموال برای او برکتی نخواهد داشت.^۳ (البته کسانی که با مسائل بسیار ضروری مردم سر و کار دارند مانند اطبای کشیک و امثال آنها از این امر مستثنا هستند).

در روایت دیگری ابن عباس می گوید: در منطقه «ذیقار» خدمت امیر مؤمنان ﷺ رسیدم، صحیفه و نوشته ای را بیرون آورد که به خط مبارک او و املائی رسول خدا ﷺ بود. امام ﷺ آن صحیفه را بر من خواند

۱. اقبال، صفحه ۵۵۶. ۲. همان مدرک، صفحه ۵۵۵.

۳. همان مدرک، صفحه ۵۷۸. (مرحوم علامه مجلسی در کتاب «زاد المعاد»، صفحه ۳۷۲ می گوید: بنی امیه برای برکت، آذوقه یکساله خود را در روز عاشورا، ذخیره می کردند).

که در آن نوشته بود، امام حسین علیه السلام چگونه شهید می‌شود و چه کسی او را می‌کشد و چه کسانی وی را یاری می‌کنند و چه کسانی با وی به شهادت می‌رسند، امام علیه السلام وقتی آن را خواند گریه شدیدی نمود و من هم گریان شدم.^۱

همچنین در این روز از لعن و بیزارى جستن از قاتلان آن حضرت غافل نشوند و بر این امر تأکید کنند.

۲- امام باقر علیه السلام فرمود: شیعیان در این روز به یکدیگر تسلیت بگویند و چه بهتر که با این جمله‌ها

باشد:

عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُضَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ جَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنْ

بزرگ گرداند خدا پاداش ما را در سوگواریمان بر حسین(ع) و قرار دهد خداوند ما و شما را از

الطَّالِبِينَ بِنَارِهِ، مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.^۲

خون خواهانش به همراه ولیش امام مهدی از خاندان محمد(ع).

۳- مرحوم «ابن قولویه» رحمه الله مطابق روایتی می‌گوید: کسی که در روز عاشورا کنار قبر امام حسین علیه السلام باشد و زائران را (کمک کند و) آب دهد، مانند کسی است که لشکر آن حضرت را سیراب کرده باشد و گویا با آن حضرت در کربلا حاضر بوده است.^۳

۴- هزار مرتبه بر قاتلان آن حضرت لعنت کند و بگوید: اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ علیه السلام.^۴

۵- خواندن هزار مرتبه سوره «توحید» در این روز فضیلت فراوانی دارد.

امام صادق علیه السلام فرموده است: هر کس در روز عاشورا هزار مرتبه سوره «توحید» را بخواند، خداوند رحمان به وی نظر (رحمت) افکند و هر کس را که خداوند رحمان (با دیده رحمت) نظر کند، وی را مجازات نخواهد کرد.^۵

۶- در روز عاشورا شایسته است که از خوردن و آشامیدن - بدون قصد روزه - خودداری نمایند تا این‌که وقت عصر فرا رسد و از غذا و آب مختصری (که مصیبت‌زدگان استفاده می‌کنند)، تناول نمایند.^۶ مرحوم «علامه مجلسی» در کتاب «زاد المعاد» گفته است که بهتر است روز نهم و دهم ماه محرم را روزه نگیرند، زیرا بنی‌امیه این دو روز را برای برکت و شکر بر قتل امام حسین علیه السلام (به عنوان ظاهر سازی) روزه می‌گرفتند؛ از طریق اهل بیت علیهم السلام احادیث فراوانی در مذمت روزه این دو روز، مخصوصاً روزه روز

۱. بحارالانوار، جلد ۲۸، صفحه ۷۳، حدیث ۳۲ و کتاب سلیم بن قیس، صفحه ۹۱۶.

۲. زاد المعاد، صفحه ۳۷۴.

۳. کامل الزیارات، باب ۷۱، صفحه ۱۷۴، حدیث ۵.

۴. زاد المعاد، صفحه ۳۷۲.

۵. اقبال، صفحه ۵۷۷.

۶. زاد المعاد، صفحه ۳۷۲.

عاشورا نقل شده است.

همچنین در این روز، از مزاح و خنده و دیگر سرگرمی‌های مسرت‌بخش دنیوی خودداری نمایند.^۱

۷- سزاوار است هنگام غروب روز عاشورا، به یاد مصائب فرزندان و اطفال و زنان حرم امام حسین علیه السلام باشند، زیرا آن هنگام از سخت‌ترین لحظات حرم آل پیامبر صلی الله علیه و آله بود. دشمنان سرمست از باده پیروزی، و اجساد شهیدان روی خاک کربلا، و زنان و کودکان نالان و گریان و پریشان بودند؛ در همان زمان دستور غارت و آتش زدن خیمه‌ها صادر شد. اطفال یتیم، زنان بی‌سرپرست و کودکان تشنه، هر کدام به سویی می‌دویدند و در آن میان، زینب و زین العابدین و امّ کلثوم علیها السلام پناهگاه این مصیبت‌دیدگان بودند و همه غم‌ها را به دل و جان می‌خریدند و همه دشواری‌ها را بر خویش هموار می‌ساختند، تا دیگران را آرام کنند. در آن غروب، مصائبی بر خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله رفت که قابل تصور نیست و اندوهی بر آنان فرود آمد که قابل بیان کردن نمی‌باشد؛ مصائبی که اشک‌ها را از دیده‌ها سرازیر می‌سازد و اعماق روح و جان را آزار می‌دهد.

۸- سزاوار است عاشقان و علاقه‌مندان مکتب سالار شهیدان امام حسین علیه السلام در روز عاشورا برخیزند و بر رسول خدا و علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن مجتبی و سایر امامان از ذریه آن حضرت علیه السلام سلام کنند و آنان را در این مصیبت‌های بزرگ، با دلی سوزان و اشکی روان تسلیت گویند و این زیارت را بخوانند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ

سلام بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده خدا سلام بر تو ای وارث حضرت نوح پیامبر

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا سلام بر تو ای وارث

مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

موسی هم گفتار خدا سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی روح خدا سلام بر تو

يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

ای وارث حضرت محمد حبیب خدا سلام بر تو ای وارث علی امیر مؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الشَّهِيدِ سِبْطِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای وارث حسن آن امام شهید و نوه رسول خدا سلام بر تو

يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ،

ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند مژده‌دهنده و ترساننده و پسر آقای اوصیا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا

سلام بر تو ای فرزند فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر تو ای

عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ

ابعدالله سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده او سلام بر تو ای خون خدا

وَابْنَ ثَارِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوِثْرُ الْمَوْتُورُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ

و فرزند خون خدا سلام بر تو ای کشته‌مظلومی که انتقام خونت گرفته نشد سلام بر تو ای امام

الْهَادِي الزَّكِيُّ، وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، وَأَقَامَتْ فِي جِوَارِكَ،

راهنمای پاک و بر آن ارواحی که به آستان تو فرود آمدند و در جوارت رحل اقامت افکندند

و وَفَدَتْ مَعَ زُورِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْي مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ،

و با زائرانت ورود کردند سلام من بر تو تا زنده‌ام من و برپاست شب و روز

فَلَقَدْ عَظَّمْتَ بِكَ الرَّزِيَّةَ، وَجَلَّ الْمُضَابُ فِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ،

که برستی بزرگ شد به تو مصیبت و گران شد سوگواری در میان مؤمنان و مسلمانان و

وَفِي أَهْلِ السَّمَوَاتِ أَجْمَعِينَ، وَفِي سُكَّانِ الْأَرْضِينَ، فَإِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ

در میان ساکنین آسمانها همگی و در میان ساکنین زمینها «انا لله و انا اليه

رَاجِعُونَ، وَصَلَوَاتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ

راجعون» درودهای خدا و برکاتش و تحیت‌هایش بر تو و بر پدران

الطَّاهِرِينَ الطَّيِّبِينَ الْمُتَجَبِّينَ، وَعَلَى ذُرَارِيهِمُ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ، السَّلَامُ

پاک و پاکیزه و برگزیده‌ها و بر فرزندان راهنمای راه‌یافته‌شان باد سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَيْهِمْ، وَعَلَى رُوحِكَ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَعَلَى

بر تو ای سرور من و بر ایشان و بر ارواح ایشان و بر

تُرْبَتِكَ وَعَلَى تُرْبَتِهِمْ، اَللّٰهُمَّ لَقِهِمْ رَحْمَةً وَرِضْوَانًا وَرَوْحًا وَرِيحَانًا،

تربت تو و بر تربت ایشان خدایا بیار بر ایشان رحمت و خشنودی و روح و ریحانی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، يَا بْنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَيَا بْنَ سَيِّدِ

سلام بر تو ای سرور من ای ابا عبدالله ای فرزند خاتم پیامبران و ای فرزند آقای

الْوَصِيِّينَ، وَيَا بْنَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدُ يَا بْنَ

اوصیا و فرزند بانوی زنان جهانیان سلام بر تو ای شهید (راه حق) و ای پسر

الشَّهِيدِ، يَا أَخَ الشَّهِيدِ، يَا أَبَا الشَّهِدَاءِ، اَللّٰهُمَّ بَلِّغْهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ

شهید و ای برادر شهید و ای پدر شهیدان خدایا برسان به او از جانب من در این ساعت

وَفِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي هَذَا الْوَقْتِ وَفِي كُلِّ وَقْتٍ، تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا،

و در این روز و در این وقت و در هر وقت تحیتی زیاد و سلامی بسیار

سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ يَا بْنَ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ، وَعَلَى

سلام خدا بر تو و رحمت خدا و برکاتش ای فرزند آقای جهانیان و نیز بر

الْمُسْتَشْهِدِينَ مَعَكَ سَلَامًا مُتَّصِلًا مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، السَّلَامُ عَلَى

شهید شدگان با تو سلامی پیوسته به پیوستگی شب و روز سلام بر

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ

حسین بن علی شهید (راه حق) سلام بر علی بن الحسین آن شهید (عالی قدر) سلام

عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَى الشَّهِدَاءِ مِنْ وُلْدِ

بر عباس فرزند امیرمؤمنان آن شهید (والا مقام) سلام بر فرزندان شهید

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَى الشَّهِدَاءِ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ، السَّلَامُ عَلَى

امیرمؤمنان سلام بر فرزندان شهید حسن سلام بر

الشَّهِدَاءِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى الشَّهِدَاءِ مِنْ وُلْدِ جَعْفَرٍ وَعَقِيلِ،

شهیدان از فرزندان حسین سلام بر شهیدان از فرزندان جعفر و عقیل

السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مُسْتَشْهِدٍ مَعَهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

سلام بر هر شهیدی که با ایشان بود از مؤمنان خدایا درود فرست بر محمد و

وَالِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ

آل محمد و برسان به ایشان از جانب من تحیتی زیاد و سلامی بسیار سلام بر تو ای رسول

اللَّهِ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ،

خدا نیکو کند خداوند صبر تو را در سوگواری فرزندت حسین سلام بر تو ای فاطمه

أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ

نیکو کند خداوند صبر تو را در سوگواری فرزندت حسین سلام بر تو ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا

مؤمنان نیکو کند خدا صبر تو را در مصیبت فرزندت حسین سلام بر تو ای ابا

مُحَمَّدِ الْحَسَنِ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي أَخِيكَ الْحُسَيْنِ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا

محمد حسن (مجتبی) نیکو گرداند خدا صبر تو را در مصیبت برادرت حسین ای مولای من ای ابا

عَبْدِ اللَّهِ، أَنَا ضَيْفُ اللَّهِ وَضَيْفُكَ، وَجَارُ اللَّهِ وَجَارُكَ، وَلِكُلِّ ضَيْفٍ وَجَارٍ

عبدالله من میهمان خدا و میهمان توام و در پناه خدا و پناه توام و برای هر میهمان و پناهنده‌ای

قَرِيٍّ، وَقِرَائِي فِي هَذَا الْوَقْتِ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، أَنْ يَرْزُقَنِي

حق پذیرایی است و پذیرایی من در این وقت این است که از خدای سبحان خواهی که روزیم گرداند

فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، إِنَّهُ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، قَرِيبٌ مُجِيبٌ.^۱

آزادی از آتش دوزخ را که براستی او شنوای دعا و نزدیک و اجابت کننده‌است.

۹- خواندن زیارت امام حسین علیه السلام معروف به «زیارت عاشورا» در این روز ثواب فراوانی دارد.

این زیارت را می‌توان از راه دور یا نزدیک خواند و بسیار بافضیلت و یکی از کیمیاهای سعادت است و

در بخش زیارات تحت عنوان «زیارت عاشورا» گذشت (صفحه ۳۹۲).



فصل دوم ماه صفر

تقویم این ماه:

اول ماه صفر: آغاز جنگ صفین، مطابق نقل مورخان در سال ۳۷ هجری است.^۱ جنگ صفین از سوی امیرمؤمنان علیه السلام و لشکریانش، در برابر معاویه و سپاه غارتگر شام، آغاز شد و مدت ۱۱۰ روز طول کشید،^۲ و در آستانه شکست لشکر شام، عمرو عاص خدع‌ای به کار زد و قرآن‌ها را بر سر نیزه کردند و داستان تأسف‌بار حکمین پیش آمد.^۳

همچنین در این روز در سال ۶۱ هجری (بنا بر روایتی) سر مبارک حضرت سیدالشهدا علیه السلام را همراه کاروان اهل بیت علیهم السلام وارد شهر شام کردند.^۴

دوم ماه صفر: روز شهادت زید بن علی بن الحسین علیه السلام پس از قیام بر ضد بنی‌امیه در سال ۱۲۰ هجری است؛ وی به هنگام شهادت ۴۲ سال داشت.^۵

هفتم ماه صفر: بنا بر نقل شیخ مفید و کفعمی، روز شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام است.^۶ همچنین ولادت امام کاظم علیه السلام طبق روایتی در سال ۱۲۸، در این روز در منطقه «ابواء» (محلّی میان مکه و مدینه) واقع شده است.^۷ این روز از جهتی روز حزن و از جهتی روز سرور است.

بیستم ماه صفر: روز اربعین امام حسین علیه السلام است؛ بنا بر نقل جمعی از بزرگان مانند شیخ مفید، شیخ طوسی و کفعمی، جابر بن عبدالله انصاری در این روز برای زیارت امام حسین علیه السلام به کربلا آمد و همین روز، روزی است که اهل بیت امام حسین علیه السلام طبق روایتی از شام به مدینه آمدند.^۸

ولی در ارتباط با آمدن اهل بیت حسینی علیهم السلام در روز اربعین به کربلا میان مورخان گفتگوست؛ مرحوم

۱. بحارالانوار، جلد ۳۲، صفحه ۴۵۸ و شرح ابن ابی‌الحدید، جلد ۴، صفحه ۲۹. (البته مطابق نقل دیگر، واقعه صفین در ماه ذی‌الحجه سال ۳۶ شعله ور شد، بحارالانوار، جلد ۳۲، صفحه ۵۷۳).

۲. مروج الذهب، جلد ۲، صفحه ۵۲۷، ولی مطابق نقل ارشاد القلوب دیلمی (جلد ۲، صفحه ۲۴۸) این جنگ ۱۸ ماه طول کشید.

۳. پیام امیرالمؤمنین، جلد ۱، صفحه ۳۹۲.

۴. شیخ بهایی در کامل، و کفعمی در مصباح، این روز را روز ورود اهل بیت به شام دانسته‌اند. (مقتل الحسین مقدم، ۳۴۸).

۵. ارشاد مفید، جلد ۲، صفحه ۱۷۴. ۶. بحارالانوار، جلد ۴۴، صفحه ۱۳۴.

۷. همان مدرک، جلد ۴۸، صفحه ۱.

۸. همان مدرک، جلد ۹۵، صفحه ۱۹۵ و منتهی الآمال، (تاریخ زندگی امام حسین علیه السلام).

حاج شیخ عباس قمی در «منتهی الآمال» از سید بن طاووس نقل می‌کند که اهل بیت حرم حسینی علیهم‌السلام در مسیر بازگشت به مدینه، نخست به کربلا آمدند و زمانی به آنجا رسیدند که جابر بن عبدالله انصاری و گروهی از بنی‌هاشم به زیارت امام حسین و یارانش آمده بودند (و با توجه به اینکه جابر در بیستم صفر به کربلا آمد، بنابراین اهل بیت نیز ورودشان به کربلا همان روز بود).

اما مرحوم حاج شیخ عباس قمی با توجه به نقل دیگر مورخان و قرائن و شواهد دیگر، ورود اهل بیت علیهم‌السلام را در بیستم صفر (اربعین حسینی) به کربلا بسیار بعید می‌داند و از شیخ مفید و شیخ طوسی نقل می‌کند که اهل بیت علیهم‌السلام روز بیستم صفر از شام به مدینه مراجعت کردند.^۱

بیست و هشتم ماه صفر: در چنین روزی، در سال یازدهم هجری، رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وفات یافت و همه مورخان اتفاق دارند که روز وفات آن حضرت، روز دوشنبه بود و آن حضرت به هنگام وفات شصت و سه سال از عمر مبارکشان می‌گذشت.

رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سنّ چهل سالگی به رسالت مبعوث شد و سپس سیزده سال در مکه مردم را به توحید و خداپرستی دعوت کرد و در سنّ پنجاه و سه سالگی به مدینه هجرت نمود و ده سال نیز در مدینه - با تشکیل حکومت اسلامی و با تلاش پی‌گیر و مستمر - به مبارزه با شرک و کفر و ظلم و ستم پرداخت؛ در این مدت، مردم زیادی از مناطق مختلف به آن حضرت ایمان آوردند و اسلام روز به روز گسترش یافت، تا آن که در ۲۸ صفر سال یازدهم از این جهان رحلت فرمود.

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، آن حضرت را غسل داده و کفن نمود و بر آن حضرت نماز گزارد و آنگاه مردم گروه گروه بر پیکر شریفش نماز گزارند و سپس علی علیه‌السلام آن حضرت را در حجره‌اش در همان محلی که از دنیا رفته بود دفن فرمود.^۲

از «انس بن مالک» روایت شده است که وقتی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به خاک سپردیم، حضرت فاطمه علیه‌السلام به سوی من آمد و گفت: ای انس! چگونه راضی شدید که خاک بر چهره رسول خدا بریزید، آنگاه گریست.^۳

و مطابق نقل دیگری، آن حضرت مقداری از خاک قبر پدر گرامیش را برداشت و بر دیدگانش نهاد و گفت:

۱. رجوع کنید به: منتهی الآمال، (تاریخ زندگی امام حسین علیه‌السلام).

۲. منتهی الآمال، تاریخ زندگی حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بحار الانوار، جلد ۲۲، صفحه ۵۰۳ به بعد.

۳. سنن دارمی، جلد ۱، صفحه ۴۰.

مَاذَا عَلَى الْمُشْتَمِّ تُرْبَةَ أَحْمَدَ أَنْ لَا يَشُمَّ مَدَى الزَّمَانِ غَوَالِيَا

سزاوار است بر کسی که تربت احمد را بیوید برای همیشه روزگار، دگر عطری نبوید

صَبَّتْ عَلَى مَصَائِبِ لَوْ أَنَّهَا صَبَّتْ عَلَى الْأَيَّامِ صِرْنَ لِيَالِيَا^۱

مصیبت‌هایی بر دل و جانم فرود آمد که اگر بر روزهای روشن وارد شود، شبهای تار می‌گردند

همچنین بنا بر نقل جمعی از علما و مورخان، روز بیست و هشتم صفر سال ۵۰ هجری، روز شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام است و این روایت بیشتر در میان شیعیان مشهور است تا روایت هفتم ماه صفر.^۲ **روز آخر ماه صفر:** بنا بر قول «شیخ طبرسی» و «ابن اثیر» آخر ماه صفر سال ۲۰۳ هجری، روز شهادت امام رضا علیه السلام است که در سن پنجاه و پنج سالگی، توسط مأمون عباسی مسموم شده و به فیض شهادت نائل آمدند.^۳

دهه آخر صفر، دهه غم و اندوه:

این ماه نیز یادآور فداکاری‌ها و جانبازی‌های امام حسین علیه السلام و یارانش می‌باشد؛ ماه ادامه اسارت اهل بیت علیهم السلام و ورود آنها (مطابق روایتی) به شام است. شام بر اثر خطبه‌های امام سجاد و زینب کبری علیهما السلام به کلی دگرگون گردید و از همان جا بذریع انقلاب بر ضد بنی امیه پاشیده شد؛ و در نتیجه همین خطبه‌ها، بنی امیه در تمام جهان اسلام رسوا گشت و خطری که از سوی آنان اسلام و قرآن را تهدید می‌کرد، به برکت خون‌های شهیدان و خطابه‌های پیام‌آوران عاشورا، دفع شد.

علاوه بر این، ماه صفر چنان که گفتیم یادآور ضایعه بزرگ و مصیبت عظمی، یعنی رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و شهادت فرزندان گرامیش امام حسن مجتبی و امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام است؛ آمیخته شدنِ خاطره اربعین حسینی با خاطره جانکاه این مصایب بزرگ، دهه آخر ماه صفر را، دهه اندوه و غم برای پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام ساخته است.

ولی از آن جا که این ایام ماتم و غم، سبب مروری مجدد، بر تاریخ زندگانی آن بزرگواران و تلاش‌ها، شهامت‌ها و فداکاری‌های آنان است، ماهی است پر از شور و عشق و اخلاص و فداکاری؛ به همین دلیل، تاریخ نشان داده است که بسیاری از توطئه‌های دشمنان اسلام، به برکت شوری که در جلسات و دسته‌جات سوگواری آن بزرگواران در این ماه ایجاد شده، درهم شکسته و خنثی گردیده است، که این خود موهبت بزرگی است، و باید همیشه آن را ارج نهاد و از آن پاسداری کرد.

۲. همان مدرک، جلد ۴۴، صفحه ۱۳۵

۱. بحارالانوار، جلد ۷۹، صفحه ۱۰۶.

۳. منتهی الآمال، تاریخ زندگانی امام رضا علیه السلام.

اعمال ماه صفر:

۱- «سید بن طاووس» نقل کرده است: در روز سوم ماه صفر، دو رکعت نماز بخوان که در رکعت اول سوره «حمد» و سوره «اِنَّا فَتَحْنَا» (فتح) و در رکعت دوم سوره «حمد» و سوره «توحید» قرائت شود و پس از سلام نماز، صد بار صلوات بفرست و صد بار آل ابی سفیان را لعنت کن و صد مرتبه استغفار نما و آنگاه حاجت خویش را از خداوند بخواه. (ان شاء الله به هدف اجابت می‌رسد).^۱

۲- در روز اربعین (بیستم ماه صفر) زیارت امام حسین علیه السلام مستحب است و مورد تأکید قرار گرفته. در روایتی که «شیخ طوسی» از امام حسن عسکری علیه السلام نقل کرده، چنین آمده است: نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: به جای آوردن پنجاه و یک رکعت نماز (۱۷ رکعت نماز واجب و ۳۴ رکعت نافله) و زیارت اربعین (امام حسین علیه السلام) و انگشتر را بر دست راست نهادن، و پیشانی را به هنگام سجده بر خاک گذاردن و بسم الله الرحمن الرحيم را در نماز بلند گفتن.^۲

زیارت مخصوصی برای اربعین از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در بخش زیارات (صفحه ۴۰۰) گذشت.

۱. اقبال، صفحه ۵۸۷.

۲. همان مدرک، صفحه ۵۸۹ و مصباح المتهجد، صفحه ۷۸۷، (اهل سنت یا بسم الله را در آغاز سوره‌ها در نماز ترک می‌کنند یا آهسته می‌گویند، با این‌که بسم الله قطعاً جزء سوره حمد، بلکه سایر سوره‌های قرآن است).

فصل سوم ماه ربیع الأوّل

تقویم این ماه:

شب اوّل: این شب به نام «لیلة المبيت» مزین است، در این شب یک حادثه مهم تاریخی واقع شد و آن این که در سال سیزدهم بعثت، رسول خدا ﷺ از مکه به قصد هجرت به سوی مدینه، از شهر خارج شد و در «غار ثور» پنهان گردید و امیر مؤمنان علی علیه السلام برای اغفال دشمنان، فداکارانه در بستر رسول خدا ﷺ خوابید و مشرکان قریش که خانه رسول خدا ﷺ را محاصره کرده بودند، به گمان آن که رسول خدا ﷺ در بسترش آرمیده است، تا صبح منتظر ماندند و چون صبحگاهان با شمشیرهای برهنه به منزل آن حضرت هجوم بردند تا رسول الله ﷺ را بکشند، علی علیه السلام را دیدند که از آن بستر برخاست! بدین سان، رسول خدا ﷺ در فرصتی مناسب خود را از چنگال مشرکان قریش نجات داد و علی علیه السلام نیز با این فداکاری، عشق و علاقه و برادری خود را نسبت به رسول خدا ﷺ نشان داد؛ این در حالی بود که هر زمان ممکن بود کسی را که در بستر خوابیده به قتل برسانند.

آیه شریفه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ؛ بعضی از مردم (با ایمان و فداکار) جان خود را در برابر خشنودی خدا می فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است»^۱ در حق آن حضرت نازل شد.^۲

سال هجرت رسول خدا ﷺ مبدأ تاریخ مسلمانان است و تحوّل عظیمی در جهان اسلام روی داد.
روز هشتم: در روز هشتم ربیع الأوّل، سال ۲۶۰، شهادت امام حسن عسکری علیه السلام طبق روایتی واقع شده است و از همان روز، امامت حضرت صاحب الزّمان، حجّة بن الحسن - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آغاز گردید.^۳

روز دهم: روز ازدواج رسول خدا ﷺ با حضرت خدیجه کبری علیه السلام است در حالی که رسول خدا ﷺ ۲۵ ساله بود و حضرت خدیجه علیه السلام ۴۰ ساله. به همین مناسبت روزه این روز به عنوان شکرگزاری مستحب شمرده شده است.^۴

۱. سوره بقره، آیه ۲۰۷.

۲. اقبال الاعمال، صفحه ۵۹۲ و تفسیر نمونه، جلد ۲، صفحه ۷۸.

۳. اقبال، صفحه ۵۹۹.

۴. کافی، جلد ۱، صفحه ۵۰۳.

روز دوازدهم: این روز مطابق نظر مرحوم شیخ کلینی و مسعودی و همچنین مشهور میان اهل سنت، روز ولادت با سعادت نبی مکرم اسلام ﷺ است.^۱

همچنین در این روز، رسول خدا ﷺ بعد از ۱۲ روز که مسیر راه میان مکه و مدینه را پیمود وارد مدینه گردید.^۲ و نیز روز انقراض دولت بنی مروان در سال ۱۳۲ است.^۳

روز چهاردهم: در سال ۶۴ در چنین روزی، یزید بن معاویه به هلاکت رسید.^۴

وی پس از سه سال و نه ماه خلافت که همراه با جنایات عظیمی بود - که مهم‌ترین آن واقعه کربلا و شهادت ابی‌عبدالله الحسین (علیه السلام) و یارانش می‌باشد - در سنّ سی و هفت سالگی در منطقه «حوران» زندگی ننگینش به پایان رسید؛ جنازه‌اش را در دمشق دفن کردند؛ ولی اکنون اثری از او نیست.^۵

شب هفدهم: طبق روایات مشهور شیعه، شب ولادت حضرت خاتم‌الانبیاء، رسول معظم اسلام ﷺ است و شب بسیار مبارکی است.^۶

همچنین یکسال قبل از هجرت رسول خدا ﷺ، در چنین شبی معراج آن حضرت صورت گرفت.^۷

روز هفدهم: همان گونه که گفتیم مشهور میان علمای امامیه آن است که روز هفدهم ربیع‌الاول، روز ولادت با سعادت رسول خدا حضرت محمد بن عبدالله ﷺ است و معروف آن است که ولادتش در مکه معظمه، واقع شده است، و زمان ولادتش هنگام طلوع فجر، روز جمعه، سنه عام الفیل بوده است.^۸ (عام الفیل سالی است که ابرهه با لشکرش که بر فیل سوار بودند به قصد تخریب کعبه آمد، ولی همگی نابود شدند).

همچنین در چنین روزی در سال ۸۳ هجری قمری، ولادت امام صادق (علیه السلام) واقع شده است و از این جهت نیز بر اهمیت این روز افزوده شده است.^۹

ماه ربیع‌الاول گرچه آغاز آن آمیخته با خاطره غم‌انگیز و اندوهبار شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) است، ولی از آن جا که میلاد مبارک حضرت ختمی مرتبت رسول گرامی اسلام ﷺ مطابق روایت معروف، در هفدهم این ماه و طبق روایت غیرمعروف، در دوازدهم آن واقع شده و میلاد حضرت صادق (علیه السلام) نیز در هفدهم این ماه است، ماه شادی و جشن و سرور است.

۱. زاد المعاد، صفحه ۴۱۲.

۲. اقبال، صفحه ۵۹۹ و کامل ابن اثیر، جلد ۲، صفحه ۷ (حوادث سال اول هجرت).

۳. مصباح‌المتجهّد، صفحه ۷۹۱.

۴. اقبال، صفحه ۶۰۱ (سید بن طاووس، در همین کتاب از شیخ مفید، استحباب روزه در این روز را به خاطر هلاکت یزید نقل کرده است).

۵. تتمه‌المنتهی، صفحه ۶۴.

۶. مصباح‌المتجهّد، صفحه ۷۹۱ و اقبال، صفحه ۶۰۳.

۷. اقبال، صفحه ۶۰۱.

۸. بحارالانوار، جلد ۴۷، صفحه ۱، حدیث ۲.

از آن جا که هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که سرچشمه دگرگونی عمیق در جهان اسلام و عزت و شوکت مسلمین شد، و همچنین داستان «لیلة المبيت» در این ماه واقع گردیده، و آغاز امامت پربرکت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) همزمان با شهادت پدر بزرگوارش نیز می باشد؛ در مجموع از ماههای بسیار پربرکت و پرخطر است، که سزاوار است، همه علاقه مندان مکتب اهل بیت علیهم السلام آن را ارج نهند و گرامی بدارند.

اعمال ماه ربیع الاول:

روز اول این ماه: علما گفته اند مستحب است، به شکرانه هجرت موفقیت آمیز رسول خدا صلی الله علیه و آله این روز را روزه بگیرند و صدقه و انفاق و احسان نمایند،^۱ و همچنین زیارت آن بزرگوار، در این روز مناسب است. مرحوم «سید بن طاووس»، دعایی را برای این روز در کتاب اقبال نقل کرده است.^۲

روز دوازدهم: در این روز دو رکعت نماز مستحب است که در رکعت اول بعد از حمد، سه مرتبه سوره «قل یا ایها الکافرون» و در رکعت دوم بعد از حمد، سه مرتبه سوره «توحید» خوانده شود.^۳

روز هفدهم: همان گونه که قبلاً گفته شد این روز مطابق نظر مشهور علمای امامیه، روز ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و همچنین میلاد امام صادق علیه السلام است و روز بسیار مبارکی است و دارای اعمالی می باشد: (۱) غسل؛ به نیت روز هفدهم ربیع الاول.^۴

(۲) روزه؛ که برای آن فضیلت بسیار نقل شده است، از جمله در روایاتی از ائمه معصومین علیهم السلام آمده است: کسی که این روز را روزه بدارد، خداوند برای او ثواب روزه یکسال را مقرر می فرماید.^۵

(۳) دادن صدقه، احسان نمودن و خوشحال کردن مؤمنان و به زیارت مشاهد مشرفه رفتن.^۶

(۴) زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله از دور و نزدیک؛ در روایتی از آن حضرت آمده است: هر کس بعد از وفات من، قبرم را زیارت کند مانند کسی است که به هنگام حیاتم به سوی من هجرت کرده باشد، اگر نمی توانید مرا از نزدیک زیارت کنید، از همان راه دور به سوی من سلام بفرستید (که به من می رسد).^۷

(۵) زیارت امیر مؤمنان، علی علیه السلام نیز در این روز مستحب است با همان زیارتی که امام صادق علیه السلام در چنین روزی کنار ضریح شریف آن حضرت علیه السلام وی را زیارت کرد.^۸ (این زیارت در بخش زیارات، صفحه ۳۰۱ آمده است).

۱. اقبال، صفحه ۵۹۲.
 ۲. همان مدرک، صفحه ۵۹۶.
 ۳. همان مدرک، صفحه ۵۹۹.
 ۴. فلاح السائل، صفحه ۶۱.
 ۵. اقبال، صفحه ۶۰۳.
 ۶. همان مدرک.
 ۷. همان مدرک، صفحه ۶۰۴.
 ۸. همان مدرک، صفحه ۶۰۸.

۶) تکریم، تعظیم و بزرگداشت این روز بسیار بجاست، مرحوم «سید بن طاووس»، در اقبال، در تکریم و تعظیم این روز به خاطر ولادت شخص اول عالم امکان و سرور همهٔ ممکنات حضرت نبی اکرم ﷺ سفارش بسیار کرده است.^۱

بنابراین، سزاوار است مسلمین با برپایی جشن‌ها و تشکیل جلسات، هرچه بیشتر با شخصیت نبی مکرم اسلام ﷺ، سیره و تاریخ زندگی او آشنا شوند و از آن، برای ساختن جامعه‌ای اسلامی و محمدی بهرهٔ کامل گیرند.



فصل چهارم ماه ربیع الثانی

تقویم این ماه:

روز هشتم: طبق مشهور، روز ولادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۳۲ است.^۱

روز دهم: روز رحلت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در سال ۲۰۱ (مطابق روایتی) است.^۲

روز شانزدهم: بنا بر نقلی، آغاز قیام مختار در کوفه، به خونخواهی شهیدان کربلا در سال ۶۶ می‌باشد^۳ و برخی آغاز قیام او را چهاردهم ربیع الاوّل ذکر کرده‌اند.^۴



گرچه حوادث مهمّ تاریخی این ماه کم است، ولی همین سه حادثه از یکسو یادآور یک روز سرور و شادی است که مایه خیر و برکت می‌باشد و از سوی دیگر، روز اندوه، به خاطر رحلت کریمه اهل بیت، در سرزمین مقدّس قم است، و از سوی سوم یادآور یک روز عبرت‌انگیز است که با قیامی خونین، جنایتکاران حادثه کربلا، در مدّت بسیار کوتاهی تار و مار شدند، و نام ننگین آنان، برای همیشه همراه با نفرت و لعن و نفرین در صفحات تاریخ باقی ماند.

اعمال ماه ربیع الثانی:

در روایات اسلامی و کتب دعا، اعمال زیادی برای این ماه ذکر نشده، فقط مرحوم سیّد بن طاووس، برای روز اوّل این ماه دعایی را ذکر کرده است که می‌توانید در کتاب اقبال آن را بخوانید.^۵

۱. منتهی الآمال، تاریخ زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام و بحار الانوار، جلد ۵۰، صفحه ۲۳۷، حدیث ۸ (البته برخی نیز روز دهم و برخی روز چهاردهم را روز ولادت آن حضرت دانسته‌اند، «همان مدرک، صفحه ۲۳۸، حدیث ۱۲»).

۲. فروغی از کوثر (زندگی‌نامه حضرت فاطمه معصومه) انتشارات زائر، صفحه ۳۲. و مطابق نقل دیگر، روز دوازدهم، روز وفات آن حضرت است، لذا مناسب است مؤمنین این سه روز (دهم تا دوازدهم) را به یاد آن حضرت، گرامی بدارند.

۳. بحار الانوار، جلد ۴۵، صفحه ۳۳۳، حدیث ۲.

۴. تاریخ طبری، جلد ۴، صفحه ۴۹۶.

۵. اقبال، صفحه ۱۶.

فصل پنجم ماه جمادی‌الأوّل

تقویم این ماه:

روز پنجم: مطابق بعضی از روایات روز ولادت با سعادت بانوی قهرمان کربلا، حضرت زینب کبری علیها السلام است (سال پنجم یا ششم هجری).^۱

روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم: بنا بر روایت معروفی مقارن با ایام شهادت بانوی اسلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، سیده نساء العالمین، در سال یازدهم هجری است. زیرا مطابق بعضی از روایات معتبر^۲، آن بانوی بزرگ، هفتاد و پنج روز بعد از رحلت پدر بزرگوارش در قید حیات بود، و با توجه به این که رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله در ۲۸ صفر واقع شده، باید شهادت آن بانوی عزیز، در یکی از این سه روز باشد (با در نظر گرفتن احتمال تمام یا ناقص بودن ماههای وسط).

به هر حال، باید به همین مناسبت مجالس سوگواری آن حضرت - که طبق فرمایش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برترین زنان جهان از اولین و آخرین است - هر چه باشکوهتر برگزار گردد و حالات و فضایل آن بانوی بزرگ اسلام، که می‌تواند الگوی بسیار خوبی برای زنان عصر حاضر باشد، در این مجالس تشریح گردد. مخصوصاً آن دو خطبه آموزنده و فراموش نشدنی که از آن حضرت به یادگار مانده و بسیاری از معارف و تعلیمات اسلام و مسایل تاریخی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن جمع است، توسط گویندگان برای همه مردم تجزیه و تحلیل شود.

خواندن زیارت آن حضرت نیز، در این ایام مناسب است.

اعمال ماه جمادی‌الأوّل:

- ۱- دعایی است که در اول ماه جمادی‌الأوّل خوانده می‌شود؛ مرحوم «سید بن طاووس» آن را در «اقبال» نقل کرده است.^۳
- ۲- مطابق برخی از روایات، نیمه این ماه مصادف با ولادت امام زین‌العابدین علیه السلام است، لذا روزه گرفتن و احسان و خیرات، در آن روز مناسب است.^۴

۱. زندگانی زینب کبری، تألیف شهید آیه‌الله دستغیب، صفحه ۱۳ و کتاب «زینب‌الکبری» تألیف علامه محقق شیخ جعفر النقدی، صفحه ۱۷.

۲. کافی، جلد ۱، صفحه ۴۵۸، حدیث ۱ و رجوع کنید به: بحار الانوار، جلد ۴۳، صفحه ۲۱۵.

۳. اقبال، صفحه ۶۱۸.

۴. همان مدرک، صفحه ۶۲۱.

فصل ششم ماه جمادی الثانی

تقویم این ماه:

سوم و چهارم و پنجم: طبق بعضی از روایات مصادف با ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است،^۱ و بزرگان و علما به آن اهمّیت خاصی می‌دادند.

روز بیستم: روز ولادت باسعادت حضرت زهرا علیها السلام در سال دوم بعثت^۲ یا پنجم بعثت^۳ است.



از آن جا که ماه جمادی الثانی بیش از هر ماه دیگر، آمیخته با نام مبارک بزرگترین بانوی جهان، سیده نساء العالمین من الاولین و آخرین حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشد، پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام در روزهای آغازین ماه، بساط غم و اندوه می‌گسترانند، و در روز بیستم، غرق امواج سرور و شادی هستند و غرض از همه این مراسم آگاهی بیشتر از فضایل و مناقب آن بانو و اقتباس از خلق و خو، و رنگ و بوی معنوی آن حضرت است، و چه زیبا و الهام‌بخش است زندگی این بانوی نمونه، در آن خانواده نمونه برای همه، مخصوصاً بانوان.

سزاوار است همه عاشقان این مکتب، به عنوان عزا و سرور، مجالس باشکوه و پرمحتوایی برگزار کنند؛ مجالسی که امواج تبلیغات دشمنان اسلام و اهل بیت علیهم السلام را خنثی کند و روح تازه‌ای در کالبد دوستان و علاقه‌مندان بدمد.

اعمال ماه جمادی الثانی:

روز اول: خواندن دعایی که مرحوم سیّد در «اقبال» نقل کرده است.^۴

۱. هر چند مطابق روایت معتبر، سوم این ماه مصادف با ایام شهادت آن حضرت است (مصباح‌المتهجد، صفحه ۷۹۳ و زاد المعاد، صفحه ۴۵۶ و بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۷۰) ولی با توجه به قول ۹۵ روز و محاسبه ماه‌ها بر اساس ۲۹ و یا ۳۰ روز، این سه روز به عنوان ایام شهادت حضرت زهرا علیها السلام مورد احترام علاقه‌مندان آن حضرت است.

۲. بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۹، حدیث ۱۵ و مصباح‌المتهجد، صفحه ۷۹۳ و اقبال، صفحه ۶۲۳.

۳. کافی، جلد ۱، صفحه ۴۵۸ و بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۷، حدیث ۸.

۴. اقبال، صفحه ۶۲۱.

- چهار رکعت نماز: مرحوم «سید بن طاووس» نقل کرده است که در این ماه - هر وقت که باشد؛ هر چند روز اول بهتر است - چهار رکعت نماز بخواند (هر دو رکعت به یک سلام)، در رکعت اول، پس از سوره «حمد» یک مرتبه «آیه الکرسی» و بیست و پنج مرتبه «اِنَّا انزلناه»؛ در رکعت دوم «حمد» و یک مرتبه سوره «الهیکم التکاثر» و بیست و پنج مرتبه سوره «توحید»؛ در رکعت سوم «حمد» و یک مرتبه «قل یا ایها الکافرون» و بیست و پنج مرتبه سوره «فلق»؛ و در رکعت چهارم «حمد» و یک مرتبه سوره «نصر» و بیست و پنج مرتبه سوره «ناس» را بخواند.

پس از پایان نماز، هفتاد مرتبه بگوید: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ**. و هفتاد مرتبه بگوید: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**؛ پس از آن سه مرتبه بگوید: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ**؛ آنگاه سر به سجده بگذارد و سه مرتبه بگوید: **يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ**؛ در پایان هر حاجتی که دارد از خداوند عزوجل طلب نماید، (امید است اجابت گردد)، در این روایت آمده است: هر کس این نماز را با این کیفیت انجام دهد، خداوند خودش و مال و زن و فرزندان او را و همچنین دین و دنیای او را تا سال دیگر حفظ فرماید، و اگر در این سال بمیرد، پاداش شهیدان دارد.^۱

روز سوم : در این روز به مناسبت شهادت حضرت زهرا علیها السلام زیارت آن حضرت مطلوب و مناسب است.

مرحوم سید در «اقبال»، این زیارت را برای آن حضرت ذکر کرده است:

السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا وَالِدَةَ الْحُجَجِ

سلام بر تو ای بانوی زنان جهانیان سلام بر تو ای مادر حجت‌های الهی

عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقِّهَا،

بر مردم همگی سلام بر تو ای ستم دیده ای که از حق او جلوگیری کردند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّتِكَ وَابْنَةِ نَبِيِّكَ، وَزَوْجَةِ وَصِيِّ نَبِيِّكَ، صَلَاةً تُزَلِّفُهَا

خدایا درود فرست بر کنیزت و دختر پیامبر و همسر وصی پیامبرت درودی که منزلت و

فَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ، مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ.

مقامی به او دهد برتر از منزلت بندگان گرامیت از اهل آسمانها و اهل زمین.

سپس مرحوم سید اضافه می‌کند: «روایت شده است، هر کس با این عبارات، آن حضرت را زیارت کند و از خدا طلب آمرزش نماید، خداوند گناهانش را می‌بخشد و او را داخل بهشت می‌کند».^۱

روز بیستم: در این روز که مصادف با ولادت حضرت زهرا علیها السلام است چند عمل مناسب است:

الف) روزه.

ب) خیرات و صدقات بر مؤمنین.

ج) زیارت آن حضرت (که در بخش زیارات، صفحه ۲۳۵ ذکر شد).^۲



فصل هفتم ماه رجب

تقویم این ماه:

اول ماه: مطابق بعضی از روایات، این روز، روز ولادت امام محمد باقر علیه السلام در سال ۵۷ هجری قمری است.^۱

دوم ماه: مطابق برخی از روایات روز ولادت امام علی علیه السلام در سال ۲۱۲ هجری است.^۲

سوم ماه: روز شهادت امام علی علیه السلام در سال ۲۵۴ است.^۳

دهم ماه: روز ولادت امام محمد تقی علیه السلام طبق بعضی از روایات است.^۴

سیزدهم ماه: روز ولادت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام است؛ بنا بر مشهور این مولود عزیز جهانِ انسانیت، ۱۲ سال قبل از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله در داخل خانه کعبه، چشم به جهان گشود.^۵

پانزدهم ماه: مطابق برخی از نقل‌ها، روز وفات حضرت زینب کبری علیها السلام است در سال ۶۳ هجری.^۶

هیجدهم ماه: روز وفات جناب ابراهیم، فرزند رسول خداست.^۷

بیست و پنجم ماه: روز شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام در سال ۱۸۳ هجری است.^۸

بیست و ششم ماه: مطابق روایتی، روز وفات حضرت ابوطالب علیه السلام است.^۹

بیست و هفتم ماه: بعثت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به نبوت است.^{۱۰}

فضیلت ماه رجب:

ماه رجب و ماه‌های شعبان و رمضان، از ماه‌های بسیار پرفضیلت است، و از تعبیرات بعضی از روایات برمی آید که ماه رجب در میان این سه ماه، امتیاز خاصی دارد، تا آن جا که ماه رجب «ماه خدا» نامیده شده

۱. مصباح‌المتهجّد، صفحه ۸۰۱.

۲. همان مدرک، صفحه ۸۰۵ و بحارالانوار، جلد ۵۰، صفحه ۱۱۷، حدیث ۹.

۳. مصباح‌المتهجّد، صفحه ۸۰۵، همان مدرک.

۴. همان مدرک، صفحه ۸۰۵ و زاد المعاد، صفحه ۱۹.

۵. زینب‌الکبری، تألیف علامه محقق شیخ جعفر النقّدی، صفحه ۱۲۲.

۶. مصباح‌المتهجّد، صفحه ۸۱۲. ۷. بحارالانوار، جلد ۴۸، صفحه ۱، حدیث ۱ و صفحه ۸.

۸. همان مدرک، صفحه ۸۱۳. ۹. همان مدرک، صفحه ۸۱۳.

و ماه شعبان «ماه پیامبر» و ماه مبارک رمضان «ماه امت»!^۱

ماه رجب یکی از ماههای حرام است که آغاز و ادامه جنگ در آن، با دشمنان اسلام حرام می‌باشد (مگر جنگ دفاعی)،^۲ و جنایات نیز در این ماهها (ماههای حرام)، دیه سنگین تری دارد.^۳

پیغمبر اکرم ﷺ ماه رجب را «ماه اصَب» نامیده است، زیرا رحمت خدا در این ماه بر امت فرو می‌ریزد.^۴

این ماه آمیخته است با یاد پیامبر اکرم ﷺ (به مناسبت مبعث در بیست و هفتم ماه) و یاد امیر مؤمنان علیؑ (به مناسبت میلاد مبارک آن حضرت در سیزدهم ماه) و خاطره شهادت موسی بن جعفر علیؑ (در بیست و پنجم ماه) و روزهای مهم تاریخی دیگر؛ و از این نظر یکی از ماههای بسیار پرخاطره اسلامی است.

از روایات متعددی که درباره روزه‌های ماه رجب - حتی یک روز از آن - وارد شده، اهمیت فوق‌العاده این ماه، و عبادت و خودسازی در آن کاملاً روشن می‌گردد، که در این جا به گوشه‌ای از آن اشاره می‌شود:

۱- مرحوم «شیخ صدوق» به سند معتبر از امام صادق علیؑ نقل می‌کند که یکی از یاران آن حضرت در اواخر ماه رجب خدمتش رسید، چون نظر مبارک امام علیؑ به او افتاد، فرمود: آیا در این ماه روزه گرفته‌ای؟ عرض کرد: نه، فرمود: آن قدر ثواب از تو فوت شده که اندازه آن را کسی جز خدا نمی‌داند؛ این ماهی است که خداوند آن را بر سایر ماهها برتری بخشیده و احترام آن را عظیم شمرده، و برای روزه داشتن آن، پاداش‌های مهمی قرار داده است. آن مرد عرض می‌کند: آیا اگر در بقیه این ماه روزه بدارم، به بخشی از ثواب می‌رسم؟ امام علیؑ فرمود: آری؛ سپس ثواب‌های مهمی برای کسی که فقط روز آخر ماه، یا سه روز آخر ماه را روزه بدارد، بیان فرمودند؛ مانند نجات از سكرات مرگ، عذاب قبر و لغزش بر صراط و شداید قیامت و نایل شدن به برائت و رهایی از آتش دوزخ.^۵

۲- در حدیث دیگری آمده است: «رجب» نام نه‌ری است در بهشت، از شیر سفیدتر و از غسل شیرین‌تر؛ هر کس یک روز از این ماه را روزه بدارد، از آن می‌نوشد!^۶

۳- در حدیث دیگری از رسول خدا ﷺ می‌خوانیم: هر کس یک روز از این ماه را روزه بگیرد، خشنودی

۱. اقبال، صفحه ۳۴.

۲. مستدرک الوسائل، جلد ۱۱، صفحه ۴۸، حدیث ۲ و جواهرالکلام، جلد ۲۱، صفحه ۳۲.

۳. کافی، جلد ۷، صفحه ۲۸۱، حدیث ۶.

۴. مصباح‌المتهجد، صفحه ۷۹۷.

۵. امالی صدوق، صفحه ۱۵، حدیث ۷ و بحارالانوار، جلد ۹۴، صفحه ۳۲، حدیث ۶.

۶. اقبال، صفحه ۳۵.

عظیم خدا را به دست آورده، خشم الهی از او دور می‌شود، و درهای جهنم به روی او بسته خواهد شد!^۱
 ۴- هر کس سه روز از این ماه را که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد، روزه بگیرد، فضیلت بسیار دارد و همچنین در سایر ماههای حرام.^۲

در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است: هر گاه کسی نتواند در این ماه روزه بگیرد، هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند، تا ثواب روزه آن را در یابد:

سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَلِيلِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ، سُبْحَانَ

منزه است خدای بزرگ منزه است آنکه تنزیه و تسبیح جز برای او شایسته نیست منزه است

الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزَّةُ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ.^۳

خدای برتر و کریمتر منزله است آنکه لباس عزت در بردارد و شایسته آن است.

از مجموع احادیث بالا - و دیگر احادیث - به خوبی استفاده می‌شود که این ماه، ماه تهذیب نفوس و خودسازی و آغاز یک دوره جدید سیر و سلوک الی الله است، که از ماه رجب آغاز و به ماه مبارک رمضان منتهی می‌شود؛ خوشا به حال آنان که قدر و منزلت این سه ماه را بدانند و از آن بهره کافی بگیرند.

اعمال ماه رجب

اعمال این ماه (علاوه بر روزه گرفتن که در بالا گفته شد) بر دو بخش تقسیم می‌شود:

اول - اعمال مشترک این ماه:

این اعمال که مخصوص روز معینی نیست، بلکه در تمام ماه انجام می‌شود، بسیار است، از جمله:
 ۱- در تمام ماه رجب، این دعا را بخواند:

يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ، وَيَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ، لِكُلِّ مَسْئَلَةٍ

ای که مالک حاجات خواستارانی و ای که نهاد خاموشان دانی برای هر خواسته‌ای

مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ، وَجَوَابٌ عَتِيدٌ، اَللّٰهُمَّ وَمَوَاعِيدِكَ الصَّادِقَةُ، وَايَادِكَ

از جانب تو گوش شنوا و پاسخی آماده است خدایا به حق وعده‌های راست و نعمتهای

الْفَاضِلَةُ، وَرَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةُ، فَاسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

بسیار و رحمت وسیع از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل

۲. مقتعه، صفحه ۳۷۵.

۱. اقبال، صفحه ۳۳۴.

۳. اقبال، صفحه ۳۷.

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَقْضِيَ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

محمد و حوائج دنیا و آخرتم را برآوری که برستی تو بر هر چیز توانایی.

۲- بخواند دعایی را که امام صادق علیه السلام در هر روز از ماه رجب آن را می خواندند:

خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ، وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ، وَضَاعَ

نومید شدند آنان که بر دیگری جز تو وارد شدند و زیانکار شدند کسانی که به غیر از تو رو کردند و تباه گشتند

الْمَلْمُومُونَ إِلَّا بِكَ، وَأَجْدَبَ الْمُتَتَجِعُونَ إِلَّا مَنْ أَنْتَجَعَ فَضْلَكَ، بَابُكَ مَفْتُوحٌ

آنان که جز به درگاه تو فرود آمدند و گرفتار قحطی شدند کسانی که جز از فضل تو پویدند در خانهات به روی

لِلرَّاغِبِينَ، وَخَيْرُكَ مَبْدُولٌ لِلطَّالِبِينَ، وَفَضْلُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ، وَنَيْلُكَ

مشاقان باز و خیر و نیکیت به خواستاران عطا شده و فضل و بخشش برای خواهندگان مباح و آزاد است

مُتَاحٌ لِلْأَمَلِينَ، وَرِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ، وَحِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ

عطایت برای آرزومندان مهیاست و روزیت حتی برای کسانی که نافرمانیت کنند گسترده است و بردباریت حتی در مورد آن که

نَاوَاكَ، عَادَتُكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ، وَسَبِيلُكَ الْإِبْقَاءُ عَلَى

به دشمنیت برخاسته شامل است شیوهات نیکى به بدکاران است و راه و رسمت

الْمُعْتَدِينَ، اللَّهُمَّ فَاهِدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ، وَارْزُقْنِي اجْتِهَادَ

زندگی دادن به سرکشان است خدا یا پس مرا به راه راه یافتگان رهبری کن و کوشش

الْمُجْتَهِدِينَ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ، وَاعْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ.^۲

کوشایان را روزیم کن و قرارم مده از بی خبران دور شده از دربارت و در روز جزا گناهم بیامرز.

۳- شیخ در «مصباح» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: در ماه رجب این دعا

را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ، وَعَمَلَ الْخَائِفِينَ مِنْكَ، وَيَقِينَ

خدایا از تو خواهم شکیبایی سیاسگزاران را و کردار ترساندگان را و یقین

الْعَابِدِينَ لَكَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، وَأَنَا عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ، أَنْتَ

پرستندگان را خدایا تو والا و بزرگی و من بنده مستمند بی‌نوی توام تویی

الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ، وَأَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَمِّنْهُ

بی‌نیاز ستوده و منم بنده خوار درگاه خدایا درود فرست بر محمد و آلش و منت نه

بِعْنَاكَ عَلَى فَقْرِي، وَبِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي، وَبِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِي، يَا قَوِيُّ

بوسله توانگری بر فقر و نادریم و به بردباریت بر نادانیم و به نیرویت بر ناتوانیم ای نیرومند و

يَا عَزِيزُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، وَاكْفِنِي مَا

ای با عزت خدایا درود فرست بر محمد و آل او آن اوصیای پسندیده و کفایت کن آنچه

أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱

از کار دنیا و آخرتم که مرا به اندوه انداخته ای مهربانترین مهربانان.

«سید بن طاووس» نیز این دعا را در «اقبال»، روایت کرده است و از روایت او به دست می‌آید که این

دعا از جامعترین دعاها است که در همه اوقات می‌توان آن را خواند.^۲

۴- شیخ طوسی می‌فرماید: مستحب است، هر روز این دعا را بخوانند:

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنَنِ السَّابِغَةِ، وَالْأَلَاءِ الْوَازِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ، وَالْقُدْرَةِ

خدایا ای دارای عطاهای فراوان و نعمتهای بخش شده و رحمت گشاده و نیروی

الْجَامِعَةِ، وَالنِّعَمِ الْجَسِيمَةِ، وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيمَةِ، وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةَ،

تام و تمام و نعمتهای بزرگ و موهبتهای سترگ و بخششهای نیکو

وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةَ، يَا مَنْ لَا يُنْعَتُ بِتَمْثِيلٍ، وَلَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ، وَلَا يُغْلَبُ

و دهشهای کامل ای که به مثال آوردن وصف نتوان کرد و ای که به نظیری تشبیه نتوان نمود و ای که با کمک گرفتن مغلوب

بِظَهْرٍ، يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقًا، وَاللَّهُمَّ فَانْطِقْ، وَابْتَدِعْ فَشَرَعَ، وَعَلَا فَارْتَفَعَ،

نشوی ای که آفرید و روزی داد و الهام کرد گویایش کرد و ابداع کرده سپس شروع کرد و برتر شد پس مرتفع گردید

وَ قَدَّرَ فَأَحْسَنَ، وَ صَوَّرَ فَاتَّقَنَ، وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ، وَانْعَمَ فَاسْبَغَ، وَاعْطَى

و اندازه گرفت و نیکو گرفت و نقش کرد پس محکم ساخت و حجت آورد و رساند و نعمت داد و فراوان کرد و عطا کرده

فَأَجْزَلَ، وَمَنْحَ فَأَفْضَلَ، يَا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ خَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ، وَدَنَا

و آن را افزون کرد و بخشید و زیاده بخشید ای که در عزت چنان بالاست که از دیدگاه چشمها در گذشته

فِي اللَّطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ، يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمَلِكِ فَلَا نِدَّ لَهُ فِي

و در لطف چنان نزدیک است که از آنچه در افکار خطور کند گذشته ای که در فرمانروایی یکتا است که همتایی برای او در قلمرو

مَلَكَوَتِ سُلْطَانِهِ، وَ تَفَرَّدَ بِالْأَلَاءِ وَالْكَبْرِيَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ

سلطنتش نیست و به بخششها و بزرگواری یگانه است که رقیبی برای او در جبروت

شَانِهِ، يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ،

مقامش نیست ای که در بزرگی هیتش ریزه کاریهای دقیق اندیشهها سرگردان گشته و

وَأُنْحَسَرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنَامِ، يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ

دیدهای تیزبینان در مقام ادراک عظمتش و امانده است ای که چهرهها در برابر

لَهَيْبَتِهِ، وَ خَضَعَتِ الرَّقَابُ لِعَظَمَتِهِ، وَ وَجَلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خَيْفَتِهِ، أَسْأَلُكَ

هیتش زبون گشته و گردنها در مقابل عظمتش خاضع شده و دلها از ترسش هراسان گشته است از تو خواهم

بِهَذِهِ الْمِدْحَةِ الَّتِي لَا تَنْبَغِي إِلَّا لَكَ، وَ بِمَا وَآيَتْ بِهِ عَلَي نَفْسِكَ لِدَاعِيكَ

به حق همین ستایشی که جز برای تو شایسته دیگری نیست و بدانچه بر عهده خود گرفته ای برای خواندگانت

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ بِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَي نَفْسِكَ لِلدَّاعِينَ، يَا أَسْمَعَ

از مؤمنین و بدانچه اجابت آن را بر خویش ضمانت کرده ای برای خواندگان ای شنواترین

السَّمَاعِينَ، وَ أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَ أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، صَلِّ

شنوایان و ای بیناترین بینایان و ای سریعترین حسابگران ای که دارای نیرویی محکم هستی درود فرست

عَلَي مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَي أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ اقْسِمْ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا

بر محمد خاتم پیمبران و بر خاندان او و قسمت من کن در این ماه

خَيْرَ مَا قَسَمْتَ، وَ اِحْتِمِ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ، وَ اِحْتِمِ لِي

بهترین قسمتهایی که کرده ای و مسلم کن برایم در آنچه مقدر کرده ای بهترین چیزی را که مسلم کرده ای و مهر کن

بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ خَتَمْتَ، وَ أَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا، وَ أَمْتِنِي مَسْرُورًا

زندگیم را به خوشبختی در زمره کسانی که زندگیشان را مهر کرده ای و زنده ام بدار تا زمانی که زنده ام داری پرروزی باشم و در حال شادمانی

وَ مَغْفُورًا، وَ تَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مُسَائِلَةِ الْبَرْزَخِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا

و آمرزیدگی بمیرانم و خودت عهده دار نجاتم از سؤال و جواب برزخ بشو و منکر

وَنَكِيرًا، وَ أَرِ عَيْنِي مُبَشِّرًا وَبَشِيرًا، وَاجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ

و نکیر را از من دفع کن و مبشر و بشیر (دو فرشته رحمت) را به چشمم از و قرار ده برایم راهی بسوی رضوان و بهشت

مَصِيرًا، وَعَيْشًا قَرِيرًا، وَ مُلْكًا كَبِيرًا، وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَثِيرًا. ۱

و زندگی خوش و خزمت و فرمانروایی بزرگت و درود فرست بر محمد و آلش بسیار.

۵- مرحوم «شیخ طوسی» از شیخ کبیر ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید، که از نواب چهارگانه حضرت مهدی علیه السلام است این روایت را از آن حضرت نقل کرده است، که در هر روز از ایام رجب، این دعا را بخوان:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وَوَلَاةِ أَمْرِكَ، أَلْمَامُونَ عَلَيَّ

خدایا از تو خواهم به حق معانی تمام آنچه بوسیله آنها والیان فرمان تو را خوانند آنان که امین

سِرِّكَ، أَلْمُسْتَبْشِرُونَ بِأَمْرِكَ، أَلْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ، أَلْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ،

بر سر پنهانی تو هستند و به دستور مژده جویند و نیرویت را توصیف کنند و عظمت را آشکارا اعلام

أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيَّتِكَ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ، وَ أَرْكَانًا

کنند از تو خواهم بدانچه گویا شده درباره ایشان از ارادهات و بدین سبب ایشان را معادن کلمات خویش

لِتَوْحِيدِكَ وَآيَاتِكَ وَمَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تَعْطِيلُ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ، يَعْرِفُكَ

و پایه‌های یگانگی و نشانه‌ها و مقامات خویش قرارشان دادی آن مقاماتی که در هیچ‌جا تعطیل ندارد

بِهَا مَنْ عَرَفَكَ، لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتَقْهَأْ

و هرکه تو را بشناسد بوسیله آنها شناخته میان تو و آنها فرقی نیست جز این‌که ایشان بندگان تو و مخلوق تو

وَرْتَقْهَا بِيَدِكَ، بَدْوُهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ، أَعْضَادٌ وَأَشْهَادٌ وَمُنَادٌ وَأَذْوَادٌ،

و فق و رتق کارشان بدست توست شروعشان از جانب تو و بازگشتشان بسوی توست کمکاران و گواهان و میزبانها

وَ حَفَظَةٌ وَرُؤَادٌ، فِيهِمْ مَلَائِكَةٌ سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ، حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا

و مدافعان و نگهبانان و بازرسان هستند که بدیشان آسمان و زمین را پر کرده‌ای تا معلوم شد که

أَنْتَ، فَبِذَلِكَ أَسْتَلُّكَ، وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَبِمَقَامَاتِكَ وَعَلَامَاتِكَ،

معبودی جز تو نیست پس بدان وسیله از تو می‌خواهم و به جاهای عزیز و ارجمند نزول رحمتت و به مقامات

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيمَانًا وَتَشْبِيحًا، يَا بَاطِنًا

و نشانه‌هایت که درود فرستی بر محمد و آلش و ایمان و پایداریم را (در دین) بیفزایی ای که در عین آشکاری نهانی

فِي ظُهُورِهِ، وَظَاهِرًا فِي بَطُونِهِ وَمَكُونِهِ، يَا مُفَرِّقًا بَيْنَ النُّورِ وَالذُّجُورِ،

و ای که در عین نهانی و مستوری آشکاری ای جداکننده نور

يَا مَوْصُوفًا بِغَيْرِ كُنْهِ، وَمَعْرُوفًا بِغَيْرِ شَبْهِهِ، حَادًّا كُلَّ مَحْدُودٍ، وَشَاهِدًا كُلَّ

و ظلمت ای که بدون رسیدن به کنه و حقیقت تو را وصف کنند و بدون شبیه تو را بشناسند اندازه‌گیر هر چیز محدود

مَشْهُودٍ، وَمَوْجِدَ كُلِّ مَوْجُودٍ، وَمُحْصِيَ كُلِّ مَعْدُودٍ، وَفَاقِدَ كُلِّ مَفْقُودٍ،

و گواه هر گواهی شده و هستی ده هر موجود و شمارنده هر معدود و گم‌کننده

لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ، أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ، يَا مَنْ لَا يُكَيِّفُ بِكَيْفٍ،

هر گمشده معبودی جز تو نیست ای شایسته بزرگی و بخشش ای که به

وَلَا يُؤَيِّنُ بَأَيْنٍ، يَا مُحْتَجِبًا عَنْ كُلِّ عَيْنٍ، يَا دَيْمُومٌ يَا قَيُّومٌ، وَعَالِمٌ

وصف و چگونگی درنمایی و در جایی جایگیر نشوی ای در پرده از هر دیده ای جاویدان

كُلِّ مَعْلُومٍ، صَلَّى عَلَيَّ عِبَادِكَ الْمُتَحَبِّبِينَ، وَبَشَرَكَ الْمُحْتَجِبِينَ،

ای پایدار و ای دانای هر دانسته درود فرست بر بندگان برگزیده‌ات و انسان‌های

وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَبِهِمُ الصَّافِينَ الْخَافِينَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا

که در پرده‌اند و فرشتگان مقربت و گمنامان صفزده و مهربانی فرمانت و مبارک کن بر ما

هَذَا الْمَرْجَبِ الْمُكْرَمِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرْمِ، وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهِ

در این ماه بزرگ و گرامی و ماههای حرام و پس از آن و فراوان کن

النَّعْمَ، وَاجْزِلْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ، وَأَبْرِزْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ، بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ

در این ماه بر ما نعمتها را و سرشار کن در آن برای ما سهمها را و سوگندهای ما را در این ماه به انجام رسان به حق نام

الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهَارِ فَآضَاءَ، وَعَلَى اللَّيْلِ

اعظم و بزرگترین نامهاست آن نامی را که بر روز نهادی و روشن گشت و بر

فَاطَمَ، وَاغْفِرْ لَنَا مَا تَعَلَّمْنَا وَلَا نَعْلَمُ، وَاعْصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصْمِ،

شب گذاردی پس تارک شد و بیمارز برای ما آنچه تو از ما دانی و ما ندانیم و نگاهمان دار از گناهان به بهترین

وَإِكْفِنَا كَوَافِي قَدْرِكَ، وَآمِنُنْ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ، وَلَا تَكِلْنَا إِلَىٰ غَيْرِكَ،

نگهداری و با کفایت خویش ما را از کفایت قضا و قدرت بی‌نیاز کن و با نیک‌نظری خود بر ما ممت نه و ما را به غیر خودت وامگذار

وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ، وَبَارِكْ لَنَا فِيمَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَأَصْلِحْ

و از خیر و نیکیت منعمان مفرما و مبارک گردان برای ما در آنچه از عمرمان مقدر فرموده‌ای

لَنَا خَبِيئَةَ أَسْرَارِنَا، وَأَعْطِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ، وَاسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ الْإِيمَانِ،

و اصلاح گردان برای ما اسرار پوشیده‌مان را و از جانب خود به ما ایمنی و امان ببخش و ما را با

وَبَلِّغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ وَالْأَعْوَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. ۱

ایمان خوب به کار وادار و برسان ما را به ماه روزه و روزها و سالهای بعد از آن ای دارای جلالت و بزرگواری.

ع- شیخ طوسی در روایت دیگری از ناحیه مقدسه حضرت مهدی علیه السلام، توسط شیخ ابوالقاسم حسین بن روح رضی الله عنه که از نواب خاص است این دعا را برای ایام ماه رجب نقل کرده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي، وَابْنِهِ

خدایا من از تو خواهم به حق دو مولود در ماه رجب یعنی محمد بن علی دوم (حضرت جواد) و فرزندش

عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ، وَاتَّقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقَرَبِ، يَا مَنْ إِلَيْهِ

علی بن محمد آن امام برگزیده و تقرب جویم بوسیله آن دو بسویت به بهترین تقرب ای که از او

الْمَعْرُوفُ طَلِبٌ، وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغَبٌ، أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفِ مُذْنِبٍ، قَدْ

احسان و نیکی جویند و همه آنچه را نزد اوست راغبند از تو خواهم خواستن خطاکار و گنهکاری که

أَوْبَقْتَهُ ذُنُوبَهُ، وَأَوْثَقْتَهُ عُيُوبَهُ، فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا ذُنُوبَهُ، وَمِنَ الرَّزَايَا

گناهانش او را به نابودی کشانده و عیبهای او را در بند افکنده و شیوه‌اش بر خطاکاری طولانی‌شده و کارهای او با رنج

خَطُوبَهُ، يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْأُوبَةِ، وَالنَّزْوَعَ عَنِ الْحُوبَةِ، وَمِنَ النَّارِ

وبلا آمیخته از تو پذیرش توبه و نیکویی هنگام بازگشت و جدایی از گناه و رهایی از آتش

فَكَأَنَّكَ رَقَبْتَهُ، وَالْعَفْوَ عَمَّا فِي رِبْقَتِهِ، فَأَنْتَ مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ،

و گذشتن تو را از آنچه در گردن دارد خواهان است پس تویی ای مولای من بزرگترین آرزو و تکیه‌گاهش

اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ، وَوَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ، أَنْ تَتَّعَمِدَنِي فِي

خدایا از تو خواهم به حق مسأله‌های شریف و وسیله‌های ولایت که مرا در این

هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ، وَنِعْمَةٍ وَازِعَةٍ، وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةً،

ماه فراگیری به رحمت وسیع و نعمت بخش شده‌ات و نفس قانعی به من بدهی که قانع باشد

إِلَى نَزْوِلِ الْحَافِرَةِ، وَمَحَلِّ الْأَخِرَةِ، وَمَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ. ۱

بدانچه روزیش کرده‌ای تا آن هنگام که به گور درآید و به جایگاه آخرت و آنچه سرانجام اوست برود.

۷- همچنین شیخ طوسی روایت کرده است از جناب ابوالقاسم حسین بن روح علیه السلام - که نایب خاص حضرت صاحب‌الامر علیه السلام است - فرمود: در ماه رجب، به هر یک از مشاهد مشرفه که رفتی، با این عبارت، آن معصوم را زیارت کن. وقتی که داخل شدی بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدُنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ، وَأَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ

ستایش خدایی را سزاست که ما را در ماه رجب به زیارتگاه اولیایش رسانید و واجب کرد بر ما از

حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ، وَعَلَى أَوْصِيَائِهِ

حق ایشان آنچه را که واجب بود و درود خدا بر محمد برگزیده و بر اوصیا در پس

الْحُجْبِ، اللَّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدُتُنَا مَشْهَدَهُمْ، فَانْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ، وَأُورِدْنَا

پرده‌اش خدایا چنانچه ما را موفق به زیارت مرقدشان کردی پس وعده آنها را نیز درباره ما وفا کن و ما را در جای ورود آنها

مَوْرِدَهُمْ، غَيْرَ مُحَلِّئِينَ عَنْ وِرْدِ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ وَالْخُلْدِ، وَالسَّلَامُ

وارد کن نه این‌که ما را از ورود در خانه اقامت و خلود دور سازند سلام

عَلَيْكُمْ، إِنِّي قَصَدْتُكُمْ وَأَعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْأَلَتِي وَحَاجَتِي، وَهِيَ فَكَأَنَّكَ

بر شما که براستی من شما را مقصود خویش قرار داده و در خواسته و حاجتم به شما تکیه کردم و آن حاجت و خواسته‌ام آزادیم

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ، مَعَ شَيْعَتِكُمُ الْأَبْرَارِ،

از آتش دوزخ و جایگیر شدنم با شماست در خانه همیشگی با شیعیان نیکوکاران و

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، أَنَا سَائِلُكُمْ وَآمِلُكُمْ فِيمَا

سلام بر شما به خاطر آن شکیبایی که کردید و چه نیکو است سرانجام آن خانه بهشت، من از شما خواهم و آرزومند شمایم در آن

إِيَّاكُمْ التَّفْوِيضُ، وَ عَلَيَّكُمْ التَّعْوِيضُ، فَبِكُمْ يُجَبَّرُ الْمَهِيضُ، وَ يُشْفَى

چیزهایی که در اختیار شماست و تعویض آن بر عهده شماست پس به وساطت شما جوش خورد استخوان شکسته و درمان شود

الْمَرِيضُ، وَ مَا تَزْدَادُ الْأَرْحَامُ وَ مَا تَغِيضُ، إِنِّي بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ، وَ لِقَوْلِكُمْ

شخص بیمار و آنچه در رحمتها زیاد گردد یا کم شود همانا من به راز شما معتقدم و به گفتار شما

مُسَلِّمٌ، وَ عَلَى اللَّهِ بِكُمْ مَقْسِمٌ فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي، وَ قَضَائِهَا وَ امْضَائِهَا

تسلیم و خدا را به شما قسم می‌دهم که از این‌جا که بازگردم حوائج مرا گرفته و برآورده شده و به امضا رسیده باشد

وَ إِنْجَاحِهَا وَ إِبْرَاحِهَا، وَ بِشَوْنِي لَدَيْكُمْ وَ صَلَاحِهَا، وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

و بداندن کامیاب گشته و سختیش رفع شده باشد و نیز درباره کارهایم نزد شما و اصلاحش را از او خواهم و سلام بر شما

سَلَامٌ مُودِعٌ، وَ لَكُمْ حَوَائِجُهُ مُودِعٌ، يَسْأَلُ اللَّهُ إِلَيْكُمْ الْمَرْجِعَ، وَ سَعْيُهُ

سلام خداحافظی گذشته‌ای که حاجت‌های خود را نزد شما سپرده و از خدا خواهد که دوباره نزد شما آید و

إِلَيْكُمْ غَيْرٌ مُنْقَطِعٌ، وَ أَنْ يَرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرٌ مَرْجِعٍ إِلَى جَنَابِ

راهش بسوی شما بریده نشود و نیز خواهم که خدا مرا از محضر شما به بهترین وجهی برگرداند، برگرداند بسوی

مُمرِّعٍ، وَ خَفْضٍ مُوسِعٍ، وَ دَعَاً وَ مَهْلٍ إِلَى حِينِ الْأَجَلِ، وَ خَيْرٍ مَصِيرٍ

جایی سرسبز و خرم و زندگانی وسیع و گوارا و در خوشی و آسایش تا هنگام رسیدن مرگ و بهترین سرانجام و

وَ مَحَلٍّ فِي النَّعِيمِ الْأَزَلِ، وَ الْعَيْشِ الْمُقْتَبِلِ، وَ دَوَامِ الْأَكْلِ، وَ شَرْبِ

جایگاه در بهشت بر نعمت ازلی و زندگی آینده و خوراکیهای همیشگی و نوشیدن شراب

الرَّحِيقِ، وَ السَّلْسَلِ وَ عَلٍ وَ نَهْلٍ، لَا سَامَ مِنْهُ وَ لَا مَلَلَ، وَ رَحْمَةَ اللَّهِ

و آب پاکیزه و گوارا در چند بار و یکبار که نوشیدنش خستگی و ملال نیارد و رحمت خدا

وَ بَرَكَاتِهِ وَ تَحِيَّاتِهِ [عَلَيْكُمْ]، حَتَّى الْعُودِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ، وَ الْفُوزِ فِي

و برکات و تحیت‌های او بر شما باد تا هنگام بازگشت من به نزد شما و دستگارش شدن در

كَرَّتِكُمْ، وَ الْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

زمان رجعت شما و محشور شدن در زمره شما و درود بر شما و رحمت خدا و برکاتش

عَلَيْكُمْ، وَ صَلَوَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ، وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.^۲

و درودها و تحیاتش بر شما باد و او ما را بس است و نیکو وکیلی است.

۱. کلمه «علیکم» در اقبال آمده است.

۲. مصباح‌المتجهج، صفحه ۸۲۱ و اقبال، صفحه ۶۳۱ (با اندکی تفاوت).

۸- «سید بن طاووس» از محمد بن ذکوان (معروف به محمد سجّاد، که بر اثر سجده‌های طولانی به این نام، نامیده شده بود) روایت کرده است، که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: این ماه، ماه رجب است، به من دعایی بیاموز که خداوند متعال مرا با آن منفعت بخشد!

امام علیه السلام فرمود: بنویس بسم الله الرحمن الرحيم و بگو در هر شب و روز از ماه رجب، پس از هر نماز:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ، وَ آمَنْ سَخَطُهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ، يَا مَنْ يُعْطِي

ای که برای هر خیری به او امید دارم و از خشمش در هر شری ایمنی جویم ای که می‌دهد (عطای)

الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ

بسیار در برابر (طاعت) اندک ای که عطا کنی به هرکه از تو خواهد ای که عطا کنی به کسی که از تو نخواهد و نه تو

يَعْرِفُهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ رَحْمَةً، أَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ، جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا

را بشناسد از روی نعمت بخشی و مهرورزی عطا کن به من به خاطر درخواستی که از تو کردم همه خوبی دنیا

وَ جَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ، وَ اصْرِفْ عَنِّي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ، جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا

و همه خوبی و خیر آخرت را و بگردان از من به خاطر همان درخواستی که از تو کردم همه شر دنیا

وَ شَرِّ الْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَيْتَ، وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمٌ.

و شر آخرت را زیرا آنچه تو دهی چیزی کم ندارد (یا کم نیاید) و بیفزای بر من از فضلت ای بزرگوار.

سپس آن حضرت، محاسن شریف خود را، با دست چپ خود گرفت و در حالی که انگشت سیبانه دست راست خود را حرکت داد، با حالت تضرع و التجا این دعا را خواند. سپس گفت:

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا ذَا النِّعْمَاءِ وَالْجُودِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، حَرِّم

ای صاحب جلالت و بزرگواری ای صاحب نعمت و جود ای صاحب بخشش و عطا حرام کن

شَيْئِي عَلَى النَّارِ.

محاسنم را بر آتش دوزخ.

۹- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در ماه رجب صد مرتبه بگوید: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَ حُدَّةَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ وَ در پایان صدقه‌ای بدهد، خداوند کارش را به رحمت و مغفرت پایان

دهد و هر کس چهارصد مرتبه آن را بگوید فضیلت شهیدان را دارد.^۱

۱۰- همچنین رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که در ماه رجب هزار مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، خداوند برای او حسنات فراوانی می‌نویسد.^۲

۱۱- در روایتی آمده است: «هر کس در ماه رجب، در وقت صبح، هفتاد مرتبه و شبانگاه نیز هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» و پس از آن، دستها را بلند کند و بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ تَبَّ عَلَيَّ» اگر در همان ماه رجب بمیرد، خداوند از او راضی خواهد بود...».^۳

۱۲- در طول این ماه هزار مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ وَ الْآثَامِ» تا خداوند رحمان وی را بیامزد.^۴

۱۳- «سید بن طاووس» در «اقبال» فضیلت فراوانی برای خواندن سوره «قل هو الله احد» در ماه رجب نقل کرده است؛ از جمله از رسول خدا ﷺ روایت کرده است: هر کس با نیت پاک در ماه رجب، ده هزار مرتبه سوره «قل هو الله احد» را بخواند، وارد عرصه قیامت شود در حالی که از گناه پاک باشد مانند روزی که از مادر متولد شده است، و هفتاد فرشته به استقبال او می‌آیند و به وی بشارت بهشت را می‌دهند. همچنین آن حضرت برای هزار بار خواندن سوره «قل هو الله احد» در این ماه و حتی صد بار نیز پاداش زیادی ذکر کرد.^۵

۱۴- در روایتی از رسول خدا ﷺ نقل شده است که آن حضرت فرمود: «هر کس یک روز از ماه رجب را روزه بدارد، و چهار رکعت نماز بگذارد (هر دو رکعت با یک سلام) و در رکعت اول صد مرتبه «آیه الکرسی» بخواند و در رکعت دوم، دویست مرتبه «قل هو الله احد»؛ پیش از مردن جای خود را در بهشت می‌بیند و یا دیگری جای او را ببیند (و برای او توصیف کند)».^۶

۱۵- در طول ماه رجب شصت رکعت نماز بجا آورد به این نحوه: در هر شب از این ماه، دو رکعت نماز بخواند، در هر رکعت، یک مرتبه «حمد» و سه مرتبه «قل یا ایها الکافرون» و یک مرتبه «قل هو الله احد» بخواند و پس از سلام نماز، دستها را بلند کند و بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي

معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد خاص اوست فرمانروایی و مخصوص اوست ستایش زنده کند

۱. اقبال، صفحه ۶۴۸.

۲. همان مدرک.

۳. همان مدرک.

۴. مفاتیح الجنان، اعمال ماه رجب.

۵. اقبال، صفحه ۶۴۸.

۶. همان مدرک، صفحه ۶۳۷.

وَيَمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَإِلَيْهِ

ومی‌میراند و اوست زنده‌ای که نمیرد هر چه خیر است بدست اوست و او بر هر چیز تواناست و بسوی اوست

الْمَصِيرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

بازگشت و جنبش و نیرویی نیست مگر بوسیلهٔ خدای برتر و بزرگ خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَآلِهِ.

محمد پیامبر امی (درس نخوانده) و بر آتش.

و آنگاه دست‌ها را به صورت خود بکشد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس این عمل را به جا آورد، خداوند دعایش را مستجاب گرداند...»^۱

۱۶- مرحوم «علامه مجلسی» در «زاد المعاد» روایتی را از امیر مؤمنان علی عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل کرده است که آن حضرت فرمود: هر کس در هر شب و یا در هر روز از ماه‌های رجب، شعبان و رمضان سوره «حمد»، «آیه الکرسی» و سوره‌های «قل یا ایها الکافرون»، «قل هو الله احد»، «قل اعوذ برب الفلق» و «قل اعوذ برب الناس» را سه مرتبه بخواند و سه مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» و سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» و سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» و چهارصد مرتبه بگوید: «اسْتَغْفِرِ اللَّهَ وَآتُوبُ إِلَيْهِ» خداوند گناهانش را ببامزد (هر چند زیاد باشد) سپس در ادامه فرمود: اگر کسی در مدت عمرش یک بار این عمل را بجا آورد، خداوند در برابر هر حرفی پاداش فراوانی به وی عطا کند...^۲

۱۷- **ليلة الرغائب**: اولین شب جمعهٔ ماه رجب را «ليلة الرغائب»^۳ گویند؛ رسول خدا صلى الله عليه وآله در روایتی که فضیلت ماه رجب را بیان می‌کرد فرمود: «از اولین شب جمعهٔ ماه رجب غافل نشوید که فرشتگان آن را «ليلة الرغائب» نامیدند».

آنگاه رسول خدا صلى الله عليه وآله اعمالی را برای آن شب به این کیفیت بیان فرمود: «روز پنج‌شنبهٔ اول ماه را روزه می‌گیری، چون شب جمعه فرا رسید، میان نماز مغرب و عشا دوازده رکعت نماز می‌گذاری (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعت از آن، یک مرتبه سوره «حمد» و سه مرتبه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و دوازده مرتبه «قل هو

۲. زاد المعاد، صفحه ۱۲.

۱. اقبال، صفحه ۶۳۰.

۳. «ليلة الرغائب» یعنی شبی که به خاطر پاداش‌ها و فضیلت‌های فراوانی که دارد، مورد میل و رغبت فراوان است و یا به معنای «شب پاداش‌های فراوان» است، زیرا «رغائب» جمع «رغیبه» است که هم به معنای «کار مورد رغبت» آمده است و هم به معنای پاداش و عطای فراوان.

الله احد» را می‌خوانی؛ پس از اتمام نماز هفتاد مرتبه می‌گویی: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِهِ» آنگاه به سجده می‌روی و هفتاد بار می‌گویی: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ» سپس سر از سجده برمی‌داری و هفتاد بار می‌گویی: «رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْظَمُ» بار دیگر نیز به سجده می‌روی و هفتاد مرتبه می‌گویی: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ» آنگاه حاجت خود را می‌طلبی که ان شاء الله برآورده خواهد شد.

رسول خدا ﷺ در فضیلت این اعمال فرمود: «کسی که چنین نمازی را بخواند، خداوند همه گناهانش را بیامرزد... و در قیامت درباره هفتصد تن از خاندانش شفاعت می‌کند، و چون شب اول قبر فرا رسد، خداوند پاداش این نماز را به نیکوترین چهره، با رویی گشاده و درخشان و زبانی فصیح و گویا، به سوی قبر او می‌فرستد، آن چهره نیکو به وی گوید: «ای حبیب من! بر تو بشارت باد! که از هر شدت و سختی نجات یافتی» از آن چهره نورانی می‌پرسد: «تو کیستی؟ من تاکنون چهره‌ای از تو زیباتر ندیده‌ام و بویی از بویت خوشتر به مشامم نرسیده؟!»

آن چهره نیکو پاسخ دهد: «ای حبیب من! من پاداش آن نمازی هستم که تو در فلان شهر، فلان ماه و در فلان سال به جا آورده‌ای؛ من امشب به نزد تو آمدم، تا حقت را ادا کنم و مونس تنهایی تو باشم و وحشت را از تو مرتفع سازم (و همواره در کنارت بمانم) تا زمانی که همگی در روز رستاخیز برخیزند و در عرصه قیامت بر سرت سایه بیفکنم. (خلاصه هیچ زمانی پاداش این کار نیک از تو قطع نخواهد شد)».^۱



۱۸- **عمرهٔ رجبیه:** انجام «عمره»، در ماه رجب فضیلت فراوان دارد. طبق روایات اهل بیت علیهم‌السلام «عمره» در ماه رجب فضیلتی هم ردیف حج دارد.^۲
در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «أَفْضَلُ الْعُمْرَةِ، عُمْرَةُ رَجَبٍ؛ با فضیلت‌ترین عمره، عمره در ماه رجب است».^۳
در روایتی دیگر از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: «عمره در ماه رجب افضل است یا ماه رمضان؟» فرمود: «عمره در ماه رجب افضل است».^۴

در روایتی آمده است که حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام در ماه رجب به عمره رفته بود و شبانه‌روز، در کنار کعبه نماز بجا می‌آورد و پیوسته در سجده بود، و در حال سجده این ذکر را می‌گفت: «عَظَمَ الذَّنْبُ مِنْ

۱. اقبال، صفحه ۶۳۲؛ مرحوم علامه حلی در اجازه‌اش برای «بنی زهره» این روایت را به طور مشروح نقل کرده است (رجوع کنید به: بحارالانوار، جلد ۱۰۴، صفحه ۱۲۵).

۲. مصباح‌المتجهّد، صفحه ۷۹۸.

۳. کافی، جلد ۴، صفحه ۵۳۶، حدیث ۶.

۴. فقیه، جلد ۲، صفحه ۴۵۳، حدیث ۲۹۴۹.

عَبْدِكَ، فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ» و در آن مدّت، چیزی افزون بر این ذکر نمی‌گفت!^۱
همچنین زیارت امام رضا علیه السلام در ماه رجب مستحب است و در روایتی از امام جواد علیه السلام زیارت آن
حضرت در ماه رجب مورد تأکید قرار گرفته است.^۲

دوم - اعمال مخصوص شبها و روزهای ماه رجب:

شب اول ماه: انجام اعمالی در این شب با ارزش، مورد سفارش است:

اول: از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که به هنگام رؤیت هلال ماه رجب، این دعا را می‌خواند:

اللَّهُمَّ أَهْلَهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، رَبِّي

خدایا این ماه را بر ما نو کن به امنیت و ایمان و سلامت و دین اسلام پروردگار من و

وَرَبُّكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.^۳

پروردگار تو (ای ماه) خدای عزوجل می‌باشد.

و همچنین از آن حضرت نقل شده است که وقتی هلال ماه رجب را می‌دید، می‌فرمود:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي رَجَبٍ وَشَعْبَانَ، وَبَلِّغْنَا شَهْرَ رَمَضَانَ، وَاعِنَّا عَلَى

خدایا برکت ده بر ما در ماه رجب و شعبان و ما را به ماه رمضان برسان و کمکمان ده برای گرفتن

الصِّيَامِ وَالْقِيَامِ، وَحِفْظِ اللِّسَانِ، وَغَضِّ البَصْرِ، وَلا تَجْعَلْ حَظَّنَا مِنْهُ

روزه و شبزندهداری و نگهداری زبان و پوشیدن چشم و بهره‌ما را از آن ماه تنها

الْجُوعِ وَالْعَطَشِ.^۴

گرسنگی و تشنگی قرار مده.

دوم: غسل کردن.

مرحوم «سید بن طاووس» می‌گوید در کتب «عبادات» روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله یافتیم که آن
حضرت فرمود: «هر کس درک کند ماه رجب را و در اوّل، وسط و آخر آن، غسل کند؛ همانند روزی که از
مادر متولد شده، از گناهان خارج گردد (و پاک شود)».^۵

۱. مصباح المتهجد، صفحه ۸۰۱ و اقبال، صفحه ۶۴۸.

۲. مصباح المتهجد، صفحه ۸۲۰ و کافی، جلد ۴، صفحه ۵۸۴، حدیث ۲.

۳. اقبال، صفحه ۶۲۷. ۴. همان مدرک، صفحه ۶۲۸.

۵. همان مدرک.

سوم: زیارت امام حسین علیه السلام در این شب فضیلت بسیار دارد.^۱
چهارم: بعد از نماز مغرب، بیست رکعت نماز بخواند (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعت یک بار
 سوره «حمد» و یک بار سوره «توحید» بخواند؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاداش این عمل فرمود: هر کس چنین
 کند، به خدا سوگند! خودش، خانواده‌اش، مالش و فرزندانش محفوظ بمانند و از عذاب قبر پناه داده شود...
 و در قیامت به سرعت از صراط بگذرد.^۲

پنجم: بعد از نماز عشا، دو رکعت نماز بجا آورد، در رکعت اول «حمد» و «الم نشرح» را یک مرتبه و
 سوره «قل هو الله احد» را سه مرتبه بخواند و در رکعت دوم، سوره‌های «حمد»، «الم نشرح»، «قل هو الله
 احد» و «معوذتین» (سوره‌های ناس و فلق) را یکبار بخواند و پس از سلام سی مرتبه بگوید: «لا اله الا
 الله» و سی مرتبه «صلوات» بفرستد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که این عمل را انجام دهد، خداوند گناهانش را می‌آمرزد و از گناه پاک
 می‌شود.^۳

ششم: سی رکعت نماز بخواند، (هر دو رکعت به یک سلام) در هر رکعت یک مرتبه «حمد» و یک
 مرتبه «قل یا ایها الکافرون» و سه مرتبه «قل هو الله احد» را بخواند؛ در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر
 مرد و زن مؤمنی چنین کند، خداوند تمام گناهان کوچک و بزرگ وی را می‌آمرزد و تا سال بعد، خداوند
 نامش را در فهرست «نمازگزاران» می‌نویسد و از نفاق پاک می‌شود.^۴



هفتم: احیای شب اول ماه: «شیخ طوسی» در «مصباح المتجهّد» از امام صادق علیه السلام از جدّش از امیر
 مؤمنان علی علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت دوست داشت که در چهار شب از شبهای سال، فارغ از هر
 چیز، به عبادت بپردازد: شب اول ماه رجب، شب نیمه شعبان، شب عید فطر و شب عید قربان.^۵
 در حدیثی دیگر، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «تا می‌توانی بر احیای شب‌های عید فطر، عید
 قربان و... شب اول رجب مراقبت کن».^۶



هشتم: خواندن دعایی که از امام جواد علیه السلام نقل شده است که فرمود: مستحب است انسان، در شب اول
 رجب، با این کلمات، دعا کند:

۱. زاد المعاد، صفحه ۱۳.
 ۲. اقبال، صفحه ۶۲۹.
 ۳. همان مدرک.
 ۴. اقبال، صفحه ۶۲۹.
 ۵. مصباح المتجهّد، صفحه ۷۹۸.
 ۶. زاد المعاد، صفحه ۱۳.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِيكٌ، وَأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرٌ، وَأَنَّكَ مَا

خدایا از تو خواهم بواسطه آنکه تو فرمانروایی و تو بر هر چیز توانایی و تو هر کاری

تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ،

را بخواهی می‌شود خدایا من بسویت رو کنم بوسیله پیامبرت محمد پیامبر رحمت

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أَتُوجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ

درود تو بر او و آلش، ای محمد ای رسول خدا برستی من به تو رو آورده‌ام برای رفتن به درگاه خدا پروردگار من

وَرَبِّي لِيُنْجِحَ بِكَ طَلِبَتِي، اللَّهُمَّ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَالْأُمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ،

و تو تا بلکه بوسیله تو حاجت روا کردم خدایا به حق پیامبرت محمد و به حق پیشوایان از خاندانش

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ، أَنْجِحْ طَلِبَتِي.

صلی الله علیه و علیهم که حاجتم را روا کن.

آنگاه حاجت خود را از خداوند بخواهد.^۱

نهم: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که (در شب اول ماه رجب) بعد از فراغ از نماز شب، در حال

سجده می‌گفت:

لَكَ الْمَحْمَدَةُ إِنْ أَطَعْتُكَ، وَلَكَ الْحُجَّةُ إِنْ عَصَيْتُكَ، لَا صُنْعَ لِي وَلَا لِعَيْرِي

برای توست ستایش اگر پیرویت کنم و تو حجت و برهان بر من داری اگر نافرمانیت کنم نه کاری از من ساخته است و نه از غیر من

فِي إِحْسَانٍ إِلَّا بِكَ، يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَيَا مُكُونًا كُلِّ شَيْءٍ، إِنَّكَ

در مورد احسان مگر بوسیله تو ای بوده پیش از هر چیز و ای بود کننده هر چیز برستی تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَ مِنْ

بر هر چیز توانایی خدایا به تو پناه برم از انحراف هنگام مرگ و از

شَرِّ الْمَرْجِعِ فِي الْقُبُورِ، وَ مِنَ النَّدَامَةِ يَوْمَ الْأَرْزَاقِ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

بازگشت بد در میان مجور و از پشیمانی در روز قیامت پس از تو خواهم که درود فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ عَيْشِي عَيْشَةَ نَقِيَّةً، وَ مِيتَتِي مِيتَةً

بر محمد و آل محمد و قرار دهی زندگی مرا زندگی پاک و پاکیزه و مرگم را مرگی

سَوِيَّةً، وَ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا كَرِيمًا، غَيْرَ مُخَزٍّ وَلَا فَاضِحٍ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

معتدل و مستقیم و بازگشتم را بازگشتی گرمی که خواری و رسوایی در آن نباشد خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَيْمَّةَ، يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ، وَ أَوْلَى النَّعْمَةِ، وَ مَعَادِنِ الْعِصْمَةِ،

محمد و آلش آن پیشوایانی که سرچشمه‌های حکمت و ولی نعمت و معادن عصمتند و

وَ أَعِصْمَنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَ لَا تَأْخُذْنِي عَلَى غِرَّةٍ وَ لَا عَلَى غَفْلَةٍ، وَ لَا

بوسیله ایشان مرا از هر بدی محافظت فرما و مگیر مرا در حال غرور و نه در حال غفلت و بی‌خبری و

تَجْعَلْ عَوَاقِبَ أَعْمَالِي حَسْرَةً، وَ ارْضَ عَنِّي، فَإِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِلظَّالِمِينَ

قرار مده پایان کارهایم را حسرت و افسوس و از من راضی شو که راستی آموزشت مخصوص ستمکاران است و

وَ أَنَا مِنَ الظَّالِمِينَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ، وَ أَعْطِنِي مَا لَا يَنْقُصُكَ،

من نیز از ستمکارانم خدایا بیا مرز از من آنچه را زیان به تو نزند و عطا کن به من آنچه تو را کم نیاید

فَإِنَّكَ الْوَسِيعُ رَحْمَتُهُ، أَلْبَدِيعُ حِكْمَتُهُ، وَ أَعْطِنِي السَّعَةَ وَ الدَّعَةَ، وَ الْأَمْنَ

زیرا که رحمت تو وسیع و فرزانتگیت تازه و جدید است و عطا کن به من وسعت و فراخی و امنیت

وَ الصِّحَّةَ، وَ الْبُخُوعَ وَ الْقُنُوعَ، وَ الشُّكْرَ وَ الْمُعَافَاةَ، وَ التَّقْوَى وَ الصَّبْرَ،

و سلامتی و فروتنی و قناعت و سپاسگزاری و تندرستی و پرهیزکاری و شکیبایی و

وَ الصَّدْقَ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَوْلِيَائِكَ، وَ الْيُسْرَ وَ الشُّكْرَ، وَ أَعْمَمُ بِذَلِكَ يَا رَبِّ

راستی (و درستی) نسبت به تو و نسبت به دوستانت و آسانی و شکر و در اینها که گفتم و با من شریک ساز پروردگار من

أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي فِيكَ، وَ مَنْ أَحْبَبْتُ وَ أَحَبَّنِي، وَ وُلَدْتُ وَ وُلَدَنِي،

خانواده و فرزندان و برادران دینی مرا و کسانی را که من دوست دارم یا آنان مرا دوست دارند و فرزندان آینده و پدران گذشته من

مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُؤْمِنِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.^۱

از مسلمانان و مؤمنین ای پروردگار جهانیان.

در حدیث آمده است که این دعا، بعد از هشت رکعت نماز شب و پیش از نماز وتر است. آنگاه سه رکعت وتر (دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر) را بجا می‌آوری پس از سلام، در همان حالت نشسته می‌خوانی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تَفْدُ خَزَائِنُهُ، وَ لَا يَخَافُ آمِنُهُ، رَبِّ إِنْ ارْتَكَبْتُ

ستایش آن خدایی را سزااست که خزینه‌هایش پایان نپذیرد و هر که در امان او بود هراس ندارد پروردگارا اگر من دست به

الْمَعَاصِيَ فَذَلِكَ ثِقَةٌ مِنِّي بِكَرَمِكَ، إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ، وَ تَعْفُو

نافرمانی زدم این بخاطر آن اطمینانی بود که به کرم تو داشتم براستی که تو از بندگانت

عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَ تَغْفِرُ الزَّلَّلَ، وَ إِنَّكَ مُجِيبٌ لِدَاعِيكَ وَ مِنْهُ قَرِيبٌ، وَ أَنَا

توبه‌شان را می‌پذیری و از گناهانشان درگذری و لغزشهانشان بیامیزی و برستی که تو خواننده‌ات را پاسخ دهی و به او نزدیکی و من

تَائِبٌ إِلَيْكَ مِنَ الْخَطَايَا، وَ زَاغِبٌ إِلَيْكَ فِي تَوْفِيرِ حَظِّي مِنَ الْعَطَايَا، يَا

بسوی تو از گناهان توبه کنم و میل دارم از درگاهت که بهره‌ام را از عطاهای خویش فراوان گردانی ای

خَالِقَ الْبَرَايَا، يَا مُنْقِذِي مِنْ كُلِّ شَدِيدَةٍ، يَا مُجِيرِي مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ، وَ فَرُّ

آفریننده خلایق ای نجات دهنده من از هر سختی ای پناه ده من از هر خطر و چیز ترسناک خدایا نشاط و خوشحالم را

عَلَى السُّرُورِ، وَ اكْفِنِي شَرَّ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ، فَأَنْتَ اللَّهُ عَلَى نِعْمَائِكَ

فراوان گردان و از شر پایان هر کار نگاهم دارد که برستی ای خدا تو بر نعمتها

وَ جَزِيلَ عَطَائِكَ مَشْكُورٌ، وَ لِكُلِّ خَيْرٍ مَذْخُورٌ.^۱

و عطاهای سرشارت مورد سپاسگزاری هستی و برای هر خیر و خوبی ذخیره ما باشی.



روز اول ماه: این روز نیز اعمالی دارد:

۱- روزه گرفتن؛ در روایتی از امام رضا علیه السلام پادشاهای مهمتی برای روزه اول ماه رجب ذکر شده است.^۲
در روایتی دیگر، امام باقر علیه السلام روز اول ماه رجب را، روز سوار شدن حضرت نوح بر کشتی بیان کرده و فرمود: «هنگامی که نوح در این روز، سوار کشتی شد، به همه کسانی که با او بودند دستور داد روزه بگیرند؛ و هر کس این روز را روزه بگیرد، آتش دوزخ به فاصله یک سال راه، از او دور گردد».^۳

۲- غسل کردن.^۴

۳- زیارت امام حسین علیه السلام؛ «شیخ طوسی» روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «هر کس امام حسین علیه السلام را در روز اول ماه رجب زیارت کند، به یقین خداوند او را می‌آمرزد».^۵
۴- خواندن نماز حضرت سلمان؛ این نماز را که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به وی آموخت، به این نحو است: ده رکعت نماز بجا می‌آوری (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعت، یک مرتبه «حمد»، سه مرتبه «توحید» و سه مرتبه «قل یا ایها الکافرون» را می‌خوانی و بعد از سلام نماز، دستها را بلند می‌کنی و می‌گویی:

۱. مصباح المتعبد، صفحه ۷۹۹.

۲. اقبال، صفحه ۶۳۴.

۳. اقبال، صفحه ۶۳۵، و مصباح المتعبد، صفحه ۷۹۷.

۴. اقبال، صفحه ۶۲۸.

۵. مصباح المتعبد، صفحه ۸۰۱.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ،

معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد فرمانروایی از آن اوست و ستایش مخصوص اوست زنده می‌کند و می‌میراند

حَتَّى لَا يَمُوتُ، وَهُوَ بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ

و اوست زنده‌ای که هرگز نمیرد هر چه خیر است بدست او است و او بر هر چیزی تواناست. خدایا جلوگیری نیست از آنچه

لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطَى لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ.

تو عطا کنی و عطابخشی نیست برای آن کس که تو منعمش کنی و کوشش شخص کوشا او را از تو بی‌نیاز نکند.

آنگاه دست‌ها را بر روی صورت خود می‌کشی.^۱

در روز نیمه ماه نیز ده رکعت نماز به همین نحو انجام می‌دهی و پس از هر دو رکعت، آن دعا را می‌خوانی ولی پس از جمله «وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» این جملات را اضافه می‌کنی:

إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا، لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا.

آن معبود یگانه یکتای فرد بی‌نیازی که نگرفته است همدم و نه فرزندی.

آنگاه دستها را به صورت می‌کشی.^۲

و در روز آخر ماه رجب نیز، ده رکعت نماز را به همان نحو، انجام می‌دهی و پس از سلام نماز، آن دعا را می‌خوانی، ولی پس از جمله «وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» می‌گویی:

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

و درود خدا بر محمد و آل پاکیزه‌اش باد و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای بلند

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

مرتبه و بزرگ.

آنگاه دست‌ها را بر صورت خود می‌کشی و حاجتت را می‌طلبی که به اجابت می‌رسد.^۳

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به سلمان فرمود: «هر مرد و زن مؤمنی که این سی رکعت نماز را بجا آورد، خداوند گناهایش را ببامرزد و پاداش کسی که تمام آن ماه را روزه گرفته، به وی عنایت کند و از آتش دوزخ نجات دهد، و این به منزله ورقه عبور از صراط است.»

سلمان می‌گوید: «پس از شنیدن این حدیث از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با حالت گریه به سجده افتادم و شکر الهی را بجا آوردم.»^۴

۱. اقبال، صفحه ۶۳۷.

۲. همان مدرک، صفحه ۶۵۷.

۳. همان مدرک، صفحه ۶۸۲.

۴. همان مدرک، صفحه ۶۳۷ و ۶۸۲.

۵- نماز دیگری از حضرت سلمان رضی الله عنه، این نماز نیز ده رکعت است (هر دو رکعت به یک سلام) که در روز اول ماه رجب خوانده می‌شود: در هر رکعت یک مرتبه «حمد» و سه مرتبه «توحید».

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره پاداش این نماز به سلمان نکته‌هایی را فرمود، از جمله، بخشش گناهان، محفوظ ماندن از وحشت قبر و عذاب روز قیامت و دور ماندن از برخی از بیماری‌ها.^۱

شب سیزدهم ماه: امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند به این امت سه ماه ارزشمند عطا کرد، که به امت‌های قبل نداده بود و آن ماهها، رجب، شعبان و ماه رمضان است و سه شب نیز به این امت عنایت کرد که به امت‌های پیشین نداده بود و آن شب‌های سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه است و همچنین سه سوره (بافضیلت و پرمحتوا) به این امت عطا کرد که به امت‌های سابق نداده بود و آن سوره‌های «یس»، «ملک» و «توحید» است، از این رو هر کس که میان این سه فضیلت جمع کند، میان بهترین عطا‌های این امت جمع کرده است».

از امام علیه السلام سؤال شد: «چگونه می‌توان میان آنها جمع کرد؟»

فرمود: «در لیالی بیض (سه شب مزبور) در این سه ماه نماز بخواند؛ به این نحو که «در شب سیزدهم، دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعتی پس از سوره «حمد» این سه سوره (یس، ملک و توحید) را بخواند، و در شب چهاردهم، چهار رکعت نماز بگزارد (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعتی «حمد» و «یس» و «ملک» و «توحید» را بخواند و در شب پانزدهم، شش رکعت نماز بگزارد (هر دو رکعت به یک سلام) و همان سوره‌ها را در هر رکعت بخواند».

امام علیه السلام در فضیلت این نمازها فرمود: «هر کس چنین کند فضیلت این سه ماه را به دست آورده و خداوند همه گناهانش را - جز شرک - می‌آمرزد».^۲

روز سیزدهم ماه: روز سیزدهم ماه رجب مصادف با ولادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و اولین روز از ایام البیض است. روزه گرفتن در این روز، و دو روز بعد، ثواب فراوانی دارد.^۳ و هر کس که بخواهد عمل «ام داوود» را بجا آورد باید این روز را روزه بگیرد.

روز چهاردهم ماه: روزه گرفتن در این روز پاداش فراوانی دارد. در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «هر کس که روز چهاردهم ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند پاداشی به وی عنایت کند که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر قلبی خطور کرده باشد!...».^۴

شب نیمه ماه: این شب، شب ارزشمندی است که چند عمل در آن وارد شده است:

۱. اقبال، صفحه ۶۳۷.

۲. همان مدرک، صفحه ۶۵۵.

۳. همان مدرک، صفحه ۶۵۶.

۴. همان مدرک، صفحه ۶۵۵.

اول: غسل.^۱

دوم: احیای آن شب به عبادت که فضیلت بسیار دارد.^۲

سوم: زیارت امام حسین علیه السلام که زیارت آن حضرت در شب و روز نیمه رجب مورد تأکید قرار گرفته است.^۳

چهارم: شش رکعت نماز بگذارد (هر دو رکعت با یک سلام) و در هر رکعتی «حمد» و «یس» و «ملک» و «توحید» را بخواند.

پنجم: بجا آوردن سی رکعت نماز، که در هر رکعت یک مرتبه «حمد» و ده مرتبه سوره «توحید» را بخواند، در روایتی از رسول خدای صلی الله علیه و آله پاداش فراوانی برای این نماز ذکر شده است.^۴

ششم: دوازده رکعت نماز (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعت یک بار «حمد» و یک بار «سوره» را می‌خوانی و پس از پایان نمازها هر یک از سوره‌های «حمد»، «فلق»، «ناس»، «توحید» و «آیه الکرسی» و همچنین سوره «قدر» را چهار مرتبه می‌خوانی و پس از آن، چهار مرتبه می‌گویی: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ**. سپس می‌گویی: **اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي، لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**.

این نماز را «سید» در «اقبال» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است.^۵

روز نیمه رجب: روز مبارکی که در آن چند عمل وارد شده است:

۱- غسل کردن.^۶

۲- زیارت امام حسین علیه السلام؛ در روایتی از محمد بن ابی نصر نقل شده است که از امام رضا علیه السلام سؤال

کردم: «در چه ماهی زیارت امام حسین علیه السلام بهتر است؟» فرمود: «در نیمه رجب و نیمه شعبان».^۷

۳- بجا آوردن نماز جناب سلمان (همان‌گونه که در اعمال روز اول ماه رجب، صفحه ۶۴۱ گذشت).^۸

۴- چهار رکعت نماز بگذارد (هر دو رکعت به یک سلام) و پس از سلام دستهای خود را بگشاید و

بگوید:

اللَّهُمَّ يَا مُدِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ، وَيَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِي

خدایا ای خوارکننده هر استمکار سرکش و ای عزت بخش مؤمنان تویی پناهگاه من در آن هنگام که از

۱. زاد المعاد، صفحه ۱۹ و ۲۰.

۲. همان مدرک.

۳. همان مدرک.

۴. اقبال، صفحه ۶۵۶.

۵. همان مدرک.

۶. مصباح المتهدج، صفحه ۸۰۷.

۷. همان مدرک و اقبال، صفحه ۶۵۷.

۸. اقبال، صفحه ۶۵۷.

الْمَذَاهِبِ، وَأَنْتَ بَارِي خَلْقِي رَحْمَةً بِي، وَقَدْ كُنْتَ عَن خَلْقِي غَنِيًّا،

راهها وامانده شوم و تویی که از روی مهری که به من داشتی به خلقت من دست زدی در صورتی که از خلقت من بی نیاز بودی

وَلَوْ لَا رَحْمَتِكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي،

و اگر مهر تو نبود بطور مسلم من در زمره نابودان بودم و تویی که مرا بوسیله یاری دادن بر دشمنانم کمک دهی

وَلَوْ لَا نَصْرُكَ إِيَّاي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْهُ

و اگر یاری تو نبود بطور حتم من از رسوایان بودم ای فرستنده رحمت از

مَعَادِنِهَا، وَ مُنْشِيَ الْبِرَكَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا، يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوحِ

معدنهای آن و ای پدید آورنده برکت از جاهای آن ای که مخصوص داشت خود را

وَالرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ، وَيَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نِيرَ الْمَذَلَةِ

به بلندی مقام و رفعت و از این رو دوستانش به عزت او عزیز گردند و ای که پادشاهان طوق مذلت

عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، أَسْأَلُكَ بِكَيْفُونِيَّتِكَ الَّتِي

را برای او بر گردن نهاده‌اند و از سطوت‌های او ترسانند از تو خواهم به حق بود کردنت که آن را

أَشْتَقُّهَا مِنْ كِبْرِيَاؤِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِكِبْرِيَاؤِكَ الَّتِي أَشْتَقُّهَا مِنْ عِزَّتِكَ،

از کبرای خود جدایش کردی و از تو خواهم به حق کبریایت که آن را از عزت برگزیدی و

وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ، فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ

از تو خواهم به حق عزت که بوسیله آن بر عرش مستولی گشتی و بدان سبب همه خلق خود را آفریدی

فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ.

و همه به خدایت اعتراف دارند که درود فرستی بر محمد و خاندانش.

امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل کرده است که: هر غمزده و اندوهگینی این دعا را بخواند، خداوند متعال اندوه و غم او را برطرف می‌سازد.^۱



۵- عمل ام داوود: از مهمترین اعمال روز نیمه رجب، عمل «ام داوود» است که به گفته علامه مجلسی: «شیخ صدوق»، «شیخ طوسی» و «سید بن طاووس» (ره) به سندهای معتبر آن را نقل کرده‌اند.^۲ این عمل برای برآمدن حاجات و رفع اندوه و غم، حل مشکلات و دفع ظلم ستمگران بسیار مؤثر است. (و به گفته «علامه مجلسی»، در «زاد المعاد»، بارها تجربه شده است.)

اجمال این روایت و سبب نامگذاری آن به «امّ داوود» چنین است:

جناب فاطمه، مادر داوود بن حسن (نوهٔ پسر امام حسن مجتبیٰ علیه السلام) دایهٔ امام صادق علیه السلام بود، که فاطمه، امام صادق علیه السلام را با شیر داوود، شیر داده بود، هنگامی که «محمد بن عبدالله بن حسن» در مدینه قیام کرد، «منصور دوانیقی» لشکری را برای نبرد با آنان فرستاد که آنها را شکست دادند و محمد و برادرش ابراهیم را کشتند، و عبدالله بن حسن و جمعی از سادات را دستگیر نموده و به زندان عراق منتقل کردند، در میان آن گروه «داوود» نیز حضور داشت. مادر داوود می‌گوید: چون مدتی از حبس فرزندم گذشت و از او خبری به من نرسید، بسیار پریشان شدم و پیوسته تضرع و دعا می‌کردم و از صلحا و نیکان و برادران دینی برای نجات فرزندم طلب دعا می‌نمودم، ولی نتیجه‌ای نمی‌گرفتم و گاهی خبر کشته شدن داوود به من می‌رسید و گاه می‌گفتند که وی زنده است. روز به روز اندوه و مصیبت من بیشتر می‌شد و از دیدار او ناامیدتر می‌شدم. تا آن که شنیدم، امام صادق علیه السلام بیمار شده است. به عیادت آن حضرت رفتم، وقتی خواستم برخیزم، امام فرمود:

از داوود چه خبر داری؟ من وقتی که نام «داوود» را شنیدم، گریستم و گفتم: فدایت شوم، داوود در عراق زندانی است، من که از دیدار او ناامیدم! از شما التماس دعا دارم، او را دعا کنید، او برادر رضاعی شماست! امام علیه السلام فرمود: چرا از دعای «استفتاح» و دعای «اجابت» و «نجاح»^۱ غافل! این دعا، دعایی است که درهای اجابت الهی را می‌گشاید و فرشتگان از آن استقبال می‌کنند و دعا کننده را به اجابت دعایش، بشارت می‌دهند و کسی که این دعا را بخواند، پاداش او بهشت است.

پرسیدم: این دعا و عمل به آن چگونه است؟

امام علیه السلام فرمود: ماه رجب نزدیک شده است و این ماه، ماهی ارزشمند است و دعاها در آن به اجابت می‌رسد، در سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب، روزه بگیر! امام علیه السلام در ادامه نحوهٔ اعمال را بیان کرد و فرمود: این دعا، بسیار شریف و پرارزش است که مشتمل بر اسم اعظم خداست و هر کس آن را بخواند، حاجت او برآورده می‌شود.

امّ داوود می‌گوید: آن حضرت، دعا را برای من نوشت، من آن را به خانه بردم و انجام دادم تا آن که در شب شانزدهم، پس از افطار و عبادت به خواب رفتم؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم، آن حضرت، علاوه بر بشارت بهشت و آمرزش گناهان، خبر آزادی و بازگشت فرزندم را به من داد؛ چند روزی نگذشت که پسرم آزاد شد و با عزت و احترام نزدم بازگشت و جریان آزادی خود و اموری را که سبب آن شد، برای من تعریف کرد.^۲

۱. «استفتاح» به معنای طلب نصرت و فتح و یاری است و «نجاح» نیز به معنای ظفر و پیروزی است. (بحارالانوار، جلد ۸۱، صفحه ۳۷۶).

۲. زاد المعاد، صفحه ۲۱ - ۲۴ (با تلخیص و تصرف) و اقبال، صفحه ۶۵۸.

کیفیت عمل امّ داوود:

چگونگی این عمل، مطابق روایت شیخ در «مصباح المتهجد»^۱ به این نحو است که: روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب را روزه می‌گیری، در روز پانزدهم، نزدیک ظهر غسل می‌کنی و چون ظهر شد، نماز ظهر و عصر را بجا می‌آوری، در حالی که رکوع و سجود را نیکو انجام می‌دهی. خوب است این عمل در مکان خلوتی باشد که چیزی تو را مشغول نسازد و انسانی با تو سخن نگوید؛ وقتی که نمازت به پایان رسید؛ رو به قبله می‌نشینی و این سوره‌ها را می‌خوانی:

۱- سوره حمد، صد مرتبه.

۲- سوره اخلاص، (قل هو الله احد)، صد مرتبه.

۳- آیه الکرسی، ده مرتبه.

۴- سوره‌های انعام، اسراء، کهف، لقمان، یس، صافات، حم سجده (فضلت)، حمعسق (شوری)، دخان، فتح، واقعه، ملک، ن والقلم و سوره انشقاق تا آخر قرآن، پس از پایان سوره‌های قرآنی، در همان حال که رو به قبله نشسته‌ای، این دعا را بخوان:

صَدَقَ اللهُ الْعَظِيمُ، الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، ذُو الْجَلَالِ

درست فرمود خدای بزرگی که معبودی جز او نیست زنده و پاینده و صاحب جلالت

وَالْإِكْرَامِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ،

و بزرگواری است بخشاینده و مهربان بردبار و کریم است آن‌که مانندش چیزی نیست

وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، الْبَصِيرُ الْخَبِيرُ، شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ،

و او شنوا و دانا و بینا و آگاه است، گواه است خدا که معبودی جز او نیست

وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ، قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ،

و فرشتگان و دانشوران گواهی داده‌اند که خدایی جز او نیست که عدالت بدو پایدار است و او عزیز و حکیم است

وَبَلَغَتْ رُسُلُهُ الْكِرَامَ، وَأَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

و پیمبران بزرگواری نیز آن را به مردم رساندند و من بر این مطلب گواهی دهم خدایا از آن توست ستایش

وَلَكَ الْمَجْدُ، وَلَكَ الْعِزُّ وَلَكَ الْفَخْرُ، وَلَكَ الْقَهْرُ وَلَكَ النُّعْمَةُ، وَلَكَ الْعِظَمَةُ

و از آن توست مجد و برای تو است عزت و خاص توست افتخار و شایسته تو است قهر و مخصوص توست نعمت و از آن توست عظمت

وَلَكَ الرَّحْمَةُ، وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ السُّلْطَانُ، وَلَكَ الْبَهَاءُ وَلَكَ الْإِمْتِنَانُ،

و مخصوص توست رحمت و برای توست شکوه و خاص توست سلطنت و از آن توست درخشندگی و مخصوص توست نعمت بخشی

وَلَكَ التَّسْبِيحُ وَلَكَ التَّقْدِيسُ، وَلَكَ التَّهْلِيلُ وَلَكَ التَّكْبِيرُ، وَلَكَ مَا يُرَى

و برای توست پاکی و از آن توست پاکیزگی و برای توست یکتایی و مخصوص توست بزرگی و ملک توست آنچه دیده شود

وَلَكَ مَا لَا يُرَى، وَلَكَ مَا فَوْقَ السَّمَوَاتِ الْعُلَى، وَلَكَ مَا تَحْتَ الثَّرَى،

و آنچه دیده نشود و از توست آنچه بالای آسمانهای بلند است و از توست آنچه زیر زمین است

وَلَكَ الْأَرْضُونَ السُّفْلَى، وَلَكَ الْأَخِرَةُ وَالْأُولَى، وَلَكَ مَا تَرْضَى بِهِ مِنْ

و از توست زمینهای زیرین و از آن توست دنیا و آخرت و مخصوص توست آن و

الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّكْرِ وَالتَّعْمَاءِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جِبْرِئِيلَ أَمِينِكَ عَلَى

حمد و ثنا و شکر که تو بیسندی و آنچه نعمت است نیز از توست خدایا درود فرست بر جبرئیل امین بر

وَحْيِكَ، وَالْقَوَى عَلَى أَمْرِكَ، وَالْمُطَاعِ فِي سَمَوَاتِكَ، وَمَحَالِّ كَرَامَاتِكَ،

وحی تو و نیرومند در کار تو و آن‌کس که در آسمانها و جایگاههای کرامت‌های

الْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ، النَّاصِرِ لِأَنْبِيَائِكَ، الْمُدْمِرِ لِأَعْدَائِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ

فرمانش برند آن کس که سخنان تو را برساند یاور بیمرانت و سرنگون کننده دشمنانت خدایا درود فرست

عَلَى مِيكَائِيلَ مَلِكِ رَحْمَتِكَ، وَالْمَخْلُوقِ لِرَأْفَتِكَ، وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِينِ

بر میکائیل فرشته رحمت و آفریده شده برای بردن مهرت و آمرزش‌خواه و کمک‌کار

لِأَهْلِ طَاعَتِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ، وَصَاحِبِ

فرمانبرانت خدایا درود فرست بر اسرافیل حامل کننده عرش و صاحب

الصُّورِ الْمُنْتَظَرِ لِأَمْرِكَ، الْوَجِلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خِيفَتِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

صور آن‌که چشم به‌راه دستور توست و نگران و بیمناک است از ترس تو خدایا درود فرست بر

حَمَلَةَ الْعَرْشِ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ الطَّيِّبِينَ، وَعَلَى

حاملین پاکیزه عرش و بر سفیران گرامی و آن نیکان پاک و بر

مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَعَلَى مَلَائِكَةِ الْجَنَانِ، وَخَزَنَةِ النَّيِّرَانِ،

فرشتگان بزرگواری نویسنده و بر فرشتگان بهشت و نگهبانان دوزخ

وَمَلِكِ الْمَوْتِ وَالْأَعْوَانِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آيِنَا

و فرشته مرگ و کمک‌کارانش ای صاحب جلالت و بزرگواری خدایا درود فرست بر پدر ما

آدَمَ بَدِيعِ فِطْرَتِكَ، الَّذِي كَرَّمْتَهُ بِسُجُودِ مَلَائِكَتِكَ، وَأَبَحْتَهُ جَنَّتِكَ، اللَّهُمَّ

آدم پدیده خلقت که گرامیش داشتی به سجده کردن فرشتگان و مباح کردی بر او بهشت را خدایا

صَلِّ عَلَيَّ أُمَّنَا حَوَّاءَ الْمُطَهَّرَةَ مِنَ الرَّجْسِ، الْمُصَفَّاتِ مِنَ الدَّنَسِ،

درود فرست بر مادر ما حوا که از پلیدی پاک و از چرکی و آلودگی مصفا گشت

الْمُفَضَّلَةَ مِنَ الْأَنْسِ، الْمُتَرَدِّدَةَ بَيْنَ مَحَالِّ الْقُدْسِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

و از میان آدمیان برتری داشت و در میان جایگاههای قدسیان رفت و آمد کرده خدایا درود فرست بر

هَابِلَ وَ شِيثَ وَ اِدْرِيسَ وَ نُوحَ، وَ هُوْدٍ وَ صَالِحَ، وَ اِبْرَاهِيْمَ وَ اِسْمَاعِيْلَ،

هابیل و شیث و ادريس و نوح و هود و صالح و ابراهيم و اسماعيل

وَ اِسْحٰقَ وَ يَعْقُوْبَ، وَ يُوْسُفَ وَ الْأَسْبَاطَ، وَ لُوْطَ وَ شَعِيْبَ، وَ اَيُّوْبَ

و اسحاق و يعقوب و يوسف و اسباط (يعقوب) و لوط و شعيب و ايوب

وَ مُوسَى، وَ هَارُونَ وَ يُوْسُفَ، وَ مِيْشَا وَ الْخَضِرَ، وَ ذِي الْقَرْنَيْنِ وَ يُوْنُسَ،

و موسى و هارون و يوسف و ميشا و خضر و ذی القرنين و يونس

وَ اَلْيَاسَ وَ اَلْيَسَعَ، وَ ذِي الْكِفْلِ وَ طَالُوْتَ، وَ دَاوُدَ وَ سَلِيْمَانَ، وَ زَكَرِيَّا

و الياس و اليسع و ذا الكفل و طالوت و داوود و سليمان و زكريا

وَ شَعِيْبًا، وَ يَحْيَى وَ تُوْرَخَ، وَ مَتَّى وَ اِرْمِيَا، وَ حَيْقُوْقَ وَ دَانِيَالَ، وَ عَزِيْرَ

و شعيا و يحيى و تورخ و متى و ارميا و حيقوق و دانيال و عزير

وَ عِيْسَى، وَ شَمْعُوْنَ وَ جِرْجِيْسَ، وَ اَلْحَوَارِيْنَ وَ الْاَتْبَاعَ، وَ خَالِدَ

و عيسى و شمعون و جرجيس و حواريين عيسى و پيروانشان و خالد و

وَ حَنْظَلَةَ وَ لُقْمَانَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اِرْحَمْ مُحَمَّدًا

حنظله و لقمان خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و رحمت فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَ رَحِمْتَ

و آل محمد و برکت فرست بر محمد و آل محمد و رحمت فرستادی و رحمت

وَ بَارَكْتَ عَلَيَّ اِبْرَاهِيْمَ وَ آلِ اِبْرَاهِيْمَ، اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

و برکت فرستادی بر ابراهيم و آل ابراهيم که براستی تویی ستوده و بزرگوار خدایا درود فرست بر

الْاَوْصِيَاءِ، وَ السُّعْدَاءِ وَ الشُّهَدَاءِ وَ اَيِّمَةِ الْهُدَى، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الْاَبْدَالِ

اوصيا و اهل سعادت و شهيدان و امامان راهنما خدایا درود فرست بر ابدال (دسته‌ای از صلحا)

وَ الْاَوْتَادِ، وَ السُّيَّاحِ وَ الْعُبَادِ، وَ الْمُخْلِصِيْنَ وَ الزُّهَّادِ، وَ اَهْلَ الْجَدِّ

و اوتاد و سیاحان و پرستش‌کنندگان و مخلصان و پارسایان و اهل جدیت

وَالْإِجْتِهَادِ، وَاخْصُصْ مُحَمَّدًا وَأَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَاجْزَلِ

و کوشش و مخصوص گردان محمد و خاندانش را به بهترین درودهای و فراوانترین

كَرَامَاتِكَ، وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ مِنِّي تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَزِدْهُ فَضْلًا وَشَرَفًا

کرامت‌های و به روح و جسدش از جانب من تحیت و سلامی برسان و فضل و شرافت

وَكَرَمًا، حَتَّىٰ تَبْلُغَهُ أَعْلَىٰ دَرَجَاتِ أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ،

و بزرگواریش را فزون کن به حدی که او را به اعلی درجهٔ اهل شرافت از پیامبران و رسولان

وَالْأَفْضَلِ الْمُقَرَّبِينَ، اَللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ مَنْ سَمَّيْتُ وَمَنْ لَمْ أُسَمِّ مِنْ

و فاضلان مقرب برسانی خدا یا درود فرست بر هرکس که من نام بردم و هرکه از

مَلَائِكَتِكَ، وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، وَأَوْصِلْ صَلَوَاتِي إِلَيْهِمْ

فرشتگان و پیامبران و رسولان و فرمانبرداران را که من نام نبردم و درودهای مرا بر ایشان و

وَالِي أَرْوَاحِهِمْ، وَاجْعَلْهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ وَأَعْوَانِي عَلَىٰ دُعَائِكَ، اَللَّهُمَّ إِنِّي

بر ارواحشان برسان و آنان را برادران من در دین و کمک‌کارانم در دعای به درگاهت قرار ده خدایا من

أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيْكَ، وَبِكَرَمِكَ إِلَىٰ كَرَمِكَ، وَبِجُودِكَ إِلَىٰ جُودِكَ،

شفیع گردانم تو را پیش خودت و کرمت را پیش کرمت و جودت را پیش جودت

وَبِرَحْمَتِكَ إِلَىٰ رَحْمَتِكَ، وَبِأَهْلِ طَاعَتِكَ إِلَيْكَ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِكُلِّ مَا

و رحمتت را پیش رحمتت و اهل طاعتت را پیش درگاهت و از تو خواهم خدایا به هرچه

سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْهُمْ، مِنْ مَسْئَلَةٍ شَرِيفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ، وَبِمَا دَعَوْتُكَ بِهِ مِنْ

یکی از آنها بوسیلهٔ آن تو را خواسته از سؤال‌های شریفی که برنگشته و به آنچه تو را خوانده‌اند

دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ، يَا

از دعای پذیرفته شده‌ای که به نومیدی نکشیده‌ای خدا ای بخشاننده ای مهربان ای بردبار ای کریم ای

عَظِيمُ يَا جَلِيلُ، يَا مُنِيلُ يَا جَمِيلُ، يَا كَفِيلُ يَا وَكِيلُ، يَا مُقِيلُ يَا مُجِيرُ، يَا

بزرگ ای با جلالت ای بخشنده ای زیبا ای سرپرست ای وکیل ای نادیده‌گیر ای پناهنده ای

خَبِيرُ يَا مُنِيرُ، يَا مُبِيرُ يَا مَنِيْعُ، يَا مُدِيلُ يَا مُحِيلُ، يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ، يَا

آگاه ای روشنی ده ای نابود کن ای والامقام ای چرخاننده ای جابه‌جا کننده ای بزرگ ای توانا ای

بَصِيرُ يَا شَكُورُ، يَا بُرُّ يَا طَهْرُ، يَا طَاهِرُ يَا قَاهِرُ، يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ، يَا

بینا ای شکرپذیر ای نیکوکار ای پاک ای پاکیزه ای قاهر ای پیدا ای پنهان ای

سَاتِرٌ يَا مُحِيطٌ، يَا مُقْتَدِرٌ يَا حَفِیْظٌ، يَا مُتَجَبِّرٌ يَا قَرِیْبٌ، يَا وَدُوْدٌ يَا

پرده پوش ای احاطه‌دار ای با اقتدار ای نگهبان ای دارای بزرگی ای نزدیک ای محبوب همه ای

حَمِیْدٌ، يَا مَجِیْدٌ يَا مُبْدِئٌ، يَا مُعِیْدٌ يَا شَهِیْدٌ، يَا مُحْسِنٌ يَا مُجْمَلٌ، يَا مُنْعَمٌ

ستوده ای بزرگوار ای پدیدآورنده ای بازگرداننده ای گواه ای احسان‌بخش ای نیکوبخش ای نعمت بخش

يَا مُفْضِلٌ، يَا قَابِضٌ يَا بَاسِطٌ، يَا هَادِیٌ يَا مُرْسِلٌ، يَا مُرْشِدٌ يَا مُسَدِّدٌ، يَا

ای زیاده بخش ای گیرنده ای گشایش ده ای راهنما ای فرستنده ای رهنمون ای محکم‌کننده ای

مُعْطِیٌ يَا مَانِعٌ، يَا دَافِعٌ يَا رَافِعٌ، يَا بَاقِیٌ يَا وَاقِیٌ، يَا خَلَّاقٌ يَا وَهَّابٌ، يَا

دهنده ای منع‌کننده ای جلوگیری‌دهنده ای بلند کننده ای باقی ای نگهدار ای آفریننده ای بخشش پیشه ای

تَوَّابٌ يَا فَتَّاحٌ، يَا نَفَّاحٌ يَا مُرْتَّاحٌ، يَا مَنْ بَیْدَهُ كُلُّ مِفْتَاحٍ، يَا نَفَّاعٌ يَا رَوْفٌ

توبه پذیر ای گشاینده ای زیاده بخش ای رحمت بخش ای که بدست اوست هر کلید ای سودرسان ای مهربان

يَا عَطُوْفٌ، يَا كَافِیٌ يَا شَافِیٌ، يَا مُعَافِیٌ يَا مُكَافِیٌ، يَا وَفِیٌ يَا مُهَيِّمِنٌ، يَا

ای باعطوفت ای کفایت کننده ای درمان بخش ای بهبودی‌بخش ای پادشاه دهنده ای با وفا ای نگهبان خلق ای

عَزِیْزٌ يَا جَبَّارٌ يَا مُتَكَبِّرٌ، يَا سَلَامٌ يَا مُؤْمِنٌ، يَا اَحَدٌ يَا صَمَدٌ، يَا نُورٌ يَا

با عزت ای جبار ای بزرگوار ای سلامت بخش ای ایمنی‌بخش ای یکتا ای بی‌نیاز ای نور ای

مُدَبِّرٌ، يَا فَرْدٌ يَا وَثَرٌ، يَا قُدُّوْسٌ يَا نَاصِرٌ، يَا مُوْنِسٌ يَا بَاعِثٌ، يَا وَاْرِثٌ يَا

مدیر کارها ای یگانه ای تنها ای پاکیزه ای یاور ای همدم ای برانگیزنده ای ارث‌برنده ای

عَالِمٌ، يَا حَاكِمٌ يَا بَادِیٌ، يَا مُتَعَالِیٌ يَا مُصَوِّرٌ، يَا مُسَلِّمٌ يَا مُتَحَبِّبٌ، يَا قَائِمٌ

دانا ای حکم کننده ای آغاز کننده ای برتر ای صورت بخش ای سلامت بخش ای دوستی‌ورز ای قائم به کار خلق

يَا دَائِمٌ، يَا عَلِیْمٌ يَا حَكِیْمٌ، يَا جَوَادٌ يَا بَارِیُّ، يَا بَارٌّ يَا سَارٌّ، يَا عَدْلٌ يَا

ای جاویدان ای دانا ای فرزانه ای بخشنده ای آفریننده ای نیکوکار ای شادی بخش ای دادگستر ای

فَاصِلٌ، يَا دِیَانَیٌ يَا حَنَّانٌ، يَا مَنَّانٌ يَا سَمِیْعٌ، يَا بَدِیْعٌ يَا خَفِیْرٌ، يَا مُغِیْرٌ يَا

جداکتنده ای جزا ده ای نعمت‌بخش ای عطابخش ای شنوا ای پدیدآورنده ای پناه ده ای تغییر دهنده ای

نَاشِرٌ، يَا غَافِرٌ يَا قَدِیْمٌ، يَا مُسَهِّلٌ يَا مُیَسِّرٌ، يَا مُمِیْتٌ يَا مُحِیٌ، يَا نَافِعٌ يَا

نشر دهنده ای آمرزنده ای قدیم ای آسان کننده ای هموارکننده ای میراننده ای زنده‌کننده ای سود ده ای

رَازِقٌ، يَا مُقْتَدِرٌ يَا مُسَبِّبٌ، يَا مُعِیْثٌ يَا مُعْنِیٌ يَا مُقْنِیٌ، يَا خَالِقٌ يَا رَاصِدٌ،

روزی ده ای با اقتدار ای سبب‌ساز ای فریادرس ای بی‌نیاز کننده ای دارای‌دهنده ای آفریننده ای نگهبان

يَا وَاحِدُ يَا حَاضِرُ، يَا جَابِرُ يَا حَافِظُ، يَا شَدِيدُ يَا غِيَاثُ، يَا عَائِدُ يَا

ای یگانه ای حاضر ای جبران‌کننده ای نگهدار ای استوار ای فریادرس ای ثروت ده ای

قَابِضُ، يَا مَنْ عَلا فَاسْتَعْلَى، فَكَانَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، يَا مَنْ قَرَّبَ فَدَنَا،

گیرنده ای که والایی و برتری و به دیدگاه اعلایی ای که نزدیکی و بسیار هم نزدیک

وَبَعْدَ فَنَائِي، وَ عَلِمَ السِّرَّ وَ أَخْفَى، يَا مَنْ إِلَيْهِ التَّدْبِيرُ وَ لَهُ الْمَقَادِيرُ، وَ يَا

و دور است و بسیار هم دور دانای سرّ و نهان ای که تدبیر امور با اوست و اندازه‌ها از اوست و ای

مَنْ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ [سَهْلٌ] يَسِيرٌ، يَا مَنْ هُوَ عَلَى مَا يَشَاءُ قَدِيرٌ، يَا مُرْسِلَ

که دشوار برای او سهل و آسان است ای که بر هرچه خواهد تواناست ای فرستنده

الرِّيَّاحِ، يَا فَالِقَ الْأَصْبَاحِ، يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّمَّاحِ، يَا

بادها ای شکافنده سیه صبح ای برانگیزاننده ارواح ای صاحب جود و سخاوت ای

رَادَّ مَا قَدْ فَاتَ، يَا نَاشِرَ الْأَمْوَاتِ، يَا جَامِعَ الشَّتَاتِ، يَا رَازِقَ مَنْ

برگرداننده آنچه از دست رفته ای زنده‌کننده مردگان ای گردآورنده پراکنده‌ها ای روزی ده

يَشَاءُ [يَغْيِرُ حِسَابِ]، وَ يَا فَاعِلَ مَا يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ، وَ يَا ذَا الْجَلَالِ

بی‌حساب بهر که خواهی و ای انجام دهنده هرچه خواهی بهر طور که خواهی و ای صاحب جلالت

وَالْأَكْرَامِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا حَيًّا حِينًا لِأَحَى، يَا حَيُّ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى،

و بزرگواری ای زنده ای پاینده ای زنده در آن هنگام که زنده‌ای نبود ای زنده کن مردگان

يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي صَلِّ

ای زنده که معبودی جز تو نیست پدیدآورنده آسمانها و زمین ای معبود من و آقای من درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَرْحَمَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَى

بر محمد و آل محمد و رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برکت ده بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ رَحِمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ

محمد و آل محمد چنانچه درود فرستادی و برکت دادی و رحمت فرستادی بر ابراهیم و آل

إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، وَ أَرْحَمُ ذَلِي وَ فَاقَتِي وَ فَقْرِي، وَ أَنْفِرَادِي

ابراهیم که برستی تویی ستوده و بزرگواری و رحم کن به خواری من و بیچارگیم و نداریم و تک

وَ وَحْدَتِي، وَ خُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ اعْتِمَادِي عَلَيْكَ، وَ تَضَرُّعِي إِلَيْكَ،

و تنهاییم و فروتنیم در برابرت و اعتمادی که بر تو دارم و زاریم به درگاهت

أَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ الذَّلِيلِ، الْخَاشِعِ الْخَائِفِ، الْمُسْتَفِقِ الْبَائِسِ،

تو را خواندن شخص فروتن خوار خاشع ترسان هراسان پریشان

الْمَهِينِ الْحَقِيرِ، الْجَائِعِ الْفَقِيرِ، الْعَائِدِ الْمُسْتَجِيرِ، الْمَقْرَّبِ بَدْنِهِ، الْمُسْتَعْفِرِ

بی مقدار کوچک گرسنه فقیر پناهنده پناه خواه معترف به گناه آمرزش خواه

مِنْهُ، الْمُسْتَكِينِ لِرَبِّهِ، دُعَاءَ مَنْ أَسْلَمَتْهُ ثِقَتُهُ، وَرَفَضَتْهُ أَحِبَّتُهُ،

از گناه درمانده و زاری کننده به درگاه پروردگار و خواندن شخصی که یاران مورد اعتمادش او را واگذارد و دوستانش او را رها کرده

وَ عَظَمَتْ فَجِيعَتُهُ، دُعَاءَ حَرِيقِ حَزِينٍ، ضَعِيفِ مَهِينٍ، بَائِسِ مُسْتَكِينٍ

و درد جانسوزش بزرگ گشته خواندن شخص دلسوخته غمگین ناتوان بی مقدار پریشان درمانده ای

بِكَ مُسْتَجِيرٍ، اَللّٰهُمَّ وَاسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِيكٌ، وَأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ،

که به تو پناه آورده خدایا از تو خواهم چون تویی فرمانروا و تو چنانی که هرکاری را بخواهی می شود

وَأَنَّكَ عَلَىٰ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ، وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ، وَ الْبَيْتِ

و تویی که بر هر چه بخواهی توانایی و از تو خواهم به حرمت این ماه محترم و خانه

الْحَرَامِ، وَ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، وَ الْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ، وَ بِحَقِّ

محترم (کعبه) و شهر محترم (مکه) و رکن و مقام و مشعرهای بزرگ (جاهای مناسک حج) و به حق

نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آلهِ السَّلَامِ، يَا مَنْ وَهَبَ لِأَدَمَ شَيْئًا، وَ لِإِبْرَاهِيمَ

پیامبرت محمد علیه و آله السلام ای که شیت را به آدم بخشیدی و اسماعیل و

إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ، وَ يَا مَنْ رَدَّ يُوْسُفَ عَلَىٰ يَعْقُوبَ، وَ يَا مَنْ كَشَفَ

اسحاق را به ابراهیم دادی و ای که یوسف را به یعقوب برگرداندی و ای که پس از

بَعْدَ الْبَلَاءِ ضَرَّ أَيُّوبَ، يَا رَادَّ مُوسَىٰ عَلَىٰ أُمِّهِ، وَ زَائِدَ الْخَضِرِ فِي عِلْمِهِ،

میتلا شدن ایوب ناراحتیش را برطرف کردی ای که موسی را به مادرش برگرداندی و دانش خضر را افزون کردی

وَ يَا مَنْ وَهَبَ لِداوُدَ سُلَيْمَانَ، وَ لِزَكَرِيَّا يَحْيَىٰ، وَ لِمَرْيَمَ عِيسَىٰ، يَا حَافِظَ

ای که دادی به داوود و سلیمان را و به زکریا یحیی را و به مریم عیسی را ای نگهدار

بِنْتِ شُعَيْبٍ، وَ يَا كَافِلَ وَ لِدِ أُمِّ مُوسَىٰ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

دختر شعیب ای کفالت کننده فرزند مادر موسی از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا، وَتُجِيرَنِي مِنْ عَذَابِكَ، وَتُوجِبَ لِي

محمد و گناهانم را ببامری و از عذاب خود مرا در پناه‌گیری و مرا مستوجب

رِضْوَانِكَ، وَ أَمَانِكَ وَ إِحْسَانِكَ، وَ غُفْرَانِكَ وَ جَنَانِكَ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُفَكِّ

خشنودی و ایمنی و احسان و آموزش و بهشت قرار دهی و از تو خواهم که باز کنی برایم

عَنِّي كُلَّ حَلْقَةٍ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ يُؤْذِينِي، وَ تَفْتَحَ لِي كُلَّ بَابٍ، وَ تَلِينَنِي لِي

هر حلقه‌ای که میان من و میان آزار کننده من است و بگشایی بروییم هر دری را و نرم کنی برایم

كُلَّ صَعْبٍ، وَ تُسَهِّلَ لِي كُلَّ عَسِيرٍ، وَ تُخْرِسَ عَنِّي كُلَّ نَاطِقٍ بِشَرٍّ،

هر دشواری را و آسان کنی برایم هر مشکلی را و لال کنی از من زبان هر بدگو را

وَ تَكْفَ عَنِّي كُلَّ بَاغٍ، وَ تَكْبِتَ عَنِّي كُلَّ عَدُوٍّ لِي وَ حَاسِدٍ، وَ تَمْنَعَ مِنِّي كُلَّ

و بازداری از من هر زورگو را و خوار کنی دشمنان و حسودان مرا و بازداری از من

ظَالِمٍ، وَ تَكْفِينِي كُلَّ عَائِقٍ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَاجَتِي، وَ يَحَاوِلُ أَنْ يَفْرِقَ

هر ستمگری را و کفایت کنی از من هر مانعی را که میان من و حاجتم حائل شود و بخواهد که

بَيْنِي وَ بَيْنَ طَاعَتِكَ، وَ يَثْبُطَنِي عَنْ عِبَادَتِكَ، يَا مَنْ أَلْجَمَ الْجِنَّ الْمُتَمَرِّدِينَ،

میان من و اطاعت تو را جدایی اندازد و از پرستش تو باز دارد ای که مهار کردی جنیان نافرمان را

وَ قَهَرَ عِتَاةَ الشَّيَاطِينِ، وَ أَدَلَ رِقَابَ الْمُتَجَبِّرِينَ، وَ رَدَّ كَيْدَ الْمُتَسَلِّطِينَ

و مقهور ساختی شیاطین سرکش را و گردن گردن‌کشان را به خواری کشاندی و نقشه‌های شوم مسلط‌شدگان

عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ، أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى مَا تَشَاءُ، وَ تَسْهِيكَ لِمَا

را از ناتوانها بازگرداندی از تو خواهم به حق تواناییت بر هر چه خواهی و آسان کردنت هر چه

تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ، أَنْ تَجْعَلَ قِضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ.

را بهر نحو که خواهی که قرار دهی برآوردن حاجتم را در هر چه خواهی.

آنگاه بر زمین سجده کن و دو طرف صورت را روی خاک (روی مهر) بگذار و بگو:

اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ، وَ بِكَ أَمَنْتُ، فَارْحَمْ ذَلِّي وَ فُاقَتِي، وَ اجْتِهَادِي

خدایا برای تو سجده می‌کنم و به تو ایمان دارم پس رحم کن به خواری من و نداریم و سعی و کوششم

وَ تَضَرُّعِي، وَ مَسْكِنَتِي وَ فَقْرِي إِلَيْكَ يَا رَبِّ.

و زاری و بیچارگی‌ام و نیازم به درگاهت ای پروردگار.

و کوشش کن که اشکی از چشمانت سرازیر شود، هر چند اندک باشد که این علامت استجابت دعاست.^۱



شب بیست و هفتم ماه رجب (شب مبعث): شب مبعث از شب‌های مهم سال و بسیار ارزشمند

است. و اعمالی برای این شب نقل شده است:

اول: غسل کردن در این شب مستحب است.^۲

دوم: «شیخ طوسی» در «مصباح المتهدج» روایتی را از امام جواد علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت

فرمود: «در ماه رجب، شمی است که از تمام آنچه که خورشید بر آن می‌تابد بهتر است و آن شب، شب

«بیست و هفتم» ماه رجب است؛ که در صبح این شب، رسول خدا صلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث گردید، و از

شیعیان ما هر کس در آن شب عملی را انجام دهد، پاداش آن به اندازه عمل شصت سال خواهد بود!».

از آن حضرت سؤال شد: چه عملی در آن شب بهتر است؟

فرمود: پس از نماز «عشا» وقتی که خوابیدی، پیش از نیمه شب، یا پس از نیمه آن از خواب

برمی‌خیزی و دوازده رکعت نماز می‌خوانی، در هر رکعتی، سوره «حمد» و یک سوره از سوره‌های کوچک

مفضل^۳ را می‌خوانی؛ آنگاه در هر دو رکعتی که سلام نماز را دادی، می‌نشینی و هفت مرتبه سوره «حمد»

و هفت مرتبه «معوذتین» (سوره فلق و ناس) و سوره‌های «توحید» و «کافرون» و سوره «قدر» و

«آیه الکرسی» را هر کدام هفت مرتبه می‌خوانی؛ پس از آن این دعا را می‌خوانی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ

ستایش خاص خدایی است که نگیرد فرزندی و نیست برای او در فرمانروایی شریکی و نیست

لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ، وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ عَرْكَ عَلِيٍّ

برایش یآوری از خواری و به بزرگی کامل بزرگش شمار خدایا از تو خواهم به حق چیزهایی که موجبات عزت بر

اَزْكَانِ عَرْشِكَ، وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ، وَيَا سَمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ

پایه‌های عرش می‌باشد و به حق سرحد نهایی رحمت از کتابت و به نام بزرگتر بزرگتر

الْاَعْظَمِ، وَذِكْرِكَ الْاَعْلَى الْاَعْلَى، وَبِكَلِمَاتِكَ التُّامَّاتِ، اَنْ

بزرگتر و به حق ذکرت که والاتر و برتر و اعلی است و به کلمات تام و تمامت که

۱. از روایتی که در زادالمعاد مرحوم مجلسی آمده، استفاده می‌شود که خواندن این دعا پس از روزه ایام البیض هر ماه، یا در سایر ایام متبّر که

بدون روزه نیز، در استجابت دعا مؤثر است (زادالمعاد، صفحه ۳۳). ۲. مصباح المتهدج، صفحه ۸۱۴.

۳. مرحوم محدث قمی، سوره‌های کوچک مفضل را به سوره محمد، تا آخر قرآن تفسیر کرده است؛ ولی در روایت اقبال و زاد المعاد آمده است که: منظور از آن، سوره یس به بعد است. (اقبال، صفحه ۶۷۰ و زاد المعاد، صفحه ۳۵).

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ.

درد فرستی بر محمد و آلش و انجام دهی درباره من آنچه را تو شایسته آنی.

آنگاه هر حاجتی که داری از خداوند طلب کن.^۱

سوم: دوازده رکعت نماز است که نحوه آن در اعمال شب نیمه رجب، (صفحه ۶۴۴) بیان شد.
چهارم: زیارت حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام در این شب، از افضل اعمال است. برای آن حضرت، در این شب سه زیارت نقل شده است که در بخش زیارات (زیارت امیرالمؤمنین در مبعث، صفحه ۳۰۹) گذشت.

کرامات قبر امیر مؤمنان علیه السلام در شب مبعث، به روایت ابن بطوطه^۲:

«ابن بطوطه» در سفرنامه خود، درباره کراماتی که در شب بیست و هفتم رجب، از حرم امیر مؤمنان علیه السلام دیده شده چنین نقل می‌کند:

همه مردم این شهر (نجف) شیعه‌اند و از این حرم، کرامت‌ها ظاهر می‌شود که منشأ عقیده مردم، به وجود قبر علی علیه السلام در آن جا، همین کرامت‌هاست. از جمله آن که، در شب بیست و هفتم ماه رجب که آن را «لیلة المحیا» می‌نامند، گروه بسیاری از سراسر عراق و فارس و روم بعد از نماز «عشا» در کنار روضه علی علیه السلام گرد می‌آیند و بیماران سخت، مثل افراد فلج و زمین‌گیر را کنار ضریح می‌گذارند و خود به نماز و ذکر و قرآن و زیارت، مشغول می‌شوند و چون پاسی از شب بگذرد، مریض‌ها شفا می‌یابند و صحیح و سالم می‌شوند و با ذکر لا اله الا الله، مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ وَ عَلِيٌّ وَ لِيُّ اللهِ، برمی‌خیزند، این حکایت در میان آنها بسیار معروف است. هرچند من خود، آن شب را درک نکردم، ولی داستان آن را از افراد مورد اعتماد شنیدم، همچنین در مدرسه حرم، سه تن از افراد زمین‌گیر را دیدم که یکی از «روم» آمده بود و دیگری از «اصفهان» و سوّمی از «خراسان» از حالشان جويا شدم، گفتند امسال به «لیلة المحیا» نرسیده‌اند و منتظرند تا سال آینده، این شب را درک کنند و شفا یابند، در این شب مردم از شهرهای مختلف در نجف جمع می‌شوند و بازار بزرگی نیز در آن شهر برپاست که تا ده روز ادامه دارد.^۳

البته هم‌اکنون نیز در مناسبت‌های گوناگون در حرم‌های ائمه اطهار علیهم السلام از جمله حرم امیر مؤمنان علیه السلام

۱. مصباح المتهجد، صفحه ۸۱۳ و اقبال، صفحه ۶۷۰ و زاد المعاد، صفحه ۳۵.

۲. محمد بن عبدالله، معروف به ابن بطوطه، عالم و سیاح معروف، اهل مراکش بوده و در قرن هشتم هجری می‌زیسته است؛ مدت سیاحت او سی سال طول کشید. او آنچه را در این مدت دیده بود، تدوین کرد که تحت عنوان «رحلة ابن بطوطه» منتشر شده و کتاب او به فارسی به نام «سفرنامه ابن بطوطه» ترجمه شده است.

۳. سفرنامه ابن بطوطه، جلد ۱، صفحه ۱۸۵ و انوار البهیة، صفحه ۸۰ (با اندکی تصرف).

و حرم امام رضا علیه السلام بیمارانی شفا می یابند که به یقین شما خوانندگان گرامی نیز از برخی از این کرامت‌ها و معجزات آگاهی دارید؛ و اخیراً در دفتر مخصوصی در آستانه‌های مقدسه، نام آنها پس از تحقیق کافی با تمام مشخصات ثبت می شود.

پنجم: مرحوم «کفعمی»، برای شب مبعث این دعا را نقل کرده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالتَّجَلِّيِ الْأَعْظَمِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُعْظَمِ،

خدایا از تو خواهم به حق بزرگترین تجلی (تو) در این شب از این ماه بزرگ

وَأَلْمُرْسَلِ الْمُكْرَمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا أَنْتَ بِهِ مِنَّا

و به حق آن فرستاده گرامی که درود فرستی بر محمد و آلش و بیماری برای ما آنچه را تو بدان از ما

أَعْلَمُ، يَا مَنْ يَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي لَيْلَتِنَا هَذِهِ، الَّتِي بِشَرَفِ

دانتری ای که می دانی و ما نمی دانیم خدایا مبارک گردان بر ما در این شبی که به واسطه شرافت

الرِّسَالَةِ فَضَّلْتَهَا، وَبِكِرَامَتِكَ أَجَلَلْتَهَا، وَبِالْمَحَلِّ الشَّرِيفِ أَحْلَلْتَهَا،

رسالت آن را فضیلت دادی و به کرامت خویش بزرگش کردی و به جای باشرافتی درش آوردی

اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَسْأَلُكَ بِالْمَبْعَثِ الشَّرِيفِ، وَالسَّيِّدِ اللَّطِيفِ، وَالْعُنْصُرِ الْعَفِيفِ،

خدایا پس از تو خواهیم به آن مبعث شریف و آن آقای بالطف و عنصرپارسا

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَجْعَلَ أَعْمَالَنا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي سَائِرِ

که درود فرستی بر محمد و آلش و قرار دهی اعمال ما را در این شب و در سایر

الليالي مقبولة، وَذُنُوبِنَا مَغْفُورَةً، وَحَسَنَاتِنَا مَشْكُورَةً، وَسَيِّئَاتِنَا

شبها پذیرفته درگاہت و گناهانمان را آمرزیده و نیکبهایمان را مورد قدردانی و بدبهایمان را

مَسْتُورَةً، وَقُلُوبِنَا بِحُسْنِ الْقَوْلِ مَسْرُورَةً، وَارْزَاقِنَا مِنْ لَدُنْكَ بِالْيُسْرِ

پوشیده و دلهايمان را به گفتار نیک خرسند و روزبهایمان را از نزد خود به آسانی

مَدْرُورَةً، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى وَلَا تُرَى، وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، وَإِنَّ إِلَيْكَ

فراوان، خدایا تو می بینی ولی خودت دیده نمی شوی و تو در بلندترین دیدگاهی و بطور مسلم بازگشت

الرُّجْعِي وَالْمُنْتَهِي، وَإِنَّ لَكَ أَلَمَاتٍ وَالْمَحْيَا، وَإِنَّ لَكَ الْآخِرَةَ

و پایان بسوی توست و مرگ و زندگی بدست توست و انجام

وَالْأُولَى، اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذَلَّ وَنَخْزَى، وَأَنْ نَأْتِيَ مَا عَنْهُ تَنْهَى،

و آغاز از آن توست خدایا ما به تو پناه می بریم ازخوار شدن و رسوایی و دست زدن به کاری که تو آن را قدغن کرده ای

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَنَسْتَعِيدُ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَأَعِدْنَا مِنْهَا

خدایا ما از تو درخواست بهشت را به رحمت داریم و پناه جوییم به تو از آتش دوزخ پس ما را به قدرت خویش

بِقُدْرَتِكَ، وَنَسْأَلُكَ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، فَارْزُقْنَا بِعِزَّتِكَ، وَاجْعَلْ أَوْسَعَ

از آتش پناه ده و از تو حور العین درخواست کنیم پس به عزت خویش روزیمان گردان و وسیعترین

أَرْزَاقِنَا عِنْدَ كَبِيرِ سِنِّنَا، وَ أَحْسَنَ أَعْمَالِنَا عِنْدَ اقْتِرَابِ أَجَالِنَا، وَ أَطْلُ فِي

روزی ما را در هنگام پیری ما قرار ده و بهترین اعمال ما را هنگام نزدیک شدن مرگمان مقرر دار و طولانی کن عمر ما را در

طَاعَتِكَ وَ مَا يُقَرِّبُ إِلَيْكَ، وَ يُحْظِي عِنْدَكَ، وَ يُزِلْفُ لَدَيْكَ أَعْمَارَنَا،

طاعت خود و در آنچه موجب تقرب درگاهت شود و سبب بهره‌مندی نزد تو و نزدیکی تو گردد

وَ أَحْسَنُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِنَا وَ أُمُورِنَا مَعْرِفَتِنَا، وَ لَا تَكِلْنَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ

و در تمام احوال و کارهای ما معرفتمان را کامل و نیکو گردان و ما را به هیچ یک از خلق

خَلْقِكَ فَيَمُنَّ عَلَيْنَا، وَ تَفْضُلُ عَلَيْنَا بِجَمِيعِ حَوَائِجِنَا لِلدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ،

خود وامگذار که بر سر ما منت گذارد و بر ما تفضل فرما به برآوردن تمام حاجتهای دنیا و آخرت ما

وَ أَبْدَأُ بِأَبَائِنَا وَ أَبْنَائِنَا، وَ جَمِيعِ إِخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْنَاكَ

و آغاز کن در تمام آنچه ما برای خودمان از توخواستیم برای پدران و فرزندانمان و همه برادران مؤمن

لِأَنْفُسِنَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ، وَ مُلْكِكَ

ما ای مهربانترین مهربانها خدایا از تو خواهیم به حق نام بزرگت و فرمانروایی

الْقَدِيمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظِيمَ،

دیرینهات که درود فرستی بر محمد و آل محمد و این‌که بیماریزای برای ما گناه بزرگ ما را

إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ، اللَّهُمَّ وَ هَذَا رَجَبُ الْمُكْرَمِ الَّذِي أَكْرَمْتَنَا

که برستی نیامزد بزرگ را مگر شخص بزرگ خدایا این ماه رجب است که گرامی است و همان ماهی است که ما را بدان گرامی

بِهِ، أَوَّلُ أَشْهُرِ الْحَرَمِ، أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ

داشته نخستین ماه محترمی است که ما را از میان همه امتها بدان گرامی داشتی پس ستایش خاص توست ای صاحب جود

وَ الْكَرَمِ، وَ أَسْأَلُكَ بِهِ وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، الْأَجَلُ الْأَكْرَمِ،

و بزرگواری پس از تو خواهیم بدین ماه و به حق نام اعظم و و اجل اکرم

الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ، فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ

تو که آن را آفریدی و در سایهات مستقر گردید و آن نام از تو به دیگری نرسد که درود فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَأَنْ تَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ

بر محمد و خاندان پاک او و قرار دهی ما را از کسانی که در این ماه به طاعت تو عمل کنیم

بِطَاعَتِكَ، وَالْآمِلِينَ فِيهِ لِشَفَاعَتِكَ، اَللّٰهُمَّ اهْدِنَا اِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ،

و آنان که در این ماه آرزوی شفاعت تو را دارند خدایا ما را به راه راست راهنمایی فرما

وَاجْعَلْ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ، فِي ظِلِّ ظَلِيلٍ، وَ مَلِكٍ جَزِيلٍ، فَإِنَّكَ

و قرار ده جایگاه ما را در نزد خود بهترین جایگاه در سایهٔ همیشگی رحمت و سلطنت باعظمتت زیرا که تو ما را

حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، اَللّٰهُمَّ اَقْلِبْنَا مُفْلِحِينَ مُنْجِحِينَ، غَيْرَ مَغْضُوبٍ

کافی هستی و نیکی وکیلی هستی خدایا ما را برگردان به حال رستگاری و کامیابی که نه در زمرهٔ غضبشدگان

عَلَيْنَا وَلَا ضَالِّينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ

باشیم و نه از جمله گمراهان به رحمت ای مهربانترین مهربانان خدایا از تو خواهم

بِعَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ، وَ بِوَاجِبِ رَحْمَتِكَ، السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ، وَالْغَنِيْمَةَ مِنْ

به حق وسایل حتمی آمرزشت و به آن رحمت که بر خویش واجب کردی که مرا از هر گناهی سالم داری و از هر نیکی

كُلِّ بَرٍّ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ، اَللّٰهُمَّ دَعَاكَ الدَّاعُونَ

بهرمند سازی و به بهشتم برسانی و از آتش دوزخ نجاتم بخشی خدایا خوانندگان تو را خوانند

وَدَعَوْتُكَ، وَ سَأَلَكَ السَّائِلُونَ وَ سَأَلْتُكَ، وَ طَلَبَ إِلَيْكَ الطَّالِبُونَ وَ طَلَبْتُ

و من نیز خواندمت و درخواست کنندگان از تو خواستند و من نیز از تو خواستم و چونندگان از تو جویا شدند و من

إِلَيْكَ، اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الثَّقَةُ وَالرَّجَاءُ، وَ اِلَيْكَ مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ وَ الدُّعَاءِ، اَللّٰهُمَّ

هم تو را جویا شدم خدایا تویی مورد اعتماد و امید و بسوی توست آخرین مرحلهٔ میل و اشتیاق و دعا خدایا

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالنُّورَ فِي بَصْرِي،

درود فرست بر محمد و آلش و بنه یقین را در دلم و روشنی در دیدم

وَ النَّصِيْحَةَ فِي صَدْرِي، وَ ذَكَرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَيَّ لِسَانِي، وَ رَزَقَا وَاسِعًا

و خیرخواهی در سینه‌ام و ذکر خود را در شب و روز بر زبانم و روزی وسیع

غَيْرَ مَمْنُونٍ، وَ لَا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِي، وَ بَارِكْ لِي فِيْمَا رَزَقْتَنِي، وَاجْعَلْ

بی‌منت و بی‌مانعی روزیم گردان و در آنچه نصیب کرده‌ای برکت ده و بی‌نیازی

غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَ رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مرا در نفس خودم قرار ده و اشتیاقم را بدانچه نزد توست به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

سپس به سجده برو و صد مرتبه بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِمَعْرِفَتِهِ، وَخَصَّنَا بِوِلَايَتِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَطَاعَتِهِ،

ستایش خاص خدایی است که ما را به معرفت خویش راهنمایی کرد و به دوستی خویش مخصوص گردانید و به طاعتش موفق داشت

شُكْرًا شُكْرًا.

خدا را شکر.

آنگاه سر از سجده بردار و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي قَصَدْتُكَ بِحَاجَتِي، وَاعْتَمَدْتُ عَلَيْكَ بِمَسْئَلَتِي، وَتَوَجَّهْتُ

خدایا من برای حاجتم تو را قصد کردم و در مورد خواسته‌ام بر تو اعتماد کردم و به وسیله پیشوایان و سرورانم

إِلَيْكَ بِأَيْمَتِي وَسَادَتِي، اللَّهُمَّ أَنْفَعْنَا بِحُبِّهِمْ، وَأَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ، وَأَرْزُقْنَا

بسوی تو رو آوردم خدایا به دوستی ایشان ما را سودمند کن و در جایگاه آنها واردمان کن و همنشینی ایشان را

مُرَاقَفَتَهُمْ، وَأَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ فِي زَمْرَتِهِمْ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

روزی ما گردان و در زمره آنان ما را داخل بهشت گردان به رحمت ای مهربانترین مهربانان.



روز بیست و هفتم ماه: بیست و هفتم رجب، روز مبعث است که روز بسیار شریف و با ارزشی است.

رسول خدا ﷺ هنگامی به رسالت مبعوث شد که مردم در جهالت و گمراهی به سر می‌بردند؛ آثار توحید از میان رفته و فروغ انسانیت خاموش گشته بود؛ عقاید مردم دستخوش خرافات و تحریفات گشته و اهداف والای انبیای پیشین، به فراموشی سپرده شده بود و بت پرستی، جنایت، زنده به گور کردن دختران، ظلم و بیدادگری، غارت و خونریزی، پایمال کردن حقوق ضعیفان و فحشا و منکرات، بر سراسر جزیره العرب حکومت می‌کرد.

مردم سایر کشورها نیز، هر کدام به نوعی گرفتار چندگانه پرستی بودند و محبت و عدالت از میانشان رخت بر بسته و فضایل و ارزش‌های انسانی به افول گراییده بود.

خداوند متعال، در چنین عصری، حضرت محمد ﷺ را برای هدایت بشر، به رسالت برگزید تا مردم را از بت پرستی و شرک، به توحید و خدا پرستی دعوت کند و آنان را از تاریکی گناه، و ظلمت‌های جهل، رهانیده و به سرچشمه ایمان و دانش، و پاکی و تقوا رهنمون گردد.

«مبعث» تحوّل شگرف در زندگی جامعه بشری و رستاخیزی عظیم در روح انسانها به وجود آورد و جا دارد که روز بعثت رسول خدا ﷺ را روز «توحید» و «احیای ارزشهای انسانی» بنامیم.

گرامی داشت این روز و تجلیل از رسول گرامی اسلام و تشکیل مجالس و محافل جشن و سرور، در حقیقت تجلیل از اهداف بلند آن معلم بشریت و اعلام وفاداری به توحید، نبوت و همه ارزشهای والایی است که از سوی نبی مکرم اسلام ﷺ به جامعه بشری عرضه شده است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام روز مبعث به عنوان شریفترین اعیاد یاد شده است.^۱ در هر حال بزرگان برای این روز، اعمالی ذکر کرده‌اند:

اول: غسل کردن در این روز مستحب است.^۲

دوم: روزه؛ این روز در میان روزهای سال یکی از چهار روزی است که روزه گرفتن آن فضیلت بسیار دارد و پاداش فراوانی برای آن نقل شده است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «هر کس در روز بیست و هفتم رجب روزه بگیرد، خداوند برای او پاداش روزه هفتاد سال را می‌نویسد».^۳

سوم: زیاد صلوات فرستادن.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «در این روز روزه می‌گیری و بر محمد و آتش زیاد صلوات می‌فرستی».^۴

چهارم: زیارت رسول خدا و امیر مؤمنان علیه السلام است.^۵

پنجم: دوازده رکعت نماز است.

از «ریان بن صلت» نقل شده است که هنگامی که امام محمد تقی علیه السلام در بغداد بود، روز نیمه رجب و روز بیست و هفتم رجب را روزه می‌گرفت و همه ملازمان و یاران آن حضرت نیز روزه گرفتند؛ آنگاه به ما فرمودند، دوازده رکعت نماز بجا آوریم (هر دو رکعت به یک سلام) که در هر رکعت، «حمد» و «سوره‌ای» بخوانیم و هنگامی که نمازها به پایان رسید، هر یک از سوره‌های حمد، توحید و معوذتین (فلق و ناس) را چهار مرتبه بخوانیم؛ آنگاه چهار مرتبه گفته شود:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛ و چهار مرتبه: اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا و چهار مرتبه: لَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا.^۶

۱. اقبال، صفحه ۶۷۳. ۲. مصباح‌المتهجّد، صفحه ۸۱۴.

۳. اقبال، صفحه ۶۷۳. (به همین مضمون چند روایت دیگر را نیز نقل کرده‌اند).

۴. همان مدرک، صفحه ۶۷۴ و زاد المعاد، صفحه ۴۰. ۵. زاد المعاد، صفحه ۴۰.

۶. مصباح‌المتهجّد، صفحه ۸۱۴، و زاد المعاد، صفحه ۴۰.

ششم: دوازده رکعت نماز دیگر:

«شیخ طوسی»، از حسین بن روح رضی الله عنه روایت کرده است که: در این روز دوازده رکعت نماز بجا می‌آوری و در هر رکعت حمد و هر سوره‌ای که خواستی می‌خوانی و پس از هر دو رکعت و سلام نماز، می‌خوانی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ

ستایش خاص خدایی است که فرزندی برای خود نگرفته و شریکی در فرمانروایی ندارد و

يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ، وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا، يَا عُدَّتِي فِي مُدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي

یاوری از خوار شدن ندارد (چون خواری ندارد) و به کمال بزرگی او را یاد کن ای توشه من در دوران عمرم ای رفیق من در

شِدَّتِي، يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، يَا غِيَاثِي فِي رَغْبَتِي، يَا نَجَاحِي فِي حَاجَتِي،

سختیم ای سرپرست من در نعمت ای فریادرس من در آنچه خواهم ای بر آرنده حاجتم

يَا حَافِظِي فِي غَيْبَتِي، يَا كَافِيَّ (كَافِي) فِي وَحْدَتِي، يَا نَسِيَّ فِي وَحْشَتِي،

ای نگهبان من در غیابم ای کفایت کننده‌ام در گوشه تنهایی ای همدم در وحشتم

أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ،

تویی پرده‌پوش عیبهای من پس ستایش تو راست و تویی نادیده گیرنده لغزشم پس ستایش تو را است

وَأَنْتَ الْمُنْعِشُ صِرْعَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَسْتُرُهُ

و تویی برخیزاننده من هنگام افتادنم پس ستایش تو راست درود فرست بر محمد و آل محمد و بیوشان

عَوْرَتِي، وَ آمِنُ رَوْعَتِي، وَ أَقْلُنِي عَثْرَتِي، وَ أَصْفَحَ عَن جُرْمِي، وَ تَجَاوَزُ

عیبم را و ایمنی بخش هراسم را و نادیده گیر لغزشم را و چشم بیوش از جرمم و بگذر

عَنْ سَيِّئَاتِي فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ، وَعَدَّ الصَّدَقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ.

از گناهانم در زمرة بهشتیان بدان وعده راستی که بدانها داده شده.

وقتی که نماز و دعا، پایان یافت، هر یک از سوره‌های حمد، اخلاص، معوذتین، کافرون، انا انزلناه و آیه الکرسی را هفت مرتبه می‌خوانی. سپس هفت بار می‌گویی: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ آنگاه هفت مرتبه می‌گویی: اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا؛ پس از آن، هرچه از خدا می‌خواهی طلب نما.^۱



۱. مصباح المتهجد، صفحه ۸۱۶ و اقبال، صفحه ۶۷۶. (در زادالمعاد، صفحه ۴۰، می‌گوید: این نماز، به سند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام نقل شده است).

هفتم: دعایی است که وقتی امام موسی بن جعفر علیه السلام را در روز ۲۷ رجب سال ۱۷۹ هجری از مدینه به سوی بغداد حرکت دادند، آن را خواند:

يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ وَالتَّجَاوُزِ، وَضَمَّنَ نَفْسَهُ الْعَفْوَ وَالتَّجَاوُزَ، يَا مَنْ عَفَى

ای که دستور داده به عفو و گذشت و خود او هم عفو و گذشت (از گنهکاران را) ضمانت کرده ای که عفو کرده

وَتَجَاوَزَ، أَعْفُ عَنِّي وَتَجَاوَزْ يَا كَرِيمَ، اللَّهُمَّ وَقَدْ أَكْدَى الطَّلَبُ، وَأَعَيْتِ

و گذشت فرمودی مرا مورد عفو و گذشت خویش قرار ده ای کریم خدایا جستجو به جایی نرسید و راه چاره

الْحِيلَةَ وَالْمَذْهَبُ، وَدَرَسْتَ الْأُمَالَ، وَأَنْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ، وَحَدَّكَ لَا

و رفتن بسته شد و آرزوها کهنه گشت و امید بریده شد جز از تو که یکتایی

شَرِيكَ لَكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أجدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً، وَمَنَاهِلَ

و شریکی نداری خدایا من بخوبی می‌یابم که راههای جستجو بسوی تو گشوده است و آبشخورهای

الرَّجَاءِ لَدَيْكَ مُثْرَعَةً، وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ لِمَنْ دَعَاكَ مُفْتَحَةً، وَالْإِسْتِعَانَةَ

امید در نزد تو پر از آب است و درهای دعا برای کسی که تو را بخواند باز است و یاریت

لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مُبَاحَةً، وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِدَاعِيكَ بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ، وَلِلصَّارِخِ

برای آن کس که از تو یاری خواهد آماده و مباح است و بخوبی می‌دانم که تو آماده اجابت دعای خوانندگان هستی و مهبای فریادرسای

إِلَيْكَ بِمَرَصِدِ إِغَاثَةٍ، وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ، وَالضَّمَانِ بَعْدَتِكَ عِوَضًا

فریادخواهان از درگاهت می‌باشی و این را هم می‌دانم که در پناهنده شدن به جود تو و اعتماد به وعده تو عوض کاملی

مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ، وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَثَارِينَ، وَأَنَّكَ لَا

از منع بخیلان و بی‌نیازی وسیعی است از آنچه در دست توانگران و ثروتمندان است و می‌دانم که تو

تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ

از خلق خویش در حجاب نشوی مگر آن‌که اعمال ایشان میان تو و ایشان حجاب قرا دهد و این را هم دانستم که

أَفْضَلَ زَادِ الرَّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ إِرَادَةِ يَخْتَارُكَ بِهَا، وَقَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ

بهترین توشه کسی که به سوی تو کوچ کند یک تصمیم جدی و نیرومندی است که تو را بدان اختیار کند و با چنین تصمیمی

قَلْبِي، وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ بِهَا رَاجٍ بَلَّغْتَهُ أَمَلَهُ، أَوْ صَارِخٍ إِلَيْكَ

دل من با تو به راز و نیاز پرداخته از تو خواهم به حق هر دعایی که تو را دعا کرده بدان شخص امیدواری که به آرزوی رسانده‌ای یا فریادخواهی که به

أَعْتَتْ صَرَخْتَهُ، أَوْ مَلْهُوفٌ مَكْرُوبٌ فَرَجَّتْ كَرْبَهُ، أَوْ مُذْنِبٌ خَاطِئٌ

درگاه تو فریادخواهی کرده و به داشت رسیده یا دلسوخته گرفتاری که تو گرفتارش را بر طرف کرده یا گنهکار خطایشه‌ای

غَفَرْتَ لَهُ، أَوْ مُعَافَىٰ أْتَمَمْتَ نِعْمَتَكَ عَلَيْهِ، أَوْ فَقِيرٌ أَهْدَيْتَ غِنَاكَ إِلَيْهِ،

که تو او را آمرزیده‌ای یا تندرستی که نعمت را بر او تمام کرده‌ای یا نداری که از توانگری خود به او داده‌ای

وَلِتِلْكَ الدَّعْوَةُ عَلَيْكَ حَقٌّ، وَعِنْدَكَ مَنَزِلَةٌ، إِلَّا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و چنین دعایی به درگاهت حقی پیدا کرده‌و در پیش تو منزلت و مقامی یافته که درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَقَضَيْتَ حَوَائِجِي حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَهَذَا رَجَبٌ

محمد و برآوری حاجاتم را حاجات دنیا و آخرت و این ماه رجب

الْمَرْجَبِ الْمُكْرَمِ، الَّذِي أَكْرَمْتَنَا بِهِ، أَوَّلَ أَشْهُرِ الْحُرْمِ، أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ

المرجب و ماه گرامی است آن ماهی که نخستین ماه محترم است و ما را بدان گرامی داشته‌ای از میان سایر

الْأُمَّمِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ، فَنَسْئَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ

امتها ای صاحب جود و کرم پس به حق این ماه از تو خواهیم و به حق نام اعظم تو ...آن

الْأَعْظَمِ، أَلَّا جَلُّ الْأَكْرَمِ، الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ، فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ

نام برتر و گرامی‌تری که آن را آفریدی پس در زیر سایه رحمت مستقر گردید و از تو به

إِلَىٰ غَيْرِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَتَجْعَلَنَا مِنْ

دیگری نرسد که درود فرستی بر محمد و خاندان پاکش و قرار دهی ما را از کسانی‌که

الْعَامِلِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ، وَالْأَمَلِينَ فِيهِ بِشَفَاعَتِكَ، اللَّهُمَّ وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ

در این ماه به طاعتت عمل کنیم و آنان‌که در این ماه آرزوی شفاعت را دارند خدایا ما را به راه راست هدایت فرما

السَّبِيلِ، وَاجْعَلْ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلِّ ظَلِيلٍ، فَإِنَّكَ حَسْبُنَا

و جایگاه ما را در پیش خود بهترین جایگاه در زیر سایه همیشگی‌ات قرار ده که برستی تو ما را بسی

وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَالسَّلَامُ عَلَيَّ عِبَادِهِ الْمُصْطَفَيْنِ، وَصَلَاتُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ،

و نیکو وکیلی هستی و سلام بر بندگان برگزیده‌اش و درود او بر ایشان

اللَّهُمَّ وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ، وَبِكِرَامَتِكَ جَلَّلْتَهُ،

همگی و نیز خدایا مبارک گردان برای ما در این روزی که آن را برتری دادی و به کرامت خویش آن

وَبِالْمَنْزِلِ الْعَظِيمِ الْأَعْلَىٰ أَنْزَلْتَهُ، صَلِّ عَلَيَّ مَنْ فِيهِ إِلَىٰ عِبَادِكَ أَرْسَلْتَهُ،

را بزرگ کردی و به جایگاه‌بزرگ والاتری آن را جای دادی درود فرست بر آن کس که او را در این ماه به سوی بندگانت

وَبِالْمَحَلِّ الْكَرِيمِ أَحَلَلْتَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً دَائِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْرًا،

فرستادی و او را به مقام بزرگی درآوردی خدایا درود فرست بر او درودی همیشگی که

وَلَنَا ذُخْرًا، وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا، وَاخْتِمْ لَنَا بِالسَّعَادَةِ إِلَى مُنْتَهَى

برای تو سپاسگزاری باشد و برای ما ذخیره‌ای و قرار ده برای ما در کارمان آسانی و تا پایان عمرمان با خوشبختی

آجَالِنَا، وَقَدْ قَبِلْتَ الْيُسْرَ مِنْ أَعْمَالِنَا، وَبَلَّغْنَا بِرَحْمَتِكَ أَفْضَلَ آمَالِنَا،

ما را مقرون دار و تو ای خدا برستی چنانی که اعمال اندک ما را پذیرفتی و به رحمت خویش ما را به

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.^۱

بهترین آرزوهایمان برسان همانا تو بر هر چیز توانایی و درود و تحیت خدا بر محمد و آلش باد.



روز آخر ماه: در این روز، نماز جناب سلمان را بجا می‌آوری (که چگونگی آن، در اعمال روز اول ماه رجب، صفحه ۶۴۱ گذشت).

همچنین روزه نیز در این روز پاداش فراوان دارد، امام رضا علیه السلام فرمود: «هر کس روز آخر ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند گناهایش را می‌آمرزد».^۲



۱. اقبال، صفحه ۶۷۷ و مصباح المتبهج، صفحه ۸۱۴ و زاد المعاد، صفحه ۴۱ (با اندکی تفاوت).

۲. اقبال، صفحه ۶۸۲.

فصل هشتم ماه شعبان المعظم

تقویم این ماه:

سوم ماه: ولادت با سعادت امام حسین علیه السلام است.

به گفته «شیخ طوسی» در «مصباح»، ولادت آن حضرت - طبق روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام - در روز پنج‌شنبه، سوم شعبان واقع شده است.^۱ (سال سوم هجری).

چهارم ماه: بنا بر قولی، ولادت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است. (سال ۲۶ هجری).^۲

پنجم ماه: بنا بر قولی، ولادت امام زین‌العابدین علی بن الحسین علیه السلام است. (سال ۳۸ هجری).^۳

پانزدهم ماه: میلاد مسعود منجی عالم بشریت، حضرت حجة بن الحسن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد که در سال ۲۵۵، در «سامرا» واقع شد.^۴

فضیلت ماه شعبان:

ماه شعبان یکی از عزیزترین ماه‌های اسلامی و یادآور خاطره‌های بزرگ است که از همه مهم‌تر، خاطره میلاد مبارک سالار شهیدان کربلا، امام حسین علیه السلام (در سوم ماه) و میلاد فرخنده حضرت بقیة الله مهدی منتظر علیه السلام (در پانزدهم ماه) است که فضای این ماه را به بوی ولایت عطرآگین ساخته است.

در فضیلت این ماه، همین بس که ماه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نامیده شده و هنگامی که آن حضرت هلال ماه را مشاهده می‌کرد، دستور می‌داد، کسی در سراسر مدینه ندا دهد که: ای مردم! این ماه، ماه من است، خدا رحمت کند کسی که مرا بر ماه من یاری دهد، یعنی آن را روزه بدارد!^۵

مرحوم محدث قمی، حدیثی را از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام در فضیلت روز اول ماه شعبان نقل فرموده که در واقع مربوط به تمام ماه شعبان است، این حدیث بسیار پر معنا و در عین حال بسیار مفصل است که ایشان آن را تلخیص کرده و ما هم به ملاحظه حال خوانندگان بار دیگر، آن را خلاصه می‌کنیم؛ خلاصه حدیث چنین است:

۱. مصباح المتهجد، صفحه ۸۲۶.

۲. زندگانی حضرت ابوالفضل العباس، صفحه ۲۲.

۳. بحارالانوار، جلد ۴۶، صفحه ۱۴، جمعی از علما، ولادت آن حضرت را نیمه ماه جمادی الاول و جمعی نیز نیمه جمادی الثانی ذکر کرده‌اند، برای آگاهی بیشتر به بحارالانوار، جلد ۴۶، صفحه ۱۲ - ۱۵ مراجعه شود.

۴. بحارالانوار، جلد ۵۱، صفحه ۴ و ۱۹ و ۲۳ و ۲۸.

۵. مصباح المتهجد، صفحه ۸۲۵.

امیر مؤمنان علی علیه السلام روز اوّل ماه شعبان، گروهی را مشاهده کرد که در مسجد نشسته‌اند و سخنان بیهوده و ناآگاهانه، دربارهٔ قضا و قدر می‌گویند و صدای جار و جنجالشان فضا را پر کرده؛ فرمود: این‌گونه سخنان را رها کنید! امروز روز اوّل ماه شعبان است، و از این نظر شعبان نامیده شده، که مرکز شعبه‌ها و شاخه‌های خیرات و نیکی‌هاست، شعبه‌های خیراتِ نماز، روزه، زکات، امر به معروف و نهی از منکر و نیکی به پدر و مادر و همسایگان و صدقه به نیازمندان و اصلاح در میان مردم و مانند آن است.

سپس امام علیه السلام به حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله اشاره کرد که خلاصه‌اش چنین است:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: روز اوّل ماه شعبان که می‌شود، خداوند امر می‌کند درهای بهشت باز شود و دستور می‌دهد به درخت «طوبی»^۱ که شاخه‌هایش را به مردم دنیا نزدیک کند، و منادی از سوی پروردگار صدا می‌زند که این شاخه‌های درخت «طوبی» در دسترس شماست، به آنها بیاویزید که شما را به سوی بهشت می‌برد، و از شاخه‌های درخت «زقوم» بپرهیزید و به آن چنگ نزنید که شما را به سوی دوزخ می‌کشاند. سپس افزود: به خدایی که مرا به رسالت برگزیده سوگند! که هر کس در این روز به سراغ یکی از کارهای خیر برود، به یکی از شاخه‌های درخت «طوبی» درآویخته و او را به سوی بهشت می‌کشاند؛ و هر کس به سراغ یکی از کارهای شرّ برود، به یکی از شاخه‌های درخت «زقوم» چنگ زده و او را به سوی دوزخ می‌کشاند.

سپس آن حضرت، نمونه‌هایی از اسباب چنگ زدن به شاخه‌های درخت «طوبی» را برشمرد و فرمود: هر کس (علاوه بر نمازهای واجب) در این روز، نماز مستحبی بخواند، یا روزه بگیرد، یا میان دو همسر، یا پدر و مادر و فرزند، یا خویشاوندان، یا همسایگان، صلح و صفا ایجاد کند، به یکی از شاخه‌های درخت «طوبی» درآویخته است!

همچنین کسی که بدهی خود را به مردم ادا کند، یتیمی را کفالت نماید یا سبک مغزی را از تعرض به آبرو و ناموس مردم بازدارد، و کسی که قرآن بخواند؛ یا شکر نعمت‌های او را بجا آورد، بیماری را عیادت کند؛ به پدر و مادر نیکی نماید؛ مؤمنی را تشییع جنازه کند و یا هر کار خیر دیگری انجام دهد؛ به یکی از شاخه‌های درخت «طوبی» آویخته است.

سپس افزود: قسم به آن کس که مرا به نبوت مبعوث کرد، هر کس به سراغ دری از درهای شرّ و گناه در این ماه برود، به یکی از شاخه‌های درخت «زقوم» آویخته که او را به آتش می‌کشاند؛ کسی که در نماز

۱. طبق برخی از روایات، درخت «طوبی» درختی است که در بهشت می‌روید و ریشهٔ آن در خانهٔ رسول خداست و شاخه‌هایی در خانه‌های مؤمنان دارد و هر چیزی را که بهشتیان میل داشته باشند آن شاخه‌ها برایشان فراهم می‌سازند (بحارالانوار، جلد ۸، صفحه ۱۱۲ - ۱۱۸) و درخت «زقوم» بنا بر تصریح قرآن کریم (سورهٔ صافات، آیه ۶۲ - ۶۶) درختی است که ریشه‌اش در دوزخ است و خداوند آن را برای ظالمان و ستمگران قرار داده است.

واجب خود کوتاهی نماید، یا نیازمندی نزد او آید، و شرح بیچارگی خود را بدهد و او توان حلّ مشکل آن نیازمند را داشته باشد، ولی کوتاهی کند، و دست او را نگیرد؛ یا عذر بدهکار بیچاره‌ای را نپذیرد، یا میان دو همسر، یا پدر و فرزند، یا خویشاوندان و همسایگان و دیگر مؤمنان، اختلاف و نفاق بیندازد؛ یا بدهی خود را به مردم انکار کند؛ یا از رسیدگی به کار یتیمان، خودداری نماید؛ یا به سراغ خوانندگی‌های مجالس لہو و فساد برود؛ یا ظلم‌ها و گناهان خویش را بشمرد و به آن افتخار کند؛ یا از همسایه بیمارش عیادت نکند، یا پدر و مادرش را از خود، ناخشنود سازد... همه اینها سبب درآویختن به شاخه‌های درخت «زقوم» است که انسان را به جهنم می‌برد.^۱

این حدیث شریف و پرمعنا، راه‌های سعادت و شقاوت را با ذکر یک مثال معنوی به روشنی بیان کرده، و طُرُق خودسازی و تهذیب نفس، و خدمت به خلق و عبودیت خالق را، در این ماه مشخص نموده است، و همچنین نسبت به اسباب بدبختی و محرومیت از سعادت هشدار داده است که برای همه ماههای سال راهگشاست؛ به ویژه در ماه شعبان که سرآغاز حرکت جدیدی به سوی نیکی‌ها و پاکی‌هاست.

اعمال ماه شعبان

اعمال ماه شعبان نیز بر دو گونه است:

اعمال مشترک این ماه:

۱- روزه؛ درباره روزه مستحبی در این ماه بسیار تأکید شده است. رسول گرامی اسلام ﷺ این ماه را روزه می‌گرفت و آن را به ماه مبارک رمضان وصل می‌کرد.^۲

روایات فراوانی درباره روزه ماه شعبان وارد شده است که مختصری از آنها را نقل می‌کنیم:

الف) رسول خدا ﷺ فرمود: «شعبان ماه من است و رمضان ماه خداست؛ هر کس یک روز از ماه مرا روزه بدارد، من در قیامت شفیع او خواهم بود و هر کس، دو روز از آن را روزه بگیرد، خداوند گناهان گذشته‌اش را می‌آمرزد و هر کس که سه روز روزه بدارد، به او گفته می‌شود (از گناهان پاک شده‌ای) اعمالت را از ابتدا شروع کن».^۳

ب) از امام صادق علیه السلام روایت شده است که چون ماه شعبان داخل می‌شد، امام زین‌العابدین علیه السلام اصحاب خود را جمع می‌کرد و می‌فرمود: ای یاران من! می‌دانید این چه ماهی است؟ این ماه شعبان است، رسول خدا ﷺ می‌فرمود: شعبان ماه من است پس برای محبت به پیامبر صلی الله علیه و آله، و برای تقرب به

۱. تفسیر امام حسن عسکری، صفحه ۶۳۵ به بعد، (در تفسیر آیه ۲۸۲ سوره بقره).

۲. اقبال، صفحه ۶۸۴.

۳. همان مدرک.

پروردگار خود، این ماه را روزه بدارید، به حق آن خدایی که جان علی بن الحسین علیه السلام در دست اوست سوگند یاد می‌کنم که از پدرم حسین بن علی علیه السلام شنیدم فرمود: از امیرمؤمنان علیه السلام شنیدم که: هر کس ماه شعبان را برای محبت به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و تقرب به خداوند روزه بگیرد، خداوند او را دوست می‌دارد و به کرامت خویش در روز قیامت نزدیک می‌کند، و بهشت را بر او واجب می‌گرداند.^۱

ج) صفوان جمّال می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: کسانی را که در اطراف و نواحی تو هستند به روزه در ماه شعبان وادار کن! گفتم: فدایت شوم آیا در فضیلت آن چیز مهمتی وجود دارد؟ فرمود: آری، رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که هلال ماه شعبان را می‌دید، فرمان می‌داد که منادی در مدینه ندا دهد و بگوید: ای اهل یترب! من فرستاده خدا به سوی شمایم؛ آگاه باشید که شعبان ماه من است، پس خداوند رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر این ماه (یعنی آن را روزه بدارد) سپس امام علیه السلام در ادامه فرمود: امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرمود: از زمانی که این سخن را از منادی رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم، هرگز روزه ماه شعبان از من فوت نشد و تا زمانی که زنده‌ام نیز از من فوت نخواهد شد ان شاء الله.^۲ (البته آنها که نمی‌توانند همه ماه را روزه بگیرند، خوب است هر مقدار را که می‌توانند، روزه بگیرند).

۲- طبق روایت امام صادق علیه السلام هر روز هفتاد مرتبه بگوید: **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ.**^۳

۳- هر روز هفتاد مرتبه بگوید: **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.**^۴

از روایات استفاده می‌شود که بهترین ذکرها در این ماه استغفار است و هر کس هر روز از این ماه هفتاد مرتبه استغفار کند، مثل آن است که در ماههای دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار کرده است.^۵

۴- صدقه دادن و کمک به نیازمندان در این ماه فضیلت فراوان دارد. راوی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: یا بن رسول الله! بهترین اعمال در این ماه کدام است؟ فرمود: صدقه دادن و استغفار. هر کس در ماه شعبان صدقه دهد، خداوند متعال، صدقه او را پرورش می‌دهد همچنان که شما شتربچه‌ای را پرورش می‌دهید، و در قیامت به صاحبش می‌رسد، در حالی که به اندازه کوه اُخُد بزرگ شده باشد!^۶

در روایت دیگری از امام رضا علیه السلام آمده است که صدقه در این ماه سبب نجات از آتش دوزخ است.^۷

۵- صلوات بر پیامبر و آتش علیه السلام در این ماه ثواب زیادی دارد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده

است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شعبان ماه من است، در این ماه بر من و آل من، بسیار صلوات بفرستید.^۸

۱. زاد المعاد، صفحه ۴۷، ۲. اقبال، صفحه ۶۸۳ و مصباح المتهجد، صفحه ۸۲۵.

۳. زاد المعاد، صفحه ۴۹.

۴. همان مدرک.

۵. همان مدرک.

۶. اقبال، صفحه ۶۸۵.

۷. همان مدرک، صفحه ۴۹.

۸. زاد المعاد، صفحه ۴۷.

۶- در تمام این ماه، هزار بار بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ لَنْعَبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است: کسی که چنین کند؛ در قیامت در حالی از قبرش خارج می‌شود که چهره‌اش مثل ماه شب بدر (شب چهاردهم) می‌درخشد.^۱

۷- در هر پنجشنبه ماه شعبان، دو رکعت نماز بگزارد؛ در هر رکعت بعد از سوره «حمد» صد مرتبه، سوره «توحید» را بخواند و پس از سلام، صد بار صلوات بفرستد. در روایتی که امیر مؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده، آمده است که هر کس این نماز را بگزارد خداوند هر حاجتی از حاجت‌های دینی و دنیوی که داشته باشد، برآورده سازد و هر کس آن روز را روزه بدارد، خداوند جسدش را بر آتش دوزخ حرام کند.

در همین روایت، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در هر روز پنجشنبه از ماه شعبان، آسمانها را زینت می‌کنند، و فرشتگان عرض می‌کنند: خداوند! روزه‌داران این ماه را بیمارز و دعایشان را مستجاب گردان!^۲

۸- در هر روز از ماه شعبان در وقت ظهر و در شب نیمه آن، این صلوات را که از امام سجاد علیه السلام نقل شده بخواند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، شَجَرَةَ النُّبُوَّةِ، وَ مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ،

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد درخت نبوت و جایگاه رسالت

وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَ مَعْدِنِ الْعِلْمِ، وَ أَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و محل رفت و آمد فرشتگان و معدن دانش و خاندان وحی خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْفَلَكِ الْجَارِيَةِ فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ، يَا مَنْ مِنْ رَكِبِهَا،

محمد و آل محمد کشتی جاری در اقیانوسهای بیکران ایمن شود هر که سوار آن کشتی گردد

وَ يَغْرَقُ مَنْ تَرَكَهَا، الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ، وَ الْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ، وَ اللَّازِمُ

و غرق شود کسی که آن را واگذارد، هر که بر ایشان تقدم جوید از دین بیرون رفته و کسی که از ایشان عقب ماند به نابودی گراید

لَهُمْ لَأَحَقُّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْكَهْفِ الْحَصِينِ،

ولی ملازم ایشان به حق خواهد رسید خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد آن پناهگاه محکم

وَ غِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ، وَ مَلْجَأِ الْهَارِبِينَ، وَ عِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ،

و فریادرس بیچاره درمانده و پناه گریختگان و دستاویز محکم برای وسیله‌جویان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً كَثِيرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضًا، وَلِحَقًّا

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد درود بسیاری که موجب خشنودی ایشان گردد و حق

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آدَاءً وَقَضَاءً، بِحَوْلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ

محمد و آل محمد اداء گشته و انجام وظیفه ما شده باشد به جنبش و نیروی تو ای پروردگار جهانیان خدایا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الطَّيِّبِينَ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ، الَّذِينَ أَوْجَبَتْ

درود فرست بر محمد و آل محمد آن پاکان نیکوکار برگزیده آن کسانی که

حَقُوقَهُمْ، وَفَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَوَلَّيْتَهُمْ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

حقوقشان را واجب کردی و اطاعت و دوستیشان را فرض نمودی خدایا درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ، وَلَا تُخْرِزْنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَارْزُقْنِي مُوَاَسَاةَ

محمد و آباد کن دل مرا به اطاعت خود و به وسیله نافرمانیت رسوایم مکن و روزی من گردان که

مَنْ قَتَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ، بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَنَشَرْتَ عَلَيَّ

کمک مالی دهم بر کسی که روزیت را بر او تنگ کردی بوسیله آنچه بر من فراخ گرداندی از فضل خویش و گستردی بر من

مِنْ عَدْلِكَ، وَأَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ، وَهَذَا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ، شَعْبَانَ

از عدل خویش و مرا در زیر سایهات زنده داشتی و این ماه پیمبرت و آقای رسولات ماه شعبان است که

الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ، الَّذِي كَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

اطراف آن را به رحمت و خشنودی خود پوشاندی آن ماهی که رسول خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَالْأَهْلِ وَسَلَّمَ، يَدَّابُ فِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ، فِي لَيَالِيهِ وَأَيَّامِهِ، بِخَوْعَا لَكَ

علیه و آله و سلم کوشش بسیار داشت در روزهو شب زندهداریش هم در شبها و هم در روزهایش بخاطر فروتنی

فِي إِكْرَامِهِ وَإِعْظَامِهِ إِلَى مَحَلِّ حِمَامِهِ، اللَّهُمَّ فَاعِنَا عَلَى الْإِسْتِنَانِ

در برابر تو در مورد گرمی داشتن و بزرگداشتنش همچنان تا هنگام مرگش خدایا یس ما را کمک ده تا

بِسُنَّتِهِ فِيهِ، وَنَيْلِ الشَّفَاعَةِ لَدَيْهِ، اللَّهُمَّ وَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعًا مُشَفَّعًا،

روش او را در این ماه پیروی کنیم و به شفاعتی که نزد اوست برسیم خدایا قرار ده او را برای من شفیع پذیرفته

وَطَرِيقًا إِلَيْكَ مَهْيَعًا، وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعًا، حَتَّى الْفَاكِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَنِّي

و راهی بسویت که همواره باشد و مرا پیرو او گردان تا به جایی که در روز قیامت تو را در

رَاضِيًا، وَعَنْ ذُنُوبِي غَاضِيًا، قَدْ أَوْجَبَتْ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ،

حالی دیدار کنم که از من خشنود باشی و گناهانم را نادیده گیری و برای من واجب کرده باشی از جانب خود رحمت و خشنودی را و

وَأَنْزَلْتَنِي دَارَ الْقَرَارِ، وَ مَحَلَّ الْأَخْيَارِ. ۱

مرا در خانهٔ همیشگی (بهشت جاویدان) و منزلگاه نیکان فرود آری.

۹- مناجات شعبانیّه

به گفتهٔ عالم بزرگوار مرحوم «سید بن طاووس» در کتاب «اقبال» این مناجات را امیرمؤمنان علی علیه السلام و فرزندانش - علیهم آلف التحیة و السلام - در ماه شعبان می‌خواندند.

از این تعبیر به خوبی روشن می‌شود که این مناجات اهمیّت فراوان دارد که همهٔ ائمهٔ معصومین علیهم السلام بر آن مداومت داشتند و مطالعهٔ محتوای آن نیز گواه بر اهمیّت فوق العادهٔ آن است و در واقع یک دوره عرفان اسلامی در بالاترین سطح در آن منعکس شده و اگر انسان مفاهیم این مناجات عظیم را در درون قلب و جان خود پیاده کند، مقامات طولانی سیر و سلوک الی الله را پیموده است.

آنچه مهم است دقت در بندند این مناجات و تعبیرات لطیف و عالی آن و سپس هماهنگ ساختن روح و فکر با این تعبیرات است.

از خدا می‌خواهیم که همهٔ ما را اهل این مناجات قرار دهد و از متخلّفان آن سازد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ، وَ اسْمَعْ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بشنو دعایم را هنگامی که تو را خوانم و بشنو

نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ، وَ اقْبَلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ، فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ، وَ وَقَفْتُ بَيْنَ

صدایم را هر گاه تو را صدا زدم و رو به من کن هرگاه با تو راز گویم زیرا من به سوی تو گریختم و پیش رویت

يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا لَكَ، مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ، رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ ثَوَابِي، وَ تَعَلَّمُ مَا فِي

ایستادم در حال بیچارگی و فروتنی به درگاهت و امیدوارم ثوابم را که در پیش توست و تو آنچه را من در دل دارم می‌دانی

نَفْسِي، وَ تَخْبِرُ حَاجَتِي، وَ تَعْرِفُ ضَمِيرِي، وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِي

و حاجتم را آگاهی و از نهادم باخبری و سرانجام کار و سرمنزل من بر تو روشن است

وَ مَثْوَايَ، وَ مَا أَرِيدُ أَنْ أَبْدِيَ بِهِ مِنْ مَنْطِقِي، وَ اتَّقُوهُ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي، وَ أَرْجُوهُ

و نیز آنچه را می‌خواهم از گفتارم بدان لب گشایم و آن طلبی را که می‌خواهم به زبان آرم و امید آن را

لِعَاقِبَتِي ۲، وَ قَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ

برای سرانجام کارم دارم، ای آقای من مقدرات تو بر من جاری گشته در آنچه از من تا آخر

۱. مصباح‌المتنهجد، صفحهٔ ۸۲۸ و اقبال، صفحهٔ ۶۸۷ (با اندکی تفاوت).

۲. در اقبال «لعافیتی» آمده است.

عُمْرِي، مِنْ سَرِّرَتِي وَعَلَانِيَتِي، وَبِيَدِكَ لَا بِيَدِ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَتَقْصِي،

عمر سر زند چه از کارهای پنهانم و چه آشکارم و بدست توست نه به دست دیگری کم و زیاد شدن

وَنَفْعِي وَضَرِّي، إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي، وَإِنْ خَذَلْتَنِي

و سود و زیان من خدایا اگر توام محروم کنی پس کیست که روزیم دهد و اگر تو خوارم کنی

فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي، إِلَهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَحُلُولِ سَخَطِكَ،

پس کیست که یاریم دهد خدایا پناه برم به تو از خشمت و فرو ریختن عذابت

إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ، فَانْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ

خدایا اگر من شایستگی رحمت تو را ندارم ولی تو شایسته آنی که از زیاده بخششت به من احسان کنی

سِعَتِكَ، إِلَهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي وَأَقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَقَدْ أَظْلَمْتُ حُسْنَ تَوْكَلِي

خدایا خود را چنان می‌نگرم که گویا در برابرت ایستاده و آن توکل نیکویی که

عَلَيْكَ، فَقُلْتَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَتَعَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ، إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلِي

بر تو دارم بر سر من سایه افکنده و تو نیز آنچه را شایسته آنی درباره من فرموده و مرا در سرابده عفو خویش پوشانده‌ای خدایا اگر بگذری پس کیست که

مِنْكَ بِذَلِكَ، وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُدْنِنِي مِنْكَ عَمَلِي، فَقَدْ جَعَلْتُ

از تو بدین کار سزاوارتر باشد و اگر مرگم نزدیک شده و عملم مرا به تو نزدیک نکرده من به ناچار

الْأَقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسَيْلَتِي، إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا،

اقرار می‌دهم اقرار به گناه را وسیله خویش به درگاهت خدایا من بر خویشتم ستم کردم در آن توجهی که بدان کردم

فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا، إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بَرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي، فَلَا تَقْطَعْ

پس وای بر او اگر نیامرزش خدایا پیوسته در دوران زندگی نیکی تو بر من می‌رسد پس

بَرُّكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي، إِلَهِي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي،

نیکیت را در هنگام مرگ نیز از من مگیر خدایا من چگونه مأیوس شوم از این‌که پس از مرگ مورد حسن نظر تو واقع گردم

وَأَنْتَ لَمْ تُؤَلِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي، إِلَهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ

در صورتی‌که در دوران زندگیم جز به نیکی سرپرستم نکردی خدایا سرپرستی کن کار مرا چنانچه تو

أَهْلُهُ، وَعُدُّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مُذِنٌ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ، إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ

شایسته آنی و توجه کن بر من به فضل خویش که همچون گنهکاری هستم که نادانیش سراپا او را فراگرفته خدایا براستی تو

عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا، وَ أَنَا أَحْوَجُ إِلَى سِتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَةِ،

گناهانی را در دنیا بر من پوشاندی که من به پوشاندن آنها در آخرت محتاج‌ترم (در دنیا پوشاندی)

إِلَهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ،

با این‌که آشکارش نکردی برای هیچ یک از بندگان شایسته‌ها

فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَلَى رُؤْسِ الْأَشْهَادِ، إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِي،

ای خدا پس در روز قیامت در برابر دیدگان مردم مرا رسوا مکن خدایا جود و بخششت آرزویم را گستاخ کرده

وَعَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي، إِلَهِي فَسِّرْ لِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضَى فِيهِ بَيْنَ

و گذشت تو برتر است از عمل من خدایا مرا در آن روزی که میان بندگانت دآوری کنی به دیدارت مسرور ساز

عِبَادِكَ، إِلَهِي اعْتَذَارِي إِلَيْكَ اعْتِذَارٌ مَنْ لَمْ يَسْتَعِنْ عَنْ قَبُولِ عُدْرِهِ،

خدایا عذرخواهی من به درگاهت عذرخواهی کسی است که بی‌نیازشده از پذیرفتن عذرش

فَأَقْبَلْ عُدْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ، إِلَهِي لَا تَرُدَّ حَاجَتِي،

بس عذر مرا بپذیر ای بزرگواریترین کسی‌که گنهکاران به درگاهش معذرت خواهی کنند خدایا حاجتم را بازگردان

وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي، وَلَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي وَأَمَلِي، إِلَهِي لَوْ أَرَدْتُ

و طمعم را به نومیدی مکشان و امید و آرزویم را از درگاهت قطع مفرما خدایا اگر خواری

هُوَ انِي لَمْ تَهْدِنِي، وَلَوْ أَرَدْتُ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي، إِلَهِي مَا أَظُنُّكَ تَرُدُّنِي

مرا خواسته بودی راهنمایی نمی‌کردی و اگر رسواییم را می‌خواستی تندرستیم نمی‌دادی خدایا گمان ندارم که مرا بازگردانی

فِي حَاجَةٍ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي طَلِبِهَا مِنْكَ، إِلَهِي فَلِكِ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا

در مورد حاجتی که عمر خویش را در خواستن آن از تو سپری کردم خدایا ستایش خاص توست ستایش ابدی

دَائِمًا سَرْمَدًا، يَزِيدُ وَلَا يَبِيدُ، كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي

جاویدان همیشگی که فزون شود ولی کم نگردد بدان نحو که دوست‌داری و خشنود شوی خدایا اگر مرا

بِجُرْمِي أَخَذْتِكَ بِعَفْوِكَ، وَإِنْ أَخَذْتَنِي بِذُنُوبِي أَخَذْتِكَ بِمَغْفِرَتِكَ، وَإِنْ

به جایتیم مأخوذ داری من هم تو را به عفو بگیرم و اگر به گناهم بگیری من هم تو را به آمرزش بگیرم و اگر به

أَدْخَلْتَنِي النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِي أَحِبُّكَ، إِلَهِي إِنْ كَانَ صَغْرٌ فِي جَنْبِ

دوزخم ببری بدوزخیان اعلام می‌کنم که من تو را دوست دارم خدایا اگر عمل من در جنب

طَاعَتِكَ عَمَلِي، فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي، إِلَهِي كَيْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ

اطاعت تو کوچک است ولی آرزویم در کنار امید تو بزرگ است خدایا چگونه من از

عِنْدِكَ بِالْخَيْبَةِ مَحْرُومًا، وَقَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبَنِي

پیش تو محروم برگردم با این‌که چنان حسن ظنی من به جود و بخششت داشتم که مرا مورد رحمت خویش قرار داده

بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا، إِلَهِي وَقَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي شِرَّةِ السَّهْوِ عَنكَ،

با نجات بازم خواهی گرداند خدایا من عمرم را در حرص غفلت از تو سپری کردم و

وَأَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ التَّبَاعُدِ مِنْكَ، إِلَهِي فَلَمْ أَسْتَيْقِظْ أَيَّامَ اغْتِرَارِي

جوانیم را در مستی دوری از تواز بین بردم و از این رو خدایا بیدار نشدم در آن روزگاری

بِكَ، وَرُكُونِي إِلَى سَبِيلِ سَخَطِكَ، إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ، قَائِمٌ بَيْنَ

که به کرم تو مغرور بودم و به راه خشم تو متمایل گشته بودم خدایا من بنده تو و فرزند بنده توام که در برابر ایستاده

يَدَيْكَ، مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ، إِلَهِي أَنَا عَبْدٌ أَتَّصَلُ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ

و به وسیله کرم تو به درگاهت توسل جویم خدایا من بنده ای هستم که می‌خواهم از آلودگی آنچه بدان با تو

أُوَاجِهُكَ بِهِ مِنْ قِلَّةِ اسْتِحْيَائِي مِنْ نَظْرِكَ، وَأَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ، إِذِ الْعَفْوُ

رویه رو شدم از بی‌حیایی خودم در پیش روی تو خود را پاک سازم و از تو گذشت می‌خواهم زیرا گذشت

نَعْتُ لِكَرَمِكَ، إِلَهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَانْتَقِلْ بِهِ عَن مَعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي

وصف شناسای کرم توست خدایا من آن نیرویی که بتوانم بوسیله آن خود را از نافرمانیت منتقل سازم ندارم مگر در آن

وَقْتٍ أَيْقِظْتَنِي لِمَحَبَّتِكَ، وَكَمَا أَرَدْتُ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ، فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخَالِي

وقت که تو برای دوستیت بیدارم کنی و آن طور که خواهی باشم پس تو را سپاس گویم که مرا

فِي كَرَمِكَ، وَلِتَطْهِّرَ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاخِ الْعَفْلَةِ عَنكَ، إِلَهِي أَنْظِرْ إِلَيَّ نَظْرَ

در کرم خویش داخل کردی و دلم را از چرکهای بی‌خبری و غفلت از خویش پاکیزه ساختی خدایا به من بنگر نگرستن

مَنْ نَادَيْتَهُ فَاجَابَكَ، وَاسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَاطَاعَكَ، يَا قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ عَنِّي

کسی که او را خوانده‌ای و او پاسخت داده و به یاری خویش به کارش واداشته‌ای و فرمانبریت کرده‌ای نزدیکی که دور نگردی

الْمُعْتَرِّ بِهِ، وَيَا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ، إِلَهِي هَبْ لِي قَلْبًا يُدْنِيهِ

از آن کس که بدو مغرور گشته و ای بخشنده‌ای که بخل نرزد از آن کس که امید نیکیش دارد خدایا دلی به من بده که

مِنْكَ شَوْقُهُ، وَلِسَانًا يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ، وَنَظْرًا يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ، إِلَهِي إِنْ

اشتیاقش به تو موجب نزدیکیش به تو گردد و زبانی که صدق گفتارش بسوی تو بالا آید و نظر حقیقت بینی که همان حقیقتش او را به تو نزدیک گرداند خدایا

مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ، وَمَنْ لَازِبُكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ، وَمَنْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ

کسی که بوسیله تو شناخته شد گمنام نیست و کسی که به تو پناهنده شد خوار نیست و کسی که تو بسویش رو کنی

غَيْرُ مَمْلُوكٍ، إِلَهِي إِنْ مَنِ انْتَهَجَ بِكَ لِمُسْتَنْبِرٍ، وَإِنْ مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ

بنده دیگری نخواهد بود خدایا براستی هرکس به تو راه جوید راهش روشن است و هر که به تو پناه جوید

لَمُسْتَجِيرٌ، وَقَدْ لُدَّتْ بِكَ يَا إِلَهِي، فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا

پناه دارد و من ای خدا به تو پناه آورده‌ام پس گمانی را که به رحمت دارم نومید مکن و

تَحْجُبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ، إِلَهِي أَقِمْنِي فِي أَهْلِ وَلَايَتِكَ مُقَامَ مَنْ رَجَا

از مهر خویش منعم مکن خدایا جای مرا در میان دوستداران جای آن دسته از ایشان قرار ده که امید

الزِّيَادَةِ مِنْ مَحَبَّتِكَ، إِلَهِي وَالْهَمْنِي وَلَهَا بِذِكْرِكَ إِلَى ذِكْرِكَ، وَهَمَّتِي فِي

افزایش دوستیت را دارند خدایا دل انداز شیدایی و شیفتگی ذکر خود را بیایی و همتم را در

رَوْحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ وَمَحَلِّ قُدْسِكَ، إِلَهِي بِكَ عَلَيْكَ إِلَّا الْحَقَّتَنِي بِمَحَلِّ

نشاط فیروز شدن اسمائت و محل قدست قرار ده خدایا به حق خودت بر خودت سوگند که

أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَالْمَثْوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ، فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي

مرا به محل فرمانبرداریت و جایگاه شایسته‌ای از مقام خشودیت برسانی زیرا که من قادر بر دفع چیزی از خود نیستم

دَفْعًا، وَلَا أَمْلِكُ لَهَا نَفْعًا، إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمُدْنِبُ، وَمَمْلُوكُكَ

و مالک سودی هم برایش نیستم خدایا من بنده ناتوان گنهگار تو و مملوک زاری و توبه کننده به درگاهت هستم

الْمُنِيبُ، فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ، وَحَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ

پس مرا در زمره کسانی که روی از آنها گرداندی و غفلشان مانع از

عَفْوِكَ، إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْأَنْقِطَاعِ إِلَيْكَ، وَأَنْزِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ

گذشت تو گشته قرارم مده خدایا بریدن کاملی از خلق بسوی خود به من عنایت کن و دیده‌های دلمان را به

نَظَرِهَا إِلَيْكَ، حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ، فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ

نور توجھشان به سوی خود روشن گردان تا دیده‌های دل پرده‌های نور را پاره کند و به مخزن اصلی بزرگی و

الْعَظْمَةِ، وَتَصْبِرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ، إِلَهِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ

عظمت برسد و ارواح ما آویخته به عزت مقدست گردد خدایا قرارم ده از کسانی که او را خواندی و

فَاجَابَكَ، وَلَا حَظَّتْهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ، فَنَاجَيْتُهُ سِرًّا، وَعَمِلَ لَكَ جَهْرًا،

پاسخت داد و در معرض توجه قرارش دادی و او در برابر جلال تو مدهوش گشت و از این رو در پنهانی با او به راز گویی پرداختی ولی او آشکارا برایت کار کرد

إِلَهِي لَمْ أُسَلِّطْ عَلَى حُسْنِ ظَنِّي قُنُوطَ الْأَيَّاسِ، وَلَا أَنْقَطِعَ رَجَائِي مِنْ

خدایا به خوش بینی من ناامیدی را مسلط مکن و امیدم را که به کرم نیکویت دارم قطع مکن

جَمِيلِ كَرَمِكَ، إِلَهِي إِنْ كَانَتْ أَلْخَطَايَا قَدْ أَسْقَطْتَنِي لَدَيْكَ، فَاصْفَحْ عَنِّي

خدایا اگر خطاهایم مرا از نظرت انداخته پس بدان اعتماد خوبی که به تو

بِحُسْنِ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ، إِلَهِي إِنْ حَطَّتْنِي الذُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لَطْفِكَ، فَقَدْ

دارم از من درگذر خدایا اگر گناهانم بواسطه بزرگواریهای لطفت مرا بی مقدار ساخته ولی در

نَبَّهْنِي الْيَقِينَ إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ، إِلَهِي إِنْ أَنَا مَتْنِي الْعَفْلَةَ عَنِ الْأِسْتِعْدَادِ

عوض یقین به بزرگ توجه تو مرا هوشیار کرده خدایا اگر بی خبری از آماده شدن برای دیدارت مرا به خواب

لِللِقَائِكَ، فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْمَعْرِفَةَ بِكَرَمِ آيَاتِكَ، إِلَهِي إِنْ دَعَانِي إِلَى النَّارِ

فرو برده ولی در عوض معرفت به بزرگ نعمتهایم مرا بیدار کرده خدایا اگر بزرگ کیفیت مرا به دوزخ می خواند

عَظِيمِ عِقَابِكَ، فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ جَزِيلُ ثَوَابِكَ، إِلَهِي فَلِكَ أَسْأَلُ،

ولی در مقابل پاداش فراوانت مرا به بهشت دعوت می کند خدایا پس از تو خواهم

وَإِلَيْكَ أَبْتَهَلُ وَأَرْغَبُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

و بسوی تو زاری کنم و بگرایم و از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد

تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ، وَلَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ، وَلَا يُغْفَلُ عَنْ شُكْرِكَ، وَلَا

و مرا از کسانی قرارم دهی که پیوسته به یاد تواند و پیمانت را نمی شکندند و از شکر تو غافل نشوند

يَسْتَخِفُّ بِأَمْرِكَ، إِلَهِي وَالْحَقْنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ، فَأَكُونَ لَكَ عَارِفًا،

و دستور تو را سبک شمارند خدایا برسان مرا به نور درخشان عزتت تا عارف به ذات باشم

وَعَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا، وَمِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَصَلَّى

و از غیر تو روگردان باشم و از تو ترسان و نگران باشم ای صاحب جلال و بزرگواری و درود

اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.^۱

خدا بر محمد پیامبرش و بر آل پاکش باد و سلام بسیار بر ایشان باد.

این مناجات از مناجات های پرارزش ائمه علیهم السلام است و دارای مضامین عالیهای است که در هر وقت حضور قلبی باشد، خواندن آن و فکر کردن در مفاهیم آن، مناسب است.

اعمال مخصوص شبها و روزهای ماه شعبان:

شب اول ماه: برای شب اول ماه در کتاب «اقبال» نمازهای زیادی ذکر شده است که از جمله آن،

۱. اقبال، صفحه ۶۸۵ و بحار الانوار، جلد ۹۱، صفحه ۹۷ (با اندکی تفاوت).

دوازده رکعت نماز است (هر دو رکعت به یک سلام) که در هر رکعتی یک مرتبه «حمد» و پانزده مرتبه «توحید» خوانده می‌شود و از رسول خدا ﷺ پاداش فراوانی برای این نماز ذکر شده است.^۱

روز اول ماه: روزه این روز فضیلت فراوانی دارد و از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هر کس روز اول ماه شعبان را روزه بگیرد، بهشت بر او واجب می‌شود^۲ و «سید بن طاووس» در کتاب «اقبال» از رسول خدا ﷺ نقل کرده است که هر کس سه روز اول ماه شعبان را روزه بگیرد و شبهایش را قیام کند و دو رکعت نماز بگزارد که در هر رکعتی یک مرتبه «حمد» و یازده مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند، خداوند شَرّ اهل آسمان و زمین و شَرّ ابلیس و هر سلطهٔ ستمگری را از او برطرف سازد و خداوند گناهان فراوانی را از او می‌آمرزد.^۳

روز سوم ماه: این روز بنا بر نقل شیخ طوسی در «مصباح»، روز ولادت با سعادت حسین بن علی علیه السلام است. از «قاسم بن علاء همدانی» وکیل امام حسن عسکری علیه السلام نامه‌ای رسید که در آن آمده بود: مولای ما امام حسین علیه السلام در روز پنجشنبه، سوم شعبان متولد شد؛ لذا آن روز را روزه بگیر و این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ

خدایا از تو خواهم به حق مولود در این روز آن مولودی که به او وعدهٔ شهادت داده شده بودیش از

أَسْتَهْلِلُهِ وَوَلَادَتِهِ، بَكْتُهُ السَّمَاءَ وَمَنْ فِيهَا، وَالْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا، وَلَمَّا

این‌که بانگش در این دنیا بلند شود و به دنیا آید آسمانها و هر که در آنها است و زمین و هر که بر آن است

يَطَأُ لِأَبْتَيْهَا، قَتِيلِ الْعَبْرَةِ، وَ سَيِّدِ الْأُسْرَةِ، الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكُرَّةِ،

برایش گریستند پیش از آن‌که قدم در این جهان گذارد کشتهٔ اشک و آه و آقای طایفهٔ بشر آن کس که در روز رجعت به یاری مدد شده

الْمَعْوِضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ نَسْلِهِ، وَالشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ، وَالْفَوْزَ مَعَهُ

و آن‌که پاداش کشته شدنش این بود که امامان از نسل اویند و درمان در تربت او است و پیروزی در زمان

فِي أَوْبَتِهِ، وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ عِتْرَتِهِ، بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَ غَيْبَتِهِ، حَتَّى يُدْرِكُوا

رجعت با او و اوصیا از عترت اوست پس از حضرت قائم و پس از دوران غیبتش تا این‌که انتقام بگیرند

الْأَوْتَارَ، وَيَثَارُوا الثَّارَ، وَيَرُضُوا الْجَبَّارَ، وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارِ، صَلَّى اللَّهُ

و خونها را باز گیرند و خدای جبار را خشنود سازند و بهترین یاران دین خدا باشند درود خدا بر

۲. همان مدرک، صفحهٔ ۶۸۵.

۱. اقبال، صفحهٔ ۶۸۳.

۳. همان مدرک، صفحهٔ ۶۸۴.

عَلَيْهِمْ، مَعَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ اِلَيْكَ اَتَوْسَلُّ، وَاَسْئَلُ

ایشان در هر زمان که رفت و آمد دارد شب و روزخدا یا پس به حق ایشان به سوی تو دست نیاز دراز کنم و از تو خواهم

سُؤَالَ مُقْتَرَفٍ مُّعْتَرَفٍ، مُسِيئِي اِلَى نَفْسِي مِمَّا فَرَطُ فِي يَوْمِهِ وَاَمْسِيهِ،

خواستن شخص گنه کار اعتراف کننده بگذردار به نفس خویش از کوتاهیایی که در امروز و دیروزش کرده

يَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ اِلَى مَحَلِّ رَمْسِيهِ، اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعِثْرَتِي،

و اکنون از تو پناه خواهد تا هنگام رفتن در گور خدا یا پس درود فرست بر محمد و عترتش

وَاَحْشُرُنَا فِي زُمْرَتِهِ، وَ بَوُّنَا مَعَهُ دَارَ الْكِرَامَةِ، وَ مَحَلَّ الْاِقَامَةِ، اَللّٰهُمَّ

و ما را در زمره او محشور گردان و جای ده ما را با او در خانه کرامت (بهشت) و جایگاه ماندن همیشگی خدا یا

وَ كَمَا اَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِهِ فَاكْرِمْنَا بِزُلْفَتِهِ، وَ اَرْزُقْنَا مَرَا فِقْتَهُ وَ سَابِقَتَهُ، وَ اجْعَلْنَا

چنانچه ما را به شناختش گرامی داشتی هم چنان ما را به نزدیک شدن با او گرامی دار و رفاقت و سابقه داشتن با او را روزی ما گردان و بگردان ما را

مِمَّنْ يَسْلَمُ لِاَمْرِهِ، وَ يَكْتُمُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ، وَ عَلَيَّ جَمِيعِ اَوْصِيَاءِهِ

از کسانی که تسلیم دستور اویند و هنگام بردن نامش بسیار بر او درود فرستند و بر همه اوصیا

وَ اَهْلِ اَصْفِيَاءِهِ، اَلْمَمْدُودِيْنَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْاِثْنِي عَشَرَ، اَلنُّجُومِ الزُّهْرِي،

و خاندان برگزیده اش که یاری شده اند از جانب تو به عدد دوازده، آن ستارگان درخشان

وَ الْحُجَجِ عَلَيَّ جَمِيعِ الْبَشَرِ، اَللّٰهُمَّ وَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهَبَةٍ،

و حجتی تو بر تمامی افراد بشر خدا یا و ببخش به ما در این روز بهترین بخششها را

وَ اَنْجِحْ لَنَا فِيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ، كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ، وَ عَاذَ فُطْرُسُ

و برآور برای ما در این روز هر خواهشی را چنانچه حسین را به محمد جدش بخشیدی و فطرس

بِمَهْدِهِ، فَنَحْنُ عَائِدُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ، نَشْهَدُ تَرْبَتَهُ، وَ نَنْتَظِرُ اَوْبَتَهُ، اٰمِيْنَ

به گهواره حسین پناه برد و ما پناهنده به قبر او هستیم پس از شهادت او بالای تربتش آمده و چشم به راه رجعت او هستیم اجابت کن ای

رَبِّ الْعَالَمِيْنَ. ۱

پروردگار جهانیان.

پس از آن، این دعا را که به دعای امام حسین عليه السلام معروف است می خوانی. این دعا آخرین دعایی

است که آن حضرت در روز عاشورا (همان روزی که دشمنانش زیاد بودند) خواند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ مُتَعَالَى الْمَكَانِ، عَظِيمُ الْجَبْرُوتِ، شَدِيدُ الْمِحَالِ، غَنِيٌّ

خدایا تویی والا مکان و بزرگ جبروت و سخت نیرو و بی‌نیاز

عَنِ الْخَلَائِقِ، عَرِيضُ الْكِبْرِيَاءِ، قَادِرٌ عَلَىٰ مَا تَشَاءُ، قَرِيبُ الرَّحْمَةِ،

از خلائق و دارای بزرگی پهناور و توانای بر هر چه خواهی نزدیک مهر

ضَادِقُ الْوَعْدِ، سَابِغُ النُّعْمَةِ، حَسَنُ الْبَلَاءِ، قَرِيبٌ إِذَا دُعِيَ، مُحِيطٌ بِمَا

راست وعده فراوان نعمت نیکو آزمایش نزدیک هرگاه خوانده شوی محیط به هر چه

خَلَقْتَ، قَابِلُ التَّوْبَةِ لِمَنْ تَابَ إِلَيْكَ، قَادِرٌ عَلَىٰ مَا أَرَدْتَ، وَ مَدْرِكُ مَا

آفریده‌ای توبه پذیر برای آن کس که به سویت توبه کند توانا بر هر چه اراده کنی و بدست آورنده آنچه

طَلَبْتَ، وَ شَكُورٌ إِذَا شُكِرْتَ، وَ ذَكُورٌ إِذَا ذُكِرْتَ، أَدْعُوكَ مُحْتَاجًا،

بجویی و سیاس پذیر هرگاه سیاس شوی و یاد کنی هنگامی که یادت کنند می‌خوانمت نیازمندانه

وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ فَقِيرًا، وَ أَفْزَعُ إِلَيْكَ خَائِفًا، وَ أَبْكِي إِلَيْكَ مَكْرُوبًا، وَ اسْتَعِينُ

و توجه کنم بسویت فقیرانه و پناه آرم بسویت خائفانه و گریه کنم به درگاهت از روی غمزدگی و ملولانه کمک جویم

بِكَ ضَعِيفًا، وَ اتَّوَكَّلُ عَلَيْكَ كَافِيًا...

بوسیله تو ناتوانانه و توکل کنم بر تو کفایت خواهانه.

در ذیل این دعا قسمتی دیده می‌شود که جنبه خصوصی دارد، زیرا امام علیه السلام عرض می‌کند: «خدایا بین ما، و قوم ما به حق داوری کن! آنها به ما نیرنگ زدند (ما را دعوت کردند و اعلام وفاداری نمودند ولی) دست از یاری ما برداشتند و راه مکر و فریب را پیش گرفتند، آماده کشتن ما شدند در حالی که ما عترت پیامبر تو و فرزندان حبیب محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله هستیم همان کسی که او را به نبوت برگزیدی و امین وحی ساختی» سپس عرضه داشت:

فَاَجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا فَرَجًا وَمَخْرَجًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۱

بس در کار ما گشایش و فرجی عطا فرما به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

ابن عیاش گفت: از حسین بن علی بزوفری شنیدم که می‌گفت حضرت صادق علیه السلام این دعا را در این روز می‌خواند و فرمود که این دعا از دعا‌های روز سوم شعبان است و آن روز ولادت حسین علیه السلام است.^۲

۱. مصباح‌المتجهّد، صفحه ۸۲۷ و بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۴۸.

۲. همان مدرک، صفحه ۸۲۸.

شب سیزدهم ماه: شب سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم، «لیالی بیض» یعنی شبهای روشن، نامیده می‌شود. برای این شب‌ها اعمالی است که در اعمال ماه رجب (صفحه ۶۴۳) بیان شد.

شب نیمه شعبان: این شب، شب بسیار مبارکی است؛ از امام صادق علیه السلام روایت شده است که از امام محمد باقر علیه السلام از فضیلت شب نیمه شعبان سؤال شد، فرمود: آن شب، بعد از شب قدر بافضیلت‌ترین شب‌های سال است. در این شب، خداوند به بندگان فضل خود را عطا می‌فرماید و به کرم خویش، آنان را می‌آموزد؛ در این شب، برای تقرب به خداوند سعی و کوشش نمایید! زیرا این شب، شبی است که خداوند به ذات مقدس خود قسم یاد کرده است که نیازمندی را دست خالی برنگرداند، مادامی که معصیت و گناهی را نخواهد و شبی است که خدای متعال آن را برای ما اهل‌البیت علیهم السلام قرار داد، آن‌گونه که شب قدر را برای پیامبر ما قرار داد. پس در دعا و ثنای الهی در این شب کوشش کنید.^۱

از جمله برکات این شب این است که ولادت باسعادت منجی عالم بشریت، مهدی موعود، امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در سحر این شب در سال ۲۵۵، در «سر من رأی»، واقع شد، و بر شرافت این شب افزود.

برای این شب چند عمل است:

اول: غسل است که طبق روایتی از امام صادق علیه السلام سبب تخفیف گناهان است.^۲

دوم: احیای این شب است، به نماز و دعا و استغفار. در روایتی که حضرت امیر مؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند آمده است: «هنگامی که شب نیمه شعبان فرا می‌رسد آن را به عبادت به سر ببرد و روزش را روزه بدارید، زیرا از اول تا آخر این شب، از جانب خداوند ندا می‌آید: آیا استغفار کننده‌ای هست که از گناهان خویش آموزش طلبد، تا گناهان او را بیامرزیم؟ آیا کسی هست که طلب روزی کند و من روزی او را وسعت بخشیم؟»^۳

همچنین در روایتی آمده است که جبرئیل به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: هر کس این شب را به تسبیح و تکبیر و دعا و نماز و استغفار و... احیا بدارد، خداوند گناهانش را می‌آموزد، و جایگاه و منزل او بهشت خواهد بود....

ای محمد! این شب را احیا بدار، و به امتت فرمان ده آن را احیا دارند.

جبرئیل پس از بیان فضایل دیگری برای این شب، در پایان گفت: محروم واقعی کسی است که از خیر و برکت این شب محروم باشد!^۴

از امام زین‌العابدین علیه السلام نیز احیای این شب نقل شده است.^۵

۱. مصباح‌المتهجد، صفحه ۸۳۱ و اقبال، صفحه ۶۹۵.

۲. مصباح‌المتهجد، صفحه ۸۵۳ و زاد المعاد، صفحه ۵۹.

۳. بحارالانوار، جلد ۹۵، صفحه ۴۱۵ و اقبال، صفحه ۷۰۱.

۴. اقبال، صفحه ۶۹۹.

۵. زاد المعاد، صفحه ۶۴.

همچنین در روایتی از رسول خدا ﷺ نقل شده است که هر کس این شب را احیا بدارد، در آن روز که قلبها می‌میرد، قلبش نخواهد مرد.^۱

سوم: زیارت امام حسین ﷺ در این شب از افضل اعمال است، و باعث آمرزش گناهان است.^۲ در فضیلت زیارت امام حسین ﷺ در این شب روایات متعددی نقل شده است از جمله:

۱- ابوبصیر از امام صادق ﷺ روایت کرده است: هر کس دوست دارد یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصافحه کند، در نیمه شعبان، قبر حسین ﷺ را زیارت کند؛ زیرا ارواح پیامبران در این شب به اذن خداوند به زیارت آن حضرت می‌روند!^۳

۲- در روایت دیگری امام صادق ﷺ فرمود: وقتی که نیمه شعبان می‌شود از افق اعلی (از جانب خداوند) به زائر امام حسین ﷺ ندا می‌دهند که، اکنون با گناهان آمرزیده برگرد، پاداش تو به عهده پروردگارت و پیامبر خداست!^۴

حدّ اقلّ زیارت آن حضرت آن است که انسان آن شب، بر روی بام خانه و یا فضای باز دیگری برود و به سمت راست و چپ آسمان نگاه کند، آنگاه به بالای سر نظر افکند و با انگشت به سمت راست قبله اشاره کند و بگوید: **الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ، الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنَّ رَسُوْلِ اللّٰهِ، الْسَّلَامُ عَلَیْكَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ.**^۵

برای شب نیمه شعبان زیارت مخصوصه‌ای نیز می‌باشد که در بخش زیارات گذشت. (صفحه ۴۱۲)



چهارم: خواندن این دعاست که جناب «سید بن طاووس» و «شیخ طوسی» آن را نقل کرده‌اند و به منزله زیارت امام زمان ﷺ است:

اللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَمَوْلُودِهَا وَحُجَّتِكَ، وَمَوْعُودِهَا الَّتِي قَرَنْتَ اِلَيْهَا

خدایا به حق این شبی که ما در آنیم و به حق آن کس که در آن به دنیا آمده و حجت و موعود آن که همراه کردی

فَضْلِهَا فَضْلًا، فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِكَ، وَلَا مُعَقَّبَ

به فضیلت این شب فضیلت دیگری و بدین سبب تمام شد کلمه تو برستی و عدالت تغییر دهنده‌ای برای کلمات تو نیست و پس زنده‌ای

لَا يَاتِكَ، نُوْرُكَ الْمَتَالِقُ، وَضِيَاؤُكَ الْمُشْرِقُ، وَالْعَلَمُ النُّوْرُ فِي طَخِيَاءِ

برای آیات تو نیست آن نور درخشان و آن روشنی فروزانت و آن نشانه نورانی در شب تاریک

۱. اقبال، صفحه ۷۱۸.

۲. مصباح‌المتهجد، صفحه ۸۳۰.

۳. همان مدرک و اقبال، صفحه ۷۱۰.

۴. همان مدرک.

۵. زاد المعاد، صفحه ۶۰.

الدَّيْجُورِ، الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ، جَلَّ مَوْلِدُهُ، وَكَرَّمَ مَحْتِدُهُ، وَالْمَلَائِكَةِ شَهْدَهُ،

ظلمانی آن پنهان غایب از انتظار که ولدش بزرگ و کریم الاصل بود و فرشتگان گواهان اویند

وَاللَّهِ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ إِذَا آتَى مِيعَادَهُ، وَالْمَلَائِكَةَ أَمْدَادَهُ، سَيِّفُ اللَّهِ الَّذِي لَا

و خدا یاور و کمککار اوست در آن هنگام که وعدهاش برسد و فرشتگان مددکارش باشند آن شمشیر برنده خدا که

يَنْبُوءُ، وَنُورُهُ الَّذِي لَا يَخْبُوءُ، وَذُو الْحِلْمِ الَّذِي لَا يَضْبُوءُ، مَدَارُ الدَّهْرِ،

کند نشود و نور او که خاموش نگردد و بردباری که کار بی‌رویه انجام ندهد چرخ روزگار بخاطر او گردش کند

وَنَوَامِيسُ الْعَصْرِ، وَوَلَاةُ الْأَمْرِ، وَالْمُنْزَلُ عَلَيْهِمْ مَا يَنْتَزِلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ،

و او و پدران معصومش نوامیس هر عصر و والیان امر خدایند در شب قدر آنچه نازل شود بر ایشان نازل گردد

وَأَصْحَابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَرَاجِمَةٌ وَحِيَهُ، وَوَلَاةُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ، اَللَّهُمَّ

و آنهایند صاحبان حشر و نشر و مفسران وحی خدا و سرپرستان امر و نهی او خدایا

فَصَلِّ عَلَيَّ خَاتِمَتِهِمْ وَقَائِمِهِمْ، الْمَسْتُورِ عَنْ عَوَالِمِهِمْ، وَادْرِكْ بِنَا أَيَّامَهُ،

پس درود فرست بر خاتم ایشان و قائمشان که در پس پرده است از عوالم آنها و ما را به روزگار او

وَظُهُورَهُ وَقِيَامَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ، وَاقْرِنْ تَارِنَا بِتَارِهِ، وَاکْتُبْنَا فِي

و زمان ظهور و قیامش برسان و از جمله یارانش قرارمان ده و خونخواهی ما را به خونخواهی او مقرون گردان و نام ما را در

أَعْوَانِهِ وَخُلَصَائِهِ، وَأَحِينَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ، وَبِصُحْبَتِهِ غَانِمِينَ، وَبِحَقِّهِ

زمره یاران و مخصوصانش ثبت فرما و ما را در دولتش شادکام و متمتع و به هم نشینیش بهره‌مند و به گرفتن حقش

قَائِمِينَ، وَمِنْ السُّوءِ سَالِمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

پا بر جا بدار و از بدیها بر کنارمان کن ای مهربانترین مهربانان و ستایش خاص خدا پروردگار

الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ،

جهانیان است و درودهای او بر آقای ما محمدخاتم پیامبران و مرسلین

وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ، وَعِثْرَتِهِ النَّاطِقِينَ، وَالْعَنْ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ،

و بر خاندان راستگو و عثرت حقگویش باد و از رحمت خود دور ساز تمام ستمکاران را

وَاحْكُمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ. ۱

و میان ما و ایشان داوری کن ای محکمترین حکم کنندگان.

پنجم: «شیخ طوسی» از اسماعیل بن فضل هاشمی روایت کرده که گفت: حضرت صادق علیه السلام این دعا را به من تعلیم داد تا آن را در شب نیمه شعبان بخوانم:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، الْخَالِقُ الرَّازِقُ، الْمُحْيِي

خدایا تویی زنده‌یابنده‌ی والای بزرگ آفریننده و روزی دهنده زنده کننده

الْمُمِيتُ، الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ، لَكَ الْجَلَالُ وَلَكَ الْفَضْلُ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ

و میراننده آغاز کننده و پدید آورنده، برای توست بزرگی و از آن توست فضیلت و ستایش و از آن تو

الْمَنْ، وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْكَرَمُ، وَلَكَ الْأَمْرُ وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ،

است نعمت و جود و خاص توست بزرگواری و از توست فرمان و شوکت و خاص تو است سپاسگزاری

وَ حُدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، يَا وَاحِدٌ يَا أَحَدٌ، يَا صَمَدٌ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ،

که یگانه‌ای و شریکی برایت نیست ای یگانه ای یکتا ای بی‌نیاز ای که فرزندی ندارد و فرزند کسی نباشد

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَغْفِرْ لِي

و نیست برایش هم‌تایی هیچ کس درود فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا

وَأَرْحَمْنِي، وَ اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي، وَ اقْضِ دَيْنِي، وَ وَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي،

و به من رحم کن و کفایت کن از من آنچه فکر مرا به خود مشغول کرده و قرضم را ادا کن و در روزیم گشایش ده

فَإِنَّكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ كُلِّ أَمْرٍ حَكِيمٍ تَفْرُقُ، وَمَنْ تَشَاءُ مِنْ خَلْقِكَ تَرْزُقُ،

زیرا که تو در این شب هر کار محکمی را از هم جدا کنی و هر یک از مخلوقات خود را بخواهی روزی دهی

فَارْزُقْنِي وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَأَنْتَ خَيْرُ الْقَائِلِينَ النَّاطِقِينَ:

پس روزیم ده که تو بهترین روزی دهنده‌گانی زیرا تو خود گفتی و تو بهترین گویندگان و ناطقان هستی که فرمودی

وَ اسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ. فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ، وَ إِيَّاكَ قَصَدْتُ، وَ ابْنَ نَبِيِّكَ

«از خدا بخواهید از فضل او» پس من از فضل تو می‌خواهم و تو را قصد کردم و به فرزند پیامبر

اعْتَمَدْتُ، وَ لَكَ رَجَوْتُ، فَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

اعتماد کردم و از تو امیدوارم پس به من رحمت کن ای مهربانترین مهربانان.



ششم: این دعا را بخواند که حضرت رسول ﷺ در این شب می خواندند:

اللَّهُمَّ اقْسِمْنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ، وَمِنْ

خدایا بهره ما کن از ترس خود بدان اندازه که حائل شود میان ما و نافرمانیت و از

طَاعَتِكَ مَا تَبَلَّغْنَا بِهِ رِضْوَانِكَ، وَمِنْ الْيَقِينِ مَا يَهُونُ عَلَيْنَا بِهِ مُصِيبَاتُ

اطاعت خویش بدان مقدار که ما را به خشنودی و رضوان تو برساند و از یقین بدان حد که بوسیله آن ناگواریهای

الدُّنْيَا، اللَّهُمَّ أَمْتِعْنَا بِأَسْمَاعِنَا وَأَبْصَارِنَا وَقُوتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا، وَاجْعَلْهُ

دنیا بر ما آسان گردد خدایا ما را به گوشه‌ایمان و دیده‌هایمان و نیرویمان تا زنده‌ایم بهره‌مند ساز

الْوَارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ ثَارَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمْنَا، وَأَنْصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا، وَلَا

و آن را وارث ما گردان و خون ما را به گردن کسی انداز که بر ما ستم کرده و یاری ده ما را بر کسی که با ما دشمنی کند

تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا،

و مصیبت ما را در دینمان قرار مده و دنیا را بزرگترین اندوه ما قرار مده و نیز آخرین حد دانش ما قرارش مده

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۱

و مسلط مکن بر ما کسی را که بر ما رحم نکند به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

و این دعای جامع و کاملی است که خواندن آن در اوقات دیگر نیز غنیمت است و از عوالی اللّٰثالی نقل

شده که حضرت رسول ﷺ همیشه این دعا را می خواندند.^۲

هفتم: صلوات هر روز ماه شعبان را (صفحه ۶۷۰) که در وقت ظهر خوانده می شود، بخواند.^۳

هشتم: دعای کمیل (صفحه ۹۸) را که حضرت علی ؑ در این شب آن را به کمیل تعلیم داد، بخواند.

نهم: در این شب صد مرتبه بگوید: سبحان الله و صد مرتبه بگوید: الحمد لله و صد مرتبه بگوید: الله

اکبر و صد مرتبه بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ که طبق روایتی از امام باقر ؑ هر کس چنین کند، خداوند گناهان

گذشته او را بیامرزد و حاجت‌های دنیوی و اخروی او را برآورده سازد.^۴



دهم: مرحوم «شیخ طوسی» از «ابویحیی» روایتی را نقل می کند که می گوید: به مولایم امام

صادق ؑ عرض کردم: بهترین دعا، در این شب کدام است؟ فرمود: وقتی که نماز عشا را بجا آوردی، دو

۱. بحارالانوار، جلد ۹۵، صفحه ۴۱۴ و اقبال، صفحه ۶۹۹ (با اندکی تفاوت).

۲. عوالی اللّٰثالی، جلد ۱، صفحه ۱۵۹، حدیث ۱۴۴ و بحارالانوار، جلد ۹۲، صفحه ۳۶۱، حدیث ۱۸.

۳. اقبال، صفحه ۶۸۷، ۴. همان مدرک، صفحه ۶۹۵ و بحارالانوار، جلد ۹۵، صفحه ۴۰۹.

رکعت نماز بگزار و در رکعت اول سوره «حمد» و سوره «قل یا ایها الکافرون» و در رکعت دوم، سوره «حمد» و سوره «توحید» را بخوان؛ پس از نماز، سی و سه مرتبه بگو: سبحان الله سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر. آنگاه بگو:

يَا مَنْ إِلَيْهِ مَلَجًا الْعِبَادِ فِي الْمُهَمَّاتِ، وَإِلَيْهِ يَفْرَعُ الْخَلْقُ فِي الْمَلِمَاتِ،

ای که به سوی اوست پناه بندگان در کارهای اندوه‌خیز و به سوی او پناه برند خلائق در پیش‌آمدهای ناگوار

يَا عَالِمَ الْجَهْرِ وَالْخَفِيَّاتِ، وَيَا مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ خَوَاطِرُ الْأَوْهَامِ،

ای دانای آشکار و پنهان و ای که بر او پنهان نماند اندیشه‌هایی که در دلها افتد

وَتَصَرَّفُ الْخَطَرَاتِ، يَا رَبَّ الْخَلَائِقِ وَالْبَرِيَّاتِ، يَا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكَوْتُ

و تصرف کردن آن خطرات ای پروردگار خلائق و آفریدگان ای که ملکوت

الْأَرْضِينَ وَالسَّمَوَاتِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أُمَّتُ إِلَيْكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

زمینها و آسمانها بدست اوست تویی خدایی که معبودی جز تو نیست بسویت توسل جویم به کلمه «لا اله الا انت»

فَبِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اجْعَلْنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ إِلَيْهِ فَرَحَمْتَهُ،

پس ای خدایی که معبودی جز تو نیست بگردان مرا در این شب از کسانی که بسوی تو نگریسته و مورد رحم خویش قرارش داده

وَسَمِعْتَ دُعَاءَهُ فَأَجَبْتَهُ، وَعَلِمْتَ اسْتِقَالَتَهُ فَأَقْلَنْتَهُ، وَتَجَاوَزْتَ عَنْهُ

و دعایش شنیده و اجابت کرده و پشیمانش را دانسته پس او را پذیرفته‌ای و از خطاهای گذشته‌اش

سَالِفِ خَطِيئَتِهِ، وَعَظِيمِ جَرِّبَرْتِهِ، فَقَدْ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبِي، وَلَجَاتُ

و گناه بزرگش در گذشته ای پس من از گناهانم به تو پناهنده شده و به تو ملجی گشته‌ام در این‌که

إِلَيْكَ فِي سِتْرِ عِيُوبِي، اَللّٰهُمَّ فَجِدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ، وَاحْطُطْ

عیوبم را بیوشانی خدایا پس جود کن بر من به کرم خودو فضلت و بریز

خَطَايَايَ بِحِلْمِكَ وَعَفْوِكَ، وَتَعَمَّدْنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ بِسَابِغِ كَرَامَتِكَ،

خطاهای مرا به بردباری و گذشت خویش و فراگیر مرا در این شب به فراوان کرمت

وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ أَوْلِيَّائِكَ الَّذِينَ اجْتَبَيْتَهُمْ لِطَاعَتِكَ، وَاخْتَرْتَهُمْ

و بگردان مرا در این شب از آن دوستان که آنان را برای طاعت خویش برگزیده و برای

لِعِبَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَالِصَتَكَ وَصَفْوَتَكَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ سَعَدَ

پرستش انتخاب فرمودی و ایشان را جزء خاصان درگاه و برگزیدگانت قراردادی خدایاپدار مرا از آن کسانی که

جَدُّهُ، وَ تَوَفَّرَ مِنَ الْخَيْرَاتِ حَظَّهُ، وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ سَلِمَ فَنَعِمَ، وَ فَازَ فَنَعِمَ،

کوششش به جایی رسیده و از نیکیها بهره فراوان نصیبش گشته و بگردانم از آنان که تندرست شده و منتعم و رستگار و بهره‌مند گشته

وَ اكْفِنِي شَرَّ مَا اسْلَفْتُ، وَ اعْصِمْنِي مِنَ الْاِزْدِيَادِ فِي مَعْصِيَتِكَ، وَ حَبِّبْ

و کفایت کن مرا از شر آنچه کرده‌ام و نگاهم‌دار از افزودن در نافرمانیت و دوست‌گردان نزد من

اِلَى طَاعَتِكَ، وَ مَا يَقْرَبُنِي مِنْكَ، وَ يَزِلْفُنِي عِنْدَكَ، سَيِّدِي اِلَيْكَ يَلْجَا

فرمانبرداریت را و آنچه مرا به تو نزدیک و مقرب درگاهت گرداند آقای من به سوی تو پناه آرد

اَلْهَارِبُ، وَ مِنْكَ يَلْتَمِسُ الطَّالِبُ، وَ عَلَي كَرَمِكَ يِعْوَلُ الْمُسْتَقِيلُ التَّائِبُ،

شخص گریز پای و از تو عاجزانه طلب کند جوینده و بر کرم تو تکیه کند شخص عذرخواه و توبه‌کننده

اَدَبَتْ عِبَادَكَ بِالتَّكْرُمِ، وَ اَنْتَ اَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ، وَ اَمَرْتَ بِالْعَفْوِ عِبَادَكَ،

ادب کردی بندگانت را به کرم‌روزی به آنها و تو کرمترین کرمیانی و تو خود به بندگانت دستور گذشت دادی

وَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اَللّٰهُمَّ فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ، وَ لَا

و خود آمرزنده و مهربانی خدایا پس مرا از آنچه از کرمت امید دارم

تَوْيِسْنِي مِنْ سَابِغِ نِعْمِكَ، وَ لَا تُخَيِّبْنِي مِنْ جَزَيْلِ قِسْمِكَ فِي هَذِهِ

محروم مکن و از نعمت‌های ریزانت مایوسم مدار و از بهره‌های فراوانت که در این

اللَّيْلَةِ لِاَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ اجْعَلْنِي فِي جَنَّةٍ مِنْ شَرَارِ بَرِيَّتِكَ، رَبِّ اِنْ لَمْ اَكُنْ

شب برای فرمانبرداران مقدر داشته‌ای بی‌بهره‌ام مساز و مرا در پناهگاه محکمی از آزار مخلوقات شرویت قرار ده پروردگارا اگر من چنین

مِنْ اَهْلِ ذَلِكَ، فَانْتَ اَهْلُ الْكَرَمِ وَ الْعَفْوِ وَ الْمَغْفِرَةِ، وَ جُدْ عَلَيَّ بِمَا اَنْتَ

شایستگی ندارم ولی تو شایسته کرم و گذشت و آمرزشی و فرو ریز بر من بدانچه تو

اَهْلُهُ لَا بِمَا اسْتَحِقُّهُ، فَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِكَ، وَ تَحَقَّقَ رَجَائِي لَكَ، وَ عَلِقَتْ

شایسته‌ای نمی‌دانم بدانچه من سزاوار آنم زیرا برستی گمان من نیک است و امیدم درباره‌ی تو محکم شده و

نَفْسِي بِكَرَمِكَ، فَانْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَ اَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ، اَللّٰهُمَّ

جانم به سر رشته کرم تو آویخته است پس تویی مهربانترین مهربانان و کرمترین کرمیان خدایا مرا

وَ اَخْصِنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزَيْلِ قِسْمِكَ، وَ اَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عَقُوبَتِكَ، وَ اغْفِرْ

مخصوص پدار از کرم خویش به بهره‌های فراوان و تقسیمهای شایانت و از کیفر تو به عفو تو پناه می‌برم و بیامرز

لِيَ الذَّنْبِ الَّذِي يَحْبِسُ عَلَيَّ الْخُلُقَ، وَيُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقَ، حَتَّى اَقُومَ

برایم آن گناهی را که عادت بد (مانند دروغ) را بر من حبس کند و روزی را بر من تنگ سازد تا من به

بِصَالِحِ رِضَاكَ، وَأَنْعَمَ بِجَزِيلِ عَطَايِكَ، وَأَسْعَدَ بِسَابِغِ نِعْمَائِكَ، فَقَدْ لُدْتُ

خسودی شایسته تو اقدام کنم و به عطای فراوانت متعمم گردم و به نعمتهای بسیار خوشبخت شوم زیرا من به

بِحِرْمِكَ، وَتَعَرَّضْتُ لِكِرْمِكَ، وَاسْتَعَدْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَبِحِلْمِكَ

آستان تو پناه آوردم و به کرم تو آویختم و به گذشت تو پناه جستم از ترس کيفرت و به بردباریت پناه جستم

مِنْ غَضَبِكَ، فَجَدُّ بِمَا سَأَلْتُكَ، وَأَنْلُ مَا أَلْتَمَسْتُ مِنْكَ، أَسْأَلُكَ بِكَ لَا

از خشمت پس به من عطا کن آنچه را از تو خواستم و به من برسان آنچه را از تو خواهش کردم تو را به خودت

بِشَيْءٍ هُوَ أَعْظَمُ مِنْكَ.

سوگند دهم چون چیزی از تو بزرگتر نیست.

سپس به سجده می‌روی و بیست مرتبه می‌گویی: يَا رَبِّ وَهَفْتُ مَرْتَبَةً يَا اللَّهُ وَهَفْتُ مَرْتَبَةً لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَدَهْ مَرْتَبَةً: مَا شَاءَ اللَّهُ وَدَهْ مَرْتَبَةً لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. آنگاه صلوات می‌فرستی بر پیغمبر و آل او علیهم‌السلام و از خدا حاجت خود را می‌طلبی.

به خدا سوگند! اگر کسی با انجام این عمل، از خدا حاجت بطلبد، هرچند بسیار فراوان باشد خداوند آن را به کرم و فضل گسترده‌اش برآورده می‌سازد.^۱



یازدهم: «شیخ طوسی» و «سید بن طاووس»، فرموده‌اند، در این شب این دعا را بخواند.

الْهِيَ تَعَرَّضَ لَكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ، وَقَصَدَكَ فِيهَا الْقَاصِدُونَ،

خدایا! خواهندگان در این شب به درگاه تو آمدند و قاصدان تو را مقصد خویش قرار دادند

وَأَمَّلَ فَضْلَكَ وَمَعَرُوفَكَ الطَّالِبُونَ، وَلَكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ نَفْحَاتٌ وَجَوَائِزٌ،

و خواهشمندان فضل و نیکی تو را آرزو کردند و تو در این شب بخششها و جوایز و عطاهایی

وَعَطَايَا وَمَوَاهِبٌ، تَمَنَّيْتُ بِهَا عَلَى مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِكَ، وَتَمَنَعُهَا مَنْ لَمْ

و بهره‌هایی داری که به هر یک از بندگانت بخواهی عطا خواهی کرد و از آن کس که عنایت تو نسبت به

تَسْبِقُ لَهُ الْعِنَايَةُ مِنْكَ، وَهَا أَنَا ذَا عُبَيْدِكَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ، أَلْمَوْمِلُ فَضْلَكَ

او سبقت نگرفته است آن را باز داری و من اینک آن بنده کوچک و نیازمند درگاه تو و آرزومند فضل

وَمَعَرُوفَكَ، فَإِنْ كُنْتُ يَا مَوْلَايَ تَفَضَّلْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ عَلَى أَحَدٍ مِنْ

و نیکی تو هستم پس ای مولای من اگر بنا داری در این شب بر کسی از

۱. مصباح‌المتهجد، صفحه ۸۳۱ و بحارالانوار، جلد ۹۵، صفحه ۴۰۹ (با اندکی تفاوت).

خَلْقِكَ، وَعَدَّتْ عَلَيْهِ بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

خلق خویش تفضلی فرمایی و جایزه‌ای از روی مهر و عطف به او بدهی پس درود فرست بر محمد و آل محمد

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، الْخَيْرِينَ الْفَاضِلِينَ، وَجُدْ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَمَعْرُوفِكَ يَا

آن پاکان پاکیزه برگزیده برترو از نعمت و نیکی خویش بر من نیز لطف فرما ای

رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ،

پروردگار جهانیان و درود خدا بر محمد خاتم پیامبران و بر آل پاکش و

وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا، إِنَّ اللَّهَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَ،

تحت فراوان که همانا خداوند ستوده و بزرگوار است خدایا من تو را می‌خوانم چنانچه دستور فرمودی

فَأَسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَ، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.^۱

پس دعایم را مستجاب کن چنانکه وعده فرمودی که برستی تو خلف وعده نمی‌کنی.

و این دعایی است که در سحرها، پس از نماز شفع خوانده می‌شود.^۲
دوازدهم: بعد از هر دو رکعت از نماز شب و شفع و بعد از دعا‌های نماز وتر، دعا‌هایی را که مرحوم «شیخ طوسی» و «سید بن طاووس» نقل کرده‌اند را بخواند.^۳

سیزدهم: سجده‌ها و دعا‌هایی که از رسول خدا ﷺ روایت شده است را بخواند. از جمله، در روایتی که «ابان بن تغلب» از امام صادق ع نقل کرده است، چنین آمده:

شب نیمه شعبان داخل شد و آن شب رسول خدا ﷺ نزد یکی از همسران خود بود؛ وقتی که شب به نیمه رسید آن حضرت از بستر برای عبادت برخاست؛ همسرش در پی آن حضرت روان شد، در حالی که خود را به چادرش پیچیده بود و در جستجوی آن حضرت بود؛ ناگاه رسول خدا ﷺ را در سجده یافت، که مثل جامه‌ای به زمین چسبیده بود. به حضرت نزدیک شد، شنید که آن حضرت در سجده خود می‌گوید:
سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَخِيَالِي، وَآمَنَ بِكَ فُؤَادِي، هَذِهِ يَدَايَ وَمَا جَنَيْتُهُ عَلَيَّ

به خاک افتاد برای تو سراپایم و اندیشه‌ام و ایمان آورد به تو دلم، این است هر دو دستم و آنچه جنایتی که بر

نَفْسِي، يَا عَظِيمُ تَرَجِي لِكُلِّ عَظِيمٍ، اغْفِرْ لِي الْعَظِيمَ، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ

خویش کردم ای بزرگی که در هر کار بزرگی امید به اوست بیا مرز گناه بزرگم را که نیامرزد گناه

الْعَظِيمَ إِلَّا الرَّبُّ الْعَظِيمُ * آنگاه سر خود را بلند کرد و سپس به سجده رفت و عرض کرد:

بزرگ را جز پروردگار بزرگ. * * * * *

۱. مصباح‌المتجهّد، صفحه ۸۳۳ و اقبال، صفحه ۶۹۷ و بحارالانوار، جلد ۹۵، صفحه ۴۱۱.

۲. مصباح‌کفعمی، صفحه ۵۱. ۳. مصباح‌المتجهّد، صفحه ۸۳۳ و اقبال، صفحه ۷۱۶.

أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَتْ لَهُ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَأَنْكَشَفْتَ لَهُ

پناه می‌برم به نور ذات تو که روشن شد بدو آسمانها و زمینها و برچیده شد بدو

الظُّلُمَاتُ، وَصَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، مِنْ فُجَاةِ نَقِمَتِكَ، وَمِنْ

تاریکیها و اصلاح شد بدو کار اولین و آخرین از ناگهانی رسیدن عذابت و از

تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ، وَمِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا تَقِيًّا نَقِيًّا، وَمِنْ

پا برجا شدن تندرستی تو و از زائل شدن نعمت خدایا روزیم گردان دلی پاک و پاکیزه و میرای از

الشُّرَكَ بَرِيئًا، لَا كَافِرًا وَلَا شَقِيًّا. آنگاه دو طرف روی خود را به خاک گذاشت و گفت:

شُرک که نه کافر باشد و نه اهل شقاوت * * * * *

عَفَرْتُ وَجْهِي فِي التُّرَابِ، وَحَقَّ لِي أَنْ أَسْجُدَ لَكَ.

مالیدم به خاک رویم را و بر من سزاست که برایت سجده کنم.

وقتی که رسول خدا ﷺ خواست به بسترِ خویش برگردد، همسرش شتابان به جای خود برگشت؛ هنگامی که رسول خدا ﷺ به نزدش آمد، صدای نفس‌های بلند او را شنید و فرمود: این نفس زدن‌ها چیست؟ آیا نمی‌دانی امشب، چه شبی است؟ امشب نیمهٔ شعبان است که روزی‌ها در آن تقسیم می‌شود و اجل‌ها نوشته می‌شود و حاجیان نامشان امشب معین می‌گردد و خداوند افراد فراوانی را می‌آمرزد و فرشتگان خود را از آسمان به سوی مکه می‌فرستد!

چهاردهم: نماز جناب جعفر طیار را بجا آورد، همان‌گونه که در روایتی از امام رضا علیه السلام در اعمال امشب وارد شده است.^۲ (شرح آن در نمازهای مستحب و معروف - صفحه ۱۰۸۱ - خواهد آمد)

پانزدهم: نمازهای فراوانی برای شب نیمهٔ شعبان وارد شده است که آنها را بجا آورد از جمله گروهی از افراد مورد وثوق و اعتماد از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده‌اند که فرمودند: وقتی که شب نیمهٔ شعبان می‌شود، چهار رکعت نماز بجا آور (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعت، حمد یک مرتبه و قل هو الله احد را صد مرتبه بخوان و پس از پایان چهار رکعت بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِرٌ، وَمِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا تُبَدِّلْ

خدایا من به درگاهت نیازمندم و از عذاب و شکنجهات ترسان و پناه‌خواهم خدایا نامم را (از زمرهٔ موحدان)

إِسْمِي، وَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي، وَلَا تَجْهَدْ بِلَأْسِي، وَلَا تُشِمِّتْ بِي أَعْدَائِي، أَعُوذُ

عوض مکن و جسمم را دگرگون مکن و آزمایشم را سخت مکن و دشمن شادم مفرما پناه می‌برم

۱. اقبال، صفحه ۷۰۲ و بحار الانوار، جلد ۹۵، صفحه ۴۱۶. ۲. مصباح‌المتجهج، صفحه ۸۳۸.

بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ، وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ، وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ

به عفو از کیفرت و پناه می‌برم به رحمتت از عذابت و پناه می‌برم به خشودیت از

سَخَطِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، جَلَّ ثَنَاؤُكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ،

خشمت و پناه می‌برم به خودت از خودت مدح تو والاست و تو چنانی که خود ثنای خود کرده‌ای

وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ.^۱

و بالاتر از آنی که مردم گویند.

روز نيمه شعبان: روز ولادت باسعادت امام دوازدهم حضرت مهدی، حجة بن الحسن صاحب‌الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشريف) است. بسیار شایسته است که شیعیان، در شب و روز نیمه شعبان، با تشکیل محافل و مجالس، و برپایی سخنرانی‌ها، درباره عظمت این روز و وجود مقدس امام زمان علیه السلام و شرایط انتظار آن حضرت، و دعا برای تعجیل در ظهورش و دفع شبهات دشمنان و ناآگاهان، آن را گرامی بدارند؛ ولی در همه این موارد از کارهای نامناسب و خلاف شرع بپرهیزند و عبادت را با گناه آلوده نسازند.

البته زیارت آن حضرت در این روز با استفاده از زیارات معتبری که در بخش زیارات آمده بسیار مناسب است.

اعمال پایانی ماه شعبان:

الف) از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هر کس سه روز از آخر ماه شعبان را روزه بگیرد و به ماه مبارک رمضان متصل سازد، خداوند متعال ثواب روزه دو ماه متوالی را برای او بنویسد.^۲

ب) اباصلت هر وی می‌گوید: جمعه آخر ماه شعبان خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. حضرت فرمود: ای اباصلت! اکثر ماه شعبان رفت و امروز جمعه آخر ماه است، پس تقصیرها و کوتاهی‌های گذشته را در بقیه این ماه جبران کن، و به آنچه برای تو سودمند است روی آور؛ بسیار دعا کن و استغفار نما و قرآن را بسیار تلاوت کن و از گناهان خود توبه نما، تا وقتی که ماه رمضان داخل می‌شود، خود را برای خدا خالص ساخته باشی و هر دین و امانتی بر عهده داری، ادا کن و کینه هر کس که در دل داری بیرون نما و گناهی را که انجام می‌دادی ترک کن و از خدا بترس و در امور پنهان و آشکار خود بر خدا توکل نما، که هر کس بر خدا توکل کند، خداوند امور او را کفایت می‌نماید، و در بقیه این ماه این دعا را بسیار بخوان:

۱. مصباح‌المتهیج، صفحه ۸۳۰ و بحارالانوار، جلد ۹۴، صفحه ۸۸.

۲. اقبال، صفحه ۲۲۳ (این روایت در زادالمعاد، صفحه ۸۱، از امام رضا علیه السلام نقل شده است).

اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ، فَاعْفِرْ لَنَا فِيمَا

خدایا اگر در آن قسمت از ماه شعبان که گذشته ما را نیامزیده‌ای در آن قسمت که از این ماه

بَقِيَ مِنْهُ.

مانده پیامرزمان

امام علیه السلام در ادامه فرمود: خداوند به احترام و عظمت ماه مبارک رمضان، بنده‌های بسیاری را در ماه شعبان از آتش جهنم آزاد می‌گرداند.^۱

ج) دعای شب آخر ماه شعبان و اول ماه رمضان

حارث بن مغیره نضری از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت در شب آخر ماه شعبان و شب اول ماه رمضان این دعا را می‌خواند:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ، هُدًى لِلنَّاسِ

خدایا این ماه مبارکی که قرآن در آن نازل گشته آن قرآنی که راهنمای مردم گردیده

وَيَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ قَدْ حَضَرَ، فَسَلِّمْنَا فِيهِ وَسَلِّمْنَا لَنَا، وَتَسَلِّمْنَا

و نشانه‌های روشنی از راهبری و جدا کردن میان حق و باطل است فرا رسیده پس ما را در این ماه سالم بدار

مِنَّا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَغَافِيَةٍ، يَا مَنْ أَخَذَ الْقَلِيلَ وَشَكَرَ الْكَثِيرَ، اقْبَلْ مِنِّي

و آن را در حال آسانی و تندرستی از ما بگیر ای که بگیرد اندک را و بسیار قدردانی کند، این طاعت

الْيُسْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي إِلَى كُلِّ خَيْرٍ سَبِيلًا، وَمِنْ كُلِّ مَا

اندک را از من بپذیر خدایا از تو خواهم که برای من بسوی هر کار خیری راهی و از هر چه

لَا تُحِبُّ مَانِعًا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا مَنْ عَفَا عَنِّي وَعَمَّا خَلَوْتُ بِهِ مِنْ

دوست نداری سر را هم ممانعی قرار دهی ای مهربانترین مهربانان ای که گذشتی از من و از آن

السَّيِّئَاتِ، يَا مَنْ لَمْ يُوَاخِذْنِي بِأَرْتِكَابِ الْمَعَاصِي، عَفْوِكَ عَفْوِكَ

کارهای زشتی که در پنهانی کردم ای که مرا به سبب دست زدن به گناهان نگیری گذشت، گذشت، گذشت تو را خواهانم

يَا كَرِيمٌ، إِلَهِي وَعَظَّتْنِي فَلَمْ أَتَّعِظْ، وَزَجَرْتَنِي عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ،

ای بزرگواری خدایا مرا پند دادی ولی من پند نگرفتم و از کارهای حرام خود بازماندنی داشتی ولی من باز نایستادم

فَمَا عُدْرِي فَاغْفُ عَنِّي يَا كَرِيمٌ، عَفْوَكَ عَفْوَكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ الرَّاحَةَ

پس چه عذری به درگاهت دارم ای کریم از من گذشت کن که عفو و گذشتت را خواهانم خدایا از تو درخواست دارم آسودگی

عِنْدَ الْمَوْتِ، وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ، عَظَمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ، فَلِيْحُسْنِ

هنگام مرگ و گذشت در وقت حساب را بزرگ است گناه از بندهات پس باید

التَّجَاوُزُ مِنْ عِنْدِكَ، يَا اَهْلَ التَّقْوَى، وَيَا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ، عَفْوَكَ عَفْوَكَ،

گذشت از جانب تو نیز نیکو باشد ای شایسته پرهیزگاری و ای شایسته آمرزش عفو و گذشتت را خواهانم

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ، ضَعِيفٌ فَقِيْرٌ اِلَى رَحْمَتِكَ،

خدایا من بنده و فرزند بنده و فرزند کنیز توام ناتوان و نیازمند مهر تو هستم

وَ اَنْتَ مُنْزِلُ الْغِنَى وَ الْبَرَكَهَةِ عَلٰى الْعِبَادِ، قَاهِرٌ مُّقْتَدِرٌ، اَحْصَيْتَ اَعْمَالَهُمْ،

و تویی که دارایی و برکت بر بندگانت فرو فرستی و تو چیره و توانایی کارهای بندگانت را شماره داری

وَ قَسَمْتَ اَرْزَاقَهُمْ، وَ جَعَلْتَهُمْ مُّخْتَلِفَةً اَلْسِنَتُهُمْ وَ اَلْوَانُهُمْ، خَلَقًا مِنْ

و روزیشان را قسمت کرده و زبانها و رنگهاشان را متفاوت کردی آفرینشی پس از

بَعْدِ خَلْقٍ، وَ لَا يَعْْلَمُ الْعِبَادُ عِلْمَكَ، وَ لَا يَقْدِرُ الْعِبَادُ قَدْرَكَ، وَ كُنَّا فَقِيْرٌ

آفرینش دیگر و بندگانت دانش تو را ندارند و قدر تو را ندانند و همه ما نیازمند

اِلَى رَحْمَتِكَ، فَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ صَالِحِيْ خَلْقِكَ

رحمتت هستم پس ای خدا رو از من مگردان و مرا

فِي الْعَمَلِ وَالْاَمَلِ، وَالْقَضَاءِ وَالْقَدْرِ، اَللّٰهُمَّ اَبْقِنِيْ خَيْرَ الْبَقَاءِ، وَ اَفْنِنِيْ خَيْرِ

در کردار و آرزو و امور مربوط به قضا و قدر از شایستگان خلق خویش قرار ده خدایا زنده‌ام بدار به بهترین وضع زندگی و بمانم به بهترین

الْفَنَاءِ عَلٰى مُوَالَاةِ اَوْلِيَاءِكَ، وَ مُعَادَاةِ اَعْدَائِكَ، وَ الرَّغْبَةِ اِلَيْكَ، وَ الرَّهْبَةِ

مردن (یعنی) با دوستی دوستان و دشمنی با دشمنان و رغبت به درگاهت و ترس

مِنْكَ، وَ الْخُشُوْعَ وَ الْوَفَاءَ وَ التَّسْلِيْمَ لَكَ، وَ التَّصَدِيْقَ بِكِتَابِكَ، وَ اتَّبَاعَ

و خشوع از تو و وفاداری و تسلیم بودن در برابرت و تصدیق کردن کتاب تو (قرآن) و پیروی از

سُنَّةِ رَسُوْلِكَ، اَللّٰهُمَّ مَا كَانَ فِيْ قَلْبِيْ مِنْ شَكٍّ اَوْ رَيْبَةٍ، اَوْ جُحُوْدٍ اَوْ

روش بینمردت خدایا آنچه در دل دارم از شک و تردید یا انکار یا

قَنُوْطٍ، اَوْ فَرَحٍ اَوْ بَدَخٍ اَوْ بَطْرٍ، اَوْ خِيْلَاءٍ اَوْ رِيَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ، اَوْ شِقَاقٍ اَوْ

نامیدی یا خوشی یا گردن‌فرازی یا اسراف در خوشگذرانی یا خودبینی یا شهرت‌جویی یا ایجاد دو دستی یا

نِفَاقٍ، أَوْ كُفْرٍ أَوْ فُسُوقٍ، أَوْ عِصْيَانٍ أَوْ عَظَمَةٍ، أَوْ شَيْءٍ لَا تُحِبُّ، فَاسْأَلْكَ

دورویی یا کفر یا فسق یا گناه یا بزرگ‌طلبی یا چیزهای دیگری که تو دوست نداری پس ای پروردگارا از تو خواهم

يَا رَبِّ أَنْ تُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ إِيْمَانًا بِوَعْدِكَ، وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ، وَرِضًا بِقَضَائِكَ،

که آن را تبدیل کنی به ایمان به وعده‌ات و وفاداری به پیمان‌ت و خشنودی به قضا و قدرت

وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا، وَرَغْبَةً فِيْمَا عِنْدَكَ، وَآثَرَ وَطْمَإِنِينَ وَتَوْبَةً

و پارسایی در دنیا و اشتیاقی بدانچه نزد توست و فضیلتی و آرامشی و توبه

نَصُوحًا، أَسْأَلُكَ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، إِلَهِي أَنْتَ مِنْ حِلْمِكَ تُعْصِي،

خالص، این را از تو خواهم ای پروردگار جهانیان خدایا تو را بخاطر بردباریت نافرمانی کند

وَمِنْ كَرَمِكَ وَجُودِكَ تَطَاعُ، فَكَأَنَّكَ لَمْ تُعْصَ، وَأَنَا وَمَنْ لَمْ يَعْصِكَ سَكَانٌ

و به طمع جود و کرم‌طاعت کنند پس گویا نافرمانیت نکرده‌اند و من با کسانی که نافرمانیت نکردند همه ساکنان

أَرْضِكَ، فَكُنْ عَلَيْنَا بِالْفَضْلِ جَوَادًا، وَبِالْخَيْرِ عَوَادًا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

زمین تویم تو بر ما به فضل خویش بخشنده باش و به نیکیی بازگردنده ای مهربانترین مهربانان

وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً دَائِمَةً لَا تُحْصَى وَلَا تُعَدُّ، وَلَا يَقْدِرُ

و درود خدا بر محمد و آل او درودی همیشگی که به شماره و عدد درنیاید و

قَدْرُهَا غَيْرُكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۱

اندازه‌اش نتواند جز تو ای مهربانترین مهربانان.



فصل نهم ماه مبارک رمضان

تقویم این ماه:

دهم ماه: مصادف با وفات حضرت خدیجه کبری^{علیها السلام} یکی از بزرگترین زنان جهان (در سال دهم بعثت) است.^۱

پانزدهم ماه: روز ولادت سبط اکبر رسول خدا^{صلی الله علیه و آله}، حضرت امام حسن مجتبی^{علیه السلام} (در سال سوم هجری) است.^۲

هفدهم ماه: سال روز پیروزی در جنگ بدر در سال دوم هجری است.^۳

نوزدهم ماه: سالروز ضربت خوردن امیر مؤمنان علی^{علیه السلام} به دست ابن ملجم اشقی آخرین (در سال چهارم هجری) است.^۴

بیست و یکم ماه: سالروز شهادت مولای متقیان، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب^{علیه السلام} (در سال چهارم هجری) است که جهان اسلام را در غم و اندوه عظیمی فرو برد.^۵

فضیلت ماه مبارک رمضان:

در تمام سال، ماهی به عظمت ماه پربرکت رمضان نیست؛ زیرا ماهی است که خداوند آن را جهت اهدای بالاترین هدیه خود به جهان بشریت، یعنی «قرآن مجید» برگزیده است.

از سوی دیگر، ماهی است که شب قدر در آن واقع شده، شبی که مقدرات یکسال انسانها - بر حسب شایستگی ها و لیاقت هایشان - تعیین می گردد و عبادت آن برتر از عبادت هزار ماه است!

از سوی سوم، بهار عبادت و ماه تعلیم و تربیت، ماه طهارت و پاکی، و ماه تقوا و خودسازی است؛ ماهی که مراحل قرب الهی و سیر و سلوک الی الله را با گام های سریع و استوار می توان پیمود.

در اهمّیت این ماه همین بس که پیغمبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} در آستانه ماه مبارک رمضان طی خطبه ای چنین فرمود:

۱. منتهی الآمال، فصل ششم، زندگانی پیامبر اسلام^{صلی الله علیه و آله}، و بحار الانوار، جلد ۱۹، صفحه ۵ (البته روز آن با آنچه در بالا آمد تطبیق ندارد).

۲. همان مدرک، زندگانی امام حسن^{علیه السلام}.

۳. همان مدرک، وقایع سال دوم هجری.

۴. همان مدرک، زندگانی حضرت امیرالمؤمنین^{علیه السلام}.

۵. همان مدرک.

«ای مردم! ماه خدا با برکت و رحمت و مغفرت به شما روی آورده؛ ماهی که نزد خدا برترین ماه‌هاست، روزهایش برترین روزها، و شبهایش برترین شبها، و ساعاتش برترین ساعات است.

ماهی است که در آن به میهمانی خدا دعوت شده‌اید، و مورد کرامت و احترام الهی قرار گرفته‌اید؛ نفس‌های شما در آن حکم تسبیح را دارد، خواب شما در آن عبادت، عمل شما مقبول (درگاه الهی) و دعای شما در آن مستجاب است!

با نیت‌های صادق و قلب‌های پاک از خدا بخواهید که شما را موفق به روزه این ماه و تلاوت قرآن در آن کند؛ زیرا شقی و دور از سعادت کسی است که در این ماه (که دریای رحمت الهی موج است) از رحمت و مغفرت او محروم گردد...».

سپس دستورهای مؤکدی درباره صدقه به نیازمندان، احترام به بزرگترها، محبت به کوچکترها، صلۀ رحم، حفظ زبان و چشم و گوش از گناه، نوازش یتیمان و توبه از گناه، دعا کردن - به ویژه هنگام نمازها - فرمود؛ سپس درباره اهمیت افطاری دادن روزه‌داران سخن گفت، تا آن جا که حتی کسانی که توانایی ندارند، می‌توانند با دانه‌ای خرما یا جیره‌ای از آب در این کار خیر شرکت جویند!

در پایان خطبه فرمود: «ای مردم! درهای بهشت در این ماه گشوده است، از خداوند بخواهید آن را به روی شما نبندد، و درهای دوزخ بسته است، از پروردگارتان بخواهید آن را به روی شما نگشاید! و شیاطین در این ماه در زنجیرند، از خداوند بخواهید آنها را بر شما مسلط نکند!» امیر مؤمنان علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله! برترین اعمال در این ماه چیست؟ فرمود: پرهیز از گناهان!^۱

خوشبخت و سعادت‌مند کسانی هستند که ارزش والای این ماه را بشناسند و از برکات بی‌پایان آن بهره‌گیرند و مشکلات معنوی و مادی خود را به برکت روزه‌ها و عبادات در این ماه حل کنند. البته برای بهره‌گیری بیشتر از برکات مادی و معنوی و آثار و ثواب‌های ماه مبارک رمضان، نباید تنها به روزه گرفتن اکتفا کرد، بلکه باید از گناهان اجتناب نمود و با خودسازی و مراقبت و دوری از آلودگی‌ها، جان خویش را در معرض وزش نفحات رحمانی و عنایات ویژه سبحانی قرار داد. بارالها! همه ما را موفق بدار، و قرین رحمت و عنایت کن.

اعمال ماه مبارک رمضان:

این اعمال که آثار عمیقی در پرورش روح و جان انسان دارد، به دو بخش تقسیم می‌شود:
اول: اعمال مشترک ماه مبارک رمضان، که مخصوص شب و روز معینی نیست، و آن بر چهار قسم است:

۱. امالی صدوق، صفحه ۹۳، حدیث ۴ و بحارالانوار، جلد ۹۳، صفحه ۳۵۶.

۱- اعمالی که در هر شب و روز ماه مبارک انجام می‌شود.

۲- اعمالی که مخصوص شب‌های ماه مبارک است.

۳- اعمالی که مخصوص سحرگاهان پرفیض این ماه است.

۴- اعمالی که مخصوص روزهای ماه مبارک است.

دوم: اعمالی که به روزها یا شب‌های معینی اختصاص دارد و پاداش و ثواب بی‌شماری برای آنها ذکر شده است.

اعمال مشترک ماه مبارک رمضان

اعمال مشترک هر شب و روز:

اعمال مشترک هر شب و روز ماه رمضان، بسیار است از جمله:

۱- «سید بن طاووس» از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت کرده است که فرمودند: از اول ماه تا آخر ماه مبارک - بعد از هر فریضه - این دعا را می‌خوانی:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ، مَا

خدایا روزیم گردان حج خانه کعبه را در این سال و در هر سال تا

أَبْقَيْتَنِي فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ وَسَعَةِ رِزْقٍ، وَلَا تُخَلِّنِي مِنْ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ

زنده هستم در آسایش و تندرستی از جانب تو و وسعت روزی و دورم مکن از این اماکن

الْكَرِيمَةِ، وَالْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ، وَزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

گرامی و مشاهد شریفه و زیارت قبر پیامبرت که درود تو بر او و آتش باد

وَفِي جَمِيعِ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَكُنْ لِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيمَا

در همه حاجتهای دنیا و آخرت پشتیبان من باش خدایا از تو خواهم در آنچه

تَقْضِي وَتَقْدِرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، مِنْ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ

بنا هست درباره‌اش حکم فرمایی و مقدر کنی در آن فرمان حتمی و مسلم در شب قدر از آن تقدیری که برگشت ندارد

وَلَا يُبَدَّلُ، أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حَاجِهِمْ،

و تغییر نپذیرد که مرا از حاجیان خانه محترم کعبهات ثبت فرمایی آن حاجیانی که حجتشان درست

الْمَشْكُورِ سَعِيهِمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، الْمُكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَاجْعَلْ

و سعیشان مورد تقدیر و سیاس است و گناهانشان آمرزیده و کارهای بدشان بخشیده شده است و قرار ده

فِيمَا تَقْضَىٰ وَتُقَدَّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي، وَتَوْسِعَ عَلَيَّ رِزْقِي، وَتُوَدِّيَ عَنِّي

در همان قضا و تقدیرات که عمر مرا طولانی گردانی و روزیم را فراخ کنی و امانت و قرضم را

أَمَانَتِي وَدِينِي، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اِداه فرمائی، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.

و همچنین بعد از هر نماز فریضه‌ای می‌گویی:

يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ، يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ، أَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ، الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ

ای والا ای بزرگ ای آمرزنده ای مهربان تویی پروردگار بزرگی که نیست مانند او

شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، وَهَذَا شَهْرُ عَظَمَتِهِ وَكَرَمَتِهِ، وَشَرَفْتَهُ

چیزی و او شنوا و بیناست و این ماهی است که آنرا بزرگ و گرامی داشته و او را شرافت

وَفَضَّلْتَهُ عَلَى الشُّهُورِ، وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ صِيَامَهُ عَلَيَّ، وَهُوَ شَهْرُ

و برتری داده‌ای بر ماههای دیگر و این ماهی است که روزه آن را بر من واجب کرده و این ماه

رَمَضَانَ، الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ، هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَىٰ

رمضان است همان ماهی که قرآن را در آن فرو فرستادی آن قرآنی که راهنمای مردم و نشانه‌های روشنی از هدایت

وَالْفُرْقَانِ، وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، فَيَا ذَا

و جدا ساختن (میان حق و باطل) است و قراردادی در این ماه شب قدر را و آن را بهتر از هزار ماه کردی پس ای

الْمَنِّ وَلَا يُمْنُ عَلَيْكَ، مَنْ عَلَىٰ بِفِكَائِكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، فَيَمَنْ تَمَنَّ عَلَىٰ،

ممت داری که کسی بر تو ممت ندارد ممت نه بر من به آزاد ساختنم از آتش در میان آنان که بر آنها ممت نهی

وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

و داخل بهشتم گردان برحمتت ای مهربانترین مهربانان.



۲- «شیخ کفعمی» در «مصباح» و «بلد الامین» از حضرت رسول ﷺ نقل کرده‌اند که آن حضرت

فرمود: هر کس این دعا را در ماه رمضان بعد از هر نماز واجب بخواند، خدای متعال گناهان او را بیامرزد:

اللَّهُمَّ ادْخُلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورَ، اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ، اللَّهُمَّ اشْبِعْ

خدایا بفرست بر خفتگان در گور نشاط و سرور خدایا دارا کن هر نداری را خدایا سیر کن

كُلَّ جَائِعٍ، اَللّٰهُمَّ اَكْسُ كُلِّ عُرْيَانٍ، اَللّٰهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ، اَللّٰهُمَّ

هر گرسنه‌ای را خدا یا بیوشان هر برهنه را خدا یا ادا کن قرض هر قرضداری را خدا یا

فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ، اَللّٰهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ، اَللّٰهُمَّ فَكِّ كُلِّ اَسِيرٍ،

بگشا اندوه هر غم‌زده را خدا یا به وطن بازگردان هر دور از وطنی را خدا یا آزاد کن هر اسیری را

اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ كُلَّ فَاْسِدٍ مِنْ اُمُوْرِ الْمُسْلِمِيْنَ، اَللّٰهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ،

خدا یا اصلاح کن هر فساد را از کار مسلمین خدا یا درمان کن هر بیماری را

اَللّٰهُمَّ سُدِّ فَقْرُنَا بِعِنَاكَ، اَللّٰهُمَّ غَيِّرْ سُوْءَ حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكَ، اَللّٰهُمَّ

خدا یا ببند رخنه فقر ما را به وسیله دارایی خود خدا یا بدی حال ما را بخوبی حال خود مبدل کن خدا یا

اقْضِ عَنَّا الدِّيْنَ، وَاعْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌۙ

ادا کن از ما قرض و بدهیمان را و بی‌نیازمان کن از نداری که راستی تو بر هر چیز توانایی.



۳- مرحوم «شیخ کلینی» در «کافی» از ابوبصیر روایت کرده که امام صادق علیه السلام در ماه رمضان این دعا

را می‌خواند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ بِكَ اَتَوَسَّلُ وَمِنْكَ اَطْلُبُ حَاجَتِيْ، مَنْ طَلَبَ حَاجَةً اِلَى

خدا یا من به تو متوسل می‌شوم و از شخص تو می‌جویم حاجتم را و هر که حاجت خویش از

النَّاسِ فَاِنِّيْ لَا اَطْلُبُ حَاجَتِيْ اِلَّا مِنْكَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ، وَاسْئَلُكَ

مردم می‌جوید ولی من نجویم حاجتم را جز از تو تنها که شریکی نداری و از تو خواهم

بِفَضْلِكَ وَرِضْوَانِكَ، اَنْ تَصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ، وَاَنْ تَجْعَلَ لِيْ فِيْ

به حق فضل و خشنودیت که درود فرستی بر محمد و خاندان او و این‌که در این

عَامِيْ هَذَا اِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ سَبِيْلًا، حَاجَةً مَبْرُوْرَةً، مُتَقَبَّلَةً زَاكِيَةً خَالِصَةً

سال برای رسیدن من به خانه محترمت کعبه راهی قرار دهی که حجتی صحیح و پذیرفته و پاکیزه و خالص

لَكَ، تَقَرُّ بِهَا عَيْنِيْ، وَتَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتِيْ، وَتَرْزُقْنِيْ اِنْ اَعْضَّ بَصْرِيْ، وَاَنْ

برای تو انجام دهم آن چنانکه دیده‌ام بدان روشن شود و درجه‌ام بدان بالا رود و روزم کن که دیدم را بیوشانم و

اَحْفَظُ فَرْجِيْ، وَاَنْ اَكْفَّ بِهَا عَنْ جَمِيْعِ مَحَارِمِكَ، حَتّٰى لَا يَكُوْنَ شَيْءٌ

عورتم را (از گناه) نگهدارم و خود را از همه کارهای حرام تو باز دارم تا بدان حد که هیچ چیزی

آثَرَ عِنْدِي مِنْ طَاعَتِكَ وَخَشْيَتِكَ، وَالْعَمَلِ بِمَا أَحْبَبْتَ، وَالتَّرْكِ لِمَا

در پیش من محبوبتر از اطاعت و ترس از تو و انجام آنچه دوست داری و نکردن آنچه را

كَرِهْتَ وَنَهَيْتَ عَنْهُ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ فِي يَسْرٍ وَيَسَارٍ وَعَافِيَةٍ، وَ أَوْزِعْنِي

ناخوش داری و آن را قدغن کرده‌ای نباشد و قرار ده همه اینها را در گشایش و آسودگی و تندرستی با هر چه

شُكْرًا مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ وَفَاتِي قِتْلًا فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ

نعمت که به من داده‌ای و از تو خواهم که مرگ مرا کشته شدن در راهت قرار دهی که در زیر

رَايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ أَوْلِيَائِكَ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَقْتُلَ بِي أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ،

پرچم پیغمبرت با دوستان کشته شوم و از تو خواهم که دشمنان خود و دشمنان پیامبرت را بدست من بکشی

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُكْرِمَنِي بِهَوَانٍ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَلَا تُهْنِي بِكَرَامَةٍ أَحَدٍ

و از تو خواهم که مرا گرامی داری بخوار کردن هر یک از خلق خود که خواهی ولی خوارم نکنی به گرامی داشتن هیچ یک

مِنْ أَوْلِيَائِكَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً، حَسْبِيَ اللهُ مَا شَاءَ اللهُ.

از دوستان خدایا قرار ده برای من با پیامبرت راهی خدا مرا بس است و آنچه خواهد شود.

«سید بن طاووس» در «اقبال» از ابوصبیر روایت کرده است که امام صادق ع فرمود: در شب‌های ماه

رمضان بعد از نماز مغرب، با این دعا، برای توفیق زیارت خانه خدا دعا کن.^۲

و «کفعمی» در «بلدالامین» گفته است که: مستحب است این دعا را در شب اول ماه رمضان و هر روز

از این ماه بخواند.^۳

۴- بهترین اعمال در شبها و روزهای ماه مبارک رمضان تلاوت قرآن است؛ زیرا قرآن در ماه مبارک

رمضان نازل شده است و در حدیث آمده است که: هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است

و در ماههای دیگر، هر ماهی یک بار ختم قرآن سنت است و اقل آن هر شش روز است؛ ولی در ماه

رمضان، هر سه روز یک ختم قرآن سنت است و اگر بتواند روزی یک قرآن ختم کند، خوب است.^۴

شکی نیست کسانی که با مفاهیم و محتوای قرآن آشنایی ندارند سزاوار است در محتوای آیات دقت

بیشتری کنند و در مکتب قرآن درس فرا گیرند، هر چند مقدار کمتری بخوانند همان گونه که تشکیل

جلسات تفسیر برای فهم هدایت‌های قرآن در این باره بسیار مناسب است.

«علامة مجلسی» می‌فرماید: اگر ثواب هر ختم قرآنی به روح مقدس پیامبر اکرم ص و حضرت فاطمه

۱. کافی، جلد ۴، صفحه ۷۴، حدیث ۶.

۲. اقبال، صفحه ۲۴.

۳. بلدالامین، صفحه ۲۲۲.

۴. زاد المعاد، صفحه ۱۰۹.

زهرا علیها السلام و یا یکی از ائمه هدی علیهم السلام (و یا به محضر حضرت ولی عصر علیه السلام) هدیه شود ثوابش بیشتر می‌شود.^۱ و از روایتی برمی‌آید که پاداش چنین کسی آن است که در روز قیامت در سایه آن بزرگواران باشد.^۲

۵- باید دعا و ذکر صلوات و استغفار از گناهان در این ماه بسیار نمود. و کلمه طیبه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** را فراوان گفت.^۳ در روایتی می‌خوانیم: وقتی ماه مبارک رمضان داخل می‌شد امام زین العابدین علیه السلام جز به دعا و تسبیح و استغفار و تکبیر، سخن نمی‌گفت.^۴

همچنین باید به عبادت و نافله‌های شب و روز در این ماه اهمیت فراوان داد،^۵ مخصوصاً کسانی که در غیر این ماه موفق به انجام نافله‌ها (مخصوصاً نافله شب) نیستند.

اعمال مشترک شب‌های ماه مبارک رمضان:

اعمالی که در شب‌های ماه رمضان بجا آورده می‌شود چند امر است:

۱- افطار کردن به هنگام دخول وقت مغرب شرعی. و مستحب است که بعد از نماز مغرب افطار کند، مگر آن که ضعف و ناتوانی بر او غلبه کرده باشد که توجه و حضور قلب از او سلب شود، و یا آن که جمعی منتظر او باشند.^۶

۲- افطار با غذاها و نوشیدنی‌های پاک و طاهر از حرام و مشتببه به حرام باشد.^۷ بهتر آن است که به خرما یا حلال افطار کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس با خرما یا حلال افطار کند، ثواب نمازش افزون گردد.^۸

همچنین امام علی علیه السلام فرمود: مستحب است با شیر افطار کند.^۹ افطار کردن به آب و نبات و حلوا و به آب نیم‌گرم، به هر کدام که باشد، نیز خوب است که رسول خدا صلی الله علیه و آله با اینها افطار می‌کردند.^{۱۰}

۳- به هنگام افطار دعاهای کوتاهی که از معصومین علیهم السلام وارد شده است را بخواند مانند:

(الف) **اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ، وَعَلَىٰ رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ.**^{۱۱}

*** خدایا برای تو روزه گرفتم و با روزی تو افطار کنم و بر تو توکل کنم.

- | | |
|--------------------------|----------------------------------|
| ۱. زاد المعاد، صفحه ۱۰۹. | ۲. اقبال، صفحه ۱۱۰. |
| ۳. زاد المعاد، صفحه ۱۰۹. | ۴. کافی، جلد ۴، صفحه ۸۸، حدیث ۸. |
| ۵. زاد المعاد، صفحه ۱۰۹. | ۶. همان مدرک، صفحه ۱۰۸. |
| ۷. اقبال، صفحه ۱۱۴. | ۸. همان مدرک. |
| ۹. همان مدرک. | ۱۰. زاد المعاد، صفحه ۱۰۸. |
| ۱۱. اقبال، صفحه ۱۱۷. | |

ب) امیرمؤمنان علیه السلام به هنگام افطار کردن، این دعا را می‌خواند:

بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ لَكَ صُومُنَا، وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرُنَا، فَتَقَبَّلْ مِنَّا، إِنَّكَ أَنْتَ

خدایا برای تو روزه گرفتیم و با روزی تو افطار کنیم پس از ما بپذیر که برستی تو

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.^۱

شنوا و دانایی.

۴- خواندن سوره «اِنَّا انزلناه» به هنگام افطار، پاداش بسیاری دارد.^۲

۵- در لقمه اول به هنگام افطار، بگوید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، اِغْفِرْ لِي، که

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: کسی که آن را بگوید، خداوند او را بیامرزد.^۳

۶- دعا کردن به هنگام افطار نیز بسیار خوب است. در روایتی آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود:

برای روزه‌دار به هنگام افطارش، یک دعای اجابت شده، می‌باشد.^۴

۷- به هنگام افطار، صدقه دهد و روزه‌داران را افطار دهد هرچند در صورت عدم توانایی، به تعدادی

خرما یا جرعه‌ای از آب باشد، و افطار دادن از مستحبات بسیار مؤکد است که سزاوار است مؤمنان آن را

فراموش نکنند، و در بعضی از کشورهای اسلامی هنگام افطار در تمام مساجد سفره‌های ساده طولانی

گسترده می‌شود.

از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که هر کس در ماه رمضان، مؤمن روزه‌داری را افطار دهد،

پاداش آزاد کردن بنده مؤمنی را دارد و سبب آمرزش گناهان او می‌شود.

وقتی که اصحاب پرسیدند، توان چنین کاری نداریم، فرمود: آن کس که توان ندارد، مقداری شیر یا

قدری آب و یا تعدادی خرما هم بدهد، خداوند به او چنین پاداشی را عطا می‌کند.^۵

در روایت دیگری که «مرحوم کلینی» و «شیخ صدوق» و «شیخ طوسی» از امام صادق علیه السلام نقل

کرده‌اند آمده است: هر کس روزه‌داری را افطار دهد، همانند پاداش آن روزه دار ثواب می‌برد. (بی آن که از

ثواب او کاسته شود).^۶

۸- هر شب بعد از مغرب، دعای حج را بخواند که در اعمال مشترک هر شب و روز (صفحه ۶۹۷) ذکر

شد.

۱. مصباح کفعمی، صفحه ۶۳۱ (همین روایت در اقبال، صفحه ۱۱۶، با مختصری تفاوت، آمده است).

۲. اقبال، صفحه ۱۱۴.

۳. همان مدرک، صفحه ۱۱۶.

۴. همان مدرک و بلدالامین، صفحه ۲۳۲.

۵. اقبال، صفحه ۷.

۶. کافی، جلد ۴، صفحه ۶۸، حدیث ۱ و تهذیب، جلد ۴، صفحه ۲۰۱، حدیث ۴ و فقیه، جلد ۲، صفحه ۱۳۴، حدیث ۱۹۵۲.

۹- «سید بن طاووس» در «اقبال» روایت کرده است: هر کس در هر شب از ماه رمضان این دعا را بخواند گناهان بسیاری از او آمرزیده می‌شود:

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ، الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ، وَافْتَرَضْتَ عَلَيَّ

خدایا ای پروردگار ماه رمضان که در آن قرآن را فرستادی و بر بندگان روزه را

عِبَادِكَ فِيهِ الصِّيَامَ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ

در این ماه واجب کردی درود فرست بر محمد و آل محمد و روزیم گردان حج خانه محترم خود

الْحَرَامِ، فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَاعْفُرْ لِي تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ، فَإِنَّهُ

کعبه را در این سال و در هر سال و بیامرز برایم این گناهان بزرگ را که برآستی

لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا رَحْمَنُ يَا عَلَّامٌ.^۱

نیامرزد آنها را جز تو ای بخشاینده و ای بسیار دانا.

۱۰- در هر شب از ماه رمضان دعای افتتاح را بخواند.

دعای افتتاح^۲:

به سند معتبر از حضرت صاحب‌الامر - امام زمان (ارواحنا فداه) - نقل شده است که به شیعیان نوشتند: در هر شب از ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانید که دعای این ماه را فرشتگان می‌شنوند و برای صاحبش استغفار می‌کنند.

متن دعا مطابق نقل «زاد المعاد»^۳ چنین است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ، وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ، وَأَيَقَنْتُ

خدایا من ستایش را بوسیله حمد تو می‌گشایم و تویی که به نعمت‌بخشی خود بندگان را به درستی واداری و یقین دارم

أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ

که برآستی تو مهربانترین مهربانانی اما در جای گذشت و مهربانی ولی سخت‌ترین کیفرکننده‌ای

۱. اقبال، صفحه ۶۱.

۲. به نظر می‌رسد نامگذاری این دعا به «افتتاح» از کلمات آغازین این دعا گرفته شده که آمده است: اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ (خدایا من با حمد تو ستایشم را آغاز می‌کنم).

۳. زاد المعاد، صفحه ۱۱۰ و اقبال، صفحه ۵۸.

فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنَّقِمَةِ، وَأَعْظَمَ الْمُتَجَبَّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِ يَاءٍ

در جای شکنجه و انتقام و بزرگترین جبارانی در جای بزرگی

وَالْعَظْمَةِ، اَللّٰهُمَّ اَذْنْتَ لِيْ فِيْ دُعَائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ

و عظمت خدایا تو به من اجازه دادی در این که بخوانمت و از تو درخواست کنم پس ای خدای شنوا

مِدْحَتِيْ، وَاجِبُ يَا رَحِيْمُ دَعْوَتِيْ، وَقَلِّ يَا غَفُوْرُ عَثْرَتِيْ، فَكَمَّ يَا اِلٰهِيْ

مدح و ثنائیم را بشنو و پاسخ ده ای مهربان خواسته‌ام را و نادیده‌گیر ای آمرزنده لغزشم را ای معبود من چه بسیار

مِنْ كُرْبِيَّةٍ قَدْ فَرَّجْتَهَا، وَهَمُوْمٍ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَعَثْرَةٍ قَدْ اَقْلَنْتَهَا، وَرَحْمَةٍ قَدْ

گرفتاری که برطرف کردی و چه بسیار اندوه که زدودی و لغزشها که چشم پوشیدی و مهر و رحمت که

نَشَرْتَهَا، وَحَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتَهَا، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَّلَا

گسترده‌ی و زنجیر بلا که از هم باز کردی ستایش خاص خدایی است که نگیرد همسری و نه

وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيْكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ، وَكَبْرُهُ

فرزندى و نیست برایش شریکی در فرمانروایی و نیست برایش یاورى از خواری و به کمال بزرگی

تَكْبِيْرًا، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِجَمِيْعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا، عَلٰى جَمِيْعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

او را یاد کن ستایش خدای را به همه ستودگیهایش یکسر بر همه نعمت‌هایش یکسر ستایش برای خدایی است

الَّذِيْ لَا مُضَادَّ لَهُ فِيْ مُلْكِهِ، وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِيْ اَمْرِهِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ لَا

که ضد و دشمنی در پادشاهی او و ستیزه‌جویی در فرمانش نیست ستایش خدایی را است که

شَرِيْكٌ لَهُ فِيْ خَلْقِهِ، وَلَا شَبِيْهَ لَهُ فِيْ عَظَمَتِهِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَاشِيْ فِيْ

شریکی در خلقتش ندارد و شبیهی در عظمت او نیست ستایش خاص خدایی است که هویداست در

الْخَلْقِ اَمْرُهُ وَحَمْدُهُ، الظَّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ، الْبَاسِطِ بِالْجُوْدِ يَدُهُ، الَّذِيْ لَا

میان خلق کارش و ستایشش و آشکار است به بزرگواری شوکش و گشاده است دستش آن‌که

تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ، وَلَا تَزِيْدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ اِلَّا جُوْدًا وَكِرْمًا، اِنَّهُ هُوَ الْعَزِيْزُ

نقصان نپذیرد خزینه‌هایش و نیفزایدش بسیاری عطا مگر جود و بزرگواری براستی که او عزیز

الْوَهَّابُ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ قَلِيْلًا مِنْ كَثِيْرٍ مَّعَ حَاجَةٍ بِيْ اِلَيْهِ عَظِيْمَةٍ،

و بسیار بخشنده است خدایا از تو خواهم اندکی از بسیار با این‌که نیازمندیم بدان بزرگ است

وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيْمٌ، وَهُوَ عِنْدِيْ كَثِيْرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيْرٌ، اَللّٰهُمَّ اِنْ

و بی‌نیازی تو از آن قدیم و ازلی است و آن درخواست پیش من بسیار ولی در نزد تو اندک و آسان است خدایا براستی

عَفْوِكَ عَنِ ذَنْبِي، وَتَجَاوُزِكَ عَنِ خَطِيئَتِي، وَصَفْحِكَ عَنِ ظُلْمِي،

گذشت تو از گناهم و چشم‌پوشیت از خطایم و نادیده گیریت از ستمم

وَسِتْرِكَ عَلَيَّ قَبِيحِ عَمَلِي، وَحِلْمِكَ عَنِ كَثِيرِ جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ

و پرده‌پوشیت بر کار زشتم و بردباریت در برابر جنایت و جرم بسیارم که به خطا

خَطَايَ وَعَمْدِي، أَطْمَعَنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّذِي

یا از روی تعمد کردم مرا به طمع انداخت تا از تودرخواست کنم چیزی را که مستحق آن نیستم، درخواست کنم آنچه را

رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَأَرَيْتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ، وَعَرَّفْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ،

که از رحمتت روزی من کردی و از قدرتت به من نمایاندی و از اجابت دعایت به من شناساندی

فَصِرْتُ أَدْعُوكَ آمِنًا، وَأَسْأَلُكَ مُسْتَأْنِسًا لَا خَائِفًا وَلَا وَجِلًا، مُدًّا لَكَ عَلَيَّ

و این سبب شد که من از روی اطمینان تو را بخوانم و با تو انس گرفته بدون ترس و اهمه از تو حاجت بخواهم و تازه در مطلوب

فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ، فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ، وَأَعْلَلَّ الَّذِي

و مقصود خود با ناز و عشو به درگاهت آیم و اگر حاجتم دیر برآید بواسطه نادانیم بر تو اعتراض کنم در صورتی که شاید

أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ، فَلَمْ أَرِ مَوْلًا كَرِيمًا أَضْبَرَ

دیر کردن آن برای من بهتر باشد زیرا تو دانای به سرانجام کارها هستی و از این رو من ندیدم مولای بزرگواری را که

عَلَى عَبْدٍ لَيْسَ مِنْكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ، إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَوْلَى عَنكَ، وَتَتَحَبَّبُ

بر بنده پست خود شکیباتر از تو باشد بر من ای پروردگارم تو مرا می‌خوانی ولی من از تو رو می‌گردانم و تو به من دوستی می‌کنی

إِلَيَّ فَاتَبَغَّضُ إِلَيْكَ، وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ، كَأَنَّ لِي التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ،

ولی من با تو دشمنی می‌کنم و تو به من محبت کنی و من نپذیرم گویا من متنی بر تو دارم

فَلَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ، وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ

و باز این احوال باز ندارد تو را از مهر به من و و احسان بر من و بزرگواریت نسبت به من از روی بخشندگی

وَكَرَمِكَ، فَأَرْحَمَ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ، وَجَدُّ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ، إِنَّكَ جَوَادٌ

و بزرگواریت پس بر بنده نادان رحیم کن و از زیادی احسانت بر او بخش که برستی تو بخشنده

كَرِيمٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِي الْفُلْكِ، مُسَخِّرِ الرِّيَّاحِ، فَالِقِ

و بزرگواری ستایش خاص خداست که مالک سلطنت و روان کننده کشتی (وجود) و مسخرکننده بادها و شکافنده

الْأَصْبَاحِ، دَيَّانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ،

سپیده صبح و حکمفرمای روز جزا و پروردگار جهانیان است ستایش خدای راست که بردباریش پس از دانستن

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ طَوْلِ أَنَاتِهِ فِي غَضَبِهِ،

و ستایش برای خداست بر گذشتش با این‌که نیرومند است و ستایش برای خدا است بر زیادی تحمل و بردباریش در عین خشم

وَهُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ مَا يُرِيدُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ، بَاسِطِ الرِّزْقِ، فَالِقِ

او با این‌که او بر هرچه بخواهد تواناست ستایش خدای را است که آفریننده خلق و گسترنده روزی و شکافنده

الْأَصْبَاحِ، ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَىٰ،

صبح صاحب جلال و بزرگواری و فضل و نعمت‌بخشی آن‌که دور است پس دیده نشود

وَقَرَبَ فَشَهِدَ النَّجْوَىٰ، تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازَعٌ

و نزدیک است که مطلع از گفتگوهای سری است برتر و والاست ستایش خدایی را که نیست برای او ستیزه‌جویی که

يُعَادِلُهُ، وَلَا شَبِيهَ يُشَاكِلُهُ، وَلَا ظَهِيرَ يُعَاوِدُهُ، قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعْرَآءَ،

با او برابری کند و نه شبیهی که هم‌شکل او باشد و نه پشتیبانی که کمکش کند به عزت خویش‌چیره دستان را مقهور ساخته

وَتَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظْمَاءَ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

و در مقابل عظمتش بزرگان فروتنی کرده پس بوسیله نیرویش بهر جا که خواهد رسیده ستایش خدایی را که

يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ، وَيَسْتُرْ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَأَنَا أَعْصِيهِ، وَيُعْظِمُ النُّعْمَةَ

پاسخ دهد هرگاه بخوانمش و پيوشاند بر من هر زشتی را و من نافرمانش کنم و بزرگ گرداند بر من نعمتش را

عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ، فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَنِيئَةٍ قَدْ أَعْطَانِي، وَعَظِيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ

ولی من پاداشش ندهم پس چه بسیار بخششهای جانبخشی که به من عطا فرمود و چه پیش آمدهای بزرگ و هولناکی را که

كَفَانِي، وَبَهْجَةٍ مُوْنِقَةٍ قَدْ أَرَانِي، فَأُنْتِنِي عَلَيْهِ حَامِدًا، وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحًا،

از من دور کرد و چه خوشبهای شگفتانگیزی که به من نمایاند او را ستایش‌کنان ثنا گویم و تسبیح گویند یادش کنم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ حِجَابُهُ، وَلَا يُغْلَقُ بَابُهُ، وَلَا يُرَدُّ سَأَلُهُ، وَلَا

ستایش خاص خدایی است که پرده‌اش دریده نشود و در خانه‌اش بسته نگردد و خواهنده‌اش رد نشود و

يُخَيِّبُ أَمَلَهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ، وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ، وَيَرْفَعُ

آرزومندش نومید نگردد ستایش خاص خدایی است که هراسناکان را امان بخشد و شایستگان را نجات دهد و ناتوان

الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ، وَيَهْلِكُ مُلُوكًا، وَيَسْتَخْلِفُ آخِرِينَ،

شمردگان را بلند کند و گردنکشان را زبون کند و شاهان را نابود کند و به جایشان دسته دیگری نشانند

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ، مُبِيرِ الظَّالِمِينَ، مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ، نَكَالِ

ستایش خدای را در هم‌شکننده سرکشان و نابودکننده ستمکاران دریابنده گریختگان کیفردهنده

الظَّالِمِينَ، صَرِيحَ الْمُسْتَضْرِحِينَ، مَوْضِعَ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ، مُعْتَمِدِ

ظالمان فریادرس جایگاه حاجتهای جویندگان تکیه‌گاه

الْمُؤْمِنِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاوَاتُ وَسُكَّانُهَا، وَتَرَجُفُ

مؤمنان ستایش خدایی راست که از ترس او آسمان و ساکنانش غرش کنند و

الْأَرْضُ وَعُمَارُهَا، وَتَمَوْجُ الْبِحَارِ وَمَنْ يَسْبَحُ فِي غَمْرَاتِهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ

زمین و آباد کنندگانش بر خود بلرزند و دریاها و آنان که در قعر آنها شناوری کنند به جنبش و موج درآید ستایش خاص خدایی است

الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

که ما را به این (دین) هدایت فرمود و اگر او ما را هدایت نکرده بود ما بدان هدایت نمی‌شدیم ستایش خدایی راست که

يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ، وَيَرْزُقُ وَلَا يُرْزَقُ، وَيُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ، وَيَمِيتُ

آفرید و خود آفریده نشده روزی دهد و کسی او را روزی ندهد و بخوراند و خود بی‌نیاز از خوراک است و بمیراند

الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ

زندگان را و زنده کند مردگان را و اوست زنده‌ای که نمیرد هرچه خیر است به دست اوست و او برای هر چیز

شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ،

تواناست خدایا درود فرست بر محمد بندهات و پیامبرت و امین بر وحیت و پسندیدهاات

وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَحَافِظِ سِرِّكَ، وَمُبَلِّغِ رِسَالَاتِكَ، أَفْضَلَ

و حبیبیت و برگزیدهات از میان خلق و نگهدار رازت و رساننده پیامهایت برترین درود

وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ، وَاكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى، وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى، وَأكْثَرَ

و بهترین و زیباترین و کاملترین و پاکیزه‌ترین و پررشدترین و خوشترین و پاکترین و بلندترین و بیشترین

مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ، وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ

درودی که فرستادی و برکتی که دادی و ترحمی که کردی و عطفی که ورزیدی و تحننی که فرستادی بر هر یکی از بندگانت

وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ، وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنَ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ

و پیامبرانت و رسولانت و برگزیدگانت و گرامیان تو از میان خلقت خدایا

وَصَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، عَبْدِكَ

و درود فرست بر علی امیر مؤمنان و وصی فرستاده پروردگارجهانیان بنده تو

وَوَلِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَأَيَّتِكَ الْكُبْرَى وَالنَّبِيَّ

و ولی تو و برادر پیامبر تو و حجت تو بر خلقت و نشانه بزرگت و نبی

الْعَظِيمِ، وَصَلَّ عَلَى الصَّديْقَةِ الطَّاهِرَةِ، فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

عظیم (آن خیر بزرگ) و درود فرست بر صدیقه طاهره فاطمه (زهره) بانوی زنان جهانیان

وَصَلَّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ وَامَامِي الْهُدَى، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَيَّ

و درود فرست بر دو سبط (پیامبر) رحمت و دو پیشوای هدایت حسن و حسین دو آقای

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَصَلَّ عَلَى أُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ، عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ،

جوانان اهل بهشت و درود فرست بر پیشوایان مسلمانان علی بن الحسین

و مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيِّ بْنِ

و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن

مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَالْخَلْفِ

موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و یادگار

الْهُدَايِ الْمَهْدِيِّ، حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَأَمْنَاتِكَ فِي بِلَادِكَ، صَلَاةً كَثِيرَةً

شایسته و راهنمایش حضرت مهدی که اینها حجت‌های تو بر بندگانت هستند و امین‌های تو در شهرها و بلاد تواند درودی فرست که بسیار

دَائِمَةً، اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى وَّلِيِّ اَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ،

و همیشگی باشد خدایا و بالخصوص درود فرست بر سرپرست دستورت آن امام قائم که مایه امید است و آن عدل و دادی که همه چشم‌براهش هستند

وَ حُفِّهِ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَيِّدُهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ

و فراگیر او را به فرشتگان مقرب حلقه‌وار و به روح القدس یاریش کن ای پروردگار جهانیان خدایا

اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ اِلَى كِتَابِكَ، وَالْقَائِمِ بِدِينِكَ، اسْتَخْلِفْهُ فِي الْاَرْضِ كَمَا

(وسائل آمدنش را) آماده کن تا او به کتابت دعوت کند و به دین تو قیام کند و او را روی زمین جایگزین گردان چنانچه

اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ، مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ، اَبْدَلْهُ مِنْ بَعْدِ

جایگزین کردی آنان که پیش از او بودند و آن دینی را که برایش پسندیدهای بدست او بیاور کن و پس از ترس و خوفی که داشته

خَوْفِهِ اَمْنًا، يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا، اَللّٰهُمَّ اَعِزَّهُ وَاَعِزِّرْ بِهِ، وَاَنْصُرْهُ

آسایش خاطری به او بده که با کمال خلوص تو را پرستش کند خدایا عزیزش گردان و دیگران را به او عزیز کن یاریش کن

وَأَنْتَصِرْ بِهِ، وَاَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيْزًا، وَاَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيْرًا، وَاَجْعَلْ لَهُ مِنْ

و بوسیله او دیگران را یاری کن و بطور پیروزمندانه‌ای او را یاری کن و گشایش آسانی بهره‌اش کن و قرار ده یاریش از

لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا، اَللّٰهُمَّ اَظْهِرْ بِهِ دِيْنَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتَّى لَا

نزد خود حکومتی نصرت‌آور خدایا بدو دین خود و روش پیامبرت را آشکار ساز بطوری که

يَسْتَحْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَرْغَبُ

چیزی از امور حقه نماند که ناچار باشد از ترس مردم پنهانش کند خدایا ما با تضرع و زاری

اِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيْمَةٍ، تُعْزُبُ بِهَا الْاِسْلَامَ وَاَهْلَهُ، وَتُدَلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَاَهْلَهُ،

به درگاهت از تو خواستاریم دولتی گرامی را که به وسیله آن اسلام و مسلمین را عزت بخشی و نفاق و منافقین را منکوب سازی

وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ اِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةِ اِلَى سَبِيْلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا

و ما را در آن دولت از زمره خوانندگان مردم بسوی اطاعت تو و از برندگان بسوی راه خود قرارمان دهی و بدان وسیله

كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ، اَللّٰهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَا، وَمَا قَصْرُنَا

بزرگواری دنیا و آخرت را نصیب ما گرداندی خدایا آنچه را که از حق به ما شناسانده‌ای تاب تحملش را نیز به ما بده و آنچه را که از

عَنْهُ فَبَلَّغْنَا، اَللّٰهُمَّ الْمُمِّ بِهٖ شَعْنُنَا، وَاَشَعْبُ بِهٖ صَدَعْنَا، وَاَزْتُقُ بِهٖ فَتَقْنَا،

رسیدن بدان کوتاه آمدیم تو ما را بدان برسان خدایا بدان حضرت پراکندگیمان را برطرف کن و گسیختگیمان را دور کن و پریشانی ما را بدو بیوست کن

وَكَثْرَبِهٖ قَلَّتْنَا، وَاَعَزُّ بِهٖ ذَلَّتْنَا، وَاَعْنِ بِهٖ عَائِلُنَا، وَاَقْضِ بِهٖ عَنْ مُّغْرَمِنَا،

و کمی ما را بدو زیاد کن و خواری ما را بدو عزت بخش و نداری ما را بدو توانگری بخش و بدهی ما را بوسیله اش بپرداز

وَاَجْبِرْ بِهٖ فَقْرُنَا، وَاَسُدِّ بِهٖ خَلَّتْنَا، وَيَسِّرْ بِهٖ عُسْرُنَا، وَيَبَيِّضْ بِهٖ وُجُوْهَنَا،

و فقر ما را بدو جبران کن و شکاف و تفرقه ما را بدو برطرف کن و سختی ما را بدو آسان کن و چهره‌های ما را بدو سفید گردان

وَفَكِّ بِهٖ اَسْرُنَا، وَاَنْجِحْ بِهٖ طَلِبَتْنَا، وَاَنْجِزْ بِهٖ مَوَاعِدِنَا، وَاَسْتَجِبْ بِهٖ

و گرفتاران ما را بدو آزادکن و خواسته‌های ما را بدو روا کن و وعده‌های ما را به او تحقق بخش و دعای ما را بدو مستجاب

دَعْوَتَنَا، وَاَعْطِنَا بِهٖ سُوْلُنَا، وَاَبْلَغْنَا بِهٖ مِنَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اَمَالِنَا، وَاَعْطِنَا بِهٖ

کن و خواهشهای ما را بوسیله او عطا کن و بوسیله او ما را به آرزوهای دنیا و آخرت برسان و بوسیله او بیش از آنچه

فَوْقَ رَغْبَتِنَا، يَا خَيْرَ الْمَسْئُوْلِيْنَ وَاَوْسَعَ الْمُعْطِيْنَ، اِشْفِ بِهٖ صُدُوْرُنَا،

ما خواهانیم به ما بده ای بهترین درخواست شدگان و دست‌بازترین عطاکنندگان سینه‌های ما را با ظهورش شفا بخش

وَاَذْهَبْ بِهٖ غَيْظَ قُلُوْبِنَا، وَاَهْدِنَا بِهٖ لِمَا اَخْتَلَفَ فِيْهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِكَ، اِنَّكَ

و بوسیله او عقده دل‌های ما را برطرف کن و بدو ما را بدان حقی که مورد اختلاف است به اذن خود راهنمایی کن که برستی تو

تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ، وَاَنْصُرْنَا بِهٖ عَلٰى عَدُوْكَ وَعَدُوْنَا،

هر که را بخواهی به راه راست هدایت فرمایی و بدست او ما را بر دشمنان و دشمنان ما نصرت ده

اِلَهَ الْحَقِّ اٰمِيْنَ، اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُوْ اِلَيْكَ فَقَدْ نَبِيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ،

ای معبود برحق - آمین - خدایا ما به تو شکایت کنیم از نبودن پیامبران که دروهای تو بر او و آتش باد

و غَيْبَةً وَلَيْئًا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهَرَ الزَّمَانَ

و از غیبت مولایمان و از بسیاری دشمنان و کمی افرادمان و از سختی آشوبها و از کمک دادن اوضاع زمانه

عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تَعْجَلْهُ،

به زیان ما پس درود فرست بر محمد و آلش و کمک ده ما را بر این اوضاع به گشایش فوری از طرف خود و

وَبِضْرٍ تَكْشِفُهُ، وَنَصْرٍ تَعِزُّهُ، وَسُلْطَانٍ حَقٌّ تُظْهِرُهُ، وَرَحْمَةٍ مِنْكَ

برطرف کردن رنج و ناراحتی و یاری با عزت و ظاهر ساختن سلطنت حق و رحمتی از جانب تو که ما را

تَجَلِّلْنَاهَا، وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

فراگیرد و تندرستی از طرف تو که ما را بیوشاند به رحمت ای مهربانترین مهربانان.



۱۱- در هر شب بخواند:

اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَادْخِلْنَا، وَفِي عَلِيِّينَ فَارْفَعْنَا، وَبِكَاسِ

خدایا بوسیله رحمت ما را در جرگه شایستگان وارد کن و درعلیین بهشت بالا بر و جامی

مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنَا، وَمِنْ الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ

از آب خوشگوار چشمه سلسبیل به ما بنوشان و از حوریان بهشتی به رحمت خود

فَرَوِّجْنَا، وَمِنْ الْوُلْدَانِ الْمُخْلَدِينَ كَانَهُمْ لَوْ لَوْ مَكْنُونٌ فَاخْدِمْنَا، وَمِنْ

به ازدواج ما درآور و از پسران جاویدان که همچون مرواریدانی در صدفند به خدمت ما بگمار و از

ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَلَحُومِ الطَّيْرِ فَاطْعِمْنَا، وَمِنْ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ

میوه‌های بهشتی و گوشت پرندگان به ما بخوران و از جامه‌های زربفت و ابریشم

وَالْإِسْتَبْرَقِ فَالْبِسْنَا، وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلًا فِي سَبِيلِكَ

و دیبا به ما بیوشان و به درک فضیلت شب قدر و حج خانه کعبه و کشته شدن در راه خود

فَوْفُقَ لَنَا، وَصَالِحِ الدُّعَاءِ وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا، وَإِذَا جَمَعَتِ الْأُولِينَ

ما را موفق بدار و دعای شایسته و خواهش ما را برآور و چون اولین

وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا، وَبِرَأْتَهُ مِنَ النَّارِ فَارْحَمْنَا، وَفِي جَهَنَّمَ

و آخرین را در روز قیامت گرد آوردی در آن هنگام به ما ترحم کن و منشور رهایی ما را از آتش برایمان بنویس و در دوزخ

فَلَا تَغْلُنَا، وَفِي عَذَابِكَ وَهُوَ أَنْكَ فَلَا تَبْتَلِنَا، وَمِنْ الرِّقُومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا

ما را به زنجیر میند و در شکنجه و خواریت ما را مبتلا مکن و از درخت زقوم و ضریع به ما

تُطْعَمُنَا، وَ مَعَ الشَّيَاطِينِ فَلَا تَجْعَلُنَا، وَ فِي النَّارِ عَلَيَّ وَ جُوهِنَا فَلَا

مخوران و با شیاطین ما را در یکجا قرار مده و به رو در آتش دوزخ ما را

تَكْتُبُنَا، وَ مِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَ سَرَابِيلِ الْقَطْرَانِ فَلَا تُلْبِسُنَا، وَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا

مینداز و از جامه‌های آتشین و پیراهنهای آتش‌زای قطران (آهن آب‌شده) به ما میوشان و از هر بدی ای

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَانجِّنَا.^۱

خدایی که جز تو معبودی نیست به حق کلمه «لا اله الا انت» ما را نجات بخش.

۱۲- از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که در هر شب ماه رمضان این دعا را می‌خوانی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَ تَقْدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ فِي

خدایا از تو خواهم که در قضا و قدر حتمی و

الْأَمْرِ الْحَكِيمِ، مِنْ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ، أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ

فرمان حکیمانه خود از آن قضایی که برگشت ندارد و تغییرپذیر نیست چنان مقرر داری که ثبت کنی

بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حَجَّهُمْ، الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبَهُمْ،

نام مرا از حاجیان کعبه‌ات که حجتشان قبول شده و سعیشان پذیرفته گردیده و گناهانشان آمرزیده شده

الْمُكْفَرِ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَ تَقْدِّرُ، أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي

و از بدیهاشان صرفنظر گردیده و نیز در قضا و قدر خود مقرر داری که عمر مرا

فِي خَيْرٍ وَ عَافِيَةٍ، وَ تَوْسِعَ فِي رِزْقِي، وَ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِذِينِكَ،

در خوبی و تندرستی طولانی کنی و روزیم توسعه دهی و بگردانی مرا از آن کسانی که بوسیله آنان دینت را یاری کنی

وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي.^۲

و مرا با دیگری عوض نکنی.

۱۳- مرحوم محدث قمی نقل کرده است که: در «أنیس الصالحین» آمده است که در هر شب از شبهای

ماه رمضان این دعا را بخوان:

أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ، أَوْ يَطَّلِعَ

پناه می‌برم به جلال ذات بزرگوارت از این‌که ماه رمضان از من بگذرد یا سپیده دم

الْفَجْرِ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ، وَلَكَ قَبْلِي تَبَعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ. ۱

اشب بزند و هنوز از تو در پیش من بازخواست یا گناهی مانده باشد که مرا بدان عذاب کنی.

۱۴- مستحب است در هر شب از ماه رمضان دو رکعت نماز خوانده شود و در هر رکعت حمد و توحید

سه مرتبه و پس از سلام بگوید: سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَفِيفٌ لَا يَعْجَلُ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ

مهربانی که شتاب نکند منزه است آن خدای نگرهانی که غفلت نکند منزه است آن خدای

رَحِيمٌ لَا يَعْجَلُ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا

مهربانی که شتاب نکند منزه است آن خدای پابرجایی که کسی را از یاد نبرد منزه است آن خدای جاویدانی که به چیزی

يَلْهُو. سپس تسبیحات اربعه را هفت مرتبه بخواند و آنگاه بگوید: سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ

سرگرم نشود * * * * * منزهی * * * * * تو منزهی

سُبْحَانَكَ، يَا عَظِيمٌ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ.

منزهی ای خدای بزرگ بیامرز گناهان بزرگم را.

در پایان نیز ده مرتبه صلوات بفرستد بر پیغمبر و آل او علیهم‌السلام. کسی که این دو رکعت نماز را بجا آورد خداوند متعال گناهان زیادی را از او بیامزد. ۲

۱۵- در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است که هر کس در هر شب از ماه رمضان، سوره «إِنَّا فَتَحْنَا» را در نماز مستحبی بخواند، آن سال از بلاها محفوظ بماند. ۳

۱۶- بجا آوردن هزار رکعت نماز در طول شبهای ماه رمضان. درباره کیفیت بجا آوردن آن، روایات مختلف است ولی آنچه که در روایت «علی بن مهرا» از امام جواد علیه‌السلام نقل شده و گروه کثیری از بزرگان آن را پذیرفته‌اند چنین است:

در دهه اول و دهه دوم ماه رمضان، در هر شبی بیست رکعت نماز خوانده شود (هر دو رکعت به یک سلام) به این نحو که هر شب، هشت رکعت آن بعد از نماز مغرب و دوازده رکعت آن، بعد از نماز عشا و در دهه آخر، در هر شبی سی رکعت خوانده شود؛ هشت رکعت بعد از نماز مغرب و بیست و دو رکعت، بعد از

۱. مفاتیح الجنان، اعمال شبهای ماه مبارک رمضان.

۲. مستدرک الوسائل، جلد ۶، صفحه ۲۱۵، حدیث ۶۷۷۰.

۳. زاد المعاد، صفحه ۱۰۰.

نماز عشا، که در مجموع هفتصد رکعت می‌شود و باقیمانده آن که سیصد رکعت است در شب‌های قدر خوانده شود، یعنی در شب نوزدهم صد رکعت (به اضافه بیست رکعتی که قبلاً می‌خواند) و در شب بیست و یکم صد رکعت (به اضافه سی رکعت) و در شب بیست و سوم نیز صد رکعت (به علاوه سی رکعت) که در مجموع هزار رکعت می‌شود.^۱

مناسب است که مؤمنان از این نماز (تا آن جا که مقدور است) غفلت نورزند.

اعمال مخصوص سحرگاهان:

در اعمال سحرهای ماه مبارک رمضان اموری مستحب است:

۱- خوردن سحری؛ که در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است که خوردن سحری را ترک نکنید؛ هرچند یک عدد خرما باشد.^۲

در روایت دیگری رسول خدا ﷺ فرمود: فرشتگان برای کسانی که در سحرها، طلب آمرزش می‌کنند و سحری می‌خورند، استغفار می‌کنند.^۳

۲- خواندن سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» به هنگام خوردن سحری؛ در روایتی از امام صادق ﷺ آمده است که هر مؤمنی، در وقت افطار و خوردن سحری، این سوره را بخواند، در میان این دو وقت ثواب شهیدان را دارد.^۴

۳- خواندن دعای سحر

این دعا که دارای مضامین ارزشمند و بیانگر عظمت اوصاف الهی است، انسان را در مسیر کمال معنوی و سیر و سلوک الی الله بسیار کمک می‌کند و توجه به معانی آن، معارف توحیدی ناب و خالص را به ما می‌آموزد.

درباره این دعای با عظمت، از امام رضا ﷺ نقل شده که فرمود: این دعا را امام باقر ﷺ در سحرهای ماه مبارک رمضان می‌خواند و می‌فرمود: اسم اعظم الهی در آن است و در سرعت اجابت دعا بسیار مؤثر است. دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاءِهِ، وَكُلِّ بَهَائِكَ بِهَيْئِهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خدایا از تو خواهم به درخشنده‌ترین مراتب درخشندگی با این‌که تمام مراتب آن درخشنده است خدایا درخواست کنم به همه

بِبَهَائِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ، وَكُلِّ جَمَالِكَ

مراتب درخشندگی خدایا از تو خواهم به زیباترین مراتب جمالت با این‌که تمام

۲. همان مدرک، صفحه ۸۲.

۱. اقبال، صفحه ۱۱.

۴. همان مدرک، صفحه ۸۳.

۳. همان مدرک.

جَمِيلٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ بِجَمَالِكَ كَلِمَةً، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ

مراتب جمالت زیباست خدایا از تو خواهم به همه مراتب جمالت خدایا از تو خواهم به باشکوهترین مراتب جلالت

بِاَجَلِهِ، وَكُلِّ جَلَالِكَ جَلِيْلٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ بِجَلَالِكَ كَلِمَةً، اَللّٰهُمَّ

با این‌که تمام مراتب جلالت تو باشکوه است خدایا از تو خواهم به همه مراتب جلالت خدایا

اِنِّىْ اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِهَا، وَكُلِّ عَظَمَتِكَ عَظِيْمَةً، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ

از تو خواهم به بزرگترین مرتبه عظمتت با این‌که تمام مراتب عظمتت بزرگ است خدایا از تو

اَسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِاَنْوَرِهِ، وَكُلِّ نُورِكَ

خواهم به همه مراتب عظمتت خدایا از تو خواهم به نورانی‌ترین مراتب روشنی با این‌که تمام مراتب

نُورِكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ بِنُورِكَ كَلِمَةً، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ

روشنیت نورانی است خدایا از تو خواهم به همه مراتب نورت خدایا از تو خواهم به وسیعترین مراتب

بِاَوْسَعِهَا، وَكُلِّ رَحْمَتِكَ وَاَسِعَةً، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ

رحمتت با این‌که تمام مراتب رحمتت وسیع است خدایا از تو خواهم به همه مراتب رحمتت خدایا

اِنِّىْ اَسْئَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِاَتْمَمِّهَا، وَكُلِّ كَلِمَاتِكَ تَامَّةً، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ

از تو خواهم به تمامترین کلمات (و سخنان) با این‌که همه سخنان تمام است خدایا از تو خواهم

بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِاَكْمَلِهِ، وَكُلِّ كَمَالِكَ كَامِلٌ،

به همه سخنان خدایا از تو خواهم به کاملترین مرتبه کمال با این‌که تمام مراتب کمال کامل است

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ بِكَمَالِكَ كَلِمَةً، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ مِنْ اَسْمَائِكَ بِاَكْبَرِّهَا،

خدایا از تو خواهم به همه مراتب کمال خدایا از تو خواهم به بزرگترین نامهایت

وَكُلِّ اَسْمَائِكَ كَبِيْرَةً، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ بِاَسْمَائِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ

با این‌که تمام نامهایت بزرگ است خدایا از تو خواهم به همه نامهایت خدایا از تو خواهم

مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّهَا، وَكُلِّ عِزَّتِكَ عَزِيْزَةً، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا،

به عزیزترین مقام عزت گرچه همه مراتب عزت عزیز است خدایا از تو خواهم به همه مراتب عزت

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِاَمْضَاهَا، وَكُلِّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةً، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ

خدایا از تو خواهم به حق گذراترین مشیتت گرچه تمام مراتب مشیتت گذراست خدایا از تو

اَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي

خواهم تمام مراتب مشیتت خدایا از تو خواهم به حق آن قدرتت که احاطه پیدا کردی

اَسْتَطَلْتُ بِهَا عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ، وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِیْلَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ

بدان بر هر چیز آنچه تمام مراتب قدرت چنین است خدایا از تو خواهم

بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ، وَكُلِّ عِلْمِكَ نَافِذٌ،

به همه مراتب قدرت خدایا از تو خواهم به حق نافذترین مراتب داشت آنچه تمام مراتب دانش نافذ است

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضَاهُ،

خدایا از تو خواهم به تمام مراتب دانش خدایا از تو خواهم به حق پسندیدهترین سخنان

وَكُلِّ قَوْلِكَ رَضِیٌّ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ

با این که همه سخنان پسندیده است خدایا از تو خواهم به حق همه سخنان خدایا از تو خواهم به حق

مَسْأَلِكَ بِاَحْبَبِهَا اِلَيْكَ، وَكُلِّ مَسْأَلِكَ اِلَيْكَ حَبِیْبَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ

محبوبترین خواسته‌های پیش تو آنچه همه خواسته‌های پیش تو محبوب است خدایا از تو خواهم

بِمَسْأَلِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِاَشْرَفِهِ، وَكُلِّ شَرَفِكَ

به حق همه خواسته‌های خدایا از تو خواهم به حق شریفترین مراتب شرف با این که تمام مراتب آن

شَرِیْفٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ

شریف است خدایا از تو خواهم به همه مراتب شرف خدایا از تو خواهم به حق ابدی‌ترین مراتب سلطنت

بِاَدْوَمِهِ، وَكُلِّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ

آنچه تمام مراتب سلطنت جاویدان است خدایا از تو خواهم به حق تمام مراتب سلطنت خدایا

اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِاَفْخَرِهِ، وَكُلِّ مُلْكِكَ فَاخِرٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ

از تو خواهم به حق گرانمایه‌ترین مراتب فرمانروایت آنچه تمام مراتب فرمانروایت گرانمایه است خدایا از تو خواهم

بِمُلْكِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ عُلُوِّكَ بِاَعْلَاهُ، وَكُلِّ عُلُوِّكَ عَالٌ،

به همه مراتب فرمانروایت خدایا از تو خواهم به والاترین مقام بلندت آنچه همه مراتب آن والایت

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِاَقْدَمِهِ، وَكُلِّ

خدایا از تو خواهم به همه مراتب بلندت خدایا از تو خواهم به حق قدیمترین نعمت آنچه

مَنِّكَ قَدِیْمٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ اٰیَاتِكَ

همه نعمتهای قدیم است خدایا از تو خواهم به حق نعمتهای خدایا از تو خواهم به حق

بِاَكْرَمِهَا، وَكُلِّ اٰیَاتِكَ كَرِیْمَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاٰیَاتِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

گرامی‌ترین آیات آنچه همه آیات تو گرامی است خدایا از تو خواهم به حق همه آیات خدایا از تو

أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشَّانِ وَالْجَبْرُوتِ، وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَحَدِّهِ

خواهم بدانچه در آنی از شان و مقام و بزرگی و از تو خواهم به هر شان و مقامی جدا

وَجَبْرُوتٍ وَحَدِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِيْ [بِه] حِيْنَ اَسْأَلُكَ،

و به هر بزرگی جداگانه خدایا از تو خواهم به آنچه اجابت کنی دعایم را هنگامی که از تو خواهم

فَاَجِبْنِيْ يَا اَللّٰهُ.

که اجابت کنی ای خدا.

آنگاه هر حاجت که داری از خدا طلب کن که برآورده می‌شود، ان شاء الله تعالی.^۱

۴- دعای ابوحمزه ثمالی^۲

دعای ابوحمزه ثمالی که در سحرگاهان ماه رمضان خوانده می‌شود، از مضامین و محتوای بسیار بلندی برخوردار است که اگر کسی آمادگی روحی داشته باشد و با توجه، این دعا را بخواند، به یقین در عمق وجودش نورانیت خاصی وارد می‌شود و در دل و جان انقلابی ایجاد می‌کند.

دعای ابوحمزه ثمالی علاوه بر آن که یک دوره درس خدانشناسی را در بر دارد، راه و رسم بندگی و طریق انابه و توبه و بازگشت به پروردگار را به ما می‌آموزد.

ابوحمزه ثمالی می‌گوید: امام زین‌العابدین علیه السلام در طول شب‌های ماه رمضان بیشتر شب را به نماز می‌ایستاد و چون هنگام سحر فرا می‌رسید، این دعا را می‌خواند:^۳

اَللّٰهُ لَا تُؤَدِّبُنِيْ بِعُقُوبَتِكَ، وَلَا تُمَكِّرْ بِيْ فِيْ حِيَلَتِكَ، مِنْ اَيْنَ لِيْ الْخَيْرُ يَا

خدایا مرا به مجازات و عقوبت ادب مکن و مکر مکن به من یا حیله‌ات از کجا خیری بدست آورم ای

رَبِّ، وَلَا يُوجَدُ اِلَّا مِنْ عِنْدِكَ، وَمِنْ اَيْنَ لِيْ النَّجَاةُ، وَلَا تُسْتَطَاعُ اِلَّا بِكَ،

پروردگار من با این که خیری یافت نشود جز در پیش تو و از کجا نجاتی برایم باشد با این که نجاتی نتوان یافت جز به کمک تو

۱. اقبال، صفحه ۷۶.

۲. سبب نامگذاری این دعا به «ابوحمزه ثمالی» به خاطر آن است که راوی این دعا از امام زین‌العابدین علیه السلام، ابوحمزه ثمالی است. ابوحمزه ثمالی که نامش «نابت بن دینار» است، از یاران مورد اعتماد امامان بزرگوار علیهم السلام بوده است، بنا بر نقل عالم معروف علم رجال «نجاشی»، وی به محضر چهار تن از ائمه، از امام سجّاد تا امام کاظم علیهم السلام رسیده و از آنان روایت کرده است؛ «ابوحمزه ثمالی» از بهترین راویان شیعه و مورد اعتماد کامل علمای امامیه است. امام صادق علیه السلام درباره وی فرمود: ابوحمزه، در عصر خویش مانند سلمان است (معجم رجال الحديث، جلد ۴، صفحه ۲۹۲).

۳. این دعا را شیخ در مصباح المتهجد، صفحه ۵۸۲ و سید بن طاووس در اقبال، صفحه ۶۷ آورده‌اند. مرحوم علامه مجلسی نیز در بحار الانوار، جلد ۹۵، صفحه ۸۲ آن را نقل کرده است. ما این دعا را مطابق نسخه مصباح نقل می‌کنیم و اگر در نسخه‌های متداول، بر اساس دیگر کتب جملائی آمده که در مصباح نیست، در پاورقی متذکر می‌شویم.

لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَعْنَىٰ عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ

نه آن کس که نیکی کند بی‌نیاز است از کمک تو و رحمتت و نه آن‌کس که بد کند و دلیری

عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قَدْرَتِكَ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ بِه اندازه یک نفس

بر تو کند و خشودیت نجوید از تحت قدرت تو بیرون رود ای پروردگار من *****

بگوید. سپس بگوید: بِكَ عَرَفْتُكَ، وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ، وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ، وَ لَوْ لَا

***** بوسیله خودت من ترا شناختم و تو مرا بر خود راهنمایی کردی و بسوی خود خواندی و اگر

أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي، وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئًا

تو نبودى من ندانستم که تو کیستی ستایش خدایى را که مى‌خوانمش و او پاسخم دهد و اگرچه وقتى مى‌خواندم بکندى

حِينَ يَدْعُونِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي، وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلًا حِينَ

به درگاهش روم و ستایش خدایى را که مى‌خواهم از او و به من عطا مى‌کند و اگرچه در هنگامى که او از من چیزی

يَسْتَقْرِضُنِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي، وَأَخْلُو بِهِ

قرض خواهد من بخل کنم و ستایش خدایى را که هرگاه برای حاجتى بخوام او را ندا کنم و هر زمان

حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا

بخوام برای راز و نیاز بدون واسطه با او خلوت کنم و او حاجتم را برآورد ستایش خدایى را که جز او

أَدْعُو غَيْرَهُ، وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا

کسى را نخوانم و اگر غیر او دیگری را مى‌خواندم دعایم را مستجاب نمی‌کرد و ستایش خدایى را که بجز او

أَرْجُو غَيْرَهُ، وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَلَنِي

امید ندارم و اگر به غیر او امیدی داشتم ناامید مى‌کرد و ستایش خدایى را که مرا به حضرت خود

إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي، وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ فَيُهَيِّبُونِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ

واگذار کرده و از این رو به من اکرام کرده و به مردم واگذارم نکرده که مرا خوار کنند و ستایش خدایى را که با من

إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّىٰ كَانَتِي لَا ذَنْبَ لِي،

دوستی کند در صورتی که از من بی‌نیاز است و ستایش خدایى را که نسبت به من بردباری کند تا به جایی که گویا گناهی ندارم

فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ بِحَمْدِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ

پس پروردگار من ستوده‌ترین چیزهاست نزد من و به ستایش من سزاوارتر است خدایا من همه راههای مقاصد را

إِلَيْكَ مُشْرَعَةً، وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُتْرَعَةً، وَالْإِسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ

به سوی تو باز می‌بینم و چشمه‌های امید را بسوی سرشار می‌یابم و یاری جستن به فضل تو برای

أَمَلَّكَ مُبَاحَةً، وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً، وَأَعْلَمَ أَنَّكَ

آرزومندان مباح و بی‌مانع است و درهای دعای بسوی تو برای فریادکنندگان باز است و به خوبی می‌دانم که تو

لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ اجَابَةٍ، وَلِلْمَلْهُوفِينَ بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ، وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى

برای اجابت شخص امیدوار آمده‌ای و برای فریادرسى اندوهگینان مهیای فریادرسى هستی و براستی می‌دانم که در پناهنده‌گی به

جُودِكَ، وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ عِوَضًا مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ، وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي

چود و کرمت و خشنودی به قضا و قدرت عوضی است از جلوگیری کردن بخیلان و گشایشی است از احتیاج بدانچه در

أَيْدِي الْمُسْتَثْرِينَ، وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ، وَأَنَّكَ لَا تُحْتَجَبُ

دست دنیاطلبان است و براستی کوچکنده به درگاهت راهش نزدیک است و مسلماً تو از خلق خود در حجاب

عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ، وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلْبَتِي،

نشوی مگر آن‌که کردارشان میان آنها و تو حاجب شود و من با مطلبی که دارم قصد تو را کرده

وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي، وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي، وَبِدُعَائِكَ تَوَسَّلْتُ،

و با حاجت خود رو به درگاه تو آوردم و استغاثه‌ام را به‌درگاه تو قرار دادم و دعای تو را دست‌آویز خود کردم

مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي، وَلَا اسْتِجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي، بَلْ

بی‌آن‌که من استحقاق داشته باشم که تو از من بشنوی و نه مستوجب آنم که از من بگذری بلکه

لِثِقَتِي بِكَرَمِكَ، وَسُكُونِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ، وَلَجَّأِي إِلَى الْإِيمَانِ

بدان اعتمادی که من به کرم تو دارم و آن اطمینانی که به درستی وعدهات دارم و به خاطر پناهنده‌گیم به ایمان و اعتقادی که

بِتَوْحِيدِكَ، وَيَقِينِي [وَتِثْقَتِي] بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنْ لَا رَبَّ لِي غَيْرُكَ، وَلَا إِلَهَ

بر یگانگی تو دارم و یقینی که به معرفت و شناسایی تو دارم که می‌دانم پروردگاری غیر تو نیست و معبودی

إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَوَعْدُكَ

جز تو وجود ندارد یگانه‌ای که شریکی برایت نیست خدایا تو فرمودی و گفتارت حق و وعدهات

صِدْقٌ: وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا. وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ

راست است (که فرمودی) «و درخواست کنید خدا را از فضلش که براستی او به شما مهربان است» و رسم تو چنان نیست

يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ، وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى

ای آقای من که دستور سؤال بدهی ولی از عطا و بخشش دریغ نموده و خودداری کنی و تویی بخشاینده به عطایا بر

أَهْلَ مَمْلَكَتِكَ، وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنٍ رَأْفَتِكَ، إِلَهِي رَبِّيْتَنِي فِي نِعَمِكَ

اهل کشور خود و متوجه بدانها به مهربانی و رافتت خدایا مرا در خردسالی در نعمتها

وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا، وَنَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا، فَيَا مَنْ رَبَّنِي فِي الدُّنْيَا

و احسان خویش پروردی و در بزرگی نامم را بر سر زبانها بلند کردی پس ای که در دنیا مرا

بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعْمَتِهِ، وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ،

به احسان و فضل و نعمتهای خود پروردی و برای آخرت به عفو و کرم اشارت فرمودی

مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ، وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ، وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ

ای مولای من شناسایم به تو راهنمای من بسوی توست و محبتی که به تو دارم شفیع من است به درگاهت و من از

دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ، وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ، أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي

راهنمایی کردن این دلایم بسوی تو مطمئنم و از پذیرفتن شفیعم از جانب تو آسوده خاطرم میخوانم ای آقای من

بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ، رَبِّ أَنَا جِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ،

به زبانی که گناه لالش کرده پروردگارا با تو راز گویم بوسیله دلی که جنایت به هلاکتش کشانده

أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِبًا رَاغِبًا رَاجِيًا خَائِفًا، إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي

میخوانم ای پروردگار من هراسان و خواهان و امیدوار و ترسان، ای مولای من هنگامی که گناهانم را مشاهده می‌کنم

فَرَعْتُ، وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ، فَإِنَّ عَفْوَتَ فَخِيرٍ رَاحِمٍ، وَإِنْ عَذَّبْتَ

هراسان شوم و چون بزرگواری تو را بینم به طمع افتم خدایا اگر بگذری بهترین مهرورزی و اگر عذاب کنی

فَغَيْرِ ظَالِمٍ، حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرَاتِي عَلَى مَسْئَلَتِكَ مَعَ إِتْيَانِي مَا تَكْرَهُ،

ستم نکرده‌ای، دلیل و بهانه من ای خدا در این که دلیری کنم در سوال کردن از تو با این که رفتارم خوشایند تو نیست

جُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَعَدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ قِلَّةِ حَيَاتِي، رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ،

همان جود و کرم توست و ذخیره من در سختیم با بی‌شرمی من همان رأفت و مهربانی توست

وَكَدَّرَجَوْتُ أَنْ لَا تَخِيْبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُنِيْتِي، فَحَقَّقْ رَجَائِي، وَاسْمَعْ

و برستی امیدوارم که نومید مکنی میان این و آن آرزویم را پس امیدم را صورت عمل ده و دعایم را

دُعَائِي، يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ، وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ، عَظَمَ يَا سَيِّدِي

شنیده گیر ای بهترین کسی که خوانندگان بخوانندش و برتر کسی که امیدواران بدو امید دارند ای آقایم

أَمَلِي، وَسَاءَ عَمَلِي، فَأَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي، وَلَا تُؤَاخِذْنِي

آرزویم بزرگ و عملم زشت است پس تواز عفو خویش به اندازه آرزویم به من بده و مرا به بدترین

بِأَسْوَأِ عَمَلِي، فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ، وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ

عملم مؤاخذه مکن زیرا کرم تو برتر است از مجازات گنهکاران و بردباریت بزرگتر است

عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ، وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ،

از مکافات تقصیرکاران و من ای آقایم به فضل پناهنده گشته و از تو بسوی خودت گریخته‌ام

مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا، وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا

و خواستارم آنچه را وعده کردی از چشم‌پوشی نسبت به کسی که خوش‌گمان به تو است، من چه‌ام پروردگارا؟ و چه

خَطْرِي، هَبْنِي بِفَضْلِكَ، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ، أَيُّ رَبِّ جَلَلْنِي بِسِتْرِكَ،

اهمیتی دارم؟ مرا به فضل خویش ببخش با عفو خود بر من نیکی کن و منت‌گذار، پروردگارا مرا به پوشش خود بیوشان

وَاعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمٍ وَجْهَكَ، فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَيَّ ذَنْبِي غَيْرَكَ

و به کرم ذاتت از سرزنش کردن من درگذر پس اگر دیگری جز تو بر گناهم آگاه می‌شد

مَا فَعَلْتَهُ، وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَأَجْتَنَبْتُهُ، لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ،

گناه را انجام نمی‌دادم و اگر از زود به کیفر رسیدن می‌ترسیدم باز هم خودداری می‌کردم و این‌که گناه کردم نه برای آن بود که تو سبکترین بیندگانی

وَآخَفُ الْمُطَّلِعِينَ [عَلَيَّ]، بَلْ لَأَنَّكَ يَا رَبِّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ، وَأَحْكَمُ

و یا بی‌مقدارترین مطلعین هستی بلکه برای آن بود که تو ای پروردگار من بهترین پوشندگان و حکم‌کننده‌ترین

الْحَاكِمِينَ، وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ، سَتَّارُ الْعُيُوبِ، غَفَّارُ الذُّنُوبِ، عَلَامُ

حاکمان و گرامی‌ترین گرامیان و پوشانندهٔ عیوب و آمرزندهٔ گناهانان ای دانای

الْعُيُوبِ، تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ، وَتُوَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ

نهانها که گناه را به کرمت می‌پوشانی و کیفر را به واسطهٔ بردباریت به تأخیر اندازی پس تو را ستایش سزااست

عَلَيَّ حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَعَلَيَّ عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَيَحْمِلْنِي وَيَجْرُّنِي

بر بردباریت پس از دانستن و بر گذشتت پس از توانایی داشتن و همین گذشتت تو از من مرا وادار کرده و دلیر ساخته

عَلَيَّ مَعْصِيَتِكَ حِلْمِكَ عَنِّي، وَيَدْعُونِي إِلَى قِلَّةِ الْحَيَاءِ بِسِتْرِكَ عَلَيَّ،

بر نافرمانیت و همان پرده پوشیت بر من مرا به بی‌شرمی واداشته

وَيُسِرُّ عَنِّي إِلَى التَّوْتُبِ عَلَيَّ مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ، وَعَظِيمِ

و همان معرفتی که من به فراخی رحمتت دارم و بزرگی عفو تو مرا بدست زدن به کارهای حرام شتابان می‌کند

عَفْوِكَ، يَا حَلِيمٌ يَا كَرِيمٌ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمٌ، يَا غَافِرَ الذَّنْبِ، يَا قَابِلَ التَّوْبِ،

ای بردبار ای بزرگووار ای زنده و ای پاینده ای آمرزندهٔ گناه ای پذیرندهٔ گناه

يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ، أَيْنَ سِتْرِكَ الْجَمِيلِ، أَيْنَ عَفْوِكَ

ای بزرگ نعمت ای دیرینهٔ احسان کجاست پرده‌پوشی زیبایت؟ کجاست گذشت

الْجَلِيلُ، أَيَنْ فَرَجُكَ الْقَرِيبُ، أَيَنْ غِيَاثُكَ السَّرِيعُ، أَيَنْ رَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ،

بزرگت؟ کجاست گشایش نزدیکت؟ کجاست فریادرسی فوریت؟ کجاست رحمت وسعت؟

أَيَنْ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةَ، أَيَنْ مَوَاهِبُكَ الْهَنِيئَةَ، أَيَنْ صَنَائِعُكَ السَّنِيئَةَ، أَيَنْ

کجاست عطاهای برجسته‌ات؟ کجاست بخششهای دلچسبت؟ کجاست نیکی‌های شایانت؟ کجاست

فَضْلُكَ الْعَظِيمُ، أَيَنْ مَنَّكَ الْجَسِيمُ، أَيَنْ إِحْسَانُكَ الْقَدِيمُ، أَيَنْ كَرَمُكَ يَا

فضل عظیمت؟ کجاست نعمت بزرگت؟ کجاست احسان دیرینه‌ات؟ کجاست کرم‌ت؟ ای

كَرِيمٍ، بِهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْنِي، وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي، يَا

کریم بدان (چه گفتم) و به محمد و آل محمد مرا نجات ده و به رحمتت خلاصم کن ای

مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ، يَا مُنْعَمُ يَا مُفْضِلُ، لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ

نیکو ای نیکو بخش ای نعمت ده ای زیاده‌بخش چنان نیست که من برای نجات از عقاب تو

عَلَى أَعْمَالِنَا، بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا، لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، تُبَدِّئُ

به کارهامان تکیه کنم بلکه به فضلی که بر ما داری تکیه زرم زیرا تو اهل تقوا و شایسته آمرزشی آغاز کنی

بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا، وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا، فَمَا نَذَرِي مَا نَشْكُرُ أَجْمِلُ مَا

به احسان از روی نعمت‌بخشی و گذشت کنی از گناه از روی کرم و بزرگواری و با این وضع ما ندانیم کدام یک را سپاس گوئیم: آن نیکیهای

تَشْرُءُ، أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ، أَمْ عَظِيمَ مَا أَبْلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ، أَمْ كَثِيرَ مَا مِنْهُ نَجَيْتَ

که پراکنده کنی یا زشتیها که بپوشانی یا بزرگ آزمایش و شایستگی نعمتت یا آن همه چیزهایی که ما را از آن نجات داده

وَعَافَيْتَ، يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ، وَيَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَأَذِيبُكَ وَأَنْقَطَعَ

و عافیت دادی ای دوست کسی که با تو دوستی کند و ای نور دیده کسی که پناه به تو آرد و از دیگران

إِلَيْكَ، أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسِيئُونَ، فَتَجَاوِزُ يَا رَبِّ عَنْ قَبِيحِ مَا

ببرد تویی نیکوکار و ماییم گنهکار پس درگذر ای پروردگار از زشتیهای

عِنْدَنَا بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ، وَأَيُّ جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ، أَوْ أَيُّ زَمَانٍ

ما به نیکیهای خود و کدام‌نادانی است ای پروردگار که جود تو فرایش نگیرد و چه روزگاری

أَطْوَلُ مِنْ أُنَاتِكَ، وَمَا قَدَرُ أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعْمِكَ، وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ

درازتر از زمان بردباری توست و چه ارزشی دارد اعمال ما در جنب نعمت‌هایت و چگونه زیاد بشمریم

أَعْمَالًا تُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ، بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُدْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ

اعمال (بدمان) را که بتوانیم آنها را برابر با کرم تو کنیم بلکه چگونه ممکن است میدان بر گنهکاران تنگ شود با آن رحمت وسعت

رَحْمَتِكَ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، فَوَعِزَّتِكَ يَا

که ایشان را فراگرفته ای وسیع آمرزش ای دو دست به رحمت باز سؤگند به عزت ای

سَيِّدِي لَوْ نَهَرْتُ نِي مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ، وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلِّقِكَ، لِمَا أَنْتَهَى

آقای من اگرچه برانیم من از در خانهات برنخیزم و از تملق و چاپلوسیت دست بردارم چون اطلاع

إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ، تُعَذِّبُ مَنْ

از جود و کرمت پیدا کرده‌ام و تویی کننده هرچه خواهی عذاب کنی هرکه را

تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ، وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ، لَا

خواهی به هر چه خواهی به هر طور که خواهی و رحم کنی هر که را خواهی به هر چه خواهی هرطور که خواهی

تُسْئَلُ عَنْ فِعْلِكَ، وَلَا تُتَنَازَعُ فِي مُلْكِكَ، وَلَا تُشَارَكُ فِي أَمْرِكَ، وَلَا

بازرسی از کار تو نشود و نزاعی در فرمانروایت رخ ندهد و شریکی در کارت نباشد

تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ، وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ، لَكَ الْخَلْقُ

و ضدیتی در حکمت نباشد و کسی نیست که در تدبیر تو بر تو اعتراض کند آفرینش و دستور

وَالْأَمْرُ، تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، يَا رَبِّ هَذَا مَقَامٌ مِنْ لَذِيكَ وَاسْتِجَارَ

از توست برتر است خدا پروردگار جهانیان پروردگارا این جایگاه کسی است که به توری آورده و

بِكْرَمِكَ، وَالْفِ احْسَانِكَ وَنِعْمِكَ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يُضِيقُ عَفْوُكَ،

به کرمت پناه جسته و به احسان و نعمت خو گرفته و تویی بخشاینده ای که تنگ ناید عفو

وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ، وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ، وَقَدْ تَوَثَّقْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ،

و کاهش نیابد فضل و بخشش و کم نگردد مهر و رحمت و ما بدان چشم‌پوشی دیرینه

وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ، أَفْتُرَاكَ يَا رَبِّ تُخَلِّفُ ظُنُونَنَا، أَوْ

و فضل عظیم و رحمت پهناور اعتماد کرده‌ایم آیا چنان می‌بینی پروردگارا که برخلاف گمانهای ما رفتار کنی یا

تُخَيِّبُ آمَالَنَا، كَلَّا يَا كَرِيمٌ فَلَيْسَ هَذَا ظَنُّنَا بِكَ، وَلَا هَذَا فِيكَ طَمَعُنَا، يَا

آرزوهایمان نومید کنی؟ هرگز! ای کریم چون ما چنین گمانی به تو نداریم و طمع ما درباره تو اینگونه نیست

رَبِّ إِنَّ لَنَا فِيكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا، إِنَّ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا، عَصَيْنَاكَ

پروردگارا براستی ما درباره تو آرزوی دراز و بسیاری داریم براستی ما نسبت به تو امید بزرگ و زیادی داریم، تو را نافرمانی کردیم

وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا، وَدَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا،

ولی امیدواریم که تو بیوشانی بر ما و خواندیم تو را و امیدواریم که تو اجابت کنی ما را

فَحَقِّقْ رَجَائِنَا مَوْلَانَا، فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا، وَلَكِنْ عَلِمْنَا

پس امید ما را تحقق بخش ای مولای ما که برستی ما می‌دانیم که به اعمالمان مستوجب چه (پاداشی) هستیم ولی علم تو

فِينَا وَ عَلِمْنَا بِأَنَّكَ لَا تُصْرِفُنَا عَنْكَ، وَإِنْ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ،

درباره ما و علم ما درباره تو این است که ما را از درگاهت نرانی و اگرچه ما مستوجب رحمت تو نیستیم

فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا، وَعَلَى الْمُذْنِبِينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ، فَاْمُنْ عَلَيْنَا

ولی تو شایسته آنی که بر ما بخشش کنی و بر گناهکاران به فضل وسعت توجه فرمایی پس بر ما منت‌گذار

بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَجِدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ إِلَى نَيْلِكَ، يَا غَفَّارَ بِنُورِكَ

بدانچه تو شایسته آنی و بر ما جود کن که ما نیازمند عطای تویم ای آمرزنده به نور تو

اهْتَدَيْنَا، وَبِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْنَا، وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنَا وَ أَمْسَيْنَا، ذُنُوبُنَا بَيْنَ

راه یافتیم و به فضل تو بی‌نیازی جستیم و به نعمت تو صبح و شام کردیم گناهان ما

يَدَيْكَ، نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَنَتُوبُ إِلَيْكَ، تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ،

پیش روی توست که ما از آنها آمرزش خواهیم و بسوی توبه کنیم تو با نعمتهایت بر ما دوستی کنی و

وَنَعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ، خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ، وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ، وَلَمْ يَزَلْ وَلَا

ما به گناهان ما تو معارضه و برابری کنیم خیر تو بر ما نازل گردد و در برابر شر ما بسوی تو بالا آید و تو همیشه تا بوده

يَزَالُ مَلِكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ قَبِيحٍ، فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا

و هست پادشاه بزرگوار و کریمی بوده ای که از جانب ما کارهای زشت بسوی تو آید ولی آنها جلوگیری نکند از این‌که ما را به

بِنِعْمِكَ، وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْآيَاتِ، فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَ أَعْظَمَكَ

نعمتهای خود فراگیری و خود بر ما تفضل کنی پس منزهی تو که چقدر بردباری و چه بزرگ و

وَ أَكْرَمَكَ مُبْدِئاً وَ مُعِيداً، تَقَدَّسَتْ أَسْمَائُكَ، وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَكَرَّمَ صَنَائِعُكَ

کریمی چه در آغاز (نعمت) و چه در ادامه آن نامه‌ای مقدس و ستایشت ارجمند است و کارها

وَفِعَالُكَ، أَنْتَ إِلَهِي أَوْسَعُ فَضْلاً، وَأَعْظَمُ حِلْماً مِنْ أَنْ تُقَايِسَنِي بِفِعْلِي

و رفتار و گرانه‌است فضل تو ای معبود من وسیعتر و بردبارتر بزرگتر از آن است که مرا به کردار و

وَ خَطِيئَتِي، فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ، سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي، اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا

گناهم بسنجی از من درگذرد درگذرد ای آقای من... آقای من... آقای من خدایا ما را به ذکر خود

بِذِكْرِكَ، وَاعِدْنَا مِنْ سَخَطِكَ، وَاجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ، وَارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ،

مشغول کن و از خشمت پناهمان ده و از عذابت امانمان ده و از بخششهایت روزیمان گردان

وَ اَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ، وَ ارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ، وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ،

و از فضل خود بر ما انعام کن و روزی ما کن حج خانهات و زیارت قبر پیامبرت را

صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ، اِنَّكَ

که درود تو و رحمت و آمرزش و خشنودیت بر او و بر خاندانش باد که برستی تو

قَرِيبٌ مُجِيبٌ، وَ ارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ، وَ تَوْفَقًا عَلَى مِلَّتِكَ، وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ

به خلق نزدیکی و اجابت کننده دعایی و عمل به طاعتت را روزی ما گردان و بر کیش خودت و روش پیامبرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَ لِوَالِدَيَّ وَ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِيْ

- که درود تو بر او و آتش باد - ما را بمیران خدایا پیامرز ما و پدر و مادرم را و برایشان رحم کن چنانچه مرا در

صَغِيرًا، اجْزِهِمَا بِالْاِحْسَانِ احْسَانًا، وَ بِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ

کودکی پروریدند و پاداششان بده در برابر نیکی به نیکی و در مقابل بدیها به آمرزش خدایا پیامرز

لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، اَلْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْاَمْوَاتِ، وَ تَابِعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ

مردان و زنان با ایمان را چه زندگانشان و چه مردگانشان را و پیوند ده میان ما و ایشان را

بِالْخَيْرَاتِ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّينَا وَ مَيِّتِنَا، وَ شَاهِدِنَا وَ غَائِبِنَا، ذَكِّرْنَا وَ اَنْثَانَا،

در نیکیها خدایا پیامرز زنده ما و مرده ما و حاضر ما و غائب ما، مرد ما و زن ما را؛

صَغِيرِنَا وَ كَبِيرِنَا، حُرِّنَا وَ مَمْلُوكِنَا، كَذَبِ الْعَادِلُونَ بِاللّٰهِ، وَ ضَلُّوا ضَلَالًا

کوچک ما و بزرگ ما را، آزاد ما و برده ما را، دروغ گفتند برگشتگان از خدا و گمراه شدند گمراهی

بَعِيدًا، وَ خَسِرُوا خُسْرَانًا مُّبِينًا، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

دوری و زیان کردند زیان آشکاری خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و

وَ اَخْتِمْ لِيْ بِخَيْرٍ، وَ اَكْفِنِيْ مَا اَهَمَّنِيْ مِنْ اَمْرِ دُنْيَايَ وَ اٰخِرَتِيْ، وَ لَا تُسَلِّطْ

کارم را ختم به خیر کن و کفایت کن آنچه اندیشهام را به خود مشغول کرده از کار دنیا و آخرتم و مسلط مکن

عَلَيَّ مِنْ لَا يَرْحَمُنِيْ، وَ اجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاِقِيَّةً بَاقِيَةً، وَ لَا تُسَلِّبْنِيْ صَالِحَ

بر من کسی را که به من رحم نکند و بنه بر من از نزد خود نگهداری همیشگی و از من نعمتهای شایسته خود را

مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَ ارْزُقْنِيْ مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَّاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا، اَللّٰهُمَّ

که به من داده‌ای سلب مفرما و از فضل خویش روزی فراخ و حلال و پاکی برای من روزی گردان خدایا

اِحْرُسْنِي بِحِرَااسَتِكَ، وَ اِحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ، وَ اَكْلَانِي بِكِلَااتِكَ، وَ اَرْزُقْنِي

به نگهداری خود مرا نگهداری فرما و به حفظ خود حفظ کن و در حمایت خود نگاهداریم کن و روزی من کن

حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، فِي عَامِنَا هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ، وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ

حج خانه محترم را در این سال و در هر سال و زیارت قبر پیغمبرت

وَ الْاِئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ لَا تُخَلِنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ،

و قبور ائمه علیهم السلام را و محروم مکن پروردگارا از این مشاهد شریفه

وَ الْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ، اَللّٰهُمَّ تُبَّ عَلَيَّ حَتَّى لَا اَعْصِيكَ، وَ اَلْهِمْنِي الْخَيْرَ

و زیارتگاههای گرامی خدایا توبه‌ام ده تا نافرمانیت نکنم و به دلم انداز کار نیک را

وَ الْعَمَلَ بِهِ، وَ خَشِيَّتِكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ مَا اَبْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ،

و عمل بدان و ترست را در شب و روز تا هنگامی که در این دنیا زنده‌ام داری ای پروردگار جهانیان

اَللّٰهُمَّ اِنِّي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّاتُ وَ تَعَبَّاتُ، وَ قُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ

خدایا من هر زمان پیش خود گفتم که دیگر مهیا شده‌ام و برخاستم برای خواندن نماز در برابر

وَ نَاجَيْتُكَ، اَلْقَيْتُ عَلَيَّ نِعَاسًا اِذَا اَنَا صَلَّيْتُ، وَ سَلَبْتَنِي مُنَاجَاةَكَ اِذَا اَنَا

با تو به راز پرداختم تو بر من چرت را مسلط کردی در آن هنگامی که داخل نماز شدم و حال مناجات را از من گرفتی در آن وقتی که

نَاجَيْتُ، مَا لِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَّحْتُ سِرِّيَ، وَ قَرَّبْتُ مِنْ مَجَالِسِ

به راز و نیاز پرداختم، مرا چه شده است که هرگاه با خود گفتم باطن و درونم نیکو شده و نزدیک شده از مجالس

التَّوَابِينَ مَجْلِسِي، عَرَضْتُ لِي بَلِيَّةٌ اَزَالَتْ قَدَمِي، وَ حَالَتْ بَيْنِي وَ بَيْنَ

توبه‌کنندگان مجلس من، گرفتاری و پیش‌امدی برایم رخ داده که پایم لغزش پیدا کرده و میان من و خدمتگزاریت

خِدْمَتِكَ، سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنِّ بَابِكَ طَرَدْتَنِي، وَ عَنِّ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي، اَوْ

حائل گشته ای آقای من شاید مرا از در خانه‌ات رانده‌ای و از خدمتت دورم کرده‌ای یا

لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخِفًّا بِحَقِّكَ فَاقْصَيْتَنِي، اَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنكَ

شاید دیده‌ای سبک شمارم گفتمت را پس دورم کرده‌ای یا شاید دیده‌ای از تو رو گرداندم

فَقَلَيْتَنِي، اَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَادِبِينَ فَرَفَضْتَنِي، اَوْ لَعَلَّكَ

پس خشمم کرده‌ای یا شاید مرا در جایگاه دروغگو یانم دیده‌ای پس رهایم کرده‌ای یا شاید

رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ

دیدهای سپاسگزار نعمت‌هایت نیستم پس محرومم ساخته‌ای یا شاید مرا در مجلس

الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي،

علما نیافت‌های پس خوارم کرده‌ای یا شاید مرا در زمره غافلانم دیده‌ای پس از رحمت خویش بی‌بهره‌ام کرده‌ای

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آفَ مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ فَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ

یا شاید مرا مانوس با مجالس بیهوده گذرانم دیده‌ای پس مرا به آنها واگذاشته‌ای یا شاید

لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ بَجُرْمِي وَجَرِيرَتِي

دوست نداشتی دعایم را بشنوی پس از درگاهت دورم کرده‌ای یا شاید به جرم و گناهم

كَافَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيَاتِي مِنْكَ جَازَيْتَنِي، فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ، فَطَالَ

کیفرم داده‌ای یا شاید به بی‌شرمیم مجازاتم کرده‌ای پس اگر از من بگذری پروردگارا بجاست چون بسیار

مَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُنْذِبِينَ قَبْلِي، لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مُكَافَاتِ

اتفاق افتاده که از گنهکاران پیش از من گذشته‌ای زیرا کرم تو پروردگارا برتر از کیفر کردن

الْمُقَصِّرِينَ، وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ، مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنْ

تقصیرکاران است و من پناهنده به فضل توام و از ترس تو بسوی خودت گریخته‌ام و درخواست انجام وعده‌ات را

الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا، إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا، وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ

در چشم‌پوشی از کسی که خوش‌گمان به توست دارم خدایا تو فضل و سعیت و بردباریت بزرگتر از آن است که

تُقَايِسَنِي بِعَمَلِي، أَوْ أَنْ تَسْتَزِلَّنِي بِخَطِيئَتِي، وَمَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا

مرا به کردارم بسنجی یا این‌که مرا به خطایم بلغزانی و چه هستم من ای آقای من و چه

خَطْرِي، هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدِي، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ، وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ،

ارزشی دارم؟ مرا به فضل خویش بخش ای آقای من و بر من با عفو خود نیکی کن و با پرده‌پوشیت بیوشانم

وَاعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ، سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ، وَأَنَا

و درگذر از سززش کردنم به بزرگواری ذات آقای من من همان بنده خردسالی هستم که پروریدی و

الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ، وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ، وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي

همان نادانی هستم که دانایش کردی و همان گمراهی هستم که راهنماییش کردی و همان پستی هستم که

رَفَعْتَهُ، وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ، وَالْجَائِعُ الَّذِي أَشْبَعْتَهُ، وَالْعَطْشَانُ

بلندش کردی و همان ترسانی هستم که امانش دادی و گرسنه‌ای هستم که سیرش کردی و تشنه‌ای هستم

الَّذِي أَرْوَيْتَهُ، وَالْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ، وَالْفَقِيرَ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ، وَالضَّعِيفَ

که سیرایش کردی و برهنه‌ای هستم که پوشاندیش و نداری هستم که داریش کردی و ناتوانی هستم

الَّذِي قَوَّيْتَهُ، وَالذَّلِيلَ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ، وَالسَّقِيمَ الَّذِي شَفَيْتَهُ، وَالسَّائِلَ

که نیرومندش کردی و خواری هستم که عزیزش کردی و دردمندی هستم که درمانش کردی و خواهنده‌ای هستم

الَّذِي أَعْطَيْتَهُ، وَالْمُذْنِبَ الَّذِي سَتَرْتَهُ، وَالْخَاطِئَ الَّذِي أَقَلْتَهُ، وَأَنَا

که عطایش کردی و گنهکاری هستم که گناهانش را پوشاندی و خطاکاری هستم که از او گذشتی و

الْقَلِيلَ الَّذِي كَثَّرْتَهُ، وَالْمُسْتَضْعَفَ الَّذِي نَصَرْتَهُ، وَأَنَا الطَّرِيدَ الَّذِي

اندکی هستم که بسیارش کردی و خوارش کرده‌ای هستم که یاریش کردی و آواره‌ای هستم که

أَوَيْتَهُ، أَنَا يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ، وَلَمْ أُرَاقِبْكَ فِي الْمَلَأِ،

جا و ماوایش دادی منم پروردگارا آن کسی که در خلوت از تو شرم نکردم و در آشکارا هم رعایت تو را نکردم

أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى، أَنَا الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى، أَنَا الَّذِي

منم صاحب مصیبتها و ماجراهای بزرگ منم کسی که بر آقای خود دلبری کرده منم کسی که

عَصَيْتُ جِبَارَ السَّمَاءِ، أَنَا الَّذِي أَعْطَيْتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ الرَّشَاءِ، أَنَا

نافرمانی برپادارنده آسمانها را کرده‌ام منم کسی که برای نافرمانیهای بزرگی که کرده‌ام رشوه داده‌ام منم

الَّذِي حِينِ بُشِّرْتُ بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى، أَنَا الَّذِي أَمَهَلْتَنِي فَمَا

آن کسی که هرگاه نوید گناهی را به من می‌دادند بسویشتان می‌رفتم منم که مهلتم دادی ولی من

أَزَعَوَيْتُ، وَسَتَرْتَ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ، وَعَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَّيْتُ،

به خود نیامدم و بر من پوشاندی ولی من شرم نکردم و نافرمانیها کردم و از حد گذراندم

وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ فَمَا بِالَيْتُ، فَجِلْمِكَ أَمَهَلْتَنِي، وَبِسِتْرِكَ سَتَرْتَنِي،

و از چشم خود مرا انداختی و من اعتنا نکردم پس باز هم به بردباریت مهلتم دادی و به پرده پوشیت مرا پوشاندی

حَتَّى كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَنِي، وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي، حَتَّى كَأَنَّكَ

تا بدانجا که گویا از یاد من بیرون رفتی و از کیفرهای گناهان مرا دور داشتی تا به حدی که

اسْتَحْيَيْتَنِي، إِلَهِي لَمْ أَعْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بَرُّ بَوَيْبَتِكَ جَاحِدٌ، وَلَا

گویا از من شرم کردی خدایا در هنگام گناه که من نافرمانیت کردم نه از باب این بود که پروردگارت را منکر بودم و یا

بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ، وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ، وَلَا لَوَعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ، لَكِنْ

دستورت را سبک شمردم و یا خود را در معرض کیفرت درآوردم و یا تهدیدهای تو را بی‌ارزش فرض کردم بلکه

خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي، وَغَلَبَنِي هَوَايَ، وَاعَانَنِي عَلَيْهَا

گناهی بود که پیش آمد و نفس سرکش نیز آن را ارادت و هوای نفس نیز چیره شد و بدبختی هم

شَقَوْتِي، وَغَرَّنِي سَتْرُكَ الْمُرْخِي عَلَيَّ، فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخَالَفْتُكَ بِجَهْدِي،

کمک کرد و پردهٔ آویخته (پرده‌پوشی تو) هم مرا مغرور کرد و در نتیجه تا آن‌جا که می‌توانستم در نافرمانی و مخالفت تو کوشیدم

فَالآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي، وَمِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ غَدًا مَنْ

ولی اکنون کیست که از عذاب تو مرا نجات دهد و از دست دشمنان در فردای قیامت چه کسی

يُخَلِّصُنِي، وَبِحَبْلِ مَنْ أَتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي، فَوَاسُوَاتَا عَلِيٍّ

خلاصم کند و به ریسمان چه کسی چنگ زبم اگر تو رشتهٔ خود را از من قطع کنی پس چه رسوایی است برای من بر آنچه

مَا أَحْصَى كِتَابِكَ مِنْ عَمَلِي، الَّذِي لَوْلَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ

نامهٔ تو از عمل من شماره و احصا کرده که اگر امید من به کرمت و وسعت

رَحْمَتِكَ، وَنَهَيْكَ إِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ، لَقَنْطُتُ عِنْدَمَا أَتَذَكَّرُهَا، يَا خَيْرَ مَنْ

رحمت نبود و از نا امید شدن بازم نمی‌داشتی به محض آن‌که به یاد آنها می‌افتادم یکسره نا امید می‌شدم ای بهترین کسی که

دَعَاهُ دَاعٍ، وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ، اَللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ اتَّوَسَّلُ إِلَيْكَ،

خواندش خواننده‌ای و برترین کسی که امیدش دارد امیدواری خدا یا به پیمان اسلام به درگاهت توسل جویم

وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ اعْتَمِدُ إِلَيْكَ، وَبِحُبِّي النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْقُرَشِيِّ الْهَاشِمِيِّ

و به حرمت قرآن بر تو اعتماد کنم و به دوستی و محبتی که به پیامبر امی قرشی هاشمی

الْعَرَبِيِّ التَّهَامِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ، أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ، فَلَا تُوحِشِ

عربی تهامی مکی مدنی دارم امید تقرب به تو را دارم پس تو انس ایمانی مرا

اسْتِپْنِاسَ إِيْمَانِي، وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبْدَ سِوَاكَ، فَإِنَّ قَوْمًا

مبذل به وحشت مکن و پاداشم را پاداش آن کس که جز تو را پرستیده قرار مده زیرا مردمی بودند که

آمَنُوا بِالْإِسْنَتِهِمْ، لِيَحْقِنُوا بِهِ دِمَاءَهُمْ، فَأَدْرِكُوا مَا أَمَلُوا، وَإِنَّا آمَنَّا بِكَ

به زبان ایمان آوردند تا بدان وسیله خون خود را حفظ کنند و بدین مقصود هم رسیدند ولی ما به دل و زبان

بِالْإِسْنَتِنَا وَقُلُوبِنَا لِنَتَعَفُو عَنْكَ، فَأَدْرِكْنَا مَا أَمَلْنَا، وَثَبَّتْ رَجَائِكَ فِي

به تو ایمان آوردیم تا از ما بگذری پس ما را هم به مقصودمان برسان و امیدت را در دل‌های ما ثابت

صُدُورِنَا، وَلَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ

و محکم فرما و منحرف مساز دل‌های ما را پس از آن‌که هدایتان کردی و ببخش بما از نزد خود رحمتی که براستی تویی

أَنْتَ الْوَهَّابُ، فَوْعِزَّتِكَ لَوْ أَنْتَهَرْتَنِي مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ، وَلَا كَفَفْتُ عَنْ

بسیار بخشنده به عزت سوگند اگر برانیم من هرگز از در خانهات برنخیزم و دست از تملق

تَمَلِّقِكَ، لِمَا أَلِهَمَّ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ، وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ، إِلَيَّ مَنْ

و چابلو سیت برندارم چون شناسایی کرمت و رحمت وسیعت به دلم الهام شده، بنده به نزد چه کسی

يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَىٰ مَوْلَاهُ، وَإِلَىٰ مَنْ يَلْتَجِي الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَىٰ خَالِقِهِ،

رود جز به درگاه مولایش و مخلوق به که پناهنده شود جز به خالقش

إِلَهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ، وَمَنْعَتَنِي سَيِّبِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ، وَدَلَلْتَ

خدایا اگر مرا به زنجیر و بند گرفتارم کنی و بازداری از من عطایت را در میان انظار مردم

عَلَىٰ فُضَايِحِي عُيُونَ الْعِبَادِ، وَأَمَرْتَ بِي إِلَىٰ النَّارِ، وَحُلْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ

و رسواییهایم را به چشم بندگانت آری و دستور بردنم را بسوی دوزخ صادر کنی و میان من و نیکان

الْأَبْرَارِ، مَا قَطَعْتَ رَجَائِي مِنْكَ، وَمَا صَرَفْتَ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ، وَلَا

حائل گردی من هرگز امیدم را از تو قطع نخواهم کرد و آرزومندیم را از عفو تو بازگردانم و

خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبِي، أَنَا لَا أَنْسِي أَيَادِيكَ عِنْدِي، وَسَتَرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ

بیرون نرود محبتت از دلم و من نعمتهایی که در دنیا به من دادی و پرده پوشیهایت را فراموش نمیکنم

الدُّنْيَا، سَيِّدِي أَخْرَجَ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي، وَاجْمَعَ بَيْنِي وَبَيْنَ

ای آقای من محبت دنیا را از دلم بیرون کن و جمع کن میان من و میان (پیامبرت حضرت)

الْمُصْطَفَىٰ، وَآلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

مصطفی و آلش برگزیدگان خلقت و خاتم پیامبران محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْقَلْنِي إِلَىٰ دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ، وَأَعِنِّي بِالْبُكَاءِ عَلَيَّ نَفْسِي،

علیه و آله و مرا به درجه توبه و بازگشت بسویت برسان و یاریم ده به گریه کردن بر خویشتم

فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالِ عُمْرِي، وَقَدْ نَزَلْتُ مَنزِلَةَ الْأَيْسِينَ مِنْ

زیرا که من عمرم را به امروز و فردا کردن و آرزوها گذراندم و درآمدهام در جایگاه نا امیدان از

خَيْرِي، فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي إِنْ أَنَا نَقَلْتُ عَلَيَّ مِثْلَ حَالِي إِلَىٰ

خیر خودم پس کیست که بدحالتر از من باشد اگر من بر این حال بسوی قیوم

قَبْرِي، لَمْ أَمْهَدْهُ لِرَقْدَتِي، وَلَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِي، وَمَالِي لَا

منتقل کردم زیرا که آمادهش نکردهام برای خوابیدنم و فرش نکردهام آن را به عمل صالح برای آرمیدنم و چرا

أَبْكِي وَلَا أَدْرِي إِلَىٰ مَا يَكُونُ مَصِيرِي، وَأَرَىٰ نَفْسِي تُخَادِعُنِي، وَآيَامِي

گریه نکنم در صورتی‌که نمی‌دانم به چه سرنوشتی دچار گردم من نفس خود را چنان بینم که با من نیرنگ زند و روزگارم را

تُخَاتِلُنِي، وَقَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ، فَمَالِي لِأَبْكِي، أَبْكِي

که مرا بفریبید در حالی که مرگ بالهای خود را بر سرم گسترده پس چرا گریه نکنم؟ گریه کنم

لِخُرُوجِ نَفْسِي، أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي، أَبْكِي لِضَيْقِ لَحْدِي، أَبْكِي لِسُؤَالِ

برای جان دادنم گریه کنم برای تاریکی قبرم گریه کنم برای تنگی لحدم گریه کنم برای سؤال

مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ إِيَّايَ، أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْيَانًا ذَلِيلًا، حَامِلًا ثَقْلِي

نکیر و منکر از من گریه کنم برای بیرون آمدنم از قبر برهنه و خوار که بار سنگینم را

عَلَىٰ ظَهْرِي، أَنْظُرُ مَرَّةً عَنِ يَمِينِي وَأُخْرَىٰ عَنِ شِمَالِي، إِذَا الْخَلَائِقُ فِي

به پشتم بار کرده یکبار از طرف راستم بنگرم و بار دیگر از طرف چپ و هریک از خلایق را در

شَانَ غَيْرِ شَانِي، لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ، وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

کاری غیر از کار خود بینم برای هر یک از آنها در آن روز کاری است که به خود مشغولش دارد چهره‌هایی در آن روز

مُسْفِرَةٌ، ضَاكِئَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ، وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيهَا غَبْرَةٌ، تَرَاهُهَا قَتْرَةٌ

گشاده و خندان و شادمانند و چهره‌هایی در آن روز غبارلود است و سیاهی و خواری آنها را

وَذَلَّةٌ، سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعَوْلِي وَمُعْتَمِدِي، وَرَجَائِي وَتَوَكَّلِي، وَبِرَحْمَتِكَ

فراگرفته ای آقای من بر توست تکیه و اعتماد و امیدو توکلم و به رحمت تو

تَعَلَّقِي، تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ، فَلَكَ

آویخته‌ام، به رحمت خود رسانی هرکه را خواهی و به کرامت راهنمایی کنی هر که را دوست داری پس

الْحَمْدُ عَلَىٰ مَا نَقَيْتَ مِنَ الشُّرْكِ قَلْبِي، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ بَسْطِ لِسَانِي،

ستایش تو راست بر این‌که دلم را از آلودگی شرک پاک کردی و برای توست ستایش برای باز کردنم زبانم را،

أَفْبَلِسَانِي هَذَا الْكَالَ أَشْكُرُكَ، أَمْ بِغَايَةِ جَهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ، وَمَا

آیا به این زبان گندم سپاس تو را گویم یا با نهایت کوششم در کردارم تو را خشنود سازم؟ و چه

قَدَّرَ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ، وَ مَا قَدَّرَ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعَمِكَ

ارزشی دارد زبانم پروردگارا در برابر سپاس تو و چه ارزشی دارد کردارم در کنار نعمتهایت

وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، إِلَهِي إِنَّ جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي، وَشُكْرَكَ قَبْلَ عَمَلِي، سَيِّدِي

و احسانی که به من کردی براستی بخشش تو از رویم را گسترانید و شکر تو کردارم را پذیرفت آقای من

إِلَيْكَ رَغْبَتِي، وَإِلَيْكَ رَهْبَتِي، وَإِلَيْكَ تَأْمِيلِي، وَقَدْ سَأَقْنِي إِلَيْكَ أَمَلِي،

اشتیاق من بسوی توست و هراسم از توست و آرزو و امیدم بسوی توست و آرزویم مرا بسوی تو کشانده

وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي عَكَفْتُ هَمَّتِي، وَفِيمَا عِنْدَكَ أَنْبَسْتُ رَغْبَتِي، وَلَكَ

و همتم ای خدای یگانه من بدرگاه تو نشیمن کرده و در آنچه پیش توست (جامه) شوقم (دامن) گسترده و

خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي، وَبِكَ أَنْسَتْ مَحَبَّتِي، وَإِلَيْكَ أَلْقَيْتُ بِيَدِي،

امید خالص و ترسم تنها از توست و به تو محبتم انس گرفته و دست به جانب تو انداختهام

وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي، [يَا] مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي،

و به ریسمان اطاعت تو بند کردم ترسم را ای مولای من به یاد تو دلم زنده است

وَبِمُنَاجَاتِكَ بَرَدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي، فَيَا مَوْلَايَ وَيَا مُوَمَّلِي، وَيَا

و به راز و نیاز تو سوزش ترسم را تسکین بخشم پس ای مولای من و ای آرزویم و ای

مُنْتَهَى سُؤْلِي، فَرَّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ ذَنْبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ، فَإِنَّمَا

آخرین سرحد خواسته‌ام میان من و گناهم را که مانع از ملازمت اطاعت توست جدایی بینداز و این خواهشی که

أَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ، وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ، الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَيَّ

من از تو می‌کنم به خاطر همان امید دیرینه‌ای است که به تو دارم و برای آن طمع بزرگی است که دربارها دارم که تو رأفت و مهربانی را

نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ، فَالْأَمْرُ لَكَ، وَحَدُّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَالْخَلْقُ

برای بندگانت بر خود فرض کرده‌ای پس امر و فرمان از آن توست یگانه‌ای که شریک نداری و خلائق

كُلُّهُمْ عِيَالُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ، وَكُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ، تَبَارَكْتَ يَا رَبَّ

همگی جیره‌خوار تو و در قبضه اقتدار تو و خاضع درگاه تو تبارکت ای پروردگار

الْعَالَمِينَ، إِلَهِي إِزْهَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي، وَكُلُّ عَن جَوَابِكَ لِسَانِي،

جهانیان خدایا به من زحم کن در آن هنگامی که حجت و دلیلم قطع شود و زبانم از پاسخ تو لال گردد

وَطَاشَ عِنْدَ سُؤَالِكَ إِيَّايَ لُبِّي، فَيَا عَظِيمَ رَجَائِي، لَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ

و هوش در هنگام بازپرسیت از سرم ببرد پس ای بزرگ امیدم مرا نومید مکن در آن هنگام که سخت

فَاقَتِي، وَلَا تُرَدِّدْنِي لِحُجْلِي، وَلَا تَمْنَعْنِي لِقِلَّةِ صَبْرِي، أَعْطِنِي لِفَقْرِي،

نیزانمندم و به خاطر نادانیم مرا از درگاهت مرنان و برای کم طاقتیم مهتر را از من بازمدار به خاطر نیازی که دارم به من بده

وَأَرْحَمَنِي لِضَعْفِي، سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي وَمُعَوَّلِي، وَرَجَائِي وَتَوَكَّلِي،

و برای ناتوانیم به من رحم کن ای آقای من بر توست اعتماد و تکیه و امید و توکل من

وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي، وَبِفِنَائِكَ أَحْطُ رَحْلِي، وَبِجُودِكَ أَقْصِدُ طَلِبَتِي،

و مهر توست دستاویزم و به آستان تو بار (حاجت) اندازم و به جود تو خواهشم را جویم

وَبِكْرَمِكَ أَيُّ رَبِّ اسْتَفْتِحُ دُعَائِي، وَلَدَيْكَ أَرْجُو فِائَتِي^۱، وَبِعِغْنَاكَ أَجْبِرُ^۲

و به کرم تو ای پروردگار من دعایم را آغاز کنم و از پیش تو امید رفع نیاز و احتیاج خود را دارم به توانگری تو جبران

عَيْلَتِي، وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي، وَاللِّي جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَرْفَعُ بَصْرِي،

نداریم کنم و زیر سایه عفو تو بیا ایستم و به جود و کرم تو دیده بگشایم

وَاللِّي مَعْرُوفِكَ أَدِيمُ نَظْرِي، فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي، وَلَا

و به نیکی تو چشم دوزم پس مرا به آتش مسوزان با این‌که مرکز آرزوی منی و در

تُسَكِّنِي الْهَآوِيَةَ فَإِنَّكَ قَرَّةُ عَيْنِي، يَا سَيِّدِي لَا تُكْذِبْ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ

دوزخم سکونت مده که تو نور چشم منی ای آقای من گمان مرا به احسان و نیکیت دروغ

وَمَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ تِيقْتِي، وَلَا تُحْرِمْنِي ثَوَابَكَ فَإِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي، إِلَهِي

و بی‌اصل مکن زیرا تو مورد اطمینان محکم منی و از پاداش نیکیت محرومم مساز که تو به نداری من آشنایی خدایا

إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُقَرِّبْنِي مِنْكَ عَمَلِي، فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِعْتِرَافَ

اگر مرگم نزدیک شده ولی کردارم مرا به تو نزدیک نکرده من اعتراف به گناهم را

إِلَيْكَ بِذَنْبِي وَسَأَلْتُ عِلْمِي، إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ^۲، وَإِنْ

وسیله عذر خویش به درگاهت قرار دهم خدایا اگر درگذری کیست که سزاوارتر از تو به گذشت باشد و اگر

عَذَبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ، إِرْحَمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي، وَعِنْدَ

عذاب کنی پس کیست که در حکم عادل‌تر از تو باشد رحم کن در این دنیا به غریتم و هنگام

الْمَوْتِ كُرْبَتِي، وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي، وَفِي اللَّحْدِ وَحَشْتِي، وَإِذَا نَشِرْتُ

مرگ به غمزدگیم و در قبر به تنهاییم و در لحد به وحشت و بی‌کسیم و هنگامی که در برابرت

لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذَلٌّ مَوْقِفِي، وَاعْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ الْآدَمِيِّينَ مِنْ

به پای حسابم آورند به خواری جایگاهم رحم کن و بپامرز برای من آنچه از کردارم که بر مردم پوشیده مانده

۱. در مصباح‌المتجهجد «ارجو غنی فاقتی» آمده است. ۲. کلمه «بالعفو» در اقبال آمده است.

عَمَلِي، وَادِمَ لِي مَا بِهِ سَتَرْتَنِي، وَارْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبْنِي

و ادامه بده برایم آنچه را که بدان مرا پوشاندی و در آن حال که در بستر مرگ افتاده و دستهای یاران مرا به این سو و آن سو کنند

أَيْدِي أَحِبَّتِي، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَى الْمُعْتَسِلِ يُقَلِّبْنِي صَالِحُ

بر من رحم کن و در آن حال که روی سنگ غسلخانه دراز کشیده‌ام و همسایگان شایسته‌ام به این طرف و آن طرف می‌گرداند بر من

جَبْرَتِي، وَتَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي،

تفضل کن و هنگامی که خویشان اطراف جنازه‌ام را بر دوش گرفته‌اند با من مهربانی فرما

وَجُدْ عَلَيَّ مَنقُولاً قَدْ نَزَلَتْ بِكَ وَحِيداً فِي حُفْرَتِي، وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ

و هنگامی که تک و تنها در میان گودال قبر بر تو وارد شوم بر من بخشش کن و به غربت من در آن

الْبَيْتِ الْجَدِيدِ غُرْبَتِي، حَتَّى لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ، يَا سَيِّدِي إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى

خانه تازه و نو رحم کن بطوری که بجز تو انس نگیرم ای آقای من اگر مرا به خودم

نَفْسِي هَلَكْتُ، سَيِّدِي فَبِمَنْ أَسْتَعِيْثُ إِنْ لَمْ تُقَلِّبْنِي عَشْرَتِي، فَاِلَى مَنْ أَفْزَعُ

و گذاری هلاک گردم آقای من پس به که استغاثه کنم اگر تو نلزمم را نادیده نگیری و به که پناه برم

إِنْ فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي ضَجْعَتِي، وَإِلَى مَنْ أَلْتَجِي إِنْ لَمْ تُنْفُسْ كُرْبَتِي،

اگر عنایت تو را در آرامگاهم از دست بدهم و به که ملتجی گردم اگر تو غم مرا برطرف نکنی.

سَيِّدِي مَنْ لِي وَمَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي، وَفَضَّلْ مَنْ أَوْمَلُ إِنْ

آقای من که را دارم و که بر من رحم کند اگر تو بر من رحم نکنی و فضل که را آرزو کنم در روز

عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي، وَإِلَى مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الذَّنُوبِ إِذَا انْقَضَى أَجَلِي،

نیازمندیم اگر فضل تو را گم کنم و بسوی چه کسی از گناهانم بگریزم در آن هنگام که عمرم بسر رسد

سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ، إِلَهِي حَقِّقْ رَجَائِي، وَآمِنْ خَوْفِي، فَإِنَّ

ای آقای من مرا با این که به تو امیدوارم معذب مفرما خدایا امید مرا تحقق بخش و ترسم را امان بخش زیرا

كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ، سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّ،

در این گناهان بسیار امیدی جز به عفو تو ندارم ای آقای من از تو خواهم چیزی را که شایسته آن نیستم

وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، فَاعْفُرْ لِي وَالْبِسْنِي مِنْ نَظْرِكَ

و تو شایسته پرهیزکاری هستی و اهل آمرزشی پس بپارم مرا و از نظر

ثَوْباً يُغَطِّي عَلَيَّ التَّبِعَاتِ، وَتَعْفُرْهَا لِي وَلَا أُطَالِبُ بِهَا، إِنَّكَ ذُو مَنْ قَدِيمٍ،

مرحمت خود جامه‌ای بر من ببوشان که گناهانم را ببوشاند و آنها را برایم بپارم و مورد مواخذه قرارم مده که تو دارای متی دیرینه

وَصَفْحَ عَظِيمٍ، وَتَجَاوُزَ كَرِيمٍ، إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَيِّبَكَ عَلَيَّ مَنْ لَا

و چشم‌پوشی بزرگ و گذشت بزرگواری هستی خدایا تویی که فیض خود را حتی بر آن‌که درخواست نکند

يَسْأَلُكَ، وَعَلَى الْجَا حِدِ بْنِ بَرُّبُوبَيْتِكَ، فَكَيْفَ سَيِّدِي بِمَنْ سَأَلَكَ وَأَيَقِنَ

و بر منکران پروردگاریت فروریزی پس چگونه نسبت به کسی‌که از تو درخواست کند و یقین داند

أَنَّ الْخَلْقَ لَكَ، وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ، تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، سَيِّدِي

که جهان خلقت از تو و کار بدست توست؟ برتری و والایی ای پروردگار جهانیان، ای آقای من

عَبْدُكَ بِبَابِكَ، أَقَامَتُهُ الْخُصَا صَةُ بَيْنَ يَدَيْكَ، يَقْرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ

بندهات به درگاہت آمده و تنگدستی او را پیش روی تو واداشته و به وسیله دعای خود در خانه

بِدُعَائِهِ، فَلَا تُعْرِضُ بَوَجْهِكَ الْكَرِيمَ عَنِّي، وَاقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ، فَقَدْ

احسان تو را می‌کوبد پس آن روی بزرگواریت را از من برگردان و آنچه گویم از من بپذیر زیرا

دَعَوْتُكَ بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَأَنَا أَرْجُو أَنْ لَا تُرَدَّنِي، مَعْرِفَةً مِنِّي بِرَأْفَتِكَ

من به این دعا تو را خواندم و امیدوارم که بازم برگردانی چون آشنایی کاملی به مهر و رأفت

وَرَحْمَتِكَ، إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي لَا يُحْفِيكَ سَائِلٌ، وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ، أَنْتَ كَمَا

تو دارم خدایا تویی که درمانده و سؤال بیجت نکند سائلی و بخشش و عطا از تو نکاهد تو چنانی که

تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا، وَفَرَجًا قَرِيبًا،

خود گویی و بالاتر از آنی که ما گوییم خدایا من از تو خواهم صبری نیکو و گشایشی نزدیک

وَقَوْلًا صَادِقًا، وَاجْرَأَ عَظِيمًا، أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، مَا عَلِمْتُ

و گفتاری راست و پاداشی بزرگ از تو خواهم پروردگارا هرچه خیر و خوبی است چه آنچه می‌دانم

مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرٍ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ،

و چه آنچه را نمی‌دانم خواهم از توخدایا از بهترین چیزی که بندگان شایستهات خواهند

يَا خَيْرٍ مِنْ سُئِلٍ، وَاجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، أَعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي،

ای بهترین درخواست شدگان و ای بخشنده‌ترین عطابخش عطاکن به من خواسته‌ام را در مورد خود و خانواده

و وَالِدِيَّ وَوُلْدِي، وَأَهْلَ حَزَانَتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ، وَأَرْغِدْ عَيْشِي، وَأَظْهِرْ

و پدر و مادر و فرزندان و بستگان و برادران دینیم و زندگیم را خوش و فراخ گردان و مردانگیم را

مُرَوَّتِي، وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمُرُهُ، وَحَسَّنَتْ

آشکار ساز و تمام حالات مرا اصلاح کن و بگردانم از کسانی که عمرش را طولانی و کردارش را

عَمَلَهُ، وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، وَرَضِيتَ عَنْهُ، وَأَحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فِي

نیکی و نعمت را بر او تمام کرده و از او خوشنود گشته‌ای و زندگی پاکیزه‌ای به او بخشیده‌ای که

أَدْوَمَ السُّرُورِ، وَأَسْبَغَ الْكِرَامَةَ، وَأَتَمَّ الْعَيْشِ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَلَا

در میان پایرجاترین خوشی و وسیعترین کرامت و کاملترین زندگانی روزگار بسر می‌برد و برستی تو هرچه را بخواهی انجام دهی ولی

يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرَكَ، اللَّهُمَّ خُصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ، وَلَا تَجْعَلْ

جز تو کسی نتواند هر چه خدا خواهد انجام دهد خدایا مرا به ذکر مخصوص خود مخصوصم دار و آنچه را من

شَيْئاً مِمَّا اتَّقَرَّبُ بِهِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً، وَلَا

بوسیله آن در تمام ساعات و دقائق روز و شب وسیله تقرب درگاهت قرار دهم خودنمایی و شهرت‌طلبی

أَشْراً وَلَا بَطْراً، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ، اللَّهُمَّ أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي

و سرکشی و گردن فزازی قرار مده و مرا از فروتنان درگاهت قرارم بده خدایا به من عطا فرما وسعت در

الرِّزْقِ، وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ، وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ،

روزی، و امنیت در وطن، و چشم‌روشنی در خاندان و مال و اولاد

وَالْمَقَامَ فِي نِعْمِكَ عِنْدِي، وَالصَّحَّةَ فِي الْجِسْمِ، وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ،

و پایدار ماندن نعمتهایی که در پیش من داری و تندرستی و نیرویی در بدن

وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ، وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ، مُحَمَّدٍ

و سلامتی در دین و همیشه تا زنده‌ام مرا به طاعت خود و اطاعت پیامبرت محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتُ نِي، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ

صلی‌الله علیه و آله و اواردار کن و بگردانم از برنصب‌ترین بندگانت

نَصِيباً فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، وَتَنْزِلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَمَا

در هر خیری که نازل کرده و در ماه رمضان در شب قدر نازل گردانی و آنچه را

أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، وَعَافِيَةٍ تُلَبِّسُهَا، وَبَلِيَّةٍ

در هر سال نازل گردانی از مهری که بگسترانی و تندرستی که بیوشانی و بلاهایی که

تَدْفَعُهَا، وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا، وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا، وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ

بازگردانی و کارهای خیری که بپذیری و زشتیهایی را که از آنها درگذری و روزیم کن حج خانه

الْحَرَامِ، فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَأَرْزُقْنِي رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ

کعبه را در این سال و در هر سال و روزیم ده روزی فراخی از فضل

الْوَاسِعِ، وَأَصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَاءَ، وَأَقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ

وسیع و خود و بدیها را ای آقایم از من دور کن و بدهی‌ها

وَالظُّلُمَاتِ، حَتَّى لَا أَتَاذِّي بِشَيْءٍ مِنْهُ، وَخُذْ عَنِّي بِاسْمَاعِ

و مظلمه‌هایی که به گردن دارم از من ادا فرما بطوری که به خاطر چیزی از آنها ناراحت نشام و گوش

وَأَبْصَارِ أَعْدَائِي، وَحُسَادِي وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ، وَأَنْصُرْنِي عَلَيْهِمْ، وَأَقْرِّ

و چشم دشمنان و حسودان و ستمکارانم را بر من ببند و بر ایشان یاریم ده و دیده‌ام را

عَيْنِي، وَفَرِّحْ قَلْبِي، وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا،

روشن کن و دلجم را شاد گردان و برایم از اندوه و غم فرج و گشایشی قرار ده

وَاجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمِي، وَاكْفِنِي شَرَّ

و هر که را از تمامی خلقت که ارادهٔ سویی نسبت به من دارد زیر پای من قرارش ده و کفایت کن مرا

الشَّيْطَانِ وَشَرِّ السُّلْطَانِ وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي، وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا،

از شرّ شیطان و شرّ سلطان و بدیهای کردارم و پاکم کن از گناهان همگی.

وَاجْرُنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَزَوِّجْنِي مِنْ

و از آتش دوزخ بوسیلهٔ عفو خود پناهم ده و به رحمت خویش داخل بهشتم گردان و از حوره‌های بهشتی

الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ، وَالْحِقْنِي بِأَوْلِيَاءِكَ الصَّالِحِينَ، مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

به فضل خود به همسریم درآور و ملحقم کن به دوستان شایسته‌ات محمد و آلش

الْأَبْرَارِ، الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، صَلِّوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَجْسَادِهِمْ

آن نیکان پاک پاکیزه و برگزیده دروذهای تو بر ایشان و بر جسدهاشان

وَأَرْوَاهِمُ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، إِلَهِي وَسَيِّدِي، وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَيْتَنِي

و بر ارواحشان و رحمت خدا و برکاتش ای خدای من و آقای من سوگند به عزت و جلالت اگر

طَالِبْتَنِي بِذُنُوبِي لِأَطْلُبَنَّكَ بِعَفْوِكَ، وَلَيْتَنِي طَالِبْتَنِي بِلُؤْمِي لِأَطْلُبَنَّكَ

مرا در مورد گناهان بازخواست کنی من نیز تو را به عفو و گذشتت مطالبه می‌کنم و اگر به پستی‌ام مرا مؤاخذه کنی من هم به کرم

بِكْرَمِكَ، وَلَيْتَنِي أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لِأَخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ، إِلَهِي

تو را مطالبه می‌کنم و اگر به دوزخم ببری به دوزخیان گزارش می‌دهم که دوست دارم ای خدای من

وَسَيِّدِي إِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، فَالِي مَنْ يَفْزَعُ

و آقای من اگر نیامرزی مگر دوستان و پیروان را پس به که پناه برند

الْمُذْنِبُونَ، وَإِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ، فَبِمَنْ يَسْتَعِيثُ

گناهکاران و اگر اکرام نکنی مگر نسبت به وفاداران پس به که استغاثه کنند

الْمُسِيئُونَ، إِلَهِي إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فِي ذَلِكَ سُرُورٌ عَدُوِّكَ، وَإِنْ

بدکرداران خدایا اگر به دوزخم ببری این کار موجب خوشحالی دشمن گردد و اگر

أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فِي ذَلِكَ سُرُورٌ نَبِيِّكَ، وَ أَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ

به بهشتم ببری موجب خوشحالی پیامبر بشود و من به خدا سوگند مسلماً می‌دانم که خوشحال شدن پیامبر را

أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ تَمْلَأَ قَلْبِيْ حُبًّا لِّكَ،

بیشتر از خوشحال شدن دشمن دوست داری خدایا از تو می‌خواهم که دلم را پر کنی از محبت

وَ خَشْيَةً مِنْكَ، وَ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ، وَ اِيْمَانًا بِكَ، وَ فِرْقًا مِنْكَ، وَ شَوْقًا اِلَيْكَ،

و ترس از خودت و تصدیق به کتابت و ایمان به خودت و هراس و اندیشه از خود و اشتیاق بسوی خود

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ، حَبِّ اِلَى لِقَائِكَ وَ اَحْبِبْ لِقَائِيْ، وَ اجْعَلْ لِيْ فِي

ای صاحب جلال و بزرگواری مرا دوستدار لقای خویش کن و نیز لقای مرا دوست بدار و

لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَ الْكِرَامَةَ، اَللّٰهُمَّ اَلْحِقْنِيْ بِصَالِحِ مَنْ مَضَى،

در لقای خود برای من آرامش و گشایش و کرامتی قرار ده خدایا مرا به شایستگان از مردم گذشته ملحق کن

وَ اجْعَلْنِيْ مِنْ صَالِحِ مَنْ بَقِيَ، وَ خُذْ بِيْ سَبِيْلَ الصّٰلِحِيْنَ، وَ اعِنِّيْ عَلٰى

و از شایستگان باقیمانده قرارم ده و به راه شایستگانم ببر و کمکم ده بر

نَفْسِيْ بِمَا تُعِيْنُ بِهٖ الصّٰلِحِيْنَ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ، وَ اَخْتِمْ عَمَلِيْ بِاِحْسَنِهٖ،

مخالفت با هوای تقسم بدانچه کمک دادی شایستگان را بر مخالفشان با هوای نفس و ختم کن کارم را به نیکوترین کارهایم

وَ اجْعَلْ ثَوَابِيْ مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَ اعِنِّيْ عَلٰى صَالِحِ مَا اَعْطَيْتَنِيْ،

و پاداشم را از آن کار به رحمت خود بهشت قرار ده و کمکم ده در آنچه به من داده‌ای که در کار صالح بکار بندم

وَ ثَبِّتْنِيْ يَا رَبِّ، وَ لَا تَرُدَّنِيْ فِيْ سَوْءٍ اسْتَنْقَذْتَنِيْ مِنْهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ،

و ثابت قدمم دار و بازم مگردان به بدیهایی که از آن نجاتم داده‌ای ای پروردگار جهانیان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ، أَحِينِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ،

خدایا از تو خواهم ایمانی که انتهایش ملاقات تو باشد و تا زنده‌ام داری به همان ایمان زنده‌ام دار

وَتَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ، وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ، وَأَبْرِءْ قَلْبِي مِنَ

و چون بمیرانیم بر همان ایمان بمیرانم و چون برانگیزیم بر همان ایمان برانگیزم و پاک کن دلم را از

الرِّيَاءِ وَالشُّكِّ وَالسُّمْعَةَ فِي دِينِكَ، حَتَّى يَكُونَ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ،

ریا و شک و خودنمایی در دینت تا در نتیجه عملم خالص برای تو باشد

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ، وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ، وَفِقْهًا فِي عِلْمِكَ،

خدایا به من عنایت کن بصیرتی در دینت و فهمی (در شناختن) حکمت و درک خاصی در فهم علمت

وَكَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَوَرَعًا يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ، وَيَبِيضُ وَجْهِي

و دو سهم از رحمتت و پرهیزکاری آن چنانی که مرا از گناهانت باز دارد و رویم را به نور خود

بِنُورِكَ، وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ، وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ، وَعَلَى مِلَّةِ

سفید گردان و شوقم را بدانچه پیش توست قرار ده و در راه خود و بر کیش

رَسُولِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَشْلِ،

پیامبرت صلی‌الله علیه وآله بمیرانم خدایا به تو پناه می‌برم از کسالت و سستی

وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ وَالْمَسْكَنَةِ، وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةَ

و اندوه و ترس و پخلت و بی‌خبری و سنگدلی و بیچارگی و فقر و نداری

وَكَلِّ بَلِيَّةٍ، وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا

و از هر بلا و هرزگی هر چه آشکار باشد از آنها و هر چه پنهان و پناه می‌برم به تو از نفسی که

تَقْنَعُ، وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ،

قانع نباشد و شکمی که سیر نشود و دلی که نهراسد و دعایی که پذیرفته نشود و کاری که سود ندهد

وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي، وَعَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي،

و پناه می‌برم ای پروردگرم در مورد خویشتن و دین و مال و همه آنچه به من روزی کرده‌ای

مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ

از شیطان رانده درگاهت که برستی تو شنوای دانایی خدایا کسی نیست که مرا از تو درپناه خود گیرد

أَحَدٌ، وَلَا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِداً، فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ،

و جز تو پناهگاهی نیابم پس مرا در چیزی از عذاب خود قرارم مده

وَلَا تُرِدَّنِي بِهَلَكَةٍ، وَلَا تُرِدَّنِي بِعَذَابِ أَلِيمٍ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي، وَأَعْل

و مرا به هلاکت و عذاب دردناکی بازگردان خدایا عملم را بپذیر و نامم را

ذِكْرِي، وَارْفَعْ دَرَجَتِي، وَحُطِّ وَزْرِي، وَلَا تَذْكَرْنِي بِخَطِيئَتِي، وَاجْعَلْ

بلند کن و درجهام را بالا بر و گناهم را بریز و به خطایم مرا یاد مکن و پاداش

ثَوَابٍ مَجْلِسِي، وَثَوَابٍ مَنْطِقِي، وَثَوَابٍ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ،

این مجلس مرا و پاداش گفتارم را و پاداش دعایم را خشنودی خودت و بهشت قرار ده

وَاعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ، إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا

و بده به من ای پروردگار من تمام آنچه را از تو خواستم و از فضل خویش بر من بیفز که من براسستی بسویت مشتاقم ای

رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ أَنْ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنَا، وَقَدْ

پروردگار جهانیان خدایا تو خود در کتابت قرآن برای ما نازل فرمودی که ما گذشت کنیم از کسی که به ما ستم کرده و ما به

ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَاغْفُ عَنَّا، فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا، وَأَمَرْتَنَا أَنْ لَا نَزِدَّ سَائِلاً

خودمان ستم کردیم پس از ما درگذر که تو از ما سزاوارتر بدین کار هستی و به ما دستور دادی که هیچ خواهندهای را از در خانه مان باز

عَنْ أَبْوَابِنَا، وَقَدْ جِئْتُكَ سَائِلاً فَلَا تُرِدَّنِي إِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي، وَأَمَرْتَنَا

نگردانیم و من بصورت خواهندگی به درگاهت آمدهام و بازم مگردان جز با روا شدن حاجتم و به ما دستور دادی

بِالْحُسَانِ إِلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا، وَنَحْنُ أَرْقَاءُكَ فَاعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ،

که نسبت به بردگانمان احسان و نیکی کنیم و ما بردگان تویم پس ما را از آتش دوزخ آزاد فرما

يَا مَفْرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي، وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي، إِلَيْكَ فَزِعْتُ، وَبِكَ

ای پناهم در هنگام اندوه و غم ای فریادرسم در هنگام سختی به درگاه تو زاری کنم و به تو

اسْتَعْتْتُ وَلَذْتُ، لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ، وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ، فَاعْنِنِي

استغانه کنم و به تو پناه آرم و به دیگری پناه نبرم و گشایش نخواهم جز از تو پس تو به فریادم برس

وَفَرِّجْ عَنِّي، يَا مَنْ يَفْكُ الْأَسِيرَ^۱، وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ، اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ،

و گشایشی در کارم بده ای که اسیر و گرفتار را آزاد کنی و از گناه بسیار بگذری طاعت اندک را از من بپذیر

۱. در مصباح المتبهجد «فُضِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ» نیز آمده است.

۲. در مصباح و اقبال «يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ» آمده است.

وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ، إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا

و از گناه بسیارم بگذر که برستی تو مهربان آمرزنده‌ای خدایا از تو خواهم ایمانی که

تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَيَقِينًا صَادِقًا حَتَّىٰ أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي،

همیشه دلم با آن همراه گردد و یقینی راست و کامل که بدانم مسلماً چیزی به من نرسد جز آن‌که بر من نوشته‌ای

وَرَضْنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و خوشنودم کن در زندگی به همان که نصیب کرده‌ای ای مهربانترین مهربانان.

۵- مختصرترین دعای سحر (دعای بسیار پرمحتوا)

يَا مَفْرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي، وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي، إِلَيْكَ فَزَعْتُ، وَبِكَ

ای پناهگاهم در هنگام غمزدگی و ای دادرسم در هنگام سختی و دشواری به درگاهت زاری کنم و به تو

اسْتَعْتَمْتُ، وَبِكَ لَذْتُ، لَا الْوَدْبِ سِوَاكَ، وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ، فَأَعِثْنِي

استغاثه کنم و به تو پناه آرم و بجز تو به دیگری پناه نبرم و گشایش‌را جز از تو نخواهم پس بدادم برس

وَ فَرِّجْ عَنِّي، يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ، وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ، اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ،

و گشایشی به من ده ای که بپذیری (طاعت) اندک را و بگذری از (گناه) بسیار بپذیر از من (طاعت) اندک را

وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا

و بگذر از (گناه) بسیار که برستی تو آمرزنده و مهربانی خدایا از تو ایمانی خواهم که

تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَيَقِينًا حَتَّىٰ أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي،

همیشه دلم با آن همراه باشد و یقینی خواهم که (بدان وسیله) بدانم که چیزی به من نرسد جز آنچه برایم نوشته‌ای

وَرَضْنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا عُدَّتِي فِي

و خوشنودم کن از زندگی به همان که نصیب کرده‌ای ای مهربانترین مهربانان ای ذخیره‌ام در

كُرْبَتِي، وَ يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَ يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، وَيَا غَايَتِي فِي

غمندگی و ای یار همراهم در سختی و ای سرپرستم در نعمت و ای منتهای شوق و

رَغْبَتِي، أَنْتَ السَّائِرُ عَوْرَتِي، وَالْأَمِنْ رَوْعَتِي، وَالْمُقِيلُ عَثْرَتِي، فَاغْفِرْ

رغبتم تویی پوشاننده زشتیهایم و امان بخش هراس و دلهره‌ام و چشم‌پوش لغزشم پس بیامرز

لِي خَطِيئَتِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

خطایم را ای مهربانترین مهربانان.

۶- خواندن این تسیبحات، که در کتب معتبر آمده است:

سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ جَوَارِحَ الْقُلُوبِ، سُبْحَانَ مَنْ يُحْصِي عَدَدَ الذُّنُوبِ،

منزه است آنکه مصیبات و تأثرات دلها را داند منزه است آنکه شماره گناهان را دارد

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، سُبْحَانَ

منزه است آنکه چیزی در آسمانها و زمینها بر او پنهان نماند منزه است

الرَّبِّ الْوُدُودِ، سُبْحَانَ الْفَرْدِ الْوَتَرِ، سُبْحَانَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ، سُبْحَانَ

پروردگار مهرپیشه منزه است یکتای یگانه منزه است خدای بزرگ و بزرگتر منزه است

مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يُؤَاخِذُ أَهْلَ الْأَرْضِ

آنکه ستم بر اهل کشور خود نکند منزه است آنکه نگیرد زمینیان را

بِالْوَانِ الْعَذَابِ، سُبْحَانَ الْحَنَّانِ الْمَنَّانِ، سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ،

به عذاب رنگارنگ منزه است احسان بخش پر نعمت منزه است خدای رؤوف مهربان

سُبْحَانَ الْجَبَّارِ الْجَوَادِ، سُبْحَانَ الْكَرِيمِ الْحَلِيمِ، سُبْحَانَ الْبَصِيرِ

منزه است خدای مقتدر بخشنده منزه است خدای بزرگوار بردبار منزه است خدای بینای

الْعَلِيمِ، سُبْحَانَ الْبَصِيرِ الْوَاسِعِ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى إِقْبَالِ النَّهَارِ،

دانا منزه است بینای وسعت بخش منزه است خدا هنگام آمدن روز

سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى إِدْبَارِ النَّهَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى إِدْبَارِ اللَّيْلِ وَإِقْبَالِ

منزه است خدا هنگام رفتن روز منزه است خدا در وقت رفتن شب و آمدن

النَّهَارِ، وَ لَهُ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَالْعِزَّةُ وَالْكَبْرِيَاءُ، مَعَ كُلِّ نَفْسٍ وَكُلِّ طَرْفَةِ

روز و از آن اوست ستایش و شوکت و بزرگی و کبریا با هر نفس کشیدن و هر

عَيْنٍ، وَكُلِّ لَمْحَةٍ سَبَقَ فِي عِلْمِهِ، سُبْحَانَكَ مِلْأَمَا أَحْصَى كِتَابُكَ،

چشم به هم زدن و هر اشارهای که در علم او گذشته است منزهی تو به پری آنچه کتاب تو احصا کند

سُبْحَانَكَ زِنَةَ عَرْشِكَ، سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ. ۲

منزهی تو هموزن عرش منزهی تو، منزهی تو، منزهی تو.

یادآوری: البته اگر نیت روزه را بعد از خوردن سحری کند بهتر است، و از اول شب تا به آخر نیز

۱. در اقبال این جملات نیز آمده است: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى إِقْبَالِ النَّهَارِ وَإِدْبَارِ اللَّيْلِ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى إِقْبَالِ النَّهَارِ وَإِقْبَالِ اللَّيْلِ».

۲. اقبال، صفحه ۸۲ و بحار الانوار، جلد ۹۵، صفحه ۱۰۰.

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَذْهَبْ عَنِّي فِيهِ النَّعَاسَ وَالْكَسَلَ، وَالسَّامَةَ

بر محمد و آل محمد و دور کن از من در این ماه چرت و بی حالی و خستگی

وَالْفُتْرَةَ، وَالْقَسْوَةَ وَالْغَفْلَةَ وَالْغِرَّةَ، وَجَنِّبْنِي فِيهِ الْعِلَلَ وَالْأَسْقَامَ،

و سستی و سنگدلی و بی خبری و غرور و امراض و دردها

وَالْهُمُومَ وَالْأَحْزَانَ، وَالْأَعْرَاضَ وَالْأَمْرَاضَ، وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبَ،

و اندوهها و غمها و عوارض دیگر و بیماریها و خطاها و گناهان را

وَاصْرِفْ عَنِّي فِيهِ السُّوَاءَ وَالْفَحْشَاءَ، وَالْجَهْدَ وَالْبَلَاءَ، وَالتَّعَبَ وَالْعَنَاءَ،

و بازدار از من در این ماه بدی و هرزگی و رنج و بلا و مشقت و زحمت را

إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِزَّنِي فِيهِ مِنْ

که براستی تو شنوای دعا هستی خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و پناهم ده در این ماه از

الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَهَمْزِهِ وَلَمْزِهِ، وَنَفْثِهِ وَنَفْحِهِ، وَوَسْوَاسَتِهِ وَتَشْبِيْطِهِ،

شیطان رانده درگاهت و اشاره اش و چشمک زدنش و پُفیدن و دمیدنش و وسوسه و تعویق انداختنش

وَبَطْشِهِ وَكَيْدِهِ وَمَكْرِهِ، وَحَبَائِلِهِ وَخُدَعِهِ، وَأَمَانِيهِ وَغُرُورِهِ، وَفِتْنَتِهِ

و ضربه و نیرنگ و حيله اش و دامهایش و فریبهایش و دروغهایش و گولهایش و فتنه اش و

وَشْرِكِهِ، وَأَحْزَابِهِ وَاتِّبَاعِهِ، وَأَشْيَاعِهِ وَأَوْلِيَّائِهِ، وَشُرَكَائِهِ وَجَمِيعِ

شبهه های دامش و همراهانش و پیروانش و دنباله ها و دوستان و شریکانش و همه

مَكَائِدِهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا قِيَامَهُ وَصِيَامَهُ،

اسباب حيله و کیدش خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و روزی ما گردان شب زنده داری و روزه این ماه را

وَبُلُوغِ الْأَمَلِ فِيهِ وَفِي قِيَامِهِ، وَاسْتِكْمَالَ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي صَبْرًا

و به رسیدن آرزویمان در این ماه و در پایداری و انجام کامل چیزهایی که تو را از من خشنود گرداند از نظر شکیبایی

وَاحْتِسَابًا، وَإِيمَانًا وَيَقِينًا، ثُمَّ تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي بِالْأَضْعَافِ الْكَثِيرَةِ،

و چشم داشت ایشان و ایمان و یقین سپس بپذیر آن را از من به چند برابر زیادتیر و

وَالْأَجْرَ الْعَظِيمَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

پاداشی بزرگ ای پروردگار جهانیان خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و

وَارْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ، وَالْإِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ، وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ،

روزیم کن حج و عمره و کوشش و نیرو و نشاط و انابه و توبه

وَ الْقُرْبَةَ وَ الْخَيْرَ الْمَقْبُولَ، وَ الرَّهْبَةَ وَ الرَّغْبَةَ، وَ التَّضَرُّعَ وَ الْخُشُوعَ،

و تقرب به خودت و کار خیر پذیرفته و ترس و زاری و شوق و فروتنی

وَ الرَّقَّةَ وَ النَّيَّةَ الصَّادِقَةَ، وَ صِدْقَ اللِّسَانِ، وَ الْوَجَلَ مِنْكَ، وَ الرَّجَاءَ لَكَ،

و دل‌نازکی و نیت راست و راستگویی زبان و بیم از خودت و امید

وَ التَّوَكُّلَ عَلَيْكَ، وَ الثَّقَّةَ بِكَ، وَ الْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ، مَعَ صَالِحِ الْقَوْلِ،

و توکل بر خودت و اعتماد به تو و پرهیزکاری از حرامهای تو با گفتار شایسته

وَ مَقْبُولِ السَّعْيِ، وَ مَرْفُوعِ الْعَمَلِ، وَ مُسْتَجَابِ الدَّعْوَةِ، وَ لَا تَحُلْ بَيْنِي

و کوشش پذیرفته و عمل بالا رفته و دعای مستجاب شده و میان من و

وَ بَيْنَ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ بِعَرَضٍ وَ لَا مَرَضٍ، وَ لَا هَمٍّ وَ لَا غَمٍّ وَ لَا سَقَمٍ، وَ لَا

هر یک از اینها (که گفتم) جدایی مینداز بواسطه پیشامدها و بیماری و اندوه و غم و درد و

غَفْلَةٍ وَ لَا نِسْيَانٍ، بَلْ بِالتَّعَاهُدِ وَ التَّحْفِظِ لَكَ وَ فِيكَ، وَ الرَّعَايَةِ لِحَقِّكَ،

غفلت و فراموشی بلکه (موقف بدار که) به هم بیمانی و خودداری بخاطر تو و درباره تو مراعات حق تو

وَ الْوَفَاءِ بَعْدِكَ وَ وَعْدِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

و وفا به بیمان و وعده تو (کارهایم انجام شود) به رحمت ای مهربانترین مهربانان خدا یا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اقْسِمْ لِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تَقْسِمُهُ لِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ،

محمد و آل محمد و نصیب کن در این ماه بهتر چیزی را که نصیب بندگان شایسته‌ات کردی

وَ اعْطِنِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَوْلِيَاءَكَ الْمُقْرَبِينَ، مِنَ الرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ،

و بده بمن در این ماه بهتر چیزی را که عطا کردی به اولیای مقرب خود از رحمت و آمرزش

وَ التَّحَنُّنِ وَ الْإِجَابَةِ، وَ الْعَفْوِ وَ الْمَغْفِرَةِ الدَّائِمَةِ، وَ الْعَافِيَةِ وَ الْمُعَافَاةِ،

و مهربورزی و اجابت دعا و گذشت و آمرزش همیشگی و تندرستی و آسایش

وَ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَ الْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ، وَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

و آزادی از آتش و رسیدن به بهشت و خیر دنیا و آخرت خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْ دُعَائِي فِيهِ إِلَيْكَ وَاصِلًا، وَ رَحْمَتَكَ وَ خَيْرَكَ

محمد و آل محمد و دعایم را در این ماه بسوی خود برسان و رحمت و خیر خود را

إِلَيَّ فِيهِ نَازِلًا، وَ عَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا، وَ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا، وَ ذَنْبِي فِيهِ

در این ماه بسوی من نازل فرما و عملم را پذیرفته گردان و کوششم را در آن سپاس شده و گناهم را

مَغْفُورًا، حَتَّىٰ يَكُونَ نَصِيبِي فِيهِ الْأَكْثَرُ، وَحَظِّي فِيهِ الْأَوْفَرَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ

آمرزیده قرار ده تا این که سهمم در آن بیشتر و بهره ام کاملتر باشد خدایا درود فرست

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَوَقِّنِي فِيهِ لِلَّيْلَةِ الْقَدْرِ عَلَىٰ أَفْضَلِ حَالٍ

بر محمّد و آل محمّد و موقعم دار برای شب قدر به بهترین حالی که

تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، وَارْضَاهَا لَكَ، ثُمَّ اجْعَلْهَا لِي

دوست داری یکی از اولیای در آن حال باشد و خوشنودترین حالات پیش تو باشد سپس آن شب را برای من

خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، وَارْزُقْنِي فِيهَا أَفْضَلَ مَا رَزَقْتَ أَحَدًا مِمَّنْ بَلَغَتْهُ

بهرتر از هزار ماه کن و روزیم ده در آن شب به بهترین روزیهایی که به کسی دادی و به آن روزی او را رسانیدی

إِيَّاهَا، وَاکْرَمْتَهُ بِهَا، وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ عِتْقَائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ، وَطَلْقَائِكَ مِنْ

و بدان گرامیش داشتی و مرا در آن شب از آزاد شدگان از جهنم و رها شدگان از

النَّارِ، وَسُعْدَاءِ خَلْقِكَ، بِمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ

دوزخ و سعادتندان خلقت قرار ده بحق آمرزش و خشودیت ای مهربانترین مهربانان خدایا

صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا الْجِدَّ وَالْإِجْتِهَادَ،

درود فرست بر محمّد و آل محمّد و روزی ما کن در این ماه کوشش و تلاش

وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ، وَ مَا تُحِبُّ وَتَرْضَىٰ، اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَ لَيَالِ عَشْرِ،

و نیرو و نشاط و آنچه دوست داری و خشود شوی خدایا ای پروردگار سپیده دم و شبهای ده گانه

وَالشَّفْعَ وَ الْوَتْرَ، وَ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَ مَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ، وَ رَبَّ

و شفّع و وتر و پروردگار ماه رمضان و آنچه در آن فرو فرستادی از قرآن و پروردگار

جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ، وَ جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ رَبَّ

جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و همه فرشتگان مقرب و پروردگار

إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ، وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ، وَ رَبَّ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ،

ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پروردگار موسی و عیسی

وَ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ، وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، صَلِّ وَاتَّكْ عَلَيْهِ

و همه پیامبران و فرستادگان و پروردگار حضرت محمّد خاتم پیامبران درودهای تو بر او

وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، وَ بِحَقِّكَ

و بر ایشان همگی و از تو خواهم به حقی که تو بر ایشان داری و به حقی که ایشان بر تو دارند و به آن حق

الْعَظِيمِ، لَمَّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَنَظَرْتَ إِلَى نَظْرَةً
بزرگ خودت که درود فرستی بر او و آلش و بر ایشان همگی و نظری به من کنی نظری
رَحِيمَةً، تَرْضَى بِهَا عَنِّي رِضَى لَا تَسْخَطُ عَلَيَّ بَعْدَهُ أَبَدًا، وَأَعْطَيْتَنِي
مهربانانه که بدان از من خشنود گردی خشنودیی که هرگز پس از آن خشمی بر من نداشته باشی و همه خواسته‌هایم
جَمِيعَ سُؤْلِي وَرَغْبَتِي، وَ أَمْنِيَّتِي وَ إِرَادَتِي، وَ صَرَفْتَ عَنِّي مَا أَكْرَهُ
و میل و آرزو و درخواستم را به من بدهی و بگردانی از من آنچه را خوش ندارم
وَأَحْذَرُ، وَأَخَافُ عَلَى نَفْسِي وَمَا لِأَخَافُ، وَعَنْ أَهْلِي وَمَالِي وَإِخْوَانِي
و از آن نگران و ترسان بر خوشتن هستم و آنچه را که نمی‌ترسم و نیز از خانواده و مال و برادران
وَذَرَيْتَنِي، اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ فَرَزْنَا مِنْ ذُنُوبِنَا فَاوِنَا تَائِبِينَ، وَتُبْ عَلَيْنَا
و فرزندانم آنها را بگردانی خدایا بسوی تو گریختیم از گناهانمان پس ما را جای ده به حال توبه و توبه‌مان بپذیر
مُسْتَغْفِرِينَ، وَاغْفِرْ لَنَا مُتَعَوِّذِينَ، وَاعِدْنَا مُسْتَجِرِينَ، وَاجِرْنَا
در حال آموزش‌خواهی و بیامرزمان در حال پناهندگی و پناهمان ده در حال پناهجویی و زنهارمان ده
مُسْتَسْلِمِينَ، وَلَا تَخْذُلْنَا رَاهِبِينَ، وَآمِنَّا رَاغِبِينَ، وَشَفِّعْنَا سَائِلِينَ،
در حال تسلیم‌شدگی و خوارمان مکن در حال هراسناکی و امانمان ده در حال امیدواری و شفاعتمان را بپذیر در حال خواهندگی
وَأَعْطِنَا إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، قَرِيبٌ مُجِيبٌ، اَللّٰهُمَّ أَنْتَ رَبِّيْ وَأَنَا عَبْدُكَ،
و به ما بده که برستی تو شنوای دعایی و نزدیک و اجابت‌کننده‌ای خدایا تو پروردگار منی و من بنده تو
وَ أَحَقُّ مَنْ سَأَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ، وَ لَمْ يَسْأَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ كَرَمًا وَ جُودًا، يَا
و سزاوارترین کسی که بنده از او درخواست کند پروردگار اوست و درخواست نکنند بندگان کسی را چون تو در کرم و جود ای
مَوْضِعَ شَكْوَى السَّائِلِينَ، وَ يَا مُنْتَهَى حَاجَةِ الرَّاْغِبِينَ، وَ يَا غِيَاثَ
مرجع شکایت درخواست‌کنندگان و ای منتهای حاجت مشتاقان و ای فریادرس
الْمُسْتَغِيثِينَ، وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، وَ يَا مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ،
فریادخواهان و ای پاسخ‌دهنده دعای درماندگان و ای پناهگاه گریختگان
وَ يَا صَرِيحَ الْمُسْتَضْرِحِينَ، وَ يَا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَ يَا كَاشِفَ كَرْبِ
و ای دادرس دادخواهان و ای پروردگار ناتوان شمردگان و ای غمزدای غم
الْمَكْرُوبِينَ، وَ يَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ، وَ يَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، يَا اَللّٰهُ
غمزدگان و ای غمگشای ماتمزدگان و ای برطرف‌کننده اندوه بزرگ ای خدا

يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

ای بخشاینده ای مهربان ای مهربانترین مهربانان درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَعَيْبِي، وَإِسَاءَتِي وَظُلْمِي وَجُرْمِي، وَإِسْرَافِي عَلَيَّ

و بیامرز گناهانم و زشتیهایم و بدیم و ستمم و جنایتیم و زیاده رویم را

نَفْسِي، وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ، فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا غَيْرُكَ، وَاعْفُ

بر نفسم و روزیم کن از فضل و رحمت خویش زیرا که مالک آنها نیست کسی جز تو و بگذر

عَنِّي، وَاعْفِرْ لِي كُلَّ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي، وَاعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ

از من و بیامرز برایم گناهان گذشتهام را و نگاهم دار در باقیمانده

عُمْرِي، وَاسْتُرْ عَلَيَّ وَعَلَيَّ وَالِدَيَّ وَوُلْدِي، وَقَرَابَتِي وَأَهْلَ حُرَاتِي، وَ

از عمرم و بیوشان بر من و بر پدر و مادرم و فرزندانم و خویشانم و بستگانم

مَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَإِنَّ

و هرکس که براه من می‌رود از مردان مؤمن و زنان با ایمان در دنیا و آخرت زیرا

ذَلِكَ كُلُّهُ بِيَدِكَ، وَأَنْتَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ، فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا سَيِّدِي، وَلَا تُرَدِّ

تمام اینها بدست توست و تو وسیع آمرزشی پس نومیدم مکن ای آقایم

عَلَيَّ دُعَائِي وَلَا يَدِي إِلَى نَحْرِي، حَتَّى تَفْعَلَ ذَلِكَ بِي، وَتَسْتَجِيبَ لِي

و دعایم را برگردان و نه دستم را (خالی) بسوی سینهام تا انجام دهی آنچه را گفتم درباره‌ام و اجابت کنی برایم

جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ، وَتَزِيدَنِي مِنْ فَضْلِكَ، فَإِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

تمام آنچه را درخواست کردم و بیفزایی بر من از فضل خویش که تو بر هر چیز توانایی

وَنَحْنُ إِلَيْكَ رَاغِبُونَ، اَللَّهُمَّ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا،

و ما بسوی تو مشتاقیم خدایا از توست نامهای نیکو و نمونه‌های والا

وَالكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِاسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِنْ كُنْتَ

و کبریا و انواع نعمتها از تو خواهم به حق نامت در «بسم الله الرحمن الرحيم» اگر

قَضَيْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنْزُلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

مقدر فرمودهای در این شب فرود آمدن فرشتگان و روح را (یعنی امشب را شب قدر قرار داده‌ای) که درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي السُّعْدَاءِ، وَرُوحِي مَعَ

محمد و آل محمد و قرار دهی نام مرا در زمره سعادتمندان و روحم را با

الشُّهَدَاءِ، وَ إِحْسَانِي فِي عَلِيَيْنِ، وَ إِسَاتِي مَغْفُورَةً، وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا

شهیدان و کار نیکم را در علیین (بلندترین مقام بهشت) و گناهانم را آمرزیده و ببخشی به من یقینی

تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَ اِيْمَانًا لَا يَشُوْبُهُ شَكٌّ، وَ رِضَىٰ بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَ اَتِنِي

که دلم همیشه همراه آن باشد و ایمانی به من بدهی که به شک آلوده نگردد و خشنودی در آنچه قسمتم کرده‌ای

فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنِي عَذَابَ النَّارِ، وَ اِنْ لَمْ تَكُنْ

و در دنیا خوبی و خوشی به من ده و در آخرت نیز خوبی بده و از عذاب دوزخ نگاهمان دار و اگر

قَضَيْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنْزَلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوْحَ فِيهَا، فَاخْرُنِي اِلَىٰ ذٰلِكَ،

مقدر نفرموده‌ای در این شب فرود آمدن فرشتگان و روح را پس مرا تا بدان شب باقی بدار

وَ اَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ، وَ طَاعَتَكَ وَ حُسْنَ عِبَادَتِكَ، وَ صَلِّ عَلَيَّ

و روزی من کن در آن شب ذکر خود و شکر و اطاعت و نیکو پرستش کردنت را و درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، يَا اَحَدُ يَا

محمد و آل محمد به بهترین درودهایت ای مهربانترین مهربانان ای یگانه ای

صَمَدٌ، يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ اغْضَبِ الْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَاَبْرَارِ عِثْرَتِهِ، وَ اقْتُلْ

بی‌نیاز ای پروردگار محمد خشم خود را در امروز بخاطر محمد و نیکان از عترتش (بر دشمنانشان) فروبار و در نتیجه بکش

اَعْدَاءَهُمْ بَدَدًا، وَ اَحْصِهِمْ عَدَدًا، وَ لَا تَدْعُ عَلَيَّ ظَهْرَ الْاَرْضِ مِنْهُمْ اَحَدًا،

دشمنانشان را یکی پس از دیگری و به‌شمارشان درآر جدا جدا و یک تن از ایشان را بر روی زمین باقی نگذار

وَ لَا تَغْفِرْ لَهُمْ اَبَدًا، يَا حَسَنَ الصُّحْبَةِ، يَا خَلِيْفَةَ النَّبِيِّنَ، اَنْتَ اَرْحَمُ

و هرگز آنها را نیامرزی ای نیکو رفاقت ای تکیه‌گاه پیمبران تویی مهربانترین

الرَّاحِمِيْنَ، اَلْبَدِيُّ الْبَدِيْعُ، الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ، وَ الدَّائِمُ غَيْرُ

مهربانان آفریننده پدید آورنده ای که چیزی مانند تو نیست و خدای جاویدانی که

الْغَافِلِ، وَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوْتُ، اَنْتَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، اَنْتَ خَلِيْفَةُ

غفلت نوزد و زنده‌ای که هرگز نمیرد تو هر روز در کاری هستی تو تکیه‌گاه

مُحَمَّدٍ، وَ نَاصِرُ مُحَمَّدٍ، وَ مَفْضَلُ مُحَمَّدٍ، اَسْأَلُكَ اَنْ تَنْصُرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ،

محمد و یاور محمد و برتری دهنده محمد هستی از تو خواهم که یاری دهی وصی محمد

وَ خَلِيْفَةَ مُحَمَّدٍ، وَ الْقَائِمَ بِالْقِسْطِ مِنْ اَوْصِيَاءِ مُحَمَّدٍ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ

و جانشین محمد و قیام کننده به عدل از اوصیای محمد را که درود تو بر او

پس از آن، این دعا را می‌خوانی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا

خدایا از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و قرار ده در آنچه

تَقْضِي وَتَقْدِرُ مِنَ الْأَمْرِ الْعَظِيمِ الْمَحْتُمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي

حکم فرموده و مقدر کرده‌ای از فرمان بزرگ حتمی و مسلمت در شب قدر از آن حکمی که

لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ، أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حَجَّهُمْ،

بازگشت و تئیری در آن نیست که نامم را در زمره حاجیان خانه محترم کعبهات بنویسی آنان که حجتشان پذیرفته

الْمَشْكُورِ سَعْيِهِمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَأَنْ تَجْعَلَ

و سعیشان مورد تقدیر و گناهانشان آمرزیده و بدیهایشان جبران شده است و در قضا و قدرت

فِيمَا تَقْضِي وَتَقْدِرُ، أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي، وَتَوْسِعَ فِي رِزْقِي، وَتُوَدِّيَ عَنِّي

مقدر فرمایی که عمرم را طولانی کنی و روزیم را فراخ

أَمَانَتِي وَدِينِي، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا

و امانت و قرصم را بپردازی آمین ای پروردگار جهانیان خدایا قرار ده در کارم گشایش

وَمَخْرَجًا، وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ،

و راهی و روزیم ده از آنجا که گمان دارم و از آنجا که گمان ندارم

وَاحْرُسْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَرِسُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَرِسُ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و محافظتم کن از آنجا که من خود را محافظت کنم و از آنجا که محافظت نکنم و درود فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَسَلِّمْ كَثِيرًا. ۱

و آل محمد و سلام فرست بسیار.

۲- در هر روز از ماه رمضان این تسبیحات را که از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده است بخواند. این

تسبیحات ده بخش است و هر بخش از آن مشتمل بر ده تسبیح است:

* سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ

منزه است خدا آفریننده هر دم زنی منزه است خدای صورت ده منزه است خدا آفریننده

۱. مصباح‌المتجهّد، صفحه ۶۱۰ و اقبال، صفحه ۸۹، با اندکی تفاوت. (مرحوم سید بن طاووس در اقبال نقل می‌کند که این دعا را امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در هر روز از ماه رمضان می‌خواند).

الأزواج كلها، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ

همه موجودات خفت منزه است خدا مقرر کننده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافته

الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى

دانه و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده آنچه دیده شود

وَمَا لَا يَرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

و آنچه دیده نشود منزه است خدا به مقدار کلمات نامتناهیش منزه است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحَانَ اللَّهِ السَّمِيعِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَسْمَعُ مِنْهُ، يَسْمَعُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ

منزه است خدای شنوایی که چیزی شنواتر از او نیست می‌شنود از بالای عرش خود

مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ، وَيَسْمَعُ مَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَيَسْمَعُ

آنچه را در زیر هفت زمین است و می‌شنود آنچه را در تاریکیهای بیابان و دریاست و می‌شنود

الْأَنِيبِ وَالشَّكْوَى، وَيَسْمَعُ السِّرَّ وَأَخْفَى، وَيَسْمَعُ وَسَاوِسَ الصُّدُورِ، وَلَا

ناله و شکایت را و می‌شنود پنهان و پنهان‌تر از پنهان را و می‌شنود وسوسه‌های سینه‌ها را

يُصَمُّ سَمْعَهُ صَوْتٌ * سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ،

و کر نکند شنوایش را صدایی * منزه است خدا آفریننده هر دم زنی منزه است خدای صورت‌بخش

سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ،

منزه است خدا آفریننده همه موجودات خفت منزه است خدا مقرر دهنده تاریکیها و روشنی

سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ

منزه است خدا شکافته دانه و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز منزه است

اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ

خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود منزه است خدا به مقدار کلمات نامتناهیش منزه است خدا

رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْبَصِيرِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَبْصَرَ مِنْهُ، يُبْصِرُ مِنْ

پروردگار جهانیان منزه است خدای بینایی که چیزی بیناتر از او نیست می‌بیند از

فَوْقِ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ، وَيُبْصِرُ مَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ،

بالای عرش خود آنچه در زیر هفت زمین است و می‌بیند آنچه را در تاریکیهای خشکی و دریاست

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ، وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، لَا تُعْشَى

دیدگان او را درک نکند ولی او درک کند دیدگان را و اوست دقیق و کاردان دیده‌اش را

بَصْرَهُ الظُّلْمَةَ، وَلَا يُسْتَتِرُ مِنْهُ بَيْتَرٍ، وَلَا يُوَارِي مِنْهُ جِدَارٌ، وَلَا يَغِيبُ

تاریکی نبوشاند و بوسیله پرده چیزی از او مستور نماند و دیوار چیزی را از او پنهان نکند و نادیده نماند

عَنْهُ بَرٌّْ وَلَا بَحْرٌ، وَلَا يَكُنُّ مِنْهُ جَبَلٌ مَا فِي أَصْلِهِ، وَلَا قَلْبٌ مَا فِيهِ، وَلَا

از دید او هیچ خشکی و نه دریایی و هیچ کوهی نتواند مخفی کند از او آنچه را در ریشه و در زیر خود دارد و نه دلی آنچه را در خود دارد و نه

جَنْبٌ مَا فِي قَلْبِهِ، وَلَا يُسْتَتِرُ مِنْهُ صَغِيرٌ وَلَا كَبِيرٌ، وَلَا يَسْتَخْفِي مِنْهُ

پهلویی آنچه را در دل دارد و نتواند بیوشاند خود را از او کوچکی و نه بزرگی، و پنهانی نتواند جست از او

صَغِيرٌ لِصَغَرِهِ، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، هُوَ

کوچکی بخاطر خردیش و مخفی نماند بر او چیزی در زمین و نه در آسمان اوست

الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ *

که صورت بندد شما را در رحمها هر طور که خواهد معبودی جز او نیست که نیرومند و فرزانه است *

سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي السَّمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ

منزه است خدا پدیدآورنده هر دم زنی منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا آفریننده

الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ

همه موجودات جفت منزه است خدا مقرر کننده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده

الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى

دانه و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده آنچه دیدنی

وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

و آنچه نادیدنی است منزه است خدا به مقدار کلمات نامتناهیش منزه است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يُنْشِئُ السَّحَابَ الثَّقَالَ، وَيَسْبِحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ،

منزه است خدایی که بوجود آورد ابرهای سنگین را و تسبیح گوید رعد به حمد او

وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ، وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ، وَيُرْسِلُ

و فرشتگان از بیم او و بفرستد صاعقه‌ها را و دچار سازد بدان هر که را خواهد و

الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ، وَيَنْزِلُ الْمَاءَ مِنَ السَّمَاءِ بِكَلِمَتِهِ، وَيُنْبِتُ

بادها را نویدی از پیشایش رحمت خود فرستد و آب باران را از آسمان بوسیله امر خود فرو فرستد

النَّبَاتَ بِقُدْرَتِهِ، وَيَسْقُطُ الْوَرَقُ بِعِلْمِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُعْزَبُ عَنْهُ

و گیاه را به قدرت کامله خویش برویاند و برگ درختان را به علم خود فروریزد منزه است خدایی که پنهان نماند از او

مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ، وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا

هموزن ذره‌ای در زمین و نه در آسمان و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر جز آن‌که

فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ * سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ،

در دفتری روشن است * منزه است خدا پدید آورنده هر دم زنی منزه است خدای صورت بخش

سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ،

منزه است خدا آفریننده همه موجودات جفت منزه است خدا مقرر دارنده تاریکیها و روشنی

سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ

منزه است خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز منزه است

اللَّهُ خَالِقِ مَا يَرَىٰ وَمَا لَا يَرَىٰ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ

خدا آفریننده هر چه دیدنی است و هر چه نادیدنی است منزه است خدا به مقدار کلمات نامتھایش منزه است خدا

رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ، وَمَا تَعْبِضُ

پروردگار جهانیان منزه است خدایی که می‌داند آنچه بار دارد هر حیوان ماده‌ای و آنچه در

الْأَرْحَامِ وَمَا تَزُدَادُ، وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ،

رحمها کم شود و آنچه بیفزاید و هر چیزی را نزد او اندازه‌ای است دانای غیب و شهود

الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ، سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ، وَمَنْ هُوَ

و بزرگ و والاست برای او یکسان است هر که از شما سخن آهسته کند یا بلند کند و هر که به

مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ، لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ،

شب پنهان گردد و یا رهرو شود در روز برای خدا فرشتگانی پیایی است از جلوی روی انسان و از پشت سرش

يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَىٰ،

که او را به فرمان خدا محافظت کنند منزه است خدایی که بمیراند زندگان را و زنده کند مردگان را

وَيَعْلَمُ مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ، وَيَقْرَأُ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ

و می‌داند آنچه را زمین از ایشان بکاهد و مستقر کند در رحمها آنچه را خواهد تا

مُسَمًّى * سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ

مدتی معین * منزه است خدا پدید آورنده هر دم زنی منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا

خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ

آفریننده موجودات جفت همگی، منزه است خدا مقرر دارنده تاریکیها و روشنی منزه است خدا

فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا

شکافنده دانه و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیزی منزه است خدا آفریننده هر چه

يُرَى وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

دیدنی است و هر چه نادیدنی است منزه است خدا به مقدار کلماتش منزه است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحَانَ اللَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ، تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ

منزه است خدا مالک پادشاهی، بدهی سلطنت را به هر که خواهی و بگیری آن را از

تَشَاءُ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

هرکه خواهی و عزت بخشی هر که را خواهی و خوار کنی هر که را خواهی هر چه خیر است بدست توست و تو بر هر چیز

قَدِيرٌ، تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَتُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ

توانایی درآوری شب را در روز و درآوری روز را در شب بیرون آوری زنده را

الْمَيِّتِ، وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ *

از مرده و بیرون آوری مرده را از زنده و روزی دهی هر که را خواهی بی حساب *

سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ

منزه است خدا آفریننده هر دم زنی منزه است خدای صورت‌بخش منزه است خدا آفریننده

الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ

موجودات جفت همگی منزه است خدا مقرر کننده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده

الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى

دانه و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیزی منزه است خدا آفریننده هر دیدنی

وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

و نادیدنی منزه است خدا به مقدار کلمات نامتناهش منزه است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ، وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ

منزه است خدایی که نزد اوست کلیدهای غیب و نمی‌داند آنها را جز او و می‌داند هر چه در خشکی

وَالْبَحْرِ، وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا، وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ،

و دریاست و نیفتد برگی از درخت جز آن‌که بداند آن را و نیست دانه‌ای در تاریکیهای زمین

وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ * سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ،

و نه تر و نه خشکی جز این‌که در نامه‌ای روشن است * منزه است خدا پدید آورنده هر دم زنی

سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَوْجُودِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ

منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا آفریننده هر موجود جفت همگی منزه است خدا

جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ

مقرر دارنده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا

خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَىٰ وَمَا لَا يَرَىٰ، سُبْحَانَ اللَّهِ

آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده هر دیدنی و هر نادیدنی منزه است خدا

مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُحْصِي

به مقدار کلمات نامتناهیش منزه است خدا پروردگار جهانیان منزه است خدایی که شماره نتواند کرد

مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ، وَلَا يَجْزِي بِالْأَيْتِ الشَّاكِرُونَ الْعَابِدُونَ، وَهُوَ كَمَا قَالَ

مدحش را گویندگان و پاداش ندهند نعمتهایش را سیاسیگران پرستش کننده و او چنان است که گفته

وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ كَمَا أَتْنِي عَلَىٰ نَفْسِهِ، وَلَا

و برتر از آن است که گویندگان گویند و خدای سبحان چنان است که خودش خویشش را ستوده

يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ، وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ،

و رسایی ندارند به چیزی از دانشش جز بدانچه خود او خواهد قلمرو او آسمانها و زمین را فراگرفته

وَلَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ * سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ، سُبْحَانَ

و سنگینی نمی‌کند بر او نگهداشتن آن دو و او والا و بزرگ است * منزه است خدا پدیدارنده هر دم زنی منزه است

اللَّهُ الْمَوْجُودِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ

خدای صورت بخش منزه است خدا آفریننده هر جفت همگی منزه است خدا مقرر دارنده

الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ

تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا آفریننده

كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَىٰ وَمَا لَا يَرَىٰ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ

هر چیز منزه است خدا آفریننده هر دیدنی و هر نادیدنی منزه است خدا به مقدار

كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي

کلماتش منزه است خدا پروردگار جهانیان منزه است آن خدایی که می‌داند آنچه فرو رود در

الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَلَا

زمین و آنچه بیرون آید از آن و آنچه فرو ریزد از آسمان و آنچه بالا رود در آن

يَسْغَلُهُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا، عَمَّا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا

و سرگرمش نکند آنچه فرو رود در زمین و آنچه بیرون آید از آن از آنچه فرود آید از آسمان و آنچه

يَعْرُجُ فِيهَا، وَلَا يَسْغَلُهُ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا، عَمَّا يَلِجُ فِي

بالا رود در آن و سرگرمش نکند آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن از آنچه فرو رود در

الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَلَا يَسْغَلُهُ عِلْمُ شَيْءٍ عَنْ عِلْمِ شَيْءٍ، وَلَا

زمین و آنچه بیرون آید از آن و سرگرمش نکند علم به چیزی از علم به چیز دیگر

يَسْغَلُهُ خَلْقُ شَيْءٍ عَنْ خَلْقِ شَيْءٍ، وَلَا حِفْظُ شَيْءٍ عَنْ حِفْظِ شَيْءٍ، وَلَا

و سرگرمش نکند آفریدن چیزی از آفریدن چیز دیگر و نه نگهداری چیزی از نگهداری چیز دیگر و چیزی

يُسَاوِيهِ شَيْءٌ، وَلَا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ *

با او مساوی نیست و چیزی معادل او نیست و چیزی مانند او نیست و او شنوا و بینا است *

سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ

منزه است خدا پدید آورنده هر دم زن منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا آفریننده

الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ

هر موجود جفت منزه است خدا مقرر دارنده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده

الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى

دانه و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده هر دیدنی

وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

و هر نادیدنی منزه است خدا به مقدار کلمات نامتناهیش منزه است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحَانَ اللَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَى

منزه است خدا خالق آسمانها و زمین آنکه فرشتگان را فرستادگانی مقرر فرمود که آنها دارای

أَجْنِحَةٍ، مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ، يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ، إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ

بالهائند دوتا دوتا و سه تا سه تا و چهارتا چهارتا و بیفزاید در خلقت هر چه بخواهد و براستی خدا بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ، مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا، وَمَا يُمْسِكُ فَلَا

چیز توانا است هر رحمتی را که خدا گشاید کسی بستن آن نتواند و هر چه را خدا بندد پس

مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ،

از او کسی آنرا نگشاید و او است نیرومند فرزانه * منزه است خدا آفریننده هر دم زن

سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ

منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا آفریننده هر موجود جفت همگی منزه است خدا

جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ

مقرر دارنده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا

خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَىٰ وَمَا لَا يَرَىٰ، سُبْحَانَ اللَّهِ

آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده دیدنیها و نادیدنیها منزه است خدا

مِدَادِ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا فِي

به مقدار کلمات نامتغیبتش منزه است خدا پروردگار جهانیان منزه است خدائی که میداند آنچه را در

السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ،

آسمانها و آنچه را در زمین است، نباشد گفتگوی سری و رازگویی سه نفری جز این که او چهارمین آنهاست

وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ، وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ

و نه پنج نفری جز این که او ششمین آنهاست و نه کمتر از این و نه بیشتر از این جز این که او با آنهاست

أَيْنَمَا كَانُوا، ثُمَّ يُبَيِّنُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

هر کجا که باشند سپس آگاهشان کند در روز قیامت بدانچه کرده اند برآستی خدا بهر چیز داناست.



۳- در هر روز از ماه مبارک رمضان، این صلوات خوانده شود که بسیار پرمحتوا و پرارزش است:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ

همانا خدا و فرشتگانش درود فرستند بر پیامبر ای کسانی که ایمان آورده اید شما هم درود فرستید بر او

وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا، لَبَّيْكَ يَا رَبُّ وَسَعْدَيْكَ وَسُبْحَانَكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و سلام کنید سلام کامل، پروردگارا من هم دستورت را اجابت کردم و پی‌درپی از تو سعادت می‌خواهم و منزهی تو خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ

محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانچه درود فرستادی و برکت دادی

عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ

بر ابراهیم و آل ابراهیم برآستی تو ستوده و بزرگواری خدایا مهرورز بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، كَمَا رَحِمْتَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ سَلِّمْ

محمد چنانچه مهر ورزیدی بر ابراهیم و آل ابراهیم براسی تو ستوده و بزرگواری خدا یا تحیت و سلام فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ آمِنْ

بر محمد و آل محمد چنانچه تحیت فرستادی بر حضرت نوح در میان جهانیان خدا یا نعمت بخش

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

بر محمد و آل محمد چنانچه نعمت بخشیدی بر موسی و هارون خدا یا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

محمد و آل محمد چنانچه ما را بدو شرافت دادی خدا یا درود فرست بر محمد و آل محمد

كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً

چنانچه ما را بدو راهنمایی کردی خدا یا درود فرست بر محمد و آل محمد و به مقام ستوده‌ای برانگیزانش

يُعْطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ، عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَلَعَتْ

که اولین و آخرین بر او غبطه خورند، بر محمد و آلش سلام باد هر زمان که

شَّمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ، عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَرَفَتْ عَيْنٌ أَوْ بَرَقَتْ،

برآید خورشید یا غروب کند بر محمد و آلش سلام باد هر زمان که پلک چشمی بهم خورد یا برقی زند،

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا ذَكَرَ السَّلَامُ، عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا

بر محمد و آلش سلام باد هر زمان که ذکر سلامی شود، بر محمد و آلش سلام باد هر

سَبَّحَ اللَّهُ مَلَكٌ أَوْ قَدَّسَهُ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ، وَالسَّلَامُ

زمان که تسبیح خدا کند فرشته‌ای یا تقدیسش کند سلام بر محمد و آلش در میان اولین و سلام

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْآخِرِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الدُّنْيَا

بر محمد و آلش در آخرین و سلام بر محمد و آلش در دنیا

وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَرَبَّ الْحِلِّ

و آخرت خدا یا ای پروردگار شهر محترم مکه و پروردگار رکن و مقام و پروردگار حل

وَالْحَرَامِ، أَبْلِغْ مُحَمَّدًا نَبِيَّكَ عَنَّا السَّلَامَ، اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا مِنَ الْبَهَاءِ

و حرم از ما به محمد پیامبرت سلام برسان خدا یا عطا کن به محمد از جلوه

وَالنَّضْرَةَ، وَالسُّرُورَ وَالْكَرَامَةَ، وَالْغِبْطَةَ وَالْوَسِيلَةَ، وَالْمَنْزِلَةَ وَالْمَقَامَ،

و درخشنده‌گی و شادی و بزرگواری و خوش حالی و وسیله و منزلت و مقام

وَالشَّرْفَ وَالرَّفْعَةَ، وَالشَّفَاعَةَ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَحَدًا

و شرافت و بلندی مقام و شفاعت نزد تو در روز رستاخیز بهترین چیزی را که عطا کنی به یکی

مِنْ خَلْقِكَ، وَأَعْطِ مُحَمَّدًا فَوْقَ مَا تُعْطِي الْخَلَائِقَ مِنَ الْخَيْرِ، أَضْعَافًا

از خلق خود و عطا کن به محمد بالاترین خیری را که به خلائق عطا می‌کنی به چندین برابر

كَثِيرَةً لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَطْيَبَ

که شماره‌اش نتواند کسی جز تو خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد پاکترین

وَأَطْهَرَ، وَأَزْكَى وَأَنْمَى، وَأَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ

و پاکیزه‌ترین و نیکوترین و فرازنده‌ترین و بهترین درودی که بر یکی از اولین

وَالْآخِرِينَ، وَعَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و آخرین و بطور کلی بر یکی از خلق خود فرستی ای مهربانترین مهربانان خدایا درود فرست بر

عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَالٍ مِنْ وَالِيهِ، وَعَادٍ مِنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ

علی امیرمؤمنان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت

عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ

را بر آن‌کس که در ریختن خوش شرکت کرد خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت محمد بر او

وَاللَّهِ السَّلَامُ، وَالْعَنْ مَنْ آذَى نَبِيِّكَ فِيهَا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ

و آتش سلام باد و لعنت کن کسی که پیامبرت را در مورد دخترش آزرده کرد خدایا درود فرست بر حسن

وَالْحُسَيْنِ إِمَامِي الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مِنْ وَالِيهِمَا، وَعَادٍ مِنْ عَادَاهُمَا،

و حسین دو پیشوای مسلمانان و دوست بدار هر که دوستان داردو دشمن دار هر که دشمنشان دارد

وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دِمَائِهِمَا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ

و دو چندان کن عذابت را بر هرکس که در ریختن خونشان شرکت کرد خدایا درود فرست بر علی بن

الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مِنْ وَالِيهِ، وَعَادٍ مِنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفِ

الحسین پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش داردو دو چندان کن

الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ

عذابت را بر هر که به او ستم کرد خدایا درود فرست بر محمد بن علی پیشوای

الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مِّنْ وَالِيهِ، وَعَادٍ مِّنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفٍ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ

مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر که

ظَلَمَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مِّنْ

بدو ستم کرد خدایا درود فرست بر جعفر بن محمد پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که

وَالِيهِ، وَعَادٍ مِّنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفٍ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ

دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر که به او ستم کرد خدایا درود فرست

عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مِّنْ وَالِيهِ، وَعَادٍ مِّنْ عَادَاهُ،

بر موسی بن جعفر پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد

وَضَاعِفٍ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ

و دو چندان کن عذابت را بر هر کس که در ریختن خونش شرکت کرد خدایا درود فرست بر علی بن

مُوسَى إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مِّنْ وَالِيهِ، وَعَادٍ مِّنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفٍ

موسی پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن

الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ

عذابت را بر هر کس که در ریختن خونش شرکت کرد خدایا درود فرست بر محمد بن علی پیشوای

الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مِّنْ وَالِيهِ، وَعَادٍ مِّنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفٍ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ

مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر کس

ظَلَمَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مِّنْ وَالِيهِ،

که بدو ستم کرد خدایا درود فرست بر علی بن محمد پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد

وَعَادٍ مِّنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفٍ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر کس که بدو ستم کرد خدایا درود فرست بر

الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مِّنْ وَالِيهِ، وَعَادٍ مِّنْ عَادَاهُ،

حسن بن علی پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد

وَضَاعِفٍ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ إِمَامِ

و دو چندان کن عذابت را بر هر کس که بدو ستم کرده خدایا درود فرست بر یادگار پس از او پیشوای

الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مِّنْ وَالِيهِ، وَعَادٍ مِّنْ عَادَاهُ، [وَعَجَّلْ فَرَجَهُ]، اللَّهُمَّ

مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و در فرجش شتاب فرما خدایا

صَلِّ عَلَى الْقَاسِمِ وَالطَّاهِرِ ابْنَيْ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُقِيَّةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ،

دروود فرست بر قاسم و طاهر پسران پیامبرت خدایا درود فرست بر رقیه دختر پیامبرت

وَالْعَنْ مَنْ آذَى نَبِيِّكَ فِيهَا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّ كَلْثُومَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَالْعَنْ

و لعنت کن بر آن کس که پیامبرت را در مورد او آزرده خدایا درود فرست بر ام کلثوم دختر پیامبرت و لعنت کن

مَنْ آذَى نَبِيِّكَ فِيهَا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ اخْلَفْ نَبِيِّكَ فِي

کسی را که پیامبرت را در مورد او آزرده خدایا درود فرست بر فرزندان پیغمبرت خدایا بجای پیامبرت سرپرستی

أَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ عَدَدِهِمْ

خاندانش را به عهده گیر خدایا پابرجا کن حکومتشان را در زمین خدایا ما را در زمره عدّه

وَمَدَدِهِمْ، وَأَنْصُرِهِمْ عَلَى الْحَقِّ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، اللَّهُمَّ اطْلُبْ بِذَخْلِهِمْ

و کمکاران و یاران آنها بر حق قرارمان ده چه در پنهانی و چه آشکارا خدایا بیستان انتقام

وَوَثْرِهِمْ وَدِمَائِهِمْ، وَكَفِّ عَنَّا وَعَنْهُمْ وَعَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ بِأَسِّ كُلِّ

و قصاص و خونشان را و باز دار از ما و از ایشان و از هر مرد مؤمن و زن با ایمانی شر هر

بَاغٍ وَ طَاغٍ، وَكُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّكَ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنَكُّبًا. ۱

ستمگر و سرکش و هر جانوری را که مهارش بدست تو است زیرا تو در سختگیری از همه سخت تر و مجازات عقوبت از همه شدیدتر است.

«سید بن طاووس» فرموده: آنگاه می‌گویی: يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي، وَيَا صَاحِبِي فِي

*** ای ذخیره‌ام در حال غمزدگی و ای همدم در

شِدَّتِي، وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي، أَنْتَ السَّاتِرُ

سختی و ای سرپرستم در نعمت و ای منتهای شوق و رغبت من تویی پوشاننده

عَوْرَتِي، وَالْمُؤْمِنُ رَوْعَتِي، وَالْمُقْبِلُ عَشْرَتِي، فَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، يَا

زشتیم و امان بخش ترس و بیم و نادیده‌گیر لغزشم پیامز خطای مرا ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * و می‌گویی: اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لَهُمْ لَا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ،

مهربانترین مهربانان * * * * * خدایا تو را بخوانم در مورد اندوهی که برطرفش نکند کسی جز تو

وَلِرَحْمَةٍ لَا تُنَالُ إِلَّا بِكَ، وَلِكَرْبٍ لَا يَكْشِفُهُ إِلَّا أَنْتَ، وَلِرَغْبَةٍ لَا تُبْلَغُ إِلَّا

و در مورد رحمتی که نرسد جز بوسیله تو و برای گرفتگی که برطرفش نکند جز تو و در مورد شوقی که بدان نتوان رسید جز

بِكَ، وَلِحَاجَةٍ لَا يَقْضِيهَا إِلَّا أَنْتَ، اَللّٰهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ مَا أَذْنَتَ لِي

به توفیق تو و در مورد حاجتی که کسی آن را برنیارد جز تو خدایا هم‌چنانکه شأن تو بود که به من اجازه فرمودی

بِهِ مِنْ مَسْئَلَتِكَ، وَ رَحْمَتِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ، فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ سَيِّدِي

از تو درخواست کنم و بوسیله یادآوری به من مهر و وزیدی پس ای آقای من از شأن تو باید چنین باشد

الْإِجَابَةَ لِي فِيمَا دَعَوْتُكَ، وَ عَوَائِدُ الْإِفْضَالِ فِيمَا رَجَوْتُكَ، وَالنَّجَاةُ

که در آنچه تو را خواندم اجابت فرمایی و در آنچه امید به تو دارم عایدات فزون بخیی باشد و نجاتم دهی

مِمَّا فَرَعْتُ إِلَيْكَ فِيهِ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتِكَ، فَإِنَّ رَحْمَتَكَ

از آنچه درباره‌اش به تو پناه آوردم و اگر من شایستگی ندارم که به رحمت و مهر تو برسم مسلماً رحمت تو

أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَ تَسْعَنِي، وَإِنْ لَمْ أَكُنْ لِلْإِجَابَةِ أَهْلًا فَأَنْتَ أَهْلُ الْفَضْلِ،

شایسته است که به من برسد و مرا فراگیرد و اگر من شایستگی اجابت دعا را ندارم ولی تو اهل فضلی

وَ رَحْمَتِكَ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، فَلْتَسْعِنِي رَحْمَتِكَ، يَا إِلَهِي يَا كَرِيمٍ، أَسْأَلُكَ

و رحمت همه چیز را شامل گردد پس باید مرا هم شامل شود ای خدای من ای خدای کریم از تو خواهم به

بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ أَنْ تُفَرِّجَ

حق ذات بزرگواری که درود فرستی بر محمد و خاندانش و این‌که اندوه دلم را بگشایی

هَمِّي، وَ تَكْشِفَ كُرْبِي وَ غَمِّي، وَ تَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ، وَ تَرْزُقَنِي مِنْ

و گرفتاری و غصه‌ام را برطرف کنی و به رحمت خود به من رحم کنی و از فضل خود روزیم گردانی

فَضْلِكَ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، قَرِيبٌ مُجِيبٌ.^۱

که برآستی تو شنوای دعایی و نزدیک و پاسخ دهنده هستی.



۴- همچنین در کتب معتبر آمده است در هر روز از ماه مبارک رمضان بخوان:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ، وَ كُلُّ فَضْلِكَ فَاضِلٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

خدایا از تو خواهم از فضلت از برترین آن و همه فضل تو برتر است خدایا از

اَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلَّهُ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِأَعْمَهُ، وَ كُلُّ رِزْقِكَ

تو خواهم به حق فضل تو همگی خدایا از تو خواهم از روزیت از عمومی‌ترین آنها (که شامل همه می‌شود) گرچه تمام روزی تو

عَامًّا، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِرِزْقِكَ کُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ عَطَايِكَ

عمومی است خدا یا از تو خواهم به همه اقسام روزیت خدا یا از تو خواهم از عطایات

بَاهِنَاهُ، وَكُلِّ عَطَايِكَ هَنِيْءًا، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِعَطَايِكَ کُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

از گوارترین عطاها با این که همه انواع عطای تو گوار است خدا یا از تو خواهم به همه اقسام عطای تو خدا یا از

اَسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِاَعْجَلِهِ، وَكُلِّ خَيْرِكَ عَاجِلًا، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ

تو خواهم از خیر و نیکیت به زودرس ترین آنها در صورتی که تمام نیکیهایت زودرس است خدا یا از تو خواهم

بِخَيْرِكَ کُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ اِحْسَانِكَ بِاَحْسَنِهِ، وَكُلِّ اِحْسَانِكَ

به همه انواع نیکیت خدا یا از تو خواهم بهترین احسانت و همه احسان تو

حَسَنًا، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاِحْسَانِكَ کُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِمَا تُجِیْبُنِیْ

نیکوست خدا یا از تو خواهم تمام انواع احسانت را خدا یا از تو خواهم بدانچه اجابت کنی

بِهِ حِیْنَ اَسْئَلُكَ، فَاجِیْبُنِیْ یَا اَللّٰهُ، وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

هنگامی که از تو خواهم پس اجابت کن ای خدا و درود فرست بر محمد و آل او بنده

اَلْمُرْتَضٰی، وَرَسُوْلِكَ الْمُصْطَفٰی، وَاَمِيْنِكَ وَنَجِيْكَ دُوْنَ خَلْقِكَ، وَنَجِيْبِكَ

پسندیدات و فرستاده برگزیدهات و امین بر وحیت و محرم رازت از میان خلق و نیک گوهرت

مِنْ عِبَادِكَ، وَنَبِيِّكَ بِالصُّدْقِ وَحَبِيْبِكَ، وَصَلِّ عَلٰی رَسُوْلِكَ، وَخَيْرَاتِكَ

از بندگان تو و پیامبرت براسستی و دوست و درود فرست بر رسول و برگزیدهات

مِنَ الْعَالَمِيْنَ، اَلْبَشِيْرِ النَّذِيْرِ، اَلسَّرَاجِ الْمُنِيْرِ، وَعَلٰی اَهْلِ بَيْتِهِ

از جهانیان نوید دهنده و ترساننده آن چراغ تابناک و بر خاندان

اَلْاَبْرَارِ الطَّاهِرِيْنَ، وَعَلٰی مَلَائِكَتِكَ الَّذِيْنَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ،

نیکو و پاکیزه اش و بر فرشتگانت که خالص گرداندی آنها را برای خویش و آنها را

وَحَجَبْتَهُمْ عَنْ خَلْقِكَ، وَعَلٰی اَنْبِيَآئِكَ الَّذِيْنَ يُنْبِئُوْنَ عَنْكَ بِالصُّدْقِ،

از خلق خود مستور داشتی و بر پیامبرانت که از تو براسستی خبر دهند

وَعَلٰی رُسُلِكَ الَّذِيْنَ خَصَصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَفَضَّلْتَهُمْ عَلٰی الْعَالَمِيْنَ

و بر رسولانت که به وحی خویش مخصوصشان داشتی و بوسیله رسالتهای خویش بر جهانیان

بِرِسَالَاتِكَ، وَعَلٰی عِبَادِكَ الصَّالِحِيْنَ الَّذِيْنَ اَدْخَلْتَهُمْ فِي رَحْمَتِكَ،

بر تریشان دادی و بر بندگان شایسته ات که داخلشان کردی در رحمت

الْأُمَّةَ الْمُهْتَدِينَ الرَّاشِدِينَ، وَأَوْلِيَاءِكَ الْمُطَهَّرِينَ، وَعَلَى جِبْرِئِيلَ

آن پیشوایان راهنمایی شده و رهبر و دوستان پاکیزه‌ها و بر جبرئیل

وَمِيكَائِيلَ وَاسْرَافِيلَ وَمَلِكِ الْمَوْتِ، وَمَالِكِ خَازِنِ النَّارِ، وَرِضْوَانَ

و میکائیل و اسرافیل و فرشته مرگ و بر «مالک» خزینهدار دوزخ و بر «رضوان»

خَازِنِ الْجَنَّةِ، وَرُوحِ الْقُدْسِ، وَالرُّوحِ الْأَمِينِ، وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ

خزینهدار بهشت و روح القدس و روح الامین و حاملین مقرب عرش تو

الْمُقَرَّبِينَ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْخَافِظِينَ عَلَيَّ بِالصَّلَاةِ، الَّتِي تُحِبُّ أَنْ يُصَلِّيَ

و بر دو فرشته نگهبان من درودی که دوست داری که درود فرستند

بِهَا عَلَيْهِمْ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلُ الْأَرْضِينَ، صَلَاةً طَيِّبَةً كَثِيرَةً، مُبَارَكَةً

بدان آسمانیان و زمینیان بر ایشان درودی پاک و بسیار و مبارک

زَاكِيَةً نَامِيَةً، ظَاهِرَةً بَاطِنَةً، شَرِيفَةً فَاضِلَةً، تُبَيِّنُ بِهَا فَضْلَهُمْ عَلَيَّ

و پاکیزه و فراینده و آشکار و پنهان و شریف و برتری که آشکار سازی بدان درود برتری ایشان را

الْأَوْلِينَ وَالْآخِرِينَ، اَللّٰهُمَّ وَاَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيْلَةَ، وَالشَّرْفَ وَالْفَضِيْلَةَ،

بر اولین و آخرین خدا و عطا کن به محمد وسیله و شرف و فضیلت را

وَاجْزِهِ خَيْرَ مَا جَزَيْتَ نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، اَللّٰهُمَّ وَاَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و پاداشش بده به بهترین چیزی که پاداش دهی پیامبری را از امتش خدا و عطا کن به محمد صلی الله علیه

وَالِهٖ، مَعَ كُلِّ زُلْفَةٍ زُلْفَةٌ، وَمَعَ كُلِّ وَسِيْلَةٍ وَسِيْلَةٌ، وَمَعَ كُلِّ فَضِيْلَةٍ فَضِيْلَةٌ،

و آله با هر مقام و رتبه‌ای مقام و رتبه‌ای دیگر و با هر وسیله‌ای وسیله‌ای دیگر و با هر فضیلتی فضیلتی دیگر

وَمَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفًا، تُعْطِي مُحَمَّدًا وَاللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ

و با هر شرافتی شرافتی دیگر بدهی به محمد و آتش در روز قیامت بهترین چیزی که عطا کنی

أَحَدًا مِنَ الْأَوْلِينَ وَالْآخِرِينَ، اَللّٰهُمَّ وَاَجْعَلْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

به احدی از اولین و آخرین خدا و قرار ده محمد صلی الله علیه

وَالِهٖ، أَدْنَى الْمُرْسَلِينَ مِنْكَ مَجْلِسًا، وَأَفْسَحَهُمْ فِي الْجَنَّةِ عِنْدَكَ مَنْزِلًا،

و آله را نزدیکترین رسولان بخود در مجلس و منزلش را در بهشت وسیع‌ترین منازل در پیش خود گردان

وَأَقْرَبَهُمْ إِلَيْكَ وَسِيْلَةً، وَاجْعَلْهُ أَوَّلَ شَافِعٍ، وَ أَوَّلَ مُشَفَّعٍ، وَ أَوَّلَ

و نزدیکترین افراد از نظر وسیله در نزد خود و قرارش ده نخستین شفیع و هم نخستین کسی که شفاعتش پذیرفته است و نخستین

قَائِلٍ، وَأَنْجَحَ سَائِلٍ، وَأَبْعَثَهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ

گوینده و حاجت‌روترین خواهنده و برانگیزش به مقامی شایسته که غبطه برند به او اولین

وَالْآخِرُونَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و آخرین ای مهربانترین مهربانان و از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَسْمَعَ صَوْتِي، وَتُجِيبَ دَعْوَتِي، وَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي،

محمد و این‌که صدایم بشنوی و دعایم را اجابت کنی و از خطایم بگذری

وَتَصْفَحَ عَنِّي ظُلْمِي، وَتُنَجِّحَ طَلِبَتِي، وَتَقْضِيَ حَاجَتِي، وَتُنْجِزَ لِي مَا

و از ستمم چشم‌پوشی کنی و حاجت روایم کنی و خواسته‌ام بدهی و بدانچه وعده‌ام

وَعَدْتَنِي، وَتُقِيلَ عَثْرَتِي، [وَتَقْبَلَ مِنِّي] وَتَغْفِرَ ذُنُوبِي، وَتَغْفُوَ عَنِّي

کرده‌ای وفا کنی و لغزشم را نادیده گیری و گناهم را ببامری و از

جُرْمِي، وَتَقْبَلْ عَمَلِي، وَ لَا تُعْرِضْ عَنِّي، وَ تَرْحَمْنِي وَ لَا تُعَذِّبْنِي،

جرمم بگذری و و عمل مرا بپذیری و رو از من نگردانی و به من رحم کنی و عذابم نکنی

وَتُعَافِينِي وَ لَا تَبْتَلِينِي، وَ تَرْزُقْنِي مِنَ الرَّزْقِ الطَّيِّبِ وَ أَوْسَعِهِ، وَ لَا تُحْرِمْنِي

و تندرستم کنی و مبتلایم نسازی و روزیم ده از پاک‌ترین و فراخ‌ترین روزیها و محرومم نکنی

يَا رَبِّ، وَاقْضِ عَنِّي دَيْنِي، وَضَعْ عَنِّي وِزْرِي، وَ لَا تُحْمِلْنِي مَا لَا طَاقَةَ

ای پروردگار و قرضم را ادا کنی و بار گناهم را از دوشم برداری و باری بر دوشم نهدی که طاقتش را

لِي بِهِ يَا مَوْلَايَ، وَادْخُلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ ادْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ،

ندارم ای سرور من و داخل گردانی مرا در هر خیری که داخل کردی در آن محمد و آل محمد را

وَآخِرُ جَنِّي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلِّوْا تَاكَ

و بیرونم آوری از هر بدی (و شری) که برون آوری از آن محمد و آل محمد را که درودهای تو

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ *

بر او و بر ایشان باد همگی و سلام بر او و بر ایشان و رحمت خدا و برکاتش

آن‌گاه سه مرتبه بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَدْعُوْكَ كَمَا اَمَرْتَنِيْ، فَاسْتَجِبْ لِيْ كَمَا وَعَدْتَنِيْ

* * * * * خدایا تو را خوانم چنانکه دستورم دادی پس به اجابت رسان دعایم را چنانچه وعده‌ام فرمودی

* * * * * سبیس بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ قَلِیْلًا مِنْ کَثِیْرٍ، مَعَ حَاجَةٍ بِیْ اِلَیْهِ عَظِیْمَةٍ،

* * * * * خدایا از تو خواهم اندکی از بسیار با نیاز بس بزرگی که من بدان دارم

وَعِناكَ عَنْهُ قَدِیْمٌ، وَهُوَ عِنْدِیْ کَثِیْرٌ، وَهُوَ عَلَیْكَ سَهْلٌ یَسِیْرٌ، فَاْمُنْ عَلَیَّ

ولی تو از قدیم بی‌نیاز بدان بوده‌ای و آن حاجت پیش من بسیار ولی برای تو سهل و آسان است پس بر من بدان حاجت متّ نه

بِه، اِنَّكَ عَلَیْ كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ، اٰمِیْن رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ. ۱

که تو بر هر چیز توانایی اجابت کن ای پروردگار جهانیان.

* * *

۵- «شیخ مفید» در کتاب «مقنعه» از راوی موثق و جلیل‌القدر علی بن مهزیار از حضرت امام محمدتقی علیه السلام روایت کرده است که مستحب است در هر وقت از شب و روز ماه رمضان، از اوّل ماه تا آخر آن، این دعا را بخوانی:

یا ذَا الَّذِیْ كَانَ قَبْلَ كُلِّ شَیْءٍ، ثُمَّ خَلَقَ كُلَّ شَیْءٍ، ثُمَّ یَبْقِیْ وَیَفْنِیْ كُلُّ

ای که بوده‌ای پیش از هر چیز و آفرید هر چیز را و سپس تنها او باقی ماند و هر چه هست

شَیْءٍ، یا ذَا الَّذِیْ لَیْسَ كَمِثْلِهِ شَیْءٌ، وَیا ذَا الَّذِیْ لَیْسَ فِی السَّمٰوٰتِ

فانی شود ای که نیست مانندش چیزی ای که معبودی جز او در آسمانهای

الْعُلٰی، وَلا فِی الْاَرْضِیْنَ السُّفْلٰی، وَلا فَوْقَهُنَّ وَلا تَحْتَهُنَّ، وَلا بَیْنَهُنَّ اِلٰهٌ

بالا و نه در زمینهای پایین و نه فوق آنها و نه زیر آنها و نه در مابین آنها

یُعْبَدُ غَیْرُهُ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا یَقْوِیْ عَلٰی اِحْصَائِهِ اِلَّا اَنْتَ، فَصَلِّ عَلٰی

نیست خاص توست ستایش آن ستایشی که توانایی ندارد بر شمارش کسی جز تو درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً لَا یَقْوِیْ عَلٰی اِحْصَائِهَا اِلَّا اَنْتَ. ۲

محمد و آل محمد درودی که توانایی نداشته باشد بر شمارش کسی جز تو.

* * *

۶- «شیخ کفعمی» در «بلد الامین» و «مصباح» از کتاب «اختیار» «سید بن باقی» نقل کرده است که هر کس بخواند این دعا را در هر روز از ماه رمضان، خداوند متعال گناهان بسیاری را از او بیامزد:

۱. مصباح‌المتجهّد، صفحه ۶۲۳ و اقبال، صفحه ۹۸ و بحارالانوار، جلد ۹۵، صفحه ۱۱۱ (با اندکی تفاوت).

۲. مقنعه، صفحه ۳۲۰.

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ، الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ، وَافْتَرَضْتَ عَلَيَّ عِبَادَكَ

خدایا ای پروردگار ماهِ رمضانی که فرود آوردی در آن قرآن را و واجب کردی بر بندگانت

فِيهِ الصِّيَامَ، وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي هَذَا الْعَامِ وَفِي كُلِّ عَامٍ،

در این ماه روزه را و روزی من کن حج خانه محترمت (کعبه) را در این سال و در هر سال

وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الْعِظَامَ، فَإِنَّهُ لَا يُغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.^۱

و بیامرز برایم گناهان بزرگ را که براستی نیامرزد آنها را کسی جز تو ای صاحب جلال و بزرگواری.

۷- «شیخ مفید» در «مقنعه» فرموده: و از مستحبات ماه رمضان صلوات فرستادن بر رسول خدا ﷺ

است در هر روز صد مرتبه، و اگر زیادتر بفرستد فضیلت بیشتری دارد.^۲

اعمال مخصوص شب‌ها یا روزهای معین ماه مبارک رمضان:

در مورد اعمالی که مخصوص شب‌ها یا روزهای معینی از این ماه شریف است، اموری ذکر شده است.

شب اول ماه: برای شب اول ماه چند عمل ذکر شده است:

۱- به سراغ رؤیت هلال برود که بعضی آن را واجب (کفایی) دانسته‌اند.

۲- وقتی هلال را رؤیت کرد، طبق روایتی از امام صادق علیه السلام روبرو به قبله نماید و دست‌ها را به آسمان بلند

کند و خطاب به هلال کند و بگوید:

رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ

پروردگار من و پروردگار تو خدا پروردگار جهانیان است خدایا این ماه را بر ما نو کن با امنیت

وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، وَالْمُسَارَعَةِ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى،

و ایمان و سلامتی و اسلام و پیشی گرفتن بدانچه تو دوست داری و خوشنود شوی

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا، وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَعَوْنَهُ، وَاصْرِفْ عَنَّا ضَرَّهُ

خدایا برکت ده به ما در این ماه و خیر و خوبی و کمک آن را روزی ما کن و بگردان از ما زیان این ماه

وَشَرَّهُ، وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ.^۳

و شر و بلا و فتنه‌اش را.

۱. مصباح کفعمی، صفحه ۶۱۸ و بلدالامین، صفحه ۲۲۳. ۲. مقنعه، صفحه ۳۱۳.

۳. اقبال، صفحه ۱۸.

روایت شده که حضرت رسول ﷺ وقتی که هلال ماه رمضان را رؤیت می‌کرد، روی شریف را به جانب قبله می‌فرمود و می‌گفت:

اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، وَالْعَافِيَةِ

خدایا این ماه را بر ما نو کن به امنیت و ایمان و تندرستی و اسلام و عافیت کامل

الْمُجَلَّلَةِ، وَدِفَاعِ الْأَسْقَامِ، وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ، وَالْعَوْنِ عَلَى الصَّلَاةِ

و دفاع از دردها و روزی وسیع و کمک بر نماز

وَالصِّيَامِ وَالْقِيَامِ، وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، اللَّهُمَّ سَلِّمْنَا لَشَهْرِ رَمَضَانَ، وَتَسَلِّمُهُ

و روزه و شب زنده‌داری و تلاوت قرآن خدایا سالم کن ما را برای ماه رمضان و سالم

مِنَّا، وَسَلِّمْنَا فِيهِ حَتَّى يُنْقِضِيَ عَنَّا شَهْرَ رَمَضَانَ، وَقَدْ عَفَوْتَ عَنَّا،

از ما دریافتش کن و ما را در آن سالم بدار تا بگذرد از ما ماه رمضان و تو از ما گذشته باشی

وَعَفَرْتَ لَنَا وَرَحِمْتَنَا.^۱

و ما را آمرزیده و مورد مهر خویش قرار داده باشی.

و از حضرت صادق ع نقل شده است که چون رؤیت هلال کردی بگو:

اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ، وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ، وَأَنْزَلْتَ

خدایا ماه رمضان آمد و تو واجب کرده‌ای بر ما روزه این ماه را و فرو فرستادی در آن

فِيهِ الْقُرْآنَ، هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ، اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى

قرآن را که راهنمای مردم است و حجت‌هایی از هدایت و تمیز حق و باطل است خدایا کمک بده ما را بر

صِيَامِهِ، وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا، وَسَلِّمْنَا فِيهِ، وَسَلِّمْنَا مِنْهُ، وَسَلِّمَهُ لَنَا فِي يُسْرِ

روزه آن و آن را از ما بپذیر و سالم بدار ما را در این ماه و از این ماه و آن را نیز برای ما سالم گردان در آسانی

مِنْكَ وَعَافِيَةٍ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمٌ.^۲

و تندرستی که برستی تو بر هر چیزی قادری ای بخشاینده ای مهربان.

۳- «سید بن طاووس» ر روایت کرده که روزی حضرت امام زین‌العابدین ع عبور می‌کرد که نظرش به هلال ماه رمضان افتاد، ایستاد و گفت:

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ، أَلْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ،

ای مخلوق فرمانبردار پیوسته (در حرکت) و شتابان و رفت و آمد کننده در منزلهای معین

الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكِ التَّدْبِيرِ، أَمَنْتُ بِمَنْ نُورَ بِكَ الظُّلَمَ، وَأَوْضَحَ بِكَ الْبُهْمَ،

و گردش کننده در مدار تدبیر ایمان دارم به آن خدایی که تاریکیها را به تو روشن کرد و راههای ناپیدا و مبهم را به تو آشکار کرده

وَجَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ، وَعَلَامَةً مِنْ عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ، فَحَدِّ بِكَ

و تو را نشانه‌ای از نشانه‌های فرمانرواییش و علامتی از علامات سلطنتش قرار داده و زمان را به تو

الزَّمَانَ، وَامْتَهَنَكَ بِالْكَمَالِ وَالنُّقْضَانِ، وَالطُّلُوعِ وَالْأَفْوَلِ، وَالْإِنَارَةَ

محدود ساخت و تو را واداشت به کمال و نقصان و طلوع و غروب و پرتوافکنی

وَالْكَسُوفِ، فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ، وَاللّٰهُ إِزَادَتِهِ سَرِيعٌ، سُبْحَانَهُ مَا

و گرفتن و در تمام آنها تو در تحت فرمان او فرمانبرداری و بسوی اراده‌اش شتابان منزّه است خدا که

أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ، وَاللّٰهُ مَا صَنَعَ فِي شَأْنِكَ، جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرِ

چه شگفت‌انگیز تدبیری در امر تو بکار برد و چه دقیق است صنعتی که در کار تو انجام داده تو را کلید ماه

حَادِثٍ، لِأَمْرِ حَادِثٍ، فَاسْتَسْأَلُ اللَّهُ رَبِّي وَرَبَّكَ، وَخَالِقِي وَخَالِقَكَ،

نوی قرار داده برای کاری نو از خدا پروردگار خود و پروردگار تو و آفریدگار خود و آفریدگار تو

وَمُقَدَّرِي وَمُقَدَّرَكَ، وَمُصَوِّرِي وَمُصَوِّرَكَ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و تقدیر کننده خود و تقدیرکننده تو و صورت‌بخش خودو صورت‌گر تو خواهم که درود فرستد بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ بَرَكَتٍ لَا تَمُحَقُّهَا الْأَيَّامُ، وَطَهَارَةٍ لَا تُدْنِسُهَا

محمد و قرار دهد تو را ماه برکتی که روزگار از بییش نبرد و ماه پاکیزه‌ای که آلوده‌اش نکند

الْأَثَامُ، هِلَالَ أَمْنٍ مِنَ الْآفَاتِ، وَسَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ، هِلَالَ سَعْدٍ لَا

گناهان ماه امنیت از آفات و سلامتی از بدیها ماه خجسته و مسعودی

نَحْسٍ فِيهِ، وَيُؤْمِنُ لَا نَكَدَ مَعَهُ، وَيَسِرُّ لَا يُمَارِجُهُ عُسْرٌ، وَخَيْرٌ لَا يَشُوبُهُ

که نحسی در آن نباشد و ماه میمونی که ملالی با آن نباشد و ماه آسانی که با دشواری مخلوط نشود و ماه خیری که

شَرٌّ، هِلَالَ أَمْنٍ وَإِيمَانٍ، وَنِعْمَةٍ وَاحْسَانٍ، وَسَلَامَةٍ وَإِسْلَامٍ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ

به شری آلوده نگردد ماه امنیت و ایمان و نعمت و احسان و سلامتی و اسلام خدایا درود فرست بر

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ، وَأَزْكَى مَنْ

محمد و آل محمد و قرار ده ما را از خوشنودترین مردمی که این ماه بر او طلوع کرده و پاکیزه‌ترین کسانی

نَظَرَ إِلَيْهِ، وَأَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ، وَوَفَّقْنَا اللَّهُمَّ فِيهِ لِلطَّاعَةِ وَالتَّوْبَةِ،

که بدان نگاه کرده و سعادتمندترین کسی که پرستش تو را در آن کرده و موفق دار ما را خدایا در این ماه به فرمانبرداری و توبه

وَأَعَصِمْنَا فِيهِ مِنَ الْأَثَامِ وَالْحَوْبَةِ، وَأَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ النِّعْمَةِ، وَالْبِسْنَا فِيهِ

و نگاهمان دار در آن از گناهان و خطا و الهام کن به ما در این ماه شکر نعمت را و بیوشان به مادر

جَنِّ الْعَافِيَةِ، وَاتِّمَمْ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْمِنَّةَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ

این ماه سپهرهای تندرستی و منت خود را بوسیله انجام کامل اطاعتت بر ما تمام کن که براستی تویی پر نعمت

الْحَمِيدُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ، وَاجْعَلْ لَنَا فِيهِ عَوْنًا مِنْكَ

ستوده و درود خدا بر محمد و آل پاکش و مقرر دار برای ما در این ماه کمکی از جانب خود

عَلَى مَا نَدَبْتَنَا إِلَيْهِ مِنْ مُفْتَرَضِ طَاعَتِكَ، وَتَقَبَّلْهَا، إِنَّكَ الْأَكْرَمُ مِنْ كُلِّ

برای انجام آنچه ما را بدان خواندی و طاعت واجب خود و بپذیر آن را که تو کریم‌ترین همه

كَرِيمٍ، وَالْأَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ، أَمِينَ أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.^۱

کریمانی و مهربانتر از هر مهربانی آمین آمین ای پروردگار جهانیان.

۴- غسل شب اول ماه طبق بعضی از روایات مستحب است.^۲

۵- در شب اول ماه امام حسین علیه السلام را زیارت کند، تا گناهایش بخشوده شود.^۳

۶- از شب اول ماه، شروع به خواندن هزار رکعت نماز ماه رمضان نماید، که شرح آن قبلاً گذشت.

(صفحه ۷۱۲)

۷- دو رکعت نماز بخواند که در هر رکعت سوره حمد و سوره انعام را بخواند و از خدا بخواهد تا امور وی

را کفایت کند و از آنچه که می‌ترسد و از بیماریها او را حفظ نماید.^۴

۸- این دعا را بخواند که در اعمال شب آخر ماه شعبان (صفحه ۶۹۲) نیز آمده است: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا

الشَّهْرُ الْمُبَارَكُ....

۹- بعد از نماز مغرب دست‌ها را بلند کند و این دعا را که از امام جواد علیه السلام نقل شده است، بخواند:

اللَّهُمَّ يَا مَنْ يَمْلِكُ التَّدْبِيرَ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ

خدایا ای که تدبیر امور بدست اوست و او بر هر چیز قادر است ای که می‌داند خیانت

الْأَعْيُنِ وَمَا تَخْفَى الصُّدُورُ، وَتُجِنُّ الضَّمِيرُ، وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، اللَّهُمَّ

چشمها را و آنچه را سینه‌ها پنهان کنند و دلها در خویش مستور دارند و اوست دقیق آگاه خدایا

۲. زاد المعاد، صفحه ۹۹.

۱. اقبال، صفحه ۱۷.

۴. اقبال، صفحه ۲۲.

۳. همان مدرک.

اجْعَلْنَا مِمَّنْ نَوَىٰ فَعْمَلٍ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِمَّنْ شَقِيَ فَكْسِلَ، وَلَا مِمَّنْ هُوَ

قرار ده ما را از کسانی که نیت کنند و بدنیانش عمل کنند و قارمان مده از کسانی که بدبخت شده و تنبلی کرد و نه از کسانی که

عَلَىٰ غَيْرِ عَمَلٍ يَتَّكِلُ، اَللّٰهُمَّ صَحِّحْ اَبْدَانَنَا مِنَ الْعِلَلِ، وَاَعِنَّا عَلٰى مَا

بر غیر کار و کوشش اعتماد کنند خدایا سالم گردان بدنهامان را از بیماریها و کمکمان ده بر آنچه

اَفْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنَ الْعَمَلِ، حَتَّىٰ يَنْقُضِيَ عَنَّا شَهْرُكَ هَذَا، وَقَدْ اَدَّيْنَا

واجب کرده‌ای بر ما از عمل تا بگذرد از ما این ماه تو در حالیکه آنچه را بر ما

مَفْرُوضَكَ فِيهِ عَلَيْنَا، اَللّٰهُمَّ اَعِنَّا عَلٰى صِيَامِهِ، وَوَقِّفْنَا لِقِيَامِهِ، وَنَشِطْنَا

واجب فرموده بودی انجام داده باشیم خدایا ما را بر روزه این ماه کمک ده و به شب زنده‌داریش موقفمان دار و برای خواندن نماز در این ماه

فِيهِ لِلصَّلَاةِ، وَلَا تَحْجُبْنَا مِنَ الْقِرَاءَةِ، وَسَهِّلْ لَنَا فِيهِ اِيتَاءَ الزَّكَاةِ، اَللّٰهُمَّ لَا

نشاطی بمانده و از قرائت قرآن محرومان مدار و آسان گردان بر ما پرداختن زکات را خدایا

تَسَلِّطْ عَلَيْنَا وَصَبًا وَلَا تَعَبًا، وَلَا سَقَمًا وَلَا عَطَبًا، اَللّٰهُمَّ اَرْزُقْنَا الْاِفْطَارَ

چیره مگردان بر ما خستگی و سستی و نه رنج و نه بیماری و نه هلاکت را خدایا روزی ما کن افطار کردن

مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ لَنَا فِيهِ مَا قَسَمْتَهُ مِنْ رِزْقِكَ، وَيَسِّرْ مَا

از روزی حلال خدایا سهل کن بر ما در این ماه آن سهمی را که از روزیت نصیب ما کرده‌ای و آسان گردان آنچه را

قَدَّرْتَهُ مِنْ اَمْرِكَ، وَاَجْعَلْهُ حَلَالًا طَيِّبًا، نَقِيًّا مِنَ الْاَثَامِ، خَالِصًا مِنْ

طبق فرمانت مقرر داشته‌ای و قرارش ده حلال و پاک و پاکیزه از گناهان و خالص از

الْاَضَارِ وَالْاَجْرَامِ، اَللّٰهُمَّ لَا تُطْعِمْنَا اِلَّا طَيِّبًا غَيْرَ خَبِيثٍ وَلَا حَرَامٍ،

معاصی و جنایات خدایا بر ما مخوران جز خوراکی پاک که نه پلید باشد و نه حرام

وَاَجْعَلْ رِزْقَكَ لَنَا حَلَالًا لَا يَشْوِبُهُ دَنَسٌ وَلَا اَسْقَامٌ، يَا مَنْ عَلِمَهُ بِالسَّرِّ

و قرار ده روزیت را برای ما حلال که آلوده به چرکی و بیماریها نباشد ای که دانایش به نهان

كِعْلِمِهِ بِالْاَعْلَانِ، يَا مُتَفَضِّلًا عَلٰى عِبَادِهِ بِالْاِحْسَانِ، يَا مَنْ هُوَ عَلٰى كُلِّ

همانند دانایش به آشکار است ای که بر بندگانش به احسان تفضل فرمود ای که او بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ خَبِيرٌ، اَلِهَمْنَا ذِكْرَكَ، وَجَنِّبْنَا عُسْرَكَ،

چیز تواناست و به هر چیز دانا و آگاه است ذکر خود را بهما الهام کن و از دشواریت ما را برکنار دار و به

وَاَنْلِنَا يُسْرَكَ، وَاهْدِنَا لِلرَّشَادِ، وَوَقِّفْنَا لِلسَّدَادِ، وَاعْصِمْنَا مِنَ الْبَلَايَا،

دستورات آسانت برسانمان و به کارهای صواب راهنمایمان کن و به کارهای محکم و درست موقفمان بدار و از بلاها محفوظمان دار

وَصُنَّا مِنَ الْأَوْزَارِ وَالْخَطَايَا، يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ عَظِيمَ الذُّنُوبِ غَيْرَهُ، وَلَا

و از گناهان و خطاها نگاهمان دار ای که نیامزد گناهان بزرگ را جز او

يَكْشِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، صَلِّ عَلَيَّ

و برطرف نکند بدیها را جز او ای مهربانترین مهربانان و کریمترین کریمان درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ، وَاجْعَلْ صِيَامَنَا مَقْبُولًا، وَبِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى

محمد و خاندان پاکش و روزه ما را مقبول درگاهت فرما و به نیکی و پرهیزکاری

مَوْصُولًا، وَكَذَلِكَ فَاجْعَلْ سَعِينَا مَشْكُورًا، [وَ حَوْبَنَا مَغْفُورًا] وَ قِيَامَنَا

پیوندش ده و هم‌چنین کوشش ما را مورد تقدیر و گناهان ما را مورد بخشش قرار ده و شب زنده داریمان را

مَبْرُورًا، وَ قُرْآنَنَا مَرْفُوعًا، وَ دُعَائِنَا مَسْمُوعًا، وَ اهْدِنَا لِلْحُسْنَى، وَ جَنِّبْنَا

نیک پذیرفته و قرآن ما را (که خوانده‌ایم) بالا رفته و دعایمان را مقرون به اجابت فرما و ما را به کار نیک هدایت فرما

الْعُسْرَى، وَيَسِّرْنَا لِلْيُسْرَى، وَ اَعْلَلْنَا الدَّرَجَاتِ، وَ ضَاعِفْنَا لَنَا

و از دشواریها برکنارمان دار و مهیامان بدار برای آسانها و درجات ما را بالا بر و حسنات ما را دو

الْحَسَنَاتِ، وَاقْبَلْ مِنَّا الصَّوْمَ وَالصَّلَاةَ، وَاسْمَعْ مِنَّا الدَّعَوَاتِ، وَ اغْفِرْ لَنَا

چندان کن و روزه و نماز ما را بپذیر و دعاها را بشنو و خطاهای ما را ببامرز

الْخَطِيئَاتِ، وَتَجَاوَزْ عَنَّا السَّيِّئَاتِ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الْعَامِلِينَ الْفَائِزِينَ،

و از گناهان ما درگذرو قرار ده ما را از عمل کنندگان کامیاب

وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ، حَتَّى يَنْقُضِيَ شَهْرُ

و قرارمان مده از غضب شدگان و نه ازگمراهان تا بگذرد از ما ماه

رَمَضَانَ عَنَّا، وَ قَدْ قَبِلْتَ فِيهِ صِيَامَنَا وَ قِيَامَنَا، وَ زَكَيْتَ فِيهِ أَعْمَالَنَا،

رمضان و تو روزه و شب زنده‌داریمان را پذیرفته باشی و اعمال ما را پاک و پاکیزه کرده

وَ غَفَرْتَ فِيهِ ذُنُوبَنَا، وَ اجْزَلْتَ فِيهِ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ نَصَبْنَا، فَإِنَّكَ الْإِلَهُ

و گناهانمان را آمرزیده باشی و بهره ما را در این ماه از هر خیر و نیکی به حد کامل داده باشی که براستی تویی معبود

الْمُجِيبُ، وَالرَّبُّ الْقَرِيبُ، وَأَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ. ۱

اجابت کننده و پروردگار نزدیک و تو بر هر چیز احاطه داری.

۱۰- در شب اول، این دعا را که از امام صادق علیه السلام نقل شده است بخواند:

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ، مُنَزَّلَ الْقُرْآنِ، هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ، الَّذِي

خدایا ای پروردگار ماه رمضان و فرو فرستنده قرآن این ماه رمضان است که

أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ، وَأَنْزَلْتَ فِيهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ، اللَّهُمَّ

در آن قرآن را نازل فرموده‌ای و در آن آیه‌هایی است که آنها حجت‌های هدایت و تمیز حق و باطل است خدایا

ارزُقْنَا صِيَامَهُ، وَأَعِنَّا عَلَى قِيَامِهِ، اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا وَسَلِّمْهُ مِنَّا

روزه‌اش را روزی ما گردان و بر شب زنده‌داریش به ما کمک کن خدایا این ماه را برای ما سالم‌بدار و ما را در آن به سلامت دار

فِي يُسْرِ مِنْكَ وَمَعَاوَاةٍ، وَاجْعَلْ فِيهَا تَقْضَى وَتَقَدَّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ،

و آن را در آسانی و تندرستی کاملی از جانب خود از ما دریافتش کن و قرار ده در آن قضا و قدر حتمی خود

وَفِيهَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ

و در آن دستور حکیمانه که جدا کنی در شب قدر از آن قضا و قدر حتمی و مسلمی که برگشت ندارد

وَلَا يُبَدَّلُ، أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حَاجِّهِمْ،

و تغییرپذیر نیست که نام ما را بنویسی در زمرة حاجیان خانه محترمت (کعبه) آنان که حشمان پذیرفته

الْمَشْكُورِ سَعِيهِمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَاجْعَلْ

و سعیشان مورد تقدیر و گناهانشان آمرزیده و بدیهاشان جبران شده است و قرار ده

فِيهَا تَقْضَى وَتَقَدَّرُ، أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي، وَتَوْسِعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ. ۱

در آنچه مقدر فرمایی که عمرم را طولانی فرموده و از روزی حلال خود بر من توسعه دهی.

۱۱- دعای بسیار نورانی چهل و چهارم «صحیفه سجّادیه» نیز مربوط به این شب است.

۱۲- از امور مهمه در این ماه، تلاوت قرآن مجید است که با شروع ماه رمضان، سزاوار است قرآن بسیار

تلاوت شود. روایت شده است که حضرت امام صادق علیه السلام در وقت تلاوت قرآن قبل از قرائت، این دعای

بسیار پر معنا را می‌خواندند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا كِتَابُكَ الْمُنَزَّلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلَى رَسُولِكَ، مُحَمَّدٍ

خدایا من گواهی دهم که این کتابی است که نازل شده از نزد تو بر فرستاده‌ات محمد

بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَكَلَامُكَ النَّاطِقُ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ،

بن عبدالله صلی الله علیه و آله و کلام گوئی توست که بر زبان پیغمبرت جاری گشته

جَعَلْتَهُ هَادِيًا مِنْكَ إِلَى خَلْقِكَ، وَحَبْلًا مُتَّصِلًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ عِبَادِكَ،

و آن را راهنمای خود بر خلق خویش قرار دادی و رشته پیوسته‌ای در مابین خود و مابین بندگانت گردانیدی

اللَّهُمَّ إِنِّي نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَكِتَابَكَ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ عِبَادَةً،

خدایا من باز کردم (پیش‌رویم) عهد و کتاب تو را خدایا پس قرار ده نظر مرا در آن عبادت

وَقِرَائَتِي فِيهِ فِكْرًا، وَفِكْرِي فِيهِ اِعْتِبَارًا، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ اتَّعَظَ بِبَيَانِ

و قرائتم را در آن از روی اندیشه و فکرم را در آن عبرت آور و بگردانم از کسانی‌که پند گیرند به بیان

مَوَاعِظِكَ فِيهِ، وَاجْتَنَبَ مَعَاصِيكَ، وَلَا تَطْبِعْ عِنْدَ قِرَائَتِي عَلَى سَمْعِي،

پندهای تو در آن و از معصیتهایت دوری کند و مهر مژن هنگام خواندنم بر گوش من

وَلَا تَجْعَلْ عَلَيَّ بَصْرِي غِشَاوَةً، وَلَا تَجْعَلْ قِرَائَتِي قِرَاءَةً لَا تَدَّبَّرُ فِيهَا،

و مینداز بر دیده‌ام پرده و مگردان خواندنم را خواندنی که تدبیر در آن نباشد

بَلْ اجْعَلْنِي اِتِّدَبَّرُ آيَاتِهِ وَ أَحْكَامَهُ، آخِذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ، وَلَا تَجْعَلْ

بلکه چنانم کن که تدبیر کنم در آیات و احکامش و در بگیرم دستورات دین تو را و قرار مده

نَظْرِي فِيهِ غَفْلَةً، وَلَا قِرَائَتِي هَذَرًا، إِنَّكَ أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ.

نظر مرا در آن نظر بی‌خبری و نه قرائتم را بیهوده که برآستی تو رؤوف و مهربانی.

و بعد از قرائت قرآن مجید این دعا را می‌خوانند:

اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَ مِنْ كِتَابِكَ، الَّذِي أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ نَبِيِّكَ

خدایا من خواندم آنچه را حکم کرده بودی از کتابت همان کتابی که نازل فرمودی بر پیامبر

الصَّادِقِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِلُّ

راستگویت درود تو بر او و آتش پس‌حمد خاص توست ای پروردگار ما خدایا بگردانم از کسانی‌که حلال می‌شمرد

حَلَالَهُ، وَيُحَرِّمُ حَرَامَهُ، وَيُؤْمِنُ بِمُحْكَمِهِ وَ مُتَشَابِهِهِ، وَاجْعَلْهُ لِي أَنْسَافِي

حلالش را و حرام داند حرامش را و ایمان دارد به محکم و متشابه آن و آن را همدم من در

قَبْرِي، وَأَنْسَافِي حَشْرِي، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تُرْقِيهِ بِكُلِّ آيَةٍ قَرَأَهَا دَرَجَةً

قبرم و همدمم در روز محشرم قرار ده و قرار ده مرا از کسانی‌که بالا بری او را به هر آیه از آن که بخواند به درجه‌ای

فِي أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ، أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ. ۱

در بالاترین جایگاههای بهشت اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.

روز اول ماه: برای روز اول ماه رمضان اعمالی به شرح زیر نقل شده است:

۱- غسل کند.^۱

۲- خود را با گلاب خوشبو سازد.^۲

۳- دو رکعت نماز بگزارد و در رکعت اول سوره حمد و سوره انا فتحنا و در رکعت دوم حمد و هر سوره‌ای که خواست، بخواند. در روایتی آمده است هر کس این نماز را بخواند خداوند بدی‌ها را در آن سال از وی دفع کند و تا سال آینده در پناه حمایت خدا باشد.^۳

۴- دو رکعت نماز اول ماه را (که در صفحه ۵۹۷ آمده است) بجا آورد و صدقه بپردازد.^۴

۵- بعد از طلوع فجر این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ، وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ، وَأَنْزَلْتَ فِيهِ

خدایا ماه رمضان آمد و تو روزه آن را بر ما واجب کرده‌ای و نازل فرموده‌ای در آن

الْقُرْآنَ، هَدَيْتَ لِلنَّاسِ وَبَيَّنَّاتِ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ، اللَّهُمَّ اعِنَّا عَلَى

قرآن را که راهنمای مردم و حجتی از هدایت و تمیز (میان حق و باطل) است خدایا کمک ده ما را بر گرفتن

صِيَامِهِ، وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا، وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا، وَسَلَّمْهُ لَنَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ، إِنَّكَ

روزه‌اش و آن را از ما بپذیر و بخوبی از ما دریافت کن و سالمش گردان برای ما در آسودگی و عافیت خودت که همانا تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۵

بر هر چیز توانایی.

۶- «علامة مجلسی» در «زادالمعاد» فرموده است: «شیخ کلینی» و «شیخ طوسی» و دیگران به سند

صحیح روایت کرده‌اند که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: در روز اول ماه مبارک رمضان این دعا را بخوان و فرمود: هر کس این دعا را از برای رضای خدا و بدون شائبه اغراض فاسد و ریا، بخواند، در آن سال فتنه و گمراهی به او نرسد و آفتی که به دین، یا بدن او ضرر رساند، متوجه او نخواهد شد و خداوند متعال او را از شرّ بلاهای آن سال حفظ کند، و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي

خدایا من از تو خواهم به حق آن نامت که گردن نهاد در برابرش هر چیز و بدان رحمت که

۱. اقبال، صفحه ۸۶.

۲. همان مدرک.

۳. همان مدرک، صفحه ۸۷.

۴. همان مدرک.

۵. بحارالانوار، جلد ۹۴، صفحه ۳۵۴.

وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي تَوَاضَعُ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي

فراگرفت هر چیز را و بدان بزرگیت که فروتن شد در برابرش هر چیز و بدان عزت که

قَهَرَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِي

مقهور کرد هر چیز را و بدان نیرویت که خاضع شد در برابرش هر چیز و به جبروت که

غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا

غالب آمد بر هر چیز و بدانتست که هر چیز را احاطه کرده‌ای نور و ای منزه از هر عیب ای

أَوَّلَ قَبْلِ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِاقِي بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، صَلِّ عَلَيَّ

نخست پیش از هر چیز و باقی پس از هر چیز ای بخشاینده درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النُّعْمَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

محمد و آل محمد و بیامرز از من گناهی را که نعمتها را تغییر دهد و بیامرز از من گناهی را

الَّتِي تُنَزِّلُ النُّقْمَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقَطِّعُ الرَّجَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

که رنج و عذاب فرو ریزد و بیامرز از من گناهی را که امید را قطع کند و بیامرز از من گناهی را

الَّتِي تُدْبِلُ الْأَعْدَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ، وَاعْفِرْ لِي

که دشمنان را چیره کند و بیامرز از من گناهی را که دعا را باز گرداند و بیامرز از من

الذُّنُوبَ الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا نَزْوُلُ الْبَلَاءِ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ

گناهی که مردم را مستحق نزول بلا گرداند و بیامرز از من گناهی را که

غَيْثَ السَّمَاءِ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغَطَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

باران آسمان را جلوگیری کند و بیامرز از من گناهی را که پرده را بالا زند و بیامرز از من گناهی را

الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ، وَاعْفِرْ لِي

که در نابودی شتاب کند و بیامرز از من گناهی را که پشیمانی آرد و بیامرز از من گناهی را که

الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ، وَالْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ الَّتِي لَا تُرَامُ،

پردهها را ببرد و زره محکمت را که پاره شدنی نیست بر من بیوشان

وَاعْفِنِي مِنْ شَرِّ مَا أَحَازِرُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ، اللَّهُمَّ

و سلامتم بدار از شر آنچه حذر می‌کنم از آن در شب و روز در روزهای آینده امسال من خدایا

رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ،

ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و ای پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها و آنچه مابین آنهاست

وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَرَبِّ السَّبْعِ الْمَثَانِي، وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبِّ

و ای پروردگار عرش عظیم و پروردگار هفت آیه (یعنی سوره حمد یا هفت سوره) و قرآن بزرگ و پروردگار

إِسْرَافِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَجِبْرِئِيلَ، وَرَبِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، سَيِّدِ

اسرافیل و میکائیل و جبرئیل و پروردگار محمد صلی الله علیه و آله آقای

الْمُرْسَلِينَ، وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ، أَسْأَلُكَ بِكَ وَبِمَا سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، يَا عَظِيمُ

رسولان و خاتم پیمبران از تو خواهیم به حق خودت و به حق آنچه خود را بدان نام نهاده‌ای ای خدای بزرگ

أَنْتَ الَّذِي تَمَنَّوْا بِالْعَظِيمِ، وَتَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ، وَتُعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ،

تویی که به نعمت عظیم منت نهی و هر محذور را دفع کنی و هر عطای شایانی را تو عطا کنی

وَتُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ بِالْقَلِيلِ وَبِالْكَثِيرِ، وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرٌ، يَا اللَّهُ يَا

و دو چندان کنی کارهای نیک را به کم و زیاد می‌کنی هر کاری را بخواهی ای توانا ای خدا ای

رَحْمَنُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَالْبِسْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ

بخشاینده درود فرست بر محمد و خاندانش و بیوشان بر من در آینده این سال

سِتْرِكَ، وَنَضْرُ وَجْهِي بِنُورِكَ، وَأَحِبِّي بِمَحَبَّتِكَ، وَبَلِّغْنِي رِضْوَانَكَ

پرده خویش را و چهره‌ام را به نور خویش منور گردان و به محبت خویش دوستم بدار و مرا به مقام خشنودی خود

وَشَرِيفَ كَرَامَتِكَ، وَجَسِيمَ عَطِيَّتِكَ، وَأَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ، وَمِنْ

و بزرگواری شریف و عطا بزرگت نائل گردان و عطا کن به من از

خَيْرِ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، وَالْبِسْنِي مَعَ ذَلِكَ عَافِيَتِكَ، يَا

بهترین چیزی که نزد توست و از بهتر چیزی که عطا می‌کنی بر یکی از خلق خویش و با آنها لباس عافیت را هم بر من بیوشان ای

مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى، وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى، وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَيَا دَافِعَ

مرجع هر شکایت و ای‌گواه بر هر راز و ای دانای هر پنهان و ای جلوگیری‌کننده

مَا تَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ، يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، تَوْفَنِي عَلَى مِلَّةِ

از هر بلا که خواهی ای بزرگواری گذشت ای نیکو درگذر بمیران مرا بر کیش

إِبْرَاهِيمَ وَفِطْرَتِهِ، وَعَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسُنَّتِهِ، وَعَلَى

ابراهیم و فطرت او و بر دین محمد صلی الله علیه و آله و طریقه‌اش و بر

خَيْرِ الْوَفَاةِ، فَتَوْفَنِي مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، وَمُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، اَللَّهُمَّ

بهترین مردنها پس بمیرانم در آن حال که دوست دار دوستان و دشمن دشمنانت باشم خدایا

وَجَنِّبْنِي فِي هَذِهِ السَّنَةِ كُلَّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ،

و مرا در این سال از هر کاری یا گفتاری یا عملی که مرا از تو دور کند

وَأَجْلِبْنِي إِلَى كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يَقْرِبُنِي مِنْكَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ، يَا

دورم بدار و بسوی کار یا گفتار یا عملی که مرا در این سال به تو نزدیک سازد بکشانم ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَامْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنِّي

مهربانترین مهربانان و بازم دار از هر کاری یا گفتاری یا کرداری که از من سر زند

أَخَافُ ضَرَرَ عَاقِبَتِهِ، وَأَخَافُ مَقْتَكَ أَيَّامِي عَلَيْهِ حِذَارَ أَنْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ

و از سرانجام زیان‌آورش بیمناک باشم و از خشمت بخاطر آن بر خویش بترسم، بترسم از این‌که توجه

الْكَرِيمَ عَنِّي، فَاسْتَوْجِبْ بِهِ نَقْصًا مِنْ حَظِّ لِي عِنْدَكَ، يَا رَوْفُ يَا رَحِيمُ،

کریمانه‌ات را از من بگردانی و بدان جهت مستوجب نقصانی از بهره‌ای که پیش تو دارم گردم ای با عطوفت ای مهربان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ فِي حِفْظِكَ، وَفِي جِوَارِكَ وَفِي

خدایا در آینده امسال مرا در حفظ و پناه

كَنْفِكَ، وَجَلِّلْنِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ، وَهَبْ لِي كَرَامَتَكَ، عَزَّ جَارُكَ، وَجَلِّ

و کنف خودت قرارم ده و پرده عافیت خود را بر من بیوشان و از بزرگواری خویش بر من ببخش عزیز است پاننده به تو و والاست

ثَنَّاؤُكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعًا لِصَالِحِي مَنْ مَضَى مِنْ

ستایشت و معبودی جز تو نیست خدایا مرا پیرو شایستگان از اولیای گذشته‌ات قرارم ده

أَوْلِيَائِكَ، وَالْحَقْنِي بِهِمْ، وَاجْعَلْنِي مُسْلِمًا لِمَنْ قَالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ،

و بدانها ملحقم کن و چنانم کن که برای آنان‌که از جانب تو به حقیقت سخن گفتند تسلیم باشم

وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُحِيطَ بِي خَطِيئَتِي، وَظُلْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي،

و پناه می‌برم به تو خدایا از این‌که فرا گیرم خطا و ستم و زیاده‌روی بر خویش

وَأَتَّبَعِي لِهَوَايَ، وَاشْتِغَالِي بِشَهْوَاتِي، فَيَحُولَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ

و پیرویم از هوای نفس و سرگرمیم به شهوات و در نتیجه آنها میان من و رحمت

وَرِضْوَانِكَ، فَأَكُونُ مَنَسِيًّا عِنْدَكَ، مُتَعَرِّضًا لِسَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ، اللَّهُمَّ

و خشنودی تو حائل گردد و کار بدانجا کشد که فراموش درگاہت شوم و بدانچه موجب خشم و عقوبت توست دست زدم خدایا

وَفَقِّنِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَى بِهِ عَنِّي، وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى، اللَّهُمَّ كَمَا

موقفم بدار برای هر عمل شایسته‌ای که به وسیله آن از من خشنود شوی و مرا به مقام قرب خویش نزدیک کن خدایا چنانچه

كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَفَرَجْتَ هَمَّهُ،

هراس دشمن را از پیامبر محمد صلی الله علیه و آله کفایت فرمودی و اندوهش را برطرف کردی

وَكَشَفْتَ غَمَّهُ، وَصَدَقْتَهُ وَعَدَكَ، وَأَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ، اللَّهُمَّ فَبِذَلِكَ

و غمش را زدودی و به وعدهات دربارهاش وفا کردی و پیمانت را با او به پایان رساندی خدایا به همان

فَاكْفِنِي هَوْلَ هَذِهِ السَّنَةِ، وَأَفَاتِهَا وَأَسْقَامَهَا، وَفِتْنَتِهَا وَشُرُورَهَا

ترتیب هراس این سال و آفات و امراض و بلاها و شرور

وَأَحْزَانِهَا، وَضِيقِ الْمَعَاشِ فِيهَا، وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ، بِتَمَامِ

و اندوهها و تنگی و فشار زندگی را از من دور فرما و به رحمت خویش برسان مرا به کمال عافیت بوسیله

دَوَامِ النُّعْمَةِ عِنْدِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ أَسَاءَ وَظَلَمَ،

ادامه نعمت که پیش من داری تا پایان عمرم، و از تو خواهم خواستن کسی که گناه کرده و بر خویش ستم کرده

وَاسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي

و به حال بیچارگی افتاده و به گناه خویش معترف است از تو خواهم که بیماری گناهان گذشته مرا آنها را که

حَصَرْتُهَا حَفَظْتُكَ، وَأَحْصَتْهَا كِرَامٌ مَلَائِكَتِكَ عَلَيَّ، وَأَنْ تَعْصِمَنِي إِلَهِي

نگهبانان ثبت کرده و فرشتگان بزرگوارت شماره کرده‌اند و نگاهم داری خدایا

مِنَ الذُّنُوبِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا

از گناهان در آینده عمرم تا پایان عمرم ای خدا ای بخشاینده ای

رَحِيمٌ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، وَآتِنِي كُلَّ مَا

مهربان درود فرست برمحمد و آل محمد و خاندان محمد و بده به من همه آنچه را از

سَأَلْتُكَ وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ، فَإِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالِدُّعَاءِ، وَتَكَفَّلْتَ لِي بِالْإِجَابَةِ،

تو خواستم و دربارهاش مشتاقانه به درگاهت آمدم زیرا تو خود دستور دعایم دادی و اجابت آن را نیز برابم به عهده گرفتی

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱

ای مهربانترین مهربانان.

مناسب است این دعا در اوّل سال قمری، و اوّل سال شمسی نیز به قصد قربت مطلقه خوانده شود.



شب سیزدهم ماه: این شب، نخستین شب از لیالی بیض (یعنی شب‌های روشن) است که انجام سه عمل در آن وارد شده است:

۱- غسل.^۱

۲- چهار رکعت نماز (هر دو رکعت به یک سلام) که در هر رکعت یک مرتبه حمد و بیست و پنج مرتبه سوره توحید را بخواند.^۲

۳- دو رکعت نماز که در شب سیزدهم ماه رجب و شعبان نیز خوانده می‌شود؛ در هر رکعت، بعد از سوره حمد سوره‌های یس، ملک، و توحید را بخواند.^۳

۴- خواندن دعای «مجیر» در شب‌های سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم که در بخش دعا‌های معروف (صفحه ۱۳۱) گذشت.

شب چهاردهم: در این شب، چهار رکعت نماز می‌خواند (هر دو رکعت به یک سلام)، به صورتی که در شب سیزدهم گذشت.^۴

شب پانزدهم: این شب، از شب‌های بافضیلت و ارزشمندی است که برای آن اعمالی وارد شده است:

۱- غسل.^۵

۲- شش رکعت نماز (هر دو رکعت به یک سلام) که در هر رکعت، سوره‌های حمد و یس و ملک و توحید را بخواند.^۶

۳- صد رکعت نماز، که در هر رکعت بعد از حمد، ده مرتبه سوره «قل هو الله احد» را بخواند. از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که هر کس این عمل را بجا آورد خداوند ده فرشته را به سوی او بفرستد تا دشمنان را از او دفع کنند و سی فرشته را به هنگام مرگ نزد او بفرستد تا بهشت را به وی بشارت دهند و سی فرشته دیگر، تا او را از آتش دوزخ ایمن دارند.^۷

۴- زیارت امام حسین علیه السلام. از امام صادق علیه السلام سؤال کردند که پاداش کسی که در شب نیمه ماه رمضان کنار قبر امام حسین علیه السلام باشد چیست؟ فرمود: خوشا به حال کسی که در شب نیمه ماه رمضان در کنار قبر امام حسین علیه السلام بعد از نماز عشا ده رکعت نماز بگذارد، در هر رکعتی بعد از سوره حمد ده مرتبه قل هو الله احد را بخواند و از آتش دوزخ به خدا پناه ببرد؛ خداوند نیز به پاداش این عمل، نامش را «آزاد شده از

۱. زاد المعاد، صفحه ۱۴۲.

۲. همان مدرک، صفحه ۱۷۸.

۳. همان مدرک.

۴. مصباح کفعمی، صفحه ۵۶۳.

۵. همان مدرک، صفحه ۱۷۹.

۶. همان مدرک.

۷. اقبال، صفحه ۱۵۰.

آتش» ثبت فرماید و قبل از آن که بمیرد، فرشتگان به وی بشارت بهشت می دهند و فرشتگان دیگری، او را از آتش دوزخ ایمن می دارند.^۱



روز نیمه ماه رمضان: روز پانزدهم ماه رمضان سال سوم هجری، روز ولادت باسعادت امام مجتبی علیه السلام می باشد،^۲ و بنابر بعضی از اقوال، تولد امام محمد تقی علیه السلام در سال ۱۹۵ در این روز واقع شده، البته این قول غیرمشهور است.^۳

به هر حال این روز، روز بسیار بافضیلتی است و دادن صدقه و خیرات و کمک به مستمندان در این روز پاداش زیادی دارد.

شب هفدهم ماه: این شب، شب بسیار مبارکی است. در این شب، رسول خدا صلی الله علیه و آله با لشکر کفار قریش در سرزمین بدر برخورد کرد، و در روز هفدهم، جنگ بدر واقع شد و خداوند متعال لشکریان اسلام را بر مشرکین پیروز گردانید، با آن که مسلمانان از نفرات محدود و ساز و برگ اندک جنگی برخوردار بودند. این پیروزی از بزرگترین فتوحات اسلام است؛ از این رو علما گفته اند که در این روز، غسل و صدقه و شکر خدا بجا آوردن مستحب است و عبادت در شب هفدهم فضیلت فراوانی دارد.^۴

فضیلتی از امیر مؤمنان علیه السلام در شب جنگ بدر:

در روایات فراوانی آمده است که در شب هفدهم که فردای آن جنگ بدر واقع شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحابش فرمود: چه کسی حاضر است برود از چاه آب بکشد و بیاورد؟ اصحاب سکوت کردند و هیچ کدام اعلام آمادگی نکردند (چون کار خطرناکی بود) علی علیه السلام برخاست، و برای آوردن آب بیرون رفت، آن شب، شبی سرد و ظلمانی بود و باد سردی می وزید. حضرت به چاه آب رسید، چاه بسیار عمیق بود. حضرت دلوی نیافت که بتواند از آن آب بکشد، لذا از چاه پایین رفت و مشکی را که با خود داشت پر از آب کرد و بیرون آمد. به هنگام مراجعت ناگاه باد شدیدی وزید، امام علیه السلام نشست تا باد فرو نشیند آنگاه برخاست و حرکت کرد که تندباد دیگری وزیدن گرفت، ناچار امام علیه السلام نشست، پس از آرام شدن، مجدداً به راه افتاد که در مرتبه سوم نیز تندبادی همانند قبل وزید، آن حضرت نشست، تا هوا آرام شد؛ آنگاه به راه خود ادامه داد و خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: ای ابوالحسن! چرا دیر آمدی؟ امام جریان را توضیح داد.

۱. اقبال، صفحه ۱۵۱.

۲. منتهی الآمال، تاریخ زندگانی امام حسن مجتبی علیه السلام (البته برخی معتقدند ولادت آن حضرت سال دوم واقع شده است).

۳. همان مدرک، تاریخ زندگانی امام محمد تقی علیه السلام.

۴. زاد المعاد، صفحه ۱۷۹.

رسول خدا ﷺ پرسید: متوجه شدی آن بادهای شدید چه بود؟ عرض کرد: نه، فرمود: اولی جبرئیل بود همراه با هزار فرشته که بر تو سلام کردند و دومی میکائیل بود که با هزار فرشته بر تو سلام کردند و سومی نیز اسرافیل بود با هزار فرشته بر تو سلام کردند و آنها برای کمک و یاری ما در جنگ آمدند.^۱ و آن کس که گفته است برای امیر مؤمنان علیه السلام در یک شب سه هزار و سه فضیلت است، اشاره به همین جریان دارد که سه هزار فرشته، همراه با سه فرشته مقرب الهی بر آن حضرت سلام کردند! سید حمیری نیز در شعر خود در مدح آن حضرت به همین داستان اشاره کرده:

أُقْسِمُ بِاللَّهِ وَالْآئِهِ وَالْمَرْءِ عَمَّا قَالَ مَسْؤُولٌ

سوگند خورم به خدا و نعمتهایش و انسان از هر چه گوید بازخواست شود

إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَى التَّقَى وَالْبِرِّ مَجْبُولٌ

براستی علی بن ابی‌طالب فطرتش به پرهیزکاری و نیکی سرشته شده

كَانَ إِذَا الْحَرْبُ مَرَّتْهَا الْقَنَا وَأَحْجَمَتْ عَنْهَا الْبَهَائِلُ

چنان بود که هنگامی که نیزه‌ها تنور جنگ را می‌افروخت و دلبران از آن گریزان بودند

يَمْشِي إِلَى الْقَرْنِ وَفِي كَفِّهِ أَبِيضُ مَاضِي الْحَدِّ مَضُوقٌ

بسوی همورد خویش می‌رفت و در دستش شمشیر براق و بُران و صیقلی شده بود

مَشَى الْعَفْرَنِي بَيْنَ أَشْبَالِهِ أَبْرَزَهُ لِقَنْصِ الْغَيْلِ

چنانچه شیر در میان بچه‌های خود راه می‌رود در آن حال که بیشه برای شکار او را بیرون فرستد

ذَاكَ الَّذِي سَلَّمَ فِي لَيْلَةٍ عَلَيْهِ مِيكَالٌ وَجِبْرِيلُ

علی همان کسی است که در یک شب بر او سلام کرد میکائیل و جبرئیل

مِيكَالٌ فِي الْفِ وَجِبْرِيلُ فِي هَزَارٍ وَيَتْلُوهُمْ سَرَّافِيلُ

میکائیل با هزار فرشته و جبرئیل نیز با هزار فرشته و پشت سر آنها نیز اسرافیل آمد

لَيْلَةَ بَدْرِ مَدَدًا أَنْزَلُوا كَانَهُمْ طَيْرٌ أَبَائِيلُ^۲

در شب بدر که برای کمک فرود آمدند همانند مرغهای ابابیل (که به مکه آمدند)

۱. بحارالانوار، جلد ۱۹، صفحه ۲۸۶، ۲۹۳ و ۳۱۶ و جلد ۳۹، صفحه ۹۵.

۲. بحارالانوار، جلد ۴۷، صفحه ۳۱۵ (با مقداری تلخیص).

شبهای قدر:

شب قدر، شبی است که مقدرات یک سال انسانها - بر اساس لیاقت‌ها و شایستگی‌های آنان - تعیین می‌گردد؛ در تمام سال، شبی به عظمت و فضیلت آن نمی‌رسد و عمل در آن از عمل در هزار ماه برتر است.

فرشتگان خداوند و فرشته‌ای به نام «روح» که اعظم همه فرشتگان است در آن شب، به اذن پروردگار به زمین فرود می‌آیند و خدمت امام زمان علیه السلام می‌رسند و آنچه را که برای هر کس در طول سال آینده مقدر شده است بر آن حضرت عرضه می‌دارند.^۱

خوشا به حال آن کس که از فیض عظیم این شب که شب نزول قرآن است، بهره‌مند شود و با دعا و مناجات و گریه و توبه، به درگاه حق روی آورد و زمینه تقدیرات ارزشمند و سرنوشت معنوی و روحانی والایی را برای خویش فراهم سازد.

معصومین علیهم السلام شب قدر را به طور دقیق، تعیین نکرده‌اند و آن را مردّد در میان سه شب (نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم) ذکر فرموده‌اند، تا مؤمنان با انجام اعمال شب‌های قدر، در هر سه شب و به دست آوردن حال خوش معنوی و کسب فیض در این شب‌ها، به آمادگی کامل، جهت دریافت عنایات ویژه الهی دست یابند.

هرچند علما، با توجه به روایات، شب‌های بیست و یکم و بیست و سوم را به شب قدر بودن، نزدیکتر می‌دانند.^۲

شب نوزدهم ماه: این شب، اولین شب از شب‌های قدر است و از این شب، انجام اعمال شب‌های قدر آغاز می‌شود.

اعمال شب‌های قدر:

اعمال شب‌های قدر بر دو قسم است. یک قسم آن مشترک میان هر سه شب است و قسم دیگر اعمالی است که مخصوص هر یک از این سه شب می‌باشد.

اعمال مشترک شب‌های قدر:

۱- غسل شب قدر است، مرحوم «علامه مجلسی» فرموده: بهتر است غسل شب‌های قدر را مقارن غروب آفتاب انجام دهند که نماز مغرب را با غسل بخوانند.^۳

۲. رجوع شود به: اقبال، صفحه ۱۶۷.

۱. زاد المعاد، صفحه ۱۸۰.

۳. زاد المعاد، صفحه ۱۸۵.

بهتر است اگر می‌خواهند توسل گرفته، یا ذکر مصیبتی کنند قبل یا بعد از دعا باشد و دعا را قطع نکنند.

۵- زیارت امام حسین علیه السلام؛ به فرموده علامه مجلسی، زیارت امام حسین علیه السلام در هر یکی از این سه شب، مستحب مؤکد است،^۱ و در روایتی آمده است که سبب آمرزش گناهان می‌شود^۲ و اگر دسترسی به زیارت از نزدیک نداشته باشد، از دور زیارت کند.

۶- احیا داشتن شب‌های قدر است؛ یعنی این شب را تا صبح بیدار باشد و با عبادت و دعا و تلاوت قرآن و جلسات سخنرانی دینی و پرسش و پاسخ‌های مذهبی و یا مطالعه کتاب‌های تفسیر و عقاید و مواعظ سپری کند.

در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: هر کس شب قدر را احیا دارد، گناهان او آمرزیده شود، هر چند زیاد باشد،^۳ و بهتر است روز قبل مقداری استراحت کند و غذا و نوشیدنی کمتر بخورد تا خواب بر او غلبه نکند و کسانی که توانایی بر احیا ندارند، بهتر است اول شب را استراحت کنند و سحرگاهان بیدار باشند و عبادت نمایند.

۷- صد رکعت نماز بگزارد (هر دو رکعت به یک سلام) که فضیلت بسیار دارد و افضل آن است که اگر توانایی داشته باشد، در هر رکعت بعد از حمد، ده مرتبه سوره قل هو الله را بخواند.^۴

۸- مرحوم «شیخ کفعمی» در «مصباح» نقل کرده است که امام زین العابدین علیه السلام این دعا را در شب‌های نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم در حالت ایستاده و نشسته و در رکوع و سجود می‌خواندند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَمْسَيْتُ لَكَ عَبْدًا دَاخِرًا، لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا، وَلَا

خدایا من شام کردم در حالی که بنده خواری هستم که مالک سود و زبانی برای خویش نیستم

أَصْرَفُ عَنْهَا سُوءًا، أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي، وَأَعْتَرِفُ لَكَ بِضَعْفِ قُوَّتِي

و نتوانم از خویشتن پیش‌آمد ناگواری را بازگردانم و این مطلبی است که من آنرا بر خویش گواهی دهم و به ناتوانی خود و بیچارگی

وَقِلَّةِ حِيلَتِي، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي

در برابرت اعتراف دارم پس درود فرست بر محمد و آل محمد و وفا کن برایم بدانچه بر من

وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِنَ الْمَغْفِرَةِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، وَأَتِمِّمْ عَلَيَّ مَا

و همه مؤمنین و مؤمنات وعده فرمودی از آمرزش در این شب و تمام کن بر من آنچه را

۲. تهذیب، جلد ۶، صفحه ۴۹، حدیث ۲۶.

۱. زاد المعاد، صفحه ۱۸۶.

۴. همان مدرک، صفحه ۱۶۷.

۳. اقبال، صفحه ۱۸۶.

أَتَيْتَنِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ، الضَّعِيفُ الْفَقِيرُ الْمَهِينُ،

به من دادی زیرا که من بنده بینوای مستمند ناتوان تهیدست خوار توام

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي نَاسِيًا لِذِكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي، وَلَا لِأِحْسَانِكَ فِيمَا

خدایا مرا فراموشکار از یاد خویش در آنچه به من انعام فرمودی و از احسانت در آنچه به من

أَعْطَيْتَنِي، وَلَا أَيْسَاءً مِنْ إِجَابَتِكَ، وَإِنْ أَبْطَأْتُ عَنِّي فِي سَرَاءٍ أَوْ ضَرَاءٍ،

عطا کردی قرار مده و قرارم مده ناامید از اجابت خویش و اگرچه دیرزمانی طول کشد چه در خوشی و چه در سختی

أَوْ شِدَّةٍ أَوْ رَخَاءٍ، أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ بَلَاءٍ، أَوْ بُؤْسٍ أَوْ نِعْمَاءٍ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ. ۱

در دشواری یا در آسایش در تندرستی یا گرفتاری در تنگدستی یا در نعمت براستی تو شنوای دعایی.

۹- مرحوم «علامه مجلسی» می‌فرماید: بهترین اعمال در این شب‌ها طلب آمرزش گناهان و دعا برای امور دنیوی و اخروی است، هم برای خود و هم برای پدر و مادر و خویشان و برادران مؤمن؛ چه زنده باشند و چه از دنیا رفته باشند و همچنین ذکرهای مختلف و صلوات بر محمد و آتش، تا آن‌جا که مقدور است، انجام دهد و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای «جوشن کبیر» (صفحه ۱۳۸) را در این سه شب بخوانند. ۲

در روایتی آمده است که شخصی خدمت رسول خدا ﷺ رسید و عرض کرد: اگر شب قدر را درک کردم، چه چیزی را از خداوند طلب کنم؟ فرمود: عافیت و سلامتی را بخواه. ۳

اعمال مخصوص هر یک از شب‌های سه گانه قدر:

اعمال شب نوزدهم: اعمال شب نوزدهم چند چیز است:

۱- صد مرتبه بگوید: اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ. ۴

۲- صد مرتبه بگوید: اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. ۵

۳- دعایی را که در اعمال روزهای ماه رمضان ذکر کردیم (یا ذا الذی کان... - صفحه ۷۶۶ -) را بخواند. ۶

۴- این دعا را بخواند:

۱. بلدالامین، صفحه ۲۰۳. ۲. زاد المعاد، صفحه ۱۸۶ (با اندکی تصرف).

۳. مستدرک الوسائل، جلد ۷، صفحه ۴۵۸، حدیث ۱۲. ۴. اقبال، صفحه ۱۸۶ و زاد المعاد، صفحه ۱۸۶.

۵. همان مدرک. ۶. اقبال، صفحه ۱۸۷.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيْمَا تَقْضِي وَتَقْدَرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ، وَفِيْمَا تَفْرُقُ مِنْ

خدایا قرار ده در آنچه حکم کرده و مقدر فرموده‌ای از سرنوشت حتمی و در آنچه جدا کنی از

الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَفِي الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يُبَدَّلُ، أَنْ

فرمان حکیمانه‌ات در شب قدر و در آن قضا و قدری که برگشت و تغییر و تبدیلی ندارد

تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ، الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ،

که نام مرا در زمره حاجیان خانه محترمت (کعبه) بنویسی آنان که حجتشان مقبول و سعیشان مورد تقدیر

الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَاجْعَلْ فِيْمَا تَقْضِي وَتَقْدَرُ، أَنْ

و گناهانشان آمرزیده و کردار بدشان بخشوده شده است و قرار ده در آنچه مقدر فرموده‌ای

تُطِيلَ عُمْرِي، وَتَوْسِعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، وَتَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا.^۱

که عمر مرا طولانی کرده و روزیم را وسیع گردانی و دربارم چنین و چنان کنی.

(به جای کلمه کذا و کذا، حاجت خود را عرضه دارد).

شب بیست و یکم: این شب فضیلتش از شب نوزدهم بیشتر است که اعمال مشترک شب‌های قدر را با توجه بیشتری انجام دهد. در روایات درباره غسل و احیا و تلاش در عبادت در این شب و شب بیست و سوم تأکید شده و آمده است که شب قدر در میان یکی از این دو شب است،^۲ و در چند روایت وقتی که از معصوم علیه السلام خواستند تا معین کنند که شب قدر، در میان کدام یک از این دو شب است، معین نکردند، بلکه فرمودند: مَا أَيْسَرَ لَيْلَتَيْنِ فِيْمَا تَطْلُبُ (احیای هر دو شب برای آنچه می‌خواهی مشکل نیست).^۳ و جالب این که «مرحوم صدوق» در «امالی» می‌گوید: «مِنْ دِينِ الْإِمَامِيَّةِ ... مَنْ أَحْيَى هَاتَيْنِ اللَّيْلَتَيْنِ بِمُذَاكِرَةِ الْعِلْمِ فَهُوَ أَفْضَلُ؛ از دستورات مذهب امامیه است که ... اگر کسی این دو شب را به گفتگوی علمی بپردازد، از هر عبادتی برتر است».^۴

اعمال شب بیست و یکم: اعمال این شب بر دو قسم است؛ قسم اول دعاهایی که مربوط به دهه آخر ماه رمضان است که خواهد آمد (صفحه ۷۹۶) و قسم دیگر اعمال مخصوص شب بیست و یکم، که به این شرح است:

۱- دعایی است که در «مصباح‌المتهجد» و «کافی» نقل شده است که در شب بیست و یکم خوانده می‌شود.^۵

۱. بحارالانوار، جلد ۹۵، صفحه ۱۴۷.

۲. اقبال، صفحه ۱۹۴.

۳. بحارالانوار، جلد ۹۴، صفحه ۲، حدیث ۴.

۴. امالی صدوق، صفحه ۶۴۹.

۵. مصباح‌المتهجد، صفحه ۶۲۸ و کافی، جلد ۴، صفحه ۱۶۰ (با اندکی تفاوت).

يَا مُوَلِّجَ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ، وَمُوَلِّجَ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ، وَمُخْرِجَ الْحَيِّ مِنَ

ای فروبرنده شب در روز و ای فروبرنده روز در شب و ای بیرون آورنده زنده از

الْمَيِّتِ، وَمُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ، يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ، يَا اللَّهُ

مرده و بیرون آورنده مرده از زنده ای روزی دهنده هرکه را خواهی بی حساب ای خدا،

يَا رَحْمَنُ، يَا اللَّهُ يَا رَحِيمُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى،

ای بخشاینده، ای خدا ای مهربان ای خدا ای خدا... از آن توست نامهای نیکو

وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا، وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلْيَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و نمونه‌های والا و بزرگی و نعمتها از تو خواهم درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرُوحِي مَعَ

محمد و نام مرا در این شب در زمره سعادتمندان قرار دهی و روحم را با

الشُّهَدَاءِ، وَاحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ، وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا

شهدا مقرون سازی و احسان و نیکوکاریم را در بلندترین درجه بهشت و گناهانم را آمرزیده کنی و به من یقینی عطا کنی که

تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي، وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي،

همیشه با دلم همراه باشد و ایمانی به من بدهی که شک و تردید را از من دور سازد و بدانچه روزیم کرده‌ای خشنودم سازی

وَأَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ،

و بدهی به من در دنیا نعمت نیک و در آخرت نعمت نیک و نگهداری ما را از عذاب آتش سوزان

وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا

و روزیم کنی در این شب ذکر خود و سپاسگزاری و اشتیاق و بازگشت بسویت و توفیق برای انجام آنچه را

وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

موفق داشتی بدان محمد و آل محمد را که بر او و بر ایشان سلام باد.

۲- مرحوم «شیخ کفعمی» از «سید بن باقی» نقل کرده است که در شب بیست و یکم می‌خوانی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَقْسِمُ لِي حِلْمًا يَسُدُّ عَنِّي بَابَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و چنان بردباری بپهرام کن که ببندد بر من در

الْجَهْلِ، وَهَدِي تَمَنُّهُ بِهِ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ ضَلَالَةٍ، وَغِنِي تَسُدُّ بِهِ عَنِّي بَابَ كُلِّ

نادانی را و هدایتی به من ده که بر من منت نهد از رهانیدن از هر گمراهی و بی‌نیازی به من بده که درهای انواع فقر را به تمامی بر من ببندد

فَقْرٍ، وَقُوَّةً تَرُدُّ بِهَا عَنِّي كُلَّ ضَعْفٍ، وَعِزًّا تُكْرِمُنِي بِهِ عَن كُلِّ ذِلَّةٍ، وَرِفْعَةً

و نیرویی به من ده که هرگونه سستی را از من بازگرداند و عزتی که از هر خواری مرا گرامی داری و رفعت مقامی

تَرْفَعُنِي بِهَا عَن كُلِّ ضَعْفَةٍ، وَأَمْنًا تَرُدُّ بِهِ عَنِّي كُلَّ خَوْفٍ، وَعَافِيَةً تَسْتُرُنِي

که بدان وسیله مرا از هر پستی بلند کنی و امنیتی که بوسیله آن هر ترسی را از من دور کنی و تندرستی که بدان وسیله

بِهَا مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ، وَعِلْمًا تَفْتَحُ لِي بِهِ كُلَّ يَقِينٍ، وَيَقِينًا تَذْهَبُ بِهِ عَنِّي كُلَّ

مرا از هر بلائی بیوشانی و دانشی که به آن هر یقینی را بر من مفتوح گردانی و یقینی که بدان وسیله هر

شَكٍّ، وَدُعَاءً تَبْسُطُ لِي بِهِ الْإِجَابَةَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ

شک و تردیدی را از من دور سازی و دعایی که اجابتش را بر من بگسترانی در همین امشب و در همین ساعت

السَّاعَةِ السَّاعَةِ يَا كَرِيمٌ، وَخَوْفًا تَنْشُرُ لِي بِهِ كُلَّ رَحْمَةٍ، وَعِصْمَةً تَحُولُ

... ای بزرگوار و تپسی به من بده که هر رحمتی را بدان وسیله بر من بگسترانی و مرا چنان خودنگهدار کن که همان

بِهَا بَيْنِي وَبَيْنَ الذُّنُوبِ، حَتَّى أَفْلِحَ بِهَا بَيْنَ الْمَعْصُومِينَ عِنْدَكَ، بِرَحْمَتِكَ

حالت میان من و گناهان حائل شود و بدان وسیله در پیشگاه معصومین (و خود نگهداران) درگاهت رستگار باشم

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱

ای مهربانترین مهربانان.

۳- به فرموده «شیخ مفید»، در این شب صلوات بسیار فرستد و بر ظالمان و غاصبان حقوق آل محمد علیهم السلام و همچنین بر قاتل امیرمؤمنان علیه السلام بسیار لعن و نفرین فرستد و برای خویش و پدر و مادرش و سایر مؤمنان دعا کند.^۲

۴- دعا برای وجود مبارک امام زمان علیه السلام و فرج آن حضرت، یکی دیگر از اعمال این شب است. در روایتی که «سید بن طاووس» از حماد بن عثمان نقل کرده می‌خوانیم: در شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، امام علیه السلام از من پرسید که آیا غسل کرده‌ای؟ گفتم: آری، امام علیه السلام حصیری طلبید و مرا نیز به کنارش فراخواند. آن حضرت علیه السلام مشغول نماز شد و من نیز نزدیک آن حضرت علیه السلام نماز می‌خواندم. وقتی که از نمازها فارغ شدیم، آن حضرت دعا کرد و من آمین گفتم، و این کار ادامه داشت تا صبح طلوع کرد. امام علیه السلام اذان و اقامه گفتند و برخی از خدمتکاران را فراخواند و نماز صبح را به امامت آن حضرت علیه السلام بجا آوردیم.

امام صادق علیه السلام بعد از نماز، به تسبیح و تقدیس پروردگار پرداخت و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستاد و برای مؤمنان دعا کرد؛ آنگاه به سجده رفت و ساعتی در سجده بود، و در آن مدت جز صدای نفس حضرت چیزی را نمی‌شنیدم، سپس دعایی خواند از جمله در دعایش عرض کرد:

وَ أَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتَكَ وَ مَا لَمْ أَسْأَلْكَ مِنْ عَظِيمِ جَلَالِكَ، مَا لَوْ

از تو تقاضا می‌کنم به جمیع آنچه که تو را با آن خواندم و آنچه را نخواندم، از عظیم جلال تو که اگر

عَلِمْتُهُ لَسَأَلْتُكَ بِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ أَنْ تَأْذِنَ لِفَرَجِ

می‌دانستم تو را با آن خواندم، از تو می‌خواهم بر محمد و اهل بیتش درود بفرستی و اجازه فرج

مَنْ بِفَرَجِهِ فَرَجُ أَوْلِيَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ بِهِ تَبِيدُ الظَّالِمِينَ

و ظهور کسی را بدهی که با ظهور او گشایشی در کار اولیای تو و برگزیدگان از خلقت ظاهر می‌شود و به وسیله او ظالمان را نابود

وَ تَهْلِكُهُمْ، عَجَّلْ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

و هلاک می‌سازی. ای پروردگار عالمیان، در ظهورش تعجیل فرما.

پس از آن که امام علیه السلام سر از سجده برداشت، عرض کردم: جانم به فدایت! شما برای فرج کسی دعا کردید که با فرج او گشایشی در کار دوستان و اولیای الهی حاصل خواهد شد؛ مگر آن کس شما نیستید؟ امام علیه السلام فرمود: نه! او قائم آل محمد است!

آنگاه امام صادق علیه السلام نشانه‌های ظهورش را بیان کرد و در ادامه فرمود: «شب و روز، منتظر ظهور مولایت باش! زیرا خداوند هر روز در شأن و کاری است، و انجام کاری او را از کار دیگر باز نمی‌دارد.»
(وَ تَوَقَّعْ أَمْرَ صَاحِبِكَ لَيْلِكَ وَ نَهَارِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ، لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ).^۱

نکته:

از شب بیست و یکم، دهه آخر ماه رمضان شروع می‌شود که بسیار پرارزش و مغتنم است. در هر شب از شب‌های این دهه، غسل مستحب است و روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر شب از شب‌های دهه آخر ماه رمضان غسل می‌کرد.^۲

همچنین اعتکاف در مساجد جامع در این دهه مستحب است و فضیلت فراوان دارد و در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان برابر دو حج و دو عمره شمرده شده است.^۳

۱. اقبال، صفحه ۲۰۰ (با تلخیص). ۲. همان مدرک، صفحه ۱۹۵.

۳. بحارالانوار، جلد ۹۴، صفحه ۱۲۹، حدیث ۷.

رسول خدا ﷺ در دههٔ آخر ماه رمضان در مسجد معتکف می‌شد^۱ بسترش را جمع می‌کرد و آماده و مهیا و بانشاط به شب‌زنده‌داری و عبادت می‌پرداخت (بسیاری از مسلمانان نیز در این امر به آن حضرت اقتدا می‌کردند)^۲، برخلاف آنچه بعضی از ناآگاهان می‌پندارند که با گذشت شب‌های قدر برنامهٔ ماه مبارک رمضان تمام شده است.

شب بیست و سوم: این شب، از دو شب قبل برتر است و از احادیث متعددی استفاده می‌شود که شب قدر همین شب است. در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که مردی به نام «جهنی» در ماه رمضان خدمت رسول خدا ﷺ آمد و به آن حضرت عرض کرد: من در بیرون مدینه به سر می‌برم و شتر و گوسفند دارم که نمی‌توانم همه شب در مدینه حاضر شوم. دوست دارم شبی را به من معرفی کنی تا آن شب را به مدینه بیایم و در نماز و عبادت حاضر باشم. حضرت او را به نزد خود فراخواند و به طور درگوشی آن شب را معرفی کرد.

«جهنی» نیز وقتی شب‌های بیست و سوم ماه رمضان فرا می‌رسید، با همهٔ خانواده و فرزندان و غلامان به مدینه می‌آمد و آن شب را می‌ماند و صبحگاهان به منزل خویش برمی‌گشت.^۳ همچنین در روایت دیگری نقل شده است که رسول خدا ﷺ در شب بیست و سوم ماه رمضان به سر و روی خانواده‌اش آب می‌پاشید تا به خواب نروند (و از فضیلت این شب بهره بگیرند).^۴ روایات متعدّد دیگری نیز داریم که می‌گویند: شب قدر، شب بیست و سوم است.^۵ مرحوم «علامه مجلسی» نیز در «زاد المعاد» می‌گوید: اکثر احادیث معتبر دلالت دارد که شب بیست و سوم، شب قدر است.^۶

اعمال مخصوص شب بیست و سوم: در شب بیست و سوم، غیر از اعمال مشترک شب‌های قدر،

اعمال دیگری نیز وارد شده است:

- ۱- سورهٔ عنکبوت و سورهٔ روم را بخواند که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس در شب بیست و سوم، سوره‌های عنکبوت و روم را بخواند، به خدا سوگند! اهل بهشت است».^۷
- ۲- هزار مرتبه سورهٔ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را بخواند.^۸

۱. اقبال، صفحهٔ ۱۹۵.

۲. بحارالانوار، جلد ۹۴، صفحهٔ ۱۳۰، حدیث ۷.

۳. اقبال، صفحهٔ ۲۰۷.

۴. همان مدرک.

۵. همان مدرک، صفحهٔ ۲۰۶ و ۲۰۷.

۶. زاد المعاد، صفحهٔ ۱۸۷.

۷. همان مدرک.

۸. مصباح‌المتهجد، صفحهٔ ۶۲۸ و اقبال، صفحهٔ ۲۱۱.

۳- سوره «حم دخان» را بخواند.^۱

۴- این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اَمُدُّ لِي فِي عُمْرِي، وَاَوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي، وَاصِحِّ لِي جِسْمِي،

خدایا دراز کن عمرم را و فراخ کن روزیم را و سالم گردان تنم را

وَبَلِّغْنِي اَمَلِي، وَاِنْ كُنْتُ مِنَ الْاَشْقِيَاءِ فَاْمَحْنِي مِنَ الْاَشْقِيَاءِ، وَاَكْتُبْنِي

و برسانم به آرزویم و اگر در زمره بدبختان هستم تو نامم را ازسک آنان پاک کن و در زمره

مِنَ السُّعْدَاءِ، فَاِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلٰى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ، صَلَوَاتُكَ

سعادت‌مندانم ثبت کن زیرا تو خودت در کتابی که بر پیامبر مرسلت(ص) نازل فرمودی چنین گفتی:

عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَمْحُو اللهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ، وَعِنْدَهُ اُمُّ الْكِتَابِ.^۲

«خدا هر چه خواهد محو می‌کند و ثبت می‌کند و نزد اوست اصل کتاب».

۵- این دعا را که مخصوص شب بیست و سوم است بخواند:

يَا رَبَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ، وَرَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ،

ای پروردگار شب قدر و قرار دهنده آن بهتر از هزار ماه و پروردگار شب و روز

وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ، وَالظُّلَمِ وَالْاَنْوَارِ، وَالْاَرْضِ وَالسَّمَاءِ، يَا بَارِيُّ يَا

و کوهها و دریاها و تاریکی‌ها و روشنیاها و زمین و آسمان ای پدیدآورنده ای

مُصَوِّرٌ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا اَللهُ يَا رَحْمَنُ، يَا اَللهُ يَا قَيُّوْمُ، يَا اَللهُ يَا بَدِيعُ، يَا

صورت بخش ای عطابخش ای نعمت ده ای خدا ای بخشننده ای خدا ای پاینده ای خدا ای نواقرین ای

اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ، لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى، وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا، وَالْكِبْرِيَا

خدا ای خدا ای خدا از آن توست نامهای نیک و نمونه‌های والا و بزرگی

وَالْاَلَاءِ، اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِي فِي

و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و قرار دهی نام مرا در

هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرُوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ، وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ،

این شب در زمره سعادت‌مندان و روحم را با شهیدان و احسان و نیکم را در بلندترین درجات

وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَإِيمَانًا يُذْهِبُ

و گناهان را آمرزیده و یقینی به من ببخشی که همیشه با دلم همراه باشد و ایمانی به من بدهی که

الشَّكَّ عَنِّي، وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي

یکسره شک و تردید را از من دور کنی و بدانچه نصیب کرده‌ای خشنودم سازی و بده به ما در دنیا نیکی و نعمت و در

الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

آخرت نیز نیکی و نگاهمان دار از عذاب آتش سوزان و روزیم کن در این شب ذکر خود

وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَّعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا

و سپاسگزاری و شوق و بازگشت و توبه بسوی خودت را و موفقم بدار بدانچه موفق داشتی بدان محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. ۲

و آل محمد علیهم السلام.



۶- این دعا را که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، بخواند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيهَا تَقْضِي وَفِيهَا تُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ، وَفِيهَا تَفْرُقُ

خدایا قرار ده در آنچه حکم کرده و مقدر فرموده‌ای از فرمان حتمی خود و در آنچه جدا کنی

مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ، فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ، أَنْ

از دستور حکیمانه‌ات در شب قدر از آن حکمی که بازگشت ندارد و تغییر پذیر نیست

تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا، الْمَبْرُورِ حَاجَّهُمْ،

که بنویسی مرا از حاجیان خانه محترم کعبه‌ات در همین امسال آنان که حجاجان مقبول

الْمَشْكُورِ سَعِيهِمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، الْمُكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَاجْعَلْ فِيهَا

و سعیشان مورد تقدیر و گناهانشان آمرزیده و اعمال بدشان بخشوده شده و مقرر فرما

تَقْضِي وَتُقَدِّرُ، أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي، وَتُوسِّعَ لِي فِي رِزْقِي. ۳

در آنچه حکم کرده و مقدر فرموده‌ای که عمرم را طولانی کنی و در روزیم وسعت دهی.



۲. کافی، جلد ۴، صفحه ۱۶۱ و مصباح المتبهج، صفحه ۶۲۹.

۱. کلمه «التار» در مصباح آمده است.

۳. اقبال، صفحه ۲۱۱.

۷- این دعا را که از امام حسن علیه السلام نقل شده است بخواند:

يَا بَاطِنًا فِي ظُهُورِهِ، وَيَا ظَاهِرًا فِي بَطُونِهِ، وَيَا بَاطِنًا لَيْسَ يَخْفَى، وَيَا

ای که نهان است در عین آشکارش و ای که آشکار است در عین نهانش و ای نهانی که درخفا نیستی و ای

ظَاهِرًا لَيْسَ يَرَى، يَا مَوْصُوفًا لَا يَبْلُغُ بِكَيْفُونَتِهِ مَوْصُوفٌ، وَلَا حَدٌّ

آشکاری که دیده نشوی ای که توصیف کنند ولی هیچ وصفی به کنه ذات تو نرسد و هیچ حدی

مَحْدُودٌ، وَيَا غَائِبًا غَيْرَ مَفْقُودٍ، وَيَا شَاهِدًا غَيْرَ مَشْهُودٍ، يُطْلَبُ

محدودت نکند و ای که پیدا نیستی ولی گم نشده‌ای و ای که حاضری ولی مشهودنشوی تو را طلب کنند

فِي صَابٍ، وَلَمْ يَخُلْ مِنْهُ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَا بَيْنَهُمَا طَرْفَةَ عَيْنٍ، لَا

و به مقصود نائل گردند، از تو خالی نیست آسمانها و زمین و مابین آن دو یک چشم برهم زدن،

يُدْرِكُ بِكَيْفٍ، وَلَا يُؤَيِّنُ بَيِّنٍ وَلَا بِحَيْثٍ، أَنْتَ نُورُ النُّورِ، وَرَبُّ الْأَرْبَابِ،

به چگونگی در نیایی و به جایی و سویی اندر نشوی تویی روشنی نور و پروردگار همه پروردگاران

أَحَطَّتْ بِجَمِيعِ الْأُمُورِ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ

به تمام امور احاطه داری منزّه خدایی که نیست مانندش چیزی و اوست شنوای

الْبَصِيرُ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا، وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ.^۱

بینا منزّه است آن‌که او چنین است و جز او دیگری چنین نخواهد بود.

سپس هر حاجتی داری از خدا بطلب.

۸- همچنین از معصومین علیهم السلام روایت شده است که در شب بیست و سوم ماه رمضان، در سجود و

ایستاده و نشسته دعای ذیل را می‌خواندند، بلکه مناسب است در تمام ماه رمضان، و در زمانهای دیگر پس از تمجید و ستایش خداوند و صلوات بر محمد و آلش (مثلاً حذاقل با گفتن الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ)، این دعا خوانده شود:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ، فِي

خدایا باش برای ولی خود حضرت حجت فرزند امام حسن عسکری دروذهای تو بر او و بر پدرانش باد در

هَذِهِ السَّاعَةِ، وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَكِيلًا

این ساعت و در هر ساعت یار و مددکار و نگهبان و رهبر و یاور و راهنما

۱. اقبال، صفحه ۲۱۱. در بحار الانوار، جلد ۹۵، صفحه ۱۶۵ آمده است که این دعا را امام علی بن الحسین علیه السلام در شب قدر می‌خواند.

وَعَيْنًا، حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.^۱

و دیده‌بان تا او را از روی میل و رغبت مردم در روی زمین سکونت دهی و بهره‌مندش سازی زمانی دراز.



۹- همچنین این دعا را در حالی که دستان خود را به سوی آسمان بلند می‌کند، بخواند:

يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، يَا مُجْرِيَ الْبُحُورِ، يَا مُلَيِّنَ

ای تدبیر کننده کارها ای برانگیزنده هر که در گورها است ای روان کننده دریاها ای نرم کننده

الْحَدِيدِ لِدَاوُدَ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا. به جای

آهن برای حضرت داود درود فرست بر محمد و آل محمد و بکن نسبت به من چنین و چنان. * * *

کلمات کذا و کذا حاجات خود را بخواهد و سپس اضافه کند: اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ، السَّاعَةَ السَّاعَةَ. این دعا را در حال رکوع، سجده، ایستاده و نشسته به طور مکرر بخوان.^۲



۱۰- با توجه به اهمیت شب بیست و سوم، غسل، احیا و زیارت امام حسین علیه السلام در این شب فضیلت بسیار دارد و همچنین خواندن آن صد رکعت نماز که مشترک میان همه شب‌های قدر است.

«شیخ طوسی» در «تهذیب»، از ابوبصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: در آن شبی که امید می‌رود شب قدر باشد صد رکعت نماز بخوان؛ در هر رکعت (پس از حمد) ده مرتبه سوره قل هو الله را بخوان. ابوبصیر عرض کرد: اگر نتوانستم ایستاده بخوانم، چه کنم؟ فرمود: نشسته بجا آور! گفتم: اگر نتوانم نشسته بخوانم؟ فرمود: در همان حال که در بستر خود دراز کشیده‌ای، بجا آور.^۳



۱۱- مرحوم «علامه مجلسی»، در «زاد المعاد» فرموده است: در این شب هر مقدار که ممکن باشد، قرآن بخواند، و از دعاهای «صحیفه کامله سجّادیه» نیز استفاده کند؛ مخصوصاً دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه.

روزهای شب قدر را نیز باید حرمت داشت و به عبادت و دعا به سر برد؛ در احادیث فراوانی آمده است که روز قدر نیز در فضیلت مثل شب قدر است.^۴

۱. مصباح المتهجد، صفحه ۶۳۰ و مصباح کفعمی، صفحه ۵۸۶ (با اندکی تفاوت).

۲. فقیه، جلد ۲، صفحه ۱۶۲ و بحار الانوار، جلد ۹۵، صفحه ۷۰.

۳. تهذیب، جلد ۳، صفحه ۶۴، حدیث ۱۹.

۴. زاد المعاد، صفحه ۱۹۰.

دعای شب‌های دهه آخر ماه مبارک رمضان:

دعاهای این شب‌ها بر دو قسم است؛ نخست دعاهایی که مشترک میان همه شب‌های این دهه است که در هر شب از دهه آخر ماه رمضان خوانده می‌شود و دیگر، دعاهایی که مخصوص هر شب از دهه آخر است.

دعاهای مشترک شب‌های آخر ماه رمضان:

۱- مرحوم «شیخ کلینی» در کتاب شریف «کافی» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: در دهه آخر ماه رمضان، هر شب این دعا را می‌خوانی:

أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ، أَوْ يَطْلُعَ

پناه می‌برم به جلال ذات بزرگوارت از این‌که ماه رمضان از من بگذرد یا سبیده

الْفَجْرِ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ، وَ لَكَ قِبَلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَةٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ. ۱

امشب بر من طلوع کند و باز هم از من در پیش تو گناه یا چیزی که یادش بد است مانده باشد که بدان عذابم کنی.

۲- از مرحوم «کفعمی» در حاشیه «بلد الامین» از امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت در هر شب از دهه آخر ماه رمضان، بعد از نمازهای فریضه و نافله، این دعا را می‌خواند:

اللَّهُمَّ ادِّعْنَا حَقَّ مَا مَضَى مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَ اغْفِرْ لَنَا تَقْصِيرَنَا فِيهِ،

خدایا اداء کن از ما حق ایام گذشته ماه رمضان را و بیامرز تقصیر ما را در این ماه

وَ تَسَلَّمَهُ مِنَّا مَقْبُولاً، وَ لَا تُؤَاخِذْنَا بِإِسْرَافِنَا عَلَى أَنْفُسِنَا، وَ اجْعَلْنَا مِنْ

و آن را پذیرفته از ما دریافت کن و مگیر ما را به زیاده‌رویهایی که بر نفس خویش کردیم و قرارمان ده از

الْمَرْحُومِينَ، وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَحْرُومِينَ. ۲

رحمت شدگان و قرارمان مده از محرومان.

۳- «سید بن طاووس» در «اقبال»، از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت در هر شب از دهه آخر ماه رمضان این دعا را می‌خواند:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ، شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ،

خدایا تو فرمودی در قرانت‌که از آسمان نازل گشته «ماه رمضانی که قرآن در آن نازل گشته

هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ، فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ

که آن قرآن راهنمای مردم و حجت‌هایی است از هدایت و تمیز» و بدین ترتیب حرمت ماه رمضان را

بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ، وَ خَصَّصْتَهُ بِبَلِيَّةِ الْقَدْرِ، وَ جَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ

با نازل فرمودن قرآن بزرگ کردی و به شب قدر مخصوصش داشتی و آن شب را بهتر

أَلْفِ شَهْرٍ، اللَّهُمَّ وَهَذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدْ أَنْقَضْتُمْ، وَ لِيَالِيهِ قَدْ

از هزار ماه گرداندی خدایا این روزهای ماه رمضان بود که بر من گذشت و این شبهای آن است که آن نیز

تَصَرَّمْتُمْ، وَ قَدْ صِرْتُ يَا إِلَهِي مِنْهُ إِلَىٰ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، وَ أَحْصَىٰ

گذشت و من ای معبودم از این ماه به حالی درآمده‌ام که تو خود بهتر از من می‌دانی

لِعَدَدِهِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، فَاسْأَلُكَ بِمَا سَأَلُكَ بِهِ مَلَائِكَتُكَ الْمُقْرَبُونَ،

و شمارش را از همه مردم بهتر داری پس از تو خواهم بدانچه فرشتگان مقربت

وَ أَنْبِيَائُكَ الْمُرْسَلُونَ، وَ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

و پیامبران فرستاده‌ات و بندگان شایسته‌ات تو را بدان خواستند که درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُفَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَ أَنْ

محمد و این‌که مرا از آتش دوزخ آزاد کنی و به رحمت خویش به بهشتم ببری و به

تَنْفِضَ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَ كَرَمِكَ، وَ تَتَقَبَّلَ تَقْرُبِي، وَ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي،

عفو و بزرگواری خویش بر من تفضل کنی و تقربجویی مرا بپذیری و دعایم را مستجاب گردانی

وَ تَمَنَّ عَلَيَّ بِالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ أَعَدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ، إِلَهِي

و در آن روز ترس و وحشت با امان دادم از هر هراسی که برای روز قیامت آماده کرده‌ای بر من منت نهی خدایا

وَ أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَ بِجَلَالِكَ الْعَظِيمِ، أَنْ يَنْقُضِيَ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ

پناه می‌برم به ذات بزرگوارت و به جلال و شوکت عظمت که بگذرد روزها

وَ لِيَالِيهِ، وَ لَكَ قَبْلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُؤَاخِذُنِي بِهِ، أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُقْتَصَّهَا

و شبهای ماه رمضان و از تو در نزد من گناه یا پاداش بدی باشد که مرا بدان مواخذه کنی یا خطایی باشد که بخواهی آنرا از من تقاص کنی

مِنِّي، لَمْ تَغْفِرْهَا لِي، سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي، أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِذْ لَا

و نیامزیده باشی ای آقای من آقای من از تو خواهم ای که معبودی جز تو نیست زیرا

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّي فِي هَذَا الشَّهْرِ، فَازِدْ عَنِّي رِضًا، وَإِنْ

معبودی جز تو نیست که اگر در این ماه از من خشنود گشته‌ای بر خشنودی خویش از من بیفزای و اگر

لَمْ تَكُنْ رَضِيَتْ عَنِّي، فَمِنَ الْآنَ فَارِضَ عَنِّي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا اللَّهُ

هنوز خشنود نشده‌ای از هم‌اکنون از من خشنود شو ای مهربانترین مهربانان ای خدا

يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. و بسیار بگو:

ای یکتا ای بی‌نیاز ای که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و برای او همتایی نباشد هیچ کس * * * * *

يَا مُلَيْنَ الْحَدِيدِ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْكَرْبِ الْعِظَامِ عَنْ

ای نرم کننده آهن برای حضرت داوود علیه‌السلام ای برطرفکننده گرفتاری و ناراحتی بزرگ از

أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَيُّ مُفَرِّجِ هَمِّ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَيُّ مُنْفِسِ غَمِّ

ایوب علیه‌السلام ای گشاینده اندوه یعقوب علیه السلام ای زداینده غم

يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ أَنْ

یوسف علیه‌السلام درود فرست بر محمد و آل محمد بدانسان که تو شایسته آنی که

تَصَلِّيَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ

درود فرستی بر ایشان همگی و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی و انجام مده درباره من آنچه من سزاوارم

* * *

دعاهای مخصوص هر شب از دهه آخر ماه رمضان:

دعای مخصوص شب بیست و یکم گذشت.

دعای شب بیست و دوم:

يَا سَالِحَ النَّهَارِ مِنَ اللَّيْلِ فَإِذَا نَحْنُ مُظْلِمُونَ، وَمَجْرَى الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّهَا

ای که روز (روشن) را از شب (تار) برکنی و ناگهان ما در تاریکی فرو رویم و ای روان‌کننده خورشید روی مدارش

بِتَقْدِيرِكَ، يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمٌ، وَمَقَدَّرَ الْقَمَرَ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ

به تقدیری که فرمودی ای نیرومند ای دانا و ای اندازه‌گیر ماه در منزلهای معین تا بازگردد چون شاخه

الْقَدِيمِ، يَا نُورَ كُلِّ نُوْرٍ، وَمُنْتَهَىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ، وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ، يَا اللَّهُ يَا

خرمای لاغر خشک ای روشنی هر نور و آخرین سرخدر شوق و سرپرست هر نعمت ای خدا ای

رَحْمَنُ، يَا اللَّهُ يَا قُدُّوسٌ، يَا أَحَدُ يَا وَاحِدٌ يَا فَرْدٌ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ

بخشاینده ای خدا ای منزّه از هر عیبی یگانه ای یکتا ای فرد ای خدا... از آن توست

الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالَ الْعُلْيَا، وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْأَلَاءِ، أَسْأَلُكَ أَنْ

نامهای نیک و نمونه‌های والا و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که درود

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي

فرستی بر محمد و خاندانش و قرار دهی نامم را در این شب در زمره

السُّعْدَاءِ، وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ، وَإِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ، وَإِسَاتِي

سعادتندان و روحم را با شهیدان و احسان و نیکیم را در بلندترین درجات و گناهم را

مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي،

آمریزده و دیگر این‌که یقینی به من بدهی که همیشه با دلم همراه باشد و ایمانی به من عطا کنی که شک و تردید را یکسره از من دور سازد

وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَأَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً،

و بدانچه نصیب کرده‌ای خشنودم ساز و بده به ما در دنیا نعمت نیک و در آخرت نیز نعمت نیک

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ

و نگهدار ما را از عذاب آتش‌سوزان و روزیم گردان در این شب ذکر خود و سپاسگزاری و اشتیاق

إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَفْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.^۲

و بازگشت بسویت را و موفق داری مرا برای انجام آنچه را موفق داشتی بدان محمد و آل محمد علیهم السلام را.

دعای شب بیست و سوم قبلاً گذشت.



دعای شب بیست و چهارم:

يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ، وَجَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَنًا، وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا، يَا

ای شکافنده سپیده صبح و ای قرار دهنده شب را وسیله آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب کردن ای

عَزِيزُ يَا عَلِيمُ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ، وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ،

نیرومند ای دانا ای صاحب نعمت و بخشش و نیرو و جنبش و فضل و نعمت‌بخشی

وَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، يَا اللَّهُ يَا فَرْدُ يَا وَتَرُ، يَا اللَّهُ يَا ظَاهِرُ

و جلالت و بزرگواری ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای یگانه یکتا ای خدا ای آشکار

۱. کلمه «التار» در دعای این شب و دعای شب‌های دیگر در مصباح آمده است.

۲. کافی، جلد ۴، صفحه ۱۶۱ و مصباح‌المتهجد، صفحه ۶۲۹.

يَا بَاطِنُ، يَا حَىُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا،

و ای نهان ای زنده‌ای که معبودی جز تو نیست از آن توست نامهای نیک و نمونه‌های والا

وَ الْكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و دیگر آن‌که

تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ،

قرار دهی نام مرا در این شب در زمرهٔ سعادت‌منان و روحم را با شهیدان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ، وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِرُ بِهِ

و احسان و نیکم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و یقینی به من ببخشی که همواره با دلم مقرون باشد

قَلْبِي، وَإِيمَانًا يَذْهَبُ الشَّكَّ عَنِّي، وَرِضَى بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَآتِنَا فِي

و ایمانی بدهی که شک و تردید را از من دور سازد و خشنودی بدانچه نصیب کرده‌ای و بده به ما در

الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي

دنیا نیکی و نعمت و در آخرت نیز نیکی و نعمت و بازمان دار از عذاب آتش سوزان و روزیم کن

فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا

در این شب ذکر خود و سپاسگزاری را و میل و رغبت و بازگشت و توبه کردن بسویت را و موفقم بدار بدانچه

وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّوْا تَكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ ۱.

موفق داشتی بدان محمد و آل محمد را درودهای تو و بر او و بر ایشان باد.



دعای شب بیست و پنجم:

يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ لِبَاسًا، وَالنَّهَارِ مَعَاشًا، وَالْأَرْضِ مِهَادًا، وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا،

ای که شب را پوشش قراردادی و روز را وسیلهٔ درآوردن روزی‌وزمین را گهواره (یا بستر گسترده) و کوهها را چون میخ قرار دادی

يَا اللَّهُ يَا قَاهِرُ، يَا اللَّهُ يَا جَبَّارُ، يَا اللَّهُ يَا سَمِيعُ، يَا اللَّهُ يَا قَرِيبُ، يَا اللَّهُ يَا

ای خدا ای چیره ای با جبروت ای خدا ای شنوا ای خدا ای نزدیک ای خدا ای

مُجِيبُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا،

پاسخ ده ای خدا... از آن توست نامهای نیک و نمونه‌های والا

وَالْكَبْرِ يَاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ

و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و قرار دهی

اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ، وَاحْسَانِي فِي

نامم را در این شب در زمره سعادتمندان و روحم را با شهیدان و احسان و نیکم را

عَلِيِّينَ، وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَإِيْمَانًا

در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و یقینی به من بدهی که همیشه ملازم دل من باشد و ایمانی

يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي، وَرَضِيَ بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَأَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي

به من عطا کنی که شک و تردید را از من دور سازد و خشنودم سازی بدانچه نصیب کرده‌ای و بدهی به من در دنیا نیکی و در

الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

آخرت نیکی و نگاهم داری از آتش سوزان دوزخ و روزیم کنی در این شب ذکر خود

وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَّعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا

و سپاسگزاری را و شوق و رغبت و بازگشت و توبه به درگاهت و موفقم دار بدانچه موفق داشتی بدان محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.^۱

و آل محمد علیهم السلام را.



دعای شب بیست و ششم:

يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَتَيْنِ، يَا مَنْ مَحَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ النَّهَارِ

ای قرار دهنده شب و روز را دو نشانه (بر قدرت) ای که نشانه شب را سیاه و نشانه روز را

مُبْصِرَةً، لَتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْهُ وَرِضْوَانًا، يَا مُفْضِلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصِيلًا، يَا

روشنی‌بخش کردی تا فزونی جویند از فضل و خشنودی پروردگار ای جداکننده هر چیز بخوبی ای

مُاجِدٍ يَا وَهَّابٍ، يَا اللَّهُ يَا جَوَادٍ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى،

صاحب مجد و شوکت ای پربخشش ای خدا ای بخشنده ای خدا... از آن توست نامهای نیک

وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا، وَالْكَبْرِ يَاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و نمونه‌های والا و بزرگ و نعمتها از تو خواهم درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرُوحِي مَعَ

محمد و دیگر آن‌که نامم را در این شب در زمرهٔ سعادتمندان قرار دهی و روحم را با

الشُّهَدَاءِ، وَاحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ، وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً

شهیدان و احسان و نیکم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و ببخشی بر من

تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَ اِيْمَاناً يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي، وَ تُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي،

یقینی که همواره ملازم قلبم باشد و ایمانی که یکسره شک و تردید را از من دور سازد و خشنودم سازی بدانچه نصیب کرده‌ای

وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ،

و بدهی به من در دنیا نیکی و نعمت و در آخرت نیز نیکی و نگاهمان داری از عذاب آتش سوزان

وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ، وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ، وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ،

و روزیم کنی در این شب ذکرت و سپاسگزاریت را و شوق و رغبت و بازگشت و توبه بسویت

وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَّعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ.

و موفقم داری بدانچه موفقی داشتی بدان محمد و آل محمد را که درود تو بر او و برایشان باد.

دعای شب بیست و هفتم:

يَا مَادَّ الظِّلِّ وَلَوْ شِئْتَ لَجَعَلْتَهُ سَاكِنًا، وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا، ثُمَّ

ای امتداد دهندهٔ سایه که اگر می‌خواستی آن را در یکجا ساکن می‌کردی و قراردادی خورشید را بر آن سایه رهبر سپس

قَبَضْتَهُ إِلَيْكَ قَبْضًا يَسِيرًا، يَا ذَا الْجُودِ وَالطُّوْلِ، وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْأَلَاءِ، لَا

آن را به آسانی تدریجاً دربرگرفتی ای صاحب جود و عطا و کبریا و نعمتها

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، أَلرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا

معبودی جز تو نیست که دانای غیب و شهود و بخشاینده و مهربانی معبودی جز تو نیست ای

قُدُّوسُ يَا سَلَامُ، يَا مُؤْمِنُ يَا مَهْيَمِنُ، يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ، يَا اللَّهُ يَا

منزه از هر عیب ای بی‌خلل ای ایمنی بخش ای مراقب بندگان ای نیرومند ای مقتدر ای بزرگوار ای خدا ای

خَالِقُ، يَا بَارِيُّ يَا مُصَوِّرُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى،

آفریننده ای ایجاد کننده ای صورتگر ای خدا ای خدا ای خدا از آن توست نامهای نیکو

وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا، وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و نمونه‌های والا و کبریا و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرُوحِي مَعَ

وأل محمد و این‌که نامم را در این شب در زمره سعادتمندان قرار دهی و روحم را با

الشُّهَدَاءِ، وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ، وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا

شهیدان و احسان و نیکم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و ببخشی بر من یقینی

تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَإِيمَانًا يَذْهَبُ الشُّكَّ عَنِّي، وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي،

که همواره ملازم قلب من باشد و ایمانی که شک و تردید را یکسره از من دور سازد و خشنودم سازی بدانچه نصیب کرده‌ای

وَأَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ،

و بده به من در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهم‌دار از عذاب آتش سوزان

وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ،

و روزیم گردان در این شب ذکر خود و سپاسگزاری را و شوق و رغبت بسویت و بازگشت و توبه به درگاهت

والتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَّعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَأَلِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.

و موفقم بدار بدانچه موفق داشتی بدان محمد و آل محمد را درود تو بر او و بر ایشان باد.



دعای شب بیست و هشتم:

يَا خَازِنَ اللَّيْلِ فِي الْهَوَاءِ، وَخَازِنَ النُّورِ فِي السَّمَاءِ، وَمَانِعَ السَّمَاءِ أَنْ

ای جا دهنده تاریکی شب را در هوا و جا دهنده روشنی (روز) را در آسمان و جلوگیری کننده آسمان از این‌که

تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَحَابِسَهُمَا أَنْ تَزُولَا، يَا عَلِيمُ يَا غَفُورُ يَا

بر زمین افتد مگر به اذن او و نگهدارنده آسمان و زمین از این‌که از جای خود بدر روند ای دانا ای آمرزنده ای

دَائِمُ، يَا اللَّهُ يَا وَارِثُ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ

جاویدان ای خدا ای ارث برنده ای برانگیزنده مردگان در میان گورها ای خدا ای خدا ای خدا از آن تو است

الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا، وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

نامهای نیکو و نمونه‌های والا و کبریا و نعمتها از توخواهم که درود فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ،

بر محمد و آل محمد و این‌که قرار دهی نامم را در این شب در زمرهٔ سعادت‌مندان

و رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ، وَاحْسَانِي فِي عَلِيَّيْنِ، وَاسَائَتِي مَعْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ

و روحم را با شهیدان و احسانم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و ببخش

لِي يَقِينًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي، وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ

بر من یقینی که پیوسته همراه و ملازم دلم باشد و ایمانی به من ده که یکسره شک و تردید را از من دور سازد و خشنودم سازی بدانچه نصیب کرده‌ای

لِي، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

و بده به ما در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهمان دار از آتش سوزان دوزخ

الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ،

و روزیمان گردان در این شب یاد خود و سپاسگزاری را و شوق و رغبت و بازگشت و توبه به سوی

والتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَّعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ^۱.

و موقم دار بدانچه موفق داشتی بدان محمد و آل محمد را درود خدا بر او و بر ایشان باد.

دعای شب بیست و نهم:

يَا مُكَوِّرَ اللَّيْلِ عَلَى النَّهَارِ، وَمُكَوِّرَ النَّهَارِ عَلَى اللَّيْلِ، يَا عَلِيمُ يَا

ای خدایی که شب را به روز پیچانی و روز را بر شب بیچانی ای دانا ای

حَكِيمُ، يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ، وَ سَيِّدَ السُّادَاتِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا أَقْرَبَ إِلَيَّ

فرزانه ای پروردگار همهٔ پروردگاران و آقای همهٔ بزرگان معبودی جز تو نیست ای که نزدیکتری به من

مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالُ

از رگ کردن ای خدا ای خدا ای خدا از آن توست نامهای نیکو و نمونه‌های

الْعُلْيَا، وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْأَلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

والا و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَ رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ،

و قرار دهی نام مرا در این شب در زمرهٔ سعادت‌مندان و روحم را با شهیدان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ، وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِرُ بِهِ

و احسان و نیکیم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و بیخشی بر من یقینی که پیوسته ملازم

قَلْبِي، وَإِيمَانًا يَذْهَبُ الشُّكَّ عَنِّي، وَتَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَآتِنَا فِي

دل من باشد و ایمانی که یکسره شک و تردید را از من دور سازد و خوشنودم سازی بدانچه بهره‌ام کرده‌ای و به ماعطا فرما در

الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي

دنیا نیکي و در آخرت نیکي و نگاهمان دار از عذاب آتش سوزان و روزیم گردان

فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا

در این شب ذکر خود و سپاسگزاری و شوق و رغبت بسویت و بازگشت و توبه به درگاهت را و موفقم دار بدانچه

وَفَقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِمْ^۱.

موفق داشتنی بدان محمد و آل محمد را که درود خدا بر او و بر ایشان باد.



دعای شب سی‌ام:

الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ، وَعِزِّ جَلَالِهِ،

ستایش مخصوص خدایی است که شریک ندارد ستایش خاص خدا چنانچه شایسته بزرگواری ذات و شوکت جلال اوست

وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ، يَا قُدُّوسُ يَا نُورُ، يَا نُورَ الْقُدْسِ، يَا سُبُّوحُ يَا مُنْتَهَى

و چنانچه سزاوار آن است ای منزّه ای روشنی ده ای روشنی مقدس ای پاکیزه از هر عیب ای آخرین حد

التَّسْبِيحِ، يَا رَحْمَنُ يَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ، يَا اللَّهُ يَا عَلِيمُ يَا كَبِيرُ، يَا اللَّهُ يَا

پاکیزگی ای بخشاینده ای مهر پیشه ای خدا ای دانا ای بزرگوار ای خدا ای

لَطِيفُ يَا جَلِيلُ، يَا اللَّهُ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ

با لطف ای برجسته ای خدا ای شنوا ای بینا ای خدا ای خدا ای خدا از آن تو است نامهای

الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالَ الْعُلْيَا، وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

نیکی و نمونه‌های والا و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرَوْحِي

محمد و خاندانش و قرار دهی نامم را در این شب در زمره سعادتمندان و روحم را

مَعَ الشُّهَدَاءِ، وَاحْسَانِي فِي عَلِيَّيْنِ، وَاسْبَأْتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا

با شهیدان و احسان و نیکیم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و بخششی به من یقینی

تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَ اِيْمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي، وَ تُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي،

که پیوسته ملازم دل من باشد و ایمانی که یکسره شک و تردید را از من دور سازد و خشنودم سازی بدانچه نصیب کرده‌ای

وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ،

و بدهی به من در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهم داری از عذاب آتش سوزان

وَ ارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ، وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ، وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ،

و روزیم کنی در این شب ذکر خودو سپاسگزاری و شوق و رغبت بسویت و بازگشت و توبه بدرگاہت

وَ التَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ. ۱

و موقم بدری بدانچه موفق داشتی بدان محمد و آل محمد را درود خدا بر او و بر ایشان باد.



شب بیست و هفتم ماه رمضان: این شب، شب مبارکی است و بزرگان اعمال زیر را برای آن ذکر کرده‌اند:

۱- «غسل» است که در روایتی از امام صادق علیه السلام به آن تصریح شده است. ۲

۲- سی رکعت نماز است که شرح آن در اعمال شب‌های ماه رمضان (صفحه ۷۱۳) گذشت.

۳- از زید بن علی علیه السلام نقل شده است که از پدرم علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که در شب بیست و هفتم ماه رمضان از اول شب تا آخر، این دعا را می‌خواند:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِي عَنِ دَارِ الْغُرُورِ، وَ الْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ،

خدایا روزیم کن دوری گزیدن از خانه فریب (ناپایدار) و بازگشت بسوی خانه جاویدان

وَ الْأِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفُوتِ. ۳

و آماده شدن برای مرگ پیش از رسیدن آن.

۴- دعای دیگری برای این شب، از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که مجموعه‌ای از آیات قرآن است:

۱. کافی، جلد ۴، صفحه ۱۶۴ و مصباح‌المتجهّد، صفحه ۶۳۴. ۲. اقبال، صفحه ۲۲۶.

۳. همان مدرک، صفحه ۲۲۸ و بحارالانوار، جلد ۹۵، صفحه ۶۳.

رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا، وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا، وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ؛ رَبَّنَا

پروردگارا، ما ایمان آوردیم، گناهان ما را ببخش و بدی‌های ما را بیوشان و ما را با نیکان بمیران! پروردگارا

وَأَتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ، وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ

آنچه را بوسیله پیامبرانت به ما وعده فرمودی، به ما عطا کن! و ما را در روز رستاخیز، رسوا مگردان، زیرا تو هیچ‌گاه از وعده خود، تخلف نمی‌کنی.

الْمِيعَادِ. رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ، فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ

پروردگارا! ما را دوبار میراندی و دوبار زنده کردی؛ اکنون به گناهان خود معترفیم، آیا

خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ. رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ، إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا.

راهی برای خارج شدن وجود دارد. پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذابش سخت و پردوام است.

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ، وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا.

پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایهٔ روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزگاران، پیشواگردان.

رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا، وَ إِلَيْكَ أُنْبَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ. رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً

پروردگارا! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشتیم و همه فرجام‌ها به سوی توست. پروردگارا! ما را مایهٔ گمراهی

لِلَّذِينَ كَفَرُوا، رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا، وَ لِأَخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ،

کافران قرار مده. پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند، بیامرز

وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا، رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ. ۱

و در دل‌های ما حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده. پروردگارا! تو مهربان و رحیمی!



شب آخر ماه رمضان: شب آخر ماه رمضان، شب مبارکی است که چند عمل در آن وارد شده است:

۱- غسل کردن.^۲

۲- زیارت امام حسین علیه السلام.^۳

۳- خواندن سوره‌های «انعام»، «کهف» و «یس».^۴

۴- صد مرتبه بگوید: **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ**.^۵

۵- خواندن این دعا که «شیخ کلینی» رحمه الله از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

۲. اقبال، صفحه ۲۳۷.

۱. بحارالانوار، جلد ۹۵، صفحه ۶۳.

۴. همان مدرک، صفحه ۲۴۲.

۳. همان مدرک.

۵. همان مدرک.

اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ، الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَقَدْ تَصَرَّمٌ، وَأَعُوذُ

خدایا این ماه رضائی است که در آن قرآن را نازل فرمودی و اکنون رو به رفتن است و پناه می‌برم

بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ يَا رَبِّ أَنْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ، أَوْ يَتَصَرَّمْ شَهْرُ

به ذات بزرگوارت ای پروردگار من که سپیده دم امشب بر من بزند یا ماه

رَمَضَانَ، وَلَكَ قَبْلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۱

رمضان بر من بگذرد و از تو در پیش من پیگرد یا گناهی باشد که بخواهی مرا در روز دیدارت عذاب فرمائی.

۶- خواندن دعای «یا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ» که در اعمال شب بیست و سوم (صفحه ۷۹۵) گذشت.^۲

۷- با ماه رمضان وداع کند و دعاهاى وداع را که علمای بزرگ در کتب خویش نقل کرده‌اند بخواند و از بهترین آن دعاها، دعای چهل و پنجم «صحیفه کامله سجّادیه» است.

«سید بن طاووس» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که هر کس در شب آخر ماه رمضان، با آن ماه وداع کند و این دعا را بخواند، خداوند او را پیش از طلوع صبح بیامرزد و توفیق توبه و انابه را به او مرحمت فرماید:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِي لِشَهْرِ رَمَضَانَ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ

خدایا قرارش مده آخرین دیدار از روزهام در ماه رمضان و پناه می‌برم به تو از آن‌که

يَطْلُعَ فَجْرٌ هَذِهِ اللَّيْلَةَ إِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَ لِي.^۳

سپیده دم امشب بر من بزند جز آن که مرا آمرزیده باشی.

در روایت دیگری از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که در جمعه آخر ماه رمضان به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شدم؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: این روز، جمعه آخر ماه رمضان است، با آن وداع کن و بگو:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِنَا أَيَّاهُ، فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنِي

خدایا قرارش مده آخرین دیدار ما از روزهان در ماه رمضان و اگر چنین کرده‌ای پس مرا

مَرْحُومًا، وَلَا تَجْعَلْنِي مَحْرُومًا.

مورد رحمت قرار ده و قرارم مده در زمره محرومان.

۱. کافی، جلد ۴، صفحه ۱۶۴، حدیث ۵.

۲. فقیه، جلد ۲، صفحه ۱۶۲.

۳. اقبال، صفحه ۲۵۶ و بحار الانوار، جلد ۹۵، صفحه ۱۸۱.

رسول خدا ﷺ در ادامه فرمود: هر کس در این روز این دعا را بخواند، به یکی از دو خصلت نیکو دست یابد، یا آن که ماه رمضان آینده را درک می‌کند و یا به آموزش و رحمت بی‌انتهای خداوند می‌رسد.^۱

۸- خواندن ده رکعت نماز (هر دو رکعت به یک سلام).

از رسول خدا ﷺ روایت شده است که هر کس در شب آخر ماه رمضان، ده رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و ده مرتبه سوره «قل هو الله احد» را بخواند و در رکوع و سجود ده مرتبه بگوید: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ** و بعد از هر دو رکعت، تشهد بخواند و سلام دهد و هنگامی که تمامی ده رکعت به پایان رسید، هزار مرتبه بگوید: **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ** و بعد از استغفار سر به سجده بگذارد و بگوید:

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

ای زنده ای پاینده ای صاحب جلالت و بزرگواری ای بخشاینده دنیا و آخرت

وَرَحِيمَهُمَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، اغْفِرْ لَنَا

و مهربان آن دو ای مهربانترین مهربانان ای معبود پیشینان و پسینان

ذُنُوبِنَا، وَتَقَبَّلْ مِنَّا صَلَواتَنَا وَصِيَامَنَا وَقِيَامَنَا.

گناهانمان را بپذیر و نمازها و روزهها و شب زنده‌داری‌هایمان را بپذیر.

فرمود: هر کس چنین کند، سوگند به حق آن کس که مرا به نبوت مبعوث کرد که جبرئیل مرا خبر داد از اسرافیل و اسرافیل از پروردگار خود، که هنوز این شخص سر از سجده برنداشته است که خداوند او را بیمارزد و ماه رمضان را از او قبول فرماید، و از گناهانش بگذرد...^۲

این نماز و اعمال برای شب عید فطر هم نقل شده است. در آن روایت آمده است: تسبیحات اربعه را در رکوع و سجود، به جای ذکر رکوع و سجود بخواند و به جای **اغفر لنا... اغفر لی ذنوبی، وَ تَقَبَّلْ صَوْمِي وَ صَلَاتِي وَ قِيَامِي.**^۳

دعای ختم قرآن در روز آخر ماه رمضان:

با توجه به این که در روز آخر ماه رمضان، غالباً مردم قرآن را ختم می‌کنند، مناسب است که بعد از ختم قرآن دعای چهل و دوم «صحیفه سجّادیه» را بخوانند.

۱. اقبال، صفحه ۲۴۳ و بحار الانوار، جلد ۹۵، صفحه ۱۷۲.

۲. اقبال، صفحه ۲۴۱ و بحار الانوار، جلد ۹۵، صفحه ۷۳.

۳. اقبال، صفحه ۲۷۲ و بحار الانوار، جلد ۸۸، صفحه ۱۳۰.

همچنین می‌توانند این دعای مختصر را که از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده است بخوانند:

اللَّهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي، وَاسْتَعْمِلْ بِالْقُرْآنِ بَدَنِي، وَنَوِّرْ بِالْقُرْآنِ

خدایا سینه‌ام را بوسیله قرآن بگشا و به کار انداز به دستورات قرآن بدنم را و روشن گردان بوسیله قرآن

بَصْرِي، وَاطْلُقْ بِالْقُرْآنِ لِسَانِي، وَأَعِنِّي عَلَيْهِ مَا أَبْقَيْتَنِي، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ

دیدم را و باز کن به قرآن زبانم را و کمکم ده به (عمل) بدان تا زنده‌ام داری زیرا هیچ

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ.^۱

جنبش و نیرویی نیست جز به تو.

همچنین دعای دیگری که آن حضرت از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِخْبَاتَ الْمُخْبِتِينَ، وَإِخْلَاصَ الْمُؤَقِنِينَ، وَمُرَافَقَةَ

خدایا از تو خواهم اطمینان و خشوع خائسان درگاهت را و اخلاص اهل یقین و رفاقت

الْأَبْرَارِ، وَاسْتِحْقَاقَ حَقَائِقِ الْإِيمَانِ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ

با نیکان و استحقاق پیدا کردن برای درک حقایق ایمان و نصیبی از هر خیر و سلامتی از

كُلِّ إِثْمٍ، وَوَجُوبَ رَحْمَتِكَ وَعِزَّائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ،

هر گناه و لازم شدن مهر و رحمتت و موجبات آمرزشت و رسیدن به بهشت

وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ.^۲

و رهایی از دوزخ.

برای شروع در تلاوت قرآن و پایان آن دعایی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که پیش از این

گذشت. (صفحه ۷۷۳)

نمازهای شب‌های ماه مبارک رمضان:

مرحوم «علامه مجلسی» در فصل آخر از اعمال ماه رمضان در کتاب «زاد المعاد»، نماز شب‌های ماه رمضان را چنین بیان می‌کند: (و با توجه به این که بهترین اعمال، در ماه مبارک، نماز و قرآن است و این نمازها در بردارنده بسیاری از سوره‌های قرآن است، هرکس هر چند شب را بخواند غنیمت است).

۱. مصباح‌المتجهّد، صفحه ۳۲۳ و بحارالانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۰۹.

۲. مکارم الاخلاق، صفحه ۳۴۲ و بحارالانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۰۶.

شب اول: چهار رکعت؛ هر رکعت بعد از سوره حمد پانزده مرتبه سوره توحید.

شب دوم: چهار رکعت؛ در هر رکعت بعد از سوره حمد بیست مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ.

شب سوم: ده رکعت؛ در هر رکعت بعد از سوره حمد پنجاه مرتبه سوره توحید.

شب چهارم: هشت رکعت؛ در هر رکعت بعد از سوره حمد بیست مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ.

شب پنجم: دو رکعت؛ در هر رکعت، سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید؛ بعد از سلام نماز، صد مرتبه بگوید: **اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ**.

شب ششم: چهار رکعت و در هر رکعت سوره حمد و سوره ملک.

شب هفتم: چهار رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد و سیزده مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ.

شب هشتم: دو رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد و ده مرتبه سوره توحید و پس از سلام نماز، هزار مرتبه بگوید: سبحان الله.

شب نهم: شش رکعت میان نماز مغرب و عشا؛ در هر رکعت سوره حمد و هفت مرتبه آیه الکرسی و پس از اتمام نماز، پنجاه مرتبه بگوید: **اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ**.

شب دهم: بیست رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و سی مرتبه سوره توحید.

شب یازدهم: دو رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و بیست مرتبه سوره کوثر.

شب دوازدهم: هشت رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و سی مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ.

شب سیزدهم: چهار رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و بیست و پنج مرتبه سوره توحید.

شب چهاردهم: شش رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و سی مرتبه سوره اِذَا زُلْزِلَتْ.

شب پانزدهم: چهار رکعت؛ در دو رکعت اول بعد از سوره حمد، صد مرتبه سوره توحید، و در دو رکعت دیگر، بعد از سوره حمد، پنجاه مرتبه سوره توحید.

شب شانزدهم: دوازده رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و دوازده مرتبه سوره تکاثر.

شب هفدهم: دو رکعت؛ در رکعت اول، سوره حمد و هر سوره‌ای که خواست بخواند و در رکعت دوم، سوره حمد و صد مرتبه سوره توحید و بعد از سلام نیز صد مرتبه بگوید: **لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ**.

شب هیجدهم: چهار رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و بیست و پنج مرتبه سوره کوثر.

شب نوزدهم: پنجاه رکعت؛ با سوره حمد، و پنجاه مرتبه سوره اِذَا زُلْزِلَتْ.

مرحوم «علامه مجلسی» می‌گوید: ظاهراً مراد آن است که در هر رکعت یک مرتبه این سوره را بخواند؛ زیرا در یک شب خواندن دوهزار و پانصد مرتبه سوره «اِذَا زُلْزِلَتْ» دشوار خواهد بود.

شبهای بیستم تا بیست و چهارم: در هر یک از این شب‌ها، هشت رکعت نماز بخواند که پس از حمد،

هر سوره‌ای خواست می‌خواند.

شب بیست و پنجم: هشت رکعت نماز؛ در هر رکعت سوره حمد، و ده مرتبه سوره توحید را بخواند.

شب بیست و ششم: هشت رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و صد مرتبه سوره توحید را بخواند.

شب بیست و هفتم: چهار رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و سوره ملک را بخواند و اگر نتوانست،

بیست و پنج مرتبه سوره توحید را بخواند.

شب بیست و هشتم: شش رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و صد مرتبه آیه الکرسی، صد مرتبه سوره

توحید و صد مرتبه سوره کوثر را بخواند و پس از پایان نماز، صد مرتبه صلوات بفرستد.

مرحوم حاج شیخ عباس قمی می‌نویسد: مطابق آنچه که من یافتم بجای صد مرتبه، ده مرتبه آمده

است^۱ (که همین مناسب‌تر به نظر می‌رسد).

شب بیست و نهم: دو رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و بیست مرتبه سوره توحید را بخواند.

شب سی‌ام: دوازده رکعت؛ در هر رکعت سوره حمد، و بیست مرتبه سوره توحید را بخواند و پس از

پایان نماز، صد مرتبه صلوات بفرستد.

یادآوری: این نمازها هر دو رکعت به یک سلام است.^۲ و همان گونه که گفته شد اگر تمام آنها را نتواند

بجا آورد، هر مقدار که می‌تواند بجا آورد، خوب است.

دعاهای مخصوص روزهای ماه رمضان:

از «ابن عباس» روایت شده است که رسول گرامی اسلام ﷺ برای روزه هر روز از ماه مبارک رمضان

فضیلت بسیاری را بیان فرمودند و همچنین برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و پاداش فراوان

ذکر کردند که ما در این جا آن دعاها را ذکر می‌کنیم.^۳

دعای روز اول: **اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ، وَقِيَامِي فِيهِ قِيَامَ**

*** * * * * * خدایا قرار ده روزهام را در این ماه روزه روزهداران واقعی و شب زنده‌داریم را نیز همانند

الْقَائِمِينَ، وَنَبِّهْنِي فِيهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ، وَهَبْ لِي جُرْمِي فِيهِ يَا إِلَهَ

شب زنده‌داران و بیدارم کن در آن از خواب بیخبران و جنایتم را بر من ببخش ای معبود

الْعَالَمِينَ، وَاعْفُ عَنِّي يَا عَافِيًا عَنِ الْمُجْرِمِينَ * روز دوم: اللَّهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ

جهانیان و درگذر از من ای درگذرنده از جنایتکاران * * * * * خدایا نزدیکم کن در این ماه

۱. مفاتیح الجنان، نمازهای شب‌های ماه رمضان. ۲. زاد المعاد، صفحه ۲۱۳ - ۲۱۴.

۳. همان مدرک، صفحه ۲۱۴ - ۲۲۰؛ همچنین در بلد الامین، صفحه ۲۱۹، دعاها همراه با ذکر ثواب‌ها آمده است.

إِلَى مَرْضَاتِكَ، وَجَنَّبَنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنِقْمَاتِكَ، وَوَقَّعَنِي فِيهِ لِقْرَاءَةِ

بسوی موجبات خشنودیت و دورم ساز در آن از خشم و عذابت و موقم دار در این روز بخواندن آیات

آيَاتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * روز سوم: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ

قرائت به رحمت خود ای مهربانترین مهربانان * * * * * خدایا روزیم کن در این ماه

الذُّهْنَ وَالتَّنْبِيَةَ، وَبَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَالتَّمْوِيهِ، وَاجْعَلْ لِي نَصِيبًا

تیزهوشی و بیداری و دورم گردان در آن از بی خردی و اشتباه کاری و مقز فرما بریم بهره‌ای

مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنَزِّلُ فِيهِ، بِجُودِكَ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ * روز چهارم: اَللّٰهُمَّ

از هر خیری که در آن نازل گردانی بچود و کرمت ای باجودترین جودمندان * * * * * خدایا

قَوِّنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ، وَأَذِقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ، وَأَوْزِعْنِي فِيهِ

نیرو ده مرا در این ماه برای داشتن فرمان و دستورت و بچشان به من شیرینی ذکرت و به من یاد ده در این ماه

لِلدَّاءِ شُكْرَكَ بِكَرَمِكَ، وَاحْفَظْنِي فِيهِ بِحِفْظِكَ وَسِتْرِكَ، يَا أَبْصَرَ

طرز بجا آوردن سپاسگزاری خود را به بزرگواریت و نگاهم دار در آن به نگهداری و محافظت خود ای بیناترین

التَّائِبِينَ * روز پنجم: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، وَاجْعَلْنِي فِيهِ

بیبایان * * * * * خدایا قرارم ده در این ماه از آمرزش خواهان و قرارم ده در آن

مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَانِتِينَ، وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُقَرَّبِينَ،

از بندگان شایسته فرمانبرداریت و بگردانم در این روز از اولیای مقرب درگاهت

بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * روز ششم: اَللّٰهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي فِيهِ لِتَعَرُّضِ

به مهترت ای مهربانترین مهربانان * * * * * خدایا در این ماه به خاطر دست زدن به نافرمانیت

مَعْصِيَتِكَ، وَلَا تَضْرِبْنِي بِسَيِّئِ نِقْمَتِكَ، وَزَحْزِحْنِي فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ

خوارم مساز و تازیانهای عذابت را بر من مزن و از موجبات خشمت

سَخَطِكَ، بِمَنِّكَ وَأَيَادِيكَ، يَا مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ * روز هفتم: اَللّٰهُمَّ اَعْنِي

بدان نعمت بخشی و الطافی که نسبت به بندگان داری دورم بدار ای آخرین حد اشتیاق مشتاقان * * * * * خدایا یاریم کن

فِيهِ عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ، وَجَنَّبَنِي فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَأَثَامِهِ، وَارْزُقْنِي فِيهِ

در این ماه بر روزه و شب زنده‌داریش و دورم بدار در آن از لغزشها و گناهانش و روزیم کن در آن

ذِكْرَكَ بِدَوَامِهِ، بِتَوْفِيقِكَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ * روز هشتم: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ

ذکر خود را بطور دوام و یکسره به توفیق خود ای راهنمای گمراهان * * * * * خدایا روزیم گردان در این ماه

رَحْمَةَ الْيَتَامِ، وَأَطْعَامَ الطَّعَامِ، وَافْشَاءَ السَّلَامِ، وَصُحْبَةَ الْكِرَامِ، بِطَوْلِكَ

مهرورزی نسبت به یتیمان و خوراندن طعام و به آشکار کردن سلام و هم‌نشینی با کریمان به فضل و کرم

يَا مَلْجَأَ الْأَمْلِينَ * رُوزِ نِهِم: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيْبًا مِّنْ رَّحْمَتِكَ

ای پناه آرزومندان * * * * * خدايا قرار ده براي من در اين روز بهره‌ای از رحمت

الْوَاسِعَةِ، وَاهْدِنِي فِيهِ لِبِرَاهِينِكَ السَّاطِعَةِ، وَخُذْ بِنَاصِيَّتِي إِلَى مَرْضَاتِكَ

وسيعت و راهنماييم کن در اين ماه بسوی دليلهای درخشان و مرا بسوی موجبات خشنودی

الْجَامِعَةِ، بِمَحَبَّتِكَ يَا أَمَلَ الْمُشْتَاقِينَ * رُوزِ دِهِم: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِّنْ

همه جانبهات سوق ده به حق محبت ای آرزوی مشتاقان * * * * * خدايا قرارم ده در اين ماه از

الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ، وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ لَدَيْكَ، وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِّنْ

توکل کنندگان بر خودت و بگردانم در آن از سعادت‌مندان درگاهت و قرارم ده در آن از

الْمُقَرَّبِينَ إِلَيْكَ، بِإِحْسَانِكَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ * رُوزِ يَازِدِهِم: اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ

مقربان پیشگاهت به حق احسانت ای هدف نهایی جویندگان * * * * * خدايادوست گردان نزد من

فِيهِ الْإِحْسَانَ، وَكَرَّهُهُ إِلَيَّ فِيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِضْيَانَ، وَحَرَّمْ عَلَيَّ فِيهِ

در اين ماه احسان و نیکی را و ناخوش دار در پیش من در اين روز فسق و نافرمانی و گناه را و حرام گردان در اين روز بر من

السَّخَطَ وَالنِّبْرَانَ، بِعَوْنِكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ * رُوزِ دَوَاذِهِم: اَللّٰهُمَّ زَيِّنِي

خشم کيفيار و آتش (سوزان) را به کمک خودت ای فریادرس فریادخواهان * * * * * خدايا در اين ماه

فِيهِ بِالسَّتْرِ وَالْعَفَافِ، وَاسْتُرْنِي فِيهِ بِلِبَاسِ الْقُنُوعِ وَالْكَفَافِ، وَاحْمِلْنِي

مرا به زيور پوشش از گناه و پاکدامنی بيارای و جامه قناعت و اکتفاي به مقدار حاجت را به برم کن و وادارم کن

فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْإِنصَافِ، وَآمِنِّي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ، بِعِصْمَتِكَ يَا

در اين روز به عدالت و انصاف و ايمنيم بخشي در آن از هر چه که از آن می‌ترسم به نگهداری خودت ای

عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ * رُوزِ سِيزِدِهِم: اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْأَقْدَارِ،

نگهدارنده ترسندگان * * * * * خدايا پاکم کن در اين ماه از چرکی و کثافات

وَصَبِّرْنِي فِيهِ عَلَى كَأْتِنَاتِ الْأَقْدَارِ، وَوَفَّقْنِي فِيهِ لِلتَّقَى وَصُحْبَةِ الْأَبْرَارِ،

و شکیبایم کن بر مقدراتی که خواهد شد و موفقم دار در اين ماه به پرهیزکاری و هم‌نشینی با نیکان

بِعَوْنِكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْمَسَاكِينِ. * رُوزِ چِهَارِدِهِم: اَللّٰهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي فِيهِ

به کمک خودت ای روشنایی دیده مسکینان * * * * * خدايا مگیر مرا در اين ماه

بِالْعَثَرَاتِ، وَأَقْلِنِي فِيهِ مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَفَوَاتِ، وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ غَرَضًا

به لغزشها و بازم دار در آن از خطاها و لغزشها و قرارم مده در این روز هدف

لِلْبَلَايَا وَالْأَفَاتِ، بِعِزَّتِكَ يَا عِزَّ الْمُسْلِمِينَ * روز پانزدهم: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ

بلاها و آفات به عزت ای عزت بخش مسلمانان * * * * * خدا یا فرمانبرداری

طَاعَةَ الْخَاشِعِينَ، وَاشْرَحْ فِيهِ صَدْرِي بِإِنَابَةِ الْمُخْبِتِينَ، بِإِمَانِكَ يَا أَمَانَ

فروتنان را در این ماه روزی من گردان و بگشا سینهام را برای بازگشتن بسویت همانند بازگشتن خاشعان به امان بخشیت ای امان بخش

الْخَائِفِينَ * روز شانزدهم: اَللّٰهُمَّ وَفَّقْنِي فِيهِ لِمُوَافَقَةِ الْأَبْرَارِ، وَجَنِّبْنِي فِيهِ

ترساکان * خدا یا موقم‌دار در این ماه به همراهی کردن با نیکان و دورم دار در آن از

مُرَاقَقَةِ الْأَشْرَارِ، وَأَوْنِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ، بِالْهَيْتِكَ يَا إِلَهَ

رفاقت با اشرار و جایم ده در آن بوسیله رحمت خود به خانه قرار و آرامش به معبودیت خود ای معبود

الْعَالَمِينَ * روز هفدهم: اَللّٰهُمَّ اهْدِنِي فِيهِ لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ، وَأَفْضِ لِي فِيهِ

جهانیان * * * * * خدا یا راهنمایم کن در آن به کارهای شایسته و برآور در آن

الْحَوَائِجَ وَالْأُمَالَ، يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ وَالسُّؤَالِ، يَا عَالِمًا بِمَا

حاجات و آرزوهای مرا ای کسی‌که نیازی به شرح حال و درخواست نداری ای دانا و آگاه

فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ، [صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ]. * روز هیجدهم:

بدانچه در دل مردم جهانیان است درود فرست بر محمد و آل پاکش * * * * *

اَللّٰهُمَّ نَبِّهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ اسْحَارِهِ، وَنَوِّرْ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ، وَخُذْ

خدا یا آگاهم ساز در این ماه از برکات سحرهای آن و نورانی کن در آن دلم را به پرتو انوار آن و بگمار

بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ أَثَارِهِ، بِنُورِكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ * روز

تمام اعضا و جوارحم را به پیروی کردن آثارش به نور خود ای روشنی دهنده دل‌های عارفان * * *

نَوْزِهِم: اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ فِيهِ حَظِّي مِنْ بَرَكَاتِهِ، وَسَهِّلْ سَبِيلِي إِلَى خَيْرَاتِهِ، وَلَا

* * * * * خدا یا سرشار کن در این ماه بهرهام را از برکات آن و هموار ساز راهم را به سوی خیرات آن

تَحْرِمْنِي قَبُولَ حَسَنَاتِهِ، يَا هَادِيًا إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ * روز بیستم: اَللّٰهُمَّ افْتَحْ

و محرومم مساز از پذیرفتن حسناتش ای راهنمای بسوی حقیقت آشکار * * * * * خدا یا بگشا

لِي فِيهِ أَبْوَابُ الْجَنَانِ، وَأَعْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ النَّيْرَانِ، وَوَفِّقْنِي فِيهِ

در این ماه برویم درهای بهشت را و ببند برویم در آن درهای دوزخ را و موفقم دار

لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، يَا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ * روز بیست و یکم: اَللّٰهُمَّ

به تلاوت قرآن ای فرو فرستنده آرامش در دل‌های مؤمنان * * * * * خدایا

اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ دَلِيلًا، وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ

برایم در این ماه دلیلی به موجبات خشنودی خود مقزّر فرما و راهی برای تسلط شیطان بر من باقی نگذار

سَبِيلًا، وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ لِي مَنْزِلًا وَمَقِيلًا، يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ

و بهشت را منزل و آسایشگاهم قرار ده ای برآورنده حاجات جویندگان * * * * *

* روز بیست و دوم: اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ فَضْلِكَ، وَأَنْزِلْ عَلَيَّ فِيهِ

* * * * * خدایا باز کن برویم در این ماه درهای فضلت را و برکات را در آن بر من نازل

بَرَكَاتِكَ، وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِمَوْجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ، وَأَسْكِنِّي فِيهِ بِحُبُوحَاتِ

فرما و موفقم دار در آن به موجبات خشنودیت و مسکنم ده در آن وسط‌های

جَنَاتِكَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ * روز بیست و سوم: اَللّٰهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ

بهشت ای اجابت کننده دعای درماندگان * * * * * خدایا شستوبیم ده در این ماه

مِنَ الذَّنُوبِ، وَطَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ، وَامْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى

از گناهان و پاکم کن در آن از عیبها و آزمایش کن در آن دلم را به پرهیزکاری

الْقُلُوبِ، يَا مُقِيلَ عَثْرَاتِ الْمُذْنِبِينَ * روز بیست و چهارم: اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ فِيهِ

دل‌های نادیده گیرنده لغزشهای گنهکاران * * * * * خدایا از تو خواهم در این ماه

مَا يُرْضِيكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا يُؤْذِيكَ، وَأَسْئَلُكَ التَّوْفِيقَ فِيهِ لِأَنْ أُطِيعَكَ

آنچه تو را خشنود سازد و پناه برم به تو از آنچه تو را بیازارد و از تو خواهم در آن توفیق برای این‌که پیروی کنم

وَلَا أَعْصِيكَ، يَا جَوَادَ السَّائِلِينَ * روز بیست و پنجم: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبًّا

و نافرمانیت نکنم ای بخشنده به خواستاران * * * * * خدایا قرارم ده در این ماه دوستدار

لِأَوْلِيَائِكَ، وَمُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، مُسْتَنًا بِسُنَّةِ خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ، يَا عَاصِمَ

دوستانت و دشمن دارنده دشمنانت و پیرو راه و روش خاتم پیامبرانت ای نگهدارنده

قُلُوبِ النَّبِيِّينَ * روز بیست و ششم: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا، وَذَنْبِي

دل‌های پیامبران * * * * * خدایا قرار ده کوششم را در این ماه مورد سپاس و تقدیر و گناهم را

فِيهِ مَغْفُورًا، وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا، وَعَيْبِي فِيهِ مَسْتُورًا، يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ

در آن آمرزیده و عملم را در آن پذیرفته و عیبم را در آن پوشید ای شنواترین شنوایان

* روز بیست و هفتم: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَصَيِّرْ اُمُورِي فِيهِ مِنْ

***** خدایا فضیلت شب قدر را در این ماه روزیم گردان و بگردان کارهایم را در آن از

الْعُسْرِ اِلَى الْيُسْرِ، وَاَقْبَلْ مَعَاذِ بَرِيٍّ، وَحَطَّ عَنِّي الذَّنْبُ الْوِزْرَ، يَا رَوْفًا

سختی به آسانی و عذرهایم را بپذیر و وزر و گناهم را بریز ای مهربان

بِعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ * روز بیست و هشتم: اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ حَظِّي فِيهِ مِنَ النَّوَافِلِ،

به بندگان شایستهات ***** خدایا سرشار کن بهرام را در این ماه از انجام مستحبات و نوافل

وَاَكْرَمْنِي فِيهِ بِاِحْضَارِ الْمَسَائِلِ، وَقَرِّبْ فِيهِ وَسِيَلَتِي اِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ

و گرامیم دار به یاد داشتن مسائل و نزدیک گردان در آن وسیلهام را بسویت از میان سایر

الْوَسَائِلِ، يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ اِلْحَا حُ الْمَلِحِّينَ * روز بیست و نهم: اَللّٰهُمَّ غَشِّنِي

وسایل ای که سرگرمش نکند سماجت سماجت کنندگان ***** خدایا فراگیر مرا

فِيهِ بِالرَّحْمَةِ، وَاَرْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَالْعِصْمَةَ، وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غِيَاهِبِ

در این ماه به مهر خود و روزیم کن در آن به توفیق و خودنگهداری و پاک کن دلم را از تیرگیهای

التَّهْمَةِ، يَا رَحِيمًا بِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ * روز سیام: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ

تهمت ای مهربان نسبت به بندگان مؤمن خود ***** خدایا چنان کن روزهام را در این ماه

بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ، عَلَيَّ مَا تَرْضَاهُ وَيَرْضَاهُ الرَّسُولُ، مُحْكَمَةً فُرُوعَهُ

که مورد قدردانی و پذیرش بوده و بر طبق خشنودی تو و خشنودی رسولت باشد و محکم باشد فروع آن

بِالْأُصُولِ، بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

بوسیله اصول به حق آقای ما محمد و آل پاکش و ستایش خاص پروردگار جهانیان است.

فصل دهم ماه شوال

تقویم این ماه:

اول شوال: روز اول این ماه، روز عید فطر است که از اعیاد بزرگ اسلامی است.

عید روزه‌داران واقعی است همانها که اعمال آنان پذیرفته شده و گناهانشان بخشوده گردیده؛ لذا باید این روز را عید بگیرند.

هشتم شوال: روز ویران کردن قبور ائمهٔ بقیع توسط گروه متعصب و گمراه وهابی در سال ۱۳۴۴ هجری قمری است.

وهابیون که گروهی اندک، متعصب و نادان در میان مسلمانان به شمار می‌روند دارای عقاید افراطی عجیبی هستند و با همهٔ مذاهب اسلامی در اموری به مخالفت برخاسته‌اند که از جملهٔ آنها، توسل به اولیاء الله، ساختن ضریح و گنبد برای آنان و مسألهٔ شفاعت است. از همین رو، بنای قبور امامان بقیع و حمزهٔ سیدالشهدا و دیگر بزرگان اسلام و قبور صحابه و حتی قبر پدر بزرگوار پیامبر ﷺ را در مدینه و دیگر شهرها تخریب نمودند، و در پی تخریب ضریح و گنبد رسول گرامی اسلام ﷺ نیز بودند که بر اثر واکنش‌های شدید جهان اسلام، از آن دست کشیدند.

آنان به سبب همین عقاید جاهلانه و خشک، با تأسف بسیار آثار تاریخی اسلامی فراوانی را در حرمین شریفین تخریب کردند؛ آثار ارزشمندی که می‌توانست سبب پیوند نسل حاضر با تاریخ گذشتهٔ اسلام باشد. متأسفانه همهٔ آنها از دست رفت.

بیست و پنجم شوال: روز رحلت امام صادق علیه السلام پیشوای بزرگ مذهب ما (در سال ۱۴۸ هجری) است.^۱

فضیلت ماه شوال:

این ماه نخستین ماه از ماههای حج است؛ زیرا «عمرهٔ حج تمتع» را می‌توان در سه ماه، شوال، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه انجام داد و قبل از آن جایز نیست (هرچند عمرهٔ مفرده را می‌توان در تمام سال انجام داد) و این خود دلیل بر اهمیت و فضیلت این ماه است.

۱. منتهی الآمال، زندگی امام صادق علیه السلام.

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَحْصَيْتَهُ، وَهُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ.

محمد و آل محمد و پیامرز از من هر گناهی را که شماره کرده‌ای و در کتابی روشن در پیش تو ثبت است.

آنگاه به سجده برود و صد مرتبه بگوید: اَتُوبُ إِلَى اللَّهِ. سپس هر حاجتی که دارد از خداوند طلب کند که ان شاء الله برآورده خواهد شد.^۱

پنجم: زیارت امام حسین علیه السلام در این شب فضیلت بسیار دارد (زیارت مخصوصه آن حضرت در شب عید فطر، در بخش زیارات - صفحه ۴۱۶ - گذشت).

ششم: ده رکعت نماز بخواند (که چگونگی آن در اعمال شب آخر ماه رمضان گذشت).

هفتم: این ذکر را که در شب جمعه نیز گفتنش مستحب است، ده بار بگوید:

يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ، يَا بَاسِطَ الْأَيْدِينَ بِالْعَطِيَّةِ، يَا صَاحِبَ

ای کسی که فضل و بخشش بر خلق دائمی است و ای آن که دو دست احسانت به عطابخشی باز است ای دارنده

الْمَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَيْرِ الْوَرَى سَجِيَّةً، وَاغْفِرْ لَنَا

بخششهای ارجمند درود فرست بر محمد و آلش که بهترین مردمند در سرشت و نهاد، و پیامرز ما را

يَا ذَا الْعُلَى فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ.^۲

ای خدای بلندمرتبه در این شب.

هشتم: دو رکعت نماز معروف شب عید را بخواند؛ در رکعت اول بعد از سوره حمد، هزار مرتبه سوره قل هو الله و در رکعت دوم، پس از سوره حمد، یک مرتبه سوره قل هو الله را بخواند پس از سلام سر به سجده بگذارد و صد مرتبه بگوید: اَتُوبُ إِلَى اللَّهِ. آنگاه بگوید:

يَا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، يَا مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

ای صاحب منت و جود ای صاحب نعمت و بخشش ای برگزیننده محمد صلی الله علیه

وَآلِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا.

و آله درود فرست بر محمد و آلش و بکن درباره من چنین و چنان.

بجای افعَل بِي كَذَا وَكَذَا حاجات خود را ذکر کند.

در روایت است که امیر مؤمنان علیه السلام این نماز را به همین کیفیت که ذکر شد، انجام می داد و سر از سجده برمی داشت و می فرمود: «به حق آن خدایی که جانم به دست اوست، هر کس این نماز را بجا آورد، هر حاجتی که از خداوند طلب کند، به وی عنایت خواهد شد و گناهان زیادی را از او بیامرزد»^۱.
در روایت دیگری از امیر مؤمنان علیه السلام به جای خواندن هزار مرتبه سوره قل هو الله، صد مرتبه آمده است؛ ولی در این روایت آمده است که این نماز را باید بعد از نماز مغرب و نافله آن بجا آورد.^۲ (هر دو نماز خوب است).

مرحوم «شیخ طوسی» و «سید بن طاووس»، این دعای نورانی را بعد از خواندن این نماز نقل کرده اند:

يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ، يَا رَحْمَنُ يَا اللهُ، يَا رَحِيمُ يَا اللهُ، يَا مَلِكُ يَا اللهُ، يَا

ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای مهربان ای خدا ای پادشاه ای خدا ای

مقدس ای الله، یا سلام ای الله، یا مؤمن ای الله، یا مهیمن ای الله، یا عزیز ای

منزه از هر عیب ای خدا ای سلامت بخش ای خدا ای ایمنی بخش ای خدا ای مراقب ای خدا ای نیرومند ای

الله، یا جبار ای الله، یا متکبر ای الله، یا خالق ای الله، یا باری ای الله، یا

خدا ای مقتدر ای خدا ای عظیم الشان ای خدا ای آفریننده ای خدا ای موجد ای خدا ای

مصور ای الله، یا عالم ای الله، یا عظیم ای الله، یا علیم ای الله، یا کریم ای الله،

صورت بخش ای خدا ای دانا ای خدا ای بزرگ ای خدا ای آگاه ای خدا ای بزرگواری ای خدا

یا حلیم ای الله، یا حکیم ای الله، یا سمیع ای الله، یا بصیر ای الله، یا قریب ای

ای بردبار ای خدا ای فرزانه ای خدا ای شنوا ای خدا ای بینا ای خدا ای نزدیک ای

الله، یا مجیب ای الله، یا جواد ای الله، یا ماجد ای الله، یا ملی ای الله، یا

خدا ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای با شوکت ای خدا ای توانگر مقتدر ای خدا ای

وفی ای الله، یا مولی ای الله، یا قاضی ای الله، یا سریع ای الله، یا شدید ای الله،

وفادار ای خدا ای سرور ای خدا ای داور ای خدا ای سریع ای خدا ای سختگیر ای خدا

یا رؤوف ای الله، یا رقیب ای الله، یا مجید ای الله، یا حفیظ ای الله، یا محیط

ای مهربان ای خدا ای نگهبان ای خدا ای شوکت مند ای خدا ای نگهبان ای خدا ای احاطه کننده

یا الله، یا سید السادة ای الله، یا اول ای الله، یا آخر ای الله، یا ظاهر ای الله، یا

ای خدا ای بزرگ بزرگان ای خدا ای آغاز ای خدا ای انجام ای خدا ای پیدا ای خدا ای

۱. اقبال، صفحه ۲۷۲ و زادالمعاد، صفحه ۲۲۱.

۲. اقبال، صفحه ۲۷۲.

بَاطِنُ يَا اللَّهُ، يَا فَاحِرُ يَا اللَّهُ، يَا قَاهِرُ يَا اللَّهُ، يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ، يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ، يَا

ناپیدا ای خدا ای با فخر ای خدا ای چیره ای خدا ای پروردگار من ای خدا ای

رَبَّاهُ يَا اللَّهُ، يَا وَدُودُ يَا اللَّهُ، يَا نُورُ يَا اللَّهُ، يَا زَافِعُ يَا اللَّهُ، يَا مَانِعُ يَا اللَّهُ، يَا

پروردگار من ای خدا ای پروردگار من ای خدا ای دوستدار ای خدا ای نور ای خدا ای رفعت ده ای خدا ای بازدارنده ای خدا ای

دَافِعُ يَا اللَّهُ، يَا فَاتِحُ يَا اللَّهُ، يَا نَفَاعُ يَا اللَّهُ، يَا جَلِيلُ يَا اللَّهُ، يَا جَمِيلُ يَا اللَّهُ،

جلوگیرنده ای خدا ای گشاینده ای خدا ای بسیار نفع رسان ای خدا ای با جلالت ای خدا ای زیبا ای خدا

يَا شَهِيدُ يَا اللَّهُ، يَا شَاهِدُ يَا اللَّهُ، يَا مُعِيْثُ يَا اللَّهُ، يَا حَبِيْبُ يَا اللَّهُ، يَا فَاطِرُ يَا

ای گواه ای خدا ای شاهد ای خدا ای فریادرس ای خدا ای دوست ای خدا ای خالق ای

اللَّهُ، يَا مُطَهِّرُ يَا اللَّهُ، يَا مَلِكُ يَا اللَّهُ، يَا مُقْتَدِرُ يَا اللَّهُ، يَا قَابِضُ يَا اللَّهُ، يَا

خدا ای پاک کننده ای خدا ای پادشاه ای خدا ای نیرومند ای خدا ای گیرنده ای خدا ای

بَاسِطُ يَا اللَّهُ، يَا مُحْيِي يَا اللَّهُ، يَا مُمِيتُ يَا اللَّهُ، يَا بَاعِثُ يَا اللَّهُ، يَا وَاْرِثُ يَا

گسترنده ای خدا ای زنده کننده ای خدا ای میراننده ای خدا ای برانگیزنده ای خدا ای ارث برنده ای

اللَّهُ، يَا مُعْطِي يَا اللَّهُ، يَا مُفْضِلُ يَا اللَّهُ، يَا مُنْعِمُ يَا اللَّهُ، يَا حَقُّ يَا اللَّهُ، يَا مُبِينُ

خدا ای عطا کننده ای خدا ای فزون بخش ای خدا ای نعمت بخش ای خدا ای برحق ای خدا ای آشکار کننده

يَا اللَّهُ، يَا طَيِّبُ يَا اللَّهُ، يَا مُحْسِنُ يَا اللَّهُ، يَا مُجْمَلُ يَا اللَّهُ، يَا مُبْدِيُ يَا اللَّهُ، يَا

ای خدا ای پاکیزه ای خدا ای نیکوکننده ای خدا ای زیبا پرور ای خدا ای آغازنده ای خدا

مُعِيْدُ يَا اللَّهُ، يَا بَارِيُّ يَا اللَّهُ، يَا بَدِيْعُ يَا اللَّهُ، يَا هَادِيُّ يَا اللَّهُ، يَا كَافِيُّ يَا اللَّهُ، يَا

ای بازگرداننده ای خدا ای پدیدآورنده ای خدا ای نوآفرین ای خدا ای راهنما ای خدا ای کفایت کننده ای خدا ای

شَافِيُّ يَا اللَّهُ، يَا عَلِيُّ يَا اللَّهُ، يَا عَظِيْمُ يَا اللَّهُ، يَا حَنَّانُ يَا اللَّهُ، يَا مَنَّانُ يَا اللَّهُ،

شفابخش ای خدا ای والا مرتبه ای خدا ای بزرگ ای خدا ای بسیار مهربان ای خدا ای بسیار بخشنده ای خدا

يَا ذَا الطُّوْلِ يَا اللَّهُ، يَا مُتَعَالِيُّ يَا اللَّهُ، يَا عَدْلُ يَا اللَّهُ، يَا ذَا الْمَعَارِجِ يَا اللَّهُ، يَا

ای صاحب نعمت ای خدا ای برتر ای خدا ای دادگر ای خدا ای دارای مراتب بلند ای خدا ای

صِدْقُ يَا اللَّهُ، يَا دَيَّانُ يَا اللَّهُ، يَا بَاقِي يَا اللَّهُ، يَا وَاْقِي يَا اللَّهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ يَا

راستی محض ای خدا ای جزاده ای خدا ای باقی ای خدا ای نگهدارنده ای خدا ای صاحب جلالت ای

اللَّهُ، يَا ذَا الْاِكْرَامِ يَا اللَّهُ، يَا مَحْمُوْدُ يَا اللَّهُ، يَا مَعْبُوْدُ يَا اللَّهُ، يَا صَانِعُ يَا اللَّهُ،

خدا ای صاحب بزرگواری ای خدا ای پسندیده ای خدا ای معبود ای خدا ای سازنده ای خدا

مِنَ الْوَافِدِينَ إِلَىٰ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَتَصْفَحَ لِي عَنِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ،

در زمرة رفتگان بسوی خانه محترمت (کعبه) بنویسی و از گناهان بزرگم چشم‌پوشی کنی

وَتَسْتَخْرِجَ يَا رَبُّ كَنُوزَكَ يَا رَحْمَنُ.^۱

و گنجهای خود را برایم بیرون آوری ای خدای بخشاینده.

نهم: چهارده رکعت نماز بخواند (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعتی، سوره حمد و آیه الکرسی و سه مرتبه سوره قل هو الله را بخواند. در روایت است هر کس چنین کند، خداوند در برابر هر رکعتی ثوابهای بسیار زیادی به او می‌دهد.^۲

دهم: مرحوم «شیخ طوسی» در «مصباح المتهجد» فرموده است: در پایان شب نیز غسل کن و تا طلوع صبح در مصلاّیت (محل خواندن نماز) بنشین (و ذکر خدا بگو).^۳

فضیلت و اعمال روز عید فطر:

روز عید فطر روز بسیار مهمی برای مسلمانان است؛ زیرا پس از یک ماه روزه و تهجد و عبادت، برای گرفتن پاداش الهی آماده می‌شوند؛ لذا این روز، از سویی سبب شادی و سرور است، چراکه هر مسلمانی از انجام وظیفه الهی خوشحال و مسرور است؛ ولی از سویی چون روز دریافت جوایز الهی است، انسان در حالت خوف و دلهره به سر می‌برد از این‌که نمی‌داند اعمال یک ماهه او تا چه اندازه مورد قبول قرار گرفته است؟

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که آن حضرت فرمود: هنگامی که روز اول شوال فرا می‌رسد، منادی ندا می‌دهد: ای مؤمنان برای دریافت جوایز و پاداش‌های خود بشتابید! آنگاه امام علیه السلام فرمود: جایزه‌های خداوند مانند جایزه‌های پادشاهان نیست (یعنی جایزه او بسیار بزرگ و معنوی و قبولی طاعات و رضوان الهی است).

در پایان نیز تأکید فرمود: «روز اول شوال روز دریافت جایزه‌هاست!».^۴

برای روز اول شوال اعمالی ذکر شده است:

اول: تکبیراتی است که در اعمال شب عید فطر ذکر شد، و بعد از نماز صبح و نماز عید فطر آن را بخواند.

۱. مصباح المتهجد، صفحه ۶۴۹ و اقبال، صفحه ۲۷۲ و بحارالانوار، جلد ۸۸، صفحه ۱۲۰ (با اندکی تفاوت).

۲. بحارالانوار، جلد ۸۸، صفحه ۱۲۲.

۳. مصباح المتهجد، صفحه ۶۵۱.

۴. کافی، جلد ۴، صفحه ۱۶۸، حدیث ۳.

دوم: پیش از نماز عید، زکات فطره را جدا سازد؛ اگر دسترسی به مستحق دارد بپردازد و الا کنار بگذارد، برای هر نفر یک صاع (حدود سه کیلو) از گندم یا مواد غذایی دیگر که در آن شهر غذای غالب مردم محسوب می‌شود.

زکات فطره واجب مؤکد است و شرط قبولی روزه ماه رمضان است، و خداوند نیز در قرآن آن را مقدم بر نماز (عید) شمرده است و می‌فرماید: «**قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ**»؛ به یقین آن کس که زکات دهد و یاد پروردگارش را کند سپس نماز بخواند، رستگار است!»،^۱

سوم: غسل کردن است و وقت آن به فرموده «شیخ طوسی» بعد از طلوع فجر است تا زمان بجا آوردن نماز عید.^۲

قبل از غسل این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِيْمَانًا بِكَ، وَ تَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ، وَ اتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى

خدایا بخاطر ایمان به تو و تصدیق کتاب تو و پیروی از روش پیغمبرت محمد صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ.

الله علیه و آله.

آنگاه بسم الله بگوید و غسل کند. پس از پایان غسل بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ كَفَّارَةً لِذُنُوبِي، وَ طَهَّرْ دِينِي، اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الدَّنَسَ.^۳

خدایا قرارش ده کفاره گناهانم و دین و مذهبم را پاک گردان خدایا دور کن از من چرکی را.

چهارم: به فرموده «شیخ طوسی» در این روز نیکوترین لباسش را بپوشد و خود را معطر سازد و با وقار و سکینه به سمت مصلائی عید حرکت کند.^۴

پنجم: پیش از نماز عید، در ابتدای روز افطار کند،^۵ و بهتر آن است که افطارش با خرما باشد.^۶ «شیخ مفید»^۷ فرموده است: مستحب است مقدار کمی از تربت سید الشهداء، امام حسین علیه السلام را تناول نماید که شفای هر دردی است.^۸

ششم: پس از طلوع آفتاب برای نماز عید حرکت کند (همان گونه که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده

۱. سوره اعلیٰ، آیه ۱۴ و ۱۵.

۲. زاد المعاد، صفحه ۲۲۴.

۳. مصباح المتهجد، صفحه ۶۵۳.

۴. مصباح المتهجد، صفحه ۶۵۳.

۵. همان مدرک، صفحه ۲۸۱.

۶. اقبال، صفحه ۲۷۹.

۷. مسار الشیعه، صفحه ۳۱.

است) ۱ و دعاهایی را که از طریق معصومین علیهم‌السلام وارد شده است، بخواند؛ از جمله آن که امام باقر علیه‌السلام فرمود: در عید فطر و عید قربان و جمعه وقتی که برای رفتن به نماز مهیّا شدی، این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَوْ تَعَبَّأً، أَوْ أَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ،

خدایا هر که آماده شده در این روز یا مهیّاو مستعد و مجهز گشته برای ورود به یکی از مخلوقات

رَجَاءَ رِفْدِهِ وَنَوَافِلِهِ، وَفَوَاضِلِهِ وَعَطَايَاهُ، فَإِنَّ إِلَيْكَ يَا سَيِّدِي

به امید جایزه و صلّه و بهره‌ها و عطا‌های او ولی ای آقای من

تَهَيَّئْتِي وَتَعَبَّئْتِي، وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي، رَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ،

تنها بسوی توست آمادگی و تهیه و استعداد و تجهیز من به امید جایزه

وَنَوَافِلِكَ وَفَوَاضِلِكَ، وَفَضَائِلِكَ وَعَطَايَاكَ، وَقَدْ غَدَوْتُ إِلَى عِيدٍ مِنْ

و صلّه‌ها و بهره‌ها و بخششها و فضلها و عطا‌های تو و بامداد کردم در عیدی

أَعْيَادِ أُمَّةٍ نَبِيِّكَ، مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، وَ لَمْ أَفِدْ إِلَيْكَ الْيَوْمَ

از عیدهای امت پیامبرت محمد که درودهای تو بر او و برالش باد و البته ورود من نه به امید

بِعَمَلٍ صَالِحٍ أَثِقُ بِهِ قَدَمْتُهُ، وَلَا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ أَمَلْتُهُ، وَلَكِنْ أَتَيْتَكَ

کردار شایسته‌ای است که بدان اطمینان داشته و بیشکش آورده باشم و نه این که به مخلوقی رو کرده و آرزومندش باشم بلکه با حال خضوع به درگاه تو آمده

خَاضِعاً، مُقَرَّباً بِذُنُوبِي، وَإِسَاءَتِي إِلَى نَفْسِي، فَيَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ،

و معترف به گناه و بدی خود بر نفس خویشتم پس ای خدای بزرگ

اغْفِرْ لِي الْعَظِيمَ مِنْ ذُنُوبِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ إِلَّا أَنْتَ، يَا لَا إِلَهَ

بیمرز بزرگ گناهانم را زیرا نیامرزد گناهان بزرگ را جز تو ای که معبودی

إِلَّا أَنْتَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۲

جز تو نیست ای مهربانترین مهربانان.



هفتم: نماز عید. خواندن نماز عید در زمان ما مستحب است و آن دو رکعت است؛ در رکعت اول سوره حمد و سوره اعلی (یا هر سوره دیگری که مایل باشد) بخواند و بعد از آن پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر این قنوت را بخواند:

اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ، وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ، وَأَهْلَ الْعَفْوِ

خدایا ای اهل بزرگی و عظمت و ای شایسته بخشش و قدرت و سلطنت و ای شایسته عفو

و الرَّحْمَةِ، وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ

و رحمت و ای شایسته تقوا و آمرزش از تو خواهم به حق این روزی که قرارش دادی

لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا، وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْرًا [وَشَرَفًا] وَمَزِيدًا،

برای مسلمانان عید و برای محمد صلی الله علیه و آله ذخیره و شرف و افزونی مقام

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ

که درود فرستی بر محمد و آل محمد و درآوری مرا در هر خیری که درآوری

فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا

در آن خیر محمد و آل محمد را و بروم آری از هر بدی و شری که برون آوردی از آن محمد

وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلِّوْا تَكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ

و آل محمد را - که درودهای تو بر او و بر ایشان باد - خدایا از تو خواهم بهترین چیزی را که درخواست کردند

مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ.

از تو بندگان شایستهات و پناه برم به تو از آنچه پناه بردند از آن بندگان شایستهات.

(در صورت عدم توانایی بر این قنوت، هرگونه قنوت دیگری نیز می تواند بخواند) سپس تکبیر ششم را بگوید و به رکوع برود و بعد از رکوع و سجده، برخیزد و رکعت دوم را شروع کند؛ در رکعت دوم، بعد از سوره حمد، سوره وَالشَّمْسُ یا سوره دیگری را بخواند؛ آنگاه چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر همان قنوت را بخواند، سپس تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع و سجود برود و نماز را تمام کند.^۱ بعد از نماز، تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را بگوید^۲ و آنگاه دعاهایی که نقل شده است را بخواند که یکی از آنها دعای چهل و ششم «صَحِيفَةُ سَجَادِيَه» است.

مستحب است نماز عید، زیر آسمان باشد^۳ و بعد از نماز برای برادران دینی جهت قبولی اعمال دعا کند.



هشتم: دعای ندبه را بخواند، که در بخش دعاهاى معروف (صفحه ۱۸۹) آمده است مرحوم محدث قمی می گوید: به فرموده «سید بن طاووس»، پس از دعا به سجده برود و بگوید:

۲. همان مدرک، صفحه ۶۵۵.

۱. مصباح المتهجد، صفحه ۶۵۴.

۳. اقبال، صفحه ۲۸۵.

أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ حَرُّهَا لَا يُطْفِئُ، وَجَدِيدُهَا لَا يُبْلَى، وَعَطْشَانُهَا لَا يُرْوَى * *

پناه می‌برم به تو از آتشی که حرارتش خاموش نشود و تازه‌اش کهنه نگردد و تشنه‌اش سیراب نشود

سپس گونه راست را بر محل سجده بگذارد و بگوید: اَللّٰهُمَّ لَا تُقَلِّبْ وَجْهِي فِي النَّارِ بَعْدَ

* * * * * خدایا بدست آتش مسپار چهره‌ام را پس از

سُجُودِي، وَتَعْفِيرِي لَكَ بِغَيْرِ مَنْ مَنِّي عَلَيْكَ، بَلْ لَكَ الْمَنْ عَلَى * * * * * آنگاه گونه

سجده کردنم و بخاک مالیدنم آن را برای تو بدون این‌که منی بر تو داشته باشم بلکه تو بر من منت داری * * * * *

چپ را بگذارد و بگوید: اِرْحَمْ مَنْ اَسَاءَ وَاقْتَرَفَ وَاِسْتَكَانَ وَاَعْتَرَفَ * * * * * سپس به حال

* * * * * رحم کن کسی را که بد کرده و به نافرمانی دست زده و بیچاره گشته و اعتراف بدانها دارد * * * * *

سجده برگردد و بگوید: اِنْ كُنْتُ بِسَسِّ الْعَبْدِ، فَانْتَ نِعْمَ الرَّبُّ، عَظَمَ الذَّنْبُ مِنْ

* * * * * اگر من بدبنده‌ای هستم پس تو خوب پروردگاری هستی بزرگ است گناه

عَبْدِكَ، فَلِيْحَسَنِ الْعَفْوِ مِنْ عِنْدِكَ يَا كَرِيْمُ. در پایان صد مرتبه بگوید: اَلْعَفْوُ الْعَفْوُ.

بندهات پس باید گذشت تو نیز نیکو باشد ای خدای کریم * * * * * گذشت خواهم گذشت خواهم.

* * *

فصل یازدهم ماه ذی القعدة

تقویم این ماه:

اول ذی القعدة: بنا بر نقلی، اول ذی القعدة سال ۱۷۳ هجری، روز میلاد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است.^۱

یازدهم ذی القعدة: روز یازدهم ماه (سال ۱۴۸ هجری قمری) روز میلاد مسعود امام علی بن موسی الرضا علیه السلام است.^۲

بیست و سوم ماه ذی القعدة: (سال ۲۰۳) طبق برخی از روایات شهادت همان حضرت است و زیارت آن حضرت در چنین روزی مناسب است. (هرچند معروف در شهادت آن حضرت «آخر ماه صفر» است).^۳

بیست و پنجم ماه ذی القعدة: طبق روایتی از امام رضا علیه السلام روز دحوالأرض است (روزی است که نخستین خشکی‌ها از زیر آب - که تمام روی زمین را فراگرفته بود - سربرآورد و مطابق بعضی از روایات، نخستین جایی که از زیر آب بیرون آمد و خشک شد و سپس گسترش یافت، سرزمین «مکه» و بخصوص محل «خانه کعبه» بود و لذا مکه «ام القری» [= مادر همه آبادی‌ها] نام گرفت).^۴

آخر ماه ذی القعدة: (سال ۲۲۰ هجری قمری) روز شهادت امام نهم، امام محمد تقی علیه السلام است که به زهر «معتصم عباسی» در بغداد مسموم و شهید گشت در حالی که بیش از ۲۵ سال از عمر مبارکش نمی‌گذشت؛ بدن مطهر آن حضرت را به کاظمین که نزدیک بغداد است آوردند و در کنار جد بزرگوارش امام موسی بن جعفر علیه السلام به خاک سپردند و انتخاب نام کاظمین بر آن شهر به همین مناسبت است (قبلاً آن جا را «مقابر قریش» می‌نامیدند).^۵

در حدیثی آمده است که خود آن حضرت می‌فرمود: «الْفَرَجُ بَعْدَ الْمَأْمُونِ بِثَلَاثِينَ شَهْرًا؛ آسودگی من بعد از مرگ مأمون به فاصله سی ماه خواهد بود». ^۶

۱. فروغی از کوثر، (زندگی‌نامه حضرت فاطمه معصومه) صفحه ۳۲.

۲. منتهی‌الآمال، تاریخ زندگانی امام رضا علیه السلام و بحارالانوار، جلد ۴۹، صفحه ۹، حدیث ۱۶ و صفحه ۱۰، حدیث ۱۷.

۳. منتهی‌الآمال، تاریخ زندگانی امام رضا علیه السلام.

۴. بحارالانوار، جلد ۱۱، صفحه ۲۱۷، حدیث ۲۹.

۵. منتهی‌الآمال، تاریخ زندگانی امام محمد تقی علیه السلام.

۶. بحارالانوار، جلد ۵۰، صفحه ۶۴ و كشف الغمّة، جلد ۲، صفحه ۳۶۳.

که این جمله اشاره‌ای به شهادت آن حضرت بعد از دو سال و نیم (۳۰ ماه) بعد از مرگ مأمون بود. همچنین نشان می‌دهد که آن بزرگوار تا چه حد به خاطر فشارهای دستگاه بنی‌عباس در زحمت بودند.

فضیلت ماه ذی‌القعدة:

ماه ذی‌القعدة، نخستین ماه از ماههای حرام است که در آنها جنگ، حتی با دشمنان اسلام حرام است؛ مگر این که جنگ بر مسلمین تحمیل شود (سه ماه دیگر از ماههای حرام، ذی‌الحجه، محرم و رجب است).

آتش‌بس در این چهار ماه وسیله‌ای برای آرامش جامعه و توفیق برای حج و عبادت، حل مشکلات اقتصادی و بازرگری در امر جنگ و یافتن نقطه پایان برای آن و سپس مرهم نهادن بر زخم‌های جانکاه ناشی از آن است.

ماهی است که زوار خانه خدا از اطراف و اکناف جهان به سوی خانه خدا حرکت می‌کنند، گروهی به مدینه می‌روند و قبر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و قبور ائمه هدی علیهم السلام را زیارت می‌کنند و آثار تاریخی که در جای جای این خاستگاه اسلامی وجود دارد را می‌بینند و غرق لذات عمیق روحانی می‌شوند (هرچند نابخردان و جاهلان، بسیاری از این آثار عظیم و گرانقدر را از میان برده‌اند).

گروه دیگری راهی مکه می‌شوند و با انجام مناسک «عمره تمتع» در انتظار مراسم بزرگ عبادی سیاسی حج می‌نشینند و با طواف کعبه و شرکت در صفوف پرشکوه جماعت، روح و جانشان را تازه می‌کنند (خداوند این سفر روحانی را نصیب همه آرزومندان فرماید) تجدید یاد و خاطره آن، برای آنها که به این سفر رفته‌اند نیز لذت بخش است.

«سید بن طاووس» در فضیلت این ماه می‌گوید: «ماه ذی‌القعدة ماهی است که به هنگام شدت و گرفتاری، زمان خوبی برای دعاست، و برای رفع ظلم و ستم و دعا بر ضد ظالم مؤثر است».^۱

همچنین می‌گوید: «این ماه «ماه اجابت دعاها» نامیده شده است؛ لذا باید اوقاتش را غنیمت شمرد و در آن روزه حاجت گرفت».^۲

اعمال ماه ذی‌القعدة:

نماز در روز یکشنبه این ماه: برای نماز در روز یکشنبه این ماه روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده

است. در فضیلت این نماز، آمده است که هر کس آن را بجا آورد توبه‌اش پذیرفته می‌شود و گناهانش آمرزیده می‌گردد و سبب برکت برای نمازگزار و خانواده‌اش خواهد بود، و در روز قیامت کسانی که از او طلبی و یا حقی دارند، از وی راضی گردند و با ایمان از دنیا می‌رود و قبرش برای او وسیع و نورانی گردد و پدر و مادرش از او راضی شوند، و آنها نیز مورد مغفرت خداوند قرار گیرند، ذریه او نیز بخشیده شوند و روزی او وسیع گردد. فرشته مرگ به هنگام مردن، با او مدارا کند و به آسانی جانش را بگیرد.^۱

رسول خدا ﷺ کیفیت نماز را این گونه بیان فرمود که، در روز یکشنبه غسل کند و وضو بگیرد و چهار رکعت نماز بخواند (هر دو رکعت به یک سلام) در هر رکعت، سوره «حمد» یک مرتبه، سوره «قل هو الله» سه مرتبه و سوره‌های «فلق» و «ناس» را یک مرتبه بخواند؛ و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار کند، سپس بگوید: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ نگاه بگوید: يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ،

* * * جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ * * * * * ای نیرومند ای بسیار آمرزنده

اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ

بیمارم گناهانم را و گناهان همه مردان مؤمن و زنان با ایمان را که نیامزد کسی

الذُّنُوبِ إِلَّا أَنْتَ. ۲

گناهان را جز تو.

از ذیل این روایت استفاده می‌شود که این اعمال را در غیر این ماه نیز، می‌توان انجام داد. سه روز روزه در این ماه: از رسول خدا ﷺ روایت شده است، هر کس روزهای پنج‌شنبه، جمعه و شنبه از ماههای حرام را روزه بگیرد، عبادت یک سال برای او نوشته شود.^۳

شب پانزدهم ماه: از رسول خدا ﷺ روایت شده است که شب پانزدهم ماه ذی‌القعدة، شب مبارکی است و خداوند در این شب، به بندگان مؤمن، نظر رحمت می‌افکند و آن کس که در این شب به اطاعت خداوند مشغول باشد، پاداش بسیار زیادی دارد.

در ادامه فرمود: چون شب به نیمه رسید، به عبادت خدا و نماز بپرداز و از خداوند حاجت بطلب که در این شب، حاجت کسی بدون پاسخ نخواهد ماند!^۴

روز بیست و پنجم (روز دحوالأرض): همان‌گونه که پیش از این گفته شد، روز بیست و پنجم ذی‌القعدة، روزی است که نخستین خشکی‌ها از زیر آب سربرآورد، و سپس گسترش یافت. برای این روز

۱. اقبال، صفحه ۳۰۸.

۲. همان مدرک.

۳. همان مدرک.

۴. همان مدرک، صفحه ۳۰۹.

اعمالی نقل شده است:

(الف) در روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است: اول رحمتی که از آسمان به زمین نازل شد، روز بیست و پنجم ذی‌القعده بود؛ بنابراین اگر کسی آن روز را روزه بگیرد، و آن شب را به عبادت بپردازد، پاداش عبادت یکصد سال را دارد.

همچنین فرمود: در آن روز، اگر گروهی به ذکر خدا بپردازند، خداوند حاجتشان را پیش از آن که متفرق شوند برآورده سازد؛ خداوند در این روز هزار هزار رحمت نازل می‌کند که قسمتی از آن شامل کسانی است که جمع گردند و به ذکر خدا بپردازند و روزش را روزه بدارند و شبش را عبادت کنند.^۱

(ب) مستحب است در آغاز روز (هنگامی که آفتاب کمی بلند شود) دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت، بعد از سوره حمد پنج مرتبه سوره والشمس را بخواند و پس از سلام نماز، این دعا را بخواند:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ، أَقْلِنِي عَثْرَتِي،

جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ ای نادیده گیر لغزشها، نادیده گیر لغزشم را

يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، أَحِبِّ دَعْوَتِي، يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ، اِسْمَعْ صَوْتِي،

ای اجابت کننده دعاها اجابت کن دعایم را ای شنوای صداها بشنو صدایم را

وَأَرْحَمَنِي وَتَجَاوَزَ عَن سَيِّئَاتِي وَمَا عِنْدِي، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.^۲

و به من رحم کن و از گناهانم و آنچه بدی دارم درگذر ای صاحب جلال و بزرگواری.

(ج) «شیخ طوسی» فرمود: مستحب است در این روز، این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ دَاخِيَ الْكُعْبَةِ، وَفَالِقَ الْحَبَّةِ، وَضَارِفَ اللَّزْبَةِ، وَكَاشِفَ كُلِّ

خدایا ای گسترنده خانه کعبه و شکافنده دانه و برطرفکننده سختی و کشاینده هر

كُرْبَةٍ، أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ أَيَّامِكَ الَّتِي أَعْظَمْتَ حَقَّهَا، وَأَقْدَمْتَ

غم و گرفتاری از تو خواهم در این روز از روزهایت که بزرگ گرداندی حقش را و در سبقت

سَبْقِهَا، وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ وَدَيْعَةً، وَ إِلَيْكَ ذَرْبَةً، وَ بِرَحْمَتِكَ

پیش انداختی و در نزد مؤمنین آن را به ودیعت نهادی و آن را وسیله‌ای برای آمدن به پیشگاهت و رسیدن برحمت

الْوَسِيعةِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُتَجَبِّ، فِي الْمِيثَاقِ الْقَرِيبِ

وسیعت قراردادی که درود فرستی بر محمد بنده برگزیدات در روز میثاق نزدیک که

يَوْمَ التَّلَاقِ، فَاتِقِ كُلَّ رَتْقٍ، وَدَاعِ إِلَى كُلِّ حَقٍّ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْهَارِ

روز دیدار و ملاقات است آن بزرگوارى که هر در بسته‌ای را گشود و به هر حقی دعوت فرمود و بر خاندان پاکیزه

الْهُدَاةِ الْمَنَارِ، دَعَائِمِ الْجَبَّارِ، وَوَلَاةِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَأَعْطِنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا

و راهنمایان روشنی‌بخش و پایه‌های دین خدا و زمامداران کار بهشت و دوزخند و عطا کن به ما در این روز

مِنْ عَطَائِكَ الْمَخْزُونِ، غَيْرِ مَقْطُوعٍ وَلَا مَمْنُونٍ، تَجْمَعُ لَنَا بِهِ التَّوْبَةَ،

از عطای موجود در خزینات که نه پایان دارد و نه منتی در آن است گردآوری بدان برای ما توبه

وَحُسْنَ الْأُوبَةِ، يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَأَكْرَمَ مَرْجُوٍّ، يَا كَفِيَّ يَا وَفِيَّ، يَا مَنْ لَطْفُهُ

و بازگشت خوبی را بسوی خودت ای بهترین خواننده شدگان و بزرگوارترین مایه امید ای کفایت کننده ای وفادار ای که لطفش در

خَفِيِّ، الطَّفِ لِي بِلَطْفِكَ، وَأَسْعِدْنِي بِعَفْوِكَ، وَأَيِّدْنِي بِنَصْرِكَ، وَلَا تُنْسِنِي

نهان و خفاست بلطف خویش بر من لطف فرما و به عفو ت سعادتمندم کن و به یاریت کمک ده و از یاد

كَرِيمٍ ذِكْرِكَ، بِوَلَاةِ أَمْرِكَ، وَحَفَظَةِ سِرِّكَ، وَاحْفَظْنِي مِنْ شَوَائِبِ الدَّهْرِ،

کریمانهات فراموشم مکن به حق زمامداران کار خود و نگاهبان رازت و نگاهم دار از آلودگیهای روزگار

إِلَى يَوْمِ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، وَأَشْهَدْنِي أَوْلِيَاءَكَ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِي، وَحُلُولِ

تا روز حشر و برانگیخته شدن و گواه گیر برایم دوستان را هنگام جان دادم و سرازیر

رَمْسِي، وَأَنْقِطَاعِ عَمَلِي، وَأَنْقِضَاءِ أَجَلِي، اللَّهُمَّ وَادْكُرْنِي عَلَى طَوْلِ

شدنم در قبر و به پایان رسیدن کردارم و بسر آمدن عمرم خدایا یادم کن در دوران دراز

الْبَلِي، إِذَا حَلَلْتُ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى، وَنَسِيْنِي النَّاسُونَ مِنَ الْوَرَى،

پوسیده شدنم در آن هنگام که میان توده‌های خاک وارد شوم و مردم فراموشکار یکسره فراموشم کرده‌اند

وَأَحْلِلْنِي دَارَ الْمَقَامَةِ، وَبَوِّئْنِي مَنْزِلَ الْكِرَامَةِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ مُرَافِقِي

و در خانه ماندنی (بهشت) فرودم آر و در منزل کرامت جایم ده و از رفقای دوستان و

أَوْلِيَاءِكَ، وَأَهْلِ اجْتِبَاءِكَ وَأَصْفِيَاءِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي لِقَائِكَ، وَارْزُقْنِي

بزرگدگان و مخصوصات قرارم ده و دیدارت را بر من مبارک گردان و حسن عمل روزیم کن

حُسْنَ الْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ الْأَجَلِ، بَرِيئاً مِنَ الزَّلَلِ وَسُوءِ الْخَطَلِ، اللَّهُمَّ وَ

پیش از آن‌که عمرم بسر رسد در حالی‌که پاک از لغزش و بد کرداری باشم خدایا

أَوْرِدْنِي حَوْضَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآهْلِ بَيْتِهِ، وَأَسْقِنِي مِنْهُ

مرا به حوض پیامبرت محمد درود خدا بر او و خاندانش باد (یعنی حوض کوثر) واردم کن و بنوشان مرا از آن

مَشْرَبًا رَوِيًّا سَائِعًا هَنِيبًا، لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ، وَلَا أَحَلَّا وَرَدَهُ، وَلَا عَنَّهُ أُزَادُ،

حوض نوشاندنی سیراب کننده و روان و گوارا که دیگر تشنه نشوم و از ورود بدان جلوگیری نکنند و بازم ندارند

وَأَجْعَلُهُ لِي خَيْرَ زَادٍ، وَأَوْفِي مِيعَادٍ، يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ، اللَّهُمَّ وَالْعَنُ

و آن را برایم بهترین توشه راه و کاملترین وعده‌گاه در روز به پا خواستن گواهان قرار ده خدایا دور ساز

جَبَابِرَةَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَبِحَقُوقِ أَوْلِيَاءِكَ الْمُسْتَأْثَرِينَ، اللَّهُمَّ

از رحمت سرکشان اولین و آخرین را و آنان که به حقوق دوستان برگزیده‌ها تجاوز و تعدی کردند خدایا

وَأَقْصِمُ دَعَائِمَهُمْ، وَأَهْلِكَ أَشْيَاعَهُمْ وَعَامِلَهُمْ، وَعَجِّلْ مَهَالِكَهُمْ،

پایه‌های حکومتشان را در هم شکن و پیروان و عاملشان را نابود گردان و به هلاکتشان تعجیل کن

وَأَسْلُبُهُمْ مَمَالِكَهُمْ، وَضَيِّقْ عَلَيْهِمْ مَسَالِكَهُمْ، وَالْعَنُ مُسَاهِمَهُمْ

و مملکتشان را از ایشان بگیر و راهها را بر ایشان تنگ فرما و آنان که با ایشان سهم

وَمُشَارِكَهُمْ، اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ أَوْلِيَاءِكَ، وَارْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ،

و شریک هستند نیز از رحمت دور کن خدایا شتاب کن در فرج دوستان و حقوق از دست رفته‌شان را به آنها باز گردان

وَأَظْهَرُ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ، وَأَجْعَلُهُ لِدِينِكَ مُتَّصِرًا، وَبِأَمْرِكَ فِي أَعْدَائِكَ

و قائمشان را به حق ظاهر گردان و یاری ستاننده دینت و فرمانروای در میان دشمنانت قرارش ده

مُؤْتَمِرًا، اللَّهُمَّ احْفَظْهُ بِمَلَائِكَةِ النَّصْرِ، وَبِمَا أَلْقَيْتَ إِلَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ فِي لَيْلَةِ

خدایا فرشتگان یاری دهنده را گرداگردش قرار ده و بدان دستوری که در شب قدر بر او فرستی وی را

الْقَدْرِ، مُنْتَقِمًا لَكَ حَتَّى تَرْضَى، وَيَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا

انتقام کشنده برای خودت قرار ده بدان حد که تو خشنود گردی و دین تو به وسیله او و بدست او بصورت نو و تازه‌ای

غَضًا، وَيَمْحَضُ الْحَقَّ مَحْضًا، وَيَرْفِضُ الْبَاطِلَ رَفْضًا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ

درآید و حق کاملاً خالص گردد و باطل یکسره از بین برود خدایا درود فرست بر او و

وَعَلَى جَمِيعِ آبَائِهِ، وَأَجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَأَسْرَتِهِ، وَابْعَثْنَا فِي كَرَّتِهِ، حَتَّى

بر همه پدران و قرار ده ما را از اصحاب و نزدیکانش و در زمان رجعت او ما را برانگیز تا

نَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ أَعْوَانِهِ، اللَّهُمَّ ادْرِكْ بِنَا قِيَامَهُ، وَأَشْهِدْنَا أَيَّامَهُ، وَصَلِّ

ما در زمان او جزء یارانش باشیم خدایا توفیق درک زمان قیام او را نصیب ما گردان و در روزگار ظهورش ما را حاضر کن و درود فرست

عَلَيْهِ، وَعَلَيْهِ السَّلَامُ، وَارْدُدْ إِلَيْنَا سَلَامَهُ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. ۱

بر او و سلام او را بسوی ما بازگردان و سلام و تحیت و رحمت خدا و برکاتش بر او باد.

فصل دوازدهم ماه ذی‌الحجّه

تقویم این ماه:

اول ماه ذی‌الحجّه: روز ولادت حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام، پیامبر بزرگ و بت‌شکن و بناکننده خانه کعبه است.^۱

همچنین بنا بر نقل «شیخ طوسی»، این روز، روز ازدواج امیر مؤمنان علی علیه السلام و حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام (در سال دوم هجری) است.^۲

روز هفتم ماه ذی‌الحجّه: وفات امام محمد باقر علیه السلام (در سال ۱۱۴) در چنین روزی واقع شده است.^۳
روز هشتم ماه ذی‌الحجّه: این روز را روز «ترویبه» می‌نامند. «ترویبه در لغت به معنای سیراب کردن، و آب ذخیره نمودن است»، در سابق که در عرفات آب نبود، حجاج روز هشتم آب برای وقوف در عرفات در روز نهم از مکه با خود می‌بردند.^۴

روز نهم ذی‌الحجّه: روز عرفه است که روزی بسیار بافضیلت است و حاجیان آن روز را در صحرای عرفات به یاد خدا هستند، همچنین این روز مصادف است با سال روز شهادت حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام در شهر کوفه (در سال ۶۰ هجری قمری).^۵

روز دهم ماه ذی‌الحجّه: روز عید بزرگ قربان است که از اعیاد مهمّ اسلامی است.

روز پانزدهم ماه ذی‌الحجّه: در چنین روزی میلاد مسعود حضرت امام علی علیه السلام در سال ۲۱۲ هجری قمری واقع شده است.^۶

روز هیجدهم ماه ذی‌الحجّه: روز عید سعید غدیر، عید ولایت و امامت، از اعیاد مهمّ اسلامی است. آن روز پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به فرمان خداوند، علی علیه السلام را به امامت و جانشینی خود منصوب کرد. این واقعه در سال دهم هجری در سرزمین «حُم» نزدیکی مکه کنار غدیر (برکهٔ اَبی) واقع شد. و لذا آن را عید «غدیر خم» می‌نامند. مرحوم «علامه امینی» رحمه الله در کتاب شریف «الغدیر» که در ۱۱ جلد نوشته شده

۱. مصباح‌المتهجّد، صفحهٔ ۶۷۱، (البته مرحوم سید بن طاووس روایتی را نقل می‌کند که ولادت آن حضرت در شب بیست و پنجم

ذی‌القعده است، اقبال، صفحهٔ ۳۱۰).
۲. همان مدرک.

۳. بحارالانوار، جلد ۴۶، صفحهٔ ۲۱۷.
۴. همان مدرک، جلد ۹۶، صفحهٔ ۲۵۴، حدیث ۱۸.

۵. منتهی‌الأمال، تاریخ زندگانی امام حسین علیه السلام، فصل چهارم (شهادت حضرت مسلم علیه السلام).

۶. همان مدرک، تاریخ زندگانی امام علی علیه السلام و بحارالانوار، جلد ۵۰، صفحهٔ ۱۱۵، حدیث ۴.

است، روایات فراوانی را از طرق اهل سنت راجع به جریان غدیر خم، نقل می‌کند که جای تردیدی برای هیچ فرد با انصافی باقی نمی‌گذارد.

روز بیست و چهارم ماه ذی‌الحجه: روز «مباهله» است، روزی است که رسول خدا ﷺ با نصارای نجران «مباهله» کرد، و پیش از آن که مباهله صورت گیرد مسیحیان نجران، پشیمان شده و از مباهله صرف‌نظر کردند. این جریان در سال دهم هجری واقع شده است.^۱ (داستان آن را در ذیل اعمال روز مباهله شرح خواهیم داد).

همچنین در این روز حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حال رکوع انگشتر خود را به سائل داد^۲ و آیه **﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ﴾**^۳ در همین رابطه نازل شد.

روز بیست و پنجم ماه ذی‌الحجه: روز نزول سوره «هَلْ أَتَى» است.^۴ پس از آن که حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام و جناب فضا، برای ادای نذر خویش که برای شفای امام حسن و امام حسین علیهم السلام کرده بودند، سه روز روزه گرفتند و در روز اول غذای افطار خود را به مسکین دادند و با آب افطار کردند و در روز دوم به یتیم و روز سوم به اسیر دادند این سوره در مدح آنان نازل شد (که بعداً شرحش خواهد آمد).

فضیلت ماه ذی‌الحجه:

ماه «ذی‌الحجه»، آخرین ماه «سال هجری قمری» است و ماهی است بسیار پربرکت. بزرگان دین هنگامی که این ماه وارد می‌شد، اهمّیت ویژه‌ای به عبادت در آن می‌دادند. مخصوصاً در دهه اول این ماه.^۵

در بعضی از روایات آمده است، شب‌های دهگانه‌ای که قرآن در سوره «الفجر و لیل عشر» به آن سوگند یاد کرده است، شب‌های دهه اول این ماه شریف است،^۶ و این سوگند به خاطر عظمت آن است. خداوند در سوره حج (آیه ۲۸) ضمن بیان فریضه بزرگ «حج» سخن از «أَيَّامَ مَعْلُومَاتٍ» گفته است که مؤمنان باید در آن به یاد خدا باشند. یکی از تفسیرهای معروف «أَيَّامَ مَعْلُومَاتٍ» که در روایات نیز آمده است، ده روز اول ماه ذی‌الحجه است.^۷ بنابراین، هم شب‌های آن عزیز است و هم روزهای آن.

۱. منتهی‌الأمال، تاریخ زندگانی پیامبر ﷺ، وقایع سال دهم هجری.

۲. مصباح‌المتهجد، صفحه ۷۵۸.

۳. زاد المعاد، صفحه ۲۴۰.

۴. تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه ۴۱۹.

۵. مصباح‌المتهجد، صفحه ۴۷۱.

۶. سوره مائده، آیه ۵۵.

در حدیثی از رسول خدا ﷺ می‌خوانیم که عبادت و کار نیک در هیچ ایّامی به اندازه این ایّام (ده روز اول ماه ذی الحجّه) فضیلت ندارد.^۱

افزون بر اینها، هم صدا شدن با زوّار خانه خدا در این ماه، و یاد و خاطره مراسم باشکوه حج و معنویّت و برکات آن، حال و هوای دیگری به انسان می‌دهد؛ مخصوصاً برای کسانی که در سلک زوّار سعادت‌مند خانه خدا قرار گرفته‌اند، یا با یاد و خاطره آنها همراهند.

وجود دو «عید» مهمّ اسلامی عید قربان (عید اضحی) و عید غدیر (عید ولایت) و روز «عرفه» و خاطره دعای عجیب و بسیار گرانبهای امام حسین ﷺ در عرفات، شکوه و عظمت خاصی به این ماه بخشیده، و سزاوار است همه مؤمنان (مخصوصاً جوانان پاکدل) از فضای آکنده از معنویّت این ماه غافل نشوند و در خودسازی و تهذیب نفس بکوشند که به پیشرفت‌های مهمّی نائل می‌شوند.

اعمال ماه ذی الحجّه:

اعمال این ماه بر دو قسم است:

اول اعمالی که مشترک است میان دهه اول. دوم اعمالی که مختصّ به ایّام خاصی است.

اعمال مشترک دهه اول:

۱- امام صادق ﷺ می‌فرماید: پدرم حضرت امام باقر ﷺ به من فرمود: پسر من! در دهه نخست از ماه ذی الحجّه، هر شب میان نماز مغرب و عشا این دو رکعت نماز را ترک مکن:
در هر رکعت سوره حمد و سوره قل هو الله را می‌خوانی، پس از آن این آیه (آیه ۱۴۲ سوره اعراف) را می‌خوانی:

وَ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً، وَ اَتَمَمْنَا هَا بَعَشْرًا، فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ

و ما با موسی سی شب وعده گذاشتیم سپس آن را با ده شب دیگر تکمیل نمودیم به این ترتیب معاد پروردگارش (با او)

اَرْبَعِينَ لَيْلَةً، وَقَالَ مُوسَىٰ لِاخِيهِ هَارُونَ اَخْلَفْنِي فِي قَوْمِي، وَ اَصْلِحْ

چهل شب تمام شد و موسی به برادرش هارون گفت: جانشین من در میان قومم باش و آنها را اصلاح کن

وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ.

و از روش مفسدان پیروی منما.

اگر چنین کنی، در ثواب حاجیان، و اعمال حج آنها شریک می‌شوی.^۱
 ۲- روزه گرفتن در نُه روز اول. در روایتی از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده است که هر کس نُه روز اول ذی‌الحجه را روزه بدارد، خداوند ثواب روزه تمام عمر را برای او می‌نویسد.^۲
 ۳- ابوحمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت، از روز اول تا عصر روز عرفه، پس از نماز صبح و قبل از نماز مغرب این دعا را می‌خواند:

اللَّهُمَّ هَذِهِ الْأَيَّامُ الَّتِي فَضَّلْتَهَا عَلَيَّ الْأَيَّامِ وَشَرَّفْتَهَا، وَقَدْ بَلَّغْتَنِيهَا بِمَنِّكَ

خدایا این روزهایی است که برتری و شرافتش دادی بر سایر روزها و به لطف و

وَرَحْمَتِكَ، فَأَنْزِلْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ، وَأَوْسِعْ عَلَيْنَا فِيهَا مِنْ نِعْمَاتِكَ،

رحمتت مرا بدانها رساندی پس برکات خودت را بر ما فرو بار و از نعمتهای خود در این روزها بر ما وسعت ده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَهْدِينَا فِيهَا

خدایا من از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و نیز خواهم که ما را در این روزها به

لِسَبِيلِ الْهُدَى، وَالْعَفَافِ وَالْغِنَى، وَالْعَمَلِ فِيهَا بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، اللَّهُمَّ

راه هدایت و پاکدامنی و بی‌نیازی راهنمایی فرمایی و موقمان داری به انجام آنچه دوست داری و موجب خشنودی تو است خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مُؤْضِعَ كُلِّ شَكْوَى، وَيَا سَامِعَ كُلِّ نَجْوَى، وَيَا شَاهِدَ كُلِّ

از تو خواهم ای جایگاه هر شکایت و ای شنوای هر سخن سبزی و راز و ای حاضر در هر

مَلَأَ، وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْشِفَ

جمع و ای دانای هر نهان که درود فرستی بر محمد و آل محمد و بگشایی

عَنَّا فِيهَا الْبَلَاءَ، وَتَسْتَجِيبَ لَنَا فِيهَا الدُّعَاءَ، وَتُقَوِّينَا فِيهَا وَتُعِينَنَا،

در این روزها از ما بلا و گرفتاری را و مستجاب گردانی در آنها دعای ما را و نیرو دهی به ما در این روزها و کمکمان دهی

وَتُوفِّقُنَا فِيهَا لِمَا تُحِبُّ رَبُّنَا وَتَرْضَى، وَعَلَى مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنْ

و موقمان داری پروردگارا بدانچه دوست داری و خشنود گردی و بر آنچه واجب کرده‌ای بر ما از اطاعت خودت

طَاعَتِكَ، وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَأَهْلِ وَوَلَايَتِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا أَرْحَمَ

و اطاعت پیامبرت و اهل ولایتت خدایا از تو خواهم ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَهَبَ لَنَا فِيهَا الرِّضَا،

مهربانان که درود فرستی بر محمد و آل محمد و در این ایام خشنودی خویش را به من ببخش

إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، وَلَا تَحْرِمْنَا خَيْرَ مَا تُنَزِّلُ فِيهَا مِنَ السَّمَاءِ، وَطَهِّرْنَا

که برستی تو شنوای دعایی و محروم مکن ما را از خیری که در این روزها از آسمان فرو باری و پاکمان کن

مِنَ الذُّنُوبِ يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ، وَأَوْجِبْ لَنَا فِيهَا دَارَ الْخُلُودِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ

از گناهان ای دانای بر نادیدنیها و واجب گردان در این ایام برای ما خانه جاویدان را خدایا درود فرست

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تُتْرَكْ لَنَا فِيهَا ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا إِلَّا

بر محمد و آل محمد و هیچ گناهی برای ما باقی مگذار جز آنکه بیامیزی و نه اندوهی جز

فَرَجْتَهُ، وَلَا دَيْنًا إِلَّا قَضَيْتَهُ، وَلَا غَائِبًا إِلَّا آدَيْتَهُ، وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ

آنکه بگشایی و نه پدیی جز آنکه بپردازی و نه غایبی جز آنکه به ما برسانی و نه حاجتی از حاجات

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا سَهَّلْتَهَا وَيَسَّرْتَهَا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللَّهُمَّ يَا

دنیا و آخرت جز آنکه آسان و هموارش گردانی که برستی تو بر هر چیز توانایی خدایا ای

عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ، يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ، يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، يَا رَبَّ الْأَرْضِينَ

دانای اسرار پنهان ای رحم کننده بر اشک دیدگان ای اجابت کننده دعاها ای پروردگار زمینها

وَالسَّمَوَاتِ، يَا مَنْ لَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و آسمانها ای که صداها (بیشمار) بر او اشتباه نشود درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنَا فِيهَا مِنْ عِتْقَائِكَ وَطُلُقَائِكَ مِنَ النَّارِ، وَالْفَائِزِينَ بِجَنَّتِكَ،

محمد و قرار ده ما را در این روزها ازآزادشدگان و رهایی یافتگان از آتش و نائل شومندگان به بهشت

وَالنَّاجِينَ بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

و نجات یافتگان بوسیله رحمت ای مهربانترین مهربانان و درود خدا بر آقای ما محمد و

وَأَلِهِ أَجْمَعِينَ، وَسَلَّمْ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا^۱

آش همگی و سلام بر همه آنان باد.



۴- آن پنج دعایی را بخواند که به فرموده امام باقر علیه السلام خداوند آن را بوسیله جبرئیل برای حضرت عیسی علیه السلام هدیه فرستاد، تا در ایام این دهه، آنها را بخواند. آن پنج دعا چنین است:

۱. مصباح المتهجد، صفحه ۶۷۲ و اقبال، صفحه ۳۲۲ (با اندکی تفاوت).

(۱) أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ

(۱) گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریک ندارد از آن اوست فرمانروایی و خاص اوست ستایش هر چه خیر است

الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۲) أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا

بدست اوست و او بر هر چیز تواناست (۲) گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که

شَرِيكَ لَهُ، أَحَدًا صَمَدًا، لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلَدًا. (۳) أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ

شریک ندارد یگانه بی‌نیازی که همسر و فرزندی برای خود نگیرد (۳) گواهی دهم که معبودی

إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، أَحَدًا صَمَدًا، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

جز خدای یگانه نیست که شریک ندارد یگانه بی‌نیازی که نزاید و نه زاییده شده و نیست برایش

كُفْوًا أَحَدًا. (۴) أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

همتایی هیچ‌کس (۴) گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریکی ندارد از آن اوست فرمانروایی و خاص اوست

الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ

ستایش زنده کند و بمیراند و اوست زنده‌ای که نمیرد خیر بدست اوست و او بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۵) حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا، لَيْسَ وَرَاءَ اللَّهِ

چیز تواناست (۵) بس است مرا خدا و کافی است بشنود خدا صدای هر کس که دعا کند واری خدا

مَنْتَهَى، أَشْهَدُ لِلَّهِ بِمَا دَعَا، وَأَنَّهُ بَرِيءٌ مِمَّنْ تَبَرَّءَ، وَأَنَّ لِلَّهِ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى. ۱

انتهایی نیست گواهی دهم برای خدا بدانچه خوانده است و این‌که بیزار است از هر که از او بیزاری جسته و برای خداست آخرت و دنیا.

سپس حضرت عیسی علیه السلام پاداش فراوانی را برای صد مرتبه خواندن این پنج دعا ذکر فرمود. ۲ مرحوم

«عَلَامَةُ مَجْلِسِي» گفته است: اگر کسی هر روز هر یک از این پنج دعا را ده مرتبه بخواند (که در مدت ده

روز هر کدام را صد مرتبه خوانده است) به روایت عمل کرده است. البته اگر هر روز هر دعایی را صد مرتبه

بخواند بهتر است. ۳



۵- در هر روز از این دهه، این تهلیلات [لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ] را که از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده است

بخواند و اگر روزی ده مرتبه بخواند بهتر است:

۱. ممکن است این دعا به زبان عربی بر حضرت مسیح علیه السلام نازل شده باشد و نیز ممکن است حضرت امام باقر علیه السلام آن را به عربی تبدیل

کرده باشد. ۲. اقبال، صفحه ۳۲۳.

۳. زادالمعاد، صفحه ۲۴۵.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ اللَّيَالِي وَالذُّهُورِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ أَمْوَاجِ الْبُحُورِ، لَا

معبودی جز خدا نیست به شمارهٔ شبها و روزگاران معبودی جز خدا نیست به شمارهٔ موجهای دریاها

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الشُّوْكَ

معبودی جز خدا نیست و رحمت او بهتر است از آنچه مردم جمع کنند معبودی جز خدا نیست به شمارهٔ هر خار و

وَالشَّجَرِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبْرِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الْحَجَرِ

هر درخت معبودی جز خدا نیست به شمارهٔ هر مو و کُرک معبودی جز خدا نیست به شمارهٔ هر سنگ

وَالْمَدَرِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ لَمَحِ الْعُيُونِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا

و کلوخ معبودی جز خدا نیست به شمارهٔ بهم خوردن چشمها معبودی جز خدا نیست در شب چون

عَسَعَسَ، وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الرِّيَّاحِ فِي الْبَرَارِي

تاریک شود و در صبح چون بدمد معبودی جز خدا نیست معبودی جز خدا به شمارهٔ بادهای در صحراها

وَالصُّخُورِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنَ الْيَوْمِ إِلَى يَوْمٍ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ^۱

و کوهها معبودی جز خدا نیست از امروز تا روز نفخ صور.

اعمال مختصّ روزها و شبهای این ماه:

روز اول ماه: روز اول ماه ذی الحجّه روز مبارکی است و برای آن اعمالی چند نقل شده است:

۱- روزه گرفتن. در روایتی از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده است که هر کس روز اول ماه ذی الحجّه را روزه بگیرد، خداوند برای وی پاداش عظیمی را می نویسد.^۲

۲- خواندن نماز حضرت فاطمه علیها السلام. مرحوم «شیخ طوسی» فرموده است: مستحب است در این روز، نماز حضرت فاطمه علیها السلام را بخواند و این نماز چهار رکعت است (هر دو رکعت به یک سلام) و همانند نماز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ در هر رکعت، یک مرتبه سورهٔ حمد و پنجاه مرتبه سورهٔ قل هو الله را بخواند و بعد از سلام تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بگوید، آنگاه بخواند:

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ،

منزه است خدای صاحب عزت بلند و والا منزه است صاحب شوکت مرتفع و بزرگ

سُبْحَانَ ذِي الْمَلِكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلَةِ فِي

منزه است صاحب فرمانروایی گرانمایه و دیرینه منزه است آن کس که بیند جای پای مور را بر

الصَّافَا، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا

روی سنگ خارا منزه است آن‌کس که ببندد ردّ عبور پرند را در هوا منزه است آن‌کس که فقط او چنین است

هَكَذَا غَيْرُهُ^۱.

و جز او چنین نیست.

۳- نیم ساعت قبل از ظهر، دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت، یک مرتبه سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله و ده مرتبه آیه‌الکرسی و ده مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ رَا بَخَوَانِد.^۲

۴- هر کس از ظالمی خوف داشته باشد در این روز بگوید:

«حَسْبِي حَسْبِي حَسْبِي مِنْ سُوَالِي، عَلِمْتُكَ بِحَالِي»، تا خداوند او را از شرّ آن ظالم حفظ کند.^۳
روز هشتم ماه: روز هشتم ذی‌الحجه را روز «ترویه» می‌نامند و به روایت امام صادق علیه السلام روزه در آن، کفاره گناهان زیادی است.^۴

شب نهم (شب عرفه): شب عرفه از شب‌های مبارک و بافضیلت است که عبادت و توبه و راز و نیاز با حضرت حق در آن بسیار پرارزش است.

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: شب عرفه شبی است که دعاها در آن مستجاب است، و کسی که آن شب را به عبادت بپردازد، پاداش سالها عبادت را دارد و این شب، شب مناجات و توبه است.^۵

برای این شب، اعمالی نقل شده است:

۱- این دعا را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است بخواند، و در پاداش آن فرموده هر کس آن را در شب عرفه یا شب‌های جمعه بخواند، خداوند او را بیامرزد:

اللَّهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى، وَمَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى، وَعَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ،

خدایا ای آگاه هر رازو مرجع هر شکایت و دانای هر پنهان

وَمُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنَّعْمِ عَلَى الْعِبَادِ، يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ

و منتهای هر حاجت ای آغازنده نعمتها بر بندگان ای بزرگوار گذشت ای نیکو

التَّجَاوُزِ، يَا جَوَادُ، يَا مَنْ لَا يُوَارِي مِنْهُ لَيْلٌ دَاجٍ، وَلَا بَحْرٌ عَجَاجٌ، وَلَا

درگذر ای بخشنده ای که نه شب تاری چیزی را از تو پنهان کند و نه دریای موج و نه

۱. مصباح‌المتهجّد، صفحه ۶۷۱.

۲. اقبال، صفحه ۳۲۵.

۳. همان مدرک.

۴. همان مدرک.

۵. همان مدرک.

سَمَاءُ ذَاتِ أَبْرَاجٍ، وَلَا ظُلْمَ ذَاتِ اِرْتِيَاجٍ، يَا مَنْ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيَاءٌ،

آسمان برج‌دار و نه تاریکیهای پیچیده درهم ای کسی که تاریکی در پیش او روشن است

أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكَاً، وَخَرَّ

از تو خواهم به حق نور ذات بزرگوارت همان که بدان وسیله بر کوه تجلی فرمودی و آن را متلاشی کردی

مُوسَى صَعِقاً، وَبِاسْمِكَ الَّذِي رَفَعْتَ بِهِ السَّمَوَاتِ بِلاَ عَمَدٍ، وَسَطَّحْتَ بِهِ

و موسی مدهوش بر زمین افتاد و به همان نامت‌که آسمانها را بدون ستون برافراستی و

الْأَرْضَ عَلَيَّ وَجْهٍ مَاءٍ جَمَدٍ، وَبِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْمَكْتُوبِ

زمین را بر روی آبی متجمد شده پهن کردی و بدان نامت که پیش تو در گنجینه و در پرده و نوشته

الطَّاهِرِ، الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ، وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أَعْطَيْتَ، وَبِاسْمِكَ

و پاکیزه است همانکه هرگاه بدان نام بخوانند اجابت کنی و هرگاه بدان از تو خواهند عطا فرماید

السُّبُوحِ الْقُدُّوسِ الْبُرْهَانِ، الَّذِي هُوَ نُورٌ عَلَى كُلِّ نُورٍ، وَنُورٌ مِنْ نُورٍ،

و به حق نام منزه و مقدس و برهان تو که آن نور است بر هر نوری و نور است از نوری

يُضِيئُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ، إِذَا بَلَغَ الْأَرْضَ انْشَقَّتْ، وَإِذَا بَلَغَ السَّمَوَاتِ فَتَحَتْ،

که روشنی گیرد از آن هر نور چون به زمین رسد شکافته شود و چون به آسمانها رسد گشوده شوند

وَإِذَا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَرَّ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَرْتَعِدُ مِنْهُ فَرَائِصُ مَلَائِكَتِكَ،

و چون به عرش رسد بلرزد و به حق آن نامت که بلرزد از آن اندام فرشتگانت

وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى

و از تو خواهم به حق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و به حق محمد مصطفی

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ، وَبِالْإِسْمِ

که درود خدا بر او و آلش و بر جمیع پیامبران و همه فرشتگان و به حق آن نامی

الَّذِي مَشَى بِهِ الْخَضِرُ عَلَى قَلْلِ الْمَاءِ، كَمَا مَشَى بِهِ عَلَى جَدَدِ الْأَرْضِ،

که حضرت خضر بوسیله آن بر روی امواج آب دریا راه می‌رفت چنانچه بر روی زمین هموار راه می‌رفت

وَبِاسْمِكَ الَّذِي فَلَقْتَ بِهِ الْبَحْرَ لِمُوسَى، وَأَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ،

و به حق آن نامت که شکافتی بدان دریا را برای موسی و غرق کردی فرعون و قوم او را

وَأَنْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ وَمَنْ مَعَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى

و نجات دادی بدان موسی بن عمران و همراهانش را و به حق آن نامت که موسی

بُنْ عِمْرَانَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ، فَاسْتَجَبَتْ لَهُ وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً

بن عمران بوسیله آن تو را خواند از جانب راست کوه طور و اجابتش کردی و محبت خود را بر دلش انداختی

مِنْكَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ أَحْيَىٰ عِيسَىٰ بِنَ مَرْيَمَ الْمَوْتَىٰ، وَتَكَلَّمَ فِي الْمَهْدِ

و به حق آن نامت که عیسی بن مریم بوسیله‌اش مردگان را زنده کرد و در گهواره در زمان کودکی سخن گفت

صَبِيًّا، وَأَبْرَاءَ الْأَكْمَهَةِ وَالْأَبْرَصِ بِإِذْنِكَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةٌ

و کور مادرزاد و مبتلای به مرض برص را به اذن تو شفا دادی بدان نامت که خواند بوسیله آن تو را حاملین

عَرْشِكَ، وَجِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَحَبِيبِكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ

عرشت و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حبیبیت محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبُونَ، وَأَنْبِيَاءُوكَ الْمُرْسَلُونَ، وَعِبَادُكَ

علیه و آله و فرشتگان مقرب و پیامبران مرسلت و بندگان

الصَّالِحُونَ مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

شایسته‌ها از اهل آسمانها و زمینها و بدان نامت که یونس تو را بدان نام خواند

ذُو النَّوْنِ، إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ، فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ، أَنْ

در آن هنگام که خشمناک برفت و گمان داشت که بر او سخت‌گیری پس ندا کرد در میان تاریکیها که

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ

معبودی جز تو نیست منزهی تو و برستی من از ستمکاران هستم پس تو اجابتش کردی و از اندوه نجاتش دادی

مِنَ الْغَمِّ، وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ دَاوُدُ،

و این چنین نجات دهی مؤمنان را و بدان نام عظیمت که داود

وَخَرَّ لَكَ سَاجِدًا، فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَسِيَّةُ امْرَأَةٍ

بدان نام تو را خواند و برایت به سجده افتاد پس گناهش آمرزیدی و بدان نامت که آسیه همسر

فِرْعَوْنَ، إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ

فرعون بدان نام تو را خواند و گفت: پروردگارا برای من نزد خود در بهشت خانه‌ای بنا کن و نجاتم ده از فرعون و

وَعَمَلِهِ، وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَائِهَا، وَبِاسْمِكَ

کردارش و نجاتم ده از دست مردم ستمکار پس دعایش را اجابت کردی و بدان نامت

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ، إِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ، فَعَاقَبْتَهُ وَآتَيْتَهُ أَهْلَهُ، وَمِثْلَهُمْ

که ایوب تو را بدان خواند در آن هنگام که بلا بر او نازل شد پس او را تندرست کرده و کسانش را به او دادی و نظایرشان را

مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذِكْرِي لِلْعَابِدِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

نیز از رحمت خویش و پندی برای پرستش‌کنندگان و بدان نامت که

يَعْقُوبُ، فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهُ، وَقَرَّةَ عَيْنِهِ يُوسُفَ، وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ،

یعقوب تو را بدان نام خواند پس بینایش را و نور دیده‌اش یوسف را به او بازگرداندی و پریشانش را برطرف کردی

وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ سُلَيْمَانَ، فَوَهَبْتَ لَهُ مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ

و بدان نامت که سلیمان بدان تو را خواند پس بدو سلطنتی دادی که شایسته نبود برای هیچ کس

بَعْدِهِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي سَخَّرْتَ بِهِ الْبُرَاقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى

پس از او و براستی تو پربخشی و بدان نامت که براق را برای محمد صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، إِذْ قَالَ تَعَالَى: سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ

الله علیه و آله مسخر کردی آن‌جا که فرمودی: «منزه است خدایی که راه برد بنده‌اش را شبانه از

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى. وَقَوْلُهُ: سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا

مسجدالحرام تا مسجد اقصی» و گفتار دیگری: «منزه است خدایی که مسخر کرد برای ما

هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ، وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ. وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَنَزَّلَ بِهِ

این را وگرنه ما نیروی تسخیرش را نداشتیم و ما بسوی پروردگاران باز می‌گردیم» و بدان نامت که نازل می‌شد بوسیله آن

جِبْرِئِيلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آدَمُ،

جبرئیل بر محمد صلی الله علیه و آله و بدان نامت که خواند بدان نام تو را آدم

فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ، وَأَسْكَنْتَهُ جَنَّاتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَبِحَقِّ

پس گناهش آمرزیدی و در بهشت جایش دادی و از تو خواهم به حق قرآن عظیم و به حق

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَبِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ، وَبِحَقِّ فَضْلِكَ يَوْمَ الْقَضَاءِ، وَبِحَقِّ

محمد خاتم پیامبران و به حق ابراهیم و به حق جدا کردن حق و باطل را در روز داوری و به حق

الْمُؤَازِينَ إِذَا نُصِبَتْ، وَالصُّحُفِ إِذَا نُشِرَتْ، وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَمَا جَرَى،

میزانها هنگامی که نصب گردد و نامه‌ها آنگاه که گشوده شود و به حق قلم و آنچه بنویسد

وَاللُّوحِ وَمَا أَحْصَى، وَبِحَقِّ الْأِسْمِ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ

و لوح و آنچه بشمارد و به حق آن نامت که نوشتی آن را بر سربرده‌های عرش پیش از آن‌که

خَلَقْتَ الْخَلْقَ وَالْدُّنْيَا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ بِالْفِيْءِ عَامًا، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا

خلق را بیافرینی و دنیا و خورشید و ماه را خلق فرمایی و گواهی دهم که معبودی جز

اللَّهُ، وَحَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

خدای یگانه نیست که شریکی ندارد و این‌که محمد بنده و رسول او است و از تو خواهم بدان نام

الْمَخْرُوفِ فِي خَزَائِنِكَ، الَّذِي اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، لَمْ

مخفوظ در خزینه‌هایت که مخصوص خود ساختی آن را در علم غیب در نزد خویشتن و

يُظْهِرُ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا عَبْدٌ

آگاه نشد بر آن هیچ‌کس از خلق تو نه فرشته مقرب و نه پیامبر مرسل و نه بنده

مُصْطَفَى، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَقَقْتَ بِهِ الْبِحَارَ، وَقَامَتْ بِهِ الْجِبَالُ،

برگزیده‌ای و از تو خواهم بدان نامت که شکافتی بدان دریاها را و برپا شد بدان کوهها

وَاخْتَلَفَ بِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَبِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثَانِي، وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ،

و در رفت و آمد شد بدان شب و روز و به حق سوره مبارکه حمد و قرآن عظیم و

وَبِحَقِّ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَبِحَقِّ طُهُ وَيَسَ، وَكَهَيْعَصَ، وَحَمَعَسَقَ، وَبِحَقِّ

به حق نویسندگان ارجمندت و به حق طه و یس و کهیعص و حمعسق و به حق

تَوْرَةَ مُوسَى، وَأَنْجِيلَ عِيسَى، وَزَبُورَ دَاوُدَ، وَفُرْقَانَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود و قرآن محمد که درود تو

عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَى جَمِيعِ الرُّسُلِ، وَبِأَهْيَا شَرَاهِيَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ

بر او و آلش و بر جمیع رسولان باد و به حق آهی و شراهی (که دو نام اعظم یا نام دو تن از بزرگان دین است) خدایا از تو خواهم به حق

تِلْكَ الْمُنَاجَاتِ، الَّتِي بَيْنَكَ وَبَيْنَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَوْقَ جَبَلِ طُورِ

آن مناجاتی که میان تو و موسی بن عمران در بالای کوه طور

سَيْنَاءَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْأَرْوَاحِ،

سینا گذشت و از تو خواهم به آن نامت که آن را برای گرفتن جانها به ملک الموت یاد دادی

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَتَبَ عَلَى وَرَقِ الزَّيْتُونِ، فَخَضَعَتِ النَّيْرَانُ لِتِلْكَ

و از تو خواهم بدان نامت که نوشته شد به برگ زیتون و آتشها در مقابل آن نام فروتن گشت

الْوَرَقَةِ، فَقُلْتَ: يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَتَبْتَهُ

و فرمودی «ای آتش سرد و سلامت باش» و از تو خواهم بدان نامت که نوشتی آن را بر

عَلَى سُرَادِقِ الْمَجْدِ وَالْكَرَامَةِ، يَا مَنْ لَا يُخْفِيهِ سَائِلٌ، وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ،

سراینده‌های مجد و کرامت‌ای که درمنازهش نکند سائلی و نکاهدش داندن جایزه‌ای،

يَا مَنْ بِهِ يُسْتَعَاثُ وَإِلَيْهِ يُدْجَأُ، أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ، وَمُنْتَهَى

ای که به او استغاثه شود و به او پناه برند از تو خواهیم به حق آنچه موجب عزت عرشت گشته

الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ، وَجَدُّكَ الْأَعْلَى، وَكَلِمَاتِكَ

و به آخرین حد نهایی رحمت از کتاب تو و به اسم اعظمت و مقام والاترت و کلمات

التَّامَّاتِ الْعُلَى، اللَّهُمَّ رَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا ذَرَّتْ، وَالسَّمَاءِ وَمَا أَظَلَّتْ،

کامله و والایت خدایای پروردگار بادها و آنچه پراکنده کنند و پروردگار آسمان و آنچه را سایه کنند

وَالْأَرْضِ وَمَا أَقَلَّتْ، وَالشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّتْ، وَالْبِحَارِ وَمَا جَرَّتْ،

و پروردگار زمین و آنچه بر خود دارد و پروردگار شیاطین و آنچه را گمراه کند و دریاها و آنچه را همراه برند

وَيَحَقُّ كُلُّ حَقٍّ هُوَ عَلَيْكَ حَقٌّ، وَبِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ،

و به حق هر حقی که بر توست و به حق فرشتگان مقرب

وَالرُّوحَانِيِّينَ وَالْكَرُوبِيِّينَ، وَالْمُسَبِّحِينَ لَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَفْتُرُونَ،

و روحانیان و کروبیان و آنان که تسبیح کنند به شب و روز بی آنکه سستی کنند

وَبِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَبِحَقِّ كُلِّ وَلِيٍّ يُنَادِيكَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ،

و به حق ابراهیم خلیل تو و به حق هر ولی و دوستی که تو را در میان صفا و مروه صدا زند

وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَائَهُ، يَا مُجِيبُ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ، وَبِهَذِهِ

و دعایش را به اجابت رسانی ای اجابت کننده از تو خواهیم به حق این نامها و به این

الدَّعَوَاتِ، أَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا قَدَّمْنَا وَمَا أَخَّرْنَا، وَمَا أَسْرَرْنَا وَمَا أَعْلَنَّا، وَمَا

دعاها که بیامرزی آنچه ازگناهان که از پیش داشته و از این پس داریم و آنچه پنهان کرده و آنچه را آشکار کردیم و آنچه را

أَبْدَيْنَا وَمَا أَخْفَيْنَا، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

ظاهر کرده و آنچه را مخفی کردیم و آنچه را تو بدان آگاهی از ما که برستی تو بر هر چیز توانایی

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا حَافِظَ كُلِّ غَرِيبٍ، يَا مُؤَنِّسَ كُلِّ وَحِيدٍ،

به رحمت ای مهربانترین مهربانان ای نگهدار هر غریب ای همدم هر تنها

يَا قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ، يَا نَاصِرَ كُلِّ مَظْلُومٍ، يَا رَازِقَ كُلِّ مَحْرُومٍ، يَا مُؤَنِّسَ

ای نیروی هر ناتوان ای یاور هر ستمدیده ای روزی ده هر محروم ای مؤنس

كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ، يَا صَاحِبَ كُلِّ مُسَافِرٍ، يَا عِمَادَ كُلِّ حَاضِرٍ، يَا غَافِرَ كُلِّ

هر وحشت زده ای همراه هر مسافر ای تکیه گاه هر حاضر در وطن ای آمرزنده هر

ذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا صَرِيخَ الْمُسْتَضْرِحِينَ، يَا

گناه و خطا ای فریادرس فریادخواهان ای دادرس دادخواهان ای

كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ، يَا بَدِيعَ

برطرف کننده محنت محنت‌زدگان ای غمزدای غمزدگان ای پدید آورنده

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، يَا مُنْتَهَى غَايَةِ الطَّالِبِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ

آسمانها و زمینها ای منتهای مقصود جویندگان ای اجابت کننده دعای

الْمُضْطَّرِّينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، يَا دَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ، يَا

درماندگان ای مهربانترین مهربانان ای پروردگار جهانیان ای جزا دهنده روز جزا ای

أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ

بخشنده‌ترین بخشنندگان ای با کرمترین کریمان ای شنواترین شنوایان ای بیناترین

النَّاظِرِينَ، يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ، إِغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَغَيَّرُ النِّعَمَ، وَاعْفِرْ لِي

بینایان ای قادرترین قدرتمندان بیامرز از من آن گناهی را که نعمتها را تغییر دهد و بیامرز از من

الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ السَّقَمَ، وَاعْفِرْ

گناهی را که پشیمانی به بار آورد و بیامرز از من گناهی را که موجب بیماریها گردد و بیامرز

لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ،

از من گناهی را که پردهها ببرد و بیامرز از من گناهی را که دعا را باز گرداند

وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ قَطْرَ السَّمَاءِ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

و بیامرز از من گناهی را که باران را از آسمان جلوگیری کند و بیامرز از من گناهی را که

تَعْجَلُ الْفَنَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَجْلِبُ الشَّقَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

شتاب در نابودی کند و بیامرز از من گناهی را که بدبختی آرد و بیامرز از من گناهی

الَّتِي تُظْلِمُ الْهُوَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْعِطَاءَ، وَاعْفِرْ لِي

که هوا را تاریک کند و بیامرز از من گناهی را که پرده را بالا زند و بیامرز از من

الذُّنُوبَ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا اللَّهُ، وَاحْمِلْ عَنِّي كُلَّ تَبِعَةٍ لِأَحَدٍ مِّنْ

گناهی را که جز تو کسی آنها را نیامرزد ای خدا و بردار از دوش من هر حقی که از یکی از

خَلْقِكَ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا وَيُسْرًا، وَأَنْزِلْ يَقِينَكَ فِي

خلق تو بر گردن من است و قرار ده برای من در کارم گشایش و آسانی و وسیله بیرون آمدنی و فرود آرزوی یقینت را در

صَدْرِي، وَرَجَاءَكَ فِي قَلْبِي، حَتَّى لَا أَرْجُوَ غَيْرَكَ، اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِي

سینهام و امیدت را در دلم تا امیدی به کسی جز تو نداشته باشم خدایا مرا حفظ کن

وَ عَافِنِي فِي مَقَامِي، وَ اصْحَبْنِي فِي لَيْلِي وَ نَهَارِي، وَ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ

و عافیتم ده در جایگاهم و همراه من باش در شب و روزم و از پیش رو

وَ خَلْفِي، وَ عَن يَمِينِي وَ عَن شِمَالِي، وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي، وَ يَسِّرْ لِي

و پشت سرم و از راست و چپم و از بالای سر و زیر پایم و راه را بر من هموار کن

السَّبِيلَ، وَ احْسِنْ لِي التَّيْسِيرَ، وَ لَا تَخْذُلْنِي فِي الْعَسِيرِ، وَ اهْدِنِي يَا خَيْرَ

و آسانی خوشی برایم پیش آور و در دشواریها خوارم مکن و راهنماییم کن ای بهترین

دَلِيلٍ، وَ لَا تَكِلْنِي اِلَى نَفْسِي فِي الْاُمُورِ، وَ لَقِّنِي كُلَّ سُرُورٍ، وَ اَقْلِبْنِي اِلَى

راهنما و در کارها مرا به خودم وامگذار و هر سرور و خوشحالی را به دلم انداز و بازگردان مرا بسوی

اَهْلِي بِالْفَلَاحِ وَ النَّجَاحِ، مَحْبُورًا فِي الْعَاجِلِ وَ الْاَجَلِ، اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ

خانوادهام به رستگاری و کامیابی و آراسته به شادکامی در دنیا و آخرت که براستی تو بر هر چیز

شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ، وَ اَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ،

توانایی و از فضل خویش روزیم کن و فراخ گردان بر من از روزیهای پاکیزهات

وَ اسْتَعْمَلْنِي فِي طَاعَتِكَ، وَ اجِرْنِي مِنْ عَذَابِكَ وَ نَارِكَ، وَ اَقْلِبْنِي اِذَا

و وادارم کن به انجام طاعتت و پناهم ده از عذاب و آتش دوزخت و بگردانم به رحمت خود هنگامی

تَوَفَّيْتَنِي اِلَى جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ،

که مرا از این جهان بیرون بری بسوی بهشت خدایا به تو پناه برم از زوال نعمتت

وَ مِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ، وَ مِنْ حُلُولِ نِقْمَتِكَ، وَ مِنْ نُزُولِ عَذَابِكَ، وَ اَعُوذُ

و از تغییر یافتن عافیتت و از آمدن عقوبتت و از نازل شدن عذابت و به تو پناه برم

بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَ دَرَكِ الشَّقَاءِ، وَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ، وَ شِمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ،

از سختی بلا و گرفتاری و رسیدن بدبختی و از تقدیر بدو شماتت دشمنان

وَ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي الْكِتَابِ الْمُنَزَّلِ، اَللّٰهُمَّ لَا

و از شر آنچه از آسمان فرود آید و از شر آنچه در کتاب منزل خود (قرآن) بیان فرموده‌ای خدایا

تَجْعَلْنِي مِنَ الْاَشْرَارِ، وَ لَا مِنْ اَصْحَابِ النَّارِ، وَ لَا تَحْرِمْنِي صُحْبَةَ

مرا از اشرار و از اهل دوزخ قرارم مده و از مصاحبت نیکان محرومم مفرما

الْأَخْيَارِ، وَأَحْيَيْ حَيَاةً طَيِّبَةً، وَتَوَفَّنِي وَفَاةً طَيِّبَةً تُلْحِقُنِي بِالْأَبْرَارِ،

و به زندگی پاکیزه زنده‌ام بدار و به مرگ پاکیزه‌ای بمیرانم که به نیکان ملحقم داری

وَأَرْزُقُنِي مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ، اللَّهُمَّ لَكَ

و رفاقت پیمبران را روزیم گردانی در جایگاه پسندیده نزد پادشاهی نیرومند خدایا از آن

الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بِلَاتِكَ وَصُنْعِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَ [اتِّبَاعِ]

توست ستایش بر خوش آزمایشی و خوش رفتاریت و تو راست ستایش بر نعمت دین اسلام و پیروی

السُّنَّةِ، يَا رَبِّ كَمَا هَدَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَعَلَّمْتَهُمْ كِتَابَكَ، فَاهْدِنَا وَعَلَّمْنَا،

طریقه (پیمبران) پروردگارا چنانچه آن پیمبران را به دین خود راهنمایی کردی و کتاب خود را به آنان یاد دادی ما را نیز هدایت کرده و یادمان ده

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بِلَاتِكَ وَصُنْعِكَ عِنْدِي خَاصَّةً، كَمَا خَلَقْتَنِي

و تو راست ستایش بر خصوص آزمایشی و رفتار نیکت دربارهٔ شخص من که مرا آفریدی

فَأَحْسَنْتَ خَلْقِي، وَعَلَّمْتَنِي فَأَحْسَنْتَ تَعْلِيمِي، وَهَدَيْتَنِي فَأَحْسَنْتَ

و خلقتم را نیکو کردی و یادم دادی و نیکو یاد دادی و هدایتیم کردی و نیکو

هُدَايَتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى أَنْعَامِكَ عَلَيَّ قَدِيمًا وَحَدِيثًا، فَكَمْ مِنْ كَرَبٍ يَا

هدایت کردی پس تو راست ستایش بر نعمت بخشیت نسبت به من از زمان قدیم و جدید پس چه بسیار محنتی که ای

سَيِّدِي قَدْ فَرَّجْتَهُ، وَكَمْ مِنْ غَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ نَفَسْتَهُ، وَكَمْ مِنْ هَمٍّ يَا

آقای من که تو آن را گشودی و چه بسیار اندوهی که ای

سَيِّدِي قَدْ كَشَفْتَهُ، وَكَمْ مِنْ بَلَاءٍ يَا سَيِّدِي قَدْ صَرَفْتَهُ، وَكَمْ مِنْ عَيْبٍ يَا

آقای من تو آن را زدودی و چه بسیار غم و غصه‌ای که ای آقای من تو آن را برطرف کردی و چه بسیار بلا و گرفتاری ای آقای من که تو آن را بازگرداندی و چه بسیار عیبی ای

سَيِّدِي قَدْ سَتَرْتَهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ حَالٍ فِي كُلِّ مَثْوَى وَزَمَانٍ،

آقای من که تو آن را پوشاندی پس تو راست ستایش بر هر حال و در هر جا و هر زمان

وَمُنْقَلَبٍ وَمَقَامٍ، وَعَلَى هَذِهِ الْحَالِ وَكُلِّ حَالٍ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَفْضَلِ

و هر منزل و هر مقام و بر این حال و هر حال خدایا قرار ده مرا از بهترین

عِبَادِكَ نَصِيبًا فِي هَذَا الْيَوْمِ [فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ] مِنْ خَيْرِ تَقْسِيمِهِ، أَوْ ضُرِّ

بندگان در بهره‌مندی این روز از هر خیری که قسمت کنی یا گرفتاری

تَكْشِفُهُ، أَوْ سُوءٍ تَصْرِفُهُ، أَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ، أَوْ خَيْرٍ تَسُوقُهُ، أَوْ رَحْمَةٍ

که برطرف کنی یا بدی که بازش گردانی یا بلایی که دفعش کنی یا خیری که بفرستی یا رحمتی

تَشْرُهَا، أَوْ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا، فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَبِيَدِكَ خَزَائِنُ

که بگسترانی یا جامهٔ تندرستی که بیوشانی که برستی تو بر هر چیز توانایی و خزینه‌های آسمانها

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ الْمُعْطِي الَّذِي لَا يَرُدُّ سَأْلَهُ،

و زمین بدست توست و تویی خدای یگانهٔ بزرگوار عطابخشی که خواهنده‌اش دست خالی بازنگردد

وَلَا يُخَيِّبُ آمَلَهُ، وَلَا يَنْقُصُ نَأْيَهُ، وَلَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ، بَلْ يَزِدُّهُ كَثْرَةً

و آرزومندش ناامید نشود و عطاهایش نقصان نپذیرد و خزینه‌اش پایان ندارد بلکه همواره به زیادی

وَطَيْبًا، وَعَطَاءً وَجُودًا، وَارْزُقْنِي مِنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي لَا تَفْنَى، وَمِنْ

و پاکیزگی و عطا و جودش بیفزاید و روزیم کن از خزینه‌هایت که فنا نپذیرد و از رحمت

رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، إِنَّ عَطَاكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُورًا، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

وسعت که برستی عطای تو از کسی منع نشده و تو بر هر چیز

قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۱

توانایی به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

۲- مستحب است این تسبیحات را بخواند که رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس در شب عرفه این تسبیحات

ده گانه را هزار مرتبه بخواند، هر حاجتی از خداوند بخواهد، جز خواسته‌ای که گناه باشد، برآورده می‌شود:

سُبْحَانَ مَنْ فِي السَّمَاءِ عَرْشُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْأَرْضِ سَطْوَتُهُ،

منزه است خدایی که در آسمان است عرش او منزه است خدایی که در زمین است فرمان و حکمش

سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْبَحْرِ سَبِيلُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي النَّارِ سُلْطَانُهُ، سُبْحَانَ

منزه است خدایی که در دریا راه دارد منزه است خدایی که در آتش دوزخ سلطنتش موجود است منزه است خدایی که در بهشت رحمت اوست منزه است خدایی که

الَّذِي فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْقُبُورِ قَضَاؤُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي

خدایی که در آتش دوزخ سلطنتش موجود است منزه است خدایی که در بهشت رحمت اوست منزه است خدایی که در گورها قضا و فرمایش جاری است منزه است خدایی که

فِي الْهَوَاءِ أَمْرُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ، سُبْحَانَ الَّذِي وَضَعَ الْأَرْضَ،

در هوا امر اوست منزه است خدایی که آسمان را بالا برد منزه است خدایی که زمین را گسترد

سُبْحَانَ مَنْ لَا مَنجَا مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ.^۲

منزه است خدایی که ملجا و پناهی از او نیست جز به سوی خودش.

۳- زیارت امام حسین علیه السلام. در روایتی امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس در شب عرفه امام حسین علیه السلام را زیارت کند و تا روز عید در آن جا بماند، خداوند او را از گرفتاری و مشکلات آن سال محفوظ بدارد.^۱

۴- دعایی را که در اعمال شب جمعه و روز عرفه نیز وارد شده است بخواند که در اعمال شب جمعه (صفحه ۹۶۶) خواهد آمد و ابتدای آن چنین است: **اللَّهُمَّ مَنْ تَعَبًا وَ تَهَيَّأَ وَ أَعَدَّ.**^۲



روز نهم (روز عرفه):

مرحوم «علامه مجلسی» می‌گوید: روز عرفه از اعیاد بزرگ اسلامی است و کسی که بتواند این روز را در «عرفات» باشد، توفیق بزرگی دارد. این روز اعمال و دعا‌های فراوانی دارد و بهترین عمل در این روز، دعا است.^۳

این روز، برای تقویت معرفت الهی، و رابطه عمیق‌تر با حضرت حق و شناخت صفات جمال و جلال پروردگار، بسیار مناسب و مغتنم است.

این روز، بویژه برای کسانی که در سرزمین پرخطر و انسان‌ساز «عرفات» باشند و در مناسک حج شرکت داشته باشند، سعادت مضاعف خواهد بود؛ آنان که در لباس سفید احرام، با قلبی مملو از عشق خداوند، دعای عرفه امام حسین علیه السلام را در سرزمین عرفات زمزمه می‌کنند، از این زلال معرفت ناب، بیش از دیگران سیراب می‌شوند.

امام باقر علیه السلام از امام زین‌العابدین علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت در روز عرفه جمعی را مشاهده کرد که دست نیاز به سوی مردم دراز کرده و کمک می‌خواستند! حضرت فرمود: وای بر شما! آیا از غیر خدا در این روز حاجت می‌طلبید در حالی که در این روز امید می‌رود که فضل خداوند حتی شامل بچه‌هایی شود که در شکم مادرانند.^۴

در روز عرفه، مخصوصاً دعا برای مؤمنان و دوستان بسیار سفارش شده است. چه آنان که زنده‌اند و چه کسانی که از دنیا رفته‌اند.^۵

از ابراهیم بن هاشم که از بزرگان شیعه است چنین نقل شده که: «عبد الله بن جندب» را در سرزمین عرفات دیدم که در روز عرفه، غرق در دعا و راز و نیاز بود. دست‌های خود را به سوی آسمان بلند کرده بود و اشک از چشمانش سرازیر بود، و فراوان گریه می‌کرد؛ در پایان نزد او رفتم و گفتم: وقوف و عبادت هیچ

۲. مصباح‌المتهجد، صفحه ۲۶۹.

۱. اقبال، صفحه ۳۳۰.

۴. خصال، جلد ۲، صفحه ۵۱۷، حدیث ۴.

۳. زاد المعاد، صفحه ۲۵۶.

۵. زاد المعاد، صفحه ۲۵۶.

کس را مثل تو ندیدم. گفت به خدا سوگند! فقط برای برادران مؤمن دعا کردم، زیرا از امام موسی کاظم علیه السلام شنیدم که فرمود: هر کس برای برادران مؤمن خود دعا کند، از عرش ندا می‌رسد که صد هزار برابر آن برای خود تو خواهد بود، و من نخواستم از صد هزار برابر دعای فرشتگان که یقیناً مستجاب است، دست بردارم! و برای خودم دعا کنم که نمی‌دانم مستجاب خواهد شد یا خیر!^۱



اعمال روز عرفه:

برای روز عرفه چند عمل وارد شده است:

۱- روزه گرفتن؛ که پاداش فراوانی دارد. ولی اگر روزه در آن روز سبب ضعف و ناتوانی جهت دعا و انجام اعمال و عبادات روز عرفه شود ترک آن بهتر است!^۲ (البته روزه مربوط به کسانی است که در وطن هستند یا قصد اقامت ده روز کرده‌اند).

۲- غسل کردن قبل از غروب آفتاب.^۳

۳- زیارت امام حسین علیه السلام، که زیارت آن حضرت در روز عرفه طبق روایتی از امام صادق علیه السلام پاداش حج و عمره بسیار، و جهاد فراوان دارد.^۴

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که خداوند در روز عرفه، توجّه خاصی به زائران قبر امام حسین علیه السلام دارد، حاجاتشان را برآورده می‌سازد و گناهانشان را می‌آمرزد.^۵

در حدیث دیگری از سه امام بزرگوار، حضرت امام صادق و امام کاظم و امام رضا علیهم السلام آمده است که هر کس روز عرفه به زیارت امام حسین علیه السلام برود، خداوند او را با ایمان محکم همراه با اطمینان باز می‌گرداند.^۶

به هر حال، همان‌گونه که «سید بن طاووس»، در «اقبال» فرموده است: احادیث در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه، متواتر است.^۷ به همین دلیل سیل مشتاقان در این روز به سوی مرقد آن حضرت سرازیر می‌شود.

زیارت مخصوص امام حسین علیه السلام در روز عرفه، در بخش زیارات (صفحه ۴۲۳) ذکر شد.

۱. زاد المعاد، صفحه ۳۳۰.
 ۲. همان مدرک، صفحه ۲۵۸ و مصباح کفعمی، صفحه ۶۶۱.
 ۳. مصباح کفعمی، صفحه ۶۶۱.
 ۴. مصباح المتهجد، صفحه ۷۱۵.
 ۵. همان مدرک.
 ۶. بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۸۶، حدیث ۸.
 ۷. اقبال، صفحه ۳۳۲.

۴- پس از نماز عصر، و قبل از آن که دعاهای روز عرفه را بخواند، دو رکعت نماز در زیر آسمان، بجا آورد و به گناهان و خطاهای خود اعتراف کند، که امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس چنین کند، پاداش کسانی که در سرزمین عرفاتند، را خواهد داشت و گناهانش آمرزیده گردد.^۱

مرحوم «شیخ کفعمی» کیفیت نماز را این‌گونه آورده است: پس از آن که نماز ظهر و عصر را با رکوع و سجود نیکو، بجا آوردی، دو رکعت نماز بخوان؛ در رکعت اول بعد از سوره حمد، سوره توحید (قل هو الله احد) و در رکعت دوم، پس از سوره حمد، سوره قل یا ایها الکافرین را بخوان. بعد از آن نیز چهار رکعت نماز بگزار (هر دو رکعت به یک سلام). و در هر رکعت بعد از سوره حمد، پنجاه مرتبه سوره توحید را بخوان (که نماز امیرالمؤمنین نیز به همین صورت است) آنگاه این تسبیحات را که از رسول خدا نقل شده است و «سیدبن طاووس» آن را در «اقبال» آورده، بخوان:

سُبْحَانَ مَنْ فِي السَّمَاءِ عَزَّشَهُ... (این تسبیحات را در اعمال شب عرفه ذکر کردیم).

آنگاه صد مرتبه بگو: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ.

* * * * * منزه است خدا و حمد از آن خداست و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر از توصیف است.

و صد مرتبه سوره قل هو الله احد را بخوان.

صد مرتبه آیه الکرسی.

صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد.

ده مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي

* * * * * معبودی جز خدا نیست یگانه‌ای که شریک ندارد پادشاهی خاض اوست و از آن اوست حمد زنده کند

وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ

و بمیراند و بمیراند و زنده کند و اوست زنده‌ای که نمیرد هر چه خیر است به دست اوست و او بر همه

شَيْءٍ قَدِيرٌ.

چیز تواناست.

ده مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَآتُوبُ إِلَيْهِ.

* * * * * آمرزش خواهم از خدایی که معبود به حقی جز او نیست که زنده و پاینده است و به سویش توبه کنم.

ده مرتبه یا اللَّهُ - ده مرتبه یا رَحْمَنُ - ده مرتبه یا رَحِيمٌ - ده مرتبه یا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ - ده مرتبه یا حَىُّ یا قَیُّوْمٌ - ده مرتبه یا حَنَّانُ یا مَنَّانٌ - ده مرتبه یا لَإِلهَ إِلَّا أَنْتَ - ده مرتبه آمین.

پس آنگاه بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا مَنْ يَحُولُ

خدایا از تو خواهم ای کسی که او نزدیکتر است به من از رگ گردن ای که حائل شود

بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ، يَا مَنْ هُوَ

میان انسان و دلش ای که او در دیدگاه اعلی است و در افق آشکاری است ای که او

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ

بخشاینده است و بر عرش استیلا دارد ای که نیست مانندش چیزی و او شنوا و

الْبَصِيرُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

بینا است از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد.

آنگاه حاجت خود را از خداوند طلب کن که برآورده خواهد شد، ان شاء الله.^۱

(دعای کوتاه بالا دعای بسیار پر محتوایی است که سزاوار است انسان هر زمان که حال دعا پیدا کند از آن بهره گیرد و همچنین در قنوت‌های نماز می‌توان از آن استفاده کرد؛ دعایی است که جمله‌های آن غالباً از آیات قرآن گرفته شده و صفات جمال و جلال خداوند در آن منعکس است).

مرحوم «کفعمی» در ادامه می‌افزاید: پس از آن این صلوات را بخوان؛ امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بخواند محمد و آل محمد را با صلوات بر آنان مسرور و خشنود سازد، این صلوات را بخواند^۲:

اللَّهُمَّ يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى، وَيَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرِحِمَ،

خدایا ای بخشنده‌ترین عطابخشان و ای بهترین درخواست شدگان و ای مهربانترین کسی که از او مهربانی جویند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي

خدایا درود فرست بر محمد و آلش در زمرهٔ پیشینیان و درود فرست بر محمد و آلش در زمرهٔ

الْآخِرِينَ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

پسینیان و درود فرست بر محمد و آلش در ساکنین عالم بالا و درود فرست بر محمد

وَاللَّهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدًا وَآلَهُ الْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ،

و آتش در زمرهٔ مرسلین خدايا عطا کن به محمّد و آتش مقام و سيله و فضيلت

وَالشَّرْفَ وَالرَّفْعَةَ وَالدَّرَجَةَ الْكَبِيْرَةَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ

و شرف و رفعت و درجهٔ بلند خدايا من ايمان آوردم به محمّد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ لَمْ اَرَهُ، فَلَا تَحْرِمْنِيْ فِي الْقِيَمَةِ رُؤْيِيْتَهُ، وَارْزُقْنِيْ صُحْبَتَهُ،

عليه و آله با اينکه او را ندیده‌ام پس در روز قيامت از دیدارش محروم مفرما و مصاحبت و همنشینی او را روزی فرما

وَتَوْفَنِيْ عَلٰى مِلَّتِهِ، وَاسْقِنِيْ مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَبًا رَوِيًّا سَائِغًا هَنِيئًا، لَا

و بر من کیش او بمیرانم و بنوشانم از حوض او (حوض کوثر) نوشاندنی سیراب و جانبخش و گوارا که

اَظْمًا بَعْدَهُ اَبَدًا، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى

بس از آن هرگز تشنه نشوم که برستی تو بر هر چیز توانایی خدايا من ايمان آورده‌ام به محمّد صلی

اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ لَمْ اَرَهُ، فَعَرَّفْنِيْ فِي الْجَنَانِ وَجْهَهُ، اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّدًا

الله عليه و آله و او را ندیده‌ام پس در بهشت رویش را به من نشان ده خدايا برسان به محمّد

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْنِيْ، تَحِيَّةً كَثِيْرَةً وَسَلَامًا.

صلی الله عليه و آله از جانب من تحیتی بسیار و سلامی.

آنگاه دعای «ام داوود» را بخوان (که در اعمال نیمهٔ ماه رجب - صفحهٔ ۶۴۷ - گذشت). سپس این

تسبیحات را که پاداش فراوانی دارد، بخوان:

سُبْحَانَ اللهِ قَبْلَ كُلِّ اَحَدٍ، وَ سُبْحَانَ اللهِ بَعْدَ كُلِّ اَحَدٍ، وَ سُبْحَانَ اللهِ مَعَ

منزه باد خدا پیش از هر کس و منزه باد خدا پس از هر کس و منزه باد خدا با

كُلِّ اَحَدٍ، وَ سُبْحَانَ اللهِ يَبْقٰى رَبُّنَا وَ يَفْنٰى كُلُّ اَحَدٍ، وَ سُبْحَانَ اللهِ تَسْبِيْحًا

هر کس و منزه باد خدا که باقی ماند پروردگار ما و فانی شود هر کس و منزه باد خدا تنزیهی

يَفْضُلُ تَسْبِيْحِ الْمُسَبِّحِيْنَ فَضْلًا كَثِيْرًا قَبْلَ كُلِّ اَحَدٍ، وَ سُبْحَانَ اللهِ

که فزونی گیرد بر تسبیح تسبیح‌گویان فزونی بسیاری پیش از هر کس و منزه باد خدا

تَسْبِيْحًا يَفْضُلُ تَسْبِيْحِ الْمُسَبِّحِيْنَ فَضْلًا كَثِيْرًا بَعْدَ كُلِّ اَحَدٍ، وَ سُبْحَانَ

تنزیهی که فزونی گیرد بر تسبیح تسبیح‌گویان فزونی بسیاری پس از هر کس و منزه باد

اَللّٰهُ تَسْبِيْحًا يَفْضُلُ تَسْبِيْحِ الْمُسَبِّحِيْنَ فَضْلًا كَثِيْرًا مَعَ كُلِّ اَحَدٍ، وَ سُبْحَانَ

خدا تنزیهی که فزونی گیرد بر تسبیح تسبیح‌گویان فزونی بسیار با هر کس، و منزه باد

اللَّهُ تَسْبِيحًا يَفْضُلُ تَسْبِيحَ الْمُسَبِّحِينَ فَضْلًا كَثِيرًا رَبَّنَا الْبَاقِي وَيَفْنِي كُلُّ

خدا تنزیهی که فزونی گیرد بر تسبیح تسبیح‌گویان برتری بسیاری برای پروردگار ما که باقی ماند و جز او فانی شود هر

أَحَدٍ، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحًا لَا يُحْصَى وَلَا يُدْرَى وَلَا يُنْسَى، وَلَا يَبْلَى

کس و منزه باد خدا تنزیهی که به شماره در نیاید و دانسته نشود و فراموش نگردد و کهنه نشود

وَلَا يَفْنَى وَلَا يُنْتَهَى، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحًا يَدُومُ بِدَوَامِهِ، وَيَبْقَى

و فنا نپذیرد و انتهای برایش نباشد و منزه باد خدا تنزیهی که دوام داشته باشد به دوام او و باقی ماند

بِبَقَائِهِ فِي سِنِي الْعَالَمِينَ، وَ شَهُورِ الدُّهُورِ، وَ أَيَّامِ الدُّنْيَا وَ سَاعَاتِ اللَّيْلِ

به بقای او در طول سالهای این جهان و سایر جهانیان و ماههای این روزگار و هر روزگار و روزهای دنیا و ساعات شب

وَ النَّهَارِ، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَبَدَ الْأَبَدِ، وَمَعَ الْأَبَدِ مِمَّا لَا يُحْصِيهِ الْعَدَدُ، وَلَا

و روز و منزه باد خدا تا جاویدان است جاوید و همراه با جاوید بد انسان که شماره‌اش نتوان کرد و

يُفْنِيهِ الْأَمَدُ، وَلَا يَقْطَعُهُ الْأَبَدُ، وَ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ.

زمان و مدت آن را به فنا نکشاند و قطعش نکند «هرگز» و بزرگ است خدا بهترین آفریدگان.

بار دیگر همین دعا را بخوان، ولی بجای سُبْحَانَ اللَّهِ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، بگو: وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ،
و هر جا که کلمه سُبْحَانَ اللَّهِ دارد؛ به جای أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ بگو و دعا را تا آخر بخوان.

برای بار سوم از ابتدا شروع کن ولی این بار به جای سُبْحَانَ اللَّهِ، بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. مثلاً بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ...

در مرتبه چهارم، دعا را از ابتدا شروع کن و تا آخر بخوان، ولی به جای سبحان الله بگو الله اكبر. مثلاً
می‌گویی: اللَّهُ أَكْبَرُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ...

سپس دعای اللَّهُمَّ مَنْ تَعَبًا وَ تَهَيَّأً را بخوان (که در اعمال شب جمعه، صفحه ۹۶۶ خواهد آمد).^۱
آنگاه با نهایت خشوع و فروتنی، دعای چهل و هفتم «صَحِيفَةُ سَجَّادِيَّةِ» را بخوان که بسیار دعای
گران قدر و ارزشمندی است.^۲

۵- دعای معروف عرفه

از جمله دعاهایی که خواندنش در روز عرفه سفارش شده است دعای معروف و مشهور سالار شهیدان
امام حسین علیه السلام است که از محتوای بسیار با ارزش و بی نظیری برخوردار است؛ این دعای پرفیض، گنجینه‌ای

از معارف اسلامی است که راه خداشناسی و توبه و بازگشت به او را، به هر خداجوی مسلمانی می‌آموزد، و روح را به بالاترین اوج معرفت، می‌رساند؛ می‌توان گفت یک دوره عرفان اسلامی در آن درج است.

بشر و بشیر^۱ از فرزندان «غالب اسدی» روایت کرده‌اند که: عصر روز «عرفه» در سرزمین «عرفات» خدمت امام حسین علیه السلام بودیم که آن حضرت با گروهی از اهل بیت و شیعیان خود، در نهایت خشوع و فروتنی، از خیمه خویش بیرون آمدند و در قسمت چپ کوه [= جبل الرحمه، کوه معروفی است در وسط عرفات] رو به سوی کعبه ایستادند و همانند فقیر و نیازمندی که چیزی طلب کند، دست‌ها را در برابر صورت گرفتند و این دعا را خواندند:^۲

(برای توجه بیشتر به محتوای این دعا آن را به نه بخش تقسیم کردیم).

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا كَصُنْعِهِ صُنْعٌ

ستایش خاص خدای است که نیست برای قضا و حکمش جلوگیری و نه برای عطا و بخششش مانعی و نه مانند ساخته‌اش ساخته هیچ

صَانِعٌ، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، وَاتَّقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ،

سازنده‌ای و اوست بخشنده و وسعت‌ده که آفرید انواع گوناگون پدیده‌ها را و به حکمت خویش محکم ساخت مصنوعات را (طلایه‌های عالم وجود)

لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ، جَازِي كُلِّ صَانِعٍ،

بر او مخفی نیست و امانتها در نزد او ضایع نشود پاداش‌دهنده عمل هر سازنده

وَ رَائِسُ كُلِّ قَانِعٍ، وَ رَاحِمٌ كُلِّ ضَارِعٍ، وَ مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَ الْكِتَابِ الْجَامِعِ

و سامان دهنده زندگی هر قناعت‌بیشه و مهربان نسبت به هر نالان، فرو فرستنده هر سود و بهره و آن کتاب جامع که

بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَ هُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ، وَ لِلدَّرَجَاتِ

فرستادش بوسیله نور آن نور درخشان و اوست که دعاها را شنواست و گرفتاریها را برطرف کند و درجات

رَافِعٌ، وَ لِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ، وَلَا شَيْءَ يَعْذِلُهُ، وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ

را بالا برد و گردنکشان را ریشه‌کن سازد پس معبودی جز او نیست و چیزی با او برابری نکند و چیزی همانندش

شَيْءٌ، وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

نیست و او شنواست و بینا و دقیق و آگاه و او بر هر چیز تواناست.

۱. این دو تن را از اصحاب امام حسین علیه السلام به شمار آورده‌اند و برخی از علمای «علم رجال» بشر بن غالب اسدی را از اصحاب امیرمؤمنان، امام حسن، امام حسین و امام سجاد علیهم السلام دانسته‌اند (معجم رجال الحديث، جلد ۴، صفحه ۲۲۷).

۲. این دعا را سید بن طاووس در اقبال، صفحه ۳۳۹ و شیخ کفعمی در بلدالامین، صفحه ۲۵۱ و علامه مجلسی در بحارالانوار، جلد ۹۵، صفحه ۲۱۶ آورده‌اند و ما آن را مطابق نسخه متداول که با آنچه در بلدالامین است، تفاوت اندکی دارد، نقل می‌کنیم.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُقِرًّا بِأَنَّكَ رَبِّي، وَإِلَيْكَ

خدایا من بسوی تو اشتیاق دارم و به پروردگاری تو گواهی دهم اقرار دارم به این که تو پروردگار منی و بسوی توست

مَرَدِّي، ابْتَدَأْتَنِي بِبِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً، وَخَلَقْتَنِي مِنْ

بازگشت من آغاز کردی وجود مرا به رحمت خود پیش از آن که باشم چیز قابل ذکری و مرا از

التُّرابِ، ثُمَّ أَسَكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ، آمِنًا لِرَيْبِ الْمُنُونِ، وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ

خاک آفریدی آنگاه در میان صلیها جایم دادی و ایمنم ساختی از حوادث زمانه و تغییرات روزگار

وَالسَّنِينِ، فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلْبِ إِلَى رَحِمِ فِي تَقَادُمِ مِنَ الْأَيَّامِ

و سالها و همچنان همواره از صلی به رحمی کوچ کردم در ایام

الْمَاضِيَةِ، وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَافَتِكَ بِي وَلَطْفِكَ لِي

قدیم و گذشته و قرنهای پیشین و از روی مهر و رافتی که به من داشتی

وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أُمَّةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ،

و احسانت نسبت به من مرا به جهان نیاوردی در دوران حکومت پیشوایان کفر آنان که پیمان تو را شکستند و فرستادگانت را تکذیب کردند

لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَفِيهِ

ولی در زمانی مرا بدینا آوردی که پیش از آن در علمت گذشته بود از هدایتی که اسبابش را برایم مهیا فرمودی و در آن

أَنْشَأْتَنِي، وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَوَّفْتَ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ، وَسَوَابِغِ نِعْمِكَ،

مرا نشو و نما دادی و پیش از این نیز به من مهر و وزیدی بوسیله رفتار نیکوت و نعمتهای شایانت

فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيَّ يُمْنِي، وَأَسَكَنْتَنِي فِي ظِلْمَاتٍ ثَلَاثٍ، بَيْنَ لَحْمٍ

که پدید آوردی خلقتم را از منی ریخته شده و جایم دادی در سه پرده تاریکی (مشیمه و رحم و شکم) میان گوشت

وَدَمٍ وَجِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي، وَلَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئاً مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ

و خون و پوست و گواهم نساختی در خلقتم و واگذار نکردی به من چیزی از کار خودم را سپس

أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَأَمَّماً سَوِيًّا، وَحَفِظْتَنِي

بیرونم آوردی بدانچه در علمت گذشته بود از هدایتیم بسوی دنیا خلقتی تمام و درست و در حال طفولیت و خردسالی

فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيًّا، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا، وَعَظَفْتَ عَلَيَّ

در گهواره محافظتم کردی و روزیم دادی از غذاها شیری گوارا و دل پرستاران را بر من مهربان

قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَكَفَلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرَّوَاحِمَ، وَكَالَّتَنِي مِنْ طَوَارِقِ

کردی و عهدهدار پرستاریم کردی مادران مهربان را و از آسیب جنیان نگهداریم کردی

الْجَانِّ، وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ،

و از زیادی و نقصان سالم داشتی پس برتری تو ای مهربان و ای بخشنده

حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَيْتُ نَاطِقًا بِالْكَلامِ، أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْأَنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِي

تا آنگاه که لب به سخن گشودم و تمام کردی بر من نعمتهای شایان را و پرورش دادی

زَايِدًا فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي، وَاعْتَدَلْتُ مِرَّتِي، أَوْجَبْتَ

هر ساله زیادتر از سال پیش تا آنگاه که خلقتم کامل شد و تاب و توانم به حد اعتدال رسید واجب کردی

عَلَيَّ حُجَّتَكَ، بِأَنَّ الْأَهْمَتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ،

بر من حجت خود را بدین ترتیب که معرفت خود را به من الهام فرمودی و بوسیلهٔ عجایب حکمت به هراسم انداختی

وَأَيَّقَظْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَنَبَّهْتَنِي

و بیدارم کردی بدانچه آفریدی در آسمان و زمین از پدیده‌های آفرینش و آگاهم کردی

لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ، وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ

به سپاسگزاری و ذکر خود و اطاعت و عبادت را بر من واجب کردی و آنچه

بِهِ رُسُلُكَ، وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ

رسولانت آورده بودند به من فهماندی و پذیرفتن موجبات خشنودیت را برام آسان کردی و در تمام اینها

بِعَوْنِكَ وَلَطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى، لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً

به یاری و لطف خود بر من منت نهادی سپس به این‌که مرا از بهترین خاکها آفریدی راضی نشدی ای معبود من که تنها از نعمتی

دُونَ أُخْرَى، وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ، وَصُنُوفِ الرِّيَاشِ، بِمَنْكَ

برخوردار شوم و از دیگری منع کردم بلکه روزیم دادی از انواع (نعمتهای) زندگی و اقسام لوازم کامرانی و این بواسطه آن نعمت‌بخشی

الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ

بزرگ و بزرگتر بود بر من و آن احسان دیرینهات بود نسبت به من تا این‌که تمام نعمتها را بر من کامل کردی

جَمِيعَ النِّعَمِ، وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ، لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ،

و تمام رنجها و بلاها را از من دور ساختی باز هم نادانی و دلیری من بر من جلوگیری نشد

أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يَقْرَبُنِي إِلَيْكَ، وَوَقَّعْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ

از این‌که راهنمایم کردی بدانچه مرا به تو نزدیک کند و موقعم داشتی بدانچه مرا به درگاهت مقرب سازد که اگر بخوانمت

أَجَبْتَنِي، وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، وَإِنْ شَكَرْتُكَ

پاسخم دهی و اگر بخواهم از توبه من عطا کنی و اگر اطاعتت کنم قدردانی کنی و اگر سپاسگزاری کنم

زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ

بر من بیفزایی و همه اینها برای کامل ساختن نعمتهای تو است بر من و احسانی که به من داری پس منزهی تو،

سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِيٍّ مُعِيدٍ حَمِيدٍ مُجِيدٍ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَعَظُمَتْ

منزه که آغازنده نعمتی و بازگرداننده و ستوده و بزرگواری بسی پاکیزه است نامهای تو و بزرگ است

الْأَوْكَ، فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصِي عَدْدًا وَذِكْرًا، أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا

نعمتهای تو پس ای معبود من کدام یک از نعمتهایت را بشماره درآورده و یاد کنم یا برای کدام یک از عطاهایت به

شُكْرًا، وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا

سپاسگزاری اقدام کنم در صورتی که آنها ای پروردگار من بیش از آن است که حسابگران بتوانند آنها را بشمارند یا دانش

الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ، أَكْثَرَ

حافظان بدانها رسد سپس ای خدا آنچه را از سختی و گرفتاری از من دور کرده و باز داشتی بیشتر بوده

مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ.

از آنچه برایم آشکار شد از تندرستی و خوشی.

وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيمَانِي، وَعَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي، وَخَالِصِ

و من گواهی دهم خدایا به حقیقت ایمان خودم و بدانچه تصمیمات یقینم بدان بسته است و توحید خالص

صَرِيحِ تَوْحِيدِي، وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي، وَعَلَاتِقِ مَجَارِي نُورِ

و بی‌شائبه خود و درون سرپوشیده نهادم و رشته‌های دید نور

بَصْرِي، وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي، وَخَرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي، وَخَذَارِيفِ

چشمانم و خطوط صفحه پیشانیم و رخنه‌های راههای تنفسم و پرده‌های

مَارِنِ عِرْنِينِي، وَمَسَارِبِ سِمَاخِ سَمْعِي، وَمَا ضَمَّتْ وَأَطَبَقَتْ عَلَيْهِ

نرمة بینیم و راههای پرده گوشم و آنچه بچسبد و روی هم قرار گیرد

شَفْتَايَ، وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَمَعْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي، وَمَنَابِتِ

بر آن دو لبم و حرکت‌های تلفظ زبانم و محل پیوست کام (فک بالایی) دهان و آرواره‌ام

أَضْرَاسِي، وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي، وَحِمَالَةِ أُمَّ رَأْسِي، وَبُلُوعِ فَارِغِ

و محل بیرون آمدن دندانهایم و محل چشیدن خوراک و آشامیدنهایم و رشته و عصب مغز سرم و لوله (حلق) متصل به

حَبَائِلِ عُنُقِي، وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورٌ صَدْرِي، وَ حَمَائِلِ حَبْلِ وَ تَيْبِي،

رگهای گردنم و آنچه در برگرفته آن را قفسهٔ سینهام و رشته‌های رگ قلبم

وَ نِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَ أَفْلَازِ حَوَاشِي كِبْدِي، وَ مَا حَوَتْهُ شَرَّاسِيفُ

و شاه‌رگ پردهٔ دلم و پاره‌های گوشه و کنار جگرم و آنچه را در بردارد استخوانهای

أَضْلَاعِي، وَ حِقَاقُ مَفَاصِلِي، وَ قَبْضُ عَوَامِلِي، وَ أَطْرَافُ أَنَامِلِي،

دنده‌هایم و سرینده‌های استخوانهایم و انقباض عضلات بدنم و اطراف سر انگشتانم و

وَ لَحْمِي وَ دَمِي، وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي، وَ عَصْبِي وَ قَصْبِي، وَ عِظَامِي وَ مُخِي

گوشتم و خونم و موی بدنم و بشرهٔ پوستم و عصبم و ساقم و استخوانم و مغزم

وَ عُرُوقِي، وَ جَمِيعُ جَوَارِحِي، وَ مَا انْتَسَجَ عَلَي ذَلِكِ أَيَّامَ رِضَاعِي، وَ مَا

و رگهایم و تمام اعضا و جوارجم و آنچه بر اینها بافته شده از دوران شیرخوارگیم و آنچه را

أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَ نَوْمِي وَ يَقْظَتِي وَ سُكُونِي، وَ حَرَكَاتِ رُكُوعِي

زمین از من بر خود گرفته و خوابم و بیداریم و آرامیدنم و حرکتهای رکوع و

وَ سُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَ الْأَحْقَابِ، لَوْ

سجود من (گواهی دهم) که اگر تصمیم بگیرم و بکوشم در طول قرون و اعصار بر فرض که چنین

عُمُرْتُهَا أَنْ أَوْدِي شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعِمِكَ، مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنِّكَ

عمری بکنم و بخواهم شکر یکی از نعمتهای تو را بجا آورم نخواهم توانست جز به لطف خود که

الْمُوجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا، وَ ثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا، أَجَلٌ، وَ لَوْ

آن خود واجب کند بر من سپاسگزاری را دوباره از نو و موجب ستایشی تازه و ریشه‌دار گردد آری و اگر

حَرَصْتُ أَنَا وَ الْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ، أَنْ نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَ آتِيهِ،

حرص باشم من و حسابگران از مخلوق که بخواهیم اندازهٔ نعمت‌بخشیهای تو را از گذشته و آینده

مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا، وَ لَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا، هَيْهَاتَ أَنِي ذَلِكَ، وَ أَنْتَ الْمُخْبِرُ

به حساب درآوریم نتوانیم بشماره درآوریم و نه از نظر زمان و اندازه آن را احصا کنیم! هیهات! کجا چنین چیزی میسر است و تو خود

فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَ النَّبِيُّ الصَّادِقِ: وَ إِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا.

در کتاب گویا و خبر راست و درست‌تر خیر داده‌ای که «اگر بشمارید نعمت خدا را احصا نتوانید کرد»

صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَ إِنْبَاءُوكَ، وَ بَلَّغْتَ أَنْبِيَآؤَكَ وَ رُسُلَكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ

خدایا کتاب تو و خبری که دادی راست است و رساندند پیامبران و رسولانت هرچه را بر ایشان از وحی خویش

مِنْ وَحْيِكَ، وَ شَرَعْتَ لَهُمْ وَ بِيَهُمْ مِنْ دِينِكَ.

فرو فرستادی و آنچه را تشریح کردی برای آنها و بوسیله آنها از دین و آیین خود.

غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَ جِدِّي، وَ مَبْلَغِ طَاعَتِي وَ وُسْعِي، وَ أَقُولُ

جز این که معبودا من گواهی دهم به سعی و کوششم و به اندازه رسایی طاعت و وسعم و از

مُؤْمِنًا مُوقِنًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونُ مَوْرُوثًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ

روی ایمان و یقین می گویم ستایش خدایی را سزاست که نگیرد فرزندی تا از او ارث برند و نیست برایش

شَرِيكَ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَ لَا وَلِيَّ مِنَ الذَّلِّ فَيُفْرِدَهُ فِيمَا

شریکی در فرمانروایی تا با او ضدیت کند در آنچه پدید آورد و نه نگهداری از خواری دارد تا کمکش کند

صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ، لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَ تَفَطَّرَتَا،

در آنچه بوجود آورد پس منزه باد منزه که اگر بود در آسمان و زمین خدایانی جز او هر دو تباه می شدند و از هم متلاشی می گشتند

سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ

منزه است خدای یگانه یکتای بی نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست برایش

كُفْوًا أَحَدًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَآئِهِ

همتایی هیچ کس ستایش خدای را است ستایشی که برابر ستایش فرشتگان مقرب او و پیامبران

الْمُرْسَلِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ

مرسلینی باشد و درود خدا بر بهترین خلقش محمد خاتم پیامبران و آل پاک و

الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ، وَ سَلَّمَ.

پاکیزه و خالص او باد و سلام.

آنگاه حضرت، پس از ذکر آن همه اوصاف الهی و تسبیح و تقدیس پروردگار حاجت خود را عرضه داشت و در حالی که اشک از چشمان مبارکش سرازیر بود گفت:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ، وَ لَا تُشْقِنِي

خدایا چنان ترسان خودت کن که گویا می بینمت و به پرهیزکاری از خویش خوشبختم گردان و به واسطه نافرمانیت بدبختم

بِمَعْصِيَتِكَ، وَ خَزَلِي فِي قَضَائِكَ، وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أَحِبَّ

مکن و در سرنوشت خود خیر برابم مقدر کن و مقدرات را برابم مبارک گردان تا چنان نباشم که

تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي،

تجلیل آنچه را تو پس انداختهای بخواهم و نه تأخیر آنچه را تو پیش انداختهای خدایا قرار ده بی‌نیازی در نفس من

وَالْيَقِيْنَ فِي قَلْبِي، وَالْاِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالنُّوْرَ فِي بَصْرِي، وَالْبَصِيْرَةَ

و یقین در دلم و اخلاص در کردارم و روشنی در دیده‌ام و بینایی

فِي دِيْنِي، وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصْرِي الْوَارِثِيْنَ مَنِّي،

در دینم و مرا از اعضا و جوارحم بهره‌مند کن و گوش و چشم مرا وارث من گردان (که تا دم مرگ سلامت باشند)

وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَرْنِي فِيهِ ثَارِي وَمَارِبِي، وَأَقْرَبِ بَدْلِكَ

و یاریم ده بر آن کس که به من ستم کرده و انتقام‌گیری مرا و آرزویم را درباره‌اش به من بنمایان و دیده‌ام را در این باره

عَيْنِي، اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاغْفِرْ لِي خَطِيْئَتِي، وَاخْسَا

روشن کن خدایا محنتم را برطرف کن و زشتیهایم بیوشان و خطایم بیمارز و شیطان

شَيْطَانِي، وَفُكْ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا اِلٰهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْاٰخِرَةِ

و اهریمنم را از من بران و ذمه‌ام را از گرو بزهان و قرار ده خدایا برای من درجه والا در آخرت

وَالْاُولَى، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي سَمِيْعًا بَصِيْرًا، وَلَكَ

و در دنیا خدایا حمد تو راست که مرا آفریدی و شنوا و بینا قرارم دادی

الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحْمَةً بِي، وَقَدْ كُنْتَ عَنْ

و ستایش تو راست که مرا آفریدی و از روی مهری که به من داشتی خلقتم را نیکو آراستی در صورتی که تو از

خَلْقِي غَنِيًّا، رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ بِمَا اَنْشَأْتَنِي

خلقت من بی‌نیاز بودی پروردگارا به آن طور که مرا پدیدآوردی و در خلقتم اعتدال بکار بردی پروردگارا به آن طور که بوجودم آوردی و

فَاَحْسَنْتَ صُوْرَتِي، رَبِّ بِمَا اَحْسَنْتَ اِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عَافِيْتَنِي، رَبِّ بِمَا

صورتم را نیکو کردی پروردگارا به آن طور که به من احسان کردی و عافیتم دادی پروردگارا آن چنانکه

كَلَأْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي، رَبِّ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا اَوْلَيْتَنِي وَمِنْ

مرا محافظت کردی و موفقم داشتی پروردگارا آن چنانکه بر من انعام کرده و هدایتیم فرمودی پروردگارا چنانچه مرا مورد احسان قرار داده و از

كُلِّ خَيْرٍ اَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا اَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا اَغْنَيْتَنِي

هر خیری به من عطا کردی پروردگارا آن چنانکه مرا خوردندی و نوشاندی پروردگارا آن چنانکه بی‌نیازم کردی

وَأَقْيَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا اَعَنْتَنِي وَاَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ بِمَا اَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ

و سرمایه‌ام دادی پروردگارا آن چنانکه کمکم دادی و عزتم بخشیدی پروردگارا آن چنانکه مرا از خلت باصفایت پوشاندی

الصَّافِي، وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و از مصنوعات به حد کافی در اختیارم گذاردی (چنانکه این همه انعام کردی) درود فرست بر محمد و آل محمد و

وَاعْنِي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ، وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَنَجِّنِي مِنْ

کمکم ده بر پیش‌آمدهای ناگوار روزگار و کشمکشهای شیها و روزها و از هراسهای

أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ، وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي

دنیا و اندوههای آخرت نجاتم ده و از شر آنچه ستمگران در زمین انجام دهند مرا کفایت فرما

الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي، وَمَا أَحْذَرُ فَقِنِي، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي

خدایا از آنچه می‌ترسم کفایت کن و از آنچه برحذر، نگاهم دار و خودم و دینم

فَاخْرُسْنِي، وَفِي سَفَرِي فَاخْفِظْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَاخْلِفْنِي، وَفِي مَا

را حفظ کن و در سفر محافظتم کن و در خانواده و مالم جانشین من باش و در آنچه

رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي،

روزیم کرده ای برکت ده و مرا در پیش خودم خوار کن و در چشم مردم بزرگم کن و

وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْ نِي، وَبِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي، وَبَسْرِي رَتِي

از شر جن و انس بسلامتم بدار و به گناهان رسوایم مکن و به اندیشه‌های باطنم

فَلَا تُخْزِنِي، وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي، وَنِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا

سرافکندهام مکن و به کردارم دچارم مساز و نعمتهایت را از من بگیر و بجز خودت به دیگری

تَكِلْنِي، إِلَهِي إِلِي مَنْ تَكِلْنِي، إِلِي قَرِيبٍ فَيَقْطَعْنِي، أَمْ إِلِي بَعِيدٍ

واگذارم مکن خدایا به که واگذارم می‌کنی آیا به خویشاوندی که از من بی‌درد یا بیگانه‌ای که مرا از خود دور کند یا

فَيَتَجَهَّمْنِي، أَمْ إِلِي الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي وَأَنْتَ رَبِّي، وَمَلِيكَ أَمْرِي، أَشْكُو

به کسانی که خوارم شمردند و تویی پروردگار من و زمامدار کار من بسوی

إِلَيْكَ غُرْبَتِي، وَبَعْدَ دَارِي، وَهَوَانِي عَلَيَّ مِنْ مَلَكَتِهِ أَمْرِي، إِلَهِي فَلَا

تو شکایت آرم از غربت خود و دوری خانها و خواریم نزد کسی که زمامدار کار من کردی خدایا پس

تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سُبْحَانَكَ غَيْرَ

خشم خود را بر من مبار و اگر بر من خشم نکرده باشی باکی ندارم - منزهی تو - جز اینکه

أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْأَلُكَ يَا رَبُّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ

در عین حال عافیت تو وسیعتر است برای من پس از تو خواهم پروردگارا به نور ذاتت که روشن شد بدان

الأَرْضُ وَالسَّمَوَاتُ، وَكُشِفَتْ بِهِنَّ الظُّلُمَاتُ، وَصَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ

زمین و آسمانها و برطرف شد بدان تاریکیها و اصلاح شد بدان کار اولین

وَالْآخِرِينَ، أَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ، وَلَا تُنَزِّلْ بِي سَخَطَكَ، لَكَ

و آخرین که مرا بر حال غضب خویش نمیرانی و خشم را بر من نازل مفرمایی مواخذ

الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

و بازخواست حق توست تا گاهی که پیش از آن راضی شوی معبودی جز تو نیست.

رَبِّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحْلَلْتَهُ الْبِرَكَةَ،

که پروردگار شهر محترم و مشعر الحرام و خانه کعبه‌ای آن خانه‌ای که برکت را بدان نازل کردی

وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ

و آن را برای مردمان خانه امنی قرار دادی ای کسی که از گناهان بزرگ به بردباری خود درگذری ای که نعمتها را به

النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا

فضل خود فراوان گردانی ای که عطایای شایان را به کرم خود بدهی ای ذخیره‌ام در سختی ای

صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَليِّي فِي نِعْمَتِي، يَا إِلَهِي

رفیق و همدم در تنهایی ای فریادرس من در گرفتاری ای ولی من در نعمت ای معبود من

وَالِهَ آبَائِي، إِبْرَاهِيمَ وَاسْمَاعِيلَ، وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبِّ جِبْرَائِيلَ

و معبود پدرانم ابراهیم و اسمعیل و (معبود) اسحاق و یعقوب و پروردگار جبرئیل

وَمِيكَائِيلَ وَاسْرَافِيلَ، وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَآلِهِ الْمُتَتَجِبِينَ،

و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیامبران و آل برگزیده‌اش

وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ، وَمُنْزِلَ كَهَيِّعَصَ، وَطَهُ

و فرودرستنده تورات و انجیل و زبور و قرآن و نازل‌کننده کهیص و طه

وَيْسَ، وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا،

و «یس و قرآن حکمت آموز» تویی پناه من هنگامی که درمانده‌ام کنند راهها با همه وسعتی که دارند

وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضَ بِرُحْبِهَا، وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ

و زمین بر من تنگ گیرد با همه پهناوریش و اگر نبود رحمت تو بطور حتم من هلاک شده بودم و تویی

مُقْبِلٌ عَشْرَتِي، وَلَوْ لَا سَتْرَكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيَّدِي

نادیده گیر لغزشم و اگر پرده پوشی تو نبود مسلماً من از رسواشدگان بودم و تویی که

بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَلَوْ لَا نَصْرَكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مَنْ

به یاری خود مرا بر دشمنانم یاری دهی و اگر نبود یاری تو من مغلوب شده بودم ای که

خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَالرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاءَهُ بِعِزِّهِ يَعْتَزُّونَ، يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ

مخصوص کرده خود را به بلندی و برتری و دوستانش بوسیله عزت او عزت یابند ای که

الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ

پادشاهان در برابرش طوق خواری به گردن گذارند و آنها از سَطَوَاتِش ترسانند می داند حرکت (یا خیانت)

الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَالذُّهُورُ، يَا مَنْ

چشمها و آنچه را سینهها پنهان کنند و حوادثی که در کمون زمانها و روزگارهاست ای که

لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا

نداند چگونگی او را جز خود او ای که نداند چیست او جز او ای که نداند او را جز

هُوَ، يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ

خود او ای که زمین را بر آب فرو بُردی و هوا را به آسمان بستی ای که

أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ

گرامی ترین نامها از اوست ای دارنده احسانی که هرگز قطع نشود ای گمارنده کاروان برای نجات

لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ

یوسف در آن جای بی آب و علف و بیرون آورنده اش از چاه و رساننده اش به پادشاهی پس از بندگی

مَلِكًا، يَا زَادَهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ أَيْضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يَا

ای که او را برگرداندی به یعقوب پس از آن که دیدگانش از اندوه سفید شده بود و آکنده از غم بود ای

كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْبَلْوَیِ عَنِ أَيُّوبَ، وَمُمْسِكَ يَدِي إِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَبْحِ ابْنِهِ،

برطرف کننده سختی و گرفتاری از ایوب و ای نگهدارنده دستهای ابراهیم از ذبح پسرش

بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى، وَكَلَّمَ

پس از سن پیری و بسرامدن عمرش ای که دعای زکریا را به اجابت رساندی و یحیی را به او بخشیدی و

يَدَعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا، يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلَقَ

او را تنها و بی‌کس و وامگذاردی ای که بیرون آورد یونس را از شکم ماهی ای که شکافت

الْبَحْرِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ، وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمَغْرَقِينَ، يَا

دربا را برای بنی‌اسرائیل و (از فرعونیان) نجاتشان دادو فرعون و لشکرانش را غرق کرد ای

مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ، يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَيَّ مِنْ

که فرستاد بادها را نوید دهندگانی پیشاپیش آمدن رحمتش ای که شتاب نکند بر (عذاب)

عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدْ

نافرمانان از خلق خود ای که نجات بخشید ساحران (فرعون) را پس از سالها انکار (و کفر) و چنان

غَدَوْا فِي نِعْمَتِهِ يَا كَلُونَ رِزْقَهُ، وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادَّوهُ وَنَادَّوهُ،

بودند که منتعم به نعمتهای خدا بودند که روزیش را می‌خوردند ولی پرستش دیگری را می‌کردند و با خدا دشمنی و ضدیت داشتند

وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيَّ، يَا بَدِيْعًا لَا نِدَّ لَكَ، يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ،

و رسولانش را تکذیب می‌کردند ای خدا ای خدا ای آغازنده ای پدیدآورنده ای که همتا نداری ای جاویدانی که زوال نداری

يَا حَيًّا حِينًا لَا حَيٍّ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا

ای زنده در آنگاه که زنده‌ای نبودای زنده کن مردگان ای که مراقبت داری بر هرکس بدانچه

كَسَبَتْ، يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظَمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ

انجام داده ای که سپاسگزاری من برایش اندک است ولی محروم نکند و خطایم بزرگ است ولی

يَقْضِحْنِي، وَرَأْنِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي

رسوایم نکند و مرا بر نافرمانی خویش ببندد ولی پردهام نبرد ای که مرا در

صَغْرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي، يَا مَنْ أَيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصِي، وَنِعْمَهُ

کودکی محافظت کردی ای که در بزرگی روزیم دادی‌ای که اندازهٔ مرحمت‌هایی که به من کردی بشماره نیاید و نعمتهایش

لَا تُجَازِي، يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ، وَعَارَضْتُهُ بِالْأَسَاءَةِ

را تلافی ممکن نباشد ای که روبه‌رو شد با من به نیکی و احسان ولی من با او به بدی

وَالْعِصْيَانِ، يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْأَمْتِنَانِ، يَا

و گناه روبه‌رو شدم ای که مرا به ایمان هدایت کرد پیش از آن‌که بشناسم طریقهٔ سپاسگزاری نعمتش را ای که

مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي، وَعُرِيَانًا فَكَسَانِي، وَجَائِعًا فَاشْبَعْنِي،

خواندمش در حال بیماری و او شفایم داد و در برهنگی و او مرا پوشاند و در گرسنگی و او سیرم کرد

وَعَطْشَانَا فَارْوَانِي، وَذَلِيلًا فَاعِزَّنِي، وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيدًا

و در تشنگی و او سیراب کرد و در خواری و او عزتم بخشید و در نادانی و او معرفتم بخشید و در تنهایی

فَكثَّرَنِي، وَغَائِبًا فَرَدَّنِي، وَمَقْلًا فَأَغْنَانِي، وَمُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي، وَغَنِيًّا فَلَمْ

و او فزونی جمعیت داد و در دوری و او بازم گرداند و در نداری و او دارایم کرد و در کمک‌خواهی و او یاریم داد و در ثروتمندی و او

يَسْلُبْنِي، وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ يَا

از من سلب نفرمود و (هنگامی که) از همه این خواسته‌ها دم بستم تو آغاز کردی پس از آن توست حمد و سپاس ای

مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي، وَنَفَسَ كُرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي،

که لغزشم را نادیده گرفت و گرفتگی را از من دور کرد و دعایم را اجابت فرمود و عیبم را پوشاند و

وَعَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي، وَإِنْ أَعَدَّ نِعْمَكَ

گناهانم را آمرزید و به خواسته‌ام رسانید و بر دشمنم یاری داد و اگر بخواهم نعمتها و

وَمِنَّكَ وَكَرَائِمٍ مِّنْحِكَ لَا أَحْصِيهَا، يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي

عطاها و مراحم بزرگ تو را بشمارم نتوانم ای مولای من این تویی که منت نهادی و این تویی که

أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ

نعمت دادی این تویی که احسان فرمودی این تویی که نیکی کردی این تویی که فزونی بخشیدی این تویی

الَّذِي أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ،

که کامل کردی این تویی که روزی دادی این تویی که توفیق دادی این تویی که عطا کردی

أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَوْيْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَهُ،

این تویی که بی‌نیاز کردی این تویی که ثروت بخشیدی این تویی که مأوی دادی این تویی که کفایت کردی

أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي

این تویی که هدایت کردی این تویی که نگهداشتی این تویی که پوشاندی این تویی که

غَفَرْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ، أَنْتَ

آمرزیدی این تویی که نادیده گرفتی این تویی که قدرت و چیرگی دادی این تویی که عزت بخشیدی این تویی

الَّذِي أَعَنْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي عَصَدْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي أَيْدْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَهُ،

که کمک کردی این تویی که پشتیبانی کردی این تویی که تأیید کردی این تویی که یاری کردی

أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَهُ، تَبَارَكَ

این تویی که شفا دادی این تویی که عافیت دادی این تویی که اکرام کردی بزرگی و

وَتَعَالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصْبًا أَبَدًا، ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي

برتری از توست و ستایش همیشه مخصوص تو است و سپاسگزاری دائمی و جاوید از آن تو است و اما من ای معبودم

الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي، أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا

کسی هستم که به گناهانم اعتراف دارم پس آنها را ببامرز و این منم که بد کردم این منم که خطا کردم این منم

الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ، أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ، أَنَا

که (به بدی) همت گماشتم این منم که نادانی کردم این منم که غفلت ورزیدم این منم که فراموش کردم این منم

الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ، وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ،

که (به غیر یا به خود) اعتماد کردم این منم که (به کاربرد) تعمد کردم این منم که وعده دادم و این منم که خلف وعده کردم

أَنَا الَّذِي نَكَّثْتُ، أَنَا الَّذِي أَقْرَزْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ

این منم که پیمان شکنی کردم این منم که به بدی اقرار کردم این منم که به نعمت تو بر خود و در پیش خود اعتراف دارم

وَعِنْدِي، وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ، وَهُوَ

و با گناهانم بسویت بازگشتم پس آنها را ببامرز ای که زیانش نرساند گناهان بندگان و

الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ، وَالْمَوْفِقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ،

از اطاعت ایشان بی‌نیازی و تو آنی که هرکس از بندگان کردار شایسته‌ای انجام دهد به رحمت خویش توفیقش دهی

فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي، إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ، وَنَهَيْتَنِي فَأَرْتَكِبْتُ

پس تو راست ستایش ای معبود و آقای من خدایا به من دستور دادی و من نافرمانی کردم و نهی فرمودی ولی من نهی تو را مرتکب شدم

نَهَيْكَ، فَأَصْبَحْتُ لَا ذَابِرَ آءَةٍ لِي فَاعْتَذِرْ، وَلَا ذَا قُوَّةٍ فانتصر، فَبِأَيِّ شَيْءٍ

و اکنون به حالی افتاده‌ام که نه وسیله تیرنه‌ای دارم که بپوشم خواهم و نه نیرویی دارم که بدان یاری گیرم پس به چه وسیله

أَسْتَقْبِلُكَ يَا مَوْلَايَ، أِبْسَمِعِي أَمْ بِبَصَرِي أَمْ بِلِسَانِي، أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي،

با تو روبرو شوم ای مولای من آیا به گوشم یا به چشمم یا به زبانم یا به دستم یا به پایم

الْيَسِّ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي، وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ

آیا همه اینها نعمتهای تو نیست که در پیش من بود و با همه آنها تو را معصیت کردم ای مولای من پس تو حجت

وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزَجُرُونِي، وَمِنْ

و راه مؤاخذه بر من داری ای که مرا پوشاندی از پدران و مادران که مرا از نزد خود برانند و از

الْعَشَائِرِ وَالْأَخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَ لَوْ

فامیل و برداران که مرا سرزنش کنند و از سلاطین و حکومتها که مرا شکنجه کنند و اگر

اطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَى مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي، وَ لَرَفَضُونِي

آنها مطلع بودند ای مولای من بر آنچه تو بر آن مطلعی از کار من در آن هنگام مهلتم نمی‌دادند و از خود دورم می‌کردند

وَ قَطَعُونِي، فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ، يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ

و از من می‌بریدند و اینک خدایا این منم که در پیشگاهت ایستاده ای آقای من با حال خضوع و خواری و درماندگی و کوچکی

حَقِيرٌ، لَا ذُو بَرَاءَةٍ فَاعْتَذِرْ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ، وَلَا ذُو حُجَّةٍ فَاحْتَجْ

نه وسیله تبریته‌جویی دارم که پوزش طلبم و نه نیرویی که یاری جویم و نه حجت و برهانی که بدان چنگ زنم

بِهَا، وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ وَ لَمْ أَعْمَلْ سُوءًا، وَ مَا عَسَى الْجُحُودُ وَ لَوْ

و نه می‌توانم بگویم که گناه نکرده‌ام و کجا می‌تواند انکار فرضاً که

جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي، كَيْفَ وَ أَنِي ذَلِكَ، وَ جَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ

انکار کنم ای مولای من - سودم بخشد! چگونه؟ و کجا؟ یا این‌که تمام اعضای من گواهند

عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَ عَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنَّكَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ

بر من به آنچه انجام داده و به یقین می‌دانم و هیچ گونه شک و تردیدی ندارم که تو از کارهای بزرگ

الْأُمُورِ، وَ أَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ، وَ عَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَ مِنْ كُلِّ

از من پرسش خواهی کرد و تویی آن داور عادل که ستم نکند و همان عدالت مرا هلاک کند و از تمام

عَدْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَ إِنْ

عدالت تو می‌گریزم اگر عذابم کنی خدایا بواسطه گناهان من است پس از آن‌که حجت بر من داری و اگر

تَعْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

از من درگذری پس به بردباری و بخشندگی و بزرگواری توست معبودی جز تو نیست منزهی تو و من

مِنَ الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَعْفِرِينَ، لَا إِلَهَ

از ستمکارانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از آمرزش خواهانم معبودی

إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي

جز تو نیست منزهی تو و من از یگانه‌پرستانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و

كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا إِلَهَ

من از ترسانانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از هراسناکانم معبودی جز

إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي

تو نیست منزهی تو و من از امیدوارانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و من

كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلِينَ، لَا إِلَهَ

از مشتاقانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تهلیل (لاله الاالله) گوینم معبودی

إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي

جز تو نیست منزهی تو و من از خواهندگانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از

كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكْبَرِينَ،

تسبیح گوینم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تکبیر (الله اکبر) گوینم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأُولِينَ.

معبودی نیست جز تو منزهی تو پروردگار من و پروردگار پدران پیشین من.

اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا، وَإِخْلَاصِي لِدُكْرِكَ مُوَحِّدًا، وَإِقْرَارِي

خدایا این است ستایش من بر تو در مقام تجیدت و این است اخلاص من بذکر در مقام یکتاپرستیت و اقرار من

بِالْأَيْكَ مُعَدِّدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقْرَأً أَنِّي لَمْ أَحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا

به نعمت‌های در مقام شماره آنها گرچه من اقرار دارم که آنها را نتوانم بشماره درآورم از بسیاری آنها و فراوانی

وَتَظَاهِرِهَا، وَتَقَادِمِهَا إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ

و آشکاری آنها و پیشی جستن آنها از زمان پیدایش من که همواره در آن عهد مرا بوسیله آن نعمتها یادآوری می‌کردی از آن ساعت که مرا آفریدی

خَلَقْتَنِي، وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ، وَكَشَفِ الضَّرِّ،

از همان ابتدای عمر که از نداری و فقر مرا به توانگری درآوردی و گرفتاریم برطرف کردی

وَتَسْبِيبِ الْيُسْرِ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ، وَتَفْرِيجِ الْكُرْبِ، وَالْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ،

و اسباب آسایش مرا فراهم ساختی و سختی را دفع نموده و اندوه را زدودی و تم را تندرست

وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ الْعَالَمِينَ

و دینم را سلامت داشتی و اگر یاریم دهند به اندازه‌ای که نعمت را ذکر کنم تمام جهانیان

مِنَ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ، مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ، تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ

از اولین و آخرین نه من قدرت ذکرش را دارم نه آنها منزهی تو و بترتی

مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُحْصِي الْأَوْكُ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ، وَلَا

از این‌که پروردگاری هستی کریم و بزرگ و مهربان که مهرورزی‌هایت به شماره درنیاید و ستایشت به آخر نرسد

تُكَافِي نِعْمًا وُكِّ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَتَمِّمَ عَلَيْنَا نِعَمَكَ،

و نعمت‌های را تلافی نتوان کرد درود فرست بر محمد و آل محمد و کامل گردان بر ما نعمت‌های را

وَأَسْعِدُنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ،

و بوسیله اطاعت خویش سعادتمندان گردان منزهی تو معبودی جز تو نیست خدایا تویی که اجابت کنی دعای درممانده را

وَتَكْشِفُ السُّوءَ، وَتُعِثُّ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُعْنِي الْفَقِيرَ،

و برطرف کنی بدی را و فریادرسی کنی از گرفتار و شفا دهی به بیمار و بی‌نیاز کنی فقیر را

وَتَجْبِرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ، وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَلَا

و مرمت کنی شکستگی را و رحم کنی به کودک خردسال و یاری دهی به پیر کهسال و جز تو پشتیبانی نیست و نه

فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ

فوق (توانایی) تو توانایی و تویی والای بزرگ ای رهاکننده اسیر در گند و زنجیر ای روزی دهنده

الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا

کودک خردسال ای پناه شخص ترسانی که پناه جوید ای که شریک و

وَزِيرٌ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، أَفْضَلَ مَا

وزیری برای او نیست درود فرست بر محمد و آل محمد و عطا کن به من در این شام بهترین چیزی را

أَعْطَيْتَ وَأَنْلَتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، مِنْ نِعْمَةٍ تُوَلِّبُهَا، وَالْأَيُّ تَجَدَّدُهَا، وَبَلِيَّةٍ

که عطا کردی و دادی به یکی از بندگانت چه آن نعمتی باشد که می‌بخشی و یا احسان‌هایی که تازه کنی و بلاهایی که

تَصْرِفُهَا، وَكَرْبَةٍ تَكْشِفُهَا، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا، وَسَيِّئَةٍ

می‌گردانی و غم و اندوهی که برطرف کنی و دعایی که اجابت کنی و کار نیکی که بپذیری و گناهی که

تَتَغَمَّدُهَا، اِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ

بیوشانی که برستی تو بهر چه خواهی دقیق و آگاهی و بر هر چیز توانایی خدایا تو

أَقْرَبُ مَنْ دَعَى، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ، وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَى، وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى،

نزدیکترین کسی هستی که خوانند و از هر کس زودتر اجابت کنی و در گذشت از هر کس بزرگواری و در عطابخشی عطایت از همه وسیعتر

وَأَسْمَعُ مَنْ سَأَلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ

و در اجابت درخواست از همه شنواتری ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهربان آن دو برستی کسی که مانند تو

مَسْئُولٌ، وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعَوْتُكَ فَاجَبْتَنِي، وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي،

از او درخواست شود نیست و جز تو آرزو شده‌ای نیست خواندمت و تو اجابت کردی و درخواست کردم و تو عطا کردی و

وَرَعِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحْمَتِي، وَوَثِقْتُ بِكَ فَنَجَّيْتَنِي، وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي،

به درگاه تو میل کردم و تو مرا مورد مهر خویش قرار دادی و به تو اعتماد کردم و تو نجاتم دادی و به درگاه تو نالیدم و تو کفایتم کردی

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ

خدایا درود فرست بر محمد بنده و رسول و پیامبرت و بر آل پاک

الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاءَكَ، وَهِنُّنَا عَطَاءَكَ، وَاكْتُبْنَا لَكَ

و پاکیزه‌اش همگی و نعمتهای خود را بر ما کامل گردان و عطایت را بر ما گوارا کن و نام ما را در زمرهٔ سپاسگزاران بنویس

شَاكِرِينَ، وَلَا لِأَنَّكَ ذَاكِرِينَ، آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ

و هم جزء یادکنندگان نعمتهایت آمین آمین ای پروردگار جهانیان خدایا ای که مالک آمد

فَقَدَّرَ، وَ قَدَّرَ فَقَهَّرَ، وَ عَصَى فَسْتَرَّ، وَ اسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ

و توانا، و توانست و قاهر و نافرمانی شد ولی پوشاند و آمرزشش خواهند و آمرزد ای کمال مطلوب جویندگان

الرَّاجِعِينَ، وَ مُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِعِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَ وَسِعَ

مشتاق و منتهای آرزوی امیدواران ای که دانشش به هر چیز احاطه دارد

الْمُسْتَقْبِلِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا.

و رافت و مهر و بردباریش توبه‌جویان را فرا گرفته.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا، بِمُحَمَّدٍ

خدایا ما رو به‌درگاه تو آوریم در این شبی که آن را شرافت و بزرگی دادی بوسیلهٔ محمد

نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَمِينِكَ عَلَيَّ وَحِيكَ، الْبَشِيرِ

پیامبرت و فرستاده‌ات و برگزیده‌ات از آفریدگان و امین تو بر وحیت آن مزده دهنده

النَّذِيرِ، السَّرَاجِ الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً

و ترساننده و آن چراغ تابناک آن‌که بوسیله‌اش بر مسلمانان نعمت بخشیدی و رحمت

لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذَلِكَ

عالمیان قرارش دادی خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانچه محمد نزد تو شایسته

مِنْكَ يَا عَظِيمُ، فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الْمُتَتَجَبِّينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

آن است ای خدای بزرگ پس درود فرست بر او و بر آل برگزیدهٔ پاک و پاکیزه‌اش

أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدُنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَالَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُوفِ اللُّغَاتِ،

همگی و بیوشان ما را به گذشت خود زیرا صداها با انواع مختلف لغتهاشان (و هرکس به زبانی ناله‌اش) بسوی تو بلند است

فَاَجْعَلْ لَنَا اللّٰهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، نَصِيْبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ،

پس ای خدا برای ما قرار ده در این شام بهره‌ای از هر خیری که میان بندگانت تقسیم فرمایی

وَنُوْرٍ تَهْدِيْ بِهِ، وَرَحْمَةً تَنْشُرُهَا، وَبِرَكَّةٍ تُنْزِلُهَا، وَعَافِيَةً تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقٍ

و نوری که بدان هدایت فرمایی و رحمتی که بگستری آن را و برکتی که نازلش کنی و عافیتی که بیوشانی و روزی و رزقی که

تَبْسُطُهُ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، اَللّٰهُمَّ اَقْلِبْنَا فِيْ هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِيْنَ

پهن کنی ای مهربانترین مهربانان خدایا برگردان ما را در این هنگام پیروزمند و

مُفْلِحِيْنَ، مَبْرُوْرِيْنَ غَانِمِيْنَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِيْنَ، وَلَا تُخَلِّنَا مِنْ

رستگار و پذیرفته و بهره‌مند و از نامیدان قرارمان مده و از رحمتت دست خالیمان

رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُوْمَلُّهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ

مفرما و محرومان مکن از آنچه از فضل تو آرزومندیم و جزء محرومان رحمتت قرارمان مده

مَحْرُوْمِيْنَ، وَلَا لِفَضْلِ مَا نُوْمَلُّهُ مِنْ عَطَايِكَ قَانِطِيْنَ، وَلَا تُرَدِّدْنَا خَائِبِيْنَ،

و نه نامیدمان کن از آن زیادی عطایت که آرزومندیم و ناکام بازمان مگردان و

وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُوْدِيْنَ، يَا اَجْوَدَ الْاَجْوَدِيْنَ، وَاكْرَمَ الْاَكْرَمِيْنَ، اَلَيْكَ

از درگاهت مطرود و رانده‌مان مکن ای بخشنده‌ترین بخشندگان و کریمترین کریمان ما با

اَقْبَلْنَا مُوقِنِيْنَ، وَ لِبَيْتِكَ الْحَرَامِ اٰمِيْنَ قٰصِدِيْنَ، فَاَعِنَّا عَلٰى مَنَاسِكِنَا،

یقین به درگاه تو رواوردیم و به آهنگ (زیارت) خانهٔ محترم تو (کعبه بدین‌جا) آمدیم پس کمک ده ما را بر انجام مناسک حج

وَ اَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا، وَاَعْفُ عَنَّا وَ عَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا اِلَيْكَ اَيْدِيْنَا، فَهِيَ بِذَلَّةٍ

و حجامان را کامل گردان و از ما درگذر و تندرستان دار زیرا که مابسوی تو دو دست (نیاز) دراز کرده‌ایم و آن‌دستها چنان است که به خواری

الْاِعْتِرَافِ مَوْسُوْمَةٌ، اَللّٰهُمَّ فَاَعِظْنَا فِيْ هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَاكْفِنَا مَا

اعتراف به گناه نشاندار شده خدایا در این شام به ما عطا کن آنچه را از تو خواسته‌ایم و کفایت کن از ما آنچه را از تو کفایت آن را خواستیم زیرا

اَسْتَكْفِيْنَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرَكَ، نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ،

کفایت‌کننده‌ای جز تو نداریم و پروردگاری غیر از تو برای ما نیست تویی که فرمانت دربارهٔ ما نافذ و دانشت

مُحِيطٌ بِنَا عِلْمِكَ، عَدَلٌ فِينَا قَضَاءُ وَكَ، اِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ اَهْلِ

به ما احاطه دارد و حکمی که دربارهٔ ما فرمایی از روی عدالت است خدایا خیر و نیکی برای ما مقرر کن و از اهل

الْخَيْرِ، اَللّٰهُمَّ اَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْاَجْرِ، وَكَرِيمَ الذَّخْرِ، وَدَوَامَ

خیر قرامان ده خدایا واجب گردان برای ما از آن جودی که داری پاداشی بزرگ و ذخیره‌ای گرامی و آسیایی

الْيُسْرِ، وَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا اَجْمَعِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَلَا تُصْرِفْ

همیشگی و بیامرز گناهان ما را همگی و در زمرهٔ هلاک شدگان بدست هلاکتان مسپار و

عَنَا رَافَتَكَ وَرَحْمَتَكَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ

مهر و رافتت را از ما باز مگردان ای مهربانترین مهربانان خدایا قرامان ده در این وقت

مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاَعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَتَابَ اِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ، وَتَنَصَّلَ اِلَيْكَ

از کسانی که از تو درخواست کرده و عطا فرموده‌ای و شکر تو را بجا آورده و نعمت را بر آنها افزون کرده و بسویت بازگشته و پذیرفته‌ای

مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ، اَللّٰهُمَّ وَنَقِّنَا وَسَدِّدْنَا،

و از گناهان بسوی تو بیرون آمده و تو همه را آمرزیده‌ای، ای صاحب جلال و بزرگواری خدایا ما را پاکیزه و (در دین) محکمان گردان

وَاقْبَلْ تَضَرُّعَنَا، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا اَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، يَا مَنْ لَا

و تضرع و زاریمان بپذیر ای بهترین کسی که از او درخواست شود و ای مهربانترین کسی که از او مهر خواهند ای که

يَخْفَى عَلَيْهِ اِغْمَاضُ الْجُفُونِ، وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي

بر او پوشیده نیست بهم نهادن پلکهای چشم و نه بر هم خوردن دیدگان و نه آنچه در مکنون ضمیر مستقر گردیده

الْمَكْنُونِ، وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ، اَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ اَحْصَاهُ

و نه آنچه در پردهٔ دلها نهفته است آری تمام آنها را دانش تو شماره کرده

عِلْمِكَ، وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوءًا

و بربداریت همه را در برگرفته است منزهی تو و برتری از آنچه ستمکاران گویند

كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْاَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ

بزرگی بسیاری، تنزیه کنند تو را آسمانهای هفتگانه و زمینها و هرکه در آنهاست و چیزی نیست

اِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ، يَا ذَا الْجَلَالِ

جز آن که به ستایش تو تسبیح کند پس تو راست ستایش و بزرگواری و بلندی رتبه، ای صاحب جلال

وَالْأَكْرَامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ

و بزرگواری و فضل و نعمت بخشی و موهبت های بزرگ و تویی بخشنده

الْكَرِيمِ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَعَافِنِي

بزرگواری رؤوف و مهربان خدایا فراخ گردان بر من از روزی حلال خود و عافیتم بخش

فِي بَدَنِي وَ دِينِي، وَ أَمِنْ خَوْفِي، وَ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ

در تن و هم در دینم و ترسم را امان بخش و از آتش دوزخ آزادم کن خدایا مرا به مکر خود

بِي، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي، وَلَا تَخْدَعْنِي، وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ

دچار مساز و در غفلت تدریجی بسوی نابودی مبر و فریبم مده و شرّ تبهاران جن و

وَالْأَنْسِ * آنگاه سر خود را به سوی آسمان بلند کرد و در حالی که از دیده های مبارکش اشک فراوان

انس را از من دور کن *

سرازیر بود، با صدای بلند گفت: يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ

* * * * * شنواترین شنوندگان ای بیناترین بینایان و ای سریعترین

الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ

حساب رسان و ای مهربانترین مهربانان درود فرست بر محمد و آل محمد آن آقایان

الْمِيَامِينَ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا

فرخنده و از تو ای خدا درخواست کنم حاجتم را که اگر آن را به من عطا کنی دیگر هر چه را از من

مَنْعَتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ

دریغ کنی زینانم نزند و اگر آنرا از من دریغ داری دیگر سودم ندهد هر چه به من عطا کنی و آن این است که از تو خواهم مرا از

النَّارِ، لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَ لَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ

آتش دوزخ آزاد گردانی معبودی جز تو نیست یگانه ای که شریک نداری از توست فرمانروایی و از توست ستایش و تویی که

عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبُّ يَا رَبُّ.

بر هر چیز توانایی ای پروردگار ای پروردگار.

جملهٔ يَا رَبُّ را به طور مکرر می گفت و کسانی که اطراف آن حضرت بودند، به دعای ایشان گوش می دادند و تنها آمین می گفتند و همراه آن حضرت صداهایشان به گریه بلند بود؛ تا آنگاه که آفتاب غروب کرد و همگی به سوی «مشعرالحرام» حرکت کردند.

مرحوم «سید بن طاووس» در «اقبال»، پس از جمله «یا رب، یا رب، یا رب»، فراز دیگری را نیز آورده

است که چنین است:^۱

إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي، إِلَهِي أَنَا

خدا من چنانم که در حال توانگری هم فقیرم پس چگونه فقیر نباشم در حال تهیدستی خدا من

الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي، إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ

نادانم در عین دانشمندی پس چگونه نادان نباشم در عین نادانی خدا را برستی اختلاف

تَدْبِيرِكَ وَسُرْعَةَ طَوَّاءِ مَقَادِيرِكَ، مَنَعًا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ

تدبیر تو و سرعت تحول و پیچیدن در تقدیرات تو جلوگیری کنند از بندگان عارف تو که به

إِلَى عَطَاءٍ، وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ، إِلَهِي مَنِّي مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي، وَمِنْكَ مَا

عطای دل آرام و مطمئن باشند و در بلای تو مایوس و ناامید شوند خدا را از من همان سرزند که شایسته پستی من است و از تو انتظار رود آنچه

يَلِيقُ بِكَرَمِكَ، إِلَهِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ

شایسته بزرگواری توست خدا را تو خود را به لطف و مهر به من توصیف فرمودی پیش از آنکه

ضَعْفِي، أَفْتَمَنَعْنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِي، إِلَهِي إِنَّ ظَهَرْتَ الْمَحَاسِنَ

ناتوان باشم آیا پس از ناتوانیم لطف و مهتر را از من دریغ می‌داری خدا را اگر کارهای نیک

مَنِّي فَبِفَضْلِكَ، وَلَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ، وَإِنْ ظَهَرْتَ الْمَسَاوِي مَنِّي فَبِعَدْلِكَ،

از من سرزند به فضل تو بستگی دارد و تو را منتهی است بر من و اگر کارهای بد از من روی دهد آن هم بستگی به عدل تو دارد

وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ، إِلَهِي كَيْفَ تَكِلْنِي وَقَدْ تَكَفَّلْتَ لِي، وَكَيْفَ أَضَامُ وَأَنْتَ

و تو را بر من حجت است خدا را چگونه مرا وا می‌گذاری در صورتی که کفایتم کردی و چگونه مورد ستم واقع کردم با اینکه تو

النَّاصِرُ لِي، أَمْ كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ الْحَفِيُّ بِي، هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي

یاور منی یا چگونه ناامید کردم در صورتی که تو نسبت به من مهربانی هم اکنون به درگاه تو توسل جویم بوسیله آن نیازی که به درگاهت دارم

إِلَيْكَ، وَكَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌّ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَشْكُو

و چگونه توسل جویم بوسیله فقری که محال است پیرامون تو راه یابد یا چگونه از حال خویش به درگاهت شکوه کنم

إِلَيْكَ حَالِي وَهُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أترجمُ بِمَقَالِي وَهُوَ مِنْكَ بَرَزٌ

با این‌که حال من بر تو پنهان نیست یا چگونه با زبان (قال) ترجمه حال خود کنم در صورتی که آنهم از پیش تو برون کرده

۱. گرچه بعضی از علما در معتبر بودن این اضافه تردید کرده‌اند، ولی انصاف این است که این زیادتى نیز مضامین مهمتى دارد و در حال و هوای همان دعای عرفه است و چیزی که نشان دهد از اضافات گروه‌های منحرف است در آن نیافتیم.

إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ أُمَالِي وَهِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ

به نزد خودت یا چگونه آرزوهایم به نومیدی گراید با این‌که به آستان تو وارد شده یا چگونه احوالم را نیکو نکنی

أَحْوَالِي وَبِكَ قَامَتْ، إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي، وَمَا أَرْحَمَكَ بِي

با این‌که احوال من به تو قائم است خدایا چه اندازه به من لطف داری با این نادانی عظیم من و چقدر به من مهر داری با

مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي، إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَأَبْعَدَنِي عَنْكَ، وَمَا أَرْأَفَكَ بِي، فَمَا

این کردار زشت من خدایا چقدر تو به من نزدیکی و در مقابل چقدر من از تو دورم و با این همه که تو نسبت به من مهربانی پس آن چیست

الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ، إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَتَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ،

که مرا از تو محبوب دارد خدایا آن طوری که من از روی اختلاف آثار و تغییر و تحول اطوار بدست آورده‌ام

أَنْ مُرِّدَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ،

مقصود تو از من آن است که خود را در هر چیزی (جداگانه) به من بشناسانی تا من در هیچ چیزی نسبت به تو جاهل نباشم

إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقَنِي كَرَمُكَ، وَكُلَّمَا أَيْسَرَنِي أَوْصَافِي

خدایا هر اندازه پستی من زبانم را لال می‌کند کرم تو آن را گویا می‌کند و هر اندازه اوصاف من مرا مأیوس می‌کند

أَطْمَعَنِي مِنَّنِكَ، إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ

نعمتهای تو به طمعم اندازد خدایا آن کس که کارهای خوش کار بد باشد پس چگونه کار

مَسَاوِيهِ مَسَاوِي، وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ دَعَاوِيهِ

بدش بد نباشد و آن کس که حقیقت‌گویی‌هایش ادعایی بیش نباشد پس چگونه ادعایش

دَعَاوِي، إِلَهِي حُكْمُكَ النَّافِذُ وَمَشِيَّتُكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكَا لِذِي مَقَالٍ

ادعا نباشد خدایا فرمان نافذت و مشیت قاهره برای هیچ گوینده‌ای فرصت گفتار

مَقَالًا، وَلَا لِذِي حَالٍ حَالًا، إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنِيَّتْهَا، وَحَالَةٍ شَيَّدَتْهَا،

نگذار و برای هیچ صاحب حالی حال به جای نهد خدایا چه بسیار طاعتی که پایه‌گذاری کردم و چه بسیار حالتی که بنیادش کردم

هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ، بَلْ أَقَانِي مِنْهَا فَضْلُكَ، إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي

ولی (یاد) عدل تو اعتمادی را که بر آنها داشتم یکسره فرو ریخت بلکه فضل تو نیز اعتمادم را بهم زد خدایا تو می‌دانی

وَأَنَّ لَمْ تَدُمْ الطَّاعَةَ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا، فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةٌ وَعَزْمًا، إِلَهِي كَيْفَ

که اگر چه طاعت تو در من بصورت کاری مثبت ادامه ندارد ولی دوستی و تصمیم بر انجام آن در من ادامه دارد خدایا چگونه

أَعَزِمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ، وَكَيْفَ لَا أَعَزِمُ وَأَنْتَ الْأَمْرُ، إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْأَثَارِ

تصمیم بگیرم در صورتی که تحت قهر توام و چگونه تصمیم نگیرم با این‌که تو دستورم دهی خدایا تفکر (یا گردش) من در آثار تو

يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةِ تَوْصِلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ

راه مرا به دیدارت دور سازد پس کردار مرا با خودت بوسیله خدمتی که مرا به تو برساند چگونه

يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِيغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ

استدلال شود بر وجود تو به چیزی که خود آن موجود در هستیش نیازمند به توست و آیا اساساً برای ما سواي تو ظهوری

مَا لَيْسَ لَكَ، حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرَ لَكَ، مَتَى غِبْتَ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى

هست که در تو نباشد تا آن وسیله ظهور تو گردد تو کی پنهان شده‌ای تا محتاج بدلیلی باشیم

دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَمَتَى بَعُدْتَ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوَصِّلُ

که به تو راهنمایی کند و چه وقت دور مانده‌ای تا آثار تو ما را به تو واصل گرداند

إِلَيْكَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا، وَخَسِرْتَ صَفْقَةَ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ

کور باد آن چشمی که تو را نبیند که مراقب او هستی و زبان کار باد سودای آن بنده که از

مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا، إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ، فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ

محبت خویش به او بهره‌ای ندادی خدایا فرمان دادی که به آثار تو رجوع کنم پس بازگردان بسوی خود (پس از مراجعه به آثار)

بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ، وَهَدَايَةِ الْأِسْتِبْصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا، كَمَا دَخَلْتُ

به پوششی از انوار و راهنمایی و از بینشجویی تا بازگردم بسویت پس از دیدن آثار هم چنانکه آمدم

إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونٍ السَّرِّ عَنِ النَّظْرِ إِلَيْهَا، وَمَرْفُوعِ الْهِمَّةِ عَنِ الْإِعْتِمَادِ

بسویت از آنها که نهادم از نظر به آنها مضمون مانده و همتم را از اعتماد بدانها برداشته باشم

عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَهِي هَذَا ذَلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهَذَا

که برستی تو بر هر چیز توانایی خدایا این خواری من است که پیش رویت عیان و آشکار است و این

حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ، وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ،

حال (تباه) من است که بر تو پوشیده نیست از تو خواهم که مرا به خود برسانی و بوسیله ذات تو بر تو دلیل می‌جویم

فَاهِدْنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ، وَأَقِمْنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ، إِلَهِي عَلَّمْنِي

پس به نور خود مرا بر ذات راهنمایی فرما و به یادآور مرا با بندگی صادقانه در پیش رویت خدایا بیاموز به

مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ، وَصُنِّي بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ، إِلَهِي حَقَّقْنِي بِحَقَائِقِ

من از دانش مخزونت و محفوظم دار به پرده مصونت خدایا مرا به حقائق

أَهْلِ الْقُرْبِ، وَأَسْأَلُكَ بِي مَسَلِّكَ أَهْلَ الْجَذْبِ، إِلَهِي أَعْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي

نزدیکان درگاهت بیاری و به راه اهل جذبه و شوقت ببر خدایا بی‌نیاز کن مرا به تدبیر خودت

عَنْ تَدْبِيرِي، وَبِاخْتِيَارِكَ اَعْنِ اخْتِيَارِي، وَاَوْقِنِي عَلٰی مَرَكَزِ

درباره‌ام از تدبیر خودم و به اختیار خودت از اختیار خودم و بر جاهای بیچارگی و درماندگی مرا واقف گردان

اضْطِرَارِي، اِلٰهِي اَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي، وَطَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي

خدایا مرا از خواری نفسم نجات ده و پاکم کن از شک

وَشِرْكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ اَنْتَصِرُ فَاَنْصُرْنِي، وَعَلَيْكَ اَتَوَكَّلُ فَلَا

و شرک خودم پیش از آن‌که داخل گورم گردم به تو یاری جویم پس تو هم یاریم کن و بر تو توکل کنم پس

تَكْلُنِي، وَاِيَّاكَ اَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَفِي فَضْلِكَ اَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْ نِي،

مرا وامگذار و از تو درخواست کنم پس ناامیدم مگردان و در فضل تو رغبت کرده‌ام پس محروم مفرما

وَبِحَبَابِكَ اَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي، وَبِبَابِكَ اَقِفْ فَلَا تَطْرُدْنِي، اِلٰهِي تَقَدَّسَ

و به حضرت تو خود را بسته‌ام پس دورم مکن و به درگاه تو ایستاده‌ام پس طردم مکن خدایا میزاست

رِضَاكَ اَنْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي، اِلٰهِي اَنْتَ الْغَنِيُّ

خشنودی تو از این‌که علت و سببی از جانب تو داشته باشد پس چگونه ممکن است من سبب آن گردم خدایا تو به

بِذَاتِكَ اَنْ يَصِلَ اِلَيْكَ النِّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي، اِلٰهِي

ذات خود بی‌نیازی از این‌که سودی از جانب خودت به تو برسد پس چگونه از من بی‌نیاز نباشی خدایا

اِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يَمْنِيْنِي، وَاِنَّ الْهُوٰى بِوَتَائِقِ الشَّهْوَةِ اَسْرَنِي، فَكُنْ اَنْتَ

براستی قضا و قدر مرا آرزومند می‌کنند و از آن سو هوای نفس مرا به بندهای شهوت اسیر کرده پس تو

النَّصِيْرَ لِي حَتّٰى تَنْصُرْنِي وَتُبَصِّرْنِي، وَاغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتّٰى اَسْتَعْنِي بِكَ

یاور من باش تا پیروزم کنی و بینایم کنی و بوسیله فضل خویش بی‌نیازم گردانی تا بوسیله تو

عَنْ طَلْبِي، اَنْتَ الَّذِي اَشْرَقْتَ الْاَنْوَارَ فِي قُلُوْبِ اَوْلِيَاءِكَ، حَتّٰى عَرَفُوْكَ

از طلب کردن بی‌نیاز شوم تویی که تاباندی انوار (معرفت) را در دل اولیاییت تا این‌که تو را شناختند

وَوَحَدُوْكَ، وَاَنْتَ الَّذِي اَزَلْتَ الْاَغْيَارَ عَنْ قُلُوْبِ اَحْبَابِكَ، حَتّٰى لَمْ

و یگانگان دانستند و تویی که اغیار و بیگانگان را از دل دوستانت براندی تا این‌که کسی را جز

يُحِبُّوْا سِوَاكَ، وَلَمْ يَلْجِئُوْا اِلٰى غَيْرِكَ، اَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ اَوْحَشَتْهُمْ

تو دوست نداشته و به غیر تو پناهنده و ملجعی نشوند و تویی مونس ایشان در آن‌جا که

الْعَوَالِمُ، وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَتَ لَهُمُ الْمَعَالِمُ، مَاذَا وَجَدَ مَنْ

عواالم وجود آنها را به وحشت اندازد و تویی که راهنماییشان کنی آنگاه که نشانه‌ها برایشان آشکار گردد چه دارد آن‌کس که تو را

فَقَدَكَ، وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَلَقَدْ

گم کرده؟ و چه ندارد آن‌کس که تو را یافته است برآستی محروم است آن‌کس که بجای تو بدیگری راضی شود و بطور حتم

خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مُتَحَوِّلاً، كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ

زیانکار است کسی که از تو به دیگری روی کند چسان می‌شود بغیر تو امیدوار بود در صورتی‌که تو

الْإِحْسَانَ، وَكَيْفَ يُطْلَبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَلْتَ عَادَةَ الْإِمْتِنَانِ، يَا مَنْ

احسانت را قطع نکردی و چگونه از غیر تو می‌توان طلب کرد با این‌که تو تغییر نداده‌ای شیوه عطا بخشیت را ای خدایی که

أَذَاقَ أَحِبَّائَهُ حَلَاوَةَ الْمُؤَانَسَةِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مَتَمَلِّقِينَ، وَيَا مَنْ أَلْبَسَ

به دوستانت شیرینی همدمی خود را چشاندی و آنها در برابرت به چاپلوسی برخاستند و ای خدایی که پوشاندی

أَوْلِيَائَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ

بر اولیای خودت خلعت‌های هیبت خود را پس آنها در برابرت به آمرزش خواهی بیاخواستند تویی که یاد کنی پیش از آن‌که

الذَّاكِرِينَ، وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ، وَأَنْتَ الْجَوَادُّ

یاد کنندگان یادت کنند و تویی آغازنده به احسان قبل از آن‌که پرستش کنندگان بسویت توجه کنند و تویی بخشنده

بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلْبِ الطَّالِبِينَ، وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنْ

عطا پیش از آن‌که خواهندگان از تو خواهند و تویی پربخشش و سپس همان را که به ما بخشیده‌ای از ما

الْمُسْتَقْرِضِينَ، إِلَهِي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ، وَاجْذِبْنِي بِمَنْكَ

به قرض می‌خواهی خدایا مرا بوسیله رحمتت بطلب تا من به نعمت وصالت نائل گردم و بوسیله نعمتت مرا جذب کن تا

حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ، إِلَهِي إِنْ رَجَأْتَنِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ، كَمَا أَنْ

به تو رو کنم خدایا برآستی امید من از تو قطع نگردد و اگرچه نافرمانیت کنم چنانکه

خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ، فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ، وَقَدْ أَوْعَعَنِي

ترس و از تو زائل نشود و گرچه فرمانت برم همانا جهانیان مرا بسوی تو رانده‌اند و

عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ، إِلَهِي كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ أَمَلِي، أَمْ كَيْفَ أَهَانُ

آن علمی که به کرم تو دارم مرا به درگاه تو آورده خدایا چگونه نومید شوم و تو آرزوی منی و چگونه پست و خوار شوم

وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي، إِلَهِي كَيْفَ اسْتَعِزُّ وَفِي الذَّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي، أَمْ كَيْفَ لَا

با این‌که اعتمادم بر توست خدایا چگونه عزت جویم با این‌که در خواری جایم دادی و چگونه عزت نجویم با این‌که

أَسْتَعِزُّ بِكَ وَآلِكَ نَسَبْتَنِي، إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ

به خود مُتَسَبِّبم کردی خدایا چگونه نیازمند باشم با این که تو در نیازمندانم

أَقَمْتَنِي، أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَعْنَيْتَنِي، وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ

جای دادی یا چگونه نیازمند باشم و تویی که به جود و بخشش بی نیازم کردی و تویی که معبودی

غَيْرِكَ، تَعَرَّفْتُ لِكُلِّ شَيْءٍ، فَمَا جَهَلَكُ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتُ إِلَيْ فِي

جز تو نیست شناساندی خود را به هر چیزی هیچ چیزی نیست که تو را شناسد و تویی که شناساندی خود را به من در

كُلِّ شَيْءٍ، فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ

هر چیز و من تو را آشکار در هر چیز دیدم و تویی آشکار بر هر چیز ای که

اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ، فَصَارَ العَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ، مَحَقَّتْ الأَثَارُ بِالأَثَارِ،

بوسیله مقام رحمانیت خود (بر همه چیز) احاطه کردی و عرش در ذاتش پنهان شد تویی که آثار را به آثار نابود کردی

وَمَحَوْتَ الأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفلاكِ الأَنْوَارِ، يَا مَنْ اِحْتَجَبَ فِي

و اغیار را به احاطه کننده های افلاک انوار محو کردی ای که در سراپرده های عرشش

سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَن أَنْ تُدْرِكَهُ الأَبْصَارُ، يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ

محتجب شد از این که دیده ها او را درک کنند ای که تجلی کردی به کمال زیبایی و نورانیت

فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتَهُ الأِسْتِوَاءَ، كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ، أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ

و پابرجا شد عظمتش از استواری چگونه پنهان شوی با این که تو آشکاری یا چگونه غایب شوی که

وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الحَاضِرُ، إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَالحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ. ١

تو نگهبان و حاضری برستی تو بر هر چیز توانایی و ستایش مخصوص خداست تنها.

۶- در پایان روز عرفه این دعا را بخوان:

يَا رَبِّ إِنَّ ذُنُوبِي لَا تَضُرُّكَ، وَإِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِي لَا تَنْقُصُكَ، فَأَعْطِنِي مَا لَا

پورددارگارا همانا گناهان من زبانی به تو نزنند و محققاً آمرزش تو از من نقصانی به تو نرساند پس عطا کن به من آنچه را

يَنْقُصُكَ، وَاعْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ. ٢

نقصانت نرساند و ببامرز برابم آنچه را زیانست نزند.

همچنین بخوان:

اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ مَا عِنْدَكَ لِشَرِّ مَا عِنْدِي، فَإِنَّ أَنْتَ لَمْ تَرْحَمْنِي

خدایا محروم مکن از آن خیری که نزد توست بخاطر آن شری که در پیش من است پس اگر تو به

بِتَعَبِي وَنَصَبِي، فَلَا تَحْرِمْنِي أَجْرَ الْمُصَابِ عَلَيَّ مُصِيبَتِهِ.^۱

رنج و خستگیم رحم نمی‌کنی پس محروم مدار از پاداش مصیبت دیده‌ای بر مصیبتش.

۷- به هنگام غروب روز عرفه، دعای عشرات را بخوان که در بخش دعا‌های معروف (صفحه ۱۰۸) گذشت. این دعا که خواندنش در هر صبح و شام مستحب است، آن را در پایان روز عرفه نیز بخوان. مرحوم «سید بن طاووس» در اعمال روز عرفه، این دعا را ذکر کرده است.^۲

* * *

شب دهم: اعمال این شب عبارت است از:

- ۱- احیای شب دهم ذی‌الحجه که از شب‌های بابرکت و ارزشمندی است. نقل شده است که حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام این شب را احیا می‌داشت.^۳
- ۲- غسل کردن در این شب مستحب است.^۴
- ۳- در این شب زیارت امام حسین علیه السلام مستحب است، و در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که هر کس در چنین شبی امام حسین علیه السلام را زیارت کند، گناهایش آمرزیده می‌شود.^۵
- ۴- در این شب این دعا را بخواند:

يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ، يَا صَاحِبَ

ای کسی که فضل و بخشش بر خلق دائمی است و ای آن که دو دست احسانت به عطابخشی باز است ای صاحب

الْمَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَيْرِ الْوَرَى سَجِيَّةً، وَاغْفِرْ لَنَا

بخششهای ارجمند درود فرست بر محمد و آلش که بهترین مردمند در سرشت و نهاد، و بیامرز ما را

يَا ذَا الْعُلَى فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ.^۶

ای خدای بلند مرتبه در این شب.

۱. اقبال، صفحه ۴۲۰. ۲. همان مدرک، صفحه ۴۱۷.

۳. همان مدرک، صفحه ۴۲۱. ۴. زادالمعاد، صفحه ۳۱۹.

۵. اقبال، صفحه ۴۲۱. ۶. مصباح کفعمی، صفحه ۶۴۷.

روز دهم (روز عید قربان):

روز عید قربان از اعیاد مهم اسلامی است. این روز یادآور اخلاص و بندگی حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر پروردگار خویش است، آن جا که فرمان حق برای ذبح اسماعیل صادر شد، و ابراهیم آن بنده فرمانبردار خداوند آماده اجرای این فرمان شد و اسماعیل را به قربانگاه برد و کارد بر حلقومش نهاد، ولی ندایی رسید که ای ابراهیم از عهده این آزمون الهی برآمدی! دست نگهدار که فرمانبرداری خویش را به درستی اثبات کرده‌ای.

جبرئیل همراه با «قوچی» فرود آمد و ابراهیم آن را قربانی کرد، و سنت قربانی در منا از آن روز برقرار شد، این روز، روز عید و خوشحالی و سرور است. زیرا علاوه بر این که بنده‌ای مخلص از آزمونی دشوار، سربلند بیرون آمد و بندگی خویش را در پیشگاه خدای بزرگ ثابت کرد، گروه عظیمی از بندگان مخلص خدا به او تاسی جسته، به زیارت خانه خدا می‌شتابند و مراسم منا و از جمله، قربانی را انجام می‌دهند.

اعمال روز عید قربان:

برای عید قربان اعمالی چند نقل شده است:

- ۱- غسل کردن است که به گفته مرحوم «علامه مجلسی»، غسل در آن روز سنت مؤکد است تا آن جا که بعضی از علما آن را واجب دانسته‌اند.^۱
- ۲- نماز عید قربان است و نحوه انجام آن، به همان کیفیت است که در نماز عید فطر گفته شد، و نماز عید قربان در زمان غیبت امام علیه السلام مطابق مشهور فقهای عظام، سنت مؤکد است.^۲ (خواه به صورت جماعت خوانده شود یا فرادی).
- ۳- مستحب است دعاهایی را که پیش از نماز عید و قبل از آن وارد شده است بخواند. به فرموده مرحوم «علامه مجلسی»، بهترین دعاها، دعای چهل و هشتم «صحیفه کامله سجّادیه» است که اولش این است: **اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُّبَارَكٌ** و اگر دعای چهل و ششم را نیز بخواند بهتر است.^۳
- ۴- خواندن دعای ندبه در این روز و سایر اعیاد مستحب است.^۴
- ۵- قربانی کردن در این روز برای همه مستحب مؤکد است و بسیار سفارش شده است، تا آن جا که برخی از علما آن را بر کسانی که توانایی دارند واجب دانسته‌اند و مستحب است بعد از نماز عید، کمی از گوشت آن بخورد.^۵

۱. زادالمعاد، صفحه ۳۱۹.

۲. همان مدرک.

۳. همان مدرک، صفحه ۳۲۰.

۴. همان مدرک.

۵. همان مدرک.

و نیز مستحب است هنگام قربانی این دعا را که از امام صادق علیه السلام نقل شده است بخواند:

وَجَهَّتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ، حَنِيفاً مُسْلِماً وَمَا أَنَا

من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمان‌ها و زمین را آفریده؛ من در ایمان خود خالصم و

مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ

از مشرکان نیستم. نماز و قربانی و زندگی و مرگم برای خداوندی است که پروردگار

الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أَمَرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ مِنْكَ

جهانیان است. شریکی برای او نیست. من به این برنامه مأمور شدم و از مسلمانانم. خدایا از تو و

وَلَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي ۱.

برای توست. به نام خدا و خداوند بزرگتر است. خدایا از من قبول فرما.

(البته اگر به نیت چند نفر قربانی مستحب انجام شود، بگوید: اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا)

بسیار مناسب است افراد توانگر، در این روز قربانی نمایند و اکثر آن را به فقرا و نیازمندان انفاق کنند و به همسایگان و آشنایان نیز بدهند.

در روایتی است که امام صادق علیه السلام فرمود: امام علی بن الحسین و امام باقر علیه السلام گوشت قربانی را سه قسمت می‌کردند؛ یک قسمت آن را به همسایگان می‌دادند و یک قسمت آن را به نیازمندان و قسمت سوم را برای اهل خانه نگه می‌داشتند.^۲

۶- تکبیرات مشهور زیر را بگوید؛ برای کسانی که در این ایام توفیق حضور در مراسم حج و صحرای «منی» را دارند، بعد از پانزده نماز این تکبیرها را می‌خوانند؛ از نماز ظهر روز عید، شروع کرده تا نماز صبح روز سیزدهم؛ ولی کسانی که در آن جا نیستند، بعد از ده نماز آنها را می‌خوانند، از نماز ظهر روز عید آغاز نموده، تا نماز صبح روز دوازدهم، و آن تکبیرها مطابق روایت کتاب شریف «کافی» چنین است:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ

خدا بزرگتر از توصیف است معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است و ستایش خاص خداست خدا بزرگتر است بر آنچه

مَا هَدَانَا؛ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ؛ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا أَبْلَانَا. ۳

ما را راهنمایی کرد خدا بزرگتر است بر آنچه روزیمان کرد از چهار پایان انعام (شتر و گاو و گوسفند) و ستایش خاص خداست برای آن که آرمود ما را.

حداقل این تکبیرها را بعد از نماز در این ایام، یکبار بگوید ولی اگر تکرار نماید، بهتر است، و حتی اگر بعد از نوافل نیز بگوید خوب است.^۴

۱. زاد المعاد، صفحه ۳۲۱.

۲. اقبال، صفحه ۴۵۱.

۳. کافی، جلد ۴، صفحه ۱۷، حدیث ۴.

۴. زاد المعاد، صفحه ۳۲۳.

روز عید غدیر (روز هیجدهم):

فضیلت این روز:

روز هیجدهم ذی‌الحجه، یادآور روز مهمی در تاریخ است. روزی است که رسول خدا ﷺ پس از انجام حج در سال دهم هجری به هنگام مراجعت به مدینه، مردم را در وادی «غدیر» جمع کرد و فرمان خدا یعنی نصب علی علیه السلام به امامت و ولایت بر امت را به آنان ابلاغ کرد. و آن جا بود که آیه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ، وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي، وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِينًا»^۱ نازل شد. و خداوند با برگزیدن علی علیه السلام به امامت امت، دین اسلام را کامل گردانید و دشمنان را ناامید و مأیوس ساخت. این روز را باید به حق از عظیم‌ترین اعیاد نامید، همان‌گونه که در روایات بر اهمیت فراوان این روز و برتری آن بر سایر اعیاد تأکید شده است.

در روایتی از امام رضا علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: «روز قیامت، چهار روز را که زینت بسته‌اند به نزد عرش الهی آورند: روز عید اضحی (قربان) روز عید فطر، روز جمعه و روز عید غدیر. ولی در آن میان، روز عید غدیر، از نظر زیبایی، مانند ماه است میان ستارگان».^۲

در همان روایت، از این روز، به عنوان «عید اکبر» یاد شده است؛ روزی که گناهان شیعیان (توبه‌کار) امیر مؤمنان علیه السلام بخشیده می‌شود و این روز، روز شادی و سرور است، روزی است که در آن تبسم بر چهره مؤمنان نقش می‌بندد.^۳

در روایت دیگری آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا برای مسلمانان غیر از عید فطر و عید اضحی (قربان) عید دیگری نیز وجود دارد؟ فرمود: آری. عیدی که از آن دو روز، با عظمت‌تر و شریفتر است، و آن روزی است که پیامبر اکرم ﷺ، علی علیه السلام را برای امامت امت نصب فرمود و در روایت دیگر فرمود: آن روز هیجدهم ذی‌الحجه است.^۴

بهر حال، شایسته است در این روز مسلمانان با تشکیل مجالس جشن و سرور و مدیحه‌سرایی و سخنرانی درباره روز عید غدیر و مسأله امامت امت و مناقب و فضایل امیر مؤمنان علیه السلام، آن را گرامی بدارند و فرزندان و جوانان و نوجوانان خود را با مسأله ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام و منابع آن از کتاب و سنت و تاریخ آشنا تر سازند.



۲. زاد المعاد، صفحه ۳۲۳ و اقبال، صفحه ۴۶۴.

۱. سوره مائده، آیه ۳.

۴. مصباح المتهجد، صفحه ۷۳۶.

۳. زاد المعاد، صفحه ۳۲۴ و اقبال، صفحه ۴۶۴.

اعمال روز عید غدیر:

برای این روز اعمال متعددی روایت شده است:

۱- روزه گرفتن است که در روایتی از امام صادق علیه السلام روزه در چنین روزی برابر روزه شصت ماه شمرده شده! و در روایتی روزه روز غدیر خم کفاره شصت سال است.^۱

۲- مرحوم «شیخ کفعمی» در «بلد الامین» غسل این روز را مستحب دانسته است.^۲

۳- احسان و نیکی به برادران مؤمن.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: این روز، روز عبادت است و روز اطعام و نیکی کردن و احسان به برادران دینی است.^۳

در روایت دیگری امام رضا علیه السلام فرمود: کسی که در این روز، به خانواده و برادران مؤمن خود، توسعه در رزق و بخششها و انفاقها دهد خداوند روزی او را زیاد می‌گرداند.^۴

۴- زیارت امیر مؤمنان علی علیه السلام در این روز بسیار بافضیلت است.

در روایتی از ابن ابی نصر (یکی از یاران برجسته امام رضا علیه السلام) نقل شده است که حضرت به وی فرمود: هر جا که هستی سعی کن در روز عید غدیر، خود را به کنار قبر مطهر امیرمؤمنان علیه السلام برسانی، چراکه در این روز خداوند گناهان بسیاری از مردان و زنان مسلمان را می‌بخشد و دو برابر کسانی که خداوند آنها را در ماه رمضان و شب قدر و شب عید فطر از دوزخ آزاد می‌کند، در چنین روزی از آتش جهنم رهایی می‌دهد!^۵

برای امیر مؤمنان علیه السلام در این روز زیارت‌هایی نقل شده است که معروفترین آن، زیارت معروف «امین الله» است که در بخش زیارات (صفحه ۲۶۰) گذشت و می‌توان آن را از نزدیک و یا از راه دور، خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام خواند و همچنین زیارت مخصوصه امیرمؤمنان در روز عید غدیر که در صفحه ۲۸۰ گذشت.



۵- امام رضا علیه السلام فرمود: در چنین روزی که روز عید و تبریک گفتن به یکدیگر است، مناسب است مؤمنان وقتی به یکدیگر می‌رسند این جملات را بگویند:

۱. اقبال، صفحه ۴۶۵.

۲. بلد الامین، صفحه ۲۵۹.

۳. زادالمعاد، صفحه ۳۲۷.

۴. همان مدرک، صفحه ۳۲۴.

۵. اقبال، صفحه ۴۶۸.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةِ

ستایش خاص خدای است که قرار داد ما را از تمسک جویان به ولایت امیرمؤمنان و سایر امامان

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.^۱

علیهم السلام.

۶- در چنین روزی وقتی برادر مؤمنت را ملاقات کردی بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِهَذَا الْيَوْمِ، وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَجَعَلَنَا مِنَ

ستایش خاص خدای است که گرامی داشت ما را به این روز و قرارمان داد از ایمان آوردگان و قرارمان داد از

الْمُؤْفِقِينَ بِعَهْدِهِ إِلَيْنَا، وَمِيثَاقِهِ الَّذِي وَاثَقْنَا بِهِ، مِنْ وِلَايَةِ وُلَاةِ أَمْرِهِ،

وفاکنندگان به عهدی که با ما کرده بود و پیمانی که با ما بسته بود از ولایت سرپرستان امر دین او

وَالْقَوَامِ بِقِسْطِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْجَاهِدِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ يَوْمَ الدِّينِ.^۲

و برپادارندگان عدلش و قرارمان نداد از منکران و تکذیب کنندگان روز جزا.

۷- دعای ندبه را در این روز بخواند^۳، که در بخش دعاهاى معروف (صفحه ۱۸۹) گذشت.

۸- مرحوم «سید بن طاووس» به سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که در روز غدیر، دو رکعت

نماز بخوان، پس از نماز به سجده برو و صد مرتبه خدا را شکر کن (مثلاً بگو: شکرًا لله) و سر از سجده

بردار و این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ

خدایا از تو درخواست کنم بدان که از برای توست ستایش یگانه‌ای که شریک نداری و تویی یکتای یگانه‌ای

صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ

بی‌نیاز که فرزندی نداری و فرزند کسی نیستی و نیست برایت همتایی هیچ‌کس و براستی محمد بنده

وَرَسُولُكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، كَمَا كَانَ مِنْ

و رسول توست دروهای تو بر او و آتش باد ای که هر روز درکاری هستی چنانچه از

۱. اقبال، صفحه ۴۶۴.

۲. بلدالامین، صفحه ۲۶۳. در اقبال (صفحه ۴۷۶) همین دعا با اندکی تفاوت، از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

۳. مرحوم سید بن طاووس در اعمال روز عید فطر، دعای ندبه را ذکر کرده و گفته است: این دعا را در عیدهای چهارگانه می‌خوانند (اقبال، صفحه ۲۹۵).

شَانِكَ أَنْ تَفْضَلْتَهُ عَلَيَّ، بَانَ جَعَلْتَنِي مِنْ أَهْلِ اجَابَتِكَ، وَأَهْلٍ دِينِكَ

شأن تو بود که بر من تفضل فرمودی به این‌که مرا از اهل اجابت و از اهل دینت

وَأَهْلٍ دَعْوَتِكَ، وَوَقَّعْتَنِي لِذَلِكَ فِي مُبْتَدَأِ خَلْقِي، تَفْضُلًا مِنْكَ وَكَرَمًا

و اهل دعوت قرار دادی و موقع داشتی بدان در آغاز آفرینش از روی تفضل و کرم

وَجُودًا، ثُمَّ أَرَدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلًا، وَالْجُودَ جُودًا، وَالْكَرَمَ كَرَمًا، رَافَةً

و بخشش سپس دنبال آوردی این فضل را به فضلی دیگر و این بخشش را به بخششی دیگر و این کرم را به کرمی دیگر که آن هم

مِنْكَ وَرَحْمَةً، إِلَى أَنْ جَدَّدْتَ ذَلِكَ الْعَهْدَ لِي تَجْدِيدًا بَعْدَ تَجْدِيدِكَ

از روی مهر و رحمت بود تا بدان‌جا که تازه کردی این عهد را برابرم از نو پس از تجدید

خَلْقِي، وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا نَاسِيًّا سَاهِيًّا غَافِلًا، فَاتَّمَمْتَ نِعْمَتَكَ بِأَنْ

آفرینش در صورتی‌که من در فراموشی بودم و فراموشکاری و بی‌خبری و غفلت پس تو نعمت را بر من تمام کردی به این‌که آن را به

ذَكَرْتَنِي ذَلِكَ، وَمَنْنْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَهَدَيْتَنِي لَهُ، فَلْيَكُنْ مِنْ شَانِكَ يَا إِلَهِي

یادم انداختی و بدان بر من منت نهادی و بر آن راهنمایی کردی پس همچنان باید از شأن تو باشد ای معبود

وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَنْ تُتِمَّ لِي ذَلِكَ، وَلَا تُسَلِّبْنِيهِ حَتَّى تُتَوَفَّانِي عَلَيَّ ذَلِكَ،

و آقا و مولای من که تمام کنی برابرم آن نعمت را و از من سلب‌نمایی آن را تا هنگامی‌که بمیرانم بر آن

وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، فَإِنَّكَ أَحَقُّ الْمُنْعَمِينَ أَنْ تُتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ

در حالی‌که تو از من خشنود باشی که برستی تو سزاوارترین نعمت‌بخشانی که نعمت را بر من به پایان رسانی خدایا

سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَجَبْنَا دَاعِيكَ بِمَنِّكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرَانُكَ رَبَّنَا وَالْإِيكَ

شنیدیم و پیروی کردیم و خواننده‌ها را اجابت کردیم به لطف تو پس از آن توست حمد و آمرزش را خواهانیم پروردگارا و به سوی توست

الْمَصِيرُ، أَمَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

بازگشت ایمان داریم به خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و به رسولش محمد صلی الله علیه و

وَأَلِهِ، وَصَدَّقْنَا وَأَجَبْنَا دَاعِيَ اللَّهِ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فِي مَوْلَاةٍ مَوْلِينَا وَمَوْلَى

آله و تصدیق کردیم و اجابت کردیم داعی خدا را و پیروی کردیم از رسول (او) در مورد دوستی و اطاعت مولایمان و مولای

الْمُؤْمِنِينَ، أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، عَبْدِ اللَّهِ وَأَخِي رَسُولِهِ،

مؤمنان امیر مؤمنان علی بن ابی طالب بنده خدا و برادر رسول او

وَالصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ، وَالْحُجَّةِ عَلَيَّ بِرَبِّيَّتِهِ، الْمُؤَيَّدِ بِهِ نَبِيِّهِ وَدِينِهِ الْحَقِّ

و صدیق اکبر و حجت او بر آفریدگانش آن‌که خداوند پیامبرش و دین حق

الْمُبِينِ، عَلِمًا لِدِينِ اللَّهِ، وَخَازِنًا لِعِلْمِهِ، وَعَيْبَةً غَيْبِ اللَّهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ،

آشکارش را بوسیله او تایید کرد نشانه و پرچم دین خدا و خزینهدار دانش او و گنجینه غیب خدا و جایگاه راز خدا

وَأَمِينَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَشَاهِدَهُ فِي بَرِيَّتِهِ، اللَّهُمَّ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا

و امین خدا بر خلق او و گواه او در آفریدگانش خدایا ای پروردگار ما ما شنیدیم منادی

يُنَادِي لِلْإِيمَانِ، أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا، رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا، وَكَفِّرْ عَنَّا

را که ندا می‌کرد برای ایمان (و می‌گفت) ایمان آورید به پروردگارتان پروردگارا ما هم ایمان آوردیم پس بیاورز گناهانمان را و بدیهامان

سَيِّئَاتِنَا، وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ، رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ، وَلَا

را پوشیده دار و ما را با نیکان بمیزان پروردگارا عطا کن به ما چیزی را که بوسیله فرستادگانت به ما وعده دادی و

تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، فَإِنَّا يَا رَبَّنَا بِمَنِّكَ وَلَطْفِكَ أَجْبُنَا

در روز رستاخیز رسوایمان مکن که براستی تو خلف وعده نمی‌کنی، پس ما ای پروردگار به احسان و لطف تو اجابت کردیم

دَاعِيكَ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَصَدَّقْنَاهُ، وَصَدَّقْنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَكَفَرْنَا

داعی تو را و پیروی کردیم از رسول تو و تصدیقش کردیم و نیز تصدیق کردیم مولای مؤمنان را و کافر شدیم

بِالْحُبِّ وَالطَّاعُوتِ، فَوَلَّانَا مَا تَوَلَّيْنَا، وَاحْشُرْنَا مَعَ أَيْمَتِنَا، فَإِنَّا بِهِمْ

به حبت و طاغوت (غاصبان حقوق آن حضرت) پس والی ما گردان آن را که ما به ولایت برگزیدیم و با امامان محشورمان کن که براستی ما بدیشان

مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ، وَلَهُمْ مُسَلِّمُونَ، آمَنَّا بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ، وَشَاهَدِهِمْ

ایمان و اعتقاد داریم و تسلیم آنانیم ایمان داریم بر نهانشان و آشکارشان و حاضرشان

و غَائِبِهِمْ، وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، وَرَضِينَا بِهِمْ أُمَّةً وَقَادَةً وَسَادَةً، وَحَسَبْنَا بِهِمْ

و غایبشان و زندهشان و مردهشان و خشنودیم به امامشان و آقایشان و همانها ما را در

بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللَّهِ دُونَ خَلْقِهِ، لَا نَبْتَغِي بِهِمْ بَدَلًا، وَلَا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيَّةً،

مابین خود و خدا از سایر خلق کافی هستند نجویم بجای ایشان بدلی و نگیریم جز ایشان همدمی (با معتمدی)

وَبَرُّنَا إِلَى اللَّهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ

و بی‌زاری جویم به درگاه خدا از هر که برپا کند در برابرشان جنگی از جن و انس از اولین

وَالْآخِرِينَ، وَكَفَرْنَا بِالْحُبِّ وَالطَّاعُوتِ وَالْأَوْثَانِ الْأَرْبَعَةِ، وَأَشْيَاعِهِمْ

و آخرین و کافر شدیم به حبت و طاغوت و بتهای چهارگانه و دنبال‌روندگان

وَأَتَّبَعَهُمْ، وَكُلُّ مَنْ وَالَاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ،

و پیروانشان و هر که دوستشان دارد از جن و انس از آغاز روزگار تا پایان آن

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْهَدُكَ أَنَّا نَدِينُ بِمَا دَانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَأُلُّ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

خدایا تو را گواه می‌گیریم که ما متدین هستیم بدانچه متدین شد بدان محمد و آل محمد درود خدا بر او

وَعَلَيْهِمْ، وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا، وَدِينُنَا مَا دَانُوا بِهِ، مَا قَالُوا بِهِ قَلْنَا، وَمَا دَانُوا بِهِ

و برایشان باد و گفتار ما همان است که آنها گفتند و دین ما همان است که آنها متدین بدان بودند هرچه را آنان گفتند ما هم گفتیم و هرچه را آنان متدین شدند

دِينًا، وَمَا أَنْكَرُوا أَنْكَرْنَا، وَمَنْ وَالُوا وَالَيْنَا، وَمَنْ عَادُوا عَادَيْنَا، وَمَنْ لَعَنُوا

ما هم شدیم و هرچه را انکار کردند ما انکار کردیم و هرکه را دوست داشتند دوست داریم و هر که را دشمن دارند دشمن داریم و هر که را لعن کردند

لَعَنَّا، وَمَنْ تَبَرَّأَ مِنْهُ تَبَرَّأْنَا مِنْهُ، وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنَا عَلَيْهِ، آمَنَّا وَ

لعن کنیم و از هر که بی‌زاری جستند بی‌زاری جوئیم و بر هر که ترحم کردند ترحم کنیم ایمان آوردیم

سَلَّمْنَا، وَرَضِينَا وَاتَّبَعْنَا مَوَالِينَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لَنَا ذَلِكَ

و تسلیم و خوشنود گشتیم و پیروی کردیم از سرورانمان دروذهای خدا بر ایشان باد خدایا پس تو آن را برای ما تکمیل کن

وَلَا تَسْلُبْنَاهُ، وَاجْعَلْهُ مُسْتَقِرًّا ثَابِتًا عِنْدَنَا، وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا، وَأَحِينَا

و از ما سلب مفرما و آن را پایگاهی ثابت در پیش ما قرار ده و پایگاه عاریت و موقتش قرار مده و زنده‌مان

مَا أَحْيَيْتَنَا عَلَيْهِ، وَآمِنَّا إِذَا آمَنَّا عَلَيْهِ، أُلُّ مُحَمَّدٍ أَيْمَنَّا، فَبِهِمْ نَأْتِمُّ وَإِيَّاهُمْ

دار بر همان تا هرگاه که زنده‌مان داری و بمیرانمان بر آن هرگاه میراندی‌مان، آل محمد پیشوایان ماوند به آنها اقتدا کنیم و آنان را

نُوَالِي، وَعَدُوَّهُمْ عَدُوُّ اللَّهِ نُعَادِي، فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ

دوست داریم و دشمنشان را که دشمن خداست دشمن داریم پس ما را در دنیا و آخرت با ایشان قرار ده و از

الْمُقَرَّبِينَ، فَإِنَّا بِذَلِكَ رَاضُونَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مقربان درگاهت گردان که براسی ما به همان خوشنودیم ای مهربانترین مهربانان.

پس از پایان دعا، بار دیگر به سجده برو و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه شکرًا لله بگو.

امام علیه السلام در ادامه فرمود: هر کس که این عمل را بجا آورد، پاداش کسی را دارد که در روز غدیر، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و با آن حضرت بیعت کرده است. ^۱ (مرحوم محدث قمی می‌گوید: بهتر است که این نماز نزدیک ظهر انجام شود که مقارن نصب حضرت علی علیه السلام به خلافت بوده است).



۹- از «شیخ مفید» رحمته الله نقل شده است که این دعا را در روز «غدیر» می‌خوانی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ، وَعَلِيِّ وَلِيِّكَ، وَالشَّانِ وَالْقَدْرِ الَّذِي

خدایا از تو درخواست کنم به حق محمد پیامبرت و به حق علی ولی تو و بدان منزلت و مرتبه‌ای که بدان

خَصَصْتَهُمَا بِهِ دُونَ خَلْقِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ، وَأَنْ تَبْدَأَ بِهِمَا

وسیله آن دو را از سایر مخلوق خود اختصاص دادی که درود فرستی بر محمد و علی و از آنان شروع کنی

فِي كُلِّ خَيْرٍ عَاجِلٍ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَيْمَةِ الْقَادَةِ،

در دادن هر خیری که فوری است خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد پیشوایان رهبر

وَالدُّعَاةِ السُّادَةِ، وَالنُّجُومِ الزَّاهِرَةِ، وَالْأَعْلَامِ الْبَاهِرَةِ، وَسَاسَةِ الْعِبَادِ،

و خواتندگان بزرگ و سرور و ستارگان درخشان و نشانه‌های فروزان و تدبیرکنندگان کارمندان

وَأَزْكَانِ الْبِلَادِ، وَالنَّاقَةِ الْمُرْسَلَةِ، وَالسَّفِينَةِ النَّاجِيَةِ، الْجَارِيَةِ فِي اللَّجَجِ

و پایه‌های جاهای آباد و ناقه فرستاده شده و کشتی نجات که روان است در دریاها

الْغَامِرَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، خُزَّانِ عِلْمِكَ، وَأَزْكَانِ

زرف پرآب خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد گنجینه‌های دانشت و پایه‌های

تَوْحِيدِكَ، وَدَعَائِمِ دِينِكَ، وَمَعَادِنِ كَرَامَتِكَ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ،

محکم توحید تو و ستونهای دین تو و معدنهای کرامت و برگزیدگان از خلقت

وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، الْأَثْقِيَاءِ النَّجْبَاءِ الْأَبْرَارِ، وَالْبَابِ الْمُبْتَلَى بِهِ

و بهترین آفریدگانت آن پرهیزکاران و برگزیدگان نیکوکار و درگاهی که مورد ابتلای مردم است

النَّاسِ، مَنْ آتَاهُ نَجْوَى، وَمَنْ أَبَاهُ هَوَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

هر که بدان درگاه آمد نجات یافت و هرکه سر باز زد سقوط کرد خدایا درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، أَهْلَ الذِّكْرِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَسْئَلَتِهِمْ، وَذَوِي الْقُرْبَى الَّذِينَ أَمَرْتَ

محمد اهل ذکری که دستور فرمودی بپرسش مسائل از آنها و خویشاوندانی که دستور فرمودی

بِمَوَدَّتِهِمْ، وَفَرَضْتَ حَقَّهُمْ، وَجَعَلْتَ الْجَنَّةَ مَعَادَ مَنْ اقْتَصَّ أَثَارَهُمْ، اللَّهُمَّ

به دوست داشتنشان و حقتان را واجب کردی و بهشت را بازگشتگاه (و سرمنزل) کسی قرار دادی که آثارشان را پیروی کند خدایا

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا أَمَرُوا بِطَاعَتِكَ، وَنَهَوْا عَنْ مَعْصِيَتِكَ،

درود فرست بر محمد و آل محمد چنانچه دستور پیروی تو را دادند و از نافرمانیت نهی کردند

وَدَلُّوا عِبَادَكَ عَلَيَّ وَحُدَايَتِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ

و بندگانت را به یگانگی راهنمایی کردند خدایا من از تو می‌خواهم به حق محمد پیامبرت

وَنَجِيْبِكَ، وَصَفْوَتِكَ وَآمِيْنِكَ، وَرَسُوْلِكَ اِلَى خَلْقِكَ، وَبِحَقِّ

و گرامی و برگزیده و امین تو و فرستاده‌ات بسوی خلق و به حق

اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَيَعْسُوْبِ الدِّيْنِ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِيْنَ، اَلْوَصِيِّ الْوَفِيِّ،

امیرمؤمنان و پیشوای دین و رهبر سفیدرویان آن وصی با وفا

وَالصَّدِيْقِ الْاَكْبَرِ، وَالْفَارُوْقِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَالشَّاهِدِ لَكَ، وَالذَّلَّالِ

و صدیق اکبر و جداکننده بین حق و باطل و گواه تو و راهنمایی کننده

عَلَيْكَ، وَالصَّادِعِ بِاَمْرِكَ، وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيْلِكَ، لَمْ تَأْخُذْهُ فَيْكَ لَوْمَةٌ

بر تو و آشکار کننده دستورت و جهادکننده در راهت آن‌که نگیردش (و ناراحتش نکند) درباره تو ملامت

لَايْمٌ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَجْعَلَنِيْ فِيْ هٰذَا الْيَوْمِ

ملامت‌کننده‌ای که درود فرستی بر محمد و آل محمد و مرا قرار دهی در این‌روزی

الَّذِيْ عَقَدْتَ فِيْهِ لَوْلِيْكَ الْعَهْدَ فِيْ اَعْنَاقِ خَلْقِكَ، وَاكْمَلْتَ لَهُمُ الدِّيْنَ مِنْ

که بستی برای ولی خود پیمان (امامت) را در گردن خلق خود و کامل گرداندی برای آنها دین را از

الْعَارِفِيْنَ بِحُرْمَتِهِ، وَالْمُقَرَّبِيْنَ بِفَضْلِهِ، مِنْ عُنُقَائِكَ وَطَلْقَائِكَ مِنَ النَّارِ،

عارفان به حرمتش و اقرارکنندگان به فضل او از آزدشدگان و رهاشدگان از آتش

وَلَا تُشِمْتُ بِيْ حَاسِدِي النُّعْمِ، اَللّٰهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَهُ عَيْدَكَ الْاَكْبَرَ،

و شاد مکن نسبت به من حسودانم را در نعمت‌های خدایا چنانچه آن را عید بزرگ خود قرار داده‌ای

وَسَمَّيْتَهُ فِي السَّمَاءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ، وَفِي الْاَرْضِ يَوْمَ الْمِيْثَاقِ

و نامیدی آن را در آسمان روز عهد معهود و در زمین روز پیمان گرفتن

الْمَاخُوْدِ، وَالْجَمْعِ الْمَسْئُوْلِ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَقْرُرْ بِهِ

و انجم بازخواست شده درود فرست بر محمد و آل محمد و روشن کن بوسیله‌اش دیدگان

عُيُوْنَنَا، وَاَجْمَعْ بِهِ شَمْلَنَا، وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا، وَاَجْعَلْنَا لِاَنْعَمِكَ مِنْ

ما را و گردآور بدستش پراکندگی ما را و گمراهان مکن پس از آن‌که هدایتان کردی و قرارمان ده از سپاسگزاران

الشَّاكِرِيْنَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ عَرَّفَنَا فَضْلَ هٰذَا الْيَوْمِ،

نعمت‌های ای مهربانترین مهربانان ستایش خاص خدایی است که شناساند به ما فضیلت این روز را

وَبَصَّرَنَا حُرْمَتَهُ، وَكَرَّمَنَا بِهِ، وَشَرَّفَنَا بِمَعْرِفَتِهِ، وَهَدَانَا بِنُوْرِهِ، يَا رَسُوْلَ

و بینامان کرد به حرمت این روز و گرامیمان داشت بدان و شرافتمان داد به معرفتش و هدایتان کرد به نورش ای رسول

اللَّهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَلَيْكُمَا وَعَلَى عِترَتِكُمَا وَعَلَى مُحِبِّيكُمَا مِنِّي أَفْضَلُ

خدا ای امیرمؤمنان بر شما و بر عترت شما و بر دوستان شما بهترین

السَّلَامُ مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَبِكُمَا اتَّوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمَا فِي

سلام و درود من باد تا برباست شب و روز و بوسیله او رو کنم بسوی خدا پروردگار من و پروردگارتان در

نَجَاحِ طَلِبَتِي، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي، وَتَيْسِيرِ أُمُورِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

موفق شدن به مقصودم و برآورده شدن حاجاتم و آسان شدن کارهایم خدایا از تو خواهم

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَلْعَنَ

به حق محمد و آل محمد که درود فرستی بر محمد و آل محمد و لعنت کنی

مَنْ جَحَدَ حَقَّ هَذَا الْيَوْمِ، وَأَنْكَرَ حُرْمَتَهُ، فَصَدَّ عَنْ سَبِيلِكَ لِإِطْفَاءِ نُورِكَ،

کسی را که انکار کند حق این روز را و انکار کند حرمتش را و جلوگیری کرد از راه تو برای خاموش کردن نورت

فَأَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ، اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ، وَاكْشِفْ

ولی خدا هم نمی‌خواهد جز آن‌که نورش را آشکار کند خدایا گشایش ده به کار خاندان محمد پیامبرت و برطرف کن

عَنْهُمْ وَبِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرْبَاتِ، اللَّهُمَّ اَمْلَأِ الْأَرْضَ بِهِمْ عَدْلًا،

از ایشان و بوسیله ایشان از اهل ایمان گرفتاریها و محنتها را خدایا پرکن زمین را بوسیله ایشان از عدل و داد

كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَأَنْجِزْ لَهُمْ مَا وَعَدْتَهُمْ، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ. ۱

چنانچه بر شده از ستم و بیداد و وفا کن برای آنها آنچه را وعده دادی به آنها که برستی تو خلف وعده نمی‌کنی.



۱۰- به سبب عظمت روز «غدیر» و مبارکی و میمنت آن، مناسب است که برادران مؤمن، با یکدیگر در

این روز، عقد اخوت و برادری بخوانند و پیوند برادری و همکاری را میان خویش عمیق‌تر سازند.

مرحوم «حاجی نوری» در «مستدرک الوسائل» می‌گوید: دست راست خود را بر دست راست برادر

مؤمن خود بگذار و بگو:

وَاخِيَّتِكَ فِي اللَّهِ، وَصَافِيَّتِكَ فِي اللَّهِ، وَصَافِحَتِكَ فِي اللَّهِ، وَغَاهَدْتُ اللَّهَ

برادر شدم با تو در راه خدا و دوست باصفایت شدم در راه خدا و مصافحه کردم با تو در راه خدا وعهد کردم با خدا

وَمَلَائِكَتَهُ وَكُتِبَهُ وَرُسُلَهُ وَأَنْبِيَآئَهُ، وَالْأَيِّمَةَ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ،

و فرشتگانش و کتابهایش و رسولانش و پیامبرانش و امامان معصومین علیهم السلام

عَلَىٰ أَنِّي إِنْ كُنْتُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَالشَّفَاعَةِ، وَأُذِنَ لِي بِأَنْ أَدْخَلَ الْجَنَّةَ،

بر این‌که اگر من از اهل بهشت و اهل شفاعت بودم و اجازه‌ام دادند که

لَا أَدْخُلُهَا إِلَّا وَأَنْتَ مَعِيَ * آنگاه برادر مؤمن می‌گوید: قَبِلْتُ. آنگاه بگو: أَسْقَطْتُ

داخل بهشت کردم داخل نشوم جز با تو * * * * * قبول کردم * * * * * و ساقط کردم

عَنْكَ جَمِيعَ حُقُوقِ الْأَخُوَّةِ، مَا خَلَا الشَّفَاعَةَ وَالِدُعَاءَ وَالزِّيَارَةَ. ۱

از تو تمامی حقوق برادری را جز شفاعت و دعا و زیارت.

در این صورت، وقتی که طرف مقابل قبول کرد، برادر معنوی یکدیگر خواهند شد و چون وظیفه اخوت بسیار سنگین است، همه حقوق برادری را جز زیارت، دعا و شفاعت به یکدیگر می‌بخشند.

* * *

روز بیست و چهارم (روز خاتم بخشی علی عليه السلام و روز مباحله):

بیست و چهارم ماه ذی‌الحجه، یادآور دو خاطره مهم تاریخی در اسلام است:

۱- روزی است که امیر مؤمنان علی عليه السلام در آن روز، در حال رکوع انگشتر خود را به سائل فقیر عنایت کرد؛ این عمل خالصانه و ایثارگرانه امیر مؤمنان عليه السلام بقدری پرارزش بود که آیه ۵۵ سوره مائده در شأن آن نازل شد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ زَاكِعُونَ»؛ سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همانها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند»^۲

جا دارد که مؤمنان با یادآوری این خاطره مهم و تفسیر آیه شریفه، و ذکر مناقب و فضایل امیر مؤمنان عليه السلام این روز را گرمی دارند و خود نیز در تصدق و انفاق به فقرا و نیازمندان، به آن حضرت تأسی جویند.

۲- واقعه مهم دیگر «مباحله» رسول خدا با مسیحیان نجران است.^۳

پس از گفتگوی فراوان نصارای نجران با رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حضرت مسیح عليه السلام سرانجام علمای نصارا از پذیرفتن حق خودداری کردند و کار به مباحله کشیده شد. (مباحله یعنی نفرین کردن دو نفر نسبت به یکدیگر که هرکس ناحق می‌گوید گرفتار مجازات الهی شود).

براین امر توافق شد که در چنین روزی مسیحیان نجران با رسول خدا «مباحله» نمایند و نفرین کنند که هر گروه و جمعیتی که ناحق می‌گوید، رسوا و مجازات شود.

۱. مستدرک الوسائل، جلد ۶، صفحه ۲۷۹، حدیث ۶۸۴۳، ۲. اقبال، صفحه ۵۲۵.

۳. همان مدرک، صفحه ۴۹۶ و صفحه ۵۱۵ و مصباح المتبهجد، صفحه ۷۵۹.

خداوند طبق آیه ۶۱ سوره آل عمران به پیغمبر ﷺ فرمود: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتِكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»؛ هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره حضرت مسیح ﷺ) به تو رسیده، کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیاید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آنگاه مباحله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

پیرو این دستور الهی، رسول خدا ﷺ در حالی که فرزندش حسین ﷺ را در آغوش داشت و دست حسن ﷺ را در دست گرفته بود و علی و فاطمه ﷺ نیز همراه او بودند، به سمت محل مباحله حرکت کرد. نصارا، چون چنین جمعیتی و نشانه‌هایی را از نزدیک شدن کیفر الهی دیدند، وحشت کردند و از «مباحله» منصرف شدند و حاضر به پذیرفتن جزیه گردیدند.^۱

این داستان نشانه دیگری از عظمت اهل بیت ﷺ و حقانیت رسول خدا ﷺ و دین اسلام است. بنابراین، بسیار شایسته است مسلمانان در چنین روزی، با یادآوری و آگاهی بیشتر از این جریان، عظمت و بزرگی رسول خدا و اهل بیت پاکش را به خاطر آورند و بر معرفت خویش نسبت به آنان بیفزایند، و به شکرانه آن به نیازمندان انفاق کنند.

به هر حال، این روز، روز با عظمتی است که چند عمل برای آن نقل شده است:

- ۱- این روز را به شکرانه این برکات بزرگ، روزه بدارد.^۲
- ۲- غسل کند و بهترین لباسش را بپوشد و خود را معطر نماید.^۳
- ۳- نیم ساعت قبل از ظهر، دو رکعت نماز بخواند؛ در هر رکعتی یک مرتبه سوره «حمد» و ده بار سوره «قل هو الله احد»، ده بار «آیه الکرسی» و ده بار سوره «آنا انزنناه» را بخواند.
- در روایتی از امام صادق ﷺ برای این نماز پاداش فراوانی ذکر شده است.^۴
- ۴- دعای روز «مباحله» را بخواند که از امام صادق ﷺ نقل شده است و آن چنین است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاءِهِ، وَكُلِّ بَهَائِكَ بِهِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خدایا از تو خواهم از درخشنده‌ترین مراتب درخشندگی و همه مراتب آن درخشنده است خدایا از تو خواهم

۱. برای آگاهی بیشتر از داستان مباحله و کتب فراوانی که آن را نقل کرده‌اند، به تفسیر نمونه، جلد ۲، صفحه ۴۳۷ به بعد (ذیل تفسیر آیه ۶۱ سوره آل عمران) مراجعه کنید.
 ۲. اقبال، صفحه ۵۱۵.
 ۳. همان مدرک.
 ۴. مصباح المتهجد، صفحه ۷۵۸.

بِبَهَائِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجَلِهِ، وَكُلِّ جَلَالِكَ جَلِيلٍ،

به تمام مراتب درخشندگیت خدایا از تو خواهم از باشوکت‌ترین مراتب جلالت و تمام مراتب جلال تو شوکت‌مند است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ،

خدایا از تو خواهم به همه مراتب جلالت خدایا از تو خواهم از زیباترین مراتب جمال تو و

وَكُلِّ جَمَالِكَ جَمِيلٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا

همه مراتب جمالت زیباست خدایا از تو خواهم به همه مراتب جمالت خدایا تو را خوانم چنانچه

أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ

دستور دادی پس دعایم را به اجابت رسان چنانچه وعده دادی خدایا از تو خواهم از بزرگترین

بِأَعْظَمِهَا، وَكُلِّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ

مراتب عظمتت و همه مراتب آن بزرگ است خدایا از تو خواهم به همه عظمتت خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ، وَكُلِّ نُورِكَ نَيْرٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ

از تو خواهم از تابنده‌ترین مراتب روشنی و همه مراتب آن تابنده است خدایا از تو خواهم به تمام مراتب روشنی

كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا، وَكُلِّ رَحْمَتِكَ وَأَسِعَةٍ،

خدایا از تو خواهم از وسیع‌ترین مراتب رحمتت و همه رحمت تو وسیع است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي،

خدایا از تو خواهم به همه مراتب رحمتت خدایا تو را می‌خوانم همچنانکه دستور دادی

فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ، وَكُلِّ

پس اجابت کن دعایم را چنانچه وعده فرمودی خدایا از تو خواهم از کاملترین مراتب کمالت و تمام

كَمَالِكَ كَامِلٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

مراتب آن کامل است خدایا از تو خواهم به تمام مراتب کمالت خدایا از تو خواهم از

كَلِمَاتِكَ بِأَتْمَمِّهَا، وَكُلِّ كَلِمَاتِكَ تَامَّةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا،

تمامترین کلمات و سخنان و تمام کلمات تام و تمام است خدایا از تو خواهم به کلمات همگی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا، وَكُلِّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي

خدایا از تو خواهم به بزرگترین نامهایت و همه نامهایت بزرگ است خدایا از

أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا

تو خواهم به نامهایت همگی خدایا من تو را می‌خوانم چنانچه به من دستور دادی پس به اجابت رسان دعایم را

وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِاعْزِّهَا، وَكُلِّ عِزَّتِكَ عَزِيْزَةً،

چنانچه وعدهام فرمودی خدایا از تو خواهم به عزیزترین مراتب عزت و همه مراتب تو عزیز است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا،

خدایا از تو خواهم به همه مراتب عزت خدایا از تو خواهم به گذرانترین اراده و خواست

وَكُلِّ مَشِيَّتِكَ مَا ضِيَّةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

و همه مراتب اراده تو گذراست خدایا از تو خواهم به تمام مراتب اراده و خواست خدایا از تو خواهم

بِقُدْرَتِكَ الَّتِي اسْتَطَلْتِ بِهَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَكُلِّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةً، اللَّهُمَّ

بدان قدرتت که بوسیله آن بر همه چیز برتری گرفتی گرچه تمام مراتب قدرتت برتری گیرنده است خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي

از تو خواهم به تمام مراتب قدرتت خدایا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادی تو هم اجابت کن

كَمَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِإِنْفِذِهِ وَكُلِّ عِلْمِكَ نَافِذًا،

چنانچه وعده فرمودی خدایا از تو خواهم از نافذترین مراتب دانشت با این که تمام مراتب دانشت نافذ است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضَاهُ، وَكُلِّ

خدایا از تو خواهم به مراتب دانشت همگی خدایا از تو خواهم از پسندیدهترین گفتارت و تمام

قَوْلِكَ رَضِيًّا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ

گفتارت تو پسندیده است خدایا از تو خواهم به همه گفتارت خدایا از تو خواهم به محبوبترین چیزی که از تو درخواست شده

بِأَحَبِّهَا، وَكُلِّهَا إِلَيْكَ حَبِيْبَةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي

و همه آنها پیش تو محبوب است خدایا از تو خواهم به تمام آنچه از تو درخواست شده خدایا من

أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس اجابت کن چنانچه وعدهام فرمودی خدایا از تو خواهم به

شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ، وَكُلِّ شَرَفِكَ شَرِيفًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ،

شرفترین مراتب شرفت و تمامی مراتب شرف تو شریف است خدایا از تو خواهم به مراتب شرفت همگی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ، وَكُلِّ سُلْطَانِكَ دَائِمًا، اللَّهُمَّ إِنِّي

خدایا از تو خواهم به حق بادوامترین مراتب سلطنتت و تمام مراتب آن دائمی است خدایا از تو

أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ، وَكُلِّ مُلْكِكَ

خواهم به مراتب سلطنتت همگی خدایا از تو خواهم به گرانمایهترین مراتب فرمانروایت و تمام مراتب فرمانروایت

فَاخِرُ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِیْ،

گرامی‌ب‌ است خدا یا از تو خواهی به تمام مراتب فرمانروایت خدا یا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادی

فَاَسْتَجِبْ لِیْ كَمَا وَعَدْتَنِیْ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ عِلَّائِكَ بِاَعْلَاهُ، وَكُلِّ

پس اجابتی کن چنانچه وعدهام فرمودی خدا یا از تو خواهی به والاترین مراتب بلندیت و تمام

عِلَّائِكَ عَالٍ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِعِلَّائِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ اٰیَاتِكَ

مراتب بلندی تو والاست خدا یا از تو خواهی به والاترین مراتب بلندیت همگی خدا یا از تو خواهی به

بِاَعْجَبِهَا، وَكُلِّ اٰیَاتِكَ عَجِیْبَةٍ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاٰیَاتِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

شگفت‌ترین آیات و نشانه‌های و همه آیات تو شگفت است خدا یا از تو خواهی به آیات همگی خدا یا از

اَسْئَلُكَ مِنْ مَنْكَ بِاَقْدَمِهِ، وَكُلِّ مَنْكَ قَدِیْمٍ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِمَنْكَ كُلِّهِ،

تو خواهی به قدیم‌ترین نعمت و همه نعمت‌های قدیم است خدا یا از تو خواهی به همه اقسام نعمت

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِیْ، فَاَسْتَجِبْ لِیْ كَمَا وَعَدْتَنِیْ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

خدا یا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس اجابتی کن دعایم را چنانچه وعده فرمودی خدا یا من از

اَسْئَلُكَ بِمَا اَنْتَ فِیْهِ مِنَ الشُّوْنِ وَالْجَبْرُوتِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ

تو خواهی به آنچه تو در آنی از مقامات و قدرت و عظمت خدا یا از تو خواهی به حق هر مقام

وَكُلِّ جَبْرُوتٍ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِمَا تُجِیْبُنِیْ بِهِ حِیْنَ اَسْئَلُكَ، یَا اَللهُ یَا لَّا

و هر قدرت و عظمتی که داری خدا یا من از تو خواهی بدان هنگامی که تورا خوانم ای خدا ای که

اَللهُ اِلَّا اَنْتَ، اَسْئَلُكَ بِبِهَاءِ لَّا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، یَا لَّا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، اَسْئَلُكَ بِجَلَالِ

معبودی جز تو نیست از تو خواهی به درخشندگی (یا ارجمندی) کلمه «لا اله الا انت» ای که نیست معبودی جز تو از تو خواهی به جلال

لَّا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، یَا لَّا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، اَسْئَلُكَ بِلَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوكَ

و کلمه «لا اله الا انت» ای که معبودی جز تو نیست از تو خواهی به کلمه «لا اله الا انت» خدا یا تو را خوانم

كَمَا اَمَرْتَنِیْ، فَاَسْتَجِبْ لِیْ كَمَا وَعَدْتَنِیْ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ

چنانچه دستورم دادی پس اجابتی کن دعایم را چنانچه وعدهام فرمودی خدا یا از تو خواهی از عمومی‌ترین اقسام روزیت

بِاَعْمِهِ، وَكُلِّ رِزْقِكَ عَامٍّ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ

و تمام اقسام روزی تو عمومی است خدا یا از تو خواهی به تمام اقسام روزی تو خدا یا از تو خواهی

مِنْ عَطَائِكَ بِاَهْنَاءِهِ، وَكُلِّ عَطَائِكَ هَنِیْئٍ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِعَطَائِكَ كُلِّهِ،

از گواراترین عطایای تو و تمام عطا‌های گواراست خدا یا از تو خواهی به تمام عطایات

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ، وَكُلِّ خَيْرِكَ عَاجِلٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي

خدایا از تو خواهم به فوری‌ترین خیر و نیکیت و تمام نیکیهای تو فوری است خدایا از

أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ، وَكُلِّ فَضْلِكَ

تو خواهم به تمام نیکیهایت خدایا از تو خواهم به فزونیترین فضل تو و همه فضل تو

فَاضِلٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي،

فزون است خدایا از تو خواهم به فضل تو همگی خدایا تو را خوانم چنانچه دستورم دادی

فَأَسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْنِي

پس اجابتم کن چنانچه وعدهام فرمودی خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برانگیز مرا

عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ، وَالتَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، وَالْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ

با داشتن ایمان به خودت و تصدیق به رسالت - که درود بر او و آلش باد - و ولایت علی

بْنِ أَبِيطَالِبٍ، وَالْبِرَاةِ مِنْ عَدُوِّهِ، وَالْإِيْتِمَامِ بِالْأَئِمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ

بن ابیطالب و بیزاری از دشمنش و اقتدا به امامان از آل محمد علیهم

السَّلَامُ، فَإِنِّي قَدْ رَضَيْتُ بِذَلِكَ يَا رَبِّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

السلام زیرا که من خشنودم بدین ای پروردگار من خدایا درود فرست بر محمد بنده

وَرَسُولِكَ فِي الْأَوَّلِينَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ، وَصَلِّ عَلَى

و رسولت در زمره اولین و درود فرست بر محمد در زمره آخرین و درود فرست

مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَائِكَةِ الْأَعْلَى، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ، اللَّهُمَّ أَعْطِ

بر محمد در عالم بالا و درود فرست بر محمد در زمره مرسلین خدایا عطا کن

مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ، وَالشَّرْفَ وَالْفَضِيلَةَ وَالذَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ، اللَّهُمَّ صَلِّ

به محمد مقام وسیله و شرف و فضیلت و درجه بزرگ را خدایا درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَقَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَبَارِكْ لِي فِيمَا آتَيْتَنِي،

بر محمد و آل محمد و قانع کن مرا بدانچه روزیم کرده‌ای و برکت ده به من در آنچه به من داده‌ای

وَاحْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي، وَكُلِّ غَائِبٍ هُوَ لِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

و نگهداری کن مرا در غیبتم و هر غایبی که مربوط به من است خدایا درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ، وَالتَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

محمد و برانگیزم بر ایمان به خودت و تصدیق به رسولت خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانِكَ وَالْجَنَّةَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ

محمد و آل محمد و از تو خواهم خوبترین خوبها را که خوشنودی تو و بهشت باشد و پناه برم به تو از

شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَالنَّارِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنِي

بدترین بدها که خشم تو و آتش دوزخ باشد خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و محافظت کن مرا

مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ، وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ، وَمِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ، وَمِنْ كُلِّ

از هر پیش آمد ناگوار و از هر گرفتاری و از هر شکنجه و از هر فتنه و از هر

بَلَاءٍ، وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ، وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ، وَمِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ، وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ،

بلا و از هر بدی و از هر ناراحتی و از هر مصیبت و از هر آفتی

نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ،

که نازل شده یا بعد از این از آسمان بزمین نازل شود در این ساعت و در این شب

وَفِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي هَذَا الشَّهْرِ، وَفِي هَذِهِ السَّنَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و در این روز و در این ماه و در این سال خدایا درود فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَقْسِمُ لِي مِنْ كُلِّ سُورٍ، وَمِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ، وَمِنْ كُلِّ اسْتِقَامَةٍ،

و آل محمد و نصیب کن از هر شادی و از هر خوشحالی و از هر پایداری

وَمِنْ كُلِّ فَرَجٍ، وَمِنْ كُلِّ عَافِيَةٍ، وَمِنْ كُلِّ سَلَامَةٍ، وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ، وَمِنْ

و از هر گشایشی و از هر تندرستی و از هر سلامتی و از هر کرامت و از

كُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ، وَمِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ، وَمِنْ كُلِّ سَعَةٍ، نَزَلَتْ أَوْ

هر روزی فراخ حلال پاک و از هر نعمتی و از هر وسعتی که نازل شده یا بعد از این نازل شود

تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، وَفِي

از آسمان به زمین در این ساعت و در این شب و در

هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي هَذَا الشَّهْرِ، وَفِي هَذِهِ السَّنَةِ، اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ

این روز و در این ماه و در این سال خدایا اگر چنانچه گناهانم

أَخْلَقْتُ وَجْهِي عِنْدَكَ، وَحَالَتُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ، وَغَيَّرْتَ حَالِي عِنْدَكَ،

شمرنده کرده است چهره‌ام را پیش تو و حائل شد میان من و تو و حالم را پیش تو تغییر داده

فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي لَا يُطْفَأُ، وَبِوَجْهِ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ

پس از تو خواهم به حق نور ذاتت که خاموش نشود و به ابوی محمد مصطفی حبیب تو

الْمُصْطَفَى، وَيُوجِّهُ وَلِيَّكَ عَلِيًّا الْمُرْتَضَى، وَبِحَقِّ أَوْلِيَاءِكَ الَّذِينَ

و به آبروی ولی تو علی مرتضی و به حق اولیایت که برگزیدی

أَنْتَجَبْتَهُمْ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَعْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنْ

آنها را که درود فرستی بر محمد و آل محمد و بیماری برایم گذشته‌های از

ذُنُوبِي، وَأَنْ تَعْصِمَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْ أَعُودَ فِي

گناهانم را و نگاهم داری در آینده عمرم و پناه می‌برم به تو خدایا از این‌که بازگردم

شَيْءٍ مِنْ مَعَاصِيكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، حَتَّى تَتَوَفَّانِي وَأَنَا لَكَ مُطِيعٌ، وَأَنْتَ

به یکی از گناهان و نافرمانی‌هايت هرگز تا زنده‌ام (یعنی) تا آنگاه که مرا بمیرانی و من فرمانبردار تو باشم و تو

عَنِّي رَاضٍ، وَأَنْ تَخْتِمَ لِي عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ، وَتَجْعَلَ لِي ثَوَابَهُ الْجَنَّةِ، وَأَنْ

از من خشنود باشی و به انجام رسانی عمل مرا به نیکوترین آن و پاداش آن را برایم بهشت مقرر داری

تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَيَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و انجام دهی درباره من آنچه را تو شایسته آنی ای اهل تقوا و ای شایسته آمرزش درود فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱

و آل محمد و رحم کن به من به رحمت خویش ای مهربانترین مهربانان.



روز بیست و پنجم (روز نزول سوره هل اتي):

روز بیست و پنجم ماه ذی‌الحجه، روزی است که سوره «هل اتي» در آن روز نازل شد.^۲ در شأن نزول این سوره جمع زیادی از علمای شیعه و سنی نقل کرده‌اند که امام حسن و امام حسین علیهما السلام بیمار شدند و پیامبر صلی الله علیه و آله به عیادتشان آمد و به علی علیه السلام فرمود: چه خوب است برای شفای آنان نذری کنی.

حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و فضّه برای شفای آنان سه روز روزه نذر کردند. وقتی که حسنین علیهما السلام شفا یافتند، آنان برای ادای نذر روزه گرفتند - و مطابق برخی از روایات حسنین علیهما السلام نیز روزه گرفتند - در حالی که از نظر موادّ غذایی در زحمت بودند. به هنگام افطار که مقداری نان را برای افطار آماده کرده بودند، صدای مسکینی را شنیدند که تقاضای کمک داشت. علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فضّه و حسنین علیهما السلام نان خود را به آن مسکین دادند و خود در آن شب جز آب ننوشیدند.

غروب فردا نیز به هنگام افطار یتیمی اظهار نیاز کرد و بار دیگر جریان شب گذشته تکرار شد و آنان با مقداری آب افطار کردند.

روز سوم نیز به هنگام غروب اسیری به در خانه آنان آمد و آن خانواده کرامت و بزرگواری و ایثار، از سهم نان خود گذشتند و آن را به اسیر دادند.

فردا علی علیه السلام دست حسن و حسین را گرفت و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، چشم پیامبر به بچه‌ها افتاد که از شدت گرسنگی می‌لرزیدند؛ علت را جویا شد و علی علیه السلام ماجرا را تعریف کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله ناراحت شد و با هم به منزل حضرت زهرا علیها السلام آمدند، در این حال جبرئیل فرود آمد و سوره هل اُتی (انسان) را از جانب خداوند آورد. در این سوره از ایثار توأم با اخلاص اهل بیت علیهم السلام به عظمت و بزرگی زیاد یاد شده است.^۱ برای این روز اعمالی ذکر شده است:

۱- مرحوم «سید بن طاووس» از «شیخ مفید» نقل می‌کند که مستحب است در چنین روزی روزه بگیرند، زیرا در چنین روزی خداوند فضیلت و برتری اهل بیت رسول خدا را آشکار ساخت.^۲

۲- در شب بیست و پنجم و روز بیست و پنجم برای تأسی به آن بزرگواران انفاق و اطعام و صدقه دادن به فقرا مناسب است.^۳

۳- مناسب است در این روز غسل زیارت انجام دهند و ائمه علیهم السلام را زیارت کنند مخصوصاً خواندن زیارت جامعه در این روز مناسب است.^۴



روز آخر ذی‌الحجه: این روز، روز آخر سال اسلامی قمری است. لذا مرحوم «سید بن طاووس» نقل کرده است که در این روز، دو رکعت نماز می‌خوانی و در هر رکعت، یک مرتبه سوره «حمد» و ده مرتبه سوره «قل هو الله» و ده مرتبه «آیه الکرسی» را می‌خوانی و پس از نماز می‌گویی:

اللَّهُمَّ مَا عَمِلْتُ فِي هَذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ نَهَيْتَنِي عَنْهُ وَلَمْ تَرْضَهُ،

خدایا آنچه انجام دادم در این سال از اعمالی که مرا از آن نهی فرمودی و راضی بدان نبودی

وَنْسِيْتُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ، وَدَعَوْتَنِي إِلَى التَّوْبَةِ بَعْدَ اجْتِرَائِي عَلَيْكَ، اللَّهُمَّ فَاِنِّي

و من آن را فراموش کردم ولی تو فراموش نکردی و مرا به بازگشت بسوی تو خواندی پس از دلیری کردنم بر تو خدایا من از آن

اَسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ فَاعْفِرْ لِي، وَمَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ يَقْرِبُنِي إِلَيْكَ فَاقْبَلْهُ مِنِّي،

اعمال آموزش می‌طلبم پس ببامرز آنها را و هر عملی که انجام دادم از اعمالی که مرا به تو نزدیک گرداند پس آن را از من قبول کن

۱. برای آگاهی بیشتر و تفسیر آیات موردنظر به تفسیر نمونه، جلد ۲۵، صفحه ۳۴۳ به بعد (ذیل تفسیر سوره انسان) مراجعه کنید.

۲. همان مدرک.

۳. اقبال، صفحه ۵۲۹.

۴. زادالمعاد، صفحه ۳۶۸.

وَلَا تَقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ يَا كَرِيمُ.

و قطع مکن امیدم را از خودت ای بزرگوار.

وقتی چنین کردی شیطان می‌گوید: وای بر من! هرچه در مدت این سال زحمت کشیدم (و او را وسوسه کردم) با این عمل، همه را از بین برد و سالش را به خیر پایان داد!^۱

مناسب است همین عمل، در پایان سال شمسی (روز آخر اسفندماه) نیز به قصد استحباب مطلق انجام شود.

یادآوری:

در پایان این بخش ذکر چند نکته را مفید می‌دانیم:

۱- اعمال ماهها و روزها که در این بخش گذشت بار دیگر یادآور این نکته است که اسلام برای همهٔ امور زندگی، حتی ایام و مناسبتها برنامه دارد و برای سازندگی انسان از هیچ امری فروگذار نکرده، و هیچ فرصت و زمانی را نادیده نگرفته است.

۲- انجام همهٔ این اعمال و دعاها و نمازها که ذکر شد، برای کسانی است که نشاط لازم و فرصت کافی را برای آن داشته باشند، ولی کسانی که اشتغالات فراوانی دارند و برای زندگی حلال و کسب روزی پاک، یا تحصیل علم و مانند آن در تلاشند، به مقدار فرصت و نشاط و رغبت انجام دهند، و بدانند حتی اگر مقدار کمی را با توجه و اخلاص و شور و شوق انجام دهند، فایدهٔ زیادی دارد و در راه سازندگی بسیار مؤثر است.

۳- پاداش‌های عظیمی که در روایات برای این اعمال و عبادات و دعاها و اذکار ذکر شده است به یقین برای کسانی است که دارای تقوا و اخلاص باشند.



اعمال ماه‌های خورشیدی

عید نوروز:

در این که اسلام در برابر عید نوروز چه موضعی دارد، میان صاحب‌نظران گفتگوست. از برخی روایات اهمّیت این روز به عنوان یکی از روزهای نجات امت‌ها استفاده می‌شود.

مرحوم «علامه مجلسی» در کتاب «زادالمعاد» می‌گوید:

به سند‌های معتبر از «معلی بن خنیس» نقل شده است که در روز «نوروز» به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم. حضرت به من فرمود: آیا این روز را می‌شناسی؟ گفتم: فدایت شوم! این روزی است که ایرانیان آن را بزرگ می‌شمارند، و در این روز برای یکدیگر هدایا می‌فرستند. امام علیه السلام فرمود: این تعظیم و بزرگداشت، به سبب اموری است که از قدیم بوده است که اکنون تفسیر و شرح آن را برای تو بازگو می‌کنم. (به علاوه حوادث مطلوب دیگری در این روز اتفاق افتاده است).

سپس امام علیه السلام به طور مشروح این امور را ذکر کرد؛ از جمله فرمود: نوروز، روزی است که خداوند متعال، در آن روز، از ارواح بندگان پیمان گرفت که او را به یگانگی بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند، و به پیغمبران و امامان معصوم علیهم السلام ایمان آورند.

این روز، روزی است که طوفان حضرت نوح علیه السلام فرونشست و کشتی آن حضرت بر کوه «جودی» قرار گرفت.

نوروز روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بت‌های کافران قریش را در مکه شکست و پیش از آن حضرت ابراهیم علیه السلام نیز، در این روز بت‌های کافران را درهم شکست.

در این روز، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اصحاب خود امر کرد که با علی علیه السلام به عنوان امیرمؤمنان بیعت کنند (اشاره به این است که روز عید غدیر مصادف با نوروز بوده است).

نوروز، روزی است که قائم آل محمد علیه السلام ظاهر خواهد شد.

آنگاه فرمود: هیچ روز نوروزی نیست مگر آن که ما در آن روز انتظار فرج می‌کشیم؛ زیرا از روزهای ما و شیعیان ما است. آن روز را، مردم عجم حفظ کردند و حرمت آن را نگه داشتند، ولی شما مردم عرب آن را ضایع ساختید.^۱ (آنگاه امام اعمالی را برای این روز بیان فرمودند که ذکر خواهد شد).

۱. زادالمعاد، صفحه ۵۲۸ - ۵۳۰ و بحارالانوار، جلد ۵۶، صفحه ۹۱ - ۱۰۰ (با تلخیص و کمی نقل به معنا) ولی در برابر، روایتی در نفی بزرگداشت عید نوروز نقل شده است که مرحوم علامه مجلسی، روایت معلی بن خنیس را ترجیح می‌دهد، (بحارالانوار، جلد ۵۶، صفحه ۱۰۰).

ولی چون شخص «معلی بن خنیس» از نظر علمای رجال زیر سؤال است تکیه بر این روایت آسان نیست.

اما با توجه به اینکه، عید نوروز یک عید طبیعی در جهان آفرینش است؛ فصل زمستان پایان می‌گیرد، بهار همراه با حیات طبیعت به فرمان خدا شروع می‌شود، شکوفه‌ها و برگ‌ها و گل‌ها بر شاخسار درختان آشکار می‌گردد و نشاط و جنبش و حرکت در تمام عالم حیات آغاز می‌شود، همگام و همراه شدن با این پدیده عالم آفرینش، همگامی با سنت‌های الهی است.



نکته قابل توجه این که مراسمی در نوروز میان مردم معمول است و به شکل سنت ملی در میان ایرانیان و کشورهای دیگری درآمده که قسمت قابل ملاحظه‌ای از آن، در شمار اموری است که اسلام بر آن، (به صورت کلی) تأکید نهاده است. مانند: نظافت، خانه‌تکانی، کمک به ارحام و بستگان و افراد نیازمند و آبرومند برای تهیه لباس و وسایل اولیه زندگی که در سالهای اخیر در کشور ما ایران به صورت سنت «هفته نیکوکاری» درآمده است و بسیار پرثمر و مفید است.

دید و بازدید و صلۀ رحم و ملاقات دوستان و رفع کدورتها و بیرون ریختن غم و اندوهها از دل و آماده شدن برای فعالیت‌های مختلف ثمربخش در سال نو، و مانند اینها؛ این امور و مانند آن جنبه‌های مثبت مراسم نوروزی است.

ولی گاه پاره‌ای از آداب و رسوم شرک‌آلود، یا گناه‌آلود دیده می‌شود که افراد باایمان و خردمند باید آنها را ترک گویند، مانند آتش افروختن در شب چهارشنبه آخر سال (به نام چهارشنبه سوری) و دست زدن به کارهای خطرناکی که همه سال ضایعه‌های زیادی برای جوانان و نوجوانان به بار می‌آورد و امثال آن. در مجموع، عید نوروز و مراسم آن، هم به خاطر بعضی روایات و هم به خاطر آثار مثبتی که دارد، نباید حذف شود، ولی باید بعضی از مراسم منفی و ناپسند آن را کنار گذاشت. این است روش اولوالباب و صاحبان اندیشه!



اعمال عید نوروز:

مرحوم «علامة مجلسی» در کتاب «زاد المعاد» آورده است که امام صادق علیه السلام برای نوروز، اعمالی را به معلی بن خنیس آموخت و به او فرمود:

چون روز نوروز شود، غسل کن و بهترین لباس‌های خود را بپوش و خود را کاملاً خوشبو کن (و اگر

توانستی) آن روز را روزه بدار و پس از نمازهای ظهر و عصر و انجام نافله‌های آن، چهار رکعت نماز بخوان (هر دو رکعت به یک سلام) و در رکعت اول بعد از سوره حمد، ده مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ رَاٰهُ الْبَاقِرَاتُ وَارْتَمَتْ بِهَا السَّرَابُ و در رکعت دوم بعد از سوره حمد ده مرتبه سوره قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ را؛ در رکعت سوم بعد از سوره حمد ده مرتبه سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ را بخوان و در رکعت چهارم بعد از سوره حمد، ده مرتبه سوره‌های قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ را بخوان. بعد از نماز به سجده شکر برو، و این دعا را بخوان:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، وَعَلٰى جَمِيْعِ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد آن اوصیای پسندیده و بر همه ییمران

اَنْبِيَآئِكَ وَرُسُلِكَ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ،

و رسولانت به بهترین درودها و برکت ده بر ایشان به بهترین برکتهایت

وَصَلِّ عَلٰى اَرْوَاحِهِمْ وَّ اجْسَادِهِمْ، اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ،

و درود فرست بر ارواح و اجسادشان خدایا برکت ده بر محمد و آل محمد

وَبَارِكْ لَنَا فِيْ يَوْمِنَا هٰذَا، الَّذِيْ فَضَّلْتَهُ وَّ كَرَّمْتَهُ وَّ شَرَّفْتَهُ وَّ عَظَّمْتَ خَطْرَهُ،

و برکت ده به ما در این روز که آن را برتری داده و گرامیش کرده و شرافتش دادی و مقامش را بزرگ کردی

اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِيْ فِيْمَا اَنْعَمْتَ بِهٖ عَلَيَّ، حَتّٰى لَا اَشْكُرُ اَحَدًا غَيْرَكَ، وَوَسَّعْ

خدایا برکت ده به من در آنچه به من تفضل کرده‌ای بد انسان که هیچ کس را جز تو سپاس نگذارم و روزیم را وسیع گردان

عَلَيَّ فِي رِزْقِيْ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَّ الْاِكْرَامِ، اَللّٰهُمَّ مَا غَابَ عَنِّيْ فَلَا يَغِيْبَنَّ

ای صاحب جلالت و بزرگواری خدایا هر چه از من پنهان شده مبدا کمک و نگهداری تو از من پنهان شود

عَنِّيْ عَوْنُكَ وَّ حِفْظُكَ، وَّ مَا فَقَدْتُ مِنْ شَيْءٍ، فَلَا تُفْقِدْنِيْ عَوْنَكَ عَلَيْهِ،

و هر چه را گم کرده‌ام مبدا یاری خویش را بر آن از من گم کنی تا خود را به

حَتّٰى لَا اَتَكَلَّفَ مَا لَا اَحْتٰاجُ اِلَيْهِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَّ الْاِكْرَامِ.۱

زحمت نیندازم درباره آنچه را بدان نیازمند نیستم ای صاحب جلالت و بزرگواری.

همچنین در برخی از کتب شده است که در وقت تحویل سال این دعا را که مضمون خوب و سازنده‌ای

دارد، بخوانند:

يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، يَا مُحَوِّلَ الْحَوَالِ

ای کسی که تحول دل‌ها و گردش چشم‌ها در دست توست. ای تدبیر کننده شب و روز و ای تغییر دهنده سال و

وَالْأَحْوَالِ، حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ.^۱

حال؛ حال ما را به بهترین حال، تغییر ده!

مرحوم «علامة مجلسی» می‌افزاید: بعضی روایت کرده‌اند که این دعا را نیز، در روز نوروز، به عدد ایام سال بخواند:

اللَّهُمَّ هَذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ، وَأَنْتَ مَلِكٌ قَدِيمٌ، أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا

خداوند! این سال نوی است و تو سلطان قدیمی؛ از تو خیر آن و خیر آنچه در آن است را

فِيهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا، وَأَسْتَكْفِيكَ مَوْنَتَهَا وَشُغْلَهَا،

می‌خواهم و به تو از شر آن و شر آنچه در آن است، پناه می‌برم و حل مشکلات آن را از تو می‌خواهم

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.^۲

ای ذوالجلال و الاکرام.

البته اگر نتواند به این مقدار بخواند به هر مقدار که بتواند به قصد قربت مطلقه بخواند، خوب است.

همچنین می‌توان دعایی که در اول ماه رمضان (صفحه ۷۷۵) نقل شده است را، در اول سال شمسی

به قصد قربت مطلقه خواند.

ماه‌های رومی

ماه‌های رومی، ماه‌هایی است که مانند ماه‌های خورشیدی ما، بر اساس حرکت خورشید در برج‌های مختلف است، ابتدای سال در ماه‌های رومی، از فصل پاییز است و ماه‌ها به این ترتیب است: ایلول، تشرین اول و تشرین آخر (پاییز)
 کانون اول، کانون آخر و شباط (زمستان)
 آذر، نیسان و ایار (بهار)
 حریرزان، تموز و آب (تابستان)^۱
 برای هر یک از این ماه‌ها و ایام آن نکاتی در بعضی از روایات آمده است^۲ که مهمترین آن، خواصی است که برای آب باران در ماه نیسان نقل شده است.

خواص آب نیسان:

«نیسان» ماه هشتم رومی است که از بیست و سوم فروردین شروع و تا سی روز ادامه دارد (بنابراین قسمت عمده ماه نیسان، مقارن اردیبهشت‌ماه است و کمی از آن در آخر ماه فروردین قرار دارد).
 از بعضی از روایات استفاده می‌شود، بارانی که در این ماه از آسمان نازل می‌گردد، خواص و آثار فراوانی دارد و اگر کسی مقداری از آن را در ظرف پاکی جمع کند و سوره‌ها و دعا‌های زیر را بر آن بخواند، هر کس از آن آب بخورد، از بیماری‌های گوناگون جسمانی و اخلاقی‌های می‌باید و به قدری در این روایت آثار و برکات، برای آن ذکر شده است که انسان در شگفتی فرو می‌رود.^۳
 سوره‌ها و دعاها از این قرار است:

۱- سوره حمد. ۲- آیه الکرسی. ۳- قل یا ایها الکافرون. ۴- سَبَّح اسم ربِّک الاعلیٰ. ۵- قل اعوذ برب الفلق. ۶- قل اعوذ بربِّ النَّاسِ. ۷- قل هو الله احد، هر کدام را هفتاد مرتبه می‌خوانی.

۱. این دوازده ماه را شاعری چینی به نظم آورده است:

شباط و آذر و نیسان، ایار است
 نگه دارش که از من یادگار است

دو تشرین و دو کانون و پس آنکه
 حریرزان و تموز و آب و ایلول

(فرهنگ معین)

مرحوم علامه مجلسی ابتدای ماه‌های رومی را از تشرین اول، شمرده و ایلول را ماه آخر ذکر کرده است (زادالمعاد، صفحه ۵۳۵) و با شعری که از فرهنگ معین نقل کردیم نیز هماهنگ است.

۲. بحارالانوار، جلد ۵۶، صفحه ۱۴۲ و ۱۴۳.

۳. زادالمعاد، صفحه ۵۳۲-۵۳۴ (با تلخیص فراوان).

همچنین ذکرهای:

۱- لا اله الا الله. ۲- الله اكبر. ۳- اللهم صل على محمد و آل محمد. ۴- سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر هر کدام را هفتاد مرتبه.^۱

مرحوم «علامه مجلسی» می‌گوید: آب باران به طور کلی مبارک و نافع است، همان گونه که در حدیث معتبری از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است که فرمود: آبی را که از آسمان فرود می‌آید بیاشامید که بدن‌ها را پاک می‌سازد و دردها را دفع می‌کند، قرآن مجید می‌فرماید: «و يُنَزَّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهَّرَ كُمْ بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ»؛ و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند؛ و پلیدی شیطان را از شما دور سازد؛ و دل‌هایتان را محکم، و گام‌ها را با آن استوار دارد».^۲

«علامه مجلسی» در ادامه می‌گوید: در عمل مربوط به آب نیسان بهتر آن است که اگر به صورت دسته‌جمعی می‌خوانند، هر یک از افراد، مجموع آن سوره‌ها و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند (یعنی می‌توانند آن را میان خود تقسیم نمایند و هر کدام سوره‌ای را هفتاد بار بخواند ولی بهتر است هر یک از آنها، مجموع آن سوره‌ها و اذکار را هفتاد مرتبه بخواند).^۳



۲. سوره انفال، آیه ۱۱.

۱. زاد المعاد، صفحه ۵۳۴.

۳. زاد المعاد، صفحه ۵۳۴ و ۵۳۵ (با تلخیص).

بخش پنجم

اعمال شب و روز و ایام هفته



صل اول: اعمال هنگام طلوع فجر

صل دوم: اعمالی که اختصاص به بین الطلوعین (مابین طلوع صبح و طلوع آفتاب)

دارد

صل سوم: اعمال مخصوص غروب و شامگاهان

صل چهارم: اعمال مشترک صبح و شام

صل پنجم: آداب خوابیدن

صل ششم: اعمال سحرگاهان

صل هفتم: دعاهای روزها

صل هشتم: دعاهای ایام هفته

صل نهم: فضیلت و اعمال شب و روز جمعه

صل دهم: زیارات ایام هفته

اعمال شب و روز و ایام هفته

مقدمه: یاد خدا در همه حال

از آن جا که افراد با ایمان، مخصوصاً سالکان الی الله و بندگان سپاسگزار و ترسان از هوای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی باید پیوسته به یاد خدا باشند؛ در آغاز تلاش روزانه و پس از پایان تکاپوی معاش و بلکه در طول فعالیت‌های روزمره، پیوند خویش را با خدای خود حفظ کنند؛ صبح‌گاهان با یاد او و توجه به قدرت و علم و رحمتش پا به عرصه تلاش معاش می‌گذارند و شبانگاهان نیز با ذکر او و استغفار از لغزش‌های روزانه، به بستر می‌روند و همواره خود را در پناه او و تحت حمایت آن کریم بنده نواز قرار می‌دهند، به ویژه شب و روز جمعه که هنگام تعطیلی و فراغت است و مؤمنان از فرصت بیشتری برای انس با خدا و پیوند با اولیای او برخوردارند و می‌توانند کاستی‌های روزهای گذشته را جبران کرده، نیروی تازه‌ای را برای هفته آینده فراهم سازند؛ به خصوص این که شب و روز جمعه بسیار مبارک و نزد خدا عزیز است.

بر همین اساس، در روایات معصومین سلام الله علیهم، دعاها و زیارات و اعمال و وظایفی برای ساعات شب و روز و ایام هفته به ویژه شب و روز جمعه وارد شده، که بدیهی است انجام همه آن برای همه میسر نیست و هر کس به مقدار توان و فراغت و ظرفیت خویش به آن عمل می‌کند. این دعاها و اعمال را می‌توان به ده فصل تقسیم نمود:

- ۱- اعمال هنگام طلوع فجر (طلوع سپیده صبح).
- ۲- اعمالی که اختصاص به بین‌الطلوعین (مابین طلوع صبح و طلوع آفتاب) دارد.
- ۳- اعمالی که اختصاص به شامگاهان دارد.

- ۴- اعمال مشترک صبح و شام.
- ۵- اعمال و آداب هنگام خواب.
- ۶- اعمال سحرگاهان و برخاستن از خواب.
- ۷- دعاهای هر روز.
- ۸- دعاهای ایام هفته.
- ۹- فضیلت و اعمال شب و روز جمعه.
- ۱۰- زیارات ایام هفته.



فصل اول اعمال هنگام طلوع فجر

برای این ساعت، چند دعا در روایت آمده است:

۱- هنگام طلوع فجر صادق (هنگام اذان صبح) این دعا خوانده شود: **اللَّهُمَّ أَنْتَ صَاحِبُنَا**

***** بار خدایا تویی یاور ما

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيْنَا، اللَّهُمَّ بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ،

پس درود فرست بر محمد و خاندانش و بر ما زیاده بخش، بار خدایا به نعمت کارهای شایسته پایان پذیرد

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَثِمْمُهَا عَلَيْنَا، عَائِدًا بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، عَائِدًا

پس درود فرست بر محمد و آلش و نعمت را بر ما تمام کن پناهنده به خدا از آتش پناهنده

بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، عَائِدًا بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ * سِپِس مِی گویی: يَا فَالِقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا

به خدا از آتش پناهنده به خدا از آتش * ای شکافنده سپیده از آنجا که من

أَرَى، وَمُخْرَجَهُ مِنْ حَيْثُ أَرَى، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ أَوَّلَ

نبینم و برون آورنده اش از آنجا که بینم درود فرست بر محمد و آلش و قرار ده آغاز

يَوْمِنَا هَذَا صَلاَحًا، وَأَوْسَطُهُ فَلَاحًا، وَآخِرُهُ نَجَاحًا. ۱

این روز را شایستگی و وسط آن را رستگاری و آخر آن را موفقیت و پیروزی.

۲- از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: هر کس هنگام طلوع فجر ده مرتبه بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ،

معبودی نیست جز خدای یگانه ای که شریک ندارد از اوست فرمانروایی و او راست ستایش، زنده کند و بمیراند

وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. و ده مرتبه بر

و اوست زندهای که نمیرد، خیر و خوبی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. ***** .

محمد و آل محمد صلوات فرستند و ۳۵ مرتبه سبحان الله و ۳۵ مرتبه لا اله الا الله و ۳۵ مرتبه الحمد لله

بگوید، اسمش در آن روز در زمره غافلان نوشته نمی شود و اگر آن را در شب بگوید در آن شب در زمره

غافلان نوشته نخواهد شد.^۱

۳- هنگامی که صدای اذان صبح را می شنوی بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِإِقْبَالِ نَهَارِكَ،**

***** خدایا به راستی از تو خواهم به آمدن روزت

وَأَذْبَارِ لَيْلَتِكَ، وَحُضُورِ صَلَوَاتِكَ، وَأَصْوَاتِ دُعَائِكَ، وَتَسْبِيحِ

و رفتن شبت و رسیدن نمازهایت و صداهای دعایت و تسبیح

مَلَائِكَتِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ

فرشتگانت که درود فرستی بر محمد و خاندانش و توبه‌ام بپذیری که تو برستی

التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. از امام صادق عليه السلام روایت شده که اگر چنین کسی در آن روز و یا آن شب از دنیا برود

توبه‌پذیر مهربانی. *****

به عنوان کسی که توبه کرده (و توبه‌اش مقبول واقع شده) از دنیا رفته است.^۲



فصل دوم

اعمال بین الطلوعین

(مابین طلوع صبح و طلوع آفتاب)

مقدمه:

یکی از اوقات بسیار شریف و گرانبها، بین الطلوعین است و اخبار زیادی از اهل بیت عصمت علیهم السلام در فضیلت این وقت و در ارتباط با عبادت و ذکر و تسبیح خداوند در این مدّت از شب و روز وارد شده است؛ در بعضی از روایات از آن به یکی از دو ساعت غفلت تعبیر شده، چنانکه امام باقر علیه السلام می فرماید: «ابلیس ملعون لشکریان خویش را در دو وقت: هنگام طلوع خورشید و غروب آن، پراکنده می سازد، چراکه این دو ساعت، دو ساعت غفلت است»^۱.

خواب در این ساعت نیز کراهت دارد. چرا که از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «خواب صبح، شوم و نامیمون است؛ روزی را دور می سازد، رنگ صورت را زرد و متغیر می کند، خداوند متعال، روزی را بین الطلوعین تقسیم می کند، از خواب در این زمان پرهیزید و بدانید که من و سلوی (دو غذای لذیذی که برای بنی اسرائیل نازل می شد) در این ساعت بر بنی اسرائیل فرود می آمد»^۲.

به هر حال برای این وقت شریف، چند عمل وارد شده:

۱- از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: هر کس هنگام صبح، هفت بار این دعا را بخواند،

در آن روز از بلاها محفوظ باشد: **فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، إِنَّ وَلِيَّيَ**

*** * * * * * خدا بهترین نگهبان است و او مهربانترین مهربانان است براستی سرپرست من

اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ، فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ

خدایی است که قرآن را فرستاد و او شایستگان را دوست دارد پس اگر روگردانند بگو خدا مرا بس است

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.^۳

که معبودی جز او نیست بر او توکل کنم که او پروردگار عرش بزرگ است.



۱. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۲۲، حدیث ۲.

۲. تهذیب، جلد ۲، صفحه ۱۳۹، حدیث ۳۰۸.

۳. بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۹۸، حدیث ۵۹.

۲- مرحوم «شیخ کلینی» از امام باقر علیه السلام فضیلت فراوانی برای این دعا نقل کرده است که پیش از طلوع آفتاب خوانده شود:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است به کمال بزرگی و منزّه است خدا در بامداد و پسین و ستایش بسیار خاص خدا پروردگار

الْعَالَمِينَ كَثِيرًا، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. ۱

جهانیان است که شریکی ندارد و درود خدا بر محمد و آلش.



۳- «قطب راوندی» از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس که صبح کند و چهار نعمت خدا را یاد نکند، می ترسم که این نعمت‌های خدا از او زایل گردد؛ آن چهار نعمت و سپاس بر آن، چنین است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي نَفْسَهُ، وَلَمْ يَتْرُكْنِي عَمِيَانَ الْقَلْبِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

ستایش خدایی را سزااست که خود را به من شناساند و مرا کوردل و امگنارد، ستایش خدایی را

الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ

سزااست که مرا از اُمت محمد - که درود خدا بر و خاندانش باد - قرارم داد و ستایش خدایی را سزااست که

رِزْقِي فِي يَدَيْهِ وَلَمْ يَجْعَلْ رِزْقِي فِي أَيْدِي النَّاسِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَتَرَ

روزی مرا در اختیار خود قرار داد و قرار نداد روزیم را در اختیار مردم ستایش خدایی را سزااست که

ذُنُوبِي وَعَيْبِي، وَلَمْ يَفْضَحْنِي بَيْنَ النَّاسِ. ۲

گناهان و عیبهایم را پوشاند و در میان مردم رسوایم نکرد.



۴- مرحوم «صدوق» با سند معتبری از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «هر کس سوره‌های توحید و قدر و همچنین آیه‌الکرسی را یازده بار پیش از طلوع آفتاب بخواند، از خسارتهای مالی محفوظ می‌ماند و همچنین فرمود: هر کس دو سوره «قل هو الله» و «أنا انزلناه» را پیش از طلوع آفتاب بخواند در آن روز گناهی از او سر نخواهد زد هرچند شیطان در این راه تلاش فراوان کند.» ۳

۱. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۲۶، حدیث ۱۴.

۲. دعوات راوندی، صفحه ۸۱، حدیث ۲۰۴ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۸۲، حدیث ۴۵ (با اندکی تفاوت).

۳. خصال، جلد ۲، صفحه ۶۲۲ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۴۹، حدیث ۱۱.

۵- بسیار مناسب است که در این وقت مقداری قرآن همراه با تدبیر و اندیشه بخواند و با آیات آن روح و جان خود را تازه کند و نیز مناسب است دعای صباح امیرمؤمنان علی علیه السلام را که در بخش دعاها (صفحه ۹۴) گذشت، در این وقت بخواند.

فصل سوم

اعمال مخصوص غروب و شامگاهان

۱- قبل از هر چیز باید آماده حضور در مسجد و برگزاری نماز جماعت شد.

۲- از امام باقر علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به هنگام کم‌رنگ شدن آفتاب (هنگام غروب) این

دعا را می‌خواند:

أَمْسِي ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَأَمْسَتْ ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ،

شام کرد ستم و ظلم من که پناهنده به عفو توست و شام کرد گناهانم پناهنده به آمرزش تو

وَأَمْسِي خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمْنِكَ، وَأَمْسِي ذَلِي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَأَمْسِي

و شام کرد خواریم پناهنده به امنیت تو و شام کرد ترسم پناهنده به عزت تو و شام کرد

فَقْرِي مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ، وَأَمْسِي وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي، مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ

بی‌نیایم پناهنده به دارایی تو و شام کرد رخ فرسوده‌ام پناهنده به روی

الْبَاقِي الْكَرِيمِ، اللَّهُمَّ الْبِسْنِي عَافِيَتِكَ، وَجَلَلْنِي كَرَامَتِكَ، وَغَشَّنِي

جاویدان همیشگی تو خدایا عافیت خود را بر من بیوشان و با رحمت مرا آرا گیر و بزرگواریت را بر من بیوشان

وَقِنِي شَرَّ خَلْقِكَ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ. ۱

و نگاهم دار از شر خلق خویش از جن و انس ای خدا ای بخشننده ای مهربان.



۳- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هر کس این کلمات را سه مرتبه در آغاز شب بگوید تحت

پوشش بال و پر (حمایت) جبرئیل قرار می‌گیرد:

أَسْتَوِدِعُ اللَّهَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى الْجَلِيلَ الْعَظِيمَ نَفْسِي، وَ مَنْ يَغْنِينِي أَمْرُهُ،

می‌سپارم به خدای والای برتر باجلالت بزرگ خودم را و هر که کارش بر دوش من است

أَسْتَوِدِعُ اللَّهَ نَفْسِي الْمَرْهُوبَ الْمَخُوفَ الْمُتَضَعِّعَ لِعَظَمَتِهِ كُلِّ شَيْءٍ. ۲

به خدا می‌سپارم نفس هراسان ترسان خودم را به آن خدایی که سر فرود آرد در برابر عظمتش هر چیز.

۴- و نیز فرمود: وقتی شب می شود بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِنْدَ اقْتِبَالِ لَيْلِكَ، وَادْبَارِ نَهَارِكَ، وَحُضُورِ صَلَوَاتِكَ،

خدایا از تو خواهم در هنگام آمدن شب و روگرداندن روزت و حضور نمازهایت و آوازهای

وَأَصْوَاتِ دُعَائِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.^۱

خواندگانت که درود فرستی بر محمد و آل محمد

۵- مستحب است هنگام غروب به تسبیح و ذکر و استغفار مشغول شود؛ چرا که این ساعت در فضیلت و شرف، شبیه صبح است و خدای سبحان در قرآن مجید فرموده است: «وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ»^۲ و امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگام غروب آفتاب ذکر خدای عزوجل بگو و اگر با کسی به سر می بری که تو را بیهوده از ذکر او باز می دارد پس برخیز و او را رها کن و به دعا مشغول شو».^۳

۶- طبق روایت امام صادق علیه السلام این دعا را هر روز هنگام غروب آفتاب بخواند:

يَا مَنْ خَتَمَ النَّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اخْتِمَ لِي فِي يَوْمِي هَذَا

ای که منصب نبوت را به محمد صلی الله علیه و آله ختم فرمودی امروز مرا به خیر ختم فرما

بِخَيْرٍ، وَشَهْرِي بِخَيْرٍ، وَسَنَّتِي بِخَيْرٍ، وَعُمْرِي بِخَيْرٍ.^۴

و ماه مرا ختم به خیر فرما و سال و عمرم را به خیر ختم فرما.

۱. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۲۳، حدیث ۷.

۲. سوره قاف، آیه ۳۹.

۳. فلاح السائل، صفحه ۲۲۱.

۴. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۲۴، حدیث ۹.

فصل چهارم اعمال مشترک صبح و شام

۱- در هر صبح و شام ذکر زیر را بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» که مطابق بعضی از روایات^۱ همان «الباقیات الصالحات» است که در قرآن آمده است: «وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ...»^۲

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس قبل از طلوع آفتاب و پیش از غروب، ده مرتبه بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ

معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد فرمانروایی از آن اوست و ستایش خاص اوست، زنده می‌کند و می‌میراند و می‌میراند

وَ يُحْيِي، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

و زنده می‌کند او زنده‌ای است که نمیرد هر چه هست به دست اوست و او بر هر چیز تواناست.

کفاره گناهان آن روز او خواهد بود.^۳

۳- از امام صادق علیه السلام نقل شده که: هفت مرتبه پس از نماز صبح و نماز مغرب بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

به نام خداوند بخشنده مهربان و در مقابل ضررها و بدی‌ها هیچ حایلی و در برابر خوبیها و منافع، هیچ نیرو و داعی جز خداوند والای با عظمت نیست.

که هر کس آن را بگوید بلاهای بسیاری از او دور می‌شود.^۴

۴- و نیز از آن حضرت نقل شده که هر صبح و شام دو مرتبه می‌گویی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الصَّبَاحِ، الْحَمْدُ لِلْفَالِقِ الْأَصْبَاحِ. و نیز می‌گویی: الْحَمْدُ لِلَّهِ

ستایش خاص پروردگار صبحدم ستایش خاص شکافنده سپیده دم * * * * * ستایش خدای را

۲. سوره کف، آیه ۴۶.

۱. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۰۶، حدیث ۴.

۴. همان مدرک، صفحه ۵۲۸، حدیث ۲۰.

۳. کافی، جلد ۲، صفحه ۱۸، حدیث ۱.

الَّذِي أَذْهَبَ اللَّيْلَ بِقُدْرَتِهِ، وَجَاءَ بِالنَّهَارِ بِرَحْمَتِهِ، وَنَحْنُ فِي عَافِيَةٍ ۱.

که شب را به قدرت خویش ببرد و روز را به مهر خویش درآورد و ما در حال تندرستی هستیم.

و نیز می‌خوانی: آیه‌الکرسی و آخر سوره حشر و ده آیه از صافات را و نیز این آیات و کلمات را:

وَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ،

و منزه است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه توصیف کنند و سلام بر مرسلین

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ،

و ستایش خدای راست پروردگار جهانیان پس منزه است خدا هنگامی که شام کنید و هنگامی که بامداد کنید و

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَ حِينَ تَضْهُرُونَ، يُخْرِجُ الْحَيَّ

از اوست ستایش در آسمانها و زمین و شامگاه و چون ظهر کنید برون آرد زنده را

مِنَ الْمَيِّتِ، وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ، مِنَ الْحَيِّ، وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

از مرده و برون آرد مرده را از زنده و زنده کند زمین را پس از مرگش و

وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ، سُبُوْحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، سَبَقَتْ

این چنین بیرون آورده شوید منزه و پاکیزه است پروردگار فرشتگان و روح، پیشی جسته

رَحْمَتِكَ غَضَبِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي عَمِلْتُ سُوءًا، وَظَلَمْتُ

مهرت بر خشمت معبودی جز تو نیست منزهی تو که برآستی من به خود

نَفْسِي، فَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۲.

ستم کرده‌ام پس ببامرز مرا و به من رحم کن و توبه‌ام بپذیر که همانا تویی توبه‌پذیر مهربان.

۵- یکی از یاران امام نهم علیه السلام برای امام نامه‌ای نوشت که به من دعایی را بیاموز (که اسباب

برآمدن حاجت من گردد) آن حضرت در جواب او نوشتند: صبح و شام می‌گویی:

«اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا».

خدا... پروردگار من است بخشاینده مهربانی که چیزی را شریکش قرار ندهم.

سپس هر حاجتی را که به نظرت آمد طلب کن؛ چرا که این دعا برای هر چیزی به اذن خداوند تعالی مؤثر

است، خداوند هر آنچه را بخواهد انجام می‌دهد.^۱

۶- در روایتی آمده است که امام صادق علیه السلام به داوود رقی فرمود: خواندن این دعا را سه مرتبه در صبح و شام ترک مکن:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ، الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تُرِيدُ.

خدایا! قرار ده مرا در زره محکمت که قرار دهی در آن هر که را خواهی.

چرا که پدرم می‌فرمود: این از دعاهای اسرارآمیز است.^۲

۷- از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس که می‌خواهد خداوند عمر او را طولانی کند و او را بر دشمنانش پیروز گرداند و از مرگهای بد مصونش دارد، در هر صبح و شام در خواندن این دعا مداومت ورزد و سه بار بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ مِلاً الْمِيزَانِ، وَ مُنْتَهَى الْعِلْمِ، وَ مَبْلَغِ الرِّضَا، وَ زِينَةِ الْعَرْشِ،

تزیه خدا را به پُری میزان و حدِ نهایی علم و سرحدِ خشودی و سنگینی عرش و

وَسَعَةِ الْكُرْسِيِّ. و سه بار بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ مِلاً الْمِيزَانِ، وَ مُنْتَهَى الْعِلْمِ، وَ مَبْلَغِ

پهنای کرسی * * * * * ستایش خدای را به پری میزان و حدِ اعلای علم و سرحد

الرِّضَا، وَ زِينَةِ الْعَرْشِ، وَ وَسَعَةِ الْكُرْسِيِّ. و سه بار بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِلاً

خشودی و سنگینی عرش الهی و پهنای کرسی * * * * * نیست معبودی جز خدا به پری

الْمِيزَانِ، وَ مُنْتَهَى الْعِلْمِ، وَ مَبْلَغِ الرِّضَا، وَ زِينَةِ الْعَرْشِ وَ وَسَعَةِ الْكُرْسِيِّ. و سه

میزان و حدِ آخر دانش و سرحدِ خشودی و به وزن عرش و پهنای کرسی * * *

بار بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ مِلاً الْمِيزَانِ، وَ مُنْتَهَى الْعِلْمِ، وَ مَبْلَغِ الرِّضَا، وَ زِينَةِ الْعَرْشِ،

* * * * * خدا بزرگتر است به پری میزان و حدِ آخر دانش و سرحدِ خشودی و به سنگینی عرش

وَ وَسَعَةِ الْكُرْسِيِّ.^۳

و پهنای کرسی.

۸- مرحوم «شیخ کلینی» و «شیخ صدوق» و دیگران با سندهای معتبری از امام صادق علیه السلام روایت

۱. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۳۴، حدیث ۳۶.

۲. همان مدرک، صفحه ۵۳۴، حدیث ۳۷.

۳. بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۱۶۰، حدیث ۳۹.

کرده‌اند که آن حضرت فرمود: لازم است بر هر مسلمانی که پیش از طلوع آفتاب ده بار و قبل از غروب آن نیز ده بار بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ،

معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد، فرمانروایی از آن اوست و ستایش خاص اوست، زنده می‌کند و می‌میراند

وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

و او زنده‌ای است که نمیرد، هرچه هست به دست اوست و بر هر چیز تواناست.

و در بعضی از این روایات آمده است هرگاه این ذکر از تو فوت شود آن را قضا کن^۲ (اشاره به این است که مستحب مؤکد می‌باشد) و در برخی از روایات آمده است: این ذکر، کفاره گناهان است.^۳

* * *

۹- در روایت معتبری از امام باقر علیه السلام نقل شده است که هر کس صد مرتبه پیش از طلوع آفتاب و صد مرتبه پیش از غروب آفتاب **الله اکبر** بگوید، خداوند برای او ثواب آزاد کردن صد برده را می‌نویسد.^۴

۱۰- مرحوم «صدوق» به سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در بهشت غرفه‌های زیبایی وجود دارد که از امت من کسی در آنها ساکن می‌شود که سخن نیک بگوید و به مردم اطعام کند و به هر کس که رسید، سلام کند، و در هنگام شب که مردم در خوابند، نماز بگذارد. آنگاه فرمود: سخن نیک آن است که در صبح و شام ده مرتبه بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ.^۵

منزه است خدا و ستایش ویژه خداست، و هیچ معبودی جز خدا نیست و خدا از همه چیز بزرگتر است.

* * *

۱۱- در کتاب «محاسن» به سند صحیح از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردی گذشت که برای خود باغی را آماده می‌کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاد و فرمود: آیا می‌خواهی تو را به باغی راهنمایی کنم که ریشه‌اش از این باغ ثابت‌تر و میوه‌اش زودرس‌تر، بهتر و ماندنی‌تر است؟ عرض کرد: آری ای رسول خدا. فرمود: در صبح و شام بگو:

۱. خصال، جلد ۲، صفحه ۴۵۲، حدیث ۵۸.

۲. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۳۲، حدیث ۳۱.

۳. فقیه، جلد ۱، صفحه ۳۳۵، حدیث ۹۸۰.

۴. محاسن، جلد ۱، صفحه ۳۶، حدیث ۳۳ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۵۷، حدیث ۲۷.

۵. امالی صدوق، صفحه ۳۲۸، حدیث ۵ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۵۲، حدیث ۱۸.

سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ.

مزه است خدا، ستایش ویژه خداست، و هیچ معبودی جز خدا نیست و خدا از همه چیز بزرگتر است.

که به عوض هر تسبیحی، در بهشت برای تو درخت‌هایی با انواع میوه‌ها کاشته می‌شود، و اینها همان باقیات صالحات است (که خداوند در قرآن فرموده «آنها از مال دنیا بسی بهتر و ماندنی‌ترند»)^۱.

۱۲- در کتاب «محاسن» به سند معتبر از امام رضا علیه السلام نقل شده است که هر کس در صبح و شام سه

مرتبه بگوید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

*** * به نام خدای بخشاینده مهربان، جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ.

از شیطان و سلطه‌های ظالم و همچنین بعضی از بیماریهای خطرناک خوفی نخواهد داشت. آنگاه امام علیه السلام فرمود: البتّه من این دعا را صد بار می‌گویم!^۲

۱۳- در روایت دیگری به سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل شده است که مردی از انصار چند روز به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیامد، حضرت از او پرسید، چرا در این چند روز غایب بودی و به نزد ما نیامدی؟ عرض کرد: به سبب تنگدستی و بیماری طولانی که بر من عارض شده بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: آیا می‌خواهی دعایی به تو بیاموزم که با خواندن آن فقر و بیماری از تو برطرف گردد؟ عرض کرد: آری ای رسول خدا. فرمود: در صبح و شام بخوان:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

جنبش و نیرویی نیست جز به وسیله خدا، توکل کردم بر خدای زنده‌ای که نمیرد و ستایش خاص خدایی است

الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِّنَ

که نگرفته فرزندی و نیست برایش شریکی در فرمانروایی و نیست برایش یآوری (برای نجات او) از

الذَّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا.^۳ (البتّه تلاش و کوشش شرط استجابت دعاست).

خواری و به کمال و بزرگی او را یاد کن.

۱۴- در روایات معتبر فراوانی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که پیش از طلوع و غروب آفتاب ده

۱. محاسن، جلد ۱، صفحه ۳۷ و بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۵۷، حدیث ۲۷.

۲. محاسن، جلد ۱، صفحه ۴۱، حدیث ۵۱ و بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۵۷، حدیث ۲۷.

۳. محاسن، جلد ۱، صفحه ۴۲، حدیث ۵۶ و بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۵۷، حدیث ۲۷.

مرتبه بگو:

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ

پناه برم به خدای شنوای دانا از وسوسه‌های شیاطین و پناه برم به خدا از این‌که نزد من

يَحْضُرُونِ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.^۱

حاضر شوند همانا خداوند شنوا و داناست.

* * *

۱۵- در کتاب «فلاح السائل» از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: چه مانعی دارید که هر صبح و

شام بخوانید:

اللَّهُمَّ مَقْلَبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ

خدایا ای گرداننده دلها و دیده‌ها ثابت دار دل مرا بر دین خود و منحرف مساز دلم را پس از آن‌که

إِذْ هَدَيْتَنِي، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، وَأَجْرُنِي مِنْ

راهنمایی کردی و ببخش بر من از نزد خویش رحمتی که برستی تو بخشنده‌ای و پناهم ده از

النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ أَمِّدْ لِي فِي عُمْرِي، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي،

آتش به رحمت خدایا زیاد کن در عمرم و در روزی من فراخی ده

وَأَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَإِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ شَقِيًّا،

و بگستران بر من از رحمت و اگر نام من در پیش تو در نامه اصلی (لوح) بدبخت ثبت شده

فَاَجْعَلْنِي سَعِيدًا، فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتَثْبِتُ، وَعِنْدَكَ أُمَّ الْكِتَابِ.^۲

مرا خوشبخت قرار ده زیرا که تو هرچه را بخواهی محو و هر چه را بخواهی ثبت کنی و اصل کتاب نزد توست.

* * *

۱۶- مرحوم «صدوق» به سند معتبر از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود: هر کس این آیه

را نزدیک شامگاهان و یا بعد از شامگاهان، سه مرتبه بخواند، در آن شب، انجام خوبیها از او فوت نخواهد

شد و بدی‌ها از او دور می‌گردد، و همچنین اگر این آیه را صبحگاهان تلاوت کند نیز، همین پاداش را

دارد.

۱. تفسیر عیاشی، جلد ۲، صفحه ۴۵، حدیث ۱۳۶ و کافی، جلد ۲، صفحه ۵۳۲، حدیث ۳۱.

۲. فلاح السائل، صفحه ۲۲۲ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۶۸، حدیث ۳۸.

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ، وَلَهُ الْحَمْدُ فِي

تنزیه کنید خدا را هنگامی که شام کنید و هنگامی که بامداد کنید و از آن اوست ستایش در

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَعَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ.^۱

آسمانها و زمین و شبانگاه و هنگامی که به نیروز برسید.

۱۷- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: هر کس در صبح سه بار این دعا را بخواند، تا شب به او بلایی نمی‌رسد و هر کس آن را سه بار در شب بخواند تا صبح به او بلایی نمی‌رسد:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ،

به نام خدایی که زیان نرسد با بودن نام او به چیزی در زمین و نه در آسمان

وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.^۲

و اوست شنوای دانا.

۱۸- مرحوم «شیخ کلینی» و «صدوق» و بزرگان دیگر با سندهای موثق و معتبری از امام باقر علیه السلام روایت کرده‌اند، که حضرت نوح علیه السلام از آن جهت بنده بسیار شکرگزار نامیده شد که هر صبح و شام می‌گفت:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَمْسَى وَأَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ، أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ

خدایا من تو را گواه گیرم که برآستی هرچه در شام و صبح به من رسیده از نعمتی یا تندرستی در دین یا

دُنْيَا، فَمِنْكَ وَحَدَاكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَيَّ حَتَّى

دنیا پس آن از توست یگانه‌ای که شریک نداری ستایش خاص توست و سپاس برای آن نعمت از توست تا بدان حد که

تَرَضَى إِلَيْهَا.^۳

خشنود گردی ای معبود ما.

۱. امالی صدوق، صفحه ۵۷۸، حدیث ۱۴ و بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۵۳، حدیث ۱۹.

۲. بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۹۸، حدیث ۵۹.

۳. علل الشرایع، جلد ۱، صفحه ۲۹، حدیث ۱ و بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۵۱، حدیث ۱۶ و کافی، جلد ۲، صفحه ۵۳۵، (با اندکی تفاوت).

۱۹- مرحوم «کلینی» به سند معتبر، نقل کرده است که مردی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: به من دعایی بیاموز که هر صبح و شام آن را بخوانم، امام علیه السلام فرمود: بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا

ستایش خدایی را سزااست که می‌کند آنچه خواهد و جز او نمی‌کند آنچه را خواهد و ستایش برای خدا چنانچه

يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحَمِّدَ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ، اَللَّهُمَّ اَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ

دوست دارد که ستایش شود، ستایش برای خدا چنانچه شایسته آن است خدایا مرا درآور در هر خیری

اَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ جَنِّي مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ

که درآوردی در آن محمد و آل محمد را و بیرونم آر از هر بدی که بیرون آوردی از آن

مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. ۱

محمد و آل محمد را درود خدا بر محمد و آل محمد.



۲۰- در برخی از کتب معتبر آمده است که هر کس سه مرتبه در بامداد و سه مرتبه در پایان روز این صلوات را بخواند، گناهانش آمرزیده شود و خوشحالی او همیشگی باشد و دعایش مستجاب گردد و روزیش گسترده، و در برابر دشمن یاری شود و در بهشت همنشین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله باشد.

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد در زمره پیشینیان و درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَائِكَةِ،

محمد در آیدگان و درود فرست بر محمد و آل محمد در گروه عالم بالا

وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ، اَللَّهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ،

و درود فرست بر محمد و آل محمد در زمره رسولان خدایا بده به محمد(ص) وسیله (مقامی است در بهشت)

وَ الشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ، اَللَّهُمَّ اِنِّي اَمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و شرافت و فضیلت و مقام و درجه بزرگ خدایا من ایمان آوردم به محمد و آل او

وَلَمْ اَرَهُ، فَلَا تَحْرِمْنِي يَوْمَ الْقِيَمَةِ رُؤْيَيْتَهُ، وَارْزُقْنِي صُحْبَتَهُ، وَتَوَفَّنِي عَلَيَّ

با این‌که او را ندیدم پس محروم مساز در روز قیامت از دیدارش و روزیم کن هم‌نشینیش را و بمیرانم بر

مَلَّتِهِ، وَاسْقِنِي مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَبًا رَوِيًّا سَائِغًا هَنِئًا، لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا،

کیش او و بنوشانم از حوض او نوشاندنی بسیار و سیراب کننده و گوارا که هرگز پس از آن تشنه نشوم

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ كَمَا آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

که برآستی تو بر هر چیز توانایی خدایا چنانچه من به محمد(ص) بی آنکه او را بینم ایمان

وَلَمْ أَرَهُ، فَارِنِي فِي الْجَنَانِ وَجْهَهُ، اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّةً

آوردم پس در بهشت صورتش را نشان من بده خدایا به روح محمد(ص) از جانب من تحیت

كثيرةً وسلاماً. ۱

و سلام فراوان برسان.

یادآوری: دعاهایی که در صبح و شام وارد شده، بسیار است که ما در این جا تنها بخشی از آنها را آورده ایم. البته هر کس می تواند به مقدار توان و حضور قلب، از آنها انتخاب کند و مضامین آنها را به کار بندد.

فصل پنجم آداب هنگام خواب

سزاوار است هنگام خواب این امور رعایت شود:

۱- با طهارت بخوابی.

۲- از گناهان توبه نمایی.

۳- قلب خویش را از فکر دنیا فارغ سازی.

۴- سعی کن چنان باشی که حق کسی در گردنت نباشد.

۵- عازم باشی که برای نماز شب برخیزی، زیرا که افتخار مؤمن و زینت او در دنیا و آخرت، نماز در آخر

شب است.

۶- سوره «قل هو الله احد»^۱ و «الهیکم التکائر»^۲ و «آیة الکرسی»^۳ را می خوانی.

۷- تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را می خوانی.^۴

۸- بهتر است به طرف راست یا به پشت بخوابی، اما به سینه خوابیدن در روایات به عنوان خواب

شیطانی شمرده شده است.^۵

۹- در صورتی که از غلبه خواب نگران باشی که برای نماز شب، یا نماز صبح، یا غیر آن بیدار نشوی،

خواندن آیه آخر سوره کهف بسیار مؤثر است:

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ، أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ، فَمَنْ كَانَ

بگو جز این نیست که من بشری هستم مانند شما که به من وحی شود و جز این نیست که خدای شما خدای یگانه است پس هرکه

يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا، وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا.

امید لقای پروردگارش را دارد باید عمل شایسته کند و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نکند.

در روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده که هیچ کس این آیه را در وقت خوابیدن نمی خواند مگر آن که در

ساعت مقصود بیدار می شود.^۶ (کم خوردن غذا و مایعات و به موقع خوابیدن نیز، به بیداری در آخر شب

کمک می کند).

۲. کافی، جلد ۲، صفحه ۶۲۳، حدیث ۱۴.

۱. بحارالانوار، جلد ۷۳، صفحه ۱۹۲، حدیث ۲.

۴. تهذیب، جلد ۲، صفحه ۱۱۶، حدیث ۲۰۳.

۳. بحارالانوار، جلد ۷۳، صفحه ۲۱۳.

۶. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۴۰، حدیث ۱۷.

۵. فقیه، جلد ۱، صفحه ۵۰۲، حدیث ۱۴۴۲.

۱۰- در صورت ترس از حیوانات مودی این دعا را بخوان که از امام باقر علیه السلام روایت شده است:

أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا

پناه برم به کلمات تامه خدا که نگذرد از آنها نیکوکار و نه بدکار از شر هر چه

ذَرَاءٌ، وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَّءٌ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَّتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى

آفرید و از شر هر چه پدید آورد و از شر هر جنبندهای که زمامش بدست اوست همانا پروردگار من بر

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.^۱

راهی راست است.

۱۱- در صورت خوف از احتلام (جنابت در خواب) این دعا را بخوانند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِحْتِلَامِ، وَمِنْ شَرِّ الْأَحْلَامِ، وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ

خدایا به تو پناه برم از احتلام و از شر خوابهای آشفته و از این که شیطان با من

بِئِ الشَّيْطَانِ فِي الْيَقِظَةِ وَالْمَنَامِ.^۲

بازی کند چه در بیداری و چه در خواب.

۱۲- در صورت خوف از سارق (ضمن رعایت جهات ایمنی) دو آیه آخر سوره اسراء را بخوان:

قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ، أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَلَا

بگو «الله» را بخوانید یا «رحمان» را، هر کدام را بخوانید (ذات پاکش یکی است و) برای او بهترین نامهاست و

تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُتُ بِهَا، وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا وَقُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ

نماز را زیاد بلند یا خیلی آهسته نخوان، و در میان آن دو، راهی (معتدل) انتخاب کن و بگو ستایش برای خداوندی است که

الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ

نه فرزندی برای خود انتخاب کرده، و نه شریکی در حکومت دارد، و نه به خاطر ضعف و ذلت (حامی و) سرپرست

الذَّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا.^۳

برای اوست و او را بسیار بزرگ بشمار.

۲. مفتاح الفلاح، صفحه ۲۸۴.

۱. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۷۰، حدیث ۷.

۳. بحار الانوار، جلد ۷۳، صفحه ۲۱۱.

۱۳- خواب بین الطلوعین و خواب بعد از عصر (وقت غروب) را ترک کن.^۱

۱۴- در پشت بامی که اطراف آن دیوار ندارد خوابیدن مکروه است.^۲

۱۵- اگر خوابی دیدی برای کسی نقل کن که عالمی ناصح و مهربان باشد (و با تعبیر صحیح تو را امیدوار سازد).^۳

۱۶- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هر کس هنگام رفتن به بستر، سه بار این دعا را بخواند (و توبه کند) از گناه پاک می شود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

ستایش خدایی را که برتر آمد و چیره و ستایش خدایی را که نهان است و آگاه و ستایش خدایی که

مَلِكٌ فَقَدَرَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ، وَهُوَ عَلَى

مالک است و نیرومند و ستایش خدایی را که زنده کند مردگان را و بمیراند زندگان را و او بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۴

هر چیز تواناست.

۱۷- از امام صادق علیه السلام روایت شده است: وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به بستر می رفت، آیه الکرسی

می خواند و می گفت:

بِسْمِ اللَّهِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنَامِي

به نام خدا ایمان آوردم به خدا و کافریم به طاغوت خدایا حفظ کن مرا در خواب

وَفِي يَقْظَتِي.^۵

و در بیداریم.

۱۸- مفضل بن عمر می گوید امام صادق علیه السلام به من فرمود: هنگام خواب با این یازده جمله به خداوند

پناه ببر:

أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِسُلْطَانِ

پناه برم به عزت خدا و پناه برم به نیروی خدا و پناه برم به جلال خدا و پناه برم به سلطنت

۱. مکارم الاخلاق، صفحه ۳۰۵، و بحار الانوار، جلد ۷۳، صفحه ۱۸۵، حدیث ۶.

۲. بحار الانوار، جلد ۷۳، صفحه ۱۸۷، حدیث ۷.

۳. بحار الانوار، جلد ۵۸، صفحه ۱۷۵، حدیث ۳۴.

۴. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۳۵، حدیث ۱.

۵. همان مدرک، صفحه ۵۳۶، حدیث ۴.

اللَّهُ، وَ أَعُوذُ بِجَمَالِ اللَّهِ، وَ أَعُوذُ بِدَفْعِ اللَّهِ، وَ أَعُوذُ بِمَنْعِ اللَّهِ، وَ أَعُوذُ

خدا و پناه برم به جمال خدا و پناه برم به دفع خدا و پناه برم به جلوگیری کردن خدا و پناه برم

بِجَمْعِ اللَّهِ، وَ أَعُوذُ بِمَلِكِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ، وَ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى

به جمع آوری خدا و پناه برم به فرمانروایی خدا و پناه برم به ذات خدا و پناه برم به رسول خدا صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، وَ بَرَأُ وَ ذَرَأُ.^۱

الله علیه و آله از شر آنچه آفرید و پدید آورد.

نکته:

در عصر و زمان ما بسیاری از مردم گرفتار بی خوابی هستند و جمعی از آنها پناه به قرص های خواب آور می برند که گاه آنها خود سرچشمه بیماری های دیگری می شود.

عامل اصلی این بی خوابی ها، ناآرامی روح است؛ اگر ما به دستورات اسلام عمل کنیم، ناآرامی روح برچیده می شود و از خواب آسوده ای - به لطف خدا - بهره مند خواهیم شد.

قرآن مجید می گوید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آگاه باشید یاد خدا مایه آرامش دلهاست».^۲
 آری؛ هر قدر بیشتر به یاد خدا باشیم، و بر او توکل نماییم، و در مشکلات به او پناه بریم و بدانیم او غفور و رحیم است و جواد و کریم و بر هر چیز تواناست و این امور را واقعاً باور کنیم، روح ما غرق آرامش می شود.

از سوی دیگر، پریشانی ها و نگرانی ها در غالب موارد از حب دنیا سرچشمه می گیرد؛ اگر حب دنیا را از دل بیرون کنیم و برای زندگی کوشش و تلاش لازم را انجام دهیم و بقیه را به خدا واگذار کنیم، نور آرامش بر دل و جان ما پرتوافکن می شود.



فصل ششم اعمال سحرگاهان

برای این موضوع آداب و دعا‌های زیاد وارد شده که از آن جمله، این امور است:

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی کسی از شما از خواب برمی‌خیزد، بگوید:

سُبْحَانَ رَبِّ النَّبِيِّينَ، وَإِلَهُ الْمُرْسَلِينَ، وَرَبِّ الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَالْحَمْدُ

منزه است پروردگار پیمبران و معبود رسولان و پروردگار ناتوان شمرندگان ستایش

لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

خدایی را که زنده کند مردگان را و او بر هر چیز تواناست.

هنگامی که این جمله‌ها را بگوید، خداوند می‌فرماید: بنده من راست گفت و شکر مرا به جای آورده

است.^۱

* * *

۲- یکی از یاران خاص امام صادق علیه السلام می‌گوید: هنگامی که امام علیه السلام در پایان شب برمی‌خاست (به

یاد قیامت و رستاخیز می‌افتاد و) صدایش را بلند می‌کرد - به گونه‌ای که اهل خانه بشنوند - و می‌گفت:

اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى هَوْلِ الْمَطَّلَعِ، وَوَسِّعْ عَلَيَّ ضَيْقَ الْمَضْجَعِ، وَأَرْزُقْنِي

خدایا کمکم کن بر هراس روز قیامت و فراخ گردان بر من تنگی آرامگاهم را و روزیم کن

خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ، وَأَرْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ.^۲

خوبی پیش از مرگ و خوبی پس از مرگ را.

فضیلت نافله شب:

۳- در این هنگام برای نافله شب آماده می‌شوی.

روایاتی که از معصومان علیهم السلام در فضیلت نماز شب آمده بسیار زیاد و پراهمیت است؛ از جمله روایت

شده است که: نماز شب مایه شرافت مؤمن است، و سلامتی جسم را در پی دارد، کفاره گناهان روز است،

وحشت قبر را از بین می‌برد، چهره را نورانی می‌کند، و سبب فراوانی روزی می‌گردد،^۱ و این‌که: مال و پسران زینت زندگی دنیايند؛ ولی هشت رکعت نماز آخر شب و نماز (شفع و) وتر، زینت آخرت انسانند و گاهی خداوند هردو زینت را برای گروهی جمع می‌کند.^۲

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سفارش‌های خویش به علی علیه السلام فرمود: ای علی! من تو را به چند کار سفارش می‌کنم آنها را به خاطر بسیار. سپس فرمود: خدایا، علی را در این راه کمک کن! آنگاه حضرت خصلت‌هایی را برشمرد تا آن‌جا که فرمود:

نماز شب را اهمّیت بده، نماز شب را اهمّیت بده، نماز شب را اهمّیت بده.^۳

یکی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله به نام «انس» نقل کرده است که آن حضرت فرمود: دو رکعت نماز، در دل شب، برای من بسی محبوبتر است از دنیا و آنچه در آن است.^۴

در روایتی دیگر از امام زین العابدین علیه السلام پرسیدند چرا آنان که در دل شب به تهجد می‌پردازند از خوش‌سیماترین (و نورانی‌ترین) مردم می‌باشند؟

فرمود: زیرا باخدای خویش خلوت کرده‌اند، پس خداوند نیز از نور خویش به آنها بخشیده است.^۵ و در روایتی از علی علیه السلام در جواب کسی که علت بی‌توفیقی خود نسبت به نماز شب را پرسیده بود، آمده است: «قَيِّدَتْكَ ذُنُوبُكَ؛ گناهانت تو را به بند کشیده است».^۶

کوتاه سخن این‌که: نافله شب کیمیای سعادت و اکسیر اعظم است و بسیاری از کسانی که به مقامات عالیه رسیده‌اند در پرتو نماز شب و مناجات سحر بوده است و در اهمّیت و فضیلت آن همین بس که قرآن مجید خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا؛ پاسی از شب را از خواب برخیز و قرآن (و نماز) بخوان این یک وظیفه اضافی (واجب) بر توست تا پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برساند».^۷

این تعبیر نشان می‌دهد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مقامات عالیه خود را از پرتو نماز شب و قرآن و مناجات سحر کسب می‌کرد.

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ از یمن دعای شب و ورد سحری بود!

۱. مستدرک الوسائل، جلد ۶، صفحه ۳۲۷-۳۳۵، باب ۳۳.
 ۲. همان مدرک، صفحه ۳۳۰، حدیث ۱۰.
 ۳. بحار الانوار، جلد ۷۴، صفحه ۷۰، حدیث ۸.
 ۴. همان مدرک، جلد ۸۴، صفحه ۱۴۸، حدیث ۲۳.
 ۵. همان مدرک، صفحه ۱۵۹، حدیث ۴۸.
 ۶. کافی، جلد ۳، صفحه ۴۵۰، حدیث ۳۴.
 ۷. سوره اسراء، آیه ۷۹.

«قطب راوندی» از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده است که فرمود: طمع مکن در سه چیز با انجام سه چیز: در بیداری شب با پرخوری؛ در نورانیت چهره، با خوابیدن در تمامی شب، و در امان از دنیا، با رفاقت و همراهی فاسقان.^۱

همچنین «قطب راوندی» روایت کرده است که عیسی علیه السلام بعد از مرگ مادرش، وی را صدا زد و گفت: ای مادر با من سخن بگو! آیا دوست داری به دنیا برگردی؟ مادرش پاسخ داد: آری، به این امید که در دل شبهای سرد برای خدا نماز بگذارم و در روزهای گرم روزه بگیرم! پسر من این راه (راه آخرت) بیمناک است!^۲ این نکته نیز حائز اهمیت است که بعضی از مؤمنین، از نماز شب به خاطر آداب مفصل آن پرهیز دارند، در حالی که نماز شب را به طور ساده و بدون شاخ و برگ نیز می توان در زمان کوتاهی انجام داد، مهم برخاستن و سحرگاهان به در خانه خدا رفتن است.

چگونگی انجام نماز شب:

بجا آوردن نماز شب با آداب مخصوص چنین است:

وقتی انسان از خواب برمی خیزد برای خداوند سجده کند و خوب است در سجده و یا هنگام سر برداشتن از سجده بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي، وَإِلَيْهِ النُّشُورُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ

ستایش خاص خدایی است که مرا پس از آنکه میباید زندهام کرد و بسوی اوست رستاخیز ستایش خاص خدایی است که روحم را

عَلَى رُوحِي لِأَحْمَدِهِ وَأَعْبُدَهُ.^۳

به من بازگرداند تا ستایش و پرستش کنم.

و چون برخاست و ایستاد بگوید: اَللّٰهُمَّ اَعِنِّيْ عَلَى هَوْلِ الْمُطْمَعِ، وَ وَسَّعْ عَلَيَّ

و فرخ گردان بر من

الْمَضْجَعِ، وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ، وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ.^۴

آرامگاه قبرم را و خیر و خوبی قبل از مرگ و پس از مرگ را روزی ما گردان.

وقتی که صدای خروس را شنید بگوید: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ،

بسیار منزه و بسیار پاکیزه است پروردگار فرشتگان و روح (جبرئیل)

۱. مستدرک الوسائل، جلد ۶، صفحه ۳۴۰، حدیث ۳.

۲. همان مدرک، صفحه ۳۳۸، حدیث ۳۱.

۳. بحار الانوار، جلد ۷۳، صفحه ۲۰۴، حدیث ۲۰.

۴. همان مدرک، جلد ۸۴، صفحه ۱۹۲، حدیث ۶.

تَدْخُلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ * رَبَّنَا إِنَّنا سَمِعْنَا

بدوزخ بری برستی که خوارش کرده‌ای و ستمکاران را یآوری نیست پروردگارا ما ندا زنی را شنیدیم

مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ

که به ایمان ندا می‌زد (و می‌گفت) به پروردگارتان ایمان آورید ما نیز ایمان آوردیم پروردگارا گناهان ما را بیامرز و بدیهای ما را

عَنَا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ * رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ

پوشیده دار و بمیران ما را با نیکان پروردگارا آنچه را که به ما وعده داده‌ای بوسیله فرستادگان خویش به ما بده و

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.^۱

در روز قیامت رسوایمان مکن که تو خلف وعده نمی‌کنی.

هنگامی که برای عبادت بر می‌خیزد اگر نیازی به تخلی دارد نخست برای آن برود. بعد هم وضو بگیرد و قبل از وضو، مسواک کند و خود را خوشبو سازد، آنگاه برای نماز شب آماده شود.^۲

وقت نماز شب:

اول وقت نماز شب، از نیمه شب است و هرچه به طلوع صبح نزدیک‌تر شود، فضیلتش بیشتر است و اگر صبح طلوع کرده باشد و او چهار رکعت از نماز شب را به جای آورده باشد، بقیه را با حمد تنها، تمام کند.^۳

کیفیت نماز شب:

نماز شب هشت رکعت است که در هر دو رکعتی سلام می‌دهد؛ در دو رکعت اول در هر رکعت سوره حمد و توحید (قل هو الله احد) را بخواند و یا آن که در رکعت اول سوره توحید را بخواند و در رکعت دوم «قل یا ایها الکافرون» و در شش رکعت دیگر حمد و هر سوره که بخواهد مثل «قل هو الله احد» و نیز جایز است به خواندن حمد اکتفا کند.

همان گونه که در نمازهای واجب در رکعت دوم قنوت مستحب است در این نمازها نیز مستحب است و کافی است سه بار بگوید «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا آن که بگوید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا، وَ عَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ

خدایا ما را بیامرز و به ما رحم کن و عافیت به ما بده و بگذر از ما در دنیا و آخرت که همانا تو

۱. مصباح المتبهج، صفحه ۱۲۹.

۲. همان مدرک، صفحه ۱۳۰.

۳. برای آگاهی بیشتر به بحار الانوار، جلد ۸۴، صفحه ۲۲۳ و ۲۲۶ مراجعه شود.

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا أَنْ كَه بگویند: رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمُ،

بر هر چیز توانایی * * * * * پروردگارا بیامرز و رحم کن و درگذر از آنچه می‌دانی

إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.^۱

که براستی تویی عزیزتر از همه و گرامی‌تر.

بعد از هشت رکعت نماز شب، دو رکعت به نیت نماز «شفع» و یک رکعت به نیت نماز «وتر» بخوان. در این سه رکعت، بعد از حمد، سوره «قل هو الله» می‌خوانی که پاداش آن بمنزله ختم قرآن می‌باشد. چرا که سوره «توحید» به منزله ثلث قرآن است.^۲

و یا آن که در رکعت اول نماز «شفع» حمد و «قل اعوذ برب الناس» بخوان و در رکعت دوم، حمد و «قل اعوذ برب الفلق» و در رکعت سوم (نماز وتر) حمد و قل هو الله احد.^۳

در نماز «وتر» بعد از حمد و سوره، دست‌ها را برای قنوت بردار و هرچه می‌خواهی در قنوت دعا کن و حاجات دنیا و آخرت را از خدا بخواه.^۴

در روایتی آمده است که کسی از امام علیه السلام می‌پرسد: آیا در قنوت «وتر» لازم است که دعای خاصی خوانده شود؟ چه بگویم؟ فرمود: خیر (هرآنچه که به دلت افتاد و به ذهنت وارد شد می‌توانی بخوانی و درخواست کنی) ثنا و حمد خدا بجا آور و بر رسول مکرم صلوات بفرست و برای گناهان بزرگ استغفار کن و بدان که هر گناهی بزرگ است.^۵

«شیخ طوسی» نیز در «مصباح المتهجد» گفته است: در قنوت وتر هر دعایی که دوست داری بخوان و دعاهایی که در این قنوت می‌توان خواند، به قدری زیاد است که به شمارش در نمی‌آید.

همچنین می‌گوید: مستحب است انسان در قنوت از ترس خدا (یا عشق به او) گریه کند و یا حالت گریه به خود بگیرد، و برای برادران مؤمن دعا کند و خوب است نام چهل تن را در دعای خویش ببرد (کافی است که مثلاً بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَسَنِ اللَّهِمَّ اغْفِرْ لِحَسَنِ مُحَمَّدٍ و...) چرا که اگر کسی برای چهل مؤمن دعا کند، دعایش مستجاب می‌شود. ان شاء الله.^۶

سزاوار است که هفتاد مرتبه بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ اَتُوبُ إِلَيْهِ.^۷ و برای این کار و همچنین شمردن چهل نفر از مؤمنان دست چپ را بلند می‌کند و استغفار را به دست راست با تسبیح می‌شمارد.^۸

۱. بحارالانوار، جلد ۸۲، صفحه ۲۰۷.

۲. همان مدرک، جلد ۸۴، صفحه ۲۲۶، حدیث ۳۹.

۳. همان مدرک و مصباح المتهجد، صفحه ۱۵۲.

۴. مصباح المتهجد، صفحه ۱۵۲ و ۱۵۵.

۵. کافی، جلد ۳، صفحه ۴۵۰، حدیث ۳۱.

۶. همان مدرک، صفحه ۱۵۵.

۷. مفتاح الفلاح، صفحه ۳۲۹.

از رسول اکرم ﷺ روایت شده است که آن حضرت در نماز وتر هفتاد مرتبه استغفار می‌کرد و هفت مرتبه می‌گفت: هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ^۱ و همچنین از امام زین العابدین علیه السلام

این جایگاه پناه برنده به توست از آتش دوزخ *****

روایت شده است که در نماز وتر سیصد مرتبه می‌گفت: الْعَفْوُ، الْعَفْوُ، الْعَفْوُ...^۲
پس از آن بگوید: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.^۳

پروردگارا مرا ببامرز و به من رحم کن و توبه‌ام بپذیر که براستی تویی توبه‌پذیر و مهربان.

بنابراین، دعا به چهل مؤمن (مرد یا زن) و هفتاد مرتبه استغفار و هفت مرتبه «هذا مقام العائد بك من النار» و سیصد مرتبه «العفو» از مستحبات قنوت وتر است؛ ولی اگر هیچ کدام را هم نگوید به نماز او ضرر نمی‌رسد.

شایسته است که قنوت را طول بدهد و پس از آن به رکوع برود و هنگامی که سر از رکوع برداشت این دعا را بخواند که «شیخ طوسی» در «تهذیب» از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده است:

هَذَا مَقَامٌ مِنْ حَسَنَاتِهِ نِعْمَةٌ مِنْكَ، وَ شُكْرُهُ ضَعِيفٌ، وَ ذَنْبُهُ عَظِيمٌ، وَ لَيْسَ

این جایگاه کسی است که نیکیهایی که کرده نعمتی است از تو و سپاس ناتوان و گناهش بزرگ است و در برابر آن

لِذَلِكَ إِلَّا رِفْقًا وَ رَحْمَةً، فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَيَّ نَبِيِّكَ

جز مدارایی تو و رحمت چیزی نیست زیرا که تو در کتابی که از جانب بر پیامبر

الْمُرْسَلِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ،

مرسلت صلی الله علیه و آله نازل شده فرمودی «آنان که اندکی از شب را می‌خفتند

وَبِأَلْسِنِهِمْ يَسْتَغْفِرُونَ. طَالَ هُجُوعِي وَ قَلَّ قِيَامِي، وَ هَذَا السَّحَرُ

و در سحرها ایشان آمرزش می‌خواستند» ولی خواب من به درازا کشید و بیداریم اندک شد اکنون سحر است و

وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ لِذُنُوبِي، اسْتَغْفَارَ مَنْ لَا يَجِدُ لِنَفْسِهِ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَلَا مَوْتًا

من از تو آمرزش گناهم را خواهم آمرزش خواستن کسی‌که نیابد برای خویش سود و زیان و نه مرگ

وَلَا حَيَاةً وَلَا نَشُورًا.^۴

و زندگی و نه رستاخیزی.

۱. فقیه، جلد ۱، صفحه ۴۸۹، حدیث ۱۴۰۶.

۲. همان مدرک، حدیث ۱۴۰۸.

۳. مصباح المتهجد، صفحه ۱۵۵.

۴. تهذیب، جلد ۲، صفحه ۱۳۲، حدیث ۲۷۶.

پس از آن به سجده می‌رود و نماز را تمام می‌کند، و پس از سلام تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را می‌گوید و بعد از آن سه مرتبه بگوید:

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ^۱ * و پس از آن بگوید: يَا حَيُّ

منزهی ای پروردگار فرمانروای پاکیزه و نیرومند فرزانه * * * * * ای زنده

يَا قَيُّوْمُ، يَا بَرُّ يَا رَحِيمُ، يَا غَنِيُّ يَا كَرِيمُ، أُرْزُقْنِي مِنَ التِّجَارَةِ اعْظَمَهَا

و ای پاینده و ای نیکوکار ای مهربان ای بی‌نیاز ای بزرگواری روزی کن مرا از تجارت آنچه درآمدش

فُضْلًا، وَأَوْسَعَهَا رِزْقًا، وَخَيْرَهَا لِي عَاقِبَةً، فَإِنَّهُ لَا خَيْرَ فِيمَا لَا عَاقِبَةَ لَهُ.^۲

فزونتر و روزیش وسیعتر و عاقبتش بهتر از همه باشد زیرا در آن چیزی که پایان خوبی نداشته باشد خیری نیست

و بعد از آن سه مرتبه بگوید: الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّبَاحِ، الْحَمْدُ لِفَالِقِ الْأَصْبَاحِ^۳ *

* * * * * ستایش برای پروردگار بامداد ستایش برای شکافنده صبح *

سپس به سجده می‌رود (سجده شکر برای این توفیق عظیم) و پنج بار می‌گوید: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ،

* * * * * منزه است و پاک و پاکیزه است

رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ.

پروردگار فرشتگان و روح.

آنگاه می‌نشینند و آیه‌الکرسی را می‌خوانند و باز هم برای بار دوم به سجده می‌رود و همان ذکر را پنج بار دیگر می‌خواند.^۴

یادآوری: این دعاها را می‌توان از روی نوشته خواند، و بار دیگر تکرار می‌کنیم: شاخ و برگهای نماز شب بسیار خوب و سازنده است؛ ولی اگر کسی نتواند همه را بجا آورد، هر قدر که می‌تواند بجا آورد؛ مهم انجام اصل نماز، یعنی هشت رکعت نماز شب، دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر است؛ حتی اگر کسانی نتوانند تمام یازده رکعت را بجا آورند، می‌توانند به سه رکعت نماز شفع و وتر اکتفا کنند و از برکات آن بهره‌مند شوند.

* * *

۲. همان مدرک.

۱. مصباح‌المتجهّد، صفحه ۱۶۳.

۴. بحارالانوار، جلد ۸۴، صفحه ۳۰۸، حدیث ۸۶.

۳. همان مدرک.

فصل هفتم دعاهای روزها

(دعاهایی که روزانه خوانده می شود و ساعت معینی ندارد)

یاد خدا مایه بیداری دل و آرامش روح و دوری شیطان و نجات از چنگال هوای نفس است لذا در روایات معصومین علیهم السلام دعاهای متعدّد و پرمحتوایی برای توجّه قلبها به خدا برای هر روز وارد شده است. از جمله:

۱- به سند معتبری از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: اگر مؤمنی در یک روز گرفتار گناهایی شود سپس از روی ندامت و پشیمانی به در خانه خدا رود و استغفار ذیل را بخواند خدا گناهان او را می بخشد:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ،

آمزش خواهم از خدایی که معبودی جز او که زنده و پاینده است نیست پدیدارنده آسمانها و زمین

ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ

و صاحب جلال و بزرگواری و از او خواهم که بر محمد و آل او درود فرستد و

يَتُوبَ عَلَيَّ. ۱.

توبه ام بپذیرد.

۲- و نیز به سند معتبر دیگری از آن حضرت نقل شده که فرمود: هر کس که هر روز هفت مرتبه بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ كَانَتْ أَوْ هِيَ كَائِنَةٌ».

ستایش از آن خداست به هر نعمتی که بوده یا پس از این خواهد بود.

شکر نعمتهای گذشته و آینده را بجا آورده است. ۲.

۳- و نیز به سند معتبر دیگری از آن حضرت علیه السلام روایت شده که: «هر کس هر روز ۲۵ مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ.

خدایا بیامرز مردان مؤمن و زنان با ایمان را و مردان مسلمان و زنان مسلمان را.

خداوند به عدد هر مؤمنی از مؤمنین گذشته و آینده تا روز قیامت، در نامه اعمالش حسنه می نویسد...

و بر درجاتش در بهشت می‌افزاید»^۱

۴- و نیز به سند معتبر دیگری از آن حضرت نقل شده که: «هر کس هر روز صد مرتبه بگوید:

«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» خداوند هفتاد نوع بلا، که کمترین آن هم و غم است را از او

جنبش و نیرویی نیست جز به خدا * * * * *

دفع نماید^۲، و در روایتی دیگر آمده: هرگز دچار فقر نمی‌شود.^۳

۵- مرحوم «کلینی» و بزرگان دیگر از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که: پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز هفتاد مرتبه

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» و هفتاد مرتبه «وَأَتُوبُ إِلَى اللَّهِ» می‌گفت.^۴

۶- در «کشف الغمّه» به سند معتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که هر کس در هر روز صد مرتبه

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» بگوید از فقر و از وحشت قبر در امان باشد و بی‌نیازی را به سوی خود

جلب کند و درهای بهشت به رویش باز شود.^۵

۷- «قطب راوندی» در کتاب «دعوات» خود، از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل کرده که هر کس

این ذکر را هر روز بگوید حاجتش برآورده شده و بر دشمنش غلبه می‌کند و هر اندوهی داشته باشد برطرف

می‌گردد:

سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَمَا

مزه است خدا چنانچه سزاوار خداست و ستایش برای خدا چنانچه سزاوار خداست و معبودی جز او نیست چنانچه

يَنْبَغِي لِلَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ كَمَا يَنْبَغِي

او را شاید و خدا بزرگتر از توصیف است چنانچه او را سزد و نیرو و جنبشی نیست جز به خدا چنانچه او را سزد

لِلَّهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ

و درود خدا بر محمد آن پیامبر بزرگوار و بر خاندانش و بر تمام رسولان و

وَالنَّبِيِّينَ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ. ۶

پیامبران تا آنجا که خدا خشنود گردد.



۱. ثواب الاعمال، صفحه ۱۶۱.

۲. همان مدرک، صفحه ۱۶۲.

۳. بحار الانوار، جلد ۸۴، صفحه ۱۰.

۴. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۰۴، حدیث ۵.

۵. کشف الغمّه، جلد ۲، صفحه ۱۶۴.

۶. دعوات راوندی، صفحه ۴۶، حدیث ۱۱۴.

۸- از رسول گرامی ﷺ روایت شده که هر کس کلمات ذیل را هر روز ده بار بگوید علاوه بر پادشاهی مهمه دیگر، از شر ابلیس و لشکریانش در امان می ماند، دین او ادا و هم و غم او زایل می گردد و در مشککش گشایشی بوجود می آید:

أَعَدَدْتُ لِكُلِّ هَوٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ لِكُلِّ نِعْمَةٍ

مهیا کردم برای هر بیم و هراسی «لا اله الا الله» را و برای هر غم و اندوهی «ما شاء الله» را و برای هر نعمتی

الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لِكُلِّ رَخَاءٍ الشُّكْرُ لِلَّهِ، وَ لِكُلِّ أَعْجُوبَةٍ سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ لِكُلِّ

«الحمد لله» را و برای هر آسودگی «الشکر لله» و برای هر شگفتی «سبحان الله» و برای

ذَنْبٍ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، وَ لِكُلِّ مُصِيبَةٍ أَنَا لِلَّهِ وَ أَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَ لِكُلِّ ضَيْقٍ

هر گناهی «استغفر الله» و برای هر پیش آمد ناگوار «انا لله و انا اليه راجعون» و برای هر فشار و سختی

حَسْبِيَ اللَّهُ، وَ لِكُلِّ قَضَاءٍ وَ قَدَرٍ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، وَ لِكُلِّ عَدُوٍّ اِعْتَصَمْتُ

«حسبی الله» و برای هر قضا و قدری «توکلت علی الله» و برای هر دشمنی «اعتصمت بالله»

بِاللَّهِ، وَ لِكُلِّ طَاعَةٍ وَ مَعْصِيَةٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.^۱

و برای هر اطاعت و نافرمانی «لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم» را.



۹- در «ثواب الاعمال»، «کافی» و کتاب «محاسن» از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: کسی که هر روز پانزده مرتبه بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اِيْمَانًا وَ تَصَدِّقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عِبَادِيَّةً وَ رِقَابًا.

معبودی نیست جز خدا که حق است حق، معبودی نیست جز خدا از روی ایمان و تصدیق معبودی نیست جز خدا از روی بندگی و بردگی.

خداوند با لطف و رحمتش به او توجه می کند و نظرش را از او برنگرداند تا داخل بهشت شود.^۲



۱۰- «قطب راوندی» روایت کرده است که عابدی از بنی اسرائیل از خداوند درخواست کرد که ای پروردگار من، حال من نزد تو چگونه است؛ آیا خیر است تا افزون کنم، یا شر است تا از آن توبه نمایم؟ خداوند فرشته ای را به سوی او فرستاد و به او گفت: تو نزد خدا هیچ خیر نداری، گفت ای پروردگار من،

۱. بحارالانوار، جلد ۸۴، صفحه ۵، حدیث ۸.

۲. ثواب الاعمال، صفحه ۹ و کافی، جلد ۲، صفحه ۱۹، حدیث ۱ و محاسن، جلد ۱، صفحه ۳۲ (با مقداری تفاوت).

پس کجاست اعمال من؟! در جواب گفت: هرگاه عمل خیری انجام می‌دادی مردم را از آن آگاه می‌ساختی و دوست داشتی که در میان مردم به عنوان شخص خوبی به حساب آیی و از تو به نیکی یاد کنند، لذا به آنچه می‌خواستی رسیدی، این جواب بر آن عابد گران آمد و غمگین شد، خداوند بار دیگر پیکش را فرستاد و به او گفت: خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: (برای جبران گذشته) از همین لحظه خودت را در اختیار من قرار ده با صدقه‌ای که هر روز به عدد رگهای بدنت پرداخت می‌کنی. عرض کرد: ای پروردگار من! آیا کسی توان چنین چیزی را دارد؟ جواب آمد: هر روز ۳۶۰ مرتبه بگو: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

مژه است خدا و ستایش از آن خداست و معبودی نیست جز خدا و خدا بزرگتر از توصیف است و جنبش و نیرویی نیست

إِلَّا بِاللَّهِ».

جز به خدا.

۱۱- در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که: هر کس به مدت دو ماه پی‌درپی، هر روز چهارصد مرتبه کلمات ذیل را بگوید، خداوند علم و مال فراوان به او روزی می‌کند:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، بَدِيعُ

آمرزش خواهم از خدایی که معبودی جز او نیست زنده و پاینده و بخشاینده و مهربان پدیدآورنده

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، مِنْ جَمِيعِ ظُلْمِي وَجُرْمِي وَإِسْرَافِي عَلَي نَفْسِي،

آسمانها و زمین (آمرزش) از تمام ستمکاری و جنایت و زیاده‌روی بر خود

وَآتُوبُ إِلَيْهِ.

و بسویش توبه کنم.

۱۲- «مرحوم کفعمی» و بزرگان دیگر روایت کرده‌اند که خواندن این دعا در هر روز، مستحب است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ نُورَ وَجْهِكَ الْمَشْرِقِ الْحَيِّ الْبَاقِي الْكَرِيمِ، وَأَسْأَلُكَ

خدایا از تو می‌خواهم به نور تابناک ذاتت که زنده و پایدار و بزرگوار است و از تو خواهم

۱. دعوات راوندی، صفحه ۱۳۵، حدیث ۳۳۶ و بحارالانوار، جلد ۸۴، صفحه ۱۰، حدیث ۱۸.

۲. بحارالانوار، جلد ۸۴، صفحه ۲۰، حدیث ۲۱.

بُنُورٍ وَجِهَكَ الْقُدُّوسِ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَوَاتُ، وَأُنْكَشَفَتْ بِهِ

به نور پاک ذاتت که تابان گشت بوسیله اش آسمانها و برطرف گشت بدان

الظُّلُمَاتُ، وَصَلِّحَ عَلَيْهِ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

تاریکیها و اصلاح گشت بدان کار اولین و آخرین که درود فرستی بر محمّد

وَأَلِيهِ، وَأَنْ تُصَلِّحَ شَأْنِي كُلَّهُ.^۱

و آتش و همه کارهایم را اصلاح کنی.

۱۳- از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: کسی که هر روز کلمات ذیل را بگوید خداوند مشکلات دنیا و آخرتش را حل می کند:

بِسْمِ اللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي

بنام خدا بس است مرا خدا توکل کنم بر خدا خدایا از تو خواهم خیر و خوبی کارهایم را

كُلِّهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ.^۲

همگی و پناه برم به تو از خواری دنیا و عذاب آخرت.

۱۴- و نیز روایت شده است که هر کس هر روز هفت مرتبه دعای ذیل را بخواند خداوند مشکلات دنیا و آخرتش را کفایت می کند:

حَسْبِيَ اللَّهُ رَبِّي، اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.^۳

بس است مرا خدا پروردگارم خداست معبودی جز او نیست بر او توکل کنم و اوست پروردگار عرش عظیم.

۱۵- همچنین روایت شده است: هر کس در طول یک سال، هر روز این دعا را بخواند، از دنیا نمی رود تا جای خود را در بهشت ببیند:

سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَائِمِ، سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ، سُبْحَانَ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ،

منزه است خدای جاویدان پابرجا منزه است پای برجای جاویدان منزه است یگانه یکتا

۱. بلد الامین، صفحه ۱۴۶ و بحار الانوار، جلد ۸۴، صفحه ۷، حدیث ۱۰.

۲. بحار الانوار، جلد ۸۴، صفحه ۶، حدیث ۹.

۳. همان مدرک، حدیث ۸.

سُبْحَانَ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ،

منزه است بی همتای بی‌نیاز منزه است زنده پاینده منزه است خدا و به حمد او مشغولم

سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ رَبِّ

منزه است زنده‌ای که نمیرد منزه است فرمانروای پاکیزه منزه است پروردگار

الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ ۱.

فرشتگان و روح منزه است والای برتر منزه است و برتر.



۱۶- هنگام ظهر، نخستین کاری که انجام می‌دهی خواندن این دعا باشد، که امام باقر علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود: محافظت بر این دعا کن همان‌گونه که از چشم‌هایت محافظت می‌کنی:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا،

منزه است خدا و معبودی جز خدا نیست و ستایش خاص خدایی است که نگرفته همسری و نه فرزندی

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ، وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا ۲.

و نیست برایش شریکی در فرمانروایی و نیست برایش سرپرستی از خواری و به بزرگی او را تکبیر گوی.

یادآوری لازم: بدیهی است هدف از خواندن اذکار و دعاهای فوق تنها لقلقهٔ زبان نیست بلکه افراد با ایمان باید در محتوای آنها بیندیشند و روح و جان و خلق و خوی خود را با آن تطبیق دهند، تا شاهد مقصود را در آغوش گیرند.

و نیز روشن است که انجام همهٔ اینها برای همه کس میسر نیست، هر کس به مقدار توانش می‌تواند از این خرمن عطرآگین اذکار و دعاها خوشه‌هایی بچیند و مشام جان خود را معطر سازد، و در مسیر هدایت و خودسازی، هر روز گام‌های برجسته‌تری بردارد.



۱. بحارالانوار، جلد ۸۴، صفحه ۶، حدیث ۹.

۲. مفتاح الفلاح، صفحه ۱۸۶ و فقیه، جلد ۱، صفحه ۲۲۵، حدیث ۶۷۵ و بحارالانوار، جلد ۵۵، صفحه ۱۶۷، حدیث ۲۸.

فصل هشتم دعاهای ایام هفته

دعاهای روزهای هفته که از امام سجاد علیه السلام نقل شده در عین فشرده‌گی بسیار پرمحتوا و آموزنده و پرارزش است که هر کس آن را بخواند و روح و جان خود را با آن هماهنگ سازد به یقین سعادت‌مند خواهد شد و استفاده از این دعاها را به همه - مخصوصاً جوانان - توصیه می‌کنیم.^۱

دعای روز شنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ كَلِمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ، وَ مَقَالَةِ الْمُتَحَرِّزِينَ، وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ جَوْرِ

بنام خدا سخن پناهندگان و گفتار پناهجویان و پناه و پناه می‌برم به خداوند از جور

الْجَائِرِينَ، وَ كَيْدِ الْحَاسِدِينَ، وَ بَغْيِ الظَّالِمِينَ^۲، وَ أَحْمَدُهُ فَوْقَ حَمْدِ

ستمکاران و بداندیشی حسودان و ستم ستمگران و می‌ستایمیش فوق ستایش

الْحَامِدِينَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَاحِدُ بِلا شَرِيكَ، وَالْمَلِكُ بِلا تَمْلِيكَ، لَا تُضَادُّ

ستایش‌کنندگان خدایا تویی یگانه بی‌شریک و پادشاه بی‌نیاز (که پادشاهی را دیگری به او تملیک نکرده) در برابر فرمان تو ضدیت نشود

فِي حُكْمِكَ، وَلَا تُنَازِعُ فِي مُلْكِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

و در پادشاهیت کشمکش روی ندهد از تو می‌خواهم که درود فرستی بر محمد بنده

وَ رَسُولِكَ، وَ أَنْ تُوزِعَنِي مِنْ شُكْرِ نِعْمَائِكَ مَا يَبْلُغُنِي فِي غَايَةِ رِضَاكَ،

و رسولت و به من طریقه سپاسگزاری نعمت‌هایت را چنان بیاموزی که مرا به اسرحد خشنودیت برساند

وَ أَنْ تُعِينَنِي عَلَى طَاعَتِكَ، وَ لُزُومِ عِبَادَتِكَ، وَ اسْتِحْقَاقِ مَثُوبَتِكَ بِلُطْفِ

و کمکم دهی بر طاعت خود و پیوستگی عبادت خویش و استحقاق پاداشت بوسیله لطف

عِنَايَتِكَ، وَ تَرْحَمَنِي بِصَدِّي عَنْ مَعْاصِيكَ مَا أَحْيَيْتَنِي، وَ تَوْفَّقَنِي لِمَا

و عنایت و به من ترجم کنی به این‌که تا زنده‌ام از گناهان بازم داری و تا زمانی که در این جهان نگاهم داری موفقم داری به آنچه

۱. این دعاها در بحارالانوار، جلد ۸۷ آمده است، ولی ما آن را مطابق نسخه‌های متداول نقل می‌کنیم و موارد تفاوت را در پاورقی یادآور می‌شویم.
۲. بحارالانوار: الطَّاعِينَ.

يَنْفَعُنِي مَا أَبْقَيْتَنِي، وَأَنْ تَشْرَحَ بِكِتَابِكَ صَدْرِي، وَتَحُطَّ بِتِلَاوَتِهِ

سودم رساند و بوسیله کتاب خود (قرآن) سپه‌ام بگشایی و با خواندن آن جرم

وَزْرِي، وَتَمْنَحِنِي السَّلَامَةَ فِي دِينِي وَنَفْسِي، وَلَا تُوحِشْ بِي أَهْلَ

و گناهم بریزی و سلامت در دین و جانم عطا کنی و

أَنْسِي، وَتُتِمَّ إِحْسَانَكَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، كَمَا أَحْسَنْتَ فِيمَا مَضَى

همدمانم را برای من وحشتناک مکن و احسانت را در مابقی عمر درباره من به اتمام رسان چنانچه در گذشته

مِنْهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

احسان کردی ای مهربانترین مهربانها.



دعای روز یکشنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو إِلَّا فَضْلَهُ، وَلَا أَخْشَى إِلَّا عَدْلَهُ، وَلَا أَعْتَمِدُ إِلَّا

بنام خدایی که جز فضلش امید ندارم و جز عدلش از چیزی ترس ندارم و جز به

قَوْلَهُ، وَلَا أَتَمَسُّكَ إِلَّا بِحَبْلِهِ، بِكَ أَسْتَجِيرُ يَا ذَا الْعَفْوِ وَالرِّضْوَانِ مِنَ الظُّلْمِ

گفته او اعتماد ندارم و جز به رشته (بندگی و اخلاص) او چنگ نزنم ای دارای گذشت و خشنودی به تو پناه برم از ستم

وَالْعُدْوَانِ، وَمِنْ غَيْرِ الزَّمَانِ، وَتَوَاتُرِ الْأَحْزَانِ، وَطَوَارِقِ الْحَدَثَانِ، وَمِنْ

و دشمنی (خلق) و از دگرگونیهای روزگار و بی‌دری رسیدن اندوهها و حوادث ناگوار شب و از

انْقِضَاءِ الْمُدَّةِ قَبْلَ التَّأَهُبِ وَالْعُدَّةِ، وَإِيَّاكَ أَسْتَرْشِدُ لِمَا فِيهِ الصَّلَاحُ وَ

سپری شدن عمر قبل از آمادگی و توشه‌گیری و تنها از تو راهنمایی می‌جویم برای آنچه صلاح

الْإِصْلَاحُ، وَبِكَ أَسْتَعِينُ فِيمَا يَقْتَرِنُ بِهِ النَّجَاحُ وَالْإِنْجَاحُ، وَإِيَّاكَ أَرْغَبُ

و اصلاح من در آن است و از تو یاری طلبم در (رسیدن به) آنچه مقرون به کامیابی و کامروایی است و از تو امید دارم

فِي لِبَاسِ الْعَافِيَةِ وَتَمَامِهَا، وَشُمُولِ السَّلَامَةِ وَدَوَامِهَا، وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ

برای پوشش لباس تندرستی کامل و شمول سلامتی دائم و پناه می‌برم به تو ای پروردگار

مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَ أَحْتَرِزُ بِسُلْطَانِكَ مِنْ جَوْرِ السَّلَاطِينِ، فَتَقَبَّلْ

از وسوسه‌های شیاطین و احتراز جویم بوسیله سلطنت تو از ستم سلاطین پس (ای خدا)

مَا كَانَ مِنْ صَلَاتِي وَ صَوْمِي، وَ اجْعَلْ غَدِي وَ مَا بَعْدَهُ أَفْضَلَ مِنْ سَاعَتِي

نماز و روزه‌ام را بپذیر و فردای من و مابعد آن را بهتر از این ساعت

وَ يَوْمِي، وَ اعِزَّنِي فِي عَشِيرَتِي وَ قَوْمِي، وَ احْفَظْنِي فِي يَقُظَتِي وَ نَوْمِي،

و امروزم قرارده و مرا در میان فامیل و خویشانم عزیز گردان و مرا در بیداری و خوابم حفظ کن

فَأَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ حَافِظًا، وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ فِي

که تویی خدایی که بهترین نگهبانی و تو مهربانترین مهربانانی خدایا من بسوی تو بی‌زاری جویم

يَوْمِي هَذَا وَ مَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَحَادِ، مِنَ الشُّرْكِ وَ الْأِلْحَادِ، وَ أَخْلِصُ لَكَ

و در این روز و روزه‌های یکشنبه دیگر از شرک و بی‌دینی و دعایم را برای تو

دُعَائِي تَعَرُّضًا لِلْإِجَابَةِ، وَ أَقِيمْ نَفْسِي عَلَى طَاعَتِكَ رَجَاءً لِلْإِثَابَةِ، فَصَلِّ

خالص می‌کنم تا در معرض اجابت قرار گیرد و خویش را بر اطاعتت و امید کسب ثواب پس درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَيْرِ خَلْقِكَ، الدَّاعِي إِلَى حَقِّكَ، وَ اعِزَّنِي بِعِزِّكَ الَّذِي

بر محمد و آل او بهترین خلق خود آن‌که (مردم را) بسوی حقانیتت خواند و مرا به عزت تزلزل‌ناپذیرت

لَا يُضَامُ، وَ احْفَظْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ اخْتِمْ بِالْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ أَمْرِي،

عزیز گردان و به دیده‌ات که هرگز نخواهد حفظ کن و بپیریدن از خلق و توجه بسوی خودت کارم را به پایان رسان و

وَ بِالْمَغْفِرَةِ عُمْرِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. ۲

عمرم را قرین به آمرزش به انعام رسان که همانا تویی آمرزنده مهربان.

دعای روز دوشنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُشْهَدْ أَحَدًا حِينَ فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ، وَ لَا اتَّخَذَ

ستایش خاص خدایی است که هیچ کس را گواه نیاورد در آن هنگامی که آسمانها و زمین را آفرید و کمک‌کاری

مُعِينًا حِينَ بَرَاءِ النَّسَمَاتِ، لَمْ يُشَارِكْ فِي الْإِلَهِيَّةِ، وَ لَمْ يُظَاهَرْ فِي

برای خود نگرفت در آن هنگامی جنبندگان را پدید آورد در معبودیت خود شریک ندارد و در یکتایی

الْوَحْدَانِيَّةِ، كَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ غَايَةِ صِفَتِهِ، وَ الْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ،

پشتیبانی نشود زبانها از حد وصفش لال و عقلها از کنه معرفتش عاجز است

وَ تَوَاضَعَتِ الْجَبَابِرَةُ لِهَيْبَتِهِ، وَ عَنَتِ الْأُجُوهُ لِخَشْيَتِهِ، وَ انْقَادَ كُلُّ عَظِيمٍ

گردنکشان در برابر هیبتش فروتن و چهرهها از بیم و هراسش خاضع و هر بزرگی در عظمتش

لِعَظَمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ مُتَوَاتِرًا مُتَّسِقًا، وَ مَتَوَالِيًا مُسْتَوْسِقًا، وَ صَلَوَاتُهُ عَلَيَّ

رام گشته پس خاص توست ستایش بی‌دری و منظم، و دنباله‌دار و درودهای

رَسُولِهِ أَبَدًا، وَ سَلَامُهُ دَائِمًا سَرْمَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِي هَذَا

ابدی و تحیت همیشگی و دائمی تو بر پیامبرت باد خدایا آغاز امروز مرا

صَلَاحًا، وَ أَوْسَطَهُ فَلَاحًا، وَ آخِرَهُ نَجَاحًا^۱، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ أَوَّلُهُ فَرْعٌ،

صلاح و وسطش را رستگاری و پایانش را کامروایی قرارداده و پناه می‌برم به تو از روزی که آغازش ترس

وَ أَوْسَطُهُ جَزَعٌ، وَ آخِرُهُ وَجَعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ نَذْرٍ نَذَرْتُهُ،

و وسطش بی‌تابی و پایانش درد و رنج باشد خدایا از تو آمرزش خواهم برای هر نذری که کرده‌ام

وَ كُلِّ وَعْدٍ وَعَدْتُهُ، وَ كُلِّ عَهْدٍ عَاهَدْتُهُ ثُمَّ لَمْ أَفِ بِهِ، وَ أَسْأَلُكَ فِي مَظَالِمِ

و هر وعده‌ای که دادم و هر عهدی که بستم ولی به آن وفا نکرده‌ام و درباره حقوق و مظلمه‌هایی

عِبَادِكَ عِنْدِي^۲، فَإَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ أَوْ أَمَةٍ مِنْ إِمَائِكَ، كَانَتْ لَهُ قِبَلِي

که از بندگانت به گردن دارم درخواست می‌کنم که هر بندهای از بندگانت یا هر کنیزی از کنیزانت که در گردن من

مَظْلَمَةٌ ظَلَمْتُهَا إِيَّاهُ فِي نَفْسِهِ، أَوْ فِي عِرْضِهِ أَوْ فِي مَالِهِ، أَوْ فِي أَهْلِهِ

حقی دارد و از من ستمی به او رسیده در جانش یا در آبروش یا در مالش یا در خانواده و

وَ وُلْدِهِ، أَوْ غَيْبَةً اغْتَبْتُهُ بِهَا، أَوْ تَحَامُلٌ عَلَيْهِ بِمَيْلٍ أَوْ هَوًى، أَوْ أَنْفَةً أَوْ حَمِيَّةً،

فرزندش یا غیبتی از او کرده‌ام یا باری بر دوشش نهاده‌ام که سببش خواهش یا هوای نفس

أَوْ رِيَاءٍ أَوْ عَصَبِيَّةٍ، غَائِبًا كَانِ أَوْ شَاهِدًا، وَ حَيًّا كَانِ أَوْ مَيِّتًا، فَقَصْرَتْ

یا خودخواهی یا رشک یا خودنمایی یا تعصب بیجا بوده چه آن‌کس غایب باشد چه حاضر، زنده باشد یا مرده، و دست من اکنون

۱. بحار الانوار: قَلَّةٌ.

۲. بحار الانوار: و أوسطه نجاحاً و آخره فلاحاً.

۳. بحار الانوار: حمل مظالم العباد عتاً.

يَدِي، وَضَاقَ وَسْعِي عَنْ رَدِّهَا إِلَيْهِ، وَالتَّحَلَّلِ مِنْهُ، فَاسْأَلِكَ يَا مَنْ يَمْلِكُ

کوتاه و وسعم نارساست از این که آن حق را به او رد کنم و از او حلالیت جویم پس از تو می‌خواهم ای کسی که مالک

الْحَاجَاتِ وَ هِيَ مُسْتَجِيبَةٌ بِمَشِيَّتِهِ، وَ مُسْرِعَةٌ إِلَىٰ إِرَادَتِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ

حاجاتی و به خواست تو آنها مستجاب گردد و بسوی ارادهات شتابان شوند (می‌خواهم) که درود فرستی

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُرَضِّيَهُ عَنِّي بِمَا شِئْتَ، وَ تَهَبَ لِي مِنْ

بر محمد و آلش و آن شخص را به آن طور که خواهی از من خشنود گردانی و از

عِنْدِكَ رَحْمَةً، إِنَّهُ لَا تُنْقِصُكَ الْمَغْفِرَةُ، وَ لَا تُضْرِّكَ الْمَوْهَبَةُ، يَا أَرْحَمَ

نزد خود به من رحمتی بخشی زیرا که آمرزش از تو نکاهد و بخشش به تو زیان نرساند ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ اَوْلِنِي فِي كُلِّ يَوْمٍ اثْنَيْنِ نِعْمَتَيْنِ مِنْكَ ثَنَتَيْنِ، سَعَادَةً

مهربانها خدا یا به من عطا کن در هر روز دوشنبه دو نعمت از جانب خودت یکی خوشبختی

فِي اَوَّلِهِ بِطَاعَتِكَ، وَ نِعْمَةً فِي آخِرِهِ بِمَغْفِرَتِكَ، يَا مَنْ هُوَ الْاِلٰهُ، وَ لَا يُغْفَرُ

در اول روز به وسیله فرمانبرداری تو و دیگر نعمتی در آخر روز به آمرزش و مغفرت ای کسی که تنها معبود ما اوست و گناهان را

الذُّنُوبَ سِوَاهُ. ۱

جز او کسی نیامرزد.



دعای روز سه شنبه:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ الْحَمْدُ حَقُّهُ، كَمَا يَسْتَحِقُّهُ حَمْدًا كَثِيرًا، وَ اَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ

ستایش خاص خداست و حق اوست آن چنانکه شایسته و لایق اوست بسیار، و پناه برم به خدا از بدی شر

نَفْسِي، اِنَّ النَّفْسَ لَا مَارَةَ بِالسُّوْءِ اِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي، وَ اَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ

نفس خود که همانا نفس وادار کننده به بدی است مگر آنرا که پروردگار رحم کند و پناه برم به او از شر

الشَّيْطَانِ الَّذِي يَزِيْدُنِي ذَنْبًا اِلَىٰ ذَنْبِي، وَ اَحْتَرِزُ بِهِ مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ فَاجِرٍ،

شیطان که (بیوسته) گناهی بر گناهم بیفزاید و بوسیله او پناه گیرم از شر هر گردنکش تبه‌کار

وَسُلْطَانٍ جَائِرٍ، وَعَدُوٍّ قَاهِرٍ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِنْ جُنْدِكَ فَاِنَّ جُنْدَكَ هُمْ

و حکمران ستمکار و دشمن قهاری خدایا مرا از لشکر خود قرار ده زیرا سپاه تو فقط

الْغَالِبُونَ، وَاجْعَلْنِيْ مِنْ حِزْبِكَ، فَاِنَّ حِزْبِكَ هُمْ الْمُفْلِحُونَ، وَاجْعَلْنِيْ مِنْ

پیروزند و از حزب خویش قرارم ده زیرا حزب تو فقط رستگارانند و از اولیای خود

اَوْلِيَّائِكَ، فَاِنَّ اَوْلِيَّائِكَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِيْ

قرارم ده زیرا اولیای تو هستند که خوف و ترسی برایشان نیست و حزن و اندوهی ندارند خدایا دینم را

دِيْنِيْ فَاِنَّهُ عِصْمَةٌ اَمْرِيْ، وَاصْلِحْ لِيْ اٰخِرَتِيْ فَاِنَّهَا دَارُ مَقْرَبِيْ، وَ اَلَيْهَا مِنْ

اصلاح کن که دین نگهدار کار من است و آخرتم را اصلاح کن که خانه پایدار من آنجاست و از

مُجَاوِرَةِ اللُّثَامِ مَقْرَبِيْ، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِّيْ فِيْ كُلِّ خَيْرٍ، وَ الْوَفَاةَ

مجاورت لثیمان گریزگاهم بدانجاست، و زندگی را برای من مایه فزونی در هر کار خیری قرار ده و مرگ را

رَاحَةً لِّيْ مِنْ كُلِّ شَرٍّ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّنَ، وَ تَمَامِ عِدَّةِ

آسودگی از هر شری برابم مقرر فرما. خدا درود فرست بر محمد خاتم پیمبران و کامل کننده شماره

الْمُرْسَلِيْنَ، وَ عَلٰى آلِهِ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ، وَ اَصْحَابِهِ الْمُتَجَبِّبِيْنَ، وَ هَبْ

رسولان و بر آل پاک و پاکیزه‌هاش و اصحاب برگزیده‌اش و در روز

لِيْ فِيْ الثَّلَاثَةِ ثَلَاثًا، لَا تَدْعُ لِيْ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ، وَ لَا غَمًّا اِلَّا اَذْهَبْتَهُ، وَ لَا

سه‌شنبه سه چیز به من عطا کن: هرگناهی را از من بپامرز، و هر اندوهی را از من دور کن، و هر

عَدُوًّا اِلَّا دَفَعْتَهُ، بِبِسْمِ اللّٰهِ خَيْرِ الْاَسْمَاءِ، بِسْمِ اللّٰهِ رَبِّ الْاَرْضِ وَ السَّمَاۗءِ،

دشمنی را از من دفع فرما بنام خدا که بهترین نامهاست به نام خدا پروردگار زمین و آسمان

اَسْتَدْفِعُ كُلَّ مَكْرُوهِ اَوَّلُهُ سَخَطُهُ، وَ اَسْتَجْلِبُ كُلَّ مَحْبُوْبٍ اَوَّلُهُ رِضَاهُ،

دور کنم از خود هر بدی را که آغازش خشم اوست و می‌کشم بسوی خودهر کار محبوبی را که آغازش خشنودی اوست

فَاخْتِمْ لِيْ مِنْكَ بِالْغُفْرَانِ، يَا وَلِيَّ الْاِحْسَانِ^۱.

پس از جانب خود کارم را به آمرزش پایان ده ای صاحب احسان.



دعای روز چهارشنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسًا، وَالنَّوْمَ سُبَاتًا، وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا،

ستایش خدایی را که شب را پوشش (خلق) قرار داد و خواب را مایه آسایش و روز را (وسیله) تکاپو و جنبش

لَكَ الْحَمْدُ أَنْ بَعَثْتَنِي مِنْ مَرْقَدِي، وَلَوْ شِئْتَ جَعَلْتَهُ سَرْمَدًا، حَمْدًا دَائِمًا

ستایش خاص توست که مرا از خوابگاهم برانگیختی و اگر اراده می‌کردی خوابم را همیشگی می‌کردی آن ستایشی که دائمی است

لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، وَلَا يُحْصَى لَهُ الْخَلَائِقُ عَدَدًا، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْ خَلَقْتَ

و قطع نگردد و خلائق شماردهش نتوانند خدایا ستایش خاص توست که آفریدی

فَسَوَّيْتَ، وَقَدَّرْتَ وَقَضَيْتَ، وَآمَتَّ وَأَحْيَيْتَ، وَأَمْرَضْتَ وَشَفَيْتَ،

و پرداختی و اندازه کردی و گذراندی و میراندی و زنده کردی، بیمار کردی و شفا دادی،

وَعَافَيْتَ وَأَبْلَيْتَ، وَعَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ، وَعَلَى الْمُلْكِ احْتَوَيْتَ،

تندرست کردی و گرفتار ساختی و بر عرش استیلا یافتی و بر ملک وجود احاطه داری

أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ ضَعَفَتْ وَسِيلَتُهُ، وَأَنْقَطَعَتْ حِيلَتُهُ، وَأَقْتَرَبَ أَجَلُهُ،

می‌خوانمت خواندن آن کس که وسیله‌اش ضعیف و راه چاره‌اش قطع شده و مرگش نزدیک گشته

وَتَدَانِي فِي الدُّنْيَا أَمَلُهُ، وَاشْتَدَّتْ إِلَيَّ رَحْمَتِكَ فَاقْتِهِ، وَعَظَمْتَ لِتَفْرِيطِهِ

و آرزویش در دنیا اندک شده و سخت نیازمند رحمت گردیده و افسوسش در کوتاهی و تقصیر خود

حَسْرَتُهُ، وَكَثُرَتْ زَلَّتُهُ وَعَثْرَتُهُ، وَخَلَصْتُ لِرُوحِكَ تَوْبَتَهُ، فَصَلِّ عَلَيَّ

بزرگ گشته و لغزش و خطایش بسیار شده و توبه‌اش بپرگاه تو خالص گردیده پس درود فرست بر

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَارْزُقْنِي

محمد خاتم پیامبران و بر خاندان پاک پاکیزه‌اش و شفاعت

شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا تَحْرِمْنِي صُحْبَتَهُ، إِنَّكَ أَنْتَ

محمد صلی‌الله علیه و آله و سلم را روزی من گردان و از هم‌نشینی او محروم مکن که تو

أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ اقْضِ لِي فِي الْأَرْبَعَاءِ أَرْبَعًا، اجْعَلْ قُوَّتِي

ارحم‌الراحمین هستی خدایا در روز چهارشنبه چهار حاجت مرا برآور: نیرویم را

فِي طَاعَتِكَ، وَنَشَاطِي فِي عِبَادَتِكَ، وَرَغْبَتِي فِي ثَوَابِكَ، وَزَهْدِي فِيَمَا

در طاعت خویش قرار ده و نشاط و شادمانی را در عبادت و رغبت و میل را در پاداش نیکت و پارساییم را در آنچه

يُوجِبُ لِي الْيَمَّ عِقَابِكَ، إِنَّكَ لَطِيفٌ لِّمَا تَشَاءُ. ۱

موجب عذاب دردناک برای من گردد که همانا تو نسبت به هرچه بخواهی مدارا کنی.

دعای روز پنجشنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ اللَّيْلَ مُظْلِمًا بِقُدْرَتِهِ، وَجَاءَ بِالنَّهَارِ مُبْصِرًا

ستایش خاص خدایی است که شب تاریک را به قدرتش برد و روز روشن را برحمت خویش

بِرَحْمَتِهِ، وَكَسَانِي ضِيَاءَهُ وَأَنَا فِي نِعْمَتِهِ، اللَّهُمَّ فَكَمَا أَبْقَيْتَنِي لَهُ فَأَبْقِنِي

بیاورد و روشنی روز را در آن حال که مستغرق نعمش بودم در برم کرد خدایا همچنان که مرا تا به امروز نگهداشتی برای روزهای دیگر

لِأَمْثَالِهِ، وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَفْجَعْنِي فِيهِ وَفِي غَيْرِهِ مِنْ

امثال آن نیز نگهدار و درود فرست بر محمد و آلش و داغدارم مکن در این روز و

اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، بَارِتْكَابِ الْمَحَارِمِ وَاکْتِسَابِ الْمَآثِمِ، وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ

شبهها و روزهای دیگر به سبب دست زدن به کارهای حرام و فراهم آوردن گناهان و خیر این روز و آنچه در آن

وَخَيْرِ مَا فِيهِ وَخَيْرِ مَا بَعْدَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَشَرَّ مَا فِيهِ وَشَرَّ مَا بَعْدَهُ،

است و خیر روزهای بعد را نیز روزی من گردان و شر این روز و آنچه در آن است و شر روزهای بعدش را از من دور گردان

اللَّهُمَّ إِنِّي بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ اتَّوَسَّلُ إِلَيْكَ، وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ،

خدایا من به پیمان اسلام به سبب توسل جویم و به حرمت قرآن بر تو اعتماد کنم

وَبِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَسْتَشْفِعُ لَدَيْكَ، فَاعْرِفِ اللَّهُمَّ

و به وسیله محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در نزدت شفاعت جویم پس بشناس خدایا

ذِمَّتِي الَّتِي رَجَوْتُ بِهَا قَضَاءَ حَاجَتِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ اقْضِ

پیمانی را که بدان امید برآوردن حاجتم را دارم ای مهربانترین مهربانها خدایا در روز

لِي فِي الْخَمِيسِ خَمْسًا، لَا يَتَسَعُ لَهَا إِلَّا كَرْمُكَ، وَلَا يُطِيقُهَا إِلَّا نِعْمُكَ،

پنجشنبه پنج حاجتم را برآور که جز بزرگواری تو گنجایش آنها را ندارد و جز نعمتهای تو بر آن توانا نیست:

سَلَامَةٌ أَقْوَىٰ بِهَا عَلَىٰ طَاعَتِكَ، وَعِبَادَةٌ أَسْتَحِقُّ بِهَا جَزِيلَ مَثُوبَتِكَ،

تندرستی که بوسیله آن بر انجام طاعتت نیرو گیرم، و پرستشی که بدان مستحق پاداشت گردم،

وَسَعَةٌ فِي الْحَالِ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَ أَنْ تُؤْمِنَنِي فِي مَوَاقِفِ الْخَوْفِ

و فراخی در حال از طریق روزی حلال، و دیگر آن که مرا در توقفگاههای خوفناک (برزخ و قیامت) بوسیله امان خود ایمن گردانی

بِأَمْنِكَ، وَ تَجْعَلَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْهُمُومِ وَالْعُمُومِ فِي حِصْنِكَ، وَ صَلِّ عَلَيَّ

و از حوادث اندوهناک و غمگین در پناه خود قرارم دهی و درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْ تَوْسُلِي بِهِ شَافِعًا، يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَافِعًا، إِنَّكَ أَنْتَ

محمد و آلش و توسل به او را شفیع من قرار ده و در روز قیامت سودمند که همانا تو

أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. ۲

مهربانترین مهربانانی.



دعای روز جمعه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ الْإِنشَاءِ وَ الْآخِرِ بَعْدَ فَنَاءِ الْأَشْيَاءِ،

ستایش خاص خدایی است که آغاز هستی پیش از پیدایش و زندگی است و پایان پس از فنای موجودات،

الْعَلِيمِ الَّذِي لَا يَنْسِي مَنْ ذَكَرَهُ، وَ لَا يَنْقُصُ مَنْ شَكَرَهُ، وَ لَا يَخِيبُ مَنْ

دانایی که هر که یادش کند وی را از یاد نبرد و نعمتش را از آن که سپاس می‌دارد نکاهد و نومید نسازد آن که

دَعَاهُ، وَ لَا يَقْطَعُ رَجَاءً مِنْ رَجَاهُ، اَللَّهُمَّ اِنِّي اَشْهَدُكَ وَ كَفَىٰ بِكَ شَهِيدًا،

او را بخواند و امید امیدوارش را قطع نکند خدایا من تو را گواه گیرم و گواه بودن تو کافی است

وَ اَشْهَدُ جَمِيعَ مَلَائِكَتِكَ وَ سُكَّانَ سَمَاوَاتِكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ، وَ مَنْ بَعَثْتَ

و گواه گیرم تمام فرشتگان را و ساکنین آسمانها و حاملین عرش را و پیامبرانی

مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ، وَ أَنْشَأْتَ مِنْ أَصْنافِ خَلْقِكَ، اِنِّي اَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ

و رسولانت را که برانگیختی و انواع موجودات بی‌حسابی را که آفریدی (همه را گواه گیرم) که من گواهی دهم تویی

۱. بحارالانوار: وَاجْعَلْ لِي شَافِعًا، وَ اجْعَلْ تَوْسُلِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَافِعًا.

۲. بحارالانوار، جلد ۸۷، صفحه ۲۱۱، حدیث ۳۹.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحُدَاكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَلَا عَدِيلَ، وَلَا خُلْفَ لِقَوْلِكَ

خدایی که معبودی جز تو نیست و یگانه‌ای که شریک و هم‌تا نداری و خلاف و تغییر و تبدیلی در

وَلَا تَبْدِيلَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، أَدَّى مَا

گفتار تو نیست و گواهی دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول توست که بدانچه

حَمَلْتَهُ إِلَى الْعِبَادِ، وَجَاهَدَ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَقَّ الْجِهَادِ، وَأَنَّهُ بَشَرٌ بِمَا

مأمورش کرده بودی به بندگانت رساند و درباره خدای عزوجل آن طور که باید کوشش کرد و بدان پاداش نیکی که

هُوَ حَقٌّ مِنَ الثَّوَابِ، وَأَنْذَرَ بِمَا هُوَ صِدْقٌ مِنَ الْعِقَابِ، اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى

حق و درست بود مژده داد و بدان عقابی که راست بود بیم داد خدایا تا مرا زنده نگاهداری بر

دِينِكَ مَا أَحْيَيْتَنِي، وَلَا تُرْغِ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

دین خویش ثابتم گردان و دلم را پس از آن که راهنماییم کرده‌ای منحرف مساز و به من از نزد خود

رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي

رحمتی بخشای که همانا تویی بخشایشگر درود فرست بر محمد و بر آلش و مرا از

مِنْ أَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ، وَوَفِّقْنِي لِأَدَاءِ فَرَضِ

پیروان و شیعیانش قرار ده و در گروه وی محشورم کن و موقعم دار برای ادای فرائض

الْجُمُعَاتِ، وَمَا أَوْجِبْتَ عَلَيَّ فِيهَا مِنَ الطَّاعَاتِ، وَقَسِّمْتَ لِأَهْلِهَا مِنَ

جمعه‌ها و طاعتی که در آنها بر من واجب کردی و عطاهایی که در روز جزا به اهل

الْعَطَاءِ فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.^۱

آن (طاعات و جمعه‌ها) قسمت کرده‌ای که همانا تویی مقتدر فرزانه.

نکته:

چقدر خوب است که همه اهل ایمان - مخصوصاً جوانان - در این دعا‌های کوتاه و پرمحتوای روزهای هفته دقت کنند که درس‌های بسیار مهمی در آنها نهفته است.

هر گاه بعد از نماز صبح این دعا‌های کوتاه خوانده شود و کمی در معانی آن دقت گردد می‌تواند در تمام روز، روح انسان را سرشار از عشق به خدا و توجه به مسئولیت‌های دینی و اخلاقی و اجتماعی نماید.



فصل نهم فضیلت و اعمال شب و روز جمعه

کسی که بخواهد بر اساس روایت «إِنَّ لِلَّهِ فِي أَيَّامٍ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٌ أَلَا فَرَّصَدُوا لَهَا»^۱ در انتظار فرصتهای مناسب و مترصد وزش نسیمهای رحمت باشد، باید بداند که یکی از بهترین فرصتها، فرصت شب و روز جمعه است؛ فرصتی که می تواند در آن، هم مغفرت حضرت حق را به سوی خویش جلب کند و هم رحمتش را؛ با مغفرت، گناهان گذشته را بپوشاند و با رحمت، کمبودها را جبران نموده، و نیروی تازه برای تلاشی جدید در روزهای آینده به دست آورد.

آنچه بر این نکته دلالت دارد، تعبیرات فراوانی است که در روایات اهل بیت علیهم السلام در این زمینه وارد شده که به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱- از روایتی که امام صادق علیه السلام از پدران خود از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند به دست می آید: خدایی که در میان انبیا، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را و در میان اوصیا، امیر مؤمنان علی علیه السلام را و در میان ماهها، رمضان را و در میان شبها، لیلۃ القدر را برگزید، در میان روزها، روز جمعه را انتخاب کرده است.^۲ و در تعبیری دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است: «خداوند در تمام اشیا، چیزی را برگزیده است و از میان ایام، روز جمعه را».^۳

۲- در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام می خوانیم: خورشید بر روزی طلوع نکرد که با فضیلت تر از روز جمعه باشد.^۴

۳- به سندهای معتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که: فرشته ای از ابتدا تا انتهای شب جمعه (از سوی پروردگار) ندا می دهد: «آیا تقاضا کننده ای هست تا عطايش کنم؟ آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش را بپذیرم؟ آیا استغفار کننده ای هست تا مورد مغفرتش قرار دهم؟ ای کسی که طالب خیری! به سوی من آی، و ای کسی که طالب شری! دست نگه دار» پیوسته این ندا را می دهد تا این که صبح طلوع کند، زمانی که صبح طلوع کرد به جایگاه خودش در ملکوت آسمان برمی گردد.^۵

نظیر همین بیان به سند معتبر دیگر (مطابق روایتی از امام صادق علیه السلام)، در ارتباط با حاجات دنیا و

۱. عوالی اللغالی، جلد ۱، صفحه ۲۹۶، حدیث ۱۹۵.

۲. کمال الدین، جلد ۱، صفحه ۲۸۱، حدیث ۳۲.

۳. کافی، جلد ۳، صفحه ۴۱۳، حدیث ۳.

۴. همان مدرک، حدیث ۱.

۵. فقیه، جلد ۱، صفحه ۴۲۱، حدیث ۱۲۴۰.

آخرت، توبه از گناهان، زیاد شدن روزی، شفای بیماران، خلاصی از زندان و نجات از ظلم، از فوق عرش از جانب خداوند سبحان، ندا داده می‌شود.^۱

۴- به سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت یعقوب علیه السلام به فرزندانش وعده داد و فرمود: «به زودی برای شما استغفار می‌کنم» (سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي) ^۲ و زمانی که برای این استغفار در نظر گرفت تا درخواست او مورد قبول واقع گردد، سحرگاهان شب جمعه بود.^۳

۵- مستحب است روز جمعه، خصوصاً جمعه ماه رمضان، زودتر از روزهای دیگر به مسجد رود، چون از روایت امام باقر علیه السلام بدست می‌آید که ملائکه مقربین، روز جمعه فرود می‌آیند و اسامی واردشوندگان به مسجد را می‌نویسند.^۴

۶- طبق بعضی از روایات قائم آل محمد - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در روز جمعه ظهور می‌کند.^۵ باید همواره - به خصوص در روزهای جمعه - به یاد آن حضرت باشیم و جلسات خود را با یاد آن منجی جهان بشریت نورانی کنیم و تعجیل در ظهورش را از خداوند قادر متعال بخواهیم.

اعمال شب جمعه:

اعمالی که برای شب جمعه نقل شده، بسیار فراوان است، در این جا به ذکر بعضی از آنها اکتفا می‌شود:

- ۱- ذکر لا إله إلا الله، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ را زیاد بگویند که سبب لطف ویژه خداوند است.^۶
- ۲- قابل توجه است که از بعضی از روایات استفاده می‌شود که خوب است از روز پنج‌شنبه به استقبال شب و روز جمعه رود و چیزی که سبب ضعف او برای انجام عبادات جمعه می‌شود میل نکند.^۷
- به سند معتبر از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: به خدا قسم به من خبر داده شد که اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله از روز پنج‌شنبه خود را برای روز جمعه آماده می‌کردند، چون فرصت جمعه برای مسلمین فرصتی محدود است.^۸

و نیز مستحب است در آخر روز پنج‌شنبه به این صورت استغفار کند:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ تَوْبَةَ عَبْدٍ

آمرزش خواهم از خدایی که معبودی جز او نیست زنده و پاینده است و بسویش توبه کنم توبه بنده

۲. سوره یوسف، آیه ۹۸.

۱. فقیه، جلد ۱، صفحه ۴۲۰، حدیث ۱۲۳۹.

۴. کافی، جلد ۳، صفحه ۴۱۳، حدیث ۲.

۳. فقیه، جلد ۱، صفحه ۴۲۲، حدیث ۱۲۴۲.

۶. بحارالانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۱۴، حدیث ۲۱.

۵. خصال، جلد ۲، صفحه ۳۹۴، حدیث ۱۰۱.

۸. کافی، جلد ۳، صفحه ۴۱۵، حدیث ۱۰.

۷. فقیه، جلد ۱، صفحه ۴۲۷، حدیث ۱۲۶۱.

خَاضِعٌ مُسْكِينٌ مُسْتَكِينٌ، لَا يَسْتَطِيعُ لِنَفْسِهِ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا، وَلَا نَفْعًا

فروتن بی‌توای درمانده که نتواند به نفع خویشتن کاری (کند) نه دفع شری و نه سود

وَلَا ضَرًّا، وَلَا حَيَاةً وَلَا مَوْتًا وَلَا نُشُورًا، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

و زبانی و نه زندگی و مرگی و نه رستاخیزی و درود خدا بر محمد

وَعِزَّتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ، وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا.^۱

و عزت پاک و پاکیزه و برگزیدگان نیکش و سلام کاملش بر ایشان باد.



۳- بر محمد و آل محمد زیاد صلوات بفرستد؛ چون به سند معتبر از امام صادق علیه السلام روایت شده: شب و روز جمعه فرشتگانی از آسمان فرود می‌آیند که کارشان تا غروب جمعه، تنها نوشتن ثواب صلوات بر محمد و آل محمد است، سپس فرمود: سنت است در هر جمعه‌ای هزار مرتبه صلوات و در روزهای دیگر صد مرتبه.^۲

مطابق روایت دیگری رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: در شب غزّا (بسیار درخشنده) و روز ازهر (بسیار روشن) یعنی شب و روز جمعه زیاد بر من صلوات بفرستید، سؤال شد مراد از زیاد چیست؟ فرمود: صد بار و هرچه بیشتر باشد بهتر است.^۳

مطابق روایتی مستحب است صلوات به این صورت باشد:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَ أَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ»

خدایا درود فرست بر محمد و آلش و فرج ایشان را نزدیک گردان و دشمنانشان را

مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ».^۴

از جن و انس از اولین و آخرین نابود کن.

۴- قرآن، زیاد تلاوت کند؛ خصوصاً برای تلاوت بعضی از سوره‌ها مانند سوره‌های اسراء و شعراء، نمل، قصص، سجده، ص، احقاف، واقعه، جمعه، کهف، یس، حم دخان، بقره و آل عمران سفارش شده است و برای تلاوت هر یک از این سوره‌ها ثوابهای بسیاری نقل شده که روح را زنده و قلب را امیدوار می‌کند.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: در نماز مغرب شب جمعه، سوره جمعه و سوره توحید خوانده شود و در نماز عشا سوره جمعه و سبح اسم ربک الأعلى^۵ بخواند (و مطابق روایت دیگری در نماز عشا سوره‌های جمعه

۱. مصباح‌المتجهّد، صفحه ۲۵۷.

۲. کافی، جلد ۳، صفحه ۴۱۶، حدیث ۱۳.

۳. بحارالانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۱۳، حدیث ۲۰.

۴. همان مدرک، صفحه ۲۸۹.

۵. بحارالانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۱۱، حدیث ۱۶.

و حشر^۱ و مطابق روایت سومی جمعه و منافقین^۲ را بخواند و هر کدام را انتخاب کند خوب است)، در روایت دیگری از آن حضرت سؤال شده است: شب جمعه چه چیزی بخوانم؟ جواب فرمودند: «أَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ».^۳

۶- به سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت شده: هر کس شب جمعه بعد از نماز مغرب، چهار رکعت نافله مغرب را بخواند و در آخرین سجده از نوافل هفت مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَ اسْمِكَ الْعَظِيمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

خدایا از تو درخواست کنم به ذات بزرگوار و نام بزرگت که درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمِ».

محمد و آلش و بیماریزگی گناه بزرگم.

سر از سجده بر نمی‌دارد مگر این که گناهانش بخشوده می‌شود، و بهتر آن است که این عمل را هر شب انجام دهد.^۴

۷- بهتر است از خواندن شعر پرهیز داشته باشد؛ زیرا در روایت صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده که برای روزه‌دار و در حال احرام و داخل حرم مکه و روز جمعه و در شبها خواندن شعر کراهت دارد، راوی سؤال می‌کند: اگرچه شعر حقی باشد؟ فرمود: اگرچه حق باشد.^۵

یادآوری لازم: نگاه به مجموع روایاتی که در این زمینه وارد شده، نشان می‌دهد که مراد از شعر مکروه، اشعار باطلی است که به خصوص در زمانهای جاهلیت برای هجو و بدنام کردن کسی به کار گرفته می‌شده و یا خیال‌پردازی‌هایی بود که در زمینه عشق‌های مجازی و در وصف زیبارویان از زنان و در راستای ارضای شهوترانیهای غیرمجاز سروده و یا خوانده می‌شد. شاهد این بیان تعبیراتی است که در لابه‌لای این روایات به چشم می‌خورد، از جمله تعبیر به «خَنَا» در جمله «مَنْ تَمَثَّلَ بِبَيْتِ شِعْرِ مِنَ الْخَنَا لَمْ تُقَبَلْ مِنْهُ صَلَاةٌ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ»^۶ از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است؛ چون «خَنَا» در لغت به معنای فحش و سخن ناسزا است. دیگر تعبیر به «إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِكْمًا» است که بعد از جمله «الشَّعْرُ مِنْ إِبْلِيسَ» از رسول گرامی نقل شده است.^۷ چون روشن است که این جمله در مقام مدح اشعار حکمت‌آمیز است که از شیطانی بودن شعر در جمله قبل، استثنا می‌شود. دیگر روایاتی است که در زمینه شعرخوانی و

۱. بحارالانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۱۱، حدیث ۱۶.

۲. همان مدرک.

۳. همان مدرک.

۴. همان مدرک، جلد ۲، صفحه ۲۴۰، حدیث ۲۱.

۵. تهذیب، جلد ۴، صفحه ۱۹۵، حدیث ۶.

۷. وسائل الشیعه، جلد ۵، صفحه ۸۴، حدیث ۴.

شعرسرای امام رضا علیه السلام وارد شده است،^۱ و در کلمات منقول از امیرمؤمنان علیه السلام اشعار متعددی دیده می‌شود، حتی دیوان شعری به آن حضرت منسوب است.

از آنچه گذشت می‌توان پذیرفت که مقصود از «مکروه بودن شعر حق» در اولین روایتی که گذشت، اشعار غیردروغ و مطابق واقع است. یعنی راوی سؤال می‌کند: اگرچه دروغ نباشد و محتوای شعر واقعیت داشته باشد؟ حضرت جواب می‌دهد: آری، شعری که خالی از حکمت باشد و بی‌هدف سروده یا خوانده شود، مکروه است اگرچه دروغ نباشد، و الا چگونه می‌توان پذیرفت خواندن اشعار فراوانی که سراینده آن خود اهل بیت عصمت علیهم السلام هستند در شب یا روز جمعه کراهت داشته باشد؟!

شاهد این سخن روایتی است که فرزند کُمیت (شاعر معروف اهل بیت) از پدرش نقل می‌کند که گفت: من روزی خدمت مولایم امام باقر علیه السلام رسیدم؛ عرض کردم که ای فرزند رسول خدا، من ابیاتی درباره شما گفته‌ام، اجازه می‌دهید بخوانم؟ فرمود: می‌دانی که الان ایام البیض است (و تناسبی با خواندن شعر ندارد). عرض کردم: این اشعار مخصوص شما اهل بیت علیهم السلام است. فرمود: بخوان و من شروع کردم به خواندن این اشعار:

أُضْحِكُنِي الدَّهْرُ وَ أَبْكَانِي وَ الدَّهْرُ ذُو صَرْفٍ وَ أَلْوَانٍ...^۲

روشن است که اهمیت ایام البیض کمتر از روز جمعه نیست.

۸- در حق برادران دینی دعا کند و با ذکر نام آنان، در حَقَّشان استغفار نماید. چرا که امام صادق علیه السلام از پدرش از جدش از فاطمه صغری از امام حسین علیه السلام از برادرش امام حسن علیه السلام نقل می‌کند که در شب جمعه مادرم فاطمه علیه السلام را دیدم که در محراب عبادت ایستاده بود، پیوسته رکوع می‌کرد و سجده بجا می‌آورد تا این که فجر طالع شد و شنیدم که برای مؤمنین، آن هم با ذکر اسامی آنان، فراوان دعا می‌کرد، در حالی که برای خودش چیزی طلب نکرد. عرض کردم: مادرم! چگونه است که برای دیگران دعا می‌کنی، برای خود دعا نمی‌کنی؟ فرمود: فرزندم! «الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ؛ اَوَّلُ هِمْسَايَه، سَبَسْ خَانَه».^۳

مخصوصاً در حق اموات از برادران دینی دعا کند، چرا که از امام صادق علیه السلام روایت شده: هر کس برای ده نفر از برادران اموات خود در شب جمعه دعا کند اهل بهشت خواهد بود.^۴

۹- «جمال الأسبوع» به سند معتبر از امام صادق علیه السلام روایت کرده: کسی که در شب جمعه، خواست نماز شب بخواند در رکعت اول، حمد و قل هو الله احد و در رکعت دوم حمد و قل یا ایها الکافرون، رکعت سوم

۱. وسائل الشیعه، جلد ۵، صفحه ۸۴، حدیث ۶ و ۷.

۲. بحارالانوار، جلد ۷۶، صفحه ۲۹۴.

۳. علل الشرایع، جلد ۱، صفحه ۱۸۲ و بحارالانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۱۳، حدیث ۱۹.

۴. بحارالانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۱۲، حدیث ۱۷.

حمد و الم سجده و رکعت چهارم حمد و یا ایها المدثر و رکعت پنجم حمد و حم سجده و یا حمد و نجم و در رکعت ششم حمد و سوره ملک و در رکعت هفتم حمد و یس و در رکعت هشتم حمد و واقعه و رکعت نهم حمد و فلق و رکعت دهم حمد و ناس و رکعت یازدهم حمد و قل هو الله احد بخواند.^۱

* * *

۱۰- دعاهایی که برای این شب وارد شده را بخواند که ما در این جا به ذکر چند مورد از آنها اکتفا می‌کنیم:

الف) از رسول گرامی ﷺ نقل شده: هر کس این دعا را در شب جمعه یا روز آن هفت مرتبه بخواند اگر در این شب یا روز بمیرد داخل بهشت شود:

اللَّهُمَّ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ أُمَّتِكَ، وَ فِي

خدایا پروردگار من معبودی جز تو نیست مرا آفریدی و من بنده تو و فرزند کنیز توام و در

قَبْضَتِكَ وَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، أَمْسَيْتُ عَلَى عَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ،

قبضه قدرت توام و اراده و اختیارم بدست توست تا آنجا که توانستم بر عهد و پیمان تو روز را به شب آورم

أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ بِنِعْمَتِكَ وَ أَبُوءُ بِذَنْبِي، فَاعْفُرْ لِي إِنَّهُ لَا

پناه می‌برم به تو از شر آنچه کرده‌ام هم به نعمت تو اعتراف دارم و هم به گناه خود پس گناهم را ببامرز که براستی

يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. ۲

نیامرزد گناهان را جز تو.

ب) «شیخ طوسی» و «سید بن طاووس» و «کفعمی» و «سید بن باقی» نوشته‌اند: مستحب است شب و روز جمعه و شب و روز عرفه این دعا را بخواند، که مطابق آنچه در «مصباح» شیخ طوسی آمده، چنین است:

اللَّهُمَّ مَنْ تَعَبَّأَ وَ تَهَيَّأَ وَ أَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِيُفَادَةَ إِلَيَّ مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ،

خدایا هر کس مجهز و آماده و مهیا و مستعد برای ورود بر مخلوقی شده امید دهش

وَ طَلَبَ نَائِلِهِ وَ جَائِزَتَهُ، فَالِيكَ يَا رَبِّ تَعَبَّيْتُ وَ اسْتَعْدَادِي، رَجَاءَ عَفْوِكَ،

و به جستجوی جایزه و بخشش او پس ای پروردگار من آمادگی و استعداد من بسوی توست و آرزوی عفو تو

۱. جمال الاسبوع، صفحه ۲۰۰ و بحار الانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۱۵، حدیث ۲۵.

۲. بحار الانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۱۳، حدیث ۲۰.

وَ طَلَبَ نَائِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبْ دُعَائِي، يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ

و خواهش بخشش و جایزه‌ات را دارم پس در این خواهشی که دارم نومیدم مکن ای کسی که هیچ خواهندهای ناامید

سَائِلٌ، وَلَا يُنْقِضُهُ نَائِلٌ، فَإِنِّي لَمْ آتِكَ ثَقَةً بِعَمَلِ صَالِحِ عَمَلْتَهُ، وَلَا

از درگاهش نرود و هیچ گیرنده عطایی از (کرمش) نگاهد و من به اعتماد عمل صالحی که کرده باشم بدرگاهت نیاورده و نه

لِوَفَادَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، أَتَيْتُكَ مُقِرًّا عَلَى نَفْسِي بِالْأَسَاءَةِ وَالظُّلْمِ،

به مخلوقی وارد شده‌ام که از او امیدی داشته باشم بلکه بدرگاه تو آمده‌ام در حالی که اقرار دارم که بخود بدی و ستم کرده

مُعْتَرِفًا بِأَنْ لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ، أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي

و معترفم که هیچ دلیل و عذری هم بر این بدی و ستم نداشته‌ام، آمده‌ام به امید آن عفو عظیم تو

عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ، فَلَمْ يَمْنَعَكَ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُرْمِ

که بدان از خطاکاران درگذری و توقف طولانی آنها بر جرم بزرگ بارت نداشت

أَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ، فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ، وَ عَفْوُهُ عَظِيمٌ، يَا

از این که باز بدانها مهر و ریزی ای کسی که رحمتش وسیع و گذشتش بزرگ است ای

عَظِيمٌ يَا عَظِيمٌ يَا عَظِيمٌ، لَا يَرُدُّ غَضَبِكَ إِلَّا حِلْمُكَ، وَلَا يُنْجِي مِنْ

خدای بزرگ ای خدای بزرگ ای خدای بزرگ خشم تو را جز بردباریت جلوگیری نکند و از غضب تو

سَخَطِكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ، فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي فَرَجًا بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُحْيِي

جز زاری به درگاهت چیزی نجات نبخشد پس ای معبود من بدان قدرتی که سرزمینهای مرده را بدان وسیله

بِهَا مَيِّتَ الْبِلَادِ، وَلَا تَهْلِكُنِي غَمًّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي، وَ تَعْرِفَنِي الْإِجَابَةَ

زنده می‌گردانی گشایشی بر من بخش و مرا به حال اندوه هلاکم مکن تا دعایم را مستجاب کنی و اجابت دعایم را

فِي دُعَائِي، وَ اذْقَنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، وَ لَا تُشْمِتْ بِي

به من بنمایانی و طعم تندرستی را تا پایان عمر به من بچشان و گرفتار شمامت

عَدُوِّي، وَ لَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ، وَ لَا تُمَكِّنْهُ مِنْ عُنُقِي، إِلَهِي إِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ

دشمنم مکن و او را بر من مسلط مگردان و بر گردنم سوارش منما خدای من اگر تو مرا پست کنی پس کیست

ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي، وَ إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي، وَ إِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ

که (بتواند) بلندم کند و اگر تو بلندم کنی پس کیست که (بتواند) پستم کند و اگر هلاکم کنی پس کیست

ذَا الَّذِي يَعْزُضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ، أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ، وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ

که درباره این بنده‌ات متعرض تو شود یا از وضع او از تو پرسش کند ولی بطور مسلم این را دانسته‌ام که

فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ، وَلَا فِي نَقِمَتِكَ عَجَلَةٌ، وَإِنَّمَا يُعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ،

در حکم تو ستمی نیست و نه در انتقام تو شتابی است زیرا کسی شتاب (در انتقام) کند که بترسد (فرصت) از دست برود

وَإِنَّمَا يَحْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ، وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا

و شخص ناتوان نیازمند به ستم می‌باشد و در صورتی که ای معبود من تو از این گونه مطالب بسیار برتر

كَبِيرًا، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ فَاَعِزِّنِيْ، وَ اَسْتَجِيْرُ بِكَ فَاَجِرْنِيْ، وَ اَسْتَرْزُقُكَ

و بزرگتری خدایا به تو پناه آرم پس یاریم ده و از تو امان خواهم پس امانم ده و از تو روزی طلبم

فَارْزُقْنِيْ، وَ اَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فَاكْفِنِيْ، وَ اَسْتَنْصِرُكَ عَلٰى عَدُوِّيْ فَاَنْصُرْنِيْ،

پس روزیم ده و بر تو توکل کنم پس کفایتم فرما و برای پیروزی بر دشمنم از تو یاری خواهم پس یاریم ده

وَ اَسْتَعِيْنُ بِكَ فَاَعِنِّيْ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ يَا اِلٰهِيْ فَاغْفِرْ لِيْ، اٰمِيْنَ اٰمِيْنَ اٰمِيْنَ. ۱

و از تو کمک خواهم پس کمکم ده و از تو آمرزش طلبم ای معبود من پس بیاورم آمین آمین آمین.

ج) خواندن دعای کمیل که در بخش دعاهاى معروف (بخش دوم، صفحه ۹۸) گذشت.

د) خواندن دعای: «اَللّٰهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوٰى...»^۲ که در شب عرفه نیز خوانده می‌شود و در بخش چهارم (صفحه ۸۴۲) گذشت.

ه) ده مرتبه بگوید:

«يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ، يَا صَاحِبَ

ای کسی که فضل و بخشش بر خلق دائمی است و ای آن که دو دست احسانت به عطابخشی باز است ای دارنده

الْمَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَيْرِ الْوَرَى سَجِيَّةً، وَ اغْفِرْ لَنَا

بخشش‌های ارجمند درود فرست بر محمد و آلش که بهترین مردمند در سرشت و نهاد و بیاور ما را

يَا ذَا الْعُلَى فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ».^۳

ای خدای بلندمرتبه در این شب.

یادآوری: این ذکر شریف در کلیه شبهای عید نیز خوانده می‌شود.

و) «شیخ طوسی» و «سید بن طاووس» گفته‌اند: خواندن این دعا در سحر شب جمعه مستحب است:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَبْ لِي الْغَدَاةَ رِضَاكَ، وَ اَسْكِنْ قَلْبِي

خدایا درود فرست بر محمد و آلش و خشنودی خود را در این بامداد به من ببخش و خوف خود را در دل

۱. مصباح‌المتهجّد، صفحه ۲۶۹ و بحارالانوار، جلد ۸۶، صفحه ۲۹۴، حدیث ۶ (با اندکی تفاوت).

۳. مصباح‌کفعمی، صفحه ۶۴۷.

۲. اقبال، صفحه ۳۲۵.

خَوْفَكَ، وَأَقْطَعُهُ عَمَّنْ سِوَاكَ، حَتَّى لَا أَرْجُوَ وَلَا أَخَافُ إِلَّا إِيَّاكَ، اَللّٰهُمَّ

جای ده و از غیر خود (امیدم را) قطع کن تا بدانجا که امید نداشتی باشم و ترسم جز از تو خدایا

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي ثَبَاتَ الْيَقِينِ، وَمَحْضَ الْإِخْلَاصِ،

درود فرست بر محمد و آلش و (اینها را که می‌گویم) به من ببخش: یقین ثابت و اخلاص پاک

وَشَرَفَ التَّوْحِيدِ، وَدَوَامَ الْأِسْتِقَامَةِ، وَمَعْدِنَ الصَّبْرِ، وَالرِّضَا بِالْقَضَاءِ

و شرف یگانه‌پرستی و استقامتی پایدار و کان شکیبایی و خشنود بودن به قضا

وَالْقَدْرِ، يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ السَّائِلِينَ، يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي ضَمِيرِ الصَّامِتِينَ،

و قدر ای روا کننده حاجتهای سالان و ای دانای نهاد خاموشان

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَاعْفِرْ ذَنْبِي، وَارْزُقْ رِزْقِي،

درود فرست بر محمد و آلش و دعای مرا مستجاب گردان و گناهم را بپارز و روزیم را فراخ کن

وَأَقْضِ حَوَائِجِي فِي نَفْسِي، وَإِخْوَانِي فِي دِينِي وَأَهْلِي، اَللّٰهُمَّ طُمُوْحُ

و حاجتهایم را درباره خودم و برادران دینی‌ام و خانواده‌ام برآور خدایا آرمانهای

الْأُمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ، وَمَعَاكِفُ الْهَمِّ قَدْ تَعَطَّلَتْ إِلَّا عَلَيْكَ،

بلند نومید شد مگر نزد تو و جایگاه همتها معطل ماند جز همتی که بر تو (متوجه) باشد

وَمَذَاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ سَمَتْ إِلَّا إِلَيْكَ، فَأَنْتَ الرَّجَاءُ وَإِلَيْكَ الْمُلْتَجَا، يَا

و راه خزدها به بن‌بست رسید جز راهی که بسوی توست پس تویی امید و پناهگاه درگاه توست ای

أَكْرَمَ مَقْصُودٍ، وَأَجْوَدَ مَسْئُولٍ، هَرَبْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي يَا مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ

بزرگوارترین کسی که بسویش رو کنند و بخشنده‌ترین کسی که از او بخواهند بسوی تو گریختم ای پناه گریختگان

بِأَثْقَالِ الذُّنُوبِ، أَحْمِلُهَا عَلَيَّ ظَهْرِي، لَا أَجِدُ لِي إِلَيْكَ شَافِعًا سِوَى

با بارهای سنگین گناهانی که بر دوشم کشم و هیچ شفیی بدرگاه تو نیام جز

مَعْرِفَتِي بِأَنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ رَجَاهُ الطَّالِبُونَ، وَآمَلُ مَا لَدَيْهِ الرَّاعِبُونَ، يَا مَنْ

این‌که می‌دانم تو نزدیکترین کسی هستی که جویندگان امید به او دارند و آرزومندان آنچه را نزد اوست آرزو کنند ای کسی که

فَتَقَّ الْعُقُولَ بِمَعْرِفَتِهِ، وَأَطْلَقَ الْأَلْسُنَ بِحَمْدِهِ، وَجَعَلَ مَا أَمْتَنَ بِهِ عَلَيَّ

عقلها را بوسیله معرفت خویش گشود و زبانها را به ستایش خود باز کردی و قرار دادی آنچه را بر

عِبَادِهِ فِي كِفَاءٍ لِتَأْدِيَةِ حَقِّهِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ

بندگان خود احسان و انعام فرمودی در برابر ادای حق خود درود فرست بر محمد و آلش و برای شیطان

عَلَىٰ عَقْلِي سَبِيلًا، وَلَا لِلْبَاطِلِ عَلَىٰ عَمَلِي دَلِيلًا.^۱

بر خرد من راهی قرار مده و باطل را راهنمای کردارم مساز.

نماز و دعایی در شب جمعه برای حفظ قرآن:

کسی که می‌خواهد توفیق حفظ قرآن را پیدا کند بداند که ابن عباس از امیر مؤمنان از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که فرمود: آیا دوست داری کلماتی را به تو بیاموزم که خداوند با آن به تو نفع بخشد و شاگردان تو نیز از آن نفع برند و آنچه را می‌آموزی در سینه‌ات جای گیرد و ثابت شود؟ عرض کرد: آری یا رسول الله، فرمود: شب جمعه وقت سحر در ثلث آخر شب و اگر نتوانستی قبل از آن از خواب برخیز، چهار رکعت نماز (هر دو رکعت به یک سلام) بخوان؛ در رکعت اول پس از حمد سوره یس و در رکعت دوم پس از حمد، سوره الم سجده^۲ و در رکعت سوم پس از حمد، دخان و در رکعت چهارم حمد و سوره ملک را بخوان؛ (سوره‌ها را می‌توان از روی قرآن خواند) پس از سلام، حمد و ثنای خدا بجا آور و به بهترین وجهی بر محمد و آل محمد صلوات بفرست، سپس برای مؤمنان استغفار کن، آنگاه بگو:

اللَّهُمَّ اِزْ حَمْنِي بِتَرْكِ الْمَعَاصِي اَبَدًا مَا اُبْقَيْتَنِي، وَ اِزْ حَمْنِي مِنْ اَنْ اَتَكَلَّفَ

خداوندا با توفیق ترک گناه مادام العمر، بر من رحم فرما و نیز ترجم کن که آنچه برایم

طَلَبَ مَا لَا يُعْنِينِي، وَ اِرْزُقْنِي حُسْنَ النَّظْرِ فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، اللَّهُمَّ

نفی ندارد را طلب نکنم و خوشبینی نسبت به آنچه تو را از من راضی می‌کند را روزیم کن، ای خدایی که

بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَ الْعِزِّ الَّذِي لَا يُرَامُ،

پدین هیچ سابقه‌ای آسمانها و زمین را هستی بخشیدی ای صاحب جلال و بخشش و عزت پایدار،

أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، بِجَلَالِكَ وَ نُورِ وَجْهِكَ، أَنْ تُلْزِمَ قَلْبِي حِفْظَ

از تو می‌خواهم ای خدا ای بخشنده و به جلال و نور جلال و نور جلال قسمت می‌دهم که همان طوری که

كِتَابِكَ كَمَا عَلَّمْتَنِيهِ، وَ اِرْزُقْنِي أَنْ أَتْلُوهُ عَلَى النَّحْوِ الَّذِي يُرْضِيكَ عَنِّي،

قرانت را به من آموخته‌ای قلم را بر حفظ آن واداری و روزیم کن که چنان آن را تلاوت کنم که سبب رضایت تو از من شود.

اللَّهُمَّ بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَ الْعِزِّ الَّذِي لَا

ای خدای هستی بخش آسمانها و زمین، ای صاحب جلال و بخشش و عزت پایدار

۱. جمال الاسبوع، صفحه ۲۱۸ و مصباح المتعبد، صفحه ۲۷۹ و بحار الانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۰۶، حدیث ۱۱.

۲. لازم به یادآوری است که وقتی به آیه سجده رسیدی، به سجده برو و پس از سجده قرآن برخیز و ادامه سوره را بخوان.

يُرَامُ، أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، بِجَلَالِكَ وَنُورِ وَجْهِكَ، أَنْ تُنَوِّرَ بِكِتَابِكَ

از تو می‌خواهم ای خدا ای بخشنده و به جلال و نور جمالت قسمت می‌دهم که به توست کتابت قرآن

بَصْرِي، وَأَنْ تَشْرَحَ بِهِ صَدْرِي، وَأَنْ تُطَلِّقَ بِهِ لِسَانِي، وَأَنْ تُفَرِّجَ بِهِ عَنِّي

چشمم را نورانی سازی و به من شرح صدر دهی و به واسطه آن گره از زبانم بگشایی و گشایشی در

قَلْبِي، وَأَنْ تُسْتَعْمَلَ بِهِ بَدَنِي، فَإِنَّهُ لَا يُعِينُنِي عَلَى الْخَيْرِ غَيْرُكَ، وَلَا

قلبم به وجود آوری و بدنم را به کار واداری چرا که غیر از تو کسی نیست که بر انجام خیر یاریم دهد و غیر از تو

يُؤْتِيهِ إِلَّا أَنْتَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

کسی نیست که آن توفیق را به من بدهد. و قوت و نیرویی جز برای خداوند بلندمرتبه و با عظمت نیست.

سپس فرمود: این عمل را در سه شب جمعه، یا پنج شب، یا هفت شب جمعه بجا آور.^۱

دعا و نمازی از ناحیه مقدسه حضرت حجت علیه السلام برای برآورده شدن حاجات:

مرحوم «علامه مجلسی» از «مهج الدعوات» از «کنوز النجاح» ابوعلی فضل بن حسن طبرسی نقل می‌کند: از ناحیه مقدسه امام عصر (سلام الله علیه) این حدیث صادر شد که: هر کسی نزد خدا حاجتی داشته باشد، شب جمعه بعد از نصف شب، غسل کند و در مصلائی خودش (محلّی را که در خانه، محلّ نماز قرار داده است) دو رکعت نماز بخواند، در هر رکعت پس از شروع سوره حمد و رسیدن به جمله «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» صد بار آن را تکرار کند و پس از اتمام آن، بقیه سوره حمد را ادامه دهد و به پایان برساند، سپس یکبار سوره توحید را بخواند و ذکر رکوع و سجود را هفت بار بگوید، پس از اتمام نماز، دعای ذیل را بخواند که قطعاً حاجتش هر چه باشد برآورده می‌شود، مگر این که مربوط به قطع رحم (و مانند آن) باشد:

اللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَأَلْمَحِدَةٌ لَكَ، وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ، مِنْكَ

خدایا اگر فرمانبرداریت کنم پس حمد و ستایش از آن توست و اگر نافرمانیت کنم تو حجت داری از توست

الرَّوْحُ وَمِنْكَ الْفَرَجُ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ وَغَفَرَ،

مهر و یاری و از توست گشایش منزه است آن که نعمت داده و قدردانی کرد منزه است آن که مقدر کرد و آمرزید

۱. جمال الأسبوع، صفحه ۱۱۹ و بحار الانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۲۰، حدیث ۲۸. قابل توجه آن که این نماز در مصباح المتهجد، صفحه ۲۶۴، نیز نقل شده، بدون مقید کردن به وقت سحر و بدون ذکر سه شب، یا پنج، یا هفت شب؛ و با این تفاوت که در رکعت دوم حمد و دخان و در رکعت سوم حمد و الم سجده خوانده شود. (رجوع کنید به: بحار الانوار، جلد ۸۶، صفحه ۲۸۸، حدیث ۳).

اللَّهُمَّ إِنَّ كُنْتُ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ، وَهُوَ

خدایا اگر من تو را نافرمانی کردم ولی در عوض فرمانبرداریت کردم در محبوبترین چیزها در نزد تو و آن

الْإِيمَانُ بِكَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَوَلَدًا، وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا، مَنَّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ، لَا

ایمان به توست که برای فرزندى نگرفتم و برایت شریکی قائل نشدم و این منتی بود از تو بر من

مَنَّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ، وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ، وَلَا

نه این که منتی باشد از من بر تو و این که تو را نافرمانی کردم ای خدا نه از روی کبر و عنادورزی بود و نه

الْخُرُوجَ عَنْ عِبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودَ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ

بخاطر این که از تحت بندگیت بیرون رفته و پروردگاریت را منکر شده باشم بلکه پیروی کردم هوای نفسم را

وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ، فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ

و شیطان مرا لغزاند پس تو را بر من حجت و بیان هست و اگر عذاب کنی بخاطر گناهان من است

ظَالِمٍ لِي، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي، فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ، يَا كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ *

و تو ستمکار بر من نیستی و اگر بیامیزی مرا و رحم کنی پس براستی تو بخشنده و بزرگواری ای کریم ای کریم *

(به اندازه یک نفس طولانی ادامه دهد)، سپس بگوید: يَا أَمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَكُلُّ شَيْءٍ

***** ایمن از هر چیز و هر چیز

مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ، أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَخَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ،

از تو ترسان و بیمناک از تو خواهم به همان امانی که از هر چیز داری و آن ترسی که هر چیز از تو دارند

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَاهْلِي

که درود فرستی بر محمد و آل محمد و به من امانی دهی برای خود و خانواده

وَوُلْدِي، وَسَائِرِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، حَتَّى لَا أَخَافَ أَحَدًا، وَلَا أَحْذَرَ مِنْ

و فرزندان و سایر چیزهایی که به من عطا فرمودهای تا از کسی ترسم و بیم نداشته باشم از

شَيْءٍ أَبَدًا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، يَا كَافِي

چیزی هرگز که براستی تو بر هر چیز توانایی و کافی است ما را خدا و نیکو وکیلی است ای کفایت کننده

إِبْرَاهِيمَ نَمْرُودَ، وَيَا كَافِي مَوْسَى فِرْعَوْنَ، وَيَا كَافِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

ابراهیم از نمروود و ای کفایت کننده موسی از فرعون و ای کفایت کننده محمدصلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ الْأَحْزَابَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

علیه و آله از احزاب کفر، از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد

تَكْفِينِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ.

و کفایت کنی از من شر فلان پسر فلان را.

(به جای فلان بن فلان اسم دشمن خویش را بر زبان آورد و اگر دشمن خاصی ندارد، می تواند نام شیطان را که بزرگترین دشمن است یا نام دشمنان اسلام را ببرد).

سپس به سجده رود و حاجتش را طلب کند و نزد خدا تضرع نماید چرا که هیچ مرد یا زن مؤمنی نیست که این نماز را بجا آورد و این دعا را بخواند مگر این که درهای آسمان برای اجابت دعا به روی او گشوده می شود... .

آنگاه فرمود: «ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَ عَلَى النَّاسِ؛ این نماز و دعا از فضل خداوند بر ما اهل بیت و بر مردم است».^۱

اعمال روز جمعه:

۱- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: هر کس مابین نافله صبح و نماز صبح در روز جمعه صد مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ، اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ» خداوند خانه ای در بهشت برایش بنا می کند.^۲

۲- کسی که پیش از نماز صبح روز جمعه سه مرتبه (از روی خلوص نیت) بگوید: «اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ» گناهایش آمرزیده می شود، هر چند بسیار زیاد باشد.^۳

۳- هیچ عملی در این روز از صلوات بر محمد و آل محمد با فضیلت تر نیست،^۴ و مطابق حدیثی دیگر: صد بار صلوات در روز جمعه باعث برآورده شدن حوائج می شود،^۵ و در روایتی دیگر از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: عبادتی در روز جمعه نزد من از صلوات بر محمد و آل محمد محبوب تر نیست.^۶

و در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده: هر کس بعد از نماز ظهر و نماز صبح روز جمعه و غیر جمعه بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ» نمیرد تا این که حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را درک کند.^۷

و مطابق روایتی دیگر، شیخ جلیل القدر «ابن ادریس» در کتاب «سرائر» از «جامع بزنی» نقل کرده که ابوبصیر می گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که صلوات بر محمد و آل محمد مابین ظهر و عصر معادل

۱. بحار الانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۲۳، حدیث ۳۰ و مهج الدعوات، صفحه ۲۹۴.

۲. بحار الانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۱۳، حدیث ۱۸.

۳. همان مدرک، صفحه ۳۵۹، حدیث ۳۶.

۴. خصال، جلد ۲، صفحه ۳۹۴، حدیث ۱۰۱.

۵. ثواب الاعمال، صفحه ۱۵۶.

۶. کافی، جلد ۳، صفحه ۴۲۹، حدیث ۳.

۷. بحار الانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۶۳، حدیث ۵۱.

هفتاد رکعت نماز است و بعد از عصر روز جمعه نیز بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد اوصیای پسندیده به بهترین

صَلَوَاتِكَ، وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى

درودهای خود و برکت ده بر ایشان به بهترین برکات و سلام بر ایشان و بر

أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ، وَ رَحْمَةً اللَّهُ وَ بَرَكَاتِهِ.^۱

ارواح و اجسادشان و رحمت خدا و برکاتش.

این صلوات (با مقداری تفاوت) در کتب مشایخ حدیث، با سندهای بسیار معتبر و با فضیلت‌های بسیار نقل شده است.^۲

۴- در نماز صبح در رکعت اول سوره جمعه و در رکعت دوم سوره توحید بخواند.^۳

۵- بعد از نماز صبح پیش از آن که سخن بگوید این دعا را بخواند تا کفاره گناهان او از این جمعه تا جمعه دیگر باشد:

اللَّهُمَّ مَا قُلْتُ فِي جُمُعَتِي هَذِهِ مِنْ قَوْلٍ، أَوْ حَلَفْتُ فِيهَا مِنْ حَلْفٍ، أَوْ

خدایا هر گفتاری که در این روز جمعه‌ام گویم یا سوگندی که در آن خوردم یا

نَذَرْتُ فِيهَا مِنْ نَذْرٍ، فَمَشِيئَتِكَ بَيْنَ يَدَيِ ذَلِكَ كَلِمَةٍ، فَمَا شِئْتُ مِنْهُ أَنْ

نذری که در آن کردم پس در تمام آنها مشیت و اراده تو پیش از همه آنهاست آنچه از

يَكُونُ كَانًا، وَ مَا لَمْ تَشَأْ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ تَجَاوَزْ عَنِّي،

آن بخواهی می‌شود و آنچه نخواهی نمی‌شود خدایا مرا بیامرزش و از من بگذر

اللَّهُمَّ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ فَصَلِّوْا تِي عَلَيْهِ، وَ مَنْ لَعَنْتَ فَلَعْنَتِي عَلَيْهِ.^۴

خدایا هر که را تو رحمت بر او فرستادی پس رحمت من هم بر او باد و هر که را تو از رحمت دور کردی پس لعنت من هم بر او باد.



۶- در روایت است: هر کس بعد از نماز صبح در روز جمعه بنشیند و مشغول تعقیبات گردد تا آفتاب

۱. سرائر، جلد ۳، صفحه ۵۷۷.

۲. کافی، جلد ۳، صفحه ۴۲۹، حدیث ۴ و امالی شیخ صدوق، صفحه ۳۹۹، حدیث ۱۶ و ثواب الاعمال، صفحه ۱۵۸ و تهذیب، جلد ۳،

صفحه ۱۹، حدیث ۶۸.

۳. جمال الاسبوع، صفحه ۲۲۶.

۴. همان مدرک، صفحه ۲۲۷ و بحار الانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۳۲.

طلوع کند خداوند در فردوسِ اعلیٰ (مقاماتِ عالیِ بهشت) هفتاد درجه برای او قرار دهد.^۱
 ۷- «شیخ طوسی» روایت کرده‌است: مستحب است که در تعقیب نماز صبح روز جمعه این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَمَّدْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي، وَ أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ الْيَوْمَ فَقْرِي وَ فَاقَتِي

خدایا من به خواسته خود تو را قصد کردم و امروز بار فقر و نیازمندی و بیچارگی‌ام را

وَمَسْكَنتِي، فَأَنَا لِمَغْفِرَتِكَ أَرْجِي مِنْ مَنِّي لِعَمَلِي، وَ لِمَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ

بدرگاه تو فرود آوردم و من به آمرزش تو امیدوارتر از کردار خود هستم و مسلماً آمرزش و رحمت تو

أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي، فَتَوَلَّ قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا، وَ تَيْسِيرٍ

وسیع‌تر از گناهان من است پس به عهده‌گیر برآوردن هر حاجتی که دارم بدان‌جهت که قدرت بر آن داری و بر تو

ذَلِكَ عَلَيْكَ، وَ لِفَقْرِي إِلَيْكَ، فَإِنِّي لَمْ أَصِبْ خَيْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْكَ، وَ لَمْ

آسان است و برای آن‌که من هم نیازمند به تو هستم زیرا هرگز به خیر نرسیده‌ام جز از جانب تو

يَصْرِفُ عَنِّي سُوءَ قَطُّ أَحَدٍ سِوَاكَ، وَ لَسْتُ أَرْجُو لِأَخْرَتِي وَ دُنْيَايَ، وَ لَا

و هیچ‌کس از من هرگز بدی را دفع نکرده جز تو و من برای آخرت و دنیا

لِيَوْمِ فَقْرِي، يَوْمَ يُفْرِدُنِي النَّاسُ فِي حُفْرَتِي، وَ أَفْضَى إِلَيْكَ بِذَنْبِي سِوَاكَ.^۲

و روز نیازم‌روزی که مرا در قبرم تنها گذارند و گناه‌ام را بسویت آرم جز به تو به کسی امید ندارم.

۸- سوره‌های احقاف و مؤمنون را بخواند که مطابق روایتی از امام صادق علیه السلام، هر کس شب یا روز جمعه سوره احقاف بخواند ترسی در دنیا به او نرسد و از وحشت قیامت ایمن گردد و هر کس در هر جمعه سوره مؤمنون را بخواند، خداوند اعمال او را به سعادت ختم کند و در فردوسِ اعلیٰ همراه با پیامبران و رسولان، به او منزل دهد.^۳

خواندن سوره‌های نساء، هود، کهف، صافات نیز توصیه شده^۴ و بعد از نماز صبح سوره الرحمن بخواند و بعد از آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» بگوید: «لَا بَشِيءَ مِنْ آلَائِكَ رَبِّ أَكْذَبُ».^۵

۱. جمال الاسبوع، صفحه ۲۲۷، و بحار الانوار، جلد ۸۶، صفحه ۱۵۸.

۲. مصباح المتهجد، صفحه ۲۸۵ و بحار الانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۳۱ (با اندکی تفاوت).

۳. وسائل الشیعه، جلد ۵، باب ۵۴ از ابواب صلاة الجمعة، حدیث ۱۰ و ۱۱ و ثواب الاعمال، صفحه ۱۰۸ و ۱۱۴.

۴. وسائل الشیعه، همان مدرک، حدیث ۴ و ۶ و ۹ و ۱۴ و ثواب الاعمال، صفحه ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۲.

۵. وسائل الشیعه، همان مدرک، حدیث ۱ و تهذیب، جلد ۳، صفحه ۸، حدیث ۲۵.

سوره «قل یا ایها الکافرون» را ده مرتبه هنگام طلوع آفتاب بخواند و دعا کند تا دعایش مستجاب شود.^۱

۹- مطابق روایات فراوانی پرداختن به نظافت در جمعه بسیار خوب است از جمله شستن سر با خطمی سبب رهایی از جذام و برص و جنون می‌شود،^۲ و در روایات متعددی از امام صادق علیه السلام آمده است که گرفتن ناخن و شارب در روز جمعه، سبب فزونی روزی می‌شود.^۳

۱۰- با توجه به این که بسیاری از مؤمنین در نماز جمعه شرکت می‌کنند یا به دیدن بستگان و دوستان می‌روند، مستحب است در این روز از عطر و بوی خوش استفاده کنند. در روایتی از امام موسی بن جعفر علیه السلام آمده است: سزاوار نیست ترک بوی خوش در هر روز و اگر قادر بر آن نبود، یک روز در میان و اگر بر آن نیز قادر نبود در روز جمعه.^۴

۱۱- غسل جمعه کند که از سنت‌های مؤکد است و مطابق روایتی، رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: در هر جمعه غسل بجا آور اگرچه هزینه خوراک خود را صرف آن کنی، زیرا سنتی از این بزرگتر وجود ندارد،^۵ و مطابق روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام: هر کس در روز جمعه غسل کند و این دعا را بخواند:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریکی ندارد و گواهی دهم که محمد بنده

و رَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ،

و رسول اوست خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از توبه‌کنندگان

و اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ.

و پاکیزه‌شدگانم قرار ده.

برای او طهارتی باشد تا جمعه آینده^۶ (یعنی از گناهان پاک می‌شود و یا اعمالش از طهارت معنوی برخوردار شده، مورد قبول واقع می‌شود).

یادآوری: زمان غسل جمعه بعد از طلوع فجر تا ظهر روز جمعه است.

۱۲- صدقه در این روز مستحب مؤکد است و مطابق روایتی از امام صادق علیه السلام صدقه در شب جمعه و روز آن، هزار برابر صدقه در اوقات دیگر است.^۷

۱. عدة الداعی، صفحه ۲۹۷.
 ۲. کافی، جلد ۳، صفحه ۴۱۸، حدیث ۷ و ۱۰.
 ۳. همان مدرک، حدیث ۵.
 ۴. همان مدرک، جلد ۶، صفحه ۵۱۰، حدیث ۴.
 ۵. جمال الاسبوع، صفحه ۳۶۶.
 ۶. بحار الانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۵۲، حدیث ۲۹.
 ۷. مقتعه، صفحه ۱۵۶.

۱۳- با خریدن چیزی نیکو برای خانواده و فرزندان، زمینه شادی آنها را نسبت به آمدن جمعه فراهم کند.^۱

۱۴- خود را از کارهای دنیایی فارغ کند و بخشی از روز را به فراگیری مسائل دینی خود مشغول شود، چنانکه از امام صادق علیه السلام نقل شده است: نفرین بر مسلمانی که در هفته، (بخشی از) روز جمعه را صرف آموختن مسائل دینی خود نگرداند و برای این امر، خود را از کارهای دیگر فارغ نسازد.^۲

۱۵- زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين را بجا آورد،^۳ که در بخش زیارات کیفیت آن گذشت.

۱۶- به زیارت اموات رود که فضیلت بسیار دارد و از امام باقر علیه السلام نقل شده: زیارت کنید مردگان را در روز جمعه، چرا که آنان در این روز از طلوع فجر تا طلوع خورشید، شخص زیارت کننده را می شناسند و شاد می شوند،^۴ و البته زیارت پدر و مادر و بستگان نزدیک از احیاء اهمیتش بیشتر است.

۱۷- دعای ندبه بخواند که از اعمال اعیاد چهارگانه (غدیر، فطر، قربان و جمعه) است،^۵ و در بخش دعاهای معروف (صفحه ۱۸۹) گذشت.

۱۸- نوافل روز جمعه که بیست رکعت است را بجا آورد،^۶ و برای کیفیت بجا آوردن آن به رساله های عملیه مراجعه شود.

۱۹- نمازهای مستحبی را که برای روز جمعه نقل شده (نظیر نماز جعفر طیّار، نماز کامله و نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله) که با سندهای بسیار معتبر و آثار و برکات فراوان نقل شده اند) بجا آورد که در بخش نمازهای معروف (صفحه ۱۰۶۱) به بعضی از آنها اشاره می شود.

۲۰- چون ظهر شود دعایی را بخواند که محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل می کند و مطابق نقل «شیخ طوسی» در «مصباح المتهدّد» چنین است:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَ لَمْ

معبودی نیست جز خدا و خدا بزرگتر (از توصیف) است منزّه است خدا و ستایش خاص خدایی است که فرزندی نگرفته و

يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَ كَبْرُهُ تَكْبِيرًا *

شریکی در فرمانروایی برایش نیست و خواری ندارد تا نیازی بیاری داشته باشد و او را به بزرگی یاد کن

۱. کافی، جلد ۶، صفحه ۲۹۹، حدیث ۱۹.

۲. محاسن برقی، جلد ۱، صفحه ۲۲۵، حدیث ۱۴۹.

۳. مصباح المتهدّد، صفحه ۲۸۸.

۴. امالی طوسی، صفحه ۶۸۸، حدیث ۵.

۵. بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۱۰۴.

۶. همان مدرک، جلد ۸۷، صفحه ۲۴.

سپس بگوید: **يَا سَابِغَ النِّعَمِ، يَا دَافِعَ النِّقَمِ، يَا بَارِيَّ النَّسَمِ، يَا عَلِيَّ الْهِمَمِ، يَا**

* * * ای فرو ریز نعمتها ای جلوگیری بديها و ای آفریننده انسانها ای دارای همتهای والا ای

مُعْشَى الظِّلمِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْأَلَمِ، يَا مُونِسَ

پوشاننده تاریکیها ای صاحب جود و کرم ای برطرفکننده زیان و درد ای همدم

الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظِّلمِ، يَا عَالِمًا لَا يُعْلَمُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

وحشتزدگان در تاریکیها ای دانایی که کسی او را نیاموخته درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ،

محمد و با من آن کن که تو شایسته آنی ای آنکه نامش دواي دردها و یادش شفاي امراض

وَطَاعَتُهُ غَنَاءٌ، إِرْحَمْ مَنْ رَأَسَ مَالِهِ الرَّجَاءُ، وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ، سُبْحَانَكَ

و اطاعتش موجب توانگری و بی‌نیازی است رحم کن بر آنکه سرمایه‌اش امید و اسلحه‌اش گریه است منزهی تو

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا

معبودی جز تو نیست ای پر مهر ای بسیار نعمت ده ای پدید آرنده آسمانها و زمین ای

ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.^۱

دارای جلالت و بزرگواری.

۲۱- شرکت در نماز جمعه بسیار خوب و پراهمیت، و سبب شکوه و عظمت اسلام است و اگر توفیق

شرکت در نماز جمعه را پیدا نکرد، در نماز ظهر سوره جمعه و منافقین و در نماز عصر سوره جمعه و توحید

را بخواند^۲ و مرحوم صدوق از امام صادق علیه السلام روایت کرده: از چیزهایی که بر هر مؤمنی که شیعه ما باشد

لازم است این است که در شب جمعه در نماز (عشا) سوره جمعه و سبح اسم ربك الاعلی، و در روز جمعه

در نماز ظهر، سوره جمعه و منافقین را بخواند که اگر چنین کند اقتدا به عمل پیامبر صلی الله علیه و آله کرده و جزایش

بهشت است.^۳

۲۲- دعای ۴۶ صحیفه سجّادیه (يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ) و ۴۸ آن (اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ)

را بخواند.

۲۳- «شیخ طوسی» در «مصباح» روایت کرده: هر کس بعد از نماز ظهر روز جمعه دو رکعت نماز، و در

هر رکعت بعد از حمد، هفت مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند و بعد از نماز بگوید:

۱. مصباح‌المتجهّد، صفحه ۳۶۰. ۲. بحارالانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۵۳، حدیث ۳۲.

۳. ثواب الاعمال، صفحه ۱۱۸.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ الَّتِي حَشَوْهَا الْبَرَكَةُ، وَعُمَّارُهَا الْمَلَائِكَةُ،

خدایا مرا از اهل بهشت قرار ده که دروش برکت است و آباد کنندگانش فرشتگانند

مَعَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَبِينَا إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

در جوار پیامبرمان محمد صلی الله علیه و آله و پدرمان ابراهیم علیه السلام.

تا جمعه دیگر بلا و فتنه‌ای به او نرسد و حق تعالی میان او و محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ (در بهشت) جمع کند.^۱

۲۴- بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» بگوید تا خداوند متعال گناهان او را بیامزد.^۲

۲۵- چنانکه در بخش دعاهاى معروف (صفحه ۱۰۸) گذشت، بهترین زمان برای خواندن دعای عشرات، عصر روز جمعه است.

۲۶- نیز در بخش دعاهاى معروف (صفحه ۱۱۴) گذشت، که مستحب است خواندن دعای «سمات» در ساعتهاى آخر روز جمعه.

۲۷- با توجه به این که روز جمعه از چند جهت تعلق به امام عصر - عجل الله تعالی فرجه - دارد؛ اولاً: از این جهت که ولادت حضرتش در این روز بوده.^۳ ثانياً: ظهور شریف آن جناب طبق بعضی روایات در چنین روزی خواهد بود، چنانکه در بخش اعمال ایام هفته، ضمن زیارت آن حضرت در روز جمعه خواهد آمد:

«هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ، وَ هُوَ يَوْمُكَ الْمَتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ، وَ الْفَرَجُ فِيهِ

این روز جمعه است و این روزی است که انتظار می‌رود در آن ظهور تو و فرج

لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدِكَ»^۴

مؤمنین در آن به دست تو

و حضرت در چنین روزی پاک کردن زمین را از لوث وجود جبارین و ملحدین و کافرین و منافقین، آغاز می‌کند و با اظهار کلمه حق، و اعلای دین و شرایع ایمان، چشم و دل مؤمنان را در آن روز روشن و مسرور می‌نماید، چنانکه آیه «وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا؛ روزی که زمین به نور پروردگارش منور می‌شود» بر این روز «ظهور» تطبیق داده شده است،^۵ با توجه به این نکات، شایسته است که به خواندن چند چیز در این روز مبادرت شود:

۱. مصباح المتهجد، صفحه ۳۷۷.

۲. جمال الاسبوع، صفحه ۴۵۲.

۳. کمال الدین، جلد ۲، صفحه ۴۳۲، حدیث ۱۲.

۴. جمال الاسبوع، صفحه ۳۸.

۵. بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۰، حدیث ۵۲.

الف) زیارت آل یاسین که در بخش زیارات (صفحه ۵۰۳) گذشت.

ب) این دعا که «شیخ طوسی» در «مصباح المتجهّد» در خلال اعمال روز جمعه، آن را از امام رضا علیه السلام برای صاحب الامر نقل کرده است؛ به این صورت که یونس بن عبدالرحمان می گوید: امام رضا علیه السلام پیوسته امر می کرد که با این دعا برای حضرت مهدی علیه السلام دعا کنید:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّيَّكَ وَخَلْفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ... که در بخش زیارات (صفحه ۵۲۵) گذشت. ج) صلواتی را که شیخ طوسی در اعمال عصر روز جمعه آن را ذکر نموده است قرائت کند. مرحوم «سید بن طاووس»^۱ فرموده: که این صلوات مروی از مولای ما حضرت مهدی - صلوات الله علیه - است و تأکید شده که هرگز این صلوات را ترک مکن، و طبق نقل شیخ در «مصباح» چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

خدایا درود فرست بر محمد آقای رسولان و خاتم پیمبران و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ، الْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ، الْمُصْطَفَى فِي الظُّلَالِ، الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ

جهانیان برگزیده در روز عهد و پیمان انتخاب شده در عالم اشباح و مجردات پاکیزه از هر

آفَةِ الْبَرِيَّةِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُوَمَّلِ لِلنَّجَاةِ، الْمُرْتَجَى لِلسَّفَاعَةِ،

آفت میرای از هر عیب، نجات از وی آرزو شود و امید شفاعت به اوست

الْمَفْوُضِ إِلَيْهِ دِينِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ شَرَّفْ بِنِيَانَهُ، وَعَظِّمْ بَرَهَانَهُ، وَأَفْلِحْ حُجَّتَهُ،

آن کس که دین خدا به او واگذار شده خدایا پایه و اساس کارش را برافراز و برهان و منقش را عظمت ده و حجتش را آشکار گردان

وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ، وَأَضِيءْ نُورَهُ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ، وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ،

و درجه اش را بلند کن و تابان کن نورش را و سفید گردان رویش را برتری و فضیلت و مقام

وَالْوَسِيلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَعْطِيهِ بِهِ الْأَوْلُونَ

و وسیله (بلندترین درجات بهشت) و درجه بلند به او عطا کن و او را به مقام (شایسته و) پسندیده ای برگزین که مورد غبطه گذشتگان

وَالْآخِرُونَ، وَصَلِّ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَقَائِدِ الْعُرَى

و آیندگان باشد و درود فرست بر امیرمؤمنان و وارث (علم) پیمبران و پیشوای

الْمُحَجَّلِينَ، وَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ الْحَسَنِ

سفیدرویان و آقای وصیان و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر حسن

بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

بن علی رهبر مؤمنان و وارث (علم) پیامبران و حجت پروردگار جهانیان

وَ صَلَّى عَلَيَّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ

و درود فرست بر حسین بن علی امام مؤمنان و وارث (علم) پیامبران و حجت

رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ

پروردگار جهانیان و درود فرست بر علی بن الحسین رهبر مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ

(علم) پیامبران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر محمد بن علی امام

الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ جَعْفَرِ

مؤمنان و وارث (علم) پیامبران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر جعفر

بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

بن محمد امام مؤمنان و وارث (علم) پیامبران و حجت پروردگار جهانیان

وَ صَلَّى عَلَيَّ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ

و درود فرست بر موسی بن جعفر امام مؤمنان و وارث (علم) پیامبران و حجت

رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ

پروردگار جهانیان و درود فرست بر علی بن موسی امام مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ

(علم) پیامبران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر محمد بن علی امام

الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ عَلِيٍّ

مؤمنان و وارث (علم) پیامبران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر علی

بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

بن محمد امام مؤمنان و وارث (علم) پیامبران و حجت پروردگار جهانیان

وَ صَلَّى عَلَيَّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ

و درود فرست بر حسن بن علی امام مؤمنان و وارث (علم) پیامبران و حجت

رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ،

پروردگار جهانیان و درود فرست بر آن یادگار صالح راهنما حضرت مهدی امام مؤمنان

وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ

و وارث (علم) پیامبران و حجت پروردگار جهانیان خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش

بَيْتِهِ الْأَيَّمَةِ الْهَادِيْنَ، الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ، دَعَائِمِ دِينِكَ،

پیشوایان راهنما و دانشمندان و راستگویان و پرهیزکاران که ستونهای دین تو

وَأَزْكَانِ تَوْحِيدِكَ، وَتَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ، وَحُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخُلَفَائِكَ

و پایه‌های محکم توحید و مفسران وحی تو و حجت‌های تو بر تمام مخلوقات و جانشینان که

فِي أَرْضِكَ، الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَأَصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ،

در روی زمین هستند آنان که ایشان را برای خویش برگزیدی و برای بندگانت انتخاب کردی

وَأَزْ تَضَيَّتَهُمْ لِدِينِكَ، وَخَصَّصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ،

و برای دینت پسندیدی و به معرفت خویش مخصوصشان گرداندی و به کرامت جلالت و برجستگیشان دادی

وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ، وَغَذَّيْتَهُمْ بِحُكْمَتِكَ، وَالْبَسْتَهُمْ

و به رحمت آنها را پوشاندی و به نعمت آنان را پروریدی و به حکمت غذایشان دادی و نورت را

نُورَكَ، وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ، وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ، وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ،

در برشان کردی و در ملکوت خویش آنها را بالا بردی و به فرشتگانت گردگردشان را پوشاندی و به پیامبرت ایشان را شرف بخشیدی

صَلَّوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ، صَلَاةَ زَاكِيَّةٍ نَامِيَّةٍ

- درود تو بر او و آلش باد - خدایا درود فرست بر محمد و بر ایشان درود پاک و روبنده

كثيرةً، دَائِمَةً طَيِّبَةً، لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَلَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ، وَلَا

بسیار و همیشگی و پاکیزه‌ای که کسی جز تو بدان احاطه ندارد و جز در علم تو ننگد و هیچ کس

يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحْيِي سُنَّتِكَ، الْقَائِمِ

جز تو شمارش نتواند خدایا و درود فرست بر ولی خود و زنده کننده طریقت (آن کس که) به امرت

بِأَمْرِكَ، الدَّاعِي إِلَيْكَ، الدَّلِيلِ عَلَيْكَ، حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي

قیام کند و بسویت بخواند و به راه تو دلالت کند حجت تو بر خلق و جانشینت در

أَرْضِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ، اللَّهُمَّ اعِزَّ نَصْرَهُ، وَمُدِّ فِي عُمُرِهِ، وَزَيِّنْ

زمین و گواहत بر بندگان خدایا یاریش را نیرومند و با شوکت کن و بر عمرش بیفز و زمین را

الْأَرْضَ بَطُولِ بَقَائِهِ، اَللّٰهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِيْنَ، وَ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ

به طول بقایش زبور بخش خدایا او را از ستم حسودان کفایت کن و از شر مکاران محافظتش

الْكَائِدِيْنَ، وَ اَزْجُرْ عَنْهُ اِرَادَةَ الظَّالِمِيْنَ، وَ خَلِّصْهُ مِنْ اَيْدِي الْجَبَّارِيْنَ،

کن و ارادهٔ ستمکاران را از او بگردان و از دست گردنکشان خلاصش کن

اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ فِيْ نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ، وَ شَيْعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ، وَ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ

خدایا به او عطا کن دربارهٔ خودش و فرزندان و شیعیان و رعایای او و نزدیکانش و عموم پیروانش

وَ عَدُوِّهِ، وَ جَمِيْعِ اَهْلِ الدُّنْيَا، مَا تَقَرُّ بِهٖ عَيْنُهُ، وَ تَسْرُبُ بِهٖ نَفْسُهُ، وَ بَلَغُهُ

و نیز دربارهٔ دشمنان او و تمام مردم دنیا آنچه را که چشمش بدان روشن شود و دلش بدان شاد گردد و او را به

اَفْضَلُ مَا اَمَلَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ، اَللّٰهُمَّ جَدِّدْ

بهترین چیزی که در دنیا و آخرت آرزو دارد برسان که همانا تو بر هر چیزی توانایی خدایا تازه کن

بِهٖ مَا اَمْتَحِيْ مِنْ دِيْنِكَ، وَ اٰحِيْ بِهٖ مَا بَدَّلَ مِنْ كِتَابِكَ، وَ اَظْهَرُ بِهٖ مَا غَيَّرَ مِنْ

بوسیلهٔ او آنچه را که از دینت محو شده و زنده کن بدست او آنچه را که از کتابت تبدیل یافته و آشکار ساز بوسیلهٔ او آنچه را

حُكْمِكَ، حَتّٰى يَّعُوْدَ دِيْنُكَ بِهٖ، وَ عَلٰى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيْدًا خَالِصًا مُّخْلِصًا،

که از حکم تو تغییر یافته تا آنجا که برگردد دین تو بوسیلهٔ او و به دست او تر و تازه و پاک و بی‌آلایش

لَا شَكَّ فِيْهِ وَ لَا شُبُهَةَ مَعَهُ، وَ لَا باطِلَ عِنْدَهُ وَ لَا بِدْعَةَ لَدَيْهِ، اَللّٰهُمَّ نُوِّرْ

که شکی در آن نباشد و شبهه‌ای بجای نماند و باطلی در آن نباشد و بدعتی بجای نماند خدایا روشن کن

بِنُوْرِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَ هُدِّ بَرُكْنَهُ كُلَّ بِدْعَةٍ، وَ اَهْدِمْ بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَ اَقْصِمْ

به نور او هر تاریکی را و درهم شکن به قدرتش هر بدعتی را و ویران کن بوسیلهٔ عزتش هر گمراهی را و بشکن

بِهٖ كُلَّ جَبَّارٍ، وَ اَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ، وَ اَهْلِكْ بِعَدْلِهِ كُلَّ جَوْرٍ، وَ اَجْرِ

به دست او (بشت) هر گردنکشی را و خاموش کن به شمشیرش آتش هر فتنه را و نابود ساز با عدالت او هر ستمی را و حکمش را

حُكْمَهُ عَلٰى كُلِّ حُكْمٍ، وَ اَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ، اَللّٰهُمَّ اَذِلَّ كُلَّ مَنْ

فوق تمام حکمها بگذران و بوسیلهٔ سلطنتش هر سلطانی را زبون کن خدایا خوار کن هر که را

نَاوَاهُ، وَ اَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ، وَ اَمْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ، وَ اسْتَاْصِلْ مَنْ جَحَدَهُ

فصد سوئی نسبت به او کند و نابود ساز هرکه با او دشمنی‌کند و به مکر خویش دچار کن آن‌که درباره‌اش کیدی کند و ریشه‌کن ساز هرکه را منکر

حَقَّهٗ، وَ اسْتَهَانَ بِاَمْرِهِ، وَ سَعَى فِيْ اِطْفَاءِ نُوْرِهِ، وَ اَرَادَ اِخْمَادَ ذِكْرِهِ، اَللّٰهُمَّ

حقش گردد و کارش را سبک شمارد و در خاموش کردن نورش کوشا باشد و بخواهد او را از یاد ببرد خدایا

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، وَعَلَيَّ الْمُرْتَضَى، وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ،

درود فرست بر محمد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا

وَالْحَسَنَ الرَّضَا، وَالْحُسَيْنَ الْمُصَفَّى، وَجَمِيعَ الْأَوْصِيَاءِ، مَصَابِيحِ

و بر حسن (دارای مقام تسلیم و) رضا و بر حسین مصفی و تمامی اوصیا که چراغهای

الدُّجَى، وَأَعْلَامَ الْهُدَى، وَمَنَارِ التُّقَى، وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقَى، وَالْحَبْلَ الْمَتِينِ،

تاریکی و نشانه‌های هدایت و مشعلهای پرهیزکاری و دست‌آویزهای محکم و رشته‌های استوار

وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَصَلِّ عَلَيَّ وَلِيِّكَ وَوَلَاةِ عَهْدِكَ، وَالْأَيْمَةَ مِنْ

و راه راست‌اند و درود فرست بر ولی خود و سرپرستان عهد و پیمان‌ت و امامان از

وُلْدِهِ، وَمُدِّي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ فِي أَجَالِهِمْ، وَبَلِّغْهُمْ أَقْصَى آمَالِهِمْ دِينًا

نسل او و عمرشان را دراز گردان و مدت زندگانشان را زیاد کن و به منتهای آرزوهایشان در دین

وَدُنْيَا وَآخِرَةً، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

و دنیا و آخرت برسان که تو بر هر چیزی قادر و توانایی.

یادآوری لازم:

بی‌شک همه افراد قادر نیستند این همه اعمال را در شب و روز جمعه بجا آورند و در واقع دستوراتی است که از هر یک از معصومین علیهم‌السلام به یارانشان داده شده و جمع میان همه آنها آسان نیست و از آن جا که اسلام شریعت سهل و آسان است - مخصوصاً در مورد مستحبات - هر کس می‌تواند به اندازه توان خود از میان آنها گزینش کند و یا این که به صورت متناوب در شب‌ها و روزهای جمعه انجام دهد. مهم آن است که روح اخلاص و حضور قلب در انجام این مستحبات محفوظ باشد و با خواندن این اذکار حقیقت آن در وجود انسان تجسم یابد و متخلّق به آن گردد. البته بعضی از آنها اولویّت دارد مانند نماز جمعه، که حتی المقدور ترک نشود.



فصل دهم زیارات ایام هفته

مقدمه:

«سید بن طاووس» رحمته الله علیه در کتاب «جمال الأسبوع» می نویسد، مرحوم «صدوق» روایتی نقل می کند که خلاصه اش چنین است:

در زمانی که حضرت امام هادی علیه السلام در «سامرا» تحت نظر و مراقبت شدید مأموران متوکل عباسی قرار داشتند، یکی از یارانش با استفاده از اعتقادات ولایی یکی از مأموران، به خدمتش شرفیاب می شود و از جمله سؤالاتی که می کند، سؤال از تفسیر این حدیث است که از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

«لَا تُعَادُوا الْأَيَّامَ فَتُعَادِ بِكُمْ؛ با روزها دشمنی نکنید که آنها نیز با شما دشمنی می کنند». فرمود: آری مراد از ایام (روزها) ما هستیم مادامی که آسمانها و زمین برپاست. پس شنبه نام رسول الله صلی الله علیه و آله است، یکشنبه نام امیر مؤمنان علیه السلام و دوشنبه نام حسن و حسین علیهما السلام و سه شنبه نام علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهما السلام و چهارشنبه نام موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و من (علی بن محمد علیهما السلام) و پنج شنبه نام فرزندم حسن علیه السلام و جمعه نام فرزند فرزندم (حجّه بن الحسن علیه السلام) است، کسی که طرفداران حق، سرانجام گرد او جمع می شوند. سپس فرمود: این است معنای ایام، پس با آنها در دنیا دشمنی مکنید که آنها در آخرت با شما دشمنی می کنند، آنگاه فرمود: خداحافظی کن و از خانه خارج شو که بر تو ایمن نیستم.^۱

آنگاه «سید بن طاووس» این روایت را به سند دیگری از «قطب راوندی» نقل می کند،^۲ سپس برای هر یک از آن بزرگواران در روز مخصوص خودش زیارتی نقل می کند به این ترتیب:

زیارت پیامبر ﷺ در روز شنبه:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُهُ، وَأَنَّكَ

گواهی دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست که شریکی ندارد و گواهی دهم که تو پیامبر او هستی و تویی

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَنَصَحْتَ
 لَأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَدَيْتَ

محمد بن عبدالله و گواهی دهم که تو رسالتهای پروردگارت را ابلاغ کردی و برای امت خیرخواهی

نمودی و در راه خدا از راه حکمت و اندرز نیکو، جهاد (وکوشش) کردی و آنچه را که

الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَأَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ، وَغَلُظْتَ عَلَى
 الْكَافِرِينَ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَشْرَفَ

از حق بر عهده تو بود ادا کردی و برستی تو نسبت به مؤمنان مهربانی کردی و بر کافران

سخت گرفتی و خدا را با اخلاص پرستش کردی تا یقین (یعنی مرگ) بسرعت آمد پس خداوند تو را به شریفترین

مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَدْنَا بِكَ مِنَ الشَّرِكِ وَالضَّلَالِ،

مقام گرامیان رسانید ستایش خاص خدایی است که ما را بوسیله تو از شرک و گمراهی نجات داد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ،

خدایا درود فرست بر محمد و آلش و قرار ده درودهای خود و درودهای فرشتگانت

وَأَنْبِيَائِكَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ،

و پیامبران و رسولان و بندگان شایستهات و اهل آسمانها و زمینها

وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، عَلَى مُحَمَّدٍ

و هرکه برای تو تسبیح کند ای پروردگار جهانیان از پیشینیان و پسینیان همه را برای محمد

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ، وَنَجِيبِكَ وَحَبِيبِكَ، وَصَفِيكَ

بندهات و فرستاده و پیامبرت و امین و حیت و برگزیده و حبیب و صفی

وَصَفْوَتِكَ، وَخَاصَّتِكَ وَخَالِصَتِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ

و پاکیزه و خاص درگاه و خالصت و انتخاب شده از خلقت و به او عطا کن برتری

وَالْفُضِيلَةَ، وَالْوَسِيلَةَ وَالدرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغِيبُهُ

و فضیلت و وسیله و درجه بلند و برآور او را به مقام پسندیده‌ای که

بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ

اولین و آخرین به مقام غیبه خوردند خدایا خودت (در قرآن) گفتی «و اگر ایشان در آن دم که بر خویش ستم کردند

جَاءُوكَ، فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ، لَوْ جَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً.

پیش تو آمده و از خدا آمرزش خواسته و پیغمبر برای آنها آمرزش خواسته بود حتماً خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند».

إِلَهِي فَقَدْ أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَعْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

خدایا من اکنون به نزد پیغمبرت آمده و آموزش خواه و توبه کننده از گناهام هستم پس درود فرست بر محمد و آلش

وَ اغْفِرْ هَالِي، يَا سَيِّدَنَا اتَّوَجَّهُ بِكَ وَبَاهِلِ بَيْتِكَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى رَبِّكَ وَرَبِّي

و گناهام را ببخش ای آقای ما (ای رسول خدا) بوسیله تو و اهل بیت بسوی خدای تعالی پروردگار تو و پروردگار خودم

لِيَغْفِرَ لِي * سَبَسِ سَهْ بَارِ بَكُو: اَنَا لِلَّهِ وَاَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * سَبَسِ بَكُو: أَصْبُنَا بِكَ يَا

رو می آورم تا مرا ببامزد * سبسی سه بار بگو: انا لله وانا اليه راجعون * سبسی بگو: اصبنا بك يا

حَبِيبَ قُلُوبِنَا، فَمَا أَعْظَمَ الْمُصِيبَةَ بِكَ حَيْثُ انْقَطَعَ عَنَّا الْوَحْيُ، وَ حَيْثُ

محبوب دلهای ما و راستی چه اندازه بزرگ است مصیبت تو که بدان جهت وحی از ما منقطع گشته و مبتلا

فَقَدْ نَاكَ، فَإِنَّا لِلَّهِ وَاِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، يَا سَيِّدَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، صَلَوَاتُ

به فقدان تو شدیم پس ما هم از آن خداییم و مسلماً بسویش باز می گردیم ای آقای ما ای رسول خدا درود

اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ، هَذَا يَوْمُ السَّبْتِ وَهُوَ يَوْمُكَ، وَاَنَا

خدا بر تو و بر خاندان طاهریت باد امروز روز شنبه است و آن روز توست و من

فِيهِ ضَيْفُكَ وَجَارُكَ، فَأَضِفْنِي وَأَجِرْنِي، فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضِّيَافَةَ،

در این روز مهمان تو و پناهنده به توام پس مرا پذیرایی کن و پناهم ده که همانا تو بزرگواری و مهمان نوازی را دوست داری

وَمَا مَؤْرٌ بِالْإِجَارَةِ، فَأَضِفْنِي وَأَحْسِنْ ضِيَافَتِي، وَأَجِرْنَا وَأَحْسِنْ

و مأمور به پناه دادن هستی پس پذیرایم کن و نیکو پذیرایم کن و پناهم ده و نیکو

إِجَارَتَنَا، بِمَنْزِلَةِ اللَّهِ عِنْدَكَ وَعِنْدَ آلِ بَيْتِكَ، وَبِمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَهُ، وَبِمَا

پناهم ده به حق مقام و منزلت خدا در نزد تو و نزد خاندان و به حق مقام و منزلت ایشان در پیش خدا و به حق آن علمی که

أَسْتَوْدَعُكُمْ مِنْ عِلْمِهِ، فَإِنَّهُ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ. ۱

خدا به ودیعت در نزد شما نهاده که همانا او کریمترین کریمان است.

یادآوری:

همان گونه که مرحوم محدث قمی گفته است، ممکن است قبل از این زیارت، زیارت کوتاه دیگری که

ابن ابی نصر بزنطی به سند صحیح از امام رضا علیه السلام نقل کرده، خوانده شود. او می گوید محضر امام رضا علیه السلام

رسیدم و عرض کردم بعد از نماز چگونه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سلام و صلوات بفرستیم، فرمود می گویی:

۱. جمال الاسبوع، صفحه ۲۹ و بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۱۱ (با اندکی تفاوت).

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای رسول خدا و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو ای

مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ،

محمد بن عبدالله سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو ای حبیب خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ

سلام بر تو ای انتخاب شده خدا سلام بر تو ای امین (وحي) خدا گواهی دهم که تو پیامبر

اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ،

خدایی و گواهی دهم که تویی محمد بن عبدالله و گواهی دهم که براسستی تو برای امتت خیرخواهی کردی

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَعَبَدْتَهُ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ يَا

و در راه پروردگارت جهاد کردی و او را پرستش کردی تا یقین (یعنی مرگ) بسرایت آمد پس پاداشت دهد خدا ای

رَسُولَ اللَّهِ، أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

رسول خدا بهترین پاداشی که از طرف امتی به پیغمبرشان دهد خدایا درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ.^۱

محمد بهترین درودی که بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی که همانا تو بسیار ستوده و بزرگواری.

زیارت امیرمؤمنان علی عليه السلام در روز یکشنبه:

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَالِدَوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضِيئَةِ، الْمَثْمِرَةِ

سلام بر درخت طیبه نبوت و کهن درخت تومند هاشمی که درختی است تابان و بارور

بِالنُّبُوَّةِ، الْمُونِقَةِ بِالْإِمَامَةِ، وَعَلَى ضَجِيعِكَ آدَمَ وَنُوحَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،

به نبوت و سرسبز و خرم به امامت و پر دو آرمیده در کنار آدم و نوح علیهما السلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى

سلام بر تو و بر خاندان پاک و پاکیزهات سلام بر تو و بر

الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ، وَالْحَافِينَ بِقَبْرِكَ، يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،

فرشتگانی که تو را در برگرفته و اطراف قبرت را گرفته‌اند ای مولای من ای امیرمؤمنان

هَذَا يَوْمُ الْأَحَدِ وَهُوَ يَوْمُكَ وَبِاسْمِكَ، وَأَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَجَارُكَ، فَأَضْفِنِي

امروز روز یکشنبه است و آن روز تو و بنام توست و من در این روز مهمان تو و در پناه توام پس ای

يَا مَوْلَايَ وَاجْرِنِي، فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضِّيَافَةَ، وَمَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ،

مولای من پذیرایم کن و پناهم ده که براستی تو کریمی و مهمان‌نوازی را دوست داری و مأمور به پناه دادن

فَفَاعِلٌ مَا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ، وَرَجَوْتُهُ مِنْكَ، بِمَنْزِلَتِكَ وَ آلِ بَيْتِكَ عِنْدَ اللَّهِ،

پس انجام ده آنچه را که من میل بدان دارم و از تو امیدوارم به حق مقام و منزلت تو و خاندانت نزد خدا

وَمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ، وَبِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ،

و منزلت او در نزد شما و به حق پسر عمویت رسول خدا درود و سلام خدا بر او و آتش

وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. ۱

و بر همه آنها باد.

یادآوری:

در این جا مناسب است به دو زیارت مربوط به حضرت زهرا، صدیقه کبری علیها السلام که به دو روایت نقل شده نیز اشاره شود؛ زیرا اگرچه روز یکشنبه به نام آن حضرت ذکر نشده، لکن شایسته است پس از زیارت امیرمؤمنان علیها السلام، زیارت آن حضرت نیز خوانده شود:

زیارت اول صدیقه کبری علیها السلام:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُتَّحِنَةً، اِمْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ، فَوَجَدَكَ لِمَا اِمْتَحَنَكَ

سلام بر تو ای آزمایش شده، آزمودت آن خدایی که تو را آفرید پس تو را در آنچه آزمود

صَابِرَةً، أَنَا لِكَ مُصَدِّقٌ، صَابِرٌ عَلَىٰ مَا أَتَىٰ بِهِ أَبُوكَ وَوَصِيَّهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ

بردار یافت و من مقام شامت را تصدیق دارم و بر آنچه پدیرت و همچنین وصی او - که درود خدا بر ایشان باد -

عَلَيْهِمَا، وَأَنَا أَسْأَلُكَ إِنْ كُنْتُ صَدَقْتُكَ إِلَّا الْحَقَّتْنِي بِتَصَدِّقِي لَهُمَا لِتَسْرٍ

آورده‌اند صابرم و از تو می‌خواهم که اگر تو را تصدیق کرده‌ام تصدیق مرا به آن دو نیز برسانی تا دلم را شاد

نَفْسِي، فَاشْهَدِي أَنِّي ظَاهِرٌ بِوِلَايَتِكَ، وَوِلَايَةِ آلِ بَيْتِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ

گردانی و گواه باش که من پشت‌گرم به ولایت تو و ولایت خاندانت صلوات الله

عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ^۱

علیهم اجمعین هستیم.

زیارت دوم صدیقه کبری علیها السلام:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُتَحَنَّةٌ، اِمْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ، وَكُنْتَ

سلام بر تو ای آزمایش شده آن کس که تو را آفرید پیش از آنکه تو را خلق کند آزمودت و تو

لَمَّا اِمْتَحَنَكَ بِهِ صَابِرَةً، وَنَحْنُ لَكَ اَوْلِيَاءُ مُصَدِّقُونَ، وَ لِكُلِّ مَا اَتَى بِهِ

در آن آزمایش بردبار و شکیبا بودی و ما دوستان تو و تصدیق کنندگان شماییم و در برابر هر چه

اَبُوكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَ اَتَى بِهِ وَصِيَّةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُسَلِّمُونَ،

پدرت (صلی الله علیه و آله و سلم)، و وصیش (علیه السلام) آورده‌اند تسلیم هستیم

وَ نَحْنُ نَسْأَلُكَ اللهُ اِذْ كُنَّا مُصَدِّقِينَ لَهُمْ، اَنْ تُلْحِقَنَا بِتَصَدِّقِنَا بِالذَّرَجَةِ

و ای خدا ما از تو می‌خواهیم همچنانکه ما تصدیق کننده این بزرگان هستیم تو هم ما را بخاطر همین تصدیقمان به درجه

الْعَالِيَةِ، لِنُبَشِّرَ اَنْفُسَنَا بِاَنَا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِهِمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ^۲

عالیه‌ای برسانی تا ما خود را مزده دهیم که بخاطر دوستی و ولایت این خانواده علیهم‌السلام پاک شدیم.

زیارت امام حسن و امام حسین علیهما السلام در روز دوشنبه:ابتدا خطابش را متوجه امام حسن مجتبی علیه السلام کند و بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

سلام بر تو ای فرزند پیامبر (خدا) پروردگار جهانیان سلام بر تو ای فرزند

اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

امیرمؤمنان سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا سلام بر تو ای

حَبِيبِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِينَ اللهِ، السَّلَامُ

حبیب خدا سلام بر تو ای برگزیده خاص خدا سلام بر تو ای امین (وحی) خدا سلام

۱. جمال الاسبوع، صفحه ۳۱ و بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۱۲ (با اندکی تفاوت).

۲. جمال الاسبوع، صفحه ۳۲. این زیارت را علامه مجلسی با مختصری تفاوت در بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۹۴ از امام باقر علیه السلام نقل

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِرَاطَ اللَّهِ،

بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای نور خدا سلام بر تو ای راه (مستقیم) خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَيَانَ حُكْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای بیان (کننده) حکم خدا سلام بر تو ای یاور دین خدا سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَرُّ الْوَفِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای آقای پاک (و منزّه از هر عیب) سلام بر تو ای نیکوکردار وفادار سلام بر تو

أَيُّهَا الْقَائِمُ الْأَمِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ بِالتَّوْبِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

ای قیامکننده (به امر خدا) و امین سلام بر تو ای دانای به تاویل (قرآن) سلام بر تو ای

الْهَادِي الْمَهْدِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

راهنمای راه یافته سلام بر تو ای پاکیزه منزّه سلام بر تو ای

التَّقِيُّ النَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْحَقِيقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ

پرهیزکار پاکدامن سلام بر تو ای حق سزاوار بدان سلام بر تو ای شهید

الصِّدِّيقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ ۱

راست گفتار سلام بر تو ای ابا محمد حسن بن علی و رحمت خدا و برکات او.

سپس امام حسین علیه السلام را مخاطب سازد و بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ،

سلام بر تو ای فرزند بانوی زنان جهانیان گواهی دهم که تو براسستی نماز را برپا داشتی

وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ

و زکات دادی و امر به معروف کردی و نهی کردی از منکر (و کارهای زشت) و خدای را از روی اخلاص

مُخْلِصاً، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ، فَعَلَيْكَ السَّلَامُ

پرستش کردی و در راه خدا آن طور که باید و شاید جهاد کردی تا یقین (یعنی مرگ) به سراغت آمد پس بر تو باد سلام

مِنِّي مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، أَنَا

من تا من زنده‌ام و شب روز بر پاست و بر خاندان پاکیزه و پاکت باد و من

لَا عُدَايَ كُمْ، مُوَالٍ لِأَوْلِيَائِكُمْ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، اللَّهُمَّ

با دشمنانتان دوستم با دوستانتان پدر و مادرم به فدایتان درود خدا بر شما خدایا

إِنِّي اتَّوَالِي آخِرَهُمْ كَمَا تَوَالَيْتُ أَوْلَهُمْ، وَابْرَأُ مِنْ كُلِّ وَليجَةٍ دُونَهُمْ،

من دوست دارم آخرین ایشان را چنانچه دوست دارم نخستین آنها را و بیزارى جویم از هر همدم باطل غیر از ایشان و

وَ أَكْفُرُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللّاتِ وَ العُزَى، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ يَا

به جبت و طاغوت (مدعیان دروغین مقام ایشان) و لات و عزی کافرم درود خدا بر شما ای

مَوَالِي وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْعَابِدِينَ، وَ سَلَاةٌ

سروران من و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو ای بزرگ عابدان و نژاد پاک

الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَاقِرَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَادِقًا

اوصیا سلام بر تو ای شکافنده علم پیامبران سلام بر تو ای راستگوی

مُصَدِّقًا فِي الْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ، يَا مَوَالِي هَذَا يَوْمُكُمْ وَ هُوَ يَوْمُ الثَّلَاثَاءِ، وَ أَنَا

تصدیق شده در گفتار و کردار ای سروران من امروز که روز سه شنبه است روز شماس و من

فِيهِ ضَيْفٌ لَكُمْ وَ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، فَاصْطَفُونِي وَ اجْبِرُونِي بِمَنْزِلَةِ اللَّهِ

در این روز مهمان شمایم و پناه جوی به شمایم پس از من پذیرایی کنید و پناهم دهید بدان مقامی که خدا

عِنْدَكُمْ، وَ آلِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ^۱.

در نزد شما و خاندان پاک و پاکیزه شما دارد.

زیارت امام موسی کاظم، امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام در روز چهارشنبه:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَجَ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر شما ای دوستان خدا سلام بر شما ای حجت‌های خدا سلام

عَلَيْكُمْ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ

بر شما ای نور(های) خدا در تاریکیهای زمین سلام بر شما و درود خدا

عَلَيْكُمْ وَعَلَى آلِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي، لَقَدْ عَبْدتُمْ

بر شما و بر خاندان پاک و پاکیزه‌تان باد پدرم و و مادرم به فدای شما که براستی شما

اللَّهُ مُخْلِصِينَ، وَجَاهِدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّىٰ آتَيْكُمْ الْيَقِينَ، فَلَعَنَ

خدای را از روی اخلاص پرستش کردید و آن طور که باید و شاید در راه خدا جهاد کردید تا مرگ به سراغ شما آمد پس

اللَّهُ أَعْدَاءَكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَالْيَوْمِ مِنْهُمْ،

خدا لعنت کند همه دشمنانتان را از جن و انس و من به سوی خدا و شما از ایشان بیزار می‌جویم

يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا إِبْرَاهِيمَ مُوسَىٰ بَنَ جَعْفَرٍ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ

ای سرور من ای ابا ابراهیم - موسی بن جعفر - و ای مولای من ای ابالحسن - علی بن

مُوسَىٰ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ

موسی - و ای آقای من ای ابا جعفر - محمد بن علی - و ای مولای من ای ابالحسن

عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، أَنَا مَوْلَىٰ لَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَجَهْرِكُمْ، مُتَضَيِّفٌ بِكُمْ فِي

- علی بن محمد - من دوست شمایم ایمان به راز نهان و امر آشکار شما دارم و خود را در این روز

يَوْمِكُمْ هَذَا، وَهُوَ يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ، وَمُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، فَأَضِيفُونِي وَاجْبِرُونِي

که روز چهارشنبه است به مهمانی شما خوانده‌ام و به شما پناه آورده‌ام پس از من پذیرایی کنید و پناهم دهید

بِأَلِّ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. ۱

به حق خاندان پاک و پاکیزه‌تان.

زیارت امام حسن عسکری علیه السلام در روز پنج‌شنبه:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَخَالِصَتَهُ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای ولی خدا سلام بر تو ای حجت خدا و بنده خدا و بنده خالص او سلام

عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثَ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، صَلَّى

بر تو ای پیشوای مؤمنان و وارث فرستادگان (خدا) و حجت پروردگار جهانیان درود

اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ

خدا بر تو و بر خاندان پاک و پاکیزه‌ات ای سرور من ای ابا محمد

الْحَسَنِ بْنَ عَلِيٍّ، أَنَا مَوْلَىٰ لَكَ وَلِأَلِّ بَيْتِكَ، وَهَذَا يَوْمُكَ وَهُوَ يَوْمٌ

- حسن بن علی - من دوست شما و خاندانت هستم و امروز که روز پنجشنبه است

الْخَمِيسِ، وَأَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ، وَمُسْتَجِيرٌ بِكَ فِيهِ، فَأَحْسِنُ ضِيَاغَتِي

روز شمس است و من در این روز میهمان شمایم و پناهنده به شمایم پس نیکو از من پذیرایی کن

وَأَجَارَتِي، بِحَقِّ آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ^۱.

و به خوبی پناهم ده به حق خاندان پاک و پاکیزه‌ات.

زیارت حضرت مهدی، امام زمان علیه السلام در روز جمعه:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ،

سلام بر تو ای حجت خدا در روی زمین سلام بر تو ای دیده‌بان (یا دیده) خدا در میان خلق

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ، وَيُفْرَجُ بِهِ عَنِ

سلام بر تو ای نور خدا که راهجویان بدان راهنمایی شوند و به وسیله او از کار

الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ

مؤمنان گشایش شود سلام بر تو ای پاک پروریده ترسان (از دشمن) سلام بر تو ای سرپرست

النَّاصِحِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النِّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ،

خبرخواه سلام بر تو ای کشتی نجات سلام بر تو ای چشمه حیات

السَّلَامُ عَلَيْكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ،

سلام بر تو باد درود خدا بر تو و بر خاندان پاک و پاکیزه‌ات باد

السَّلَامُ عَلَيْكَ، عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَظُهُورِ الْأَمْرِ،

سلام بر تو خدا شتاب کند در وعده یاری تو و پیروزی کارت

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، أَنَا مَوْلَاكَ عَارِفٌ بِأَوْلِيكَ وَأَخْرِيكَ، أَتَقَرَّبُ

سلام بر تو ای سرور من، و من دوست تو و بنیای به آغاز و انجام کارت هستم و به سوی

إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ وَبِآلِ بَيْتِكَ، وَأَنْتَ تَرْجُو ظُهُورَكَ وَظُهُورَ الْحَقِّ عَلَى يَدَيْكَ،

خدای تعالی بوسیله تو و خاندانت تقرب جویم و منتظر ظهور تو و پیروزی حق بدست تو هستم

وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مِنَ

و از خدا می‌خواهم که درود فرستد بر محمد و آل محمد و مرا در زمره

الْمُنْتَظِرِينَ لَكَ، وَالتَّابِعِينَ وَالنَّاصِرِينَ لَكَ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَالْمُسْتَشْهَدِينَ

منتظران و پیروان تو قرار دهد و در زمرهٔ یاوران تو در برابر دشمنان و کسانی که

بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَائِكَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ

در پیش رویت در میان دوستان شریک شهادت می‌نوشند ای مولای من ای صاحب الزمان درود خدا

عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ، هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ، وَهُوَ يَوْمُكَ الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ

بر تو و بر خاندانت، امروز روز جمعه است و آن روز توست که انتظار ظهور تو در آن

ظُهُورِكَ، وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ، وَقَتْلُ الْكَافِرِينَ بِسَيْفِكَ،

روز و انتظار فرج مؤمنان بدست تو و کشتار کافران بوسیلهٔ شمشیر تو در این روز می‌رود

وَأَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَجَارُكَ، وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ

و من ای آقای من در این روز میهمان تو و پناهنده هستم و تو ای سرور من بزرگواری از فرزندان

الْكَرَامِ، وَمَا مَوْرٌ بِالضِّيَافَةِ وَالْإِجَارَةِ، فَاصْفِنِي وَاجْرِنِي، صَلَوَاتُ اللَّهِ

بزرگواران هستی و به میهمان نوازی و پناه دادن مأموری پس مرا بنواز و پناهم ده درود خدا

عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.^۱

بر تو و بر خاندان طاهرینت باد.

یادآوری:

روشن است که توجّه به رسول الله ﷺ و سایر معصومین علیهم السلام در ایام هفته، روح ولایت و عشق به آن بزرگواران را در انسان زنده نگه می‌دارد، و او را به تأسی و اقتدای به آن پیشوایان معصوم علیهم السلام وامی‌دارد، و از شرّ شیاطین و مفسدان و هوای نفس حفظ می‌کند. خوشا به حال آنها که هر روز را با یاد یکی از موالی خود سپری می‌کنند، و در ایمان و عمل و اخلاق به آنها اقتدا می‌جویند.



بخش هشتم

آداب، مقدمات و تعقیبات نماز



- نماز وسیله پرواز به عالم ملکوت
- لسفۀ آداب و تعقیبات نماز
- صل اول: مقدمات و آداب نماز
 - مقدمات و آداب مشترک
 - مقدمات و آداب مخصوص هر نماز
- صل دوم: تعقیبات نماز
 - تعقیبات مشترک
 - تعقیبات مخصوص هر نماز
- صل سوم: سجده شکر

آداب مقدمات و تعقیبات نماز

مقدمه: نماز وسیله پرواز به عالم ملکوت!

اگر روح انسان، خدایی و از دیار ملکوت است، چنانکه خداوند سبحان پس از آفرینش جسم او فرمود: «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي؛ از روح خودم [روحي که به من ارتباط دارد و متعلق به من است] در او دمیدم»^۱ و اگر وجود انسان غیر از جسم خاکی، جانی دارد که قدسی و از عالم بالاست و بلکه همو، حقیقت انسان را تشکیل می‌دهد، باید پذیرفت که:

۱- همان‌گونه که جسم انسان نیاز به منزل و مسکنی دارد که اسباب سکون و آرامش اعضا و جوارحش در آن فراهم گردد، و با استراحت در آن، نشاط و شادابی خود را پیوسته حفظ کند، روح انسان نیز نیازمند منزل و مأوایی است، تا با آرام گرفتن در آن، غبار خستگی و تیرگی را که از تعلقات مادی بر چهره‌اش نشسته، از خویش بزدايد و نشاط و شادابی ملکوتی نخستین خویش را، به دست آورد.

۲- همان‌گونه که جسم انسان علاوه بر آرامش، نیازمند به غذایی است که انرژی‌های از دست‌رفته‌اش را برگرداند و کاستی‌هایش را جبران نماید، جان او نیز نیاز به غذایی معنوی و ملکوتی دارد، تا با جذب آن، قوت و توان از دست داده را، به دست آورد.

۳- اگر جسم انسان، هر چند ساعتی، نیاز به آبی دارد که خود را با آن شستشو دهد و چرک و آلودگی را از بدن، دست و پا و صورتش دور نماید، روح آدمی نیز به شستشو نیازمند است که آلودگی گناه را با آن، از خود بزدايد.

۴- همان‌گونه که جسم انسان، به مونس و محبوبی محتاج است که به او عشق ورزد، و با ملاقات با او آرام گیرد، دردهای دلش را نجوا کند، روح ملکوتی انسان نیز، محبوب و انیسی می‌خواهد که با او انس

گیرد و به زُوح و ریحان برسد.

۵- اگر جسم انسان سری دارد که مرکز فرماندهی و اداره بدن، و به منزله عمود خیمه بدن است و بی آن، لحظه‌ای نمی‌تواند به حیاتش ادامه دهد، دین انسان مؤمن نیز، از سری برخوردار است که با اتصال به آن، به حیاتش استمرار می‌بخشد و عمودی دارد که به وسیله آن، خیمه دینش برپا می‌شود. آری! اگر بخواهی به همه اینها برسی:

باید نماز را وسیله پرواز خود به عالم بالا قرار دهی و نردبانی برای عروج به آسمانهای فضیلت و قرب به خدا بشمری، که فرمودند: «الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ»^۱.

باید غذای روح خود را نیایش و نماز و دعا قرار دهی، تا قوت و قدرت از دست رفته را بدان بازگردانی، که در حدیث آمده است: «نماز برای اهل عبادت از غذا برای گرسنگان و آب برای تشنگان لذیذتر و گوارتر است»^۲.

و باید روح خود را در این نهر زلال نماز، هر شبانه‌روز پنج نوبت شستشو دهی، تا هرگونه گرد و غبار معاصی و غفلت را از آن بزدایی؛ همان گونه که در حدیث رسول اکرم ﷺ آمده است که به علی علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند! که نمازهای پنج‌گانه برای امت من چنین است (مانند نهری است که تمام آلودگی‌ها را می‌شوید)»^۳.

و باید برای تولدی دیگر به سراغ نماز بروی که رسول معظم اسلام ﷺ فرمود: «اگر بنده‌ای با حضور قلب به نماز ایستد، هنگامی که نماز را به پایان می‌برد، گویی تازه از مادر متولد شده و گذشته او بخشوده خواهد شد»^۴.

و اگر انیس و مونس خواهی که دیدار آن مایه روشنی چشم تو گردد، به نماز برخیز که رسول اکرم ﷺ فرمود: «و قَرَّةٌ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ؛ نور چشمانم نماز است»^۵.

و اگر می‌خواهی عمود خیمه دین تو، همیشه برپا باشد، و از هرگونه آسیب معنوی و روحانی در امان بمانی، به سراغ نماز برو! که پیشوایان ما فرمودند: «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ»^۶.

و بالاخره در این دنیای پرغوغا و پر از هیاهوی مادی و مملو از اسباب اندوه و نگرانی، اگر می‌خواهی

۱. این جمله را به عنوان روایت در جوامع روایی نیافتیم، بلکه آنچه به عنوان روایت آمده است، جمله «الصلاة قربان كل تقى» (کافی، جلد ۳، صفحه ۲۶۵، حدیث ۶) و جمله «ان الصلاة قربان المؤمن» است (کنز العمال، جلد ۷، صفحه ۲۸۷، حدیث ۱۸۹۰۷) که تقریباً همان معنا را می‌رساند، ولی جمله‌ای که در متن آمده، بقدری معروف است که مرحوم علامه مجلسی، در لابه‌لای بیاناتش به آن استشهاد می‌کند (بحارالانوار، ج ۷۹، صفحه ۲۴۸ و ۳۰۳ و جلد ۸۱، صفحه ۲۵۵). ۲. مکارم الاخلاق، صفحه ۴۶۱.

۳. مجمع البیان، جلد ۵، صفحه ۳۴۶ و بحارالانوار، جلد ۷۹، صفحه ۲۲۰، حدیث ۴۱.

۴. بحارالانوار، جلد ۷۹، صفحه ۲۲۰، حدیث ۴۱. ۵. مکارم الاخلاق، صفحه ۴۶۱.

۶. امالی طوسی، صفحه ۲۹، ۵.

شادابی روح را حفظ کنی و کدورت‌ها را از چهره‌جان بزدايي و با نشاط و سرزنده باشی و در برابر مشکلات زانو نزنی و مانند کوه مقاومت کنی، دست به دامان نماز بزنی که طبق روایتی از امام صادق علیه السلام هرگاه برای مولای ما امیر مؤمنان علی علیه السلام، مشکلی پیش می‌آمد، به نماز می‌ایستاد (و سپس حرکت می‌کرد) و آنگاه امام علیه السلام آیه ۴۵ سوره بقره را خواند: «**وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ**»؛ از صبر و نماز کمک بگیرید.^۱ کوتاه سخن این که آثار نماز در تربیت افراد و ارتقای جامعه انسانی بیش از آن است که در وصف گنجد.

خدایا! به آن شهید لب تشنه کنار فرات، که ظهر عاشورا، با بدن آغشته به خون خویش و یارانش، نماز را به پا داشت و مخاطب به خطاب «**أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ**»^۲ گردید، تو را قسم می‌دهیم که ما را نیز از برپا دارندگان حقیقی نماز قرار بده!

خدایا! ما را شیعه آن بانوی «شهیده» ای قرار ده که وقتی در محراب عبادت می‌ایستاد، به گونه‌ای به سوی عالم بالا اوج می‌گرفت که نور جمالش برای فرشتگان آسمان، می‌درخشید، آن گونه که نور ستارگان برای اهل زمین می‌درخشد، و به گونه‌ای حضور قلب داشت که خدای عزوجل خطاب به ملائکه‌اش می‌فرمود: «به کنیزم فاطمه بنگرید که به درگاه من ایستاده و تمام وجودش از خوف من لرزان است و با قلب و جانش به عبادتم روی آورده، گواه باشید پیروانش را از آتش دوزخ، امان داده‌ام».^۳

فلسفه آداب و تعقیبات نماز:

راه یافتن به پیشگاه مولای کریم، توانا و با عظمت؛ گفتگو با حضرت دوست و بهره‌مندی از محضرش و اعلام عشق و وفاداری به وی، نیاز به آماده ساختن مقدمات از سویی، و جبران کاستی‌ها و عذرخواهی از عدم مراعات ادب حضور، از سوی دیگر دارد.

توجه به این امور، فلسفه آداب و مقدمات و تعقیبات نماز را روشن می‌سازد. بنابراین، حکمت این آداب و مقدمات و تعقیبات را می‌توان در چند امر یادآور شد:

۱- چون انسان نمازگزار به پیشگاه محبوبی ارجمند و مولایی کریم می‌رود و با او به راز و نیاز می‌پردازد، برای بهره‌مندی هرچه بیشتر از این فرصت گرانبها، قبل از ورود به نماز، باید خویشتن را با آداب و مقدماتی - که در روایات آمده است - آماده کند، و خود را از هر چیزی که سبب پراکندگی اندیشه و حواس اوست، دور سازد؛ و پاک و آراسته، خوشبو^۴ و مهیبا با شوق به وصال محبوب و خوف از کوتاهیهای خود، در

۱. کافی، جلد ۳، صفحه ۴۸۰، حدیث ۱. ۲. همان مدرک، جلد ۴، صفحه ۵۷۴.

۳. امالی صدوق، صفحه ۱۱۳، حدیث ۲ و بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۷۲، حدیث ۱۳.

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: دو رکعت نمازی که انسان پس از استعمال عطر، به جای آورد از هفتاد رکعت نمازی که بدون استفاده از عطر باشد، بهتر است (مفتاح الفلاح، صفحه ۳۰۲ و بحارالانوار، جلد ۸۱، صفحه ۳۳۰، حدیث ۷).

برابر حضرت حق به نماز ایستد.^۱

۲- ممکن است پس از انجام نماز، بنده نمازگزار، از این محضر عظیم به طور کامل استفاده نکرده باشد، حضور قلب کافی نداشته و انجام فریضه‌اش با کاستی‌هایی همراه بوده، از این رو بجا آوردن نوافل و قرائت برخی از تعقیبات، کاستی‌ها را جبران می‌کند و بنده از تقصیر خویش، به درگاه الهی پوزش می‌طلبد.^۲

۳- برای توفیقی که نصیب او شده که، این عبادت بزرگ را بجای آورده، پس از نماز، سجده شکر بجا می‌آورد و خدا را بر این توفیق عظیم، سپاس می‌گوید.^۳

۴- پس از انجام فریضه، آنگاه که هنوز در محضر الهی است و از نورانیت نماز بهره‌مند است، موقع استجاب دعاست، لذا در آن لحظات نورانی، بنده نیازمند، بهترین خواسته‌ها را از مولای کریمش می‌طلبد و برای معاد و معاش، کرامت و عزت نفس، کفاف و قناعت، رزق حلال و تبری از شیطان و امور مادی و معنوی دیگر و حل مشکلات اجتماعی مردم، خدای را می‌خواند، و برای خود و دیگران دعا می‌کند.^۴

۵- خواندن تعقیباتی که پس از نمازها وارد شده است و توجه به معانی ارزشمند و مفاهیم بلند هر یک از آنها، پس از آن معراج روحانی، تأثیری شگرف و اثری عمیق، بر روح و جان نمازگزار خواهد داشت. در این بخش به چند فصل پرداخته می‌شود:

فصل اول: مقدمات و آداب نماز

فصل دوم: تعقیبات نماز

فصل سوم: سجده شکر

۱. درباره امام حسن علیه السلام آمده است که هرگاه آن حضرت، وضو می‌ساخت، بدنش می‌لرزید و رنگ از رخسارش می‌پرید. (مناقب، جلد ۴، صفحه ۱۴، و بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۳۳۹، حدیث ۱۳).

۲. این مطلب به خوبی از محتوای برخی از تعقیبات به دست می‌آید که در فصل تعقیبات آمده است، همچنین در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است که نوافل، برای رفع کاستی‌های فرائض مؤثر است. (امالی طوسی، صفحه ۶۵۰، حدیث ۱۱ و بحارالانوار، جلد ۷۹، صفحه ۲۹۳، حدیث ۲۴).

۳. این مطلب مضمون روایتی است از امام رضا علیه السلام. (عیون اخبار الرضا، جلد ۱، صفحه ۲۸۱، حدیث ۲۷ و بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۱۹۸، حدیث ۵).

۴. در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ؛ هر کس نماز واجب را ادا کند، دعایی مستجاب نزد خدا دارد» (عیون اخبار الرضا، جلد ۲، صفحه ۲۸، حدیث ۲۲ و بحارالانوار، جلد ۸۲، صفحه ۳۲۱، حدیث ۷).
بدین مضمون چندین روایت وارد شده است؛ در روایت دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «وقتی که بنده نمازگزار، نمازش را به پایان رسانده و از خدا حاجتی نخواهد، خداوند به فرشتگانش می‌گوید: به بنده‌ام نگاه کنید، فریضه‌ام را انجام داد ولی خواسته‌ای از من طلب نکرد، گویا از من بی‌نیاز است...» (بحارالانوار، جلد ۸۲، صفحه ۳۲۵، حدیث ۱۸).

فصل اول مقدمات و آداب نماز

مقدمات و آداب مشترک:

مقصود از آداب مشترک، مقدمات و آدابی است که در هر نماز - بویژه نمازهای واجب یومیّه - انجام آن، برای نمازگزار سفارش شده است. (البته اگر کسی نتواند تمام این آداب را بجا آورد به مقداری که می‌تواند انجام دهد).

آداب وضو:

هنگامی که خواستی وضو بگیری، نخست مسواک می‌کنی که مطابق روایات دهان را خوشبو می‌کند و حافظه را زیاد می‌گرداند و بر حسنات انسان می‌افزاید و مایهٔ خشنودی پروردگار است؛ دو رکعت نماز با مسواک کردن برتر از هفتاد رکعت نماز بی‌مسواک است^۱، و اگر مسواک نباشد کافی است انگشتان را بر دندان بکشد (و ماساژ دهد)^۲، و این دلیل روشنی بر اهمیّت اسلام به مسألهٔ نظافت است. بهتر است به هنگام وضو رو به قبله باشی و چون نگاهت به آب افتاد، این دعا را بخوانی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا. ^۳ وقتی خواستی دستان

ستایش خاص خدایی است که آب را پاک کننده قرار داد و قرارش نداد ناپاک * * * * *

را بشویی بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ

به نام خدا و به ذات خدا خدایا مرا از توبه‌کنندگان قرارم ده و نیز قرارم ده از

الْمُتَطَهِّرِينَ. ^۴ سپس آب تمیز را سه بار در دهان کرده و مضمضه می‌کنی و می‌گویی: اللَّهُمَّ

پاکیزه کنندگان * * * * *

لَقِّنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْقَاكِ وَ أَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ. ^۵ آنگاه سه بار آب تمیز را برای

دلیل قاطعی روز لقایت بر زبانم نه و زبانم را به ذکر خودت باز کن * * * * *

۱. بحارالانوار، جلد ۷۷، صفحه ۳۴۲، حدیث ۲۱.

۲. کافی، جلد ۳، صفحه ۲۳، حدیث ۵.

۳. همان مدرک، صفحه ۷۰، حدیث ۶ و مصباح المتهجد، صفحه ۷.

۴. تهذیب، جلد ۱، صفحه ۷۶، حدیث ۴۱.

۵. مصباح المتهجد، صفحه ۷ و ۸.

استنشاق در بینی می‌کنی و می‌گویی: **اللَّهُمَّ لَا تُحَرِّم عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ، وَاجْعَلْنِي**

 از زمرة کسانی که بوی آن و نسیمش و عطرش را بیود *****

مِمَّنْ يَشْمُ رِيحَهَا وَرَوْحَهَا وَطِبْهَا.^۱ آنگاه نیت وضو کرده، شروع می‌کنی به شستن

از زمرة کسانی که بوی آن و نسیمش و عطرش را بیود *****

صورت برای وضو و می‌گویی: **اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوُجُوهُ، وَلَا**

 سفید گردان رویم را در آن روزی که روها سیاه گردد و

تُسْوَدُ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ فِيهِ الْوُجُوهُ.^۲ پس از آن شروع به شستن دست راست می‌کنی

سیاه نکن رویم را روزی که روها سفید گردد *****

و در آن هنگام می‌گویی: **اللَّهُمَّ اعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي، وَالْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ**

 خدا یا نامه عملم را بدست راستم ده و رقعہ جاوید در بهشت را

بِيسَارِي، وَحَاسِبِنِي حِسَابًا يَسِيرًا.^۳ آنگاه دست چپ را می‌شویی و می‌گویی: **اللَّهُمَّ**

بدست چپم و حسابم را به آسانی برس *****
 خدا یا

لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي، وَلَا مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي، وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَى

مده نامه عملم را بدست چپم و نه پشت سرم و قرارش مده بسته به

عُنُقِي، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مَقْطَعَاتِ النَّيِّرَانِ.^۴ در مرحله بعد با رطوبت دست راست، قسمت

گردنم و پناه برم به تو از پاره‌های (سوزان) آتش *****

جلوی سر را مسح می‌کنی و می‌گویی: **اللَّهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَاعْفُوكَ.**^۵ در

 خدا یا بپوشان مرا به رحمت و برکات خود و آمرزشت *

پایان نیز دو پا را مسح می‌کنی و می‌گویی: **اللَّهُمَّ تَبَثِّنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ**

 خدا یا مرا بر صراط ثابت بدار در آن روزی که

الْأَقْدَامُ، وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.^۶ هنگامی

قدمها بلغزد و کوششم را در کاری که تو را خشنود کند قرار ده ای صاحب بزرگواری و کرامت *****

۱. تهذیب، جلد ۱، صفحه ۵۳، حدیث ۲ (استحباب سه بار در مصباح المتهجد، صفحه ۸ آمده است).

۲. همان مدرک.

۳. همان مدرک.

۴. جامع الاخبار، صفحه ۶۴ و بحار الانوار، جلد ۷۷، صفحه ۳۱۹، حدیث ۱۲.

۵. کافی، جلد ۳، صفحه ۷۱، حدیث ۶.

۶. فقیه، جلد ۱، صفحه ۴۳، حدیث ۸۴.

که وضو به پایان رسید می‌گویی: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَمَامَ الْوُضُوءِ، وَ تَمَامَ الصَّلَاةِ،**

***** از تو می‌خواهم درستی و کمال وضو و کمال نماز

وَتَمَامَ رِضْوَانِكَ وَالْجَنَّةِ.^۱ و همچنین می‌گویی: **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.** و نیز سوره

و کمال خشنودی تو و بهشت را ***** ستایش خاص خدایی است که پروردگار جهانیان است *****

قدر را می‌خوانی،^۲ و پس از آن عطر و بوی خوش استعمال می‌کنی.

آداب ورود به مسجد برای نماز:

۱- پس از وضو اگر می‌توانی به مسجد برو، هنگامی که به سمت مسجد حرکت می‌کنی با حالت سکینه و وقار حرکت کن، و آنگاه که از خانه برای رفتن به مسجد خارج می‌شوی می‌گویی:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ، وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ، وَإِذَا

به نام آن خدایی که مرا آفرید و سپس راهنمایی کرد و آن کس که غذایم دهد و آیم نوشاند و هرگاه

مَرَضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ، وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ، وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي

بیمار شوم او شفایم دهد و آن‌که بمراندم و باززندهام کند و آن‌که طمع دارم بپامزد

خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ، رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ، وَاجْعَلْ لِي

خطایم را در روز رستاخیز پروردگارا مرا فرزاندگی بخش و به شایستگان ملحقم کن و خوش نامم گردان

لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ، وَاعْفِرْ لِأَبِي.^۳

در نزد آیندگان و از وارثان بهشت پر نعمتم گردان و پدرم را بپامرز.

۲- وقتی که خواستی داخل مسجد شوی، نخست ته کفش خود را واری کن تا آلودگی در آن نباشد، آنگاه نخست پای راست را مقدم می‌داری و در آن هنگام می‌خوانی: **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَمِنَ اللَّهِ**

وَ إِلَى اللَّهِ، وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ كُلُّهَا لِلَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا

و بسوی خدا و بهترین همه نامها از آن خدا توکل کردم بر خدا و جنبش و نیرویی نیست مگر

۱. فقیه، جلد ۱، صفحه ۵۱، حدیث ۱۰۷ و بحار الانوار، جلد ۷۷، صفحه ۳۱۷ (با اندکی تفاوت).

۲. مصباح کفعمی، صفحه ۱۱.

۳. عدة الداعی، صفحه ۳۰۱ و بحار الانوار، جلد ۸۱، صفحه ۲۰، حدیث ۶.

بِاللَّهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَفْتَحْ لِيْ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَتَوْبَتِكَ،

بخدا، خدایا درود فرست بر محمد و آلش و درهای رحمت و توبهات را بسویم باز کن

وَاعْلِقْ عَنِّيْ اَبْوَابَ مَعْصِيَّتِكَ، وَاَجْعَلْنِيْ مِنْ زُوَّارِكَ وَعُمَّارِ مَسَاجِدِكَ،

و درهای نافرمانیت برویم ببند و مرا در زمرة زائران و آبادکنندگان مساجد قرارم ده

وَمِمَّنْ يُنَاجِيكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَمِنَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ،

و از کسانی که در شب و روز با تو به راز و نیازند و از کسانی که در نماز ترسانند

وَادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ، وَجُنُودَ اِبْلِيسَ اَجْمَعِينَ.^۱

و دور گردان از من شیطان رانده و سپاهیان او را به تمامی.

آداب و مقدمات بجا آوردن نماز:

نخست برای نماز، اذان و اقامه می‌گویی، البته میان اذان و اقامه به سجده‌ای و یا نشستنی، فاصله می‌اندازی و این دعا را در این میان می‌خوانی:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِيْ بَارًّا، وَعَيْشِيْ قَارًّا، وَرِزْقِيْ دَارًّا، وَاَجْعَلْ لِيْ عِنْدَ

خدایا دلم را نیک خواه و زندگانیم را بر قرار و روزیم را ریزان کن و برایم در کنار

قَبْرِ رَسُوْلِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُسْتَقْرًّا وَقَرَارًا^۲ *

قبر رسول خود صلی الله علیه و آله منزلگاه و جایگاهی قرار ده

و هرچه بخواهی در این وقت دعا می‌کنی و از خداوند حاجت می‌طلبی؛ زیرا در حدیث آمده است که میان اذان و اقامه، دعا رد نمی‌شود،^۳ و بعد از اقامه می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَ مَرْضَاتِكَ طَلَبْتُ، وَ ثَوَابَكَ ابْتَغَيْتُ، وَ بِكَ

خدایا فقط به تو رو کنم و خشنودی تو را جویم و پاداش نیکت خواهم و به تو

اٰمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَفْتَحْ قَلْبِيْ

ایمان دارم و بر تو توکل کنم خدایا درود فرست بر محمد و آلش و بگشا دلم را

لِذِكْرِكَ، وَتَبَّتْ عَلٰى دِيْنِكَ، وَلَا تُزِغْ قَلْبِيْ بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِيْ، وَهَبْ لِيْ مِنْ

برای یاد کردنت و بر دین خودت پابرجایم دار و دلم را پس از این‌که راهنماییم کردی منحرف مساز و از

۲. همان مدرک، صفحه ۴۶.

۱. مفتاح الفلاح، صفحه ۳۵.

۳. همان مدرک، صفحه ۴۶.

لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.^۱

نزد خود رحمتی به من ببخش که همانا تویی بخشنده.

آنگاه برای نماز مهیا می‌شوی و با تمام توجه بدان روی می‌آوری، و کوچکی خویش و عظمت و جلال الهی را در نظر می‌آوری و آن گونه باش که گویا او را می‌بینی و بپرهیز از این که با او سخن بگویی؛ ولی دلت به جانب دیگر متوجه باشد. با وقار و خشوع به نماز می‌ایستی در حالی که دستهایت را بر روی رانهایت، مقابل سر زانو می‌گذاری و میان قدمهایت به اندازه سه انگشت تا یک وجب فاصله باشد (البته این برای مردان است) و به مکان سجده نگاه می‌کنی، و آنگاه نیت نماز می‌کنی قربة الی الله و تکبیره الاحرام را می‌گویی.

مستحب است شش تکبیر دیگر قبل از آن اضافه کنی؛ در هر تکبیری دستها را بلند می‌کنی و تا محاذی نرمه گوش می‌آوری در حالی که کف دستها رو به قبله است. و همه انگشتها به غیر از انگشت بزرگ را به هم می‌چسبانی، آنگاه دعای تکبیرها را می‌خوانی، بدین نحو که پس از تکبیر سوم می‌گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ

خدايا تویی پادشاه برحق آشکار معبودی جز تو نیست منزهی تو و براستی من بر خویشتن

نَفْسِي، فَاعْفِرْ لِي ذَنْبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.^۲ و پس از تکبیر پنجم

ستم کردم پس گناهم بیامرزد که نیامرزد گناهان را جز تو * * * * *

می‌گویی: لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ، وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ، وَالْمَهْدِيُّ

* * * بله آماده خدمت خیر بدست توست و شر از تو نیست راه یافته

مَنْ هَدَيْتَ، عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ، ذَلِيلٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، مِنْكَ وَبِكَ وَلَكَ

کسی که تو راهنمایی کردی بنده تو و زاده دو بنده دیگری پیش درگاهت از تو و با تو و برای تو

وَالِإِيكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنجَا وَلَا مَفْرًا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ،

و بسوی توست نه پناهگاهی و نه جایی برای رهایی ونه گریزگاهی جز بسوی تو نیست منزهی تو

سُبْحَانَكَ وَحَنَانِيكَ، سُبْحَانَكَ رَبِّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ.^۳ و بعد از تکبیر هفتم می‌خوانی:

و من خواهان رحمتم برتر و والایی منزهی تو ای پروردگار خانه محترم * * * * *

وَجْهَتْ وَجْهِي لِلذِّي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ،

من رو بسوی آن‌کس کنم که آسمانها و زمین را آفرید دانای نهان و آشکار است

۲. همان مدرک، صفحه ۴۹.

۱. مفتاح الفلاح، صفحه ۴۶.

۳. فقیه، جلد ۱، صفحه ۳۰۴، حدیث ۹۱۶ و مصباح کفعمی، صفحه ۱۵ (با اندکی تفاوت).

۲- از «صفوان جمال» روایت شده است که امام صادق علیه السلام را دیدم پیش از تکبیره الإحرام نماز، رو به قبله این جملات را می خواند:

اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنْ رَوْحِكَ، وَلَا تَقْنَطْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تُؤْمِنِّي

خدایا مرا از نسیم جانبخش لطف محروم مکن و از مهر و رحمت نا امید مکن و از مکرکرت ایمنم

مَكْرَكَ، فَإِنَّهُ لَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ^۱

مکن زیرا ایمن نشوند از مکر خدا جز مردم زیانکار.



۳- وقتی خواستی قرائت نماز را آغاز کنی مستحب است کلمه «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» را آهسته بگویی، پس از آن سوره حمد را با حضور قلب کامل، و با توجه به تفکر در معانی آن می خوانی، چون سوره حمد به پایان رسید، به اندازه یک نفس، ساکت می شوی، سپس سوره ای از قرآن را می خوانی، البته بهتر است، سوره نبأ (عمّ يتساءلون...) یا «هل اتی» و یا سوره قیامت باشد. وقتی سوره به پایان رسید، باز هم به اندازه یک نفس ساکت می شوی و آنگاه دست را برای تکبیر بلند می کنی و به رکوع می روی، و انگشتان را به هنگامی که دستها را بر روی زانو گذاشتی، باز می کنی، کمر را خم کرده و گردن را کشیده، مساوی با کمر و نظرها را به میان قدمها می افکنی، و یکبار می گویی: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ (یا سه بار سبحان الله). بهتر است این ذکر را هفت مرتبه، یا پنج مرتبه و یا سه مرتبه بگویی.^۲ پیش از گفتن ذکر رکوع سزاوار است این دعا را بخوانی:

اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ، وَلَكَ أَسَلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَأَنْتَ

خدایا برای تو رکوع کردم و برای تو تسلیم شدم و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل کردم و تویی

رَبِّي، خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَبَصْرِي، وَشَعْرِي وَبَشْرِي، وَلَحْمِي وَدَمِي،

پروردگاری من خاشع شد برای تو گوش و چشم و مو و پوست و گوشت و خون

وَمُخِي وَعِظَامِي وَعَصْبِي، وَمَا أَقْلَتْهُ قَدَمَايَ غَيْرَ مُسْتَكْفٍ، وَلَا

و منخ و استخوان و رگم و (خلاصه) آنچه را در پاهایم بر خود حمل کرده بدون سربیزی و نه تکبر ورزی

مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ.^۳

و نه به حال خستگی می شود خدا هرکس او را ستایش کند.

۱. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۴۴، حدیث ۳.

۲. مفتاح الفلاح، صفحه ۵۲ و ۵۳.

۳. کافی، جلد ۳، صفحه ۳۱۹، حدیث ۱ و مفتاح الفلاح، صفحه ۵۳.

سپس سر را از رکوع برمی داری و می ایستی و می گویی: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ^۱.
 آنگاه تکبیر می گویی و با نهایت خضوع و خشوع به سجده می روی و به هنگام رفتن به سجده،
 نخست کف دست ها را پهن کرده و بر زمین می گذاری و آنگاه زانو ها را می گذاری و بر زمین یا چیزی که از
 زمین می روید - غیر از خوردنیها و پوشیدنیها - سجده می کنی و بهتر است بر تربت امام حسین علیه السلام سجده
 کنی و ذکر سجود را می گویی.

بهتر است هفت مرتبه یا پنج مرتبه و یا سه مرتبه بگویی: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ (یک مرتبه
 هم کافی است)^۲.

پیش از ذکر سجود بهتر است این دعا را بخوانی: اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَلَكَ

تسلیم و بر تو توکل کنم و تویی پروردگار من سجده کردم و به تو ایمان آوردم و برای تو

اَسْلَمْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَأَنْتَ رَبِّي، سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ، وَشَقَّ

سَمِعَهُ وَبَصَرَهُ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، تَبَارَكَ اللهُ اَحْسَنُ الْخَالِقِينَ. ۳ وقتی

و گوش و چشمش را شکافت ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است خجسته باد خدا بهترین آفریننده * * *

ذکر سجده را گفתי، سر از سجده برمی داری و می نشینی و پس از گفتن تکبیر می گویی: اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي

و اَتُوبُ اِلَيْهِ. ۴ و همچنین می گویی: اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ اَرْحَمْنِي، وَ اجْبُرْنِي وَ ادْفَعْ

عَنِّي وَ عَافِنِي، اِنِّي لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيْرٌ، تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ. ۵

و تندرستم بدار که من بدان خیری که برایم بفرستی نیازمندم خجسته است خدا پروردگار جهانیان

آنگاه تکبیر گفته و برای سجده دوم می روی و همانند سجده اول عمل می کنی، سپس سر از سجده

برمی داری و اندکی می نشینی و بر می خیزی و در همان حال برخاستن می گویی:

بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ اَقُوْمُ وَاَقْعُدُ. ۶

بايستم و بنشينم به جنبش خدا و نيروی او اين چنين است خدا پروردگار من.

۱. کافی، جلد ۳، صفحه ۳۲۰، حدیث ۱ و مفتاح الفلاح، صفحه ۵۳.
 ۲. مفتاح الفلاح، صفحه ۵۴ و ۵۵.
 ۳. کافی، جلد ۳، صفحه ۳۲۱، حدیث ۱ و مفتاح الفلاح، صفحه ۵۴.
 ۴. مفتاح الفلاح، صفحه ۵۵.
 ۵. تهذیب، جلد ۲، صفحه ۷۹، حدیث ۶۳.
 ۶. همان مدرک، صفحه ۳۲۵، حدیث ۱۸۸.

وقتی که ایستادی و بدنت کاملاً آرام گرفت، حمد را می‌خوانی و سپس سوره‌ای را قرائت می‌کنی و بهتر است، سوره توحید باشد و پس از اتمام سوره توحید مستحب است سه بار بگویی: **كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي**.^۱ سپس تکبیر می‌گویی و دستها را برای قنوت بلند می‌کنی، تا مقابل صورت می‌آوری در حالی که کف دستها رو به آسمان باشد، انگشتها را - به جز انگشت بزرگ - به هم می‌چسبانی؛ خوب است برای قنوت کلمات فرج را بخوانی: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ**،

* * * * * معبودی نیست جز خدای بردبار کریم معبودی نیست جز خدای والای بزرگ

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَ مَا فِيهِنَّ

منزه است خدا پروردگار آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها و مابین آنها

وَمَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.^۲ و پس از آن

و آنچه زیر آنهاست و پروردگار عرش بزرگ و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است * * * * *

می‌گویی: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا، وَ عَافِنَا، وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،**

* * * * * خدایا پیامرز ما را و به ما رحم کن و تندرستمان بدار و از ما بگذر در دنیا و آخرت که

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۳

همانا تو بر هر چیز توانایی

سپس دعا می‌کنی و هرچه می‌خواهی از خدا بخواه.

سزاوار است قنوت نماز را طول داده و دعاهای قنوت را که فراوان است بخوانی.

پس از آن تکبیر گفته به رکوع و سجود می‌روی و به همان نحو که در رکعت اول گفته شد، انجام می‌دهی و آنگاه برای تشهد می‌نشینی. مستحب است که در حال تشهد متورکاً بنشینی (یعنی روی ران چپ نشسته و روی پای راست را بر کف پای چپ می‌گذاری). پیش از تشهد مستحب است بگویی:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَالْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى كُلِّهَا لِلَّهِ.^۴

به نام خدا و به ذات خدا و همه نامهای نیکو از آن خداست.

آنگاه تشهد را شروع می‌کنی و اگر نماز صبح باشد سلام نماز را داده و نماز را به پایان می‌رسانی و اگر نماز سه رکعتی و یا چهار رکعتی باشد، برمی‌خیزی و تسبیحات اربعه را می‌خوانی و آنگاه رکوع و سجود و تشهد و سلام بجا می‌آوری و نماز را به پایان می‌بری.

۲. مفتاح الفلاح، صفحه ۵۶.

۱. بحارالانوار، جلد ۸۲، صفحه ۲۹، حدیث ۱۸.

۴. مصباح المتعجذ، صفحه ۳۹.

۳. کافی، جلد ۳، صفحه ۳۴۰، حدیث ۱۲.

وقتی که نماز به پایان رسید، به تعقیبات نماز می‌پردازیم که درباره آن تأکید فراوان شده است. تعقیبات نماز، یعنی اذکار و دعاهایی که بعد از نماز خوانده می‌شود، در واقع کاستی‌های نماز را برطرف می‌سازد و از سوی دیگر آثار نماز را در روح و جان راسخ‌تر می‌کند. درباره تعقیبات در فصل دوم به طور مشروح بحث خواهد شد.

مقدمات و آداب مخصوص هر نماز:

الف) آداب نماز ظهر

هنگامی که اذان ظهر را شنیدی، وضو می‌گیری و اگر بتوانی به مسجد رفته، نماز تحیت مسجد را می‌خوانی و پس از دخول وقت به این امور می‌پردازیم:

۱- با تحقق زوال، نخست این دعا را می‌خوانی:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا،

منزه است خدا و معبودی جز خدا نیست و ستایش خاص خدایی است که پ گرفته همسری و نه فرزندی

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ، وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا.

و نیست برایش شریکی در فرمانروایی و نیست برایش سرپرستی از خواری و به بزرگی او را تکبیر گوی.

در روایتی آمده است که امام باقر علیه السلام به یکی از یاران خود به نام محمد بن مسلم فرمود: «بر این دعا محافظت کن، همچنان که از چشمهای خود محافظت و مراقبت می‌کنی»^۱.

۲- آدابی که در همه نمازها وارد شده است، به جای می‌آوری (که در آداب مشترک گذشت).

۳- نوافل ظهر را به جای می‌آوری که هشت رکعت است (هر دو رکعت به یک سلام).

۴- در دو رکعت اول نافله ظهر، بهتر است در رکعت اول سوره حمد و توحید و در رکعت دوم حمد و سوره

«کافرون» را بخوانی و پس از نماز، سه بار تکبیر بگویی و همچنین تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را

می‌خوانی و می‌گویی: اللَّهُمَّ إِنِّي ضَعِيفٌ فَقَوِّ فِي رِضَاكَ ضَعْفِي، وَخُذْ لِي الْخَيْرِ

خدایا من ناتوانم پس تقویت کن در خشنودی خود ناتوانی مرا و مهارم را بسوی کار خیر

بِنَاصِيَّتِي، وَاجْعَلْ الْإِيمَانَ مُنْتَهَى رِضَايَ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا قَسَمْتَ لِي،

بخش و ایمان را حد آخر خشنودی من در زندگی قرار ده و برکت ده برایم در آنچه روزیم کرده‌ای

وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّذِي أَرْجُو مِنْكَ، وَاجْعَلْ لِي وُدًّا وَسُرُورًا

و به رحمتت مرا به تمامی آنچه از تو امید دارم برسان و قرار ده برایم محبت و شادمانی

لِلْمُؤْمِنِينَ، وَعَهْدًا عِنْدَكَ. ۱

برای مؤمنان و پیمانی در پیش تو.

در دو رکعت بعدی نافله، همان اعمال را - جز آن تکبیرات - به جای می‌آوری و سپس برمی‌خیزی، دو رکعت دیگر، نافله ظهر، می‌خوانی و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام و آن دعا را نیز پس از این چهار رکعت می‌خوانی. دو رکعت آخر این نافله را میان اذان و اقامه به جای می‌آوری، یعنی برای نماز ظهر اذان می‌گویی و سپس دو رکعت آخر از نوافل ظهر را به جای می‌آوری و آنگاه اقامه نماز را می‌گویی. ۲

۵- پس از گفتن اقامه می‌گویی: اَللّٰهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ،

ای پروردگار این دعوت تام و تمام و نماز برپا شده،

بَلِّغْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ، وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ،

برسان محمد صلی الله علیه و آله را به درجه و وسیله و برتری و فضیلت

بِاللَّهِ اسْتَفْتِحُ وَبِاللَّهِ اسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اتَوَجَّهُ، اَللّٰهُمَّ

بوسیله خداوند افتاح نماز کنم و بوسیله خدا کامیابی جویم و به محمد صلی الله علیه و آله رو کنم خدایا

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا

درود فرست بر محمد و آل محمد و قرار ده به برکت ایشان در نزد خود از آبرومندان در دنیا

وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ. ۳

و آخرت و از مقربان درگاهت.

۶- پس از آن به نماز ظهر مشغول می‌شوی و آنچه را که در آداب مشترک گفته شد، مراعات می‌کنی و حمد و سوره - جز بسم الله الرحمن الرحيم - را آهسته می‌خوانی و افضل آن است که در رکعت اول بعد از سوره حمد، سوره «قدر» را بخوانی و در رکعت دوم سوره توحید را. ۴ در رکعت دوم پس از تشهد و صلوات بر محمد و آلش مستحب است بگویی: وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ. ۵

و بپذیر شفاعت او را و در مورد امتش و بالا بر درجه‌اش را

۱. مفتاح الفلاح، صفحه ۱۸۷. ۲. همان مدرک، صفحه ۱۸۸.

۳. مصباح المتعبد، صفحه ۳۰ و مفتاح الفلاح، صفحه ۱۸۸. ۴. فقیه، جلد ۱، صفحه ۳۱۵.

۵. بلد الامین، صفحه ۸.

آنگاه برمی‌خیزی و سه بار تسبیحات اربعه را می‌خوانی: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ**

***** پاک و منزّه است خداوند، ستایش مخصوص خداست

وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ.

و هیچ معبودی جز خدا نیست، و خدا از همه چیز بزرگتر است.

و خوب است که در پایان استغفاری نیز اضافه کنی، آنگاه به رکوع و سجود می‌روی و بر می‌خیزی. رکعت چهارم را نیز به همان نحو انجام می‌دهی و تشهد و سلام می‌گویی و نماز را به پایان می‌بری. پس از نماز سه بار تکبیر می‌گویی و آنگاه تعقیبات نماز را بجا می‌آوری.

ب) آداب نماز عصر

۱- نخست نافله عصر را به جا می‌آوری که آن هم هشت رکعت است و پس از پایان نوافل، با همان آدابی که گذشت، نماز عصر را می‌خوانی.

۲- در نماز عصر، سزاوار است که در رکعت اول پس از حمد، سوره «نصر» را بخوانی و یا سوره «تکاور» را، و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره «توحید» را می‌خوانی،^۱ در نماز عصر نیز حمد و سوره - جز بسم الله الرحمن الرحيم - را آهسته و بصورت اخفات می‌خوانی و در رکعت سوم و چهارم نیز، تسبیحات اربعه را می‌خوانی و پس از تشهد و سلام، تعقیبات مشترک و تعقیبات مخصوص نماز عصر را انجام می‌دهی.

ج) آداب نماز مغرب

در نماز مغرب باید تلاش کرد تا در اول وقت انجام شود و در روایات فراوانی بر این امر تأکید شده است که نماز مغرب را از وقتش تأخیر نیندازید.^۲

اول وقت مغرب بنا بر احتیاط، زمانی است که سرخی که بعد از غروب آفتاب در مشرق پیدا می‌شود از بالای سر بگذرد.

در آداب نماز مغرب برای نمازگزار، اموری شایسته ذکر است:

۱- آداب مشترک را که قبلاً بیان شد انجام می‌دهی و برای نماز، اذان و اقامه می‌گویی و آن دعاها را (که در بخش آداب مشترک گذشت) می‌خوانی.

۲- علاوه بر آن دعاها، میان اذان و اقامه می‌گویی: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَقْبَالِ لَيْلِكَ،**

***** خدایا از تو خواهم به حق رو آوردن شبت و

وَأَدْبَارِ نَهَارِكَ، وَ حُضُورِ صَلَوَاتِكَ، وَ أَصْوَاتِ دُعَاتِكَ، وَ تَسْبِيحِ

رو گرداندن روزت و رسیدن وقت نمازهایت و آواز دعاکنندگان به درگاهت و تسبیح

مَلَائِكَتِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ

فرشتگانت که درود فرستی بر محمد و آل محمد و این که توبه‌ام بپذیری که برستی تویی

التَّوَابُ الرَّحِيمُ.^۱

توبه‌پذیر مهربان.

۳- نماز مغرب را با آداب و شرایط بجا می‌آوری و پس از نماز سه بار تکبیر می‌گویی و تعقیبات نماز را می‌خوانی.

۴- نافله مغرب را که چهار رکعت است بجا می‌آوری که بسیار مهم است و در سفر و حضر ترک نمی‌شود.^۲ (شرح بیشتر آن در تعقیبات نماز مغرب خواهد آمد).

د) آداب نماز عشا

۱- پس از آن که شفق پنهان شد و سرخی مغرب محو گردید،^۳ برای نماز عشا اذان و سپس اقامه می‌گویی، با رعایت همه آدابی که گذشت؛ سپس نماز عشا را با آداب و شرایطش شروع می‌کنی و با توجه به وسعت وقت عشا سزاوار است که قنوت و تعقیبات آن را طول دهی.^۴

۲- پس از اتمام نماز عشا ابتدا تعقیبات آن را انجام می‌دهی و در پایان نماز و تیره (نافله عشا) را می‌خوانی.

نماز و تیره دو رکعت است و نشسته خوانده می‌شود، مستحب است در آن نماز، صد آیه از آیات قرآن تلاوت شود و خوب است بعد از حمد در رکعت اول سوره واقعه یا سوره مُلک و در رکعت دوم پس از حمد، سوره توحید خوانده شود.^۵ پس از نماز نیز برای خود (و سایر مؤمنان) دعا می‌کنی.

ه) مقدمات و آداب نماز صبح

با توجه به این که فریضه صبح، در آغاز تلاش روزانه اقامه می‌شود، لازم است به آن توجه و عنایت ویژه‌ای شود، تا هر مسلمانی، با توشه‌ای مناسب و پشتوانه مطمئن معنوی، پا به عرصه تلاش گذارد؛ در

۱. مفتاح الفلاح، صفحه ۲۳۶.

۲. تهذیب، جلد ۲، صفحه ۱۴، حدیث ۱.

۳. مفتاح الفلاح، صفحه ۲۵۸.

۴. فقیه، جلد ۱، صفحه ۲۱۹، حدیث ۶۵۷.

۵. مصباح المتهجد، صفحه ۱۱۴.

فضیلت نماز صبح در ذیل آیه ۷۸ سوره اسراء که خداوند فرمود: «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»؛ نماز صبح مورد مشاهده است»، روایاتی وارد شده است که می‌گوید، نماز صبح مشهود ملائکه شب و روز است؛ زیرا در آغاز صبح، فرشتگانی که در شب مراقب بندگان خداوند جای خود را به فرشتگان روز می‌دهند، و چون نماز صبح در همان آغاز طلوع صبح انجام می‌گیرد، هر دو گروه فرشتگان آن را مشاهده کرده و بر آن گواهی می‌دهند.^۱

برای نماز صبح نیز نمازگزار، علاوه بر انجام مقدمات و آداب مشترک، خوب است به این امور نیز عنایت ورزد:

۱- پیش از نماز صبح، نافله صبح را به جا آورد که دو رکعت است، در رکعت اول شایسته است، پس از حمد، سوره «کافرون»، و در رکعت دوم، پس از حمد، سوره «توحید» را بخواند.^۲

۲- پس از پایان نماز تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگوید.^۳

۳- صد بار صلوات بفرستد که در روایتی به نقل از «من لا یحضره الفقیه» آمده است: هر کس ما بین نافله صبح و نماز صبح صد بار صلوات بفرستد، خداوند چهره‌اش را از آتش دوزخ محافظت می‌کند (او را از آتش جهنم نجات می‌دهد).^۴

۴- برای نماز صبح، اذان و اقامه بگوید و دعاهای میان اذان و اقامه را بخواند.

۵- پس از آن که اذان گفت، به سجده افتد و بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّي سَجَدْتُ لَكَ

***** معبودی جز تو نیست که پروردگار منی، برای تو

خَاضِعًا خَاشِعًا. پس از آن سر بردارد و بگوید:

فروتانہ و خاشعانه سجده کردم. *****

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَقْبَالِ نَهَارِكَ، وَ إِدْبَارِ لَيْلِكَ، وَ حُضُورِ صَلَوَاتِكَ،

خدایا از تو می‌خواهم به روی آوردن روزت و پشت کردن و سپری شدن شبت و فرا رسیدن (وقت) نمازهایت

وَ أَصْوَاتِ دُعَاتِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُتُوبَ عَلَيَّ،

و صدای آنان که تو را می‌خوانند آن‌که بر محمد و آل محمد درود فرستی و (با رحمت و لطف) به من بازگردی،

إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، سَبَقَتْ

به یقین تو - و فقط تو - توبه‌پذیر مهربانی. بسیار پاک و منزّه است، پروردگار فرشتگان و روح. (خدایا)

۱. در کافی، جلد ۳، صفحه ۲۸۲، حدیث ۲، روایتی از امام صادق علیه السلام به همین مضمون نقل شده است.

۲. مصباح‌المتجهّد، صفحه ۱۷۹.

۳. همان مدرک، صفحه ۱۸۰.

۴. فقیه، جلد ۱، صفحه ۴۹۵، حدیث ۱۴۲۳.

رَحْمَتِكَ غَضَبِكَ. ۱

رحمتت بر غضب و خشمتم پیشی دارد.

پس از گفتن اقامه، نماز صبح را با توجه کامل ادا می‌کند.
 ۶- در قنوت نماز صبح مستحب است خوانده شود:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ

معبودی نیست جز خداوند حلیم بزرگوار، معبودی نیست جز خداوند بلند مرتبه با عظمت، پاک و منزّه است خداوندی

رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ

که پروردگار آسمانهای هفتگانه و زمین‌های هفتگانه است و آنچه در میان آنهاست

وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

و پروردگار عرش با عظمت است و سلام بر رسولان و ستایش ویژه‌ی خدایی است که پروردگار جهانیان است

يَا اللَّهُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَصَلِّيَ

ای خدایی که همانند او هیچ چیزی نیست و فقط او شنوای داناست، از تو می‌خواهم که بر

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَهُمْ، اللَّهُمَّ مَنْ كَانَ أَصْبَحَ وَ ثِقَتَهُ

محمد و آل محمد درود فرستی و در فرج و گشایش کار آنان تعجیل فرمایی، خدایا هر کس که صبح کند تکیه‌گاه

وَ رَجَاؤُهُ غَيْرُكَ، فَأَنْتَ ثِقَتِي وَ رَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا، يَا أَجْوَدَ مَنْ

و امیدش غیر از توست، ولی تکیه‌گاه و امیدم در تمامی امور، فقط تویی. ای بخشنده‌ترین کسی که

سُئِلَ، وَ يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرِحِمَ، إِرْحَمْ ضَعْفِي وَ قَلَّةَ حِيلَتِي، وَ ائْمُنْ عَلَيَّ

مورد درخواست قرار گرفته است. و ای مهربان‌ترین کسی که از او رحم و مهربانی طلب شده است. به ناتوانی و چاره‌اندکم رحم کن،

بِالْجَنَّةِ طَوَّالًا مِنْكَ، وَ فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ عَافِنِي فِي نَفْسِي وَ فِي

و با بهشت که عطایی است از جانب تو، بر من ممت گذار و مرا از آتش دوزخ، آزاد گردان و مرا در جانم

جَمِيعِ أُمُورِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۲

و همه‌ی امورم عافیت بخش، به لطف و رحمت، ای مهربان‌ترین مهربانان.

۷- پس از نماز نیز دعاها و تعقیبات نماز را بجا می‌آورد.

۱. مصباح‌المتجهّد، صفحه ۱۹۹.

۲. بحارالانوار، جلد ۸۲، صفحه ۲۶۰، حدیث ۴ و مصباح‌المتجهّد، صفحه ۲۰۰ (با اندکی تفاوت).

نماز جماعت:

نماز جماعت از مهمترین مستحبات و از بزرگترین شعائر اسلامی است و در روایات، فوق العاده روی آن تأکید شده است. مخصوصاً برای همسایگان مسجد یا کسی که صدای اذان مسجد را می شنود، بیشتر سفارش شده و سزاوار است انسان تا می تواند نمازش را با جماعت بخواند، حتی برخی از فقها گفته اند، حاضر نشدن به نماز جماعت اگر از روی بی اعتنائی و سبک شمردن باشد، حرام است. مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند، و نماز جماعت، از نماز فرادا در اول وقت بهتر است و نیز جماعتی که مختصر بخوانند از نماز فرادا که آن را طول دهند برتر است.

چند روایت درباره فضیلت نماز جماعت:

درباره فضیلت نماز جماعت و سرزنش کسانی که از آن روی گردانند روایات بسیاری نقل شده است که به بخشی از آن اکتفا می کنیم:

۱- در روایتی آمده است که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند هر رکعت آن، ثواب ۱۵۰ نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند، هر رکعت ثواب ۶۰۰ نماز و هر قدر عدد نمازگزاران بیشتر شود، ثواب نمازشان بیشتر خواهد شد و اگر عدد آنان از ده نفر بگذرد، اگر تمام آسمانها کاغذ و دریاها مرکب و درختها قلم و ملائکه و انس و جن نویسنده شوند، نمی توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.^۱

۲- از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمود: «هر کس نماز مغرب و عشا و نماز صبح را در مسجد به جماعت بخواند، گویا همه شب را به شب زنده داری سپری کرده است».^۲

۳- در روایت دیگری از رسول خدا ﷺ می خوانیم: «هر کس که به قصد شرکت در نماز جماعت به سوی مسجد قدم بردارد، در برابر هر گامی که بر می دارد حسنات زیادی برای او نوشته می شود... و اگر در همان حال بمیرد، خداوند هزاران فرشته را بر او می گمارد که در قبر به سراغش می روند و به او مژده و بشارت می دهند و در تنهایی همدم او می گردند و تا روز قیامت برای او استغفار می کنند».^۳

۴- امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «آن کس که بدون علت (و عذر موجه) در مسجد با مسلمانان نماز نگذارد، نماز او، نماز نیست».^۴

نماز جماعت آداب و شرایطی دارد که برای آگاهی از آنها به رساله های توضیح المسائل مراجعه شود.



۱. بحارالانوار، جلد ۸۵، صفحه ۱۴، حدیث ۲۶.

۲. امالی صدوق، صفحه ۳۲۹، حدیث ۵.

۳. همان مدرک، صفحه ۴۳۲.

۴. دعائم الاسلام، جلد ۱، صفحه ۱۴۸.

فصل دوم تعقیبات نماز

برابر آنچه از روایات استفاده می‌شود، تعقیبات (علاوه بر کمال نماز و قبولی آن) سبب فراوانی روزی است.^۱ و مؤمن تا هنگامی که پس از نماز، در ذکر خداوند است، گویا در نماز است و ثواب نماز را دارد،^۲ و دعا پس از نماز واجب، از نماز مستحب بهتر است.^۳

مرحوم علامه مجلسی فرموده است: تعقیبات نماز، به قرآن و ذکر و دعایی گویند که پس از نماز، متصل به نماز باشد، و افضل آن است که با وضو و نشسته و رو به قبله باشد، و بهتر آن است که همانند تشهد بنشیند و در اثنای تعقیب سخن نگوید، مخصوصاً در تعقیبات نماز مغرب. و برخی گفته‌اند همه شرایط نماز را در تعقیبات رعایت کند؛ ولی ظاهراً پس از نماز در هر حالی مشغول خواندن قرآن، ذکر و دعا باشد فی الجمله ثواب تعقیبات نماز را دارد؛ هر چند در حال راه رفتن باشد.^۴

از ائمه اطهار علیهم‌السلام در تعقیبات نماز، دعاهای فراوانی برای امور دنیا و آخرت وارد شده است، و چون بهترین عبادت جوارحی و بدنی، نماز است و تعقیباتی که وارد شده است در تکمیل نماز و رفع نواقص آن نقشی مؤثر دارد و همچنین سبب ترفیع درجات و آمرزش خطایا و گناهان است و برای به دست آوردن حاجات نیز مفید است، از این رو قسمی از تعقیبات را این‌جا ذکر می‌کنیم.

تعقیبات بر دو گونه است:

۱- تعقیبات مشترک.

۲- تعقیبات خاص.

تعقیبات مشترک:

منظور از تعقیبات مشترک، تعقیبات و دعاهایی است که پس از هر نمازی خوانده می‌شود.

۱- مستحب است نمازگزار بعد از نماز سه بار تکبیر بگوید، بدین نحو که دست‌ها را بلند کند تا مقابل صورت بالا آورد آنگاه تا نزدیک زانو برگرداند و با هر مرتبه یک الله اکبر بگوید.

۱. خصال، جلد ۲، صفحه ۵۰۴، حدیث ۲ و بحارالانوار، جلد ۸۲، صفحه ۳۲۱، حدیث ۶.

۲. مفاتیح الجنان، فصل تعقیبات نماز.

۳. بحارالانوار، جلد ۸۲، صفحه ۳۲۴، حدیث ۱۷.

۴. همان مدرک، صفحه ۳۱۴-۳۱۷ (با تلخیص).

از امام باقر علیه السلام روایت شده است: وقتی که سلام نماز را دادی، سه بار دستانت را برای تکبیر بالا ببر.^۱ «ابن بابویه» به سند معتبر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که مفضل بن عمر از آن حضرت پرسید: به چه علت نمازگزار، پس از سلام همراه با بالا آوردن دست، سه مرتبه تکبیر می‌گوید؟ فرمود: وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مکه را فتح کرد، با اصحابش کنار حجرالاسود، نماز گزارد؛ وقتی سلام نماز را گفت، سه بار دستش را بالا آورد و تکبیر گفت و آنگاه گفت:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ [وَحْدَهُ]، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَأَعَزَّ

معبودی نیست جز خدای یکتای یکتای یکتا که به وعدهاش وفا کرده و بندهاش را یاری کرد و سپاهش را

جُنْدَهُ، وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ،

پیروز کرد و به تنهایی بر همه احزاب غالب آمد، پس فرمانروایی او راست و ستایش خاص اوست. زنده می‌کند و می‌میراند

وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و می‌میراند و زنده می‌کند و او بر هر چیز تواناست.

آنگاه به یارانش رو کرد و فرمود این تکبیر و این ذکر را پس از هر نماز واجب بگویند و آن را ترک نکنید، سپس فرمود: هر کس بعد از سلام نماز، چنین کند و این دعا را بخواند، شکر خداوند را برای تقویت اسلام و لشکر اسلام ادا کرده است.^۲

«شیخ طوسی» در کتاب «مصباح المتهدج» این جملات را کاملتر نقل کرده است: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ

معبود یکتا نیست و ما در برابر او تسلیمیم، معبودی جز خدا نیست و ما جز او را نپرستیم و دین (و عبادت) را

لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ،

خالص برای او گردانیم و اگر چه بر مشرکان بد آید معبودی جز خدا نیست که پروردگار ما و پروردگار پدران پیشین ماست

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ،

معبودی نیست جز خدا که یکتای یکتای یکتاست، به وعده خود وفا کند و بندهاش را یاری کند و لشکرش را عزت دهد

وَهَزَمَ^۳ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ

و به تنهایی احزاب (باطل) را نابود کرد پس او راست پادشاهی و او راست سپاس که زنده می‌کند و می‌میراند و بمیراند

۱. بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۲، حدیث ۲۲. ۲. علل الشرایع، جلد ۲، صفحه ۳۶۰، حدیث ۱.

۳. در مصباح المتهدج «غَلَبَ» آمده، ولی در نسخه‌های متداول و در بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۴۳، حدیث ۲۵۴ هَزَمَ آمده است.

وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

و زنده کند و اوست زنده‌ای که نمی‌میرد و هر خیری به دست اوست و بر هر چیز قادر است.

۲- به سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت شده است که آن حضرت وقتی از نماز فارغ می‌شد دستش را بالای سرش می‌برد (و دعا می‌کرد).^۲

۳- تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که روایات فراوانی در فضیلت آن وارد شده است:

امام صادق علیه السلام فرمود: «ما همان گونه که کودکان را به نماز امر می‌کنیم، به تسبیح حضرت زهرا علیها السلام نیز دستور می‌دهیم؛ آن را ترک مکن که هر کس بر آن مداومت ورزد، از سعادت محروم نخواهد شد.»^۳
در روایات معتبر وارد شده است که مراد از «ذکر کثیر» در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا»^۴ همین تسبیح است و هر کس بر آن مداومت نماید خدا را بسیار یاد کرده و به این آیه عمل کرده است.^۵

به سند معتبر از امام باقر علیه السلام روایت شده است: «هر کس تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگوید و پس از آن استغفار کند، خداوند او را بیمارزد و این تسبیح هر چند بر زبان صد تاست ولی در میزان عمل، هزار تا به حساب می‌آید و شیطان را از انسان می‌راند و خدای رحمان را خشنود می‌سازد.»^۶

در روایت معتبر دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که: «تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پس از هر فریضه، برای من از هزار رکعت در هر روز محبوبتر است.»^۷

کیفیت تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام:

روایات درباره چگونگی این تسبیح کمی تفاوت دارد، ولی آنچه مشهورتر و روشن تر است، بدین گونه است:

سی و چهار مرتبه الله اکبر

سی و سه مرتبه الحمد لله

سی و سه مرتبه سبحان الله

۱. مصباح المتهجد، صفحه ۵۰ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۴۳، حدیث ۵۴ (با مقداری تفاوت).

۲. فقیه، جلد ۱، صفحه ۳۲۵، حدیث ۹۵۲.

۳. امالی صدوق، صفحه ۵۷۹، حدیث ۱۶ و بحار الانوار، جلد ۸۲، صفحه ۳۲۸، حدیث ۳.

۴. سوره احزاب، آیه ۴۱.

۵. معانی الاخبار، صفحه ۱۹۳، حدیث ۵ و بحار الانوار، جلد ۸۲، صفحه ۳۳۵، حدیث ۲۲.

۶. ثواب الاعمال، صفحه ۱۶۳ و بحار الانوار، جلد ۸۲، صفحه ۳۳۲، حدیث ۱۰.

۷. ثواب الاعمال، صفحه ۱۶۳ و بحار الانوار، جلد ۸۲، صفحه ۳۳۱، حدیث ۹.

همچنین سنت است که پس از تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام یکبار لا اله الا الله گفته شود،^۱ و بهتر است با تسبیحی که از تربت امام حسین علیه السلام است این اذکار را بگوید.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «تسبیح امام حسین علیه السلام در دست انسان ذکر و تسبیح می‌گوید، بدون آنکه آدمی تسبیح و ذکر بر زبان جاری سازد».^۲

در روایتی آمده است، حضرت زهرا علیها السلام پیش از شهادت حمزه علیه السلام با رشته‌ای از پشم تابیده که گره زده بود، تسبیح می‌گفت؛ پس از شهادت حمزه علیه السلام از تربت آن شهید، تسبیح ساخته و ذکر می‌گفتند که مردم نیز چنین کردند. پس از شهادت امام حسین علیه السلام سنت شد که از تربت آن حضرت تسبیح بسازند و با آن ذکر بگویند.^۳

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: «هر کس با تربت امام حسین علیه السلام یکبار استغفار کند، خداوند برای او هفتاد بار می‌نویسد».^۴

۴- مرحوم «کلینی» به سند معتبر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «کسی که بعد از نماز واجب و پیش از آنکه پاهایش را (از حالت نمازگزار) برگرداند سه بار این دعا را بخواند، خداوند گناهایش را بیاورد، هر چند فراوان باشد»:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ،

آمزش خواهی از خدایی که معبودی جز او نیست زنده پاینده دارای جلالت و بزرگواری

وَأَتُوبُ إِلَيْهِ.^۵

و به سوی بازگشت کنم.

و برابر روایت دیگر: «هر کس این کلمات را در هر روز بخواند و با آن استغفار کند، خداوند گناهان فراوانی از او را بیاورد».^۶

۵- مرحوم «شیخ کلینی» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که بعد از هر نماز فریضه، این دعا را ترک مکن:

أَعِيذُ نَفْسِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي، بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ،

پناه دهم خودم و آنچه پروردگارم روزم کرده به خدای یگانه بی‌نیازی که نزاید و نژائیده شده

۱. دعائم الاسلام، جلد ۱، صفحه ۱۶۸.

۲. مکارم الاخلاق، صفحه ۲۸۱ و بحارالانوار، جلد ۸۲، صفحه ۳۳۳، حدیث ۱۶.

۳. همان مدرک (با تلخیص). ۴. بحارالانوار، جلد ۸۲، صفحه ۳۳۴، حدیث ۱۸.

۵. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۲۱، حدیث ۱. ۶. بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۵، حدیث ۵.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَأَعِيذُ نَفْسِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي، بِرَبِّ الْفَلَقِ، مِنْ

و نیست برایش همتائی هیچکس و پناه دهم خود و آنچه پروردگارم روزی من کرده به خدای سبیده دم از

شَرِّ مَا خَلَقَ، وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ، وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ،

شر آنچه آفریده و از شر شب هنگامی که تاریکیش فرا گیرد و از شر دمندگان در گرهها

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ، وَأَعِيذُ نَفْسِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي، بِرَبِّ النَّاسِ،

و از شر حسود هنگامی که حسد ورزد و پناه دهم خودم و آنچه پروردگارم روزیم کرده به پروردگار مردم

مَلِكِ النَّاسِ، إِلَهِ النَّاسِ، مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ، الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي

پادشاه مردم معبود مردم از شر وسوسه گر پنهانی که وسوسه کند در

صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ.^۱

سینه‌های مردم (چه) باشد از جنیان و (چه) از مردم.

۶- مرحوم «کلینی» به سند معتبر از «علی بن مهزیار» روایت کرده است که امام هادی علیه السلام به کسی که تقاضا کرد حضرت دعایی را به او بیاموزد که پس از هر نماز بخواند تا خداوند خیر دنیا و آخرت را به وی عنایت فرماید؛ چنین نوشت:

أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ، وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا

پناه برم به ذات بزرگواری و به عزت که مورد دستبرد نیست و قدرتت که چیزی از آن خودداری

شَيْءٍ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا.^۲ و در برخی روایات در

تواند از شر دنیا و آخرت و از شر تمامی دردها * * * * *

آخر دعا، اضافه شده است: وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَّتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى

* * * * * از گزند هر جنبه‌ای که تو فرمانروای او هستی همانا پروردگار من بر

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.^۳

روش حقی است و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ.

۷- «شیخ کلینی» و «شیخ صدوق» - علیهما الرّحمة - از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل کرده‌اند که

۱. کافی، جلد ۳، صفحه ۳۴۶، حدیث ۲۷. ۲. همان مدرک، حدیث ۲۸.

۳. مصباح المتعجّد، صفحه ۵۱.

کمترین دعایی که بعد از نماز واجب می‌توانی بخوانی این است که بگویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ

خدایا از تو می‌خواهم هر خیری را که علمت بدان احاطه دارد و پناه می‌برم به تو از هر شری

أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا، وَأَعُوذُ بِكَ

که علمت بدان احاطه دارد خدایا از تو می‌خواهم عافیت را در تمام کارهایم و پناه می‌برم به تو

مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ. ۱

از رسوایی دنیا و عذاب آخرت.

۸- مطابق روایتی از امام صادق علیه السلام مستحب است که پس از نماز بخوانی:

اللَّهُمَّ أَعْتَقْنِي مِنَ النَّارِ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ، وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ. ۲

خدایا مرا از آتش پناه ده و داخل بهشتم گردان و حورالعین به همسریم درار.

۹- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند خودش، خانه‌اش، مالش و

فرزندانش محفوظ خواهند بود:

أَجِيرُ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ دَارِي، وَ كُلِّ مَا هُوَ مِنِّي، بِاللَّهِ

پناه می‌دهم، خودم و مالم و فرزندانم و خانواده‌ام و خانهم و هر آن چه از آن من است، به خدای

الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ،

یکتای یگانه بی‌نیازی که هرگز نژاد و زاده نشده و برای او هیچ گاه شبیه و مانندی نبوده است

وَ أَجِيرُ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي، وَ كُلِّ مَا هُوَ مِنِّي، بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا

و پناه می‌دهم خودم و مالم و فرزندانم و هر آنچه که از آن من است به پروردگار سیده دم از شر تمام آنچه

خَلَقَ، وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ، وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ، وَ مِنْ شَرِّ

آفرید و از شر هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می‌شود و از شر آنان که با افسون در گره‌ها می‌دمند و از شر

حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ، وَ أَجِيرُ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي، وَ كُلِّ مَا هُوَ مِنِّي بِرَبِّ

هر حسودی هنگامی که حسد ورزد و پناه می‌دهم خودم و مالم و فرزندانم و هر آنچه که از آن من است به پروردگار

۱. کافی، جلد ۳، صفحه ۳۴۳، حدیث ۱۰۶. (برابر روایت شیخ صدوق ابتدای دعا، این جمله را اضافه دارد: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

۲. همان مدرک، صفحه ۳۴۴، حدیث ۲۲.

فقیه، جلد ۱، صفحه ۳۲۳، حدیث (۹۴۸).

النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ، إِلَهِ النَّاسِ، مِنْ شَرِّ أَوْسُواسِ الْخَنَاسِ، الَّذِي يُوسُوِسُ

مردم به مالک و حاکم مردم و معبود مردم از شر وسوسه پنهانکار که در درون

فِي صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ، وَ أَجْبِرُ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي،

سینه انسان‌ها وسوسه می‌کند خواه از جن باشد یا انسان و پناه می‌دهم خودم و مالم و فرزندانم

وَ كُلُّ مَا هُوَ مِنِّي، بِاللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ،

و هر آنچه که از آن من است به خداوندی که هیچ گاه خواب سبک و سنگینی او را فرا نمی‌گیرد

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ، مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ،

آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست کیست که در نزد او جز به فرمان او شفاعت کند

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ، وَ لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ،

آنچه را در پیش روی آنها و پشت سرشان است می‌داند و کسی از علم او آگاه نمی‌گردد جز به مقداری که او بخواهد

وَ سِعَ كُرْسِيِّهِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ، وَ لَا يُؤُودُهُ حِفْظُهُمَا وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ. ۱

تحت حکومت او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته و نگهداری آن دو او را خسته نمی‌کند بلندی مقام و عظمت مخصوص اوست.

۱- خواندن بعضی از سوره‌ها و آیات: مستحب است پس از نماز، سوره حمد و آیه الکرسی^۲ را بخواند.

و آیه شهادت را؛ یعنی: شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُو الْعِلْمِ، قَائِمًا

*** گواهی دهد خدا که نیست معبود بحق جز او و نیز فرشتگان و دارندگان علم (گواهی داده‌اند) که انصاف

بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ، وَ مَا

بدو پایدار است و نیست معبودی جز او که عزیز و فرزانه است همانا دین نزد خدا اسلام است و اختلاف

اِخْتَلَفَ الدِّينَ أَوْ تَوَّاءَ الْكِتَابِ إِلَّا مَنْ بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ، وَ مَنْ

نکرده‌اند کسانی که کتابشان داده‌اند مگر پس از آن‌که آمده است برایشان دانش به خاطر ستمگری میانشان و هر که

يَكْفُرُ بِآيَاتِ اللَّهِ، فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ. ۳ و همچنین آیه مَلِكِ یعنی: قُلِ اللَّهُمَّ

کفر ورزد به آیات خدا پس خدا زود به حساب خواهد رسید ***** بگو ای خدای

مَالِكِ الْمَلِكِ، تُؤْتِي الْمَلِكَ مَنْ تَشَاءُ، وَ تَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَ تَعِزُّ مَنْ

صاحب ملک و فرمانروایی می‌دهی فرمانروایی را به هر که خواهی و بستانی ملک را از هر که خواهی و عزت بخشی هر که را

۲. سوره بقره، آیات ۲۵۵ - ۲۵۷.

۱. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۴۹، حدیث ۸.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۸ و ۱۹.

تَشَاءُ، وَتَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تُوَلِّجُ

خواهی و زبون کنی هر که را خواهی همه خوبها بدست توست که همانا تو بر هر چیز توانایی درآوری

اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ، وَتُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ،

شب را در روز و درآوری روز را در شب و بیرون آری زنده را از مرده

وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ.^۱

و بیرون آوری مرده را از زنده و روزی دهی هر که را خواهی بی حساب.

مطابق روایتی از امام صادق علیه السلام این آیات آثار مهمی در بخشودگی گناهان و جلب رحمت الهی دارد.^۲

«شیخ طوسی» در «مصباح المتهجد»^۳ پس از نقل آن آیات، آیات ذیل را نیز اضافه می کند:

الف) آیات ۵۴ تا ۵۶ سوره اعراف، که به «آیه سخره» معروف است:

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ

پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ سپس به تدبیر

عَلَى الْعَرْشِ، يُعْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ، يَطْلُبُهُ حَثِيثًا، وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

جهان هستی پرداخت؛ با شب، روز را می پوشاند و شب را به دنبال روز، به سرعت در حرکت است؛ و خورشید و ماه

وَالنُّجُومَ مَسْحَرَاتٍ بِأَمْرِهِ، أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

و ستارگان را آفرید که مسخر فرمان او هستند، آگاه باشید که آفرینش و تدبیر جهان از آن اوست، یبرکت است خدایی که پروردگار جهانیان است.

* ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً، إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تَفْسِدُوا

پروردگار خود را از روی تضرع و پنهانی بخوانید (و از تجاوز دست کشید که) او متجاوزان را دوست نمی دارد. و در زمین پس از

فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ

اصلاح آن فساد نکند، و او را با بیم و امید بخوانید، زیرا رحمت خدا به

مِنَ الْمُحْسِنِينَ.

نیکوکاران نزدیک است.

ب) سه مرتبه این آیات را بخواند:

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ *

منزه است پروردگار تو، پروردگار عزت (و قدرت) از آنچه آنان توصیف می کنند، و سلام بر رسولان،

۲. کافی، جلد ۲، صفحه ۶۲۰، حدیث ۲.

۱. سوره آل عمران، آیه ۲۶ و ۲۷.

۳. مصباح المتهجد، صفحه ۵۲.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.^۱

و حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

درباره فضیلت قرائت آیه‌الکرسی پس از نماز، روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است که آن حضرت به علی رضی الله عنه فرمود: «ای علی، خواندن آیه‌الکرسی را پس از هر نماز واجب ترک مکن چراکه جز پیامبر یا صدیق و یا شهید، بر خواندنش مراقبت نمی‌ورزد».^۲

در روایت دیگری آمده است: «هر کس پس از هر نماز، آیه‌الکرسی را بخواند، نمازش قبول می‌شود و در امان پروردگار و تحت حمایت او خواهد بود».^۳

۱۱- «شیخ صدوق» رحمته الله و دیگران، به سندهای معتبر از امام محمد باقر رضی الله عنه روایت کرده‌اند که: مردی به نام شبیه هذلی، به محضر رسول خدا ﷺ آمد (و با ناراحتی) عرض کرد: یا رسول الله، من پیر و ناتوان شده‌ام و نمی‌توانم اعمالی که پیش از این، از نمازها و روزه‌ها و حج و جهاد را انجام می‌دادم، به جای آورم، کلماتی به من بیاموز که خداوند مرا به آنها سود دهد، و در عین حال سبک و آسان باشد. پیامبر فرمود: بار دیگر سخنت را تکرار کن! او نیز این سخن را تکرار کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به خاطر این سخنت، درخت‌ها و کلوخ‌هایی که بر گردت بودند، بر تو گریستند؛ آنگاه فرمود: پس از هر نماز صبح ده بار بگو:

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

منزه است خدای بزرگ و حمد او راست و جنبش و نیرویی نیست مگر به وسیله خدای والای بزرگ.

با خواندن این دعا، خداوند تو را از بیماری‌های مختلف حفظ خواهد کرد. شبیه گفت: اینها برای دنیایم، برای آخرتم نیز چیزی بفرما! رسول خدا ﷺ فرمود: پس از هر نمازی می‌گویی:

اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ، وَ أَفْضُ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَ انْشُرْ عَلَيَّ مِنْ

خدایا مرا از نزد خود راهنمایی کن و از فضل خویش بر من افاضه کن و بگستر بر من از

رَحْمَتِكَ، وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ.

رحمت خویش و فرو ریز بر من از برکاتت.

آنگاه فرمود: هر کس بر این دعا مداومت ورزد و تا وقت مردن عمداً آن را ترک نکند، وقتی که به

۱. سوره صافات، آیه ۱۸۰ تا ۱۸۲.

۲. قرب الاسناد، صفحه ۵۶ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۴، حدیث ۲۴.

۳. مستدرک الوسائل، جلد ۵، صفحه ۶۸، حدیث ۳۷۷.

محشر وارد شود، درهای بهشت برای او گشوده شود تا از هر دری که بخواهد وارد بهشت گردد.^۱

۱۲- ذکر تسبیحات اربعه:

مرحوم «شیخ طوسی» و دیگران به سندهای صحیح از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی به اصحاب خویش فرمود: «هر کس از شما پس از نماز سی مرتبه بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. از وی دفع می‌شود سوختن،

منزه است خدا و حمد خاص خداست و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر از توصیف است *****

غرق شدن، فرود آمدن خانه، افتادن در چاه، حملهٔ درندگان، مرگ‌های سوء و هر بلای دیگری که در آن روز از آسمان فرود آید».^۲

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است: کسی که پس از هر نماز، پیش از آن که حرکت کند، چهل مرتبه بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. سپس از

***** منزه است خدا و حمد خاص خداست و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر از توصیف است *****

خدا حاجتی را بطلبد، خداوند آن را برآورده سازد.^۳
در روایتی دیگر، از همان حضرت علیه السلام نقل شده است که: هر کس پس از نماز واجب، سی مرتبه «سبحان الله» بگوید، گناهان او بخشوده می‌شود.^۴

۱۳- مرحوم «کلینی» به سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که: هر کس پس از نماز فریضه، سه بار بگوید: يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ أَحَدٌ غَيْرُهُ،

***** ای که می‌کند هرچه خواهد و جز او هیچ کس نتواند بکند آنچه را خواهد *****

سپس از خداوند چیزی بخواهد، حاجتش روا شود.^۵

۱. ثواب الاعمال، صفحه ۱۵۹ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۱۹.

۲. تهذیب، جلد ۲، صفحه ۱۰۷، حدیث ۱۷۴.

۳. امالی صدوق، صفحه ۱۸۲، حدیث ۱۱ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۱، حدیث ۱۹.

۴. امالی صدوق، صفحه ۲۷۱، حدیث ۶ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۱، حدیث ۱۹.

۵. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۴۹، حدیث ۹.

۱۴- به سند موثق از امام صادق علیه السلام روایت شده است: هر کس بعد از نماز، قبل از آن که زانوانش را حرکت دهد و برخیزد، ده مرتبه این ذکر را بگوید گناهان زیادی از او بخشوده و حسنات زیادی در نامه عمل او نوشته می شود: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، إِلَهًا**

***** گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریک ندارد معبودی است

وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا، لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا. ۱

یکتا، یگانه بی نیاز، نگرفته برای خود همسری و نه فرزندی.

برای این ذکر، فضیلت فراوانی ذکر شده است، مخصوصاً پس از نماز صبح، و نماز عشا و هنگام طلوع و غروب آفتاب. ۲

۱۵- مرحوم «شیخ کلینی» و «شیخ صدوق» و دیگران به سندهای صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که: جبرئیل علیه السلام در زندان نزد حضرت یوسف علیه السلام آمد و به او گفت بعد از هر نماز بگو:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا، وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ، وَمِنْ

خدایا قرار ده برایم گشایش و راه چاره ای و روزی ام ده از آنجا که گمان دارم و از

حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ. ۳

آنجا که گمان ندارم.

۱۶- در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: هر کس می خواهد که خداوند او را در قیامت بر اعمال بدش مطلع نسازد و دیوان گناهانش را ننگشاید، بعد از هر نماز این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَرْجِي مِنْ عَمَلِي، وَإِنَّ رَحْمَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ ذَنْبِي، اللَّهُمَّ

خدایا مسلماً آموزش تو امیدوار کننده تر از عمل من است و مسلماً رحمت تو پهناورتر از گناه من است خدایا

إِنْ كَانَ ذَنْبِي عِنْدَكَ عَظِيمًا، فَعَفُوكَ أَعْظَمُ مِنْ ذَنْبِي، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا

اگر گناهم پیش تو بزرگ است پس گذشت تو بزرگتر از گناه من است خدایا اگر من شایستگی ندارم

۱. محاسن، جلد ۱، صفحه ۵۱، حدیث ۷۳ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۷، حدیث ۳۰.

۲. مفاتیح الجنان، فصل تعقیبات مشترکه.

۳. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۴۹، حدیث ۷ و فقیه، جلد ۱، صفحه ۳۲۴، حدیث ۹۵۰.

أَنْ تَرْحَمَنِي، فَرَحْمَتِكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسْعَنِي، لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ

که تو بر من رحم کنی پس رحمت تو شایستگی دارد که به من برسد و مرا فرا گیرد زیرا که رحمت همه را

شئی، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۲

فراگیرد به رحمت ای مهربانترین مهربانها.

۱۷- علامه مجلسی از مرحوم «کفعمی» نقل کرده است: شخصی خدمت پیامبر ﷺ آمد، و از بیماری

و تنگدستی و فقر، شکایت کرد. پیامبر اکرم ﷺ به او فرمود: پس از هر نماز واجب بخوان:

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً

توکل کنم بر خدای زنده‌ای که نمی‌میرد و ستایش خاص خدایی است که نه همدمی برای خود گرفته

و لَا وَلَدًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ الذَّلِّ

و نه فرزندی و نیست برای او شریکی در سلطنت و نیست او را دوستی برای رفع مذلت

وَ كَبْرُهُ تَكْبِيرًا. ۳

و او را به کمال بزرگی تکبیر گوی.

و مطابق روایت دیگر، آن حضرت فرمود: هیچ گاه سختی و شدتی به من رو نیاورد، مگر آنکه جبرئیل

بر من ظاهر شد و گفت این دعا را بخوان. ۴

۱۸- مرحوم «شیخ مفید» در «مقنعه» این دعا را برای تعقیبات همه نمازها، آورده است:

اللَّهُمَّ أَنْفَعْنَا بِالْعِلْمِ، وَزَيَّنَّا بِالْحِلْمِ، وَجَمَّلْنَا بِالْعَافِيَةِ، وَكَرَّمْنَا بِالتَّقْوَى، إِنَّ

خدایا ما را به علم و دانش سود ده و به حلم زیور بخش و به تندرستی زینت ده و به پرهیزکاری گرامی دار برستی

وَلِيِّ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ، وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ. ۵

سرپرست من خدایی است که کتاب را فرو فرستاد و او صالحان را دوست دارد.

۱. در مصباح کفعمی، صفحه ۱۹ به جای «أَنْ تَرْحَمَنِي»، «أَنْ أُبَلِّغَ رَحْمَتَكَ» آمده است.

۲. بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۳۷، حدیث ۴۴.

۳. همان مدرک، صفحه ۴۹، حدیث ۵۴.

۴. همان مدرک.

۵. مقنعه، صفحه ۱۱۴ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۵۱، حدیث ۵۵.

۱۹- مرحوم «شیخ صدوق» و «شیخ طوسی» و دیگران با سندهای معتبر از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: هر کس دوست دارد از دنیا بیرون رود، در حالی که از همه گناهان پاک شده باشد، آن گونه که طلا از ناخالصی‌ها پاک می‌شود، و کسی از او مظلومه‌ای را بازخواست نکند، پس از نمازهای پنج‌گانه، دوازده بار سوره‌ای که اوصاف خدا را بیان می‌کند بخواند (یعنی سوره توحید را) سپس دستها را به سوی آسمان بگشاید و این دعا را - که خواهد آمد - بخواند؛ آنگاه آن حضرت فرمود: این دعا از رازهای مکنون و پنهانی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را به من آموخت و به من دستور داد که آن را به حسن و حسین علیهما السلام نیز بیاموزم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْرُونِ، الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ،

خدایا من از تو می‌خواهم به حق نام مستور در گنجینه‌ات و پاک و پاکیزه و مبارکت

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ، وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ، يَا وَاهِبَ الْعَطَايَا، يَا مُطْلِقَ

و از تو می‌خواهم به حق نام بزرگ و سلطنت ازلت ای بخشنده عطاها و ای رها کننده

الْأَسَارِي، يَا فَكَاكَ الرَّقَابِ مِنَ النَّارِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَفَكَ

اسیران و ای آزاد کننده مردمان از آتش درود فرست بر محمد و آل محمد و ما را

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا آمِنًا، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ سَالِمًا،

از آتش دوزخ آزاد کن و از دنیا در حال امن و امان بیرونم بر و به سلامتی وارد بهشتم کن

وَأَجْعَلْ دُعَائِي أَوَّلَهُ فَلَاحًا، وَأَوْسَطَهُ نَجَاحًا، وَآخِرَهُ صَلَاحًا، إِنَّكَ أَنْتَ

و قرار ده دعای مرا آغازش را رستگاری و وسطش را کامیابی و انجامش را شایستگی که همانا تویی

عَلَامُ الْغُيُوبِ. ۱

دانای بر نادیدنیها.

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است: هر کس سوره «توحید» را بعد از هر نماز تلاوت کند، خدا خیر دنیا و آخرت را برای او جمع کرده و خودش و پدر و مادرش را بیامزد. ۲



۲۰- مرحوم «شیخ مفید» در کتاب «امالی» از محمد بن حنفیه نقل کرده است که: روزی پدرم امیر مؤمنان علیه السلام را در حال طواف دیدم، در همان حال مردی را دید که به پرده‌های کعبه چنگ زده و دعایی را

۱. معانی الاخبار، صفحه ۱۴۰، حدیث ۱ و تهذیب، جلد ۲، صفحه ۱۰۸، حدیث ۱۷۸.

۲. ثواب الاعمال، صفحه ۱۲۸ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۷، حدیث ۲۹.

می خواند، آن مرد به امیر مؤمنان علیه السلام گفت: این دعا را بعد از هر نماز بخوان، به خدا سوگند هر مؤمنی که این دعا را پس از نماز بخواند، خداوند متعال، گناهان زیادی را از وی بیامرزد.
امام علیه السلام فرمود: من این دعا را می دانم و آن شخص حضرت خضر بود. آن دعا این است:

يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، يَا مَنْ لَا يُغْلَطُهُ السَّائِلُونَ، وَيَا مَنْ لَا

ای کسی که بازش ندارد شنیدن از کسی از شنیدن دیگری ای کسی که او را به غلط نیندازند سائلان و ای کسی که

يُؤْرِمُهُ الْحَاحُ الْمُلْحِحِينَ، أَذْقَنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَمَغْفِرَتِكَ، وَحَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ.^۱

به ستوهش نیورد اصرار زیاد اصرار کنندگان بچشان به من از لذت گذشت و آمرزشت و از شیرینی رحمت.

۲۱- مرحوم «دیلمی» در کتاب «اعلام الدین» از ابن عباس نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
هر کس سه مرتبه این آیات را بعد از نماز مغرب بخواند، هرچه از ثواب و پاداش که در روز گذشته از او فوت شده است را دریابد و نمازش مورد قبول قرار گیرد و اگر آنها را بعد از هر فریضه و یا نماز مستحب بخواند، برای او ثواب فراوان نوشته می شود، و آیات این است:

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ * وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ

پس تنزیه خدا کنید هنگامی که شب می کنید و هنگامی که روز می کنید و خاص اوست ستایش در آسمانها

وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ * يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ

و زمین و شامگاه و هنگامی که به نیمروز می رسید بیرون آورد زنده را از مرده و بیرون آورد

الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ^۲ *

مرده را از زنده و زنده کند زمین را پس از مردنش و شما نیز این چنین (از قبر) بیرون آید

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ *

منزه است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه توصیفش کنند و سلام بر رسولان

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.^۳

و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است.

۱. امالی مفید، صفحه ۹۱، حدیث ۸ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۱، حدیث ۱.

۲. سوره روم، آیه ۱۷-۱۹.

۳. سوره صافات، آیه ۱۸۰-۱۸۲.

۴. اعلام الدین، صفحه ۳۵۲، حدیث ۷ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۱۸، حدیث ۱۶.

۲۲- «شیخ طوسی» در «مصباح المتهدّج» در تعقیبات مشترک این دعا را نقل کرده است:

اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ، وَ أَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَ أَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ

بار خدایا مرا از جانب خود راهنمایم فرما و از زیاده بخششت به من افاضه نما و از رحمت بر من

رَحْمَتِكَ، وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اغْفِرْ لِي

بگستران و از برکاتت بر من فرو بار منزهی تو معبودی جز تو نیست تمامی و همه

ذُنُوبِي كُلِّهَا جَمِيعاً، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعاً إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي

گناهانم را بیامرز زیرا جز تو کسی تمامی و همه گناهان را نیامزد بار خدایا من

أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ

از تو درخواست می‌کنم هر چیزی را که علمت بدان احاطه نمود و پناه می‌برم به تو از هر شری که علمت بدان

عِلْمُكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتِكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ

احاطه نمود بار خدایا من از تو در تمام کارهایم عافیت می‌خواهم و به تو پناه می‌برم از رسوایی و خواری

الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْآخِرَةِ، وَ أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَ عِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ،

دنیا و عذاب آخرت و پناه می‌برم به ذات بزرگوارت و به عزتت که فوق آن متصور نیست

وَ قَدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ [مِنْ] شَرِّ

و به قدرتت که چیزی از آن سرپیچی نتواند از شر دنیا و آخرت و از شر

الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ أَخِذُ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَيَّ

تمامی دردها و از گزند هر جنبنده‌ای که تو فرمانروای او هستی همانا پروردگار من بر

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى

روش حق است و هیچ جنبش و نیرویی نیست جز به دست خدای والای بزرگ توکل کنم بر

الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلِداً، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ

خدای زندای که هرگز نمیرد و ستایش مخصوص خدای است که فرزندی نگرفته و کسی در سلطنت

شَرِيكَ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا. ۱

شریک او نیست و نیست او را دوستی برای رفع مذلت و او را به کمال بزرگی تکبیر گوی.



۲۳- «شیخ طوسی» در «مصباح المتهجد» در تعقیبات نماز آورده است:

سُبْحَانَ اللَّهِ كَلِمًا سَبَّحَ اللَّهُ شَيْءٌ، وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُسَبِّحَ، وَ كَمَا هُوَ

منزه است خدا هر آنگاه که چیزی خدا را تسبیح گوید و چنانچه خدا دوست دارد که او را تسبیح کنند و چنانچه او

أَهْلُهُ، وَ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلَالِهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَلِمًا حَمِدَ اللَّهُ

لایق آن است و شایسته ذات بزرگوار و عزت و جلال اوست و ستایش خاص خداست هر آنگاه که چیزی او را

شَيْءٌ، وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحَمِّدَ، وَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ

ستایش کند و چنانچه دوست دارد ستایش شود و چنانچه لایق آن است و شایسته ذات بزرگوار

وَ عِزِّ جَلَالِهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَلِمًا هَلَّلَ اللَّهُ شَيْءٌ، وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يَهْلَلَ،

و عزت و جلال اوست و معبودی جز خدای یکتا نیست هر آنگاه که چیزی او را به یکتایی یاد کند و چنانچه دوست دارد به یکتایی یاد شود

وَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلَالِهِ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ كَلِمًا كَبَّرَ

و چنانچه لایق آن است و شایسته ذات بزرگوار و عزت و جلال اوست و خدا بزرگ است هر آنگاه که چیزی او را

اللَّهُ شَيْءٌ، وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُكَبِّرَ، وَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ

به بزرگی یاد کند و چنانچه دوست دارد به بزرگی یاد شود و چنانچه لایق آن است و شایسته ذات بزرگوار

وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلَالِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ

و عزت و جلال اوست منزه است خدا و ستایش خاص اوست و معبودی جز او نیست و از همه چیز بزرگتر است

عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ، وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ كَانَ أَوْ

برای هر نعمتی که به من و به هر یک از خلق خود داده از آنان که بوده‌اند یا

يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

پس از این تا روز قیامت بیایند بار خدایا من از تو می‌خواهم که درود بر محمد و آلش

مُحَمَّدٍ، وَ أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا أَرْجُو، وَ خَيْرِ مَا لَا أَرْجُو، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ

بفرستی و از تو درخواست می‌کنم هر خیری را چه امید به آن داشته باشم و چه نداشته باشم و پناه می‌برم به تو از

شَرِّ مَا أَحْذَرُ، وَ مِنْ شَرِّ مَا لَا أَحْذَرُ.

شر آنچه از آن در هراسم و آنچه در هراس آن نیستم.



۲۴- امیرمؤمنان، علی علیه السلام فرمود: پس از هر نماز می خوانی:

إِلٰهِ هٰذِهِ صَلَاتِي صَلَّيْتُهَا لِأَحَاجَةِ مِنْكَ إِلَيْهَا، وَلَا رَغْبَةَ مِنْكَ فِيهَا إِلَّا

ای معبود من این نمازی که من بجا آوردم نه بخاطر احتیاجی از تو به آن بود و نه رغبتی که تو در آن داشته باشی جز

تَعْظِيمًا وَطَاعَةً وَإِجَابَةً لَكَ إِلَيَّ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ، إِلٰهِ إِنْ كَانَ فِيهَا خَلَلٌ أَوْ

تعظیم و فرمانبرداری تو و پذیرفتن آنچه مرا بدان مأمور کردی معبود من اگر در این نماز من خللی یا

نَقْصٌ مِنْ رُكُوعِهَا أَوْ سُجُودِهَا، فَلَا تُؤَاخِذْنِي وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِالْقَبُولِ

نقصی در رکوع یا سجودش هست پس مرا مواخذه مکن و با پذیرفتن آن و آمرزش (من)

وَالْغُفْرَانِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۱

بر من تفضل کن به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

۲۵- همچنین در تعقیبات نماز این دعا را می خوانی، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را به علی علیه السلام برای تقویت

حافظه تعلیم فرمود:

سُبْحَانَ مَنْ لَا يُعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ

منزه است خدایی که بر آنان که تحت فرمانش هستند ستم نکند منزه است خدایی که مردم

الْأَرْضِ بِالْوَأَنِ الْعَذَابِ، سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي

زمین را به عذابهای رنگارنگ نگیرد منزه است خدای رؤف مهربان بارخدا یا در دل من

قَلْبِي نُورًا وَبَصْرًا وَفَهْمًا وَعِلْمًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۲

نور (معرفت) و بصیرت و فهم و علمی قرار داده که تو بر هر چیز توانایی.

۲۶- در کتاب «بلدالامین» آمده است که پس از نماز، سه بار بگو:

أَعِيذُ نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي، وَإِخْوَانِي فِي دِينِي، وَمَا

پناه می‌دهم خودم و دینم و خانواده و مال و فرزندم و برادران دینی خود و آنچه

۱. مصباح کفعمی، صفحه ۲۰ و بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۳۸، حدیث ۴۵.

۲. فلاح السائل، صفحه ۱۶۸ و بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۹، حدیث ۸.

رَزَقَنِي رَبِّي، وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي، وَ مَنْ يَعْزِينِي أَمْرُهُ، بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ

پروردگارم به من روزی کرده و سرانجام کارم و هم آن کس را که دلپند کار اویم همه را به خدای یگانه یتکلی

الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَ بَرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ

بی‌نیاز که نزاده و نه زاییده شده هیچ کس همتایش نیست و به پروردگار صبحدم از

شَرِّ مَا خَلَقَ، وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ، وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ،

شر آنچه آفریده و از شر شب هنگامی که به تاریکی درآید و از شر زنانی که در گره‌ها دمند

وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ، وَ بَرَبِّ النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ، إِلَهِ النَّاسِ، مِنْ شَرِّ

و از شر حسود هنگامی که حسودی کند و به پروردگار مردم پادشاه مردم معبود مردم از شر

الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ، الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ.^۱

وسوسه‌گر نهانی آن کس که در سینه‌ها (و دلهای) مردم وسوسه کند (چه) از جنیان باشد و (چه) از مردم.



۲۷- «شیخ صدوق» علیه السلام در تعقیبات نماز می‌گوید: پس از تسمیح حضرت فاطمه علیها السلام بگو:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَ مِنْكَ السَّلَامُ، وَ لَكَ السَّلَامُ، وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ،

بار خدایا تویی سلام (سالم از هر عیب) و از جانب توست سلامتی و خاص توست سلامتی و به سوی تو باز گردد سلام

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ

منزه است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه وصف کنند و سلام بر پیمبران و ستایش

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ

خاص پروردگار جهانیان است سلام بر تو ای پیمبر (گرامی اسلام) و رحمت خدا و برکاتش سلام

عَلَى الْأَنْبِيَاءِ الْمُهَدِّينَ، السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ

بر امامان راهنمای راه یافته سلام بر تمامی پیمبران خدا و رسولان

وَ مَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيٍّ

و فرشتگانش سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا سلام بر علی

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ

امیرمؤمنان سلام بر حسن و حسین دو آقای تمام جوانان اهل

۱. بلد الامین، صفحه ۱۲ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۴۷ (با اندکی تفاوت).

الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ

بهشت سلام بر حضرت علی بن الحسین زبور بخش عابدان سلام

عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

بر حضرت محمد بن علی شاکفنده علم پیمبران سلام بر حضرت جعفر بن محمد (امام)

الصَّادِقِ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ

صادق سلام بر حضرت موسی بن جعفر «الکاظم» سلام بر حضرت علی بن

مُوسَى الرَّضَا، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ

موسى «الرضا» سلام بر حضرت محمد بن علی «الجواد» سلام بر حضرت علی بن

مُحَمَّدِ الْهَادِي، السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ الْعَسْكَرِيِّ، السَّلَامُ

محمد «الهادی» سلام بر حسن بن علی «الزکی العسکری» سلام

عَلَى الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

بر حضرت حجة بن الحسن «القائم المهدي» درود فراوان خدا بر تمامی ایشان.

پس از آن هر حاجتی که داری از خدا طلب کن.^۱

۲۸- شیخ «کفعمی» در «مصباح» می گوید: پس از هر نماز می گوئی:

رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا،

خشنودم که پروردگارم خداست و دینم دین اسلام است و پیامبرم محمد صلی الله علیه و آله و سلم است

وَبِعَلِيِّ إِمَامًا، وَبِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى

و امامانم علی و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی

وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْخَلْفِ الصَّالِحِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، أُمَّةً

و علی و محمد و علی و حسن و حسین و فرزند شایسته اویند درود بر ایشان که پیشوایان

وَسَادَةً وَقَادَةَ، بِهِمْ اتَّوَلَى، وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّءُ * * * * * پس از آن سه بار بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي

و آقایان و رهبراند به ایشان دوستی دارم و از دشمنانشان بیزارم جویم * * * * * بار خدایا من

أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ، وَالْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. ۲

از تو گذشت و سلامتی و آسایش در دنیا و آخرت را خواستارم.

۲۹- امام محمد تقی علیه السلام فرمود: وقتی نماز را به پایان رساندی بگو:

رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا، وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا، وَبِالْاِسْلَامِ دِيْنًا، وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَبِعَلِيٍّ

خشنودم به پروردگاری خدا و به پیامبری محمد و به دین اسلام و به کتابم که قرآن است و به علی

وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ

و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد

وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُجَّةِ اَيَّمَّةً، اَللّٰهُمَّ وَلِيَّكَ الْقَائِمِ الْحُجَّةُ، فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ

و علی و حسن و حضرت حجت امام خدایا نماینده تو حضرت حجت را نگهداری کن از پیش

يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ، وَ عَنْ يَمِيْنِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ، وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ،

رو و از پشت سر و از راست و چپ و از بالای سر و از زیر پایش

وَ اَمْدُدْ لَهُ فِي عُمُرِهِ، وَ اجْعَلْهُ الْقَائِمِ بِاَمْرِكَ، وَ الْمُتَّصِرِ لِذِيْنِكَ، وَ اَرِهِ مَا

و طولانی کن عمرش را و او را قیامکننده به امرت قرار ده و یاور دینت و بنما به او آنچه

يُحِبُّ، وَ مَا تَقَرَّبَ بِهِ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ، وَ فِي اَهْلِهِ وَ مَالِهِ، وَ فِي شَيْعَتِهِ

را دوست دارد و آنچه دیدماش را روشن کند درباره خودش و در فرزندان و خاندانش و در مال و در شیعیانش

وَ فِي عَدُوِّهِ، وَ اَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ، وَ اَرِهِ فِيْهِمْ مَا يُحِبُّ، وَ تَقَرَّبَ بِهِ

و در دشمنانش بنما بدانها از او آنچه را می‌ترسند و بنما به او در مورد ایشان آنچه را دوست دارد و دیدماش بدو

عَيْنُهُ، وَ اَشْفِ صُدُوْرَنَا وَ صُدُوْرَ قَوْمِ مُؤْمِنِيْنَ.^۱

روشن شود و سینه‌های ما و سینه‌های مردم با ایمان را شفا ده.

۳۰- امام محمد تقی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از نماز می‌گفت:

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ مَا قَدَّمْتُ وَ مَا اَخَّرْتُ، وَ مَا اَسْرَرْتُ وَ مَا اَعْلَنْتُ، وَ اِسْرَافِيْ

خدایا بیامرز برای من آنچه از پیش فرستادم و از دنبال و آنچه پنهان کردم و آشکار و زیاده‌رویهایم

عَلَى نَفْسِيْ، وَ مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّيْ، اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَ اَنْتَ الْمُؤَخِّرُ،

بر خود و آنچه را تو بهتر از من می‌دانی خدایا تویی پیش‌انداز و پس‌انداز

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بَعْلَمِكَ الْغَيْبَ، وَبِقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، مَا عَلِمْتَ

معبودی جز تو نیست به دانشت بر غیب و به نیرویت بر خلق همگی و تا زمانی که

الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي فَآخِئِنِّي، وَتَوَفَّنِي إِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِي، اَللّٰهُمَّ اِنِّي

بدانی زندگی را برای من بهتر زندهام دار و بمیرانم هرگاه بدانی مرگ را برایم بهتر از زندگی خدایا من

اَسْأَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَكَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الْعُضْبِ وَالرِّضَا،

از تو خواهم ترس تو را در پنهانی و آشکار و گفتار حق را در خشم و خشودی

وَالْقُصْدَ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَا، وَاسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَنْفَدُ، وَقُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ،

و میانهروی را در نداری و دارایی و از تو خواهم نعمتی تمام نشدنی و روشنی چشمی قطع نشدنی

وَاسْأَلُكَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ، وَبِرَكَّةِ الْمَوْتِ بَعْدَ الْعَيْشِ، وَبَرَدِ الْعَيْشِ بَعْدَ

و از تو خواهم راضی بودن به قضا و قدر و مبارک بودن مرگ را پس از زندگی و گوارایی زندگی پس از

الْمَوْتِ، وَلَذَّةَ الْمُنْظَرِ إِلَى وَجْهِكَ، وَشَوْقًا إِلَى رُؤْيَتِكَ وَلِقَائِكَ، مِنْ غَيْرِ

مرگ را و لذت دیدار رویت را و شوق دیدار و لقاییت را بدون

ضُرٍّ أَوْ مُضِرَّةٍ، وَلا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ، اَللّٰهُمَّ زَيِّنَا بِزِينَةِ الْاِيْمَانِ، وَاجْعَلْنَا هُدَاةَ

سختی زیانبخش و نه فتنه گمراه کننده خدایا زینت ده ما را به زیور ایمان و قرارمان ده راهنمایی

مَهْدِيَّيْنَ، اَللّٰهُمَّ اهْدِنَا فِيمَنْ هَدَيْتَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ عَزِيْمَةَ الرَّشَادِ،

راه یافته خدایا راهنمایمان کن در زمره تویی دانای آنان که هدایت کردی خدایا از تو خواهم تصمیم رهجویی

وَالثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ وَالرُّشْدَ، وَاسْأَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ، وَحُسْنَ عَافِيَتِكَ،

و پایداری در کار (دین) و رشد و از تو خواهم سپاسگزاری نعمت و حسن عافیت

وَأَدَاءَ حَقِّكَ، وَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ قَلْبًا سَلِيمًا، وَلسَانًا صَادِقًا، وَاسْتَغْفِرُكَ لِمَا

و ادای حقت را و از تو خواهم پروردگارا دلی سالم و زبانی راستگو و آمرزش خواهم از تو از آنچه

تَعَلَّمُ، وَاسْأَلُكَ خَيْرَ مَا تَعَلَّمُ، وَاعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعَلَّمُ، فَإِنَّكَ تَعَلَّمُ

می‌دانی و از تو خواهم خیر آنچه را دانی و پناه می‌برم به تو از شر آنچه می‌دانی زیرا تو می‌دانی

وَلَا نَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ. ۱

و ما نمی‌دانیم و تو هر غیب را می‌دانی.

یادآوری لازم:

آنچه در بالا آمد ۳۰ روایت درباره تعقیبات مشترک از کتب معتبر بود؛ بدیهی است غالب مردم قادر به انجام همه این تعقیبات نیستند، بلکه اگر انجام همه این تعقیبات آنها را از فعالیت‌های مهم زندگی بازدارد کار مطلوبی نیست؛ بنابراین هر کس به فراخور حال، از آنها گزینش می‌کند و یا به طور متناوب آنها را می‌خواند. مهم آن است که انسان نشاط عبادت را حفظ کند و محتوای این دعاها را در خود پیاده نماید تا به آن همه فیض و ثواب نائل گردد.

تعقیبات مخصوص هر نماز:

در این بخش از تعقیبات، برای هر یک از نمازها تعقیب خاصی روایت شده است که هر کدام اهمیت بسیاری دارد.

تعقیبات نماز ظهر:

۱- در تعقیبات نماز ظهر می‌خوانی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

نیست معبودی جز خدای بزرگ بردبار، نیست معبودی جز خدا پروردگار عرش، ستایش خاص خدا

رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ،

پروردگار جهانیان است بار خدایا از تو می‌خواهم آنچه باعث رحمت و وسایل حتمی مغفرت توست

وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ،

و بهره‌ای از هر نیکی و سلامتی از هر گناهی بار خدایا هیچ گناهی برایم مگذار جز آن که بی‌گناهی و هیچ رزقی

وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ، وَلَا سُقْمًا إِلَّا شَفَيْتَهُ، وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ، وَلَا رِزْقًا

و هیچ اندوهی جز این‌که برطرف کنی و هیچ دردی جز آن‌که شفا دهی و هیچ عیبی جز آن‌که بپوشانی و هیچ رزقی

إِلَّا بَسَطْتَهُ، وَلَا خَوْفًا إِلَّا أَمَنْتَهُ، وَلَا سُوءًا إِلَّا صَرَفْتَهُ، وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ

جز آن‌که فراوانش کنی و هیچ ترسی جز آن‌که امانش بخشی و هیچ بدی جز آن‌که بگردانیش و هیچ حاجتی که در آن

رِضًا وَلِي فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا أَقْضَيْتَهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، آمِينَ رَبُّ الْعَالَمِينَ.^۱

خشنودی تو و صلاح کار من باشد جز آن‌که برآورده‌اش کنی ای مهربانترین مهربانان اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.

۲- و نیز می‌خوانی:

اللَّهُمَّ إِنَّ عَظَمَتَ ذُنُوبِي فَأَنْتَ أَعْظَمُ، وَإِنَّ كِبَرَ تَفْرِيطِي فَأَنْتَ أَكْبَرُ، وَإِنَّ

بار خدایا اگر گناهانم بزرگ است پس تو بزرگتر از آنهايي و اگر کوتاهییم زیاد است باز هم تو بزرگتری و اگر

دَامَ بُخْلِي فَأَنْتَ أَجْوَدُ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي [عَظِيمَ ذُنُوبِي بِعَظِيمِ عَفْوِكَ،

بخل من ادامه دارد پس تو سخی‌تری بار خدایا بزرگی گناهانم را به بزرگی عفو خود ببخش

وَكَثِيرَ تَفْرِيطِي بِظَاهِرِ كَرَمِكَ، وَأَقْمَعَ بُخْلِي بِفَضْلِ جُودِكَ، اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ

و زیاد کوتاهی کردیم را به کرم آشکارا بیامرز و بخل مرا به زیادی بخشش ریشه‌کن ساز خدایا هر نعمتی که

نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَآتُوبُ إِلَيْكَ. ۱

داریم از توست معبودی جز تو نیست از تو آمرزش خواهیم و به سوی تو بازگردم.

* * *

۳- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: امیر مؤمنان علیه السلام بعد از نماز ظهر می‌گفت:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

خدایا به تو تقرب جویم بوسیله جود و کرمت و تقرب جویم به تو بوسیله محمد بنده

وَرَسُولِكَ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَبِكَ

و رسول تو و تقرب جویم به تو به فرشتگان مقرب و پیامبران مرسلت و به خودت

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْغَنِيُّ عَنِّي، وَبِيَ الْفَاقَةُ إِلَيْكَ، أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ أَنَا الْفَقِيرُ إِلَيْكَ،

خدایا تو از من بی‌نیازی ولی من بدرگاهت نیازمندم و بی‌نیاز مطلق تویی ولی من محتاج توام

أَقَلَّتْ عِشْرَتِي، وَ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبِي، فَاقْضِ الْيَوْمَ حَاجَتِي، وَ لَا

نیزشم را نادیده گرفتی و گناهانم را بر من پوشاندی پس در این روز حاجتم را برآور

تُعَذِّبْنِي بِقَبِيحِ مَا تَعَلَّمُ مِنِّي، بَلْ عَفْوِكَ وَ جُودِكَ يَسْعُنِي * أَنْغَاةَ حَضْرَتِ

و معذیب من بخاطر کارهای زشتی که از من می‌دانی بلکه گذشت و جود تو فرایم گیرد * * * * *

بِهِ سَجْدَهُ رَفْتِ وَ مَيَّ غَفْتِ: يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَ يَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَرُّ يَا رَحِيمٌ، أَنْتَ

* * * * * ای شایسته پرهیزکاری و ای شایسته آمرزش ای نیکوکار ای مهربان تو

أَبْرُ بِي مِنْ أَبِي وَ أُمِّي وَ مِنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ، إِقْبَلْنِي بِقَضَاءِ حَاجَتِي،

نیک رفتارتی نسبت به من از پدر و مادرم و از همه خلائق بازم گردان با حاجت روا

مُجَاباً دُعَائِي، مَرْحُوماً صَوْتِي، قَدْ كَشَفْتَ أَنْوَاعَ الْبَلَاءِ عَنِّي.^۱

و دعای مستجاب و آوازی که مورد مهرت قرار گرفته و انواع بلا را از من دور کرده باشی.

تعقیبات نماز عصر:

۱- اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ،

آمزش خواهم از خدایی که معبودی جز او نیست زنده و پاینده وبخشاینده و مهربان

ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ، فَقِيرٍ

و دارای جلال و بزرگواری است، از او خواهم توبه‌ام را بپذیرد توبه بنده‌ای خوار فروتن نیازمند

بَائِسٍ، مَسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ، لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا، وَلَا

پریشان بینوا درمانده پناهنده‌ای که مالک هیچ یک از سود و زیان

مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا.^۲

و مرگ و زندگی و رستاخیزی برای خود نیست.

۲- اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَ مِنْ عِلْمٍ

بار خدایا به تو پناه می‌برم از نفسی که (از خواهش) سیر نشود و از دلی که خشوع ندارد و از دانشی که

لَا يَنْفَعُ، وَ مِنْ صَلَاةٍ لَا تُرْفَعُ، وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ

سود ندهد و از نمازی که بالا نرود و از دعایی که شنیده نشود خدایا از تو خواستارم

الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ، وَالْفَرَجَ بَعْدَ الْكُرْبِ، وَ الرَّخَاءَ بَعْدَ الشَّدَّةِ، اَللّٰهُمَّ مَا بِنَا

آسانی پس از دشواری را و گشایش پس از گرفتاری و فراوانی پس از سختی بار خدایا هر نعمتی که

مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ.^۳

ما داریم از آن تو است که معبودی جز تو نیست از تو آمزش خواهم و بسوی تو بازگشت کنم.

۲. بلد الامین، صفحه ۲۰.

۱. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۴۵، حدیث ۱.

۳. بلد الامین، صفحه ۲۰.

۳- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هر کس بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار کند، خداوند هفتصد گناه وی را ببامزد.^۱



تعقیبات نماز مغرب:

شیخ در «مصباح المتهدّد» می‌گوید:

پس از نماز مغرب و بعد از ذکر تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام می‌گویی:

۱- **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ**

همانا خدا و فرشتگانش بر پیغمبر درود فرستند ای کسانی که ایمان آورده‌اید درود فرستید بر او

و **سَلِّمُوا تَسْلِيمًا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ، وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ وَصَلِّ**

و سلام کنید سلام کاملی خدایا درود فرست بر محمد پیامبر (گرامی خود) و بر نژادش

عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ.^۲

و بر خاندانش.

۲- سپس هفت مرتبه می‌گویی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.^۳

به نام خدای بخشننده مهربان و هیچ جنبش و هیچ نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ.

۳- سه مرتبه می‌گویی: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، وَ لَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ.**^۴

* * * * * ستایش خاص خدای است که آنچه خواهد می‌کند ولی غیر او آنچه را خواهد نتواند انجام دهد.

۴- بعد از آن می‌گویی: **سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعًا،**

* * * * * منزهی تو معبودی جز تو نیست گناهان مرا به تمامی هر چه هست ببامرز

فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا إِلَّا أَنْتَ.^۵

زیرا تمامی گناهان را (کسی) جز تو نیامرزد.

۱. مصباح المتهدّد، صفحه ۷۲.

۲. همان مدرک، صفحه ۹۸.

۳. همان مدرک.

۴. همان مدرک.

۵. همان مدرک.

۵- آنگاه نافله مغرب را می‌خوانی که چهار رکعت است (هر دو رکعت به یک سلام) و میان نماز مغرب و نافله آن، سخن نمی‌گویی.^۱

مرحوم «شیخ طوسی» فرموده، روایت شده است: در رکعت اول - بعد از حمد - سوره «قل یا ایها الکافرون» را بخواند و در رکعت دوم، سوره «قل هو الله احد» و در دو رکعت بعدی، هر سوره‌ای را خواست بخواند و در روایتی آمده است که امام حسن عسکری علیه السلام در رکعت سوم پس از حمد، آیات نخستین سوره حدید تا آیه ششم (و هو علیم بذات الصدور) را می‌خواند و در رکعت چهارم پس از حمد، آخر سوره حشر از «لو أنزلنا هذا القرآن علی جبل» را تا آخر سوره تلاوت می‌کرد.^۲

مستحب است در سجده آخر نوافل در هر شب، مخصوصاً در شب جمعه هفت مرتبه بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، أَنْ تُصَلِّيَ

خدایا از تو می‌خواهم به ذات بزرگوارت و نام بزرگت و سلطنت ازلیت که درود فرستی

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمِ، إِنَّهُ لَا يُغْفَرُ الْعَظِيمُ إِلَّا الْعَظِيمُ.^۳

بر محمد و خاندانش و پیامبری گناه بزرگ مرا زیرا که بزرگ را جز بزرگ نیامرزد.

۶- پس از انجام نافله، این تعقیبات نیز وارد شده است:

الف) مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ (ده مرتبه).^۴

آنچه خدا خواهد نیرویی نیست جز به خدا از خدا آمرزش خواهم

ب) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَغَرَائِمِ مَغْفِرَتِكَ، وَالنَّجَاةَ

خدایا از تو خواهم آنچه موجب رحمت و وسایل حتمی آمرزش توست و رهایی

مِنَ النَّارِ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالرِّضْوَانَ فِي دَارِ السَّلَامِ،

از آتش دوزخ و از هر بلا و گرفتاری و رسیدن به بهشت و خشنودی تو را در منزلگاه سلامتی

وَجِوَارِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا إِلَهَ

و همسایگی پیمبرت محمد که بر او و آتش سلام باد، خدایا هر نعمتی که ما داریم از توست معبودی

إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَآتُوبُ إِلَيْكَ.^۵

جز تو نیست از تو آمرزش خواهم و به سویت توبه کنم.

۱. بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۹۹.

۲. مصباح المتهجد، صفحه ۹۸.

۳. همان مدرک، صفحه ۹۹.

۴. همان مدرک،

۵. همان مدرک،

۷- پس از انجام نوافل و تعقیبات، سجده شکر به جای می آوری و کمترین سجده شکر آن است که سه بار بگویی: **شُكْرًا شُكْرًا شُكْرًا**؛ همان طور که در بخش سجده شکر (صفحه ۱۰۵۶) بیان می شود.

۸- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که وقتی نماز مغرب به پایان رسید بر پیشانی خود دست بکش و سه بار بگو: **بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ**

* * * * * به نام خدایی که معبودی نیست جز او، عالم غیب و شهود، بخشاینده

الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي الْهَمَّ وَالْغَمَّ وَالْحَزْنَ. ۱

و مهربان خدایا از من دور کن غم و اندوه را.

نماز غفيله:

۹- میان نماز مغرب و عشا نماز غفيله را (به نیت قربت مطلقه) می خوانی که دو رکعت است و در رکعت اول پس از حمد، می خوانی:

وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا، فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ، فَنَادَى فِي

و ذَا النون (یونس) را یاد کن آن دم که خشمناک برفت و گمان داشت بر او سخت نگیریم پس از

الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْنَا

ظلمات ندا داد که معبودی جز تو نیست منزهی تو که همانا من از ستمکاران بودم پس دعایش مستجاب کردیم

لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ، وَكَذَلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ. و در رکعت دوم پس از حمد می خوانی:

و از تنگنای غم نجاتش دادیم و این چنین مؤمنین را نجات دهیم. * * * * *

وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ، وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ، وَ مَا

کلیدهای (گنجینه های) غیب نزد اوست و جز او (کسی) غیب نداند و هر چه در خشکی و دریاست می داند هیچ

تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا، وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، وَ لَا رَطْبٍ

برگی نیفتد جز آن که آن را بداند و نه دانه ای در ظلمات زمین و نه تر

وَلَا يَابِسُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ. پس از آن دستها را برای قنوت بالا می ببری و در قنوت

و نه خشکی مگر آن که در نامه روشن ثبت است. * * * * *

می گویی: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تُصَلِّيَ**

* * * * * خدایا از تو می خواهم به حق کلیدهای (گنجینه های) غیبی که جز تو کسی نداند درود فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا. به جای کلمات «کذا وکذا» حاجت خود را

بر محمد و آلش و نسبت به من چنین و چنان کنی * * * * *

بیان می کنی (مثلاً می گویی: وَأَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) پس از آن می خوانی: اَللّٰهُمَّ اَنْتَ

* * * * * خدایا * * * * * تویی

وَلِي نِعْمَتِي، وَالْقَادِرُ عَلٰی طَلِبَتِي، تَعْلَمُ حَاجَتِي، فَاَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

ولی نعمت من و توانای بر (انجام) خواسته من، خواستهام دانی از تو می خواهم به حق محمد

وَآلِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي.

و آلش درود بر او و آنها باد که حاجتم برآورى.

مطابق روایتی از امام صادق علیه السلام هر کس چنین کند و حاجت خود را از خدا بخواهد، خداوند حاجتش را برآورده سازد.^۱

* * *

تعقیبات نماز عشا:

در تعقیب نماز عشا آیات و اذکار زیر وارد شده است:

۱- هفت مرتبه سوره قدر.^۲

۲- آنگاه می خوانی:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ وَ مَا اَظْلَتْ، وَ رَبَّ الْاَرْضَيْنِ السَّبْعِ وَ مَا

خدایا ای پروردگار هفت آسمان و آنچه بر آن سایه افکنده و پروردگار هفت زمین و آنچه که بر

اَقْلَتْ، وَ رَبَّ الشَّيَاطِينِ وَ مَا اَضَلَّتْ، وَ رَبَّ الرِّيَّاحِ وَ مَا ذَرَّتْ، اَللّٰهُمَّ رَبَّ

پشت خود حمل نموده و پروردگار شیاطین و هرکه را گمراه کرده اند و پروردگار بادهای و هرچه را پراکنده کنند ای خدا پروردگار

كُلِّ شَيْءٍ، وَ اِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ مَلِيكَ كُلِّ شَيْءٍ، اَنْتَ اللّٰهُ الْمُقْتَدِرُ عَلٰی كُلِّ

هر چیز و معبود هر چیز و مالک هرچیز تویی خدای توانای بر

شَيْءٍ، اَنْتَ اللّٰهُ الْاَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ، وَاَنْتَ الْاٰخِرُ فَلَا شَيْءَ بَعْدَكَ،

هر چیز تویی خدای نخست که چیزی پیش از تو نبود و تویی خدای پایان که چیزی پس از تو نخواهد بود

۱. مصباح المتهجد، صفحه ۱۰۶ و مصباح کفعمی، صفحه ۳۹۸.

۲. مصباح المتهجد، صفحه ۱۰۹.

وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ فَوْقَكَ، وَ أَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَا شَيْءَ دُونَكَ، رَبِّ

و تویی آشکار که نیست چیزی فوق تو و تویی درون که نیست چیزی بعد از تو ای پروردگار

جَبْرَيْلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ، وَ آلِهِ إِبْرَاهِيمَ [وَ إِسْمَاعِيلَ]، وَ إِسْحَاقَ

جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و خدای ابراهیم و اسماعیل و اسحاق

وَ يَعْقُوبَ [وَ الْأَسْبَاطِ]،^۲ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَنْ

و یعقوب و اسباط از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و مرا

تَوَلَّانِي بِرَحْمَتِكَ، وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ مِمَّنْ لَا طَاقَةَ لِي بِهِ،

به رحمت خویش سرپرستی کنی و مسلط مگردانی بر من هیچ کس از خلقت را از آن کسانی که من طاقت مقابله شان ندارم

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ فَحَبِّبْنِي، وَ فِي النَّاسِ فَعَزِّزْنِي، وَ مِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ الْجِنِّ

خدایا من به تو دوستی ورزم پس دوستم دار و در میان مردم عزیزم گردان و از شر شیاطین جن

وَ الْإِنْسِ فَسَلِّمْ بِنِي، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ. سپس آنچه

و انس محفوظم بدار ای پروردگار جهانیان و درود فرست بر محمد و آلش * * * * *

دوست داری از خدا طلب کن.^۳

۳- آنگاه سجده شکر به جا می آوری.^۴

۴- در پایان، نماز وتیره (نافله عشا) را می خوانی^۵ (چگونگی آن در آداب نماز عشا، صفحه ۱۰۱۵ گذشت).

تعقیبات نماز صبح:

تعقیب نماز صبح از تعقیب سایر نمازها بیشتر و تأکید بر آن فزونتر، واحادیث فراوانی در فضیلت آن وارد شده است؛ ولی همان گونه که قبلاً هم گفته ایم هر کس به فراخور حال خویش هر مقدار که بتواند به جای می آورد.

۱- امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «ذکر خدا، بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب، حتی از مسافرت تجارتی نیز، در جلب روزی مؤثرتر است».^۶

۱ و ۲. آنچه داخل پرانتز است، در بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۱۲۸ آمده است.

۳. بلدالامین، صفحه ۳۱.

۴. مصباح المتجهّد، صفحه ۱۱۳.

۵. همان مدرک، صفحه ۱۱۴.

۶. مکارم الاخلاق، صفحه ۳۰۵.

۲- پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هر کس از طلوع صبح تا طلوع آفتاب در مصلائی خویش بنشیند و به تعقیب نماز مشغول باشد، خداوند او را از آتش دوزخ محفوظ دارد».^۱

۳- امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «شیطان لشکر خویش را از زمان طلوع صبح تا طلوع آفتاب در زمین پراکنده می‌کند، و همچنین لشکر شب خود را از غروب آفتاب تا از بین رفتن سرخی مغرب، منتشر می‌سازد. از این رو پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمود: در این دو وقت خدا را بسیار یاد کنید، چرا که در این دو وقت، شیطان آدمی را از یاد خدا غافل می‌کند».^۲

۴- به سند صحیح از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده است، که آن حضرت هنگامی که در خراسان بودند، پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب در مصلائی خویش می‌نشستند و تعقیبات را به جای می‌آوردند، سپس مسواک‌های آن حضرت را می‌آوردند و آن حضرت با آنها مسواک می‌کرد آنگاه به تلاوت قرآن مجید می‌پرداخت.^۳

۵- از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است که: هر کس پس از نماز صبح، در مصلائی خویش، تا هنگام طلوع آفتاب به تعقیب مشغول باشد و یاد خدا نماید، پاداش حج را دارد.^۴

۶- در حدیث قدسی آمده است که خداوند فرمود: «ای فرزند آدم! بعد از صبح ساعتی و بعد از عصر نیز ساعتی مرا یاد کن، تا همهٔ امور تو را کفایت کنم».^۵

دعاها، ذکرها و آیاتی که در تعقیب نماز صبح وارد شده است:

۱- «شیخ صدوق» به سند معتبر از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده است که: هر کس بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه استغفار کند و بگوید: **اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّيَ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ** خداوند او را بیامرزد.^۶

۲- «شیخ صدوق» به سند صحیح از امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده است که: هر کس بعد از نماز صبح، یازده مرتبه سورهٔ «توحید» را بخواند، در آن روز به گناهی دچار نمی‌شود هرچند شیطان تلاش کند.^۷

۳- مرحوم «شیخ کلینی» به سند صحیح از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده است که: هر کس بعد از نماز صبح صد بار بگوید:

۱. مکارم الاخلاق، صفحهٔ ۳۰۵ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحهٔ ۱۲۹، حدیث ۲.

۲. مفتاح الفلاح، صفحهٔ ۲۵۲.

۳. فقیه، جلد ۱، صفحهٔ ۵۰۴، حدیث ۱۴۵۱.

۴. تهذیب، جلد ۲، صفحهٔ ۱۲۸، حدیث ۳۰۳.

۵. ثواب الاعمال، صفحهٔ ۱۶۵ و بحار الانوار جلد ۸۳، صفحهٔ ۱۳۴، حدیث ۱۵.

۷. ثواب الاعمال، صفحهٔ ۴۵ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحهٔ ۱۳۵، حدیث ۱۸.

مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، در آن روز هیچ

هرچه که خدا خواهد، محقق است، هیچ جنبش و نیرویی نیست، مگر با کمک خداوند بلندمرتبه با عظمت * * * * *

ناگواری نمی‌بیند.^۱

این روایت را مرحوم «شیخ طوسی» و بزرگان دیگر نیز در کتب دعا ذکر کرده‌اند.^۲

۴- از امام باقر علیه السلام روایت شده است که: هر کس سوره «قدر» را پس از طلوع فجر هفت بار بخواند، هفتاد صف از فرشتگان بر او درود می‌فرستند و هفتاد مرتبه برای او طلب رحمت می‌کنند.^۳

۵- از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده است که مردی نزد آن حضرت آمد و از شغل و حرفه خویش شکایت کرد و گفت: به هر کاری دست می‌زنم سودی نمی‌برم و به هر حاجتی که روی می‌آورم، برآورده نمی‌شود (و همه درها به رویم بسته شده است) امام علیه السلام فرمود: پس از نماز صبح ده مرتبه بگو:

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ، اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ اَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ.

پاک و منزّه است خداوند با عظمت و او را ستایش می‌کنم. از خدا طلب آموزش می‌کنم و از فضلش می‌طلبم.

آن مرد می‌گوید: مدت اندکی بر این کار مداومت ورزیدم که مشکلات من حل شد.^۴

در کتاب «کافی» و «مکارم الاخلاق» روایت شده است که مردی به امام کاظم علیه السلام عرض کرد: دعایی به من بیاموز که جامع دنیا و آخرت باشد و مختصر و آسان نیز باشد، آن حضرت همین دعا را به وی آموخت و فرمود که بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب آن را بخواند؛ آن مرد نیز چنین کرد و بر آن مداومت ورزید، در نتیجه وضعش خوب شد.^۵

۶- عبدالله بن سنان روایت کرده است که خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، آن حضرت فرمود: آیا می‌خواهی دعایی به تو بیاموزم که با خواندن آن خداوند دین تو را ادا کند و وضع و حالت خوب شود؟ گفتم: چه قدر به چنین دعایی نیازمندم. امام علیه السلام فرمود: بعد از نماز صبح بگو:

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ

توکل کردم بر خدای زنده پابنده‌ای که هرگز نمیرد و ستایش خاص خدایی است که فرزندی

وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلَّةِ، وَ كَبَّرَهُ

نگیرد و شریکی در فرمانروایی ندارد و نباشد برایش یاری از خواری و او را بخوبی

۱. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۳۰، حدیث ۲۴. ۲. مصباح‌المتهجد، صفحه ۲۰۹ و مصباح کفعمی، صفحه ۶۶.

۳. بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۱۶۱، حدیث ۴۰.

۴. عدة الداعی، صفحه ۲۶۶ و بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۱۳۰، حدیث ۵.

۵. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۵۰، حدیث ۱۲ و مکارم الاخلاق، صفحه ۲۸۳.

تَكْبِيرًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُؤْسِ وَالْفَقْرِ، وَمِنْ غَلْبَةِ الدِّينِ

بزرگ شمار خدایا به تو پناه برم از تنگدستی و نداری و از فشار بدهکاری

وَالسُّقْمِ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُعِينَنِي عَلَىٰ أَدَاءِ حَقِّكَ إِلَيْكَ وَآلِي النَّاسِ.^۱

و دردمندی و از تو می‌خواهم که کمکم دهی بر پرداخت حق تو و حق مردم.

۷- علامه مجلسی می‌نویسد: مرحوم «طبرسی» و «کفعمی» و علمای دیگر از رسول خدا ﷺ روایت کرده‌اند که آن حضرت به اصحاب خود فرمود: آیا نمی‌توانید هر صبح و شام عهده‌ی را از نزد خداوند بگیری‌د؟ گفتند: چگونه عهد بگیریم؟ فرمود: هر کس این دعا را بخواند، بر آن دعا مه‌ری می‌زنند و تحت عرش الهی می‌گذارند و چون روز قیامت فرا رسد، منادی ندا می‌دهد: کجا ایند آنان که نزد خدای رحمان عهده‌ی دارند و هر کس آن دعا را خوانده باشد، آن عهد را به او دهند و با آن عهدنامه، داخل بهشت شود.^۲ مرحوم «شیخ طوسی» این دعا (و عهدنامه) را در تعقیب نماز صبح آورده است:

اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنَ

خدایا ای آفریننده آسمانها و زمین دانای غیب و شهود بخشاینده

الرَّحِيمِ، أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّكَ لَا

مهربان من با تو عهد می‌کنم در این دنیا که برستی تویی خدایی که معبودی جز تو نیست یکتایی که

شَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، اللَّهُمَّ

شریک برایت نیست و این‌که محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول توست خدایا

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَكْلُنِي إِلَىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، وَلَا إِلَىٰ

پس درود فرست بر محمد و آتش و هرگز به اندازه چشم برهم زدن مرا به خودم و نه به

أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَيْهَا تَبَاعَدَنِي مِنَ الْخَيْرِ، وَتَقَرَّبَنِي مِنَ

هیچ یک از مخلوق و امگذار زیرا اگر مرا بدانها واگذاری از خیر دورم کرده و به شر نزدیکم

الشَّرِّ، أَيْ رَبِّ لَا أَثِقُ إِلَّا بِرَحْمَتِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ،

کرده‌ای ای پروردگار من اطمینان ندارم جز به رحمتت پس درود فرست بر محمد و خاندان پاکیزه‌اش

۱. تفسیر عیاشی، جلد ۲، صفحه ۳۲۰، حدیث ۱۸۲ و بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۱۳۲، حدیث ۸.

۲. بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۱۵۲، حدیث ۳۵.

وَأَجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا تُؤَدِّيهِ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.^۱

و این پیمان را نزد خود محفوظ نگهدار که در روز قیامت آن را به من بازگردانی که همانا تو خلف وعده نمی‌کنی.

۸- در روایتی نقل شده است که هر کس بعد از نماز صبح صد بار بگوید: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ**

بر * * * * * خدایا

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ خداوند او را از آتش جهنم حفظ فرماید.^۲

محمد و آل محمد درود فرست * * * * *

* * *

در تعقیبات نماز صبح این امور نیز وارد شده است:

۱- ده مرتبه می‌گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْأَوْصِيَاءِ الرَّاضِينَ الْمَرْضِيِّينَ

خدایا درود فرست بر محمد و بر اوصیای همان خوشنود پسندیده

بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَ عَلَيَّ

به نیکوترین درودهایت و برکت فرست بر آنها به بهترین برکات و سلام برایشان

أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ، وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ.^۳

و ارواح و اجسادشان و رحمت خدا و برکاتش.

* * *

۲- خواندن این صلوات که برای خواندنش بعد از نماز ظهر و عصر جمعه، فضیلت فراوانی وارد شده

است^۴ و «شیخ طوسی» آن را در تعقیبات نماز صبح آورده است:

اللَّهُمَّ أَحْيِنِي عَلَيَّ مَا أَحْيَيْتَ عَلَيْهِ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَ أَمْتِنِي عَلَيَّ مَا

خدایا مرا زنده دار بر آنچه علی بن ابی‌طالب را بر آن زنده داشتی و بمیران بر آنچه

مَاتَ عَلَيْهِ عَلَيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۵

علی بن ابی‌طالب بر آن درگذشت.

۱. مصباح‌المتهجد، صفحه ۲۱۴ و بلدالامین، صفحه ۵۳ (با اندکی تفاوت).

۲. بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۱۳۳، حدیث ۱۰.

۳. مصباح‌المتهجد، صفحه ۲۰۷.

۴. اعلام‌الدین، صفحه ۳۶۶.

۵. مصباح‌المتهجد، صفحه ۲۰۷.

۳- پس از آن بگو: **أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمَامِكَ الْمَنِيْعِ، الَّذِي لَا يُطَاوُلُ**

صبح کردم خدایا در حالی که پناه آوردم به جوار (مقام) منیع تو که دستی بدان نرسد

وَلَا يُحَاوِلُ، مِنْ [شَرِّ] كُلِّ غَاشِمٍ وَطَارِقٍ، مِنْ سَائِرٍ مَنْ خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ

و مورد تجاوز واقع نگردد از شر هر ستمگر و هر راهزنی از تمام کسانی که آفریده‌ای و چیزهای دیگری که خلق کرده‌ای

مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ النَّاطِقِ، فِي جَنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخَوْفٍ بَلْبَاسٍ سَابِعَةٌ

چه (آنها که) خموش (اند) و چه گویا (خود را) در سبزی از هر چیز ترسناکی (نهادم) با لباسی بافته از

وَلَا أَيْ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ، مُحْتَجِباً مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَى أَزِيَّةٍ، بِجِدَارِ حَصِينٍ

دوستی خاندان پیامبرت و خود را بپوشانم از هر کسی که قصد آزارم کند به سنگر محکم

الْإِخْلَاصِ فِي الْإِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ، وَ التَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ، مُوقِنًا أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ

اخلاص با اعتراف به حق آن بزرگواران و تمسک به رشته دوستی ایشان در حالی یقین دارم حق مخصوص آنها

وَمَعَهُمْ وَ فِيهِمْ وَ بِيَهُمْ، أَوْ أَلِيٍّ مِنْ وَالِدٍ، وَ أَجَانِبٍ مِنْ جَانِبٍ، فَأَعِذْنِي اللَّهُمَّ

و نزد آنها و پیش آنها و به وسیله آنهاست دوست دارم هر که را دوست دارند و دوری جویم از هر که دوری جویند پس خدایا

بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا اتَّقِيهِ، يَا عَظِيمُ حَازَمَةُ الْأَعَادِي عَنِّي بِبَدِيْعِ

به حق ایشان مرا از شر هر چه می‌ترسم پناه ده ای خدای بزرگ، من دشمنان را بوسیله خدای پدید آورنده

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا

آسمانها و زمین از خود دور ساختم، همانا پیش رویشان سدی نهادیم و پشت سرشان نیز سدی،

فَأَعَشِينَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. ۱

و پرده بر آنها افکنديم که نمی‌بینند.

این دعایی است که در هر صبح و شام می‌توان آن را خواند و این همان دعایی است که امیر مؤمنان علیه السلام در لیلۃ المبیت (شبی که به جای رسول خدا، در بسترش خوابید تا پیامبر از دست مشرکان مکه نجات یابد) آن را خواند.^۲

۴- مطابق روایتی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام هر کس بعد از نماز صبح یکصد مرتبه بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» این ذکر به اسم اعظم از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیکتر است.^۳

۱. مصباح المتهجد، صفحه ۲۱۲ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۱۴۸، حدیث ۳۱.

۲. بلد الامین، صفحه ۲۷.

۳. مهج الدعوات، صفحه ۳۱۶ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۱۶۲، حدیث ۴۱.

۵- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که آن حضرت فرمود: این دعا را برای امور دنیا و آخرت و برطرف شدن درد چشم، بعد از نماز صبح و مغرب بخوانند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

خدایا از تو می‌خواهم به آن حقی که محمد و آلش بر تو دارند که درود فرستی بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلِ النُّورَ فِي بَصَرِي، وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَ الْيَقِينَ فِي

و آلش و قرار ده روشنایی در دیدهام و بینایی در دینم و یقین در

قَلْبِي، وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَ السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي، وَ السَّعَةَ فِي رِزْقِي،

دلهم و اخلاص در عملم و سلامتی در جانم و فراخی در روزیم

وَ الشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي. ۱

و همیشه تا زندهام داری سپاسگزارت باشم.

۶- در روایتی از امام محمد تقی علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمود: هر کس پس از نماز صبح این دعا را بخواند، خواسته‌هایش از خداوند به آسانی به دست آید و آنچه را که او بخواهد و آهنگ آن کند، خداوند کفایتش فرماید و آن را برآورده سازد؛ این دعا، مطابق نقل «مفتاح الفلاح» چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ

به نام خدا و درود خدا بر محمد و آلش باد و واگذارم کارم را به خدا که براستی خدا

بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ، فَوقِيهِ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَّرُوا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي

به کار بندگان بیناست «پس خدا از نیرنگهای بد نگاهش داشت» معبودی جز تو نیست «متزهی تو که من

كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَ نَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ، وَ كَذَلِكَ نُنْجِي

از ستمکارانم پس ما دعایش مستجاب کردیم و از غم و اندوه نجاتش دادیم این چنین مؤمنان را

الْمُؤْمِنِينَ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ

نجات دهیم» «خدا ما را بس است و چه نیکو وکیلی است پس با نعمت خدا و فرزونی که دیگر

يَمْسَسُهُمْ سُوءٌ، مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَا

بدی به آنها نرسید بازگشتند» آنچه خدا خواهد، نیست جنبش و نه نیرویی مگر بوسیله خدا آنچه خدا خواهد می‌شود نه آنچه

شَاءَ النَّاسُ، مَا شَاءَ اللَّهُ وَ إِنْ كَرِهَ النَّاسُ، حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ،

مردم خواهند آنچه خدا خواهد می‌شود اگر چه مردم ناخوش دارند پس است مرا پروردگار از (بندگان) پروریده شده،

حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ، حَسْبِيَ

بس است مرا آفریدگار از آفریدگان بس است مرا روزی ده از روزی خوران بس است مرا

اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، حَسْبِيَ مَنْ هُوَ حَسْبِي، حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي،

خدا پروردگار جهانیان بس است مرا آن‌که او بس است مرا، بس است مرا آن‌که همیشه مرا بس است

حَسْبِيَ مَنْ كَانَ مَذْكَوْتًا حَسْبِي، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

بس است مرا آن‌که از وقتی بودم بسم بوده بس است مرا خدا معبودی جز او نیست بر او توکل کنم

وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

و اوست پروردگار عرش با عظمت.



۷- مرحوم «حاجی نوری» در کتاب «دار السلام» از استاد خود، عالم ربّانی مرحوم جناب حاج ملا فتحعلی سلطان آبادی نقل کرده است، که فاضل مقدّس آخوند ملامحمد صادق عراقی در دشواری و پریشان حالی و نهایت سختی بود، به گونه‌ای که هرگز برای او گشایشی حاصل نمی‌شد. شبی در خواب دید که در مکانی، خیمه‌ای بزرگ برپاست. پرسید این خیمه از کیست؟ گفتند این خیمه پناهگاه مطمئن و فریادرس بیچارگان حضرت مهدی امام منتظر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است. ملا محمد صادق عراقی با عجله به خدمت آن حضرت مشرف گردید و سختی زندگی و پریشانی حال خویش را به آن حضرت عرض کرد، و از آن بزرگوار خواست دعایی برای رفع مشکلات و اندوه خویش، به او تعلیم فرماید. آن حضرت وی را به سمت خیمه‌ای که یکی از سادات در آن جا بود، راهنمایی نمود. آخوند ملا محمد صادق از خدمت آن حضرت بیرون آمد و به همان خیمه‌ای که امام اشاره کرده بود، وارد شد؛ دید سید جلیل‌القدر و عالم بزرگوار، جناب آقا سید محمد سلطان آبادی در آن خیمه روی سجاده نشسته و مشغول دعا و ذکر است، آخوند بر وی سلام کرد و حکایت حال خویش را برای او نقل کرد. سید نیز برای گشایش کار و وسعت رزق، دعایی به وی آموخت.

مرحوم آخوند از خواب بیدار شد، و متوجّه شد که آن دعا را به خوبی می‌داند، او که پیش از این، با سید محمد سلطان آبادی میانه‌ای نداشت، بعد از این خواب، به خدمت سید رسید، وی را به همان حالتی دید،

که در خواب مشاهده کرده بود، دید آن بزرگوار در مصالای خود نشسته، مشغول ذکر و استغفار است، سلام کرد و سید پاسخ داد. آنگاه تبسمی نمود، گویا از جریان باخبر است. آخوند برای رفع مشکلات خویش، دعایی خواست، و سید نیز همان دعایی که در خواب به وی تعلیم داده بود را خواند. آخوند ملاً محمّد صادق، آن دعا را خواند، و در مدّت کمی از سختی و مشکلات زندگی بیرون آمد و به آسایش و آسودگی رسید.

آن دعا چنین بود:

اول: پس از طلوع فجر دست بر سینه خود بگذارد و هفتاد مرتبه بگوید: یا فتّاح (یعنی ای گشاینده امور).

دوم: این دعا را که در کافی برای حلّ مشکلات و شفای بیماران نقل شده است بخواند:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا

جنبش و نیرویی مگر بوسیله خدا نیست توکل کردم بر (خدای) زنده‌ای که

یَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ

نمیرد و ستایش خاص خدایی است که همسر و فرزندی نگیرد و شریکی

فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا.^۱

در فرمانروایی ندارد و خواری ندارد تا نیازمند یاور باشد و به نحو کامل او را بزرگ شمار.

سوم: بعد از نماز صبح بخواند آن دعایی که پیش از این (صفحه ۱۰۵۳) گذشت (بسم الله و صلی الله علی محمّد و آله و افوض امری الی الله ... تا آخر).



فصل سوم سجده شکر

پس از انجام تعقیبات، سجده شکر به جا آور، که به اتفاق تمام علمای شیعه، سجده شکر به هنگام یافتن نعمتی یا دفع بلایی سنت است، و بهترین آن، سجده‌ای است که پس از نماز برای شکر توفیق ادای نماز به جا آورده می‌شود!

در این جا بعضی از روایاتی که در اهمّیت سجده شکر وارد شده است از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد: ۱- به سند معتبر از امام باقر علیه السلام روایت شده است که آن حضرت فرمود: «پدرم، علی بن الحسین علیه السلام هیچ گاه نعمتی را از خدا یاد نکرد، مگر آن‌که به شکرانه آن سجده کرد، و هیچ آیه‌ای را نخواند که در آن سجده باشد، مگر آن‌که سجده کرد؛ و خداوند هیچ بلائی را که از آن می‌ترسید، از او دفع نکرد، مگر آن‌که به خاطر آن سجده کرد؛ و از هر نماز واجب که فارغ می‌شد، پس از آن سجده می‌کرد، هر وقت توفیق می‌یافت که میان دو نفر اصلاح کند، برای شکر آن، سجده می‌کرد»، و در تمامی مواضع سجده آن حضرت، اثر سجود بود و به این سبب آن حضرت را «سجّاد» می‌نامیدند.^۱

۲- به سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «هر مؤمنی که برای شکر نعمتی - در غیر نماز - برای خدا سجده شکر به جای آورد، خداوند، برای او ده حسنه بنویسد و ده گناه را از او محو و پاک گرداند و در بهشت ده درجه وی را بالا می‌برد».^۲

۳- به سند موثق از امام رضا علیه السلام روایت شده است که: «سجده بعد از نماز واجب، در واقع شکر خداوند است، از این که این توفیق را به بنده داد، تا فریضه‌اش را به جای آورد، و کمترین چیزی که در این سجده گفته می‌شود، سه مرتبه «شُكْرًا لِلَّهِ» است...».^۳

کیفیت سجده شکر:

در انجام این سجده شرط خاصی وجود ندارد و به هر صورت که آورده شود، صحیح است. ولی بهتر است مانند سجده نماز، بر هفت عضو سجده کند و پیشانی را بر چیزی گذارد که در نماز بر آن می‌گذارد.

۱. علل الشرایع، جلد ۱، صفحه ۲۳۲، حدیث ۱ و بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۰۱، حدیث ۱۱.

۲. ثواب الاعمال، صفحه ۳۵ و بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۰۱، حدیث ۱۲.

۳. عیون اخبار الرضا، جلد ۱، صفحه ۲۸۱، حدیث ۲۷ و بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۱۹۸، حدیث ۵.

و افضل آن است که بر خلاف سجده نماز، آرنج را نیز بر زمین بگذارد،^۱ و سنت است که نخست پیشانی را بر زمین گذارد، سپس طرف راست صورت را و آنگاه طرف چپ صورت را و در نهایت نیز پیشانی را بر زمین بگذارد،^۲ و به خاطر این که دو بار پیشانی را بر زمین می‌گذارد، به آن دو سجده شکر می‌گویند. سجده شکر می‌تواند بدون هر ذکر و دعایی نیز باشد ولی سنت است که ذکر می‌گویید و بهتر است از ذکرهایی باشد که خواهد آمد.

مطابق روایات، بعضی از معصومین علیهم‌السلام، این سجده را بسیار طولانی می‌کردند. امام کاظم علیه‌السلام (در زندان هارون) بعد از طلوع صبح، سجده می‌کرد، تا وقت زوال.^۳ همچنین از «فضل بن شاذان» نقل شده است که گفت: حسن بن علی بن فضال برای عبادت به صحرا می‌رفت، و سجده را چنان طول می‌داد که پرنندگان بر پشت او می‌نشستند به گمان این که جامه‌ای است افتاده، و همچنین برخی از حیوانات بیابانی برگرد او چرا می‌کردند و از او وحشت نمی‌کردند.^۴

برخی از ذکرهای سجده شکر:

۱- از امام رضا علیه‌السلام نقل شده است که: می‌توانی صد بار در سجده شکر بگویی: «شکراً» و می‌توانی صد بار بگویی «عفواً».^۵

همچنین از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که کمترین چیزی که در سجده شکر کفایت می‌کند آن است که سه بار بگویی: «شکراً لله».^۶

۲- در روایات معتبر بسیاری نقل شده است که امام کاظم علیه‌السلام در سجده شکر بسیار می‌گفتند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ.^۷

بار الها همانا از تو خواهم آسودگی را هنگام مرگ و گذشت هنگام حساب.

۳- مرحوم «ابن بابویه» به سند معتبر، از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده است که هرگاه بنده‌ای در

۱. کافی، جلد ۳، صفحه ۳۲۴، حدیث ۱۴.

۲. همان مدرک، صفحه ۳۲۵، حدیث ۱۷.

۳. عیون اخبار الرضا، جلد ۱، صفحه ۹۵، حدیث ۱۴.

۴. رجال کشی، صفحه ۵۱۵ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۰۷، حدیث ۲۱.

۵. فقیه، جلد ۱، صفحه ۳۳۲، حدیث ۹۷۰ (همین حدیث در کافی، جلد ۳، صفحه ۳۲۶، حدیث ۱۸، از امام کاظم علیه‌السلام نیز نقل شده است).

۶. همان مدرک، صفحه ۳۳۳، حدیث ۹۷۸.

۷. کافی، جلد ۳، صفحه ۳۲۳، حدیث ۱۰ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۱۷، حدیث ۳۱.

سجده سه بار بگوید: **يَا اَللّٰهُ، يَا رَبّاهُ، يَا سَيِّداهُ**، خداوند به وی پاسخ دهد: **لَبَّيْكَ اَيُّ بِنْدَءِمْ**،

خدايا، پروردگارا، سرورا * * * * *

حاجت خویش را بخواه.^۱

* * *

۴- مرحوم «شیخ طوسی» در «مصباح المتهدّج» در بخش سجده شکر فرموده است:

مستحب است در سجده برای برادران مؤمن خویش دعا کند و بگوید:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَاللَّيَالِي الْعَشْرِ، وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ، وَاللَّيْلِ اِذَا يَسُرُّ، وَرَبَّ

خدايا ای پروردگار سبیده دم و شبهای ده گانه و شفع و وتر (و پروردگار) شب هنگامی که بگذرد و پروردگار

كُلِّ شَيْءٍ، وَ اِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ مَلِيكَ كُلِّ شَيْءٍ، صَلِّ

همه چیز معبود همه چیز و آفریننده همه چیز و مالک هر چیز درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْعَلْ بِي وَبِفُلَانٍ وَفُلَانٍ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلْ بِنَا مَا

بر محمد و آل او و انجام ده درباره من و فلانی و فلانی آنچه را تو شایسته آنی و انجام مده درباره ما آنچه

نَحْنُ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ.^۲

را ما سزاوار آنیم زیرا که تو اهل تقوا و اهل آمرزشی.

به جای «بِفُلَانٍ وَ فُلَانٍ» نام افراد مورد نظر را بگوید.

و چون سر از سجده برداشت دست خود را بر موضع سجود خود بکشد و آنگاه به طرف چپ صورت و

سپس به پیشانی خویش بکشد و بعد از آن به جانب راست صورت خود دست بکشد و این کار را سه مرتبه

انجام دهد، و در هر مرتبه بگوید:

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ،

خدايا از آن توست ستایش معبودی نیست جز تو دانای غیب و شهود بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي الْهَمَّ وَ الْغَمَّ وَ الْحَزْنَ وَ الْفِتْنَ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ.^۳

خدايا دور کن از من اندوه و غم و دگرگوئیها و آشوبها را آنچه آشکار است و آنچه پنهان.

۱. امالی صدوق، صفحه ۴۱۱، حدیث ۶ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۲۷، حدیث ۴۷.

۲. مصباح المتهدّج، صفحه ۲۴۱. ۳. همان مدرک، صفحه ۲۴۳.

بخش هفتم

نمازهای مستحب

فصل دوم:

فصل اول:

نمازهای معروف دیگر

نمازهای چهارده معصوم علیهم السلام

- | | |
|---------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------|
| ۱ - نماز جعفر طیار | ۱ - نماز پیغمبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> |
| ۲ - نماز هدیه به معصومین <small>علیهم السلام</small> | ۲ - نماز امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> |
| ۳ - نماز لیلة الدفن | ۳ - نماز حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> |
| ۴ - نماز دیگری برای لیلة الدفن | ۴ - نماز امام حسن <small>علیه السلام</small> |
| ۵ - نماز اول ماه | ۵ - نماز امام حسین <small>علیه السلام</small> |
| ۶ - نماز اعرابی | ۶ - نماز امام زین العابدین <small>علیه السلام</small> |
| ۷ - نماز فرزند برای آمرزش والدین | ۷ - نماز امام باقر <small>علیه السلام</small> |
| ۸ - نماز برای رفع وسوسه های قلبی | ۸ - نماز امام صادق <small>علیه السلام</small> |
| ۹ - نماز مسجد جمکران | ۹ - نماز امام کاظم <small>علیه السلام</small> |
| ۱۰ - نماز شب | ۱۰ - نماز امام رضا <small>علیه السلام</small> |
| ۱۱ - نماز توسل به حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> | ۱۱ - نماز امام محمد تقی <small>علیه السلام</small> |
| ۱۲ - نماز حاجت | ۱۲ - نماز امام علی نقی <small>علیه السلام</small> |
| ۱۳ - نمازی دیگر برای برآورده شدن حاجات | ۱۳ - نماز امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> |
| ۱۴ - نماز برای رفع مشکلات | ۱۴ - نماز امام زمان <small>علیه السلام</small> |
| ۱۵ - نماز برای زیاد شدن روزی | |
| ۱۶ - نمازی دیگر در طلب روزی | |

نمازهای مستحب

اقسام نمازهای مستحب

نماز بهترین وسیله ارتباط با خدا، عالی‌ترین نمود بندگی و روشن‌ترین نشانه عبودیت بنده در برابر معبود است. (شرحی درباره اهمیت نماز در تربیت انسانها و پرورش فضایل اخلاقی و نظم جامعه انسانی در بحث تعقیبات گذشت).

از این رو در دستورات اسلامی، علاوه بر نمازهای واجب و فرائض یومیّه، نمازهای مستحب فراوانی وجود دارد که هر یک از آنها به نوبه خود دارای اهمیت زیاد و تأثیر مناسب است.

نمازهای مستحب را در یک نگاه کلی می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:
 ۱- نوافل یومیّه که پیش از فرائض، یا پس از آنها انجام می‌شود که وسیله‌ای برای پذیرش فرائض و رفع کاستیهای آنهاست.^۱ (شرح آن در بخش آداب و تعقیبات نماز گذشت).

۲- نمازهایی که در برخی از اوقات شبانه‌روز که زمان مناسبی برای راز و نیاز با خدا و کسب نورانیت و معنویت از پیشگاه ربوبی است بجا آورده می‌شود (مثل نماز شب).

۳- نمازهایی که به نام معصومین علیهم‌السلام وارد شده است؛ این نمازها را آن بزرگواران انجام می‌دادند و به نام آنها مشهور شده است. از این رو، پیروان آنها نیز با پیروی از سنت آنان این نمازها را بجا می‌آورند.

۴- نمازهایی که به نام بعضی از اصحاب و یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یاران ائمه معصومین علیهم‌السلام مشهور شده است. این نوع نمازها را معصومین با اهداف خاصی به آنان تعلیم می‌دادند که به نام آنان شهرت یافته است (مانند نماز جعفر طیار).

۱. روایتی از امام رضا علیه‌السلام مضمون فوق را تأیید می‌کند (بحارالانوار، جلد ۷۹، صفحه ۲۹۴، حدیث ۲۴).

تعلیم این گونه نمازها گاه برای بخشش گناهان، یا حلّ مشکلات، یا یک جایزه بزرگ معنوی بوده است.

۵- نمازهایی که مربوط به زمان‌های خاصی است، مثل نماز ایّام هفته، مخصوصاً روز جمعه و اوّل ماه و نمازهای دیگر، که برای کسب معنویّت از آن ایّام مخصوص است.

۶- نمازهایی که مربوط به مکان‌های خاصی است که به سبب فضیلت آن مکانها خواندن نماز در آنها توصیه شده است (مثل نماز در مسجد جمکران).

۷- نمازهایی که برای حلّ مشکلات روحی و یا مادی و برآورده شدن حاجات و رفع گرفتاری‌ها از سوی معصومین علیهم‌السلام توصیه شده (مانند نمازهای حاجت و نماز برای زیاد شدن رزق و مانند آن)، و خود آن بزرگواران نیز در مشکلات رو به درگاه خدا می‌آوردند و به نماز پناه می‌بردند.^۱

نکته مهم این جاست که تمام این نمازها - هرچند به نامهای خاصی مشهور شده - باید به قصد قربت و توجّه به ذات پروردگار انجام شود؛ هرچند نتیجه نهایی، رسیدن به حاجت‌های دنیوی بوده باشد. نخست به سراغ نمازهای مشهور به نام معصومین علیهم‌السلام می‌رویم.

بار دیگر تأکید می‌کنیم نمازهایی که به نام معصومین علیهم‌السلام است نمازهایی است که همه به درگاه خداوند یگانه انجام می‌شود، ولی چون آن بزرگواران انجام می‌دادند به نام آنها مشهور شده و به یقین دارای ارزش بسیاری است.



۱. «ان رسول الله صلی الله علیه و آله کان اذا حزبه أمر فزع إلى الصلاة؛ هرگاه رسول خدا دچار سختی و دشواری می‌شد، به نماز پناه می‌برد» (بحارالانوار، جلد ۷۹، صفحه ۱۹۲).

فصل اول

نمازهای چهارده معصوم ﷺ

۱- نماز پیغمبر اکرم ﷺ

«سید بن طاووس» به سند معتبر از امام رضا ﷺ روایت کرده است که از آن حضرت سؤال کردند از نماز جعفر طیار رضی الله عنه؛ امام رضی الله عنه فرمود: چرا از نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله غافل هستی؟! آن مرد عرض کرد: آن نماز را به من تعلیم فرما. حضرت فرمود:

نماز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دو رکعت است که در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و پانزده مرتبه سوره «قدر» (اَنَا انزلناه) را می خوانی؛ همچنین در رکوع - پس از ذکر رکوع - و همچنین پس از سر برداشتن از رکوع - آنگاه که ایستاده ای - و در سجده اول - پس از ذکر سجده - و همچنین پس از سر برداشتن از سجده - آنگاه که نشسته ای - و در سجده دوم - پس از ذکر سجده - و همچنین پس از سر برداشتن از سجده نیز در هر یک از این موارد، پانزده مرتبه سوره «قدر» را می خوانی. پس از اتمام نماز، خداوند گناھانت را می آمرزد و حاجتت را روا می سازد، و آنگاه این دعا را می خوانی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، رَبُّنَا وَ رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، إِلَهًا وَاحِدًا

معبودی نیست جز خدا پروردگار ما و پروردگار پدران پیشین ما معبودی نیست جز خدا معبود یگانه

وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ

و ما تسلیم اویم معبودی نیست جز خدا و نپرستیم جز او را و دینمان خالص برای اوست اگرچه

كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ حُدَّةً وَ حُدَّةً [وَ حُدَّةً]، أَنْجَزَ وَعَدَّهُ، وَ نَصَرَ

ناخوش دارند مشرکان معبودی نیست جز خدای یگانه یکتای یکتا که به وعده اش وفا کرد و بنده اش را

عَبَدَهُ، وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ، وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَ حُدَّةً، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، وَ هُوَ

باری نمود و سپاه خویش را عزیز گردانید و احزاب (دشمن) را به تنهایی منهزم ساخت پس سلطنت خاص اوست و ستایش از آن اوست

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ اَنْتَ نُوْرُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ مَنْ فِيْهِنَّ،

و اوست بر هر کاری توانا خدایا تویی روشنی بخش آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست

فَلَكَ الْحَمْدُ، وَ اَنْتَ قَيَّامُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ مَنْ فِيْهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ،

پس ستایش خاص توست و تویی برپا دارنده آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست پس (باز هم) ستایش خاص توست

وَأَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، فَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَأَنْجَاؤُكَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ، وَالنَّارُ حَقٌّ،

و تو خود حقی و وعدهات حق است پس گفتارت حق است و وفای تو حق است و بهشت حق است و دوزخ

حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ،

حق است خدایا در برابرت تسلیمم و به تو ایمان دارم و بر تو توکل کنم و به امید تو با خصم روبه‌رو شوم

وَالَيْكَ حَاكَمْتُ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ،

و به سوی تو قضاوت را آورم پروردگارا پروردگارا پروردگارا بیاورم گناهی که از پیش کردم و از این پس کنم

وَمَا سَرَرْتُ وَأَعْلَنْتُ، أَنْتَ إِلَهِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و آنچه در پنهان کردم و آنچه آشکار کردم تو معبود منی خدایی جز تو نیست درود فرست بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. ۱

و آتش و بیاور مرا و به من رحم کن و توبه‌ام بپذیر که براستی تویی توبه‌پذیر مهربان.

«عَلَامَةُ مَجْلِسِي» پس از ذکر این نماز می‌گوید: این نماز از نمازهای مشهور است که علمای شیعه در کتب خود روایت کرده‌اند.^۲



۲- نماز امیرالمؤمنین علیه السلام

«شیخ طوسی»^۳ و «سید بن طاووس»^۴، از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: هر یک از شما نماز امیر مؤمنان را بجا آورد، مانند روزی که از مادر متولد شده، از گناهان پاک می‌گردد و حاجت‌های وی برآورده می‌شود.

این نماز چهار رکعت است (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و پنجاه مرتبه سوره «توحید» را بخواند و پس از نماز این تسبیح را بگوید که تسبیح آن حضرت است؛ این تسبیح مطابق نقل علامه مجلسی چنین است:

سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا تُنْقِصُ خَزَائِنُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا

منزه است آن‌که نشانه‌هایش نابود نشود منزه است آن‌که هیچ وقت خزاین (گرمش) کم نشود منزه است آن‌که

اضْمِحْلَالٍ لِفَخْرِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ

فخرش زوال نپذیرد منزه است آن‌که دارایش تمام نشود منزه است آن‌که دورانش

۱. جمال الاسبوع، صفحه ۲۴۶.

۲. بحارالانوار، جلد ۸۸، صفحه ۱۶۹، حدیث ۱.

۳. مصباح المتهجد، صفحه ۲۹۲.

۴. جمال الاسبوع، صفحه ۲۴۸.

لَمُدَّتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يُشَارِكُ أَحَدًا فِي أَمْرِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ * *

سپری نشود منزه است آنکه کسی را در کارش شرکت ندهد منزه است آنکه معبودی جز او نیست *

سپس دعا کند و بگوید: يَا مَنْ عَفَا عَنِ السَّيِّئَاتِ وَ لَمْ يُجَازِ بِهَا، اِرْحَمْ عَبْدَكَ يَا

* * * * * ای آنکه درگذری از بدیها (گناهان) و بدنها کیفر نکنی به بندهات رحم کن ای

اللَّهُ يَا اللَّهُ، نَفْسِي نَفْسِي، أَنَا عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ، أَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ أَيَا

خدا، ای خدا، ای خدا، مرا مرا (ترجم کن) من بنده توام ای آقای من، من بنده توام که در برابرت هستم ای

رَبِّاهُ، إِلَهِي بِكَيْفُونَتِكَ يَا أَمَلَاهُ، يَا رَحْمَانَاهُ يَا غِيَاثَاهُ، عَبْدُكَ عَبْدُكَ لَا

پروردگار من ای معبود من به هستی خودت سوگند ای آرزوی من ای بخشاینده ای فریادرس بندهات، بندهات

حِيلَةَ لَهُ، يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ، يَا مُجْرِي الدَّمِ فِي عُرْوَقِي، عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ يَا

چاره‌ای برایش نیست ای منتهای آرمانم ای روان کننده خون در رگهایم بنده تو (می‌گوید) ای آقای من ای

مَالِكَاهُ، أَيَا هُوَ أَيَا هُوَ، يَا رَبِّاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ لِي وَلَا غِنَى بِي عَنْ

مالک من ای او، ای او، ای پروردگار من بندهات بندهات چاره‌ای برایت نیست و از خود چیزی ندارم

نَفْسِي، وَلَا أَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَلَا أَجِدُ مِنْ أَصَانِعِهِ، تَقَطَّعَتْ

و توانایی بر زبان و نفع خود ندارم و کسی را نمی‌یابم که با او بسازم تمام وسایل

أَسْبَابُ الْخَدَايِعِ عَنِّي، وَاضْمَحَلَّ كُلُّ مَظْنُونٍ عَنِّي، أَفْرَدَنِي الدَّهْرُ

چاره از من قطع شده و هر کجا گمان داشتم از بین رفت روزگار مرا تنها به درگاهت

إِلَيْكَ، فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ هَذَا الْمَقَامَ، يَا إِلَهِي بِعِلْمِكَ كَانَ هَذَا كَلَهُ، فَكَيْفَ

روانام کرده پس پیش رویت در این‌جا ایستادم معبودا تمام اینها با علم تو بوده پس تو چگونه

أَنْتَ صَانِعُ بِي، وَ لَيْتَ شِعْرِي كَيْفَ تَقُولُ لِذُعَائِي، أَتَقُولُ نَعَمْ أَمْ تَقُولُ لَا،

با من رفتار خواهی کرد و ای کاش می‌دانستم که پاسخ دعایم را چگونه خواهی گفت آیا می‌گویی «آری» یا می‌گویی «نه»

فَإِنْ قُلْتَ لَا فَيَا وَيْلِي يَا وَيْلِي، يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي، يَا

پس اگر گفتی «نه» پس وای بر من، وای بر من، ای بیچارگی من ای بیچارگی من، ای بیچارگی من،

شِقْوَتِي يَا شِقْوَتِي يَا شِقْوَتِي، يَا ذَلِي يَا ذَلِي يَا ذَلِي، إِلِي مَنْ وَ مِمَّنْ أَوْ

ای بدبختیم ای بدبختیم، ای خواریم، ای خواریم، ای خواریم به چه کسی! و از چه کسی یا

عِنْدَ مَنْ، أَوْ كَيْفَ أَوْ مَاذَا، أَوْ إِلَىٰ أَىِّ شَيْءٍ أَلْجَأُ وَمِنْ أَرْجُو، وَمَنْ يَجُودُ

پیش چه کس یا چطور یا چگونه یا به چه چیز پناه ببرم و به چه امید داشته باشم و کیست که به فضل خود

عَلَىٰ بِفَضْلِهِ حِينَ تَرْفُضُنِي يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، وَإِنْ قُلْتَ نَعَمْ كَمَا هُوَ الظَّنُّ

بر من بخشش کند آن زمان که تو برانیم ای آنکه آموزشش پهناور است، اما اگر بگویی «آری» چنانچه گمان به تو همین است

بِكَ وَالرَّجَاءُ لَكَ، فَطُوبَىٰ لِي، أَنَا السَّعِيدُ وَأَنَا الْمَسْعُودُ، فَطُوبَىٰ لِي،

و همین امید را به تو دارم پس خوشا بر حالم، در آن حال من سعادتمند و خوشبختم و خوشا بحالم که

وَأَنَا الْمَرْحُومُ، يَا مُتْرَحِّمٌ يَا مُتَرَفِّفٌ، يَا مُتَعَطِّفٌ يَا مُتَجَبِّرٌ، يَا مُتَمَلِّكٌ يَا

مشمول رحمتت واقع شده‌ام ای رحم کننده بسیار رؤف و با عطفوت ای دارنده بزرگی ای دهنده فرمانروایی ای

مُقْسِطٌ، لَا عَمَلَ لِي أَبْلُغَ بِهِ نَجَاحَ حَاجَتِي، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ

خدای دادگر عملی ندارم که بوسیله آن به خواسته‌ام ظفر جویم از تو می‌خواهم به حق آن نامت که آن را

فِي مَكُونِ غَيْبِكَ، وَاسْتَقَرَّ عِنْدَكَ، فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَىٰ شَيْءٍ سِوَاكَ،

در پرده غیب خود پنهان کرده‌ای و نزد خودت قرار گرفته بطوری که برای هیچ موجود دیگری غیر از تو ظاهر نشود

أَسْأَلُكَ بِهِ وَبِكَ وَبِهِ، فَإِنَّهُ أَجَلٌ وَأَشْرَفُ أَسْمَائِكَ، لَا شَيْءَ لِي غَيْرَ هَذَا،

بدان نام از تو می‌خواهم و بذات خودت که آن برتر و شریفترین نامهای توست و چیزی غیر از این ندارم

وَلَا أَحَدًا عَوْدُ عَلَيَّ مِنْكَ، يَا كَيِّنُونَ يَا مَكُونُ، يَا مَنْ عَرَفَنِي نَفْسَهُ، يَا مَنْ

و کسی سود رسانتر از تو به من نیست ای هست به خود و ای هستی ده ای که خود را به من شناساندی ای که

أَمَرَنِي بِطَاعَتِهِ، يَا مَنْ نَهَانِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ، وَيَا مَدْعُوُّ يَا مَسْئُولُ، يَا

مرا به طاعتت واداشتی ای که مرا از نافرمانیت بازداشتی ای که تو را خوانند و از تو خواهند

مَطْلُوبًا إِلَيْهِ، رَفَضْتُ وَصِيَّتَكَ الَّتِي أَوْصَيْتَنِي بِهَا وَلَمْ أُطِعْكَ، وَلَوْ أَطَعْتُكَ

و تو را طلب کنند وصیتی که در (بارۀ پیروی نکردن شیطان) به من کردی بدور انداختم و پیرویت نکردم و اگر آنچه

فِيمَا أَمَرْتَنِي لِكَفَيْتَنِي مَا قَمْتُ إِلَيْكَ فِيهِ، وَأَنَا مَعَ مَعْصِيَتِي لَكَ رَاجٍ، فَلَا

دستورم داده بودی اطاعتت می‌کردم تو هم درباره آنچه به درگاهت آمدم کفایتی می‌کردی ولی با این‌که من معصیت کارم به تو آمیدوارم پس

تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَا رَجَوْتُ، يَا مُتْرَحِّمًا لِي أَعِزَّنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ

میان من و آنچه امید بدان دارم جدایی می‌فکن ای ترجم کننده بر من پناهم ده از پیش رو و از

خَلْفِي، وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي، وَمِنْ كُلِّ جِهَاتِ الإِحَاطَةِ بِي، اَللَّهُمَّ

پشت سرم و از بالای سرم و از زیر پایم و از هر جهت که به من احاطه دارد خدایا

بِمُحَمَّدٍ سَيِّدِي، وَبِعَلِيٍّ وَلِيِّي، وَبِالْأَيِّمَةِ الرَّاشِدِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اجْعَلْ

به حق محمد آقای من و به حق علی مولای من و به حق امامان راهنمایم - که برایشان درود باد - رحمتهای

عَلَيْنَا صَلَوَاتِكَ وَ رَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، وَأَوْسِعْ عَلَيْنَا مِنْ رِزْقِكَ، وَ اقْضِ

خود و لطف و مهرت را بر ما شامل گردان و روزیت را بر ما وسیع گردان و دین

عَنَّا الدَّيْنَ وَ جَمِيعَ حَوَائِجِنَا، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

ما را ادا فرما و همه حاجتهای ما را برآور یا الله یا الله یا الله که همانا تو بر هر چیزی توانایی.

امام علیه السلام فرمود: هر کس این نماز را بجا آورد و این دعا را بخواند گناهان او آمرزیده شود.^۱

* * *

۳- نماز حضرت فاطمه علیها السلام

در روایتی آمده است، حضرت زهرا علیها السلام دو رکعت نماز می خواند که جبرئیل به وی آموخته بود. کیفیت این نماز بدین گونه است که در رکعت اول بعد از حمد، صد مرتبه سوره «اننازلناه» و در رکعت دوم بعد از حمد، صد مرتبه سوره «توحید» می خواند و پس از سلام این دعا را می خواند:

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ،

منزه است (خدای) صاحب عزت بسیار بلند و مرتفع منزه است (خدای) صاحب جلال والای بزرگ،

سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْبُهْجَةَ وَالْجَمَالَ،

منزه است (خدای) صاحب فرمانروایی فاخر قدیم منزه است کسی که در بردارد خزمی و زیبایی را

سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا،

منزه است آن که به ردای نور و وقار خود را آراسته منزه است آن که جای پای مور را در روی سنگ صاف ببیند

سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا الْأَهْكَذَا غَيْرُهُ.^۲

منزه است آن که گذرگاه پرنده را در هوا ببیند منزه است آن که او این چنین است و دیگری چنین نیست.

در روایت دیگری آمده است که بعد از این نماز، تسبیح مشهور حضرت زهرا علیها السلام را که پس از هر نمازی مستحب است، بگوید و بعد از آن صد مرتبه صلوات بفرستد.^۳

۱. بحارالانوار، جلد ۸۸، صفحه ۱۷۲، حدیث ۵.

۲. همان مدرک، صفحه ۱۸۰، حدیث ۷.

۳. همان مدرک، صفحه ۱۸۱، حدیث ۸.

نماز دیگری از آن حضرت:

«شیخ طوسی» و «سید بن طاووس» روایت کرده‌اند از صفوان، که محمد بن علی حلبی در روز جمعه‌ای، خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از آن حضرت پرسید، از شما می‌خواهم بهترین اعمال را در امروز، به من تعلیم فرمایم. امام علیه السلام فرمود: من کسی را نمی‌شناسم که از فاطمه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله با عظمت‌تر باشد و چیزی برتر از آن عملی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به وی آموخت سراغ ندارم. آن عمل چنین است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت زهرا علیها السلام فرمود: در صبح روز جمعه غسل کند و چهار رکعت نماز بخواند (به دو سلام) در رکعت اول بعد از حمد، پنجاه مرتبه سوره «توحید» و در رکعت دوم پس از حمد، پنجاه مرتبه سوره «عادیات» و در رکعت سوم بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره «زلزال» و در رکعت چهارم پس از حمد، پنجاه مرتبه سوره «نصر» را بخواند، و پس از اتمام نماز بگوید:

الْهِي وَسَيِّدِي، مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرُفَادَةِ مَخْلُوقٍ رَجَاءً

ای معبود و ای آقای من هرکس آماده و مجهز و مهیا و مستعد برای ورود بر مخلوقی شده به امید

رِفْدِهِ، وَفَوَائِدِهِ وَنَائِلِهِ، وَفَوَاضِلِهِ وَجَوَائِزِهِ، فَالْيَكِ يَا إِلَهِي كَانَتْ

دهش و فوائد و بخشش و عطایا و جوایزش ولی ای معبود من به سوی توست

تَهَيَّئْتِي وَتَعَبَّئْتِي، وَأَعْدَادِي وَاسْتَعْدَادِي، رَجَاءً رِفْدِكَ وَفَوَائِدِكَ

آمادگی و تجهیز و تهیه و استعداد من به امید فوائد و نیکی

وَمَعْرِوْفِكَ، وَنَائِلِكَ وَجَوَائِزِكَ، فَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ ذَلِكَ، يَا مَنْ لَا تُخَيِّبُ

و بخشش و عطایا و جوایز تو پس از این باره محروم مکن ای که ناامید نکند

عَلَيْهِ مَسْئَلَةُ السَّائِلِ، وَلَا تَنْقُصُهُ عَطِيَّةُ نَائِلٍ، فَإِنِّي لَمْ آتِكَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ

سائلی را در سؤال و نکاهد از او عطا و بخشش و من با کردار شایسته‌ای که بیش‌کش باشد

قَدِّمْتَهُ، وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِشَفَاعَتِهِ، إِلَّا مُحَمَّدًا

به درگاهت نیامده و نه به شفاعت مخلوقی امید بستم که بدان‌وسيله به تو تقرب جویم جز به شفاعت محمد

وَأَهْلَ بَيْتِهِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ، الَّذِي

و خاندانش که درود تو بر او و ایشان باد به درگاهت آمده و امید گذشت‌عظیم تو را دارم همان گذشتی که

عُدْتَ بِهِ عَلَى الْخَاطِئِينَ عِنْدَ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحَارِمِ، فَلَمْ يَمْنَعَكَ طَوْلُ

توجه کنی بدان بر آنان‌که خطاکارند در آن هنگامی که بر کارهای حرام درافتاده‌اند و توقف طولانی آنها

عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحَارِمِ أَنْ جُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالْمَغْفِرَةِ، وَأَنْتَ سَيِّدِي الْعَوَادُ

بر محرمات باز ندارد تو را از اینکه آمرزشت را از ایشان بازداری و تو ای آقای من بسیار برگشت

بِالنِّعْمَاءِ، وَأَنَا الْعَوَادُ بِالْخَطَاءِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، أَنْ

به نعمت بخشی داری و من بسیار برگشت به خطا کاری، از تو می خواهم به حق محمد و خاندان پاکش که

تَعْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ، فَإِنَّهُ لَا يُغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ

گناه بزرگ مرا ببامری که گناه بزرگ را جز شخص بزرگ نیامزد ای خدای بزرگ، ای خدای بزرگ، بزرگ،

يَا عَظِيمُ، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ ۱

ای خدای بزرگ، ای خدای بزرگ، ای خدای بزرگ، ای خدای بزرگ، ای خدای بزرگ، ای خدای بزرگ.



۴- نماز امام حسن علیه السلام

«سید بن طاووس» در «جمال الاسبوع» نمازی برای آن حضرت علیه السلام نقل کرده است که چهار رکعت است (هر دو رکعت با یک سلام) و به همان کیفیت نماز امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد و در روز جمعه خوانده می شود.

نماز دیگری از آن حضرت نیز نقل کرده که در روز جمعه خوانده می شود و آن هم چهار رکعت است که در هر رکعت یک مرتبه «حمد» و بیست و پنج مرتبه سوره «توحید» را بخواند و پس از آن این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَاتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

خدایا من تقرب جویم به درگاهت بوسیله بخشش و کرمت و تقرب جویم بدرگاهت بوسیله محمد بنده

وَرَسُولِكَ، وَاتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، أَنْ

و فرستادهات و تقرب جویم به درگاهت بوسیله فرشتگان مقرب و پیمبران و رسولانت که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَ عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقِيلَنِي

دروود فرستی بر محمد بنده و فرستادهات و بر خاندان محمد و این که از لغزشم

عَثْرَتِي، وَ تَسْتُرْ عَلَيَّ ذُنُوبِي وَ تَغْفِرْهَا لِي، وَ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي، وَ لَا

درگدزی و گناهانم را بیوشانی و آنها را ببامری و حاجتپایم را برآوری و به کار زشتی

۱. مصباح المتهجد، صفحه ۳۱۸ و جمال الاسبوع، صفحه ۲۶۴ و بحار الانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۶۸، حدیث ۶۴ (با اندکی تفاوت).

تُعَذِّبُنِي بِقَبِيحِ كَانِ مِنِّي، فَإِنَّ عَفْوَكَ وَجُودَكَ يَسَعُنِي، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ

که از من سر زده عذابم نکنی زیرا که گذشت و بخشش تو چنان هست که مرا فرا گیرد و همانا تو بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ^۱.

کاری توانایی.



۵- نماز امام حسین علیه السلام

این نماز چهار رکعت است (به دو سلام) در هر رکعت سوره «حمد» پنجاه مرتبه و سوره «توحید» نیز پنجاه مرتبه خوانده می‌شود، همچنین در رکوع - پس از ذکر رکوع - سوره‌های حمد و توحید، هر کدام ده مرتبه و پس از سر برداشتن از رکوع نیز هر کدام راده مرتبه و در سجده اول و میان دو سجده - هنگامی که نشسته‌ای - و در سجده دوم نیز هر یک از حمد و توحید راده مرتبه می‌خوانی، و پس از پایان چهار رکعت نماز؛ این دعا را می‌خوانی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِأَدَمَ وَحَوَّاءَ، إِذْ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ

خدایا تویی که دعای آدم و حوا را به اجابت رساندی آنگاه که گفتند پروردگارا ما به خود ستم کردیم و اگر ما را

تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ، وَنَادَاكَ نُوحٌ فَأَسْتَجَبْتَ لَهُ،

نیم‌رزی و به ما رحم نکنی حتماً از زیانکاران خواهیم بود، و نوح تو را ندا کرد و تو اجابتش کردی

وَنَجَّيْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، وَأَطْفَاتَ نَارِ نُمْرُودَ عَنِ خَلِيلِكَ

و او و کسانی را از گرفتاری بزرگ نجات دادی و خاموش کردی آتش نمرود را از خلیلت

إِبْرَاهِيمَ، فَجَعَلْتَهَا بَرْدًا وَسَلَامًا، وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِأَيُّوبَ، إِذْ نَادَى

ابراهیم و آن را سرد و سلامت کردی و تویی که دعای ایوب را به اجابت رساندی آنگاه که ندا کرد

رَبِّ مَسْنَى الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، فَكَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ، وَآتَيْتَهُ

پروردگارا من به محنت دچارم و تو مهربانترین مهربانانی و تو محنتش را برطرف کردی و کسانش را به او دادی

أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَذَكَرْتَهُ لِأَوْلَى الْأَبَابِ، وَأَنْتَ

و مانندشان را همراه آنها (اضافه) به او دادی از روی مرحمتی از خودت و اندرزی برای خردمندان و تویی

الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِدِي النُّونِ، حِينَ نَادَاكَ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

که به اجابت رساندی دعای ذوالنون (حضرت یونس) را هنگامی که ندا کرد تو را در تاریکیها که معبودی جز تو نیست

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَنجَبْتَهُ مِنَ الغَمِّ، وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ

منزهی تو و من از ستمکارانم و از اندوه نجاتش دادی و تویی که دعای

لِمُوسَىٰ وَهَارُونَ دَعَوْتَهُمَا، حِينَ قُلْتَ: قَدْ أَجَبْتُ دَعْوَتِكُمَا فَاسْتَقِيمَا.

موسی و هارون را اجابت کردی هنگامی که فرمودی دعایتان به اجابت رسید پس استقامت ورزید

وَاعْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ، وَغَفَرْتَ لِداوُدَ ذَنْبَهُ، وَثَبْتَ عَلَيْهِ رَحْمَةً مِنْكَ

و غرق کردی فرعون و قومش را و آمرزیدی برای داود گناهش را و توبه‌اش را از روی مرحمتی که داشتی

وَذِكْرِي، وَفَدَيْتَ إِسْمَاعِيلَ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ بَعْدَ مَا أَسْلَمَ، وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ،

و اندرز (دیگران) پذیرفتی و فدا کردی برای اسماعیل قربانی بزرگی پس از آن که تسلیم شد و (پدرش) پیشانی او را بر خاک نهاد

فَنَادَيْتَهُ بِالْفَرْجِ وَالرُّوحِ، وَأَنْتَ الَّذِي نَادَاكَ زَكَرِيَّا نِدَاءً خَفِيًّا، فَقَالَ رَبِّ

و تو او را به گشایش و رحمت ندا کردی و تویی آن خدایی که زکریا در پنهانی تو را ندا کرده گفت: پروردگارا

إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي، وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا، وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا،

من استخوانم سست شده و موی سرم سپید گشته و نبوده‌ام پروردگارا در زمینه دعای تو (در گذشته) محروم

وَقُلْتَ: يَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ، وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ

و تو فرمودی «می‌خوانند ما را از روی شوق و ترس و برای ما خاشع بودند» و تویی خدایی که اجابت کردی

لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، لِتَرْيَدَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ، فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ

برای آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند تا بیفزایی بر آنها از فضل خود پس فرارم مده از

أَهْوَنِ الدُّعَا عَيْنَ لَكَ، وَالرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ، وَاسْتَجِبْ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُمْ

خوارترین و پست‌ترین دعا کنندگان و مشتاقان درگاهت و دعایم را به اجابت رسان چنانچه دعای آنان را به اجابت رساندی

بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، فَطَهَّرْ نِي بِتَطْهِيرِكَ، وَتَقَبَّلْ صَلَاتِي وَدُعَائِي بِقَبُولِ حَسَنِ،

و به حق ایشان بر تو که مرا پاک گردان به پاک کردن خودت و بپذیر نماز و دعایم را بپذیرش خوبی،

وَطَيْبِ بَقِيَّةِ حَيَاتِي، وَطَيْبِ وَفَاتِي، وَاخْلُفْنِي فِيْمَنْ أَخْلَفُ، وَاحْفَظْنِي

و خوش و خرم کن باقیمانده زندگیم را و خوش گردان وفاتم را و جانشین من باش در میان آنان که بجای گذارم و با دعایم

يَا رَبِّ بِدُعَائِي، وَاجْعَلْ ذُرِّيَّتِي ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً، تَحْوِطُهَا بِحَيَاطَتِكَ، بِكُلِّ مَا

پروردگارا مرا نگهداری کن و فرزندانم را فرزندان پاکیزه قرار ده و در برگیر آنها را به در برگرفتن خودت به همه آنچه

حُطَّتْ بِهِ ذُرِّيَّةَ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

دربگیری بدنها فرزندان یکی از دوستان خود و فرمانبرداران را به رحمت ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ، وَلِكُلِّ دَاعٍ مِنْ خَلْقِكَ

مهربانان ای که بر هر چیز نگهبانی و بر هر که از آفریدگانت که تو را بخواند

مُجِيبٌ، وَمِنْ كُلِّ سَائِلٍ قَرِيبٌ، أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ،

اجابت کنی و به هر خواستاری نزدیکی از تو خواهم ای که معبودی جز تو نیست زنده پاینده

الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَبِكُلِّ اسْمٍ

یکتای بی‌خللی که نژاید و نه زاییده شده و نیست برایش همتایی هیچ کس، و به حق هر نامی

رَفَعْتَ بِهِ سَمَاءَكَ، وَفَرَشْتَ بِهِ أَرْضَكَ، وَأَرْسَيْتَ بِهِ الْجِبَالَ، وَأَجْرَيْتَ بِهِ

که بلند کردی بدان آسمانت را و فرش کردی بدان زمینت را و محکم و پابرجا کردی بدان کوهها را و روان کردی بدان

الْمَاءَ، وَسَخَّرْتَ بِهِ السَّحَابَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ وَاللَّيْلَ وَالنَّهَارَ،

آب را و تسخیر کردی بدان ابرها و خورشید و ماه و ستارهها و شب و روز را

وَخَلَقْتَ الْخَلَائِقَ كُلَّهَا، أَسْأَلُكَ بِعِظَمَةِ وَجْهِكَ الْعَظِيمِ، الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ

و آفریدی همه آفریدگان را از تو خواهم به بزرگی ذات بزرگت که تابناک شد برایش

السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ، فَأَضَاءَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، إِلَّا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

آسمانها و زمین و روشنی گرفت بدان تاریکیها که (اولاً) درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَكَفَيْتَنِي أَمْرَ مَعَاشِي وَمَعَادِي، وَأَصْلَحْتَ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، وَلَمْ

محمد و (پس از آن) کفایت کنی کار معاش و معاد مرا و اصلاح کنی همه کارهای مرا و مرا

تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلَحْتَ أَمْرِي وَأَمْرَ عِيَالِي، وَكَفَيْتَنِي

بخودم وامگذاری چشم برهم زدن و اصلاح کنی کار من و کار خانوادهام را و کفایت کنی از من

هَمَّهُمْ، وَأَغْنَيْتَنِي وَإِيَّاهُمْ مِنْ كُنْزِكَ وَخَزَائِنِكَ، وَسَعَةِ فَضْلِكَ الَّذِي لَا

اندوه ایشان را و بی‌نیاز کنی من و ایشان را از گنج خود و خزینه‌های و فراخی فضل که هرگز

يَنْفَدُ أَبَدًا، وَأَثَبْتُ فِي قَلْبِي يَنْبِيعَ الْحِكْمَةِ الَّتِي تَنْفَعُنِي بِهَا،

پایان نپذیرد و پابرجا کن در دلم چشمه‌های حکمتی را که سود دهی مرا بدان

وَتَنْفَعُ بِهَا مَنْ ارْتَضَيْتَ مِنْ عِبَادِكَ، وَاجْعَلْ لِي مِنَ الْمُتَّقِينَ فِي آخِرِ

و سود دهی بدان هر که را که پسندیده‌ای از بندگانت و قرار ده برایم از مردمان با تقوا در آخرالزمان

الزَّمانِ إماماً، كما جعلت إبراهيم الخليل إماماً، فإنَّ بتوفيقك يفوزُ

امامی چنانچه ابراهیم خلیل را امام گردانیدی زیرا مردمان رستگار به توفیق تو

الْفائِزُونَ، وَيَتُوبُ التَّائِبُونَ، وَيَعْبُدُكَ الْعَابِدُونَ، وَيَسْتَدِيدُكَ يَصْلِحُ

رستگار شوند و توبه کنندگان نیز به توفیق تو توبه کنند و عبادت کنندگان نیز به توفیق تو عبادت کنند و به تأیید و یاری تو شایسته گردند

الصَّالِحُونَ الْمُحْسِنُونَ الْمُخْبِتُونَ، الْعَابِدُونَ لَكَ، الْخَائِفُونَ مِنْكَ،

مردمان شایسته نیکوکار و فروتن و آنان که تو را عبادت کنند و از تو ترسند،

وَبَارِئُ شَادِكَ نَجَا النَّاجُونَ مِنْ نَارِكَ، وَأَشْفَقَ مِنْهَا الْمُشْفِقُونَ مِنْ خَلْقِكَ،

و با ارشاد و راهنمایی تو نجات یابند نجات یافتگان از آتش دوزخ و بهراسند از آن هراسناکان از آفریدگانت

وَبِخِذْلَانِكَ خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ، وَهَلَكَ الظَّالِمُونَ، وَغَفَلَ الْغَافِلُونَ، اَللّهُمَّ

و بوسيله خوار کردن تو زیانکار شوند اهل باطل و هلاک شدند ستمکاران و غافل شدند بیخبران خدایا

آتِ نَفْسِي تَقْوِيهَا، فَاَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلِيهَا، وَاَنْتَ خَيْرٌ مِنْ زَكِيَّهَا، اَللّهُمَّ بَيْنَ

بده به نفس من پرهیزکاریش را که تویی اختیار دار و سرپرستش و تویی بهترین کسی که پاکیزه اش کردی خدایا راهنماییش را

لَهَا هُدَاهَا، وَاَلْهَمَهَا تَقْوِيهَا، وَبَشِّرْهَا بِرَحْمَتِكَ حِينَ تَتَوَفَّاهَا، وَنَزِّلْهَا مِنْ

برایش آشکار کن و پرهیزکاریش را به او الهام کن و به رحمت خود نویدش ده آنگاه که او را از این جهان ببری و در بلندترین جاهای

الْجِنَانِ عَلَيَّاهَا، وَطَيِّبْ وَفَاتَهَا وَمَحْيَاهَا، وَاكْرِمْ مُنْقَلَبَهَا وَمَثْوِيهَا،

بهشت منزلش ده و گوارا کن وفات و زندگیش را و گرامی کن جای بازگشت و منزلگاه

وَمُسْتَقَرَّهَا وَمَاوِيهَا، فَاَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلِيهَا. ۱

و قرارگاه و ماوایش را که براستی تویی اختیاردار و سرپرستش.



۶- نماز امام زین العابدین علیه السلام

این نماز چهار رکعت است (با دو سلام) که در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و صد مرتبه سوره

«توحید» خوانده می شود و پس از آن، این دعا خوانده می شود:

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ، وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ، وَ لَمْ

ای کسی که کار نیک را آشکار کنی و عمل زشت را بپوشانی ای آن که بجرم و گناه (بندگانت را) درنگیری

۱. بحارالانوار، جلد ۸۸، صفحه ۱۸۶ و جمال الاسبوع، صفحه ۲۷۱ (با اندکی تفاوت).

يَهْتِكِ السُّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا

و پرده (گنجهکاران) ندی ای که عفو بزرگ و گذشت نیکوست و ای که آمرزشت وسیع

بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى، يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى، يَا

و دو دست به مهر و رحمت گشوده است ای آگاه هر راز نهان و ای آخرین مرجع هر شکایت ای

كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا مُبْتَدِئاً بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا رَبَّنَا

در چشمپوشی بزرگواری و ای بزرگ مایه امید ای آغاز کننده به نعمت پیش از شایستگی آن ای پروردگار ما

وَ سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا، يَا غَايَةَ رَغْبَتِنَا، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و آقای ما و مولای ما ای آخرین مرحله آرمان ما خدایا می‌خواهم از تو که درود فرستی بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ.^۱

و آل محمد.

۷- نماز امام باقر (علیه السلام)

این نماز دو رکعت است، در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و صد مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ

***** منزه است خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ خوانده می‌شود؛ پس از نماز این دعا را می‌خوانی:

***** ستایش خاص خداست و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است *****

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا حَلِيمٌ ذُو أَنَاةٍ غَفُورٌ وَ دُودٌ، أَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي سَيِّئَاتِي،

خدایا از تو می‌خواهم ای بردباری که (با بندگان) مدارا کنی و آمرزنده و مهربانی (می‌خواهم) که از گناهانم و بدیهایی که

وَ مَا عِنْدِي بِحَسَنِ مَا عِنْدَكَ، وَ أَنْ تُعْطِيَنِي مِنْ عَطَايِكَ مَا يَسْعُنِي، وَ تُلْهِمَنِي

در نزد من است بدان خوبیها که نزد توست درگذری و از عطای خود به اندازه‌ای که فرایم گیرد (یا آنچه در خور طاقت من است) به من عطا کنی و الهام کنی

فِيمَا أَعْطَيْتَنِي الْعَمَلَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ، وَ طَاعَةَ رَسُولِكَ، وَ أَنْ تُعْطِيَنِي مِنْ

مرا که در آنچه به من عطا کردی در راه اطاعت تو و اطاعت رسولت بکار برم و بدان اندازه مرا مشمول

عَفْوِكَ مَا أَسْتَوْجِبُ بِهِ كَرَامَتِكَ، اللَّهُمَّ أَعْطِنِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ لَا تَفْعَلْ بِي

گذشت خود قرار دهی که بوسیله آن مستوجب کرامت و بزرگواریت گردم خدایا به من بده آنچه را تو شایسته آنی و مکن با من

۹- نماز امام کاظم علیه السلام

نماز امام کاظم علیه السلام دو رکعت است که در هر یک رکعت یک مرتبه «حمد» و دوازده مرتبه «توحید» خوانده می‌شود و پس از آن این دعا را می‌خوانی:

إِلَهِي خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لَكَ، وَ ضَلَّتِ الْأَحْلَامُ فِيكَ، وَ وَجَلَ كُلُّ شَيْءٍ

معبودا خاشع گشته صداها برای تو و خردها در بارهات گم گشته و هر چیزی از تو ترسان

مِنْكَ، وَ هَرَبَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَيْكَ، وَ ضَاقَتِ الْأَشْيَاءُ دُونَكَ، وَ مَلَكَ كُلُّ شَيْءٍ

است و همه بسویت گریزانند، همه چیز در برابر تو به کوتاهی گراییده و نور تو همه را

نُورِكَ، فَانْتَ الرَّفِيعُ فِي جَلَالِكَ، وَ أَنْتَ الْبَهِيُّ فِي جَمَالِكَ، وَ أَنْتَ الْعَظِيمُ

پر کرده پس تنها تویی که در بزرگی و جلال خویش و در جمال و زیبایی فروزانی و تویی که در قدرت

فِي قُدْرَتِكَ، وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يُودِكُ شَيْءٌ، يَا مُنْزِلَ نِعْمَتِي، يَا مُفْرَجَ

و توانایی خود بس بزرگی و تویی که چیزی درمانده و خستات نکند ای فرو فرستنده نعمتم و ای برطرف کننده

كُرْبَتِي، وَ يَا قَاضِيَ حَاجَتِي، أَعْطِنِي مَسْئَلَتِي بِإِلَهِ الْآنَتِ، آمَنْتُ بِكَ

اندوه و گرفتاریم و ای برآورنده حاجتم خواسته‌ام را به من عطا کن به حق این جمله که گویم «معبودی جز تو نیست» به تو ایمان آوردم

مُخْلِصًا لَكَ دِينِي، أَصْبَحْتُ عَلَى عَهْدِكَ وَ وَعَدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَبْوَاءَ لَكَ

و دینم را برای تو خالص گرداندم صبح کردم به عهد و پیمان تو تا آنجا که توانایی دارم، بسویت

بِالنُّعْمَةِ، وَ اسْتَغْفِرُكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ، يَا مَنْ هُوَ فِي

با نعمت بازگردم و از گناهانی که جز تو کسی آنها را نیامرزد آمرزش خواهم ای کسی که

عُلُوُّهُ دَانٍ، وَ فِي دَنُوهُ عَالٍ، وَ فِي إِشْرَاقِهِ مُنِيرٌ، وَ فِي سُلْطَانِهِ قَوِيٌّ، صَلِّ

در عین برتری نزدیک و در عین نزدیکی برتری و (ای آنکه) در تابش خود نور دهنده و در سلطنت نیرومندی درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ۱.

بر محمد و آلش.

۱۰- نماز امام رضا علیه السلام

این نماز شش رکعت است (به سه سلام) در هر رکعت یک مرتبه حمد و ده مرتبه سوره «هَلْ أَتَى عَلَى

الْإِنْسَانِ». سپس دعای آن حضرت را پس از پایان شش رکعت نماز می‌خوانی:

يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، وَيَا إِلَهِي وَاللَّهِ إِبْرَاهِيمَ

ای یار من در سختیها و ای اختیار دارنده‌ام در نعمتم و ای معبود من و معبود ابراهیم

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، يَا رَبَّ كَهَيْعَتِصَّ، وَيَسَّ وَالْقُرْآنِ

و اسماعیل و اسحاق و یعقوب ای پروردگار که‌بعص و یس و قرآن

الْحَكِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا أَحْسَنَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ، وَيَا أَجْوَدَ مَنْ

حکمت‌آموز از تو درخواست می‌کنم ای بهترین کسی که از او درخواست کنند و ای بهتر کسی که او را بخوانند و ای بخشنده‌تر کسی که

أَعْطِيَ، وَيَا خَيْرَ مُرْتَجِي، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

عطا کند و ای بهترین مایه امید از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد.

۱۱- نماز امام جواد علیه السلام

نماز آن حضرت دو رکعت است که در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و هفتاد مرتبه سوره «توحید» را می‌خوانی و پس از پایان نماز می‌گویی:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ، وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ، أَسْأَلُكَ بِطَاعَةِ الْأَرْوَاحِ

ای خدا ای پروردگار ارواحی که از این جهان فانی رفته و ای پروردگار اجساد پوسیده از تو می‌خواهم به حق فرمانبری آن ارواح

الرَّاجِعَةِ إِلَىٰ أَجْسَادِهَا، وَبِطَاعَةِ الْأَجْسَادِ الْمُلتَمِّتَةِ بِعُرُوقِهَا، وَبِكَلِمَتِكَ

که بسوی اجساد خود بازگردند و به حق فرمانبری اجسادی که با رگهای خود پیوند شونده و به حق فرمان

النَّافِذَةِ بَيْنَهُمْ، وَأَخِذِكَ الْحَقِّ مِنْهُمْ، وَالْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ يَنْتَظِرُونَ فَضْلَ

نافذت در میان آنها و گرفتن حقت از ایشان و در آن حال که خلائق در برابرت به انتظار صدور

قَضَائِكَ، وَيَرْجُونَ رَحْمَتَكَ، وَيَخَافُونَ عِقَابَكَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

حکم و امیدوار برحمتت و خائف از عقاب تو اند درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلِ النُّورَ فِي بَصْرِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ

محمد و بنه نور و روشنی در دیدهام و یقین در دلم و ذکرک را شب

وَالنَّهَارِ عَلَى لِسَانِي، وَ عَمَلًا صَالِحًا فَارْزُقْنِي. ۱

و روز بر زیانم و عمل صالح روزی من گردان.

۱۲- نماز امام هادی علیه السلام

این نماز نیز دو رکعت است، در رکعت اول سوره «حمد» و «یس» و در رکعت دوم سوره «حمد» و «الرحمن» را بخواند (شبيه نماز زیارت حضرت رضا علیه السلام) و بعد از نماز این دعا را بخواند:

يَا بَارِئُ يَا وَصُولُ، يَا شَاهِدَ كُلِّ غَائِبٍ، وَيَا قَرِيبُ غَيْرِ بَعِيدٍ، وَيَا غَالِبُ غَيْرِ

ای نیکوکار و ای با همه پیوسته و ای گواه هر ناپیدا و ای نزدیکی که دور نیست و ای پیروز

مَغْلُوبٍ، وَيَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا تُبْلَغُ قُدْرَتُهُ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ

شکستناپذیر و ای کسی که جز او کسی نمی‌داند که او چگونه است و ای آن‌که به قدرتش نتوان رسید از تو می‌خواهم خدایا

بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْمَكْتُومِ عَمَّنْ شِئْتَ، الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ الْمُقَدَّسِ،

به آن نامت که در پرده (غیبت) مستور و در خزینات محفوظ و از آن‌که خواسته‌ای مکتوم داشته‌ای آن نام پاک و پاکیزه و مقدس

النُّورِ التَّامِّ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الْعَظِيمِ، نُورِ السَّمَوَاتِ وَ نُورِ الْأَرْضِينَ، عَالِمِ

و نورانی کامل، (و آن) زنده و پاینده و بزرگ، نوربخش آسمانها و نور ده زمینها دانای

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ الْعَظِيمِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. ۲

ناپیدا و پیدا آن بزرگ والامقام و عظیم درود فرست بر محمد و آل محمد.

۱۳- نماز امام حسن عسکری علیه السلام

نماز آن حضرت چهار رکعت است، در دو رکعت اول بعد از «حمد»، پانزده مرتبه سوره «زلزال» و در دو رکعت دوم، بعد از «حمد» پانزده مرتبه سوره «توحید» را می‌خواند و آنگاه این دعا را می‌خواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْبَدِيءُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ،

خدایا از تو می‌خواهم برای آن‌که ستایش مخصوص توست و معبودی جز تو نیست که پیش از هر چیزی بوده‌ای

۱. جمال الاسبوع، صفحه ۲۷۸ و بحار الانوار، جلد ۸۸، صفحه ۱۸۹ (با اندکی تفاوت).

۲. همان مدرک.

وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الَّذِي لَا يُدْرِكُ شَيْءٌ، وَأَنْتَ كُلَّ يَوْمٍ

و تویی زنده و پاینده و معبودی جز تو نیست که چیزی خوارت نتواند کرد و تو هر روز

فِي شَأْنٍ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَالِقُ مَا يَرَىٰ وَ مَا لَا يَرَىٰ، الْعَالِمُ بِكُلِّ شَيْءٍ

در کاری هستی معبودی جز تو نیست (تویی) آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود دانای به هر چیزی

بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ، أَسْأَلُكَ بِآلَائِكَ وَنِعْمَائِكَ، بِأَنَّكَ اللَّهُ الرَّبُّ الْوَاحِدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا

بی آن که کسی یادت دهد از تو می‌خواهم به حق نعمتهای ظاهر و باطنت زیرا تویی خدای پرورنده یگانه، نیست معبود به حقی

أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، وَ أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْوِثْرُ الْفَرْدُ

جز تو که بخشاینده و مهربانی و از تو می‌خواهم زیرا تویی خدایی که معبود به حقی جز تو نیست و یگانه فرد

الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَ أَسْأَلُكَ

یکتا و بی‌نیازی که نزاید و نه زاییده شده و نیست برایش همتایی هیچ کس و از تو می‌خواهم

بِأَنَّكَ [أَنْتَ] اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، الْقَائِمُ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ

که تویی خدایی که معبود به حقی جز تو نیست و لطیف و آگاه و نگهبان بر هر شخصی

بِمَا كَسَبَتْ، الرَّقِيبُ الْحَفِيفُ، وَ أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ اللَّهُ الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ،

بدانچه می‌کند و مراقب و نگهداری و از تو می‌خواهم بخاطر آن که خدای نخست پیش از هر چیز

وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ الْبَاطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ، الضَّارُّ النَّافِعُ الْحَكِيمُ

و پایان پس از هر چیزی و پنهان در نزد هر چیزی و زبان ده و سودبخش و با حکمت

الْعَلِيمُ، وَ أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ، الْبَاعِثُ

دانا و از تو می‌خواهم چون تویی که معبود به حقی جز تو نیست زنده و پاینده و برانگیزنده

الْوَارِثُ، الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ، بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ،

و وارث خلق و دارنده رحمت و منت بخش پدیدارنده آسمانها و زمین دارای جلال و کرامت

وَ ذُو الطُّوْلِ وَ ذُو الْعِزَّةِ وَ ذُو السُّلْطَانِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَحَطَّتْ بِكُلِّ شَيْءٍ

و صاحب فضل و عزت و دارای سلطنت و قدرت معبودی جز تو نیست که علمت به هر چیزی

عِلْمًا، وَ أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، صَلَّى عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

احاطه دارد و عدد هر چیز را شماره کرده‌ای درود فرست بر محمد و آلش.

۱۴- نماز امام زمان علیه السلام

این نماز دو رکعت است و در هر رکعت وقتی حمد را آغاز کردی و به «ایاک نعبد و ایاک نستعین» رسیدی، آن را صد مرتبه می‌گویی سپس سوره «حمد» را کامل می‌کنی و پس از آن سوره «توحید» را یک بار می‌خوانی.^۱

فصل دوم نمازهای معروف دیگر

۱- نماز جعفر طیار علیه السلام

این نماز بسیار مهم و ارزشمند است که با سندهای فراوانی نقل شده است و برای آمرزش گناهان و برآمدن حاجات بسیار مؤثر است^۱ و نام دیگر این نماز «نماز تسبیح» است و شیعه و اهل سنت آن را با روایات متواتر نقل کرده‌اند.^۲

وجه نام‌گذاری آن به نماز جعفر این است که در آن هنگام که جعفر بن ابی طالب (برادر امیر مؤمنان علیه السلام) از هجرت حبشه به مدینه بازگشت و به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، آن حضرت بسیار خوشحال شد و میان دو چشمان جعفر را بوسید و فرمود:

ای جعفر! آیا به تو هدیه‌ای بدهم؟!

عرض کرد: آری یا رسول الله صلی الله علیه و آله!

مردم گمان کردند، که حضرت می‌خواهد طلا یا نقره به او ببخشد، آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: عملی را به تو بیاموزم که اگر هر روز یا هر ماه و یا هر سالی یک بار به انجامش توفیق یابی، امید است که خداوند گناهانت را ببخشد، سپس این نماز را به وی آموخت.

بهترین وقت انجام این نماز، در ابتدای روز جمعه است، هرچند در دیگر اوقات شب و روز نیز می‌توان خواند.

این نماز چهار رکعت است با دو سلام، در رکعت اول بعد از «حمد» سوره «اذا زلزلت» را می‌خوانی، و در رکعت دوم بعد از «حمد» سوره «عادیات»، و در رکعت سوم بعد از «حمد» سوره «نصر»، و در رکعت چهارم بعد از حمد، «سوره توحید».

در هر رکعت پس از اتمام حمد و سوره، پانزده مرتبه می‌گویی: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ**. همین ذکر را پس از ذکر رکوع ده مرتبه و پس از سر برداشتن از رکوع ده مرتبه، در سجده اول - پس از ذکر سجده - ده مرتبه، پس از سر برداشتن از سجده اول (وقتی که نشسته‌ای) ده مرتبه، و در

۱. این نماز در کافی، جلد ۳، صفحه ۴۶۵، حدیث ۱ و بحار الانوار، جلد ۸۸، صفحه ۱۹۳ به بعد، به نقل از جمال الاسبوع، مصباح المتهجد، منهج الصلاح، بلد الامین، ثواب الاعمال و دیگر کتب نقل شده است.

۲. عروة الوثقی، فصل صلاة جعفر.

سجده دوم نیز - بعد از ذکر سجده - ده مرتبه، پس از سر برداشتن از سجده دوم و پیش از برخاستن ده مرتبه (در یک رکعت مجموعاً ۷۵ مرتبه می شود)، در رکعت دوم نیز همین گونه انجام می دهی که ده مرتبه آخر آن بعد از سجده دوم و قبل از تشهد خواهد بود و در دو رکعت بعد نیز همین گونه عمل می کنی (که مجموعاً ۳۰۰ مرتبه تسبیحات می شود) به اضافه سایر اذکار نماز.^۱

مرحوم «شیخ کلینی» از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که در سجده آخر رکعت چهارم پس از ذکر تسبیحات بگو:

سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ، سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَ تَكَرَّمَ بِهِ،

منزه است آن کس که لباس عزت و وقار به بر دارد منزه است آن که مجد و بزرگیش فراگرفته و بدان گرامی باشد

سُبْحَانَ مَنْ لَا يُنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ، سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ

منزه است آن که جز برای او تسبیح سزاوار نیست منزه آن که علمش همه چیز را

عِلْمُهُ، سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنَّعْمِ، سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي

احصا کرده منزه است خدای صاحب فضل و نعمت منزه است خدای صاحب کرم و قدرت خدایا

اَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ، وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ، وَ اسْمِكَ

از تو می خواهم به حق آنچه موجب عزت عرش تو گشته و به حق منتهای رحمت از کتاب تو و اسم

الْأَعْظَمِ، وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً وَ عَدْلًا، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

اعظم و کلمات تامهات (اسما حسنی یا کتابهای منزله یا غیر آن) که از نظر راستی و عدالت به حد کمال رسیده درود فرست بر محمد

وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ أَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا.^۲

و خاندانش و درباره من چنین و چنان کن.

(به جای جمله آخر، حاجت خود را به عربی یا فارسی از خدا بخواه، و اگر این دعا را حفظ نمی باشد و کسی نیست برای او بخواند، دعا را نشسته می خواند در حالی که اشاره به سجده کرده است).

علامه مجلسی می نویسد: مرحوم «شیخ» و «سید بن طاووس» از مفضل بن عمر روایت کرده اند که گفت: روزی امام صادق علیه السلام را دیدم نماز جعفر را بجا آوردند و پس از نماز دست ها را بلند کردند و گفتند: یا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ (به اندازه یک نفس) سپس گفت: یا رَبَّاهُ یا رَبَّاهُ یا رَبَّاهُ (به اندازه یک نفس) سپس گفت: رَبِّ رَبِّ رَبِّ (به اندازه یک نفس)؛ یا الله یا الله یا الله (به اندازه یک نفس) یا حَىُّ یا حَىُّ یا حَىُّ

۱. جمال الاسبوع، صفحه ۲۸۲ و بحار الانوار، جلد ۸۸، صفحه ۱۹۳، حدیث ۱.

۲. کافی، جلد ۳، صفحه ۴۶۷، حدیث ۶.

حَىٰ^۱ (به اندازه یک نفس) یا رَحِيمٌ یا رَحِيمٌ یا رَحِيمٌ (به اندازه یک نفس) پس از آن هفت مرتبه یا رَحْمَنُ و هفت مرتبه یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ را گفتند و در پایان خواندند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ، وَأَنْطِقُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَأَمَجِّدُكَ وَلَا غَايَةَ

خدایا من گفتارم را به ستایش تو آغاز کنم و به ثنای تو زبان می‌گشایم و تو را به بزرگی یاد می‌کنم و ستایش

لِمَدْحِكَ، وَأُثْنِي عَلَيْكَ وَ مَنْ يَبْلُغُ غَايَةَ ثَنَائِكَ، وَ أَمَدَ مَجْدِكَ، وَ أَنِي

پایان ندارد و تو را ثناگویم ولی آن‌کس که به منتهای ثنای تو و انتهای مجد و عظمتت برسد کیست و کجا

لِخَلْقِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ، وَ أَيْ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحًا بِفَضْلِكَ،

مخلوق تو می‌تواند به کنه معرفت مجد تو برسد و چه وقت بوده که تو به فضل خویش ستوده نبوده‌ای

مَوْصُوفًا بِمَجْدِكَ، عَوَادًا عَلَى الْمُذْنِبِينَ [الْمُؤْمِنِينَ] بِحِلْمِكَ، تَخَلَّفَ

و به مجد و عظمت موصوف نگشته‌ای و با بردباری خود بر گنهاران پی‌درپی بازنگشته‌ای ساکنان

سُكَّانُ أَرْضِكَ عَنْ طَاعَتِكَ، فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفًا بِجُودِكَ، جَوَادًا

زمینت از اطاعت تو سرباز زدد ولی تو بر آنها به بخشش و عطایت مهر ورزی و به فضل خویش

بِفَضْلِكَ، عَوَادًا بِكَرَمِكَ، يَا لَإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

بر آنها جود کنی و به کرمت بی در پی بر آنها باز گردی ای که نیست معبودی جز تو نعمت دهنده بسیار و صاحب جلالت و کرامت.

سپس امام علیه السلام فرمود: ای مفضل! هرگاه سختی و حاجتی شدید به تو روی آورد نماز جعفر علیه السلام را انجام ده و حاجات خود را از خدا بخواه که برآورده می‌شود ان شاء الله.^۲

در فضیلت این نماز و آثار و برکات آن هرچه گفته شود کم است و سزاوار است هنگامی که توفیق حاصل گردد از آن غفلت نشود، که در حل مشکلات دنیا و آخرت مؤثر است.

۲- نماز هدیه به معصومین علیهم السلام

از معصومین علیهم السلام نمازهایی برای هدیه به آن بزرگواران (منظور هدیه ثواب آن است) نقل شده است که به این صورت است:

۱- در روز جمعه هشت رکعت نماز می‌خوانی (هر دو رکعت به یک سلام) و ثواب چهار رکعت آن را به

۱. این ذکر در بحار نیامده، ولی در مصباح المتهجد (صفحه ۳۱۱) آمده است.

۲. بحار الانوار، جلد ۸۸، صفحه ۲۰۰، حدیث ۴. این حدیث و اذکار و دعای آن در مصباح المتهجد، صفحه ۳۱۱ و جمال الاسبوع، صفحه ۲۹۴ با مقداری تفاوت نقل شده است.

رسول خدا ﷺ و چهار رکعت دیگر را به حضرت فاطمه علیها السلام هدیه می‌کنی.

۲- در روز شنبه چهار رکعت نماز می‌خوانی و ثواب آن را به امیر مؤمنان علیه السلام هدیه می‌کنی.

۳- در روز یکشنبه به امام حسن علیه السلام، روز دوشنبه به امام حسین، روز سه شنبه به امام زین العابدین، روز چهارشنبه به امام باقر و روز پنجشنبه به امام صادق علیهما السلام هدیه می‌کنی.

۴- در روز جمعه مجدداً هشت رکعت نماز می‌خوانی و چهار رکعت آن را به رسول خدا ﷺ و چهار رکعت دیگر را به حضرت فاطمه علیها السلام هدیه می‌کنی.

۵- روز شنبه چهار رکعت نماز می‌خوانی و به امام کاظم علیه السلام هدیه می‌کنی و در روز یکشنبه به امام رضا علیه السلام و روز دوشنبه به امام جواد علیه السلام، روز سه شنبه به امام هادی علیه السلام و روز چهارشنبه به امام حسن عسکری علیه السلام و روز پنجشنبه به امام زمان علیه السلام هدیه می‌کنی.
میان هر دو رکعت از این نمازها این دعا را می‌خوانی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَ مِنْكَ السَّلَامُ، وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ، حَيَّنَا رَبَّنَا مِنْكَ

خدایا تویی سلام و از توست سلام (و سلامتی) و بسوی تو بازگردد سلام تحیت فرست پروردگارا بر ما

بِالسَّلَامِ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنَّا إِلَيْكَ وَلِيَّكَ فُلَانٍ، (به جای کلمه فلان،

به سلام خدایا این چند رکعت هدیه‌ای است از ما بسوی ولی تو فلان * * * * *

نام آن معصوم علیه السلام را می‌بری) فَصَلُّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ بَلِّغْهُ أَيَّهَا، وَ أَعْطِنِي

* * * * * پس درود فرست بر محمد و آلش و اینها را به او برسان و عطا کن به من

أَفْضَلَ أَمَلِي وَ رَجَائِي فِيكَ، وَ فِي رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

بهترین امید و آرزویم را درباره خود و درباره پیامبرت که درودهای تو بر او و آلش و درباره او.

در این حدیث آمده پس از آن هرچه که بخواهی، از خدا طلب کن و دعا نما.^۱

۳- نماز لیلۃ الدفن

نماز لیلۃ الدفن (شب بعد از دفن میت) دو رکعت است که در رکعت اول «حمد» و «آیة الکرسی» خوانده می‌شود و در رکعت دوم یک مرتبه «حمد» و ده بار سوره «اِنَّا انزلناه»؛ وقتی که نماز به پایان رسید، می‌گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْ ثَوَابَهُمَا إِلَى قَبْرِ فَلَانٍ.

خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد و بفرست ثواب آن نماز را به قبر فلان کس.

که به جای «فلان» نام میت را ذکر می‌کنی.^۱

و این یکی از بهترین هدایاست که انسان می‌تواند برای اموات خود در آن شب پرخوف و خطر بفرستد. این نماز را می‌توان برای هر مؤمنی خواند و هرچند نفر بخوانند خوب است.

۴- نمازی دیگر برای لیلۃ الدفن

از حضرت رسول اکرم ﷺ روایت شده است که فرمود: بر میت ساعتی سخت‌تر از شب اول قبر نیست، پس با صدقه دادن به اموات خویش رحم کنید، و اگر نتوانستید برای آنان صدقه بدهید، دو رکعت نماز بگذارید بدین گونه که در رکعت اول سوره «حمد» یک مرتبه و سوره «توحید» دو بار خوانده شود و در رکعت دوم سوره «حمد» یک بار و سوره «تکواثر» نیز ده بار خوانده شود، پس از سلام نماز گفته شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْ ثَوَابَهُمَا إِلَى قَبْرِ ذَلِكِ الْمَيِّتِ،

خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد و بفرست ثواب این نماز را به سوی قبر این مرده

فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ.

فلانی پسر فلانی.

(به جای فلان بن فلان نام میت و پدرش را ببرد) در همان ساعت خداوند پاداش عظیمی به آن میت و به نمازگزار عطا می‌کند.^۲

مرحوم «علامة مجلسی» در کتاب «زاد المعاد» گفته است: سزاوار است برای انسان که مردگانش را فراموش نکند، چرا که دستشان از اعمال خیر کوتاه است و به محبت‌های فرزندان و خویشان و برادران دینی، چشم دوخته‌اند، مخصوصاً به هنگام نماز شب بیشتر باید برای آنان دعا کرد و همچنین بعد از نمازهای واجب و در زیارتگاهها و مشاهد مشرفه به یاد آنان بود، و برای آنها دعا کرد، و برای آنها اعمال خیری را به جا آورد. در روایتی آمده است: چه بسا فرزندی در حال حیات پدر و مادرش، عاق (مورد نفرت) آنان باشد و آنها از وی ناراضی و ناخشنود باشند؛ ولی پس از فوت پدر و مادر، این فرزند نیکوکار گردد و اعمال خیری را برای آنها بجا آورد و رضایت آنها را فراهم کند و چه بسا که فرزندی در حال حیات پدر و

۱. مصباح کفعمی، صفحه ۴۱۱؛ بلد الامین، صفحه ۱۶۴ و بحار الانوار، جلد ۸۸، صفحه ۲۱۹، حدیث ۵.

۲. بحار الانوار، جلد ۸۸، صفحه ۲۱۹، حدیث ۴.

مادر، نیکوکار و خوب بوده و مورد علاقهٔ آنان، ولی پس از فوت پدر و مادر چون کار خیر برای آنها کم انجام می‌دهد، سبب ناخشنودی پدر و مادر خویش گردد.

عمدهٔ خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان آن است که قرض‌های آنان را ادا کند و ذمهٔ آنان را از حقوق خدا و خلق خدا، پاک گرداند و اعمالی مانند حج و سایر عباداتی که از وی فوت شده است را، یا خود بجا آورد و یا دیگری را برای آن امور اجیر کند.^۱

۵- نماز اوّل ماه

نماز اوّل ماه نماز بسیار خوب و با برکتی است که شرح آن در اعمال اوّل هر ماه (صفحهٔ ۵۹۷) آمده است.

۶- نماز اعرابی

«سید بن طاووس» در کتاب «جمال الاسبوع» از شیخ تلّ عکبری^۲ نقل کرده است که مردی بادیه نشین به محضر رسول خدا ﷺ مشرف شد و گفت: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت باد! ما در بادیه زندگی می‌کنیم که از شهر مدینه دور است، از این رو نمی‌توانم هر جمعه، برای نماز جمعه حاضر شوم، مرا به عملی راهنمایی فرما که با انجام آن فضیلت نماز جمعه را دریابم، تا وقتی که به میان قبیله و خانواده‌ام برگشتم، این عمل را به آنان نیز بیاموزم.

رسول خدا ﷺ فرمود: هنگامی که روشنایی روز کاملاً بالا آمد، دو رکعت نماز بخوان بدین صورت که: در رکعت اوّل یک مرتبه سورهٔ «حمد» و هفت مرتبه سورهٔ «قل اعوذ برب الفلق» و در رکعت دوم، پس از «حمد» هفت مرتبه سورهٔ «ناس» و پس از سلام نماز، هفت مرتبه آیهٔ الکرسی را بخوان.

پس از آن هشت رکعت نماز می‌خوانی که هر چهار رکعت را به یک سلام تمام می‌کنی^۳ بدین نحو که پس از دو رکعت تشهد می‌خوانی ولی سلام نمی‌دهی، بلکه در رکعت چهارم سلام می‌دهی و چهار رکعت بعد را نیز به همان نحو انجام می‌دهی.

در این هشت رکعت، در هر رکعتی یک «حمد» و یک بار سورهٔ «اذا جاء نصر الله» و بیست و پنج مرتبه سورهٔ «قل هو الله احد» را می‌خوانی، پس از تشهد و سلام نماز هفت مرتبه این دعا را بخوان:

۱. زاد المعاد، صفحهٔ ۵۷۳، (با تلخیص و تصرّف).

۲. تلّ عکبری نام محلی است در عکبری، که شهر کوچکی است در ده فرسخی بغداد (معجم البلدان، جلد ۲، صفحهٔ ۴۲ و جلد ۴، صفحهٔ ۱۴۲).

۳. تمام نمازهای مستحب در دو رکعتی سلام گفته می‌شود جز نماز اعرابی که هشت رکعت آن به دو سلام است. (هر چهار رکعت یک سلام).

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ، يَا اِلَهَ الْاَوَّلِيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ، يَا

ای زنده ای پاینده ای صاحب جلالت و بزرگواری ای معبود اولین و آخرین ای

اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَرَحِيْمَهُمَا، يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا

مهربانترین مهربانان ای بخشاینده در دنیا و آخرت و مهربان در آن دو ای پروردگار ای پروردگار ای

رَبُّ، يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ، يَا اِلَهَ يَا اِلَهَ يَا اِلَهَ، يَا اِلَهَ يَا اِلَهَ يَا اِلَهَ يَا

پروردگار، ای پروردگار، ای پروردگار، ای پروردگار، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای

اَللّٰهُ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاغْفِرْ لِيْ * سپس حاجت خود را طلب می کنی و پس از آن

خدا درود فرست بر محمد و آل محمد و پیامبر مرا * * * * *

هفتاد مرتبه می گویی: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ * و می گویی: وَسُبْحَانَ

* * * * * جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ * * * * * و منزه است

اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمِ.

خدا پروردگار عرش کریم.

آنگاه رسول خدا ﷺ فرمود: سوگند به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، هر مرد و زن مؤمنی که این نماز را در روز جمعه بخواند، من بهشت را برای او ضمانت می کنم و از جای خویش برنخیزد جز آن که خداوند گناهانش و گناهان پدر و مادرش را ببامزد...^۱
این نماز را مرحوم «شیخ طوسی» نیز در «مصباح المتهجد» نقل کرده است؛ ولی دعای فوق در آن ذکر نشده است، بلکه فرمود: چون از نماز فارغ شدی هفتاد بار بگو:

سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ. ۲

منزه است خدا پروردگار عرش بزرگوار و هیچ جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ.

۷- نماز فرزند برای آموزش پدر و مادر

این نماز دو رکعت است، در رکعت اول پس از سوره «حمد»، ده بار می گویی: رَبِّ اغْفِرْ لِيْ

* * * * * پروردگارا بیامرز مرا

۱. جمال الاسبوع، صفحه ۳۲۰ و بحار الانوار، جلد ۸۶، صفحه ۳۸۲.
۲. مصباح المتهجد، صفحه ۳۱۷.

وَلِوَالِدَيَّْ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ. و در رکعت دوم پس از سوره حمد، ده مرتبه

و پدر و مادرم و دیگر مؤمنان را در روزی که حساب برپا شود * * * * *

می خوانی: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّْ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ

* * * * * پروردگارا بیامرز مرا و پدر و مادرم و هر که در حال ایمان به خانه من درآید و هر مرد مؤمن

وَأَلْمُؤْمِنَاتِ * پس از سلام نماز نیز ده بار می گویی: رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا. ۱

و زن با ایمانی را * * * * * پروردگارا ترحم کن بر ایشان چنانچه پروریدند مرا در کودکی.

۸- نماز و اعمالی دیگر، برای رفع وسوسه های قلبی

بسیارند کسانی که به وسوسه های فکری در امور اعتقادی و مانند آن گرفتار می شوند و گاه تصور می کنند این وسوسه ها موجب تزلزل ایمان آنها می شود، در حالی که چنین نیست.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: هیچ مؤمنی نیست که بر او چهل روز بگذرد، مگر آن که به حدیث نفس دچار شود، وقتی چنین شد دو رکعت نماز بگذارد و از آن به خدا پناه برد. ۲ همچنین آن حضرت فرمود: حضرت آدم علیه السلام از حدیث نفس به خدا شکایت کرد، جبرئیل نازل شد و گفت: بگو: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. حضرت آدم علیه السلام این ذکر را گفت و حدیث نفس از او برطرف شد. ۳

از این روایات استفاده می شود که همیشه این وسوسه های شیطانی بوده و راه نجات از آنها، پناه بردن به خدا و بی اعتنایی به آن است.

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از وسوسه و فقر و دین سنگینی که داشت شکایت کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مکرر بگو:

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً

توکل کردم بر خدای زنده ای که نمیرد و ستایش خدایی راست که نگیرد همسر

و لَا وُلَدًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ

و فرزندی و نیست برایش شریکی در فرمانروایی و نیست برایش یاری از خواری

وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا.

و به کمال بزرگی او را بزرگ شمار.

۱. مکارم الاخلاق، صفحه ۳۳۴ و بحار الانوار، جلد ۸۸، صفحه ۲۲۰.

۲. مکارم الاخلاق، صفحه ۳۲۸ و بحار الانوار، جلد ۸۸، صفحه ۳۵۴، حدیث ۱۷.

۳. امالی صدوق، صفحه ۵۴۳، حدیث ۵ و بحار الانوار، جلد ۹۰، صفحه ۱۸۶، حدیث ۵.

پس از مدتی آن مرد به نزد رسول خدا بازگشت و گفت: ای رسول خدا! خداوند وسوسه مرا زایل کرد و دینم را ادا نمود و رزقم را زیاد کرد.^۱

همچنین روایت شده، برای رفع وسوسه‌های شیطان - آنگاه که در قلبت شکی پیدا شد - بگو:

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.^۲

اوست آغاز و انجام و آشکار و نهان و او به هر چیز داناست.

همچنین در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: برای رفع وسوسه‌های شیطان، در حالی که دستت را به سینه‌ات می‌کشی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ

بنام خدا و به ذات خدا محمد رسول خداست و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای

الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَحْذَرُ.

بزرگ خدایا پاک کن از من آنچه را از آن می‌ترسم.

آنگاه دست به شکم خود می‌کشی و این ذکر را سه مرتبه می‌گویی که ان شاء الله آن وسوسه برطرف خواهد شد.^۳

همچنین طبق آنچه در روایات آمده برای رفع وسوسه، این امور نیز مؤثر است:

شستن سر با سدر^۴، مسواک کردن^۵، خوردن انار^۶، آشامیدن آب نیسان^۷، و روزه گرفتن به مدت سه روز از هر ماه؛ که عبارت است از پنج شنبه اول ماه و آخر ماه و چهارشنبه از وسط ماه^۸ و همچنین بگوید:

أَعُوذُ بِاللَّهِ الْقَوِيِّ مِنَ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ، وَ أَعُوذُ بِمُحَمَّدٍ الرَّضِيِّ مِنْ

پناه می‌برم به خدای نیرومند از شیطان گمراه و پناه می‌برم به محمد پسندیده از

شَرِّ مَا قُدِّرَ وَقُضِيَ، وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ.^{۱۰}

شر آنچه مقدر گشته و قضا بر آن رفته و پناه می‌برم به معبود مردم از شر جن و مردم همگی.

۱. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۵۵، حدیث ۳.

۳. همان مدرک، صفحه ۱۳۸، حدیث ۳.

۴. ثواب الاعمال، صفحه ۲۰ و بحار الانوار، جلد ۷۳، صفحه ۸۷، حدیث ۶.

۵. امالی طوسی، صفحه ۶۶۷، حدیث ۳ و بحار الانوار، جلد ۷۳، صفحه ۱۳۹، حدیث ۵۲.

۶. محاسن، جلد ۲، صفحه ۵۴۳، حدیث ۸۴۵ و بحار الانوار، جلد ۶۳، صفحه ۱۶۱، حدیث ۳۳.

۷. «نیسان» نام یکی از ماههای رومی است، که پس از ۲۳ روز از ماه فروردین، ماه نیسان داخل می‌شود و مدت آن نیز ۳۰ روز است و در اعمال ماههای رومی شرح آن گذشت.

۸. مهج الدعوات، صفحه ۳۵۶ و بحار الانوار، جلد ۶۳، صفحه ۴۷۷.

۹. بحار الانوار، جلد ۹۴، صفحه ۹۶، حدیث ۱۲.

۱۰. بشارة المصطفی، صفحه ۲۷ و بحار الانوار، جلد ۷۴، صفحه ۲۷۳.

باید توجه داشت که وسوسه‌ها ریشه‌های مختلف جسمی و روحی دارد که با پیدا کردن ریشه‌ها باید در دفع آنها کوشید، و به یقین بی‌اعتنایی به وسوسه یکی از طرق مهمّ درمان است (البته بعد از علم و آگاهی کافی به مسائل اعتقادی و عملی) و کسانی که زیاد به آن اعتنا کنند دائماً در عذاب خواهند بود.

وسواس در مسائل عملی و عبادات مخصوصاً در اموری مانند طهارت و نجاست، بسیار زیاد است، بهترین و مؤثرترین راه دفع آن (پس از آگاهی بر مسائل شرعی و احکام) این است که به افراد معمولی از مؤمنان نگاه کند و ببیند که آنها (مثلاً) برای آب کشیدن بدن یا لباس خود چه اندازه آب مصرف می‌کنند به همان اندازه قناعت کند، هرچند شیطان وسوسه می‌کند و می‌گوید پاک نشده است. هرگز اعتنا به این شک‌ها نکند که ما مسؤولیت اعمال او را بر عهده می‌گیریم!

۹- نماز مسجد جمکران

مسجد جمکران در نزدیکی شهر مقدّس قم واقع شده است که به امر امام زمان علیه السلام بنا گردید و دارای آثار و برکات فراوانی است.

مرحوم حاج میرزا «حسین نوری» در کتاب «نجم الثاقب» داستان بنای آن را نقل کرده است و در همان حکایت که در بیداری واقع شده نه در خواب، به نقل از امام زمان علیه السلام خطاب به حسن مُثله جمکرانی آمده است: به مردم بگو به این مکان رغبت نشان دهند و آن را مغتنم بشمارند و در آن جا چهار رکعت نماز بگذارند:

۱- دو رکعت نماز تحیت مسجد که در هر رکعتی یک مرتبه «حمد» و هفت مرتبه سوره «قل هو الله احد» بخوانند و هفت بار ذکر رکوع و در هر سجده هفت بار نیز ذکر سجود را بگویند (در رکوع هفت بار بگوید سبحان ربّی العظیم و بحمده و در سجده هفت بار بگوید سبحان ربّی الاعلی و بحمده).

۲- دو رکعت نماز امام زمان علیه السلام بخواند به این نحو که، در رکعت اول سوره «حمد» را آغاز کند و چون به جمله «ایاک نعبد و ایاک نستعین» رسید، صد مرتبه آن را تکرار نماید و سپس بقیّه حمد را تا آخر بخواند (آنگاه یک مرتبه سوره «قل هو الله احد» را بخواند) و ذکر رکوع و سجود را هفت مرتبه بگوید و رکعت دوم را نیز به همین صورت انجام دهد. پس از نماز یک بار بگوید: لا اله الا الله و سپس تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگوید؛ آنگاه سر به سجده بگذارد و صد بار صلوات بفرستد.

امام زمان علیه السلام فرمود: «فَمَنْ صَلَّى هُمَا فَكَانَ فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ؛ هر کس این دو نماز را (به این نحو) انجام دهد گویا در کعبه نماز خوانده است».^۱

۱. این داستان به طور مشروح در «نجم الثاقب» صفحه ۳۸۳ - ۳۸۸ آمده است.

۱۰- نماز شب

نماز شب از نمازهای مستحبی بسیار معروف است که آثار و ارزش زیاد و پاداش فراوانی دارد و انجامش بسیار توصیه شده است (آداب نماز شب، پاداش آن و همچنین کیفیت انجام آن در بخش پنجم، صفحه ۹۳۷ گذشت).

۱۱- نماز توسل به حضرت زهرا علیها السلام

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که هرگاه حاجت مهمی داشته باشی به گونه‌ای که از نظر روحی در فشار شدید باشی، دو رکعت نماز بخوان و پس از نماز، سه بار تکبیر و سپس تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگو، آنگاه به سجده برو و صد مرتبه بگو: «یا مولاتی فاطمةُ اغیثینی» سپس سمت راست صورت را بر زمین بگذارد و همین جمله را صد بار بگو، بار دیگر به سجده برو و همین جمله را صد و ده مرتبه بگو، (مجموعاً ۳۱۰ بار می‌شود) سپس حاجت خود را از خداوند بخواه که ان شاء الله برآورده می‌سازد. (و حضرت زهرا علیها السلام مرضیه علیها السلام ان شاء الله در پیشگاه خداوند برای برآمدن آن حاجت، شفاعت خواهد نمود).^۱

۱۲- نماز حاجت

این نماز را بسیاری از علما، مانند «سید بن طاووس»، «شیخ صدوق»، «شیخ مفید» و «شیخ طوسی» نقل کرده‌اند که امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه حاجت مهمی داری، سه روز متوالی از چهارشنبه تا جمعه را روزه بگیر، در روز جمعه غسل کن و لباسی نو و پاکیزه بپوش و بالای بام خانه‌ات (یا در فضای باز) برو و دو رکعت نماز بخوان، و پس از نماز، دست‌ها را به سوی آسمان بلند کن و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي حَلَلْتُ بِسَاحَتِكَ لِمَعْرِفَتِي بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَصَمَدَانِيَّتِكَ، وَأَنَّهٗ

خدايا من فرود آمدم به آستانت چون علم دارم به یگانگی و بی‌نیازی تو و این‌که

لا قَادِرَ عَلٰی قَضَائِ حَاجَتِي غَيْرُكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ يَا رَبِّ أَنَّهُ كَلَّمَا تَظَاهَرَتْ

کسی جز تو قادر به برآوردن حاجتم نیست و به خوبی دانستم ای پروردگار من که هر اندازه

نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، اِشْتَدَّتْ فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَقَدْ طَرَقَنِي هَمٌّ كَذَا وَكَذَا*

نعمت را در خود دریابم نیاز و احتیاجم به تو بیشتر می‌گردد و اکنون اندوه فلان کار و فلان جریان به من وارد شده * *

به جای کلمه «کذا و کذا» حاجت خود را ذکر کند و آنگاه ادامه دهد: وَأَنْتَ بِكَشْفِهِ عَالِمٌ غَيْرٌ

* * * * * و تو برای برطرف کردن آن دانای بدون

۱. بحار الانوار، جلد ۹۱، صفحه ۳۰ و بلد الامین، صفحه ۱۵۹ (با مقداری تفاوت).

مُعَلِّمٌ، وَاسِعٌ غَيْرٌ مُتَكَلِّفٍ، فَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى الْجِبَالِ

معلم هستی و بدون مشقت رفع آن توانی پس از تو خواهم به حق آن نامت که نهادی بر کوهها

فَنَسِفتُ، وَ وَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَوَاتِ فَاَنْشَقَّتْ، وَ عَلَى النُّجُومِ فَاَنْثَرَتْ،

و آنها از هم پراکنده شد و نهادی آنها بر آسمانها و آنها از هم شکافت و بر ستارگان و آنها فور ریخت

وَ عَلَى الْأَرْضِ فَسَطِحتُ، وَ اسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ صَلَّى

و بر زمین نهادی پس گسترده شد و از تو خواهم بدان حقی که قرار دادی آنها در پیش محمد صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ عِنْدَ عَلِيِّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، وَ عَلِيِّ وَ مُحَمَّدٍ، وَ جَعْفَرٍ

الله علیه و آله و در نزد علی و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر

وَ مُوسَى، وَ عَلِيِّ وَ مُحَمَّدٍ، وَ عَلِيِّ وَ الْحَسَنِ، وَ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، أَنْ

و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حسین و حضرت حجت علیهم السلام که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ، وَ أَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، وَ تُيسِّرْ لِي

درود فرستی بر محمد و خاندانش و اینکه حاجتم برآوری و دشواری را

عَسِيرَهَا، وَ تَكْفِينِي مُهَمَّهَا، فَإِنْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَكَ

آسان کنی و مهمش را کفایت کنی پس اگر انجام دادی که ستایش کنم و اگر هم انجام ندهی باز هم

الْحَمْدُ، غَيْرُ جَائِرٍ فِي حُكْمِكَ، وَلَا مُتَّهَمٍ فِي قَضَائِكَ، وَلَا حَائِفٍ فِي

ستایشت کنم که ستمی در حکم تو نیست و نه در داوریت متهم هستی و نه از عدالت

عَدْلِكَ * سِيسِ گونهُ خود رابر زمین می گذاری و می گویی: اللَّهُمَّ إِنَّ يُونُسَ بِنَ مَتَّى

روگرداننده ای * * * * * خدایا همانا یونس بن متی

عَبْدُكَ، دَعَاكَ فِي بَطْنِ الْحُوتِ وَهُوَ عَبْدُكَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ أَنَا عَبْدُكَ

بندهات تو را در شکم ماهی خواند و به خاطر این که بندهات بود دعایش را مستجاب کردی و من نیز بنده توام

أَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لِي.

تو را می خوانم پس دعایم مستجاب کن.

امام صادق علیه السلام فرمود: بسیار می شود حاجتی دارم، این دعا را می خوانم و خداوند حاجتم را برآورده

می سازد.^۱

۱. جمال الاسبوع، صفحه ۳۳۰. این دعا در فقیه، جلد ۱، صفحه ۵۵۷، حدیث ۱۵۴۳ و مقنعه، صفحه ۲۲۰ و مصباح المتهجد، صفحه ۳۲۴ با مقداری تفاوت آمده است.

۱۳- نمازی دیگر برای برآورده شدن حاجات

«مرحوم کلینی» به سند معتبر از عبدالرحیم قصیر روایت کرده است که خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: فدایت شوم، از نزد خودم دعایی ساخته‌ام! حضرت فرمود: دعای اختراعی خود را رها کن، هرگاه حاجتی داشتی، به رسول خدا پناه ببر و دو رکعت نماز بگذار و آن را به رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه کن. گفتم: چگونه آن را بجا آورم؟ فرمود: غسل می‌کنی و سپس دو رکعت نماز می‌خوانی (مثل دو رکعت نماز صبح) وقتی که نماز به پایان رسید می‌گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَ مِنْكَ السَّلَامُ، وَ إِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

خدایا تویی سلام و از تو است سلام و بسوی تو بازگردد سلام خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنِّي السَّلَامَ، وَ أَرْوِاحِ الْأَيِّمَةِ

محمد و آل محمد و بفرست از جانب من به روح محمد و ارواح امامان

الصَّادِقِينَ سَلَامِي، وَ أَرُدُّ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ

راستگو سلام را و بازگردان بر من از ایشان سلامی و درود بر ایشان و رحمت

اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

خدا و برکاتش خدایا این دو رکعت نماز هدیه‌ای است از من به پیشگاه رسول خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَأَثْبِنِي عَلَيْهِمَا مَا أَمَلْتُ وَ رَجَوْتُ فِيكَ وَ فِي رَسُولِكَ، يَا وَلِيَّ

علیه و آله پس پاداشم بده بر آن دو بدانچه امید و آرزو دارم درباره تو و پیامبرت ای سرپرست

الْمُؤْمِنِينَ * سپس به سجده می‌روی و چهل مرتبه می‌گویی: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا حَيًّا

مؤمنان * * * * * ای زنده و پاینده ای زنده‌ای

لَا يَمُوتُ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

که نمیرد ای زنده‌ای که معبودی جز تو نیست ای دارای جلال و بزرگواری ای مهربانترین مهربانان.

آنگاه جانب راست صورت را روی زمین می‌گذاری و این دعا را چهل مرتبه می‌خوانی، پس از آن جانب چپ صورت را بر زمین می‌گذاری و چهل مرتبه این دعا را می‌خوانی. آنگاه سر را بلند می‌کنی و دستان خود را (به سمت آسمان) برمی‌داری و چهل مرتبه این دعا را می‌خوانی؛ سپس دست را به گردن خود می‌گذاری و انگشت اشاره (دست راست) را به علامت تضرع تکان می‌دهی و این دعا را چهل مرتبه می‌خوانی. در مرحله بعد، محاسن خود را با دست چپ می‌گیری و با حالت گریه می‌گویی:

يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَشْكُوا إِلَى اللَّهِ وَالِإِلَهِ وَالِإِيكَ حَاجَتِي، وَإِلَى أَهْلِ بَيْتِكَ

ای محمد ای رسول خدا بیارم به سوی خدا و به سوی تو و همچنین به سوی خاندان

الرُّاشِدِينَ حَاجَتِي، وَبِكُمْ أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِي * سپس به سجده

راه یافته‌ات حاجتم را و به وسیله شما رو کنم به سوی خدا در مورد حاجتم * * *

می‌روی و به قدر یک نفس می‌گویی: يَا إِلَهُ يَا إِلَهُ يَا إِلَهُ... سپس می‌گویی: صَلِّ عَلَيَّ

* * * * * ای خدا ای خدا ای خدا... * * * * * درود فرست

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا.

بر محمد و آل محمد و انجام ده درباره من چنین و چنان.

(و به جای این جمله اخیر، حاجت خود را می‌گویی). امام صادق علیه السلام فرمود: من از جانب خداوند ضمانت می‌دهم که از جای خویش حرکت نکنی مگر آن‌که حاجت تو برآورده شود، ان شاء الله.^۱

۱۴- نماز برای رفع سختی‌ها و دشواری‌ها

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هرگاه کاری بر تو دشوار شود و به عسرت و سختی افتادی، وقت ظهر دو رکعت نماز بخوان؛ در رکعت اول سوره «حمد» و «قل هو الله» و سوره «فتح» از ابتدای سوره تا «وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا» (آیه سوم) را بخوان و در رکعت دوم سوره «حمد»، «توحید» و سوره «الم نشرح» را بخوان. تأثیر این نماز به تجربه رسیده است.^۲

۱۵- نماز برای زیاد شدن روزی

در روایتی آمده است مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله من عیالمندم و قرض دارم و زندگی بر من سخت می‌گذرد، به من دعایی بیاموز تا با خواندنش، خداوند روزیم را زیاد کند، تا بتوانم قرضم را ادا کنم و به خانواده‌ام برسم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ای بنده خدا وضوی کاملی (از نظر آداب و شرایط) بگیر؛ سپس دو رکعت نماز بخوان و رکوع و سجود آن را به نیکی بجا آور و پس از نماز بگو:

يَا مَاجِدُ يَا وَاحِدُ يَا كَرِيمُ، أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ

ای با مجد و شوکت ای یگانه ای بزرگوار توجه کنم بسویت بوسیله پیامبرت محمد پیامبر رحمت

۱. کافی، جلد ۳، صفحه ۴۷۶، حدیث ۱ و فقیه، جلد ۱، صفحه ۵۵۹، حدیث ۱۵۴۸.

۲. بحارالانوار، جلد ۸۸، صفحه ۳۵۸.

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ، اِنِّي اَتُوْجَّهُ بِكَ اِلَى اللهِ رَبِّي

درود خدا بر او و آلش ای محمد ای رسول خدا پرستی من متوجه گشته‌ام بوسیله تو بسوی خدا پروردگار خود

وَرَبِّكَ وَرَبِّ كُلِّ شَيْءٍ، وَاسْأَلْكَ اللهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ،

و پروردگار تو و پروردگار هرچیزی و از تو خواهم خدایا که درود فرستی بر محمد و خاندانش

وَاسْأَلْكَ نَفْحَةَ كَرِيْمَةٍ مِنْ نَفْحَاتِكَ، وَفَتْحاً يَسِيْرًا، وَرِزْقاً وَاسِعاً، اَللّهُمَّ بِهِ

و از تو خواهم نسیمی کریمانه از نسیمهای رحمت و گشایشی آسان و روزی وسیعی که پریشانیم را

شَعْنِي، وَاقْضِيْ بِهٖ دَيْنِي، وَاسْتَعِيْنْ بِهٖ عَلَيَّ عِيَالِي. ۱

بدان برطرف کنم و قرضم را بدان ادا کنم و کمک جویم بدان بر عائله‌ام.

البته تمام این دستورات بعد از آن است که انسان تلاش و سعی لازم را برای تحصیل روزی انجام دهد و الا دعای او - طبق روایات - مستجاب نمی‌شود.

۱۶- نمازی دیگر در طلب روزی

شخصی می‌گوید خدمت امام صادق علیه السلام آدمم و عرض کردم: آنچه از اموال در دستم بود از بین رفت و در فشار و سختی فراوانی قرار گرفتم. امام علیه السلام فرمود: آیا در بازار دکانی داری؟ گفتم آری، ولی به خاطر نداشتن سرمایه آن را رها کردم. امام فرمود: وقتی به کوفه برگشتی برو سر مغازه‌ات، آن را جارو کن و آن جا بنشین؛ ولی پیش از آن که از منزل بیرون روی، دو رکعت یا چهار رکعت نماز بگذار و پس از نماز بگو:

تَوَجَّهْتُ بِلَا حَوْلٍ مِنِّي وَ لَا قُوَّةٍ، وَ لَكِنْ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، اَبْرَأُ اِلَيْكَ

من به سوی تو روی آوردم، بی آن که به قدرت و قوت خود تکیه کنم؛ بلکه با تکیه بر قدرت و قوت توست من از هر

مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ اِلَّا بِكَ، فَانْتَ حَوْلِي وَ مِنْكَ قُوَّتِي، اَللّهُمَّ فَارْزُقْنِي مِنْهُ

قدرت و قوتی جز تو بیزارم. تو قدرت و قوت منی. خداوندا از

فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقاً كَثِيراً طَيِّباً، وَ اَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ، فَانَّهُ لَا

فضل وسیع روزی فراوان پاکیزه‌ای به من عنایت فرما. من تقاضای عافیت تو را دارم؛ چون هیچ کس

يَمْلِكُهَا اَحَدٌ غَيْرُكَ.

جز تو مالک آن نیست.

راوی می‌گوید: من نیز به دستور امام علیه السلام عمل کردم و خداوند روزی مرا زیاد کرد، تا آن‌جا که برای خود چهارپایان و اموال دیگری خریدم و برای خود خانه ساختم.^۱

آغاز این حدیث شاهد بر چیزی است که در ذیل حدیث قبل گفتیم که شرط قبولی این دعاها، تلاش به مقدار توان خویش در امر معاش است.

بخش هشتم

دعا برای حل مشکلات معنوی و مادی و آداب عقیده



- همیت دعا و یادآوری چند نکته
- ۱- دعاهایی برای برآمدن حاجات دنیوی و اخروی
- ۲- دعاها برای رفع غم و اندوه و گرفتاری‌ها
- ۳- دعا برای رفع بیماری‌ها
- ۴- دعا برای ادای دین
- ۵- دعا برای گشایش در کارها
- ۶- دعا برای آرامش در برابر عوامل وحشت
- ۷- دعا برای ایمنی از شرّ ستمگران و دشمنان و حوادث سخت
- ۸- دعا برای خلاصی از زندان
- ۹- دعا برای توسعه در رزق
- ۱۰- دعای توبه
- ۱۱- دعای وقت مطالعه
- ۱۲- دعای شب زفاف

دعا برای حل مشکلات معنوی و مادی و آداب عقیده

مقدمه: اهمیت دعا و یادآوری چند نکته

همان‌گونه که پیش از این در مقدمه کتاب گفته شد، دعا بهترین رابطه خلق با خالق و زیباترین شکل نیایش و از مهم‌ترین عبادات است.

گاه برکات معنوی که از خود دعا نصیب دعاکننده می‌شود بسیار بیش از حاجاتی است که در دعایش از خداوند بزرگ تقاضا می‌کند.

دعا انسان را به خدا نزدیک می‌کند و روح او را تلطیف کرده و نشاط روحانی او را افزایش می‌دهد؛ امید او را به آینده زیاد کرده، و از سقوط در درّه هولناک یأس و افسردگی‌های می‌بخشد. اضافه بر این، دعا دریچه معرفت‌اللّه و عشق به خداست.

اینها همه از یکسو؛ از سوی دیگر، تأثیر دعاها در حل مشکلات مادی و معنوی بسیار تجربه شده و به ثبوت رسیده است، و برای آنها که به خداوند و قدرت و لطف و رحمت او ایمان دارند، جای تردید نمی‌باشد. او ما را به دعا کردن دعوت نموده، و اجابت را تضمین فرموده است و بر همین اساس، در روایات معتبری که از معصومین علیهم‌السلام به ما رسیده دعا‌های زیادی برای حل مشکلات معنوی و مادی مؤمنان بیان شده است که اگر همه آنها جمع‌آوری گردد، کتاب بزرگی را تشکیل می‌دهد.

ما، در این مجموعه بخش مهمی از آن را که در کتب معتبر یافته‌ایم از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرانیم و جداً از آنها تقاضا می‌کنیم به هنگامی که حال دعا و تضرع به درگاه باری تعالی به آنها دست داد و مظان استجاب دعا فرا رسید، نویسندگان این سطور را نیز فراموش نکنند و به دعای خیر یاد فرمایند.

قبل از ورود در بیان دعاها یادآوری چند نکته لازم است:

۱- گاه می‌شود دعاها به اجابت نمی‌رسد و دعاکنندگان تعجب می‌کنند که با آن همه الحاح و اصرار، عدم اجابت دعا چرا؟ در حالی که وقتی دقت می‌کنیم، می‌بینیم شرایط استجابیت دعا را فراهم نکرده‌اند (در زمینه شرایط استجابیت دعا، بحثی را در آغاز کتاب داشتیم؛ بار دیگر آن را به دقت مطالعه فرمایید و به کار بندید).

۲- گاه می‌شود انسان با تمام وجود، چیزی را از خدا می‌طلبد که در واقع آن چیز به زیان اوست ولی خود او از آن بی‌خبر است. در این جا خداوند رحیم خواسته او را برآورده نمی‌سازد و او را از خطر نجات می‌بخشد؛ ولی پاداش دعا را برای او حفظ می‌کند!

۳- گاه می‌شود انسان به محض اجابت دعا، در خانه خدا را رها می‌کند و در غفلت و بی‌خبری فرو می‌رود، خداوند رحمان و رحیم، اجابت دعایش را به تأخیر می‌اندازد، تا بیشتر نیایش کند و در خانه او را بیشتر بکوبد تا مشمول عنایات افزون تری گردد.

۴- گاهی برخی از افراد، راه‌ها و اسبابی را که خداوند برای حلّ مشکلات قرار داده رها می‌کنند و بدون تلاش و کوشش برای رفع نیازها و حلّ دشواری‌ها، فقط به سراغ دعا می‌روند، در حالی که خداوند «مسبب‌الاسباب» اسبابی را برای رفع مشکلات مادی و معنوی قرار داده و آنها را گاه در دل طبیعت، گاه در مراجعه به افراد کاردان، و گاه در سایه جدّ و جهد قرار داده است؛ اما گروهی با «رها ساختن این امور»، در گام نخستین سراغ ادعیه و اذکار می‌روند و چون اثری از اجابت نمی‌یابند، مأیوس و ناامید، همه را به دیده تردید می‌نگرند؛ در حالی که مقصود آنها از طریق تلاش و کوشش و مشورت و مانند آن حاصل می‌شد و باید به سراغ آن می‌رفتند و همگام با تلاش و کوشش در جهت حلّ مشکلات، باید از این ادعیه نیز بهره می‌گرفتند، ولی چنین نکردند و به نتیجه نرسیدند.

۵- اعتقاد و ایمان به آثار دعا نیز تأثیر مهمی در اجابت دعاها دارد. اگر کسی بخواهد با تردید یا برای امتحان این دعاها را بخواند، ممکن است کمتر به مقصود برسد.

به هر حال، هرگز نباید به خاطر تأخیر اجابت دعا ناراحت و نگران باشیم و از پیگیری خسته شویم و بدانیم همان گونه که دعا به سود ماست، تأخیر در اجابت نیز به نفع ما می‌باشد.

با این مقدمه کوتاه، به اصل سخن باز می‌گردیم و در این بخش از کتاب به ذکر قسمتی از دعاها پرداخته و پرارزش، برای رسیدن به خواسته‌های مادی و معنوی که از کتب معتبر گرفته شده است اشاره می‌کنیم، به ویژه دعاهایی که تأثیر آن در حلّ مشکلات به وسیله بزرگان تجربه شده است.

۱- دعاهایی برای برآمدن حاجات دنیوی و اخروی

در کتاب‌های روایی ما، دعاهای جالب و ذکرهای پرمحتوایی آمده که خواندن آنها با توجه به معانی و محتوای آنها، تأثیر مهمی در روح و جان انسان می‌گذارد و برای حل مشکلات مادی و معنوی بسیار مؤثر است. بزرگان علما این روایات را در کتب ادعیه و کتب روایی آورده‌اند؛ از جمله:

۱- دعایی است که از امام صادق علیه السلام (برای برآمدن حاجات) روایت شده است:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَ أَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ، وَلَا تُشْقِنِي

خدایا چنانم کن که از تو بترسم چنانکه گویی تو را می‌بینم و خوشبختم کن به پرهیزکاریت و بدبختم مکن

بِنَشْطِي لِمَعَاصِيكَ، وَ خِرْلِي فِي قَضَائِكَ، وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا

به نشاطم برای نافرمانی‌هایت و نیک بخواه برایم در قضایات و برکت ده برایم در مقدرت تا دوست

أُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، وَلَا تُعَجِّلَ مَا أَخَّرْتَ، وَ اجْعَلْ غِنَايَ فِي

نداشته باشم دیرآمدن آنچه را شتاب داری و نه زود آمدن آنچه را تأخیر اندازی و قرار ده بی‌نیازیم را

نَفْسِي، وَ مَتَّعْنِي بِسَمْعِي وَ بَصَرِي، وَ اجْعَلْهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي، وَ انصُرْنِي

در خودم و بهره‌مندم ساز به گوش و چشمم و قرارشان ده آن دو را وارث من و یارم کن

عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَ أَرِنِي فِيهِ قُدْرَتَكَ يَا رَبِّ، وَ اقْرَبْ بِذَلِكَ عَيْنِي. ۱

بر هر که به من ستم کند و قدرت خودت را در او به من نشان ده پروردگارا و دیده‌ام را بدان روشن کن.

۲- از همان بزرگوار نقل شده است که این دعا را بخوانید:

اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى هَوْلِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ أَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا،

خدایا کمکم ده بر هراس روز قیامت و بیرونم ببر از دنیا در حال سلامت

وَ زَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، وَ اكْفِنِي مَوَوْتِي، وَ مَوَوْتَةَ عِيَالِي، وَ مَوَوْتَةَ

و همسرم گردان از حورالعین و هزینه‌ام را کفایت کن و نیز هزینه نان‌خوران و هزینه

النَّاسِ، وَ ادْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ. ۲

مردم را و درآور مرا به رحمت خود در زمره بندگان شایسته‌ات.

۳- دعای دیگر که خیر دنیا و آخرت در آن جمع است و انسان را از گناهان حفظ می‌کند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ، وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ، وَ لَمْ

بنام خدای بخشنیده مهربان ای که آشکار کند زیبا را و بپوشاند زشت را

يَهْتِكِ السِّتْرَ عَنِّي، يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ،

و ندرت پرده مرا ای بزرگواری گذشت ای نیکو درگذر ای فراخ آمرزش

وَيَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى، وَيَا مُنْتَهَى كُلِّ

و ای گشاده هر دو دست به رحمت و مهر ای همراه هر راز و ای مرجع هر

شَكْوَى، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا مُبْتَدِئَ كُلِّ نِعْمَةٍ قَبْلَ

شکایت ای بزرگواری چشم‌پوش ای بزرگ منت ای آغازنده هر نعمت پیش از

اسْتِحْقَاقِهَا، يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ، يَا مَوْلَاهُ يَا غَايَتَاهُ يَا غَايَتَاهُ، صَلِّ عَلَيَّ

شایستگی آن ای پروردگار ای آقا ای سرور ای منتهای آرزو ای فریادرس درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تَجْعَلَنِي فِي النَّارِ.^۱

محمد و آل محمد و از تو خواهم که قرارم ندهی در آتش.



۴- دعای پرارزشی است که پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز جنگ بدر^۲ و احزاب^۳ و امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در روز

عاشورا^۴ آن را خواندند. این دعا از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز نقل شده است:^۵

اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتِي فِي كُلِّ كَرْبَةٍ، وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ، وَأَنْتَ لِي فِي

خدایا تویی تکیه‌گاه من در هر گرفتاری و تویی امید من در هر سختی و تو برای من در

كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ، كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعَفُ عَنْهُ الْفَوَادُ، وَ تَقِلُّ فِيهِ

هر پیش‌امدی تکیه‌گاه و ذخیره‌ام هستی چه بسیار گرفتاری که ناتوان شود از آن دل و کم شود در آن

الْحِيلَةُ، وَ يَخْذُلُ عَنْهُ الْقَرِيبُ وَ الْبَعِيدُ، وَ يَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ، وَ تَعْنِينِي فِيهِ

چاره و یاری نهد در آن خویش و بیگانه و شماتت کند بدان دشمن و خسته‌ام کند در آن

۱. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۷۸، حدیث ۴.

۲. همان مدرک، جلد ۴۵، صفحه ۴ (با اندکی تفاوت).

۳. بحار الانوار، جلد ۹۵، صفحه ۱۲۹.

۴. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۷۸، حدیث ۵.

۵. مهج الدعوات، صفحه ۶۹.

الْأُمُورِ، أَنْزَلْتَهُ بِكَ، وَ شَكَوْتُهُ إِلَيْكَ، رَاغِبًا فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ، فَفَرَّجْتَهُ

کارها و من آن را به درگاه تو آوردم و شکوهش به تو کردم و به جز تو از دیگران روگرداندم و تو بگشودی

وَ كَشَفْتَهُ وَ كَفَيْتَنِيهِ، فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ، وَ صَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ، وَ مُنْتَهَى

و برطرف کردی و کفایت کردی پس تویی سرپرست هر نعمت و صاحب هر حاجت و سرحد نهایی

كُلِّ رَغْبَةٍ، فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيرًا، وَ لَكَ الْمَنْ فَاضِلًا.

هر شوق پس تو راست ستایش بسیار و تو راست منت فزون.

۵- این دعا را امام حسین علیه السلام به فرزندش امام سجاد علیه السلام تعلیم فرمود:

بِحَقِّ يُسِّ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، وَ بِحَقِّ طِهِ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، يَا مَنْ يَقْدِرُ

به حق یاسین و قرآن حکمت آموز و به حق طه و قرآن بزرگ ای که توانایی

عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ، يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ، يَا مَنْ نَفَسَ عَنِ

بر حاجات خواستاران ای که می‌دانی آنچه در دلهاست ای برطرف کننده گرفتاری

الْمَكْرُوبِينَ، يَا مُفْرِجَ عَنِ الْمَعْمُومِينَ، يَا زَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ، يَا

گرفتاران ای غمزدای اندوه غمندگان ای مهرورز پیر کهنسال ای

رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ

روزی ده کودک خردسال ای که نیازی ندارد به شرح و بیان درود فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا (به جای آن، حاجات خود را بگوید).^۱

و آل محمد و بکن با من چنین و چنان * * * * *

۶- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت:

رَبِّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ.

پروردگارا مرا به خودم وا مگذار چشم بر هم‌زدنی هرگز نه کمتر از آن و نه بیشتر.

(و این دعا بسیار مؤثر است).^۲

۱. دعوات راوندی، صفحه ۵۴، حدیث ۱۳۷ و بحار الانوار، جلد ۹۲، صفحه ۱۹۶.

۲. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۸۱، حدیث ۱۵.

۷- بخوان این دعا را که امیرالمؤمنین علیه السلام پیوسته آن را می خواند:

اللَّهُمَّ مِنْ عَليِّ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، وَالتَّفْوِيزِ إِلَيْكَ، وَالرِّضَا بِقَدْرِكَ،

خدایا ممت نه بر من به توکل کردن بر خودت و واگذاردن به سوی تو و راضی بودن به مقدرات

والتَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا

و تسلیم بودن در برابر فرمانت تا دوست ندارم زود آوردن آنچه را تأخیر انداختی و نه تأخیر آنچه را

عَجَّلْتَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. ۱

زود آوردی ای پروردگار جهانیان.

۸- یکی از یاران امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت این دعا را که جامع حاجات دنیا و آخرت

است، به من تعلیم فرمود که بعد از حمد و ثنای خداوند عزوجل بگو:

اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ

خدایا تویی خدایی که نیست معبودی جز تو بردبار بزرگوار و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو عزیز

الْحَكِيمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

فرزانه و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو یکتای قهار و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو

الْمَلِكُ الْجَبَّارُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحِيمُ الْعَفَّارُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

فرمانروای جبار و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو مهربان آمرزنده و تویی خدایی که نیست معبودی جز

أَنْتَ الشَّدِيدُ الْمِحَالُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا

تو سخت کیفر و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو بزرگ و برتر و تویی خدایی که

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنِيعُ الْقَدِيرُ، وَأَنْتَ

نیست معبودی جز تو شنوای بینا و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو والامقام توانا و تویی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الشَّكُورُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ،

خدایی که نیست معبودی جز تو آمرزنده سپاس پذیر و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو ستوده و گرامی

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَنَّانُ

و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو آمرزنده و دوستدار و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو پر نعمت

الْمَنَّانُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الدَّيَّانُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

و پر مهر و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو بردبار پاداش دهنده و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو

الْجَوَادُ الْمَاجِدُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ، وَأَنْتَ اللَّهُ

بخشنده باشوکت و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو یکتای یگانه و تویی خدایی

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَائِبُ الشَّاهِدُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ،

که نیست معبودی جز تو غایب و حاضر و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو آشکار پنهان

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ، تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ، وَبَسَطْتَ يَدَكَ

و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو بهر چیز دانا کامل آمد نور تو که راهنمایی کردی و گشودی دست عطایت

فَاعْطَيْتَ، رَبَّنَا وَجْهَكَ أَكْرَمَ الْوُجُوهِ، وَجَهْتِكَ خَيْرُ الْجِهَاتِ، وَعَطَيْتَكَ

و عطا کردی پروردگار ما ذات تو گرمی‌ترین ذات‌ها و جانب تو بهترین جانب‌ها و عطایت

أَفْضَلُ الْعَطَايَا وَ أَهْنَوْهَا، تَطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ، وَ تَعْصِي رَبَّنَا فَتَغْفِرُ لِمَنْ

فزونترین عطاها و گواراترین آنهاست فرمانبرداریت کنند پروردگارا و تو سپاسگزاری کنی و نافرمانیت کنند و تو بیماری‌ریزی هر که را

شِئْتَ، تُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ، وَ تَكْشِفُ السُّوءَ، وَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ، وَ تَعْفُو عَنِ

خواهی اجابت کنی درماندگان را و برطرف کنی بدی را و بپذیری توبه را و درگذری از

الذُّنُوبِ، لَا تُجَازِي أَيَادِيكَ، وَلَا تُحْصِي نِعْمَكَ، وَلَا يُبْلَغُ مَدْحَتَكَ قَوْلُ

گناهان پاداش دستگیریهایت داده نشود و نعمتهایت به شماره درنیاید و رسا درنیاید به مدح و ثنایت گفتار

قَائِلٍ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ رَوْحَهُمْ

کسی خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و شتاب کن در فرج و نصرت

وَرَاحَتَهُمْ وَ سُرُورَهُمْ، وَادِّقْنِي طَعْمَ فَرَجِهِمْ، وَ أَهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْجِنِّ

و آسایش و شادمانیشان و بچشان به من شیرینی دوران فرج ایشان را و هلاک گردان دشمنانشان را از جن

وَالْإِنْسِ، وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنَا عَذَابَ

و انس بده به ما در دنیا خوبی و در آخرت نیز خوبی نگاهمان دار از

النَّارِ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ

عذاب دوزخ و قرارمان ده از کسانی که ترسی بر آنها نیست و نه آنان‌که اندوهناک شوند و قرارم ده از

الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ، وَ تَبَّتْ نِيَّي بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ

کسانی که بردباری کنند و به پروردگارشان توکل کنند و پایدارم بدار به گفتار پایرجا در زندگی

الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ، وَبَارِكْ لِي فِي الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَالْمَوْقِفِ

دنیا و در آخرت و برکت بده به من در زندگی و مرگ و توقفگاه قیامت

وَالنُّشُورِ، وَالْحِسَابِ وَالْمِيزَانِ، وَأَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَسَلِّمْ عَلَيَّ

و زنده شدن آن روز و حساب و میزان و هراس‌های روز قیامت و سالمم بدار بر

الصِّرَاطِ، وَاجْزِنِي عَلَيْهِ، وَارْزُقْنِي عِلْمًا نَافِعًا، وَيَقِينًا صَادِقًا، وَتُقَى

صراط و بگذرانم از آن و روزیم گردان علمی سودمند و یقینی راست و درست و تقوا

وَبِرًّا، وَوَرَعًا وَخَوْفًا مِنْكَ، وَفَرَقًا يَبْلُغُنِي مِنْكَ زُلْفَى، وَلَا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ،

و نیک‌رفتاری و پارسایی و خوف و ترسی از خودت که برساندم به مقام قرب تو و دورم نکند از تو

وَاحْبِئْبَنِي وَلَا تُبْغِضْنِي، وَتَوَلَّنِي وَلَا تَخْذَلْنِي، وَاعْطِنِي مِنْ جَمِيعِ خَيْرِ

و دوستم دار و دشمنم مدار و سرپرستیم کن و وامگذارم و عطا کن به من از همه خوبیهای

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، وَاجْزِنِي مِنَ السُّوءِ كُلِّهِ

دنیا و آخرت آنچه بدانم و آنچه ندانم و پناهم ده از همه بدی‌ها

بِحِذَائِرِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ. ۱

به تمامی چه آنها که می‌دانم و چه آنها که ندانم.

۹- یکی از یاران معروف امام صادق علیه السلام این دعا بسیار پرمحتوا را از آن حضرت نقل کرده است:

اللَّهُمَّ اَمَلْ قَلْبِي حُبًّا لَكَ، وَخَشْيَةً مِنْكَ، وَتَصَدِيقًا وَإِيمَانًا بِكَ، وَفَرَقًا

خدایا بپرکن دلم را از محبت خود و ترس از خود و تصدیق و ایمان به خود و هراس و دهشت

مِنْكَ، وَشَوْقًا إِلَيْكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ لِقَاءَكَ،

از خود و شوق به درگاهت ای صاحب جلالت و بزرگواری خدایا محبوب گردان در پیش من دیدارت را

وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ خَيْرَ الرَّحْمَةِ وَالْبَرَكَاتِ، وَالْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ،

و قرار ده برای من در دیدارت بهترین مهر و برکت را و ملحقم کن به شایستگان

وَلَا تُؤَخِّرْنِي مَعَ الْأَشْرَارِ، وَالْحِقْنِي بِصَالِحٍ مِنْ مَضَى، وَاجْعَلْنِي مَعَ

و دنیالم مینداز به همراه اشرار و ملحقم کن به مردان شایسته از گذشتگان و قرارم ده با

صَالِحٍ مِّنْ بَقِيٍّ، وَ خُذْ بِي سَبِيلِ الصَّالِحِينَ، وَ اعْنِي عَلَيَّ نَفْسِي بِمَا تُعِينُ

شایستگان از آیندگان و مرا به راه شایستگان بپر و کمک ده بر خودم بدانچه کمک دادی

بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ، وَلَا تُرِدْنِي فِي سُوءٍ اسْتَفْقَدْتَنِي مِنْهُ، يَا رَبِّ

بدان شایستگان را بر خودشان و بازم مگردان در آن بدی که خلاصم کردی از آن ای پروردگار

الْعَالَمِينَ، أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ، تُحْيِينِي وَ تُمِيتُنِي عَلَيْهِ،

جهانیان از تو خواهم ایمانی که پایانش دیدار تو باشد که بدان زندهام داری و بر آن بمیرانی

وَ تَبْعَثْنِي عَلَيْهِ إِذَا بَعَثْتَنِي، وَ أَبْرِءُ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَ السُّمْعَةِ، وَ الشُّكِّ فِي

و بر آن مرا برانگیزی هنگامی که برانگیزم و پاک کن دلم را از خودنمایی و شهرت طلبی و شک در

دِينِكَ، اللَّهُمَّ اعْطِنِي نَصْرًا فِي دِينِكَ، وَ قُوَّةً فِي عِبَادَتِكَ، وَ فَهْمًا فِي

دین تو خدایا به من ده یاری در دینت را و نیروی در عبادتت را و فهم در

خَلْقِكَ، وَ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ بَيِّضُ وَ جَهِي بُنُورِكَ، وَ اجْعَلْ رَغْبَتِي

آفرینشت را و دو بهره از رحمتت و سفید کن رویم را به نور خود و میل و رغبتم را قرار ده

فِيمَا عِنْدَكَ، وَ تَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ عَلَيَّ مِلَّتِكَ، وَ مِلَّةَ رَسُولِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي

در آنچه نزد توست و بمیرانم در راه خودت بر کیش خود و کیش رسالت خدایا به تو

أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَ الْهَرَمِ، وَ الْجُبْنِ وَ الْبُخْلِ، وَ الْغَفْلَةِ وَ الْقَسْوَةِ،

پناه برم از بی حالی و پیری و ترس و بخل و بی خبری و سنگدلی

وَ الْفِتْرَةِ وَ الْمَسْكَنَةِ، وَ أَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَ مِنْ قَلْبٍ لَا

و سستی و نداری و پناه برم به تو پروردگارا از نفسی که سیر نشود و از دلی که

يَخْشَعُ، وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَ مِنْ صَلَاةٍ لَا تَنْفَعُ، وَ أَعِذْ بِكَ نَفْسِي

فروتنی نکند و از دعایی که به اجابت نرسد و از نمازی که سود ندهد و پناه دهم به تو خودم

وَ أَهْلِي وَ ذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ، وَلَا

و خاندان و فرزندانم را از شیطان رانده شده خدایا برآستی که پناه ندهد از تو هیچ کس و نیام

أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِدًا، فَلَا تَخْذُلْنِي وَلَا تُرِدْنِي فِي هَلَاكَةٍ، وَلَا تُرِدْنِي

جز پیش تو پناهگاهی پس مرا وامگذار و بازم مگردان در هلاکت و بازم مگردان

بِعَذَابٍ، أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ عَلَيَّ دِينِكَ، وَ التَّصَدِيقَ بِكِتَابِكَ، وَ اتِّبَاعَ

در عذاب از تو خواهم پایداری در دینت را و تصدیق کتابت را و پیروی

رَسُولِكَ، اَللّٰهُمَّ اذْكُرْنِيْ بِرَحْمَتِكَ، وَلَا تَذْكُرْنِيْ بِخَطِيئَتِيْ، وَ تَقَبَّلْ مِنِّيْ

رسولت را خدایا یاد کن مرا بوسیله رحمت و یادم مکن به خطاکاریم و بپذیر از من

وَزِدْنِيْ مِنْ فَضْلِكَ، اِنِّيْ اِلَيْكَ رَاغِبٌ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ ثَوَابَ مَنْطِقِيْ، وَ ثَوَابَ

و بیفزای بر من از فضل خود که برآستی من به تو مشتاقم خدایا قرار ده پاداش گفتارم و پاداش

مَجْلِسِيْ رِضَاكَ عَنِّيْ، وَ اجْعَلْ عَمَلِيْ وَ دُعَائِيْ خَالِصًا لَكَ، وَ اجْعَلْ ثَوَابِيْ

مجلسم را خشنودی خودت از من و قرار ده کردار و دعایم را خالصانه برای خود و پاداشم را

الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَ اجْمَعْ لِيْ جَمِيْعَ مَا سَأَلْتُكَ، وَ زِدْنِيْ مِنْ فَضْلِكَ، اِنِّيْ

بهشتت قرار ده به مهرت و گردآور برای من تمام آنچه را از تو خواستم و بیفزای بر من از فضل خود که برآستی من

اِلَيْكَ رَاغِبٌ، اَللّٰهُمَّ غَارَتِ النُّجُوْمُ، وَ نَامَتِ الْعُيُوْنُ، وَ اَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ،

به تو مشتاقم خدایا اختران پنهان گشته و دیده‌ها به خواب رفته و تو زنده پاینده‌ای

لَا يُوَارِيْ مِنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ، وَ لَا سَمَاءٌ ذَاتُ اَبْرَاجٍ، وَ لَا اَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ،

که نپوشاند کسی را از تو شب پوشاننده و نه آسمانی که دارای برج‌هاست و نه زمین گسترده

وَ لَا بَحْرٌ لُّجِّيٌّ، وَ لَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ، تُدَلِّجُ الرَّحْمَةَ عَلٰی مَنْ

و نه دریای ژرف و نه تاریکی‌های روی هم انباشته بریزی رحمت خود را شبانه بر هر که

تَشَاءُ مِنْ خَلْقِكَ، تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُوْرُ، اَشْهَدُ بِمَا

خواهی از خلق خود می‌دانی خیانت دیده‌ها و آنچه را پنهان کنند سینه‌ها گواهی دهم بدانچه گواهی دهی خودت

شَهِدْتَ بِهٖ عَلٰی نَفْسِكَ، وَ شَهِدْتَ مَلَايِكَتِكَ وَ اَوْلِيَ الْعِلْمِ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ

بر خویشتن و گواهی دهند فرشتگانت و دانشمندان، نیست معبودی جز تو نیرومند

الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ، وَ مَنْ لَمْ يَشْهَدْ بِمَا شَهِدْتَ عَلٰی نَفْسِكَ، وَ شَهِدْتَ مَلَايِكَتِكَ

فرازانه و هر که گواهی ندهد بدانچه تو بر خود گواهی داده‌ای و گواهی داده‌اند بدان فرشتگان تو

وَ اَوْلِيَ الْعِلْمِ، فَ اَكْتُبْ شَهِادَتِيْ مَكَانَ شَهِادَتِهِمْ، اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ،

و صاحبان علم پس بجای آن گواهی مرا بنویس خدایا تویی سلام

وَ مِنْكَ السَّلَامُ، اَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ، اَنْ تُفَكَّ رَقَبَتِيْ مِنَ النَّارِ. ۱

و از توست سلامتی از تو خواهم ای صاحب جلال و بزرگواری که آزاد کنی مرا از آتش.

«شیخ طوسی» نیز در کتاب «مصباح المتهجد» بعد از رکعت چهارم نافله شب، این دعا را ذکر فرموده است^۱ و «علامة مجلسی» روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: این دعا را در نماز «وتر» بخوان.^۲



۱۰- روایت شده است که این دعای ابوذر است که جبرئیل، به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد، این دعا نزد اهل آسمان معروف است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَالْإِيمَانَ، وَالتَّصَدِيقَ بِنَبِيِّكَ، وَالْعَافِيَةَ مِنْ

خدایا من از تو خواهم امنیت و ایمان و تصدیق به پیامبرت و تندرستی از

جَمِيعِ الْبَلَاءِ، وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ، وَالْغِنَى عَنْ شِرَارِ النَّاسِ.^۳

تمام بلاها و سپاسگزاری بر تندرستی و بی‌نیازی از مردم بد.

۱۱- «ابوحمزه» می‌گوید: این دعا را از امام محمدباقر علیه السلام گرفتم و آن حضرت این دعا را «جامع» (جامع حاجات مادی و معنوی) می‌نامیدند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،

به نام خداوند بخشنده مهربان، گواهی دهم که معبودی نیست جز تو خدای یگانه‌ای که شریک نداری

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِجَمِيعِ رُسُلِهِ، وَبِجَمِيعِ مَا

و گواهی دهم که محمد بنده و رسول توست ایمان دارم به خدا و به همه رسولانش و به همه آنچه

أَنْزَلَ بِهِ عَلَيَّ جَمِيعِ الرُّسُلِ، وَأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ، وَلِقَاءَهُ حَقٌّ، وَصَدَقَ اللَّهُ

نازل شده بر تمامی رسولان و براستی وعده خدا حق است و دیدارش حق است و راست گفته خدا

وَبَلَغَ الْمُرْسَلُونَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ كَلِمًا سَبَّحَ اللَّهُ

و رسانده‌اند رسولان و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است و منزّه است خدا هرگاه تنزیه کند خدا

شَيْءًا، وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُسَبَّحَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَلِمًا حَمِدَ اللَّهُ شَيْءًا، وَكَمَا

را چیزی و چنانچه دوست دارد خدا که تنزیه شود و ستایش خدای را هرگاه ستایش کند او را چیزی و چنانچه

يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحَمِّدَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَلِمًا هَلَّلَ اللَّهُ شَيْءًا، وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ

دوست دارد خدا که ستایش شود و نیست معبودی جز خدا هرگاه تهلیل کند او را چیزی و چنانچه خواهد خدا که

۲. بحار الانوار، جلد ۸۴، صفحه ۲۷۱، حدیث ۶۸.

۱. مصباح المتهجد، صفحه ۱۴۳.

۳. کافی، جلد ۲، صفحه ۸۷، حدیث ۲۵.

يَهْلَلُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ كُلَّمَا كَبَّرَ اللَّهُ شَيْءًا، وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُكَبَّرَ، اللَّهُمَّ إِنِّي

تهلیل شود و خدا بزرگتر است هرگاه به بزرگی ستایش چیزی و چنانچه خواهد خدا که به بزرگی یاد شود خدا

أَسْأَلُكَ مَفَاتِيحَ الْخَيْرِ، وَخَوَاتِيمَهُ وَسَوَابِغَهُ، وَفَوَائِدَهُ وَبَرَكَاتِهِ، وَ مَا بَلَغَ

از تو خواهم کلیدهای خیر و پایان‌های آنرا و شایان‌هایش و فایده‌هایش و برکاتش را و آنچه را رسیده

عِلْمُهُ عِلْمِي، وَ مَا قَصَرَ عَنِ احْتِصَائِهِ حِفْظِي، اللَّهُمَّ أَنْهَجْ إِلَيَّ أَسْبَابَ

به دانستنش علم من و آنچه کوتاه آمده از شماره‌اش حفظ من خدایا آشکار کن برای من اسباب

مَعْرِفَتِهِ، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَهُ، وَغَشِّنِي بِبَرَكَاتِ رَحْمَتِكَ، وَ مِنْ عَلَيَّ بَعْضَةٌ

شناسایش را و بگشا برایم درهای آن را و بیوشانم برکت‌های رحمت را و منت‌گذار بر من به خودداری کردن

عَنِ الْإِزَالَةِ عَنْ دِينِكَ، وَ طَهَّرْ قَلْبِي مِنَ الشَّكِّ، وَ لَا تَشْغَلْ قَلْبِي بِدُنْيَايَ،

از بیرون رفتن از دینت و پاک کن دلم را از شک و سرگرم مکن دلم را به دنیا

وَ عَاجِلِ مَعَاشِي عَنِ اجْلِ ثَوَابِ آخِرَتِي، وَ اشْغَلْ قَلْبِي بِحِفْظِ مَا لَا

و زندگی زودگذرم از پاداش آینده آخرت و سرگرم کن دلم را به نگهداری و حفظ آنچه

تَقْبَلُ مِنِّي جَهْلُهُ، وَ ذَلَّلْ لِكُلِّ خَيْرٍ لِسَانِي، وَ طَهَّرْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ،

نپذیری از من نادانیش را و رام کن برای هر کار نیک زبانم را و پاک کن دلم را از خودنمایی

وَ لَا تُجْرِهِ فِي مَفَاصِلِي، وَ اجْعَلْ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ

و جریانش مده در مفاصلم و قرار ده عملم را خالص برای خود خدایا به تو پناه برم از

الشَّرِّ، وَ أَنْوَاعِ الْفَوَاحِشِ كُلِّهَا، ظَاهِرِهَا وَ بَاطِنِهَا وَ غَفَلَاتِهَا، وَ جَمِيعِ مَا

بدی و انواع کارهای زشت همماش پیدا و نهانش و غفلت‌هایش و تمام آنچه

يُرِيدُنِي بِهِ الشَّيْطَانُ الرَّجِيمُ، وَ مَا يُرِيدُنِي بِهِ السُّلْطَانُ الْعَنِيدُ، مِمَّا

از من خواهد شیطان رانده شده و آنچه از من خواهد سلطان ستیزه‌جو از آنچه

أَحَطْتَ بِعِلْمِهِ، وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَيَّ صَرَفِهِ عَنِّي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ

علم تو بدان احاطه دارد و تو قدرت بر دفع آن از من داری خدایا به تو پناه برم از

طَوَارِقِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَ زَوَابِعِهِمْ وَ بَوَائِقِهِمْ وَ مَكَائِدِهِمْ، وَ مَشَاهِدِ

شیخون زنان جن و انس و خشم‌جویی‌هاشان و شرورشان و توطئه‌هاشان و جاهایی که حضور یابند

الْفَسَقَةِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَ أَنْ أُسْتَزَلَّ عَنْ دِينِي، فَتَفْسُدَ عَلَيَّ آخِرَتِي،

فاسقان جن و انس و از این‌که لغزنده شوم از دینم پس تباه شود بر من آخرتم

وَأَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مِنْهُمْ ضَرَرًا عَلَيَّ فِي مَعَاشِي، أَوْ يَعْزِضَ بَلَاءٌ يُصِيبُنِي

و یا این کار از آنها زبانی باشد که در زندگی بر من رسد یا بلایی پیش آید که از ایشان بر من اصابت

مِنْهُمْ لِقُوَّةٍ لِي بِهِ، وَلَا صَبْرَ لِي عَلَى احْتِمَالِهِ، فَلَا تَبْتَلْنِي يَا إِلَهِي

کند که من طاقتش را ندارم و شکیبایی تحملش را ندارم پس دچارم مکن خدایا

بِمُقَاسَاتِهِ، فَيَمْنَعَنِي ذَلِكَ عَنْ ذِكْرِكَ، وَيَشْغَلَنِي عَنْ عِبَادَتِكَ، أَنْتَ

به کشیدن رنج آن که جلوگیری کند از یاد تو و سرگرم کند از پرستش تو تویی

الْعَاصِمُ الْمَانِعُ الدَّافِعُ الْوَاقِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَةَ فِي

نگهدار و جلوگیری و دافع و حفظ کننده از اینها همه از تو خواهم خدایا رفاه (و فراخی) در

مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي، مَعِيشَةً أَقْوَى بِهَا عَلَى طَاعَتِكَ، وَأَبْلُغُ بِهَا رِضْوَانَكَ،

زندگی تا در دنیا زندهام داری چنان که نیرو گیرم بدان بر پیرویت و برسانم بدان به خوشنودیت

وَأَصِيرُ بِهَا إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ غَدًا، وَلَا تَرْزُقْنِي رِزْقًا يُطْغِينِي، وَلَا تَبْتَلْنِي

و در آیم بدان به خانه زندگی ابدی در فردای قیامت و روزیم مکن آنچنان روزی که سرکشم کند و دچارم مکن

بِفَقْرٍ أَشْقَى بِهِ مُضَيِّقًا عَلَيَّ، أَعْطِنِي حِطًّا وَافِرًا فِي آخِرَتِي، وَمَعَاشًا

به فقری که بدبخت گردم و تنگ گیرد بر من، عطا کن مرا بهره شایان در آخرتم و روزی

وَاسِعًا هَنِيئًا مَرِيئًا فِي دُنْيَايَ، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا، وَلَا تَجْعَلْ

فراخ و گوارا و لذیذی در دنیایم و دنیا را بر من زندان مکن و جدایی و فراقش را

فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا، أَجْرُنِي مِنْ فِتْنَتِهَا، وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا،

بر من اندوه منما نگاهم دار از آشوبش و بگردان کارم را در آن پذیرفته

وَسَعْيِي فِيهَا مَشْكُورًا، اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَارِدْهُ بِمِثْلِهِ، وَمَنْ كَادَنِي

و کوششم را در آن مورد قدردانی خدایا هرکه قصد سویی درباره من دارد تو با او چنان کن و هرکه دربارهام بداندیشی کند

فِيهَا فَكِدْهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي هَمًّا مِّنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ هَمًّا، وَامْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِي،

تو با او چنان کن و بگردان از من اندوه کسی که وارد ساخته بر من اندوهش را و نقشه کنش بدان که برابرم نقشه کشید

فَإِنَّكَ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ، وَافْقًا عَنِّي عُيُونَ الْكُفْرَةِ الظُّلْمَةِ، وَالطُّغَاةِ

که تو ماهرتر از همه نقشه کشانی و کور کن از من چشم کافران ستمگر و سرکشان

وَالْحَسَدَةِ، اللَّهُمَّ وَانزِلْ عَلَيَّ مِنْكَ السَّكِينَةَ، وَالْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ،

و حسود را خدایا فروبار بر من از جانب خود آرامش و بیوشان بر من زره محکمت را

وَاحْفَظْنِي بِسِتْرِكَ الْوَاقِي، وَجَلِّئْنِي عَافِيَتِكَ النَّافِعَةَ، وَصَدِّقْ قَوْلِي

و حفظ کن مرا به پوشش نگهدارندهات و بیوشانم به تندرستی سودمندت و تصدیق کن گفتارم

وَفِعَالِي، وَبَارِكْ لِي فِي وُلْدِي وَاهْلِي وَمَالِي، اَللّٰهُمَّ مَا قَدَّمْتُ وَمَا

و کردارم را و برکت ده در فرزندان و خاندان و مالم خدایا آنچه من پیش انداختم یا

اَخَّرْتُ، وَمَا اغْفَلْتُ وَمَا تَعَمَّدْتُ وَمَا تَوَانَيْتُ، وَمَا اَعْلَنْتُ وَمَا اَسْرَرْتُ،

پس انداختم و آنچه از روی غفلت یا از روی عمد انجام دادم و آنچه سستی کردم و آنچه آشکار کردم و آنچه در پنهان انجام دادم

فَاغْفِرْهُ لِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

همه را ببامرز ای مهربانترین مهربانان.

۱۲- یکی از یاران امام محمد باقر علیه السلام از آن حضرت نقل می‌کند که فرمود: این دعا را بخوان:

اَللّٰهُمَّ اَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، وَاْمُدُّ لِي فِي عُمْرِي، وَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي،

خدایا وسعت ده در روزیم و دراز گردان عمرم را و بامرز گناهم را

وَاَجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْصِرُ بِهِ لِذَنْبِكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي. ۲

و بگردانم از کسانی که یاری دهی بدانها دینت را و مرا با دیگری عوض مکن.

۱۳- روایت شده است که امام صادق علیه السلام پیوسته این دعا را می‌خواندند:

يَا مَنْ يَشْكُرُ الْيَسِيرَ، وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ، وَهُوَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ، اغْفِرْ لِي

ای که از اندک سپاسگزاری کنی و از (جرم‌های) بسیار درگذری و آمرزنده و مهربانی بامرز برای من

الذُّنُوبَ الَّتِي ذَهَبَتْ لَذَّتُهَا، وَبَقِيَتْ تَبِعَتْهَا. ۳

گناهانی که خوشی و لذتش رفته و بازخواست و کیفرش باقی مانده.

۱۴- همچنین روایت شده است که آن حضرت این دعا را می‌خواندند:

يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا اَوَّلَ الْاَوَّلِينَ، وَيَا اٰخِرَ الْاٰخِرِينَ، يَا رَحْمٰنُ يَا

ای نور و ای منزّه (از هر عیب) ای نخست پیشینان و ای پایان پسینان ای بخشاینده ای

۱. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۸۷، حدیث ۲۶. ۲. همان مدرک، حدیث ۲۷.

۳. همان مدرک، حدیث ۲۸.

رَحِيمٌ، اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَغَيَّرُ النَّعْمَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُحِلُّ

مهربان بیامرز از من گناهی را که نعمت‌ها را تغییر دهد و بیامرز از من گناهی را که عذاب‌ها را

النِّقَمَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ

فرو بارد و بیامرز از من گناهی را که پرده‌ها را بدرد و بیامرز برایم گناهی را که

الْبَلَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

بلا نازل کند و بیامرز از من گناهی را که قدرت را بدست دشمنان اندازد و بیامرز برایم گناهی را که

تَعْجَلُ الْفَنَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

در نابودی شتاب کند و بیامرز برایم گناهی را که امید را قطع کند و بیامرز برایم گناهی

الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْعِطَاءَ، وَاغْفِرْ لِي

را که تاریک گرداند هوا را و بیامرز برایم گناهی را که بالا زند پرده را و بیامرز از من

الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ غَيْثَ السَّمَاءِ. ۱.

گناهی را که بازگرداند دعا را و بیامرز برایم گناهی را که جلو گیرد از باران آسمان.

۱۵- در روایات آمده، این دعای امیرالمؤمنین علیه السلام است:

اللَّهُمَّ كَتَبْتَ الْأَثَارَ، وَ عَلِمْتَ الْأَخْبَارَ، وَ اطَّلَعْتَ عَلَى الْأَسْرَارِ، فَحُلَّتْ

خدایا نوشتی آثار را و دانستی اخبار را و مطلع گشتی بر اسرار و رازها پس حایل گشتی

بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْقُلُوبِ، فَالَسِّرْ عِنْدَكَ عَلَانِيَةً، وَ الْقُلُوبُ إِلَيْكَ مُفْضَاةٌ، وَ إِنَّمَا

میان ما و دل‌ها پس راز در پیش تو آشکار و دل‌ها بسویت کشیده شده و جز این نیست

أَمْرُكَ لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْتَهُ أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ، فَقُلْ بِرَحْمَتِكَ لِبَطْنِكَ أَنْ

که دستور تو درباره چیزی که بخواهی آن است که بدان بگویی باش و باشد پس از روی مهت طاعتت را بگو

تَدْخُلُ فِي كُلِّ عَضْوٍ مِنْ أَعْضَائِي، وَ لَا تُفَارِقْنِي حَتَّى الْقَاكَ، وَ قُلْ

که درآید به هر عضوی از اعضای من و از من جدا نگردد تا تو را دیدار کنم و از روی

بِرَحْمَتِكَ لِمَعْصِيَتِكَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ كُلِّ عَضْوٍ مِنْ أَعْضَائِي، فَلَا تُقْرَبْنِي

مهت به نافرمانیت فرمان ده که بیرون رود از هر عضوی از اعضای من و به من نزدیک نگردد

حَتَّى الْقَاكَ، وَارْزُقْنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَزَهِّدْنِي فِيهَا، وَلَا تَزُوْهَا عَنِّي

تا تو را دیدار کنم و روزیم ده از دنیا و بی‌علاقه‌ام کن در آن و او را از من روگردان مکن در وقتی

وَرَعْبَتِي فِيهَا يَا رَحْمَنُ.^۱

که بدان رغبت دارم ای بخشاینده.



۱۶- علی بن ابراهیم به سند معتبر از عبدالرحمن بن سیّابه روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام این دعا را به من مرحمت فرمود (دعایی که مضامین بسیار عالی دارد):

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلِيِّ الْحَمْدِ وَ أَهْلِهِ، وَ مُنْتَهَاهُ وَ مَحَلَّهُ، أَخْلَصَ مَنْ وَ حَدَّهُ،

ستایش خدای را که سرپرست ستایش و شایسته آن و مآبهای آن و جایگاه آن است اخلاص دارد کسی که او را به یگانگی شناخت

وَ اهْتَدَى مِنْ عِبَادِهِ، وَ فَازَ مَنْ أَطَاعَهُ، وَ آمِنَ الْمُعْتَصِمُ بِهِ، اللَّهُمَّ يَا ذَا

و راه یافت کسی که پرستش کرد و رسنگار شد کسی که فرمانبرش کرد و امان یافت کسی که به او پناه برد خدایا ای صاحب

الْجُودِ وَالْمَجْدِ، وَ الشَّنَاءِ الْجَمِيلِ وَالْحَمْدِ، أَسْأَلُكَ مَسْئَلَةً مِنْ خُضَعٍ لَكَ

جود و شوکت و ستایش شایان و ستودگی از تو خواهم خواستن کسی که خاضع تو گشته

بِرَقَبَتِهِ، وَ رَغَمَ لَكَ أَنْفَهُ، وَ عَفَّرَ لَكَ وَجْهَهُ، وَ ذَلَّلَ لَكَ نَفْسَهُ، وَ فَاضَتْ مِنْ

با سر خود و به خاک مالیده در برابرت بینش را و چهره خود به خاک ساییده و خود را به خواری انداخته و ریزان گشته از

خَوْفِكَ دُمُوعُهُ، وَ تَرَدَّدَتْ عِبْرَتُهُ، وَ اعْتَرَفَ لَكَ بِذُنُوبِهِ، وَ فَضَحَتْهُ عِنْدَكَ

ترست اشک‌هایش و سرشک در دیده‌اش بغلند و به گناهان خود در برابرت اعتراف دارد و خطایش او را در پیش تو

خَطِيئَتُهُ، وَ شَانَتْهُ عِنْدَكَ جَرِيرَتُهُ، فَضَعَفَتْ عِنْدَ ذَلِكَ قُوَّتُهُ، وَ قَلَّتْ

رسوا کرده و زشتش کرده او را در نزد تو جنایتش و از این رو ناتوان گشته در این حال نیرویش، و کم شده

حِيلَتُهُ، وَ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَسْبَابُ خَدَائِعِهِ، وَ اضْمَحَلَّ عَنْهُ كُلُّ بَاطِلٍ،

چاره‌اش و منقطع گشته از او وسایل نیرنگ‌هایش و دور گشته از او هر باطلی

وَ أَلْجَأَتْهُ ذُنُوبُهُ إِلَى ذُلِّ مَقَامِهِ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ خُضُوعِهِ لَدَيْكَ، وَ ابْتِهَالِهِ إِلَيْكَ،

و به ناچار کشانده است او را گناهانش به خواری ایستادن در نزد تو و فروتنیش در نزد تو و زاریش به درگاهت

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ سُؤَالَ مَنْ هُوَ بِمَنْزِلَتِهِ، أَرْغَبُ إِلَيْكَ كَرَعْبَتِهِ، وَ اتَضَرَّعُ إِلَيْكَ

از تو خواهم خدایا خواستن کسی که او چنین است و مایلم به درگاهت چون میل او و فروتنی کنم

كَتَضَّرُهُ عِهِ، وَابْتِهَلُ إِلَيْكَ كَأَشَدِّ ابْتِهَالِهِ، اللَّهُمَّ فَارْحَمِ اسْتِكَانَةَ مَنْطِقِي،

چون فروتنی او و زاری کنم به درگاهت به سخت‌ترین زاری او خدایا پس رحم کن به زاری و نزاری گفتارم

وَذَلِّ مَقَامِي وَ مَجْلِسِي، وَ خُضُوعِي إِلَيْكَ بِرَقَبَتِي، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الْهُدَى

و خواری جایگاه و مجلسم و فروتنیم به درگاهت به سر و گردنم از تو خواهم خدایا راهنمایی

مِنَ الضَّلَالَةِ، وَ الْبَصِيرَةَ مِنَ الْعَمَى، وَ الرَّشْدَ مِنَ الْغَوَايَةِ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ

از گمراهی و بینایی از کوری و راهیابی از بیراهه رفتن و از تو خواهم خدایا

أَكْثَرَ الْحَمْدِ عِنْدَ الرَّخَاءِ، وَ أَجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَ أَفْضَلَ الشُّكْرِ

ستایش بیشتر در هنگام آسایش و شکیبایی بهتری را در وقت مصیبت و سپاسگزاری کاملتری

عِنْدَ مَوْضِعِ الشُّكْرِ، وَ التَّسْلِيمِ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ، وَ أَسْأَلُكَ الْقُوَّةَ فِي

در جای سپاسگزاری و تسلیم در پیش شبهه‌ها و از تو خواهم نیرویی در

طَاعَتِكَ، وَ الضَّعْفَ عَنِ مَعْصِيَتِكَ، وَ الْهَرَبَ إِلَيْكَ مِنْكَ، وَ التَّقَرُّبَ إِلَيْكَ

فرمانبرداریت و سستی از انجام نافرمانیت و گریز بسوی خودت از (عذاب) تو و تقرب به درگاهت

رَبِّ لِيَرْضَى، وَ التَّحَرِّيَ لِكُلِّ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي فِي إِسْخَاطِ خَلْقِكَ،

پروردگارا تا خشنود شوی و پیدا کردن هر چه تو را خشنود سازد از من در به خشم آوردن خلقت

إِلْتِمَاساً لِرِضَاكَ، رَبِّ مَنْ أَرْجُوهُ إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي، أَوْ مَنْ يَعُودُ عَلَيَّ إِنْ

به خاطر تحصیل رضایت تو پروردگارا به که امید داشته باشم اگر توام رحم نکنی یا کیست که به من توجه کند اگر

أَقْصَيْتَنِي، أَوْ مَنْ يَنْفَعُنِي عَفْوُهُ إِنْ عَاقَبْتَنِي، أَوْ مَنْ أَمَلُ عَطَايَاهُ إِنْ

تو دورم کنی یا کیست که گذشتش به من سود بخشد اگر تو کیفرم کنی یا آرزومند عطای که شوم اگر

حَرَمْتَنِي، أَوْ مَنْ يَمْلِكُ كِرَامَتِي إِنْ أَهَنْتَنِي، أَوْ مَنْ يَضُرُّنِي هَوَانُهُ إِنْ

تو محرومم کنی یا کیست که بدست داشته باشد گرامی داشتتم را اگر تو خوارم کنی کیست که خوار کردنش به من زیان زند اگر

أَكْرَمْتَنِي، رَبِّ مَا أَسْوَأَ فِعْلِي، وَ أَقْبَحَ عَمَلِي، وَ أَقْسَى قَلْبِي، وَ أَطْوَلَ

تو گرامیم داری پروردگارا چه بد است رفتارم و چه زشت است کردارم و چه سخت است دلم و چه دراز است

أَمَلِي، وَ أَقْصَرَ أَجَلِي، وَ أَجْرَانِي عَلَى عِصْيَانِ مَنْ خَلَقْنِي، رَبِّ وَ مَا

آرزویم و کوتاه است عمرم و چه گستاخم بر نافرمانی آفریدگارم پروردگارا

أَحْسَنَ بَلَاءِكَ عِنْدِي، وَ أَظْهَرَ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ، كَثُرَتْ عَلَيَّ مِنْكَ النِّعَمُ فَمَا

و چه نیکوست آزمایشت از من و آشکار است نعمتهایت بر من بسیار شد نعمت‌های تو بر من که

أَحْصِيهَا، وَقَلَّ مِنِّي الشُّكْرُ فِيمَا أَوْلَيْتَنِيهِ فَبَطِرْتُ بِالنُّعْمِ، وَتَعَرَّضْتُ

شماره‌اش نتوانستم و اندک شد سپاسگزاری من در آنچه به من عطا کردی و سرمست شدم به نعمت‌هایت و خود را در معرض

لِلنُّقْمِ، وَسَهَوْتُ عَنِ الذِّكْرِ، وَرَكِبْتُ الْجَهْلَ بَعْدَ الْعِلْمِ، وَجُرْتُ مِنَ الْعَدْلِ

کیفر تو قرار دادم و از یاد تو غافل شدم و به مرکب جهل سوار شدم پس از دانایی و گذشتم از عدالت

إِلَى الظُّلْمِ، وَجَاوَزْتُ الْبِرَّ إِلَى الْإِثْمِ، وَصِرْتُ إِلَى اللَّهِ مِنْ الْخَوْفِ

به سوی ظلم و ستم و تجاوز کردم از نیکی به گناهکاری و درافتادم به سرگرمی بجای ترس

وَالْحُزْنَ، فَمَا أَصْغَرَ حَسَنَاتِي، وَأَقَلَّهَا فِي كَثْرَةِ ذُنُوبِي، وَمَا أَكْثَرَ ذُنُوبِي،

و اندوه پس چه خرد است نیکیهایم و اندک است آنها در مقابل بسیاری گناهانم و چه بزرگ است آنها

وَأَعْظَمَهَا عَلَى قَدْرِ صِغَرِ خَلْقِي، وَضَعِفِ رُكْنِي، رَبِّ وَمَا أَطْوَلَ أَمَلِي

در جنب خردی خلقتم و ناتوانی بنیادم پروردگارا و چه دراز است آرزویم

فِي قِصْرِ أَجَلِي، وَأَقْصَرَ أَجَلِي فِي بُعْدِ أَمَلِي، وَمَا أَقْبَحَ سَرِيرَتِي

در مقابل کوتاهی عمرم و چه کوتاه است عمرم در دوری آرزویم و چه زشت است باطنم

وَعَلَانِيَتِي، رَبِّ لَا حُجَّةَ لِي إِنْ احْتَجَجْتُ، وَلَا عُذْرَ لِي إِنْ اعْتَذَرْتُ، وَلَا

و ظاهرم پروردگارا حجتی ندارم اگر حجت بخواهم و عذری ندارم اگر بخواهم عذرخواهی کنم

شُكْرَ عِنْدِي إِنْ ابْتَلَيْتُ وَأَوْلَيْتُ إِنْ لَمْ تُعْنِي عَلَى شُكْرِ مَا أَوْلَيْتَ، رَبِّ مَا

و سپاسگزاری ندارم اگر مبتلا کردم و مورد احسان قرار گیرم اگر تو کمکم ندهی بر سپاسگزاری بدانچه احسان کردی پروردگارا چه

أَخَفَ مِيزَانِي غَدًا إِنْ لَمْ تُرَجِّحْهُ، وَأَزَلَ لِسَانِي إِنْ لَمْ تُثَبِّتْهُ، وَأَسْوَدَ

سبک است ترازوی اعمالم فردای قیامت اگر تو چربش نکنی و چه پرلنزش است زبانم اگر تونگانش نداری و چه سیاه است

وَجْهِي إِنْ لَمْ تُبَيِّضْهُ، رَبِّ كَيْفَ لِي بِذُنُوبِي الَّتِي سَلَفَتْ مِنِّي قَدْ هَدَّتْ لَهَا

چهره‌ام اگر تو سفیدش نکنی پروردگارا چه کنم با گناهانی که از من در پیش گذشته و بنیادم برای آن

أَرْكَانِي، رَبِّ كَيْفَ أَطْلُبُ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا، وَأَبْكِي عَلَى خِيْبَتِي فِيهَا، وَلَا

درهم شکسته پروردگارا چگونه می‌جویم شهوات دنیا را و می‌گریم بر کامیاب نشدنم در آنها ولی

أَبْكِي وَتَشْتَدُّ حَسْرَاتِي عَلَى عِصْيَانِي وَتَفْرِيطِي، رَبِّ دَعْنِي دَوَاعِي

نمی‌گریم و سخت نمی‌شود افسوسم به نافرمانی و کوتاهی کردنم پروردگارا انگیزه‌های

الدُّنْيَا فَاجْبِتْهَا سَرِيعًا، وَرَكَنْتُ إِلَيْهَا طَائِعًا، وَدَعْنِي دَوَاعِي الْآخِرَةِ

دنیا مرا خواندند بشتاب پذیرفتم و به میل و رغبت بدانها دل بستم ولی چون دواعی آخرت مرا خواندند

فَتَشَبَّطْتُ عَنْهَا، وَ أَبْطَأْتُ فِي الْإِجَابَةِ وَالْمُسَارَعَةِ إِلَيْهَا، كَمَا سَارَعْتُ

واپس کشیدم و از پذیرفتنشان و شتافتن بسوی آنها کندی کردم چنانچه شتافتم

إِلَى دَوَاعِي الدُّنْيَا، وَ حُطَامِهَا الْهَامِدِ، وَ هَشِيمِهَا الْبَايِدِ، وَ سَرَابِهَا

بسوی انگیزه‌های دنیا و متاع پوسیده‌اش و کالای بی‌خاصیت و نابود شونده‌اش و سراب

الذَّاهِبِ، رَبِّ خَوْفَتَنِي وَ شَوْقَتَنِي، وَ احْتَجَجْتُ عَلَيَّ بِرِقِّي، وَ كَفَلْتُ لِي

بی‌حقیقتش پروردگارا مرا ترساندی و تشویقم کردی و دلیل آوردی به بندگیم و کفالت کردی

بِرِزْقِي، فَأَمِنْتُ خَوْفَكَ، وَ تَشَبَّطْتُ عَنْ تَشْوِيقِكَ، وَ لَمْ أَتَّكِلْ عَلَيَّ

روزیم را پس من از ترست ایمن گشتم و واپس کشیدم از تشویقت و اعتماد نکردم بر

ضِمَانِكَ، وَ تَهَاوَنْتُ بِاحْتِجَاجِكَ، اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ اَمْنِيْ مِنْكَ فِيْ هَذِهِ الدُّنْيَا

ضمانت و سبک گرفتم دلیل آوردن را خدایا قرار ده ایمنیم را از تو در این دنیا

خَوْفًا، وَ حَوْلُ تَبْطِيْ شَوْقًا، وَ تَهَاوُنِيْ بِحُجَّتِكَ فَرَقًا مِنْكَ، ثُمَّ رَضِّنِيْ بِمَا

ترس و تبدیل کن واپس کشیدن را از شوق و سبک شمردنم را به دلیل تو هراسی از خودت سپس قانعم گردان بدانچه

قَسَمْتَ لِيْ مِنْ رِزْقِكَ يَا كَرِيْمٌ [يَا كَرِيْمٌ]، اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيْمِ، رِضَاكَ

قسمت کرده‌ای از روزیت ای بزرگواری از تو خواهم بنام بزرگت خشنودی تو را

عِنْدَ السُّخْطَةِ، وَ الْفُرْجَةَ عِنْدَ الْكُرْبَةِ، وَ النُّوْرَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ، وَ الْبَصِيْرَةَ عِنْدَ

هنگام خشم و گشایش در هنگام گرفتاری و روشنی در وقت تاریکی و بینایی در وقت

تَشْبِهِ الْفِتْنَةِ، رَبِّ اجْعَلْ جَنَّتِيْ مِنْ خَطَايَايَ حَصِيْنَةً، وَ دَرَجَاتِيْ فِيْ

مشبه شدن فتنه پروردگارا قرار ده سپر مرا از خطاهایم محکم و درجه‌هایم را در

الْجَنَانِ رَافِعَةً، وَ اَعْمَالِيْ كُلَّهَا مُتَقَبَّلَةً، وَ حَسَنَاتِيْ مُضَاعَفَةً زَاكِيَةً، اَعُوْذُ

بهشت بلند و کارهایم را همگی پذیرفته و کارهای خوبم را چند برابر و پاک بناه می‌برم

بِكَ مِنْ الْفِتَنِ كُلِّهَا، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ، وَ مِنْ رَافِعِ الْمَطْعَمِ وَ الْمَشْرَبِ،

به تو از فتنه‌ها همه آنها چه آنچه آشکار است و چه پنهان و از خوراکی و آشامیدنی ممتاز

وَ مِنْ شَرِّ مَا اَعْلَمُ وَ مِنْ شَرِّ مَا لَا اَعْلَمُ، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَنْ اَشْتَرِيَ الْجَهْلَ

و از شر آنچه می‌دانم و از شر آنچه نمی‌دانم و پناه برم به تو از اینکه بخرم نادانی را

بِالْعِلْمِ، وَ الْجَفَا بِالْحِلْمِ، وَ الْجَوْرَ بِالْعَدْلِ، وَ الْقَطِيْعَةَ بِالْبِرِّ، وَ الْجَزَعَ بِالصَّبْرِ،

به دانش و جفا را به بردباری و ستم را به عدالت و بریدن از خویشان را به نیکوکاری و بی‌تابی را به شکیبایی

وَالْهُدَىٰ بِالضَّلَالَةِ، وَالْكَفْرَ بِالْإِيمَانِ ۱.

یا هدایت را به گمراهی یا کفر را به ایمان.

۱۷- از ابن محبوب روایت شده که حضرت امام صادق علیه السلام این دعا را به شخصی تعلیم فرمود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي لَا تُنَالُ مِنْكَ إِلَّا بِرِضَاكَ، وَالْخُرُوجَ مِنْ

خدایا از تو خواهم بدان رحمتت که دست کسی بدان نرسد جز به خشودی تو بیرون رفتن از

جَمِيعِ مَعَاصِيكَ، وَالِدُخُولَ فِي كُلِّ مَا يُرْضِيكَ، وَالنَّجَاةَ مِنْ كُلِّ وَرْطَةٍ،

تمام نافرمانی‌هایت و داخل شدن در هر چه تو را خشنود سازد و رهایی از هر ورطه و گرداب

وَالْمَخْرَجَ مِنْ كُلِّ كَبِيرَةٍ أَتَىٰ بِهَا مَنِّي عَمْدٌ، أَوْ زَلَّ بِهَا مَنِّي خَطَا، أَوْ خَطَرَ

و درآمدن از هر گناه بزرگی که از روی عمد از من سرزده و یا خطایی مرا بدان لغزنده یا به دلم انداخته

بِهَا عَلَيَّ خَطَرَاتُ الشَّيْطَانِ، أَسْأَلُكَ خَوْفًا تُوقِنُنِي بِهِ عَلَىٰ حُدُودِ

آن را و سوسه‌های شیطان از تو خواهم ترسی که نگاه داری مرا بوسیله آن بر مرزهای

رِضَاكَ، وَتَشَعَّبَ بِهِ عَنِّي كُلُّ شَهْوَةٍ خَطَرَ بِهَا هَوَايَ، وَاسْتَزَلَّ بِهَا رَايِي

خشودیت و پراکنده سازی بدان وسیله از من هر خواهش نفسانی که به خاطرم اندازد هوای نفس و رأی من بلغزد

لِيُجَاوِزَ حَدَّ حَلَالِكَ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الْأَخْذَ بِأَحْسَنِ مَا تَعْلَمُ، وَتَرَكَ سَيِّئِي

تا از مرز حلال تو تجاوز کند از تو خواهم خدایا که مرا به بهترین چیزی که از من می‌دانی بگیری و واگذاری آن بدی‌ها را

كُلِّ مَا تَعْلَمُ، أَوْ أَخْطَأُ مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ، أَوْ مِنْ حَيْثُ أَعْلَمُ، أَسْأَلُكَ السَّعَةَ

که همه آنها را می‌دانی یا خطایی که کرده‌ام چه ندانسته انجام داده‌ام و چه دانسته از تو خواهم فراخی

فِي الرِّزْقِ، وَالزُّهْدَ فِي الْكُفَافِ، وَالْمَخْرَجَ بِالْبَيَانِ مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ،

در روزی و قناعت به همان مقدار کفایت و بیرون آمدن با روشنی و بصیرت از هر شبهه

وَالصَّوَابَ فِي كُلِّ حُجَّةٍ، وَالصَّدَقَ فِي جَمِيعِ الْمَوَاطِنِ، وَانْصَافَ النَّاسِ

و درستی در هر دلیل و راستی در تمام جاها و انصاف دادن به مردم

مِنْ نَفْسِي فِيمَا عَلَيَّ وَوَلِي، وَالتَّدَلُّلَ فِي إِعْطَاءِ النِّصْفِ مِنْ جَمِيعِ مَوَاطِنِ

از خودم در آنچه به زیان و سود من است و رام بودن در دادن انصاف در تمام موارد

السَّخَطِ وَالرِّضَا، وَ تَرَكَ قَلِيلَ الْبُغْيِ وَ كَثِيرَهُ فِي الْقَوْلِ مِنِّي وَ الْفِعْلِ،

خشم و رضا و ترک کردن ستم کمش و زیادش در گفتار و کردار

وَ تَمَامَ نِعْمَتِكَ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَ الشُّكْرَ لَكَ عَلَيْهَا لِكَيْ تَرْضَا وَ بَعْدَ

و کامل کردن نعمت را در همه چیزها و سپاسگزاری در برابر آنها تا حدی که خشود شوی و پس از

الرِّضَا، وَ أَسْأَلُكَ الْخَيْرَةَ فِي كُلِّ مَا يَكُونُ فِيهِ الْخَيْرَةُ، بِمِيسُورِ الْأُمُورِ

خشودی و از تو خواهم خیر و خوبی در هر چیزی که در آن خیری باشد به کارهای آسان

كُلِّهَا لَا بِمَعْسُورِهَا، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ، وَ افْتَحْ لِي بَابَ الْأَمْرِ الَّذِي

نه به دشواری ای بزرگواری ... و بگشا برایم درب آن کاری را که

فِيهِ الْعَافِيَةُ وَالْفَرَجُ، وَ افْتَحْ لِي بَابَهُ، وَ يَسِّرْ لِي مَخْرَجَهُ، وَ مَنْ قَدَّرْتَ لَهُ

در آن تندرستی و گشایش باشد و بگشا برایم درش را و آسان گردان برایم بیرون آمدنش را و هر که را مقدر کرده‌ای

عَلَيَّ مَقْدُورَةً مِنْ خَلْقِكَ فَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَ بَصَرِهِ، وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ،

که بر من قدرتی داشته باشد از خلقت پس بگیر از من گوشش و چشمش و زبانش و دستش را

وَ خُذْهُ عَنِّي يَمِينِهِ وَ عَنِّي يَسَارِهِ، وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ مِنْ قُدَّامِهِ، وَ ائْتِنِي بِمِيسُورِ الْأُمُورِ

و بگیر او را از راستش و از چپش و از پشت سرش و از پیش رویش و جلوگیرش کن از این‌که

إِلَيَّ بِسُوءٍ، عَزَّ جَارُكَ، وَ جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ، أَنْتَ رَبِّي وَ أَنَا

بدی او به من برسد عزیز است پاننده‌ات و برجسته است ثنای ذات معبودی جز تو نیست تویی پروردگار من و من

عَبْدُكَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ كَرْبَةٍ، وَ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ، وَ أَنْتَ

بنده توام خدایا تویی امید من در هر گرفتاری و تویی محل اعتمادم در هر سختی و تو

لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَ عُدَّةٌ، فَكَمِّنْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤَادُ، وَ

برای من در هر پیش آمدی که به من وارد آید پشت و ذخیره‌ای چه بسیار گرفتاری که ناتوان آمد از آن دل و

تَقَلُّ فِيهِ الْحَيْلَةُ، وَ يَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ، وَ تَعَيُّ فِيهِ الْأُمُورُ، أَنْزَلْتَهُ بِكَ،

کم شد در آن چاره و شماتت کرد بدان دشمن و درمانده شد از آن وسایل و من به درگاهت آوردم

وَ شَكَوْتُهُ إِلَيْكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ، قَدْ فَرَّجْتَهُ وَ كَفَيْتَهُ، فَأَنْتَ وَلِيُّ

و شکوه‌اش به تو کردم و رو گردانم در آن از غیر تو و تو آن را از من دور کردی و کفایت فرمودی پس تویی سرپرست

كُلِّ نِعْمَةٍ، وَ صَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ، وَ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ، فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيرًا،

هر نعمت و صاحب هر حاجت و سرحد هر اشتیاق و تو را حمد بسیار و

وَلَكَ الْمَنْ فَاضِلًا ۱.

تو راست منتهی فزون.

۱۸- به سند معتبر روایت شده که حضرت امام صادق علیه السلام این دعا را به ابوبصیر یاد داد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَابِينَ وَ عَمَلَهُمْ، وَ نُورَ الْأَنْبِيَاءِ وَ صِدْقَهُمْ،

خدایا از تو خواهم گفتار توبه‌کنندگان و کردارشان را و روشنی پیمبران و راستگویی‌شان را

وَ نَجَاةَ الْمُجَاهِدِينَ وَ ثَوَابَهُمْ، وَ شُكْرَ الْمُصْطَفَيْنِ وَ نَصِيحَتَهُمْ، وَ عَمَلَ

و نجات جهاد کنندگان و پاداش نیک آنها را و سپاسگزاری برگزیدگان و خیرخواهیشان را و کردار

الذَّاكِرِينَ وَ يَقِينَهُمْ، وَ إِيْمَانَ الْعُلَمَاءِ وَ فِقْهَهُمْ، وَ تَعَبُّدَ الْخَاشِعِينَ

یادکنندگان تو و یقینشان را و ایمان مردمان دانشمند و فهم آنها را و عبادت خاشعان

وَ تَوَاضُعَهُمْ، وَ حُكْمَ الْفُقَهَاءِ وَ سَيْرَتَهُمْ، وَ خَشْيَةَ الْمُتَّقِينَ وَ رَغْبَتَهُمْ،

و فروتنیشان را و فرزاندگی مردمان فقیه و راه و روششان را و ترس پرهیزکاران و شوقشان را

وَ تَصَدِيقَ الْمُؤْمِنِينَ وَ تَوَكُّلَهُمْ، وَ رَجَاءَ الْمُحْسِنِينَ وَ بَرَّهُمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي

و ایمان قلبی مؤمنان و توکل آنها را و امیدواری نیکوکاران و نیکوکاریشان را خدایا من

أَسْأَلُكَ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ، وَ مَنَزِلَةَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ مُرَافَقَةَ النَّبِيِّينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي

از تو خواهم پاداش نیک سپاسگزاران را و منزلت و مقام مقربان را و رفاقت با پیمبران خدایا از

أَسْأَلُكَ خَوْفَ الْعَامِلِينَ لَكَ، وَ عَمَلَ الْخَائِفِينَ مِنْكَ، وَ خُشُوعَ الْعَابِدِينَ

تو درخواست کنم ترس کار کنندگان برای تو و عمل ترسناکان از تو و خشوع عبادت‌کنندگان را

لَكَ، وَ يَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ، وَ تَوَكُّلَ الْمُؤْمِنِينَ بِكَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ بِحَاجَتِي

و یقین توکل کنندگان بر تو و توکل مؤمنان به تو خدایا تو به حاجت من

عَالِمٌ غَيْرُ مُعَلَّمٍ، وَ أَنْتَ لَهَا وَاسِعٌ غَيْرُ مُتَكَلِّفٍ، وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يُخْفِيكَ

دانایی بی‌آن‌که به تو یاد دهند و تو به برآوردنش توانایی بی‌آن‌که به رنج درافتی و تویی که درماندهات نکند

سَائِلٌ، وَ لَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ، وَ لَا يَبْلُغُ مَدْحَتَكَ قَوْلٌ قَائِلٌ، أَنْتَ كَمَا تَقُولُ

خواهنده و کم و کاست نکند عطا و بخشش و به مدحت تو نرسد گفتار گوینده و تو چنانی که گویی

وَفَوْقَ مَا نَقُولُ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِيْ فَرَجًا قَرِيْبًا، وَ اَجْرًا عَظِيْمًا، وَ سِتْرًا

برتر از آنی که ما گوئیم خدايا قرار ده برايم گشایشی نزدیک و پاداشی بزرگ و پوششی

جَمِيْلًا، اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ اَنِّيْ عَلَيَّ ظُلْمِيْ لِنَفْسِيْ، وَ اَسْرَافِيْ عَلَيْهَا، لَمْ

زیبا خدايا تو می‌دانی که من با این‌که بر خود ستم کردم و زیاده‌روی کردم ولی

اَتَّخِذُ لَكَ ضِدًّا وَ لَا نِدًّا، وَ لَا صَاحِبَةً وَ لَا وِلْدًا، يَا مَنْ لَا تُغْلَطُهُ الْمَسْأَلُ،

دشمن و شریکی برایت نگرفته‌ام و نه همسر و نه فرزندی ای که به غلط نیندازد او را درخواست‌ها

وَ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَيْءٌ عَنِ شَيْءٍ، وَ لَا سَمْعٌ عَنِ سَمْعٍ، وَ لَا بَصَرٌ عَنِ بَصَرٍ،

و ای که سرگرمش نکند چیزی از چیز دیگر و نه شنیدنی از شنیدن دیگر و نه دیدنی از دیدن دیگر

وَ لَا يُبْرِمُهُ اِلْحَاحُ الْمُلْحِحِيْنَ، اَسْأَلُكَ اَنْ تُفَرِّجَ عَنِّيْ فِيْ سَاعَتِيْ هَذِهِ، مِنْ

و ای که به ستوهش نیاورد اصرار اصرارکننده از تو خواهم که بگشایی از من در این ساعت از

حَيْثُ اَحْتَسِبُ، وَ مِنْ حَيْثُ لَا اَحْتَسِبُ، اِنَّكَ تُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيْمٌ،

جایی که گمان دارم و از جایی که گمان ندارم تو زنده کنی استخوان‌های پوسیده را

وَ اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ، يَا مَنْ قَلَّ شُكْرِيْ لَهُ فَلَمْ يَحْرِمْنِيْ، وَ عَظُمَتْ

و تو بر هر چیز توانایی ای که کم شد برای او سپاسگزاری من و با این حال محروم نکنی و بزرگ شد

خَطِيْبَتِيْ فَلَمْ يَفْضَحْنِيْ، وَ رَانِيْ عَلَيَّ الْمَعَاصِيْ فَلَمْ يَجِبْهَنِيْ، وَ خَلَقْنِيْ

خطایم ولی رسوایم نکنی و دیدی مرا بر گناهان و بروییم نیاوردی و مرا آفریدی

لِلَّذِيْ خَلَقْنِيْ لَهُ، فَصَنَعْتَ غَيْرَ الَّذِيْ خَلَقْنِيْ لَهُ، فَنِعْمَ الْمَوْلَى اَنْتَ يَا

برای آنچه آفریدی ولی من برای چیز دیگری کار کردم چه نیکو سرپرستی هستی تو ای

سَيِّدِيْ، وَ بئْسَ الْعَبْدُ اَنَا وَ جَدْتَنِيْ، وَ نِعْمَ الطَّالِبُ اَنْتَ رَبِّيْ، وَ بئْسَ

آقای من و چه بد بنده‌ای یافتی مرا و تو نیکو خواستاری ای پروردگار من ولی به بد

الْمَطْلُوْبُ اَلْفَيْتَنِيْ، عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ اَمَتِكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، مَا

خواسته‌ای برخورداردی بنددات و فرزند بنده و فرزند کنیزت در پیش روی تو است هر چه

سِئْتٌ صَنَعْتَ بِيْ، اَللّٰهُمَّ هِدَاتِ الْاَصْوَاتِ، وَ سَكَنَتِ الْحَرَكَاتِ، وَ خَلَا

خواهی دربارهام انجام دهی خدايا آوازا خاموش گشته و جنبش‌ها آرام شده و هر

كُلِّ حَبِيْبٍ بِحَبِيْبِيْ، وَ خَلَوْتُ بِكَ، اَنْتَ الْمَحْبُوْبُ اِلَيَّ، فَاجْعَلْ خَلَوْتِيْ

دوستی با دوست خود خلوت کرده و من نیز با تو خلوت کرده‌ام که تویی دوست من پس نتیجه این خلوت کردنم را

مِنْكَ اللَّيْلَةَ الْعَتَقَ مِنَ النَّارِ، يَا مَنْ لَيْسَتْ لِعَالَمٍ فَوْقَهُ صِفَةٌ، يَا مَنْ لَيْسَ

در این شب، آزادی از آتش برابم مقرر دار ای که نیست برای هیچ دانشمندی برتر از او وصفی و ای که نیست

لِمَخْلُوقٍ دُونَهُ مَنَعَةٌ، يَا أَوَّلَ قَبْلِ كُلِّ شَيْءٍ، وَيَا آخِرَ بَعْدِ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ

برای هیچ مخلوقی در برابر او مانع و نیرویی ای نخست پیش از هر چیز و ای آخر پس از هر چیز ای که

لَيْسَ لَهُ عُنْصُرٌ، وَيَا مَنْ لَيْسَ لِأَخْرِهِ فَنَاءٌ، وَيَا أَكْمَلَ مَنَعُوتٍ، وَيَا أَسْمَحَ

نیست برای او عنصری و ای که نیست برای پایانش فنا و نیستی و ای کاملترین توصیف شدگان و ای بخشایندهترین

الْمُعْطِينَ، وَيَا مَنْ يَفْقَهُ بِكُلِّ لُغَةٍ يُدْعَى بِهَا، وَيَا مَنْ عَفْوُهُ قَدِيمٌ، وَ بَطْشُهُ

عطاکنندگان و ای که می‌فهمد به هر زبانی که او را بدان خوانند ای که گذشتش دیرینه و حمله‌اش

شَدِيدٌ، وَ مَلِكُهُ مُسْتَقِيمٌ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَافَهْتَ بِهِ مُوسَى، يَا اللَّهُ

سخت و فرمانروایش پایدار است از تو خواهم به آن نامت که بی‌واسطه سخن گفتی بدان با موسی ای خدا

يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمٌ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّمَدُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

ای بخشاینده ای مهربان ای که معبودی جز تو نیست خدایا تویی بی‌نیاز از تو خواهم که درود فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ.

بر محمد و آل محمد و مرا به رحمت خود داخل بهشت گردانی.



۱۹- مرحوم «کفعمی» دعایی را از امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده است که برای استجاب دعاها بسیار

ارزشمند است:

إِلٰهِي كَيْفَ أَدْعُوكَ وَأَنَا أَنَا، وَكَيْفَ أَقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ وَأَنْتَ أَنْتَ، إِلٰهِي

خدایا چسان بخوانمت با این‌که من همان من (گنجهکار) هستم و چسان امیدم را از تو ببرم با این‌که تو همان تویی (که با همه‌مهربانی) خدایا

إِذَا لَمْ أَسْأَلْكَ فَتُعْطِينِي، فَمَنْ ذَا الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي، إِلٰهِي إِذَا لَمْ

من اگر از تو نخواهم که به من بدهی پس کیست آن‌کسی که از او بخوام تا به من بدهد خدایا اگر

أَدْعُوكَ فَتَسْتَجِيبَ لِي، فَمَنْ ذَا الَّذِي أَدْعُوهُ فَيَسْتَجِيبُ لِي، إِلٰهِي إِذَا لَمْ

تو را بخوانمت که دعایم را مستجاب کنی پس کیست آن‌کس که بخوانمش تا دعایم را مستجاب کند خدایا اگر به درگاه تو

أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ فَتَرْحَمْنِي، فَمَنْ ذَا الَّذِي أَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ فَيَرْحَمُنِي، إِلٰهِي فَكَمَا

زاری نکنم که به من رحم کنی پس کیست که به درگاهش زاری کنم تا به من رحم کند خدایا

فَلَقْتَ الْبَحْرَ لِمُوسَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَنَجَّيْتَهُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

همچنان که شکافتی دریا را برای موسی علیه السلام و او را نجات دادی از تو می‌خواهم که درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُنَجِّبَنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ، وَتَفَرِّجَ عَنِّي فَرَجًا عَاجِلًا

محمد و آل محمد و مرا از آنچه در آن گرفتارم نجات بخشی و گشایش فوری به من عطا کنی

غَيْرَ آجَلٍ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱.

نه گشایش مدت‌دار، به فضل و رحمت ای مهربانترین مهربانان.

۲۰- مرحوم «کفعمی» دعایی را از امام موسی کاظم علیه السلام نقل کرده است و گفته: این دعا، عظیم‌الشان و سریع‌الاجابه است (به زودی به اجابت می‌رسد) و آن دعا، این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ التَّوْحِيدُ، وَلَمْ أَعْصِكَ فِي

خدایا همانا من در محبوبترین چیزها در نزد تو که عبارت از توحید و یگانگی بود از تو پیروی کردم و در مبغوض‌ترین چیزها

أَبْغَضِ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْكُفْرُ، فَاغْفِرْ لِي مَا بَيْنَهُمَا، يَا مَنْ إِلَيْهِ مَفْرِي،

در نزدت که عبارت از کفر به تو بود نافرمانیت نکردم پس آنچه در این میان است از گناهانم ببامرز ای که بسوی اوست گریزگاه من

أَمِنِّي مِمَّا فَرَعْتُ مِنْهُ إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعْصِيكَ، وَأَقْبَلْ

مرا از آنچه به خاطر آن بسویت پناه آوردم امان بخش خدایا ببامرز گناهان بسیارم را و بپذیر

مَنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ، يَا عِدَّتِي دُونَ الْعُدَدِ، وَيَا رَجَائِي وَالْمُعْتَمِدَ، وَيَا

از من طاعت اندکم را ای ذخیره در مقابل سایر ذخیره‌ها و ای مایه امید و تکیه‌گاه من و ای

كَهْفِي وَالسَّنْدَ، وَيَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ، يَا قُلُّ هُوَ اللَّهُ أَحَدُ، اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ

پناهگاه و نگاهبانم و ای یگانه‌ای یکتا ای آن که در وصف خود به پیغمبرت گفتی بگو او خدای یکتاست خدا بی‌نیاز است، نزاید

وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدُ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ اصْطَفَيْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ،

و نه زاییده شده و نیست برایش همتا و مانندی هیچ کس از تو می‌خواهم به حق آنان که از میان خلق خود آنها را برگزیدی

وَلَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ

و در خلق خود هیچ کس را مانند ایشان نکردی که درود فرستی بر محمد و آل او و درباره من انجام دهی

تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ الْكُبْرَى، وَبِالْمُحَمَّدِيَّةِ

آنچه را تو شایسته آنی خدایا از تو خواهم به حق مقام وحدانیت و یکتایی بزرگ خودت و به مقام محمدی

الْبَيْضَاءِ، وَالْعُلَوِيَّةِ الْعُلْيَا، وَبِجَمِيعِ مَا احْتَجَجْتَ بِهِ عَلَيَّ عِبَادِكَ، وَبِالْإِسْمِ

آن مقام تابنده و به مقام علوی آن مقام والا و به تمام حجت‌های خود بر بندگانت و به حق آن نامی

الَّذِي حَجَبْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ، فَلَمْ يَخْرُجْ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، صَلِّ عَلَيَّ

که از خلق خود پنهان داشتی که اظهار نشود از تو مگر بخودت که درود فرستی بر محمد

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا، وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ

و آل محمد و برای من در کارم گشایش و راه نجاتی قرار دهی و به من روزی دهی از آن جا که گمان دارم

أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ، إِنَّكَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

و از آن جا که گمان ندارم که تو روزی دهی هر که را بخواهی بی حساب.

آنگاه حاجت خود را بطلب.^۱

۲۱- از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده است که آن حضرت به یکی از یاران خود فرمود: هر وقت از

خداوند متعال حاجتی را بخواهی، بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ، فَإِنَّ لَهُمَا عِنْدَكَ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ،

خدایا به حق محمد و علی که نزد تو شأن و منزلت

وَ قَدْرًا مِنَ الْقَدْرِ، فَبِحَقِّ ذَلِكَ الشَّأْنِ، وَبِحَقِّ ذَلِكَ الْقَدْرِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

و قدر بزرگی دارند از تو می‌خواهم به حق آن شأن و به حق آن قدر بزرگی که بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا^۲

محمد و آل محمد درود فرستی و این کار را برآیم انجام دهی.

(به جای کذا و کذا، حاجت خود را از خداوند بخواه)

۲۲- مرحوم «سید بن طاووس» در کتاب «مهج الدعوات» از امام محمدباقر علیه السلام روایت کرده است که

آن حضرت فرمود: جبرئیل خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا، من هیچ پیامبری را

به قدر تو دوست نداشته‌ام، لذا این دعا را به تو می‌آموزم و آن را بسیار بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى وَلَا تُرَى، وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، وَأَنَّ إِلَيْكَ الْمُنْتَهَى

خدایا تو می‌بینی و دیده نمی‌شوی تو در برترین دیدگاهها هستی و همانا سیر خلق و بازگشتشان

وَالرُّجْعِي، وَأَنَّ لَكَ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى، وَأَنَّ لَكَ الْمَمَاتَ وَالْمَحْيَا، وَرَبِّ

بسوی توست و از آن توست آخرت و دنیا و برآستی مرگ و زندگی بدست توست پروردگارا

أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَدُلَّ أَوْ أَخْزَى.^۱

پناه می‌برم به تو از این‌که خوار شوم یا رسوا گردم.

۲۳- مرحوم «شیخ کلینی» و دیگران روایت کرده‌اند که امام صادق علیه السلام به «زراره» (یکی از یاران جلیل‌القدرش) فرمود: در زمان غیبت و امتحان شیعه، این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ

خدایا خودت را به من بشناسان که اگر خودت را نشناسانی پیامبرت را نشناسم خدایا

عَرَّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ

رسولت را به من بشناسان که اگر رسولت را نشناسانی حجتت را نشناسم خدایا

عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.^۲

حجتت را به من بشناسان که اگر نشناسانی از دین خود گمراه گردم.

۲۴- روایت شده است امیرالمؤمنین علیه السلام مردی را دید که از روی دفتری دعایی طولانی را (به زحمت) می‌خواند؛ امام علیه السلام به او فرمود: ای مرد خدا! آن خدایی که این دعای طولانی را می‌شنود، به دعای کم و کوتاه نیز پاسخ می‌دهد (یعنی نیازی به خواندن این همه دعای طولانی نیست) آن مرد عرض کرد: ای مولای من، چه کنم؟ فرمود: این کلمات (کوتاه و پرمحتوا) را بخوان:

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ

ستایش خدای را بر هر نعمتی و از او خواهم هر خیری را و پناه برم به خدا از هر

شَرٍّ، وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ.^۳

شری و آمرزش خواهم از خدا از هر گناهی.

۲۵- گروهی از بزرگان یاران امام صادق علیه السلام دعای پرمحتوای زیر را از آن حضرت نقل کردند.

۱. مهج الدعوات، صفحه ۱۷۲.

۲. کافی، جلد ۱، صفحه ۳۳۷، حدیث ۵.

۳. بحارالانوار، جلد ۹۱، صفحه ۲۴۲، حدیث ۱۰.

امام علیه السلام فرمود: در شگفتی از کسی که از چهارچیز می ترسد چرا به چهار ذکر (آیه از قرآن مجید) پناه نمی برد؛ نخست: تعجب می کنم از کسی که از دشمن می ترسد چرا به این ذکر پناه نمی برد: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ؛ خدا ما را کفایت می کند و او بهترین حامی ماست».^۱ زیرا خداوند در پی آن می فرماید: «به خاطر این دعا آن گروه از مؤمنان، با نعمت و فضل پروردگار (از میدان نبرد، سالم) بازگشتند در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید».^۲

دیگر این که در شگفتی از کسی که غم و اندوهی به او رسیده چگونه به این ذکر پناه نمی برد: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ خداوند جز تو معبودی نیست منزهی، من از ستمکاران بودم (مرا ببخش و از این اندوه رهایی ده)».^۳ زیرا خداوند در پی آن می فرماید: «ما او را (اشاره به یونس علیه السلام است) از آن اندوه نجات بخشیدیم و همین گونه مؤمنان را نجات می دهیم».^۴

و نیز در شگفتی از کسی که در برابر توطئه خطرناکی قرار گرفته چگونه به این ذکر پناه نمی برد: «أَفَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ؛ من کار خود را به خدا واگذار می کنم زیرا خداوند نسبت به بندگانش بیناست».^۵ خداوند در پی آن می فرماید: «خداوند او را (اشاره به مؤمن آل فرعون) از نقشه های شوم آنها (فرعونیان) رهایی بخشید».^۶

و نیز در شگفتی از کسی که مواهب دنیوی از خدا می خواهد چرا از این ذکر استفاده نمی کند: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ آنچه خدا بخواهد انجام می گیرد هیچ قوت و قدرتی جز از ناحیه خدا نیست».^۷ زیرا خداوند در پی آن می فرماید: «... امید دارم پروردگارم بهتر از باغ توبه من دهد».^۸ (اشاره به دوستی که یکی با ایمان بود و فقیر و دیگری ثروتمند و ضعیف الایمان).^۹

یادآوری: برای طلب حاجات و حل مشکلات نمازهایی نیز وارد شده است (به بخش هفتم، نمازهای مستحب، صفحه ۱۰۶۱ مراجعه فرمایید).

۲- دعا برای رفع غم و اندوه و گرفتاری ها

۱- دعا برای رفع هرگونه غم و اندوه (از صحیفه سجادیه)

يَا فَارِجَ الْهَمِّ، وَ كَاشِفَ الْغَمِّ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا،

ای گشاینده اندوه و از بین برنده غم، ای بخشنده و مهربان در دنیا و آخرت،

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۷۳.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۷۴.

۳. سوره انبیاء، آیه ۸۷.

۴. سوره انبیاء، آیه ۸۸.

۵. سوره غافر، آیه ۴۴.

۶. سوره غافر، آیه ۴۵.

۷. سوره کهف، آیه ۳۹.

۸. سوره کهف، آیه ۴۰.

۹. امالی صدوق، صفحه ۶، حدیث ۲ و بحارالانوار، جلد ۹۰، صفحه ۱۸۴، حدیث ۱.

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْرُجْ هَمِّي، وَاكْشِفْ غَمِّي، يَا وَاحِدُ يَا

بر محمد و آل محمد درود فرست و غم و اندوه مرا از بین ببر، ای یگانه،

أَحَدُ يَا صَمَدُ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، اعْصِمْنِي

ای یکتا، ای بی‌نیاز، ای کسی که نژاد و زاده نشد و برای او هیچ‌گاه شیبه و ماندنی نبود. مرا از انجام گناه نگاهدار

وَطَهِّرْنِي، وَادْهَبْ بَبِلِيَّتِي، «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ

و مرا پاک کن و گرفتاری‌ها را از من دور ساز هیچ معبودی نیست جز خداوند یگانه زنده، که قائم به ذات خویش است. هیچگاه خواب سبک

وَلَا نَوْمٌ، لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ

و سنگینی او را فرا نمی‌گیرد؛ آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست که در نزد او، جز به فرمان او

إِلَّا بِإِذْنِهِ، يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ، وَمَا خَلْفَهُمْ، وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ

شفاعت کند؟! آنچه را در پیش روی آنها [بنندگان] و پشت سرشان است می‌داند؛ و کسی از علم او آگاه نمی‌گردد؛

عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ، وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا

جز به مقداری که او بخواهد. تخت (حکومت) او، آسمانها و زمین را در بر گرفته؛ و نگاهداری آن دو، او را خسته نمی‌کند.

وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ، قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ، فَمَنْ

بلندی مقام و عظمت، مخصوص اوست. در قبول دین اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده. بنابراین، کسی که

يَكْفُرُ بِالطَّغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ، فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ

به طاغوت [بت و شیطان، و هر طغیانگر] کافر شود و به خدای ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن

لَهَا، وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ، اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا، يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَىٰ

نیست. و خداوند، شنوا و داناست. خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنها را از ظلمت‌ها، به سوی

النُّورِ، وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّغُوتُ، يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَىٰ

نور می‌برند (اتا) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوتها هستند؛ که آنها را از نور، به سوی

الظُّلُمَاتِ، أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» * «بِسْمِ اللَّهِ

ظلمتها بیرون می‌برند؛ آنها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند ماند. * بنام خداوند

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ

بخشنده بخشایشگر، بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده صبح، از شر تمام آنچه آفریده است؛ و از شر هر موجود شرور

إِذَا وَقَبَ، وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» *

هنگامی که شبانه وارد می‌شود؛ و از شر آنها که با افسون در گره‌ها می‌دمند؛ و از شر هر حسودی هنگامی که حسد می‌ورزد؛

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ، إِلَهِهِ

بنام خداوند بخشنده مهربان، بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم، به مالک و حاکم مردم، به (خدا و) معبود

النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ، الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ،

مردم، از شرّ وسوسه‌گر پنهانکار، که در درون سینه انسانها وسوسه می‌کند،

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» * «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ،

خواه از جنّ باشد یا از انسان! به نام خداوند بخشنده مهربان، بگو: خداوند، یکتا و یگانه است؛

اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می‌کنند؛ (هرگز) نژاد، زاده نشد؛ و برای او هیچ‌گاه شبیه و ماندنی نبوده است! خدا یا به تو عرض نیاز می‌کنم،

سُؤَالَ مَنْ أَسْتَدَّتْ فَاقَتَهُ، وَضَعْفَتْ قُوَّتَهُ، وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ، سُؤَالَ مَنْ لَا

نیاز کسی که نیازمندیش شدت یافته و نیرویش ضعیف شده و گناهانش فراوان گردیده، نیاز کسی که

يَجِدَ لِفَاقَتِهِ مَغِيثًا، وَلَا لِضَعْفِهِ مُقْوِيًّا، وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِرًا غَيْرَكَ، يَا

برای بیچارگی‌اش فریادرس و برای ناتوانی‌اش نیرودهنده و برای گناهش بخشنده‌ای، جز تو ندارد. ای

ذَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، أَسْأَلُكَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ، وَ يَقِينًا تَنْفَعُ بِهِ

صاحب شکوه و بزرگی، از تو (توفیق انجام) عملی را می‌طلبم که هر کس آن را انجام دهد وی را دوست داری و یقینی می‌طلبم که هر کس

مَنْ اسْتَيْقَنَ بِهِ حَقَّ الْيَقِينِ فِي نَفَاذِ أَمْرِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

به حق یقین از آن رسد، در انجام فرمات، از آن سود برد. خدا یا بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَقْبِضْ عَلَيَّ الصَّدَقِ نَفْسِي، وَأَقْطَعْ مِنَ الدُّنْيَا حَاجَتِي، وَاجْعَلْ

محمد درود فرست و مرا در حالت صدق و راستی بمیران و نیازم را از دنیا قطع فرما و میل مرا

فِي مَا عِنْدَكَ رَغْبَتِي، شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ، وَ هَبْ لِي صِدْقَ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ،

به سبب شوق به لقايت، فقط در آنچه نزد توست قرار ده. و توکل راستین به خودت را به من ببخش.

أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ كِتَابٍ قَدْ خَلَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ خَلَا، أَسْأَلُكَ

خدا یا از تو، خوبی‌های نامه معلم را می‌طلبم و از بدی‌های آن به تو پناه می‌برم. از تو می‌طلبم

خَوْفَ الْعَابِدِينَ لَكَ، وَ عِبَادَةَ الْخَاشِعِينَ لَكَ، وَ يَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ،

خوف بندگانی که تو را عبادت می‌کنند و عبادت کسانی که در محضر تو خاشعند و یقین آنان که بر تو توکل می‌کنند

وَ تَوَكُّلَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِي مَسْأَلَتِي مِثْلَ رَغْبَةِ

و توکل کسانی که بر تو ایمان دارند. خدا یا میل و رغبت را در خواسته‌ام، همانند رغبت

أُولِيَاءِكَ فِي مَسَائِلِهِمْ، وَ رَهْبَتِي مِثْلَ رَهْبَةِ أَوْلِيَاءِكَ، وَ اسْتَغْمَلْنِي فِي

اولیایت در خواسته‌هایشان و ترسم را چونان ترس اولیایت قرار ده و مرا در مسیر

مَرْضَاتِكَ عَمَلًا لَا أَتْرُكُ مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِينِكَ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ

خشنودیت چنان به کار وادار، که هرگز از ترس احدی از بندگانت دینت را رها نسازم. خدایا

هَذِهِ حَاجَتِي فَأَعْظِمُ فِيهَا رَغْبَتِي، وَ أَظْهَرُ فِيهَا عُذْرِي، وَ لَقِّنِي فِيهَا

این حاجت من است، رغبت مرا برای رسیدن به آن زیاد گردان (و در صورت عدم انجام آن) عذرم را آشکار گردان و حجت و دلیل را در آن به من

حُجَّتِي، وَ عَافِ فِيهَا جَسَدِي، اللَّهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ لَهُ ثِقَّةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ،

این حاجت من است، رغبت مرا برای رسیدن به آن اگر کسی اعتماد و امیدی جز تو داشته باشد،

فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَ أَنْتَ ثِقَّتِي وَ رَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا، فَاقْضِ لِي بِخَيْرِهَا

به یقین من روزگارم را با اعتماد و امید در همه کارها به تو می‌گذرانم. پس تو نیز عاقبت خیر برای من

عَاقِبَةً، وَ نَجِّنِي مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

مقزر فرما و مرا از فتنه‌های گمراه کننده نجات ده، به لطف و رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَى، وَ عَلَيَّ آلِهِ الطَّاهِرِينَ. ۱

و درود خدا بر سرور ما محمد فرستاده و برگزیده خدا و بر خاندان پاکش باد.

۲- امام امیرمؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که هر غم‌دیده و محزون و گرفتار و خائفی

این دعا را بخواند، خداوند برای او گشایشی فراهم سازد:

يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، وَيَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ، وَيَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ،

ای تکیه‌گاه کسی که تکیه‌گاه ندارد ای ذخیره کسی که ذخیره ندارد و ای پشتیبان کسی که پشتیبان ندارد

وَيَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ، وَيَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ، وَيَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ

و ای پناه کسی که پناهی ندارد و ای دادرسی کسی که دادرسی ندارد و ای گنج آن کس که گنجی ندارد

لَهُ، وَيَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ، يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا عَوْنَ

و ای عزت آن کس که عزتی ندارد ای بزرگواری گذشت ای نیکو در گذر ای یار

الضُّعْفَاءِ، يَا كَنْزَ الْفُقَرَاءِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا مُنْقِذَ الْغَرَقَى، يَا مُنْجِي

نا توانان ای گنج بی‌نوابان ای بزرگ امید من ای نجات‌دهنده غریقان ای رهاننده

الْهَلْكَى، يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ، يَا مُنْعَمُ يَا مُفْضِلُ، أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ

هلاک‌شدگان ای احسان‌کننده ای نیکوکار ای نعمت‌بخش ای زیاده‌بخش تویی که سجده (وخضوع) کرد برایت

سَوَادُ اللَّيْلِ وَنُورُ النَّهَارِ، وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ، وَحَفِيفُ الشَّجَرِ

سیاهی شب و روشنی روز و تابش ماه و پرتو خورشید و صدای درخت

وَدَوِيُّ الْمَاءِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، يَا

و صدای مخصوص آب ای خدا ای خدا ای خدا معبودی نیست جز تو خدای یگانه ای که شریکی برایت نیست

رَبَّاهُ يَا اللَّهُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَنَجِّنَا

پروردگارا ای خدا درود فرست بر محمد و آل محمد و انجام ده درباره ما آنچه را تو شایسته آنی و ما را با عفو خود

مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ، وَأَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَزَوِّجْنَا مِنَ الْحُورِ الْعِينِ

از آتش نجات ده و به رحمت خویش ما را داخل بهشت گردان و با جود خود ما را به حورالعین تزویج فرما

بِجُودِكَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ

و بر محمد و آل محمد درود فرست و درباره ما آنچه را تو شایسته آنی انجام ده ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

مهربانان به یقین تو بر انجام هر کاری توانایی!

پس از خواندن دعا، حاجت خود را از خدا طلب کن که ان شاء الله به اجابت می‌رسد.^۱

۳- برای گشایش در کارها و رفع گرفتاری و غم، خواندن این ذکر و مواظبت بر آن، که امام جواد علیه السلام آن

را تعلیم فرمود، نافع است:

يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ، اِكْفِنِي مَا اَهْمَنِي.^۲

ای که کفایت کند از هر چیز و کفایت نکند از او چیزی، کفایت کن آنچه مرا به اندیشه فرو برده است.

۴- از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است که هر کس را مشکلی، یا اندوهی، یا بلا و شدتی پیش

۱. بلدالامین، صفحه ۳۳۲.

۲. عده اللداعی، صفحه ۲۷۸ و بحارالانوار، جلد ۹۲، صفحه ۲۰۸، حدیث ۳۹.

آید، بگوید: اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ. ۱

*** خدا پروردگار من است که شریک نسازم به او چیزی را توکل کنم بر زنده‌ای که هرگز نمیرد.

۵- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که چون برادران یوسف آن حضرت را به چاه افکندند، جبرئیل نزد او آمد و گفت: در این جا چه می‌کنی؟ یوسف گفت: برادرانم مرا در این چاه افکندند و رفتند. جبرئیل گفت: آیا دوست داری از این جا بیرون آیی؟ گفت: این وابسته به مشیت خداوند است؛ اگر خواست مرا بیرون می‌آورد. جبرئیل گفت: خداوند می‌فرماید: این دعا را بخوان تا تو را رهایی بخشیم؛ بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ

خدایا از تو خواهم که تو راست ستایش و معبودی جز تو نیست که بسی منت گذار و پدیدآورنده آسمانها

وَالْأَرْضِ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

و زمین و صاحب جلال و بزرگواری هستی که درود فرستی بر محمد و آل محمد و قرار دهی

تَجْعَلَ لِي مِمَّا أَنَا فِيهِ فَرَجًا وَمَخْرَجًا. ۲

برای من در آنچه در آن هستم گشایش و فرجی.

در نتیجه کاروانی آمد و آن گونه که قرآن نقل کرده، او را از چاه نجات داده و با خود به مصر بردند.

۶- روایت شده که امام باقر علیه السلام در مشکلات چنین دعا می‌کرد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِي وَأَزْهِمْنِي، وَزَكِّ عَمَلِي،

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بیماریز مرا و به من رحم کن و معلم را پاک کن

وَيَسِّرْ مُنْقَلَبِي، وَاهْدِ قَلْبِي، وَآمِنْ خَوْفِي، وَعَافِنِي فِي عُمْرِي كُلِّهِ،

و آسان کن بازگشتگاهم را و هدایت کن دلم را و امان بخش ترسم را و عافیت ده در همه عمرم

وَتَبِّتْ حُجَّتِي، وَاعْفِرْ خَطَايَايَ، وَيَبِّضْ وَجْهِي، وَاعْصِمْنِي فِي دِينِي،

و پایرج کن حجتم را و بیماریز گناهانم را و سفید گردان رویم را و نگاهم دار در دینم

وَسَهِّلْ مَطْلَبِي، وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، فَإِنِّي ضَعِيفٌ، وَتَجَاوَزْ عَنِّي سَيِّئِي

و آسان کن خواسته‌ام و فراخ گردان روزیم را زیرا که من ناتوانم و در گذر از بدی

۱. عدة الداعی صفحه ۲۷۶ و بحارالانوار، جلد ۹۲، صفحه ۲۰۸، حدیث ۳۹.

۲. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۵۶، حدیث ۴.

مَا عِنْدِي بِحُسْنِ مَا عِنْدَكَ، وَلَا تَفْجَعْنِي بِنَفْسِي، وَلَا تَفْجَعْ لِي حَمِيمًا،

آنچه نزد من است به خوبی آنچه پیش توست و داغدارم مکن به خودم و داغدار مکن خوشامن را

وَهَبْ لِي يَا إِلَهِي لِحِظَةٍ مِنْ لِحَظَاتِكَ، تَكْشِفُ بِهَا عَنِّي جَمِيعَ مَا بِهِ

و ببخش ل من به من معبودا توجهی از توجهات را که برطرف کنی بدان تمام

ابْتَلَيْتَنِي، وَ تَرَدُّ بِهَا عَلَيَّ مَا هُوَ أَحْسَنُ عَادَتِكَ عِنْدِي، فَقَدْ ضَعُفَتْ

گرفتاریهایم را و بازگردانی بدان بر من آنچه را بهترین شیوه توست در پیش من زیرا که نیروی

قُوَّتِي، وَقَلَّتْ حِيلَتِي، وَأَنْقَطَعَ مِنْ خَلْقِكَ رَجَائِي، وَ لَمْ يَبْقَ إِلَّا رَجَاؤُكَ،

سست چاره‌ام کم شده و بریده از خلق تو امیدم و برایم بجای نمانده جز امید به تو

وَتَوَكَّلْ عَلَيَّ، وَقَدَّرْتَكَ عَلَيَّ يَا رَبَّ أَنْ تَرْحَمَنِي وَ تُعَافِيَنِي، كَقَدَّرْتَكَ

و توکلم بر تو، و نیروی تو بر من پروردگارا برای رحم بر من و عافیتم همانند نیروی تو

عَلَيَّ أَنْ تُعَذِّبَنِي وَ تَبْتَلِيَنِي، إِلَهِي ذِكْرُ عَوَائِدِكَ يُؤْنِسُنِي، وَ الرَّجَاءُ

است بر من که عذابم کنی و گرفتارم سازی خدایا یاد نعمتهای آرامم کند و امید

لِإِنْعَامِكَ يُقْوِينِي، وَ لَمْ أَخْلُ مِنْ نِعَمِكَ مُنْذُ خَلَقْتَنِي، وَأَنْتَ رَبِّي وَ سَيِّدِي،

نعمت بخشیت نیروی دهد و هیچ‌گاه بیرون نودهام از نعمتهای از آن روز که خلقم کرده‌ای پس تویی پروردگار و آقا

وَ مَفْرَعِي وَ مَلْجَأِي، وَ الْحَافِظُ لِي وَ الذَّابُّ عَنِّي، وَ الرَّحِيمُ بِي وَ الْمُتَكَفِّلُ

و پناهگاه و ملجا من و نگهبانم و دفاع‌کننده از من و مهربان به من و کفالت کننده

بِرِزْقِي، وَ فِي قَضَائِكَ وَ قُدْرَتِكَ كُلُّ مَا أَنَا فِيهِ، فَلْيَكُنْ يَا سَيِّدِي

روزیم و در قضا و قدرت توست هرچه من در آنم پس چنان باشد ای آقای من

وَ مَوْلَايَ، فِيمَا قَضَيْتَ وَ قَدَّرْتَ وَ حَتَمْتَ، تَعْجِيلُ خَلَاصِي مِمَّا أَنَا فِيهِ

و سرورم در آنچه حکم و مقدر و مسلم فرموده ای تعجیل در خلاص شدنم از آنچه من درانم

جَمِيعِهِ، وَ الْعَافِيَةَ لِي، فَإِنِّي لَا أَجِدُ لِدَفْعِ ذَلِكَ أَحَدًا غَيْرَكَ، وَلَا أَعْتَمِدُ

همه آن و تندرستیم زیرا من نیامم برای دفع آن هیچ کس را جز تو و تکیه نکنم در آن

فِيهِ إِلَّا عَلَيْكَ، فَكُنْ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ، وَ رَجَائِي

جز بر تو پس بوده باش ای دارای جلالت و بزرگواری در نزد بهترین گمانی که به تو دارم و بهترین امیدم

لَكَ، وَ أَرْحَمَ تَضَرُّعِي وَ اسْتِكَانَتِي، وَ ضَعْفَ رُكْنِي، وَ أَمْنُ بِي بِذَلِكَ عَلَيَّ،

بر تو و رحم کن بر زاری و بیچارگی و سستی اساس و پایه‌ام و منت نه بدان بر من

وَعَلَىٰ كُلِّ دَاعٍ دَعَاكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّىٰ اللَّهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ۱.

و بر هر خواننده‌ای که تو را بخواند ای مهربانترین مهربانان و درود خدا بر محمد و آتش باد.



۷- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: امام علی بن الحسین علیه السلام می فرمود: هرگاه این دعا را بخوانم، باکی ندارم اگر جن و انس برای ضرر زدن به من جمع شوند. (کاری نخواهند کرد):

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ،

بِنام خدا و بذات خدا و از جانب خدا و بسوی خدا و در راه خدا و بر کیش رسول خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَللَّهُمَّ اِلَيْكَ اَسَلْتُ نَفْسِي، وَ اِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي،

درود خدا بر او و آتش باد خدایا به تو تسلیم کردم خودم را و بسویت توجه دادم رویم را

وَ اِلَيْكَ اَلْجَاةُ ظَهْرِي، وَ اِلَيْكَ فَوَّضْتُ اَمْرِي، اَللَّهُمَّ اَحْفَظْنِي بِحِفْظِ

و به تو پشت خود را گرم کردم و به تو واگذاردم کارم را خدایا حفظ کن مرا به حفاظت

الْاِيْمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ، وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي، وَ مِنْ

ایمان از پیش رویم و از پشت سرم و از راست و از چپم و از

فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ مِنْ قِبَلِي، وَ اَدْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، فَاِنَّهُ لَا حَوْلَ

بالای سر و زیر پایم و آنچه در پیش دارم و رفع کن از من به جنبش و نیروی خودت که جنبش

وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ. ۲

و نیرویی نیست جز به تو.



۸- در حدیثی از امام زین العابدین علیه السلام می خوانیم که به فرزندش فرمود: هرگاه مصیبتی به یکی از شما برسد، یا مشکلی پیش آید، وضوی کامل بگیرد و دو رکعت یا چهار رکعت (به دو سلام) نماز بگذارد و در پایان نماز بگوید:

يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى، وَ يَا سَامِعَ كُلِّ نَجْوَى، وَ يَا شَاهِدَ كُلِّ مَلَأٍ،

ای موضع هر شکایت و ای شنوای هر راز و ای حاضر هر انجمن

وَ عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَ يَا دَافِعَ مَا يَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ، يَا خَلِيلَ اِبْرَاهِيمَ، وَ يَا نَجِيَّ

و دانای هر پنهان و ای جلوگیری هرچه بخواد از بلاها ای خلیل ابراهیم و ای انتخاب کننده

مُوسَى، وَ يَا مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ

موسی و ای برگزینده محمد صلی الله علیه و آله بخوانمت خواندن کسی که

اَشْتَدَّتْ فِاقَتُهُ، وَ قَلَّتْ حِيلَتُهُ، وَ ضَعُفَتْ قُوَّتُهُ، دُعَاءَ الْغَرِيبِ الْغَرِيقِ،

به سختی نیازمند شده و چاره‌اش کم و نیرویش سست گشته خواندن دور از وطن غریق

الْمُضْطَرِّ الَّذِي لَا يَجِدُ لِكَشْفِ مَا هُوَ فِيهِ إِلَّا أَنْتَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

درمانده‌ای که نیابد برای برطرف شدن گرفتاریش جز تو ای مهربانترین مهربانان.

هر کسی این دعا را بخواند، خداوند مشکل او را برطرف می‌کند^۱ (ان‌شاءالله).

* * *

۹- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: برای رفع غم و اندوه (و حلّ مشکل) غسل می‌کنی و دو رکعت نماز می‌گذاری و می‌گویی:

يَا فَارِجَ الْهَمِّ، وَ يَا كَاشِفَ الْغَمِّ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا،

ای گشاینده اندوه و ای زداینده غم ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهرورز در آن دو

فَرِّجْ هَمِّي وَ اكْشِفْ غَمِّي، يَا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ

بگشا اندوهم و برطرف کن غصام را ای خدای یگانه یکتای بی‌نیازی که فرزند نگیرد و فرزند

يُولَدُ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، اِعْصِمْنِي وَ طَهِّرْ نِي، وَ اذْهَبْ بِبَلِيَّتِي.

کسی نیست و نیست برایش همتایی هیچ کس، نگاهم دار و پاکم کن و گرفتاریم را برطرف کن.

و بخوان «آیه الکرسی» و سوره «قل اعوذ بربّ الفلق» و «قل اعوذ بربّ الناس» را (و حلّ مشکل خود را از خدا بخواه).^۲

* * *

۱۰- روایت شده است که برای رفع غم و اندوه (و حلّ مشکلات) به سجده می‌روی و صد مرتبه می‌گویی:

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ، فَاكْفِنِي مَا

ای زنده ای پاینده ای که معبودی جز تو نیست به رحمت تو پناه برم پس کفایت کن آنچه برایم

أَهَمَّنِي، وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي.^۳

اهمیت دارد و وامگذارم به خودم.

۱. کافى، جلد ۲، صفحه ۵۶۰، حدیث ۱۵.

۲. همان مدرک، صفحه ۵۵۷، حدیث ۶.

۳. همان مدرک، صفحه ۵۶۲، حدیث ۲۰.

۱۱- امام صادق علیه السلام به بعضی از اصحاب خود دعایی را برای رفع غم و اندوه و وحشت تعلیم فرمود؛ و

آن دعا چنین است:

أَعَدَدْتُ لِكُلِّ عَظِيمَةٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

آماده کرده‌ام برای هر پیش‌آمد بزرگی «لا اله الا الله» را و برای هر غم و اندوهی «لا حول ولا قوة الا بالله»

بِاللَّهِ، مُحَمَّدٌ النُّورُ الْأَوَّلُ، وَ عَلِيُّ النُّورِ الثَّانِي، وَ الْأَيِّمَةُ الْأَبْرَارُ عُدَّةٌ لِلِقَاءِ

محمد نور نخستین است و علی نور دوم و امامان نیکوکار ذخیره‌ای برای دیدار

اللَّهِ، وَ حِجَابٌ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ، ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظْمَةِ اللَّهِ، وَ أَسْأَلُ اللَّهَ

خدا و پرده‌ای از دشمنان خدایند خوار است هر چیز در برابر عظمت خدا و از خدای

عَزَّ وَجَلَّ الْكِفَايَةَ ۱

عزوجل کفایت کارم را خواهانم.

۳- دعا برای رفع بیماری‌ها

خواندن دعا برای رفع بیماری‌ها - مخصوصاً دعا‌های معصومین علیهم السلام - هرگاه از روی خلوص نیت و ایمان انجام شود به یقین مؤثر است؛ ولی این به آن معنا نیست که از مراجعه به طبیب و مصرف دارو خودداری کنیم، بلکه علاوه بر راه‌های معمول در میان عقلا، از دعا نیز کمک بگیریم.

با این اشاره، به سراغ دعا‌هایی می‌رویم که در منابع معتبر آمده است:

۱- مرحوم «سیدبن طاووس» در کتاب «مهج الدعوات» روایتی از سلمان رضی الله عنه نقل کرده است که سلمان

می‌گوید: حضرت فاطمه علیها السلام دعایی را از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به من آموخت که آن را در صبح و شام

می‌خواند و فرمود: مداومت بر این دعا در درمان تب و عدم ابتلای به آن بسیار مؤثر است و دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ النَّوْرِ، بِسْمِ اللَّهِ نُورِ النَّوْرِ، بِسْمِ اللَّهِ

بنام خداوند بخشنده مهربان، بنام خدا نور (عالم) بنام خدا نور نور (جهان هستی) بنام خدا

نُورٌ عَلَيَّ نُورٍ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ مَدْبَرُ الْأُمُورِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْرَ

که نوری است فوق نور بنام خدایی که تدبیرکننده کارهاست بنام خدایی که نور (عالم) را از نور (خود)

مِنَ النَّوْرِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْرَ مِنَ النَّوْرِ، وَأَنْزَلَ النَّوْرَ عَلَى الطُّورِ،

آفرید ستایش خاص خدایی است که آفرید نور را از نور و نازل فرمود نور را بر کوه طور

فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ، فِي رَقٍّ مَنَشُورٍ، بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ، عَلَيَّ نَبِيِّ مَحْبُورٍ،

در میان نامه نوشته شده و ورقه‌ای گشوده به اندازه معین بر پیامبری دانشمند،

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعَزِّ مَذْكُورٌ، وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ، وَعَلَى السَّرَّاءِ

ستایش خاص خدایی است که او به عزت و شوکت یاد شده و به فخر مشهور است و در هر حال در خوشی

وَالضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.^۱

و ناخوشی سپاسگزاری شده و درود خدا بر آقای ما محمد و آل پاکیزه‌اش باد.

* * *

۲- همچنین آن بزرگوار، در همان کتاب از «سعید بن ابی الفتح قمی» نقل کرده است که: من دچار بیماری سختی شدم، به گونه‌ای که طیبیان از درمان آن ناتوان شدند و گفتند، این بیماری را کسی غیر از خدا نمی‌تواند درمان کند. از این سخن ناامید کننده، دل شکسته و غمگین شدم. کتابی از کتاب‌های پدرم را برداشتم که چیزی از آن را مطالعه کنم؛ در پشت آن کتاب دیدم این جمله نوشته شده است: از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام روایت شده است که پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: هر کس را مرضی باشد، بعد از نماز صبح، چهل بار بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ،

به نام خداوند بخشنده مهربان، ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است بس است ما را خدا و نیکو وکیلی است

تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

منزه و بزرگ است خدا بهترین آفریدگان و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ.

و آنگاه دست خود را بر محل درد بمالد، از آن بیماری شفا یابد. صبر کردم تا صبح شد، فریضه را بجا آوردم و چهل بار این دعا را خواندم و بر محل درد دست کشیدم. در نتیجه خداوند متعال آن بیماری را شفا داد؛ من (ناباورانه) نشسته بودم و می‌ترسیدم که مبادا آن بیماری برگردد. تا سه روز به همین حال ماندم ولی بحمدالله عود نکرد. بعد از آن، پدرم را از ماجرا باخبر ساختم، شکر خدا را بجا آورد و برای برخی از اطبای معروف که مسلمان نبودند، نقل کرد؛ آن طیبی که از سابقه بیماری من خبر داشت، نزد من آمد و ملاحظه کرد، بیماری کاملاً برطرف شده است! همان جا مسلمان شد و کلمه شهادتین را بر زبان جاری ساخت.^۲

* * *

۱. مهج الدعوات، صفحه ۷.

۲. همان مدرک، صفحه ۷۷ و بحار الانوار، جلد ۹۲، صفحه ۶۴، حدیث ۴۰.

۳- مرحوم شیخ «کفعمی» در کتاب «مصباح» فرموده است: هرگاه بیمار شوی، به محل سجده خود، دست بمال و آن را هفت بار پس از نماز فریضه، بر موضع درد، بمال، و بگو:

يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ

ای که فرو برد زمین را بر آب و بر بست هوا را به آسمان و انتخاب کرد برای خود

أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا (به)

بهترین نامها را درود فرست بر محمد و آل محمد و درباره من چنین و چنان کن *

جای آن، حاجت خود را بگوید) وَ أَرْزُقْنِي وَ عَافِنِي مِنْ كَذَا وَ كَذَا (نام بیماری را بگوید).^۱

***** و روزیم ده و سالمم بدار از چنین و چنان *****

۴- همان بزرگوار نیز نقل کرده است که هر کس، خواهان تندرستی و بهبودی از دردی است که گرفتار آن شده، در سجده دوم، از رکعت اول نماز شب، این دعا را بخواند:

يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ، يَا مُعْطِيَ

ای والا ای بزرگ ای بخشاینده ای مهربان ای شنوای دعاها ای عطاکننده خیرات

الْخَيْرَاتِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَا

درود فرست بر محمد و آلش و بده به من از خیر دنیا و آخرت آنچه را

أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ اصْرِفْ عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ أَذْهَبْ

تو شایسته آنی و دور کن از من از شر دنیا و آخرت آنچه را تو شایسته آنی و دور کن

عَنِّي هَذَا الْوَجَعِ (و نام آن بیماری را ببرد) فَإِنَّهُ قَدْ غَاظَنِي وَ أَحْزَنَنِي * و اصرار کند

از من این درد را ***** که به راستی ناراحتم کرده و محزونم نموده *****

در دعا، ان شاء الله تعالی، بهبودی می یابد.^۲

۵- مرحوم کفعمی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که هنگام بیماری، در حالی که زیر آسمان قرار

می گیری، دستها را بلند کن و بگو:

۱. مصباح کفعمی، صفحه ۱۴۸.

۲. همان مدرک و کافی، جلد ۲، صفحه ۲۵۹، حدیث ۳۰ (با اندکی تفاوت).

اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَيَّرْتَ أَقْوَامًا فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ: قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْهُ

خدایا تو سرزنش کردی مردمی را در کتاب خود و فرمودی «بگو بخوانید آن کسانی را که

دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا. فَيَا مَنْ لَا يَمْلِكُ كَشْفَ

به جز خدا پنداشتید که نتوانند بردارند زیان و محنت را از شما و نه آن را بگردانند» پس ای خدایی که جز تو نتواند بردارد

ضُرِّيَّ وَلَا تَحْوِيلَهُ عَنِّي أَحَدٌ غَيْرُهُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْشِفْ

محنتم را و نه بگرداندش آن را از من هیچ کس درود فرست بر محمد و آلش و برطرف کن

ضُرِّيَّ، وَحَوْلَهُ إِلَى مَنْ يَدْعُو مَعَكَ إِلَهَا آخَرَ، فَإِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ.^۱

محنتم را و بگردانش به نزد کسی که بخواند با تو معبود دیگری را چون من گواهی دهم که معبودی جز تو نیست.



۶- در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که هر فرد باایمانی، هر بیماری پیدا کند و بر موضوع درد خود، دست بمالد و با خلوص نیت بگوید:

وَنُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ، وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ

و نازل کنیم از این قرآن چیزی را که شفا و رحمت است برای مؤمنان و نیفزاید ستمکاران را

إِلَّا خَسَارًا.

جز خسار و زیان».

از آن درد عافیت یابد و مصداق این سخن در خود آیه آمده است که فرمود: «شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ».^۲



۷- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که دست بگذار بر موضع درد و سه مرتبه بگو:

اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي حَقًّا، لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، اللَّهُمَّ أَنْتَ لَهَا وَ لِكُلِّ عَظِيمَةٍ،

خدا... پروردگار من است به حقیقت که شریک نسازم با او چیزی را خدایا تویی برطرف کننده این درد و هر درد بزرگی

فَفَرِّجْهَا عَنِّي.^۳

پس برطرف کن آن را از من.

۱. مصباح کفعمی، صفحه ۱۵۰ و عدّة الدّاعی، صفحه ۲۷۲ (با اندکی تفاوت).

۲. بحار الانوار، جلد ۹۲، صفحه ۵۴، حدیث ۱۸ و طبّ الائمه، صفحه ۲۸.

۳. مصباح کفعمی، صفحه ۱۵۱.

۸- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که دست بر موضع درد بگذار و بگو: بِسْمِ اللَّهِ، آنگاه دست بر آن بکش و هفت مرتبه بگو:

أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ،

پناه برم به عزت خدا و پناه برم به قدرت خدا و پناه برم به جلالت خدا و پناه برم به بزرگی خدا

وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَعُوذُ بِأَسْمَاءِ

و پناه برم به جمع خدا و پناه برم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و پناه برم به نام‌های

اللَّهِ، مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي.^۱

خدا از شر آنچه بیم دارم و از شر آنچه می‌ترسم بر خودم.



۹- مرحوم «سید بن طاووس» در کتاب «مهج الدعوات» از «ابن عباس» روایت کرده است که گفت: من نزد امیرمؤمنان علیه السلام نشسته بودم. شخصی از در، وارد شد که رنگش پریده بود؛ گفت: یا امیرمؤمنان! من همیشه بیمارم و دردهای بسیار دارم، پس دعایی به من بیاموز که با آن، بر بیماری‌هایم استعانت جویم. حضرت فرمود: دعایی به تو می‌آموزم که جبرئیل به رسول خدا صلی الله علیه و آله آموخت، در آن هنگام که حسن و حسین علیهما السلام بیمار بودند؛ و آن دعا چنین است:

إِلَهِي كُلَّمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ نِعْمَةً قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِي، وَكُلَّمَا ابْتَلَيْتَنِي

خدایا هرآن‌گاه نعمت به من دهی شکر من در برابرش اندک است و هرگاه مبتلایم گردانی

بِبَلِيَّةٍ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا صَبْرِي، فَيَا مَنْ قَلَّ شُكْرِي عِنْدَ نِعْمِهِ فَلَمْ يَحْرِمْ نِي،

به بلائی اندک است در برابر آن شکیبایی من پس ای کسی که اندک است شکر من در برابر نعمت‌هایش ولی او محروم نگرداند

وَيَا مَنْ قَلَّ صَبْرِي عِنْدَ بَلَائِهِ فَلَمْ يَخْذُلْنِي، وَيَا مَنْ رَانِي عَلَى الْمَعَاصِي

و ای که کم است شکیباییم در برابر بلاهایش ولی او مرا وامگذار و ای که دید مرا بر حال گناهان

فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَيَا مَنْ رَانِي عَلَى الْخَطَايَا فَلَمْ يُعَاقِبْنِي عَلَيْهَا، صَلِّ

ولی رسوایم نکرد و ای که دید مرا بر حال خطا کاریهام ولی مواخذه‌ام نکرد بر آنها درود فرست

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَاشْفِنِي مِنْ مَرَضِي، إِنَّكَ عَلِيُّ

بر محمد و آل محمد و بیامرز گناهانم را و شفایم ده از بیماریم که تو بر

كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

هر چیز توانایی.

ابن عباس می گوید: آن مرد را بعد از یک سال دیدم در حالی که رنگ صورتش گلگون شده بود و اظهار داشت، این دعا را برای هیچ دردی نخواندم، مگر آن که شفا یافتم.^۱

۱۰- از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: امیرمؤمنان علی علیه السلام بیمار شده بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله به عیادت وی آمد و فرمود (برای شفای بیماری) این دعا را بخوان: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ**

خدايا * * * * * از تو خواهم شتاب

عَافِيَتِكَ، وَصَبْرًا عَلَيَّ بِبَلِيَّتِكَ، وَخُرُوجًا إِلَيَّ رَحْمَتِكَ.^۲

در عافیتت و شکیبایی بر بلایت و در آمدن بسوی رحمتت را.

۱۱- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: دست خود را بر موضع درد بگذار و سه مرتبه بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ الَّذِي نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ، وَهُوَ

خدايا از تو خواهم به حق قرآن عظیمی که فرود آورد آن را روح الامین و آن

عِنْدَكَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ عَلَيَّ حَكِيمٌ، أَنْ تَشْفِيَنِي بِشِفَائِكَ، وَتُدَاوِيَنِي

در نزد تو در دفتر اصلی والا و فرزانه است که درمانم کنی به درمان خود و مداوایم کنی

بِدَوَائِكَ، وَتُعَافِيَنِي مِنْ بَلَائِكَ.

به داروی خویش و عافیتم دهی از بلای خود.

و در پایان نیز بر محمد و آل او، صلوات می فرستی.^۳

۱۲- از «ابوحمزه» روایت شده است که گفت: دچار درد زانو شدم، خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و جریان را عرض کردم. امام علیه السلام فرمود: هرگاه نماز گزاردی، پس از آن بگو:

يَا أَجُودَ مَنْ أَعْطَى، وَيَا خَيْرَ مَنْ سَأَلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحِمَ، إِزْحَمَ

ای بهترین کسی که عطا کند و ای بهترین درخواست شدگان و ای مهربانترین رحم خواستگان رحم کن

۱. مهج الدعوات، صفحه ۸ و بحار الانوار، جلد ۹۲، صفحه ۶۳، حدیث ۳۹.

۲. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۶۷، حدیث ۱۶. ۳. همان مدرک، صفحه ۵۶۸، حدیث ۱۸.

وَرَسُولُهُ، وَ أَنَّ الدِّينَ كَمَا شَرَعَ، وَ أَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا وَصَفَ، وَ أَنَّ الْكِتَابَ

و رسول اوست و دین همان است که او مقرر داشته و اسلام همان است که توصیف کرده و کتاب چنان است

كَمَا أَنْزَلَ، وَ أَنَّ الْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ، وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ، ذَكَرَ اللَّهُ

که نازل فرموده و گفتار همان است که او گفته و همانا خدا برحق و آشکار است و خدا

مُحَمَّدًا وَأَهْلَ بَيْتِهِ بِخَيْرٍ، وَ حَيًّا مُحَمَّدًا وَأَهْلَ بَيْتِهِ بِالسَّلَامِ.^۱

محمد و خاندانش را بخیر یاد کند و تحیت دهد به محمد و خاندانش بوسیله سلام.

۲- در روایتی آمده است که شخصی نامه‌ای به محضر امام محمدتقی علیه السلام نوشت و اظهار داشت که قرض بسیاری دارم (چه کنم؟). امام علیه السلام در پاسخ نوشت: زیاد استغفار کن و سوره «اَنَا أَنْزَلْنَاهُ» را بسیار بخوان.^۲

۵- دعا برای گشایش در کارها

تلاش و کوشش رمز پیروزی و موفقیت است و هرگز و در هیچ حال نباید از آن دست برداشت، اما گاه گره‌هایی در کارها پیدا می‌شود که برای گشودن آنها جز این که انسان دست به دامان لطف خدا بزند راهی نیست. برای حل این مشکلات دعاهایی از معصومین علیهم السلام در منابع معتبر نقل شده که ان شاء الله کارگشاست؛ از جمله:

۱- نوزده جمله است که سبب گشایش در کارها و بن‌بست‌هاست؛ این کلمات را رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام تعلیم داد، و جناب «شیخ صدوق» آن را در کتاب «خصال» آورده است:

يَا عِمَادَ مَنْ لَاعِمَادَ لَهُ، وَيَا ذُخْرَ مَنْ لَادُخْرَ لَهُ، وَيَا سِنْدَ مَنْ لَأَسْنَدَ لَهُ،

ای تکیه‌گاه کسی که تکیه‌گاه ندارد و ای ذخیره کسی که ذخیره ندارد و ای پشت کسی که پشتی ندارد

وَيَا حِرْزَ مَنْ لَأَحِرْزَ لَهُ، وَيَا غِيَاثَ مَنْ لَأَغِيَاثَ لَهُ، وَيَا كَرِيمَ الْعَفْوِ، وَيَا

و ای امان کسی که امانی ندارد و ای فریادرس کسی که فریادرسی ندارد ای بزرگوار گذشت ای

حَسَنَ الْبَلَاءِ، وَيَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، وَيَا عَوْنَ الضُّعْفَاءِ، وَيَا مُنْقِذَ الْعَرَقِيِّ،

خوش آزمایش ای بزرگ امید و ای یاور ناتوانان و ای نجات‌بخش غریقان

وَيَا مُنْجِيَ الْهَلَكِيِّ، يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ، يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ، أَنْتَ الَّذِي

نابود شده ای نیک‌ده ای زیبا ای نعمت بخش ای فزونبخش تویی که

سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَ نُورُ النَّهَارِ، وَ ضَوْءُ الْقَمَرِ وَ شُعَاعُ الشَّمْسِ،

سجده کند برایت سیاهی شب و روشنی روز و پرتو ماه و شعاع خورشید

وَ دَوِيُّ الْمَاءِ وَ حَفِيفُ الشَّجَرِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَنْتَ وَ حُدُكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ.

و صدای آب و صدای درخت ای خدا ای خدا ای خدا تویی یگانه‌ای که شریک نداری.

آنگاه می‌گویی: «اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا؛ خدایا چنین کاری را برایم انجام ده». (به جای این کلمات حاجت خود را ذکر می‌کنی) پس از خواندن آن، ان شاء الله تعالی حاجت شما مستجاب می‌شود.^۱
۲- این دعا نیز برای فرج و گشایش در کارها از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخْلَقْتُ وَ جَهِي عِنْدَكَ، فَإِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ

خدایا اگر چه گناهانم مرا در پیش تو بی‌آبرو کرده ولی من روکنم بدرگاهت بوسیله پیامبرت

نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ، وَ الْحَسَنَ

پیامبر رحمت محمد صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن

وَ الْحُسَيْنَ، وَ الْأَئِمَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.^۲

و حسین و امامان دیگر علیهم السلام.

۶- دعا برای آرامش در برابر عوامل وحشت

۱- در روایتی آمده است که شخصی به محضر امام صادق علیه السلام آمد و از وحشت (و ترس) شکایت کرد. امام علیه السلام فرمود: دعایی به تو می‌آموزم که اگر آن را بخوانی، نه در شب و نه در روز وحشت نخواهی کرد:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، إِنَّهُ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ،

بنام خدا و به یاری خدا و توکل کردم بر خدا که برآستی هرکه توکل کند بر خدا او برایش بس است

إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ، قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي كَنْفِكَ

برآستی خدا برساند فرمایشش را و قرار داده خدا برای هر چیز اندازه‌ای خدایا قرار ده مرا در کنف خود

وَ فِي جِوَارِكَ، وَ اجْعَلْنِي فِي أَمَانِكَ وَ فِي مَنَعِكَ.^۳

و در جوار خود و قرارم ده در امان و حفظ خودت.

۱. خصال، جلد ۲، صفحه ۵۱۰، حدیث ۱ و بحارالانوار، جلد ۹۲، صفحه ۱۵۵، حدیث ۳.

۲. تفسیر قمی، جلد ۱، صفحه ۳۴۵ و بحارالانوار، جلد ۹۲، صفحه ۱۸۵، حدیث ۵.

۳. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۶۸، حدیث ۱.

۲- برای رفع وحشت از تنهایی، «آیه الکرسی» را بخواند و پس از آن بگوید:

اللَّهُمَّ أَنْسِ وَحْشَتِي، وَ آمِنْ رَوْعَتِي، وَ اعِنِّي عَلَى وَحْدَتِي.^۱

خدایا آرامش ده وحشتم را و ایمنی بخش به ترسم و کمکم ده بر تنهاییم.

۳- روایت شده است که رسول گرامی اسلام ﷺ این دعا را برای حفظ فرزندان حسن و حسین علیهم السلام می خواند:

أَعِذُكُمْ كَمَا بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ، وَأَسْمَاءِ الْحُسْنَى كُلِّهَا عَامَّةً، مِنْ شَرِّ

پناه دهم شما را به کلمات تامه خدا و نامهای نیکویش به تمامی آنها عموماً از شرِّ

السَّامَةِ وَالْهَامَةِ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ لَأُمَّةٍ، وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ.

هر گزنده و خزنده و از شرِّ هر چشم بد و از شرِّ حسود وقتی حسودی کند.

در همان روایت آمده است که حضرت ابراهیم علیه السلام نیز همین دعا را برای حفظ فرزندانش، اسماعیل و اسحاق علیهم السلام می خواند.^۲

۴- روایت شده است که رسول گرامی اسلام ﷺ به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: یا علی! هرگاه احساس خطر کردی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

به نام خداوند بخشنده مهربان، جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ.

در این صورت، خداوند آن خطر و بلا را از تو دفع خواهد کرد.^۳

۵- از امام محمدباقر علیه السلام روایت شده است که چون امری پیش آید که از آن می ترسی، رو به سوی قبله کن و دو رکعت نماز بگذار و بگو:

يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا

ای بیناترین بینایان و ای شنواترین شنوایان و ای تندترین حسابگران و ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مهربانترین مهربانان.

۲. همان مدرک، صفحه ۵۶۹، حدیث ۳.

۱. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۷۳، حدیث ۱۳.

۳. همان مدرک، صفحه ۵۷۳، حدیث ۱۴.

این کلمات را هفتاد مرتبه بگو و در هر مرتبه که آن را گفتی حاجت خود را نیز با آن ذکر کن.^۱

۷- دعا برای ایمنی از شرّ ستمگران و دشمنان و حوادث سخت

۱- مرحوم شیخ «کفعمی» در کتاب «مصباح» دعایی را ذکر کرده و گفته است: «سید بن طاووس» این دعا را برای ایمنی از ستم حاکم ستمگر و ایمنی از بلا و سلطه دشمن و خوف از فقر و غم و اندوه شدید، ذکر کرده است و این دعا، از دعاهای «صحیفه سجّادیه» است. بنابراین هرگاه از اموری که ذکر شد، بیم داشتی، این دعا را بخوان:

يَا مَنْ تَحَلُّ بِهٖ عَقْدُ الْمَكَارِهٖ، وَيَا مَنْ يُفْثَأُ بِهٖ حَدُّ الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ

ای که گشوده شود بوسیله او گره گرفتاری‌ها و ای که شکسته شود بوسیله او تندی سختی‌ها و ای که از او خواهش شود

مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ، ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ، وَتَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ

برای رهایی یافتن (از غم‌ها و آمدن) بسوی فضای روح بخش گشایش، کارهای دشوار در برابر قدرتت آسان گشته و اسباب و وسایل به سبب لطف تو

الْأَسْبَابُ، وَجَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ، وَمَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ، فَهِيَ

فراهم گشته و قضا و قدر به قدرتت جاری گشته و همه چیز برطبق اراده تو گذشته است پس تمام چیزها

بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ، وَبِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ، أَنْتَ

به محض اراده تو بدون این که نیازی به گفتن باشد مطیع و فرمانبردارند و به محض ارادات بدون احتیاج به نهی و بازداشتن بازداشته‌اند تویی

الْمَدْعُوُّ لِلْمَهْمَاتِ، وَأَنْتَ الْمَفْرَعُ فِي الْمُلِمَّاتِ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا

که برای رفع دشواری‌ها خوانندت و تویی پناهگاه در سختی‌ها دور نشود از آن سختی‌ها مگر آنچه را که

دَفَعْتَ، وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ، وَقَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ

تو دور کنی و برطرف نگردد چیزی از آنها مگر آنچه را تو برطرف کنی و برآستی ای پروردگار من چیزی بر من رسیده که

تَكَادَنِي ثِقَلُهُ، وَاللَّمَّ بِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ، وَبِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ،

سنگینی آن مرا به زحمت انداخته و وارد شده بر من آنچه به‌دوش کشیدنش و امانده‌ام کرده و البته به نیروی خودت آن را بر من وارد کردی

وَبِسُلْطَانِكَ وَجْهَتَهُ إِلَيَّ، فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ، وَلَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ،

و به سلطنت خویش متوجه من کردی پس آنچه را تو فرستادی بازگرداننده

وَلَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ، وَلَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ، وَلَا مُيَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ، وَلَا

و آنچه را تو متوجه ساخته‌ای برگرداننده ندارد و آنچه را تو بسته‌ای گشاینده ندارد و آنچه را تو گشودنی گشش نتواند بست و آنچه را دشوار سازی آسان کننده ندارد

نَاصِرٍ لِّمَنْ خَذَلَتْ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ

و آن کس را که خوار کنی یاور ندارد پس درود فرست بر محمد و آتش و بگشا به فضل خود پروردگارا بر من در گشایش را

بَطُولِكَ، وَاكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَأَنْلِنِي حُسْنَ النَّظْرِ فِيمَا

و قدرت تسلطی را که اندوه و غم بر من پیدا کرده به نیروی خود درهم شکن و خوشبینی خودت را در آنچه

شَكُوْتُ، وَأَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصَّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

شکوه کردم به من عنایت کن و شیرینی رفتارَت را درباره خواستهام به من بچشان و از نزد خویش رحمت

وَفَرَجًا هَنِيئًا، وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَحَيًّا، وَلَا تُشْغَلْنِي

و گشایش گوارایی به من ببخش و هم از نزد خود راه چاره فوری برایم قرار ده و سرگرم مکن

بِالْإِهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ، وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ، فَقَدْ ضِيقْتُ لِمَا نَزَلَ بِي

به اهميت دادن به گرفتاری‌های دنیا از انجام واجبات و بکار بستن سنتها و دستورات زیرا که برآستی ای پروردگار من سینهام

يَا رَبِّ ذُرْعًا، وَامْتَلَأْتُ بِحَمَلٍ مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمًّا، وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَيَّ

از این پیش‌آمدی که برایم کرده تنگ شده و برای تحمّل این حادثه سر تا پایم را اندوه گرفته و تو بر دفع آنچه بدان

كَشِفَ مَا مُنِيتُ بِهِ، وَدَفَعَ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ

گرفتار شدهام و برطرف کردن آنچه بدان درافتادهام توانایی پس تو این کار را درباره من بکن اگر چه من سزاوار این محبت

مِنْكَ، يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَذَا الْمَنْ الْكَرِيمِ، فَأَنْتَ قَادِرٌ يَا أَرْحَمَ

تو نیستم ای صاحب عرش عظیم و دارنده نعمت بزرگ زیرا که تو توانایی ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. ۱

مهربانها آمین رب العالمین.



۲- برای دفع اندوه و ترس از ظلم زمامداران این دعای اهل بیت علیهم السلام را، (که از امام باقر علیه السلام نقل شده

است) بخوانید:

يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَيَا مُكُونًا كُلِّ شَيْءٍ، وَيَا بَاقِيًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ،

ای بوده پیش از هر چیز و ای بود کننده هر چیز و ای باقی پس از هر چیز

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا.

درود فرست بر محمد و آل محمد و با من چنین و چنان کن.

(به جای کذا و کذا، حاجت خود را ذکر می‌کنی).^۱

* * *

۳- مرحوم «ابن فهد حلی» روایت کرده است که روزی به جناب «ابودرداء» (از اصحاب رسول خدا) خبر دادند که خانه‌ات سوخته است. در پاسخ گفت: سوخته است! دیگری آمد همین خبر را داد، وی نیز اظهار داشت سوخته است! تا سه مرتبه این جریان تکرار شد، و هر بار «ابودرداء» با قاطعیت می‌گفت: خانه‌ام سوخته است. بعداً معلوم شد که همه خانه‌های اطراف سوخته است ولی خانه او سوخته است. به او گفتند: تو چگونه فهمیدی خانه‌ات سوخته است (با آن که خانه‌های اطراف همه سوخته بود) گفت: زیرا از رسول خدا ﷺ شنیدم که هر کس در وقت صبح این دعا را بخواند، در آن روز به وی بدی (و گزند) نخواهد رسید، و اگر در شب آن را بخواند در آن شب به او بدی و مشکلی نمی‌رسد، و من آن دعا را در آن روز خوانده بودم، آن دعا چنین است:

اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ،

خدایا تویی پروردگار معبودی جز تو نیست بر تو توکل کنم و تویی پروردگار عرش بزرگ

و لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ

و جنبش و نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ آنچه خدا خواهد شود و آنچه نخواهد نشود،

يَكُنْ، أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ

می‌دانم که خدا بر هر چیز تواناست و علم خدا به همه چیز احاطه دارد

عِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي [وَمِنْ شَرِّ قَضَاءِ السُّوءِ، وَ مِنْ شَرِّ

خدایا به تو پناه برم از شر خودم و از شر قضای بد و از شر

كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ]، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ

هر صاحب شری و از شر جن و انس و از شر هر جنبندگی که اختیارش

بِنِاصِيَّتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.^۲

بدست توست همانا پروردگارم به راه راست است.

۱. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۶۰، حدیث ۱۳.

۲. عده الداعی، صفحه ۲۷۱ و بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۹۷ (با مقداری تفاوت).

۸- دعا برای خلاصی از زندان

۱- مرحوم «سید بن طاووس» در کتاب «مهج الدعوات» نقل کرده است که: روایت شده است، شخصی مدت زیادی در شام محبوس بود، تا این که شبی حضرت زهرا علیها السلام را در خواب دید که به او فرمود: این دعا را بخوان، آن شخص نیز آن دعا را فراگرفت و خواند، به زودی از زندان آزاد شد؛ دعا، این است:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَمَنْ عَلاَهُ، وَبِحَقِّ الْوَحْيِ وَمَنْ أَوْحَاهُ، وَبِحَقِّ النَّبِيِّ

خدایا به حق عرش و آن کس که بر آن احاطه دارد و به حق وحی و آن کس که آن را فرو فرستد و به حق پیغمبر

وَمَنْ نَبَّأَهُ، وَبِحَقِّ الْبَيْتِ وَمَنْ بَنَاهُ، يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، يَا جَامِعَ كُلِّ قُوْتٍ،

و آن کس که مقام پیغمبری به او داده و به حق خانه کعبه و آن کس که ساختش ای شنوای هر صدا ای گردآورنده هر چه از دست رفته

يَا بَارِيَّ النَّفْسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَآتِنَا وَجْمِيعَ

ای پدید آورنده اشخاص پس از مرگ درود فرست بر محمد و خاندانش و به ما و همه

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، فَرَجًا مِنْ عِنْدِكَ

مردان و زنان با ایمانی که در شرق و غرب زمین هستند گشایشی هرچه زود از نزد خودت

عَاجِلًا، بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، صَلَّى

عطا فرما به حق گواهی دادن بر این که معبودی نیست جز خدا و محمد بنده و رسول توست درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا. ۱.

خدا بر او و بر آن فرزندان پاک و پاکیزه‌اش و تحت کامل و بسیاری بر آنها باد.

۲- امام موسی بن جعفر علیه السلام برای رهایی از زندان هارون، چهار رکعت نماز گزارد آنگاه این دعا را

خواند:

يَا سَيِّدِي نَجِّنِي مِنْ حَبْسِ هَارُونَ، وَخَلِّصْنِي مِنْ يَدِهِ، يَا مُخَلِّصَ

ای آقای من مرا از زندان هارون نجات بده و از دست وی خلاصم کن ای برون آورنده

الشَّجَرِ مِنْ بَيْنِ رَمْلِ وَ طِينِ وَ مَاءٍ، وَ يَا مُخَلِّصَ اللَّبَنِ مِنْ بَيْنِ فَرْثِ

درخت از میان ریگ و گل و آب و ای برون آورنده شیر از میان سرگین

وَدَمٍ، وَ يَا مُخَلِّصَ الْوَلَدِ مِنْ بَيْنِ مَشِيمَةٍ وَ رَحِمٍ، وَ يَا مُخَلِّصَ النَّارِ مِنْ بَيْنِ

و خون و ای برون آورنده بچه از میان پرده و بچه‌دان و ای برون آورنده آتش از میان

الْحَدِيدِ وَالْحَجَرِ، وَيَا مُخَلِّصَ الرُّوحِ مِنْ بَيْنِ الْأَحْشَاءِ وَالْأَمْعَاءِ،

آهن و سنگ و ای برون آرنده جان از میان احشا و رودها

خَلِّصْنِي مِنْ يَدَيْ هَارُونَ.

نجاتم ده از دست هارون.

وقتی که امام علیه السلام در زندان هارون بود و این دعا را خواند، هارون خواب وحشتناکی دید و ترسید؛ از این رو، دستور داد، تا آن حضرت را با احترام و اکرام از زندان آزاد سازند.^۱ (و این آخرین زندان آن حضرت که منتهی به شهادت شد، نبود).

۹- دعا برای توسعه در رزق

در روایات آمده است کسانی که در خانه بنشینند و دعا برای فزونی روزی کنند، هرگز دعای آنها مستجاب نمی شود و به آنها گفته می شود چرا تلاش نمی کنید^۲، ولی اگر همراه تلاش برای معاش، این دعاها را بخوانند و از لطف خدا استمداد کنند، بسیار مؤثر است:

۱- معاویة بن عمار می گوید: از امام صادق علیه السلام خواستم که دعایی برای جلب رزق و روزی، به من بیاموزد. آن حضرت این دعا را به من آموخت و من چیزی را برای زیاد شدن روزی بهتر از این دعا ندیدم. به من فرمود، بگو:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا

خدایا روزیم گردان از فضل وسیع و حلال و پاکیزهات روزی وسیع حلال

طَيِّبًا، بِلَاغًا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، صَبًّا صَبًّا هَنِيئًا مَرِيئًا، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا مِنْ مِّنٍّ مِنْ

پاکیزه‌ای که رساننده دنیا و آخرت باشد ریزان ریزان گوارا دلچسب بدون رنج و بدون منت از

أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، إِلَّا سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ، فَإِنَّكَ قُلْتَ: وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ

هیچ یک از خلق خود جز فراخی از فضل وسیع زیرا تو گفتی خدا را از فضلش

فَضْلِهِ. فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ، وَمِنْ عَطِيَّتِكَ أَسْأَلُ، وَمِنْ يَدِكَ الْمَلَأَى أَسْأَلُ.^۳

درخواست کنی پس من از فضل تو درخواست کنم و از عطایت درخواست کنم و از دست پُرت خواستارم.



۱. عیون اخبار الرضا، جلد ۱، صفحه ۹۳، حدیث ۱۳ و بحار الانوار، جلد ۴۸، صفحه ۲۱۹، حدیث ۲۰.

۲. وسائل الشیعه، جلد ۴، صفحه ۱۱۵۹، حدیث ۳.

۳. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۵۰، حدیث ۱.

۲- از رسول گرامی اسلام ﷺ این دعا برای طلب روزی روایت شده است:

يَا رَازِقَ الْمُقْلِبِينَ، وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ، وَيَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، وَيَا ذَا الْقُوَّةِ

ای روزی ده نداران و ای مهرورز به مسکینان و ای سرپرست مؤمنان و ای صاحب نیروی

الْمَتِينِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَرْزُقْنِي وَعَافِنِي، وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي. ۱

محکم درود فرست بر محمد و خاندانش و روزیم ده و عافیتم ده و کفایتم کن آنچه مهم است بر من.

۳- از امام محمدباقر علیه السلام روایت شده است که آن حضرت به یکی از یاران خود فرمود: برای طلب روزی

در سجده نماز فریضه بگو:

يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ، وَيَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ، أَرْزُقْنِي وَأَرْزُقْ عِيَالِي مِنْ

ای بهترین درخواست شدگان و ای بهترین عطاکنندگان روزی ده مرا و عیالم را از

فَضْلِكَ الْوَاسِعِ، فَإِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ. ۲

فضل گسترده خود که براستی تویی صاحب فضل بزرگ.

۴- از «ابوبصیر» (یکی از یاران بزرگوار امام صادق علیه السلام) نقل شده است که از تنگی معیشت به خدمت

امام صادق علیه السلام شکایت کردم و از آن حضرت برای رزق، دعایی را خواستم. امام علیه السلام این دعا را به من تعلیم

داد و از زمانی که آن را خواندم، نیازمند و محتاج نشدم. آن حضرت به من فرمود: در سجده نماز شب بگو:

يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ، وَيَا خَيْرَ مَسْئُولٍ، وَيَا أَوْسَعَ مَنْ أَعْطَى، وَيَا خَيْرَ

ای بهترین خوانده شده و ای بهترین درخواست شده و ای وسیع تر کسی که عطا کند و ای بهترین

مُرْتَجَى، أَرْزُقْنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ، وَ سَبِّبْ لِي رِزْقًا مِنْ قِبَلِكَ،

مایه امید روزیم ده و فراخ گردان بر من از روزیت و وسیله سازی کن روزیم را از جانب خود

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ۳

که تو بر هر چیز توانایی.

۱. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۵۲، حدیث ۷.

۲. همان مدرک، صفحه ۵۵۱، حدیث ۴ و مصباح کفعمی، صفحه ۱۷۰.

۳. کافی، جلد ۲، صفحه ۵۵۱، حدیث ۵.

مرحوم «شیخ طوسی» این دعا را در سجده آخر رکعت هشتم نافله شب نقل کرده است.^۱



۵- همچنین «ابوبصیر» این دعا را برای طلب روزی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. آن حضرت فرمود: این دعای امام علی بن الحسین، زین العابدین علیه السلام است که خدا را با آن می خواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الْمَعِيشَةِ، مَعِيشَةً أَتَقَوَّى بِهَا عَلَى جَمِيعِ

خدایا از تو خواهم خوبی زندگانی را آن زندگانی که نیرو گیرم بدان بر همه

حَوَائِجِي، وَآتَوْصَلُ بِهَا فِي الْحَيَاةِ إِلَى آخِرَتِي، مِنْ غَيْرِ أَنْ تُتْرِفَنِي فِيهَا

خواسته هایم و برسم بدان در زنده بودنم به آخرت بدون آن که بی خبر و سرگشم کنی در آن

فَاطْعِي، أَوْ تَقْتَرِبِ بِهَا عَلَيَّ فَاشْتَقِي، أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ، وَأَفْضَلُ

که طعنان کنم یا سخت گیری بر من که بدبخت گردم وسیع گردان بر من از روزی حالات و زیاده بخش

عَلَيَّ مِنْ سَيِّبِ فَضْلِكَ، نِعْمَةً مِنْكَ سَابِغَةً، وَعَطَاءً غَيْرَ مَمْنُونٍ، ثُمَّ

بر من از فضل ریزانت نعمتی از تو ریزان و عطایی بی منت سپس

لَا تُشْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ بِأَكْثَارٍ مِنْهَا تُلْهِبُنِي بِهَجْتِهِ، وَتَقْتَنِي زَهْرَاتُ

سرگرم مکن از سباسبازی نعمتت به زیادی آن که غافل کند مرا خرمی و شادابیش و بفریبد مرا

زَهْوَتِهِ، وَلَا بِأَقْلَالٍ عَلَيَّ مِنْهَا يَقْصُرُ بِعَمَلِي كَدُّهُ، وَيَمْلَأُ صَدْرِي هَمَّهُ،

آب و رنگ فریبدهاش و نه به اندک دادنش بر من از دنیا که در نتیجه کوتاه آید زحمت من از تلاشش و پر کند سینهام را اندویش

أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي غِنًى عَنِ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَبَلَاغًا أَنَالُ بِهِ

عطا کن به من ای خدا - از آنچه را که بی نیازی از بدان خلقت باشد و برساند مرا به

رِضْوَانِكَ، وَاعْوِذُ بِكَ يَا إِلَهِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ مَا فِيهَا، وَلَا تَجْعَلْ

خشنودیت و پناه برم به تو خدایا از شر دنیا و شر آنچه در آن است و قرار مده

الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا، وَلَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا، أَخْرِجْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِيًّا

دنیا را بر من زندان و نه جدا گشتش را از من اندوه، بیرونم آور آشوبش در حال خشنودیت

عَنِّي، مَقْبُولًا فِيهَا عَمَلِي إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ، وَمَسَاكِينَ الْأَخْيَارِ، وَأَبْدَلْنِي

از من و پذیرفتگی عملم در آن بسوی خانه زندگی و جایگاه های سکونت نیکان و عوضم ده

بِالدُّنْيَا الْفَانِيَةِ، نَعِيْمِ الدَّارِ الْبَاقِيَةِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَزْلِهَا وَزَلْزَلِهَا،

از دنیای فانی به نعمت‌های خانه جاویدان خدایا پناه برم به تو از فشار و سختی و لرزش‌های آن

وَمِنْ سَطَوَاتِ شَيَاطِينِهَا، وَ سَلَاطِينِهَا وَ نَكَالِهَا، وَ مِنْ بَغْيِ مَنْ بَغَى عَلَيَّ

و یورش‌های شیاطین و سلاطین آن و از وبالش و از ستم آن کس که بر من در آن ستم کند

فِيهَا، اَللّٰهُمَّ مِنْ كَادِنِيْ فِكِدَهُ، وَ مَنْ اَزَادَنِيْ فَاْرِدَهُ، وَ فُلَّ عَنِّيْ حَدَّ مَنْ

خدایا هرکه نقشه برای من بکشد تو برایش نقشه کش و هرکه قصد بد برایم کند تو درباره‌اش چنان کن و کُند کن از من تیزی سلاح کسی را که

نَصَبَ لِيْ حَدَّهُ، وَ اَطْفَ عَنِّيْ نَارَ مَنْ شَبَّ لِيْ وَ قُوْدَهُ، وَ اَكْفِنِيْ مَكْرَ

سلاحش را برایم تیز کرده و خاموش کن از من آتشی که برایم افروخته و کفایت کن از من مکر

الْمَكْرَةِ، وَ اَفْقًا عَنِّيْ عِيُوْنَ الْكُفْرَةِ، وَ اَكْفِنِيْ هَمَّ مَنْ اَدْخَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ،

بداندیشان و کور کن از من چشم کافران را و کفایت کن از من اندوه آن کس که اندویش را بدلم انداخت

وَ اَدْفَعْ عَنِّيْ شَرَّ الْحَسَدَةِ، وَ اَعْصِمْنِيْ مِنْ ذَلِكَ بِالسَّكِيْنَةِ، وَ الْبِسْنِي

و دور کن از من شر حسودان را و نگاهم دار از آن به آرامش خود و بیوشان بر من

دِرْعَكَ الْحَصِيْنَةَ، وَ اَخْبَانِيْ فِي سِتْرِكَ الْوَاقِي، وَ اَصْلِحْ لِيْ حَالِي،

زره محکم را و نگاهدار در پوشش نگهدارنده‌ات و به صلاح درآور حالم را

وَ صَدِّقْ قَوْلِيْ بِفِعَالِي، وَ بَارِكْ لِيْ فِيْ اَهْلِيْ وَ مَالِي. ۱

وراست درآور گفتارم را به کردارم و برکت ده برایم در خاندان و مالم.

یادآوری: برای طلب روزی، نمازهایی در بخش «نمازهای مستحب» گذشت (علاقه‌مندان به آن بخش مراجعه فرمایند). بار دیگر یادآوری می‌کنیم که هرگز نباید توسل به این دعاها به معنای عدم تلاش و کوشش، و سستی و تنبلی تفسیر شود؛ چرا که در حدیث داریم دعای این گونه افراد مستجاب نمی‌شود.

۱- دعا برای طلب باران و رفع خشکسالی (از صحیفه سجادیه)

اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا الْعَيْثَ، وَ اَنْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِعَيْثِكَ الْمُعْدِقِ، مِنْ السَّحَابِ

خدایا ما را از باران سیراب کن و رحمت خود را همراه با باران فراوان از ابری که

الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِكَ الْمَوْتِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ، وَ اٰمِنُنْ عَلٰى عِبَادِكَ

برای رویش زمین زیباییات در همه افق به حرکت درآمده، بر ما ارزانی دار. (خدایا) بر بندگانت

بِاَيِّنَاعِ الثَّمَرَةِ، وَ اٰخِي بِلَادِكَ بِيَلْوَعِ الزَّهْرَةِ، وَ اَشْهَدُ مَلَايِكَتِكَ الْكِرَامَ

با رسیدن میوهها منت گذار و شهرهایت را با شگفتن گلها زنده گردان، و فرشتگان آن فرستادگان بزرگوارت را

السَّفَرَةَ بِسَقْيِ مِنْكَ، نَافِعِ دَائِمٍ، غَزْرُهُ وَاِسْعٍ، دِرْرُهُ وَاِبِلٍ، سَرِيعِ

فرمان ده تا از جانب تو، باران سودمند و پیوسته که فراوان و گسترده و درشت بار، کند

عَاجِلٍ، تُحْيِي بِهِ مَا قَدُّ مَاتَ، وَ تَرُدُّ بِهِ مَا قَدُّ فَاتَ، وَ تُخْرِجُ بِهِ مَا هُوَ

و زود است، بیاورند تا آنچه از (زمین) مرده را زنده گردانی و آنچه از بین رفته، را برگردانی و آنچه رویدنی است را

اِتِّ، وَ تَوْسِعُ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا مُتْرَاكِمًا، هَنِيبًا مَرِيئًا طَبَقًا مُجَدِّجَلًا،

بروینایی و در روزیها وسعت بخشی. (همراه با) ابری انبوه، سازگار، فراگیر و برطنین (ولی)

غَيْرِ مُلْتٌ وَ دَقَّةً، وَ لَا خُلْبٌ بَرَقَهُ، اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مَغِيثًا مَرِيْعًا مُمْرِعًا،

بارانش طولانی و رعد و برقش فریبنده (وبی اثر) نباشد. خدایا ما را از باران کامل، رواننده گیاهان، فراگیر

عَرِيضًا وَاِسْعًا غَزِيْرًا، تَرُدُّ بِهِ النَّهِيْضَ، وَ تَجْبِرُ بِهِ الْمَهِيْضَ، اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا

و گسترده و فراوان سیراب کن. تا با آن گیاهان (مرده را) برگردانی و شکستگیها را با آن التیام بخشی. خدایا ما را از بارانی سیراب کن

سَقِيًّا تُسَيِّلُ مِنْهُ الظُّرَابَ، وَ تَمْلَأُ مِنْهُ الْجِبَابَ، وَ تَفَجِّرُ بِهِ الْأَنْهَارَ، وَ تُنْبِتُ

که از آن آبها را از تپهها روان سازی و چاهها را با آن پر سازی و رودها را به خروش آوری و درختان را

بِهِ الْأَشْجَارَ، وَ تُرَخِّصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِي جَمِيعِ الْأَمْصَارِ، وَ تَنْعَشُ بِهِ

با آن بروینایی و (با فراوانی ارزاق) در همه شهرها ارزانی پدید آوری و چهارپایان و مردم را

الْبَهَائِمَ وَ الْخَلْقَ، وَ تُكْمِلُ لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَ تُنْبِتُ لَنَا بِهِ الزَّرْعَ،

با آن جان دوباره‌ای بخشی و روزی پاک را بدان وسیله بر ما کامل نمایی و کشتزار را برای ما بروینایی

وَ تُدْرِئُ بِهِ الضَّرْعَ، وَ تَزِيْدُنَا بِهِ قُوَّةَ اِلٰى قُوَّتِنَا، اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا

و پستانها (ی حیوانات) را پر شیر سازی و بدین گونه بر قوت و نیروی ما بیفزایی. خدایا آن ابرها را بر ما سایه (و یاد)

سَمُوْمًا، وَ لَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُوْمًا، وَ لَا تَجْعَلْ صُوْبَهُ عَلَيْنَا رُجُوْمًا،

مسموم و خنکی آن را (سرمای) نابودگر و ریزش آن را چون ریزش سنگ (همچون تگرگ)

وَ لَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا اُجَاجًا، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

و آبش را آب شور قرار مده. خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست

وَأَرْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

و ما را از برکات آسمان و زمین روزی ده، به یقین تو بر انجام هر کاری توانایی.

۱۱- دعای توبه

حقیقت توبه، بازگشت از گناه و روی آوردن به خداوند است.

با توجه به این که انسان همیشه در معرض لغزش‌ها و معصیت قرار دارد؛ باید پیوسته از خدا توفیق ترک گناهان و بازگشت به او را طلب کند، و با آب توبه، زنگارهای دل را شستشو دهد. البته توبه واقعی، با پشیمانی حقیقی، عزم بر ترک آن گناه، جبران آنچه را ترک کرده، و ادای حقوق خدا و خلق محقق می‌شود؛ ولی به یقین دست عنایت الهی و امدادهای ویژه پروردگار، در این مسیر نقش مؤثری دارد، و البته امداد و عنایتش شامل حال آنها که صداقت در توبه دارند، می‌شود.

ائمه اطهار علیهم‌السلام با آن که پیراسته از هر گناهی بوده‌اند، ولی با توجه به عظمت پروردگار و نگاه به جلال و جبروت حق تعالی، خود را در پیشگاه ذات ربوبی، مقصر می‌دیدند و معتقد بودند، نمی‌توانند آن گونه که شایسته خداوندی است، اطاعت و بندگی او را بجا آورند، و لذا از درگاه خدای مهربان عذرخواهی می‌کردند و استغفار و توبه می‌نمودند.

علاوه بر آن که، این گونه دعاها و طلب توبه و استغفار از سوی آن بزرگواران برای مردم جنبه سرمشق و آموزشی دارد؛ و راه بازگشت به خداوند و توبه و انابه به درگاه او را، به ما می‌آموزد، و عظمت گناه و سنگینی نافرمانی حق را به درستی برای ما مجسم می‌سازد. باشد که ما - انسانهای گناهکار - به خود آییم و هر چه بیشتر در مسیر تهذیب نفس و پاکی روح و جان بکوشیم و اگر به گناهی آلوده شده‌ایم، هر چه سریع‌تر توبه نموده و آن را جبران نماییم.

در این قسمت، یکی از دعاهای امام سجّاد علیه‌السلام را که درباره توبه و طلب توفیق آن و بازگشت به سوی پروردگار است، ذکر می‌کنیم:

اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ الْوَاصِفِينَ، وَيَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ

خدایا ای که وصفش نکند توصیف و وصف‌کنندگان و ای که از او نگذرد امید

الرَّاجِبِينَ، وَيَا مَنْ لَا يُضِيعُ لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى

امیدواران و ای که تباہ نشود در نزدش مزد نیکوکاران و ای که اوست سرحد نهایی

خَوْفِ الْعَابِدِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ، هَذَا مَقَامٌ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ

ترس عبادت‌کنندگان و ای که اوست غایت بیم پرهیزکاران این است جایگاه کسی که دست بدستش داده‌اند

أَيْدِي الذُّنُوبِ، وَقَادَتْهُ أَرْمَةُ الْخَطَايَا، وَاسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ، فَقَصَّرَ

دست‌های گناهان و کشانده‌اند او را مهارهای خطاها و چیره شده بر او شیطان و بدین سبب کوتاهی کرده

عَمَّا أَمَرَتْ بِهِ تَفَرُّطًا، وَتَعَاطَى مَا نَهَيْتَ عَنْهُ تَغَرُّبًا، كَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِكَ

از دستورات از روی کاهلی و دست زده بدانچه نهی کردی از غرور چون کسی که خبر ندارد از قدرتی که تو

عَلَيْهِ، أَوْ كَالْمُنْكَرِ فَضْلَ إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ، حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى،

بر او داری یا مانند کسی که منکر فزونی احسان تو بر خود است تا چون چشم بصیرتش گشوده شد

وَتَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَابِيبُ الْعَمَى، أَحْصَى مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ، وَفَكَرَ فِيمَا خَالَفَ

و ابرهای گمراهی برطرف شد ستم‌های خود را بر خویشان برشمرد و در آنچه مخالفت پروردگارش را کرده

بِهِ رَبِّهِ، فَرَأَى كَبِيرَ عِصْيَانِهِ كَبِيرًا، وَجَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا، فَاقْبَلَ نَحْوَكَ

اندیشه کرد و نافرمانی بزرگش را بزرگ دید و مخالفت عظیم خود را عظیم پس رو آورده بسوی

مَوْمِلًا لَكَ، مُسْتَحْيِيًّا مِنْكَ، وَوَجَّهَ رَغْبَتَهُ إِلَيْكَ ثِقَةً بِكَ، فَأَمَّاكَ بِطَمَعِهِ

امیدوار به تو و شرمنده و روی اشتیاقش را به تو متوجه کرد از روی اعتماد به تو و از روی یقین با طمعش

يَقِينًا، وَقَصَدَكَ بِخَوْفِهِ إِخْلَاصًا، قَدْ خَلَا طَمَعُهُ مِنْ كُلِّ مَطْمُوعٍ فِيهِ

آهنگت کرده و از روی اخلاص با ترس قصد تو کرده طمعش از هر مورد طمعی جز تو

غَيْرِكَ، وَأَفْرَحَ رَوْعُهُ مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ مِنْهُ سِوَاكَ، فَمَثَلَ بَيْنَ يَدَيْكَ

بریده و از هر ترسناکی جز تو نمی‌ترسد پس مجسم شده در برابرت

مُتَضَرِّعًا، وَغَمَّضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعًا، وَطَاطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ

با تضرع و دوخته است چشم خود را بر زمین با حال خضوع و برای عزت با خواری سر بزیر

مُتَذَلِّلًا، وَأَبْتَكَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا، وَعَدَّدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا

افکنده و فاش کرده راز خود را برایت آن رازی که تو خود داناتری بدان با حال خضوع و برشمرده از گناهانش آنچه را

أَنْتَ أَحْصَى لَهَا خُضُوعًا، وَاسْتَعَاثَ بِكَ مِنْ عَظِيمٍ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ،

تو بهتر شمرده‌ای با خضوع، و استناثه کند به تو از گناه بزرگی که در علم تو او را تیا ساخته

وَقَبِيحٍ مَا فَضَحَهُ فِي حُكْمِكَ، مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرَتْ لَذَاتُهَا فَذَهَبَتْ،

و زشتی آنچه در حکم تو او را رسوا کرده، گناهانی که خوشیش رفته

وَأَقَامَتْ تَبِعَاتُهَا فَلَزِمَتْ، لَا يُنْكِرُ يَا إِلَهِي عَدْلَكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ، وَلَا يَسْتَعْظِمُ

و مسئولیتش بجا مانده، معبودا اگر عقابش کنی منکر عدل تو نیست و اگر از او درگذری

عَفْوِكَ إِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَ رَحِمْتَهُ، لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَتَعَاطَمُهُ

و رحمش کنی گذشتت را بزرگ نداند زیرا تو پروردگار کریمی هستی که بزرگ نباشد در نزدش

عُفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ، اَللّٰهُمَّ فَهَآ اَنَا ذَا قَدْ جِئْتُكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ

آمرزش گناه بزرگ خدایا من اکنون آمده‌ام بدرگاهت و فرمانبردارم دستوری را که فرمودی

بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ، مُتَنَجِّزًا وَعَدَّكَ فِيمَا وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَةِ، إِذْ تَقُولُ:

در دعا کردن و خواهانم وفای به وعده‌ات را در اجابتی که وعده دادی چون که فرمودی

أَدْعُوْنِي اسْتَجِبْ لَكُمْ. اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَالْقِنِي بِمَغْفِرَتِكَ

«بخوانید مرا تا اجابت کنم» خدایا پس درود فرست بر محمد و آلش و با آمرزشت به من روآور

كَمَا لَقَيْتَكَ بِإِقْرَارِي، وَارْفَعْنِي عَنْ مَصَارِعِ الذَّنُوبِ كَمَا وَضَعْتَ لَكَ

چنانچه من با اقرار (به گناه) به تو روآوردم و بردار مرا از افتادن گناه‌های گناه چنانچه خود را برایت

نَفْسِي، وَاسْتُرْنِي بِسِتْرِكَ كَمَا تَأْتِيْنِي عَنِ الْإِنْتِقَامِ مِنِّي، اَللّٰهُمَّ وَ ثَبَّتْ فِي

پست کردم و به پوشش خود مرا ببوشان چنانچه مهلتم دادی از انتقام خدایا نیتم را در

طَاعَتِكَ نِيَّتِي، وَ أَحْكِمْ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيْرَتِي، وَ وَفَّقْنِي مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا

اطاعتت ثابت گردان و بیناییم را در بندگی‌ت محکم کن و به کارهایی موقم دار که

تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَايَا عَنِّي، وَ تَوْفَّقْنِي عَلٰى مِلَّتِكَ وَ مِلَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

بشویی بدان چرکی خطاها را از من و بمیرانم بر کیش خود و کیش پیامبرت محمد

عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَفَّقْتَنِي، اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتُوبُ اِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ كِبَائِرِ

علیه السلام آنگاه که بمیرانی مرا خدایا من در این جایگاهم بدرگاهت توبه کنم از گناهان

ذُنُوبِي وَ صَغَائِرِهَا، وَ بَوَاطِنِ سَيِّئَاتِي وَ ظَوَاهِرِهَا، وَ سَوَالِفِ زَلَّاتِي

کبیره و صغیرام و از بدی‌های پوشیده و آشکارم و از لغزش‌های گذشته

وَ حَوَادِثِهَا، تَوْبَةً مَنْ لَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِيَةٍ، وَلَا يُضْمِرُ أَنْ يَعُودَ فِي

و تازه‌ام توبه کسی که به خود تلقین نکند تجدید گناهی را و در دل نگیرد که دوباره به

خَطِيئَةٍ، وَقَدْ قُلْتَ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ، إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ

خطایی بازگردد و تو ای خدای من در کتاب محکمت فرمودی که توبه را از بندگانت می‌پذیری

عِبَادِكَ، وَ تَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ، وَ تُحِبُّ التَّوَابِينَ، فَاقْبَلْ تَوْبَتِي كَمَا

و از بدی‌ها می‌گذری و دوست داری توبه‌کاران را پس چنانچه وعده فرمودی توبه‌ام بپذیر

وَ عَدْتَ، وَ اعْفُ عَنِ سَيِّئَاتِي كَمَا ضَمِنْتَ، وَ اَوْجِبْ لِي مَحَبَّتَكَ كَمَا

و از بدی‌هایم درگذر چنانچه ضمانت کردی و مقرر دار برایم دوستیت را چنانچه

شَرَطْتَ، وَ لَكَ يَا رَبِّ شَرْطِي اِلَّا اَعُوذُ فِي مَكْرُوهِكَ، وَ ضَمَانِي اِلَّا

شرط فرمودی و من با تو شرط می‌کنم که در کار ناپسند تو بازنگردم و ضمانت کنم که بازنگردم

اَرْجِعَ فِي مَذْمُومِكَ، وَ عَهْدِي اَنْ اَهْجُرَ جَمِيعَ مَعَاصِيكَ، اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَعْلَمُ

در امر نکوهیدات و تعهد کنم که ترک کنم تمام نافرمانی‌ها را خدایا تو داناتری

بِمَا عَمِلْتُ، فَاعْفِرْ لِي مَا عَلِمْتَ، وَ اصْرِفْنِي بِقُدْرَتِكَ اِلَىٰ مَا اَحْبَبْتَ،

بدانچه کرده‌ام ببیمرز گناهی را که از من دانی و بگردانم به نیرویت بدانچه دوست داری

اَللّٰهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ قَدْ حَفِظْتَهُنَّ، وَ تَبِعَاتٌ قَدْ نَسِيتَهُنَّ، وَ كُلُّهُنَّ بِعَيْنِكَ

خدایا بر من بازخواست‌هایی است که به یاد دارم و بازخواست‌هایی است که فراموش کرده‌ام و همه در برابر دیدۀ توست

الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ عَلِمَكَ الَّذِي لَا يَنْسِي، فَعَوِّضْ مِنْهَا اَهْلَهَا، وَ اَحْطُطْ عَنِّي

که خواب نرود و علمت که فراموشی ندارد عوض آنها را به صاحبانش بده و سنگینش را

وِزْرَهَا، وَ خَفِّفْ عَنِّي ثِقَلَهَا، وَ اعْصِمْنِي مِنْ اَنْ اُقَارِفَ مِثْلَهَا، اَللّٰهُمَّ وَ اِنَّهُ

از دوش من بردار و سبک کن گرانش را و نگاهم دار از ارتکاب امثال آن خدایا جز

لَا وَفَاءَ لِي بِالتَّوْبَةِ اِلَّا بِعِصْمَتِكَ، وَ لَا اسْتِمْسَاكَ بِي عَنِ الْخَطَايَا اِلَّا عَن

به نگهداری تو نتوانم به توبه‌ام وفا کنم و جز به نیروی تو نتوانم خود را از خطا نگهدارم

قُوَّتِكَ، فَقَوِّنِي بِقُوَّةِ كَافِيَةٍ، وَ تَوَلَّنِي بِعِصْمَةِ مَانِعَةٍ، اَللّٰهُمَّ اَيُّمَا عَبْدٍ تَابَ

پس تقویتم کن به نیرویی کافی و سرپرستم کن به نگهداری بازدارنده خدایا هر بنده‌ای که توبه کند

اِلَيْكَ وَ هُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاَسِخْ لِتَوْبَتِهِ، وَ عَائِدٌ فِي ذَنْبِهِ

بدرگاهت ولی در علم غیب نزد تو توبه‌شکن باشد و بازگردندۀ به گناه

وَ خَطِيئَتِهِ، فَاِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اَكُونَ كَذَلِكَ، فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ تَوْبَةً لَا

و خطایش باشد من به تو پناه برم که چنین باشم و این توبه‌ام را چنان کن که

اَحْتِاجُ بَعْدَهَا اِلَىٰ تَوْبَةٍ، تَوْبَةٌ مُّوجِبَةٌ لِمَحْوِ مَا سَلَفَ، وَ السَّلَامَةُ فِيْمَا بَقِيَ،

محتاج نباشم دوباره توبه کنم، توبه‌ای که سبب شود گناهان گذشته‌ام محو گردد و در آینده نیز اوده نگردم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدِرُ إِلَيْكَ مِنْ جَهْلِي، وَأَسْتَوْهَبُكَ سَوْءَ فِعْلِي، فَاصْمُنِي إِلَىٰ

خدایا من از تو پوزش خواهم از نادانیم و از تو بخشش خواهم از کار بدم پس به احسان خود

كُنْفِ رَحْمَتِكَ تَطَوُّلاً، وَأَسْتُرْنِي بِسِتْرِ عَافِيَتِكَ تَفَضُّلاً، اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتُوبُ

مرا در پناه رحمتت درآور و به فضلت در پرده عافیت بیوشانم خدایا من بدرگاهت توبه کنم

إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ، أَوْ زَالَ عَنْ مَحَبَّتِكَ مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِي،

از هر چه مخالف ارادهات کردم یا بیرون از دوستیت از خطرات دلم و

وَلَحْظَاتِ عَيْنِي، وَحِكَايَاتِ لِسَانِي، تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَىٰ

نگاههای چشمم و سرگذشت‌های زبانم توبه‌ای که سالم ماند بدان هر عضوی

حِيَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِكَ، وَتَأْمَنُ مِمَّا يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِيمِ سَطَوَاتِكَ،

جداگانه از کفرهای تو و ایمن گردد از آنچه تجاوزکاران می‌ترسند از سطوت‌های دردناکت

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَحَدَّتِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَوَجِبَ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ،

خدایا رحم کن به تنهاییم در برابرت و طپیدن دلم از ترست

وَاضْطْرَابِ أَرْكَانِي مِنْ هَيْبَتِكَ، فَقَدْ أَقَامْتَنِي يَا رَبُّ ذَنْبِي مَقَامَ الْخِزْيِ

و لرزش اندامم از هیبتت که برپا داشته پروردگارا گناهانم مرا بدرگاه تو در جای

بِفَنَائِكَ، فَإِنْ سَكَتُ لَمْ يَنْطِقْ عَنِّي أَحَدٌ، وَإِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِأَهْلِ

رسوایی پس اگر سکوت کسی از جانب من سخن نکند و اگر شفاعت خواهم شایسته

الشَّفَاعَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَشَفِّعْ فِي خَطَايَايَ كَرَمَكَ، وَعُدْ

شفاعت نیستم خدایا درود فرست بر محمد و آتش و شفیع گردان در خطاهایم بزرگواریت را و ببخش

عَلَىٰ سَيِّئَاتِي بِعَفْوِكَ، وَلَا تَجْزِنِي جَزَائِي مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَأَبْسِطْ عَلَيَّ

گناهانم را به گذشت و بیاداشم که عذاب تو است پاداشم مده و احسانت را بر من

طَوْلَكَ، وَجَلَّلْنِي بِسِتْرِكَ، وَأَفْعَلْ بِي فِعْلَ عَزِيزٍ تَضَرَّعَ إِلَيْهِ عَبْدٌ ذَلِيلٌ

بگستران و به پرده پوشیت بیوشانم و رفتار کن با من به رفتار نیرومندی که زاری کند بدرگاهش بنده خوار

فَرِحِمَهُ، أَوْ غِنِيَّ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقِيرٌ فَنَعَشَهُ، اللَّهُمَّ لَا خَفِيرَ لِي مِنْكَ

و رحمش کند، یا بی‌نیازی که بنده نیازمندی به نزدش رفته و بی‌نیازش کرده خدایا پناه دهی از تو ندارم

فَلْيَخْفُرْنِي عِزُّكَ، وَلَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ فَلْيَشْفَعْ لِي فَضْلُكَ، وَقَدْ أَوْجَلْتَنِي

و باید نیروی تو پناهم دهد و شفعی ندارم و فضل تو باید شفیعم گردد و خطاهایم به سختی

خَطَايَايَ، فَلْيُؤْمِنِّي عَفْوُكَ، فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلِ مَنِّي بِسُوءِ

مرا ترسانده و گذشتت باید ایمنم گرداند و هر چه گفتم چنان نیست که همه از روی نادانی به بدکاریم باشد

أَثْرِي، وَلَا نِسْيَانٍ لِّمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمٍ فِعْلِي، لَكِنْ لِتَسْمَعَ سَمَاوُكَ وَ مَنْ

و نه از روی فراموشی کردار نکوهیدهام در گذشته بلکه برای آنکه آسمانت و هرکه

فِيهَا، وَأَرْضُكَ وَ مَنْ عَلَيْهَا، مَا أَظْهَرْتُ لَكَ مِنَ النَّدَمِ، وَ لَجَاتُ إِلَيْكَ فِيهِ

در آن است و زمینت و هر که بر آن است اظهار پشیمانی مرا بدرگاهت بشنوند و پناهندگیم را

مِنَ التَّوْبَةِ، فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي لِسُوءِ مَوْقِفِي، أَوْ تُدْرِكُهُ

در توبه بسویت ببینند شاید برخی از آنها به رحمتت بر توقفگاه بدم رحم کند یا برای

الرِّقَّةَ عَلَيَّ لِسُوءِ حَالِي، فَيُنَالَنِي مِنْهُ بِدَعْوَةٍ هِيَ أَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ دُعَائِي،

حال بدم دلش بسوزد و دعایی کند که نزد تو پذیرفته‌تر از دعای من باشد

أَوْ شَفَاعَةٍ أَوْ كَدُّ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي، تَكُونُ بِهَا نَجَاتِي مِنْ غَضَبِكَ،

یا شفاعتی کند که مؤثرتر از شفاعت من باشد و همان وسیله نجات من از خشمت

وَفَوْزَتِي بِرِضَاكَ، اَللّٰهُمَّ اِنْ يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً اِلَيْكَ فَاَنَا اَنْدَمُ النَّادِمِينَ، وَاِنْ

و رسیدنم به خشنودیت گردد خدایا اگر پشیمانی توبه محسوب گردد من پشیمانترین پشیمانانم و اگر

يَكُنِ التَّرْكُ لِمَعْصِيَتِكَ اِنَابَةً فَاَنَا اَوَّلُ الْمُتَنَبِّئِينَ، وَاِنْ يَكُنِ الْاِسْتِغْفَارُ

ترک معصیت بازگشت حساب شود من نخستین بازگشت کننده‌ام و اگر آمرزش خواهی

حِطَّةً لِلذَّنُوبِ فَاِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، اَللّٰهُمَّ فَكَمَا اَمَرْتَ بِالتَّوْبَةِ،

گناهان را بریزد من از آمرزش خواهانم خدایا چنانچه دستور به توبه دادی

وَضَمِنْتَ الْقَبُولَ، وَ حَثَّتْ عَلَيَّ الدُّعَاءِ وَ وَعَدْتَ الْاِجَابَةَ، فَصَلِّ عَلَيَّ

و پذیرفتنش را ضمانت کردی و به دعا تشویق کردی و اجابتش را وعده دادی درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَقْبِلْ تَوْبَتِي، وَ لَا تَرْجِعْنِي مَرْجِعَ الْخَيْبَةِ مِنْ رَحْمَتِكَ،

محمد و آل محمد و بپذیر توبه‌ام را و بازم مگردان نومیدانه از رحمتت

اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَابُ عَلَيَّ الْمُذْنِبِينَ، وَ الرَّحِيمُ لِلْخَاطِئِينَ الْمُتَنَبِّئِينَ، اَللّٰهُمَّ

که تو برآستی توبه‌پذیری بر گناهکاران و مهرورزی به خطاکاران بازگشته خدایا

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا هَدَيْتُنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا

درود فرست بر محمد و آلش چنانچه بدو راهنمایمان کردی و درود فرست بر محمد و آلش چنانچه

اَسْتَنْقِذْنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ،

به وی نجاتمان دادی و درود فرست بر محمد و آلش درودی که شفیع ما گردد در روز قیامت

وَيَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ هُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ.^۱

و در روز نیازمندی به درگاهت که تو بر هر چیز توانایی و این کار بر تو آسان است.

همچنین، «مناجات تائبان» از امام سجّاد علیه السلام بسیار سازنده و ارزشمند است، که خواندن آن به سالکان راه حق و پویندگان مسیر خودسازی، توصیه می‌شود (این مناجات، در بخش مناجات‌ها و دعا‌های معروف آمده است).

۱۲- دعا برای حسن عاقبت (از صحیفه سجّادیه)

يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ، وَ يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ، وَ يَا مَنْ

ای کسی که یادش برای ذاکران افتخار است و ای کسی که شکر او موفقیتی برای شاكران است و ای کسی که

طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ

اطاعت از او مایه نجات فرمانبران است. بر محمد و آلش درود فرست و دل‌های ما را با یادت،

عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ، وَ اَلْسِنَتُنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ، وَ جَوَارِحُنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ

از هر یاد دیگری و زبان ما را با شکر از هر شکر و جوارح ما را با طاعت خویش از

كُلِّ طَاعَةٍ، فَإِنَّ قَدْرَتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ، فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ، لَا

هر طاعت (غیر خود) باز دار. اگر برای ما فراغتی فراهم ساختی، آن را فراغت سالم قرار ده (که در آن)

تَذَرِكُنَا فِيهِ تَبَعَةً، وَ لَا تَلْحَقْنَا فِيهِ سَامَةً، حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كِتَابُ

گناهی ما را گرفتار نسازد و خستگی به ما نرسد، به گونه‌ای که نویسندگان

السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَةِ خَالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا، وَ يَتَوَلَّى كِتَابَ الْحَسَنَاتِ عَنَّا

گناه، یا صحیفه‌ای خالی از وجود گناهانمان برگردند و نویسندگان کارهای نیک، به سبب نوشتن

مَسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا، وَ إِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا، وَ تَصَرَّمَتْ

حسنت ما خوشحال بازگردند و هنگامی که روزگار زندگانی ما سپری شد و مدت عمر ما

مُدَدُ أَعْمَارِنَا، وَ اسْتَحْضَرْتَنَا دَعْوَتُكَ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْهَا وَ مِنْ اجَابَتِهَا، فَصَلِّ

به سر آمد و دعوت تو (برای رفتن) که چاره‌ای از اجابت آن نیست، فرا رسید، پس

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِي عَلَيْنَا كِتَابَةَ أَعْمَالِنَا، تَوْبَةً

بر محمد و آلش درود فرست و سرانجام آنچه را که نویسدگان اعمال ما، برای ما رقم زده‌اند را توبه

مَقْبُولَةً لَا تَوْقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ، وَلَا مَعْصِيَةٍ اقْتَرَفْنَاهَا،

پذیرفته قرار داده (به گونه‌ای که) پس از آن ما را برای گناهی که انجام داده‌ایم و معصیتی که مرتکب شده‌ایم، متوقف نکند

وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرًا سَتَرْتَهُ عَلَي رُؤُسِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ

و در آن روز که خیرها (و گزارش‌ها) دربارهٔ بندگان را به نقد می‌کشی، پرده‌ای که بر گناه ما انداخته‌ای را در برابر مردم بر نداری،

عِبَادِكَ، إِنَّكَ رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ، وَ مُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ.^۱

به یقین تو نسبت به کسی که تو را می‌خواند مهربانی و به ندای آن کس که تو را می‌خواند پاسخ می‌دهی.

۱۳- دعای وقت مطالعه

مرحوم «فیض کاشانی» در «خلاصة الأذکار» این دعا را برای مطالعه نقل کرده است که در عین

فشردگی محتوایی عالی دارد:

اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ، وَأَكْرِمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ، اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا

خدایا بروم از تاریکی‌های وهم و گرامیم دار به نور فهم خدایا بگشا بروم

أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَأَنْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۲

درهای رحمت را و ببار بر سر ما خزینه‌های دانشت را به مهرت ای مهربانترین مهربانان.

۱۴- دعای شب زفاف

با توجه به این که از نظر اسلام، امر ازدواج، بسیار مقدس و ارزشمند است و ترغیب فراوانی نسبت به آن شده است، برای مراحل مختلف این کار، آداب، دعاها و نمازهایی در روایات بیان شده است تا جنبه معنوی و روحانی آن حفظ شود و آلوده به انواع گناهان نگردد.

از جمله اموری که در مسأله ازدواج دستور داده شده است، نماز و دعا برای شب «زفاف» است:

۱- از امام محمدباقر علیه السلام نقل شده است که وقتی عروس را به منزل آوردی، به وی بگو، وضو سازد و خودت نیز وضو بساز و دو رکعت نماز بگذارید؛ پس از آن، حمد و ستایش الهی را بجا آورید و بر محمد و آل

۱. صحیفه سجاده، دعای ۱۱.

۲. این دعا را مرحوم محدث قمی در مفاتیح الجنان، باب ششم در خواص بعضی سوره و آیات و غیره آورده است.

محمد، صلوات بفرستید، و آنگاه (برای زندگی آسوده و پر معنویت) دعا کن و از زنانی که همراه عروس آمده‌اند، بخواه، آمین گویند. سپس این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْفَهْمَ وَوُدَّهَا وَرِضَاهَا، وَأَرْضِي بِهَا، وَاجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ

خدایا روزیم کن الف و دوستی و رضایتش را و مرا از او راضی کن و گردآور میان ما به بهترین

اجتماع، و انس ائتلاف، فانک تحب الحلال، و تکره الحرام.^۱

گردآوردن و مانوس‌ترین سازش که تو دوست داری حلال را و ناخوش داری حرام را.

۲- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در شب «زفاف» هنگامی که به نزد عروس می‌روی، رو به قبله

بنشینید و بگو:

اللَّهُمَّ بِأَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا، وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحَلَلْتُهَا، فَإِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلَدًا،

خدایا به امانت تو او را گرفتم و به کلمات تو حلالش کردم پس اگر از او فرزندی نصیبم کردی

فَجَعَلَهُ مُبَارَكًا تَقِيًّا مِنْ شَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكًَا

او را مبارک و با تقوا و از شیعیان آل محمد قرار ده و برای شیطان در او شرکت

وَلَا نَصِيبًا.^۲

و نصیبی قرار مده.

یادآوری: متأسفانه افراد ناآگاه شب زفاف را که پایه زندگی خانوادگی در آن گذارده می‌شود چنان آلوده به گناه می‌سازند که خیر و برکت را از آن خانواده دور می‌کنند. سزاوار است اهل ایمان از امر به معروف و نهی از منکر توأم با ادب و احترام خودداری نکنند.

آداب عقیقه:

از دیدگاه اسلام، کودک از زمان طفولیت - و حتی قبل از تولد - دارای جایگاه ویژه و حقوق خاصی است و بر والدین لازم است، با مراعات و توجه به آن، راه سعادت فرزند را هموار سازند.

تربیت فرزند صالح و رساندن او به سعادت و کمال مطلوب، از بدو تولد آغاز می‌شود: از اذان و اقامه گفتن در گوش او، نام نیک بر او نهادن و تلاش برای رسیدگی و مراقبت از کودک، تا فراهم ساختن

فراگیری صحیح و آموزش‌های لازم و مفید و رشد و شکوفایی خصلت‌های پاک انسانی در او. از جمله اموری که در اسلام، سفارش شده است، عقیقه برای فرزند است؛ منظور از عقیقه، قربانی کردن گوسفندی و مانند آن برای فرزند می‌باشد.

مرحوم «علامه مجلسی» در کتاب «حلیة المتّقین» به طور مشروح و گویا، آداب عقیقه را ذکر کرده است^۱ که ما فشرده‌ای از آن را در این جا می‌آوریم:

عقیقه برای فرزند، بر کسی که قادر بر آن باشد، سنّت مؤکّد است، و بعضی از علما آن را واجب می‌دانند، و بهتر آن است که در روز هفتم واقع شود، و اگر تأخیر افتاد، تا زمان بلوغ فرزند، بر پدر سنّت است؛ ولی بعد از بلوغ - تا آخر عمر - بر خودش سنّت است که عقیقه‌اش را انجام دهد!

در احادیث زیادی نقل شده است که هر فرزندی در گرو عقیقه است؛ یعنی اگر برای او عقیقه نکنند، ممکن است آن فرزند در معرض حوادث ناگوار قرار گیرد.

در حدیثی آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: ما برای عقیقه، گوسفندی را نیافتیم، آیا اجازه می‌دهید، قیمتش را صدقه دهیم؟ امام فرمود: جستجو کنید تا گوسفندی بیابید، زیرا خداوند دوست دارد، خوراندن طعام و ریختن خونِ (گوسفند برای این منظور).

در حدیث معتبری نقل شده است که شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: نمی‌دانم پدرم برای من عقیقه کرده است یا نه؟ فرمود: عقیقه بکن، آن مرد نیز در پیری برای خود عقیقه کرد!

در حدیث دیگری از همان حضرت نقل شده است که «فرزند را در روز هفتم، نام می‌گذارند و عقیقه می‌کنند، و سر او را می‌تراشند و موی سرش را با نقره وزن می‌کنند و آن نقره را تصدّق می‌نمایند و ران عقیقه را برای قابله می‌فرستند و باقی را برای مردم اطعام می‌کنند و یا به نیازمندان می‌دهند».

در حدیث دیگری به یکی از یارانش فرمود: «هرگاه پسری، یا دختری برای تو متولّد شود، در روز هفتم گوسفندی یا شتری را عقیقه کن و برای او نامگذاری نما و سرش را بتراش و به وزن موی سرش طلا، یا نقره تصدّق کن».

در حدیث دیگری وارد شده است که لااقل به ده نفر از مسلمانان اطعام کنند و خود آنان (پدر و مادر) از گوشت عقیقه نخورند! (این کار نوعی ایثار است).

مشهور میان علما آن است که عقیقه باید گوسفند یا شتر، و یا بُز باشد. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام در گوش آنها اذان گفتند و حضرت

۱. روایاتی که مرحوم علامه مجلسی نقل کرده است را می‌توانید در «وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۴۳» به بعد مطالعه کنید.

فاطمه علیها السلام در روز هفتم، برای آنان عقیقه کرد و پای گوسفند را همراه با یک سگه طلا، برای قابله فرستادند.

اگر عقیقه شتر است، باید پنج سال یا بیشتر داشته باشد و اگر بز است از یک سال بالاتر باشد. و اگر گوسفند است سن او کمتر از شش ماه نباشد، و اگر بیشتر باشد، بهتر است.

عقیقه شرایط دیگر هم دارد، از جمله آن که: نباید بیضه‌اش را کشیده باشند و شاخ او شکسته و گوشش بریده نباشد و بسیار لاغر و کور نباشد و به گونه‌ای لنگ نباشد که راه رفتن برای او دشوار باشد (مانند بسیاری از صفات قربانی حجاج).

ولی در حدیث معتبری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که عقیقه همانند «قربانی» نیست؛ هر گوسفندی که باشد خوب است. (هر چند داشتن آن صفات که در بالا آمد، بهتر است) و گوسفند نر و ماده هر دو کافی است و اگر نر باشد بهتر است.

اگر حیوان برای عقیقه موجود نباشد، صبر کنند تا فراهم گردد.

برای دعوت از مردم، جهت خوردن عقیقه، شرط نیست که فقیر باشند؛ ولی دعوت کردن از فقیران آبرومند و صالحان، بهتر است.^۱

دعای عقیقه:

مرحوم «علامه مجلسی» در ادامه، دعایی را برای عقیقه نقل کرده و فرموده: «از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این دعا را بخوان:»

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ عَقِيقَةً عَنْ فُلَانٍ، (نام آن فرزند را بگوید) لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ،

بنام خدا و به یاری خدا، خدایا این عقیقه از طرف فلانی است * * * * * گوشتش بجای گوشت او

وَدَمُّهَا بِدَمِّهِ، وَ عَظْمُهَا بِعَظْمِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَقَاءً لِّآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

و خوشی به خون او و استخوانش به استخوان او خدایا فرارش ده نگهدار آل محمد علیه و آل

السَّلَامُ * و در حدیث دیگری فرمود که این دعا را بخواند: يَا قَوْمِ اِنِّي بَرِيٌّ مِمَّا

السلام * ای مردم من بیزارم از آنچه شما

تُشْرِكُونَ، اِنِّي وَ جَهَّتْ وَ جَهِّي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ، حَنِيفًا

شریک خدا سازید من روکنم بسوی کسی که آفرید آسمانها و زمین را یک دل

مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ

در حال تسلیم و نیستم من از مشرکان همانا نماز و عبادتم و زندگی و مرگم از آن خدا

رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ، وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اَللّٰهُمَّ

پروردگار جهانیان است که شریک ندارد و به همین دستور دارم و از مسلمانانم خدایا

مِنْكَ وَ لَكَ، بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ، وَاللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ

از تو و برای توست بنام خدا و بیاری خدا و خدا بزرگتر است خدایا درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَ تَقَبَّلْ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ * وَ بجاى فلان بن فلان نام فرزند و پدرش را ببرد،

محمد و بپذیر از فلانی پسر فلانی * * * * *

آنگاه آن را ذبح کند.^۱

* * *

بخش نهم

استخاره و آداب آن



همیت، آداب و موارد استخاره
نواع استخاره:

۱- استخاره با قرآن

۲- استخاره با تسبیح

۳- استخاره ذات الرقاع

۴- استخاره با الهام قلبی

استخاره و آداب آن

مقدمه: اهمیت استخاره و آداب آن

بسیار می‌شود که انسان برای انجام کار مهمی متحیر و سرگردان می‌شود و مطالعه دربارهٔ جوانب آن، رفع تحیر از او نمی‌کند؛ با افراد آگاه مشورت می‌کند، ولی آنها نیز نظرات مختلفی دارند، و او همچنان در کار خود سرگردان می‌ماند و اگر این سرگردانی ادامه یابد خسارت‌های سنگینی دامن‌گیر او خواهد شد. در این گونه موارد، دستور استخاره داده شده است که انسان طبق آداب ساده‌ای با خداوند بزرگ - به وسیله قرآن مجید، یا تسبیح و مانند آن - مشورت کند و از ذات پاکش هدایت و راهنمایی به آنچه خیر و صلاح اوست، بطلبد؛ به یقین خداوند نیز او را - طبق روایات صریحی که داریم - راهنمایی خواهد کرد.

استخاره، نه تنها انسان را از حال تحیر و سرگردانی - که بدترین حالات است و مایهٔ تلف شدن وقت و نیروی اوست - نجات می‌بخشد، و او را با اراده و تصمیم قوی و گام‌های استوار به سوی مقصد به حرکت وا می‌دارد؛ بلکه واقعاً نیز راهنما و راهگشا به سوی خیرات است و این حقیقتی است که در روایات اسلامی وارد شده، و ما خود بارها و بارها آزموده‌ایم که استخاره‌ها گوئی معجزه می‌کند.

گاه انسان برای کاری استخاره می‌کند و مطابق آن، به سوی آن کار می‌رود و ظاهراً نتیجه‌ای نمی‌گیرد؛ اما بعد از ماه‌ها، یا سال‌ها، رمز عجیب آن استخاره را درمی‌یابد. به هر حال، استخاره را با پیشگویی نباید اشتباه گرفت؛ بلکه استخاره خیر و صلاح کار را از طریق درخواست از خداوند، به انسان نشان می‌دهد.

نکته:

دو چیز را به هنگام استخاره نباید فراموش کرد:

۱- استخاره منحصر به جایی است که مثبت یا منفی بودن کار بر انسان روشن نباشد، و با تفکر و

اندیشه، و حتی با مشورت کردن با افراد خبره و صاحب نظر نیز روشن نشود؛ این جا، جای استخاره است و در غیر این صورت استخاره کردن، اشتباه است.

۲- از استخاره‌های مکرر در یک چیز باید پرهیز کرد (مگر این که فاصله قابل توجهی بشود و یا این که شرایط تغییر کند). در استخاره‌های مکرر، همان استخاره اول معتبر است و بقیه اعتباری ندارد. باید انسان بعد از استخاره - با شرایطی که در بالا گفته شد - تردید نکند و به دنبال آن به راه بیفتد و از خدا خیر و صلاح خویش را بطلبد و بر ذات پاک او توکل کند، و مطمئن باشد نتیجه خواهد گرفت.



معنای دیگر استخاره:

استخاره معنای دیگری هم دارد که در روایات اسلامی کراراً به آن اشاره شده است و آن طلب خیر و سعادت از ذات پاک خداست.

یعنی به هنگام شروع در یک کار - حتی کارهای روشنی که برای آن استخاره نکرده است - انسان از خداوند خیر و سعادت خود را بخواهد (اصولاً استخاره به معنای طلب خیر است) و با گفتن جمله «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ» (از رحمت الهی طلب خیر و سعادت می‌کنم)، به آن کار اقدام کند و می‌تواند این مطلب را به فارسی هم بگوید. به هر حال، استخاره به این معنا طبق روایات اسلامی نیز، بسیار مفید و مؤثر است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

«مَا اسْتَخَارَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ إِلَّا خَارَ لَهُ؛ هِيَ بِنْدَةٌ بِأَيْمَانِي أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ؛ مِثْلُهَا»^۱

همچنین امیرمؤمنان علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود:

«وَأَكْثَرُ الْأَسْتِخَارَةِ؛ بَسِيْرًا أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ؛ مِثْلُهَا»^۲

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود:

در سجده آخر نماز شب، از خداوند طلب خیر نما و صد و یک مرتبه بگو: «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ؛ مِثْلُهَا»^۳

همچنین در سجده آخر نافله صبح نیز، استخاره به همین معنا وارد شده است.^۴

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۱. بحارالانوار، جلد ۸۸، صفحه ۲۲۴، حدیث ۴.

۴. همان مدرک، صفحه ۵۶۳، حدیث ۱۵۵۳.

۳. فقیه، جلد ۱، صفحه ۵۶۲، حدیث ۱۵۵۲.

آداب استخاره:

در روایات اسلامی آداب ویژه‌ای برای استخاره به معنای معروف آن، ذکر شده؛ مانند وضو داشتن و رو به قبله بودن و حالت توجّه و ارتباط قلبی با خداوند داشتن و استغفار کردن به هنگام استخاره و مانند آن^۱ و این امور، مطلوب و قطعاً مؤثر است.

**انواع استخاره:**

برای استخاره در روایات اسلامی و کلمات بزرگان علما، طُرُقی ذکر شده است که می‌توان با هر کدام از این شیوه‌ها استخاره کرد:

۱- استخاره با قرآن

یکی از رایج‌ترین انواع استخاره، استخاره با قرآن است که آن نیز به چند نحوه انجام می‌شود:

اول: از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل شده است که فرمود:

«هرگاه خواستی به وسیله کتاب خدا استخاره کنی، ابتدا سه مرتبه سوره «اخلاص» (قل هو الله...) را بخوان، آنگاه سه بار بر محمد و آتش صلوات بفرست و سپس این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي تَفَالَتُ بِكِتَابِكَ، وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ، فَارِنِي مِنْ كِتَابِكَ مَا هُوَ

خدایا به کتاب تو تفال می‌زنم (و استخاره می‌کنم) و بر تو توکل می‌کنم، پس تو نیز از کتاب خود، آن چه

مَكْتُومٌ مِنْ سِرِّكَ الْمَكْنُونِ فِي غَيْبِكَ.

در نهان غیب تو پنهان است، به من نشان بده.

سپس قرآن را بگشا و از صفحه اول سمت راست، سطر اول مقصود خودت را از خدا بخواه.^۲



دوم: مرحوم «سید بن طاووس» در کتاب «فتح الأبواب» نقل کرده است که برای استخاره، قرآن را

برمی‌داری و نخست این دعا را می‌خوانی:

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ فِي قَضَائِكَ وَقَدْرِكَ، أَنْ تَمَنَّ عَلَى أُمَّةٍ نَبِيِّكَ، بِظُهُورِ وَلِيِّكَ

خدایا اگر قضا و قدرت این است که با ظهور ولایت و فرزند پیامبرت بر امت رسول خدا

وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ، فَعَجَّلْ ذَلِكَ وَسَهِّلْهُ وَيَسِّرْهُ وَكَمِّلْهُ، وَأَخْرِجْ لِي آيَةً

منت گذاری، پس در ظهورش تعجیل و راهش را سهل و آسان قرار ده و برای من آیه‌ای بیرون آور

أَسْتَدِلُّ بِهَا عَلَىٰ أَمْرٍ فَأَتْتِمِّرُ، أَوْ نَهَىٰ فَاَنْتَهِيَ فِي عَافِيَةٍ.

که یا در آن امری باشد که انجامش دهم و یا نهی باشد که ترکش کنم به عافیت و تندرستی.

سپس حاجت و مشکل خود را عنوان می‌کنی و آنگاه قرآن را می‌گشایی، پس از آن هفت ورق می‌زنی، در ورق هفتم، صفحه سمت چپ، هفت سطر را بشمار و در سطر هفتم مطلب خویش را از آن آیه، دریاب.^۱

استخاره با قرآن به شیوه‌های دیگر نیز نقل شده است که برای رعایت اختصار از ذکر همه آنها صرف نظر می‌شود.^۲

۲- استخاره با تسبیح

این نوع استخاره نیز شایع و معروف است، که به چند شیوه انجام می‌شود:
اول: علامه مجلسی می‌نویسد: از «شیخ بهایی» نقل شده است: از بزرگان و اساتیدم شنیدم که این دستورالعمل از حضرت ولی عصر علیه السلام درباره استخاره با تسبیح رسیده است. فرمود: «تسبیح را به دست راست) می‌گیری و سه بار صلوات می‌فرستی و آنگاه قسمتی از تسبیح را (با دست چپ) می‌گیری و دوتا دوتا رد می‌کنی؛ اگر در پایان یک دانه باقی ماند، به معنای «افعل» (انجام بده) است و اگر دو دانه باقی ماند، مفهوم آن «لا تفعل» (انجام نده) است.^۳



دوم: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: (به هنگام استخاره با تسبیح) نخست یک مرتبه سوره «حمد» را می‌خوانی و آنگاه سه بار سوره «توحید» (قل هو الله...) را و آنگاه پانزده مرتبه صلوات می‌فرستی، سپس می‌گویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ وَجَدِّهِ وَأَبِيهِ، وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ، وَالْأُمَّةِ مِنْهُ

خدایا از تو می‌خواهم، به حق حسین و جدش و پدر و مادر و برادر و امامان از

۱. فتح الابواب، صفحه ۲۷۸ و بحارالانوار، جلد ۸۸، صفحه ۲۴۲، حدیث ۴.

۲. به کتاب مفاتح الغیب، تألیف مرحوم علامه مجلسی مراجعه شود.

۳. بحارالانوار، جلد ۸۸، صفحه ۲۵۰، حدیث ۴.

ذُرِّيَّتِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي الْخَيْرَةَ فِي

نسلش این که بر محمد و آل محمد درود فرستی و خیرم را در این تسبیح

هَذِهِ السَّبْحَةِ، وَأَنْ تُرِينِي مَا هُوَ الْأَصْلَحُ لِي فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا، اَللَّهُمَّ إِنَّ

قرار دهی و آنچه را که صلاح دین و دنیایم است به من نشان دهی. خدایا اگر

كَانَ الْأَصْلَحُ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ، وَعَاجِلَ أَمْرِي وَآجِلِهِ، فِعْلٌ مَا أَنَا عَازِمٌ

مصلحت دین و دنیا و امروز و فردایم در انجام کاری است که قصد آن را دارم،

عَلَيْهِ، فَأَمُرْنِي، وَإِلَّا فَانْهِنِي، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پس مرا بدان فرمان ده! وگرنه مرا از آن نهی کن؛ چرا که تو بر انجام هر کاری توانایی.

پس از آن، قسمتی از تسبیح را می‌گیری و آن را می‌شماری و با عدد اول می‌گویی «سُبْحَانَ اللَّهِ» و با عدد دوم می‌گویی «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و با عدد سوم می‌گویی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و به همین ترتیب پیش می‌روی؛ در پایان اگر دانه آخر شمارش، سُبْحَانَ اللَّهِ بود، مخیر میان فعل و ترک هستی و اگر الْحَمْدُ لِلَّهِ بود، نشانه امر است و آن را انجام می‌دهی و اگر لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بود، نهی است و آن را ترک می‌کنی.^۱

۳- استخاره ذات الرقاع

نحوه انجام «استخاره ذات الرقاع»^۲ که از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده، به این گونه است که هرگاه برای امور مهمی بخواهی استخاره کنی، بدین شیوه عمل کن:

نخست شش قطعه کاغذ تهیه می‌کنی و در سه قطعه آن می‌نویسی:
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ، لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ اِفْعَلْ؛ به نام خداوند بخشنده مهربان. اختیار و گزینشی است از جانب خداوند عزیز و حکیم برای فلانی فرزند فلانی» (و به جای این دو کلمه نام شخصی را که برای او استخاره می‌کنی و اسم مادرش را می‌نویسی)؛ در سه ورقه دیگر همین را می‌نویسی، ولی به جای «اِفْعَلْ» می‌نویسی «لَا تَفْعَلْ»، آنگاه آن کاغذها را زیر جانماز و سجاده خود می‌گذاری و دو رکعت نماز می‌خوانی؛ پس از نماز به سجده می‌روی و در سجده، صد مرتبه می‌گویی «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ، خَيْرَةٌ فِي عَافِيَةٍ؛ از رحمت الهی طلب خیر و سعادت همراه با عافیت می‌کنم» سپس می‌نشینی و می‌گویی: «اللَّهُمَّ خِرْ لِي، وَاخْتَرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي فِي يُسْرٍ وَ عَافِيَةٍ؛ خدایا در

۱. بحارالانوار، جلد ۸۸، صفحه ۲۵۰، حدیث ۵.

۲. «رقاع» جمع «رُقْعَة» به معنای ورقه کاغذ است و چون در این نوع استخاره، از نوشتن بر ورقه‌ها استفاده می‌شود، لذا به آن «استخاره ذات الرقاع» می‌گویند.

همه امور به آسانی و عافیت خودت (آنچه را که صلاح است) برایم اختیار کن.»
 آنگاه دست می‌بری و آن ورقه‌ها را به هم مخلوط می‌کنی و یکی یکی بیرون می‌آوری؛ اگر سه تا از ورقه‌ها که در آنها «إفعل» نوشته شده، پشت سر هم بیرون آید، کاری را که نیت کرده‌ای انجام می‌دهی (و بسیار خوب است)؛ و اگر سه تا «لا تفعل» خارج شد آن کار را انجام نمی‌دهی؛ ولی اگر یک بار «إفعل» و دفعه بعد «لا تفعل» بدست آمد، در این صورت سه ورقه دیگر را بیرون بیاور که در مجموع پنج ورقه خارج شود، در این صورت اگر سه تا «إفعل» بود و دو تا «لا تفعل» آن کار را انجام بده؛ ولی اگر بر عکس شد، انجام نده.^۱

۴- استخاره با الهام قلبی

مراد از «استخاره قلبی» آن است که انسان با یک حالت توجه و تضرع با خدای خود مشورت می‌کند و از او می‌خواهد راه صحیح را به وی نشان دهد و پس از آن، هر چه را که خداوند به قلب وی الهام کرد، انجام می‌دهد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمود:

اگر به انجام کاری نیاز داری (و نمی‌دانی انجام آن خوب است، یا بد)، با خداوند مشورت کن. اگر خداوند انجام آن کار را به قلب تو انداخت، پیروی کن وگرنه انجام نده.^۲

شیوه این استخاره به این نحوست که پس از نماز واجب، به سجده می‌روی و صد مرتبه می‌گویی: «اللَّهُمَّ خِزْلِي؛ خدایا تو برای من (آنچه را به صلاحم می‌باشد) اختیار کن» سپس به ما اهل بیت علیهم السلام متوسل می‌شوی، و ما را شفیع قرار می‌دهی؛ پس از آن به قلبت توجه کن، بنگر چه چیزی به تو الهام می‌شود؛ همان را انجام بده.^۳

همچنین در روایت معتبری می‌خوانیم که دو نفر از یاران امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌خواستند به مسافرت «مصر» بروند، از آن حضرت پرسیدند: مصلحت آن است که از راه دریا برویم یا از راه خشکی؟ حضرت فرمود: «در غیر وقت نماز واجب به مسجد می‌روی، دو رکعت نماز می‌خوانی، سپس یک صد مرتبه می‌گویی: «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ» آنگاه به قلب خویش می‌نگری هر چیز به قلبت افتاد، به همان عمل می‌کنی.»^۴

۱. بحار الانوار، جلد ۸۸، صفحه ۲۳۰، حدیث ۵.

۲. وسائل الشیعه، جلد ۵، صفحه ۲۱۳، حدیث ۳.

۳. همان مدرک.

۴. همان مدرک، صفحه ۲۰۵، ابواب صلاة الاستخارة، باب ۱، حدیث ۴.

در این زمینه روایات متعدّد دیگری نیز نقل شده است. بدیهی است اینگونه استخاره با توجه به مورد روایات - که سؤال از امر مهم و گاه خطرناکی است - مربوط به موضوعات پراهمیت است، نه برای موضوعات کوچک.

یادآوری‌ها:

۱- «استخاره» را هر کسی می‌تواند با آداب و شرایطی که بیان شد، برای خودش انجام دهد، که به تصریح برخی از بزرگان همین نیز اولی و انسب است،^۱ چرا که هر کس با حالت توجّه و نیازی که دارد، خلوص بیشتری پیدا می‌کند و ارتباط ویژه‌ای با حضرت حق - جلّ و علا - برقرار می‌نماید و خداوند مهربان نیز، راه حل را به وی نشان خواهد داد.

اما می‌توان به دیگری نیز نیابت داد که از طرف او استخاره کند؛ به ویژه اگر آن شخص، از برجستگی‌های علمی و عملی و تقوا نیز برخوردار باشد.

۲- مرحوم محدّث قمی در «مفاتیح الجنان» از برخی کتب برای استخاره به قرآن مجید در ایام هفته ساعتی را نقل کرده است، ولی چون تصریح دارد که برای این مطلب، حدیثی از اهل بیت علیهم‌السلام وارد نشده است، ما از ذکر آن خودداری می‌کنیم؛ هر چند معتقدیم استخاره در ایام با فضیلت و مکان‌های مقدّس، بهتر است؛ ولی به هر حال، می‌توان در هر وقت که انسان نیاز و اضطرار پیدا کرد، با خدای خود مشورت کند و با استخاره، مشکل خویش را حل نماید و از سرگردانی رهایی یابد.

۳- «استخاره» را با «فال» نباید اشتباه کرد. بسیار دیده شده که افراد پیشنهاد می‌کنند که برای ما استخاره کنید آیا در فلان کار موفق خواهیم شد یا نه؟ آیا فلان حاجت ما روا می‌گردد یا نه؟ آنها استخاره را به پیشگویی از آینده اشتباه می‌گیرند.

استخاره فقط برای این است که اگر در انجام کاری تردید داریم و با مشورت و مطالعه حل نشد، برای تصمیم‌گیری استخاره کنیم. گویی با خداوند مشورت می‌نماییم.

۴- بعضی از افراد در استخاره کردن چنان زیاده روی می‌کنند که برای هر امر کوچک و بزرگی به سراغ استخاره می‌روند و عملاً گرفتار یک نوع وسواس و وابستگی شدید می‌شوند، به گونه‌ای که اقدام به هیچ کاری بدون استخاره برای آنها میسر نیست.

این امر سبب می‌شود که استقلال فکر و اندیشه آنها تضعیف گردد و قدرت انتخاب و اعتماد به نفس را از دست بدهند و عقل و خرد را که یک نعمت بزرگ الهی است و چراغ فروزان پروردگار در درون جان انسان است مورد بی‌توجهی قرار دهند.

از این امر باید جداً پرهیز کرد و استخاره را منحصر به مواردی کرد که در بالا گفتیم. یعنی در آنجا که به راستی انسان حیران و سرگردان می‌شود؛ نه می‌تواند با اندیشه خود تصمیم بگیرد و نه مشاوران راه روشنی پیش پای او می‌گذارند.

۵- بعضی از ناآگاهان در اعتبار اسناد استخاره تردید می‌کنند، در حالی که ادله معتبری برای آن وجود دارد که برای توضیح بیشتر به کتاب «القواعد الفقهیه» جلد ۱، ذیل قاعده قرعه مراجعه کنید.

۶- **آخرین نکته اینکه:** بی‌شک عمل به استخاره واجب نیست، ولی سزاوار است انسان یا استخاره نکند یا هر گاه استخاره کرد با توکل بر خدا به آن عمل کند و تردید به خود راه ندهد؛ با گام‌های استوار به سوی هدف پیش رود که مطمئناً نتیجه مثبت آن را خواهد دید و همان‌گونه که در آغاز بحث گفته‌ایم ما این موضوع را شخصاً بارها و بارها آزموده‌ایم.

بخش دهم

احکام و آداب مربوط به مردگان



- ۱- بیان زندگی دنیا و سفر به آخرت
- ۲- عبرت گرفتن از مردگان
- ۳- چگونه برای سفر آخرت آماده شویم؟
- ۴- بر بالین محتضر
- ۵- آداب کفن و دفن و نماز اموات
- ۶- تلقین میت
- ۷- نماز لیلۃ الدفن
- ۸- تسلیت به بازماندگان
- ۹- صبر بر مصیبت و مراسم سوگواری
- ۱۰- خیرات برای اموات

احکام و آداب مربوط به مردگان

مقدمه: پایان زندگی دنیا و سفر به سوی آخرت

انسان - هر که باشد و هر قدر عمر طولانی کند - بالأخره در این جهان مسافر و میهمان است و دیر یا زود باید مرغ روحش این قفس را بشکند و از این جهان پرواز کند و به دیار باقی بشتابد؛ جایی که انسان نتیجه تمام اعمال خود را، در آن جا خواهد یافت و با آن خواهد بود (فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ)^۱.

امید آن که همه ما با دست پر از حسنات و گناهان آمرزیده شده، از این جهان چشم برپندیم، و در جوار رحمت پروردگار در نهایت آرامش قرار گیریم و بر بساط قرب او گام نهیم.

مرگ برای نیکوکاران و پاکان نه تنها وحشتناک نیست، بلکه دریچه‌ای است به جهانی مملو از نور و روشنایی و خوشبختی؛ ولی برای آلودگان و ستمگران و دنیاپرستان گنهگار، غم‌انگیز و وحشتناک است، چرا که برای آنان، سرآغاز بدبختی و سیه‌روزی و گرفتاری در میان آتشی که شعله‌های آن را با دست خود افروخته‌اند، می‌باشد.

بنابراین، بهترین راه برای این‌که انسان هرگز از مرگ نترسد و شجاعانه با آن روبه‌رو شود و از آن زبان نبیند، این است که همواره لوح دل را با آب توبه از آلودگی گناه بشوید و با صیقل اعمال صالحه، زنگار معصیت را بزداید و چنان پاک باشد که به گفته مولای متقیان علی علیه السلام: «فَوَاللَّهِ مَا أَبَالِي دَخَلْتُ إِلَى الْمَوْتِ أَوْ حَرَجَ الْمَوْتِ إِلَيَّ»^۲ برای او تفاوتی نکند که او به سراغ مرگ برود، یا مرگ به سوی او آید:

۱. «پس هر کس دزه‌ای کار خیر، انجام دهد آن را می‌بیند و هر کس دزه‌ای کار بد کرده، آن را می‌بیند» (سوره زلزله، آیات ۷ و ۸).

۲. «به خدا سوگند! باکی ندارم که من به سوی مرگ روم یا مرگ به سوی من آید» (نهج البلاغه، خطبه ۵۵).

مرگ اگر مرد است گو نزد من آی
تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ!
من از او جانی ستانم جاودان
او زمن دلقی ستاند رنگ رنگ!
با این مقدمه کوتاه و با استمداد از لطف حق به سراغ مطالب این بخش می‌رویم.

۱- عبرت گرفتن از مردگان

این مسأله به تجربه رسیده است که هر زمان غم و اندوه بر قلب انسان چیره شد، زیارت اهل قبور^۱ برای فاتحه و طلب آمرزش آنان (غم را از دل می‌زداید؛ چرا که غم و اندوه‌های مردم، غالباً به سبب امور مادی است، لذا هنگامی که انسان جای آرامگاه ابدی را می‌بیند و می‌داند که:

هر که باشی و به هر جا برسی
آخرین منزل هستی این است!
و مشاهده می‌کند خیل عظیمی از پیشینیان از فقیر و ثروتمند، ضعیف و قدرتمند همه آنها، همه چیز را گذاشته، تنها یک کفن با خود برده‌اند؛ و در زیر خاک‌ها آرمیده‌اند، به اشتباه خود پی می‌برد و درمی‌یابد که تمام غم و اندوه‌های وی بیهوده است و با کمی اندیشه و تفکر، بار اندوه و غم از او برداشته می‌شود. چه خوش می‌گوید آن شاعر باصفا:

زنده دلی در صف افسردگان	رفت به همسایگی مردگان
حرف فنا خواند ز هر لوح پاک	روح بقا جست ز هر روح پاک
کارشناسی پی تفتیش حال	کرد از او بر سر راهی سؤال
کاین همه از زنده رمیدن چرا؟	رخت سوی مرده کشیدن چرا؟
گفت پلیدان به مغاک اندرند	پاک نهادان ته خاک اندرند
مرده دلانند به روی زمین	بهر چه با مرده شوم همنشین؟
همدمی مرده دهد مردگی	صحبت افسرده دل افسردگی!
زیر گل آنان که پراکنده‌اند	گرچه به تن مرده، به دل زنده‌اند
مرده دلی بود مرا پیش از این	بسته هر چون و چرا پیش از این
زنده شدم از نظر پاکشان	آب حیات است مرا خاکشان!

۲- چگونه برای سفر آخرت آماده شویم؟

بر هر مسلمانی لازم است - در عین تلاش و کوشش برای حیات آبرومند - همیشه خود را برای سفر

۱. کیفیت و زمان زیارت اهل قبور در بخش زیارات، صفحه ۵۶۶ آمده است.

آخرت و انتقال به سرای ابدی آماده سازد، چرا که مرگ خبر نمی‌دهد. بنابراین، باید از گناهان توبه و حقوقی را که بر ذمه دارد - اعم از حقوق خدا و خلق - ادا نماید؛ مخصوصاً کسانی که آثار مرگ را در خود مشاهده می‌کنند و یا به سنّ پیری می‌رسند، لازم است بیش از دیگران، این امور را رعایت نمایند.

همچنین اگر کسی را آزار داده، یا حقّ کسی را ضایع ساخته، آبروی مسلمانی را برده و از کسی بدگویی نموده و امثال این امور، لازم است، جبران نماید و از صاحبان حق، حلیت بطلد و آنان را راضی نماید؛ زیرا پس از مرگ، راهی برای جبران ندارد و فریاد و التماس او برای بازگشت به دنیا و جبران این امور، بی‌فایده است.

حتّی سزاوار است کفنش را آماده داشته باشد و بداند که در نهایت آنچه را که از مال دنیا با خود می‌برد، همین چند قطعه پارچه ساده است! امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس کفنش در خانه‌اش با او باشد، از غافلان نخواهد بود و هر زمان که به آن کفن نگاه کند، برای او حسنه نوشته می‌شود!»^۱

همچنین مناسب است که وصیّت کند، به خصوص نسبت به ثلث اموالش برای رسیدگی به فقرا و مستمندان - به ویژه خویشان نیازمند - و کارهای خیر دیگر (زیرا اگر وصیّت به ثلث نکند، ورثه در برابر آن مسئول نیستند) و اگر نماز و روزه قضا و یا کفّاراتی بر عهده دارد که نمی‌تواند انجام دهد، وصیّت نماید که از آن اموال، برای این امور استفاده نمایند.

اگر فرزندان کوچکی دارد، برای آنان سرپرست امینی قرار دهد.

مرحوم «شیخ طوسی» فرموده است: مستحب است برای انسان که وصیّت کند و نسبت به آن بی‌توجهی ننماید؛ زیرا روایت شده است که «سزاوار است برای انسان شب را به صبح نیاورد، مگر آن که وصیّتش زیر سرش (و کنار بسترش) باشد».

شیخ طوسی می‌افزاید: از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود: «هر کس به هنگام مرگش وصیّت خوبی نکند، نشانه کاستی در عقل و مروّت او است». پرسیدند: چگونه باید وصیّت کرد فرمود: «وقتی که نزدیک است مرگش فرا رسد و مردم نزد او جمع شدند (مقدمتاً)، بگوید:

اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، أَلرَّحْمَنَ

خدایا ای آفریننده آسمانها و زمین و دانای غیب و شهود و بخشاینده

الرَّحِيمِ، إِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَإِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ،

مهربان من عهد می‌کنم با تو که براستی گواهی دهم که معبودی نیست جز تو یگانه‌ای که شریک نداری

وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ

و به این که محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول توست و به این که قیامت خواهد آمد

لَأَرْيَبَ فِيهَا، وَأَنَّكَ تَبَعْتُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ

شکی در آن نیست و به یقین تو می‌انگیزی هر که در گور است و حساب حق است و بهشت

حَقٌّ، وَمَا وَعَدْتَ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ مِنَ الْمَأْكَلِ وَالْمَشْرَبِ وَالنِّكَاحِ حَقٌّ،

حق است و هرچه نوید داده‌ای از نعمت‌ها از خوراکی و نوشیدنی و ازدواج حق است

وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْإِيمَانَ حَقٌّ، وَأَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ، وَأَنَّ الْإِسْلَامَ

و دوزخ حق و ایمان حق است و دین همان است که تو وصف کرده و اسلام

كَمَا شَرَعْتَ، وَأَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قُلْتَ، وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلْتَ، وَأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ

چنان است که تو مقرر داشته و گفته همان گفته توست و قرآن همان گونه است که تو نازل کرده و به یقین تو خدای

الْحَقُّ الْمُبِينُ، وَأَنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا، أَنِّي رَضِيتُ بِكَ رَبًّا،

بر حق و آشکاری. و من عهد کنم با تو در دنیا که من خشنودم به پروردگاری تو

وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا، وَبِعَلِيِّ وَوَلِيِّيَّ، وَبِالْقُرْآنِ

و به دین اسلام و به پیامبری محمد صلی الله علیه و آله و به ولایت علی و به کتابم قرآن

كِتَابًا، وَأَنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أُمَّتِي، اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي

و به این که خاندان پیامبرت که بر او و بر ایشان سلام باد امامانند خدایا تویی تکیه‌گاهم

عِنْدَ شِدَّتِي، وَرَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي، وَعُدَّتِي عِنْدَ الْأُمُورِ الَّتِي تَنْزِلُ بِي،

در سختی و امیدم در گرفتاری و ذخیره‌ام در پیش آمدها

فَأَنْتَ وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، وَالْهَيَّ وَ إِلَهَ آبَائِي، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

پس تویی ولی نعمت من و معبود من و معبود پدرانم درود فرست بر محمد و آتش

وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، وَأَنْسُ فِي قَبْرِي وَحْشَتِي، وَاجْعَلْ

و مرا به خودم وامگذار چشم برهم زدن هرگز و در وحشت قبرم انیس من باش و قرار ده

لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ الْقَاكِ مَنْشُورًا.

برایم در پیش خود پیمانی گسترده در روز دیدارت.

رسول خدا ﷺ در ادامه فرمود: «این عهد و پیمان میّت است با خدا، در روزی که می‌خواهد، وصیّت کند

و وصیت بر هر مسلمانی لازم است.^۱ (سپس وصیت‌های خود را بگوید). باید توجه داشته باشد بیش از ثلث اموال خود وصیت نکند، زیرا شرعاً نافذ نیست، مگر آن که همه ورثه رضایت دهند که بیش از ثلث وصیت کند و محروم کردن بعضی از ورثه نیز جایز نمی‌باشد؛ زیرا دو سوم باقیمانده مال، طبق قانون ارث تقسیم می‌شود؛ ولی می‌تواند تا حد یک سوم اموالش را برای افرادی که نیاز بیشتری دارند یا مورد توجه اوست وصیت کند.

۳- بر بالین محتضر

هنگام احتضار و جان دادن، زمان بسیار مشکل و در عین حال حساسی است. در آن هنگام، باید محتضر را به اموری توجه داد؛ و او را تنها نگذاشت.

توبه، توجه به خدا، ایمان به لطف او، ادای حقوق واجبه مردم و خداوند را، به او تذکر دهند. مرحوم «علامه مجلسی» می‌نویسد: «وقتی که آثار احتضار آشکار شود، محتضر این دعا را به طور مکرر بخواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَاقْبَلْ مِنِّي الْيُسْرَ مِنْ طَاعَتِكَ؛ خداوند! گناهان زیاد مرا ببخش و طاعت‌های اندک مرا قبول فرما». تا این که جان دادن بر او آسان گردد. در این حالت خویشان و فرزندان نباید او را تنها بگذارند، نزد او باشند و دعا و قرآن بخوانند؛ مخصوصاً سوره‌های «یس» و «صافات» را.

همچنین، اعتقاد به توحید و صفات جمال و جلال خداوند و اقرار به رسالت رسول خدا ﷺ و امامت ائمه اطهار علیهم السلام و اعتقاد به معاد و بهشت و دوزخ، و سایر اعتقادات را برای او بازگو نمایند و به وی تلقین کنند... و کلمه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را بسیار به او تلقین نمایند و او نیز بگوید؛ زیرا در حدیث معتبری آمده است که هر کس سخن آخر او «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» باشد، داخل بهشت می‌شود.

پای محتضر را به سوی قبله برگردانند، تا فرشتگان رحمت، به او روی آورند. در حدیث معتبری آمده است که اگر بر میت قبض روح دشوار باشد، او را به مکانی که در آن نماز می‌گزارد، ببرند و او را در جایگاه نمازش بگذارند، تا قبض روح بر او آسان گردد. به هنگام احتضار، چیز سنگینی بر بدن محتضر نگذارند.

در حدیث صحیح از امام باقر علیهما السلام نقل شده است: هرگاه کسی را در وقت جان دادن، مشاهده کردید، این کلمات فرج را به او تلقین کنید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ

معبودی نیست جز خدای بردبار کریم معبودی نیست جز خدای والای بزرگ منزّه است خدا پروردگار

السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ

آسمانهای هفتگانه و زمین‌های هفتگانه و آنچه در آنها و مابین آنهاست و پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

عرش بزرگ و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است.

همچنین سنت است برای آسانی قبض روح، این دعا را به محتضر تلقین نمایند:

يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ، وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ، اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ، وَاعْفُ عَنِّي

ای کسی که اندک را (از بندها) می‌پذیری و از (گناهان) بسیار می‌گذری؛ این (اعمال) اندک را از من بپذیر و این (گناه) بسیار را

الْكَثِيرَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.

از من بیخوش؛ چرا که فقط تو بخشنده مهربانی.

مرحوم «علامه مجلسی» در ادامه می‌افزاید: «سنت است وقتی که محتضر جان داد، دهانش را بر هم گذارند و چانه‌اش را ببندند و چشم‌هایش را برهم آورند و دست‌هایش را بر پهلوهایش بکشند (تا منظره چهره و بدن او بد نما نباشد) و او را با پارچه‌ای بپوشانند و نزد او قرآن بخوانند»^۱.

۴- آداب کفن و دفن و نماز لهوات

وقتی مسلمانی از دنیا رفت، مؤمنین برای تجهیز و فراهم ساختن مقدمات دفن وی اقدام کنند. نخست مؤمنان را با خبر سازند، تا برای تشییع جنازه و احترام او و نماز بر وی حاضر شوند. امام صادق علیه السلام فرمود: «سزاوار است که برادران مؤمن را اطلاع دهند تا بر جنازه وی حاضر شوند و بر او نماز بگذارند و برای او استغفار کنند، تا هم میت و هم حاضران ثواب ببرند»^۲.

در این جا توجه به چند موضوع لازم است:

اول: غسل میت

باید میت را سه غسل داد:

۱- غسل با آب سدر؛ ۲- غسل با آب کافور؛ ۳- غسل با آب خالص.

۱. زاد المعاد، صفحه ۵۳۸ - ۵۴۰، (با تصرف و تلخیص) ۲. همان مدرک، صفحه ۵۴۰.

باید برای هر غسلی نیت قربة الى الله بکنند و به ترتیب، نخست با آب مخلوط به سدر، میّت را غسل می‌دهند، آنگاه ظرف را می‌شویند تا اثر سدر برود سپس با آب مخلوط به کافور، وی را غسل می‌دهند. باز هم ظرف را کاملاً می‌شویند تا اثر کافور نباشد، آنگاه در مرتبه سوم، میّت را با آب خالص غسل می‌دهند. پس از پایان غسل، میّت را با پارچه و حوله‌ای تمیز، خشک کنند.^۱ شخص غسل‌دهنده نیز، پس از پایان کار، باید غسل «مس میّت» کند، مگر این‌که با دستکش و مانند آن غسل داده باشد.

دوم: کفن کردن

واجب است که میّت را با سه پارچه کفن کنند:

اول: لنگ است که از ناف تا زانو را می‌پوشاند و بهتر است که از سینه تا روی پا برسد

دوم: پیراهن است که از سر شانه تا نصف ساق و تمام اطراف بدن را می‌پوشاند.

سوم: پارچه‌ای بلند، به نام سرتاسری است که همه بدن را می‌پوشاند به گونه‌ای که بستن دو سر آن

ممکن باشد و پهنای آن به اندازه‌ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر قرار گیرد.^۲

سوم: حنوط

پس از پایان غسل، واجب است میّت را «حنوط» کنند؛ یعنی به محل‌های هفت‌گانه سجده (بیشانی،

کف دست‌ها، سر زانوها و سردو انگشت بزرگ پاها) کافور بمالند، و احتیاط آن است که مقداری کافور روی

این اعضا بگذارند.^۳

پس از غسل و کفن و حنوط، میّت را برای نماز ببرند.

چهارم: نماز میّت

بر مسلمانان لازم است وقتی خبر مرگ مسلمانی را شنیدند، برای نماز او حاضر شوند و این واجب،

واجب کفایی است یعنی اگر یک نفر یا گروهی انجام دهند، از بقیه ساقط می‌شود. غسل و کفن و دفن او

نیز واجب کفایی می‌باشد.

واجب است بر هر میّت مسلمان و شیعه، که بالغ باشد، نماز میّت بخوانند و بنا بر احتیاط واجب، بر بچه

نابالغ که کمتر از شش سال نداشته باشد، نیز نماز بخوانند.

سزاوارترین افراد، برای نماز بر میّت، وارث او است و شوهر نسبت به همسرش از دیگران اولی است (و

اگر دیگران می‌خوانند از آنها اجازه بگیرند). واجب است نمازگزار، نماز را رو به قبله بخواند، و سر جنازه به

۱. زادالمعاد، صفحه ۵۴۵ - ۵۴۷، (با تلخیص) همان مدرک، صفحه ۵۴۸ و ۵۴۹ و رساله‌های توضیح المسائل.

۳. همان مدرک، صفحه ۵۵۰ و رساله‌های توضیح المسائل.

سمت راست و پای او به سمت چپ نمازگزار باشد، و میّت را بر پشت بخوابانند.
در نماز میّت طهارت شرط نیست؛ یعنی پاک بودن بدن و لباس و داشتن وضو یا غسل و تیمّم، لازم نیست ولی بهتر است این امور رعایت شود.

مستحب است، اگر میّت مرد است، امام جماعت یا کسی که فرادی بر او نماز می خواند روبه روی وسط قامت او بایستد و اگر میّت زن است مقابل سینه اش قرار گیرد، و مستحب است که پابرهنه نماز بخواند؛ مثلاً پا را از کفش درآورند و روی کفش بگذارند^۱ (و امور دیگری که در توضیح المسائل آمده است).

دستور نماز میّت:

نماز میّت پنج تکبیر دارد و اگر نمازگزار پنج تکبیر را به این ترتیب بگوید، کافی است.
بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. و بعد از تکبیر دوم بگوید:

گواهی دهم که نیست معبودی جز خدا و گواهی دهم که محمد رسول خداست * * * * *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. و بعد از تکبیر سوم بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد * * * * * خدایا بیامر

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ. و بعد از تکبیر چهارم بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ. سپس

مردان و زنان با ایمان را * * * * * خدایا بیامر این مرده را. * * * *

تکبیر پنجم را بگوید. ولی بهتر آن است که بعد از نیت و تکبیر اول بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا

* * * * * گواهی دهم که نیست معبودی جز

اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ

خدای یگانه که شریک ندارد و گواهی دهم که محمد بنده و رسول اوست که به حق او را فرستاده

بَشِيرًا وَ نَذِيرًا بَيْنَ يَدَيْ السَّاعَةِ * بعد از تکبیر دوم بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

نوبت ده و ترساننده است در پیشایش قیامت * * * * * خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا

محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد و رحم کن بر محمد

۱. زاد المعاد، صفحه ۵۵۳ و ۵۵۴، (با تلخیص) و رساله های توضیح المسائل.

مُسِيئَةً فَتَجَاوَزَ عَنْهَا وَاغْفِرْ لَهَا، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِيْ اَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ،

بدکار است از او درگذر و بیامرز او را، خدایا او را در بلندترین جایگاهها قرارده

وَ اَخْلَفْ عَلٰی اَهْلِهَا فِي الْغَابِرِيْنَ، وَ اَزْ حَمِّهَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

و جانشین بر خاندانش باش در سایر بازماندگان و رحم کن بر او به رحمت خود ای مهربانترین مهربانان.

وَ اِذَا مَيَّتْ مُسْتَضْعَفٌ اَسْتَعْنَىٰ بِوَضْعِ اِيْمَانٍ اَوْ دَرَسْتِ مَعْلُومٍ نَيْسَتْ بِكَوَيْدٍ: اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ

بیامرز * * * * * خدایا

لِلَّذِيْنَ تَابُوْا وَ اتَّبَعُوْا سَبِيْلَكَ، وَ قِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيْمِ.

آنان که توبه کردند و پیروی از راه تو نمودند و نگاهشان دار از عذاب دوزخ.

وَ اِذَا مَيَّتْ طِفْلٌ نَّبَالِغٌ اَبْدًا، بَكُوَيْدٍ: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِاَبُوَيْهِ وَ لَنَا سَلْفًا وَ فَرَطًا وَ اَجْرًا! ۱

* * * * * خدایا قرار ده او را برای پدر و مادرش و برای ما گذشته و ذخیره و مزدی

مستحب است که بر جای خود بایستد، تا جنازه را بردارند، خصوصاً امام جماعت^۲ و در روایتی^۱ وارد شده است که بعد از فراغت از نماز بگوید: رَبَّنَا اَتْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَ فِي الْاٰخِرَةِ

* * * * * پروردگارا بده به ما در دنیا خوبی و در آخرت نیز

حَسَنَةً، وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ. ۳

خوبی و نگاهمان دار از عذاب دوزخ.

پنجم: دفن میّت

هنگامی که جنازه را به سوی قبر حرکت می دهند، مستحب است آن را در چند قدمی بر زمین بگذارند و تا سه مرتبه او را تدریجاً به قبر نزدیک کنند و در دفعه چهارم وارد قبر کنند (تا روح میّت آمادگی پیدا کند).

میّت را باید طوری دفن کنند که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم به او دسترسی پیدا نکنند و مستحب است قبر را به اندازه قامت انسان متوسط، گود کنند. اگر میّت مرد است مستحب است او را از طرف سر وارد قبر کنند و اگر زن است، از طرف عرض بدن و به هنگام وارد کردن او، پارچه ای روی قبر بگیرند.

۱. زاد المعاد، صفحه ۵۵۴ - ۵۵۹ و رساله های توضیح المسائل.

۲. بحار الانوار، جلد ۷۸، صفحه ۴۵۲، حدیث ۲۳.

۳. زاد المعاد، صفحه ۵۵۸.

مستحب است وقتی میّت را نزدیک قبر می‌گذارند گفته شود: **اللَّهُمَّ عَبْدُكَ، ابْنُ عَبْدِكَ،**

***** خدا یا این شخص، بنده تو، فرزند بنده تو

وَإِبْنُ أُمَّتِكَ، نَزَلَ بِكَ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ.

و فرزند کنیز توست که بر تو فرود آمده و تو بهترین کسی هستی که بر او فرود می‌آیند.

و اگر میّت زن است، بگوید: **اللَّهُمَّ أُمَّتُكَ، ابْنَةُ عَبْدِكَ، وَابْنَةُ أُمَّتِكَ، نَزَلَتْ بِكَ،**

***** خدا یا این شخص، کنیز تو، فرزند بنده تو و فرزند کنیز توست که بر تو فرود آمده

وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ.

و تو بهترین کسی هستی که بر او فرود می‌آیند.

وقتی که میّت را برمی‌دارند که به سوی قبر ببرند، بگویند: **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَ عَلَى مِلَّةِ**

***** به نام خدا و با کمک خدا و برابر آیین

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ إِلَى رَحْمَتِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ

رسول خدا که درود خدا بر او و آتش باد، خدا یا به رحمت تو (فرود آید) نه به عذابت. خدا یا برای

لَهُ فِي قَبْرِهِ، وَ لَقْنَهُ حُجَّتَهُ، وَ ثَبَّتَهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ، وَ قِنَا وَإِيَّاهُ عَذَابَ الْقَبْرِ.

او در قبرش گشایشی فراهم کن و حجتش را به وی تلقین فرما و به اعتقاد ثابت وی را استوار دار و ما و او را از عذاب قبر حفظ فرما.

(در صورتی که میّت زن باشد، ضمیرها را مؤنث آورند).

پس از آن که میّت را داخل قبر گذاشتند، مستحب است گره کفن را باز کنند و صورت میّت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک، زیر سر او قرار دهند، همچنین مستحب است، مقداری از تربت امام حسین علیه السلام همراه او در قبر بگذارند.^۱

۵- تلقین میّت

پیش از آن که لحد را بیوشانند، مستحب است دست راست را به شانه میّت بزنند و او را حرکت دهند و سه مرتبه بگویند: **اسْمِعْ أَفْهَمُ، يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ** (به جای فلان بن فلان، نام میّت و نام پدرش را ببرند) و اگر میّت زن است بگویند **اسْمِعِي، أَفْهَمِي يَا فُلَانَةَ بِنْتَ فُلَانٍ**. سپس به ترتیب زیر، او را به عقاید حقه اسلامی تلقین دهند:

۱. مجموعه این دستورات، در زاد المعاد، صفحه ۵۶۰ - ۵۶۲ و رساله‌های توضیح المسائل آمده است.

هَلْ أَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدُّهُ

آیا تو بر آن پیمانی که از ما جدا شدی هستی که عبارت بود از گواهی دادن به این‌که نیست معبودی جز خدای یگانه‌ای

لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ سَيِّدُهُ

که شریک ندارد و این‌که محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول او و آقای

النَّبِيِّينَ، وَ خَاتَمَ الْمُرْسَلِينَ، وَ أَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ،

پیامبران و خاتم رسولان است و این‌که علی امیرمؤمنان و آقای اوصیاست

وَ إِمَامًا أَفْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَ أَنْ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ، وَ عَلِيًّا

و آن امامی است که خداوند پیرویش را به جهانیان واجب فرموده و حسن و حسین و علی

بُنَ الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ،

بن‌الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر

وَ عَلِيًّا بْنَ مُوسَى، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَ عَلِيًّا بْنَ مُحَمَّدٍ، وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ،

و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی

وَ الْقَائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَيْمَّةُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ حُجَجَ اللَّهِ

و حضرت قائم حجت مهدی - درودهای خدا بر همگیشان باد - که پیشوایان مؤمنان و حجت‌های خدا

عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، وَ أَيْمَتِكَ أَيْمَّةَ هُدَىٰ أَبْرَارٍ، يَا فَلَانَ بْنَ فَلَانٍ، إِذَا

بر همهٔ آفریدگانند و امامان توأند امامان هدایت و نیکوکار ای فلانی هنگامی که

أَتَاكَ الْمَلَكَانِ الْمُقَرَّبَانِ، رَسُولَيْنِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى، وَ سَأَلَكَ

آن دو فرشتهٔ مقرب که فرستادگان خدای تبارک و تعالی هستند به نزدت آمدند و از تو

عَنْ رَبِّكَ، وَ عَنْ نَبِيِّكَ، وَ عَنْ دِينِكَ، وَ عَنْ كِتَابِكَ، وَ عَنْ قِبَلَتِكَ، وَ عَنْ

از پروردگارت و از پیامبرت و از دینت و از کتابت و از قبلهات و از

أَيْمَتِكَ، فَلَا تَخَفْ وَ قُلْ فِي جَوَابِهِمَا، اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي، وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى

امامان تو پرسیدند نترس و در پاسخشان بگو خدا جل جلاله پروردگار من است و محمد صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَبِيِّي، وَ الْإِسْلَامُ دِينِي، وَ الْقُرْآنُ كِتَابِي، وَ الْكَعْبَةُ قِبَلَتِي،

الله علیه و آله پیامبر می‌باشد و اسلام دین من است و قرآن کتاب من و کعبه قبله‌ام

وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا بْنَ أَبِي طَالِبٍ إِمَامِي، وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَىٰ

و امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب امام من است و حسن بن علی مجتبی

إِمَامِي، وَالْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ بِكَرْبَلَاءِ إِمَامِي، وَعَلِيٌّ زَيْنُ الْعَابِدِينَ

امام من است و حسین بن علی که در کربلا شهید شد امام من است و علی زین العابدین

إِمَامِي، وَمُحَمَّدٌ بَاقِرٌ عِلْمِ النَّبِيِّينَ إِمَامِي، وَجَعْفَرُ الصَّادِقُ إِمَامِي،

امام من است و محمد شاکفنده علم پیامبران امام من است و حضرت جعفر صادق امام من است

وَمُوسَى الْكَاطِمِ إِمَامِي، وَعَلِيُّ الرَّضَا إِمَامِي، وَمُحَمَّدُ الْجَوَادُ إِمَامِي،

و موسی کاظم امام من است و علی الرضا امام من است و محمد جواد امام من است

وَعَلِيُّ الْهَادِي إِمَامِي، وَالْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ إِمَامِي، وَالْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ

و علی الهادی امام من است و حسن العسکری امام من است و حضرت حجت منتظر

إِمَامِي، هُوَ لِأَنَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أُمَّتِي، وَ سَادَتِي وَقَادَتِي

امام من است اینان که درودهای خدا بر همگیشان باد امامان و آقایان و رهبران

وَشُفَعَائِي، بِهِمْ اتَّوَلَّيْتُ، وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّءُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، ثُمَّ أَعْلَمُ يَا

و شفیعیان منند که بدیشان دوستی ورزم و از دشمنانشان بیزار می جویم در دنیا و آخرت، وانگه بدان ای

فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نِعَمَ الرَّبِّ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ

فلان پسر فلان که براستی خدای تبارک و تعالی خوب پروردگاری است و محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ نِعَمَ الرَّسُولِ، وَأَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ،

علیه و آله نیکو رسولی است و امیر مؤمنان علی بن ابی طالب

وَأَوْلَادَهُ الْأَئِمَّةَ الْأَحَدَ عَشَرَ نِعَمَ الْأَئِمَّةِ، وَأَنَّ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ

و فرزندان امامهای یازدهگانه نیکو امامانی هستند و براستی هرچه را محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ حَقٌّ، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَ سُؤَالَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ،

علیه و آله آورده است همگی حق است و مرگ حق است و سؤال منکر و نکیر در قبر حق است

وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَالنُّشُورَ حَقٌّ، وَالصِّرَاطَ حَقٌّ، وَالْمِيزَانَ حَقٌّ، وَ تَطَايُرَ

و برانگیخته شدن حق است و دوباره زنده شدن حق است و صراط حق است و میزان حق است و پراکنده شدن

الْكِتَابِ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ حَقٌّ، وَالنَّارَ حَقٌّ، وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَارَيْبٍ فِيهَا،

نامههای اعمال بر مردم حق است و بهشت حق است و دوزخ حق است و قیامت آمدنی است که شکی در آن نیست

وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ * سپس بگویند: أَفْهِمَتْ يَا فُلَانُ.

و خدا برانگیزد هر که در گور است * * * * * آیا فهمیدی فلانی

در حدیث آمده است که میّت در جواب می‌گوید: بلی فهمیدم. آنگاه بگوید: **ثَبَّتَكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ**

***** خدایت پایجا بدارد به گفته

الثَّابِتِ، هَذَاكَ اللَّهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، عَرَّفَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَوْلِيَائِكَ فِي

پایدار و هدایت کند خدا به راه راست، آشنایی برقرار کند خدا میان تو و دوستانش در

مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ * و در پایان بگوید: اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنْبِيهِ،

چایگاه رحمتش ***** خدایا دور کن زمین را از پهلوهایش

وَاصْعِدْ بَرُوحَهُ إِلَيْكَ، وَلَقِّهِ مِنْكَ بُرْهَانًا، اللَّهُمَّ عَفْوِكَ عَفْوًا (و اگر میّت زن

و بالا ببر روح او را بسوی خود و تلقین کن به او از نزد خود برهانی، خدایا گذشت گذشت *****

است، در همه این موارد ضمیرها را مؤنث بیاورد).

پس از آن خشت لحد را بچینند و قبر را به صورت مربع مستطیل بسازند و می‌توانند به اندازه چهار انگشت از زمین بلند کنند و نشانه‌ای روی آن بگذارند که شناخته شود و روی قبر آب بپاشند و بعد از پاشیدن آب، کسانی که حاضرند دست‌ها را بر قبر بگذارند و انگشت‌ها را باز کرده، در خاک فرو برند و هفت مرتبه سوره «انا انزلناه» را بخوانند و برای میّت طلب آمرزش کنند.

پس از آن، این دعا را بخوانند:

اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنْبِيهِ، وَاصْعِدْ إِلَيْكَ رُوحَهُ، وَلَقِّهِ مِنْكَ

خدایا زمین را از پهلوهایش دور کن و روحش را به سوی خودت بالا ببر و از نزد خود

رِضْوَانًا، وَأَسْكِنُ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تُغْنِيهِ بِهِ عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ.

رضوان و خشنودی را به وی تلقین کن و قبرش را از رحمت خویش آرام گردان به گونه‌ای که از رحمت غیر تو بی‌نیاز گردد.

(و اگر میّت زن است، ضمیرها را مؤنث بخوانند)

مستحب است که ولی میّت، بعد از آن که مردم برگشتند کنار قبر میّت، نزد سر او بنشیند و با صدای بلند آن تلقین را که ذکر شد، بار دیگر بخواند، که در روایات آمده است، وقتی این تلقین را بخوانند فرشتگان مأمور سؤال بر او آسان می‌گیرند.^۱

۶- نماز لیلۃ الدفن (نماز وحشت)

مستحب است در شب اول قبر، دو رکعت نماز وحشت برای میّت بخوانند، به این ترتیب که در رکعت

۱. مجموعه این دستورات و روایات در زاد المعاد، صفحه ۵۶۴ - ۵۶۹ و در رساله‌های توضیح المسائل، در احکام اموات آمده است.

اول بعد از حمد، یک مرتبه «آیه الکرسی» و در رکعت دوم بعد از حمد، ده مرتبه سوره «اِنَّا انزلناه» و بعد از سلام نماز بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْ ثَوَابَهُمَا إِلَى قَبْرِ فُلَانٍ»

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بفرست ثواب این نماز را به سوی قبر این مرده فلانی پسر فلانی.

(و به جای کلمه فلان، اسم میت را ببرد).^۱

«نماز وحشت» را در هر موقع از شب اول قبر می توان بجا آورد، ولی مناسبت تر است در اول شب، بعد از نماز عشا باشد و اگر دفن میت به علتی تأخیر بیفتد، باید نماز وحشت را تا شب اول دفن او تأخیر اندازد.^۲

۷- تسلیت به بازماندگان

تسلی بازماندگان و همدردی با صاحبان عزا از اصول انسانی و اسلامی به شمار می رود. کسی که عزیزی را از دست داده، وقتی حضور مردم در مراسم مختلف و تسلیت آنان را ببیند، اندوه و آلامش کاسته می شود؛ به همین دلیل، در روایات اسلامی نسبت به این امر تأکید فراوان شده است.

مرحوم «علامه مجلسی» می نویسد: مستحب است صاحبان عزا را تسلیت گفته و آنها را به صبر و شکیبایی دعوت کرد، چه قبل از دفن میت و چه بعد از آن، و بعد از دفن، مورد تأکید بیشتری است؛ کمترین چیز در تسلیت آن است که نزد مصیبت دیده بروند تا آنها را ببیند و آرام گیرد.

در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است: «هر کس اندوهگینی را دعوت به صبر کند، در قیامت خداوند او را از لباس های زیبای بهشتی پوشاند، و هر کس مصیبت زده ای را به صبر و شکیبایی دعوت کند، خداوند پاداش آن صاحب مصیبت را به وی کرامت کند، بی آنکه از اجر صاحب مصیبت چیزی کاسته شود».

همچنین مستحب است تا سه روز، دیگران - مخصوصاً همسایگان - برای اهل خانه میت که عزادارند، غذا بفرستند.^۳

متأسفانه در عصر ما قضیه برعکس شده و گروه های زیادی از مردم، انتظار دارند عزاداران از آنها پذیرایی کنند، و گاه مخارج هنگفتی بر آنان تحمیل می شود و مصیبت آنها را افزون می کند؛ چه خوب است این بدعت ها ترک شود.

۱. مصباح کفعمی، صفحه ۴۱۱ و بلد الامین، صفحه ۱۶۴ و بحار الانوار، جلد ۸۸، صفحه ۲۱۹، حدیث ۵.

۲. توضیح المسائل. ۳. زاد المعاد، صفحه ۵۷۰ و ۵۷۱، (با تصرف و تلخیص).

۸- صبر بر مصیبت و مراسم سوگواری

مرحوم «علامه مجلسی» می نویسد: «لازم است مصیبت دیدگان، در مصیبت صبر کنند، و به قضای الهی راضی باشند، و بدانند که خداوند صابران را پاداش فراوانی عنایت می فرماید. مستحب است بسیار بگویند: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**، تا گناهانش آمرزیده شود» (و مفهوم آیه که «همه چیز حتی خود ما، از خداییم و به سوی او باز می گردیم»، روح را آرامش می بخشد).

در روایتی با سند معتبر می خوانیم: هر کس مصیبتی را به خاطر آورد - اگر چه مدتی از آن گذشته باشد - و بگوید: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ اجْزِنِي عَلَى مُصِيبَتِي، وَ اخْلُفْ عَلَيَّ أَفْضَلَ مِنْهَا؛** ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم و ستایش ویژه پروردگار جهانیان است. خدایا بر این مصیبت مرا پاداش ده و بهتر از آن را برایم جانشین قرار ده» پاداش آن مصیبت به او داده خواهد شد.^۱ به خصوص، صبر کردن بر مصیبت از دست دادن فرزند بسیار سفارش شده است و به گفته «علامه مجلسی» رحمته در حدیث معتبری آمده است: «هر کس فرزندش از دنیا برود و بر آن صبر و شکیبایی کند، برای او بهتر است از آن که فرزندان زیادی از وی بمانند و در راه خدا جهاد نمایند!».

و روایت شده است: «پاداش مؤمن به خاطر از دست دادن فرزندش بهشت است...»^۲.

مناسب است انسان به هنگام مصیبت، به یاد مصائب اهل بیت علیهم السلام و پیشوایان بزرگ بیفتد و به یاد مظلومیت آنان اشک بریزد که به یقین پاداشی مضاعف خواهد داشت و در ضمن به آرامش نیز می رسد. در احادیث معتبری آمده است که: «به هر کس مصیبتی رسد، مصیبت و مشکلات رسول خدا صلی الله علیه و آله را به یاد آورد که مصیبت های او، از دشوارترین مصائب می باشد»^۳ و در هر مصیبتی فکر کند که ممکن بود از آن مهمتر واقع شود، و واقع نشده، و خدا را بر آن شکر گوید.

در روایت معتبری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت به هنگام مصیبت این دعا را می خواندند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي دِينِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ

ستایش مخصوص خداوندی است که مصیبت را در امر دینم قرار نداده است و ستایش مخصوص خداوندی که اگر

شَاءَ جَعَلَ مُصِيبَتِي أَكْبَرَ مِمَّا كَانَتْ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى الْأَمْرِ الَّذِي شَاءَ

می خواست، مصیبت و گرفتاریم را بزرگتر از این قرار می داد و ستایش مخصوص خدایی است که آنچه را خواست

۲. همان مدرک، صفحه ۵۷۲.

۱. زاد المعاد، صفحه ۵۷۰.

۳. همان مدرک.

أَنْ يَكُونَ فَكَانَ^۱

و اراده کرده انجام شد.

برای عزاداری بر اموات، نباید بازماندگان مرتکب کارهای خلاف شرع گردند و یا در هزینه‌ها دچار اسراف شوند.

مناسب است، مراسم عزاداری و مجلس فاتحه، ساده برگزار شود و از آن هزینه‌ها، برای انجام امور خیر و پرداخت کفّارات و دیون میّت و نماز و روزه او - اگر نماز و روزه قضا دارد - مصرف کنند. همچنین از حرکات ناپسند به هنگام ندبه و گریه و عزاداری برای میّت، پرهیز نمایند و با گذاشتن دستگاه‌های صوتی قوی، برای مردم و همسایگان مزاحمت ایجاد نکنند.

مرحوم «علامه مجلسی» می‌گوید: «مشهور آن است که به هنگام عزاداری - جز در مرگ پدر و برادر - جامه دریدن و پاره کردن یقه، جایز نیست، و همچنین جایز نیست، انسان در مرگ کسی صورت و بدن خود را بخراشد و مواز سر و صورت بکند».^۲

اگر مرد در مرگ زن، یا فرزند، لباس خود را پاره کند، یا زن در عزای میّت، صورت خود را بخراشد، به طوری که خون بیاید، یا موی خود را بکند، بنا بر احتیاط واجب، باید کفّاره‌ای مانند کفّاره قسم بدهد، یعنی ده فقیر را اطعام کند و یا آنها را با لباسی بپوشاند و اگر نتواند، سه روز روزه بگیرد؛ بلکه اگر خون هم نیاید نیز، به این دستور عمل نماید.^۳

گریه و ندبه برای میّت جایز است، ولی نحوه‌سرایبی او باید بحق باشد و در ذکر اوصاف میّت مبالغه نکند و دروغ نگوید. البته بجاست که به عیوب میّت اشاره نشود.^۴

به هر حال، ندبه و گریه - که از عواطف انسانی سرچشمه می‌گیرد - جایز، بلکه پسندیده است؛ ولی در هر حال، نباید از اعتدال خارج شود یا به گناه آلوده گردد، بلکه با صبر و شکیبایی و توجّه به مسأله مرگ، که روزی دامان همه ما را خواهد گرفت، و آمادگی برای حسابرسی الهی، علاوه بر دریافت پاداش «صابران»، به خود سازی و تهذیب نفس بپردازد، و گرد و غبار غفلت را - که سبب انواع گناهان است - از روح و جانش بزدايد و توجّه‌اش را به خدا بیشتر کند.

از خداوند بزرگ می‌خواهیم که عاقبت همه ما را ختم به خیر فرماید و مرگ را آغاز آرامش و آسایش ما قرار دهد.

۹- خیرات برای اموات

سزاوار است بازماندگان، اموات خویش را فراموش نکنند؛ زیرا آنان دستشان از اعمال خیر کوتاه است

۱. زاد المعاد، صفحه ۵۷۳.

۲. همان مدرک، صفحه ۵۶۹.

۳. همان مدرک، صفحه ۵۷۰ و رساله‌های توضیح المسائل.

۴. همان مدرک، صفحه ۵۷۱.

و لذا به احسان و دعای فرزندان و خویشان و دوستان مؤمن خود، نیازمندند. مرحوم «علامه مجلسی» می‌فرماید: مخصوصاً دعا کردن برای آنان در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مکان‌های زیارتی خوب است و برای پدر و مادر باید بیشتر دعا کرد و اعمال خیر برای آنان بجا آورد.

عمده خیرات برای پدر و مادر، ادای قرض آنان و ادای حقوق خدا و خلق از جانب آنان است.^۱ در روایتی آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: برای مردگان خود هدیه بفرستید! گفتند: هدیه برای آنان چیست؟ فرمود: صدقه و دعا.^۲

همچنین فرمود: ارواح مؤمنان هر جمعه، به آسمان دنیا در برابر خانه‌ها و منزل‌های خود می‌آیند و با صدای غمناکی ندا می‌دهند که ای خانواده ما، ای فرزندان ما و ای پدر و مادر و خویشان ما! به ما مهربانی کنید: از اموالی که در دست ما بود (و اکنون در اختیار شماست) با دادن درهمی و قرص نانی و جامه‌ای نسبت به ما ترحم آورید، که خداوند شما را از جامه بهشت بیوشاند!

رسول خدا ﷺ که این جملات را فرمود گریه کرد و صحابه نیز همراه او گریستند...^۳ همچنین آن حضرت فرمود: هر صدقه‌ای که برای میت داده می‌شود، فرشته‌ای آن را به مانند طبقی از نور می‌گیرد و به کنار قبر می‌آورد و می‌گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ» این هدیه را خانواده شما برای شما فرستاده‌اند. آنگاه آن میت این هدیه را تحویل می‌گیرد و وارد قبرش می‌کند که همین سبب فراخی قبرش (و آسایش و آسودگی او) می‌گردد.^۴

مرحوم «علامه مجلسی» می‌فرماید: «در حدیث صحیحی آمده است که امام صادق علیه السلام در هر شب برای فرزند خود و در هر روز، برای پدر و مادر خود، دو رکعت نماز می‌خواندند (و به روح آنان هدیه می‌کردند) در رکعت اول سوره «اَنَا انزِلناه» و در رکعت دوم سوره «کوثر» را می‌خواندند».^۵

نکته قابل توجه آن است که انجام کارهای خیر، جهت اموات برای کسانی که آن را انجام می‌دهند نیز ثواب و پاداش فراوان دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود: ثواب اعمال خیر، برای کسی که برای مردگان انجام می‌دهد، برای او و برای آن مرده، هر دو نوشته می‌شود.^۶

۱. زاد المعاد، صفحه ۵۷۳. ۲. مستدرک الوسائل، جلد ۲، صفحه ۴۸۴، حدیث ۲۳.

۳. همان مدرک، حدیث ۲۴. ۴. همان مدرک، صفحه ۱۱۴، حدیث ۱۱.

۵. زاد المعاد، صفحه ۵۷۳. ۶. همان مدرک، صفحه ۵۷۴.

توضیحی درباره حدیث کسا

اصل حدیث کسا میان شیعه و اهل سنت بسیار مشهور و معروف است و جای هیچ گونه تردیدی نیست که رسول خدا ﷺ در منزل حضرت زهرا علیها السلام، و یا در خانه خودش زیر پارچه‌ای شبیه عبا قرار گرفت و حضرت علی و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام را زیر آن جای داد و از آنان به عظمت و بزرگی یاد نمود و آن جمع را مصداق آیه «**إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً**»؛ همانا خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد» معرفی کرد.^۱

آنچه در اینجا به عنوان حدیث کسا نقل می شود، حدیث مشروح و مفصلی است که برابر روایتی، خواندن آن به این نحو، دارای پاداش و آثار و برکات فراوانی است. و در ذیل آن آمده است: «در هر محفلی که شیعیان و علاقه‌مندان ما این حدیث را بخوانند، رحمت الهی بر آنان نازل می شود، فرشتگان برای آنها استغفار می کنند، اندوه غم‌زدگان برطرف می شود و حاجات روا خواهد شد». این حدیث نخستین بار در کتاب «منتخب طریحی» (متوفای ۱۰۸۵) از علمای قرن یازدهم آمده است. محدث بزرگوار مرحوم حاج شیخ عباس قمی در منتهی الآمال، در شرح زندگانی امام حسین علیه السلام پس از بیان این نکته که «حدیث اجتماع خمسه طیبه علیهم السلام» تحت کسا از احادیث متواتره است، می نویسد: «اما حدیث معروف به حدیث کسا که در زمان ما شایع است، به این کیفیت در کتب معتبر و معروف و اصول حدیث و مجامع متقنه محدثین دیده نشده، می توان گفت از خصایص کتاب «منتخب» است».

از این رو، جناب ایشان آن را در مفاتیح الجنان نیآورده است و ناشران برخلاف میل آن بزرگوار آن را در پایان مفاتیح اضافه کرده‌اند.

پس از کتاب «منتخب»، این حدیث در کتاب «عوالم» آمده است. صاحب کتاب عوالم (شیخ عبدالله بحرانی) از شاگردان مرحوم علامه مجلسی و از علمای قرن دوازدهم است. در این کتاب برای این حدیث سندی ذکر کرده است که از جهاتی جای تأمل دارد:

۱. سورة احزاب، آیه ۳۳. (برای آگاهی از این حدیث، و شأن نزول آیه تطهیر، به تفسیر نمونه، جلد ۱۷، صفحه ۲۹۷-۳۰۳، مراجعه فرمایید).

الف) سند این حدیث مطابق نسخه خطی موجود در کتابخانه یزد، در متن کتاب نبوده است، بلکه در حاشیه آن آمده است و خط آن نیز با خط متن که دست خط صاحب عوالم است، متفاوت می باشد.

ب) برخی از افراد سلسله سند، حدود هشتاد سال با یکدیگر فاصله دارند که قاعدتاً یکی از آنها نمی تواند از دیگری نقل حدیث نماید.

ج) بعضی از افراد این سند در کتب رجالی توثیق نشده اند.

ولی از آنجا که محتوای حدیث اشکال خاصی ندارد و بعضی از علما به قرائت آن اهمیت می دادند و با توجه به «احادیث من بلغ» می توان آن را به «قصد رجا» و به امید برآورده شدن حاجات خواند. این حدیث مطابق نقل «عوالم» چنین است:^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

از فاطمه زهرا سلام الله عليها دختر رسول خدا صلى الله عليه وآله و آله،

قَالَ سَمِعْتُ فَاطِمَةَ أَنَّهَا قَالَتْ: دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ،

جابر گوید شنیدم از فاطمه زهرا که فرمود: وارد شد بر من پدرم رسول خدا در بعضی از روزها

فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ، فَقُلْتُ عَلَيْكَ السَّلَامُ، قَالَ إِنِّي أَجِدُ فِي

و فرمود: سلام بر تو ای فاطمه در پاسخش گفتم: بر تو باد سلام فرمود: من در

بَدَنِي ضَعْفًا، فَقُلْتُ لَهُ أَعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ مِنَ الضُّعْفِ، فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ

بدنم سستی و ضعفی درک می کنم، گفتم: پناه می دهم تو را به خدا ای پدرجان از سستی و ضعف فرمود: ای فاطمه

إِيتِينِي بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ فَعَطَّيْنِي بِهِ، فَاتَّيْتُهُ بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ فَعَطَّيْتُهُ بِهِ،

بیاور برام کساء یمانی را و مرا بدان بیوشان من کساء یمانی را برایش آوردم و او را بدان پوشاندم

وَصِرْتُ أَنْظَرُ إِلَيْهِ، وَإِذَا وَجْهُهُ يَتَلَاوُ، كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي لَيْلَةٍ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ،

و هم چنان بدو می نگریستم و در آن حال چهره اش می درخشید همانند ماه شب چهارده

فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً، وَإِذَا بَوْلِدِي الْحَسَنِ قَدْ أَقْبَلَ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بس ساعتی نگذشت که دیدم فرزندم حسن وارد شد و گفت سلام بر تو ای

أُمَاهُ، فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي وَثَمْرَةَ فُوَادِي، فَقَالَ يَا أُمَّاهُ، إِنِّي

مادر گفتم: بر تو باد سلام ای نور دیدهام و میوه دلم گفتم: مادر جان من

أَشْمُ عِنْدَكَ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ، كَأَنَّهَا رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ نَعَمْ، إِنَّ

در نزد تو بوی خوشی استشمام می‌کنم گویا بوی جدم رسول خداست گفتم: آری همانا

جَدَّكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ نَحْوَ الْكِسَاءِ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

جد تو در زیر کساست پس حسن بطرف کسا رفت و گفت: سلام بر تو ای

جَدَّاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَقَالَ

جد بزرگوار ای رسول خدا آیا به من اذن می‌دهی که وارد شوم با تو در زیر کسا؟ فرمود:

وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي، وَيَا صَاحِبَ حَوْضِي، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ مَعَهُ

بر تو باد سلام ای فرزندم و ای صاحب حوض من اذنت دادم پس حسن با آن جناب

تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوْلِدِي الْحُسَيْنِ قَدْ أَقْبَلَ، وَقَالَ

به زیر کسا رفت ساعتی نگذشت که فرزندم حسین وارد شد و گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ، فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي، وَيَا قُرَّةَ عَيْنِي،

سلام بر تو ای مادر گفتم: بر تو باد سلام ای فرزند من و ای نور دیدهام

وَثَمْرَةَ فُوَادِي، فَقَالَ لِي يَا أُمَّاهُ، إِنِّي أَشْمُ عِنْدَكَ رَائِحَةَ طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ

و میوه دلم فرمود: مادر جان من در نزد تو بوی خوشی استشمام می‌کنم گویا بوی

جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقُلْتُ نَعَمْ، إِنَّ جَدَّكَ وَأَخَاكَ تَحْتَ

جدم رسول خداست گفتم آری همانا جد تو و برادرت در زیر

الْكِسَاءِ، فَدَنَى الْحُسَيْنُ نَحْوَ الْكِسَاءِ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ،

کسا هستند حسین نزدیک کسا رفته گفت: سلام بر تو ای جد بزرگوار،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ،

سلام بر تو ای کسی که خدا او را برگزید آیا به من اذن می‌دهی که داخل شوم با شما در زیر کسا

فَقَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي، وَيَا شَافِعَ أُمَّتِي، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ

فرمود: و بر تو باد سلام ای فرزندم و ای شفاعت کننده امتم به تو اذن دادم پس او نیز

مَعَهُمَا تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَأَقْبَلَ عِنْدَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ،

با آن دو در زیر کسا وارد شد در این هنگام ابوالحسن علی بن ابی‌طالب وارد شد

وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا

و فرمود سلام بر تو ای دختر رسول خدا گفتم: و بر تو باد سلام ای

أَبَا الْحَسَنِ، وَيَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَقَالَ يَا فَاطِمَةَ، إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً

ابا الحسن و ای امیر مؤمنان فرمود: ای فاطمه من بوی خوشی نزد تو استشمام می‌کنم

طَيِّبَةً، كَأَنَّهَا رَائِحَةُ أَخِي وَأَبْنِ عَمِّي رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ نَعَمْ، هَا هُوَ مَعَ

گویا بوی برادرم و پسر عمویم رسول خداست؟ گفتم: آری این اوست که با

وَلَدَيْكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَأَقْبَلَ عَلَيَّ نَحْوَ الْكِسَاءِ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

دو فرزندت در زیر کسا هستند پس علی نیز بطرف کسا رفت و گفت سلام بر تو ای

رَسُولِ اللَّهِ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ، قَالَ لَهُ وَعَلَيْكَ

رسول خدا آیا اذن می‌دهی که من نیز با شما در زیر کسا باشم رسول خدا به او فرمود: و بر تو باد

السَّلَامُ، يَا أَخِي، يَا وَصِيَّيْ، وَخَلِيفَتِي، وَصَاحِبِ لِوَأْتِي، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ،

سلام ای برادر من و ای وصی و خلیفه و پرچمدار من به تو اذن دادم

فَدَخَلَ عَلَيَّ تَحْتَ الْكِسَاءِ، ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ، وَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ

پس علی نیز وارد در زیر کسا شد، در این هنگام من نیز بطرف کسا رفتم و عرض کردم سلام بر تو

يَا أَبْتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ، قَالَ

ای پدرجان ای رسول خدا آیا به من هم اذن می‌دهی که با شما در زیر کسا باشم؟ فرمود:

وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا بِنْتِي، وَيَا بَضْعَتِي، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلْتُ تَحْتَ

و بر تو باد سلام ای دخترم و ای پاره تنم به تو هم اذن دادم، پس من نیز به زیر

الْكِسَاءِ، فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا جَمِيعًا تَحْتَ الْكِسَاءِ، أَخَذَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ بِطَرْفِي

کسا رفتم، و چون همگی در زیر کسا جمع شدیم پدرم رسول خدا دو طرف

الْكِسَاءِ، وَأَوْمَى بِبَيْدِهِ الْيُمْنَى إِلَى السَّمَاءِ، وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ

کسا را گرفت و با دست راست بسوی آسمان اشاره کرد و فرمود: خدایا اینانند

بَيْتِي، وَخَاصَّتِي وَحَامَّتِي، لَحْمُهُمْ لَحْمِي، وَدَمُهُمْ دَمِي، يُؤَلِّمُنِي مَا

خاندان من و خواص و نزدیکانم گوشتشان گوشت من و خورشان خون من است می‌آزارد مرا هرچه

يُؤَلِّمُهُمْ، وَيَخْرُزْنِي مَا يَخْرُزُهُمْ، أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ، وَسِلْمٌ لِمَنْ

ایشان را بیازارد و به اندوه می‌اندازد مرا هر چه ایشان را به اندوه در آورد من در جنگم با هر که با ایشان بجنگد و در صلحم با هر که

سَأَلْتَهُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ، وَمُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، إِنَّهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ،

با ایشان در صلح است و دشمنم با هر کس که با ایشان دشمنی کند و دوستم با هر کس که ایشان را دوست دارد اینان از منند و من از ایشانم

فَأَجْعَلُ صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ، وَرَحْمَتَكَ وَغَفْرَانِكَ وَرِضْوَانِكَ، عَلَيَّ

پس بفرست درودهای خود و برکتهایت و مهرت و آموزشت و خشنودیت را بر من

وَعَلَيْهِمْ، وَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَا

و بر ایشان و دور کن از ایشان پلیدی را و پاکیزه‌شان کن بخوبی پس خدای عزوجل فرمود: ای

مَلَائِكَتِي، وَ يَا سُكَّانَ سَمَوَاتِي، إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضاً

فرشتگان من و ای ساکنان آسمانهایم براستی که من نیافریدم آسمان بنا شده و نه زمین

مَدْحِيَّةً، وَلَا قَمَراً مُنِيراً، وَلَا شَمْساً مُضِيَّةً، وَلَا فَلَکاً يَدُورُ، وَلَا بَحْراً

گسترده و نه ماه تابان و نه مهر درخشان و نه فلک چرخان و نه دریای

يَجْرِي، وَلَا فَلَکاً يَسْرِي، إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ هُوَ لِآءِ الْخَمْسَةِ، الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ

روان و نه کشتی در جریان را مگر بخاطر دوستی این پنج تن اینان که در زیر

الْكِسَاءِ، فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ، يَا رَبِّ، وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَقَالَ

کسایند پس جبرئیل امین عرض کرد: پروردگارا کیانند در زیر کسا؟ خدای

عَزَّ وَجَلَّ، هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ، هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا،

عزوجل فرمود: آنان خاندان نبوت و کان رسانتند: آنان فاطمه است و پدرش

وَبُعْلَهَا وَبَنُوهَا، فَقَالَ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ

و شوهر و دو فرزندش جبرئیل عرض کرد: پروردگارا آیا به من هم اذن می‌دهی که به زمین فرود آیم

لَأَكُونَ مَعَهُمْ سَادِساً، فَقَالَ اللَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذْنْتُ لَكَ، فَهَبَطَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ،

تا ششمین آنها باشم خدا فرمود: آری به تو اذن دادم پس جبرئیل امین به زمین آمد

وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلْعَلِيُّ الْأَعْلَى يُقْرِئُكَ السَّلَامَ،

و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا، (پروردگارا) علی اعلی سلامت می‌رساند

وَيُخْصُّكَ بِالتَّحِيَّةِ وَالْإِكْرَامِ، وَيَقُولُ لَكَ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، إِنِّي مَا خَلَقْتُ

و تو را به تحیت و اکرام مخصوص داشته و می‌فرماید: به عزت و جلالم سوگند که من نیافریدم

سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً، وَلَا قَمَراً مُنِيراً، وَلَا شَمْساً مُضِيَّةً، وَلَا

آسمان بنا شده و نه زمین گسترده و نه ماه تابان و نه مهر درخشان و نه

فَلَكَا يَدُورُ، وَلَا بَحْرًا يَجْرِي، وَلَا فُلُكًا يَسْرِي، إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ،

فلک چرخان و نه دریای روان و نه کشتی در جریان را مگر برای خاطر شما و محبت و دوستی شما

وَقَدْ أَذِنَ لِي أَنْ أَدْخَلَ مَعَكُمْ، فَهَلْ تَأْذِنُ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ

و به من نیز اذن داده است که با شما در زیر کسا باشم پس آیا تو هم ای رسول خدا اذنی می‌دهی؟ رسول خدا(ص) فرمود:

وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَحَيِّ اللَّهُ، إِنَّهُ نَعَمُ، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ جِبْرَائِيلُ

و بر تو باد سلام ای امین وحی خدا آری به تو هم اذن دادم پس جبرئیل

مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَقَالَ لِأَبِي إِنْ أَرَادَ اللَّهُ قَدْ أَوْحَى إِلَيْكُمْ، يَقُولُ إِنَّمَا يُرِيدُ

با ما وارد در زیر کسا شد و به پدرم گفت: همانا خداوند بسوی شما وحی کرده و می‌فرماید: «حقیقت این است که خدا می‌خواهد

اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا، فَقَالَ عَلِيُّ

پلیدی (و ناپاکی) را از شما خاندان ببرد و پاکیزه کند شما را پاکیزگی کامل» علی علیه السلام

لِأَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي مَا لِيَجْلُوسِنَا هَذَا تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنْ

به پدرم گفت: ای رسول خدا به من بگو این جلوس (و نشستن) ما در زیر کسا چه فضیلتی (و چه شرافتی)

الْفُضْلِ عِنْدَ اللَّهِ، فَقَالَ النَّبِيُّ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، وَاصْطَفَانِي

نزد خدا دارد؟ پیغمبر(ص) فرمود: سوگند بدان خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت

بِالرِّسَالَةِ نَجِيًّا، مَا ذَكَرَ خَبْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ،

و به رسالت و نجات دادن(خلق) برگزید که ذکر نشود این خبر (و سرگذشت) ما در آنجمن و محفلی از محافل مردم زمین

وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَ مُحِبِّينَا، إِلَّا وَ نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ، وَ حَفَّتْ بِهِمْ

که در آن گروهی از شیعیان و دوستان ما باشند جز آن‌که نازل شود بر ایشان رحمت و فرا گیرند ایشان را

الْمَلَائِكَةُ، وَاسْتَعْفَرَتْ لَهُمْ إِلَى أَنْ يَتَفَرَّقُوا، فَقَالَ عَلِيُّ إِذَا وَاللَّهِ فُرْنَا، وَ فَازَ

فرشتگان و برای آنها آموزش خواهند تا از دور هم برکنده شوند، علی فرمود: با این ترتیب به خدا سوگند رستگار شدیم

شِيعَتُنَا وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ، فَقَالَ النَّبِيُّ ثَانِيًا، يَا عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا،

و سوگند به پروردگار کعبه که شیعیان ما نیز رستگار شدند، دوباره پیغمبر فرمود: ای علی سوگند بدانکه مرا بحق به نبوت برانگیخت

وَاصْطَفَانِي بِالرِّسَالَةِ نَجِيًّا، مَا ذَكَرَ خَبْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ

و برگزید مرا به رسالت و نجات دادن (خلق) برگزید ذکر نشود این خبر (و سرگذشت) ما در آنجمن و محفلی از محافل مردم

الْأَرْضِ، وَ فِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَ مُحِبِّينَا، وَ فِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا وَفَرَجَ اللَّهُ

زمین که در آن گروهی از شیعیان و دوستان ما باشند و در میان آنها اندوهناکی باشد جز آن‌که خدا

هَمَّةٌ، وَلَا مَغْمُومٌ إِلَّا وَكَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ، وَلَا طَالِبٌ حَاجَةً إِلَّا وَقَضَى

اندویش را برطرف کند و نه غمناکی جز آنکه خدا غمش را بگشاید و نه حاجتخواهی باشد جز آن که

اللَّهُ حَاجَتَهُ، فَقَالَ عَلِيُّ إِذَا وَاللَّهِ فَرْنَا وَ سَعِدْنَا، وَكَذَلِكَ شِيعَتُنَا فَازُوا

خدا حاجتش را برآورد، علی گفت: بدین ترتیب به خدا سوگند ما کامیاب و سعادتمند شدیم و هم چنین شیعیان ما کامیاب

وَ سَعِدُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ.

و سعادتمند شدند در دنیا و آخرت به پروردگار کعبه سوگند.

آخرین سخن:

در پایان از همه خوانندگان عزیز می‌خواهیم که مقدمات و نکاتی را که در هر بخش از این کتاب برای آماده ساختن روح و فکر خوانندگان عزیز نسبت به محتوا و فلسفه دعاها و زیارات و نمازها نوشته شده به دقت بخوانند و آنها را به کار برند تا به پادشاهی مهمی که در روایات برای آن آمده است برسند و در روح و جان آنها تحوّل مطلوب حاصل گردد.

و نیز از همه شما عزیزان تقاضا می‌کنیم که ما را از دعای خیر فراموش نکنید. همیشه در سایه الطاف خداوند موفق و سعادتمند باشید. آمین یا رب العالمین

پایان

خرداد ماه ۱۳۸۳ - ربیع الثانی ۱۴۲۵

فهرست منابع

- ۱ - قرآن کریم.
- ۲ - نهج البلاغه.
- ۳ - صحیفه سجادیه.
- ۴ - ادب الزائر، علامه عبدالحسین امینی، مؤسسه البلاغ، چاپ اول، ۱۴۲۴ قمری.
- ۵ - ارشاد القلوب، حسن بن ابی الحسن دیلمی، انتشارات رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری.
- ۶ - اعلام الدین، حسن بن ابی الحسن دیلمی، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۸ قمری.
- ۷ - اعلام الوری، امین الاسلام طبرسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم.
- ۸ - اقبال الاعمال، سید بن طاووس، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۷ شمسی.
- ۹ - امالی صدوق، شیخ صدوق، کتابخانه اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ شمسی.
- ۱۰ - امالی طوسی، شیخ طوسی، دارالتقافه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری.
- ۱۱ - امالی مفید، شیخ مفید، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ دوم، ۱۴۱۳ قمری.
- ۱۲ - انوار البهیة، شیخ عباس قمی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ قمری.
- ۱۳ - بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری.
- ۱۴ - بصائر الدرجات، محمد بن حسن بن فروخ صفار، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری.
- ۱۵ - بشارة المصطفی، عماد الدین طبری، کتابخانه حیدریه، نجف، چاپ دوم، ۱۳۸۳ قمری.
- ۱۶ - بلد الامین، شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی، چاپ سنگی.
- ۱۷ - بیت الاحزان، شیخ عباس قمی، دارالحکمه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری.
- ۱۸ - پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام، آیه الله العظمی مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۹ شمسی.
- ۱۹ - تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۳ قمری.
- ۲۰ - تممة المنتهی، شیخ عباس قمی، انتشارات داورى، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ قمری.
- ۲۱ - تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری.

- ۲۲ - تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، انتشارات علمیه، تهران، ۱۳۸۰ قمری.
- ۲۳ - تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، مؤسسه دارالکتب، تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۴ قمری.
- ۲۴ - تفسیر نمونه، آیه الله العظمی مکارم شیرازی و همکاران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و سوم، پائیز ۱۳۶۷.
- ۲۵ - تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی.
- ۲۶ - ثواب الاعمال، شیخ صدوق، انتشارات رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۸ شمسی.
- ۲۷ - جامع الاخبار، تاج الدین شعیری، انتشارات رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی.
- ۲۸ - جمال الاسبوع، سید بن طاووس، انتشارات رضی، قم.
- ۲۹ - جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۵ شمسی.
- ۳۰ - حبل المتین، شیخ بهاء الدین عاملی، انتشارات بصیرتی، قم، ۱۳۹۸ قمری.
- ۳۱ - حلیة المتقین، علامه محمد باقر مجلسی، انتشارات هجرت، قم، چاپ نهم، زمستان ۱۳۷۵.
- ۳۲ - خصال، شیخ صدوق، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری.
- ۳۳ - در المنثور، جلال الدین سیوطی، دارالمعرفه، جده، چاپ اول، ۱۳۶۵ قمری.
- ۳۴ - دروس، محمد بن مکی عاملی (شهید اول)، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری.
- ۳۵ - دعائم الاسلام، نعمان بن محمد، دارالمعارف، مصر، چاپ دوم، ۱۳۸۵ قمری.
- ۳۶ - دعوات، قطب الدین راوندی، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری.
- ۳۷ - الذریعة، شیخ آقا بزرگ تهرانی، دارالاضواء، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ قمری.
- ۳۸ - ربع قرن مع العلامة الامینی، حسین شاکری، چاپ اول، ۱۴۱۷ قمری.
- ۳۹ - رجال کشی، محمد بن عمر کشی، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ شمسی.
- ۴۰ - روضة المتقین، محمد تقی مجلسی (مجلسی اول)، بنیاد فرهنگ اسلامی.
- ۴۱ - زاد المعاد، علامه محمد باقر مجلسی، دارالکتب اسلامیه، تهران، ۱۳۷۸ قمری.
- ۴۲ - سرائر، ابن ادريس حلی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۱ قمری.
- ۴۳ - سفرنامه ابن بطوطه، محمد بن عبدالله طنجی (ابن بطوطه)، ترجمه دکتر محمد علی موحد، سپهر نقش، چاپ ششم، پاییز ۱۳۷۶ شمسی.
- ۴۴ - سنن دارمی، عبدالله بن بهرام دارمی، نشر مطبعة الاعتدال، دمشق.
- ۴۵ - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ قمری.
- ۴۶ - شرح نهج البلاغه (منهاج البراعة)، علامه میرزا حبیب الله خویی، دارالکتب اسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۶ قمری.

- ۴۷ - صحیفه علویّه، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ قمری.
- ۴۸ - طبّ الائمه، عبدالله و حسین ابنا بسطام، انتشارات رضی، چاپ دوم، ۱۴۱۱ قمری.
- ۴۹ - عدة الداعی، ابن فهد حلی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری.
- ۵۰ - علل الشرايع، شیخ صدوق، مکتبه الداوری، قم.
- ۵۱ - عوالی اللثالی، ابن ابی جمهور احسائی، انتشارات سید الشهداء، چاپ اول، ۱۴۰۵ قمری.
- ۵۲ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، انتشارات جوان، ۱۳۷۸ قمری.
- ۵۳ - فتح الابواب، سیّد بن طاووس، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ هجری.
- ۵۴ - الفرج بعد الشدة، حسن بن ابی قاسم تنوخی، انتشارات رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی.
- ۵۵ - فرحة الغری، سیّد بن طاووس، انتشارات رضی.
- ۵۶ - فروغی از کوثر، انتشارات زائر، قم.
- ۵۷ - فصول المختاره، شیخ مفید، دارالمفید، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ قمری.
- ۵۸ - فلاح السائل، سید بن طاووس، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- ۵۹ - فوائد الرضویة، شیخ عباس قمی.
- ۶۰ - قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر حمیری، کتابخانه نینوا، چاپ سنگی، تهران.
- ۶۱ - کامل الزیارات، ابن قولویه قمی، انتشارات مرتضویه، نجف، ۱۳۵۶ قمری.
- ۶۲ - کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی.
- ۶۳ - الكامل فی التاريخ، ابن اثیر جزری، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۸ قمری.
- ۶۴ - کتاب سلیم بن قیس، سلیم بن قیس هلالی، انتشارات الهدای، چاپ اول، ۱۴۱۵ قمری.
- ۶۵ - کشف المحجّة، سید بن طاووس، حیدریه، نجف، ۱۳۷۰ قمری.
- ۶۶ - کشف الغمّة، علی بن عیسی اربلی، مکتبه بنی هاشم، تبریز، ۱۳۸۱ قمری.
- ۶۷ - الکلم الطیب، سیّد علی صدر الدین بن معصوم مدنی، مکتبه النجاج، تهران.
- ۶۸ - کمال الدین، شیخ صدوق، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری.
- ۶۹ - کنز العمال، متقی الهندی، مؤسسه الرساله، بیروت.
- ۷۰ - مجمع البیان، امین الاسلام طبرسی، مؤسسه اعلمی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ قمری.
- ۷۱ - محاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۱ قمری.
- ۷۲ - مروج الذهب، مسعودی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ قمری.
- ۷۳ - مزار، شهید اول، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ قمری.
- ۷۴ - مزار، شیخ مفید، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ اول.

- ٧٥ - مزار كبير، محمد بن المشهدى، مؤسسه نشر اسلامى، چاپ اول، ١٤١٩ قمرى.
- ٧٦ - مسار الشيعه، شيخ مفيد، كنگره شيخ مفيد، قم، چاپ اول، ١٤١٣ قمرى.
- ٧٧ - مستدرک الوسائل، ميرزا حسين نورى، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اول، ١٤٠٨ قمرى.
- ٧٨ - مصباح الزائر، سيد بن طاووس، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اول، ١٤١٧ قمرى.
- ٧٩ - مصباح كفعمى، شيخ تقى الدين ابراهيم بن على كفعمى، انتشارات رضى، قم، چاپ دوم، ١٤٠٥ قمرى.
- ٨٠ - مصباح المتهدّد، شيخ طوسى، مؤسسه فقه الشيعه، بيروت، چاپ اول، ١٤١١ قمرى.
- ٨١ - معانى الاخبار، شيخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسين، قم، ١٣٦١ شمسى.
- ٨٢ - معجم البلدان، ياقوت حموى، دار احياء التراث العربى، بيروت.
- ٨٣ - معجم رجال الحديث، آية الله سيد ابوالقاسم خويى، چاپ پنجم، ١٤١٣ قمرى.
- ٨٤ - مفاتيح الجنان، حاج شيخ عباس قمى.
- ٨٥ - مفتاح الفلاح، شيخ بهايى، دارالاضواء، بيروت، چاپ اول، ١٤٠٥ قمرى.
- ٨٦ - مقتل الحسين، عبدالرزاق موسى المقرم، دارالثقافة للطباعة و النشر، قم، چاپ دوم، ١٤١١ قمرى.
- ٨٧ - مقتل الحسين عليه السلام، ابومخنف، كتابخانه آية الله مرعى نجفى، قم، ١٣٩٨ قمرى.
- ٨٨ - مقنعه، شيخ مفيد، جامعه مدرسين، قم، ١٤١٠ قمرى.
- ٨٩ - مكارم الاخلاق، رضى الدين حسن بن فضل طبرسى، انتشارات شريف رضى، قم، چاپ چهارم، ١٤١٢ قمرى.
- ٩٠ - مناقب، ابن شهر آشوب، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ١٣٧٩ قمرى.
- ٩١ - منتهى الامال، حاج شيخ عباس قمى.
- ٩٢ - من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، جامعه مدرسين، قم، چاپ سوم، ١٤١٣ قمرى.
- ٩٣ - مهج الدعوات، سيد بن طاوس، دارالذخائر، قم، چاپ اول، ١٤١١ قمرى.
- ٩٤ - نجم الثاقب، حاج ميرزا حسين نورى، مسجد مقدس جمكران، قم، چاپ دوم، ١٣٧٧ شمسى.
- ٩٥ - نور الثقلين، عبدعلى بن جمعه عروسى حوىزى، مؤسسه اسماعيليان، قم، چاپ چهارم، ١٤١٢ قمرى.
- ٩٦ - وسائل الشيعه، شيخ محمد بن حسن حرّ عاملى، دار احياء التراث العربى، بيروت، چاپ چهارم، ١٣٩١ قمرى.

